



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمر الکرما  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

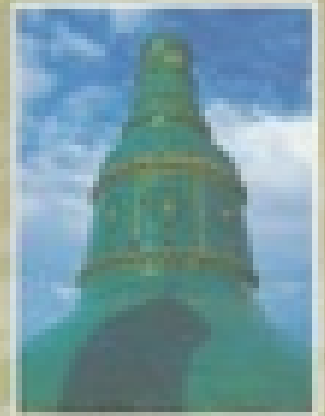
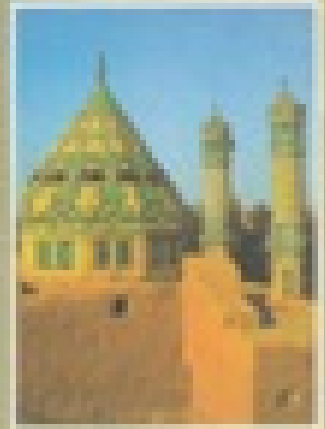
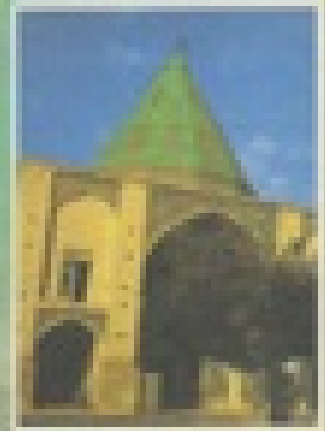
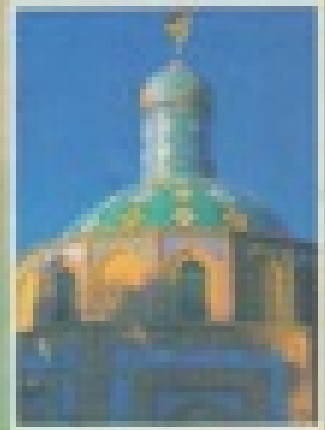
.org

.net

.ir

# ترتیب پانجم

شرح حال مدفونین در سرزمین قم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تربت پاكان قم : شرح حال مدفونين در سرزمين قم

نويسنده:

عبد الحسين جواهر كلام

ناشر چاپي:

انصاريان

ناشر ديگيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان



## فهرست

۵	فهرست
۱۴۴	تربت پاکان قم : شرح حال مدفونین در سرزمین قم
۱۴۴	مشخصات کتاب
۱۴۴	اشاره
۱۴۸	جلد اول
۱۴۸	اشاره
۱۵۰	فهرست
۱۷۹	سخن ناشر
۱۸۱	معرفی انتشارات انصاریان و مدیر محترم آن
۱۸۳	پیشگفتار
۱۸۳	اشاره
۱۸۴	رسالت قلم
۱۸۵	تراجم نگاری
۱۸۶	نخستین تراجم نگار
۱۸۹	شیوه های مختلف تراجم نگاری
۱۸۹	اشاره
۱۸۹	۱-فراگیر
۱۹۰	۲-اصحاب
۱۹۱	۳-راویان حدیث
۱۹۲	۴-علمای شیعه
۱۹۴	۵-مؤلفان
۱۹۶	۶-فرهیختگان از هر صنفی
۱۹۸	۷-فرهیختگان از هر منطقه ای
۲۰۲	۸-فرزانگان قرون و اعصار

۲۰۳	۹-فرزانگان مقطع خاص
۲۰۵	۱۰-فرزانگان از هر خاندان
۲۰۶	۱۱-فرزانگان تیره ها و نژادها
۲۰۹	۱۲-تک نگاران
۲۱۹	۱۳-بانوان
۲۲۰	۱۴-از درون خاطره ها
۲۲۱	۱۵-ممدوحین و مجروحین
۲۲۲	۱۶-به دنبال اهداف خاص
۲۲۴	۱۷-باریافتگان
۲۲۵	۱۸-ارباب کرامت
۲۲۶	۱۹-مزارات
۲۲۷	۲۰-مدفونین در یک سرزمین
۲۲۸	جایگاه کتب تراجم و سرگذشت کتاب حاضر
۲۳۵	مقدمه مؤلف
۲۳۹	شرح حال نویسنده کتاب
۲۳۹	اشاره
۲۳۹	خاندان علمی
۲۴۰	ولادت و آغاز تحصیل
۲۴۰	هجرت به ایران
۲۴۱	اقامت در حوزه علمیه قم
۲۴۱	فعالیت های فرهنگی
۲۴۲	هجرت به لبنان
۲۴۲	تألیفات و آثار قلمی او
۲۴۵	بخش اول: در حریم کریمه اهل بیت حضرت معصومه سلام الله علیها
۲۴۵	اشاره
۲۴۷	ورود حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به قم

- ۲۸۱ ..... پادشاهان مدفون در قم
- ۲۸۱ ..... اشاره
- ۲۹۹ ..... کتیبه سردر ایوان شمالی داخل صحن طرف باغ ملی
- ۲۹۹ ..... کتیبه سردر صحن شمالی طرف باغ ملی (از خارج)
- ۲۹۹ ..... کتیبه شرقی سردر صحن از طرف خیابان ارم (از خارج)
- ۳۰۱ ..... کتیبه سردر ایوان جنوبی صحن طرف خیابان موزه (از خارج)
- ۳۰۱ ..... صحن زنانه یا موزه
- ۳۱۲ ..... بخش دوم: امامزادگان مدفون در سرزمین قم
- ۳۱۲ ..... اشاره
- ۳۱۴ ..... امامزاده موسی مبرقع
- ۳۱۶ ..... امامزاده شاه حمزه
- ۳۱۷ ..... شاهزاده احمد
- ۳۱۸ ..... علی بن جعفر علیه السلام
- ۳۲۰ ..... امامزاده ابراهیم
- ۳۲۰ ..... امامزاده علی
- ۳۲۱ ..... امامزاده اسماعیل
- ۳۲۲ ..... چهل اختران
- ۳۲۳ ..... امامزاده زید
- ۳۲۴ ..... امامزاده سلطان محمد شریف
- ۳۲۵ ..... امامزاده شاه احمد
- ۳۲۶ ..... شاهزاده ناصر الدین
- ۳۲۷ ..... امامزاده خاک فرج
- ۳۲۸ ..... شاه ابراهیم و شاه محمد
- ۳۲۹ ..... شاه جعفر
- ۳۳۰ ..... سید معصوم
- ۳۳۰ ..... امامزاده شاهزاده عبد الله

- ۳۳۰ ..... شیخ ابا صلت
- ۳۳۱ ..... شاه سید علی
- ۳۳۱ ..... شاه سید ابو احمد
- ۳۳۱ ..... چهار امامزاده
- ۳۳۲ ..... امامزاده هادی و مهدی
- ۳۳۳ ..... شاه جعفر غریب
- ۳۳۳ ..... شاه جمال
- ۳۳۴ ..... امامزاده شاه جمال
- ۳۳۴ ..... امامزاده علی موسی رضا
- ۳۳۴ ..... امامزاده علی رضا
- ۳۳۵ ..... امامزاده شاه طیب و طاهر
- ۳۳۵ ..... بابا مسافر
- ۳۳۶ ..... قبور باغ گنبد سبز
- ۳۳۷ ..... امامزاده شاه اسماعیل
- ۳۳۹ ..... امامزاده در قبرستان کپک
- ۳۳۹ ..... شاهزاده ابراهیم
- ۳۴۰ ..... امامزاده شاهزاده اسحاق
- ۳۴۰ ..... امامزاده فاضل
- ۳۴۱ ..... امامزاده محسن
- ۳۴۱ ..... امامزاده سکینه خاتون
- ۳۴۱ ..... شاهزاده هادی
- ۳۴۴ ..... بخش سوّم: فرزندگان مدفون در سرزمین قم
- ۳۴۴ ..... اشاره
- ۳۴۶ ..... آ-الف
- ۳۴۶ ..... میرزا آقا باغمیشه ای تبریزی «مدرّس وحید»
- ۳۴۸ ..... آقا برار معتضدی کرمانشاهی

- ۳۴۹ ..... شیخ آقا بزرگ ساوه ای
- ۳۴۹ ..... اشاره
- ۳۴۹ ..... ۱-مقام و شخصیت
- ۳۵۰ ..... ۲-توجه به مبدأ اعلا و بی اعتنایی به دنیا و مادیت
- ۳۵۵ ..... سید آقا بزرگ موسوی شوشتری
- ۳۵۵ ..... اشاره
- ۳۵۵ ..... درگذشت و اعقاب
- ۳۵۵ ..... فرزندانش:
- ۳۵۶ ..... شیخ آقا بزرگ نصیری محلاتی
- ۳۵۶ ..... اشاره
- ۳۵۷ ..... فرزندانش:
- ۳۵۸ ..... میرزا آقا تراپی دامغانی
- ۳۵۹ ..... سید آقا حسینی هیدجی
- ۳۶۰ ..... میرزا آقا فراهانی اراکی
- ۳۶۰ ..... اشاره
- ۳۶۱ ..... دو داستان
- ۳۶۳ ..... فرزندانش:
- ۳۶۴ ..... سید ابراهیم آل طعمه حائری
- ۳۶۴ ..... اشاره
- ۳۶۴ ..... فرزندانش:
- ۳۶۵ ..... شیخ ابراهیم امامزاده زیدی «تهرانی»
- ۳۶۵ ..... اشاره
- ۳۶۶ ..... فرزندانش:
- ۳۶۸ ..... سید ابراهیم تهرانی «لاله زاری»
- ۳۶۸ ..... اشاره
- ۳۶۸ ..... فرزندانش:

- ۳۶۹ ..... سید ابراهیم خراسانی
- ۳۶۹ ..... اشاره
- ۳۷۰ ..... فرزندان ایشان عبارتند از:
- ۳۷۰ ..... میرزا ابراهیم خلعتبری تنکابنی «آقا نجفی»
- ۳۷۱ ..... شیخ ابراهیم خوشنویس مراغه ای
- ۳۷۱ ..... اشاره
- ۳۷۳ ..... آثار قلمی اش
- ۳۷۴ ..... فرزندان: .....
- ۳۷۴ ..... سید ابراهیم دروازه ای تبریزی
- ۳۷۴ ..... اشاره
- ۳۷۴ ..... تحصیلات
- ۳۷۵ ..... اجازه آیت الله انگجی
- ۳۷۶ ..... هجرت به نجف اشرف
- ۳۷۶ ..... شیوه تدریس
- ۳۷۷ ..... استاد مسلم ادبیات
- ۳۷۷ ..... ویژگیهای فردی
- ۳۷۸ ..... آثار قلمی ایشان
- ۳۷۹ ..... سید ابراهیم سزی موسوی «اصفهانی»
- ۳۷۹ ..... اشاره
- ۳۸۱ ..... از آثار او
- ۳۸۱ ..... سید ابراهیم کاظمی هیدجی
- ۳۸۱ ..... اشاره
- ۳۸۲ ..... در حوزه های علمیه
- ۳۸۲ ..... از آثار خیریه ایشان
- ۳۸۲ ..... از آثار او
- ۳۸۲ ..... درگذشت و اعقاب

- ۳۸۳ ..... ابراهیم محقق
- ۳۸۳ ..... شیخ ابراهیم مرّوت عاملی
- ۳۸۳ ..... اشاره
- ۳۸۳ ..... هجرت به نجف اشرف
- ۳۸۵ ..... هجرت به حوزه قم
- ۳۸۵ ..... درگذشت و اعقاب
- ۳۸۶ ..... ابراهیم مستوفی آشتیانی «معتد السلطنه»
- ۳۸۶ ..... اشاره
- ۳۸۶ ..... مستوفی آذربایجان در پناه امین السلطان
- ۳۸۷ ..... درگذشت
- ۳۸۷ ..... فرزندانش:
- ۳۸۸ ..... سید ابراهیم میلانی
- ۳۸۸ ..... شیخ ابراهیم نوری تهرانی
- ۳۸۸ ..... اشاره
- ۳۸۸ ..... تحصیلات عالی
- ۳۸۹ ..... فرزندانش:
- ۳۸۹ ..... شیخ ابراهیم نوری همدانی
- ۳۸۹ ..... اشاره
- ۳۹۰ ..... از آثار او
- ۳۹۰ ..... فرزندانش:
- ۳۹۱ ..... شیخ ابراهیم وحدت تبریزی
- ۳۹۱ ..... اشاره
- ۳۹۴ ..... از آثار او می توان به:
- ۳۹۴ ..... شیخ ابراهیم همایونی زنجانی «نحوی»
- ۳۹۵ ..... شیخ ابو تراب آل آقا کرمانشاهی
- ۳۹۵ ..... اشاره

- ۳۹۶ ..... از آثار او
- ۳۹۷ ..... سید ابو تراب جزائری
- ۳۹۸ ..... میرزا ابو الحسن اجتهادی گلپایگانی
- ۳۹۸ ..... اشاره
- ۳۹۹ ..... از آثار او
- ۳۹۹ ..... فرزندانش:
- ۳۹۹ ..... سید ابو الحسن تنکابنی «زاهدی»
- ۳۹۹ ..... اشاره
- ۴۰۰ ..... در حوزه های علمیه
- ۴۰۰ ..... درگذشت
- ۴۰۱ ..... سید ابو الحسن رفیعی قزوینی
- ۴۰۱ ..... اشاره
- ۴۰۲ ..... از آثار او
- ۴۰۸ ..... شیخ ابو الحسن روحانی شیرازی
- ۴۰۹ ..... سید ابو الحسن شفتی اصفهانی
- ۴۰۹ ..... اشاره
- ۴۱۰ ..... در حوزه تهران
- ۴۱۰ ..... درگذشت و اعقاب
- ۴۱۰ ..... فرزندانش:
- ۴۱۰ ..... سید ابو الحسن فاضل بهسودی
- ۴۱۰ ..... اشاره
- ۴۱۲ ..... از آثار او
- ۴۱۳ ..... شیخ ابو الحسن فقیهی قمی
- ۴۱۳ ..... اشاره
- ۴۱۳ ..... تحصیلات
- ۴۱۳ ..... از آثار او



- آثار قلمی اش به شرح زیر است: ..... ۴۱۵
- شیخ ابو الحسن فقیهی گیلانی ..... ۴۱۶
- اشاره ..... ۴۱۶
- تحصیلات ..... ۴۱۷
- از جمله آثار قلمی اش ..... ۴۱۷
- میرزا ابو الحسن قمی «صادقی» ..... ۴۱۸
- اشاره ..... ۴۱۸
- تحصیلات در حوزه نجف اشرف ..... ۴۱۸
- درگذشت ..... ۴۱۹
- میرزا ابو طالب قمی ..... ۴۱۹
- اشاره ..... ۴۱۹
- فرزندانش عبارتند از: ..... ۴۲۰
- سید ابو طالب محمودی گلپایگانی ..... ۴۲۰
- سید ابو طالب مدرسی یزدی ..... ۴۲۱
- اشاره ..... ۴۲۱
- از آثار قلمی او ..... ۴۲۲
- سید ابو طالب مرعشی شهرستانی ..... ۴۲۲
- اشاره ..... ۴۲۲
- از آثار او ..... ۴۲۳
- ابو الفتح میرزا قاجار «مؤید الدوله» ..... ۴۲۴
- اشاره ..... ۴۲۴
- حاکم زنجان و گیلان ..... ۴۲۵
- یادداشتی از اعتماد السلطنه ..... ۴۲۶
- سید ابو الفضل تولیت قمی ..... ۴۲۶
- میرزا ابو الفضل حلال زاده اردبیلی ..... ۴۲۹
- میرزا ابو الفضل زاهدی قمی ..... ۴۳۰

- ۴۳۰ ..... اشاره
- ۴۳۱ ..... تحصیلات عالی
- ۴۳۱ ..... مهاجرت به تهران و بازگشت
- ۴۳۲ ..... از آثار او
- ۴۳۲ ..... درگذشت
- ۴۳۴ ..... میرزا ابو الفضل طهماسبی قمی
- ۴۳۴ ..... اشاره
- ۴۳۴ ..... خدمات مطبوعاتی
- ۴۳۴ ..... سید ابو الفضل مجاهدی بروجردی
- ۴۳۴ ..... اشاره
- ۴۳۵ ..... فرزندانش:
- ۴۳۵ ..... سید ابو الفضل نبوی قمی
- ۴۳۵ ..... اشاره
- ۴۳۶ ..... در حوزه علمیه قم
- ۴۳۶ ..... دروس خارج در قم و نجف اشرف
- ۴۳۷ ..... از آثار او
- ۴۴۰ ..... سجایای اخلاقی
- ۴۴۰ ..... درگذشت
- ۴۴۲ ..... شیخ ابو الفضل نجفی اصفهانی «قدسی»
- ۴۴۲ ..... اشاره
- ۴۴۲ ..... از آثار او
- ۴۴۲ ..... شیخ ابو الفضل نجفی «مسجد شاهی»
- ۴۴۲ ..... اشاره
- ۴۴۲ ..... شخصیت و تحصیلات
- ۴۴۴ ..... درگذشت و اعقاب
- ۴۴۴ ..... میرزا ابو الفضل نجم آبادی

- ۴۴۴ ..... اشاره
- ۴۴۵ ..... از آثار قلمی اش
- ۴۴۶ ..... شیخ ابو القاسم اصفهانی
- ۴۴۶ ..... اشاره
- ۴۴۶ ..... در حوزه اصفهان
- ۴۴۶ ..... هجرت به حوزه نجف اشرف
- ۴۴۷ ..... مراجعت به ایران و اقامت در قم
- ۴۴۷ ..... از آثار او
- ۴۴۷ ..... سید ابو القاسم جوهری تهرانی
- ۴۴۹ ..... شیخ ابو القاسم حجتی گیلانی
- ۴۴۹ ..... اشاره
- ۴۴۹ ..... هجرت به نجف اشرف
- ۴۵۰ ..... از آثار او
- ۴۵۰ ..... درگذشت
- ۴۵۱ ..... سید ابو القاسم روحانی قمی
- ۴۵۱ ..... اشاره
- ۴۵۲ ..... فرزندان: .....
- ۴۵۲ ..... ابو القاسم سحاب تفرشی
- ۴۵۲ ..... اشاره
- ۴۵۳ ..... آثار ایشان به شرح زیر است: .....
- ۴۵۸ ..... شیخ ابو القاسم شاهنجری «رتانی»
- ۴۵۸ ..... اشاره
- ۴۵۸ ..... در حوزه نجف اشرف
- ۴۵۹ ..... در مدرسه علمیة شاهنجربین
- ۴۵۹ ..... از آثار او
- ۴۵۹ ..... درگذشت

- ۴۶۰ ..... سید ابو القاسم طباطبائی قمی
- ۴۶۱ ..... میرزا ابو القاسم طه‌وری همدانی «عمادزاده»
- ۴۶۱ ..... اشاره
- ۴۶۱ ..... از آثار او
- ۴۶۱ ..... میرزا ابو القاسم علی مدد کنی
- ۴۶۱ ..... اشاره
- ۴۶۲ ..... از آثار او
- ۴۶۳ ..... شیخ ابو القاسم قمی «صغیر»
- ۴۶۳ ..... اشاره
- ۴۶۳ ..... هجرت به نجف اشرف
- ۴۶۴ ..... سجایای اخلاقی
- ۴۶۴ ..... شیخ ابو القاسم قمی «کبیر»
- ۴۶۴ ..... اشاره
- ۴۶۴ ..... تحصیلات
- ۴۶۵ ..... نقش آن مرحوم در تأسیس حوزه قم
- ۴۶۶ ..... ترک هوا و احترام به سادات
- ۴۶۶ ..... انصاف
- ۴۶۶ ..... پرهیز از خودنمایی و فخر فروشی
- ۴۶۷ ..... فقیه بزرگوار
- ۴۶۸ ..... کیفیت تدریس
- ۴۶۸ ..... فرزندان ایشان
- ۴۶۸ ..... تألیفات ایشان
- ۴۶۹ ..... شماری از شاگردانش
- ۴۷۱ ..... وفات و مدفن
- ۴۷۵ ..... شیخ ابو القاسم گلپایگانی «آقازاده»
- ۴۷۵ ..... میرزا ابو القاسم مجتهدی تبریزی

- ۴۷۷ ..... شیخ ابو القاسم محمدی گلپایگانی
- ۴۷۷ ..... اشاره
- ۴۷۸ ..... از آثار او
- ۴۷۹ ..... سید ابو القاسم مدرس یزدی
- ۴۷۹ ..... اشاره
- ۴۷۹ ..... مهاجرت به تهران
- ۴۷۹ ..... درگذشت
- ۴۸۰ ..... سید ابو القاسم مرعشی تبریزی
- ۴۸۰ ..... اشاره
- ۴۸۰ ..... از آثار او
- ۴۸۰ ..... سید ابو القاسم میرعارفین قمی «عارفی»
- ۴۸۰ ..... اشاره
- ۴۸۲ ..... خدمات مطبوعاتی
- ۴۸۲ ..... شیخ ابو القاسم نحوی قمی
- ۴۸۲ ..... اشاره
- ۴۸۲ ..... اساتید او
- ۴۸۳ ..... درگذشت
- ۴۸۳ ..... شیخ ابو القاسم نراقی کاشانی
- ۴۸۳ ..... اشاره
- ۴۸۴ ..... آثار قلمی ایشان به شرح زیر است
- ۴۸۶ ..... شیخ ابو المجد شیخ الاسلامی بروجردی
- ۴۸۷ ..... شیخ احمد آذری قمی
- ۴۸۷ ..... اشاره
- ۴۸۸ ..... از آثار او
- ۴۹۰ ..... شیخ احمد آل آقا کرمانشاهی
- ۴۹۰ ..... اشاره

- ۴۹۱ ..... فرزندان: شیخ
- ۴۹۱ ..... شیخ احمد آل آقا نهبوندی
- ۴۹۱ ..... اشاره
- ۴۹۱ ..... تحصیلات عالی
- ۴۹۲ ..... درگذشت و اعقاب
- ۴۹۲ ..... فرزندان: شیخ
- ۴۹۲ ..... میرزا احمد آیت اللهی زنجانی
- ۴۹۲ ..... اشاره
- ۴۹۴ ..... از آثار او
- ۴۹۵ ..... فرزندان: شیخ
- ۴۹۵ ..... میرزا احمد ابو طالبی اراکی
- ۴۹۵ ..... اشاره
- ۴۹۷ ..... از آثار او
- ۴۹۸ ..... احمد اتابکی «مشیر اعظم»
- ۴۹۹ ..... میرزا احمد اجتهادی اهری
- ۵۰۰ ..... میرزا احمد احسن الحکماء قزوینی
- ۵۰۰ ..... اشاره
- ۵۰۰ ..... از آثار قلمی او
- ۵۰۰ ..... فرزندان ایشان عبارتند از:
- ۵۰۲ ..... شیخ احمد امینی تبریزی
- ۵۰۲ ..... اشاره
- ۵۰۲ ..... هجرت به تبریز و نجف اشرف
- ۵۰۲ ..... از آثار او
- ۵۰۲ ..... درگذشت و اعقاب
- ۵۰۳ ..... فرزندان: شیخ
- ۵۰۳ ..... میرزا احمد امینی مراغه ای

- ۵۰۴ ..... شیخ احمد اهری تبریزی
- ۵۰۴ ..... اشاره
- ۵۰۸ ..... فرزندانش:
- ۵۱۲ ..... احمد بهاور
- ۵۱۳ ..... شیخ احمد پایانی اردبیلی
- ۵۱۳ ..... اشاره
- ۵۱۳ ..... ولادت
- ۵۱۳ ..... تحصیل مقدمات
- ۵۱۴ ..... وضعیت حاکم آن روز
- ۵۱۴ ..... هجرت به قم
- ۵۱۵ ..... وضع مالی آن روز
- ۵۱۵ ..... اساتید در حوزه قم
- ۵۱۶ ..... شرح حال پدر به قلم پسر
- ۵۱۸ ..... آثار و تألیفات وی
- ۵۲۰ ..... میرزا احمد حائری همدانی
- ۵۲۱ ..... سید احمد حسینی قمی
- ۵۲۱ ..... اشاره
- ۵۲۲ ..... از آثار او
- ۵۲۲ ..... سید احمد خلخالی
- ۵۲۲ ..... اشاره
- ۵۲۳ ..... فرزندانش از چند همسر:
- ۵۲۳ ..... سید احمد خوانساری
- ۵۲۳ ..... اشاره
- ۵۲۳ ..... ولادت
- ۵۲۴ ..... تحصیلات مقدماتی و عالی
- ۵۲۴ ..... اقامت در قم

- ۵۲۵ ..... اقامت در تهران -
- ۵۲۶ ..... مرجعیت و تألیفات -
- ۵۲۶ ..... از تألیفات ایشان می توان به عناوین زیر اشاره کرد -
- ۵۲۶ ..... وقایع سال ۱۳۴۲ ش -
- ۵۲۸ ..... وفات و مدفن -
- ۵۲۹ ..... احمد رحیمی کاشانی -
- ۵۲۹ ..... اشاره -
- ۵۳۲ ..... آثار قلمی او به شرح زیر است: -
- ۵۳۳ ..... شیخ احمد رضوانی زنجانی -
- ۵۳۳ ..... اشاره -
- ۵۳۴ ..... آثار قلمی او -
- ۵۳۷ ..... سید احمد روحانی قمی -
- ۵۳۷ ..... اشاره -
- ۵۳۸ ..... تحصیلات عالی -
- ۵۳۸ ..... از آثار او -
- ۵۳۹ ..... فرزندانش -
- ۵۳۹ ..... سید احمد زنجانی «شبری» -
- ۵۳۹ ..... اشاره -
- ۵۴۰ ..... خاندان آن مرحوم -
- ۵۴۱ ..... حوزه علمیه زنجان در آن دوران -
- ۵۴۲ ..... اساتید او در حوزه زنجان -
- ۵۴۳ ..... اساتید آن مرحوم در قم -
- ۵۴۴ ..... جلسات تدریس و بحث -
- ۵۴۵ ..... ویژگیهای فقهی و علمی -
- ۵۴۵ ..... آثار قلمی ایشان -
- ۵۴۹ ..... میرزا احمد ساوه ای «حجه الاسلام» -



- ۵۴۹ ..... شیخ احمد سبط الشیخ انصاری
- ۵۴۹ ..... اشاره
- ۵۵۱ ..... آثار چاپی او عبارتند از:
- ۵۵۲ ..... و کتابهای غیر چاپی او نیز عبارت است از:
- ۵۵۲ ..... میرزا احمد سرایی تبریزی
- ۵۵۲ ..... اشاره
- ۵۵۲ ..... ولادت و آغاز تحصیل
- ۵۵۳ ..... هجرت به تبریز
- ۵۵۳ ..... اساتید او در قم
- ۵۵۳ ..... هجرت به نجف اشرف
- ۵۵۴ ..... نشر احکام و تبلیغ مذهب
- ۵۵۴ ..... خدمات و یادگاری های خیریه
- ۵۵۵ ..... آثار قلمی او
- ۵۵۵ ..... درگذشت
- ۵۵۶ ..... فرزندان:
- ۵۵۶ ..... سجایای اخلاقی او
- ۵۵۶ ..... روحانی کاروان
- ۵۵۷ ..... در محضر الهی
- ۵۵۸ ..... سعی در ایجاد آسایش دیگران
- ۵۵۹ ..... برخورد صحیح و اسلامی
- ۵۶۰ ..... شیخ احمد شاهرودی
- ۵۶۰ ..... اشاره
- ۵۶۱ ..... از آثار او
- ۵۶۲ ..... شیخ احمد شریعتی بروجردی
- ۵۶۳ ..... سید احمد شهرستانی
- ۵۶۳ ..... اشاره

- ولادت و تحصیلات ----- ۵۶۳
- هجرت به تهران ----- ۵۶۴
- از رشحات قلمی ایشان، تألیفات زیر می باشد ----- ۵۶۵
- ارتحال اسف انگیز ----- ۵۶۵
- میرزا احمد شیرازی ----- ۵۶۸
- اشاره ----- ۵۶۸
- از ویژگیهای ایشان ----- ۵۷۰
- سید احمد طالقانی «آل احمد» ----- ۵۷۱
- اشاره ----- ۵۷۱
- فرزندانش: ----- ۵۷۲
- سید احمد طباطبائی بروجردی ----- ۵۷۲
- اشاره ----- ۵۷۲
- درگذشت ----- ۵۷۳
- فرزندانش: ----- ۵۷۳
- سید احمد طباطبائی قمی ----- ۵۷۳
- سید احمد طباطبائی قمی ----- ۵۷۵
- سید احمد عراقی «محسنی» ----- ۵۷۵
- اشاره ----- ۵۷۵
- هجرت به حوزه نجف اشرف ----- ۵۷۶
- سجایای اخلاقی و خدمات ----- ۵۷۶
- درگذشت ----- ۵۷۷
- شیخ احمد علی احمدی شاهرودی ----- ۵۷۷
- اشاره ----- ۵۷۷
- از آثار او ----- ۵۷۸
- احمد علی عبداللهی نگار سیرجانی «نوا» ----- ۵۷۹
- اشاره ----- ۵۷۹

- ۵۸۱ ..... تضمین غزل حافظ
- ۵۸۱ ..... فرزندانش:
- ۵۸۱ ..... شیخ احمد غروی توپسرکانی
- ۵۸۱ ..... اشاره
- ۵۸۲ ..... از آثار او
- ۵۸۳ ..... شیخ احمد فردوس مکان مازندرانی
- ۵۸۴ ..... شیخ احمد کلباسی
- ۵۸۴ ..... اشاره
- ۵۸۶ ..... از آثار او
- ۵۸۶ ..... فرزندانش:
- ۵۸۷ ..... سید احمد لواسانی تهرانی
- ۵۸۷ ..... اشاره
- ۵۸۸ ..... فرزندانش:
- ۵۸۸ ..... سید احمد مشرف حسینی قمی
- ۵۸۹ ..... سید احمد ناجی قمی
- ۵۸۹ ..... اشاره
- ۵۹۴ ..... کیفیت درگذشت
- ۵۹۶ ..... احمد نعمت الهی قمی «شهره»
- ۵۹۶ ..... اشاره
- ۵۹۷ ..... از آثار او
- ۵۹۸ ..... شیخ احمد نهانندی «قدوسی»
- ۶۰۰ ..... سید احمد هاشمی گلپایگانی
- ۶۰۰ ..... اشاره
- ۶۰۱ ..... فرزندانش:
- ۶۰۱ ..... شیخ احمد یزدی
- ۶۰۱ ..... اشاره

- ۶۰۱ ----- در حوزه های اراک و قم
- ۶۰۲ ----- ادیب الدین کسروی «ساسان»
- ۶۰۳ ----- میرزا اسحاق آسترائی «فقازی»
- ۶۰۳ ----- اشاره
- ۶۰۳ ----- هجرت به حوزه اردبیل
- ۶۰۳ ----- هجرت به حوزه علمیه قم
- ۶۰۴ ----- از آثار قلمی او
- ۶۰۴ ----- درگذشت و اعقاب
- ۶۰۴ ----- فرزندانش:
- ۶۰۵ ----- سید اسحاق رضوی قمی
- ۶۰۵ ----- اشاره
- ۶۰۵ ----- تحصیلات عالی
- ۶۰۵ ----- درگذشت و اعقاب
- ۶۰۷ ----- شیخ اسد الله اسماعیلیان دهقانی
- ۶۰۷ ----- اشاره
- ۶۰۸ ----- فرزندانش:
- ۶۰۸ ----- سید اسد الله اشکوری
- ۶۰۹ ----- سید اسد الله طباطبائی یزدی
- ۶۱۱ ----- اسد الله عاطفی کرمانشاهی
- ۶۱۱ ----- اشاره
- ۶۱۱ ----- کارهای موفق
- ۶۱۲ ----- در وادی شعر
- ۶۱۲ ----- شکست
- ۶۱۳ ----- حماسه
- ۶۱۳ ----- شیخ اسد الله کریمی اراکی
- ۶۱۳ ----- اشاره

- ٦١٥ .....تحصيلات
- ٦١٥ .....از آثار او
- ٦١٦ .....سید اسد الله مدنی آذرشهری
- ٦١٧ .....میرزا اسماعیل امین الملک
- ٦١٩ .....شیخ اسماعیل بهاری همدانی
- ٦١٩ .....اشاره
- ٦٢٠ .....از آثار او
- ٦٢١ .....اسماعیل خلعتبری تنکابنی
- ٦٢٢ .....اسماعیل ظفری نهبانندی «ظفر السلطان»
- ٦٢٢ .....سید اسماعیل علوی خوئینی
- ٦٢٢ .....اشاره
- ٦٢٢ .....در حوزه علمیة زنجان
- ٦٢٣ .....تبلیغ و ارشاد
- ٦٢٣ .....از آثار او
- ٦٢٣ .....درگذشت و اعقاب
- ٦٢٤ .....شیخ اسماعیل غضنفری خوانساری
- ٦٢٥ .....شیخ اسماعیل فراهانی «شریف زاده»
- ٦٢٥ .....سید اسماعیل فقیهی اردبیلی
- ٦٢٧ .....سید اسماعیل مرعشی «شریف الاسلام»
- ٦٢٧ .....اشاره
- ٦٢٧ .....تحصيلات عالی
- ٦٢٧ .....از آثار او
- ٦٢٨ .....شیخ اسماعیل مصباح «نجم الممالک»
- ٦٢٨ .....اشاره
- ٦٢٨ .....از آثار او
- ٦٣٠ .....میرزا اسماعیل ناجی بروجردی

۶۳۱ ..... شیخ امان الله کریمی بابلی

۶۳۴ ..... امیر اصلا ن خواجه نوری «نظام الدوله»

۶۳۵ ..... سید امیر محمد قزوینی

۶۳۵ ..... اشاره

۶۳۶ ..... از آثار قلمی او

۶۴۲ ..... ب

۶۴۲ ..... باقر سعد السلطنه

۶۴۲ ..... اشاره

۶۴۴ ..... تفصیل کشته شدن سعد السلطنه از این قرار است

۶۴۵ ..... سید باقر قاضی طباطبائی تبریزی

۶۴۵ ..... اشاره

۶۴۵ ..... تحصیلات

۶۴۶ ..... بازگشت به تبریز

۶۴۷ ..... از تألیفات او

۶۴۷ ..... فرزندانش:

۶۴۹ ..... سرتیب باقر مصدقی

۶۴۹ ..... اشاره

۶۴۹ ..... از تألیفات او:

۶۵۱ ..... شیخ براتعلی بزوشائی زنجانی

۶۵۲ ..... شیخ بهاء الدین نوری

۶۵۴ ..... شیخ بهرام طالقانی

۶۵۶ ..... ت

۶۵۶ ..... میرزا تقی تفرشی «دانش»

۶۵۶ ..... اشاره

۶۵۷ ..... از آثار او

۶۵۹ ..... سید تقی رضوی خرم آبادی «طاهری»

۶۶۰ ..... میرزا تقی زرگر تبریزی

۶۶۰ ..... اشاره

۶۶۱ ..... فرزندانش:

۶۶۳ ..... ج

۶۶۳ ..... جبار مضطر اردبیلی

۶۶۳ ..... اشاره

۶۶۳ ..... از آثار او

۶۶۴ ..... درگذشت

۶۶۴ ..... سید جعفر احمدی طباطبائی بروجردی

۶۶۴ ..... اشاره

۶۶۵ ..... از آثار او

۶۶۵ ..... فرزندانش:

۶۶۶ ..... شیخ جعفر الهی نراقی «کاشانی»

۶۶۶ ..... اشاره

۶۶۶ ..... فرزندانش:

۶۶۷ ..... سید جعفر بنی هاشمی اهری

۶۶۸ ..... سید جعفر حسینی شاهرودی

۶۶۸ ..... اشاره

۶۶۸ ..... در حوزه های علمیه

۶۶۹ ..... از آثار او

۶۶۹ ..... درگذشت

۶۶۹ ..... شیخ جعفر سلیمانی بهبهانی

۶۷۱ ..... شیخ جعفر شهرآبی آشتیانی

۶۷۲ ..... شیخ جعفر لنکرانی

۶۷۳ ..... شیخ جعفر نهاوندی

۶۷۳ ..... اشاره

- از آثار او ..... ۶۷۴
- سید جلال شریفی همدانی ..... ۶۷۴
- شیخ جلال (طاهر شمس) گلپایگانی ..... ۶۷۶
- اشاره ..... ۶۷۶
- از تألیفات چاپ نشده اوست: ..... ۶۷۷
- سید جلال محدث اردبیلی ..... ۶۷۷
- سید جلیل طباطبائی یزدی ..... ۶۷۸
- اشاره ..... ۶۷۸
- از آثار او: ..... ۶۷۹
- سید جمال الدین تقوی ..... ۶۷۹
- سید جمال الدین خوئی ..... ۶۸۱
- اشاره ..... ۶۸۱
- در حوزه نجف اشرف ..... ۶۸۱
- از آثار او ..... ۶۸۱
- درگذشت و اعقاب ..... ۶۸۲
- فرزندانش: ..... ۶۸۲
- دکتر جمال الدین فقیه ..... ۶۸۲
- سید جمال الدین مجد دمانندی ..... ۶۸۴
- سید جواد آل علی شاهرودی ..... ۶۸۵
- اشاره ..... ۶۸۵
- از آن عالم بزرگوار تألیفاتی به چاپ رسیده است، که عبارتند از: ..... ۶۸۶
- و آثار مخلوط وی عبارتند از: ..... ۶۸۷
- میرزا جواد تحریری «قمی» ..... ۶۸۷
- اشاره ..... ۶۸۷
- تخمیس شعر شیخ اجل، سعدی ..... ۶۸۷
- ماده تاریخ وفات شیخ عباس محدث قمی ..... ۶۸۸



- ۶۸۸ ----- ماده تاریخ وفات شیخ علی روضه خوان
- ۶۹۰ ----- سید جواد حسینی تنکابنی
- ۶۹۱ ----- سید جواد سدیدى خلخالى
- ۶۹۲ ----- سید جواد قمى
- ۶۹۲ ----- اشاره
- ۶۹۲ ----- تحصیلات عالی
- ۶۹۲ ----- از آثار او
- ۶۹۳ ----- درگذشت و اعقاب
- ۶۹۳ ----- فرزندانش:
- ۶۹۳ ----- شیخ جواد کبیر قمى
- ۶۹۵ ----- شیخ جواد کره رودى اراکى «مشایخى»
- ۶۹۵ ----- اشاره
- ۶۹۸ ----- سرور ارجمند جناب آقای عبد الحسین جواهر کلام دامت توفیقاته
- ۷۰۰ ----- میرزا جواد ملكى تبریزى
- ۷۰۰ ----- اشاره
- ۷۰۱ ----- تحصیلات
- ۷۰۱ ----- عبادت و تهجد
- ۷۰۲ ----- تألیفات
- ۷۰۳ ----- داستانهایى از او
- ۷۰۴ ----- تجرد روح
- ۷۰۴ ----- صبر و شکیبایى
- ۷۰۵ ----- تشکر از مخلوق
- ۷۰۶ ----- تهجد در دل شب
- ۷۰۶ ----- شاگردان
- ۷۰۸ ----- درگذشت
- ۷۱۰ ----- سید جواد نجومى کرمانشاهى

- ۷۱۰ ..... اشاره
- ۷۱۰ ..... هنر و هنرمندان
- ۷۱۱ ..... ویژگیهای ایشان
- ۷۱۱ ..... پدری دانشمند و هنرمند
- ۷۱۲ ..... سال صحیح تولد
- ۷۱۲ ..... تحصیلات
- ۷۱۳ ..... در وادی خط
- ۷۱۴ ..... درگذشت
- ۷۱۵ ..... میرزا جواد والاناصر سردرودی
- ۷۱۶ ..... سید جهانگیر ناظم الملک «ضیائی»
- ۷۱۶ ..... اشاره
- ۷۱۶ ..... آثار قلمی ایشان به شرح زیر است:
- ۷۲۱ ..... ح
- ۷۲۱ ..... شیخ حامد واعظی کاظمی «سبزواری»
- ۷۲۱ ..... اشاره
- ۷۲۲ ..... از آثار او:
- ۷۲۲ ..... فرزندان:
- ۷۲۲ ..... خاطرات
- ۷۲۳ ..... شیخ حبیب الله اشتهاردی
- ۷۲۳ ..... اشاره
- ۷۲۳ ..... هجرت به نجف اشرف
- ۷۲۳ ..... هجرت به سامرا
- ۷۲۴ ..... درگذشت و اعقاب
- ۷۲۴ ..... فرزندان:
- ۷۲۴ ..... شیخ حبیب الله سمایی رامسری
- ۷۲۴ ..... اشاره

- ۷۲۵ ..... تحصیلات
- ۷۲۵ ..... ویژگیهای پسندیده
- ۷۲۵ ..... نقل یک کرامت
- ۷۲۶ ..... کرامتی دیگر
- ۷۲۶ ..... درگذشت
- ۷۲۷ ..... فرزندانش:
- ۷۲۷ ..... پروفیسور حبیب الله شهاب
- ۷۲۸ ..... شیخ حبیب الله فقیه مازندرانی
- ۷۲۸ ..... اشاره
- ۷۲۹ ..... فرزندانش عبارتند از:
- ۷۲۹ ..... سید حسام الدین میرزائی قمی
- ۷۲۹ ..... اشاره
- ۷۳۰ ..... فرزندانش:
- ۷۳۱ ..... شیخ حسن آیتی بروجردی
- ۷۳۱ ..... اشاره
- ۷۳۲ ..... آثار قلمی ایشان به شرح زیر است:
- ۷۳۲ ..... فرزندانش
- ۷۳۳ ..... از جمله آثار ایشان می توان به:
- ۷۳۳ ..... سید حسن استادزاده مازندرانی
- ۷۳۵ ..... سید حسن اشکوری «معصومی»
- ۷۳۶ ..... میرزا حسن انصاری
- ۷۳۷ ..... سید حسن انگجی تبریزی
- ۷۳۷ ..... اشاره
- ۷۳۷ ..... در حوزه های تبریز و قم
- ۷۳۸ ..... از آثار او
- ۷۳۸ ..... درگذشت

- ۷۳۸ ..... میرزا حسن تیلی شبستری
- ۷۳۸ ..... اشاره
- ۷۳۹ ..... هجرت به حوزه های تبریز و قم
- ۷۳۹ ..... سجایای اخلاقی
- ۷۳۹ ..... از آثار او
- ۷۴۰ ..... سید حسن حجت کوه کمری
- ۷۴۰ ..... اشاره
- ۷۴۰ ..... تحصیل و هجرت به قم
- ۷۴۱ ..... از آثار او
- ۷۴۱ ..... شیخ حسن حرم پناهی قمی
- ۷۴۱ ..... اشاره
- ۷۴۱ ..... تحصیل در حوزه های علمیه
- ۷۴۳ ..... مراجعت به قم
- ۷۴۳ ..... درگذشت و اعقاب
- ۷۴۳ ..... شیخ حسن حسام الاسلام رشتی «دانش»
- ۷۴۳ ..... اشاره
- ۷۴۵ ..... تحصیلات عالی
- ۷۴۵ ..... شخصیت علمی و اجتماعی
- ۷۴۶ ..... آثار قلمی
- ۷۴۹ ..... شیخ حسن خاتمی بروجردی
- ۷۴۹ ..... اشاره
- ۷۵۱ ..... از آثار او
- ۷۵۲ ..... شیخ حسن رازینی همدانی
- ۷۵۲ ..... اشاره
- ۷۵۲ ..... آغاز تحصیل
- ۷۵۲ ..... هجرت به قم

- ۷۵۳ ----- مراجعت به همدان
- ۷۵۳ ----- درگذشت و اعقاب
- ۷۵۳ ----- میرزا حسن رسولی آذرشهری
- ۷۵۳ ----- اشاره
- ۷۵۴ ----- از آثار او:
- ۷۵۵ ----- میرزا حسن رشدیه تبریزی
- ۷۵۵ ----- اشاره
- ۷۵۵ ----- تحصیلات دینی و جدید
- ۷۵۵ ----- تأسیس مدارس جدید
- ۷۵۶ ----- تأسیس مدارس در تبریز
- ۷۵۸ ----- نامه رشديه به مظفر الدین شاه
- ۷۵۹ ----- نامه ای دیگر
- ۷۶۰ ----- تلاش در راه مشروطیت
- ۷۶۰ ----- آخرین منزل
- ۷۶۱ ----- آثار بجامانده از او عبارتند از:
- ۷۶۱ ----- فعالیتهای مطبوعاتی او:
- ۷۶۳ ----- سید حسن رضوی قمی
- ۷۶۳ ----- اشاره
- ۷۶۵ ----- تحصیل علم
- ۷۶۵ ----- از آثار او
- ۷۶۶ ----- شیخ حسن سعید تهرانی
- ۷۶۶ ----- اشاره
- ۷۶۷ ----- برخی از تألیفات چاپ شده اش عبارتند از:
- ۷۷۰ ----- سید حسن شریعتمداری
- ۷۷۰ ----- اشاره
- ۷۷۳ ----- از آثار او

- ۷۷۳ ..... سید حسن شیرازی
- ۷۷۳ ..... اشاره
- ۷۷۳ ..... در حوزه علمی کربلا
- ۷۷۵ ..... آثار قلمی ایشان به شرح زیر است:
- ۷۷۸ ..... ابیات عربی زیر از اوست:
- ۷۷۸ ..... نحوه شهادت
- ۷۸۰ ..... شیخ حسن صالحی لاهیجی
- ۷۸۰ ..... اشاره
- ۷۸۰ ..... تحصیل در قم
- ۷۸۲ ..... شیخ حسن طبرسی ساروی
- ۷۸۲ ..... اشاره
- ۷۸۲ ..... تاریخ تولد
- ۷۸۲ ..... محل تولد
- ۷۸۲ ..... موقعیت خانوادگی
- ۷۸۳ ..... مراکز تحصیلات
- ۷۸۴ ..... محل اقامت پس از مراجعت
- ۷۸۴ ..... تاریخ تأسیس حوزه علمیه
- ۷۸۴ ..... مشاغل اجتماعی
- ۷۸۵ ..... موقعیت اجتماعی
- ۷۸۵ ..... قصه های اخلاقی و علمی
- ۷۸۶ ..... مزایای اخلاقی ایشان
- ۷۸۷ ..... میزان تولّ و تبری و ارادت به اهل بیت علیهم السلام
- ۷۸۸ ..... میزان روابط و خاطرات شخص ایشان با آیت الله کوهستانی
- ۷۸۸ ..... تکمیل و تتمیم
- ۷۸۹ ..... اجتهاد و اجازه اجتهاد
- ۷۹۰ ..... تهجد و شب زنده داری

- علاقه به استاد ..... ۷۹۱
- تاریخ فوت: ..... ۷۹۱
- حسن طلائی ..... ۷۹۱
- سید حسن فرید اراکی «هزاوه ای» ..... ۷۹۲
- اشاره ..... ۷۹۲
- از جمله اساتید وی: ..... ۷۹۲
- سید حسن کاشانی ..... ۷۹۳
- سید حسن کزازی کرمانشاهی ..... ۷۹۴
- میرزا حسن مجتهدزاده تبریزی ..... ۷۹۵
- اشاره ..... ۷۹۵
- تحصیلات در حوزه نجف اشرف ..... ۷۹۵
- سید حسن مدرسی یزدی ..... ۷۹۵
- اشاره ..... ۷۹۵
- در حوزه علمیه قم ..... ۷۹۷
- از آثار او ..... ۷۹۷
- درگذشت و اعقاب ..... ۷۹۷
- سید حسن مدرسی یزدی «سربزدی» ..... ۷۹۸
- اشاره ..... ۷۹۸
- در حوزه های علمیه ..... ۷۹۸
- سید حسن موسوی دهرخی ..... ۷۹۹
- اشاره ..... ۷۹۹
- از آثار او: ..... ۸۰۰
- سید حسن نبوی بیرجندی ..... ۸۰۰
- اشاره ..... ۸۰۰
- در حوزه مشهد مقدس ..... ۸۰۰
- هجرت به حوزه قم ..... ۸۰۱

- ۸۰۱ ..... از آثار او
- ۸۰۱ ..... شیخ حسن نجفی بلتستانی
- ۸۰۲ ..... شیخ حسن نصرتی نیا سردرودی
- ۸۰۲ ..... میرزا حسن نوری همدانی
- ۸۰۳ ..... میرزا حسن وثوق الدوله آشتیانی
- ۸۰۵ ..... شیخ حسین اسلامی خلخالی
- ۸۰۶ ..... شیخ حسین اهری نجفی
- ۸۰۶ ..... اشاره
- ۸۰۶ ..... از آثار او:
- ۸۰۹ ..... سید حسین جزائری شوشتری
- ۸۰۹ ..... اشاره
- ۸۰۹ ..... هجرت به حوزه نجف اشرف
- ۸۰۹ ..... درگذشت و اعقاب
- ۸۰۹ ..... فرزندان:
- ۸۱۰ ..... میرزا حسین جلالی رامسری
- ۸۱۳ ..... سید حسین حائری تنکابنی
- ۸۱۳ ..... اشاره
- ۸۱۳ ..... از آثار او
- ۸۱۴ ..... سید حسین حسینی قمی
- ۸۱۴ ..... اشاره
- ۸۱۵ ..... زندگانی همراه با شعر و ادب
- ۸۱۶ ..... از آثار او سه مجموعه شعر به نامهای:
- ۸۱۶ ..... من هم
- ۸۱۷ ..... سید حسین خلخالی
- ۸۱۷ ..... اشاره
- ۸۱۸ ..... فرزندان:



- ۸۱۸ ..... حسین دادگر -
- ۸۱۸ ..... اشاره -
- ۸۱۸ ..... در وزارت داخله -
- ۸۱۹ ..... در کودتای ۱۲۹۹ ش -
- ۸۲۰ ..... در مجلس شورای ملی و در کنار سردار سپه -
- ۸۲۰ ..... غضب شاه و تبعید از ایران -
- ۸۲۱ ..... بازگشت به وطن و فعالیت در مجلس سنا -
- ۸۲۲ ..... حمایت از نهضت ملی -
- ۸۲۳ ..... دیکتاتور و دیکتاتوری -
- ۸۲۴ ..... شیخ حسین ربانی میانجی -
- ۸۲۴ ..... اشاره -
- ۸۲۵ ..... تحصیلات -
- ۸۲۵ ..... مهاجرت به قم -
- ۸۲۶ ..... سید حسین رضوی همدانی «غبار» -
- ۸۲۶ ..... اشاره -
- ۸۲۷ ..... خانه دل -
- ۸۲۷ ..... بار عشق -
- ۸۲۹ ..... داغ جدایی -
- ۸۲۹ ..... حسین سلطان گودرزی ملایری -
- ۸۳۱ ..... سید حسین طباطبائی بروجردی -
- ۸۳۱ ..... اشاره -
- ۸۳۴ ..... از آثار او -
- ۸۳۷ ..... فرزندانش: -
- ۸۳۸ ..... شیخ حسین علی احمدی میانجی -
- ۸۴۰ ..... شیخ حسینعلی طوبائی شیرازی -
- ۸۴۰ ..... اشاره -

- ۸۴۱ ..... تحصیل در عتبات
- ۸۴۱ ..... فرزندان: .....
- ۸۴۲ ..... شیخ حسین غفاری آذرشهری
- ۸۴۳ ..... سید حسین فارغ دزفولی
- ۸۴۳ ..... سید حسین فاطمی ابهری
- ۸۴۳ ..... اشاره
- ۸۴۴ ..... از آثار او: .....
- ۸۴۵ ..... فرزندان: .....
- ۸۴۵ ..... سید حسین فاطمی قمی
- ۸۴۵ ..... اشاره
- ۸۴۶ ..... از آثار او
- ۸۴۶ ..... سید حسین قاضی تبریزی «طباطبائی»
- ۸۴۶ ..... اشاره
- ۸۴۷ ..... تحصیل در حوزه ها
- ۸۴۸ ..... از آثار او
- ۸۴۹ ..... فرزندان: .....
- ۸۴۹ ..... شیخ حسین قمی «پائین شهری»
- ۸۴۹ ..... اشاره
- ۸۴۹ ..... مراجعت به قم
- ۸۵۰ ..... شیخ حسین قمی «حاج آخوند»
- ۸۵۱ ..... شیخ حسین قمی «کوچه حرمی»
- ۸۵۲ ..... دکتر حسین کریمان
- ۸۵۲ ..... اشاره
- ۸۵۲ ..... تحصیلات حوزوی و دانشگاهی
- ۸۵۴ ..... تحقیقات علمی و عملی
- ۸۵۴ ..... نخستین نقشه قم

- ۸۵۵ ..... شیخ طبرسی و مجمع البیان
- ۸۵۶ ..... زید بن علی علیه السلام
- ۸۵۶ ..... تألیفات و تحقیقات
- ۸۵۷ ..... سید حسین کوچه حرمی قمی
- ۸۵۷ ..... اشاره
- ۸۵۷ ..... تحصیل در نجف اشرف
- ۸۵۸ ..... سجایای اخلاقی
- ۸۵۸ ..... از آثار او
- ۸۵۸ ..... درگذشت و اعقاب
- ۸۵۹ ..... شیخ حسین لیجائی گیلانی
- ۸۵۹ ..... اشاره
- ۸۵۹ ..... از آثار قلمی ایشان
- ۸۶۰ ..... شیخ حسین محمدی لائینی «مازندرانی»
- ۸۶۰ ..... اشاره
- ۸۶۲ ..... این شرح حال به قلم فرزندش تنظیم شده که تقدیم می گردد:
- ۸۶۳ ..... آبا و اجداد
- ۸۶۳ ..... دوران کودکی و تحصیل
- ۸۶۴ ..... بعد علمی
- ۸۶۶ ..... اسامی مشایخ اجازه ایشان به این قرار است:
- ۸۶۷ ..... بعد اخلاقی
- ۸۷۲ ..... شیخ حسین مفلس قمی «ارده شیره»
- ۸۷۲ ..... اشاره
- ۸۷۲ ..... آثار قلمی اش به شرح زیر است:
- ۸۷۵ ..... سید حسین مکی
- ۸۷۶ ..... سید حسین موسوی قمصری
- ۸۷۶ ..... اشاره

- ۸۷۷ ..... از آثار او
- ۸۷۷ ..... مجلس روضه خوانی و عزاداری آیت الله موسوی
- ۸۷۸ ..... ورود دسته جات به مسجد و منزل آیت الله موسوی
- ۸۷۹ ..... رأی آیت الله موسوی درباره عزاداری امام حسین علیه السلام
- ۸۸۰ ..... فوت سید حسین موسوی قمصری قدس سره
- ۸۸۱ ..... دستور امامزاده علی ابن جعفر برای احترام جنازه
- ۸۸۱ ..... شعر میرزا اسماعیل فیضی در فقدان آیت الله موسوی قدس سره
- ۸۸۲ ..... سید حسین نبوی قمی
- ۸۸۲ ..... اشاره
- ۸۸۳ ..... تحصیل علوم
- ۸۸۴ ..... تبلیغ مذهب
- ۸۸۵ ..... معشوق من
- ۸۸۵ ..... میرزا حسین نجارزاده بروجردی «کاوسی»
- ۸۸۹ ..... میرزا حسین نظمی اصفهانی
- ۸۹۰ ..... حیدر تهرانی «معجزه»
- ۸۹۰ ..... اشاره
- ۸۹۰ ..... اشاره
- ۸۹۴ ..... مرگ استاد
- ۸۹۴ ..... شیخ حیدر علی جابری انصاری
- ۸۹۵ ..... حیدر علی قلم داران قمی
- ۸۹۵ ..... اشاره
- ۸۹۶ ..... از آثار او
- ۸۹۶ ..... شیخ حیدر علی مدرسی بهسودی
- ۸۹۶ ..... اشاره
- ۹۰۰ ..... آثار قلمی استاد مدرسی
- ۹۰۱ ..... فرزندان:ش:

- ۹۰۱ ..... شیخ حیدر مهدوی شیادھی مازندرانی
- ۹۰۱ ..... اشاره
- ۹۰۵ ..... فضائل اخلاقی
- ۹۰۸ ..... خ
- ۹۰۸ ..... سید خلیل حسینی ارومیه ای
- ۹۰۸ ..... اشاره
- ۹۰۸ ..... از آثار او:
- ۹۰۹ ..... خلیل فهیمی «فہیم الملک»
- ۹۱۰ ..... میرزا خلیل کمرہ ای «فرنقی»
- ۹۱۰ ..... اشاره
- ۹۱۲ ..... فہرست تألیفات کمرہ ای
- ۹۱۶ ..... فرزندان ایشان:
- ۹۱۸ ..... سید خلیل محمدی بہشہری
- ۹۱۸ ..... اشاره
- ۹۲۱ ..... از آثار او
- ۹۳۲ ..... جلد دوم
- ۹۳۲ ..... فہرست
- ۹۵۶ ..... [ادامہ حرف «ر»]
- ۹۵۶ ..... شیخ راضی تبریزی نجفی
- ۹۵۶ ..... اشاره
- ۹۵۸ ..... از آثار قلمی ایشان
- ۹۵۹ ..... منابع
- ۹۶۰ ..... سید رضا آل محمد طالقانی
- ۹۶۰ ..... اشاره
- ۹۶۰ ..... منابع
- ۹۶۱ ..... میرزا رضا اہری «باغمیشہ ای»

- ۹۶۱ ..... اشاره
- ۹۶۱ ..... در حوزه تبریز
- ۹۶۱ ..... درگذشت و اعقاب
- ۹۶۲ ..... از آثار قلمی ایشان
- ۹۶۲ ..... منبع
- ۹۶۳ ..... سید رضا باقرمنش قمی «ثابت»
- ۹۶۳ ..... اشاره
- ۹۶۴ ..... قصیده مولودیه نیمه شعبان
- ۹۶۶ ..... منبع
- ۹۶۶ ..... سید رضا برقی قمی
- ۹۶۶ ..... اشاره
- ۹۶۹ ..... آثار قلمی آن مرحوم عبارتند از:
- ۹۶۹ ..... سید رضا بهاء الدینی
- ۹۶۹ ..... اشاره
- ۹۷۰ ..... شکل گیری شخصیت ایشان
- ۹۷۱ ..... تحصیلات ابتدایی و فراگیری دروس حوزه
- ۹۷۲ ..... استادان معظم له
- ۹۷۴ ..... اجازه اجتهاد و روایت
- ۹۷۴ ..... مسافرت به عتبات مبارکه
- ۹۷۵ ..... پایداری و استقامت در تحصیل و تدریس
- ۹۷۷ ..... آثار قلمی ایشان
- ۹۷۸ ..... جامعیت معظم له
- ۹۷۸ ..... سید رضا تفرشی همدانی
- ۹۷۸ ..... اشاره
- ۹۷۹ ..... منبع
- ۹۷۹ ..... سید رضا جاپلقی

- ۹۷۹ ..... اشاره
- ۹۸۰ ..... منابع
- ۹۸۰ ..... میرزا رضا حکمت شیرازی «سردار فاخر»
- ۹۸۰ ..... اشاره
- ۹۸۰ ..... فعالیت های سردار فاخر
- ۹۸۱ ..... منابع
- ۹۸۲ ..... شیخ رضا خمیرانی رشتی
- ۹۸۲ ..... اشاره
- ۹۸۲ ..... منبع
- ۹۸۲ ..... استاد رضا روزبه
- ۹۸۷ ..... سید رضا صدر
- ۹۸۷ ..... اشاره
- ۹۸۸ ..... آثار قلمی اش
- ۹۸۸ ..... آثار چاپ شده آن فقید عبارتند از:
- ۹۹۱ ..... و اما آثار ارزنده خطی مرحوم به قرار زیر می باشند:
- ۹۹۳ ..... فرزندانیش عبارتند از:
- ۹۹۳ ..... منابع
- ۹۹۴ ..... سید رضا علما قمی
- ۹۹۴ ..... اشاره
- ۹۹۴ ..... از آثار او
- ۹۹۷ ..... منابع
- ۹۹۷ ..... میرزا رضی زنوزی تبریزی
- ۹۹۷ ..... اشاره
- ۹۹۸ ..... از آثار او:
- ۱۰۰۰ ..... منابع
- ۱۰۰۰ ..... سید رضی الدین وحیدی شبستری

۱۰۰۰ ..... اشاره

۱۰۰۳ ..... از آثار او:

۱۰۰۳ ..... منابع

۱۰۰۳ ..... میرزا رفیع الدین تبریزی «نظام العلماء»

۱۰۰۳ ..... اشاره

۱۰۰۵ ..... آثار قلمی ایشان به شرح زیر است:

۱۰۰۷ ..... فرزندان ایشان عبارتند از:

۱۰۰۸ ..... منابع

۱۰۰۸ ..... شیخ روح الله کمالوند خرم آبادی

۱۰۰۸ ..... اشاره

۱۰۱۱ ..... منابع

۱۰۱۱ ..... شیخ ریحان الله گلپایگانی «نخعی»

۱۰۱۱ ..... اشاره

۱۰۱۷ ..... منابع

۱۰۱۸ ..... ز

۱۰۱۸ ..... سید زکریا قزوینی

۱۰۱۸ ..... اشاره

۱۰۱۸ ..... منابع

۱۰۱۹ ..... شیخ زین الدین شریعتی زنجانی

۱۰۱۹ ..... اشاره

۱۰۱۹ ..... در حوزه های علمیه

۱۰۱۹ ..... خدمات مذهبی

۱۰۲۰ ..... از آثار او

۱۰۲۰ ..... ارتحال و اعقاب

۱۰۲۰ ..... منابع

۱۰۲۰ ..... شیخ زین العابدین ابهری «مام»



۱۰۲۰ ..... اشاره

۱۰۲۳ ..... از آثار قلمی اش

۱۰۲۳ ..... فوق العاده می خواهد

۱۰۲۵ ..... فرزندانش:

۱۰۲۵ ..... منابع

۱۰۲۵ ..... سید زین العابدین کاشانی

۱۰۲۵ ..... اشاره

۱۰۲۵ ..... تحصیلات عالی

۱۰۲۷ ..... مهاجرت به ایران

۱۰۲۷ ..... از جمله شاگردانش در کربلا عبارتند از:

۱۰۲۸ ..... از آثار او

۱۰۲۸ ..... درگذشت

۱۰۲۹ ..... منابع

۱۰۲۹ ..... سید زین العابدین یثربی قمی

۱۰۲۹ ..... اشاره

۱۰۳۰ ..... منابع

۱۰۳۱ ..... س

۱۰۳۱ ..... سام میرزا شاه صفی اول

۱۰۳۱ ..... اشاره

۱۰۳۳ ..... منابع

۱۰۳۵ ..... شیخ سلمان خاقانی

۱۰۳۵ ..... اشاره

۱۰۳۶ ..... از آثار قلمی ایشان:

۱۰۳۷ ..... فرزندانش:

۱۰۳۷ ..... منابع

۱۰۳۸ ..... ش

- ۱۰۳۸ ----- شیخ شجاع الدین جلیلی کرمانشاهی
- ۱۰۳۸ ----- اشاره
- ۱۰۳۹ ----- او دارای آثار قلمی چندی است که به آن اشاره می گردد:
- ۱۰۳۹ ----- منابع
- ۱۰۴۰ ----- سید شرف الدین طالقانی
- ۱۰۴۰ ----- اشاره
- ۱۰۴۱ ----- فرزندان:ش:
- ۱۰۴۱ ----- منابع
- ۱۰۴۱ ----- شیخ شعبان راسخی لنگرودی
- ۱۰۴۱ ----- اشاره
- ۱۰۴۲ ----- منبع
- ۱۰۴۲ ----- میرزا شفیع ساعد الملک تبریزی
- ۱۰۴۲ ----- اشاره
- ۱۰۴۲ ----- فرزندان:ش:
- ۱۰۴۳ ----- منبع
- ۱۰۴۳ ----- سید شمس الدین ابهری
- ۱۰۴۳ ----- اشاره
- ۱۰۴۴ ----- از آثار او:
- ۱۰۴۴ ----- منابع
- ۱۰۴۵ ----- سید شمس الدین احمدی بروجردی
- ۱۰۴۵ ----- اشاره
- ۱۰۴۶ ----- از آثار او:
- ۱۰۴۷ ----- شیخ شهاب الدین اشراقی قمی
- ۱۰۴۷ ----- اشاره
- ۱۰۴۷ ----- از جمله آثار او
- ۱۰۴۸ ----- فرزندان:ش:

۱۰۴۸ ----- منابع

۱۰۴۸ ----- سید شهاب الدین مرعشی «آقا نجفی»

۱۰۴۸ ----- اشاره

۱۰۵۰ ----- از جمله آثار قلمی ایشان:

۱۰۵۲ ----- فرزندان:

۱۰۵۲ ----- منابع

۱۰۵۲ ----- شیخ شهاب الدین مصطفوی همدانی

۱۰۵۲ ----- اشاره

۱۰۵۴ ----- از آثار او

۱۰۵۵ ----- منابع

۱۰۵۵ ----- شیخ شهاب الدین نراقی کاشانی

۱۰۵۵ ----- اشاره

۱۰۵۷ ----- منابع

۱۰۵۷ ----- میر شهاب الدین نیریزی

۱۰۵۷ ----- اشاره

۱۰۵۷ ----- تحصیلات

۱۰۵۹ ----- منابع

۱۰۶۰ ----- ص

۱۰۶۰ ----- شیخ صابر کره رودی اراکی

۱۰۶۰ ----- اشاره

۱۰۶۱ ----- منابع

۱۰۶۱ ----- میرزا صادق تبریزی

۱۰۶۱ ----- اشاره

۱۰۶۲ ----- ولادت و تحصیل

۱۰۶۲ ----- اساتید او

۱۰۶۳ ----- بازگشت به ایران

- تالیفات ----- ۱۰۶۳
- خصایص و ملکات روحی ایشان ----- ۱۰۶۴
- نمونه اشعار معظم له ----- ۱۰۶۶
- فرزندان ایشان ----- ۱۰۶۶
- مبارزات ایشان ----- ۱۰۶۶
- امداد غیبی ----- ۱۰۷۱
- وفات و مدفن ----- ۱۰۷۲
- منابع ----- ۱۰۷۳
- صادق جوادی خرم آبادی ----- ۱۰۷۴
- اشاره ----- ۱۰۷۴
- منبع ----- ۱۰۷۶
- سید صادق حسینی رشتی ----- ۱۰۷۶
- اشاره ----- ۱۰۷۶
- تحصیلات عالی ----- ۱۰۷۶
- مراجعت به رشت ----- ۱۰۷۷
- از آثار او ----- ۱۰۷۷
- درگذشت ----- ۱۰۷۷
- منابع ----- ۱۰۷۷
- سید صادق روحانی قمی ----- ۱۰۷۸
- اشاره ----- ۱۰۷۸
- در حوزه های علمیه ----- ۱۰۷۸
- از آثار او ----- ۱۰۷۹
- درگذشت و اعقاب ----- ۱۰۷۹
- فرزندانش: ----- ۱۰۷۹
- منابع ----- ۱۰۸۱
- شیخ صادق سربندی بروجردی ----- ۱۰۸۱

- ۱۰۸۱ - اشاره -
- ۱۰۸۲ - آثار قلمی ایشان: -
- ۱۰۸۳ - منبع -
- ۱۰۸۳ - شیخ صادق شیرازی -
- ۱۰۸۴ - میرزا صادق طاهباز تبریزی -
- ۱۰۸۴ - اشاره -
- ۱۰۸۴ - تحصیلات عالی -
- ۱۰۸۴ - منبع -
- ۱۰۸۵ - شیخ صادق فراچی خوئی -
- ۱۰۸۵ - اشاره -
- ۱۰۸۵ - تحصیلات -
- ۱۰۸۶ - منبع -
- ۱۰۸۶ - شیخ صادق نصیری سرابی -
- ۱۰۸۶ - اشاره -
- ۱۰۸۶ - مهاجرت به قم -
- ۱۰۸۷ - سجایای اخلاقی -
- ۱۰۸۷ - از آثار او -
- ۱۰۸۸ - منبع -
- ۱۰۸۸ - سید صدر الدین تنکابنی -
- ۱۰۸۸ - اشاره -
- ۱۰۸۸ - منبع -
- ۱۰۸۸ - سید صدر الدین صدر -
- ۱۰۸۸ - اشاره -
- ۱۰۹۱ - آثار علمی ایشان -
- ۱۰۹۴ - برخی از ویژگیهای آن مرحوم -
- ۱۰۹۵ - فرزندان و دامادهای ایشان -

از جمله آثار قلمی او: ..... ۱۰۹۶

وفات ..... ۱۰۹۷

منابع ..... ۱۰۹۷

شیخ صدر الدین صمدی لنکرانی ..... ۱۰۹۸

اشاره ..... ۱۰۹۸

از آثار او: ..... ۱۰۹۸

فرزندانش: ..... ۱۰۹۹

منابع ..... ۱۰۹۹

ض ..... ۱۱۰۱

شیخ ضیاء الدین جوادی ابهری ..... ۱۱۰۱

اشاره ..... ۱۱۰۱

منبع ..... ۱۱۰۲

سید ضیاء الدین خوانساری «کاشفی» ..... ۱۱۰۲

اشاره ..... ۱۱۰۲

منابع ..... ۱۱۰۳

ط ..... ۱۱۰۵

سید طالب خراسان ..... ۱۱۰۵

اشاره ..... ۱۱۰۵

آثار فکری و ترشحات قلمی ایشان ..... ۱۱۰۶

و اما آثار مخطوط ایشان عبارتند از: ..... ۱۱۰۷

ع ..... ۱۱۱۳

سید عباد علی هندی ..... ۱۱۱۳

اشاره ..... ۱۱۱۳

منبع ..... ۱۱۱۳

شیخ عباس ایمانی جهرودی قمی ..... ۱۱۱۴

اشاره ..... ۱۱۱۴

- از آثار او: ۱۱۱۴-----
- منبع: ۱۱۱۴-----
- سید عباس تقوی قزوینی: ۱۱۱۵-----
- اشاره: ۱۱۱۵-----
- فرزندان ایشان عبارتند از: ۱۱۱۵-----
- از آثار او: ۱۱۱۶-----
- منابع: ۱۱۱۶-----
- شیخ عباس تهرانی: ۱۱۱۶-----
- اشاره: ۱۱۱۶-----
- از آثار او: ۱۱۱۸-----
- فرزندانش: ۱۱۱۸-----
- منابع: ۱۱۱۸-----
- شیخ عباس حائری یزدی: ۱۱۱۹-----
- اشاره: ۱۱۱۹-----
- از آثار او: ۱۱۱۹-----
- منابع: ۱۱۲۰-----
- سید عباس داعی الاسلام همدانی «دعوتی»: ۱۱۲۰-----
- اشاره: ۱۱۲۰-----
- تحصیلات: ۱۱۲۰-----
- مسافرت‌های آن مرحوم: ۱۱۲۲-----
- خانه و اثاث زندگانی آن مرحوم: ۱۱۲۲-----
- مجلس دعوت اسلام: ۱۱۲۳-----
- وفات: ۱۱۲۵-----
- زوجات و فرزندان: ۱۱۲۵-----
- از آثار او: ۱۱۲۸-----
- عباس راسخی نجفی «گیلانی»: ۱۱۲۸-----

- ۱۱۲۸ - اشاره -
- ۱۱۲۸ - تحصیلات دینی و دانشگاهی -
- ۱۱۲۹ - از آثار او -
- ۱۱۳۰ - درگذشت -
- ۱۱۳۰ - منابع -
- ۱۱۳۰ - شیخ عباس شیرازی رفسنجانی -
- ۱۱۳۰ - اشاره -
- ۱۱۳۲ - منبع -
- ۱۱۳۳ - میرزا عباس صفاء السلطنه نائینی (صفا) -
- ۱۱۳۳ - اشاره -
- ۱۱۳۴ - منبع -
- ۱۱۳۴ - شیخ عباس طسوجی -
- ۱۱۳۴ - اشاره -
- ۱۱۳۴ - از جمله آثار قلمی اش -
- ۱۱۳۵ - فرزندانش: -
- ۱۱۳۵ - منابع -
- ۱۱۳۵ - عباس طلائیان -
- ۱۱۳۵ - اشاره -
- ۱۱۳۷ - منبع -
- ۱۱۳۷ - میرزا عباس عشقی بحرینی -
- ۱۱۳۷ - اشاره -
- ۱۱۳۹ - منبع -
- ۱۱۳۹ - شیخ عباس علی اسلامی سبزواری -
- ۱۱۳۹ - اشاره -
- ۱۱۴۰ - از آثار او: -
- ۱۱۴۱ - منابع -



- ۱۱۴۱ ..... شیخ عباسعلی شاهرودی
- ۱۱۴۱ ..... اشاره
- ۱۱۴۱ ..... در حوزه قم
- ۱۱۴۲ ..... از آثار او
- ۱۱۴۲ ..... [اشاگردان]
- ۱۱۴۴ ..... درگذشت
- ۱۱۴۴ ..... منابع
- ۱۱۴۴ ..... شیخ عباسعلی محقق خراسانی
- ۱۱۴۴ ..... اشاره
- ۱۱۴۷ ..... از فرزندان وی:
- ۱۱۴۷ ..... منابع
- ۱۱۴۷ ..... میرزا عباسعلی نجفی ارومیه ای
- ۱۱۴۷ ..... اشاره
- ۱۱۴۸ ..... فرزندان: .....
- ۱۱۴۸ ..... منابع
- ۱۱۴۸ ..... سید عباس فقیه مبرقع قمی
- ۱۱۴۸ ..... اشاره
- ۱۱۴۸ ..... منبع
- ۱۱۴۹ ..... شیخ عباس فیض قمی
- ۱۱۴۹ ..... اشاره
- ۱۱۴۹ ..... از آثار او
- ۱۱۵۲ ..... فرزندان: .....
- ۱۱۵۲ ..... منابع
- ۱۱۵۴ ..... عباس کتابدار قمی «خادم»
- ۱۱۵۴ ..... اشاره
- ۱۱۵۴ ..... منبع

- ۱۱۵۴ - شیخ عباس مستقیم قمی -
- ۱۱۵۴ - اشاره -
- ۱۱۵۵ - فرزندانش:
- ۱۱۵۵ - منابع -
- ۱۱۵۵ - سید عباس ملکی طسوجی -
- ۱۱۵۵ - اشاره -
- ۱۱۵۶ - منابع -
- ۱۱۵۷ - سید عباس مهری -
- ۱۱۵۷ - اشاره -
- ۱۱۵۹ - منابع -
- ۱۱۵۹ - سید عباس میرزاده اهری -
- ۱۱۵۹ - اشاره -
- ۱۱۶۰ - از آثار او:
- ۱۱۶۰ - منابع -
- ۱۱۶۰ - عباس میرزا ملک آرا قاجار -
- ۱۱۶۰ - اشاره -
- ۱۱۶۱ - از آثار او -
- ۱۱۶۱ - منابع -
- ۱۱۶۱ - سید عبد الباقي رشتی «شريف العلماء» -
- ۱۱۶۱ - اشاره -
- ۱۱۶۲ - تحصیلات عالی در نجف اشرف -
- ۱۱۶۲ - از آثار او -
- ۱۱۶۲ - درگذشت و اعقاب -
- ۱۱۶۲ - فرزندانش:
- ۱۱۶۳ - منابع -
- ۱۱۶۳ - میرزا عبد الجواد کلباسی اصفهانی -

- ۱۱۶۳ - ..... اشاره
- ۱۱۶۴ - ..... از آثار او
- ۱۱۶۴ - ..... منابع
- ۱۱۶۵ - ..... سید عبد الحجه ایروانی «تبریزی»
- ۱۱۶۵ - ..... اشاره
- ۱۱۶۶ - ..... از آثار او
- ۱۱۶۶ - ..... منابع
- ۱۱۶۶ - ..... سید عبد الحجه بلاغی نائینی «حجت»
- ۱۱۶۶ - ..... اشاره
- ۱۱۶۷ - ..... از آثار او
- ۱۱۷۰ - ..... منابع
- ۱۱۷۰ - ..... عبد الحسین آیتی تفتی
- ۱۱۷۰ - ..... اشاره
- ۱۱۷۱ - ..... گرایش به آئین بهائیت
- ۱۱۷۳ - ..... از آثار او
- ۱۱۷۶ - ..... منابع
- ۱۱۷۶ - ..... شیخ عبد الحسین بروجردی «صاحب الداری»
- ۱۱۷۶ - ..... اشاره
- ۱۱۷۹ - ..... فرزندان:ش
- ۱۱۷۹ - ..... منابع
- ۱۱۷۹ - ..... شیخ عبد الحسین بقال
- ۱۱۷۹ - ..... اشاره
- ۱۱۸۰ - ..... فهرست آثار تألیفی و پژوهشی استاد بقال به شرح زیر است:
- ۱۱۸۲ - ..... شیخ عبد الحسین تبریزی «غروی»
- ۱۱۸۲ - ..... اشاره
- ۱۱۸۸ - ..... منابع

- ۱۱۸۸ ..... سید عبد الحسین خردمند تهرانی
- ۱۱۸۸ ..... اشاره
- ۱۱۸۸ ..... در حوزه قم
- ۱۱۸۸ ..... هجرت به نجف اشرف
- ۱۱۹۰ ..... درگذشت و اعقاب
- ۱۱۹۰ ..... فرزندان: .....
- ۱۱۹۰ ..... منبع
- ۱۱۹۱ ..... سید عبد الحسین خسروی همدانی
- ۱۱۹۱ ..... اشاره
- ۱۱۹۱ ..... از آثار او: .....
- ۱۱۹۱ ..... منبع
- ۱۱۹۱ ..... شیخ عبد الحسین رضوی هشتروندی
- ۱۱۹۱ ..... اشاره
- ۱۱۹۲ ..... سفر به قم و ادامه تحصیلات
- ۱۱۹۴ ..... اقامت در هشتروند
- ۱۱۹۴ ..... بعد علمی
- ۱۱۹۵ ..... تبلیغات دینی
- ۱۱۹۵ ..... بعد اجتماعی
- ۱۱۹۶ ..... بعد اخلاقی
- ۱۱۹۷ ..... بعد ولایی
- ۱۱۹۸ ..... وفات
- ۱۱۹۹ ..... سید عبد الحسین سیدی قمی
- ۱۱۹۹ ..... اشاره
- ۱۲۰۰ ..... فرزندان: .....
- ۱۲۰۰ ..... منابع
- ۱۲۰۰ ..... شیخ عبد الحسین شرع الاسلام نجفی

۱۲۰۰ ..... اشاره

۱۲۰۱ ..... منابع

۱۲۰۱ ..... شیخ عبد الحسین صادقی لاهیجانی «رئیس العلماء»

۱۲۰۱ ..... اشاره

۱۲۰۱ ..... سجایای علمی و اخلاقی

۱۲۰۱ ..... درگذشت

۱۲۰۱ ..... منابع

۱۲۰۲ ..... سید عبد الحسین طاهری قمی

۱۲۰۲ ..... اشاره

۱۲۰۲ ..... منابع

۱۲۰۲ ..... شیخ عبد الحسین فقیهی گیلانی

۱۲۰۲ ..... اشاره

۱۲۰۲ ..... در حوزه نجف اشرف

۱۲۰۳ ..... هجرت به حوزه علمیه قم

۱۲۰۳ ..... از آثار او

۱۲۰۶ ..... درگذشت

۱۲۰۶ ..... منابع

۱۲۰۶ ..... شیخ عبد الحسین معین الشعراء قمی

۱۲۰۶ ..... اشاره

۱۲۰۷ ..... از آثار او

۱۲۰۷ ..... منابع

۱۲۰۷ ..... میرزا عبد الحسین نائینی «بقائی»

۱۲۰۷ ..... اشاره

۱۲۰۸ ..... از آثار او

۱۲۰۸ ..... فرزندان:ش

۱۲۰۸ ..... منابع

- عبد الحسين نزهتی قمی ..... ۱۲۰۸
- اشاره ..... ۱۲۰۸
- مراتب عشق سالار شهیدان علیه السلام و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام ..... ۱۲۰۹
- در رثای حضرت سید الشهداء علیه السلام ..... ۱۲۰۹
- منبع ..... ۱۲۱۱
- شیخ عبد الحسين وکیلی قمی ..... ۱۲۱۱
- اشاره ..... ۱۲۱۱
- [آثار] ..... ۱۲۱۴
- منابع ..... ۱۲۱۷
- میرزا عبد الرحمن بروجردی ..... ۱۲۱۷
- اشاره ..... ۱۲۱۷
- از آثار او: ..... ۱۲۱۷
- منبع ..... ۱۲۱۷
- شیخ عبد الرحمن حیدری ایلامی ..... ۱۲۱۹
- شیخ عبد الزحمن صالحی لرستانی ..... ۱۲۲۰
- اشاره ..... ۱۲۲۰
- در حوزه های علمیه ..... ۱۲۲۰
- از آثار او ..... ۱۲۲۱
- منابع ..... ۱۲۲۱
- شیخ عبد الرحیم ربانی شیرازی ..... ۱۲۲۱
- اشاره ..... ۱۲۲۱
- از آثار او ..... ۱۲۲۴
- منابع ..... ۱۲۲۴
- سید عبد الرحیم شوکی ..... ۱۲۲۵
- اشاره ..... ۱۲۲۵
- منبع ..... ۱۲۲۵

- ۱۲۲۵ ..... شیخ عبد الرحیم مدرس تبریزی
- ۱۲۲۵ ..... اشاره
- ۱۲۲۶ ..... در حوزه های تبریز و قم
- ۱۲۲۶ ..... از آثار او
- ۱۲۲۶ ..... منابع
- ۱۲۲۷ ..... میرزا عبد الرحیم نهاوندی
- ۱۲۲۷ ..... اشاره
- ۱۲۲۷ ..... تحصیلات
- ۱۲۲۷ ..... از آثار او
- ۱۲۲۸ ..... فرزندان: .....
- ۱۲۲۸ ..... منابع
- ۱۲۲۸ ..... شیخ عبد الرحیم نیری بروجردی
- ۱۲۲۸ ..... اشاره
- ۱۲۲۹ ..... تبرک به یک حدیث شریف:
- ۱۲۳۰ ..... کتابهایی که تدوین نموده ام:
- ۱۲۳۰ ..... شیخ عبد الرزاق خائف قمی
- ۱۲۳۰ ..... اشاره
- ۱۲۳۱ ..... از آثار او
- ۱۲۳۱ ..... منابع
- ۱۲۳۱ ..... شیخ عبد الرسول قائمی اصفهانی
- ۱۲۳۱ ..... اشاره
- ۱۲۳۲ ..... از آثار او
- ۱۲۳۳ ..... منابع
- ۱۲۳۳ ..... شیخ عبد الستار اسلامی آبادانی
- ۱۲۳۳ ..... اشاره
- ۱۲۳۴ ..... از آثار او:

- فرزندانش که از چند همسر هستند عبارتند از: ..... ۱۲۳۵
- منابع ..... ۱۲۳۵
- عبدالصاحب صفائی قمی «حائری» ..... ۱۲۳۵
- اشاره ..... ۱۲۳۵
- از آثار او: ..... ۱۲۳۶
- منابع ..... ۱۲۳۷
- سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی ..... ۱۲۳۷
- اشاره ..... ۱۲۳۷
- برخی از کتابهای و مقالات بلند چاپ شده اش عبارتند از: ..... ۱۲۴۱
- عنوان برخی از تحقیق ها و تصحیحهای او عبارت است از: ..... ۱۲۴۱
- و از دیگر تألیفات چاپ نشده او عبارت است از: ..... ۱۲۴۲
- منابع ..... ۱۲۴۴
- عبد العلی سلام فایز تبریزی ..... ۱۲۴۴
- اشاره ..... ۱۲۴۴
- از آثار او: ..... ۱۲۴۵
- منابع ..... ۱۲۴۵
- شیخ عبد العلی شریفی کابلی ..... ۱۲۴۵
- اشاره ..... ۱۲۴۵
- فرزندانش: ..... ۱۲۴۶
- منبع ..... ۱۲۴۶
- شیخ عبد العلی مشایخی اراکی «حاج آقا» ..... ۱۲۴۶
- اشاره ..... ۱۲۴۶
- منبع ..... ۱۲۴۷
- شیخ عبد العلی نطنزی «صدر العلماء» ..... ۱۲۴۷
- اشاره ..... ۱۲۴۷
- تحصیلات ..... ۱۲۴۷



۱۲۴۸ ----- منبع -----

۱۲۴۸ ----- سید عبد الغنی اردبیلی -----

۱۲۴۸ ----- اشاره -----

۱۲۴۸ ----- از آثار او -----

۱۲۴۹ ----- منبع -----

۱۲۴۹ ----- شیخ عبد القدوس کرمانشاهی -----

۱۲۴۹ ----- اشاره -----

۱۲۴۹ ----- منبع -----

۱۲۵۰ ----- سید عبد الکریم انواری اردبیلی -----

۱۲۵۰ ----- اشاره -----

۱۲۵۰ ----- منبع -----

۱۲۵۰ ----- شیخ عبد الکریم حائری یزدی -----

۱۲۵۰ ----- اشاره -----

۱۲۵۰ ----- تحصیلات علوم دینی -----

۱۲۵۱ ----- از اصحاب سامرا -----

۱۲۵۱ ----- هجرت به نجف اشرف و کربلا -----

۱۲۵۱ ----- مراجعت به ایران -----

۱۲۵۲ ----- تأسیس حوزه در قم -----

۱۲۵۲ ----- خدمات اجتماعی -----

۱۲۵۲ ----- چند داستان از او -----

۱۲۵۵ ----- از آثار او -----

۱۲۵۶ ----- درگذشت و اعقاب -----

۱۲۵۷ ----- منبع -----

۱۲۵۸ ----- شیخ عبد الکریم خوئینی زنجانى -----

۱۲۵۸ ----- اشاره -----

۱۲۵۹ ----- تحصیل در حوزه ها -----

- ۱۲۵۹ - - - - - صفات و ملکات روحی
- ۱۲۶۰ - - - - - از آثار او
- ۱۲۶۱ - - - - - منابع
- ۱۲۶۳ - - - - - سید عبد الکریم غیرت کرمانشاهی
- ۱۲۶۳ - - - - - اشاره
- ۱۲۶۳ - - - - - از آثار او
- ۱۲۶۴ - - - - - منابع
- ۱۲۶۴ - - - - - شیخ عبد الکریم کریمی اصل هشتروندی
- ۱۲۶۴ - - - - - اشاره
- ۱۲۶۵ - - - - - فرزندانش
- ۱۲۶۵ - - - - - سید عبد الکریم کشمیری
- ۱۲۶۵ - - - - - اشاره
- ۱۲۶۶ - - - - - اجداد پاک
- ۱۲۶۷ - - - - - ولادت و دوران کودکی
- ۱۲۶۸ - - - - - تحصیلات
- ۱۲۶۹ - - - - - دروس خارج
- ۱۲۶۹ - - - - - بر کرسی تدریس
- ۱۲۷۰ - - - - - رابطه با اساتید
- ۱۲۷۰ - - - - - در عرصه علوم و فنون
- ۱۲۷۱ - - - - - آثار قلمی او
- ۱۲۷۱ - - - - - ویژگیهای اخلاقی
- ۱۲۷۲ - - - - - تبعید از عراق
- ۱۲۷۳ - - - - - استخاره و دعا
- ۱۲۷۴ - - - - - شیخ عبد اللطیف سمّامی حائری
- ۱۲۷۴ - - - - - اشاره
- ۱۲۷۷ - - - - - تألیفات وی

اسفار وی ..... ۱۲۷۸

فرزندانش: ..... ۱۲۷۸

منابع ..... ۱۲۷۹

شیخ عبد اللطیف مجد الواعظین اردبیلی ..... ۱۲۷۹

اشاره ..... ۱۲۷۹

منابع ..... ۱۲۸۰

شیخ عبد الله آل آقا کرمانشاهی ..... ۱۲۸۰

اشاره ..... ۱۲۸۰

فرزندانش: ..... ۱۲۸۱

منابع ..... ۱۲۸۱

سید عبد الله بحرانی حائری ..... ۱۲۸۱

اشاره ..... ۱۲۸۱

منبع ..... ۱۲۸۲

شیخ عبد الله جوادی ابهری ..... ۱۲۸۲

اشاره ..... ۱۲۸۲

از آثار قلمی وی: ..... ۱۲۸۳

فرزندانش: ..... ۱۲۸۴

منابع ..... ۱۲۸۴

شیخ عبد الله شهیدی قزوینی ..... ۱۲۸۴

اشاره ..... ۱۲۸۴

مهاجرت به قم ..... ۱۲۸۴

از آثار او ..... ۱۲۸۵

منابع ..... ۱۲۸۵

سید عبد الله قاهانی «صدر عراقی» ..... ۱۲۸۵

اشاره ..... ۱۲۸۵

منابع ..... ۱۲۸۷

- ۱۲۸۷ ..... شیخ عبد الله قمی
- ۱۲۸۷ ..... اشاره
- ۱۲۸۹ ..... فرزندانش:
- ۱۲۸۹ ..... منابع
- ۱۲۸۹ ..... شیخ عبد الله گشایشی اهری
- ۱۲۸۹ ..... اشاره
- ۱۲۹۰ ..... منابع
- ۱۲۹۰ ..... شیخ عبد الله لنکرانی
- ۱۲۹۰ ..... اشاره
- ۱۲۹۱ ..... فرزندانش:
- ۱۲۹۱ ..... منابع
- ۱۲۹۱ ..... میرزا عبد الله مجتهدی سرابی
- ۱۲۹۱ ..... اشاره
- ۱۲۹۲ ..... از آثار او
- ۱۲۹۲ ..... فرزندانش:
- ۱۲۹۲ ..... منابع
- ۱۲۹۳ ..... سید عبد الله موسوی شبستری
- ۱۲۹۳ ..... اشاره
- ۱۲۹۵ ..... آثار قلمی ایشان به شرح زیر است:
- ۱۲۹۶ ..... شیخ عبد الله مهدوی شاهرودی
- ۱۲۹۶ ..... اشاره
- ۱۲۹۷ ..... منابع
- ۱۲۹۷ ..... ملا عبد الله واعظ طالقانی
- ۱۲۹۷ ..... اشاره
- ۱۲۹۷ ..... منبع
- ۱۲۹۸ ..... میرزا عبد المحمّد الهامی اسکونی

- ۱۲۹۹ ..... سید عبد المطلب بهبهانی
- ۱۲۹۹ ..... اشاره
- ۱۲۹۹ ..... از آثار او
- ۱۳۰۰ ..... منابع
- ۱۳۰۰ ..... سید عبد المطلب جزائری «آل مهدی»
- ۱۳۰۰ ..... اشاره
- ۱۳۰۱ ..... آثار ایشان به شرح زیر است:
- ۱۳۰۲ ..... فرزندان: فرزندان:
- ۱۳۰۲ ..... منابع
- ۱۳۰۲ ..... سید عبد المطلب شیرازی
- ۱۳۰۲ ..... اشاره
- ۱۳۰۲ ..... از آثار او
- ۱۳۰۳ ..... از جمله فرزندان:
- ۱۳۰۳ ..... منابع
- ۱۳۰۳ ..... میرزا عبد المطلب فقیه اردوبادی
- ۱۳۰۳ ..... اشاره
- ۱۳۰۴ ..... از آثار قلمی او:
- ۱۳۰۴ ..... فرزندان: فرزندان:
- ۱۳۰۴ ..... منابع
- ۱۳۰۴ ..... شیخ عبد المنعم خاقانی
- ۱۳۰۴ ..... اشاره
- ۱۳۰۵ ..... از آثار او
- ۱۳۰۵ ..... منابع
- ۱۳۰۵ ..... شیخ عبد الوهاب روحی یزدی
- ۱۳۰۵ ..... اشاره
- ۱۳۰۶ ..... منابع

۱۳۰۶ -..... شیخ عبد الهادی قمی «حاج آخوند»

۱۳۰۶ -..... اشاره

۱۳۰۷ -..... فرزندانش:

۱۳۰۷ -..... منابع

۱۳۰۷ -..... شیخ عز الدین نجفی اصفهانی «مسجد شاهی»

۱۳۰۷ -..... اشاره

۱۳۰۸ -..... از آثار قلمی اش:

۱۳۰۸ -..... از آثار قلمی او، جزواتی مختصر به شرح زیر می باشند:

۱۳۰۹ -..... منابع

۱۳۱۰ -..... شیخ عزیز الله علی مرادیان نهاوندی

۱۳۱۰ -..... اشاره

۱۳۱۱ -..... منابع

۱۳۱۲ -..... سید عزیز موسوی اردبیلی

۱۳۱۲ -..... اشاره

۱۳۱۲ -..... تحصیلات

۱۳۱۲ -..... از آثار او

۱۳۱۳ -..... منابع

۱۳۱۳ -..... شیخ عسکری بروجردی

۱۳۱۳ -..... اشاره

۱۳۱۴ -..... بند تخلص

۱۳۱۴ -..... منابع

۱۳۱۴ -..... سید علاء الدین علوی طالقانی

۱۳۱۴ -..... اشاره

۱۳۱۵ -..... از آثار او

۱۳۱۵ -..... منبع

۱۳۱۵ -..... سید علم الهدی کابلی «ملابری»

- ۱۳۱۵ ..... اشاره
- ۱۳۱۶ ..... هجرت به سامرا و نجف اشرف
- ۱۳۱۶ ..... مراجعت به ایران
- ۱۳۱۶ ..... سجایای ایشان
- ۱۳۱۷ ..... آثار او
- ۱۳۱۷ ..... درگذشت
- ۱۳۱۷ ..... منابع
- ۱۳۱۹ ..... شیخ علی اخوان خراسانی
- ۱۳۱۹ ..... اشاره
- ۱۳۱۹ ..... منابع
- ۱۳۲۰ ..... سید علی اشکوری
- ۱۳۲۰ ..... اشاره
- ۱۳۲۱ ..... منابع
- ۱۳۲۲ ..... میرزا علی اصغر اشعری قمی
- ۱۳۲۲ ..... اشاره
- ۱۳۲۲ ..... از آثار قلمی او
- ۱۳۲۳ ..... فرزندانش:
- ۱۳۲۳ ..... منابع
- ۱۳۲۴ ..... سید علی اصغر چاپلی
- ۱۳۲۴ ..... اشاره
- ۱۳۲۵ ..... منابع
- ۱۳۲۵ ..... سید علی اصغر خوئی «صادقی»
- ۱۳۲۵ ..... اشاره
- ۱۳۲۷ ..... از آثار قلمی ایشان:
- ۱۳۲۷ ..... فرزندانش:
- ۱۳۲۷ ..... منابع

- سید علی اصغر دربانی قمی (حاجب التولیه) ..... ۱۳۲۸
- اشاره ..... ۱۳۲۸
- منابع ..... ۱۳۲۸
- شیخ علی اصغر ذکاوتی قراگوزلو «همدانی» ..... ۱۳۲۹
- اشاره ..... ۱۳۲۹
- منابع ..... ۱۳۲۹
- میرزا علی اصغر زیبا قمی ..... ۱۳۲۹
- اشاره ..... ۱۳۲۹
- در طلیعه عزای حضرت امام حسین علیه السلام ..... ۱۳۳۰
- در رثای حضرت امام حسین علیه السلام ..... ۱۳۳۰
- منبع ..... ۱۳۳۲
- شیخ علی اصغر شفیعیان همدانی ..... ۱۳۳۲
- اشاره ..... ۱۳۳۲
- فرزندانش: ..... ۱۳۳۳
- منابع ..... ۱۳۳۳
- شیخ علی اصغر صالحی کرمانی ..... ۱۳۳۳
- اشاره ..... ۱۳۳۳
- [فرزندان] ..... ۱۳۳۵
- منابع ..... ۱۳۳۵
- [از جمله خدمات ایشان]: ..... ۱۳۳۵
- اشاره ..... ۱۳۳۵
- ۱- بازپس گیری مدرسه علمیه معصومیه کرمان ..... ۱۳۳۷
- ۲- تدریس ایشان در حوزه علمیه ..... ۱۳۳۷
- ۳- احیای امور مسجد جامع کرمان ..... ۱۳۳۷
- ۴- تأسیس مدرسه صالحیه کرمان ..... ۱۳۳۸
- سید علی اصغر طباطبائی بروجردی (سلطان العلماء) ..... ۱۳۳۸



- ۱۳۳۸ ..... اشاره
- ۱۳۳۹ ..... فرزندان:ش:
- ۱۳۳۹ ..... سید علی اصغر عارف بروجردی
- ۱۳۳۹ ..... اشاره
- ۱۳۴۰ ..... منبع
- ۱۳۴۰ ..... شیخ علی اصغر فقیهی قزوینی
- ۱۳۴۰ ..... اشاره
- ۱۳۴۱ ..... منبع
- ۱۳۴۱ ..... میرزا علی اصغر وثوق
- ۱۳۴۱ ..... اشاره
- ۱۳۴۲ ..... منبع
- ۱۳۴۲ ..... علی اکبر ارداقی قزوینی
- ۱۳۴۲ ..... اشاره
- ۱۳۴۴ ..... منبع
- ۱۳۴۴ ..... شیخ علی اکبر الهیان تنکابنی
- ۱۳۴۴ ..... اشاره
- ۱۳۴۶ ..... درگذشت
- ۱۳۴۷ ..... منبع
- ۱۳۴۷ ..... میرزا علی اکبر اهری
- ۱۳۴۷ ..... اشاره
- ۱۳۴۷ ..... در حوزه تبریز
- ۱۳۴۸ ..... آثار از بین رفته
- ۱۳۴۸ ..... نقل یک داستان
- ۱۳۴۸ ..... درگذشت و اعقاب
- ۱۳۴۹ ..... فرزندان:ش:
- ۱۳۴۹ ..... منبع

- ۱۳۴۹ ..... سید علی اکبر برقعی قمی
- ۱۳۴۹ ..... اشاره
- ۱۳۵۲ ..... از آثار او
- ۱۳۵۷ ..... سوز هجر
- ۱۳۵۷ ..... فرزندان: .....
- ۱۳۵۷ ..... منابع
- ۱۳۵۹ ..... سید علی اکبر پیشوائی یزدی
- ۱۳۵۹ ..... اشاره
- ۱۳۶۰ ..... فرزندان: .....
- ۱۳۶۰ ..... منابع
- ۱۳۶۰ ..... میرزا علی اکبر تابش اصفهانی
- ۱۳۶۰ ..... اشاره
- ۱۳۶۰ ..... در مدیح حضرت ثامن الائمه علیه السلام گوید
- ۱۳۶۱ ..... منبع
- ۱۳۶۱ ..... شیخ علی اکبر تبریزی «واعظ»
- ۱۳۶۲ ..... اشاره
- ۱۳۶۳ ..... منابع
- ۱۳۶۴ ..... میرزا علی اکبر حکمی یزدی «تجلی»
- ۱۳۶۴ ..... اشاره
- ۱۳۷۰ ..... از آثار قلمی اش
- ۱۳۷۰ ..... منابع
- ۱۳۷۲ ..... شیخ علی اکبر حکیمی یزدی
- ۱۳۷۲ ..... اشاره
- ۱۳۷۲ ..... از آثار قلمی او
- ۱۳۷۲ ..... منابع
- ۱۳۷۳ ..... دکتر علی اکبر سیاسی

- ۱۳۷۳ - اشاره -
- ۱۳۷۴ - از آثار او -
- ۱۳۷۵ - و نمایشنامه های زیر:
- ۱۳۷۵ - منابع -
- ۱۳۷۶ - شیخ علی اکبر صبوری قمی -
- ۱۳۷۶ - اشاره -
- ۱۳۷۷ - از آثار او -
- ۱۳۷۷ - علی اکبر صفاری -
- ۱۳۷۷ - اشاره -
- ۱۳۷۸ - منابع -
- ۱۳۷۸ - شیخ علی اکبر علمی تنکابنی -
- ۱۳۷۸ - اشاره -
- ۱۳۷۸ - منابع -
- ۱۳۷۸ - میرزا علی اکبر عماد تبریزی -
- ۱۳۷۸ - اشاره -
- ۱۳۷۹ - ویژگیهای علمی و اخلاقی -
- ۱۳۷۹ - علی اکبر قمی «فصحی» -
- ۱۳۷۹ - اشاره -
- ۱۳۸۰ - از آثار او -
- ۱۳۸۱ - عشق بحق -
- ۱۳۸۳ - نوروز و بهار -
- ۱۳۸۵ - منابع -
- ۱۳۸۵ - سید علی اکبر گلستانه اصفهانی -
- ۱۳۸۵ - اشاره -
- ۱۳۸۷ - منابع -
- ۱۳۸۷ - میرزا علی اکبر مجتهدی تبریزی -

۱۳۸۷ ..... اشاره

۱۳۸۷ ..... از آثار او

۱۳۸۸ ..... فرزندان: .....

۱۳۸۸ ..... منبع

۱۳۸۸ ..... دکتر علی اکبر مجتهدی تبریزی

۱۳۸۸ ..... اشاره

۱۳۸۸ ..... تحصیلات دانشگاهی .....

۱۳۸۹ ..... از آثار او

۱۳۸۹ ..... منبع

۱۳۸۹ ..... میرزا علی اکبر مظهر همدانی

۱۳۸۹ ..... اشاره

۱۳۹۰ ..... آثار قلمی .....

۱۳۹۱ ..... در کوی دوست

۱۳۹۱ ..... دل خسته

۱۳۹۲ ..... منبع

۱۳۹۲ ..... میرزا علی اکبر ملک زاده آملی

۱۳۹۲ ..... اشاره

۱۳۹۲ ..... منبع

۱۳۹۳ ..... شیخ علی انصاری همدانی

۱۳۹۳ ..... اشاره

۱۳۹۳ ..... از آثار او

۱۳۹۴ ..... منبع

۱۳۹۴ ..... سید علی بدری

۱۳۹۴ ..... سید علی برقی قمی

۱۳۹۴ ..... اشاره

۱۳۹۵ ..... نقل یک مطلب .....

- ۱۳۹۶ ..... حضرت علی اکبر علیه السلام
- ۱۳۹۷ ..... جواب شاه دین آن حضرت را
- ۱۳۹۷ ..... منابع
- ۱۳۹۹ ..... سید علی بطحائی گلپایگانی
- ۱۳۹۹ ..... اشاره
- ۱۳۹۹ ..... از آثار او
- ۱۴۰۰ ..... منابع
- ۱۴۰۰ ..... شیخ علی بوستانی بلتستانی
- ۱۴۰۰ ..... اشاره
- ۱۴۰۰ ..... منابع
- ۱۴۰۱ ..... شیخ علی بیانی گیلانی
- ۱۴۰۱ ..... اشاره
- ۱۴۰۱ ..... مدرس فرزانه
- ۱۴۰۱ ..... منبع
- ۱۴۰۱ ..... سید علی تهجدی ساوه ای
- ۱۴۰۱ ..... اشاره
- ۱۴۰۲ ..... منابع
- ۱۴۰۳ ..... سید علی جزائری شوشتری
- ۱۴۰۳ ..... اشاره
- ۱۴۰۳ ..... در حوزه های تهران و نجف اشرف
- ۱۴۰۳ ..... مراجعت به تهران
- ۱۴۰۳ ..... درگذشت و اعقاب
- ۱۴۰۴ ..... منابع
- ۱۴۰۴ ..... سید علی حسینی قمی «دشتی»
- ۱۴۰۴ ..... اشاره
- ۱۴۰۵ ..... ولادت و رشد

- ۱۴۰۵ ----- مهاجرت به نجف اشرف و قم
- ۱۴۰۵ ----- خدمات اجتماعی
- ۱۴۰۶ ----- درگذشت و اعقاب
- ۱۴۰۶ ----- از آثار او
- ۱۴۰۶ ----- منابع
- ۱۴۰۷ ----- میرزا علی حق نویس قمی
- ۱۴۰۷ ----- اشاره
- ۱۴۰۷ ----- منابع
- ۱۴۰۸ ----- شیخ علی حیدری کاشانی
- ۱۴۰۸ ----- اشاره
- ۱۴۰۹ ----- منبع
- ۱۴۱۱ ----- شیخ علی خوانساری «متفقی»
- ۱۴۱۱ ----- اشاره
- ۱۴۱۲ ----- فرزنداناش:
- ۱۴۱۲ ----- منبع
- ۱۴۱۲ ----- سید علی دعوتی همدانی «داعی»
- ۱۴۱۲ ----- اشاره
- ۱۴۱۳ ----- تألیفات او عبارت است از:
- ۱۴۱۵ ----- تألیفات مؤلف:
- ۱۴۱۵ ----- مصاحبه با استاد دعوتی
- ۱۴۱۸ ----- سید علیرضا سعیدی یزدی «ریحان»
- ۱۴۱۸ ----- اشاره
- ۱۴۲۰ ----- از آثار قلمی اش
- ۱۴۲۱ ----- نمونه اول:
- ۱۴۲۲ ----- نمونه دوم:
- ۱۴۲۲ ----- منابع

- ۱۴۲۴ ..... علیرضا کاشفی قمی
- ۱۴۲۴ ..... اشاره
- ۱۴۲۴ ..... خرابه شام
- ۱۴۲۶ ..... منبع
- ۱۴۲۷ ..... سید علی رضا مدرسی یزدی
- ۱۴۲۷ ..... اشاره
- ۱۴۲۸ ..... فرزندان:ش
- ۱۴۲۸ ..... منبع
- ۱۴۲۸ ..... علیرضا هدایتی قمی «خاموش»
- ۱۴۲۸ ..... اشاره
- ۱۴۳۰ ..... منبع
- ۱۴۳۰ ..... سید علی رضوی قمی «قدرت»
- ۱۴۳۰ ..... اشاره
- ۱۴۳۶ ..... منبع
- ۱۴۳۶ ..... میرزا علی روحانی نجف آبادی
- ۱۴۳۷ ..... اشاره
- ۱۴۳۸ ..... از آثار او:
- ۱۴۴۱ ..... منبع
- ۱۴۴۲ ..... میرزا علی رهامی زنجانی
- ۱۴۴۲ ..... سید علی سید صدر دزفولی
- ۱۴۴۲ ..... اشاره
- ۱۴۴۳ ..... تحصیلات عالی
- ۱۴۴۳ ..... اقامت در اهواز
- ۱۴۴۳ ..... هجرت به تهران
- ۱۴۴۴ ..... درگذشت و اعقاب
- ۱۴۴۴ ..... فرزندان:ش

- ۱۴۴۴ - منبع
- ۱۴۴۴ - سید علی شاه چراغی نهاوندی
- ۱۴۴۴ - اشاره
- ۱۴۴۵ - فرزندان ایشان عبارتند از:
- ۱۴۴۵ - منبع
- ۱۴۴۵ - سید علی شمس الدینی قمی «پویان»
- ۱۴۴۵ - اشاره
- ۱۴۴۶ - منبع
- ۱۴۴۸ - شیخ علی شمس گیلانی «حاج اعتماد»
- ۱۴۴۸ - اشاره
- ۱۴۴۹ - مسافرت به شهرها
- ۱۴۵۱ - تألیفات:
- ۱۴۵۱ - منبع
- ۱۴۵۱ - میرزا علی شیرازی «صفهانی»
- ۱۴۵۱ - اشاره
- ۱۴۵۴ - از آثار قلمی اش
- ۱۴۵۴ - منبع
- ۱۴۵۵ - شیخ علی صفائی حائری «قمی»
- ۱۴۵۵ - اشاره
- ۱۴۵۵ - [آثار]
- ۱۴۵۵ - الف) آثار چاپی:
- ۱۴۵۷ - ب) کتابهای غیر چاپی اش عبارتند از:
- ۱۴۵۸ - درگذشت
- ۱۴۵۸ - علی عارفی قمی
- ۱۴۵۸ - اشاره
- ۱۴۵۹ - مصباح الهدی



- ۱۴۵۹ - منابع
- ۱۴۶۰ - شیخ علی عاملی «علیکم السلام»
- ۱۴۶۰ - اشاره
- ۱۴۶۰ - تحصیلات عالی
- ۱۴۶۱ - منابع
- ۱۴۶۱ - سید علی علامه فانی اصفهانی
- ۱۴۶۱ - اشاره
- ۱۴۶۴ - کتب چاپ شده
- ۱۴۶۶ - کتب چاپ نشده
- ۱۴۶۸ - منابع
- ۱۴۷۰ - شیخ علی علم الهدی فومنی
- ۱۴۷۰ - اشاره
- ۱۴۷۰ - منبع
- ۱۴۷۰ - شیخ علی علما کرمانشاهی دامغانی «واعظ»
- ۱۴۷۰ - اشاره
- ۱۴۷۱ - از آثار او:
- ۱۴۷۱ - سید علی علوی قزوینی
- ۱۴۷۱ - اشاره
- ۱۴۷۲ - منابع
- ۱۴۷۲ - سید علی علوی قزوینی «آقا بزرگ»
- ۱۴۷۲ - اشاره
- ۱۴۷۵ - منابع
- ۱۴۷۵ - سید علی علوی کاظمی
- ۱۴۷۵ - اشاره
- ۱۴۷۵ - تحصیل در کاظمین و نجف اشرف
- ۱۴۷۶ - مهاجرت به قم

- از آثار او ..... ۱۴۷۶
- درگذشت و اعقاب ..... ۱۴۷۸
- فرزندانش: ..... ۱۴۷۸
- میرزا علی غروی علیاری ..... ۱۴۷۹
- اشاره ..... ۱۴۷۹
- ولادت و خاندان ..... ۱۴۸۰
- از تألیفات او ..... ۱۴۸۲
- عزیمت به نجف اشرف ..... ۱۴۸۳
- موقعیت علمی ..... ۱۴۸۴
- اخلاق و فضائل انسانی معظم له ..... ۱۴۸۸
- در کتابها و تذکره ها ..... ۱۴۸۸
- تألیفات ..... ۱۴۹۱
- شیخ علی قاضی زاهدی گلپایگانی ..... ۱۴۹۸
- اشاره ..... ۱۴۹۸
- آثار قلمی او ..... ۱۴۹۹
- فرزندانش: ..... ۱۵۰۱
- میرزا علی قاضی طباطبائی «تبریزی» ..... ۱۵۰۱
- اشاره ..... ۱۵۰۱
- فرزندانش: ..... ۱۵۰۱
- از آثار او: ..... ۱۵۰۱
- منابع ..... ۱۵۰۱
- شیخ علی قدوسی نهبانندی ..... ۱۵۰۳
- اشاره ..... ۱۵۰۳
- از آثار او ..... ۱۵۰۴
- شیخ علی قدیری اصفهانی ..... ۱۵۰۵
- اشاره ..... ۱۵۰۵

از آثار او ..... ۱۵۰۵

منابع ..... ۱۵۰۵

میرزا علی قلی شهیدی خوئی ..... ۱۵۰۶

اشاره ..... ۱۵۰۶

منبع ..... ۱۵۰۶

شیخ علی قمی (پایین شهری) ..... ۱۵۰۶

اشاره ..... ۱۵۰۶

منابع ..... ۱۵۰۷

شیخ علی قمی تهرانی ..... ۱۵۰۷

اشاره ..... ۱۵۰۷

منبع ..... ۱۵۰۷

شیخ علی قوانینی بروجردی ..... ۱۵۰۸

اشاره ..... ۱۵۰۸

فرزندانش: ..... ۱۵۰۸

شیخ علی کاشانی «فریده الاسلام» ..... ۱۵۰۹

اشاره ..... ۱۵۰۹

از آثار او ..... ۱۵۰۹

منابع ..... ۱۵۱۰

میرزا علی کفائی خراسانی ..... ۱۵۱۰

اشاره ..... ۱۵۱۰

زندگی ..... ۱۵۱۲

دکتر علی کنی تهرانی ..... ۱۵۱۲

اشاره ..... ۱۵۱۲

تحصیلات دانشگاهی ..... ۱۵۱۳

از آثار او ..... ۱۵۱۳

منابع ..... ۱۵۱۳

- ۱۵۱۴ ..... سید علی کوه کمری تبریزی
- ۱۵۱۴ ..... اشاره
- ۱۵۱۴ ..... تحصیلات در حوزه نجف اشرف
- ۱۵۱۴ ..... مراجعت به تبریز
- ۱۵۱۴ ..... از آثار او
- ۱۵۱۵ ..... منابع
- ۱۵۱۵ ..... شیخ علی گنبدی «لطیفی»
- ۱۵۱۵ ..... اشاره
- ۱۵۱۶ ..... تحصیلات علمی
- ۱۵۱۷ ..... از آثار ایشان:
- ۱۵۱۷ ..... فرزندان:
- ۱۵۱۸ ..... منابع
- ۱۵۱۸ ..... شیخ علی لاهیجی حائری
- ۱۵۱۸ ..... اشاره
- ۱۵۱۸ ..... تحصیل در کربلای معلی
- ۱۵۱۸ ..... آثار قلمی او
- ۱۵۱۹ ..... درگذشت
- ۱۵۱۹ ..... منابع
- ۱۵۱۹ ..... شیخ علی محدث زاده قمی
- ۱۵۱۹ ..... اشاره
- ۱۵۲۰ ..... از آثار او
- ۱۵۲۱ ..... فرزندان:
- ۱۵۲۱ ..... منابع
- ۱۵۲۱ ..... شیخ علی محمد خرم آبادی «بروجردی»
- ۱۵۲۱ ..... اشاره
- ۱۵۲۲ ..... فرزندان:

- ۱۵۲۲ - منبع -
- ۱۵۲۲ - سید علی محمد مجد قزوینی -
- ۱۵۲۲ - اشاره -
- ۱۵۲۳ - منبع -
- ۱۵۲۳ - شیخ علی محمد موحد قمی -
- ۱۵۲۳ - اشاره -
- ۱۵۲۴ - منبع -
- ۱۵۲۴ - علی مخصوص «کاتب الخاقان» -
- ۱۵۲۴ - اشاره -
- ۱۵۲۴ - از آثار او -
- ۱۵۲۵ - منبع -
- ۱۵۲۵ - علی منظوری حقیقی تفرشی -
- ۱۵۲۵ - اشاره -
- ۱۵۲۶ - آثاری که به خط او یادگار مانده، از این قرار است: -
- ۱۵۲۷ - منبع -
- ۱۵۲۷ - سید علی مولانا تبریزی -
- ۱۵۲۷ - اشاره -
- ۱۵۲۹ - تألیفات -
- ۱۵۳۰ - وفات -
- ۱۵۳۱ - عشق به خدا و قرآن -
- ۱۵۳۱ - فرزندان: -
- ۱۵۳۲ - سید علی مهدوی قائینی -
- ۱۵۳۲ - اشاره -
- ۱۵۳۳ - فرزندان: -
- ۱۵۳۳ - منبع -
- ۱۵۳۳ - شیخ علی میرزا جاپلقی -

۱۵۳۳ -..... اشاره

۱۵۳۴ -..... منبع

۱۵۳۴ -..... میرزا علی ناسوتی یزدی

۱۵۳۴ -..... اشاره

۱۵۳۵ -..... منبع

۱۵۳۵ -..... شیخ علی نحوی رامسری

۱۵۳۵ -..... اشاره

۱۵۳۶ -..... فرزندانیش:

۱۵۳۶ -..... منبع

۱۵۳۶ -..... میرزا علی نور محمّدی تهرانی

۱۵۳۶ -..... اشاره

۱۵۳۷ -..... منبع

۱۵۳۷ -..... میرزا علی هاشمی سنجانی «راکی»

۱۵۳۸ -..... میرزا علی هسته ای اصفهانی «واعظ»

۱۵۳۸ -..... اشاره

۱۵۳۸ -..... تحصیل و سخنوری

۱۵۳۹ -..... از آثار او

۱۵۳۹ -..... درگذشت و اعقاب

۱۵۴۰ -..... منبع

۱۵۴۰ -..... عماد الدّین دولتشاهی «کرمانشاهی»

۱۵۴۰ -..... اشاره

۱۵۴۰ -..... از آثار او

۱۵۴۰ -..... منبع

۱۵۴۱ -..... شیخ عیسی خوشنویس حائری

۱۵۴۱ -..... شیخ عیسی لواسانی تهرانی

۱۵۴۱ -..... اشاره

مراجعت به تهران - ۱۵۴۲ -

از آثار او - ۱۵۴۲ -

درگذشت و اعقاب - ۱۵۴۲ -

فرزندانش: - ۱۵۴۳ -

منابع - ۱۵۴۳ -

غ - ۱۵۴۴ -

شیخ غلامحسن صالحی کشمیری - ۱۵۴۴ -

اشاره - ۱۵۴۴ -

منابع - ۱۵۴۵ -

شیخ غلامحسین آل آقا کرمانشاهی «معتد العلماء» - ۱۵۴۵ -

اشاره - ۱۵۴۵ -

از آثار او: - ۱۵۴۶ -

منابع - ۱۵۴۶ -

غلامحسین احتشامی خوئی - ۱۵۴۶ -

اشاره - ۱۵۴۶ -

منابع - ۱۵۴۷ -

شیخ غلامحسین جعفری همدانی - ۱۵۴۷ -

اشاره - ۱۵۴۷ -

منابع - ۱۵۴۹ -

شیخ غلامحسین دارابی «شرعی» - ۱۵۴۹ -

اشاره - ۱۵۴۹ -

منابع - ۱۵۴۹ -

شیخ غلامحسین عابدی قمی - ۱۵۵۰ -

اشاره - ۱۵۵۰ -

از آثار او: - ۱۵۵۰ -

منابع - ۱۵۵۰ -

۱۵۵۱ ..... غلامحسین غفاری «صاحب اختیار»

۱۵۵۱ ..... اشاره

۱۵۵۱ ..... در دربار ناصری

۱۵۵۱ ..... در وزارتخانه ها

۱۵۵۱ ..... درگذشت و اعقاب

۱۵۵۲ ..... فرزندانش:

۱۵۵۲ ..... منابع

۱۵۵۲ ..... شیخ غلامرضا بلاغی بلخی

۱۵۵۲ ..... اشاره

۱۵۵۳ ..... از آثار او:

۱۵۵۳ ..... منابع

۱۵۵۳ ..... شیخ غلامرضا خوانساری «معلم»

۱۵۵۳ ..... اشاره

۱۵۵۴ ..... از آثار او

۱۵۵۴ ..... درگذشت

۱۵۵۴ ..... منابع

۱۵۵۴ ..... سید غلامرضا سعیدی بیرجندی

۱۵۵۴ ..... اشاره

۱۵۵۸ ..... آثار قلمی استاد

۱۵۶۲ ..... شیخ غلامرضا قمی «حاج آخوند»

۱۵۶۲ ..... اشاره

۱۵۶۲ ..... هجرت به نجف اشرف

۱۵۶۲ ..... از آثار او

۱۵۶۳ ..... درگذشت و اعقاب

۱۵۶۳ ..... فرزندانش:

۱۵۶۳ ..... منابع



سید غلامرضا کسائی تبریزی ..... ۱۵۶۳

اشاره ..... ۱۵۶۳

منابع ..... ۱۵۶۵

شیخ غلامرضا گل سرخی کاشانی ..... ۱۵۶۵

اشاره ..... ۱۵۶۵

تحول روحی و تغییر مسیر زندگی ..... ۱۵۶۶

منابع ..... ۱۵۶۹

شیخ غلامرضا مطهری نجف آبادی ..... ۱۵۶۹

اشاره ..... ۱۵۶۹

از آثار قلمی او ..... ۱۵۷۰

منابع ..... ۱۵۷۰

سید غلامرضا واعظی قائینی ..... ۱۵۷۰

اشاره ..... ۱۵۷۰

از آثار او ..... ۱۵۷۱

خاطرات ..... ۱۵۷۲

شیخ غلامعلی روحیان بهبهانی ..... ۱۵۷۲

دکتر غلامعلی شیخ نیا «راکی» ..... ۱۵۷۳

اشاره ..... ۱۵۷۳

تحصیلات دانشگاهی ..... ۱۵۷۳

از آثار او ..... ۱۵۷۳

منابع ..... ۱۵۷۴

شیخ غلامعلی کماری تبریزی ..... ۱۵۷۴

اشاره ..... ۱۵۷۴

از آثار او: ..... ۱۵۷۴

ف ..... ۱۵۷۵

سید فاخر موسوی آبادانی ..... ۱۵۷۵

- ۱۵۷۵ - اشاره -
- ۱۵۷۶ - خاطرات -
- ۱۵۷۷ - شیخ فاضل لنکرانی «فقحاری» -
- ۱۵۷۷ - اشاره -
- ۱۵۷۸ - فرزندان: -
- ۱۵۷۸ - منابع -
- ۱۵۷۹ - خانم فاطمه امامی زنجانی -
- ۱۵۷۹ - اشاره -
- ۱۵۷۹ - از آثار او: -
- ۱۵۷۹ - نصیحت -
- ۱۵۷۹ - اندرز به بانوان -
- ۱۵۸۰ - فرزندان ایشان: -
- ۱۵۸۰ - منابع -
- ۱۵۸۰ - میرزا فتح الله تقهالاسلام تبریزی -
- ۱۵۸۱ - شیخ فتح الله شهیدی قزوینی -
- ۱۵۸۱ - اشاره -
- ۱۵۸۲ - از آثار او: -
- ۱۵۸۲ - منابع -
- ۱۵۸۲ - سید فخر الأعلام آیت اللهی شیرازی -
- ۱۵۸۲ - اشاره -
- ۱۵۸۳ - منابع -
- ۱۵۸۳ - سید فخر الدین فیض دزفولی -
- ۱۵۸۳ - اشاره -
- ۱۵۸۶ - فرزندان: -
- ۱۵۸۶ - منابع -
- ۱۵۸۶ - سید فخر الدین قمی «سیدی» -

۱۵۸۶ - اشاره -

۱۵۸۷ - نقل یک داستان -

۱۵۸۸ - از آثار او: -

۱۵۸۸ - فرزندان: -

۱۵۸۸ - منابع -

۱۵۸۹ - شیخ فخر الدین محسنی بروجردی -

۱۵۸۹ - اشاره -

۱۵۸۹ - منبع -

۱۵۸۹ - میرزا فخر الدین نراقی کاشانی -

۱۵۸۹ - اشاره -

۱۵۹۱ - از آثار او -

۱۵۹۱ - منابع -

۱۵۹۱ - شیخ فرج الله کاظمی «هرسینی» -

۱۵۹۱ - اشاره -

۱۵۹۳ - منابع -

۱۵۹۳ - فضل الله آرتا -

۱۵۹۳ - اشاره -

۱۵۹۳ - منبع -

۱۵۹۳ - سید فضل الله خوانساری -

۱۵۹۳ - اشاره -

۱۵۹۵ - منابع -

۱۵۹۶ - میرزا فضل الله زنجانی «شیخ الاسلام» -

۱۵۹۶ - اشاره -

۱۵۹۷ - از آثار او -

۱۵۹۸ - منابع -

۱۵۹۹ - شیخ فضل الله محلاتی -

۱۵۹۹ - اشاره -

۱۵۹۹ - سوابق مبارزاتی -

۱۶۰۰ - شیخ فضل الله ناصری الیگودرزی -

۱۶۰۰ - اشاره -

۱۶۰۰ - منبع -

۱۶۰۱ - شیخ فضل الله نوری -

۱۶۰۱ - اشاره -

۱۶۰۳ - شیخ فضل الله و مشروطیت -

۱۶۰۴ - غسل دادن شهید نوری -

۱۶۰۵ - پس از هیجده ماه -

۱۶۰۷ - فرزندانیش: -

۱۶۰۷ - منبع -

۱۶۰۸ - سید فضل الله هاشمی طالخونچه ای -

۱۶۰۹ - شیخ فضل علی قزوینی -

۱۶۰۹ - اشاره -

۱۶۱۱ - آثار باقیه ایشان: -

۱۶۱۲ - فرزندانیش -

۱۶۱۲ - منبع -

۱۶۱۲ - فیض الله سعادت کرمانشاهی -

۱۶۱۲ - اشاره -

۱۶۱۲ - خدمات مطبوعاتی -

۱۶۱۳ - منبع -

۱۶۱۵ - ق -

۱۶۱۵ - شیخ قاسم اسلامی -

۱۶۱۵ - اشاره -

۱۶۱۶ - از آثار او -

۱۶۲۰ - منابع -

۱۶۲۰ - شیخ قدرت الله وجدانی فخر سرابی -

۱۶۲۰ - اشاره -

۱۶۲۳ - منبع -

۱۶۲۳ - شیخ قربانعلی ذو القدر زنجانی -

۱۶۲۳ - اشاره -

۱۶۲۴ - منابع -

۱۶۲۴ - شیخ قنبر علی توسلی مازندرانی -

۱۶۲۴ - اشاره -

۱۶۲۵ - منبع -

۱۶۲۵ - شیخ قوام اسلامی جاسبی -

۱۶۲۵ - اشاره -

۱۶۲۶ - از آثار او -

۱۶۲۶ - منابع -

۱۶۲۷ - سید قوام الدین موسوی زنجانی -

۱۶۲۷ - اشاره -

۱۶۲۷ - منابع -

۱۶۲۸ - شیخ قوام الدین وشنوه ای قمی -

۱۶۲۸ - اشاره -

۱۶۲۹ - از آثار او -

۱۶۳۲ - منابع -

۱۶۳۴ - ک -

۱۶۳۴ - میرزا کاظم تبریزی -

۱۶۳۴ - اشاره -

۱۶۳۷ - منابع -

۱۶۳۷ - شیخ کاظم زین العابدین -

- ۱۶۳۷ - اشاره -
- ۱۶۳۸ - فرزندانش: -
- ۱۶۳۸ - منبع -
- ۱۶۳۸ - میرزا کاظم شبستری -
- ۱۶۳۸ - اشاره -
- ۱۶۴۰ - اجازات علمی -
- ۱۶۴۰ - مرحوم آیت الله نائینی -
- ۱۶۴۱ - شطری از اجازه مرحوم حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی -
- ۱۶۴۱ - مرحوم آقا سید محمد فیروزآبادی -
- ۱۶۴۲ - حاج شیخ عبد الکریم حائری، این اجازه را به این عبارت امضاء فرموده -
- ۱۶۴۲ - مرحوم خیابانی در علماء معاصرین ایشان را چنین می ستاید: -
- ۱۶۴۳ - فرزندانش: -
- ۱۶۴۳ - منبع -
- ۱۶۴۳ - سید کاظم شریعتمداری -
- ۱۶۴۳ - اشاره -
- ۱۶۴۶ - از آثار او -
- ۱۶۴۸ - فرزندانش: -
- ۱۶۴۸ - منبع -
- ۱۶۴۹ - شیخ کاظم فائق تهرانی -
- ۱۶۴۹ - اشاره -
- ۱۶۴۹ - منبع -
- ۱۶۵۰ - میرزا کاظم قاضی طباطبائی «تبریزی» -
- ۱۶۵۰ - کاظم کریمی اراکی «کربلای کاظم» -
- ۱۶۵۰ - اشاره -
- ۱۶۵۱ - اظهار نظر گروهی از علما درباره کربلای کاظم -
- ۱۶۵۱ - آیت الله میلانی -

آیت الله بروجردی - ۱۶۵۲

آیت الله صدر - ۱۶۵۲

آیت الله حجّت کوه کمری - ۱۶۵۳

سید کاظم گلپایگانی «کوشا» - ۱۶۵۳

اشاره - ۱۶۵۳

منابع - ۱۶۵۴

شیخ کاظم ناصح یزدی - ۱۶۵۵

اشاره - ۱۶۵۵

منابع - ۱۶۵۵

کامران میرزا نایب السلطنه قاجار - ۱۶۵۵

اشاره - ۱۶۵۵

فرزندانش: - ۱۶۵۶

منابع - ۱۶۵۶

کریم بوزرجمهر - ۱۶۵۶

اشاره - ۱۶۵۶

منابع - ۱۶۵۶

سید کمال الدین مرتضوی اصفهانی - ۱۶۵۷

اشاره - ۱۶۵۷

منابع - ۱۶۵۷

سید کمال الدین موسوی شیرازی - ۱۶۵۷

اشاره - ۱۶۵۷

از آثار او - ۱۶۵۹

فرزندانش: - ۱۶۶۰

ل - ۱۶۶۲

میرزا لطف علی شریفی زنوزی - ۱۶۶۲

اشاره - ۱۶۶۲

- ۱۶۶۳ ..... منبع
- ۱۶۶۳ ..... شیخ لطف علی محقق اردبیلی
- ۱۶۶۳ ..... اشاره
- ۱۶۶۴ ..... از آثار او
- ۱۶۶۵ ..... منبع
- ۱۶۷۰ ..... جلد سوم
- ۱۶۷۰ ..... اهداء
- ۱۶۷۲ ..... فهرست
- ۱۶۹۵ ..... [ادامه بخش سوم(فرزندگان مدفون در سرزمین قم)]
- ۱۶۹۵ ..... م
- ۱۶۹۵ ..... سید مبین و فسی اراکی «همدانی»
- ۱۶۹۵ ..... اشاره
- ۱۶۹۵ ..... از آثار او
- ۱۶۹۶ ..... شیخ مجتبی لنگرانی
- ۱۶۹۶ ..... اشاره
- ۱۶۹۷ ..... از آثار او
- ۱۶۹۸ ..... سید مجتبی نواب صفوی
- ۱۶۹۸ ..... اشاره
- ۱۷۰۰ ..... راهی نجف
- ۱۷۰۴ ..... از آثار قلمی او
- ۱۷۰۵ ..... سید محسن حجت کوه کمری
- ۱۷۰۵ ..... اشاره
- ۱۷۰۶ ..... از جمله آثار قلمی اش
- ۱۷۰۷ ..... سید محسن سریزدی «حاج میرزائی»
- ۱۷۰۷ ..... اشاره
- ۱۷۰۹ ..... فرزندانش:



- ۱۷۰۹ ..... میرزا محسن شریانی تبریزی
- ۱۷۱۰ ..... شیخ محسن طاهری قمی
- ۱۷۱۰ ..... اشاره
- ۱۷۱۱ ..... هجرت به ورامین
- ۱۷۱۱ ..... میرزا محسن مشکینی
- ۱۷۱۱ ..... اشاره
- ۱۷۱۲ ..... از آثار او
- ۱۷۱۲ ..... سید محسن میرغفاری آذرشهری
- ۱۷۱۲ ..... اشاره
- ۱۷۱۴ ..... حوزه علمیه آذرشهر در عصر ایشان
- ۱۷۱۵ ..... مجالس علمی ایشان
- ۱۷۱۵ ..... خدمات عمرانی آن مرحوم
- ۱۷۱۷ ..... آخرین بازگشت به تبریز
- ۱۷۱۷ ..... حافظه نیرومند
- ۱۷۱۸ ..... آثار قلمی او:
- ۱۷۱۸ ..... ارتحال ایشان
- ۱۷۱۹ ..... فرزندان:
- ۱۷۱۹ ..... شیخ محمد آل آفاکرمانشاهی
- ۱۷۲۰ ..... شیخ محمد آل آفاکرمانشاهی
- ۱۷۲۱ ..... سید محمد آل رسول شمس آبادی
- ۱۷۲۱ ..... اشاره
- ۱۷۲۱ ..... در حوزه اصفهان
- ۱۷۲۲ ..... درگذشت و اعقاب
- ۱۷۲۲ ..... دکتر محمد ابراهیم آیتی بیرجندی
- ۱۷۲۲ ..... اشاره
- ۱۷۲۳ ..... از آثار او

- ۱۷۲۵ ..... شیخ محمد ابراهیم ساوه ای
- ۱۷۲۶ ..... شیخ محمد ابراهیم صاحب الزمانی «خراسانی»
- ۱۷۲۸ ..... شیخ محمد ابراهیم مقدس رشتی
- ۱۷۲۸ ..... شیخ محمد ابن جلال «محلّاتی»
- ۱۷۲۹ ..... شیخ محمد ابن الشیخ قمی
- ۱۷۳۰ ..... شیخ محمد احمدی فیروز جاهی مازندرانی
- ۱۷۳۳ ..... سید محمد استرآبادی
- ۱۷۳۳ ..... اشاره
- ۱۷۳۴ ..... از آثار او:
- ۱۷۳۴ ..... شیخ محمد اسماعیل اعلائی ساوه ای
- ۱۷۳۴ ..... اشاره
- ۱۷۳۵ ..... در حوزه علمیّه قم
- ۱۷۳۵ ..... درگذشت
- ۱۷۳۵ ..... محمد اسماعیل بزّاز همدانی
- ۱۷۳۷ ..... شیخ محمد اسماعیل جابلقی «صادقی»
- ۱۷۳۷ ..... اشاره
- ۱۷۳۹ ..... از آثار قلمی ایشان:
- ۱۷۴۰ ..... فرزندان: .....
- ۱۷۴۰ ..... شیخ محمد اعتضاد رازانی گزوسی
- ۱۷۴۰ ..... اشاره
- ۱۷۴۱ ..... فرزندان: .....
- ۱۷۴۱ ..... سید محمد امامی الیگودری
- ۱۷۴۱ ..... اشاره
- ۱۷۴۲ ..... فرزندان: .....
- ۱۷۴۲ ..... محمد «میر امنع» یار احمدی بروجردی
- ۱۷۴۳ ..... شیخ محمد باغدرفی خوئی

- ۱۷۴۳ ..... اشاره
- ۱۷۴۳ ..... از آثار او
- ۱۷۴۴ ..... فرزندانش:
- ۱۷۴۴ ..... سید محمد باقر اشکوری معصومی
- ۱۷۴۵ ..... سید محمد باقر امام جمعه مازندرانی
- ۱۷۴۶ ..... محمد باقر تنگستانی
- ۱۷۴۷ ..... سید محمد باقر رضوی همدانی
- ۱۷۴۷ ..... اشاره
- ۱۷۴۸ ..... از آثار او:
- ۱۷۴۸ ..... شیخ محمد باقر زرنندی ساوه ای
- ۱۷۴۹ ..... شیخ محمد باقر شریعتی دهقانی
- ۱۷۴۹ ..... اشاره
- ۱۷۵۰ ..... از آثار او
- ۱۷۵۰ ..... سید محمد باقر شهیدی گلپایگانی
- ۱۷۵۰ ..... اشاره
- ۱۷۵۱ ..... از آثار او:
- ۱۷۵۲ ..... سید محمد باقر قزوینی
- ۱۷۵۲ ..... اشاره
- ۱۷۵۴ ..... عبادت در آخر شب
- ۱۷۵۵ ..... شیخ محمد باقر گلپایگانی «مامی»
- ۱۷۵۵ ..... شیخ محمد باقر محسنی ملایری
- ۱۷۵۸ ..... شیخ محمد باقر ملکی میانجی
- ۱۷۵۸ ..... اشاره
- ۱۷۵۸ ..... تولد
- ۱۷۵۹ ..... تحصیلات
- ۱۷۶۲ ..... بازگشت به وطن

- ارتباط با استاد ..... ۱۷۶۴
- ایفای نقش ماندگار ..... ۱۷۶۴
- ترویج احکام اسلامی و اجرای عدالت ..... ۱۷۶۵
- هجرت به قم ..... ۱۷۶۷
- متن شعر ..... ۱۷۶۷
- ترجمه شعر ..... ۱۷۶۸
- اندیشه های علمی ..... ۱۷۶۹
- موقعیت بارز حوزوی ..... ۱۷۷۰
- تربیت شاگردان ..... ۱۷۷۱
- ویژگیهای اخلاقی ..... ۱۷۷۱
- ۱- انس با قرآن ..... ۱۷۷۱
- ۲- اهتمام به دعا و عبادت ..... ۱۷۷۲
- ۳- عشق به اهل بیت علیهم السلام ..... ۱۷۷۲
- نامه به خدمت امام رضا علیه السلام ..... ۱۷۷۳
- درخواست منزل از حضرت معصومه علیها السلام ..... ۱۷۷۳
- یاری ائمه علیهم السلام ..... ۱۷۷۳
- تشرّف به خانه خدا در جستجوی گمشده خود ..... ۱۷۷۴
- ۴- عزّت نفس و بزرگ منشی ..... ۱۷۷۵
- ۵- مراعات تقوا ..... ۱۷۷۶
- ۶- تلاش و نظم ..... ۱۷۷۶
- ۷- احترام به مردم ..... ۱۷۷۶
- ۸- مبارزه با خرافات و عوام زدگی ..... ۱۷۷۶
- ۹- مبارزه با سنتهای ناپسند ..... ۱۷۷۷
- ۱۰- ظلم ستیزی و مبارزه با فساد ..... ۱۷۷۸
- ۱۱- پایبندی به قانون ..... ۱۷۷۸
- ۱۲- مدیریت شایسته ..... ۱۷۷۹

- ۱۷۷۹ ..... خدمات مذهبی، فرهنگی و عمرانی
- ۱۷۷۹ ..... اشاره
- ۱۷۸۰ ..... ۱- رسیدگی به فقرا و مستمندان
- ۱۷۸۰ ..... ۲- احیا چند رشته قنات و چشمه
- ۱۷۸۰ ..... ۳- تعمیر اساسی مسجد ترک
- ۱۷۸۰ ..... ۴- تأسیس کتابخانه
- ۱۷۸۱ ..... ۵- احداث دانشسرا
- ۱۷۸۱ ..... ۶- کمک و اقدام به کارهای خیر و عام المنفعه
- ۱۷۸۱ ..... تألیفات و آثار علمی
- ۱۷۸۳ ..... رحلت
- ۱۷۸۴ ..... وصیت نامه
- ۱۷۸۴ ..... سید محمد باقر مولوی عربشاهی «سبزواری»
- ۱۷۸۴ ..... اشاره
- ۱۷۸۵ ..... از آثار قلمی او
- ۱۷۸۶ ..... سید محمد بحر العلوم قزوینی
- ۱۷۸۶ ..... اشاره
- ۱۷۸۶ ..... از آثار او:
- ۱۷۸۸ ..... سید محمد برقی قمی
- ۱۷۸۸ ..... اشاره
- ۱۷۸۸ ..... از آثار او
- ۱۷۸۹ ..... محمد تحصیلی شمیرانی «خیاط»
- ۱۷۸۹ ..... اشاره
- ۱۷۸۹ ..... سنجش شخصیت
- ۱۷۹۰ ..... خدمات اجتماعی
- ۱۷۹۲ ..... یک اثر جاودانی ادبی
- ۱۷۹۲ ..... الهم غیبی

- آخرین شعله های حیات ..... ۱۷۹۳
- حضرت عباس علیه السلام ..... ۱۷۹۴
- شیخ محمد تقی اشراقی قمی ..... ۱۷۹۶
- اشاره ..... ۱۷۹۶
- از تألیفات ایشان ..... ۱۷۹۶
- داستان درگذشت ..... ۱۷۹۷
- میرزا محمد تقی اشعری قمی ..... ۱۷۹۸
- شیخ محمد تقی بافقی یزدی ..... ۱۸۰۰
- اشاره ..... ۱۸۰۰
- مجاهدتهای بافقی ..... ۱۸۰۱
- امر به معروف ..... ۱۸۰۱
- محمد تقی بیگ قمی «ارباب» ..... ۱۸۰۳
- اشاره ..... ۱۸۰۳
- از آثار او ..... ۱۸۱۰
- در ستایش حضرت حسین علیه السلام ..... ۱۸۱۰
- شیخ محمد تقی تاج الدین حائری ..... ۱۸۱۱
- اشاره ..... ۱۸۱۱
- از آثار او ..... ۱۸۱۱
- سید محمد تقی نقهالاسلام بروجردی ..... ۱۸۱۱
- شیخ محمد تقی جهانگیری ارستانی ..... ۱۸۱۲
- سید محمد تقی خوانساری ..... ۱۸۱۳
- اشاره ..... ۱۸۱۳
- حضور در صحنه نبرد ..... ۱۸۱۴
- وجه استخلاص ..... ۱۸۱۵
- شرکت در تأسیس حوزه علمیه قم ..... ۱۸۱۶
- اقامه نماز جمعه ..... ۱۸۱۶

- ۱۸۱۶ ..... اقامه نماز استسقا
- ۱۸۱۷ ..... از آثار او
- ۱۸۱۷ ..... کسالت و درگذشت
- ۱۸۱۸ ..... فرزندان: .....
- ۱۸۱۹ ..... سید محمد تقی رودباری گیلانی
- ۱۸۱۹ ..... اشاره
- ۱۸۲۱ ..... در حوزه نجف اشرف
- ۱۸۲۱ ..... سجایای اخلاقی
- ۱۸۲۱ ..... از آثار او
- ۱۸۲۲ ..... درگذشت و اعقاب
- ۱۸۲۳ ..... سید محمد تقی سادات گوشه دزفولی
- ۱۸۲۳ ..... اشاره
- ۱۸۲۳ ..... درگذشت و اعقاب
- ۱۸۲۳ ..... فرزندان: .....
- ۱۸۲۴ ..... میرزا محمد تقی سبط شیرازی
- ۱۸۲۴ ..... اشاره
- ۱۸۲۵ ..... از آثار او
- ۱۸۲۵ ..... شیخ محمد تقی ستوده اراکی
- ۱۸۲۵ ..... اشاره
- ۱۸۲۷ ..... آغاز به تحصیل
- ۱۸۲۷ ..... هجرت به قم
- ۱۸۲۸ ..... تدریس
- ۱۸۳۰ ..... همکاری در جامع احادیث الشیعه
- ۱۸۳۱ ..... خاطرات استاد
- ۱۸۳۲ ..... خاطراتی از مرحوم آقای اراکی
- ۱۸۳۳ ..... خاطره ای از حضرت آیت الله گلپایگانی

- ۱۸۳۴ ..... خاطره ای از مرحوم سید احمد خوانساری
- ۱۸۳۵ ..... خاطره ای از مرحوم آیت الله بروجردی
- ۱۸۳۷ ..... خاطره ای دیگر از آیت الله سید احمد خوانساری
- ۱۸۳۸ ..... فعالیت های اجتماعی و برنامه روزانه
- ۱۸۳۹ ..... توصیه های استاد
- ۱۸۴۰ ..... شیخ محمد تقی شریعتمدار مازندرانی
- ۱۸۴۰ ..... شیخ محمد تقی شریف العلماء لنگرودی
- ۱۸۴۰ ..... اشاره
- ۱۸۴۰ ..... از آثار او:
- ۱۸۴۱ ..... سید محمد تقی عدنانی مازندرانی
- ۱۸۴۳ ..... شیخ محمد تقی عندلیب همدانی
- ۱۸۴۳ ..... اشاره
- ۱۸۴۳ ..... فرزندانش:
- ۱۸۴۳ ..... سید محمد تقی فخر داعی گیلانی
- ۱۸۴۳ ..... اشاره
- ۱۸۴۴ ..... از آثار او
- ۱۸۴۵ ..... شیخ محمد تقی قمی «باوژی»
- ۱۸۴۵ ..... اشاره
- ۱۸۴۵ ..... تحصیلات عالی
- ۱۸۴۶ ..... درگذشت
- ۱۸۴۶ ..... شیخ محمد تقی گوگدی گلپایگانی
- ۱۸۴۶ ..... اشاره
- ۱۸۴۶ ..... تحصیلات عالی
- ۱۸۴۸ ..... از آثار او
- ۱۸۴۸ ..... درگذشت
- ۱۸۴۹ ..... شیخ محمد تقی محقق کاشانی



- ۱۸۴۹ ..... اشاره
- ۱۸۵۰ ..... فرزندانش عبارتند از:
- ۱۸۵۰ ..... شیخ محمد تقی مصدر الامور جاپلغی
- ۱۸۵۰ ..... اشاره
- ۱۸۵۱ ..... از آثار او
- ۱۸۵۱ ..... سید محمد تقی واحدی «بدلا»
- ۱۸۵۳ ..... شیخ محمد تقی هرندی
- ۱۸۵۳ ..... اشاره
- ۱۸۵۳ ..... از آثار او:
- ۱۸۵۴ ..... فرزندانش:
- ۱۸۵۴ ..... سید محمد تنکابنی
- ۱۸۵۵ ..... شیخ محمد تویسرکانی
- ۱۸۵۵ ..... اشاره
- ۱۸۵۵ ..... فرزندانش:
- ۱۸۵۵ ..... شیخ محمد جاپلغی «مصدر الامور»
- ۱۸۵۵ ..... اشاره
- ۱۸۵۷ ..... از آثار او
- ۱۸۵۷ ..... فرزندانش
- ۱۸۵۸ ..... محمد جعفر مجیر سرتیبی «مجیر السلطان»
- ۱۸۵۹ ..... شیخ محمد جواد خراسانی «محولاتی»
- ۱۸۵۹ ..... اشاره
- ۱۸۵۹ ..... آثار او به شرح زیر است:
- ۱۸۶۲ ..... میرزا محمد جواد عمید الاسلام تبریزی
- ۱۸۶۲ ..... اشاره
- ۱۸۶۲ ..... در حوزه نجف اشرف
- ۱۸۶۳ ..... اقامت در تبریز

- درگذشت ..... ۱۸۶۳
- شیخ محمد جواد فریدنی اصفهانی ..... ۱۸۶۴
- اشاره ..... ۱۸۶۴
- از آثار او ..... ۱۸۶۴
- شیخ محمد جواد فیضی بروجردی ..... ۱۸۶۵
- شیخ محمد جواد قدسی طالقانی ..... ۱۸۶۶
- شیخ محمد جواد قمی ..... ۱۸۶۷
- اشاره ..... ۱۸۶۷
- از آثار او ..... ۱۸۶۸
- سید محمد حائری گلپایگانی ..... ۱۸۶۹
- اشاره ..... ۱۸۶۹
- فرزندانش: ..... ۱۸۷۰
- شیخ محمد حائری مازندرانی ..... ۱۸۷۰
- اشاره ..... ۱۸۷۰
- از جمله آثار قلمی او ..... ۱۸۷۱
- سید محمد حجت کوه کمری ..... ۱۸۷۲
- اشاره ..... ۱۸۷۲
- ولادت و تحصیل ..... ۱۸۷۲
- ورود به قم ..... ۱۸۷۳
- مبارزه بر علیه بی حجابی ..... ۱۸۷۴
- مشایخ اجتهاد و روایت ..... ۱۸۷۵
- شاگردان استاد ..... ۱۸۷۵
- شماری از تألیفات معظم له ..... ۱۸۷۵
- آثار فراموش نشدنی ..... ۱۸۷۶
- مطالعه مداوم ..... ۱۸۷۶
- برخی از ویژگیهای ایشان ..... ۱۸۷۸

- ۱۸۷۹ ..... رحلت
- ۱۸۸۰ ..... فرزندانش:
- ۱۸۸۱ ..... میرزا محمد حجت همدانی «دریائی»
- ۱۸۸۱ ..... اشاره
- ۱۸۸۳ ..... از جمله آثار او:
- ۱۸۸۴ ..... فرزندان ایشان:
- ۱۸۸۵ ..... میرزا محمد حجتی میانجی
- ۱۸۸۵ ..... اشاره
- ۱۸۸۶ ..... از آثار او:
- ۱۸۸۶ ..... سید محمد حسن الهی طباطبائی «تبریزی»
- ۱۸۸۶ ..... اشاره
- ۱۸۸۷ ..... از آثار او:
- ۱۸۸۷ ..... شیخ محمد حسن جواهری «آل صاحب جواهر»
- ۱۸۸۷ ..... اشاره
- ۱۸۸۷ ..... پدر دانشمند
- ۱۸۸۸ ..... تحصیلات دینی
- ۱۸۸۹ ..... از آثار او:
- ۱۸۹۰ ..... فرزندانش:
- ۱۸۹۰ ..... شیخ محمد حسن حجتی کرمانشاهی
- ۱۸۹۰ ..... شیخ محمد حسن سراجی قزوینی
- ۱۸۹۰ ..... اشاره
- ۱۸۹۱ ..... از آثار او:
- ۱۸۹۱ ..... فرزندانش:
- ۱۸۹۲ ..... شیخ محمد حسن طالقانی
- ۱۸۹۲ ..... اشاره
- ۱۸۹۸ ..... از آثار او:

- فرزندانش: ..... ۱۸۹۸
- سید محمد حسن طباطبائی بروجردی ..... ۱۸۹۸
- اشاره ..... ۱۸۹۸
- فرزندانش: ..... ۱۹۰۰
- شیخ محمد حسن قمی «آقاسی» ..... ۱۹۰۰
- اشاره ..... ۱۹۰۰
- از آثار او ..... ۱۹۰۱
- شیخ محمد حسن قمی «آقا نجفی» ..... ۱۹۰۲
- شیخ محمد حسن قمی «نادی» ..... ۱۹۰۲
- اشاره ..... ۱۹۰۲
- آثاری که از وی به جا مانده است: ..... ۱۹۰۳
- از جمله شاگردانی که تربیت نمود عبارتند از: ..... ۱۹۰۳
- از نامه اول: ..... ۱۹۰۴
- از نامه دوم: ..... ۱۹۰۵
- شیخ محمد حسن کاشانی «نجفی» ..... ۱۹۰۶
- اشاره ..... ۱۹۰۶
- از آثار او ..... ۱۹۰۷
- شیخ محمد حسن مجتهدزاده تنکابنی ..... ۱۹۰۹
- اشاره ..... ۱۹۰۹
- از آثار علمی او ..... ۱۹۱۰
- شیخ محمد حسن مجتهد گروسی «بیجاری» ..... ۱۹۱۰
- اشاره ..... ۱۹۱۰
- فرزندانش: ..... ۱۹۱۲
- محمد حسن محقق خلخالی ..... ۱۹۱۲
- شیخ محمد حسن میانه ای ..... ۱۹۱۳
- اشاره ..... ۱۹۱۳

- در حوزه نجف اشرف ..... ۱۹۱۳
- از آثار او ..... ۱۹۱۳
- درگذشت ..... ۱۹۱۵
- شیخ محمد حسن نجفی «مسجدشاهی» ..... ۱۹۱۵
- اشاره ..... ۱۹۱۵
- تحصیلات عالی ..... ۱۹۱۵
- درگذشت ..... ۱۹۱۶
- شیخ محمد حسن نویسی قمی «الهی» ..... ۱۹۱۶
- اشاره ..... ۱۹۱۶
- از آثار او ..... ۱۹۱۷
- شیخ محمد حسن وزوائی قمی ..... ۱۹۱۸
- شیخ محمد حسین اثنی عشری قمی ..... ۱۹۱۸
- اشاره ..... ۱۹۱۸
- کوفه ..... ۱۹۱۹
- شیخ محمد حسین اعلمی حائری ..... ۱۹۲۱
- اشاره ..... ۱۹۲۱
- از آثار او ..... ۱۹۲۳
- فرزندانش: ..... ۱۹۲۴
- محمد حسین امین الضرب «مهدوی» ..... ۱۹۲۴
- اشاره ..... ۱۹۲۴
- فرزندانش: ..... ۱۹۲۵
- شیخ محمد حسین بروجردی «غروی» ..... ۱۹۲۵
- اشاره ..... ۱۹۲۵
- آثار قلمی ایشان: ..... ۱۹۲۷
- شیخ محمد حسین بروجردی «کسرائی» ..... ۱۹۲۸
- اشاره ..... ۱۹۲۸

- تحصیل علوم دینی ..... ۱۹۲۸
- سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» ..... ۱۹۳۰
- اشاره ..... ۱۹۳۰
- از آثار مختصری که هنگام تحصیل در نجف تهیه کرده ام: ..... ۱۹۳۴
- از آثاری که در اوقات اقامت تبریز تألیف شده: ..... ۱۹۳۴
- آثاری که در قم به رشته تحریر درآمده است: ..... ۱۹۳۵
- سایر آثار ایشان: ..... ۱۹۳۶
- سید محمد حسین جزائری «ناشر الاسلام» ..... ۱۹۳۹
- اشاره ..... ۱۹۳۹
- تحصیلات عالی ..... ۱۹۳۹
- سفرهای تبلیغی ..... ۱۹۳۹
- از آثار او ..... ۱۹۴۰
- درگذشت و اعقاب ..... ۱۹۴۰
- فرزندانش: ..... ۱۹۴۱
- شیخ محمد حسین خراسانی «پائین خیابانی» ..... ۱۹۴۱
- اشاره ..... ۱۹۴۱
- آثار مطبوع ایشان عبارت است از: ..... ۱۹۴۳
- شیخ محمد حسین دزفولی «خادم الشریعه» ..... ۱۹۴۴
- اشاره ..... ۱۹۴۴
- در حوزه های علمیه ..... ۱۹۴۴
- ویژگیهای فردی و اجتماعی ..... ۱۹۴۵
- درگذشت و اعقاب ..... ۱۹۴۵
- فرزندانش: ..... ۱۹۴۶
- شیخ محمد حسین دهقانی «خرد» ..... ۱۹۴۶
- اشاره ..... ۱۹۴۶
- در حوزه های علمیه ..... ۱۹۴۷

- ۱۹۴۸ ..... شیخ محمد حسین رازانی بروجردی
- ۱۹۵۰ ..... شیخ محمد حسین سبحانی تبریزی
- ۱۹۵۰ ..... اشاره
- ۱۹۵۱ ..... از آثار او
- ۱۹۵۲ ..... صورت اجازه میرزا محمد تقی شیرازی قدس سزه
- ۱۹۵۳ ..... صورت اجازه آقا ضیاء الدین عراقی قدس سزه
- ۱۹۵۴ ..... درگذشت
- ۱۹۵۴ ..... شیخ محمد حسین صدقی مازندرانی
- ۱۹۵۴ ..... اشاره
- ۱۹۵۵ ..... در حوزه علمیه کربلا
- ۱۹۵۵ ..... هجرت به قم
- ۱۹۵۶ ..... از آثار او
- ۱۹۵۶ ..... درگذشت
- ۱۹۵۶ ..... سید محمد حسین طباطبائی بروجردی
- ۱۹۵۷ ..... سید محمد حسین طباطبائی حکیم
- ۱۹۵۷ ..... اشاره
- ۱۹۵۸ ..... فرزندانش:
- ۱۹۵۸ ..... شیخ محمد حسین غریب تنکابنی
- ۱۹۵۸ ..... اشاره
- ۱۹۵۹ ..... از تألیفات او
- ۱۹۶۲ ..... بازماندگان پسری وی عبارتند از:
- ۱۹۶۲ ..... شیخ محمد حسین فاضل تونی
- ۱۹۶۲ ..... اشاره
- ۱۹۶۲ ..... ولادت و آغاز تحصیل
- ۱۹۶۳ ..... در حوزه های مشهد و اصفهان
- ۱۹۶۳ ..... توقف تهران

- ۱۹۶۴ ..... استاد دانشگاه تهران
- ۱۹۶۴ ..... از آثار اوست:
- ۱۹۶۵ ..... شیخ محمد حسین قمی «نجار»
- ۱۹۶۵ ..... اشاره
- ۱۹۶۷ ..... تحصیل در حوزه نجف اشرف
- ۱۹۶۷ ..... درگذشت
- ۱۹۶۸ ..... شیخ محمد حسین موحد حججی نجف آبادی
- ۱۹۶۸ ..... اشاره
- ۱۹۶۸ ..... از آثار او:
- ۱۹۶۹ ..... شیخ محمد حسین نجفی کلباسی
- ۱۹۶۹ ..... اشاره
- ۱۹۶۹ ..... نسب شریف
- ۱۹۶۹ ..... پدر بزرگوار
- ۱۹۷۰ ..... تحصیلات
- ۱۹۷۰ ..... مهاجرت به نجف
- ۱۹۷۰ ..... در جوار خانه خدا
- ۱۹۷۱ ..... از جوار کعبه به سوی مولود کعبه
- ۱۹۷۱ ..... اساتید:
- ۱۹۷۲ ..... ویژگیهای اخلاقی
- ۱۹۷۲ ..... اخلاص در عمل
- ۱۹۷۴ ..... آثار گرانبها
- ۱۹۷۵ ..... عنایات شاه سلطان علی توسط ایشان
- ۱۹۷۷ ..... یک خاطره به یادماندنی
- ۱۹۷۸ ..... نقش نگین
- ۱۹۷۸ ..... به سوی جهان ابدی
- ۱۹۸۰ ..... شیخ محمد حسین واسعی قائینی



- ۱۹۸۱ ..... محمد حسین وفائی قمی
- ۱۹۸۱ ..... اشاره
- ۱۹۸۱ ..... خدمات اجتماعی
- ۱۹۸۲ ..... سید محمد داماد یزدی
- ۱۹۸۲ ..... اشاره
- ۱۹۸۲ ..... آغاز تحصیلات
- ۱۹۸۳ ..... مهاجرت استاد به قم
- ۱۹۸۴ ..... حوزه درسی آن مرحوم
- ۱۹۸۴ ..... ویژگیها و خصال روحی
- ۱۹۸۵ ..... آثار قلمی او
- ۱۹۸۶ ..... فرزندان آن مرحوم
- ۱۹۸۶ ..... وفات و مدفن
- ۱۹۸۷ ..... شیخ محمد ربیع همدانی «شفیعی»
- ۱۹۸۷ ..... اشاره
- ۱۹۸۹ ..... فرزندان: .....
- ۱۹۹۰ ..... محمد ربیعی بهشتی همدانی
- ۱۹۹۱ ..... فرزندان: .....
- ۱۹۹۱ ..... شیخ محمد رشتی
- ۱۹۹۱ ..... اشاره
- ۱۹۹۱ ..... تحصیلات عالی در حوزه نجف اشرف
- ۱۹۹۱ ..... از آثار او
- ۱۹۹۲ ..... شیخ محمد رضا آل صادق
- ۱۹۹۲ ..... اشاره
- ۱۹۹۳ ..... از آثار او
- ۱۹۹۵ ..... فرزندان: .....
- ۱۹۹۵ ..... شیخ محمد رضا بحر العلوم گیلانی

- ۱۹۹۵ ..... اشاره
- ۱۹۹۶ ..... از آثار او
- ۱۹۹۶ ..... شیخ محمد رضا برهان رامسری
- ۱۹۹۶ ..... اشاره
- ۱۹۹۸ ..... از آثار او
- ۱۹۹۹ ..... شیخ محمد رضا چال حصارى «فضل»
- ۱۹۹۹ ..... اشاره
- ۱۹۹۹ ..... آثار به جا مانده از او عبارتند از:
- ۲۰۰۱ ..... دسته گلی که چال حصارى به آب داد:
- ۲۰۰۲ ..... شیخ محمد رضا صادقى «لسان المحققين»
- ۲۰۰۲ ..... شیخ محمد رضا طالقانى
- ۲۰۰۲ ..... اشاره
- ۲۰۰۳ ..... خدمات اجتماعى در ورامين
- ۲۰۰۳ ..... شیخ محمد رضا طبسى
- ۲۰۰۳ ..... اشاره
- ۲۰۰۴ ..... در مشهد مقدس
- ۲۰۰۴ ..... در حوزه علمیه قم
- ۲۰۰۴ ..... در حوزه نجف اشرف
- ۲۰۰۵ ..... آثار قلمی ایشان به شرح زیر است:
- ۲۰۰۹ ..... درگذشت و اعقاب
- ۲۰۰۹ ..... فرزندان:
- ۲۰۱۰ ..... سید محمد رضا کشفی
- ۲۰۱۰ ..... اشاره
- ۲۰۱۰ ..... از آثار او
- ۲۰۱۱ ..... سید محمد رضا گلپایگانی
- ۲۰۱۱ ..... اشاره

- ۲۰۱۲ ..... تدریس فقه و اصول
- ۲۰۱۳ ..... مجلس شهادت امام صادق علیه السلام و حادثه فیضیه
- ۲۰۱۴ ..... خدمات و آثار: .....
- ۲۰۱۵ ..... از آثار قلمی ایشان
- ۲۰۱۶ ..... کسالت ایشان و مسافرت به لندن
- ۲۰۱۶ ..... ارتحال ایشان
- ۲۰۱۸ ..... شیخ محمد رضا محقق تهرانی
- ۲۰۱۸ ..... اشاره
- ۲۰۱۹ ..... از آثار او: .....
- ۲۰۲۰ ..... محمد رضا وجدانی
- ۲۰۲۰ ..... اشاره
- ۲۰۲۰ ..... از آثار او
- ۲۰۲۰ ..... میرزا محمد رفیع جلالی سردرودی
- ۲۰۲۰ ..... اشاره
- ۲۰۲۲ ..... در حوزه نجف اشرف و تبریز
- ۲۰۲۲ ..... درگذشت و اعقاب
- ۲۰۲۲ ..... فرزندانش: .....
- ۲۰۲۳ ..... شیخ محمد رفیعی طالقانی
- ۲۰۲۳ ..... اشاره
- ۲۰۲۳ ..... از آثار او
- ۲۰۲۴ ..... سید محمد روحانی قمی
- ۲۰۲۴ ..... اشاره
- ۲۰۲۵ ..... از آثار او
- ۲۰۲۶ ..... شیخ محمد زاهد رشتی
- ۲۰۲۷ ..... دکتر محمد زهرائی خوانساری
- ۲۰۲۷ ..... اشاره

- تحصیل علوم دینی و پزشکی ..... ۲۰۲۸
- یگانه پزشک خوانسار و حومه ..... ۲۰۲۸
- ویژگیهای پزشک واقعی ..... ۲۰۲۹
- ویژگیهای فردی ..... ۲۰۳۰
- ارتحال به سوی معبود ..... ۲۰۳۰
- شیخ محمد زین العابدین ..... ۲۰۳۱
- اشاره ..... ۲۰۳۱
- جدّ و پدر ..... ۲۰۳۱
- تحصیلات ..... ۲۰۳۲
- از آثار او ..... ۲۰۳۲
- سید محمد سبزواری ..... ۲۰۳۵
- شیخ محمد سبزواری «عزیزی» ..... ۲۰۳۶
- اشاره ..... ۲۰۳۶
- در حوزه های علمیه ..... ۲۰۳۶
- از آثار او ..... ۲۰۳۷
- درگذشت و اعقاب ..... ۲۰۳۷
- فرزندانش: ..... ۲۰۳۷
- میرزا محمد سعید سلطان العلماء نائینی ..... ۲۰۳۷
- شیخ محمد سعید گلپایگانی «امامی» ..... ۲۰۳۸
- شیخ محمد سلامی اهوازی ..... ۲۰۳۹
- اشاره ..... ۲۰۳۹
- تحصیلات و ارشاد ..... ۲۰۳۹
- شیخ محمد سلطان العلماء اردکانی ..... ۲۰۴۰
- اشاره ..... ۲۰۴۰
- نمونه هایی از مجاهدات سلطان ..... ۲۰۴۰
- نحوه درگذشت ..... ۲۰۴۱

- ۲۰۴۱ ..... شیخ محمد سلطان المحققین کجوری
- ۲۰۴۱ ..... اشاره
- ۲۰۴۲ ..... از آثار او
- ۲۰۴۳ ..... سید محمد سلطان الواعظین شیرازی
- ۲۰۴۳ ..... اشاره
- ۲۰۴۳ ..... سادات شیرازی در تهران
- ۲۰۴۴ ..... نسب و تولد سلطان الواعظین
- ۲۰۴۵ ..... تحصیلات مقدماتی و عالی
- ۲۰۴۶ ..... آثار گرانبهای سلطان الواعظین
- ۲۰۴۶ ..... شبهای پیشاور
- ۲۰۴۸ ..... صد مقاله سلطانی
- ۲۰۴۸ ..... سلطان الواعظین از دیدگاه بزرگان
- ۲۰۵۰ ..... درگذشت ایشان
- ۲۰۵۱ ..... سید محمد شریف تقوی شیرازی
- ۲۰۵۱ ..... اشاره
- ۲۰۵۲ ..... آثار به جا مانده از وی عبارتند از:
- ۲۰۵۳ ..... فرزندانش:
- ۲۰۵۵ ..... شیخ محمد شریف رازی
- ۲۰۵۵ ..... اشاره
- ۲۰۵۷ ..... فهرست آثار استاد شریف رازی به شرح زیر است:
- ۲۰۵۹ ..... آثار زیر مخطوط است:
- ۲۰۶۰ ..... شیخ محمد شریف همدانی
- ۲۰۶۰ ..... اشاره
- ۲۰۶۱ ..... فرزندانش:
- ۲۰۶۱ ..... سید محمد صادق بحرانی حائری
- ۲۰۶۱ ..... اشاره

- از آثار او: ..... ۲۰۶۱
- سید محمد صادق تهرانی لاله زاری ..... ۲۰۶۲
- اشاره ..... ۲۰۶۲
- فرزندانش: ..... ۲۰۶۳
- شیخ محمد صادق جعفری اشکوری ..... ۲۰۶۳
- اشاره ..... ۲۰۶۳
- برخی از تألیفات ایشان، عبارتند از: ..... ۲۰۶۶
- شیخ محمد صادق خوئی ..... ۲۰۶۷
- میرزا محمد صادق صاحب نسق قمی ..... ۲۰۶۹
- اشاره ..... ۲۰۶۹
- از آثار او ..... ۲۰۶۹
- شیخ محمد صادق قمی ..... ۲۰۷۰
- اشاره ..... ۲۰۷۰
- فرزندانش: ..... ۲۰۸۱
- شیخ محمد صادق قمی «نعیمی» ..... ۲۰۸۲
- اشاره ..... ۲۰۸۲
- خدمات دینی ..... ۲۰۸۲
- سید محمد صادق لواسانی تهرانی ..... ۲۰۸۳
- اشاره ..... ۲۰۸۳
- فرزندانش: ..... ۲۰۸۴
- شیخ محمد صادق مقدس رشتی ..... ۲۰۸۴
- سید محمد صدر العلماء قمی ..... ۲۰۸۵
- اشاره ..... ۲۰۸۵
- تحصیلات عالی ..... ۲۰۸۵
- از آثار او ..... ۲۰۸۶
- درگذشت و اعقاب ..... ۲۰۸۶

- ۲۰۸۶ ..... فرزندان: فرزندانش:
- ۲۰۸۶ ..... شیخ محمد طاهر اردبیلی (میرزا محمد ظاهری)
- ۲۰۸۶ ..... اشاره
- ۲۰۸۷ ..... پدری دانشمند
- ۲۰۸۷ ..... از آثار او
- ۲۰۸۷ ..... تحصیلات عالی
- ۲۰۸۸ ..... هجرت به نجف اشرف
- ۲۰۸۸ ..... از آثار او
- ۲۰۸۹ ..... شیخ محمد طاهر اشعری قمی
- ۲۰۸۹ ..... اشاره
- ۲۰۹۰ ..... از آثار او
- ۲۰۹۰ ..... فرزندان: فرزندانش:
- ۲۰۹۱ ..... شیخ محمد طاهر خاقانی «آل شبیر»
- ۲۰۹۱ ..... اشاره
- ۲۰۹۲ ..... از آثار او
- ۲۰۹۳ ..... تقریراتی که از ایشان به چاپ رسید است:
- ۲۰۹۵ ..... فرزندان: فرزندانش:
- ۲۰۹۵ ..... شیخ محمد علی آیت بروجردی
- ۲۰۹۵ ..... اشاره
- ۲۰۹۶ ..... از جمله آثار او:
- ۲۰۹۷ ..... شیخ محمد علی اجتهادی اراکی
- ۲۰۹۷ ..... اشاره
- ۲۰۹۷ ..... در حوزه های اراک و قم
- ۲۰۹۸ ..... از آثار او
- ۲۰۹۸ ..... درگذشت
- ۲۰۹۸ ..... شیخ محمد علی احمدیان نجف آبادی

- ۲۰۹۸ ..... اشاره
- ۲۰۹۹ ..... از آثار او
- ۲۱۰۲ ..... میرزا محمد علی ادیب تهرانی
- ۲۱۰۲ ..... اشاره
- ۲۱۰۲ ..... از آثار او
- ۲۱۰۳ ..... شیخ محمد علی اراکی
- ۲۱۰۳ ..... اشاره
- ۲۱۰۴ ..... تحصیلات
- ۲۱۰۴ ..... تدریس
- ۲۱۰۵ ..... کیفیت مباحث تدریس
- ۲۱۰۵ ..... احیای آیین نماز جمعه
- ۲۱۰۶ ..... تألیفات
- ۲۱۰۷ ..... شیخ محمد علی ارجستانی نائینی
- ۲۱۰۷ ..... اشاره
- ۲۱۰۹ ..... از آثار او
- ۲۱۰۹ ..... شیخ محمد علی انصاری
- ۲۱۰۹ ..... اشاره
- ۲۱۱۰ ..... آثار وی عبارتند از:
- ۲۱۱۲ ..... خون
- ۲۱۱۲ ..... سید محمد علی انگجی تبریزی
- ۲۱۱۴ ..... شیخ محمد علی توحیدی تبریزی
- ۲۱۱۴ ..... اشاره
- ۲۱۱۵ ..... از آثار او
- ۲۱۱۵ ..... ویژگیهای فردی و اخلاقی
- ۲۱۱۷ ..... درگذشت
- ۲۱۱۸ ..... میرزا محمد علی چرندابی تبریزی



- ۲۱۱۸ ..... شیخ محمد علی حائری قمی
- ۲۱۱۸ ..... اشاره
- ۲۱۱۹ ..... از تألیفات ایشان:
- ۲۱۲۰ ..... فرزندانش:
- ۲۱۲۲ ..... شیخ محمد علی حائری کرمانی
- ۲۱۲۲ ..... اشاره
- ۲۱۲۳ ..... از آثار او
- ۲۱۲۳ ..... شیخ محمد علی حقی سرابی
- ۲۱۲۳ ..... اشاره
- ۲۱۲۶ ..... برخی از تألیفاتش عبارتند از:
- ۲۱۲۸ ..... سید محمد علی خسروی همدانی
- ۲۱۲۸ ..... اشاره
- ۲۱۲۹ ..... فرزندانش:
- ۲۱۳۱ ..... محمد علی روحی اصفهانی
- ۲۱۳۲ ..... شیخ محمد علی شریف طبرستانی مازندرانی
- ۲۱۳۴ ..... شیخ محمد علی صفائی گلپایگانی
- ۲۱۳۵ ..... شیخ محمد علی طبسی
- ۲۱۳۵ ..... اشاره
- ۲۱۳۵ ..... از آثار او
- ۲۱۳۶ ..... آثار قلمی (چاپی، مخطوط و مفقود) او از این قرار است:
- ۲۱۳۷ ..... محمد علی فروزش خوانساری
- ۲۱۳۸ ..... شیخ محمد علی فقیهی گیلانی
- ۲۱۳۸ ..... اشاره
- ۲۱۳۹ ..... از آثار او
- ۲۱۴۰ ..... شیخ محمد علی کرگیلی
- ۲۱۴۰ ..... اشاره

- ۲۱۴۰ ..... از آثار او: .....
- ۲۱۴۰ ..... شیخ محمد علی کرودی طالقانی .....
- ۲۱۴۰ ..... اشاره .....
- ۲۱۴۱ ..... از آثار او: .....
- ۲۱۴۱ ..... سید محمد علی کزازی کرمانشاهی .....
- ۲۱۴۲ ..... سید محمد علی کشفی بروجردی .....
- ۲۱۴۲ ..... اشاره .....
- ۲۱۴۳ ..... فرزندانش: .....
- ۲۱۴۳ ..... شیخ محمد علی لواسانی .....
- ۲۱۴۴ ..... شیخ محمد علی مدرس افغانی .....
- ۲۱۴۴ ..... اشاره .....
- ۲۱۴۵ ..... از آثار او: .....
- ۲۱۴۶ ..... میرزا محمد علی مدرس تبریزی .....
- ۲۱۴۶ ..... اشاره .....
- ۲۱۴۷ ..... آثار قلمی اش به شرح زیر است: .....
- ۲۱۵۱ ..... یادداشتی از روضاتی .....
- ۲۱۵۵ ..... فرزندانش: .....
- ۲۱۵۷ ..... میرزا محمد علی مدرس «قراچه داغی» .....
- ۲۱۵۸ ..... سید محمد علی مرتضوی لنگرودی .....
- ۲۱۶۱ ..... محمد غفاری کاشانی «اقبال الدوله» .....
- ۲۱۶۲ ..... شیخ محمد فاضل قائینی .....
- ۲۱۶۲ ..... اشاره .....
- ۲۱۶۳ ..... آثار قلمی ایشان به شرح زیر است: .....
- ۲۱۶۴ ..... هو العلیم الحکیم .....
- ۲۱۶۶ ..... سید محمد فاطمی قمی .....
- ۲۱۶۶ ..... اشاره .....

- ۲۱۶۸ ..... از آثار او
- ۲۱۶۸ ..... شیخ محمد فکور یزدی
- ۲۱۷۰ ..... سید محمد فیروزآبادی
- ۲۱۷۴ ..... میرزا محمد فیض قمی
- ۲۱۷۴ ..... اشاره
- ۲۱۷۴ ..... هجرت به نجف اشرف
- ۲۱۷۵ ..... سفر به سامرا
- ۲۱۷۵ ..... بازگشت به زادگاه
- ۲۱۷۵ ..... مقدمات تأسیس حوزه قم
- ۲۱۷۶ ..... فرزندان آن مرحوم
- ۲۱۷۷ ..... تألیفات
- ۲۱۷۷ ..... وفات و مدفن
- ۲۱۷۹ ..... میرزا محمد قاضی بازنه ای اراکی
- ۲۱۷۹ ..... اشاره
- ۲۱۸۰ ..... رحلت مرحوم آقای قاضی
- ۲۱۸۰ ..... فرزندان: .....
- ۲۱۸۱ ..... دکتر محمد قریب اراکی
- ۲۱۸۱ ..... اشاره
- ۲۱۸۲ ..... از آثار او
- ۲۱۸۲ ..... میرزا محمد قلی زاده اردبیلی
- ۲۱۸۴ ..... میرزا محمد قمی «رباب»
- ۲۱۸۴ ..... اشاره
- ۲۱۸۵ ..... از جمله شاگردان آن مرحوم حضرات آیات: .....
- ۲۱۸۵ ..... تألیفات و آثار علمی ایشان
- ۲۱۸۷ ..... در راه تأسیس حوزه قم
- ۲۱۸۷ ..... ستایش علما از آن مرحوم

- ۲۱۸۸ ..... فرزندان آن مرحوم
- ۲۱۸۹ ..... نمونه اشعار ایشان
- ۲۱۹۲ ..... وفات و مدفن
- ۲۱۹۳ ..... شیخ محمد قمی «حاج آخوند»
- ۲۱۹۳ ..... شیخ محمد قوانینی بروجردی
- ۲۱۹۳ ..... اشاره
- ۲۱۹۵ ..... فرزندان:ش
- ۲۱۹۶ ..... سید محمد کاشانی غروی
- ۲۱۹۶ ..... اشاره
- ۲۱۹۶ ..... از آثار او
- ۲۱۹۹ ..... درگذشت و اعقاب
- ۲۱۹۹ ..... فرزندان:ش
- ۲۲۰۰ ..... سید محمد کاظم تبریزی «هری»
- ۲۲۰۰ ..... اشاره
- ۲۲۰۰ ..... از آثار او
- ۲۲۰۱ ..... سید محمد کاظم قزوینی
- ۲۲۰۱ ..... اشاره
- ۲۲۰۲ ..... تألیفات آن مرد بزرگ که همه به چاپ رسیده اند عبارتند از:
- ۲۲۰۳ ..... ملا محمد کاظم کیله ای ملایری
- ۲۲۰۳ ..... اشاره
- ۲۲۰۴ ..... فرزندان:ش
- ۲۲۰۴ ..... سید محمد کاظم مرتضوی اصفهانی
- ۲۲۰۴ ..... اشاره
- ۲۲۰۴ ..... در حوزه علمیه اصفهان
- ۲۲۰۵ ..... تحقیق در معارف الهی
- ۲۲۰۶ ..... ذوالفنون

- ۲۲۰۶ - ..... اعقاب
- ۲۲۰۶ - ..... درگذشت
- ۲۲۰۷ - ..... شیخ محمد کاظم معزی دزفولی
- ۲۲۰۷ - ..... اشاره
- ۲۲۰۷ - ..... تحصیلات دینی و دانشگاهی
- ۲۲۰۷ - ..... از آثار او
- ۲۲۰۸ - ..... درگذشت
- ۲۲۰۸ - ..... شیخ محمد کلباسی حائری
- ۲۲۱۱ - ..... سید محمد کماری تبریزی
- ۲۲۱۲ - ..... سید محمد کماری تبریزی
- ۲۲۱۲ - ..... شیخ محمد گلپایگانی «غروی»
- ۲۲۱۲ - ..... اشاره
- ۲۲۱۳ - ..... از آثار او
- ۲۲۱۴ - ..... میرزا محمد مجاهدی تبریزی
- ۲۲۱۴ - ..... اشاره
- ۲۲۱۶ - ..... از ایشان آثار و تألیفاتی به جای مانده است که مهمترین آنها:
- ۲۲۱۷ - ..... تقیید به تعبد
- ۲۲۱۷ - ..... پروفسور محمد مجدزاده کرمانی
- ۲۲۱۷ - ..... اشاره
- ۲۲۱۸ - ..... تحصیلات پزشکی
- ۲۲۱۸ - ..... از آثار او
- ۲۲۱۸ - ..... درگذشت و اعقاب
- ۲۲۱۸ - ..... فرزندان:
- ۲۲۱۹ - ..... شیخ محمد محفوظی رودسری
- ۲۲۱۹ - ..... اشاره
- ۲۲۱۹ - ..... فرزندان:

- ۲۲۲۰ ..... سید محمد محقق بهشتی مازندرانی
- ۲۲۲۱ ..... شیخ محمد محقق لاهیجی
- ۲۲۲۳ ..... شیخ محمد «محمدی وند» مرنندی
- ۲۲۲۳ ..... اشاره
- ۲۲۲۴ ..... از آثار او
- ۲۲۲۴ ..... میرزا محمد محیط قمی
- ۲۲۲۴ ..... اشاره
- ۲۲۲۶ ..... کمند محبت
- ۲۲۲۶ ..... در ستایش فاطمه زهرا علیها السلام
- ۲۲۲۸ ..... سید محمد مدرسی یزدی
- ۲۲۲۸ ..... اشاره
- ۲۲۲۸ ..... تحصیل در حوزه نجف اشرف
- ۲۲۲۸ ..... ویژگیهای علمی و اخلاقی
- ۲۲۲۹ ..... درگذشت و اعقاب
- ۲۲۲۹ ..... سید محمد مشکاه بیرجندی
- ۲۲۲۹ ..... اشاره
- ۲۲۲۹ ..... تحصیلات مقدماتی
- ۲۲۳۰ ..... در جوار امام رضا علیه السلام
- ۲۲۳۰ ..... هجرت به تهران
- ۲۲۳۱ ..... کتابشناس برجسته
- ۲۲۳۲ ..... آثار قلمی مشکاه
- ۲۲۳۲ ..... فهرست آثار او به شرح زیر است:
- ۲۲۳۴ ..... ارتحال و مدفن
- ۲۲۳۵ ..... دکتر شیخ محمد مفتاح همدانی
- ۲۲۳۵ ..... اشاره
- ۲۲۳۶ ..... از آثار او

- ۲۲۳۷ ..... شهید مفتح از زبان همسرش
- ۲۲۳۹ ..... شیخ محمد موحدی قمی
- ۲۲۳۹ ..... اشاره
- ۲۲۴۰ ..... تحصیلات عالی
- ۲۲۴۰ ..... از آثار او
- ۲۲۴۱ ..... درگذشت و اعقاب
- ۲۲۴۱ ..... سید محمد موسوی اردبیلی
- ۲۲۴۲ ..... سید محمد مولوی حیدرآبادی
- ۲۲۴۲ ..... اشاره
- ۲۲۴۲ ..... پدری فقیه
- ۲۲۴۳ ..... از آثار او
- ۲۲۴۴ ..... شرح حال مولوی
- ۲۲۴۵ ..... تحصیل در حوزه نجف اشرف
- ۲۲۴۵ ..... هجرت به قم
- ۲۲۴۶ ..... آثار قلمی آن مرحوم به شرح زیر است:
- ۲۲۴۸ ..... درگذشت و اعقاب
- ۲۲۴۸ ..... فرزندان:
- ۲۲۴۹ ..... شیخ محمد مهدی امامی مازندرانی «امیر کلاتی»
- ۲۲۴۹ ..... اشاره
- ۲۲۵۱ ..... هجرتی دیگر
- ۲۲۵۲ ..... ارادت علما
- ۲۲۵۳ ..... ویژگی ها
- ۲۲۵۳ ..... صراحت و قاطعیت
- ۲۲۵۵ ..... تبعید
- ۲۲۵۶ ..... قدرت سخنوری
- ۲۲۵۷ ..... زهد و اقامه سنتها

- تالیفات ..... ۲۲۵۹
- درگذشت ..... ۲۲۵۹
- فرزندانش: ..... ۲۲۶۰
- شیخ محمد مهدی بیگدلی دزفولی ..... ۲۲۶۰
- اشاره ..... ۲۲۶۰
- از آثار او: ..... ۲۲۶۱
- شیخ محمد مهدی ربانی املشی ..... ۲۲۶۲
- اشاره ..... ۲۲۶۲
- تحصیل در حوزه قم ..... ۲۲۶۲
- مبارزات و خدمات سیاسی ..... ۲۲۶۲
- میر محمد مهدی رضوی قمی ..... ۲۲۶۳
- اشاره ..... ۲۲۶۳
- از مصنفاتش: ..... ۲۲۶۳
- شیخ محمد مهدی رئیس نوری ..... ۲۲۶۵
- سید محمد مهدی ضیائیان دزفولی ..... ۲۲۶۵
- اشاره ..... ۲۲۶۵
- سالک الی الله ..... ۲۲۶۵
- درگذشت و اعقاب ..... ۲۲۶۶
- فرزندش: ..... ۲۲۶۶
- شیخ محمد مهدی کرمانشاهی «فیض» ..... ۲۲۶۷
- اشاره ..... ۲۲۶۷
- در حوزه نجف اشرف ..... ۲۲۶۷
- درگذشت و اعقاب ..... ۲۲۶۷
- فرزندانش: ..... ۲۲۶۸
- شیخ محمد مهدی محمدی گلپایگانی ..... ۲۲۶۸
- اشاره ..... ۲۲۶۸



- از آثار او: ..... ۲۲۶۹
- سید محمد میاندهی رامسری ..... ۲۲۶۹
- اشاره ..... ۲۲۶۹
- فرزندانش: ..... ۲۲۷۲
- محمد نصیری قمی ..... ۲۲۷۲
- اشاره ..... ۲۲۷۲
- عرفان سید الشهداء علیه السلام ..... ۲۲۷۳
- شیخ محمد واصف گیلانی ..... ۲۲۷۴
- اشاره ..... ۲۲۷۴
- از آثار او ..... ۲۲۷۴
- درگذشت ..... ۲۲۷۹
- سید محمد واعظ گیلانی ..... ۲۲۷۹
- میرزا محمد وجدانی نفرشی ..... ۲۲۸۰
- اشاره ..... ۲۲۸۰
- از آثار او: ..... ۲۲۸۰
- شیخ محمد وحید خورگامی رشتی ..... ۲۲۸۱
- سید محمد وحیدی شبستری ..... ۲۲۸۲
- اشاره ..... ۲۲۸۲
- از آثار او: ..... ۲۲۸۳
- سید محمد وزوائی قمی ..... ۲۲۸۴
- اشاره ..... ۲۲۸۴
- از آثار او ..... ۲۲۸۴
- شیخ محمد هادی حسام گیلانی ..... ۲۲۸۴
- سید محمد هادی طباطبائی حکیم ..... ۲۲۸۵
- اشاره ..... ۲۲۸۵
- از آثار قلمی او ..... ۲۲۸۵

- ۲۲۸۶ ..... سید محمد هفته ای عراقی «غروی»
- ۲۲۸۶ ..... اشاره
- ۲۲۸۷ ..... از آثار او
- ۲۲۸۷ ..... فرزندانش:
- ۲۲۸۸ ..... میرزا محمد همدانی «ثابتی»
- ۲۲۹۰ ..... شیخ محمد هیدجی «حکیم»
- ۲۲۹۰ ..... اشاره
- ۲۲۹۱ ..... شعر
- ۲۲۹۱ ..... برخی از تلامذ آن بزرگوار عبارتند از حضرات آیات:
- ۲۲۹۲ ..... اشعار جالب و پرمغز هیدجی (به زبان ترکی)
- ۲۲۹۴ ..... از آثار او
- ۲۲۹۸ ..... میرزا محمود اصولی ارومیه ای
- ۲۲۹۹ ..... میرزا محمود اصولی تبریزی
- ۲۲۹۹ ..... اشاره
- ۲۲۹۹ ..... تحصیل در حوزه نجف اشرف
- ۲۲۹۹ ..... از آثار او
- ۲۳۰۰ ..... فرزندان ایشان عبارتند از:
- ۲۳۰۰ ..... شیخ محمود انصاری قمی
- ۲۳۰۰ ..... اشاره
- ۲۳۰۲ ..... از آثار مخطوط او:
- ۲۳۰۲ ..... شیخ محمود اوحدی لاهیجی
- ۲۳۰۲ ..... اشاره
- ۲۳۰۳ ..... تحصیل در حوزه نجف اشرف
- ۲۳۰۳ ..... از آثار او
- ۲۳۰۳ ..... محمود تندری قمی «شیوا»
- ۲۳۰۳ ..... اشاره

- طزۀ دوتا - ..... ۲۳۰۶
- جبر و اختیار ..... ۲۳۰۶
- شیخ محمود جبرئیلی بروجردی ..... ۲۳۰۷
- سید محمود خضری قزوینی ..... ۲۳۰۹
- اشاره ..... ۲۳۰۹
- آثار قلمی اش ..... ۲۳۱۰
- سید محمود رایگانی بهبهانی ..... ۲۳۱۱
- اشاره ..... ۲۳۱۱
- تحصیلات و خدمات ..... ۲۳۱۱
- درگذشت ..... ۲۳۱۲
- سید محمود روحانی رشتی «بحرانی» ..... ۲۳۱۲
- اشاره ..... ۲۳۱۲
- از آثار او ..... ۲۳۱۳
- سید محمود روحانی قمی ..... ۲۳۱۴
- اشاره ..... ۲۳۱۴
- فرزندانش: ..... ۲۳۱۵
- سید محمود زرندی ساوه ای ..... ۲۳۱۶
- سید محمود سجاسی قزوینی ..... ۲۳۱۶
- اشاره ..... ۲۳۱۶
- از آثار او ..... ۲۳۱۶
- شیخ محمود شریعت مهدوی ..... ۲۳۱۷
- اشاره ..... ۲۳۱۷
- فرزندانش: ..... ۲۳۱۸
- محمود صالحی اردبیلی ..... ۲۳۱۸
- شیخ محمود عابدی خلخالی ..... ۲۳۱۹
- شیخ محمود علمی اراکی ..... ۲۳۲۰

- ۲۳۲۰ ..... اشاره
- ۲۳۲۰ ..... در حوزه علمیه قم
- ۲۳۲۱ ..... درگذشت
- ۲۳۲۱ ..... شیخ محمود فقهی
- ۲۳۲۱ ..... اشاره
- ۲۳۲۱ ..... از آثار او
- ۲۳۲۲ ..... میرزا محمود قمی «مدرس کهکی»
- ۲۳۲۲ ..... اشاره
- ۲۳۲۲ ..... از آثار او
- ۲۳۲۳ ..... میرزا محمود کفیل افشاری مراغه ای
- ۲۳۲۵ ..... میرزا محمود مازندرانی قمی «مشاور الملک»
- ۲۳۲۵ ..... اشاره
- ۲۳۲۵ ..... تحصیلات عالی
- ۲۳۲۷ ..... از آثار قلمی او
- ۲۳۲۹ ..... سید محمود مرعشی شوشتری
- ۲۳۲۹ ..... اشاره
- ۲۳۳۰ ..... در حوزه کهن نجف اشرف
- ۲۳۳۱ ..... سفرهای تبلیغی
- ۲۳۳۱ ..... از آثار او
- ۲۳۳۲ ..... درگذشت و اعقاب
- ۲۳۳۲ ..... فرزندان:ش
- ۲۳۳۴ ..... شیخ محمود نجم آبادی
- ۲۳۳۴ ..... اشاره
- ۲۳۳۴ ..... از آثار او
- ۲۳۳۵ ..... شیخ محمود واعظ قمی «زاهدی»
- ۲۳۳۵ ..... اشاره

- ۲۳۳۵ ..... خدمات اجتماعی
- ۲۳۳۵ ..... از آثار او
- ۲۳۳۵ ..... درگذشت و اعقاب
- ۲۳۳۶ ..... سید محی الدین علوی طالقانی
- ۲۳۳۶ ..... اشاره
- ۲۳۳۷ ..... از آثار او
- ۲۳۳۷ ..... فرزندانش:
- ۲۳۳۹ ..... شیخ مراد علی ممدوح اراکی
- ۲۳۳۹ ..... اشاره
- ۲۳۳۹ ..... از آثار او
- ۲۳۴۶ ..... جلد چهارم
- ۲۳۴۶ ..... اشاره
- ۲۳۴۸ ..... فهرست
- ۲۳۴۸ ..... اشاره
- ۲۳۵۸ ..... [ادامه حرف میم]
- ۲۳۵۸ ..... شیخ مرتضی اخوان خراسانی
- ۲۳۵۸ ..... اشاره
- ۲۳۵۸ ..... از آثار او
- ۲۳۵۹ ..... شیخ مرتضی انصاری قمی
- ۲۳۵۹ ..... اشاره
- ۲۳۵۹ ..... ولادت
- ۲۳۵۹ ..... تحصیلات
- ۲۳۶۰ ..... هجرت
- ۲۳۶۱ ..... تسلط و آگاهی بر روایات
- ۲۳۶۱ ..... منبری گرانقدر و مفید
- ۲۳۶۲ ..... برکات معنوی و مادی موعظه های مرحوم انصاری قمی

- ۲۳۶۶ - بناهای خیریه
- ۲۳۶۷ - مبارزه با فساد
- ۲۳۶۸ - انتقاد از حکام جور
- ۲۳۶۹ - تألیفات
- ۲۳۶۹ - وفات
- ۲۳۷۰ - سید مرتضی برقعی قمی «واعظ»
- ۲۳۷۰ - اشاره
- ۲۳۷۱ - از آثار او
- ۲۳۷۱ - سید مرتضی پسندیده خمینی
- ۲۳۷۱ - اشاره
- ۲۳۷۳ - ولادت
- ۲۳۷۳ - تحصیلات
- ۲۳۷۵ - در حوزه اصفهان
- ۲۳۷۷ - سفر به عتبات عالیات
- ۲۳۷۸ - درگذشت
- ۲۳۷۸ - سید مرتضی جزائری «علم الهدی»
- ۲۳۸۲ - شیخ مرتضی چهرقانی
- ۲۳۸۲ - اشاره
- ۲۳۸۲ - آثار قلمی ایشان عبارتند از:
- ۲۳۸۴ - شیخ مرتضی حائری یزدی
- ۲۳۸۴ - اشاره
- ۲۳۸۵ - اساتید معظم له
- ۲۳۸۶ - گوشه هایی از اخلاق معظم له
- ۲۳۸۹ - آثار قلمی و علمی معظم له
- ۲۳۹۰ - ذوق شعری آن مرحوم
- ۲۳۹۴ - دلدادۀ اهل بیت و حضرت رضا علیه السلام

- ۲۳۹۷ ..... درگذشت اندوهبار
- ۲۴۰۰ ..... شیخ مرتضی عاملی «نظام الدین»
- ۲۴۰۰ ..... اشاره
- ۲۴۰۰ ..... تحصیلات عالی
- ۲۴۰۰ ..... از آثار او
- ۲۴۰۱ ..... درگذشت و اعقاب
- ۲۴۰۱ ..... فرزندانش:
- ۲۴۰۱ ..... سید مرتضی علوی فریدنی
- ۲۴۰۱ ..... اشاره
- ۲۴۰۳ ..... در حوزه علمی قم
- ۲۴۰۳ ..... از آثار او
- ۲۴۰۳ ..... سید مرتضی فیروزآبادی
- ۲۴۰۳ ..... اشاره
- ۲۴۰۶ ..... مقام زهد و کسب فیض از عرفاء
- ۲۴۰۷ ..... بازهم گفتار یکی از اعظم مترجمین به زبان عربی
- ۲۴۰۸ ..... بازهم شرح حال و ترجمه دیگر اساتید و مریبان عالی قدر ایشان
- ۲۴۰۹ ..... فرزندانش:
- ۲۴۰۹ ..... سید مرتضی لنگرودی
- ۲۴۰۹ ..... اشاره
- ۲۴۱۱ ..... تألیفات او عبارتند از:
- ۲۴۱۳ ..... سید مرتضی مبرقع قمی «حاج داداش»
- ۲۴۱۳ ..... اشاره
- ۲۴۱۵ ..... از آثار او
- ۲۴۱۵ ..... فرزندانش:
- ۲۴۱۶ ..... سید مرتضی مرعشی تبریزی
- ۲۴۱۶ ..... اشاره

- ۲۴۱۷ ..... از آثار او:
- ۲۴۱۸ ..... شیخ مرتضی مطهری فریمانی
- ۲۴۱۸ ..... اشاره
- ۲۴۲۰ ..... اشتغال در دانشکده الهیات
- ۲۴۲۱ ..... حسینیه ارشاد
- ۲۴۲۲ ..... تصدی برنامه های مسجد الجواد
- ۲۴۲۳ ..... جمع آوری کمک برای فلسطین
- ۲۴۲۴ ..... سیری گذرا در نوشته های منتشرشده استاد
- ۲۴۲۴ ..... اینک فهرست اجمالی از آثار استاد:
- ۲۴۲۸ ..... ویژگی های آثار استاد
- ۲۴۲۹ ..... شهادت
- ۲۴۲۹ ..... شیخ مزمل حسین میثمی غدیری
- ۲۴۲۹ ..... اشاره
- ۲۴۲۹ ..... از آثار او:
- ۲۴۳۱ ..... شیخ مسعود سلطانی میانه ای
- ۲۴۳۱ ..... اشاره
- ۲۴۳۱ ..... از آثار او
- ۲۴۳۴ ..... سید مسلم محدث خلخالی
- ۲۴۳۴ ..... اشاره
- ۲۴۳۴ ..... وی دارای آثار قلمی به شرح زیر است:
- ۲۴۳۵ ..... سید مصطفی اعتماد حائری
- ۲۴۳۵ ..... اشاره
- ۲۴۳۶ ..... از آثار او:
- ۲۴۳۸ ..... مصطفی انتظاری قمی «شاطر»
- ۲۴۳۸ ..... مصطفی ایروانی
- ۲۴۳۸ ..... اشاره



- ۲۴۳۸ ..... از آثار او:
- ۲۴۴۰ ..... سید مصطفی برقی قمی
- ۲۴۴۰ ..... اشاره
- ۲۴۴۰ ..... از آثار او
- ۲۴۴۱ ..... سید مصطفی بهبهانی
- ۲۴۴۲ ..... شیخ مصطفی جلیلی کرمانشاهی
- ۲۴۴۲ ..... اشاره
- ۲۴۴۲ ..... در حوزه های نجف اشرف و قم
- ۲۴۴۳ ..... از آثار او
- ۲۴۴۳ ..... شیخ مصطفی زمانی نجف آبادی
- ۲۴۴۳ ..... اشاره
- ۲۴۴۵ ..... آثار قلمی ایشان
- ۲۴۵۰ ..... میرزا مصطفی صادقی قمی
- ۲۴۵۳ ..... سید مصطفی صفائی خوانساری
- ۲۴۵۳ ..... اشاره
- ۲۴۵۵ ..... از آثار قلمی و علمی او:
- ۲۴۵۶ ..... فرزندان ایشان عبارتند از:
- ۲۴۵۶ ..... سید مصطفی طباطبائی قمی
- ۲۴۵۷ ..... سید مصطفی علم الهدی جزائری
- ۲۴۵۷ ..... اشاره
- ۲۴۵۸ ..... اشاره به مبارزات ایشان
- ۲۴۵۹ ..... خدمات اجتماعی و فرهنگی
- ۲۴۶۰ ..... ویژگی های اخلاقی
- ۲۴۶۱ ..... رحلت و فرزندان
- ۲۴۶۱ ..... فرزندان: .....
- ۲۴۶۱ ..... شیخ مصطفی فائق تهرانی

- ۲۴۶۲ ..... سید مصطفی کاشفی خوانساری
- ۲۴۶۲ ..... اشاره
- ۲۴۶۲ ..... از آثار او
- ۲۴۶۳ ..... شیخ مصطفی مسجد جامعی
- ۲۴۶۳ ..... اشاره
- ۲۴۶۴ ..... از آثار قلمی ایشان:
- ۲۴۶۴ ..... فرزندانش عبارتند از:
- ۲۴۶۵ ..... میرزا مصطفی ملکی تهرانی
- ۲۴۶۵ ..... اشاره
- ۲۴۶۵ ..... تحصیل علوم دینی
- ۲۴۶۶ ..... سید مصطفی مهدوی اصفهانی
- ۲۴۶۶ ..... اشاره
- ۲۴۶۷ ..... مزایای اخلاقی آن مرحوم
- ۲۴۶۸ ..... سید مصطفی هاشمی همدانی
- ۲۴۶۸ ..... اشاره
- ۲۴۶۹ ..... هجرت به همدان
- ۲۴۶۹ ..... شیخ منصور سبط الشیخ انصاری
- ۲۴۶۹ ..... اشاره
- ۲۴۶۹ ..... تحصیل در حوزه های علمیه
- ۲۴۷۰ ..... از آثار او
- ۲۴۷۰ ..... درگذشت و اعقاب
- ۲۴۷۱ ..... فرزندانش:
- ۲۴۷۱ ..... منصور میرزا قاجار «شعاع السلطنه»
- ۲۴۷۱ ..... اشاره
- ۲۴۷۱ ..... از آثار او:
- ۲۴۷۳ ..... شیخ موسی جنبابی اهری

- ۲۴۷۳ ..... شیخ موسی زنجانی «عباسی»
- ۲۴۷۳ ..... اشاره
- ۲۴۷۵ ..... از آثار او
- ۲۴۷۷ ..... سید موسی سبط الشیخ دزفولی
- ۲۴۷۷ ..... اشاره
- ۲۴۷۸ ..... از آثار او
- ۲۴۷۸ ..... فرزندانش:
- ۲۴۷۹ ..... شیخ موسی فقیهی «ناظم الشریعه»
- ۲۴۷۹ ..... اشاره
- ۲۴۷۹ ..... از آثار قلمی او:
- ۲۴۸۲ ..... میرزا مهدی آشتیانی
- ۲۴۸۲ ..... اشاره
- ۲۴۸۶ ..... از آثار او
- ۲۴۹۲ ..... شیخ مهدی احمدی شاهرودی
- ۲۴۹۳ ..... شیخ مهدی الهی قمشه ای
- ۲۴۹۳ ..... اشاره
- ۲۴۹۴ ..... مقام علمی مرحوم الهی
- ۲۴۹۹ ..... فرزندانش:
- ۲۵۰۱ ..... سید مهدی انگجی تبریزی
- ۲۵۰۱ ..... اشاره
- ۲۵۰۲ ..... از آثار او
- ۲۵۰۳ ..... فرزندانش:
- ۲۵۰۳ ..... مهندس مهدی بازرگان
- ۲۵۰۳ ..... اشاره
- ۲۵۰۵ ..... آغاز فعالیت‌های سیاسی
- ۲۵۰۷ ..... فهرست آثار قلمی مهندس بازرگان به صورت زیر می باشد:

- از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ش: ..... ۲۵۱۰
- از سال ۱۳۵۰ ش به بعد: ..... ۲۵۱۱
- سید مهدی بحر العلوم قزوینی ..... ۲۵۱۲
- میرزا مهدی بروجردی ..... ۲۵۱۳
- اشاره ..... ۲۵۱۳
- از آثار او: ..... ۲۵۱۳
- شیخ مهدی حائری یزدی ..... ۲۵۱۴
- اشاره ..... ۲۵۱۴
- آثار قلمی استاد به شرح زیر است: ..... ۲۵۱۸
- نگاهی به زندگی استاد حائری ..... ۲۵۱۹
- تألیفات ..... ۲۵۲۲
- شیخ مهدی حرم پناهی قمی ..... ۲۵۲۳
- اشاره ..... ۲۵۲۳
- تحصیلات عالی ..... ۲۵۲۳
- درگذشت و اعقاب ..... ۲۵۲۴
- فرزندانش: ..... ۲۵۲۵
- شیخ مهدی حکیمی «پائین شهری» ..... ۲۵۲۵
- اشاره ..... ۲۵۲۵
- تحصیلات در حوزه های علمیه ..... ۲۵۲۵
- در حوزه نجف اشرف ..... ۲۵۲۶
- مراجعت به وطن ..... ۲۵۲۶
- از آثار او ..... ۲۵۲۶
- سید مهدی حکیم «طباطبائی» ..... ۲۵۲۷
- سید مهدی روحانی قمی ..... ۲۵۲۹
- اشاره ..... ۲۵۲۹
- فرزندانش ..... ۲۵۳۲

- ۲۵۳۲ ..... شیخ مهدی سراج انصاری
- ۲۵۳۲ ..... اشاره
- ۲۵۳۴ ..... از آثار او
- ۲۵۳۵ ..... فرزندانش:
- ۲۵۳۵ ..... شیخ مهدی شاه حمزه ای قمی
- ۲۵۳۵ ..... اشاره
- ۲۵۳۵ ..... وداع حضرت زینب علیها السلام با حضرت ابا عبد الله علیه السلام
- ۲۵۳۶ ..... شیخ مهدی شریعتمدار تهرانی
- ۲۵۳۹ ..... میرزا مهدی صادقی تبریزی
- ۲۵۳۹ ..... اشاره
- ۲۵۴۰ ..... از آثار او
- ۲۵۴۰ ..... فرزندانش:
- ۲۵۴۰ ..... سید مهدی صدر عاملی
- ۲۵۴۱ ..... سید مهدی طباطبائی مدرسی یزدی
- ۲۵۴۲ ..... میرزا مهدی عالم اردبیلی
- ۲۵۴۳ ..... میرزا مهدی عبائی تبریزی
- ۲۵۴۳ ..... اشاره
- ۲۵۴۳ ..... پدری فاضل
- ۲۵۴۵ ..... سید مهدی علوی بخشایشی
- ۲۵۴۵ ..... اشاره
- ۲۵۴۵ ..... از آثار او
- ۲۵۴۶ ..... فرزندانش:
- ۲۵۴۶ ..... سید مهدی قاضی طباطبائی «تبریزی»
- ۲۵۴۶ ..... اشاره
- ۲۵۴۶ ..... از آثار او:
- ۲۵۴۸ ..... شیخ مهدی قدسی طالقانی

- ۲۵۴۹ ..... سید مهدی کشفی بروجردی
- ۲۵۴۹ ..... اشاره
- ۲۵۵۰ ..... از آثار او:
- ۲۵۵۰ ..... سید مهدی کماری تبریزی
- ۲۵۵۰ ..... اشاره
- ۲۵۵۲ ..... از آثار او
- ۲۵۵۳ ..... سید مهدی گلپایگانی
- ۲۵۵۴ ..... سید مهدی مرعشی تبریزی
- ۲۵۵۴ ..... اشاره
- ۲۵۵۴ ..... از آثار قلمی اش
- ۲۵۵۵ ..... شیخ مهدی معز الدوله تهرانی
- ۲۵۵۵ ..... اشاره
- ۲۵۵۵ ..... از آثار او
- ۲۵۵۵ ..... فرزندان:
- ۲۵۵۶ ..... شیخ مهدی ملک صادقی قمی
- ۲۵۵۶ ..... اشاره
- ۲۵۵۶ ..... تحصیل در حوزه قم
- ۲۵۵۶ ..... از آثار او
- ۲۵۵۶ ..... درگذشت
- ۲۵۵۸ ..... شیخ مهدی منصوری قمی
- ۲۵۵۸ ..... اشاره
- ۲۵۵۹ ..... از آثار ایشان است کتب زیر:
- ۲۵۵۹ ..... سید میرزا جندقی
- ۲۵۵۹ ..... اشاره
- ۲۵۶۱ ..... در ارض اقدس رضوی
- ۲۵۶۱ ..... در حوزه علمیه قم

از آثار او ..... ۲۵۶۱

[ادامه بخش سوم(فرزانگان مدفون در سرزمین قم)] ..... ۲۵۶۲

ن ..... ۲۵۶۲

سید ناصر الدین آرام قمی ..... ۲۵۶۲

سید ناصر الدین قمی «میرزائی» ..... ۲۵۶۳

سید نصر الله تقوی «سادات اخوی» ..... ۲۵۶۳

اشاره ..... ۲۵۶۳

از او آثاری چند به جای ماند، که عبارتند از: ..... ۲۵۶۶

شیخ نصر الله لاهوتی اشکوری ..... ۲۵۶۸

اشاره ..... ۲۵۶۸

تحصیل در حوزه های علمیه ..... ۲۵۶۸

درگذشت ..... ۲۵۶۸

سید نصر الله موسوی تهرانی ..... ۲۵۶۹

اشاره ..... ۲۵۶۹

از آثار او ..... ۲۵۶۹

شیخ نصرت الله بناروانی میانجی ..... ۲۵۷۰

شیخ نعمت الله دولتی گرگانی ..... ۲۵۷۱

اشاره ..... ۲۵۷۱

تحصیل در حوزه علمیه ..... ۲۵۷۱

شیخ نعمت الله مهدوی قزوینی ..... ۲۵۷۳

سید نور الدین ابهری ..... ۲۵۷۴

اشاره ..... ۲۵۷۴

در حوزه علمیه قم ..... ۲۵۷۴

شیخ نور الدین خلعتبری تنکابنی ..... ۲۵۷۴

سید نور الدین علوی طالقانی ..... ۲۵۷۵

..... ۲۵۷۸ ه

- ۲۵۷۸ ..... حاج هادی ابهری
- ۲۵۷۸ ..... سید هادی روحانی قمی
- ۲۵۷۹ ..... میرزا هادی صدر الممالک اردبیلی
- ۲۵۸۰ ..... شیخ هادی عبادی طالقانی
- ۲۵۸۱ ..... سید هادی موسوی ملایری
- ۲۵۸۲ ..... شیخ هادی نیری میانجی
- ۲۵۸۳ ..... میرزا هاشم آملی
- ۲۵۸۳ ..... اشاره
- ۲۵۸۶ ..... ساده زیستی و اخلاق
- ۲۵۸۸ ..... ابنیه علمی و مذهبی
- ۲۵۸۹ ..... شیخ هاشم تقدیری سبزواری
- ۲۵۹۰ ..... سید هاشم حسینی تهرانی
- ۲۵۹۰ ..... اشاره
- ۲۵۹۰ ..... از آثار او:
- ۲۵۹۱ ..... سید هاشم خوئی
- ۲۵۹۱ ..... اشاره
- ۲۵۹۲ ..... از آثار او:
- ۲۵۹۴ ..... فرزندان:ش:
- ۲۵۹۴ ..... سید هاشم رضوی بنارسی
- ۲۵۹۶ ..... سید هاشم طباطبائی یزدی
- ۲۵۹۶ ..... اشاره
- ۲۵۹۷ ..... از آثار او:
- ۲۵۹۸ ..... سید هاشم نیشابوری
- ۲۵۹۸ ..... شیخ هدایت الله تبریزی «غروی»
- ۲۵۹۸ ..... اشاره
- ۲۵۹۹ ..... از آثار او:



- از فرزندانش: ..... ۲۶۰۲
- هدایت الله عجمی ..... ۲۶۰۲
- هدایت الله کاکاوندی لرستانی ..... ۲۶۰۶
- میرزا هدایت الله وحید گلپایگانی ..... ۲۶۰۶
- اشاره ..... ۲۶۰۶
- هجرت به اراک و قم ..... ۲۶۰۷
- ی ..... ۲۶۰۸
- شیخ یحیی انواری همدانی ..... ۲۶۰۸
- میرزا یحیی خلعتبری تنکابنی ..... ۲۶۰۹
- شیخ یحیی عبادی طالقانی ..... ۲۶۱۰
- اشاره ..... ۲۶۱۰
- هجرت به حوزه علمیه قم ..... ۲۶۱۰
- خدمات و آثار اجتماعی ..... ۲۶۱۱
- از آثار قلمی او ..... ۲۶۱۱
- شیخ یحیی فاضل همدانی ..... ۲۶۱۲
- اشاره ..... ۲۶۱۲
- از آثار قلمی او: ..... ۲۶۱۲
- سید یحیی مدرسی یزدی ..... ۲۶۱۳
- اشاره ..... ۲۶۱۳
- در حوزه های علمیه ..... ۲۶۱۳
- هجرت به نجف اشرف ..... ۲۶۱۳
- از آثار او ..... ۲۶۱۴
- درگذشت ..... ۲۶۱۴
- فرزندانش: ..... ۲۶۱۵
- شیخ یوسف احدی همدانی ..... ۲۶۱۶
- میرزا یوسف اعتصام الملک «آشتیانی» ..... ۲۶۱۷

- ۲۶۱۷ - ..... اشاره
- ۲۶۱۷ - ..... از جمله آثار او
- ۲۶۲۱ - ..... شیخ یوسف رحمانیان «عماد»
- ۲۶۲۱ - ..... اشاره
- ۲۶۲۱ - ..... از آثار او
- ۲۶۲۱ - ..... درگذشت
- ۲۶۲۳ - ..... سید یوسف فاضلی «رضا هاشمی»
- ۲۶۲۳ - ..... شیخ یوسف فومنی گیلانی «فانی»
- ۲۶۲۳ - ..... اشاره
- ۲۶۲۳ - ..... تولد و تحصیلات
- ۲۶۲۴ - ..... ویژگیهای آن مرحوم
- ۲۶۲۵ - ..... شیوه اشعار مرحوم
- ۲۶۲۶ - ..... مبارزات آن مرحوم
- ۲۶۲۷ - ..... آثار قلمی و رشحات نورانی
- ۲۶۳۰ - ..... ارتحال ملکوتی
- ۲۶۳۱ - ..... یوسف نجات تبریزی
- ۲۶۳۱ - ..... سید یوسف هاشمی «حکم آبادی»
- ۲۶۳۱ - ..... اشاره
- ۲۶۳۸ - ..... آثار قلمی ایشان
- ۲۶۳۸ - ..... فرزندانش:
- ۲۶۴۰ - ..... سید یونس یونسی اردبیلی
- ۲۶۴۰ - ..... اشاره
- ۲۶۴۱ - ..... از آثار او:
- ۲۶۴۲ - ..... فرزندانش:
- ۲۶۴۳ - ..... اسناد و مدارک
- ۲۶۴۳ - ..... اشاره

۲۸۳۰	..... نامه مهندس بازرگان به مراجع عظام
۲۸۴۵	..... آخرین سخن
۲۸۴۹	..... فهرستها:
۲۸۴۹	..... اشاره
۲۸۵۱	..... ۱-اعلام
۲۹۷۰	..... ۲-اعلام مترجمین «ضمنی»
۲۹۸۳	..... ۳-اعلام مؤلفین یادشده در مقدمه
۳۰۰۲	..... ۴-اساتید و مشایخ اجازه
۳۰۹۵	..... ۵-نخبگان
۳۱۱۰	..... ۶-نخبگان یادشده در مقدمه
۳۱۱۳	..... ۷-آثار مکتوب مترجمین
۳۳۵۶	..... ۸-منابع مصحح
۳۳۸۳	..... ۹-امامزادگان مدفون در قم
۳۳۸۳	..... اشاره
۳۳۸۹	..... سلاطین و شاهزادگان مدفون در قم
۳۳۹۲	..... ۱۰-مقابر
۳۳۹۸	..... درباره مرکز

## تربت پاکان قم : شرح حال مدفونین در سرزمین قم

### مشخصات کتاب

سرشناسه: جواهر کلام، عبد الحسین، 1428 -

عنوان و نام پدیدآور: تربت پاکان قم : شرح حال مدفونین در سرزمین قم/تالیف عبد الحسین جواهر کلام.

مشخصات نشر: قم: انصاریان 1382=1424.

مشخصات ظاهری: 4 ج.، مصور، عکس، نمونه.

شابک: 160000 ریال دوره: 9644385462 ؛ ج. 1: 964-438-550-0 ؛ ج. 2: 9644385519 ؛ ج. 3: 9644385527 ؛ ج. 4: 9644385535

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی توصیفی

یادداشت: فهرست نویسی براساس جلد دوم.

یادداشت: ج. 1 (چاپ اول: 1425 ق. = 1382).

یادداشت: ج. 2 و 3 (چاپ اول: 1424 ق. = 1382).

یادداشت: ج. 4 (چاپ اول: 1425 ق. = 1383).

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: شرح حال مدفونین در سرزمین قم.

شماره کتابشناسی ملی: 1147914

ص: 1

اشاره

تربت پاکان قم : شرح حال مدفونین در سرزمین قم

تالیف عبد الحسین جواهر کلام

ص: 2





اهداء به ساحت اطهر و انور دخت پیامبر اسلام دخت علی و فاطمه آن مظهر عفت و نجابت آن مظهر تقوا و عبادت کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام این اثر را تقدیم می نمایم.

کمتربن غلام عبد الحسین

ص:5





سخن ناشر 23

معرفی انتشارات انصاریان و مدیر محترم آن 25

پیشگفتار 27

تراجم نگاری 29

نخستین تراجم نگار 30

شیوه های مختلف تراجم نگاری 33

مقدمه مؤلف 73

شرح حال نویسنده کتاب 77

خانندان علمی 77

ولادت و آغاز تحصیل 78

هجرت به ایران 78

اقامت در حوزه علمیة قم 79

فعالیت های فرهنگی 79

هجرت به لبنان 80

ص: 7

بخش اول:

در حریم کریمه اهل بیت حضرت معصومه سلام الله علیها 83/

ورود حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به قم 85

پادشاهان مدفون در قم 109

بخش دوم:

امامزادگان مدفون در سرزمین قم 131/

امامزاده موسی مبرقع 133

امامزاده شاه حمزه 135

شاهزاده احمد 136

علی بن جعفر 137

امامزاده ابراهیم 139

امامزاده علی 139

امامزاده اسماعیل 140

چهل اختران 141

امامزاده زید 142

امامزاده سلطان محمد شریف 143

امامزاده شاه احمد 144

شاهزاده ناصر الدین 145

امامزاده خاک فرج 146

شاه ابراهیم و شاه محمد 147



سید معصوم 149

امامزاده شاهزاده عبد الله 149

شیخ ابا صلت 149

شاه سید علی 150

شاه سید ابو احمد 150

چهار امامزاده 150

امامزاده هادی و مهدی 151

شاه جعفر غریب 152

شاه جمال 152

امامزاده شاه جمال 153

امامزاده علی موسی رضا 153

امامزاده علی رضا 153

امامزاده شاه طیب و طاهر 154

بابا مسافر 154

قبور باغ گنبد سبز 155

امامزاده شاه اسماعیل 156

امامزاده در قبرستان کهک 158

شاهزاده ابراهیم 158

امامزاده شاهزاده اسحاق 159

امامزاده فاضل 159

امامزاده محسن 160

امامزاده سکینه خاتون 160

شاهزاده هادی 160

ص:9

فرزانگان مدفون در سرزمین قم 163/

آ-الف

میرزا آقا باغمیشه ای تبریزی «مدرّس وحید» 165

آقا برار معتضدی کرمانشاهی 167

شیخ آقا بزرگ ساوه ای 168

سیّد آقا بزرگ موسوی شوشتری 174

شیخ آقا بزرگ نصیری محلاتی 175

میرزا آقا ترابی دامغانی 177

سیّد آقا حسینی هیدجی 178

میرزا آقا فراهانی اراکی 179

سیّد ابراهیم آل طعمه حائری 183

شیخ ابراهیم امامزاده زیدی «تهرانی» 184

سیّد ابراهیم تهرانی «لاله زاری» 186

سیّد ابراهیم خراسانی 187

میرزا ابراهیم خلعتبری تنکابنی «آقا نجفی» 188

شیخ ابراهیم خوشنویس مراغه ای 189

سیّد ابراهیم دروازه ای تبریزی 192

سیّد ابراهیم سرّی موسوی «اصفهانی» 197

سیّد ابراهیم کاظمی هیدجی 198

ابراهیم محقق 200





ابراهیم مستوفی آشتیانی «معتمد السلطنه» 202

سیّد ابراهیم میلانی 204

شیخ ابراهیم نوری تهرانی 204

شیخ ابراهیم نوری همدانی 205

شیخ ابراهیم وحدت تبریزی 207

شیخ ابراهیم همایونی زنجانی «نحوی» 210

شیخ ابو تراب آل آقا کرمانشاهی 211

سیّد ابو تراب جزائری 213

میرزا ابو الحسن اجتهادی گلپایگانی 214

سیّد ابو الحسن تنکابنی «زاهدی» 215

سیّد ابو الحسن رفیعی قزوینی 217

شیخ ابو الحسن روحانی شیرازی 221

سیّد ابو الحسن شفتی اصفهانی 222

سیّد ابو الحسن فاضل بهسودی 223

شیخ ابو الحسن فقیهی قمی 226

شیخ ابو الحسن فقیهی گیلانی 229

میرزا ابو الحسن قمی «صادقی» 231

میرزا ابو طالب قمی 232

سیّد ابو طالب محمودی گلپایگانی 233

سیّد ابو طالب مدرسی یزدی 234

سیّد ابو طالب مرعشی شهرستانی 235

ابو الفتح ميرزا قاجار «مؤيد الدوله» 237

سيّد ابو الفضل توليت قمى 239

ميرزا ابو الفضل حلال زاده اردبيلى 242

ص: 11

- میرزا ابو الفضل زاهدی قمی 243
- میرزا ابو الفضل طهماسبی قمی 246
- سیّد ابو الفضل مجاهدی بروجردی 246
- سیّد ابو الفضل نبوی قمی 247
- شیخ ابو الفضل نجفی اصفهانی «قدسی» 252
- شیخ ابو الفضل نجفی «مسجد شاهی» 253
- میرزا ابو الفضل نجم آبادی 254
- شیخ ابو القاسم اصفهانی 256
- سیّد ابو القاسم جواهری تهرانی 257
- شیخ ابو القاسم حجّتی گیلانی 259
- سیّد ابو القاسم روحانی قمی 261
- ابو القاسم سحاب تفرشی 262
- شیخ ابو القاسم شاهنجرینی «ربّانی» 267
- سیّد ابو القاسم طباطبائی قمی 269
- میرزا ابو القاسم طهوری همدانی «عمادزاده» 270
- میرزا ابو القاسم علی مدد کنی 270
- شیخ ابو القاسم قمی «صغیر» 271
- شیخ ابو القاسم قمی «کبیر» 272
- شیخ ابو القاسم گلپایگانی «آقازاده» 280
- میرزا ابو القاسم مجتهدی تبریزی 280
- شیخ ابو القاسم محمّدی گلپایگانی 282

سید ابو القاسم مدرس یزدی 284

سید ابو القاسم مرعشی تبریزی 285

سید ابو القاسم میرعارفین قمی «عارفی» 285

ص: 12

- 286 شیخ ابو القاسم نحوی قمی
- 287 شیخ ابو القاسم نراقی کاشانی
- 289 شیخ ابو المجد شیخ الاسلامی بروجردی
- 290 شیخ احمد آذری قمی
- 292 شیخ احمد آل آقا کرمانشاهی
- 293 شیخ احمد آل آقا نهاوندی
- 294 میرزا احمد آیت اللهی زنجانی
- 297 میرزا احمد ابو طالبی اراکی
- 299 احمد اتابکی «مشیر اعظم»
- 300 میرزا احمد اجتهادی اهری
- 301 میرزا احمد احسن الحکماء قزوینی
- 302 شیخ احمد امینی تبریزی
- 303 میرزا احمد امینی مراغه ای
- 304 شیخ احمد اهری تبریزی
- 311 احمد بهاور
- 312 شیخ احمد پایانی اردبیلی
- 319 میرزا احمد حائری همدانی
- 320 سیّد احمد حسینی قمی
- 321 سیّد احمد خلخالی
- 322 سیّد احمد خوانساری
- 328 احمد رحیمی کاشانی

شیخ احمد رضوانی زنجانی 332

سیّد احمد روحانی قمی 335

سیّد احمد زنجانی «شبری» 337

ص: 13

میرزا احمد ساوه ای «حجہ الاسلام» 346

شیخ احمد سبط الشیخ انصاری 346

میرزا احمد سرایی تبریزی 349

شیخ احمد شاهرودی 357

شیخ احمد شریعتی بروجردی 359

سیّد احمد شهرستانی 360

میرزا احمد شیرازی 365

سیّد احمد طالقانی «آل احمد» 368

سیّد احمد طباطبائی بروجردی 369

سیّد احمد طباطبائی قمی 370

سیّد احمد طباطبائی قمی 372

سیّد احمد عراقی «محسنی» 372

شیخ احمد علی احمدی شاهرودی 374

احمد علی عبداللہی نگار سیرجانی «نوا» 376

شیخ احمد غروی تویسرکانی 378

شیخ احمد فردوس مکان مازندرانی 380

شیخ احمد کلباسی 381

سیّد احمد لواسانی تهرانی 384

سیّد احمد مشرف حسینی قمی 385

سیّد احمد ناجی قمی 386

احمد نعمت اللہی قمی «شہرہ» 390

شیخ احمد نهاوندی «قدوسی» 392

سیّد احمد هاشمی گلپایگانی 394

شیخ احمد یزدی 395

ص: 14



- ادیب الدین کسروی «ساسان» 396
- میرزا اسحاق آستارائی «قققازی» 397
- سیّد اسحاق رضوی قمی 399
- شیخ اسد اللّٰه اسماعیلیان دهاقانی 400
- سیّد اسد اللّٰه اشکوری 401
- سیّد اسد اللّٰه طباطبائی یزدی 402
- اسد اللّٰه عاطفی کرمانشاهی 404
- شیخ اسد اللّٰه کریمی اراکی 406
- سیّد اسد اللّٰه کریمی اراکی 406
- سیّد اسد اللّٰه مدنی آذرشهری 408
- میرزا اسماعیل امین الملک 409
- شیخ اسماعیل بهاری همدانی 411
- اسماعیل خلعتبری تنکابنی 413
- اسماعیل ظفری نهاوندی «ظفر السلطان» 414
- سیّد اسماعیل علوی خوئینی 414
- شیخ اسماعیل غضنفری خوانساری 416
- شیخ اسماعیل فراهانی «شریف زاده» 417
- سیّد اسماعیل فقیهی اردبیلی 417
- سیّد اسماعیل مرعشی «شریف الاسلام» 419
- شیخ اسماعیل مصباح «نجم الممالک» 420
- میرزا اسماعیل ناجی بروجردی 421

شیخ امان اللہ کریمی بابلی 422

امیر اصلان خواجہ نوری «نظام الدولہ» 425

سیّد امیر محمد قزوینی 426

ص: 15

ب

باقر سعد السلطنه 431

سيّد باقر قاضی طباطبائی تبریزی 434

سرتیب باقر مصدقی 437

شیخ براتعلی بزوشائی زنجانی 438

شیخ بهاء الدین نوری 439

شیخ بهرام طالقانی 441

ت

میرزا تقی تفرشی «دانش» 443

سيّد تقی رضوی خرم آبادی «طاهری» 445

میرزا تقی زرگر تبریزی 446

ج

جبار مضطر اردبیلی 449

سيّد جعفر احمدی طباطبائی بروجردی 450

شیخ جعفر الهی نراقی «کاشانی» 452

سيّد جعفر بنی هاشمی اهری 453

سيّد جعفر حسینی شاهرودی 454

شیخ جعفر سلیمانی بهبهانی 455

شیخ جعفر شهرآبی آشتیانی 456

شیخ جعفر لنکرانی 457

شیخ جعفر نهاوندی 458



- سید جلال شریفی همدانی 459
- شیخ جلال (طاهر شمس) گلپایگانی 461
- سید جلال محدث اردبیلی 462
- سید جلیل طباطبائی یزدی 463
- سید جمال الدین تقوی 464
- سید جمال الدین خوئی 465
- دکتر جمال الدین فقیه 466
- سید جمال الدین مجد دماوندی 467
- سید جواد آل علی شاهرودی 468
- میرزا جواد تحریری «قمی» 470
- سید جواد حسینی تنکابنی 472
- سید جواد سدید خلیجی 473
- سید جواد قمی 474
- شیخ جواد کبیر قمی 475
- شیخ جواد کره رودی اراکی «مشایخی» 476
- میرزا جواد ملکی تبریزی 481
- سید جواد نجومی کرمانشاهی 489
- میرزا جواد والا ناصر سردرودی 494
- سید جهانگیر ناظم الملک «ضیائی» 495

ح

شیخ حامد واعظی کاظمی «سبزواری» 499

شیخ حبیب اللہ اشتہاردی 501

شیخ حبیب اللہ سماوی رامسری 502

ص: 17

- پروفیسور حبیب اللہ شہاب 505
- شیخ حبیب اللہ فقیہ مازندرانی 506
- سیّد حسام الدین میرزائی قمی 507
- شیخ حسن آیتی بروجردی 509
- سیّد حسن استادزادہ مازندرانی 511
- سیّد حسن اشکوری «معصومی» 513
- میرزا حسن انصاری 514
- سیّد حسن انگجی تبریزی 515
- میرزا حسن تیلی شبستری 516
- سیّد حسن حجت کوه کمری 518
- شیخ حسن حرم پناہی قمی 519
- شیخ حسن حسام الاسلام رشتی «دانش» 520
- شیخ حسن خاتمی بروجردی 524
- شیخ حسن رازینی ہمدانی 527
- میرزا حسن رسولی آذرشہری 528
- میرزا حسن رشدیہ تبریزی 530
- سیّد حسن رضوی قمی 537
- شیخ حسن سعید تهرانی 539
- سیّد حسن شریعتمداری 542
- سیّد حسن شیرازی 545
- شیخ حسن صالحی لاهیجی 551

شیخ حسن طبرسی ساروی 552

حسن طلائئ 561

سیّد حسن فرید اراکی «هزاوه ای» 562

ص: 18



- سید حسن کاشانی 563
- سید حسن کزازی کرمانشاهی 564
- میرزا حسن مجتهدزاده تبریزی 565
- سید حسن مدرسی یزدی 565
- سید حسن مدرسی یزدی «سریزدی» 567
- سید حسن موسوی دهرسخی 568
- سید حسن نبوی بیرجندی 569
- شیخ حسن نجفی بلتستانی 570
- شیخ حسن نصرتی نیا سردرودی 571
- میرزا حسن نوری همدانی 571
- میرزا حسن وثوق الدوله آشتیانی 572
- شیخ حسین اسلامی خلخالی 574
- شیخ حسین اهری نجفی 575
- سید حسین جزائری شوشتری 577
- میرزا حسین جلالی رامسری 578
- سید حسین حائری تنکابنی 580
- سید حسین حسینی قمی 581
- سید حسین خلخالی 584
- حسین دادگر 585
- شیخ حسین ربانی میانجی 591
- سید حسین رضوی همدانی «غبار» 593

حسین سلطان گودرزی ملایری 595

سیّد حسین طباطبائی بروجردی 596

شیخ حسین علی احمدی میانجی 602

ص: 19

شیخ حسینعلی طوبائی شیرازی 603

شیخ حسین غفاری آذر شهری 605

سیّد حسین فارغ دزفولی 606

سیّد حسین فاطمی ابهری 606

سیّد حسین فاطمی قمی 608

سیّد حسین قاضی تبریزی «طباطبائی» 609

شیخ حسین قمی «پائین شهری» 612

شیخ حسین قمی «حاج آخوند» 613

شیخ حسین قمی «کوچه حر می» 614

دکتر حسین کریمان 616

سیّد حسین کوچه حر می قمی 620

شیخ حسین لیچائی گیلانی 622

شیخ حسین محمّدی لائینی «مازندرانی» 623

شیخ حسین مفلس قمی «ارده شیر» 634

سیّد حسین مکی 636

سیّد حسین موسوی قمصری 637

سیّد حسین نبوی قمی 643

میرزا حسین نجّارزاده بروجردی «کاوسی» 645

میرزا حسین نظامی اصفهانی 647

حیدر تهرانی «معجزه» 648

شیخ حیدر علی جابری انصاری 652

حیدر علی قلم داران قمی 653

شیخ حیدر علی مدرسی بهسودی 654

شیخ حیدر مهدوی شیادھی مازندرانی 658

ص: 20

سید خلیل حسینی ارومیه ای 665

خلیل فهیمی «فهیم الملک» 666

میرزا خلیل کمره ای «فرنقی» 667

سید خلیل محمدی بهشهری 674

\*

ص: 21



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَأُمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (1)

مدت زمانی در فکر و اندیشه بودم که چگونه و با چه وسایلی و از چه راهی، اندکی از دین خود را به شهر مذهبی و علمی قم، به ویژه عرض اخلاص به آستان قدس بی بی دو عالم، کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام ادا نمایم.

بہتر آن دیدم با توسل و توجه به همین بانوی بزرگ، از خدای متعال یاری و مدد جویم. گویا درصدی از درخواستم به اجابت رسید. چاپ آثار و فضائل اهل بیت علیهم السلام به زبانهای مختلف و نشر آنها در داخل و خارج از کشور، از جمله توفیقاتی بود که نصیبم گردید.

توفیق دیگری که حاصل آمد، به چاپ رساندن همین اثر نفیس «تربت پاکان در قم» که دوست و صدیق ارجمندم، فاضل گرانمایه جناب آقای عبدالحسین جواهر کلام، آن را گردآوری و تألیف ساخت، امر نشر و چاپش را به ما محول فرمود.

اصولاً زنده نگاه داشتن و احیای آثار گذشتگان به هر نحوی که ممکن است،

ص: 23

وظیفه و تکلیف انسان های پژوهشگر دوره های بعد، می باشد. به خصوص حفظ آثار و ارزشهای معنوی آنان که در راه ترقی و تکامل جامعه سودمند بودند، امری بسیار قابل توجه است.

إِنَّ آثَارَنَا تَدَلُّ عَلَيْنَا فَانظُرُوا بَعْدَنَا إِلَى الْآثَارِ

قم-ربیع الاول 1421/ق

خرداد 1379/ش

محمد تقی انصاریان

ص: 24



از ناشران برجسته و پرکار حوزه علمیه قم است، که دامنه فعالیت های ایشان، هم داخل و هم خارج از کشور را شامل می شود.

این مرکز مهم فرهنگی در سال 1353 ش در شهر علم و اجتهاد قم تأسیس شد و تاکنون بیش از 570 عنوان، به زبانهای: عربی، فارسی، اردو، آذری، ترکی اسلامبولی، انگلیسی و فرانسه و چند زبان زنده دیگر و صدها هزار جلد کتاب برای نشر در آسیای میانه، اروپا، آمریکا، آفریقا و خاور دور، چاپ و انتشار داده است.

مدیر محترم این ارگان فرهنگی، جناب آقای حاج محمد تقی انصاریان می باشد. او در سال 1365 ق برابر با 1325 ش در شهر علم و هنر «خوانسار» پا به عرصه گیتی نهاد. چون تولدش مقارن با ولادت باسعادت امام محمد تقی علیه السلام بود، از سوی بزرگ خانواده به همین اسم گرامی نامگذاری شد.

وی در سن پنج سالگی به مکتب خانه راه یافت و از سال 1337 ش راهی دبیرستان دربانی در آن دیار گردید. سال اول که به پایان رسید، به شهر علمی و مذهبی قم رهسپار شد و در جوار کریمه اهل بیت علیهم السلام سکونت اختیار نمود و در دبیرستان صدوق به تحصیل خویش ادامه داد. سپس به دبیرستان حکیم نظامی منتقل شد و مدرک دیپلم را دریافت داشت. هم زمان نیز بخشی از مقدمات

نامبرده از سال 1348 ش با مشورت بعضی از بزرگان به «دار التبلیغ اسلامی» معرفی شد و به کارهای تبلیغاتی با دوستان خود مشغول گردید.

در سال 1353 ش خود مستقلاً به کار نشر و پخش کتابهای اسلامی پرداخت.

ابتدا انتشارات شفق را با همکاری یکی از دوستانش تأسیس نمود و با مشکلات بسیار سخت آن روز، دست و پنجه نرم کرد. در سالهای اول، کار به صورت شبانه روزی انجام می گرفت. در ضمن، مدت دو سال در کنار کارهای فرهنگی اش، در دانشکده قضایی قم تحصیل نمود.

آقای انصاریان به حق مردی: شریف، اصیل، مؤمن، دانا، فهیم و عاشق خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد. هم اکنون به طور گسترده مشغول خدمت به جهان تشیع و بزرگان مذهب است.

تفکر صحیح و صائب ایشان بود که باعث تدوین این اثر نفیس شد. وی از چند نویسنده مبرز درخواست کرد که مزارات قم را در یک کتاب گردآوری نماید، تا به چاپ برساند. جناب مستطاب حجه الاسلام پژوهشگر نامی حاج آقای شیخ رسول جعفریان و همچنین جناب ثقه الاسلام نویسنده محترم آقای شیخ ناصر الدین انصاری قمی، نگارنده را خدمت ایشان معرفی نمودند، حقیر نیز از سال 1375 ش به جمع آوری و تدوین مطالب، با جدیت تمام آغاز نمودم.

امید است این اثر، در راه تعالی اخلاق انسانی و معرفی بزرگان دین، گامی بزرگ در نفوس جوانان و پژوهشگران بزرگوار بگذارد، و جناب آقای انصاریان و سایر کوشندگان همکار و نگارنده را، از پاداش اخروی و نعمتهای بی پایان الهی، محروم نفرماید. آمین

قم- خرداد 1379/ ش جواهر کلام

تاریخ با مفهوم گسترده‌ی آن نمایش گذشته‌ی انسان و گزارش مکتوب رخدادهای جهان می‌باشد.

از روزی که بشر قلم در دست گرفته به ثبت حوادث پرداخت، علم تاریخ آغاز گردید.

روزگاری که حوادث و رخدادها نگاشته نمی‌شد، اصطلاحاً دوران ما قبل تاریخ نام دارد.

کهن‌ترین تاریخ جامعه‌ای که در دست داریم، تاریخ تمدن مصر، بابل و چین می‌باشد.

پس از کشف راز و رمز خط «هیروگلیفی» توسط «شامپلیون» پیچیدگیهای فراوانی از تاریخ مصر باستان گشوده شد و نکات ارزشمند فراوانی از 40 قرن پیش از میلاد آشکار گردید.

با قرائت خطوط میخی نیز فرازهای برجسته‌ی دیگری از تاریخ بابل و

سومری ها روشن شد. (1)

با کشف کلید رمز دیگر خطها حجم بزرگی از مجهولات تاریخی فراروی انسانها آشکار شد و دوران جهش تمدن بشری فرارسید.

## رسالت قلم

با نزول نخستین آیات قرآن بر قلب شریف خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله جایگاه قلم و رسالت سنگین آن آشکار گردید.

آغاز نخستین آیه با کلمه: «اقْرَأْ» و تداوم یافتن آن با جمله ی: «عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (2) بیانگر آن است که دیگر، زمان؛ زمان خواندن، دوران؛ دوران نوشتن، عصر؛ عصر آموزش، و بار سنگین رسالت؛ برعهده ی اهل قلم می باشد.

قرآن کریم به این مقدار بسنده نکرده، سوره ی دیگری را به نام «قلم» نامگذاری کرده، بر قلم و تراوشات آن سوگند یاد کرده:

ن، وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ؛

«سوگند به قلم و آنچه می نگارند». (3)

پیامبر گرامی اسلام از وظایف مهم پدران می داند که به فرزندان خود نوشتن بیاموزند، از این رهگذر به هنگام شمارش حقوق فرزندان بر گردن پدران می فرماید: «یعلمه الكتابه»: «و اینکه به او نوشتن بیاموزد». (4)

قلم کهن ترین و استوارترین وسیله ی انتقال تمدن و فرهنگ از قومی به قومی دیگر و از نسلی به نسلی دیگر می باشد.

صدرنشین کرسی بلاغت، میر هدایت و هادی امت به هنگام بازگشت از صفین

ص: 28

---

1-1. محمد شفیق غربال، موسوعه العربیه المیسره، قاهره، دار الشعب، 1959 م. ص 480.

2-2. سورة علق (96)، آیه 1-4. [1]

3-3. سورة قلم (68)، آیه 1. [2]

4-4. طبرسی، ابو نصر حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، بیروت، اعلمی، ص 220.

در فرازی از وصیت خود به فرزند برومندش امام حسن مجتبی (علیه السلام) می فرماید:

«أحی قلبک بالموعظه... وأعرض علیه أخبار الماضین، و ذکره بما أصاب من کان قبلک من الأولین، و سر فی دیارهم و آثارهم، فانظر فیما فعلوا و عمّا انتقلوا و این حلّوا و نزلوا»:

«دلت را با پند و اندرز زنده کن... خبرهای گذشتگان را بر آن عرضه کن، آنچه بر سر پیشینیان آمده برایش یادآوری نما، در دیار و آثار آنان نیک بیندیش، پس بنگر چه کردند؟ از کجا به کجا رفته، در کجا بار بگشودند» (1).

اگرچه پیش از نزول قرآن خط عربی رایج بود، حتی کتابی به خط حضرت عبدالمطلب (نیای پیامبر اکرم) در خزانه مأمون وجود داشته (2) ولی با عنایت خاصی که اسلام به کتابت و قرائت مبذول داشته، و دستورات فراوانی که در این زمینه صادر نموده، بستر جهش و شکوفایی دانش و فرهنگ، از جمله تاریخ نگاری را فراهم نموده است.

### تراجم نگاری

یکی از شاخه های مهم تاریخ «تراجم نگاری» است، که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با تعبیر بسیار شیوایی جایگاه رفیع آن را بیان می فرماید:

«من و رّخ مؤمنا فکأنما أحياء؛ هرکس مؤمنی را تاریخ گذاری کند، گویی او را زنده کرده است» (3).

تراجم نگاری صرفاً ثبت سرگذشت یک فرد نیست، بلکه ابزار بسیار نیرومندی برای تکامل کاروان بشری است، بیان نقاط ضعف و قوت یک حادثه ی تاریخی است، شرح علل و عوامل شکست یا پیروزی یک انسان برجسته و فرهیخته می باشد.

ص: 29

1-1. سید رضی، نهج البلاغه، نامه 31، بیروت، [1] صبحی صالح، ص 392.

2-2. ابن ندیم، الفهرست، چ تهران، 1393 ه. ص 8.

3-3. محدث قمی، سفینه البحار، چاپ قم، اسوه، ج 8، ص 435. [2]

و لذا می بینیم که در جای جای قرآن کریم به تراجم پیامبران، صالحان، فرزندگان و فرهیختگان امت ها پرداخته و خود در مقام ارزیابی این حقایق والا می فرماید:

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولَى الْأَلْبَابِ:

«در بیان سرگذشت آنان عبرتی برای خردمندان هست». (1)

## نخستین تراجم نگار

کهن ترین کتابی که از قرن اول هجری بر جای مانده و بدون هیچ خللی به دست ما رسیده، کتاب سلیم بن قیس هلالی است، با توجه به اینکه وی از یاران مولای متقیان است و بسیاری از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را درک کرده و مطالب فراوانی از عملکرد آنها به رشته ی تحریر درآورده است، می توان کتاب او را نخستین کتاب در تاریخ، سیره و تراجم اصحاب پیامبر دانست، که در نیمه ی اول قرن اول از تألیف آن پرداخته است.

پس از سلیم بن قیس گروهی از علمای شیعه در تاریخ و تراجم کتاب نوشته اند که در طول زمان نسخه های آنها از بین رفته و غالباً طعمه ی حریق شده است، که فقط در کتابخانه ی شیخ طوسی 80000 جلد کتاب به دست دشمنان اهل بیت به آتش کشیده شد، که همه ی آنها نسخه ی خطی و قسمتی از آنها منحصر به فرد بودند.

بیشترین آثار برجای مانده در تاریخ، انساب و تراجم، به: «لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف» مشهور به «ابو مخنف» مربوط می شود.

ابو مخنف در خانواده ای پرورش یافته بود که همگی از دل باخته های اهل بیت عصمت و طهارت بودند.

نیای بزرگش «مخنف» از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام بود، حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله را

ص: 30

درک نموده و از آن حضرت روایت کرده و روایاتش در صحاح ستّ آمده است. (1)

او در جنگ جمل شرکت کرده، پرچمدار قبیله ی ازد بوده، در محضر مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السّلام به فیض شهادت نایل آمده است. (2)

پدرش یحیی بن سعید نیز از اصحاب امیر مؤمنان علیه السّلام بود. (3)

ابو مخنف از اصحاب امام صادق علیه السّلام بوده، از آن حضرت روایت کرده، از چهره های تابناک شیعه، شیخ محدّثان کوفه و مورد اعتماد و استناد بود و روایاتش بر دل می نشست. (4)

پیشتر از رجال یون مرحوم نجاشی 28 عنوان از آثار ابو مخنف را نام برده، که 24 مورد آن در رابطه با تاریخ و تراجم می باشد، که عناوین برخی از آثار برجای مانده به شرح زیر است:

1-مقتل امیر المؤمنین(علیه السّلام)

2-مقتل الحسن(علیه السّلام)

3-مقتل الامام حسین بن علی(علیه السّلام)

4-سیره الحسین(علیه السّلام)

5-مقتل حجر بن عدی

6-مقتل محمّد بن ابی بکر

7-مقتل اولاد مسلم بن عقیل

8-کتاب السقیفه

9-کتاب الشوری

10-کتاب الجمل

ص: 31

---

1- 1). ابن ندیم، الفهرست، چ تهران، ص 150.

2- 2). کامل سلمان، مقدمه تاریخ ابی مخنف، بیروت، دار المحجّه، 1419 ه. ج 1، ص 6.

3- 3). علامه حلی، خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، نجف اشرف، 1381 ه. ص 136.

4- 4). نجاشی، رجال، قم، جامعه مدرسین، ص 320.

11- کتاب الحکمین

12- کتاب الصّفین

13- کتاب اهل النهروان

14- کتاب المغازی

15- کتاب الردّه

16- کتاب الغارات

17- کتاب وقعه الحرّه

18- کتاب یحیی بن زید

19- کتاب التّوابین

20- کتاب المعمرین

21- اخبار محمّد بن ابی بکر

22- اخبار محمّد بن ابی حدیفه

23- اخبار الخریّت بن راشد

24- اخبار المختار بن ابی عبیده الثقفی

بسیاری از این منابع ارزشمند همانند دیگر آثار گرانهای علمای شیعه از بین رفته و غالباً در آتش کین سوخته اند، ولی خوشبختانه قسمت مهمی از آنها در لایه لای کتابها باقی مانده، که اخیراً توسط برخی از پژوهشگران استخراج شده، تحت عنوان «نصوص من تاریخ ابی مخنف» در دو مجلد گردآوری شده است.

استاد کامل سلمان الجبوری در مقدمه ی این کتاب 60 عنوان از تألیفات ابو مخنف را برشمرده است. [\(1\)](#)

برشمردن اسامی برخی از آثار ابو مخنف از این جهت ضروری به نظر رسید که برخی از پژوهشگران در مورد نخستین تراجم نگار دچار اشتباه شده، ابن ندیم را

ص: 32



نخستین تراجم نگار برشمرده اند، (1) در حالی که ابن ندیم به سال 380 ه. در گذشته (2) و ابو مخنف متوفای 157 ه. می باشد. (3)

## شیوه های مختلف تراجم نگاری

### اشاره

تراجم نگاران براساس اهدافی که دنبال می کنند، شیوه های مختلف و کاملاً متفاوتی دارند، که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

### 1- فراگیر

گروهی از تراجم نگاران درصدد هستند که فرزندگان و فرهیختگان هر قومی را در آثار خود جای دهند و در حدّ توان آنها را احصا نمایند، در اینجا به تعدادی از این آثار به عنوان نمونه اشاره می کنیم:

1- الأعلام، خیر الدین زرکلی، متوفای 1396 ه. چاپ بیروت 1980 م. در 8 جلد رحلی، با ذیلی به نام «إتمام الأعلام» در یک مجلد، و تتمه ای در دو مجلد و مستدرکی در یک مجلد، از محمّد خیر رمضان یوسف.

2- دائرهالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، چاپ تهران، که حرف الف و با در 11 مجلد بزرگ منتشر شده.

3- دائرهالمعارف القرن العشرين، محمّد فرید وجدی، متوفای 1373 ه.

چاپ بیروت، دار الفکر، 1399 ه. در 10 مجلد.

4- سیر أعلام النبلاء، شمس الدین ذهبی، متوفای 748 ه. چاپ بیروت 1412 ه. در 25 مجلد.

ص: 33

---

1-1. یالتقایا محمّد شرف الدین، استاد دانشکده ادبیات استانبول، مقدمه کشف الظنون، چاپ دانشگاه استانبول، 1941، ج 1، ص 5.

2-2. صفدی، الوافی بالوفیات، بیروت، دار احیاء التراث، ج 2، ص 139.

3-3. یاقوت حموی، معجم الادباء، بیروت، دار احیاء التراث، ج 17، ص 41.

5- فرهنگ معین، دکتر محمد معین، متوفای 1350 ش. چاپ تهران 1360 ش.

جلد 5 و 6.

6- قاموس الأعلام، شمس الدین سامی افندی، متوفای 1322 ه. چاپ استانبول 1306 ه. در 6 مجلد.

7- المنجد فی الأعلام، زیر نظر پطرس حرفوش، چاپ 26 لبنان 1982 م.

8- نامداران تاریخ، عمران علیزاده- معاصر- چاپ تبریز، دو مجلد.

9- الوافی بالوفیات، صلاح الدین الصفدی، متوفای 764 ه. چاپ بیروت، 1420 ه. در 29 مجلد.

10- وفيات الأعیان، ابن خلکان، متوفای 681 ه. چاپ بیروت، در 8 مجلد.

\*\*\*

## 2- اصحاب

برخی دیگر از تراجم نگاران زاویه ی محدودی را منظور کرده، تنها ترجمه ی کسانی را آورده اند که در آن محدوده قرار می گیرند، فی المثل برخی از تراجم نگاران اثر خود را به شرح حال اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص داده اند، که از آن جمله است:

1- الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، ابن عبد البر، متوفای 463 ه.

2- أسد الغابه فی معرفه الصحابه، ابن اثیر جزری، متوفای 630 ه.

3- الاصابه فی تمییز الصحابه، ابن حجر عسقلانی، متوفای 852 ه.

4- الاصابه فی تحقیق حال بعض الصحابه، ابو القاسم لاهوری، متوفای 1324 ه.

5- الأصحاب، محمد تقی خان سپهر، متوفای 1297 ه.

6- الأصحاب، محمد جعفر کرمانی، قرن 12 ه.

7- حیاه الصحابه، شیخ محمد یوسف کاندهلوی، متوفای 1384 ه.

8- رساله فی أحوال الصحابه، شیروانی، قرن 12 ه.

ص: 34

9-الرياض النضره، محب الدين طبري، متوفى 694 هـ.

10-سبعه من السلف، سيد مرتضى فيروزآبادي، متوفى 1410 هـ.

11-سير السلف، اسماعيل بن محمد الطلحي، متوفى 535 هـ.

12-مدرسه الرسول الأعظم، علي محمد علي دخيل-معاصر-بيروت 1408 هـ.

\*\*\*

### 3-راويان حديث

برخی دیگر از تراجم نگاران، اثر خود را به شرح حال راويان آثار و ناقلان اخبار اختصاص داده اند، که از آن جمله است:

1-اختيار معرفه الرجال كشي، شيخ طوسي، متوفى 460 هـ. چاپ مشهد 1348 ش.

2-ايضاح الاشتباه، علامه حلي، متوفى 726 هـ. چاپ قم 1411 هـ.

3-تنقيح المقال، علامه مامقاني، شيخ عبد الله، متوفى 1351 هـ. چاپ نجف.

4-تهذيب التهذيب، ابن حجر عسقلاني، متوفى 852 هـ. بيروت 1412 هـ.

5-تهذيب الكمال، ابو الحجاج يوسف المزي، متوفى 742 هـ. بيروت 1413 هـ.

6-تهذيب المقال، علامه سيد محمد علي ابطحي، متوفى 1423 هـ. چاپ نجف و قم، تاکنون 5 مجلد آن به طبع رسیده.

7-جامع الرواه، محمد بن علي اردبيلي-قرن 12-چاپ بيروت 1403 هـ.

8-الجامع في الرجال، شيخ موسى عباسي زنجاني، متوفى 1398 هـ. چاپ قم 1394 هـ.

9-خلاصه الاقوال في معرفه الرجال، علامه حلي، متوفى 726 هـ. چاپ نجف اشرف 1381 هـ.

10-راويان امام رضا(عليه السلام) عزيز الله عطاردی-معاصر-چاپ مشهد 1376 ش.

11-رجال ابن داود، حسن بن علی بن داود حلّی -قرن هشتم- چاپ نجف 1392 هـ.

12-رجال شیخ طوسی، متوفای 460 هـ. چاپ نجف 1380 هـ.

13-رجال نجاشی، متوفای 450 هـ. چاپ قم، 1407 هـ.

14-سماء المقال، ابو الهدای کلباسی، متوفای 1356 هـ. چاپ قم 1419 هـ.

15-الفائق فی رواه و اصحاب الامام الصادق (علیه السلام)، عبد الحسین الشبستری-معاصر- چاپ قم 1418 هـ.

16-الفهرست، شیخ طوسی، متوفای 460 چاپ بیروت 1403 هـ.

17-قاموس الرجال، شیخ محمد تقی تستری، متوفای 1415 هـ. چاپ قم 1410 هـ.

18-مستدرکات علم رجال الحدیث، شیخ علی نمازی شاهرودی، متوفای 1412 هـ.

19-معجم رجال الحدیث، آیه الله خوئی، سید ابو القاسم، متوفای 1414 هـ.

چاپ بیروت 1403 هـ. در 23 مجلد.

20-من روی الحدیث من آل أعین، ابو عبد الله الحجاج.

\*\*\*

#### 4-علمای شیعه

برخی دیگر آثار ارزشمند خود را به شرح حال علمای شیعه اختصاص داده اند که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم:

1-آثار الحجّه، محمد شریف رازی، متوفای 1421 هـ. چاپ قم 1332 ش.

2-اعیان الشیعه، سید محسن امین جبل عاملی، متوفای 1370 هـ. در 56 مجلد، که اخیراً در 10 جلد رحلی با 10 جلد مستدرک در بیروت چاپ شده است.

ص: 36

3- بهجه الآمال فی شرح زبده المقال، ملا علی علیاری، متوفای 1327 ه.

چاپ تهران 1354 ش.

4- التحریر الطاووسی، شیخ حسن بن زین الدین، متوفای 1011 ه.

5- تذکره الاعیان، استاد جعفر سبحانی- معاصر- چاپ قم 1419 ه.

6- روضات الجنات، سید محمد باقر موسوی، متوفای 1313 ه. چاپ تهران 1390 ه.

7- ریاض العلماء، میرزا عبد الله افندی، متوفای 1310 ه. چاپ تهران 1390 ه.

8- ریحانه الادب، محمد علی مدرس، متوفای 1373 ه. چاپ تبریز.

9- شخصیت‌های اسلامی، استاد جعفر سبحانی- معاصر- چاپ قم 1354 ش.

10- علمای بزرگ اسلام، حسین نوری- معاصر- چاپ قم 1378 ش.

11- فهرست اسماء علماء الشیعه، منتجب الدین رازی، قرن هفتم، چاپ قم 1404 ه.

12- الفوائد الرضویه، شیخ عباس قمی، متوفای 1359 ه. چاپ تهران 1367 ه.

13- قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، متوفای 1302 ه. چاپ قم 1380 ش.

14- گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، متوفای 1421 ه. چاپ تهران 1352 ش.

15- مجالس المؤمنین، قاضی نور الله شوشتری، متوفای 1019 ه. چاپ تهران 1365 ش.

16- مشاهیر دانشمندان اسلام- ترجمه الکنی و الالقاب- شیخ عباس قمی، متوفای 1359 ه. چاپ تهران 1350 ش.

17- معارف الرجال، شیخ محمد حرز الدین، متوفای 1356 ه. چاپ قم 1405 ه.

18- معجم اعلام الشیعه، محقق طباطبائی، سید عبد العزیز، متوفای 1416 ه.

چاپ قم 1417 ه.

19-مفاخر اسلام، استاد علی دوانی-معاصر-چاپ تهران 1402 هـ.

20-منتهی المقال، ابو علی حائری، متوفای 1216 هـ. چاپ قم 1416 هـ.

\*\*\*

## 5- مؤلفان

برخی از تراجم نگاران فقط تألیف را ملاک قرار داده، شرح حال کسانی را آورده اند که آثاری مکتوب از آنها بر جای مانده است، که از آن جمله است:

1- اثر آفرینان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، 1380 ش.

2- تأسیس الشیعه الکرام لفنون الاسلام، سید حسن صدر، متوفای 1272 هـ.

3- تذکره المصنفین من العلماء، جمال الدین زواره ای، متوفای 1313 هـ.

4- الشیعه و فنون الاسلام، سید حسن صدر، متوفای 1272 هـ.

5- عثمانلی مؤلفر، محمد طاهر بورسوی، متوفای 1299 هـ. استانبول 1333 هـ.

6- مصنفی المقال فی مصنفی علم الرجال، شیخ آغا بزرگ تهرانی متوفای 1389 هـ. تهران 1378 هـ.

7- معالم العلماء، ابن شهر آشوب، متوفای 588 هـ. نجف 1380 هـ.

8- معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف، دکتر محمد هادی امینی، متوفای 1421 هـ. نجف 1385 هـ.

9- معجم المصنفین، شیخ محمود حسن التونکی، بیروت 1344 هـ.

10- معجم المطبوعات العربیه، یوسف الیان سرکیس، قم 1410 هـ.

11- معجم المؤلفین، عمر رضا کحاله، متوفای 1408 هـ. بیروت 1376 هـ.

12- معجم مؤلفی الشیعه، علی الفاضل القائینی، قم 1405 هـ.

13- موسوعه مؤلفی الشیعه، مجمع الفكر الاسلامی، قم 1421 هـ.

14- مؤلفین کتب چاپی، خان بابا مشار، متوفای 1400 هـ. تهران 1340 ش.

15- هدیة العارفین، اسماء المؤلفین و آثار المصنفین، اسماعیل پاشا



## 6- فرهیختگان از هر صنفی

برخی از تراجم نگاران فرزندانگان صنف خاصی را مورد بررسی و تحقیق قرار داده اند که از آن جمله است:

- 1- أخبار الشعراء، ابن ابی طی، متوفای 630 ه.
- 2- أخبار المحدثین، ابو عبد الله الحسنی.
- 3- أخبار المحدثین، عبد العزیز جلودی، متوفای 332 ه.
- 4- بغیة الوعاه فی طبقات اللغویین و النجاة، جلال الدین سیوطی، متوفای 911 ه.
- 5- تاریخ الحكماء، ابن مسکویه، متوفای 421 ه.
- 6- تاریخ الفقهاء، محمد بن عمر واقدی، متوفای 207 ه.
- 7- تذکره الحفاظ، ذهبی، 748 ه.
- 8- تراجم وزراء الاسلام، فرج الله کاشانی.
- 9- شیمی دانان نامی اسلامی، آقایانی چاووشی، تهران، 1357 ش.
- 10- طبقات الرجال، برقی، متوفای 280 ه.
- 11- طبقات الرواه، علی اصغر بروجردی، متوفای 1313 ه.
- 12- طبقات الرواه، محمد تقی مجلسی، متوفای 1070 ه.
- 13- طبقات الرواه، محمد بن عمر واقدی، متوفای 207 ه.
- 14- طبقات الشیعه، سعد بن عبد الله اشعری، متوفای 301 ه.
- 15- طبقات الشیعه، عبد العزیز بقال-قرن چهارم-
- 16- طبقات الطالیین، محمد بن اسعد الجوانی، متوفای 588 ه.





- 18-طبقات القراء، صدر الحفاظ همدانی، متوفای 565 ه.
- 19-طبقات المدلسین، ابن حجر.
- 20-طبقات المفسرین، جلال الدین سیوطی، متوفای 911 ه.
- 21-طبقات المفسرین، شمس الدین داودی، متوفای 945 ه.
- 22-طبقات المفسرین، ابو سعید صنع الله، متوفای 980 ه.
- 23-طبقات مفسران شیعه، عقیقی بخشایشی-معاصر-.
- 24-طبقات التّسایین، محمّد بن اسعد الجوانی، متوفای 588 ه.
- 25-الطود الشامخ فی طبقات المشایخ، زین العابدین تهرانی، متوفای 1303 ه.
- 26-غایه التّهایه، فی طبقات القراء، ابن جزری.
- 27-فلاسفه الشیعه، شیخ عبد الله نعمه-معاصر-.
- 28-متفکران اسلام، بارون کارادوو-معاصر- ترجمه احمد آرام در 5 جلد.
- 29-معجم الادباء، یاقوت حموی، 1229 ه. در 20 مجلد.
- 30-یتیمه الدّهر فی شعراء اهل العصر، ثعالبی، 429 ه.

\*\*\*

## 7-فرهیختگان از هر منطقه ای

برخی دیگر آثار خود را به فرهیختگان یک منطقه اختصاص داده اند، که از آن جمله است:

- 1-امل الامل، شرح حال علمای جبل عامل، شیخ حرّ عاملی، متوفای 1104 ه. بغداد 1385 ه.
- 2-انوار البدرین، شرح حال علمای قطیف و بحرین، شیخ علی بلادی، 1340 ه.
- 3-انوار المشعشین، شرح حال علمای قم، شیخ محمّد علی کچوئی، متوفای 1335 ه. قم 1423 ه.
- 4-بزرگان رامسر، محمّد سمّامی حائری-معاصر-قم 1361 ش.



- 5- تاریخ تشیع اصفهان، مهدی فقیه ایمانی- معاصر- اصفهان 1416 ه. .
- 6- تاریخ علماء البحرین، شیخ سلیمان ماحوزی، متوفای 1121 ه. .
- 7- تاریخ علماء خراسان، عبد الرحمن شیرازی- قرن 14- مشهد 1382 ه. .
- 8- تاریخ علماء هند، محمد حسین بن حسین بخش، متوفای 1355 ه. .
- 9- تاریخ علماء هند، محمد دهلوی، متوفای 1235 ه. .
- 10- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، 1416 ه. .  
قم 1367 ش. .
- 11- تدوین الآثار فی احوال علماء خوانسار، محمد حسن خوانساری، 1337 ه. .
- 12- التدوین فی ذکر اخبار قزوین، عبد الکریم رافعی، متوفای 623 ه. .
- 13- تذکره علمای امامیه پاکستان، سید حسین عارف نقوی، قم 1361 ش. .
- 14- تراجم اعیان گیلان و دیلمان، محمد مهدوی- معاصر- .
- 15- داستان دوستان، شعرا و ادبای آذربایجان، محمد علی صفوت، 1335 ش. .  
تبریز 1376 ش. .
- 16- دانشمندان آذربایجان، محمد علی تربیت. .
- 17- دانشمندان اصفهان، جلال الدین همائی- معاصر- .
- 18- دانشمندان خوانسار، سید محمد علی یزدی، اصفهان، 1378 ش. .
- 19- دانشمندان و سخن سرایان فارس، رکن زاده آدمیت، تهران، 1340 ش. .
- 20- دو گفتار- شرح حال علمای خوانسار- علامه سید محمد علی روضاتی - معاصر- قم 1420 ه. .
- 21- رجال آذربایجان، محمد علی تربیت. .
- 22- رجال آذربایجان در عهد مشروطیت، مهدی مجتهدی. .
- 23- رساله فی تراجم علماء بحرین، ماجد بن هاشم بحرانی، متوفای 1028 ه. .

24- شعراء القطيف، شيخ على مرهون-معاصر-، نجف 1385 هـ.

25- ضيافته الاخوان و هديه الخلان، شرح حال علمای شيعة قزوین، رضی الدین

ص: 41

قزوینی، متوفای 1096 ه. ق. 1397 ه.

- 26- علمای ایران در شهرهای آذربایجان، علی سلیمانی بروجردی، 14 مجلد، قم.
- 27- علمای ایران در شهرهای لرستان، علی سلیمانی بروجردی، 5 مجلد، قم.
- 28- فهرست لمشاهیر علماء زنجان، شیخ موسی عباسی زنجانی، متوفای 1398 ه.
- 29- ماضی النجف و حاضرها، شیخ جعفر آل محبوبه، بیروت 1406 ه.
- 30- مفاخر آذربایجان، عقیقی بخشایشی، 5 مجلد، تبریز 1376 ش.
- 31- مینودر، شرح حال علمای قزوین، سید محمد علی گلریز- معاصر- قزوین 1368 ش.
- 32- النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، ابن تغری بردی، متوفای 876 ه.
- 33- یک صد تن از ستارگان درخشان اهر و ارسباران، حسین دوستی- معاصر- قم 1387 ش.

\*\*\*

## 8- فرزندان قرون و اعصار

برخی دیگر از تراجم نگاران فرهیختگان را براساس قرون و اعصار تقسیم نموده، به صورت طبقه بندی شده به نگارش شرح حال آنها پرداخته اند که به چند نمونه اشاره می کنیم:

- 1- الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه، سید علیخان شیرازی، متوفای 1130 ه. چاپ بیروت 1403 ه.
- 2- الطبقات، ابن قاضی شهبه.
- 3- الطبقات، محمد بن عمر واقدی، متوفای 207 ه.
- 4- الطبقات الکبری، ابن سبکی.

ص: 42

5- الطبقات الكبرى، ابن سعد، متوفای 230 ه. چاپ بیروت 1405 ه.

6- طبقات أعلام الشيعة، شیخ آغا بزرگ تهرانی، متوفای 1389 ه. از قرن چهارم تا قرن چهاردهم، در 14 مجلد، بیروت 1390 ه.

7- طبقات الامامیه، ابن ابی طی، متوفای 630 ه.

8- طبقات الحنابلہ، ابو یعلی.

9- طبقات الحنفیہ، قرشی.

10- طبقات الشافعیہ، تاج الدین سبکی.

11- طبقات المالکیہ، ابن فرحون.

12- الطود الشامخ فی طبقات المشایخ، زین العابدین تهرانی، متوفای 1303 ه.

از قرن چهارم تا قرن چهاردهم.

\*\*\*

## 9- فرزندان مقطع خاص

برخی از تراجم نگاران فرزندان مقطع خاصی را مورد نظر قرار داده در محدوده آن مقطع به شرح زندگانی پرداخته اند، که از آن جمله است:

1- آثار الحجه، شیخ محمد شریف رازی، متوفای 1421 ه. چاپ قم، 1332 ش.

تاریخ فرهیختگان قم در عهد مؤسس حوزه علمیه، آیه الله حائری قدس سره.

2- آینه دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی، متوفای 1363 ش. چاپ قم 1372، تاریخ فرزندان قم، در عهد مؤلف.

3- تاریخ زیدیه در دو قرن دوم و سوم هجری، بانو فضیلت شامی - معاصر - ترجمه دکتر محمد سید تقفی و نگارنده. چاپ شیراز 1367 ش.

4- الدرر الکامنه، فی أعیان المائه الثامنه، ابن حجر عسقلانی، متوفای 852 ه.

چاپ بیروت.

5- شهدای روحانیت شیعه در یک صد سال اخیر، علی ربانی خلخالی





-معاصر- چاپ قم 1402 ه.

6-الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، شمس الدین سخائی، متوفای 902 ه.

چاپ بیروت 1412 ه.

7-علمای معاصرین، حاج ملا علی واعظ خیابانی، متوفای 1367 ه. چاپ تبریز 1366 ه. شامل شرح حال فرهیختگان عصر مؤلف.

8-مکارم الآثار، محمد علی معلم حبیب آبادی، متوفای 1396 ه. چاپ اصفهان 1381 ش. رجال دو قرن 13 و 14، که 8 مجلد آن با تحقیقات علامه سید محمد علی روضاتی (دامت برکاته) انتشار یافته است.

9-موسوعه أعلام العراق فی القرن العشرين، حمید المطبعی، چاپ بغداد 1995 م.

10-نجوم السماء، محمد علی کشمیری لکهنوی، و تکملة آن به قلم فرزندش محمد مهدی لکهنوی، متوفای 1354 ه. چاپ قم 1397 ه.

\*\*\*

## 10-فرزندگان از هر خاندان

برخی از تراجم نگاران فرزندگان یک خاندان را مورد تحلیل قرار داده، شرح حال آنها را در یک مجلد فراهم نموده اند، که از آن جمله است:

1-اخبار البرامکه، مرزبانی، متوفای 378 ه.

2-اسره المجدد الشیرازی، نور الدین شاهرودی-معاصر- چاپ قم 1412 ه.

3-اسنادی از خاندان روضاتیان، رسول جعفریان-معاصر- چاپ قم 1424 ه.

4-تاریخ آل زراره، سید محمد علی موحد ابطحی، متوفای 1423 ه. چاپ اصفهان 1400 ه.

5-خاندان ارگانی بهبهانی، شیخ محمود ارگانی-معاصر- چاپ قم 1415 ه.

6-خاندان سادات کوشه، سید محمد علی امام-معاصر- چاپ قم 1413 ه.

ص: 44

7- خاندان کلباسی، شیخ محمد حائری کلباسی، چاپ اصفهان 1381 ش.

8- خاندان نوبختی، عباس اقبال آشتیانی، متوفای 1334 ش. چاپ تهران 1357 ش.

9- العبقات العنبریه فی الطبقات الجعفریه، محمد حسین کاشف الغطاء، متوفای 1373 ه. چاپ بیروت 1418 ه. (خاندان آل کاشف الغطاء).

10- قبیلۀ عالمان دین، هادی نجفی-معاصر- چاپ اصفهان 1423 ه.

(خاندان آقا نجفی اصفهانی).

\*\*\*

### 11- فرزندان تیره ها و نژادها

برخی دیگر از تراجم نویسان افراد برجسته ی تیره و نژادی را مورد نظر قرار داده، انساب آنها را بیان کرده اند، که از آن جمله است:

1- الإکلیل فی أنساب حمیر و ایام ملوکها، همدانی، متوفای 344 ه.

2- الأنساب، سمعانی، 562 ه. بیروت 1400 ه.

3- الأنساب، سلمه بن مسلم العوتبی الصحاری، عمان، 1405 ه.

4- الأنساب، قاضی مهذب، متوفای 561 ه.

5- أنساب آل ابی طالب، محمد طبرسی.

6- أنساب الأشراف، بلاذری، متوفای 279 ه. بیروت 1420 ه.

7- أنساب حمیر و ملوکها، ابن هشام، متوفای 213 ه.

8- أنساب الرشاطی، لخمی، متوفای 442 ه.

9- أنساب الشعراء، ابو جعفر بغدادی، 245 ه.

10- أنساب الطالبیین و العلویین القادمین الی المغرب، المستنصر بالله الأموی، متوفای 366 ه.

11- أنساب قریش، زبیر بن بکار، متوفای 256 ه.

- 12- أنساب المحدثين، ابن نجار، متوفى 643 هـ.
- 13- بغية ذوى الهمم فى معرفة أنساب العرب و العجم، عباس بن المالك، متوفى 778 هـ.
- 14- تاج الأنساب، محمد بن أسعد حسيني، متوفى 588 هـ.
- 15- جامع الأنساب، علامه سيد محمد على روضاتي-معاصر-اصفهان، 1335 ش.
- 16- الجمهره، هشام بن محمد بن سائب كلبى، از اصحاب خاص امام صادق عليه السلام و صاحب بیش از 200 جلد كتاب در انساب و تراجم و اخبار.
- 17- الجوهرة فى نسب الامام على، انصارى تلمسانى-قرن هفتم-بيروت 1402 هـ.
- 18- الجوهرة فى نسب النبى و أصحابه العشرة، انبارى، متوفى 577 هـ.
- 19- ديوان العرب و جوهرة الأدب فى ايضاح النسب، اسدى نسابه.
- 20- الشجرة الطيبة، دكتور سيد فاضل موسى صفوى-معاصر-قم، 1411 هـ.
- 21- الشجرة فى الأنساب، محمد بن رضوان، متوفى 657 هـ.
- 22- عجاله المبتدى، حازمى، متوفى 584 هـ.
- 23- عمده الطالب، ابن عنبه، متوفى 828 هـ. نجف 1380 هـ.
- 24- القصد و الامم الى أنساب العرب و العجم، قرطبي، متوفى 463 هـ.
- 25- اللباب الى معرفه الأنساب، ابو الحسن اشعري.
- 26- المجدى، ابن صوفى-قرن پنجم-قم 1409 هـ.
- 27- مجمع الأنساب، شبانكاره اى-قرن ششم-تهران 1363 ش.
- 28- نسب آل ابى طالب، عبيدلى نسابه، متوفى 277 هـ.
- 29- نسب عبد الشمس، ابو الفرج اصفهاني.
- 30- نسب عدنان و قحطان، مبرّد، متوفى 285 هـ.
- 31- نسب قريش، مصعب بن عبد الله زبيرى، متوفى 236 هـ.



32-نسب القطب النبوی و الشریف العلوی، بدوی، متوفای 675 ه.

33-نهایه الارب فی معرفه أنساب العرب، المصری.

\*\*\*

## 12- تک نگاران

برخی از تراجم نگاران شرح زندگانی یک فرد برجسته را مورد بررسی قرار داده و کتابی را به شرح حال یک فرزانه از فرزندگان تاریخ اختصاص داده اند، که به تعدادی از این آثار اشاره می کنیم، تا به هنگام لزوم علاقمندان بتوانند به این آثار دسترسی پیدا کنند و یادآور می شویم که این ها فقط به عنوان نمونه است و همه آثار مربوطه استقصا نشده است:

1- آشنائی با زندگی و شخصیت دلباخته امام زمان، آیه الله فقیه احمدآبادی، صاحب مکیال، تألیف: سید حجت موحد ابطحی، انتشارات سفیر، اصفهان 1421 ه. 256 صفحه و زیری.

2- آفتاب فقاقت، شیخ مرتضی انصاری، تألیف: محمود افتخارزاده، نشر روح، قم، 1361 ش. 64 صفحه رقی.

3- آیه الله گلپایگانی، فروغ فقاقت، تألیف: ناصر الدین انصاری، سازمان تبلیغات، تهران، 126 صفحه رقی.

4- آیه الله مؤسس، حاج شیخ عبد الکریم حائری، تألیف: علی کریمی جهرمی، دار الحکمه، قم، 176 صفحه رقی.

5- آیه الله میلانی، مرجع بیدار، تألیف: سعید عباس زاده، سازمان تبلیغات، تهران، 1374 ش. 171 صفحه رقی.

6- آینه مهر، گرامی داشت بیستمین سالگرد رحلت علامه طباطبائی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، دار التفسیر، قم، 1380 ش. 208 صفحه و زیری.

7- احوال و آثار میر سید علی همدانی، تألیف دکتر محمد ریاض، مرکز

ص: 47

تحقیقات ایران و پاکستان، اسلام آباد، 1405 هـ. 545 صفحه وزیری.

8-ارمغان اصفهان، شرح حال آیه الله میر سید علی بهبهانی، تألیف: سید مصلح الدین مهدی، نشر عمادزاده، اصفهان، 1359 هـ. 124 صفحه وزیری.

9-از تو آموختیم، شرح حال استاد رضا روزبه، تألیف حسن تاجری، نشر آفاق، تهران، 1380 ش. 117 صفحه وزیری.

10-اسوه فقیهان آزاداندیش، شرح حال محقق اردبیلی، مجموعه مقالات، مجله حوزه-شماره مخصوص-قم، 1375 ش. 232 صفحه رقی.

11-امام موسی صدر امید محرومان، تألیف: عبد الرحیم اباذری، سازمان تبلیغات، تهران، 1374 ش. 254 صفحه رقی.

12-بررسی زندگی نامه علامه علی اکبر دهخدا، تألیف: رضا یعقوبی، نشر زهد، تهران، 1377 ش. 212 صفحه وزیری.

13-برگی از تاریخ ادبیات معاصر ایران، یادنامه ابراهیم صهبا، تألیف: سید حسن امین، نشر طیب، قم، 1379 ش. 110 صفحه رقی.

14-برگ هایی از تاریخ حوزه علمیه قم، شرح حال حاج سراج انصاری، تألیف: رسول جعفریان، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، 1381 ش. 199 صفحه رقی.

15-بقیه السلف، آیه الله حاج میرزا علی علیاری، تألیف: هادی هاشمیان، تهران، 1376 ش. 124 صفحه رقی.

16-بلوغ الأمانی فی حیاة الشیخ علی الايروانی، تألیف: حشمت الواعظین، مدرسه ایروانی، قم، 1417 هـ. 534 صفحه وزیری.

17-چشم و چراغ مرجعیت، آیه الله بروجردی، مجموعه مقالات، مجله حوزه-شماره مخصوص-قم 1379 ش. 480 صفحه وزیری.

18-چهره ای پرفروغ، آیه الله سید عبد الله شیرازی، مدرسه علمیه امیر المؤمنین، مشهد، 1364 ش. 504 صفحه وزیری.

- 19- حاج آقا حسین قمی، قامت قیام، تألیف: محمد باقر پور امینی، سازمان تبلیغات، تهران، 1373 ش. 187 صفحه رقیعی.
- 20- حکم نافذ آقا نجفی، تألیف: موسی نجفی، قم، 1371 ش. 364 صفحه وزیری.
- 21- حیاة الامام شرف الدین، تألیف: شیخ احمد قیس، دار التوجیه، بیروت، 1400 ه. 138 صفحه وزیری.
- 22- حیات طیبہ، شرح حال شیخ عباس مشکوری، تألیف: محمد حسین مشکوری، انصاریان، قم، 1381 ش. 112 صفحه رقیعی.
- 23- خاتم معرفت، شرح حال سید عباس خاتم یزدی، مجموعه مقالات، فرهنگ منہاج، قم، 1381 ش. 278 صفحه وزیری.
- 24- داستانہایی از زندگی مدرّس، تألیف: محمود حکیمی، نشر گویا، قم، 1361 ش. 44 صفحه رقیعی.
- 25- دراسات فی فکر الامام الشیرازی، تألیف: دکتر ایاد موسی محمود، مکتبہ جنان الغدیر، کویت، 1420 ه. 477 صفحه وزیری.
- 26- در امتداد فقہات، شرح حال آیت اللہ سید محمد شیرازی، ترجمہ سید ابو جواد حسینی، نشر جلال الدین، قم، 1381 ش. 208 صفحه رقیعی.
- 27- در بیان احوال و آثار ملا محمد علی تونی خراسانی، تألیف: علامہ سید محمد علی روضاتی، اصفہان، 1381 ش. 54 صفحه وزیری.
- 28- در جستجوی استاد، زندگی نامہ آیہ اللہ شیخ محمد تقی آملی، تألیف: صادق حسن زادہ، آل علی، قم، 1381 ش. 344 صفحه رقیعی.
- 29- دکتر حشمت و اندیشہ اتحاد اسلام در جنبش جنگل، تألیف: سید محمد تقی ابوالقاسمی، نشر ندا، تهران، 1378 ش. 186 صفحه وزیری.
- 30- ذکر السید الطباطبائی، شرح حال محقق طباطبائی - سید عبد العزیز، تألیف: سید محمد رضا جلالی، شیکاگو، آمریکا، 1416 ه. 73 صفحه رقیعی.

31- ربع قرن مع العلامة الامینی، تألیف: حاج حسین شاکری، قم، 1417 هـ.

434 صفحه وزیری.

32- زندگانی آیه الله سید حسن چهار سوقی، تألیف: علامه سید محمد علی روضاتی، نشر تأیید، اصفهان، 1332 ش. 244 صفحه رقی.

33- زندگانی حکیم جهانگیر خان قشقائی، 1332 ش. تألیف: مهدی قرقابی، شهرداری اصفهان، 1371 ش. 261 صفحه وزیری.

34- زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع، آیه الله بروجردی، تألیف: علی دوانی، نشر مطهر، تهران، 1372 ش. 480 صفحه وزیری.

35- زندگی نامه آیه الله کاشانی، تألیف: سید محمد موسوی، نشر بشیر، قم، 88 صفحه رقی.

36- زندگی نامه استاد شیخ انصاری، تألیف: ضیاء الدین سبط الشیخ، دبیرخانه کنگره بزرگداشت، قم، 1373 ش. 259 صفحه رقی.

37- زندگی نامه علامه مجلسی، تألیف: سید مصلح الدین مهدوی، وزارت ارشاد، تهران، 1378 ش. 392+555 صفحه وزیری.

38- ستاره درخشان شوستر، شیخ محمد تقی شوستری، تألیف: علی اکبر محدث، انتشارات خوزستان، اهواز، 1370 ش. 155 صفحه رقی.

39- سردار کابلی، تألیف: سید حسن احمدی نژاد، سازمان تبلیغات، تهران، 1372 ش. 124 صفحه رقی.

40- سر دلبران، شرح حال بنیانگذار حوزه قم، تألیف: آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری، نشر برگزیده، قم، 1377 ش. 285 صفحه رقی.

41- سفیر صداقت، پرفسور سید حمید مولانا، تألیف: کریم فیضی، دفتر نشر، تهران، 1381 ش. 380 صفحه وزیری.

42- سید رضی - علم الهدی -، تألیف: محمد مهدی جعفری، طرح نو، تهران، 1375 ش. 168 صفحه رقی.

ص: 50



- 43- سید ابو الحسن اصفهانی، شکوه مرجعیت، تألیف: محمد اصغری نژاد، سازمان تبلیغات، تهران، 1373 ش. 99 صفحه رقی. .
- 44- سید عبد الحسین لاری، پیشوای تنگستان، تألیف: سید علی رضا سید کباری، سازمان تبلیغات، تهران، 1372 ش. 156 صفحه رقی. .
- 45- سید علیخان کبیر، تألیف: عباس عبیری، سازمان تبلیغات، تهران، 1374 ش. 106 صفحه رقی. .
- 46- سید محسن امین ستاره لبنان، تألیف: عباس عبیری، سازمان تبلیغات، تهران، 1372 ش. 130 صفحه رقی. .
- 47- سید محسن حکیم، مرزبان حوزه نور، تألیف: عباس عبیری، سازمان تبلیغات، تهران، 1372 ش. 117 صفحه رقی. .
- 48- سیره آیه الله خراسانی- سید محمد هادی- مجموعه مقالات، قم، 1415 ه. .
- 132 صفحه وزیری. .
- 49- سیری در آثار شهید مرتضی مطهری، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام، تهران، 1362 ش. 231 صفحه وزیری. .
- 50- سیری در آراء و اندیشه های آیه الله میرزای نائینی، مجموعه مقالات، انجمن آثار و مفاخر، اصفهان، 1379 ش. 547 صفحه وزیری. .
- 51- سیمای مهر در آئینه تصویر، زندگی نامه علامه طباطبائی، تدوین: محمد رضا فاضلی، سروش، تهران، 1381 ش. 94 صفحه رحلی. .
- 52- سینای معرفت، شرح حال آیه الله میرزا کاظم تبریزی، تألیف: سید حسن فاطمی، لاهوت، قم، 1380 ش. 239 صفحه رقی. .
- 53- شرح حال، افکار و آثار آیه الله بهبهانی، تألیف: علی دوانی، نشر قبله، تهران، 1378 ش. 470 صفحه وزیری. .
- 54- شرح حال و اقدامات شیخ محمد خیابانی، مجموعه مقالات، نشر ایرانشهر، برلین، آلمان، 1304 ش. 64 صفحه رقی. .

55- شرف الدین، تألیف: محمد رضا حکیمی، دفتر نشر، تهران، 1360 ش.

256 صفحه رقی.

56- شرف الدین عاملی، تألیف: مصطفی قلی زاده، سازمان تبلیغات، تهران، 1372 ش. 206 صفحه رقی.

57- شمس الفقهاء، یادواره آیه الله آقا ضیاء عراقی، تألیف: داود نعیمی اراکی، باقر العلوم، قم، 1353 صفحه رقی.

58- شناخت نامه علامه مجلسی، مجموعه مقالات، وزارت ارشاد، تهران، 1378 ش. 301+308 صفحه وزیری.

59- شهاب شریعت، آیه الله مرعشی نجفی، تألیف: علی رفیعی، کتابخانه معظم له، قم، 1415 ه. 864 صفحه وزیری.

60- شهریار ما، عنایات اهل بیت به محمد حسین شهریار، شاعر اهل بیت علیهم السلام، تألیف: حسین صبوری، نشر صبوری، قم، 1381 ش. 32 صفحه رقی.

61- شهید اول، فقیه سربداران، تألیف: محمد حسن امانی، سازمان تبلیغات، تهران، 1372 ش. 136 صفحه رقی.

62- شیخ صدر، تألیف: مصطفی قلی زاده، سازمان تبلیغات، تهران، 1372 ش.

160 صفحه رقی.

63- شیخ محمد خیابانی، تألیف: مصطفی قلی زاده، سازمان تبلیغات، تهران، 1372 ش. 183 صفحه رقی.

64- صاحب بن عباد، وزیر دین پرور، تألیف: سعید بابائی، سازمان تبلیغات، تهران، 1373 ش. 202 صفحه رقی.

65- صاحب حدائق، باغبان فقه، تألیف: مجتبی سپاهی، سازمان تبلیغات، تهران، 1373 ش. 98 صفحه رقی.

66- صحیفه اخلاص، شرح حال آیه الله سید محمد حسین مصباح، مجموعه مقالات، مجتمع امام هادی علیه السلام، مشهد مقدس، 1424 ه. 40 صفحه رقی.

ص: 52

67-الصدر الثانی، زندگی نامه شهید سید محمد صدر، دار الاسلام، قم، 1381 ش. 448 صفحه وزیری.

68-صفحاتی از زندگانی آیه الله سید محمد کاظم قزوینی، ستاد بزرگداشت اولین سالگرد، قم، 1416 ه. 47 صفحه رقعی.

69-طبرسی و مجمع البیان، تألیف: حسین کریمان، دانشگاه تهران، 1361 ش.

دانشگاه تهران، 1361 ش. 333+432 صفحه وزیری.

70-طلایه دار آفتاب، شرح حال آیه الله شیخ محمود حلبی، مجموعه مقالات، نشر آفاق، تهران، 1418 ه. 95 صفحه رقعی.

71-عبد الباقی گلپنارلی، تألیف: دکتر علی آلپ ارسلان، وزارت فرهنگ، آنکارا، ترکیه، 1996 م. 163 صفحه رقعی.

72-علامه بلاغی، روایت رویش، تألیف: علی علیزاده، سازمان تبلیغات، تهران، 1373 ش. 82 صفحه رقعی.

73-علامه صدوقی (مازندرانی) رادمرد علم و ایمان، تألیف: مصطفی صدوقی، دار الامام الرضا، قم، 1380 ش. 172 صفحه وزیری.

74-علامه مجلسی، تألیف: حسن طارمی، طرح نو، تهران، 1375 ش. 288 صفحه رقعی.

75-عنصر فضیلت و تقوا، آیه الله حاج آقا حسین قمی، تألیف: عباس حاجیانی دشتی، انتشارات مفید، قم، 1372 ش. 127 صفحه وزیری.

76-غروب خورشید فقاها، آیه الله سید ابو القاسم خوئی، تألیف: غلامرضا اسدی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، 1373 ش. 179 صفحه وزیری.

77-فدائی اهل بیت، شهید محمد سلطانی سمنانی، تألیف: سید محمد مختاری، قم، 1379 ش. 192 صفحه رقعی.

78-فضیلت‌های فراموش شده، شرح حال ملا عباس تربتی، تألیف: مرحوم حسینعلی راشد، نشر روزنامه اطلاعات، 1375 ش. 219 صفحه رقعی.

- 79- فطرت بیدار زمان، شرح حال و اندیشه های مرحوم شیخ محمد باقر زند کرمانی، تألیف: محمد زاهد نجفی، عطر عترت، اصفهان، 1382 ش. 260 صفحه وزیری.
- 80- فیض الباری فی ترجمه الامام الانصاری، شرح حال شیخ مرتضی انصاری قدس سره، تألیف: علامه سید محمد علی روضاتی- مخطوط-.
- 81- فیلسوف عدالت، استاد محمد رضا حکیمی، تألیف: کریم فیضی، نشر تهذیب، قم، 1381 ش. 503 صفحه وزیری.
- 82- قبسات من حیاه آیه الله السید شهاب الدین المرعشی، تألیف: عادل العلوی، کتابخانه معظم له، قم، 1414 ه. 162 صفحه وزیری.
- 83- کبیر کوهستان، زندگی نامه آیه الله شیخ محمد کوهستانی، تألیف: علی اکبر شیرازی، ساری، مهر ساجده، 504 صفحه وزیری.
- 84- گنج پنهان، شرح حال محقق طباطبائی، تألیف: حسن انصاری، وزارت ارشاد، تهران، 1374 ش. 64 صفحه رقی.
- 85- متآله قرآنی، شیخ مجتبی قزوینی، تألیف: محمد علی رحیمیان، انتشارات دلیل ما، قم، 1382 ش. 540 صفحه وزیری.
- 86- محدث نوری، تألیف: محمد صحتی سردرودی، سازمان تبلیغات، تهران، 1372 ش. 171 صفحه رقی.
- 87- محقق ثانی، مقتدای شیعه، تألیف: محمد جواد پیچان، سازمان تبلیغات، تهران، 1372 ش. 126 صفحه رقی.
- 88- المحقق الطباطبائی، مجموعه مقالات، مؤسسه آل البيت، قم، 1417 ه.
- سه مجلد- 1637 صفحه وزیری.
- 89- محمد مهدی خالصی، خصم استعمار، تألیف: محمد اصغر نژاد، سازمان تبلیغات، تهران، 1373 ش. 114 صفحه رقی.
- 90- مدرس در تاریخ و تصویر، تألیف: محمد گلبن، وزارت ارشاد، تهران،

- 91- المرجع الكبير، آية الله السيد محمد علي الموحد الأبطحي، حسينه معظم له، قم 1423 هـ. 70 صفحه وزیري.
- 92- مردی بزرگ از خطه فارس، آية الله شيخ بهاء الدين محلاتي، تأليف: داود الهامي، هدف، قم، 1367 ش. 504 صفحه وزیري.
- 93- المرشد، شهيد آية الله ميرزا علي غروي، مجله المرشد-شماره مخصوص-، دمشق، سوريه، 1417 هـ. 382 صفحه وزیري.
- 94- مرگی در نور، زندگي نامه آية الله آخوند خراساني، تأليف: عبد الحسين مجيد كفائي، نشر زوار، تهران، 1359 ش. 464 صفحه وزیري.
- 95- مظلومي بر بالای دار، شيخ فضل الله نوري، تأليف: سيد محمد اصغري، امير كبير، تهران، 1362 ش. 140 صفحه رقي.
- 96- ملا مهدي نراقي، منادي اخلاق، تأليف: عبد الرحيم ابادري، سازمان تبليغات، تهران، 1372 ش. 104 صفحه رقي.
- 97- المنبر، شرح حال آية الله سيد محمد شيرازي، مجله المنبر-شماره مخصوص-، كويت، 1423 هـ. 64 صفحه رحلي.
- 98- الموسم، زندگي نامه آية الله حاج سيد ابو القاسم خوئي، مجموعه مقالات، آكادمي كوفه، هلند، 1414 هـ. 480 صفحه وزیري.
- 99- مير حامد حسين، تأليف: محمد رضا حكيمي، دفتر نشر، تهران، 1401 هـ.
- 159 صفحه رقي.
- 100- ميرزا محمد تقی شيرازي، سروس استقلال، تأليف: محمد اصغري نژاد، سازمان تبليغات، تهران، 104 صفحه رقي.
- 101- ميرزاي شيرازي، تأليف: شيخ آغا بزرگ تهراني، وزارت ارشاد، تهران، 1363 ش. 274 صفحه رقي.
- 102- نشان از بي نشانها، زندگي نامه حاج شيخ حسنعلی اصفهانی (نخودکی)،

تألیف: علی مقدادی، انتشارات زوار، تهران، 1371 ش. 542+288 صفحه وزیری.

103- نیم قرن خدمت به مکتب اهل بیت، زندگی نامه آیه الله ناصر مکارم شیرازی، تألیف: احمد قدسی، نسل جوان، قم، 1380 ش. 352 صفحه وزیری.

104- نیم نگاه‌ی به آفتاب، زندگی نامه آیه الله حاج شیخ حسین اهری، تألیف:

حسین دوستی - جعفر ولی پور، اداره ارشاد اهر، 1379 ش. 60 صفحه رقعی.

105- هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی، تألیف: شیخ آغا بزرگ تهرانی، میقات، تهران، 1403 ه. 211 صفحه رقعی.

106- هزاره شیخ طوسی، تألیف: علی دوانی، دانشگاه مشهد، 583 صفحه وزیری.

107- ویژه سی امین سال درگذشت آیه الله بروجردی، مجموعه مقالات، مجله حوزه - شماره مخصوص -، 1370 ش. 400 صفحه خشتی.

108- یادمان هزاره شیخ مفید، مجموعه مقالات، مجله حوزه - شماره مخصوص -، 1371 ش. 335 صفحه خشتی.

109- یادمان نخستین سالگرد فلسفی، مجموعه مقالات، روزنامه رسالت - شماره مخصوص - 24 صفحه رحلی.

110- یادنامه استاد سید محمد علی صغیر، تألیف: سید مهدی حائری، تهران، 1378 ش. 52 صفحه رقعی.

111- یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری، مجموعه مقالات، سازمان انقلاب اسلامی، تهران، 1360 ش. 578+291 صفحه وزیری.

112- یادنامه حضرت آیه الله خوئی، مجموعه مقالات، مؤسسه خیریه معظم له، قم، 1372 ش. 200 صفحه وزیری.

113- یادنامه علامه امینی، مجموعه مقالات، شرکت سهامی انتشار، تهران، 1352 ش. 572 صفحه وزیری.

114- یادنامه علامه طباطبائی، مجموعه مقالات، دانشگاه تبریز، 1368 ش.

115- یادنامه مجلسي، مجموعه مقالات، وزارت ارشاد، تهران 1379 ش.

384+415+485 صفحه وزیري.

116- یادنامه مرحوم حاج آقا رضا عمادزاده، مجموعه مقالات، حسينيه عمادزاده، اصفهان، 1379 ش. 272 صفحه وزیري.

117- یادنامه مفسر كبير علامه طباطبائي، مجموعه مقالات، انتشارات شفق، قم، 1361 ش. 590 صفحه وزیري.

118- یادنامه ميرزا جعفر سلطان القراء، مجموعه مقالات، دانشگاه تبريز، 1370 ش. 423 صفحه وزیري.

119- یادواره صدمين سال درگذشت ميرزاي بزرگ، مجموعه مقالات، مجله حوزه-شماره مخصوص-، 430 صفحه خشتي.

120- يادها و يادگارها، يادمان مرحوم سيد مهدي گلپايگاني، تأليف: دكتور غلامرضا باهر، قم، 1357 ش. 72 صفحه رقعي.

\*\*\*

### 13- بانوان

برخی دیگر از کتب تراجم به بانوان اختصاص دارد، که از آن جمله است:

1- اخبار النساء المحمودات، بغدادی، متوفای 325 ه.

2- اعلام النساء، عمر رضا کحاله، متوفای 1408 ه.، چاپ بيروت، 1404 ه.

در 5 مجلد.

3- اعيان النساء، محمد رضا حکيمي، متوفای 1412 ه. چاپ بيروت 1403 ه.

4- امهات الائمه، حازم الخاقاني - معاصر - چاپ بيروت 1417 ه.

5- تذکره الصحايبات، ام الحسين اللکهنوی - معاصر - .

6- تراجم سيدات بيت النبوه، عايشه بنت الشاطي، چاپ بيروت 1408 ه.

7- تکمله اعلام النساء، محمد خیر بن رمضان یوسف- معاصر- چاپ بیروت، 1416 ه.

8- ریاحین الشریعه، شیخ ذبیح اللہ محلاتی، متوفای 1406 ه. چاپ تهران، در 6 مجلد.

9- زنان قهرمان، دکتر احمد بهشتی- معاصر- چاپ تهران 1351 ش. سه مجلد.

10- المرأه الکرديه فی التاریخ الاسلامی، محمد خیر بن رمضان یوسف، - معاصر- چاپ ریاض، 1412 ه.

11- نساء زاهدات، همو، چاپ ریاض، 1413 ه.

\*\*\*

#### 14- از درون خاطره ها

بسیاری از کتابهایی که به عنوان خاطرات تألیف شده حاوی مطالب فراوانی پیرامون تراجم اشخاص معاصر می باشد که در جای دیگر یافت نمی شود، برای یادآوری این نوع آثار اسامی تعدادی از کتب خاطرات را در اینجا می آوریم:

1- آیا شما سرگذشت سفر مرا می دانید؟ سید حسن ابطحی- معاصر- چاپ تهران 1361 ش. حاوی تراجم شخصیتهایی چون: استاد عبد الباقی گلپنارلی، عباس افعالی، صابری تبریزی، عبد المجید واعظی و...

2- بحران آذربایجان، آیه الله مجتهدی، متوفای 1355. خاطرات سالهای 1324-1325 ش. ایام اشغال آذربایجان توسط روسها، حاوی تراجم شخصیتهای آن روز و نکات دقیقی که در هیچ کتاب دیگری یافت نمی شود.

3- تجارب محمد جواد مغنیه، متوفای 1400 ه. چاپ بیروت 1400 ه.

حاوی تراجم افراد فراوان با صراحت و صداقت خاص علامه بزرگ مرحوم مغنیه.

4- خاطرات سفر، حاج میرزا عبد المجید واعظی، متوفای 1414 ه. چاپ تبریز 1395 ه. حاوی مطالب ارزشمندی از مسافرت یکی از مراجع آن روز به



عته بوسی امام هشتم، تراجم شماری از بزرگان قم، تهران، تبریز، حضرت عبد العظیم، گرگان، قوچان، مینودشت، قائمشهر، ساوه، به ویژه تشرف عالم بزرگ تربت جام به تشیع و شرح حال یحیی بن زید.

5- خاطرات 60 سال خدمت گزاری، حاج محمد علامه، متوفای 1380 ش.

چاپ تهران، 1381 ش.

6- سفرنامه حج، آیه الله حاج شیخ لطف الله صافی - معاصر - خاطرات سفر حج، چاپ قم، 1420 ه.

7- شبهای مکه، سید حسن ابطحی - معاصر - چاپ مشهد 1404 ه. حاوی تراجم ره یافتگانی چون شیخ محمد انطاکی و شیخ احمد انطاکی، قبور مطهر امامزادگانی چون محسن فرزند امام حسین علیه السلام در حلب و خاندان عصمت در دمشق، خاطراتی از شهید سید حسن شیرازی و علمای مکه و مدینه.

8- مذکرات الشیخ بهلول، عبد العظیم مهتدی بحرانی - معاصر - چاپ قم 1419 ه. خاطراتی از بایگانی اعجوبه ی زمان، آقای بهلول، قهرمان داستان گوهرشاد.

9- من هنا و هناك، محمد جواد مغنیه، متوفای 1400 ه. چاپ بیروت، 1382 ش. حاوی تراجم و خاطرات فراوانی از علامه مغنیه.

10- نقد عمر، زندگانی و خاطرات استاد علی دوانی - معاصر - چاپ تهران 1382 ش. حاوی تراجم بسیاری از علمای معاصر.

\*\*\*

## 15- ممدوحین و مجروحین

برخی از کتب تراجم از رهگذر مقبولیت یا عدم مقبولیت روایت راویان در مورد آنها به بحث و کنکاش پرداخته، که از آن جمله است:

1- اصحاب النبی الممدوحین، محمد جعفر کرمانی - قرن 11-.

ص: 59

- 2- الإفصاح عن أحوال روات الصحاح، محمد حسن مظفر، متوفای 1375 هـ.
- 3- اكمال منتهى المقال فى بيان المجاهيل من الرجال، شيخ محمد على آل كشكول-قرن 13-.
- 4- تنبيه اهل الكمال و الانصاف، محمد دهلوی، متوفای 1235 هـ.
- 5- ثقات الرواه، سيد حسن موسوى اصفهانی-معاصر-چاپ نجف 1387 هـ.
- 6- الجرح و التعديل، شيخ الاسلام رازى، متوفای 327 هـ. چاپ حيدرآباد، 1271 هـ.
- 7- رجال ابن الغضائرى-قرن پنجم-چاپ قم 1422 هـ.
- 8- رجال علامه مجلسى، متوفای 1110 هـ. چاپ بيروت 1415 هـ.
- 9- لسان الميزان، ابن حجر عسقلانى، متوفای 852 هـ. چاپ بيروت 1408 هـ.
- 10- معجم الثقات، ابو طالب تجليل-معاصر-چاپ قم 1404 هـ.
- 11- الممدوحين و المذمومين، احمد بن محمد كوفى، متوفای 346 هـ.
- 12- الممدوحين و المذمومين، محمد بن احمد قمى، متوفای 368 هـ.
- 13- الممدوحين و المذمومين، محمد بن عبد الله كرخى، از اصحاب امام جواد عليه السلام.
- 14- نقد الرجال، سيد مصطفى تفرشى-قرن 11-چاپ قم.

\*\*\*

## 16- به دنبال اهداف خاص

برخی از کتب تراجم به صورت تخصصی در محدوده ای معین برای بررسی اهداف خاصی تألیف شده، که بسیار فراوان است، به برخی از آنها اشاره می کنیم:

- 1- اجازات الحدیث، شامل 115 اجازه حدیث از علامه مجلسی برای شاگردان، علامه سید احمد اشکوری-معاصر-چاپ قم 1410 هـ.
- 2- اخبار من قال بالتفضیل من الصحابه، بغدادی 325 هـ.

- 3- تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، متوفای 463 ه. چاپ بیروت، پیرامون واردین به شهر بغداد، با ذیل ها، تکمله ها و فهارس لازمه در بیش از 20 مجلد منتشر شده است.
- 4- تاریخ دمشق، ابن عساکر، متوفای 571 ه. پیرامون واردین به دمشق، در 80 مجلد چاپ شده و مختصر آن توسط ابن منظور، متوفای 711 ه. تلخیص و در 29 مجلد انتشار یافته است.
- 5- تاریخ مصر، ابو سعید عبد الرحمن بن احمد بن یونس، پیرامون واردین به مصر از اجانب.
- 6- تذکره المعمرین، جمال الدین زواره ای، متوفای 1313 ه. پیرامون دراز عمران تاریخ.
- 7- تراجم الرجال، سید احمد اشکوری- معاصر- پیرامون اهل قلم ناشناخته که در 4 مجلد انتشار یافته.
- 8- تلامذه العلامة المجلسی، سید احمد اشکوری- معاصر- چاپ قم 1410 ه. شامل تراجم 211 تن از شاگردان علامه مجلسی.
- 9- جریانها و سازمانهای مذهبی- سیاسی ایران، رسول جعفریان- معاصر- شامل تراجم شخصیتهای برجسته ای که در سالهای 1320 تا 1375 ش. تلاشهای فرهنگی و سیاسی ماندگار داشتند و در پیروزی انقلاب مؤثر بودند.
- 10- شهداء الفضیله، علامه امینی، 1390 ه. شامل شرح حال بیش از یک صد تن از علمای برجسته شیعه که در طول قرون به جرم دفاع از حریم ولایت مولای متقیان مظلومانه به شهادت رسیدند.
- 11- الغدیر فی التراث الاسلامی، محقق طباطبائی، متوفای 1416 ه. شامل تراجم 164 تن از دانشمندانی که پیرامون غدیر خم کتاب نوشته اند.
- 12- مشیخه النجاشی، محمود دریاب نجفی- معاصر- چاپ قم 1413 ه. پیرامون اساتید اجازه نجاشی.
- 13- المعجم فی اصحاب القاضی ابی علی الصدفی، ابن الأبار، متوفای 658 ه.

شامل تراجم 300 تن از شاگردان صدفی، چاپ مجریط 1885 م.

14- من شهد صفین مع علی من الصحابه، هشام بن محمد بن سائب.

15- من شهد صفین مع علی من البدرین، هشام بن محمد بن سائب.

16- من شهد صفین مع علی من الانصار، هشام بن محمد بن سائب.

17- من شهد الجمل مع علی، هشام بن محمد بن سائب کلبی، متوفای 206 ه.

کلبی در این آثار یادشده از اصحاب امیر مؤمنان علیه السلام که در جنگهای جمل و صفین، از اصحاب پیامبر، از اصحاب بدر و از انصار شرکت کرده اند، جداگانه بحث کرده و تراجم آنها را آورده است.

18- من شهد مع علی بن ابی طالب من اصحاب الرسول، اجلح بن عبد الله کندی، متوفای 145 ه.

19- نهضت دوماهه روحانیون، استاد علی دوانی، چاپ 1341 ش.

20- نهضت روحانیون ایران، استاد علی دوانی، چاپ 1401 ه. در 11 مجلد. به منظور ثبت اسناد و شرح حال شخصیت‌های برجسته ای که در پیروزی نهضت سهم بسزا داشتند.

\*\*\*

## 17- باریافتگان

برخی از کتب تراجم به نیک بختانی اختصاص دارد که سعادت دیدار یوسف زهرا «عج» را توفیق داشته اند، که اسامی برخی از آنها را می آوریم:

1- تبصره الولی فیمن رأی الامام المهدی، سید هاشم بحرانی، متوفای 1109 ه.، قم 1411 ه.

2- چهره هایی که در جستجوی قائم «عج» پیروز شدند، مرزوقی- معاصر- قم 1353 ش.

3- دار السلام فی ذکر من فاز بسلام الامام، شیخ محمود عراقی، 1306 ه.

ص: 62

4- در محضر دوست، سید مهدی رجائی- معاصر- اصفهان 1417 ه.

5- دیدار با امام زمان، سید کریم آقا داودی- معاصر- اصفهان 1381 ش.

6- دیدار با امام زمان در مکه و مدینه، دکتر محمد حسن ضرابی- معاصر- مشهد 1375 ش.

7- دیدار یارعلی، کرمی- معاصر- قم 1377 ش.

8- جنبه المأوی فی ذکر من فاز بلقاء الحجه «عج»، میرزا حسین نوری، 1320 ه.

بیروت 1412 ه.

9- شیفتگان حضرت مهدی «عج»، قاضی زاهدی- معاصر- قم 1413 ه.

10- ملاقات با امام زمان «عج»، سید حسن ابطحی- معاصر- قم 1374 ش.

\*\*\*

## 18- ارباب کرامت

صدها مجلد کتب تراجم به صاحبان کرامت از اولیای الهی اختصاص دارد که در آنها کرامتهای اولیای الهی ثبت شده و تراجم افرادی که این کرامتها در حق آنها واقع شده، آمده است، که از آن جمله است:

1- اجساد جاویدان، از نگارنده سطور، پیرامون 136 مورد از علما و صلحا و امامزادگانی که پیکر مطهرشان، دهها، صدها و در مواردی هزاران سال بعد از وفاتشان تروتازه مشاهده شده، چاپ قم. انتشارات حاذق 1377 ش.

2- پرواز روح، سید حسن ابطحی- معاصر- شرح زندگانی حاج ملا آغا جان، میرزا محمد تقی زرگر و... چاپ مشهد، بی تاریخ.

3- جامع کرامات الاولیاء، یوسف بن اسماعیل نبهانی، متوفای 1350 ه.

چاپ بیروت 1421 ه.

4- حلیه الاولیاء، ابو نعیم اصفهانی، متوفای 430 ه. چاپ بیروت، در 10 مجلد.

5- دارالسلام، میرزا حسین نوری، متوفای 1320 ه. چاپ قم، در 4 مجلد.

- 6- داستانهای جالب، سید حسن صحفی-معاصر-چاپ قم 1375 ش.
- 7- داستانهای شگفت، سید عبد الحسین دستغیب، متوفای 1402 ه. چاپ قم 1372 ش.
- 8- کرامات الصالحین، محمد شریف رازی، متوفای 1421 ه. چاپ قم 1380 ش.
- 9- کرامات معصومیّه، از نگارنده سطور، شامل 300 کرامت. چاپ قم 1381 ش.
- 10- من کرامات الاولیاء، آیه الله سید محمد شیرازی، متوفای 1422 ه. چاپ بیروت 1423 ه.

\*\*\*

### 19- مزارات

دهها مجلد از کتب تراجم به مقابر و مزارات امامزادگان، صالحان، عالمان و دیگر مؤمنان اختصاص دارد، که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

- 1- اختران تابناک، شیخ ذبیح الله محلاتی، متوفای 1406 ه. چاپ تهران.
- 2- اختران فروزان ری و تهران، محمد شریف رازی، متوفای 1421 ه. چاپ قم 1368 ش.
- 3- انوار پراکنده، محمد مهدی جلالی گیلانی-معاصر-چاپ قم 1376 ش.
- 4- اهل الدار و الایمان، عبد الرحیم بن حسن بن محمد حربی-معاصر-چاپ قم 1422 ه.
- 5- تربت پاکان، دکتر سید حسین مدرسی طباطبائی-معاصر-چاپ 1355 ش.
- 6- جوله فی الاماکن المقدسه، سید ابراهیم موسوی زنجانی-معاصر-چاپ بیروت 1405 ه.
- 7- شدّ الازار، ابو القاسم جنید شیرازی-قرن هشتم-چاپ تهران، 1382 ش.
- 8- مزارات اهل البیت و تاریخها، محمد حسین جلالی-معاصر-چاپ بیروت 1415 ه.

9- مشاهد و مزارات و مقامات آل البيت في سوريا، هشام عثمان- معاصر- چاپ بيروت، 1414 هـ.

10- موسوعه العتبات المقدسه، جعفر الخليلی- معاصر- چاپ بيروت 1407 هـ.

\*\*\*

## 20- مدفونين در يك سرزمين

برخی از کتب تراجم به شرح زندگی جمعی از علما و اولیای مدفون در یک سرزمین اختصاص دارند، که از آن جمله است:

1- تاریخ مشاهد و قبور واقعه در بلده قم، افضل الملک، متوفای 1348 هـ.

چاپ تهران.

2- تاریخ من دفن فی العراق من الصحابه، علی بن الحسین الهاشمی الخطیب- معاصر- چاپ بيروت 1394 هـ. (تراجم اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله مدفون در عراق).

3- تذکره القبور، شیخ عبد الکریم گزی اصفهانی، متوفای 1341 هـ. چاپ قم، 1371 ش. (تراجم علما، صلحا، امامزادگان مدفون در اصفهان).

4- تربت پاکان، دکتر سید حسین مدرسی طباطبائی، چاپ قم 1355 ش.

(آستانه مقدسه، بناها، مساجد، مدارس، مزارات و مقابر قم).

5- رقعہ الاحزان، عبد الحسین صالحی مزده- معاصر- چاپ تهران 1361 ش.

(علما و امامزادگان مدفون در گلپایگان).

6- ستارگان حرم، جمعی از مؤلفان، چاپ قم 1377 ش. (علما و صلحا و شخصیت‌های برجسته ی مدفون در جوار کریمه اهل بیت) 12 مجلد آن منتشر شده است.

7- گنجینه آثار قم، عباس فیض، متوفای 1395 هـ. چاپ قم 1349 ش.

(تاریخچه حرم و سایر مشاهد و مقابر قم).

8- لسان الارض یا تاریخچه تخت فولاد اصفهان، مصلح الدین مهدوی،

متوفای 1416 ه. (علما و صلحای مدفون در تخت فولاد).

9- مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ابراهیم زنگنه، چاپ مشهد، 1381 ش.

(علما و صلحای مدفون در حرم ملکوتی امام هشتم).

10- من دفن بالمدينه المنوره من الصحابه (شامل اسامی اصحاب مدفون در مدینه منوره).

\*\*\*

### جایگاه کتب تراجم و سرگذشت کتاب حاضر

از فهرست بسیار ناقصی که به عنوان نمونه از 20 شیوه نگارش تراجم در این پیشگفتار از نظر خوانندگان گرامی گذشت، وسعت، گسترش، جایگاه رفیع، دامنه ی وسیع و کاربردی بدیع تراجم تا حدی روشن گردید.

تراجم یکی از رشته های سودمند تاریخ است که از روزگار باستان مورد اهتمام و عنایت تاریخ نگاران بود.

شرح زندگانی انبیا، اولیا، اصحاب، تدوین، تابعین، خلفا، علما، فقها، وزرا، شعرا، حکما، اطبا، محدثان، مفسران، مشایخ و دیگر طبقات در پرتو این رشته از تاریخ برای هر عصر و قرنی آشکار می شود.

هر رشته ای از دانش بشری لذتی مخصوص به خود دارد، وگرنه پژوهشگران رشته ی آرکئولوژی عمر خود را در دشت و هامون به دنبال سنگ های تاریخی و باستانی سپری نمی کردند، عتیقه شناسان در ویرانه ها به دنبال کوزه شکسته ها نمی گشتند، زیست شناسان در دشت و دمن ساعتها به زندگی حشرات خیره نمی شدند، علمای رجال و تراجم و انساب در زوایای تاریک تاریخ به دنبال روزنه ای به سوی حلقه های مفقود و مجهولات نامحدود در زندگانی فرزندانگان و فرهیختگان جامعه، عمر گرانبمایه ی خود را صرف نمی کردند.

نگارنده خود شاهد بود که نویسنده پرتلاش و متعهد این اثر سالیان متمادی در



اقصی نقاط کشور پهناور ایران به دنبال آگاهان، شاگردان و نوادگان شخصیت‌های برجسته ای بود که شرح زندگانی آنها در این اثر آمده است.

او به مطالب مندرج در لابه لای کتابها بسنده نکرد، بلکه در هر فرصتی به چهار گوشه ی ایران اسلامی سفر کرده، نکات دقیق و ارزشمندی را به صورت «می دانی» از آگاهان به دست آورده، در قالب تراجم مستند ریخته، با یافته های دیگران آمیخته، اسناد و منابع هر ترجمه ای را در پایان آن یادآور گردید.

وی در میان شیوه های نگارش بیستمین و آخرین شیوه ی یادشده در این نوشتار را برگزید و قهرمانهای داستان خود را از میان شخصیتها و چهره های پاکدل، پاک سرشت و پاک نهاد مدفون در تربت پاک قم برگزید و به همین دلیل اثر ارزشمند خود را «تربت پاکان قم» نام نهاد.

او در این اثر گرانسنگ شرح زندگانی، تاریخ تولد، تاریخ وفات، آثار وجودی، سوانح زندگی، اساتید، شاگردان، تألیفات و دیگر ابعاد مربوط به فرزندان و فرهیختگان مدفون در قم را با دقت، حوصله، صراحت، رعایت نزاکت، به دور از افراط و تفریط، به ترتیب الفبا آورده است.

فرهیختگان مدفون در قم پروانه های دلسوخته و پاک باخته ای هستند که بر گرد شمع وجود کریمه اهل بیت، حضرت معصومه علیها السلام گرد آمده، با یک دنیا امید در جوار دخت پیامبر رحمت آر می‌ده اند که در روز محشر به تاری از چادر عصمت کریمه اهل بیت چنگ زده، به دور از وحشت و اضطراب محشر، از فراز صراط بگذرند و در جوار رحمت حق مأوی گزینند.

پیشوای به حق ناطق، امام جعفر صادق علیه السلام در پاسخ مردی که در مورد حشر و نشر سؤال می کرد فرمود:

«محشر الناس کلهم الی بیت المقدس، الا بقعه بارض الجبل، یقال لها (قم) فانهم یحاسبون فی حفرهم و یحشرون من حفرهم الی الجنة»:

«حشر و نشر همه ی مردمان به سوی بیت المقدس است، مگر منطقه ای در

سرزمین جبل که «قم» نامیده می شود، اهالی آنجا در قبرهای خود محاسبه می شوند، آنگاه مستقیماً از قبرهای خود به سوی بهشت پر می کشند». (1)

با توجه به اینکه راز و رمز قداست قم از مقدم بضعه ی طاها، دردانه ی زهرا، فاطمه معصومه علیها السلام نشأت می گیرد، لازم بود شرح زندگانی آن بانوی بی همتا زینت بخش صفحات کتاب گردد.

از این رهگذر مؤلف محترم در میان بیش از یک صد اثر ارزشمند که در این رابطه به رشته ی تحریر درآمده (2) کتاب گرانبهای «تاریخ قم» تألیف مرحوم ناصر الشریعه (1272-1339 ش.) را برگزید و متن کامل آن را در سرآغاز کتاب قرار داد.

آنگاه شرح زندگانی هزاران شخصیت برجسته و اساتید فرهیخته را به ترتیب الفبا، به دور از هرگونه افراط و تفریط آورده است. براساس شناخت جامعی که نویسنده سطور از مؤلف محترم کتاب دارد، می تواند گواهی دهد که مؤلف سعی بلیغ داشت که مطالب ارائه شده دقیق، مستند، منطقی و به دور از گزافه گوئی و مدیحه سرائی باشد، اگرچه هیچ انسانی به دور از حبّ و بغض نیست و احدی - به جز معصومان - مصون از خطا و لغزش نمی باشد.

مؤلف براساس حسن ظنی که به نگارنده داشت اصرار می ورزید که حقیر یک بار متن کتاب را مورد بررسی قرار دهد، ولی این کمترین به جهت مشاغل فراوانی که داشت از پذیرش آن امتناع می ورزید، ولی یک مرتبه مؤلف مصمم شد که به لبنان مهاجرت نموده، در آنجا به خدمات دینی و فرهنگی خود ادامه دهد، از این رهگذر به ناچار در مقابل پیشنهاد ناشر محترم تسلیم شده، بررسی آن را علی رغم کمبود وقت و تراکم مشاغل برعهده گرفتم و همین امر موجب شد که نشر کتاب در حدود دو سال به تأخیر افتد.

ص: 68

---

1-1) . حسن بن محمد قمی، تاریخ قم، ص 92؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج 60، ص 218.

2-2) . کتابنامه توصیفی بیش از 165 اثر تدوین یافته پیرامون قم و حضرت معصومه (علیها السلام) را در بخش پایانی کتاب «زندگانی کریمه اهل بیت» ملاحظه فرمایید.

در پایان توجه خوانندگان گرامی را به چند نکته جلب می نمایم:

1- در مدت 84 سالی که از تأسیس بزرگترین آکادمی علمی شیعیان توسط مرحوم آیه الله حاج شیخ عبد الکریم حائری قدس سره می گذرد، سه اثر گسترده، پیرامون فرهیختگان حوزه، واردین، ساکنین، مدفونین و برخاسته های این حوزه علمیه به رشته ی تحریر درآمده:

(1) آئینه ی دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی، متوفای 1636 ش. که در سالهای 1350-1354 ه. تألیف، در 290 صفحه در تهران به طبع رسیده، که اخیراً با تحقیقات و اضافات فراوان در 95 صفحه به زیور طبع آراسته است.

(2) آثار الحجّه، محمد شریف رازی، متوفای 1421 ه. که در سال 1372 ه.

در 830 صفحه منتشر شده است.

(3) گنجینه دانشمندان، همو، که در سالهای 1352-1354 ش. در 7 مجلد انتشار یافته بعد یک جلد دیگر به عنوان مستدرک بر آنها افزوده شده است.

کتابی که در دست شماست چهارمین اثر جامع در این راستا می باشد که با وسعت و دقت بیشتر، در موضوع محدودتری (در محدوده مدفونین در این سرزمین فقط) منتشر می شود.

2- در فاصله ی دو سالی که از این تألیف کتاب می گذرد جمع کثیری از مراجع، اساتید، مؤلفان، عالمان و فرزندان به خیل تربت پاکان قم پیوسته اند، که ان شاء الله در آینده به عنوان مستدرک به تراجم آنها خواهیم پرداخت.

3- به هنگام بازنگری مشاهده شد که شرح حال مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد حسین کلباسی در مراحل تایپ و پرینت (پیش از آنکه به دست ما برسد) گم شده است و لذا با بهره گیری از کتاب «خاندان کلباسی» به نگارش آن اقدام شد، ولی بعدها معلوم شد که تراجم جمعی از فرهیختگان به همین سرنوشت مبتلا شده است، که ناگزیر به مجلد مستدرک احاله گردید.

4- اسناد و مدارک فراوانی مؤلف محترم گردآوری کرده بود که قسمت عمده

آنها بریده جراید بود، که نیازی به درج آنها مشاهده نشد، و لذا از اکثر آنها صرف نظر گردید، فقط شماری از آنها در جلد چهارم به عنوان نمونه آورده شد.

5- تعداد زیادی از عکس های گردآوری شده شناخته نشد و لذا به ناچار از درج آنها خودداری شد، این عکسها از نظر مؤلف چهره های آشنا بود و لذا زیرنویسی نشده بود.

6- کتاب از نظر مؤلف کامل و آماده چاپ بود، ولی به هنگام بازنگری اغلاط تایپی، تکرار مکررات و اشتباهات فراوان مشاهده شد و در حد امکان اصلاح گردید، ولی بی گمان مواردی یافت خواهد شد که از آنها غفلت شده است، و لذا از خوانندگان آگاه و در آشنا انتظار می رود که با ارسال نظرات اصلاحی و انتقادی به آدرس مصحح بر ما منت بگذارند، تا در چاپهای بعدی اصلاح و تکمیل شود. (1)

7- در صدد هستیم که اگر خداوند منان توفیق دهد برای تکمیل این مجموعه یک، یا چند مستدرک فراهم نموده منتشر کنیم، و لذا در مورد افرادی از فرزندانگان که تراجم آنها در این مجموعه نیامده و یا نواقصی در تراجم ارائه شده به چشم می خورد، از همه ی صاحبان فضیلت تقاضا نمودیم که مطالب تکمیلی خود را به همان آدرس ارسال فرمایند.

8- عناوین افراد به ترتیب الفبا، براساس اسم کوچک تنظیم شده، ولی برای دست یابی آسان، فهرستی به ترتیب القاب و نام خانوادگی تهیه شده، در پایان جلد چهارم آمده است.

9- افرادی که در قم مدفون نیستند، ولی در ضمن تراجم مدفونین قم به صورت ضمنی معرفی شده اند، در فهرست جداگانه ای یادآوری شده اند.

10- برای تکمیل استفاده فهرستهای فنی دیگری برای اساتید، مشایخ اجازه، نخبگان یک مجموعه، مقابر، اماکن، سلاطین و امامزاده های مدفون در قم و آثار

ص: 70

مکتوب شخصیت‌های معرفی شده، تهیه و تنظیم شده، در مجلد چهارم در اختیار پژوهشگران قرار گرفته است.

در پایان این مقال، از همه ی دست اندرکاران تهیه و تنظیم و طبع و نشر این اثر صمیمانه سپاسگزاری کرده، از خداوند منان برای همه شان پاداش فراوان مسألت می نمایم.

امید است این تلاشها مورد رضایت، عنایت و قبول قطب دائرة امکان، حجت زمان، مصلح جهان، پیشوای انس و جان، موعود ادیان، رمز بقای زمین و آسمان، حضرت صاحب العصر و الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار بگیرد، ان شاء الله .

27 شعبان المعظم 1424 هـ.

حوزه علمیه قم

علی اکبر مهدی پور

ص: 71



بنام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی ده رهنمای

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الانبياء والمرسلين، محمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله وسلم وعلى آله الطيبين الطاهرين، الغرر الميامين.

و بعد:

سالها و ماهها چون بگذرد تا کتابی تحقیقی، با پژوهشهای جدید و گسترده به دست فضلا و پژوهشگران برسد. به همین خاطر نگارنده همواره در طول اقامت خود در قم (از 1403- تا 1421 ق) در صدد جمع آوری مطالب مربوط به شرح حال بزرگان و دانشمندان بودم.

سفرهای متعددی به استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، زنجان، تهران، همدان، قزوین، خراسان، سمنان، لرستان، اصفهان، کرمان، فارس، یزد، مرکزی (اراک)، مازندران، گیلان و... داشته و از همه بیشتر در قم مشغول مطالعه و تدوین مطالب بدست آمده، بودم.

این اثر پربها، فقط شامل شرح حال مدفونین در سرزمین شهر قم می باشد، اما

مجلدات دیگر آنکه شامل شرح حال علمای کشور ایران است، تاکنون مخطوط مانده است.

مراجع و منابع گوناگون و متعدد از قبیل: کتابها، روزنامه ها، مجلات، آرشیوهای شخصی محققان و برخی آثار خطی، مورد استفاده قرار گرفته، نوارهای متعدد ضبط و مصاحبه های حضوری و تلفنی، انجام و ترتیب یافت.

به هر حال اگر قرار باشد منابع را در این مقدمه کوتاه معرفی نمایم، به صفحات بیشتری نیاز دارد، به همین اشارات مختصر اکتفا می کنم.

در همین جا، براساس احساس وظیفه و تعهد اخلاقی و اسلامی بر خود لازم می دانم که از همکاران نزدیک و مشاوران امین خود، که راه را برای جمع آوری مطالب و تحقیقات جدید هموار نمودند و سالها از نعمت دوستی و محبت بی پایان آنان بهره ها بردم؛ اظهار تشکر و قدردانی قلبی ام را ابراز کنم، نام ببرم.

البته اسامی با حذف القاب و عناوین خواهد بود، چون که اغلب آنان از ناموران و معاریف می باشد. حضرات آقایان:

1- مرحوم سید عبد العزیز طباطبائی یزدی (1348-1416 ق)، استاد راهنما و استفاده از نوشته های مخطوط ایشان و نیز کتابخانه اش.

2- مرحوم شیخ محمد شریف رازی (1340-1421 ق)، جهت استفاده از «معجم القبور و وفیات الأعلام»، تنها یک دفتر که تاکنون مخطوط مانده است.

3- مرحوم شیخ مرتضی مدرس گیلانی (1335-1420 ق)، استفاده از کتاب مخطوط و مهم ایشان «تذکره الحكماء».

4- سید احمد حسینی اشکوری (متولد سال 1350 ق)، مشاور و استفاده از کتاب مخطوط خود «المفصل فی تراجم الأعلام» و نیز از کتابخانه شخصی ایشان.

5- شیخ عبد الله بهبودی لنکرانی (متولد سال 1327 ق)، استفاده معلومات درباره علمای لنکران و اردبیل.

6- شیخ علی اکبر مهدی پور تبریزی (متولد سال 1364 ق)، استاد راهنما و



مشاور، همچنین ارائه شرح حال بزرگان متعدد و استفاده از کتابخانه شخصی ایشان.

7- شیخ رسول جعفریان اصفهانی (متولد سال 1383 ق)، مشاور و استاد راهنما، و استفاده از کتابخانه تخصصی مرکز تاریخ و اسلام، به مدیریت ایشان.

8- سید جواد مدرسی طباطبائی یزدی، استفاده از کتاب مخطوط ایشان «النجوم السرد بذكر علماء یزد».

9- شیخ محمد کاشفی تبریزی، مشاور و ارائه معلومات و خاطرات بسیار.

10- سید محمد علی طبسی حائری، مشاور درباره علمای کربلای معلّ.

11- سید مهدی حائری قزوینی، مشاور درباره علمای کربلا و قزوین.

12- شیخ محمد سمّامی حائری، مشاور و استفاده از کتابخانه شخصی ایشان و ارائه چند شرح حال.

13- سید اشرف الدّین کیائی طالقانی، مشاور درباره علمای طالقان و ارائه چند سند.

14- سید محمد مجتهدی کاشانی، مشاور و ارائه شرح حال های متعدد، و استفاده از کتابخانه شخصی ایشان.

15- شیخ احمد خوشحالت حائری، مشاور درباره علمای کربلا، و نگارش بعضی معلومات درباره آنان از کتاب مخطوط خود، «اعلام من کربلاء».

16- شیخ ناصر الدّین انصاری قمی، ارائه چند شرح حال و استفاده از کتابخانه شخصی ایشان.

17- شیخ علی صدرائی خوئی، مشاور درباره علمای خوی، و در اختیار گذاشتن نسخه مخطوط کتاب «تذکره الفضلاء» اثر مرحوم جابری خوئی.

18- سید عبد الله مفتی الشیعه اردبیلی، استفاده چند شرح حال از کتاب مخطوط خود که احتمالاً با نام «مفاخر اردبیل» چاپ شود.

19- شیخ محمد صحتی سردرودی تبریزی، ارائه شرح حال چند تن از معاریف سردورد.

و نیز افرادی دیگر که ذکر آنان موجب طول دادن سخن می شود، با سپاس از همه آن عزیزان.

چنانکه اشاره رفت مهمترین منابع این کتاب: مصاحبه ها، مؤلفات مخطوط، تماس با بازماندگان هر شخصیت علمی، و سفرهایی است که انجام یافت.

ارائه اسناد و مدارک و عکسهای گوناگون به مجموعه ارزش و اعتبار دیگری داده، جمع آوری بیش از 500 سند و ارائه بیش از یک هزار عکس کاری بس مشکل و خسته کننده است.

تنظیم این اسناد و عکس ها و مطالب متفرقه خود نیز تا حدی ممکن است ملال آور باشد، به ویژه تنهایی کار را مشکل تر می کند.

خلاصه تر گویم، حرف بسیار است، اگر قرار باشد جزئیات بیشتری بنگارم، خود مستلزم مقاله یا فصلی جداگانه می شود. بنابراین در آینده اگر نیازی احساس شود، تمامی آن مطالب و خاطرات را مشروحا ثبت خواهم کرد (همراه با اسناد و مدارک مربوطه).

امید است این اثر گرانبها، مورد توجه پژوهشگران، علاقه مندان و جوانان متعهد قرار گیرد و مورد استفاده آنان واقع شود. رعایت امانت در نقل با ذکر منبع خود امری است اخلاقی.

در پایان از زحمات آقای محمد جواد اسلامی، به خاطر صفحه آرایی کتاب کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.

لبنان-شهر صور

رجب 1421/ق برابر با مهر 1379/ش

عبدالحسین جواهر کلام

ص: 76

عبدالحسین جواهر کلام فرزند عباس فرزند عبدالحسین فرزند احمد فرزند شیخ حسین فرزند شیخ محمد «حمید» فرزند آیت الله شیخ محمد حسن نجفی «صاحب جواهر».

### خاندان علمی

پدرش (متولد 1362 ق در بغداد) و جدش (1313-1387 ق) از بازاریان و کارگران ساده می باشند. ولی جد اعلای او شیخ احمد (م 1270-1340 ق) از علما و بزرگان نجف اشرف و از جمله شاگردان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بود. پدر او شیخ حسین (م 1245-1290 ق) از علما و مشاهیر نجف اشرف و از تربیت یافتگان صاحب جواهر و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه کمری «ترک» بود. پدرش، شیخ محمد «حمید» فرزند ارشد صاحب جواهر، وی سایر امور پدر را اداره می نمود و خود حلقه درسی در نجف اشرف داشت. در سال 1250 ق در آن دیار در سن جوانی بدرود حیات گفت و در صحن مطهر علوی در کنار جد خود «شیخ باقر» به خاک سپرده شد.

شیخ محمد حسن نجفی «صاحب جواهر الکلام» (م 1198-1266 ق) از مشاهیر فقها و مراجع گرانقدر جهان تشیع در قرن سیزدهم قمری در نجف اشرف بود. شرح حال مفصل ایشان در کتابهای: روضات الجنات 304/2، ریحانه الأُدب 357/3، الکرام البرره 310/1، ماضی النجف و حاضرها 108/2، مراقد المعارف 401/1 و... آمده است.

نسب نگارنده کتاب افزون بر آنچه گذشت، با خاندان های شریف و علمی از قبیل: آل وتوت حسینی (حلّه-عراق)، آل منصوری (بصره «قرنه»-عراق)، و آل بحر العلوم طباطبائی (نجف اشرف-عراق)، پیوند و ارتباط نزدیکی دارد.

## ولادت و آغاز تحصیل

عبد الحسین، در تاریخ شب 21 ذی الحجه 1389/ ق برابر با 9 اسفند/ 1348 ش در شهر حلّه (واقع در بین نجف اشرف و بغداد) در خانواده ای مؤمن و دانا دیده به جهان گشود.

او پس از سپری نمودن دوران خردسالی، به مدارس جدید راه یافت و تا مرحله راهنمایی در آن دیار خواند. در اثر تعلق خاله ایشان به این نوجوان، تعطیلات را نزد ایشان در نجف اشرف به پایان می برد.

مؤلف بر سر مزار مادر

## هجرت به ایران

در تابستان 1361/ ش همراه با سایر افراد خانواده به مدت سه ماه در زندان شهرهای: حلّه، کربلا- و بغداد گذراند، و سرانجام در 14 محرم 1403/ ق برابر با 10 آبان 1361/ ش از مرز سرپل ذهاب -

ص: 78

به ایران رانده شد.

چند ماهی در شهر بروجرد (استان لرستان) نزد عمو و دایی خودشان، مرحوم آیت الله حاج شیخ علی جواهری (1322-1415 ق) فرزند میر احمد، سپری کردند.

### اقامت در حوزه علمیه قم

در نهایت، در بهار 1362/ ش قم را جهت سکونت، در جوار کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام برگزیدند.

او مقدمات و ادبیات عرب را نزد اساتید متفرقه ای آموخت. مقداری از شرح لمعه را نزد مرحوم شیخ قدرت الله وجدانی فخر سرابی خواند. کفایه الاصول را نزد مرحوم شیخ احمد پایانی اردبیلی و مکاسب محرمة را نزد شیخ مصطفی نورانی اردبیلی فرا گرفت.

خارج فقه و اصول را از محضر آیات: مرحوم سید محمد روحانی قمی، میرزا جواد تبریزی، سید ابو القاسم کوی تبریزی و شیخ علی آزاد قزوینی، بهره مند گردید.

اخلاق علمی را از محضر اخلاقی شهیر، مرحوم شیخ سلمان خاقانی و مدتی چند از دروس تفسیری دکتر شیخ محمد صادقی تهرانی/ بهره ها جست.

### فعالیت های فرهنگی

در کنار تحصیل علوم دینی، دبیرستان را در دبیرستانهای قم تا مرحله دیپلم به پایان برد و همواره به ارشاد و تعلیم جوانان و نوجوانان مشغول بود. او از سن نوجوانی به تألیف و نگارش روی آورد و تاکنون آثار گوناگونی از خود به چاپ رسانده است.

تماسهای بسیار نزدیک ایشان با علمای ایران، به ویژه معارف و مشاهیر قم از آغاز ورودش به آن شهر شروع شد و تا آخرین روزهای سفرش به لبنان محکم و استوار بود. سفرهای متعددی به شهرهای بسیاری در داخل کشور داشت و همواره

مشغول جمع آوری معلومات اولیه بود. برخی از مقالات فرهنگی ایشان در روزنامه «اطلاعات» و مجله های: «میراث اسلامی ایران» و «آینه پژوهش»، چاپ و منتشر شده است.

## هجرت به لبنان

نامبرده در تاریخ 9 ربیع الاول 1421/ ق برابر با 23 خرداد 1379/ ش، پس از هیجده سال اقامت و تحصیل در حوزه علمی قم و اشتغال به مسایل علمی و فرهنگی، رهسپار سوریه شد و در جوار مرقد مطهر حضرت زینب کبری علیها السلام در حومه دمشق، روزهایی چند اقامت نمود. پس از 25 روز زیارت، در عصر روز جمعه 5 ربیع الثانی 1421/ ق برابر با 17 تیر 1379/ ش وارد کشور لبنان شد و در شهر تاریخی و ساحلی صور (در جنوب لبنان) سکونت اختیار نمود و به کارهای علمی و فرهنگی خود، ادامه داد.

## تالیفات و آثار قلمی او

- 1- اسامی مزینة و وفیات علما، اثر علامه مرحوم سید احمد زنجانی، تحقیق، در مجله «میراث اسلامی ایران»، سال چهارم، چاپ شده است.
- 2- القواعد الفقهیه (از تقریرات درس میرزای بزرگ شیرازی)، اثر علامه مرحوم سید حسن بن اسماعیل قمی، مخطوط.
- 3- النجم الزاهر فی أعلام آل الجواهر، 1411 ق، قم.
- 4- بزرگان معاصر (شرح حال دانشمندان معاصر ایران)، در چند جلد، مخطوط.
- 5- تربت پاکان در قم، در چند جلد، همین کتاب.
- 6- ثلاثه رسائل قزوینیة، اثر علامه مرحوم سید محمد تقی قزوینی، تحقیق، در مجله «میراث اسلامی ایران»، سال نهم، چاپ شده است.
- 7- جواهر الحکم و نفائس الکلم (فی تاریخ علماء جبل عامل)، اثر مرحوم

علامه شیخ محمد بن مهدی مغنیه، تحقیق، مخطوط.

8- خلاصه القول فی مبدئیات الكون، 1407 ق، قم.

9- طب الامام امیر المؤمنین علی علیه السلام، مخطوط.

10- طب الامام موسی الكاظم علیه السلام، 1410 و 1413، قم و بیروت.

تألیفات و تحقیقات متنوع دیگری نیز دارند.

توفیق روزافزون سایر خدمتگزاران به مکتب تشیع علوی و محققان و پژوهشگران و طالبان دانش را، از خداوند متعال خواهانم، و السلام.

ص: 81





بخش اول: در حریم کریمه اهل بیت حضرت معصومه سلام الله عليها

اشاره

ص: 83



(1)

در تاریخ قم و سایر کتب تواریخ و سیر نوشته اند که «در سال دویست از هجرت، مأمون (خلیفه عباسی) حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام را از مدینه به مرو طلب نمود به جهت عقد بیعت به ولیعهدی آن جناب و در سنه دویست و یک خواهر مکرمه آن حضرت به جهت اشتیاق به زیارت برادر از مدینه به طرف مرو بیرون آمد، و چون به ساوه رسید بیمار شد. پرسید که تا قم چقدر مسافت است؟ او را گفتند: ده فرسخ است. خادم خود را امر فرمود که او را به قم برد، خادم او را به قم آورد و در سرای موسی بن خزرج بن سعد اشعری فرود آمد.

روایت صحیح و درست آن است که چون خبر به آل سعد رسید همه اتفاق کردند که قصد سنی فاطمه کنند و از او درخواست نمایند که به قم آید. از میان ایشان موسی بن خزرج تنها در آن شب بیرون آمد و چون به شرف ملازمت سنی فاطمه رسید زمام ناقه او بگرفت و به جانب شهر بکشید و به سرای خود او را فرود آورد و هفده روز در حیات بود چون او را وفات رسید بعد از تغسیل و تکفین و نماز

ص: 85

---

1- (\*). این بخش، از کتاب «تاریخ قم» [1] تألیف مرحوم «شیخ محمد حسین ناصر الشریعه» متوفای 28 محرم 1380 ق. ص 73 تا 141 عینا نقل شده است.

موسی بن خزرج در زمینی که او را به بابلان بود آنجا که امروز روضه مقدسه اوست دفن کرد و بر سر تربت او از بوریاها سایه ساخته بودند تا آنگاه که زینب دختر محمد بن علی الرضا علیهم السلام (امام نهم) این قبه بر سر تربت او بنا نهاد.

روایت کرد مرا حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه از محمد بن حسن بن احمد بن الولید که او را روایت کردند که چون فاطمه را وفات رسید، بعد از غسل و تکفین او را به مقبره بابلان بر کنار سردابی که از برای او ترتیب کرده بودند حاضر آوردند، آل سعد با یکدیگر خلاف کردند در باب آنکه، که سزاوار آن است که در سرداب رود و فاطمه را بر زمین نهد و دفن کند؟

پس از آن اتفاق کردند بر آنکه خادمی به غایت پیر از آن یکی از ایشان «قادر» نام را حاضر گردانند تا فاطمه را در گور نهد و کسی را به طلب او بفرستادند و در میان این گفتگو از جانب رمله دو سوار بر آمد دهن بر بسته و روی بدین مردم نهادند، چون به نزدیک جنازه فاطمه رسیدند از اسب فرود آمدند و بر فاطمه نماز گزارند و در سرداب رفتند و فاطمه را دفن کردند پس از گور بیرون آمدند و برنشستند و برفتند و هیچ کس را معلوم نشد که آن دو سوار که بودند و محرابی که فاطمه علیها السلام نماز کرده است در خانه ای از سرای موسی بن خزرج تا به اکنون ظاهر است».

مؤلف گوید: محراب مزبور در «میدان میر» واقع است و اخیراً مسجد و مدرسه هم در آنجا ساخته اند و آن دو سوار که مصنف تاریخ قم می گوید، محتمل است یکی پدر بزرگوارش موسی بن جعفر علیه السلام و دیگری برادر عالی مقامش حضرت رضا علیه السلام بوده اند، [\(1\)](#) و این دلالت بر نهایت جلالت قدر آن مخدیره دارد زیرا امام است که جز امام دیگری او را دفن و کفن نمی نماید! همچنین ورود زیارتش از زبان امام و خبر دادن حضرت صادق علیه السلام پیش از تولد پدر بزرگوارش به تولد آن مخدیره و دفن

ص: 86

---

1- (\*). ظنّ قوی آنست که یکی از آن دو بزرگوار، حضرت امام رضا علیه السلام و دیگری حضرت جواد علیه السلام می باشند. [کریمه اهل بیت، ص 177].

او در زمین قم و شفاعتش، از چیزهایی است که دلالت بر نهایت جلالت و عظمت آن بضعة احمدی می نماید سلام الله علیها و علی آبائها.

و چون پس از وفات فاطمه، امّ محمد دختر موسی رضائیه وفات یافت، او را در جنب قبر فاطمه دفن کردند، و پس از او خواهر او میمونه ابنه الرضائیه، که او را نیز همان جا دفن کردند، و قبه بر سر تربت ایشان بنهادند متصل به قبه فاطمه علیها السلام و در این دو قبه شش قبر است:

در قبه اول: قبر سستی فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهم السلام و قبر امّ محمد بنت موسی خواهر محمد بن موسی (مبرقع) و قبر امّ اسحاق جاریه محمد بن موسی (مبرقع). در قبه ثانیه: قبر امّ حبیب جاریه ابی علی محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن علی الرضا علیهم السلام، و این کنیزک مادر امّ کلثوم دختر محمد بوده است، و قبر امّ القاسم دختر علی کوجبی و قبر میمونه دختر موسی خواهر محمد بن موسی (مبرقع).

مؤلف گوید: به طوری که از فصل دوم باب سوم تاریخ قم معلوم می شود بریهیه دختر موسای مبرقع هم در این قبه مدفون بوده است.

از قبوری که در مقبره بابلان است و امروز اثری از آنها نیست یکی قبر ابو الحسن حسین بن الحسن بن جعفر بن محمد بن اسماعیل ابن امام جعفر صادق علیه السلام می باشد. (1)

دیگر قبر حمزه بن احمد بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن عبد الله الباهر بن امام زین العابدین علیه السلام.

دیگر قبر فرزندش ابو جعفر محمد بن حمزه.

ص: 87

---

1- \*). قبر ایشان در داخل حرم مطهر، به هنگام ورود از ایوان طلا، در دست چپ، کنار پایه دیوار قرار دارد و مطابق نقل مرحوم حاج آقا حسین گلکاران از شاهدان عینی، پیکر پاک ایشان به صورت تروتازه مشاهده شده است. [ویراستار].

و دیگر قبر پسرش ابو القاسم علی بن محمّد بن حمزه.

و دیگر قبر علی بن حمزه برادر محمّد بن حمزه.

و دیگر قبر ابو علی احمد بن علی بن محمّد بن علی بن عمر بن امام زین العابدین علیه السّلام.

و دیگر قبر محمّد بن احمد بن علی بن محمّد بن علی بن عمر بن امام زین العابدین علیه السّلام.

و دیگر قبر پسر دیگر او ابو محمّد حسن بن احمد مذکور.

و دیگر قبر ابو علی احمد بن حسن بن احمد مزبور است که تفصیل آنها در فصل دوّم از باب سوم تاریخ قم در ذکر طالبینی که به قم وارد شدند مسطور است.

«و این در که برابر رودخانه است از قبه فاطمه دختر موسی بن جعفر علیهم السّلام بس کوچک و کوتاه بوده است، و ابو الحسین زید بن احمد بن بحر اصفهانی عامل بلده قم در سنه ۳۵۰ (۳۵۰) آن را فراخ و بزرگ گردانید، هم در طول و هم در عرض و این دو در که الیوم بر آن قائمند بر آن آویخته گردانیده».

مؤلف گوید: احتمال دارد که بعد هم شیعیان و دوستان ابنیه دیگر افزوده باشند تا در سنه پانصد و بیست و نه، چنانکه از کتاب «جنه النعیم» مستفاد می شود «شاد بیگی بیگم» دختر عماد بیک بنیان گنبد مطهر را نموده، چنانکه گوید: اما بنیان گنبد مطهر حضرت فاطمه معصومه دختر امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیهم السّلام که شاعر در حق آن مخدره گفته است:

بنت شاه اولیا موسی بن جعفر فاطمه که کند روح القدس بیرون درگه چاکری

در سال پانصد و بیست و نه به امر مرحومه شاد بیگم دختر عماد بیک نام انجام یافت و طلای گنبد و بناء مدرسه فیضیه که بهترین مدارس آن بلده می باشد با سنگهای مرمر دور ضریح با دری که در سمت شمال با طلا ساخته شده و میناکار است از مرحوم خاقان خلد آشیان است و گوی کوچکی که مکمل به جواهر است و

بالای سر آویخته شده و در میان شده، مروارید قیمتی که از طرفین گوی سر آن بیرون است با زنجیر طلا و حقه جواهر و قنادیل طلا و نقره نیز از آن مرحوم است».

این قبه را در سنه نهصد و بیست و پنج شاه اسماعیل صفوی خراب نموده بقعه‌ی حالیه را بنا کرد. بر دور قبر مطهر بنائی محاط علیه کشیده اند به ارتفاع دو ذرع که قبر مقدس در میان آن واقع است، و بر روی آن کاشی معرق است، و کتیبه ای دارد که صلوات کبیر را به خط ثلث بسیار ممتاز بر آن نوشته اند، دری متصل به این دیوار بر آن محاط است که بر روی جمیع آن صفحات طلا مینا شده است، این در از بناهای خاقان فتحعلی شاه می باشد و در وسط در این رباعی فتحعلی خان ملک الشعراء نوشته شده است:

این در که به فردوس برین دارد ناز ساینند بساحتش شهان روی نیاز

امروز نتاب روی از این تا فردا درهای بهشت بر رخت گردد باز

و بر دور این در به خط آقای مهدی ملک الکتاب صلوات کبیر نوشته شده است، در بالای این در صفحه ای از طلا است که بر روی آن قطعه ای از ملک الشعراء نوشته شده است که این فرد ماده تاریخ آن است:

بنوشت صبا ز بهر تاریخ زرین بود این در از شهنشاه

و متصل به این بنا ضریحی از نقره خام بنا شده است که از بناهای شاه طهماسب اول است و مرحوم میرزا علی اکبر فیض نوشته اند: این ضریح کهنه به مرور ایام شکسته و گسیخته شده بود، تا زمانی که مرحوم حاج میر سید حسین متولی باشی به عرض ناصر الدین شاه رسانیدند که ضریح نقره از حلیه آبادی افتاده، اجازه فرمایید او را برهم زده ضریحی از نو بسازیم. آنچه این ضریح نقره دارد بکار رود و آنچه کسر بیاید از خزانه مبارکه سرکار فیض آثار داده شود، چه بعضی آلات نقره در خزانه است که مهمل و بی فایده است، ولی مزد و اجرت کارکنان را می باید حضرت شاهنشاه متحمل شوند. عرضش به عز قبول تلقی شده، به ذو الفقار خان،

خلف میرزا آقا خان اعتماد الدوله صدر اعظم نوری که در آن زمان حکمران قم بوده احکام صادر شد که مزد کارکنان را از وجوه دیوانی بدهد و چون ضریح قدیم را به هم زده نقره او را آب کرده غال گذاشتند، پنجاه هزار مثقال نقره خالص در آمد موازی چهل و سه هزار مثقال نقره دیگر از خزانه مبارکه بیرون آورده غال گذاشتند، این ضریح حالیه را بنا نمودند و مبلغ یک هزار تومان مزد و اجرت کارکنان ضریح مطهر شد و مرحوم سید محمّد رضا معروف به شیخ محمّد رضا که از جمله خدام آستان مقدس بوده است قصیده ای عرض کرده که بیست و چهار بیت از آن قصیده در کتیبه ضریح مطهر به خط مرحوم میرزا علیرضا مستوفی سرکار فیض آثار نوشته آمد و ستونهای ضریح مقدس به خط ثلث مرحوم میرزا علی اکبر فیض است و تمام قصیده این است:

یا رب این خلد برین یا جنهالمأوستی

یا همایون بارگاه بضعه موساستی

فاطمه اخت الرضا سلطان دین کز روی قدر

خاک درگاهش جواهر سرمه حوراستی

این مهین بانو که در برج شرافت اختری است

نسل پاک وزاده انسیه الحوراستی

ملجاً اهل زمان و شافعه یوم المعاد

خواهر سلطان دین و ثانی زهراستی

مرقد نورانیش گویا ریاض جنت است

تربت پاکش ز مشک و عنبر ساراستی

زمره روحانیان و جمله کروییان

از پی خدمت همه بر پا و جا برجاستی

هر فریدون شوکتی و هر سلیمان حشمتی

بر درش چون سایبان در روز و شب درواستی



خور نموده کسب نور از گنبد نورانیش  
عالمی از این منور وان از آن اجلاستی  
هرکه بگذارد قدم در آستان صحن او  
گو منه پای ادب کاین سینه سیناستی  
خواندمش عرش معظم بانگ زد بر من خرد  
که خطا کردی بر آن افزودی وزین کاستی  
حضرت ناطق بحق صادق چنین فرموده است  
در جزای زائر او جنّھالمأواستی  
باکی از محشر و بیم از نشر نبود هرکه را  
در جوار حضرت او مدفن و مأواستی  
از علو شأن او من شمه ای کردم بیان  
ای که شأن و قدرت از هفت آسمان اعلاستی  
مدحتت را می نشاید کرد در دفتر بیان  
مهر و مه مشغول ذکر خطبه غراستی  
ای مهین بانوی کاخ عصمت ای مایه وجود  
ای که خاک درگهت رشک دم عیساستی  
نی عجب دریوزه را گر من شدم بر آستان  
کت گدای آستان اسکندر و داراستی  
روشنان چرخ، پیش روشنان روضه ات  
همچو پیش مهر روشن، تیره جان حرباستی  
مست بوی خاک کوی تو چنان باشد سپهر

کش به نیلی خم تو گویی یک جهان صهباستی

حق ام و اب اگر مانع نبودی، گفتمی

هم ز خیل خادمانت آدم و حواستی

ص: 91

مهر و مه بر آستان عرش بنیان درش  
چون کنیز و چون غلامان حبش درواستی  
گفتم این طور است کز نور جلال کردگار  
کرده پرآفاق را و بس خوش و زیباستی  
هاتف غییم بگوش هوش در داد این ندا  
این نه طور است و نه سینا مسجد اقصاستی  
هرچه جز نور خدا خوانم ورا باشد خطا  
غیر مدحش هرچه گویم سربه سر بیجاستی  
در لطافت هست گویی آب سقاخانه اش  
آب کوثر یا که اشک دیده حوراستی  
وصف سقاخانه اش کی می توان کردن بیان  
بی گمان آبش شفای جمله مرضاستی  
مدرسش با حوضها و سروهای باصفا  
آن بهشت این آب کوثر و آن دیگر طوباستی  
کرسی است این بر فراز عرش یا گلدسته است  
کز بها خود رشک خورشید جهان آراستی  
مرحبا ای مرزوبوم قم کت از نه آسمان  
قدسیان از شش جهت همواره جبهت ساستی  
بخ ای صفت همایون به به ای قصر بدیع  
ای کت آن یک پله این نه گنبد میناستی  
عرصه قم از بد فرعونیان اندر امان

چون محل کشت و مأوای عصی موساستی

کرده معماری این جنت سرا پیک جلیل

موضع رجلین او تا حالیا بر جاستی

ص: 92

لوحش الله مرحبا زين بارگاه باشكوه  
کز شرف برتر از اين نه گنبد میناستی  
حبّذا زين آستان آسمان رفعت كزو  
هم دم عیسی عیان هم آیت موساستی  
مهبط روح الامین و مضجع پاكان دین  
مكمن اهل صفا و مدفن احیاستی  
طالب دنیا بقم چون طیر اندر محبس است  
ظالم اندر دشت قم چون ملح در دریاستی  
هرکه از روی خلوص آرد بدرگاه تو روی  
خوش دل از دنیا و فارغ از غم عقباستی  
گرچه زیر معصیت وامانده و بار گناه  
از خجالت شرمسار از دیده طوفان زاستی  
با تو چون مخدومه ای کی با کم از عصیان بود  
از مكافات خطیئاتم كجا پرواستی  
عقل را احصای قدرش قاصر است و پا بگل  
گرچه چون لقمان دهر و بو علی سیناستی  
بانگ دربان درش هست: ادخلوها آمین  
گر تو را گوش حقیقت صوت جان افزاستی  
خطّه قم شد ز یمن مقدمش رشك جنان  
در صفا دار الخلود و از شرف غبراستی  
شد به عهد ناصر الدین پادشاه جم خدم

این بنا اتمام کز عرش علا اعلاستی

باد یارب شادمان در دهر شاه باوقار

تا به عالم این همایون بارگه برجاستی

ص: 93

از پی اتمام این بنیاد خادم زد رقم

«جنه عدن آن بنا یا بزم اوادناستی» (1)

مؤلف گوید: این ضریح هم به مرور ایام و استلام فرسوده شده بود، تا در سال 1328 شمسی آقای حاج سید ابو الفضل تولیت از اصفهان، زرگر و صنعت کار آورده و مدت‌ها در قم توقف نموده، تا مجدداً ضریح فعلی را با همان اشعاری که از سابق بر آن نوشته بود، ساختند.

کتیبه‌های نستعلیق آن به خط آقای سید ابو طالب کزویی از خدام آستانه مقدسه است.

آئینه میان روضه مطهره از بناهای خاقان مغفور فتحعلی شاه است، که در سنه یک هزار و دویست و چهل و پنج هجری به دستگیری کیکاوس میرزا حکمران قم پسر خاقان شروع و در زمان محمد شاه در سنه 1251 به اتمام رسیده و نام کیکاوس میرزا در آخر کتیبه آن درج است.

صحن زنانه که فعلاً صحن موزه است از بناهای شاه عباس ثانی است.

گنبد مطهر از بناهای شاه اسماعیل صفوی و روی آن کاشی معرق بوده، خاقان خلد آشیان در سنه یک هزار و دویست و هیجده آن را خراب نموده این گنبد حالیه را که روی آن مزین است به خشتهای زرین بنا فرموده و از قرار مسموع دوازده هزار خشت زرین در گنبد مطهر بکار رفته، فتحعلی خان صبا این قصیده را عرض کرده، آقا مهدی طهرانی ملک الکتاب، در کتیبه گنبد مطهر نوشته:

آتش موسی عیان از سینه سیناستی یا که زرین بارگاه بضعه موساستی

بضعه موسی بن جعفر فاطمه کز روی قدر خاک درگاهش عبیر طره حوراستی

نوگلی روشن ز طرف گلشن یاسین بود آیتی روشن ز صدر نامه طاهاستی

ص: 94

1-\*) با حساب ابجد برابر 1274 می باشد.

پرتوی از آفتاب اصطفاى مصطفی زهره ای از آسمان عصمت زهراستی

صحن او را هست اقصی پایه عزت چنان کز شرف مسجود سقف مسجد اقصاستی

پستی از صحن حریمش را به باطاق حرم کین مکان عزت و آن مسکن غراستی

چون تذهیب گنبد مطهر را خاقان خلد آشیان در سنهٔ یک هزار و دویست و هیجده نمودند؛ میرزا محمد صادق متخلص به ناطق قصیده ای عرض کرده در مدح حضرت فاطمه معصومه و ستایش خاقان خلد آشیان و توصیف از گنبد مطهر که هر مصراع آن تاریخ اتمام گنبد مطهر است. الحق هیچ شاعری را چنین قدرت نیست و تا به حال چنین کار کمتر شنیده شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم 1218 به اسم موجود کریم 1218 این قصیده مسمی به قصیده معجزیه است 1218 شصت و دو بیت (1218) یک صد و بیست و چهار مصراع 1218.

این قبه گلینی است بزبور برآمده یا پاک گوهریست پر از زیور آمده

این دوحه ایست کامده از جته العلاء یا کوكبى است سعد و منور برآمده

این زیب عرش یا که بود گوی آفتاب یا نور حق که در همه اشیا برآمده

این قبه را چه اوج که با ارتفاع آن صدر فلک بچشم ملک احقر آمده

وین قبه راست جای بجایی که پایه اش از اوج مهر و ماه و زحل برتر آمده

وین قبه رفیع بدانجا رسانده قدر کز قدر با سپهر برین همسر آمده

وین قبه و زمین ز همین رفعت و جلال عرشی بدهر با فلکی دیگر آمده

وین صحن به ز صحن جنانست بهر آنک آیش به از بقا و به از کوثر آمده

از دل سؤال کردم و گفتم مرا بگو کین صحن از چه روز جنان بهتر آمده

دل در جواب گفت که اینک درین سؤال عقل طویل قاصر و فهم اقصر آمده

بهتر بود به حسن و علو از جنان در آن مسکن که بنت موسی بن جعفر آمده



زهرآ عفاف فاطمه بنت موسی آنک بروی شرف ز فاطمه و حیدر آمده  
معصومه که در ره ایوان اقدسش از قدر و صدق حور و پری چاکر آمده  
شهزاده که هر دو سرا جدش از عطا با طالبان مذهب حق یاور آمده  
مخدومه مکرمه آن نجم اوج دین کز مهر و ماه رأی نکوش انور آمده  
از اوج علم و فضل و ادب کوکب جمیل وز درج حلم و مجد و شرف گوهر آمده  
جد آمده رسول حق و جدّه اش بتول با یمن عصمت از پدر و مادر آمده  
یک جدّ او نبی شرف کل کاینات کز جود حق ز جمله رسل مهتر آمده  
یک جدّ او علیست که از عون کردگار در روز جنگ صفدر و نام آور آمده  
یک جدّ او حسین علی کاندلر سخا مولای عاصیان و شه محشر آمده  
جد دگر علی حسین است کز کرم دین داور و رحیم و رهی پرور آمده  
باشد علی برادر وی آنکه نور ماه عکسی ز نور اوست بدنیا بر آمده  
موسی کاظم آمده باب وی و به آن احسان و عدل وجود و سخا بی مر آمده  
نه به ز جدّه اش به جهان فطرتی نکو نه مثل جد عالی آن صفدر آمده  
بر مسلمین ز مجد و همم کرد رهبری بر زائرین بچود و کرم رهبر آمده  
روی جهان ز درگه او یافت آبرو پشت فلک بسجده او چنبر آمده  
روی امید جمله عالم باین در است حاجت هر آنچه بوده از این در بر آمده  
فوج ملک ز شوق دمامد گشوده پر وز عرش بر زمین پی یکدیگر آمده  
یک جاز بهر چاکری ز ایران اوست یک جاز بهتر خادمی این در آمده  
کردم بدل خطاب که این قبه چنین قدر از که یافت از که بزیب و فر آمده  
گفتا بعون ایزد و سلطان عصر آن کورا ز لطف فتحعلی یاور آمده  
سلطان عهد فتحعلی شاه آن کز او بستان ملک و گلبن جان را بر آمده

آن پادشاه کز اثر عدل و داد او شهباز و کبک هم پر و هم شهپر آمده

آن خسرو زمین که به اوج قدوم او اورنگ ملک را به فلک سر بر آمده

کشورگشای عالم و زین ملوک آن کز او کمال و قدر بهر کشور آمده

ص: 96

فرمان دهی که نزد کمین بنده سرارش هر شاه بوده بنده و فرمان برآمده  
عبد و مطیع و بنده و فرمان برش ز جان کسرای و رای و سنجر و اسکندر آمده  
خاقان برای بندگی او ز ملک چین از طرف روم زایر او قیصر آمده  
از بهر سود بر در دربار عدل وی نوشیروان ز وجد روان از سر آمده  
وی را هزار بنده بود کز شکوه و شان هر بنده صد ملک شه و صد سنجر آمده  
هم آن بداوران ز سخا آمده کفیل هم آن بسروران ز عطا سرور آمده  
تا امن شاه آمده دادار ملک و دین تا عدل شاه صاحب یوم و برآمده  
تیهو جلیس و مونس باز جری شده آهوانیس و حارس شیر نر آمده  
از عالمش برون صف میدان حربگاه از انجمش فزون سپه و لشکر آمده  
رمح و حسام آن شه دوران بگاه حرب بیضا بچنگ گاهی و گاه از در آمده  
انجم سپاه و ماه رکاب فلک خیام مهر از برای شاه همی افسر آمده  
شمشیر و بزم و مجلس و میدان و طبل وی ز اوصاف هر یک از دگری اشهر آمده  
از مهر او بیزم ولی آمده ضیا از کین او بحلق عدو خنجر آمده  
هر روز بهر چاکر آن داور زمین خنک فلک بطوع به زین زر آمده  
در بحر جود و برج عطا حلم و بیدقش آن آمده است لنگر و آن محور آمده  
دوران جمال و مجلس وی را چو دید گفت مهری ز اوج جود سوی خاور آمده  
نه به زوی بزیر فلک بوده است شاه نه مثل او بروی زمین داور آمده  
این قبه زیب زین شه والاتبار دید کز برو قدر داور بحر و برآمده  
[چون قبه یمن و زیب بزر داد دهر گفت زین قبه رفیع گهر بر زر آمده] (1)  
گفتم ز جود شاه بعالم قصیده کز آن دهان فکر پر از شکر آمده  
کردم رقم ز یمن اله این قصیده را کز یمن آن بدفتر من جوهر آمده

ابیات این قصیده هرآن یک بدلبری مانند حسن روی بتان دلبر آمده

ص: 97

---

1- (\*). این بیت در تاریخ قم [1] سقط شده بود، از کتاب «مواد التاریخ» ص 584 آوردیم. «ویراستار»

گفتم قصیده که چنان لعل پر بها مقبول طبع قابل هر اشعر آمده

هر مصرعی از این چو یکی حور لاله رو هر بیت آن دو ماه پری پیکر آمده

ناطق دعا بگو که بمرآت طبع و عقل پیدا دعای شاه عطاگستر آمده

تا اسم نرگس آمده و لاله در زبان تا نام اصغر آمده و احمر آمده

چهر موالی شه و روی عدوی شاه از شوق احمر و ز عنا اصغر آمده

\* ز طبع من چو شد نظم این قصیده که هر بیتش دو در شاهوار است

بود شصت و دو بیت ابیاتش اما مصراع یک صد و بیست و چهار است

از آن تاریخ ابیاتش هویدا است از این تاریخ مصراع آشکار است

\* قندیلی در روضه مطهره است که از جمله تقدیمات خاقان مغفور فتحعلی شاه است، چنانکه در روضهالصفا فی ناصری در وقایع سال 1242 گوید: «و قندیلی که به هزار و دویست مثقال زر احمر و انواع لئالی و گوهر موزون و مشحون بود و مقومان آن را به پنج هزار تومان قیمت کرده بودند به مضجع بضعة معصومه محترمه احمدی صلی الله علیه و آله و سلم به شهر قم ایفاد رفت».

و هم در روضه الصفا گوید «الحاصل صد هزار تومان مخارج روضه حضرت نمود به جهت نذری که کرده بود و به آن صد هزار تومان گنبد حضرت معصومه را طلا نمودند و بناء صحن و اتمام درب مینا و تصریح ضریح و بناء مدرسه دارالشفاء و تعمیر سد قم نمودند و مقرب الحضرة چراغ علی خان نوائی بدین خدمت مأمور شد و به انجام رسانید».

روضه مطهره را دری عالی است که خاقان خلد آشیان در سنه یک هزار و دویست و بیست و دو آن را ساخته اند. و روی آن را به تخته زرین و سیمین مزین نموده و بر دور آن در کتیبه ایست که قطعه ای از شاعری دانش تخلص بر روی

صفحهٔ طلا مینا کرده، آقا مهدی ملک الکتاب نوشته است و هی هذه:

خدیبو کشور دوران پناه خلق جهان

که شد بعدل و سخا از جهانیان ممتاز

طراز مسند و دیهیم شاه فتحعلی

که هست فتح و ظفر با لوای او انباز

قدر غلام و قضا چاکر آنکه طاعت او

شده است بر همه کس فرض و عین همچو نماز

بعهد او که بود گرگ و میش همخوابه

ز عدل او که شده باز و صعوه هم پرواز

غزال طعمه نخواهد مگر ز برثن شیر

عقار چینه نجوید مگر ز چنگل باز

ز خلق و خلق بود بی نظیر و بی مانند

به عدل وجود بود بی عدیل و بی انباز

نهاده پا چو در اورنگ معدلت فتنه

ز بیم او بضعیفان نکرد دست دراز

چو بود خادم پاک اعتقاد این درگاه

که سوده اند بر او کاینات روی نیاز

دری نهاده بر این آستان عرش نظیر

کز آن بود در رحمت بروی خلق فراز

تبارک الله از این در که زایانش را

ز هر صریر شود کشف هر نهانی راز

چه در در حرم سبط سید ثقلین

که از شرافت او یافت بزم قرب طراز

ص: 99

چه در در حرم بنت موسی جعفر  
یگانه اختر برج سپهر عزت و ناز  
گل ریاض امامت که طایران حرم  
حریم گلشن او را شدند زمزمه ساز  
سپهر عصمت و بحر حیا و معدن شرم  
امین وحی و محل سروش و محرم راز  
خور از رواق فلک سر نهد به پای درش  
بهر سحر که کنند این رواق را در باز  
به شوق اینکه در این در دهند جایگهش  
چه رنجهها که طلا را رسید از دم گاز  
هرآن که روی بر این در ز روی صدق آورد  
دری ز روضه فردوس شد برویش باز  
کسی که راه بر این آستان تواند برد  
چه حاجتش که شود ره نورد راه حجاز  
دل از زیارت این در بحق شود نزدیک  
که عارفان به حقیقت برند پی ز مجاز  
نخست روی بر این آستان نهد هرکس  
که رستگاری انجام خواهد از آغاز  
غرض چو کرد بر این آستان بنا این در  
که بیشتر ز در کعبه باشدش اعزاز  
نگاشت خامه دانش برای تاریخش



که «سوی جنت اعلا دری ز نوشد باز»

مخفی نماند که مصرع اخیر در صورتی که یاء «اعلی» الف گرفته شود و «که» حرف ربط، به حساب نیاید 1222 می شود و الا اگر یاء اعلی درست

ص: 100

گرفته شود 1231 می شود.

این دو رباعی از مرحوم فتحعلی خان صبا است که بر هر تایی از در روضه مطهره یکی از این دو رباعی به صفحه طلاء مینا کرده، به خط آقا مهدی ملک الکتاب طهرانی نوشته شده است:

این در که ز سبط خواجه هر دوسر است این جای سروش و مهبط نور خداست

ساید رخ خود هرکه بر این در امروز آسوده ز بیم رستخیز فرداست

\* خواهی که خجل ز اهل محشر نشوی و از کرده خویشان مکدر نشوی

تا جان بتن و تن به جهانت باقی است یک لحظه جدا ز خاک این در نشوی

\* اطراف این در سنگ مرمر است بر آن سنگ اشعاری از قصیده فتحعلی خان صبا به خط آقا مهدی ملک الکتاب نوشته شده است:

این بارگاه بضعة موسی بن جعفر است کز خاک پاک غیرت گوگرد احمر است

این آستان آن حرم آمد که جبرئیل در بام عرش پایه آن چون کیوتر است

کوثر نتیجه ایست ز آب زلال او کز ابر چشم زایر این در مقطر است

در آب آن لطافت تسنیم مدغم است در خاک این طراوت فردوس مضمهر است

لیبک زایران و خروش معلمان صدره ز صوت شهپر جبریل خوش تر است

این زیب و فر که زیب و فر از این حرم گرفت هم از ارادت ملک دادگستر است

رشک بهشت و غیرت ایوان آسمان از همت خدیو جهان بوالمظفر است

دارای عهد فتحعلی شه که تیغ او در راه فتنه ثانی سد سکندر است

چون داده زیب افسر ازین خاک آستان گردونش آستانه و خورشیدش افسر است

زان رو که روی سوده بر این در ز روی صدق رخسار خسرواش زمین سای بر در است

در این حریم کامده هم پایه حرم ایوان و قبه و در او زیور زر است

کلک صباش از پی تاریخ زد رقم «کز دل مدام چهر سلاطین باین در است»

(1242)

مؤلف گوید: چنانکه کاف «کز» در مصرع اخیر اسقاط شود 1222 می شود.

بر سنگ پایین این در که متصل به زمین است این رباعی ملک الشعرا در سنگ مرمر منقور و حجاری شده.

این در که بر این درگه بی شبه و نظیر آید ز گشودن ز وی آهنگ صریر

گوئی ملکی بود که از بهر طواف چون بال گشاید زند از شوق صفر

\* آنچه جواهرآلات از سلاطین صفویه و پیش از آن در خزانه مبارکه بود محمود و اشرف افغان در زمان سلطنت خود همه را بردند و آنچه در زمان افشاریه و زندیه و قاجاریه از قبیل جیقه، تپته، گل کمر و غیر از این ها سلاطین و شاهزادگان و امراء وقف بر سر کار فیض آثار کرده بودند چه بر ضریح مطهر نصب شده و چه نشده بود، مرحوم حاجی میرزا سید حسین متولی باشی برای آنکه از دستبرد سارقین مصون باشد آنها را در میان قابی از چوب نهاده، اطراف آن را با صفحه از طلا مزین نموده، بر روی آن آئینه بزرگی گذارد که پیدا و هویدا باشند و آن قاب را بر بالای ضریح مطهر منصوب نمود. و در سلطنت رضا شاه پهلوی آنها را به طهران بردند و معلوم نشد چه شد. دو در از روضه مطهره به مسجد بالاسر باز است که درهای آن خاتم بسیار ممتاز می باشد. یکی از آن درها را میرزا نصر الله فراهانی ساخته، و در دیگر را شاهزاده عزه الدوله خواهر ناصر الدین شاه (1) تقدیم نموده، این قطعه را «وقار» پسر وصال در تاریخ این در گفته است که در کتیبه در نوشته اند:

ص: 102

1-1. زن امیر کبیر.

حبذا زین بقعه عالی که از مجد و شرافت

قبله ابدال گشت و کعبه آمال آمد

خوابگاه بضعه موسی بن جعفر کز فروغش

جلوه موسی عیان در چشم اهل حال آمد

بهر طوف مرقدش سوی قم آمد دخت خسرو

و از ملک فوجی به تکریمش به استقبال آمد

دخت شاه و اخت خسرو عزه الدوله کز احسان

پیش دستش حاصل دریا و کان پامال آمد

دخت میر هفتمین اخت امام هشتمین آن

کافتابش از شرف چون سایه در دنبال آمد

عصمت کبرا و ناموس نبی همنام زهرا

کافتابی از حیا و عزت و اقبال آمد

بر رواق او دری بفرود سرتاپا ز خاتم

فتح بابی سخت از این کارش اندر حال آمد

گفت مصراعی وقار از طبع و شد تاریخ این در

«کاین در و درگه مطاف عزت و اقبال آمد»

\* مؤلف گوید: مصرع آخر 1312 می شود و چنانچه بخواهیم با سال ساختن در وفق دهد که 1292 باشد باید کاف «کاین» را در حساب نیاورد.

مسجد بالای سر: سمت مغرب روضه مطهره واقع است ابتدا دو مرافق و مکان از بیوتات روضه مطهره و از بناهای شاه اسماعیل صفوی بود شاهزاده محمد تقی میرزای حسام السلطنه پسر خاقان فتحعلی شاه در سنه 1234 آن دو مکان را یکی نموده و مسجد کرد. بعدا در این اواخر برخی از بازرگانان طهران خانه معروف

به جبرئیلی را خرید و ضمیمه مسجد نموده و مسجد را بزرگ کردند.

اشعار کتیبه مسجد بالای سر که چند بیتی از آن انتخاب می شود:

تا کند در یزم گردون گردش این زرینه جام

دور گردون باد یا رب شاه عالم را بکام

خسرو گیتی ستان فتحعلی شاه آنکه داد

خنک گردون را قضا در قبضه حکمش زمام

چرخ مینا زد بعهد او که بادا متصل

دهر می بالد به عهد او که بادا مستدام

حضرت معصومه بنت موسی جعفر که هست

آفتاب آسمان حضرت خیر الانام

در جوار مرقد پاکش همایون مسجدی است

کاهل طاعت راست روز و شب در آن مسجد مقام

الغرض چون شد مقیم این کعبه اهل صفا

در جوار این همایون مرقد عرش احترام

کلک گوهر زای اشراق از پی تاریخ او

زد رقم «کامد مقیم این حرم بیت الحرام»

\* مؤلف گوید: ماده تاریخ با سال بنا وفق نمی دهد چه اگر کاف «کامد» را در حساب نیاوریم باز می شود 1236.

و در محراب مسجد دو شعر زیر مسطور است:

از حکم تقی شاه سلیمان اقبال بر پا چه شد این مسجد فردوس مثال

گفتم پی تاریخ که «باد این مسجد تا روز جزا قبله ارباب کمال»



دو در سیمین در طرف مشرق روضه که یکی به روضه مطهره و دیگری به رواق باز می شود، تقدیمی مرحوم حسینقلی خان نظام السلطنه است. در اول که به روضه باز می شود این اشعار از شوریده شاعر نابینای شهیر شیراز در وسط در و دور آن به خط میرزا محمد ابراهیم خوشنویس مشهور به «میرزا عمو» نوشته شده است:

تبارک الله از این بقعه بهشت طراز که بر گذشته نشیث سپهر را ز فراز

فضای او چو فضای ارم نشاطفرا هوای او چو هوای بهشت غم پرداز

به خاک اوست نهان طرفه گوهری کز قدر ز هفت گوهر این نه صدف بود ممتاز

به نام فاطمه معصومه آفتاب حیا که اخت خسرو طوس است و دخت شاه حجاز

گل حدیقه عصمت که از نهیب عفاف نسیم را بسرا پرده اش نبود جواز

به دور باش حیا، آفتاب گردون را ز پیش رانده همی تا به چرخ چارم باز

اگر مطیع نیاکان او نبند داود نبد به ساز خلافت چنین بلند آواز

بر آستانش که محراب راستان حق است سپهر پشت به خم کرده از برای نماز

چو گشت ماه تموز از هزار و سیصد و ده به عهد ناصر دین پادشاه بنده نواز

شهی که از اثر باس و نیروی عدلش سپاس میش کند گرگ و پاس تیهو باز

نظام سلطنه آن میر سرفراز دری ز نقره کرد درین کاخ دل فروز فراز

یگان برادر رادش خجسته سعد الملک که در سعادت بر مشتری فروشد ناز

دو گوهر از یک درج و دو اختر از یک برج به کارسازی دولت به هم شده دمساز

به کار خیر چه علم و خرد به هم همدست به بذل نور چو شمس و قمر به هم انباز

سه خواهران که برین هفت باب گردوندند ز جود این دو برادر کنند کسب جهاز

از این دری که به قم باز شد از این دو امیر گذشت فره قم از دیار روم و طراز

پی سرودن تاریخ این در سیمین صلا زدند بشوریده شاعر شیراز

سرود منطق شوریده بهر تاریخش «درین رواق همایون در جنان شده باز»

(1310)

ص: 105



و بر در دَوم که به رواق منصوب و به ایوان آئینه باز می شود بعد از چند شعر این اشعار به خط میرزا عمو از شاعر سابق الذکر مسطور است:

بلی شرف همه زین در بود که مشرف اوست

رواق فاطمه دخت امام عرش سریر

کریمه ای که فروغش گرفت عالم را

چنانکه عالم را آفتاب عالم گیر

خجسته حضرت معصومه آنکه بر مه و خور

دریده پرده و خود در هزار پرده ستیر

نعال خادم او گوشوار گوش سپهر

غبار درگه او توتیای چشم بصیر

اگر بدیده معنی نظر کنی بینی

که سطح او بفراز است و سطح چرخ به زیر

نظام سلطنه اعظم حسینقلی خان آن

که نوک خامه او ریخت آب خامه تیر

وزیر نامور نام جوی نام آور

ادیب پاکدل پاک رأی پاک ضمیر

فشاند نقره و از نقره ساخت این در را

چنانکه روی زر از رنگ شد به رنگ زریر

ز جود او در خیرات در جهان شد باز

زهی ستوده امیر زهی خجسته وزیر

ز شرم این در سیمین شگفت می نبود

که سر به بوته خجالت فرورد اکسیر

همی ز بام رواق فلک بدین درگاه

رسد ز سین سلام ملک بگوش صفیر

ص: 106

(1314)

ایوان روضه مطهر: که در طرف صحن کهنه واقع است از بناهای شاه اسماعیل صفوی است، که در سنه نهصد و بیست و پنج هجری آن را بنا نموده. چنانکه در کتیبه ایوان نام وی مرقوم است. صفحات روی این ایوان و روی جزوهای آن کاشی معرق بسیار ممتاز می باشد. و جمیع مقرنس این ایوان مزین به خشتهای زرین است که خاقان خلد آشیان در سنه 1250 که سال آخر سلطنت اوست دست به تذهیب این ایوان زد و مبلغ دوازده هزار تومان بازدید این کار را نمودند، و مبلغ هشت هزار تومان هم به مصرف این کار رسید و بیشتر خشتهای آن را که اصلش مس است ساخته و بسیاری از آنها را مطلا نموده و قدری از آن خشتهها را هم به مقرنس ایوان به کار برده بودند که خاقان به رحمت ایزدی پیوست و این کار ناتمام ماند، تا در سال 1267 ناصر الدین شاه بقیه آن را تمام نموده همه مقرنس مزین به خشتهای زرین گردید.

دو مناره: که بر بالای آنها گلدسته است و در دو طرف این ایوان بنا شده از بناهای شهاب الملک حسینخان شاهسون است که در سال 1285 آن را بنا نموده.

بام گلدسته این دو مناره مزین به خشتهای زرین است که در سنه 1301 شاهزاده کامران میرزا نایب السلطنه مطلا نموده و مبلغ یک هزار و دویست و بیست و پنج تومان به مصرف این تذهیب رسانید و خانه شهاب الملکی که روی برکه شاهزاده فرهاد میرزا بنیاد شده بود منافع آن را مرحوم شهاب الملک وقف بر مؤذنین دو مناره نموده است.

صحن کهنه: از بناهای شاه اسماعیل صفوی بود و خاقان مغفور آن را خراب کرده و صحن را بزرگتر نموده و مجددا حجرات آن را کار گذاشت و آب انباری بنا

نموده درب آن را میان صحن مقدس باز کرد. از صحن کهنه که می خواهد داخل مدرسه فیضیه شوند ایوان و کریاسی است که ایوان را مرحوم حاج میر سید حسین متولی باشی تعمیر کرده و مرحوم آقا مجید شاعر این اشعار را انشاء و به خط میرزا عمو خوشنویس تهرانی در کتیبه آن ایوان در کاشی نوشته شده است:

به عهد خسرو جمجاه ناصر الدین شاه که سوده رفعت وی پی به تاج کیکاوس

جناب تولیت آرا سمی سبط دویم که قدر اوست بر از دانش و عقول و نفوس

خود این مقرنس شایان و این بلندایوان که رشک انجم کیوان و چرخ آبینوس

به زیب صحن گزین دخت موسی جعفر جناب فاطمه اخت خدیو خطه طوس

شعاع شمع شبستان عصمت کبری شفیعه دو سرا کردگار را ناموس

خلیل وار برافراخت آن چنان که نواخت مسیح روز و شب اندر فراز او ناقوس

چو شد ز هجر نبی یک هزار و سیصد و یک ز چرخ داد عطارد به کلک سید بوس

و بر بالای کریاس و بالاخانه گلدسته ایست به شکل مأذنه که مشتمل است بر هشت ستون از تیر، بام این گلدسته بر این ستونها واقع است و مزین است به خشتهای زرین، این گلدسته هم از بناهای خاقان خلد آشیان است که با بنای گنبد مطهر یک مرتبه شده و به طوری که مرحوم میرزای فیض نوشته است خشتهای طلای این گلدسته از خشتهائی است که نادر شاه افشار در گنبد مطهر حضرت امیر علیه السلام به کار برده بود، قدری از آن خشتهای زیاد آمده بود شاه امر نمود که در قم به خزانه مبارکه فاطمه بسپارند.

چون در خزانه مبارکه این خشتهای حاضر بود در زمان فتحعلی شاه آن را در بام گلدسته به کار بردند. قدری هم از آن خشتهای زیاد آمده در خزانه مبارکه سر کار فیض آثار اکنون حاضر است و در جنب این مأذنه ساعتی است که مرحوم سراج الملک کار گذاشته و بسیار ساعت پرصدائی بوده و از قراری که شنیده شده است یک سفری که ناصر الدین شاه به قم آمده در خانه شاهی خواب بوده و از صدای ساعت

از خواب بیدار شده لذا حکم نمود صدای ساعت را کم کردند.

و نیز بالای کرباس جنب مأذنه بالاخانه ایست معروف به «مشرق الشمسین» که مدتها مرحوم شیخ بهاء الدین عاملی در آنجا سکونت داشته و تحصیل می نموده و از قرار معلوم کتاب مشرق الشمسین را در آنجا تألیف نموده. چون فوقانی مرقوم دری به طرف شمال و دری به طرف جنوب دارد و شمس (آفتاب) از دو طرف به آنجا می تابد لذا مشرق الشمسین نامیده شده. یا اینکه چون مقابل مزار کثیر الانوار واقع است مسمی به مشرق الشمسین گردیده. و شنیده ام که تا چند سال پیش خط مرحوم شیخ هم در آن بالاخانه به دیوار بوده و در وقت تعمیر بناها ملتفت نبوده اند و روی آن را با گچ سفید نموده اند، پوشیده نماند که مرحوم میرداماد و صدر المتألهین شیرازی هم مدتی در قم مقیم و تحصیل فیض نموده اند، چنانکه علامه ربانی فیض کاشانی و مولی عبد الرزاق لاهیجانی هم مدتی مقیم قم بوده اند.

## پادشاهان مدفون در قم

### اشاره

سلاطینی که در اطراف روضه مطهره مدفونند یکی شاه صفی است که از سلاطین صفویه و نواده شاه عباس کبیر است مدفن او در سمت قبله روضه مطهره واقع بوده و اکنون پس از تعمیرات خاقان مغفور داخل روضه مطهره است و صورت قبر او را به هم زده و برداشته اند، و سابقا زنها از صحن زنانه که فعلا صحن موزه است داخل این مکان می شدند و زیارت می نمودند.

سقف و دیوار او مزین است به کاشی معرق بسیار ممتاز کتیبه به خط ثلث محمد رضا امامی اصفهانی از کاشی معرق بیرون آورده در کمال خوبی و امتیاز این روضه از بناهای شاه عباس ثانی است.

و در روضه الصفا ناصری می گوید: در سال یک هزار و پنجاه و دو شاه صفی صفوی در کاشان بیمار شده، در دوازدهم شهر صفر بار سفر به جانب عالم باقی بر بسته و عالم فانی را وداع کرد. مدت ملک وی سیزده سال و شش ماه بوده است و

امرای عظام نعش او را به روضه حضرت معصومه علیها السلام برده مدفون ساختند و به تعزیت پرداختند.

مؤلف گوید: شاه صفی مزبور پادشاهی سفاک و ظالم بوده و در زمان سلطنت خود بسیاری از شاهزادگان و وزراء و امراء را کشت بنا بر این معلوم نیست قرب جوار مرقد فاطمیه علیها السلام برای او فائده داشته باشد.

دیگر شاه عباس ثانی است: بقعه او در جنب مقبره شاه صفی واقع و از بناهای شاه سلیمان است و از سنگهای مرمر بسیار عالی ممتاز بنا شده. کتیبه این بقعه هم به خط ثلث محمد رضا امامی اصفهانی است که سوره جمعه را به روی سنگ مرمر نوشته و در سنه 1077 هجری شده و اتمام بقعه در سنه یک هزار و هفتاد و هشت بوده.

در روضه الصفای ناصری می گوید: سنه یک هزار و هفتاد و هفت هجرت در هنگام رجوع از مازندران به عراق و اصفهان کوب دولتش راجع و ماه سلطنتش در محاق واقع گردید، در دامغان به جوار ملک منان پیوست، امرای عظام نعش آن سلطان با احتشام را در تخت روان نهاده در جوار حضرت معصومه علیها السلام چون گنج به خاک سپردند و این اشعار در پایین صندوق شاه عباس در سنگ مرمر نوشته شده:

جمشید به اخلاص ز شاه اسلام چون منصب تولیت گرفت از انعام

طاهر به نیابتش مشرف چون شد صندوق به سرکاری او گشت تمام

یک شعر ریخته و ناخوانا است.

از سیم و زر خزانه تحویلش داد با راستی این مزار را کرد تمام

بر مرقد پاک پدران زنده ناس یعنی صفی ثانی افلاک اساس

صندوق چو ساخت عقل تاریخش گفت «صندوق مزار شاه عالم عباس»

ناگفته نماند که مرافق و طنابی دور روضه منوره از بناهای شاه عباس ثانی است.

چنانکه در یکی از آن مرافق این قطعه بر روی سنگی منقور و حجاری شده است:

در ایام خاقان جم بارگاه خدیو جهان گیر عباس شاه

سلیمان غلامی ز خیل درش به اقبال شه ساخت این طوفگاه

همین بس بود بهر اوصاف او که شد سایبان بر سر قبر شاه

شهی کو به عصمت نظیرش نبود از آن گشته معصومه اش جایگاه

بهشت برین بوده مأوی او همین گشت تاریخ آن قبله گاه

چو این جنت آباد اتمام یافت به سعی سلیمان و اقبال شاه

غیاثا پی سال تاریخ گفت سلیمان ثانی زد این بارگاه

\* در چاپ اول این کتاب به تبعیت بعضی من هم نوشتم مقبره شاه طهماسب ثانی در قم است ولی بعدها پس از تتبع معلوم شد که بعد از خلع شاه طهماسب ثانی در اصفهان نادر شاه او را تحت الحفظ به خراسان فرستاد و در سبزوار ماند و پس از رفتن نادر به هندوستان رضا قلی میرزا فرزند وی، او را کشت و علی هذا بعید است که نعش او را به قم آورده باشند و جز یک نفر ندیدم کسی هم نوشته باشد که قبر وی در قم است.

همچنین شاه سلطان حسین هم باید بدن بی سرش در قم مدفون باشد، زیرا اشرف افغان سر او را برای سردار عثمانی که شاه را از وی مطالبه می نمود فرستاد.

دیگر شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی که در دو صندوق و یک بقعه جنب بقعه شاه عباس ثانی مدفون می باشند. بر روی قبور آنها صندوقی است به ارتفاع یک ذرع تخمیناً که از صفحه مس بنا شده است. اطراف آن صفحه ها کتیبه ای است که بر روی صفحه فولاد نوشته شده و خط را مشبک کرده از فولاد بیرون آورده اند، اطراف این صفحه های فولاد صفحه های طلا بوده که احاطه بر اطراف صندوق داشته. در سلطنت محمود افغان در ایران افغانه صفحه های طلا را از جمیع این صندوقها کنده و برده و صفحه فولاد را بر جای گذاشته اند. کتیبه این بقعه

به خط ابو طالب الحسینی الخطیب القمی است فی سنه 1107، و در سلطنت شاه سلطان حسین صفوی نوشته شده. علاوه بر اینان قبور بسیاری از شاهزادگان صفویه نیز در قم است.

و در صحن زنانه اطاقی که فعلا موزه است معروف به قبور شاهزادگان صفوی است و در روضه الصفای ناصری گوید: «محمود دانست که قزلباشیه با افاغنه به سر نخواهند برد و در هنگام فرصت به مکافات و کیفر خواهند پرداخت، لهذا سان امرای قزلباشیه را پیش نهاد همت کرده بعد از تعیین و تشخیص و تعریف و توصیف پایه و مایه هر یک را به تحقیق شناخته مقرر کرد که ایشان را حاضر و بعدد سور مبارکه فرقانی یک صد و چهارده تن بودند آن دنی زاده نامرد حکم به قتل آن همه کرد آنگاه اولاد امجاد صفویه و سادات مرتضویه را جمع نموده صغیرا و کبیرا سی و یک نفر بودند مانند حجاج علیه اللعنه حکم به قتل آن سادات حسینی و موسوی نمود و در قم از نعش ایشان مقبره جدید مزید گردید». (1)

دیگر خاقان خلد آشیان فتحعلی شاه قاجار است. بقعه وی که دارای گچ بری بسیار ممتاز می باشد در صحن کهنه است، و آن مکان یکی از مرافق صحن بوده که خاقان مغفور در حیات خود او را برای دفن خود تعمیر نموده بودند. سنگ مرمری که تمثال خود را در حال حیات بر آن حجاری کرده بودند روی مضجع او نهاده کتیبه ای بر روی آن سنگ، بر دور تمثال خاقانی به خط میرزا زین العابدین کاشانی است که در آن کتیبه این اشعار میرزا تقی علی آبادی که زبان حال خاقان است حجاری و منقور شده است:

سپاس تو ای پاک پروردگار بجان اندرم تا بروز شمار

به یکتائیت هرکه را رای نیست خرد را به مغز اندرش جای نیست

پدیدار کردی پی نیک و زشت به محشر دو در از جحیم و بهشت

ص: 112

---

1-1). تفصیل این جنایت بزرگ در کتاب «اجساد جاویدان» ص 182-187 آمده است.



ز تو خاک پیغمبر پاک شد از این خاکدان بر بافلاک شد

بجای نبی برنشاندی علی ز نسل علی یازده تن ولی

بدل مهر ایشان چو جان پرورم بر این هستم و هم بر این بگذرم

مرا برنشاندی به تخت شاهی برویم گشادی در فرهی

مرا ملک ایران و توران زمین سراسر سپردی به تیغ و نگین

به آرامشم این سرای سپنج که جای سپنج است و تیمار و رنج

چه خرم بهشتی بر آراستی بدان زیب و زینت که خود خواستی

عجب نبود از لطف ای کردگار که در هر دو گیتی بوم شهریار

از این گفت من بخردان برخوردارند که از دانه ره بخرمن برند

و این رباعی از خود خاقان روی سنگ قبر نوشته است با این عبارت: از نتایج افکار ابکار طبع گوهر بار شاهنشاه دین پناه ابد الله ملکه و دولته:

از جان گذشته ایم و به جانان رسیده ایم از درد رسته ایم و بدرمان رسیده ایم

ما را بسر توقع سامان خویش نیست کز سر گذشته ایم و بسامان رسیده ایم

و این دو رباعی نیز منسوب به خود خاقان است:

خاقانم و یک جهان گناه آوردم در حضرت معصومه پناه آوردم

مهر نبی و حب علی را یا رب بر درگه کبریا گواه آوردم

نیز

خاقانم و وامانده ز دیهیم و کلاه ز اورنگ خلافت شده دستم کوتاه

اندر حرمت بمسکنت جسته پناه یا فاطمه اشفعی لنا عند الله

سنگی که تمثال خاقان بر آن حجاری شده از سنگهای مرمری است که تاکنون سنگی به این صفا و خوبی از معدن کمتر بیرون آمده و در واقع قطعه جواهری است. این سنگ را نایب السلطنه عباس میرزا از تبریز به طهران حمل نمود، چون به



نظر خاقان رسید عبد الله خان نقاش باشی اصفهانی را فرمودند که مثال همایونی را بر روی آن سنگ کشیده، آمحمد علی حجارباشی آن را حجاری بنماید و در سال 1250 این سنگ تمام شد، و چون خاقان مغفور در اصفهان در همین سال به رحمت ایزدی واصل شد جسد او را به قم حمل نموده و در همین بقعه که در حیات خود برای دفن خود معین کرده بودند دفن کردند این سنگ را هم از طهران به قم حمل نموده و بر روی مضع او برنهادند.

در یکی از صفه های بقعه خاقان سنگ بزرگی منصوب است که در او خلاصه کلام الملوک میرزا تقی علی آبادی است که نسب نامه و شرح حال خاقان است و فاضل خان گروسی آن را خلاصه و موجز نموده و به خط میرزا محمد حسین شهیر به ساعت ساز که از مشاهیر نویسندگان آن عصر بوده به امر محمد شاه در آن سنگ مرمر نوشته اند و قبر کامران میرزا نایب السلطنه و بعضی از شاهزادگان دیگر نیز در آن بقعه است.

دیگر محمد شاه قاجار است که او هم در صحن کهنه مدفون است بقعه او از بناهای امیر کبیر میرزا تقی خان اتابک اعظم است که در زمان صدارت خود دو حجره از حجرات صحن را خراب کرده این بقعه را بنا نمودند بر روی مضع او سنگ مرمری است که تمثال آن پادشاه را بر روی آن نقش و حجاری نموده اند، بر دور آن تمثال کتیبه ای است به خط سید حسین خوشنویس باشی که این اشعار که از شمس الشعراء میرزا محمد علیخان سروش اصفهانی است نوشته:

خدایو جهان شاه یزدان پرست که بودش سپهر برین زبردست

محمد شه آن شاه انجم سپاه که بودش فلک تخت و پروین کلاه

هزار و دو صد با شصت و چهار چو از دور هجرت بشد روزگار

پس از چارده سال فرماندهی جهانداری و فر شاهنشاهی

ششم روز شوال بنهفت چهر تشش از زمین شد روان بر سپهر

سپهری نهان گشت در زیر خاک فرورفت خورشیدش اندر مغاگ

بگل شد علی رغم آن کس که گفت که خورشید بر گل نشاید نهفت

خطا گفتم او زنده بر تخت زر نشسته است لیکن بشکل دیگر

نه یک گلبن است آنکه در هر بهار گلی چون گل رفته آرد به بار

ز شمعی چو شمع دگر بر فروخت نیاری سخن گفت کان شمع سوخت

که شمع نخست است گر تا قیام دو صد شمع روشن کنی زان مدام

الهی که این شمع بیگانه سوز بود تا شب حشر گیتی فروز

و در این بقعه بعضی از شاهزادگان از قبیل عز الدوله عبد الصمد میرزا پسر محمد شاه و رکن الدوله نواده او و غیرهما، مدفون هستند و عقب بقعه محمد شاه مقبره و بقعه مهد علیا زوجه او و مادر ناصر الدین شاه است که درب او از بقعه محمد شاه است، روی او سنگ مرمر بلندی است که از حیث حجاری در اعلی درجه خوبی و امتیاز است و اطراف او بعضی از امراء از قبیل مجد الدوله و برخی شاهزاده خانمها از قبیل فخر الملوک بزرگترین دختر ناصر الدین شاه و غیرهما مدفون هستند.

و عقب این بقعه مدرسه مادر شاه بود، که از بناهای مادر شاه سابق الذکر بود، مدرسه کوچکی بوده که دست خادم آستانه بود که بعدا خراب و جزء مسجد اعظم آیت الله بروجدی شد.

و در صحن کهنه بقاع و مقابر چندی از وزراء و امراء است مثل میرزا حسن مستوفی الممالک متوفی 1260 که بقعه او در شمال صحن، قرینه بقعه فتحعلی شاه است و گچ بری عالی دارد.

و این اشعار در کتیبه ایوان بقعه وی از گچ بیرون آورده اند:

تبارک الله از این روضه بهشت سرشت که سر زند ز شرف خاکش از سرشت بهشت

ز بهر آستر فرش آستانش بود که تار اطلس افلاک دست به دست برشت

شد از ارادت خسرو ز گنبد عالیش چو آفتاب عیان صد هزار زرین خشت

ستوده فتحعلی شه که در حدیقه دل بجز نهال هوای نبی و آل نکشت

دعای دولت او باد در صباح و مساء درود شیخ حرم با سرود پیر کنشت

معلوم می شود این اشعار در زمان حیات فتحعلی شاه و قبل از دفن مستوفی الممالک کتیبه شده است.

و بقعه فرخ خان امین الدوله و قهرمان میرزا پسر عباس میرزا نایب السلطنه و قوام الدوله جد قوام السلطنه و غیرهم و همچنین قبر حسینقلی خان برادر کوچک خاقان که در ابتداء سلطنت فتحعلی شاه چند مرتبه سرکشی و یاغیگری کرد و بعد فرار و خود را به بست کشانیده و پناهنده روضه حضرت معصومه شد و اسلحه خود را نیز تقدیم آستانه نمود و فعلا در موزه آستانه است.

همچنین در صحن کهنه است بقعه میرزا حسین وزیر تفرشی مشهور به بلور متوفی به سال 1289 قمری و پسر او میرزا تقی خان مستشار اعظم متخلص به «دانش» متوفای سنه 1326 که از شعرا بوده و اخیرا دانشگاه تهران دیوان او را به چاپ رسانده است. جلو بقعه فتحعلی شاه داخل صحن میدان کهنه است و در پشت صحن کهنه و مدرسه فیضیه فتحعلی شاه سه دستگاه عمارات و حمامی بنا نموده بود که هنگام تشرف بدین آستان بدان عمارت مکان می نمود در یکی از اطاقهای یکی از آن عمارات آقا مهر علی نقاش باشی تمثال خاقان را به سه حالت کشیده، یکی بر تخت زر نشسته و تاج کیانی بر سر دارد، یکی در حالی که کلاه پوست بر سر دارد، یکی در حالی که شال کلاه زندی بر سر گذارده و در یکی از اطاقهای عمارت دیگر تمثال خاقان را کشیده و در دو طرف آن تمثال شاهزادگانی را که از نسل خاقان می باشند کشیده در دو صف: صف اول شمایل شاهزادگانی است که از صلب خاقانند در صف پایین شاهزادگانی است که پسرزاده خاقان هستند. اما صورت شاهزاده هایی که در دو طرف خاقان کشیده در صف بالا که از صلب خاقانند پنجاه و یک نفرند و صورتهای امیرزاده هایی که از صلب شاهزادگانند و در

صف پایین کشیده شده پنجاه نفرند، که مجموع یک صد و یک نفر تمثال شاهزادگان و امیرزادگان در آن اطلاق کشیده شده در حالی که به سلام شاهی مشرف شده اند، با لباس جواهرنشان و کارد خنجر و بازوبند مرصع که در آن زمان معمول اهالی ایران بوده که به این هیئت به سلام شاهی مشرف می شدند و این عمارات را وقف بر سرکار فیض آثار نموده که زوار و واردین این ارض شریف در آن منزل کنند و تولیت آن را واگذار نموده به متولی آستانه مقدسه فاطمه علیها السلام چنانکه بر سنگ مرمری که در بالای دری که به رودخانه باز می شود منقور است و امروز اثری از حمام مزبور نیست و سنگ را کنده و برده اند. (1)

صحن نو بنیاد آن از مرحوم آقا ابراهیم امین السلطان است که در سنه 1299 شروع نمود ولی در آن اثناء بهمراهی موکب ناصر الدین شاه به عزم زیارت ارض اقدس و مشهد مقدس حرکت کرد و در منزل سودخر به دار دیگر خرامید و جسد او را به مشهد حمل و در آن خاک مدفون شد، پسر او میرزا علی اصغر خان امین السلطان که پس از فوت پدر، شاه جمیع مناصب او را با لقب امین السلطانی به او داد، اهتمامش در ساختمان صحن مطهر بیش از پدر شد، و ماهی یک هزار تومان از طهران فرستاد تا بالاخره پس از چند سال بنای صحن جدید به معماری مرحوم استاد حسن معمار قمی که سنّار عصر خود بوده به اتمام رسید و ایوان آن را هم آئینه نمودند با مقرنس شگرف و انشاء کتیبه ایوان آئینه از مرحوم شیخ محمد حسن مجتهد قمی است که ملا رجب علی مذهب مشهدی به خط ثلث بر روی سنگ مرمر نوشته و آن انشاء این است: **اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِثَّةِ كَأْهِ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَّاجَةٍ الزُّجَّاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ**

ص: 117

1-1). این خانه ها و حمام ها از طرف آیت الله بروجردی خریداری شده و به جای آن «مسجد اعظم» ساخته شده است تصویرها را نیز به طرز فنی از دیوار بیرون آورده در موزه نگاه داشته اند. (د)

يَشَاءُ وَيَصَدِّ رَبُّ اللَّهِ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ و بعد لقد حاز اصل المجد و الشرف و جاز كل سلف و خلف ببناء هذا الصحن و الايوان المباهى فى زهو جماله ابهى قصور الجنان فى دوله الامن و الامان و دوره العدل و الاحسان عهد السلطان على الاطلاق و الخاقان بالاتفاق الشهير بصفاته بل هى تشتهر بذاته الجدير لها بحقيقته كما انها لا تجدر الا بحضرتة السلطان بن السلطان بن الخاقان بن الخاقان بن الخاقان السلطان ابو المظفر و الانتصار ناصر الدين شاه قاجار لا زالت بقاع الارض بندى عدله مطلوله و سيف الشريعة المطهره فى ايامه مسلولة جناب الاجل الاكرم و حضره الاعظم الافخم ذو المعالى التى دلت على طيب الاعراق و المحامد التى انعقد عليها الاتفاق خفقت على شريف رأسه من المكارم و البنود و خضع لهيبته سلطان العساكر و الجنود و خرّ لجلاله السيد و المسود و ذلت لصعوبته الضوارى من الاسود و وزير الخاقان امين السلطان ميرزا على اصغر خان نجل سميّ خليل الرحمن فخر عصره و فحل دهره فلا غرو ان يجرى الجود على عرق مثله و تلوح مخايل الليث فى شبلة قد ارتقى الى مدارج عاليه و معارج ساميه و هبى له و ساده الصداره و خلف منه اماره الوزاره و منه اصول هذه العماره فالجناب الاجل النبيه خلف صدق من ابيه(نظم).

بابه اقتدى امين فى الشرف و لكن الفضل يكون للخلف

وارخ عام للبناء ان ترم فحاسبن هذه جنة قم

مؤلف گوید: ما این اشعار و کتیبه ها را از لحاظ جنبه ادبی و تاریخی نقل کردیم وگرنه این سلاطین لیاقت این تعریف و توصیف را نداشته اند. زیرا اگر لایق بودند اوضاع و احوال ما و این مملکت بهتر از این بود که می بینیم!

و در صحن نوهم قبور بعضی از علماء و وزراء و امراء هست. از وزراء مثل میرزا علی اصغر خان اتابک و مشیر السلطنه و دبیر الملک و بهاء الملک و سعد السلطنه و غیرهم و از علماء مثل حاج میرزا عبد الرحیم نهاوندی که بقعه او پهلوی دری است

که روبروی میدان آستانه باز می شود از سمت راست کسی که وارد می شود و حاج سید رفیع نظام العلماء تبریزی که بقعه او متصل به ایوان آئینه است، و حاج شیخ فضل الله نوری که بقعه او در شمال شرقی صحن است و قبر قطب راوندی هم در حیاط صحن است و همچنین قبر مرحوم حاج ملا آقا حسین مجتهد قمی متوفی در سنه 1327 قمری که قبر مرتفعی در محوطه صحن دارد.

اطراف صحن جدید را کتیبه ای است که در آن کتیبه این دو قصیده فتح الله خان شیبانی کاشانی به خط میرزا آقا تبریزی مسطور است:

#### قصیده اول

زمین شد از دو بنا رشک آسمان برین یکی بنای خلیل و یکی بنای امین

خلیل رحمان گشت او بدان بنای قویم امین سلطان گشت این بدین بنای مبین

یکی به مکه و آن کعبه خدای بزرگ یکی دگر بقم و جای بضعه یاسین

بدان نماز برد هرکه راست دین درست بدین نیاز برد هرکه راست رأی رزین

بروزگار بناها بسی نهادستند ولی نه چونین محکم نهاد و خوب آئین

رواق و طاقش بر آسمان نهاده اساس زمین و خاکش بر فرق فرقد و پروین

خزینه های فراوان هزینه گشته بر آن اگر چه کرده در آن گنج نام نیک دفین

کسی که باز بماند بدهر از او آثار کجا بماند از ایشان یکی اثر چونین

جهان رسانده بسی مردمان به عزت و جاه چه ز آنکه باد جهانش همه به زیر نگین

خدای عرش چو با بنده ای نظر دارد چنین اثرها ماند از او به روی زمین

چنین اثر نه بخلخ در است و نه بطراز چنین اثر نه بچین اندر و نه در ماچین

گر این بنا نگرد سخت شرمسار شود کسی که کرد ایاصوفیه بقسطنطین

تمام خلقت و اصل این بنای و در بر او دگر بناها چون در مشیمه اند جنین

بدین بنا که ز آب و گل این وزیر نهاد بباد رفت همه نام آذر برزین

در آن بنا سخن از آفتاب و آذر بود درین بناست همه ذکر مالک الارضین



کجا به بانى او زین بنا که ماند بجای فلک درود فرستد ملک کند تحسین

نه بر به بیهده بر ملک و دین امینش کرد خدایگان ملوک زمانه ناصر دین

کجا بفر شاهنشهی فراست او میان بیضه کند فرق خاد از شاهین

شهی که گر ز خرد شاه خسروان پرسی خرد چه گوید؛ گوید بیا و شاه بین

در او حصافت بوزرجمهر و آصف دید که می پیاده شود از کفایتش فرزین

ز مکرمت نظری کرد سوی او که شد او از آن نظر به سعادت ز خواجگان مهین

کنون بفر شاهنشاه عصر و فضل الله وزیر صدرنشان است و بدر صدرنشین

پدرش بود بسطان امین و سلطان خواست پس از پدرش بحشمت فزاید و تمکین

فزود نک همه خواجگان بخدمت او بفخر بسته میانند از کهین و مهین

کسی که شاه سوی او نظر کند نه شگفت اگر زمانه ببندد بر اسب بخشش زین

که گر اثر نهد این گونه می نهد به جهان کجا اساسش محکم تر از دز روئین

مؤید است بروح القدس ز ایزد پاک و خاک مقدس سرشته است و عجین

چه آیتی به ازین کو نهد چنین آثار که باز ماند از و تا بروز بازپسین

کجا خرد بتواند قیاس چرخش کرد اگر کنی بمثل کوه و بحر را تخمین

علی اصغر اگر نام دارد او ز پدر علی اکبر یارش بود بعلمین

بدین علی همه ارواح می دعا گویند بخاصه روح علی بن جعفر و یقطین

کجا طواف گه روحشان همین خاکست که جسم دختر احمد درو شده است مکین

دری به خلد برین زین مکان فراز و تو نیز ببینی آندر ارت هست چشم باطن بین

مکان فاطمیان در سپهر عرش خداست و گر بخاک نشان بی چو این مکان گزین

همان که شیعه خاص علی و آل علی است اگر نخفت در این خاک روح او است غبین

به طوس و قم ز پیمبر دو گوهرند بخاک که خاک ازین دو شرف جسته بر سپهر برین

پدرش خفته بطوس است مام او ایدر ندیم رضوان آن وین رفیق حورالعین

پدر اساس نهاد و پسر به آخر برد که باد رحمت ایزد بسی بر آن و بر این

چنانکه مسجد اقصای را همی داود بنا نهاد و سلیمانش بر فرود آذین

ص: 120

اگرچه بقعه آنجا ز پیش بود پپای ضریح و ایوان سیمین و قبه اش زرین

بنا مگو که عروسی است کاسمان بلند بهشت و طوی و کوثرش می کند کابین

گناه کار اگر سوی او پناه برد حرام گردد بر او مهالک سجین

و گر کسی بنشیند به زیر سایه او به هیچ غم نکند خاطرش زمانه حزین

دو صف فرشته شب و روز اندر اوست پپای صفی به سوی یسار و صفی به سوی یمین

به شهریار جهان و بدین بزرگ وزیر صفی دعا کند و صف دیگری آمین

بنای او چو به آخر رسید و گشت تمام خدای حافظ آن کرد جبرئیل امین

بدین دلیل همی تا جهان بجای بود پپای خواهد بود این بنای نغز چنین

و گر بخواهد روزی قضا بخاک رود نباشدش بجز این خاک بستر و بالین

بدین پاک و دل پاک و رأی و خاطر پاک خدای پاکش باشد همیشه یار و معین

در این کتیبه هم از بحر شیبانی کشد به رشته سر کلکش این لئال ثمین

که نه بنائی ازین به کسی تواند کرد نه هم بنائی از این گونه محکم و شیرین

همیشه تا نبود آب را گرانی خاک همیشه تا که نماند بلاله بر نسرین

بیاغ ملک رخ او چو لاله تازه و تر بکام دولت کارش همه چو ماء معین

ایضا قصیده دوم از شیبانی که در کتیبه صحن جدید نوشته شده و هی هده:

چو مرد پرهنر افتاد و بخت بودش یار چنین بماند ازو در جهان بجای آثار

کجا بدرگه او برنهد فرشته جبین کجا بسایه او آسمان برد زنهار

بروزگار نگرده عزیز هرکه نکرد بدست خویش همی خوار درهم و دینار

کسی که درهم و دینار خوار مایه گرفت ازو بجای بماند چنین اثر بسیار

زر سرخ خردمند نام جوید و بس که نام عزّ نبرد دهر که زر نسازد خوار

ولی اگر نبود فر ایزدی با مرد همی زند بدر گنج خویش بر مسمار

نه در دلی نه‌د از مکرمت بجا اثری نه در گلی نه‌د آثاری او به نقش و نگار

اثر بدهر بسی مانده اند لیک نماند چنین اثر که در او عقل گم کند هنجار

ص: 121

کدام اثر که همه روز جبرئیل امین به پر خویش برد گردش از درودیوار  
کدام اثر که بهر سر که سجده برد در او همی درود فرستد محمّد مختار  
کدام اثر که بهر تشنه که خفت در آن بدست خویش دهد آب حیدر کرار  
کدام اثر که غباری که زو بلند شود بدیده برکشد از فخر گنبد دوار  
چنین اثر که نهد جز کسی که حشمت او بدین و دولت ازین گونه کرده است هزار  
بدین بنا و بدین کارهای فرخ اوست که برگزید شه او را ازین همه اختیار  
مظفری ملکی خسروی خداوندی که شد زمانه بفرش همه بهشت و بهار  
بروزگار همایون و عهد فرخ او زمین ز چرخ برافزود رتبت و مقدار  
ستوده که بدربار هیچ شاه نبود چنین وزیر نکوسیرت و نکو کردار  
چنین بنا که توانست برنهاد جز او که خیره گردد از و دیده اولو الابصار  
بویژه تا که بدین خاک ازین بزرگ وزیر چنین بنائی بر پا شد آسمان کردار  
بنانه نگوئی یک لخت از بهشت برین فرو کشیده و اندر زمینش داده قرار  
رواقه‌اش چو افلاک بی فساد و خلل عمادهاش چو البرز محکم و استوار  
نه جنت است و چو جنت مقام رحمت حق نه کعبه است و چو کعبه است قبله ابرار  
به پاک تربت دخت رسول کرده است این علی بن ابراهیم فخر آل و تبار  
به بخت و سال جوان و به رأی و دانش پیر ز اسب جهل پیاده به رخس عقل سوار  
به سوی او نظر مردمان پاک نظر پناه سالک و درویش و ملجأ زوار  
عزیز کرده خدا نام او به هر دو جهان که خوار کرد بدین کار خیر زر عیار  
یگانه در همه فضل است و فضل ایزد بین که فضل او بفرزاید به مهر هشت و چهار  
اگر به مملکت ایدون امین سلطان است امین یزدان است او به حکمت و اسرار  
هزار سرّ الهی نهفته در دل او که ز آن یکی نه فزون گفته اند بر سردار

به سرّ شاه و به سرّ اله اوست امین به جان و دلت ز بو نصر این سخن بسیار  
از آن شه از پدرش عز و جاه او افزود که دید فخر پدر گشت او به علم و وقار  
پدر درخت بد و این وزیر بار درخت پدر صدف بد و این خواجه لؤلؤ شهوار

ص: 122

هرآینه ز صدف خوب تر بود لؤلؤ چنانکه خوب ترند از درختها اثمار  
امیدم آنکه ز یزدان ز مکرمت نظری است بر آنکه گفت و بر آنکو نویسد این اشعار  
ایا کسی که بدین کاخ بگذری روزی یکی به رحمت ازین رفتگان به یاد بیار  
هزار و سیصد و سه چون گذشت از هجرت به آخر آمد این قصر و این بلندحصار

### **کتیبه سردر ایوان شمالی داخل صحن طرف باغ ملی**

عهد ملک ناصر دین آنکه یافت کرسی و دیهیم از او زین و زیب  
گشت امین شه و صدر مهین بانی این صحن خوش دل فریب  
صادق پروانه بتاریخ گفت «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ»

[1303]

### **کتیبه سردر صحن شمالی طرف باغ ملی (از خارج)**

به عهد ناصر دین شهریار با تعظیم ابوالمظفر غازی خدایگان کریم  
بنا نهاد به توفیق کردگار این صحن وزیر اعظم علی اصغر بن ابراهیم  
چو بهر دختر موسی بن جعفر از سر صدق امین سلطان آراست این ستوده حریم  
برای مصدر تاریخ گفت پروانه «سیاق کعبه ثانی ز پور ابراهیم»

[1303]

### **کتیبه شرقی سردر صحن از طرف خیابان ارم (از خارج)**

به عهد خسرو گیتی خدیو ناصر دین که نازد از سر انگشت وی کلاه و نگین  
برای دختر موسی بن جعفر از سر صدق سپهر سوده به خاک درش هماره جبین  
امین شاه علی اصغر بن ابراهیم عیان نمود ز سطح زمین بهشت برین  
چو شد تمام به تاریخ گفت پروانه «بنای صحن بکلی بهشت روی زمین»

[1303]

ص: 123



## کتیبه سردر ایوان جنوبی صحن طرف خیابان موزه (از خارج)

به عهد ناصر دین شهریار ملک آرای امین سلطان آراست این ستوده سرای

سرود صادق پروانه بهر تاریخش «ببین بملک قم اینک در بهشت پیای»

### صحن زنانه یا موزه

موزه در ضلع غربی صحن نو و قسمت جنوبی حرم مطهر واقع شده است و ظاهراً این صحن از بناهای شاه عباس ثانی است که برای مقبره پدر خود شاه صفی ساخته است، و درب اصلی آن هم در قسمت غربی صحن نو است (که جلو آن قبور پدر و برادر و دانی و سایر اقوام مؤلف کتاب واقع است) این صحن ساده و جرزهای آن آجری و بدنه آن گچی است، و طرف شمالی آن ایوانیست که به مقبره و بقعه شاه صفی باز می شده، و فعلاً پس از تعمیرات فتحعلی شاه که صندوق قبر شاه صفی را برداشته و با سطح زمین برابر کرده اند بقعه مزبور رواق جنوبی حرم مطهر را تشکیل می دهد و از این رواق دری به مقبره شاه عباس ثانی باز می شود و برابر آن دری است که به خزانه آستانه گشوده می شود.

سابقاً زنهار قبل از افتتاح موزه از این صحن و رواق به حرم مطهر مشرف شده و در این صحن اجتماع می نمودند و در صحن زنانه جنب ایوان راهروی است که مدخل مقابر سلاطین صفویه بوده است و هم اکنون راهرو و مدخل سالن موزه است و کتیبه ای دارد از کاشی لاجوردی که با خط نستعلیق زرد دوازده بیت بر آن نوشته شده و قسمتی از ابیات دوازده گانه این است:

هذه جنات عدن فادخلوها خالدین زائران را از صریر دررسد بر گوش جان

خشت ایوان بلندش غیرت خورشید و ماه صحن ایوان رفیعش مهبط کروبیان

ز التفات پادشاه صورت و معنی صفی شد سرافراز مهم تولیت جمشید خان

شد تمام از معجز اقبال شاهی این بنا تا مگر همچون حرم گردد مطاف انس و جان

کرد بنیان اساسی بارگاهی کز شکوه باد یارب تا ابد از عمر و شاهی کامران

این رقم زد از پی تاریخ معمار قضا «مهبط صفح الهی مرقد صاحبقران»

[1077]

و در قسمت غربی صحن زنانه حجره ای است که فعلا یکی از دو سالن موزه را تشکیل می دهد، و در زیر آن سردابه ای است که چنانکه سابقا ذکر شد قبور شاهزادگان صفوی است که به امر محمود افغان به قتل رسیده اند.

موزه آستانه دو قسمت می باشد یک سالن به طول 17/60 متر و عرض 4/90 متر و سالن دیگر به طول 16/20 متر و عرض 5/50 متر و از صحن زنانه چنانکه ذکر شد دری بدان باز می شود که مدخل آن طرف شمالی صحن درب آن در بقعه شاه سلطان حسین می باشد.

و غیر از این در درب مخصوصی از طرف خیابان موزه در حین تأسیس موزه که سال 1314 خورشیدی است، افتتاح نموده اند.

در زمان حکومت حسین خان نام سید احمد هاتف اصفهانی متوفای 1198 قصیده ای در وصف برج و باروی قم و ستایش حضرت معصومه و مدح حکمران آن حسین خان گفته که ما از دیوان مختصر او که بهمت و تصحیح ادیب فقید وحید دستگردی به طبع رسیده نقل می نمایم و هی هده:

حبذا شهری که سالار است در وی سروری

عدل پرور شهریاری دادگستر داوری

شهری آبش جانفزا ملکی هوایش دلگشا

شهریارش دلنوازی والیش جان پروری

شهری از قصر جنان و باغ جنت روضه ای

شهریاری لطف و انعام خدا را مظهری

ص: 125

روضه خاکش عبیر و روح پرور روضه ای

سروری در وی امیر و عدل پرور سروری

چیست دانی نام آن شهر و کدام آن شهریار

کین دورا در زیب و فرثانی نباشد دیگری

نام آن شهر است قم فخر البلاد امّ القری

کش بخاک آسوده از آل پیمبر دختری

دختری کش دایه دوران نیابد همسری

دختری کش مادر گیتی نزاید خواهری

دختری کآبا و اجداد کرامش یک به یک

تا به آدم یا امامی بوده یا پیغمبری

بنت شاه اولیا موسی بن جعفر فاطمه

کش بود روح القدس بیرون درگه چاکری

ماه بطحا زهره یثرب چراغ قم که دوخت

دست حق بر دامن پاکش ز عصمت چادری

شهریار آن ولایت والی آن مملکت

زیب الحق کسری آئین تهمتن گوهری

خان داراشان جم فرمان کی دربان حسین

آنکه فرزندی بفر او نژاد از مادری

آنکه اوج قدر را بختش فروزان کوکبی

آسمان مجد را رویش فروزان اختری

آنکه بهر تارک و بالای او پرداخته است

چرخ سیمین جوشنی خورشید زرین مغفری

بر عروس دولتش مشاطه بخت بلند

هردم از فتح و ظفر بندد دگرگون زیوری

ص: 126

دایه گردون پیر آمد شد بسیار کرد  
داد تا دوشیزه دولت بچون او شوهری  
افسرش بر فرق فر ایزدی بس گه مباحش  
بر سر از دانگی زروده دانه درش افسری  
از خم انعام و مینای نوالش بهره داشت  
هر سفالین کاسه دیدیم و زرین ساغری  
اینکه نامش چرخ ازرق کرده اند از مطبخش  
تیره گون دودیست بالا رفته یا خاکستری  
تا زند بر دیده اعدای او هر صبح مهر  
چون برون آید به انگشت گیرد نشتری  
از کمالاتش که نتوان حصر جستم شمه ای  
از ادیب عقل طوماری گشود و دفتری  
خود به تنها بشکند هر لشکری را گرچه هست  
همرهش ز اقبال و بخت و فتح و نصرت لشکری  
امن را تا پاسبان عدل او بیدار کرد  
ظلم جوید بادبانی فتنه جوید بستری  
شهر قم کز تندی باد حوادث دیده بود  
آنچه بیند مشت خاکی ز عبور صرصری  
در همه این شهر دیدم بارها پیدا نبود  
کهنه دیواری که بروی مرغی افشانند پری  
از قدوم او در دولت به رویش باز شد

گوئی از فردوس بگشودند بر رویش دری

شد به سعی او چنان آباد کاهل آن دیار

مصر را ده می شمارند و ده مستحقری

ص: 127

پیش از این گر هر ده و شهری بحالش می گریست

خندد او اکنون به هر اقلیم و بر هر کشوری

کرد بر پا بس اساس نو در آن شهر کهن

دادش اول از حصاری تازه زیبی و فری

لوحش الله چون حصار آسمان ذات البروج

فرق هر برجی بلند از فرقدان در برتری

شوخ چشمان فلک شبها پی نظاره اش

از بروج آسمان هر یک برون آرد سری

باره ای چون سد اسکندر بگرد قم کشید

لطف حقش یاور و الحق چه نیکو یآوری

عقل چون دید از پی تاریخ این حصن حصین

گفت: «سدی نیک گرد قم کشید اسکندری»

[1297]

\* ای بر خورشید رایت مهر گردون ذره ای

آسمان در حکم انگشت تو چون انگشتی

با کف دریا نوالت هفت دریا قطره ای

پیش خرگاه جلالت هفت گردون چنبری

حال زار من چه پرسی این نه بس کز روی تو

دور ماندستم چه دور از روی خور نیلوفری

بوی دود عنبرین من گواه من که چرخ

بی تو افکنده است چون عودم بسوزان مجمری

روزها ناز و به شبها غمزه از بس دیده ام

ز اختران هر یک جگر می سوزدم چون اخگری

ص: 128



قمری و بلبل که مدح سرو وصف گل کنند  
روز و شب از سرو و گل سیمی نخواهند و زری  
طبع من بحری است پهناور که ریزد بر کنار  
گه دری و گاه مرجانی و گاهی عنبری  
کی رهین کس شود دریا که گر گیرد ز ابر  
قطره آبی دهد واپس درخشان گوهری  
شاد باش و شاد زی کین بزم و این آرامگاه  
مانده از سلطان ملکشاهی و سلطان سنجری  
من به نیروی تو در میدان نظم آویختم  
هیچ دانی با که، با چون انوری کند آوری  
هم بامداد نسیم لطف آمد بر کنار  
از چنین بحری سلامت کشتی بی لنگری  
راستی نندیشم از تیغ زبان کس که هست  
در نیام کام همچون ذوالفقارم خنجری  
من که نظمم معجز فصل الخطاب مهر تست  
نشمرم جز باد سرد افسون هر افسونگری  
ریسمانی چند اگر جنبد به افسون ناورد  
تاب چون گردد عصا در دست موسی اژدری  
هان و هان هاتف چه گویی چیستی و کیستی  
لاف بیش از بیش چند ای کمتر از هر کمتری  
لب فروبند و زبان در کش ره ایجاز گیر

تا نگر دیدستی از اطناب بار خاطری

تا گذارد گردش ایام و بیزد دور چرخ

تاج عزت بر سری خاک مذلت بر سری

دوستانت را کلاهی بر سر از عز و شرف

دشمنانت را به فرق از ذل و خواری معجری

ص: 129







پوشیده نماند امامزاده ای که هم شرافت و جلالتش مسلم باشد، و هم مدفن و مضجعش معلوم و بلاواسطه از صلب مطهر امام باشد در قم بلکه در ایران خیلی کم است. چه بعضی امامزاده ها از صلب مطهر امام علیه السلام هستند ولی جلالت قدرشان غیر مسلم و بعضی جلالت قدرشان مسلم ولی محل قبرشان غیر معلوم مثل علی بن جعفر و حمزه بن موسی بن جعفر و در بعضی هر دو جهت مجهول است.

اما امامزاده هایی که در قم و اطراف قم مدفون شده و مرقدشان معلوم است، جز چند تن هیچ یک بی واسطه از صلب امام علیه السلام نیستند و آن چند تن یکی فاطمه معصومه علیها السلام است که از صلب مطهر امام موسی بن جعفر علیه السلام است. چنانکه سبق ذکر یافت.

دیگر زینب و امّ محمد و میمونه که از صلب حضرت امام محمد تقی علیه السلام هستند و ایشان در همان بقعه شریفه حضرت معصومه علیها السلام مدفون می باشند، بعضی در همان ضریح مثل امّ محمد و بعضی بیرون از ضریح در میان بقعه طاهره مثل زینب و میمونه چنانچه سابقا ذکر شد.

دیگر موسی پسر حضرت امام محمد تقی که معروف است به موسای مبرقع، و او در قم در خانه خود مدفون شده، و سادات رضوی تماما در هرکجا هستند از

نسل او هستند، وی بقعه مختصری دارند که چند سال قبل آقای حاج قائم مقام التولیه رضوی مشهدی صحنی برای آن حضرت بنا فرمودند، و مرحوم حاج میرزا حسین نوری حالات ایشان را در کتاب بدر مشعشع بیان نموده اند.

در تاریخ قدیم قم می گوید: اول کسی که از سادات رضویه به قم آمد ابو جعفر موسی بن محمد بن علی الرضا علیه السلام بود و در سنه ست و خمسين و مائین (256) از مدینه به قم آمد و به قم مقام کرد و پیوسته برقع بر روی فرو گذاشتی تا آنگاه که عرب به او پیغام فرستاد که تورا از مجاورت و همسایگی ما بیرون می باید رفتن، پس ابو جعفر موسی از قم به کاشان رفت چون به کاشان رسید احمد بن عزیز بن دلف العجلی او را اکرام کرد و ترحیب نمود و خلعتهای بسیار و بارگیرهای نیکو و چندین تجمل به او بخشید و مقرر گردانید که هر سال یک هزار مثقال طلا با یک سر اسب مسرج به او دهد پس ابو الصدیم الحسین بن علی بن آدم و یکی دیگر از رؤسای عرب در عقب بیرون آمدن موسی بن محمد بن علی از قم رسیدند و اهل قم را بسبب بیرون کردن او توبیخ کردند.

پس رؤسای عرب را بطلب ابی جعفر موسی بفرستادند تا شفاعت کردند و او را به قم باز آوردند و بسیاری اعزاز و اکرام کردند و از مال خود از برای او سرائی بخریدند، و همچنین چند سهم از قریه هنبرد و اندریقان و کارجه از برای او از ورثه مزاحم بن علی اشعری بخریدند و بیست هزار درم از برای او قسمت کردند و به او دادند.

و در روایت دیگری است که چون عرب قم به ابی جعفر موسی پیغام فرستادند که تورا از همسایگی ما بیرون می باید رفتن او برقع از روی بینداخت و ایشان او را شناختند، پس محمد گفت همت و اعتقاد ایشان محقق شد و این سرای و سهام و اموال به او دادند پس موسی قصد عبد العزیز بن دلف عجلی کرد عبد العزیز او را اعزاز و احترام و اکرام کرد و خلعتها و مرکبها بخشید و وظیفه سالیانه معین کرد چنانچه ذکر شد. بعد از آن به قم مراجعت نمود، دیگر باره اهل قم او را

اعزاز و اکرام کردند و از دنیا وی را متمتع و مرفه گردانیدند چنانچه مستغنی شد و بعد از آن او را احتیاج نبود به شهرهای دیگر رود به جهت وجه معاش و به قم املاک خرید و آب و زمین پیدا کرد و متوطن شد بعد از آن خواهران او زینب و امّ محمد و میمونه دختران محمد بن علی علیه السلام در طلب او از کوفه به قم آمدند و بر عقب ایشان بریبه دختر موسی بیامد و ایشان به مقبره بابلان آنجا که قبر فاطمه بنت موسی بن جعفر است مدفون شدند و موسی به قم مقیم بود و از آنجا بجایی دیگر نرفت تا آنگاه که او را وفات رسید در شب چهارشنبه هشت روز به آخر ماه ربیع الآخر مانده سنه ست و تسعین و مأتین (296) او را در سرائی که معروف بود به او که الیوم مشهور است به مشهد او دفن کردند و در قدیم آن سرای معروف بوده است به محمد بن الحسن بن ابی خالد اشعری ملقب به شیبوله و اول کسی را که بدین سرای دفن کردند موسی بن محمد بن علی بن موسی بود و خواهران او زینب و میمونه دختران محمد بن علی بن موسی از او میراث گرفتند»

مؤلف گوید: فرقی که روایت ثانی با اول داشت این بود که در اول اکرام را نسبت به احمد بن عزیز بن دلف العجلی کرد و در ثانی نوشته است قصد عبد العزیز بن دلف عجلی کرد و عبد العزیز او را اعزاز و اکرام کرد و معلوم نیست از پسر و پدر کدامیک صحیح است.

### امامزاده شاه حمزه

دیگر امامزاده حمزه بن موسی بن جعفر است که با شاه چراغ شیراز احمد بن موسی الکاظم از یک مادرند و جد اعلای سلاطین صفویه موسویه است و چند محل است که به او نسبت می دهند: یکی اطراف شیراز و دیگری در سوسفید ترشیز و دیگری در جنب بقعه طاهره حضرت عبد العظیم و دیگری در وسط شهر قم که بقعه و قبه و صحنی دارد و بنای قبه و صحن از مرحوم میرزا علی اصغر خان اتابک است، و این اشعار را در کتیبه ایوان آن نوشته اند:



این کفش کن سلیل موسای کظیم کو طعنه زند بطور موسای کلیم

بنیاد ز اصغر بن ابراهیم است چونان که بنای کعبه کرد ابراهیم

هین واد مقدس است فاخلع نعلیک این باب خدا است فادخلوا للتعظیم

و در تاریخ قم که از کتب معتبره معتمده و قریب العصر با امامزاده است عبارتی است که صریح است در اینکه حمزه بن موسی الکاظم همین است که در قم است، چنانکه گوید: و بعد از آن بریهه زن موسی بن محمد بن علی بن موسی وفات یافت و به جنب مشهد او، او را دفن کردند و پسران عم او یحیی و ابراهیم پسران جعفر بن علی الکذاب از بریهه میراث گرفتند چون بریهه به قم وفات یافت ایشان به قم نبودند چون از آن آگاهی یافتند به قم آمدند و ترکه او برداشتند. ابراهیم دیگر باره از قم برفت و یحیی صوفی به قم اقامت کرد و بمیدان زکریا بن آدم به نزدیک مشهد حمزه بن امام موسی بن جعفر علیهم السلام وطن و مقام گرفت و ساکن بود» الی آخر که حمزه را بی واسطه اولاد آن حضرت ذکر می کند ولی در ذکر سادات حسینی و موسویه که به قم وارد شدند حمزه را ذکر نمی کند و در سادات صادقیه به چند واسطه حمزه نامی ذکر می کند و در کتاب روضه الصفا ناصری هم یکی از متوفاهای زمان صفویه را گوید در قم در جوار مرقد فاطمه بنت موسی بن جعفر و حمزه بن موسی بن جعفر دفن کردند.

و در کتب انساب مذکور است که حمزه بن موسی بن جعفر چند پسر داشتند:

یکی از ایشان اسم او حمزه بوده، چنانکه در کتاب «جنه النعیم» هم حمزه بن حمزه را ذکر کرده.

### شاهزاده احمد

و پوشیده نماند که جنب بقعه طاهره شاهزاده حمزه بقعه ای است که گویند مدفن شاهزاده احمد از اولاد موسی بن جعفر است و در کتاب تاریخ قم در ضمن اولاد موسی بن جعفر در قم احمد نامی ذکر می کند و می فرماید: در قم وفات نموده

لیکن محل دفن او را معین نمی کند، و شاید مدفون در این بقعه همان احمد باشد، بنابراین نسب شریف او از این قرار است: احمد بن اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیهم السّلام.

### علی بن جعفر علیه السّلام

دیگر علی بن جعفر الصادق علیه السّلام که آن بزرگوار هم محل قبرش مسلم نیست و سه موضع است که به او نسبت می دهند: یکی در «عریض» یک فرسخی مدینه و دیگری در قم و دیگری در خارج سمنان، در خارج سمنان را علامه مجلسی دوّم می فرماید مظنون کذب آن است، ولی در قم را احتمال می دهد که خود او باشد، چنانکه در «تحفه الزائر» می فرماید که از جمله کسانی که به جلالت و نبالت شأن معروفند، علی بن جعفر مدفون به قم است، و جلالش مشهورتر از آن است که ذکر شود. و اما بودنش در قم: در کتب معتبره ذکر نشده لیکن اثر قبر شریفش که موجود است قدیم است، و بر روی قبر کتابتی هست که نوشته اند «قبر علی بن جعفر صادق و محمّد ابن موسی».

و از تاریخ بنای آن قبر تا این زمان نزدیک به چهارصد است، و چون از آن قبر قدیم و لوح آن چنین ظاهر می شود که در آنجا مدفون باشد، بهتر آن است که در آنجا آن حضرت را زیارت کنند».

لیکن کلام مجلسی اوّل در شرح من لا یحضره الفقیه صریح است در اینکه آن جناب در قم مدفون است، و از تاریخ قم چنانکه مختار محدث نوری در مستدرک است برمی آید که این علی مدفون به قم از احفاد آن علی بن جعفر است و آن علی مدفون در عریض است چنانکه در تاریخ قم گوید: «دیگر از فرزندان علی بن جعفر صادق علیه السّلام و از فرزندان محمّد بن علی بن جعفر صادق علیه السّلام سادات عریضه اند»

روایت است که حسن بن عیسی بن محمّد بن علی بن جعفر صادق علیه السّلام از مدینه به قم آمد و پسر او علی با او بود.

به هر حال در قم مضجعی رفیع و صحنی وسیع و گنبدی عالی دارد و بقعه و مضجع او مزین بود به خشتهای کاشی که معروف است، بهتر از آن کاشی تا به حال در هیچ مکان دیده نشده است، ولی چون در چند سال قبل سارقین شبانه آمدند و خادم آن بقعه را خفه نموده و بعضی از خشتهای آن را کنده و بردند لهذا تولیت قم خشتهای کاشی آن بقعه را کنده و در خزانه طاهره حضرت معصومه مضبوط نمودند و اخیراً که موزه آستانه مفتوح شد به موزه منتقل نمودند و سنهٔ سبعمائه (700) تاریخ کاشی قبر مطهر است، و در کتیبهٔ بقعه نوشته شده است که تجدید این عمارت مقدس را عطاء الملک میر محمد حسنی کرده است در سنهٔ اربعین سبعمائه (740) اصل عبارت کتیبه این است: «تجدید عماره المقدس مضجع الامامین السیدین المعصومین المظلومین الطاهرین ابی الحسین علی بن جعفر الصادق و ابی جعفر محمد بن موسی الکاظم صلوات الله علیهما المولی المرتضی الاعظم صاحب الاعدل الاحسب الانسب علاء الحق و الدنیا و الدین جلال الاسلام و المسلمین عطاء الملک میر محمد الحسنی اعز الله فی الدارین فی سنه اربعین و سبعمائه».

مؤلف گوید محمد بن موسی الکاظم محتمل است محمد بن موسی بن اسحاق بن ابراهیم العسکری بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام بوده باشد و سابق حذف و اسقاط و سائط خیلی معمول بوده، چنانکه حضرت امام حسن عسکری را ابن الرضا می نامیدند، و در بسیاری از کتیبه های قدیم این معنی دیده شده که و سائط را از بین انداخته و صاحب قبر را اولاد بلافاصله امام نوشته اند، و نسبت او را به جد اعلی و اشرف داده اند و در بعضی کتیبه ها اغلاط دیگر هم دیده شده که بعد اشاره خواهد شد، و همچنین در بسیاری از کتیبه ها عبارات به حسب قانون عربیت خالی از سقم نیست چنانچه بر اهل بصیرت پوشیده نیست، الحاصل در سنه (1268) استاد محمد طاهر کاسه گرمی ایوان و سردر بقعه را کاشی ممتاز نموده و از موقوفاتش قطعه زمین واقع در خارج دروازه کاشان است.

و نزدیک به بقعه مبارکه علی بن جعفر بقعه ای است که در کتیبه او نوشته شده است مضجع ابراهیم بن احمد بن موسی بن جعفر، عین عبارات کتیبه این است:

«امرت بعمار هذه الروضة الرفيعه و المرقد المنيفه المشهد المنور المعطر المقدس الامام المعصوم الطاهر المطهر ابي القاسم ابراهيم بن احمد بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسين بن الامام المفترض الطاعه اسد الله الغالب ابي الحسن امير المؤمنين علی بن ابي طالب صلوات الله و سلامه عليه و عليهم اجمعين بمنه الخاتون العظمى البانوى الكبرى بلقيس العهد و الاوان خديجه العصر رابعه الدهر عصمه الدنيا و الدين صفوه الاسلام و المسلمین زیدت عصمتها و خلدت عظمتها فی شهر شوال سنه خمس و ثمانمائه بمشقه العبد علی بن حسن الطوسی».

## امامزاده علی

و دیگر از امامزادگان بلافضل جلیل القدر امامزاده سلطان علی بن امام محمد باقر است که مضجع مقدس او در اردهال قم است و از اطراف همیشه به زیارت او مشرف می شوند به خصوص در زمانی که آن را وقفه می گویند و آن سیزدهم پائیز است که در سابق در روز جمعه آن هفته از قم و کاشان و اطراف و اکناف آن دو شهر خلق کثیری در آنجا حاضر می شدند و مخصوص قریب هزار نفر از اهالی فین همه مکمل و مسلح قالیچه را از میان بقعه مطهره بر می داشتند و به نهری که قریب به صحن مطهر است می بردند و از آن نهر این قالیچه را تر کرده مراجعت می نمودند و بسا که فتنه و فساد بر سر این کار بر پا می شد، و در ایوان بقعه این امامزاده دخمه ای است که در سالهای پیش که مهدی خان اعتضاد الدوله حکمران قم و ساوه و کاشان بدان بقعه مشرف شده حکایت نموده بود که من و دوسه نفر در آن دخمه رفتیم اجسادی دیدیم تروتازه که سرهای آنها را بریده اند و می گویند که آنها

از اصحاب آن حضرت بوده اند که در این حومه به جهاد کشته شده اند و در احادیث اهل بیت علیهم السّلام مدح اردهال وارد شده است چنانکه گذشت. (1)

و اما امامزاده هایی که در قم و اطراف قم هستند و اولاد با فاصله امام می باشند بسیارند:

### امامزاده اسماعیل

یکی از آنها امامزاده اسماعیل است بنا بر کتیبه قدیمه بقعه او ولی ظاهراً نام او محمّد بن عبد الله بن حسین بن علی بن محمّد بن امام جعفر صادق علیه السّلام است، نظر به عبارت تاریخ قدیم قم که می فرماید: این محمّد بن عبد الله از قم رفت طرف بغداد و او را به نهروان کشتند و تابوت او را به قم آوردند به نزدیک مسجد رضائیه دفن کردند، و در حق هیچیک از امامزاده هایی که در قم مدفونند ندارد که او را شهید کرده باشند، مگر همین محمّد بن عبد الله، و معروف است این امامزاده به سید سربخش، قبر این امامزاده در اواخر شهر در محله که معروف «به سید سربخش» است واقع است، و در میان بقعه قبر کوچکی است که به قدر یک چهارم از زمین بلندتر است؛ می گویند چون او را شهید کردند سر او را در این مکان دفن کرده اند بقعه و گنبد متوسطی دارد که روی آن کاشی است و بقعه این امامزاده کتیبه ای دارد به خط ثلث که این عبارت را از گچ بیرون آورده اند «و هی هذا ذکر القدیم اعلی و بالتقدیم اولی امر ببناء هذه العماره الرفیعه و الروضه الشریفه مرقد الامام المعصوم المظلوم اسماعیل بن الامام محمّد بن جعفر الصادق علیهم السّلام صاحب الاعظم الاعدل الاعلم و الی اقالیم الفضل و الکرّم مستخدم ارباب السیف و القلم المنصور بنصره خیر الناصرین غیاث الحق و الدنیا و الدّین امیر محمّد بن المولی المخدوم الاعظم الاعدل الاعلم جمال الحق و الدنیا و الدّین علی بن صفی اعلی الله شأنهما و رفع فوق

ص: 140

---

1- (\*). شرح حال امامزاده بزرگوار شاه سلطان علی، در کتاب «اجساد جاویدان» ص 68-79 آمده است.

## چهل اختران

ديگر از بقاع مطهره بقعه معروف به چهل اختران است، در بالای سردرب بقعه در کتیبه که به خط ثلث از گچ بیرون آورده شده نوشته است این مکان قبور جمعی از سادات و امامزادگان است در سنه 851 آن کتیبه نوشته شده است، ولی در سنه 953 شاه طهماسب صفوی سقفی بسیار مرتفع و بنائی عالی بر این قبور بر پا نموده و در بالای سردرب بقعه از داخل این کتیبه را به خط ثلث از گچ بیرون آورده اند «قد صدر الحکم المطاع ببناء هذه العماره الشریفه عن اعلی حضرت سلطان سلاطین الزمان ابو المظفر شاه طهماسب بهادر خان خلد الله ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و احسانه فی شهور سنه ثلث و خمسين و تسعمائه» و اصل بقعه مربع متساوی الاضلاع و هر ضلع او پانزده ذرع است، بر یک سقف مرتفع بیستون آن سقف زده شده و از بناهای بسیار خوب عالی است که کمتر مانند آن بنائی دیده شده است، بنا و معمار آن استاد سلطان قمی است که از مشاهیر معمارهای عهد صفویه است و نام او در آن مکان مضبوط است، و در این بقعه هیچجده صورت قبر است و به طوری که از تاریخ قدیم قم مستفاد می شود، مدفونین در این بقعه و بقعه موسی از این قرار است.

یکی ابو جعفر موسی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر علیهم السلام که در شب چهارشنبه روز آخر ماه دی هشت روز از آخر ماه ربیع الآخر مانده سنه ست و تسعین و مأتین (296) هجریه وفات نمود.

دیگر بریهه زوجه موسی بن محمد.

دیگر ابو علی محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن علی الرضا علیهم السلام که در روز یکشنبه اردیبهشت ماه سه روز از ماه ربیع الاول گذشته سنه خمسہ عشر و ثلاثمائه (315) وفات کرده.

دیگر محمد بن موسی بن محمد.

دیگر زینب بنت موسی مبرقع و امّ محمد بنت احمد بن ابو علی محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن علی الرضا علیهم السلام که روز پنجشنبه مردادماه بیست و یک روز از ماه ربیع الآخر گذشته سنه ثلث و اربعین و ثلاثمائه (343) وفات کرده.

دیگر فاطمه دختر محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن علی الرضا که شب پنجشنبه یازده روز از ماه شوال گذشته سنه ثلث و اربعین و ثلاثمائه (343) هجریه وفات کرده.

دیگر بریهه بنت محمد بن احمد بن موسی مبرقع.

دیگر ابی عبد الله احمد بن محمد بن احمد بن موسی مبرقع که روز پنجشنبه نیمه ماه صفر سنه ثمان و خمسين و ثلاثمائه (358) هجریه وفات کرده.

دیگر امّ سلمه بنت محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن علی الرضا.

دیگر امّ کلثوم بنت محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن علی الرضا و اسامی دیگران دانسته نیست و متصل به این بقعه بقعه موسای مبرقع است که ذکر او گذشت.

### امامزاده زید

دیگر از بقاع مقدسه بقعه امامزاده زید است، و چنانکه گویند از نبیره ها و نتایج حضرت سید الساجدین علیه السلام می باشد. بقعه مختصر و صحن مخروطی داشت که حالیه جزء صحن موسای مبرقع شده، اصل قبر بقدر یک ذرع از زمین بقعه مرتفع است، روی آن همه کاشی معرق است، که به خط ثلث ممتاز کتیبه ای بر روی آن نوشته شده و گنبد مختصری دارد، بانی این عمارت از قراری که بر بالای سردرب بقعه از خارج درب کتیبه به خط ثلث از گچ بیرون آورده اند «خواجه بهاء الدین هبه الله قمی» است و سنه 847 تاریخ آن است، عین عبارت این است: «بسم الله الرحمن الرحيم كل شيء هالك الا وجهه له الحكم و اليه ترجعون و قال النبي الامي صلوات الله عليه من زار احدا من ذريتي فكأنما زارني و من زارني فقد زار الله

عز و جل هذا مضجع ابن الامام زيد بن الامام زين العابدين علي بن الامام حسين بن علي عليهم السلام تشرف بهذا البناء الصدر الكبير  
خواجه بهاء الدين هبه الله القمي في شهور سنه سبع و اربعين و ثمانمائه».

در ايوان ديگر اين بقعه که جنب مسجد است سنگي است که بر روی آن اشعاری نوشته شده است که اين بقعه از یک دانه گندم ساخته شده است. يعنی یک دانه گندم را کاشته اند آنچه از او به عمل آمده او را هم کشته اند و همچنين تا حاصل او زياد شده از محصول او اين قبه بنا شده! و آن اشعار اين است:

به یک دانه گندم ز لطف اله تمامست گنبد به اقبال شاه

به سعی براهيم ابن اويس رسیده به اتمام اين بارگاه

خرد گفت تاريخ او را بگو به هفتاد و نه نهصدش کن نگاه

\* ديگر امامزاده زيد نزديک شاهزاده است که گویند او هم از اولاد امام زين العابدين عليه السلام است، و صحنی مخروبه و بقعه محقر دارد و جنب بقعه او مسجدی است که مرحوم آخوند ملا- غلامحسين در آنجا به جماعت نماز می گذاردند، و ظاهراً نسب او از اين قرار است: زيد بن حسن بن علي بن حمزه القمي ابن احمد بن محمد بن اسماعيل بن محمد بن عبد الله الباهر ابن امام زين العابدين عليه السلام و محتمل است که زيد بن اسحاق بن موسی بن ابراهيم بن موسی بن جعفر عليهم السلام باشد و اين دو احتمال درباره هر دو زيد می رود و العلم عند الله».

### امامزاده سلطان محمد شريف

امامزاده سلطان محمد شريف سمت دروازه قلعه در محله ای که بنام اوست مدفون است، بقعه و گنبدی متوسط دارد، از اولاد حضرت سيد الساجدين امام زين العابدين عليه السلام است و نسب شريف او از اين قرار می باشد: سلطان محمد شريف



بن علی بن محمّد بن حمزه بن احمد بن محمّد بن اسماعیل بن محمّد بن عبد الله الباهر بن امام زین العابدین و عبد الله باهر با حضرت باقر از یک مادر بودند که فاطمه دختر حضرت مجتبی باشد و او را باهر گویند به جهت نیکویی صورت او و کنیه سلطان محمّد شریف ابو الفضل می باشد و پدرش و دو جد او که یکی حمزه بن احمد و دیگری محمد بن حمزه باشد در قبرستان بابلان مدفونند و قبور آنها مجهول است چنانچه گذشت، و این بزرگوار امامزاده جلیل القدری می باشد، و در قم صاحب اعقاب کثیره و حشمت و جاه بوده، و در کتاب «عمده الطالب» از وی به محمّد الشریف الفاضل تعبیر کرده، چنانکه می فرماید: از بنی احمد حمزه بن احمد و معروف است به حمزه القمی از برای او اعقابی است، بعضی از آنها ابو الحسن علی الزکی نقیب ری ابن ابی الفضل محمّد الشریف الفاضل ابن ابی القاسم علی نقیب قم ابن محمّد بن حمزه المذكور.

### امامزاده شاه احمد

امامزاده شاه احمد بن قاسم بن احمد بن علی بن جعفر الصادق علیه السلام، هر چند در کتیبه بقعه او را از اولاد موسی بن جعفر نوشته ولی در کتاب تاریخ قم ذکر شد که او را از اولاد حضرت صادق از نسل علی بن جعفر عریضی شمرده و معلوم است که فرمایش صاحب تاریخ و عصرش مقدم بر کتیبه است و فاطمه خواهرش هم آنجا مدفون است، چنانچه از کتاب مزبور معلوم می شود بقعه او جنب دروازه قلعه در قبرستان مالون واقع است بقعه و قبه و صحنی متوسط دارد که در کتیبه بقعه این عبارات را از گچ بیرون آورده اند «و من الله الاعانه و الاغاثة امر ببناء هذه العماره الرفیعه و الروضه الشریفه مرقد الامام السید المظلوم احمد بن قاسم بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین ابن علی بن ابی طالب علیهم السلام صاحب الاعظم الاعدل الاعلم ملاذ طوائف الامم مستعین ارباب السیف و اصحاب القلم صاحب دیوان الممالک ملجأ العظماء العالم موئل صنایع بنی آدم عمیم المواهب و النعم

عضد الخواقين المنصور بنصره خير الناصرین قوام الحق و الدنيا و الدّین مغيث الخلائق اجمعين علی بن صاحب الاعظم السعيد عز الحق و الدنيا و الدّین اسحاق بن صفی علی الماضي عظم الله تعالى جلال قدره بعمل محمّد علی ابو شجاع البنا، از موقوفاتش قطعه زمين واقعه در اراضی دودانگه است».

مؤلف گوید: این علی و پدرش اسحاق بن صفی به طوری که از تواریخ استنباط می شود از والیان و امراء قم بوده و قبورشان در باغ گنبد سبز است چنانچه بعدها بیاید.

### شاهزاده ناصر الدّین

شاهزاده ناصر الدّین سابقا این بقعه که مقابل درب سابق مسجد امام حسن در بازار بود معروف بود به بقعه احمد بن اسحاق و حال اینکه احمد بن اسحاق اشعری قمی که وکیل حضرت امام حسن عسکری علیه السّلام بوده و این مسجد را به امر آن حضرت بنا نموده است در حلوان مدفون است، مگر اینکه احمد بن اسحاق دیگری باشد، یا آنکه وجه شهرتش این باشد زمانی که احمد بن اسحاق اشعری این مسجد را به امر امام علیه السّلام بنا نهاد این بقعه را هم به جهت مدفن خود بنا کرده و چون در مراجعت از سامره در حلوان که سرپل ذهاب است وفات کرده لهذا در همان جا مدفون شد و فقیر در طفولیت و همان اوانی که معروف به بقعه احمد بن اسحاق بود هروقت روزها از آن طرف عبور می نمودم می دیدم شمع زیادی روی قبر روشن نموده اند و بعد بر حسب بعضی قرائن و احتمالات که بعضی از روی کتاب عمده الطالب استنباط کردند گفتند این امام زاده شاهزاده ناصر الدّین است و نسب او از این قرار است علی بن مهدی بن محمّد بن حسین بن زید بن محمّد بن احمد بن جعفر بن عبد الرحمن بن محمّد البطحانی بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن المجتبی علیه السّلام فعلا مشهور به شاهزاده ناصر الدّین شده است.

دیگر از بقاع مطهره در قم بقعه امامزاده خاک فرج است، و آن بزرگوار از قراری که بعضی از ثقات روی قبر را دیده بودند و حالیه جایش گچ زده اند، نوشته بوده است حارث بن زید بن علی بن الحسین ولی این زمان معروف شده است به شاهزاده احمد از اولاد امام زین العابدین و اگر نام احمد صحیح باشد به احتمالی که بعضی داده اند محتمل است که احمد بن محمد بن علی بن عمر بن حسن افضس بن علی بن امام زین العابدین باشد و دارای بقعه و قبه عالی و دو صحن می باشد و تجدید و تعمیر بقعه و قبر و بنای صحن جنوبی از منوچهر خان معتمد الدوله است.

چنانکه در سردر بقعه این اشعار را به سنگ مرمر به خط خوش نوشته اند:

در زمان ملک غازی دارای جواد که شد آباد جهان زو که بجانش آباد

ملک ملک گشا فتحعلی شه که به ملک هر ملک بست بایمائی و هر ملک گشاد

هم از او غیرت چین آمده اتلال و دمن هم از او خجلت مصر آمده امصار و بلاد

هر سرابی که ز فیض گذرش آید خوش هر خرابی که ز نقش قدمش گردد شاد

اندر آن عهد که در سده او هرچه کریم اندر آن دور که در درگه او هرکه جواد

فخر امثال منوچهر همیون گوهر زین اشباه خردمند کزان قدر بزاز

برده تارک بفلک چون بخرد روشن و پاک گشته منظور ملک چون به گهر به خرد و راد

هم رهین امر خداوند مهین را ز صلاح هم امین گنج شهنشاه زمین را ز سداد

گوهر روشن او صورتی از عقل و ادب پیکر فرخ او جوهری از دانش و داد

چون شد این بقعه فرخنده در این خاک فرج از تصاریف زمان قبه قرین با بنیاد

نه بیامش که حرم پایه بجز شیون بوم نه بیباغش که ارم رتبه بجز مویه خاد

پی انگیزش آن مهر سخاوت گشود بهر آبادیش آن بدر کرم بدره گشاد

او ستادان سنمار گهر ز ایمایش برده بنیاد همایونش بر از سبع شداد

بقعه نی خوابگه تاجوری پاک گهر بقعه نی بارگه پادشهی نیک نهاد

بقعه نی از در رفعت فلک ذات بروج بقعه نی از ره رتبت ارم ذات عماد

الغرض کرد چو آنک به آبادی این که پیاداش شود هشت بهشتش هشتاد

منشی طبع صبا از پی تاریخش گفت «شده این بقعه دلکش ز منوچهر آباد»

[1232]

مخفی نماند که پشت صحن امامزاده خاک فرج بقعه ای است که معروف است به صفوراء و معلوم نیست که این صفوراء کیست و نسبش چیست؟ و بنا بر احتمالی که بعضی داده اند مدفون درین بقعه از اولادهای عمر بن علی بن ابی طالب است نظر بفرمایش صاحب تاریخ قم قدیم که گوید دیگر ساداتی که به قم آمدند عمریه اند از فرزندان عمر بن علی بن ابی طالب ابو عبد الله العمری ذکر نسب او نکرده اند و او بکمیدان فرود آمده است مردی بس پرهیزکار و فاضل بوده است و بکمیدان وفات یافته است دیگر از فرزندان عمر بن علی به قم دوزن بوده اند و الله اعلم انتهى - و ممکن است نام یکی از آن دوزن صفوراء باشد و در آن بقعه مدفون باشد و العلم عند الله.

و دیگر پشت بقعه امامزاده احمد فضائی است که در وسط آن قبه کوچکی است که در وسط زمین آن قبه گودی است که گویند حضرت خلیل حجر کعبه را از این مکان به خانه رب جلیل برد چنانچه شاعر گوید:

«برد از دیار قم حجر کعبه را خلیل»

و در نزدیک آن بقعه در وسط زمینهایی که کشت و زرع می شود یک چهار طاقی است که گویند مسجد کمیدان بوده.

### شاه ابراهیم و شاه محمد

شاه ابراهیم و شاه محمد در خارج دروازه معصومه نزدیک ایستگاه راه آهن در شهر نواقع است، بقعه آجری عالی دارد و یک ضریح است که مرقد دو امامزاده

ص: 147

است، و روی ضریح بخط ثلث برجسته بکاشی این عبارات مسطور است: هذا الضريح للسيد الشريف الطاهر المطهر التقى النقى الزكى ابراهيم بن موسى بن جعفر بن محمد بن لي بن الحسين اخ الحسن ابنا امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليهم السلام» و همچنین روی مرقد شاهزاده محمد هم به عین همین عبارات مسطور است جز اینکه بجای ابراهیم بن موسی بن جعفر، محمد بن موسی بن جعفر نوشته است، ولی ظاهراً وسائط را تا امام از بین انداخته است و نسب آنها از این قرار باشد:

ابراهیم بن محمد بن حسن بن ابراهیم بن احمد بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیهم السلام و محمد بن حسن بن احمد بن اسحاق بن ابراهیم بن احمد بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیهم السلام و بنا بر احتمالی محمد بن اسحاق بن موسی بن اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر است و این احتمالات از روی کتب انساب است.

از موقوفاتش قطعۀ زمین واقعه در مزرعه مزدیجان است و این بقعه رو به انهدام و اندراس می رفت تا دو سال قبل که حاجی گرجی همت به تعمیر و آبادیش گماشت و گنبد را کاشی فیروزه رنگ نمود و میله ای از طلا بر سر گنبد نصب و درها را عوض و تعمیرات مهمه دیگری در این بقعه نمود و تاکنون مبلغ چهارده هزار تومان به مصرف این کار رسانیده است.

### شاه جعفر

نزدیک شاه ابراهیم به مسافتی جزئی بالای آن واقع است، بقعه و گنبدی متوسط از کاشی دارد که کاشی آن ریخته و همچنین کتیبه بقعه که ریخته و محو شده و ظاهراً از اولاد موسی بن جعفر است و نسب او از این قرار باشد: جعفر الدقاق ابن محمد بن احمد بن هارون بن موسی بن جعفر علیهم السلام و بنا بر احتمالی جعفر بن علی بن حمزه بن احمد بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن عبد الله الباهر بن امام زین العابدین علیه السلام و احتمال می رود جعفر بن حسین بن علی بن محمد بن امام جعفر

صادق می باشد و سردر دالان بقیه این عبارات به کاشی مسطور است (تجدید عمارت این درگاه مشهد مقدس منور زبده الاعیان غازی پیرقلی نموده است سنه 942) از موقوفاتش قطعه زمین واقعه در مزرعه برادستان و قطعه زمین واقعه در مزرعه مزدیجان است.

### سید معصوم

به قدر یک میدان بالای شاه جعفر بقعه مختصر محقری است که گویند مدفن سید معصوم از اولاد امام زین العابدین علیه السلام است از موقوفاتش قطعه زمین واقعه در اراضی ابرستیجان است.

### امامزاده شاهزاده عبد الله

خارج دروازه معصومه در نیم فرسخی است بالای سید معصوم است سمت دست راست واقع است، گویند شاهزاده عبد الله از اولاد امام زین العابدین علیه السلام است و ظاهراً نسب او از این قرار باشد: عبد الله بن عباس بن عبد الله الشهید بن حسن افضس بن علی بن امام زین العابدین علیه السلام بقعه و قبر مختصری از آجر دارد و سردر بقعه اسم مبارک محمد و علی به کاشی نوشته شده که از رسم الخط آن معلوم می شود خیلی قدیم است، قریب پنج خروار از زمینهای اطراف امامزاده با پنج خروار آب رودخانه وقف بر امامزاده است.

### شیخ ابا صلت

جنب دروازه ری بقعه و قبه متوسط از آجر است که گویند مدفن شیخ ابا صلت هروی از اصحاب حضرت رضا علیه السلام است ولی این حرف ظاهراً صحیح نباشد چه ارباب تواریخ و رجال مدفن او را در قم ننوشته اند، و محتمل است که مدفن در این بقعه شیخ ابا صلت بن عبد القادر بن محمد باشد که در منتخب شیخ منتجب الدین

است که فقیه و صالح بوده.

### شاه سید علی

بیرون دروازه ری واقع است بقعه گنبدی عالی از کاشی دارد و از قراری که روی مرقد او نوشته است شاه سید علی بن ابراهیم بن جعفر بن عباس بن امیر المؤمنین است ولی محتمل است که نسب شریف او از این قرار باشد: شاه سید علی بن احمد بن محمد بن علی بن عبد الله بن جعفر بن عبد الله بن جعفر بن محمد بن علی بن ابی طالب علیهم السلام.

### شاه سید ابو احمد

بین شاه سید علی و چهار امامزاده واقع است بقعه و گنبدی متوسط از کاشی دارد که به سقف گنبد آن اسامی چهارده معصوم را بخط ثلث از گچ بیرون آورده اند، و از قراری که روی قبر مطهر نوشته شده این بزرگوار از احفاد محمد حنفیه می باشد، چنانکه اصل عبارات این است: هذا مرقد السید المطهر ابو احمد بن محمد بن علی بن عبد الله بن جعفر بن عبد الله بن جعفر بن محمد حنفیه بن امیر المؤمنین و امام المتقین علی بن ابی طالب علیهم السلام فی سنه 932.

### چهار امامزاده

بقعه آنها در خارج دروازه ری و قسمت شمال شهر است گویند شاهزاده حسن و شاهزاده حسین و شاهزاده ابراهیم و شاهزاده جعفر از اولاد حضرت سید الساجدین امام زین العابدین علیه السلام هستند و بنا بر احتمالی شاهزاده حسین، حسین بن حسن بن حسین بن حسن افطس بن علی بن امام زین العابدین علیه السلام است و شاید حسن آن هم همین حسن والد امام زاده حسین باشد یا حسن بن عباس بن عبد الله الشهید ابن حسن افطس بن علی بن امام زین العابدین و بنا بر احتمالی حسین بن

علی بن عمر بن حسن افضس بن علی بن امام زین العابدین از موقوفاتش قطعه زمین واقعه در مزرعه جمر سعد آباد است.

## امامزاده هادی و مهدی

در قریه جمکران در وسط فضائی واقع است که در آن فضا دو بقعه است، در یکی از آن دو بقعه که نسبتاً بنایش عالی است دو قبر است، یکی قبر هادی و مهدی و دیگری شاهزاده ناصر الدین از اولاد حضرت امام زین العابدین علیه السلام و تجدید عمارت بقعه از حسام السلطنه است چنانکه این اشعار در کتیبه بقعه به خط خوش بکاشی مسطور است:

به عهد ناصر دین خسرو ستاره خدَم کز او بسیط جهان گشت رشک باغ ارم

شهی که زد بفلک بیدق شهنشاهی ز داد و عدل و سخا و هنر در این عالم

یگانه میر گزین سرور سپهر سریر حسام السلطنه آن منبع سخا و کرم

ستوده که ورا پایگاه رفعت و قدر بود رفیع تر از کاخ گنبد اعظم

ز داد و عدل و مروت نظیر نوشروان بفضل و اصل و گهر افتخار دوده جم

بشسته نام دو صد حاتم از کتب ز سخا برده دست و دلش رونق از معادن و یم

ز داد و عدل و سخا و کمال و دانش وی بخوادم ار که دهم شرح نایدی بقلم

چرا که هر یک از اوصاف او اگر خواهی رقم کنی و بجان بایدت هزار رقم

یک از خصال پسندیده و سعادت وی خود این بود که فشارد براه خیر قدم

چنانکه از سر اخلاص و صدق در این ملک پی مخارج این بقعه ریخت سیم و درم

نموده امر بسید ابو الحسن از لطف که ای سلاله آل پیمبر اکرم

بشو مباشر این امر چونکه تو هستی درست قول و امین و صدیق و هم محرم

بامر آمر و هم همهری آن مأمور بشد بنای همین بارگاه بس محکم

تبارک الله از این آستان عرش نشان که هست خاک درش آبروی ملک عجم



برتبه همچو سپهر و بفضل همچون عرش با اختیار چه کعبه با احترام حرم  
هوای آن بلطافت هوای هشت بهشت فضای آن بنظافت فضای باغ ارم  
شمیم آن همگی مشک بیز و عنبر ریز نسیم آن چه دم پاک عیسی مریم  
عجب مدار ز مدحش از آنکه می باشد محل مدفن اولادهای فخر امم  
سه گوهرند ز نسل چهارمین حجت بنام هادی و مهدی و ناصر دین هم  
که هریک از پی تعظیمشان ز رتبه و قدر شبانه روز نماید سپهر قامت خم  
بود غرض ز طلوع و غروب شمس که سر نهد بدرگه ایشان برو که یا مقدم  
به بام رفعت ایشان کسی نخواهد یافت ره ار کند بمثل نه سپهر را سلّم  
برای علم بتاریخ بقعه گفت ملیح که برزده است ز نوک قلم بیچرخ علم  
ز هجرت نبوی بد هزار و سیصد و پنج که زد مباینه این بقعه بر سپهر خیم  
از موقوفاتش قطعه زمین واقعه در مزرعه جمکران است.

بقعه دیگر در این صحن و فضا دارای دو قبر است که یکی از آن دو بزرگ و دیگری کوچک و گویند قبر شاهزاده جعفر و سکینه خاتون ابن  
و بنت شاهزاده ناصر الدین است.

### شاه جعفر غریب

نزدیک مسجد جمکران سرراه سابق کاشان در وسط باغی که وقف بر امامزاده است، گویند شاه جعفر از اولاد و احفاد موسی بن جعفر  
علیه السلام است، و آن سه احتمالی که در حق شاه جعفر دیگر که قبرش در بیرون دروازه معصومه واقع است دادیم، درباره این هم می  
رود، بقعه متوسط دارد که حاجی ناصر السلطنه تعمیر کرده قدری از زمینهای اطراف امامزاده هم وقف بر امامزاده است.

### شاه جمال

به قدر یک میدان بالای شاه جعفر غریب بقعه مختصر محقری است که گویند شاهزاده جمال از اولاد و احفاد موسی بن جعفر است و  
محتمل است نسب او از

این قرار باشد. محمّد جمال بن جعفر بن حسین بن علی بن محمّد دیباج بن امام جعفر صادق علیه السلام قدری از زمینهای اطراف بقعه هم وقف بر امامزاده است.

### امامزاده شاه جمال

در جاده که بسمت سلطان آباد عراق (اراک) می رود واقع است، و قریب یک فرسخ تا شهر مسافت دارد، بقعه و گنبدی محقر و چند ایوان دارد گویند از اولاد موسی بن جعفر است و احتمالی که در حق شاه جمال غریب رفت در حق این شاه جمال هم می رود یک آب انبار کوچکی علیخان سنقری نایب الحکومه قم در آنجا بنیاد نهاد. از موقوفاتش قطعه زمینی است جزء مزرعه ابرستیجان و قطعه زمینی واقعه در مزرعه بردستان.

### امامزاده علی موسی رضا

به قدر یک میدان از دروازه ری از سمت کوره پزخانه ها که دور می شود بقعه مختصر محقر مخروطی ای است که محاذی آن حوض مسقفی است گویند امامزاده علی موسی رضا است و از قراری که در لوح آن نوشته شده امامزاده علی از اولاد موسی بن جعفر است.

### امامزاده علی رضا

معروف به امامزاده حاجی صفر که گویا نام خادم آنجا بوده یک فرسخ و نیم تا شهر مسافت دارد و بالای مسجد جمکران واقع است. گویند امامزاده علی رضا از اولاد و احفاد موسی بن جعفر علیه السلام است و محتمل است که نسب او از این قرار باشد: علی رضا بن محمّد بن رضی الدین محمّد بن محمّد بن زید بن علی بن حسین بن حسن بن علی بن شرف بن علی بن محمّد بن علی بن علی الحوری بن حسن الافطس ابن علی بن امام زین العابدین علیه السلام بقعه مختصری دارد جنب باغی که وقف

بر امامزاده است و همچنین قدری از زمینهای آنجا وقف بر امامزاده است.

### امامزاده شاه طیب و طاهر

از سمت دروازه ری به مقدار یک فرسخ که خارج می شوند بقعه و قبر متوسط از کاشی با صحن مختصری است که معروف است مدفن شاهزاده طیب و شاهزاده طاهر از اولاد حضرت سید الساجدین است و بنا بر احتمالی که بعضی داده ممکن است شاهزاده طاهر و مطهر از نسل امام حسن مجتبی باشند و نسب آنها از این قرار باشد، مطهر و طاهر ابنا احمد بن محمد بن طاهر بن احمد بن محمد بن جعفر بن عبد الرحمن الشجری ابن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن علیه السلام زیرا که در کتب معتبره از اولاد سید الساجدین دو برادری که به این دو اسم موسوم و به این حدود آمده باشند دیده نشده و العلم عند الله آب انباری هم آنجا برای زائرین و عابریین ساخته اند و همه ساله ایام تابستان جمعیت کثیری به زیارت آنجا می روند از موقوفاتش قطعه زمینی است جنب امامزاده که قریب هشت خروار است.

و به قدر یک میدان بالاتر از بقعه شاه طیب و طاهر نزدیک قلعه نجم آباد بقعه محقر مختصری است که گویند مدفن شاهزاده عبد الرحمن و شاهزاده عبد الله و خدیجه خاتون و مریم خاتون و زینب خاتون و رقیه خاتون و فاطمه خاتون از نسل امام موسی بن جعفر علیه السلام می باشند.

### بابا مسافر

در باغ شاه قم بقعه مخروبه قدیمی است که معروف است مدفون در آن بقعه بابا مسافر است و از درویش و اهل تصوف بوده و بعضی احتمال داده اند که او مسافری باشد که از خدام و اصحاب حضرت رضا و حضرت جواد بوده و راوی خبر حبس و قتل موسی بن جعفر است و از کتاب «منهج المقال» در ترجمه بزنی مستفاد می شود که او از اصحاب سر حضرت رضاست و مطلبی ذکر می نماید که

دلالت بر جلالت قدر او دارد و اینکه کارهای عجیب و غریب از او صادر می شده و حضرت رضا در خراسان موقع وفات خود به او فرمودند که بعد از من متمسک شو به فرزندم جواد که او امام بعد از من است. پس بعد از وفات حضرت رضا علیه السلام ملازم حضرت جواد گردید و آن حضرت او را وکیل اوقاف قم گردانید «و مرحوم آقای بهبهانی گوید که او در قم وکیل حضرت جواد بود».

### قبور باغ گنبد سبز

در باغ گنبد سبز که جنب باره شهر نزدیک علی بن جعفر است سه بقعه مرتفع در وسط باغ در کمال رزانت و متانت واقع است که مضجع اعظم و ولات این ولایت بوده، بر روی جرزهای آنها که به وضع مثنی است؛ سوره قرآنی را به خط ثلث ممتاز از گچ بریده و بر سقف آنها اسماء چهارده معصوم علیهم السلام را از گچ بیرون آورده گچ بری ممتازی نموده اند، و یکی از بقعه های قبه او خراب شده و سوره انا فتحنا در کتیبه آن منقوش است، در کتیبه پایین آن این عبارت مسطور که بعضی از آنها ریخته و لا- یقرأ است که ما جای آنها را باز گذاشتیم «ذکر القدیم اعلی و بالتقدیم اولی امر باساس هذه البقعه الرفیعه و السده المنیفه المولی الصاحب الاعظم الاعدل مالک رقاب و العج... صفی الاسلام و المسلمین علی اعز الله انصاره و ضاعف اقتداره... اصیل الدوله و الدین جمال الاسلام و المسلمین و ولده و ولده...»

الصاحب الشهیر المغفور جمال الدنیا و الدین اصیل الاسلام و المسلمین علی بن ابی المعالی بن علی بن صفی نور الله مضجعهما و جعل الجنة مرجعهما فی شهور سنه احدی و ستین و سبعمائه».

و بقعه که در قسمت شمالی واقع است و بر جرزهای آن سوره «الرحمن» است کتیبه آن ریخته و لا یقرأ است.

دیگری که دارای قبه است و در وسط واقع است به ستونهای آن سوره مبارکه یس و به دور کتیبه وسط آن قدری از سوره قد افلح را نوشته و آخر کتیبه این عبارات

مسطور است «رب اغفر لساکنی المرقد اللطیف ذا الصاحب الاعظم الدستور الاعلم المشرف قاطبه الالقاب خواجه جمال الحق و الدّین علی و ابنه الامیر جلال و اخاه خواجه عماد الدّین محمود» و الخواجه صفی الدّین فی سنه 792.

و جنب این باغ، باغ دیگری است که در آن هم بقعه ای است که قبۀ آن خراب شده ولی کتیبه و گچ بری ندارد ظاهراً آن هم مثل این ها بوده که بعد ریخته و روی آن را سفید کرده اند.

پوشیده نماند ابراهیم بن محمود بن محمّد بن علی الصفی که ترجمۀ تاریخ قم به امر او شده از همین خانواده است.

محمّدیه: بقعه محمدیه در تکیۀ کوچۀ حرم بقعه مخروبه ای است گویند قبر یکی از سادات رضوی است که دارای موقوفات بسیاری بوده و از بین رفته فعلاً بیش از این از احوالش اطلاعی ندارم، چنانکه بعدها با مدارک صحیحی اطلاع پیدا نمودم در طبع ثانی درج خواهد شد.

امامزاده هایی که در اطراف قم مدفونند بسیارند و ما برای رعایت اختصار به ذکر معاریف آنها می پردازیم.

### امامزاده شاه اسماعیل

امامزاده شاهزاده اسماعیل از امامزاده هایی است که از قدیم الایام بقعه او مطاف اهالی این بلد است و کاشی که در سنه 661 هجری ساخته شده و روی آن تصویر سه سوار است و دور آن اشعار و در موزه آستانه محفوظ از آنجا آورده اند مضجع او در بالای قریۀ بیرقان که در شش فرسخی قم است میان کوه واقع است، و آن امامزاده معروف است که از نتایج حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام می باشد و ظاهراً نسب شریف او از این قرار است «اسماعیل بن احمد بن الحسین الجذوعی ابن احمد صاحب السجاده ابن حسن احمد بن علی العریضی ابن امام جعفر صادق علیه السّلام».

و متصل به مرقد شریف او مرقد امامزاده محمد است که معروف است از احفاد حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام می باشد ولی معلوم نیست که چند پشت به آن امام والا مقام می رسد، بقعه خوبی دارد مشتمل بر دو ایوان و گنبدی مرتفع که مزین است به کاشی، صحنی دارد که مشتمل بر چند حجره است.

مرحوم میرزا علی اکبر فیض نگاشته اند که محقق قمی صاحب قوانین اعلی الله مقامه الشریف به علت آنکه نسب شاهزاده اسماعیل بر ایشان معلوم نبود به زیارت او نمی رفتند، بلکه مردم را هم از زیارت او منع می نمودند، تا شبی آن امامزاده بزرگوار را بهیبتی بسیار خوش و ریش سفید در خواب می بینند و به ایشان می فرماید خودت که به زیارت ما نمی آیی هیچ، چرا مردم را از زیارت ما منع می کنی؟ از آن به بعد سالی یک مرتبه آن جناب به آستان مبارک آن امامزاده مشرف می شدند بدین جهت رغبت و میل اهالی قم بدان آستان مبارک زیادت شد. و هر سالی یک مرتبه غالب اهالی قم در ایام پاییز بدان آستان مشرف می شوند و بانی اصل بقعه معلوم نیست ولی حسین قلی خان برادر فتحعلی شاه قاجار در سنه 1216 که به حکومت کاشان مستقر بود چون استقلالی در حکمرانی به هم رسانید در تدارک اسباب سلطنت افتاد و پس از شکست و فرار نذر نموده بود که اگر جان به سلامت ببرد دوست تومان نذر آن بقعه مطهره کند چون سالما خود را بیست حضرت معصومه رسانید و به شفاعت مادرش مجددا خاقان حکومت کاشان را به او داد، او آن مبلغ را صرف تعمیرات آن آستان نمود، گنبدی به ساخت و رواق و صحن بنا کرد، چون آن بقعه در میان کوه واقع شده و از آب دور بود در سال 1260 هجری حاج سید جعفر نوش آبادی در میان صحن او حفر چاهی کرد حجار از قم و کاشان آورده سنگ می بریدند، و آن سنگ چنان سخت و صلب بود که در اوائل ذرعی ده تومان و در اواخر ذرعی شانزده تومان اجرت بریدن آن را می داد.

آن سید را چون مکنت اتمام این کار نبود همه ساله در دهات کاشان اجاره داری می کرد و آنچه از مئونه او زیاد می آید خرج این چاه می نمود، تا پس از چند

سال که بیست ذرع از سنگ چاه بریده شده بود و آبی به روی کار نیامده و مردم او را منع می نمودند، سید امیدش مقطوع شده شبی را از دلتنگی در آن روضه مطهره گریه بسیاری کرد و به خواب رفت در خواب روح پاک آن امامزاده را مشاهده کرد که ترغیب و تحریص در این کار فرمود که دست از این کار برندار که بزودی آب بیرون می آید پس از بیدار شدن دلگرم شده مشغول بدان عمل شد چون دو ذرع دیگر حفر کردند چشمه آبی گوارا از طرف مرقد مطهر امامزاده پدیدار شد چنانچه آب او تا چهار ذرع به بالا آمد از ابتداء حفر آن چاه تا بیرون آمدن آب دوازده سال طول کشید اکنون بیست و دو ذرع عمق آن چاه است که همه را از سنگ سخت بریده اند و منطقه چاه یک ذرع است.

### امامزاده در قبرستان کهک

در چهار فرسخی قم در اعلائی آن قریه واقع است. مرحوم میرزای فیض نوشته اند؛ آن مکان تپه خاکی بود یکی از اهل آن قریه گفت خوابی دیده ام که این مکان محل دفن چند نفر امامزاده است چون آن مکان را کاوش نموده خاک آن را بر کناری ریختند، سه قبر ساخته پدیدار شد مردمان با مکتب آن قریه آن مکان را در سال 1285 بقعه و قبر بساختند، و نیز در کهک بقعه دیگری است مشهور به معصومه کهک گویند از اولاد موسی بن جعفر علیه السلام است.

### شاهزاده ابراهیم

قبر او در چهار فرسخی شهر قم واقع است بقعه و قبه متوسط دارد و مشهور است که شاهزاده ابراهیم فرزند حضرت امام محمد باقر علیه السلام است و قبری دیگر هم نزد قبر اوست که گویند شاهزاده عباس فرزند او است و در آن بقعه سنگی منصوب است که حالات و کیفیت شهادت امامزاده را در آن به نحو مفصل نوشته اند ولی مدرک و اصلی نباید داشته باشد.

که ظاهراً نسب شریف او از این قرار است: اسحاق بن موسی بن اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیهما السلام، مضجع او در زمینهای قنات آب بالای قریه میم واقع است. مرحوم میرزای فیض گوید «در سال 1280 مرد متدینی از اهل آن قریه شیخ کاظم نام مذاکره نمود که این مکان محل دفن امامزاده است، اهالی آن قریه حرف او را مطابق واقع نمی دانستند و با او همراهی نکردند، بالاخره گفت خوابی دیده ام که مأمور حفر این مکان شده ام در این بین سید عبد العلی نائینی کتابی داشت در حالات امامزاده ها به آن مکان آمد و آن مکان را گفت محل قبر امامزاده است چند نفر را با خود همدست کرده آن زمین را به کاویدند، چون سه ذرع حفر نمودند یک نفر از آن مردم که حفر می نمودند کلنگ را به زمین زد سوراخی پدیدار شد چون بدان سوراخ نظر کردند جسد میتی را دیدند که سر کلنگ به صورت آن میت خورده به طرزی که صورت او را مجروح نموده بود و اعضای آن جسد به هیچ وجه عیب نکرده بود حتی کفن او، و از عجایب آنکه آن مردی که سر کلنگ او به صورت آن میت فرو رفته بود به همان موضع صورت او جراحی پدیدار شد که صورت او را سوراخ نمود و تا آخر عمر آن سوراخ ملتئم نشد و متصل تلایه پی می داد، اهالی آن قریه چون جسد آن امامزاده را ملاحظه نمودند آن مکان را عمارت نموده و بر سر مزار او بقعه ساختند».

## امامزاده فاضل

در بالای کوهی که مشرف به قریه (بیدهند) است بقعه او بنا شده، مرحوم میرزای فیض نوشته است «مکان این بقعه خرابه بود که بعضی آثار او بر قرار بود در سنه هزار و دویست و شصت اهالی آن قریه به خیال اینکه این مکان مضجع امامزاده باشد آن جایگاه را بکاویدند تا شاید علائمی از مضجع امامزاده بودن



بدست آید، پس از چهار پنج ذرع که حفر نمودند چند دانه شمع بیه که رنگ او سبز بود در میان خاک پدیدار شد سپس مردمان با مکننت آن قریه این بقعه را بدین طرز بساختند اکنون مطاف اهالی آن قریه است».

### امامزاده محسن

مضجع او در قریه «قبادبزن» در اعلائی قریه جنب قنات آن مکان واقع است، مرحوم میرزای فیض مرقوم فرموده اند «در بدایت سن ایامی که بدان قریه عبور اتفاق می افتاد مکان مضجع این امامزاده تل کوچک خاکی بود سیدی مذکور داشت این مکان مضجع امامزاده ای است موسوم به محسن در سنه هزار و دویست و شصت و هشت هجری که بدان قریه برگزیدم اهالی آن قریه را دیدم از جهت حسن ظن به قول آن سید آن مکان را حفر می نمودند که ملاحظه آثاری کنند پس از دو سال دیگر که بدان قریه وارد شدم ملاحظه کرده بقعه او را تمام کرده بودند این بنده دو تخته زیارت نامه به خط خود به جهت آن مضجع نوشت و وقف نمود».

### امامزاده سکینه خاتون

در قاسم آباد چهار فرسخی قم امامزاده ای است که در لوح زیارت نامه او نوشته شده «سکینه بنت موسی بن جعفر» و بنا بر احتمالی که بعضی داده اند محتمل است سکینه بنت حسین بن محمد بن علی بن قاسم بن عبد الله بن موسی الکاظم علیه السلام باشد که مادر سید مطهر بن علی بن سلطان محمد شریف است.

### شاهزاده هادی

مضجع او در اول قریه «وشنوه» هشت فرسخی قم دارای بقعه و قبه و صحن است گویند از اولاد سید الساجدین امام زین العابدین علیه السلام است بقعه و قبه و صحنی دارد و اهالی و شنوه را به او ارادتی تمام است و می گویند او را بوسیله اره شهید نموده اند.

پوشیده نماند بقاع دیگری هم منسوب به امامزادگان در قراء و مزارع و بلوکات قم هست که نام و نسب آنها دانسته نیست و ما اسامی و نسب آنان را به طوری که بین اهالی آن قراء مشهور است ذکر می نمائیم:

بقعه واقعه در قریه لنگرود دو فرسخی قم که گویند حلیمه خاتون و رقیه خاتون از اولاد موسی بن جعفر علیه السلام هستند.

دیگر بقعه نزدیک بقعه مزبور که گویند بقعه شیخ جمال الدین است.

دیگر در قریه خورآباد دو فرسخی قم بقعه ای است گویند شاهزاده عبد الرحمن است.

دیگر در قریه فردو شش فرسخی قم امین الدین، معین الدین، آمنه خاتون، زینب خاتون، گویند از اولاد امام زین العابدین علیه السلام هستند.

دیگر در مزرعه نوره از مزارع فردو شاهزاده محمد شاهزاده احمد، زینب خاتون، حلیمه خاتون گویند از اولاد شاه چراغ هستند.

امامزاده شاهپور علی در قریه «کرمجگان» شش فرسخی قم.

خدیجه خاتون و رقیه خاتون از اولاد موسی بن جعفر در خلجستان چهار فرسخی قم.

شاهزاده تاج الدین و شاهزاده احمد اولاد امام موسی علیه السلام در قریه سیرو سه فرسخی قم.

سلطان حیدر و شش نفر دیگر شاهزاده عباس شاهزاده ابراهیم شاهزاده صالح شاهزاده حسین شاهزاده جعفر شاهزاده قاسم از اولاد موسی بن جعفر مدفونین در مزرعه نیوند من مزارع ورجان چهار فرسخی قم.

دیگر امامزاده مدفون در قریه بیدهند شش فرسخی قم که نام او معلوم نیست. (1)

ص: 161

---

1-1). این بخش، از کتاب «تاریخ قم» [1] تألیف مرحوم «شیخ محمد حسین ناصر الشریعه» متوفای 28 محرم 1380 ق. ص 73-141 عینا نقل شده است.



بخش سوم: فرزندگان مدفون در سرزمین قم

اشاره

ص: 163



**میرزا آقا باغمیشه ای تبریزی «مدرّس وحید»**

(1404-1334 ق)

میرزا احمد مدرس وحید فرزند عبد الرحیم، مشهور به حاج میرزا آقا باغمیشه ای تبریزی، از دانشمندان ساکن تبریز بود.

تولدش در روز یکشنبه 16 ربیع الثانی 1334/ق در تبریز اتفاق افتاد.

وی مقدمات را نزد: شیخ علی اکبر خوئی، سید هادی سینا، شیخ محمد تقی علومی یزدی، و سید حسن خوئی آموخت و دوره کتب سطح را نزد آیات:

میرزا فتاح شهیدی، میرزا رضی زنوزی و سید عبد الحجه ایروانی به انجام رسانید، و مقداری از دروس خارج را نزد:

شهیدی و زنوزی استفاده نمود.

ص: 165

مرحوم وحید مدرس مردی بسیار غیور و با شهامت بود، از سهم امام علیه السّلام استفاده نمی کرد. و در ضمن به اقامه جماعت، تدریس و تألیف و وعظ و ارشاد اشتغال داشت، و احتیاجات روزمره خود را از راه تجارتخانه و کارخانه حلاجی و پشم پاک کنی اداره می کرد.

آثار قلمی وی عبارتند از:

1- الدر المنضود فی شرح زیاره العاشور، که در سال 1380 ق در تبریز چاپ شد.

2- پیرامون مصباح الشریعه (خطی).

3- شرح خطبه حضرت فاطمه علیها السّلام که در سال 1389 ق در تبریز به چاپ رسید.

4- شرح دعای کمیل (خطی).

5- شرح دعای مکارم الاخلاق.

6- شرح قصیده سادسه عینیه، از قصاید سبع ابن ابی الحدید، که در سال 1379 ق در تبریز چاپ شد.

7- شرح نامه همایون، شرح وصیت امیر مؤمنان به امام حسن مجتبی علیهما السّلام من الوالد الفان و... که در سال 1398 ق در تبریز به چاپ رسید.

8- شرح نهج البلاغه، در 20 جلد، که 11 جلد از آن در تبریز به چاپ رسیده و باقی آن خطی است.

ایشان سرانجام در روز سه شنبه 2 ذی القعدة 1404/ ق مطابق با 9 مرداد/ 1363 ش به سن 70 سالگی در تبریز درگذشت، و در قبرستان باغ بهشت قم به خاک سپرده شد. از پسران وی فقط آقا مهدی باقی است.

منابع

1- آخرین صفحه کتاب شرح نامه همایون.

2- افادات دانشمند محترم آقای شیخ علی اکبر مهدی پور.

3- مقدمه شرح قصیده سادسه عینیه.

4- مؤلفین کتب چاپی 359/1.

ص: 166

حاج آقا برار معتضدی «معتضد الممالک»، از معاریف و مجاهدان کرمانشاه بود.

وی در جوانی از احرار و مجاهدین و از جمله همکاران یار محمد خان بود. از روزی که به مکتب و ثروت رسید به شهادت همه مردم غرب، کسی در فروتنی و ادب به پایه او نمی رسید. اضافه بر خدمات اجتماعی، سالهای متمادی صادقانه علم سوگواری حضرت سید الشهداء علیه السلام را در شهر کرمانشاه فراشته بود و حسینیه بزرگ آن مرحوم معروف و تاکنون باقی است. در اواخر عمر خود هم وصیت کرد که از نقد اموالش بیمارستانی ساخته شود که هم اکنون این بیمارستان از ابنیه مهم غرب ایران می باشد.

استاد سید محمد سعید غیرت کرمانشاهی در رثای او چنین گفته است:

ای خوش آنان که نیکویی کردند وین سعادت برند در عقبی

همچون آقا برار معتضدی کز پی کار خیر شد اقوی

گفت بیمارخانه ای سازند چون که من می روم از این دنیا

رفت و منزل به دیگری بگذاشت خود چو خلد برین شدش سکنی

رخت هستی به ملک باقی برد ز آنکه این هستی است لایقی

زد رقم کلک «غیرت» از پی وی سال تاریخ «عروه الوثقی»

معتضدی در سال 1363 ق مطابق با 1323 ش زندگی را بدرود گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان بیات (قسمت جنوبی آن) به خاک سپرده شد.

منابع

1- پهلوانان «تاریخ پهلوانی در کرمانشاه» 41/1.

2- کلیات غیرت کرمانشاهی 280.

ص: 167



**1- مقام و شخصیت**

عالم ربّانی و فاضل صمدانی شیخ الفقهاء و المجتهدین علامه مفضل آقا شیخ محمد حسن معروف به «آقا بزرگ» ساوجی فرزند حاجی ملا رحیم که پدرش در قریه «سماوک» به شغل فلاح و کشاورزی اشتغال داشت. و دارای هشت فرزند ذکور و یک دختر بود که سه نفر از فرزندان در لباس روحانیت درآمدند. بزرگترین آنها مرحوم آیت الله ساوجی و برادر دیگر به نام آقا شیخ محمد علی معروف به «آقا کوچک» که خود از فضلا و روحانیان بنام بود و سالها در مسجد مروی به امامت مشغول و تا آخر عمر همین سمت را دارا بود و مدت زیادی از اهالی بازار و بازارچه مروی در نماز او شرکت می کردند. برادر سومی معروف به شیخ محمد آقا، که از طلاب فاضل مدرسه مروی بود و دیگران در همان قریه سماوک به فلاح و کشاورزی اشتغال داشتند (رضوان الله علیهم).

مرحوم آیت الله ساوجی در عنفوان جوانی از مسقط الرأس خود حرکت و عازم شهر قم شد و چند سالی به تحصیل فقه و اصول مشغول بود و پس از چندی به عتبات عالیات برای تکمیل تحصیلات رهسپار شد و در شهرهای سامرا و کربلا، مخصوصا در شهر نجف اشرف نزد علمای آن زمان از قبیل حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی و میرزا حبیب الله رشتی و سایر آیات فقه و بزرگان و اساتید آن عصر

تحصیل و درک فیض نمود و در علوم فقه و اصول و منقول و معقول و تفسیر و کلام و ادب و الهیات و فلسفه سرآمد اقران شد و پس از احراز سند اجتهاد از عموم اساتید خود به ایران مراجعت نمود.

جمع کثیری از طلاب و اهل علم و ادب در محضر درس ایشان شرکت می کردند و اما در احاطه بر علوم ذکر شده اگر بی نظیر نبودند، قطعاً کم نظیر بودند.

نکته ای که لازم است تذکر داده شود این است که وی در سالهایی که در شهر سامرا به تحصیل اشتغال داشت، هم حجره حضرت آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی-زعیم عالیقدر و بنیانگذار حوزه علمیه قم- و نیز جلیس و همدم و رفیق وی بود. آیت الله حائری قم را برای سکونت و تربیت طلاب انتخاب و مشغول تبلیغ و اشاعه علم و ادب گردید. ولی مرحوم آیت الله ساوجی به تهران عزیمت نمود و مشغول تدریس در مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) و مدرسه مروی و مدرسه حکیم هاشم (جنب بانک ملی بازار) مشغول می شوند و به طوری که مشهور بود و از شاگردان ایشان شنیده می شد، کتب ابن سینا اعم از قانون و شفا، حتی اسفار ملا صدرا را برای شاگردان خود تدریس می کردند. شاگردان و هم مباحثه ایشان در آن ایام عبارت بودند از آیت الله حاج میرزا عبد الله مسجد جامع امام جماعت مسجد جامع تهران و حاج میرزا محمد تقی و حاج میرزا موسی تهرانی امام جماعت مسجد بزازها و میرزا محمد لواسانی و میرزا جعفر لواسانی و سید هادی ورامینی و عده کثیر دیگر.

## 2- توجه به مبدأ اعلا و بی اعتنایی به دنیا و مادیت

ایشان دارای سه دختر و یک پسر بودند و جمع درآمد ایشان در ماه، حدود 20 تومان (یعنی 10 تومان از مدرسه سپهسالار و 6 تومان از مدرسه مروی و 5 تومان از مدرسه حکیم هاشم یا مدرسه نادر شاه بود) و با این مبلغ ناچیز با نهایت صرفه جویی و قناعت، روزگار را می گذراندند و ابدا در فکر شغل و درآمد بیشتر و یا

شهرت نبودند. بلکه خود را دور از این قبیل مسایلی می کردند و حال اینکه مشاغل مهمی دنبال ایشان بود. ولی به هیچ عنوان زیر بار مسئولیت آنها نمی رفت. اکنون چند نمونه را که خود به خوبی به خاطر دارم با رعایت اختصار شرح می دهم:

1- مدرسه مروی که طلاب فاضل و تحصیل کرده ای داشت اکثرا در عدلیه مشاغلی مثل محاکم جنحه و استیناف دیوان عالی تمیز (کشور) که هرکدام دارای شعبی بود، دارا بودند. و غالبا از شاگردان ایشان و یا از ارادتمندان و علاقه مندان به ایشان بودند که اهم آنها مرحوم حاج سید نصر الله تقوی و صدر الاشراف محلاتی و آقای بوذری و غیره بودند. این آقایان و عده ای دیگر، ایشان را مکررا برای احراز ریاست قوه قضائیه دعوت می کردند. چون اصرار حضرات تکرار شد، ایشان دو روز به دادگستری رفت و روز سوم از این [کار] استتکاف نمود و حاضر نشد امضایی در زیر پرونده ها بگذارد. در صورتی که از نظر مادی نهایت احتیاج را داشت.

2- میرزا علی اکبر خان داور با اجازه از مجلس شورای آن سال قرار شد تغییراتی در دستگاه دادگستری پدید آورد که بعد از مدتی اداره ثبت اسناد و املاک و محاضر اسناد رسمی برای جریان معاملات خرید و فروش و تعیین القاء و محاضر ازدواج و طلاق ایجاد نمود و برای توجه عموم ابتداء محاضر اسناد رسمی به اشخاص معروف و وجیه المله واگذار می شد.

اشخاصی که در محل مورد اعتماد بودند برای تصدی دفتر اسناد رسمی شود مرحوم پدرم فرستاد و قرار بود که محلی را اجاره و پس از نصب تلفن و وسائل و تعیین نماینده و مستخدم که تماما بود اداره ثبت باشد ایشان قبول محضر شماره یک را می نماید و صرفا گوشه سمت چپ استاد را بغاتانی با اصرار زیاد از قبول این شغل امتناع نمودند.

3- روزی شخصی به منزل مراجعه نمود و خود را آقای شهیدی معرفی کرد که نایب التولیه مدرسه سپهسالار بود (در تهران نایب التولیه آستان قدس و نایب التولیه مدرسه سپهسالار با شخص شاه بود که از طرف خدما پی تفسیر کرد) طی دستور مرحوم

آقا ایشان وارد منزل شد و پس از مذاکرات مفصل عنوان نمود به علت تکثیر عواید در موقوفات از قبیل عواید تات و دکاکین درخواست مورد و حق حقوق طلاب و مدرسین را چند برابر نموده ایم و حقوق جناب عالی از 10 تومان به 60 تومان اضافه گردیده است.

ایشان پرسید: شما با اجازه چه کسی این اضافات را پرداختید؟ اظهار داشت به علت اضافه درآمد موقوفات. مجدداً ایشان پرسید: سایر آقایان با اقدام شما چه نظری داشتند؟ آقای شهیدی گفت: همه اظهار امتنان کردند و استقبال هم کردند.

بعداً مرحوم آقا گفتند من تا روزی که زنده ام و تا رو به حرکت هستم بیش از این 10 تومان وقف نامه دیناری نخواهم گرفت و به دیگران هم کاری ندارم. مجدداً آقای شهیدی توضیحات بیشتری در مورد اضافه حقوق داد، که به علت اینکه جناب عالی دارای ضعف جسمانی و اغلب مریض هستید، یک درشگه به خرج مدرسه کرایه شد که جناب عالی را در ایاب و ذهاب به مدرسه کمک کند. بعلاوه محل درس را برای عموم مدرسین و طلاب نیز و خودتان و تکلیف گذارده ایم که عموم طلاب و مدرسین روی زمین ننشینند. ایشان گفتند اولاً بیش از 10 تومان که وقف نامه تعیین نموده تا زنده ام دیناری اضافه نخواهم گرفت و تاثر نقاب درشگه هم به مدرسه نخواهم آمد و هر روز که قدرت حرکت نداشتم طلاب را دعوت می کنم که در منزل مباحثه را شروع خواهیم نمود. در صورتی که از لحاظ مخارج روزانه نهایت احتیاج را داشت.

3- روزی آقای حاج محترم السلطنه اسفندیاری رئیس مجلس شورای ملی پیشکارش را به منزل فرستاد و از مرحوم پدرم درخواست نمود که روزی به دیدن آقای اسفندیاری بروند و با هم آشنا شوند. من پیغام را به ایشان رساندم آقا پرسیدند: حاج محترم السلطنه کیست؟ به عرض رساندم که رئیس مجلس و شخصی مسلمان و باایمان و اهل قلم و کتابهایی هم مثل اخلاق محسنی و غیره تالیف نموده است. ایشان فرمودند: سلام مرا برسانید و بگویید که به واسطه کسالت چشم معذورم، ولی اگر ایشان مایلند تشریف بیاورند، در منزل بنده برای پذیرایی در همه وقت حاضریم.

4- یک روز تابستان که به اتفاق من به حمام رفته بودند در مراجعت یک سائل از ایشان تقاضای کمک کرد و آقا مبلغی جزئی به ایشان دادند. ولی سائل نرفت و گفت: آقا من لباس ندارم. گفتند: تا منزل همراه من بیا، همین که به منزل رسیدند در راهرو لباس سفید خود را درآوردند و به سائل دادند که مادرم خیلی ناراحت شد و گفت شما لباس دیگر ندارید، آقا فرمودند: چند روزی از خانه خارج نمی شوم تا لباس تهیه شود.

5- یکی از سادات شیرازی بنام حاج حشمت که در نزدیکی منزل ما سکونت می کرد برای حل مسائل شرعی به قم رفته، خدمت حضرت آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حایری رسیده بود و در موقع خداحافظی حضرت ایشان پرسیده بود آیا شما آقای ساوجی را در حدود خیابان عین الدوله و پشت مسجد سپهسالار می شناسید؟ سید پاسخ داده بود خانه من با ایشان فاصله کمی دارد. آقای حایری فرموده بودند با وجود ایشان چرا به ایشان مراجعه نمی کنید؟ ایشان مثل من هستند و مبلغی برای مرحوم پدرم توسط سید فرستاده بودند هنگامی که آقای حاج حشمت پیغام را رسانید، پدرم خواهشی کرد که شما یک مرتبه دیگر به خرج من به قم عزیمت نموده، ضمن عرض سلام و تشکر از ایشان عین مبلغ را به ایشان مسترد دارید و تقاضا کنید که از طرف من بین طلاب تقسیم کنند. در صورتی که احتیاج مبرم داشت.

6- آقای حاج سید نصر الله تقوی رئیس دیوان کشور روزی آقای دکتر لقمان الدوله را برای معالجه ایشان به منزل ما و بدون اطلاع قبلی آورد درحالی که مرحوم پدرم مشغول نماز بودند و کلمات و جملات نماز را خیلی به سختی ادا می نمودند دیر نماز ایشان بیش از نیم ساعت طول می کشید پس از فراغت و احوال پرسی لقمان الدوله اظهار داشت که این آقا از این نماز که این اندازه به خود فشار می آورد و تمام بدنش عرق می کند مریض است و حالی ندارد... و هم آقای دکتر لقمان الدوله و آقای تقوی از این همه فشار و زحمتی که در ادای جملات نماز بر خود تحمیل می کردند تعجب کردند و توصیه زیادی آقای دکتر نمودند که حتما شما خود را به زحمت نیندازید و اعصاب خود را تسکین دهید تا کمی بنیه شما ترمیم شود.

ضمناً باید اضافه کنم که ایشان از لوازم زندگی و اثاث البیت هیچ چیزی نداشتند و حتی مالک یکه چنان و یا یک بشقاب نبودند و تمام خانه و اثاث البیت و لوازم زندگی خیلی مختصر بود که آنها مربوط به مادرم بود که از ارثیه پدرش به او رسیده بود و با کمال علاقه و میل در اختیار پدرم و عائله ایشان بود و تا آخر زندگی ادامه داشت و شخص ایشان ابتدا در کنی تهیه لوازم بیشتر و یا تهیه ی بلحضه و با کمال قناعت و صرفه جوئی روزگار را می گذراندند.

اما از فضلا و دانشمندان و اهل علم که با ایشان محشور و اغلب به دیدار ایشان می آمدند عبارتند از:

مرحوم سید کاظم عصّار، آقا حکمت آل آقا، بدیع الزمان فروزانفر، حاج شیخ کاظم واثق امام جماعت، آقا شیخ الاسلام طالقانی، شیخ محمد تقی رستم آبادی، آقا شیخ باقر مازندرانی، حاج میرزا خلیل کمره ای و عده ای دیگر از اهل دانش و فضیلت.

از دوستان نزدیک ایشان: مرحوم حاجی سید نصر الله تقوی از دانشمندان و قضات عالی رتبه عدلیه، میرزا علی هیئت رئیس عدلیه، مرحوم صدر الاشراف و رئیس عدلیه و نخست وزیر آقای سید هادی افجه ای - مخصوصاً آقای تقوی اغلب ایّام تعطیل و روزهای جمعه مرحوم پدرم را به منزلش دعوت می کرد و با کمک و ارشاد ایشان کتبی را تألیف یا تصحیح می نمود، که از آن جمله کتاب «هنجار گفتار» در علم بدیع و صنایع شعری است که چاپ شده است، و کتب دیگر.

همچنین عده ای در روزهای تعطیل یا صبحهای زود برای تحصیل و درک فیض در خدمت ایشان تلمّذ می نمودند، از قبیل آقا جمال الدّین اخوی، دکتر باقر عاقلی، که هر دو به وزارت علوم عدلیه رسیدند و دکتر اصغر مهدوی استاد دانشگاه و عده ای دیگر.

به علاوه در ایام اعیاد مذهبی اکثر کسبه و تجار برای عرض تبریک که در خیابان عین الدوله و بازارچه سقاباشی محل کسبشان بود به خدمت آقا می رسیدند و

تبریک می گفتند و با چای و یا نقل و خرما پذیرایی می شدند.

پدرم در روز 9 شوال 1357 ق به لقاء الله پیوست و اهالی، ایشان را با دوش تا ابن بابویه حمل کردند و در قم در مقبره اعتصامی دفن شدند زندگی 84 یا 85 سال ایشان در کمال قناعت و توجه به خدا و خداشناسی گذشت و باید گفت که: «عاش سعیدا و مات سعیدا».

## **سید آقا بزرگ موسوی شوشتری**

### **اشاره**

(1377-1299 ق)

سید آقا بزرگ فرزند سید محمود و نوه سید محمد جواد موسوی شوشتری آقا بزرگ در سال 1299 ق در دزفول متولد شد.

وی برخی علوم دینی را در زادگاه خود آموخت و در سن جوانی به رشت مهاجرت کرد و از آنجا سفری به قفقاز داشت و مجدداً به رشت بازگشت و رحل اقامت خود را در آن سامان افکند. سپس وارد فرهنگ گردید و آموزگار شد. او نزد رجال دولت مقامی داشت و مورد توجه مظفر الدین شاه قاجار بود.

### **درگذشت و اعقاب**

ایشان در روز جمعه 25 صفر 1377 ق مطابق با 29 شهریور 1336 ش در سن 78 سالگی در تهران درگذشت و جنازه اش به قم حمل و با کد (16764) در قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

### **فرزندان:**

1- سید حسین عادل زاده 2- سید حسن 3- سید جعفر 4- سید محمود.

منبع

1- خاندان سادات گوشه 236.

ص: 174

(ح 1319-1384 ق)

حاج شیخ آقا بزرگ، فرزند میرزا عبد الحسین مشهور به «شمس الشریعه» محلاتی، فرزند شیخ محمد تقی نصیری محلاتی، از فضلی معاصر بود. تولدش در حدود سال 1319 ق در محلات اتفاق افتاد.

پدرش از روحانیان و جدش از علما و معاریف محلات و به «حاج آخوند» معروف بود و چنانکه معروف است، نسبشان به علامه محقق بزرگ، خواجه نصیر الدین طوسی می رسد، به همین خاطر نام فامیلی اعقاب حاج آخوند «نصیری» و «خواجه نصیری» می باشد.

آقا بزرگ پس از آموختن مقدمات و برخی دروس سطح در مدرسه حاج آخوند واقع در بازار محلات (که فعلا از بین رفته) به قم عزیمت کرد و سایر تحصیلاتش را در آنجا به ویژه از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی در فقه و اصول به پایان برد و به زادگاهش بازگشت و به وعظ و ارشاد پرداخت که در بیان مطالب تسلط داشت و هنگام ذکر مصیبت خود به گریه می افتاد و توجه خاصی به ساحت مقدس امام حسین علیه السلام داشت و از واعظان متقی و معروف شهر محلات گردید.

سپس مجدداً به قم رفت و سه چهار سالی در آنجا به اشتغالات دینی و وعظ ادامه داد و سرانجام به محلات مراجعت نمود. ایشان شدیداً مقید به مطالعه و حفظ مطالب بود، به همین خاطر کتابخانه خوبی در آن دوره و در آن شهر تهیه نمود و وصیت کرده بود آن را در اختیار طلاب قرار دهند. نصیری علاوه بر اشتغالات مذهبی روزانه ساعاتی چند به کار کشاورزی می پرداخت و عمده خرج خود را از این راه کسب می نمود.

وی در روز چهارشنبه 26 ربیع الاول 1384/ ق مطابق با 14 مرداد 1343/ ش در حدود 65 سالگی در تهران در پی ابتلا به بیماری سختی و انجام عمل جراحی، زندگی را بدرود گفت و پیکرش در قبرستان شیخان قم مدفون شد.



1- آقای حسن نصیری، استاد دانشگاه مشهد و مقیم آن دیار مقدس.

2- آقای ابو الفضل نصیری، ساکن محلات است.

شرح حال مختصر شیخ آقا بزرگ نصیری به درخواست نگارنده توسط فرزند ارجمندش آقای حسن نصیری قلمی گردیده تقدیم می گردد:

مرحوم حجه الاسلام و المسلمین آقای آقا بزرگ فرزند آقا میرزا عبد الحسین مشهور به «شمس الشریعه» محلاتی - اعلی الله مقامه - فرزند حاج ملا محمد تقی مشهور به «حاج آخوند» محلاتی، در خاندانی روحانی دیده به جهان گشود. اجداد و نیاکان او همگی از عالمان و مبلغان شریعت بودند. جد او مرحوم عالم عارف حاج آخوند محلاتی از زهاد و عارفان صاحب‌دل و بنام دوره قاجار و مورد توجه بزرگان علم و عرفان بود و آرامگاه آن عالم جلیل القدر در شیخان قم می باشد. نسب مرحوم آقا بزرگ به فخر البشر حکیم الهی و دانشمند نامی اسلام خواجه نصیر الدین طوسی می رسد که فامیل «نصیری» به همین مناسبت است.

مرحوم آقا بزرگ حدود سال 1278 شمسی هجری در محلات بدنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی نزد پدر و دیگر علمای شهر جهت تکمیل تحصیلات به دار العلم قم مسافرت نمود. آن سالها مصادف بود با سالهای آغازین تأسیس حوزه علمیه قم توسط زعیم عالی قدر مرحوم آیت الله حائری یزدی (اعلی الله مقامه).

مرحوم آقا بزرگ در آن حوزه سالیانی نزد استادان حوزه آیات: حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری و سید صدر الدین صدر (رحمهم الله تعالی) تلمذ نمود. آنگاه به زادگاه خویش محلات مراجعت نمود و از مشاغل روحانی به وعظ و تبلیغ پرداخت. از خصوصیات آن مرحوم این بود، که در کنار منبر و ارشاد خلق، به کار زراعت مشغول بود و از این راه امرار معاش می نمود و تا آخرین روزهای زندگی کار می کرد. شادروان سخنوری ادیب، خوش بیان، مردی

شوخی طبع شجاع و برخوردار از فضائل اخلاقی بود. منبری شیرین، با شور و حال و گیرایی داشت. مردی بود، آزاده و در دفاع از حق، این و آن و موقعیت خویش را ملاحظه نمی کرد و شجاع بود و بی پروا. روزها در کنار کارگران بیل به دست کار می کرد و شب ها بر فراز منبر به ارشاد می پرداخت تا بالاخره در 14 مرداد 1343/ هجری شمسی ندای جان آفرین را لبیک اجابت داد و به ملکوت اعلی پیوست و بنا بر وصیت در شیخان قم در قبر پدر بزرگ گرامش مرحوم حاج آخوند محلاتی مدفون گردید. روانش شاد و با اولیاء الله محشور باد.

با تقدیم احترامات

78/11/2 حسن نصیری

**میرزا آقا ترابی دامغانی**

(1310-1382 ق)

حاج سید میرزا آقا (نامش سید ابو تراب است) ترابی دامغانی، عالم ربانی و آیت سبحانی و از بزرگان دامغان بود.

وی در سال 1310 ق در شهر دامغان متولد شد.

میرزا آقا، پس از طی مقدمات به تهران رفت و سطح را از شیخ مسیح طالقانی به مدت سه سال در مدرسه مروی تلمذ کرد. سپس به مشهد مقدس عزیمت نمود و از محضر آیات: شیخ حسن برسی، ملا عباسعلی فاضل و سید آقا بزرگ شهیدی بهره مند گردید و

ص: 177

مجدداً به تهران بازگشت و از محضر: سید محمد تنکابنی، سید حسین یزدی و میرزا طاهر تنکابنی در فقه و اصول و حکمت بهره‌ها برد.

ایشان در سال 1341 ق به قم مهاجرت کرد و ادامه تحصیل خود را نزد حضرات آیات: حاج شیخ عبد‌الکریم حائری یزدی، سید علی یثربی کاشانی، سید محمد حجت کوه‌کمری و میرزا محمد فیض قمی، انجام داد و خود به تدریس سطوح و حکمت پرداخت.

او در حدود سال 1354 ق در پی دعوت اهالی دامغان و امر استادش حائری یزدی به زادگاه خود مراجعت نمود و به اقامه جماعت و اداره مدرسه علمیّه و تربیت شاگردان همت گماشت.

استاد شیخ محمد رازی درباره اش می‌نویسد: (آیت الله ترابی از نوادر دانشمندانی بود که در عمرم او را ملاقات کردم. عالمی ذاکر و عابدی شاکر و مجسمه تقوا و فضیلت بود.

تلاوت قرآن بسیار می‌کرد و دائم الذکر و در عین حال اهل معنا و از صالحین و اوتاد بود).

سرانجام در روز جمعه 14 شعبان 1382/ ق مطابق با 21 دی 1341/ ش در سن 72 سالگی در تهران بدرود حیات گفت و جسدش در صحن مقدّس حضرت معصومه علیها السلام- در مقبره آیت الله لنگرودی- مدفون شد.

منابع

1- آثار الحجه 299/2.

2- آینه دانشوران 425.

3- گنجینه دانشمندان 118/5.

**سید آقا حسینی هیدجی**

(-ح 1370 ق)

حاج سید آقا فرزند سید ابو القاسم و نوه سید حسن حسینی هیدجی، از فضلا و واعظان معروف هیدج بود. وی در هیدج-واقع در استان زنجان- تولد یافت و

ص: 178

تحصیلات خود را همان جا آموخت و روی به وعظ و ارشاد آورد و از معاریف خطه زنجان گردید. سیدی با صفا و کمال بود. در اواخر عمر خود، ساکن عمیدآباد (امیرآباد سابق) - سه فرسخی هیدج - شد و به وظایف روحانی خویش و نیز قبولی سردفتر به خدمات اجتماعی و مذهبی پرداخت.

نامبرده در حدود سالهای 1370 ق در حدود سن 70 سالگی در پی بیماری در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ مدفون شد.

وی که داماد سید نصیر الدین هیدجی شده بود، فقط یک اولاد ذکور از او به جای ماند، نامش سید هاشم بود که مرحوم شده است.

منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- تاریخ زنجان 386.

**میرزا آقا فراهانی اراکی**

**اشاره**

(ح 1255-1354 ق)

حاج میرزا آقا (نامش احمد است) فرزند فتح الله و نوه احمد بیگ فراهانی، پدر مرحوم آیت الله اراکی، از فضلا و زهاد بنام بود.

وی در حدود سال 1255 ق در فراهان دیده به جهان گشود.

میرزا آقا پس از آموختن مقدمات، در جوانی شغل دیوانی و دولتی داشت و نزد علمای اراک از جمله علامه ملا محمد ابراهیم انجدانی (متوفای 1322 ق) بهره مند شد. سپس به هنر کشیدن نقشه قالی پرداخت و از این رو به میرزا آقا نقاش معروف شد. وی ادبیات را به خوبی خوانده بود و به راحتی می توانست از کتب عربی زبان استفاده نماید و نیز کتابخانه مهمی برای خود تهیه کرده و اهل مطالعه بود.

میرزا آقا به گواهی فرزندش آیت الله شیخ محمد علی اراکی، از متدینین و زهاد

ص: 179

و عباد بود. وی مورد اعتماد علمای بزرگ اراک مانند: سید محسن عراقی، سید نور الدین عراقی، آخوند ملا محمد کبیر (پدر آیت الله شیخ ضیاء الدین عراقی) و حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی بود.

## دو داستان

### داستان اول

از مرحوم آیت الله اراکی نقل است: روزی یک کتابفروش کتاب تازه ای به منزل ما آورده بود و این در حالی بود که مرحوم والد مشغول سدّ ثغور درب اطافها برای مصونیت از سرمای زمستان بودند. از کار خود دست کشیدند و به آن کتاب پرداختند.

کتاب «مجموعه ورام» بود، همین که کتاب را باز کردند چشمشان به حدیثی افتاد که مضمونش این بود: همان طور که قبل از زمستان به فکر زمستان هستید، قبل از مرگ به فکر این سفر باشید.

راستی که از عالم غیب به معتقدان به جهان غیب کمک می شود. همین پیش آمد، چقدر می تواند در روحیه مرحوم حاج میرزا آقا مؤثر افتد. لزوم استعداد و آمادگی برای این سفر را به گونه ای محسوس و ملموس برایش بیان کردند.

### داستان دوم

حاج میرزا آقا به عتبات عالیات مشرف شده بود و در حرم حضرت سید الشهداء علیه السلام که دعا مستجاب است، سه دعا کردند: اول، اینکه خداوند شغل تازه ای به او مرحمت کند. زیرا از شغل اداری و دیوانی که داشت راضی نبود. دوم، مسأله ازدواج مورد نظر او انجام گردد. سوم، اینکه پس از مرگ در یکی از مشاهد مشرفه به خاک سپرده شود، که هر سه دعا مستجاب شد.

یعنی پس از مراجعت هنر نقاشی قالی به او الهام گردید و به این هنر رو آورد.

در مورد ازدواج هم با دختری از خانواده قائم مقام فراهانی وصلت کرد. اما نسبت به

محل دفن هم، در قم جوار حضرت معصومه علیها السلام در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

میرزا آقا در فراهان ملک و آب و زراعت و باغ داشت و با فراغت کامل به عبادت و مطالعه و انجام کارهای خیریه می پرداخت و چون از هنر زیبایی خط نیز برخوردار بود، گاهی به استنساخ کتب و رساله های مختلف و مورد علاقه خود مشغول می شد، برخی از آنها عبارتند از: مجمع المعارف و مخزن العوارف اثر علامه ملا محمد شفیع فرزند محمد صالح. این کتاب را در 370 صفحه رقعی با خط نسخ و نستعلیق زیبا و بسیار تمیز در سال 1306 ق کتابت کرده و در پایان کتاب چنین می نویسد: تمام شد رساله شریفه در شب شنبه بیست و نهم شهر جمادی الثانیه سنه هزار و سیصد و شش از هجرت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم علی يد العبد الجانی الفقیر المحتاج الی رحمہ اللہ الجبار الکبیر احمد بن فتح اللہ «غفر الله لهما و ستر عیوبهما»، هنگامی که در بلدة سلطان آباد مقیم بود و گاه گاهی از فیض حضور جناب مستطاب مستغنی الالقباب آخوند ملا محمد ابراهیم «زاد الله فضله و عمره و توفیقاته» مستفیض و محظوظ می شد و این نسخه شریفه را محض هدایت جمعی از غافلان و گم گشتگان وادی حیرت، به لسان خوش با اثری فراوان تلاوت می فرمودند که این عبد خاطی جانی از تأثیر نفس مسیحا دمش با عدم مجال که روزها از تسوید این نسخه شریفه معذور بود به نوشتن آن در شبها اقدام نمود، و الحمد لله و المنة که توفیق اتمام آن حاصل شد...

نیز رساله ای در بیان فضیلت نماز جماعت و نماز در مسجد و نماز شب، اثر علامه آقا محمود نوه آیت الله وحید بهبهانی، به قطع جیبی و در شصت صفحه نوشته است.

نیز رساله زینت الصلاه در تعقیبات، اثر علامه ملا محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی با قطع جیبی در حدود سی صفحه نوشته است.

نیز رساله در ثواب و قواعد تلاوت قرآن.

نیز رساله ای در ایضاح کلمات قرآنی، اثر ملا محمد جعفر استرآبادی با قطع جیبی در بیست و شش صفحه، در سال 1307 ق قلمی کرده است.

نیز رساله ای در تجوید، اثر محمد بن علی حسینی جرجانی با قطع جیبی و در حدود پنجاه صفحه، در سال 1308 ق استنساخ کرده است.

نیز رساله در شرایط اخذ تربت از قبر امام حسین علیه السلام در سال 1316 ق نوشته است.

نیز اربعون حدیث اثر شهید اول، در سال 1335 ق کتابت نموده است.

از ویژگیهای این روحانی متقی، می توان به توسل و توکل فراوانش اشاره کرد، وی بسیار به اهل بیت علیهم السلام متوسل بود و نیمی از اموال خود را خرج مجالس سید الشهداء علیه السلام می نمود. در مجلس روضه خوانی حال خوبی پیدا می کرد و در تمام مدت مجلس عزاداری سر پا می ایستاد و حاضر نمی شد که بنشیند.

در زمان رضا شاه که نسبت به اهل علم سختگیری می کردند و جواز عمامه می خواستند، ایشان را که پیرمردی نودساله بود، چند بار به شهربانی اراک احضار کردند. اما رئیس شهربانی از دیدن قیافه روحانی اش با آن کهولت سن، خجالت می کشید و از درب دیگر بیرون می رفت و رو نشان نمی داد، گویا ایشان را ندیده است. گاهی که بر ایشان سخت می گرفتند، فرزندش آیت الله شیخ محمد علی اراکی سعی می کرد که جواز پوشیدن عمامه بگیرد، وی به جای تشکر می گفت:

می خواهید در توکل من رخنه کنید. من استخاره کردم و تقال به قرآن زدم، این آیه آمد: **إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا...**

سرانجام این روحانی پارسا در سال 1354 ق مطابق با 1314 ش در حدود 99 سالگی از دنیا رحلت کرد. پیکرش در قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

### **فرزندان:**

1- میرزا حسین 2- میرزا حسن 3- میرزا فتح الله 4- آیت الله شیخ محمد علی

اراکى قدس سره كه از فقها و اساتيد بنام حوزه علميه قم بودند.

منبع

1- شرح احوال حضرت آيت الله اراكى 99.

## سيد ابراهيم آل طعمه حائرى

اشاره

(-1374 ق)

سيد ابراهيم فرزند سيد محمد على و نوه سيد محمد آل طعمه حائرى، از خطباء و مبلغان نامى عصر خود بود.

وى در كربلاى معلا ديده به جهان گشود. پس از سپرى نمودن مقدمات به وعظ و ارشاد روى آورد و از معاريف خطباء گرديد. و به طرف ايران مهاجرت كرد و در تهران سكونت نمود.

شيخ حيدر مرجانى در كتاب «خطباء المنبر الحسينى» خود درباره اش چنين مى نويسد: «وى در كربلا متولد گرديد و تحت عنايت پدر خود پرورش يافت و حوزه درسى خود او را تربيت نمود و در خاندانى معروف نشو و نما يافت.

خطابت را خود بدست آورد تا اينكه از معاريف خطبا گرديد و جاىگاهى بلند بدست آورد.

به سوى ايران رهسپار شد و در مجالس اشرف به وعظ و ارشاد اشتغال داشت. به حدى كه شهرت بسزايى نايل آمد».

سيد ابراهيم در سال 1374 ق در تهران زندگى را بدرود گفت. پيكرش به قم حمل و به خاك سپرده شد.

## فرزندانش:

1- سيد مرتضى آل طعمه 2- سيد محمد آل طعمه

منبع

1- خطباء المنبر الحسينى 23/5.

ص: 183



(1300-1355 ق)

حاج شیخ ابراهیم فرزند علی تهرانی ملقب به «امامزاده زیدی» منسوب به محله (امامزاده زید) یکی از محلات معروف تهران است.

وی به سال 1300 ق در تهران متولد گردید.

امامزاده زیدی پس از طی تحصیلات مقدماتی و سطح، دروس خارج را از محضر آیت الله شیخ فضل الله نوری و علامه سید محسن سجادی «صدر العلماء» استفاده نمود. و در ضمن مسافرت‌های خود به عتبات عالیات، سیر و سلوک و عرفان و اخلاق را از محضر وحید دهر و فرید عصر خود، مولانا ملا فتحعلی عراقی بهره مند شد، و طریق سلسله وی به سیدنا الجدد بحر العلوم نجفی به این شرح است: ملا فتحعلی عراقی شاگرد آخوند ملا حسینقلی همدانی (شوندی) از شاگردان سید علی شوشتری، از سیدنا الجدد سید مهدی بحر العلوم (اعلی الله مقامهم).

انسانهای بزرگ و کامل و معاصرش عبارتند از آیات: میرزا جواد ملکی تبریزی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و شیخ حسینعلی اصفهانی (نخودکی) که علاوه بر ارتباط و بستگی معنوی، به وسیله نامه و پیک هم در ارتباط بودند. وی علاوه بر فقه و اصول در سایر رشته های اسلامی چون: کلام، فلسفه، عرفان، حکمت متعالیه، حتی در علوم غریبه تبحر داشته و سایر مراحل درسی را تدریس

می نمود، و مطالب غامض علمی و لا ینحل را با بیانی ساده و روان توضیح می فرمود.

از جمله دست پروردگان و تربیت یافتگان محضر معظم له فضایی چون:

1- علامه شیخ احمد رمزی.

2- خداداد صابر، از فضلا و وکیل دادگستری بود.

3- آیت الله میرزا یحیی سجادی (صدر العلماء).

4- علامه سید مهدی دامغانی.

5- میرزا محمد حسین شمس الدین، از بزرگان مدرسین بود.

6- آقا داود قزوینی، از ائمه جماعت تهران.

7- میرزا عبد الحسین آگهی (متوفای جمادی اول 1404/ق به سن 82 سالگی) و جانشین مترجم له.

8- سید عبد المهدی زیدی، که از ملازمین وی بود.

9- علامه سید حسن موسوی.

10- علامه سید محمد رضا کازرونی شیرازی.

11- استاد سخن شیخ محمد تقی فلسفی تنکابنی، را می توان نام برد.

ابیات زیر بر روی سنگ قبرش حک گردیده است:

حجه الاسلام مرد راه حق رهنما و پیشوای شیعیان

آنکه نامش هست همنام خلیل می شکست او با ید همت بتان

در هزار و سیصد و پنجاه و پنج آن خجسته طایر عرش آشیان

در روز چهارشنبه 7 ذی القعدة 1355/ق مطابق با 30 دی 1315/ش در تهران درگذشت و جسدش در قبرستان حاج شیخ قم به خاک

سپرده شد.

**فرزندانش:**

1-حاج محسن 2-حاج رضا.

ص:185

از آثار قلمی او (رساله ای در حکمت متعالیه و سیر و سلوک) که در سال 1405 ق در چاپخانه فردوسی به چاپ رسیده است.

قبرش به کد (25242) در قبرستان حاج شیخ قم.

## سید ابراهیم تهرانی «لاله زاری»

### اشاره

(-1332 ق)

سید ابراهیم فرزند سید علی اصغر حسینی تهرانی، از علما و فقهای تهران خواهرزاده آیت الله میرزای شیرازی بود.

وی در روستای «درکه» واقع در شمیران تهران متولد گردید.

سید ابراهیم مقدمات و سطوح را در تهران به انجام رساند و در حدود سال 1300 ق عازم عتبات عالیات شد و در سامرا نزد آیات: میرزا محمد حسن شیرازی و سید محمد فشارکی اصفهانی کمال استفاده را برد. آنگاه بعد از درگذشت میرزای شیرازی در سال 1312 ق به کاظمین منتقل شد با خواهر علامه میرزا محمد عسکری تهرانی ازدواج نمود.

علامه تهرانی در سال 1320 ق به ایران بازگشت و در تهران سکونت اختیار نمود و به اقامه جماعت و تدریس و نشر احکام دین پرداخت.

وی در خیابان «لاله زار» تهران مسجدی تأسیس کرد که جماعت را در آنجا اقامت می نمود و فرزندانش به همین جهت به «لاله زاری» اشتهار یافتند.

ایشان در ذی حجه 1332/ق در تهران درگذشت و در ایوان آینه حرم حضرت معصومه علیها السلام قم به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- علامه سید محمد صادق لاله زاری 2- سید محمد کاظم 3- سید محمد رضا

ص: 186

4- علامه سید محمد تقی میرعلوی از شاگردان سید محمد تقی خوانساری در قم 5- سید علینقی و سه دختر.

منابع

1- گنجینه دانشمندان 542/4.

2- نقباء البشر 18/1.

3- هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی 56.

**سید ابراهیم خراسانی**

**اشاره**

(1344-1409 ق)

سید ابراهیم فرزند علامه سید محمد حسین و نوه آیت الله سید ابراهیم موسوی درودی نیشابوری، معروف به «خراسانی» از بزرگان و فضیلهای معاصر بود.

وی در سال 1344 ق مطابق با 1304 ش در «درود» نیشابور متولد گردید.

ایشان پس از رشد و نما در دامان پدری دانشمند و مادری مؤمن به حوزه علمیه مشهد مقدس رفت و مقدمات و قسمتی از سطح را آموخت. در سال 1364 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و سایر کتب سطح را از محضر آیات: شیخ محمد فاضل قاینی و شیخ محمد تقی آل راضی استفاده نمود و مدتی چند در درس خارج حضرات آیات: سید محسن طباطبائی حکیم، میرزا باقر زنجانی و سید ابوالقاسم خوئی شرکت جست. در سال 1369 ق در پی درگذشت عموی

ص: 187

ارجمند خود علامه سید محمد مهدی خراسانی در شهر کاظمین به آن دیار عزیمت نمود و در جوار حرم امام کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام به اقامه جماعت و تدریس و ارشاد اشتغال ورزید.

ایشان در پی فشارهای دولت عراق به ایران مهاجرت کرد و در قم سکونت اختیار نمود و در دروس آیت الله سید شهاب الدین مرعشی شرکت جست.

سرانجام در پی عمل جراحی در روز دوشنبه /24 ربیع الثانی 1409/ ق مطابق با /20 آذر 1367/ ش در بیروت در سن 65 سالگی بدرود حیات گفت.

پیکرش به ایران حمل و پس از تشییع باشکوه در عصر روز /29 ربیع الثانی در یکی از اطاقهای صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### فرزندان ایشان عبارتند از:

1- حجه الاسلام سید علی خراسانی 2- ثقه الاسلام سید حسن خراسانی 3- سید مهدی 4- سید رضا.

منابع

1- اطلاعات شخصی مؤلف.

2- گنجینه دانشمندان 276/8.

### میرزا ابراهیم خلعتبری تنکابنی «آقا نجفی»

(-1368 ق)

میرزا ابراهیم فرزند محمد رحیم خلعتبری تنکابنی، معروف به «آقا نجفی». از علما و معاریف تنکابن بود.

ایشان در تنکابن متولد گردید، و تحصیلات مقدماتی را در مدارس علمیه همان جا گذراند. سپس به تهران رفت و مدتی به تحصیل اشتغال داشت، و نیز به نجف اشرف عزیمت نمود و پس از طی مراحل عالی به زادگاهش بازگشت و به حل

ص: 188

و فصل امور عامه پرداخت.

آقا نجفی در روز سه شنبه 23 ربیع الثانی 1368/ ق مطابق با 3 اسفند/ 1327 ش در تهران وفات کرد. جنازه اش به قم حمل گردید، و در قبرستان حاج شیخ با کد (18367) به خاک سپرده شد.

منابع

1- بزرگان تنکابن 24.

2- خاندان خلعتبری 304.

3- نسبنامه دودمان علامه تنکابنی 153.

**شیخ ابراهیم خوشنویس مراغه ای**

**اشاره**

(ح 1414-1318 ق)

میرزا ابراهیم مراغه ای معروف به «خوشنویس» فرزند شیخ عبد الله و نوه شیخ محمد رضا خراسانی، از دانشمندان و اساتید حوزه و پارسایان الهی بود.

پدرش از روحانیون منطقه مراغه و جدش شیخ محمد رضا از خراسان به مراغه مهاجرت کرده بود.

میرزا ابراهیم در حدود سال 1318 ق در روستای «آتش بگ» مراغه دیده به جهان گشود. و پس از طی دوران کودکی به مراغه رفت و نزد عموی خود علامه معین الشریعه (که در مراغه کرسی تدریس داشت) و شیخ حسین مدرس مراغه ای برخی از مقدمات را آموخت. نیز مدتی چند در هشتروند به سر برد و نزد پسر عموی خود میرزا عبد الوهاب خراسانی تحصیل مقدمات کرد. آنگاه در حدود سال 1350 ق به قم مهاجرت کرد و کفایه الاصول را نزد علامه شیخ عباسعلی شاهرودی و ادبیات را نزد شیخ محمد علی ادیب تهرانی به پایان رساند و چندی از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و پس از رحلت ایشان از محضر آیات:

سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی و دروس حکمت

ص: 189

را از میرزا آقا دامغانی استفاده نمود. وی در هنگام ورود به حوزه علمیه قم و احساس ضعف ادبیات طلاب، شروع به تدریس کتب مختلف ادبی نمود و شاگردانی بس فراوان تربیت کرد.

آقای شیخ محمد رازی در «آثار الحجه» ایشان را این طور توصیف می کند:

«از زمان ورودم به قم در 1357 ق تاکنون که ایشان را دیده ام، به پارسائی و تقوا یافته ام، که با کمال سادگی و مناعت و اقتصاد زندگی کرده و غالباً به تدریس اشتغال داشته است».

آقای شیخ محمود طیار در کتاب خطی خود «دانشوران مراغه»، درباره ایشان چنین نوشته است: «میرزا ابراهیم معروف به «خوشنویس»، از اساتید حوزه علمیه قم و از خطوربط بسیار عالی و ممتاز برخوردار بود.

وی در حدود سال 1318 ق در روستای «آتش بغ» از توابع شهرستان مراغه دیده به دنیا گشود. در دامان خانواده ای متدین و باتقوا پرورش یافت. در اوان جوانی برای تحصیل علوم اسلامی به مراغه رفت، و در «مدرسه مسجد جامع» به فراگیری مقدمات و سطوح متوسط پرداخت و در همان ایام به علت مشکلات مالی سخت- که گریبانگیر بسیاری از طلاب بود- با ساخت و فروش مرگب خاصی که از دوده برنج به عمل می آمد و از ابتکارات خاص ایشان بود امرار معاش می نمود. وی پس از مدتی به تبریز رفت و در آنجا با فقیه سترگ و دانشمند مبارز آیت الله میرزا صادق تبریزی آشنا شد، و توسط ایشان به لباس مقدس روحانیت مفتخر گردید.

علامه خوشنویس پس از تکمیل تحصیلات سطوح برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم مشرف شد، و در مجلس درس آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی شرکت جست. و مورد توجه و عنایت استادش قرار گرفت، و در همان ایام که بیش از چند سال از هجرت ایشان به قم نمی گذشت آوازه اخلاق نیکو، حسن سریره، زهد و ورع بسیار زیاد و خط عالی و ممتازش در محافل و مجالس پیچید، و از خواص آیت الله حائری گردید. به طوری که فرزند کوچک خود، استاد «شیخ



مهدی حائری» را برای یادگیری علوم و فنون اسلامی و تهذیب اخلاق و تعلّم خط به طور خصوصی به ایشان سپرد.

پس از وفات آیت الله حائری، در درس آیت الله سید محمد حجت کوه کمری شرکت جست، و پس از سالیانی تلاش و کوشش به درجه رفیعۀ اجتهاد نایل گشت.

وی از حواریون آیت الله حجت بود و بسیار مورد توجه استاد قرار داشت و پس از هجرت آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم به صورت مختصر از مباحث آن استاد نیز بهره برد. او در همان اوان هجرت به قم با صبیۀ مکرمۀ شیخ مرتضی قمی - برادر محدث گرانسنگ شیخ عباس قمی - وصلت کرد و از این رهگذر با حاج شیخ عباس قمی رابطه دوستی بسیار صمیمی برقرار ساخت. در ایامی که محدث قمی در نجف اشرف حضور داشت، وی نامه ای بسیار ادیبانه با خط بسیار نیکو برای او نگاشت. چندی بعد شیخ عباس خود به دیدن وی آمد و وقتی از علت آمدن وی سؤال کرد، فرمود: من دیدم هرگونه مکتوبی در جواب نامۀ شما بنگارم نمی توانم حق آن را ادا کنم و نظیرش را به شما ارسال نمایم، چاره ای ندیدم جز آنکه حضورا به نامۀ شما پاسخ دهم.

خوشنویس، از قدمای حوزه قم به شمار می رفت و صاحب شخصیت بسیار نیک و پسندیده بود. زهد طاق فرسا، اخلاق نیکو، نفس پاکیزه، تعمق در علوم اسلامی و فنون هنری به ویژه خط ممتاز، او را از دیگر اقرانش متمایز ساخته بود.

## آثار قلمی اش

1- تاریخ اسلام، در سه دفتر.

2- حاشیه بر تاریخ و صاف.

3- کتاب البیع، از تقریرات درس مرحوم آیت الله حجت.

سرانجام در 18 رجب 1414 / ق مطابق با 11 دی 1372 / ش در پی بیست سال بیماری و خانه نشینی و در اثر سکته قلبی در قم جهان خاکی را وداع گفت.

ص: 191

پیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

1- حاج اسماعیل خوشنویس، ساکن قم و رئیس اسبق اداره ثبت و اسناد قم

2- مهندس محمد خوشنویس، ساکن تهران. و سه دختر از او باقی مانده اند.

منابع

1- آثار الحجه 79/2.

2- اظهارات فرزند آن مرحوم، آقای حاج اسماعیل خوشنویس.

3- دانشوران مراغه (خطی - محمود طیار مراغی).

4- گنجینه دانشمندان 70/7.

## سید ابراهیم دروازه ای تبریزی

### اشاره

(1313-1381 ق)

دانشمند معظم آقای سید مهدی دروازه ای فرزند ایشان درباره پدرش چنین نوشته است:

او در سال 1313 ق در شهر تبریز در یک خانواده مذهبی و علمی دیده به جهان گشود، پدر ارجمندش سید مهدی موسوی (متوفای سال 1333 ق) از علمای مبرز تبریز بود.

### تحصیلات

ایشان پس از آموزشهای ابتدائی و فراگیری مقدمات در مکاتب قدیمی، به

ص: 192

تحصیل علوم ادبی و اسلامی پرداخت، و کتب درسی متداول در شیوه تحصیل طلبگی را از صرف و نحو و دیگر رشته های مربوط به ادب عربی و منطق و کلام و فقه و اصول فقه، به نحو کامل و شایسته فراگرفت و سپس به محافل علمی و حلقات درسی بزرگان و اساطین راه یافت.

البته تبریز آن روز برخلاف امروزش، یکی از مراکز علمی به شمار می رفت و علما و محققان برجسته و کم نظیری در آن شهر رشته های متنوع علوم ادبی و اسلامی را در سطح تحقیقی و بسیار بالای علمی بحث و مذاکره می کردند، که عناوین و شخصیت های علمیشان در کتب تراجم که در شرح حال علمای قرن اخیر نگارش یافت، منعکس می باشد.

دروازه ای بعد از فراغت از سطح و متون درسی، چندین سال در محضر علمای تبریز، از قبیل آیات: میرزا حسن مجتهد تبریزی (متوفای 1338 ق) و میرزا ابو الحسن انگجی (متوفای 1357 ق) و سید محمد مولانا (متوفای 1363 ق) و دیگران بهره برد و به اخذ مدارک عالی علمی و اجتهاد نایل گردید، که به عنوان نمونه و شاهد مقال متن اجازه اجتهادی را که آیت الله انگجی در این باره به او مرقوم فرمودند و از دیگر اجازات مختصرتر و کوتاه تر است نقل می کنیم:

### اجازة آیت الله انگجی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على أشرف الانبياء و المرسلين محمد و آله الطاهرين.

و بعد: فان شرف العلم لا يخفى و فضله لا يحصى، و ممن تصدى بالرجوع الى مدارك الاحكام حتى بلغ مرتبه اليقين، و ترقى من حضيض التقليد الى أوج الاجتهاد، جناب العالم الفاضل سيد الاعلام و حجه الاسلام الحاج السيد

ص: 193

ابراهیم (دامت افاضاته)، فله العمل بما استنبطه من الاحکام و جزاه الله الملك العلام عن الاسلام و اهله خیر جزاء المجتهدین.

کتابه بیده الدائرة

ابو الحسن الحسینی

### هجرت به نجف اشرف

دروازه ای به منظور تکمیل مقامات علمی به نجف اشرف رهسپار گردید. ولی به علت پاره ای گرفتاری های داخلی و خانوادگی نتوانست مدت زیادی در آن مرکز علم و مهد فضیلت بماند، و پس از مدت دو سال تکمیل تحصیل نزد حضرات آیات: شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی به وطن خویش مراجعت نمود.

### شیوه تدریس

دروازه ای در تدریس و تفهیم کتب درسی و تقریر و تبیین مطالب علمی تسلط و مهارت خاصی داشت. بیانش بلیغ و جذاب و شیوا بود. شرکت کنندگان در جلسه درسش کمترین خستگی احساس نمی کردند، و نقطه ابهامی برای آنان باقی نمی ماند. و روی همین جهات (طلاقت لسان و حلاوت بیان، علاوه بر تسلط و احاطه کامل بر مطلب) محضر درس وی همواره مملو و مشحون از فضیلتی طلاب و اهل علم بود.

ایشان علاوه بر جهات یادشده، خود ذاتا عاشق درس و بحث بود، و این معنی، بیشتر به مذاکرات علمیش رونق و جذابیت می بخشید. او با اینکه از نظر مزاجی و بدنی ضعیف بود و از بیماری اعصاب رنج می برد، و در اواخر عمرش به بیماری قلبی هم مبتلا گردیده بود، مع ذلک تا پایان عمر و آخرین روزهای حیاتش از اشتغالات علمی دست نکشید، و در واقع این قبیل اشتغالات علی رغم اینکه

خسته کننده است، برای وی غذای روحی و مایه نشاط بود.

روزهای جمعه، همچنین در لیالی ماه مبارک رمضان در مسجدی که اقامه نماز جماعت می کرد، به تفسیر قرآن می پرداخت. روش تفسیرش هم بسیار جالب بود.

مطالب را با شنوندگانش طوری مطرح می کرد که هم اهل علم استفاده می کردند، و هم مردم عامی و درس نخوانده از آن بهره می بردند.

## استاد مسلم ادبیات

در زمینه ادبیات، به خصوص ادبیات عرب فردی فوق العاده و کم نظیر بود.

کتابهای درسی ادبیات عرب مانند: مغنی و مطول را در دوران جوانیش مدتها تدریس نموده و حواشی و تعلیقات سودمندی بر آنها نوشته است. و در مواقع مقتضی فرازهایی از کتب ادبی مانند: مقامات (حریری)، محاضرات (راغب اصفهانی) و امثال این ها را از حفظ می خواند و با اشعار و قصاید عربی به قدری استادانه تمثیل می کرد و استشهاد می نمود که شنونده را بی اختیار به اعجاب و تحسین وا می داشت.

وی علاوه بر اطلاعات شایان و وسیع، در ادبیات و اشعار عرب خود نیز از قریحه شعری بسیار سلیس و روان برخوردار بود. البته باید اضافه کنم که او زیاد شعر نمی گفت و اشتغالات علمی، این اجازه را به وی نمی داد که وقتش را زیاد در این زمینه صرف کند و به کار بیند، ولی گهگاهی دست به قلم می برد و ابیاتی یادداشت می کرد. قسمت عمده سروده هایش به عربی و در زمینه های تظلم و شکوه از نظام جور و استبداد زمان، به ساحت مقدس معصومین علیهم السلام، وعظ و ارشاد، اظهار تأثر و تأسف از وضع محیط خویش و موضوعاتی مشابه این ها است.

## ویژگیهای فردی

او عالمی بود: عامل، وارسته و متقی، در برخورد با مردم گشاده رو و مهربان و

متواضع. از منیت و خودپسندی و خودنمائی به دور بود و از ریا و تظاهر به فضل که احیانا دامن گیر بعضی از ارباب فضل و کمال می شود، به طور جدی پرهیز داشت. از نفوذ فوق العاده و محبوبیت خاصی که در میان طبقات مختلف مردم داشت، هیچ گاه بهره برداری شخصی نکرد و دنبال اسم و رسمهای ظاهری و عناوین فریبنده نبود، و در یک کلام: «خود را نباخته بود».

او زندگی بسیار ساده و فقیرانه ای داشت و با وجود امکانات وسیع مالی از قبیل وجوه شرعی که در اختیارش قرار می گرفت، در اداره معیشت خود و خانواده اش بسیار مقتصد و محتاط بود و توان و مقدرات مالیش را در اداره طلاب علوم دینی و تأمین حوایج مستمندان و رفع نیاز نیازمندان مبذول می داشت.

آری، او واقعا یک عالم ربانی بود و بدین گونه عمر پربرکت خود را در یک خانه محقر و قدیمی که از پدرش به ارث برده بود، و با یک زندگی ساده و بی تکلف و بی آرایش، و به ظاهر کم ارزش ولی توأم با عزت و کرامت نفس و سربلندی به پایان برد.

وی در اواخر عمرش به بیماری شدید قلبی مبتلا گردید، و از معالجات تبریز نتیجه ای حاصل نشد و به منظور معالجه راهی تهران گشت. اما معالجات تهران هم بی ثمر بود و بالاخره در روز دوشنبه 9/رجب 1381/ق مطابق با 28/آذر 1340 ش در اثر سکته قلبی در تهران بدرود حیات گفت و دیده از جهان بریست.

پیکرش به قم حمل، و در قبرستان حاج شیخ مدفون گردید.

## آثار قلمی ایشان

1- اللطائف الأدبیه و الحکایات الاصمیه.

2- تحفه الاخیار فی علائم آخر الاعصار.

3- جزواتی در تفسیر.

4- حاشیه علی الرسائل.

ص: 196

5- حاشیه علی اللمه دمشقیه.

6- حاشیه علی المطول.

7- حاشیه علی المکاسب.

8- حاشیه علی مغنی اللیب.

9- دیوان شعر.

10- کتاب الصلاه.

11- کشکول.

برادر ایشان، علامه سید هادی سینا استاد دانشکده معقول و منقول تهران بود که در روز سه شنبه 16 رجب 1383/ ق مطابق با 12/ آذر 1342/ ش در سن 62 سالگی در تهران درگذشت و در مقبره فیروزآبادی شهر ری به خاک سپرده شد. کتاب «قواعد النحو» از آثار چاپ شده ایشان است.

منابع

1- گنجینه دانشمندان 52/6.

2- مجله تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره های 3 و 4، ص 267 (با اندک حذف و اضافه)، به قلم فرزندش سید مهدی دروازه ای. (1)

**سید ابراهیم سرّی موسوی «اصفہانی»**

**اشاره**

(1369-1311 ق)

سید ابراهیم فرزند ابو القاسم سرّی پوده موسوی، از شعرای به نام و با کمال اصفهان بود.

او در سال 1311 ق در قریه «پوده» از قرای سمیرم سفلی - اصفهان - متولد گردید.

ص: 197

1-1). فرزند گران مایه اش مرحوم حاج سید مهدی دروازه ای نیز از علمای برجسته و اساتید گرانسنگ جهان تشیع بود، شاگردان زیادی تربیت کرد و در سنگر محراب و منبر خدمات شایسته ای انجام داد و سرانجام به سال 1380 ش در تهران بدرود حیات گفت و در بهشت

زهرا به خاک سپرده شد.



سید ابراهیم از اوایل جوانی جهت کسب علم و دانش به اصفهان رفت، و نزد اساتید این شهر مقدمات علوم را کسب نمود، به ویژه در ادبیات فارسی و عربی زحمت کشید. از جمله اساتیدش علامه میرزا یحیی مدرس بیدآبادی «کاشی پز» می باشد و بعد به افتخار دامادی این استاد نایل گردید. سرّی را: عارفی کامل و نویسنده ای قابل، و شاعری قادر دانستند.

## از آثار او

1- آخرین قانون (نا تمام).

2- دیوان اشعار.

3- مجموعه اشعار برخی از شعرا.

4- مرغابیه (اشعار).

5- مکاشفات سرّی.

ایشان در روز جمعه 14/رمضان 1369/ ق مطابق با 9/تیر 1329/ ش در تهران در پی عمل جراحی بدروود حیات گفت و در قم مدفون گردید. فرزندش سید ابو القاسم سرّی از شعرای معاصر اصفهان است.

## منابع

1- تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان 295.

2- تذکره شعرای معاصر اصفهان 142.

3- مؤلفین کتب چاپی 65/1.

## سید ابراهیم کاظمی هیدجی

## اشاره

(ح 1302-1382 ق)

حاج سید ابراهیم فرزند سید عبد الرحیم موسوی کاظمی هیدجی، از فضلا و بزرگان بود.

تولدش در حدود سال 1302 ق در هیدج اتفاق افتاد.

پدرش اهل «سرو جهان» زنجان بود که به شهر هیدج مهاجرت کرد.

### در حوزه های علمیه

ایشان دروس خود را نزد علامه ملا محمد صالحی هیدجی در هیدج و در زنجان نزد آیت الله شیخ حسین قلتوقی تلمذ کرد و در حوزه علمیه قزوین نیز تحصیلاتی داشت. آن گاه به هیدج مراجعت نمود و به ارشاد و هدایت و وعظ و سایر امور دینی پرداخت.

علامه استاد شیخ عبد الرحمن محمدی هیدجی می فرماید: وی منبر بسیار عالی و بیان جذّاب و شیوایی داشت.

### از آثار خیریه ایشان

در مانگاه هیدج به همت او تأسیس شد، ولی متأسفانه اخیراً در اثر احداث خیابان از بین رفت. وی نیز مدرسه علمیه هیدج را تعمیر نموده بود.

### از آثار او

1- کتابی در مجالس و مواعظ (یک دفتر، که نزد آقای محمدی هیدجی موجود بود).

### درگذشت و اعقاب

نامبرده در روز دوشنبه 7 جمادی الثانی 1382/ ق مطابق با 14 آبان / 1341 ش در حدود 80 سالگی درگذشت و پیکرش در قبرستان حاج شیخ قم با کد (33071) به خاک سپرده شد.

از او اولاد ذکوری باقی نماند و فقط دو دختر داشت و برادرزاده هایش آقایان:

سید فتاح و سید ستار و سید مجتبی- که دامادش بود- از تحصیل کرده های قم هستند.

منابع

1- افادات علامه شیخ عبد الرحمن محمدی هیدجی (دام ظلّه).

2- تاریخ زنجان 45.

### ابراهیم محقق

(-1414 ق)

ابراهیم فرزند اسماعیل محقق، از شعرای معاصر بود.

این دو بیت بر مزار او حک شده است:

گیرم که در جهان بکنم همچو عمر نوح آخر أجل برد ز تنم این روان و روح

گویم خدا، محقق از این عمر خسته است دل را فقط به رشته مهر تو بسته است

وی روز یکشنبه 24 شعبان 1414/ ق مطابق با 17 بهمن 1372/ ش در سن 55 سالگی درگذشت و پیکرش در صحن امامزاده ابراهیم علیه السلام- پشت مزار- به خاک سپرده شد.

### شیخ ابراهیم مروّت عاملی

### اشاره

(1371-1296 ق)

حاج شیخ ابراهیم فرزند شیخ عباس جبل عاملی، از خاندان علمی و مشهور «مروّت» است و از جمله علما و فضلا و زهاد حوزه علمیه قم بود.

ایشان در سال 1296 ق در روستای «جبع» در کشور لبنان دیده به جهان گشود.

### هجرت به نجف اشرف

وی پس از آموختن مقدمات و قسمتی از سطوح، در سال 1323 ق از جبل عامل به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات: شیخ



سید عبد الحسین شرف الدین و شیخ علی محمد یزدی استفادہ علمی نمود.

## هجرت به حوزه قم

ایشان در سال 1338 ق جهت زیارت مرقد ثامن الحجج علیه السلام وارد ایران شد و هنگام مراجعت در شهر قم توقف نمود و پس از ورود آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی به قم تا وفات آن مرحوم تقریباً مدت 15 سال از محضرش فقها و اصولاً بهره مند گردید. در ضمن خود به تدریس سطح و اقامه جماعت اشتغال داشت، و در ایام تبلیغ و تعطیلی حوزه به «اراک» می رفت و به وظایف دینی خود قیام می پرداخت.

## درگذشت و اعقاب

نامبرده در شب چهارشنبه 20 رجب 1371/ ق مطابق با 27 فروردین 1331 ش در قم درگذشت و پیکرش در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

از او سه فرزند ذکور باقی ماند، که عبارتند از آقایان: 1- آقا علی وجدانی، کارمند وزارت دادگستری، متوفای روز چهارشنبه 12/رمضان 1414/ ق مطابق با 4/اسفند 1372/ ش و مدفون در کنار تربت پدر خود در شیخان است 2- استاد حسین وجدانی، متوفای اوایل/شوال 1418/ ق مطابق با اواسط/بهمن 1376/ ش در مشهد مقدس 3- آقا حسن وجدانی.

منابع

1- آثار الحججه 222/1 (تاریخ مرگش را اشتباه نوشته است).

2- آینه دانشوران 190.

3- أعيان الشیعه 175/2.

4- رجال قم 84 (سال مرگش را در 1370 ق دانسته، که اشتباه است).

5- گنجینه دانشمندان 120/2.

6- نقباء البشر 475/1.

ص: 201

(-1335 ق)

میرزا ابراهیم مستوفی «معمد السلطنه» پسر میرزا محمد «قوام الدوله» آشتیانی و پدر حسن وثوق «وثوق الدوله» و احمد قوام «قوام السلطنه» و شوهر خواهر میرزا علی «امین الدوله» بود و پس از فوت مادر وثوق الدوله و قوام السلطنه با سلطنت خانم دختر بدیع الملک میرزا «عماد الدوله»، ازدواج نمود.

در زمانی که پدرش قوام الدوله، سمت وزارت محاسبات (وزارت دارائی) را داشت، میرزا ابراهیم هم از مستوفیان دفتر استیفا (کارمند و محاسب وزارت دارائی) بود و در سال 1304 ق به لقب «معمد السلطنه» ملقب گردید و از سال 1297 تا 1309 ق مستوفی (محاسب) آذربایجان بود.

### مستوفی آذربایجان در پناه امین السلطان

در سال 1309 ق، میرزا عباس «قوام الدوله» و یحیی «مشیر الدوله» در نظر داشتند که او را از استیفای آذربایجان معزول کنند و به جایش میرزا عبد الله «علاء الملک» برادر مشیر الدوله، را به سمت مزبور تعیین نمایند. معمد السلطنه چاره و گشایش کار خود را منحصر در این دید که به امین السلطان پناه ببرد.

امین السلطان هم، روی جوان مردی که داشت مانع تغییر وی گردید و مانند سابق به شغل استیفای آذربایجان باقی و برقرار ماند.

محمد حسن اعتماد السلطنه در یادداشتهای روزانه خود، در این باب می نویسد: سه شنبه 18 ذی القعدة 1304/ ق میرزا ابراهیم به این جهت منزل امین السلطان آمده بود که قوام الدوله و مشیر الدوله خواسته بودند او را از استیفای آذربایجان معزول کنند و علاء الملک را مستوفی آذربایجان نمایند. او هم پناه به امین السلطان آورده بود، کارش هم درست شد.

معمد السلطنه در سال 1309 ق جزو وزرای دربار اعظم (مجلس شورای دولتی) شده بود و شغل استیفای خویش را به پسر بزرگ خود، میرزا حسن «وثوق الدوله» واگذار کرد. نامبرده از این تاریخ محاسب آذربایجان شد و سمتش تا اوائل مشروطیت که در دوره اول از تهران به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید، ادامه داشت. در سال 1318 ق که ملک منصور میرزا «شعاع السلطنه» پسر دوم مظفر الدین شاه، استاندار فارس شد. معمد السلطنه به وزارت و پیشکاری او و میرزا احمد «قوام السلطنه» به ریاست دفتر استانداری معین شدند.

## درگذشت

میرزا ابراهیم در شب 16 ذی القعدة 1335/ ق در تهران درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام - در حجره زیر کتابخانه آستانه - به خاک سپرده شد و ماده فوتش را چنین سرودند:

خامه «مجدی» نوشت زود پی رحلتش

«معمد السلطنه مقیم دار النعیم»

## فرزندان:

- 1- میرزا احمد قوام السلطنه، که از نخست وزیران ایران بود.
- 2- میرزا حسن وثوق الدوله از نمایندگان مجلس شورای ملی بود.
- 3- میرزا عبد الله وثوق «معمد السلطنه»، که نماینده مجلس شورای ملی از اردبیل در دوره های چهارم و پنجم و ششم بود.

منبع

1- شرح حال رجال ایران 28/1.

ص: 203

(ح- 1399 ق)

سید ابراهیم فرزند آیت الله حاج سید آقا (سید مرتضی) میلانی، از فضلا و سیاسیون بود. پدرش از دانشمندان و معاریف تبریز بود. در 11/شوال 1352/ دار فانی را وداع گفت و در نجف اشرف مدفون گردید.

سید ابراهیم، در تبریز تولد یافت و همان جا پرورش یافت مقدمات و سطح را فرا گرفت. سپس در قم به تحصیلات عالی خود پایان داد و به تبریز مراجعت فرمود.

مجلس شورای ملی از تبریز در دوره هفدهم سمت نمایندگی داشت.

وی در حدود سال 1399 ق در تهران درگذشت و در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

منبع

1-اطلاعات متفرقه.

### **شیخ ابراهیم نوری تهرانی**

**اشاره**

(-1332 ق)

شیخ ابراهیم فرزند ملا محمد تقی و نوه ملا صالح نوری مازندرانی، از علمای ساکن تهران بود.

### **تحصیلات عالی**

وی تحصیلات عالی خود را سالیانی چند در سامرا نزد آیات: میرزا محمد حسن شیرازی، سید محمد فشارکی اصفهانی و سید اسماعیل صدر به انجام رساند و پس از آن به ایران مراجعت و در تهران سکونت اختیار کرد و از ملازمان نزدیک آیت الله شیخ فضل الله نوری شد. در سال 1327 ق در پی اعدام شیخ فضل الله،

ص: 204



تهران را رها و در روستای «قاسم آباد» شهریار سکونت اختیار نمود.

ایشان در سال 1332 ق در روستای مذکور درگذشت و جسدش به قم حمل و به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- آقا حسن 2- آقا مهدی 3- آقا محمد تقی 4- آقا مرتضی.

منابع

1- نقباء البشر 6/1.

2- هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی 54.

### شیخ ابراهیم نوری همدانی

### اشاره

(1319-1389 ق)

شیخ ابراهیم فرزند علی و نوه محمد نوری همدانی، از فضلا و پارسایان خطه همدان بود.

او در سال 1319 ق در شهر همدان پا به عرصه گیتی نهاد.

شیخ ابراهیم، پس از رشد و نما به تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه همدان پرداخت و از محضر شیخ علی گنبدی بهره مند شد. در حدود سال 1352 به بخش رزن همدان منتقل گردید و تا آخر عمر به اقامه جماعت و هدایت و عبادت پرداخت.

وی فردی با نظم و وقت شناس

ص: 205

بود. نسبت به اهل بیت علیهم السلام علاقه وافر و محبت شدیدی داشت. نماز شبش ترک نمی شد که همواره این نماز را با پوشیدن کفن خود برگزار می نمود.

## از آثار او

1- حاشیه علی المکاسب (مختصر-خطی).

2- کتاب در علم اخلاق، خطی.

مرحوم نوری سرانجام در پی ابتلا به بیماری به قم منتقل شد و پس از چند روزی در روز جمعه 20 ربیع الاول 1389 ق مطابق با 16 خرداد 1348 ش در سن 70 سالگی دیده از جهان فروبست.

بیکرش در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

## فرزندان:

1- فاضل و خطیب گرانمایه مرحوم شیخ حسن نوری، از ملازمان آیت الله بروجردی بود.

2- آیت الله شیخ حسین نوری، فعلا از علمای معروف قم می باشند.

ص: 206

3- شیخ محسن، از روحانیون ساکن تهران می باشند.

4- شیخ رضا، از روحانیون ساکن قم می باشد.

5- مرحوم مهندس علی، متوفای 1373 ش بر اثر سکنه قلبی، مدفون در قبرستان باغ بهشت-مقبره العلماء-

و هفت دختر که دامادهای اهل علم او عبارتند از فضلالی معاصر، حجج اسلام:

شیخ اسماعیل معزی ملایری، شیخ محمد عمّانی همدانی و سید زین العابدین حسینی همدانی می باشند.

شیخ حسین نوری

**شیخ ابراهیم وحدت تبریزی**

**اشاره**

(1315-1392 ه. .)

حاج شیخ ابراهیم فرزند محمود و نوه محمد حسین اشتلتقی میانجی تبریزی، از دانشمندان و اساتید معروف هیئت و نجوم بود.

وی در محله «سرخاب» تبریز دیده به جهان گشود.

پدرش اهل فضل و کمال بود و به کار ساعت سازی اشتغال داشت. از کارهای خیریه اش می توان به احداث آب انبار در محله سرخاب، اشاره نمود. نام فامیلش قبلاً «راشی اخلاصی» بود، سپس به «وحدت نیا» تبدیل و به «وحدت» معروف گشته است.

آقا شیخ ابراهیم پس از کسب مقدمات و سپری کردن دوره سطح، دروس عالی حوزه را از محضر آیت الله سید ابو الحسن انگجی و سید احمد خلخالی و دروس

ص: 207

هیئت را از علامه سید کمال آقا بهره برد و نیز از درس آیت الله حاج میرزا فتاح شهیدی و جلسات تفسیری آیت الله سید کاظم شریعتمداری استفاده هایی نمود و در جلسات هفتگی مبادلات و مباحثات علمی با دوستان خود چون حضرات آیات: سید احمد خسروشاهی، میرزا عبد الله مجتهدی تبریزی، سید علی مولانا، سید مصطفی مولانا و شیخ نصر الله شبستری سالهای متمادی همدم و هم بحث بود.

وحدت خود به تدریس شرح لمعه و علم کلام اشتغال داشت و به علوم دیگر اسلامی نیز علاقه وافری از خود نشان می داد. به همین خاطر در هیئت و نجوم مهارت کاملی حاصل کرد و مطالعه غذای روحی روزانه اش بود. ایشان در زمینه مذکور موفق به نصب دو ساعت آفتابی (شاخص) در مسجدهای قزلی و مولانا-در تبریز-گردید و در تعیین جهت قبله مساجد از او به عنوان کارشناس و متخصص استفاده می شد.

از جمله ویژگیهای دینی اش تلاوت و تدبر در قرآن کریم و روزانه شش جزو از آن تلاوت می نمود و حافظ بسیاری از اجزای آن و در بین علما و طلاب به عنوان «کشف الآیات ناطق» ملقب بود. همچنین حافظ بسیاری از زیارات و ادعیه شریفه بود و انس و الفت فراوانی با این امور داشت. به زیارت اعتاب مقدسه دفعات زیادی نایل شد، از جمله یک بار به کربلای معلا و نیز یک بار به مشهد مقدس با پای پیاده مشرف گردید و در راه کربلا دچار حادثه ای ناگوار گردید که در اثر عنایات ویژه اهل بیت علیهم السلام نجات یافت و به سفر خود ادامه داد.

ایشان مورد اعتماد و توجه آیات بود و از آنان موفق به دریافت اجازات علمی و امور حسبی شده که از جمله، اجازات حضرات آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمّد حجت کوه کمری، سید ابو الحسن انگجی، میرزا حبیب الله ملکی تبریزی، میرزا عبد الهادی شیرازی، سید محسن طباطبائی حکیم و سید ابو القاسم خوئی می باشد.

وحدت در سوم ربیع الاول 1392 ق در سن 77 سالگی در تبریز در پی ابتلا- به بیماری دار فانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در ابتدای قبرستان دارالسلام به خاک سپرده شد. وی داماد سید حسن رکن الحکما کاشانی (ساکن تبریز) بود.

رکن الحکما از جمله اطبا و حکمای قدیم به شمار می رفت و رسماً به معالجه بیماران در تبریز اشتغال داشت و در اواسط سلطنت رضا خان درگذشت و در همان شهر مدفون شد. وحدت در اثر این مصاهرت دارای فرزندان زیر شد:

شیخ عیسی اهریشیخ محمود وحدتشیخ علی اکبر مهدی پور

1- حجه الاسلام واعظ عالی مقام جناب آقای شیخ محمود وحدت، متولد سال 1351 ق مطابق با 1311 ش در تبریز. وی پس از آموختن مقدمات در سال

ص: 209

1370 ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و مطول را از شیخ جعفر سبحانی، شرح منظومه را از سید رضا صدر، و سطح را از محضر اساتید گرانقدر: میرزا محمد مجاهدی تبریزی، میرزا علی مشکینی و سید موسی شبیری زنجان‌ی استفاده نمود و مدت چهار سال از درس آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی بهره مند شد.

وی در سال 1381 ق به تبریز بازگشت و به اشتغالات مذهبی و وعظ و ارشاد پرداخت تا اینکه در سال 1399 ق مطابق با 1358 ش به تهران منتقل گردید و به خدمات دینی و اجتماعی خود ادامه داد.

### از آثار او می توان به:

الف- بحثی درباره «اسلام دین آزادی نه بردگی».

ب- توقیعات حضرت مهدی (عجل الله فرجه).

ج- شرح حدیث کسا. و نیز نگارش ده ها مقاله در زمینه های مختلف، اشاره کرد.

2- آقا حسین 3- آقا محمد علی 4- آقا رضا. و دو دختر از او باقی ماند.

منبع

1- شرح حال فوق از زبان فرزند ارشد آن مرحوم، آقای شیخ محمود وحدت به تاریخ ظهر روز دوشنبه 27/شعبان 1420/ق مطابق با 15/آذر 1378/ش در قم قلمی گردید.

### شیخ ابراهیم همایونی زنجان‌ی «نحوی»

(1317-ق)

شیخ ابراهیم فرزند سلطان علی همایونی زنجان‌ی، معروف به «نحوی» از فضلا و مدرسان حوزه علمیه زنجان بود.

وی در سال 1317 ق در روستای (همایون)-واقع در هفت کیلومتری شمال شهر زنجان- دیده به جهان گشود.

همایونی پس از رشد و نما و طی مراحل مقدماتی به زنجان رفت و در حوزه

ص: 210

علمیه آن به تحصیل دروس سطح پرداخت. آنگاه دروس عالی حوزه را از محضر آیات: شیخ فیاض زنجانی، شیخ حسین قلتوقی و میرزا احمد آیت اللّهی استفاده نمود. در ضمن خود به تدریس متون ادبی و سایر کتب مقدمات و سطح اشتغال داشت و به همین خاطر به «نحوی» اشتها یافت.

ایشان در سالهای آخر عمر به شهر قم مهاجرت کرد و مدتی چند در این شهر اقامت گزید و همان جا مدفون شد.

منابع

1- تاریخ زنجان 44.

2- علماء نامدار زنجان 84.

**شیخ ابو تراب آل آقا کرمانشاهی**

**اشاره**

(ح 1319-1396 ق)

حاج شیخ ابو تراب فرزند علامه شیخ شمس الدّین و نوه شیخ محمّد هادی آل آقا کرمانشاهی، از نوادگان آیت اللّهِ وحید بهبهانی و از دانشمندان و محققان علوم اسلامی بود.

وی در حدود سال 1319 ق در کرمانشاه متولد شد.

شیخ ابو تراب پس از طی مقدمات نزد دای خود، سطوح را نزد آیت اللّهِ سید حسین حائری فشارکی تلمذ کرد.

در حدود سن 25 سالگی به نجف اشرف عزیمت نمود و از محضر آیات: میرزا محمّد حسین نائینی، میرزا ابو الحسن مشکینی، شیخ ضیاء الدّین عراقی، سید

ص: 211

ابو الحسن اصفهانی، شیخ مرتضی طالقانی، سید حسین بختیاری اصفهانی و میرزا حسن بجنوردی خارج فقه و اصول و علوم دیگر را به مدت شش سال استفاده نمود. سپس به ایران مراجعت و مدتی در قم توقف کرد و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی بهره مند گردید. از آنجا هم به مشهد مقدس رفت و از حکیم نامور سید آقا بزرگ شهیدی حکمت و فلسفه کسب کرد و پس از مدتی مجدداً به نجف اشرف رهسپار شد و از محضر آیات: سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمود شاهرودی، سید نصر الله مستنبط و سید ابو القاسم خوئی کسب فیض و به زادگاهش مراجعت کرد و به اقامه جماعت و انجام وظایف دینی و روحی اشتغال ورزید.

## از آثار او

1-المستفاد فی الاصول، تقریراً لدروس الشاهرودی و الخوئی.

2-حاشیه علی الرسائل.

3-حاشیه علی المکاسب.

4-حاشیه علی کفایه الاصول.

5-رساله فی صلاه الجمعه.

6-شرح العروه الوثقی (ناقص).

7-شرح المنظومه (اثر سبزواری).

آل آقا در ذی قعدۀ 1396/ ق مطابق با آبان 1355/ ش در کرمانشاه درگذشت و در قبرستان وادی السلام قم مدفون گردید.

## منابع

1-زندگینامه ایشان به قلم خودش، در دو صفحه (به زبان عربی).

2-سراج المعانی در احوالات سید ابو الحسن اصفهانی 101 (سال مرگش را 1397 ق نوشته است).

3-گنجینه دانشمندان 358/6.

ص: 212



حاج سید ابو تراب فرزند علامه سید ابو القاسم جزائری، از دانشمندان و بزرگان خرم آباد بود.

وی در سال 1296 ق در شهر خرم آباد (مرکز استان لرستان) پای به عرصه وجود گذاشت. پدرش از علما و زهاد روزگار خود به شمار می رفت.

سید ابو تراب مقدمات را نزد پدر ارجمند خود آموخت. سپس به بروجرد عزیمت کرد و نزد اساتید به نام آن دیار تحصیل نمود. وی آنگاه به عتبات عالیات رهسپار شد و از محضر آیتین علمین: ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی استفاده نمود و با آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی همدرس و هم دوره گردید.

جزائری پس از نیل به مدارج عالی علم و عمل به زادگاه خود بازگشت و مشغول امر تدریس و ارشادات مذهبی و تا پایان عمر محل رجوع ارباب حوائج و طالبان دانش و کمال و خانه اش پایگاه علم و فضیلت بود.

ایشان از اساتید خود و نیز دانشمندان آن دوره اجازات علمی و امور حسبه داشت. میزان زهد و تقوا و مراتب عبادت شبانه اش زبانزد عام و خاص بود. این روحانی بزرگ سرانجام در ذی الحجه 1366/ ق مطابق با آبان 1326/ ش در سن 70 سالگی چهره در نقاب خاک کشید و به جهان باقی شتافت. بیکرش را به قم

حمل کردند و در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

منابع

1- اطلاعاتی از فرزندش آقای سید عماد الدین جزائری (ساکن خرم آباد).

2- مشاهیر لر 178.

### میرزا ابو الحسن اجتهادی گلپایگانی

#### اشاره

(-1361 ق)

میرزا ابو الحسن معروف به «مجتهد کمره ای» و «عراقی» فرزند محمد طاهر گوگدی گلپایگانی، از دانشمندان و بزرگان اراک به شمار می رفت.

وی در گوگد گلپایگان متولد شد و پس از آموختن مقدمات جهت ادامه تحصیلات خویش ابتدا به اصفهان و سپس به حوزه کهن نجف اشرف عزیمت کرد و از محضر آیات: ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی خارج فقه و اصول را استفاده نمود، سرانجام به اراک بازگشت و تا آخر عمر در آن دیار به قضاوت شرعی و حل و فصل خصومات و هدایت و ارشاد و اقامه جماعت در خیابان محسنی اشتغال داشت.

در سال 1346 ق آیت الله حاج آقا نور الله نجفی اصفهانی «ثقه الاسلام» که در قم متحصن می شود و از سایر علمای بلاد برای مذاکره درباره کارهای رضا خان

ص: 214

پهلوی دعوت می کند، از جمله افرادی که دعوت ایشان را می پذیرند و از اراک راهی قم می شوند، مرحوم اجتهادی و آیت الله شیخ محمد سلطان العلماء بودند.

## از آثار او

1- رساله فی بیان العیوب الموجهه لردّ النکاح (رساله مختصره).

2- کتاب القضاء، تاریخ فراغت / 3 سوال / 1326 ق.

3- مباحث مختلفه من الصلاه.

4- مهمات الاصول (اصول فقه)، دو جلد.

اجتهادی در اثر بیماری و جهت معالجه به تهران رفت، ولی در روز چهارشنبه / 18 جمادی الاول / 1361 ق مطابق با / 13 خرداد / 1321 ش درگذشت. پیکرش به قم حمل و در ابتدای قبرستان حاج شیخ با کد (39200) به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

1- مرحوم محمد اسماعیل 2- آقای محمد رضا، ریاست بانک در تهران.

3- مرحوم عبد الحسین 4- آیت الله شیخ محمد علی، از علمای قم بود 5- آقای دکتر ابو القاسم، دکترای الهیات، ساکن تهران. و سه دختر.

منبع

1- مصاحبه با فرزندش جناب آقای محمد رضا اجتهادی، به تاریخ یکشنبه / 2 صفر / 1421 ق.

**سید ابو الحسن تنکابنی «زاهدی»**

## اشاره

(1263-1373 ق)

سید ابو الحسن فرزند علامه سید عبد الغنی و نوه سید محمد علی حسینی تنکابنی، ملقب به «زاهدی» از علمای برجسته و شیوخ تهران بود.

وی در سال 1263 ق در «سادات محله» رامسر متولد گردید.

ص: 215

پدرش از جمله علمای تحصیل کرده اصفهان که نزد ملا علی نوری و سید محمد باقر شفتی «حجه الاسلام» شاگردی کرده بود. جهت تفصیل بیشتر به بزرگان تنکابن صفحه 341 و بزرگان رامسر صفحه 85 رجوع شود.

## در حوزه های علمیه

سید ابو الحسن پس از طی مقدمات، در سن 15 سالگی به قزوین رفت و حدود پنج سال در آنجا به تکمیل تحصیلات پرداخت. سپس به نجف اشرف مهاجرت و چندی اقامت نمود. آنگاه به سامرا رفت و از محضر آیات: میرزا محمد حسن شیرازی و سید محمد فشارکی اصفهانی بهره مند گردید.

زاهدی، همراه یکی از علمای بزرگ تهران یعنی «علامه سید محمد تقی تنکابنی» به تهران عزیمت نمود و داماد ایشان گردید و در مدرسه مروی به تدریس اشتغال ورزید.

## درگذشت

ایشان در ظهر روز جمعه 25 ربیع ثانی 1373/ق مطابق با 11 دی/1332 ش در سن 110 سالگی در تهران درگذشت پیکرش صبح روز شنبه در تهران و عصر آن روز در قم تشییع و در یکی از اتاقهای قبرستان بیات (واقع در مقابل پل آهنچی) به خاک سپرده شد. فرزندش آقا محمد حسین زاهدی بود.

منابع

1- بزرگان تنکابن 342.

2- بزرگان رامسر 18 (نام پدرش را ابو القاسم نوشته که در حقیقت این نام از آن برادرش می باشد و نیز با ابو الحسن همان صفحه، متحد است).

3- روزنامه «اطلاعات»، مورخ روز شنبه 12 دی 1332/ش، صفحه 2.

4- نقباء البشر 32/1.

5- هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی 53.

ص: 216

(1312-1395 ق)

حاج سید ابو الحسن فرزند علامه سید ابراهیم مشهور به «میرزا خلیل متوفای 1339 ق» و نوه آیت الله سید رفیع طالقانی، معروف به «رفیعی قزوینی» از اعظام علما و بزرگان و اساتید حکمت و فلسفه بود.

وی در سال 1312 ق در قزوین دیده به جهان گشود.

پس از طی مقدمات و ادبیات نزد ملا علی اکبر و ملا محمد علی قزوینی در زادگاه خود، در سال 1332 ق به تهران رهسپار گردید و از محضر آیات: سید محمد تنکابنی، شیخ مسیح طالقانی و شیخ محمد رضا نوری سطح فقه و اصول، و میرزا حسن کرمانشاهی، شیخ محمد هیدجی، میرزا محمود قمی (رضوان) و حاج فاضل رازی در حکمت و فلسفه، و شیخ علی رشتی در ریاضیات و هیئت و نیز از محضر آیات: شیخ عبد النبی نوری، میرزا هاشم اشکوری، ملا محمد زنجانی و میرزا ابراهیم ریاضی زنجانی دروس مختلف اسلامی استفاده نمود.

ایشان در سال 1338 ق به قزوین مراجعت و پس از یک سال توقف مجدداً به تهران بازگشت و به تدریس سطوح و حکمت همت گماشت.

در سال 1341 ق به قم مهاجرت و منحصرأ از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی بهره مند گردید و خود به تدریس اسفار و علوم ریاضی و عرفان اشتغال ورزید و در سال 1349 ق به قزوین مراجعت و تا سال 1380 ق

اقامت داشت و به تدریس و تصنیف اشتغال ورزید. آنگاه به تهران رفت و در «مسجد جمعه» به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت.

## از آثار او

- 1- اسرار الحج، در دو جلد.
- 2- المكاسب.
- 3- النظریه الجوهریه.
- 4- تعلیقات علی تضاریس الأرض (اثر شیخ بهائی).
- 5- تعلیقات علی معطیات اقلیدس.
- 6- تعلیقه علی مناسک الحج (اثر شیخ انصاری).
- 7- تفسیر القرآن المجید.
- 8- تفسیر حروف مقطعه قرآن.
- 9- حاشیه علی الشفاء (اثر ابن سینا).
- 10- حاشیه علی الشواهد الربوبیه (اثر ملا صدرا).
- 11- حاشیه علی العرشیه (اثر ملا صدرا).
- 12- حاشیه علی العروه الوثقی (تا آخر کتاب صوم).
- 13- حاشیه علی أسرار الآیات (اثر ملا صدرا).
- 14- حاشیه علی أسرار الحکم (اثر ملا هادی سبزواری).
- 15- حاشیه علی تعلیقات ملا صدرا علی الشفاء.
- 16- حاشیه علی توضیح المسائل (اثر آیت الله بروجردی).
- 17- حاشیه علی شرح اصول الکافی (اثر ملا صدرا).
- 18- حاشیه علی شرح الاسماء الحسنی (اثر ملا هادی سبزواری).

19- حاشیه علی شرح التجريد (اثر قوشجی).

20- حاشیه علی شرح الملخص فی الهیئہ (اثر قاضی زاده رومی).

ص: 218

- 21- حاشيه على شرح حكمه الاشراق (اثر قطب الدين شيرازى).
- 22- حاشيه على شوارق الالهام (اثر ملا عبد الرزاق لاهيجى)
- 23- حاشيه على كتاب الكره المتحركه.
- 24- حاشيه على كتاب المساكر.
- 25- حاشيه على كتاب المناظر.
- 26- حاشيه على الاشارات و التنبهات (اثر ابن سينا).
- 27- حاشيه على الاسفار.
- 28- حاشيه على الرسائل.
- 29- حاشيه على القبسات (اثر ميرداماد).
- 30- حاشيه على المشاعر (اثر ملا صدرا).
- 31- حاشيه على المكاسب.
- 32- حاشيه على جوامع الكلم (اثر شيخ احمد احسائى).
- 33- حاشيه على شرح المنظومه.
- 34- حاشيه على كتاب الزكاه من مصباح الفقيه (اثر آقا رضا همدانى).
- 35- حاشيه على كفايه الاصول.
- 36- حاشيه على گوهر مراد (اثر ملا عبد الرزاق لاهيجى).
- 37- حاشيه على لوامع الأسرار (اثر قطب الدين محمد رازى).
- 38- حاشيه على مصباح الانس (اثر ابن فنارى).
- 39- حاشيه على مفاتيح الغيب (اثر ملا صدرا).
- 40- حاشيه على مقالات كتاب الاكر (اثر خواجه نصير الدين طوسى).
- 41- حاشيه على مقدمه فصوص الحكيم (اثر قيصرى).



42- حاشیه علی وسیله النجاه (از اصفهانی).

43- حواشی بر سطوح دوائر و اقطاب و دوائر متداخله و متساویه و متقاطعہ و مماس در کره.

ص: 219

44-حول عقائد الاماميه(در ردّ جبّان).

45-حول عقائد الاماميه(در ردّ بر بغدادى).

46-رجعت.

47-رساله در اتحاد عاقل و معقول.

48-رساله در حقيقت عقل.

49-رساله در مبدا و معاد.

50-رساله عمليه.

51-رساله معراج.

52-رساله فى الغساله و احكامها.

53-رسائل فلسفى.

54-شرح حال صدر المتألهين و حركت جوهرية.

55-شرح دعاء السحر.

56-شرح نهج البلاغه(شرح خطبه توحيديه).

57-قاعده لا ضرر.

58-كتاب الحج.

59-كتاب الخمس.

60-كتاب الزكاه.

61-كتاب الصلاه.

62-كتاب الطلاق.

63-كتاب الميراث.

64-كتاب النكاح.

65- مراتب الوجود و كئفئه ظهور الكثره فئها.

66- معاد.

67- مقاله در اراده و مشئت.

ص: 220

68- مقاله در مسح رأس و وضو از حیث عقل.

69- مقاله در وجود رابطی.

70- هدایه الانام (رساله عملیه).

ایشان در روز سه شنبه اول/محرم 1395/ق مطابق با 24 دی 1353/ش در سن 83 سالگی در تهران دار فانی را وداع گفت و در حرم حضرت معصومه علیها السلام -کنار مزار آیت الله حائری یزدی- مدفون گردید.

فرزندش سید ضیاء الدین رفیعی در سال 1419 ق درگذشت و در ابتدای قبرستان ابو حسین قم به خاک سپرده شد.

منابع

1- آثار الحجه 321/2.

2- آینه دانشوران 182.

3- تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدر المتألهین 69 و 111.

4- دایره المعارف تشیع 172/1.

5- گنجینه دانشمندان 466/4.

6- مستدرک أعیان الشیعه 7/3 (تولدش را اشتباه نوشته است).

7- مینودر یا باب الجنه قزوین 363/1 (تولدش را 1313 ق نوشته است).

### شیخ ابو الحسن روحانی شیرازی

(1310-1407 ق)

حاج شیخ ابو الحسن فرزند حاج محمد مهدی روحانی شیرازی، از فضلا و نزدیکان آیت الله بروجردی بود.

وی در سال 1310 ق مطابق با 1271 ش در شهر مذهبی قم دیده به جهان گشود.

پدرش یکی از بازرگانان معتبر و معروف قم که از شیراز به این دیار مهاجرت کرده بود. مرحوم روحانی پس از طی دوره صباوت به تحصیل علوم دینی روی آورد

و پس از طی دوره های مقدماتی و سطح، دروس خارج را از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده نمود. در ضمن از محضر آیات دیگر قم چون آیت الله سید صدر الدین صدر بهره مند شد.

پس از ورود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم یکی از شاگردان و نزدیکان و ملازمان ایشان گردید و بسیاری از کارهای آن زعیم دینی را برعهده گرفت و کار تقسیم شهریه را نیز پذیرفت.

نامبرده پس از درگذشت علامه سید محمد حسن فرزند آیت الله بروجردی نماز جماعت را در مسجد اعظم بر پا نمود. کتابخانه شخصی اش پس از فوت، به کتابخانه مسجد اعظم قم توسط ورثه آن مرحوم اهدا گردید.

از آثار او: تقریرات فقه و اصول بروجردی.

روحانی، در روز دوشنبه 17 جمادی الثانی 1407/ ق مطابق 27/ بهمن 1365 ش در سن 97 سالگی در اثر کهولت سن درگذشت و جسدش در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

منابع

1- آثار الحجج 79/2.

2- اطلاعات متفرقه.

3- رجال قم.

4- گنجینه دانشمندان 163/2.

**سید ابو الحسن شفتی اصفهانی**

**اشاره**

(-1320 ق)

سید ابو الحسن فرزند علامه سید محمد علی و نوه آیت الله سید محمد باقر موسوی شفتی - از مراجع مشهور اصفهان و ملقب به «حجه الاسلام» بود -، از

ص: 222

دانشمندان و بزرگان اصفهان بود.

## در حوزه تهران

وی در سال 1305 ق به تهران مهاجرت کرد و جزو ملازمان و اصحاب آیت الله ملا عبد الرسول فیروزکوهی شد و به تدریس کتب علمی در «مدرسه دارالشفاء» پرداخت.

## درگذشت و اعقاب

ایشان در 12 محرم 1320/ق در تهران درگذشت و جنازه اش به قم حمل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

## فرزندان:

1- سید محمد حسین 2- سید عبد الرحیم 3- سید محمد علی 4- سید فرج الله، مدیر کتابخانه مدرسه فیضیه قم بود.

منابع

1- نقباء البشر (قسمت خطی).

2- نقباء البشر 141/1.

## سید ابو الحسن فاضل بهسودی

## اشاره

(1359-1419 ق)

حاج سید ابو الحسن فاضل فرزند سید محسن مصطفوی و نوه سید مصطفی فرزند سید سلطان بهسودی، از فضلا و دانشمندان افغانی و معروف حوزه علمیه قم بود.

وی در سال 1359 ق مطابق با 1319 ش در روستای کجاب «بهسود» از توابع استان میدان (افغانستان) در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشود.

ص: 223

فاضل قبل از تولد پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی عموی خود حجه الاسلام سید حسن مصطفوی درآمد. پس از نشو و نما نزد او مقدمات را تا قوانین خواند و قوانین و رسائل را نزد حجه الاسلام شیخ خان علی خواتی فرا گرفت، و پس از مراجعت علامه سید محمد سرور واعظ بهسودی «صاحب مصباح الاصول» از نجف اشرف و تأسیس حوزه علمیه محمدیه در کابل، بدان شهر شتافت و باقی مانده سطوح را نزد آن فرزانه آموخت. او در سال 1390 ق مطابق با 1349 ش رهسپار نجف اشرف گردید و باقی سطح را نزد شیخ صدرا بادکوبه ای (کفایه) و شیخ مجتبی لنگرانی (مکاسب) به پایان رساند. در دروس خارج حضرات آیات: سید ابو القاسم خوئی و سید محمد باقر صدر شرکت جست و مبانی علمی خود را استوار ساخت. هم زمان با تحصیل به تدریس کتب سطح و کلام و حکمت پرداخت و شاگردانی را تربیت کرد.

استاد فاضل در اثر مظلومیت و محرومیت ملت افغانستان، در دوران تحصیل به حمایت از این ملت ستم دیده پرداخت و موفق به جلب حمایت علمای نجف نسبت به مجاهدان گردید و به همین خاطر مورد تعقیب و تحت پیگرد نیروهای امنیتی عراق قرار گرفت. از این رو در سال 1403 ق مطابق 1362 ش به قصد حج خانه خدا مشرف شد و از آنجا به سوریه رفت و مدت ده ماه توقف نمود. سرانجام به ایران مهاجرت نمود و در حوزه علمیه قم سکونت اختیار و از مبارزان شیعی کشور خود حمایت کرد و در سال 1405 ق به افغانستان رفت و مردانه قد علم کرد و تا دورترین نقاط ندای خود را رساند و مجاهدان را به وحدت و برادری دعوت نمود و آثار مثبتی در این راستا تحقق یافت.

وی در راه تحقق وحدت و هم بستگی اسلامی، از مؤسسان حزب وحدت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی نظارت و از اعضای عالی قیادی دولت موقت آن کشور بود و در کنار این مجاهدات پیگیر سیاسی، لحظه ای از فکر محرومان و یتیمان نیاسود و برای رسیدگی آنان، دار الایتام و مؤسسه خیریه

خاتم الانبياء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را در داخل کشور خود و برخی شهرهای ایران بنیاد نهاد که به خدمات چشمگیری توفیق یافت و در صدد راه اندازی حوزه علمیه خاتم الانبياء در شهر کابل و شهرک امیر المؤمنین علیه السلام در دامنه های کوه قورق بود. او برای تحصیل و درس آموزی جوانان افغانی گام های بلندی برداشت و به راه اندازی مدارس علمیه:

توحید(در قم) و خاتم الانبياء(در مشهد مقدس) دست یازید.

سالهای آخر عمر را در قم به سر برد و روانه به تدریس سطوح عالی و نیز درس خارج فقه اشتغال داشت. علاوه بر این به تألیف و پژوهش در زمینه های اسلامی و نیز رسیدگی به مراجعات زیاد و مداخله در امور سیاسی کشور متبوع خود، اهتمام نمود.

## از آثار او

1- آراء الذرین(حول الذره و الحركه) 1356 ش، بیروت.

2- الشبهات حول المعتقدات(پاسخهای عقایدی).

3- تفسیر موضوعی(از دروس صدر استفاده شده).

4- تقریرات درس اصول خوئی.

5- تقریرات درس اصول صدر.

6- تقریرات درس فقه خوئی.

7- تقریرات درس فقه صدر.

8- حوار حول المهدي الفاطمي(عجل الله فرجه).

9- خاطرات دوران جهاد.

10- شرح كفايه الاصول.

11- منتهی المطالب فی شرح المكاسب، دو جلد، چاپ شده.

فاضل، پس از عمری تلاش در راه اعلای کلمه توحید و ترویج مذهب تشیع، در سحرگاه چهارشنبه 23 جمادی الثانی 1419/ ق مطابق با 22/ مهر 1377 ش در سن 60 سالگی در قم بدرود حیات گفت و پیکرش در عصر روز جمعه



پس از تشییعی باشکوه و ادای نماز میت توسط آیت الله شیخ حسین وحید خراسانی، در وسط قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

منابع

1- بیدارگر مصلح «یادنامه آیت الله فاضل».

2- مجله آینه پژوهش، سال 1377 ش، شماره 52، ص 112، بقلم شیخ ناصر الدین انصاری.

**شیخ ابو الحسن فقیهی قمی**

**اشاره**

(ح 1302-1359 ق)

شیخ ابو الحسن فرزند ملا محمد و نوه ملا محمود قمی، معروف به «فقیهی». از علما و اساتید حوزه قم بود.

او در حدود سال 1302 ق در قم دیده به جهان گشود.

**تحصیلات**

ایشان پس از طی مقدمات، سطوح را نزد آیات: شیخ غلامرضا قمی «حاج آخوند» و میرزا محمد ارباب قمی به انجام رساند و خارج را از محضر آیات:

حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سید ابو الحسن اصفهانی (چند ماه) استفاده نمود و به تدریس سطح در مدرسه جانی خان پرداخت.

**از آثار او**

حاشیه علی کفایه الاصول، به نام «در».

فقیهی در شهریور 1319/ ش مطابق با شعبان 1359/ ق در حدود سن 57 سالگی در اثر بیماری قولنج روده در قم رحلت نمود و در جوار مزار شیخ ابو الصلت - واقع در پائین شهر خیابان آذر - مدفون شد.

فرزندش استاد علی اصغر فقیهی، تولد ایشان در سال 1336 ق در «محلّه آلوچو»

ص: 226

قم اتفاق افتاد. وی از اساتید معروف و دانشمندان روشنفکر و محققان رشته های تاریخ و ادبیات می باشد.

مؤلف علی اصغر فقیهی قمی

استاد فقیهی مقدمات را در مدرسه «جانی خان» آغاز و منطق را نزد علامه شیخ عبدالحسین ابن الدین آموخت. سپس برخی از کتب سطح را نزد پدر ارجمند خود و آیت الله سید شهاب الدین مرعشی (درس مکاسب) فرا گرفت. وی در سال 1356 ق به تهران رهسپار شد و در دانشکده معقول و منقول از اساتیدی ارجمند، چون:

محمد حسن بدیع الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار (ادبیات عرب)، پروفیسور محسن هشترودی (ریاضیات استدلالی)، دکتر حسین گل گلاب (طبیعیات)، میرزا ید الله نظر پاک و میرزا محمود شهابی (ادبیات عرب) بهره مند شد و موفق به اخذ درجه لیسانس گردید.

استاد فقیهی پس از انجام تحصیلات در سال 1359 ق به قم مراجعت نمود و به تدریس در دبیرستانها پرداخت. وی سالهای متمادی به تدریس مواد مختلف اشتغال داشت و حدود 31 سال در آن سامان دبیری موفق بود و سرانجام در سال 1350 ش

ص: 227

مطابق با 1391 ق بازنشسته گردید و به تهران انتقال یافت و فعالیتهای فرهنگی خویش را ادامه داد و در دبیرستانهای علوی و نیکان به تدریس پرداخت و طلاب افتخار شاگردی ایشان را پیدا کردند.

نامبرده از سال 1327 تا 1330 ش ریاست دبیرستان معروف «حکیم نظامی» قم را برعهده داشت که این دوره، یکی از مهمترین افتخارات زندگی اش به حساب می آید.

### **آثار قلمی اش به شرح زیر است:**

- 1- آل بویه و اوضاع زمان ایشان.
- 2- اصطلاحات تاریخی و جغرافیائی و ادبی (خطی).
- 3- ایران در جنگ گذشته (جنگ بین الملل اول).
- 4- تاریخ مذهبی قم.
- 5- تاریخ و جغرافیای بحرین.
- 6- تاریخ و عقاید وهابیان.
- 7- ترجمه نهج البلاغه، در دو جلد که در سال 1374 ش در 900 صفحه به چاپ رسید.
- 8- جغرافیای کشورهای اسلامی و تاریخ اسلام، در دو جلد که در سال 1334 ش به چاپ رسید.
- 9- چگونگی فرمانروائی عضد الدوله دیلمی و بررسی اوضاع ایران در زمان آل بویه.
- 10- حج آن طور که من رفتم (سفرنامه حج).
- 11- خاطرات، در دو دفتر.
- 12- دستور زبان فارسی.
- 13- دستورهای املاء و انشاء.
- 14- راه خداشناسی یا خلاصه توحید مفضل (ترجمه).

15- سیر القاب و عناوین در اسلام و ایران.

16- عهدنامه مالک اشتر (ترجمه).

17- قم در گذشته و حال (خطی - به صورت مقالات نگارش یافته است).

18- گذشته خوزستان (سلسله مقالات چاپ شده در هفته نامه «سرچشمه» قم).

19- وهابیان (بررسی و تحقیق گونه ای درباره عقاید و تاریخ فرقه وهابی - مکررا چاپ شده است).

شرح حال فوق از زبان ایشان در تاریخ صبح روز چهارشنبه 11 مرداد/ 1374 ش در منزل شان در قم یادداشت گردید. جهت تفصیل بیشتر و دستیابی به آثار و زندگانی او به سالنامه «دبیرستان حکمت قم»، سال 1336-1337 ش، ص 36 و مؤلفین کتب چاپی 471/4 و مصاحبه ایشان با کیهان فرهنگی، رجوع شود.

منابع

1- آینه دانشوران 259.

2- اظهارات فرزند ارجمند ایشان استاد علی اصغر فقیهی به نگارنده.

**شیخ ابو الحسن فقیهی گیلانی**

**اشاره**

(1321-1388 ق)

حاج میرزا ابو الحسن فرزند آیت الله شیخ شعبان و نوه شیخ مهدی رشتی گیلانی که به «فقیهی» شهرت داشت. یکی از خطبا و وعاظ زبردست و معروف بود.

او در اواخر سال 1321 ق در نجف اشرف متولد گردید.

پدرش شیخ شعبان گیلانی (1275 ق در گیلان - 24 شوال 1348/ ق در نجف اشرف)، از فقها و مدرسان بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف بود. ایشان تحصیلات خود را ابتدا در قزوین نزد اساتیدی چون: شیخ عبد الوهاب بهشتی و سید علی قزوینی «صاحب حاشیه بر قوانین» به پایان رساند، سپس به نجف اشرف

ص: 229

عزیمت کرد و از محضر آیات: میرزا حبیب الله رشتی، ملا محمد فاضل ایروانی، ملا محمد فاضل شریبانی، شیخ محمد حسن مامقانی و شیخ عبد الله مازندرانی به پایان برد. آنگاه خود اقدام به تدریس و تربیت طلاب و نگارش کتب علمی پرداخت. از آثار قلمی او می توان به: 1- کتاب القضاء فی الاسلام 2- أحكام الخلل 3- صلاه المسافر 4- کتاب المتاجر 5- اصول الفقه 6- حاشیه علی العروه الوثقی 7- رساله عملیه اشاره کرد. جهت تفصیل بیشتر به نقباء البشر 838/2 و مقدمه کتاب «القضاء فی الاسلام» رجوع شود.

## تحصیلات

شیخ ابو الحسن ادبیات فارسی و ادبیات عرب را نزد: شیخ اسماعیل تنکابنی، شیخ شمس الدین بادکوبه ای (در منطق)، شیخ ابراهیم مدرس رشتی، شیخ حسین سلماسی و سید محمد کاظم نحوی یزدی فرا گرفت و سطوح را نزد آیات: میرزا ابو الحسن مشکینی و میرزا باقر زنجانی به پایان برد و سپس به ایران عزیمت نمود و در شهر رشت سکونت اختیار کرد و به وعظ و ارشاد اشتغال ورزید.

وی دارای اجازاتی است از حضرات آیات: شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، سید ابو الحسن اصفهانی، سید حسین طباطبائی بروجردی و شیخ آقا بزرگ تهرانی بود.

## از جمله آثار قلمی اش

1- اسرار عشق یا دریای محبت، ترجمه بحر المحبه فی أسرار الموده-تفسیر سوره یوسف علیه السلام-

2- ترجمه کتاب ارث لمعه.

3- خلفای بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

4- شرح دعای صباح.

5- شرح صمدیه در نحو.

ص: 230

فقیهی در روز سه شنبه 2/صفر/1388 ق مطابق با 10/اردیبهشت/1347 ش در سن 67 سالگی در رشت در اثر سکتۀ قلبی بدرود حیات گفت و در قبرستان ابو حسین قم-مقبره العلماء- مدفون گردید.  
فرزند وی، دانشمند محترم مرحوم شیخ محمد علی فقیهی است.

منابع

1-اطلاعاتی از فرزند ایشان.

2-مقدمۀ کتاب القضاء فی الاسلام، به قلم شیخ مرتضی مدرس

برادرش شیخ مرتضی مدرس گیلانی، ص 11.

3-مؤلفین کتب چاپی 163/1.

4-نقباء البشر 838/2(در ضمن شرح حال پدرش عنوان شده است).

**میرزا ابو الحسن قمی «صادقی»**

**اشاره**

(-1347 ق)

میرزا ابو الحسن فرزند آیت الله ملا محمد صادق قمی و پدر آیت الله شیخ مصطفی صادقی و یکی از بزرگان و دانشمندان سرشناس قم بود.

**تحصیلات در حوزه نجف اشرف**

وی پس از انجام سطوح به نجف اشرف عزیمت نمود و از محضر علمای آن سامان از جمله آیت الله میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده نمود و به قم مراجعت کرد و به ارشاد و هدایت پرداخت و تولیت مدرسۀ علمیۀ مرحوم والدش را در

ص: 231

## درگذشت

وی در روز پنج شنبه 2/جمادی ثانی 1347/ق مطابق با 24/آبان/1307 ش درگذشت و در قبرستان شیخان قم-در جوار مزار پدر خود- به خاک سپرده شد.

منبع

1-نقباء البشر 36/1

## میرزا ابو طالب قمی

## اشاره

(-1249 ق)

میرزا ابو طالب فرزند ابو الحسن حسینی قمی، داماد میرزا ابو القاسم گیلانی (میرزای قمی) مؤلف قوانین الاصول، و از علمای بزرگ و معروف قم و جدّ سادات میرزائی و سیدی بود.

در اعیان الشیعه وی را چنین معرفی نموده است: «الفقیه المتکلم، المحدث الاصولی، صهر الفاضل القمی علی ابنته. تلمذ لدى الفاضل المذكور و له منه اجازة...».

و در الکرام البرره، اثر شیخ آقا بزرگ تهرانی آمده است: «کان من علماء قم الاجلاء و أئمة الجماعه الموثقین و کان صهر المیرزا القمی مؤلف القوانين...، أن المحقق القمی أعطاه نسخه القوانين التي هی بخطه و کان يقدمه علی صهره المیرزا ابی طالب. یعنی المترجم، و هذا ما يدل علی مكانه المترجم عند القمی بحیث یری تقدیم الغير علیه فضیله و تجلیلا و من احفاد المترجم المیرزا فخر الدین شیخ الاسلام».

از آثار قلمی ایشان: «سؤال و جواب» که نسخه خطی آن نزد آقای سید حسن

ص: 232

سیدی، نواده صاحب شرح حال محفوظ است.

در ضمن زمینهایی را جهت مصارف خیریه در اطراف و داخل شهر قم وقف نموده که تولیت آنها بدست فرزندان و نوه های ایشان بوده و هست، و قسمتی از آثار خطی را که در اختیار داشت به آستانه مقدسه قم اهدا نموده است.

وی به تاریخ جمادی اول 1249/ق در قم درگذشت، و در قبرستان شیخان، در نزدیکی قبر زکریا بن آدم مدفون گردید.

### فرزندانش عبارتند از:

1- سید محمد 2- سید موسی 3- علامه سید محمد رضا.

منابع

1- اعیان الشیعه 368/2 (سال مرگش را 1242 ق دانسته است).

2- الکرآم البرره 39/1 (اشتباهها شیخ ابتدای اسمش آمده است).

3- تاریخ قم 250.

4- رجال قم 89.

5- گنجینه دانشمندان 130/1.

### سید ابو طالب محمودی گلپایگانی

(1414-1344 ق)

حاج سید ابو طالب محمودی گوگدی گلپایگانی، امام جمعه گلپایگان و اراک بود.

وی در سال 1344 ق برابر با 1304 ش در «گوگد» گلپایگان دیده به جهان گشود. ادبیات و برخی مقدمات عالی را نزد شیخ محمد هادی شریعت زاده (همشیره زاده آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی) آموخت. آنگاه به حوزه علمیه قم رهسپار شد و رسائل و مکاسب را نزد سید روح الله خمینی و کفایه را نزد شیخ عبدالحسین فقیهی گیلانی تلمذ کرد. دروس خارج را از محضر آیات: سید حسین

ص: 233



طباطبائی بروجردی و سید محمد رضا گلپایگانی استفاده نمود.

آنگاه از سوی آیت الله گلپایگانی به شهرستان آباءه (استان فارس) رفت به مبارزه سیاسی و خدمات مذهبی و فکری پرداخت. سرانجام از آباءه به وسیله بهائیان رانده شد و به تهران عزیمت نمود و در مسجد زعیم (میدان منیریه) به اقامه جماعت و تدریس و هدایت اهتمام ورزید.

او پس از پیروزی انقلاب، طی سه دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (از سال 1358 ش تا 1370 ش) به نمایندگی مردم گلپایگان و خوانسار برگزیده شد. در کنار آن به امامت جمعه گلپایگان نیز منصوب شد. در اوایل سال 1371 ش به امامت جمعه اراک تعیین گردید و تا پایان عمر در این سمت بود.

سرانجام در بامداد روز 17 ربیع الاول 1414/ق برابر با 15 شهریور/1372 ش در سن 70 سالگی بر اثر سانحه تصادف بدرود حیات گفت. پیکرش ابتدا در اراک تشییع و بعداً در قم، و در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

منبع

1- برگرفته از نوشته های آقای شیخ ناصر الدین انصاری قمی.

**سید ابو طالب مدرسی یزدی**

**اشاره**

(ح 1310-1380 ق)

حاج سید ابو طالب مدرسی فرزند علامه سید محمد و نوه سید حسن مدرس طباطبائی یزدی، از علمای ساکن تهران بود.

او در حدود سال 1310 ق در یزد دیده به جهان گشود.

مدرسی در سن نوجوانی همراه پدر خود به تهران رفت و پس از آموختن مقدمات و سطح نزد علمای تهران از جمله پدر خود، به نجف اشرف مهاجرت نمود و از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید

ص: 234

ابو الحسن اصفهانی خارج فقه و اصول را بهره مند شد. سپس به ایران مراجعت کرد و ابتدا به تهران رفت و بعداً در قم سکونت اختیار کرد و به تدریس سطح پرداخت.

وی در قم از نزدیکان و مقربان آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی بود و از طرف معظم له جهت ارشاد و اقامه جماعت در «مسجد ارک» مجدداً به تهران عزیمت نمود.

## از آثار قلمی او

حاشیه علی وسیله النجاه (از اصفهانی).

علامه مدرسی در ربیع الثانی 1380/ ق مطابق با مهر 1339/ ش در تهران درگذشت و پیکرش به قم حمل و در حرم حضرت معصومه علیها السلام - مسجد بالاسر - به خاک سپرده شد. وی دارای اولادی نشد و کتابخانه اش به کتابخانه مسجد اعظم قم اهدا گردید.

منابع

1- آثار الحجه 239/2.

2- آینه دانشوران 523.

3- النجوم السرد بذكر علماء یزد (خطی - سید جواد مدرسی).

4- حوادث الایام (خطی).

5- گنجینه دانشمندان 450/7.

## سید ابو طالب مرعشی شهرستانی

### اشاره

(ح 1300-1391 ق)

سید ابو طالب فرزند آیت الله سید محمد حسین و نوه علامه سید محمد علی حسینی مرعشی شهرستانی، از فضلا و دانشمندان بود.

وی در حدود سال 1300 ق در کربلای معلای دیده به جهان گشود.

ص: 235

پدرش سید محمد حسین (1255 در کرمانشاه-1315 ق) از مشاهیر فقها و علمای کربلا بود و از لحاظ مادری نسبش به علامه بزرگ، فقیه و اصولی نامدار آقا محمد باقر وحید بهبهانی می‌رسد. او از شاگردان پدر ارجمند خود و ملا حسین فاضل اردکانی در کربلا بود و در علوم عقلی و نقلی مهارت کامل داشت. از جمله آثار قلمی اش می‌توان به: 1- الاستصحاب 2- حجیه المظنه 3- رساله فی الخمس 4- الخیارات 5- سبیل الرشاد فی شرح نجاه العباد 6- الصحیفه الحسینیه 7- الغدیریه 8- غایه المسئول و نهایه المأمول فی علم الاصول 9- نان و دوغ 10- رساله فی الید جهت تفصیل بیشتر به نقباء البشر / 2/ 627 و معجم مؤلفی الشیعه 229 رجوع شود.

سید ابو طالب پس از رشد و نما ادبیات را نزد علامه شیخ علی مدرس یزدی به پایان برد و فقه و اصول را از محضر آیت الله سید محمد بحرانی (پدر آیت الله سید محمد طاهر بحرانی) استفاده نمود و بعداً به افتخار دامادی همین استاد نایل آمد.

علامه شهرستانی سرانجام به کرمانشاه نقل مکان کرد و در آنجا به ارشاد و هدایت پرداخت.

## از آثار او

1- الروح.

2- تعالیک بر کتاب نان و دوغ (اثر پدر خود).

ص: 236

3- خلاصه العربيه.

4- راه سعادت، چاپ شده.

ایشان در روز شنبه 6 ذی القعدة 1391/ ق مطابق با 4 دی 1350/ ش درگذشت. پیکرش در مقبره العلماء قبرستان ابو حسین قم به خاک سپرده شد.

منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- اعلام من کربلاء (خطی - خوشحالت حائری).

**ابو الفتح میرزا قاجار «مؤید الدوله»**

**اشاره**

(-1330 ق)

ابو الفتح میرزا «مؤید الدوله» پسر بزرگ سلطان مراد میرزا «حسام السلطنه» و نوه عباس میرزا نایب السلطنه و داماد ناصر الدین شاه قاجار، از مردان باکفایت بود که سجع مهر وی چنین بوده: «مؤید الدوله ابو الفتح راد، صهر شه و گوهر سلطان مراد».

در سال 1287 ق که سلطان مراد میرزا «حسام السلطنه» به حکومت یزد تعیین و یا حکومت به وی واگذار شد، او خودش نرفت و ابو الفتح میرزا را به پیشکاری میرزا محمد حسین مستوفی تفرشی «ناظم الملک» به حکومت یزد فرستاد و در سال 1288 ق که حسام السلطنه علاوه بر حکومت یزد، برای بار چهارم به «حکمرانی خراسان» نیز تعیین گردید، در همین سال که حکومت یزد به امیر دوست محمد «معیر الممالک» داماد دیگر ناصر الدین شاه واگذار گردید. در عوض آن، حکومت اصفهان به حسام السلطنه داده شد. و او این بار نیز ابو الفتح میرزا پسر خود را به پیشکاری میرزا محمد حسین ناظم الملک به حکومت اصفهان فرستاد. ناظم الملک در همین سال درگذشت و به جای او حسین قلی مافی «نظام السلطنه» به سمت وزارت و پیشکاری (معاونت و ریاست دارائی) ابو الفتح میرزا از طرف حسام السلطنه تعیین گردید. در 1293 ق که حسام السلطنه به جای بدیع الملک میرزا «حشمت السلطنه» حاکم کردستان

ص: 237

و کرمانشاه شد. حسام السلطنه در مقر حکمرانی خود کرمانشاه بود و ابو الفتح میرزا پسر خود را نیابتاً به حکومت کردستان تعیین و روانه نمود. و در سال 1298 ق ملقب به «مؤید الدوله» شد و تا سال 1299 ق به حکمرانی کردستان برقرار بود.

### حاکم زنجان و گیلان

در این سال که حکومت کردستان نیز جزو چندین حکومت ظل السلطان گردید، مؤید الدوله به جای الله قلی ایل خانی به حکومت زنجان تعیین و فرستاده شد. و بعد در سال 1301 ق ناصر قلی عمید الملک به جایش تعیین گردید. چون حکومت گیلان تحت نظارت کامران میرزا نایب السلطنه بود، از این جهت مؤید الدوله شوهر خواهر و برادرزنی در سال 1303 ق از طرف مشارالیه به حکومت گیلان منصوب شد و تا سال 1305 ق حکومتش در آنجا ادامه داشت.

ادوارد براون در کتاب خود «انقلاب ایران»، در جایی که از شیخ احمد روحی و میرزا آقا خان کرمانی نام می برد، چنین گوید: از آنجا (تهران) به رشت رفتند و چندی مهمان مؤید الدوله حکمران دانشمند بودند، ولی همین که حکمران فهمید که آنها مورد بی مرحمتی ناصر الدین شاه هستند بیرونشان کرد و از آنجا به استانبول رفتند.

در سال 1305 ق حکومت هایی که زیر نظر و سلطه ظل السلطان و کامران میرزا نایب السلطنه پسران ناصر الدین شاه بود از هر دو نفر منتزع گردید. از آن جمله حکومت گیلان بود که از کامران میرزا نیز گرفته شد. در این هنگام ابو النصر میرزا حسام السلطنه برادرزن دیگر نایب السلطنه، به جای مؤید الدوله برادر بزرگتر به حکومت گیلان تعیین و فرستاده شد و تا سال 1308 ق حکومت برادر کهتر در آنجا ادامه داشت. لکن در این سال دوباره مؤید الدوله برای بار دوم به حکومت گیلان منصوب گردید و تا 1310 ق حاکم بود و در شعبان 1310 ق تغییر مأموریت داده به جای میرزا فتح علی شیرازی «صاحب دیوان»، استاندار خراسان و متولی باشی آستان قدس رضوی گردید. روابط بین مؤید الدوله و امین السلطان «صدر اعظم»

بسیار خوب بود. مثلاً پس از اینکه از حکومت گیلان معزول و به حکومت خراسان منصوب شد. هنگامی که از گیلان به تهران آمد به خانه صدر اعظم وارد و منزل کرد.

همین طور در آنجا بود تا اینکه به خراسان عزیمت نمود.

### یادداشتی از اعتماد السلطنه

محمد حسن اعتماد السلطنه در یادداشت‌های روزانه خود (22 شعبان/1310 ق) می‌نویسد: «شب هم سفارت انگلیس مهمان بودم. غیر از من و مؤید الدوله و دو نفر کسی دیگر نبود. سفیر انگلیس می‌گفت که: دولت ایران می‌خواهد عهدنامه گمرکیش را تغییر بدهد، یعنی در عوض صد و پنج، صد و هشت بگیرد. ما حرفی نداریم، اما اگر این پول را به خواهد صرف لهو و لعب کند یا خرج ملیجک و امین اقدس نماید و برای بهبودی مملکت کاری نکنند راضی نخواهیم شد».

اعتماد السلطنه نیز می‌نویسد: 29 شوال/1310 ق... و آنچه مشهور است مؤید الدوله لدی الورود خراسان، ده نفر را کشته است.

وی در سال 1325 ق والی فارس بود و بعد در همین سال معزول و به جایش حسین قلی مافی «نظام السلطنه» منصوب شد.

مؤید الدوله در سال 1330 ق درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام - مقبره محمد شاه قاجار - مدفون گردید.

منبع

1- شرح حال رجال ایران 51/1.

### سید ابو الفضل تولیت قمی

(1322-1399 ق)

حاج سید ابو الفضل فرزند سید محمد باقر و نوه سید حسین متولی باشی، معروف به «تولیت» و «مصباح» از معاریف و خدمتگزاران قم بود.

ص: 239

وی در سال 1322 ق مطابق با 1283 ش در قم پای به عرصه گیتی نهاد.

آقای تقی طاهری در مقاله خود تحت عنوان «تولیت» در دایره‌المعارف تشیع درباره ایشان چنین می نویسد: «...مرحوم تولیت در قم متولد شد و تحصیلات اولیه خود را در مدرسه باقریه که توسط پدرش به سبک جدید تأسیس یافته بود، شروع کرد و ادبیات فارسی و عربی و دیگر علوم متداول را به نحو شایسته ای نزد استادان زمان خود فرا گرفت. در هنر نقاشی و خطاطی ید طولایی داشت و آثار جالبی در این موارد از وی به یادگار مانده است.

تولیت مانند پدر خود، مرد دین و سیاست بود و هفت دوره پیاپی نمایندگی مردم قم را در مجلس شورا عهده دار بود و خدمات سیاسی و اجتماعی قابل توجهی را انجام داد. اهالی قم علاقه وافری به ایشان داشته و با رضای خاطر به ایشان رأی می دادند. منزل ایشان پیوسته محل مراجعات و خواسته های مردم قم بود، بالاخص در ایام عزاداری خامس آل عبا علیه السلام و عاشورای حسینی دسته جات عزادار برای عرض تسلیت ابتدا به آستانه معصومه علیها السلام و سپس به منزل مرحوم تولیت روی آورده و با سینه زنی و نوحه خوانی به انجام مراسم می پرداختند.

در پایان دوره هفدهم مجلس شورا به سبب حمایت بی دریغ تولیت از دکتر محمد مصدق و شرکت در رفراندوم مردادماه 1332/ش از حق انتخاب شدن به نمایندگی مردم قم از طرف رژیم سلطنتی محروم گردید. ولی همچنان از توجه اهالی شهرستان قم و محبت محافل روحانی مخصوصا از عنایات خاصه مرحوم آیت الله بروجردی بهره مند و کامیاب بود.

تولیت به علت فعالیت های سیاسی مخالف رژیم شاه بعد از کودتای 28 مرداد 1332/ش از طرف حکومت وقت مکررا تحت فشار قرار می گرفت. در سال 1341 ش از حق شرعی و قانونی اداره آستانه طبق فرمان شاه محروم شد و به علت عدم استقبال از شاه در قم در بهمن ماه آن سال، به مدت شش ماه زندانی گردید. بار

دیگر در مردادماه 1347/ش و آخرین بار در دی ماه 1348/ش به دستور دادرسی ارتش و به اتهام واهی استفاده مجعول از نام و عنوان تولیت بازداشت و پس از ماه ها زندانی، آزاد گردید. در زندان آخرین، مبتلا به عارضه قلبی شد...

مرحوم تولیت دارای فکری باز و روشن و دیدی وسیع و جهانی بود. علاوه بر زیارت مکرر خانه خدا و عتبات عالیات به کشورهای آسیائی و اروپائی نیز سفر کرد.

همه جا در این اندیشه بود که اسلام از راه پیشرفت علمی و فرهنگی و اجتماعی در سطح جهانی به اعلا درجه کمال خود برسد و در برابر هجوم تمدن غرب استقامت و پایداری کند و یکی از راه های رسیدن به این هدف را، تربیت دانشمندان و بزرگان علم و دانش و سیاست می دانست و در اثر همین اندیشه تمام ثروت خود را وقف کرد و با تأسیس «شرکت سهامی طاهر قم» با سهام بی نام آزاد در اختیار کارهای خیری خود قرار داد.

در اواخر زندگی اعتبار احداث شهرکی را در سالاریه تأمین نمود که پس از وفات ایشان تکمیل و اکنون به نام «شهرک امام» یا «بنیاد مسکن» موسوم است.

دایره المعارف تشیع در نتیجه افکار و اندیشه های فرهنگ پروری تولیت و به یاد ایشان در 1361 ش تأسیس شد و تدوین آن آغاز گردید».

چنان که اشاره رفت وی نماینده مجلس شورای ملی از قم در دوره های یازدهم (1316 ش مطابق با 1356 ق) و دوازدهم (1318 ش مطابق با 1358 ق) و سیزدهم (1320 ش مطابق با 1360 ق) و چهاردهم (1322 ش مطابق با 1363 ق) و پانزدهم (1326 ش مطابق با 1366 ق) و شانزدهم (1328 ش مطابق با 1369 ق) و هفدهم (1331 ش مطابق با 1371 ق) بود.

تولیت سرانجام در روز جمعه 2/رمضان 1399/ق مطابق با 5/مرداد 1358 ش در سن 77 سالگی در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در کنار مسجدی که خود در بنیاد مسکن، احداث کرده بود، به خاک سپرده شد. وی داماد علامه سید



حسام الدین میرزائی قمی بود که دارای اولاد نشد.

منابع

1- دایره‌المعارف تشیع 158/5 (تولدش را در سال 1289 ش دانسته است).

2- رجال قم 86.

3- گنجینه دانشوران 213.

4- نمایندگان مجلس شورای ملی 315.

### میرزا ابو الفضل حلال زاده اردبیلی

(-1384 ق)

میرزا ابو الفضل حلال زاده فرزند علی اردبیلی، یکی از ارباب فضل و دانش که در زهد و تقوی نیز معروف بود.

وی پس از پایان دوره متوسطه دبیرستانی وارد حوزه علمی اردبیل شد و در مدرسه ملا ابراهیم تحصیل و تدریس می نمود، سپس عازم قم گردید و از محضر سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» استفاده برد و جزو هم‌بختان استاد شیخ مرتضی مطهری بود و پس از مدتی کوتاه در سال 1366 ق به نجف اشرف عزیمت، و از محضر آیت الله سید ابو القاسم خوئی فقها و اصولا استفاده نمود و مورد توجه خاص استاد قرار گرفت. وی نیز از محضر آیت الله میرزا باقر زنجانی استفاده کرده بود.

جناب حجه الاسلام سید فخر الدین اردبیلی «ننه کرانی» که با ایشان الفت و دوستی داشته وی را چنین می شناساند: «در مدرسه صدر نجف به تدریس و مباحثه می پرداخت، و جدا مردی معتقد و خوش فهم و با ذکاوت بود، یکی از خصلت های وی علاقه خاص بر خاندان رسالت بود. زیارتش ترک نمی شد و همواره زیارت عاشورا را در بالای سر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می خواند و به عبارت کوتاه: مردی بود که خدا را به نظر می آورد».

ص: 242

ایشان پس از نه سال اقامت در حدود سال 1375 ق به اردبیل بازگشت، و کتابخانه مجللی در مدرسه ملا ابراهیم احداث نمود و در مسجد «عالی قاپو» به اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال داشت.

از آثار او: تقریرات اصول.

سرانجام در 24 محرم 1384/ ق مطابق با 15 خرداد 1343/ ش در پی بیماری سل در تهران درگذشت و پیکرش را به قم حمل و در قبرستان ابو حسین - مقبره العلماء - به خاک سپرده شد.

منبع

1- تاریخ اردبیل و دانشمندان 372/2.

**میرزا ابو الفضل زاهدی قمی**

**اشاره**

(1309-1398 ق)

حاج میرزا ابو الفضل فرزند علامه شیخ محمود واعظ و نوه حسین زاهدی قمی، از علمای متقی و سرشناس قم بود.

ص: 243

وی در 15/شعبان 1309/ق در قم متولد شد(البته روی سنگ قبر 1306 ق حک گردیده است).

## تحصیلات عالی

ایشان پس از طی مقدمات، سطوح را نزد سید محمد فرزند سید عبد الله برقی تلمذ کرد و دروس خارج را در محضر آیات: شیخ ابو القاسم قمی «کبیر» و حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و حکمت را نزد میرزا علی اکبر حکمی یزدی «تجلی» استفاده نمود.

## مهاجرت به تهران و بازگشت

وی پس از درگذشت حاج شیخ عبد الکریم حائری (در سال 1355 ق) به تهران مهاجرت کرد و به وعظ و ارشاد و اقامه جماعت در «مسجد جمعه» پرداخت و پس از مراجعت به قم، به اقامه جماعت در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و به گفتن تفسیر قرآن، اشتغال ورزید.

شیخ ابو الفضل زاهدی قمی / سید محمد رضا گلپایگانی / سید محمد حسن طباطبائی بروجردی

ص: 244

## از آثار او

- 1- اثبات المعلوم فی نفی المفهوم.
- 2- ارغام الکفره فی تفسیر سوره البقره.
- 3- أقسام الدین.
- 4- تسهیل الأمر فی بحث الأمر.
- 5- تعالیق علی جواهر الکلام.
- 6- توضیح المسائل.
- 7- حاشیه علی العروه الوثقی.
- 8- رساله فی أفعال و ما افعال (حول استخدام صیغ التفضیل فی الحدیث)
- 9- رساله فی الشرط و آثاره.
- 10- رساله فی نفی الضرر.
- 11- مقصد الحسین علیه السّلام.
- 12- منطق الحسین علیه السّلام.

## درگذشت

علامه زاهدی در روز شنبه 22 ربیع الثانی 1398/ ق با 12 فروردین/ 1357 ش در سن 89 سالگی در قم بدرود حیات گفت و پیکرش در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

منابع

- 1- آثار الحجّه 36/2.
- 2- آینه دانشوران 209 (تولدش را در سال 1308 ق نوشته است).
- 3- تاریخ قم 283.

4-رجال قم 86.

5-گنجینه دانشمندان 165/2.

ص:245

**اشاره**

(1319-1395 ق)

مدیر هفته نامه استوار.

طهماسبی در سال 1319 ق مطابق با 1280 ش در قم متولد گردید.

**خدمات مطبوعاتی**

وی پس از طی تحصیلات در علوم دینی، رو به خدمات مطبوعاتی آورد و آن را از سال 1314 ش آغاز کرد و در سال مذکور هفته نامه «استوار» را در قم انتشار داد که سالهای متمادی ادامه داشت.

او دارای مشی آزادی خواهانه و مدافع راستین مردم بود، به همین علت مورد تعرض جرح و شتم مخالفین واقع شد، ولی همچنان به اصول افکار خود پایبند بود.

وی در روز جمعه 22 رجب 1395/ ق مطابق با 10 مرداد 1354/ ش درگذشت و پیکرش در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

منابع

1- چهره مطبوعات معاصر 192 و 237.

2- رجال قم 86.

**سید ابو الفضل مجاهدی بروجردی**

**اشاره**

(1306-1378 ق)

حاج سید ابو الفضل مجاهدی فرزند سید محمد رحیم و نوه سید محمد کاظم بروجردی، از فضلا و محققان متبحر بود.

تولدش در سال 1306 ق در بروجرد اتفاق افتاد.

وی عالمی خبیر و مورخی بصیر و در مکارم اخلاقی مخصوصاً عزّت نفس و مناعت طبع و صراحت لهجه، زبانزد همگان بود. مدتی در محضر آیت الله شیخ محمد حسین غروی و سپس در حوزه درس آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی استفاضه کرد. و در کوی «دودانگه» بروجرد در «مسجد سرپل» به اقامه جماعت و گفتن تفسیر و تدریس طلاب و تبلیغ معارف اسلامی اشتغال داشت.

مجاهدی در روز چهارشنبه اول/ ربیع الثانی 1378/ ق مطابق با 23/ مهر 1337/ ش در بروجرد درگذشت. پیکرش را به قم حمل و در وسط قبرستان حاج شیخ به شماره (19281) دفن کردند.

### فرزندانش:

1- سید ابو الحسن 2- سید عبد الله 3- سید محمود مجاهدی.

منبع

1- تاریخ بروجرد 564/2.

سید ابو الفضل نبوی قمی

اشاره

(1344-1412 ق)

حاج سید ابو الفضل فرزند علامه سید علی و نوه سید عبد الهادی حسینی نبوی قمی، از علمای و گویندگان برجسته حوزه علمیه قم بود.

ص: 247

## در حوزه علمیه قم

پس از طی دوره مقدمات، سطوح را نزد آیات: شیخ یوسف شاهرودی، شیخ محمد علی حائری کرمانی، شیخ عباسعلی شاهرودی، شیخ فاضل لنکرانی و سید محمد داماد یزدی تلمذ کرد. در ضمن هیئت و نجوم را از محضر میرزا محمد اردبیلی «ظاهری» و شیخ محمد محقق لاهیجی و علم فلسفه و کلام را نزد شیخ علی حکمی «ناسوتی» و سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» و رجال را در محضر آیت الله سید شهاب الدین مرعشی آموخت.

## دروس خارج در قم و نجف اشرف

دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید صدر الدین صدر و سید محمد تقی خوانساری استفاده نمود. سپس به نجف اشرف عزیمت کرد و از محضر آیت الله میرزا عبد الهادی شیرازی، سید محسن طباطبائی حکیم، شیخ حسین حلی، سید محمود شاهرودی و سید ابو القاسم خوئی بهره مند گردید. آنگاه به قم مراجعت نمود و سالهای متمادی از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی و آیت الله شیخ عبد النبی عراقی نهایت استفاده را برد و به درجه اجتهاد دست یافت.

وی دارای اجازاتی از آیات: طباطبائی بروجردی، خوانساری، عراقی، سید



حسن فرید اراکی، سید محمد حجت، حاج آقا بزرگ تهرانی، میرزا عبد الهادی شیرازی و شیخ حسین حلی بود.

سید سندی طباطبائی کربلائی سید ابو الفضل نبوی مؤلف

## از آثار او

- 1- ارغام المبارز فی اثبات المعاجز.
- 2- اشعه ای از سوره نجم.
- 3- إضاءه السراج فی اثبات المعراج.
- 4- الكوكب الدرّی فی شرح حدیث عنوان البصری.
- 5- المقالات النبویه فی جواب بعض الشبهات الدینیّه.
- 6- امرای هستی در ولایت تکوینی.
- 7- أسرار العوالم فی مصاحبه موسی علیه السّلام مع العالم.
- 8- بدر الدجی فی شرائط الدعاء.
- 9- تفسیر سوره البلد.
- 10- تفسیر سوره التّین.

ص: 249

- 11-تفسیر سوره الضحی.
- 12-تفسیر سوره العصر.
- 13-تفسیر سوره الفجر.
- 14-تفسیر سوره یوسف علیه السلام.
- 15-تقریرات اصول عراقی، در چهار جلد.
- 16-تقریرات فقه و اصول بروجردی، در هفت جلد.
- 17-جامع الانوار فی اثبات التوحید.
- 18-جلاء القرآن در ردّ کتاب «اعجاز قرآن» (از نیازمند شیرازی).
- 19-حاشیه بر رساله عسر و حرج (از آشتیانی).
- 20-حاشیه بر مکاسب.
- 21-حاشیه بر منظومه سبزواری.
- 22-حاشیه علی العروه الوثقی.
- 23-حقوق زن و مرد در اسلام.
- 24-حلیه الوسمه فی حقیقه العصمه.
- 25-حواشی علی کتب السنکلیجی.
- 26-حیاه الفؤاد فی اثبات المعاد.
- 27-درس سخنوری، در ماههای رمضان و محرم و صفر، در سه جلد.
- 28-دیوان اشعار (عربی و فارسی).
- 29-رساله فی اعتراف الاعداء بعظمه الاسلام.
- 30-رساله فی اعتراف المخالفین بفضائل علی علیه السلام.
- 31-رساله فی عدم توقف حجیه الخبر الواحد علی حصول الظن.

32- شرع مؤبد در خاتمیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

33- صحو المعلوم فی ردّ کتاب محو الموهوم (از سنگلجی).

34- غایه الدرر فی مصبّ قاعده الضرر.

ص: 250

- 35- فلسفه احکام عبادات و معاملات، در چند جلد.
- 36- فیض الرحمن فی العلوم المكتسبه من القرآن.
- 37- كشف الارتباب فی أدله الحجاب.
- 38- کمال الايمان فی اثبات وجود صاحب الزمان (عجل الله فرجه).
- 39- کمونیسیم از نظر عقل و اسلام.
- 40- لآلی منشور در تفسیر سوره طور.
- 41- لب اللباب فی حکم المعاشره مع أهل الكتاب.
- 42- مجالس وعظ و ارشاد، در هفت جلد.
- 43- مخزن الاسرار فی اثبات النبوه.
- 44- مرتع الافکار فی تفسیر انا انزلنا.
- 45- معدن الآثار فی ضبط الحکم و الاخبار.
- 46- معراج پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از نظر عقل و شرع.
- 47- مقصد الابرار فی اثبات الامامه.
- 48- نور الآفاق فی مباحث الاخلاق.

### **سجایای اخلاقی**

مرحوم نبوی از اساتید حوزه علمیه قم بود و عده ای از فضلا را تربیت کرد و زحمت زیادی در این راه کشید. او در «مسجد حسین آباد» شمیران تهران به اقامه جماعت و افاضه و ارشاد می پرداخت.

آن مرحوم در اواخر عمر در انزوا بسر می برد و بینایی خود را کم کم از دست داد و در اثر محبت به آقایان عرب زبان به حسینیّه نجفیه می رفت. با علمای معروف هم رفت و آمدی داشت.

### **درگذشت**

ایشان سرانجام در صبح روز شنبه 8 جمادی اول 1412/ ق مطابق با 25 آبان/

ص: 251

1370 ش در سن 68 سالگی در قم درگذشت و در قبرستان باغ بهشت دفن شد.

منابع

1- تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدر المتألهین 119.

2- دایره‌المعارف تشیع 573/4.

3- رجال قم 165.

4- گنجینه دانشمندان 282/2.

5- مؤلفین کتب چاپی 217/1.

**شیخ ابو الفضل نجفی اصفهانی «قدسی»**

**اشاره**

(1322-1402 ق)

حاج شیخ ابو الفضل فرزند میرزا عبد الحسین اصفهانی، معروف به «نجفی قدسی» از دانشمندان و اساتید تهران بود.

پدرش از ادبا و شعرا و فرهنگیان بنام اصفهان و مؤسس مدرسه قدسیه در این شهر بود. از آثار او: 1- تحفه الفاطمی 2- کتاب شرعیات. وی در سال 1287 ق متولد و در 5 صفر 1366/ ق در اصفهان درگذشت و در تکیه تویسرکانی مدفون گردید. شرح حالش در کتابهای: 1- رجال اصفهان 2، 38- شعرای معاصر اصفهان 3، 375- تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان 409 آمده است.

شیخ ابو الفضل در سال 1322 ق مطابق با 1283 ش در اصفهان دیده به جهان گشود.

وی دوره دبیرستان را در مدرسه گلپهار به پایان برد و زبان فرانسوی را به خوبی آموخت. سپس به تحصیل علوم دینی پرداخت و پس از سپری کردن مقدمات، دوره سطح را نزد اساتیدی چون: شیخ علی یزدی، میرزا ابو الهدی کلباسی و حاج آقا رحیم ارباب (نیز از محضر ایشان علم درایه و رجال کسب نمود) بیاموخت. آنگاه در سال 1348 ق به نجف اشرف رهسپار شد و دروس خارج را از محضر آیات:

ص: 252

سید جمال الدین گلپایگانی، سید محسن طباطبائی حکیم و سید محمود شاهرودی استفاده نمود.

و پس از بیست و پنج سال اقامت در آن دیار در سال 1373 ق به ایران بازگشت و در تهران رحل اقامت افکند و در آنجا «مسجد یاسین» را تأسیس و به ارشاد و هدایت و بیان تفسیر قرآن کریم و سایر امور دینی اهتمام ورزید.

## از آثار او

1- الذمعه الساکبه، به فارسی درباره امام زمان «عج».

2- فضائل قرآن و عترت علیهم السلام، 1360 ش، تهران، رقعی، 420 ص.

شیخ ابو الفضل نجفی «مسجد شاهی»

## اشاره

(1309-1391 ق)

حاج شیخ ابو الفضل نجفی فرزند آیت الله شیخ محمد علی ثقهالاسلام اصفهانی مسجد شاهی و برادر آیت الله شیخ مهدی نجفی «مسجد شاهی» بود.

وی در سال 1309 ق در اصفهان متولد گردید.

## شخصیت و تحصیلات

مرحوم شیخ محمد علی معلم حبیب آبادی در «مکارم الآثار» در ضمن بیان احوالات ثقهالاسلام، درباره شیخ ابو الفضل می نویسد:

«از اعیان رجال عصر در اصفهان است و در علوم تاریخ و حوادث جهان و برخی از علوم اسلامی و مقتضیات زمان و معاشرت با ابناء آن بصیرتی شایان دارد».

ایشان در سال 1347 ق در نجف اشرف بود و مدت دو سال از محضر آیت الله شیخ ضیاء الدین عراقی در فقه و اصول بهره مند شد و دارای اجازاتی از علمای وقت که از جمله آنان آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی بود.

ص: 253

ایشان در ظهر روز جمعه 25/ربیع اول 1391/ق مطابق با 31/اردیبهشت/1350 ش در سن 82 سالگی در اصفهان درگذشت و پیکرش در ایوان مجاور قبر شیخ فضل الله نوری در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

نامبرده، داماد عموی خود آیت الله حاج آقا جمال الدین اصفهانی «مسجد شاهی» بود و چند فرزندی از وی باقی ماند و نویسنده معروف و معاصر آقای «دکتر محمد مهیار» استاد دانشگاه اصفهان یکی از فرزندان ایشان است.

منابع

1- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان 24/3.

2- مکارم الآثار 1976/6.

**میرزا ابو الفضل نجم آبادی**

**اشاره**

(1317-1385 ق)

حاج میرزا ابو الفضل فرزند علامه شیخ محمد تقی و نوه آیت الله شیخ هادی نجم آبادی، از دانشمندان و اساتید معروف تهران بود.

ایشان در سال 1317 ق در تهران دیده به جهان گشود.

وی پس از طی مقدمات علوم عربی صرف و نحو در مدرسه شیخ هادی (جدش) به فراگیری سطح خدمت پدر ارجمندش و شیخ مسیح طالقانی در مدرسه مروی پرداخت. بعد از فراغت از این مرحله، معقول را از محضر حاج فاضل عراقی در مدرسه سید نصر الدین و سید محمد فاطمی قمی آموخت. سپس دروس خارج را خدمت علامه سید محمد تنکابنی - که از اکابر محققان و اساتید بود - استفاده نمود.

نجم آبادی در سال 1342 ق که پدرش وفات یافت، به عزم حج بیت الله الحرام و اقامت در عتبات عالیات از تهران خارج و پس از سفر حج در نجف اشرف متوقف

ص: 254



شد و به ادامه تحصیل و تکمیل معلومات خویش نزد فقهای چون: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی پرداخت و از محضر ایشان موفق به دریافت اجازه گردید و قبل از مراجعت به تهران سفرهای تحقیقی به بلاد عربی از جمله مصر داشت و در سال 1349 ق به زادگاهش مراجعت کرد و در محله سنگلج و حسن آباد و مسجد جدش شیخ هادی به تدریس و ترویج مردم پرداخت.

وی در سال 1367 ق مطابق با 1327 ش در مدرسه عالی سپهسالار (استاد مطهری) به تدریس متون سطح اعم از رسائل و مکاسب و کفایه و نیز شرح منظومه اشتغال پیدا کرد و شاگردان فاضلی تربیت نمود.

## از آثار قلمی اش

1- ادله عقلیه (تقریرات نائینی).

2- ترجمه کتاب المراجعات (اثر علامه شرف الدین).

3- تقریرات عراقی.

4- خلل الصلاه (تقریرات نائینی).

5- خیارات (تقریرات نائینی).

6- ردّ مادیگری یا توحید نجم آبادی.

7- سعادت چیست و سعادت مند کیست؟

8- غصب (تقریرات نائینی).

9- قضاء (تقریرات نائینی).

10- کشکول.

11- مباحث الفاظ (تقریرات نائینی).

علامه نجم آبادی سرانجام در روز یکشنبه 25 شعبان 1385/ ق مطابق با 28 / آذر 1344/ ش در سن 68 سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش به قم حمل و در

حرم حضرت معصومه علیها السلام-مسجد بالاسر در جوار مزار حاج شیخ عبد الکریم حائری-به خاک سپرده شد.

منبع

1-زندگینامه آیت الله حاج شیخ هادی نجم آبادی 66.

**شیخ ابو القاسم اصفهانی**

**اشاره**

(1304-1384 ق)

شیخ ابو القاسم فرزند عبد الرزاق اصفهانی، از علما و بزرگان حوزه قم بود.

او در سال 1304 ق در اصفهان متولد شد.

**در حوزه اصفهان**

وی در روزگار صباوت دبیر تجارتخانه ای بود و از سال 1320 ق موفق به تحصیل علوم دینی گشت و مقدمات را نزد میرزا ابو القاسم زفره ای و سطوح را نزد شیخ علی مسگر یزدی، سید محمد صادق خاتون آبادی، سید مهدی درچه ای و سید محمد باقر درچه ای، و دروس حکمت را نزد ملا عبد الکریم گزی و ملا محمد کاشی، و ریاضیات را نزد ملا طاهر اصفهانی تلمذ کرد.

**هجرت به حوزه نجف اشرف**

در سال 1325 ق به نجف اشرف رهسپار شد و دروس خارج را از محضر آیات:

ص: 256

شیخ محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، سید محسن کوه کمری، سید محمد فیروزآبادی و سید ابو الحسن اصفهانی و حکمت معقول را نزد میرزا محمود اهری، شیخ احمد شانه ساز شیرازی و شیخ ابراهیم اردبیلی استفاده نمود.

### مراجعت به ایران و اقامت در قم

در سال 1336 ق به اصفهان مراجعت کرد و به تدریس و هدایت اشتغال ورزید و در سال 1341 ق در قم رحل اقامت افکند و به تدریس و افاضه و استفاده از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی پرداخت.

### از آثار او

1- حاشیه علی کفایه الاصول.

2- رسائل فی الفقه.

3- رسائل فی النحو.

سرانجام در روز دوشنبه 6 شوال 1384/ ق مطابق با 19 بهمن 1343/ ش درگذشت و در قبرستان شیخان قم مدفون شد.

منابع

1- آثار الحجه 38/2.

2- آینه دانشوران 207.

3- گنجینه دانشمندان 75/2.

### سید ابو القاسم جواهری تهرانی

(ح 1294-1374 ق)

سید ابو القاسم حسینی تهرانی معروف به «جواهری» از فضلا و معاریف قم بود.

وی در حدود سال 1294 ق در تهران به جهان آمد.

ص: 257

جواهری در اوایل زندگی به شغل جواهرسازی اشتغال داشت سپس به تحصیل رو آورد و به همین خاطر رهسپار حوزه علمیه قم شد و دروس خارج را ابتدا از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و پس از او از حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبایی بروجردی استفاده کرد. نامبرده سالها در محله سیدان (صبح ها) و مسجد جامع قم به اقامه جماعت و هدایت اشتغال داشت.

ایشان در سال 1374 ق در قم در حدود سن 80 سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش در انتهای قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

فرزندانش: که همگی مرحوم شدند عبارت بودند از:

1- حجه الاسلام سید عبد الرسول، از فضیلاتی تهران بود و در امامزاده یحیی علیه السلام مدفون است.

2- حجه الاسلام سید حسن، شاگرد حضرات آیات: سید محمد کوه کمری و سید حسین طباطبایی بروجردی و سید محمد رضا گلپایگانی بود. او در سال 1322 ق در تهران متولد شد و در اواخر شعبان 1419/ ق در قم درگذشت و در قبرستان باغ بهشت - مقبره العلماء - مدفون گردید. حجه الاسلام و المسلمین سید محمد تقی جواهری امام جمعه فعلی نائین فرزند ایشان است. وی در سال 1363 ق مطابق 1323 ش در قم به دنیا آمد و مقدمات و بخشی از سطح را همان جا آموخت. در سال 1382 ق به نجف اشرف رفت و یک سال از درس کفایه حضرات آیات: شیخ صدر بادکوبه ای و سید کاظم مرعشی (اخوان مرعشی) استفاده کرد. سپس به قم بازگشت و خارج را از محضر آیات: سید محمد داماد یزدی، شیخ مرتضی حائری، میرزا هاشم آملی و سید محمد رضا گلپایگانی و حکمت را از شیخ مرتضی مطهری، شیخ عبد الله جوادی آملی و شیخ حسن حسن زاده آملی بهره مند گردید. وی پس از پیروزی انقلاب به نائین رفت و سپس به

سمت امام جمعه منصوب گردید.

از آثار او: فروع العلم الاجمالی، الخمس، صلاه المسافر، صلاه الجمعة، تقریرات الاصول (درس داماد)، مدیریت اسلامی، رساله در عدم تحریف قرآن، شرح حال ملا صدرا و حرکت جوهریه.

3- سید علی اکبر، 4- سید حسین، 5- سید باقر، و دو دختر.

منابع

1- آثار الحججہ 83/2.

2- گنجینه دانشمندان 113/2.

3- مصاحبه با سید محمد تقی جواهری به تاریخ یکشنبه 2/ صفر 1421/ ق.

**شیخ ابو القاسم حجتی گیلانی**

**اشاره**

(-1385 ق)

حاج شیخ ابو القاسم فرزند شیخ محمد حسین و نوۀ آقا محمد علی حجتی رشتی، از علما و بزرگان حوزه قم بود.

او در «لشت نشا» رشت گیلان دیده به جهان گشود.

**هجرت به نجف اشرف**

پس از تحصیل مقدمات در سن 17 سالگی به نجف اشرف مشرف شد و سطوح را خدمت آیات: شیخ عبد الحسین رشتی، میرزا آقا اصطهباناتی و میرزا فتاح شهیدی تبریزی تلمذ نمود و درس خارج را از محضر آیات: شیخ الشریعۀ اصفهانی، شیخ شعبان گیلانی، میرزا محمد حسین نائینی و سید ابو الحسن اصفهانی بهره مند شد.

وی پس از دوازده سال اقامت و استفاده علمی به گیلان مراجعت نمود و به تدریس و ترویج مذهب و اقامه جماعت و هدایت مردم رشت پرداخت، که مدت

ص: 259

20 سال طول کشید و عاقبت به قم مهاجرت کرد و در دروس آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی شرکت جست.

## از آثار او

1- المسلك العالی فی فروع العلم الاجمالی.

2- تفسیر سورة یوسف علیه السلام.

3- رساله ای در وجه تأملات مکاسب (از شیخ انصاری).

4- رساله فی منجزات المریض.

5- شرح احوال ائمه علیهم السلام.

6- شرح دعاء الصباح.

7- کتاب الصلاه.

## درگذشت

نامبرده در روز سه شنبه 23 محرم 1385/ ق مطابق با 4 خرداد 1344/ ش درگذشت و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

فرزندش، شیخ حسن حجتی از سخنوران و گویندگان جوان بود که در روز چهارشنبه 25 ربیع الثانی 1379/ ق مطابق با 5 آبان 1338/ ش در جاده قم-اصفهان در اثر تصادف درگذشت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد و این پدر و پسر در کنار یکدیگر دفن شدند.

منابع

1- آثار الحجه 80/2.

2- تاریخ علما و شعرای گیلان 128.

3- گنجینه دانشمندان 133/2.

4- مقدمه کتاب المسلك العالی (تألیف صاحب شرح حال).

ص: 260

(1316-1384 ق)

حاج سید ابو القاسم فرزند آیت الله سید صادق روحانی قمی، از دانشمندان و بزرگان قم بود.

وی در سال 1316 ق در قم متولد گردید.

وی پس از طی مقدمات و سطوح در زادگاه خود، در سال 1337 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیات:

میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی استفاده نمود. آنگاه به قم مراجعه کرد و به خدمات دینی و اجتماعی و اقامه جماعت در مسجدهای: امام حسن عسکری علیه السلام و چهارمردان اشتغال ورزید.

نامبرده در امر مرجعیت و ترویج اعلمیت آیت الله بروجردی نقش فعالی داشت.

همین طور در سایر امور خیریه و کمک به مستمندان و رفع نیازهای آنان، از پیشتازان بود.

ایشان در روز یکشنبه 27/رمضان 1384/ ق مطابق با 11/بهمن 1343/ ش در سن 68 سالگی درگذشت و جسدش در قبرستان شیخان جوار تربت پدر ارجمند خود به خاک سپرده شد.

ص: 261

1- سید فضل الله، 2- سید محمد علی، 3- سید مهدی، 4- سید محمد باقر 5- سید محمد صادق.

منابع

1- آثار الحجه 37/2.

2- اطلاعات شخصی مؤلف.

3- رجال قم 87.

4- گنجینه دانشمندان 337/1.

**ابو القاسم سحاب تفرشی**

**اشاره**

(1304-1376 ق)

ابو القاسم فرزند محمد زمان فمی تفرشی مشهور و متخلص به «سحاب»، از رجال علمی و مشاهیر فرهنگی ایران بود.

وی در رجب 1304/ق در روستای «فم» واقع در حومه تفرش، زاده شد.

نامبرده تحصیلات مقدماتی را در شهرستان تفرش نزد سید محمد امام جمعه و سید علی اکبر سجادی آموخت و در سال 1324 ق جهت ادامه تحصیلات عالی خود به تهران رفت و در مدرسه مروی از محضر آیات: میرزا ابو القاسم فاضل تفرشی، شیخ علی نوری، شیخ باقر معز الدوله تهرانی و سید عبد الرحیم دماوندی در رشته های فقه و اصول و حکمت استفاده نمود.

استاد سحاب، از سال 1349 ق مطابق با 1309 ش وارد وزارت فرهنگ گردید و در دبیرستانها و دانشسرای تهران به تدریس ادبیات فارسی و زبان انگلیسی اشتغال ورزید. همچنین مدتی مدیر داخلی مجله «تعلیم و تربیت» بود و سرانجام به معاونت ریاست کتابخانه ملی برگزیده شد.

ص: 262



## آثار ایشان به شرح زیر است:

- 1- آداب جمعه (ترجمه).
- 2- اسرار حج (از شهرستانی - ترجمه).
- 3- اقوال اروپائیان درباره قرآن.
- 4- بیداری امت در اثبات رجعت (ترجمه).
- 5- تاریخ ادبیات عمومی (ترجمه).
- 6- تاریخچه زندگانی شاه عباس کبیر.
- 7- تاریخ حبشه (ترجمه).
- 8- تاریخ عصر جعفری یا زندگانی امام جعفر صادق علیه السلام، در دو جلد.
- 9- تاریخ قرآن (ترجمه).
- 10- تاریخ مدرسه عالی سپهسالار.
- 11- تاریخ نقاشی در ایران (ترجمه).
- 12- تدبیر منزل.
- 13- جغرافیای آسیا (ترجمه).
- 14- جمعه یا عید با عظمت مسلمین (ترجمه).
- 15- دانشکده.
- 16- دیوان اشعار.
- 17- رساله حی بن یقظان پسر طبیعت (ترجمه).
- 18- زندگانی ابو علی سینا.
- 19- زندگانی حضرت خامس آل عبا علیهم السلام، در دو جلد.

20-زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السّلام.

21-زندگانی حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام.

22-زندگانی عسکریین علیهم السّلام و تاریخچه سامرا.

ص: 263

23- سرور الفؤاد یا زندگانی امام جواد علیه السلام.

24- سفرنامه کار پنتر (ترجمه).

25- سقیفه و اختلاف در تعیین خلیفه (ترجمه).

26- فرهنگ خاورشناسان (ترجمه).

27- فنون اسلامی (ترجمه).

و اکنون توجه خوانندگان را به مقاله ای که در روزنامه ایران مورخ 16 خرداد/ 1377 ش در شرح حال ایشان به قلم فرح خادم المله به چاپ رسیده جلب می کنیم:

مرحوم ابو القاسم سحاب، شصت سال پیش، هنگامی که نیم قرن از زندگی خود را پشت سر گذاشته بود مؤسسه ای را پی افکند که با تهیه چاپ و انتشار نقشه های جغرافیایی به دست دانشمندان و جغرافی دانان ایرانی، ایران را از نقشه کشان بیگانه بی نیاز کرد.

یک نگاه به خط سیر زندگی این مرد بزرگ می تواند در ایران امروز برای خیلی از آنها که ایران را به خاطر ایران و ایرانی می خواهند، الگو باشد.

112 بهار پیش تر، در سال 1265 ش در روستایی به نام «فم» در حومه تفرش پسری به دنیا آمد که ابو القاسم نام گرفت.

آن زمان شاید پدر دهقانش نمی دانست کودک او در آینده منشاء چه خدماتی خواهد شد، اما قطعا می دانست او پیشرفت می کند و موفق می شود. زیرا او بارها دیده بود که کودک سه ساله اش به مکتب خانه می رود و رفتار بچه های هفت-هشت ساله مکتب را نگاه می کند. دیده بود فرزندش به مکتب نرفته، الفبا می داند و برخی لغات را می نویسد. عشق ابو القاسم به تحصیل، پدر را مجبور کرد با صرفه جویی و قناعت فرزندش را به مکتب بفرستد.

ابو القاسم در مدت کوتاهی نزد ملا حسین شاه میری عمّ جزء، نصاب الصبیان، جامع المقدمات، تاریخ معجم و چند کتاب دیگر را فرا گرفت. دوازده ساله بود که معلم چند شاگرد در مکتب ملا حسین شاه میری شد. سپس به محضر امام جمعه و

سید علی اکبر سجادی- که دو عالم بزرگ تفرشی بودند- شرفیاب شد. با اینکه خط خوشی داشت نزد مرحوم میرزا عباس قلی، خوشنویس معروف تفرشی به تکمیل خط پرداخت و نستعلیق، نسخ، ثلث، شکسته و شکسته نستعلیق را به خوبی یاد گرفت.

بیش از سه سال نگذشته بود که ابو القاسم در علوم عقلی و نقلی، فقه، اصول، کلام، حکمت، تفسیر و تاریخ اسلام تسلط یافت.

اعتماد مردم به ابو القاسم به دلیل صداقت و نجابتش موجب شده بود بسیاری از اهالی تفرش از او برای تدریس خصوصی فرزندشان در خانه دعوت کنند.

در یکی از این مجالس با سناء الدوله «دبیرمنش»، سیاستمدار و دانشمند تفرشی آشنا شد و تدریس فرزندان او و برادرش را به عهده گرفت. ابو القاسم در کنار تدریس، لحظه ای از آموختن غافل نشد و نزد دبیرمنش زبان فرانسه آموخت. او با قبول این پیشنهاد، ضمن تدریس فرزندان دبیرمنش از کتابخانه شخصی او که کتابها و مدارک خارجی زیاد داشت بهره های فراوان برد. در این دوره بود که ابو القاسم «سحاب» را به عنوان نام خانوادگی برای خود برگزید.

بعدها ابو القاسم سحاب به اتکای تجربیات و دانشی که پس از آشنایی با دبیر تفرشی به دست آورده بود، مدرسه ای به سبک تازه تأسیس کرد. این مدرسه دارای کلاسهای دخترانه بود و از این جهت شاید بتوان آن را نخستین مدرسه دخترانه در منطقه محرومی از کشور دانست.

ابو القاسم در بیست سالگی با دختر خاله اش معصومه خانم ازدواج کرد. پس از ازدواج به اتفاق سراج السلطان حجازی به تهران آمد و به تکمیل معلومات خود در محضر حاج فاضل تفرشی و چند تن از علمای طراز اول تهران پرداخت. همچنین در «مدرسه آلیانس فرانسز» زبان و ادبیات فرانسوی را به طور کامل فرا گرفت و به دنبال آن «تاریخ عمومی جهان» و چند کتاب دیگر را به فارسی ترجمه کرد. در سال 1299 ش به تقاضای شیخ جلال نهاوندی (که از بزرگان نهاوند بود) و همچنین به موافقت وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به ریاست اداره معارف ثلاث

(در آن زمان به شهرستانهای ملایر، تویسرکان و نهاوند ثلاث می گفتند) برگزیده شد و برای تأسیس مدارس جدید و سروسامان دادن به اوضاع مدارس به نهاوند اعزام شد.

در نهاوند با کوشش زیاد، زبان انگلیسی را نزد دکتر حسین حجازی آموخت و در مدت کوتاهی مقالات علمی و رساله های گوناگونی از جمله «مجموعه جغرافیا» و جلد اول «سفرنامه کارپنتر» - جهانگرد معروف - را به فارسی برگرداند.

سحاب، پس از بازگشت از نهاوند در مدارس: اشرف، ایران، سیروس و کمالیه تهران به تدریس مشغول شد. وی پیش از سال 1317 ش مدتی معاون کتابخانه ملی ایران بود.

نگارش مقاله های فراوان برای نشریات: طوفان «هفتگی، تهران»، ستاره جهان، شفق سرخ، قانون، تجدد ایران، حبل المتین «کلکته»، رستاخیز، عصر گلشن «تهران» و مجله تعلیم و تربیت در دهه های 1320 و 1330 ش فصل دیگری از فعالیت های اوست.

سحاب، به جغرافیا علاقه زیاد داشت و آن را کلید درهای جهان می دانست. در آن دوره که امکان تهیه نقشه در ایران به صورت رنگی وجود نداشت، سحاب همیشه آرزو می کرد، به یاری خدا این نیاز کشور را برطرف سازد. آرزو داشت با تأسیس یک مؤسسه تهیه نقشه، کشور را از خارجی ها در این زمینه بی نیاز کند.

ابو القاسم سحاب پس از 70 سال تلاش بی وقفه در عرصه های علمی، در 21 دی 1335 ش در اثر بیماری قلبی درگذشت و در کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام در قم به خاک سپرده شد.

از ابو القاسم شاگردانی به جای مانده است که منشاء خدمات علمی بزرگی در جامعه شده اند. فرزندش عباس سحاب، بزرگترین شاگرد پدر است که دانش نقشه کشی کارتوگرافی در ایران مرهون خدمات ارزنده اوست.

از ابو القاسم سحاب علاوه بر صدها مقاله در مطبوعات داخلی و خارجی و دیوان شعر، هفتاد جلد کتاب در زمینه علوم دینی، سیاسی و علمی به جای مانده است. «فلسفه و اسرار حج» و «زندگانی امام حسین» علیه السلام از جمله کتابهای تحقیقی -

دینی اوست. تا به امروز تنها 24 عنوان از مجموع کتابهای این بزرگ مرد چاپ شده است. امید می رود با تلاش ارزنده بازماندگان آن مرحوم دیگر آثار چاپ نشده وی نیز تنظیم و چاپ شود.

ایشان سرانجام در روز جمعه 9 جمادی الثانی 1376/ق مطابق با 21/دی/1335 ش در 72 سالگی بر اثر بیماری قلبی درگذشت و پیکرش در کنار کتابخانه آستانه حضرت معصومه علیها السلام (صحن مبارک) به خاک سپرده شد.

منابع

1- الذریعه 87/4 و 44/8 و 51/12 و 53 و 57 و 207.

2- روزنامه ایران، سال چهارم، شماره 961، صفحه 11، مورخ 16 خرداد 1377/ش.

3- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی 232/5.

4- مؤلفین کتب چاپی 255/1.

5- نامداران اراک 91.

6- نقباء البشر 68/1.

**شیخ ابو القاسم شاهنجرینی «ربانی»**

**اشاره**

(-1398 ق)

حاج میرزا ابو القاسم فرزند علامه ملا طاهر شاهنجرینی همدانی، ملقب به «ربانی» از دانشمندان و بزرگان معاصر بود.

**در حوزه نجف اشرف**

وی تحصیلات عالی خود را در نجف اشرف نزد آیت الله میرزا محمد حسین نائینی به انجام رسانید و مدت هشت سال در آن سامان توقف داشت، آنگاه به خطه همدان مراجعت کرد.

ص: 267

در کتاب تاریخ مفصل همدان، در بخش معرفی مدارس دینی و مساجد همدان، «مدرسه شاهنجرین» را چنین توصیف می نماید:

«این مدرسه در قصبه شاهنجرین» از بلوک «درجزین» به وسیله یکی از محترمین بنا شده و آیت الله حاج میرزا ابوالقاسم شاهنجرینی، پس از مراجعت از نجف اشرف تکمیل علوم اسلامی به تربیت و تعلیم طلاب پرداخت ولی ادامه نداد و به همدان هجرت نمود.

پس از آن مرحوم حاج میرزا حسن رازینی از علما موجه درجزین از آن سرپرستی کرد و طلابی را تربیت نمود او نیز عاقبت آن را رها کرد. در حال حاضر بی استفاده مانده است».

نامبرده پس از استقرار در همدان جزو اساتید «مدرسه زنگنه» به شمار آمد و در اواخر عمر خود به تهران رفت و در آنجا مشغول خدمات دینی و مذهبی گردید.

### از آثار او

1- خلل الصلاة.

2- صلاة الجماعه.

3- صلاة المسافر.

4- کتاب الشهادات.

5- کتاب القضاء.

پنج کتاب فوق از تقریرات استاد خود «نائینی» است که تاکنون به چاپ نرسیده اند.

6- اصول الفقه (دوره کامله - تقریرات النائینی)

### درگذشت

ایشان در اوایل / ذی الحجه 1398 / ق مطابق با اواسط / آبان 1357 / ش در تهران

درگذشت و جنازه اش به قم حمل و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

منابع

1- تاریخ مفصل همدان 188/1.

2- نقباء البشر 69/1

**سید ابو القاسم طباطبائی قمی**

(-1333 ق)

شیخ آقا بزرگ تهرانی در «نقباء البشر»، ایشان را چنین معرفی کرده است:

حاج میرزا ابو القاسم فرزند سید محمود فرزند محمد فرزند علی طباطبائی قمی، عالمی جلیل القدر است. مدت زیادی در عتبات به تحصیل اشتغال داشت و در سامرا نزد مجدد شیرازی تلمذ کرد و در حدود سال 1320 ق وفات کرد.

برادرانش: آقا احمد و آقا حسین و میرزا فخر الدین و سید ابراهیم، همگی از دانشمندان و اجله هستند.

در کتاب «هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی» در شمار شاگردان میرزای شیرازی، می نویسد: سید ابو القاسم فرزند سید محمود قمی، سالیانی در سامرا از بحث آیت الله شیرازی بهره می برد، و برادرش آقا حسین (ساکن مشهد رضوی) با او بود. بعد از مراجعت به ایران برادرش به نجف بازگشت.

در تاریخ قم درباره اش چنین آمده است: وی نیز از جمله علما و مجتهدین بانقوا و از شاگردان آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بود. ولی در این دار فانی چندان نپائید و در سال 1333 ق در قم مرحوم و در شیخان مدفون گردید.

طبق نوشته ناصر الشریعه، میرزا ابو القاسم فرزند پنجمی سید محمود است.

منابع

1- تاریخ قم 249.

2- رجال قم 88.

ص: 269



3- گنجینه دانشمندان 130/1.

4- نقباء البشر 75/1.

5- هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی 64.

**میرزا ابو القاسم طهوری همدانی «عمادزاده»**

**اشاره**

(-1376 ق)

از فضلا و شعرای معروف همدان بود.

**از آثار او**

1- ملمع الطهور (شامل 3636 بیت اشعار به عربی و فارسی)، 1377 ق، شهر ری، رقعی، 143 ص.

نامبرده در روز جمعه 7/رجب 1376/ق مطابق با 19/بهمن 1335/ش درگذشت. پیکرش در قبرستان حاج شیخ قم با کد (13319) به خاک سپرده شد.

آقای علی طهوری، متوفای اوایل/بهمن 1377/ش فرزند ایشان بود.

منابع

1- بزرگان و سخن سرایان همدان 411/2.

2- مؤلفین کتب چاپی 264/1.

**میرزا ابو القاسم علی مدد کنی**

**اشاره**

(-1398 ق)

میرزا ابو القاسم علی مدد فرزند اکبر کنی، متخلص به «قطره» از شعرای معاصر بود.

1- دیوان قطره، 1333 ش، کتابفروشی مصطفوی تهران، 188 ص.

ص: 270

2-مدایح و مرثی (اشعاری درباره حضرت زهرا علیها السلام).

3-یا قائم آل محمد صلی الله علیه و آله، خورشید ولایت (اشعار)، 1356 ش، قم دار النشر، 223 ص.

استاد علی مدد در روز پنجشنبه 10 /جمادی الثانی 1398/ ق مطابق با 28 /اردیبهشت 1357/ ش در اثر کهولت سن بدرود حیات گفت. بیکرش به قم حمل و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

**شیخ ابو القاسم قمی «صغیر»**

**اشاره**

(-1352 ق)

حاج شیخ ابو القاسم فرزند ملا محمد کریم قمی، ملقب به «صغیر» از علمای نامی و مدرسان حوزه علمیه قم بود.

**هجرت به نجف اشرف**

ایشان پس از طی مقدمات به تهران رهسپار و علوم عقلی و ریاضیات را نزد اساتید وقت تلمذ کرد. سپس به نجف اشرف عزیمت و از محضر آیات: میرزا حسین خلیلی تهرانی، ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی دروس عالی را کسب نمود. آنگاه به قم مراجعت کرد و در محله سلطان «محمد شریف» سکنی گزید و نماز جماعت را بر پا نمود و عمری را با پارسایی و زهد در کمال مناعت طبع به پایان رسانید.

ص: 271

مرحوم استاد ریحان یزدی در «آینه دانشوران» خود، می نویسد: «او از مدرسین و علمای قم هستند و در «مدرسه سیدان» فقه و اصول تدریس می کنند. این جناب عالمی است پارسای و سالها در عتبات مشرف بوده و از اساتید آن سرزمین استفاده کرد».

ایشان در روز سه شنبه 7 جمادی اول 1352/ق مطابق با 7 شهریور/1312 ش در قم درگذشت و جنازه اش در صحن حضرت معصومه علیها السلام- کنار ایوان مقبره وثوق الدوله، یعنی ورودی مقبره شماره 3 در صحن بزرگ- به خاک سپرده شد.

منابع

1- آثار الحجه 218/1.

2- آینه دانشوران 242.

3- الاجازه الکبیره 542.

4- گنجینه دانشمندان 129/1.

5- نقباء البشر 73/1.

شیخ ابو القاسم قمی «کبیر»

اشاره

(1280-1353 ق)

حاج شیخ ابو القاسم که به «کبیر» ملقب گردید فرزند ملا محمد تقی قمی، یکی از معاصران آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و از علمای بزرگ حوزه قم به شمار می رفت.

ولادت ایشان در سال 1280 ق در قم اتفاق افتاد.

تحصیلات

میرزا پس از سپری کردن مقدمات دروس سطح را از محضر آیات: شیخ محمد

ص: 272

حسن قمی «نادی» و ملا محمد جواد قمی کسب علم نمود. آنگاه به تهران رفت و خدمت علامه میرزا محمد حسن آشتیانی تحصیل کرد و در سال 1312 ق به نجف اشرف رهسپار شد و از محضر آیات: میرزا حسین خلیلی تهرانی، حاج آقا رضا همدانی، ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی استفاده کرد و به مراحل عالی علمی نایل گردید. سپس در سال 1322 ق به زادگاه خویش بازگشت و به تدریس و تصنیف و تحقیق پرداخت، و حوزه درسش محل استفاده فضلای دانشمندان آن روز قم گردید و در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام به اقامه جماعت اشتغال داشت.

### نقش آن مرحوم در تأسیس حوزه قم

آیت الله سید مصطفی خوانساری نقل کردند: در سال 1340 ق که حاج شیخ عبد الکریم حائری ابتدا برای زیارت به قم آمده بودند، به منزل شیخ مهدی حکمی وارد شدند و میرزا محمد ارباب و شیخ ابو القاسم قمی «کبیر» از ایشان دیدن کردند.

در آن مجلس، بحث علمی پیش می آید و این سه عالم با هم بحث می کنند. در بازگشت، آقای ارباب به آقای کبیر می گوید: حاج شیخ با ما فرق می کند هرکجا که باشد و حوزه تأسیس کند، حوزه در همان جا تشکیل خواهد شد. پس چه بهتر که در قم تشکیل گردد و ما قمی ها هم در آن سهیم باشیم.

آقای کبیر می فرماید: اتفاقاً من هم می خواستم همین را بگویم. لذا بنا می گذارند که

برگردند و از حضور آقای حائری تقاضای ماندن بکنند و این کار را می کنند.

### **ترک هوا و احترام به سادات**

سید مصطفی خوانساری نقل می کرد که: آقای کبیر به جمیع جهات، تارک هوا بود و در جلسه ای والد حاج آقا باقر فاطمی را جلو انداخت. یکی از علمای قم به او گفت: چرا آبروی ما را می بری؟! ایشان در جواب فرمود: می خواهی آبروی مرا جلوی پیغمبر خدا ببری؟! او سید است و باید مقدم داشته شود.

نمونه دیگر اینکه، او همسری علویه داشته که فوق العاده مورد احترام ایشان بود. به حدی که خود از نان جو استفاده می کردند. ولی مقید بودند که برای علویه، نان گندم تهیه کنند.

### **انصاف**

از سید احمد مصطفوی قمی نقل شده است که: روزی شیخ ابو القاسم با فرد عالمی برخورد کرد و پس از سلام، قصد ورود به منزل او را داشت. آن شخص عذر خواست و گفت فردا در همین ساعت می توانید تشریف فرما شوید. شیخ برگشت و فردا در همان ساعت برای انجام کار خود بر آن عالم وارد شد.

پس از اتمام ملاقات، ما اعتراض کرده و گفتیم: چرا به منزل او آمدید، در حالی که دیروز آن گونه برخورد کرد. شیخ فرمود: او به دستور قرآن عمل کرد **وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ اذْجِعُوا**.

### **پرهیز از خودنمایی و فخر فروشی**

از علامه سید احمد روحانی قمی نقل است که: شیخ ابو القاسم، در جلسه ای که پیرامون حدیثی بحث علمی در می گیرد شرکت می کند. ولی اظهار نظر نمی کند.

در جلسه دیگر دفتری را به حضار در همان جلسه می دهد تا مطالعه کنند. معلوم

می شود شیخ، در مورد آن حدیث بحثهای عمیق و مهمی کرده، با این همه از سر تواضع در آن جلسه در بحث شرکت نکرده بود.

## فقیه بزرگوار

بنا بر نقل علامه سید محسن امین در «أعیان الشیعه» ایشان: عالمی فاضل، فقیه، اصولی، باتقوا، زاهد، مشهور به فضل و گستردگی اطلاعات و دقت نظر بود.

حتی از نظر علمی به مرتبه ای بود که بعضی ایشان را بر حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی ترجیح می دادند.

موقعیت علمی میرزا تا بدانجا بود که حاج شیخ عبد الکریم گاهی در درس نظر ایشان را مطرح می ساخت، و درباره آن بحث می نمود. با این حال میرزا، این فقیه زاهد و بی ریا از مقام و منصب و مرجعیت گریزان بود. و در هر فرصت مناسب از حائری یزدی ترویج می کرد و می فرمود: ما یک علمدار داریم و همگی باید دور او بچرخیم. نیز می گفت: نگاه به درب منزل حاج شیخ عبد الکریم هم ثواب دارد، شرکت در درسش هم ثواب دارد.

شیخ ابو القاسم قمی، فقیهی بود: ربّانی، متواضع، فروتن، تارک هوا، موحد، مخلص، بی تکلف و مأنوس با فقرا و بی نوایان بود. خلاصه اینکه انسانی بود: کامل و الگو و مربّی اخلاق واقعی.

دکتر سید محمد بهشتی، نقل می کرد که روزی از آیت الله خمینی پرسیدم: در زمان ورود شما به قم، در حوزه درس اخلاقی وجود داشت؟ ایشان گفت: درس رسمی اخلاق نبود. اما نمونه های اخلاقی در حوزه، از قبیل: شیخ ابو القاسم قمی وجود داشت. انسان می توانست زندگی ایشان را الگو و سرمشق قرار دهد.

استاد بهشتی همچنین نقل کردند که آیت الله سید حسین طباطبائی قمی می فرمود: من منکر بودم که در این زمان با شرایط فعلی و فساد عمومی، آدم کامل پیدا شود. تا اینکه شیخ ابو القاسم را در قم دیدم و... یقین کردم در این عصر، هم

انسان کامل و مؤمن حقیقی یافت می شود.

### کیفیت تدریس

یکی از شاگردان ایشان می گفت: با وجود اینکه علمیت آیت الله کبیر و خوش بیانی و دقت نظر ایشان، غیر قابل انکار بود. ولی نظر به اینکه درس او به کندی پیش می رفت و مسأله ای که عنوان می شد خیلی دیر به اتمام می رسید، لذا از نظر تعداد، کم شاگرد بود.

یکی دیگر از مطلعین نقل می کرد که: سبک درس ایشان، سبک درس میرزای شیرازی و شیخ محمد کاظم شیرازی و شیخ محمد حسین غروی اصفهانی بود.

یعنی شاگردان با استاد حق بحث داشتند و در واقع، بحث ها بین الاثنینی بود.

### فرزندان ایشان

علامه قمی با دختر استادش آیت الله شیخ محمد حسن قمی (نادی - متوفای 1317 ق) ازدواج کرد و خداوند به وی فرزندان داد. آنان عبارتند از:

1- شیخ محمد علی، که در جوانی از دنیا رفت.

2- شیخ محمد حسن، معروف به «آقا نجفی».

3- شیخ محمد باقر خازنی.

4- همسر شیخ محمد موحدی قمی.

5- همسر محمد حسن هدایتی - از تجّار قم -

6- حجه الاسلام سید احمد مشرف فرزند سید حسن حسینی قمی، که حسب الامر آیت الله بروجردی مدّتی در درود بود. وی پسر خوانده ایشان بود.

### تألیفات ایشان

1- اصول فقه، خطی.



2- تصحیح جمال الاسبوع، اثر سید ابن طاوس، که در سال 1330 ق به چاپ رسید.

3- تعلیقه علی تفسیر الصافی.

4- تعلیقه علی کفایه الاصول.

5- رساله عملیه. بعضی از علما نقل کرده اند که ایشان رساله خود را برای چاپ به چاپخانه فرستاده بود (چون در قم مقلد داشت). ولی با ورود حائری به قم، آن را از چاپخانه پس گرفت.

### شماری از شاگردانش

1- سید روح الله موسوی خمینی.

2- سید محمد رضا موسوی گلپایگانی.

3- سید مصطفی صفائی خوانساری.

4- میرزا محمد فیض قمی.

5- سید احمد زنجانی.

6- آخوند ملا علی همدانی.

7- میرزا محمود روحانی قمی.

8- میرزا ابو الفضل زاهدی قمی.

9- شیخ مهدی حرم پناهی قمی.

10- میرزا علی اصغر اشعری قمی.

11- میرزا عبد الهادی قمی (فرزند شیخ غلامرضا حاج آخوند).

12- میرزا محمود انواری همدانی.

13- شیخ محمد تقی اشراقی.

14- شیخ ابو القاسم نحوی.

15-سید حسن معینی.

16-سید محمد علوی قزوینی.

ص:277

- 17- شیخ حبیب الله فقیه مازندرانی.
- 18- میرزا زین العابدین انواری.
- 19- شیخ محمد موحدی قمی.
- 20- شیخ محمد حسین ناصر الشریعه.
- 21- سید احمد مشرف حسینی.
- 22- میرزا عبد الله تهرانی «چهل ستونی».
- 23- سید سجاد علوی گرگانی.
- 24- شیخ محمد صادق قمی «نعیمی».
- 25- شیخ علی سقطفروش «خداپرست».
- 26- سید علی بلورفروش.
- 27- سید عبد الستار میانجی «محمّدی».
- 28- سید ضیاء الدین استرآبادی (دام ظلّه).
- 29- سید حسین بدلا قمی (دام ظلّه).

### وفات و مدفن

آیت الله قمی در روز جمعه 11 جمادی الثانی 1353/ ق مطابق با 30 شهریور 1313/ ش چشم از جهان فروست و قلوب مؤمنان را جریحه دار کرد و آیت الله میرزا محمّد قمی «کبیر» بدن شریف او را غسل داد. پیکرش پس از تشییعی باشکوه در-مسجد بالاسر-حرم حضرت معصومه علیها السلام در قسمت بالای سر آیت الله حائری و کنار دیوار مسجد اعظم به خاک سپرده شد.

به مناسبت فوت ایشان، شاعر اهل بیت شیخ محمّد علی انصاری قمی اشعاری سروده که شامل ماده تاریخ وفاتش می باشد. چند بیت آن را نقل می کنیم:

ز جور چرخ، چون پنهان به گل خورشید دانش شد

شریعت را کمر بشکست و دین را دل پر آتش شد



به طاق عرش یزدان رخنه ای افتاد، در آن دم  
که از جور فلک پنهان به گل خورشید دانش شد  
صفیر از عالم بالا شنید آن مرغ قدوسی  
به پرواز آمد و طوبی ز پروازش به نازش شد  
ولی حضرت قائم ابو القاسم چو شد غائب  
خرد از بهر تاریخش ز «انصاری» به خواهش شد  
زبان چون ماهی از دریای طبعش سر زد و گفتا  
«بگل آن قلزم موج علم و بحر بینش شد»

\* منابع

- 1- آثار الحججه 39/1.
- 2- آینه دانشوران 144.
- 3- الاجازه الکبیره 18.
- 4- الکلام یجرّ الکلام 106/1.
- 5- أعيان الشيعه 410/2.
- 6- تاریخ قم 249.
- 7- رجال قم 88.
- 8- علمای بزرگ شیعه 364.
- 9- علمای معاصرین 387.
- 10- گنجینه دانشمندان 127/1 و 180/6.
- 11- مجله حوزه، شماره 16.
- 12- مجله نور علم، دوره دوم، شماره دهم، ص 82.

13-مجلة ياد، سال اول، شماره 4.

14-نقاء البشر 63/1.

ص: 279

(-1333 ق)

شیخ ابو القاسم فرزند علامه میرزا مهدی آقازاده (متوفای 1330 ق صاحب کتاب اسرار الشهاده) و نوه آیت الله شیخ زین العابدین گلپایگانی ملقب به «حجه الاسلام»، از فضیله عصر خود بود.

تحصیلاتش را در گلپایگان نزد آیت الله ملا زین العابدین نخعی (پدر شیخ ریحان الله) به انجام رساند و در «مسجد عمو کرم» گلپایگان به اقامه جماعت و ارشاد مؤمنین پرداخت. ولی اجل مهلتش نداد و در سال 1333 ق مطابق با 1293 ش در سن میان سالی درگذشت. ابتدا پیکرش در مقبره خانوادگی حجه الاسلام در گلپایگان مدفون شد و پس از سالهای متمادی بنا بر وصیت خود مرحوم، به وسیله فرزندش جناب آقای محمد تقی (متولد 1333 ق) کالبدش در سال 1376 ق به قم انتقال و در قبرستان حاج شیخ مدفون شد.

### میرزا ابو القاسم مجتهدی تبریزی

(1334-1415 ق)

حاج میرزا ابو القاسم فرزند آیت الله میرزا مصطفی و نوه آیت الله میرزا حسن مجتهد تبریزی، از صاحب منصبان خوشنام دادگستری و شاعران خوش ذوق بود.

پدرش شیخ مصطفی (1297 ق در تبریز - 15/رمضان 1337 ق) از تحصیل کرده های نجف اشرف و از جمله شاگردان حضرات آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، شیخ علی نهاوندی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی بود. او علاوه بر تحصیل فقه و اصول، علوم دیگری از قبیل: ریاضیات، ادبیات، نجوم و علوم طبیعی نیز فرا گرفت.

از تألیفات او می توان به: 1- ارجوزه فی العروض 2- حاشیه علی لسان الخواص،

ص: 280

3- حاشیه علی کفایه الاصول (ناتمام) اشاره کرد.

در کتاب «رجال آذربایجان» تألیف مهدی مجتهدی برادر صاحب شرح حال، درباره این برادر چنین می نویسد: «فرزند ششم آن مرحوم آقای ابو القاسم مجتهدی رئیس عدلیه ملایر و تویسرکان و نهاوند است. از قضات پاک دامن و خوش قریحه عدلیه ایران است».

میرزا عبد الله مجتهدی/سید کاظم شریعتمداری/سید موسی شبیری

ایشان مدتی نیز رئیس دادگستری ارومیه بود و سرانجام به سمت دادیار دیوان عالی کشور-شعبه چهار-برگزیده شد. وی سالهای آخر عمر خود را در تهران به سر می برد.

مجتهدی در صفر 1334/ق در تبریز متولد و در روز 22 ربیع الاول/1415 ق در سن 77 سالگی در تهران درگذشت و پیکرش را به قم حمل و در ابتدای قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

آقا مرتضی مجتهدی که فعلا در خوی سکونت دارد فرزند ایشان است.

منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 147.

ص: 281



(1325-1399 ق)

حاج میرزا ابو القاسم فرزند علامه شیخ محمد مهدی و نوه میرزا محمد گلپایگانی، معروف به «محمدی» از دانشمندان و خدمتگزاران شهر گلپایگان بود.

او در 26 ربیع الاول 1325/ ق در قریه «اسفرنجان» گلپایگان متولد گردید.

محمدی پس از طی دوران کودکی و آموختن برخی از مقدمات، رهسپار اصفهان شد. سطح را در خدمت علامه حاج آقا رحیم ارباب استفاده نمود. در سال 1347 ق به نجف اشرف عزیمت نمود و از محضر آیات: میرزا ابو الحسن مشکینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی درس خارج فقه و اصول را بهره مند گردید و موفق به دریافت اجازاتی از ایشان شد. وی پس از هفت سال اقامت در عتبات عالیات در سال 1354 ق به ایران مراجعت و در زادگاهش «اسفرنجان» اقامت نمود. پس از درگذشت پدرش در سال 1361 ق به انجام وظایف دینی و ارشاد پرداخت.

مردم گلپایگان مکررا از او دعوت به عمل آوردند که به شهرشان نقل مکان نماید ولی باین همه محل سکونت خود را تغییر نداد و در موطن پدری خود زندگی می کرد. تا عاقبت کثرت احتیاج مردم شهر به وجود او، با عوامل دیگر ایجاب نمود که به آنجا منتقل شد و جمیع اوقات زندگی خود را در اختیار مردم شهر و دهات گلپایگان قرار داد. مسجد جامع را به صورت بسیار جالبی تعمیر و مجهز نمود و آن را پایگاه براننده اقامه جمعه و جماعت این محیط کرد. در کنار آن کتابخانه نفیسی احداث کرد که امروزه نیز مورد استفاده عموم است و از حسنات دائمی اش می باشد. آیت الله سید محمد حائری گلپایگانی در مورد این موفقیت ابیات زیر را سرود:

مَنْت ایزد را که این مسجد ز نو معمور شد بهر ذکر حق مهیا همچو کوه طور شد

عالمی پرهیزکار و رهنمائی باخرد بهرش این توفیق از الطاف حق مقدور شد

در حقیقت کرد تجدید بنا همچون خلیل با مزایائی که الحق نور فوق نور شد

نام نامیش ابو القاسم به شهرت در جهان با محمد منتسب چون لؤلؤ منشور شد

نامبرده سالها امامت جماعت «مسجد جامع گلپایگان» را برعهده داشت و خدمت مؤثری در پیش برد فرهنگ عمومی و مذهبی نسل جوان این شهر کرد و جلسات تفسیری اش از اقبال خوبی از سایر مردم برخوردار بود. اطلاعات جغرافیائی و اجتماعی اش بسیار زیاد و جلسات درس ایشان شاگرد فراوان داشت.

مرحوم محمدی چند سالی هم امامت مسجد مسلمانان ها در «هامبورگ» آلمان را عهده دار بود.

وی توانست در شهر گلپایگان نماز جمعه را که سالها از آن محیط متروک و مهجور بود، زنده نماید و به پای دارد. همچنین توانست که «مسجد جامع» تاریخی و باعظمت این شهر را که متروک و مخروبه بود، افتتاح نماید و آن را معمور و مورد استفاده کامل قرار دهد.

## از آثار او

تفسیر قرآن مجید، که به صورت نوار بوده بر روی کاغذ پیاده شده و از سوی یکی از مراکز قرآنی قم آن را در چند جلد، جهت چاپ آماده می کنند.

محمدی در روز یکشنبه 25/رمضان 1399/ق مطابق با 28/مرداد/1358 ش درگذشت و در قبرستان شیخان قم مدفون شد. فرزندش آقای شیخ غلامحسین محمدی است.

منابع

1- گنجینه دانشمندان 430/6.

2- گوشه ای از تاریخ گلپایگان و مردم آن 188.

3- نقباء البشر (قسمت خطی - در ضمن بیوگرافی پدرش متعرض شده است).

ص: 283

(1263-1355 ق)

در 10 صفر 1263/ ق در یزد متولد شد.

حاج میرزا ابو القاسم فرزند سید محمد باقر و نوه میرزا زین العابدین طباطبائی مدرس یزدی، از بزرگان و دانشمندان ساکن تهران بود.

### مهاجرت به تهران

وی نخستین فردی است که از «خاندان مدرس» به تهران مهاجرت کرد و سالهای متمادی در آنجا زیست و در «مسجد جمعه» واقع در بازار به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت اشتغال داشت و مورد توجه بزرگان و ریش سفیدان محل بود.

علامه سید جواد مدرس در کتاب خود «النجوم السرد» وی را، عالمی توانا و فاضلی کوشا، که در امور شرعی سختگیر بوده و باکی از هیچ کس نداشته، معرفی کرده است.

وی در زهد و تقوا دارای مقام والا بود. در مسجد جمعه (شبستان بزرگ) اقامه جماعت می نمود و مورد توجه عامه و احترام سایر طبقات بود و در آنجا مشغول بیان احکام الهی و گفتن تفسیر قرآن مجید می شد. ایشان بسیار عادی و خالی از هوا بود و مکررا دیده می شد که برای اهل و عیال خود خرید بازار می کرد و خود شخصا بار را حمل می کرد و به دوش می گرفت.

### درگذشت

در روز یکشنبه اول شعبان 1355/ ق مطابق با 26 مهر 1315/ ش در سن 92 سالگی در محله «چاله میدان» تهران درگذشت و جسدش به قم حمل و در یکی از حجرات صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

فرزند اهل علم ایشان سید حسن مدرسی است.

منابع

1- سنگ مزار ایشان.

2- معجم القبور وفيات الأعلام (خطی-رازی).

3- النجوم السرد بذكر علماء يزد (خطی-مدرسی) ولادتش را به سال 1262 نوشته است.

**سید ابو القاسم مرعشی تبریزی**

**اشاره**

(1329-1400 ق)

حاج سید ابو القاسم فرزند سید ابراهیم مرعشی تبریزی، از نویسندگان و مؤسس انتشارات حافظ در تهران بود.

وی در سال 1329 ق مطابق 1290 ش متولد گردید.

**از آثار او**

1- حج در نظر حضرت سجاد علیه السلام.

2- سید جمال اسدآبادی.

3- شرح زندگانی و وفات حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام.

4- کلمات قصار حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان او علیهم السلام.

5- کنیاز (دالگورکی)، جاسوس اسرارآمیز روسیه.

مرعشی در روز دوشنبه 15 ربيع الثاني 1400/ ق مطابق با 13/ اسفند 1358 ش در سن 71 سالگی در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش

به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ-قسمت زیرزمین «غسالخانه قدیم»- مدفون گردید.

**سید ابو القاسم میرعارفین قمی «عارفی»**

**اشاره**

(1339-1407 ق)

حاج سید ابوالقاسم فرزند سید حسن میرعارفین قمی، از خادمان مطبوعات

ص: 285

و فرهنگ بود.

تولدش در سال 1339 ق مطابق با 1299 ش در قم اتفاق افتاد.

## خدمات مطبوعاتی

وی پس از طی تحصیلات علوم دینی به عالم مطبوعات رو آورد و مطالب خود را با نام مستعار «عارفی» امضا می کرد. در سال 1329 ش خدمت مطبوعاتی خود را رسماً آغاز کرد و یک سال بعد موفق به نشر هفته نامه «سرچشمه» در شهر قم گردید و آن را سالهای متمادی منتشر ساخت.

ایشان در روز جمعه 26 رجب 1407/ ق مطابق با 7 فروردین 1366/ ش درگذشت و پیکرش در یکی از اطاقهای قبرستان بیات (واقع در مقابل پل آهنچی) مدفون گردید.

منابع

1- چهره مطبوعات معاصر 198 و 238.

2- رجال قم 88.

## شیخ ابو القاسم نحوی قمی

### اشاره

(1300-1385 ق)

از مدرسان کتب ادبیات و سطوح متوسطه فقه و اصول بود.

وی در سال 1300 ق در قم متولد گردید.

### اساتید او

شیخ ابو القاسم پس از طی مقدمات، دروس عالی را از محضر آیات: شیخ حسن فاضل، شیخ ابو القاسم قمی «کبیر» و حکمت را نزد میرزا علی اکبر حکمی یزدی «تجلی» استفاده نمود. دروس خارج را هم از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی

خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی بهره مند شد و چند سالی هم به امر آیت الله بروجردی جهت اداره حوزه علمیه ساوه به آن سامان مهاجرت کرد. آنگاه به زادگاه خود مراجعت نمود و به خدمات دینی و معنوی خود ادامه داد. او در نهایت تهی دستی زندگانی کرد و وارد هیچ دسته و گروهی نشد و به تدریس و تربیت طلاب اشتغال داشت و فضیلتی بسیاری از محضرش استفاده نمودند.

## درگذشت

وی در رجب 1385/ ق مطابق با آبان 1344/ ش در سن 85 سالگی در قم درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام- در جوار مزار قطب راوندی- به خاک سپرده شد. ثقه المحدثین شیخ تقی نحوی فرزند ایشان است.

## منابع

1- آثار الحجة 81/2.

2- آینه دانشوران 229.

3- رجال قم 88.

4- گنجینه دانشمندان 292/2.

## شیخ ابو القاسم نراقی کاشانی

## اشاره

(1319-1252 ق)

حاج میرزا ابو القاسم ملقب به «نجم الدین» فرزند آیت الله شیخ محمد و نوه آیت الله ملا احمد نراقی کاشانی، از دانشمندان و فقهای بزرگ و یکی از نوادگان فقیه اصولی میرزا ابو القاسم گیلانی «صاحب قوانین الاصول» بود.

وی در 27 ذی الحجة 1252/ ق در شهر کاشان دیده به جهان گشود.

ایشان تحصیلات خود را در کاشان نزد بزرگان آن سامان از جمله پدر ارجمند خود تحصیل نمود و از او به کسب اجازه علمی نایل آمد. نامبرده در قوت حافظه به

ص: 287

ویژه حفظ آیات قرآن کریم و نیز حفظ و احاطه بر معانی اشعار، مهارت تامی داشت.

نویسنده «المآثر و الآثار» ایشان را چنین می ستاید: (او در اصول مهارتی عظیم بهم رسانید و در کاشان ریاستی شایسته داشته و حکومت شرعی می نموده).

### **آثار قلمی ایشان به شرح زیر است**

1- آثار الرحمه فی علائم الظهور.

2- الرساله الاعلانیه.

3- الشهاب الثاقب.

4- تسهیل الدلیل فی الفقه.

5- تقریح الفوائد.

6- تفسیر الآیات.

7- جنان الجنان.

8- حجه الظنّ الخاص و الردّ علی منکره.

9- دفع الشبهه.

10- سهام نافذه.

11- شرح الارشاد.

12- شرح قصیده کعب بن زهیر.

13- شعب المقال فی أحوال الرجال.

14- مطالب الاصول.

این فقیه فرزانه و محقق یگانه در 24 محرم 1319/ ق در 67 سالگی در کاشان دار فانی را وداع گفت و پیکرش به قم حمل و در قبرستان شیخان- جوار مزار جدّ خود میرزای قمی- به خاک سپرده شد.

فرزندش علامه میرزا مجد الدین نراقی از فضلا و بزرگان بود.



منابع

1-الذريعه 273/6 و 191/14.

ص:288

2-المآثر و الآثار.

3-تراجم الرجال(خطی-اشکوری).

4-لباب الالقباب فی ألقاب الأقطاب 104.

5-مشاهیر کاشان 173.

6-مکارم الآثار 1408/4.

7-نقباء البشر 74/1(که تولدش را در سال 1258 ق دانسته است).

### شیخ ابوالمجد شیخ الاسلامی بروجردی

(-1410 ق)

حاج شیخ ابوالمجد فرزند علامه شیخ علی شیخ الاسلام بروجردی، از دانشمندان و فضلالی معاصر بود.

پدرش از علمای سرشناس بروجرد بود که سمت شیخ الاسلامی را داشت و در مسجد جامع آن شهر نماز جماعت را عهده دار و به ارشاد و هدایت نیز مشغول بود.

آقا ابوالمجد شیخ الاسلامی، در بروجرد زاده شد و پس از طی تحصیلات مقدماتی و سطوح، مدتی از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود. آنگاه به حوزه علمیه قم رهسپار شد و از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد فیض قمی و پس از

ص: 289

ورود آیت الله بروجردی به قم از محضر ایشان نیز استفاده نمود.

نامبرده در پائین شهر قم-خیابان آذر-اقامت و در آنجا به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت اشتغال داشت.

وی در 5 ذی القعدة 1410/ ق مطابق با 9 خرداد 1369/ ش در قم درگذشت و در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

منابع

1- آثار الحجج 84/2.

2- اطلاعات متفرقه.

3- گنجینه دانشمندان 87/2.

**شیخ احمد آذری قمی**

**اشاره**

(1344-1419 ق)

شیخ احمد فرزند حسین علی آذری قمی، از خاندان معروف «بیگدلی» قم می باشد.

وی در ربیع الاول 1344/ ق مطابق با 1304 ش در قم متولد شد.

ایشان از شاگردان حضرات آیات:

سید حسین طباطبائی بروجردی، سید روح الله خمینی، سید محمد داماد یزدی و علامه طباطبائی در قم و حضرات آیات:

سید یحیی مدرس یزدی، میرزا حسن یزدی، میرزا باقر زنجانى، میرزا هاشم آملی و سید ابو القاسم خوئی در نجف اشرف بود.

ص: 290

- 1- التحقیق فی الاجتهاد و التقليد، در چهار جلد.
- 2- بحث رشوه (به عربی و فارسی).
- 3- پاسخ به مشکلات اقتصادی اسلام.
- 4- پدیده شوم احتکار.
- 5- پرسش و پاسخهای مذهبی، سیاسی، اجتماعی.
- 6- تحقیق الاصول المفیده، در دو جلد.
- 7- تشریح و کالبدشکافی و مسایل مستحدثه.
- 8- حکم حکومتی.
- 9- خط امام.
- 10- ربا، در دو جلد.
- 11- ربا و بانکداری.
- 12- رهبری پرچمدار مبارزه با کفر و استکبار یا رهبری جنگ و صلح، در دو جلد.
- 13- سیمای زن در نظام اسلامی.
- 14- شرح بر وصیت نامه سیاسی الهی آیت الله خمینی.
- 15- شطرنج و دیه از دیدگاه احکام فقهی.
- 16- مالکیت در اسلام.
- 17- مسئول اخذ و صرف خمس کیست؟.
- 18- مکاسب محرمه.
- 19- ولایت فقیه از دیدگاه شیخ انصاری (به عربی و فارسی).

20- ولایت فقیه از دیدگاه فقهای اسلام، در چهار جلد.

21- ولایت فقیه از دیدگاه قرآن کریم.

وی در روز پنجشنبه /25 شوال 1419/ ق مطابق با /22 بهمن 1377/ ش در اثر سکته مغزی در بیمارستان خاتم الانبیاء درگذشت. پیکرش  
صبح روز شنبه در قم

ص: 291

تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## شیخ احمد آل آقا کرمانشاهی

### اشاره

(1291-1379 ق)

حاج شیخ احمد فرزند علامه شیخ هادی و نوه آیت الله شیخ محمود آل آقا کرمانشاهی، یکی از علمای تهران ساکن خیابان سقاباشی و مدرسان مدرسه سپهسالار بود.

شرح حال ایشان به قلم خودشان در کتاب «تاریخ مدرسه سپهسالار» آمده که به شرح زیر است:

بنده احمد بن هادی بن محمود بن محمد علی بن آقا محمد باقر البهبهانی (قدس سرهم).

در سنه 1291 قمری در تهران تولد یافته و در سن شباب مثل سایر احباب اشتغال رسمی به تحصیل و مباحثه نحو و صرف و ادبیات و غیره داشته، و فقه و اصول و کلام را خدمت اساتید عصر مثل: مرحوم حاج شیخ حسن نهاوندی و مرحوم آقا سید عبد الکریم مدرس لاهیجی و مرحوم آخوند ملا محمد آملی و مرحوم حاج شیخ علی نوری و غیرهم استفاده نموده، و بعد به نجف اشرف مشرف و مدتی در درس مرحوم آقای شیخ حسن تویسرکانی و مرحوم شیخ محمد حسن مامقانی و مرحوم آخوند ملا علی نهاوندی و غیرهم اشتغال داشته و بعد به واسطه عروض کسالت و ناخوشی، بر حسب امر علما و مرحوم والد قدس سره ناچار به مراجعت و معالجه در تهران شده، و به تحصیل و تکمیل علوم کلام و معقول و منقول پرداخته و مدتها در خدمت آقایان: مرحوم حاج شیخ عبد النبی نوری و آقا میرزا حسن کرمانشاهی و مرحوم میرزا هاشم رشتی و مرحوم حاج شیخ محمد قوچانی (قدس سرهم) اشتغال داشته و در تاریخ 1328 ق بر حسب امر پدر بزرگوارم در مدرسه مرحوم جدّ مرحوم آقا محمود به تدریس و امامت و امور

ص: 292

راجع به وظیفه روحانیت مشغول و در سنه 1337 ق امور کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار به داعی تقویض و اسباب سرگرمی و اشتغال به کتب و کتابخانه و خدمت به علم و علما گردید و اینک ها انا ذا و نعوذ باللّه من السهو و النسیان و ارجو منه المغفره و من الاحیاء طلب الغفران.

از جمله آثار ایشان: نوشتن فهرستی بر مقام الفضل که از آثار جدّ اعلاّی خود شیخ محمد علی کرمانشاهی است.

نامبرده در 27/رمضان 1379/ق مطابق با 5/فروردین 1339/ش در سن 88 سالگی در تهران درگذشت، جسدش جهت مراسم خاکسپاری به قم حمل و در حرم حضرت معصومه علیها السلام (مسجد بالاسر) به خاک سپرده شد.

### **فرزندانش:**

1- شیخ عبد الله 2- آقا علی اکبر 3- آقا علی اصغر 4- آقا علی و دو دختر که دامادهايش آقا محسن تربتی از صاحب منصبان وزارت کشور و آقای بافقی.

منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- تاریخ مدرسه سپهسالار 190.

### **شیخ احمد آل آقا نهاوندی**

#### **اشاره**

(-1366 ق)

شیخ احمد فرزند شیخ کاظم و نوه شیخ علی آل آقا کرمانشاهی «نهاوندی»، از فضلا و بزرگان بود.

#### **تحصیلات عالی**

وی پس از کسب مقدمات در نهاوند رهسپار نجف اشرف گردید و نزد آیات:

ص: 293

آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و نیز در محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی کمال استفاده را نمود و به نهاوند مراجعت کرد.

آل آقا عالمی فاضل، آگاه و زنده دل و در عزت نفس و علو همت و سخاوت طبع و دستگیری از فقرا و ایتم کم نظیر بود.

### درگذشت و اعقاب

وی در روز پنجشنبه 4 جمادی اول 1366/ ق مطابق با 6 فروردین/ 1326 ش در سفری که به قم داشت کسالت بر او غالب شد و درگذشت. آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی بر جنازه او نماز گزارد و در صحن حضرت معصومه علیها السلام- در مقبره آل آقا(زیر ساعت)- به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- آقا محمد 2- آقا محمود و چند دختر. از جمله دامادهای او، استاد شیخ علی دوانی (ساکن تهران) می باشد.

منابع

1- زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع آیت الله بروجردی 329.

2- وحید بهبهانی 354.

### میرزا احمد آیت اللهی زنجانی

### اشاره

(1296-1352 ق)

میرزا احمد دواسبی فرزند ملا ابراهیم زنجانی، معروف به «آیت اللهی» از فقها و بزرگان زنجان بود.

وی در سال 1296 ق در روستای «دواسب» زنجان دیده به جهان باز نمود.

ص: 294



آیت اللهی پس از رشد و نما و آموختن مقدمات نزد پدر خود، سطح را نزد شیخ ابراهیم سرخه دیزجی و آخوند ملا قربانعلی زنجانی «حجه الاسلام» به پایان برد و در سال 1318 ق به نجف اشرف رهسپار شد و از محضر آیات: شیخ محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی خارج فقه و اصول بهره مند شد و به درجه عالی اجتهاد نائل آمد. او همان جا به افتخار دامادی علامه آیت الله سید علی داماد تبریزی درآمد (که از او فقط دارای یک دختر شد) و در سال 1330 ق به زنجان مراجعت و حوزه درسی دایر نمود و فضلا در درسش حاضر می شدند ولی به سبب ابراز مخالفت از عملکرد سران مشروطه خواهان و با تحریکات و جبهه گیری حامیان مشروطه، حوزه بخش تحلیل می رفت. با این وصف به خاطر صداقت و صراحت در عقیده و عمل و روشنگری و مبارزه بی وقفه با ظلم و فساد مورد علاقه شدید عامه مردم شهر و حومه بوده و زعامت خطه خمسه و زنجان را برعهده داشته است. وی مشهور به عنصر شجاعت و شهامت و شدیداً در امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با استبداد رضاخانی استوار بود که هنوز هم خاطره های مجاهدتهایش در زبان مردم زنجان شایع و رایج است.

ایشان در ایام رمضان و محرم در مسجدی که معروف به نام خود «میرزا احمد» بود، منبر می رفت و از کارهای لامذهبی و استبدادی رضاخانی انتقاد و اعتراض می کرد و مسجدش همیشه مملو از جمعیت می شد، به خصوص در ماه های مذکور ازدحام زیادی می شد و مأموران امنیتی سخنانش را به مرکز مخابره می کردند و بارها اخطار و مورد تهدید قرار دادند که در امور سیاسی و جاری مملکت مداخله ننماید. ایشان در جواب می فرمود: من خلاصه آنچه را که در منبر می گویم، به وسیله نامه به شاه فرستادم.

در سال 1348 ق به قم مسافرت کرد و با آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی ملاقات نمود و درباره اعمال رژیم حاکم گفتگویی داشت و هنگام مراجعت در تهران تحت نظر مأموران قرار گرفت و چهل روز بلا تکلیف و تحت نظر بود. به

همین خاطر به شهید سید حسن مدرس (نماینده مجلس) پیغام داد. مدرس با ابراز تأثر شدید جواب می دهد: موقعیت من در حال حاضر طوری است که هر اقدامی در حق شما انجام دهم، وضع شما را دشوارتر می کند. بالاخره با اقدامات بعضی از علاقمندان ایشان رفع توقیف می شود و به زنجان مراجعت می کند.

در سال 1349 ق ایشان برحسب معمول ماه رمضان در مسجد سخنرانی می کند و بیش از گذشته از اختناق و ظلم حاکم انتقاد می کند که در بیست و یکم ماه رمضان همان سال وی را بازداشت و روانه تهران می کنند. اهالی زنجان اطلاع حاصل نموده و تظاهرات کم نظیری بر پا و به شهربانی هجوم می آورند و آنجا را سنگ باران می کنند. در تهران ایشان را در زندان شهربانی حدود دو ماه زندانی می کنند و رضا خان شخصا با لباس مبدل در زندان با ایشان ملاقات و مورد بازجوئی قرار می دهد. پس از پایان بازجوئی تصمیم بر قتلش می گیرند، ولی در شرایط مذکور این کار را صلاح نمی بینند و آزاد می شود و به زنجان مراجعت می کند.

مبارزات ایشان همین طور ادامه پیدا می کند تا اینکه شعبان 1352/ق می رسد و او را به اداره کارگاهی زنجان احضار و سؤالاتی چند مطرح می کنند. روز بعد به همین ترتیب احضار می شود و ضمن بازجوئی با احترام و اصرار زیاد به نوشیدن چایی وادار کرده و پس از نوشیدن آن، مرحوم آیت اللهی اظهار می دارد: که نه طعم چای و نه مزه آن را دارد. و پس از مراجعت به منزل حالش بهم می خورد و دچار مسمومیت می شود و معالجات هم سودی نمی بخشد. و سرانجام در روز یکشنبه 28 شعبان 1352/ق مطابق با 26 آذر 1312/ش در سن 28 سالگی شهادت گونه به دیدار معبود شتافت. طبق وصیت پیکرش از زنجان به قم حمل و در جوار مزار علی بن جعفر علیه السلام به خاک سپرده شد.

## از آثار او

1- رساله عملیه، چاپ شده.

ص: 296

2- عنایه الحق فی اصول الفقه (ناتمام).

3- فقه استدلالی، تا باب زکاه که از بین رفت.

4- فلسفه اتحاد مسلک الحق، در اصول دین، چاپ شده.

5- کشف الحجاب فی علم الکلام (ناتمام).

ایشان در زنجان صاحب محراب و کرسی تدریس و نفوذ زیادی بوده و در دوره رضاخانی مبارزاتی داشته و به طور مرموز درگذشته است.

### فرزندانش:

1- میرزا محمد آیت اللهی که از علمای زنجان بود.

2- میرزا حسن آیت اللهی از علمای تهران است.

منابع

1- اطلاعاتی از فرزندش میرزا محمد آیت اللهی به تاریخ غروب جمعه 18 ذی القعدة 1417/ ق در منزلش در زنجان.

2- تاریخ زنجان 59.

3- یادداشت فرزندش میرزا حسن آیت اللهی، ارسالی به تاریخ 10 بهمن 1378/ ش از تهران.

### میرزا احمد ابو طالبی اراکی

### اشاره

(1325-1411 ق)

حاج میرزا احمد فرزند علامه شیخ محمد صالح و نوه آیت الله ملا ابو طالب عراقی، و نظر به اینکه از اعقاب مرحوم ابو طالب هستند به «ابو طالبی» شهرت یافتند. وی از فضلا و پارسایان معاصر بودند.

میرزا احمد در سال 1325 ق در اراک دیده به جهان گشود.

پدرش از جمله فضلا بود که در سن جوانی درگذشت.

جد ایشان ملا ابو طالب عراقی از فقها و اندیشمندان منتفذ دوره قاجاریه در



خطه اراک بود. وی تحصیلات عالی خود را در نجف اشرف نزد آیات: شیخ مرتضی انصاری، سید حسین کوه کمری و میرزا محمد حسن شیرازی به انجام رسانید. از جمله آثار قلمی ایشان: 1- حاشیه علی الرسائل 2- حاشیه علی المکاسب 3- شرح نجاه العباد، در چند جلد. نامبرده در سال 1250 ق در آستانه اراک متولد شد و در سال 1329 ق در شهر اراک درگذشت و فعلا مزار ایشان در وسط یکی از پارکهای معروف آنجا می باشد. جهت تفصیل بیشتر به نقباء البشر 48/1 و نامداران اراک 228 رجوع شود.

شیخ احمد ابو طالبی سایر کتب مقدمات و سطح نزد برادر ارشد خود آیت الله شیخ یحیی ابو طالبی به انجام رساند و جهت ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم رهسپار شد و از محضر آیات:

سید حسین طباطبائی بروجردی، سید روح الله خمینی، سید محمد رضا گلپایگانی و سید شهاب الدین مرعشی استفاده نمود. در ضمن ایشان به تدریس کتب مقدمات و سطوح اشتغال داشت. نامبرده در سالهای آخر عمر خود دچار بیماری گردید و خانه نشین شد. نگارنده چند ماه قبل از ارتحال ایشان موفق به دیدارشان شدم.

شیخ یحیی ابو طالبی اراکی

## از آثار او

تصحیح کتاب «مجمع الفرائد» فی الاصول (از شیخ علی فریده الاسلام).

او در روز دوشنبه اول/رمضان 1411/ق مطابق با 27/اسفند 1369/ش

ص: 298

در سن 86 سالگی در قم درگذشت و پیکرش در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-گنجینه دانشمندان 472/7.

**احمد اتابکی «مشیر اعظم»**

(1302-1356 ق)

حاج میرزا احمد اتابکی ملقب به «مشیر اعظم» فرزند میرزا علی اصغر معروف به «امین السلطان» و ملقب به «اتابک اعظم»، از رجال سیاسی و معروف ایران بود.

او در سال 1302 ق در یک خانواده اصیل متولد گردید. و در سن جوانی - سال 1321 ق - همراه پدرش که از صدارت معزول و تبعید شد، به چین، ژاپن، آمریکا، مکه و اروپا مسافرت کرد و همراه ایشان به ایران بازگشت.

وی پس از کشته شدن اتابک در (1325 ق) بیکار بود. تا اینکه در سال 1294 ش برابر با 1334 ق در کابینه سپهسالار اعظم (محمد ولی تنکابنی) سمت وزیر فوائد عامه، و در سال 1345 ق در دو کابینه مستوفی الممالک، سمت وزارت پست و تلگراف را به عهده گرفت. نامبرده در اواخر عمر، خود را به شهید سید حسن مدرس وابسته کرد و از طرفدارانش گردید. مدرس نیز از او حمایت می کرد، و ورود وی در کابینه مستوفی بنا بر سفارش مدرس صورت پذیرفت.

نامبرده در اوایل سلطنت احمد شاه قاجار، ریاست تشریفات دربار را عهده دار شد و در انتخابات مجلس شورای ملی - دوره پنجم در سال 1302 ش مطابق با 1342 ق - از شهرستان فسا واقع در استان فارس، شرکت جست و به نمایندگی انتخاب و راهی مجلس گردید.

مشیر اعظم در سال 1316 ش مطابق با 1356 ق در سن 54 سالگی درگذشت

ص: 299

و در قم-در مقبره خانوادگی شان-در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

منابع

1-رهبران مشروطه 521/1 و 107/2.

2-شرح حال رجال ایران 76/1.

3-نمایندگان مجلس شورای ملی 292(نام پدرش را جواد نوشته که قطعاً اشتباه است).

### میرزا احمد اجتهادی اهری

(-1369ق)

میرزا احمد اجتهادی فرزند میرزا قاسم اهری، از فضلالی حوزه علمیه قم بود.

پدرش از علما و بزرگان اهر بود که از روستای «هوراند» به اهر منتقل شد، وی در زهد و تقوا از معاریف به شمار می رفت.

میرزا احمد در اهر دیده به جهان گشود. او پس از آموختن مقدمات، در سال 1349 ق به قم مهاجرت کرد و سطح را نزد میرزا محمد همدانی و میرزا محمد فیض قمی به پایان برد. خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبایی بروجردی استفاده نمود و تا آخر عمر همان جازیبست.

نامبرده در روز یکشنبه 17 ربیع الثانی 1369/ق مطابق با 16 بهمن 1328 ش در قم بدرود حیات گفت و در قبرستان حاج شیخ با کد(16676) به خاک سپرده شد. (سال مرگش اشتباها روی سنگ، 1368 ق حک شده است).

میرزا احمد، برادری فاضل و دانشمند و متقی به نام شیخ جعفر اجتهادی داشت که در اهر مدفون است.

منابع

1-آینه دانشوران 394(نام پدرش اشتباها میرزا هاشم ثبت شده است).

2-اطلاعات متفرقه.

ص: 300

اشاره

(1265-1350 ق)

حاج میرزا احمد فرزند میرزا ابو العلاء طبیب قزوینی ملقب به «أحسن الحکماء» و نوه میرزا مسیح طبیب است، که در سال 1265 ق در قزوین دیده به جهان گشود.

گلریز در «مینودر»، ایشان را چنین معرفی کرده است:

«احسن الحکماء، علاوه بر مراتب علمی در فنّ پزشکی در بین اقران، سرآمد آنان به شمار می آید، و مردم قزوین از حذاقت او بهره مند بودند».

از آثار قلمی او

1- الفصل فی الرقص.

2- دلانل الأعراض (در فنّ پزشکی).

3- شرحی بر اشارات، اثر شیخ الرئیس (ابو علی سینا).

4- شرحی بر قانون، اثر شیخ الرئیس.

احسن الحکماء، در سال 1350 ق مطابق با سال 1310 ش در سن 85 سالگی چشم از جهان فرو بست و در ارض پاک قم مدفون گردید.

فرزندان ایشان عبارتند از:

1- دکتر میرزا ابراهیم حکیم افضل، صاحب امتیاز و مدیر روزنامه «روش خلق» منتشر سال 1329 ش در تهران. او در سال 1310 ق متولد گردید و در روز چهارشنبه 26 جمادی الثانی 1407/ ق مطابق با 6 اسفند 1365/ ش بدرود حیات گفت. کتاب «بقای روح» از آثار اوست.

2- آقا محمّد علی 3- آقا محمود.

منابع

1- اطلاعات متفرقه.



2- مینودریا باب الجنه 357/1 و 353/2 و 750 و 789 و 849.

ص: 301

(1287-1370 ق)

شیخ احمد امینی فرزند شیخ نجفعلی «امین الشرع» و نوه اللهیار تبریزی، از علما و بزرگان تهران بود و پدر آیت الله شیخ عبدالحسین امینی مؤلف کتاب «الغدیر» است.

ایشان در سال 1287 ق در روستای «سردها» از توابع «هریس» شهرستان سراب واقع در آذربایجان شرقی، متولد گردید.

### هجرت به تبریز و نجف اشرف

پس از آموختن مقدمات، در سال 1304 ق به تبریز مهاجرت کرد و از محضر آیت الله میرزا اسد الله فرزند محسن تبریزی سطوح را استفاده نمود.

آنگاه به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی بهره مند شد و گواهی فضل ایشان به قلم حضرات آیات: میرزا علی شیرازی فرزند مجدد شیرازی و میرزا علی ایروانی صادر شد. سپس به ایران مراجعت و در تهران سکونت اختیار کرد و تا پایان عمر در آنجا زیست و به زهد و تقوا و پاکی شهرت داشت.

### از آثار او

1- تعلیقه علی المکاسب.

### درگذشت و اعقاب

ایشان در روز 29 ربیع اول 1370/ ق مطابق با 18 دی 1329/ ش در سن 83 سالگی در تهران درگذشت و پیکرش به قم حمل و در وسط قبرستان حاج شیخ با کد (14050) به خاک سپرده شد.

ص: 302

1- حاج محمود 2- آیت الله شیخ عبد الحسین امینی 3- میرزا ابراهیم.

منابع

1- مشهد الامام أو مدینه النجف 19/4.

2- معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف 176/1.

3- نقباء البشر 124/1.

**میرزا احمد امینی مراغه ای**

(1318-1407 ق)

زندگینامه حاج آقای امینی به درخواست اینجانب توسط نویسنده محترم آقای شیخ محمود طیار یادداشت شده است که تقدیم می گردد:

آیت الله حاج میرزا احمد امینی مراغه ای فرزند حاج محمد، از مشاهیر فقها و علما بود. او در سال 1318 ق مطابق با 1279 ش در قصبه «ملکان» از توابع مراغه دیده به دنیا گشود.

تحصیلات مقدماتی و متوسطه را در مدرسه مسجد جامع مراغه و در محضر اساتید گرانقدر و فضیلا مشهور آن عهد، همچون: آیت الله شیخ حسین مجتهد مراغه ای (متوفای 1356 ق) به پایان برد. برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم هجرت نمود و پس از تکمیل دروس سطح به درس خارج آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی حاضر شد و پس از وفات این استاد در درس دیگر اساتید چون: آیت الله سید محمد حجت کوه کمری حاضر شد و پس از هجرت آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم، از مباحث فقه و اصول وی بهره های فراوانی برد و سالیانی دراز بدان ادامه داد، تا اینکه در آزمونی که در محضر برخی بزرگان انجام داد به دریافت گواهی عالیة اجتهاد نایل گشت. وی در کنار تحصیل و

مطالعه به تدریس علوم اسلامی می پرداخت. و در سال 1340 ش به زادگاه خود بازگشت و به ارشاد و هدایت مردم و ابلاغ معارف الهی و تدریس علوم دینی در مدرسه مسجد جامع مراغه و تربیت طلاب و فضلا همت گماشت.

در سال 1343 ش پس از دستگیری آیت الله خمینی و تصویب حکم اعدام ایشان، علامه امینی از جمله گروه سی و چند نفری بود که از مراغه برای پیوستن به اعتراض و اعتصاب علما و مراجع تقلید، به «باغ ملک» در حضرت عبد العظیم، به تهران آمد و پس از لغو حکم اعدام دوباره به مراغه بازگشت. امینی عالمی متقی، فقیهی زاهد و فاضلی گرانمایه بود و در میان علمای آذربایجان مشهور بود. مرجع و پناهگاه مردم در مشکلاتشان بود و منزلش در ایام اعیاد و وفیات محل اجتماع مردم متدین می گشت. مجلس خطابه و وعظش بسیار پرشور و به یادماندنی بود. در «مسجد حاج حسین» نماز اقامه می کرد و به سخنرانی می پرداخت و چنانکه معروف است علاوه بر شبستان و حیاط، دهلیزها و حتی آشپزخانه مسجد نیز مملو از جمعیت مشتاق می گشت.

سرانجام در روز یکشنبه 2/ محرم 1407/ ق مطابق با 16/ شهریور/ 1365 ش در قم وفات یافت و در قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

منبع

1- دانشوران مراغه، محمود طیار مراغی (مخطوط).

**شیخ احمد اهری تبریزی**

**اشاره**

(1307-1388 ق)

اینجانب پس از بررسی گسترده و رجوع به یکی از بستگان (آیت الله شیخ محمد علی اهری) و عده ای از شاگردان ایشان اطلاعات و معلومات بسیار ارزشمند و درخور مقام والایش جمع آوری نمودم. امیدوارم مورد توجه و استفادۀ عموم قرار گیرد.

ص: 304

آیت الله شیخ احمد فرزند حسین اهری، از دانشمندان بزرگ و فقیهان سترگ که در تبریز اقامت داشت. وی در سال 1307 ق مطابق با 1268 ش در شهرستان اهر واقع در آذربایجان شرقی دیده به جهان گشود.

مقدمات علوم دینی و قسمتی از سطوح را در زادگاهش آموخت، و در سال 1327 ق به تبریز رفت و باقی سطوح را نزد آیات: شیخ عبد الرحیم کلیری (پدر علامه حاج شیخ مهدی سراج انصاری)، سید ابو الحسن انگجی و میرزا علی اکبر اهری (عموی خود) در کتاب قوانین الاصول (به انجام رساند).

ایشان جهت ادامه تحصیل در سال 1338 ق راهی مدینه العلم نجف اشرف گردید، و خارج فقه و اصول را از محضر آیات: شیخ الشریعہ اصفهانی (به مدت یک سال)، شیخ علی اصغر خطائی (یا ختائی)، میرزا محمد حسین نائینی، میرزا علی شیرازی (فرزند آیت الله میرزای شیرازی)، شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، و سید ابو الحسن اصفهانی در خلال سالهای متمادی بهره مند گردید و در ضمن خود در مقبره طباطبائی یزدی در صحن علوی به تدریس سایر کتب سطح اشتغال داشت.

اهری در پی دعوت عده ای از بزرگان در سال 1370 ق جهت زیارت مشاهد مشرفه به ایران مسافرت کرد و استقبال بسیار شایانی از او در قم به عمل آمد و در راه مراجعت به عتبات عالیات ایشان را در تبریز نگهداشتند و در رأس علمای وقت واقع گردید. ابتدا به تدریس سطوح و بعداً به تدریس خارج و نیز اقامه جماعت پرداخت.

آثار قلمی او که هیچ یک از آنها به چاپ نرسیده، و همه به زبان عربی به رشته تحریر درآمده است عبارتند از:

1- تقریرات الفقه (نائینی).

2- حاشیه علی الرسائل.

3- حاشیه علی المکاسب.

4- رساله عملیه.

5- قاعده لا ضرر و لا ضرار.

6- کتاب الاجتهاد و التقليد.

از جمله شاگردان ایشان می توان به حجج اسلام و علمای گرامی:

1- شیخ محمد غروی قزوینی (ساکن قم).

2- مرحوم میرزا احمد سرائی تبریزی (ساکن تبریز بود).

3- استاد محمد تقی جعفری تبریزی (ساکن تهران بود).

4- میرزا کاظم تبریزی (ساکن قم بود).

5- شیخ عیسی اهری (ساکن تهران).

6- سید علی میرغفاری آذرشهری (ساکن تبریز بود).

7- شیخ محمد کاشفی دارانی تبریزی (ساکن قم).

8- شیخ عمران علیزاده تبریزی (ساکن تبریز).

9- شیخ عبد الحسین غروی تبریزی (ساکن تبریز بود).

10- میرزا احمد فرزند نقی سرچمی زنجانی «رشوندی» (ساکن تهران بود).

11- میرزا علی اکبر قاری (ساکن تبریز).

12- مرحوم سید مصطفی مولانا.

13- شیخ رضا توحیدی تبریزی (ساکن تبریز).

14- سید عبد الکریم موسوی اردبیلی (ساکن قم).

ص: 306

آیت الله اهری سرانجام در روز پنجشنبه /18 صفر 1388/ ق مطابق با /26 اردیبهشت 1348/ ش در سن 81 سالگی در تبریز درگذشت. پیکرش پس از تشییع بسیار باشکوه به قم انتقال یافت و در قبرستان ابو حسین - مقبره العلماء - مدفون گردید.

### فرزندانش:

1- حجه الاسلام شیخ جواد 2- آقا حسین 3- آقا محمود. که همگی آنان مرحوم شدند.

خاطراتی چند از زبان شاگردان معظم له:

1- آیت الله شیخ محمد غروی قزوینی نحوه آشنائی خود را با استاد، و خاطره ای بسیار جالب از زبان او چنین بیان فرمودند: آشنائی ما با ایشان در نجف اشرف در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند خراسانی (رحمه الله علیه) انجام گرفت، و یک قسمتی از «رسائل» که باقی مانده بود، از ایشان درخواست کردیم که تدریس فرمایند، البته باید این را هم تذکر دهیم که وی آدم بسیار خلیقی بود، و من کمتر کسی مثل او دیدم، از نظر سعه صدر و از نظر اطلاعات وسیع با کمتر کسی قابل مقایسه است، و حرکاتش تجربه انسانی را می افزود و بسیار آدم ساز بود.

روزی داستانی را بعد از فراغت از درس برایم نقل فرمود، که برای من بسیار جالب بود، فرمودند: در مدرسه آخوند یک شیخی بود به نام «شیخ حسن» که شیوه این مرد به این نحو بود: عبا را روی سرش می کشید و از مدرسه خارج می شد و در هنگام مراجعت درب حجره را از داخل می بست، و با احدی از طلاب مدرسه تماسی نمی گرفت. ما هم در مدرسه حجره ای داشتیم و همواره ناظر حال ایشان بودیم، و بسیار هم غبطه می خوردیم از اینکه همچو شخصی لا بد یک حالات خاصی دارد. دلم می خواست مطلع بر او شوم و تماسی بگیرم و چون نمی خواستم مزاحمش شوم هیچ گاه درخواست ملاقات نمی کردم، ولی آرزو داشتم که با ایشان



یک روز شیخ حسن به ما گفت: «آقای اهری، امروز نهارتان پهلوی ما باشد تشریف بیاورید حجره ما». به محض شنیدن این خبر انگار دنیا را به من دادند، و بسیار خوشوقت شدم، و حس کردم که آرزوی ما بالاخره برآورده شد.

ظهر که شد، در حجره را باز کرد وارد شدیم و در را بست، نشستیم. دیدم که حجره هیچ اساسی ندارد، نه فرش، نه لباسی، نه... فقط یک دیگ کوچکی روی دو سنگ و قدری برنج به صورت «کته» درست کرده بود، که نه بو داشت، نه مزه داشت، و نه خاصیتی... سفت هم شده بود، در بشقاب ریخت و جلوی ما گذاشت، و گفت: میل بفرمائید. ما هم مادی شدیم!

به هر حال، با اینکه غذای مطبوع نبود چند قاشقی خوردیم، سپس گفت: نهارتان را بخورید تا یک داستانی برایتان نقل کنم. ما هم به آرزوی شنیدن داستان چند لقمه ای دیگر خوردیم، بعد از اینکه فارغ شدیم، شیخ حسن این داستان را نقل کرد:

روزی که ما به نجف اشرف آمدیم خوشی ما این بود هنگامی که به حرم مطهر مشرف می شدیم، پس از ادای زیارت و احترام، نزدیک ضریح می رفتیم همین که سلام خدمت مولا عرض می کردیم، جواب حضرت را می شنیدیم. و ملاحظت حضرت را حس می کردیم و همین برای ما بس بود، و با کسی تماسی نداشتیم و تنها دلخوشی ما همین بود.

حالا دوسه روز است که به حرم مطهر مشرف می شویم، ادای احترام می کنیم، هرچه سلام می کنیم، هرچه زاری می کنیم، اصلا جوابی نمی شنویم! معلوم می شود که ما آدم خیلی بدی شدیم، آدمی مادی شدیم، که از نظر مبارک حضرت امیر المؤمنین علیه السلام افتادیم و به همین خاطر است که جواب سلام ما را نمی دهند.

حالا شما غذا میل کنید چون ما مثل همه شدیم، یک آدمی مادی همانند سایرین!

2- استاد شیخ محمد کاشفی تبریزی برخی از احوالات و نحوه آشنائی اش با آیت الله اهری را چنین بیان می کند: اولین ملاقات بنده با ایشان در تبریز بود. در سال

1331 ش هنگامی که تابستان رسید از قم به تبریز مراجعت کردم، و با مرحوم میرزا علی اکبر قاری (که استاد من بود) برای اولین بار خدمت ایشان رسیدیم. برای مرحوم اهری در نزدیک بازار و مدرسه طالبیه خانه ای محقر و کوچکی - اجاره کرده، و چون تنها از نجف به تبریز آمده بود، جهت پرستایش یک علویه هم در نظر گرفته بودند. قرار بر این شد که از محضرشان استفاده کنیم و تابستان نزدش درس بخوانیم.

ما را هم که معرفی کردند، گفتند: ایشان فرزند میرزا علی کاشفی دارانی، گویا پدرم را شناخت، چون در تبریز او را دیده بود.

به هر حال، ما مانوس شدیم از بس که اخلاقی بود. جاذبه بسیار قوی داشت و ما شیفته اخلاقش شدیم و مرتب به محضرشان می رفتیم. و در مسجدی که در آنجا نماز جماعت می خواند (در بازار دباغ ها قرار داشت) بعد از نماز عصر درس رسائل را شروع کردیم، و چون در قم رسائل را نخوانده بودم، از اول مبحث قطع شروع به درس گفتن نمود. میرزا علی اکبر قاری (استاد من) و بنده و آقای میرزا محمود انصاری (که از فضلا و تجار می باشد) در درسش شرکت می کردیم، چند صفحه ای از مکاسب نیز پیش ایشان خواندم.

یک روزی هم اظهار تمایل کردند که: از آیت الله میرزا رضی زنوزی (شاگرد مرحوم آخوند خراسانی) که در تبریز سکونت داشت دیدنی کنیم. با هم رفتیم به منزل مرحوم زنوزی. و از آنجا که مرحوم اهری مبتلا به بیماری تنگی نفس، و راه رفتن برایش مشکل بود، با این همه پیاده رفتیم. استقبال شایانی نمود و با هم صحبتی کردند، و هنگامی که متوجه شد درس شروع کردند بسیار، اظهار خوشحالی نمودند.

اهری بعدها بیماری قلبی و ریوی شدیدی پیدا کرد، آقای انصاری که دکترها را می شناخت (جهت معالجه) ایشان را به دکتر بردند و مخارج لازم را متکفل شدند.

در حقیقت آقای انصاری به استادش خدمت می کرد، از بس که مرحوم اهری آدمی باصفا و باوفا و باکمال بود. البته مردم کم کم متوجه ایشان شدند، و کم کم روحانیت به ایشان علاقه مند شد. واقعا بی آلایش و باتقوا بود، به مال دنیا هیچ

ارزشی قائل نبود، روی هم رفته با اینکه عده ای از علمای بزرگ هنوز زنده بودند، طبقات مختلف مردم و علما به ایشان گرایش پیدا کردند.

استاد کاشفی درباره مرحوم فرزندش اظهار می دارد:

آقا میرزا جواد آن موقع نابینا شده، خیلی خوش بیان و زباندار بود، دارای لهجه جالب و شوخ طبع هم بود. از ایشان درباره نجف اشرف و سایر مطالب متفرقه که می پرسیدم، با زبانی شیوا و رسا بیان می کرد.

3- سید علی میرغفاری، از علمای ساکن تبریز برایم نقل فرمودند:

خدمت مرحوم اهری در نجف اشرف که تحصیل می کردم، چند مرتبه خواستم که در منزلش دیدنی و ملاقاتی کنیم. ولی امتناع می فرمودند، اصرار هم فایده ای نداشت. به همین خاطر در روز عید غدیر بدون اطلاع و مقدمه با عده ای از شاگردانش به منزلش رفتیم. منزلش در طبقه بالا بود، ناگهان متوجه شدیم که هیچ اثاث و وسائل پذیرائی در اختیار نداشت. و وقتی که ما وارد شدیم در محذور افتاد، ولی خوب شد که ما شیرینی و هندوانه و اشیاء دیگر همراه خودمان برده بودیم، و به اصطلاح خودمان از خودمان پذیرائی کردیم، و ایشان فقط یک پتو از داخل آوردند، پهن کردند نشستیم و مختصر پذیرائی نمودند. ولی سیمای خجلت زده استاد ما را وادار کرد که فقط حدود نیم ساعت بنشینیم.

آقای میرغفاری اضافه می کنند: در همان سال من به ایران بازگشتم و در قم با آیت الله سید محمد حجت کوه کمری دیدار کردم و وضعیت مرحوم اهری را اطلاع دادم، و از ایشان خواستم که مساعدتی و راه حلی پیدا کنند. مرحوم حجت گفتند:

اگر ایشان در ایران بود کار بیشتری می توانستم انجام بدهم.

آقای میرغفاری می گویند: به همین خاطر تلاش زیادی نمودم که استاد اهری به ایران سفر کنند، هرچند به عنوان زیارت یا دیدار ارحام، همین طور شد. هنگام ورودش به قم اغلب علما در منزل حجت کوه کمری و طباطبائی بروجردی و... از ایشان دیدار نمودند، و در تبریز با اصرار اهالی و علما، ایشان را وادار به اقامت

کردند، و در آنجا ابتدا در منزل آیت الله میرزا فتاح شهیدی وارد شد و بعدا در منزلی که برایش تدارک دیده بودند رفتند.

4- آیت الله مرحوم شیخ حسین برقی، از علمای برجسته اهر به من فرمودند:

مرحوم آیت الله شیخ احمد اهری بیش از یک ماه در اهر جهت صلۀ ارحام و دیدار اقوام اقامت نمود، سایر علمای اهر مقدمش را گرامی داشتند و از محضرش استفاده می کردند، و علاوه بر علم و فضیلت اخلاق بسیار عالی داشتند. ایشان در نظر داشت به عتبات عالیات مراجعت کند ولی علمای تبریز ایشان را وادار به اقامت در آن شهر نمودند.

### احمد بهاور

(1332-1394 ق)

احمد فرزند عبد الوهاب بهاور (یا به آور) از هنرمندان و نقاشان معروف و معاصر بود.

تولدش در سال 1332 ق مطابق با 1293 ش اتفاق افتاد.

وی در تهران از جمله شاگردان نقاش نامدار محمد کمال الملک بود و یکی از بهترین دست پروردگان او به شمار می رفت. در کتاب «کمال هنر» وی را جزو آموختگان هنر از کمال الملک شمرده و می نویسد: «احمد به آور، رنگ روغن کار می کرد، بعد مینیاتورساز و تعمیرکار شد».

نامبرده در روز سه شنبه 28 ربیع الثانی 1394/ ق مطابق 31 اردیبهشت/ 1353 ش در سن 62 سالگی بدرود حیات گفت: پیکرش در قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- کمال هنر 83.

ص: 311

## اشاره

(1417-1346 ق)

شرح حال زیر به درخواست نگارنده در سال 1410 ق، توسط خود مرحوم پایانی به رشته تحریر درآمده که تماماً با اندک ویراستاری نقل می شود:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين.

## ولادت

اما بعد اینجانب در پنجم/ماه مبارک رمضان 1346/قمری در یک خانواده کاملاً مذهبی (در اردبیل) متولد شده ام.

## تحصیل مقدمات

در حدود پنج سالگی به منظور فراگرفتن قرائت قرآن راهی مکتب شده، در نزد استاد فوق العاده ماهر در فن قرائت قرآن از نظر ادای حروف از مخارج و تجوید، مشغول به خواندن قرآن مجید شده و بعد به مقدار لازم ادبیات فارسی را در مکتب و مدارس دولتی فرهنگی آن زمان یاد گرفته و تقریباً در حدود پانزده سالگی در یکی از مدارس علمی شهرستان اردبیل به نام «مدرسه ملا ابراهیم» مشغول به خواندن مقدمات عربی شدم.

ص: 312

جوئی که در مدرسه مذکور حاکم بر طلاب بود، جوّ تقدّس با حفظ رعایت وظائف دینیّه و اصول اخلاق اسلامی بود. همه طلاب معتقد بودند که رسیدن به مقام والای روحانیت و پیمودن مدارج عالیّه علم متوقف بر تقوا و تزکیه نفس است.

گرچه تعداد طلاب آن روز خیلی کم و محدود بود، و اصولاً - اکثریت مردم در نتیجه تبلیغات غلط با دیده حقارت به طلاب نگاه می کردند، و اشتغال به تحصیل علوم دینیّه برای اقربای محصل ننگ بود. ولی خود طلاب دارای روحیه محکم و ایمان قوی بودند. اکثریت قریب به اتفاق طلاب، متهجد بودند و راز و نیاز محصلین از حجره های مرطوب در محیط مدرسه یک حالت ملکوتی به وجود می آورد که شنونده را به عبادت و اشک چشم در حال سجده بی اختیار می کرد. آری «العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء».

مقدمت را تا آخر جلدین شرح لمعه با وجود کمبود استاد با زحمت زیاد و مطالعه کافی در همان مدرسه به اتمام رساندیم. درست در اوج قدرت و حکومت حزب توده که در آن زمان حاکم بر آذربایجان بود. ترورها و اعدامها و تهدیدها و سخنرانی ها علیه روحانیت شروع شده بود؛ با اصرار و پیشنهاد بعضی از اساتید لباس روحانیت پوشیده و معمم شدم. و معمّم شدن در آن روز با مقیاس طبیعی و الگوی مصلحت اندیشی منطبق نبود. چون عمامه بر سر گذاشتن استقبال از اعدام و یا ترور بود. ولی قدرت توکل و مصلحت خوداندیشی مقدم بوده و هست.

و ضمناً در همان مدرسه هر کتابی که تمام کرده و کتاب بالاتری را شروع می کردم، از همان کتاب تمام شده به طلبه هایی که بعد از من مشغول تحصیل شده بودند، تدریس داشتم.

## هجرت به قم

در اوائل سال 1366 قمری که دست حزب توده از محدوده آذربایجان کوتاه

شد. بلافاصله از فرصت استفاده کرده، برای ادامه تحصیل عازم حوزه قم شدم و به فراگیری کتاب قوانین و رسائل مشغول گردیدم و بنا به تقاضای جمعی از طلبه ها کتاب حاشیه ملا عبد الله «در منطق» و کتاب معالم «در اصول» را در مقبره مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری قدس سره - که در آن زمان به شکل مقبره بود - مشغول تدریس شدم و بدین گونه در ضمن ادامه تحصیل، کار تدریس را هم ادامه دادم.

## وضع مالی آن روز

ناگفته نماند از نظر مالی بسیار در مضیقه بودم، به طوری که برای خیلی ها قابل تحمل نبود. زیرا مخارج روزانه و احتیاج به کتابهای درسی و لباس و مخارج مسافرت، منحصر پانزده تومان شهریة مرحوم آیت الله بروجردی قدس سره، و پانزده کیلو مهر نان مرحوم آیت الله آقای حجت قدس سره بود.

در این رابطه خاطره های جالبی دارم که از مطرح نمودن آنها در این ورقه صرف نظر می کنم و این مقدار هم که نوشتم منظور شکوه و یا گله از بزرگان حوزه نبود، بلکه به خاطر این بود که بعضی از آقایان محصلین اگر خدای نکرده یک وقتی دچار مشکلات مادی بشوند، صبر و استقامت نموده، از ادامه تحصیل، دلسرد نشوند و مشکلات خودشان را با این و آن در میان نگذارند، و به دنیا و مقام و منصب دنیا کوچک ترین توجهی نکنند.

## اساتید در حوزه قم

متون عالی را پیش اساتید برجسته حوزه علمیه قم با مطالعه و مباحثه بین الاثنین به اتمام رساندم و دو سال در درس خارج بیع مکاسب مرحوم آقای حجت قدس سره شرکت نمودم و پس از فوت ایشان در درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله بروجردی قدس سره حاضر شده و در درس مرحوم آیت الله آقای سید محمد محقق معروف به «داماد» حاضر و یک دوره خارج اصول را با مقداری خارج فقه پیش آن

مرحوم خواندم. می توان گفت که استفاده عمده حقیق از فقه و اصول در نزد آن مرحوم بود. خداوند رحیم و غفور غریق رحمتش بفرماید.

ولی آیا به نفع تمام شده و یا به ضرر، از اول آقایان طلبه ها از مباحثات این جانب استقبال نموده و تقاضای درس می نمودند. در ایام جوانی روزانه چهار جلسه تدریس داشتم. لذا اکثر اوقات حقیق صرف مباحثه شد و وقت کافی برای نوشتن مطالب علمی نیافتم، و یا به تعبیر دیگر توفیق قلم نداشتم. لذا اثر قلمی قابل اعتنایی نداشته، اخیراً «حاشیه ای بر کفایه» شروع کرده ام. گرچه خیلی به کندی پیش می رود. ولی اگر خداوند تبارک و تعالی توفیق عنایت بفرماید و این حاشیه تمام بشود، شاید سبب ذکر خیر و استرحام بشود.

از خداوند متعال خواستارم به همه علمای اعلام، خاصه به این حقیر ناچیز توفیق خدمت به اسلام و مسلمین عنایت فرماید.

/4 ذی الحجه الحرام 1410/

احمد پایانی اردبیلی

تذکر: اساتیدی که در اردبیل نزد آنان تحصیل نموده می توان به حضرات اساتید: شیخ غفور عاملی، شیخ غلامحسین غروی (رسائل)، امیرزاده اردبیلی (شرح لمعه)، شیخ محمد عالمی، شیخ محسن نجفی (شرح لمعه)، میرزا صادق متشکری، میرزا بشیر مدرس و میرزا مهدی عالم، اشاره نمود.

### شرح حال پدر به قلم پسر

این اقتباسی است از زندگینامه مرحوم آیت الله حاج شیخ احمد پایانی که به قلم خودشان در تاریخ /2 جمادی الاول 1417/ ق تحریر شده و زندگینامه ای که یکی از شاگردان نزدیک وی تنظیم نموده و همچنین اطلاعات این حقیر (محمد رضا پایانی) در مورد ایشان که مشتمل بر تاریخ تولد و تحصیل علوم دینی و محل تحصیل، اساتید ایشان، تاریخ ورودشان به حوزه علمی قم و سابقه

ص: 315



تدریسشان، تألیفات ایشان و همچنین نکات مختلف درباره شخصیت ایشان، می باشد.

لازم به یادآوری است که این زندگینامه با رعایت ایجاز نگاشته شده به جهت ضیق وقت و در فرصتهای بیشتر ان شاءالله تکمیل شده و مفصلاً در اختیار علاقمندان قرار می گیرد.

حضرت آیت الله حاج میرزا احمد فرزند صالح متقی محمد پایانی اردبیلی، در روز پنجم ماه مبارک رمضان 1346 ق مطابق با 1306 ش از پدری متقی و مادری مجلله و مقدسه در خانواده ای کاملاً مذهبی در اردبیل شهر عالمان و فقیهان، دیده به جهان گشود...

[در اینجا به مقدار سه صفحه که عین مطالب قلبی به شمار می آمد حذف گردید و اینک دنباله مطلب]

مرحوم استاد بزرگوار در ایام جوانی روزانه چهار جلسه تدریس داشتند که در اواخر به دو جلسه تدریس (مکاسب و جلدین کفایه) رسیده بود.

ایشان یکی از قدیمی ترین اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود و در دوران ستم شاهی حضوری مستمر در جلسات جامعه داشت. گاهی نیز این جلسات در منزل معظم له تشکیل می شد. در اعلامیه ها امضای ایشان از اولین امضاها به شمار می آمد. از دیگر اشتغالات ایشان شرکت فعال در جلسه معتبر و با سابقه تفسیر قرآن کریم بود که با حضور جمعی از بزرگان، دانشمندان و آیات تشکیل می شد. ایشان علاوه بر تسلط و احاطه کاملی که در تدریس داشتند و هیچ نقطه غامضی در مطالب درسی باقی نمی گذاشتند و درس مکاسب ایشان شاید به جرأت بتوان گفت که از تأسیس حوزه علمیه قم تاکنون بی سابقه و بی نظیر بود. هم از جهت کثرت شاگردان و هم از جهت عمق و اعتبار درس.

در اخلاق عملی حظ وافری از اخلاق کریمه و کمالات انسانی داشتند. در حرکات و سکنات ایشان، وقار و متانت خاصی بود. در نهایت تواضع و فروتنی با مردم به ویژه طلاب برخورد می کرد به گونه ای که انسان براحتی و بدون هیچ

محدوری می توانست هر مسئله ای را با ایشان در میان گذارد. من خود شاهد بودم که وقت یا بی وقت اشخاص چه به صورت مراجعه حضوری و چه به صورت تماس تلفنی و یا مکاتبه ای مسائل مختلف را مطرح می کردند، به خصوص مسائل علمی و درسی، و ایشان باکمال صبر و حوصله جواب می دادند.

زهد و تقوا و بی اعتنایی به زخارف دنیوی از دیگر صفات بارز آن مرحوم بود.

از هر چه که مظهر و مصداق تجمل و تشریفات بود پرهیز می کرد و اطرافیان را برحذر می داشت، به نحوی که همه آنها که با ایشان رابطه داشتند به این موضوع معترفند. در حدود چهل سال در خانه ای بسیار ساده و محقر زندگی می کرد و با اینکه از کمترین امکانات رفاهی برخوردار نبود. ولی ایشان قانع بودند و هرگز فکر تجدید منزل را از ذهن خطور نمی داد. تا اینکه اجباراً به جهت اینکه منزل ایشان در مسیر خیابان قرار گرفت تجدید خانه نمود و همان ملاکهای ساده زیستی را در مورد خانه جدید نیز داشتند.

ایشان بسیار منیع الطبع و آزادمنش بود و روح آزاد خود را پایبند مادیات نکرده بود. بی اندازه به وقت اهمیت می داد و جلسات درس ایشان بسیار مرتب و منظم بود. مکرر اتفاق می افتاد که حال ایشان مساعد نبود، ولی به زحمت در درس حاضر می شد. حتی در این اواخر نیز که از شدت ناراحتی بی تاب شده بود، عمده ناراحتی ایشان تعطیلی درس و ضایع شدن وقت طلاب بود. به یاد دارم که دکتر، ایشان را از تدریس منع کرده بود، ولی به بنده گفتند، رضا! مبادا به کسی بگویی.

ممکن است ایراد بگیرند که چرا با وجود منع طبیب به درس ادامه می دهم. بگذار تا آنجا که می توانم و قادر هستم تدریس کنم. چند جلسه نیز به همین ترتیب ادامه دادند، تا اینکه به علت ضعف عمومی و تنگی نفس نتوانستند.

## آثار و تألیفات وی

1- احکام الاراضی و اقسامها، که در کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری

ص: 317

ارائه گردید و توسط همان کنگره منتشر شد.

2- ارشاد الطالب الی حقایق مکاسب، که عمده تألیف ایشان است و از اول مکاسب محرمه تا اواسط خیارات را شامل می شود. منتخبی از این شرح همراه با متن مکاسب که با نهایت دقت توسط ایشان تصحیح شده به چاپ رسیده که شامل مکاسب محرمه و بیع تا اول بیع فضولی می باشد. لکن شرح کبیر مخطوط است.

3- بیع الفضولی، که در کنگره مقدس اردبیلی عرضه شد و در مجموعه مقالات همان کنگره به چاپ رسید.

4- تصحیح کتاب جامع الرواه که به دستور آیت الله بروجردی استنساخ قسمتی از آن به ایشان محوّل شد و چون کار ایشان که به اتفاق یکی از دوستان قدیمی و هم بحث ایشان انجام یافت، مورد رضایت آیت الله بروجردی قرار گرفت. استنساخ کل کتاب به آن دو سپرده شد.

5- تقریرات اصول، درس آیت الله بروجردی (مخطوط).

6- تقریرات بحث بیع، درس آیت الله حجت کوه کمری (مخطوط).

7- شرح کفایه الاصول، که به صورت ناتمام و مخطوط است.

8- فهرست جامع الشتات، اثر میرزای قمی که توسط ایشان تهیه گردید.

کتاب «در محضر شیخ انصاری»، تقریرات درس ایشان می باشد که به همت یکی از شاگردان وی (جواد فخار طوسی) گردآوری شده و تاکنون تمام مکاسب محرمه در 9 مجلد و نیمی از بیع در 8 مجلد و اکثر خیارات در 9 مجلد به چاپ رسیده است.

«در کلاس درس مکاسب» (شرح مکاسب محرمه-3 جلد تاکنون) نوشته رضا محمودی از افادات مرحوم پایانی است.

سرانجام در اثر عارضه مهلک ریوی روز یکشنبه حوالی ساعت 10/30 بامداد در تاریخ 1375/12/26 ش مطابق با 6 ذی القعدة 1417/ ق دعوت حق را لبیک گفت و به دیدار جان آفرین شتافت.

از ایشان هفت فرزند به یادگار مانده که سه نفر آنان فرزند ذکورند. پسر ارشد کارمند، و پسر اوسط راه پدر را برگزیده و طلبه است و فرزند کوچکتر ایشان از دانشگاه فارغ شده و لیسانس میکروبیولوژی دارد.

### میرزا احمد حائری همدانی

(-)

میرزا احمد حائری فرزند میرزا عبد الله همدانی، از فضلا و معاریف قم بود.

پدرش اهل همدان بود و در سیر و سلوک مقامی ارجمند داشت و حالات معنوی از او نقل شده است. او به کربلای معلی مهاجرت و در آنجا موقعیت خوبی به دست آورد.

میرزا احمد حائری ابتدا در کربلا بود و همان جا رشد و نما یافت و تحصیلات علوم دینی خود را آغاز نمود و تا سطح پیش رفت. آنگاه به سوی ایران مهاجرت کرد و قم را جهت سکنی برگزید و به مصاهرت آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی نایل گشت و در جلسات درسش شرکت می جست.

شایان ذکر است او بیشتر به عزلت و انزوا گرایش داشت و همواره در حال تهذیب نفس و نیل به مدارج عالی الهی مشغول بود.

عبد الحسین حائری

از وی سه فرزند ذکور به نامهای: 1- استاد عبد الحسین حائری، متولد سال

ص: 319

1346 ق مطابق با 1306 ش در قم.

استاد عبد الحسین پس از آموختن مقدمات، سطح را نزد: شیخ مرتضی حائری یزدی (دائی خود) و شیخ محمد علی حائری کرمانی به پایان برد و دروس خارج را مدتی چند از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید صدر الدین صدر، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود.

ایشان در سال 1330 ش به تهران مهاجرت کرد و به علت استعداد فراوان و داشتن ذوق کتابشناسی، بنا بر پیشنهاد برخی از دوستان خود به کتابخانه مجلس جذب شد و تاکنون در آنجا به خدمات فرهنگی اشتغال دارد.

2- مرحوم دکتر عبد الهادی حائری (متولد سال 1349 ق مطابق با 1309 ش در قم).

3- آقا عبد الحمید حائری (متولد 1354 ق مطابق با 1314 ش).

و سه دختر که دامادهايش عبارتند از:

1- مرحوم آیت الله شیخ راضی تبریزی نجفی.

2- مرحوم علامه شیخ احمد غروی تویسرکانی.

3- آقا عباس ذبیحی زاده.

**سید احمد حسینی قمی**

**اشاره**

(1416-1324 ق)

سید احمد قمی فرزند سید علی اکبر حسینی یزدی، از فضلا و زهاد معاصر بود.

وی در سال 1324 ق در قم دیده به جهان گشود.

نامبرده پس از طی مقدمات و سطوح در قم، در سال 1364 ق به نجف اشرف مهاجرت نمود. فقه و اصول را از محضر آیات: سید ابو الحسن اصفهانی، میرزا عبد الهادی شیرازی، سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمود شاهرودی و سید عبد الاعلی سبزواری، استفاده نمود. و از سایر اساتیدش اجازه دریافت داشت و

ص: 320

پس از سالها اقامت در آن سامان، به زادگاهش بازگشت و به ترویج مذهب و ارشاد مردم پرداخت.

## از آثار او

ابواب الرحمه، که در سال 1406 ق در قم به چاپ رسید (بدون آنکه نام خود را روی آن چاپ کند).

حسینی قمی در شعبان 1416/ق در سن 92 سالگی در پی بیماری در قم بدرود حیات گفت و پیکرش در قبرستان ابو حسین مدفون گردید.

## سید احمد خلخالی

### اشاره

(-1365 ق)

سید احمد فرزند سید محمود موسوی خلخالی، از فقها و اساتید بنام تبریز بود.

وی در نجف اشرف از شاگردان آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبایی یزدی بود. هنگام مراجعت به ایران در تبریز توقف کرد و سطوح عالی را تدریس و شاگردان بسیاری تربیت نمود. ایشان در علوم حدیث و حفظ اشعار و سخنوری ید طولای و توانایی زیادی داشت.

خلخالی در جریان انقلاب پیشه وری در آذربایجان ایران در سال 1324 ش از تبریز به تهران رفت و پس از مدت کوتاهی بدرود حیات گفت.

او در سال 1365 ق مطابق با 1325 ش در تهران درگذشت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان خارج شیخ-مقبره اتفاق-به طور امانت مدفون گردید، و در حدود سال 1375 ق مطابق با 1334 ش طبق وصیت خود به نجف اشرف حمل و در وادی السلام به خاک سپرده شد. اتفاقا پس از گذشت چند سال در همان قبر مرحوم علامه سید ابراهیم دروازه ای تبریزی مدفون گردید.

ص: 321

1- علامه سید محمود 2- علامه سید حسن 3- سید محمد 4- علامه سید مرتضی 5- آقای اکبر، فعلا ساکن تهران است 6- آقای هاشم فعلا ساکن تبریز است 7- سید علی 8- آقای دکتر سید ضیاء، فعلا مقیم آلمان است، و هفت دختر.

### **سید احمد خوانساری**

#### **اشاره**

(1309-1405 ق)

#### **ولادت**

حاج سید احمد خوانساری فرزند سید یوسف و نوه سید حسن معروف به «میرزا بابا» امام جمعه خوانسار که نسب شریفشان با سی واسطه به حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام می رسد. از مراجع بنام جهان تشیع و زهاد زمان و اساتید معروف حوزه ها بود.

سید احمد، در 18/ محرم/ 1309 ق در شهر خوانسار، در خانواده ای روحانی دیده به جهان گشود.

پدرش سید یوسف از فقها و علمای معروف خوانسار بود. وی تحصیلات خود را در اصفهان نزد آیت الله ملا حسین علی تویسرکانی به پایان برد و به خوانسار مراجعت کرد و به تبلیغات دینی و افاضات روحی اشتغال ورزید. تا اینکه در سال 1312 ق درگذشت.

ص: 322

ایشان مقداری از ریاضیات و علوم مقدماتی و سطح را در زادگاه خویش از محضر علمای بزرگ آن سامان، چون: برادر والا مقام خود آیت الله سید محمد حسن (متوفای 1337 ق) و نیز شوهر خواهرشان آیت الله سید علی اکبر خوانساری فرا گرفت. سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان مهاجرت نمود و در آن شهر از محضر آیات: سید محمد صادق اصفهانی «خاتون آبادی» و ملا عبد الکریم گزی و میرزا محمد علی تویسرکانی، خارج فقه و اصول خواند. سپس برای تکمیل معلومات خود، در اوایل سال 1329 ق به دار العلم نجف اشرف عزیمت نمود و در آن حوزه پربرکت، یک سال در درس ملا محمد کاظم خراسانی و چندین سال هم در درس آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و اساتید دیگر شرکت جست.

همین طور مدارج عالی را سپری کرد و علوم گوناگونی از قبیل: فقه، اصول، فلسفه و ریاضیات بدست آورد. سپس در سال 1335 ق به ایران مراجعت کرد و چندی در دزفول از محضر آیت الله شیخ محمد رضا معزی بهره مند گردید. آنگاه در اراک توقف کرد و در اباحت فقه و اصول آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی شرکت جست و نهایت استفاده را نمود.

### اقامت در قم

بعد از اینکه آیت الله حائری به قم آمد و حوزه علمیه را تأسیس نمود. مردم اراک از ایشان تقاضا نمودند که خوانساری به جای ایشان اقامه جماعت کند و امور دینی مردم را اداره نماید. حائری هم با این تقاضا موافقت کرد.

آیت الله شیخ محمد علی اراکی نقل فرموده بودند که: حائری تقریباً بعد از شش ماه از عزیمتشان به قم در جلسه ای فرمودند که: ما می خواستیم آقای سید احمد



خوانساری اعلم علمای شیعه باشد و لکن ایشان قناعت کردند که اعلم علمای اراک باشند. به مجرد اینکه خوانساری این قضیه را شنیده و متوجه شدند که رضایت حائری در این است که ایشان در قم باشند، همان روز عازم قم شده و در این شهر اقامت گزید.

وی دروس حکمت را از محضر حکیم متأله میرزا علی اکبر حکمی یزدی «تجلی» بهره مند شد. خوانساری پس از دو ماه از ورودشان به قم، آیت الله حائری محل اقامت نماز جماعت خود را-در مدرسه فیضیه-به ایشان تفویض کرد، و در اولین نماز جماعت هم شرکت جست و به ایشان اقتدا نمود.

خوانساری در مدتی که در حوزه مقدسه قم توقف داشت، از احترام خاصی برخوردار بود، و از مدرسان و فضلاء بزرگ حوزه به شمار می رفت. و علاوه بر تدریس خارج فقه و اصول، از مدرسان فلسفه و ریاضیات نیز شمرده می شد.

سید احمد خوانساری/سید علی اکبر برقی «کاشف»

### **اقامت در تهران**

در رابطه با عزیمت ایشان به تهران، علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی می نویسد: در محرم 1370/ق که علامه حاج یحیی سجادی وفات کرد، اهالی تهران از آیت الله

ص: 324

بروجردی تقاضا کردند که: شخصیت باکفایتی را به تهران اعزام دارند تا در مسجد حاج سید عزیز الله، اقامه نماز کرده و به امور دینی مردم پردازد. آیت الله بروجردی، ایشان را به تهران فرستاد.

خوانساری تا آخر عمر پربرکتش در مسجد سید عزیز الله تهران به اقامه نماز جماعت و تدریس خارج فقه مشغول بود و عمر پرثمر خود را در خدمت به اسلام و حوزه های علمیه سپری نمود. آیت الله سید عبد الله شبستری جزو ملازمان خاص ایشان بود و سالها از درس شان بهره مند شده اند.

## مرجعیت و تألیفات

بعد از وفات مرجع کبیر آیت الله بروجردی، جمع کثیری از مردم ایران و برخی از کشورهای دیگر، به ایشان رجوع کرده و از ایشان تقلید نمودند. شهرت علمی اش بر کسی پوشیده نبود و همواره فقهای نجف نیز احترام خاصی برایش قایل بودند.

## از تألیفات ایشان می توان به عناوین زیر اشاره کرد

- 1- العقائد الحقه، در علم کلام.
- 2- جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، که فقه استدلالی منقح و مهذب است و جامع بین و جازت لفظ و دقت و تحقیق در مطالب می باشد، در هفت جلد.
- 3- حاشیه بر عروه الوثقی.
- 4- حاشیه بر مناسک حج (اثر شیخ انصاری).
- 5- رساله عملیه، به زبانهای فارسی و عربی.
- 6- رساله مناسک حج.

## وقایع سال 1342 ش

آیت الله خوانساری همراه دیگر علما، نسبت به حوادث سال 1342 ش شرکت نمود. از جمله در بازار تهران- در پی اعتراض به دستگاه حاکم- مورد هجوم

پلیس و مأموران امنیتی قرار گرفت و مقداری از ناحیه پا جراحی برداشت.

اعلامیه های متعددی در همان روزها از طرف ایشان منتشر شد که نمونه ای از آن را منعکس می کنیم:

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

الحمد لله رب العالمين والصلاه والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم.

حوادث اسف آور یکی دو روز اخير که منجر به قتل و جرح یک عده مردم بی گناه، و توقیف حضرت آیت الله خمینی و آیت الله قمی و دیگر آقایان شده است، موجب کمال تأثر و تأسف حقیر گردید. با کمال تعجب مشاهده می شود مسئولین امنیت کشور با نهایت گستاخی حضرات آقایان مراجع و علمای اعلام (دامت برکاتهم) را موافق اموری که مباینت آنها با شرع مطهر، محرز و مکرر تذکر داده شده است، جلوه می دهند.

حقیر در این موقع حساس لازم می دانم اولیای امور را متذکر سازم. انجام این گونه اعمال ضد انسانی نسبت به حضرات علمای اعلام و قتل و جرح مردم بی پناه، نه تنها موجب رفع غائله نخواهد بود، بلکه جز تشدید امور و ایجاد تفرقه و وخامت اوضاع، اثر دیگری نخواهد داشت. موجب کمال تأسف است که باید حریم مقدس اسلام و روحانیت از طرف اولیای امور، این چنین مورد تجاوز قرار گیرد. إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. از خداوند متعال عز اسمه مسألت دارم که اسلام و مسلمین را در کنف عنایات خود از همه حوادث مصون و محروس بدارد. و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب.

الاحقر احمد الموسوی الخوانساری

13/ محرم 1383/ق

ص: 326

سرانجام این عالم بزرگوار پس از 96 سال عمر با عزت و عزلت، بر اثر کسالت در اولین ساعات بامداد روز شنبه 27 ربیع الثانی 1405/ق مطابق با 29 دی/ 1363 ش در پی بیماری ندای حق را لبیک گفت، و به دیار باقی شتافت. ارتحالش عالم اسلام و حوزه های علمیه را عزادار ساخت.

شیخ محمد علی خوانساری

مردم مسلمان تهران که از ارتحال این عالم جلیل القدر اطلاع حاصل کردند، اطراف بیت ایشان اجتماع کرده، و به سینه زنی و عزاداری پرداختند. سپس با احترام فراوان و شرکت گسترده در تشییع، پیکر پاکش، جهت خاکسپاری به شهر قم انتقال یافت و بعد از تشییعی کم نظیر، با شرکت مراجع تقلید و علما و طلاب حوزه علمیه و کلیه طبقات (که حقیر شاهد و ناظر آن تشییع عظیم بودم)، حضرت آیت الله گلپایگانی بر جنازه اش نماز گزارد، و در حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

سید احمد خوانساری افتخار دامادی آیت الله شیخ محمد علی خوانساری - که از مشاهیر علما و بزرگان و ساکن نجف اشرف بود - را داشت. فرزندانش عبارتند از: 1- سید جعفر خوانساری 2- سید فضل الله احمدی، متوفای اواسط/ربیع الثانی 1401/ق 3- سید مسعود احمدی 4- سید جواد ناسوتی 5- سید علی احمدی،

و علامه سید فضل الله خوانساری داماد ایشان بود.

منابع

1- آثار الحجج 240/2.

2- آینه دانشوران 169.

3- تراجم الرجال (اثر برقی) 232/1.

4- رجال قم 93.

5- فرزندگان خوانسار.

6- کیهان فرهنگی، سال اول، شماره اول، ص 35.

7- گنجینه دانشمندان 326/1 و 9/2.

8- مجله نور علم، شماره هشتم، ص 11.

9- مستدرک أعيان الشيعه 10/1.

10- نقباء البشر 462/1.

**احمد رحیمی کاشانی**

**اشاره**

(1340-1415 ق)

حاج احمد فرزند حسین و نوه رحیم قمی، ملقب به «رحیمی کاشانی» از خدمتگزاران به علم و فرهنگ بود.

شرح حال زیر به قلم خود ایشان است که در کتابش «سیری در زندگی» چاپ شده و نیز نگارنده در تاریخ صبح روز جمعه 21 خرداد 1372/ش در منزلش حضور پیدا کرده و قسمتی از زندگینامه اش را یادداشت نمودم که تقدیم می گردد:

تولد در 2 مهر 1300/ش در بخش دو قم، کوچه پشت دارائی واقع، والدین مرحومان حسین و فاطمه هیچ کدام ملاک و صاحب ثروت و مال و منال قابل ذکری نبودند. در ضمن محتاج استعانت و کمک هیچ کس نشده، زندگی متعارف و آبرومندانه ای داشتند.

ص: 328

شادروان والدم سالها از عمر هفتاد و پنج ساله را در کار و مشاغل عدیده، از کارمندی حکومت تا کسب و کار آزاد گذرانید و آخرین سنوات زندگی را اغلب بیمار و گرفتار دارو و درمان و مبتلا به «آسم» و ضیق النفس گردید و در لیلۀ اول/ ربیع الاول 1366/ ق چشم از جهان فروست. مادرم نیز در تاریخ 9/ آبان/ 1349 ش دعوت حق را لبیک گفت و به رحمت ایزدی پیوست (روانشان شاد باد).

بنده پس از جاری شدن سیل کم نظیر و مهیب و ویران گر لیلۀ چهارشنبه 10/ صفر 1353/ ق قم که منجر به انهدام و خرابی محلاتی از شهر از جمله خانه و کاشانه و محل تحصیل (مدرسه علمیۀ تربیت) گردید، ناچار و ناگزیر از ادامه تحصیل روزانه محروم و بازماندم. لکن خوشبختانه چند سال بعد توانستم داوطلبانه در کلاسهای شبانه (اکابر) که ویژه اصناف و بزرگسالان آنهم اجباری و الزامی بود، با اصرار و پافشاری بسیار (به علت صغر سن) ثبت نام نموده، در مدت هفتاد و هشت شب شرکت مرتب در کلاس (سنوات 17-1318 ش) به اخذ گواهینامه مربوطه موفق شدم.

اواخر سال 1322 ش با برچیدن دکان عطاری-بقالی به واسطه و معرفی یکی از همسایگان بسیار خوب (مرحوم احمد فیاضی) در شرکت نفت ایران و انگلیس - قم به سمت فروشنده بنزین استخدام، و در 28/ مهر 1323/ ش به خدمت نظام وظیفه اعزام و پس از پایان خدمت (28/ آبان 1325/ ش) مجدداً به خدمت در آن شرکت مشغول شده، در خرداد ماه 1327/ ش به اخذ گواهینامه ششم ابتدائی نائل گردید، و در آبان 1328/ ش به موازات کار روزانه در فرصتهای مقتضی شرکت در جلسات دروس و مباحث خارج از برنامه رسمی فرهنگ توأم با ادامه تحصیل آزاد شبانه (در سطح متوسطه) اقدام به تأسیس و تشکیل قرائت خانه «ملی پارس» در خیابان ارم قم نمود (28-1330 ش).

اوایل سال 1330 ش (خرداد ماه) که قیودات و بند و زنجیرهای ثمین قانونی مانع صدور امتیاز روزنامه برداشته شد و دولت ملی مصدر امور مملکت گردید،

اقدام به اخذ امتیاز روزنامه «پیکار مردان» نمودم. منتها چون در آن تاریخ شرایط سنی (سی سال تمام) را نداشتم روزنامه را به نام برادرم (مرحوم حاج علی اصغر) به مسئولیت و مدیریت خود از 23 شهریور 1330/ش با همکاری جمعی از نویسندگان و شعرای جوان و با شور و ذوق منتشر ساختم. در ضمن با اقدام نسبت به افزایش سن موفق به اخذ امتیاز روزنامه «انقلاب بی رنگ» از شورای عالی فرهنگ به نام خود گردیدم. مدتی هم در سال 1331 ش روزنامه اخیر الذکر به جای پیکار مردان منتشر می شد.

تا اینکه به موجب ماده (59) اساسنامه شرکت ملی نفت ادامه انتشار آن به مانع و مشکل ممنوعیت کارکنان آن شرکت به داشتن چنان مشاغلی برخورد نمود.

ضمناً هم زمان با خدمت در شرکت مزبور و ادامه امور مدیریت (هفتگی و ماهانه) پیکار مردان و تحمل ناراحتیها و مشکلات و معضلات عدیده ناشی از پنج سال تبعید به قزوین و تهران (33-1338 ش) به خاطر روزنامه نگاری و به منظور دور بودن از محل (قم) و تعطیل شدن طبیعی به خودی خود هفتگی نامه و ماهنامه جدید انتشار پیکار مردان (34-1335 ش). در چنان حال و هوا و موقعیت بسیار دشوار (جو حاکم) در خرداد 1337/ش با تهیه یک هزار و پانصد متر از اراضی موات، موقوفه آستانه مقدسه قم در خیابان خاکفرج فعلی با وام گیری از بانکها و کمک و مساعدتهای ارزشمند مادی شادروان اخوی در حدود امکاناتش و چک و سفته فروشی طبق رسوم بازار و تحمل انواع ذلت و مشقتها ناگفتنی مولود تنگدستی، مبادرت به احداث و اخذ امتیاز تأسیس «آموزشگاه ملی مسعود» نمود، که طبق آمار مضبوط با میانگین سنوات تحصیلی (50-1358 ش) در هر سال تحصیلی یک هزار و چهارصد و بیست نوآموز و دانش آموز (ابتدائی و راهنمائی تحصیلی) در آن مدرسه اشتغال به تحصیل داشتند. لذا یکی از بزرگترین مؤسسات ملی فرهنگی قم و خوش بختانه در میان محلات طبقات سوم و چهارم شهر واقع شده بود.

آن مؤسسه عام المنفعه روز اول مهر همان سال (1337 ش) افتتاح و آغاز به کار نمود. منتها هر قدر مساعی و کوشش ما در تدارک و تهیه و امکانات توسعه و

گسترش خدمات اجتماعی-سیاسی و فرهنگی (بدون چشم داشت و عدم محاسبه سود سرمایه گذاریها) افزایش می یافت، عکس العمل نابخردانه و خائنه حاسدان و تنگ نظران بومی و غیر محلی بیشتر و بیشتر می شد، تا آنجا که در همان ماههای اول تأسیس و تشکیل مدرسه مزبور به انواع توطئه چینی و زمینه سازی پرداخته، هنوز پنجمین ماه عمر آن آموزشگاه پایان نیافته بود که با جمع آوری و تقدیم شصت هزار ریال آن روزها (بهمن 1337/ش) رشوه به فرماندار قم (محمود صدر محلاتی) مقدمات تعطیل «پیکار مردان» را در قم با گزارش فرماندار فراهم و سپس با توسل به فردی که در اقدامات و عملیات سودآور شهرداری قم شریک و از حامیان مؤثر آن دستگاه آلوده و فاسد و از دوستان نزدیک جنایت پیشه مشهور سپهد معدوم «بختیار» رئیس کل ساواک بود، موفق به دریافت حکم توقیف دائم پیکار مردان گردیدند و در تاریخ دوشنبه 18 فروردین 1338/ش آن دستور اجرا و کلیه اوراق چاپ شده روزنامه حتی مطالب و آگهی های دولتی و غیر دولتی آن شماره (358) را به وسیله ماشین لندور ساواک از چاپخانه قم بردند.

شرح مفصلی نسبت به حوادث و رخدادهای زندگی اش در کتاب مذکور است.

جهت تفصیل بیشتر به آن رجوع شود.

### **آثار قلمی او به شرح زیر است:**

طی چند دوره پر مخاطره روزنامه نگاری در طول بیست و هشت سال موفق به انتشار دوره اول از 1330/6/23 ش لغایت 1337/12/28 ش و دوره دوم از 1357/12/10 ش تا 1358/6/24 ش که مجموعاً 386 شماره پیکار مردان و انقلاب بی رنگ هفتگی و ده شماره (یک سال) ماهنامه پیکار مردان را (از دیماه 34- آذرماه 1335/ش) در قم شده است.

1- پنجه خونین استعمار در آستین پاپ، در 143 صفحه، آذر 1357/ش.

2- تاریخچه روزنامه نگاری در قم، در 101 صفحه، اسفند 1348/ش.

3- خواجه بده رسان، در 112 صفحه، مرداد 1362/ش و چاپ دوم آن زیر



عنوان «گلچینی از آثار بزرگان علم و ادب»، در دی 1364/ش چاپ و منتشر گردید.

4- در راه نهضت ملی ایران، در 83 صفحه، فروردین 1358/ش.

5- سیری در زندگی و مقایسه اعمال معدود رهبران ملل، پائیز 1370/ش، 328 صفحه.

6- صنعت مرغداری (فنی و تجربی)، در 79 صفحه، مرداد 1361/ش.

7- کارنامه شانزده ساله آموزشگاه ملی مسعود، که مقارن با صدور فرمان تحصیل رایگان در 36 صفحه، اسفند 1353/ش.

8- گنجینه دانشوران، در 221 صفحه، چاپ اول، دی 1339/ش و چاپ دوم آن در مرداد 1357/ش.

استاد رحیمی در روز دوشنبه 27/رمضان 1415/ق مطابق با 8/اسفند 1373 ش در سن 75 سالگی در قم جهان فانی را وداع گفت و پیکرش روز بعد تشییع و در وسط قبرستان حاج شیخ با کد (15619) مدفون گردید.

منابع

1- چهره مطبوعات معاصر 255.

2- رجال قم 93.

3- سیری در زندگی (اثر مترجم له) 276.

4- فهرست روزنامه های فارسی 53.

**شیخ احمد رضوانی زنجانی**

**اشاره**

(1342-1420 ق)

شیخ احمد فرزند حاج محمد اسماعیل و نوه محمد رضا زنجانی، معروف به «رضوانی» از فقها و بزرگان و اساتید حوزه علمیه قم و زهاد واقعی بود.

وی در سال 1342 ق مطابق با 3/بهمن 1302/ش در زنجان دیده به جهان گشود. پدرش از تجار و تحصیل کرده ها بود و علاقه داشت که فرزندش به تحصیل علم

ص: 332

بپردازد. به همین خاطر آقا احمد در نوجوانی وارد حوزه علمیه زنجان شد و دروس مقدماتی را از شیخ حسین کلامی و شیخ جلال اصحابی آموخت. سپس در سن 18 سالگی (سال 1360 ق) رهسپار قم گشت و دروس سطح را از محضر اساتیدی چون: شیخ عبد الکریم خوئینی، شیخ اسحاق لنکرانی، شیخ موسی عباسی زنجانی، سید شهاب الدین مرعشی و شیخ احمد کافی الملک تبریزی استفاده نمود. آنگاه در درس خارج حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی و در درس فلسفه سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» شرکت جست و استفاده شایان برد.

علامه رضوانی، در سال 1369 ق به نجف اشرف عزیمت کرد و باقی درس خارج را از محضر آیات: میرزا باقر زنجانی، سید ابو القاسم خوئی، سید محسن طباطبائی حکیم (مدت کوتاهی) و سید محمود شاهرودی (مدت کوتاهی) و دروس حکمت را از شیخ صدرا بادکوبی و سید عبد الاعلی سبزواری استفاده نمود. هم زمان با تحصیل اقدام به تدریس متون کتب علمی پرداخت و شاگردان خوبی تربیت نمود.

ایشان در سال 1395 ق مطابق با 1354 ش به ایران بازگشت و قم را جهت فعالیتهای مذهبی و اجتماعی خویش برگزید و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت.

## آثار قلمی او

1- اصول الفقه (مباحث الالفاظ-سه جلد).

ص: 333

2- الاجتهاد و التقليد.

3- المحاكمات بين الاعلام فى الحج.

4- تقريرات اصول الخوئى (دوره كامل).

5- تقريرات اصول ميرزا باقر زنجانى (سه دوره كامل اصول، در 12 جلد).

6- تقريرات فقه ميرزا باقر زنجانى (شامل كتابهاى: طهارت در چهار جلد، زكات، خمس، صوم، حج، اجاره، مضاربه، شركت، مكاسب محرمه، خيارات، نكاح در سه جلد و لباس مصلى).

7- حاشيه على شرح التجريد.

8- حاشيه على شرح المنظومه.

9- رساله عمليه.

10- رساله فى اعتبار قول العدل الواحد.

11- رساله فى الرضاع.

12- رساله فى العصير العنبى.

13- رساله فى المتنجنس.

14- رساله فى تحقق الوطن الشرعى.

15- رساله فى حديث لا تعاد.

16- رساله فى حكم الفقاع.

17- رساله فى طهاره و نجاسه اهل الكتاب.

18- رساله فى علم الجفر.

19- رساله فى عموم حجيه البيئه.

20- رساله فى قول ذى اليد.

21- صلاه المسافر (تقريرات درس حجت).

22-كتاب احياء الموات.

23-كتاب الاجاره.

ص:334

24- کتاب الحج.

25- کتاب الصلاة.

26- کتاب القضاء.

آیت الله رضوانی در حرم حضرت معصومه علیها السلام بامداد هر روز به عبادت و اقامه جماعت اهتمام داشت و سپس به تدریس اشتغال می ورزید. ولی در اثر مخالفت تولیت آستانه، از جماعت و ارشاد مردم محروم شد و تا آخر عمر در انزوا و عزلت گذراند و در اثر فشارهای روحی دچار سکتۀ مغزی شد و ماهی چند در بستر بیماری به سر برد و سرانجام در روز جمعه /9 ربیع الثانی 1420/ ق مطابق با اول/ مرداد 1378/ ش در قم زندگی را وداع گفت. پیکرش عصر روز شنبه از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشییع و پس از ادای نماز توسط آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. ایشان در نجف اشرف به شرف دامادی آیت الله میرزا باقر زنجانی نایل و در اثر این وصلت صاحب فرزندان زیر گردید: 1- دکتر محمد رضا رضوانی، دندان پزشک 2- شیخ محمد صادق، دارای لیسانس حقوق و از قضات خطه زرنده ساوه 3- دکتر محمد کاظم، پزشک 4- مهندس عباس. و شش دختر از وی به جای ماند.

منابع

1- اظهارات آیت الله رضوانی در رمضان 1416/ ق در منزلش در قم.

2- تاریخ زنجان 55.

3- مجله آینه پژوهش، سال 1378 ش، شماره 57، ص 120، بقلم شیخ ناصر الدین انصاری.

**سید احمد روحانی قمی**

**اشاره**

(1384-1322 ق)

حاج سید احمد فرزند آیت الله سید صادق حسینی روحانی قمی، از فضلا و مشاهیر خطبای قم و داماد آیت الله شیخ فضل علی قزوینی بود.

آقا احمد در سال 1322 ق در قم دیده به جهان گشود.

ص: 335

ایشان پس از طی مقدمات و سطوح، دروس عالی فقه و اصول از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سید علی یتربی کاشانی و معقول را نزد علامه سید ابو الحسن رفیعی قزوینی استفاده نمود. آن گاه جهت تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات:

میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی و مدتی چند در کربلائی معلاً نزد آیت الله سید حسین طباطبائی قمی بهره مند گردید. سپس به ایران مراجعت نمود و در سال 1374 ق در تهران سکونت اختیار کرد و از راه منبر و وعظ و ارشاد به تبلیغ دین مبین اشتغال ورزید و از ائمه جماعت مسجد بنی هاشم-واقع در خیابان گرگان-شد.

## از آثار او

1- تسلیه المریض.

2- سر السعاده.

3- کتاب خاطرات.

4- کفایه النحو.

ایشان در روز دوشنبه 2/ صفر 1384/ ق مطابق با 23/ خرداد 1343/ ش در تهران در 62 سالگی درگذشت و پیکرش به قم حمل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

ص: 336

1- مرحوم دکتر سید مهدی 2- آقای سید محمد، ساکن تهران و شش دختر که دامادهای اهل علم او عبارتند از: 1- حجه الاسلام سید محمد علی روحانی، ساکن قم 2- مرحوم شیخ محمد جعفری همدانی 3- دکتر شیخ علی شیخ الاسلام اصطهباناتی رئیس دانشکده ادبیات تهران.

منابع

1- آثار الحجه 147/2.

2- آینه دانشوران 360 (در پاورقی فوت ایشان را سال 1388 ق نوشته که اشتباه است و مرحوم شیخ محمد علی شاه آبادی شوهر خواهر صاحب شرح حال است، نه داماد ایشان بود).

3- رجال قم 93.

4- گنجینه دانشمندان 339/1 (سال مرگش را اشتباه نوشته است).

**سید احمد زنجانی «شیری»**

**اشاره**

(1308-1393 ق)

این مقاله برگرفته شده از مجله (نور علم) که با اندکی حذف و اضافه تقدیم می گردد:

حاج سید احمد حسینی زنجانی، فقیهی بزرگ و پارسایی پرهیزگار و متخلّق به اخلاق الهی بود.

وی در 4/ صفر 1308/ هجری قمری در شهرستان زنجان دیده به جهان گشود و در حوزه علمیه این شهر در محضر اساتید بزرگ و عالیقدر کسب

ص: 337

فیض نمود. پس از تأسیس حوزه علمیه قم توسط آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، صیت فضیلت آن عالم عالی مقدار و نیز وقوع حوادثی، وی را به شهر قم کشید، و در روز دوم/جمادی الثانی 1346/قمری، رحل اقامت موقتی در این شهر افکند، ولی علاوه بر جذبۀ مرحوم حاج شیخ، ضرورت حفظ حوزه نوپای قم، عزم رحیل وی را بدل به اقامت دائمی نمود و با بهره گیری از محضر آن مرحوم و علمای بزرگ دیگر، خود در کرسی تدریس و تألیف و قضاء حوائج مؤمنین قرار گرفت و سرانجام پس از 85 سال عمر با برکت و سالیان دراز، کوشش در راه دین و نشر فقه جعفری در این شهر، دیده از جهان فرو بست، وفات آن انسان الهی در حدود چهار ساعت پس از نیمه شب شنبه 29/ماه مبارک رمضان/سال 1393 ق مطابق با پنجم/آبان 1352/ش به وقوع پیوست و حوزه های دینی و مجامع علمی را در سوگ نشاند، پیکر آن مرحوم پس از تشییع باشکوه در جوار حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد، رحمه الله تعالی علیه.

در این مجال مختصر، گوشه هایی از زندگانی این مرد بزرگ و ویژگیهای ممتاز فقهی و اخلاقی و سائر خصوصیات برجسته وی بیان می شود، باشد که با تذکار شخصیت این عالم خودساخته، اندکی از دین خود را نسبت به وی ادا کرده باشیم.

### خاندان آن مرحوم

پدر آن مرحوم، سید عنایت الله فرزند مهر علی بن امام قلی بن اجاق قلی دوسرانی، از شاگردان آخوند ملا قربانعلی زنجانی (متوفای 1328 ق) و از شاهدان عادل محکمه ایشان بود. وی از نظر تقوا و ملکات نفسانی از افراد بسیار کم نظیر بوده و در حسن نیت و تقید به جهات شرع بسیار ممتاز بوده است.

در مورد اجداد وی آن قدر که به دست آمده این است که آنها ابتداء در قصبه ای به نام «ترک» از توابع شهر میانه می زیسته اند، از محل سکنای ایشان قبل از آنجا اطلاعی در دست نیست. سپس از این قصبه به دهی به نام «مشمپا» و از آنجا به



روستایی به نام «باغ» و سپس به دهی دیگر در مجاورت آن به نام «دوسران» مهاجرت می کنند، مرحوم آقا سید عنایت الله که زاده این روستا بوده، در حدود سال 1288 ق که تقریباً 30 سال داشته است به زنجان مسافرت کرده و در آنجا سکنی گزید و در همین شهر در سال 1343 ق درگذشت.

### حوزه علمی زنجان در آن دوران

شهرستان زنجان سابقه تاریخی علمی بسیار قدیمی داشته و رجال علمی بزرگی از آنجا برخاسته اند، محمد بن هارون زنجانی از اساتید مکاتبه ای شیخ صدوق و علی بن هارون زنجانی از مؤلفین اخوان الصفا، از رجال زنجان بوده اند.

مهمترین دوران علمی این شهر در حدود یک قرن قبل است، در این هنگام زنان دارای حوزه علمی ای بوده است که از شهرستانهای دیگر برای استفاده علمی به آنجا مسافرت می کردند، طلاب قفقاز مرحله عالی تحصیل را در اردبیل و سطح بالاتر از آن را در زنجان می گذراندند، پس از زنجان حوزه نهایی و اعلای شیعه، حوزه نجف و حوزه اصفهان بوده است. به خصوص دوران تحصیل مرحوم زنجانی، زمان اوج نشاط علمی زنجان بود، دوازده مدرسه علمی قابل ملاحظه و برخی بسیار بزرگ و جالب، مملو از طلاب بود، در اواخر قرن سیزدهم شخصیت های مهمی در زنجان بوده اند، نظیر آخوند ملا علی قارپوزآبادی (متوفای 1290 ق)، میرزا ابو القاسم موسوی زنجانی سرسلسله خاندان میرزائی های زنجان (متوفای 1292 ق)، و پس از این ها

شخصیاتی نظیر: فرزندان حاج میرزا ابو المکارم (متوفای 1330 ق)، حاج میرزا ابو طالب (متوفای 1329 ق)، حاج میرزا ابو عبد الله (متوفای 1313 ق) وجود داشته اند.

اما در این زمان شخصیتی در زنجان ظهور کرد که در طول تاریخ طولانی زنجان، شخصیتی به علمیت و نفوذ و قدرت او دیده نشده است، او آخوند ملا قربانعلی زنجانی (متوفای 1328 ق) رئیس مطاع و مرجع تامّ الاختیار زنجان و برخی نواحی دیگر بود که تقریباً مقدرات این شهر با اشاره وی تعیین می شد، آن فقیه نامور - که در زنجان از او به لقب «حجه الاسلام» یاد می شد - از نوابغ علم و زهد و قدرت و نفوذ و جنبه های معنوی بود، و علاوه بر اینکه خود صاحب نظر بود، حافظه عجیبی داشت و تمام فقه را از اول تا آخر به صورت استدلالی با تمام ادله و با بسط مفصلی در خاطر محفوظ داشت و بنا بر مسموع، درس خارج فقه را با تمام روایات و ادله، بدون مطالعه قبلی از حفظ تقریر می کرد.

در همین دوران و بعد از آن، عده ای که عمده اساتید مرحوم آیت الله زنجانی بودند، نیز از رجال علمی درجه اول بوده اند و آن مرحوم از محضر این اساتید به حد وافری اخذ علم نمود.

### اساتید او در حوزه زنجان

1- آیت الله حاج شیخ زین العابدین زنجانی (متوفای 1348 ق) از شاگردان بسیار مبرز مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، مرحوم زنجانی رسائل و چندین سال خارج را در محضر ایشان تلمذ نمود.

2- آیت الله میرزا عبد الرحیم فقاهتی (متوفای صفر 1365/ق) از شاگردان میرزا محمد حسن شیرازی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، وی استاد مکاسب مرحوم زنجانی بوده است.

3- آیت الله آقا میرزا ابراهیم حکمی زنجانی (متوفای رمضان 1351/ق)، وی

از شاگردان میرزا محمد حسن آشتیانی در منقول، و میرزا ابو الحسن جلوه اصفهانی در معقول و فردی جامع بوده. او به دلیل تبخر خاصی که در ریاضیات و علوم وابسته به آن داشت و برخی او را وحید عصر در این رشته ها می دانستند، به «میرزا ابراهیم ریاضی» اشتها یافت، مرحوم زنجانی کتاب قوانین الاصول و برخی از رشته های ریاضی را نزد وی فرا گرفت.

4- آیت الله شیخ عبد الکریم خوئینی زنجانی، از شاگردان مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و مؤلف خودآموز فارسی بر کفایه، وی استاد کفایه آن مرحوم بود.

5- آیت الله میرزا احمد دواسبی زنجانی (پدر علامه شیخ محمد آیت اللهی که از علمای محترم زنجان بود)، استاد فصول ایشان بوده است.

6- عالم ربّانی سید حسن زنجانی (متوفای 22 رجب 1322 ق)، استاد حکمت (شرح منظومه سبزواری).

این ها عمده اساتید ایشان در زنجان بوده اند، برخی از جمله اساتید ایشان، آخوند ملا- قربان علی زنجانی و آیت الله شیخ فیاض زنجانی (متوفای 1360 ق) را بر شمرده اند، ولی این مطلب صحیح نیست.

7- آیت الله شیخ محمد آقازاده فرزند آخوند ملا محمد کاظم خراسانی.

ایشان در سال 1339 ق به مشهد مقدس مسافرت کرد و در جلسه درس مرحوم آقازاده حاضر شده و تقریرات در سشان را نیز به رشته تحریر در آورد.

### اساتید آن مرحوم در قم

8- آیت الله میرزا محمد صادق خاتون آبادی (متوفای 1348 ق) که علاوه بر جودت فهم، در بیان و تقریر مطالب، جزو افراد بسیار کم نظیر بود.

9- آیت الله شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی معروف به «مسجد شاهی» (متوفای 1362 ق) که از خانواده های مهم علمی اصفهان و جامع معقول و منقول و ریاضی و ادب و شعر بوده و مقام ادبی وی مورد پذیرش ادباء بزرگ عرب قرار گرفته بود.

هنگام ورود آیت الله حاج آقا نور الله اصفهانی (متوفای 2/ رجب 1346/ ق) به قم در همین سال، این دو نفر از شخصیت‌های مهم اصفهان نیز به قم آمدند، و در این هنگام مرحوم زنجانی در درس ایشان شرکت کرده و تقریرات درسشان را نیز نگاشت

10- مهمترین استادی که ایشان از محضرشان کسب فیض نمود آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی (متوفای 17/ ذی‌قعدة 1355/ ق) مؤسس حوزه علمیه قم بوده.

مرحوم زنجانی هنگام اقامت حاج شیخ حائری یزدی در اراک او را به عنوان مرجع تقلید معرفی کرد و بدین جهت عده زیادی از مردم زنجان مقلد مرحوم حاج شیخ شدند، مرحوم زنجانی از ابتدای مهاجرت به قم تا هنگام وفات آن مرحوم تقریباً به طور مرتب در درسشان شرکت کرده و تقریرات آن مرحوم را نیز نوشت.

### جلسات تدریس و بحث

ایشان در زنجان از مدرّسین سطوح عالی بود، و این گونه دروس در قم نیز ادامه یافت، زمانی که از معظم له درخواست درس خارج شد، ایشان تالیف را بر تدریس ترجیح داده و به نوشتن کتب پرداخت.

از هم بحثهای ایشان در زنجان می توان آیت الله میرزا محمود امام جمعه (متوفای 1374 ق) را نام برد، در قم نیز در دو جلسه بحث مهم شرکت می کرد، یکی جلسه ای بود که مؤسس آن آیت الله سید صدر الدین صدر (متوفای 1373 ق) بود. آیت الله زنجانی در آن شرکت فعال داشته و از ارکان آن به شمار می رفت و غالباً جلسات در منزل ایشان تشکیل می شد، در این جلسه به برخی از کتب فقهی مانند:

مجمع المسائل آیت الله حائری، وسیله النجاه و عروه الوثقی حاشیه زده اند.

جلسه بحث دوم جلسه ای بود که آن عالم بزرگ و بنیانگذار انقلاب آیت الله سید روح الله خمینی دو رکن عمده آن محسوب می شدند، ایشان در همان سال ورود به قم توسط آیت الله میرزا عبد الله مجتهدی تبریزی با معظم له آشنا شده و

چنان با هم رفیق و صمیمی گردیدند که نظر آن کمتر دیده می شود، جلسه بحثی دیگر نیز به مدت کوتاهی بین این دو عالم بزرگ و آیت الله سید محمد داماد یزدی برگزار می شد.

## ویژگیهای فقهی و علمی

آیت الله زنجانی احاطه فوق العاده ای به فقه و مبانی فقها داشت، و حضرت آیت الله شیخ محمد علی اراکی از این جهت بسیار به ایشان به دیده اعجاب می نگریست و می فرمود: آقای زنجانی یک شبه، تمام قسمت صلاه از یک کتاب فقهی را از حفظ حاشیه زد. شش جلد جواهر الکلام مانند انگشتر در دستهای ایشان است که آن را به هر طرف بخواهد می گرداند.

## آثار قلمی ایشان

- 1- اجازة روایت به آیت الله سید حسن فرید محسنی اراکی، در سال 1383 ق آن را نوشته، در 18 صفحه.
- 2- اجوبه المسائل، فی العقائد و الفقه.
- 3- اربعین، در چهار مجلد به فارسی.
- 4- اسامی مزینه، با نامهای: علی و حسین.
- 5- اعمال حج، در مناسک حج.
- 6- افواه الرجال، تقریرات فقه حائری یزدی و اساتید دیگر.
- 7- الرد علی القیصمی، در دفاع از حریم تشیع.
- 8- الکلام یجر الکلام، در 4 جلد.
- 9- الهدی الی الفرق بین الرجال و النساء.
- 10- ایضاح الاحوال فی احکام الحالات الطارئة علی الاموال.
- 11- ایمان و رجعت، در پاسخ و نقد رساله اسلام و رجعت (از شریعت سنگلجی).

- 12- بین السیدین، الطباطبائی الیزدی و الاصفهانی.
- 13- تعلیقه علی کتاب الفقه علی المذاهب الأربعة.
- 14- تقویم الزکاه.
- 15- جنگ، در چند دفتر.
- 16- جنگل مولا، خاطرات سفر او از زنجان به قم.
- 17- حاشیه بر درر الاصول (اثر حائری یزدی).
- 18- حاشیه بر رسائل (از شیخ انصاری).
- 19- حاشیه بر رساله عملیه (اثر حاج شیخ عبد الکریم حائری).
- 20- حاشیه بر عروه الوثقی.
- 21- حاشیه بر کفایه الاصول.
- 22- حاشیه بر وسیله النجاه.
- 23- خیر الامور، در رد افکار اشتباه.
- 24- ذیل مفتاح التفاسیر، فهرست مطالب تفسیرهای: مجمع البیان و روض الجنان.
- 25- رساله رضاعیه.
- 26- رساله قبله.
- 27- رساله محرمات ابدیه.
- 28- رساله فی اللباس المشکوک (تقریرات استادش سید محمّد صادق خاتون آبادی).
- 29- سرگذشت شیخ طوسی.
- 30- سرگذشت یک ساله، خاطرات زندگانی خودش را تحریر نموده است.
- 31- سوانح، شامل رویدادها و وفیات پراکنده است.
- 32- شرائط الاحکام.

33- شرح حدیثی از کافی.

34- شرح حدیثی از من لا یحضره الفقیه.

ص: 344

- 35-شرح قصيدة لام عمر و باللوى مربع به فارسى.
- 36-شرح لغز به نام ابراهيم.
- 37-صورت مجلس يکى از محاضر حضرت امير مؤمنان على عليه السلام.
- 38-صيد و ذباجه.
- 39-غيث الربيع فى وجوه البديع، به فارسى.
- 40-فرق بين مرد و زن در احکام.
- 41-فروق الاحکام.
- 42-فروق اللغه.
- 43-فهرس المسائل المكره لكتاب الخلاف.
- 44-فهرست پنج اثر رجالى (شامل كتابهاى: لؤلؤه البحرين، الروضه البهيه، روضات الجنات، مستدرک و الكنى و الالقاب).
- 45-فهرست جامع الشتات.
- 46-فهرست جعفریات و اشعشيات.
- 47-فهرست قرب الاسناد.
- 48-فهرست كتب اربعه (شامل كتابهاى: كافى، من لا يحضره الفقيه، تهذيب و استبصار).
- 49-فهرست وفيات الأعيان.
- 50-مستثنيات الأحكام.
- 51-مستنبطات الأعلام فى شرح مستثنيات الأحكام.
- 52-ملحقات كتاب تقويم الصلاه (اثر محمّد طاهر بن رضى الدّين حسيني).
- سيد موسى زنجانى «شبيرى»



53-نصاب به سه زبانه (عربی، فارسی و ترکی).

54-وصیت نامه.

55-وفیات علما.

فرزندان ذکور ایشان عبارتند از: سید موسی، سید جعفر، مرحوم سید ابراهیم شبیری زنجانی.

### میرزا احمد ساوه ای «حجه الاسلام»

(-1340 ق)

حاج میرزا احمد ساوه ای ملقب به «حجه الاسلام» از فقها و دانشمندان بود.

وی در ساوه تولد یافت. تحصیلات عالی خود را نزد فقهای بزرگ عتبات عالیات به پایان رساند و به ساوه بازگشت و از معاریف و مشاهیر آن منطقه گردید.

متأسفانه شرح حال ایشان در کتب تراجم نیامده است.

حجه الاسلام در ربیع الاول 1340/ق درگذشت. پیکرش در قبرستان شیخان - کنار مزار زکریا بن ادیس اشعری - به خاک سپرده شد.

آیت الله شیخ محمد رضا شریعتمداری ساوه ای (متوفای سال 1363 ق) نواده دختری ایشان بود.

منبع

1-اطلاعات متفرقه.

### شیخ احمد سبط الشیخ انصاری

اشاره

(1349-1416 ق)

حاج شیخ احمد سبط الشیخ فرزند آیت الله شیخ منصور و نوه آیت الله آقا شیخ محمد انصاری و نواده دختری خاتم الفقهاء و المجتهدین شیخ مرتضی انصاری، یکی از بزرگان خاندان جلیل شیخ انصاری به شمار می رفت.

ص: 346

وی در سال 1349 ق در دزفول در بیت علم و تقوا و فضیلت به دنیا آمد. و پس از آموختن دروس ابتدایی به تحصیل علوم دینی روی آورد و ادبیات و مقدمات را نزد سلیم افندی-مفتی اهل سنت شهر عماره عراق در زمانی که پدرش در آن شهر به خدمات دینی اشتغال داشت- و آیت الله شیخ محمد علی معزی دزفولی در دزفول بیاموخت. سپس در سال 1368 ق به حوزه علمیه قم آمده و به تحصیل سطوح پرداخته، و پس از چندی به دزفول بازگشت و در محضر پدر بزرگوارش به تکمیل سطح اشتغال جست. آنگاه در سال 1381 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و در درسهای فقه، اصول و تفسیر حضرات آیات: سید ابو القاسم خوئی، سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمود شاهرودی و میرزا عبد الهادی شیرازی شرکت جست، و پس از سالیانی چند به دزفول بازگشت و به تدریس و تألیف و اقامه جماعت پرداخت، و مسجدی در «شمس آباد» بنیاد نهاد و «مدرسه مشایخ» را تجدید بنا و کتابخانه آنجا را احداث نمود. در سال 1392 ق به قم بازگشت و به شیخ مرتضی انصاری

تدریس و تألیف و تربیت شاگردان و شرکت در درس فقه آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی پرداخت-به غیر از سالیانی چند که به دلیل درگذشت پدر بزرگوارش به دزفول کوچ نمود-و این تا پایان زندگیش بود.وی از آیات:سید محمود شاهرودی و سید علی طباطبائی تبریزی،شیخ منصور سبط الشیخ و میر سید علی بهبهانی اجازه اجتهاد و از حضرات آیات:شیخ آقا بزرگ تهرانی،شیخ محمد صالح حائری مازندرانی،سید علی بهبهانی و میرزا محمد علی معزی اجازه روایت داشت.

### **آثار چاپی او عبارتند از:**

1-الدرر النجفیه فی مبحث النیه(تقریرات درس فقه وی).

2-الوسیط بین الوجیز و البسیط فی الاصول.

3-تراش ریش.

4-توضیح المسائل.

5-خلاصه القوانین-سه بار چاپ و دوبار به فارسی ترجمه شده است.

6-شرح«سبیکه الذهب»از علامه حائری مازندرانی.

7-مبحث الترتب(تقریرات درس اصول او).

8-نمونه در علم صرف.

شیخ احمد سبط الشیخ سید علی سبط الشیخ

ص:348

## و کتابهای غیر چاپی او نیز عبارت است از:

- 1- اسئله و اجوبه.
  - 2- حاشیه حل الالغاز (ابن هشام).
  - 3- شرح اجرومیه در علم نحو.
  - 4- شرح تبصره المتعلمین.
  - 5- شرح تحریر الوسيله.
  - 6- هدايه الداعين الى اعراب صحيفه سيد الساجدين عليه السلام.
- سرانجام پس از عمری سرشار از توفیق و خدمات مذهبی، در روز جمعه 13/ ربیع الاول 1416/ ق مطابق با 20 مرداد 1374/ ش پس از یک بیماری در سن 67 بدرود حیات گفت، و در یکی از بقعه های صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### منابع

- 1- مجله آینه پژوهش، شماره (33)، سال 1374 ش، صفحه 347، به قلم شیخ ناصر الدین انصاری قمی.
- 2- یادداشتهای شخصی از زبان خود آن مرحوم، به سال 1409 ق.

## میرزا احمد سرایی تبریزی

### اشاره

(1328-1404 ق)

شرح حال و زندگی اجتماعی حضرت آیت الله میرزا احمد سرایی که به قلم فرزندش حجه الاسلام شیخ عبد الرحیم سرایی به درخواست اینجانب قلمی گردیده، به شرح زیر است:

### ولادت و آغاز تحصیل

در سال 1328 ق در قریه «سرای» یکی از دهکده های محال بدوستان توابع

شهرستان اهر در یک خانواده مذهبی و متدین متولد گردید.

در همان دوران کودکی، پدر بزرگوارش حاج محمد رضا سرایی فرزند حاج احمد را از دست داد و تحت سرپرستی مادر مؤمنه اش به زندگی ادامه داد و زیر نظر و تربیت او در سن هشت سالگی پای به مکتب گذاشت و خواندن و نوشتن را فراگرفت.

### **هجرت به تبریز**

پس از تحصیل مقدمات علوم ادبی (فارسی و عربی) در پی تشویق یکی از روحانیون محل، برای کسب علوم اسلامی و معارف دینی در سال 1343 ق به شهرستان تبریز عازم شد. در آن ایام وی که پانزده سال داشت در حوزه علمیه تبریز نزد اساتید بزرگ، علم کلام، معانی و بیان، منطق و شرح لمعه را فراگرفت. آنگاه برای بهره وری علمی بیشتر و کسب کمالات معنوی راهی حوزه علمیه قم شد.

### **اساتید او در قم**

وی دروس سطح را نزد آیات: سید شهاب الدین مرعشی، شیخ فاضل لنکرانی و شیخ جواد فرزند میرزا صادق تبریزی به انجام رساند. دروس عالی حوزه را در محضر اساتید بزرگی همچون حضرات آیات: سید صدر الدین صدر و سید محمد حجت کوه کمری تحصیل نمود. وی چندین سال در قم اقامت داشت و به کسب علوم پرداخت.

### **هجرت به نجف اشرف**

وی در حدود سال 1352 ق به حوزه علمیه نجف اشرف هجرت کرد و در محضر

ص: 350

اساتیدی بزرگ چون: میرزا عبد الهادی شیرازی، سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمود شاهرودی، سید ابو القاسم خوئی و میرزا باقر زنجانی تحصیل علم نمود، و به مراتب عالیۀ اجتهاد رسید و از آن اساتید عالی مقام و مراجع نامدار به اخذ جواز اجتهاد نایل آمد. در مدت اقامت نه ساله اش در نجف اشرف ضمن اینکه در درسهای خارج فقه و اصول حضرات آیات شرکت می نمود، هم زمان در حوزه علمیه به تدریس می پرداخت.

### **نشر احکام و تبلیغ مذهب**

در آن ایام با توجه به جو حاکم وطن خویش و اوضاع فکری افراد، احساس مسئولیت شرعی در قبال مردم، او را به سوی وطن خویش کشاند. لذا عازم تبریز شد. هنگام ورود به شهر تبریز ابتداء بر حضرت آیت الله سید ابو الحسن انگجی که از علمای صدر اول شهر بود وارد شدند و بعد از آن در شهر تبریز اقامت گزیدند و به رتق و فتق امور مردم و نشر احکام اسلامی همت گماشتند. از همان بدو ورود به سبب فضل و دانش و زهد و تقوا مورد توجه عام و خاص واقع شدند. لذا مردم بر او گرد آمدند و محضرش را معتنم داشتند. او ضمن تدریس، به یاری مظلومان و حمایت از تهی دستان و تربیت طلاب پرداخت و حدود سی نفر در منطقه «بدوستان» و «سرای» تحت تربیت و تکفل ایشان در حوزه علمیه تبریز به کسوت روحانیت درآمدند، که بسیاری از آنان هم اکنون در حال خدمت به ملت شریف می باشند. وی چون خود بزرگ شده و تربیت یافته در محفل روحانی بودند، دو فرزند خویش را نیز در همین راه تربیت کرد و در کسب معارف دینی و علوم اسلامی ایشان را سفارش می نمودند.

اینجانب عبد الرحیم سرابی که فرزند ارشد ایشان هستم در شهر قم مشغول فعالیت و تحصیل می باشم. و اخوی کوچکتر آقای میرزا اسحاق سرابی در شهر تبریز یکی از مسئولین نظام می باشند.

### **خدمات و یادگاری های خیریه**

در زمینه خدمات عمومی ایشان می توان گفت؛ در همان سالهای اول که از

نجف اشرف بازگشته بودند در منطقه آذربایجان، به خصوص در شهر هریس و حومه که «بدوستان» می نامیدند قحطی به وجود آمده بود. با دعوت مردم و اهالی منطقه از تبریز به شهرستان هریس مسافرت کرد، تا مردم را با تدابیر و اندیشه خود از مشکلات قحطی رهایی سازد، و چون از طرف مراجع وقت نجف اشرف مخصوصاً آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی وکالت تام داشتند برای اخذ وجوه بیت المال مشغول جمع آوری آن گردید، و مدت یک سال در آن شهر، بیت المال را بین فقرا و مستمندان تقسیم نمود. تا آن سال قحطی و دشواری به سر آمد. مردم متدین آن منطقه می گفتند: اگر در آن سال لطف خداوند و وجود شریف ایشان و اندیشه و تدابیری که در طول زمان قحطی پیاده کردند نبود، مردم آن دیار از گرسنگی تلف می شدند. وی در مناطق محروم آن حومه، حمام و قنات و آب مشروب عمومی مردم را ایجاد و فراهم نمود.

میرزا احمد سرایی، فقیهی شجاع، عالمی پارسا و یک روحانی تلاشگر و متعهد بودند. در طول عمر پربرکت خویش بیش از پانزده بار به سفر حج رهسپار شدند و هرباری که در این سفر روحانی شرکت می نمودند به عنوان روحانی کاروان حضور داشت، تا مردم را به احکام حج آگاه سازد و آشنا گرداند. در طول مسافرت های گوناگونی که به کشورهای مختلف اسلامی داشت از احوال و اوضاع ملت مسلمان جويا می شد، از جمله کشورهای که سفر کرده بودند: سوریه، فلسطین، لبنان و عمان را می توان نام برد.

## آثار قلمی او

1- رساله ای در احکام حج.

2- رساله ای در احکام صلاه، که هیچ یک از آنها چاپ نشده است.

## درگذشت

سرایی، بیش از نیم قرن از عمر پربرکت خویش را صرف تبلیغ احکام اسلامی

ص: 352

و شرعی نمود و در سن 76 سالگی در محرم الحرام 1404/ق مطابق با سال 1362 ش در زادگاه خود «سرای» در اثر سکتۀ قلبی وفات نمود و پس از تشییع مفصل در شهر تبریز به شهر قم انتقال داده شد و در قبرستان ابو حسین-در یکی از اطاقها-مدفون گردید.

### فرزندان:

1- شیخ عبد الرحیم سرایی، متولد سال 1317 ش در تبریز. از جمله شاگردان حضرات آیات: سید کاظم شریعتمداری، میرزا هاشم آملی، سید محمد رضا گلپایگانی، میرزا جواد تبریزی و سید ابو القاسم کوکبی است 2- شیخ اسحاق سرایی، متولد سال 1323 ش در تبریز. از جمله شاگردان حضرات: شیخ محمد فاضل لنکرانی، شیخ ناصر مکارم شیرازی و شیخ حسین نوری همدانی بود و فعلاً مقیم تبریز است و یک دختر از او باقی ماند.

### سجایای اخلاقی او

ایشان فردی مهربان و متواضع بود. برای توضیح سجایای اخلاقی وی، به مطالبی که یکی از همراهان آن مرحوم به صورت سفرنامه نوشته است. توجه خواننده عزیز را جلب می کنیم:

چه یادواره خوبی بود، یا لیت؟

در سنه 1336 ش که عنفوان جوانی ام بود عزم بیت الله الحرام داشتم.

### روحانی کاروان

در میان کاروان ما، آقای معمم و روحانی که بارقه ای از علم و دانش و عواطف و عمل، وجود وی را تنیده بود، مشاهده می شد.

جمعیت انبوهی دور وی را گرفته و مانند زنبوران عسل به یعسوب خویش

ص: 353



احترام می گذاشتند و بهر عنوان به محضرش می آمدند، و برای دریافت محبتی اگر چه تبسمی و یا تکلمی باشد به او تقرّب می جستند، یکی پس از دیگری از مسایل و آداب حج سؤالی مطرح می نمودند. از سخن ارادتمندانش نام و فامیل آن مرد الهی را دریافتیم (میرزا احمد سرایی)، وقتی که چمدانها تحویل انبار هواپیما داده شد و امید پرواز بیشتر به دلها تابش گرفت و همه آماده باش و منتظر دستور بودند، یک دفعه بلندگو به صدا درآمد که شماره پرواز ما را اعلام کرد و درب باند به طرف میدان پرواز باز گردید و به پلکان هواپیما رسیدیم، میدان حاج آقای سرایی بدون استثنا مسابقه داشتند بر اینکه فقرات گردن و بلکه حدقه چشم خود را برای صعود حاج آقا پلکان بسازند و در این امر از همدیگر سبقت می گرفتند.

و پس از آنکه حجاج به داخل هواپیما آمده و مهمان دار آنها را به صندلی رزرو شده خودشان هدایت می نمودند، و مسافری چندان بلد نبودند که کمر بند خودشان را ببندند، مهمان دار هواپیما کمر بندشان را می بست و به آنها کمک می نمود، در این هنگام صدای هواپیما به کسی اجازه سخن نمی داد و قهرا همه را به سکوت وامی داشت. اینجانب و دو نفر همراهانم آخرین نفر بودیم که داخل هواپیما شدیم و با یک لحظه نگاه که زیر پایمان را ببینیم و صندلی خود را پیدا کنیم، همه را در حیرت سکوت فرو رفته دیدیم، ولی غنچه لبهای آن عارف وارسته با یاد خدا در حرکت و خود را رها ساخته و در عالم ملکوت فرو رفته دیدیم. او دوشش را به پایین انداخته و سر و گردنش را منحنی کرده و مژگان خود را به روی هم گذاشته، و با هیبت ایمان و یقین روی صندلی، خود را با یاد خداوند مشغول و از عالم مادی رها ساخته بود. مجموع همین حالات هر بیننده را به عالم دیگری دلالت می کرد، و به یاد خداوند متعال می انداخت.

## در محضر الهی

در این هنگام، ما هم مانند دیگران روی صندلی قرار گرفتیم، و از دستورات

مقدماتی اطاعت نمودیم و تازه خودمان را دریافتیم، یک دفعه غرش هواپیما شدت گرفت، و حرکت آرام خود را آغاز نمود و به مرحله سرعت رسید، و چندین بار سینه خود را بلند کرد و به زمین گذاشت، و از این پهلو به آن پهلو ور می رفت و برای تعیین مسیر گاهی یکی بال خود را بالا و آن دیگری را به پایین می کرد، و با این حرکت ساکنین خود را به روی هم می ریخت.

وقتی که هواپیما به اوج خود ادامه داد و همه مسافری از همه تعلقات منقطع گردیدند، آن وقت از کثرت خشیت برای رفع اضطراب به ذکر خدا پرداختند، آن چنان که در قرآن مجید آمده است: **فَإِذَا رَكَبُوا فِي السَّمَاءِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ**.

ولی جناب حاج میرزا احمد سرایی از اول به ذکر حضرت الله اشتغال داشت و به یاد حق بود. تا اینکه قسمتی از شب گذشت، هواپیما در آسمان شهر جدّه دور زد و بر زمین نشست. حجاج پس از تحویل اثاثیه خود در محوطه فرودگاه به استراحت پرداختند. ولی آن عالم ربانی شب را با عبادت و تهجد و رکوع و سجود طولانی طی فرمود.

و به قول ابو سعید ابو الخیر:

گر بر در دیر می نشانی ما را گر در ره کعبه می دوانی ما را

این ها همگی لازمه هستی ما است خوش آنکه ز خویش می رهانی ما را

باری بگذرم، شخصیت معنوی آن مرد الهی در این شعر و در این مختصر خلاصه شدنی نیست، و این اوراق گنجایش بیان کمالات وی را ندارد.

### **سعی در ایجاد آسایش دیگران**

خلاصه، تا هنگام طلوع آفتاب در همان جا ماندیم تا اینکه سرویس های تاکسی ویژه دور ما را گرفتند و با هدایت جناب حاج آقای سرایی ما را به «عمارہ الحاج» انتقال دادند، با اینکه جناب معظم له شب را تا سحر به عبادت حضرت خداوند گذرانده بود، مع الوصف از آغاز روز هم به مسائل ضروری همراهان خویش

پرداخت، و برای اینکه خودم در سایه آن همای رحمت قرار بگیرم، زیردست ایشان به منزلهٔ عبد و مولا اطاعت وی را بر خود لازم می دانستم.

او تحمل زحمات دیگران را قبول می فرمود و آن را بهترین و کامل ترین فرد عبادت می دانست. در حدیث اهل بیت عصمت علیهم السّلام آمده است: بهترین اعمال دشوارترین آنها است. و شگفت ترین رفتارشان آن بود که همه آسایش همراهانش را فراهم می فرمود، تا آنجا که محل رختشویی را به آنان نشان می داد، و در لباس شستن آنان نیز دخالت می کرد، و به عنوان اینکه طریقهٔ شستن قطیفه را به آنان بیاموزد. از دست بعضی ها می گرفت و مباشر شستن آن می شد.

یا للعجب، این معلم اخلاق چه نقش اساسی را ایفا می کرد که پس از گذشت چهل سال هنوز هم در قلب اینجانب نقش بسته است. آن انسان شایسته در کنار سفرهٔ غذا خدمت و نظارت می کرد و خود متکلم بود، و کلماتش حکیمانه و عاری از هزل بود، و با یک نگرش و نگاه ضمائر و باطن اشخاص را می خواند، و فرد مبتلا به عجب و کبر و نخوت را تشخیص می داد، و آن رذالت نفسانی را به طور مستقیم و غیر مستقیم با شیوه های اصلاحی برطرف می ساخت.

### **برخورد صحیح و اسلامی**

فراموشم نمی شود جناب حاج آقای سرایی-طاب مضعه-همنامی داشت که از همهٔ محامد به دور بود، و از قرار معلوم از کسوت روحانیت اعراض کرده، و ریش را دوتیغه می تراشیده، و عمّامه را تبدیل به کراوات نموده، و با تصدی به سردفتر ثبت ازدواج و غیره به نوانی نسبی رسیده و اسلام خود را پیش رفته دانسته، و سرگرم به تنعمات دنیوی نیز بوده، از روی این ملاکات خود را آسمانی می پنداشت و به جهت عرق نژادپرستی نسبت به ما دید حقارت داشت.

مرحوم حاج سرایی سریع این موضوع را دریافت، متقابلاً آن معلم اخلاق بر ما شخصیت بخشید و روی طبع بلند خویش ما را مورد توجه خاص قرار داد، و با بیان

شیرین و سخن لؤلؤ شاهرارش، قضیه علی بن یقطین - رضی الله عنه - وزیر دارائی هارون الرشید را با ابراهیم جمال چنان به موقع به گوش همگان خواند، که تعصبات رنگ و نژاد را از بین برد و چندگانگی را به یگانگی تبدیل فرمود و اجتناب از تفاخر و درشت خویی و رأفت و محبت و احترام جایگزین آن را اکیدا سفارش فرمود.

و چنین گفت: ما همگی پارچه یک امت و اعضای یک پیکر محسوب می شویم، اگر چشم زخمی بدانها رسد و یا خار حقارتی به پای آنها فرورود، شکی نیست که در جانبازی پایداری خواهیم ورزید، گویی که ما دیدیم مطالب زیبا و ارزنده در مرام نامه همه اقشار و مدعیان حق و باطل عنوان گردیده، ولی فقط برای نوشتن به روی زیبای کاغذ و برای گفتن تنظیم گردیده، و دیده ایم نویدهای بهشت برین و وعیدهای جحیم مانند وزن شعری بوده، که سرایندگانش این قصیده ها را با مهارت ساخته و با کاردانی آنها را پرداخته اند.

ولی ندیدیم و نشنیدیم مانند آن انسان عارف بینا، کسی را که در آموزش احکام و در گفتن تلبیه، مانند حضرت امام سجاد علیه السلام سیلاب اشک را از دیدگانش جاری سازد.

و نشنیدیم کسی را که در قرائت دعای عرفه چنان حالتی نشان بدهد، و مضامین یک یک آن را به دید عقل نگریسته، که از عرفات به اعراف و از مشعر به محشر منتقل گردد، آن چنان که چندین عقبات و کوهها و بیابانهای آن عالم را پیموده و احوال آن جهانیان را آزموده باشد، و با تفوق فکری و علمی و با کار بر دقت معنوی با زیور علم و دانش و عرفان و عمل و فضائل اخلاقی آراسته باشد.

**شیخ احمد شاهرودی**

**اشاره**

(1282-1350 ق)

شیخ احمد فرزند علامه شیخ محمد علی و نوه ملا محمد کاظم شاهرودی، فقیهی گرانقدر و محقق عالیقدر بود.

تولدش در سال 1282 ق در شاهرود اتفاق افتاد.

ص: 357

او در دامان پرمهر و فضیلت پدر خود، تربیت و نما یافت. و پس از طی دوره مقدماتی به نجف اشرف رهسپار و از محضر آیات: میرزا حبیب الله رشتی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی استفاده نمود و از شاگردان برجسته آخوند خراسانی به شمار آمد. سپس به شاهرود بازگشت و حوزه درسی برقرار کرد و شاگردان زیادی را تربیت نمود.

در کتاب وفيات العلماء یا دانشمندان اسلامی به نقل شیخ محمد حسن جلالی شاهرودی درباره اش چنین آمده است: در سال 1345 ق در مسجد امام حسن علیه السلام در شاهرود بر فراز منبر تشریف داشت و موعظه می فرمود، ناگهان آثار فلج در ایشان پیدا و زبانش بند شد و دستش از کار افتاد. او را به منزل آوردند، در منزل چون نمی توانست حرف بزند و نمی توانست حرکت کند، نوشت که تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام بیاورید. چون در آب نیشان حل نموده در دهانش ریختند، فوری زبانش باز شد و کم کم آن بلیه رفع شد.

مرحوم شیخ احمد اخلاص مخصوصی داشت به اهل بیت عصمت علیهم السلام مخصوصا به حضرت سید الشهداء علیه السلام که در شب عاشورا با سینه زنها شرکت می فرمود و پای برهنه در کوچه و بازار همراه ایشان می رفت و به سرسینه می زد.

## از آثار او

1- ازاله الاوهام فی جواب ینابیع الاسلام (در ردّ شبهات مسیحیان).

2- ایقاظ النائین (ردّ فرائد گلپایگانی).

3- تنبیه الغافلین.

4- حق المبین (در ردّ بهائیت).

5- راهنمای دین (در ردّ بهائیت).

6- مدینه الاسلام و روح التمدن.

7- مرآه العارفین فی دفع شبهات المبطلین.

ص: 358

شاهرودی در روز سه شنبه 15 محرم 1350/ ق مطابق با 11 خرداد/ 1310 ش به سن 68 سالگی درگذشت و در یکی از حجرات ورودی قبرستان حاج شیخ قم مدفون گردید.

فرزندش علامه شیخ عبد الله مهدوی از علمای تهران بود.

منابع

1- أعيان الشيعة 136/3، 600/2.

2- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی 305/4.

3- گنجینه دانشمندان 357/5.

4- مجموعه وزیری یزدی (خطی).

5- مؤلفین کتب چاپی 409/1.

6- نقباء البشر 115/1.

7- وفيات العلماء یا دانشمندان اسلامی 192.

**شیخ احمد شریعتی بروجردی**

(1407-1316 ق)

از دانشمندان و فضیلاي معاصر حوزه و دانشگاه بود.

شریعتی در سال 1316 ق متولد شد.

وی تحصیلات عالی خود را در حوزه علمیه قم نزد آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به انجام رساند.

سپس به تهران رهسپار و وارد دانشکده الهیات-دانشگاه تهران- شد و موفق به دریافت لیسانس گردید و مجدداً به قم بازگشت و به تدریس پرداخت.

ایشان در روز جمعه 11 ذی الحجه 1407/ ق مطابق با 16 مرداد/ 1366 ش در 91 سالگی درگذشت و پیکرش در قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

ص: 359

(1324-1412 ق)

سید احمد فرزند آیت الله سید علی اصغر و نوه علامه سید محمد تقی حسینی مرعشی شهرستانی، از ستارگان درخشان و انجم فروزان سلسله جلیله سادات شهرستانی و علمای برجسته تهران بود.

پدرش از علما و بزرگان معروف نجف اشرف و از جمله شاگردان آیت الله شیخ محمد کاظم خراسانی بود. وی در 22 صفر 1360 ق درگذشت و پیکرش در صحن علوی شریف نجف به خاک سپرده شد. در کتاب نقباء البشر 4/1572 مختصراً به شرح حالش اشاره رفته است.

سید احمد شهرستانی در کنار میرزا هاشم آملی

### ولادت و تحصیلات

ایشان به تاریخ 19 ذی القعدة 1324 ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

سید احمد پس از گذراندن دوران کودکی و خواندن مقدمات و ادبیات، دوره

ص: 360

سطح را از محضر پدرش و سایر اساتید وقت فراگرفت. سپس به درس خارج آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و سید ابو الحسن اصفهانی راه یافت، و خارج کفایه را از محضر آیت الله میرزا ابو الحسن مشکینی بهره مند شد و تقریرات درس اصول ایشان را به رشته تحریر درآورد که اکنون نسخه خطی آن موجود است.

به همین دلیل تا آخر عمر برای ادای حقوق استادش با بیت مشکینی در ارتباط بود.

## هجرت به تهران

وی در سن چهل سالگی در سال 1364 ق وارد تهران شد، و تا آخر عمر خود در مسجد «باب الحق» کوچه سنگی واقع در «خیابان مولوی»-مقابل مسجد خندق آباد- به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال داشت.

شهرستانی برای ارتباط با آیت الله سید علی نوری سفری به بلدة «نور» مازندران نمود و بنا بر درخواست ایشان، همه ساله فصل تابستان را در آنجا می گذراند و تا آخر عمر حدود دو ماه در هر سال در آن منطقه بسر می برد و در «مسجد جامع نور» اقامه جماعت می نمود و خدمات چشمگیری نیز انجام داد و عموم مردم نور، آمل و حومه مجذوب معنویت و روحانیت و صفای باطن ایشان شدند و اعتقاد عجیبی به ایشان داشتند.



## از رشحات قلمی ایشان، تألیفات زیر می باشد

1- ازاحه الشین عن تارکی الجمعه و العیدین فی الغیبه الکبری، که تألیف آن در سال 1354 ق اتمام یافت.

2- الصراط الاقوم لبطلان الصلاه فی الخیط من الابرسم، که در سال 1352 ق آن را نگاشت.

3- توضیح الکفایه (شرحی بر کفایه الاصول) است.

4- حاشیه بر کفایه الاصول، از تقریرات درس اصول مشکینی.

5- شرح وقت و قبله از لمعه، که در سال 1346 ق از نوشتن آن فارغ شد.

ایشان دارای اجازاتی از آیات: نائینی، عراقی، غروی اصفهانی، اصفهانی، سید حسن صدر، شیخ آقا بزرگ تهرانی، شیخ عبد الکریم حائری یزدی و شیخ محمد کاظم شیرازی بود.

## ارتحال اسف انگیز

سرانجام عصر روز دوشنبه 27 ربیع الاول 1412/ ق مطابق با 15 مهر 1370 ش در یکی از بیمارستانهای تهران به سن 88 سالگی به لقاء الله شتافت، و جسدش صبح روز سه شنبه در تهران و عصر همان روز در قم تشییع، و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

جناب آقای شیخ محمد رازی، مراسم تشییع و تجلیل از بدن شریف ایشان را چنین شرح می دهد:

کسبه بازار تهران و اهالی خیابانهای ری و مولوی و شهدا و سایر نقاط و بالاخص روحانیون محترم و هیئت های مذهبی که از رحلت ایشان مطلع شدند، دسته دسته به سوی منزل ایشان شتافته و جنازه او را در مسجد (باب الحق) که حدود چهل سال امامت آنجا را داشت با اشک و آه و سوز و گداز شسته و تجهیز نموده، و با نوحه و ندبه و ویل و وای بر روی دست گرفته و به سروسینه زده، و عزا

عزاست امروز روز عزاست امروز، حضرت صاحب زمان (عجل الله فرجه) صاحب عزاست امروز سر داده، و تا به میدان شوش بر دست و دوش خود تشییع نمودند.

و از آنجا با ماشین و اتوبوسهای بسیار حمل به قم و در (مسجد امام) گذاردند، و از آنجا با تشییع عظیم حوزه علمیه قم و کلیه مدرسین و آیات و علمای اعلام و طلاب محترم و طبقات دیگر از مردم قم و تهران و مازندران، بالاخص منطقه نور به سوی حرم اهل بیت علیهم السلام حمل، و پس از نماز توسط داماد ارجمندش حضرت آقای سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی بر جنازه اش در نزدیکی قبر آیت الله حائری یزدی به خاک سپردند.

تنها فرزند ذکور ایشان، مرحوم حجه الاسلام سید عماد الدین شهرستانی داماد علامه سید احمد لواسانی (از علمای فعلی تهران که در خیابان ری سکونت دارند) بود. وی از جمله شاگردان حضرات آیات: سید روح الله خمینی و سید محمد رضا گلپایگانی در قم و علامه شیخ مهدی الهی قمشه ای در تهران بود. وی در حدود ده سال در شهر نائین به تدریس در حوزه علمیه آن شهر و اقامه جماعت و ارشاد اشتغال داشت. تا اینکه سرانجام در هنگام دیدار از فرزندش در اهواز بر اثر بیماری قند و سکت قلبی بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد. دامادهای سید احمد شهرستانی عبارتند از: علامه سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی (عبدالصاحب) و سید تقی (برادرزاده سید احمد شهرستانی) فرزند سید صادق شهرستانی، می باشند.

برای حسن ختام شرح حال این دانشمند محترم و ارائه زحماتی که در راه طلب علم و عمل متحمل شدند، مطالب زیر که به قلم خود آن جناب در تاریخ 6/ جمادی الاول 1410/ ق به رشته تحریر درآمده، تقدیم می گردد:

بسمه تعالی شأنه

با تقدیم عرض سلام و دعاگوئی. این ضعیف ناچیز (در) 19 ذی القعدة الحرام / سنه 1324 هجری قمری در شهر نجف اشرف متولد (شدم)، فرزند مرحوم

ص: 363

حجه الاسلام و المسلمین آقای آقا سید علی اصغر حائری شهرستانی قدس سرّه نعم الخلف مرحوم آیت الله آقای حاج سید محمد تقی شهرستانی از اکابر تلامیذ امامین صاحب الجواهر و الشیخ الانصاری (اعلی الله فی اعلی علیین مقامهما) (می باشم) کما آنکه در کتاب مطبوع «شخصیت شیخ انصاری» اشاره به آن شده است.

و تصدیق اجتهاد این بنده ناچیز در قم به تصدیق مرحوم آیت الله حائری یزدی مؤسس حوزه مقدسه قم (قدس سره العزیز) رسیده (است). مقدار زیادی از مؤلفات حقیر که از آن جمله: «ازاحه الشین عن تارکی الجمع و العیدین» باشد در موسوعه الذریعه الی تصانیف الشیعه درج و ضبط شده و اجازه روایت هم از مرحوم آیت الله الکبری صاحب التصانیف الکثیره آقای سید حسن صدر «ساکن کاظمین» علیهما السلام الی آخر المشایخ فی الاجازات در رساله مطبوعه «المشیخه» مرحوم خلد مقام آقای شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز در دست است.

عمر گرانمایه را در نجف اشرف باب مدینه العلم نزد مراجع آن عصر فقها و اصولا آیات: نائینی و اصفهانی و عراقی و کمپانی (اعلی الله تعالی فی فرادیس الجنان مقامهم) صرف گشته و در حدود سنه 1355 هجری قمری با مساعدت استخاره مهاجرت به ایران و در مدرسه مرحوم ملا آقا رضا با حدود بیست و پنج نفر طلبه مجتهد مشغول، مشغول به تدریس و امتحانات و تشویقات و اقامه جماعت هم در کوچه دار السکنی قدیمی و فعلی خودم خیابان مولوی کوچه ستون سنگی تهران بر پا داشته و دارم و جدا از الطاف جلیه و خفیّه حضرت باری تعالی عزّ و جل امیدوارم به سعادت مهمه مطلوبه عاقبت بخیری نایل گردم. گرچه از جهت امراض قلبیه و غیر قلبیه، سالها است آقایان دکاتره از تدریس و صحبت زیاد مرا منع فرموده اند و اخیرا هم به اصرار ایشان عازم بر عمل قلب در لندن شدم که با ترحم و عنایت ارحام در لندن عمل سوم قلب انجام یافت و لعل ان شاء الله تعالی این دل شکستگی و حرمان از ادای وظایف ترویج و تایید شرع انور اقدس، سبب مزید الطاف بی پایان حق تعالی گردد و حسن ختامی برای این بنده ضعیف عاصی

خاطی تقدیر گردد بحرمه اجدادنا الطاهرین صلوات اللّٰه و سلامه علیهم اجمعین و چون در حدود بیست سال اخیر عمر عزیز از جهت امراض عدیده آقایان دکاتره الزام نموده تا تابستانها را در گرمای تهران نباشم و در ییلاقات بسر ببرم، لذا در «بلده نور» مازندران اقامت داشتم و مدرسه ای که از قدیم بود تعمیر و از چنگ رژیم منحوس سابق در آوردم و آبادش نمودم و بسیار اهالی مازندران از این جهت مسرور و علاقمند فوق العاده به این ضعیف ناتوان شدند، به طوری که عنایات مهم غیر مأمولی نسبت به حقیر به خرج دادند و بنده را شیفته الطافشان نمودند و دو باغچه و یک باب خانه که به بنده متعلق شده بود، وقف بر آن مدرسه نمودم. و ما توفیقی إلاّ باللّٰه علیه توکلت و الیه انیب و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین و سلام علی المرسلین.

و کم لله من لطف خفی

یدق خفاه عن فهم الذّکیّ

حرره بيمناه الدائره العبد الفانی سید احمد الحسینی الشهرستانی

منابع

1- شرح حال ایشان به خط مبارکشان در دو صفحه است.

2- گنجینه دانشمندان /4

3- مستدرک أعيان الشیعه 70/5.

4- نقباء البشر 1572/4 (ضمن شرح حال پدرش مختصراً آمده است).

**میرزا احمد شیرازی**

**اشاره**

(ح 1296-1374 ق)

حاج میرزا احمد شیرازی، از دانشمندان و فضیلائی قم بود.

وی در حدود سال 1296 ق در روستای «قیروکارزین» از توابع فیروزآباد استان فارس، متولد گردید.

ص: 365

پدرش از خوانین آن منطقه و با اینکه مذهبی بود، اما به طلبه شدن فرزندش تمایل نداشت، ولی عشق و شور این پسر به تحصیل علوم دینی آن قدر زیاد بود که مدتها هر روز قبل از اذان صبح نزد عالم محل می رفت و آموزش می دید و قبل از طلوع آفتاب به خانه برمی گشت، به طوری که پدر متوجه این رفت و آمد نمی شد.

ایشان پس از تحصیل مقدمات به شیراز رفت و سالهای متمادی به تحصیل سطح و دروس خارج پرداخت و مدت نه سال در معیت مجاهد بزرگ آیت الله سید عبد الحسین لاری بود و به عنوان یار و مشاور نزدیک به شمار می رفت. در جنگ با انگلیسها هم شرکت کرد و تبعید به بمبئی را نیز تحمل نمود. آنجا به او پیشنهاد شد که تهران را با نظارت اختیار کند یا کشوری دیگر، که ایشان کشور حجاز (عربستان سعودی) را انتخاب کرد و پس از موسم حج به ایران بازگشت و قم را جهت زندگی اختیار کرد.

آمدن ایشان در زمانی صورت گرفت که هنوز آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی به قم نرفته بود و پس از ورود حاج شیخ به قم از شاگردانش گردید.

میرزا احمد با بیگانگان به خصوص انگلیس که آن روز دشمن معروف مسلمانها بود، سر مسالمت نداشت. سالهای سال خود او و خانواده اش به جای شکر که سودش به خارجی ها می رسید، از خرما، توت و مانند آن استفاده می کرد و همیشه نام انگلیس را با پسوند ابلیس پرتلیس به زبان می آورد و با دولت وقت هم که دولت ظالم بود مخالفت می کرد و از گندم دولتی استفاده نمی کرد و جداگانه گندم تهیه و در خانه نان تهیه می کرد.

گاهی در روستاهای اطراف قم منبر می رفت و اگر پولی می دادند، پس می داد و می گفت: خرج فلان جا کنید. مدتی تحت تعقیب بود و شبها در مسجد جمکران و روزها در همان اطراف زندگی می کرد. جواز عمامه برای او آوردند، جواز را پاره کرد و گفت: من از پهلوی جواز عمامه بگیرم؟.

یک شب خادم مسجد جمکران از بودن ایشان در پشت بام مسجد بی اطلاع بود. درب مسجد را می بندد و می رود. ایشان به عبادت مشغول می شود و

می خوابد. در خواب خدمت امام زمان (عجل الله فرجه الشريف) می رسد. حضرت به او می فرماید: برخیز اذان بگو. عرض می کند: درب مسجد بسته است، باید از مسجد خارج شوم تا وضو بگیرم (حوض خانه مسجد، خارج از مسجد بود).

حضرت علیه السلام می فرمایند: درب باز است، و در خواب شروع به اذان گفتن می کند.

پس بیدار می شود و می آید، می بیند درب مسجد باز است.

وی از حضرات آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، شیخ ابو القاسم قمی («کبیر»)، میرزا محمد فیض قمی، سید محمد باقر قزوینی و سید ابو الحسن اصفهانی مجاز بود. و با آیت الله سید صدر الدین صدر و آیت الله سید محمد تقی خوانساری سالها هم بحث بود و به آیت الله سید محمد حجت کوه کمری بسیار علاقه مند بود و پس از ورود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم در درس ایشان شرکت جست.

### از ویژگیهای ایشان

وی سحر خیز بود و از پسرش خواسته بود که هر روز بین الطلوعین در حالی که پدر نماز می خواند، او نیم جزو از قرآن کریم را بخواند. به تربیت فرزندان کاملاً مقید بود و برای جبران محدودیتهایی که برای فرزندان ایجاد می کرد، خود با کھولت سن هفته ای یک یا دو بار آنان را به خارج شهر برای تفریح می برد و احياناً خود با آنها بازی های مناسب انجام می داد.

دو روز قبل از فوت، پسرش را وصی قرار داده، تربیتی به او می دهد و می گوید:

این تربت خاصی است، باید در خانواده ما بماند و تو هنگام مرگ به دیگری آن را بسپار و یک قدری از همان تربت را برای لحظات آخر عمر قرار داد. در دقایق آخر، دهان باز نمی کرد که تربت را بخورد، تا اینکه خود اشاره کرد که تربت را بیاورند، همین که تربت را خورد به دیدار حق متعال شتافت.

وی همه اموال خود را در زمان آیت الله سید عبد الحسین لاری به ایشان واگذار

کرد و به ورثه خویش نوشت: تمام اموال از آن آقا است. مرحوم لاری طبق نامه ای اموال را به خود ایشان برگرداند. در دوره سلطنت رضا خان پهلوی، املاک پدری توسط قشقانی ها غصب، شکایات هم سودی نبخشید و تمام آنها را از دست داد.

ایشان پس از سن چهل سالگی ازدواج کرد. همسرش که علویه و از اعقاب سید حسن واقف (مدفون در نطنز)، دختر عموی مادر آیت الله شیخ محمد علی اراکی بود. با مرحوم اراکی مدتی هم منزل شده بود.

میرزا احمد در سال 1374 ق در حدود سن 78 سالگی در قم بدرود حیات گفت. پیکرش با نظارت آیت الله شیخ مرتضی حائری در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. فرزندش آقای سلطان شیرازی است، که در سازمان حج به خدمت مشغول است.

منبع

1- شرح احوال آیت الله اراکی 127.

**سید احمد طالقانی «آل احمد»**

**اشاره**

(1303-1381 ق)

سید احمد فرزند علامه سید محمد تقی و نوه سید احمد حسینی طالقانی، معروف به «آل احمد» از مشاهیر علمای تهران بود.

وی در سال 1303 ق در تهران متولد گردید.

سید احمد پس از طی مقدمات، سطوح را نزد پدر خود و نیز از محضر آیت الله سید هادی فرزند فرج الله طالقانی، در مدرسه مروی استفاده نمود و در پی ارتحال پدر در سال 1325 ق در «مسجد پاچنار» به جای ایشان به اقامه جماعت و رتق و فتق امور مردم پرداخت و شهرت خوبی کسب نمود.

او در عصر روز سه شنبه 17 رجب 1381/ ق مطابق با 5 دی 1340/ ش به سن 78 سالگی در تهران درگذشت، و در قبرستان ابو حسین قم مدفون گردید.

ص: 368

جلال آل احمد طالقانی

سید محمد تقی آل احمد طالقانی

### فرزندان:

1- مرحوم حجه الاسلام سید محمد تقی طالقانی 2- جلال آل احمد، نویسنده مشهور 3- شمس آل احمد، نویسنده معاصر.

منابع

1- آشنایی با مشاهیر طالقان 62.

2- گنجینه دانشمندان 505/4 (تولد و فوتش را با یک سال اختلاف نوشته است).

3- نقباء البشر 92/1.

### سید احمد طباطبائی بروجردی

### اشاره

(1394-1355 ق)

سید احمد فرزند آیت الله سید حسین طباطبائی و نوه علامه سید علی بروجردی، از فضلاء معاصر بود.

ص: 369



وی در سال 1355 ق در بروجرد متولد شد.

ایشان مقدمات و قسمتی از شرح لمعه را در زادگاه خود نزد علامه شیخ محمد تقی مطهری بروجردی (دام مجده) آموخت. سپس به دستور پدر خود به نجف اشرف رهسپار شد و در مدرسه آیت الله بروجردی اقامت و مدتی چند مشغول تحصیل شد. آن گاه در سال 1376 ق به قم مهاجرت کرد و همواره در کنار پدرش بود.

وی بعضی کتب متون درسی را نزد علامه شیخ علی ناسوتی یزدی و شیخ ابو القاسم نحوی قمی در قم تلمذ کرد.

وی پس از رحلت پدر خود در تهران اقامت کرد و یکی از فضلا و ائمه جماعت مسجد «مشهدی باقر»-واقع در خیابان خراسان-گردید.

### **درگذشت**

نامبرده در روز پنجشنبه 26/رجب/1394/ ق مطابق با 24/مرداد/1353 ش در سن 39 سالگی درگذشت و پیکرش روز شنبه در قم از مسجد اعظم تا حرم حضرت معصومه علیها السلام تشییع و پس از ادای نماز توسط آیت الله گلپایگانی، در قبرستان شیخان-کنار مزار میرزای قمی-به خاک سپرده شد.

### **فرزندان:**

1-سید مهدی 2-سید حسین 3-سید مجید 4-سید رضا و یک دختر.

### **سید احمد طباطبائی قمی**

(-1334 ق)

سید احمد فرزند محمود بن محمد بن علی بن محمد مهدی بن محمد تقی بن فضل الله بن سراج الثانی بن محمد تقی بن سراج الدین الاول بن محمد قهپائی بن میر حیدر بن علی بن ابی الفتوح بهاء الدین حیدر بن کمال الدین حسن بن شهاب الدین

ص: 370

علی بن ابی محمد احمد بن عماد الدین علی بن ابی علی حمزه بن شهاب الدین بن ابی الحسن علی شهاب الدین بن ابی الحسن محمد (شاعر اصفهانی) بن ابی عبد الله احمد بن ابی جعفر محمد اصغر بن ابی احمد بن ابراهیم طباطبا بن ابی ابراهیم اسماعیل دیباج بن ابی اسماعیل ابراهیم الغمر بن ابی محمد الحسن المثنی بن الامام ابی محمد الحسن السبط المجتبی بن الامام الهمام علی بن ابی طالب علیه السلام.

حاج آقا بزرگ تهرانی، درباره اش می نویسد:

سید احمد فرزند سید محمود فرزند محمد فرزند علی طباطبائی قمی، عالمی است عامل و ورع و متقی، در نجف اشرف از شاگردان علامه میرزا حبیب الله رشتی و جز او به شمار می آمد، و بعد از مراجعت به قم از علمای نیکوکار و ائمه جماعت آنجا و نزد عامه اهل آن شهر از موثقین بود و با کمال اطمینان به او اقتدا می کردند.

در 12 شعبان 1334/ق خبر درگذشتش رسید.

در تاریخ قم وی را چنین معرفی کرده است: حاج احمد طباطبائی یکی از پنج سید حسین طباطبائی قمی

پسر حاج سید محمود است، ایشان نیز از علمای متقی قم و در صحن نو اقامه جماعت می نمود، و در سال 1334 ق به طوری که در خاطر است در قم مرحوم و در شیخان مدفون گردید.

منابع

1- أعيان الشیعه 175/3.

2- تاریخ قم 250.

3- رجال قم 94 (سال مرگش را 1332 ق نوشته که اشتباه می باشد).

4- گنجینه دانشمندان 131/1.

5- نقباء البشر 121/1.

ص: 371

(1321-1407 ق)

سید احمد فرزند سید علی صدیق الذاکرین و نوه سید زین العابدین طباطبائی قمی.

در سال 1321 ق مطابق با 1282 ش در قم متولد شد.

وی پس از نشو و نما وارد مدارس جدید شد. در سال 1305 ش به تهران رفت و تحصیلات عالی خود را در رشته قضایی به پایان رسانید. و در بخش الیگودرز چند سالی امین دادگاه شد و سرانجام از کار قضایی کنار رفت و به شغل وکالت دادگستری پرداخت.

ایشان در نوزدهمین دوره مجلس شورای ملی از قم به سمت نمایندگی انتخاب شد.

ایشان در روز شنبه 7/ربیع الاول 1407/ق مطابق با 19/آبان 1365/ش در سن 86 سالگی در قم درگذشت و جسدش در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

منابع

1- رجال قم 94.

2- گنجینه دانشوران 214.

3- نمایندگان مجلس شورای ملی 343.

**سید احمد عراقی «محسنی»**

**اشاره**

(1280-1357 ق)

حاج سید احمد فرزند ارشد آیت الله سید محسن و نوه سید ابو القاسم حسینی کره رودی عراقی، از علما و بزرگان تهران بود.

وی در سال 1280 ق در اراک متولد شد. او با چندین واسطه به حسن افطس

ص: 372

می‌رسد، یکی از اجداد او که از حجاز به ایران مهاجرت کرد و در کره رود سکونت اختیار نمود. پدرش در سال 1247 ق متولد و در 5 جمادی الثانی 1325/ق درگذشت و در مقبره ای جداگانه در اراک مدفون شد.

وی بخشی از سطح را نزد عموی خود سید محمد عراقی آموخت سپس به بروجرد رفت و در سلک شاگردان سید شفیع جاپلقی و ملا (اصول) و ملا اسد الله بروجردی (فقه) و سید جعفر کشفی دارابی (تفسیر) درآمد و سپس به اراک رفت و مشغول تدریس فقه و اصول و معقول و تفسیر گردید.

### هجرت به حوزه نجف اشرف

پس از طی مقدمات و سطوح، به نجف اشرف مهاجرت کرد و دروس عالی حوزه را نزد آیات: میرزا حبیب الله رشتی، میرزا لطف الله اسکی مازندرانی، شیخ محمد فاضل شریانی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و حاج شیخ عبد الکریم سید محسن عراقی حائری یزدی به پایان برد. سپس به ایران مراجعت و در تهران رحل اقامت افکند و در «مسجد عرب ها» به ارشاد و هدایت و اقامه جماعت همت گماشت.

### سجایای اخلاقی و خدمات

در کتاب «خاندان محسنی» درباره ایشان می‌نویسد:

«پس از مراجعت به ایران اکثر اوقات در تهران توقف داشته، و از علمای سرشناس زمان خود در تهران بوده است.

بنا به درخواست اهالی محل سکونت ایشان که از مناطق پرجمعیت

ص: 373

تهران بوده است، در مسجدی که به توصیه سپهدار گرجی در ناحیه جنوبی خیابان امیر کبیر فعلی معروف به محله «عرب ها» ساخته شده بود، نماز می گزارد.

به اخلاق خوش و سخاوت طبع معروف و با اکثر رجال زمان خود روابط نزدیک دوستانه داشته است. هیچ کس در عراق «اراک» بر ایشان مقدم نبوده و همه نسبت به ایشان احترامی خاص قایل بودند».

## درگذشت

سرانجام در روز سه شنبه 10 ذی الحجه 1357/ ق مطابق با 11 بهمن/ 1317 ش درگذشت و پیکرش در حرم حضرت معصومه علیها السلام- در کنار مرقد استاد خود حائری یزدی- به خاک سپرده شد.

فرزندان ایشان بسیارند، جهت اطلاع از شرح حال آنان، به کتاب خاندان محسنی رجوع شود.

## منابع

1- آثار الحجه 63/1 (سال مرگش را 1356 ق نوشته است).

2- أعيان الشيعة 71/3 (تاریخ تولد و فوتی که آورده از آن پدرش یعنی سید محسن عراقی می باشد).

3- خاندان محسنی اراکی 159.

4- سیمای اراک 245/4.

5- نقباء البشر 117/1 (سال مرگش را در سال 1356 ق دانسته است).

## شیخ احمد علی احمدی شاهرودی

## اشاره

(1341-1417 ق)

حاج شیخ احمد علی فرزند علامه شیخ محمد حسن و نوه شیخ احمد شاهرودی، ملقب به «احمدی» از فضلا و اساتید معروف حوزه و دانشگاه بود.

ص: 374

وی در فروردین 1302/ ش در بخش «میامی» شاهرود متولد گردید.

پدرش از فضیلت میامی بود و تحصیلات عالی خود را در سبزوار و نیز در مشهد مقدس نزد میرزا محمد آقازاده خراسانی به پایان رسانده بود. از جمله آثار او:

زیده الاسرار در حکمت و یادداشتهائی در طب قدیم. او در سال 1334 ش در شاهرود درگذشت و در زادگاه خود «میامی» مدفون شد.

شیخ احمد علی مقدمات را نزد پدرش آموخت و در حدود سن 22 سالگی به مشهد مقدس رفت و مطول را نزد شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری و قوانین الاصول و شرح لمعه را نزد سید احمد یزدی «نهنگ العلماء» و نزد شیخ محمد کاظم دامغانی رسائل را، و نزد شیخ هاشم قزوینی کفایه را، و نزد میرزا مهدی اصفهانی عرفان را، و نزد شیخ مجتبی قزوینی شرح منظومه را، و تفسیر را نزد شیخ حبیب الله گلپایگانی و یک سال از محضر آیت الله میرزا احمد کفائی خراسانی خارج فقه استفاده نمود.

وی در حدود سال 1367 ق به قم رهسپار گردید و خارج را از محضر آیات:

سید محمد حجت کوه کمری، سید صدر الدین صدر، سید محمد تقی خوانساری، سید حسین طباطبائی بروجردی، شیخ عباسعلی شاهرودی و سید محمد رضا گلپایگانی بهره مند گردید. حکمت را از محضر شیخ محمد مهدی مازندرانی «امیر کلائی» و سید روح الله خمینی فرا گرفت.

در نجف نیز از محضر آیات: سید حسین حتمی (مدت کوتاهی)، سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمود شاهرودی و سید ابو القاسم خوئی جمعا به مدت سه سال استفاده نمود و از اساتید خود اجازاتی دریافت داشت و به قم بازگشت و به تدریس و ارشاد و تربیت طلاب پرداخت.

## از آثار او

1- اسلام و عقاید.

2- اللباس المشکوک (تقریرات بروجردی).

ص: 375

3- انگیزه حق (در زندگانی امام علی علیه السلام).

4- ترجمه جامع السعادات (از نراقی).

5- تقلید الأعلم.

6- رساله ای در بداء.

7- رساله فی البیع.

8- سوی خدا برود.

9- شمشیر بران یا خیبر.

ایشان در اواخر عمر خود در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام به تدریس فقه و در دانشکده الهیات دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد قم به تدریس عرفان و تصوف اشتغال داشت.

شرح حال فوق را از زبان خود ایشان به تاریخ عصر روز شنبه 11 محرم/ 1416 ق در منزل شان در قم یادداشت نمودم. هرچند گاهی خدمتشان می رسیدم.

بسیار محترم و با وقار و همیشه سرگرم تدریس و تدوین و راهنمایی طلاب بود.

به هنگام ادای مراسم عمره در خانه خدا به تاریخ دوشنبه 26 شعبان/ 1417 ق مطابق 17 دی 1375/ ش درگذشت. پیکرش بعد از ظهر روز چهارشنبه 3 بهمن در قم تشییع و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

تاریخ تولد وی در روی سنگ قبر 1305 ش حک گردیده که باید اشتباه باشد.

**احمد علی عبداللہی نگار سیرجانی «نوا»**

**اشاره**

(1337-1417 ق)

حاج احمد علی فرزند وکیل عباس عبداللہی نگار سیرجانی متخلص به «نوا»، از شعرای معاصر قم بود.

وی در سال 1337 ق مطابق با خرداد 1297/ ش در شهرستان سیرجان (واقع در استان کرمان) دیده به جهان گشود.

ص: 376

استاد عبداللهی پس از سپری کردن دوران تحصیلی خود، مدت کوتاهی به استخدام آموزش و پرورش درآمد و در اطراف سیرجان به تعلیم نوباوگان پرداخت.

سپس به ثبت اسناد منتقل شد و بنا بر موقعیت شغلی در قسمت ثبت اسناد و املاک در سال 1326 ش به قم رفت و تا آخر عمر آنجا زیست و پس از بازنشستگی در سال 1344 ش، در ابتدای خیابان چهارمردان به شغل کتاب فروشی و عتیقه فروشی روی آورد.

نامبرده از سال 1314 ش بر اثر استعداد درونی به سرودن اشعار مختلف پرداخت و نمونه هایی از اشعارش در روزنامه های قم، مانند:

استوار، پیکار مردان، سرچشمه و برخی نشریه های ادبی درج شده است.

استاد سید محمد باقر برقی در «سخنوران نامی معاصر ایران» خود درباره اش چنین می نویسد: «...نوا درباره آغاز شاعری خود چنین می نویسد: «در همان اوان جوانی به سرودن شعر علاقه مند بودم. در سیرجان از اساتید فن، مرتضی قلی ستوده نیا و حاج شیخ عبدالمحسن و اخوی او شیخ محمود محسنی استفاضه نمودم و از علی اکبر سعیدی سیرجانی و دکتر احمد ناظرزاده کرمانی و همایون تجربه کار کسب فیض کردم».

عبداللهی نگار در سال 1326 ش به شهر قم انتقال یافت و در اداره ثبت این شهر مشغول انجام وظیفه گردید و در ایام تعطیل به محافل ادبی تهران می رفت و از محضر اساتید شعر و ادب بهره می گرفت و در قم نیز در انجمن ادبی آن شرکت می نمود. وی در میان شعرای معاصر ایران به اشعار محمد حسن رهی معیری و دکتر



مهدی حمیدی شیرازی و رحیم معینی کرمانشاهی («امید») و سید محمد علی ریاضی یزدی و دکتر مظاهر مصفا ابراز علاقه می‌کند و از آنها لذت می‌برد».

از آثار او: دیوان اشعار که هنوز به چاپ نرسیده است.

### تضمین غزل حافظ

تضمین غزل حافظ شیرازی در رثای حضرت سید الشهداء علیه السلام، نمونه ای از اشعار اوست.

استاد عبداللهی سرانجام در روز پنجشنبه 29 شعبان 1417/ ق مطابق با 20 دی 1375/ ش در سن 80 سالگی در اثر ناراحتی قلبی بدرود حیات گفت.

پیکرش بعد از ظهر روز جمعه از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشییع و در جوار علی بن جعفر علیه السلام به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- آقا ناصر، که در صدا و سیمای تهران به فعالیت مشغول است 2- آقا امیر حسین 3- آقا محمد علی، بازنشسته فرهنگ و ساکن تهران است. و سه دختر.

### منابع

1- اظهارات فرزندش آقای امیر حسین به تاریخ دوشنبه 2/ اسفند 1378/ ش.

2- تاریخ تکایا و عزاداری قم.

3- سخنوران نامی معاصر ایران 3692/6.

### شیخ احمد غروی تویسرکانی

### اشاره

(1403-1329 ق)

حاج شیخ احمد غروی فرزند علامه شیخ محمد تویسرکانی، از دانشمندان و فضیلتی معاصر بود.

وی در سال 1329 ق مطابق با 1290 ش در نجف اشرف در خانواده ای مؤمن و دانا از دخت آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی زاده شد.

غروی در سال 1339 ق همراه پدر خود از نجف به اراک رفت و سال بعد همراه او و پدر بزرگ خود (آیت الله حائری) به قم نقل مکان کرد و ادبیات را نزد شیخ ابو القاسم نحوی فرا گرفت. سطح را خدمت حضرات آیات: شیخ محمد علی حائری قمی، میرزا محمد همدانی و سید محمد رضا گلپایگانی به پایان برد و دروس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری، سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی بهره مند گردید و مورد توجه جدّ و استادش آیت الله حائری بود.

ایشان علاوه بر اشتغالات علمی چند سالی متصدی امور مدرسه های فیضیه و دارالشفای بود و در سال 1391 ق از این کار کناره گرفت.

## از آثار او

1- تقریرات اصول درس حجت.

2- تقریرات کتاب طهارت، درس حائری.

نامبرده در روز پنجشنبه 2/ جمادی الثانی 1403/ ق در سن 74 سالگی در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام - اطاق دکتر مفتاح - به خاک سپرده شد. از او فقط یک دختر به جای ماند که همسر حجه الاسلام آقای شیخ غلامحسین فلاح «ساکن یزد» می باشد.

منابع

1- آثار الحجه 84/2.

2- آینه دانشوران 302.

3- گنجینه دانشمندان 207/2.

ص: 379

شیخ احمد فردوس مکان، از علمای وارسته شهرستان بابل بودند.

وی فرزند گرانقدر حجه الاسلام ملا علی رضا بهنمیری بوده و در سال 1250 ش پا به عرصه گیتی نهادند و تحت سرپرستی پدری روحانی و مادری مؤمن پرورش یافتند.

معظم له پس از طی مقدمات در بابل جهت کسب معارف الهی و نیل به مدارج عالی علمی و به منظور استفاده از علمای بزرگ عراق راه سامرا و نجف اشرف را در پیش گرفت و طی 15 سال اقامت در عتبات عالیات از خرمن پر بار علمای اعلام و اکابر فقه و اصول حضرات آیات: میرزا محمد حسن شیرازی، میرزا محمد تقی شیرازی، شیخ محمد فاضل شریانی و شیخ محمد حسن مامقانی خوشه چینی نمود و به مقامات رفیع علمی نایل و به اخذ اجازه اجتهاد از آن بزرگواران مفتخر گشت.

آنگاه به بابل مراجعت و جهت ادای تکلیف و نشر معارف دینی، ضمن اقامه جماعت به خدمت و ترویج احکام و مبانی دین پرداخت و به تدریس و تربیت شاگردان فراوانی نیز همت گماشت که از جمله ایشان می توان به: آیت الله سید موسی مازندرانی و آیت الله سید علی بهشتی (مد ظله العالی) اشاره کرد.

آن بزرگوار در طول حیات خود بسیار ساده زیست و از زخارف دنیا چشم پوشید و در راه نشر معارف دین بسیار پرتلاش و خستگی ناپذیر بود و در این امر هرگونه سختی را به جان و دل خریدار بود با قبول زحمت فراوان، در عین بزرگی مقام و منزلت علمی به روستاهای دوردست با وسائل آن روز سفر می کرد و به امور تبلیغی می پرداخت به طوری که هنوز هم مراتب اخلاص و سخنان جذاب و دلنشین و خاطرات خوش هم نشینی با ایشان و تواضع وی، زبان زد کهن سالان و

پیران روستاهای اطراف بابل می باشد.

فروتنی و عزت نفس وی باعث شد تا در بین مردم شریف و علم دوست بابل از محبوبیت خاصی برخوردار گردند و همین امر موجب گردید تا پس از فوت ایشان در روز شنبه /17 صفر 1363/ ق مطابق با /22 بهمن 1322/ ش، شهر بابل یکپارچه تعطیل و همه مردم بزرگوار آن، برای آن عالم فرزانه به سوگ نشسته و در یک مراسم باشکوه و پر از غم و اندوه، جنازه آن پیکر تقوا و فضیلت را تشییع نمایند.

پیکر مطهرش پس از تشییع در بابل، به وصیت خودشان به قم منتقل و در قبرستان حاج شیخ مدفون گردید.

خلف صالح ایشان حجه الاسلام حاج شیخ زین العابدین فردوس مکان هم اکنون در قید حیات بوده و به خدمات دینی اشتغال دارند.

منبع

1- آشنائی با فرزندان بابل 188.

**شیخ احمد کلباسی**

**اشاره**

(1342-1415 ق)

حاج دکتر شیخ احمد کلباسی فرزند علامه شیخ محمد ابراهیم و نوه علامه شیخ عبد الرحیم فرزند علامه شیخ محمد رضا فرزند آیت الله شیخ محمد ابراهیم کلباسی اصفهانی، از فضلا و نویسندگان معاصر بود.

جدش شیخ عبد الرحیم از فقهای نامدار اصفهان بود. وی در /9 شعبان/ 1254 ق متولد و در /9 شعبان/ 1335 ق در اصفهان بدرود حیات گفت و در تخت فولاد-تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی- مدفون شد. او تحصیلات عالی خود را در نجف اشرف نزد آیات: میرزا حبیب الله رشتی و میرزا حسین خلیلی تهرانی به پایان برد و به اصفهان مراجعت نمود و به تدریس و تألیف اشتغال پیدا کرد. از جمله

ص: 381

آثار قلمی اش می توان به: 1-تفسیر و معانی لغات قرآن کریم 2-حاشیه علی الرسائل 3-درّ یتیم در شرح مقصد پنجم از منهاج الهدایه (اثر جدّ اعلای خود شیخ محمّد ابراهیم-در فقه) 4-کتاب فی المواعظ و الاحادیث 5-کشف الحجاب عن علم الحساب (شرح خلاصه الحساب شیخ بهائی)، اشاره کرد. شرح حال ایشان در نقباء البشر 1103/3 و تذکره القبور یا دانشمندان اصفهان 332 و خاندان کلباسی (خطی) آمده است.

پدرش شیخ محمّد ابراهیم از علما و دانشمندان بود و در مسجد محمودیه تهران به اقامه جماعت و ارشاد اشتغال داشت. وی در 11/شوال 1302/ق در نجف اشرف متولد گردید و همراه پدرش به اصفهان رفت و از محضر آیت الله سید محمّد باقر درجه ای دروس عالی فقه و اصول بهره مند شد. از آثار او 1-افاضات عظیمیه در آداب شرعیه 2-التذکره العظیمیه، در احوال حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام 3-الفوائد السنیه فی الفقه 4-تذکره الواعظین، در مواعظ 5-تقریرات درس درجه ای در برائت و استصحاب 6-خصائص عباسیه 7-رساله ای در اجاره 8-رساله ای در اصول دین 9-رساله ای در بیع 10-رساله ای در تعبیر خواب 11-رساله ای در شرایط اجتهاد 12-رساله ای در وصیّت 13-نجاه البشر فی ابواب اثنی عشر، در ردّ طبعیین.

شیخ محمّد ابراهیم در روز دوشنبه 20/ربیع الثانی 1362/ق مطابق با 5/اردیبهشت 1322/ش در سن 60 سالگی در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش در باغ طوطی صحن حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام شهر ری مدفون گردید.

شیخ احمد کلباسی در سال 1342 ق مطابق با 1302 ش در تهران دیده به جهان گشود.

وی پس از نشو و نما در خاندان متقی و دانا، وارد مدارس جدید شد و به اخذ دیپلم نایل آمد و در اثر راهنمایی پدر ارجمند خود به تحصیل علوم دینی پرداخت و در سال 1359 ق مطابق با 1319 ش رهسپار قم گردید و دروس سطح را فراگرفت

و خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری و سید صدر الدین صدر استفاده نمود و در حدود سال 1365 ق به تهران مراجعت کرد و در مدرسه مروی به تحصیلات دینی خویش ادامه داد و در آن دیار از محضر آیات: میرزا محمد باقر آشتیانی و سید احمد خوانساری بهره مند شد و در اثر استعداد وافری که داشت وارد دانشگاه تهران شد و هم زمان در یک دوره تحصیلی در رشته های معقول و منقول، حقوق قضایی از دانشگاه تهران و علوم تربیتی از دانشسرای عالی درجه لیسانس دریافت کرد. سپس در دانشگاه مذکور ادامه تحصیل داد و در حدود سال 1345 ش موفق به اخذ درجه دکترای فلسفه از دانشکده الهیات گردید. و خود به تدریس همین رشته در دانشگاه شد. از جمله اساتید دانشگاه او می توان به حضرات اساتید:

شیخ حسنعلی راشد تربتی، سید محمد مشکاه بیرجندی و شیخ محمد حسن سنگلجی اشاره کرد. ایشان علاوه بر تدریس، فعالیت و خدمات مذهبی خود را در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام واقع در خیابان ظفر تهران انجام می داد.

## از آثار او

1- اخلاق از نظر قرآن کریم.

2- فلسفه نوین یا نجات بشر (تکامل فن اصول عام و خاص).

3- مفتاح السعاده یا کلید خوشبختی (ترجمه فصل پنجم از مقدمه ابن خلدون).

کلباسی سرانجام در اثر بیماری سختی عازم آمریکا شد. ولی معالجات سودی نبخشید و در 10 ذیقعده 1414 / ه. مطابق با 2 اردیبهشت 1373 / ش در سن 73 سالگی به دیدار حق شتافت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ بهشت مدفون شد.

## فرزندانش:

1- مهندس محمد جلال الدین کلباسی، ساکن تهران 2- مهندس محمد کمال الدین کلباسی، ساکن آمریکا. و سه دختر.

او کتابخانه بزرگ و مهمی جمع آوری کرده بود که پس از تحالش به دانشگاه اهدا شد.

منابع

1- اطلاعاتی از برادر گرانقدر صاحب شرح حال، آقا ناصر کلباسی که در تاریخ ظهر جمعه 29/ رمضان 1420/ ق مطابق با 17/ دی 1378/ ش یادداشت گردید.

2- خاندان کلباسی (خطی- شیخ محمد کلباسی حائری).

3- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی 355/6.

4- مؤلفین کتب چاپی 446/1.

**سید احمد لواسانی تهرانی**

**اشاره**

(1313-1384 ق)

حاج سید احمد فرزند علامه سید ابو القاسم و نوه آیت الله سید محمد لواسانی تهرانی، از علمای سرشناس تهران بود، که سالهای متمادی در عصر آیت الله حائری یزدی و پس از ایشان تولیت مدارس فیضیه و دارالشفای برعهده داشت.

لواسانی در سال 1313 ق در نجف اشرف به دنیا آمد.

وی پس از طی مقدمات نزد سید عبد الرحمن، سطوح را نزد آیات: شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، میرزا علی ایروانی و سید محمد تقی خوانساری تلمذ کرد. سپس در سال 1339 ق به ایران مهاجرت کرد. ابتدا به اراک رفت و بعداً در رمضان سال 1341 ق به قم انتقال یافت و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم

ص: 384

حائری یزدی در فقه و اصول و از میرزا جواد ملکی تبریزی در اخلاق استفاده نمود.

ایشان در سال 1357 ق مجدداً به نجف اشرف بازگشت و از محضر آیت الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی استفاده فقهی و اصولی نمود و در سال 1366 ق به ایران مراجعت و در تهران اقامت نمود و به اقامه نماز جماعت در «مسجد بازارچه نایب السلطنه» و تدریس در «مدرسه محمدیه» واقع در بازار و خدمات دینی پرداخت.

لواسانی به امر آیت الله طباطبائی بروجردی چندین سال در مدینه طیبه اقامت افکنده و سرپرستی شیعیان آن سامان را برعهده داشت و در فصل حج به امور حجاج رسیدگی می نمود و خدمات شایانی انجام داد و در سال، شش ماه را تقریباً در آنجا و شش ماه دیگر را در تهران بسر می برد.

وی در سال 1384 ق مطابق با 1343 ش در سن 71 سالگی در تهران درگذشت و در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### **فرزندانش:**

1- حجه الاسلام سید محمد لواسانی 2- حجه الاسلام سید علی لواسانی.

منابع

1- آثار الحجه 242/2.

2- آینه دانشوران 240.

3- گنجینه دانشمندان 549/4.

**سید احمد مشرف حسینی قمی**

(-1394 ق)

حاج سید احمد فرزند سید حسن و نوه سید احمد حسینی قمی، از فضلا و مبلغان گرانقدر بود.

ص: 385



تولدش در قم اتفاق افتاد.

پدرش سید حسن، از شاگردان و نزدیکان علامه شیخ حسین قلی همدانی «شوندی» بود و در حدود سال 1351 ق در قم درگذشت. وصی ایشان آیت الله شیخ ابو القاسم قمی (کبیر) بود که با همسر او نیز ازدواج کرد.

سید احمد در بیت آیت الله قمی «کبیر» تربیت و پرورش یافت. پس از آموختن مقدمات و ادبیات نزد میرزا محمد علی ادیب تهرانی، سطوح را نزد شیخ محمد حسین علامه، سید مهدی کشفی تهرانی، آخوند ملا علی همدانی، میرزا محمد همدانی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی تلمذ کرد. خارج را از محضر آیات: سید صدر الدین صدر، سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود. در ضمن اخلاق و عرفان را از محضر آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی بهره مند گردید.

ایشان در سال 1370 ق به امر آیت الله بروجردی به شهر «درود» لرستان منتقل و به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلامی اشتغال ورزید.

مشرف در روز جمعه 14 ذی القعدة 1394/ ق مطابق با 8 آذر 1354/ ش در اثر سکته قلبی وفات نمود و در قبرستان شیخان مدفون گردید.

منابع

1- آینه دانشوران 404.

2- طبقات اعلام الشیعه (قرن یازدهم)، 138.

3- گنجینه دانشمندان 128/5 و 494/7 (سال مرگش را 1395 ق نوشته که اشتباه است).

**سید احمد ناجی قمی**

**اشاره**

(قرن 14 ق)

یکی از مرثیه سرایان معروف عهد قاجار و اوایل حکومت پهلوی که از قم برخاسته، سید احمد ناجی است.

ص: 386

او شعر را الهام می دانست و به آسانی طبعش شکفته می شد، و از کلکش اشعاری ظریف چون درّ و گوهر بیرون می ریخت.

از اوست (که درباره امام حسین و اهل بیت علیهم السّلام او می باشد):

تا ز دست ساقی بزم بلا ساغر گرفتم

باده ای تلخ از کفش شیرین تر از شکر گرفتم

آتشین آبی به دستم داد ساقی کز شرارش

جرعه ای تا سر کشیدم پای تا سر در گرفتم

آن چنان از جان به تیغ آبدارش تشنه بودم

کز عطش با حنجرم آب از دم خنجر گرفتم

گر نه تیغ آبدارش دارد آب زندگانی

پس چرا تا سر گرفتم زندگی از سر گرفتم

گر سلیمان ملک جم را داد با انگشتر ز کف

من دو عالم را به یک انگشت و انگشتر گرفتم

زنگ کفر از چهره آینه دل پاک کردم

از سر نی تا مکان بر روی خاکستر گرفتم

هستیم را سربه سر با نیستی سودا نکردم

تا از این سودا بهشت جاودان در بر گرفتم

تا قلم شد قد اکبر با مداد خون اصغر

خط آزادی برای اکبر و اصغر گرفتم

با رخ و قد و لب اکبر چه حاجت بر بهشتم

عارضش جنت قدش طوبی لبش کوثر گرفتم

در خم گیسوی او دنباله ابروی او را

ذو الفقار مرتضیٰ را در کف قنبر گرفتم

ص: 387

جان نثارت کردم از جان تا تو را جانان شمردم

جان فدایت کردم از دل تا تو را دلبر گرفتم

کز غم هر دور اشکی از نظر افکنده «ناجی»

لؤلؤ لالا شمردم دانه گوهر گرفتم

\* از دو عالم همه رستم هنری بهتر از این؟ نظر از غیر تو بستم نظری بهتر از این؟

تا رضای تو بود تن به قضای تو دهم به رضای تو رضایم قدری بهتر از این؟

داد تا بر دل و جان پیک وصال تو خبر بی خبر از دل و جانم خبری بهتر از این؟

عازم شهر بقا گشتم از این ملک فنا وطنی خوش تر از اینجا سفری بهتر از این؟

سر سودای تو دارد سر من تا سر نی نیست سودای تو در هیچ سری بهتر از این؟

کردم از جان بر تیر سیاهی سینه سپر نیست تیر سیاهی را سپری بهتر از این؟

به هوایت نتوان پر زخم از این پروبال خواهم از تیر بلا بال و پری بهتر از این؟

مرده را زنده کند رایحه تربت من کی بود در دم عیسی اثری بهتر از این؟

بر فراز قد اکبر رخ انور بنگر بر سر سرو نیامد قمری بهتر از این؟

گرچه نخل قد سروش قمر آورده ثمر آرد از باغ شهادت ثمری بهتر از این؟

زیر گیسوی رخ ماهش فکند جلوه به شام شام از آن شام ندارد سحری بهتر از این؟

دانه اشک گران مایه ام ارزان مفروش که به دست تو نیاید گهری بهتر از این؟

گرچه منظور دو عالم بود اینک نظرم

کن ز الطاف به «ناجی» نظری بهتر از این؟

\* روضه خلد برین است سر کوی حسین که دهد بوی جنان تربت نیکوی حسین

غبطه بر عرش برین می نبری فرش زمین که بود عرش برین فرش سر کوی حسین

مرده را گر که مسیحا به دمی زنده کند صد مسیحا به دمی زنده کند بوی حسین



دل سر حلقه هر سلسله ای در دو جهان بسته بر سلسله حلقه گیسوی حسین

دو جهان را دل سودا زده سودا نکند به سر کوی حسین یا سر یک موی حسین

مکن ای دل به جز از سوی حسین رو به خدا که به هر سوی بود رو به خدا سوی حسین

به خدا نیست به جز روی حسین سوی خدا به حسین نیست به جز سوی خدا روی حسین

دین مگو راست شد از تیغ کج دست خدا به خدا راست شد از یک خم ابروی حسین

هرکس ابروی هلالش به رخ ماه بدید گفت شمشیر کشیده است بر ابروی حسین

شیر را هیچ مگو صید بر آهو نشود که شود شیر فلک صید بر آهوی حسین

اکبر آراسته است از صف مژگان لشکر که شیخون نزند خصم بر اردوی حسین

قوت بازوی دست حق و هم شبه رسول هر دو میزان شده با هم به ترازوی حسین

این پسر یک قدم از چشم پدر دور مباد نکشد سرو قدش باز لب جوی حسین

گر رود او برود از تن او جان عزیز گر رود او برود قوت زانوی حسین

تیر دل دوز قضا حنجر اصغر بشکافت که قدر همچو قضا دوخت به بازوی حسین

سنگ کین گر دژ دندان پیمبر بشکست چوب بشکست لب لعل سخنگوی حسین

«ناجی» ار قائمه عرش خدا را بگرفت

بگرفته است به یاد قد دلجوی حسین

\*

## کیفیت درگذشت

سید احمد ناجی از درآمد معرکه گیری روزگار می گذرانید، چنانکه از قول شیخ مهدی شاهزاده حمزه ای نقل است که: ناجی در معرکه گیری به خصوص «مارگیری» هنری فراوان داشت، و مارهای خطرناک «کبرا» و نمونه های دیگر را به آسانی شکار می کرد. روزی در سر قبرستان که جمعیت بسیاری برای تماشای مارگیری گرد آمده بودند، از میان جمعیت فرد نانجیبی که از اهالی روستای «جعفرآباد» بود و در گونی خود افعی داشت، خطاب به ناجی می گوید:



تو اگر مار خوب می گیری بیا این بچه مار را از داخل این گونی بیرون بیاور.

ناجی به خیال اینکه در گونی بچه مار است به همین نیت و با شیوه مخصوص خود دست در گونی می برد، که ناگهان مورد حمله افعی قرار گرفت و نیش حیوان در وجودش کارگر افتاد و تمام بدنش سیاه گردید و در همان لحظه جان به جان آفرین تسلیم کرد.

سال وفاتش در عهد پهلوی اول بوده است و محل دفنش قبرستان قدیم قم می باشد، که امروزه تبدیل به «باغ ملی» شده است.

منبع

1- تاریخ تکایا و عزاداری قم 275.

**احمد نعمت اللهی قمی «شهره»**

**اشاره**

(1324-1413 ق)

احمد نعمت اللهی متخلص به «شهره» فرزند علی اکبر قمی، از شعرای نامی و هنرمندان باذوق و سالکان راه حقیقت بود.

وی در سال 1324 ق مطابق با 1285 ش در شهر قم قدم به عرصه گیتی نهاد.

شهره پس از نشو و نما به تحصیل ادبیات و علوم جدید پرداخت و از جوانی به مطالعه طریقت ها و مذاهب مختلف علاقه فراوانی از خود نشان داد و در این باره تحقیقات و اطلاعات عمیقی کسب نمود و در هر طریقتی داخل شد و با راه و افکارشان آشنایی یافت و در سن 21 سالگی نتیجه این سیر و سلوک را به رشته

ص: 390



تحریر درآورد و آن را بنام «اندرزنامه» موسوم ساخت که تاکنون به چاپ نرسیده است.

شهره، شاعری خوش ذوق و آزاده و توانا بود و در شعر به جنبهٔ رآلیست آن بیشتر توجه داشت. علاوه بر این شاعری عارف پیشه و خوش مشرب و دوست داشتنی بود و با قرآن کریم و مفاهیم آن آشنائی حاصل کرده بود و نیز بیشتر سوره ها را از حفظ داشت و بر گفتارش شاهدهی از آیات ذکر می کرد.

وی در جوانی به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و سالها در قم به خدمت پرداخت و سرانجام بازنشسته شد و اوقات خود را بیشتر به مطالعه می گذراند.

## از آثار او

1- اندرزنامه، در عرفان و طرق آن.

2- اندیشه های من یا دامنه های خیال، قم، 227 ص.

3- عالم انتقام، 1323 ش، قم، جیبی، 112 ص.

4- نسرین و آزاد یا نمونه ای از مبارزه کارگران و دهقانان، 1323 ش، قم، جیبی، 150 ص.

آثار فوق مجموعه های شعری می باشد.

استاد شهره سرانجام در 27 ربیع الثانی 1413/ق مطابق با 4/آبان/ 1371 ش در قم در سن 89 سالگی روی در نقاب خاک کشید و پیکرش در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

منابع

1- رجال قم 94.

2- سخنوران نامی معاصر ایران 2096/3.

3- مؤلفین کتب چاپی 488/1.

ص: 391

(1282-1374 ق)

حاج شیخ احمد فرزند حسین و نوه آقا جان قدوسی نهاوندی، معروف به «آقای آخوند» از مشاهیر علمای نهاوند بود.

تولدش در تاریخ 16 ربیع الثانی / 1282 ق در نهاوند اتفاق افتاد.

وی پس از سپری کردن مقدمات و سطوح، در سال 1297 ق به سامرا عزیمت کرد و از محضر آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی استفاده نمود. در سال 1307 ق به نجف اشرف رفت و از محضر آیات: میرزا حبیب الله رشتی، ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بهره مند گردید و پس از 20 سال توقف در عتبات عالیات و نیل مقامات عالی تحقیق و اجتهاد، در سال 1317 ق به زادگاهش بازگشت و مشغول تدریس و ارشاد مردم گردید. وی در سال 1355 ق در پی فشارهای رضاخانی و حوادث ناگوار بر اهل علم، بساط معاشرت را برچید و عزلت اختیار نمود.

استاد آقای شیخ محمد رازی درباره ایشان چنین می نویسد: «معظم له علاوه بر ذوق و استعداد قوی از حافظه سرشار خدادادی نیز بهره مند بود، که حتی در سالهای کهولت و پیری کاملاً بر محفوظاتش مسلط و گوئی فراموشی در قاموس وجودش مفهومی نداشت.

ص: 392

در رشته اخلاق معلوم نیست که از محضر چه استادی برخوردار بوده، بعضی از هم دوره هایش احتمال استفاده از حضور آخوند ملا فتح علی عراقی «سلطان آبادی» را تقویت می کردند. ولی از آنجا که عمومش مرحوم آخوند ملا علی اکبر نهاوندی، مردی اخلاقی بلکه در زبان و آوازه مردم نهاوند کراماتی به او نسبت می دهند. شاید مربی اخلاق او عموی بزرگوارش بوده است. به هر تقدیر ایشان به تقوا و پرهیزکاری در همه شهر معروف و مسأله تقیّد او و پدر و جدّش را به تهجد، خصوصاً در یک مکان از اطاق مسکونی منزلش را به نحوی نقل می کنند، که گوئی توصیه ای در این زمینه از پدر و جدّ بوده است.

عیالش نقل می کند که: در تمام مدت 64 سالی که در خدمت ایشان بودم، یک شب نشد که اذان صبح گفته شود مگر آنکه معظم له را مشغول عبادت در همان محل مخصوص از اطاق دیدم. جز یک بار که ایشان به تب شدیدی مبتلا بود تا لحظه اذان خواب ماند، و با شنیدن صدای مؤذن سراسیمه بیدار و بلند شدند.

نوشته های مدون و منظمی از ایشان جز یک «اربعین» موجود نیست، ولی مسودات زیادی در میان کتابهای ایشان و بعضاً در اختیار بعضی از شاگردان و فامیلش باقی بوده، که متأسفانه در واقعه سیل 1317 ق نهاوند به نحوی ضایع شده که قابل استفاده نیست.

ایشان دارای سه فرزند ذکور است که یکی از آنها به نام شیخ علی قدوسی در رشته روحانیت است».

سرانجام در روز سه شنبه 23 جمادی اول 1374/ ق مطابق با 28 دی/ 1333 ش در سن 92 سالگی در نهاوند درگذشت و در قبرستان حاج شیخ قم مدفون گردید.

منابع

1- گنجینه دانشمندان 330/7.

2- نقباء البشر 98/1.

3- هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی 65.

ص: 393

(1334-1412 ق)

حاج سید احمد فرزند آیت الله سید جمال الدین و نوه سید حسین موسوی هاشمی گلپایگانی، از علمای معروف تهران بود.

وی در سال 1334 ق در نجف اشرف متولد گردید.

مقدمات را نزد اساتید از جمله شیخ شمس الدین بادکوبه ای (در منطق) آموخت و سطوح را نزد آیت الله شیخ محمد تقی آل راضی و خارج را از محضر آیات: سید ابو الحسن اصفهانی، سید جمال الدین گلپایگانی

پدر خود، میرزا حسن بجنوردی و میرزا باقر زنجانی استفاده نمود و در سال 1371 ق به ایران مهاجرت و در تهران رحل اقامت افکند و به اقامه جماعت و تدریس و ارشاد و هدایت پرداخت.

هاشمی در روز شنبه 18 شعبان/ 1412 ق مطابق با 3 اسفند/ 1370 ش در سن 78 سالگی در تهران درگذشت و پیکرش صبح روز یکشنبه در تهران و عصر همان روز در قم تشییع

و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

1- سید مهدی 2- سید باقر 3- سید جواد 4- سید محمد رضا 5- سید صادق 6- سید موسی و دو دختر که جناب حجه الاسلام آقای شیخ مسیح مسجد جامعی یکی از دامادهایش می باشد.

منابع

1- افادات اخوی مترجم له، دانشمند محترم آقای سید علی گلپایگانی (ساکن تهران).

2- گنجینه دانشمندان 541/4.

## شیخ احمد یزدی

### اشاره

(1317-1343 ق)

شیخ احمد فرزند محمد حسن و نوه محمد صادق یزدی، از فضیلابی استعداد بود.

وی در سال 1317 ق در یزد متولد گردید.

## در حوزه های اراک و قم

از نوجوانی به ذکاوت و استعداد و جدیت معروف بود و پس از طی مقدمات و سطوح نزد علمای یزد، در سال 1337 ق به اراک مهاجرت کرد و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی دروس خارج استفاده نمود و در سال 1340 ق در پی مهاجرت استاد خود به قم به آنجا رفت و در خدمت آن جناب بود و نیز در دروس فقهی و اخلاقی آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی شرکت می کرد.

آیت الله شیخ محمد علی اراکی می فرمود: در اوائل ورود به قم به اتفاق شیخ احمد یزدی در مجالس درس اخلاق میرزا جواد ملکی تبریزی شرکت می کردم و

ص: 395

ایشان اصرار داشت که در درس فقه ملکی نیز حاضر شوم و می گفت که یک دوره فقه به سبک نوینی نوشته ام.

ایشان در سال 1343 ق مطابق با سال 1303 ش در سن 26 سالگی در قم درگذشت.

منبع

1- النجوم السرد بذکر علماء یزد (خطی-مدرسی).

### ادیب الدین کسروی «ساسان»

(1402-1326 ق)

ادیب الدین فرزند نصر الله صبوری، ملقب به «کسروی» و متخلص به «ساسان»، از شعرای معاصر بود.

او در سال 1326 ق در تهران متولد شد.

کسروی پس از فراگرفتن تحصیلات ابتدائی و متوسطه، به سرودن اشعار و نویسندگی رو آورد. اشعار وی در جراید کشور به ویژه در نشریه های «انجمن ادبی صائب» که به مدیریت استاد خلیل سامانی «موج» اداره می شد، به چاپ رسیده است.

از جمله مقالات ایشان: 1- بنیاد تمدن آریایی در بین النهرین 2- شاهنامه فردوسی و فرهنگ ایران.

نامبرده در سال 1402 ق مطابق با سال 1360 ش در سن 76 سالگی در خوزستان درگذشت و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون گردید.

منابع

1- دویت شاعر 86/1.

2- فرهنگ شاعران زبان پارسی 260.

3- نگین سخن 269/5.

ص: 396

## اشاره

(1317-1391 ق)

شیخ اسحاق فرزند عباس آستارائی قفقازی، از دانشمندان و مدرسان حوزه علمیه قم بود.

وی در سال 1317 ق مطابق با 1278 ش در روستای «ارچوان» از توابع شهر آستارا واقع در شمال غربی ایران متولد گردید.

## هجرت به حوزه اردبیل

ایشان پس از طی دوران کودکی ابتدا به لنکران رفت و پس از چندی به حوزه علمیه اردبیل انتقال یافت. سایر مقدمات و قسمتی از سطح را نزد اساتیدی چون: افتخار العلماء، شیخ عبد الله اردبیلی و سید محی الدین یونسی اردبیلی تلمذ کرد.

هجرت به ارض اقدس خراسان.

وی در سال 1340 ق از اردبیل به مشهد مقدس مهاجرت کرد و ادبیات را نزد شیخ عبد الجواد ادیب نیشابوری تکمیل کرد و برخی از علوم عقلی و نقلی را از محضر آیات: شیخ حسن برسی، میرزا ابو القاسم حکمی، سید آقا بزرگ شهیدی و شیخ هاشم قزوینی استفاده نمود.

## هجرت به حوزه علمیه قم

ایشان در سال 1345 ق راهی حوزه علمیه قم شد و دروس عالی را نزد آیات:

ص: 397

حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، شیخ محمد رضا اصفهانی «مسجد شاهی»، سید محمد حجت کوه کمری و سید محمد تقی خوانساری کسب نمود و نیز پس از ورود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم به حوزه درس ایشان پیوست.

وی یکی از مدرسین نامی حوزه بود و سایر کتب فقهی و اصولی و علوم عقلی را تدریس می فرمود و از اول تأسیس مدرسه حجتیه، تصدی سایر امور مربوط به مدرسه از تمام جهات، از طرف مؤسس آن مدرسه یعنی آیت الله حجت به ایشان محول گردید و از آغاز تأسیس دار التبلیغ اسلامی به تدریس فقه (آیات الأحکام) در آن مؤسسه پرداخت.

### از آثار قلمی او

1- تقریرات خارج درس کفایه حجت.

2- تقریرات درس حائری یزدی.

3- تقریرات درس مکاسب حجت.

### درگذشت و اعقاب

وی روز پنجشنبه 18 ذی القعدة 1391/ ق مطابق با 16 دی 1350/ ش در سن 74 سالگی در قم درگذشت. پیکرش با تجلیل فراوان تشییع و در یکی از اطافهای قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

### فرزندان:

1- آقا اکبر 2- آقا علینقی 3- آقا جواد 4- آقا حمید و چهار دختر که از دامادهای ایشان دو نفر اهل علم هستند: 1- علامه محقق سید علی میرغفاری آذرشهری (ساکن تبریز) 2- میرزا عبد الله مراغی، از شاگردان آیت الله سید کاظم شریعتمداری بود و در اوایل سال 1357 ش در حدود سن 35 سالگی درگذشت و



در قبرستان بهشت معصومه قم به خاک سپرده شد.

منابع

1- آثار الحجج 42/2.

2- آینه دانشوران 362.

3- افادات دامادش حاج آقای میرغفاری (دام ظلّه).

4- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان 266/2.

5- گنجینه دانشمندان 54/2.

### سید اسحاق رضوی قمی

#### اشاره

(-1332 ق)

حاج سید اسحاق فرزند سید محمد و نوه سید علی رضوی قمی، پدر و جدّ سادات فاطمی قم بود.

#### تحصیلات عالی

ایشان در نجف اشرف از جمله شاگردان علامه شیخ مرتضی انصاری و از طرف این استاد اجازه علمی دریافت داشته بود.

وی، مردی دانشمند فقیه و زاهد و مقدس بود و در قم شهرت بسزایی داشت و نماز جماعت را در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام بر پا می نمود.

#### درگذشت و اعقاب

نامبرده در سال 1332 ق درگذشت و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

فرزندانش: 1- علامه سید محمد تقی رضوی 2- سید حسین فاطمی.

منابع

1- تاريخ قم 251.

ص: 399

### شیخ اسد الله اسماعیلیان دهاقانی

#### اشاره

(1417-1349 ق)

شیخ اسد الله فرزند نعمت الله و نوه حسن دهاقانی اصفهانی، یکی از دوستان علم و فضیلت و ناشران معارف و علوم بود.

وی در سال 1349 ق مطابق با 1309 ش در «دهاقان» اصفهان در یکی از خانواده های معروف به «اسماعیلیان» متولد گردید.

ایشان پس از طی تحصیل مقدمات در زادگاه خود در سال 1327 ش به قم مهاجرت کرد و ادبیات و قسمتی از سطوح را آموخت. وی در سال 1334 ش به حوزه کهن نجف اشرف رهسپار گردید و سطوح را نزد آیات: شیخ مجتبی لنکرانی، سید اسد الله مدنی آذرشهری، شیخ غلامرضا باقری نجف آبادی و سید ابو القاسم کوکبی به انجام رسانید.

نامبرده در دروس خارج حضرات آیات: میرزا حسن بجنوردی، سید محسن حکیم، سید ابو القاسم خوئی، سید نصر الله مستنبط، سید علی فانی اصفهانی و سید عبد الأعلى سبزواری شرکت جست و دروس کلام را از آیت الله شیخ محمد فاضل قائینی و شرح منظومه را از محضر شیخ مسلم ملکوتی سرابی استفاده نمود.

مرحوم اسماعیلیان در تحقیقات معارف اسلامی به ویژه تاریخ و فهرست نگاری کوشش هایی داشته، که می توان به برخی از آثار قلمی ایشان در این زمینه ها اشاره نمود:

1- ابو ذر الغفاری.

2- انتشار مجله ای با نام (پرتوی از اسلام) که با همکاری جمعی از فضلا در سال 1383 ق در نجف اشرف. ولی پس از انتشار 12 شماره به تعطیلی گرائید.

3- تحقیق فوق اللغات (از جزائری).

4- جمع آوری شرح حال 200 نفر از شعرائی که در تاریخ مورد تعقیب حاکمان قرار گرفتند و یا به زندان افتادند.

5- فهرست مخطوطات مکتبه «الحسینیة التستریه» فی النجف الأشرف.

6- فهارس شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، شامل: أعلام، أماكن، قبایل، آیام، کتب و مذاهب. 1397 ق قم، وزیری، 456 ص.

### فرزندانش:

1- آقا علی 2- آقا محمد 3- آقا حسین 4- آقا بهروز.

منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- معجم المؤلفین العراقیین 110/1 (تاریخ تولدش را اشتباه نوشته است).

3- معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف 120/1 (تولدش را در سال 1350 ق دانسته است).

### سید اسد الله اشکوری

(-1392 ق)

حاج سید اسد الله حسینی اشکوری، از علمای ساکن لنگرود بود.

وی در منطقه اشکور گیلان متولد شد، و پس از خواندن ادبیات و قسمتی از سطح به قم مهاجرت کرد و سطوح عالی را به پایان رساند.

خارج فقه و اصول را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدر الدین صدر و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود و خود به تدریس متون پرداخت. و پس از فوت پدر همسرش آیت الله سید موسی اشکوری (پدر گوینده مشهور سید محمد علی صدرائی) در حدود سال 1370 ق از طرف آیت الله بروجردی و درخواست اهالی لنگرود به آن سامان

ص: 401

عزیمت کرد و در مسجد «انزلی محله» به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت مردم پرداخت.

اشکوری در سال 1392 ق در لنگرود درگذشت. پیکرش را به قم حمل و در وسط قبرستان باغ رضوان-واقع کنار قبرستان وادی السلام-به خاک سپردند. وی از دختر سید موسی اشکوری دارای اولاد نشد.

منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-گنجینه دانشمندان 31/7.

**سید اسد الله طباطبائی یزدی**

(1324-1393 ق)

سید محمد کاظم طباطبائی یزدی

سید اسد الله کوچک ترین فرزند فقیه بزرگ آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی «صاحب عروه الوثقی» و نوه سید عبد العظیم یزدی.

وی در سال 1324 ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

پدرش صاحب عروه (1247 ق در کسنویه یزد-28/رجب 1337/ق در نجف اشرف)، از فقها و مدرسان بنام و مراجع مبارز جهان تشیع در قرن چهاردهم قمری بود. ایشان در اصفهان از محضر آیات: شیخ محمد باقر اصفهانی «مسجد شاهی» و ملا محمد جعفر آباده ای استفاده نمود. وی در

ص: 402

سال 1281 ق به حوزه کهن نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیاتی چون: شیخ مهدی کاشف الغطاء، شیخ راضی نجفی و میرزا محمد حسن شیرازی استفاده نمود. آثار فقهی و اصولی بسیار مهمی از خود به جای گذاشت که به بعضی از آنها اشاره می کنیم: 1- العروه الوثقی (فی المسائل الفقهیه) 2- حاشیه علی المکاسب 3- التعادل و التراجیح 4- رساله فی اجتماع الامر و النهی 5- الاستصحاب 6- حاشیه علی الرسائل 7- السؤال و الجواب 8- رساله فی منجزات المریض 9- بستان نیاز 10- رساله فی ارث الزوجه من الثمن أو العقار.

مبارزات صاحب عروه در نهضت مشروطیت و نیز قیام مردمی عراق-علیه متجاوز انگلیسی- بسیار مشهور و معروف است. شرح حال آیت الله یزدی در کتابهای بسیاری آمده است و جهت تفصیل بیشتر به آنها رجوع شود.

سید اسد الله پس از طی مقدمات، سطوح و قسمتی از دروس خارج را نزد آیات: شیخ محمد علی کاظمی خراسانی، شیخ علی محمد بروجردی و شیخ ضیاء الدین عراقی به انجام رساند و از استادش عراقی موفق به کسب اجازه گردید، و به خدمات اجتماعی پرداخت و زعامت بیت طباطبائی یزدی به ایشان رسید.

ایشان به افتخار دامادی علامه شیخ علی کلباسی (سبط آیت الله شیخ محمد حسن نجفی «صاحب جواهر») نایل آمد. یک پسر به نام مهندس سید محمد کاظم و دو دختر از وی به جای ماندند که یکی از دامادهايش، علامه سید عبد العزيز طباطبائی بود.

سید اسد الله یزدی هنگامی که جهت زیارت به ایران سفر کرده بود، در بامداد پنجشنبه 2 صفر 1393/ ق مطابق با 17 اسفند 1351/ ش در سن 69 سالگی بر اثر بیماری سرطان در تهران درگذشت و پیکرش به طور امانت در روز شنبه در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

منابع

1- افادات سید عبد العزيز طباطبائی یزدی.

ص: 403

2- حوادث الایام (که در «مجله میراث اسلامی ایران» دفتر نهم چاپ شده) 447.

3- دائرهالمعارف (للاعلمی) 96/27.

## اسد الله عاطفی کرمانشاهی

### اشاره

(1361-1393 ق)

شاعری هنرمند، شوریده دل و عاشقی رنج کشیده و ناکام، و به هنگام شکوفایی به یک باره خاموش شد. در حالی که فقط سی و دو بهار از عمرش گذشته بود، رخت از این جهان برکشید و به سرای جاویدان شتافت.

اسد الله عاطفی فرزند حبیب الله کرمانشاهی، در روز شنبه 13 شوال 1361/ ق مطابق با 2 آبان 1321/ ش در کرمانشاه قدم به عرصه حیات نهاد و در روز پنجشنبه 29 آذر 1352/ ش مطابق با 24 ذی القعدة 1393/ ق در کرمانشاه درگذشت و در قبرستان وادی السلام قم مدفون گردید. مرگ این جوان هنرمند و شوریده حال، موجب تأثر عمیق قاطبه مردم کرمانشاه و دوست دارانش، به خصوص برادر داغدارش شاعر نامور ید الله عاطفی «آشفته» گردید. شعرای زیادی از تهران و کرمانشاه و شهرهای مختلف در رثای او اشعاری سرودند و تأثر شدید خود را از این واقعه مولمه ابراز داشتند.

### کارهای موفق

عاطفی، تحصیلات خود را در زادگاهش به پایان برد. از آن پس به کارها و مشاغل متعددی دست یازید. چندی به کارهای فنی و مکانیکی پرداخت و مدتی در ارتش خدمت کرد. و در پایان عمر در سازمان «کتابهای جیبی» تهران مشغول کار شد، و حتی در یک فیلم سینمایی ایفای نقش اول را به عهده گرفت، و در انجام نقش خود موفق بود. این فیلم به کارگردانی هنرمند نقاش معروف «علی اصغر معصومی» ساخته شد، و شاعر هنرمند ما به جای دستمزد، تنها یک دوره کتاب

ص: 404

## در وادی شعر

عاطفی از دوران نوجوانی با شعر و شاعری دمساز و مأنوس بود. در جوانی با شور و شوق کامل در این راه گام نهاد و به عنوان شاعری موفق شناخته شد و در سرودن انواع شعر طبع آزمایی کرد. اما رغبتش به غزل بیشتر از دیگر انواع شعر بود.

چون در آغاز شاعری با شاعر توانا و هنرمند والا مقام «سید جلیل قریشی زاده» متخلص به «وفا» الفت و انس خاص داشت. در غزل سبک هندی «اصفهان» - همان شیوه «وفا»- را پیش گرفت و پس از درگذشتش دوست وفادارش، وفا مجموعه اشعارش را به نام «مرگ امید» منتشر ساخت. نیز برادر سوخته دلش ید الله عاطفی مجموعه دیگری از اشعار منتشر نشده او را همراه با گزیده سوگ نامه های منظوم به چاپ رساند.

«تحلیل و نمایش غزل معاصر» از آثار چاپ شده اسد الله است.

## شکست

تنها نه پا شکست که سر تا به پا شکست موجه که انتهای من از ابتدا شکست

در زندگی به گلشن امید بارها یا ناشکفته شاخ گلم ماند یا شکست

همچون غرور تُرد غریبان دردمند دل در حصار بی کسی ام بارها شکست

در پنجه های سرد سیه مست احتیاج پولاد پُرتوان غرور حیا شکست

بس بی صدا شکست، شکستم به زندگی گویی که سر مه در بغل توتیا شکست

حتی سکوت و بغض گلوگیر گریه نیز همچون دل و غرور حیا بی صدا شکست

یک آشنا به زندگی من نبود و من در حیرتم چگونه مرا آشنا شکست

دیدم بسی شکنجه که لب و اکنم ولی رنج سکوت تا دم آخر مرا شکست

از اوجگاه ناز هنر تا نیاز عشق بین از کجای زندگی ام تا کجا شکست



یک لحظه زاده گشته و هر لحظه مرده ام زیرا که جزء جزء وجودم جدا شکست

هرکس شکسته است ولی «عاطفی» چو موج

سرتاسر حیات ز سر تا به پا شکست

## حماسه

منم پیمبر و شعرم نوید آزادیست حماسه ام غزل پُر امید آزادیست

به روی سنگ مزارم به سر مه بنویسید که این پیمبر عاشق شهید آزادیست

شنیده ام که نسیم صبا به خود می گفت همین قدر که بجنبی، امید آزادیست

عزا گرفتن ابر و فرار قطره نمود که روز ماتم صیّاد، عید آزادیست

مرا غرور هنر هم هنر بود که غرور به قفل بنده شعاری کلید آزادیست

من از رسائل مجنون نموده ام تحقیق که مبتلای محبت مرید آزادیست

شب اسارت جاوید «عاطفی» شب نیست

مزار پرتو صبح سپید آزادیست

\* منابع

1- باغ هزار گل (تذکره سخنوران کرمانشاهان) 443.

2- خلوت انس 282.

3- دویست شاعر 109/2.

4- سخنوران نامی معاصر ایران 2473/4.

5- کرمانشاهان (باختران) 442/1.

شیخ اسد الله کریمی اراکی

اشاره

حاج شیخ اسد اللہ فرزند حاج غلامرضا کریمی اراکی، از فضلا و نویسندگان بود.

ص: 406

## تحصیلات

کریمی پس از سپری نمودن مقدمات، دروس سطوح را در اراک دید. سپس به قم رفت، و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده نمود، و مدتی نیز در سامرا تحصیلاتی داشت.

استاد سعیدی «ریحان» در «آینه دانشوران»، از ایشان چنین یاد کرده است:

«از طلاب حوزه علمیه بوده، و در محضر آیت الله حائری استفاده کرده و اکنون ساکن «سلطان آباد» است».

## از آثار او

تطبیقات کریمی در حدیث، در پنج جلد (که در سال 1350 ق در تهران به چاپ رسید).

سیمای اراک این اثر را چنین معرفی کرده است: کتابیست جمع آوری شده از اخبار و روایات (و تطبیق آن با علوم جدید)، از کتابهای بحار مجلسی و کتاب وافی فیض کاشانی، و کتب اربعه.

ایشان در صبح روز شنبه 21 شوال 1385/ ق مطابق با 23 بهمن/ 1344 ش در سن 78 سالگی درگذشت و در قبرستان ابو حسین قم- مقبره العلماء- مدفون گردید.

## منابع

1- آینه دانشوران 384.

2- سیمای اراک 43/4.

3- مؤلفین کتب چاپی 556/1.

ص: 407

(1332-1401 ق)

سید اسد الله فرزند میر علی آذرشهری، معروف به «مدنی».

وی در سال 1332 ق مطابق با 1293 ش در آذرشهر (که نام قدیم آن دهخوارقان است) واقع در آذربایجان شرقی دیده به جهان گشود.

مدنی مقدمات و بخشی از سطح را نزد علامه و محقق نامی سید محسن میرغفاری فراگرفت. سپس در حدود سن 20 سالگی به قم عزیمت کرد و در درس حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمری و سید روح الله خمینی شرکت نمود. ایشان در مبارزه سیاسی با رژیم گذشته کوشا بود و تا بدانجا پیش رفت که در سال 1331 ش از قم به آذرشهر تبعید شد.

وی پس از تبعید، مبارزات خود را همان جا دنبال کرد و سخنرانی های پرشوری در مساجد انجام می داد و مردم را به تظاهرات و اعتراض به سیاستهای رژیم پهلوی دعوت می نمود. تا اینکه در اثر فشارهای زیاد در سال 1373 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و در جلسات درس حضرات آیات: میرزا عبد الهادی شیرازی، سید محسن طباطبائی حکیم و سید ابو القاسم خوئی شرکت جست و اقدام به تشکیل حلقه درسی نمود و شاگردان زیادی را تربیت کرد. وی علاوه بر تدریس ادبیات و متون کتب درسی، درسهای تفسیری و جلسات اخلاقی نیز جزو برنامه همیشه اش بود.

ص: 408

مدنی در اوایل سال 1382 ق مطابق با 1341 ش به ایران بازگشت و به طور اجبار در «دره مراد بیک» از توابع همدان اقامت نمود و پس از مدتی کوتاه مجدداً به نجف اشرف مراجعت کرد و در فاصله سالهای 1342 تا 1344 ش در حال رفت و آمد به ایران بود.

سرانجام در ذی القعدة 1391/ ق مطابق با دی 1350/ ش نجف را برای همیشه ترک گفت و جهت تدریس علوم دینی به خرم آباد عزیمت نمود و در مدرسه کمالیه به فعالیتهای مذهبی پرداخت و در اثر مبارزات سیاسی همیشگی اش از خرم آباد به نورآباد ممسنی در استان فارس و بعد از آن به گنبد کاووس تبعید گردید و سپس به بندر لنگان و از آنجا به همدان و مهاباد نیز در تبعیدگاه به سر برد و با اوج گیری انقلاب از تبعیدگاه به قم رفت و پس از پیروزی انقلاب به دعوت مردم همدان راهی این شهر شد که در جریان تشکیل مجلس خبرگان اول، از همان جا به مجلس راه یافت. و پس از شهادت علامه سید محمد علی قاضی طباطبائی از سوی آیت الله خمینی در تاریخ ذی الحجه 1399/ ق مطابق با آبان 1358/ ش به سمت نمایندگی و امام جمعه تبریز انتخاب شد.

مدنی در 20 شهریور 1360/ ش بعد از اقامه نماز جمعه در اثر انفجار بمب به دیدار معبود شتافت. پیکرش به قم حمل و در حرم حضرت معصومه علیها السلام - مسجد بالاسر - به خاک سپرده شد.

### میرزا اسماعیل امین الملک

(1284-1316 ق)

میرزا اسماعیل امین الملک فرزند ابراهیم امین السلطان و برادر میرزا علی اصغر اتابک اعظم، از رجال سیاسی دوره قاجاریه بود.

او در سال 1284 ق متولد شد و در 16 ذی الحجه 1316/ ق در سن 32 سالگی در تهران درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام - مقبره خانوادگی

ص: 409

اتابک اعظم-به خاک سپرده شد.

نامبرده تا سن 17 سالگی به تحصیل علوم دینی اشتغال داشت. ولی از آن به بعد، امور گمرکات و کلیه حسابهای مالی و محصول غلات ایران به عهده او محول گردید. در سال 1303 ق-در سن 20 سالگی-به عضویت دارالشورای کبرا نایل شد.

امین الملک از سال 1307 ق، پس از بازگشت ناصر الدین شاه از سفر سوم خود از اروپا، چون بر عایدات ضراب خانه واقف گردید و در این زمینه اطلاع بهم رسانید، با امین السلطان-برادر خود-قراری راجع به تقسیم درآمد حاصله گذاشت، و از این تاریخ او هم سهمی از این بابت برای خود تخصیص داد، و از این راه بلکه راههای دیگر، به واسطه داشتن چندین شغل مهم، چون: وزارت دارائی، معاون وزارت دربار، معاون وزیر اعظم و بعد صدر اعظم، رئیس خزانه، رئیس کل غلات ایران، رئیس گمرکات و غیره و ضمناً در کلیه کارها معاون برادر خود با عنوان «نایب کل وزارت اعظم» و یا «نایب کل وزارت و ادارات خاصه صدارت عظمی» بود، از متمول ترین اشخاص عصر خود شد و پس از مرگش تمام آن دارائی های کذائی به باد فنا رفت و اولادش به سختی و تنگ دستی زندگی می کردند.

او در دوره سلطنت ناصر الدین شاه در غیاب برادرش امین السلطان که وزیر دربار و صدر اعظم بود، همیشه نیابت او را داشت و تمام کارهای مربوط به او را انجام می داد.

محمد حسن اعتماد السلطنه در «یادداشتهای روزانه خود»، می نویسد:

«دوشنبه 25/صفر 1304/ق، بعد با امین الملک که نیابت امین السلطان را دارد، خلوت کرده اند (یعنی شاه)». و نیز می نویسد: «شنبه 8/ربیع الاوّل 1304/ق، شاه با امین الملک که در غیاب امین السلطان به جای او است، خلوت کرده بودند».

همچنین می نویسد: «در 29/محرم 1306/ق، او تفصیل غریبی می گفت که امین السلطان و امین الملک موجب مردم را امروز و فردا کرده، نمی دهند. از این سال به سال دیگر می اندازند. خودشان جرأت این کار را ندارند، مگر اینکه خودشان از این تفاوت عمل دو کرور می خورند. صد هزار تومان به شاه می دهند که

به آنها حرف نزنند. خدا کند که این حرف دروغ باشد، اما به قرینه راست می نماید».

میرزا اسماعیل از سال 1310 تا 1314 ق علاوه بر مشاغلی که دارا بود، تمام ادارات گمرک ایران مستقیماً زیر نظر او قرار گرفت. در سال 1314 ق پس از عزل میرزا علی اصغر امین السلطان از صدارت و تبعیدش به قم، امین الملک هم از سمتهای که داشت برکنار شد و کارهایش بین اشخاص تقسیم گردید. در این هنگام به امین الملک اذیت و آزار زیاد رساندند و مبالغی از او گرفته شد و بعد در محرم 1316/ق وزیر کشور شد. به واسطه این گرفتاریها و نامالیمات که هیچ متوقع نبود، ناخوش شد. ناخوشی وی دنباله پیدا کرد و در همین سال درگذشت.

مهدی قلی هدایت در کتاب خود «خاطرات و خطرات» در این باب چنین می نویسد: «وکیل السلطنه را بعد از او بلاها به سر امین الملک آوردند، پول گرفتند.

در نتیجه امین الملک مریض شد و تا آخر حبس کردند و مریض بود و به زودی درگذشت».

امین الملک برخلاف برادرش امین السلطان شخصی بود: ممسک-مانند اکثر وزرای این مملکت-، خواهان منافع شخصی، نسبتاً منظم و مرتب و کمتر در احکام او ناسخ و منسوخ دیده می شد. معلومات عربی و ادبی او نیز در حدودی که درس خوانده خوب بود و به این جهات و علل در میان مردم اهمیت داشت.

منبع

1- شرح حال رجال ایران 127/1.

**شیخ اسماعیل بهاری همدانی**

**اشاره**

(1320-1390 ق)

حاج شیخ اسماعیل فرزند علامه شیخ محمد رضا بهاری همدانی، از فضلاء تهران و دانشمندان بود.

وی در سال 1320 ق در بهار همدان متولد گردید.

ص: 411

شیخ اسماعیل پس از آموختن مقدمات در سال 1336 ق به تهران رفت و نزد آیات: ملا علی همدانی، شیخ محمد باقر اصفهانی و سید علی ورامینی به تحصیل پرداخت. آنگاه در سال 1341 ق به قم مهاجرت کرد و سطوح عالی را نزد آیات: میرزا محمد همدانی و سید محمد تقی خوانساری به انجام رساند و خارج فقه و اصول را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری و سید علی یتربی کاشانی و حکمت را در محضر میرزا علی اکبر حکمی یزدی «تجلی» استفاده نمود.

ایشان در سال 1360 ق رحل اقامت خود را در تهران افکند و در «مسجد بازار آهنگرها» به اقامه جماعت و گفتن تفسیر قرآن و تدریس و نشر احکام الهی پرداخت.

## از آثار او

1- رساله ای در لباس مشکوک.

2- شرح بیع مکاسب.

3- شرح کفایه الاصول.

بهاری در سال 1390 ق مطابق با 1349 ش در سن 70 سالگی در تهران درگذشت و در حرم حضرت معصومه علیها السلام - جنب قبر استادش حائری یزدی - مدفون گردید.

ص: 412



فرزندش دانشمند معظم آقای شیخ محمد بهاری، ساکن تهران است.

منابع

1- آثار الحجه 243/2.

2- گنجینه دانشمندان 400/4.

### اسماعیل خلعتبری تنکابنی

(1302-1352 ق)

دکتر سرگرد اسماعیل فرزند علامه شیخ محمد رحیم مجتهد و نوه قاسم بیگ خلعتبری تنکابنی، از پزشکان و مشروطه خواهان معروف بود.

دکتر خلعتبری در سال 1302 ق در قریه «لرژین» تنکابن دیده به جهان گشود.

او در ابتدا به تحصیل علوم دینی پرداخت. سپس به تهران رفت و در دار الفنون در رشته طب تحصیل خود را ادامه داد. و پس از دریافت مدرک دکترا به استخدام ارتش درآمد، و مشغول طبابت گردید.

نامبرده در عصر مشروطیت جزو مشروطه خواهان بود، و در فتح تهران همراه با برادر ارشد خود علامه شیخ نور الدین تنکابنی شرکت داشت، که مورد اصابت گلوله قرار گرفت و مجروح گردید، و پس از بهبودی به اشتغالات و خدمات اجتماعی خود ادامه داد.

ایشان در روز پنجشنبه 9 محرم 1352/ ق مطابق با 14 اردیبهشت/ 1312 ش در سن 50 سالگی در خرم آباد (لرستان) در هنگام مأموریت درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام- در ایوان یکی از اطاقهای صحن بزرگ- مدفون گردید.

منابع

1- بزرگان تنکابن 63.

2- نسبنامه دودمان علامه تنکابنی 175.

ص: 413

## اسماعیل ظفری نهاوندی «ظفر السلطان»

(1312-1393 ق)

اسماعیل ظفری فرزند ابراهیم نهاوندی که هم خود و هم پدرش به «ظفر السلطان» ملقب می باشند، از نمایندگان مجلس شورای ملی بود. وی در سال 1312 ق مطابق با 1273 ش متولد گردید.

ظفری پس از طی تحصیلات متعارف به استخدام دولتی درآمد و به املاک موروثی رسیدگی می کرد و از ملایر در دوره های هفتم و چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم سمت نمایندگی در مجلس شورای ملی داشت.

او در روز چهارشنبه 18 شوال 1393/ ق مطابق با 23 آبان 1352/ ش درگذشت و پیکرش در مقبره خانوادگی شان در صحن حضرت معصومه علیها السلام- کنار اطاق دکتر مفتاح- به خاک سپرده شد.

منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- نمایندگان مجلس شورای ملی 343.

## سید اسماعیل علوی خوئینی

اشاره

(1310-1398 ق)

حاج سید اسماعیل فرزند علامه سید محمد و نوه سید علی علوی خوئینی زنجان، از علما و بزرگان حوزه علمیه قم بود. وی در سال 1310 ق در خوئین زنجان متولد شد.

## در حوزه علمیه زنجان

ایشان پس از طی مقدمات در زادگاه خود نزد ملا آقا بابا معروف به «ملا محمد

ص: 414

ولی» به حوزه علمیه زنجان پیوست و در مدرسه خانم سکونت اختیار کرد و با جدیت و تلاش تحصیلات خود را در زمینه های مختلف علمی پیش برد.

او مدت زمان کوتاهی از محضر آیت الله آخوند ملا قربانعلی زنجانی معروف به «حجه الاسلام» استفاده نمود و نیز نزد آیات: میرزا ابراهیم حکمی «مسگر» در حکمت، و شیخ عبد الکریم خوئینی در فقه و اصول تحصیل نمود.

## **تبلیغ و ارشاد**

علوی، مدت زمانی در حوزه های قزوین و نجف اشرف تحصیل کرد و به زادگاه خود مراجعت نمود و مشغول ترویج مذهب و نشر معارف و اقامه جماعت و حل و فصل امور مردم گشت. گاهی هم جهت امر تبلیغ به قصبه «حسن آباد» زنجان می رفت و مشغول وظایف دینی و روحی می شد.

نامبرده پس از حدود 25 سال تبلیغ و ارشاد در استان زنجان به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و در درس آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی شرکت جست و در «مسجد سلماسی» به امر هدایت و اقامه جماعت اشتغال داشت.

## **از آثار او**

1- تفسیر قرآن کریم، در چند جلد و ناتمام ماند.

2- کتاب الزوجین (فارسی).

## **درگذشت و اعقاب**

ایشان در روز یکشنبه 17 ربیع الثانی 1398/ ق مطابق با 7 فروردین 1357 ش درگذشت و در مقبره فاطمیه- که مجاور قبرستان نو و مقابل پل آهنچی واقع است- به خاک سپرده شد.

فرزندانش: 1- سید علی علوی 2- سید محمد علوی، که هر دو در کسوت

1- افادات آقا حاج اسماعیل انصاری خوئینی (دام مجده).

2- تاریخ زنجان 143.

### شیخ اسماعیل غضنفری خوانساری

(1353-1384 ق)

شیخ اسماعیل فرزند میرزا محمد غضنفری خوانساری، از فضلا و مبلغان دین بود.

وی در سال 1353 ق مطابق با 1313 ش در شهر خوانسار پا به عرصه گیتی نهاد. پس از سپری کردن دوران کودکی مشغول تحصیلات ابتدایی شد و چون علاقه شدیدی به تحصیل علوم دینی پیدا کرد، رهسپار حوزه علمیه قم گردید و سطوح را به پایان برد و در درس خارج آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی حاضر شد و از خرمن پر بار ایشان خوشه چینی نمود. سپس جهت نشر احکام الهی و تبلیغ شرع انور به بندر عباس عزیمت کرد و در آن دیار مشغول وظایف روحانی شد و در اثر مخالفت با رژیم پهلوی، ممنوع المنبر گردید و بعد از آن به آبادان سفر کرد و در آنجا به تبلیغ پرداخت.

از آثار او: چهارده معصوم علیهم السلام.

او از ذوق لطیف و طبع سالم سرودن اشعار نیز برخوردار بود. ولی بسیار کم شعر می گفت و اغلب آنها پراکنده شد. دو بیت زیر از سروده هایش می باشد:

راشدی بنگر چسان پیک اجل بی رحم وار

مشفق عالی مقامی را ز ما در بر گرفت

بر خمینی آیت الله وزعیم شیعیان

تسلیمت گویم بهر او چنین ماتم گرفت

غضنفری در سال 1343 ش در پی بیماری در بیمارستان شهر آبادان بستری گردید و پس از مدت کوتاهی در مرداد 1343/ش در سن 31 سالگی دار فانی را وداع گفت و پیکرش بنا بر تصمیم خانواده اش به قم منتقل و در قبرستان حاج شیخ با کد (21412) به خاک سپرده شد.

منبع

1- فرزندان خوانسار 40.

### شیخ اسماعیل فراهانی «شریف زاده»

(1314-1401 ق)

حاج شیخ اسماعیل فرزند علامه ملا یحیی فراهانی اراکی، ملقب به «شریف زاده» از دانشمندان و فضیلائی معاصر بود.

وی در سال 1314 ق در فراهان اراک دیده به جهان گشود.

نامبرده پس از تحصیل مقدمات در اراک به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و دروس خارج را از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی بهره مند شد و درجه علمی بالایی کسب نمود. سپس به تهران انتقال یافت و متصدی دفتر ازدواج شد و در ضمن مشغول خدمات دینی نیز بوده است.

شریف زاده در روز پنجشنبه 3 صفر 1401/ ق مطابق با 20 آذر 1359/ ش در سن 87 سالگی بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان ابو حسین قم مدفون گردید.

### سید اسماعیل فقیهی اردبیلی

(1309-1391 ق)

سید اسماعیل فرزند سید حسین موسوی اردبیلی، معروف به «فقیهی» از فضلا و بزرگان معاصر بود.

ص: 417

وی در سال 1309 ق مطابق با 1270 ش در کیوی (واقع در بین اردبیل و خلخال) دیده به جهان گشود. پدران ایشان با علامه سید عبد  
الکریم موسوی اردبیلی یکی بوده و اصالتاً اهل اردوباد آذربایجان شوروی می باشند.

سید اسماعیل پس از سپری کردن مقدمات به اردبیل رفت و در آنجا برخی از سطوح را از محضر علامه شیخ عبد الظاهر اردبیلی فراگرفت  
سپس مدتی چند به نجف اشرف مهاجرت نمود و از بزرگان آن دیار بهره مند گردید. سرانجام به قم رفت و در آنجا تا آخر عمر زیست و از  
محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد تقی خوانساری، سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی  
بروجردی استفاده نمود و از محضر آنان مفتخر به دریافت اجازه گردید.

نامبرده در راه خدمت و ارشاد خدمات شایانی نمود و همواره در ایام تبلیغی به شهرهای مختلف از آن جمله به ورامین و پیشوا و نقاط  
مختلف استانهای تهران و قم عزیمت می نمود و به وعظ و ارشاد می پرداخت. وی مردی فاضل و واعظ و متعظ و زاهد و عابد و بی آرایش  
و دائم الذکر بود.

فقیهی در اثر سکتۀ مغزی در بیمارستان نجمیه تهران بستری گردید ولی معالجه سودی نبخشید و سرانجام در روز شنبه 28/ صفر 1391/ ق  
مطابق با 4/ اردیبهشت 1350/ ش در قم بدرود حیات گفت و پیکرش در قبرستان ابو حسین - مقبره العلماء - به خاک سپرده شد. وی داماد  
علامه میرزا علی اکبر مجاهد تبریزی (پدر آیت الله میرزا محمد مجاهدی) و دارای فقط یک پسر و یک دختر شد. پسرش آقای دکتر سید  
محمد فقیهی (متولد 1329 ش در قم) که متخصص رشته داروشناسی و نیز استاد دانشگاه تهران است و دامادش حجه الاسلام آقای سید  
ابو الفضل سدید خلی (خواهرزاده آیت الله سید احمد زنجانی) از فضلاء معاصر می باشد و فعلاً در کرج سکونت دارند.

منابع

1- آثار الحجه 85/2.

ص: 418

3- اطلاعاتی از فرزندش دکتر سید محمد فقیهی، به تاریخ اول/بهمن 1378/ش.

4- گنجینه دانشمندان 66/2.

### سید اسماعیل مرعشی «شریف الاسلام»

#### اشاره

(ح 1274-1354 ق)

سید اسماعیل فرزند آیت الله سید علی و نوه سید محمد حسینی مرعشی تبریزی، ملقب به «شریف الاسلام» از علمای تهران و عموی آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی بود. در حدود سال 1274 ق متولد گردید.

#### تحصیلات عالی

وی در تهران از شاگردان آیتین علمین: شیخ محمد حسن آشتیانی و شیخ فضل الله نوری بود، به ویژه از ملازمین و خصیصین مرحوم نوری به شمار می رفت و از ایشان اجازه روایت داشت.

او علاوه بر تسلط کامل در فقه و اصول، در علوم دیگر اسلامی چون: طب، شیمی و علم حروف، مهارت و اطلاعی وافر داشت.

#### از آثار او

1- اصلاح المزاج، در طب.

2- أسرار الحروف.

3- تعلیقه علی القانون (از ابن سینا).

4- تعلیقه علی فرائد الاصول.

5- رساله ای در ردّ مشروطیت.

6- وقایه الجسد، در طب.

سرانجام او در سال 1354 ق مطابق با 1314 ش در حدود سن 80 سالگی در تهران درگذشت، و جسدش به قم حمل و در وسط قبرستان حاج شیخ با کد (22704) به خاک سپرده شد.

منابع

1-الاجازه الکبیره 29.

2-ریحانه الأدب 218/3.

**شیخ اسماعیل مصباح «نجم الممالک»**

**اشاره**

(1300-1382 ق)

حاج شیخ اسماعیل فرزند زین العابدین و نوه میرزا محمد علی نجم الدوله، ملقب به «نجم الممالک» از دانشمندان و منجمان و شاعران معروف بود.

تولدش در روز عید قربان 1300 ق اتفاق افتاد.

وی پس از فراگیری مقدمات به تحصیل علوم حکمت و نجوم و علوم غریبه پرداخت و مقامی بس والا و ارجمند به دست آورد و رسماً از سال 1337 ق در ایران اقدام به استخراج و نشر تقویمش نجومی پرداخت و تا پایان عمر به این کار و نیز نشر معارف اسلامی اشتغال داشت. تقویمش از تقاویم معروف و دقیق بود.

**از آثار او**

1-استخراج الأهله.

2-الجبر و التفویض.

3-الفرق بین العلم و الاراده.

4-الفرق بین النبی و الرسول.

5-القضاء و القدر.

6-أغلاط محمود دهدار.





شیخ عباس مصباح زاده

7- ترجمه مجمع البحرين.

8- ترجمه معالم الاصول.

9- تفسیر آیه التطهیر.

10- دیوان اشعار، چاپ شده.

11- رساله فی الجفر الجامع.

استاد مصباح سرانجام در روز شنبه 10 ذی الحجه 1382/ ق مطابق با 14 اردیبهشت 1342/ ش در سن 82 سالگی در تهران بدرود حیات گفت و پیکرش در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

فرزندش استاد شیخ عباس مصباح زاده، از دانشمندان و منجمان و هنرمندان معروف عصر حاضر است که فعلا در آمریکا زندگی می کند. وی استخراج تقویم را از سال 1329 ش آغاز نمود و تاکنون به این کار اشتغال دارند.

منابع

1- تاریخ گویندگان اسلام «خلد برین» 273/1.

2- نقباء البشر 157/1.

**میرزا اسماعیل ناجی بروجردی**

(-1358 ق)

میرزا اسماعیل ناجی فرزند علی رضا بروجردی، اهل فضل و شعر بود.

او در پیش بعضی از سادات طباطبائی سمت «نویسندگی» داشت. مردی متین، معقول و مجری بود.

ص: 421

استاد حسین حزین بروجردی در مرگ او این دو بیت را گفته بود:

پس از ناجی نصیب قلب یاران درد و غم بادا

وجود شادمانی محبتانش عدم بادا

چو بود غرق یم حب علی از بهر تاریخش

(حزین) بعد از کمی اندیشه گفتا (غرق یم بادا)

\* اما نمونه اشعار ناجی از این قرار است:

ای که خون خلق را راه محیلی می خوری پشت پا آخر تو از رنج و ذلیلی می خوری

گر زنی سیلی به رخسار کسی از دیگری از مکافات عمل البتّه سیلی می خوری

\* احسان و کرم وظیفه وجدانست فریادرسی کار جوانمردانست

این هر دو صفت هر که شعارش نبود

حیوان بود و در خور او پالانست

گفتم به یکی چشم دلت بینا نیست ای زشت عمل تو را ز حق پروا نیست

رو کار نکو کن که بر نندت به بهشت خندید و بگفت جای من آنجا نیست

\*

### شیخ امان الله کریمی بابلی

(1315-1397 ق)

معظم له در سال 1315 قمری و از پدری متمکن بنام حاج محمد آلاشتی که از بازرگانان معروف و متعهد بود، دیده به جهان گشود.

وی در دامان پرمهر پدر و مادر، نیکو تربیت یافت و از کودکی با قرآن و مکتب مانوس گشته، بطوری که از هفت سالگی دروس مقدماتی را نزد دانشمند محترم شیخ عبدالمجید مجیدی که در علوم ریاضی و نجوم نیز مهارت بالایی داشت، فراگرفت.

ص: 422

آنگاه به محضر حضرات آیات: شیخ عبد الصمد صمدی، سید احمد استاد و شیخ محمد صالح حائری «علامه سمّانی» شرفیات و از چشمه فیاض علم و معرفت آنها بهره مند گشت.

سپس در روز 29/ محرم 1335/ قمری به تهران عزیمت کرد و مدت 5 سال نزد اساتید برجسته تهران خصوصاً آیت الله میرزا احمد آشتیانی که در معقول و منقول احاطه کاملی داشت، به تلمذ پرداخت و استفاده سرشاری نمود.

معظم له که عطش خاصی نسبت به فراگیری علوم مختلف و بهره برداری از اساتید متنوع داشت، بار دیگر در سال 1340 ق دست به هجرتی دیگر زد و راهی مشهد مقدس گردید و از مدرسین والا مقام مدینه علم رضوی بویژه از محضر آیت الله میرزا مهدی اصفهانی که در معارف اسلامی تبحری خاص و بحث مفصلی داشت، بهره مند گشته و به خوشه چینی پرداخت.

وی تا حدود 1345 قمری در مشهد مقدس باقی ماند و پس از آن عازم بابل شد و به تبلیغ و ترویج معارف و احکام شریعت مقدسه نبوی صلی الله علیه و آله و سلم پرداخت و بعثت فوت پدر حدود شش سال، همراه با انجام وظایف دینی در بابل توقف کرد.

اما روح تشنه اش در التهاب بود و آرام نمی گرفت و جهت رسیدن به چشمه های جوشان علمی بی قرار بود. از این رو، در روز 26/ رمضان المبارک/ 1351 ق با عزمی راسخ در راه نیل به مقامات عالی علمی و دستیابی به مقام شامخ اجتهاد، راه نجف اشرف را در پیش گرفت و وارد مدینه علم علوی شد.

در نجف اشرف در کنار حضرت آیت الله سید علی بهشتی «مد ظله العالی» به بهره برداری علمی از مراجع و استوانه های فقاها و تحقیق و تتبع پرداخته و از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ محمد حسین غروی، سید ابو الحسن اصفهانی، میرزا آقا اصطهباناتی شیرازی استفاده سرشار نمودند تا آنکه خود در فقه و اصول صاحب نظر گشته و به مقام رفیع اجتهاد دست یافت و از اساتید برجسته خود، به اخذ اجازه اجتهاد مفتخر شد.

آنگاه در سال 1358 ق به بابل مراجعت و در آنجا رحل اقامت افکند و به تربیت و پرورش افراد مستعد و مؤمنین پاک سرشت همت گماشت و ترویج معارف و تبلیغ احکام و تشویق به تهذیب نفس و خودسازی و دوری از گناهان را وجهه همت خود قرار داد و افراد زیادی را هدایت و مریدان فراوانی را مجذوب خود ساخت.

معظم له حالات مخصوص به خود داشتند و خود و مریدانش بسیار زاهدانه زندگی کرده و انزوای اجتماعی را همواره بر حضور در بطن مسائل عمومی و اجتماعی ترجیح می دادند.

ایشان در جهات مختلف تبلیغی اعم از اعتقادی و اخلاقی و مواعظ، جدیت فراوانی داشت، مخصوصاً زمان ورودش به بابل، بخاطر احاطه در مسائل اعتقادی، بر علیه تصوف که در حال شیوع و همه گیر شدن بود، تلاش زیادی به خرج داد و سبب هدایت افراد زیادی شد، و از شیوع آن جلوگیری کرد.

وی در زهد و مناعت طبع و دوری از تجملات و ارادت به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و دقت نظر در همه امور حتی در امور عادی که ساده به نظر می رسید، کم نظیر بود.

همه این امور و ذکاوت و مهارت علمی ایشان، باعث جلب توجه دیگران اعم از فضلاء و روحانیون و مردم عادی به ایشان گردید، به طوری که از جاهای دیگر و شهرهای مجاور و تهران، مردم و روحانیون به دیدار ایشان می آمدند.

معظم له از دیدن اعمال خلاف و معصیت بسیار رنج می برد و در امر به معروف و نهی از منکر از هیچ کس و لو نزدیک ترین افراد، ملاحظه ای نداشت و نسبت به فرائض و نوافل بسیار متعصب بود.

آن بزرگوار بیش از روش معمول علما، محتاط بود و معمولاً در مهمانی ها شرکت نمی کرد، اگر احياناً جایی حاضر می شد، حتی المقدور غذایی نمی خورد و بخاطر همین خصلت بود که در تمام عمر از وجوهات شرعی نیز استفاده نمی نمودند.

دیگر از امتیازات ایشان، تسلط در علم طب قدیم و گیاه شناسی بوده است،

چنان که طبق اظهار نظر خودشان، با مطالعه هفتاد جلد کتاب در علم تشریح و گیاه شناسی و طبّ قدیم، اطلاعات جامعی را کسب نمودند.

به هرحال، آن عالم شریف، صبح روز جمعه اول/مهر/1356/ش در اثر سکتۀ قلبی به رحمت ایزدی پیوست، پیکرش پس از تشییع جنازه ای مفصّل در بابل به شهر مقدس قم انتقال یافت و پس از تشییع و اقامۀ نماز توسط آیت الله گلپایگانی در بهشت رضوان (در مقبرۀ حاج عبد الله ملکیان) بخاک سپرده شد.

منبع

1- آشنایی با فرزندان بابل 295.

### امیر اصلان خواجه نوری «نظام الدوله»

(1296-1357 ق)

امیر اصلان خواجه نوری ملقب به «نظام الدوله» و «نظام السلطان» فرزند میرزا محمد موقر الدوله و نوه میرزا آقا خان نوری «صدر اعظم» مازندرانی، از رجال سیاسی و آزادی خواهان معروف دوران قاجاریه و پهلوی بود.

وی در سال 1296 ق دیده به جهان گشود.

او پس از تحصیل و آموختن مقدمات، در هیجده سالگی «یعنی سال 1314 ق» به دربار قاجار راه یافت و به پیشخدمتی مظفر الدین شاه برگزیده شد و با این کار خدمات دولتی اش آغاز گردید. وی در صدر مشروطیت با آزادی خواهان ارتباط کاملی حاصل نمود و در اثر این تماس به مازندران تبعید و زندانی گردید، که پس از صدور فرمان مشروطیت آزاد و به حکومت خطۀ مازندران منصوب شد.

نامبرده در استبداد صغیر به شدت با آن به مخالفت برخاست و در اثر اشاره محمد علی شاه دستگیر و در باغ شاه تهران زندانی گردید و پس از مدتی کوتاه با شفاعت معاون السلطان آزاد شد. او بعد از حادثۀ توپ بستن مجلس شورای ملی، خود را به خطۀ بختیاری رساند و در معیت سردار اسعد بختیاری با اولین گروه

ص: 425

مجاهدان وارد تهران شد.

خواجه نوری در ابتدای سلطنت احمد شاه قاجار به ریاست کشیک خانه منصوب گردید و در سال 1327 ق مجدداً به حکومت مازندران رسید. سپس به حکومت استانهای: کردستان، همدان، قزوین، تهران، کرمان، کرمانشاهان، گیلان، گرگان و مازندران تعیین شد. سرانجام در سال 1348 ق مطابق با 1308 ش، یعنی پس از 43 سال خدمات دولتی و اجتماعی از کارهای سیاسی به کلی کناره گیری نمود.

وی در دوره سوم مجلس شورای ملی (1293 ش مطابق با 1333 ق) از بابل و دوره چهارم (1300 ش مطابق با 1339 ق) از همان شهر سمت نمایندگی داشت.

نظام الدوله در شوال 1357/ق مطابق با آذر 1317/ش در سن 61 سالگی در روستای «گلندونک» به دیار باقی شتافت. پیکرش به قم حمل و در مقبره محمد ابراهیم خواجه نوری واقع در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

منابع

1- مازندران 29/2.

2- نمایندگان مجلس شورای ملی 321 (تولدش را در حدود سال 1308 ق نوشته که اشتباه است).

**سید امیر محمد قزوینی**

**اشاره**

(1330-1414 ق)

حاج سید امیر محمد فرزند علامه سید مهدی و نوه سید صالح کاظمی موسوی قزوینی، از دانشمندان و نویسندگان و خدمتگزاران مذهب و آئین تشیع بود.

سید امیر محمد در سال 1330 ق در شهر بصره واقع در جنوب عراق دیده به جهان گشود.

وی مقدمات را در زادگاه خود نزد پدر ارجمند خویش آموخت. در سال 1353 ق به نجف اشرف رهسپار شد و دروس خارج را از محضر آیات: شیخ محمد

ص: 426

حسين غرورى اصفهانى، سيد ابو الحسن اصفهانى، سيد حسين حمامى، شيخ محمد رضا آل ياسين، سيد محسن طباطبائى حكيم و شيخ محمد طاهر خاقانى بهره مند شد.

## از آثار قلمى او

- 1- اصول الشيعه و فروعها.
- 2- اصول المعارف.
- 3- الابداع فى حسم النزاع.
- 4- الاسلام واقع المسلم المعاصر.
- 5- الاسلام و الآلوسى.
- 6- الاسلام و شبهات الاستعمار.
- 7- الامام المنتظر (عجل الله فرجه).
- 8- الايمان الصحيح فى الاسلام الصحيح.
- 9- البرهان القوى فى الرد على احمد الخصيبى.
- 10- البهائيه فى الميزان.
- 11- التقليد الصحيح.
- 12- الحجج الباهره فى الامامه و حكم المتعه.
- 13- الخالصى و امير المؤمنين عليه السلام.
- 14- الدرہ النضره فى شرح التبصره.
- 15- الذكرى لمدارك العروه الوثقى.
- 16- الشيعه فى عقائدهم و احكامهم.
- 17- الشيعه و فتاوى الخالصى.





- 18-الغفران مع التوبه.
- 19-الفيوضات الربانيه فى توضيح الآيات القرآنيه.
- 20-الكلمه الوجيزه حول حليّه بيعه الامام الحسين عليه السّلام.
- 21-المبدأ و المعاد.
- 22-المتعه بين الاباحه و الحرمة.
- 23-المناظرات بين عالمين.
- 24-الناقد الخبير فى الردّ على الماديين.
- 25-الهدايه لطالب الهدايه(حول الشعائر الحسينيه).
- 26-الى ابراهيم الجبهان و ردّ عاديته الى نصابها.
- 27-انقاذ البصير فى الردّ على الريبه عن حكم صلاه الجمعه.
- 28-اهل البيت عليهم السّلام فى الكتاب و السنه.
- 29-أجوبه المسائل البصريه.
- 30-تحفه الفقيه فى شرح كتاب الطهاره من شرائع الاسلام.
- 31-ترجمه المنيه فى حكم الشارب و اللحيه.
- 32-تناقض العهدين.
- 33-حقوق العامل و الفلاح فى الاسلام.
- 34-خلاصه الاصول(فى اصول الفقه).
- 35-ذخائر القيامه فى النبوه و الامامه.
- 36-ردّ الجمعه الى اهلها.
- 37-ردّ على ردّ السقيفه.
- 38-شذرات من الاقتصاد الاسلامى.

39- عقائد الغلاة، مخالفه لشريعه الاسلام.

40- على عليه السلام خليفه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم.

41- مجموعه المسائل الفقيهيه.

ص: 428

42- مرآة الفقيه فی شرح کتاب الشفعه من شرائع الاسلام.

43- مع الدكتور علی احمد السالوس فی کتابه فقه الشيعه الاماميه.

44- موجز أحكام الاسلام.

45- نتیجه الاصول (فی اصول الفقه).

46- نقد کتاب الحقائق.

47- نقض الصواعق المحرقة.

علامه امیر محمد قزوینی سرانجام در صبح روز جمعه / 25 ذی القعدة / 1414 ق مطابق با / 16 اردیبهشت 1373 / ش در سن 84 سالگی در کویت نقاب در خاک کشید. پیکرش را به ایران حمل و پس از تشییعی با شکوه در حرم حضرت معصومه علیها السلام قم به خاک سپرده شد.

منابع

1- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی 107/6 (تولدش را در سال 1325 ق در کویت نوشته است که اشتباه است).

2- مجله الموسم، سال 1411 ق، شماره هشتم، صفحه 1246 (تولدش را در سال 1335 ق در کویت که اشتباه است).

3- مؤلفین کتب چاپی 851/5 (نامش را «محمد» تنها دانسته است).

\*\*

ص: 429



(1325-ق)

باقر سعد السلطنه پسر اسماعیل، و دائی میرزا علی اصغر امین السلطان «اتابک اعظم» است. در جوانی طرف توجه و محبت ابراهیم امین السلطان بود و به همین مناسبت در سفر اول ناصر الدین شاه به اروپا در سال 1290 ق که ابراهیم امین السلطان از همراهان شاه بود آقا باقر را نیز با خود به اروپا برد.

آقا باقر مدتی به نیابت و مباشرت الله قلی ایلخانی و بعد مدتها خودش حکومت قزوین را داشت (از سال 1307 تا 1309 ق) در سال اخیر الذکر از حکومت قزوین معزول و به جایش ابو النصر میرزا حسام السلطنه منصوب شد، لکن در سال 1310 ق خودش دوباره به حکومت قزوین برقرار گردید و ضمناً علاوه بر داشتن لقب به منصب امیر تومانی (سرلشکری) از سرلشکرهای فرمانی نیز نایل شد.

نامبرده مردی بود بی سواد و عامی لکن باهوش، مرتب، و بسیار زرنگ و کاری و از محترمین دربار ناصر الدین شاه و مقربین آن زمان و از اشخاص متمول ایران محسوب می گردید و زندگانی بسیار مجلل نیز داشته است. امتیاز راه شوسه قزوین به تهران را در تاریخ 1296 ق اول او گرفت.

ص: 431

محمد حسن اعتماد السلطنه در یادداشتهای روزانه خود می نویسد: «یکشنبه 3 جمادی الاخری 1304: آقا باقر که حالا باقر خان است مباشر این راه است» (راه تهران-قزوین) آقا باقر سعد السلطنه به واسطه انتسابش به امین السلطان پسر و تربیت شدن زیر دست امین السلطان پدر و نیز به واسطه زرنگی، کاربری و کاردانی خودش از جمله افرادی است که مشاغل زیاد، پرسود و نان داری را در یک زمان به این شرح عهده دار بوده: مدیریت گمرکات گیلان، مازندران و بنادر دریای خزر، مأمور غلات قزوین، متصدی قسمتی از آبدارخانه و سقاخانه شاهی، حکومت طارم، حاکم لشت و نشا و متصدی املاک مضبوطه مجد الدوله، رئیس سواره قراسوران راه قزوین، رئیس راه شوسه قزوین و در سال 1305 ق علاوه بر حکومت قزوین در همین سال راه شوسه قم نیز، ضمیمه سایر مشاغل او گردید.

در سال 1306 ق ملقب به «سعد السلطنه» شد. در سفر سوم ناصر الدین شاه به اروپا (1306 ق) که اعتماد السلطنه نیز همراه وی بوده هنگام ورود به قزوین در یادداشتهای روزانه خود (18 شعبان 1306 ق) راجع به سعد السلطنه چنین گوید: «امشب در قزوین چراغان است به باقر خان لقب «سعد السلطنه» دادند. این باقر خان از طرف زن نسبتی به امین السلطان (آقا ابراهیم) دارد از قراری که می گویند... امین السلطان بود در هر حال سفر اول فرنگ (1290 ق) آشپز امین السلطان بود. در این آتش بازی امشب یک زن و یک طفل سوختند».

در ایام حکومت میرزا علی امین الدوله در آذربایجان در سال های 1313-1314 ق سعد السلطنه نیز به همراه وی به آذربایجان رفت، و مدتی حاکم ساوجبلاغ مکری بود. از سال 1315 تا حاکم 1316 ق حاکم گیلان بود. در این سال روضه خوانی از اهالی محله صیقلان در رشت آشوبی به پا کرد سعد السلطنه حکم به دستگیری او داده پس از دستگیریش دستور داد که گوش او را در ملاء عام به دیواری بکوبند تا عبرت شود برای سایر آشوبگران و مجرمین، برای این عمل او از حکومت معزول و به تهران احضار گردید.

در سال 1325 ق در نخست وزیری امین السلطان (اتابک اعظم) به سمت حکومت زنجان به جای شاهزاده جلال الدوله (پسر ظل السلطان) انتخاب گردید، و پس از ورود به زنجان بین او و آخوند ملا قربان علی مجتهد زنجان (حجه الاسلام) نافذ الکلمه زنجان کدورت حاصل شد و کم کم کار رنجش بالا گرفت، تا اینکه در جمادی الاول همین سال به دستور ملا قربان علی مردم به دار الحکومه ریخته به سختی سعد السلطنه را مجروح کردند و پس از یکی دو روز درگذشت.

### تفصیل کشته شدن سعد السلطنه از این قرار است

«حکومت سعد السلطنه تصادف کرد با اول مشروطیت و هرج و مرج زیاد در سراسر ایران. در این دوره که حکام را به ولایات و ایالات می فرستادند آن تشریفات سابق در کار نبود که جمعی سوار و پیاده و خدم و حشم زیاد در رکاب حاکم همراه باشند، و این کار تا اندازه ای متروک شده بود. بنابراین سعد السلطنه هنگامی که به حکومت زنجان برقرار شد فاقد این قبیل تشریفات بود. یکی از روزها در بازار بین نوکرهای سعد السلطنه و اطرافیان آخوند ملا قربان علی مشاجره شد و کار به نزاع و جدال کشید، طلاب به آخوند شکایت کردند و از وی استمداد نمودند، آخوند دستور داد که فوراً حاکم را گرفته از شهر بیرون کنند، طلاب که این حرف را از آخوند شنیدند با کمک مردم به دار الحکومه ریخته، چماقی بر فرق حاکم کوبیدند. حاکم پیر از حال رفت و بی هوش شد. مشیر الممالک وزیر زنجان (پیشکار دارائی) که قضیه را شنید آمده او را به خانه خود برد، و حاج مصباح طبیب مجاز را برای معالجه به بالین او آورد. طبیب که وضع سعد السلطنه را دید گفت: معالجه او از من ساخته نیست، عمل جراحی لازم دارد و باید به جراح قابلی مراجعه شود. و در این بین از طرف آخوند پیغام سختی به مشیر الممالک رسید، که: اگر تا دو ساعت دیگر حاکم را از شهر بیرون نفرستی دستور می دهم که خانه ات را خراب کنند، مشیر الممالک از این پیغام هراسناک شده، سعد السلطنه را توی درشکه گذاشته، روانه تهران نمود،



پس از خروج از زنجان در بین راه در «قروه» درگذشت و نعش او در قم در صحن حضرت معصومه علیها السّلام - معروف به صحن امین السلطان - به خاک سپرده شد.

منبع

1- شرح حال رجال ایران 181/1.

**سید باقر قاضی طباطبائی تبریزی**

**اشاره**

(1285-1366 ق)

حاج میرزا باقر فرزند میرزا محمد علی قاضی نواده حاج میرزا محسن قاضی طباطبائی تبریزی، از علمای تبریز بود که مراتب علمی را با محاسن عمل توأم داشت، و در اخلاق فاضله و صفات حمیده و مکارم پسندیده اجداد طاهرین خود را وارث بالاستحقاق و گوی سبقت از دیگران ربوده بود.

میرزا باقر قاضی در 16/ محرم 1285/ ق در تبریز متولد شد.

**تحصیلات**

وی پس از طی مقدمات و مبادی، دروس فقه و اصول و کلام را از محضر میرزا فتاح سرابی و میرزا محمود اصولی و میرزا محمد علی انصاری (قراچه داغی) و سید علی یزدی (صاحب وسائل مظفری) و دیگر اکابر وقت تحصیل نمود. در سال 1308 ق برای ادامه تحصیلات علمی عزیمت عتبات داد.

در اخلاق، حاضر حوزه قطب العارفین ملا حسین قلی همدانی (شوندی) و در فقه و اصول و دیگر علوم متداول هم حاضر

ص: 434

درس میرزا حبیب الله رشتی، ملا محمد فاضل شریانی و صاحب الکرّامات ملا اسماعیل قراباغی و شیخ محمد باقر اصطهباناتی گردید.

ایشان در سال 1314 ق به مناسبت تصادف بعضی پیش آمدها به تبریز مراجعت و به فاصله دوسه سال دیگر به توفیقات خداوندی مجددا عازم نجف شد و در حوزه ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی و شیخ محمد حسن مامقانی و حاج آقا رضا همدانی و دیگر اجلائی وقت حاضر گردید، از هر بلبللی نوائی شنید و از هر باغی گلی چید و از هر خرمنی توشه ای برداشت، در مراتب علمی و اخلاق فاضله مشار با لبنان و مغبوط اقران و به اجازات کثیر اجتهادی و روایتی از اساتید معظّم نایل آمد.

### **بازگشت به تبریز**

قاضی در سال 1324 ق با کمال موفقیت به موطن خود تبریز مراجعت کرد، در نزد عموم طبقات مردم بسیار محترم، و در حدود چهل سال با کمال احترام و عزّت و ورع و تقوی و شهامت مشغول انجام همه گونه وظائف علمیّه دینیّه تدریس و رفع مکروهات ملهوفین بود. در انجام حوائج مردم با همه گونه وسائل مقتضی اهتمام بکار برد، تا آخرین لحظه زندگانی خویش حبه و دیناری از جوهات شرعیّه صرف نکرد، و با آن همه مراتب سامیه بسیار حلیم و متواضع بود، از خودآرائی و خودستائی امتناع اکید سید محمد علی قاضی طباطبائی سید محمد هادی میلانی

داشت و اصلاً حرفی راجع به فضل و کمال و تألیفات خود به زبان نمی آورد.

## از تألیفات او

1- الخيارات و اقسامها و احكامها.

2- الدرر الغرویه فی الفوائد العلمیه.

3- حاشیه بر رسائل به نام (مخزن الفوائد).

4- حاشیه بر ریاض المسائل.

5- حاشیه بر فصول.

6- حاشیه بر مکاسب.

7- رساله الاشتراک فی اللغه.

8- رساله فی عقد البیع.

و نیز دارای رسائل متفرقه ای تفسیری و اخلاقی و تقریرات متنوعه فقهی و اصولی و کلامی و اخلاقی اساتید خود که اغلب آنها هنوز صورت مبینه نگرفته و تا حال تهذیب و تنقیح نشده اند.

علامه قاضی سرانجام در روز شنبه 10 رجب 1366/ ق مطابق با 9 خرداد 1326 ش در تبریز وفات یافت، پیکرش جهت دفن به قم نقل شد و در آن ارض اقدس در یکی از اطاقهای قبرستان بیات (واقع در مقابل پل آهنچی) دفن گردید.

## فرزندان:

1- آیت الله سید محمد علی قاضی.

2- سید جواد قاضی که کارمند اداره بیمه تبریز بود. او در سال 1366 ش درگذشت.

و یک دختر که همسر علامه سید محمد حسن الهی طباطبائی (برادر علامه طباطبائی) است.

منابع

1- أعيان الشیعه 533/3.



2- چهره آذربادگان در آینه تاریخ ایران 155.

3- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 39(سال تولدش را 1288 ق دانسته و دیگر آنکه نام جدش را هاشم عنوان کرده که اشتباه است. البته در صفحه 221 به عنوان استدراک این اشتباه را تصحیح نموده است).

4- ریحانه الادب 404/4.

5- علمای معاصرین ص 240.

6- گنجینه دانشمندان 325/3.

7- مکارم الآثار 2700/7.

8- نقباء البشر 217/1.

**سرتیب باقر مصدقی**

**اشاره**

(1371-1321 ق)

وی در سال 1331 ق مطابق با 1282 ش دیده به جهان گشود.

او پس از سپری کردن تحصیلات متوسطه، در دانشکده افسری به تحصیلات عالی خود ادامه داد و تا درجه سرتیپی در ارتش ارتقا یافت و آخرین سمت او معاونت اداره مهندسی و مخابرات ارتش بود.

نامبرده با دکتر محمد مصدق و مرتضی قلی بیات نسبت نزدیکی داشت.

**از تألیفات او:**

1- آموزش استحکامات، 1317 ش، تهران.

2- استحکامات مصالح، 1313 ش، تهران، 181 ص.

سرتیب مصدقی که در اثر ابتلا به بیماری قلبی به آلمان عزیمت کرده بود، سرانجام در اوایل/ذی قعدة 1371/ ق مطابق با اوایل/مرداد 1331/ ش در سن 50 سالگی در شهر هامبورگ درگذشت، پیکرش به ایران حمل و صبح روز چهارشنبه 22 مرداد از مسجد مجید تهران تشییع و به قم حمل و در مقبره بیات



-واقع در مقابل پل آهنچی - به خاک سپرده شد.

منابع

1- روزنامه اطلاعات، مورخ /22 مرداد 1331/ ش، ص 4.

2- مؤلفین کتب چاپی 79/2.

### شیخ براتعلی بزوشائی زنجانی

(1308-1377 ق)

او در سال 1308 ق در روستای (بزوشا) از توابع زنجان متولد گردید.

پس از طی مقدمات به زنجان رفته و سطوح را نزد میرزا عبد الرحیم قره آغاجی و هیئت را نزد ملا میرزا ابراهیم حکمی و حکمت و فلسفه را نزد حکیم گرانتقدیر استاد گنج علی استفاده نمود.

آنگاه به نجف اشرف مهاجرت کرد و مدت هفت سال از محضر آیتین علمین:

شیخ احمد کاشف الغطاء و شیخ محمد حسین کاشف الغطاء بهره مند گردید. سپس به زنجان مراجعت کرد و به تدریس سطوح اشتغال ورزید. وی در ایام تبلیغ به اطراف و بخش های زنجان می رفت و به انجام امور دینی می پرداخت.

در سالهای آخر عمر خود در تهران مهاجرت کرد و در مسجد سید ابو الفضل موسوی، امام جماعت شد.

وی در 4/ربیع الثانی 1380/ ق مطابق با 4/مهر 1336/ ش به سن 69 سالگی درگذشت و در شهر قم مدفون شد.

فرزندش شیخ ناصر، از فرهنگیان زنجان است.

منابع

1- تاریخ زنجان 314.

2- علماء نامدار زنجان 61.

3- وفيات علما 699.

ص: 438

حاج شیخ بهاء الدین فرزند آیت الله شیخ عبد النبی نوری، از دانشمندان و مشاهیر پایتخت بود.

وی در سال 1303 ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

پدرش شیخ عبد النبی نوری از فقها و اساتید بنام تهران بود. او در سامرا از شاگردان آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی به شمار می رفت و در تهران از مراجع و اساتید گرانقدر بود و در 20 محرم 1344 ق در شمیران تهران درگذشت و پیکرش به شهر ری حمل و در جوار سید الکریم، حرم حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام به خاک سپرده شد. جهت تفصیل بیشتر به نقباء البشر 1242/3 و اختران فروزان ری و تهران 105 رجوع شود.

شیخ بهاء الدین نوری در سن کودکی همراه پدر خود به تهران رفت و پس از سپری کردن مقدمات، دروس سطح را نزد پدر خود تلمذ کرد، سپس در سن جوانی به نجف اشرف رهسپار شد و دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی استفاده نمود و پس از سالهای متمادی، در سال 1340 ق به تهران مراجعت کرد و در جای پدر خود در مسجد پیره زن واقع شیخ عبد النبی نوری



در محله عودلاجان به اقامه جماعت و ارشاد اشتغال ورزید و پس از ارتحال پدر در مسجد نوری واقع در محله سرچشمه انتقال یافت. در ضمن به تدریس سطح و نیز فعالیتهای شدید اجتماعی و سیاسی اشتغال داشت.

سید محمد بهبهانسیّد ابو القاسم کاشانیشیخ بهاء الدین نوری

ایشان سرانجام در 18 جمادی اول 1405/ق در سن 102 سالگی در اثر کهولت سن در تهران چشم از جهان فرو بست. پیکرش به قم حمل و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

وی که به افتخار دامادی آیت الله مجاهد و زعیم بزرگ تهران، سید محمد بهبهانی نایل آمده بود، دارای فرزندانى چون: 1- آقا فخر الدین نبوی 2- آقا شمس الدین نبوی گردید.

منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- الاجازه الکبیره 94 (مدفئش را در جوار علی بن جعفر علیه السلام را دانسته که اشتباه است).

3- گنجینه دانشمندان 588/4.

ص: 440

(-1335 ق)

ملا بهرام طالقانی فرزند حسن بیگ، واعظ نامی اواخر دوره قاجاریه و از فضیلت عصر خود بود.

تحصیلاتش را در قزوین گذراند. و در طالقان، تنکابن و سایر شهرهای ایران به وعظ و ارشاد و هدایت مردم اشتغال داشت. در تنکابن بر امیر اسعد تنکابنی (حاکم تنکابن) وارد می شد، و در مجلس وی به سخنرانی می پرداخت.

ملا معصوم شیرازی در کتاب خود «طرائق الحقائق» ملاقات خود را با ایشان در رمضان 1313/ق چنین یاد می کند: (جناب فضائل نصاب آقا ملا بهرام طالقانی، که عابدی است زاهد و واعظی است ماجد، روضه خواندند و شب را به صحبت فقیر میل کردند). نامبرده اغلب اوقات سال را در تنکابن می گذراند.

وی حاشیه ای بر قرآن دارد که به خط ملا محمد حسن فرزند اسماعیل طالقانی «گورانی» و در سال 1298 ق نوشته شده است.

وی در سال 1335 ق در شهر اسر طالقان درگذشت، و ابتدا به عنوان امانت در بقعه پیر صالح آباد به خاک سپردند، سپس توسط فرزندش ملا عبد الله به قم حمل و در مقابر خاک فرج مدفون شد.

فرزندش حاج شیخ ملا عبد الله واعظ (1288-/18 ربیع الاول 1376/ق) که راه پدر را پیمود و هر دوی آنان دارای موهبت سخنرانی بودند. و پس از فوت، در

وسط قبرستان حاج شیخ قم مدفون گشت، فرزند وی نویسنده معاصر آقای علی اشرف مهاجر می باشد.

و فرزند دیگر ملا بهرام، ملا ابراهیم که نیز از وعاظ بود.

شایان ذکر است که دو سردار به نامهای کریم تول و رحیم تول (اهل نور مازندران بودند) در مقابل حمله مغول شکست خورده و تا طالقان عقب نشینی کرده، و در شهر اسر اقامت می کنند، و اعقاب این دو سردار در طول سلطنت دولت قاجاریه به مناصب رسیدند که ملا بهرام از اعقاب آنان بود.

از جمله روحانیان معاصر ملا بهرام، ملا نظر علی طالقانی (صاحب کاشف الاسرار) و ملا علی محمد طالقانی (شاگرد مخصوص شیخ انصاری بود)، و ملا جمال نسائی طالقانی بودند که یک سری از اسناد به امضای آنها رسیده و این اسناد در کتابخانه سوهان طالقان موجود است. و از جمله خدمات ملا بهرام ریشه کن نمودن بعضی از بدعتهای واهی و ادعاهای بیهوده بود.

منابع

1- افادات حجه الاسلام سید اشرف الدین کیائی طالقانی.

2- بزرگان تنکابن 66.

3- طرائق الحقائق 626/3.

4- کتاب دکتر قسمت که بوده ص 4.

\*\*

ص: 442

(1288-1367 ق)

میرزا تقی فرزند حسین وزیر تفرشی، ملقب به «ضیاء لشکر» و «مستشار اعظم» و معروف به «حکیم سوری» و متخلص به «دانش»، از فضلا و ادبای معروف متأخر بود.

وی در سال 1288 ق در تفرش واقع در استان مرکزی دیده به جهان گشود.

دانش ادبیات عرب و فارسی را نزد ملا عبد المحمّد یزدی و میرزا علی محمّد آموخت سپس نزد میرزا یوسف مستوفی الممالک در تهران به منشی‌گری پرداخت.

سپس به خدمت میرزا محمود ناصر الملک درآمد و سرانجام در سلک دبیران میرزا علی اصغر امین السلطان (اتابک اعظم) محسوب گردید.

میرزا محمّد علی قاجار او را به تهران برد و به دستور مظفر الدّین شاه قاجار قانون اساسی ایران را نوشت. سپس همراه آقابالا خان سردار افخم به رشت رهسپار شد و نایب الحکومه گردید و پس از قتل همین سردار به تهران گریخت. در سال 1327 ق با سهام الدوله به شیراز عزیمت کرد و کفیل عدلیه شد. او در پی استقرار مشروطیت خانه نشین شد.

ص: 443

- 1- امثال فارسی (اشعار).
- 2- بحر محیط (اشعار).
- 3- بحیره (اشعار-مختصری از محیط).
- 4- بیان حقیقت (اشعار-شرح حال خاندان خود).
- 5- تذکره نون و القلم (در احوال خطاطان-در 4 جلد).
- 6- تذکره آتش کشکیان (اشعار).
- 7- تذکره صدر اعظمی (اشعار).
- 8- جنت عدن (اشعار).
- 9- دیوان دانش (شامل: قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات و پهلویات- چهار جلد).
- 10- دیوان فکاهیات.
- 11- علم بدیع فارسی (اشعار).
- 12- فردوس برین (اشعار).
- 13- قصیده عالم افروز وطنیه.
- 14- کلیات حکیم سوری (اشعار).
- 15- لئالی شاهوار (اشعار).
- 16- مثنوی اکسیر اعظم، در چهار جلد.
- 17- نوشین روان در سلطنت انوشیروان (اشعار).
- 18- وجود تسامی (اشعار).

وی علاوه بر فضائل فوق دارای خطی زیبا بود که نسخه ای از دیوان حافظ و قانون اساسی ایران را نگاشته و علاوه بر گردآوری کتابخانه ای معظم، مجموعه ای از تابلوهای نقاشی و خوشنویسی نیز نگهداری می کرد.



استاد دانش در روز سه شنبه 4 جمادی الاول 1367/ ق مطابق با 25 اسفند 1326/ ش در سن 79 سالگی در تهران حیات را بدرود گفت. پیکرش به قم حمل و در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

منابع

1- ادبیات معاصر 148.

2- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 176/3 (محل تولدش را در تهران دانسته است).

3- سخنوران نامی معاصر 72.

4- شرح حال رجال ایران 45/5.

5- فرهنگ شاعران زبان پارسی 201.

6- مجله ارمنان، سال 23، شماره 2، ص 66.

7- مؤلفین کتب چاپی 216/2.

8- نگین سخن 235/5.

**سید تقی رضوی خرم آبادی «طاهری»**

(1304-1376 ق)

سید تقی فرزند سید رضی طاهری خرم آبادی، از فضلا و خدمتگزاران مردم خرم آباد بود. وی در سال 1304 ق مطابق با 1265 ش در یک خانواده روحانی و مذهبی در شهر خرم آباد- مرکز استان لرستان- تولد یافت.

نامبرده تحصیل مقدمات و ادبیات را نزد پدر خود (که از سادات معروف طاهری است) و اساتید دیگر آن دیار آموخت، و با آیت الله سید ابو تراب جزائری که از مشاهیر خرم آباد بود، مأنوس و هم مباحثه گردید و در رفع مشکلات مردم و رتق و فتق امور شرعی اهتمام ورزید.

رضوی خطی خوش و زیبا داشت و اکثر مکاتبات مهم و اسناد باارزش، به خط آن مرحوم موجود است که از نظر فن خوشنویسی کمال اهمیت را دارا می باشد.

ص: 445

ایشان تا آخر عمر در نهایت زهد و تقوا بسر برد، تا اینکه در سال 1376 ق مطابق با 1335 ش درگذشت. پیکرش به قم حمل و به خاک سپرده شد.

منبع

1- مشاهیر لر 213.

## میرزا تقی زرگر تبریزی

### اشاره

(1398-1332 ق)

حاج میرزا تقی فرزند غلامحسین قاسمی زرگر، از فضلا و پارسایان معروف قم بود.

وی در سال 1332 ق در شهر تبریز چشم به جهان گشود.

پدرش به شغل زرگری و همین طور طایفه ایشان به شغل زرگری اشتغال داشتند.

میرزا تقی پس از آموختن ادبیات در سن 14 سالگی (یعنی سال 1347 ق) به قم مهاجرت کرد و به تحصیلات دینی خود ادامه داد. پس از طی سطوح مدت کوتاهی در درس آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی شرکت جست و پس از ارتحال این استاد، از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید شهاب الدین مرعشی بهره ها برد. و از طرف آیت الله مرعشی از همکاران لجنة تحقیق کتاب «احقاق الحق» به تحقیق و پژوهش پرداخت.

زرگری، دارای فضائل نفسانی و ملکات سبحانی و عاشق و دلباخته حریم ولایت و امامت بود. و باجمال السالکین عارف فرزانه ملا محمود زنجانی (ملا آقا جان) رفاقت و صمیمیت کامل داشت.

وی در علوم غریبه یادداشتهای متفرقه دارد.

ایشان در روز دوشنبه 29/شوال 1398/ ق مطابق با 10/مهر 1357/ ش در پی عمل جراحی داخلی در سن 66 سالگی در بیمارستان نجمیه تهران دیده از جهان فرو بست. پیکرش به قم حمل و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

ص: 446



1- آقا حسین که در تهران به شغل عکاسی اشتغال دارد 2- مهندس سعید، که چندین مؤسسه را اداره می کند 3- آقا محمد باقر، که فعلا در خارج ایران (در کانادا) به سر می برد و یک دختر که همسر آقای سید محمد صادق قاضی طباطبائی است.

منابع

1- آثار الحجه 85/2.

2- اطلاعاتی از خانواده مرحوم.

3- پرواز روح.

4- گنجینه دانشمندان 105/2.

\*\*

ص: 447



## جبار مضطر اردبیلی

### اشاره

(-1371 ق)

جبار فرزند جلیل اردبیلی معروف و متخلص به «مضطر»، از شعرای نامی اهل بیت علیهم السلام بود. وی برخلاف سایر شعرا، این استعداد خدادادی را منحصرأ در مورد خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام به کار برد، و اغلب اشعار خود را به مدح و مرثیه سرائی سالار شهیدان ابا عبد الله الحسین علیه السلام اختصاص داد.

### از آثار او

اولین مجموعه اشعارش به زبان ترکی در سال 1370 ق و در زمان حیات خود تحت عنوان «یادگار مضطر» در تبریز در 32 صفحه به چاپ رسید.

دومین مجموعه اشعار آن شاعر با اخلاص، پس از درگذشتش توسط مداحان اردبیلی مقیم مرکز به سال 1374 ق تحت عنوان «سیل اشک» نیز به زبان ترکی در تهران چاپ و منتشر شد، بعد هم جلد دوم این مجموعه به چاپ رسید.

سومین اثر این شاعر در سال 1367 ش به چاپ رسید و تحت عنوان «گلچین شعرای آذربایجان» منتشر شد.

ص: 449

ایشان در روز یکشنبه 6/شوال 1371/ق مطابق با 8/تیر 1331/ش درگذشت، و جنازه اش به شهر مذهبی قم انتقال یافت و در انتهای قبرستان حاج شیخ با کد (3868) به خاک سپرده شد.

بنا بر نوشته آقای مهدی پور در کتاب «اجساد جاویدان»، جسد این شاعر پس از سالهای متمادی تروتازه پیدا شد، جهت اطلاعات بیشتر به آن کتاب رجوع شود.

منابع

1- اجساد جاویدان 345.

2- تاریخ اردبیل و دانشمندان 289/2.

3- فهرست کتابهای چاپی فارسی 3139/3 و 5571/5.

**سید جعفر احمدی طباطبائی بروجردی**

**اشاره**

(1333-1415 ق)

حاج سید جعفر احمدی طباطبائی فرزند علامه سید فخر الدین و نوه سید عبد الغفار فرزند سید علینقی بروجردی، از دانشمندان و فضیلابی معاصر بود.

وی در سال 1333 ق مطابق با 1292 ش در بروجرد دیده به جهان گشود.

پدرش سید فخر الدین احمدی (1363 ق) از علمای بروجرد و اساتید حوزه علمیه آن سامان به شمار می رفت که با آیت الله بروجردی نسبتاً عموزاده

ص: 450

بود (سید عبد الغفار عموی پدر آیت الله بروجردی است) و هم شوهر خواهر او بود.

آقا جعفر برخی از ادبیات را در زادگاهش فراگرفت و جهت ادامه تحصیلات خود در سال 1351 ق به حوزه علمیه مهاجرت کرد و ادبیات را نزد شیخ محمد علی ادیب تهرانی به پایان برد، سطح را نزد حضرات آقایان: میرزا محمد همدانی و سید شهاب الدین مرعشی به پایان رساند و پس از ورود دائی خود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم علاوه بر شرکت در درس ایشان، از اصحاب جلسه استفتا و نیز عضویت در پژوهش و تکمیل رجال او درآمد.

سید جعفر احمدی طباطبائی بروجردی در کنار شیخ فاضل لنکرانی

## از آثار او

1- تقریرات فقه آیت الله بروجردی.

2- تقریرات اصول آیت الله بروجردی.

وی در سال 1415 ق در قم درگذشت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

1- سید محمد باقر 2- سید محمد جواد و دو دختر که دامادهایش عبارتند از:

1- حجه الاسلام مرحوم سید مهدی فرزند آیت الله گلپایگانی 2- حجه الاسلام سید صادق فرزند سید محمد بروجردی.

منابع

1- آثار الحجه 86/2.

ص: 451

2- آینه دانشوران 393.

3- اطلاعات متفرقه.

4- گنجینه دانشمندان 87/2.

## شیخ جعفر الهی نراقی «کاشانی»

### اشاره

(-1370 ق)

حاج شیخ جعفر الهی فرزند علامه میرزا صدر الدین (احمد) و نوه ملا محمد نراقی کاشانی، از دانشمندان و بزرگان کاشان به شمار می رفت.

وی در کاشان متولد گردید و پس از سپری نمودن مقدمات، دروس عالی را نزد پدر ارجمند خود و علامه میرزا حبیب الله شریف کاشانی در کاشان به پایان برد.

سپس به عتبات عالیات رهسپار شد و دروس خارج را از محضر آیات: شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی استفاده نمود و به زادگاهش بازگشت و به ترویج و خدمات مذهبی اهتمام ورزید. او به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام عشق می ورزید و هنگام ذکر مصیبت فوراً اشک او سرازیر می شد.

مرحوم الهی نراقی در روز یکشنبه 11 جمادی اول 1370/ ق مطابق با 29 بهمن 1329/ ش درگذشت.

پیکرش در جوار ابن بابویه قم به خاک سپرده شده.

### فرزندانش:

1- حاج شیخ احمد الهی نراقی، از فضلا بود که در قم جزو شاگردان آیات:

حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سید سید علی یشری کاشانی

ص: 452

علی یثربی کاشانی به شمار می رفت. وی پس از هفت سال تحصیل در قم به تهران رفت و مشغول خدمات دینی و اجتماعی گردید. او در روز جمعه 26 شوال 1398/ ق مطابق با 7 مهر 1357/ ش در تهران درگذشت و در قبرستان بهشت زهرا مدفون شد.

2- شیخ صدر الدین نراقی.

و سه دختر که تنها داماد اهل علم ایشان، آیت الله سید علی یثربی کاشانی می باشد.

### **سید جعفر بنی هاشمی اهری**

(ح- 1400 ق)

سید جعفر بنی هاشمی فرزند میر هاشم اهری، از فضلاء معاصر بود.

ایشان در اهر زاده شد و پس از کسب مقدمات و بخشی از سطوح، با آیت الله شیخ حسین برقی اهری به شهر قم رهسپار گردید و دروس عالی را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری و سید صدر الدین صدر بهره ها برد. آنگاه به اهر مراجعت نمود و در مسجد جامع آن دیار به اقامه جماعت و تدریس اهتمام ورزید. او در ادبیات و کتابت نثر مقامی ارجمند داشت.

نامبرده به علت داشتن فرزندى در شیراز به آن سامان رفت و با آیت الله شیخ بهاء الدین محلاتی روابط نزدیکی برقرار ساخت و در اثر عنایات آن عالم بزرگوار حدود هشت سال در آنجا ماند. سپس به اهر بازگشت و از آنجا به تهران رفت و

ص: 453

اقامت گزید. در سالهای پایان عمر گرفتار بیماری شد و در منزل بستری بود.

سرانجام در حدود سال 1400 ق درگذشت و در قبرستان بهشت معصومه علیها السلام قم مدفون گردید.

منبع

1- اطلاعاتی از حجه الاسلام سخنور دانا آقای شیخ عیسی اهری.

**سید جعفر حسینی شاهرودی**

**اشاره**

(1313-1393 ق)

یکی از فقها و اندیشمندان معروف تهران بود. نسب ایشان با چند واسطه به علامه میرزا ابو القاسم میرفندرسکی می رسد.

تولد ایشان در سال 1313 ق در شاهرود اتفاق افتاد.

**در حوزه های علمیه**

ایشان پس از طی مقدمات و سطوح در زادگاه خود به حوزه علمیه قم رهسپار شد و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی فقه و اصول و از محضر آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی اخلاق و عرفان استفاده نمود. آنگاه به حوزه علمیه نجف اشرف پیوست و مقداری از سطح که باقی مانده بود نزد علامه شیخ غلامعلی قمی به انجام رسانید. دروس عالی خارج را از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی بهره مند گردید.

ص: 454



وی در سال 1364 ق به ایران بازگشت و ابتدا در شهر ری اقامت نمود و بعداً در غرب تهران رحل اقامت افکند و در «مسجد مهدوی» به اقامهٔ جماعت و ارشاد اشتغال ورزید.

## از آثار او

1- رسالهٔ عملیه.

2- رساله فی الأمر بین الأمرین.

## درگذشت

ایشان پس از عمری خدمت و مجاهدت در روز دوشنبه 2/جمادی الاول/ 1393 ق مطابق با 14/خرداد/1352/ ش در سن 80 سالگی در تهران درگذشت.

پیکر پاک ایشان جهت مراسم خاکسپاری عصر روز سه شنبه به قم حمل و از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشییع و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله سید کاظم شریعتمداری در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

منابع

1- آثار الحجه 2/245.

2- آینهٔ دانشوران 499.

3- حوادث الأيام 457.

4- دائرهاالمعارف للأعلمی 12/20.

5- فهرست کتابهای چاپی فارسی 1/497.

6- گنجینهٔ دانشمندان 4/487.

## شیخ جعفر سلیمانی بهبهانی

(1343-1419 ق)

حاج شیخ جعفر فرزند آیت الله شیخ محمد حسین و نوهٔ علامه شیخ سلمان بهبهانی، ملقب به «سلیمانی» از علمای معاصر بهبهان بود.



وی در سال 1343 ق در شهرستان بهبهان (استان خوزستان) تولد یافت.

مقدمات و ادبیات عرب را نزد پدر ارجمند خود و علامه شیخ ابو القاسم اثنی عشری در حوزه علمیه بهبهان گذراند، سپس در سن جوانی رهسپار نجف اشرف شد و دروس سطح را از محضر: سید شکر الله حسینی بهبهانی، شیخ مجتبی لنگرانی و شیخ کاظم تبریزی و خارج را از محضر آیت الله سید ابو القاسم خوبی استفاده نمود. پس از دوازده سال تحصیل در آن دیار به زادگاه خویش مراجعت فرمود. در جریان ملی شدن صنعت نفت با آیت الله سید ابو القاسم کاشانی همکاری زیادی نمود و نیز علیه فرقه ضاله بهائیت، مبارزه ای بی امان برعهده گرفت.

تدریس، اقامه جماعت در مسجد «سید فقیه»، هدایت و اداره امور مردم از فعالیت های همیشگی اش بود.

نامبرده در سال 1419 ق بر اثر ناراحتی قلبی در بهبهان زندگی را وداع گفت.

پیکرش به قم حمل و به خاک سپرده شد.

منبع

1- روزنامه اطلاعات.

### شیخ جعفر شهرآبی آشتیانی

(-1360 ق)

شهرآب دهی است در نزدیکی آشتیان، و زادگاه مرحوم شیخ جعفر است.

وی جهت طی دوره های تحصیلات عالی به قم و تهران مهاجرت کرد و از اساتید آن زمان استفاده نمود و به آشتیان مراجعت کرد و به اقامه جماعت و تدریس مقدمات و متون کتب درسی پرداخت. در ضمن درس تفسیر قرآن را از روی کتاب تفسیر صافی می گفت که مورد استفاده سایر طبقات قرار می گرفت.

استاد ریحان یزدی در کتاب خود آینه دانشوران، از او نام می برد و ایشان را چنین معرفی می کند: (از روحانین فعلی آنجا که در همان قصبه توقف دارند،

ص: 456

حجه الاسلام آقا شیخ جعفر شرابی است. شراب [شهرآب] قریه ایست در همان نزدیکی آشتیان. ایشان عالمی است پارسا و دانشمندی است خردمند. مختصر علاقه ملکی از قریه نامبرده دارد و با آن زندگانی می گزارد).

وی در حدود سالهای 1360 ق در آشتیان درگذشت و جسدش به قم حمل و در وسط صحن حضرت معصومه علیها السلام -صحن اتابکی- به خاک سپرده شد که آثاری از آن فعلا به جای نمانده است.

منابع

1- آینه دانشوران 330 (شهرتس «شرابی») آمده که اشتباه است).

2- افادات آیت الله شیخ ابو القاسم دانش آشتیانی (دام ظلّه).

### شیخ جعفر لنکرانی

(1322-1394 ق)

حاج شیخ جعفر فرزند رجب لنکرانی، از علمای متقی تهران بود.

در 12/ربیع اول 1322/ق در لنکران متولد گردید، ادبیات را نزد پدرش آموخت، و در سال 1337 ق به تهران عزیمت و هشت سال خدمت اساتید فقه و اصول و معقول تلمذ نمود.

در سال 1345 ق به قم مهاجرت کرد و از محضر: میرزا محمد همدانی و حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده فقهی و اصولی نمود. و در سال 1348 ق عازم نجف اشرف گردید و از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی،

ص: 457

میرزا علی ایروانی، و سید ابو الحسن اصفهانی کمال استفاده را نمود و در اثر انحراف مزاج به تهران مراجعت و در (مسجد وزیر دفتر) به اقامه جماعت و نشر معارف و تفسیر قرآن مجید اشتغال ورزید. و از جمله کمالاتش خط بسیار عالی دارا بود.

در اوایل /رمضان 1394/ ق مطابق با سال 1353 ش در تهران به رحمت حق پیوست، و در حرم حضرت معصومه علیها السلام مدفون شد.

فرزندش شیخ محمد که در تهران سکونت دارد.

منابع

1- آثار الحجّه 245/2.

2- گنجینه دانشمندان 544/4 و 485/7.

**شیخ جعفر نهاوندی**

**اشاره**

(-1365 ق)

حاج شیخ جعفر فرزند عباس نهاوندی، از علمای تهران بود.

نامبرده مدت 20 سال در نجف اشرف اقامت داشت و تحصیلات عالی خود را نزد آیتین: شیخ محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی استفاده نمود، و پس از دریافت اجازه اجتهاد به تهران بازگشت.

ابتدا در (مسجد فاضل خلخالی) و بعد در (مسجد سپهسالار ناصری) به اقامه جماعت، و در ضمن به تدریس فقه و اصول اشتغال داشت.

ص: 458

1- ازاحه الشبهه فی صلاه الجمعة.

2- مدايح و مرثی (اشعار).

3- شرحی بر نجاه العباد (صاحب جواهر) در 2 جلد به نام (طریق الرشاد).

در روز جمعه 23/ جمادی اول 1365/ ق در تهران درگذشت، و در قبرستان حاج شیخ قم مدفون گردید.

فرزندش: شیخ باقر واعظ نهاوندی از فضلاء معاصر و مقیم تهران است.

منابع

1- الذریعه 165/15.

2- گنجینه دانشمندان 589/4.

3- مؤلفین کتب چاپی 327/2.

4- نقباء البشر 290/1.

### سید جلال شریفی همدانی

(ح 1325-1417 ق)

حاج سید جلال الدین فرزند محمود و نوه محمد بن بهرام بن موسی حسینی شریفی همدانی، از فضلا و پارسایان معاصر بود. تولدش در قریه (سامان) از توابع همدان در حدود سال 1325 ق اتفاق افتاد.

پس از طی مقدمات به همدان رفت و سطوح را نزد آیت الله آخوند ملا علی همدانی (معصومی) گذرانید، سپس به قم و نزد شیخ موسی زنجانی (عباسی) قوانین الاصول را همراه آیه الله سید مهدی مرعشی و سید کاظم مرعشی استفاده نمود و در حدود سال 1356 ق به نجف اشرف رفت و یک سالی از محضر آیات:

شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و سید ابو الحسن اصفهانی استفاده نمود، و به ایران بازگشت و در قم سکونت اختیار نمود. و از محضر آیات: سید محمد حجت

کوه کمري، سيد محمّد تقی خوانساری، ميرزا محمّد فيض قمی، سيد حسين طباطبائی بروجردی، و سيد احمد خوانساری بهره مند گردید. در ضمن در ماه های تعطیلی و ایام تبلیغ به استان همدان می رفت، و مردم را از علم سرشار خود و انفاش زکیه اش مستفیض می نمود.

حقیر مکرر در مکرر ایشان را در مجالس مختلف و منزل آقایان قم زیارت می کردم، بسیار مردی سنگین، محترم، اخلاقی، و همیشه در حال ذکر و دعا بود. سیمای نورانی داشت، و کثیر الصمت بود و اگر لب باز می گشود مستمعین را به فیض می رسانید، قلدی کوتاه و محاسنی سفید و عینکی سیاه داشت.

در اثر کهولت سن عصا به دست می گرفت، و آرام آرام راه می رفت. در خیابان چهار مردان (سجادیه) در منزلی قدیم و کهنه سکونت داشت.

دوسه مرتبه در منزلش زیارتش کردم، کتابهای متفرقه در اختیار داشت و از همه بیشتر کتابهای روضه و منبر و اخلاق و تفسیر و حدیث را مطالعه می فرمود، و چند قطعه عکس و سند در اختیارم گذاشت، از مال دنیا جز همان منزل قدیمی و چند طاقچه کتاب فکر نمی کنم چیز دیگری در حوزه اختیارش بود.

متأسفانه در شب جمعه 29 شعبان 1417/ ق مطابق با 20 دی 1375/ ش در قم درگذشت، و در عصر روز جمعه جسدش تشییع و در جوار علی بن جعفر علیه السلام به خاک سپرده شد.

منبع

1- اعلام الامامیه (خطی - مجتهدی).

ص: 460

(1346-1416 ق)

حاج شیخ جلال فرزند عبد الصمد طاهر شمس گلپایگانی یکی از چهره های مشهور حوزه علمیه قم به شمار می رفت.

فقید سعید در 1306 هجری شمسی (1346 ق) در «گوگد» گلپایگان در خانواده ای متدین دیده به جهان گشود. پس از طی دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی، شانزده ساله بود (1322 ش) که به آموختن علوم دینی روی آورد و از محضر مرحوم آیت الله حاج میرزا هدایت الله وحید گلپایگانی بهره جست، و پس از چندی به حوزه علمیه اراک که زیر نظر اساتید بزرگواری چون: آیت الله حاج شیخ محمد سلطان العلماء و آیت الله حاج شیخ محمد امامی خوانساری اداره می شد، کوچ نمود و از محضر آنان بهره ها برد. در سال 1324 ش برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم آمد و پس از تکمیل دوره سطح در سال 1328 ش به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات: سید محمد تقی خوانساری، سید محمد حجت کوه کمری و پس از آن در دروسهای سید حسین طباطبائی بروجردی، سید محمد داماد یزدی، شیخ محمد علی اراکی، سید روح الله خمینی، سید محمد رضا گلپایگانی، سید رضا بهاء الدینی و سید محمد حسین طباطبائی «علامه طباطبائی» شرکت جست و مبانی فقهی، اصولی، فلسفی و تفسیری خویش را استوار ساخت، و از غالب آنان اجازه علمی دریافت داشت. وی نیز به مدت دو سال به حوزه علمیه نجف اشرف کوچ نمود و در دروسهای آیت الله سید ابو القاسم خوئی حاضر شد.

وی از آغاز تحصیل در حوزه قم، به تدریس متون فقه و اصول اشتغال جست و بیش از سی سال سطوح عالی را بارها آموزش داد. با شروع انقلاب اسلامی در سال 1342 ش، او نیز همراه با دیگر مدرسین حوزه به تشکیل جامعه مدرسین حوزه قم پرداخت، و امضایش در بحبوحه انقلاب زیر پیامها و اعلامیه های جامعه مدرسین



هماره دیده می شد. و پس از پیروزی انقلاب به عضویت شورای مدیریت حوزه علمیه قم و مجلس خبرگان (از استان مرکزی) برگزیده شد.

### از تألیفات چاپ نشده اوست:

1- حاشیه بر رسائل.

2- حاشیه بر کفایه الاصول.

3- حاشیه بر مکاسب.

4- کتاب الخمس.

5- معارف دینی.

صراحت لهجه، زهد و تقوا، ساده زیستی، آزاداندیشی و فروتنی و انس با قرآن و دعا از خصوصیات وی بود و بر فقه و اصول، تفسیر، تاریخ و ادبیات تسلط داشت. او از اعضای گروه تألیف «جامع احادیث الشیعه» و عضو هیئت علمی کنگره شیخ انصاری و عضو هیئت امنای مجتمع علوم دینی حضرت ولی عصر (عج) به شمار می رفت، و مقاله ای با نام «شیخ انصاری محقق و مؤسس» از او انتشار یافت.

درگذشت نابهنگام او، در 3/ربیع الثانی 1416/ق مطابق با 8/شهریور/1374 ش به سن 68 سالگی در اثر سانحه تصادف روی داد، و پیکرش با شرکت علما و فضلالی حوزه علمیه قم، و اصناف و بازاریان قم، تشییع و در صحن حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### سید جلال محدث اردبیلی

(ح- 1388 ق)

از علمای نامی شهر اردبیل به شمار می رفت.

ایشان در اردبیل به دنیا آمد و از اوایل سن خود، در مدرسه های: میرزا علی اکبر

ص: 462

و ملا ابراهیم به آموختن علوم دینی پرداخت. دروس سطح را از محضر آیات: شیخ غلامحسین غروی اردبیلی و شیخ مهدی عالم اردبیلی استفاده نمود. سپس جهت تکمیل تحصیلات خود رهسپار حوزه علمیه قم شد و دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری و سید صدر الدین صدر بهره مند گردید، پس از نیل به مدارج عالی به زادگاهش مراجعت فرمود.

نامبرده به وظایف دینی و اجتماعی خود پرداخت. و در تابستان ها به نواحی:

اردبیل، مشکین شهر و خلخال می رفت و مشغول ترویج احکام الهی می شد.

از آثار او: 1- تقریرات دروس حجت کوه کمری، مخطوط.

محدث در حدود 1388 ق در اردبیل بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

منبع

1- مفاخر اردبیل (مخطوط- سید عبد الله مفتی الشیعه).

## سید جلیل طباطبائی یزدی

### اشاره

(ح 1343-1413 ق)

سید جلیل [عبد الجلیل] فرزند آیت الله سید عبد الحی و نوه سید ابو القاسم طباطبائی یزدی، از فضلا و مدرسان بود.

وی در حدود سال 1343 ق در یزد پا به عرصه گیتی نهاد.

مقدمات را در حوزه علمیه یزد (مدرسه مصلی) فرا گرفت. سپس در حدود سال 1360 ق به نجف اشرف عزیمت نمود و از شیخ شمس الدین بادکوبه ای «عشق آبادی» و شیخ مجتبی لنگرانی دروس سطح را بیاموخت، و خود به تدریس مقدمات و متون کتب درسی در مدرسه یزدی پرداخت. پس از سالها به زادگاهش

ص: 463

بازگشت و مشغول خدمت دینی و اجتماعی گردید. سرانجام تهران را جهت سکونت برگزید و تا پایان آنجا زیست.

## از آثار او:

- 1- مناقب اهل البیت علیهم السّلام.
  - 2- جواهر اعتقادات، در بیان اصول مقدسه اسلام، ترجمه.
  - 3- فضائل امیر المؤمنین علیه السّلام و ادله خلافت، ترجمه.
  - 4- فضائل السادات.
- ایشان در 10 ربیع الثانی 1413/ ق برابر با 16 مهر 1371/ ش در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در جوار علی بن جعفر علیه السّلام مدفون شد.

## منابع

- 1- اطلاعات متفرقه.
- 2- مؤلفین کتب چاپی 710/3.
- 3- نقباء البشر 1094/3 (در ضمن شرح حال پدرش).

## سید جمال الدین تقوی

(1310-ق)

سید جمال الدین فرزند فاضل فرزانه سید نصر الله تقوی

وی در سال 1310 ق مطابق با 1271 ش متولد گردید.

تقوی تحصیلات ابتدایی خود را در تهران و تحصیلات عالی اش را در پاریس (فرانسه) گذراند.

او از تهران در دوره بیستم مجلس شورای ملی سمت نمایندگی داشت.

## منبع

- 1- نمایندگان مجلس شورای ملی 293.



(1337-1404 ق)

سید جمال الدین فرزند آیت الله سید ابو القاسم و نوه علامه سید علی اکبر موسوی خوئی، از فضلاء معاصر بود. وی در سال 1337 ق در نجف اشرف متولد گردید.

### در حوزه نجف اشرف

وی پس از طی مقدمات، سطوح را نزد آیات: پدر خود، میرزا باقر زنجانی و میرزا احمد اهری تلمذ کرد. دروس خارج را از محضر آیات: پدر خود و میرزا باقر زنجانی (به مدت دو سال) بهره مند شد، و به امور مرجعیت و شئون بیت پدر خود و گاهی تدریس متون کتب درسی اشتغال داشت. در ضمن ایشان شرح منظومه را نزد آیت الله سید محمد جواد طباطبائی تبریزی، و قسمتی از اسفار را نزد علامه شیخ صدرا بادکوبه ای آموخت.

نامبرده در پی فشارهای دولت عراق به سوریه مهاجرت کرد و در دمشق سکونت اختیار نمود، و به خدمات فرهنگی و اجتماعی اشتغال ورزید، و در آخرین سفر خود به ایران بیماری اش شدت پیدا کرد و روانه یکی از بیمارستانهای تهران گردید.

### از آثار او

- 1- بررسی انجیل.
- 2- بررسی تورات.
- 3- تاریخ ادیان جهان.
- 4- تقریرات اصولی پدر خود.
- 5- تلخیص نهج الحق (از علامه حلی).
- 6- دیوان شعر.
- 7- شرح بخشی از منظومه (از سبزواری).

8- شرح دیوان رضی.

9- شرح دیوان ناصر خسرو.

10- شرح علی کفایه الاصول.

11- شرح وجود ذهنی از اسفار.

12- مسایلی از فلسفه نوین (در تلخیص تجرید الاعتقاد).

13- نگاهی به رسائل اخوان الصفا.

### **درگذشت و اعقاب**

سرانجام در آخرین سفر خود به ایران در صبح روز شنبه اول/شوال/ 1404 ق در سن 67 سالگی در اثر بیماری سختی در یکی از بیمارستانهای تهران درگذشت، و جسدش پس از تشییع با شکوه در تهران به قم حمل و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### **فرزندان:**

1- سید عماد الدین 2- سید موسی 3- سید مصطفی 4- سید امین 5- سید حمید 6- سید هاشم.

منابع

1- تاریخ زنجان 456 (تولدش به سال 1327 ق آمده که اشتباه چاپی است).

2- معجم رجال الفکر و الأدب فی النجف 533/2.

### **دکتر جمال الدین فقیه**

(1416-1339 ق)

استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بود.

وی در سال 1339 ق مطابق با 1299 ش متولد گردید.

از آثار او: «آثورپاتکان» آذربایجان و نهضت ادبی.



فقیه در سال 1416 ق مطابق با 1374 ش در سن 77 سالگی درگذشت، پیکرش در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

### سید جمال الدین مجد دماوندی

(1332-1413 ق)

حاج سید جمال الدین فرزند حجه الاسلام سید رجب مجد العلماء و نوه سید عبد العزیز حسینی خرقانی قزوینی، از فضلا و معاریف قم بود.

وی در سال 1332 ق در خرقان -قزوین- تولد یافت. پس از سپری نمودن مقدمات، سطح را از محضر آیت الله سید شهاب الدین مرعشی بیاموخت. سپس در دروس خارج حضرات آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی (مدت کوتاهی)، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی شرکت جست. آنگاه در پی درخواست مردم دماوند و امر آیت الله بروجردی به آن سامان عزیمت نمود و به امور مذهبی و اجتماعی پرداخت. در اوایل انقلاب به قم رفت و مشغول تدریس گردید.

نامبرده در 19/ محرم 1413/ ق برابر با 29/ تیر 1371/ ش در سن 81 سالگی در قم دارفانی را وداع گفت. تشییع شایانی شد و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله سید تقی طباطبائی قمی، در ابتدای قبرستان ابو حسین مدفون شد.

منابع

1- آثار الحجه 350/2.

ص: 467



## سید جواد آل علی شاهرودی

### اشاره

(1418-1348 ق)

حاج سید جواد حسینی آل علی شاهرودی، داماد آیت الله سید محمود شاهرودی و یکی از افاضل دانشمندان به شمار می رفت.

فقید سعید در 27 جمادی الاول 1348 ق در نجف اشرف در بیت علم و تقوا و فضیلت به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج سید حسین آل علی (متوفای 1373 ق) از علمای شاهرود و از شاگردان آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی بود.

سید جواد، مقدمات علوم دینی و سطوح را نزد پدر بزرگوارش و آیت الله سید محمد جعفر مروج جزائری- مؤلف منتهی الدرایه- آموخت و پس از آن در درسهای فقه و اصول حضرات آیات: سید محمود شاهرودی و سید ابو القاسم خوئی حاضر شد و بهره فراوان برد و هم زمان با آن به تدریس سطوح و اقامه جماعت در «مسجد الامام المهدی (عج)» و ارشاد و راهنمایی مؤمنان پرداخت. ایشان همچنین یکی از اعضای هیئت استفتای آیت الله شاهرودی و مسئول دفتر و بعثه حج آن مرجع فقیه بود که از این رهگذر توانست خدمات فراوانی را به طلاب حوزه علمیه بنماید.

ص: 468

وی مقید بود زیارت عاشورا را هر روز قرائت کند و بارها، پیاده از نجف به کربلا مشرف می شد، که برخی از این سفرها به همراهی مرحوم آیت الله شاهرودی بود. در سال 1395 ق بود که به دلیل فشار بسیار حکومت بعث به ایرانیان مقیم عراق، وی به کویت مهاجرت کرد و در آنجا به بزرگداشت شعائر دینی و تبلیغ و تدریس و تأسیس مساجد و مدارس پرداخت که مدرسه علمیّه آیت الله خوئی از آن جمله است.

در سال 1370 ش (1412 ق) به تهران آمد و به تأسیس بیمارستان سیصد تختخوابی چشم پزشکی پیامبران، موفق گردید.

### **از آن عالم بزرگوار تألیفاتی به چاپ رسیده است، که عبارتند از:**

- 1- آداب الحرمین - فارسی و عربی -.
- 2- الامام المهدی (عج) و ظهوره.
- 3- الانسان فی المراحل السّت (این کتاب به فارسی و اردو ترجمه شده است).
- 4- المحاضرات فی التاریخ و الحدیث، دو جلد (مجموعه 101 سخنرانی وی در موضوعات قرآنی، حدیثی، تاریخی، اخلاقی).
- 5- المراقبات فی اعمال الجمعة.
- 6- شخصیه المسلم.
- 7- صحیفه المتهجّد - فارسی و عربی -.

8- کتاب الارث (الارث فی جد اول).

9- من معالم الاسلام و آدابه.

### و آثار مخلوط وی عبارتند از:

10- تقریرات درس اصول آیت الله خوئی.

11- تقریرات درس فقه آیت الله خوئی.

12- تقریرات درس فقه آیت الله شاهرودی.

سرانجام آن عالم بزرگوار، پس از تحمل سال ها بیماری در اول/ذی الحجّه/ 1418 ق برابر با 8/فروردین 1377/ ش در 70 سالگی چشم از جهان فرویست و پس از تشییع و ادای نماز آیت الله سید محمد شاهرودی بر پیکرش، در صحن حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مدفون گردید.

### میرزا جواد تحریری «قمی»

### اشاره

(-1389 ق)

میرزا جواد تحریری، از شعرای به نام قم در عصر پهلوی اول بوده، که در فنّ سخن سرایی خصوصاً ماده تاریخ دستی قوی داشته، و هجویاتی نیز در ذم آل سفیان سروده که بسیار جالب و خواندنی است. سالها در جلسات انجمن ادبی که به ریاست محمود صمصام السلطان (تندری) تشکیل می گردید، شرکت می نمود. نامبرده مردی خوش ذوق و بذله گو و خوش محاوره بود. متأسفانه از اشعار آن مرحوم آنچه که از مراثی باقی مانده تخمیس شعر شیخ اجل سعدی شیرازی، فقط یک بند توسط فرزند ارجمند ایشان آقای عبد الحسین تحریری در اختیار قرار گرفته به همراه دو ماده تاریخ است، که به نظر خوانندگان محترم می رسانیم:

### تخمیس شعر شیخ اجل، سعدی

در کربلا چو زینب، بانوی داغداران عریان تنی چو جان دید پیکان بر او هزاران

ص: 470

گفتا به زاده سعد، ای میر نابکاران «بگذار تا بگیریم، چون ابر در بهاران»

«کز سنگ ناله خیزد، روز وداع یاران»

### **ماده تاریخ وفات شیخ عباس محدث قمی**

سزد اندیشه کند مرد در این کون و فساد کز وجود بشری چیست خدا را منظور

گر تواند که بداند رود از این معراج بر بساطی که غرض را دمی آمد مشهور

ور نه در چاه طبیعت رود آن طور فرود کز جهنم بدر آرد سر خود چون مخمور

سره مردان نگرفتند مر این دنیا را غیر مردار که پیش خرد آمد منفور

بهره ز او اندکی از قوت گرفتند و لباس زانکه بر طاعت حق همتشان بد محصور

چون فقیهی که در این سال گذشت از گیتی غفر الله له باد روانش مسرور

آنکه در جمع احادیث و سپس نشر کتب کرد کوشش بسزا، راد که سعیش مشکور

مدفن و سال وفاتش ز خرد جستگ گفت

«بجوار علی، عباس محدث مقبور»

### **ماده تاریخ وفات شیخ علی روضه خوان**

گوهر یکتای فضل در ده سوم ز حج آه دریغا که گفت داعی حق را بلی

حاجی بیت الحرام زائر قبر امام رائی آل عبا حائز فضل علی

بود ز نکوهش بری بل به ستایش حری برتر از اقران به علم لیک ز ثروت خلی

جمله ارباب فضل در خور عقدی و حل زو کف یا للاسف کوفت بصوت جلی

وفات این شیخ را سرود کلک جواد

بگفت: پیش حسین، شدی بجنت علی

از آثار او: تخمیس موش و گربه (اثر عیید زاکانی).

تحریری در سال 1389 ق مطابق با سال 1348 ش بدرود حیات گفت

ص: 471

و مدفنش در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام - جنب حوض - می باشد.

منبع

1- تاریخ تکایا و عزاداری قم 286.

### سید جواد حسینی تنکابنی

(1305-1377 ق)

سید جواد فرزند سید عبد الباقی و نوه سید قاسم حسینی تنکابنی، از علمای مورد توجه رشت بود.

در سال 1305 ق در (آخوند محله) رامسر متولد گردید.

ایشان مقدمات را در مدارس علمیه رامسر تحصیل نمود، و در سن جوانی به مشهد مقدس عزیمت کرد و ادبیات را نزد میرزا عبد الجواد ادیب نیشابوری فرا گرفت، و قسمتی از سطوح را نیز تحصیل کرد. در سال 1340 ق به نجف اشرف رهسپار شد و تا سال 1359 ق نزد اساتیدی بزرگ چون: آیت الله شیخ شعبان گیلانی و آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی به تحصیل پرداخت و مدارج عالی را گذراند.

وی در سال 1359 ق به ایران بازگشت و در رشت (گیلان) مقیم گردید و مورد توجه عموم قرار گرفت، و در این شهر به امامت و انجام وظایف دینی و روحی همت گماشت.

مترجم له دارای اجازات اجتهاد و امور حسبی از اساتیدش بوده و نزد فرزندش سید عبد الباقی که از فضلا و نویسندگان می باشد، موجود است.

وی در روز دوشنبه 4 ربیع الثانی 1377/ ق مطابق با 6 آبان 1336/ ش در سن 72 سالگی درگذشت، و در قبرستان حاج شیخ قم به کد (17327) مدفون گردید.

فرزندش سید عبد الباقی حسینی تنکابنی از فضلا و نویسندگان معاصر است.

وی تحصیلات عالی خود را در نجف اشرف به پایان رسانید و در تهران اقامت گزید و در دانشسرا و دبیرستانهای مرکز به تدریس و تدوین کتب درسی و همکاری با دکتر

ص: 472

محمد خزائلی اشتغال داشت و فعلا در تهران دوران بازنشستگی را می گذراند.

منابع

1- بزرگان تنکابن 301.

2- بزرگان رامسر 163 (سال مرگش را 1380 ق نوشته که اشتباه است).

### سید جواد سیدی خلخالی

(1317-1381 ق)

سید جواد فرزند سید خالص موسوی خلخالی، نام خانوادگی اش «سیدی» است. از تحصیل کردگان و وعاظ معروف خطه گیلان و داماد سید عنایت الله زنجانی (پدر آیت الله سید احمد زنجانی) بود.

وی در سال 1317 ق در شهر خلخال استان اردبیل متولد گردید.

سید جواد پس از سپری کردن مقدمات به حوزه علمیه زنجان رهسپار شد و از درس آیت الله شیخ فیاض زنجانی استفاده نمود و حدود 15 سال در آن خطه به تحصیل و وعظ و هدایت اشتغال داشت. آنگاه به خلخال مراجعت داشت و بیشتر به خطه گیلان جهت انجام امور مذهبی رفت و آمد می نمود.

ایشان در سال 1381 ق مطابق با تابستان 1340 ش در سن 64 سالگی در ماسل بدرود زندگی گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد. فرزندان: 1- سید ابو الحسن 2- حجه الاسلام سید ابو الفضل سیدی، از فضلاء ساکن کرج و متصدی یکی از دفاتر ازدواج است. وی سطح را در قم نزد علامه میرزا محمد مجاهدی تبریزی به پایان برد، و خارج را از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی (حدود سه سال) و سید روح الله خمینی (خارج مکاسب- مدت کوتاهی) بهره مند گردید. سپس به تهران رفت و از دانشکده الهیات موفق به کسب لیسانس گردید.

ص: 473

و یک دختر از او باقی ماند.

منبع

1- اطلاعاتی از فرزندش آقای سید ابو الفضل سدیدی، به تاریخ اول/بهمن/1378/ش.

## سید جواد قمی

### اشاره

(1240-1303 ق)

حاج سید جواد (نام اصلیش محمد تقی است) فرزند علامه سید علی رضا و نوه سید محمد حسینی قمی، از بزرگان و دانشمندان متقی قم بود.

### تحصیلات عالی

پس از آموختن مقدمات در سن نوجوانی به اصفهان مهاجرت کرد، و از محضر علامه بزرگ سید محمد باقر شفتی معروف به «حجه الاسلام»، و ظاهراً نزد شیخ محمد تقی اصفهانی (صاحب حاشیه) نیز تلمذ کرد، آنگاه به نجف اشرف مهاجرت نمود و مدت کمی از محضر آیت الله شیخ مرتضی انصاری استفاده و سپس به زادگاه خود مراجعت نمود.

در «المآثر و الآثار» آمده است: سید جواد قمی، مجتهدی مسلم و مروجی مبسوط الید بود، و در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی داشت، و در حفظ حدود شرعیه از هیچ نکته فرو نمی گذاشت. مکرر به تهران آمد و صحبت شریفش ادراک شد. در فقه و اصول و رجال تصنیفات دارد.

### از آثار او

1- الدرہ الباهره فی أحكام العتره الطاهره، در دو جلد.

2- مقالید الأحكام در فقه- در شش جلد که علامه ملا محمد کزازی بر آن در سال 1269 ق تقریظی نوشته است.

3- ینابیع الحکم در توحید و نبوت.

ص: 474



## درگذشت و اعقاب

وی در روز شنبه 3/صفر 1303/ق به سن 63 سالگی در قم درگذشت، و در قبرستان شیخان در کنار بقعه زکریا بن آدم به خاک سپرده شد.

## فرزندان:

1- علامه سید زین العابدین 2- میرزا عبد الحسین 3- علامه سید علیرضا که نماینده مجلس شورای ملی از قم بود.

## منابع

1- المآثر و الآثار. (درگذشت وی را در ماه رمضان نوشته، که اشتباه است)

2- أعيان الشيعة 279/4.

3- تاریخ قم 254.

4- تراجم الرجال 133/1.

5- رجال قم 98.

6- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری 260.

7- علماء معاصرین 340.

8- فوائد الرضویه 548.

9- گنجینه دانشمندان 132/1.

10- لباب الألقاب فی ألقاب الأطیاب 77.

11- نقباء البشر 337/1.

## شیخ جواد کبیر قمی

(-1418ق)

شیخ جواد فرزند آیت الله میرزا محمد قمی «کبیر» بیگدلی، از فضلا و اساتید بود.

وی در قم تولد یافت. پس از رشد و نما به تحصیل علوم دینی پرداخت.



ادبیات را به خوبی فرا گرفت. سطح را نزد حضرات آیات: شیخ عباسعلی شاهرودی، شیخ عبد الجواد سدهی جبل عاملی و سید شهاب الدین مرعشی به پایان رساند. دروس خارج و علوم عقلی را از محضر بزرگان حوزه استفاده نمود.

سپس به تهران رفت و تا آخر عمر آنجا زیست.

آثار قلمی چندی در علوم فقه و فلسفه از خود به یادگار گذاشت.

کبیر در سال 1418 ق در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان بهشت معصومه به خاک سپرده شد.

منابع

1- آینه دانشوران 380.

2- اطلاعات متفرقه.

**شیخ جواد کره رودی اراکی «مشایخی»**

**اشاره**

(1290-1376 ق)

حاج شیخ جواد فرزند علامه شیخ جلال الدین و نوه علامه شیخ اسد الله کره رودی اراکی، معروف به «واعظ» و ملقب به «مشایخی» از فضلا و وعاظ نامی ساکن تهران بود.

جدش شیخ اسد الله فرزند عبد المجید کره رودی، عالمی زاهد و صاحب کمال و از نعمت دانش و خوشنویسی نیز برخوردار بود. او هنگام زیارت عتبات عالیات در نجف اشرف رحلت نمود و در قبرستان وادی السلام

ص: 476

مدفون گردید.

پدرش شیخ جلال الدین، فردی اهل خبره و اطلاع و دارای استعداد ممتاز بود.

او پس از سپری کردن سطح نزد پدر خود در کره رود، رهسپار تبریز شد. در آن سامان به مدت هشت سال مشغول فراگیری فقه و اصول بود. پس از نیل به مدارج عالی به کره رود مراجعت کرد و به تدریس و سایر امور مذهبی اشتغال ورزید.

مرگش در حدود سال 1335 ق در حدود سن 65 سالگی در کره رود اتفاق افتاد و پیکرش در قبرستان «درگوشه» آن منطقه مدفون گردید.

شیخ جواد در سال 1290 ق در کره رود اراک تولد یافت.

وی مقدمات را در زادگاهش آموخت و در سال 1306 ق به کنگاور-استان کرمانشاه-رفت و مدت دو سال نزد علامه ملا محمد باقر کره رودی استفاده نمود.

در سال 1308 ق وارد نجف اشرف شد و از محضر آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی بهره مند شد. وی در صدر مشروطیت به ایران بازگشت و سالی چند در بروجرد توقف نمود. آنگاه به اراک رفت و به وعظ و هدایت پرداخت. و سرانجام به تهران منتقل گشت، و سال آخر عمر هم در قم زیست.

علامه شیخ مجتبی عراقی در کتاب خود «علماء گمنام» درباره اش چنین می نویسد:

آقای حاج شیخ جواد فرزند حاج شیخ جلال الدین کره رودی اراکی معروف به «واعظ» دارای استعداد و حافظه قوی بوده، و در سن نه سالگی جامع المقدمات را نزد مادر بزرگ (سیده حمیده) تمام کرده، و شروع به خواندن سیوطی و حفظ الفیه کرده، و در سن شانزده سالگی به منظور تشریف به نجف حرکت می نماید و مدت دو سال در کنگاور زیر نظر مرحوم آخوند ملا محمد باقر استفاده نموده سپس راه عتبات عالیات را پیش گرفته و مدتی در نجف اشرف در خدمت اساتید و بزرگان فن به مرتبه عالی از علم رسیده و درک فنون اصول و فقه نموده، و بعد از مدتی توقف

ص: 477

در نجف حادثه مشروطه و استبداد پیش آمد می کند و تکلیف شرعی خود را در متابعت و پیروی از منویات مرحوم آیت الله خراسانی دانسته، و در اثر خوبی بیان و حسن خطابه به (لسان الآخوند) در بین اقران مشهور می شود، و سپس بعد از عزیمت از نجف اشرف و توقف چند سالی در بروجرد به سلطان آباد آمده و به طرف داری از مشروطه ادامه می دهد تا آنجا که مشروطه به ثمر می رسد و معلوم می شود که دست بیگانگان در آن دخالت داشته به کلی خود را کنار کشیده و به تهران منتقل می گردد و در درس و بحث مرحوم حاج آقا محسن عراقی شرکت می نماید، و در سالهای آخر عمر، قلیل المعاشره زندگی کرد، و گاهی به قم مسافرت می نمود، روزی در مجلس آیت الله بروجردی قدس سره صحبت از شرح صحیفه سجادیه تألیف سید علی خان پیش می آید، شیخ عرض می کند: من دارم و تصحیح نموده ام و به شما تقدیم می دارم، سپس این شعر را قرائت می کند:

آدمی زاده نادان به چه ماند دانی نسخه معتبر خوش خط بسیار غلط

و پس از چندی که کتاب را می فرستد، عبارتی که به عنوان هدیه در حاشیه صفحه اول نوشته بود جلب نظر آیت الله بروجردی را نموده و به اطرافیان خود می فرماید: آیا دیگر دستی تربیت می شود که این طور عبارت بنویسد؟

مترجم عالیقدر کتابهای نفیسی از خطی و چاپی تهیه نموده بود، و به سبب آشنایی و دوستی با علامه حاج شیخ عبدالحسین امینی نجفی (رضوان الله علیه) تمام کتابها را به مکتبه الامیر در نجف اشرف که آقای امینی تأسیس نموده بود اهداء کرد، و از سرنوشت آنها بعد از حادثه بعثی عراق اطلاعی در دست نیست.

در سالهای آخر زندگی رهسپار شهر مذهبی قم گردید و درس اخلاقی شروع نمود که مورد توجه خاص و عام شد و از متصدیان امور تقاضای دفن زیر آسمان در قبرستان شیخان را داشت، و در سال 1336 شمسی از دنیا رحلت نموده فرحمة الله علیه، و طبق تقاضا و میل شخصی در زاویه شمال شرقی شیخان قم مدفون شد،

و متأسفانه پس از چندی که یکی از معاریف را در جنب قبرش دفن کردند و مقبره ای برایش بنا نهادند، قبر این عالم بزرگوار در گوشه آبدارخانه قرار گرفت، و برحسب دستور حضرت آیت الله نجفی مرعشی قدس سرّه در لوحه قبرش این عبارت درج شد:

(الذی وصل نسبه إلی حارث الهمدانی صاحب أمير المؤمنین علیه السّلام).

نامبرده در روز یکشنبه 30 ذی الحجه 1376/ ق مطابق با 6 مرداد/ 1336 ش در سن 86 سالگی در قم درگذشت و در قبرستان شیخان- جوار مزار شیخ محمد حسین فاضل تونی- مدفون گردید-.

فرزندانش: 1- مرحوم نجم الدین 2- مرحوم حسن 3- مرحوم حسین 4- آقای مجد الدین، فرهنگی بازنشسته و ساکن تهران است 5- آقای نور الدین، بازنشسته اداره ثبت و ساکن تهران است. و نه دختر که حجه الاسلام سید فخر الدین فرزند آیت الله سید محمد حسین رضوی کاشانی داماد روحانی اش می باشد.

منابع

1- اطلاعاتی از استاد سخن حجه الاسلام شیخ محسن مشایخی، به تاریخ عصر پنجشنبه 20 صفر 1421/ ق.

2- علماء گمنام 213.

3- اطلاعاتی از مجد الدین میانجی، که متن نوشتارش در زیر تقدیم می گردد:

### **سرور ارجمند جناب آقای عبد الحسین جواهر کلام دامت توفیقاته**

با عرض سلام و تقدیم صمیمانه ترین مراتب اخلاص و ارادت توفیقات آن وجود شریف را از درگاه خداوند متعال مسئلت می نمایم. متعاقب مذاکرات تلفنی در مورد تقدیم یک قطعه عکس مرحوم والد و استعلام از کیفیت و شرح زندگی آن مرحوم متذکر می گردد که از نظر موقعیت علمی حقیر را صلاحیت و یارای اظهار نظر نیست بلکه آنچه از ارباب فضل و اصحاب صحنه شخصیت های علمی شنیده ام به عرض می رسانم به استناد و اقوال بزرگواران دانشمندان حوزوی هم

ص: 479

عصر آن مرحوم صرف نظر از نصیب کافی در فصاحت و سایر علوم الهی در موضع تسلط و تبحر بر ادبیات عرب در جهان اسلام منحصر به فرد و بی نظیر بوده اند به طوری که اکثر کتب علمی و خطی کتابخانه مجلس شورای ملی سابق وسیله آن مرحوم تحشیه و تصحیح گردیده و همچنین قرآن و صحیفه سجادیه و نهج البلاغه کتابخانه مذکور مورد اصلاح گردیده-در مورد خصیصه های احوال عرفانی آن مرحوم باید عرض کنم بعد از فوت چنین حقیر در محضر فیلسوف شهیر استاد مطهری معارف تلمذ داشتم حضرتش یک قطعه عکس مرحوم والد را طلب فرمودند که این عکس را با جالبترین قاب در یک بزرگ زیب کتابخانه خویش قرار دادند که سالگرد آن مرحوم بوسیله صدا و سیما در اطاق کتابخانه قابل رویت است و پیوسته اظهار می فرمودند که ولایت شیخ بی نظیر بود به طوری که با شنیدن نام اقدس مولا امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت سید الشهداء علیه السلام منقلب و با گریه خویش را تسکین می داد-از مال دنیا بنا بر قول مرحوم حجه الاسلام فلسفی که در منبر ختم آن مرحوم اعلام نمود فرمود مرحوم شیخ از مال دنیا فقط صاحب مهر نماز بود و هیچ اندوخته نداشت و از برکات معنوی و الهی 86 سال عمر خدمت خالصانه به درگاه سید الشهداء و ترویج و اشاعه فضائل و کمالات خاندان عصمت و طهارت غرق در صفای فضیلت و رحمت الهی گردید-دوران تحصیل علوم الهیه را به هم زمان با حضور حضرت آیت الله العظمی بروجردی و سایر آیات عظام در محضر آیت الله آخوند ملا- کاظم خراسانی طی نمود-2 سال آخر حیات کلیه کتب علمی خویش را اعم از خطی و غیره تقدیم مکتبه الامیر نمود و آن مرحوم پس از تقدیم کتب مجددا تعداد 180 جلد کتاب تهیه فرمود که بنا بر وصیت در معیت مرحوم اخوی بزرگ به محضر شریف مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالحسین امینی صاحب «الغدیر» شرفیاب شدیم و این تعداد کتب را که در دو سال آخر حیات تهیه فرموده بود تقدیم کردیم لازم است که تعبیر مرحوم آیت الله امینی را خدمت شما عرض کنم پس از آنکه شرح مبسوطی در اصالت ولایت و اخلاص مرحوم والد بیان فرمود

حین بیان فرمود که مرحوم شیخ بهترین و مؤثرترین مشوق و محرک من بود در تأسیس مکتبه الامیر. فرمودید اطلاعاتی از تعداد فرزندان آن مرحوم تقدیم کنم، دارای 14 اولاد 5 پسر و 9 دختر بودند که از آنها دو پسر و 5 دختر در قید حیات هستند-از دامادهای آن مرحوم دو نفر در کسوت شریف روحانیت بودند به نام سید فخر الدین رضوی فرزند آیت الله حاج سید محمد حسین رضوی که در زمان رضا خان به علت محدودیت مانند بسیاری از شخصیت های روحانی از کسوت روحانی محروم شدند و دیگری حجه الاسلام و المسلمین حاج سید حسین کاشانی که در سن 98 سالگی در جوار رحمت حق قرار گرفت و در طول حیات به وعظ و خطابه و از ذاکرین مشهور درگاه سید الشهداء علیه السلام بود.

نظر به اینکه در مکالمه تلفنی فرمودید آنچه از اوضاع و احوال زندگانی مادی و معنوی مرحوم والد است عرض کنم بطور مختصر آن مقدار که مربوط به شخصیت علمی و عرفانی آن مرحوم بود از قول صاحب نظران منقول و آنچه که ارتباط یا آگاهی و آشنایی عینی خویش در طول درک سعادت ملازمت در محضر حضرتش را بخاطر داشتم بالاخص تقدیم نمودم حال در صورت نیاز و صلاحدید آن جناب آنچه لازمه درج در کتب دست تهیه است انتخاب فرمایید این مختصر با انضمام یک قطعه عکس آن مرحوم تقدیم می دارم.

غلام درگاه علوی-مجد الدین میانجی

**میرزا جواد ملکی تبریزی**

**اشاره**

(-1343 ق)

میرزا جواد ملکی فرزند حاج میرزا شفیع تبریزی، عارفی کامل و عالمی عامل و سالکی واصل و فقیهی گرانقدر بود.

وی در تبریز متولد شد و به خاطر انتساب او به خانواده «ملک التجار» به «ملکی» معروف گردید.

ص: 481



ملکی در تبریز پس از تحصیل مقدمات و سطوح در حدود سال 1295 ق به نجف اشرف عزیمت کرد.

استاد ایشان در فقه حاج آقا رضا همدانی صاحب «مصباح الفقیه» و در اصول ملا محمد کاظم خراسانی و در حدیث و درایه میرزا حسین نوری بوده است.

آن بزرگوار در عرفان و اخلاق و سلوک از محضر ملا حسین قلی همدانی (شوندی) بهره برده و حدود چهارده سال از محضر آن بزرگمرد استفاده کرد و در سال 1320 ق به ایران آمد و در تبریز سکنی گزید، و به ترویج احکام و تهذیب نفوس پرداخت.

علامه ملکی در سال 1329 ق به علت نامساعد بودن اوضاع تبریز که مقارن با انقلاب مشروطه بود به قم مهاجرت نمود، و در تشکیل حوزه علمیه فعلی که به همت حاج شیخ عبد الکریم حائری تأسیس شد، نقش بسزایی داشت. ایشان وقتی به قم تشریف آوردند مشغول تدریس فقه و اخلاق و انجام دادن سایر وظائف شدند. عنوان درس فقه ایشان «مفاتیح» ملا محسن فیض بود. ایشان دو جلسه اخلاق، یکی در منزل برای خواص و دیگری در مدرسه فیضیه برای عموم نیز داشت.

## عبادت و تهجد

ملکی، نماز جماعت را در مسجد بالاسر حضرت معصومه علیها السلام و گاهی در مدرسه فیضیه اقامه می کردند. وی به تمام معنا اهل عبادت و تهجد بود و از گریه کنان زمان خویش محسوب می شد. سه ماه رجب، شعبان و رمضان را به طور

متوالی روزه می گرفت. و در قنوت نمازهای نافله مکررا این بیت را که از حافظ شیرازی است می خواند:

ما را ز جام باده گلگون خراب کن زان پیشتر که عالم فانی شود خراب

ایشان در کتاب شریف «اسرار الصلاة» می فرمایند:

اقول: لا تكن كافرا بهذه الاخبار و انى اشهد الله انى اعرف من المتتهجدين من كان يسمع من يوقظه و يناديه وقت تهجده فى اوائل امره بلفظه آقا فيقوم لورده.

یعنی: این روایات را بپذیر و انکار مکن، خدا را شاهد می گیرم که من از متتهجدین و شب زنده داران کسی را می شناسم که به هنگام سحر صدای فرشته ای که او را بیدار می کند می شنود، فرشته با لفظ «آقا» به او خطاب می کند و آن شخص با این سخن بیدار می شود و به نماز شب می ایستد.

تصوّر می شود این شخص که با صدای فرشته برای اقامه نماز شب در سحرگاهان از خواب برمی خیزد خود میرزا جواد آقا است که برای پرهیز از توهم خودستایی، این حقیقت را بدین عبارت بیان کرده است.

در مقام و منزلت او همین بس که فقیه نامدار شیخ محمد حسین غروی اصفهانی با اینکه از نظر علمی و عملی دارای مقامی بلند و والا بوده است، طی نامه ای از میرزا جواد دستورالعملی می طلبد و ایشان هم در نامه کوتاهی، مطالب سودمند و ارزنده ای برای غروی می نویسند.

## تالیفات

از ملکی، آثار ارزشمندی به یادگار مانده است که بدانها اشاره می گردد:

1- رساله لقاء الله یا السیر الی الله، که به همت آقای سید احمد فهری ترجمه شده است.

2- اسرار الصلاة، این کتاب به زبان عربی است و اخیرا آقای رجب زاده آن را به

ص: 483

فارسی ترجمه کرده است.

3-المراقبات یا اعمال السنه، این کتاب نیز به زبان عربی نوشته شده است.

4-رساله ای در حجّ.

5-ایشان در فقه، کتابی نوشته اند که هنوز طبع نشده است. ملکی در پایان کتاب مرقوم فرموده است که:

«تم الجزء الاوّل من كتاب النکاح و يتلوه الجزء الثانی و اوله الولایه بید المذنب العاصی، اسیر الآمال فی یوم السابع عشر من شهر المظفر و قد مضت من الهجره التّبویه الف و ثلاث مائه و اثنا عشر سنه فی مشهد الغری».

و در پشت کتاب نوشته شده:

«لا- یخفی أنّ هذه الوجیزه من تصنیفات حضره مولانا العلامه حجه الاسلام، ملاذ الاعلام، باب الفتاوی و الاحکام، آیه الملک العلام صاحب نفس الزکیّه العبد الصالح الحاج میرزا جواد التبریزی (متّع الله الاسلام و المسلمین بطول بقائه) کتبه فی عنفوان شبابه بمشهد ولیّ ربّ العالمین امیر المؤمنین (ارواح العالمین فداء) فی شهر شعبان.

6-حاشیه فارسی بر «غایه القصوی» در ترجمه «عروه الوثقی». محدّث قمی عروه الوثقی را به فارسی ترجمه کرده و آن را «غایه القصوی» نامیده است. حاج میرزا جواد حاشیه ای به زبان فارسی بر غایه القصوی نوشته که گویا چاپ نشده است.

## داستانهایی از او

در محضر حجت خدا (عجل الله فرجه)

1-یکی از شاگردان خاصّ میرزا جواد می گوید:

«شبی در شاهرود خواب دیدم که در صحرا بی حضرت صاحب الامر علیه السلام با جماعتی تشریف داشتند و گویا به نماز جماعت ایستاده اند. نزدیک رفتم که جمال

ص: 484

مبارکش را زیارت کنم و دست شریفش را ببوسم، شیخ بزرگواری را دیدم که در کنار آن حضرت، و آثار بزرگواری و وقار از سیمایش پیدا بود. هنگامی که بیدار شدم درباره آن شیخ فکر کردم و در اندیشه این معنا رفتم که او کیست که تا این اندازه به امام عصر (ارواح من سواه فداه) مربوط و نزدیک است. برای یافتنش به مشهد مشرف شدم. وی را ندیدم، تهران آمدم، به او برخورد نکردم، به قم مسافرت کردم در مدرسه فیضیه او را در یکی از حجره ها مشغول تدریس دیدم. پرسیدم این آقا کیست؟ گفتند: آقای حاج میرزا جواد ملکی است. خدمتش رسیدم، از من تقدیر زیادی کرد و فرمود: کی آمدی؟ گویا مرا دیده و شناخته و از قضیه آگاهند. از آن پس، ملازمتش را اختیار کرده و او را چنان یافتیم که دیده بودم و می خواستم».

## تجرد روح

2- در رساله «لبّ اللّباب» آمده است که میرزا جواد می گوید:

«روزی استاد، ملاّ حسین قلی همدانی به من فرمود: مقام تربیت فلان شاگرد به عهده شماست. آن شاگرد همّتی فراوان داشت و عزمی راسخ. مدت شش سال در مراقبت و مجاهدت کوشش کرد، تا به مقامی رسید که قابلیت محضه بود برای ادراک و تجرّد نفس. خواستم این سالک راه سعادت به دست استاد بدین فیض نائل، و به این خلعت الهیه مخلّع گردد. او را با خود به خانه استاد بردم و پس از عرض مطلوب، استاد فرمودند: اینکه چیزی نیست. و فوراً با دست خود اشاره کردند و فرمودند: تجرّد مثل این است. آن شاگرد می گفت: فوراً دیدم که از بدنم جدا شده ام و در کنار خود، موجودی را مانند خود مشاهده می کنم».

## صبر و شکیبایی

3- حاج میرزا جواد پسری داشته که شمع فروزان شبستان خانواده بود. در روز عید غدیر که ایشان در منزل جلوس کرده و قشرهای مختلف مردم به زیارتشان

ص: 485

می آمده اند، خادمهٔ منزل کنار حوض خانه می آید و ناگاه چشمش بر پیکر بی جان پسر می افتد و بی اختیار فریاد می زند. اهل خانه که از اندرون با صدای خادمه بیرون می آیند، و با این منظره دلخراش مواجه می شوند، همه بی اختیار فریاد می کشند و شیون سر می دهند.

ملکی ناگاه متوجه صدای شیون می شود، از اتاق خود بیرون می آید می بیند جنازهٔ پسرش کنار حوض گذاشته شده است، رو به زنها کرده و خطاب می کند:

ساکت! همگی سکوت می کنند و سکوت همچنان ادامه می یابد، تا آنکه ملکی از همهٔ مهمانان پذیرایی می کند و طبق معمول هرساله، عده ای از آنان نهار را در منزل ایشان صرف می کنند. پس از پایان یافتن غذا که عازم رفتن می شوند به چند نفر از خواص مهمانان می فرماید: شما اندکی تأمل کنید، با شما کاری دارم، و آن گاه که سایر مهمانان بیرون می روند، ماجرا را برای آنان بازگو می کند، و از آنان برای مراسم تجهیز فرزند از دست رفته کمک می گیرد.

این داستان گذشته از آنکه حاکی از اعلا درجهٔ مقام رضا و تسلیم آن بزرگوار است، نشانگر قدرت روحی و نیروی تصرف او در نفوس دیگران نیز هست.

### تشکر از مخلوق

4- یکی از کسانی که ملکی را زیارت کرده و از او بهره برده می گوید:

«حاج میرزا جواد روزی پس از پایان درس، عازم حجرهٔ یکی از طلبه ها که در مدرسهٔ دارالشفاء بود، شده و من در خدمتش بودم. به حجرهٔ آن طلبه وارد شد و پس از به جای آوردن مراسم احترام و اندکی جلوس برخاست و حجره را ترک گفت.

هدف از این دیدار را پرسیدم، در پاسخ فرمودند: شب گذشته هنگام سحر، فیوضاتی بر من اضافه شد که فهمیدم از ناحیهٔ خودم نیست و چون توجه کردم دیدم این آقای طلبه است که به تهجد برخاسته و در نماز شبش به من دعا می کند و این فیوضات، اثر دعای اوست، این بود که به خاطر سپاسگزاری از عنایتش به دیدارش رفتم».

ص: 486

5- حجه الاسلام یزدی که در بیرونی ملکی می نشست می گوید:

«آن مرحوم شبها که برای تهجد بر می خاست، مدتی در رختخواب ضمن اجرای دستورات و آداب برخاستن از خواب، از قبیل سجده و دعا، گریه می کرد.

سپس به صحن منزل می آمد و به اطراف آسمان نگاه می کرد و آیات «انّ فی خلق السموات و الارض...» را می خواند و سر به دیوار می گذاشت و مدتی گریه می کرد، آنگاه برای وضو گرفتن آماده می شد و در کنار حوض می نشست و مدتی گریه می کرد، و پس از وضو ساختن چون به مصلاّیش می رسید و مشغول تهجد می شد ایشان گریه های طولانی در نمازها و مخصوصاً قنوت ها داشته تا آنجا که بعضی ایشان را جزو بکائین عصر به شمار آورده اند».

## شاگردان

1- سید روح الله خمینی.

2- آخوند ملا علی معصومی همدانی.

3- سید محمود یزدی (متوفای 1378 ق).

4- سید کاظم شریعتمداری.

5- سید جعفر شاهرودی.

6- سید حسین فاطمی قمی.

7- سید مهدی کشفی بروجردی.

8- شیخ حسن لنکرانی (متوفای 1361 ق)، از شاگردان نجف اشرف ایشان بود.

9- شیخ عباس تهرانی.

10- سید احمد لواسانی.

11- شیخ محمد علی عراقی.

12- شیخ فاضل لنکرانی (قفقازی).



## درگذشت

میرزا جواد در روز یازدهم/ذی الحجه/1343 ق دار فانی را وداع گفت. قبر شریف او در قبرستان شیخان قم نزدیک مقبره میرزای قمی واقع شده و همواره مزار اهل دل است.

ماده تاریخ درگذشتش به عربی جمله «رفع العلم و ذهب الحلم» است و به فارسی این مصراع: «از جهان جان رفت و از ملت پناه»

از او فرزندی بود به نام میرزا محمد علی که در زمان حیات خود وفات کرد.

میرزا جواد برادری داشت به نام حاج محسن ملک که در سال 1347 ق درگذشت و در جوار مزار برادرش در شیخان مدفون گردید.

## منابع

1- آثار الحجه 26/1.

2- آینه دانشوران 141.

3- الاجازه الکبیره 36.

4- الذریعه 47/2.

5- أعيان الشیعه 254/4 (سال وفات ایشان را 1344 ق دانسته است).

6- تاریخ قم 256.

7- ریحانه الأدب 397/5.

8- علمای معاصرین 137 (سال مرگش را 1344 ق دانسته که اشتباه است).

9- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی 559/6 (فوتش را 1345 ق قید کرده که اشتباه است).

10- گنجینه دانشمندان 231/1.

11- مؤلفین کتب چاپی 417/2.





(ح 1303-1387 ق)

زندگینامه علامه نجومی به قلم فرزند ارجمند و دانشمندش جناب آقای سید مرتضی نجومی (دام ظلّه) در فصلنامه چلیپا تحت عنوان «یاد یاران» چاپ شده است. و ما با اندک تصرف و ویرایشی در اینجا نقل می کنیم. امید است مورد پسند و استفاده قرار گیرد:

### هنر و هنرمندان

از علمای هنرمند و نسخ نویسان بسیار عالی دیار ما در قرن حاضر آیت الله سید جواد نجومی است، که اهل هنر او را چون نیریزی عصر و وصال زمان می دیدند.

هنرمندان گوشه و کنار کشور همیشه هنرمندانی مظلوم بوده اند. و هنر ارزنده و والای آنان محصور و محبوس گوشه و کنارها بوده است. آنان که در شهرهای بزرگ و پایتخت کشور و همنشین مورّخین و مترجمین بوده اند، نامشان ثبت و ضبط شده و دیگران گمنام مانده اند. و راستی باید خداوند را بر صنعت چاپ و نشر زمان شاکر و سپاسگزار بود، که هنر را از زوایا بیرون آورده و در گسترش فرهنگ ارزنده کشور به جلو آورده است.

در خیلی از شهرستانهای ایران خاندانهایی بوده و هستند که مهد علماء دانشمندان و هنرمندان بودند، و اکنون هم ریشه های آن فضل و هنر و تقوی و دیانت در آنها دیده می شود. یکی از این خانواده ها (خاندان نجومی) در کرمانشاه است، که شاید قریب دوست سال قبل بزرگان آنان از مشهد و سمنان به آنجا منتقل شده و در طول این مدت هم، چه در سلک علما و اهل دیانت و تقوا و چه در رشته هنرهای مختلف مخصوصاً نقاشی و خوشنویسی افراد زیادی داشته اند، که یکی از آنان عالم متقی بزرگوار و عارف فرزانه گرانقدر آیت الله سید جواد نجومی (والد حقیر) است.

آن جناب به راستی مجسمه تقوا و نمونه کاملی از ورع و پارسایی بود، و از آنانی بود که طول عمر شریفش نشست و برخاست، رفت و آمد و رفتار و کردارش برای رضایت حضرت حقّ متعال و به دور از هرگونه تزویر و تدلیس بود، بدانسان که خلیفها از صلابت عقیده و استواری کلام و سلیقه اش توانایی تقابل و همپایی با او را نداشتند و چه بسا که با داشتن مریدان بسیار در برابر حقیقت و واقعیت او زبان به اعتراف و قصور می گشودند، و به صدق و صفا بر صدق و صفای او آفرینها می گفتند، و همین نفسیات قدسیه و ایمان صادق سبب شد که آن جناب ذوق هنری خود را به سوی خط، به ویژه خط «نسخ» معطوف دارد. همان طور که گفته شد، این خاندان از ذوق هنری بالایی برخوردار بوده و هستند و هرکدام ذوق و حال خود را در گستره هنری به جلوه در آورده اند، اما توجه آن جناب به قرآن کریم و ادعیه و احادیث ائمه طاهرین علیهم السلام سبب بود تا به خط نسخ بگراید و به کتابت آنها پردازد.

بنده بسیار کم دیدم که در سیاه مشتهایش عباراتی فارسی یا عربی غیر قرآن و ادعیه نوشته باشد. زندگی علمی و دینی و تدریسی و اجتماعی ایشان اقتضای کتابت قرآن کامل و کتب ادعیه و احادیث را نمی کرد، اما گهگاه به قطعه نویسی یا به سیاه مشق می پرداخت.

## پدری دانشمند و هنرمند

آیت الله سید جواد حسینی فرزند آیت الله فقید سعید میرزا اسماعیل نجومی است (که از علمای بزرگ و محققین دوره خود و از شاگردان میرزا شیخ حسین فاضل اردکانی در کربلا- بوده است. جزوات بسیاری از تقریرات اصول او موجود است. نمونه های خط نسخ، رقاع و شکسته که از وی به یادگار مانده بسیار شیرین و استادانه است).

از پیر مردان محترم شهر (حاج سید مرتضی سامنی) که شاگرد خط نستعلیق او

بوده اند شنیدم که: نستعلیق را بسیار خوب می نوشته و برای جمعی از علاقه مندان سر مشق می زده است. اما ناچیز خط نستعلیق او را تاکنون ندیده ام، یا اگر در مرقعات و البومها دیده باشم سندی نیست که خط ایشان باشد. میرزا اسماعیل چون برادرش «میرزا رضای منجم باشی» در خط نسخ شاگرد میرزا محمد علی کرمانشاهی (خوشنویس) و در خط شکسته شاگرد حاج میرزا بابای کرمانشاهی خوشنویس شکسته بوده است. در هر صورت پدر آن جناب تا زمان صفویه همه از علمای محترم و اتقیای بزرگوار بوده، و جد اعلا ی آنان میر محمد تقی رضوی مشهور به «میرخدائی» است که ظاهراً در قبرستان قتلگاه (باغ رضوان) مشهد مدفون است (نه در کوچه قبر میر، مشهد زیرا: آن میر، میر محمد تقی مشهدی معروف به «میرشاهی» است).

میرزا اسماعیل در 1255 ق متولد و در 1318 ق به رحمت ایزدی پیوستند، و در قبرستان کرمانشاه در کنار راه قوافل کربلای معلّاً مدفون گردیده است. خود وصیت کرده بود مرا در این مکان دفن کنید باشد همیشه بر سر قبرم غبار قدم زائران کربلا نشسته باشد.

### سال صحیح تولد

سید جواد نجومی به هنگام فوت پدرش 15 سال داشته است. پس تولد ایشان 1303 ق است، و تاریخ 1305 که بر سنگ مزار ایشان نوشته شده اشتباه است.

علامه بزرگوار آیت الله شیخ محمد حسن علامی که از اکابر عصر و اعظم شاگردان محقق ملا محمد کاظم خراسانی و ضیاء الدین عراقی بود می فرمود: تولد ایشان 1303 ق و آنان هر دو با هم بزرگ شده و نشانی های صحیح بر این مطلب می فرمودند.

### تحصیلات

باری سید جواد 15 سال را با والد متقی عارف زاهد عابد و هنرمند خود

ص: 491

گذرانده است. همان سالها پایه های اعتقادی و علمی و هنری را برای او بنیان نهاده بود. مراحل تدریجی علوم صرف و نحو و معانی بیان و فقه و اصول را نزد علمای محترم و محقق کرمانشاه فرا گرفت، و از نظر تقوا و جدّیت در تحصیل نزد اساتید و علمای محترم و بسیار مورد علاقه و محبّت آنان، که همگان بر فضیلت و شایستگی او معتقد و معترف بودند. مدّت شش ماهی هم برای استفاضه از محضر اعلام محققین عتبات عالیات در آن اماکن شریفه مشرف می گردد، اما گرفتاریهای گوناگون زندگی توفیق اقامت دائم را به او نمی دهد، لذا به زادگاه خود بازگشته و باز هم نزد علمای محقق و مجتهدین صاحب نظر شهر به استفاضه می پردازد، و خود نیز علی الدوام به تدریس اشتغال داشته است. اواخر تحصیل آن جناب نزد آیت الله و مجتهد صاحب نظر حاج شیخ حسن علامی بوده است.

صاحب کتاب «سردار کابلی» از آیت الله علامی نقل می کند که می فرموده است: «اگر کسانی که من می شناسم مجتهدند، سیّد جواد سیّد المجتهدین است» و این کلام علامی بدان جهت بوده است که او در اصول قائل به تجزّی در اجتهاد نبوده است و لذا خیلی از مجتهدین متجزّی در اجتهاد نبوده است و لذا خیلی از مجتهدین متجزّی را قریب الاجتهاد می دانسته است. بین این دو بزرگوار حاج شیخ حسن علامی و سیّد جواد، صداقت و صفای دائمی در طول عمرشان برقرار و از کودکی تا به هنگام وفات هر دو این مهر و محبّت استوار بود.

سیّد جواد چنان در ملکات تقوا و فضائل اخلاقی راسخ بود که خلیها درباره او ارادتی بیش از معمول داشتند، و او را در صفای نفس و قداست باطن صاحب نفس مؤثر می دیدند و برای او فضائلی معنوی قابل بودند، و به راستی که او در این عصر نمونه ای از گذشتگان صالح بود.

## در وادی خط

سیّد جواد از اوایل بلوغ و جوانی خط نسخ را نزد خوشنویسان شهر آموخته، و

نزد حاج محمد صالح کلهر آن را به کمال رسانده بود. حاج محمد صالح کلهر از محترمین خاندان حاجی زادگان کرمانشاه و از افتخارات ایل کلهر است. قطعه ای از همین حاج محمد صالح نزد حقیر است که به تاریخ 1273 ق نوشته و به پدرم گفته بود، آن را در 14 سالگی نوشته است و به راستی اگر آن را در وسط گذارده و اطراف آن را قطعه هایی از میرزای نیریزی، شاملو پرتو، ملا علی عسکر ارسنجانی، سید محمد بقاء شرف المعالی، وصال و وقار فرزند وصال بچینند می بینند دست کمی از این اساتید معروف و بنام نداشته است.

آیت الله نجومی از نظر علاقه به خط خوش تعدادی قطعات شیرین به خطوط اساتید فن داشتند، که هم اکنون بحمد الله و المنة نزد حقیر موجود است. آن جناب قریب سی و پنج سال در مسجد نواب کرمانشاه به اقامه جماعت پرداخت، و خیلی از اتقیای شهر به ایشان اقتداء می نمودند و در طول این مدت بسیار کم بود اجازه دهد در رفت و آمدش مریدان و علاقمندانش با او باشند، و در تمام طول عمر خود اجازه ندادند دستش را به عنوان آقائی ببوسند و نه کفشش را جلوی پایش جفت کنند.

### درگذشت

آیت الله نجومی پس از عمری قدس و تقوا در شب چهارشنبه هجدهم/مرداد 1346/ش مطابق با دوم/جمادی الاول 1387/ق ساعت ده و ده دقیقه بعد از ظهر سه شنبه هفدهم مرداد در سن 83 سالگی به رحمت ایزدی پیوست، و همان شب جسد مبارک آن مرحوم را غسل دادند و در مسجد حاج محمد تقی اصفهانی تا صبح به امانت گذارده، و صبح با تشییعی کم نظیر در سطح شهر به روی دوش اهالی حمل و سپس به آرامگاه ابدی آن مرحوم در قبرستان ابو حسین در قم حجره مخصوص علما نقل و مدفون گردیدند.

علاقه عجیب مردم به ایشان چه در حال حیاتشان و چه در تشییع و مجالس

فاتحه، و حتی بعد از سالها وفاتشان نشانه ارادت شدید آنان به آن مرحوم، و دلیلی بزرگ بر تقدس و طهارت نفس و بزرگواری ایشان بود. خداوند متعال آن مرحوم را در کنف رحمت و لطف خویش با آبی کرام و اجداد طاهرینش محشور و مبعوث بفرماید.

سید جواد دارای کتابخانه ای بود که قریب هزار جلد کتاب در آن گرد آورده شده بود، که بیش از دوست جلد آن مخطوطات موقوفه بر خاندان و اولاد بود. آن کتابخانه به لطف الهی بر جا و اکنون قریب ده هزار جلد کتاب در آن گرد آمده است.

از آن جناب سه پسر و پنج دختر و نوادگان و نبیره ها باقی مانده است، که جز استاد فقید سعید پسر هنرمندشان مرحوم سید ابو الحسن نجومی بقیه همگی در قید حیات و بحمد الله با احترام به زندگی خویش ادامه می دهند.

منابع

1- فصلنامه چلیپا، سال اول، شماره اول، سال 1370 ش، ص 54.

2- کرمانشاهان «باختران» 1/504.

### **میرزا جواد والاناصر سردرودی**

(ح 1310-1389 ق)

از فضلی سردرود تبریز بود. در آن منطقه به امور مذهبی و اجتماعی می پرداخت. نمایندگی و وکالت های شرعی از آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و بیشتر علمای بعد از ایشان، دریافت کرده بود. نامبرده همواره مورد توجه سایر مردم و اعتماد علما قرار گرفته بود.

والاناصر، در 16 صفر 1389 ق در تبریز بدرود حیات گفت. پیکرش در ابتدای قبرستان وادی السلام قم مدفون گردید.

منبع

1- اطلاعات متفرقه.

ص: 494

(1275-1352 ق)

حاج سید جهانگیر فرزند محب علی فرزند محمد تقی حسینی مرندی ملقب به «ناظم الملک» و معروف به «محبی» و متخلص به «ضیائی» از سیاست مداران و ادبای عصر خود بود.

وی در 8 جمادی الثانی 1275/ق در تهران دیده به جهان گشود.

ایشان پس از طی تحصیلات و فراگیری فنون شعر و ادب از اساتید آن زمان وارد خدمات دولتی گردید. و مشاغلی همچون: نمایندگی ایران در بغداد، کارگزار در مشهد مقدس (در حدود سال 1321 ق)، سرکنسول ایران در تقلیس، حکمران قم (در سال 1336 ق)، وزیر امور خارجه (در کابینه سپهدار اعظم در سال 1299 ش)، را عهده دار گردید.

### آثار قلمی ایشان به شرح زیر است:

1- ترجمه نهج البلاغه (ترجمه به صورت منظوم به زبان فارسی که فقط شامل خطبه ها می باشد).

2- تفسیر سوره و العصر.

3- حقیقت نامه (ترجمه منظوم).

4- دیوان اشعار.

5- سیاست نامه (نظم عهدنامه مالک اشتر).

6- قصیده مولودیه.

7- لایح سرمدیه، در محاکمات مربوط به تعیین حدود ایران و عثمانی.

8- وصیت نامه نبوی به امام علی علیه السلام (منظوم).

استاد ضیائی در سالهای آخر عمر خود به شهر قم مهاجرت کرد و همواره در



حال عبادت و بندگی بود.

سرانجام در ذی حجه 1352/ ق مطابق با فروردین 1313/ ش در سن 77 سالگی در پی بیماری در قم درگذشت و جسدش در حرم حضرت معصومه علیها السلام در کنار مزار آیت الله میرزا صادق آقا تبریزی به خاک سپرده شد.

قصیده زیر در مدح حضرت زهرا علیها السلام به عنوان نمونه از اشعار ایشان نقل می گردد:

ای فلک عصمت و شفیعۀ محشر مهر جهانی و نور چشم پیغمبر

کفو علی مادر ائمه اطهار دختر پیغمبر و حبیبۀ داور

سیده جملۀ زنان دو عالم عالم ایجاد را وجود تو مفخر

مفخر حوا و افتخار خدیجه مفتخر از خدمت تو مریم و هاجر

با تو شناساند حق چهار گهر را احمد و سبطین را و ساقی کوثر

نور تو از نور کبریا شده مشتق زهره و زهرات خوانده خالق اکبر

نور خدا را چگونه وصف توان کرد آدم خاکی و وصف نور مطهر

همچون نبی و علی سواره در آبی با شرف و شوکت و جلال به محشر

چشم شفاعت همه به لطف تو دوزند جمله سفید و سیاه و کهتر و مهتر

نور تو رخشان شدی سه دفعه به هر روز چون به مصلی شدی به حسب مقرر

زین وارثان علم به طوفان جهل خلق کشتی آسمان و زمین را تو لنگر

مریم که برگزیده عالم ز ایزد است اندر علو مرتبه از وی تو برتر

پیغمبر خدا چو علی شیر پردلی داماد یافت از سبب چون تو دختر

منابع

1- تاریخ تکایا و عزاداری قم 272.

2- تذکره شعرای آذربایجان 256/4 (نام پدرش را اشتباه نوشته است).

3- دانشمندان آذربایجان 242.



5-زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران 40/3(تولدش را در مرند دانسته است).

6-سخنوران آذربایجان 1030.

7-سخنوران نامی معاصر 156.

8-سخنوران نامی معاصر ایران 2376/4.

9-شرح حال رجال ایران 285/1 و 56/5.

10-فرهنگ رجال قاجار 195.

11-فرهنگ شاعران زبان فارسی 363.

12-فرهنگ فارسی معین 2096/6.

13-فهرست کتابخانهٔ آستان قدس رضوی 262/5(فوتش را در غرهٔ رجب نوشته است).

14-فهرست مدرسهٔ سپهسالار 44/2.

15-مکارم الآثار 2094/6(فوتش را در غرهٔ رجب نوشته است).

16-مؤلفین کتب چاپی 447/2.

\*\*

ص: 497



(1329-1410 ق)

شیخ حامد فرزند عبد القاهر و نوه علی اصغر سبزواری کاظمی ملقب به «واعظی»، از علمای معاصر قم بود. در رجب 1329 ق در کاظمین «عراق» متولد گردید.

در سن 13 سالگی به سامرا رفت و مقدمات را در آنجا آموخت و در سن 17 سالگی به تهران مهاجرت کرد و سطوح را نزد آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی تلمذ کرد، سپس جهت وعظ و ارشاد عازم خراسان «فروند» سبزواری شد ولی در پس مخالفت با دستگاه حکومتی آن روز (پهلوی) به زندان افتاد. و پس از آزادی به زادگاهش بازگشت و از محضر

ص: 499

آیت الله شیخ فاضل لنکرانی «مقیم کاظمین» استفاده نمود، و به ترویج مذهب و پرورش جوانان و تدریس همت گماشت. در سال 1398 ق در پی فشارهای دولت عراق به ایران مهاجرت کرد و در قم سکونت اختیار نمود.

### از آثار او:

1- شرح البهجه المرضیه (سیوطی).

2- شرح تبصره المتعلمین.

سرانجام عصر روز شنبه 27 ربیع الاول 1410/ ق مطابق با 6 آبان/ 1368 ش به سن 81 سالگی در یکی از بیمارستانهای تهران درگذشت، و جسدش عصر روز یکشنبه در قم تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### فرزندان:

1- علامه شیخ نور الدین واعظی.

2- علامه شیخ شمس الدین.

### خاطرات

«نگارنده» اواخر عمر مترجم له را درک نمودم، مردی بسیار متین سنگین و موقر بود، گاهی اوقات به منزل دوستان و علماء می رفت. به همین جهت نخستین بار ایشان را در منزل آیت الله سید محمد شاهرودی (دام ظلّه) زیارت کردم. یک مرتبه هم همراه عده ای از اهالی کاظمین در روز عید قربان به زیارتشان شتافتم، و با کهولت سن که بر بدنش حاکم بود از همه شخصا پذیرائی نمود. و در همان سال موفق شدم که در مجلس روضه ای که در ماه محرم الحرام منعقد می ساخت شرکت نمایم، و در سالهای بعد هم شرکت جستم.

مردی با حقیقت و صفا بود، قدی خمیده و محاسنی سفید و قیافه گیرائی

ص: 500

و جاذبه شدیدی داشت. همیشه در حال ذکر و یاد الله بود، و میهمانان خود را از نصایح پدران و حکیمان بهره مند می نمود. و همواره به جوانان نصیحت می کرد که از ایام جوانی خویش تمام استفاده را ببرند. یکی از شاخصترین دست پروردگان ایشان مرحوم حجه الاسلام سید علی علوی بود، که تا آخر ایام عمر از وی به نیکی یاد می کرد. متأسفانه در اواخر عمر بیماری بر بدنش غلبه کرد و در منزل بستری بود.

## شیخ حبیب الله اشتهاردی

### اشاره

(ح 1310-1373 ق)

از دانشمندان و مدرسین مشهور سامرا بود.

وی در حدود سال 1310 ق در «اشتهارد» واقع در استان تهران دیده به جهان گشود.

### هجرت به نجف اشرف

پس از طی مقدمات در سن جوانی به حوزه بزرگ نجف اشرف مهاجرت کرد، و شرح لمعه را از محضر آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی، و کفایه الاصول را نزد آیت الله میرزا محمود شیرازی، و دروس خارج را از محضر آیات: شیخ محمد اسماعیل محلاتی و میرزا محمد حسین نائینی بهره مند شد.

### هجرت به سامرا

ایشان در حدود سال 1335 ق به امر آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی به سامرا هجرت کرد، و به تدریس کتب سطح در مدرسه میرزای شیرازی اشتغال ورزید، و شاگردان فاضل و برجسته ای تحویل حوزه داد، و نماز جماعت را در صحن و حرم مطهر امامین عسکریین علیهما السلام بر پا نمود.

ص: 501

## درگذشت و اعقاب

در پی ابتلا به بیماری، جهت معالجه به ایران رفت و تحت مراقبتهای پزشکی قرار گرفت، و سکونت خود را در قم قرار داد، در ایام تبلیغ به اشتهارد می رفت، و مردم از محضر و بیاناتش استفاده می کردند.

سرانجام در روز پنج شنبه 24 ربیع الثانی 1373/ ق مطابق با 10 آذر/ 1332 ش در پی شدت بیماری درگذشت، و جسدش در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

1- آقا علی 2- آقا عباس.

منابع

1- افادات آقایان: شیخ محمد عسکری خراسانی و شیخ هادی عسکری قمی، که هر دوی آن بزرگوار از شاگردانش بودند.

2- گنجینه دانشمندان 290/5 (که تاریخ فوت و مراجعت او را به ایران اشتباه نوشته است).

3- نقباء البشر 352/1.

## شیخ حبیب الله سمّامی رامسری

## اشاره

(ح 1245-1302 ق)

شیخ ملا حبیب الله فرزند ملا قربان علی و نوه عبد الله سمّامی رامسری، از علمای برجسته خطه مازندران و پارسایان معروف عصر خود بود.

ایشان در حدود 1245 ق در رامسر متولد گردید.

پدرش از دانشمندان زاهد و متقی رامسر بود که تحصیلات عالی خود را در اصفهان و کربلای معلا و نجف اشرف به انجام رسانید.

ص: 502



ملا حبیب الله مقدمات را در مدرسه سید مرتضی طی نمود، و در جمادی الاول 1266/ق از کتابت و تحصیل جلد دوم لمعه فارغ گردید، و حواشی بر آن کتاب نوشت. تحصیلات عالی خود را در نجف اشرف نزد دانشمندان بزرگ خصوصا شیخ مرتضی انصاری طی نموده، و به درجه اجتهاد نایل گردید. پس از اخذ اجازه از استاد مذکور به موطن خود بازگشت، و بتدریس و تعلیم اشتغال ورزید و مدرسه ای در (نارنج بن) رامسر بنا نمود.

مؤلف نضرة الناظرین و نزهة الباصرین او را به عنوان: عالمی زاهد معرفی کرده است.

## ویژگیهای پسندیده

او سالیان درازی به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی اشتغال داشت. در اوقات فراغت و مخصوصا شبها از آبادی بیرون می رفت، و در گوشه ای به عبادت و مناجات می پرداخت. معروف است که نامبرده جای مخصوصی در کنار جنگل دور از سروصدا و دید مردم برای خود انتخاب کرده بود، و ساعاتی چند را جهت مناجات و گریه به درگاه خداوند در آن مکان سپری می ساخت. هیچ گاه از سهم امام و حقوق شرعیه استفاده نمی کرد، و خود برنج زراعت می کرد و از آن ارتزاق می نمود.

## نقل یک کرامت

از عبد الوهاب فرید فرزند شیخ محمد حسین، نوه نامبرده نقل است که:

پدرم کرارا بمن می گفت که پدرم (ملا حبیب الله) بمن خبر داد که یکی از فرزندانم در کربلا مدفون خواهد گردید. سبب این پیشگویی را از او پرسیدم، در جواب گفت: در ایام اقامتم در نجف، اوقات زیارتی را برای زیارت حضرت

سید الشهداء به کربلا مشرف می شدم، یک روز هنگام تشریف به حرم حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام پایم به یک سنگی در صحن حضرت اصابت کرد و انگشت سبابه ام مجروح شد، یک قطره خون از آن بروی سنگ افتاد و فوراً در میان شکاف آن فرورفت متعجب شدم، در همین حال برای من مکاشفه ای دست داد به من خبر دادند که فرزندان در این مکان دفن خواهد شد و اتفاقاً چنین شد، و فرزندش شیخ محمد در کربلا وفات کرد، و همان جا مدفون گردید.

### کرامتی دیگر

و نیز از قول پدرش نقل می کرد که: هرگاه مشکلی داری به حضرت باب الحوائج موسی بن جعفر علیهما السلام متوسل شو و برای این توصیه واقعه ای را نقل کرد که بدین قرار است: هنگام رفتن به عراق از طریق بصره حرکت کردم، بدون اطلاع وارد پاسگاه شدم غافل از آنکه در آن مکان جواز سفر (گذرنامه) طلب می نمایند، با عده ای که بودیم سوار قایق شدیم مأمور گمرک دولت وقت وارد شد و جواز طلب نمود. همگی جواز عبور را دادند، من جواز نداشتم فوراً به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام متوسل شدم، مأمور گمرک مرا ندید. پس از آنکه جوازها را گرفت و شمرد متوجه شد یک جواز کم است، هرچه جستجو کرد که مرا تشخیص دهد نتوانست، چندین بار سرشماری کرد و جوازها را شمرد دید یک جواز کمتر از عدد افراد است، اما مرا که جواز نداشتم نمی توانست تشخیص دهد، سرانجام اجازه عبور داد و به سلامت به نجف رسیدم، پس از چند سال روزی آن مأمور را نزد شیخ انصاری دیدم که جهت زیارت آمده بود، و از قضایای عجیبی که برای شیخ انصاری نقل کرد همین داستان بود، من در آن لحظه سکوت نمودم، و خود را معرفی نکردم.

### درگذشت

ملا حبیب الله در سال 1302 ق در رامسر وفات کرد و جنازه اش به قم حمل

گردید و در جوار ابن قولویه-باغ ملی-به خاک سپرده شد. هنگام بردن جنازه فرزند ارشدش شیخ محمد حسین در تهران بود و همراه جنازه به قم رفت، و در رثای پدر اشعاری گفته از جمله این بیت است:

قد صار مدفونا فقلنا و یح و یح

مزاره جوار ابن قولویه

صاحب شرح حال دارای تألیفاتی بوده است. عبد الوهاب فرید مذکور نقل کرد: پس از فوتش کتابها را اوصیای آن مرحوم در محلی قرار دادند که پس از بازگشت فرزند ارشدش شیخ محمد حسین به رامسر به او تحویل دهند، اما متأسفانه همه از بین رفته بود.

### فرزندانش:

1- علامه شیخ محمد حسین معروف به «غریب» 2- شیخ جواد 3- شیخ محمد، از علما که در بزرگان رامسر ص 124 معرفی شده است  
4- شیخ احمد.

منبع

1- بزرگان رامسر 47.

### پروفسور حبیب الله شهاب

(ح 1300-1366 ق)

پروفسور حبیب الله شهاب ملقب به (شهاب الملک) فرزند شهاب الممالک افغان و نواده صدر اصفهانی، از چهره های علمی گمنام و خدمتگزار تهران بود.

تولدش در حدود سال 1300 ق در تهران اتفاق افتاد.

وی پس از طی دوره های مقدماتی، چند سالی در بیروت به تحصیل علوم خارجه و عربی اشتغال و نیز تحصیلاتی در دانشگاه نظامی سن سیر فرانسه داشت.

و در سال 1323 ق به تهران بازگشت، و به کارهای فرهنگی اشتغال ورزید، از جمله

ص: 505

در مدرسه دار الفنون به تدریس فلسفه و ادبیات فارسی و زبان فرانسوی اهتمام ورزید و شاگردان زیادی را تربیت کرد و نیز چندین مؤسسه امور خیریه و مریض خانه تأسیس نمود.

ایشان در مدرسه کمالیه که به مدیریت آقای مرتضی کمالیه و در سال 1317 ق تأسیس شده به تدریس اشتغال داشت.

متأسفانه این شخصیت علمی و فرهنگی در هیچ یک از کتابهای شرح حال بزرگان تاکنون به صورت مستقل معرفی نشده، و فقط در «چهره مطبوعات معاصر» برخی از خدماتش را چنین معرفی نموده است:

(طی خدمات مطبوعاتی خود مدتی مجله «شهاب» را انتشار می داد، و مدت ها نیز رئیس دار الفنون، سفیر ایران در بروکسل، و استاد دانشگاه بود. به اخذ بزرگترین مدال علمی از دولت فرانسه نایل آمده، و کتابهایی را که نگاشته بود در زمان حیات، وقف دانشگاه کرد).

استاد شهاب در روز جمعه 13/ربیع الثانی 1366/ ق مطابق با 16/اسفند 1325 ش در تهران درگذشت و در صحن کهنه حضرت معصومه علیها السلام مدفون گردید، که سنگ مزارش امروزه تا حدی قابل خواندن است.

منابع

1- چهره مطبوعات معاصر 25.

2- یادداشتهای ملک مورخین 332/2.

**شیخ حبیب الله فقیه مازندرانی**

**اشاره**

(ح 1308-1374 ق)

شیخ حبیب الله فقیه مازندرانی فرزند ملا- محمد علی آبادی «داماد علامه میرزا فخر الدین قمی سبط میرزای قمی صاحب (قوانین الاصول)، و از علمای مقیم قائم شهر (شاهی) بود. تولدش در حدود سال 1308 ق در (کوشک سرا) واقع

ص: 506

در اطراف بهشهر اتفاق افتاد.

ایشان به زهد، قدس، ورع، تقوی، و فضل و دانش معروف و موصوف بود. و تحصیلاتش را نزد آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، و شیخ ابو القاسم کبیر قمی به انجام رسانید. و در نجف اشرف نیز تحصیلاتی داشته است.

سرانجام به قائم شهر رفت و در (مسجد حاج عشقی) به اقامه جماعت و خدمات دیگر دینی اشتغال ورزید، و در شب چهارشنبه چهارم/ربیع الثانی/ 1374 ق مطابق با 10 آذر 1333/ ش در حدود سن 66 سالگی در اثر سکتة قلبی در حدود سن 66 سالگی بر اثر سکتة قلبی درگذشت، و جسدش به قم حمل و در قبرستان شیخان مدفون گردید.

### فرزندانش عبارتند از:

1- محمد صادق.

2- حجه الاسلام شیخ حسن متوفای 18 محرم 1400/ ق مدفون در شیخان.

3- شیخ حسین و دو دختر.

منابع

1- آثار الحجه 315/2. (لقب «زاهد» که برای ایشان داده به هیچ وجه صحیح نمی باشد، و لقب مترجم له «فقیه» است).

2- افادات فرزندش آقای محمد صادق فقیه.

3- گنجینه دانشمندان 376/5.

### سید حسام الدین میرزائی قمی

### اشاره

(ح 1294-1378 ق)

سید حسام الدین فرزند سید احمد فرزند سید موسی فرزند میرزا ابو طالب حسینی (داماد میرزای قمی)، از اسباط فقیه گرانقدر میرزا ابو القاسم قمی و یکی از

ص: 507

فضلاى قم بود. در حدود سال 1294 ق در قم متولد گرديد.

در رجال قم آمده است:

(حسام الدين قمى «حاج آقا حسام» از علماء، سادات، و از ائمه جماعت است. از شاگردان حاج شيخ عبد الكريم حائرى بوده است). و قبل از حاج شيخ از محضر آيت الله ميرزا محمد ارباب استفاده مى نمود، و در مسجد امام حسن عسكرى عليه السلام به اقامه جماعت و وعظ اشتغال داشت.

متوفى روز سه شنبه 11 محرم 1378/ ق مطابق با 7 مرداد 1337/ ش به سن حدود 84 سالگى در قم، و در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه عليها السلام مدفون شد.

### فرزندانش:

1- سيد اسماعيل.

2- آقاى سيد احمد ميرزائى و دو دختر كه يكى از دامادهائى وى مرحوم ميرزا ابو الفضل توليت بود.

منابع

1- آثار الحجه 42/2.

2- افادات فرزندش سيد احمد ميرزائى.

3- رجال قم 100.

4- معجم القبور و وفيات الاعلام (خطى)

ص: 508

(ح 1290-1380 ق)

شیخ حسن آیتی فرزند ملا ابراهیم فرزند ملا مهدی فرزند ملا علی رضا هزارجریبی مازندرانی، از علما و اندیشمندان معروف بروجرد بود. جدّ ایشان ملا مهدی مازندرانی یک نسخه از قرآن کریم به طور کامل همراه با تفسیر مختصر و تجوید و مطالب آموزنده قرآنی در سال 1228 ق به رشته تحریر درآورده است. این قرآن نزد نبیره اش شیخ ابو محمد آیتی در تهران زیارت گردید. چنانکه اشاره رفت ایشان مازندرانی الاصل است که ظاهراً جدّ او به بروجرد مهاجرت کرد و در آنجا تا آخر عمر زیست.

شیخ حسن آیتی در حدود سال 1290 ق در بروجرد زاده شد و پس از رشد و نما و طی مقدمات قسمتی از علوم دینی نزد شیخ محمد ابراهیم تویسرکانی در بروجرد تلمذ کرد، آنگاه به عتبات عالیات مهاجرت کرد و در نجف اشرف از محضر آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بهره مند گردید. مدتی چند نیز از محضر آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی استفاده کرد. ایشان پس از هفت سال تحصیل در حوزه کهن نجف اشرف و نیل مدارج عالی به زادگاه خود بازگشت و به ترویج و نشر احکام الهی پرداخت.

ص: 509

## آثار قلمی ایشان به شرح زیر است:

1- دیوان حسنی (که اولین قصیده آن در رثای فرزندش علامه شیخ محمد علی آیتی است).

2- کتاب الهادی فی الثواب و العقاب من الاعمال، در حدود 400 صفحه است.

3- مفتاح الجنه فی احادیث المعصومین علیهم السلام و علمهم و فضائلهم.

4- منتخبات الحسنی فی البلاغه (گزیده ای از کتاب حدائق السحر از رشید وطواط می باشد).

5- منتخبات من الکتب، فی علم الاخلاق و معرفه النفس و مستطرف من مجموعه ابی ورام.

سایر آثار فوق خطی می باشند و نزد فرزندش علامه شیخ ابو محمد آیتی رؤیت گردید.

نامبرده در سال 1380 ق در حدود 90 سالگی در بروجرد درگذشت و جسدش به قم حمل و در اطاق آیت الله غروی بروجردی در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

## فرزندان

1- علامه شیخ محمد علی آیتی.

2- حاج شیخ ابو محمد آیتی متخلص به «رقیب»، از دانشمندان و فضیلائی معاصر مقیم در تهران.

وی در 29/ربیع الثانی 1327/ق در بروجرد متولد گردید.

پس از نشو و نما، مقدمات علوم دینی را نزد پدر خود و علامه شیخ محمد غروی بروجردی (عموزاده خود) آموخت. آنگاه در حدود سال 1341 ق به قم مهاجرت کرد و سطوح را تلمذ کرد. از جمله اساتید این دوره آیت الله سید مهدی



کشفی بروجردی است. پس از چند سال تحصیل در قم به حوزه کهن نجف اشرف رفت و از محضر آیات: میرزا عبد الهادی شیرازی و سید ابو القاسم خوئی استفاده نمود. پس از دو سال تحصیل، مجدداً به قم مراجعت کرد و از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی بهره مند گردید. آنگاه به زادگاه خود مراجعت نمود و به وظایف دینی و روحی پرداخت. در اوایل انقلاب به تهران رفت و تاکنون به وظایف دینی خود اشتغال دارند.

### از جمله آثار ایشان می توان به:

1- ترجمه و شرح اخبار اهل بیت علیهم السلام در چند دفتر.

2- دیوان اشعار.

3- مسالک الحج [در مناسک حج]، در سال 1363 ش در 144 صفحه جیبی به چاپ رسید.

منبع

1- شرح حال فوق در تاریخ عصر روز یکشنبه 27/ محرم 1419/ ق مطابق با 3/ خرداد/ 1377 از زبان علامه شیخ ابو محمد آیتی در منزل ایشان در تهران یادداشت گردید.

### سید حسن استادزاده مازندرانی

(1314-1399 ق)

سید حسن استادزاده فرزند آیت الله سید احمد استاد، از علما و بزرگان مازندران بود.

معظم له در سال 1314 قمری پا به عرصه گیتی نهاد و در خاندان علم و معنویت پرورش یافت.

آن بزرگوار دروس مقدماتی را در بابل از محضر پدر ارجمندش و علمای بزرگ بابل و اساتید نامدار عصر، چون: شیخ علی علامه مازندرانی، سید ابراهیم ثاقبی و

ص: 511

شیخ محسن شریف طبرستانی فراگرفت.

در گنجینه دانشمندان وی را از شاگردان: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سید محمد تقی خوانساری، شمرده است.

سپس راهی نجف اشرف شد و سالهایی طولانی از ستارگان فروزنده و پرفروغ آسمان فقاہت چون آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، سید ابو تراب خوانساری، سید محمد کاظم خلخالی و سید محمد رضا مرعشی رفسنجانی توشه های فراوان گرفت و به خوشه چینی و با اخذ اجازه از اساتید مزبور، راهی بابل گشت.

آن بزرگوار پس از ورود به بابل با تکیه بر کرسی تدریس در مدرسه صدر به تربیت طلاب و فضلا همت گماشت و بعد از پدر بزرگوارش، در «مسجد استاد» عهده دار امامت گردید و به ترویج و تبلیغ احکام و معارف مذهب حقه جعفری پرداخت و در اواخر عمر مبارکش به پیشنهاد آیت الله شیخ جلال الدین علامه از امامت مسجد استاد دست کشید و در مسجد جامع به اقامه جماعت پرداختند.

وی مردی متواضع و عالمی بی تکبر و در نهایت قناعت و مناعت طبع و سادگی زندگی می کرد و زهد و ساده زیستی الگوی کاملی برای سایر مؤمنین بوده است.

ایشان مانند پدر بزرگوارش در سن 85 سالگی در سال 1399 قمری، بعد از عمری پرتلاش در راه تبلیغ و ترویج احکام و معارف دین مبین اسلام و خدمات فراوان اجتماعی، دار فانی را وداع گفت و به دیار ابدی شتافت.

پیکرش بنا بر وصیت خودشان، به شهر مقدس قم منتقل و در قبرستان باغ بهشت-در سالنی که مقابل سالن مقبره العلماء است-به خاک سپرده شد.

منابع

1- آثار الحجّه 220/2.

2- آشنائی با فرزندگان بابل 314.

3- گنجینه دانشمندان 166/3.

ص: 512

(1302-1375 ق)

سید حسن فرزند آیت الله سید ابو القاسم و نوه سید معصوم اشکوری، از سادات حسینی «میر» است.

وی در سال 1302 ق در نجف اشرف متولد گردید.

پدرش از جمله فقهای نجف اشرف بود و تحصیلات عالی خود را نزد آیت الله میرزا حبیب الله رشتی گذرانید. از جمله آثار قلمی اش: 1- بغیه الطالب فی شرح المکاسب 2- جواهر العقول فی شرح فرائد الاصول 3- تقریرات علامه رشتی. سید ابو القاسم اشکوری در سال 1325 ق در نجف اشرف درگذشت. شرح حالش در کتابهای تراجم آمده است.

سید حسن اشکوری مقدمات را در زادگاه خود فراگرفت و سپس نزد بزرگان به تحصیل پرداخت، و عمدتاً فقه و اصول را نزد ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی تلمذ نمود.

در سالهای 1325 ق پس از فوت پدرش به زیارت مشهد مقدس مشرف گردید، و دو سال در ایران اقامت گزید و به اقامه جماعت و هدایت مشغول گردید.

در سال 1327 ق مجدداً به نجف اشرف بازگشت، و مدت چهار سال به ادامه تحصیل مشغول و مدارج عالییه را طی نمود. و در سال 1331 ق در تهران سکونت نمود، به تدریس مشغول گردید.

نامبرده مقارن قیام میرزا کوچک خان به گیلان مهاجرت نمود، و در رشت سکونت اختیار کرد. و از نهضت جنگلیان حمایت تام نمود (مجمع علما و روحانیون) را در گیلان پایه گذاری کرد.

در نهضت ملی شدن نفت به حمایت از آن پرداخت، و اعلامیه و فتوایی صادر نمود.

اشکوری سرانجام در روز شنبه 3 ربیع الثانی 1375/ ق مطابق با 27 آبان/ 1334 ش در پی بیماری در رشت وفات، و جنازه اش را به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ با کد (5940) به خاک سپرده شد.

1- دیوان اشعار فارسی به نام (آذرکده حسینی)، که حاوی مدایح و مرثی‌های حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت گرامیش علیهم السلام که به چاپ رسیده است.

2- تقریرات درس خراسانی.

3- حاشیه بر کفایه الاصول.

4- اصول منظوم، نظم یک دوره اصول فقه که به زبان عربی است.

5- فوائد شریفه و فرائد لطیفه.

منابع

1- بزرگان تنکابن 81.

2- دایره‌المعارف تشیع 203/2.

3- مقدمه آذرکده، به قلم سید ابو القاسم اشکوری.

4- نامها و نامدارهای گیلان.

**میرزا حسن انصاری**

(ح 1325-1417 ق)

میرزا حسن فرزند شیخ عبدالحسین انصاری محلاتی، از دانشمندان و پارسایان معروف حوزه علمیه قم بود.

وی در حدود سال 1325 ق در محلات متولد گردید.

انصاری در سن جوانی به قم رفت و ادبیات را نزد میرزا محمد علی ادیب تهرانی، شرح لمعه را نزد آخوند ملا علی همدانی و سطح را نزد شیخ ابو القاسم قمی «کبیر» و سید محمد رضا گلپایگانی فراگرفت. درس خارج را از محضر آیات:

حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد

ص: 514

تقی خوانساری و میرزا محمد فیض قمی و پس از ورود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم از محضرش نیز استفاده نمود.

منابع

1- آثار الحجه 347/2.

2- آینه دانشوران 367.

3- اطلاعات متفرقه

4- گنجینه دانشمندان 80/2.

### سید حسن انگجی تبریزی

#### اشاره

(1314-1401 ق)

حاج سید حسن فرزند آیه الله سید ابو الحسن انگجی و نوه سید محمد شیخ الشریعه حسینی تبریزی، از علما و بزرگان معاصر بود.

وی در سال 1314 ق در تبریز دیده به جهان گشود.

#### در حوزه های تبریز و قم

انگجی پس از طی مقدمات، سطوح را از محضر آیات: پدر ارجمند خود و میرزا صادق تبریزی در تبریز تلمذ کرد. آن گاه به قم مهاجرت کرد، و سایر کتب سطح را نزد میرزا محمد همدانی به انجام رسانید. سپس دروس عالی حوزه را نزد آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سید محمد حجت کوه کمری طی نمود، و به زادگاه خود مراجعت کرد، و به انجام وظایف دینی از قبیل، اقامه

ص: 515

## از آثار او

الإنصاف فی حذف الأنصاف (در مسأله کَر).

## درگذشت

ایشان در سالهای آخر عمر به کسالت قلبی مبتلا شد، و یک ماه قبل از مرگ بر اثر سکتۀ مغزی در بیمارستان هلال احمر (مرکز پزشکی سینا) در تبریز بستری گردید.

سرانجام صبح روز دوشنبه 14 صفر 1401/ ق مطابق با اول/دی/ 1359 ش در سن 87 سالگی در تبریز درگذشت، و جنازه اش به قم و پس از تشییع باشکوه در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

منابع

1- اظهارات علامه سید علی انگجی (مقیم تهران).

2- گنجینه دانشمندان 3/203.

## میرزا حسن تیلی شبستری

## اشاره

(1324-1406 ق)

حاج میرزا حسن فرزند حجه الاسلام شیخ علی «معین الشرع» تیلی تبریزی «خاکی»، از فضلا و ملازمان آیت الله سید محمد حجت کوه کمری در قم بود.

پدرش «معین الشرع» از شاگردان آیت الله سید ابو الحسن انگجی در تبریز، و از علمای تیل و حومه بود.

او در سال 1324 ق در روستای «تیل» از توابع شبستر- استان آذربایجان شرقی- دیده به جهان گشود.

ص: 516

## هجرت به حوزه های تبریز و قم

ایشان پس از طی مقدمات، به تبریز رفت، و از محضر آیات: سید ابو الحسن انگجی و سید محمد مولانا تبریزی دروس سطح را تلمذ کرد، آن گاه در سال 1349 ق همراه با آیت الله سید محمد حجت کوه کمری به قم مهاجرت کرد، و سایر دروس سطح را نزد میرزا محمد همدانی به انجام رسانید.

ایشان از تاریخ مزبور مرتباً در مباحثات فقهی و اصولی و رجالی آیت الله حجت شرکت داشت، و در سایر سفرها ملازم آن مرحوم و در واقع محرم اسرار و از خصیصین او بود.

پس از ارتحال استادش حجت در درس آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی شرکت جست، و پس از ارتحال آن بزرگوار به جرگه اصحاب خاص آیت الله سید کاظم شریعتمداری پیوست.

## سجایای اخلاقی

مرحوم تیلی، اوقات خود را با مطالعه و گاهی تدریس سطح می گذرانید، و از خصوصیات بارز او علاقه شدید به اهل بیت علیهم السلام بود، جلسات هفتگی در شبهای جمعه در منزل خود منعقد می ساخت، و در حقیقت یکی از جلسات مهم علمی به شمار می رفت.

## از آثار او

تقریرات درس آیت الله حجت.

تیلی در روز پنجشنبه 3 جمادی ثانی 1406/ ق مطابق با 24 بهمن 1364 ش در سن 82 سالگی درگذشت. پیکرش در قبرستان ابو حسین قم به خاک سپرده شد.

منابع

1- آثار الحججه 90/2.

ص: 517

2- آینه دانشوران 370.

3- اظهارات استاد شیخ محمد کاشفی تبریزی.

4- گنجینه دانشمندان 106/2.

## سید حسن حجت کوه کمری

### اشاره

(1341-1410 ق)

حاج سید حسن فرزند آیت الله سید محمد حجت و نوه علامه سید علی حسینی کوه کمری تبریزی. وی به سال 1341 ق مطابق با 1301 ش در نجف اشرف دیده به جهان گشود (محل ولادتش را به نگارنده اظهار کرد).

### تحصیل و هجرت به قم

ایشان در سن کودکی همراه پدر خود به تبریز رفت، و خوشنویسی را نزد میرزا طاهر خوشنویس و میرزا حسن خوشنویس آموخت. در سال 1349 ق نیز همراه پدرش به قم رفت، و سایر مقدمات و سطوح را نزد اساتیدی چون: میرزا حسین تبریزی (نظری)، سید حسین هشترودی، شیخ نعمت الله مهدوی قزوینی، سید مرتضی ابروانی، سید احمد لواسانی و سید احمد زنجانی تلمذ کرد.

دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات: پدرش، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی استفاده نمود، و خود به تدریس پرداخت.

وی دارای اجازاتی است از آیات: شیخ ضیاء الدین عراقی، سید ابو الحسن

ص: 518



اصفهانى، شيخ عبد النبى عراقى، سيد محسن طباطبائى حكيم، سيد ابو القاسم خوئى، سيد شهاب الدين مرعشى بود و پدرش سيد محمد حجت بود.

## از آثار او

- 1- ارشاد المؤمنین.
- 2- اقرار المريض و منجزاته.
- 3- تقریرات اصولی حجت.
- 4- تقریرات فقهی حجت.
- 5- توضیح المسائل.
- 6- دلایل الولایه.
- 7- مرآه الحقائق، در چند جلد.
- 8- مستند العروه، در چند جلد.
- 9- مناسک جامع و کامل حج.

## شيخ حسن حرم پناهی قمی

### اشاره

(1280-1347 ق)

شيخ حسن فرزند آیت الله شيخ حسين و نوه حبيب الله قمی (حرم پناهی)، از علمای بزرگ عصر خود و زهاد و عباد برجسته بشمار می رفت.

در سال 1280 ق در قم متولد گردید.

## تحصیل در حوزه های علمیه

وی مقدمات را در زادگاهش آموخت سپس به تهران رفت، و از محضر آیت الله ملا علی کنی استفاده نمود، و از آنجا به سامرا هجرت و

مدت زمانی از محضر آیت الله میرزا محمد عسکری تهرانی دروس سطح تلمذ کرد، و سرانجام جهت

ص: 519

دیدن دوره خارج به دارالسلام نجف اشرف عزیمت و از محضر آیاتی چون: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و سید محمد فیروزآبادی یزدی بهره مند گردید.

### مراجعت به قم

او در سال 1321 ق به قم مراجعت کرده، و پس از رحلت پدر خود به جای ایشان اقامه جماعت و حل و فصل امور و رسیدگی به کارها نمود.

وی، مردی با شخصیت و علاوه بر تسلطشان در فقه و اصول، جامع معقول و منقول، و ذوفنون مختلف، و دارای ریاست تامه و نفوذ کلمه بود.

در الاجازه الکبیره آمده است که: تعلیقه ای بر متاجر شیخ انصاری داشته است.

### درگذشت و اعقاب

وی در جمادی ثانی 1347/ق مطابق با سال 1307 ش به سن 67 سالگی در قم درگذشت، و در کنار پدرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک رفت.

فرزندانش: 1- شیخ حسین 2- شیخ مهدی 3- شیخ علی 4- آقا تقی.

منابع

1- الاجازه الکبیره 43 (شهرت «فاضل» از آن شخص دیگری می باشد).

2- گنجینه دانشمندان 134/2.

3- نقباء البشر 369/1 (تاریخ تولدش اشتباه ذکر شده است).

4- اطلاعاتی از نواده اش علامه شیخ محسن حرم پناهی.

شیخ حسن حسام الاسلام رشتی «دانشی»

### اشاره

(1265-1346 ق)

شیخ حسن فرزند ملا اسماعیل رشتی، متخلص به «دانش». از دانشمندان و بزرگان علمی و سیاسی عصر قاجاریه و از شعرا و متکلمان سده  
13 و 14 هجری

ص: 520

است که از طرف ناصر الدین شاه قاجار به «حسام الاسلام» ملقب گردید.

شیخ حسن در سال 1265 ق در شهر رشت دیده به جهان گشود.

## تحصیلات عالی

او مقدمات را در زادگاهش آموخت و سطح را در قم و تهران به انجام رساند. سپس به عتبات عالیات هجرت نمود و در کربلا از محضر آیت الله شیخ حسین فاضل اردکانی، و در نجف اشرف از محضر آیات: میرزا حبیب الله رشتی و ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ محمد علی مدرس چهاردهی استفاده های فقهی و اصولی برد، و پس از چند سال اقامت به وطن خویش مراجعت نمود، و به ارشاد و تبلیغ همت گماشت.

ایشان در نخستین دوره مجلس شورای ملی (1285 ش مطابق با 1324 ق) از طرف مردم رشت انتخاب و روانه تهران شد، و در نهضت مشروطیت (1326 ق) همراه با سایر نمایندگان مجلس هنگام به توپ بستن آن، از آزادی خواهی دفاع نمود.

## شخصیت علمی و اجتماعی

درباره علم و دانش این شخصیت برجسته، ابراهیم فخرائی چنین می نویسد:

دانشمندی که قدرت بیان و برندگی کلامش حقیقتاً کار شمشیر می نمود. به تفسیر آیات قرآن احاطه و تسلط داشت، و در دانش اسلامی کم نظیر بود. در ایام رمضان در مسجد «آفرا»ی رشت وعظ می نمود، و مستمعین را به حقایق اسلامی آگاه می ساخت.

ملائی بود درویش مسلک و از مشایخ سلسله ذهبی، قناعت پیشه و متوکل که هیچ گاه از وضع موجودش شکایت نمی کرد. در دوره اول مشروطیت ایران از «رشت» به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید. مردی خوش محضر و طنزگو بود، که گفتارهایش را با تمثیلات و حکایات شیرین چاشنی می ساخت. در پیش آمد انتقال سلطنت از خاندان قاجار به پهلوی از او خواستند در میتینگ عمومی رشت سخنرانی کند، او چنان ماهرانه ادای مطلب نمود که همه مستمعین

ص: 521

را به تحسین و تمجید وا داشت. مثلی آورد راجع به پارو شدن بیل آن مرد دهقانی که آرزوی دیدار حضرت خضر علیه السلام را داشت:

مرد دهقانی پس از سالها انتظار به مردی در مزرعه برخورد کرد که به او سلام داد، و حال و احوالش را پرسید، و بیل را از دستش گرفته در آب دادن مزرعه به او کمک کرد، و چون دید مرد دهقانی حرفی نمی زند و چیزی از او نمی خواهد، بعد از آنکه از کمک به او فراغت یافت بیل را به دست صاحبش داده خود پی کار خویش رفت. صاحب بیل وقتی به خود آمد که دید بیلی که در دست دارد پارو شده است.

حسام الاسلام از این مثل نتیجه گرفت که: فاجاریه بیل مردم ایران را پارو کرده و نگذارند که تیزی بیل علم و معرفت، در زمین خشک جهل و شوره زار این سرزمین فرورود.

از سید حسن تقی زاده که با حضور دانش سخن می گفت، شنیدم که در دوره اول مجلس: بیانات حسام الاسلام در مجلس علنی و همچنین در کمیسیون مالیه که افتخار همکاری یکدیگر را داشتیم، در مورد کسانی که مستمری و پول مفت از خزانه می گرفتند و ما قطعشان می کردیم، آن قدر شیرین و دلنشین بود که از شنیدنش لذت می بردیم و محظوظ می شدیم.

## آثار قلمی

1- تقریرات میرزا حبیب الله رشتی.

2- دیوان اشعار، که در سال 1325 ش به همت دکتر هادی جلوه چاپ شد.

3- ریاحین الاشراف فی بساتین الاذواق، در دیوان مذکور این کتاب را از تألیفات آن مرحوم در دو جلد ذکر گردیده است.

دانش، در ربیع الثانی 1346/ ق مطابق با آذر 1306/ ش در سن 81 سالگی رخت از جهان بر بست و در صحن حضرت معصومه علیها السلام قم مدفون گردید.

غزلی از او در زیر ثبت می گردد:

ص: 522

تا من از زلف پریشانانت پریشان روزگارم  
چون پریشان زلف تو جانا پریشان است کارم  
از یسار و از یمین چون یاسمین افتان و خیزان  
زان شدم کامد خیالت از یمین و از یسارم  
کاش باد صبحگاهی بودمی، تا خود زمانی  
بر سر زلف پریشان تو افتادی گذارم  
هرکه را سالی سه مه باشد بهار و من ز رویت  
هر مهی صد قرن پنداری قرین نو بهارم  
خواستم نقش خوشی بر دل نگارم تا بماند  
در جهان نقشی ندیدم بهتر از نقش نگارم  
تا که عقلم بود اول داشتم روز سپیدی  
آخر از عشق سیه چشمان سیه شد روزگارم  
من که از صد خوشه و خرمن گذشتم با سلامت  
ای همایون دام، از یک دانه چون کردی شکارم؟  
با خیالت ای خیالت عاشقان را راحت جان  
گر به گرداب اندرم آسوده چون مرد کنارم  
پایدارم در هوایت هرچه پیش آید خوش آید  
هیچ ندیشم اگر عشقت کشد تا پای دارم  
مزرع «دانش» تباه آمد ز سوز هجر یاری  
آخر ای باران رحمت ریزشی بر کشتزارم

1-تاریخ روابط ایران و عراق 366.

2-تاریخ علماء و شعرای گیلان 132.

3-گیلان در قلمرو شعر و ادب 126.

ص:523



4- مؤلفین کتب چاپی 515/2.

5- نامها و نامدارهای گیلان 134 (تولدش را در نجف اشرف دانسته است).

6- نقباء البشر 368/1.

7- نمایندگان مجلس شورای ملی 318.

**شیخ حسن خاتمی بروجردی**

**اشاره**

(1289-1373 ق)

حاج شیخ حسن کمره ای خاتمی فرزند حاج محمد بروجردی، از علمای اعلام که در علم و عمل و تقوی و ورع مشهور بود.

وی در سال 1289 ق در روستای «کمره ای علیا» از توابع بروجرد متولد شد.

خاتمی پس از وصول به حدّ تمیز (در سن هفت سالگی) همراه پدر خود به بروجرد منتقل شد و به تحصیل علوم اسلامی مشغول و ذخائر علمی را از اساتید ناموری استفاده کرد، سطوح اولیه را از شیخ محمد ابراهیم بروجردی فراگرفت و پس از درگذشت این استاد به اصفهان رفت، و از اساتید بزرگواری مانند: سید محمد باقر درچه ای در مدرسه نیماورد استفاده نمود، و سپس به نجف اشرف عزیمت نمود و از محضر آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی بهره ور شد، تا به درجات سامیه ای از علم و فضیلت رسید و به وطن خود بروجرد برگشت، و در حوزه درس آیت الله شیخ محمد حسین غروی شرکت نمود. نامبرده پس از درگذشت آن مرحوم از

ص: 524

اصحاب حوزه درس آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی شد، و ضمناً به تدریس و افاضه و اقامه جماعت می پرداخت. وی علاوه بر مقامات علمی، دارای مکارم نفسانی و سجایای کریمه اخلاقی نیز بود.

ایشان در سال 1373 ق در بروجرد درگذشت، و پیکرش به قم حمل و در قبرستان شیخان دفن شد. از او فرزندان صالح و با فضیلت به جای ماندند که عبارتند از:

شیخ هادی خاتمی بروجردی

شیخ محمد رضا خاتمی بروجردی

1- حجه الاسلام و المسلمین شیخ محمد رضا خاتمی، متولد سال 1342 ق در بروجرد. وی از شاگردان آیت الله بروجردی بود و در شهر ری سکونت داشت.

2- آقا مهدی 3- آقا موسی.

4- سخنور توانا حجه الاسلام شیخ هادی خاتمی، متولد سال 1355 ق مطابق با 1315 ش در بروجرد.

هادی در دامان علم و فضیلت پرورش یافت و تحصیلات مقدماتی را نزد پدر

ص: 525

ارجمند خود و شیخ محمد تقی مطهری در بروجرد به پایان رساند. در حدود سال 1340 ش رهسپار حوزه علمیه قم شد و سطح را نزد سید محمد باقر طباطبائی سلطانی و شیخ جعفر سبحانی تلمذ کرد و مدتی در درس خارج آیت الله سید شهاب الدین مرعشی شرکت جست. او پس از پانزده سال توقف در قم به مشهد مقدس عزیمت نمود و از آیت الله سید عبد الله شیرازی بهره مند شد. در ضمن مشغول تحصیلات دانشگاهی گردید و به تدریس نیز اهتمام ورزید.

ایشان در دوره های چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده مردم بروجرد در مجلس حضور داشت و نیز عضو کمیسیون فرهنگ و ارشاد و هنر اسلامی مجلس شورا بود.

## از آثار او:

1- تاریخ تمدن اسلام و عرب (نقد و تحلیل)، 1368 ش، انتشارات کتابخانه صدر تهران، 2- شرح بر نهج البلاغه، 3- شرح حال پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، در سه جلد.

شیخ محمد تقی مطهری بروجردی

وی در (چهارشنبه شب پنجشنبه) / 28 ربیع الثانی 1420 / مطابق با 20 مرداد 1378 ش بر اثر سکته قلبی به علت عارضه قلبی در بیمارستان شریعتی بروجرد دارفانی را وداع گفت.

پیکرش روز جمعه از مسجد جامع شهر تشییع و در قبرستان عمومی همان جا به خاک سپرده شد.

5- آقا محمد علی، استاد دانشگاه آزاد کرج است.

6- حجه الاسلام شیخ محمد تقی، که ساکن قم بود.

ص: 526

و سید محمد رضا موسوی خرم آبادی (ساکن شهر ری بود) و آیت الله شیخ محمد تقی مطهری بروجردی، از علما و اساتید توانای حوزه بروجرد دامادهای ایشان می باشند.

منابع

1- اطلاعاتی از شیخ محمد تقی مطهری (دام مجده).

2- تاریخ بروجرد 564/2.

3- گنجینه دانشمندان 193/3.

**شیخ حسن رازینی همدانی**

**اشاره**

(1315-1402 ق)

میرزا حسن فرزند حاج رجبعلی رازینی همدانی، در سال 1315 ق در روستای «رازین» از توابع بخش قروه در جزین-استان همدان- دیده به جهان گشود.

**آغاز تحصیل**

وی دوران کودکی را در زادگاهش طی نمود، سپس به فارسجین همدان رفت و در محضر آیت الله شیخ مقیم زنجانی به تحصیل پرداخت، آنگاه مراحل بعدی دروس حوزوی را در شهر همدان ادامه داد.

**هجرت به قم**

در سال 1341 ق به قم مهاجرت کرد، و سطوح را از محضر آیات: سید علی یشربی

ص: 527

کاشانی، سید محمد تقی خوانساری و میرزا محمد قمی (کبیر) تلمذ کرد و خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و میرزا محمد فیض قمی استفاده نمود.

### مراجعت به همدان

ایشان در سال 1351 ق جهت امر تدریس در مدرسه آخوند همدان به آنجا عزیمت کرد، و در ضمن به ارشاد و هدایت و اقامه جماعت همت گماشت، و چند سالی هم در شاهنجرین به خدمت اشتغال داشت و در سال 1390 ق به قم مراجعت کرد و تا آخر عمر همان جا زیست.

### درگذشت و اعقاب

وی در سال 1402 ق مطابق با 1361 ش در قم درگذشت، و در قبرستان وادی السلام خاکفرج به خاک سپرده شد.

فرزندانش حضرات آقایان: 1- میرزا محمد 2- میرزا ابو القاسم (متوفای 1418 ق در قم و در قبرستان ابو حسین مدفون شد، او از شاگردان آیت الله بروجردی بود) 3- میرزا محمود 4- میرزا علیرضا.

منابع

1- آثار الحجّه 386/2.

2- آینه دانشوران 358.

3- روزنامه جمهوری اسلامی، به تاریخ 15 آذر 1375/ش، صفحه 10.

4- گنجینه دانشمندان 155/2.

### میرزا حسن رسولی آذرشهری

### اشاره

(1332-1415 ق)

حاج شیخ حسن فرزند آیت الله میرزا یوسف گاوگانی آذرشهری معروف به «رسولی»، از علمای برجسته آذرشهر بود.

ص: 528

در سال 1332 ق مطابق با 1292 ش در قصبه (گاوغان) آذرشهر دیده به جهان گشود.

و در دامن پدری دانشمند (از شاگردان آیت الله شیخ محمد حسن مامقانی در نجف) پرورش یافت. و پس از آموختن مقدمات در سن 14 سالگی به تبریز رفت، و در (مدرسه صادقیه) به تحصیل سطوح و سایر علوم اسلامی پرداخت.

در سال 1356 ق به قم مهاجرت و بقیه سطوح را نزد آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، و میرزا محمد مجاهدی تبریزی تلمذ کرد. و خارج فقه و اصول را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید صدر الدین صدر، سید محمد تقی خوانساری و میرزا محمد فیض قمی استفاده نمود، و از سایر اساتید خود و علمای عتبات عالیات موفق به دریافت اجازات علمی و روایتی گردید.

در سال 1365 ق بنا بر تقاضای اهالی محل به قصد گاوغان عزیمت نمود، و مدت 2 سال به ترویج و تبلیغ پرداخت. و در اثر خدمات چشمگیر وی اهالی آذرشهر وی را استقبال و از صفر 1367/ ق در آذرشهر اقامت نمود، و به سایر خدمات دینی اشتغال ورزید.

### از آثار او:

1- کلید نظم بشر.

2- لمعه النور فی تفسیر آیه النور.

ص: 529

او در روز چهارشنبه 10 صفر 1415/ ق مطابق با 29 تیر 1373/ ش به سن 83 سالگی در تهران درگذشت، و جسدش صبح روز پنجشنبه در قم تشییع و در قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

منابع

1- گنجینه دانشمندان 28/3.

2- مؤلفین کتب چاپی 668/2.

**میرزا حسن رشدیّه تبریزی**

**اشاره**

(1267-1363 ق)

حاج میرزا حسن رشدیّه فرزند ملا مهدی تبریزی، در روز جمعه پنجم/رمضان 1367/ قمری در محله (چرنداب) تبریز متولد شد.

**تحصیلات دینی و جدید**

تحصیلات ابتدایی خود را در مکتبخانه های قدیمی تبریز و نزد پدرش به پایان رساند، و علوم دینی را نزد پدر و سایر روحانیون آموخت. بیست و دو ساله بود که پیشنهاد یکی از مساجد دورافتاده تبریز شد، و پس از مدتی برای بررسی وضعیت نظام آموزشی در سال 1298 ق وارد یکی از مدارس بیروت شد و تحت نظر معلمان تربیت یافته فرانسوی، به فراگرفتن اصول تعلیم، و آشنایی با طرز تعلیمات جدید پرداخت و دو سال سرگرم این آموزش بود.

**تأسیس مدارس جدید**

در حدود سال 1300 قمری، از بیروت به اسلامبول رفت و از آنجا راهی ایروان شد تا به کمک برادر مادری اش (حاج آخوند) برای ایرانیان مقیم ایروان مدرسه ای تأسیس کند. در ایروان مدرسه ای با تشکیلات جدید آموزشی تأسیس کرد که مدت

ص: 530

چهار سال این مدرسه دایر بود. وی ضمن آموزش، از نظام آموزشی روسیه نیز بهره برده و مدرسه رشديه از طرف مسلمانان ايروان مورد استقبال قرار گرفت و زمانی که ناصر الدین شاه از سفر فرنگستان به ایران می آمد، در ایروان از آن مدرسه بازدید کرد و ظاهراً تمایل نشان داد که آن را به تبریز منتقل کند. ولی مغرضین و مخالفین مانع شدند و چون رشديه به امید کمک شاه مدرسه خود را در ایروان تعطیل کرد، دوباره اجازه باز کردن مدرسه را به او ندادند.

### تأسیس مدارس در تبریز

پس از ورود شاه به تهران در اثر اقدامات بعضی از خیراندیشان رشديه اجازه یافت که در تبریز مدرسه ای باز کند. از این رو به سال 1305 قمری، نخستین مدرسه ابتدایی عمومی را در محله «خیابان» تبریز تأسیس کرد. عمر این مدرسه یک سال بیشتر نبود؛ زیرا پیشنهاد محله «رئیس السادات»، کمک به آن را حرام شمرد و مردم را وادار به بستن آن کرد و اجازه نداد کسی خانه برای مدرسه اجاره دهد، و همچنین مهدور الدم بودن رشديه را نیز اعلام کرد.

به همین جهت شبانه به مشهد فرار کرد و پس از شش ماه به علت مرگ رئیس السادات به تبریز مراجعت کرد. این بار در محله «بازار» مدرسه ای دایر کرد که دارای سیصد و چند شاگرد بود؛ ولی عمر این مدرسه نیز فقط یک سال تحصیلی بود و این مدرسه نیز مورد اعتراض و حمله طلاب علوم دینی ساکن (مدرسه صادقیه) قرار گرفت. رشديه بار دیگر نیز ناچار از راه روسیه عازم مشهد شد. پس از چند ماه به تبریز مراجعت و در محله خودش «چرنداب» با اطفال فقرا و درویش مدرسه را دایر کرد. شمار شاگردانش به سیصد و هفتاد و چند و شمار معلمان به دوازده رسیده بود، که این مدرسه نیز مورد اعتراض بعضی از روحانیون قرار گرفت.

رشديه ناچار بار دیگر مدرسه را تعطیل و به مشهد عزیمت کرد. پس از شش ماه مجدداً به تبریز بازگشت و این بار در محله «نوبر» مدرسه را علم کرد؛ ولی باز هم



این مدرسه دچار سرنوشت مدارس قبلی شد و بازهم شبانه به مشهد گریخت، و پس از چند ماه به تبریز مراجعت و مجدداً در محله «بازار» برای بار پنجم مدرسه را دایر کرد، کارش بر اثر استقبال مردم بالا گرفت. مدرسه در دو حیاط مجاور و دارای چهارصد و هفتاد و چند شاگرد بود.

رجاله‌ها ریختند و مدرسه را غارت، و یک کودک از بالای پله‌ها پرتاب کردند و کشتند و غوغایی سخت بر پا کردند. خیراندیشان رشیدیّه را از معرکه نجات دادند؛ به مشهد گریخت و در آنجا مدرسه بسیار منظمی دایر کرد. اما چندی نگذشت که این مدرسه نیز به سرنوشت مدرسه‌های تبریز دچار شد، و با حمله اوباش و غارت و کتک زدن مفصل رشیدیّه قضیه فیصله یافت و مدرسه تعطیل شد.

از مشهد به تبریز بازگشت و به کار کشاورزی پرداخت و پس از آباد کردن و فروختن قطعه‌ای زمین که متعلق به وی بود، اقدام به تعمیر و بازسازی مدرسه‌ای مخروبه کرد که این امر مورد حمایت مظفر الدین میرزا ولیعهد و علمای نجف واقع شد؛ ولی این مدرسه هم با بیل و کلنگ به خرابه مبدل شد و باز رشیدیّه به مشهد گریخت، و باز پس از چند ماه به تبریز بازگشت و مدرسه را دایر کرد.

هنگامی که امین الدوله به صدارت رسید، با آشنایی قبلی که از رشیدیّه داشت، او را به تهران دعوت و تشویق به تأسیس مدرسه در تهران کرد. رشیدیّه در سال 1315 قمری، اولین مدرسه‌اش را در تهران در (باغ کربلایی عباسعلی) افتتاح کرد.

این مدرسه مورد حمایت امین الدوله صدر اعظم بود و از طرف دولت مقرر ماهانه داشت. با روی کار آمدن علی اصغر خان اتابک، دشمن سیاسی امین الدوله مقرر ماهانه مدرسه رشیدیّه قطع شد و بندوبست‌های سیاسی نزدیک بود مدرسه را به تعطیل بکشاند. چون رشیدیّه و پیروان وی طرفداران امین الدوله بودند، بالتبع دشمن اتابک خوانده شدند و سخت در معرض خطر قرار گرفتند.

روحانی روشن‌فکر آن زمان آیت الله شیخ هادی نجم‌آبادی از رشیدیّه حمایت کرد؛ ولی بالاخره رشیدیّه مجبور شد در سال 1319 ق تهران را به قصد حج ترک کند.

در غیاب رشدیّه، آقا شیخ هادی سرپرستی مدرسه را به عهده گرفت و مقرری شاگردان آن را مرتب پرداخت. با بازگشت رشدیّه از حج، مجدداً تحریکات سیاسی طرفداران اتابک علیه او شروع شد و او مجبور شد به خاطر اینکه به جرم پخش شب نامه دستگیر نشود، به قم برود و بست بنشیند. پس از چند ماه مظفر الدین شاه تلگرافی از او خواست تا به تهران باز گردد و به امور مدرسه رسیدگی کند. رشدیّه به تهران آمد و مجدداً به فعالیت سیاسی و نوشتن شب نامه و اعلامیه علیه اتابک پرداخت، تا اینکه این بار هم مورد غضب صدر اعظم واقع شد و وی تصمیم به تبعید رشدیّه گرفت؛ اما او پیشدستی کرد و با توجه به نزدیک شدن جشن پایان سال تحصیلی مدرسه، عریضه ای به این مضمون به شاه نوشت:

### نامه رشدیّه به مظفر الدین شاه

«آستان فلک پاسبان خدایگان ایران و پناه ایرانیان، اعلیحضرت قدر قدرت همایون شاهنشاهی!

به شرف عرض آستان مبارک می رساند، مدرسه رشدیّه که از مآثر میمنت اشتمال همایون شاهنشاهی (ارواحنافداه) و در تحت توجهات عظمای پادشاهی تربیت گاه یک عده ایتام است، امتحانات سالیانه خود را به پایان رسانده جوئزی هم جهت شاگردان معین کرده است. چون خاطر خطیر ملوکانه همواره به رضایت فقیران و دلجویی یتیمان متعلق است، آرزوی همه خدمتگزاران چنانست که جوئز مستقیماً به دست مبارک آن پدر تاجدار «ارواحنافداه» اعطا گردد؛ ولی هنوز ایرانی را پای تمنا بدان پایه نرسیده است که از آستان قدس شاهنشاهی، چنین استدعایی کند. با عرض آستان بوسی، استدعای آن دارد که امر مطاع متبع به جناب اشرف صدر اعظم صدور یابد که از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی، به مدرسه تشریف آورده در یتیم نوازی بس البدل ذات شاهانه قرار گیرند».

شاه، نامه را خواند و در حاشیه آن چنین نوشت:

«جناب اشرف صدر اعظم‌اعلاقه ما را به محبت بر فقرا و ایتام می دانید، لازم بود خود ما توفیق این ثواب یابیم، حالا که ما را این مجال نیست، چنانکه مدیر رشديه تقاضا کرده است، از جانب ما به مدرسه بروید و جوایز شاگردان را به دست خودتان بدهید، و یتیمان را بسیار محبت کنید».

### نامه ای دیگر

علی اصغر خان اتابک که متوجه موضوع شده بود، دفع الوقت می کند و از این دستور شاه سرباز می زند. رشديه بار دیگر به شاه می نویسد:

«به شرف عرض خاکپای جواهر آسای همایونی می رساند حضرت اشرف اتابک اعظم به علت تراکم کارهای دولتی، تشریف فرمایی خود را به مدرسه به بعد از عید محول فرموده اند. چون در نظر ما مکتبیان شغلی مقدس تر از تعلیم و فریضه ای مهمتر از نوازش یتیمان نیست، استدعا از آستان مبارک آنکه امر همایونی چنین شرف صدور یابد که اتابک اعظم امروز عصر به مدرسه تشریف آورده، جوایز را به نام نامی اعلیحضرت همایونی به شاگردان اعطا فرمایند، و این خدمتگزار و اعضای مدرسه رشديه را، که همه پروانه شمع وجود شاهنشاهی هستند، مفتخر و سرافراز سازند».

مظفر الدین شاه که از داستان خصومت اتابک با رشديه آگاه بود و اوضاع و احوال را نیک می دانست، در حاشیه نامه رشديه نوشت: «جناب اشرف صدر اعظم دلجویی یتیمان در نظر ما بر هر چیزی مقدم است. امروز عصر به مدرسه بروید و جوایز را از جانب ما توزیع کنید و اعضای مدرسه را از مدیر و معلمین به عنایات ما امیدوار گردانید، و یتیمان را بسیار بسیار محبت کنید».

اتابک ناگزیر امر شاه را اطاعت کرد و همان روز عصر به مدرسه رفت. این امر هم باعث تأمین امنیت رشديه و هم تبلیغ خوبی برای مدرسه شد. از فردای آن روز اعیان و اشراف تهران که تا حال از ترس، بچه های خود را به مدرسه نمی آوردند به مدرسه سرازیر شدند. رشديه مجدداً فعالیتهای سیاسی خود را علیه اتابک ادامه

داد و با تشکیل جلساتی در مدرسه به انتقاد از اتابک پرداخت. یک بار در راه خانه اش مورد سوءقصد واقع شد و پس از این واقعه به توصیه شیخ هادی نجم آبادی مجدداً راهی سفر حج شد. پس از بازگشت از این سفر و پیشامد مرگ نجم آبادی و مختار السلطنه، دو حامی بزرگ او و در پی آن، مرگ امین الدوله مجدداً مشکلات جدیدی در سر راهش پدید آمد.

### تلاش در راه مشروطیت

هم زمان با شکل گیری نهضت مشروطه در ایران ایشان نیز به صف مبارزان پیوست و در ابتدا با منتشر کردن مجله مصوری به نام (مکتب) در بیداری ایرانیان کوشید. شب نامه هایی علیه «عین الدوله» صدر اعظم وقت چاپ و منتشر کرد، و نسبت به انتقاد از اوضاع و احوال سیاسی کشور از هیچ کوششی فروگذاری نکرد.

سرانجام در روز جمعه 24 ربیع الثانی 1324/ق او را به اتفاق شیخ احمد مجد الاسلام کرمانی و میرزا آقا دستگیر کرده و به کلات تبعید کردند که پس از امضای فرمان مشروطیت از جانب مظفر الدین شاه، او نیز از تبعید آزاد و راهی تهران شد، و مجدداً به فعالیتهای سیاسی و فرهنگی پرداخت.

### آخرین منزل

در سال 1345 قمری به قم رفت و برای همیشه در آن شهر اقامت گزید. در قم در درس آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی حاضر شد و به فراگیری علوم دینی پرداخت. در ضمن مدرسه رشدیّه را مجاور تکیه «ملا محمود» دایر کرد و اطفالی را که اکثر فقیر و بی بضاعت بودند، دعوت کرد و مطابق میل خود دبستانی پیاداشت. علاوه بر مدیریت، کلاس اول را خود اداره می کرد. در قم در همان مدرسه، کلاس مخصوصی هم برای تدریس نابینایان دایر کرد.

سرانجام رشدیّه در روز سه شنبه 21 آذر 1323/ش خورشیدی مطابق با 25 ذی حجه 1363/ق به سن 97 سالگی در قم وفات یافت. و در قبرستان حاج

شیخ به کد(41177) به خاک سپرده شد. رشدیه را می توان پدر تعلیم و تربیت نوین و پیر معارف ایران دانست. قدمی که رشدیه در تأسیس مدارس جدید در ایران برداشت، دیگران را نیز تشویق کرد و به این کار واداشت. کار اصلی او تعلیم الفبا به شکل نوین و صورتی بود که تا آن زمان سابقه نداشت.

### **آثار بجامانده از او عبارتند از:**

- 1- بدایه التعلیم.
- 2- صد درس.
- 3- شرعیات ابتدایی.
- 4- کفایه التعلیم (2 جلد).
- 5- نهایه التعلیم (2 جلد).
- 6- صرف فارسی.
- 7- تربیه البنات.
- 8- تأدیب البنات.
- 9- اخلاق.
- 10- اصول عقاید یا اتحاد بشر.
- 11- هدایه التعلیم.
- 12- تبصره الصبیان.
- 13- المشتقات.
- 14- تنبیه الغافلین یا ارشاد الطالبین.

### **فعالیت های مطبوعاتی او:**

در سال 1319 ق روزنامه (غیرت) را همراه عده ای از دوستانش، و نیز روزنامه «لسان الغیب» را در همان سال در تهران منتشر ساختند.

مجله (مکتب) را در سال 1323 ق در تهران منتشر نمود (که در تاریخ جراید

ص: 536

مجلات ایران آن را روزنامه دانسته است).

و آخرین روزنامه ای که منتشر ساخت در سال 1326 ق به نام «تهران» در پایتخت منتشر می شد.

منابع

1- تاریخ جراید و مجلات ایران 186/3 و 59/4 و 177 و 236 و 293.

2- تاریخ فرهنگ آذربایجان 46/1 و 86/2.

3- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 77.

4- رجال قم 105.

5- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 317/3.

6- شرح حال رجال ایران 326/1.

7- فرهنگ عمید 443.

8- فرهنگ فارسی معین 592/5.

9- فهرست مجله های فارسی 108.

10- مکارم الآثار 1858/5 (تاریخ مرگش را اشتباه نوشته است).

11- مؤلفین کتب چاپی 555/2.

12-28 هزار روز تاریخ ایران و جهان، اطلاعات ضمیمه 325.

13- یادداشتهای قزوینی 185/8.

اخیرا کتابی به نام «پیر معارف، رشدیه» در شرح احوالش به قلم آقای فخر الدین رشدیه منتشر شد.

**سید حسن رضوی قمی**

**اشاره**

(ح 1283-1352)

حاج میر سید حسن فرزند میرزا عزیز اللہ و نوبہ سید حسن بن ابو الفتح رضوی قمی، و برادر شاعر معروف سید علی رضوی (قدرت) بود.

ص: 537



از علمای برجسته و فقهای سترگ ساکن تهران بود که در حدود سال 1283 ق در قم متولد گردید.

## تحصیل علم

پس از آموختن مقدمات به تهران رهسپار شد، و از محضر علامه سید عبد الکریم لاهیجی در حکمت و فلسفه بهره مند گردید، آنگاه به نجف اشرف عزیمت و از محضر آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی استفاده شایان نمود.

وی در حدود سال 1326 ق به قم بازگشت و به وظایف دینی و اجتماعی خود پرداخت. در سال 1331 ق به زیارت خانه خدا رفت و هنگام مراجعت در تهران سکونت اختیار کرد و به تدریس فقه و اصول در «مدرسه صدر» اشتغال ورزید و در همان جا نماز جماعت نیز بر پا نمود. نامبرده علاوه بر کسب اجازات علمی و روایی از اساتید خود، از حضرات آیات: میرزا محمد حسن آشتیانی و میرزا حسین نوری موفق به دریافت اجازه گردید.

## از آثار او

1- تقریرات آخوند خراسانی.

2- تقریرات شیخ الشریعه.

3- دیوان اشعار.

4- شرح علی کفایه الاصول.

ص: 538

وی در روز سه شنبه 9 ربیع الثانی 1352/ ق مطابق با 10 مرداد 1312/ ش در تهران درگذشت، و در مقبره خانوادگی خود در «ایوان آینه» صحن حضرت معصومه علیها السلام قم به خاک سپرده شد.

منابع

1-الاجازه الکبیره 44.

2-أعیان الشیعه 89/6. (وی را تحت عنوان حسین آورده که اشتباه است).

3-تاریخ قم 259.

4-رجال قم 105.

5-گنجینه دانشمندان 136/1.

6-نقباء البشر 412/1.

**شیخ حسن سعید تهرانی**

**اشاره**

(1337-1416 ق)

حاج شیخ حسن سعید تهرانی از مشهورترین عالمان تهران بود.

وی در 27 رجب 1337/ ق در تهران در بیت علم و ایمان و فضیلت زاده شد. پدرش مجتهد مشهور، حضرت آیت الله حاج میرزا عبد الله چهل ستونی تهرانی فرزند علامه شیخ آقا بزرگ فرزند میرزا ابو الحسن فرزند آیت الله حاج میرزا مسیح تهرانی استرآبادی (1193-1263 ق) بوده است.

ص: 539

او در سنین کودکی به همراه پدرش به قم مهاجرت کرد و پس از دوران کودکی و نوجوانی، به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات را فراگرفت. سپس به تهران بازگشت و در 25 سالگی به دانشگاه رفته و لیسانس معقول و منقول گرفت. در سال 1370 ق برای تکمیل دروس خود به نجف اشرف رهسپار شد و با نهایت جدیت و تلاش در درس حضرات آیات: سید محسن طباطبائی حکیم، سید ابو القاسم خوئی و شیخ حسین حلّی شرکت جست، و تقریرات دروس فقه و اصول آنان را نگاشت.

نامبرده در سال 1385 ق به تهران مراجعت کرد و ضمن امامت جماعت (مسجد جامع چهار ستون) تدریس فقه و اصول و تفسیر، وعظ و ارشاد، راهنمایی مردم به خصوص جوانان و دانشجویان، تألیف کتابهای دینی، چاپ و نشر کتابهای مذهبی، بنای مدرسه و کتابخانه و مرکز تبلیغات دینی و گنجینه قرآن کریم (مرکز گردآوری نسخه های خطی و چاپی و مترجم و کتابهای تخصصی قرآن مجید) را برعهده گرفت، و با مسلمانان دیگر کشورها ارتباط برقرار کرد و به حلّ مشکلات آنان و پاسخگویی به سؤالات ایشان و ارسال کتابهای دینی برای آنان پرداخت. فقید سعید در مقابل کژی ها و ناراستی ها سخت می ایستاد و در همین راستا به تشکیل کلاسهای مختلف عقاید و کلام برای جوانان پرداخت، و از آسایش خویش برای رفع مشکلات فکری آنان گذشت، و همواره از اساتید حوزه علمیه قم برای ایراد سخنرانی و اداره کلاسهای اعتقادی دعوت می کرد.

آن مرحوم با وجود بیماری طولانی اش از تلاش و کوشش دست برنداشت و یکسره به تألیف و تصنیف و هدایت و ارشاد پرداخت، و با سعه صدر و اخلاق خوش خود، جوانان را به اسلام جذب کرد و بسیاری را از گمراهی نجات داد. در برآوردن حوائج مردم کوشا بود و دستی بخشنده داشت.

**برخی از تألیفات چاپ شده اش عبارتند از:**

1- اصول دین.

ص: 540

- 2- الرسول صلی الله علیه و آله و سلم و الشیعه.
- 3- الرسول صلی الله علیه و آله و سلم یحدثنا.
- 4- الرسول یدعوکم.
- 5- الفقه فی تشریعه و تبینه و استنباطه.
- 6- الی علماء الاسلام.
- 7- پیام فاطمه علیها السلام.
- 8- حسین علیه السلام از دیدگاه وحی.
- 9- حکومت از دیدگاه قرآن و عترت علیهم السلام.
- 10- خدا و اولو الامر.
- 11- خدا و مهدی (عج).
- 12- دائرهالمعارف القرآن (جلد 12).
- 13- دائرهالمعارف القرآن (جلد 3-عربی).
- 14- دلیل العروه الوثقی (جلد 2-تقریرات بحث طهارت حلّی).
- 15- شناخت شیعه.
- 16- شیعتنا.
- 17- غدیر یا پیوند ناگسستنی رسالت و امامت.
- 18- فاطمه زهرا علیها السلام، دژ شکست ناپذیر.
- 19- مقالات سعید یا افکار پریشان.
- 20- موسوعه المکاسب (جلد 4-تقریرات درس آیت الله حلّی).
- 21- نگهبان مکتب توحید (کتابنامه حضرت مهدی «عج»).
- 22- نموداری از حکومت علی علیه السلام.

23- نور الابرار (ترجمه کلمات قصار امیر المؤمنین علی علیه السلام).

24- ولایت فقیه.

25- همه در انتظار اویند.

استاد حسن سعید در تاریخ ظهر روز پنجشنبه / 19 شعبان 1416 / ق مطابق با

ص: 541

21/دی 1374/ ش در یکی از بیمارستانهای تهران، قلبش در سن 80 سالگی از طپش باز ایستاد، و پس از تشییع در تهران، به قم انتقال داده شد و عصر جمعه پس از تشییع باشکوه زیر نزول رحمت الهی در وسط قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

منابع

1- گنجینه دانشمندان 483/4.

2- مجله آینه پژوهش، شماره (35)، سال 1374 ش، صفحه 114، به قلم شیخ ناصر الدین انصاری قمی.

3- مؤلفین کتب چاپی 587/2.

**سید حسن شریعتمداری**

**اشاره**

(ح 1265-1332 ق)

سید حسن فرزند سید محمد حسینی بروجردی، از فضلا و مدرسان حوزه علمیه تبریز بود.

وی در حدود سال 1265 ق متولد گردید.

پدرش سید محمد در حدود سال 1270 ق از بروجرد به تبریز مهاجرت کرد.

نسب ایشان هم با چندین واسطه به حسن افطس بن علی اصغر بن الامام علی بن الحسین علیه السلام برمی گردد.

سید حسن پس از سپری کردن مقدمات و سطح به نجف اشرف مهاجرت کرد و تحصیلات عالی خود را در نزد اساتید آن سامان به پایان رساند و به تبریز مراجعت نمود. حوزه درسی اش از حوزه های معروف تبریز بود.

نامبرده در سال 1332 ق در حدود سن 67 سالگی در تبریز درگذشت. پیکرش به قم حمل و در کنار مزار ابن بابویه به خاک سپرده شد.

همسرش سریه خانم دختر سید مهدی حسینی از زنان فاضل و زاهد و متقی بود و نزد همین شوهر تحصیل می نمود. که از او دارای فرزندان به نامهای 1- سید

ص: 542

کاظم (در کودکی مرحوم شد).

سید محمد صادق شریعتمداری

2- آیت الله سید کاظم شریعتمداری، (از مراجع تقلید بود).

3- سید صادق شریعتمداری، وی در سال 1325 ق در تبریز دیده به جهان گشود.

ابتدا نزد مادرش به تحصیل پرداخت سپس به حوزه علمیه قم رهسپار شد و سطح را نزد میرزا محمد همدانی به پایان برد. دروس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود.

ایشان در سال 1372 ق به پایتخت (تهران) عزیمت نمود و در آن سامان به تدریس و اشتغالات مذهبی و اجتماعی پرداخت، سپس از آغاز تأسیس دار التبلیغ اسلامی قم هفته ای دو روز به قم آمده درس خارج اصول را برای شاگردان آن مؤسسه تدریس می کرد، بعدها به مشهد مقدس رفته در کنار بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا علیه السلام رحل اقامت افکند و سالها در حوزه علمیه مشهد به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت، در اوایل قرن پانزدهم هجری به تهران بازگشت و دوران کسالت کسالت و نقاهت خود را در آنجا سپری نمود. از آثار او: 1- حاشیه علی جواهر الکلام، 2- حاشیه علی کفایه الاصول، 3- تقریرات درس اصول ایشان که به صورت پلی کپی از سوی دار التبلیغ تکثیر و در اختیار دانشجویان آن مؤسسه قرار گرفت.

ایشان در 28/ اسفند 1368/ ش در تهران به درود حیات گفت و علی رغم وصیت او برای دفن در مشهد مقدس، به جهت نیافتن وسیله در کنار مزار شیخ

ص: 543

صدوق در شهر ری به خاک سپرده شد. جهت اطلاع به شرح حال ایشان به کتابهای 1-آینه دانشوران 96، آثار الحجه 53/2 مراجعه شود.

سید جواد حائری شریعتمداری مؤلف

4-سید جواد حائری که فعلا ساکن تهران و تبریز می باشد. و یک دختر که همسر مرحوم آیه الله حاج سید ابراهیم میلانی بود.

سید جواد حائری در سال 1328 ق در تبریز دیده به جهان گشود.

وی حاشیه ملا عبد الله را نزد مادر فاضله خود، سریه خانم آموخت. سپس به حوزه علمیه قم منتقل شد و ادبیات را نزد میرزا محمد علی ادیب تهرانی فراگرفت و شرح لمعه را از آخوند ملا علی همدانی استفاده کرد و دروس را با آیت الله شیخ مرتضی حائری مباحثه می نمود و فامیلی حائری از ایشان اخذ شده است.

حائری به تهران رهسپار و مشغول تحصیلات جدید شد و در رشته ادبیات فارسی در سال 1324 ش لیسانس دریافت داشت. تحصیلات خود را نیز ادامه داد و در زبان انگلیسی فوق لیسانس کسب کرد و به زبان فرانسه تسلط کامل حاصل نمود. در ضمن از دروس علمی علامه شیخ ابو الحسن شعرانی در تهران استفاده می کرد.

ص: 544



ایشان شدیداً به ادبیات علاقه مند است و گهگاهی اشعار می سرایند. در درس تفسیر برادر ارشد خود، آیت الله سید کاظم شریعتمداری، هم در تبریز و هم در قم شرکت کرده و بهره ها برده است.

## از آثار او

1- برگ هایی از تاریخ انقلاب.

2- دفتر اشعار.

3- یادداشت مطالب تفسیری برادر خود.

## منابع

1- اطلاعاتی از فرزندش آقای سید جواد حائری.

2- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت.

## سید حسن شیرازی

## اشاره

(1354-1400 ق)

سید حسن فرزند آیت الله میرزا مهدی و نواده سید حبیب الله حسینی شیرازی، یکی از اندیشمندان و مجاهدان معاصر بود.

وی در روز دوشنبه 3 صفر / 1354 مطابق با 15 اردیبهشت / 1314 ش در شهر نجف اشرف دیده به جهان گشود.

## در حوزه علمیة کربلا

نامبرده در سن کودکی (سال

ص: 545

1355 ق) همراه والدین خود به کربلای معلای رفت و دوره مقدمات را نزد اساتیدی همچون: سید محمود اصفهانی (ساکن قم) و سید مجتبی میرصادقی زنجانی (ساکن مشهد مقدس) و متن عروه الوثقی را نزد علامه شیخ عبد الرحیم قمی آموخت. خط و خوشنویسی را نزد شیخ علی اکبر نائینی مشق نمود.

میرزا مهدی شیرازی

ایشان دوره سطح را نزد دانشمندانی همچون: شیخ جعفر رشتی، سید محمد طاهر بحرانی، سید محسن جلالی کشمیری، شیخ یوسف حائری خراسانی و شیخ محمد هجری [هاجری] احسانی به انجام رسانید. و دوره خارج را از محضر آیات، پدر ارجمند خود، سید محمد هادی میلانی، شیخ محمد رضا جرقویه ای اصفهانی و شیخ یوسف حائری خراسانی استفاده نمود. آنگاه خود در مدرسه های سلیمیه و ابن فهد به تدریس مقدمات و متون کتب درسی پرداخت.

شیرازی، در پی فشارهای دولت بعث عراق و تحمل شکنجه های طاقت فرسا، در سال 1390 ق به طرف لبنان مهاجرت کرد و در بیروت اقامت گزید و لبنان را پایگاهی برای فعالیتهای مذهبی خود ساخت.

از قضایای لبنان به ویژه جنوب در تمام محافل و مناسبتهای سیاسی به دفاع و مبارزه برمی خاست و تأکید بسیاری بر اتحاد کشور لبنان و عدم تجزیه آن داشت.

کمک های مادی و معنوی به خانواده های آوارگان جنوب که در اثر حملات ناجوانمردانه صهیونیست ها ناشی شده، می رساند.

ص: 546

در سال 1394 ق توانست در کشور سوریه (دمشق)، در جوار مرقد حضرت زینب کبری علیها السلام یک حوزه علمیه به سرپرستی خود تأسیس نماید.

این حوزه علمیه در زمینه تحقق اهداف اسلامی سخت در تلاش و کوشش بود.

و خود شخصا عهده دار امر تدریس و تربیت طلاب می شد که نوارهای درسی ایشان در فقه و اصول محفوظ است.

### **آثار قلمی ایشان به شرح زیر است:**

1- الأدب الموجه.

2- الاشتقاق (فی علم الصرف).

3- الاقتصاد الاسلامی.

4- الاقتصاد العالمی.

5- التوجیه الدینی (مجموعه مقالات اسلامیة).

6- الشعائر الحسينیه (بحث حول اقامه العزاء علی خامس اهل العباء).

7- العمل الأدبی.

8- النصیر الأول للإسلام (قصیده).

9- الوعي الاسلامی، در دو جلد.

10- إله الكون (کتاب عقائدی).

11- إنجازات الرسول.

12- أهداف الإسلام.

13- بطل الإسلام الخالد (قصیده).

- 14- تعاليق على العروه الوثقى (بحث استدلالى).
- 15- تفسير القرآن الكريم (ناقص).
- 16- تقريرات استاذہ الخراسانى.
- 17- حديث رمضان (بحث موسع حول فضائل شهر رمضان المبارك).
- 18- ديوان شعر.
- 19- رسول الحياه صلى الله عليه وآله وسلم (بحث حول شخصيه الرسول الأعظم صلى الله عليه وآله وسلم ورسالته فى الحياه).
- 20- كلمه الاسلام (بحث حول مشروعيه الاحزاب).
- 21- كلمه الله.
- 22- كلمه الرسول الأعظم صلى الله عليه وآله وسلم.
- 23- كلمه الامام على عليه السلام.
- 24- كلمه فاطمه الزهراء عليها السلام.
- 25- كلمه الامام الحسن عليه السلام.
- 26- كلمه الامام الحسين عليه السلام.
- 27- كلمه الامام زين العابدين عليه السلام.
- 28- كلمه الامام الباقر عليه السلام.
- 29- كلمه الامام الصادق عليه السلام.
- 30- كلمه الامام الكاظم عليه السلام.
- 31- كلمه الامام الرضا عليه السلام.
- 32- كلمه الامام الجواد عليه السلام.
- 33- كلمه الامام الهادى عليه السلام.
- 34- كلمه الامام العسكرى عليه السلام.

35- كلمه الامام المهدي (عج).

36- كلمه العلماء و الحكماء.

ص: 548

37-موقف الاسلام الفاضل.

38-ميلاد القيادة الاسلاميه(قصيده).

### آيات عربى زير از اوست:

فجر اطل صحوك الوجه مبلولا بدا فتوح هام الفجر اكليل  
بدا فغنت له الاخير من فرج و هللت باسمه الآفاق تبجيلا  
و اصبحت باسمه الايام هاتقه تردد الحب و الاشواق تفصيلا  
غنى بأوصافه الحسنى النسيم هوى فطبق الافق توراه و انجيلا  
نور تلاً خفاقا بروعته عبر النجوم ففر الليل مغلولا  
يطوى الخلود بعزم جل مطلبيه حتى غدا فوق متن الفر محمولا  
يفيض قدسا و الهاما و مكرمه فيترك الظلم مهزوما و مخذولا...

### نحوه شهادت

سيد حسن شيرازى كه در دو كشور سوريه و لبنان فعاليت هاى تبليغى و سياسى داشت، در هفته چند روز در بيروت اقامه داشت و بقيه را در سوريه بسر مى برد و لذا يك دفتر و كتابخانه در بيروت داشتند كه چند نفر منشى و معاون دفتر ايشان را اداره مى كردند و به همين كيفيت در سوريه. چه در بيروت و چه در سوريه منزل ملكى نداشتند و در هر دو كشور غرفه هاى داراى چند اطاق اجاره مى كردند.

منزل اجاره اى ايشان در بيروت در محله شيعه نشين «شياح» غرفه اى بود داراى چهار اطاق، يك اطاق آن دفتر، اطاق ديگر اطاق پذيرائى، اطاق ديگر كتابخانه، اطاق چهارم محل استراحت ايشان. اخيرا براثر جنگهاى شديد كه در اين محله اتفاق افتاد و بيستر ساختمان هاى آن ويران گرديد.

شيرازى در محله رمله ببيضا بطور موقت در هتل (بيروت انترناسيونال) اطاقى اجاره مى كند. روز حادثه ساعت شش بعد از ظهر از هتل خارج مى شوند كه خود را

در محله شیعه نشین برج البراجنه به مدرسه ای که بنام (الامام المهدي) تأسیس نموده اند، می‌رساند و در مجلس یادبودی که به مناسبت شهادت آیت الله سید محمد باقر صدر ترتیب داده اند شرکت کنند. اما پیش از رسیدن به مجلس یادبود شهید صدر، خود به درجه رفیع شهادت می‌رسد و بدست همان عواملی که مرحوم صدر شهید شده است، او نیز شهید می‌گردد.

شیرازی به وسیله گلوله های مسلسل دو نفر مسلح مجهول، در محله رمله البیضاء در سن 55 سالگی ترور شده و تحقیقاتی که به وسیله دستگاه امنیتی انجام گرفته نشان می‌دهد که شیرازی ساعت 6 بعد از ظهر از اطاق شماره 624 در هتل (بیروت انترناسیونال) واقع در محله رمله بیضاء بیرون آمده، سوار تاکسی عمومی مارک بونتیاک زرد رنگ به شماره (85640) به رانندگی صاحبش خانم حیدر شد و از راننده خواست که به طرف کورنیش رمله بیضاء برود، که در آن هنگام دو عدد اتومبیل که دو نفر مسلح را سوار کرده بودند پشت سر آنان راه می‌افتند و 50 متر به آخر مانده که آن دو اتومبیل حامل افراد مسلح سر رسیده از دو طرف اتومبیل حامل سید را احاطه می‌کنند، در حالی که شیرازی طرف راست صندلی عقب اتومبیل نشسته بود افراد مسلح که در اتومبیل رو برو بودند به طرف او آتش گشودند.

گلوله، چند شیشه اتومبیل و قسمت عقب تاکسی را سوراخ کرده، چند گلوله به سر ایشان اصابت می‌کند و گلوله ها از در چپ عقب اتومبیل خارج می‌شود در حالی که خون از سر و چشمان و بینیش می‌ریخته روی صندلی عقب ماشین می‌افتند.

چنانچه اشاره رفت سرانجام و پس از چند سال دفاع از ارزشهای اسلامی و تشییع دور از وطن و دوستان در اثر اصابت چندین گلوله، در روز جمعه 16/ جمادی الثانی 1400/ ق مطابق با 12 اردیبهشت 1359/ ش در سن 56 سالگی به شهادت رسید. پیکر پاک ایشان به ایران حمل و در شهر مذهبی قم تشییع و پس از ادای نماز توسط آیت الله سید شهاب الدین مرعشی در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام

(مسجد موزه) به خاک سپرده شد. ایشان به دلایلی تا آخر عمر ازدواج نکرد.

منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-اعلام كربلاء (خطی-آقای خوشحالت).

3-شهادای روحانیت 374.

4-گنجینه دانشمندان 270/3.

5-معجم المؤلفین العراقیین 319/1.

**شیخ حسن صالحی لاهیجی**

**اشاره**

(1321-1366 ق)

ایشان در سال 1321 ق در لاهیجان متولد گردید، و در سال 1366 ق مطابق با 1326 ش در قم درگذشت.

**تحصیل در قم**

شیخ محمد رازی درباره اش می نویسد: «از فضلالی بارع و باکمال و دانش حوزه علمیه، دارای تولای کامل و حال خوش و معنویت بوده، و سالها از محضر آیات:

حائری یزدی، حجت کوه کمری، صدر، خوانساری و فیض قمی استفاده نموده، و مدت دو سال هم درس آیت الله بروجردی شرکت کرده و در سال 1367 ق به مرض سرطان بدروود حیات گفته، و در قبرستان حائری مدفون شده است» و آنگاه یکی از کرامتهای سید الکریم حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام را نسبت به ایشان نقل می کند.

وی با شیخ علی اکبر شفیعی لاهیجی هم مباحثه بود.

منابع

1-آثار الحجه 233/1.

2-آینه دانشوران 334.



3- گنجینه دانشمندان 182/2 (سال فوتش را اشتباه نوشته است).

ص: 551

## اشاره

(1314-1393 ق)

شرح حال زیر به قلم فرزندش آقای شیخ نور الله طبرسی-امام جمعه فعلی ساری-نگارش یافته و ما اینجا به عینه با اندکی ویرایش نقل می کنیم:

## تاریخ تولد

مرحوم جدم آخوند ملا ید الله در پشت کتاب «زاد المعاد» مرحوم علامه مجلسی (رضوان الله تعالی علیه) تاریخ تولد مرحوم والد را به شرح زیر درج فرموده اند.

«تاریخ تولد نورچشمی جان عمری حسن در روز شنبه بیست هشتم شهر صفر المظفر سنه 1314 قمری. اللهم طول عمره و اجعله من العلماء العاملين بحق محمد و آله الطاهرين».

جالب توجه اینکه مرحوم جدم تاریخ تولد سایر فرزندان را نوشته اما دعای آخر را برای آنها مرقوم نکرده اند.

## محل تولد

در روستای «سوجلماء» منطقه چهاردانگه هزار جریب از توابع شهرستان ساری مرکز استان مازندران بوده است.

روستای مذکور از روستاهای بزرگ و عالم پرور آن منطقه است.

## موقعیت خانوادگی

در بیت علم و تقوی نشو و نما یافته اند و پدرش مرحوم آخوند ملا ید الله از علمای موجه و معتبر زمان خود و مرکز مراجعات و مرافعات و محاکمات شرعی

ص: 552

بوده اند و تحصیلاتش را در مدرسه «درویش علی ساری» که از مدارس معتبر آن زمان بوده و در بارفروش «بابل» فعلی به پایان رسانده.

بعضی از کتب آن مرحوم مانند وسائل الشیعه و ریاض المسائل (مرحوم میر سید علی) که شرح مختصر نافع مرحوم محقق در فقه است و کتب خطی دیگر در تجوید قرآن و غیره که به خط زیبای آن مرحوم است در نزد حقیر موجود است.

## مراکز تحصیلات

مرحوم والد ابتدا در زادگاهش در نزد آخوند ملا یعقوب دروس متداوله آن زمان را شروع سپس عازم شهرستان ساری و در مدرسه «درویش علی ساری» ادامه تحصیل داده (و فعلاً متأسفانه از مدرسه موصوف خبری نیست و در وسط شهر میدان ساعت قرار گرفته و تخریب شده است) و بعد از چندی از ساری به ارض اقدس رضوی شدّ رحال نموده و مدت نه سال در جوار پاک حضرت ثامن الحجج علیه السلام مشغول تحصیل و از اساتید بزرگ آن زمان مانند مرحوم ادیب نیشابوری میرزا عبد الجواد بهره برده اند.

و از عارف بالله مرحوم حاج شیخ حسن علی نخودکی اصفهانی در علوم غریبه کسب فیض نموده اند. و خلاصه در بین اقران و امثال از جهت علمی مشار بالبنان بوده اند و از اساتید سطوح عالیّه اش در مشهد مقدس خبری ندارم.

پس از نه سال از مشهد به زادگاه خود بازگشتند و ازدواج کرده اند و مدتی در روستا بوده اند و آنگاه عازم نجف اشرف شده اند و در آن مکان مقدس مدت هفت سال از اساتید و اساطین بزرگ آن زمان مرحوم مغفور آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی و آیت الله میرزا محمد حسین نائینی و آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی کسب فیض کرده اند و از همه اساتید موصوف اجازه اجتهاد بسیار قوی دارند و فعلاً فقط اجازه اجتهاد مرحوم عراقی مفقود شده و الباقی موجود و تقدیم شده است. لازم به تذکر است تاریخ مراجعت از نجف اشرف و مهاجرت از آن مکان مقدس در دست

نیست و اطلاعی از آن ندارم. ولی در سال 1350 قمری تاریخ تحریر اجازة اجتهاد مرحوم نائینی می باشد شاید همان سال به ایران مراجعت فرموده اند.

### محل اقامت پس از مراجعت

به طوری که آن مرحوم نقل می فرموده اند از طرف مرحوم آیت الله اصفهانی به شهر سمنان مأموریت یافته اند و مدت 6 ماه تقریباً در سمنان بوده اند و سپس به زادگاه اصلی خود بازگشتند و یادم می آید می فرمود: «چون از پول و وجوهات مردم خودمان درس خواندم، لذا به آن مولد بازگشته ام».

### تاریخ تأسیس حوزه علمیه

ایشان در همان زادگاه خود با امکانات آن زمان حوزه علمیه ای داشتند و از برکات آن حوزه طلاب و فضلائی بوده اند که فعلاً دو نفر از آنان حیات دارند و از شاگردان میرزا ایشان مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد نصیری (ره) که پس از مراجعت از نجف اشرف در دامغان رحل اقامت افکنده و از علمای طراز اول دامغان و مورد علاقه ولی متأسفانه زود به عالم باقی شتافتند و نیز مرحوم آیت الله حاج سید خلیل محمدی باداب سری که سالها اقامت در نجف اشرف و سپس به زادگاهشان «باداب سر» از توابع بهشهر و از آنجا به شهرستان بهشهر آمده اند و سالهای سال در بهشهر مشغول تدریس و امامت بوده اند.

### مشاغل اجتماعی

در این وظیفه مهم به نظر بنده موفقیت خوبی داشته اند هم امام جماعت بوده اند هم مدرس، هم مرشد و خطیب و دارای جلسات اخلاق و تفسیر و هیئت توحیدیه را در اواخر که به ساری هجرت نموده بودند تأسیس کرده و در اواخر عمر تشریف به مرکز استان «ساری» بطور دائم مقیم شده اند و در مسجد «شاه غازی»

که فعلا مشهور به مسجد(سجاد) است سالها اقامه جماعت و درس تفسیر داشته اند.

## موقعیت اجتماعی

از موقعیت بالای اجتماعی برخوردار بوده اند و مردم نسبت به ایشان بسیار علاقه مند و پناهگاه و ملجاء مردم در شرایط اختناق حکومت رضاخانی بوده اند. و در امور دینی و شرعی و اجتماعی مراعات محاکمات و مخاصمات مورد توجه مردم بوده اند و منزل ما محل و پناهگاه و مرکز مراجعات مردم بود و من به خوبی یاد دارم که وقتی ایشان را برای روستائی دعوت می کردند، قبل از تشریف فرمائی آن مرحوم به روستا پیرمردان، بزرگان و متدینین با عشق و شوق تا یک کیلومتری یا بیشتر و کمتر به استقبال معظم له می شتافتند و علاقه و اعتقاد عجیبی نسبت به ایشان داشتند و نیم خورده ایشان را تبرک می بردند، برای شفای بیمار از غذای مانده در بشقاب آن مرحوم استفاده می کردند و یا نیم خورده را می بردند در محل گاوداری و گوسفندداری خود می ریختند که مال و اغنام و احشام آنها بیشتر شود و با برکت شود (افسوس که آن اعتقادهای پاک رفته و کم رنگ شده است) شرح موقعیت و محبوبیت اجتماعی و ذکر موارد آن میزان علاقه مردم به آن مرحوم خود کتاب جداگانه ای می خواهد، پدر بود، روحانی بود، پناهگاه بود دست مظلوم و محروم را می گرفت و در برابر ظلم و ستم عاملین رضا خان مردانه می ایستاد و شریک مشت مردم آزار منطقه را از سر مردم کوتاه می کرد.

## قصه های اخلاقی و علمی

در این زمینه مطالب زیاد است. ایشان صاحب اخلاق کریمه و محاسن جمیله ای بوده اند که فرصت بیشتری می خواهد تا کاملا به همه ابعاد آن اشاره شود.

سلوک با مردم کمک به مردم و نیز قصه های علمی فراوانی داشتند. چون ایشان

جامع علوم متداوله بوده اند. صرفنظر از اصول و فقه به علوم غریبه رمل، اسطرلاب، جفر، تاریخ، ریاضیات و مقداری از نجوم دست داشتند و یکی از مزایای آن مرحوم در بین اقران و امثال خود علاوه بر فقه و اصول همان جامعیت ایشان بوده و اهل مطالعه و تا آخر عمر کتاب را رها نکردند.

## مزایای اخلاقی ایشان

سجایای اخلاقی زیادی داشتند ولی به بعضی از آنها اشاره می‌کنم: حلم و صبر، و حوصله و تواضع، توجه به فقرا و محرومین، بی‌تکلف و خلیق بودن و با مردم عامی و بی‌سواد، سالهای سال زیستن و... بزرگترین ویژگی آن مرحوم بود.

وقتی برای حل اختلاف و مرافعات به خدمت ایشان می‌آمدند خیلی جسورانه و با کمال بی ادبی طرفین نزاع با هم برخورد می‌کردند و گاهی هم به خود ایشان گستاخی می‌کردند. اما، با کمال صبر و حوصله حل اختلاف می‌کرد. زندگی و معاشرت با مردم و ملت امروز این قدر سخت و غیر قابل تحمل است. پنجاه سال قبل یک مجتهد مسلم و یک عالم زبردست جامع چطور با مردم در آن روستاها زندگی کرد. لازم است به نکته ای اشاره کنم که زندگی با مردم بی سواد و عامی چقدر مشکل است به طوری که برایم نقل کرده اند ایشان پس از مراجعت از نجف اشرف به روستای خود گاهی در میهمانی‌ها ذغال روشن می‌کرده اند و ایشان می‌گفت ذغال را بیرون کاملاً روشن کنید و سپس وارد اطاق کنید. چون گاز ذغال می‌گرفت و اسباب زحمت است مردم نادان به عنوان دلسوزی می‌گفتند «آه» آقا در نجف درس زیاد خواند و مشاعرش را از دست داده مگر ذغال آدم را می‌کشد و یا خطر دارد. زندگی با چنین مردمی ریاضت بزرگی است و بالاترین سجایای اخلاقی همین است که در برابر نادانها صبر کردن و رسالت هدایت و ارشاد را فراموش نکردن است.

«العلماء ورثة الانبياء» یکی از میراثهای انبیا همین بوده که مردم با آنها بدرفتاری می‌کردند. علما علاوه بر آنکه وارثان علمی و دینی پیامبران

هستند

ص: 556

وارثان اخلاقی انبیای عظام هم هستند که با مردم خوش سلوک باشند و ناراحتی‌ها را تحمل کنند. خلاصه، شرح این قسمت وقت مفصلی می‌خواهد خداوند تعالی به همه هادیان امت و علمای بزرگ و مرشدان الهی صبر و تحمل مرحمت فرماید تا در برخورد با مردم ناراحت و افسرده نشوند.

### میزان تولاً و تبرّی و ارادت به اهل بیت علیهم السلام

فانی و محو ولایت و عشق و علاقه‌ای خاص به ذوات مقدسه ائمه معصومین خصوصاً به «ام‌الائم» فاطمه زهرا علیها السلام داشتند. وقتی به منبر تشریف می‌بردند، در موقع مصیبت اهل بیت علیهم السلام خیلی گریه می‌کردند در اعیاد و وفیات خصوصاً در اقامه ماتم سالار شهیدان اهتمام عجیبی داشتند.

در آن زمان هیچ روستا و یا کمتر روستائی بود که دو ماه محرم الحرام و صفر المظفر را عزاداری کنند جز روستای ما. و همه ساله ده شب در حسینیه محل ما شخصا اقامه عزا می‌فرمودند که بعد از فوت هم سفارش کرده که این سنت ادامه داشته باشد الحمد لله ادامه دارد و همه ساله شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان را افطار دادند و این سنت بحمد الله و المنه ادامه دارد و حدود نیم هکتار از شالیزاری و بخشی از زمین خشکه زاری را طبق وصیت خود برای عزاداری محرم و افطاری ماه مبارک اختصاص داد.

میزان تولاً و تبرّی و ارادت به اهل بیت علیهم السلام: در زمان رضا خان قلدر که مجالس عزاداری تعطیل و ممنوع بوده و زمانی که به امر آن خبیث «بیگاری» و عمله و کارگر بی‌مزد و مواجب به شهرهای مازندران از روستاها می‌بردند و یا کوچ و خانواده‌ها را به جبر و زور به شهرها انتقال می‌دادند، یکی از عمال رضا خان که اهل محل ما هم بود (و در آن زمان از این افراد تعبیر به «سر بلوک املاک» می‌کردند و یا متصدی و غیر می‌گفتند) روز عاشورای حسینی به محلیهای ما گفت: باید شما عزاداری را تعطیل کنید و به «بیگاری» بروید. هرچه اصرار کردند که مهلت بگیرند مهلت نداد

و نقل شده است که تبر گرفته و علم و پرچم حسینی را با تبر ببرد آخرالامر والد مرحوم مبلغی پول به او داد تا به روستاهای دیگر برود و مزاحم عزاداری نشود و آن چنان ظالمانه برخورد کرد همانند سپاهیان عمر سعد که اطعام روز عاشورا را نتوانستند بیرون و در حیاط حسینیه انجام بدهند و بعضی از روحانیون برای من نقل کرده اند که والده مرحومه اینجانب به امر والد رحمه الله علیه در درون حسینیه برای عزاداران غذا طبخ کرده اند. خلاصه در شرایط سخت حکومت رضاخانی حفظ عمامه و روحانیت و منهج ولایت و اقامه عزاکار آسانی نبود لعنه الله علیه و علی من تبعه....

### **میزان روابط و خاطرات شخص ایشان با آیت الله کوهستانی**

مرحوم والد با مرحوم آیت الله [شیخ محمد] کوهستانی (رحمه الله علیهما) از مشهد رفتن و هم دوره بودند و علاقه خوبی به ایشان داشتند. گاهی اتفاق می افتاد به کوهستان تشریف می بردند و در آنجا چند شبی می ماندند. البته احترام متقابل بود و مرحوم آقای کوهستانی نیز علاقه مخصوصی به مرحوم والد داشت بنده حدود دو سال در اوائل طلبگی در کوهستان بودم و مورد مهر و محبت مرحوم کوهستانی (به مناسبت ارتباط و علاقه ای که آن مرحوم به والد داشتند) قرار گرفته ام.

و این سنت در بین علمای سلف بود که یکدیگر را بسیار احترام می کردند و ارتباط صمیمی داشتند و حرمت و جایگاه خودشان را حفظ می کردند و این نکته را متذکر شوم که مرحوم آقای کوهستانی نسبت به همه طلاب «خیر والد» و بهترین پدر بود ولی تشویق و اظهار عنایت ویژه ایشان نسبت به بنده در ادامه تحصیل مدخلیت داشت.

### **تکمیل و تممیم**

لازم است در این بخش به بعضی از خاطرات دوران تحصیل و مشکلاتی که در



سر راه ایشان در ادامه تحصیل بود و از روحیات و تعبد و تهجد آن مرحوم اشاره کنم.

خاطره اول: نقل می فرمودند: در مشهد مقدس حجره ای بسیار مرطوب داشتم و در اثر همان حجره مبتلا به درد پا شدم و برای تعویض حجره به آقازاده مرحوم آخوند خراسانی مراجعه کردم (به نظر می رسد نظر مبارکشان آیت الله زاده آقا میرزا محمد کفائی صاحب حاشیه بر کفایه الاصول بود) وقتی وارد بر آقازاده شدم بعضی طلاب دیگر هم در خدمتشان بودند و مثل من حجره می خواستند. آنگاه آن مرحوم فرمودند حتما شما هم برای حجره آمدید عرض کردم: بلی. فرمود: چه می خوانی، عرض کردم مطول. فرمود: امتحان می دهی، گفتم: آری. کتاب مطول را آوردم و در نزد آقازاده خواندم پس از آن، آن مرحوم دستور دادند که حجره مناسبی در اختیار من بگذارند. حاضرین تعجب کردند و گویا از این موضوع ناراحت و معترض بودند که آقازاده فرمود: ایشان مثل قرآن عبارت مطول را خواندند و من چگونه حجره را به ایشان واگذار نکنم.

قصه دوم: داستان شیرینی از استادش ادیب بزرگ نیشابوری مرحوم حاج میرزا عبد الجواد نقل فرمود: که مرحوم ادیب اول ازدواج نکرده بود و طلاب و شاگردانش برای آن مرحوم تدارک ازدواج دیدند وزنی را برای ایشان انتخاب نموده و مرحوم ادیب اهل سیگار بود و در هنگام سیگار کشیدن به خانمش فرمود: «مصعب رماد» را بیاورید. زن گفت: آقا چه می گویند. مجددا فرمود «مکثف» را بیاورید. باز خانمش متوجه نشد. فرمود: خاکستر را کجا بریزم. زن متوجه شد که آقا زیرسیگاری می خواهد و رفت و زیرسیگاری را آورده، بعد مرحوم ادیب برای درس تشریف آورده اند، فرمود: بگیری این ضعیفه را مطلقه کنید، مرا از شر او آسوده کنید.

## اجتهاد و اجازه اجتهاد

همان طوری که قبلا اشاره کردم آن مرحوم از بزرگان فقهای زمان خودش اجازه اجتهاد داشت.

مرحوم آیت الله نائینی در دادن اجازات به اشخاص دقت ویژه ای داشت و اجازه هائی که به اشخاص می داد مختلف بود 1-اجازه روایت و نقل حدیث 2-امور حسبیّه 3-اجازه تدریس 4-اجازه تجزی، اجازه تجزی را این طور صادر می فرمودند «حتی بلغ مرتبه من الاجتهاد». اما در اجتهاد مرحوم والد که تقدیم شد مرحوم نائینی فرموده اند «حتی بلغ درجه عالیّه من الاجتهاد مقرونه بالصّلاح و الرّشاد، فله العمل بما یستنبطه من الاحکام» از عبارات اجازه اجتهاد موقعیت علمی مرحوم والد مشخص می شود.

مرحوم آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی رحمه الله علیه در اجازه اجتهاد نیز تعبیرات مختلف داشت: و مرحوم والد نقل می کرد که مرحوم اصفهانی در اجازه اجتهاد خود برای همه کس این عبارت را نمی نوشت «حضور تحقیق و تدقیق» ولی در اجازه اجتهاد مرحوم والد «حضور تحقیق و تدقیق» هست با تعبیرات سنگین.

مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری در زیر ورقه اجتهاد مرحوم اصفهانی نوشته اند «آنچه مرقوم فرمودند صحیح است عبد الکریم حائری».

لازم به ذکر است که مرحوم والد شش ماه در قم پس از مراجعت از نجف اشرف در مدرسه «جانی خان» نزدیک مسجد جامع قدیم قم، خیابان آذر سکونت داشتند و کتاب شریف «شوارق» مرحوم محقق لاهیجی را تدریس می فرمودند.

این مطلب را خودش نقل می فرمود.

از مرحوم آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی نیز اجازه ای داشتند ولی متأسفانه مفقود شده است.

## **تهجد و شب زنده داری**

یکی از خصائص بارز علمای سلف تهجد بود، قرآن زیاد تلاوت می کردند. با صحیفه سجاده انس داشتند، به نمازهای مستحبی و نوافل خصوصاً در اواخر عمر اهمیت می داده اند.

به مرحوم آیت الله اصفهانی بسیار ارادت داشت و از صحبت‌هایشان پیدا بود که جزو اصحاب آن مرحوم بود. و به مبانی مرحوم آیت الله نائینی شدیداً معتقد و مؤمن بود با اینکه در درس مرحوم آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی هم رفته بود، مع ذلك به مرحوم نائینی بسیار علاقه مند و اهتمام بیشتری می دادند.

### **تاریخ فوت:**

روز شنبه دوّم/فروردین 1353/شمسی مطابق با 28/صفر الخیر 1394/ق.

در روز 28 صفر الخیر متولد شد و در 28 صفر الخیر نیز از دنیا رفت.

محل دفن: قم-شیخان.

و السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

نور الله طبرسی «امام جمعه ساری» 76/6/23

### **حسن طلائى**

(1299-1394 ق)

حسن فرزند حسین علی اسماعیل خان، معروف به «طلائى». از مجاهدان نهضت مشروطیت بود.

متأسفانه هیچ گونه مطلبی از شرح حال او و مجاهداتش در راه برقراری مشروطیت دستگیرمان نشد.

او در روز شنبه اول/ذی القعدة 1394/ق مطابق با 25/آبان 1353/ش در سن 95 سالگی درگذشت و در قبرستان باغ رضوان-که مجاور وادی السلام قم است-مدفون گردید.

ص: 561

(1314-1398 ق)

سید حسن فرید عراقی معروف به (هزاوه ای)، از دانشمندان و اساتید معروف ریاضیات بود.

وی در سال 1314 ق مطابق با 1275 ش در اراک دیده به جهان گشود.

از سن هفت سالگی تا چهارده سالگی در مدارس قدیم به آموختن ادبیات فارسی و عربی و سایر مقدمات پرداخت، در سال 1290 ش وارد مدرسه متوسطه «صمصامیه» شد و به تحصیل خود ادامه داد، پس از گذراندن امتحان و قبولی، به معلمی در مدرسه صمصامیه و مدرسه سهامیه مشغول شد.

هزاوه ای، دارای هوش فوق العاده و حافظه بسیار قوی بود، و چون به تحصیل علم علاقه فراوان داشت، بعد از تدریس در مدارس، نزد اساتید آن زمان اراک به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. و در بعضی از سالها در تعطیلات سه ماهه تابستانی مدارس به تهران سفر می کرد، و از محضر اساتید مختلف استفاده نمود. و از مطالعه کتب هم بطور دائم بهره مند می شد. در نتیجه وی توفیق یافت در ریاضیات عالی تبخّر پیدا کند و در حکمت الهی اطلاعات وسیعی را کسب نماید، و در هنر خط از جمله خوشنویسان اراک باشد.

### از جمله اساتید وی:

1- شیخ حبیب الله ذوالفنون عراقی، از اساتید برجسته علوم ریاضی که در تهران سکونت داشت.

2- شیخ علی نخستین سنجانی، از اساتید حکمت و فلسفه در اراک بود.

3- شمس الشعراى گوارى، از اساتید خط بود.

استاد هزاوه ای، مردی پرکار و پر جوش و پرتحرک بود، که از سال 1292 ش تا 1329 ش به طور مرتب در مدارس متوسطه معتبر اراک به تدریس ریاضیات اشتغال

داشت. و در ضمن چندین سال مدیریت مدرسه «عظیمیه» را برعهده گرفت و آن را باکفایت اداره نمود.

وی در سال 1329 ش به تهران انتقال یافت، و یک سال هم در دبیرستانهای مرکز ریاضیات تدریس نمود. سپس از دبیری کناره گرفت، و در اداره کل اوقاف که در آن زمان جزو وزارت فرهنگ بود، به عنوان محقق در شعبه چهارم اداره کل تحقیق اوقاف برگزیده شد. و در این سمت هفت سال به خدمت مشغول بود و سرانجام در سال 1337 ش بازنشسته گردید.

آقای مرتضی واعظزاده که خود یکی از شاگردان ایشان است، روش تدریس او را چنین بیان می کند:

(هنگام تدریس بسیار زیبا و خوش آهنگ سخن می گفت، توانایی او در آموختن دروس دشوار ریاضی و اداره کلاس بی نظیر و شگفت آور بود. از هنگامی که قدم به کلاس می گذاشت تا پایان مدت، لحظه ای را هدر نمی داد و پس از بیان درس جدید، تقریباً از همه شاگردان متون و تمرینات مسایل دروس گذشته را می پرسید، بی استعدادترین و کودن ترین محصلان از قبیل راقم این سطور هم، کلاس درس او را دوست می داشتند، و از آن بهره می بردند).

وی تا آخر عمر خود دارای زن و فرزند نبوده، تا اینکه در روز شنبه 21 رمضان 1398/ ق مطابق با 4 شهریور 1357/ ش در سن 84 سالگی در تهران درگذشت، و در قبرستان بهشت معصومه قم مدفون گردید.

منبع

1- حسین واعظزاده و پیش آمدهای خوانسار و اراک ص 96.

**سید حسن کاشانی**

(1245 ش -)

سید حسن فرزند آیت الله سید حسین و نوه میر محمد علی حسینی کاشانی،

ص: 563

وی برادر آیت الله سید مصطفی کاشانی و از علماء و بزرگان تهران بود.

تولدش در سال 1245 ش در کاشان اتفاق افتاد.

از دانشمندان و دارای تحصیلات دینی در کاشان و تهران بود.

وی نماینده مجلس شورای ملی از کاشان دوره های اول و چهارم و پنجم بود.

در تهران درگذشت و در قم به خاک سپرده شد. سید محمود، یکی از فرزندان او بود.

منبع

1- نمایندگان مجلس شورای ملی 354.

### سید حسن کزازی کرمانشاهی

(1328-1253 ق)

یکی از علما و فضیلاى عصر خود بود، که در قوت حافظه و دقت نظر و سرعت انتقال از برجستگان محسوب می شد.

وی دارای منظومه ها و نامه های ادبی بوده، شعر را نیک می سروده، و نثری عالی داشته است.

مرحوم غلامرضا کیوان سمیعی در کتاب خود (زندگانی سردار کابلی) هنگام شرح حال سردار نور محمد خان (پدر سردار کابلی) می نویسد:

از دوستان بسیار نزدیکش در کرمانشاه مرحوم حاج سید حسن کزازی بوده که از علمای خوش مشرب و ادیب به شمار می رفته است. او به سردار نور محمد خان پیشنهاد می نماید جهت اشتغال خاطر، املاکی در کرمانشاه خریداری و اجاره نماید، و هم این کار را می کند و اداره امور املاک را به دست گماشتگان خویش می سپارد.

سرانجام در روز سه شنبه 3 ذی حجه 1328/ق به سن 75 سالگی در کرمانشاه درگذشت، و در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام قم مدفون شد.

ص: 564

فرزندش سید حسین کزازی نماینده مجلس شورای ملی بود.

منابع

1- افادات یکی از منسوبین مرحوم.

2- زندگانی سردار کابلی 21 و 23.

3- نقباء البشر 374/1.

### **میرزا حسن مجتهدزاده تبریزی**

**اشاره**

(1307-1379 ق)

میرزا حسن مجتهدزاده فرزند آیت الله میرزا محسن مجتهد تبریزی، از فضلا و محترمین بود.

در سال 1307 ق در تبریز زاده شد.

### **تحصیلات در حوزه نجف اشرف**

وی مدتی در نجف اشرف تحصیلات عالی خود را طی نمود، و پس از مراجعت به وطن خود «تبریز»، علاوه بر اشتغالات علمی و دینی نیز سردفتر اسناد رسمی گردید.

ایشان در روز پنجشنبه آخر محرم 1379/ ق مطابق با 14 مرداد 1338/ ش درگذشت، و در وسط قبرستان حاج شیخ قم با کد (20100) مدفون گردید.

### **سید حسن مدرسی یزدی**

**اشاره**

(ح 1325-1400 ق)

سید حسن فرزند سید محمد میرصالحی طباطبائی مدرسی یزدی، از دانشمندان و بزرگان قم بود.

در حدود سال 1325 ق در یزد متولد گردید.





ایشان مقدمات را در زادگاه خود آموخت، و در سن نوجوانی به قم رهسپار شد، و سطوح را نزد آیت الله آخوند ملا-علی همدانی (معصومی) به انجام رسانید.

سپس دروس خارج را ابتدا از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده نمود، آن گاه در دروس حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی شرکت جست.

وی در «پائین شهر» قم سکونت داشت، و در مسجد رضائیه-واقع در خیابان آذر- به اقامه جماعت و ارشاد و نیز به تدریس متون کتب درسی مشغول بود، و در ماههای مبارک رمضان به «شهریار» تهران می رفت و به انجام وظایف دینی و تبلیغی می پرداخت.

## از آثار او

1- حاشیه علی وسیله النجاه (از اصفهانی).

## درگذشت و اعقاب

ایشان در روز سه شنبه 15 شوال 1400/ ق مطابق با 4 شهریور 1359/ ش در اثر سکته قلبی و در پی ابتلای به بیماری قند در حدود 75 سالگی در بیمارستان آیت الله گلپایگانی قم درگذشت، و جسدش پس از تشییع در صحن امامزاده موسی مبرقع علیه السلام-واقع در خیابان آذر-به خاک سپرده شد.

فرزندانش که همه آنان در کسوت روحانیت و به وظایف دینی از قبیل وعظ و ارشاد و اقامه جماعت اشتغال دارند، عبارتند از حضرات آقایان: 1- سید محمد 2- سید علی 3- سید کاظم 4- سید احمد 5- سید محمود 6- سید رضا.

منابع

1- آینه دانشوران 397.

2- اطلاعات متفرقه.

3- گنجینه دانشمندان 258/2.

ص: 566

(1318-1403)

حاج سید حسن مدرسی فرزند علامه سید زین العابدین طباطبائی یزدی، معروف به «سریزدی» از علمای سرشناس و ساکن کرج بود. او در سال 1318 ق در قریه «سریزد» از توابع یزد متولد شد.

### در حوزه های علمیه

ایشان پس از آموختن مقدمات در سال 1335 ق از زادگاه خود به یزد منتقل شد و باقی ادبیات و سایر سطوح را نزد آیات: سید حسین باغ گندمی، سید احمد مدرس طباطبائی، ملا حسین اردکانی و سید مهدی سیبویه یزدی (که بعد در تهران ساکن شد) تلمذ کرد.

وی در سال 1342 ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدر الدین صدر، سید علی یثربی کاشانی و میرزا محمد همدانی تمام استفاده را نمود و پس از ورود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی نیز از محضر ایشان بهره مند گردید، و خود در ضمن به تدریس متون کتب درسی پرداخت.

نامبرده در سال 1377 ق در پی دعوت و درخواست اهالی کرج و امر آیت الله بروجردی به آنجا منتقل شد، و در مسجد جامع به اقامه جماعت و انجام خدمات دینی اشتغال ورزید.

استاد شیخ محمد رازی درباره او می نویسد:

«آقای مدرسی که داماد مرحوم حجه الاسلام آقا شیخ محمد تویسرکانی حائری - داماد معظم مرحوم آیت الله حائری یزدی مؤسس حوزه علمیه - می باشند، عالمی متین و بزرگواری و دور از هرگونه تظاهرات و خودنمایی و موصوف به فضل و تقوا هستند».

ایشان در 19 بهمن 1361/ ش در سن 85 سالگی در کرج درگذشت، و

جسدش به قم حمل و در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام-اطاق دکتر مفتوح-به خاک سپرده شد.

منابع

1- آثار الحجه 43/2.

2- آینه دانشوران 231 و 499.

3- گنجینه دانشمندان 671/4.

**سید حسن موسوی دهرخی**

**اشاره**

(1341-1414 ق)

حاج سید حسن فرزند سید مهدی و نوه سید اسد الله موسوی دهرخی اصفهانی، در 13 جمادی اول/ 1341 ق در اصفهان متولد شد.

مقدمات را در مدارس «کاسه گران» و «صدر» اصفهان نزد: شیخ محمد علی معلم حبیب آبادی، و شیخ عباسعلی ادیب آموخت، آنگاه به قم رفت، و مکاسب را نزد سید شهاب الدین مرعشی نجفی، و رسائل را نزد شیخ اسد الله نور اللهی نجف آبادی، و کفایه را نزد سید محمد باقر سلطانی بروجردی، و میرزا محمد مجاهدی تبریزی تلمذ کرد، و مدت کوتاهی از درس خارج آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود.

در سال 1376 ق بنا بر خواهش اهالی «سلطنت آباد» تهران و امر آیت الله بروجردی به آنجا عزیمت و در (مسجد صاحب الزمان «عج») به اقامه جماعت و نشر

ص: 568

معارف اسلامی پرداخت، و کتابخانه ای برای مسجد و نیز یک دبستان تأسیس کرد.

## از آثار او:

1- کودکان سخنور.

2- تاریخ مختصر انبیاء علیهم السلام و ائمه علیهم السلام.

3- چهل حدیث.

وی در روز پنجشنبه 28 شعبان 1414/ ق مطابق با 21 بهمن 1372/ ش به سن 73 سالگی در تهران درگذشت، و در قبرستان وادی السلام قم مدفون شد.

منبع

1- گنجینه دانشمندان 572/4.

## سید حسن نبوی بیرجندی

### اشاره

(1340-1417 ق)

حاج سید حسن فرزند علامه سید عبد الرحیم موسوی نبوی بیرجندی، از فضلا و بزرگان معاصر بود.

در سال 1340 ق در بیرجند متولد گردید.

### در حوزه مشهد مقدس

وی در سن نوجوانی به مشهد مقدس رهسپار گردید و ادبیات را از محضر شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری آموخت، و قسمتی از سطوح را نزد آیه الله سید یونس اردبیلی تلمذ کرد و به

ص: 569

دامادی ایشان مفتخر گردید.

## هجرت به حوزه قم

ایشان از مشهد مقدس به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید محمد داماد یزدی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی استفاده نمود و از ملازمان و اصحاب استفتای آیت الله مرعشی شد و در تنظیم «حواشی عروه» و «مناسک حج» ایشان شرکت داشت.

## از آثار او

1- القواعد الفقهیه.

2- تقریرات فقه مرعشی نجفی.

3- تلخیص الاصول فی علم الاصول.

4- تقریرات اصول مرعشی نجفی.

وی در روز سه شنبه 17 محرم 1417/ ق مطابق با 15 خرداد 1375/ ش در قم درگذشت، و در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

منبع

1- گنجینه دانشمندان 2/289.

## شیخ حسن نجفی بلستانی

(ح 1390 ق)

شیخ حسن نجفی فرزند غلامعلی بلستانی، از فضلاء قم بود.

در «پاری-کهر منگ» ایالت بلستان پاکستان متولد گردید.

ایشان در سال 1352 ق به قم مقدس مهاجرت کرد و دروس مقدماتی را نزد میرزا احمد ترشیزی به انجام رسانید و جهت تکمیل تحصیلات خود به حوزه کهن نجف

ص: 570

اشرف رهسپار شد و از محضر آیات استفاده نمود، و مجدداً به قم مراجعت کرد.

منابع

1- آینه دانشوران 319 (وی را تحت عنوان «شیخ حسن هندی» معرفی کرده است).

2- تذکره علمای امامیه پاکستان (شمالی علاقجات) 182.

### **شیخ حسن نصرتی نیا سردودی**

(1334-1397 ق)

شیخ حسن فرزند یوسف و نوه محمد علی فرزند نصر الله سردودی تبریزی، ملقب به «نصرتی نیا» از فضلا و خدمتگزاران به خلق در سردود بود.

او در سال 1334 ق در سردود (15 کیلومتری تبریز به سمت آذر شهر) متولد گردید.

نصرتی نیا مقدمات را در زادگاه خود نزد میرزا محمد رفیع جلالی سردودی آموخت. سپس به تبریز رفت و در مدرسه صادقیه سطح را دید. سپس به قم عزیمت نمود و مدتی چند در درس خارج اساتید قم حاضر گشت و سرانجام به زادگاه خویش مراجعت کرد و همواره به خدمات دینی و اشتغال به کار و زراعت می پرداخت.

ایشان در سال 1397 ق مطابق با 1356 ش در سن 63 سالگی بر اثر سکته قلبی در سردود درگذشت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان بهشت معصومه علیها السلام مدفون گردید.

### **میرزا حسن نوری همدانی**

(1342-1411 ق)

حاج میرزا حسن فرزند علامه شیخ ابراهیم نوری همدانی، از فضلالی معاصر بود.

در سال 1342 ق مطابق با 1302 ش در همدان دیده به جهان گشود.

ص: 571

او برخی از مقدمات را نزد پدر خود تلمذ کرد و چندی هم در مدرسه آخوند ملا علی تحصیل نمود. آنگاه به قم مهاجرت کرد و پس از طی سطوح، خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید حسین طباطبائی بروجردی، سید محمد داماد یزدی، سید کاظم شریعتمداری، سید روح الله خمینی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی استفاده نمود و از راه منبر به تبلیغ دین و ترویج معارف اسلام پرداخت.

نوری در روز شنبه 29 شعبان 1411/ ق مطابق با 25 اسفند 1369/ ش در سن 69 سالگی بر اثر تصادف درگذشت. پیکرش عصر روز یکشنبه در قم تشییع و در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

منبع

1- گنجینه دانشمندان 294/2.

### **میرزا حسن وثوق الدوله آشتیانی**

(1292-1370 ق)

میرزا حسن فرزند میرزا ابراهیم معتمد السلطنه و نوه میرزا محمد قوام الدوله آشتیانی، ملقب به «وثوق الدوله» متخلص به «ناصر» از نخست وزیران با فضل ایران بود.

وی در ربیع الاول 1292/ ق در تهران پا به عرصه گیتی نهاد.

او ادبیات را نزد میرزا محمد ادیب گلپایگانی و علوم نقلی را نزد سید

ص: 572

عبد الکریم لاهیجی و علوم عقلی را نزد شیخ علی نوری و میرزا هاشم اشکوری در مدرسه مروی به پایان برد.

میرزا حسن در سال 1313 ق همراه پدر خود به ملاقات ناصر الدین شاه قاجار رفت و لقب «وثوق الدوله» را از او دریافت داشت و منصب استیفای آذربایجان را برعهده گرفت.

سایر مناصب سیاسی او عبارتند از: وزیر عدلیه (1327 ق در کابینه سپهدار تنکابنی)، وزیر عدلیه (1328 ق کابینه مستوفی الممالک)، وزیر داخله (1329 ق در کابینه سپهدار تنکابنی)، وزیر خارجه (1329 ق در کابینه صمصام السلطنه)، وزیر دادگستری (1345 ق در کابینه مستوفی الممالک). او در سال 1298 ش مطابق با 1919 م قراردادی بین ایران و انگلستان امضا کرد که اعتراض آزادی خواهان را برانگیخت. ریاست فرهنگستان ایران را در سال 1314 ش برعهده داشت.

وی نمایندگی مجلس شورای ملی از تهران را در دوره های: اول (1285 ش مطابق با 1324 ق)، دوم (1288 ش مطابق با 1327 ق)، ششم (1305 ش مطابق با 1344 ق)، و هفتم (1307 ش مطابق با 1347 ق) که در دوره اول سمت نیابت ریاست مجلس را داشت. از آثار او: دیوان اشعار.

وثوق الدوله در سال 1370 ق مطابق با بهمن 1329/ ش در تهران درگذشت.

پیکرش به قم حمل و در مقبره خانوادگی شان در صحن اتابکی حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

آقای علی وثوق، نماینده دوره بیستم مجلس شورای ملی از شاهرود، فرزند ایشان است.

منابع

1- رهبران مشروطه 415/1.

ص: 573



2- فرهنگ رجال قاجار 207.

3- فرهنگ شاعران زبان پارسی 595.

4- فرهنگ عمید 895.

5- مؤلفین کتب چاپی 509/2.

6- نامداران اراک 257.

7- نمایندگان مجلس شورای ملی 377.

### شیخ حسین اسلامی خلخال

(-ح 1399 ق)

وی اهل «کلور» خلخال و از فضلا و معاریف آن خطه بود.

در محل مذکور تولد یافت. و دوران تحصیلات خود را ابتدا در مکتب خانه ای در خلخال گذراند. دروس سطح را در حوزه علمیّه اردبیل نزد آیت الله شیخ غلامحسین غروی اردبیلی و شیخ غفور عاملی اردبیلی به پایان رساند. سرانجام رهسپار حوزه علمیّه قم گردید و از محضر آیتین علمین: سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبایی بروجردی خارج فقه و اصول استفاده نمود.

سپس با کوله باری از دانش و معرفت به وطن خویش «کلور» خلخال بازگشت و به احیای امور دینی و اجتماعی پرداخت.

سال ها در آن دیار مقیم بود، آنگاه مجدداً به قم مراجعت فرمود تا به لقاء الله پیوست.

اسلامی در حدود سالهای 1399 ق در شهر قم رحلت نمود و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

منبع

1- مفاخر اردبیل (مخطوط- سید عبد الله مفتی الشیعه).

ص: 574

(1282-1386 ق)

حاج شیخ حسین فرزند فتح الله اهری، از دانشمندان و مشاهیر اهر بود.

وی که اهل رواسجان (قره نگوش) شهرستان اهر است، در سال 1282 ق در شهر اهر - استان آذربایجان شرقی - دیده به جهان گشوده بود.

شیخ حسین پس از فراگیری مقدمات، سطوح را نزد آیت الله شیخ عبد الغنی اهری استفاده نمود. سپس در سال 1304 ق به تبریز رفت به تحصیل خود ادامه داد. در سال 1313 ق به نجف اشرف رهسپار شد و از محضر فقهای آن دیار، از جمله آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بهره ها برد و خود اقدام به تدریس پرداخت.

در سال 1349 ق (یعنی پس از 36 سال) به زادگاهش اهر مراجعت فرمود و در «مدرسه شمس» به تدریس خود ادامه داد، و در آن منطقه مرجعیت وسیعی پیدا کرد. او از نظر اخلاقی و مردم داری، نمونه ای فوق العاده بود.

از باقیات صالحات ایشان: بازگشایی مدرسه علوم دینی اهر، تعمیر و مرمت مسجد سفید کوچک و بزرگ، و احداث غسلخانه ای برای مردگان در اهر، می توان یاد کرد.

### از آثار او:

1- حدیقه الأحباب (در احادیث و علوم قرآنی).

ص: 575

2- شجره طوبی.

3- شرح علی الرسائل.

4- شرح علی المكاسب.

5- مناسک الحج.

6- اربعمانه (أحادیث الامام الصادق علیه السلام).

7- ردّ بهائیت.

8- آیات قرآن قابل ایراد است؟

9- سوره المنتهی (رساله عملیه).

10- سؤال و جواب (پیرامون علوم قرآنی).

اهری در روز یکشنبه 2 ذی القعدة 1386/ ق برابر با 23 بهمن 1345/ ش در سن 104 سالگی در شهرستان اهر بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان ابو حسین- مقبره العلماء- به خاک سپرده شد.

از او تنها یک دختر ماند که همسر حجه الاسلام سید عباس گرگری (مقیم نجف اشرف) می باشد.

اما دامادهای آقای گرگری عبارتند از:

1- مرحوم شیخ محمد علی غروی که ساکن نجف اشرف بود.

2- آیت الله شیخ محمد رضا بخارائی که فعلا ساکن مشهد مقدس است.

3- حجه الاسلام و المسلمین سید کاظم دهدشتی، که فعلا ساکن آبادان است.

4- آیت الله سید مرتضی نجومی، که فعلا ساکن کرمانشاه است.

منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- تاریخ و جغرافیای ارسباران 260.

3- مؤلفین کتب چاپی 833/2.



**اشاره**

(1285-1365 ق)

سید حسین فرزند علامه سید محمد علی و نوه آیت الله سید عبد الله موسوی جزائری شوشتری، از علمای معروف و مقیم تهران بود. نسبش با چند واسطه به علامه بزرگ و محدث گرانقدر سید نعمه الله جزائری می رسد.

**هجرت به حوزه نجف اشرف**

وی پس از طی مقدمات و تحصیل سطوح در تهران و پس از درگذشت پدرش در سال 1306 ق، رهسپار نجف اشرف گردید، و از محضر آیات: میرزا حبیب الله رشتی و میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده نمود. آن گاه به تهران مراجعت کرد و به انجام وظایف دینی پرداخت. ایشان یکی از مشاهیر و استوانه های زهد و تقوا به شمار می رفت، و از مصادیق بارز «مخالفا لهواه» بود.

**درگذشت و اعقاب**

وی در روز چهارشنبه 18 محرم 1362 ق مطابق با 5 اسفند 1321 ش در تهران در سن 77 سالگی رحلت کرد، و پس از تشییع با شکوه، به قم حمل و در کنار تربت آیت الله حائری یزدی در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

**فرزندانش:**

1- سید ابو القاسم 2- آیه الله سید صدر الدین جزائری (1313- ذی حجه / 1396 ق) و در صحن حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام در شهر ری مدفون شد 3- سید محمد علی (میرزا کوچک) 4- سید بزرگ.

منابع

1- آثار الحجه 64/1.

ص: 577

2- شجره مبارکه یا برگی از تاریخ خوزستان 289/1.

3- گنجینه دانشمندان 406/5.

4- معجم القبور و وفیات الأعلام (خطی-رازی).

5- نعباء البشر 631/2.

### میرزا حسین جلالی رامسری

(1328-1392 ق)

حاج میرزا حسین جلالی فرزند علی اکبر و نوه ملا محمد سمایی رامسری، از وعظ خطه تنکابن بود.

وی در سال 1328 ق در رامسر پا به عرصه وجود نهاد و در سن پنج سالگی از نعمت پدر محروم شد. در تحت تکفل مادر، خواندن و نوشتن را فراگرفت، سپس وارد مدرسه علمیه «نارنج بن» گردید و مقدمات و سطوح را نزد شیخ محمد حسین غریب تنکابنی، سید یعقوب سجادی، سید مهدی علوی، و شیخ عبد الله مدرس طی نمود و به وعظ و ارشاد پرداخت.

نامبرده دارای بیانی جذاب و در روضه لحنی جالب و شیوا داشت. وی از افراد کم نظیر این عصر بود، و هیچ گاه دلبستگی به مادیات نداشت. و به جز در اوقات ضرورت در اجتماع دیده نمی شد.

جلالی در سال 1384 ق با عده ای از اهالی رامسر به مکه مشرف گردید و در سال 1386 ق با اصرار اهالی «رضی محله» در مسجد آن محل اقامه جماعت می کرد، و شبهای جمعه در همان محله مجلس وعظی داشته که بسیار مفید و آموزنده بوده است.

ایشان در شب یکشنبه چهارم/شوال/1392 ق موافق با 20/آبان/1351 ش در رامسر در اثر سکت قلبی درگذشت، و جنازه اش به قم حمل گردید و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد. و از او فقط یک پسر به نام آقا محمد و شش دختر به جای ماند.

ص: 578

جلالی گهگاهی شعر هم می سرود و اغلب اشعارش در رثاء اهل بیت علیهم السّلام بود، از جمله مرثیه ای که به صورت مستزاد است در سال 1351 ق در رثای حضرت علی اکبر علیه السّلام سروده، تقدیم می گردد:

گفتار سر نعلش علی اکبر شه بطحا مه طلعت بابا

از چیست بخون خفته ای ای نوگل رعنا مه طلعت بابا

انداخت که از تیغ ستم قد رسایت افکند ز پایت

بنموده مرا نوحه گر از داغ فراق افکند ز پایت

خم کرده قدم همچو کمان بهر عزایت افکند ز پایت

برخیز نما جان پسر شکوه ز اعدا مه طلعت بابا

این فرق منیر تو که منشق ز جفا کرد از حق نه حیا کرد

وین قامت شمشاد تو بر خاک فنا کرد از حق نه حیا کرد

در ماتم هجران تو ما را به نوا کرد از حق نه حیا کرد

زین قوم کنم شکوه بر قادر یکتا مه طلعت بابا

این بود امیدم که ترا شاد نمایم داماد نمایم

از شادی تو شادیم آغاز نمایم داماد نمایم

اندر شب عیشت بفلک باز نمایم داماد نمایم

سازم خبر از سور تو بر جمله بطحا مه طلعت بابا

گفتم که شب عیش بپوشم بقبایت بندم بحنایت

دوزم ز وفا رخت عروسی ز برایت بندم بحنایت

در حجلگه عیش نشانیم رعنایت بندم بحنایت

افسوس که ناکام برفتی سوی عقبا مه طلعت بابا

از داغ تو بابا بنمایم چه صبوری آه از غم دوری

صد آه که شادیت ندیدم بدهوری آه از غم دوری

بینم چسان غوطه ور اندر یم خونی آه از غم دوری

منبع

1-بزرگان رامسر 58.

ص: 579



(ح 1297-1386 ق)

سید حسین حائری فرزند آیت الله سید محمد علی حسینی و نوه سید صادق تنکابنی.

در حدود سال 1297 ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

پدرش از فقها و دانشمندان عتبات عالیات به شمار می رفت که در سال 1317 ق در نجف اشرف درگذشت، به نقباء البشر 1449/4 و بزرگان رامسر 188 رجوع شود.

سید حسین، دروس دینی خود را نزد آیات: شیخ محمد علی مدرسی چهاردهی، سید مصطفی کاشانی، میرزا علی شیرازی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و سید ابو الحسن اصفهانی در نجف اشرف و حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی در قم گذرانید.

وی از نجف اشرف به کرمانشاه رفت و پس از چندی در سال 1342 ق به قم مهاجرت کرد و تا آخر عمر در محله سر حوض زیست. سفرهائی به مصر و روسیه داشت و تسلط به چند زبان خارجی نیز پیدا کرد.

در وعظ و ارشاد دهن گرمی داشت که مورد توجه عامه بود. از دیگر ویژگیهای ایشان: حفظ خطب نهج البلاغه، اشعار زیادی از شاعران عرب زبان و دارای خطی خوش و صفحه بندی زیبایی نگارشی بود.

### از آثار او

1- شرحی بر ارشاد (از شیخ مفید)

2- ترجمه لهوف (از ابن طاوس)

3- دیوان اشعار

نامبرده در چند سال آخر عمر خود دچار سکتة ناقص گردید و در منزل بستری

ص: 580

شد و سرانجام در صفر 1386/ ق مطابق خرداد 1345/ ش در سن 89 سالگی در قم درگذشت و جسدش در صحن حضرت معصومه علیها السلام (زیر ساعت) به خاک سپرده شد.

ایشان به افتخار دامادی آیت الله سید حسن کزازی یکی از علمای معروف کرمانشاه بود، نایل شد. و فرزندان دانشمند از سه همسر چون:

1- سید محمد علی صفیر.

2- سید محمد حسن حائری نیا.

3- سید محمد تقی حائری فر، وکیل دادگستری.

4- میر جعفر.

5- سید مهدی حائری و پنج دختر پیدا کرد.

آقای شیخ محمد سمایی در بزرگان رامسر ص 62 از ایشان به عنوان یکی از بزرگان نام برده، ولی اشتباهی وی را داماد سید احمد کربلائی دانسته که اشتباه است.

منبع

1- شرح حال فوق از زبان فرزندش آقای سید محمد حسن حائری نیا، ساکن تجریش یادداشت گردید.

**سید حسین حسینی قمی**

**اشاره**

(1336-1412 ق)

حاج سید حسین فرزند سید علی حسینی قمی، از معاریف شعرای معاصر قم بود.

او در سال 1336 ق مطابق با 1296 ش در شهر قم چشم به جهان گشود. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در پانزده سالگی پدر خود را از دست داد. ناچار متکفل مخارج پنج نفر که تنها میراث پدر بودند، گردید.

حسینی تحصیلات متوسطه را ضمن یک شغل آزاد به پایان رسانید، و از

ص: 581

فراگرفتن علوم قدیمه نیز غفلت نورزید، و در سال 1319 ش به تهران مهاجرت کرد و در سال 1321 ش به استخدام بانک ملی درآمد و در همان شهر مشغول کار شد. در ضمن با جراید همکاری داشت و اشعارش با امضای مستعار «خروس اخته» در روزنامه های: توفیق، نسیم شمال و کانون شعرا به چاپ رسید. و در آغاز شاعری به جنبه های فکاهی و اجتماعی آن پرداخت.

حسینی در رابطه همکاری خود با مطبوعات و آثارش چنین می گوید: «از نیم قرن پیش تاکنون در رابطه با مطبوعات کشور آثار بسیاری داشته ام، که حتی یک در صد آنها در دسترس نبوده و امکان به دست آوردنش نیز برایم میسر نیست».

## زندگانی همراه با شعر و ادب

آقای مهدی عباسی، ایشان را چنین معرفی می نماید:

کمتر کسی است در شهرستان قم با شعر و ادب سروکار داشته باشد، ولی با نام این شاعر بلندآوازه آشنا نباشد، وی از کارمندان بانک ملی ایران و از اعضای برجسته انجمن ادبی این شهر در دوره های گذشته محسوب می شده، پس از آنکه شادروان محمود صمصام السلطان (تندری) از این محنت سرا به سرای جاویدان سفر نمود، مدتی انجمن ادبی مسئول نداشت، تا اینکه بنا به درخواست شعرای شهر آقای حسینی قبول مسئولیت نموده، سالهای متوالی جلسات انجمن در منزل شخصی ایشان تشکیل می گردید، و الحق که از عهده این امتحان سرفراز بیرون آمدند، این شاعر اشعار طنز و انتقادآمیز به مناسبتهای مختلف سیاسی و اجتماعی می سرود، که در مجلات مختلف از قبیل: توفیق، ناهید، نسیم شمال، امید، استوار، پیکار مردان و غیره به چاپ می رسید، و چون این گونه اشعار طبعاً به مذاق حکام وقت ناگوار می آمد، لذا مأمورین ساواک خود را در لباس دوست و علاقمند به شعر و ادب جلوه داده در جلسات شرکت می جستند، و این مسأله موجب ناراحتی و امکان از هم پاشیدگی انجمن را داشت، به ناچار شعرا در گوشه و کنار، پنهان و

آشکار، تشکیل جلسه می دادند، و به طوری که شاعر نقل فرمودند: «هر چراغی روشن شد ما رفتیم در سایه آن چراغ، ولی بال و پرمان سوخت و افتادیم». مطالب یادشده قطره ای از دریای زحماتی است که این شاعر در دوران حیات ادبی خویش کشیده اند.

حسینی پس از چند سال توقف در تهران به زادگاه خود منتقل گردید و در بانک ملی مشغول به کار شد تا بازنشسته گردید.

سرانجام در روز چهارشنبه 22 ربیع الاول 1412/ ق مطابق با 10 مهر/ 1370 ش در قم بدرود حیات گفت و در وسط قبرستان حاج شیخ مدفون گردید.

حسینی شاعری خوش ذوق و اجتماعی و شوخ طبع بود. در جوانی با کمک چندین تن از شاعران به تشکیل (انجمن ادبی قم) به ریاست شادروان استاد محمود تندری همت گماشت، و پس از فوت تندری انجمن را در منزل خود تشکیل داد.

### از آثار او سه مجموعه شعر به نامهای:

1- اشک ملت.

2- سیاست روز.

3- سمبولی از شعر و ادب معاصر، که به چاپ رسیده است.

### من هم

چشم ابر بهارا گریان بود در چمن من و او هر دو ناله ها کردیم

بلبل از عشق گل پریشان بود همچو من شکوه از یار بی وفا کردیم

بلبل از عشوه گل شاداب در بهار هر دو همدرد یکدگر بودیم

من ز آشوب آن دو نرگس خواب چشم یار از غم عشق باخبر بودیم

بلبل آن مرغ زار را باید مرغزار کز خط و مرغزار بلبل و من

عاشق بی قرار را باید خط یار وای بر حال زار بلبل و من

من ز گل چهره او ز چهره گل در تعب همه در آتشیم و سوز و گداز

من پی زلف و او پی سنبل روز و شب ای دل غرقه خون بسوز و بساز  
یاد آن شب که چشم مخمورش سوی من از چه امروز بی خبر ز من است  
بود و روشن ز روی پرنورش کوی من همچو ایام در گذر ز من است  
گرچه خود از تو دور می کردم بی گمان لیک چون دوست دارم ای دوست  
بی نشاط و سرور می کردم در جهان به خدا می سپارم ای دوست...

\* منابع

1- تاریخ تکایا و عزاداری قم 316.

2- رجال قم 109.

3- سخنوران نامی معاصر 87/3.

4- سخنوران نامی معاصر ایران 1146/2.

5- فرهنگ شاعران زبان پارسی 171.

6- مؤلفین کتب چاپی 730/2.

**سید حسین خلخالی**

**اشاره**

(1309-1394 ق)

سید حسین فرزند علامه سید زین العابدین نوه میر شاه میرزا موسوی خلخالی، از علما و زهاد که در رشت سکونت داشت، تولدش به سال 1309 ق در خلخال اتفاق افتاد.

مقدمات را در زادگاهش آموخت، و جهت ادامه تحصیل به اردبیل رفت و مدت 13 سال به تحصیل سطوح پرداخت. سپس به تبریز رفت و پس از 3 سال اقامت به رشت عزیمت کرد، و مدتی به تحصیل و ارشاد پرداخت سرانجام به نجف اشرف رهسپار گردید، و محضر آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی را درک و از وی استفاده علمی نمود، و پس از ارتحالش از محضر آیت الله سید ابو الحسن

ص: 584

اصفهانی بهره مند گردید.

وی در سال 1352 ق به رشت بازگشت و به اقامه جماعت و تدریس همت گماشت، و نظر به قدس و زهدی که داشت اقبال زیادی کسب نمود.

او در 2/ محرم 1394/ ق مطابق با بهمن 1352/ ش به سن 84 سالگی در رشت درگذشت، و جسدش در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

### فرزندانش:

1- حجه الاسلام سید ابو الفضل، ساکن قم (که معلومات فوق را از ایشان یادداشت نمودم) 2- سید محمد تقی 3- سید علی اکبر 4- سید هادی.

و جناب آیت الله سید رضی شیرازی ساکن تهران یکی از دامادهای مترجم له می باشد.

### حسین دادگر

### اشاره

(1299-1390 ق)

حسین دادگر و ملقب به (عدل الملک) فرزند میرزا عبد الکریم و نواده حاج علی تاجر شیرازی، متولد سال 1299 ق مطابق با 1260 ش در تهران.

مقدمات علوم دینی را در مدرسه مروی آموخت. اندکی در علوم دینی و فقه اسلامی تحصیل کرد و در زمان وزارت میرزا محمود علاء الملک در کابینه اتابک، در سال 1286 خورشیدی به استخدام عدلیه درآمد. در ظرف چند سال از تقریرنویسی و عضویت محکمه بدایت، تا دادستانی تهران، مدارج خدمات قضایی را پیمود. بعد به وزارت داخله منتقل شد و لقب (عدل الملک) گرفت. و در آغاز مشروطه جزو مشروطه خواهان بود.

### در وزارت داخله

پس از چند سال که کارمند وزارت داخله بود، به سال 1295 ش و در زمان

ص: 585

ریاست وزرایی وثوق الدوله، در وزارت داخله مقام مؤثری به دست آورد.

او که یکی از معاونین وزارت داخله شده بود و از طرف «کمیتة مجازات» مورد تهدید قرار گرفت که چنانکه از خدمات دولتی کناره گیری نکند، ترور خواهد شد. در حکومت دوم وثوق الدوله که برای ایجاد امنیت، کوشش هایی به عمل می آمد، وقتی ( ماشاءالله کاشی) و بعد پدرش (نایب حسین کاشی) را مأموران ژاندارمری دستگیر کرده به تهران آوردند، بازجویی از این اشرا را به وسیله اداره تأمینات زیر نظر عدل الملک که معاون وزارت داخله بود انجام پذیرفت، و در استرداد اموال مردم که راهزنان کاشان به سرقت و غارت برده بودند بسیار کوشید. معاونت وزارت داخله را مدتی حفظ کرد و در اواخر سال 1299 خورشیدی در کابینه سپهدار رشتی به کفالت وزارت داخله برگزیده شد.

### در کودتای 1299 ش

چون با سید ضیاء الدین طباطبائی آشنا بود و برای روزنامه رعد مقالاتی می نوشت، شهرت یافت که از حادثه کودتا قبلاً آگاه بوده است و با سید ضیاء همراه، از این رو پس از کودتای 1299 ش در کابینه سید ضیاء کفالت وزارت داخله را همچنان حفظ کرد. او مورد اعتماد سید ضیاء الدین بود و در جریان بازداشت و دستگیری حکام ایالات مانند قوام السلطنه حاکم خراسان و صارم الدوله حاکم کرمانشاه، واسطه ابلاغ و اجرای دستورهای سید ضیاء الدین بود.

هنگامی که کابینه سید ضیاء الدین ساقط شد، قوام السلطنه دستور تبعید عدل الملک را داد. او در قم به صحن مبارک رفت و در آنجا بست نشست. در همین هنگام که او در حرم حضرت معصومه علیها السلام متحصن بود، اعتبارنامه دوره چهارم نمایندگی مجلس شورای ملی او، در جلسه پنجم/مرداد 1300/ش در مجلس طرح و رد شد. پس از کناره گیری دولت قوام السلطنه به تهران بازگشت، و در وزارت داخله مشغول خدمت شد.

## در مجلس شورای ملی و در کنار سردار سپه

دادگر در 26 خرداد 1302/ ش در کابینه مشیرالدوله، به سمت (کفیل وزارت فوائد عامه و تجارت) منصوب و سپس در کابینه سردار سپه که در 6 آبان/ 1302 ش تشکیل شد، معاون رئیس الوزرا شد. او در امور سیاسی، همه جا مجری سیاستهای سردار سپه بود. در طرح قضیه جمهوری، از هواداران آن به شمار می آمد، در مجلس شورا یکی از امضاکنندگان ماده تبدیل رژیم مشروطه به جمهوری بود. و سرانجام برای سلطنت سردار سپه فعالانه وارد میدان سیاست شد.

در مجلس مؤسسان که در آذر 1304/ ش تشکیل شد (نایب رئیس مجلس) بود، سپس در 28 آذر 1304/ ش در کابینه اول فروغی که اولین کابینه پس از سلطنت رضا شاه بود، به سمت (وزارت داخله) منصوب شد.

دادگر از آن پس تصمیم گرفت در مجلس شورای ملی، فعالیت سیاسی کند. او در دوره های سوم از بابل (1293 ش مطابق با 1333 ق)، چهارم (1300 ش مطابق با 1339 ق)، پنجم (1302 ش مطابق با 1342 ق)، ششم (1305 ش مطابق با 1344 ق)، هفتم (1307 ش مطابق با 1347 ق)، هشتم (1309 ش مطابق با 1349 ق)، و در دوره های نهم (1311 ش مطابق با 1351 ق) و دهم (1314 ش مطابق با 1354 ق) از تهران به نمایندگی برگزیده شد، که در دوره دهم اعتبارنامه اش مطرح نشد. در دوره های هفتم و هشتم و نهم رئیس مجلس شورای ملی بود. در دوره ریاست او بود که در سال 1309 خورشیدی لقب (کبیر) برای رضا شاه از مجلس گرفته شد. پس از پایان دوره نهم، در حالی که به نمایندگی دوره دهم انتخاب شده بود و سه دوره متوالی رئیس مجلس شورای ملی بود.

## غضب شاه و تبعید از ایران

در سال 1314 ش مورد غضب رضا شاه واقع گردید و سریعا از ایران تبعید شد.

علت واقعی این رفتار رضا شاه با او به درستی معلوم نیست. فقط حاج



مخبر السلطنه هدایت در کتاب خود به نام (خاطرات و خطرات) اشاره ای به این موضوع دارد:

«در خاتمه دوره هشتم /24 دی ماه 1310/ ش دادگر رئیس مجلس پس از اظهار خدمتگزاریهها گفت: «اگر خداوند به ما توفیقی عنایت کند، بار دگر وسیله اصلاحات باشیم...» در خاتمه اشاره به تسریع انتخابات نمود. من هم از مساعدتهای مجلس اظهار خشنودی کردم. در اسب دوانی صحرا کاشف به عمل آمد که گفتارهای آن روز مطبوع خاطر ملوکانه نبوده است، از شرکت در اصلاحات دم زدن و دو منشأ برای پیشرفت قائل شدن نزدیک به کفر است. در اسب دوانی دادگر مخاطب به خطابات سخریه آمیز شد و فرمودند: بلی! مساعدتهای مجلس رونقی به امور داد، در انتخابات تسریع می شود و شما هم رئیس خواهید بود، معلوم بود که تصدیق من هم به جا نبوده است».

به هر جهت دادگر از ایران تبعید شد و در عرض سه روز از طریق «بندر انزلی» به «ماکو» و از آنجا به اروپا عازم گردید. هنگامی که در اروپا بود، در بحبوحه جنگ جهانی دوم از طرف نازی ها دعوت به همکاری شد. جریان واقعه از این قرار بود: که وی توسط فن پاپن و شلومبرگ که سابقاً سفیر آلمان در ایران بود، دعوت شد تا ریاست حکومت ایران آزاد را عهده دار شود. و سرلشکر آیرم نیز که در این زمان فراری و ساکن اروپا بود، در این حکومت وزیر کشور شود. دادگر این پیشنهاد را نپذیرفت و علی رغم میل و اصرار نازیها و سرلشکر آیرم، با آنان همکاری نکرد.

### **بازگشت به وطن و فعالیت در مجلس سنا**

دادگر پس از سالهای متمادی اقامت در اروپا، در سال 1324 خورشیدی به ایران بازگشت. آنها از آسیاب افتاده و دیکتاتوری سقوط کرده بود. از این رو وی مجدداً به فعالیت سیاسی پرداخت و این بار در مجلس سنا شروع به فعالیت کرد.

در دوره های اول (1328 ش مطابق با 1369 ق)، دوم (1332 ش مطابق با

1373 ق) و سوم (1339 ش مطابق با 1379 ق) مجلس سنا، سناتور انتخابی استان مازندران بود (20 بهمن 1328 / - 19 اردیبهشت 1340 / ش).

### حمایت از نهضت ملی

ولی این بار با تجربه تر از دوره سیاسی گذشته خود با مسائل سیاسی برخورد کرد. از پشتیبانان پشت پرده نهضت ملی شدن صنعت نفت و از مؤیدین رجال ملی ایران محسوب شد.

حسین مکی در کتاب خود به نام (تاریخ بیست ساله ایران) درباره اواخر عمر سیاسی او چنین می نویسد:

«ولی عدل الملکی که در دوران حکومت کودتای 1299 ش مصدر کار و چندین دوره نماینده مجلس و سه دوره هم رئیس مجلس، و رئیس انجمن نظارت انتخابات قلابی دوره هفتم بود و از عمال روی کار آوردن حکومت دیکتاتوری به شمار می رفت، با عدل الملک از تبعید برگشته تفاوت فاحشی کرده بود. زیرا در سالهای دره دری و تبعید طعم حکومت مطلق العنانی و قلدری را چشیده بود، لذا با حکومت دیکتاتوری مخالف بود. به همین علت هم هنگامی که سناتور بود و حکومت رزم آرا روی کار آمد، با من روابط نزدیک پیدا کرد و پنهان و آشکار ما را تأیید می نمود، چنان که وقتی دکتر فاطمی مدیر «باختر امروز» را رزم آرا توقیف کرد، در مجلس سنا و در جلسه خصوصی عمل دولت را تقبیح نمود.

آشنایی و دوستی من هم با ایشان از هنگامی شروع شد که در کابینه رزم آرا لکوموتیورانان راه آهن به علت شرایط نامساعدی که داشتند ناگهان دست از کار کشیده به مجلسین شورا و سنا متحصن شدند، و از طرف مجلس شورای ملی دکتر معظمی و من و از مجلس سنا عدل الملک و یک نفر دیگر انتخاب شدیم که به شکایت آنها رسیدگی نموده، هرچه رأی دادیم مورد قبول دولت واقع شود. برای انجام این منظور جلسه ای با حضور وزیر راه تشکیل دادیم رأی هر چهار نفر ما به

ص: 589

نفع متحصنین و علیه دولت بود، و با آنکه وزیر راه هم قبول کرده بود که اجرا نماید، ولی رزم آرا زیر بار نرفت و کار به کشمکش انجامید که در جلسه رسمی مجلس مطرح نمودم. نوبت دیگر هم که عده ای به تئاتر سعدی هجوم برده و تخریب و غارت کرده بودند، کارکنان تئاتر سعدی به مجلسین سنا و شورا متحصن شدند. در این نوبت هم از مجلس سنا عدل الملک و ابراهیم خواجه نوری و از مجلس شورا دکتر معظمی و نگارنده معین شدیم که رسیدگی نموده، رفع تحصن شود در این مورد هم رأی چهار نفرمان یکسان بود و رفع تحصن شد.

بعد هم با دادگر در مجلس مرتباً ملاقاتهایی دست می داد (چون در آن موقع هنوز برای مجلس سنا مکانی ساخته نشده بود، و جلسات مجلس سنا در بهارستان و در عمارت مجلس شورا تشکیل می یافت) بنابراین حداقل در هفته دوسه مرتبه ملاقات و درباره حکومت رزم آرا مذاکره و تشریک مساعی و بحث می کردم.

### **دیکتاتور و دیکتاتوری**

عدل الملک دل (پر)خونی از دیکتاتوری داشت، و می گفت: بر من مسلم شده که هرکس به ایجاد و روی کار آمدن دیکتاتورها کمک کند، پس از آنکه پایه های حکومت خودکامه محکم شد و دیکتاتور کاملاً مستقر گردید، اولین قربانیهای آن حکومت همان کسانی خواهند بود که عمل و اکره بنای آن حکومت بوده اند، زیرا آنها همان طور که گفته اند چوب بست بدنماست و باید برداشته و نابود شود. به این جهت باید متوجه بود که به ایجاد چنین حکومتهای مطلق العنانی مطلقاً کمک و همکاری نکرد. اگر کسی کمکی کرد و از عوامل مؤثر بود، بداند که از بین خواهد رفت، من هم اگر در ایران بودم، حتماً در زندان قصر پذیرایی می شدم و یک روز در جراید نوشته می شد که دادگر در اثر سکت قلبی درگذشته است.

عدل الملک از دورانی که در رأس کار بوده، متأسف بود و استغفار می کرد. به این جهت به (جبهه ملی) نزدیک شده بود و با ملی کردن نفت هم موافق بود، و

برای رزم آرا در مجلس سنا کارشکنی می کرد. در دوران خلع ید هم که در آبادان بودم ارتباط داشتیم و تلگرافهایی بین ایشان و من مبادله می شد، که یکی از آنها برای تقویت حکومت مصدق در جلد سوم کتاب سیاه نقل شده است...».

حسین دادگر سرانجام در روز یکشنبه 19 ذی قعدة 1390/ ق مطابق با 27 دی 1349/ ش در تهران وفات یافت، و در قم یکی از اطاقهای قبرستان ابو حسین فرزند وی رحیم دادگر نماینده مجلس شورای ملی از استرآباد دوره نوزدهم است.

به خاک سپرده شد.

تنها اثری که از او به چاپ رسیده است: یادداشتهائی درباره تاریخ معاصر ایران، می باشد.

منابع

1- اسرار تاریخی کمیته مجازات.

2- تاریخ بیست ساله ایران، 4/2.

3- تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران.

4- رهبران مشروطه 626/2.

5- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 165/3.

6- سالنامه دنیا، سالهای 1342 و 1345 و شماره شانزدهم.

7- شرح حال رجال ایران.

8- نمایندگان مجلس شورای ملی 322.

**شیخ حسین ربانی میانجی**

**اشاره**

(1347-1416 ق)

شیخ حسین ربانی فرزند میرزا عبد الرحیم نقابی میانجی، از فضلالی معاصر بود.

او در تاریخ 1347 ق مطابق با سال 1307 ش چند ماهی پس از رحلت پدرش در روستای «نقاب» از توابع میانه چشم به جهان گشود.

ص: 591

اندک زمانی نزد دایی خود به فراگیری قرآن پرداخت. بعد در مکتب خانه کربلای حسین در روستای «نشق» به خواندن و نوشتن علاقه نشان داد، و در روستای «النجارق» دروس ابتدایی را پشت سر گذاشت، سپس به شهر میانه رفت و در حوزه تازه تأسیس آنکه در منزل آیت الله میرزا ابو محمد حجتی برقرار بود، اقدام به آموزش مقدمات علوم اهل بیت علیهم السلام کرد، و تا پایان دوره سطح از محضر آقایان:

میرزا لطف علی زنوزی، شیخ هادی نیری، شیخ علی کتانی، میرزا مهدی جدیدی، و سید عبد الستار محمدی استفاده کرد.

## مهاجرت به قم

او در سال 1327 ش عازم شهر مقدس قم گردید و در دروس حضرات آیات:

سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمد داماد یزدی و مدت زمانی نیز در درس آیت الله سید روح الله خمینی و آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی شرکت جست. بخشهایی از علم فلسفه را نزد سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» و تفسیر و معارف قرآن را هم نزد آیت الله حاج شیخ محمد باقر ملکی میانجی آموخت. و در نهایت با تلاش شبانه روزی خود توانست در موضوعات مختلف:

فقهی، اصولی، اعتقادی و... تحقیق کرده، رساله های عربی و فارسی بنویسد که تاکنون از آنها یک عنوان به نام:

1- معاد از دیدگاه قرآن، حدیث و عقل که به مرحله چاپ رسیده و بقیه آن در حال تنظیم و آماده چاپ است.

2- رساله ای در اعجاز قرآن (به عربی و فارسی).

3- انوار بیان، در مباحث توحید قرآنی.

4- تفسیر قرآن کریم (تا سوره نساء).

5- تفسیر سوره های کوتاه قرآن.

این عالم تلاشگر از آیت الله گلپایگانی و آیت الله شیخ لطف علی زنوزی (که ساکن میانه بود) اجازه روایی داشت.

سرانجام بامداد روز پنجشنبه 27/صفر/1416 ق مطابق با 5/مرداد/1374 ش در قم درگذشت. پیکرش در جوار علی بن جعفر علیه السلام مدفون شد.

منابع

1- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی 1095 1.

2- سیمای میانه 234.

3- مقدمه کتاب معاد از دیدگاه قرآن.

**سید حسین رضوی همدانی «غبار»**

**اشاره**

(1265-1322 ق)

سید حسین رضوی، متخلص به (غبار) فرزند سید رضا و نوه سید صادق امام جمعه همدان و از سادات کبایان آن دیار است.

غبار، در سال 1265 ق در محله (کبایان) همدان قدم به عرصه هستی نهاد، و در شوال 1322/ ق در همدان چشم از جهان فرو بست و جسدش را به قم منتقل کردند و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپردند.

غبار، علوم ادبی و عربی را در زادگاهش فراگرفت و با استعداد سرشار و هوش و ذکاوت فوق العاده ای که داشت، در تحصیل دانش پیشرفت چشمگیری از خود نشان داد، و از استادان بنام شعر و ادب همدان به شمار رفت. و چندی در طریق عرفان قدم گذاشت و به سیر و سلوک در این رهگذر عمر صرف کرد، و شعرای معاصر او عبارت بودند از: مظهر، پروین، تسلیم، جاوید، کیوان و دیگران.

غبار، شاعری شیرین سخن و بر نظم شعر توانا و استاد بود، و اشعارش از شور و جذبه خاصی برخوردار و دارای صنعت سهل و ممتنع می باشد.

از آثار او: دیوان اشعار غبار، با اینکه بیش از هزار بیت نیست، مکرر در مکرر در

ص: 593

همدان، اصفهان، و تهران طبع و نشر گردیده است.

## خانه دل

دلَم دارد بدان زلف چلیپا همان الفت که با زَنار ترسا  
گره از کار مجنون کی گشاید؟ کسی کاو عقد زد بر زلف لیلی  
بسی تند است و سرکش آتش عشق و لیکن خار از او ترسد، نه خارا  
ندیدم هرگز این آشفته دل را مگر در بند آن زلف چلیپا  
یکی شد شیخ و آن دیگر برهمن که دارد عشق در سرها اثرها  
نبودی کوه کندن کار فرهاد گرش شیرین نبودی کارفرما  
چو لا خواهی شدن مگذار مگذار درون خانه دل غیر الا  
اگر مشتاق صاحب خانه باشی ندارد فرق مسجد با کلیسا  
چنان خرگاه لیلی سایه افکند که مجنون گم شد اندر راه صحرا  
سری را که آتش عشق است در دل نمی گنجد عقال عقل بر پا  
کسی کز تیشه، کوه از پا فکندی فکندش تیشه عشق تو از پا  
دلا! سستی مکن در خوردن غم که زین دارو، توانی شد توانا  
«غبارا!» زین میان برخیز برخیز که با خود می نشاید بود و با ما

\*

## بار عشق

از کف ما، عشق دامان شکیبایی کشید دیدی ای دل کار ما آخر به رسوایی کشید؟  
از مسلمانی چلیپا زلف ترسا بچه ای آخرم در حلقه زَنار ترسای کشید

گاه گاهم رخ نماید آن پری پیکر به خواب بی سبب نبود اگر کارم به شیدایی کشید

هرکه بار عشق جانان را به دوش جان نهاد بار یک عالم مصیبت را به تنهایی کشید

من ندادم دل به دست او ز روی اختیار او دل از دستم به بازوی دل آرای کشید

ص: 594



روزی که کلک تقدیر، در پنجه قضا بود بر لوح آفرینش، غم سرنوشت ما بود  
زان پیشتر که نوشد خضر آب زندگانی ما را خیال لعنت سرمایه بقا بود  
روزی که می گرفتند پیمان ز نسل آدم عشق از میان ذرات در جستجوی ما بود  
ساقی شراب شوقم دیشب زیادت داد گر پاره شد ز مستی پیراهنم بجا بود  
بر عاصیان هر قوم، بگماشت حق بلایی ما خیل عشقبازان، هجرانمان بلا بود  
ساقی لباس زهدم صد ره به می فروشت تا پاک شد ز رنگی کالوده ریا بود  
گر در محیط حیرت، غرقم، گناه من چیست؟ در کشتی وجودم عشق تو ناخدا بود  
می خواستم که دل را از غم خلاص یابم داغ جدایی آمد، وین آخر الدوا بود

منابع

- 1- تاریخ همدان (خطی - دعوتی).
- 2- سخنوران نامی معاصر ایران 2540/4.
- 3- فرهنگ شاعران زبان پارسی 412 (شرح حال ایشان دارای دو اشتباه است، اول: اینکه نامش را حسن نوشته و دوم آنکه محل دفنش را همدان قید کرده است).
- 4- فرهنگ عمید 620.
- 5- مکارم الآثار 1955/6 (تولدش را به سال 1270 ق دانسته است).
- 6- مؤلفین کتب چاپی 745/2.
- 7- نگین سخن 100/4 و 494.
- 8- هگمتانه تا همدان 240.

**حسین سلطان گودرزی ملایری**

حاج حسن فرزند حاج نعمه الله سلطان گودرزی ملایری، از شاعران و نیکوکاران ملایر بود.

ص: 595

او در امر مشاریع خیریه از پیشتازان بود و آثاری از قبیل: ساختن پل مرویل در ملایر، از یادگارهای ایشان است.

آثار قلمی او: 1- دیوان اشعار (در مدایح و مراثی اهل بیت علیهم السّلام).

نامبرده در روز یکشنبه 17 ذی القعدة 1386/ ق برابر با 8 اسفند/ 1345 بدرود حیات گفت. پیکرش در جوار علی بن جعفر علیه السّلام- و مزار آیت الله شیخ شهاب الدّین مصطفوی همدانی- به خاک سپرده شد.

منبع

1- اطلاعات متفرقه.

## سید حسین طباطبائی بروجردی

### اشاره

(1292-1380 ق)

حاج سید حسین طباطبائی فرزند علامه سید علی و نوه سید احمد بروجردی، از فقها و اصولی های بنام قرن چهاردهم و مشاهیر عالم اسلام و مراجع گرانقدر جهان تشیع و اساتید بنام حوزه ها بود.

نامش حسین و شهرتش میان بروجردی ها به «امام» معروف بود و در حوزه ها به آیت الله بروجردی شهرت یافت. ایشان از سلسله طباطبائیان بروجرد است.

حاج آقا حسین بروجردی در صفر 1292/ ق در بروجرد متولد گردید.

هوش و حافظه فوق العاده آیت الله بروجردی به حدی بود که در دوران کودکی

ص: 596

برنامه تحصیلی ایشان را از سایر طلاب جدا ساختند، و ایشان به سرعت دروس مقدماتی را پشت سر گذاشته و به اتفاق معلمشان به مدرسه مقدماتی «نوربخش» منتقل گردیدند. در مدرسه نوربخش حجره ای به آقا حسین اختصاص داده شد که هم اکنون نیز به همان صورت باقی مانده است. سپس ایشان در سال 1310 ق به حوزه علمیه اصفهان سفر کردند و در مدرسه «صدر» و در محضر علمائی چون حضرات آیات: میرزا ابوالمعالی کلباسی، سید محمد باقر درچه ای، سید محمد تقی مدرس اصفهانی، ملا محمد کاشی، و میرزا جهانگیر خان قشقائی به ادامه تحصیل پرداختند.

سید حسین طباطبائی بروجردی و دو فرزندش

ایشان پس از نه سال توقف در اصفهان در سال 1319 ق به حوزه علمیه نجف اشرف رهسپار شد، و در آنجا مورد توجه آیت الله خراسانی واقع گردید. ایشان در نجف علاوه بر شرکت در بحث ملا محمد کاظم خراسانی و تقریر درس ایشان و تدریس فصول، در مباحثات شیخ الشریعه اصفهانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی شرکت فرمودند.

آیت الله بروجردی در سال 1328 ق در اثر تقاضا و تأکیدات والد مکرشان به قصد توقف کوتاهی به بروجرد حرکت کردند، اما موجبات بسیاری اقامت دایم ایشان را در ایران سبب شد و رسماً در حوزه علمیه بروجرد به تدریس فقه و اصول پرداخت.

ایشان در سال 1363 ق در اثر بیماری در بیمارستان فیروزآبادی شهر ری

ص: 597

بستری گردید، و پس از بهبودی در هنگام مراجعت علمای قم اصرار بر اقامت ایشان در آنجا نمودند، لذا رسماً به تاریخ محرم 1364/ق در قم اقامت نمودند و به تدریس خارج و پرورش طلاب پرداختند.

گوشه ای از مراسم تشیع سید حسین طباطبائی بروجردی در قم که (سید احمد خوانساری، سید محمد رضا گلپایگانی و سید مصطفی خوانساری «صفائی») به چشم می خورند)

با درگذشت آیت الله حاج آقا حسین قمی (علیه الرحمه)، آیت الله بروجردی زعیم علی الاطلاق جهان تشیع شدند. با اینکه در دوران زعامت ایشان، تشنجات سیاسی حتی تا حوزه های علمی و داخل مدارس رسوخ کرده و باعث اشغال مقدار زیادی از وقت ایشان بود، اما ایشان در راه ترویج و توسعه اسلام در جهان، آن چنان قدمهای بلندی برداشته است که در تاریخ شیعه بی نظیر است.

تشکیل و اداره حوزه شش هزار نفری قم، سرپرستی حوزه نجف و رسیدگی به همه امور آن چون زمان سید ابو الحسن اصفهانی اعزام مبلغین به ممالک خارج و فعالیت پر دامنه مذهبی آنها، ایجاد روابط حسنه میان فرق مسلمین که منجر به صدور فتوای شیخ الازهر مصر در رسمیت شیعه، ایجاد ابنیه بزرگ مذهبی در ایران

و خارج چون: مسجد اعظم قم و تأسیس مسجد بزرگ در هامبورگ (آلمان)، تأسیس کتابخانه های بزرگ، تأسیس دو مدرسه علمی در نجف اشرف و یک کتابخانه، در کربلای معلی نیز مدرسه علمیه ای ایجاد کرد و بنای مدرسه علمی بقعه را تجدید نمود. همچنین کتابخانه مسجد اعظم در قم، مدرسه علمیه در کرمانشاه، و حسینیه و حمام در سامرا احداث نمود. طبع و نشر کتب و مجلات دینی و تجدید حیات اسلام در پرتو شخصیت ایشان، گوشه ای از اقدامات مفیدی است که این شخصیت بی نظیر روحانی در مدت کوتاه زعامت خود، موفق به انجام آنها گردید.

مراسم تشییع پیکر آیت الله بروجردی

## از آثار او

1- حاشیه علی کتاب الخلاف (اثر شیخ طوسی).

2- ادعیه مسافر و مناسک حج.

3- انیس المقلدین.

4- مجمع الفروع.

ص: 599

- 5- حاشيه على العروه الوثقى.
- 6- منجزات المريض.
- 7- تعليقه على الاسفار.
- 8- طبقات الرجال (سه جلد).
- 9- جامع احاديث الشيعة (چند جلد-زير نظر).
- 10- تجريد اسانيد الاستبصار.
- 11- تجريد اسانيد الامالى.
- 12- تجريد اسانيد الخصال.
- 13- تجريد اسانيد رجال الكشى.
- 14- تجريد اسانيد من لا يحضره الفقيه.
- 15- تصحيح و مستدرک رجال الطوسى.
- 16- بيوت الشيعة.
- 17- تجريد اسانيد علل الشرائع.
- 18- تجريد اسانيد الكافى.
- 19- تجريد رجال النجاشى.
- 20- تجريد اسانيد الفهرست (اثر شيخ طوسى).
- 21- تحقيق عن اسانيد الصحيحه السجديه.
- 22- ترجمه السيد محمد بن عبد الكريم الطباطبائى.
- 23- تعليقه على منهج المقال (لابى على استرآبادى).
- 24- تعليقه على وسائل الشيعة.
- 25- حاشيه على الرسائل.

26- حاشيه على الكفايه.

27- حاشيه على المبسوط (للطوسي).

28- حاشيه على النهايه (للطوسي).

29- حاشيه على فهرست منتجب الدين.

ص: 600



آیت الله بروجردی در ساعت 7/5 صبح روز پنجشنبه /13 شوال 1380/ ق مطابق با /10 فروردین 1340/ ش در سن 88 سالگی در اثر سکتة قلبی و کهولت سن در قم بدرود حیات گفت و در کنار مسجد خویش (مسجد اعظم) که به حرم حضرت معصومه علیها السلام پیوسته است مدفون شد و یک روز تعطیل و سه روز عزای عمومی اعلام شد.

از راست به چپ: شیخ ابو الفضل زاهدی قمی، سید محمّد رضا گلپایگانی، سید محمّد حسن طباطبائی بروجردی، سید جعفر احمدی طباطبائی بروجردی، شیخ مرتضی حائری یزدی، سید کاظم شریعتمداری، سید شهاب الدین مرعشی نجفی (مراسم ختم آیت الله بروجردی)

### فرزندانش:

1- حجه الاسلام سید محمّد حسن بروجردی 2- حجه الاسلام سید احمد بروجردی. و سه دختر از ایشان به جای ماندند.

منابع

1- آثار الحجه 6/2.

ص: 601

2-اطلاعات سالانہ سال 1341 ش ص 12.

3-الاجازہ الکبیرہ 51.

4-المسلسلات فی الاجازات 325/2.

5-المفصل فی تراجم الاعلام(الاشکوری-مخطوط).

6-أعیان الشیعہ 92/6.

7-تاریخ قم 263.

8-دایرہالمعارف تشیع 197/3.

9-رجال قم 109.

10-روزنامہ کیهان /9اردیبهشت 1370/ش.

11-شرح حال رجال ایران 379/1.

12-علمای معاصرین 248.

13-فرہنگ عمید 240.

14-فرہنگ فارسی معین 262/5.

15-گنجینہ دانشمندان 344/1.

16-گنجینہ دانشوران 7.

17-مشہد الامام 45/2.

18-مکتب اسلام شماره سوم سال سوم(ویژہ شرح حال ایشان)شمارہ مسلسل 27.

19-مؤلفین کتب چاپی 805/2.

20-نقباء البشر 605/2.

**شیخ حسین علی احمدی میانجی**

شیخ حسین علی احمدی فرزند شیخ احمد میانجی، که در قریهٔ «پور سوخلو» میانه متولد شد.

دوران کودکی را در آنجا پشت سر گذاشت. و به همت بلند پدر و تشویق او، در

ص: 602

سال 1331 ق رهسپار حوزه علمیه تبریز گشت. و مدت پنج سال در آن مرکز علمی و روحانی ادامه تحصیل داد، و از محضر اساتید بزرگ از جمله: آیت الله میرزا خلیل مجتهد تبریزی استفاده شایان برد. و چون از روحیه اجتماعی خوبی برخوردار بود، وقتی احساس کرد به وجود وی در منطقه و زادگاه خود نیاز است، بی درنگ در سال 1336 ق به روستای خویش بازگشت و از سنگر تبلیغ و ارشادی که پدر آن را بنیان نهاده بود حراست نمود، و بلکه آن را توسعه داد. در همین سال بود که پدر مهربان و تلاشگر خود را از دست داد، ولی همچنان استوار بر ایفای مسئولیتهای خود اهتمام ورزید. در منطقه «اوج تپه» و حومه از احترام خاصی برخوردار بود. خان ها و افراد شرور از برخوردهای صریح و ظلم ستیزی وی در هراس و اضطراب بسر می بردند، و جرأت حرکتی را به خود نمی دادند. صراحت و قاطعیت و در عین حال آسان گیری وی نسبت به توده مردم زبانزد همه بود، و در خانه اش پیوسته به روی مردم باز بود. اهتمام و علاقه بیش از حد به مجالس عزا و عزاداری یکی دیگر از خصوصیات اخلاقی وی بود.

ملا حسین علی احمدی در اواخر دوران زندگی پربرکت خویش به شهر میانه هجرت کرد و پس از مدت کوتاهی در حدود سال 1351 ش چشم از این دنیای ناپایدار فرویست. پیکر پاکش به شهر مقدس قم منتقل گردید و در قبرستان «وادی السلام» به خاک سپرده شد.

منبع

1-سیمای میانه 208.

**شیخ حسینعلی طوبائی شیرازی**

**اشاره**

(1408-1330 ق)

حاج شیخ حسینعلی فرزند عبد الرضا طوبائی شیرازی، از فضلا و اساتید حوزه بود.

وی در سال 1330 ق در شیراز متولد گردید.

ص: 603

نامبرده تحصیلات مقدماتی را در شیراز به انجام رسانید، سپس به کربلای معلی هجرت کرد و از محضر: شیخ محمد علی سیبویه و میرزا مهدی شیرازی استفاده نمود و مدت 20 سال در آنجا زیست. سپس به نجف اشرف مشرف شد و از محضر آیات: سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمود شاهرودی و سید ابو القاسم خوئی بهره مند گردید، و به تدریس سطوح پرداخت.

طوبائی در حدود سال 1391 ق به شیراز بازگشت و در مدرسه آبا خان به تدریس و اقامه جماعت و ترویج مذهب اشتغال ورزید. و در اواخر عمر دچار سکتة مغزی گردید، که در اثر آن به قم نزد فرزندانش آمد و مدت چهار سال زندگی کرد.

سرانجام روز جمعه 27 شعبان 1408/ ق مطابق با 26 فروردین 1367/ ش در سن 78 سالگی در اثر سکتة مغزی در قم درگذشت. پیکرش از حسینیه نجفیها تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام مدفون گردید.

### فرزندانش:

1- شیخ علی اصغر 2- شیخ منصور 3- شیخ محمد 4- شیخ جواد 5- شیخ باقر 6- جعفر.

(1335-1394 ق)

حاج شیخ حسین فرزند حاج عباس غفاری آذرشهری.

وی در سال 1335 ق مطابق با 1295 ش در شهر دهخوارقان (آذرشهر) واقع در آذربایجان شرقی متولد گردید.

در سن کودکی پدرش که کشاورز زحمتکش بود را از دست داد. به همین خاطر همراه برادرش به کشاورزی اشتغال نمود. در ضمن دروس مقدماتی را نزد شیخ علی آذرشهری و میرزا محمد حسن منطقی فراگرفت. سپس به تبریز رفت و مقداری از شرح لمعه را فراگرفت، ولی در اثر تنگدستی مجدداً به آذرشهر بازگشت و نزد دانی خود علامه سید محسن میرغفاری سطوح را تلمذ کرد.

در سال 1365 ق مطابق با 1325 ش رهسپار قم شد و دروس خارج را از محضر آیات: میرزا محمد فیض قمی، سید محمد تقی خوانساری، سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی و نیز از محضر سید کاظم شریعتمداری، سید روح الله خمینی و سید شهاب الدین مرعشی بهره مند شد.

سرانجام در سال 1376 ق پس از یازده سال، قم را به سوی تهران ترک گفت و به مبارزات شدید سیاسی و تبلیغات دینی اهتمام ورزید. وی در سالهای 1342 و 1350 و 1353 ش به وسیله مأموران رژیم گذشته دستگیر و روانه زندان شده و مورد شکنجه و تعذیب قرار گرفت. آخرین بار هم در تیر 1353/ ش تا روز شهادت در زندان بسر برد.

وی در روز شنبه 14 ذی حجه 1394/ ق مطابق با 7 دی 1353/ ش در زندان درگذشت. پیکرش به قم حمل و در مقابر خاک فرج به خاک سپرده شد.

منابع

1- شهدای روحانیت 244.

2- گنجینه دانشمندان 220/8.

ص: 605

## سید حسین فارغ دزفولی

(1309-1379 ق)

حاج سید حسین فارغ فرزند سید مهدی و نوه سید حسین فارغ موسوی دزفولی، در 20 صفر 1309 ق در دزفول متولد گردید. وی از روحانیان عالیقدر و وعاظ درجه اول، حافظه قوی و فصاحت بیانشان زبانزد خاص و عام بود.

کسانی که مجالس وعظ پرشور ایشان را دیده اند می دانند که آن دانشمند گرانمایه چه تسلطی به مستمعین و منبر داشت.

وی حدیث را از محضر آیت الله سید محمد علی موسوی دزفولی (ضیائیان) استفاده نمود، و فقه و اصول را از آیت الله شیخ محمد سبط الشیخ انصاری بهره مند شد.

فارغ در روز یکشنبه 27 جمادی الاول 1379 ق مطابق با 7 آذر 1338 ش درگذشت و در مقبره ضیائیان در قبرستان وادی السلام قم مدفون شد.

فرزندانش: 1- سید هدایت الله (ضیاء الدین) از علما بود 2- سید مظفر 3- سید مصطفی، از فضلا 4- سید مرتضی.

منبع

1- خاندان سادات گوشه ص 574.

## سید حسین فاطمی ابهری

اشاره

(1301-1381 ق)

سید حسین فرزند سید علی نقی موسوی ابهری، از فضلا و اساتید حوزه علمیه ابهر بود. وی در سال 1301 ق در ابهر (استان زنجان) متولد گردید. سلسله نسبش از لحاظ مادری به علامه میرزا ابو الفتوح امام جمعه ابهر می رسد.

سید حسین مقدمات را در زادگاهش آموخت. سپس جهت تحصیل دوره عالی

ص: 606

رهسپار قزوین شد و مدت دوازده سال در آن حوزه-مدرسه صالحیه-مشغول تحصیل بود، آنگاه به ابهر مراجعت کرد و امر تدریس و هدایت را برعهده گرفت.

فاطمی در روز یکشنبه /26 رمضان 1381/ ق مطابق با /13 اسفند/ 1340 ش در سن 80 سالگی در قم دار فانی را وداع گفت. پیکرش در قبرستان ابو حسین-مقبره العلماء-مدفون گردید.

آیت الله سید محمد فاطمی، از علمای معاصر قم فرزند ایشان است. وی در سال 1343 ق مطابق با 1303 ش در ابهر متولد شد. ادبیات را نزد پدر ارجمند خود و شیخ حبیب الله مهدوی آموخت. در سال 1361 ق رهسپار قم شد و از محضر آیات: شیخ احمد رضوانی زنجانی (منطق) و شیخ صادق فراخی خوئی (مغنی، مطول و شرح لمعه)، شیخ اسحاق آستارائی (مکاسب) و میرزا محمد مجاهدی تبریزی (کفایه) سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» (تفسیر و حکمت) و خارج فقه و اصول را از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی (2 سال- فقه)، شیخ عبد النبی عراقی (اصول)، سید کاظم شریعتمداری، سید روح الله خمینی (اصول)، سید شهاب الدین مرعشی (فقه) و سید محمد رضا گلپایگانی (فقه) استفاده کرد و خود به تدریس اشتغال ورزید و فعلاً در حوزه علمیه قم به تدریس خارج و معقول اشتغال دارند.

سید محمد فاطمی ابهری

## از آثار او:

1- مختصر الاحکام 2- منتخب الاحکام 3- حاشیه علی العروه الوثقی 4- قاعده لا ضرر 5- الرساله الغرابیه (در

ص: 607



حرمت کلاغ)6-تقریرات مکاسب(آیت الله خمینی)7-تقریرات مکاسب(آیت الله مجاهدی)8-توضیح المسائل 9-مناسک حج.

## فرزندان:

مرحوم سید هاشم 2-سید کاظم 3-سید محمد، مقیم قم 4-سید ناصر و سه دختر.

منبع

1-اظهارات آیت الله سید محمد فاطمی، به تاریخ عصر یکشنبه 24/تیر 1375/ش در منزل ایشان در قم.

## سید حسین فاطمی قمی

### اشاره

(-1389ق)

حاج سید حسین فرزند علامه سید اسحاق و نوه سید محمد رضوی قمی، ملقب به «فاطمی»، از فضلا و زهاد و اساتید علم اخلاق بود.

تولدش در قم اتفاق افتاد. و در مهد علم و فضیلت پرورش یافت و به تحصیل علوم دینی رو آورد. وی در دروس عالی حوزه را از محضر آیت الله شیخ عبد الکریم حائری یزدی و دروس اخلاقی را از محضر علامه سالک و اصل میرزا جواد ملکی تبریزی بهره مند شد.

نامبرده اکثر عمر خود را صرف ترویج دین و تعظیم شعائر مذهبی و اقامه

ص:608

جماعت و تدریس علم اخلاق و تربیت و تهذیب نفوس مستعد، نمود. وی چندین سال بنا به امر آیت الله سید محمد حجت کوه کمری در مدرسه حجّیه در روزهای تعطیل به تدریس اخلاق نظری اشتغال داشت و نیز در منزل خود به احیای همین امر کوشا بود.

## از آثار او

1- درر الاخبار، در دو جلد.

فاطمی در روز سه شنبه 27 شوال 1389/ ق مطابق با 16 دی 1348/ ش در قم چشم از جهان فروبست و پیکرش در وسط قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. از او فرزندی به نام سید اصغر فاطمی به جای مانده بود.

منابع

1- آثار الحجه 44/2 و 184.

2- رجال قم 111.

3- گنجینه دانشمندان 212/2.

**سید حسین قاضی تبریزی «طباطبائی»**

## اشاره

(1317-1393 ق)

سید حسین فرزند سید احمد و نوه علامه سید حسین فرزند میرزا احمد طباطبائی تبریزی «قاضی»، از دانشمندان و معاریف حوزه علمیه قم بود.

جدّش از دانشمندان و معاریف تبریز بود. از آثار او: 1- تفسیر مختصر قرآن کریم 2- تفسیر سوره حمد 3- تفسیر سوره انعام. وی در سال 1314 ق درگذشت.

جهت تفصیل بیشتر به نقباء البشر 529/2 رجوع شود.

پدرش مردی مهذب و اخلاقی بود و در سیر و سلوک و تزکیه نفس مقامی ارجمند داشت. تولدش به سال 1293 ق و درگذشتش در روز شنبه 6 ربیع الاول/

ص: 609

1370 ق مطابق با 25/آذر1329/ش اتفاق افتاد و در یکی از حجرات انتهائی قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

برادر سید احمد قاضی، عالم عارف آیت الله سید علی قاضی است که در نجف اشرف سکونت داشت و در سال 1366 ق در نجف درگذشت و در وادی السلام مدفون گردید. شرح حال مختصری در نقباء البشر 4/1565 از ایشان نوشته شده است.

سید حسین قاضی در سال 1317 ق در تبریز دیده به جهان گشود.

### تحصیل در حوزه ها

پس از نشو و نما و آموختن مقدمات، سطوح را نزد دانشمندانی چون: میرزا علی اصغر ملکی و سید ابو الحسن انگجی بهره مند شد. آنگاه رهسپار نجف اشرف شد و مدتی چند از محضر آیات: شیخ احمد کاشف الغطاء، میرزا علی ایروانی و شیخ ضیاء الدین عراقی در فقه و اصول و سید ابو تراب خوانساری در رجال، استفاده شایان نمود.

قاضی پس از بازگشت به ایران مدتی هم در مشهد مقدس توقف نمود و مختصری از دروس فقه و اصول و معارف الهی را از محضر آیات: شیخ محمد آقازاده خراسانی، سید حسین طباطبائی قمی و میرزا مهدی اصفهانی بهره مند گردید.

وی در سال 1354 ق رحل اقامت خود را در قم انداخت و در دروس اساتید مشهور حوزه از قبیل حضرات آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی (مدت

ص: 610

کوتاهی)، سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی بهره‌های فراوانی برد. و از اصحاب و خصیصین آیت الله بروجردی درآمد. ایشان در حوزه به تدریس سطح اشتغال داشت و نیز مدت زیادی یکی از ممتحنین طلاب بود، که از این راه خدمت شایانی به طلاب می‌کرد.

از راست به چپ: شیخ حسن تیلی، سید محمد علی قاضی، سید شهاب الدین مرعشی، سید حسین قاضی، سید حسن خلخالی

## از آثار او

1- رسائل فی العلوم الغریبه.

2- رساله فی الربا.

3- رساله فی جمع أخبار الطینه و الخلقه من الأرواح و الأبدان.

علامه قاضی در روز دوشنبه 25 ربیع الثانی 1393/ ق مطابق با 7/ خرداد 1353 ش در سن 76 سالگی در یکی از بیمارستانهای تهران در پی عمل جراحی درگذشت. پیکرش روز سه شنبه از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشییع و پس از ادای نماز توسط آیت الله سید کاظم شریعتمداری در کنار تربت پدر خود در قبرستان

ص: 611

حاج شیخ به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

1- سید جواد قاضی 2- سید محمد صادق قاضی، که سردفتر است و در تهران زندگی می کند.

منابع

1- آثار الحججہ 44/2.

2- اطلاعات متفرقه.

3- گنجینه دانشمندان 227/2.

**شیخ حسین قمی «پائین شهری»**

## اشاره

(-1321 ق)

از دانشمندان و فقهای متقی قم بود.

وی پس از تحصیل مقدمات و سطوح به عتبات عالیات مهاجرت کرد، و در سامرا از محضر آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی سالهای متمادی استفاده نمود، و از شاگردان برجسته ایشان به حساب آمد، و با آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی هم بحث بود.

## مراجعت به قم

ایشان پس از 6 ماه از درگذشت میرزای شیرازی در سال 1312 ق به قم مراجعت کرد، و انزوا و گوشه گیری را انتخاب نمود، و همواره به عبادت و ریاضت اشتغال داشت.

وی با آیت الله شیخ حسین قمی (کوچه حرمی) رفاقت کامل داشت، و به خواهش ایشان جهت انجام کارهای مردم به این کار دست زد. نماز جماعت را در مسجد جامع قم بر پا می نمود، و به تدریس سطح و خارج و تربیت طلاب اشتغال

ص: 612

داشت، و آثاری در فقه و اصول و حدیث به صورت متفرقه از ایشان به جای ماند.

او در 28/ صفر 1321/ ق در قم درگذشت، و در قبرستان علی بن جعفر علیه السلام به خاک سپرده شد. فرزندش شیخ علی از خطبا بود.

منابع

1- تاریخ قم 260.

2- رجال قم (نامش را «محمد حسین» نوشته است).

3- گنجینه دانشمندان 138/1.

4- نقباء البشر 506/2.

5- هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی 98.

**شیخ حسین قمی «حاج آخوند»**

(-1381 ق)

شیخ حسین فرزند آیت الله شیخ غلامرضا قمی «حاج آخوند»، از فضلا بود.

وی از شاگردان: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، شیخ محمد فیض قمی و سید حسین طباطبائی بروجردی بود.

نامبرده در جمادی الثانی 1381/ ق در قم درگذشت و در قبرستان شیخان مدفون شد.

منابع

1- آثار الحجّه 91/2.

2- رجال قم 108.

3- گنجینه دانشمندان 121/2.

4- مقدمه قلاند الفرائد ص 10، به قلم استاد جعفر سبحانی.

ص: 613

(1327-1230 ق)

شیخ حسین ملقب به (کوچه حرمی) فرزند میرزا حبیب الله قمی، جدّ خاندان علمی (حرم پناهی) می باشد. از علما و فقها و زهاد مشهور قم بود.

تولدش در سال 1230 ق در قم اتفاق افتاد.

نامبرده پس از طی مقدمات، سطوح را از محضر سید اسماعیل قمی (شاگرد میرزای قمی) فراگرفت، سپس به نجف اشرف عزیمت نمود، و چهار سال از محضر آیت الله شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر الکلام) و پس از ایشان از محضر آیت الله شیخ مرتضی انصاری استفاده نمود و پس از چهارده سال توقف و نیل درجه عالی اجتهاد به زادگاهش بازگشت و مورد توجه و رجوع مردم قرار گرفت و حلقه تدریس تشکیل داد.

خط مبارک ایشان را بر روی نسخه ای از (جواهر الکلام) که نزد نواده اش علامه معاصر شیخ محسن فرزند شیخ مهدی فرزند شیخ حسن فرزند شیخ حسین زیارت کردم. متن نوشته این است:

(این کتاب که جلد آخر جواهر الکلام است، به خط شیخ ابراهیم خفتمان (فقطان) است که محرر شیخ استاد است، که مؤلف و مصنف کتاب است. و ملکیت این کتاب مستطاب منتقل به این عاصی خاطی آقا حسین قمی است فی سنه 1266، و رفتن به عتبه بوسی عتبات عالیات به جهت تحصیل در سنه 1261، و در اول ورود به کربلای معلا خدمت علما مدت 3 سال توقف به جهت تحصیل نمودم، و بعد از آن مشرف شدم به نجف اشرف و مدت پنج سال در خدمت شیخ استاد مصنف این کتاب تحصیل فقه نمودم و در خدمت شیخ استاد شیخ مرتضی (اعلی الله مقامه) تحصیل اصول نمودم، و بعد از آن مؤلف این کتاب به رحمت

ایزدی پیوسته، و تا مدت چهارده سال دو ماه کم فقها و اصولاً در خدمت شیخ مرتضی (علیه الرحمه) مشغول بودم «رحمه الله علیهما» آقا حسین قمی).

یک اشتباهی که می توان در نوشته فوق تصحیح نمود این است که: سال ورود ایشان به عتبات 1261 ق بوده و نظر به اینکه پنج سال از محضر شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر الکلام استفاده نموده پس می شود سال 1266 ق در حالی که ایشان می فرمایند: در اول ورود مدت 3 سال در کربلا تحصیل کرده. در نتیجه سال ورود ایشان به نجف 1264 ق می شود دیگر نمی تواند از محضر صاحب جواهر الکلام 5 سال استفاده کرده باشد، مگر آنکه بگوئیم سه سال تحصیل ایشان در کربلا در هنگام زیارت یا تعطیل تابستانی دروس از محضر علمای کربلا بهره مند شده باشد.

علامه آقا حسین قمی در سال 1327 ق در سن 97 سالگی به رحمت ایزدی پیوست و در صحن آینه حضرت معصومه علیها السلام در جایی که مدت 40 سال در آن مکان نماز شب بر پا داشته بود مدفون گردید. و امروزه با سنگی مرتفع از سایر قبور اثرش باقی است.

از او تنها یک پسر بنام شیخ حسن - که از علمای بنام قم بود - به جای ماند و چند دختر که علامه میرزا محمد ارباب قمی یکی از دامادهایشان می باشد.

منابع

1- المآثر و الآثار

2- تاریخ قم 259.

3- رجال قم 99.

4- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری 293.

5- گنجینه دانشمندان 137/1.

6- نقباء البشر 507/2.

ص: 615



(1332-1414 ق)

دکتر حسین کریمان فرزند اسماعیل تهرانی، از اساتید به نام دانشگاه تهران و محققان برجسته علوم اسلامی بود.

وی در سال 1332 ق مطابق با 1292 ش در یکی از حومه های تهران دیده به جهان گشود.

### تحصیلات حوزوی و دانشگاهی

کریمان پس از سپری نمودن دوره دبیرستان، در سال 1322 ش به اخذ لیسانس در رشته ادبیات فارسی از دانشسرای عالی توفیق پیدا کرد، و به سال 1324 ش برای فراگرفتن علوم دینی و معارف اسلامی رهسپار شهر مذهبی قم شد.

و دروس عالی حوزه را از محضر آیات: سید صدر الدین صدر، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی بهره مند گردید.

آنگاه به تهران بازگشت و در دانشگاه تهران به تحصیلات دانشگاهی خود ادامه داد و در سال 1335 ش به اخذ درجه دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی نایل آمد و سالهای متمادی در دانشگاههای تهران و بهشتی (ملی) تدریس کرد. از جمله اساتید او در دانشگاه می توان به نامهای زیر اشاره کرد: محمد تقی بهار، محمد حسن بدیع الزمان فروزانفر، جلال الدین همایی، سید محمد کاظم عصّار، سید محمد تقی مدرس رضوی، احمد بهمنیار کرمانی، عبد العظیم قریب گرگانی، میرزا

## تحقیقات علمی و عملی

وی در سه زمینه اصلی، تحقیق و کار کرد. یکی در زمینه جغرافیای تاریخی است، که اول جغرافیای تاریخی شهر قم بوده ولی بعداً «ری» و «تهران» را دنبال کرد. دومین زمینه فعالیت، تحقیق و تفسیر مجمع البیان اثر شیخ طبرسی است و سومین زمینه، قیامهای شیعی و کتاب سیره و قیام زید بن علی است.

دکتر کریمان در هر شهری که اقامت داشت، جغرافیای تاریخی آن شهر مورد توجه وی بود، و معتقد بود که تاریخ هر شهر در حکم شناسنامه آن شهر است.

شهرهایی که اهمیت و شهرتی دارند همه تاریخ دارند. وی با رنجی بسیار و تلاشی پیگیر سالها برای بازگو کردن گوشه های تاریک و روشن شهرهای مختلف کشورمان کوشید. تلاش پیگیر و مصممی را دنبال کرد و با ارائه آثار خود گنجینه فرهنگ کشورمان را غنی تر ساخت.

تفرش (یا طبرس) قم، تهران، ری، و... شهرهایی بودند که مورد مطالعه همه جانبه استاد قرار گرفت، آن گونه که وجب به وجب آنها، مورد بررسی قرار گرفت و سرانجام با تهیه مطالب و ترسیم نقشه ها و ارائه عکسها به قضاوت عموم گذاشته شد.

## نخستین نقشه قم

استاد ارجمند معاصر آقای علی اصغر فقیهی مؤلف «تاریخ جامع قم» و از همکاران دکتر کریمان در دبیرستان حکیم نظامی نقل کرده است که:

«دکتر کریمان به نقشه های جغرافیا علاقه داشت و نقشه های شهرستان قم و شهرستانها را رسم کرد. اولین نقشه جغرافیایی قم را دکتر کریمان ترسیم کرد. در یک

تابستان گرم در قم ماند و تمام کوچه ها را با متر و قدم اندازه می گرفت. زوایا را محاسبه می کرد و به نقشه منتقل می ساخت. روزها در پی اندازه گیری بود و شب به منزل می آمد و با وسایل محدودی که داشت اندازه ها را کوچک می کرد و به میزان نقشه در می آورد، منزل خود من که در یکی از محلات قم است چنان در نقشه مشخص بود که به راحتی می شد از طریق نقشه آن را پیدا کرد و هدف این بود که این نقشه به زائرانی که به شهر قم می آمدند و می خواستند به منزل مراجع تقلید برسند کمکی کند. کریمان خطی بسیار خوش داشت و انسانی والا و متخلق به اخلاق نیکو و متین بود.

حافظه بسیار قوی داشت و از سرعت انتقال خوبی برخوردار بود. ادبیات عرب را خوب می دانست. کتاب ری باستان ثمره هفده سال کار و کوشش علمی و ارزنده دکتر کریمان در راه تتبع و تحقیق راجع به ری باستان است و با این همه سال تلاش می توان دریافت تا چه اندازه این کار پسندیده و درخور ستایش است. وی مقدمه کتاب ری باستان را با خطوط نستعلیق و تعلیق و شکسته و ثلث و نسخ بسیار زیبا نوشته اند که در کتاب چاپ شده است».

### شیخ طبرسی و مجمع البیان

تألیف دیگر ایشان کتاب (شیخ طبرسی و مجمع البیان) است که یکی از مهمترین آثار تحقیقاتی است که نوشته شده است. یعنی از نظر روش کار و روش تحقیق در مورد یک دانشمند و یک اثر، یک نمونه مهم کار تحقیقی است، در واقع این کتاب، اول یک زمینه تاریخی می دهد که همان عهد سلاجقه است. بعد وضع علمی عهد شیخ طبرسی را می گوید و بعد از آن وضع اجتماعی آن دوره و سپس زندگی شیخ طبرسی را مفصل می آورد، و بعد وارد تفسیر این کتاب می شود. مجمع البیان اولین کتاب تفسیر شیعی است که انواع علوم قرآنی را دربر دارد و جنبه ادب بر سایر جوانب آن غلبه دارد و تفسیری ادبی، است.

تألیف دیگر دکتر کریمان، کتاب زید بن علی علیه السلام است. زید بن علی (فرزند امام سجاد علیه السلام و برادر امام باقر علیه السلام از برجسته ترین چهره های انقلابی جهان اسلام و از شایسته ترین مجاهدان عالم تشیع بود، که بر ضد خلافت اموی قیام کرد و با دستگاه جور به ستیز برخاست، و در 121 ق به شهادت رسید. در این کتاب زندگی و فضائل زید و گفتار معصومان درباره اش و نیز نقد و بررسی احادیث ذامه او، و ورود آنها و علل و اسباب خروج آن حضرت و اهمیت قیام وی به تفصیل ذکر شده است، و کلیاتی نیز درباره فرقه زیدیه که از فرق مهم تشیع است آمده است.

## تألیفات و تحقیقات

1- جغرافیای شهر قم، با نقشه شهر قم و نقشه شهرستان قم.

2- طبرسی و مجمع البیان، در دو جلد (برنده بهترین کتاب سال).

3- مشارکت در تصحیح «دیوان شمس» به اهتمام استاد بدیع الزمان فروزانفر و دکتر امیر حسن یزدگردی.

4- ری باستان، در دو جلد.

5- برخی آثار بازمانده از ری قدیم.

6- قصران (کوهساران)، در دو جلد.

7- تهران در گذشته و در حال.

8- سیره و قیام زید بن علی علیه السلام - کتاب برگزیده سال 1364 ش -.

9- پژوهشی در شاهنامه.

علاوه بر این کتابها، مقالات زیادی در موضوعهای دینی، علمی، ادبی تاریخی و جغرافیایی نوشته است. و از جمله نویسندگان دایرهالمعارف تشیع بود که در زمینه مطالب جغرافیای تاریخی امامزاده ها و زندگینامه ها مطالب زیادی نوشت.

سرانجام استاد کریمان در سه شنبه (شب چهارشنبه) 30 آذر 1372/ ش

مطابق با 7/رجب 1414/ق در سن 82 سالگی در پی بیماری و در اثر سکتۀ قلبی درگذشت، و جسدش روز چهارشنبه در قم تشییع و در یکی از مقابر وادی السلام - خاک فرج - به خاک سپرده شد.

منابع

1- اطلاعات متفرقه و نیز افادات استاد علی اصغر فقیهی قمی.

2- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی 1872/2.

**سید حسین کوچه حرمی قمی**

**اشاره**

(1272-1357 ق)

حاج سید حسین کوچه حرمی فرزند سید محمد صادق رضوی قمی، از شیوخ علمای قم، و مورد توجه اهالی آن سامان و برادر علامه سید عباس فقیه مبرقع بود.

در حدود سال 1272 ق در قم متولد گردید.

**تحصیل در نجف اشرف**

وی پس از انجام مقدمات و سطوح به عتبات عالیات هجرت کرد، و در نجف اشرف از محضر آیات: میرزا حبیب الله رشتی، شیخ محمد کاظم خراسانی، شیخ محمد طه نجف تبریزی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بهره جست، و حدود ده سال در آن دیار اقامت نمود، آنگاه به زادگاهش بازگشت و به تدریس و اقامۀ جماعت در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام اشتغال ورزید.

ص: 620

نامبرده، مردی با تقوا، دائم الذکر وقائم اللیل، و بعضی از عنایات و کرامات از ایشان دیده شده بود، افراد سالخورده هنوز خاطره های شیرینی از ایشان دارند. در اواخر عمر خود در اثر کهولت سن، محل اقامه جماعت خود را به داماد برادرش یعنی حضرت آیت الله سید شهاب الدین مرعشی واگذار کرد.

### از آثار او

1- تعلیقه علی الرسائل.

2- تعلیقه علی المتاجر (للانصاری).

3- تعلیقه علی شرح اللمعه الدمشقیه.

4- رساله فی الاستصحاب.

### درگذشت و اعقاب

سرانجام در روز شنبه 15 ذیقعه 1357/ ق مطابق با 17 دی 1317/ ش در حدود سن 85 سالگی در قم درگذشت، و جسدش در کنار تربت آیت الله حائری یزدی در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

فرزندانش: 1- مرحوم آقا نجفی 2- سید علی غروی، متولد سال 1343 ق در قم، از فرهنگیان بازنشسته و فعلا در کتابخانه بیمارستان آیت الله گلپایگانی به فعالیت فرهنگی مشغول است.

و سه دختر که تنها یکی از آنان در قید حیات است.

منابع

1- آثار الحجه 219/1.

2- آینه دانشوران 244.

3- افادات فرزند معظم له آقای غروی.

4-الاجازه الكبيره 53.

5-تاریخ قم 265.

6-رجال قم 111.

7-یادداشت خطی یک صفحه ای از آیت الله مرعشی نجفی.

### شیخ حسین لیچائی گیلانی

#### اشاره

(-1375ق)

او عالمی فاضل، و شاعری ماهر بود که در اشعارش تخلص «خاموش» را برگزیده بود.

در حوزه نجف اشرف

آن جناب مدتی در خراسان مشغول تحصیل علوم دینی و معارف الهی بود، و بعداً جهت تکمیل تحصیلات فقهی و اصولی به نجف اشرف رهسپار شد، و از محضر آیات: شیخ محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی استفاده نمود، و پس از تکمیل معلومات، به رشت مراجعت کرد.

وی پس از بازگشت به رشت چندی همان جا اقامت نمود، و از آنجا به «لشت نشاء» که «لیچاء» یکی از قرای آن سامان است مهاجرت کرد، و مشغول ترویج و تبلیغ احکام الهی گشت.

لیچائی، فوق العاده از مادیات دور، و در عالم روحانی و معنوی عروج کرده، و در واقع یکی از زهاد و پارسایان واقعی بود.

#### از آثار قلمی ایشان

1- الفیه ای به نام «مواقع النجوم»، در نظم کفایه الاصول.

2- دیوان اشعار.

نمونه ای از اشعار آن جناب قصیده زیر است:

ص: 622

طبع آتش وشم آتش زده هر کاشانه سوخت هر خرمن و هر انجمن و هر دانه

کعبه و بتکده و صومعه و دیر از او سوخته یکسره چون سوختن پروانه

نزد عارف بود از شاهد ما خیل طیور ز شرارش بفتادند ز آب و دانه

از جمادات و نباتات توان استدلال کرد بر مطلب ما چون ستون حنانه

این همه آتش بیداد از آن آتشدان شده در کوفه بلند از پسر مرجانه

شاه جانباز حجازی از آن آتش سوخت سوخت از سوختنش عاقل و هم دیوانه

سوخت در شام رقیه گل شب بوش که تا کاشف از حجت کبراش شود رسمانه

آه از اندام شده بیدار از آن خواب خوشش دیده خود مانده و خود گوشه آن ویرانه

زد به سر، ناله برآورد که ای جان پدر دل من خون شده چون شد تو شدی بیگانه

در و دیوار خرابه شده هم ناله او اشک حسرت ز اسیران بنگر پیمانه

نرود یادم از آن دم که بدیدش رخ باب داد جان و دل ناقابل خود شکرانه

بدن لاغر او را به روی تخته نهاد پیرهن پاره به در کرد از او جانانه

کهنه چادر کفنش شد به گمانم یاران مکنید تخطئه کاین حرف بود افسانه

شام بدنام اگر طعنه به فردوس زند جای دارد که شود مدفن آن ریحانه

«خامشا» شعر تو مقبول فتد، نیست ضرور بهر تو مجلس ترحیم و یا سالانه

نامبرده در روز پنجشنبه 17/ رجب 1375/ ق مطابق با 10/ اسفند/ 1334 ش درگذشت، و در قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

منبع

1- تاریخ علما و شعرای گیلان.

**شیخ حسین محمدی لائینی «مازندرانی»**

**اشاره**



حاج شیخ حسین محمدی لائینی از علمای استان مازندران بود.

وی در سال 1343 ق مطابق با 1303 ش در روستای ملا خیل (هزار جریب)

ص: 623

بهشهر در خانواده ای با تقوی دیده به جهان گشود. هشت ساله بود که پدر خود را از دست داد، و تحت سرپرستی مادرش، دروس ابتدایی را فراگرفت. سپس در سن 14 سالگی به حوزه علمیه آیت الله شیخ محمد کوهستانی رفت، و در آنجا به یادگیری دروس سطح نزد آن مرد بزرگ و آیت الله سید خلیل محمدی بادابرسی پرداخت.

پس از آن برای تکمیل دانش خویش به حوزه علمیه نجف اشرف رهسپار گردید، و در مدت 12 سال از درس کفایه آیت الله میرزا حسن یزدی، و خارج فقه و اصول آیات: سید محمود شاهرودی و میرزا هاشم آملی بهره مند گردید، و پس از کسب اجازات علمی به زادگاه خویش بازگشت. و در پی دعوت آیت الله کوهستانی مدتها به تدریس در حوزه علمیه ایشان پرداخت، و شاگردانی را تربیت و پرورش داد.

وی پس از پیروزی انقلاب دو بار از سوی مردم مازندران به نمایندگی (مجلس خبرگان) انتخاب گردید، و تا پایان عمر در این سمت بود.

سرانجام پس از بیماری در عصر روز جمعه / 21 ربیع الثانی 1414 / ق مطابق با 16 مهر 1372 / ش در سن 71 سالگی بدرود حیات گفت، و پس از تشییع با شکوه در نکا و قم در صحن حضرت معصومه علیها السلام - در حجره شیخ فضل الله نوری - به خاک سپرده شد.

منابع

1- مجله آینه پژوهش، سال چهارم، 1372 ش، شماره 21، صفحه 105، به قلم شیخ ناصر الدین انصاری.

2- یادنامه استاد عظیم الشان کوهستانی ص 62.

**این شرح حال به قلم فرزندش تنظیم شده که تقدیم می گردد:**

ابعاد شخصیت ناشناخته فقید سعید حضرت آیت الله حاج شیخ حسین محمدی لائینی بسیار گسترده است، اما جهت آشنایی عزیزان با خصوصیات

ص: 624

زندگی معظم له اجمالی از آن به عرض می رسد.

## آبا و اجداد

آیت الله محمدی لائینی از خانواده ای است که سابقه طولانی و در عین حال درخشان در علم و صلاحیت و تقوا دارند. و این خانواده طبق مدارک و شواهد موجود، وابسته به طائفه ای به نام انصار است که شعبه ای از جماعت انصار مدینه مشرفه می باشند. طائفه مذکور هم اکنون به «انصاری» شهرت دارند. اما تبدل شهرت معظم له از «انصاری» به «محمدی» هنگام تنظیم شناسنامه در سال 1315 شمسی صورت گرفته است.

آبا و اجداد وی عبارتند از: جناب شیخ محمد علی انصاری فرزند ملا اسماعیل فرزند ملا بزرگ فرزند ملا حسن فرزند ملا خواجه انصاری... که همگی از علما و معاریف زمان خود بوده اند. و ضمن اینکه جنبه ارشاد و تعلیم و رتق و فتق امور عامه مسلمین را برعهده داشتند.

از قدیم الایام آبا عن جدّ از متولیان صالح و عادل امام زاده لازم التکریم و التعظیم حضرت شاه رضا علیه السلام و از پرداخت هرگونه عوارض و خراج و از جمیع تکالیف دیوانیه و خدمت سربازی و.. معاف و مرفوع القلم بوده اند.

پدر ایشان. یعنی جناب حجه الاسلام مرحوم حاج شیخ محمد علی انصاری.

پس از اقامت یک ساله در نجف اشرف به دلیل یک بیماری لاعلاج ناچار به مراجعت به سوی وطن شد و پس از گذشت چند روز و عدم تأثیر معالجات، در سن 31 سالگی دعوت حق را لبیک گفت. و از خود همسری فداکار و مهربان به نام فاطمه که خود از دودمان روحانیت بود. با دو فرزند خردسال (حسین و زینب) باقی گذاشت.

## دوران کودکی و تحصیل

آیت الله محمدی لائینی در پنجم/مهر ماه 1301/هجری شمسی در قریه

ص: 625

«ملا محله» از قرای هزار جریب شهر نکا، از پدری عالم و مادری پاک دامن متولد شده است. اما متأسفانه در سن کمتر از هشت سالگی از نعمت وجود پدر محروم و تحت سرپرستی مادر با کفایت و نظارت عمومی با همت خویش تحصیلات علوم دینی را نزد اساتید ممتاز آن روز در حوزه های علمیه منطقه شروع نمود و چند سالی از محضر عالم متقی حضرت آیت الله نصیری. سپس جهت ادامه تحصیل در بخش سطوح عالیّه نزد مجتهد عصر فقیه عادل عارف شیخ محمد کوهستانی سالهای متمادی تدریس و تلمذ نمود. و با کسب اجازه از معظم له، به منظور تکمیل تحصیلات، در سن 25 سالگی سنه 1325 ش رهسپار حوزه کهنسال نجف اشرف شد. و طی 14 سال اقامت پیوسته در آن حوزه مقدسه و در جوار مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام، با توجه به فشار مشکلات مادی آن روز، از محضر مراجع بزرگ وقت و شخصیت های علمی و الهی چون حضرت آیت الله سید محمد شاهرودی و حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی و حضرت آیت الله میرزا حسن یزدی بهره های فراوان برده، و در سن 39 سالگی و در سال 1339 ش پس از گذراندن دو دوره خارج اصول و قسمت اعظم خارج فقه عبادی و معاملی و اخذ اجازه اجتهاد از اساتید بزرگ، به وطن مألوف مراجعت نمود و به تدریس و ارشاد و خدمات دینی و تربیت طلاب و احداث بناهای خیریه همت گماشت.

### بعد علمی

حضرت آیت الله محمدی لائینی صرف نظر از جنبه های معنوی و اخلاقی، یکی از چهره های درخشان علمی ولی ناشناخته در منطقه مازندران محسوب می شدند. نبوغ و استعداد فراگیری از همان اوائل دوران تحصیل از جبینش هویدا بود. فرصتها را از دست نمی داد. غالب اوقاتش چه در ایام نجف و چه قبل و بعد از آن صرف تدریس و تدریس و تحقیق و تقریر مطالب علمی می شد. چنانکه به مناسبتی، به منظور تنبیه حقیر به از دست ندادن فرصتها فرمود: من در نجف شبانه

در تدریس و نقد و بیان نکات علمی قوی بود. به طوری که بالاترین کتب سطح را بدون مطالعه قبلی تدریس می کرد.

در ادبیات عرب که مجموعاً 12 علم است تبحر داشت. در معقول نیز دستش باز بود. در کلام از محضر آیت الله حاج میرزا هاشم آملی سود جست. اشکالهای زنده و جالبی به عبارات اعلام می نمود. ضمن اینکه نظر آنها را محترم می شمرد با تسلط درس می گفت. از تدریس و تربیت طلاب هرگز خسته نمی شد. حتی زمانی که منع پزشکی از تدریس داشت طبق نظر خود، آن را ترک نکرد. گویا وجودش برای همین کار ساخته شد و می فرمود: چه کنیم؟ نان امام زمان علیه السلام را می خوریم. این تبحر و قوت تدریس و عشق به تربیت طلاب انگیزه ای شد تا پس از مراجعت از نجف اشرف، به دعوت استادش آیت الله کوهستانی به عنوان یک مدرس باتجربه و برجسته، به تدریس کتب مختلفه در حوزه علمیه کوهستان مشغول شود. هم زمان توانست، حوزه تابستانی بیلاق در زادگاهش تأسیس و به تعلیم و تربیت طلاب در آن سامان پردازد.

معظم له یک مجتهد مسلم و نظریه پرداز در باب فقه بود. زمینه اجتهاد را در همان حوزه نجف در خود داشت به طوری که هنگام مراجعت به ایران با چند اجازه اجتهاد و اجازه در تصدی به امور حسبیه و شرعیه و اخذ جوهرات و اجازه در نقل روایات اهل البیت علیهم السلام و حل و فصل دعاوی و... وارد ایران شد. و چند اجازه نیز بعد از مراجعت از مراجع وقت دریافت داشت. چنانچه خود ایشان در بیمارستان فرمود: من از 10 تن از مراجع و علمای بزرگ اجازه دارم.

بعضی از اساتید ایشان، در اجازه ای که هنگام بازگشت وی نوشتند. او را در مسائل شرعیه فرعیه صاحب نظر دانستند و در عمل برطبق نظر و فهم خود مجاز قرار دادند و این عبارت را آوردند... حتی بحمد الله تعالی صار من المجتهدين العظام، فله العمل بما استنبطه من الاحكام... ورتبه بالای علمی وی باعث شد تا در

نجف مورد اعتماد استادش حضرت آیت الله شاهرودی قرار بگیرد. به نحوی که آن حضرت در دادن اجازات به فضیلابی مازندران با ایشان مشورت کند. و بنا به فرموده بعضی از بزرگان مرحوم آیت الله شاهرودی در دادن اجازه اجتهاد بسیار احتیاط می کرد و غالباً می نوشت فلانی شاگرد من بوده و نزد من درس خوانده و بالاخره او را در فضل و تقوی تأیید می کرد. اما برای آیت الله محمدی نوشت... بلوغ مرتبه من مراتب الاجتهاد...

در سال 1338 ش که در راه مراجعت از نجف خدمت مرجع تقلید شیعیان حضرت آیت الله بروجردی مشرف شدند. آن بزرگوار که شرح حالات آیت الله محمدی را ضمن نامه ای که توسط نماینده اش ارسال شده بود، خواندند. فرمودند:

خواندم احوالات شما را. آن گاه دست به قلم برده، فرمودند: چیزی برای تو بنویسم که برای احدی ننوشتم. آیت الله محمدی عرض کردند: زحمت نکشید. شفاها بفرمائید کافی است. آیت الله بروجردی فرمودند: شما از قبل من در تمام امور مجاز و مأذون هستید.

### **اسامی مشایخ اجازه ایشان به این قرار است:**

1- آیت الله سید محمود شاهرودی 2- آیت الله میرزا هاشم آملی 3- آیت الله میرزا حسن یزدی 4- آیت الله سید روح الله خمینی 5- آیت الله سید محسن طباطبائی حکیم 6- آیت الله سید محمد هادی میلانی 7- آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی 8- آیت الله سید شهاب الدین مرعشی 9- آیت الله سید ابو القاسم خوئی 10- آیت الله شیخ آقا بزرگ تهرانی 11- آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی.

یک چنین شخصیت ممتاز علمی که می توانست در حوزه های بزرگ علمیه جایگاه رفیعی داشته باشد. و نام او همه جا مطرح و بر سر زبانها باشد. بنا به پیشنهاد اهالی مؤمن شهر نکا مازندران و صوابدید حضرت آیت الله کوهستانی در این شهر که جدا نسبت به دانش گسترده اش ضیق بود، اقامت گزید و به تدریس و

ارشاد و خدمت پرداخت. در این زمینه چنان متواضع و بی ریا و آزاد بود که تمام تلاشش تعلیم و تربیت بود. کتاب هرچه باشد و شاگرد، هرکه باشد. لذا از تدریس کتب ابتدائی مانند: نصاب الصبیان و شرح امثله و مانند این ها امتناع نمی کرد. عم جز هم درس می داد. روزی به من فرمود. درس این آقا پسر را بگو. دیدم معراج السعاده در دست دارد و چند درس را هم نزد آقا خوانده است. خجالت نمی کشید از اینکه اساتید دوران طلبگی خود را که در همان سطح نازل مانده و از درس و بحث و حوزه و ترقی افتادند، نام برد. مثلاً. می فرمود: نزد فلانی درس خواندیم. و یا فلانی استاد ما در فلان کتاب بود و...

## بعد اخلاقی

آیت الله محمدی لائینی مجمع فضائل و نمونه بارز یک انسان شایسته بود.

بدون مبالغه صفات برجسته انسانی در وی جمع بود. او یک مرد نبود. هزار مرد بود.

نه بلکه مجسمه مردانگی مهربانی گذشت. کرم بی ریائی، زهد و ترحم بود. همانند شمعی بود که خود می سوخت، اما محیط و محفل دوستان و جامعه را همواره روشن و با صفا نگه می داشت.

او قبل از اینکه عالم باشد عامل بود. شیوه معاشرت و برخورد وی حساب شده و برای همگان درس زندگی بود. راستی که مازندران از این نخبه ها کمتر به خود دیده است. این سخن نویسنده حروف نیست. حرف دل هزاران هزار انسان فهمیده درست اندیش است که از نزدیک با معظم له در ارتباط بودند. و سالهای سال پاکی و صداقت و حسن نیت و فضائل اخلاقی او را تجربه نمودند.

او همان طور که در ایام تحصیل یک محصل زبده و ممتاز بود در دوران خدمت و ارشاد هم یک خدمتکار با صداقت و پرکار بود. با مشکلات فراوان مبارزه کرد.

آزارها دید. زخم زبانها شنید، اما از مسیر حق جدا نشد و اصول اخلاق و ادب را زیر پا نگذاشت. رأفت قلب و شرح صدر او اجازه عکس العملهای تند و سریع را به

وی نداد. لذا هیچ وقت در صدد انتقام از کسی برنیامد زیرا به کسی حسد نمی برد و از کینه توزی و انتقام جویی به شدت متنفر بود و خود می فرمود: من هرگز کینه کسی را در دل نگرفته ام. نه تنها انتقام جو نبود. مرد گذشت و احساس بود و بدی را به نیکی پاسخ می داد. بسیار اتفاق افتاد که از حق مشروع و مسلم خود صرف نظر کرد تا دعوایی خاتمه یابد و یا مشکل یک مسلمان حل شود. و بسیار اتفاق افتاد که احسان به مخالف خود نموده و یا سفارش به احسان و احترام کرده. شخصی به وی در جلو چشمش جسارت کرد. ایشان واکنشی نشان نداد، بلکه فرمود در حق وی احترام لازم به عمل آید. چون وابسته به یک شهید است.

با آن همه گستاخی که شفاهها و کتبا از طرف بعضی از نابخردان در حق وی به عمل می آمد. همه را نادیده می گرفت و در این رابطه فقط اظهار امیدواری می نمود و می فرمود: من از عبادتی که انجام دادم خیلی امیدوار نیستم. اما از بدگوئیهایی که درباره من انجام شد و از تهمت هایی که به من زدند امیدوار هستم. در اواخر عمر می فرمود غیبت ها را می بخشم، اما تهمت ها را نمی بخشم. لکن در بیمارستان هنگامی که تحت فشار بیماری های متعدد بود. به دنبال بهانه ای جهت عفو تهمت زندگان بود و فرمود همه کسانی که به من تهمت زدند و بدگویی کردند بخشیدم، در صورتی که عوض غیبت یک روز و عوض تهمت یک ماه برایم نماز بخوانند.

در زمینه مردم داری و دلسوزی نسبت به محرومین ضرب المثل بود. آغوشش چون در خانه اش به روی مردم باز بود. کسی را از خانه اش محروم نمی کرد. حتی مخالف خود را طرد نمی نمود و می فرمود: «ما که پیامبر نیستیم. ادعای پیروی از پیامبر را داریم. لذا باید در مسیر او باشیم و شیوه زندگی او را در پیش گیریم. پیامبر با آن همه آزارها و دشمنی ها که از ناحیه مردم نادان دید کسی را طرد نکرد، ما هم نباید کسی را از خود برانیم».

او کسی بود که خانه خویش را به حقیقت خانه مردم می دانست و طلاب و



دوستان جوان را فرزند خویش می خواند. و گاهی به او عرض می کردند: چرا نسبت به بعضی از واردین تعارف و احوال پرسی را فراموش می کنی. می فرمود: «ما خانه خود را متعلق به این دوستان می دانیم. و آنها را در واقع فرزندان خود می شماریم.

کسی که وارد خانه خود می شود، نباید از پدر و مادرش انتظار احترام و احوال پرسی مکرر داشته باشد».

او همان طور که خانه را متعلق به مردم می دانست. خود را نیز وقت خدمت به مردم و آماده حل مشکلات آنان نمود. و غالب اوقاتش صرف خدمت به اسلام و حلّ و فصل دعاوی و تعلیم و تربیت و رسیدگی به امور محرومان می شد. و معهذا معتقد بود کاری برای اسلام و انقلاب و مردم نکرده است.

کسی که آبرو و آسایش خود را فدای خدمت به مردم کرد و با نوشتن نامه و ارسال پیام و سفارش شفاهی به مردم کمک می کرد، یقیناً دلش برای بندگان محتاج و بی پناه خداوند می سوخت. غالباً به مسئولین در رابطه با رسیدگی به کارهای ارباب رجوع سفارش می فرمود. حتی در بیمارستان نیز به مسئولینی که به عیادتش می آمدند، سفارش ضعفا را نموده و به یکی از مسئولین فرمود: من که می میرم، آیا شما نمی خواهید برای حاشیه نشینان جنگل فکری بکنید؟

دستور فرمودند مهر نمایندگی خبرگان را به بیمارستان ببرند، تا دست محتاجان را در آنجا هم بگیرند و شخصا برای عده ای از کارکنان بیمارستانی که در آن بستری بودند، سفارش فرمود و گرفتاری آنان را برطرف نمود.

بسیاری از فقرا و خانواده های بی سرپرست را شخصا پوشش می داد و ماهیانه حقوقی کم و بیش به آنها می پرداخت و هر نیازمندی را به قدر نیازش کمک می کرد.

برای بیماران توصیه های مکرر به پزشکان می نمود و نامه های فراوان می نوشت.

حتی آن روزهایی که در شدت ضعف و ارتعاش بدن بود، از توصیه های کتبی دریغ نمی ورزید. وقتی می شنید مشکل کسی حل شد. حمد خدا را به جا می آورد.

عجیب تر اینکه: متأثر می شد مرغ ها داخل تور حبس باشند. و یا کسی مورچه

را بکشد. و یا اسی را با ترکه بزند و حیوانی را تعقیب و خسته کند. و بالاخره با آنها که آزاری به حیوانی می رسانند برخوردی تند می کرد. حتی برای کشتن یک مار که دوستان بر او هجوم آوردند راضی نشد و فرمود: حیوان را رها کنید. کاری به او نداشته باشید.

راستی کسی که دلش برای مرغ و مار و مورچه بسوزد، برای انسانها نمی سوزد؟

از اینکه برخی از جوانان ساده دل به گروهک ها می پیوستند و یا در اثر ضدیت با انقلاب اعدام می شدند اظهار تأسف می نمود و می فرمود: من برای شهدا زیاد نگران نیستم، چون خود را راضی می کنم که اینان به سعادت رسیدند. اما دلم برای آنها که اعدام می شوند می سوزد. چون مایل نیستم جوانان ما منحرف شوند و در جهنم بسوزند.

اینکه مردم به وی علاقه داشتند و او را پدر و یار و استاد و مراد خود می شمردند. و در مرگ او نیز این همه تجلیل نمودند و عزاداری کردند و می گفتند:

داغ ما در هجر یوسف کمتر از یعقوب نیست

او پسر گم کرده بود و ما پدر گم کرده ایم

برای این بود که او مردم را دوست می داشت و طالب هدایت و سعادت مردم بود و این امر را عملاً به اثبات رساند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مقابل تعلیم آداب معاشرت، فرمود: بگونه ای زندگی کنید که اگر مرید بر شما بگریند و اگر زنده ماندید شما را دوست داشته باشند و چون پروانه دور شمع وجود شما بگردند. (خالطوا الناس مخالطه، ان متم بکوا علیکم و ان عشتم حنّوا الیکم).

و این شخصیت الهی این گونه زندگی کرد. لذا مرگ او وسیله تنبّه و بیداری بسیاری از مردم غافل و در خواب مانده گردید.

از خصوصیات بارز معظم له این بود که شخصا به کارها می پرداخت. و بدون

واسطه با مردم تماس داشت و موانع کار مردم را به دست خود حل می کرد. کاتب، دفتردار، تلفنچی، درباری و نوکر نداشت. برای ملاقات با او گرفتن وقت قبلی نیاز نبود. زیرا او تمام وقت در خدمت مردم و آماده پذیرایی بود.

وقت اداری و ساعت کار نداشت. تمام ساعات شبانه روز، ساعات کار او محسوب می شد. بسیاری از اوقات قبل از صبحانه زمستان یا تابستان برای خواندن نماز میت یا شرکت در مراسم صبحگاهی نیروها و یا امور دیگر از خانه بیرون می رفت. و شبها غالبا تا حدود نیمه های شب یا مشغول تدریس یا قرائت قرآن و یا ملاقات با دوستان و رسیدگی به امور مردم بود. و از طرفی، اطاق انتظار نداشت تا عده ای جهت دیدار با او معطل بمانند. بلکه در یک اطاق می نشست. فقیر و غنی، روحانی و بازاری، شخصیت های برجسته و افراد عادی هرکس هر وضع و حالتی که داشت. بدون زحمت با او دیدار می کرد و مشکلات خود را با او در میان می گذاشت و حتی در حال بیماری هم به کارهای مردم می پرداخت. و این ارتباط نزدیک و مستقیم با مردم همواره برقرار بود.

پیشنهاد می کردیم بعضی از نامه ها را ما بنویسیم و شما فقط امضا بفرمایید.

قبول نمی کرد و با دست مبارک خود، نامه ها را می نوشت.

روزی به ایشان عرض کردم: حال شما مساعد نیست. بیشتر به استراحت پردازید و ملاقات را به روز دگر موکول نمایید. او قبول نکرد. درحالی که بدنش رنجور بود و دستش می لرزید، لباس هایش را پوشید و فرمود: می روم بیرونی شاید تا ظهر، کار سه چهار نفر را راه بیندازم.

در اواخر عمر با برکتش، خصوصا در ایام بیمارستان، دو چیز را همواره مد نظر داشت و برای آن دو نگران بود. اول اینکه از قلت زاد و خالی بودن دست، تأسف می خورد و مکرر می فرمود: دستم از عمل خالی است و گاهی برای این امر گریه هم می کرد. دوم اینکه، برای مردم غصه می خورد و همواره به فکر آنها بود که مردم

بیچاره اند و دستشان به جایی نمی رسد و کسی هم در فکر آنها نیست. چنانچه گاهی حال و روزگار بعضی از محرومین را مشاهده می نمود می فرمود: من نمی توانم این ها را ببینم. گریه ام می گیرد. به همین دلیل بسیاری از مردم، پس از رحلتش با هم درد دل می کردند که هنگام هجوم مشکلات، نزد چه کسی برویم و در خانه چه کسی را بنزیم و با چه کسی درددل نمائیم. او پناه ما، یاور ما و امید ما بود. با چند کلمه حرف، دل ما را روشن می کرد و با دست پر و قلب آرام به خانه برمی گشتیم. الآن کجا برویم. او بود که به حرف ما گوش می داد. اما اکنون، کسی به حرف ما گوش نمی دهد.

آری این چنین انسان وارسته و با عظمت است که با مرگش ضایعه ای جبران ناپذیر بر اسلام وارد می شود.

محمد صادق محمدی

1372/8/19 هجری شمسی

**شیخ حسین مفلس قمی «ارده شیر»**

**اشاره**

(1305-1367 ق)

شیخ حسین قمی متخلص به «مفلس» و مشهور به «ارده شیر» فرزند ملا محمد حسن (متخلص به شاهد) فرزند حاج محمد رضا فرزند ملا محمد تقی (متخلص به عاشق) فرزند علی اکبر حلوانی، از شعرا و مورخان به نام بود.

او در جمادی الاول 1305/ ق زاده شد و در 25/ صفر 1367/ ق درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام - صحن نو - در قم به خاک رفت.

وی منظومه ای در وصف «ارده شیر» سرود و از این رو به این نام شهرت یافت.

**آثار قلمی اش به شرح زیر است:**

1- الاربعون فی فضائل قم و القمیین.

ص: 634

2- باغ ارم در اخلاق، در چهار جلد به فارسی.

3- تحفه الفاطمیین.

4- جواهر الأخبار فی الأخبار المرویه عن الأئمه الاطهار علیهم السلام.

5- درر الأشعار، مجموعه ای در ذکر حالات بعضی از شعرا و اشعار ایشان.

6- دیوان شعر، در ده هزار بیت.

7- رساله در شرح حالات حضرت سنی فاطمه علیها السلام با صورت رقبات موقوفه آستانه قم که باید یک رساله باشد، هرچند در یادداشت آغاز تحفه الفاطمیین دو رساله شمرده اند.

8- زبده الأدعیه.

9- سراج المؤمنین، در ادعیه.

10- شرح کلمات قصار مولی امیر المؤمنین علیه السلام.

11- کتابی در مقتل حضرت سید الشهداء علیه السلام.

12- منتخب الاخلاق، در مدح صفات نیکو و ذم کارهای بد.

13- منتخب القصائد فی مدایح الأئمه علیهم السلام.

14- منظومه ارده شیره، چاپ قم به سال 1359 ق در 40 ص.

15- نان و ماست، مثنوی به سبک نان و حلوا در مواعظ او این منظومه را به صورت کامل در پایان مجلد دوم تحفه الفاطمیین گذارده است.

منابع

1- الذریعه 10/3 و 460 و 258/5 و 1086/9.

2- تحفه الفاطمیین، جلد اول باب هفتم (خطی).

3- فهرست کتابهای چاپی فارسی 223/1.

4- کتابشناسی قم 173.

5- مؤلفین کتب چاپی 725/2.



(1420-1342 ق)

حاج سید حسین فرزند سید ناصر علی و نوه سید عیسی حسینی، ملقب به «مکی» از فضلا و محترمین معاصر بود.

وی در 12 ذی الحجه 1342/ق در مشهد مقدس تولد یافت.

جدش اهل «قره باغ» غزنه افغانستان است که از آن منطقه به مشهد مقدس مهاجرت کرد و سلسله نسبش به حضرت زید شهید علیه السلام می رسد.

سید حسین مقدمات و ادبیات را در مشهد نزد شیخ علی محمد بربری آموخت. سپس به سوی قم رفت و چند ماهی توقف نمود. آنگاه در سال 1364 ق وارد نجف اشرف شد و سطح را نزد میرزا حسن یزدی و سید اسد الله مدنی آذرشهری به پایان برد. خارج را هم از محضر آیات: میرزا عبد الهادی شیرازی، میرزا حسن یزدی، سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمود شاهرودی (مدت کوتاهی) و سید ابو القاسم خوئی استفاده نمود. نیز مدتی از درس حکمت آیت الله شیخ حسین وحید خراسانی بهره مند شد و خود به تدریس ادبیات و مقدمات پرداخت.

مکی در سال 1374 ق بنا بر تقاضای عده ای از اهالی آبادان به آن دیار رفت و به خدمات مذهبی و اجتماعی اهتمام نمود. جلسات سیار هفتگی برگزار می کرد و پس از قرائت دعای ندبه مشغول بیان احکام و وعظ می شد. در «مسجد الزهراء» آبادان به اقامه جماعت و گفتن تفسیر قرآن و هدایت خلق اهتمام داشت. تأسیس مساجد و اماکن مذهبی و فرهنگی و درمانگاه و اعزام مبلغ و مبارزه با اندیشه های کج و گمراه، از جمله خدمات چندین ساله ایشان در آبادان است.

وی اهل مطالعه و بحث بود و بیش از هشتاد جلد از کتاب شریف «بحار الأنوار» را مطالعه کرده که در اثر ضعف بینائی، موفق به مطالعه اجزای دیگر آن نشد.

نامبرده پس از شروع جنگ ایران و عراق، در سال 1358 ش مطابق با 1399 ق به قم مهاجرت کرد و تا حدی به خدمات خود ادامه داد، ولی سالهای آخر عمر خود بیشتر در منزل بستری گردید.

عاقبت غروب در روز یکشنبه /26 ذی الحجه/1420 ق مطابق با /14 فروردین/1379 ش در پی بیماری در سن 78 سالگی در قم چشم از جهان فرو بست. پیکرش عصر روز دوشنبه از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشییع و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

منابع

1- مصاحبه با ایشان در قم به تاریخ /9 خرداد/1378 ش.

2- گنجینه دانشمندان 21/3 (تولدش را 1344 ق ذکر کرده است).

**سید حسین موسوی قمصری**

**اشاره**

(1291-1362 ق)

حاج سید حسین فرزند علامه سید علی اکبر و نوه سید ابو تراب موسوی قمصری کاشانی، از علما و بزرگان کاشان و قمصر بود.

وی در سال 1291 ق مطابق با 1252 ش در کاشان تولد یافت.

او پس از گذراندن پنج سال دوره مقدمات نزد: میرزا فخر الدین نراقی و سید محمد کاشانی «مصطفوی» در مدرسه علمیه سلطانی کاشان به حوزه علمیه اصفهان پیوست و دروس سطح را از محضر اساتیدی چون: ملا محمد فاضل کاشانی، آخوند ملا عبد الکریم گزی، سید محمد هاشم چهارسوقی خوانساری، سید محمد باقر خوانساری «صاحب روضات الجنات» و شیخ محمد باقر اصفهانی «مسجد شاهی» استفاده نمود.

سرانجام به حوزه کهن نجف اشرف رهسپار شد و سالها از محضر آیتین علمین:

آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بهره مند

ص: 637



گردید و به درجه رفیع اجتهاد نایل آمد. در سن چهل و اندی سالگی به کاشان مراجعت فرمود، سپس به قمصر منتقل شد و تا آخر عمر آنجا ماند و به حل و فصل خصومات و ارشاد پرداخت. در مسجد جامع قمصر به اقامه جماعت اهتمام داشت. در ماه رمضان، منبر می رفت و با بیان جذاب و دلنشین به وعظ و ارشاد می پرداخت.

## از آثار او

- 1- مقاطیس العقول فی علم المعقول و المنقول.
- 2- قساطیس الایمان فی تفسیر القرآن.
- 3- مجمع الدلائل فی شرح الرسائل.
- 4- نسيله الأدب فی شرح سبیکه الذهب.
- 5- المنظومه البهیة، المحتویه علی النکت الفقهیه، مشتمل بر چهار هزار و چهارصد و چهل بیت شعر عربی، در سال 1358 ق از نظم آن فراغت یافت.

## مجلس روضه خوانی و عزاداری آیت الله موسوی

فقیه بزرگوار، مرحوم آیت الله حاج سید حسین موسوی قمصری اعلی الله مقامه الشریف، که اخلاص فوق العاده ای به حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام داشتند، همه ساله مجلس روضه خوانی مفصلی را برای تجدید اقامه عزاداری امام حسین علیه السلام در لیالی عاشورا در مسجد جامع قمصر، که محل اقامه جماعتشان بود منعقد می فرمودند، که اکثر سنوات تا آخر ماه محرم ادامه پیدا می کرد و مورد علاقه اهالی قمصر بود و خودشان نیز در اکثر شبها خاصه لیالی تاسوعا و عاشورا منبر می رفتند و بعد از موعظه و ارشاد حاضرین، مفصلاً ذکر مصیبت می کردند و در شب عاشورا در حال مصیبت خوانی بر پا ایستاده و سر را برهنه نموده و خاک بر سر می ریختند و با دو دست بر فرق خود می زدند و اشک می ریختند و فریاد و حسینا، بلند می فرمودند و چون دارای بیانی گرم و جذاب و صوتی حزین بودند و در مصیبت خوانی مهارت داشتند. چنان انقلابی در قلوب اهل مجلس ایجاد می نمودند، که

صدای شیون و گریهٔ مرد و زن به آسمان می رفت و عده ای در پای منبر غش می کردند و علاوه از شب عاشورا در روز عاشورا و در شب و روز بیست و یکم ماه مبارک رمضان نیز منبر می رفتند و به همین کیفیت مصیبت خوانی می کردند.

ضمناً عده ای از خطبا و سادات محترم قمصر، از جمله اخویهای محترمشان، سید نصر الله و سید تراب موسوی و مرحوم سید علی میر عبد الکریم، در پای منبر ایشان اجتماع نموده و با هم به نوحه سرایی دسته جمعی می پرداختند و با مصیبت خوانی مهیج ایشان و نوحه سرایی خطبای محترم در پای منبر، شور و هیجانی از حزن و گریه و شیون در مجلس بوجود می آوردند که نظیر آن دیگر در قمصر دیده نشده است.

### **ورود دسته جات به مسجد و منزل آیت الله موسوی**

دسته جات عزاداری قمصر که از قدیم الایام تاکنون در ایام و لیالی عاشورا برای عزاداری سنتی حرکت می نمایند، مانند دسته جات سینه زنی و زنجیرزنی، خاصه هیئت سجاده محله پایین قمصر، که تقریباً در اواسط قرن 1300 قمری تأسیس شده، در ایام تاسوعا و عاشورا را به منزل آیت الله حاج سید حسین موسوی قمصری و در لیالی عاشورا به مسجد جامع، که محل اقامه جماعت ایشان بود وارد می شدند و هنگام ورود آنها آقا حاج سید حسین به احترام دسته جات حسینی از جا برخاسته و روی پای می ایستادند و بر سینه می زدند و اشک می ریختند و در خاتمه از همه آنها تقدیر نموده و در حق همه آنها دعا می کردند.

ظرف آبی مقابل خود نهاده و بر مصائب امام حسین علیه السلام می گریستند

مرحوم آیت الله حاج سید حسین موسوی قمصری قدس سره، در دههٔ عاشورا علاوه بر اینکه برای جدشان امام حسین علیه السلام پیوسته حزن و به حالت عزادار بودند و به ذکر مصائب آن حضرت می پرداختند و به آن اهمیت زیادی می دادند. صبح روز عاشورا که می شد، همه ساله برای خواندن زیارت عاشورا به بالای بام خانه رفته و

با سر و پای برهنه در زیر آسمان روبه قبله ایستاده و زیارت عاشورا را، می خواندند و اشک می ریختند و بعد از خاتمه زیارت و خارج شدن دسته جات از منزلشان، داخل منزل و اطاق خود گردیده و ظرف آبی را در جلو خود می گذاردند و پیوسته بر آن نظر نموده و به یاد تشنگی امام حسین و اهل بیت و اصحابش (علیهم الصلاه و السلام) گریه می کردند. ضمناً در ایام شهادت سایر ائمه معصومین علیهم السلام نیز در منزلشان اقامه مجلس روضه خوانی نموده و اهل منبر را دعوت می نمودند و به ذکر مصائب اهل بیت رسالت علیهم السلام می پرداختند.

### رأی آیت الله موسوی درباره عزاداری امام حسین علیه السلام

دانشمندان محترم مرحوم حاج سید محمد باقر موسوی، فرزند آیت الله حاج سید حسین موسوی قمصری که شرح زندگانی و عزاداری والد معظمشان را نقل نمودند، فرمودند که: خوب به خاطر دارم که در یکی از مجالس روضه خوانی قمصر، از مرحوم آیت الله والد سؤال کردند که نظر حضرتعالی درباره کسانی که برای امام حسین علیه السلام بر سینه می زنند و سینه خود را مجروح می نمایند و کسانی که در روز عاشورا قمه (تیغ) می زنند و سر می شکافند چیست؟

فرمودند: شما از من در این امر سؤال نکنید، بلکه بروید شام و از حضرت زینب دختر امیر المؤمنین علیه السلام و خواهر امام حسین علیه السلام سؤال کنید که چگونه در مصیبت برادرش، موقعی که سر بریده خونین او را در بازار کوفه بالای نیزه دید، علاوه بر گریه کردن و اشک ریختن و ناله زدن، سر خود را به چوبه محمل زد و خون از سرش جاری نمود.

طأطئوا الرؤوس ان رأس حسین رفعوه علی القنا الأخطار

هتکوا عن نسائکم کل خدر هذه زینب علی الاکوار

حق ان لا تکفّنوا علویا بعد ما کفن الحسین الزار

لا تمدوا لکم عن الشمس ظلا ان فی الشمس مهجه المختار

### فوت سید حسین موسوی قمصری قدس سره

عالم بزرگوار مرحوم آیت الله حاج سید حسین موسوی قمصری، در ذی حجه الحرام سال 1362 هجری قمری مطابق با آذر 1322/ش در سن 71 سالگی در قمصر کاشان، دار فانی را وداع گفتند و ضایعه بزرگی بر جهان شیعه خاصه مردم کاشان و قمصر وارد گردید، زیرا گوهر گرانبها و کم نظیری را از دست دادند که پیدا کردن آن با وضع دنیای کنونی بسیار مشکل است.

آیت الله موسوی در هنگام مرگ وصیت نمودند که من رفتنی هستم و چون شما نخواهید توانست جنازه مرا به نجف اشرف ببرید. لذا حتما مرا به مزار امامزاده علی بن جعفر در قم ببرید و در آنجا دفن نمائید.

با درگذشت ایشان، قمصر یکپارچه گریه و شیون و عزا گردید و مردم همه دست از کار کشیده و سراسیمه به سوی منزل ایشان حرکت کردند و برای تشییع جنازه و تجلیل از آن فقیه بزرگوار اطراف خانه و مسجد اجتماع نمودند و چون خبردار شدند که می خواهند جنازه ایشان را به قم ببرند، از آن ممانعت نموده و گفتند: ما نمی گذاریم بدن مرجع و آقای ما را از قمصر خارج کنید. ما می خواهیم قبر این عالم بزرگوار و فرزند محترم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را زیارتگاه اهل قمصر قرار دهیم. اما مرحوم آقا سید هاشم هاشمی که داماد محترم آقا و از معاریف و محترمین قمصر بودند و فرزندان محترم، آقا مرحوم حاج سید محمد باقر و مرحوم حاج آقا موسی موسوی که مورد علاقه و احترام مردم قمصر بودند، ضمن قدردانی از اظهار احساسات و محبت های فراوان مردم قمصر فرمودند: چون آقا وصیت فرموده اند که در قم دفن شوند و ما نمی توانیم در مقابل وصیت ایشان و دستور شرع مقدس، خلاف وصیت رفتار نمائیم. لذا از همه اهالی قمصر خواهشمندیم که از بردن جنازه به قم جلوگیری فرمایند و خواهش ما را بپذیرید.

لذا مردم قمصر ناچاراً سر تسلیم فرود آورده و فرمایش آنها را پذیرفته و جنازه را با شکوه هرچه تمام تر، سینه زنان و نوحه کنان با پرچم های عزا و دسته جات سینه زنی تا آخر قمصر تشییع نمودند. عده ای هم به دنبال جنازه به سوی کاشان و قم رهسپار گردیدند.

در کاشان نیز جمعی از اهالی شهر خاصه حضرات علما و فضلاء و خطبای محترم در تشییع جنازه ایشان شرکت نموده و عده ای هم به دنبال جنازه به سوی قم حرکت کردند و پیکر مطهر ایشان را در جوار علی بن جعفر علیه السلام دفن نمودند.

### **دستور امامزاده علی ابن جعفر برای احترام جنازه**

موقعی که جنازه فقیه بزرگوار، مرحوم آیت الله حاج سید حسین موسوی قمصری قدس سره را، به علی بن جعفر قم بردند و متولی از آمدن جنازه آگاه شد، فوراً با عده ای از اهالی قم، از جنازه استقبال و احترام نموده و دستور داد جنازه را در بالای سر دفن نمایند و هیچ گونه پولی هم برای حق الدفن نگرفتند، سپس متولی امامزاده اظهار نمود که یک شب قبل از این واقعه، در خواب دیدم که وارد زیارت امامزاده شدم. ناگاه دیدم حضرت علی بن جعفر علیه السلام از میان ضریح خارج شد و فرمود عالمی از قمصر فوت می شود و جنازه ایشان را فردا به قم می آورند، شما او را می بری در بالای سر دفن می کنی و پول هم نمی گیری.

### **شعر میرزا اسماعیل فیضی در فقدان آیت الله موسوی قدس سره**

مرحوم حجه الاسلام و المسلمین میرزا اسماعیل فیضی قمصری، که از نواده های علامه بزرگوار ملاّ محسن فیض کاشانی و از ائمه جماعت و خطبای محترم قمصر بودند، شعری را در فوت مرحوم آیت الله حاج سید حسین موسوی قمصری قدس سره سروده اند که از این قرار است:

ناگهان گویا قیامت کرد در قمصر قیام

یا که رفت از دهر فانی سیدی والامقام

نوگل بستان زهرا حافظ شرع رسول

هم سمی و هم نژاد پادشاه تشنه کام

رفت و از فقدان او خاک مصیبت ریخت چرخ

بر سر خیل مسلمانان تمام از خاص و عام

در مه ذی حجه گویا شد محرم آشکار

کرد تأثیری که سوزد مسلمین را دل تمام

از وفاتش ثلمه ای در دین پیغمبر فتاد

می نگردد دیگر که ترمیم تا یوم القیام

مدفنش در قم جوار نور چشمان نبی

زاده جعفر علی ابن امام ابن الامام

یک هزار و سیصد و شصت و دو، از هجرت چو رفت

شد مسافر سوی جدش با هزاران احترام

کی تواند شرح این ماتم سراید (فیضیا)

جز سر تسلیم نبود چاره بهر ما تمام

موسوی ترویج دین فرما و بنما ترک ری

بلکه آثار پدر از تو بماند مستدام

**سید حسین نبوی قمی**

**اشاره**

(1345-1406 ق)

حاج سید حسین فرزند علامه سید علی نبوی قمی، از فضیله حوزة علمیه قم بود.

تولدش به سال 1345 ق مطابق با 1305 ش در قم اتفاق افتاد.

## **تحصیل علوم**

در نوجوانی وارد مدارس جدید شد و پس از فراغت از تحصیل آن دوره به

ص: 643

علوم دینی روی آورد، و سطوح را نزد:

شیخ محمد محققى لا-هیجى و شیخ فرج الله کاظمى هرسینى تلمذ کرد، و دروس خارج را از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، شیخ عبد النبى عراقى و سید شهاب الدین مرعشى نجفى و دروس معقول را از محضر سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» استفاده نمود.

### تبلیغ مذهب

وی در ماههای تبلیغی به شهرهای مختلف ایران به ویژه: تهران، اهواز و اصفهان سفر می کرد و با وعظ و ارشاد شنوندگان خود را مستفیض می نمود. نامبرده به شعر علاقه مند بود و آن را نیکو می سرود و «نبوی» تخلص می نمود، و خط را زیبا می نوشت، و کلامش با آیات الهی و احادیث معصومین علیهم السلام آمیخته بود.

علاوه بر این، به نگارش و تألیف نیز پرداخت و آثاری ارجمند همچون:

1-المجموعه الوارده یا دستة گل.

2-امتیازات اسلام.

3-امتیازات انسان.

4-بهارستان وحی (در توحید و نبوت و امامت).

5-شرح نهج البلاغه به نظم و نثر (ناقص).

6-کتابی در ولایت.

7-وصف دوست، از خود به یادگار گذاشت.

متأسفانه از سال 1358 ش در اثر عارضه قلبی خانه نشین شد، و در ظهر روز

ص: 644



پنجشنبه 8 ربیع الاول 1406 / ق مطابق با 30 آبان 1364 / ش به سن 61 سالگی در قم درگذشت، و جسدش صبح روز جمعه تشییع گردید.

اشعار زیر از اوست:

### معشوق من

آئینه کبریا صفاتش همسال جمال عشق ذاتش

ابعاد وجود را تناهی اندام صعود را کماهی

شرق نبوی اوست یکسر برق و لوی اوست مصدر

او مطلع و مختم وجود است او ظاهر و باطن شهود است

آگاهی و علم ناب باشد نافذتر از آفتاب باشد

این روح و فروغ ذات آگاه کس نیست بجز بقیه الله

او خان جهان اصل نصر است مرآت خدا ولی عصر است

فیض ار ندهد چنین و دل افروز ریزد همه آسمان بیک روز

این جان که بجسم کائنات است زین مشرق اعظم حیات است

برخوان ز کتاب حضرت غیب این نکته بی نظر لا ریب

باشد «نبوی» ز عشق پاکش مجذوب مقام تابناکش

منابع

1- گنجینه دانشمندان 290/2 (تولدش را در سال 1342 ق دانسته است).

2- مقدمه وصف دوست، بقلم فرزندش سید محمد رضا نبوی.

میرزا حسین نجارزاده بروجردی «کاوسی»

(-1380 ق)

میرزا حسین نجّارزاده متخلص به «کاوسی» فرزند استاد زین العابدین نجّار بروجردی، از روشن فکران و شعرای متأخر بود.

او مردی تجربه آموخته و روشن فکر و با رجال مشروطه آن شهر کم و بیش هم

ص: 645

صدا بود. ابو القاسم عارف قزوینی در بروجرد وارد بر او می شد. گاهی شعر هم می گفت.

اشعار زیر از اوست:

تا دل خود را بزلف عنبر آسای تو بستم

رشته ای الفت زهر آیین و هر دلبر گسستم

مستی زاهد ز اوقاف و ز اموال یتیمان

من دلی مست از دو چشم یار و صهبای الستم

آن همه افسانه زاهد، اثر در من نبخشد

همت پیر خرابات مغان از دام جستم

\* شب دراز، تو در خواب ناز و من از هجر

ز گریه بستر و بالین تمام تر کردم

صدای بانگ خروس است یا مؤذن صبح

کسی نداند امشب که چون سحر کردم

\* اسیر عشق تو (کاوسی) آن چنان باشد

که یادش از پدر و از پسر نمی آید

در وادی طلب بنگر سالکان که جان

بدهند و راضی اند اگر گوش می کنی

خود را نکرده ای تو فراموش در رهش

آنگاه میل وصلت و آغوش می کنی

نجارزاده در روز پنجشنبه 17 رجب 1380/ ق مطابق با 15 دی/ 1339 ش درگذشت. پیکرش در قبرستان ابو حسین قم مدفون گردید.

منبع

1- تذکره حسین حزین 615.



(-1362 ق)

میرزا حسین نظامی مشهور به «نظام همایون» فرزند میرزا حسن اصفهانی، از افسران قدیم شهربانی بود.

او در اصفهان متولد گردیده، و هم در این شهر تحصیلاتی نموده است. چون ذوق و استعداد ادبی داشت و شعر می گفت در «انجمن ادبی شیدا» شرکت می نمود. بالاخره پس از نیل به درجه سرهنگی در شب دوشنبه 15 ذی الحجه/ 1362 ق مطابق با 21 آذر 1322/ ش در شهر قم وفات یافت و همان جا مدفون شد.

اشعارش در «مجله دانشکده» به طبع رسیده، از اوست:

این لاله که رسته است بر دامن کوه وارسته است پای تا گردن کوه

داغی است ز مرگ کوه کن مانده بجا هر سال چو لاله سرزند بر تن کوه

خیاط بهار دوخت بهر تن کوه از سبزه قبا ز لاله پیراهن کوه

شد نوبت آنکه رخت بندیم ز دشت یک چند مکان کنیم بر دامن کوه

چشم بیمار تو شد علت بیماری دل کیست کاید ز تفقد پرستاری دل

گر شبی دست دهد صحبت زلفت تا صبح موبه مو شرح دهم شرح گرفتاری دل

هرکه پا بست خم طره طرار تو شد با خبر گشت ز صبر من و ناچاری دل

کرد اثر ناله من بر دل سنگ و افسوس که دل دوست نشد با خیر از زاری دل

همت پیر مغان بود اگر زاهد شهر نتوانست زند لطمه به بیداری دل

\* منبع

1- تذکره شعرای معاصر اصفهان، 510.

ص: 647

اشاره

(-1418 ق)

مقاله زیر به قلم آقای محسن احمدی در روزنامه «جمهوری اسلامی» مورخ 26 فروردین 1377/ ش چاپ شده که ما به عینه نقل نمودیم:

اشاره

«زمستان 1376 ش در آخرین روزهای نفس چاق کردنش در هنگامی که بهار بوی آمدنش را در کوچه باغهای شهر رها کرده بود، حیدر آقا معجزه تهرانی-شاعر، عارف و نغمه سرای آستان اهل بیت علیهم السلام غریبانه شعر بلند مرگ را سرود و ما را سوگوار و حیرت نصیب رفتنی این چنین به آرامش و آرامی نمود. پیکر مطهرش را بنا به توصیه او در جمکران قم به دست خاک نهادند تا آمدن موعود را همچنان چشم انتظار بماند. اما این گفت و شنود و دیدار صمیمانه درست چند هفته قبل از دل بریدنش از خاک-که او سالها دل بریده خاک بود و درویش آستان و بنده و بندی او و درست از همین رو بندگان را بر نمی تافت-فراهم آمد و گواينکه تقدیر آن گونه فراهم آمده بود تا حیدر آقا در زمان حیاتش همچنان گرم غربت خویش باشد و ما با صد افسوس و دریغ از هجرت غریبانه اش به منظور پاسداشت و ارج گذاشت تلاش صادقانه این شاعر درویش و ارجمندانی که در غربت خویش آسمان را مبهوت بزرگواری و بلندهمتیشان ساخته اند این گزارش را از نظر می گذرانیم».

از خود بخود می کنم این نغمه سرایی چون بین من و نغمه سرا نیست جدایی

زمستان خواهش سرد خویش را بر نگاههای گرمزده مردمان شهر خیره ساخته است و از بوی دروغ و دود آسمان پیراهن تیره ابرها را به قامت آراسته است. در دفتر شعرهای رسیده از شاعران گمنام و پرنام شش دانگ حواسم را به خود مشغول ساخته است، کشفی تازه و حادثه ای به ناگهان در شعری شاید و یا همان انبوه

ص: 648

تکرارهای همیشگی و... دوستی که پیغام رسان ارجمندی دیگر است بر من می بارد که شاعر شوریده و درویشی در حال مرگ و گرفتار بر شکستگی چند استخوان، به دور از انبوه آدمها و آنها در همین تهران نفس می شمارد. بسیار شایسته و بجاست که از او گفتگویی فراهم آید و ادای دینی به ساخت ارجمندش، حرفش را ناتمام می گذارم و با بی میلی که ناشی از جوانی و جهالت محض است. شکوه می کنم که شاید از فسیلهای قرن چهارم باشد و بعد شرمنده که چرا اسب غرور به این ورطه از نسیان و نقصانم کشانیده که پیران و بزرگان این قوم را از یاد برده ام. شرمنده تر از نام عزیزش را می پرسم، می گوید «حیدر آقا معجزه تهرانی» و توضیح می دهد که تارک الدنیاست و صاحب کرامت و آثار بی شمار. به حافظه ام فشار مضاعف می آورم، شعری از او نخوانده ام اما نامش را اگر همان «حیدر معجزه» باشد یک بار از عبد الجبار کاکایی دوست شاعرم شنیده ام. حرفهای کاکایی را ناخودآگاه از نظر می گذرانم «که چندی پیش به دیدار شاعر درویشی رفتم که سالهاست دنیا را طلاق داده است و تعلق خاطری ندارد جز عشق به علی و خاندان عصمت و طهارت اینکه با رهبر انقلاب در سالهایی که در خراسان در جوار امام غریب علیه السلام معتکف بوده در انجمن شعر و ادب کمال حشر و نشری داشته و با عنایت ایشان برایش در تهران خانه ای رهن شده و اکنون تنهای تنها زندگی می گذراند و حرفهای دیگری که چندان در خاطر من به ثبت نرسیده».

فورا از دوستم بنحوه دیدار با این شاعر ارجمند را جويا می شوم و بعد از چند تماس قرار ما با شخصی به نام آقای جعفری برای عزیمت به منزل حیدر آقا گذاشته می شود. عقربه های ساعت در روز بعد 11 صبح را نشانه رفته اند. سوار اتومبیل آقای جعفری که گویا نیم ساعتی هم معطل من مانده می شوم و به سمت عراقی شمالی بالای پل سید خندان «میعادگاه ما و حیدر آقا» می شتابیم. در راه آقای جعفری که از شیفتگان حیدر آقا است و در حال تنظیم چند اثر او برای چاپ، از کرامات و عشق علاقه حیدر آقا به خاندان عصمت و طهارت سخن های بسیار

می گوید. به در خانه که می رسیم پیاده می شویم و از در باز خانه ای نسبتاً محقر به داخل هدایت می شویم. وقتی به در اتاق می رسیم سادگی و سکوت از سر و روی دیوار می بارد. اثری از زندگی و حیات و لوازم اولیه برای به زمین چسبیدن و زمینی شدن نمی یابیم. در گوشه اتاق محقر که فقط کتابهای بسیاری یک طرف آن را احاطه کرده، روی یک تخت چوبی کوچک پیرمردی 80،90 ساله با محاسن سفید و چهره روحانی آرمیده است. با زحمت زیاد می نشیند و شرمندگی ما چند برابر می شود. از خودش می گوید که فرزند مرشد چلویی پشت بازار مسجد جمعه است. پدرش هم اوست که گفته اند در سردر مغازه اش به جای اینکه بنویسد نسیه و وجه دستی داده نمی شود، نوشته بود نسیه و وجه دستی داده می شود اما در حد توان و...

حیدر آقا از خودش و اعتکاف چندین ساله اش در کربلا و نجف و زندگی بیست و پنج ساله اش در مشهد الرضا و ورودش به قم در زمان مرحوم آیت الله بروجردی برای درس و کار و آشپزی در حوزه علمیه و... حرفهای گوش نوازی را زمزمه می کند.

از او می پرسیم چگونه و از چه زمانی با شعر مأنوس شدی، می گوید از کودکی با شعر بودم و عشق به «دیوان فیض» مرا به مدرسه رفتن کشاند و اولین شعرم برای بانوی دو عالم فاطمه زهرا علیها السلام است.

ای نور ولایت ز جمال تو مجلل وی بحث ز ولای تو مکمل و...

چشمهایش را به نظاره ایستاده ام و از خراسان می گوید و از انجمن ادبی آن سامان و اینکه به جلسه شعر آقای [عبد العلی] نگارنده می رفته است و از اعتقادش که در مشهد سه شاعر خوب وجود دارد. احمد کمال، محمد قهرمان و آقای [ذبیح الله] صاحب کار [متخلص به «سهها»] و البته او از آشنایی خود با رهبر انقلاب هم می گوید که آن وقتها طلبه جوانی بودند که جلسات شعر می آمدند. شعر نمی خواندند، اما شعر را خوب می شناختند و...

ثانیه ها نیامده و می گذرند و همچنان حیدر آقا از مرثیه سرایی و خاقانی و قانانی



و تضمین تمام غزلیات حافظ و 110 غزل سعدی (که به خط استاد امیرخانی به طرز زیبایی به چاپ رسیده است) و ارادتش به سعدی و اینکه اگر تنها گلستانش را در دیار کفر ببرند و کافران بر آن عمل کنند، دچار آفت بدخواهی و بدکیشی نخواهند شد. حرفهای شیرینی را، شیرینی این گفتگو می کند.

از او می پرسم تخلصت را چرا «معجزه» انتخاب کردی و می نوازد که به توصیه سید حسن (علیه الرحمه) بعد از خوابی که خود او دیده این تخلص را برگزیده است. نگاهمان به مرقومه هایی که حضرات آیات: بروجردی، مرعشی نجفی، طباطبائی و... بر آثار او داشته اند خیره مانده است و در ضمن یادآور می شود که درویش خانقاهی نیست و به علی و مظلومیت و خانه نشینی اش بسیار می گرید و شعر زمزمه می کند. از ملای رومی و عثمان سامانی و این بیت را می خواند:

با زبان زینبی شاه آنچه گفت با حسینی گوش زینب می شنفت

و توضیح و تمجید نسبتا جامع، حیدر آقا از امروزیها فقط شهریار را می شناسد و حسین آهی و دوستان خراسانی را و به شعرای جوان توصیه می کند که هر کاری را که می دانند خوب است، انجام دهند و هر کاری که بد می دانند انجام ندهند و چندین کتاب را به رسم یادبود به دست ما می سپارد و ما را خجالت زده معرفتش می کند.

در آخر هم می گوید که من در بین تمام مجموعه های شعر چاپ شده ام، دیوان حضرت معصومه علیها السلام را بیشتر از همه کتابهایم دوست دارم، زیرا وقتی سرودن دیوان حضرت معصومه را به پایان بردم، در خواب دیدم کتابم روی صندوق ضریح مطهر حضرت ایشان است و حضرت موسی بن جعفر و امام هشتم علیهما السلام و خود خانم علیها السلام با چادری سیاه و مقنعه ای سبز ایستاده اند در حالی که ایشان خطاب به برادر و پدرشان فرمودند: این دیوان مال من است و حلقه ای در گوش من پدیدار شد و...

حیدر آقا از قدرت نمایی حضرت امیر علیه السلام و 70 سال تحقیق در نوشته ها و

گفته‌ها درباره آن حضرت و اینکه روایت تفسیر برهان درباره آن حضرت را جامع تر از همه می‌داند نکات قابل توجهی را بیان می‌کند و همچنان باران شعر می‌بارد و در فواصل بین شعرها از مهر و عنایت خاص امام رضا علیه السلام نسبت به او و برآوردن حاجاتش توسط امام غریب علیه السلام می‌گوید و ما همچنان سراپا گوشیم، لحظات اما به سرعت می‌گذرد و ما را طاقت و توان بازگشت نیست. دل‌مان می‌خواهد بمانیم و بشنویم، اما رعایت حال و احوال آن بزرگوار را به خواسته‌های خودخواهانه خودمان ترجیح می‌دهیم و به امید دیدار مجدد او را ترک می‌گوییم و منتظر فرصتهای بعد می‌مانیم. این می‌گذرد تا اواخر اسفند ماه که کاکایی را دوباره می‌بینم و ناخودآگاه از او سراغ حیدر آقا را می‌گیرم. می‌گوید: مرد و به همین راحتی و...

چشمانم در هاله‌ای از اشک گم می‌شوند و بی‌اختیار زمزمه می‌کنم:

اگر به پای مه و مهر اگر جهان گردیم به صد چراغ نیایم آنچه گم کردیم

### مرگ استاد

استاد معجزه در اواسط/ذی القعدة 1418/ق مطابق با اواخر/اسفند/1376 ش در تهران دارفانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و ظاهراً در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

### شیخ حیدر علی جابری انصاری

(-1376 ق)

از علمای بزرگ همدان بود، که تولدش در روستای «زاغه» همدان اتفاق افتاد.

پس از طی مقدمات، سطوح را در زادگاهش به انجام رسانید. و به نجف اشرف عزیمت نمود، و از محضر آیات: شیخ محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی در فقه و اصول استفاده نمود، و پس از نیل درجه اجتهاد به زادگاهش بازگشت و به تدریس پرداخت که از جمله شاگردان ایشان: حضرت

ص: 652

آیت الله عارف وارسته شیخ هادی تالهی جولانی متوفای (شعبان 1417/ق) بود.

از آثار او: حاشیه بر منظومه سبزواری.

جابری در روز چهارشنبه 20 ذی القعدة 1376/ق مطابق با 29 خرداد/1336 ش در همدان درگذشت و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید. داماد ایشان دکتر محمد مفتاح همدانی بود.

منابع

1- بزرگان و سخن سرایان همدان 243/2.

2- تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدر المتألهین 116.

**حیدر علی قلم داران قمی**

**اشاره**

(1330-1409 ق)

حیدر علی فرزند محمد اسماعیل بن حیدر علی قلم داران تفرشی قمی، ملقب به (هیرید). از مترجمان معاصر.

تولدش در سال 1330 ق مطابق با 1291 ش در قریه (دیزجان) از توابع خلیجستان قم اتفاق افتاد.

او تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش فراگرفت، سپس به مدت دو سال در «راهجرد» به آموزگاری پرداخت، سپس رحل اقامت را در قم افکند و وارد خدمات فرهنگ گردید و به تدریس پرداخت. چند سالی هم ریاست دبیرستان ملی (فرهنگ) قم را برعهده داشت، و در سال 1348 ش بازنشسته گردید.

متأسفانه نامبرده گرایش شدیدی به افکار و ایده های شیخ محمد خالصی زاده پیدا کرد و برخی از آثار او را به فارسی ترجمه نمود، به همین خاطر کمی از اجتماع دور شد، و مدتی نیز از قم در تبعید و انزوا بسر برد. وی علاوه بر ترجمه آثار خالصی زاده به نویسندگی مقالات در روزنامه های: استوار، ندای حق، سرچشمه، و... پرداخت.

ص: 653

1- آئین جاویدان یا روش زندگانی، ترجمه، در سه جلد.

2- آئین دین اسلام یا احکام اسلام، ترجمه.

3- اخلاق و کردار محمد صلی الله علیه و آله و سلم، ترجمه.

4- معارف محمدی، ترجمه.

5- ارمغان آسمانی.

6- ارمغان الهی، ترجمه کتاب الجمعة.

7- حکومت در اسلام، در دو جلد.

8- زکات.

9- آیا اینان مسلمانند؟ ترجمه.

10- کتاب خمس (که نسخه آن نابود شد).

قلم داران در روز جمعه 28/رمضان 1409/ ق مطابق با 15/ اردیبهشت/ 1368 ش در سن 79 سالگی در پی سکتۀ مغزی، در قم درگذشت و در مقبرۀ باغ بهشت مدفون گردید.

منابع

1- اظهارات یکی از فرزندان او.

2- فهرست کتابهای چاپی فارسی 4/1 و 7 و 202 و 232 و 233.

3- مؤلفین کتب چاپی 980/2.

شیخ حیدر علی مدرسی بهسودی

اشاره

(1419-1354 ق)

حضرت آیت الله شیخ حیدر علی مدرسہ بہسودی از دانشمندان و مدرسان و خدمتگزاران علم و دین در اثر حادثہ ناگوار تصادف بہ ملکوت اعلا پیوست.

ایشان در سال 1354 ق مطابق با 1314 ش در شہر کابل، یکی از شہرہای

ص: 654

معروف کشور «افغانستان» دیده به جهان گشود و در خانواده ای مؤمن و دانا پرورش یافت. پدرش آقا سیف علی بهسودی اهل ولایت «میدان» کابل، مردی کشاورز و از عاشقان خاندان عصمت و طهارت علیهم السّلام و از دوستان اهل دانش بود.

مرحوم مدرسی پس از نشو و نما و آموختن برخی از مقدمات، در بیست سالگی (سال 1374 ق) جهت ادامه تحصیلات خود به مشهد مقدس عزیمت کرد. ادبیات و برخی از کتب دینی نزد علامه و ادیب نامور شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری و مدتی چند نیز نزد استاد سید علی حجت هاشمی آموخت. وی پس از شش سال تلاش و جدیت در کسب دانش در حوزه علمیه مشهد، در سال 1380 ق رهسپار شهر دانش و فقاقت نجف اشرف گردید و به تحصیلات عالی خود ادامه داد.

استاد مدرسی پس از ورود به آن زمین پاک با جدیت تمام مشغول تحصیل دوره سطح گردید. کفایه الاصول و مکاسب را از محضر آیت الله شیخ صدر بادکوبه ای و رسائل را نزد حسن لبنانی تلمذ کرد که این دوره مدت چهار سال طول کشید. آنگاه دروس عالی حوزه را از محضر آیات: میرزا باقر زنجانی (خارج کفایه)، سید روح الله خمینی (خارج مکاسب)، سید ابو القاسم خوئی (خارج فقه و خارج جلد دوم کفایه) و سید محمد باقر صدر (خارج جلد اول کفایه) که مدت یازده سال طول کشید، استفاده نمود.

علامه مدرسی در ضمن تحصیلات مذکور، دروس جنبی دیگری نیز از محضر

اساتید آن زمان فراگرفت، از قبیل: آموختن مسایل حکمت و فلسفه از محضر آیت الله شیخ صدرا بادکوبه ای و شرح منظومه نزد آیت الله شیخ عباس قوچانی (هاتف)، شرکت در جلسات تفسیر قرآن مجید آقایان: سید مصطفی خمینی و سید محمد علی لبنانی، و فراگرفتن دروس عقایدی از محضر آیت الله سید محسن طباطبائی حکیم به مدت سه ماه تعطیلی تابستان در حرم مطهر امیر المؤمنین علیه السلام.

ایشان پس از فراغت از تحصیل و نیل مدارج عالی علمی و کسب اجازاتی از اساتید خود (از حضرات آیات: خوئی، خمینی، شیخ صدرا و صدر) و نیز در اثر فشارهای رژیم عراق به اتباع خارجی، در سال 1396 ق مجبور به ترک عتبات عالیات شد و به سمت ایران مهاجرت کرد و در حوزه علمیه قم سکوت اختیار فرمود و به امر خطیر و بسیار مهم تدریس در مسجد مدرسه فیضیه اشتغال ورزید که مورد توجه فضلا و سایر طلاب قرار گرفت. جمعیت درس ایشان روز به روز زیادتر می شد و جمعیتی قریب 150 نفر از طلاب و محصلین در مجلس درس ایشان حاضر می شدند و کسب فیض می کردند. در ابتدای ورود ایشان به قم دروس مقدماتی را نظیر: حاشیه ملا عبد الله، معالم الاصول و سایر کتب درسی دیگر تدریس فرمود. سپس جلد اول شرح لمعه را و اصول فقه (از مظفر) را دوبار تدریس کرد.

سرانجام بنا بر پیشنهاد شورای مدیریت حوزه علمیه قم و خواهش عده ای از فضلا و احساس مسئولیت و ادای تکلیف دینی در سال 1405 ق از قم به شهر بم - یکی از شهرهای پرجمعیت و مهم استان کرمان - انتقال یافت و در رأس حوزه علمیه آن شهر قرار گرفت و به امر تدریس و ارشاد و راهنمایی طلاب جوان پرداخت. در ضمن به امر اقامه جماعت و بیان مسائل شرعی و ایراد سخنرانی های مذهبی و حل مسائل اجتماعی نیز اشتغال داشت. البته ارتباط ایشان با حوزه علمیه قم و فضایی آن سامان هیچ گاه گسیخته نشد.

آثار قلمی استاد مدرسی که تاکنون شناسایی شده و قابل ذکرند، به شرح زیر است:

- 1- احوالات علما از زمان گذشته تاکنون (خطی).
  - 2- تقریرات فقه آیت الله خوئی (خطی).
  - 3- تقریرات مکاسب آیت الله خمینی (خطی).
  - 4- تقریرات مکاسب آیت الله شیخ صدرا بادکوبه ای (خطی).
  - 5- توضیح الحاشیه، شرحی است بر حاشیه ملا عبد الله در علم منطق. این کتاب را در نجف اشرف به چاپ رسانید.
  - 6- رساله عملیه توضیح المسائل (خطی).
  - 7- شرح کتاب رسائل (فرائد الاصول)، در چند جلد و به صورت مخطوط موجود است.
  - 8- علل پیروزی انقلاب ایران در سال 1357 ش (خطی).
  - 9- هدایه الاصول فی شرح کفایه الاصول. این کتاب از تقریرات درس استاد خود مرحوم آیت الله شیخ صدرا بادکوبه ای به رشته تحریر درآورده و مطالب آن را به استاد ارجمند خود عرضه داشته و مورد تأیید ایشان واقع شده است. این کتاب در چهار جلد در خلال سالهای 1415 ق تا 1418 ق در حدود 1800 صفحه در قم به زیور طبع آراسته گردید. این کتاب مهم ترین اثر چاپی استاد مدرسی به حساب می آید که همواره مورد توجه سایر اساتید و فضلاء حوزه های علمیه و طلاب علوم دینی می باشد.
  - 10- یادداشت های مختصری در فقه و اصول به صورت متفرقه.
- این عالم ربّانی در اثر حادثه غم انگیز تصادف هنگام مراجعت به شهر بم، در بین راه قم-کاشان در عصر روز جمعه 30/رجب/1419 ق مطابق با 29/آبان/1377 ش در 65 سالگی به لقاء الله پیوست. پیکر ایشان صبح روز سه شنبه 4/



شعبان المعظم در شهر مذهبی قم تشییع و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله شبیری زنجانی در قبرستان باغ بهشت-مقبره العلماء-به خاک سپرده شد.

ادای نماز میت توسط آیت الله شبیری زنجانی

### **فرزندانش:**

1- شیخ محمد علی 2- شیخ محمد سرور 3- محمد آصف و چهار دختر.

### **شیخ حیدر مهدوی شیادهی مازندرانی**

### **اشاره**

(1311-1374 ق)

از علمای گرانقدر و خدوم منطقه بندپی بابل، عالم عامل، فاضل کامل شیخ حیدر مهدوی شیادهی مازندرانی می باشند.

معظم له در سال 1311 قمری در «بندپی» و در خانواده ای نجیب و مذهبی پا به عرصه گیتی نهاد. پدر بزرگوارش حاج علی جان مهدوی از مردان پاک سیرت و در دیانت زبانزد منطقه بوده است و به تجارت اشتغال داشت.

مادر مکرمه اش نیز از زنان پاک دامن بوده و به علت برخورداری از معلومات

ص: 658

دینی و علوم قرآنی، به تبلیغ احکام و قرآن و معارف در بین بانوان اشتغال داشت و با تشکیل جلسات مذهبی به خدمت می پرداخت و مرحوم شیخ حیدر در دامان چنین پدر و مادر محترمی پرورش یافت و از بدو کودکی با مکتب آشنا و با معارف دین مأنوس گشت.

معظم له در حدود 22 سالگی تصمیم گرفت تا به تحصیل علوم دینی بپردازد.

ولی پدر بزرگوارش با این امر به مخالفت پرداخت و علت مخالفت هم بالا- بودن سن از یک طرف و دور ماندن از کمکهایش در امر زندگی و تجارت از طرف دیگر بوده است.

با این وجود، وی با عزمی راسخ در شوال 1333 قمری راه بابل را در پیش گرفت و در مدرسه کاظم بیک به تحصیل علوم دینی پرداخت و مقدمات علوم و سطوح متوسط و عالی را از محضر اساتید حاضر در بابل فرا گرفت.

وی در مدت تحصیل به ویژه در بابل، به علت عشق و علاقه زیاد، جدیت و پشتکار فراوانی از خود نشان می داد، و معمولاً تا پاسی از شب بیدار مانده و به مطالعه می پرداخت و سعی می کرد با خوردن غذایی سبک و اندک، از خواب خود جلوگیری نماید تا بتواند به راحتی به تکرار و مطالعه درس ها بپردازد.

تا آنجا که بعضی از همدوره های وی نقل می کردند: ما شب ها بعد از ساعاتی استراحت، وقتی از خواب بیدار می شدیم، می دیدیم شیخ حیدر هنوز بیدار و با نور اندک چراغ های آن روزی، به مطالعه مشغول است.

وی در این مدت رضایت پدر را نیز برای ادامه تحصیل جلب کرده بود، ولی به خاطر مشکلات روزگار، سختی های فراوان و محرومیت های مادی زیادی را تحمل کرد و تا سال 1338 ق در بابل ماند.

در این سال جهت نیل به مقامات عالی علمی تصمیم گرفت راه نجف اشرف را در پیش گیرد، لذا با پای پیاده به همراه کاروان هایی که به کمک چهارپایانی به سوی پایتخت می رفتند، عازم تهران شد و از آنجا نیز به سمت نجف اشرف حرکت

کرده و در ذیحجه 1338/ق وارد مدینه علم علوی شده و تحصیلات عالی خود را آغاز نمود.

آن عالم جلیل القدر که از توان خوبی در ادبیات و سایر علوم مقدماتی برخوردار بود، با حضور جدی در محضر فرزانه‌گانی چون حضرات آیات: سید ابو الحسن اصفهانی، شیخ ضیاء الدین عراقی، میرزا علی ایروانی و میرزا آقا اصطهباناتی راه اجتهاد را در پیش گرفت و پس از تلاش و همت شبانه روزی و زحمات پیگیر به مقام عالی اجتهاد دست یافت و به دریافت اجازه اجتهادی و روایتی از اساتید مزبور مفتخر گردید.

در این فراز از سخن، به قسمتهایی از اجازات اجتهاد آن بزرگوار که در اختیار خانواده معظم له می باشد، اشاره می کنیم:

آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی در اجازه خود چنین مرقوم فرمودند:

«جناب عالم عامل، فاضل کامل، عماد الاعلام، مروج الاحکام، ثقه الاسلام شیخ حیدر مازندرانی بابلی شیادهی، برهه ای از عمر و مدتی از روزگارش را در نجف اشرف به تحصیل علوم دینی و مطالب فقهی و اصولی پرداخت و کوشش فراوان نمود و به مرتبه ای از اجتهاد دست یافت و به آنچه استنباط می کند، جایز است عمل کند و...».

همچنین آیت الله شیخ ضیاء الدین عراقی در اجازه خود آورده اند:

«...عالم عامل، فاضل مهذب و کامل، التقی الزکی الصّافی، آقا شیخ حیدر مازندرانی بابلی شیادهی در راه تحصیل علم مدتی از عمرش را صرف کرده و کوشش فراوان نمود... تا آنکه به مرتبه ای از اجتهاد دست یافت و مجاز است به استنباطات خود عمل می کند و به ایشان اجازه دادم که از من روایت کند...».

چنانکه آیت الله میرزا علی ایروانی نیز در اجازه اش آورده است:

«...عالم فاضل کامل و محقق مدقق عالم، ملاذ العلماء و المجتهدين و رکن الفقهاء الشامخین، ثقه الاسلام و المسلمین آقا شیخ حیدر مازندرانی مدتی از عمر و

برهه ای از روزگارش را در نجف اشرف به تحصیل مبانی فقهی و... تا آنکه بین امثال و اقران خود ممتاز گشته و سزاوار بررسی مدارک احکام و شایسته استنباط حلال و حرام از کتاب الهی و سنت شد و قوه قدسیه نفسش را نورانی کرد... امید است برادران مؤمن دستورات او را پیروی کرده و در امور شرعی به ایشان مراجعه کنند چرا که وی شایسته این امر بلکه بالاتر از این امور می باشد...».

و در اجازة آیت الله اصطهباناتی نیز آمده است:

«...عالم علام، مهذب همام، صاحب ذهن صائب و فکر ثاقب و ذوق عالی و سلیقه مستقیم، عمده افاضل علما و... شیخ جلیل سند و ثقة نجیب و بزرگوار و مورد اعتماد، شیخ حیدر مازندرانی... تا آنکه به مرتبه استنباط و درجه اجتهاد نائل آمد و برای او عمل به استنباطش در احکام به همان روشی که بین علما معمول است، جایز می باشد. چنانکه جایز است برای او تصدی اموری که به اذن امام علیه السلام یا حاکم مشروط است و... و مجاز است از طرف من روایت کند...».

و خلال دوران تحصیل، پدر بزرگوارش به عزم زیارت عتبات عالیات و دیدار با فرزند، با تحمل مشقتهای فراوان خود را به نجف اشرف رساند و پس از زیارت و دیدار با شیخ حیدر، به قصد انجام حج، راه حجاز را در پیش گرفت و در راه مدینه - مکه به علت بیماری، دار فانی را وداع گفت.

شیخ حیدر که تا آن زمان، قصد ماندن در نجف اشرف را داشت، به دلیل ارتحال پدر و مشکلات بوجود آمده برای خانواده، عتبات عالیات را ترک گفته و عازم مازندرانی شد و در اواخر سال 1346 قمری وارد بندپی گردید.

پس از ورود به بندپی، به ترویج و تبلیغ معارف دین و هدایت مردم مشغول شد و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزید.

آن عالم فاضل، از آنجایی که دارای روحیه علمی و شدیداً علاقمند به تحقیق و تدریس بود، به عزم اقامت دائمی در مشهد مقدس، یک بار دیگر دست به هجرت زد و در سال 1351 قمری عازم آن شهر مقدس گشت و پس از ورود، شروع به

تدریس و تربیت و پرورش فضلا و طلاب در سطوح مختلف نمود.

معظم له حدود پنج سال در مشهد مقدس باقی ماند و به خاطر بروز مشکلات خانوادگی، به ناچار مجدداً راهی بابل شد و با سکونت در منزل محقر پدری در بندپی، به انجام خدمات علمی و دینی و اجتماعی پرداخت و با تکیه بر کرسی تدریس، فضلا و طلاب علوم دینی را از چشمه های زلال معارف و علوم اهل بیت علیهم السلام سیراب ساخت.

آن بزرگوار ضمن تبلیغ و تدریس، در رسیدگی به امور اجتماعی و زندگی فقرا و مساکین سعی زیادی می کرد و پناهگاه محرومین منطقه محسوب می شد و در منازعات و اختلافات با درایت و تیزبینی، به حل آنها می پرداخت.

## فضائل اخلاقی

یکی از ویژگی های آن عالم ربّانی، جدیت و پشتکار وافر و تلاش فراوان در راه نشر احکام و معارف دینی بوده است.

معظم له نه تنها در ماه مبارک رمضان و ماه محرم بلکه در طول سال با تشکیل جلسات متعدد مخصوصاً در شبهای سرد زمستانی، تا پاسی از شب به آموزش و تعلیم قرآن و احکام و معارف دین، برای مردم مؤمن که از هرگونه سواد و خواندن و نوشتن نیز محروم بودند، می پرداختند. و با آنکه خود مجتهدی مسلم بودند، از پرداختن به این امور هرگز دریغ نکرده و متواضعانه و صبورانه در انجام این وظیفه تلاش می کردند.

ضمن آنکه به پیران و کهن سالان اکتفا نکرده و کودکان و نوجوانان زیادی را نیز تحت پوشش گرفته و آنان را با دین و احکام آشنا ساختند، که هم اینک بسیاری از آنها در حال حیات بوده و معلومات مذهبی خود را مدیون زحمات آن عالم خدوم می دانند.

آن عالم فرزانه که در قدرت سخنوری زبان زد و از توان بالایی در سخنرانی

برخوردار بود، بدون هیچ گونه ملاحظه ای حقایق را بیان کرده و مردم را ارشاد می نمود.

با آنکه عده ای از افراد ثروتمند و دارای نفوذ، از ایشان انتظار داشتند هنگام سخن گفتن و حتی هنگام تصمیم گیری برای تقسیم اموالی چون ارث اموات، جانب مورد نظر آنها را مراعات نموده و مورد توجه قرار دهند، ولی معظم له بر بیان حقیقت و احقاق حق تأکید می نمودند و چه بسا که همین مقاومتشان، باعث ایجاد کدورت و ناراحتی در همان افراد می گردید.

دیگر از ویژگی های آن بزرگوار مناعت طبع و زندگی ساده و دور از تجملات بوده است. وی در طول زندگی، فقیرانه زیست و با سختی ها و مرارتها و مشکلات مادی دست و پنجه نرم کرد و با آن انس گرفت.

ایشان با آنکه مراجعت فراوانی داشت و وجوهات زیادی بدستش می رسید، ولی تقریباً همه آن را بین مستحقین تقسیم می کرد و خود به مقدار ناچیزی قناعت می کرد.

با آنکه در زندگی مشکلات فراوانی داشت، ولی دست حاجت بسوی کسی دراز نمی کرد و همواره اهل منزل و فرزندان را سفارش می کرد که:

«کاری نکنید دیگران متوجه مشکلات ما گردند و چنانچه چیزی مثل برنج از دیگران قرض می گیرید، سعی کنید خیلی مخفیانه باشد تا کسی متوجه نگردد».

دیگر از خصوصیات معظم له روح عبودیت و تعبد در سراسر زندگی است. به طوری که به اذکار و اوراد مقید بود و با ساعات آخر شب، انس ویژه ای داشت و غالب شب ها به تهجد و شب زنده داری می پرداخت.

به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام نیز عشق عجیبی داشت و شیفته اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود. آن عالم جلیل القدر به خاطر شجاعت و شهامت در بیان حقایق، مناعت طبع و ساده زیستی، رفتار متواضعانه و حسن معاشرت، زحمات و خدمات شبانه روزی و روح تعبد و عبودیت از محبوبیت خاصی بین عموم مردم برخوردار و همواره مورد احترام و عنایت مؤمنین، فضلا و علمای منطقه و

شهرستان بابل قرار داشت.

معظم له در سفری که به قم داشتند، با حضرات آیات: بروجردی و حجت کوه کمری ملاقات خصوصی داشته و مورد تکریم و احترامات ویژه آن بزرگواران قرار گرفتند.

آن بزرگوار در سال 1374 قمری دچار عارضه ای در ناحیه معده گردید که مورد تشخیص پزشک حاضر در منطقه قرار نگرفت تا آنکه در هفتم ماه مبارک رمضان مبتلا به خونریزی از ناحیه معده شد و به علت فقر شدید مادی نتوانست به اطبای بابل مراجعه کند.

چند روز به همین منوال گذشت تا آنکه اهالی محترم منطقه مطلع شده، وی را به بابل منتقل و از آنجا به تهران رساندند و پس از معالجات مکرر و بی نتیجه ماندن آن، ایشان در شب عید فطر برابر با اول/خرداد/1334 ش پس از 63 سال عمر پربار، دارفانی را وداع گفته و به رحمت ایزدی پیوست. پیکرش به شهر مقدس قم منتقل و در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

از آن بزرگوار هفت فرزند (دو پسر و پنج دختر) به یادگار ماندند و تنها فرزند روحانی وی، فاضل محترم حضرت حجه الاسلام شیخ مهدی مهدوی می باشند که حدود چهل سال به تحصیل علوم دینی و خدمات مذهبی و اجتماعی اشتغال داشته و بعد از انقلاب نیز در پستهای مختلف به انجام وظیفه پرداختند.

منبع

1- آشنائی با فرزندگان بابل 224.

\*\*

ص: 664

(1418 ق)

وی از روستاهای اطراف جنوب شهر ارومیه و از علما و پژوهشگران معاصر بود.

پس از سپری کردن دوران صباوت، قرآن کریم و خواندن و نوشتن را نزد مادرش آموخت. سپس خود با استعداد سرشاری که داشت علوم گوناگون را مطالعه و فرا می گرفت. در کنار کسب معلومات به امر تدریس می پرداخت.

ایشان از سن 25 سالگی - تقریباً - هجرت های مکرر و پی در پی خود را آغاز کرد. یک سال یا دو سال بیشتر توقف نمی کرد. هجرت از ترکیه به عراق، از عراق به سوریه، مجدداً از سوریه به عراق، نیز از عراق به ترکیه و از آنجا به ایران - شهر خود ارومیه - و سرانجام در سال 1356 ش به شهر علم و اجتهاد قم فرود آمد، و تا آخر آنجا زیست و مشغول تدریس و تألیف بود. مدرسه علمیّه «اتحاد» را تأسیس نمود.

### از آثار او:

1- تنظیم و تشکیل حزب الله، مخطوط.

2- حقوق ملت ها در نظام اسلامی، مخطوط.

ص: 665



3- حکومت اسلامی، آماده چاپ.

4- حلّ المشاكل (تفسیر سوره حمد)، دو جلد، مخطوط.

5- صرف و نحو.

6- علم بلاغت.

7- قانون اساسی اسلام، مخطوط.

8- قواعد ارث.

9- منطق.

سرانجام در صبح روز 25/شوال 1418/ق در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در وسط قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

منبع

1- برگزیده ای است از جزوه ای، در شرح حال ایشان به نام «اسوه بصیرت» که به صورت پلی کپی چاپ شده.

### **خلیل فهیمی «فهیم الملک»**

(1371-1297 ق)

خلیل فهیمی ملقب به «فهیم الملک» فرزند محمود نعیم السلطنه، از رجال سیاسی مجرب ایران بود.

وی در سال 1297 ق تولد یافت.

دوران کودکی و ایام تحصیل خود را در کردستان، زنجان و تهران گذراند و در رشته طب فارغ التحصیل شد. ولی قسمت اعظم وقت خود را به مطالعه کتب حقوق بین الملل و قانون اساسی و تحصیل زبان های خارجه گذراند، سپس در وزارت خارجه مشغول کار شد، و در جریان انقلاب مشروطیت ایران با آزادی خواهان همکاری نمود.

از جمله مناسب ایشان، می توان به: وزیر دارائی (در کابینه قوام السلطنه)، کفیل

ص: 666

ایالت آذربایجان شرقی (در زمان رضا شاه)، سفیر کبیر ایران در آمریکا (از سال 1316 ش تا 1318 ش)، استاندار آذربایجان (1320 ش)، وزیر مشاور (در دولت های:

سهیلی، ساعد و بیات)، عضو هیئت عالی سازمان برنامه (1325 ش)، استاندار آذربایجان (1327 ش برای بار سوم)، وزیر مشاور (اسفند 1327/ ش)، وزیر مشاور (در کابینه رزم آرا)، کفیل نخست وزیری (1331 ش)، نمایندگی مجلس شورای ملی از قوچان در دوره های: چهارم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم و نهم، اشاره کرد.

فهمی که در تنظیم و تدوین قوانین مختلف ایران زحمات زیادی متحمل شده، از رجال مجرب و کاردان به شمار می رفت.

سرانجام در بعد از ظهر روز جمعه 27 اردیبهشت 1330/ ش بر اثر عارضه ممتد بیماری درگذشت. پیکرش صبح روز 29/2 در تهران تشییع و به قم انتقال داده و به خاک سپرده شد.

منبع

1- روزنامه اطلاعات، به تاریخ 1330/2/28 ش، ص اول و پنجم.

**میرزا خلیل کمره ای «فرنی»**

**اشاره**

(1317-1405 ق)

حاج میرزا خلیل فرزند ابوطالب و نوه یوسف کمره ای خمینی، در سال 1317 ق مطابق با 1278 ش در دهکده «فرنی» واقع در جلگه «کمره» از توابع شهرستان خمین، متولد شده است.

دوران کودکی خود را نزد پدرش در ده فرنی به چوپانی و زراعت گذرانید، در حدود سن 10 سالگی ابتدا به «جایلق» سپس به خوانسار رفت، و علم قرائت قرآن کریم و ادبیات را نزد ملا محمد بیدهندی خوانساری آموخت.

و سطوح را نزد آیه الله سید علی اکبر بیدهندی خوانساری و سید احمد جاده ای به انجام رسانید، و در سال 1337 ق به حوزه علمی اراک (سلطان آباد) عزیمت

ص: 667

نمود و از محضر آیات الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی در فقه و اصول، و از سید محمد بروجردی در حکمت بهره مند گردید.

در سال 1340 ق که استادش به قم مهاجرت کرد وی نیز در قم اقامت نمود، و از محضر همین استاد و حضرات آیات: سید علی یشربی کاشانی، میرزا محمد حسین نائینی (هنگام تبعیدش در قم) در فقه و اصول، و میرزا جواد آقا تبریزی در اخلاق و عرفان، و میرزا علی اکبر حکمی یزدی (تجلی) و سید ابو الحسن رفیعی قزوینی در حکمت و فلسفه، و شیخ عباس قمی و شیخ محمد رضا اصفهانی (مسجد شاهی) در حدیث استفاده نمود، و خود شروع به تدریس سطوح و تفسیر و فلسفه پرداختند و شاگردان زیادی را پرورش و تحویل جامعه دادند.

ایشان پس از 14 سال اقامت در قم به سال 1354 ق در اثر مخالفت با کشف حجاب و انتقاد از سیاست وقت در تهران یک ماه بازداشت سپس آزاد گردید، و در همین شهر اقامت نمود. و در مسجد فخر الدوله واقع در دروازه شمیران به مدت 36 ساله به اقامه جماعت و تفسیر قرآن، و در منزل به تدریس سطوح و فلسفه و نیز ارشاد و هدایت مردم اشتغال داشت.

آیت الله کمره ای دارای: حافظه ای قوی، کلامی با نفوذ، صفاتی معتدل، و روحی سرشار از عطوفت و مهربانی، و در عین حال محکم و استوار بود، و از نعمت همسایگی با شاعران و دانشمندان چون: سید عبد الکریم امیری فیروزکوهی، دکتر احمد ناظرزاده کرمانی، غلامرضا دبیران و علی اکبر پیروی و معاشرت و مراوده با آنان برخوردار بود.

معظم له بر حول چهار محور اساسی دعوت اسلام یعنی: کتاب دعوت (قرآن کریم)، مؤسس دعوت (پیغمبر اکرم «ص»)، رهبران دعوت (ائمه اطهار «ع»)، و خانه دعوت (کعبه بیت الله الحرام) به رشته تحریر درآمده است:

- 1- افق وحی: درباره کشف حقیقت وحی، و مقایسه وحی انبیاء موسی علیه السلام عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم.
- 2- افق اعلی نگاه می به چهره محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام: که رحمت پیغمبر و علی را نشان می دهد.
- 3- علی علیه السلام و الزهراء علیهما السلام سرچشمه آب حیات: این کتاب دفاع از خلافت بلافصل علی علیه السلام از زبان صدیقه کبری می باشد.
- 4- ملکه اسلام «فاطمه زهرا (ع)»: این کتاب شرح خطبه فدک است.
- 5- نهج البلاغه و خلقت آسمان و جهان: این کتاب شرح قسمتی از خطبه اول نهج البلاغه درباره خلقت آسمان و زمین و عالم و آدم از دید علی علیه السلام می باشد.
- 6- نهج البلاغه و جنگ: این کتاب شرح شش خطبه جنگ امیر المؤمنین علیه السلام است.
- 7- عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن (جلد اول): شرح حال 20 نفر از

شهادی کربلا که در مکه به امام علیه السلام پیوسته اند.

- 8- عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن (جلد دوم): شرح حال 20 نفر از شهداء که در بین راه تا کربلا به امام علیه السلام پیوسته اند.
- 9- عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن (جلد سوم): شرح حال عده ای از شهداء که از لشکر عمر سعد (لع) به امام علیه السلام پیوستند، و همچنین شرح حال غلامها می باشد.
- 10- عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن (جلد چهارم): این کتاب به نام مسلم بن عقیل علیه السلام و اسرار پایتخت طوفانی کوفه به چاپ رسیده است.
- 11- عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن (جلد پنجم): شرح حال امام عظیم حسین بن علی علیه السلام، دوران حمل، تولد، نام گذاری می باشد.
- 12- عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن (جلد ششم): شرح حال امام عظیم حسین بن علی علیه السلام، گردش کودک در دامنه های پاک می باشد.
- 13- عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن (جلد هفتم): شرح حال امام عظیم حسین بن علی علیه السلام در دامن مهر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و در منظر رجال می باشد.
- 14- چند مرحله از زندگانی امام حسین علیه السلام: حمل و شیرخوارگی کودکی و خط نوشتن امام و شمایل پیغمبر به قلم امام و توجه به تعلیم قرآن می باشد.
- 15- نوید اسلام در فلسفه غیبت امام زمان (عج). در این کتاب حکمت غیبت امام زمان و جواب ابن خلدون و کسروی را می دهد، که تألیف سید مصطفی آل حیدر کاظمی و حواشی از ایشان است.
- 16- قبله اسلام کعبه یا مسجد الحرام: در این کتاب بزرگ شرح اسرار قبله و پخش عدل و امن از قبله اسلام برای دنیای آکل و ماکول می باشد.
- 17- بیت المقدس و تحوّل قبله: این کتاب شرح ورود قوای ادیان مسیحیت، یهود، اسلام در شهر بیت المقدس است.
- 18- ندایی از سرزمین بیت المقدس: این کتاب سفرنامه مؤلف به کنگره اسلامی

اردن و سفر به مصر و ملاقات با شیخ محمود شلتوت می باشد.

19-تفسیر سوره نور: در این کتاب مباحثی درباره نور دارد و نور شجره وجود انسان را شرح داده در دو جلد است.

20-فتاوی صحابی کبیر سلمان فارسی (رض): در این کتاب زندگی سلمان و سلمان در فتح مدائن و تدریس سلمان، و حدیث پرچم از ابو ذر (رض) شرح داده می شود.

21-سروش مقدس وادی ایمن مکه و مدینه جلد اول.

22-سروش مقدس وادی ایمن مکه و مدینه و کربلا جلد دوم.

23-رابطه عالم اسلامی و هم بستگی مسلمین (فارسی).

24-رابطه العالم الاسلامی قبس من ولاء علی علیه السلام (عربی).

25-آفاق کعبه (فارسی) 12 کتاب مختلف در یک جلد می باشد.

26-پنج رساله در حج و قبله: این کتاب درباره پنج موضوع حج و قبله گفتگو می کند.

27-نهیب پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به ملوک و امراء و فقهاء: این کتاب شرح خطبه منی است که رسول خدا مسلمین را امر به اتحاد می کند.

28-کلید امن جهان: این کتاب شرح بقیه خطبه های حجه الوداع می باشد.

29-رساله مناسک و مسائل حج و عمره.

30-اسرار حج: این کتاب بحث از تجدید حیات مسلمین در حج است.

31-ندای آسمان در احادیث اذان و ثواب آن: این کتاب تفاوت رمز اذان با ناقوس کلیسا می باشد.

32-دروس متون احادیث: درباره متون احادیث و تدوین و عدم تدوین آن گفتگو می کند.

33-گلوبند عصمت در راه فدک (ترجمه).

34-غروب آفتاب در اندلس: این کتاب درباره سقوط اندلس و اسپانیا از دست مسلمین به دست مسیحیان اروپا می باشد.

35- تصحیح تفسیر دانشگاه: انتقادی بر تفسیر کشف الاسرار میبیدی می باشد.

36- مادر، وظایف زن در اسلام: این کتاب درباره زن در چهار مرحله (1) خانه داری (2) حمل (3) وضع حمل (4) شیر دادن از دید پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم گفتگو می کند.

37- مقدمه مواقع النجوم: سلسله علماء حدیث و مشایخ است.

38- تحشیه رساله لقاء الله: حاشیه بر کتاب لقاء الله حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی است.

39- نهج البلاغه- یا دائرها المعارف علوی در 3 جلد.

40- خواب دیدن ائمه اطهار علیهم السلام: این کتاب درباره مسأله خواب از جهات عدیده می باشد.

41- پیام ایران به نجد و حجاز و مصر: خلاصه آن «امام» به عقیده شیعه خدا نیست ولی ناخدا است.

42- تاج مأمون الرشید: این کتاب دفاعیه مأمون از امام هشتم علیه السلام است.

43- مجلس مباحثه رضا علیه السلام با عمران صابی: که در جلد اول زندگی امام رضا، تألیف ابو القاسم سحاب منتشر شده است.

44- امامزاده عبد الله علیه السلام (در ری): شرح حال امامزاده عبد الله و تحولات ری می باشد.

45- شرح حال محمد بن ابو بکر: در پایان کتاب لقاء الله نشر شده است.

46- تحشیه مراقبات السنه: حاشیه بر دو جلد کتاب مراقبات السنه حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می باشد.

47- من روح الفرج بعد الشده (عربی).

48- آثار مقدس احادیث و اخبار علم الحدیث و طبقاته الکبری: موضوع آن طبقات حدیث نزد شیعه می باشد.

49- ترجمه قصیده النبی محمد صلی الله علیه و آله: ترجمه و شرح قصیده ای درباره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله.

50- پیام میلاد امیر المؤمنین علیه السلام به سلاطین اهل قبله. این کتاب ترجمه (أرض النبوه جسر عظیم) است با تلخیص.

51- کتابی به قلم امیر المؤمنین علیه السلام: زندگی اجتماعی امیر المؤمنین به قلم علی علیه السلام. که در کتاب گفتار ماه جلد دوم نشر شده است.

52- نامه کودک در مسجد: موضوع آن ایام کودکی حسین علیه السلام است.

53- محنت اسلام: موضوع آن باز شدن راه تحریک عوام بر امام امیر المؤمنین علیه السلام است.

54- دو طب فقاقت.

55- کتاب کنگره شیخ طوسی.

56- کتاب سفر عمره مفرده ایام نوروز.

57- کتاب پرستاری بیماران.

58- کتاب جواب به سؤالهای شیخ جابر فاضلی خوئی.

59- ارض النبوه جسر عظیم و هی جسر العباد للمعبود (عربی).

60- یک شب و روز (عاشوراء).

61- فتح مکه.

62- نماز، الصلاه عمود الدین.

63- رساله عملیه توضیح المسائل.

64- تفسیر قرآن کریم.

65- شرح نهج البلاغه در چند جلد.

### **فرزندان ایشان:**

از وی هشت پسر باقی ماندند، که عبارتند از:

1- مجتبی، وکیل دادگستری.



2-محسن، مهندس نفت.

ص: 673

3-حجه الاسلام شيخ ناصر الدين.

4-ابو الحسن، دكتور متخصص گلو و حلق و يينى.

5-محمد، مهندس برق و تأسيسات.

6-على، مهندس راه و ساختمان.

7-امير حسين، دكتور اقتصاد و تجارت.

8-احمد رضا، دكتور علوم و صنايع غذايى.

سرانجام عصر روز پنجشنبه 15 محرم 1405/ق مطابق با 19 مهر/ 1363 ش در سن 88 سالگى در تهران درگذشت، و در صحن حضرت معصومه عليها السلام قم به خاک سپرده شد.

منابع

1-آثار الحجه 250/2.

2-آينه دانشوران 187.

3-عنصر تلاش و كوشش، كه به مناسبت يادبود اولين سالگرد درگذشت وى به چاپ رسيده است.

4-فهرست كتابخانه آستان قدس رضوى 473/4.

5-مؤلفين كتب چاپى 32/3.

6-نقباء البشر 704/2.

**سيد خليل محمدي بهشهرى**

**اشاره**

(1408-329 ق)

حالات مرحوم مغفور جنت مكان خلد آشيان سلاله اى از سادات و گوهرى تابناك، عالمى گرانمايه و فاضلى دانشمند سترگ، زبده الفقهاء و المجتهدين علامه زمان جامع علوم مفسر قرآن حاوى علم معقول و منقول، خطيب اديب عالم علم رجال و انساب شاعر و راى و باكى، داراى منبرى زيبا معدن سخى و حيد دوران



عالم ربّانی حضرت آیت الله حاج سید خلیل فرزند حجه الاسلام خطیب عالی قدر مرحوم آقا سید محمّد بن حجه الاسلام واعظ شهیر مرحوم آقا سید خلیل به آقا میر اسد الله بن حجه الاسلام آقا مرحوم کربلایی میر قاسم بن آقا سید جعفر بن آقا میر قاسم بن حضرت آیت الله آقا مرحوم سید جعفر الکبیر صاحب العلوم الکثیره و الفنون المتواتره باداب سری هزار جریبی چهار دانگه ای مازندرانی بهشهری.

در سال یک هزار و سیصد و بیست و نه (1329 ق) قمری در قریه «باداب سر» از دامن مادری پارسا و پاک و پدری بزرگوار به نام آقا سید محمّد چشم به جهان باز کرد و در سن 4 سالگی پدر را و در سن 8 سالگی مادر را از دست داده و در دامن جدّه مادری بنام سیده سکینه درس قرآن خوانده و بعد در محضر عالم ربّانی آقای شیخ مهدی مدپائی و محضر علامه زمان حاج شیخ حسن طبرسی (پدر حجه الاسلام حاج شیخ نور الله طبرسی امام جمعه ساری) و محضر زاهد بی نظیر شیخ محمّد علی آغوز درّه ای و محضر مقدس عالم عامل حاج شیخ عبد الجبار فقیهی کلائی در سن 17 سالگی به حوزه علمیه کوهستان پیوست. و محضر سلمان عصر عالم ربّانی حاج شیخ محمّد کوهستانی (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) با زحماتی فراوان درس خوانده، و بعد در سال 1365 ق عازم نجف اشرف گردیده، چندین سال درس خوانده و از آیات: سید محمود شاهرودی، میرزا حسن بجنوردی، میرزا آقا اصطهباناتی، میرزا هاشم آملی مازندرانی، سید محسن

طباطبائی حکیم، شیخ محمد فاضل قائینی و سید ابو القاسم خوئی استفاده فقهی و اصولی نموده، بعد از مراجعت از نجف اشرف به سال 1376 ق در محل اصلی و زادگاه خود احداث مدرسه علمیه محمدی در میان ملک شخصی خود نموده و در فصل تابستان مشغول درس و تربیت کرده و در فصل زمستان به شهرستان بهشهر در مدرسه ملا صفر علی و مدرسه نصیر خان طلاب را درس داده در ایام تعطیلی در منزل خود به منبر رفته چه به شهر و چه قریه باداب سر، دعای ندبه مجلس باشکوهی ترتیب داده از محضر این مرد بزرگ چه در نجف و چه در کوهستان و چه در هزار جریب و چه بهشهر شاگردانی تربیت کرده مانند مرحوم آقای سید فضل الله حسینی باداب سری فرزند آقای سید حسین باداب سری و آقای حاج شیخ ذبیح محمدی کلانی و آقای حاج شیخ عبد الرحمن فرزند شیخ عبد الجبار کلانی و مرحوم حاجی شیخ باقر فقهی و خطیب توانا حجه الاسلام حاج سید عبد الکریم هاشمی نژاد و آقای حاج شیخ محمد نصیری و شیخ ابو الحسن یازی رستم کلانی و آقا سید کاظم حسینی خواهرزاده حاج آقای حاج شیخ اسماعیل ملک محمودی گلوگاهی و حاج شیخ حسین آهنگری ساروی و چندین نفر شاگردان آن مرحوم در کشور ایران مشغول درس یا در جاهای حساس اشتغال به کارها می باشد و آنچه در توان داشته مالا و جانا ایثارگری ها کرده و زحماتی بس طاقت فرسا بر خود هموار نموده شاید در شبانه روز کمتر از چهار ساعت خواب و استراحت نداشته و نوشتجاتی که از درس از محضر آیات نجف اشرف از فقه و اصول و علم کلام و نجوم و مراثی و مدح اهل عصمت و طهارت علیهم السلام در دست وارث موجود می باشد.

تا اینجا مطالب به قلم فرزندش بود.

## از آثار او

1- تقریرات اصول میرزا حسن بجنوردی (چند دفتر).

2- تقریرات مکاسب محرمه بجنوردی.

ص: 676

3- دفتر اشعار مدایح و مراثی اهل بیت علیهم السّلام و بعضی از مطالب متفرقه.

4- غسل الجنابه و احکامها (تقریرات میرزا آقا شیرازی).

5- قاعده الید (تقریرات درس بجنوردی).

6- یک دفتر در احکام خیار (تقریرات شاهرودی).

7- یک دفتر در تعادل و ترجیح (تقریرات میرزا هاشم آملی).

8- یک دفتر در مباحث اوامر (تقریرات شیخ محمّد فاضل قاینی).

ایشان در روز دوشنبه /16 آذر 1366/ ش برابر با /15 ربیع الثانی 1408/ ق در خانه مسکونی خود در زیروان- بهشهر بدرود حیات گفته و در روز سه شنبه در شهرستان بهشهر از مدرسه علمیه ملا صفر علی که در خیابان است تشییع تا زیروان 3 کیلومتر راه روی دست مردم مؤمن با جمعیت و آیات و حجج و به شهر مقدس قم منتقل و با حضور جمعی کثیر از علما و فضلا و طلاب علوم دینی و روحانی بزرگوار مانند آیت الله مرعشی نجفی و حسن زاده آملی و شیخ عبد الله جوادی آملی و حاج شیخ ابو القاسم رحمانی مازندرانی تشییع و نماز بر پیکرش بوسیله آیت الله نجفی مرعشی و بعد از طواف حرم مطهر از مسجد امام حسن عسکری علیه السّلام در قبرستان باغ بهشت دفن گردید.

از مترجم له فرزندان به نام 1- سید محمّد محمّدی، روحانی اهل علم 2- آقای حاج محمّد حسین 3- آقای حاج سید محمّد حسن، باقی ماندند.

منابع

1- گنجینه دانشمندان 257/3.

2- یادداشتی به قلم فرزند روحانی اش در دو صفحه.

3- یادنامه استاد عظیم الشان کوهستانی ص 56.

\*\*

ص: 677





















- ر شیخ راضی تبریزی نجفی 701
- سیّد رضا آل محمّد طالقانی 705
- میرزا رضا اہری «باغمیشہ ای» 706
- سیّد رضا باقر منش قمی «ثابت» 708
- سیّد رضا برقععی قمی 710
- سیّد رضا بہاء الدینی 712
- سیّد رضا تفرشی ہمدانی 721
- سیّد رضا جاپلقی 722
- میرزا رضا حکمت شیرازی «سردار فاخر» 723
- شیخ رضا خمیرانی رشتی 725
- استاد رضا روزبہ 725
- سیّد رضا صدر 730
- سیّد رضا علما قمی 735
- میرزا رضی زنوزی تبریزی 737
- سیّد رضی الدّین وحیدی شبستری 739



میرزا رفیع الدین تبریزی «نظام العلماء» 741

شیخ روح اللہ کمالوند خرم آبادی 744

شیخ ریحان اللہ گلپایگانی «نخعی» 746

ز سید زکریا قزوینی 753

شیخ زین الدین شریعتی زنجانی 754

شیخ زین العابدین ابهری «امام» 755

سید زین العابدین کاشانی 758

سید زین العابدین یثربی قمی 761

س سام میرزا شاه صفی اول 763

شیخ سلمان خاقانی 766

ش شیخ شجاع الدین جلیلی کرمانشاهی 769

سید شرف الدین طالقانی 771

شیخ شعبان راسخی لنگرودی 772

میرزا شفیع ساعد الملک تبریزی 773

سید شمس الدین ابهری 774

سید شمس الدین احمدی بروجردی 776

شیخ شهاب الدین اشراقی قمی 778

سید شهاب الدین مرعشی «آقا نجفی» 779

شیخ شهاب الدین مصطفوی همدانی 783

شیخ شهاب الدین نراقی کاشانی 785

میر شهاب الدین نیریزی 786

ص شیخ صابر کره رودی اراکی 789

میرزا صادق تبریزی 790

صادق جوادی خرم آبادی 803

سیّد صادق حسینی رشتی 804

سیّد صادق روحانی قمی 806

شیخ صادق سربندی بروجردی 808

شیخ صادق شیرازی 811

میرزا صادق طاهباز تبریزی 812

شیخ صادق فراچی خوئی 813

شیخ صادق نصیری سرابی 814

سیّد صدر الدین تنکابنی 816

سیّد صدر الدین صدر 816

شیخ صدر الدین صمدی لنکرانی 824

ض شیخ ضیاء الدین جوادی ابهری 827

سیّد ضیاء الدین خوانساری «کاشفی» 828

ط سیّد طالب خراسان 831

ص: 689

- ع سید عباد علی هندی 837
- شیخ عباس ایمانی جهرودی قمی 838
- سید عباس تقوی قزوینی 839
- شیخ عباس تهرانی 839
- شیخ عباس حائری یزدی 843
- سید عباس داعی الاسلام همدانی «دعوتی» 844
- عباس راسخی نجفی «گیلانی» 851
- شیخ عباس شیرازی رفسنجانی 853
- میرزا عباس صفاء السلطنه نائینی (صفا) 855
- شیخ عباس طسوجی 856
- عباس طلائیان 857
- میرزا عباس عشقی بحرینی 858
- شیخ عباس علی اسلامی سبزواری 859
- شیخ عباسعلی شاهرودی 861
- شیخ عباسعلی محقق خراسانی 863
- میرزا عباسعلی نجفی ارومیه ای 865
- سید عباس فقیه مبرقع قمی 866
- شیخ عباس فیض قمی 867
- عباس کتابدار قمی «خادم» 870
- شیخ عباس مستقیم قمی 870
- سید عباس ملکی طسوجی 871

سید عباس مہری 873

سید عباس میرزادہ اہری 875

ص: 690

- عباس میرزا ملک آرا قاجار 876
- سیّد عبد الباقي رشتی «شريف العلماء» 877
- میرزا عبد الجواد کلباسی اصفهانی 879
- سیّد عبد الحجه ایروانی «تبریزی» 881
- سیّد عبد الحجه بلاغی نائینی «حجت» 882
- عبد الحسين آیتی تفتی 885
- شیخ عبد الحسين بروجردی «صاحب الداری» 890
- شیخ عبد الحسين بقال 892
- شیخ عبد الحسين تبریزی «غروی» 895
- سیّد عبد الحسين خردمند تهرانی 901
- سیّد عبد الحسين خسروی همدانی 903
- شیخ عبد الحسين رضوی هشترودی 903
- سیّد عبد الحسين سیّدی قمی 911
- شیخ عبد الحسين شرع الاسلام نجفی 912
- شیخ عبد الحسين صادقی لاهیجانی «رئیس العلماء» 913
- سیّد عبد الحسين طاهری قمی 914
- شیخ عبد الحسين فقیهی گیلانی 914
- شیخ عبد الحسين معین الشعراء قمی 917
- میرزا عبد الحسين نائینی «بقائی» 918
- عبد الحسين نزهتی قمی 919
- شیخ عبد الحسين وکیلی قمی 921

میرزا عبد الرحمن بروجردی 925

شیخ عبد الرحمن حیدری ایلامی 926

شیخ عبد الرحمن صالحی لرستانی 927

شیخ عبد الرحیم ربّانی شیرازی 928

ص: 691

- سید عبد الرحیم شوکی 931
- شیخ عبد الرحیم مدرس تبریزی 931
- میرزا عبد الرحیم نهاوندی 933
- شیخ عبد الرحیم تیری بروجردی 934
- شیخ عبد الرزاق خائف قمی 936
- شیخ عبد الرسول قائمی اصفهانی 937
- شیخ عبد الستار اسلامی آبادانی 939
- عبد الصاحب صفائی قمی «حائری» 941
- سید عبد العزیز طباطبائی یزدی 943
- عبد العلی سلام فایز تبریزی 949
- شیخ عبد العلی شریفی کابلی 950
- شیخ عبد العلی مشایخی اراکی «حاج آقا» 951
- شیخ عبد العلی نطنزی «صدر العلماء» 952
- سید عبد الغنی اردبیلی 953
- شیخ عبد القدوس کرمانشاهی 954
- سید عبد الکریم انواری اردبیلی 955
- شیخ عبد الکریم حائری یزدی 955
- شیخ عبد الکریم خوئینی زنجانى 963
- سید عبد الکریم غیرت کرمانشاهی 967
- شیخ عبد الکریم کریمی اصل هشترودى 968
- سید عبد الکریم کشمیری 969

شېخ عبد اللطيف سمامي حائري 978

شېخ عبد اللطيف مجد الواعظين اردبيلى 982

شېخ عبد الله آل آقا کرمانشاهي 984

سيّد عبد الله بحراني حائري 985

ص: 692



- شیخ عبد اللہ جوادی ابهری 986
- شیخ عبد اللہ شہیدی قزوینی 988
- سیّد عبد اللہ قاهانی «صدر عراقی» 989
- شیخ عبد اللہ قمی 991
- شیخ عبد اللہ گشایشی اهری 992
- شیخ عبد اللہ لنکرانی 992
- میرزا عبد اللہ مجتهدی سراپی 994
- سیّد عبد اللہ موسوی شبستری 996
- شیخ عبد اللہ مهدوی شاهرودی 999
- ملاً عبد اللہ واعظ طالقانی 1000
- میرزا عبد المحمّد الهامی اسکونی 1001
- سیّد عبد المطلب بهبانی 1002
- سیّد عبد المطلب جزائری «آل مهدی» 1003
- سیّد عبد المطلب شیرازی 1005
- میرزا عبد المطلب فقیه اردویادی 1005
- شیخ عبد المنعم خاقانی 1007
- شیخ عبد الوهاب روحی یزدی 1008
- شیخ عبد الهادی قمی «حاج آخوند» 1009
- شیخ عز الدین نجفی اصفهانی «مسجد شاهی» 1010
- شیخ عزیز اللہ علی مرادیان نهاوندی 1013
- سیّد عزیز موسوی اردبیلی 1015

شیخ عسکری بروجردی 1016

سیّد علاء الدّین علوی طالقانی 1017

سیّد علم الهدی کابلی «ملایری» 1018

شیخ علی اخوان خراسانی 1021

ص: 693

سید علی اشکوری 1022

میرزا علی اصغر اشعری قمی 1024

سید علی اصغر جاپلقی 1026

سید علی اصغر خوئی «صادقی» 1027

سید علی اصغر دربانی قمی (حاجب التولیه) 1030

شیخ علی اصغر ذکاوتی قراگوزلو «همدانی» 1031

میرزا علی اصغر زیبا قمی 1031

شیخ علی اصغر شفیعیان همدانی 1033

شیخ علی اصغر صالحی کرمانی 1034

سید علی اصغر طباطبائی بروجردی (سلطان العلماء) 1038

سید علی اصغر عارف بروجردی 1039

شیخ علی اصغر فقیهی قزوینی 1040

میرزا علی اصغر وثوق 1041

علی اکبر ارداقی قزوینی 1042

شیخ علی اکبر الهیان تنکابنی 1044

میرزا علی اکبر اهری 1047

سید علی اکبر برقعی قمی 1049

سید علی اکبر پیشوائی یزدی 1056

میرزا علی اکبر تابش اصفهانی 1057

شیخ علی اکبر تبریزی «واعظ» 1058

میرزا علی اکبر حکمی یزدی «تجلی» 1060

شیخ علی اکبر حکیمی یزدی 1066

دکتر علی اکبر سیاسی 1067

شیخ علی اکبر صبوری قمی 1070

علی اکبر صفاری 1071

ص: 694

- 1072 شیخ علی اکبر علمی تنکابنی
- 1072 میرزا علی اکبر عماد تبریزی
- علی اکبر قمی «افصحی» 1073
- 1077 سیّد علی اکبر گلستانه اصفهانی
- 1079 میرزا علی اکبر مجتهدی تبریزی
- 1080 دکتر علی اکبر مجتهدی تبریزی
- 1081 میرزا علی اکبر مظهر همدانی
- 1084 میرزا علی اکبر ملک زاده آملی
- 1085 شیخ علی انصاری همدانی
- سیّد علی بدری 1086
- سیّد علی برقی قمی 1086
- 1090 سیّد علی بطحائی گلپایگانی
- 1091 شیخ علی بوستانی بلتستانی
- 1092 شیخ علی بیانی گیلانی
- 1092 سیّد علی تهجدی ساوه ای
- 1094 سیّد علی جزائری شوشتری
- 1095 سیّد علی حسینی قمی «دشتی»
- 1098 میرزا علی حق نویس قمی
- 1099 شیخ علی حیدری کاشانی
- 1101 شیخ علی خوانساری «متفقهی»
- 1102 سیّد علی دعوتی همدانی «داعی»

سید علیرضا سعیدی یزدی «ریحان» 1108

علیرضا کاشفی قمی 1113

سید علی رضا مدرسی یزدی 1115

علیرضا هدایتی قمی «خاموش» 1116

ص: 695

سید علی رضوی قمی «قدرت» 1118

میرزا علی روحانی نجف آبادی 1122

میرزا علی رهامی زنجانی 1125

سید علی سید صدر دزفولی 1125

سید علی شاه چراغی نهاوندی 1127

سید علی شمس الدینی قمی «پویان» 1128

شیخ علی شمس گیلانی «حاج اعتماد» 1130

میرزا علی شیرازی «اصفهانی» 1133

شیخ علی صفائی حائری «قمی» 1137

علی عارفی قمی 1139

شیخ علی عاملی «علیکم السلام» 1141

سید علی علامه فانی اصفهانی 1141

شیخ علی علم الهدی فومنی 1148

شیخ علی علما کرمانشاهی دامغانی «واعظ» 1148

سید علی علوی قزوینی 1149

سید علی علوی قزوینی «آقابزرگ» 1150

سید علی علوی کاظمی 1153

میرزا علی غروی علیاری 1156

شیخ علی قاضی زاهدی گلپایگانی 1172

میرزا علی قاضی طباطبائی «تبریزی» 1174

شیخ علی قدوسی نهاوندی 1175

شیخ علی قدیری اصفهانی 1177

میرزا علی قلی شهیدی خوئی 1178

شیخ علی قمی (پابین شهری) 1178

شیخ علی قمی تهرانی 1179

ص: 696



- شیخ علی قوانینی بروجردی 1180
- شیخ علی کاشانی «فریده الاسلام» 1181
- میرزا علی کفائی خراسانی 1182
- دکتر علی کنی تهرانی 1184
- سیّد علی کوه کمری تبریزی 1186
- شیخ علی گنبدی «لطیفی» 1187
- شیخ علی لاهیجی حائری 1190
- شیخ علی محدث زاده قمی 1191
- شیخ علی محمّد خرم آبادی «بروجردی» 1193
- سیّد علی محمّد مجد قزوینی 1194
- شیخ علی محمّد موحد قمی 1195
- علی مخصوص «کاتب الخاقان» 1196
- علی منظوری حقیقی تفرشی 1197
- سیّد علی مولانا تبریزی 1199
- سیّد علی مهدوی قائینی 1203
- شیخ علی میرزا جاپلقی 1204
- میرزا علی ناسوتی یزدی 1205
- شیخ علی نحوی رامسری 1206
- میرزا علی نور محمّدی تهرانی 1207
- میرزا علی هاشمی سنجانلی «اراکلی» 1208
- میرزا علی هسته ای اصفهانی «واعظ» 1209

عماد الدّین دولتشاهی «کرمانشاهی» 1211

شیخ عیسیٰ خوشنویس حائری 1212

شیخ عیسیٰ لواسانی تهرانی 1212

ص: 697

غ شیخ غلامحسین صالحی کشمیری 1215

شیخ غلامحسین آل آقا کرمانشاهی «معتد العلماء» 1216

غلامحسین احتشامی خوئی 1217

شیخ غلامحسین جعفری همدانی 1218

شیخ غلامحسین دارابی «شرعی» 1220

شیخ غلامحسین عابدی قمی 1221

غلامحسین غفّاری «صاحب اختیار» 1222

شیخ غلامرضا بلاغی بلخی 1223

شیخ غلامرضا خوانساری «معلم» 1224

سید غلامرضا سعیدی بیرجندی 1225

شیخ غلامرضا قمی «حاج آخوند» 1231

سید غلامرضا کسائی تبریزی 1232

شیخ غلامرضا گل سرخی کاشانی 1233

شیخ غلامرضا مطهری نجف آبادی 1237

سید غلامرضا واعظی قائینی 1237

شیخ غلامعلی روحیان بهبهانی 1240

دکتر غلامعلی شیخ نیا «اراکی» 1241

شیخ غلامعلی کماری تبریزی 1242

ف سید فاخر موسوی آبادانی 1243

شیخ فاضل لنکرانی «قققازی» 1245

خانم فاطمه امامی زنجانی 1247



میرزا فتح اللہ تقہالاسلام تبریزی 1248

شیخ فتح اللہ شہیدی قزوینی 1249

سیّد فخر الأعلام آیت اللہی شیرازی 1250

سیّد فخر الدّین فیض دزفولی 1251

سیّد فخر الدّین قمی «سیّدی» 1254

شیخ فخر الدّین محسنی بروجردی 1257

میرزا فخر الدّین نراقی کاشانی 1257

شیخ فرج اللہ کاظمی «هرسینی» 1258

فضل اللہ آرتا 1260

سیّد فضل اللہ خوانساری 1260

میرزا فضل اللہ زنجانی «شیخ الاسلام» 1262

شیخ فضل اللہ محلاتی 1265

شیخ فضل اللہ ناصر الیگودرزی 1266

شیخ فضل اللہ نوری 1267

سیّد فضل اللہ هاشمی طالخونچه ای 1274

شیخ فضل علی قزوینی 1275

فیض اللہ سعادت کرمانشاهی 1278

ق شیخ قاسم اسلامی 1281

شیخ قدرت اللہ وجدانی فخر سرابی 1284

شیخ قربانعلی ذو القدر زنجانی 1287

شیخ قنبر علی توسلی مازندرانی 1288

شیخ قوام اسلامی جاسبی 1289

سیّد قوام الدّین موسوی زنجانی 1291

ص: 699

شیخ قوام الدین وشنوه ای قمی 1292

ک میرزا کاظم تبریزی 1297

شیخ کاظم زین العابدین 1300

میرزا کاظم شبستری 1300

سیّد کاظم شریعتمداری 1306

شیخ کاظم فائق تهرانی 1312

میرزا کاظم قاضی طباطبائی «تبریزی» 1313

کاظم کریمی اراکی «کربلانی کاظم» 1313

سیّد کاظم گلپایگانی «کوشا» 1316

شیخ کاظم ناصح یزدی 1318

کامران میرزا نایب السلطنه قاجار 1318

کریم بوذرجمهری 1319

سیّد کمال الدین مرتضوی اصفهانی 1320

سیّد کمال الدین موسوی شیرازی 1320

ل میرزا لطف علی شریفی زنوزی 1325

شیخ لطف علی محقق اردبیلی 1326

ص: 700

(1325-1409 ق)

حاج شیخ راضی نجفی فرزند آیت الله شیخ محمد حسین فرزند علامه شیخ محمد رضا فرزند حاج علی تبریزی، از علمای بزرگ و فقهای سترگ معاصر بود.

ایشان در سال 1325 ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود (چنانکه خود ایشان به نگارنده اظهار داشتند).

در سن کودکی همراه پدر خود به تبریز رفت و در مکتب خانۀ میرزا عبد الوهاب شعار، برخی از مقدمات را فراگرفت. آنگاه دروس ادبیات را نزد علامه شیخ حسن نحوی، شیخ حسین اهری و پدر ارجمند خود بیاموخت. و قسمتی از دروس را نزد پدرش تلمذ کرد.

ص: 701



علامه شیخ راضی در سال 1347 ق جهت ادامه تحصیلات خود به حوزه علمیه قم رهسپار شد و در مدرسه دارالشفای سکونت اختیار نمود.

دروس سطح را نزد علامه میرزا محمد همدانی (مکاسب و کفایه و قسمتی از رسائل) به پایان برد. و دروس عالی خارج را از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی (خارج کتابهای طهاره و صلاه و درر الاصول)، سید محمد تقی خوانساری (خارج اصول و فقه و شرح منظومه) و شیخ ابو القاسم قمی «کبیر» (ریاض المسائل) و دروس اسفار را نزد علامه شیخ محمد علی شاه آبادی استفاده نمود.

وی در اثر اشتیاق به زیارت عتبات عالیات و شوق تحصیل از فقهای آن سامان، در سال 1359 ق به حوزه کهن نجف اشرف رهسپار شد و از محضر آیات: شیخ ضیاء الدین عراقی (خارج مکاسب و اصول فقه) و سید ابو الحسن اصفهانی (کتاب الحج) استفاده شایان بدست آورد.

در سال 1265 ق به ایران بازگشت و مجددا در قم سکونت اختیار نمود و به افتخار دامادی علامه شیخ احمد حائری همدانی - داماد آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی - نایل آمد. در ضمن در دروس خارج آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی شرکت جست و خود به تدریس متون کتب درسی پرداخت و در اثر تقاضای طلاب سالها به تدریس خارج اشتغال داشت.

علامه تبریزی دارای اجازات اجتهادی از حضرات آیات: سید محمد تقی

خوانساری (در سال 1358 ق)، سید ابو الحسن اصفهانی (1362 ق) و سید حسین طباطبائی بروجردی بود و اجازات روائی ایشان عبارت است از: حاج آقا بزرگ تهرانی (در سال 1363 ق)، سید محسن طباطبائی حکیم (در 1363 ق) و شیخ محمد تقی فقیه عاملی [حاریصی] می باشند.

در نجف اشرف دوستی ایشان با آیت الله سید محمد تقی بحر العلوم و آیت الله شیخ محمد تقی فقیه عاملی زبان زد همگان بود و علاقه تا پایان زندگی همگان ادامه داشت. هنگامی که آیت الله بحر العلوم در زمان آیت الله بروجردی وارد قم می شوند به مسافرخانه وارد می شوند که مورد اعتراض آیت الله بروجردی قرار می گیرند. بحر العلوم در جواب می فرمایند: یا در مسافرخانه می مانم یا در منزل آقای شیخ راضی وارد می شوم، که به دستور آیت الله بروجردی به آقای تبریزی اطلاع می دهند و بر ایشان وارد می شوند.

### از آثار قلمی ایشان

1- الذکر الحکیم فی تفسیر القرآن الکریم.

2- الحکمه العمليه الکمالیه.

3- الفوائد المنتخبه.

4- المحاورات الاصولیه الضروریه أو واقع الاصول اللفظیه، در سه جلد.

5- المسائل التداخلیه.

6- الوجیزه فی الاجازه.

7- تحلیل العروه الوثقی، بحث الاجتهاد و التقليد.

8- تحلیل الکلام فی شرح قضاء شرائع الاسلام، در 800 صفحه.

9- حاشیه علی کتاب الطهاره من ریاض المسائل.

10- خلاصه الکلام فی فقه الاسلام، در چند جلد.

ص: 703

11- داوری وجدان در توحید.

12- دیوان شعر.

13- رساله فی البیع.

14- شرح کتاب الطهاره من الشرائع.

15- طرق الجنه.

16- طلوع الفجر فی شهاده الامام الحسین علیه السّلام.

17- عقد اللقاح فی عقد النکاح.

18- علم حضوری.

19- غراف الحبر الملتقط من وسائل الشیعه.

20- قضاء الفطره فی برهان امامه العتره علیه السّلام، در دو جلد.

21- مژده های شیعه.

22- منظومه فی المنطق.

23- نتایج الأفكار (کشکول).

علامه تبریزی در ساعت هفت بعد از ظهر روز یکشنبه /14 ذی قعدہ / 1409 مطابق با /28 خرداد 1368/ ش پس از چند ماه بیماری در سن 84 سالگی در یکی از بیمارستانهای تهران چشم از جهان فرو بست. پیکر پاک ایشان صبح روز سه شنبه از خیابان چهارمردان تشییع و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی در یکی از حجرات صحن حضرت معصومه علیها السّلام به خاک سپرده شد.

فرزندان ایشان عبارتند از: 1- آقا محمد محمود 2- آقا محمد مسعود حائری، وکیل دادگستری 3- آقا محمد رضا.

## - منابع

1- آثار الحجه 92/2.

2- آینه دانشوران 279.

3- شرح حال مستقلى به قلم شاگرد ایشان، علامه سيد محمد علي حسینی اصطهباناتی در 16 صفحه، در ذی حجه 1406/ ق نوشته اند استفاده شده است.

4- گنجینه دانشمندان 98/2.

5- نقباء البشر 717/2 (تولد ایشان را سال 1326 ق نوشته اند).

6- یادداشتهای شخصی نگارنده، در تاریخ 13 جمادی الاول 1406/ ق در قم با ایشان آشنا شدم و همواره ملازم ایشان شدم و از وی استفاده ها نمودم.

## سيد رضا آل محمد طالقانی

### اشاره

(ح 1418-1316 ق)

حاج سيد رضا فرزند سيد صادق آل محمد طالقانی، از علمای معاصر قم بود.

وی در حدود سالهای 1316 ق در طالقان دیده به جهان گشود.

مقدمات را همان جا آموخت، سپس به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و دروس سطح را از محضر آیات: شیخ حسن فاضل و سيد محمد باقر قزوینی بهره مند شد.

دروس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سيد محمد حجت کوه کمري، سيد محمد تقی خوانساری و سيد حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود. به اقامه جماعت، ارشاد و هدایت اشتغال داشت. سالی چند به تهران می رفت و به امور مذهبی می پرداخت. سالهای آخر عمر خود به قم بازگشت.

آل محمد، در زمستان 1418/ ق در قم پس از یک قرن و اندی خدمت، بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان باغ بهشت مدفون شد.

### -منابع

1- آینه دانشوران 410.

2- اطلاعات متفرقه.

3- گنجینه دانشمندان 192/2 (نامش را محمد رضا ثبت کرده است).

## اشاره

(1383-1314 ق)

میرزا رضا فرزند آیت الله میرزا علی اکبر و نوه شیخ عبد الله اهری، از بزرگان و فضلا و سخنوران تبریز بود.

او در سال 1314 ق در تبریز متولد گردید.

## در حوزه تبریز

میرزا رضا پس از طی مقدمات، شرح لمعه را نزد پدرش آموخت، و دروس عالی را از محضر آیات: سید ابو الحسن انگجی و میرزا رضی زنوزی استفاده نمود، و به وعظ و ارشاد و هدایت مردم پرداخت، و نماز جماعت را در مسجد شکلی تبریز بر پا می نمود.

از وی کتابی در «مجالس و مواعظ» به جای مانده است.

## درگذشت و اعقاب

او در سال 1383 ق در سن 69 سالگی در تبریز درگذشت، و در قبرستان وادی السلام قم به خاک سپرده شد.

فرزندانش: 1- آیت الله شیخ محمد علی اهری: متولد سال 1346 ق در تبریز، او ادبیات را نزد شیخ علی اکبر نحوی و میرزا علی اصغر باغمیشه ای تلمذ کرد، و در سال 1363 ق به قم رهسپار شد، و شرح لمعه را نزد میرزا صادق طاهباز و سید بیوک ششگلانی، و کفایه را نزد میرزا محمد مجاهدی تبریزی و سید شهاب الدین مرعشی و رسائل و مکاسب را نزد میرزا محمد مجاهدی و سید حسین قاضی تبریزی تلمذ کرد.

دروس خارج را از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی (به مدت

ص: 706

یازده سال)، سید محمد داماد یزدی و سید کاظم شریعتمداری استفاده نمود.

در ضمن شرح منظومه و شرح تجرید را از علامه شیخ عبد الله جوادی آملی، و تفسیر را به مدت یک سال از سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» استفاده نمود.

شیخ محمد علی اهری/شیخ علی اکبر مهدی پور

وی در سال 1382 ق به تبریز مراجعت کرد، و به تدریس سطح و اقامه جماعت اشتغال ورزید.

### از آثار قلمی ایشان

1- حاشیه بر بحث قطع رسائل.

2- حاشیه بر عروه الوثقی (استدلالی).

3- حاشیه بر مکاسب.

4- قاعده لا ضرر و لا ضرار (تقریرات داماد یزدی).

اما سایر فرزندان میرزا رضا: 2- آقا ید الله 3- آقا محسن 4- آقا مرتضی.

### - منبع

افادات فرزند معظم له، آقای شیخ محمد علی اهری.

ص: 707

(1343-1404 ق)

سید رضا باقرمنش. پدرش سید باقر پیشه مسگری داشت و زندگی اش با فقر و تنگدستی می گذشت.

سید رضا در سال 1343 ق مطابق با 1303 ش در شهر قم متولد گردید.

او تحصیلات ابتدایی را در شرایط نامساعد مادی پدرش طی کرد، نه ساله بود که پدرش درگذشت و مسئولیت زندگی بر دوشش افتاد، ناگزیر ترک تحصیل کرد و به دنبال کار رفت تا درآمدی کسب کند و معیشت خانواده اش را تأمین نماید. بدین جهت چندی در انبار شرکت نفت قم کار کرد و مدتی نیز در یکی از دفاتر اسناد رسمی مشغول کار شد.

نامبرده در سال 1329 ش به استخدام اداره کل فرهنگ درآمد و به عنوان آموزگار در مدارس به تدریس اشتغال ورزید، و ضمن خدمت آموزشی توانست به تحصیل پردازد و دوره اول متوسطه را به اتمام رساند، اما دیگر قادر به ادامه تحصیل نگردید.

باقرمنش دارای حافظه ای قوی بود، بیشتر قرآن را حفظ داشت، خط را خوش می نوشت و در امور حسابداری بصیر بود. مدتی در آموزش و پرورش به عنوان کارپرداز خدمت کرد، و چندی نیز در کارگزینی انجام وظیفه نمود، و چند سالی نیز مدرسه ملی «رودکی» را در اختیار داشت که بعداً به اداره آموزش و پرورش واگذار کرد، و پس از فراغت کار اداری امور حسابداری پیمانکاری نادری را اداره می کرد، و در سال 1359 ش بازنشسته گردید و چند سال آخر عمر را در شرکت «راه و ساختمان دیجم» به شغل حسابداری اشتغال داشت.

ایشان در روز سه شنبه 15/ربیع الاول/1404 ق مطابق با 29/آذر/1362 ش درگذشت. پیکرش در صحن امامزاده ابراهیم علیه السلام قم به خاک سپرده شد.

باقرمنش که در شعر «ثابت» تخلص می کرد، از آغاز جوانی به سرودن شعر پرداخت و اشعارش در روزنامه های محلی: استوار، سرچشمه، و پیکار مردان به چاپ رسید.

### قصیده مولودیة نیمه شعبان

هلال ماه شعبان از افق زد خیمه بر صحرا  
هوا شد مشک بیز و خاک تیره گشت عنبرزا  
کهن شد شوکت اردیبهشت و فرّ فروردین  
فسانه شد حدیث لاله و نیلوفر و مینا  
فلک از جلوۀ انجم بدان ماند که پنداری  
ز نقره میخ کوبیدند بر نیلوفرین دیبا  
ولادت یافت خورشیدی که از خورشید رخسارش  
ز خجالت چهره پنهان کرد خورشید جهان آرا  
ولادت یافت مولودی که بعد از مولد ذاتش  
سترون گشت مام امّهات علوی و سفلی  
حسین بن علی بن ابو طالب که در خلقت  
ندارد مثل ماندی، ندارد ثانی و همتا  
گلستان علی را گل، بدوش مصطفی زیور  
طفیل هستیش عالم، دُر یک دانه زهرا  
نمی جنباند اگر گهواره اش را دست جبرائیل  
به سر باید زند آن دست را در عرصه فردا  
معین تاج دارانی، امید ناامیدانی  
پناه بی پناہانی، چه این دنیا، چه آن دنیا



به امید قبول طاعت و قرب الهی هست

کند بر تربت پاک تو سجده اعلی و ادنی

ص: 709

بیاموزد بشر گر از توراه و رسم آزادی  
براندازد بساط ظلم و کین را سربه سر از پا  
تو آن آزاده مرد پاکبازی کز تو در حسرت  
بشر در خاک می باشد ملک در عالم بالا  
مرا بس از بهشت و قصر فردوس برین باشد  
سر کوی تو ای سر خیل خوبان ای شه والا  
چو از عشق حسینم هست دل آکنده هرگز نیست  
نه از دوزخ مرا بیمی، نه از برزخ مرا پروا  
بیا ثابت که می بخشد گناهان و معاصی را  
به عشاق حسینی ذات ربّ عالی اعلا

#### -منابع

- 1- تاریخ تکایا و عزاداری قم 163.
- 2- سخنوران نامی معاصر ایران 959/2.

#### سید رضا برقی قمی

#### اشاره

(1343-1417 ق)

سید رضا برقی، از فضلا و خدمتگزاران راستین فرهنگ و مذهب تشیع بود.

وی در اول/محرم 1343/ق در قم چشم به جهان گشود. تولدش در محله ای به نام (سیدان) بود که همه خانواده وی در آنجا ساکن بودند. نسبش به حضرت موسی مبرقع فرزند امام جواد علیه السلام برمی گردد.

برقی دوره ابتدایی را در مدرسه باقریه طی کرد و کلاس ششم ابتدایی را در مدرسه بزرگ قم یعنی «حکیم نظامی» به اتمام رساند، و در سال 1320 ش برای ادامه درس حوزوی وارد مدرسه فیضیه شد. درس قدیمه را تا خارج ادامه داد و



از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی و آیت الله سید روح الله خمینی استفاده کرد. وی تفسیر قرآن را از آیت الله میرزا ابو الفضل زاهدی فراگرفت، و علاقه عجیبی به حضرت آیت الله سید صدر الدین صدر داشت.

او پس از آن برای تکمیل دروس حوزوی به نجف اشرف رفت، و مدت پنج سال در آنجا به تحصیل پرداخته و از اساتیدی چون حضرات آیات: سید یحیی مدرس یزدی و سید احمد یزدی بهره های فراوان برد، سپس به ایران بازگشت.

برقی، برای تحقق اهداف اسلامی به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد، و با تلاش بسیار به همراهی رفیق خویش دکتر محمد جواد باهنر توانست به سازمان تدوین تألیف کتب درسی راه یافته، و تألیف کتب تعلیمات دینی دوره دبستان، راهنمایی و دبیرستان مطابق با روشهای جدید تعلیم و تربیت و همراه با محتوایی کاملاً اسلامی و اصیل را به عهده بگیرد. در این راه مرارتها و زحمات بسیاری را متقبل شد، اما نتیجه کار درخشان بود.

دفتر نشر فرهنگ اسلامی از بدو پیدایش (1352 ش) تا سال ارتحالش با چاپ بیش از 700 عنوان کتاب، بدون تردید بزرگترین ناشر کشور از لحاظ چاپ کتب اسلامی است. به همت برقی انتشار کتاب برای کودکان و گروههای سنی متفاوت در این مرکز از ابتدا با اهمیت تلقی شده، و کتب متعدد راجع به آموزش قرآن برای خردسالان، آشنایی با زندگانی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ائمه بزرگوار علیهم السلام، بزرگان دین، تاریخ ایران، داستانهای علمی و سودمند و... در این مرکز با تیراژهای میلیونی چاپ و در اختیار نونهالان قرار گرفته است. برقی در راه اندازی و گسترش چاپخانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی نیز سهم شایسته ای داشت، و اکنون این چاپخانه در مجاورت تهران به کار چاپ و توزیع کتب دفتر نشر فرهنگ اسلامی مبادرت می ورزد.

وی دارای تألیفات متعددی است. علاوه بر کتب درسی، او روش جدیدی برای آموزش قرآن به کودکان ابداع نمود که تحت عنوان «خودآموز قرآن مجید» چاپ شده است. این کتاب و راهنمای تعلیم آن تاکنون به زبان های مختلف از

جمله: عربی، انگلیسی، روسی و اردو ترجمه شده است.

## آثار قلمی آن مرحوم عبارتند از:

1- تعالیم قرآن مجید.

2- اسلام مذهب رسمی ما.

3- اصول دین و احکام برای خانواده.

4- احکام دین.

5- خداشناسی.

6- راهنمای معلم برای تعلیم قرآن مجید.

و اما فعالیت های اجتماعی اش فراگیر و گسترده بود. در تأسیس بنیاد ارشاد و رفاه امام صادق علیه السلام که پیگیر برخی از فعالیت های خداپسندانه، از جمله احداث زائرسرا برای زائرین حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام می باشد، نقش عمده ای را ایفا نمود. برای خودکفایی در امور پزشکی اقدام به تأسیس دهکده تندرستی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در نزدیکی تنکابن نمود، و در هیئت امنای مجموعه فرهنگی اسلامی حضرت رضا علیه السلام در شمیرانات عضویت داشت.

سرانجام او در روز پنجشنبه 25 مرداد 1375/ ش در سن 74 سالگی در تهران درگذشت، جسدش روز جمعه تشییع و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

از آن مرحوم فرزندان به یادگار باقی مانده اند که چهار پسر و سه دختر می باشد.

پسران وی عبارتند از آقایان: 1- مهدی 2- ابراهیم 3- امیر اسماعیل 4- امیر احمد.

## سید رضا بهاء الدینی

### اشاره

(ح 1320-1419 ق)

سید رضا فرزند سید صفی، ملقب به «بهاء الدینی»، از علما و اساتید بنام حوزه علمیه قم بود.

ص: 712

وی در حدود سال 1320 ق در قم چشم به جهان باز نمود. پدرش مردی متقی و از خادمان آستانه مقدسه قم بود.

## شکل گیری شخصیت ایشان

برخورد و رفتار شایسته پدر در شکل گیری شخصیت ایشان در دوران کودکی، بسیار مؤثر بوده، یکی از شاگردان آقا می گوید:

«پدر ایشان احترام خاصی به آقا می گذاشت و از این گذشته آزادی عمل فراوانی به ایشان می داد، به گونه ای که در روح آماده به انقلاب وی، اثر بسیار داشت. معظم له احترام های پدر و استادان خود را در ساخت شخصیت خود بسیار مؤثر می دانست.

حاج آقا بهاء الدینی خود در این مورد می فرمایند: «پدرم مرا به جاهای خطر آفرین می فرستاد، لکن قلبا مطمئن بود که خطری تهدید نمی کند».

یکی از ویژگی های خاص زندگی حضرت آیت الله بهاء الدینی که نکته ای بسیار دقیق و شایان توجه است، این است که این مرد بزرگ روحانی از همان آغاز دوره کودکی، مورد عنایت خاص خداوند و تحت حضانت و الطاف نورانی اهل بیت علیهم السلام هدایت یافته، و همواره به این عبد صالح خداوند ارائه طریق شده است. شاگردان ایشان در این باب می گویند:

«یکی از نکات برجسته زندگی حاج آقا بهاء الدینی این است که در سرتاسر زندگی حتی از دوران کودکی تا به حال زندگی ایشان همه در حفاظت الهی بوده است، و در همه حال و همه جا مؤید من عند الله بوده اند».

آیت الله بهاء الدینی می فرمودند که: از همان دوره طفولیت بسیار به ما توجه شده و خیلی سرمایه گذاری کردند، حتی در خواب هم این طور بود، ولی ما به جایی نرسیدیم. آقا می فرمود علاقه من به بازی زیاد بود، اما به واسطه خوابی که دیدم و کسی با ناراحتی گفت: «این-الک دولک» می کند!، دیگر از شش سالگی بازی را کنار گذاشتیم».

### تحصیلات ابتدایی و فراگیری دروس حوزه

بهاء الدینی از همان آغاز کودکی، خردی موهوبی و ورزیده داشت و از هوش سرشار و فوق العاده ای نیز برخوردار بود، به طوری که در سه یا چهار سالگی به مکتب رفتند و خواندن و نوشتن، قرائت قرآن و تجوید قرآن را آموختند، و در شش سالگی وارد حوزه علمیه قم شدند و به تحصیل علوم دینی روی آوردند.

ایشان از همان بدو ورود به حوزه مورد عنایت خاص و محبت ویژه بزرگانی همچون فقهای کرام: شیخ ابو القاسم قمی «کبیر»، حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و شیخ محمد تقی بافقی یزدی بوده اند، و از محضر پرفیض این عالمان وارسته و مفاخر حوزه، بهره ها برده اند.

یکی از فضلاء حوزه می گوید:

«از همان 6 سالگی آقا مورد توجه خاص حاج شیخ ابو القاسم کبیر بوده اند، کرارا ایشان می فرمایند: از همان 6 سالگی بسیاری از بزرگان برای ما زحمت کشیدند و به ما التفات داشتند، حاج شیخ محمد تقی بافقی هم توجه زیادی به ایشان داشتند و بسیاری از چیزها را که با دیگران مطرح نمی کردند از معظم له دریغ نداشتند، و این مسئله به سبب اطمینانی بود که به شخص ایشان داشته اند».

فرزند آقا در این باره می گوید:

«آقا نقل می کنند: من 7 ساله بودم که در مجالس علمای بزرگ مثل مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری شرکت می کردم، وقتی وارد می شدم، حاج شیخ ابو القاسم

قمی برمی خاستند و مرا کنار خود می نشانند».

فضلای حوزه واقعه ای از آن زمان را چنین نقل می کنند:

«حاج آقا بهاء الدینی نقل می کردند که: مرحوم حاج شیخ ابو القاسم مشغول نوشتن سندی بودند که من سرسیدم، (در آن موقع 12 سال داشتم)، به آقا گفتم نکند در این معامله غرری باشد، ایشان توقف کردند و سند را نوشتند و گفتند: باید تأمل کنم».

«حاج شیخ محمد تقی بافقی آن چنان به حاج آقا بهاء الدینی اطمینان و ارادت داشتند، و ایشان را در عنفوان جوانی مهذب و غالب بر هوا و هوس می دیدند، که طلبه های مبتدی نوجوان و بچه سال را به حجره ایشان در مدرسه فیضیه می آوردند، و می فرمودند که این بچه ها در نزد تو بمانند».

### استادان معظم له

حضرت آیت الله بهاء الدینی مقدمات علم را نخست از محضر پدر گرانقدرشان و پس از آن، مقدمات و سیوطی و مغنی را از محضر استادان آن زمان، شیخ ولی الله عامره ای و میرزا محمد علی ادیب تهرانی با شور و شوق فراوان فراگرفت. و به دنبال آن، سطح را از محضر استادان بزرگ و عالمان گرانقدر میرزا محمد همدانی و آخوند ملا علی همدانی (معصومی) استفاده بردند.

آیت الله بهاء الدینی پس از اتمام سطح و تکمیل و تحکیم مبانی علمی به منظور فراگیری دروس خارج، در محضر علمای بزرگ و فحول محققان نامدار شیعه، چون:

حاج شیخ عبد الکریم حائری، سید محمد حجّت کوه کمری و حسین طباطبائی بروجردی حضور یافتند، و از خرمن علوم و اطلاعات عمیق آنان خوشه چینی کردند، و همچنان با شور و شوقی وصف ناپذیر و با اراده استوار به تحقیق و مطالعه و تدریس پرداختند، و سرانجام به درجه اجتهاد نایل آمدند.

یکی از شاگردان ایشان می گوید:

ص: 715



آیت الله بهاء الدینی می فرمودند: «از زمان شروع بحث «رکوع صلاه» درس حاج شیخ عبد الکریم به مدت 6 سال در درس خارج ایشان، شرکت کردم. همچنین در درس مرحوم سید محمد حجت کوه کمری نیز شرکت می کردم. به خاطر ندارم که چند سال طول کشید، اما از ابتدا درس ایشان مطلوب واقع شد، لذا در درس فقه و اصول ایشان شرکت کردم. مدتی نیز در درس حاج شیخ محمد علی حائری قمی مبحث تعادل و تراجیح شرکت کردم. و در درس مرحوم بروجردی، نیز شرکت می کردم. تدریس ایشان برای بنده بسیار مطلوب بود. ایشان پس از سالیان سال زحمت کشیدن، همچنان مطالعه می کرد. تا زمانی که ایشان در قید حیات بودند، در درس ایشان شرکت می کردم، به این لحاظ که علاقه فراوانی به درس ایشان داشتم...».

بهاء الدینی این عالم روشن ضمیر، در نوجوانی «اخلاق عملی» را نیز از شیخ ابو القاسم قمی (کبیر) آموخته و تحت اشراف ایشان پرورش یافته اند. ایشان «کلام» را در محضر استاد بزرگوار میرزا علی اکبر حکمی یزدی (تجلی) تلمذ کردند، و در درس اسفار شیخ بزرگوار شیخ محمد علی شاه آبادی نیز شرکت می نمودند.

آیت الله بهاء الدینی در این باره چنین می فرمایند:

«اخلاق عملی را از محضر حاج شیخ ابو القاسم کبیر استفاده می کردم، و در 21 سالگی به درس مرحوم حاج میرزا جواد تبریزی [ملکی] رفتم. ایشان آیه وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا را مطرح فرمودند، ولی آن وقت درس ایشان برای ما قدری مشکل بود...»

بنده در درس کلام میرزا علی اکبر حکمی که در حوزه، فلسفه نیز تدریس می کرد، می رفتم. ایشان اهل یزد و مرد شریفی بود... در درس مرحوم شاه آبادی هم شرکت می کردم. زمانی که به درس اسفار مرحوم شاه آبادی می رفتم، آقای خمینی را می دیدم که از اتاق پشتی خارج می شوند، مرحوم شاه آبادی به ایشان «فصوص»

درس می داد. مباحثه ما اسفار بود، البته من مدت کوتاهی رفتم، نمی دانم چطور بود که خیلی علاقه به فلسفه نداشتیم، ما در فقه و اصول بسیار اهتمام داشتیم.

در کتاب آثار الحجة از شیخ محمد رازی دو استاد دیگر برای آیت الله بهاء الدینی نقل می کنند که عبارتند از حضرات آیات: میرزا محمد فیض قمی، و سید محمد تقی خوانساری.

شایان ذکر است فقیه اهل بیت حضرت آیت الله بهاء الدینی با اوتاد زمان، یعنی فقهای بزرگواری چون: سید احمد زنجانی و میرزا ابو الفضل زاهدی قمی، نیز مباحثه کمپانی و جلسه تبادل علمی داشته اند.

### **اجازه اجتهاد و روایت**

بهاء الدینی، بدون آنکه درصدد اخذ اجازه اجتهاد و روایات باشند، از عالم بزرگوار سید محمد تقی خوانساری اجازه اجتهاد دریافت کردند و محرر این اجازه هم شیخ الفقهاء شیخ محمد علی اراکی بوده اند.

ایشان همچنین از علامه محدث حاج شیخ عباس قمی (صاحب مفاتیح الجنان) اجازه روایت داشتند.

### **مسافرت به عتبات مبارکه**

بهاء الدینی (تقریباً) در 19 سالگی، به منظور زیارت ائمه هدی علیهم السلام به عتبات مشرف شده اند، در مدت اقامت خود در نجف اشرف در درس فقهای گرانمایه از جمله: میرزا محمد حسین نائینی و سید ابو الحسن اصفهانی، شرکت می کرده اند. و سید از ایشان می خواهند که در حوزه نجف بمانند. ولی چون سفر ایشان زیارتی و از طرفی هم در اوایل ازدواجشان صورت گرفته بود به ایران باز می گردند تا در امثال امر سید، به منظور تحصیل در نجف مقدمات سفر را فراهم کنند، ولی مشکلاتی پیش می آید و ایشان موفق به مراجعت نمی شوند.

آنچه در شرح احوال عالمان راستین و اندیشمندان فرزانه، گفتنی است، کوشایی و جدیت فوق العاده در راه تحصیل علم و فضیلت است. در شرح حال آیت حق، حاج میرزا مهدی نراقی می خوانیم، نامه هایی که از موطن ایشان به او می رسید سر نامه را باز نمی کرد و نمی خواند، به این دلیل که مبدا حرفی و مطلبی نوشته باشند که باعث تفرقه حواس و مانع از درس ایشان باشد. همه نامه ها را به طور در بسته در زیر فرش می گذاشت... و یا در احوال مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری نقل می کنند که خود می فرمود: وقتی طلبه بودم در سامرا، به علت گرما همه می رفتند در سرداب، اما من به تنهایی در بالاخانه می ماندم. عرق از سرو صورتم می ریخت، لباسهایم را کنده بودم و یک لنگ بسته بودم تا گرما خیلی در من اثر نکند، و در عین اینکه عرق می ریختم مشغول تفکر بودم.

ما این شور و شوق و جدیت در تحصیل علم و تحقیق و تدریس را در زندگی حضرت آیت الله بهاء الدینی بعینه شاهدیم. یکی از شاگردان ایشان می گوید:

«آقا می فرمود یک سال تمام از مدرسه فیضیه بیرون نیامدم، مادرم می آمد درب مدرسه و از دور مرا نگاه می کرد و باز می گشت، اشتغالات ما به حدی بود که فرصت نمی کردیم به منزل سری بزنیم».

در خصوص شیوه تدریس معظم له، به بیانات دو تن از شاگردان معظم له اشاره می کنیم:

«ایشان در جاهای مختلف تدریس داشتند، از یک ساعت به اذان صبح مشغول بودند، سپس نماز صبح را می خواندند و تا شب مشغول درس و بحث می شدند، بسیاری از بزرگان امروز از شاگردان معظم له هستند، ایشان به تفکر زیاد، بیشتر از نقل اقوال و بحث در اقوال اهمیت می دادند. باید گفت که ایشان اهل تتبع نیستند، بلکه اهل تفکرند، بیان روشنی داشتند و به شاگردان خود بینهش می دادند».

«آیت الله بهاء الدینی در پرورش اشخاص و شاگردان خود، به گونه ای تدریس

می کردند و آنان را پرورش می دادند که ظرف یک الی دو سال اگر کسی نزد ایشان تحصیل می کرد، رشته اصلی فقه دستگیرش می شد، و همین امر سبب می شد که وی به مرحله اجتهاد برسد. نه اینکه تنها به فروعات پردازد و وقت خود را به هدر دهد. ایشان درس اصول هم داشتند...».

نکته دقیق و شایان اهمیت اینکه آیت الله بهاء الدینی علاوه بر تدریس عمومی، یک تقریر دومی به طور خصوصی برای شاگردان خاص خود، نظیر استاد مطهری داشته اند، یکی از فضلا در همین زمینه می گویند:

«ایشان برای مرحوم مطهری رسائل و مکاسب می گفتند، خود آقا اظهار فرمودند که من رسائل و مکاسب عمومی می گفتم، ولی برای شهید مطهری، خصوصی درس می گفتم و دوباره مطالعه می کردم، چون استعداد ایشان قوی بود و دقتشان زیاد، در واقع درس ما سطح و خارج بود، اگرچه اسمش سطح بود».

آیت الله بهاء الدینی علاوه بر تدریس فقه و اصول درسهای اخلاق پرباری هم داشته اند، که از آن جمله درس اخلاقی بوده است که در مدرسه فیضیه برقرار نمودند. و مدتی نیز ادامه داشت که به علت کسالت ایشان به حسینیه معظم له منتقل شد، و هر شب جمعه شیفتگان معارف حقه الهی را از نقاط مختلف قم و

حتی از بعضی از شهرهای دیگر به حسینیه ایشان می کشاند، و آنان چون پروانه ای گرد شمع فروزان سروشهای غیبی برخاسته از انفاس قدسیه ایشان جمع می شدند و بهره می بردند.

اخلاق عملی ایشان، شاگردان توانا و برجسته ای پرورش داده که بسان ستارگان فروزان زینت بخش آسمان علم و عمل و محور تقوا و فضیلت به حساب می آیند، از جمله این شاگردان حاج آقا مصطفی خمینی بود که به توصیه پدرشان ملازم حاج آقا بهاء الدین بوده، و از اعمال و انفاس و اخلاق ایشان بهره ها برده اند. و همچنین استاد مرتضی مطهری.

در مورد تألیفات ایشان بیان این نکته لازم است که اهتمام خاص ایشان به تدریس متون حوزوی، و عنایت وافر ایشان به مسائل اخلاقی و تربیت شاگردان وارسته و اهمیّت ویژه ای که ایشان به تفکر و تدبّر می دهند، بیشتر اوقاتشان را اشغال کرده بود، لذا فرصت تألیف کمتر برای ایشان مهیا بوده است.

### **آثار قلمی ایشان**

1- تقریرات درس حاج شیخ عبد الکریم حائری.

2- شرح بر صحیفه سجادیه.

3- شرح نهج البلاغه.

4- مباحثی در تفسیر قرآن.

ص: 720

که متأسفانه تا این زمان هیچ یک به زیور طبع آراسته نشده است.

## جامعیت معظم له

تا به حال سخن از اشتغالات پردامنه علمی این فقیه فرزانه و سعی و تلاش فراوان ایشان در تعلیم و تعلم بود، حال سخن بر سر این است که اشتغالات علمی، نه تنها ایشان را از معنویات دور نکرده، بلکه ایشان را آماده ساخته است تا از همان آغاز دوره کودکی و نوجوانی در امر خودسازی سعی و تلاش فراوان بنمایند، و با الگوگیری از زندگی ائمه اطهار علیهم السلام به مرحله ای از سلوک برسند، که خود الگویی برای سالکان طریق الی الله و شیفتگان سیر و سلوک، به شمار می رفت.

کوتاه سخن اینکه بهاء الدینی فقیهی است موحد و مخلص، زاهدی روی برتافته از زخارف دنیوی، وارسته ای بی تکلف و بی تعین، بزرگ مردی مسلط بر هوا و هوس، بنده ای در اعلی درجه مقام رضا و تسلیم، عارفی متمسک به اهل بیت علیهم السلام، تقوایبش ای شب زنده دار و متعبد، و مردی اهلی صاحب کرامات و مکاشفات، و مهمتر و ارزشمندتر از همه اینکه، مستجمع بسیاری کمالات است، یعنی به آن کمالاتی که دیگران را به آن سفارش می کنند، خود به آن مرحله و درجه رسیده و نمونه عینی و عملی آن شده اند، لذا وقتی فردی و لو چند لحظه در محضر ایشان می نشیند، حس می کند که سبک شده و علاقه او به آخرت افزون گشته و از عشق و علاقه اش به دنیا کاسته شده است.

## سید رضا تفرشی همدانی

### اشاره

(-1404 ق)

حاج سید رضا فرزند سید اکبر مصطفوی حسینی تفرشی همدانی، از اهالی درجزین همدان و از فضلالی معاصر بود.

ایشان ابتدا در فارسجین همدان خدمت آیت الله شیخ مقیم زنجانی سطح را

ص: 721

تحصیل کرده، سپس مدتی چند در نجف اشرف تحصیلاتی داشت و پس از مراجعت به ایران وارد حوزه علمیه قم شد و دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمد رضا گلپایگانی شایان استفاده نمود.

وی در روز چهارشنبه 7/ربیع الثانی 1404/ق مطابق با 21/دی 1362/درگذشت و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون شد.

#### - منبع

1- آینه دانشوران 257.

#### سید رضا جاپلقی

#### اشاره

(-1354 ق)

سید رضا فرزند علی محمد و نوه ارباب موسوی جاپلقی بروجردی. از علمای برجسته و بزرگان عصر خود بود.

نامبرده نواده دختری علامه سید شفیع جاپلقی-صاحب الروضه البهیه- و داماد علامه سید محسن عراقی (متوفی 1325 ق) می باشد.

ایشان تحصیلات عالی خود را در اصفهان نزد میرزا ابوالمعالی کلباسی تلمذ کرد، و در حدود سال 1305 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات:

میرزا حبیب الله رشتی و شیخ محمد کاظم خراسانی استفاده نمود و پس از پنج سال

ص: 722

اقامت در حدود سال 1310 ق به ایران بازگشت و در جاپلق سکونت اختیار کرد.

بنا بر اظهارات علامه سید محمد حسین علوی بروجردی (دام مجده): مرحوم جاپلقی هر سال مدت یک ماه در سال در قم اقامت می کرد و مورد تجلیل و احترام سایر طبقات قرار می گرفت، و مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی از ایشان دیدن می کرد.

او در سال 1354 ق مطابق با 1314 ش درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام قم به خاک سپرده شد. فرزندش سید عطاء الله جاپلقی است.

## -منابع

1- تاریخ بروجرد 422/2.

2- نقباء البشر 764/2.

## میرزا رضا حکمت شیرازی «سردار فاخر»

## اشاره

(1311-1397 ق)

میرزا رضا فرزند حسام الدین و نوه محمد شیرازی، ملقب به «حکمت» و «سردار فاخر» از سیاست مداران معروف تاریخ معاصر ایران بود.

وی در سال 1311 ق مطابق با 1272 ش در تهران تولد یافت.

## فعالیت های سردار فاخر

دوره ابتدائی را در مدرسه علمیه سپری کرد و در سال 1322 ق همراه پدر خود به شیراز رفت و به کار کشاورزی پرداخت. از همان اوان به فعالیت های سیاسی روی آورد و همراه جمعی از دوستان و همفکران، «حزب دمکرات» را در همان شهر تأسیس نمود. در سال 1322 ق از طرف احمد شاه قاجار به «فاخر السلطنه» ملقب گردید.

حکمت در شیراز عضو کمیته حافظین استقلال بود و همواره علیه انگلیسی ها

ص: 723



با سایر مجاهدین آن خطه به جنگ و مبارزه پرداخت. در سال 1296 ش (1336 ق) به تهران رفت و از شاه لقب «سردار فاخر» دریافت نمود. او با قرارداد وثوق الدوله (در سال 1919 م) با انگلیسی ها سخت به مخالفت پرداخت، و به همین خاطر به اروپا رفت و پس از یک سال به ایران مراجعت نمود.

در سال 1338 ق با میرزا کوچک خان جنگلی ملاقات کرد و جدا شدن از بلشویکی ها را از او خواستار شد، که این مأموریت موفقیت آمیز بود و به تهران بازگشت.

از جمله مناصب او: نمایندگی در مجلس مؤسسان از آباءه (استان فارس در سال 1304 ش)، حاکم گرگان (1313 ش)، حاکم یزد (1315 ش)، استاندار کرمان (1319 ش)، ریاست کل آمار و ثبت احوال (1322 ش)، استاندار کرمان و بلوچستان (1325 ش)، عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات ایران، عضو شورای سلطنتی و نیز نمایندگی در مجلس شورای ملی از آباءه، دوره های: چهارم (1300 ش مطابق با 1339 ق) و پنجم (1302 ش مطابق با 1342 ق) و هفتم از شیراز (1307 ش مطابق با 1363 ق) و پانزدهم (1326 ش مطابق با 1366 ق) و شانزدهم (1328 ش مطابق با 1369 ق) و هیجدهم (1332 ش مطابق با 1380 ق) و نیز سمت ریاست مجلس شورای ملی را در دوره پانزدهم برعهده داشت.

ایشان در ذی قعدة 1397/ ق مطابق با آبان 1356/ ش در سن 86 سالگی در پی بیماری و خونریزی مغزی درگذشت. پیکرش به قم حمل و در مقبره خانوادگی شان مدفون گردید.

## -منابع-

1- رهبران مشروطه 638/2.

2- نمایندگان مجلس شورای ملی 319.

ص: 724

اشاره

(-1339 ق)

از دانشمندان و فقهای متقی بود.

وی در رشت گیلان دیده به جهان گشود و پس از نشو و نما و طی مقدمات لازم به حوزه کهن نجف اشرف رهسپار شد و تحصیلات عالی خود را نزد آیت الله میرزا حبیب الله رشتی و دیگران به پایان رسانید و خود اقدام به تشکیل حوزه درسی و عده ای از طلاب را تربیت نمود. ولی پس از چند سال به رشت بازگشت و به انجام امور دینی از قبیل: اقامه جماعت و ارشاد و نشر احکام الهی اشتغال ورزید.

نامبرده در سال 1339 ق جهت ادای زیارت حضرت معصومه علیها السلام به قم مشرف شد و در همان مدت درگذشت و پیکرش در آن زمین پاک مدفون گردید.

-منبع

1-نقباء البشر 728/2.

استاد رضا روزبه

(1393-1340 ق)

این بزرگ مرد، در سال 1300 شمسی در خانواده ای مشهور به تقوا و صلاح، در شهر زنجان دیده به جهان گشود.

پدر پاک سرشتش، کربلایی محمود خباز، او را «رضا» نامید و چه نیکونامی بر او نهاد. چرا که با عملش ثابت کرد همواره راضی به رضای حق است.

در دوران تحصیل، پیوسته خوش درخشید و از اوان کودکی با نبوغ و استعداد درخشان خود، همگان را به اعجاب واداشت. دوران دبستان و دبیرستان را با موفقیت پشت سر گذاشت. در این زمان، علاوه بر تحصیل، مقدمات علوم حوزوی سطح را فراگرفت و نزد آیت الله شیخ حسین دین محمدی و آیت الله سید محمود

ص: 725

حسینی زنجان‌ی - که از علما و مراجع بزرگ شهر زنجان بودند - به تحصیل سطوح عالی فقه، اصول، منطق و فلسفه پرداخت.

او پس از گرفتن دیپلم، به کسوت معلمی درآمد و در دبستان توفیق - که از مدارس مذهبی آن روز در خطه زنجان بود - مشغول تدریس گشت. آن زمان (1324 ش)، مقارن بلوای فرقه دمکرات، به رهبری جعفر پیشه‌وری، در آذربایجان بود.

شهر زنجان نیز از این مصیبت بی بهره نماند و آفت دمکرات به آن شهر هم سرایت کرد و در همین راستا بود که روزبه اولین مبارزه اعتقادی را برای دفاع از مکتب خود آغازید.

این اقدام، او را با مشکلات و خطراتی مواجه ساخت و تنگنای رها کردن خدمت معلمی و چه بسا دستگیری و زندان قرار داد، اما لطف خدا مددکار شد و وی بار دیگر راهی را که آگاهانه و هدفدار برگزیده بود - ادامه داد، پس از آن به تهران آمد.

در سال 1330 ش وارد دانشکده علوم دانشگاه تهران شد. در رشته فیزیک، در قسمت تربیت دبیر، تحصیلات عالی خود را پی گرفت و پس از سه سال، به اخذ لیسانس نائل شد. در دانشکده، همواره دانشجویی مبرز و ساعی به شمار می آمد و استادان او، از داشتن چنین شاگردی بر خود می بالیدند.

در سخت کوشی وی همین بس که برای بررسی روش تجربی فوکو درباره گردش وضعی زمین، 24 ساعت تمام در آزمایشگاه ماند تا صحت تحقیق فوق را خود بیازماید. استاد پس از دریافت مدرک لیسانس، پروژه ای تحقیقاتی تحت عنوان «مطالعه در آثار میدان الکتریکی و رادیاسیون و گاز ازن، روی موجودات زنده» را از زیر نظر استاد محقق دکتر جناب در دانشگاه با موفقیت به پایان برد.

این تحقیق علمی، از اول مهر ماه 1334 تا اول مهر ماه 1338 ش به طول انجامید که خود بیانگر دقت نظر و روحیه موشکافانه روزبه است. مقارن با درخشش خورشیدگونه روزبه در دانشگاه و بلندآوازه گشتن نامش، علامه

کرباسچیان از او دعوت کرد تا در تأسیس مدرسه ای منسوب به نام مولایشان -علوی- با وی همگام شود؛ او نیز بی درنگ پذیرفت و تا آنجا در این انتخاب ثابت قدم ماند که عنوان «دانشیار دانشگاه» را نپذیرفت و فرصت تحقیقاتی خارج از کشور را که در اختیارش گذاشته بودند، نادیده انگاشت.

روشنگری روزبه به همین جا خلاصه نشد، بلکه پس از مدتی، خلأ مدارس دخترانه مذهبی در ذهن پویایش احساس شد و بر اثر تلاش پیگیر آن فقیه و همراهی برخی از روحانیون فاضل و آگاه، بانوان تحصیل کرده و متدینی تربیت شدند که ثمره اش، تأسیس مدرسه راهنمای و دبیرستان دخترانه روشنگر بود.

زبان فرانسوی را به خوبی می دانست. در ادبیات عرب فحل دوران بود و در عین اینکه همگان او را استاد مسلم فیزیک قلمداد می نمودند، در رشته زیست شناسی و طبیعی اهل نظر بود و در فلسفه و منطق نیز پاسخگوی پرسش های مشتاقان به شمار می آمد.

روزبه مطالعات گسترده ای در فقه و اصول داشت تا آنجا که برخی او را مجتهد می دانستند. تفسیر را به خوبی می دانست و در علم کلام ید طولایی داشت. در راه کسب علم و دانش، مبدأ و معاد صدر المتالهین و منطق حکمت الاشراق را به نیکی نزد آیت الله سید محمود زنجانی فراگرفت و از سال 1333 ش برکت و جودیش بیش از پیش رخ عیان کرد. در عین سخت کوشی، آرام و درون گرا بود و اعتقاد داشت که از لحظات عمر باید بهره مند شد تا در آینده ایام، هیچ گاه حسرت گذشته نخورد. به این سخن خویش نیک ایمان داشت که: «اگر یک بار دیگر عمرم تکرار شود، دوباره همین راه را انتخاب خواهم کرد.»!

اندیشه ای به پهنای افق داشت. جملات را آرام و شمرده ادا می کرد؛ جملاتی که هرکدام بار یک دنیا معرفت را به دوش می کشیدند. کم حرف می زد، اما مفاهیم سخنانش بلند، پرمعنی و رسا بود. ناطقی ورزیده به شمار می آمد که سخنانش به سادگی خودش بودند و مانند روزبه شمیم بی ریایی را می پراکندند. برایش «کار»

اصل به شمار می آمد و زندگی چیزی جز فرع نبود. برای دانش آموختگان مکتب وی، روزه کسی بود که به راستی می شد او را سرمشق قرار داد. کسی که به غذای ساده ای بسنده کند، کسی که نوافلش ترک نشود و به هنگام ادای نماز، ادب ایران باشد، واقعا شایسته اقتداست.

چشمان جذاب و ابروان پرپشتش، موهای سفید و جوگندمی اش، اندام نسبتا کوتاه و درشت استخوانی اش شخصیت آرام و خوش برخوردش، مهربانی و صفایش، همه و همه از او محبوبی ساخته بود که در نخستین دیدار، مهرش بر قلب ها می نشست و در دیدار، مهرش بر قلب ها می نشست و در دیدارهای بعد جدایی از او، چه مشکل می نمود!

فردی که مقید بود نمازها را در اول وقت بگذارد، توسن نفس را مهار سازد و لگام زند، در تربیت و تهذیب خود و دیگران تا پای جان بکوشد، چرا چنین جذبه ای نداشته باشد؟

پشتکار عجیبی داشت تا آن حد که در اواخر عمر به فراگیری کامل زبان انگلیسی پرداخت و در این راه نیز، شاهد موفقیت را در آغوش کشید.

به گفته شاگردانش، با طلوع آفتاب در مدرسه حاضر می شد و تا پاسی از شب در مدرسه می ماند. تا آنجا که بعضی می پنداشتند که استاد شب را در مدرسه به صبح می آورد! برنامه مدرسه را با تفسیر قرآن آغاز می کرد و با اخلاق و فقه پی می گرفت و بعد از آن، کار روزانه شروع می گشت. معلمی توانا و زبردست بود و هر درسی را که به او محول می شد، با تسلط کامل بیان می کرد. چرا که طبق گفته خودش برای تدریس هر صفحه درس، قریب 10 ساعت وقت صرف می کرد و بهتر از هرکس درس را در اذهان شاگردان جای گیر می ساخت.

سطح علمی اش تا آن حد بالا بود که برخی استادان دانشگاه، مسایل علمی خود را با ایشان در میان می گذاشتند. چنان که علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان در مورد بعضی آیات، نظر روزه را جویا می شد.

به تفکر و اندیشه و عقیده مندی شناخته شده بود و دلش برای مذهب می تپید.

در نظر او، زندگی مادی این دنیا، پست و بی ارزش بود. به خوراک و پوشاک اهمیتی نمی داد و زیستی او خبر می داد. در دهه آخر حیات سراسر برکت خود، همراه شهید موسوی، به انگیزه تسهیل آموزش و یادگیری زبان عربی، کتابی به نام «عربی آسان» تهیه و تدوین کرد، که مورد استقبال محافل آموزشی واقع شد. این کتاب، نه تنها در دبیرستان علوی جایگزین سایر کتابها شد، بلکه در حوزه های علمیه نیز جای خود را باز کرد. سرانجام در سازمان تدوین کتاب های درسی آموزش و پرورش مورد توجه قرار گرفت و تألیف کتاب عربی دوره راهنمایی برعهده این دو شخصیت گذاشته شد. از آن پس تا امروز نیز، این کتاب همچنان راهگشای افرادی است که در پی آموختن زبان عربی اند.

ولی... دریغ و افسوس که «دایم گل این بستان شاداب نمی ماند»! در سال 1347 ش، به دنبال یک سرماخوردگی ساده، استاد بیمار شد و به مرور زمان بیماری اش شدت یافت. سرانجام به تشخیص پزشکان، بیماری استاد، سرطان اعلام شد. به توصیه آنها، استاد بایست برای معالجه به خارج از کشور عزیمت می کردند. ولی ایشان نمی پذیرفت تا اینکه، آیت الله سید محمد هادی میلانی، مرجع تقلیدشان حکم کردند که برای معالجه تشریف ببرند. استاد پس از بازگشت از این سفر درمانی، بر حجم کار خود افزود. گویا دریافته بود که زمان زیادی از عمر او باقی نمانده است و باید هرچه در توان دارد به کار بندد، تا افقهای روشن دین داری توأم با عزت را به مشتاقان بنمایاند.

متأسفانه بعد از پنج سال، بار دیگر بیماری استاد شدت گرفت. در سال 1352 ش، به دومین و واپسین سفر معالجاتی خود رفت. اما در شامگاه دوشنبه 21 /آبان، مقارن ساعت 19، آن آفتاب علم و ادب غروب کرد و دلهایی را در داغ ماتم خود سوگوار و عزادار ساخت.

مراسم تشییع پیکر مطهر او در تهران و قم، با حضور مقامات علمی و دینی و

شاگردان وفادار روزبه، بهترین گواه بر بزرگ مردی و محبوبیت قلبی روزبه است؛ کسی که علامه طباطبایی در نوشتاری او را «استاد عالی قدر» خواند! روحش شاد و راهش همواره پر رهرو باد.

**سید رضا صدر**

**اشاره**

(1339-1415 ق)

حاج سید رضا صدر بن سید صدر الدین بن سید اسماعیل بن سید صدر الدین عاملی بن سید صالح شرف الدین بن الشریف محمد بن الشریف ابراهیم (الشهیر بشرف الدین) بن زین العابدین بن علی نور الدین بن نور الدین علی بن حسین بن محمد بن حسین بن علی بن محمد بن تاج الدین (المعروف بابی الحسن) بن محمد بن عبد الله بن احمد بن حمزه بن سعد الله بن حمزه بن محمد بن عبد الله بن محمد بن علی بن عبد الله بن محمد بن طاهر بن حسین بن موسی بن ابراهیم المرتضی بن الامام موسی الکاظم علیه السلام.

آقا رضا در 5/رمضان 1339/ق در مشهد مقدس از دخت آیت الله حاج سید حسین طباطبائی قمی دیده به جهان گشود.

در سن کودکی همراه پدر و مادر به قم رفت و پس از طی مقدمات، سطوح و خارج از محضر آیات: پدر خود، سید محمد تقی خوانساری، سید محمد حجت کوه کمری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمد داماد یزدی در فقه و

ص: 730

اصول و فلسفه را از محضر آیت الله سید روح الله خمینی بهره مند گردید.

نامبرده سالهای متمادی در تهران سکونت اختیار کرد و در مسجد امام حسین علیه السلام واقع در میدان امام حسین به اقامه جماعت و ارشاد اشتغال داشت و مورد توجه عموم طبقات شده بود و سرانجام به قم بازگشت و به اشتغالات مذهبی خود ادامه داد.

سید محمد شاهرودی سید رضا صدر

### **آثار قلمی اش**

صدر علاوه بر کار تدریس و تعلیم و تربیت و خطابه، قلمی روان و نثری قوی و دارای سبک داشت، رسالات و مقالات مختلفی را در زمینه های گوناگون به رشته تحریر درآورده، که کاشف از تسلط آن مرحوم به نثر فارسی و عربی، و جامعیت وی در رشته های مختلف علمی و ادبی می باشد.

### **آثار چاپ شده آن فقیه عبارتند از:**

1- الاجتهاد و التقليد (فقه استدلالی).

ص: 731



- 2-الفلسفه العليا(حکمت متعالیه) .
- 3-المسیح علیه السلام فی القرآن.
- 4-محمّد صلی الله علیه و آله و سلم فی القرآن.
- 5-العداله فی الفقه.
- 6-ارث الزوجه عند الامامیه(فقه استدلالی).
- 7-يوم الانسانيه(حديث غدیر).
- 8-مقدمه نهج الحق.
- 9-مقدمه غايه المرام(علامه بحرانی).
- 10-نگاهی به آثار فقهی شیخ طوسی.
- 11-قرآن شناسی.
- 12-راه محمّد صلی الله علیه و آله و سلم، دو جلد.
- 13-راه علی علیه السلام.
- 14-تفسیر سورة حجرات.
- 15-حسن یوسف(تفسیر سورة یوسف).
- 16 و 17-راه قرآن.
- 18-پیشوای شهیدان.
- 19-بانوی کربلا(ترجمه کتاب زینب بطله کربلاء).
- 20-فلسفه آزاد.
- 21-استقامت.
- 22-دروغ.
- 23-حسد.

24- زن و آزادی.

25- زیارتنامه حضرت رضا علیه السلام.

ص: 732

26-سخنان سران کمونیسیم درباره خدا.

27-مرد وفا.

28-زیر درختان سدر.

29-مقدمه نامه دانشوران.

**و اما آثار ارزنده خطی مرحوم به قرار زیر می باشند:**

30-أربعون و مأتا مسأله(250 تمرین فقهی).

31-التعليقه على العروه الوثقى.

32-صحائف في الفلسفه(حاشیه بر منظومه سبزواری).

33-حاشیه بر اسفار صدر المتألهین.

34-الجهاد و الثوره.

35-الفقه على مذهب اهل البيت(ع)(كتاب الصلاه).

36-نفائس الاصول.

37-القواعد الثلاث(قاعده التجاوز،قاعده الفراغ و قاعده الحيلوله).

38-رساله في الاجزاء.

39-رساله في مقدمه الواجب.

40-رساله في حكم نجاسه الباطن.

41-رساله في الشبهه العبائيه.

42-رساله في الملاقي لأحد أطراف الشبهه المحصوره.

43-المتفق و المفترق.

44-خواجه نصير الدين طوسی.

45-درست و نادرست.

46-سبد(کشکول).

47-خليفة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم.

ص:733

48- برهان صدیقین.

49- راه مهدی (عجل الله فرجه).

50- دیوان شعر.

51- ترجمه رساله الحقوق (از امام چهارم).

### فرزندانش عبارتند از:

1- آقای دکتر سید کاظم صدر (دکترای اقتصاد کشاورزی و استاد دانشگاه بهشتی).

2- آقای دکتر سید محمد صدر (معاون سابق وزیر خارجه و دکترای داروسازی و مدیر مجله رازی).

3- آقای سید مهدی صدر (از طلاب فاضل حوزه علمیه قم).

نامبرده در حدود ساعت 2 بعد از ظهر روز سه شنبه 26 جمادی الاول 1415/ ق مطابق با 10 آبان 1373/ ش در سن 76 سالگی در پی بیماری سرطان در قم درگذشت. جسدش در روز عصر چهارشنبه از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشییع و در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### -منابع-

1- آثار الحجج 205/1 و 94/2.

2- بغیه الراغبین فی سلسله آل شرف الدین 257/1.

3- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان 303/1.

4- روزنامه اطلاعات 28 آذر 1373/ ش بقلم شیخ علی حجتی کرمانی.

5- فهرست کتابخانه قدس رضوی 541/6.

6- گنجینه دانشمندان 503/4.

7- مؤلفین کتب چاپی 171/3 (که تولدش را در قم نوشته است).

(1332-1404 ق)

حاج سید رضا علما ملقب به «خادم الشریعه» فرزند سید حسین قمی، یکی از فضلا و شعرای معاصر بود.

او در سال 1332 ق در قم پا به عرصه گیتی نهاد.

پس از طی مقدمات، سطح را نزد استاد ترابی تلمذ نموده، و خارج را از محضر آیات: سید صدر الدین صدر، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی استفاده کرده است. در ضمن منظومه را از محضر آیت الله سید روح الله خمینی، و فلسفه را از محضر علامه شیخ محمد مهدی مازندرانی (امیر کلایی) بهره مند گردید.

برادر ارجمند ایشان جناب حجه الاسلام سید تقی علما، سایر اساتید برادرش را چنین یاد می کند:

میرزا محمد فیض قمی، سید محمد تقی خوانساری و حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی. سپس عازم نجف اشرف گردید، و مدت دو سال از محضر آیات: سید ابو الحسن اصفهانی، سید حسین اصفهانی و سایرین بهره ها برد و مجددا به زادگاهش بازگشت.

## از آثار او

1- جزواتی در تفسیر.

ص: 735

2- دیوان اشعار (که مفقود شده است).

3- شمع انجمن (به نثر و نظم).

دو نمونه زیر از اشعار ایشان است:

نمونه اول:

ای بانوی دین شکسته پهلو خاتون سیاه گشته بازو

بعد از پدر بزرگوارت بد تا دم مرگ گریه کارت

رخساره ز ظلم گشته نیلی آزرده شده ز ضرب سیلی

از ضرب در و دل حزینت ساقط شده محسن جنینت

بر حضرت تو ز راه یاری داریم امید رستگاری

نمونه دوم:

تا بکی پایبند این قفسی گوش داری ببانگ هر جرسی

می کنی تا بچند بوالهوسی هر دم از عمر می رود نفسی

چون نگه می کنی نماند بسی

هیچ آری بیاد وقتی را؟ دادن جان زمان سختی را؟

قدر دان ز عمر خویش لختی را تا کنی درک نیک بختی را

کن ز اعمال خویش بازرسی

پس طیبیان ز تو کناره کنند چاره نیست تا که چاره کنند

اهلیتت تو را نظاره کنند جامه صبر پاره، پاره کنند

هست جاری ز چشم اشگ بسی

زن و فرزند خویش می نگری لیک از دیده که رشک بری

مال دیگر نمی دهد ثمری زن خیالش بشوهر دیگری

شده فرزند زیر دست کسی

ص: 736



علما سرانجام در روز دوشنبه 21 ذی الحجه 1404/ ق مطابق با 26 شهریور 1363/ ش در سن 72 سالگی در قم درگذشت، و در قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

## -منابع

1- افادات برادر معظم ایشان آقای سید تقی علما.

2- شمع انجمن 289 و 291.

3- معلومات فرزند ایشان آقای سید مهدی علما.

## میرزا رضی زنوزی تبریزی

### اشاره

(1294-1374 ق)

آیت الله حاج میرزا رضی (نامش محمد است) فرزند علامه شیخ محمد حسن و نوه ملا عبد الکریم زنوزی تبریزی، در 14 ذی قعدة 1294/ ق در تبریز دیده به جهان گشود.

مقدمات و ادبیات را خدمت آقا جمال شیروانی در مدرسه حاج صفر علی آموخت، و سطوح را نزد آیت الله میرزا صادق آقا تبریزی تلمذ کرد، و در سال 1318 ق به نجف اشرف مهاجرت و خارج فقه و اصول را از محضر آیات: شیخ محمد فاضل شریانی، آقا رضا همدانی، شیخ محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی استفاده نمود و به درجه اجتهاد نایل گردید، در ضمن علم هیئت و معقول و طب را به قدر وافی و کافی از برادر خود میرزا عبد الحسین فیلسوف الدوله زنوزی و شیخ محمد باقر اصطهباناتی (شهید) فراگرفت. و به امر تدریس و نشر احکام پرداخت در سال 1335 ق به زادگاهش بازگشت. و در سال 1348 ق به قم هجرت کرد و فضلا و طلاب از خدمتشان بهره مند شدند. و همین طور در حال انتقال بین قم و تبریز بود.

ص: 737

- 1- فلاح الفاعل (رساله عملیه).
- 2- حاشیه علی نجاه العباد.
- 3- تعلیقه علی العروه الوثقی.
- 4- رساله فی الکنی و الألقاب.
- 5- کتاب القضاء و الشهادات.
- 6- حاشیه علی الاشارات.
- 7- فهرست ترتیب رجال الکشی و النجاشی و الخلاصه.
- 8- تقریرات اصول خراسانی.
- 9- تعلیقه علی کفایه الاصول.
- 10- الخیارات.
- 11- کتاب الطهاره.
- 12- رساله ای در اثبات توحید.
- 13- حاشیه بر نخبه کلباسی.
- 14- حاشیه علی وسیله النجاه.
- 15- ضمنیات در رجال.
- 16- حاشیه علی المکاسب.
- 17- حاشیه بر منتخب الرسائل.

سرانجام در 1374 ق به سن 80 سالگی در تبریز درگذشت، و در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام قم به دستور آیه الله طباطبایی بروجردی مدفون گردید. فرزندش علامه میرزا علی زنوزی از علمای تبریز در نجف اشرف دیده به جهان گشود و همراه پدرش به تبریز رفت و پس از طی مقدمات در سال 1348 ق به قم رهسپار شد، و از شاگردان آیات: پدرش و سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی، سید محمد خوانساری، میرزا محمد همدانی،



شیخ محمد علی شاه آبادی بود.

از آثار او: مدخل علم التفسیر (که بسیار محققانه نوشته است).

در 9 جمادی ثانی 1401/ق در اثر سکنه قلبی در تبریز درگذشت و در قبرستان مارالان به خاک سپرده شد.

### - منابع

1- آثار الحجه 227/2.

2- آینه دانشوران 174.

3- الاجازه الکبیره 60.

4- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 182.

5- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 368/3.

6- علمای معاصرین 403.

7- گنجینه دانشمندان 312/3.

8- مستدرک اعیان الشیعه 43/1.

9- مؤلفین کتب چاپی 218/3.

10- نقباء البشر 784/2.

### سید رضی الدین وحیدی شبستری

### اشاره

(1304-1367 ق)

سید رضی الدین فرزند علامه سید محمد و نوه سید اسماعیل حسینی شبستری، ملقب به «وحیدی» از دانشمندان و مشاهیر شبستر بود.

وی در سال 1304 ق در شبستر-واقع در استان آذربایجان شرقی-تولد یافت.

پدرش از فضلا و نمایندگان آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی و آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی در امور مذهبی منطقه شبستر

بود.



وی در سال 1304 ق در شبستر-واقع در استان آذربایجان شرقی-تولد یافت.

پدرش از فضلا و نمایندگان آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی و آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی در امور مذهبی منطقه شبستر بود.

جدش سید اسماعیل، از فقها و مشاهیر آن منطقه و از شاگردان شیخ حسن کاشف الغطاء و شیخ محمد حسن نجفی «صاحب جواهر» در نجف اشرف بود.

سید رضی الدین، مقدمات و دروس سطح را در زادگاه خود فراگرفت. سپس در سن جوانی به نجف اشرف رفت و حدود نه سال در آن دیار اقامت نمود. دروس عالی را از مراجع مشهور نجف، از جمله: آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی استفاده نمود و پس از نیل مدارج عالی در حدود سال 1329 ق به شبستر مراجعت فرمود و به حلّ و فصل و رسیدگی امور شرعی اهالی پرداخت.

وی در سال 1367 ق در پی عمل جراحی در سن 63 سالگی در تهران چشم از جهان فروبست و به دیدار حق شتافت. پیکرش به قم حمل و در وسط قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

فرزندانش: 1- سید مرتضی شبستری، در رمضان 1324/ق در نجف اشرف تولد یافت. در دوران کودکی همراه پدرش به شبستر رفت و مقدمات را فراگرفت.

در سال 1338 ق (در سن 14 سالگی) به نجف اشرف مراجعت نمود و از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی و سید محمد حجت کوه کمری در فقه و اصول و آیت الله شیخ علی قمی «زاهد» در اخلاق و تفسیر استفاده نمود. و پس از چهارده سال توقف (یعنی در سال 1352 ق) به شبستر بازگشت.

او علاوه بر تسلط در فقه و اصول، در علوم مختلف دیگر مثل: ریاضیات، نجوم، جغرافیا و علوم اجتماعی مطالعات زیادی داشته است.

دو سال در شبستر اقامت می کند و به امور مذهبی و مشکلات مردم و تدریس می پردازد، آنگاه به تبریز می رود و سرانجام در سال 1369 ق (برابر با 1329 ش) روانه تهران می شود و تا آخر عمر در آن شهر می ماند و به تدریس، سخنرانی و

تفسیر قرآن و دیگر فعالیت های مذهبی اهتمام می نماید.

ایشان در دوره هفدهم (1331 ش برابر با 1371 ق) مجلس شورای ملی، از سوی اهالی تبریز به سمت نمایندگی انتخاب و روانه مجلس می شود.

### از آثار او:

1- تفسیر سوره نساء.

2- تفسیر سوره حمد.

3- تفسیر سوره حجرات.

4- بحوث فی التفسیر.

شبستری در بامداد روز دوشنبه /22 محرم 1401/ ق برابر با /10 آذر/ 1359 ش در اثر سکنه قلبی در سن 76 سالگی در تهران زندگی را وداع گفت.

پیکرش در جوار حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام شهر ری مدفون گردید.

2- مرحوم سید محمد وحیدی، از علمای قم بود که اخیراً درگذشت.

3- مرحوم سید حسن.

4- آقای سید حسین و چهار دختر.

### -منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- اظهارات فرزند ایشان، آیت الله سید محمد وحیدی، به تاریخ محرم 1421/ ق در قم.

### میرزا رفیع الدین تبریزی «نظام العلماء»

### اشاره

(1250-1326 ق)

حاج سید رفیع الدین فرزند میرزا علی اصغر مستوفی و نوه رفیع الدین طباطبائی تبریزی، ملقب به «نظام العلماء» و متخلص به «نظام» از

دانشمندان بزرگ و ادبای سترگ بود.

ص: 741



فرزندان و نوادگان ایشان، کلمه «دیبا» را برای خود به عنوان نام خانوادگی انتخاب کردند و تاکنون به همین لقب معروفند.

### **آثار قلمی ایشان به شرح زیر است:**

- 1- آداب الملوک در شرح عهدنامه مالک اشتر رضی الله عنه.
- 2- الأدب الفارسی، در علم صرف و نحو.
- 3- التحقیقات العلویه.
- 4- الفوائد النظامیه.
- 5- المجالس الحسینیّه.
- 6- المجالس النظامیه فی الأحکام الدینیّه.
- 7- المقالات النظامیه.
- 8- انیس الادباء و سمیر السعداء «کشکول به زبان فارسی».
- 9- تحفه الأمثال و الحکم.
- 10- تحفه خاقانیّه.
- 11- ترجمه الأدب فی قواعد لغه العرب.
- 12- تشریح التقویم.
- 13- حقوق دول و ملل.
- 14- حقوق نظامیه در شرح رساله حقوق (از امام سجاد علیه السلام).
- 15- حقیقه الأمر فی الجبر و التفویض.
- 16- دستور حکمت.
- 17- دیوان رضویه (دیوان اشعاری که در مشهد الرضا علیه السلام سروده است).
- 18- دیوان فی المدائح و المراثی.



19-سفرنامه رضوی.

20-سفرنامه غروی.

21-فتوحات نظامیه در غیبت امام زمان(عج).

22-کفایه العروض.

23-کنوز السعاده و رموز الشهاده.

24-لب الحساب.

25-لؤلؤه البحار فی منقبه الأئمه الأطهار علیهم السلام.

26-مجمع الفضائل(در فضائل امام علی علیه السلام).

27-مصابیح الأنوار و مفاتیح الأسرار، در توحید و معاد.

28-مفتاح الكنوز در مراثی.

29-نور الشهاده.

30-وسیله الزائرین.

نظام العلماء در اوایل سال 1326 ق در پی حوادث مشروطه در تبریز از آن شهر، به روستای «باسمنج»-واقع در دو فرسخی تبریز-منتقل گردید. پس از مدتی کوتاه دچار بیماری شد و در همان سال در سن 76 سالگی در باسمنج درگذشت. پیکرش جهت مراسم خاکسپاری به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

«تذکره العلوم» نام کتابی است که در شرح حالات و مؤلفات مرحوم نظام العلماء به رشته تحریر درآمده، که نسخه ای از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجود است.

### **فرزندان ایشان عبارتند از:**

1-حاج میرزا عبد العلی دیبا ملقب به «سید المحققین»، از علما و سیاسیون که تحصیلات عالی خود را در نجف اشرف نزد آیت الله شیخ محمد فاضل شریانی

به انجام رسانید. و سمت نمایندگی مجلس شورای ملی را برعهده داشت.

2- میرزا نصر الله طباطبائی دیبا ملقب به «ناصر السلطنه»، متوفای اردیبهشت/ 1312 ش، یکی از اعیان و بزرگان بود.

### **منابع**

1- المآثر و الآثار.

2- تحفه الألباء فی تذکره الأولیاء الشرفاء (خطی ص 177).

3- تذکره شعرای آذربایجان 1/3 و سال مرگش را 1327 ق دانسته است).

4- تراجم الرجال 216/1.

5- جغرافیای تبریز 262.

6- دانشمندان آذربایجان 380.

7- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 157 (سال مرگش را در سال 1327 ق دانسته است).

8- ریحانه الأدب 207/6.

9- سخنوران آذربایجان 732.

10- علماء معاصرین 92.

11- مؤلفین کتب چاپی 224/3.

12- نسب نامه شاخه ای از طباطبائی های تبریز 15.

13- نقباء البشر 787/2.

### **شیخ روح الله کمالوند خرم آبادی**

### **اشاره**

(1319-1383 ق)

حاج شیخ روح الله کمالوند فرزند حاج رضا خرم آبادی، یکی از اعظام دانشمندان خطه لرستان بود. تولدش به سال 1319 ق در خرم آباد اتفاق افتاد.

پس از طی مقدمات نزد سید ابو تراب جزایری، به سال 1336 ق به حوزه علمیه بروجرد مهاجرت کرد و سطوح را نزد آیات: شیخ محمد

حسین غروی، سید

ص: 744

حسین طباطبائی بروجردی و سید فخر الدین طباطبائی احمدی به انجام رسانید، و به سال 1338 ق به اراک رفت و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی بهره مند گردید، و هنگام هجرت استادش در سال 1340 ق به قم ایشان نیز به آنجا رفت و ادامه تحصیل را نزد آن بزرگوار داد. دروس حکمت و فلسفه را از محضر حکیم نامی میرزا علی اکبر حکمی یزدی (تجلی) استفاده نمود، و در سال 1346 ق به خرم آباد بازگشت و به ارشاد و خدمات دینی پرداخت.

وی پس از مهاجرت آیت الله طباطبائی بروجردی به قم در سال 1364 ق به آنجا رفت و 5 سال دیگر از محضر آن جناب بهره مند گردید، و به امر استاد خود به خطه لرستان (خرم آباد) بازگشت، و به تأسیس حوزه علمی و یک مسجد و به پرورش و تدریس طلاب اشتغال ورزید. و در آن سامان نفوذ و محبوبیت زیادی پیدا کرد.

استاد شیخ محمد رازی می نویسند: (مرحوم کمالوند از دانشمندان با فضیلت معاصر ما بود، و در معاشرت خوش برخورد و رفیق و در امور دینی متعصب و غیور بود. در سفری که در خرم آباد حدود یک ماه میهمان ایشان بودم، خاطرات شیرین از ایشان دارم).

سرانجام در روز چهارشنبه 23 ذی حجه 1383/ ق مطابق با 16 اردیبهشت 1343/ ش به سن 64 سالگی در خرم آباد درگذشت، و در کنار مرقد استاد خود آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری در حرم حضرت معصومه علیها السلام قم

در روز جمعه 25 ذی حجه مدفون گردید.

شیخ روح الله کمال وند خرم آبادی (1332 ش)

### -منابع

1- آثار الحجه 286/2.

2- آینه دانشوران 243.

3- افادات دانشمند معظم، سید شمس الدین طباطبائی احمدی (دام ظلّه).

4- خورشید آسمان فقاہت و مرجعیت 51.

5- گنجینه دانشمندان 28/5.

6- مشاہیر لر «خرم آباد» 146.

7- هفت هزار روز 187/1.

### شیخ ریحان الله گلپایگانی «نخعی»

### اشاره

(1318-1412 ق)

آنچه که در پیش رو دارید زندگینامه ایشان و سایر حالاتش، که به وسیله «مجله حوزه» تهیه و به چاپ رسیده است که آن را تقدیم می داریم (با اندکی حذف و اضافه):

ص: 746

حوزه: با تشکر از حضرت عالی که مصاحبه با مجله ما را پذیرفتید، ابتدا اجمالی از زندگی علمی خود بیان کنید؟

حقیر در سال 1318 ق، در شهر گلپایگان متولد شدم. مقدمات را در محضر والد بزرگوارم، آخوند ملا زین العابدین مجتهد گلپایگانی به اتمام رساندم. پس از این مرحله، در سال 1338 ق برای ادامه تحصیل، راهی اراک شدم. در این شهر از محضر حجج اسلام میرزا ابو الحسن عراقی و حاج میرزا محمد علی خان و آخوند ملا تقی گلپایگانی، کسب فیض کردم.

شیخ زین العابدین گلپایگانی نخعی

در سال 1340 ق، سال تأسیس حوزه علمیه قم، به حوزه علمیه قم مشرف شدم و تا آخر عمر شریف حضرت آیت الله حائری یزدی، در قم ماندگار شدم و از محضر آن بزرگوار بهره بردم.

پس از رحلت آن جناب. در سال 1360 ق به نجف اشرف، مشرف شدم.

در آن حوزه مقدسه، از محضر حضرات آیات: سید ابو الحسن اصفهانی و سید جمال الدین گلپایگانی، استفاده کردم.

پس از آن، به قم مشرف شدم و از

ص: 747



ابتدای ورود حضرت آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم، در خدمت آن حضرت بودم و به درس فقه و اصول ایشان حاضر می شدم.

حوزه: ابوی حضرت عالی از بزرگان حوزه بوده اند، از این روی برای ما و دیگر طلاب مفید خواهد بود، اگر با چهره ایشان آشنا شویم.

ابوی، از مجتهدین مسلم زمان خود بود. ایشان از شاگردان مخصوص سید محمد حسن شیرازی (میرزای بزرگ) بود. میرزا نسبت به ایشان خیلی ابراز علاقه می کرده اند. البته میرزا، به طلاب خیلی عنایت داشته اند. پدرم نقل می کردند:

«تازه برای تحصیل به سامرا رفته بودم. روزی به کنار شط رفتم و آنجا نشستم.

در این هنگام، میرزا را دیدم که از آنجا عبور می کردند. ایشان تا چشمش به من طلبه افتاد، متوقف شد و از مرکب خود پیاده شد! احوال مرا پرسید و گفت:

اهل کجا هستی؟

گفتم: اهل گلپایگان.

گفت: تاکنون کجا اشتغال به تحصیل داشتی؟

گفتم: در اراک، ولی اکنون به خاطر علاقه ای که به حضرت عالی دارم برای استفاده از محضر شما به اینجا آمده ام.

گفت: آیا تاکنون در مباحثه ما شرکت کرده ای؟

گفتم: بلی.

گفت: مباحثه ما را چگونه یافتی آیا پسندیدی؟

گفتم: خوب بود، ولی یک عیب دارد.

گفت: چه عیبی؟

گفتم: حضرت عالی، بیش از اندازه به شاگردان میدان می دهید که اظهار نظر کنند و آرای خود را بیان کنند، این موجب می شود که وقت کافی برای تقریر و توضیح مطلب باقی نماند.

ایشان از این سخن خوشش نیامد، و فرمود: چنانچه مدتی در درس من حاضر

شوید، خواهید فهمید که مباحثه من، به مراتب از مباحثه میرزای نائینی مفیدتر است.

پدرم گفت:

«راستی هم، چنین بود. من بعدها که بیشتر به درس میرزا رفتیم، متوجه شدم که درس ایشان واقعا مفید است. شیوه ای که میرزا داشت، مخصوص به خودش بود.»

آن مرحوم وقتی مطلبی را می گفت، از شاگردان نظرخواهی می کرد و از آنان می خواست که در جلسه بعد، نظرشان را راجع به آن مطلب بگویند. به خاطر همین، طلاب مجبور می شدند تلاش کنند، تا نفی و اثباتا، مطلبی برای ارائه به استاد داشته باشند. این روش، استعدادپرور بود و شاگردان را رشد می داد. درست برخلاف روش میرزای نائینی که ایشان، بنا بر آنچه می گویند، خیلی کم به شاگردان اجازه اظهار نظر می داد.»

حوزه: اساتیدی که حضرت عالی از محضر آنان بهره برده اید، چه شیوه ای در ارائه درس داشتند؟

از اساتید این جانب، آیت الله حائری یزدی، تقریبا روش میرزا را داشت.

ایشان به شاگردان، مجال می داد تا اظهار نظر کنند. همچنین بود آیت الله بروجردی. در محضر ایشان هم اگر کسی اظهار نظر می کرد، خوشش می آمد و تشویق می کرد. ولی آیت الله حجّت، این روش را نداشت، بلکه ایشان قبل از درس مطالب را دسته بندی و تنظیم می کرد و به شاگردان ارائه می داد، و کمتر به کسی اجازه می داد در وسط درس اظهار نظر کند.

حوزه: حضرت عالی در بیت آیت الله بروجردی، چه سمتی داشتید و به چه کارهایی مشغول بودید؟

همان طور که عرض شد، بنده از ابتدای ورود آیت الله بروجردی به قم، در خدمتشان بودم و آن جناب، به خاطر آشنایی قبلی که با حقیر و پدرم داشت، به من عنایت خاصی داشتند، و برخی از امور را به من محول کردند. از جمله: اگر طلبه ای

را می خواستند مسئولیتی بدهند، تشخیص صلاحیت آن شخص به من واگذار می شد، و پس از تأیید صلاحیت نامه او را می نوشتم و آیت الله بروجردی امضا می کردند. و همچنین از جمله اعضای هیئتی بودم که برای رسیدگی به امور حوزه و طلاب، از طرف آیت الله بروجردی تعیین شده بودند.

در این هیئت حضرت امام و حاج شیخ مرتضی حائری هم عضویت داشتند.

علاوه بر این کارها، در برخی از جلسات استفتائی که مهم بود شرکت می کردم.

حوزه: حضرت عالی چرا قم را ترک کردید و در تهران ساکن شدید؟

آیت الله بروجردی، به تبلیغات، بسیار اهمیت می داد. سعی داشت که از طلاب فاضل، برای تبلیغ در شهرستانها و حتی خارج از کشور، استفاده شود. به همین منظور، هرگاه زمینه فراهم می شد، فوری اقدام می کرد. روی همین برنامه، بنا بر تقاضای عده ای از مؤمنین تهران، که از ایشان خواسته بودند فردی را برای اقامه جماعت و تبلیغ و ارشاد به «مسجد پنبه چی» بفرستند، آن مرحوم، مرا فرستادند و در نامه ای خطاب به مردم آنجا نوشتند:

«من آقای نخعی را که مورد اعتماد من است، برای امامت جماعت و تبلیغ و رسیدگی به امور محل، به سوی شما فرستادم و...».

این جانب از آن زمان تاکنون، که حدود 40 سال است، در تهران هستم و مشغول انجام وظیفه. عده ای دیگر هم در همان وقت از طرف ایشان به همین منظور به تهران فرستاده شدند، از جمله آقای سید احمد خوانساری بود که من برای معرفی ایشان به مردم، با ایشان به تهران آمدم...

حوزه: آیا تألیفی هم در زمینه مسائل فقهی و اصول دارید؟

تقریرات و نیز تحقیقاتی در اصول و فقه دارم که به همراه کتابهایم فرستادم قم برای کتابخانه مدرسه آیت الله گلپایگانی، زیرا دیدم با این حالت کسالت و کهولت سن، توانایی مطالعه ندارم و صحیح نیست این کتابها بدون استفاده بماند.

حوزه: شنیده ایم که حضرت عالی طبع شعر هم دارید و اگر ممکن است یکی از

اشعار خود را برای ما بخوانید.

بله، طبع شعر دارم و چند شعری هم گفته ام. متأسفانه از دفترهای شعرم اینجا موجود نیست، زیرا آنها را هم با کتابهایم فرستادم قم. اکنون هم از شعرهایی که گفته ام چیزی جز یک رباعی که درباره «صبر» گفته ام، به خاطر ندارم و آن رباعی را خدمتتان عرض می کنم:

گویند صبر کن که ترا صبر بر دهد آری دهد، ولی به عمر دگر دهد

من چون که عمر خویش به صبوری گزاردم عمری دگر خواهد که تا صبر بر دهد

حوزه: در پایان اگر ممکن است ما را نصیحت بفرمایید.

نصیحت من این است که خداوند را، در جمیع حالات، در نظر داشته باشید.

خدا را از یاد نبرید، تا اینکه از خطاهای عمدی مصون باشید. و به درس و مطالعه زیاد اهمیت بدهید که بسیار باارزش است. به نظر من اگر امر دائر شود بین اینکه طلبه در نیمه شب، نماز شب بخواند ثوابش بیشتر است یا مطالعه فقه، من می گویم مطالعه فقه، زیرا فایده اش به دیگران هم می رسد.

نویسنده کتاب گوید: آیت الله نخعی همچون جد بزرگوارش مالک اشتر نخعی به خاندان علی علیه السلام عشق می ورزید، و شاید بتوان به گوشه ای از این شور و عشق از لابلای اشعار ادیبانه زیر که در مدح ولادت حضرت قائم (عجل الله فرجه) سروده است، پی برد:

صفحه گلزار را نشاط یکسر گرفت به مژده وصل یار روح به فیکر گرفت

واسطه عدل و داد قدم بدنیا نهاد پیر کهن سال دهر زندگی از سرگرفت

راهنمای نجات والی بر کاینات مقام مولائی از خالق اکبر گرفت

با «نخعی» گو ترا جرم فزون از حد است به مدح شه می توان شافع محشر گرفت

علامه نخعی سرانجام شب جمعه اول/ربیع الثانی 1412/ق مطابق با 18/مهر 1370/ش در سن 94 سالگی، در بیمارستان الوند تهران در پی عمل جراحی

ص: 751

درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیها السّلام قم مدفون شد.

## -منابع

1- آثار الحجّه 46/2.

2- گنجینه دانشمندان 582/4.

3- مجله حوزه، شماره 46، سال 1370 ش، ص 40.

4- هفته نامه (نیرو)، به تاریخ چهارشنبه 24 مهر 1370/ ش، ص 2.

ص: 752

(ح- 1313 ق)

از بزرگان و فقها و دانشمندان عصر خود بود که در زهد تقوا زبان زد همگان بود.

ایشان تحصیلات عالی خود را در نجف اشرف از محضر آیات: شیخ مرتضی انصاری، سید حسین کوه کمری استفاده کرد و در سامرا از شاگردان ممتاز میرزا محمد حسن شیرازی به شمار می رفت که موفق به نیل درجه اجتهاد از این استاد گردید.

قزوینی پس از انجام تحصیلات خود به ایران مراجعت کرد و در شهر مذهبی قم سکونت اختیار نمود و به کارهای دینی از قبیل: اقامه جماعت و ارشاد و هدایت اشتغال داشت.

نامبرده در حدود سال 1313 ق در قم درگذشت و همان جا مدفون گردید.

فرزندش علامه سید اسحاق قزوینی و دامادهای او عبارتند از: حضرت آیت الله حاج آقا حسین طباطبائی قمی و محدث گرانقدر شیخ عباس قمی بودند.

**-منابع**

1- تاریخ قم 269.

2- رجال قم 117.

ص: 753

## شیخ زین الدین شریعتی زنجانی

### اشاره

(ح 1327-1409 ق)

شیخ زین الدین شریعتی فرزند آیت الله شیخ فیاض زنجانی و نوه ملا محمد مدرس دیزجی، از علما و فضلاء تهران بود.

وی در دامان پدری فقیه و دانشمند پرورش یافت. پدرش از علمای برجسته زنجان بود، و در سال 1360 ق در حدود سن 85 سالگی درگذشت، و در «قبرستان بالا» زنجان به خاک سپرده شد.

شریعتی، در حدود سال 1327 ق در زنجان متولد گردید.

### در حوزه های علمیه

ایشان پس از طی مقدمات، به حوزه قزوین رفت، و از محضر علامه سید ابو الحسن رفیعی بهره مند گردید، آن گاه به مشهد مقدس مهاجرت کرد، و در درس آیت الله میرزا مهدی اصفهانی شرکت جست.

سپس جهت طی درس عالی حوزه، به قم رهسپار گردید، و از محضر پرفیض آیات: سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی فقها و اصولا بهره مند شد، و خود به تدریس سطح اشتغال نمود.

### خدمات مذهبی

ایشان جهت ارشاد و هدایت و به امر آیت الله بروجردی به «خرقان» قزوین رفت، و سعی و تلاش زیادی در این امر نمود، و پس از مدتی چند رحل اقامت خود را تا آخر عمر در تهران افکند، و به خدمات دینی و روحی خود ادامه داد.

## از آثار او

- 1- الفوائد فی المسائل المتفرقه.
- 2- رساله ای در حق و حکم.
- 3- رساله ای در ردّ صوفیه.
- 4- رساله ای در غیبت.
- 5- کتاب بیداری، در دو بخش است.

## ارتحال و اعقاب

وی پس از عمری خدمت به مذهب، و درستکاری و صداقت پیشگی در روز جمعه 27 شوال 1409/ ق مطابق با 12 خرداد 1368/ ش در حدود سن 82 سالگی در تهران درگذشت، و جنازه اش به قم حمل و در قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

وی، داماد علامه شیخ جعفر فرزند ملک زنجانی (مقیم خرقان) بود، و دارای اولادی چند گردید، که عبارتند از: 1- شیخ حسن (ساکن در تهران) 2- آقا علی 3- آقا محمد 4- آقا رضا 5- آقا حسین.

## منابع

- 1- اظهارات برادر مرحوم، آقا تقی شریعتی (ساکن زنجان).
- 2- افادات آیت الله شیخ احمد رضوانی زنجانی.
- 3- تاریخ زنجان 317 و 391.
- 4- گنجینه دانشمندان 252/5.
- 5- مکارم الآثار 2714/7.

شیخ زین العابدین ابهری «امام»

## اشاره

(1311-1389 ق)

شیخ زین العابدین فرزند علامه میرزا عطاء الله امام جمعه و نوه میرزا ابو الفتوح





ابهری. مادرش مرحومه حاجیه فاطمه سلطان خانم امامی (صاحب دیوان فاطمیه) می باشد.

شیخ زین العابدین در 19/شوال 1311/ق در ابهر تولد یافت.

پدرش میرزا عطاء الله امام جمعه یکی از دانشمندان و فضلا بود. وی ابتدا در ابهر و زنجان تحصیل نمود سپس به اصفهان رفت و سطح را به پایان برد آنگاه به نجف اشرف عزیمت کرد و مدت حدود ده سال در آن سامان نزد اساتید وقت از جمله آیت الله میرزا حبیب الله رشتی بود و به درجه اجتهاد نایل آمد. پس از انجام تحصیلات عالی به موطن خود مراجعت نمود و به خدمات مذهبی و اجتماعی همت گماشت و همین طور در حال تردد بین ابهر و زنجان بود. ایشان در سال 1346 ق مطابق با 1306 ش در حدود سن 85 سالگی در ابهر دار فانی را وداع گفت و پیکرش توسط فرزندش شیخ زین العابدین به نجف اشرف حمل و در وادی السلام به خاک سپرده شد. این شرح حال مختصر را از زبان فرزندش آقای محمد فتوحی در عصر روز پنجشنبه 16 ذی القعدة 1419/ق مطابق با 13/اسفند 1377/ش و معلوماتی دیگر درباره فضلی این خاندان یادداشت گردید.

شیخ زین العابدین امام در سن شش سالگی به زنجان رفت و مدت پنج سال در مدرسه ملا محمد حسن زنجان و بعدا تا شرایع و لمعه نزد میرزا علی نقی زنجان به تحصیل مشغول بود و ضمن تأهل در سال 1330 ق برای تکمیل تحصیل عازم نجف اشرف گردید و در حوزه درس آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی به کسب علم ادامه داده است تا اینکه در شروع جنگ بین المللی اول ناچار به زنجان مراجعت کرد. آنگاه مجددا به نجف بازگشت و حدود شش سال دیگر به تحصیلات خود ادامه داد، سپس به ابهر مراجعت نمود و به عنوان «امام جمعه» به وعظ و خطابه و ارشاد مردم پرداخت و چند سالی نیز در زنجان دارای دفتر اسناد رسمی بود. و در سال 1324 ش مجددا به ابهر برگشت و دست به کار تألیفاتی توأم با ترویج دین شد. و از سال 1342 ش به علت کهولت خانه نشینی اختیار کرده اند.

ص: 756

امام جمعه که در شعر «مجنون» تخلص می کرد، دارای 4 پسر و 2 دختر می باشد.

## از آثار قلمی اش

- 1- دیوان اشعار، در حدود پنج هزار بیت شعر، به زبانهای: عربی، ترکی، و فارسی.
  - 2- مثنوی امثال و حکایات، به زبان ترکی در دو جلد.
  - 3- ترجمه منظوم نهج البلاغه که 105 خطبه از آن به چاپ رسیده است.
  - 4- کتب و رسائلی در اخلاق و مواعظ در 7 جلد.
  - 5- علوم غریبه از قبیل جفر و رمل.
  - 6- تاریخ زنجان (از اول 300 قمری تا زمان پهلوی).
  - 7- تاریخ آداب و رسوم اهالی زنجان و ابهر در عصر متقدم.
  - 8- تاریخ شخصی خودشان (تا 28 سالگی به نثر).
  - 9- فلسفه و راه زندگانی پنج جلد.
  - 10- جواب های هفت گانه به سؤالات مزیت دین اسلام، تألیف کرده اند که هرکدام به نوبه خود دارای ارزش بسیار است.
- امام ابهری دارای نفوذ کلام و حسن خلق، و مورد احترام مردم زنجان و ابهر است.
- شعر زیر از اوست:

## فوق العاده می خواهد

چرا عدلیه حسنت ستم بر ما روا دارد؟ مگر قانون او اینست، یا از بهر ما دارد؟  
نه با ما بر سر صلح است آن صلحیه چشمت نه خوب از بد تمیز آرد بدایت صد بدا دارد  
باستیناف وصلش شرح حالی دادمش گفتا که دیگر موقعش بگذشت هجران از قفا دارد  
بگفتم: تمبر خالت که در بالای لب داری بزنی بر حکم ما گفتا. که این تمبر بها دارد  
تظلم کردم گفتا: که فوق العاده می خواهد زر و سیم فراوان چون من مفلس کجا دارد؟

لبت می کرد استتطاق ما را آخر انصافی بر این مستنطق خون ریز دل بازیم جا دارد

ص: 757

مگر من قاتلم؟ یا اعتراف قتل بنمودم؟ که حکم کشتنم را چشم مستت بر ملا دارد  
با حضاریه عشقت یکی رؤیت رقم کردم از این حکم غیابی در کجا قانون ما دارد؟  
بتجدید ترافع عرض حالی داده ام ترسم که در این دایره زلف مسلسل صد خطا دارد  
به لیلی ای صبا برگو که مأموریت (مجنون)

برای عشق بی آرایش خود از خدا دارد

امام جمعه در روز شنبه 27/شعبان 1389/ ق مطابق با 17/آبان 1348/ ش در سن 79 سالگی در تهران درگذشت. پیکرش به قم حمل و  
در کوچه ابو حسین در یکی از مقابر شرقی مدفون گردید.

### فرزندانش:

1- آقا ابو علی امام 2- آقا ابو الفضل 3- آقا کاظم 4- آقا قاسم 5- آقا حسن.

### -منابع

1- الفهرست لمشاهیر علماء زنجان 13.

2- تاریخ زنجان 138 (تولدش را در سال 1312 ق ثبت کرده است)

3- سخنوران و خطاطان زنجان 175.

### سید زین العابدین کاشانی

### اشاره

(1297-1375 ق)

سید زین العابدین فرزند علامه سید محمد و نوه سید حسین حسینی لاجوردی کاشانی حائری، از علمای برجسته و پارسایان مقدس بود.  
در سال 1297 ق در کربلای معلّی دیده به جهان گشود.

### تحصیلات عالی

مقدمات و سطوح را نزد: پدرش، شیخ علی بفروئی یزدی، سید محمد جعفر



کاشانی (عموی آیت الله سید مصطفی کاشانی)، ملا عباس سیبویه یزدی (أخفش)، ملا اسماعیل بروجردی و شیخ حسن کربلائی به انجام رسانید، و مدتی هم از محضر: سید اسماعیل صدر و سید محمد باقر حجت حائری بهره مند گردید، سپس به نجف اشرف عزیمت نمود و از محضر آیات: شیخ محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعۀ اصفهانی کمال استفاده را نمود.

آنگاه به دیار سامرا هجرت کرد، و از محضر آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی بهره جست و به کربلا مراجعت کرد و به تدریس و تربیت طلاب همت گماشت، و پس از ورود آیت الله سید حسین طباطبائی قمی به کربلا ملازم ایشان گردید، و در جلسات استفتا به وی کمک می کرد.

### مهاجرت به ایران

در سال 1367 ق از کربلا به ایران مهاجرت کرد، و در قم بنا بر درخواست آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی اقامت نمود، و از یاران نزدیکش گردید، و همواره در مجلس استفتای ایشان حضور پیدا می کرد. و در پس دعوت اهالی کویت و امر آیت الله بروجردی به آن سامان عزیمت کرد، و به ترویج مذهب و ارشاد مردم پرداخت، ولی پس از دو سال اقامت و در اثر کسالت و بیماری به قم مراجعت کرد، و حلقۀ درسی تشکیل داد و عده ای را تربیت نمود.

### از جمله شاگردانش در کربلا عبارتند از:

1- سید مصطفی اعتماد 2- سید عبد الرضا شهرستانی 3- سید مهدی خراسانی بجزستانی 4- سید عباس کاشانی 5- شیخ ابراهیم شیرازی 6- سید غلامرضا کسائی تبریزی 7- سید احمد فالی 8- سید محمد شیرازی 9- سید محمد علی بحرانی 10- شیخ عبد الرحیم قمی (داماد صاحب شرح حال) 11- سید ابراهیم علم الهدی سبزواری.

ص: 759

جناب دانشمند معظم آقای سید عباس کاشانی سایر مؤلفاتش را چنین یاد می کند:

1- حاشیه علی العروه الوثقی.

2- دیوان شعر.

3- رساله الأمر بین الامرین.

4- رساله فی الاستصحاب.

5- رساله فی الوقف الذری.

6- شرح شرائع الاسلام، در چند جلد.

7- شرح علی کفایه الاصول.

8- قاعده لا ضرر و لا ضرار.

9- مناسک الحج (ارجوزه).

## درگذشت

سرانجام در روز پنجشنبه 12 صفر 1375 / ق مطابق با 6 مهر 1334 / ش به سن 78 سالگی در قم درگذشت، و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله بروجردی در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. فرزندان: 1- سید حسین 2- سید علی (1340 در کربلا- 1411 ق در دمشق و مدفون در مقبره جدید زینبیه).

برادر ایشان آیت الله سید حسین کاشانی یکی از فقها و دانشمندان معروف بود.

وی در سیزدهم ماه شعبان 1300 ق در نجف اشرف متولد گردید.

سید حسین تا سن بیست سالگی در آن شهر در خدمت شیخ عبد الرضا دشتی به تحصیل مقدمات پرداخته، سپس در خدمت سید محمد سعید خوئی به تکمیل ادبیات عرب و سطوح فقه اشتغال داشته، بعداً در خدمت پدر بزرگوارش مرحوم سید محمد کاشانی به کربلا مهاجرت و در آنجا در دو درس خارج اصول و فقه پدر بزرگوارش و نگاشتن آنها مشغول بوده است.



در سال 1342 ق یک دوره فقه از آغاز کتاب طهارت تا انجام کتاب دیات، نظماً تألیف فرموده و ترجمه آن را به فارسی هم نگاشته اند «مسماء بضوء الرشد فی احکام النبی الامجد» که به چاپ رسیده و نظم منظومه درایه الحدیث که دو تقریظی که آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری و آیت الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء به ایشان نوشته اند، کمال دلالت بر علوشان و اقتدار استاد محترم در علوم دینی و ادبیه می باشد.

استاد کاشانی مصنفات دیگر هم نثر و نظماً در موضوع های مختلف دارند از قبیل: بعض مباحث اصول و معانی و بیان و بدیع و از آن جمله دیوانی است در مدایح و مرثی ائمه هدی علیهم السلام که هنوز به چاپ نرسیده است.

### -منابع

1- افادات علامه آقای سید عباس کاشانی (دام ظلّه).

2- اعلام کربلاء (خطی - خوشحالت).

3- أعيان الشیعه.

4- گنجینه دانشمندان 255/6.

5- نقباء البشر 804/2.

### سید زین العابدین یربى قمی

### اشاره

(1323-1411 ق)

حاج سید زین العابدین فرزند سید حسن و نوه میرزا زین العابدین حسینی قمی، معروف به «یربى» از فضلا و معاریف قم بود.

او در سال 1323 ق در قم تولد یافت. پس از آنکه مقدمات و سطوح را به انجام رساند، در دروس خارج حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمری، میرزا محمد فیض قمی، سید حسین طباطبائی بروجردی، و اخیراً سید شهاب الدین مرعشی شرکت می فرمود.

ص: 761

امامت جماعت را در «مسجد شاه حمزه» واقع در خیابان آذر قم، محل اجدادی خود، بر پا می نمود.

نامبرده در روز سه شنبه 7/ جمادی الثانی 1411/ ق در قم در سن 88 سالگی و بر اثر کهولت سن بدرود حیات گفت. پیکرش روز چهارشنبه تشییع و در امامزاده شاه حمزه علیه السلام به خاک سپرده شد.

وی که داماد آیت الله شیخ ابراهیم مروه عاملی بود، دارای اولادی شد که از جمله آنان: 1- آقای سید ابو الفضل یثربی، سخنور با اخلاص اهل بیت علیهم السلام 2- سید علی محمد یثربی، که فعلاً سمت نمایندگی قم را در مجلس شورای اسلامی دارد.

#### -منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-گنجینه دانشمندان 312/2.

\*\*

ص:762

(1021-1052 ق)

نخستین پادشاهی که از خاندان صفوی در قم به خاک سپرده شد، شاه صفی بود

اسمش سام میرزا و فرزند صفی میرزا نوه شاه عباس اول، پادشاه ششم از سلاطین صفویه است. پس از مرگ شاه عباس بنا بر وصیت وی او را که 17 سال پیش نداشت در جمادی اول 1038/ ق پادشاه خواندند، و «میر محمد باقر داماد» خطبه سلطنت او را خواند. در سال اول سلطنت وی مردی که او را «غریب شاه» نامیدند، در گیلان به دعوی سلطنت برخاست و گیلان و لاهیجان را تصرف کرد، ولی از دولتیان شکست خورد و اسیر شد و در اصفهان به قتل رسید. سپس دیگری به نام «عادل شاه» قیام کرد، او نیز به سرنوشت غریب دچار گردید. در سلطنت این پادشاه «ابو الغازی» والی خوارزم به خراسان تاخت، و برادر خود «اسفندیار» را به فتح مرو گماشت، لکن هر دو سپاه از سپاهیان شاه صفی شکست خوردند، و اسفندیار برادر خود ابو الغازی را دست بسته نزد پادشاه ایران فرستاد و در (قلعه طبرک) محبوس شد، و دست ازبکان از صفحه خراسان کوتاه گردید.

در سال 1038 ق سلطان عثمانی دو سپاه به بغداد و موصل فرستاد، و خسرو

پادشاه (بغداد) را محاصره کرد ولی به فتح آن موفق نشد. به سال 1039 ق شاه صفی برای نجات بغداد به عراق رفت، و چون سپاهیان عثمانی در زدو خورد با حاکم بغداد تلفات سنگینی دیده بودند فرار کردند.

رضاقلی خان هدایت در مجلد هشتم از (ملحقات روضه الصفا) نگاشته:

«در سال 1042 ق به سعایت و بدگوئی بعضی امراء پسران عیسی خان قورچی باشی که دخترزادگان شاه عباس بودند، و چهار فرزند بی مانند سلطان العلماء خلیفه السلطان اعتماد الدوله داماد شاه عباس، و سه پسر میرزا رفیع صدر، و یک پسر میرزا رضی صدر سابق، و دو پسر میرزا محسن متولی باشی مشهد مقدس، عمه زاده های خود را غالباً مکفوف و مکحول، و پسران قورچی باشی را خاصه مقهور و کشتند، و با امرای بزرگ دل بد کرد و جمعی را معزول و برخی را از دم تیغ گذرانید. باز در این سال فرمان داد که در تجدید عمارت بقعه نجف اقدام شود، و آب از فرات به صحرای نجف آوردند.»

به سال 1045 ق سلطان مراد خان عثمانی شخصا به فتح «ایروان» آمد و آن شهر را پس از محاصره گرفت و از ارس گذشت، و لشکر به تبریز فرستاد و عمارات حکومتی و محله «شنب غازان» را غارت و ویران کردند، و نیمی از شهر را آتش زدند. اما چون سلطان هنگام عبور از ارس در آب افتاده و بیمار شده بود و زمستان در پیش و خبر نزدیک شدن شاه صفی می رسید، لشکر عثمانی به شتاب از آذربایجان گذشت و شاه صفی در ذیقعدة (1045 ق) ایروان را گرفت، و 5000 تن از عثمانیان را اسیر کرد و چند توپ بزرگ آنها را به اصفهان فرستاد.

به سال (1048 ق) سلطان مراد خان به تسخیر بغداد عازم شد، و ایرانیان 50 روز پایداری کردند و محمد شاه صدر اعظم ترک را کشتند، ولی عاقبت ناچار به تسلیم گشتند و به فرمان سلطان مراد خان هزار تن از زوار کربلا و نجف را به دست جلادان دادند، و بیک فرمان سر آنان را از تن جدا ساختند. در شعبان (1049 ق)

پیمانی میان دولتین بسته شد، که بغداد از عثمانی و ایروان از ایران باشد.

شاه صفی مانند سائر پادشاهان صفوی طبع شعر داشته، دیوانی دارد به نام «دیوان صفی صفوی» نمونه ای از شعرش این است:

دمی که از برم آن گل عذار می گذرد هزار موج و سرشک از کنار می گذرد

بدو چرخ نخوردیم جام سرشادی مدار مستی ما بر خمار می گذرد

صبور باش «صفیا» که در طریقت عشق بهر طریق که باشد مدار می گذرد

این بیت هم در روز روشن به نام او آمده است:

اگر بارم دهی در خدمت جان بر کمر بندم

اگر بر خاطرت بارم بگو تا بار بر بندم

وی در 12/ صفر 1052 ق در کاشان در پی بیماری درگذشت، و در حرم حضرت معصومه علیها السلام قم به خاک سپرده شد.

#### -منابع

1-الذریعه 616/9.

2-تاریخ اردبیل و دانشمندان 257/1.

3-تربت پاکان 112/1.

4-دانشمندان آذربایجان 237.

5-ذیل عالم آرا 257.

6-روضه الصفا 201/8.

7-سخنوران آذربایجان 50/1(نام ایشان را حذف کرده و اشعار فوت را به نام پدرش اشتباهاً قرار داده است)

8-کتابه های حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام 33.

9-گلستان مسرت ص 136.

10-لغت نامه دهخدا 265.



(1332-1408 ق)

حاج شیخ سلمان فرزند آیت الله شیخ عبد المحسن و نوه ملا حسین خاقانی، از علمای بنام و خدوم خطه خوزستان بود.

به سال 1332 ق در قریه (سوق الشیوخ) از توابع شهر ناصریه عراق متولد گردید. در سن 8 سالگی به خرمشهر (محمره) رفت و مقدمات را نزد پدر خود آموخت.

از مرحوم آیت الله خاقانی شنیدم در حالی که با صمیمیت می گفت: نوجوان که بوم می رفتم به نانوائی که نان خریداری کنم، شاطر که مشغول کار خود بود بچه طلبه ها را سؤال پیچ می کرد و می گفت: پسر، چه می خوانی؟ طلبه هرچه از کتب مقدمات به خصوص کتب نحو را می گفت، شروع می کرد به سؤال طرح کردن؟ و بچه طلبه ها را گیر می داد. گاهی شاطر ابیاتی را از الفیه ابن مالک می خواند و می گفت: مراد از ابیات چیست؟ بعد معلوم شد که شاطر طلبه خوبی بوده و سایر مقدمات را بسیار عالی آموخته، ولی در اثر فشار زندگی تحصیل را رها نموده و به کار روی آورده است.

در سال 1345 ق جهت ادامه تحصیل به مدینه العلم و عاصمه الفضل نجف اشرف عزیمت نمود، و پس از طی سطوح دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیات: شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (مدت کوتاهی)، شیخ محمد علی کاظمینی خراسانی، و میرزا باقر زنجانی، سید ابو القاسم موسوی خوئی، و تفسیر و

کلام را از محضر آیت الله شیخ محمد جواد بلاغی بهره مند گردید.

در سال 1374 ق به خرمشهر بازگشت، و به ارشاد و هدایت مردم پرداخت و نفوذ بسیار زیادی در منطقه حاصل نمود.

در سال 1400 ق در پی جنگ تحمیلی از خرمشهر به قم مهاجرت کرد و منزل ایشان همواره یکی از کانونهای فرهنگی و مجمع الفضلاء محسوب می شد. مهر، محبت، صداقت، راستی و اخلاص در کار، در سیمای این مرد بزرگ ظاهر بود.

### از آثار قلمی ایشان:

مرحوم آیت الله خاقانی قلمی بسیار ادبی روان داشت و آن را بیشتر در حوزه فرهنگی و ادبی به کار برد، ولی در اثر حمله به جهان تشیع و شروع جنگ ادبی و عقایدی، ایشان قلم خود را در خدمت به مذهب و دین قرار داد و آثاری بسیار گرانسنگ از خود به یادگار گذاشت.

1-ردّ الجبهان.

2-ردّ الحنفاوی.

3-ردّ الخطوط العریضه.

4-طریق المعرفه.

5-بین الحق و الباطل.

6-دیوان شیخ جاسم خاقانی (گردآوری).

7-فی نادى آل الخاقانى.

8-دیوان شعر (بنا بر نقل خود ایشان این دیوان همراه با سایر کتابخانه اش در هنگام جنگ بین ایران و عراق از دست رفت، و به این خاطر بسیار تأثر و افسوس می خورد).

سرانجام در روز دوشنبه 25/رجب/1408 ق مطابق با 24/اسفند/1366 ش در پی بیماری در یکی از بیمارستانهای تهران درگذشت، و پس از تشییع

ص:767



باشکوهی در صحن حضرت معصومه علیها السّلام به خاک سپرده شد.

### **فرزندان:**

1- محمد 2- مهدی 3- هادی

### **-منابع**

1- شعراء الغری 168/4.

2- گنجینه دانشمندان 31/5.

3- مستدرک اعیان الشیعه 227/5.

4- معجم المؤلفین العراقيین 49/2.

\*\*

ص: 768

(1318-1393 ق)

شیخ شجاع الدین فرزند شیخ بهاء الدین نوه شیخ محمد صالح جلیلی کرمانشاهی.

تولدشان در سال 1318 ق در شهر کرمانشاه واقع شده و پس از گذراندن دوران کودکی در دامن والد ماجدش، خدمت شیخ حسن کربلائی، شیخ احمد نجفی کرمانشاهی مقدمات و سطوح را به پایان رسانیده، و در سال 1339 ق عزیمت به نجف اشرف نموده و از دراسات فقهی آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی، و اصولی آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی، و حکمت و معقول را خدمت شیخ مرتضی طالقانی (که یکی از اوتاد و زهاد عصر خود بود) استفاده نموده اند.

و بعد از پنج سال اقامت و مجاورت به واسطه اغتشاش اوضاع عراق و تبعید آیات نجف به ایران اجباراً به وطن خود برگشته، و مدت یک سال توقف و در خلال آن مشرف به مکه شده و بعد از مراجعت به قم آمده و از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید علی یربلی و کاشانی، حاج شیخ ابو القاسم اصفهانی مدت یک سال بهره مند گردیده است.

ص: 769

و در سال 1346 ق مجدداً به نجف مهاجرت تا سال 1350 ق توقف و از محضر آیتین: اصفهانی و عراقی مستفیض شده، و پس از رسیدن به مقام شامخ اجتهاد و دریافت اجازه به کرمانشاه بازگشته و به انجام وظائف دینی و روحی از قبیل: امامت جماعت و تعلیم و تربیت عده ای از محصلین کرمانشاه نموده، و در سال 1385 ق اقدام به تعمیر مدرسه علمیّه (عماد الدوله) که در شرف انهدام بود نموده، و آنجا را مسکن طلاب قرار داده که تا هم اکنون از مدارس دائر کرمانشاه، و در تحت سرپرستی فرزند برومندش حجه الاسلام حاج آقا حسام الدّین اداره می گردد.

وی در روز شنبه دوم/ربیع ثانی 1393/ق مطابق با 15 اردیبهشت 1352 ش دار فانی را وداع گفته و با تجلیل فراوان تشییع و حمل به قم گردیده، و در آنجا نیز عموم مراجع و آیات و طلاب حوزه علمیه تشییع نموده، و در مقبره فاطمیه بین مسجد اعظم و صحن عتیق مدفون گردید.

### **او دارای آثار قلمی چندی است که به آن اشاره می گردد:**

1- تقریرات فقه اصفهانی به نام الدرر الفقیهیه.

2- تقریرات اصول عراقی به نام الدرر النجفیه.

3- قاعده لا ضرر و لا ضرار.

4- کتابی در توحید.

5- اثبات امامت و ولایت.

6- مجالس رمضان و عاشوراء.

### **-منابع**

1- سراج المعانی در احوالات سید ابو الحسن اصفهانی 124.

2- گنجینه دانشمندان 417/7.

ص: 770

(1310-1395 ق)

سید شرف الدین فرزند سید کاظم حسینی گلیردی طالقانی، و برادر آیت الله سید محی الدین علوی و از فضلا و سخنوران بود.

وی در تاریخ /10شوال1310/ ق در طالقان دیده به جهان گشود.

تحصیلات اولیه اش را در گلیرد انجام داد، و در حدود سن 21 سالگی به گیلان مهاجرت نمود، و چندی در روستای سنگر اقامت گزید، و برای تحصیلات مذهبی به رشت رفت، و در مدرسه حاج سمیع جهت استفاده از محضر اساتیدی چون: ملا محمد حسن محقق خلخالی در فلسفه و کلام، و شیخ جواد بن علی عاملی در فقه استفاده و از ملازمان ایشان گردید. رفته رفته در رشته های مختلف از جمله تاریخ و حدیث در میان مردم شهرت یافت تا آنجا که نظراتش را در این دو رشته ثقه می دانستند.

یکی از جراید محلی رشت پس از انتشار خبر مرگ وی را چنین نوشت:

(مرحوم سید اشرف الدین «نام دیگر است که در میان مردم شهرت داشت» یکی از فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، در طول 80 سالگی عمر با حضور قلب و صفای دل و مال و روحانیت همواره نظر به تهذیب نفس و اعراض از ظواهر و رجوع به باطن و ردّ تظاهر و ریا و نشر حقایق داشت، و در این راه مقدس از نمایش بیرون دست کشید، و به گشایش درون چشم دوخت. از تجملات دیده برگفت و به نور اشراق دل سپرد، به حق داد سخن موعظه فرمود...).

از آثار قلمی او: کتاب المواعظ و النصائح در 7 جلد، و هنوز هم که هنوز است مخطوط و نزد ورثه محفوظ می باشد.

وی در عصر روز دوشنبه /19 ذی الحجه 1395/ ق مطابق با اول/دی/ 1354 ش به سن 85 سالگی در رشت درگذشت، و پس از انتقال جسدش به قم در وادی السلام به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

1- سید ضیاء الدین علانی نژاد، 2- سید معز الدین، 3- سید کاظم.

4- محمد تقی میر ابو القاسمی، نویسنده معاصر. او به سال 1309 ش در رشت متولد شد و پس از طی تحصیلات مقدماتی به تهران رفت، و تحصیلات دینی را در مدرسه مروی نزد علامه سید نور الدین علوی (پسر عموی خود) گذرانیده و تحصیلات جدید را در دانشکده معقول و منقول و از محضر سخنور گرانقدر شیخ حسینعلی راشد تربتی (دوره فقه تجارت) را استفاده نمود، و در سال 1338 ش به اخذ درجه لیسانس موفق گردید. آنگاه به رشت بازگشت و از محضر علامه شیخ علی بیان بهره مند گردید. او دارای آثار قلمی چاپی و خطی بسیاری می باشد.

5- سید ابو القاسم 6- سید احمد و شش دختر از وی به یادگار ماند.

## -منابع

1- افادات فرزند معظم له دانشمند محترم آقای سید محمد تقی میر ابو القاسمی، نزیل رشت.

2- روزنامه روئین، چاپ رشت، شماره (961)، به تاریخ 31 دی 1354/ش.

3- مشاهیر طالقان، چاپ دوم، صفحه 124، به قلم فرزندش میر ابو القاسمی.

## شیخ شعبان راسخی لنگرودی

## اشاره

(1302-1356 ق)

شیخ شعبان فرزند حسین لنگرودی چافی (راسخی)، از فضلا و مدرسان حوزه علمیه قم بود.

در سال 1302 ق در لنگرود گیلان دیده به جهان گشود.

وی مقدمات را نزد ملا علی اکبر لنگرودی فراگرفت، و در سال 1337 ق به قزوین رهسپار شد و نزد آیات: سید ابو الحسن رفیعی و میرزا یحیی مفیدی قزوینی تحصیل کرد، و در سال 1343 ق به قم عزیمت، و سطوح را نزد آیات: شیخ

ص: 772

ابو القاسم قمی «کبیر»، سید محمد تقی خوانساری و میرزا محمد همدانی به انجام رسانید، و خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد  
الکریم حائری یزدی و سید محمد حجت کوه کمری استفاده نمود، و خود به تدریس سطح اشتغال ورزید.

وی در روز جمعه 13 شوال 1356/ ق مطابق با 26 آذر 1316/ ش در سن 54 سالگی در قم درگذشت، و در قبرستان حاج شیخ به  
کد (25158) خاک سپرده شد.

## - منبع

1- آینه دانشوران 227.

## میرزا شفیع ساعد الملک تبریزی

## اشاره

(ح 1330 ق)

میرزا شفیع خان ساعد الملک فرزند خان مؤتمن تبریزی.

پدرش از سادات طباطبائی و اعیان تبریز و داماد میرزا تقی امیر کبیر بود. ولی میرزا شفیع سبط امیر کبیر نبود بلکه از عیال دیگر مؤتمن بود.  
به هر حال ساعد الملک نسبت به سایر برادران خود برتری داشت و از ذکاوت و فطانت بیشتر برخوردار بود، و پس از مرگ پدر خود، ریاست  
خانواده بدست او رسید. وی به مقام بگلربیگی تبریز نایل آمد و از نزدیکان صمیمی محمد علی میرزا ولیعهد آن روز بود، و از اعیان و  
متنفذین درجه اول تبریز به شمار می رفت.

او پس از فوت مظفر الدین شاه با محمد علی میرزا به تهران رفت، چون آن طور که انتظار داشت شاه پس از جلوس با وی رفتار نکرد و به او  
منصب و مقام و وزارت نداد، تقریباً از شاه قهر کرد و به قم رفت و کمی در آنجا ماند و در حدود سالهای 1330 ق درگذشت.

## فرزندانش:

1- عبد الحسین سردار مفخم 2- سردار ساعد 3- میرزا عنایت الله فقهی.

ص: 773

فتح الله پاکروان سیاستمدار معروف که مناصبی از قبیل: نمایندگی مجلس شورای ملی، وزارت مختاری، استانداری ایالت خراسان، تولیت آستان قدس رضوی و... برادرزاده صاحب شرح حال بود. جهت اطلاع بیشتر به رجال آذربایجان ص 42 رجوع شود.

**- منبع**

1- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 195.

**سید شمس الدین ابهری**

**اشاره**

(1324-1392 ق)

حاج سید شمس الدین فرزند علامه سید اسد الله موسوی ابهری، از علمای ساکن تهران بود.

در سال 1324 ق در ابهر متولد گردید، و برخی از مقدمات را نزد شیخ محمد حسین فخری در حوزه هیدج آموخت آنگاه در سن نوجوانی به قزوین رفته، ادبیات را از ملا محمد تقی ادیب آموخته، و در سال 1341 ق به قم عزیمت نموده، و سطوح را از محضر آیات: آخوند ملا علی همدانی، میرزا محمد همدانی، و سید محمد تقی خوانساری تلمذ نمود.

خارج فقه و اصول را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، شیخ محمد علی حائری قمی، سید محمد حجت کوه کمری، و سید محمد تقی خوانساری و حکمت را از محضر شیخ محمد علی شاه آبادی استفاده نمود. در حدود سال 1357 ق به نجف اشرف عزیمت نمود، و از محضر آیت الله سید

ص: 774

ابو الحسن اصفهانی بهره مند گردید، و در پی تقاضای اهالی ابهر و امر استادش اصفهانی به زادگاه خود مراجعت کرد، و به اقامه نماز جماعت در (مسجد جامع شهر) و انجام سایر وظایف پرداخت، و مورد توجه سایر اهالی گردید.

در سال 1362 ق در پی غائله توده ای ها در آذربایجان مجبور به مهاجرت و در تهران سکونت اختیار نمود، ابتدا چند سالی در (مسجد سلیمی) خیابان ناصر خسرو و بعدا در (مسجد باب الحوائج) خیابان صفاشهباز به اقامه جماعت، و انجام وظایف دینی و روحی اشتغال ورزید.

از دیگر خدمات وی: تعمیر مساجد، به ویژه تجدید بنای «مسجد جامع» ابهر که از آثار باستانی محسوب می شود. و نیز احداث مدرسه ای برای طلاب علوم دینی و تکفل و تشویق طلاب به تحصیل علم می توان نام برد.

### از آثار او:

1- مناسک حج (براساس فتاوی علماء).

2- تاریخ ائمه علیهم السلام.

ایشان در روز دوشنبه 6/جمادی ثانی 1392/ق مطابق با 26/تیر/ 1351 ش به سن 68 سالگی در اثر سکتة قلبی در تهران درگذشت، و در قبرستان باغ رضوان واقع در جنب قبرستان وادی السلام قم مدفون شد.

فرزندش: دانشمند محترم مرحوم سید نور الدین ابهری است و دامادش آیه الله سید محمد فاطمی ابهری است.

### -منابع

1- آثار الحجه 255/2.

2- آینه دانشوران 411.

3- الفهرست لمشاهیر علماء زنجان 15.

4- تاریخ زنجان 326.

5- گنجینه دانشمندان 42/3.

ص: 775



(1320-1324 ق)

سید شمس الدین فرزند علامه سید فخر الدین و نوه سید عبد الغفار طباطبائی احمدی بروجردی، از دانشمندان و فضیلاى حوزه علمیه قم بود.

وی در ربیع الاول 1324/ ق در بروجرد متولد گردید.

پدرش از دانشمندان متقی بروجرد و شوهر خواهر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی و از جمله شاگردان میرزا جهانگیر خان قشقائی در اصفهان بود. او در روز چهارشنبه 22 شعبان/ 1364 ق در بروجرد در حدود سن 70 سالگی درگذشت و در کنار مسجد خود واقع در محله صوفیان به خاک سپرده شد

ص: 776

سید شمس الدین ادبیات و مقدمات را نزد: میرزا لطف الله فقیهی و شیخ محمد ابراهیم مدرس و شیخ حسین آقا ابو(ابن الشیخ) آموخت و دروس سطح را نزد حضرات آقایان: پدر ارجمند خود، سید اسماعیل گلپایگانی و شیخ کاظم دزفولی به انجام رساند.

خارج را هم از محضر دانی خود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی در بروجرد استفاده کرد.

ایشان در پی استقرار آیت الله بروجردی در قم، در سال 1365 ق خود نیز به ایشان ملحق شد و از دروس وی و شیخ محمد علی حائری کرمانی بهره مند شد. مرحوم احمدی که از شخصیت والایی برخوردار بود، به اقامه جماعت و هدایت اشتغال داشت.

### از آثار او:

تقریرات درس آیت الله بروجردی.

شرح حال فوق به تاریخ اواسط اردیبهشت 1374/ ش در منزلشان در قم و مجددا در 29 اسفند 1374/ ش یادداشت گردید.

متأسفانه در اثر کهولت سن و درگذشت همسر خود، چند ماهی به تهران منتقل شد و در روز چهارشنبه 29 ذی الحجه 1420/ ق مطابق با 17/ فروردین 1379 ش در یکی از بیمارستانهای تهران حیات را وداع گفت. پیکرش در غره محرم در قم تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

(1401-1342 ق)

شیخ شهاب الدین فرزند علامه میرزا محمد تقی اشراقی و نوه آیت الله میرزا محمد ارباب قمی، از فضلا و اندیشمندان معاصر بود.

وی در سال 1342 ق در قم دیده به جهان گشود.

اشراقی پس از اخذ دیپلم به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات را نزد پدر ارجمند خود آموخت. آنگاه شرح لمعه را خدمت آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی (دام ظلّه) که فعلا در کاشان سکونت دارند، خواند. و قسمتی از دروس سطح را نزد آیت الله سید محمد باقر طباطبائی سلطانی استفاده نمود. دروس خارج را از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید محمد داماد یزدی، سید کاظم شریعتمداری و سید روح الله خمینی (پدر همسر خود) استفاده کرد و به تألیف و ترویج مذهب پرداخت.

### از جمله آثار او

1- پاسداران وحی (در امامت - با همکاری شیخ محمد فاضل لنکرانی).

2- چهره های درخشان (در تفسیر آیه تطهیر - با همکاری لنکرانی).

3- دانستنی هایی از اسلام.

ص: 778

4- سخن حق در تفسیر قرآن (در چند جلد).

5- شرح کتاب طهارت از عروه الوثقی.

نامبرده در روز شنبه 13 ذی قعدة 1401/ ق مطابق با 21 شهریور/ 1360 ش در یکی از بیمارستانهای تهران در سن 59 سالگی درگذشت و جهت مراسم خاکسپاری به قم حمل و در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام مدفون گردید.

### فرزندانش:

1- آقا علی 2- آقا مرتضی که از طلاب علم می باشند 3- آقا محمد تقی و 4 دختر.

### منابع

1- اطلاعاتی از علامه حاج آقای سعید اشراقی (دام ظلّه).

2- گنجینه دانشمندان 69/2.

### سید شهاب الدین مرعشی «آقا نجفی»

### اشاره

(1315-1418 ق)

سید شهاب الدین (نامش محمد حسین است) فرزند علامه سید محمود و نوه آیت الله سید علی سید الحکماء، حسینی مرعشی تبریزی، مکنی به «ابو المعالی» و معروف به «آقا نجفی» از مراجع شیعه و فقها و اساتید به نام حوزه علمیه قم بود.

وی در صبح روز پنجشنبه 20 صفر 1315/ ق (یا 1318 ق) در نجف اشرف دیده به جهان گشود. مقدمات را نزد پدر خود و دیگران آموخت. دروس سطح را نزد حضرات آیات: سید محمد کاظم خرم آبادی، میرزا علی ایروانی، میرزا ابو الحسن مشکینی، شیخ عبد الحسین رشتی، میرزا محمود شیرازی، میرزا آقا (سید ابراهیم)

ص: 779

اصطهباناتی و شیخ محمد حسین قاجار تهرانی به پایان رساند.

در دروس خارج حضرات آیات:

شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی استفاده نمود. در سال 1339 ق به سامرا و کاظمین رفت و نیز مشغول تحصیل گردید و مجدداً به نجف مراجعت و سرانجام در سال 1342 ق ابتدا به تهران و سپس در حوزه علمیه قم سکونت اختیار نمود و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی بهره ها برد. سپس خود به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت در صحن و حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام پرداخت.

سید رضا فیروزآبادی سید شهاب الدین مرعشی نجفی

ص: 780

خدمات و شرح حال آیت الله مرعشی بیش از این است که در چند صفحه نوشته شود، به همین خاطر به کتابهای که راجع به زندگی اش نگارش یافته، مراجعه شود.

خدمات و آثار اجتماعی و خیریه ایشان بسیار زیاد است که می توان به:

کتابخانه بسیار بزرگ در قم، مساجد، حسینیه ها و مدارس در سراسر ایران احداث و ایجاد فرمودند، اشاره نمود.

سید محمود مرعشی

سید علی مرعشی (سید الحكماء)

### از جمله آثار قلمی ایشان:

1- مشجرات آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم 2- مصباح الناسکین 3- منیه الرجال فی شرح نخبه المقال 4- تعلیقات احقاق الحق (چند جلد) 5- رساله عملیه 6- مناسک حج 7- المسلسلات فی مشایخ الاجازات 8- الرحله الشیرازیة 9- الرحله الاصفهانیة 10- نهایه القصوی فی التعلیق علی العروه الوثقی 11- طبقات النسائین، دو جلد. الفوائد الرجالیة، مستدرک شهداء الفضیله،

ص: 781

مسارح الأفكار فى حل مطارح الانظار (حاشيه)، مفاتيح احاديث الشيعه، مصباح الهدايه فى حل معضلات الكفايه، دو جلد، المصطلحات الفقيهيه (معجم)، حاشيه تذكره القبور، حديث الكساء و حديث سلسله الذهب، رساله افضسيه، سجع البلابل فى ترجمه صاحب الوسائل، الفتحه فى ترجمه السيد ابو الفتح عربشاهى، اللئالى المنتظمه و الدرر الثمنيه، روض الرياحين 3 جلد، اعيان المرعشيين، مزارات العلويين و الانبياء و الصحابه فى اقطار العالم، جذب القلوب الى ديار المحبوب (خاطرات)، رساله فى ترجمه السيد عبد الحسين الخاتون آبادى، رساله فى نسب سادات طغروود القميين، تعليقه على عمده الطالب، كشكول (چند جلد)، تعليقه على الفرائد، تعليقه على القوانين، تعليقه على شرح اللمعه، تعليقه على الحاشيه فى المنطق، تعليقه على المطول، السير و السلوك، الجفر، نفى التحريف، رساله فى سيد فخر الاعلام آيت اللهى شيرازى/سيد شهاب الدين مرعشى نجفى سيد رضا بهاء الدينى/شيخ صادق نصيرى سرايى

ترجمه الفتال النیسابوری، رساله مفرج الکروب فی ترجمه صاحب ارشاد القلوب، ترجمه السید ابو الفضل الیمانی. و آثار بسیاری که در کتابهای مفصل تراجم آمده است.

آیت الله مرعشی در شامگاه چهارشنبه 7 صفر 1411/ ق برابر با 7 شهریور 1369/ ش در قم در سن 96 سالگی در اثر سکتة قلبی زندگی را وداع گفت. به همین خاطر در ایران و پاکستان به مدت سه روز، عزای عمومی اعلام شد. پیکر پاک ایشان در صبح روز جمعه تشییع و در کنار کتابخانه خود-واقع در خیابان ارم-مقارن ظهر به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- سید محمود، 2- سید محمد جواد، 3- سید امیر حسین، 4- سید کاظم.

### منابع

1- آثار الحججہ 46/2.

2- آینه دانشوران 177.

3- الاجازة الکبيرة 519.

4- تاریخ علماء و شعراء گیلان 17.

5- رجال اصفهان یا تذکره القبور، در مقدمه ص ید.

6- علماء معاصرین 217.

7- گنجینه دانشمندان 37/2.

8- گنجینه دانشوران 15.

9- مؤلفین کتب چاپی 455/3.

شیخ شهاب الدین مصطفوی همدانی

### اشاره

(1378-1318 ق)

حاج شیخ شهاب الدین فرزند حسن مصطفوی همدانی، متخلص به «بیدل»، از دانشمندان و اساتید و معاریف حوزه ها بود.





وی در 15/شعبان 1318/ق در قریه (سوزن) از توابع همدان متولد گردید.

مصطفوی پس از طی مقدمات، در سال 1337 ق به همدان رفت و ادبیات را نزد شیخ هاشم همدانی آموخت، سپس به فارسجین رفت و در مدرسه یمنی نزد آیت الله شیخ مقیم زنجانی تلمذ نمود و در سال 1343 ق به قم مهاجرت کرد و از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، سید علی یثربی کاشانی، میرزا محمد فیض قمی، شیخ محمد علی حائری قمی و حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی در فقه و اصول و از شیخ محمد علی شاه آبادی در حکمت استفاده نمود و خود به تدریس سطح پرداخت.

ایشان به همراه 39 نفر دیگر از فضلاء مهدب به دستور آیت الله حجت جهت ادای نماز استسقا به جمکران رفت و نماز را به جا آورد و هنگام بازگشت به شهر باران زیادی بارید.

او در سال 1361 ق به دعوت مردم ملایر به آن شهر رفت و به ترویج مذهب پرداخت. و خدمات بزرگی انجام داد از جمله آثار خیریه اش در ملایر: تعمیر مدرسه شیخ ملوکی، احیای زمینهای کاظم آباد، بنای مسجد حسیب خانی فاطمیه و مسجد صفی، ایجاد غسلخانه، و احداث پل است.

## از آثار او

1- رساله فی البیع و الخیارات.

ص: 784

2- اصول دین.

3- قاعده لا ضرر.

4- حاشیه علی مصباح الفقیه.

5- مقدمه فی علم التفسیر.

سرانجام روح پاک و قدسی اش در شب سه شنبه 3 ذی القعدة 1378/ ق مطابق با 21 اردیبهشت 1338/ ش در سن 60 سالگی در ملایر به ملا اعلی پرگشود و در جوار علی بن جعفر علیه السلام قم مدفون گردید.

### - منابع

1- آثار الحجة 357/2 (تولدش را در سال 1323 ق نوشته است).

2- آینه دانشوران 242 (تولدش را در سال 1322 ق نوشته است).

3- بزرگان و سخن سرایان همدان 231/2.

4- گنجینه دانشمندان 216/7.

5- معلومات متفرقه.

6- نقباء البشر 69/2.

### شیخ شهاب الدین نراقی کاشانی

### اشاره

(-1350 ق)

حاج شیخ شهاب الدین فرزند علامه میرزا فخر الدین و نوه آیت الله ملا محمد نراقی کاشانی، از دانشمندان و بزرگان کاشان به شمار می رفت.

وی در شهر کاشان دیده به جهان گشود.

نامبرده پس از طی مقدمات و سطوح به حوزه نجف اشرف عزیمت کرد و دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی استفاده نمود. آنگاه به زادگاهش بازگشت و به هدایت و ارشاد مردم پرداخت.

مرحوم نراقی تولیت مدرسه سلطانی کاشان را برعهده داشت.



وی از آیت الله ملا حبیب الله کاشانی ساوجی اجازه روایتی دریافت داشته بود.

از آثار قلمی او: 1- البدایه فی مسأله البداء.

ایشان در روز جمعه 26 شوال 1350/ ق مطابق با 13 اسفند 1310/ در کاشان درگذشت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

## -منابع

1- الاجازه الکبیره 538.

2- نقباء البشر 846/2.

## میر شهاب الدین نیریزی

### اشاره

(1255-1327 ق)

میر سید شهاب الدین فرزند سید نور الدین حسینی نیریزی شیرازی، فیلسوفی بزرگ و دانشمندی سترگ بود.

تولدش در سال 1255 ق در شهر شیراز اتفاق افتاد.

### تحصیلات

علامه نیریزی تحصیلات خود را در شیراز آغاز کرد و بخشی از دروس فقه و اصول را نزد علامه شیخ مهدی مازندرانی شیرازی و دروس حکمت را نزد شیخ عباس دارابی و ملا آقا جهرمی فراگرفت. سپس رهسپار تهران شد و دروس عالی فقه و اصول را نزد علامه میرزا محمد حسن آشتیانی و حکمت را نزد اساتیدی چون: شیخ محمد رضا قمشه ای، ملا علی مدرس زنوزی و سید ابو الحسن جلوه اصفهانی به پایان برد.

وی پس از آن خود به تدریس کتابهای حکمت و عرفان در مدرسه های صدر و مروی تهران پرداخت. علاوه بر این در فقه و اصول ید طولائی داشت، و جمع کثیری از محضر وی در علوم و فنون مختلف به ویژه در فلسفه استفاده نمودند.

ص: 786

آثاری که از قلم آن جناب به رشته تحریر درآمده و از آن یاد می کنند دو کتاب است که عبارتند از:

1- رساله فی حقیقه الوجود.

2- حاشیه بر تمهید القواعد (اثر ابن ترکه) که در کتابخانه مسجد اعظم قم به شماره (23708) نگهداری می شود.

علامه حاج آقا بزرگ تهرانی درباره اش می نویسد:

«حتی أصبحت له فی الفلسفه قدم راسخه، وأصاب حظاً عظيماً و كان بارعاً في الفقه و الاصول أيضاً، و له في العرفان أشواط بعيدة، استقل بالتدريس في الحكمة و غيرها (بمدرسه الصدر) في طهران بعد وفاه استاذہ القمشهی، فاستفاد منه جمع من الفضلاء، و تخرج عليه كثير من طلاب العلم، و كانت له مكانة في الاوساط العامه في طهران...».

از جمله شاگردان ایشان می توان به حضرات آیات زیر اشاره کرد:

1- میرزا مهدی آشتیانی، که حکمت عالی را نزد ایشان خواند.

2- میرزا احمد آشتیانی، که شاگرد سفارش بوده است.

3- شیخ عبد الحسین رشتی (صاحب شرح کفایه الاصول).

4- سید محمد کاظم عصّار تهرانی، که حکمت عالی و اسفار اربعه و شواهد ربوبیه و مبدأ و معاد ملا صدرا را از محضر ایشان استفاده نموده است، و چنانچه استاد عصّار در شرح حال خود مرقوم داشتند: نیریزی دو حلقه درس تشکیل می نموده، یکی آزاد برای همه و دیگری را فقط جهت خواص منعقد می ساخت.

5- شیخ آقا بزرگ تهرانی، که مدتی از درس ایشان استفاده نموده است.

6- شیخ محمد مهدی مازندرانی «امیر کلائی» که هم شاگرد و هم وصی ایشان بوده است، و بر حسب وصیت ایشان جسدش را در قم به خاک سپرد.

علامه نیریزی پس از عمری تحقیق و تدریس سرانجام در 14 ربیع الاول/ 1327 ق در سن 72 سالگی در تهران بدرود حیات گفت و پیکرش به قم حمل و در

مقابر خاک فرج به خاک سپرده شد.

نامبرده برادری داشت به نام یوسف شهابی که اهل فضل و کمال بود و در سال 1362 ق درگذشت.

#### -منابع

1-الذریعه 36/25.

2-تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدر المتألهین 68 و صفحات دیگر.

3-تذکره الحکماء(اثر مدرس گیلانی-خطی).

4-نقباء البشر 845/2.

\*\*

ص:788

(1350-ق)

حاج شیخ صابر فرزند ملا محمد حسین کره رودی اراکی، دانشمندی توانا و فاضلی برجسته بود.

شیخ آقا بزرگ تهرانی وی را چنین معرفی می کند: (از معاصران، فقه و اصول و سایر علوم نزد بزرگان و دانشمندان عصر خود کسب کرد، سپس به وظایف دینی از قبیل: اقامه نماز جماعت و ترویج و نشر احکام الهی اشتغال ورزید، او از علمای محترم و بزرگان پذیرفته شده در سامان خود بود).

علامه شیخ مجتبی عراقی در کتاب خود «علماء گمنام» درباره ایشان چنین می نویسد:

این جانب راقم الحروف در ایام کودکی در کنگاور خدمت مرحوم حجه الاسلام آقا صابر کره رودی رسیدم، و معظم له در همراهی آقازاده اش مرحوم آقا محمد از سفر کربلای معلی مراجعت می فرمود و بنظرم آمد که شخصی مهربان و خوش قلب و نیکو صورت و سیرت و مبادی آداب و علاقه مند به احکام شرع مواظب مستحبات و عبادات و علاقه مند به احیای مراسم امر به معروف و نهی از بود، و به



زبان مرسوم در کره رود با مردم صحبت می کرد، و شنیدم و نقل کردند در ایام حکومت رضا خان پهلوی شبی از شبها سوار حیوان سواری خود به چند نفر از پاسبانها مصادف می شود و می گوید: آی آقا بیا جلو ببینم، پس از آمدن پاسبانها می گوید: شنیده ام شماها آدمها را می گیرید پس چرا مرا نمی گیرید؟! آنها با خنده می گویند: آقا کی ما آدم ها را می گیریم: و مرحوم دکتر ابو القاسم خان مؤید الاطباء پاشائی که از دکترهای بسیار حاذق بود، لطائف ظریفی از ایشان نقل می کرد که نقل آنها بطول می انجامد فرحمة الله عليهم اجمعین.

این عالم زاهد در سال 1350 ق مطابق با 1310 ش در اراک به رحمت ایزدی پیوست و جنازه اش به قم حمل و در قبرستان شیخان دفن گردید.

فرزندانش: 1- شیخ محمد واعظ که مدفون در قبرستان حاج شیخ قم است. و دو دختر که آخوند ملا علی نقی کره رودی دامادش بود.

## -منابع

1- علماء گمنام 201.

2- نقباء البشر 850/2

## میرزا صادق تبریزی

## اشاره

(1351-1269 ق)

خانان معظم له:

ایشان فرزند عالم فقیه و متکلم میرزا محمد آقا معروف به (بالا مجتهد) پسر آیت الله ملا محمد علی قراچه داغی دینوری (صاحب شرح تبصره علامه حلی و داماد میرزا علی اصغر شیخ الاسلام تبریزی) است.

معظم له چهار برادر داشته 1- آیت الله حاج میرزا محسن آقا مجتهد (صاحب تبیین المحججه الی تعیین الحججه) 2- آیت الله حاج میرزا عبد الحسین آقا 3- آیت الله حاج میرزا احمد آقا (صاحب نظام العالم) 4- آیت الله حاج میرزا عبد العلی آقا

ص: 790

مجتهد و نیاکانش تا هفت پشت از علما و فقهای بزرگ شیعه بوده اند.

## ولادت و تحصیل

در سال 1269 ق در خاندانی علمی، در شهر تبریز به دنیا آمد و تحصیلات ابتدائی را در همان شهر به پایان رساند و در سن 19 سالگی به سال (1288 ق) به همراه برادر بزرگتر خود علامه حاج میرزا محسن آقا مجتهد، برای تکمیل معلومات خود به نجف اشرف مسافرت کرد و مدت 24 سال در آنجا ماند و از محضر اعظم و اساتید آنجا از جمله بزرگان زیر استفاده کرد و به درجه قدسیه اجتهاد نائل آمد و در همان جا به تدریس و تربیت طلاب پرداخت و آنان از نظریات صائب و عمیق معظم له استفاده می کردند.

## اساتید او

1- سید مهدی قزوینی حلی.

2- سید حسین کوه کمری «ترک».

3- میرزا محمد حسن شیرازی.

4- ملا محمد فاضل ایروانی (م 1306 م).

5- ملا محمد فاضل شریبانی.

6- محمد حسن مامقانی (م 1313 ق).

7- شیخ هادی تهرانی- صاحب ذخائر النبوه (متوفای 1321 ق) که بیشتر تلمذ ایشان نزد وی بوده است و از آراء و نظریات استاد خویش طرفداری کرده و آنها را تأیید می نمود. مثلاً در عدم بطلان روزه بوسیله شرب تن، از فتوای استادش پیروی کرده و به همان گونه فتوی داده و عمل می کرد.

وی نیز مدتی در کربلا اقامت کرد و از محضر ملا حسین فاضل اردکانی و شیخ زین العابدین مازندرانی استفاده کرد.

ص: 791

همچنین ایشان مدت کوتاهی در دروس آیات: میرزا حبیب الله رشتی، سید علی بحر العلوم و برادرش سید حسین بحر العلوم و شیخ محمد طه نجف تبریزی بهره برده بود.

## بازگشت به ایران

معظم له در سال (1312 ق) به ایران آمد و در زادگاه خود تبریز اقامت گزید و به درس و بحث و افاده و وعظ و ارشاد پرداخت و در این شهر مرجعیت تامه داشت.

## تألیفات

1- البیع و الخیارات.

2- الفرق بین العقد الدائم و المنقطع.

3- الفوائد فی مسائل فقهیه- متفرقه-، این کتاب را در دوره تبعید خود در قم نوشته و در تهران در سال (1351 ق) به طبع رسیده است.

4- المقالات الغریبه فی تحقیق المباحث الاصولیه، در سال (1317 ق) در تبریز به طبع رسیده است.

5- الولایه الشرعیه و انواعها.

6- انوار الحقائق فی شرح القصیده المنشأه فی مدح اشبه الناس بخیر الخلائق، انشا از مرحوم میرزا صادق آقا، بیت اول آن است:

اتنوی بقاء الרכب و هو رحیل و لا ظل یوما دام لیس یزول

تشید دارا لست فیها بساکن و تهدم بیتا انت فیه تزول

7- تقدیم الاحرام علی المیقات.

8- حاشیه علی منهج الرشاد.

9- حاشیه علی وسیله النجاه.

ص: 792

10- دیوان شعر.

11- رساله در اصول دین.

12- رساله عملیه فارسی مشتمل بر اصول دین و مسائل اجتهاد و تقلید تا آخر مصارف خمس که در سال (1323 ق) به طبع رسیده است.

13- رساله فی المشتقات، در (1317 ق) در تبریز به چاپ رسیده است

14- رساله فی بعض مسائل الصلاه.

15- رساله فی شرائط العوضین، رساله در انتصاف المهر بالموت، رساله در ربا.

16- رساله مختصره، چاپ قم.

17- شرح تبصره المتعلمین (کتاب طهارت از ابتدا تا آخر احکام سلس است و به اتمام نرسیده).

18- طریق النجاه.

19- کتاب الصلاه در فقه، از اول مبحث صلاه تا آخر باب امامت و اقتدا در چهار جلد.

20- واجبات الاحکام (رساله عملیه) باب دیات که در سال (1345 ق) به چاپ رسیده است.

### خصایص و ملکات روحی ایشان

صاحب علماء معاصرین وی را این گونه می ستایند:

«آن خبر اعظم، وافر العقل، حدید النظر، عدیم النظر، عمیق الفکر بود، یقرأ مکتوب الغد من عنوان الیوم و المؤمن ینظر بنور الله.

پیش بینی او به نحوی بود که از امور فضیحه و قوانین مبتدعه قبل از وقوع، به فکر ثاقب و نظر صائب خود خبر می داد و همان طور می بود. حتی بعضی از اشخاص را معین می فرمود که به فلان امر متصدی خواهد شد و همان طور می شد.

چنان صاحب حزم بود که احدی نمی توانست در امری به رأیش دخالت و غلبه

ص: 793

نماید. و نطق نمی کرد مگر به چیزی که نفع بخشد برای مردم در دین و دنیای ایشان و کسی را ذکر نمی کرد مگر به خیر و خوبی».

هم او در جای دیگر ایشان را این گونه توصیف می کند:

«اعلم واقفه و ادق نظرا و جمیل الخلق و حسن الخلق، حلیم، کریم، حکیم، قوی، شدید العزم، قوی القلب، بصیر در امور، صبور در شدايد و ملمات و متصلب در دین و شرعیات، طیب المحاوره، مترفق در محاضره، ادیب، منشی، شاعر، مجید، جید الخط، حسن الربط، و بالجمله خالق البریه جلّت عظمته نعم خود را در این وجود مسعود به اتمام رسانیده بود».

و صاحب احسن الودیعہ در ضمن ستایش از او، به صفت صبر وی اشاره کرده و گوید: «او مجهول القدر و صابر بر شدائد دهر است».

سبط او حجه الاسلام و المسلمین حاج میرزا مهدی صادقی گفتند:

او خیلی متواضع بود و بسیار مؤدب و حتی نزد من که نوه او بودم پایش را دراز نمی کرد و لباس در نمی آورد و اگر کسی به او بدی می کرد هرگز آن را به زبان نمی آورد و با اخلاق اسلامی با او مواجه می شد.

یکی از منسویین آن شادروان نوشته است:

(او) شخصی کریم، پشیمان فقرا و مستضعفان و سیاستمداری هوشمند و متصلب در دین و خوش محاوره و محاضره بود، تسلطی قوی در ادبیات داشت و بسیار شعر می سرود، خطی زیبا و شیوه مخصوص در شکسته نویسی داشت وی محبوبیت و نفوذ فوق العاده ای داشت.

مؤلف «رجال آذربایجان در عصر مشروطیت» می نویسد:

در شب عید فطر مردم از نصف شب به مسجد او می رفتند و برای خود جا می گرفتند و بعضی از مردم جای خود را به قیمت گران به اعیان و اشراف می فروختند.

آن مرحوم را اشعاری است در زمینه های زیر:

قصیده ای در قیام امام حسین علیه السلام و نوائب عاشورا، و قصیده ای در رثای علی اکبر علیه السلام که در کتاب وقایع الایام-جلد محرم الحرام-ص 417 و ص 495 به چاپ رسیده است و فردی آن را شرح کرده و انوار الحقائق فی شرح القصیده المنشأه فی مدح شبه الناس بخیر الخلائق و قصیده دیگری نیز در مورد اردبیل دارد که خاتمه همان کتاب مذکور است و قصیده دیگری در فاجعه فتنه روس و توپ بستن گنبد حضرت امام رضا علیه السلام دارد و قصیده رثائیه ای در رثاء مرحوم حاج میرزا عبد الکریم آقا-امام جمعه شهید تبریزی-دارد که در ص 113 کتاب علماء معاصرین در ضمن شرح حال امام جمعه تبریزی و در کتاب شهداء الفضیله ص 393 مذکور است و ما در اینجا اشاره ای به قصیده مربوط به توپ بستن بارگاه امام رضا علیه السلام می نمائیم:

تجدد رزء لم یکن یترصّد بنیرانه احشائنا تتوقّد

وانّی لکم رق و اسمی صادق و امی الی انسابکم تتسند

### فرزندان ایشان

1- آقا میرزا جواد، که از شاگردان پدر خود بود، و در قم مدفون است.

شیخ علی احمدی میانجی نقل می کند: آیت الله آقای بهاء الدینی فرمودند: در میان برادران تبریزی از نظر معنوی باکمال تر از آقا میرزا جواد برخورد نکرده ام.

2- میرزا رضا تبریزی، که این دو برادر تا آخر عمر مجرد زیستند.

### مبارزات ایشان

وی از بنیانگذاران نهضت اسلامی بر علیه زندقه و بی دینی و سیاستهای ضد اسلامی در کشورهای اسلامی در عمر خود بوده است. علنا با مشروطه مخالفت کرده، در دوران ملوک الطوائفی اواخر قاجار پیدایش مشروطیت و اوائل حکومت

ص: 795

پهلوی مبارزات قابل تقدیری داشته و با سخنان جذاب و دلنشین خود به افشای سیاستهای استعماری و حکام مستبد و قوانین موضوع آنها پرداخته است و آیت الله خمینی در سخنرانیهای خود در موارد متعدد به فداکاری ها و مبارزات آیت الله میرزا صادق آقا اشاره فرموده اند: مثلاً برای سست کردن پایه های حکومت استبدادی رضا خان با قانون نظام وظیفه و سربازی اجباری مخالفت کرد و وقتی همه بازارها را به احترام نظر ایشان بستند، فرموده بود: ای کاش یکی از ما را می کشتند که اگر یک نفر از ما کشته می شد، کار تمام می شد.

سرانجام آقا میرزا صادق آقا و جمعی از علمای مبارز را به کردستان تبعید کردند و هنگامی که رضا خان، اقبال مردم را به آنان دید، دستور آزادی آنان را داد و هرکس به شهری رفت. اما میرزا صادق آقا در پادگان ماند و گفت من باید بدانم که گناهم چه بوده است. رضا خان دستور داد او را به قم تبعید کنند تا تحت الشعاع مرحوم حاج شیخ عبد الکریم قرار گیرد.

فاضل محترم حجه الاسلام آقای سید ابراهیم سید علوی در ارتباط با کناره گیری آقا میرزا صادق آقا از حکام و سلاطین قاجار و پهلوی می نویسد:

والد گرامی ام برایم نقل کرد که یک روز عبد الله خان طهماسبی گویا از سوی پهلوی می خواست با آقا دیدار کند. در آن موقع آقا میرزا صادق آقا در خانه نبود و در محله جامش آوان (جمشیدآباد) یا عم زینه دین (عموزین الدین) تبریز بود.

عبد الله خان از محل زندگی آقا اطلاع یافت و به آنجا آمد و اجازه ملاقات خواست.

اما آقا تمارض کرده، از ملاقات و دیدار با وی امتناع فرمود. ولی پس از آنکه او بر این اصرار ورزید به وی اجازه داده شد و بالاخره وارد اندرونی گردید. آقا در رختخواب نشسته و استراحت می کرد در همین حال با عبد الله خان مذاکره می فرمود. ناگهان صدای آقا بلند شد و شنیدیم آقا می فرماید: ای عبد الله خان، امکان ندارد من دستم را در دست این ستمگر بی دین بگذارم. من اگر نصف شب از دیوار خانه او بالا رفته و مشاهده کنم که او نماز شب می گزارد، باز باورم نمی شود و یقین دارم که حقه ای

در کار او است.

به هر حال معلوم شد که عبد الله خان آمده قرار ملاقات آقا را با پهلوی بگذارد.

اما با مقاومت و امتناع آقا رو برو گردید.

نمونه دیگری، دفاع آن مرحوم از حقوق محرومانی است که توسط وابستگان قاجار به یغما می رفت. از جمله کسروی در تاریخ مشروطه ایران ص 148 می نویسد:

یکی از رعایای تبریز به نام حاجی عباس، توسط ولیعهد و دارودسته او مورد ستم قرار گرفته و ملکش تصرف عدوانی می شود. اما هر چه فریاد می کند و تظلم می نماید به جایی نمی رسد. سرانجام به خانه علما و مجتهدین پناه می آورد و راجع به غصب املاک و زمینهایش پرسشنامه ای تهیه و جواب می خواهد، آیت الله میرزا صادق آقا چون صحت ادعای آن رعیت مظلوم را می دانسته و به حقیقت ماجرا واقف بوده، جوابی به مضمون زیر می نویسد:

«اگر غصب املاک حاجی عباس درست است، پس غصب فدک هم درست بوده است».

علامه امینی می نویسد:

«او یکی از چهره های درخشان تشیع و از جمله دانشمندان متشخص امامیه است که در آذربایجان به مرجعیت تقلید رسید و سالها صاحب ریاست و زعامت دینی گردید. زعمی که در اداره امور حسن تدبیر و در قضا و داوری، دادگر و در اظهار نظر، ثبات و پایداری و استواری نشان می داد و برای اصلاح جامعه برنامه هائی پیشرفته ارائه می نمود.

او همواره با هوشیاری و دوراندیشی و تحمل مشقات و مرارتها، مردم را رهبری می کرد و در مبارزه با کفر و الحاد از سختی ها و تلخی ها نمی هراسید و پیوسته با پند و اندرز و سخنان گیرا و نافذش بار مسئولیت را بدوش کشید.

شهید میرزا علی نقیها لاسلام تبریزی می نویسد:

ص: 797



«آقا میرزا صادق آقا، فرزند میرزا محمد، فرزند مولی محمد علی قره داغی تبریزی، یکی از فحول محققین و از یگانه دانشمندان فقها و اصولیینی است که در علم اصول الفقه دارای مشربتی تازه و ویژه است و آن را از استاد محقق خود شیخ هادی تهرانی نجفی رضوان الله علیه فرا گرفته است او (میرزا صادق آقا) مجتهدی است زاهد، عابد، بسیار کم حرف و متمایل به انزوا و گوشه گیری و دارای آثار و تألیف نیکویی است مثل: مباحث الفاظ، مشتقات و کتابی در فقه که من بخش طهارت آن را دیده ام. او که خداوند سلامتش بدارد از معاصران و فعلا در قید حیات می باشد، پروردگار متعال را به رضای خویش موفق گرداند و پدرش مرحوم میرزا محمد نیز یکی از علمای عصر خویش و دانشمندی مورد اعتماد و مشار بالبنان بوده و نزد عوام و خواص تبریز مقبولیت و محبوبیت داشته است و به عنوان بالا مجتهد (مجتهد کوچک) خوانده می شده است».

علامه سید محمد مهدی کاظمی اصفهانی می نویسد:

«و هو اطلال الله بقاه و من کل مکروه وقاه من کبار علماء ایران و احد مراجع الامامیه فی هذا الزمان، کانت له الرئاسة العامه و المرجعیه التامه فی تبریز. سیرته الحکومه الایرانیه فی الثوره المشهوره الّتی صارت فی تبریز الی بعض بلاد ایران».

یعنی آقا میرزا صادق آقا یکی از علمای بزرگ ایران و از جمله مراجع تقلید شیعه امامیه در عصر حاضر است که صاحب ریاست عام و مرجعیت تام است و حکومت ایران به دنبال انقلابی که در تبریز رخ داد، وی را به برخی از بلاد تبعید کرد.

شادروان حاج ملا علی خیابانی می نویسد:

«بنابه موجبی به بلده سنندج، مقر حکومت کردستان مسافرت فرمود و اهالی آنجا با اینکه از جماعت عامه و اهل سنت شافعیه هستند به زیارت او آمدند و تکریم و تجلیل به جای آوردند و علمای ایشان هر روز می آمدند و به قدوم وی در بلدشان افتخار می نمودند. حتی شیخ اجل شیخ شکر الله امام جمعه سنندج گفت:

اگر ذبح ولد، شرعی بود. من یکی از اولادم را ذبح می کردم».

مرحوم مهدی مجتهدی می نویسد:

«رضا شاه دستور داد میرزا صادق آقا را گرفتند و به سردشت روانه ساختند.

وی مدتی آنجا بود تا به قم تبعید گردید».

علامه سید حسن امین عاملی می نویسد:

«او فقیهی بوده مجتهد، مرجع تقلیدی محبوب، انسانی زیباروی، نیکومعاشرت، بردبار، خوش خط، واعظ و سخنور، دارای سعه صدر و قریحه شعر بوده است. حکومت ایران در انقلاب مشهور که به سال 1347 ق، رخ داد او را به برخی بلاد ایران، سپس به قم تبعید کرد».

محقق متتبع، شیخ آقا بزرگ تهرانی می نویسد:

«او وجود خود را وقف تدریس، نشر احکام، سودرسانی به مردم، رفع احتیاج نیازمندان، مبارزه با بدعت ها و بی دینی ها و پاسداری از حریم دین و دیانت کرد و در این مسیر رنجی فراوان و ناملایماتی فزون از حد که کوههای عظیم و سخت را تحمل توان آنها نیست، دید و با قلبی محکم و حوصله ای شگفت انگیز، همه آنها را به جان خرید و خویشان را در راه خدا برای هر رویداد تلخ و ناگواری آماده ساخت و در آخر عمر در قم رحل اقامت افکند».

خیر الدین زرکلی می نویسد:

«حکومت پهلوی وی را به ری تبعید کرد، او آزاده ای بود که بر بالای منبر زشتکاریهای پهلوی را مطرح می کرد و لذا پلیس او را دستگیر و نخست در همدان زندانی کرد و سپس به قم تبعید نمود و در همان جا از دنیا رفت».

و بالاخره علامه شیخ محمد حرز الدین می نویسد:

«آقا صادق قره داغی، عالمی بود که در برابر سلطهٔ مزدور بیگانه در ایران ایستاد. کسی که من به او و صحت سخنانش اطمینان دارم و در ایام تبعید وی (آقا میرزا صادق آقا) توسط حکومت ترس و وحشت پهلوی همراهش بوده برای من

تعریف می کرد که در زهد و تقوای میرزا صادق آقا شک و شبهه ای نیست و او از یگانه های دوران بوده که جز امر به معروف و نهی از منکر همتی نداشت و همین معنی بر حکومت پهلوی و مأموران مزدور او، گران می آمد.».

## امداد غیبی

نوه ایشان جناب آقای صادقی نقل کردند هنگام تبعید ایشان از کردستان به قم، آقا نماز نخوانده بود. هرچه از مأمورین خواهش می کند تا توقف کنند تا ایشان نماز بخوانند، آنها امتناع ورزیده و توقف نمی کنند. طولی نمی کشد که ماشین پنجر می شود و مأمور رو به آقا کرده و می گوید حالا هر چقدر دلت می خواهد نماز بخوان!

آری خداوند سبحان بندگان مخلص و مجاهد را در کورانها و بحرانهای زندگی کمک می کند و آنان را از تنگنا رهایی می بخشد که: وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا .

سید عبد الحسین دستغیب در «داستانهای شگفت» تحت عنوان «کرامت علما» می نویسد:

جناب آقای حاج معین شیرازی ساکن تهران نقل فرمودند که روزی به اتفاق یکی از بنی اعمام در خیابان تهران ایستاده منتظر تاکسی بودیم تا سوار شویم و به محل موعودی که فاصله زیادی داشت برویم.

قریب نیم ساعت ایستادیم هرچه تاکسی می آمد یا پر از مسافر بود یا نگه نمی داشت و خسته شدیم. ناگاه یک تاکسی آمد و خودش توقف کرد و به ما گفت آقایان بفرمائید سوار شوید و هر جا می خواهید بفرمائید تا شما را برسانم. ما سوار شدیم و مقصدمان را گفتیم در اثنای راه من به ابن عمم گفتم شکر خدای را که در تهران یک راننده مسلمان پیدا شد که به حال ما رقت کرد و ما را سوار نمود. راننده شنید و گفت: آقایان تصادفاً من مسلمان نیستم و ارمنی هستم گفتم: پس چگونه

ملاحظه ما را نمودی. گفت: اگرچه مسلمان نیستم، اما به کسانی که عالم مسلمان هستند و لباس اهل علم دربر دارند عقیده مندم و احترامشان را لازم می دانم بواسطه امری که دیدم.

پرسیدم چه دیدی؟ گفت سالی که مرحوم آقای حاج میرزا صادق مجتهد تبریزی را به عنوان تبعید از تبریز به کردستان (سنندج) حرکت دادند من راننده اتومبیل ایشان بودم. در انای راه نزدیک به درخت و چشمه آبی شدیم. آقای تبریزی فرمودند: اینجا نگه دار تا نماز ظهر و عصر بخوانم. سرهنگی که مأمور ایشان بود به من گفت: اعتنا نکن و برو، من هم اعتنائی نکرده رفتم تا محاذی آب رسیدم، ناگهان ماشین خاموش شد. هرچه کردم روشن نگردید، پیاده شدم تا سبب خرابی آن را بدانم هیچ نفهمیدم مرحوم آقا فرمود حالا ماشین متوقف است بگذارید نماز بخوانم. سرهنگ ساکت شد آقا مشغول نماز گردید. من هم سرگرم باز کردن آلات ماشین شدم، بالاخره هنگامی که آقا از نماز فارغ شد و حرکت کرد فوراً ماشین روشن گردید. از آن روز من دانستم که اهل این لباس نزد خدای عالم محترم و آبرومندند.

## وفات و مدفن

ایشان به دنبال کسالت ذات الریه در شب جمعه ششم / ذی القعدة 1351 / ق مطابق با 12 اسفند 1311 / ش در اثر بیماری در سن 82 سالگی در قم از دنیا رحلت کرد و چون صبح جمعه فرارسید اهالی قم و زائرین حضرت معصومه علیها السلام از ارتحال ایشان باخبر شده و قم یکپارچه عزادار گردید.

مراسم تغسیل و تکفین وی را عالم ورع و متقی شیخ مهدی محدث واعظ به عهده گرفت و نماز وی را مرحوم آیت الله حاج شیخ ابو القاسم قمی «کبیر» خواند و به طوری که صاحب علماء معاصرین نوشته تقریباً پانزده هزار نفر در تشییع حاضر و مردم مثل عاشورا گریه و ناله می کردند و می خواندند:

رفت از دار فنا سوی بقا سرور ما خاک غم بر سر ما و...

جنازه وی را به حرم حمل کردند و در کنار ضریح مقدس حضرت معصومه علیها السلام و به هنگام حفر قبر، قبر آماده ای پیدا شد و مردم را به تعجب واداشت، زیرا حتی خدام آستانه مقدسه احتمال نمی دادند که در رواقین اطراف حرم چنین قبر حاضری، خالی وجود داشته باشد.

به دنبال این حادثه جبران ناپذیر در اکثر بلاد ایران و نجف مجالس ترحیم برگزار شد و بازار برخی از شهرها بسته شد در قم مرحوم آیت الله حائری و در مشهد از طرف آیت الله حاج آقا حسین قمی و مرحوم آیت الله سید صدر الدین صدر و در نجف از ناحیه مرحوم آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی و دیگران نیز مجالس یادبودی برگزار گردید و در آذربایجان از طرف اقشار مختلف و خانواده ایشان مخصوصا اخوان معظمش مجلس تذکر و یادبود با شکوهی برگزار و پس از مدتی به خاطر کثرت ازدحام مردم در این مجالس، دولت رضاخانی از ترس اینکه شاید این اجتماعات به تظاهرات بر علیه رژیم منجر شود، انعقاد مجالس را ممنوع نمود با این همه مجالس فاتحه و اطعام فقرا در شهرهای: همدان، زنجان، اردبیل، مراغه، ارومیه و خوی بطور بی سابقه ای بر پا شد.

ماده تاریخ وفاتش به عربی (قد انجاه الله تعالی من ایدی الظلمه) و به فارسی (قوام ملت و دین بوده مقتدای انام).

#### -منابع

- 1- آثار الحجج 36/1.
- 2- احسن الودیعه 71/2.
- 3- اعیان الشیعه 366/7.
- 4- الاجازه الکبیره 63.
- 5- الاعلام «الزرکلی» 186/3.
- 6- المسلسلات فی الاجازات 402/2.

ص: 802

- 7-المفصل فی تراجم الأعلام(خطی-اشکوری).
- 8-تاریخ و جغرافیای ارسباران 248.
- 9-چهره آذربادگان در آینه تاریخ ایران 176.
- 10-دائرالمعارف تشیع 83/4.
- 11-رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 103.
- 12-سخنوران آذربایجان 800/2.
- 13-شهداء الفضیله-پاورقی ص 392.
- 14-علماء معاصرین 153.
- 15-کیهان اندیشه، ش 10 و ش 16 مقاله آقای سید ابراهیم سید علوی تحت عنوان «بیان صادق» (که از آن بسیار استفاده شد).
- 16-گنجینه دانشمندان 236/1 و 458/4.
- 17-معارف الرجال 226/3 و 374/1.
- 18-معجم المؤلفین 317/4.
- 19-مکارم الآثار 2065/6 (تولدش را در سال 1274 ق دانسته است).
- 20-مؤلفین کتب چاپی 481/3.
- 21-نقباء البشر 873/3 (تولدش را در سال 1274 ق دانسته است).
- 22-وقایع الایام-جلد محرم-417 و 495.

### صادق جوادی خرم آبادی

#### اشاره

(1296-1365 ق)

صادق فرزند شیخ باقر جوادی، از چهره های با نفوذ شهر خرم آباد بود.

وی در سال 1296 ق مطابق با 1257 ش در خرم آباد تولد یافت.

اجدادش اصالتاً اهل اصفهان بودند که از دیرباز به لرستان و مرکز آن، خرم آباد مهاجرت کرده و متوطن شده بودند.

آقا صادق در مکتب خانه قرآن، گلستان سعدی و مقداری سیاق فراگرفت، و به

ص: 803

خواست پدر مقدمات عربی را هم خواند. آنگاه در اوان جوانی به کار و تجارت روی آورد و در کنار تاجران مهم آن روز به خرید و فروش کالاهای مختلف پرداخت.

او در سال 1307 ش که اداره بلدیة (شهرداری) تأسیس یافت، به سمت رئیس انجمن شهر انتخاب شد. در سال 1311 ش که مسأله الغای قرارداد داری نفت جنوب مطرح گردید در سبزه میدان سخنرانی کرده و مطالبی بر علیه سیاست استعماری بیان داشت. وی شخصی فهیم، مطلع و باهوش بود و در اختلافات گروه ها و افراد نافذ الکلمه بود.

جوادی در سال 1365 ق مطابق با 1325 ش در خرم آباد چشم از این جهان پوشیده و پیکرش طبق وصیت خود به قم حمل و به خاک سپرده شد.

### - منبع

1- مشاهیر لر 226.

### سید صادق حسینی رشتی

### اشاره

(1264-1354 ق)

از علما و فقهای بزرگ رشت بود.

### تحصیلات عالی

وی پس از طی مقدمات و سطوح در رشت به نجف اشرف مهاجرت کرد، و از محضر آیات: سید حسین کوه کمری، میرزا حبیب الله رشتی و شیخ زین العابدین

ص: 804



مازندرانی در فقه و اصول، و میرزا حسین نوری در علم الحدیث استفاده نمود.

## مراجعت به رشت

وی پس از انجام تحصیلات عالی خود و دریافت اجازات علمی و روایی از آیات: میرزا حسین نوری، شیخ محمد طه نجف تبریزی و میرزا محمد علی مدرس چهاردهی گیلانی به رشت مراجعت کرد.

ایشان در رشت اقبال زیادی پیدا کرد و محل رجوع و قضای حوائج مردم شد، و نیز به اقامه جماعت و هدایت و وعظ و ارشاد اشتغال داشت و در نهایت زهد و ورع و تقوا بود.

## از آثار او

1- حاشیه علی الرسائل.

2- حاشیه علی المکاسب.

## درگذشت

حسینی رشتی در حدود سن 90 سالگی به سال 1354 ق مطابق با 1314 ش در رشت درگذشت و در قبرستان حاج شیخ در قم به خاک سپرده شد.

بنا بر اظهارات آیت الله شیخ محمد لاکانی (مقیم رشت) ایشان به «سیگارودی» معروف بود و اولادی از او باقی نماند.

## -منابع

1- الاجازه الکبیره 64.

2- المسلسلات فی الاجازات 247/2.

3- گنجینه دانشمندان 177/5.

4- نقباء البشر 853/2.

ص: 805

(1338-1255 ق)

حاج سید صادق فرزند میرزا زین العابدین حسینی قمی، جدّ سادات روحانی قم و از دانشمندان مشهور و فقهای نامدار عصر خود بود.

در سال 1255 ق در قم دیده به جهان گشود.

### در حوزه های علمیه

وی پس از تحصیل مقدمات و سطوح در قم و اصفهان و تهران، (که در تهران از میرزا علی مدرس در حکمت استفاده نمود) در سال 1279 ق همراه با آیت الله شیخ غلامرضا قمی (حاج آخوند) به نجف اشرف رهسپار شد، و حدود سه سال از محضر شیخ الفقهاء شیخ مرتضی انصاری استفاده نمود، سپس مدت 17 سال از محضر آیت الله میرزا حبیب الله رشتی بهره مند گردید، و در سال 1296 ق به سامرا رفت و مدتی چند نزد آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی تلمذ کرد، و در سال 1298 ق به قم مراجعت نمود.

استاد علی اکبر فیض می نویسد: «حاج سید صادق یکی از اساتید و مدرسین این بلد شریف است، که طلاب علوم دین و محصلین سوم کشف و یقین همه روزه در مدرس تحقیقش حاضر شده، از خمیلۀ فضلش اجتناء ثمرات فوائد می کنند، و از خرمن علمش التقاط حبات مطالب می نمایند.

اجداد و نیاکان و اقارب و عشایرش از تجّار متمولین با دیانت این بلد طیب اند.

ولی این فرید یگانه و عالم فرزانه از شغل موروثی اجدادی روی بتافت، و با شوقی تمام و جدّی مستدام به تحصیل علوم که میراث انبیاء علیهم السّلام است به پرداخت.

تکمیل مقدمات اجتهاد را در اصفهان و تهران و سایر بلدان ایران نمود، سپس با عزمی راسخ و شوقی غالب روی به اعتاب علیای نجف و کربلا آورد، و اندر آن

تربت پاک در محضر علما به خصوص حجه الاسلام میرزا محمد حسن شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی - ادام الله ظلهمما - چندان کوشش کرد که از حضيض تقلید به اوج اجتهاد مرتقی شد، از آن پس روی به وطن کرد.

او اکنون یکی از مفتیان و مدرسین این بلد شریف است که عقده کارهای متنازع فیه به ناخن رأی ایشان گشوده می شود، و فیصل حکومت شرعیه به کلک مشکین ایشان حوالت می رود.

از جمله آثار خیر آن مرحوم، بنای مدرسه علمیه و مسجد عالی جنب آن، در محله سلطان محمد شریف قم که تا امروز برکات آن مشهود است».

## از آثار او

1- تقریرات میرزای رشتی.

2- تقریرات میرزای شیرازی.

3- کتاب الزکاه، که نزد نواده اش آیت الله سید محمد صادق روحانی موجود است.

## درگذشت و اعقاب

وی در شب جمعه 4 ربیع اول 1338/ ق در سن 83 سالگی درگذشت، و در قبرستان شیخان در جوار بقعه میرزای قمی دفن شد.

وی داماد آیت الله شیخ عبد النبي ایروانی بود که از صبیبه ایشان دارای سه پسر و دو دختر شد و نیز عیال دیگری اختیار کرده بود.

## فرزندان:

1- سید فخر الدین متخلص به (مصباح)، متوفای روز شنبه 10 شوال/ 1349 ق مطابق با 9 اسفند 1309/ ش در سن 39 سالگی مدفون و در صحن موزه

ص: 807

حضرت معصومه علیها السلام. وی در علوم جدید ید طولی داشت، و از دوستان نزدیکش علامه شیخ حسین لنکرانی و سید ضیاء الدین طباطبائی بود 2- سید محمود 3- سید ابو الحسن.

حاج سید ابو الحسن فرزند آیت الله سید صادق حسینی روحانی قمی، از دانشمندان و فضلا بود. وی در سال 1309 ق در قم متولد شد.

پس از نشو و نما به تحصیل علوم دینی روی آورد و پس از طی دوره های مقدمات و سطح در سال 1330 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی استفاده نمود. آنگاه به قم مراجعت کرد و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی فقه و اصول و آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی اخلاق و عرفان استفاده کرد.

از آثار او: کتابی مختصر در اخلاق.

نامبرده در روز دوشنبه 6 ذی قعدة 1382/ ق مطابق با 12 فروردین/ 1342 ش در سن 73 سالگی در نجف اشرف درگذشت.

شیخ محمد علی شاه آبادی

فرزندانش: 1) علامه سید مهدی روحانی از جمله شاگردان آیت الله بروجردی است 2) علامه سید هادی روحانی که شرح حالش در آثار الحجه 36/2 و گنجینه دانشمندان 336/1 آمده است.

4- سید ابو القاسم 5- سید احمد و شش دختر که دامادهایش عبارتند از:

1- علامه شیخ محمد علی شاه آبادی 2- علامه سید حسن بن عبد الله برقی 3- میرزا محمد تهرانی (حجه الاسلامی

عموی میرزا محمد تقی قمی مؤسس دار التقریب)4- محمد باقر جوادیان قمی 5- علامه شیخ مهدی حرم پناهی قمی 6- میرزا علی اکبر حسینی یزدی (عموی مهندس کاظم حسینی).

تذکر: تولدش روی سنگ قبر (1253 ق) حک گردیده است.

#### - منابع

1- تاریخ قم 271.

2- رجال قم 98.

3- گنجینه دانشمندان 142/1.

4- نقباء البشر 855/2.

5- هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی 110.

#### شیخ صادق سربندی بروجردی

#### اشاره

(ح 1285-1365 ق)

حاج شیخ صادق سربندی فرزند علامه میرزا محمد بروجردی از دانشمندان زاهد و متقی بود.

معارف مقدماتی و سطوح را در بروجرد از اساتید عصر خود فراگرفت، و برای تکمیل تحصیلات از بروجرد به اصفهان رفت و از اعظم اعلام آن شهر چون: میرزا ابو المعالی کلباسی، جهانگیر خان قشقائی، شیخ محمد علی تقهالاسلام، و شیخ محمد تقی اصفهانی مشهور به (آقا نجفی) استفاده کامل کرد و از اساتید نامبرده به اجازه اجتهاد

ص: 809

مجاز شد، و سپس به نجف اشرف رهسپار و از محضر آیات: میرزا حبیب الله رشتی و آخوند ملا- محمد کاظم خراسانی استفاضه کرد. همچنین از مرحوم آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بهره ور و موفق به دریافت اجازه شد.

سپس به بروجرد مراجعت و به تدریس و افاضه مشغول گشت، و ضمناً در مجلس درس مرحوم آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی نیز شرکت می کرد.

وی در شب پنجشنبه 14 جمادی اول 1365/ ق مطابق با 26 اردیبهشت/ 1325 ش در بروجرد به رحمت ایزدی پیوست، و جنازه اش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ دفن شد.

### **آثار قلمی ایشان:**

مرحوم سربندی آثار علمی بسیاری در تفسیر و فقه و اصول و حدیث به جای گذاشت، که بعضی آنها با خط خودش در کتابخانه فرزند مرحوم برومندش حجه الاسلام حاج شیخ محمد تقی شریعت باقری متوفای غرة جمادی اول 1405/ ق و مدفون در بروجرد مقبره جهان آباد موجود است از جمله آنها:

1- تفسیر سورة فاتحه الكتاب، که گویا تقریرات بعضی اساتیدش باشد.

2- رساله استدلالی در بیع کلی.

3- رساله استدلالی در خیارات.

4- رساله استدلالی در وجوب صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در موقع شنیدن و ذکر نام آن حضرت و در تشهد.

5- رساله در مقدمه واجب.

6- رساله در قضاء.

7- رساله در ولایت.

8- رساله در حجیت ظن.

ص: 810

9- مجموعه ای در احادیث متفرقه و اشعار و ادعیه.

اضافه بر تألیف و تدوین رسائل و کتب مذکور، چند کتاب نفیس نیز از آثار قدماء به خط خود استنساخ کرده از جمله:

1- کتاب شهاب در حکم و آداب تألیف: شیخ یحیی بحرانی.

2- منهج الکرامه تألیف علامه حلی، که در سال 1305 ق در اصفهان استنساخ کرد.

3- قواعد شهید اول، که در سال 1306 ق در اصفهان استنساخ نموده است.

#### - منبع

1- تاریخ بروجرد 585/2.

#### شیخ صادق شیرازی

(ح 1272-1352 ق)

شیخ صادق فرزند رضا شیرازی، از فقها و بزرگان ساکن رشت گیلان بود.

وی در حدود سال 1272 ق متولد گردید.

نامبرده پس از نشو و نما و آموختن مقدمات به حوزه نجف اشرف رهسپار شد و دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیت الله میرزا حبیب الله رشتی کسب نمود و پس از سالیان دراز به ایران مراجعت کرد و در رشت سکونت اختیار نمود. و علاوه بر اقامه جماعت و تدریس متون کتب درسی، زعامت دینی را نیز برعهده گرفت.

از آثار او: رساله عملیه.

شیرازی در روز سه شنبه عید غدیر خم سال 1352 ق مطابق با 14 فروردین/ 1313 ش در حدود 80 سالگی در رشت درگذشت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

ص: 811

(1282-1377 ق)

حاج میرزا صادق فرزند ملا احمد تبریزی، ملقب و متخلص به «طاهباز» یکی از دانشمندان و فضولای تبریز بود.

وی در سال 1282 ق در تبریز دیده به جهان گشود.

### تحصیلات عالی

ایشان پس از طی تحصیلات مقدماتی و متوسط، جهت ادامه تحصیلات عالی رهسپار نجف اشرف گردید و مدت دوازده سال در آن سامان بسر برد و موفق به نیل درجه علمی خوبی گردید. آن گاه به زادگاهش بازگشت و به تدریس مقدمات و سطوح پرداخت و عده زیادی از فضلا از محضرش کسب فیض نمودند.

طاهباز، در سالهای آخر عمر - حدود 12 سال - به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و در پناه کریمه اهل بیت علیهم السلام زیست و به تدریس شرح لمعه پرداخت که درشش محفل بزرگی از طلاب را دربر داشت. وی در تدریس در شرح لمعه تخصص داشت.

نامبرده، مردی عابد، زاهد و پارسا که زهد و تقوای ایشان، زبان زد عام و خاص بود.

استاد طاهباز در 2/شعبان 1377/ق در سن 95 سالگی در قم درگذشت.

پیکر ایشان در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. وی فرزندان زیادی داشت که عبارتند از پنج پسر و شش دختر از جمله فرزندان ایشان: 1- آقا خلیل 2- آقا جواد 3- آقا جمال و سه داماد اهل علم داشت که عبارتند از: 1- مرحوم علامه سید محمد کماری (پدر علامه سید مهدی کماری) 2- مرحوم علامه سید محسن میرغفاری آذر شهری 3- مرحوم میرزا ابوالقاسم حرمی خوئی که از جمله وعاظ تهران بود.

### -منبع-

1- افادات فاضل ارجمند سید علی میرغفاری فرزند سید محسن آذر شهری (مقیم تبریز).



اشاره

(1317-1409 ق)

حاج شیخ صادق فراحی فرزند علی خوئی از علمای معروف خوی بود.

وی در سال 1317 ق مطابق با 1278 ش در خوی متولد شد.

تحصیلات

شیخ صادق ابتدا دروس جدید را تحصیل کرد، سپس به آموختن علوم دینی روی آورد و در مدت سه سال، مقدمات را در زادگاه خود آموخت.

آنگاه در حدود سال 1345 ق به قم مهاجرت کرد و سطح را نزد میرزا محمد همدانی به پایان برد. دروس خارج را منحصر از آیت الله سید محمد حجت کوه کمری استفاده نمود. و خود به تدریس پرداخت و پس از بیست و سه سال توقف در حوزه علمیه و درخواست اهالی خوی و امر آیت الله حجت به آن دیار مراجعت کرد و به اقامه جماعت و هدایت و تدریس اهتمام ورزید.

آثار قلمی ایشان که تمامی آنها از تقریرات درس آیت الله حجت می باشد، به شرح زیر است:

1- اصول الفقه (دوره کامل).

2- اللباس المشکوک.

3- قاعده لا ضرر.

ص: 813

4- کتاب الخمس.

5- کتاب الصلاه.

6- کتاب الصوم.

7- کتاب الطهاره.

8- کتاب المكاسب.

فراحی خوئی در روز 17/ محرم 1409/ ق درگذشت و پیکرش در قبرستان باغ بهشت قم به خاک سپرده شد.

### - منابع

1- آثار الحجج 297/2.

2- آینه دانشوران 420.

3- گنجینه دانشمندان 95/5.

### شیخ صادق نصیری سرابی

### اشاره

(1331-1413 ق)

حاج شیخ صادق فرزند شیخ عباس نصیری سرابی، از دانشمندان و فضیلاي معاصر بود.

ایشان در سال 1331 ق مطابق با 1292 ش در شهر «سراب» آذربایجان شرقی دیده به جهان گشود.

### مهاجرت به قم

مقدمات را در سراب نزد پدرش آموخت، و در سال 1349 ق به قم

ص: 814

مهاجرت نمود، و سطح عالی را از محضر آیات: میرزا محمد همدانی، شیخ محمد علی ادیب تهرانی، شیخ عباسعلی شاهرودی، شیخ فاضل لنکرانی، سید شهاب الدین مرعشی و سید احمد زنجانی استفاده نمود، و از سال 1356 ق تا 1371 ق مرتباً در درس آیت الله سید محمد حجت کوه کمری حاضر و از دانش سرشار آن فقیه بزرگ بهره مند می شد و نیز از ورود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم تا سال رحلت ایشان از محضرش استفاده نمود، و پس از رحلت ایشان، از ملازمان آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی گردید، و جزو اعضای «لجنة احقاق الحق» درآمد، و در ضمن به تدریس سطوح اشتغال داشت.

یادآور می شویم که مرحوم نصیری در دروس منقول آیت الله سید کاظم شریعتمداری، و دروس معقول آیت الله سید روح الله خمینی حاضر می شد.

## سجایای اخلاقی

وی مردی متین، مهذب، ذوفنون بود. کمتر سخن می گفت و همیشه در حال ذکر و یاد خدا بود. متأسفانه آن چنان که بود از محضرش استفاده نشد، و همواره در انزوا و عزلت گذرانید. صفا و صمیمیت در برخورد با او مشهود بود، هیچ گونه ادعا و ریا در کارش نبود.

## از آثار او

1- رساله اجتماع امر و نهی.

2- رساله ترتب.

3- رساله قاعدة لا ضرر، که همه آن رسائل از تقریرات درس آیت الله حجت می باشد.

4- رساله لباس مشکوک.

وی در روز پنجشنبه اول/محررم/1413/ ق مطابق با 11 تیر/1371/ ش در سن

ص: 815

81 سالگی در قم درگذشت، و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### -منابع

- 1- آثار الحجّه 96/2.
- 2- آینه دانشوران 408.
- 3- گنجینه دانشمندان 293/2 و 331/5.

### سید صدر الدین تنکابنی

### اشاره

(-1370 ق)

سید صدر الدین فرزند سید هدایت الله تنکابنی، از فضلا بود.

وی در سال 1342 ق جهت ادامه تحصیلات خود از شمال به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده نمود و خود به تدریس متون کتب درسی اشتغال ورزید.

تنکابنی در روز جمعه 7 صفر 1370/ ق مطابق با 28 مهر 1329/ ش درگذشت و در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

### -منابع

- 1- آینه دانشوران 273.
- 2- بزرگان تنکابن 124.

### سید صدر الدین صدر

### اشاره

(1299-1373 ق)

سید صدر الدین (نامش محمد علی است) صدر، فرزند آیت الله سید اسماعیل صدر موسوی- که از اکابر فقها و مدرسان سامرا و کربلا بود-.

ایشان در رجب 1299/ ق در خانواده ای اصیل و ریشه دار و مشهور به فضل و ادب و تقوی در شهر «کاظمین» عراق به دنیا آمد.



وی در دوران کودکی را در سامرا گذراند و ادبیات و ریاضیات را از اساتید وقت فراگرفت، هنگامی که پدر بزرگوارش در سال 1314 ق از سامرا به کربلا هجرت کرد همراه او به کربلا رفت، و سطوح را نزد اساتید آنجا چون: شیخ حسن کربلائی، شیخ عبد الوهاب شریعت، سید حسین فشارکی، شیخ جعفر هر، شیخ غلامحسین مرندی، شیخ علی بفروئی یزدی و پدر ارجمند خویش خواند. و در سال 1328 ق به توصیه پدرش برای تکمیل تحصیلات خود رهسپار حوزه نجف اشرف گردید، و از درس آیت الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (یک سال و اندی) و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بهره مند شد.

او یک سال پس از وفات پدرش (1339 ق) برای زیارت قبر امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام به مشهد رفت، و حدود پنج سال در مجاورت قبر امام هشتم علیه السلام به تدریس و ارشاد پرداخت. آنگاه مجددا در سال 1344 ق به عراق بازگشت و در نجف اشرف ملازم درس آیت الله میرزا محمد حسین نائینی گردید و نیز از محضر آیات: سید ابو الحسن اصفهانی و شیخ ضیاء الدین عراقی بهره مند شد. و پس از گذشت پنج سال، در سال 1349 ق برای دومین بار به ایران آمد و در شهر مقدس قم رحل اقامت افکند و مشغول تدریس و افاده و احیانا وعظ و ارشاد گردید، تا اینکه برای زیارت به مشهد مشرف شد، در آنجا از ایشان تقاضای اقامت دائمی گردید، ایشان پذیرفتند و به تدریس و اقامه نماز جماعت در مسجد گوهرشاد پرداختند.

تا هنگامی که آیت الله شیخ عبد الکریم حائری یزدی که دوران کهولت خود را می گذراند، نگران آینده این حوزه جدید التأسیس بود، از این رو برای تقویت حوزه و تأمین آینده آن از آیت الله صدر خواستند که از مشهد به قم منتقل گردند، ایشان همین که از این پیشنهاد آگاه شدند، دعوت حائری را اجابت کرده و به قم آمدند، شیخ حائری از این جریان بسیار خرسند شدند.

صدر مورد توجه خاص حائری و در کارهای مهم یکی از مشاورین آن بزرگوار بودند، و بالاخره ایشان را وصی خود قرار داد و برحسب پیشنهاد ایشان، آیت الله

پس از وفات حائری از بین بردن حوزه علمیه قم یکی از اهداف رضا خان بود، و با توسل به شیوه های مختلف می خواست حوزه را متلاشی سازد. در آن دوران سخت آیت الله صدر با دو یار دیگرش آیت الله سید محمد تقی خوانساری و آیت الله سید محمد حجت سرپرستی حوزه علمیه را به عهده گرفتند، و برای حفظ و توسعه حوزه مقدسه تا آنجا که توانائی داشتند کوشیدند، و بحمد الله موفق هم شدند و حوزه علمیه کنونی را باید از ثمرات آن کوششها و مجاهدتها دانست. صدر روزی دو درس می فرمود و در حوزه درس او حدود چهارصد نفر شرکت و استفاده می کردند.

## آثار علمی ایشان

1-المهدی، کتابی است شامل روایاتی که در کتابهای اهل تسنن پیرامون حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) وارد شده است.

باید بدانیم که پیش از این تألیف، کتابی در این زمینه با آن نظم و ترتیب خاص نگاشته نشده و کاری کاملاً ابتکاری بود، و پس از آن «منتخب الاثر» به همان سبک با توسعه بیشتر تألیف شد. کتاب «المهدی» به فارسی ترجمه شده و هم اصل و هم ترجمه به چاپ رسیده است.

2- خلاصه الفصول، در حوزه های علمیه کتاب «قوانین» میرزای قمی و «فصول» شیخ محمد حسین اصفهانی کتاب درسی بود، ولی به خاطر طولانی بودن این دو کتاب معمولاً طلاب موفق به خواندن همه آنها نمی شدند و بخشی از یکی از این دو کتاب اکتفا می کردند، آن مرحوم با تلخیص کتاب فصول می خواستند این کتاب جایگزین آن دو کتاب شده و در حوزه ها تدریس شود، تا طلاب پیش از مشغول شدن به کتاب «رسائل» و «کفایه» یک دوره اصول را در سطح بالاتر از کتاب «معالم» دیده باشند. کتاب خلاصه الفصول یک بار چاپ شده است.

3-الحقوق، همان رساله الحقوق حضرت امام سجاد علیه السّلام است که با مقدمه ای کوتاه از ایشان مکرر چاپ شده است.

4-مختصر تاریخ الإسلام، که دو جلد آن چاپ شده است.

5-حاشیة عروه الوثقی، چاپ شده است.

6-حاشیة وسیله النجاه، چاپ شده است.

7-سفینه النجاه(فقه فارسی).

8-رساله در امر به معروف و نهی از منکر.

9-رساله در تقیه.

10-رساله در حکم ماء غسله.

11-رساله در حج.

12-رساله در نکاح.

13-منظومه در حج.

14-منظومه در صوم.

15-رساله در حقوق زن در اسلام.

16-حاشیه بر کفایه الأصول.

17-رساله در اصول دین.

18-رساله در اثبات عدم تحریف قرآن.

19-رساله در ردّ شبهات وهابیه.

20-لواء محمّد صلی الله علیه و آله و سلم اخبار خاصه و عامه در 12 جلد.

21-مدینه العلم در اخبار اهل بیت علیهم السّلام، در شش جلد.

22-دیوان اشعار، قسمتی از اشعار ایشان به خصوص آنچه در مرثیة حضرت زهرا علیها السّلام سروده اند از جاذبیت خاصی برخوردار و زینت بخش محافل و منابر است.





## برخی از ویژگیهای آن مرحوم

1- آن مرحوم در تشویق طلاب بسیار کوشا بود. امتحانات هفتگی قرار داده بود و خود اوراق امتحانی آنان را تصحیح می کرد، و آنان را که سزاوار تشویق بودند با دادن جایزه مالی و غیره تشویق می نمود. به وضع طلاب و محصلین آبرومند و عقیف شخصا رسیدگی می کرد. نسبت به طلاب چون پدری مهربان رفتار می کرد از بیست، سی قدمی با روی باز به آنان سلام می کرد و دلجویی می نمود، و راستی برای اهل علم پشت و پناهی بود.

2- ویژگی دیگر ایشان تواضع فوق العاده بود. حاج آقا بزرگ تهرانی در شرح حال ایشان می نویسد: «و کان کثیر التواضع یجالس سواد الناس».

3- عشق و علاقه سرشار به مقام ولایت داشت، این محبت فوق العاده را می توان در سروده های ایشان از قبیل: «قصیده غدیری» و غیره لمس کرد.

4- همیشه به فکر ضعیفان و محرومین بود و مؤسسه ها و صندوقهایی ترتیب داده بود که از این راه به مستمندان کمک شود، و حتی گاهی با همه آن جلالت و وقار درب خانه این و آن می رفت تا شاید بتواند برای فقرا برگ و سازی تهیه سازد، به اندازه ای به فکر رفاه مردم بود که گاهی پول برق برخی خیابانها را که دولت به عذرهای واهی تأمین نمی کرد، متکفل می شد که مردم در زحمت نباشند و برای محله هائی که نیاز به آب داشتند در حد مقدور، سعی می کرد چاه آب و آب انبار بنا کند.

5- هنگامی که آیت الله بروجردی به قم آمدند ایشان محل اقامه نماز جماعت خود را به آن مرحوم تفویض کرد، و خود از ریاست و زعامت تا حد زیادی کنارگیری کرد، و در بیان فلسفه این کار این آیه شریفه را می خواند: تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا

لِّلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ .

## فرزندان و دامادهای ایشان

1- حاج سید رضا صدر، از مدرسین حوزه علمیه قم و دارای تألیفات زیادی بود.

2- سید علی (دام بقاؤه).

3- سید موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان.

و دامادهای ایشان عبارتند از حضرات: 1- آیت الله مرحوم سید محمد باقر طباطبائی سلطانی بروجردی 2- مرحوم آیت الله سید محمد باقر صدر، که در نجف اشرف ساکن بود 3- مرحوم علامه سید مهدی صدر عاملی 4- مرحوم مصطفی فیروزان 5- مرحوم شیخ هادی عبادی طالقانی 6- آقای دکتر شیخ علی اکبر صادقی قمی، که فعلاً در تهران سکونت دارد 7- سید حسین شرف الدین عاملی.

سید موسی صدر

سید محمد باقر طباطبائی سلطانی بروجردی

ص: 821

سید حسین فرزند حجه الاسلام سید محمد علی و نوه آیت الله سید عبد الحسین شرف الدین، در 11 ذی الحجه 1347/ ق در نجف اشرف تولد یافت. در سن کودکی همراه والدین خود به لبنان رفت و در شهر صور مستقر شدند. تحصیلات خود را در مدارس جدید به پایان برد و مشغول مطالعه و پرورش اندیشه های خود گردید. سپس از سال 1366 ق به تربیت و تعلیم جوانان در دبیرستان جعفریه و آنگاه مدیریت همین مدرسه را برعهده گرفت.

از جمله مناصب و مشاغل فرهنگی ایشان می توان به موارد زیر اشاره نمود:

مسئول مقاومت مردمی در ناحیه صور (1958)، تأسیس و ریاست جلسات فرهنگی «جمعیات الامسیات العاملیه» در صور، تأسیس و اداره کتابخانه «سید عبد الحسین شرف الدین» در صور، ریاست هیئت «توثیق مسیره السید الصدر»، ریاست پروژه های آقای صدر در امور فرهنگی، عضویت در انجمن ادبا و نویسندگان لبنان، عضویت در «رابطه اهل البیت علیهم السلام» در لندن، یکی از اعضای مؤسس انجمن های فرهنگی و اجتماعی در لبنان، تهیه مقالات فرهنگی برای صدا و سیمای لبنان، و... آقای شرف الدین در اثر سالها فعالیت در امور سیاسی بارها مورد تعقیب و ادیب قرار گرفت و چند مرتبه نیز گرفتار زندان و شکنجه شده است.

### از جمله آثار قلمی او:

1- الحیاه الثقافیة فی صور.

ص: 822

2- الامام السيد موسى الصدر، محطات تاريخيه.

3- جواهر الكلام و نفائس الكلم، اثر شيخ محمد بن مهدي مغنیه، تحقيق.

وی فعلا سخت مشغول انجام کارهای فرهنگی و علمی می باشد و در صور و بیروت سکونت اختیار کرده است.

## وفات

علامه صدر در روز شنبه 19 ربیع الثانی 1373/ ق مطابق با 5/دی 1332 ش بود که حوزه علمیه قم و جهان تشیع این مجتهد عالیقدر و مربی دلسوز و عالم نستوه را از دست داد. شهر قم یکپارچه عزادار شد و همه اقشار در تشییع جنازه ایشان شرکت کرده و اداء احترام نمودند. آنگاه آیت الله بروجردی بر بدن پاک او نماز خواند و در کنار قبر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. در قم، مشهد، کربلا، نجف، پاکستان، سوریه، لبنان، و آفریقا مجالس عزا و فاتحه و بزرگداشت بر پا شد. و از مقام علم و اجتهاد و مرجعیت و زعامت آن فقید سعید تجلیل فوق العاده به عمل آمد.

## -منابع

1- آثار الحجج 201/1.

2- آینه دانشوران 165.

3- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان 291/1.

4- تاریخ قم 272.

5- رجال قم 123.

6- ریحانه الادب.

7- علماء معاصرین 216.

8- گنجینه دانشمندان 326/1.

9- نقباء البشر 943/3.

ص: 823

اشاره

(1320-1407 ق)

حاج شیخ صدر الدین (نام واقعی «بلال» بود) فرزند ابو القاسم لنکرانی ملقب به (صمدی)، تولدش به سال 1320 ق در (برادیا) لنکران اتفاق افتاد.

مقدمات را در لنکران آموخت، سپس به اردبیل رفت و قسمتی از سطوح را در مدرسه ملا ابراهیم نزد میرزا علی اکبر اردبیلی تلمذ کرد، و در سال 1340 ق به قم مهاجرت کرد و باقی سطوح را نزد سید احمد زنجانی (شبییری) و شیخ فاضل لنکرانی به انجام رسانید.

خارج فقه و اصول را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید حسین طباطبائی بروجردی، و استفاده نمود و خود به تدریس اشتغال ورزید و در ایام تعطیل به آستارا می رفت و به تبلیغ و ارشاد و مردم می پرداخت.

از آثار او:

تقریرات درس آیه الله حجت، که خطی می باشد.

در اواسط/آبان 1365/ش مطابق با ربیع اول 1407/ق در قم درگذشت و در باغ بهشت مدفون گردید.

ص: 824

## فرزندان:

1- حسن 2- حسين 3- محمد 4- علي، مي باشند.

## -منابع

1- آثار الحجّه 96/2.

2- آينه دانشوران 405.

3- افادات آيت الله شيخ عبد الحسين لنكراني (دام ظلّه).

\*\*

ص: 825





(1343-1412 ق)

حاج شیخ ضیاء الدین فرزند آیت الله شیخ عبد الله و نوه علامه شیخ فضل الله شیخ الاسلام جوادی ابهری، از فضلاء و بزرگان معاصر بود.

در روز عید غدیر سال 1343 ق در قم دیده به جهان گشود.

وی در سن کودکی همراه پدر خود به ابهر رفت و شروع به تحصیل در مدرسه ابتدائی نمود و ادبیات را خدمت پدر بزرگوار خود آموخت. آنگاه به قم مهاجرت کرد و پس از طی دوره سطح دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری و سید محمد تقی خوانساری بهره مند شد.

وی در سال 1371 ق تصمیم به هجرت به حوزه کهن نجف اشرف برای ادامه و تکمیل مطالعات خود می گیرد.

در آن سامان دروس خارج را از محضر آیات: سید حسین حمّامی، میرزا باقر زنجانی و سید ابو القاسم خویی استفاده کرد و در اوایل ورودش به نجف اشرف با کریمه استاد خود آیت الله میرزا باقر زنجانی وصلت نمود و از ملازمان و نزدیکان ایشان می شوند و بسیاری از ارجاعات ضروری از طرف استاد به ایشان واگذار

ص: 827

می شد که نشانهٔ دیانت و امانت داری بی شائبه اش می باشد. مرحوم جوادی چند سالی تولیت و اقامهٔ جماعت و تدریس مدرسهٔ علمیهٔ امیر المؤمنین علیه السلام را برعهده داشت.

وی در حدود سال 1395 ق در پی فشارهای دولت عراق به ایران مهاجرت کرد و در حوزهٔ قم اقامت گزید و به کارهای علمی و اجتماعی خود ادامه داد. در مسجد حکیم به اقامهٔ جماعت و نیز تدریس متن کتب درسی اشتغال داشت.

وی دارای آثار قلمی نیز می باشد.

جوادی، سرانجام هنگام زیارت حضرت زینب علیها السلام در سوریه در سال 1412 در سن 69 سالگی زندگی را بدرود گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ بهشت - مقبره العلماء - به خاک سپرده شد.

#### - منبع

1- اطلاعات از منسوبان ایشان.

**سید ضیاء الدین خوانساری «کاشفی»**

#### اشاره

(1312-1358 ق)

سید ضیاء الدین موسوی خوانساری ملقب به «کاشفی»، از مفاخر فضلائی حوزهٔ قم بود.

وی در سال 1312 ق در شهر خوانسار متولد گردید.

ص: 828

نامبرده مقدمات را در زادگاهش آموخت، سپس به اراک رفت و سطوح را فرا گرفت. آنگاه به حوزه علمیه قم پیوست و یکی از شاگردان برجسته آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی به حساب آمد. و پس از ارتحال این استاد در درس آیت الله سید محمد تقی خوانساری شرکت جست و یکی از اشکال کنندگان عمده درس او بود.

استاد شیخ محمد رازی وی را چنین می ستاید: (در تقوا و علم و فضیلت و جودت ذهن مشار بالبنان بوده، و مرحوم آیت الله حائری توجه مخصوصی به ایشان داشت. در عید فطر سال 1352 ق مرحوم آیت الله نماز عید را به وی واگذار نمود که در صحن به جماعت انجام دادند. نفوذی در خوانسار و حومه آن داشت و در تابستان ها که آنجا می رفتند، فصل دعاوی و خصومات با ایشان بود).

علامه خوانساری در سحرگاه روز جمعه 8/شعبان 1358/ ق مطابق با 30 شهریور 1318/ ش در سن 46 سالگی در قم درگذشت و در اطاقی مخصوص در جوار شاهزاده احمد قاسم علیه السلام مدفون شد.

از او چهار فرزند ذکور باقی ماند که تنها علامه سید مصطفی کاشفی خوانساری در کسوت روحانیت بود.

#### -منابع

1- آثار الحجه 233/1.

2- اطلاعات متفرقه.

3- گنجینه دانشمندان 137/2.

\*\*

ص: 829



(1368-1420 ق)

سید طالب خراسان، از جمله پرکارترین نویسندگان و محققان عرب زبان معاصر، بر اثر سکتۀ قلبی در 52 سالگی درگذشت.

وی در روز پنجشنبه 13/ رجب 1368/ ق مطابق با 22 اردیبهشت/ 1328 ش در شهر علی غربی از توابع استان عماره «عراق» دیده به جهان گشود.

پدرش سید علی حسینی (متوفای 1401 ق) از بزرگان شهر علی غربی بود که از محدث گرانقدر علامه شیخ عباس قمی (متوفای 1359 ق) اجازه روایت داشت، و در شهر یادشده به اشتغالات دینی و رسیدگی به مراجعات اجتماعی اهتمام داشت. پدر سید علی، مرحوم آیت الله سید حسینعلی حسینی دشتکی (1261-1337 ق) از دانشمندان معروف شهر کاظمین بود. وی با چند واسطه به علامه محقق سید صدر الدین محمد فرزند غیاث الدین دشتکی شیرازی می رسد. او نیز از اعقاب حضرت زید شهید علیه السلام است.

استاد خراسان پس از پشت سر گذاشتن مراحل اولیه و دوره دبیرستان، جهت ورود به دانشگاه به بغداد رفت و در دانشکده حقوق ثبت نام کرد و پس از چندی

ص: 831

موفق به اخذ مدرک علمی گردید. در ضمن شب‌ها در دارالمعلمین تحصیل نمود و از آنجا دانشنامه دریافت کرد. در این مرحله از محضر محقق گرامی استاد احمد امین - زنجانی الأصل - (1320-1390 ق) در علوم ریاضی و فنون دیگر بهره‌مند شد.

خرسان پس از انجام تحصیلات به امر تربیت و تعلیم در مدارس بغداد اشتغال ورزید و برخی از فعالیت‌های فرهنگی خود را در همان جا آغاز نمود. ولی پس از مدت کوتاهی گرفتار حساسیت‌ها و فشارهای سیاسی گردید، و در سال 1400 ق به ایران مهاجرت کرد و در شهر علم و اجتهاد، قم سکنی گزید. و از محضر اساتیدی چون: علامه شیخ مصطفی نورانی اردبیلی و علامه سید محمد علی طبسی حائری و دروس عالی خارج را از محضر آیات: سید محمد مفتی الشیعه اردبیلی و شیخ محمد فاضل لنکرانی بهره‌مند شد.

زنده یاد خراسان، کار نویسندگی و تحقیق متون اسلامی را در این دوره با جدیت تمام و با سرعت لازم پیش گرفت و آثار گرانبهایی از خود به یادگار گذاشت.

متأسفانه به دلیل عائله‌مندی مجبور به فروختن آثار قلمی و نتایج تحقیقی خود می‌شد. بسیاری از مقالات و مطالب تاریخی نیز به مجلات و روزنامه‌های عربی زبان با نام مستعار ارسال می‌کرد. بخشی از آثار قلمی اش از سوی افراد فرصت‌طلب و سودجو و بی‌سواد مورد سوءاستفاده قرار گرفت.

### **[آثار فکری و ترشحات قلمی ایشان]**

آثار فکری و ترشحات قلمی محقق گرانقدر و پژوهشگر توانا زنده یاد سید طالب خراسان به شرح زیر است:

1- الاسلام السعودی الممسوخ، 1410 ق، جامعه مدرسین قم، 322 ص.

2- الشهاب المنیر فی تواتر حدیث الغدیر، 1411 ق، دار النشر قم، 101 ص.

3- الفکر الشیوعی و النزعات الصهیونیة.

4- اللؤلؤة البیضاء فی فضائل فاطمة الزهراء علیها السلام، 1411 ق، أنوار الهدی قم، 256 ص.

5-الولاية(يارحيق الكوثر فى ولايه حيدر عليه السلام)، 1413 ق، الشريف الرضى قم، 86 ق.

6-ثوره الطف، 1413 ق، أنوار الهدى قم، 200 ص.

7-مقتل الحسين عليه السلام، اثر خوارزمى حنفى، تحقيق، أنوار الهدى قم.

8-نشأه الشيعة، 1412 ق، الشريف الرضى قم، 144 ص.

### و اما آثار مخطوط ايشان عبارتند از:

9-الأثر الحميد فى ذريه زيد الشهيد(رض)، در سه جلد.

10-الاجتهاد و التقليد:تقريرات آقاى مفتى الشيعة.

11-الاسلام و تأثيره على الأخلاق.

12-البراهين الباهره فى ذم الدنيا و مدح الآخرة.

13-التحفة الطالبية فى مناظرات علماء الشافعية.

14-التذكرة فى الفوائد النحوية النادرة.

15-التعريف و الاعلام بما فى الاماميه من الاعلام.

16-الجواهر الفريد فى مناقب السبط الشهيد عليه السلام.

17-الروض الأريض فى الجبر و التفويض.

18-الرياض المستطابه فى الصحبه و الصحابه.

19-الصلة بين التصوف و التسنن.

20-العقد الباهر فى وصيتى لقره العين ولدى ياسر.

21-العقد الثمين فى أحوال العلامة أحمد أمين(صاحب التكامل فى الاسلام).

22-القصة فى القرآن الكريم.

23-المرأه بين الماديه و الاسلام.

24-المقله العبراء فى تظلم فاطمه الزهراء عليها السلام.

25-النور الشعشعاني فى أحوال العلامة السيد عباس الكاشانى.

ص:833



- 26-الهادى الى امامه على الهادى عليه السّلام.
- 27-الياقوته الحمراء فى ايمان أبى طالب سيّد البطحاء(رض).
- 28-أخلاقيات المجتمع الاسلامى.
- 29-أعيان المالكيه.
- 30-بذل الحبا فى فضل آل العبا عليهم السّلام من طرق العامه.
- 31-بغيه النبلاء فى من استبصر من العلماء.
- 32-تاج الأشعار فى رثاء أبى الأحرار عليه السّلام.
- 33-تحفه الأمجاد فى مسند الامام السجاد عليه السّلام.
- 34-تحفه الكملاء فى تراجم علماء كربلاء.
- 35-تفسير سوره الاسراء.
- 36-حكم الاسلام فى القوميه.
- 37-ديوان السيد طالب الخرسان.
- 38-ريحان المجالس و تحفه المؤانس(يا كشكول طالب).
- 39-زيد الشهيد عليه السّلام.
- 40-زيف التوحيد الوهابى.
- 41-سرّ تشابه القرآن.
- 42-سفير الحسين عليه السّلام مسلم بن عقيل(رض).
- 43-شخصيات عايشتها.
- 44-شرح ديوان الامام زين العابدين عليه السّلام.
- 45-صدق الخبر فى خوارج القرن الخامس عشر.
- 46-عقبيله بنى هاشم عليها السّلام(زينب الكبرى).

47- عهد الامام امير المؤمنين عليه السّلام الى حذيفه بن اليمان، اثر حسن بن ابى الحسن محمّد ديلمى، تحقيق.

48- فريده الزمن فى مناقب الامام الحسن عليه السّلام.

ص: 834

49- فیض الباری فی الطعن بأحادیث مسلم و البخاری.

50- قسیم التار فی فضائل الامام علی علیه السلام من طرق العامه.

51- لمحات عن سیره أطفی الطغاه (صدام).

52- مباحث البسمله.

53- محن العلماء.

54- مسند سلیمان بن مهران الأعمش، در چند جلد.

55- مشاهداتی فی ایران.

56- مغیث الخلق فی اختیار الحق.

57- نخب المناقب: مناقب الامام علی علیه السلام، در چند جلد.

58- نشأ الخوارج.

59- نشأ المذاهب و الفرق.

60- وارث النبی صلی الله علیه و آله و سلم.

61- و جاء دور الحجّاج.

62- وصایا الی الشباب المسلم فی الخارج.

مرحوم خرسان هنگام اقامت خود در ایران جهت انجام وظایف دینی و ارشاد و هدایت مردم سال‌هایی چند به شهر «پل دختر» از توابع استان لرستان رفت و آمد داشت. و سال‌های آخر عمر خود را در کمال غربت سپری می‌کرد و سرانجام در شامگاه روز شنبه 6/ صفر 1420/ ق مطابق با اول/ خرداد 1378/ ش در اثر سکتۀ قلبی در بیمارستان آیت الله گلپایگانی زندگی را بدرود گفت. پیکرش عصر روز دوشنبه از مسجد امام رضا علیه السلام (هیئت نجفیه) تشییع و پس از ادای نماز میت توسط استاد گرانقدر حوزه علمیه حاج سید محمد جواد طباطبائی علوی بروجردی به سمت حرم مطهر بدرقه و در قبرستان باغ بهشت قم به خاک سپرده شد.

\*\*



(1384-ق)

سید عباد علی فرزند سید سعادت علی هندی، از اساتید ادبیات حوزه علمیه قم بود.

وی در روستای «متویور» فیض آباد هند متولد گردید.

ایشان پس از طی مقدمات و قسمتی از سطوح در ذی حجه 1348/ق به حوزه قم رهسپار شد و سطوح را نزد علامه شیخ ابو القاسم قمی «کبیر» و حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده نمود. وی در ادبیات عرب تسلط کامل داشت و خود حلقه تدریسی داشت و عده ای فضلا از محضرش کسب فیض کردند.

هندی در روز چهارشنبه 20 رجب 1384/ق مطابق با 4 آذر 1343/ش در قم درگذشت و جسدش در قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

**اشاره**

(1411-1341 ق)

حاج شیخ عباس فرزند علی اکبر ایمانی جهرودی قمی، از فضلا و نویسندگان معاصر بود.

تولدش در سال 1341 ق در جهرودم اتفاق افتاده بود.

وی که در ورامین اقامت داشت، سمت امامت جمعه موقت و نیز امام جماعت مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام و مدرس حوزه علمیه امام صادق علیه السلام را برعهده داشت.

**از آثار او:**

1- زبده الأحادیث (احادیث اخلاقی و اجتماعی)، در چند جلد، قطع جیبی، در قم به چاپ رسیده است.

نامبرده در روز پنجشنبه 7 ذی الحجه 1411/ ق برابر با 30 خرداد 1370 در سن 70 سالگی بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان بقیع قم- در یکی از اطاقها- مدفون گردید.

**-منبع**

1- اطلاعات متفرقه.

\*

ص: 838

اشاره

(1308-1375 ق)

سید عباس تقوی فرزند آیت الله میر عبد الصمد و نوه آیت الله سید محمد تقی حسینی قزوینی ملقب به «تقوی» از اعقاب زید شهید علیه السلام و از فضلا و خدمتگزاران واقعی آیین تشیع علوی بود.

در سال 1308 ق دیده به جهان گشود.

وی همانند پدر بزرگوار خود از فضائل و مکارم اخلاقی برخوردار و خصوصا سرپرستی ارحام و فامیل خود بود و در این راه سعی و تلاش فراوان داشت.

از آثار باقی آن مرحوم تجدید بنای مسجد پدر خود در قزوین که به (مسجد آقا) معروف است، و مؤسس جامعه حسینی که تشکیلات جوامع دیگر قزوین از آنجا سرچشمه گرفت.

او در 11 شعبان 1375/ ق به سن 67 سالگی در قم درگذشت و در وسط قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

سید علی اکبر تقوی قزوینی

فرزندان ایشان عبارتند از:

1- میر اسماعیل 2- علامه سید علی اکبر که در سال 1343 ق در قزوین متولد گردید و در آنجا جزو شاگردان آیت الله سید ابو الحسن رفیعی بود و در سال 1328 ش به قم مهاجرت و پس از انجام دروس سطح خدمت آیات: سید محمد باقر طباطبائی سلطانی و میرزا محمد مجاهدی تبریزی، دروس عالی خارج را نزد آیات: شریعتمداری

ص: 839

و خمینی و گلپایگانی به انجام رسانید. و دروس کلام و معارف اسلامی را نزد آیت الله شیخ محمد باقر ملکی میانجی تلمذ کرد.

## از آثار او

1- انوار بیان در معارف قرآن.

2- کتابی در اخلاق اسلامی.

3- کتابی درباره وحی.

وی فعلا در قم و قزوین به خدمات دینی و اجتماعی اشتغال دارند.

## -منابع

1- اطلاعاتی از علامه سید علی اکبر تقوی.

2- شجره اجداد و زندگینامه احفاد ص 103.

## شیخ عباس تهرانی

### اشاره

(1309-1385 ق)

حاج شیخ عباس فرزند محمد سیگارچی تهرانی، عالم و عارف و حکیم الهی بود. تولدش در سال 1309 ق در تهران اتفاق افتاد. پس از طی مقدمات و سطوح، از محضر آیات: سید محمد تنکابنی، شیخ محمد رضا مازندرانی و شیخ محمد حسن رشتی استفاده نمود.

در سال 1337 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات: شیخ اسماعیل محلاتی، میرزا محمد حسین نائینی، و شیخ ضیاء الدین عراقی فقه و اصول تلمذ نمود. و در سال 1339 ق به ایران بازگشت، و در اراک به آیت الله حاج عبد الکریم استادش پیوست. و چون حائری یزدی در سال 1340 ق به قم مهاجرت کرد ایشان نیز به قم منتقل گردید، و در بحث آن جناب و در اخلاق در درس میرزا جواد آقا ملکی تبریزی شرکت می کرد، و در ضمن به تدریس سطوح و معقول و گفتن درس اخلاق و اقامه

ص: 840



جماعت و ترویج دین اشتغال داشت. چند سالی هم در پی دعوت آیت الله سید محمد حجت کوه کمری روزهای جمعه در مدرسه حجّیه برای محصلین و طلاب درس اخلاق می گفت، و با خواندن دعای ندبه نورانیت و حالی دیگر به حاضرین می داد.

مرحوم آیه الله حاج شیخ عباس تهرانی از همان زمان حیات استادش (مرحوم حائری) یعنی پیش از سال 1355 ق. به تدریس سطوح و خارج فقه و اصول و معقول و درس اخلاق و اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال داشته و طلاب و فضلاء بخصوص از درس اخلاق و عقاید، از ایشان استفاده های فراوان برده اند و از حدود سال 1370 ق (تا پایان عمر) به دعوت مرحوم آیه الله العظمی حجت «ره» روزهای جمعه در کتابخانه مدرسه حجّیه برای محصلین و طلاب حوزه درس اخلاق و عقاید گفته و با خواندن دعای شریف ندبه، نورانیت و حال خوشی برای حاضرین بوجود می آورد و چون این جلسات از یک معنویت خاصی برخوردار بود لذا طلاب و فضلاء با عشق و علاقه در آن شرکت می کردند و خود ایشان هم به این جلسات بسیار اهمیت می داد و با اینکه غالباً مریض و به کسالت قلب و معده و

ریوی مبتلا بود تا اواخر عمر این برنامه را تعطیل نکرد.

آن مرحوم سالهای متمادی در مساجد پایین شهر قم، از جمله در مسجدی در محله جامع قم و نیز در مسجدی معروف به مسجد امام زین العابدین(ع) و در سالهای اخیر عمرشان در مسجد مدرسه حقانی اقامه جماعت می کرد، و بعد از اقامه جماعت بخصوص در ماههای محرم و صفر و رمضان و بخصوص در شبهای قدر و احیاء مریدان و ارادتمندان آن مرحوم و بخصوص طلاب و فضلاء حوزه قم از راه دور می آمدند و از بیانات آن مرحوم استفاده های معنوی فراوان می بردند.

## از آثار او:

1- دیوان اشعار در معارف الهی و اخلاق.

2- دین و وجدان (در حکمت و اخلاق) که نام این کتاب (أقدام العلم و أنوار المعرفة) می باشد.

وی با اینکه در اواخر عمر غالباً مریض و به کسالت قلبی و ریوی مبتلا بود ولی برنامه های مذکور خود را تعطیل نکرد، سرانجام در 13/ شعبان سال 1385 ق مطابق با 16/ آذر 1344/ ش به سن 76 سالگی در قم درگذشت، و در نزدیکی قبر حاج شیخ یزدی حائری در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام مدفون گردید.

## فرزندانش:

1- ثقه الاسلام مرحوم شیخ مهدی 2- حجه الاسلام شیخ احمد محمدی متولد سال 1313 و از شاگردان شیخ محمد علی عراقی و سید محمد رضا گلپایگانی محسوب می شود 3- آقا محمد حسین و 5 دختر.

## -منابع

1- آینه دانشوران 226.

2- ثقه الاسلام مرحوم شیخ مهدی.

3- گنجینه دانشمندان 114/2.

ص: 842

(1340-1406 ق)

شیخ عباس حائری فرزند علامه شیخ غلامرضا یزدی، از مورخان و فرهنگیان زحمتکش بود.

او در سال 1340 ق در کربلا متولد گردید.

مقدمات و سطح را نزد آیات و حجج کربلا: شیخ محمد خطیب حائری، سید مصطفی اعتماد، سید محسن کشمیری، شیخ جعفر رشتی، شیخ محمد حسین صدقی مازندرانی، و شیخ محمد شاهرودی تلمذ نمود. و رسماً وکیل آیت الله سید حسین حمامی در کربلا گردید. در ضمن مدرسه ابتدائی امام صادق علیه السلام را در کربلا تأسیس و در آن به تعلیم کودکان پرداخت. وی در کارهای خیری شرکت می نمود و در قضای حوائج مردم کوشا بود.

حائری در سال 1391 ق به ایران تبعید شد و در قم سکونت اختیار کرد، و از محضر آیت الله سید مرتضی حسینی فیروزآبادی استفاده علمی نمود، و از ملازمان و نزدیکانش به شمار می رفت.

### از آثار او

1- حوادث الأيام، به صورت یادداشتهای روزانه در چند دفتر که اغلب دفترها را اینجانب دیده، و از برخی آنها استفاده نمودم. البته نثر عربی ایشان ضعیف بود.

ص: 843

اخیراً به وسیله استاد کوشا جناب آقای شیخ احمد حائری (خوشحالت) تحقیق و در «میراث اسلامی ایران» به چاپ رسید.

2- تاریخ الأعلام (در تراجم بزرگان).

3- قضایا اسلامیة.

نامبرده در روز سه شنبه 20 ذی الحجه 1406/ ق مطابق با 4 شهریور/ 1365 ش در سن 66 سالگی در قم درگذشت. پیکرش روز چهارشنبه تشییع و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

از وی اولادی به جای نماند، به همین خاطر سایر آثارش در میان فامیلهایش پراکنده شد.

### - منابع

1- اعلام من کربلا (خوشحالت - خطی).

2- مقدمه حوادث الایام.

**سید عباس داعی الاسلام همدانی «دعوتی»**

### اشاره

(1264-1392 ق)

حاج سید عباس دعوتی ملقب به (داعی الاسلام) به سال 1264 قمری در همدان متولد گردید، وی فرزند مرحوم سید حسین فرزند مرحوم حاج سید محسن بهبهانی فرزند مرحوم سید اشرف الدین مجتهد فرزند سید بابا، منتسب به سادات موسوی بهبهانی که به وسیله 27 پشت، نسبت آن جناب به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام امام هفتم شیعیان می رسد.

### تحصیلات

مرحوم داعی الاسلام تحصیلات قدیمه خود را در مدرسه بزرگ همدان معروف به (مدرسه زنگنه) نزد مرحوم حاج ملا محمد مدرس و مرحوم آقا محمد

ص: 844

هادی همدانی که هر دو از علما و مجتهدین بزرگ همدان بوده و در زهد و تقوی و حید عصر و یگانه زمان خود بوده اند شروع کرده و استفاده کامل نموده، و نیز علم و طب و نجوم را نزد مرحوم آقا سید محمد علی خسروی که از اطباء حاذق همدان بود خوانده و به پایان رسانیده، و علم تشریح یا (پاتولوژی) نزد مرحوم دکتر نجفقلی خان ملایری که از اروپا تازه به ایران آمده بوده خوانده و استفاده نمود.

مرحوم داعی الاسلام در تاریخ ملل و نحل و اصول و مذاهب مختلفه دنیا اطلاعات وسیعی داشته، و زبان عبری را چون عربی نیک می دانست و آیات عبری که در تورات از آمدن پیغمبر اسلام بطور وضوح خبر داده ترجمه نموده و در کتاب خود در اثبات نبوت پیغمبر خاتم محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان شاهد و بینه ذکر کرده.

داعی الاسلام به زراعت و غرس اشجار علاقه مفراطی داشته و چندین باغ در اطراف همدان به دست خودش احداث کرده، که نمونه ذوق و علاقه آن مرحوم به ایجاد باغ و کاشتن درخت بوده.

مرحوم داعی الاسلام صریح اللهجه و روشن فکر بود. فرزندان خود را به مدارس جدید فرستاد. در صورتی که برخی از علما رفتن به مدارس جدید را صلاح نمی دانستند و جدا منع می کردند، در تحصیل و تربیت فرزندان خود از مراقبتهای لازم دریغ نداشت. سحرخیز و باتقوا بود، حافظه ای فوق العاده داشت و تا آخر عمر از دست نداد. چشمهای نافذ و درخشانی داشت و تا آخرین ساعات زندگانی

بدون عینک می نوشت و می خواند، قلبی محکم و صدائی بلند و پرنهیب داشت، از فقرا و ضعفا دستگیری می کرد. اصرار زیادی در صلهٔ ارحام داشت. با کلیمیان رفت و آمد می نمود، ورزشکار و قوی بود، مزاجی سالم داشت و در سه وعده غذای خود را با کمال میل و اشتها می خورد، کمتر مریض می شد و اگر هم احتیاج به دوا و دارو پیدا می کرد، جز داروهای علفی (گیاهی) که خودش می شناخت داروی دیگری نمی خورد، تا آخرین روزهای زندگانی روزه خود را می گرفت، و تنها رنجی که می برد از درد پا بود که حتی ایستاده نمی توانست نماز بخواند.

## مسافرت‌های آن مرحوم

مرحوم داعی الاسلام مکرر به عتبات عالیات مسافرت نموده، دومرتبه به همراه مادرش و چند سفر هم به مشهد مقدس به زیارت ثامن الائمه علیه السلام مشرف شده، و یک سفر هم در سن صدسالگی به زیارت خانه خدا در مکه معظمه و زیارت مرقد پاک نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه طیبه رفته و در نهایت سادگی اعمال خود را بجا آورده.

## خانه و اثاث زندگانی آن مرحوم

ابتدا خانه بسیار وسیعی داشت در محلهٔ «دورودآباد» که مجلس دعوت اسلام را در آنجا تأسیس و افتتاح نمود، و بعداً آنجا را فروخت و خانه محقری در خیابان عباس آباد خرید که تا آخر عمر در آن خانه بود. اثاث البیت آن مرحوم عبارت بود از یک قطعه قالی اراکی و دو قطعه گلیم و مختصر لوازم زندگی و یک کتابخانه چوبی که دارای چند طبقه بود که این کتابخانه پر از کتب فقهی اسلامی و تاریخی و علمی و کتب سایر مذاهب مختلفهٔ دنیا که همگی مورد احتیاج آقایان علما بود. آن مرحوم به این کتابخانه خیلی علاقمند بود و پیوسته مشغول مطالعه و نوشتن رسائل مذهبی می شد. که کتاب (خدانشناسی) در دو جلد یکی از مهمترین

## مجلس دعوت اسلام

سید عباس دعوتی اطلاعات کافی و مطالعات زیاد در اصول عقاید مذاهب مختلفه داشت، و سالها وقت خود را صرف مطالعه کتب ادیان مختلفه دنیا و مخصوصا فرقه ضاله بهائیت که بیشتر مورد احتیاج جوانها بود، کرده بود. درصدد چاره جوئی و مبارزه با آنها برآمد و به فکر تأسیس مجلس دعوت اسلام افتاد.

ابتدا با تمام علما و مراجع بزرگ همدان درباره تشکیل مجلس دعوت اسلام مشورت نمود، و پیش نهاد کرد که آقایان مجلسی به نام مجلس دعوت اسلام تشکیل دهند. آقایان متفقا اظهار داشتند: چون خود شما در این رشته زحمات زیاد کشیده و اطلاعات کافی دارید شما شایسته این کار هستید، و از طرف ما مأمور به تشکیل چنین مجلسی خواهید بود و ما هم حتی المقدور از هر نوع کمک مضایقه نخواهیم کرد، و در این کار شما را یاری خواهیم نمود.

لذا مرحوم داعی الاسلام در تاریخ غره/ربیع الاول 1324/ق مجلسی بنام مجلس دعوت اسلام در منزل شخصی خود دائر نمود، و هر هفته در روزهای یکشنبه و جمعه این مجلس منعقد می شد و اکثر علما در روزهای مذکور در این جلسات حاضر می شدند، و به مطالعه کتب مذاهب و ادیان مختلفه که قبلا در کتابخانه مجلس آماده و تهیه شده بود می پرداختند، و جوابهایی برای ایرادات مبلغین که از اخبار و آیات قرآن گرفته بودند تهیه می کردند، و بعدا مباحثات شروع می شد.

مرحوم داعی الاسلام هر هفته بوسیله اطلاعیه هایی که با ژلاتین چاپ و تهیه می شد، از جوانان بازاری و دانشجویان و پیروان اقلیتهای مذهبی دعوت می کرد که به مجلس دعوت اسلام بیایند و مطالب و ایرادات خود را آزادانه بگویند تا جوابهای کافی و قانع کننده به آنها داده شود.

شخص داعی الاسلام در ردّ ایرادات و شبهات مبلغین به علت مطالعات زیاد که در اصول عقاید مذاهب داشت خیلی آماده و حاضر جواب بود، و به همین جهت مبلغین از مباحثه و مناظره با ایشان احتراز می نمودند.

و همچنین از بیانات آقایان علمای حاضر در جلسه، مخصوصاً از مطالب و بیانات فقید سعید مرحوم حجه الاسلام آقا شیخ محمد علی ناظر الشریعه استفاده و استفاضه کامل می شد، کم کم این مجلس تبدیل به یک مجتمع اسلامی گردید.

اغلب علمای بزرگ و مجتهدین همدان قبول عضویت آن را نموده و مرتب در مجلس حاضر می شدند، و همچنین علمای سایر بلاد برای شرکت در مناظرات و مباحثات مذهبی به همدان مسافرت می کردند، و از وجود آنها استفاضه می شد.

و غالباً از شهرستانها سؤالات کتبی می شد بلافاصله و فوری جواب آنها کتبا داده می شد، و این سؤالات با ذکر نام سؤال کننده و جوابی که داده شده بود در دفتر مخصوصی ثبت و ضبط می گردید، و گاهی رسماً از مبلغین مسیحی و بهایی که غالباً دکتر یا معلم بودند دعوت به عمل می آمد، و در حضور دانشجویان و جوانان بازاری و عدّه کثیری، مباحثات و مناظرات شروع می شد و حقایق احکام و اخلاق اسلام برای کسانی که از همه جا بی خبر بودند بطور مشروح بیان می گردید، و نیز اشتباهات و انحرافات مذاهب مختلفه از روی کتب خود آنها بیان می گردید که دیگر جای هیچ گونه انکار نبود، و در این مجالس مبلغین در حضور جوانان و دانشجویان و جمع کثیری از پیروان خودشان محکوم و مجاب می شدند. و ضمناً به دانشجویان و جوانان بازاری ثابت می شد که مبلغین چیزی در چنته ندارند، و بیشتر با مغلطه کاری و جنجال مطالب خود را بیان می نمایند.

این مجلس دارای اعضای دائمی بود که مرتب در تمام جلسات حاضر می شدند، اسامی آنان به شرح زیر است:

1- مرحوم حجه الاسلام شیخ محمد علی ناظر الشریعه.

2- مرحوم حجه الاسلام سید عبد الحسین فاضل.



- 3- مرحوم حجه الاسلام عماد الاسلام.
- 4- مرحوم حجه الاسلام میرزا ابو القاسم طهوری.
- 5- مرحوم حجه الاسلام شیخ عبد المجید معروف به (صدر).
- 6- مرحوم حجه الاسلام شیخ الاسلام صدوقی.
- 7- مرحوم حجه الاسلام آقا رضا صدوقی.
- 8- مرحوم حجه الاسلام آقا باقر صدوقی.
- 9- مرحوم شیخ علی محمد آزاد، که از ادبا و شعرای معروف همدان بود.
- 10- مرحوم حاج محمد حسن خجسته، از تجّار معروف همدان بود.
- 11- مرحوم سید حسین مترجم نظام مدنی، رئیس فرهنگ همدان.
- 12- مرحوم قلی زاده.
- 13- مرحوم عمادزاده.
- 14- مرحوم میرزا حسن فرهودی، یکی از منشی های مجلس دعوت اسلام بود.
- 15- مرحوم میرزا علی اکبر منشی باشی، منشی دیگر مجلس بود.
- 16- مرحوم سید عباس داعی الاسلام، مؤسس مجلس دعوت اسلام.

## وفات

وفات آن مرحوم در روز سه شنبه نهم/ماه مبارک رمضان 1392/ق مطابق با 25/مهر 1351/ش در همدان اتفاق افتاد. پیکرش در قبرستان شیخان مدفون گردید.

## زوجات و فرزندان

مرحوم داعی الاسلام زوجات متعدد داشته، ولی فرزندان او منحصرأ پنج پسر از زوجه اولش مرحومه علویه زبیده خانم رضوی بوده که به شرح زیر می باشند:

- 1- آقا سید علی دعوتی فرزند ارشد.



2- آقا سید حسین دعوتی.

3- آقا سید حسن دعوتی.

4- آقای دکتر میر محمود دعوتی، در سال 1341 ق مطابق با 1301 ش در همدان تولد یافت.

ابتدا در مدرسه آلیانس سپس در مدرسه آمریکایی همدان به تحصیل پرداخت. در ضمن علوم حوزه را نزد آیت الله آخوند ملا علی همدانی به مدت شش سال استفاده نمود، آنگاه به تهران رفت و در دانشکده ادبیات و دانشکده طبیعیات تحصیل و موفق به اخذ لیسانس گردید. او دروس حکمت و فلسف را در تهران از محضر: سید محمد کاظم عصّار، شیخ محمد حسین فاضل تونی و میرزا مهدی آشتیانی بهره مند گردید.

ایشان هم اکنون به وکالت و کارهای حقوقی می پردازند.

از آثار او (برخی از آثار ایشان به زبان انگلیسی می باشد): 1- آرمان آفریقا، 2- الفبای مصور قرآنی، 3- بلاد الانبیاء (سرزمین پیامبران)، 4- کلمات قصار حضرت امیر المؤمنین علیه السلام (به چند زبان)، 5- آموزش دین (سه جلد)، 6- حضرت عیسی علیه السلام، 7- نگرشی کوتاه به زندگانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، 8- اسرار طبیعت، 9- لایحه قصاص، 10- سائتی مانتالیسم، 11- طرز دادرسی و مسئولیت کیفری در حقوق اسلام، 12- چارلز دیکنز رمان نویس، 13- تجارت در اسلام، 14- بانکداری در اسلام، 15- ده گفتار، 16- طول عمر طبیعی انسان، 17- سفرنامه سید محمود و علی آقا، 18- فرهنگ جامع انگلیسی، 19- قرآن کریم به صد زبان (گردآوری)، 20- چهره اسلام.

5- آقای حاج سید احمد دعوتی، وی در سال 1344 ق مطابق با 1304 در همدان چشم به جهان گشود.

وی دروس جدید را در مدرسه آلیانس همدان به پایان رساند، سپس به تربیت و تعلیم دانش آموزان در مدارس همدان پرداخت و بیش از سی سال این افتخار را داشت. او در نگهداری اسناد و آثار هنری و تاریخی علاقه زیادی از خود نشان می دهد و گنجینه نفیسی در همدان هم اکنون در اختیار دارد.

## از آثار او:

1- پردیس نامه (اشعار) 2- از قاف تا قاف (تاریخ نفوذ اسلام در اروپا) 3- دیوان اشعار.

## عباس راسخی نجفی «گیلانی»

### اشاره

(1331-1418 ق)

عباس فرزند شیخ عباس و نوه رجبعلی راسخی نجفی گیلانی، نویسنده نامدار معاصر که در شهر رشت مقیم بود.

در سال 1331 ق در نجف اشرف متولد گردید.

## تحصیلات دینی و دانشگاهی

وی مقدمات را در زادگاهش آموخت، و پس از ارتحال پدرش به گیلان رفت و در رشت اقامت نمود، و به

ص: 851

تحصیلات خود ادامه داد. سپس به قم مهاجرت کرد و از آنجا رهسپار تهران گردید، و در دانشکده معقول و منقول به تحصیل در رشته فلسفه پرداخت، پس از فراغت، مجدداً به رشت مراجعت نمود و به کار نویسندگی پرداخت.

## از آثار او

- 1- اثبات خلافت بلاد فصل علی علیه السلام.
- 2- ایمان، یا نبردمان ترقی و سعادت.
- 3- بقیه الأوصیاء.
- 4- پنج آیت در امامت و خلافت.
- 5- ترجمه جدول ارث (اثر حرّ عاملی).
- 6- ترجمه کتاب الیقین فی امره امیر المؤمنین علیه السلام (اثر علامه ابن طاوس حلّی).
- 7- ترجمه مناقب ثلاثه (امام علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام)، تألیف حافظ محمد بن یوسف بلخی شافعی.
- 8- جذباتی از شراره عشق امام حسین علیه السلام.
- 9- چند شخصیت برجسته از علمای شیعه.
- 10- حضرت بقیه الله (عج) و نود و دو تن از نجات یافتگان.
- 11- حقایقی از گفتنی هایی که در سقیفه رخ داد.
- 12- رمز نیک بختی جوانان (در اصول عقاید اسلامی).
- 13- سقیفه سخیفه یا بطلان اجماع و شوری.
- 14- سوره فلق، اعجاز قرآن.
- 15- سوره کوثر، جلالت حضرت فاطمه علیها السلام.
- 16- سوره و العصر، امام زمان (عج).
- 17- شناسائی هفت تن در صدر اسلام (ترجمه السبعه من السلف اثر سید مرتضی فیروزآبادی).

18- ظهور و جهان.

19- عظمت قرآن در سوره اخلاص.

20- علل قیام امام حسین علیه السلام، در دو جلد.

21- غوغای سقیفه.

22- فاتحه و معنای آن (ترجمه سوره حمد اثر محمد رشید مصری).

23- کشکول راسخی، در چهار جلد.

24- کفایت یک آیت در امامت (بر امامت علی علیه السلام).

25- مصلح جهان از دیدگاه قرآن.

26- نواب اربعه (شرح حال آنان).

27- هفتاد و سه تن از متوسلین.

## درگذشت

وی در 24/ شعبان 1418/ ق مطابق با 4/ دی 1376/ ش در سن 87 سالگی در رشت درگذشت، و جنازه اش روز بعد در قم تشییع و در ابتدای قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

## -منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف 587/2.

## شیخ عباس شیرازی رفسنجانی

## اشاره

(1405-1363 ق)

حاج شیخ عباس شیرازی رفسنجانی از روحانیون سیاسی بود.

وی در سال 1363 ق مطابق با 1323 ش در «کشکوئی» رفسنجان پا به عرصه گیتی نهاد.



پس از سپری کردن دوران کودکی، مقدمات ابتدائی را در زادگاهش آموخت.

سپس در سال 1377 ق مطابق با 1336 ش جهت ادامه تحصیل رهسپار قم شد و تحصیلات خود را به پایان رساند. و روی به تبلیغ رسالت الهی آورد و از راه وعظ و ارشاد و نیز همکاری با «مؤسسه در راه حق» خدمات قابل توجهی نمود.

وی که به قشر محروم و رنج کشیده عشق می ورزید، برای گسترش احکام اسلامی و وحدت مردم، غالباً مناطق محروم و کویری خوزستان و بنادر جنوب را برای انجام فعالیتهای تبلیغی و سیاسی خویش برمی گزید. نظام حاکم که فعالیتها و سخنرانی های وی را زیر نظر داشت و بارها منبرش را ممنوع کرده بود، در پس سخنرانی هائی پرشورش در کرج در سال 1357 ش او را دستگیر و زندانی نمود.

شیرازی در ابتدای پیروزی انقلاب، از سوی آیت الله خمینی به امامت جمعه در شهر تنکابن و سپس در شهر خمین انتخاب گردید، آن گاه به قم بازگشت و با یاری جمعی از روحانیون «دبیرخانه ائمه جمعه» را تأسیس نمود. در زمستان/ 1359 از سوی حجه الاسلام شیخ علی قدوسی - دادستان کل انقلاب - به عنوان «بازرس دادگاه های انقلاب سراسر کشور» معرفی شد. و در دی/ 1360 ش از طرف شورای عالی قضایی به سمت «قائم مقام سازمان بازرسی کل کشور» منصوب شد.

از دیگر سمت های ایشان می توان به: عضویت در هیئت تشخیص صلاحیت قضات، عضویت در کمیسیون تصفیه ستاد مرکزی سپاه پاسداران، عضویت شورای سرپرستی دفتر تبلیغات قم، عضویت در شورای عالی تبلیغات (1361 ش)، قائم مقام سازمان تبلیغات، سرپرستی مؤسسه نارمک، اشاره کرد.

وی در روز جمعه 17/ رمضان 1405/ ق مطابق با 17/ خرداد 1364/ درگذشت. پیکرش به قم حمل و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

- منبع

1- هفته نامه «رفسنجان»، به تاریخ 9 و 16/ مهر 1376/ ش، شماره های 112 و 113، ص 8.

ص: 854



(ح- 1358 ق)

میرزا عباس ملقب به (صفاء السلطنه) و متخلص به (صفا) فرزند دانشمند میرزا علی و نوه میرزا محمد مجتهد نائینی، از بزرگان و ادبای معروف بود وی به خاندان مشهور و علمی «بقائی» نائین انتساب دارد.

پدرش از فضلا و معاریف بود که در سال 1319 ق درگذشت و لقب (صفاء السلطنه) اش به همین فرزند رسید.

جدّش از مجتهدان و علمای نامدار دوره قاجاریه بود که در سال 1305 ق به دیدار معبود شتافت.

مرحوم حجت بلاغی در کتاب خود (تاریخ نائین) درباره ایشان چنین می نویسد: «یکی از فرزندان حاج میرزا محمد، میرزا عباس خان صفاء السلطنه است. شعر نیکو می سرود و یک صد و پانزده سال عمر کرد». بنابراین عبارت تولد میرزا عباس در حدود سال 1243 ق می توان پیش بینی کرد ولی نام جدّ را به جای نام پدر در این نوشته اشتباه کرده است.

استاد سید احمد حسینی اشکوری در کتاب (تراجم الرجال) خود چهره ادبی ایشان را چنین معرفی می نماید: «در ادبیات فارسی مسلط بود و شعر را زیبا می سرود. خط نستعلیق اش عالی بود. وی با اینکه در مناصب دولتی بود از امور فرهنگی غفلت نکرد و در زبان فرانسوی تسلط داشت. محل اقامتش تهران بود و در شعر به «صفا» تخلص می کرد».

از آثار او: 1- دیوان اشعار.

صفاء السلطنه در حدود سال 1358 ق در تهران چشم از جهان خاکی فرو بست

، و جهت مراسم خاکسپاری کالبدش به قم حمل و به خاک سپرده شد.

#### - منبع

1- انساب خاندانهای مردم نائین 37.

2- تاریخ نائین (مدینه العرفاء 1/175) و 37/4.

3- تراجم الرجال 263/1.

4- سخنوران نائین 74.

5- مکارم الآثار 2443/7.

#### شیخ عباس طسوجی

#### اشاره

(1346-1414 ق)

حاج شیخ عباس فرزند محمد طسوجی شبستری، از فضلا و معاریف حوزه بود.

وی در سال 1346 ق در بخش طسوج (تسوج) شهرستان شبستر آذربایجان شرقی متولد شد. ابتدا در مدارس جدید تحصیل کرد سپس به تحصیل علوم دینی رو آورد و مقدمات را نزد شیخ عباس رحیمی در حوزه طسوج آموخت و در سال 1366 ق به قم مهاجرت کرد و سطوح را نزد علامه میرزا محمد مجاهدی تبریزی به پایان برد. خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید صدر الدین صدر، سید حسین طباطبائی بروجردی و شیخ عبد النبی عراقی (مدت کوتاهی) به حد وافی برد، و به تدریس در منزل خود اشتغال ورزید.

#### از جمله آثار قلمی اش

1- حاشیه علی العروه الوثقی.

2- حاشیه بر توضیح المسائل (بروجردی).

3- حاشیه علی وسیله النجاه (اصفهان).

ص: 856

4-کشکول.

5-جامع الأثر فی احادیث الامام الثانی عشر(عجل الله فرجه).

طسوجی در روز چهارشنبه 14 ذی الحجه 1414/ ق مطابق با 4/ خرداد/ 1373 ش در سن 68 سالگی در پی بیماری ریوی در یکی از بیمارستانهای تهران درگذشت. پیکرش در روز پنجشنبه در قم تشییع و در مقبره شیخ فضل الله نوری واقع در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام مدفون شد.

### فرزندانش:

1- آقا حسن 2- آقا محمد 3- آقا محمد حسین.

### منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-گنجینه دانشمندان 209/8.

### عباس طلائیان

### اشاره

(1338-1402 ق)

عباس طلائیان متخلص به (طلا) فرزند احمد.

تولدش در سال 1338 ق مطابق با 1298 ش اتفاق افتاد. از وی اشعار زیادی در مراثی و نوحه باقی مانده است. که نمونه زیر تقدیم می گردد:

پروانه را فدایی شمع و به بال و پر اسرار عشق با قلم لا نوشته اند

راز و نیاز عاشق و معشوق طور را صبح ازل به سینۀ سینا نوشته اند

فرهادوش هر آن که نهد پا به بیستون رنج رهش به خط کف پا نوشته اند

لیلی ندارد از چه ز مجنون خبر ولی شرح غمش به صحنه صحرای نوشته اند

قرآن گشا به سوره یوسف نگر که چون بر لوح عشق نام زلیخا نوشته اند

نام حسین و کرب و بلا را از خون پاک روز ازل به دفتر دلها نوشته اند

ص: 857

نازم به عاشقی که سرش را به نوک نی سردار سر بریده سرها نوشته اند

سر داد و تن نداد به ذلت که نام وی آزاد مرد عرصه هیجا نوشته اند

بر پرچم سیاه، پس از قرن‌ها هنوز نام حسین با خط خوانا نوشته اند

ذکر حسین شد محک پاکی طلا

بر دفتر قبول به طغرا نوشته اند

\* به گوش ناله جان سوز ساز می آید مگر دوباره حسین از حجاز می آید

نوی می رسد از نینوا که سبط نبی به مقتل از ره دور و دراز می آید

فغان که قافله غم سوی دیار محن کشیده رنج نشیب و فراز می آید

به عزم کرب و بلا دختر امیر عرب درون قافله با عز و ناز می آید

بدشت ماریه لیلای خسته چون مجنون دلا دوباره به سوز و گداز می آید

ز مکه سید سجاد تا شود از کین سوار بر شتر بی جهاز می آید

حسین جانب محراب قتلگه چو پدر

(طلا) برای ادای نماز می آید

طلایی در روز پنجشنبه / 10 شعبان 1402 / ق مطابق با / 13 خرداد / 1361 ش در قم درگذشت و در مقبرستان باغ بهشت مدفون گردید.

**-منبع**

1- تاریخ تکایا و عزاداری قم 178.

**میرزا عباس عشقی بحرینی**

**اشاره**

(-1407 ق)

از خوشنویسان و هنرمندان معاصر قم بود.

وی در قم دیده به جهان گشود، و تحصیلات خود را در همان دیار به پایان برد

ص: 858

و از سال 1313 ش وارد خدمات فرهنگ گردید. او علاوه بر اشتغال به آموزش خط در دبیرستان های قم، از خوشنویسان آستانه مقدس حضرت معصومه علیها السلام نیز بوده است.

آثار هنری و کتبیبه های فراوانی به رشته تحریر درآورده و در اماکن مذهبی در شهرهای: مشهد مقدس، قم، همدان و عتبات عالیات از او پیدا می شود.

از آثار او: خوشنویسی یا هنر خط.

عشقی در /4 اردیبهشت 1366/ ش درگذشت. پیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام-زیر ساعت-به خاک سپرده شد.

#### -منبع

1-سالنامه دبیرستان حکمت قم، سالهای 1336-1337 ش، ص 68.

#### شیخ عباس علی اسلامی سبزواری

#### اشاره

(ح 1323-1405 ق)

حاج شیخ عباس علی اسلامی سبزواری، از واعظان نامی و مؤسس انجمن تعلیمات اسلامی تهران بود.

وی در حدود سال 1323 ق در سبزوار-استان خراسان-تولد یافت.

پس از آموختن مقدمات، به مشهد مقدس رهسپار شد و سطوح را به پایان رساند. دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات: میرزا محمد آقازاده خراسانی، میرزا مهدی اصفهانی، شیخ مرتضی آشتیانی و سید حسین طباطبائی قمی استفاده

ص: 859

نمود. سپس به نجف اشرف رفت و مدتی چند از محضر آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی بهره مند گردید.

سرانجام به ایران بازگشت و در تهران توقف کرد و از راه منبر و ارشاد به تبلیغات مذهبی پرداخت. او از چهره های مبارزی بود که در طول سالهای نهضت ملی شدت صنعت نفت، همراهی مؤثری با آیت الله سید ابو القاسم کاشانی ایفا نمود.

نامبرده جهت نجات نسل جوان و عامه مردم، به فکر تأسیس مدارس اسلامی افتاد و با یک استقامت شگفت انگیز و مجاهدت طاقت فرسا، ده ها بلکه صدها دبستان و دبیرستان پسرانه و دخترانه در سراسر ایران، در اثر کوشش های ایشان تأسیس گردید. از جمله آنها: تأسیس دبستان و دبیرستان علوی، تأسیس و ریاست «جامعه تعلیمات اسلامی» می باشد.

## از آثار او:

1- از یاد رفته.

2- حدیثی از حذیفه یمانیه (آنجا که حق باید گفت).

اسلامی در 25/ رجب 1405/ ق برابر با 6/ فروردین 1364/ ش در حدود

ص: 860



سن 82 سالگی در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام - کنار مزار آیت الله شیخ سلمان خاقانی - به خاک سپرده شد.

## - منابع

- 1- آینه دانشوران 68.
- 2- سراج المعانی در احوالات سید ابو الحسن اصفهانی 106.
- 3- گنجینه دانشمندان 334/2.
- 4- معجم القبور و وفیات الأعلام (مخطوط - شریف رازی).

## شیخ عباسعلی شاهرودی

### اشاره

(1320-1383 ق)

حاج شیخ عباسعلی فرزند ملا قدیر شاهرودی، از فقها و اساتید بنام حوزه علمیه قم بود.

در سال 1320 ق در شاهرود متولد گردید.

### در حوزه قم

وی پس از طی مقدمات به مشهد مقدس عزیمت نمود و پس از تحصیل سطوح در سال 1341 ق به قم مهاجرت کرد، و به حوزه درسی آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی پیوست، و نیز از آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی (در قم) بهره مند گردید، و خود اقدام به تأسیس حوزه درسی نمود، و شمار زیادی از طلاب تربیت داد. وی ابتدا در

ص: 861

مسجد عشقعلی و بعداً در مدرسه فیضیه به تدریس، و در مسجد حاج محمد جعفر بازار به اقامه جماعت اشتغال داشت.

## از آثار او

- 1- اجتهاد و تقلید.
- 2- برهان الشیعه فی اثبات الرجعه.
- 3- تعلیقه علی کفایه الاصول.
- 4- حاشیه بر عروه الوثقی.
- 5- حاشیه بر وسیله النجاه (از اصفهانی).
- 6- رساله عملیه.

## [شاگردان]

از جمله شاگردان ایشان، حضرات آقایان حجج اسلام و فضلالی کرام:

- 1- سید محمد علی صدرائی اشکوری.
- 2- شیخ حسین عشقی کمره ای.
- 3- سید کاظم صمدانی تبریزی.
- 4- شیخ محمد رضا نائینی.
- 5- شیخ ابراهیم منزوی خوانساری.
- 6- سید عبد الستار میانجی، ساکن میانه.
- 7- شیخ ابو القاسم فروغی شاهرودی.
- 8- شیخ حسین بن آقا محمد کبیر قمی.
- 9- شیخ محمد ابراهیم یزدی (اعرافی).
- 10- سید حسین حجازی یزدی.

11- شیخ جواد بن محمد مجتهد قمی (کبیر).

12- میرزا احمد زاهدی لنکرانی.

ص: 862

- 13- شیخ حیدر راثی.
- 14- سید حسن شجاعی قمی.
- 15- سید علی شیخ الاسلامی تبریزی.
- 16- میرزا حسین عین الدینی آذربایجانی.
- 17- شیخ ابو الخیر احمدی خمینی.
- 18- سید علی اکبر موحدی تبریزی.
- 19- آیه الله حاج میرزا ابو الفضل علمائی سرابی.

### درگذشت

ایشان در روز جمعه / 22 رمضان 1383 / ق مطابق با / 18 بهمن 1342 / ش به سن 63 سالگی در قم درگذشت، و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

### منابع

- 6- آثار الحجّه 53/2.
- 1- آینه دانشوران 86 و 204.
- 7- ستارگان درخشان 334.
- 5- گنجینه دانشمندان 178/2.
- 4- گنجینه دانشوران 17.
- 2- مؤلفین کتب چاپی 692/3.
- 3- وفيات العلماء 264.

شیخ عباسعلی محقق خراسانی

### اشاره

(1310-1383 ق)

حاج شیخ عباسعلی فرزند ملا بمانعلی محقق خراسانی، از مشاهیر و عاظمای ایران بود، در 15 صفر 1310 ق در مشهد مقدس متولد شد.

ص: 863

ادبیات را نزد پدرش آموخت، و سطوح را نزد: میرزا محمد باقر مدرس رضوی و شیخ حسن برسی، و حکمت را از محضر آقا بزرگ شهیدی و حاج شیخ محمد علی فاضل استفاده نمود، سپس از راه وعظ و تبلیغ به ارشاد و هدایت مردم پرداخت. و بالغ بر 60 سال عمر خود را صرف مطالعه کتب نمود و با ذوق سرشار مردم را به سوی حقیقت هدایت می کرد، و مواعظ سودمند و سخنان جذاب او در قلوب بسیاری تأثیر داشت به طوری که هر شنونده را تحت الشعاع قرار می داد.

در سال 1352 ق به اعیان مقدسه مشرف، و بعد از نماز مغرب و عشاء آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی در صحن مطهر علوی منبر رفته، و سایر طلاب و فضلا و بلکه شخص آیت الله را شیفته بیانات خود نمود. در سال 1353 ق رسماً از مشهد مقدس به تهران نقل مکان نمود، و در نشر و گسترش معارف اسلامی و انجام وظایف دینی سعی کافی داشتند.

در اواخر عمر چند سال متوالی به خواسته آیت الله طباطبائی بروجردی سه ماه ذی حجه، محرم، و صفر را به قم رفته و دهه عاشورا و دهه آخر صفر در منزل آیت الله و مسجد اعظم و سایر مجالس منبر می رفتند.

از آثار او: رساله در اثبات وجوب حجاب در دین مبین اسلام (که در 1367 ق به چاپ رسیده است).

سرانجام در صبح روز سه شنبه / 2 ذی قعدة / 1383 / ق مطابق با / 27 اسفند /

1342 ش درگذشت، و در ارض پاک قم در مقبره بیات (مقابل پل آهنچی) مدفون شد.

## از فرزندان وی:

1- شیخ هادی محقق، از فضلاء اهل منبر.

2- دکتر مهدی محقق، استاد دانشگاه تهران.

## - منابع

1- گنجینه دانشمندان 561/4.

2- مؤلفین کتب چاپی 691/3.

## میرزا عباسعلی نجفی ارومیه ای

## اشاره

(1300-ح 1395 ق)

از فضلاء و بزرگان ارومیه به شمار می رفت.

وی در سال 1300 ق در ارومیه چشم به جهان باز کرد.

نامبرده پس از آموختن مقدمات، در سن 7 سالگی به عتبات عالیات رهسپار شد و ابتدا در کربلائی معلی مدت چهار سال سطوح تحصیل نمود. آنگاه در سال 1321 ق به نجف اشرف مشرف گردید و از محضر فقهای آن زمان به مدت 26 سال استفاده شایان نمود.

نجفی در سال 1347 ق به زادگاهش بازگشت و به تشکیل حوزه درسی و تربیت طلاب پرداخت و در پی ارتحال برادرزن خود، آیت الله میرزا محمود اصولی به سال 1370 ق سرپرستی حوزه علمیه ارومیه را در اختیار گرفت و آن را به بهترین وجه اداره نمود.

ایشان در حدود 1395 ق در ارومیه چشم از جهان خاکی فرو بست. پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ بهشت مدفون گردید.

ص: 865

## فرزندانش:

1- میرزا عبدالمحمد نجفی 2- دکتر محمد نجفی و سه دختر از او باقی ماند.

## منابع

1- افادات دانشمند معظم آقای شیخ محمد فوزی (دام ظلّه).

2- تاریخ رضائیه 260.

## سید عباس فقیه مبرقع قمی

## اشاره

(ح 1295-1335 ق)

حاج سید عباس فرزند سید محمد صادق فقیه مبرقع رضوی قمی، از فضلا بود. وی پدر حجه الاسلام سید مرتضی فقیه مبرقع (معروف به حاج داداش) و داماد آیت الله سید احمد طباطبائی قمی بود.

نامبرده دروس عالی خود را در قم نزد حضرات آیات: شیخ غلامرضا قمی «حاج آخوند» و سید عبد الله برقی رضوی به پایان برد و از مدرسان مدرسه مهدی قلی خان- مدرسه خان-به شمار آمد. او در سال 1335 ق در اثر وبا در حدود سن 40 سالگی در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در حرم حضرت معصومه علیها السلام- ایوان آینه- به خاک سپرده شد.

تنها فرزند ذکور او، مرحوم سید مرتضی فقیه بود و دارای چهار دختر گردید.

دامادهايش عبارتند از حضرات آیات: 1- مرحوم شیخ فاضل لنکرانی «قققازی»، 2- مرحوم سید شهاب الدین مرعشی 3- شیخ محمد کرمی (فعلا در اهواز سکونت دارند) 4- مرحوم سید ابو الفضل لاجوردی، پدر دانشمند معظم آقای سید مهدی لاجوردی است.

## منبع

1- گنجینه دانشمندان 218/2.

ص: 866



اشاره

(1328-1395 ق)

شیخ عباس فرزند آیت الله میرزا محمد و نوه علی اکبر فیض قمی، مورخ و نویسنده بزرگ معاصر بود.

وی در روز 3 جمادی الثانی/ 1328 ق در سامرا دیده به جهان گشود (تولدش را به نقل از دست خط پدرش که بر روی یک قرآن قدیمی تحریر کرده بود، ثبت کردیم). او پس از رشد و نما ادبیات را نزد شیخ محمد حسین علامه آموخت، و دوره سطوح را نزد آیات:

میرزا محمد همدانی، و آخوند ملا علی همدانی گذرانید، آنگاه دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات: پدر فقیه خود، حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود، و رو به نویسندگی و پژوهش در رشته های تاریخ آورد، و آثار زیاد و گرانبهایی را از خود به یادگار گذاشت.

از آثار او

1- استقلال پاکستان.

2- انجم فروزان، در تاریخ قم.

3- بدر فروزان، در تاریخ آستان قدس رضوی.

4- تاریخ ری.

ص: 867

- 5- تاریخ سامرا.
- 6- تاریخ کاظمین و بغداد، 2 جلد.
- 7- تاریخ کربلا، 2 جلد.
- 8- تاریخ نجف.
- 9- ترک دنیا.
- 10- ثمره هستی.
- 11- جدی فروزان در آئین تشیع.
- 12- حشرات محشر.
- 13- حل المشكلات در تفسیر آیات مشکله قرآنی.
- 14- خلاصه المقال فی أحوال الأئمه علیهم السّلام و الآل، 2 جلد.
- 15- خلد برین.
- 16- دره فروزان.
- 17- دوزخ نامه.
- 18- ذخیره.
- 19- راهنمایان توحید در حالات پیامبران علیهم السّلام.
- 20- راهنمای ایران (تاریخ شهرها).
- 21- رجال فیض.
- 22- رهبانان اروپا با مبلغ اسلام.
- 23- زیور زنان.
- 24- سلسله الذهب در انساب.
- 25- شقایق.

26- صراط مستقيم.

27- ضجة بينوايان.

28- طليعه سعادت.

ص: 868

29-ظلمتکده خرافات.

30-عفریت جهل.

31-غزاله.

32-فیض نامه.

33-قلعه فولادین.

34-قم و روحانیت.

35-کشتی طوفانی.

36-گنجینه آثار تاریخی قم، 2 جلد.

37-لاالی پراکنده در مسائل متفرقه.

38-مدینه فاضله.

39-ندای حقیقت در حقایق دین اسلام.

40-وجوه المله.

41-یوسف کنعانی.

سرانجام در روز پنجشنبه 29/صفر/1395/ق برابر با 22/اسفند/1353 ش به سن 67 سالگی در قم درگذشت، پیکرش در قبرستان شیخان مدفون گردید.

### **فرزندان:**

1-حسن 2-محمد و سه دختر.

### **منابع**

1-تاریخ علماء و شعرای گیلان 16.

2-رجال قم 125.

3-فهرست کتابهای چاپی فارسی 524/1 و 706 و 1122.

4- گنجینه دانشوران 136.

5- مستدرک اعیان الشیعه 107/3.

6- مؤلفین کتب چاپی 669/3.

ص: 869

## اشاره

(-1412 ق)

از شاعران معاصر قمی که به «خادم» تخلص می نمود.

نمونه اشعارش در کتاب «تاریخ تکایا و عزاداری قم» آمده است.

او در سال 1323 ش همراه با حاج محمد کتابدار «هیئت گذر صادق» از هیئت های معروف حسینی در قم، را بنیان نهاد.

خادم، در اواسط/خرداد 1371/ ش درگذشت. پیکرش در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

## -منبع

1-تاریخ تکایا و عزاداری قم 185.

## شیخ عباس مستقیم قمی

## اشاره

(ح 1333-1404 ق)

حاج شیخ عباس فرزند میرزا حبیب الله تاجر قمی، ملقب به «مستقیم» از فضلا و اندیشمندان معاصر بود، که افتخار دامادی آیت الله میرزا محمد فیض قمی را داشت.

وی در حدود سال 1333 ق در قم دیده به جهان گشود.

نامبرده پس از طی مقدمات، سطوح را نزد آیت الله سید شهاب الدین مرعشی به پایان رسانید-آنگاه دروس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، شیخ محمد علی حائری قمی، شیخ محمد فیض قمی و سید محمد حجت کوه کمری استفاده نمود و پس از ورود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی از شرکای بحث ایشان شد.

مستقیم علاوه بر تحصیل به تدریس مقدمات و متون کتب درسی و اقامه نماز

ص: 870

جماعت در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و ارشاد اشتغال داشت.

وی دارای آثار قلمی در فقه و اصول می باشد که تاکنون به چاپ نرسیده است.

ایشان در روز یکشنبه /14 جمادی الثانی/1404 ق مطابق با /28 اسفند/ 1362 ش در حدود سن 71 سالگی در قم درگذشت و پیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام-صحن کهنه-به خاک سپرده شد.

### فرزندان:

1-دکتر مرتضی 2-آقا محمد تقی 3-آقا محمد سعید و یک دختر می باشد.

### منابع

1-آثار الحجه 55/2.

2-آینه دانشوران 400.

3-رجال قم 127.

4-گنجینه دانشمندان 261/2.

### سید عباس ملکی طسوجی

### اشاره

(1319-1402 ق)

حاج سید عباس فرزند سید حسین موسوی ملکی طسوجی، از علمای معروف آذربایجان بود.

وی در سال 1319 ق مطابق با 1280 ش در بخش «طسوج» چند کیلومتری

ص: 871

شبه‌ستر واقع در آذربایجان شرقی، متولد گردید.

ملکی پس از طی دوران کودکی و آموختن برخی از مقدمات به خوی رفت و در مدرسه علمیه نمازی و تحت نظارت دایی خود علامه سید هاشم خوئی «مرفاتی» به تحصیل خود ادامه داد، سپس به مشهد مقدس رهسپار شد و چند سالی به تحصیل پرداخت.

سید جلیل ملکی طسوجی

ایشان جهت انجام تحصیلات عالی خود سرانجام رهسپار نجف اشرف شد و از محضر آیات: شیخ ضیاء الدین عراقی، سید ابو الحسن اصفهانی و شیخ محمد کاظم شیرازی بهره مند گردید. سپس به حوزه قم پیوست و از محضر آیات: حاج شیخ عبد‌الکریم حائری یزدی و سید محمد حجت کوه‌کمری نیز استفاده نمود.

ایشان در حدود سال 1373 ق به تبریز عزیمت کرد به تدریس متون کتب درسی و اقامه جماعت اشتغال ورزید و پس از چندی به خوی رفت و اقامه جماعت و ارشاد مردم را عهده دار شد.

ملکی در اواخر عمر خود به قم رفت و تا پایان عمر آنجا زیست و در سال 1402 مطابق با سال 1361 ش در سن 83 سالگی درگذشت. پیکرش در قبرستان باغ رضوان که مجاور قبرستان وادی السلام است، مدفون گردید.

فرزندش حجه الاسلام سید حسن ملکی (متولد سال 1364 ق) ساکن قم می باشد.

#### -منابع-

1- اظهارات فرزند معظم له.

ص: 872



(1333-1408 ق)

وی در استان فارس-ایران-در سال 1333 ق تولد یافت. در سنین جوانی به نجف اشرف رفت و مقدمات را فراگرفت. سطح عالی را از محضر آیات: سید محمد باقر محلاتی، سید محمود شاهرودی و سید محمد تقی بحر العلوم استفاده نمود. سپس به کویت مهاجرت کرد و به وعظ و ارشاد و هدایت عامه پرداخت. در آنجا از موقعیت بسیار خوبی برخوردار بود. در اوایل انقلاب در ایران، ایشان را از کویت به ایران بیرون راندند و در شهر مذهبی قم سکونت اختیار فرمود.

او زمانی که نامه حضرت امام مد ظلّه در زمینه حوادث آن روز به دستش رسید برنامه های مبارزاتی و انقلابی خود را بصورت آشکار شروع نمود و حکام خود فروخته کویت که تحمل افشاگریهای او را نداشتند رذیلانه ب فکر ایجاد مانع بر سر راه او افتادند و بصورتی وحشت زده او را تهدید به مرگ کردند.

و زمانی که ابراهیم جبهان وهابی عقائد انحرافی را در میان مردم مسلمان کویت ترویج می نمود و از طرفی حکام فاسد کویت برنامه های انحرافات اخلاقی و... از طریق مدارس برای فرزندان آنان هدیه آورده بودند ایشان به فکر تأسیس مرکزی برای پرورش فکری جوانان برآمد که یکی از نتایجش تأسیس مدرسه دخترانه جعفری بود...

علامه مهری از ابتدای نهضت مردم مسلمان ایران پایه پای آنان بجلو می رفت و در این زمینه سهم مهمی داشت به طوری که بیت او پناهگاه مبارزین و طرفداران نهضت بود و مدتهای قبل از پیروزی به اوج خود رسید به حدی که اعلامیه ها نوارها و فیلمها از طریق بیت علامه مهری به ایران منتقل می شد.

و در آن زمان که حزب بعث وجود حضرت امام مدظلّه را تحمل نکرد و

معظم له از نجف اشرف به مرز کویت آمد او سعی و کوشش و تلاش زیادی نمود تا این افتخار را نصیب مردم مسلمان کویت نماید لکن حکام دست نشانده کویت مردم را از این نعمت محروم نموده و از ورود حضرتش به کویت جلوگیری کردند.

بمحض پیروزی انقلاب و علی رغم مخالفت شدید حکام جبار کویت راهپیمایی عظیمی از منزلشان تا سفارت جمهوری اسلامی ایران ترتیب داد و به دستور ایشان مردم وارد سفارت شدند و پرچم ستم شاهی را بزیر کشیدند و بجای آن پرچم «الله اکبر» با تصویر مبارک حضرت امام نصب کردند طولی نکشید که حوادث و ماجراهای مسجد ایشن (معروف به مسجد شعبان) شروع شد و در آنجا مسائل و مشکلات ملت مظلوم کویت بررسی می شد و در مجالس عموم تشریح می گردید. سرعت حرکت نهضت و پافشاری ایشان در احقاق حق مردم و بعلاوه منصوب شدن ایشان به امامت جمعه کویت از طرف حضرت امام مدظله (که از طریق رادیو جمهوری اسلامی ایران پخش شد) حکام گیج کویت را به وحشت انداخت و در نتیجه ایشان و تمام افراد خانواده و عائله اش را به جمهوری اسلامی ایران تبعید نمودند.

ولی او با این ترفندها از پای ننشست و هیچ گونه تردیدی بخود راه نداد و مسئله نهضت را هدایت و رهبری می کرد و فرزندان حزب الله با الهام از رهنمودهای ایشان مبارزاتی نظیر حادثه منطقه «مشرف» ادامه داده و می دهند تا اینکه آن بزرگوار در شب 26 جمادی الثانی 1408 ه.ق به لقاء پروردگار شتافت.

زاهدانه می زیست و علاوه بر فرائض نماز شب و نوافل روز او به هیچ وجه ترک نمی شد. در معاشرت با مردم و حتی خردسالان بسیار متواضع بود در میان سخن حق، بسیار شجاع و این شجاعت را از رهبرش آموخته بود و عاشق رهبر بود و مسئله رهبری و مرجعیت او همیشه مورد نظرش بود و در مصائب و سختیهای فی سبیل الله صابر و شکیبا در خدمت به مردم محروم جامعه و رفع حوائج آنان بسیار کوشا بود.

سلام علیه یوم ولد و یوم لاقی ربه و یوم یبعث حیا

مهري، در روز دوشنبه 26 جمادى الثانى 1408/ ق در پي بيمارى در سن 75 سالگى در تهران زندگى را وداع گفت. پيكرش روز سه شنبه در قم تشييع و در مسجد بالاسر، حرم حضرت معصومه عليها السلام به خاک سپرده شد.

**-منبع**

1-اطلاعات متفرقه.

**سيد عباس ميرزاده اهري**

**اشاره**

(ح 1358-1400 ق)

سيد عباس ميرزاده فرزند سيد محمد اهري، از فضلا و نويسندگان معروف حوزه علميه قم بود. وي اصالتا اهل «ميركند» اهر است. در حدود سال 1358 ق در اهر-واقع در استان آذربايجان شرقى-تولد يافت.

بخشى از مقدمات را نزد شيخ يد الله دهقان در اهر آموخت. سپس در سال 1338 ش به تبريز رفت و در حوزه آن ديار نزد آقاىان: سيد حبيب موسوى (ساكن بستان آباد)، ميرزا محمد آصفى، ميرزا رسول شاهدى و سيد رضا مرندى به تكميل مقدمات و ادبيات پرداخت.

در سال 1342 ش به قم مهاجرت نمود و سطح را نزد شيخ ناصر مكارم شيرازى، شيخ جعفر سبحانى تبريزى و شيخ على دوانى به انجام رساند. دروس خارج را فقط از محضر آيت الله سيد كاظم شريعتمدارى بهره مند گرديد.

ص: 875

وی روی به راهنمایی نسل جوان آورد و از راه قلم و زبان به بیان حقایق و آشنایی جوانان با مذهب همت گماشت. از جمله کارهای فرهنگی ایشان می توان به: عضویت در هیئت تحریریه مجله «نسل نو»، عضویت در هیئت تحریریه مجله «پیام شادی» و از اعضای مؤسس مجله «غذای فکری برای نسل جوان» بود، اشاره کرد. مقالات زیادی در مجلات مذکور.

## از آثار او:

1- نهج البلاغه چیست؟، ترجمه کتاب ما هو نهج البلاغه (اثر علامه سید هبه الدین شهرستانی)، 1346 ش، قم، جیبی، 143 ص.

2- تجلیگاه ولایت، همکاری در تألیف.

میرزاده در اوایل سال 1359 ش در چهارراه حسن آباد «شهریار» در اثر تصادف بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان بقیع مدفون شد.

او از چند همسری که انتخاب کرده بود، دارای اولاد زیر گردید: 1- سید کاظم 2- سید رضا 3- سید مرتضی و پنج دختر.

## -منبع

1- اظهارات چند تن از دوستان اهری آن مرحوم.

## عباس میرزا ملک آرا قاجار

## اشاره

(1255-1314 ق)

عباس میرزا ملقب به «ملک آرا» فرزند دوم محمد شاه و نوه عباس میرزا «نایب السلطنه» قاجار، از رجال سیاسی معروف ایران بود.

وی در رجب 1255/ق در تهران متولد شد.

عباس میرزا از دوران کودکی مورد توجه پدر خود بود، و احتمال آن می رفت که جانشین او گردد، به همین خاطر ناصر الدین شاه که کینه برادر کوچک خود را در دل

ص: 876

داشت تا اینکه مبادا به پادشاهی برسد، در ذی الحجّه 1268/ق با مقرری سالیانه سه هزار تومان به عراق تبعید کرد و در بغداد مستقر شد. او پس از بیست و هفت سال اقامت در بغداد و مدت کمی هم در اسلامبول در محرم 1295/ به تهران بازگشت و پس از ورود به آن شهر، ناصر الدّین شاه او را به «ملک آرا» ملقب نمود.

چندی بعد به حکومت زنجان منصوب شد. در سال 1296 ق به تهران بازگشت. و در سال 1298 ق به حکومت قزوین رسید. در سال 1303 ق به وزارت تجارت منصوب شد. مدتی هم ریاست افتخاری شورای عالی دولتی بود.

## از آثار او

1- کتابی در شرح حال خود (و اوضاع آن دوره).

ملک آرا در 14 ذی القعدة 1314/ق در سن 59 سالگی در اثر سکتة قلبی حیات را بدرود گفت. پیکرش به قم حمل و در جوار مزار پدر خود در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. محمّد میرزا که از طرف مظفر الدّین شاه به «ملک آرا» ملقب گردیده فرزند اوست.

## -منابع

1- شرح حال رجال ایران 2/222.

2- مکارم الآثار 5/1494.

سید عبد الباقي رشتی «شريف العلماء»

## اشاره

(-1311 ق)

میر سید عبد الباقي ملقب به «شريف العلماء» و معروف به «حجّه الاسلام» فرزند سید علیرضا موسوی رشتی، از دانشمندان و فقهای برجسته عصر خود در رشت بود.

نسب ایشان به سید شرفشاه گیلانی-از عرفای قرن هشتم هجری- منتهی

ص: 877

می شود و سرانجام به امام موسی کاظم علیه السلام می پیوندد.

## تحصیلات عالی در نجف اشرف

نامبرده تحصیلات عالی خود را در نجف اشرف، نزد آیات: شیخ حسن کاشف الغطا و شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) به انجام رسانید و از اساتید مذکور و آیه الله شیخ مهدی کاشف الغطا به دریافت اجازات علمی و روایی نایل آمد.

وی هنگام اقامت در نجف اشرف به افتخار دامادی علامه سید علی طباطبائی بحر العلوم (صاحب برهان قاطع) نایل شد، آن گاه به وطن خود یعنی «رشت» مراجعت کرد و ریاست امور دینی و مذهبی مردم را عهده دار شد.

## از آثار او

1- المواهب الغرویه فی شرح شرائع الاسلام، در چند جلد.

2- انوار الشیعه فی الاخلاق.

## درگذشت و اعقاب

ایشان به سال 1311 ق در شهر رشت (یا قم) درگذشت، و در شهر مذهبی قم در مقبره شماره شش صحن عتیق حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

1- علامه سید محمد علی بحر العلوم 2- علامه سید حسین (آقا میر) بحر العلوم که از جمله شاگردان و مقررین درس آیه الله میرزا حبیب الله رشتی بود. وی به سال 1327 ق در فتنه مشروطه همراه با فرزند خود سید جواد، شهید گردید.

فرزند دیگر آقا میر، سید حسن بحر العلوم (ح 1314-1397 ق) متولد و متوفای در رشت، و مدفون در صحن کهنه در مشهد رضوی می باشد.

سید حسن در نجف اشرف از جمله شاگردان آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و شیخ محمد حسین غروی اصفهانی بود.

## -منابع

- 1-المآثر و الآثار.
- 2-أعیان الشیعه 433/7.
- 3-تراجم الرجال 266/1.
- 4-شهداء الفضیله 363/2.
- 5-نقباء البشر 1020/3.

## میرزا عبد الجواد کلباسی اصفهانی

## اشاره

(1319-1387 ق)

حاج شیخ میرزا عبد الجواد فرزند علامه میرزا محمد هاشم و نوه میرزا عبد الجواد کلباسی اصفهانی، و نوه دختری آیت الله شیخ محمد علی ثقفی الاسلام «مسجد شاهی» و یکی از فضیلات و پارسایان بود.

وی در رمضان 1319 ق در اصفهان متولد گردید.

پدرش میرزا هاشم (متوفای 15 ذی حجه 1358 ق در اصفهان و مدفون در تخت فولاد) از علمای متقی و صالح بود و در اصفهان جزو شاگردان آیت الله سید محمد باقر درچه ای به شمار می رفت و در مسجد حکیم در هر سه وقت، نماز جماعت بر پا می کرد. شرح حالش در مکارم الآثار 1479/5 و تذکره القبور یا دانشمندان اصفهان 407 آمده است.

میرزا عبد الجواد، تحصیلات مقدماتی و عالی خود را در حوزه اصفهان و نزد اساتید آن سامان به پایان رسانید و به جای پدر خود در مسجد حکیم به اقامه نماز جماعت و ارشاد و هدایت مردم اشتغال داشت.

ص: 879

وی مردی فاضل، خلیق، متواضع، مهربان و مورد احترام سایر طبقات و در زمینه کمک به ضعفا و مستمندان و رفع حوائج نیازمندان کوشا بود.

ایشان سالهای متمادی مرتبا به عتبات عالیات می رفت و هر دفعه پنج یا شش ماه در آنجا توقف می کرد و به تهذیب نفس و تحصیل کمالات می پرداخت.

مرحوم شیخ محمد کلباسی در کتاب خود «خاندان کلباسی» درباره ایشان چنین می نویسد: «میرزا عبد الجواد حامی فقرا و ضعفا بود و غالب عمر خود را در زیارات ائمه اطهار و معصومین علیهم السلام صرف می نمود».

همیشه موفق به سحرخیزی و تهجد و محبوب القلوب بین الناس بود.

مخصوصا اهل اصفهان علاقمند به ایشان بودند و در نزد ملت و دولت و جاهت تام داشت.

## از آثار او

1- منهاج السالکین در آداب حج و زیارت مدینه منوره.

کلباسی در روز شنبه 19 جمادی اول 1387/ ق مطابق با 4 شهریور/ 1346 در سن 68 سالگی در بین راه تهران-اصفهان (در نزدیکی دلیجان) دچار حادثه ناگوار تصادف شد و جان سپرد. پیکرش در روز یکشنبه در اصفهان تشییع و به قم انتقال داده شد و در یکی از حجرات صحن بزرگ حضرت معصومه علیها السلام-به طرف قبله-به خاک سپرده شد.

از او اولاد ذکوری باقی نماند و هنگام مرگ فقط دارای دو دختر بود.

## -منابع

1- تاریخ رجال خاندان کلباسی (خطی-محمد علی معلم حبیب آبادی).

2- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان 229/3.

3- تذکره القبور یا دانشمندان اصفهان 295.

4- خاندان کلباسی (خطی-شیخ محمد کلباسی).



(1311-1395 ق)

سید عبد الحجه فرزند آیت الله سید علی و نوه سید عبد الله ایروانی تبریزی، از دانشمندان و اساتید معروف حوزه علمیه تبریز بود.

وی در سال 1311 ق مطابق با 1272 ش در شهر تبریز دیده به جهان گشود.

پدرش از علمای طراز اول و برجسته ایروان به شمار می رفت و به علت وارستگی و مقام معنوی، در زمان حیات مورد احترام خاص و عام بود و پس از رحلت در سال 1324 ق هم آرامگاه وی در ایروان مزار اهل ایمان گردید. وی دارای کتابخانه نفیسی بود که آن را بر طلاب و مشغولین به تحصیل وقف نمود. از جمله آثار قلمی او، حاشیه علی تشویق السالکین است. مختصری از حالاتش در نقباء البشر 1471/4 آمده است.

سید عبد الحجه پس از طی مقدمات و سطوح، به نجف اشرف رهسپار شد و از فقهای نامدار آن سامان از جمله آیت الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی استفاده نمود. و پس از نیل به درجه عالی علمی به زادگاه خود مراجعت نمود.

مدرسه خواجه علی اصغر تبریز زیر نظرش اداره می شد و در تربیت طلاب تلاش زیادی بذل نمود.

استاد سید هادی خسرو شاهی در مجله «تاریخ و فرهنگ معاصر» هنگام نگارش شرح حال فرزند سید عبد الحجه، وی را چنین معرفی می کند.

(... پدر مرحوم آقا سید عبد المجید، آیت الله سید حجت ایروانی از معاریف علمای تبریز به شمار می رفت. چهره ای بسیار نورانی و قیافه ای جذاب داشت.

همیشه لباس تمیز می پوشید و با وقار خاصی راه می رفت. به علت مقام علمی و معنوی خود، مورد احترام همه علمای آذربایجان و مردم متدین تبریز بود. جلسه تدریس برای طلاب خود، داشت و در دو مسجد حاج صفر علی و خواجه علی اصغر-ظهر و شب-اقامه نماز جماعت می نمود و ماه مبارک رمضان همه روزه در مسجد خود به ارشاد مردم و تفسیر قرآن می پرداخت... او در سال 1354 شمسی به رحمت حق پیوست).

## از آثار او

1- حاشیه بر رساله عملیه (از غروی اصفهانی).

نامبرده در یکی از حجرات صحن مطهر که اینک جزء حرم حضرت معصومه علیها السلام قرار گرفته است، به خاک سپرده شد.

## -منابع

1- مجله تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره (5)، ص 295.

2- مکارم الآثار 1563/5.

3- نقباء البشر 1471/4.

**سید عبد الحجه بلاغی نائینی «حجت»**

## اشاره

(1313-1397 ق)

سید عبد الحجه فرزند سید حسن و نوه سید محمد باقر فرزند سید محمد تقی فرزند میر صدر الدین عربضی حسینی نائینی، معروف و متخلص به «بلاغی» و

ص: 882

«حجت» و ملقب به «حجت علیشاه» و «حجت بلاغی» از فضلا و نویسندگان نامی معاصر بود.

وی در 24 شعبان 1313/ ق در شهر نائین-استان اصفهان-تولد یافت.

ایشان تحصیلات خود را در حوزه های نائین و اصفهان به پایان رساند و در اصفهان از محضر آیت الله شیخ نور الله اصفهانی «مسجد شاهی» استفاده کرده بود. سپس به عرفان و امور معنوی روی آورد. ابتدا به سید حسین شمس العرفاء ارادت حاصل نمود، سپس به شیخ عبد الحسین ذو الرئاستین نزدیک شد و از او اجازه ارشاد گرفت و پس از فوت ذو الرئاستین ادعای قطیبت سلسله نعمت الهی نمود.

ایشان بسیار فعالیت و سفر زیاد می نمود، حب پژوهش و اطلاع داشت.

کتابهایی را که نوشته نکات فراوان و مطالب جدید بسیاری دارد.

در سال 1309 ش (1349 ق) روزنامه «جامع» را در اصفهان تأسیس و منتشر ساخت.

استاد حجت بلاغی، علاوه بر آشنایی با علوم دینی از قبیل: فقه و اصول، در رشته های: تفسیر قرآن، ادبیات فارسی و عربی، تاریخ به صورت عام و تاریخ استان اصفهان به صورت خاص، دعا، عرفان و انساب آشنایی کامل و مهارت ویژه ای داشت و در این زمینه ها آثار قلمی دارد.

## از آثار او:

1- الأسرار الالهیه فی الأدکار و الأوراد و الأدعیه السریه.

ص: 883

- 2- انساب خاندانهای مردم نائین.
- 3- تاریخ تهران، دو جلد.
- 4- تاریخ مختصر پیامبران اولوالعزم، دو جلد.
- 5- تاریخ مقابر اصفهان.
- 6- تاریخ نائین «مدینه العرفاء»، دو جلد.
- 7- تاریخ نجف و حیره، دو جلد.
- 8- تاریخ و جغرافیای کاشمر.
- 9- ترجمه صحیفه سجاده.
- 10- تفسیر قرآن، به فارسی تا سوره بقره، در چند جلد.
- 11- دیوان اشعار.
- 12- رساله شعریه در جبر و تقویض.
- 13- زندگانی علی بن سهل اصفهانی.
- 14- شطرنج العرفاء، در پنج جلد.
- 15- فرهنگ تاریخ نائین.
- 16- فرهنگ سمات در شرح دعای سمات.
- 17- کشکول بلاغی.
- 18- گلزار بلاغی.
- 19- گل نرگس (درباره حضرت نرجس خاتون، مادر امام زمان «عج»).
- 20- مسیر حضرت امام رضا علیه السلام.
- 21- مقالات الحنفاء فی مقامات شمس العرفاء.
- 22- مقامات العرفاء یا زندگانی شمس العرفاء.

23-مقلاد الرشاد فى المؤننات السماعيه و الأضداد.

24-نقد الروضات.

محقق گرانقدر حجت بلاغى، در روز دوشنبه 4/صفر 1397 ق برابر با 4/

ص:884

بهمن 1355/ ش در سن 84 سالگی بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان باغ بهشت قم مدفون شد. از او تنها یک فرزند ذکور به نام سید علی و ده دختر، به جای ماند.

سید صدر الدین بلاغی

استاد و سخنور بلندپایه مرحوم سید صدر الدین بلاغی (1329-1418 ق) و پژوهشگر معروف، برادر سید عبد الحجه بلاغی بود.

### -منابع

- 1- انساب خاندانهای مردم نائین 138.
- 2- تاریخ جراید و مجلات ایران 162/2.
- 3- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان 20/2.
- 4- تاریخ نائین 60/1.
- 5- تذکره سخنوران نائین 43.
- 6- تذکره شعرای اصفهان 92.
- 7- رجال اصفهان یا تذکره القبور، در مقدمه کتاب، ص یا.
- 8- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی 342/6 (تولدش را در سال 1322 ق نوشته که اشتباه است).
- 9- مؤلفین کتب چاپی 715/3.

### عبد الحسین آیتی تفتی

### اشاره

(1287-1373 ق)

عبد الحسین آیتی فرزند علامه شیخ محمد، مشهور به «حاج آخوند» از روحانیون مشهور یزد و نوه شیخ محمد معروف به «آقا بزرگ» تفتی یزدی.

آیتی در 8 ذی الحجه 1287/ ق در «تفت» یزد به دنیا آمد.

ص: 885

وی تحصیلات مقدماتی را در مکتب خانه به پایان برد و در سن 15 سالگی به یزد رفت و در مدرسه خان بزرگ اقامت نمود و دوره صرف و نحو و منطق و معانی و بیان را نزد میربهاء الدین جندقی، ملا عبد الکریم مسگر و ملا علی اکبر ندوشنی تکمیل نمود. در سال 1313 ق به تقاضای اهالی یزد بر مسند پدر نشست، و امامت دو مسجد و حل و عقد امور شرعی مردم را عهده دار شد.

### گرایش به آئین بهائیت

در سی و چهار سالگی به مسلک بهائیت گروید و این عقیده را بیست سال حفظ کرد، و پس از آن دوباره به آئین اسلام بازگشت. آیتی خود در شرح واقعه قبول بهائیت، در خاطراتش می نویسد: «در آن موقع بهائیان دام برایم گسترده و به وسائل عدیده کتب خودشان را تحت مطالعه ام قرار دادند. بعضی از مشایخ و مقتدایان محلی مطلع شده پیش از آنکه به طرفی از رد و قبول بگرایم متهم ساختم، چندانکه نه تنها ریاست و محراب و منبرم در خطر افتاد، بلکه جانم نیز در معرض خطر بود، و کارم به مهاجرت کشید، به همان نسبت که مشایخ محلی و مریدانشان مرا از حوزه اسلامی دور کردند، به همان نسبت وجوه بایه و بهائیه بغل گشوده مرا در آغوش کشیدند.

این جذر و مدّ مذهبی مرا در مدت بیست سال به اطراف جهان کشیده در سلک مبلغین و مبشرین و داخل در بساط حل و عقد امور بهائیت در آورده، امواج

حوادث، گاهی به ساحل قبولم می کشید و دم دیگر در وادی رد و نکولم می افکند، تا در سفر دوم که سه ماه مقیم کوی رئیس ایشان (عبد البهاء عباس) گشتم، در «حیفا»، کاملاً بر بطلان دعوی او و پدرش از جنبه مذهبی آگاه گشته، تنها از جنبه وطن خواهی و نعمات صلح جوئی و فلسفه نفوذ ایشان در عالم غرب غرق حیرت و منتظر کشف حقیقت بودم، تا پس از مرگ عبد البهاء در زمامداری سبط کبیرش (شوقی افندی) موفق به سفر اروپا شدم، و از آن حیث نیز آسوده خاطر گشته، یقین کردم که این دروغ هم عطف بر دروغهای مذهبی شده نفوذی در جهان غرب نداشته اند، و اگر گاهی عده قلیلی توجهی نموده اند در اثر خیانت حضرات و نتیجه سیاست بیگانگان است نه چیز دیگر، و چون عبد البهاء را خائن ایران هم از حیث مذهب و هم از حیث استقلال و سیاست شناختم دل از مهرشان برداختم، و خود را در زحمت و خطر دیگری انداخته چند هزار نفر بهائی متعصب را دشمن خود گردانیدم...».

آیتی هنگامی که بهائی بود کتاب «الکواکب الدریه فی المآثر البهائیه» را در دو جلد نگاشته که شرح پیدایش بهائیت است. خود درباره این کتاب می گوید:

«دو جلد کواکب الدریه که انشاء بنده است، و مواد تاریخی آن را با هزاران اختلاف و تصرف و تقلب، رؤسای بهائیه داده اند، لہذا خودم آن را معتبر نمی دانم و قطعاً استفاده تاریخی از آن نمی توان کرد، چه مسائل مسلمہ ای که حتی مانند (ادوارد براون) در کتب خود نوشته و من هم کامل ترش را نوشته بودم، از کتابم در موقع طبع آن در مصر حذف کرده اند، زیرا به ضررشان تمام می شده و تعبیرات جعلیه را جانشین آن قرار داده اند.».

آیتی پس از مرگ «عبد البهاء» پیشوای بهائیان در سال 1340 ق به همراه جمعی دیگر از بهائیان، دوباره مسلمان شد و از آئین بهائیت روی گرداند. او پس از اسلام آوردن کتاب «کشف الحیل» را در سه جلد در رد بهائیت نگاشت. خود درباره این کتاب می گوید:



«دو جلد کتاب کشف الحیل طبع تهران در رد بهائیت که اگرچه با قلم زهرآگین و تند و تلخ نگاشته شده، ولی یک کلمه بی حقیقت و متزلزل و شبهه ناک در آن گنجانیده نشده، بلکه افتضاحات فزون از شماری دارند که عفت قلمی و مقتضیات محیط مانع از ذکر آن بوده است.»

آیتی پس از سال 1340 ق به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و حدود ده سال به تدریس علوم ادبی در دبیرستانهای تهران پرداخت، و در سال 1308 ش مجله «نمکدان» را در تهران منتشر کرده بود که این امر سالها دوام یافت. پس از مدتی تدریس در تهران به یزد انتقال یافت و در دبیرستانهای یزد به تدریس و تعلیم همت گماشت.

ایشان شاعری خوش سخن بود و در جوانی بنا بر توصیه پدرش تخلص «ضیائی» داشت و پس از گرویدن وی به کیش بهائیت، بنا بر توصیه «عباس افندی» تخلص «آواره» را انتخاب کرد. آیتی در این باره می گوید: «اما تخلص آواره را عبد البهاء عباس بر من روا داشت، و فلسفه اش این بود که کلمه «ضیاء» نزد او ناپسند بود، به سبب اینکه یک برادرش (ضیاء الله) نام داشت و او کاملاً با عباس افندی مخالفت کرده، زیر بار خدائیش نرفته بود، و پس از آنکه بعضی از اشعار مرا دید به من نوشت که: تخلص شما من بعد آواره باشد. و این منتهی منتهی بود که بر من داشت، چه او و پدرش بدین لقب ملقب بوده همیشه می نوشتند: «ما آوارگان»، ولی باید دانست که در مدت معاشرت با ایشان کم شعر گفته ام...».

عبد الحسین آیتی سرانجام پس از عمری پرماجرا در صفر 1373/ ق مطابق با مهر 1332/ ش، ضمن سفری که به تهران کرده بود بیمار گشت و رخت به سرای دیگر کشید، و جنازه او در قم (ظاهراً در قبرستان حاج شیخ) به خاک سپرده شد.

## از آثار او

1- آتشکده یزدان (تاریخ یزد).

ص: 888

2- اشعه حیات (اشعار).

3- تاریخ فلاسفه.

4- انشاء عالی یا چهار فصل آیتی.

5- چکامه شمشیر (اشعار).

6- فرهنگ آیتی در لغت فارسی «سه گلبن»، در سه جلد.

7- خردنامه (اشعار).

8- روش نگارش یا موضوع نویسی.

9- سیاحت نامه دکتر ژاک آمریکایی، در سه جلد (شامل: سه گمشده، سه فراری و سه عروس است).

10- کتاب نبی یا ترجمه و تفسیر مختصر قرآن، به فارسی، در سه جلد.

11- گفتار آیتی.

12- الكواكب الدرّیه فی المآثر البهائیه.

13- كشف الحیل در ردّ بهائیت، در سه جلد.

14- ملكة عقل و عفریت جهل.

15- نغمه دل (اشعار).

16- هوگوی ایرانی یا نخستین پرواز بشر.

17- قصیده قرآنی (اشعار).

18- دیوان غزلیات و رباعیات و قطعات.

نمونه ای از اشعار آیتی:

بر قبله ابروت گرم روی نیاز است دل را تو میندار که در بند نماز است

تو شاهی و خاک در تو کعبه آمال درویشم و بر کوی توام روی نیاز است

گر دست من از دامن وصلت شده کوتاه کوتاه سخن رشته امید دراز است

مجرم طلبد حاجت اگر ز آن خم ابروی زوروی فروپوش که نامحرم راز است

ص: 889

صد تیرز مژگان تو بر چشم دلم خورد روشن بودم باز که بر روی تو باز است  
که اوج مرا آمد و گه موج مرا برد در بادیۀ عشق نشیب است و فراز است  
چون شد به وطن «آیتی» از خشم بر او تاخت آن کس که خود «آواره» و آواره نواز است

## -منابع

- 1- آینه دانشوران 610.
- 2- تاریخ جراید و مجلات ایران 309/4.
- 3- تاریخ یزد 277.
- 4- تذکره سخنوران یزد 374/2.
- 5- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 2/1.
- 6- سخنوران نامی معاصر 40/2.
- 7- شرح حال رجال ایران.
- 8- فرهنگ شاعران زبان پارسی 20 (تولدش را اشتباه نوشته است).
- 9- مجله وحید، شماره 242.
- 10- مجله یغما، سال بیستم.
- 11- مؤلفین کتب چاپی 718/3.
- 12- نقباء البشر 1074/3.

**شیخ عبد الحسین بروجردی «صاحب الداری»**

## اشاره

(1377-1308 ق)

حاج میرزا عبد الحسین فرزند آخوند ملا علی بروجردی، اصالتاً از روستای «گنجینه» بروجرد است سال 1308 ق در بروجرد متولد و پس از وصول به حد تمیز معارف ابتدائی و علوم مقدماتی را در زادگاه خود فراگرفت، و برای تکمیل تحصیلات خویش به اراک رفت و از ذخائر

علمی آیات: سید نور الدین عراقی و ملا محمد علی خان عراقی استفادہ کرد، تا سال 1332 ق کہ مرحوم آیت اللہ حاج شیخ

ص: 890

عبد الکریم حائری یزدی از کربلا- به اراک تشریف برد صاحب الداری به ایشان پیوست و از خواص اصحاب و مقسم شهریه از طرف معظم له شد، تا در سال 1340 ق که مرحوم آیت الله حائری به قم مهاجرت کرد او نیز به قم رهسپار شد.

آقای شیخ محمد رازی در آثار الحجه می نویسد:

(آقای حاج میرزا عبد الحسین بروجردی معروف به «صاحب الداری» که مقسم آیت الله حائری در اراک بود برای نگارنده گفت که: پس از توقف آیت الله حائری در قم، اول کسی که از اراک به ایشان پیوست من بودم با حجه الاسلام حاج میرزا هدایت الله وحید گلپایگانی.

پس از اینکه دو ماه به امر ایشان شهریه محصلین اراک را پرداختم و خدمتشان رسیدم، فرمود: ما ماندنی شدیم، اگر شما هم بخواهید بمانید خدا کریم است، بروید خانواده خود را بیاورید.

پس حاج میرزا هدایت به اراک رفت و اصحاب آیت الله حائری را از قضیه مطلع و خانواده خود و مرا به قم آورد، و رفته رفته حوزه علمیه قم تأسیس شد).

صاحب الداری، تا آخر عمر مرحوم آیت الله حائری متصدی امور مدارس فیضیه و دارالشفای امور طلاب و سرپرست کتابخانه فیضیه، و پس از ورود مرحوم آیت الله بروجردی نیز به سمت سرپرستی کتابخانه باقی بود، ضمناً از ابحات معظم له و نیز دروس سید محمد حجت کوه کمری، سید صدر الدین صدر، و سید محمد تقی خوانساری استفاده می کرد.

ایشان در رجب 1377/ ق مطابق با بهمن 1336/ ش به سن 69 سالگی در گذشت و پس از ادای نماز توسط آیه الله بروجردی در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام مدفون شد.

و از آثار علمیه او: تعلیقه ای است بر رجال ابی محمد.

### فرزندانش:

1- علی فرهنگی بازنشسته 2- علی اصغر 3- مهندس علی اکبر و 4 دختر.

### منابع

1- آثار الحجّه 17/1 و 56/2.

2- آینه دانشوران 189.

3- تاریخ بروجرد 599/2.

4- رجال قم 128.

### شیخ عبد الحسین بقال

### اشاره

(1420-1355 ق)

پژوهشگر توانا استاد شیخ عبد الحسین محمد علی بقال، در 65 سالگی در پی بیماری در لندن زندگی را بدرود گفت.

استاد حاج شیخ عبد الحسین فرزند حاج محمد علی و نوه حاج حسین بهبهانی محسنی، که به «بقال» اشتهار یافت، در 1355 ق مطابق با 1315 ش در شهر نجف اشرف متولد گردید.

وی پس از گذراندن دوره دبیرستان، ادبیات عرب را از محضر دانشمند و ادیب بزرگ استاد حاج یحیی جواهری (1317-1400 ق) استفاده نمود. آنگاه جهت ادامه تحصیلات عالی خود وارد دانشکده فقه (کلیه الفقه) نجف اشرف شد و دروس دینی را از محضر اساتیدی چون: آیت الله شیخ محمد تقی ایروانی

ص: 892

(دام ظلّه)، علامه سید محمد تقی طباطبائی حکیم (دام ظلّه) و علامه مرحوم شیخ کاظم شمشاد، فراگرفت. در سال 1387 ق با درجه عالی موفق به دریافت لیسانس ادبیات عرب و علوم اسلامی گردید.

بقال خدمات فرهنگی خود را در وزارت آموزش و پرورش آغاز کرد و در شهرهای مختلف عراق (نجف اشرف بغداد و بصره) به تربیت و تعلیم نوباوگان و دانش آموزان پرداخت. او در ضمن کار، آثار ارزشمندی نیز از خود به یادگار گذاشت.

ایشان در سال 1401 ق در اثر فشارهای دولت عراق به ایران تبعید شد و ابتدا در تهران سکونت اختیار و با وزارت ارشاد اسلامی همکاری کرد. سپس در اثر عشق وافر و علاقه بی پایانش به ساحت قدسی اهل بیت علیهم السلام قم را به عنوان مسکن برگزید. دروس مکاسب محرّمه را از محضر آیت الله شیخ محمد غروی (دام ظلّه) استفاده کرد و به تألیف و گردآوری موسوعه های بزرگی در لغت، جغرافیا و رجال اهتمام ورزید. مجموعه لغت ایشان از سوی انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسید و مجموعه جغرافیایی اش در دست چاپ و مجموعه رجالی اش همچنان مخطوط مانده است. کوشش و تلاش فراوان، دقت زیاد، احساس مسئولیت شرعی و اخلاقی و معاشرت با دانشمندان و پژوهشگران از جمله ویژگی های ایشان بود.

### **فهرست آثار تألیفی و پژوهشی استاد بقال به شرح زیر است:**

1- الاسلوب الأمثل فی خدمه المذهب، 1385 ق، مطبوعه الآداب النجف، 31 ص.

2- الامامه حتی ولاية الفقیه، 1402 ق، وزارت ارشاد، 90 ص.

3- التریبه، 1386 ق، چاپ نجف اشرف.

4- الرساله السعديه فی اصول الدّین و فروعها، اثر علامه حلّی، تحقیق و تعلیق، 1411 ق، کتابخانه آیت الله مرعشی، 172 ص.



- 5-الرعایه فی علم الدرایه، اثر شهید ثانی، تحقیق، 1408 ق، کتابخانه آیت الله مرعشی، 406 ص.
- 6-الشهید الصدر، الفیلسوف الفقیه، 1401 ق، وزارت ارشاد، 79 ص.
- 7-الشیخ البهائی عمید الفقهاء و فقیه الادباء.
- 8-الفهرسه فی بداياتها و تطوراتها.
- 9-المعجم الجغرافی، در چند جلد، در دست چاپ است.
- 10-المعجم الرجالی، در چند جلد، مخطوط مانده است.
- 11-المعجم المجمعی، در هشت جلد، 1375 ش، انتشارات دانشگاه تهران، در چهار هزار صفحه است.
- 12-المعجم المفهرس فی مفردات تفعال، در مجله المورد چاپ شده است.
- 13-المعجم المفهرس فی مفردات یفعل، در مجله المورد، سال 1400 ق، مجلد 9، شماره 2، در 36 ص رحلی چاپ شد.
- 14-المعجم المفهرس لما فی اللغه من صیغ فعلله.
- 15-المعجم المفهرس لمجامع الحدیث الشریف.
- 16-ایضاح الاشتباه فی ضبط تراجم الرجال، اثر علامه حلی، تحقیق، مخطوط.
- 17-دور الصادق علیه السلام فی امامه الاسلام و المسلمین، 1401 ق، وزارت ارشاد، 101 ص.
- 18-رساله ایران الثوره فی عید میلاد المسیح علیه السلام، اخراج و مراجعه، 1402 ق، وزارت ارشاد، 54 ص.
- 19-شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، اثر محقق حلی، تحقیق و تعلیق، چهار جلد.
- 20-شرح البدایه فی علم الدرایه، اثر شهید ثانی، تحقیق و تعلیق، 1402 ق، کتابخانه چهل ستون تهران، 168 ص.
- 21-کیف و نحن صامتون؟ 1385 ق، مطبعه الآداب النجف، 29 ص.

22- مبادئ الوصول الى علم الاصول، اثر علامه حلی، تحقیق، 1391 ق.

مطبعة الآداب النجف، 279 ص.

23- مسأله فی بیع من له نصف الدار، اخراج، 1410 ق، کتابخانه چهل ستون تهران، 64 ص.

24- معالم الدین و ملاذ المجتهدين، اثر ابو منصور حسن فرزند شهید ثانی، تحقیق و تعلیق، 1392 ق، مطبعة الآداب النجف، 471 ص.

25- مفردات لغویه.

26- واقعا المعاصر، 1385 ق، چاپ نجف اشرف.

استاد بقال سالهای پایان عمر خویش را در تنهایی و غربت کامل سپری کرد و به طور شبانه روزی در حال نگارش و پژوهش بود.

متأسفانه بیماری مزمن او شدت پیدا کرد و معالجات دایم سودی نبخشید. به همین خاطر به انگلستان رفت، ولی باز نتیجه نگرفت.

سرانجام قبل از ظهر پنجشنبه 26 محرم 1420 / ق مطابق با 23 اردیبهشت 1378 / ش در 65 سالگی دیده از جهان فروست. پیکرش سه روز بعد به ایران انتقال یافت و در عصر روز دوشنبه اول ماه صفر در قم تشییع و پس از ادای نماز میت توسط علامه شیخ علی افتخاری گلپایگانی در یکی از اطاق های قبرستان «باغ بهشت» قم به خاک سپرده شد.

**شیخ عبد الحسین تبریزی «غروی»**

**اشاره**

(1328-1415 ق)

حاج شیخ عبد الحسین غروی فرزند علامه شیخ مرتضی چهرقانی و نواده شیخ علی طسوجی تبریزی، از علمای معاصر تبریز بود.

مصاحبه زیر توسط مجله «حوزه» انجام گرفته است، که بخشهای مهم آن را برای کتاب خودمان انتخاب کردیم و در اختیار محققین می گذاریم:

ص: 895

حوزه: لطفاً شمه ای از زندگی تحصیلی و علمی خود را بیان کنید!

استاد: از مرحوم والده قرآنی مانده است، چاپ بمبئی، در داخل جلد آن تاریخ تولد مرا به سال 1328 ق در جوار قبر مولی امیر المؤمنین علیه السلام ثبت کرده است.

هیئت علمای نجف، مدرسه هایی به سبک جدید، در نجف، کربلا و کاظمین تأسیس کرده بودند. نام مدرسه ای که در نجف تأسیس کرده بودند «علوی» بود. بنده تا کلاس ششم در این مدرسه تحصیل کردم و گواهی نامه گرفتم. البته گواهی نامه های این مدارس، از تهران می آمد. در آن روزگار، مدارس دولتی نبود. اشراف نجف هم، فرزندان شان را به این مدارس می فرستادند. این مدارس، زیر نظر افراد بسیار خوبی اداره می شد. فرزند آخوند خراسانی، از اعضای هیئت مدرسه علوی نجف بود. متأسفانه این مدارس، بعدها دولتی شد.

بعد از اینکه گواهی نامه ششم ابتدایی را دریافت کردم، پدرم از تبریز نوشت:

«خوب است ایشان، همان روش آبا و اجداد خود را پیشه کند و به تحصیل علوم دینی بپردازد».

بنا بر سفارش والد، طلبه شدم. از اول شرح امثله، تا پایان جلد اول کفایه را در نجف خواندم. قوانین را در خدمت شیخ حسین اهری - تنها مدرس قوانین -، مقداری از مکاسب را در خدمت شیخ ابو الحسن مشکینی «صاحب حاشیه بر کفایه» و جلد اول کفایه را در خدمت میرزا باقر زنجانی، فراگرفتم. با آیت الله زنجانی خیلی مأنوس بودم. سخنان اخلاقی و روش زندگی آن بزرگوار، برای من درس بزرگی بود.

ص: 896

مشغول تحصیل بودم که والد نوشت: «برای دیدار، چند صباحی به تبریز بیایید».

(در سال 1350 ق) به تبریز آمدم. در همان روز ورود ما به تبریز، پهلوی ملعون، مرزها را بست و مانع رفت و آمد افراد به عراق شد. چند ماهی در تبریز ماندم و در بحث ارث آیت الله سید ابو الحسن انگجی، شرکت کردم. چون از تشریف به نجف، مأیوس شدم، (در سال 1353 ق) به قم مشرف شدم. در قم، آیت الله سید محمد حجت کوه کمری چون با پدرم رفیق بودند، بنده را می شناخت. از این روی، آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری، به احترام ایشان، برای بنده، در مدرسه فیضیه حجره داد و شهریه ای هم مقرر فرمود. این در حالی بود که برنامه حاج شیخ این بود که: تا طلبه ای شش ماه در قم نمی ماند و دقیقاً شناسائی نمی شد، نه به او حجره می دادند و نه شهریه.

در قم، جلد دوم کفایه را در خدمت میرزا محمد همدانی خواندم. ایشان از مدرسین برجسته قم بود. بعد از رحلت حاج شیخ عبد الکریم حائری، به همدان رفت و در آن شهر، منشأ خیرات و برکات فراوان شد.

وقتی که از سطح فارغ شدم، در درس حائری و حجت، شرکت کردم. در درس حاج شیخ، اصول را از اول تا حجیت خبر واحد و در فقه، کتاب طهارت را حضور داشتم. حجت، مرد جامعی بود. مثل آیت الله بروجردی، اصرار داشت طلبه ای که در درسش شرکت می کند، جامع بار بیاید. لذا علاوه بر درس پرباری که ارائه می کرد، شبهای پنجشنبه، ملل و نحل تدریس می کرد. متأسفانه پس از رحلت آیت الله حائری، گرفتار اداره حوزه و رسیدگی به طلاب شد و درس ملل و نحل، ادامه پیدا نکرد.

(شیخ عبد الحسین غروی در سال 1363 ق به تبریز بازگشت و به تدریس و ارشاد پرداخت).

حوزه: نکته فقهی اگر از اساتید بزرگوار خود به یاد دارید، بیان کنید.

استاد: نکته، فراوان است. حائری در بحث طهارت، به بحث طهارت یا نجاست اهل کتاب رسیدند. در این زمینه، مبسوط بحث کرد. در نهایت فرمود: «من هم، به این روایت که می فرماید:

سألت أبا عبد الله عن قوم مسلمين يأكلون و حضرهم مجوسی، أیدعونه الی طعامهم؟ فقال: انا فلا اواكل المجوسی و اكره أن احرم علیكم شینا تصنعونه فی بلادكم. [وسائل الشیعه 383/16] عمل می کنم، و درباره طهارت و نجاست آنان، چیزی نمی گویم.

آیت الله خوئی می فرمود: «نجاست آنان، مانند کلب و خنزیر نیست، بلکه عرضی است. زیرا اینان، از چیزهای نجس، اجتناب نمی کنند.

بالاخره، برخی از مجتهدین شجاع، بایستی مبانی را دقیق بررسی کنند و نظر دهند، و مشکلاتی که این مسأله برای مسلمانان پدید می آورد، حل کنند.

برخی از مراجع، در فتوا، جامعیت خاصی داشتند. مثلاً آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی، برای اولین بار، الکل صنعتی را پاک دانستند و فرمودند:

میرزا کاظم دینوری/سید محمد علی قاضی طباطبائی/شیخ عبد الحسین غروی/شیخ عبد الحمید شریانی

«احکام، تابع عناوین اند. الکل صنعتی، اکنون مسکر نیست، بلکه داروست، لذا نمی تواند نجس باشد».

حوزه: از ویژگیهای برجسته اخلاقی آیت الله حائری، که برای امروز حوزه های علمیه، طلاب، فضلا و... چراغ راه کارساز باشد، بفرمایید؟.

استاد: آیت الله حائری، خصایص برجسته ای داشت. واقعا، مهذب و پیراسته بود. در روایت است: «آخر ما یخرج عن قلوب الصدیقین حب الجاه».

ایشان، واقعا، حب جاه را از وجودش ریشه کن کرده بود. ریاست و مقام، در قلب او جایی نداشت. در این باره، نمونه بسیار دارم، از جمله:

تابستانی بود و هوا بسیار گرم. حاج شیخ و عده ای از بزرگان حوزه، به روستایی در سه فرسنگی قم، رفته بودند. بنده با عده ای از طلاب، برای دیدار با ایشان، به آن روستا رفتیم. ایشان، با دوستان و اصحاب، در باغی نشسته بودند مشغول صحبت که ما به خدمتشان رسیدیم.

از هر بابی، سخنی گفته می شد. در این بین، حاج شیخ، خطاب به حاج سید محمد باقر قزوینی (عموی آقای ابو ترابی) که از علمای بزرگ آن زمان بود، فرمود:

«جناب سید محمد باقر! این ریاست که می بینی، خدا گواه است که یک قدم برای آن و در جهت آن برنداشته ام. هرچه آمده است، خودش آمده».

حاج شیخ، چنین نفس قدسی داشت. این چنین افرادی باید الگو و اسوه طلاب و فضلا باشند.

خاطره دیگری که از آن بزرگوار به یاد دارم و بسیار سازنده است، مربوط می شود به بعد از رحلت میرزای نائینی. بعد از رحلت نائینی، مردم متدین زنجان، برای تعیین مرجع تقلیدشان، به آیت الله میرزا باقر زنجانی، که از علمای بزرگ نجف بود و ما هم توفیق استفاضه از محضرش را یافته بودیم، مراجعه کردند. ایشان در نامه ای به من نوشت:

«من، همه جهات علمی و تقوایی سید ابو الحسن اصفهانی را می دانم. تقوا و ورع حاج شیخ عبد الکریم را هم می دانم. ولی در بعد علمی ایشان، فقط درر

الاصول را دیده ام. شنیده ام ایشان در صلاه، کتابی نوشته اند، اگر ممکن بود، یک نسخه از آن را برای من بفرستید».

برای گرفتن کتاب الصلاه، خدمت حاج شیخ رفتم. سید صدر الدین صدر هم نشسته بودند. عرض کردم: استاد بزرگوار ما، آقای زنجانی، طی نامه ای از من خواسته اند که: کتاب الصلاه حضرت عالی را برای ایشان بفرستم. آیت الله صدر، از آقای زنجانی، بسیار تعریف کردند.

حاج شیخ در جواب فرمود: «میرزای نائینی، فوت کرده است. نمی خواهم رساله پراکنی کنم».

عرض کردم: این کتاب علمی است، نه رساله.

فرمود: «نتیجه آن، رساله پراکنی است».

بالاخره، با اصرار آیت الله صدر و پافشاری من، فرمودند: «مانعی ندارد. اجازه دارید که یک جلد از کتاب الصلاه من را بگیرید و برای ایشان بفرستید، اما مشروط بر اینکه دیگر چنین تقاضاهایی نکنی. نمی خواهم بعد از میرزا، کسی از من ترویج کند!».

این نمونه ای بود از تقوا و ورع آن بزرگوار. واقعا از شوائب نفسانی مبرا بود.

همین قداست نفس او بود که مایه بقاء و رشد حوزه علمیه قم و این همه برکات شد.

استاد غروی علاوه بر آثار علمی دارای آثار اجتماعی و اخلاقی نیز می باشد که از جمله آثار او:

1- اسلام و شیعه.

2- امامت امام زمان (عجل الله فرجه).

3- تقریرات درس حجت در فقه و اصول، در دو جلد.

4- کتابی در اخلاق اسلامی.

سرانجام غروی در شب چهارشنبه 22 آذر 1373/ ش مطابق با 9 رجب/ 1415 ق در اثر سکته قلبی در یکی از بیمارستانهای تبریز درگذشت. پیکرش صبح

ص: 900

روز چهارشنبه در تبریز تشییع و مدت سه روز در آذربایجان شرقی عزای عمومی اعلام شد.

پیکرش نزدیک ظهر پنجشنبه در قم تشییع، و در مقبرستان وادی السلام در کنار مزار پدر خود در حدود ساعت 1/5 بعد از ظهر به خاک سپرده شد.

### -منابع

1- آثار الحجه 231/2.

2- آینه دانشوران 305.

3- گنجینه دانشمندان 319/3.

4- مجله حوزه، شماره 62، سال 1373 ش، ص 37.

5- مؤلفین کتب چاپی 753/3.

### سید عبد الحسین خردمند تهرانی

### اشاره

(1332-1392 ق)

سید عبد الحسین فرزند سید رضا حسینی تهرانی، ملقب به «خردمند نجفی» و داماد آیه الله میرزا مهدی شیرازی حائری و از جمله علمای با فضل تهران بود.

نسبش به علی عریضی از اعقاب امام صادق علیه السلام می رسد.

ایشان به سال 1332 ق در تهران متولد گردید.

### در حوزه قم

پس از طی مقدمات و قسمتی از سطح، به قم مهاجرت کرد و سطوح را به انجام رسانید و مدتی چند از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده نمود.

### هجرت به نجف اشرف

وی در سال 1357 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و دروس عالی حوزه را نزد





آیات: میرزا ابو الحسن مشکینی، شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، سید ابو الحسن اصفهانی و سید محمود شاهرودی به انجام رسانید و به درجه رفیعۀ اجتهاد نایل گردید.

او پس از ده سال اقامت در سال 1367 ق به تهران بازگشت و در «مسجد مقداد» به اقامۀ جماعت و ارشاد و هدایت و نیز امر تدریس اشتغال ورزید.

### درگذشت و اعقاب

نامبرده در روز شنبه 9 ذی قعدة 1392/ ق مطابق با 25/ آذر 1351/ ش در سن 60 سالگی در تهران درگذشت و جسدش به قم حمل و در انتهای قبرستان نو (حاج شیخ) - در یکی از اطاقها - به خاک سپرده شد.

### فرزندان:

1- حجه الاسلام سید احمد خردمند، متولد حدود سال 1358 ق در کربلا، تحصیلات عالی حوزه را در قم نزد آیات: سید محمد داماد یزدی، شیخ مرتضی حائری یزدی، میرزا هاشم آملی، سید محمد رضا گلپایگانی و شیخ حسین وحید خراسانی طی نمود.

از آثار او

1. مبانی دین و مذهب شیعه.

2. هستی بخش جهان.

3. فلسفه دو حکم اسلامی.

4. رساله ای در نبوت.

2- سید مرتضی 3- سید مجتبی.

### - منبع

1- شرح حال فوق از زبان فرزند ارشد ایشان، آقای سید احمد خردمند یادداشت گردید.

ص: 902

اشاره

(ح 1323-ح 1409 ق)

سید عبد الحسین فرزند سید رضا و نوه سید خسرو موسوی همدانی، ملقب به «خسروی»، از فضلا و اطبای معاصر بود.

خسروی پس از نشو و نما رو به تحصیل علوم دینی رو آورد و در مدارس بزرگ و کوچک همدان تحصیل کرد. برخی از تحصیلات خود را نزد عموی خود سید محمد علی خسروی و شیخ مرتضی تألهی به پایان رسانید. وی در علوم پزشکی قدیم مهارت داشت و رسماً طبابت می کرد. در سالهای آخر عمر خود در تهران اقامت کرد و به کار طبابت بیماران ادامه داد.

از آثار او:

1- برهان قویم در طب قدیم، در سه جلد.

2- اثبات الولاية در امامت.

وی در حدود سال 1368 ش در سن 86 سالگی در تهران درگذشت و پیکرش در قبرستان بهشت معصومه علیها السلام قم مدفون گردید. از او فقط یک دختر به جای ماند.

منبع

1- اظهارات پسر عموی صاحب شرح حال، جناب آقای سید حسین فرزند سید محمد علی خسروی.

شیخ عبد الحسین رضوی هشترودی

اشاره

(1419-1340 ق)

شمه ای از زندگینامه مرحوم حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ عبد الحسین رضوی هشترودی قدس سره که به درخواست برادر فاضل، جناب مستطاب

ص: 903

آقای جواهری زید عزه تقدیم می گردد:

عالم ربانی مرحوم حاج شیخ عبدالحسین رضوی هشترودی، در سال 1340 هجری قمری در شهرستان هشترود واقع در استان آذربایجان شرقی در خانواده ای مذهبی و متدین در محله گنجینه کتاب دیده به جهان گشود.

از همان اوان طفولیت، بروز علائم حاکی از استعداد و حافظه و توان سرشار فکری، خانواده را بر آن داشت که تحصیل و تعلیم را در سرلوحه برنامه های این فرزند قرار دهند (برخلاف معمول آن روزگار که چندان به این امر پرداخته نمی شد، مخصوصاً در مناطق کوچک و دور از مراکز علمی).

به رسم آن زمان تحصیل را در مکتب خانه و با قرآن شروع نمود و کتب معمول آن دوران از قبیل: نصاب الصبیان و گلستان سعدی و... فراگرفت و سپس به فراگیری ادبیات عرب پرداخت.

مقداری از ادبیات را از قبیل کتب: جامع المقدمات-سیوطی-جامی و... نزد علمای محل فراگرفت. ولی استعداد وافر ایشان، خانواده و علمای بزرگ منطقه را بر آن داشت که به فکر تدارک مقدمات سفر ایشان به حوزه علمیه مقدسه قم بیافتند.

### **سفر به قم و ادامه تحصیلات**

در سال 1356 هجری قمری در سن 16 سالگی به همت و مساعدت (و در معیت) مرحوم آیت الله حاج سید حسین هشترودی (رحمه الله علیه) که دارای

ص: 904

موقعیت و جایگاهی برجسته در حوزه علمیه قم بوده اند، به شهر مقدس قم هجرت نموده و به ادامه تحصیلات می پردازند.

بقیه دروس ادبیات را نزد بزرگانی همچون میرزا محمد علی ادیب تهرانی (به عنوان استاد کتاب مطول) و غیره فرامی گیرند.

دوره سطح حوزه، در محضر درس اساتید بنام و برجسته آن دوران حاضر می گردند که به عنوان نمونه می توان به چند استاد زیر اشاره کرد:

1- درس معالم مرحوم آیت الله میرزا محمد مجاهدی (ره).

2- درس شرح لمعه مرحوم آیت الله نجفی مرعشی (ره).

3- درس رسائل مرحوم آیت الله میرزا احمد کافی الملکی (ره).

4- درس مکاسب مرحوم آیت الله سید مهدی انگجی (ره).

ایشان در این دوران یک سال نیز که به دلیل پاره ای مشکلات قادر به حضور در حوزه علمیه قم نبوده اند، به تبریز رفته و در حوزه علمیه تبریز از محضر اساتیدی همچون: مرحوم آیت الله سید هادی خسرو شاهی و مرحوم آیت الله انگجی و دیگران استفاده می برند.

سالهای حضور و تحصیل شان در قم با دوران پس از رحلت آیت الله مؤسس مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی (ره) و قبل از ورود مرحوم آیت الله بروجردی (ره) به قم مقارن بوده است. که به دوران زعامت آیات ثلاث (حضرت آیت الله سید محمد حجت - حضرت آیت الله سید محمد تقی خوانساری و حضرت آیت الله سید صدر الدین صدر) معروف است.

مرحوم حاج شیخ عبد الحسین رضوی هشترودی از محضر این بزرگواران مخصوصاً آیت الله حجت (ره) بهره ها برده و مورد عنایت و توجه ویژه آن مرجع عظیم الشأن بوده اند.

در مدت حضور و تحصیل در قم جزو طلاب فاضل و زبده و مورد توجه خاص اساتید خود بوده اند و در ردیف محصلین ممتاز به طوری که بعد از بازگشت ایشان به

موطن خود، بعضی از اساتید از جمله مرحوم حضرت آیت الله نجفی مرعشی با ارسال نامه ای مصرّانه می خواهند که به حوزه علمیه قم بازگشته و به تعلیم و تعلّم ادامه دهند. اما به دلیل وقوع پاره ای حوادث و مشکلات، مجبور به بازگشت به وطن و زادگاه خویش می شوند که همیشه از این جریان به عنوان خسران در زندگی خود یاد می کردند.

ولی شاید تقدیر الهی چنین رقم خورده بود که این بزرگ مرد با این بازگشت ناخواسته (گرچه خود را مغبون می دید) منشأ هدایت ها و خدمات و آثار گرانبغی در منطقه باشد که شاید به غیر از این میسر نمی شد.

### **اقامت در هشتروند**

بالا-خره ایشان با دستی پر و اندوخته ای درخور به زادگاه خویش برگشت و نزدیک به نیم قرن منشأ خدمات دینی و فرهنگی و اجتماعی فراوانی در منطقه شد و ترویج معارف دین و دفاع از حریم تشیع را و جهت همّت خود قرار داد و تمام مشکلات و حوادث را به جان خرید و در مقابل فتنه ها و انحرافات فکری و عقیدتی مبارزه کرد که در این مقطع از زندگی ایشان را در ابعاد زیر می توان بررسی کرد:

### **بعد علمی**

ایشان پس از مراجعت مدتها در منزل خود جلسه درس و بحث داشته و به تدریس دروسی از قبیل: مطوّل، معالم و شرح لمعه و غیره برای طلاب منطقه پرداختند.

در طول این سالیان دراز، دوری از حوزه علمیه هیچ وقت او را از مطالعه و تحقیق باز نداشت و تا آخر عمر اکثر اوقات فراغت و تنهایی ایشان در منزل به مطالعه می گذشت. در تاریخ و مقاتل ید طولانی داشت و بر بعضی کتب در این زمینه حاشیه های مفیدی دارند و در اواخر عمر شروع به تألیف کتابی در زندگی

حضرت زینب علیها السلام نمودند که اجل او را مهلت نداد.

## تبلیغات دینی

برای علمای خارج از حوزه علمیه، این مسئله مهمتری هدف و وظیفه به شمار می رود. و ایشان هم وعظ و ارشاد مردم را در هر شرائط و در سرما و گرما و با زحمات طاقت فرسا حتی در اقصی نقاط منطقه و روستای دورافتاده با راههای صعب العبور، در زمستان های سرد آذربایجان با وسائل و امکانات محدود آن زمان، همه را به جان می خرید و با عشق و خلوصی عجیب در این راه می کوشید. در مقابل فتنه ها و انحرافات فکری و عقیدتی مردانه آستین ها را بالا می زد و زحمات و مشقات و موانع او را هرگز از ادای وظیفه باز نداشت. (با فتنه حزب توده در آذربایجان- با فرقه ضالۀ بهائیت- با جهل و ناآگاهی و تحریف ها به مبارزه برخاست و یک عمر برای مردم از احکام و معارف دین بر بالای منبر داد سخن داد و در این راه سر از پا نمی شناخت).

بیانی بسیار شیوا و منطقی قوی داشت و خطابه های مؤثرش همه را مجذوب خود می ساخت، اثر می گذاشت و مخاطبین را متأثر و متحول می کرد، تنها حرف نمی زد، عمل می کرد و همین راز موفقیت او در تبلیغ دین بود.

## بعد اجتماعی

یکی از ابعاد مهم زندگی ایشان شخصیت اجتماعی و مردمی و خدمات و فعالیت های عام المنفعه و اجتماعی ایشان است. حل و فصل اختلافات و مناقشات خانوادگی و فامیلی، قومی و قبیله ای و حل مشکلات اجتماعی مردم، یکی از کارهای روزمره ایشان بود که در این مجال فرصت سخن گفتن از آنها نیست. به عنوان مثال در ماههای اول پس از انقلاب، اگر مدیریت و فعالیت و نقش ارزنده ایشان نبود، شاید در منطقه خون های بسیار ریخته می شد.

ص: 907

آثار و خدمات اجتماعی از قبیل: احداث مساجد متعدد، نقش فعال در ساختن بیمارستان، کمک در ساختن حمام ها و مراکز آموزشی و فرهنگی در سطح شهرستان، نقش اول در پایه ریزی بنای حوزه علمیه شهرستان هشتروند (گرچه بعداً دیگرانی آمدند و دخل و تصرفاتی کردند و امورات را صاحب شدند) و غیره، تنها نمونه ای از فعالیت های اجتماعی ایشان می باشد.

## بعد اخلاقی

به شهادت همه افرادی که با او برخورد و الفتی داشته اند، سجایای اخلاقی نیک، یکی از بارزترین ابعاد شخصیتی ایشان را تشکیل می داد. حسن خلقی که از پیر و جوان، از دوست و دشمن، از غریبه و خودی، همه و همه خاطراتی از او دارند و کم نبودند بدخواهانی که تحت تأثیر اخلاق و رفتار بزرگوارانه ایشان تغییر روش دادند و بودند افرادی که بعد از وفات ایشان (وقتی حجاب معاصرت از بین رفت)، از بی مهری های خود نسبت به ایشان اظهار ندامت و پشیمانی می کردند و اشک می ریختند.

گشاده روئی، محبت، عفو و گذشت، خیرخواهی و نصیحت، احترام به دیگران، کمک و دستگیری محتاجان، مهماندوستی و غیره، گویی جزو ذاتیات جدا نشدنی ایشان بود که نمونه های فراوان و گاهی بسیار اعجاب انگیز در طول زندگانی اش دیده می شد که شرح آنها در این مختصر نگنجد و شاید صلاح هم نباشد. به عنوان نمونه، بنده سالها شاهد برخورد و معاشرت گرانبایه ایشان با افرادی بوده ام که حتی تا طرح مسئله قتل او و خانواده اش، و اقداماتی در این زمینه، پیش رفته بودند.

هرکس فقط یک برخورد و ملاقات با ایشان داشته، مجذوب روحیات و اخلاق والای ایشان می شد (که در این زمینه من خود مطالبی از آنها، از جمله از بعض مراجع معاصر رحمه الله علیه شنیده ام. برای آوردنش در اینجا ضرورتی



دیده نمی شود) و یادآوری همین ویژگی ها بود که بعد از وفات ایشان، انبوه آشنایان و دوستدارانش را گریان و نالان ساخته بود.

صبر و حوصله ای عجیب داشت، از مشکلات شکوه نمی کرد، عصبانی نمی شد و خود را نمی باخت. همیشه به خدا توکل می کرد و دیگران را هم به توکل فرامی خواند، عزت نفس و روحیه استغنا و زهد نسبت به دنیا و بی توجهی به زخارف دنیا از خصائص همیشگی اش بود.

## بعد ولایی

با این همه فضائل و کمالات، تنها چیزی که به آن افتخار می کرد و آن را مایه نجات فردای قیامت می دانست، نوکری خاندان رسول صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و روضه خوانی ابا عبد الله الحسین علیه السلام بود.

در این وادی سر از پا نمی شناخت. با همه وجودش به اهل بیت عشق می ورزید. روضه های جانسوزی می خواند و خود بیشتر از همه گریه می کرد، گویی وقتی مصائب اهل بیت علیهم السلام را بیان می کرد، صحنه مصیبت را بعینه می دید.

افتخارش این بود که روضه خوان سید الشهداء علیه السلام است. در آن سالهای سیاه که حتی روضه خوانی و منبر را هم از او گرفته بودند، همه ساله صبح عاشورا تنهای تنها راهی صحرا و بیابان می شد زیارت عاشورا می خواند، برای خودش روضه می خواند و خود گریه می کرد.

مظلومیت امیر المؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام مهمترین مسئله ای بود که او را بر بالای منبر به جوش و خروش می آورد و با همه وجود در راه احیای امر اهل بیت علیهم السلام و اثبات ولایت و حقانیت و بیان فضائل و مناقب و مصائب اهل بیت علیهم السلام می کوشید.

خود نیز در راه دین به پیروی از اربابانش مصیبت ها کشید. دچار حبس ها و ممنوعیت ها و محرومیت های فراوانی شد. ولی خم به ابرو نیاورد و دین و

ارزشهای دینی خود را فدای دنیا و راحتی دنیا نکرد.

در مقاطع بسیاری پناهگاه و هادی و روشنگر مردم منطقه بود و جمع کثیری را به لطف و یاری خدا از گزند فتنه ها و لغزش های عقیدتی و فکری حفظ کرد.

## وفات

در ماه های آخر عمر مرتب از مرگ خود خبر می داد و خیلی از مسائل بعد از فوت را پیش بینی و راهنمایی می کرد. شب وفات علائم مرگ مؤمن را که در روایات آمده است به رأی العین در چهره او دیدیم.

عرق سردی بر پیشانی نشسته بود، رنگ چهره اش تغییر می کرد تا بالاخره سفید شد. در آخرین لحظه ها به سمت قبله چشم دوخته بود، می شد حدس زد که منتظر کسی است. لحظه ای دقتش عمیق تر شد، تبسمی کرد (شاید انتظارش به سر آمده بود)، چشم از این دنیای فانی فرو بست و قلب پر تپش او پس از 79 سال از حرکت ایستاد و این در شب پنجشنبه چهارم/شوال 1419/هجری قمری مطابق با اول/بهمن 1377/شمسی بود.

پیکر ایشان به قم حمل شد و در صبح روز جمعه تشییع و پس از نماز آیت الله حاج سید ابو القاسم کوکبی، تشییع جنازه ایشان، با شرکت مراجع، علما و فضلا و مؤمنین از حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام تا قبرستان ابو حسین صورت گرفت و در جوار مراجع عالیقدر، در روز جمعه به خاک سپرده شد.

سالها خدمت، فداکاری، زحمت، دلسوزی و ارشاد، سبب شد که انبوه مردم گویی بعد از مرگ او خود را یتیم می دیدند و در فراق او می گریستند.

سالها نوکری اهل بیت علیهم السلام هم گویا مقبول درگاهشان گشته بود که نشانه های لطفشان یکی پس از دیگری ظاهر گشت. خواب هایی که دیده شد و جریاناتی که اتفاق افتاد شاید مؤید این معنی باشد.

بالاخره اینکه مرگ مردان خدا هم مثل حیاتشان بابرکت است. روشنگر است،

هدایتگر است، پرده ها را کنار می زند و خفته ها را بیدار می کند.

عزت و عظمتی که در مرگ این بزرگ مرد دیده شد و آثاری که بر وفات او مترتب گشت، خود مطلبی است که باید صحبت از آن به جایی دیگر غیر از این گفتار واگذار شود. (1)

و السلام علیکم ورحمه الله 1378/4/26 ش احمد رضوی هشترودی

**سید عبد الحسین سیدی قمی**

**اشاره**

(1328-1405 ق)

حاج سید عبد الحسین فرزند آیت الله سید فخر الدین نوه سید ابو القاسم شیخ الاسلام حسینی قمی، و از نوادگان میرزای قمی صاحب (قوانین الاصول) و از علمای تهران بود، تولدش به سال 1328 ق در قم اتفاق افتاد.

پس از طی مقدمات، سطوح را نزد آیت الله میرزا محمد همدانی تلمذ کرد، و خارج را محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد فیض قمی، و سید

ص: 911

---

1-1). مصحح می گوید: مرحوم رضوی کرامت باهره ای را در حرم حضرت معصومه علیها السلام مشاهده کرده بود که متن آن به نقل از ایشان در «کرامات معصومیه»، ص 68 نقل گردید.

حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود، و قبل از ارتحال آیت الله طباطبائی بروجردی به تهران رفت، و در (مسجد لاله زار) به اقامه جماعت و وعظ و ارشاد اشتغال ورزید.

در ضمن از محضر آیت الله سید احمد خوانساری استفاده علمی می نمود. او در روز پنجشنبه 14 جمادی ثانی 1405/ق مطابق با 16 اسفند 1363/ش به سن 77 در تهران درگذشت، و در قبرستان شیخان قم مدفون شد.

### فرزندانش:

1- سید محسن 2- سید محمد 3- سید علی، و دو دختر.

### -منابع

1- آثار الحجه 98/2.

2- آینه دانشوران 283.

3- اظهارات برادر دانشمند ایشان سید حسن سیدی.

### شیخ عبد الحسین شرع الاسلام نجفی

### اشاره

(-1362 ق)

حاج شیخ عبد الحسین فرزند علامه شیخ محمد شرع الاسلام نجفی، از فضلا و بزرگان قم به شمار می رفت.

پدرش از علما و معاریف بود. به کتاب معارف الرجال رجوع شود.

شیخ عبد الحسین، پس از تحصیل در حوزه علمیه نجف اشرف به ایران مهاجرت کرد و در حوزه علمیه قم توقف و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده علمی نمود و خود به تدریس و ترویج رو آورد.

از آثار او: 1- لسان المسلمین فی ردّ المبلغین من المسیحیین و الکلیمین.

ص: 912

ایشان در سال 1362 ق در قم درگذشت و پیکرش در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

## -منابع

1-الذریعه 311/18.

2-معجم مؤلفی الشیعه 225.

شیخ عبد الحسین صادقی لاهیجانی «رئیس العلماء»

## اشاره

(1294-1377 ق)

حاج شیخ عبد الحسین صادقی لاهیجانی معروف به «رئیس العلماء».

## سجایای علمی و اخلاقی

استاد شیخ حسن شمس گیلانی درباره ایشان می نویسد:

«مولانا از اکابر علمای گیلان، مردی زاهد و عابد و گوشه گیر و منزوی است.

تاکنون دیده نشده که در گیلان خاطر کوچک و یا بزرگی را از خود رنجانیده باشد، و در کمال سکون و آرامش زندگی نموده، به غایت از مادیات دور و بی نهایت به زهد و تقوا نزدیک است. و به پاکی در عمل بین خواص و عوام مشهور و محل وثوق مردم است. و تاکنون مشغول به تدریس و ترویج احکام الهی است، و هیچ گاه از جاده شریعت منحرف نشده است».

## درگذشت

ایشان در روز دوشنبه 22 جمادی ثانی 1377/ ق مطابق با 23 دی/ 1336 ش در سن 83 سالگی درگذشت، و در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

## -منبع

1-تاریخ علما و شعرای گیلان 125.

ص: 913

**اشاره**

(-1337 ق)

حاج سید عبد الحسین فرزند علامه سید جواد و نوه سید علیرضا حسینی طاهری قمی، از علمای جلیل القدر و متولد در قم بود.

وی پس از سال 1320 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات: شیخ محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی و دیگران استفاده نمود.

او در سال 1337 ق به قم بازگشت ولی افسوس پس از چندی ناگهان در ماه ذی قعدة به لقای حق شتافت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

**-منابع**

1- گنجینه دانشمندان 212/6.

2- نقباء البشر 1035/3.

**شیخ عبد الحسین فقیهی گیلانی**

**اشاره**

(1321-1410 ق)

حاج شیخ عبد الحسین فرزند آیت الله شیخ شعبان و نوه ملا مهدی گیلانی ملقب به (فقیهی)، از دانشمندان و اساتید توانای حوزه علمیه قم بود.

در اوایل سال 1321 ق در نجف اشرف متولد گردید.

**در حوزه نجف اشرف**

ایشان ادبیات را از میرزا عبد الحسین قفقازی و میرزا مجید گنجه ای کسب کرد، و سطوح را نزد آیات: سید علی کازرونی و شیخ علی مازندرانی به انجام رسانید، آن گاه مدتی چند از حضرات آیات: پدر خود، میرزا علی ایروانی، میرزا محمد حسین نائینی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، سید ابو الحسن اصفهانی و شیخ

محمد علی کاظمی خراسانی در فقه و اصول، و شیخ محمد جواد بلاغی در علوم قرآنی، و شیخ حسین عارف رشتی در علوم عقلی استفاده نمود.

### هجرت به حوزه علمیه قم

پدرش از اعظام علمای نجف اشرف بود و در سال 1348 ق در آن سامان درگذشت، به همین خاطر یک سال بعد از ارتحال پدر خود به سوی ایران مهاجرت کرد و در قم توقف نمود.

و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی بهره مند گردید، و خود به تدریس متون کتب درسی پرداخت.

نامبرده پس از ورود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم جزو شاگردان و اصحاب و نزدیکان آیت الله شد، و چند سالی هم از طرف ایشان در مکه معظمه و مدینه منوره جهت رسیدگی به امور حجاج به نمایندگی می رفت و خدمات شایانی نمود.

وی دارای اجازاتی است از حضرات آیات: نائینی، غروی اصفهانی، اصفهانی و شیخ آقا بزرگ تهرانی بود.

### از آثار او

1- البیع.

2- المکاسب المحرمه.

3- النجاسات.

4- أحكام صلاه المسافر.

ص: 915

5-تروك الاحرام.

6-حاشيه على شرح السيوطى (فى النحو).

7-حاشيه على كفايه الاصول.

8-حاشيه على المكاسب.

9-رساله فى الأغسال.

10-رساله فى الغنيمه.

11-صلاه الجمعه.

12-كتاب الاجاره.

13-كتاب الحج.

14-كتاب الصوم.

15-كتاب الطهاره.

16-كتاب الوصيه.

17-كشكول، درسه جلد.

18-لغات عرب.

19-مسائل حج.

20-مقال فى فذك.

21-مقاله فى الارشاد.

22-مناسك حج.

23-منجزات المريض.

24-نيابه الحج.

25-ولايه الفقيه.



بعضی از آثار مذکور نزد برادر صاحب شرح حال یعنی علامه شیخ مرتضی مدرس در تهران دیده شد، و این برادر با خط زیبای خود آن آثار را پاکتویس نموده و ترتیب داده است.

ص: 916

ایشان بامداد روز چهارشنبه 27/آبان 1369/ش در پی بیماری در قم درگذشت، و جسدش در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### -منابع

- 1- آثار الحجه 56/2.
- 2- آینه دانشوران 228.
- 3- اظهارات برادر آن مرحوم، علامه شیخ مرتضی مدرس گیلانی (ساکن تهران).
- 4- گنجینه دانشمندان 222/2.
- 5- مقدمه کتاب القضاء فی الاسلام، به قلم شیخ مرتضی مدرس ص 10.
- 6- هفته نامه (نقش قلم)، شماره مسلسل (560) ص 6، به تاریخ 27/آبان 1369/ش، به قلم شیخ محمد علی فقیهی فرزند برادرش شیخ ابو الحسن است.

### شیخ عبد الحسین معین الشعراء قمی

### اشاره

(-1388 ق)

از شعرا و نوابغ و نواده دختری آیت الله ملا محمد طاهر اشعری قمی بود.

تولدش در قم اتفاق افتاد. تحصیلات مختصری در اوایل جوانی داشت و بر اثر استعداد و هوش شگفت انگیز خود به مطالعه و پژوهش های فراوان پرداخت.

بیشترین وقت خود را در مطالعه می گذراند. مطالعات او در فقه و اصول توقف نمی کرد، بلکه زمینه های تاریخی، ادبی و عرفانی را نیز شامل می شد. عامه مردم را به تعلیم و ارشاد می پرداخت. حلقات تعلیم آنان را در هر جا و در هر کوی تشکیل می داد. در حوادث کشف حجاب به (زرنده) ساوه رفت و مقیم شد و تا آخر عمر به آنجا تردد می نمود.

ص: 917

1- جزوه اشعاری درباره حضرت امام عسکری علیه السلام، چاپ شده.

2- جزوه های اشعار بسیاری، در زمینه های متعدد، که نزد فرزندش محفوظ است.

3- منظومه ای در تاریخ امام حسن مجتبی علیه السلام.

معین الشعراء در سال 1388 ق در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان وادی السلام مدفون گردید. فرزندش جناب آقای شیخ عبد الجواد معین از عرفا و ادبای معاصر و در قم سکونت دارند. نمونه اشعار پدر و پسر در کتاب «تاریخ تکایا و عزاداری قم» چاپ شده است. نام فامیلی شیخ عبد الحسین در آن کتاب «معین البکاء» ثبت گردیده است.

### - منبع

1- اطلاعات متفرقه ای از فرزند محترم صاحب شرح حال.

**میرزا عبد الحسین نائینی «بقائی»**

### اشاره

(1290-1340 ق)

حاج میرزا عبد الحسین فرزند میرزا یوسف منشی باشی و نوه میرزا علی نقی مشیر لشکر نائینی، از فضلا و معاریف نائین و از خاندان علمی «بقائی» می باشد.

وی در سال 1290 ق دیده به جهان گشود.

جدش از خدمتگزاران میهن و دولت قاجار بود، و در امور دیوانی و امور مالی قشون خدمات زیادی داشته است.

پدرش نیز از منشیان و مستوفیان دربار ناصر الدین شاه به شمار می رفت.

میرزا عبد الحسین برخلاف روش پدر و جد خود، وارد خدمات دیوانی نشد و راه علم و تحصیل علوم دینی را پیش گرفت. ایشان تحصیلات عالی خود را در تهران و نجف اشرف به پایان رسانید و پس از نیل به مدارج عالی به ایران بازگشت و

یک سالی در نائین توقف نمود، و به اقامه جماعت و ارشاد پرداخت. مدتی هم در روستای «خاوران» که از توابع اردستان است رفت و آمدی داشت و به وظایف دینی و روحی اشتغال داشت. نامبرده در زهد و تقوا و ایمان سرآمد معاصران خود به شمار می رفت و قسمتی از دارائی اش را وقف طلاب علوم دینی کرد.

## از آثار او

1- دثار المؤمنین و شعار المتقین، در اعمال سال، در دو جلد که در سال 1356 ق در تهران به چاپ رسید.

ایشان در سال 1340 ق مطابق با 1300 ش در سن 50 سالگی در روستای مذکور (خاوران) چشم از جهان خاکی فرو بست. پیکرش به قم حمل و در صحن آینه حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. اوصیای این بزرگوار عبارت بودند از حضرات آیات: حاج آقا حسین طباطبائی قمی و میرزا محمد فیض قمی.

## فرزندانش:

1- میرزا علیرضا فرید 2- میرزا علی اصغر تکاپومنش 3- میرزا علی اکبر هلاکو 4- میرزا عبد الله.

## -منابع

1- الذریعه (المستدرک 293/26).

2- انساب خاندانهای مردم نائین 40.

3- تاریخ نائین (مدینه العرفاء) 115.

## عبد الحسین نزهتی قمی

## اشاره

(1323-1399 ق)

شاعر معروف و قدیمی هیئت چهل اختران، سروان عبد الحسین نزهتی فرزند محمد اسماعیل، متولد به سال 1284 ش در قم و متوفی به سال 1358 ش و

ص: 919

مدفون در صحن چهل اختران است.

ایشان قصاید معروفی در شرح مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت سروده است، که دو نمونه آن در زمان رضا شاه بر کتیبه های قدیمی صحن چهل اختران وجود داشت، ولی با گذشت ایام آن کتیبه ها از بین رفته، و در دفتر شاعر تحریر شده که آن را در زیر به نظر خوانندگان عزیز می رسد:

### **مراتب عشق سالار شهیدان علیه السلام و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام**

این عشق اگر نبود زمین و زمان نبود این عشق اگر نبود ز عالم نشان نبود

این عشق اگر نبود به زیر سم ستور جسم شریف خسرو لب تشنگان نبود

این عشق اگر نبود بگلبلانگ العطش مقتول کینه بر لب آب روان نبود

این عشق اگر نبود علمدار باوفاش دستش جدا ز تن ز جفای خسان نبود

این عشق اگر نبود علی اکبر جوان در موقع سپردن جان شادمان نبود

این عشق اگر نبود گل باغ مجتبی از خون سر، حنا به کف و گیسوان نبود

این عشق اگر نبود علی اصغر صغیر بر نوک تیر حمله حلقش نشان نبود

این عشق اگر نبود در آن دم ز اهل بیت بر عرش، بانگ العطش و الامان نبود

این عشق اگر نبود سر سبط مصطفی از کوفه تا به شام به نوک سنان نبود

این عشق اگر نبود یقین زینب حزین تا شام با گروه لعین هم عنان نبود

این عشق اگر نبود یقین زین العابدین بر پا و گردنش غل و کند گران نبود

این عشق اگر نبود سر انور حسین در طشت زر به مجلس سفیانیان نبود

این عشق اگر نبود مددکار «نزهتی»

از بهر آل فاطمه مرثیه خوان نبود

### **در رنای حضرت سید الشهداء علیه السلام**

ای خونبهای خون گلویت خدا، حسین وی حنجر تو بوسه گه مصطفی، حسین



ای عاشقی که بر لب آب روان شدی با حلق تشنه کشته تیغ جفا، حسین  
ای عاشقی که شمر لعین تشنه لب برید اندر لب فرات سرت از قفا، حسین  
ای عاشقی که گشت ز خون مطهرت گلگون تمام عرصه کرب و بلا، حسین  
ای آنکه گشت رأس منیرت چو آفتاب از کینه جلوه گر به سر نیزه ها، حسین  
ای آنکه جسم پاک تو بعد از شهادت شد رشک توتیا ز سم اسبها، حسین  
ای آنکه بی کفن بدنت ماند و پس نمود کفنت ز خاک بادیه باد صبا، حسین  
آتش زدند خیمه گهت را و شعله اش رفت از زمین به ذروه عرش علا، حسین  
گشتند همراهان تو را از جوان و پیر اندر زمین پرخطر نینوا، حسین  
از راه ظلم اهل و عیال ترا اسیر کردند قوم سنگدل و بی حیا، حسین  
بردند سوی شام ز کرب و بلائی تو در نزد آنکه بود ز نسل زنا، حسین  
بی دین یزید بهر تماشای خاص و عام رأس تو را نهاد به طشت طلا، حسین  
زد چوب خیزران به لبان مبارکت یک جو نکرد شرم ز خیر النساء، حسین  
لیکن شبانه روز بود دست التجا بر جانبت دراز، ز شاه و گدا، حسین  
ای درگه تو، درگه امید انس و جان وی تربتت به جمله مریضان شفا، حسین  
بیمار درد عشق تو گردیده «نزهتی»

ای بر تألم دل زارم دوا، حسین

**-منبع**

1- تاریخ تکایا و عزاداری قم 150.

**شیخ عبد الحسین وکیلی قمی**

**اشاره**

حاج شیخ عبد الحسین وکیل، متخلص به (آهی) فرزند شیخ محمد تقی قمی، از فضلا و نویسندگان معاصر بود.

او در 21 شعبان 1323/ ق در محله (سید سربخش) شهر قم دیده به

ص: 921



وی در کودکی از مکتب گریزان بود و علاقه ای به تحصیل از خود نشان نمی داد. خود در این باره می گوید:

«پدرم میل داشت در رشته علوم دینی تحصیل کنم و در سلک روحانیت درآیم، اما بی رغبتی و کم استعدادی من موجب یأس والدم گردید، ناگزیر مرا به بازار برد، و به کاسبی سپرد و چیزی در گوشش گفت، بعدا فهمیدم که به او گفته بود: کارهای سخت و طاقت فرسا به او محول کن، تا شاید از بازار منصرف و به خواندن درس راغب شود. او نیز سفارش پدر را بجا آورد و با کار سخت توأم با خشونت، آن هم بدون هیچ گونه مزدی به کار وامی داشت، اما سختیها را تحمل می کردم و رغبتی به درس نشان نمی دادم، ناچار برادرم مرا با ضرب و شتم خدمت میرزا احمد صفایی برد و پس از چندی به «مدرسه جهانگیر خان» روانه کرد. در این مدت هرچه بیشتر می خواندم، کمتر می فهمیدم. تقریباً دو سال در «صرف میر» رنج بردم و چیزی از آن نفهمیدم، بالاخره متوسل به خداوند شدم و گفتم خداوندا کاسب شدم نه طالب علم، از تو می خواهم مرا یاری کنی و از بلا تکلیفی نجاتم دهی.

در همان روز بعد از ساعتی افسردگی به خود آمدم، آنچه از قواعد صرف نمی فهمیدم، احساس کردم دگرگون شده و آنچه می خوانم می فهمم. از عنایت خداوند مسرور شدم با جدیت به تحصیل ادامه دادم، دیگر را هم هموار شده بود، و پس از اتمام دوره سطح به درس خارج قدم گذاشتم، و اساتیدم در این دوره: آیت الله حجت و آیت الله بروجردی و آیت الله گلپایگانی و آیت الله شریعتمداری بودند».

تذکر: ایشان ادبیات فارسی را نزد شیخ احمد فقیهی قمی و شیخ عبدالحسین

ابن الدین قمی آموخت، و منطق را از شیخ ابو الحسن فقیهی قمی فراگرفت، و لمعه را از محضر آخوند ملا علی همدانی و کفایه را از میرزا محمد همدانی و سید شهاب الدین مرعشی استفاده نمود.

در ضمن مدت کوتاهی نیز از دروس خارج آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، میرزا محمد فیض قمی، و سید محمد تقی خوانساری بهره مند گردیده است.

## [آثار]

وکیلی در سرودن شعر عربی و فارسی مهارت کامل داشت، و آثاری از خود به جا گذاشت که اغلب آنها منظوم است که می توان رساله ها و کتابهای زیر را نام برد:

1- دوره مختصر فقه به نام «لئالی الفقهاء»، در دو جلد.

2- لوح القلم.

3- تخمیس الکواکب الدریه فی مدح خیر البریه.

4- دیوان اشعار، متجاوز از یک هزار و پانصد بیت در مداخل و مراثی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است که به چاپ نرسیده است.

5- تخمیس تائیه دعبل الخزاعی.

6- ارهاصات الاعجاز.

7- ستاره درخشان.

8- نفحه الصور فی یوم عاشور.

9- سر الصدور فی بطلان العبادة بالاجور.

10- الأمر یقتضی النهی عن ضده أم لا؟

استاد آقای شیخ محمد کاشفی که در مدرسه مؤمنیه قم با او همسایه حجره اش بود، اظهار می دارد که: آن مرحوم در یکی از مساجد پائین شهر تا آخر عمر به امامت جماعت اشتغال داشت و در بحثهای علمی بعضی از مراجع مانند آیت الله سید علی فانی اصفهانی شرکت می کرد و به آرای علمی اش بسیار معتقد بود و نیز با آیت الله شیخ مرتضی حائری بحث زیادی می نمود و گاهی بحث علمی به جدال کشیده می شد.

وکیلی در سال 1404 ق مبتلا به سرطان گردید و پس از چند بار عمل جراحی بهبودی حاصل نشد و پس از آن دستگاه گوارش او نیز از کار افتاد. و سرانجام در شب سه شنبه 23/شوال/1406 ق مطابق با 10/تیر/1365 ش در سن 83 سالگی در قم درگذشت. پیکرش صبح روز جمعه تشییع و در درب ورودی علی بن جعفر علیه السلام طبق وصیتش -کنار مزار دخترش- به خاک سپرده شد.

اشعار زیر از اوست که به مناسبت ولادت با سعادت حسین بن علی علیهما السلام سروده است:

مژده رسید آشکار، ز فضل پروردگار که پاک و پاکیزه دار، عذار را از غبار

لرزه بر اندام بید، بداد باد امید بر او در این دم دمید، روح و نشاط بهار

فکنده بر فرق دی، حریر استبرقی به عارضش شد هزار، حلّی و زیور نثار

ز قامتش شد قیام قیامت خاص و عام که نیست در وی حرام، جام می خوشگوار

شب‌نم ابر بهار، نشست بر مرغزار همچو در آبدار، بسته به زلف تثار

شاخه شمشاد، شاد گشت ز باران و باد تاک ز دامن بزاد چنین در شاهوار

فرش زمرد نگر بر زیر دشت و بر نگر شجر پرثمر، ز شب‌نم نو بهار

نسیم صبح سعید از افکش چون دمید فروغ سرخ و سفید بداد بر سبزه زار

برون کشیده چمن ز خاک تاریک تن یاسمن و نسترن، رسانده خود را به دار

شکوفه در خود طپید، پیرهش را درید چه چه بلبل رسید، بر زبر شاخسار

بیا بزن مطربا، بر دف و مزمار و نا بشو تو نغمه سرا، همچو هزاران هزار

کشید لعیاً قدم، برون باغ ارم قابله شد در حرم، بر تن چون گل بهار

به کوثر و سلسبیل، ز سندس رنگ نیل بهشت و پوشید بر، گل همیشه بهار

خود متجلّی بگشت ز جلوه اش سست دست نقاب ظلمت بیست، خور به رخ شرمسار

نمود بیرون قمر، ز ابر تاریک سر جامه خجالت به بر، گرفت از ابر تار

مشتی آمد نشست، به گوشه ای در شگفت کلید جنت گرفت در گرو روی یار

فطرس مطرود دید، همره روح الامین خیل ملک را پدید، به دیدگان بی شمار



بگفت ای جبرئیل، مگر به امر خلیل گشته از این قال و قیل روز نشور آشکار  
گفت که نی چون خدا، داده به زهرا حسین ز بهر تبریک او بگشته ام رهسپار  
فطرس فرخنده دید، امید خود را پدید که لطف رب مجید می کندش رستگار...

#### -منابع

- 1- آثار الحججه 97/2.
- 2- آینه دانشوران 349 و 390.
- 3- سخنوران نامی معاصر ایران 126/1.
- 4- گنجینه دانشمندان 303/2.
- 5- مؤلفین کتب چاپی 763/3.

#### میرزا عبد الرحمن بروجردی

#### اشاره

(-1382 ق)

میرزا عبد الرحمن فرزند محمّد داراب و نوه فرهاد بیک بروجردی، از شعرای اهل بیت علیهم السلام بود. وی در بروجرّد زاده شد و همان جا سکونت داشت. و براساس ذوق فطری و داشتن استعداد اشعاری را می سرود.

#### از آثار او:

دیوان مدایح و مراثی اهل بیت علیهم السلام، به وسیله فرزندش در قم به چاپ رسید.  
نامبرده در رجب 1382/ق در بروجرّد وفات کرد و پیکرش به قم حمل و در وسط قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.  
فرزندش حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ عبد الله مجد فقیهی، که فعلا در قم و در بستر بیماری بسر می برد، عافاه الله.

#### -منبع

- 1- اطلاعات متفرقه.



وی در سال 1344 ق مطابق با 1304 ش دیده به جهان گشود.

ایشان پس از نشو و نما، در سن جوانی به کربلای معلی مهاجرت کرد و مقدمات و برخی از سطوح را نزد آیات: سید محمد سعید تنکابنی، شیخ جعفر رشتی، شیخ یوسف خراسانی و شیخ محمد حسین صدقی مازندرانی فراگرفت.

ایلامی در سال 1366 ق به سامرا رفت و سطوح را نزد حضرات آیات: شیخ مجتبی لنگرانی، میرزا محمود شیرازی (کفایه و مکاسب)، شیخ حبیب الله اشتهاودی (رسائل) و شیخ عبد الرسول اصفهانی به مدت هشت سال به انجام رسانید.

آن مرحوم در سال 1374 ق به حوزه کهن نجف اشرف رهسپار شد و دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیات: میرزا عبد الهادی شیرازی، سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمود شاهرودی، میرزا باقر زنجانی، شیخ حسین حلی، سید روح الله خمینی و سید ابو القاسم خوئی استفاده نمود.

ایشان در سال 1391 ق جهت تبلیغ و ترویج مذهب به بغداد رفت و سالی چند به امور مذهبی و دینی اشتغال ورزید. در سال 1395 ق به زادگاه خود بازگشت و به خدمات دینی و مذهبی خود ادامه داد.

پس از پیروزی انقلاب، عضویت مجلس خبرگان را عهده دار شد.

وی در روز پنجشنبه 29 جمادی اول 1407/ ق مطابق با 11 دی 1365 ش در سن 63 سالگی درگذشت. پیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

\*

اشاره

(1291-1355 ق)

حاج شیخ عبد الرحمن فرزند علامه میرزا محمد صالح و نوه ملا ابراهیم بروجردی، ملقب به «صالحی لرستانی» و متخلص به «حیرت»، از دانشمندان و فضلا و سیاست مداران بود.

او در سال 1291 مطابق با دی/ 1252 ش در «خرم آباد»-مرکز استان لرستان-متولد گردید.

پدرش از دانشمندان و بزرگان بود، و در خرم آباد سکونت اختیار کرد، و در سال 1321 ق درگذشت.

در حوزه های علمیه

شیخ عبد الرحمن مقدمات را نزد پدر خود در خرم آباد آموخت، آن گاه به بروجرد منتقل شد و به خواندن متون کتب درسی پرداخت، و سرانجام راهی حوزه کهن نجف اشرف شد، و از محضر آیه الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی دروس عالی را استفاده و به زادگاه خود مراجعت نمود.

وی جزو مشروطه خواهان بود و در این راه گامهای مؤثری برداشت، و این مطلب را در اشعار خود نیز ثبت و منعکس کرده است.

ایشان به نمایندگی مجلس شورای ملی از خرم آباد، دوره پنجم (1342 ق مطابق با 1302 ش)، دوره ششم (1344 ق مطابق با 1305 ش)، و دوره هفتم (1347 ق)

ص: 927



مطابق با 1307 ش) انتخاب شد، و گامهای بزرگی در راه اصلاح و آزادی برداشت.

## از آثار او

1- دیوان اشعار.

غزل زیر از اوست:

نیست تقصیر مرا، گر دمی آرامم نیست هر طرف می نگرم، یار دل آرامم نیست

تو که پیوند به خویشی، غم ایام تو راست من که از خویش بریدم، غم ایامم نیست

گول تحت الحنکم را نخورد، دیگر کس بهر صید دل این خلق، دگر دامم نیست

زاهد شهرم و دردی کش میخانه عشق همه جا هستم و در هیچ کجا، نامم نیست

این غم و درد مرا کشته و هم خواهد کشت برف من از همه کس بیشتر و بامم نیست

پر بود ز آه دل عاشق رویت، کویت آن قدر هست که گاهی، ره پیغامم نیست

با خیال سر زلفت نبود صبح مرا با وصال رخ همچون خور تو، شامم نیست

«حیرت» مفلس دیروز به کف می خورد گفتم از بهر چه؟ گفتا: چکنم؟ جامم نیست

وی در روز یکشنبه 17/ رجب 1355/ ق مطابق با 12/ مهر 1315/ ش در سن 64 سالگی درگذشت، و جسدش در مقبره اختصاصی - مقبره لرستانی - در قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

## - منابع

1- فهرست کتابهای چاپی فارسی 2/2296.

2- نمایندگان مجلس شورای ملی 338.

شیخ عبد الرحیم ربّانی شیرازی

## اشاره

(1341-1402 ق)

حاج شیخ عبد الرحیم فرزند حاج مهدی ربّانی شیرازی، از فضلا و پژوهشگران معاصر علوم اسلامی بود.



وی در سال 1341 ق مطابق با 1301 ش در شیراز متولد شد.

سید علی اکبر تقوی/شیخ محمد حسین خیار جی/شیخ عبد الرحیم ربّانی شیرازی (در ردیف دوم شیخ هادی سلیمانی قزوینی)

او دوره ابتدایی را در مدارس فراگرفت، سپس به تحصیل ادبیات عرب پرداخت و بخشی از سطح و حکمت الهی را در شیراز فراگرفت. آن گاه در سال 1367 ق مطابق با 1327 ش به حوزه علمیه قم رهسپار شد و سطوح را نزد سید محمد داماد یزدی و میرزا محمد مجاهدی تبریزی به پایان برد. دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری (مدت کوتاهی)، سید حسین طباطبائی بروجردی، سید روح الله خمینی و سید محمد رضا گلپایگانی و تفسیر قرآن را از محضر سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» استفاده نمود و خود به تدریس و وعظ و ارشاد اشتغال ورزید.

ربّانی در جهت پیروزی انقلاب از پیشتانان و سابقین بود و پس از پیروزی انقلاب، از طرف آیت الله خمینی سمت نمایندگی ایشان را در استان فارس عهده دار شد، و سمت عضویت شورای نگهبان را هم پذیرفت.

ص: 929

- 1- اثبات عدم تحریف القرآن الکریم.
  - 2- الصلاة و الأدعیه و القرآن.
  - 3- تاریخ تصوف.
  - 4- تحقیق و تعلیق علی وسائل الشیعہ.
  - 5- تعالیق علی بحار الأنوار.
  - 6- تقریرات اصول آیت الله بروجردی.
  - 7- تقریرات فقه آیت الله بروجردی.
  - 8- شرح حال شیخ صدوق، در 94 صفحه، که در مقدمه کتاب معانی الأخبار به چاپ رسیده است.
  - 9- مقدمه ای مفصل بر بحار الانوار در شرح حال علامه مجلسی و برخی از مشایخ امامیه.
  - 10- یادداشت هایی در مبحث دیالکتیک.
- علامه ربّانی در روز دوشنبه 12 جمادی اول 1402/ ق مطابق با 17 اسفند 1360/ ش در سن 61 سالگی در اثر حادثه ناگوار تصادف-در نزدیکی دلیجان قم- به لقاء الله پیوست. جسدش به قم حمل و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

#### -منابع

- 1- دانشمندان و سخن سرایان فارس 592/2.
- 2- روزنامه اطلاعات، به تاریخ 6/ اسفند 1358/ ش، ص 5.
- 3- گنجینه دانشمندان 156/2.

\*

اشاره

(-1410 ق)

سید عبد الرحیم فرزند سید علی شوکی، از فضلا و خطبای معاصر بود.

وی در عراق می زیست و از خاندان معروف به «آلبو شوکه» می باشد و تحصیلات خود را در همان جا به پایان برد و روی به وعظ و هدایت آورد. در اثر فشارهای رژیم بعث مجبور به مهاجرت شد و در قم سکونت اختیار نمود. جهت امر تبلیغ به کشورهای خلیج می رفت.

فعلا- معلومات دقیقی از زندگی ایشان در اختیار ندارم. فرزند ارجمند ایشان آقای سید محمد حسین شوکی است که اخیرا به کسوت روحانیت درآمد و در قم زندگی می کند.

نامبرده در 15/1410 صفر/ ق در امارات عربی در حدود 60 سالگی درگذشت.

پیکرش به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

-منبع

1-اطلاعات متفرقه.

شیخ عبد الرحیم مدرس تبریزی

اشاره

(1402-1324 ق)

حاج شیخ عبد الرحیم مدرس ماهر، فرزند محمد تقی خیابانی تبریزی، از دانشمندان و بزرگان معاصر بود.

ص: 931

تولدش به سال 1324 ق مطابق با 1285 ش در تبریز اتفاق افتاد.

## در حوزه های تبریز و قم

ایشان مقدمات و سطوح را در تبریز، نزد آیات: سید علی اکبر مرعشی، میرزا علی اصغر ملکی، سید محمد مولانا، میرزا رضی زنوزی، میرزا عبد العلی اخوی تبریزی و سید عبد الحجه ایروانی، و سطح عالی را نزد آیات: میرزا صادق تبریزی و سید ابو الحسن انگجی تلمذ کرد.

آن گاه به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد، و از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدر الدین صدر، میرزا محمد فیض قمی، سید حسین طباطبائی بروجردی و شیخ عباسعلی شاهرودی فقها و اصولا، و نزد میرزا مهدی آشتیانی و شیخ محمد مهدی مازندرانی (امیر کلائی) حکمت و فلسفه استفاده نمود.

## از آثار او

1- آلاء الرحیم فی الرد علی تحریف القرآن الکریم.

2- حاشیه علی کفایه الاصول.

3- رساله فی الرضاع.

4- شرح علی المنظومه (للسبزواری).

5- قاعدة لا ضرر.

وی در 15/ جمادی ثانی 1402/ ق مطابق با 21/ فروردین 1361/ ش در سن 78 سالگی در قم درگذشت، و در قبرستان باغ بهشت مدفون گردید.

## - منابع

1- آثار الحجه 99/2.

2- گنجینه دانشمندان 107/2.

3- مؤلفین کتب چاپی 830/3.

ص: 932

اشاره

(1304-1237 ق)

شیخ عبد الرحیم نهاوندی فرزند میرزا نجف مستوفی و نواده میرزا محمد علی شیرازی، از فقها و اساتید حوزه تهران و از اکابر علما به شمار می رفت که در رشته های فقه و اصول مشهور و به زهد و تقوی معروف و در ادبیات و سرودن اشعار مهارت داشت.

او در سال 1237 ق در نهاوند متولد گردید.

تحصیلات

نهاوندی پس از طی مقدمات در موطن خویش، به بروجرد عزیمت کرد و سطوح را نزد شیخ اسد الله بروجردی (حجه الاسلام) به انجام رسانید. سپس به نجف اشرف رهسپار گردید، و از محضر فقیه گرانقدر شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر الکلام) و علامه شیخ مرتضی انصاری بهره مند گردید، و خود بنای تدریس گذاشت و عده زیادی از محضر وی استفاده نمودند. سپس در سال 1289 ق به زیارت مشهد مقدس مشرف شد و یک سال اقامت جست، سپس رحل اقامت خویش را در تهران افکند، و در مدرسه مروی به تدریس همت گماشت، و مورد توجه فضلا واقع گشت و نماز جماعت نیز اقامه می نمود.

از آثار او

1- أصل البراءه.

2- حاشیه علی القوانين.

3- کتاب الوقف.

4- کتاب العتق.

ص: 933

5- مجموعه اشعار.

6- حاشیه علی الرسائل.

علامه نهاوندی سرانجام در 9/ربیع الثانی 1304/ق در تهران درگذشت، و ابتدا در صحن حضرت معصومه علیها السلام-زیر ساعت-به طور امانت مدفون گردید(که خودم سنگ قبرش را دیده ام)، سپس به نجف اشرف منتقل گردید.

### فرزندان:

1- علامه شیخ محمد حسن نهاوندی، شاگرد آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی بود.

2- علامه شیخ محمد نهاوندی، از علمای به نام مشهد مقدس بود و صاحب آثاری چون: نفحات الرحمن می باشد.

3- آقا ضیاء الدین 4- آقا عیسی.

### منابع

1- أعیان الشیعه 470/7.

2- تاریخ بروجرد 335/2.

3- تاریخ علمای خراسان 311.

4- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری 327.

5- فوائد الرضویه 228.

6- نقباء البشر 1108/3.

### شیخ عبد الرحیم تیری بروجردی

### اشاره

(ح 1320-1412 ق)

حاج شیخ عبد الرحیم فرزند شیخ محمد حسین و نوه شیخ غلامرضا بروجردی معروف به (تیری)، تولدش در حدود سال 1320 ق در بروجرد اتفاق افتاد.

ص: 934



پس از رشد و نمو مقدمات را نزد پدر خود طی نمود و به قم رهسپار شد و سطوح را نزد آیه الله سید شهاب الدین مرعشی به انجام رسانید. خارج فقه و اصول را از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید کاظم تبریزی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، و سید محمد رضا گلپایگانی بهره مند گردید. و از سایر اساتید خود و نیز آیه الله میرزا عبد الهادی شیرازی مجاز بود.

آثاری که به رشته تحریر درآورده و جمع آوری نموده است به شرح زیر می باشد:

1- مستحبات و مکروهات احکام شریعت اسلام، در 3 جلد.

2- سیره الامام علی علیه السلام.

3- المهدی (عج) الامام الثانی عشر.

4- اخلاقیات، در 2 جلد.

5- زندگانی حضرت فاطمه علیه السلام، در 2 جلد.

6- انتخابی از معجزات چهارده معصوم علیهم السلام، در 2 جلد.

7- مجموعه فتاوی ابن الجنید.

8- فتاوی العلمین ابن ابی عقیل و علی بن بابویه (گردآوری-همکاری).

9- ایضاح الفوائد (تصحیح-همکاری).

### **تبرک به یک حدیث شریف:**

متن زیر بقلم خود ایشان است که توسط یکی از دوستان در اختیار اینجانب قرار گرفت:

وفی روضه الواعظین عن السجاده علیه السلام ان ابا طالب سأل النبی صلی الله علیه و آله و سلم یا ابن اخی! الی الناس کافه ارسلت ام الی قومک خاصه، قال: لا، بل الی الناس ارسلت کافه، الی الأبیض و الأسود و الأحمر و العربی و العجمی، و الذی نفسی بیده لأدعون الی هذا الامر الأبیض و الأسود، و من علی رءوس الجبال و من فی لجج البحار، و لأدعون

ص: 935

الاحقر عبد الرحيم نيري بروجردی از شاگردان حضرت آیت الله البروجردی هستم، و از آیات: آقای حاج سید حسین بروجردی، و آقای گلپایگانی، و آقای سید عبد الهادی شیرازی، و آقای مرعشی نجفی اجازه امور حسبی دارا هستم.

### کتابهایی که تدوین نموده ام:

1- کتاب اخلاقی در دو جلد.

2- کتاب در حالات حضرت امام زمان (صلوات الله علیه) در یک جلد.

3- کتاب سیره مولی الموحدين حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در یک جلد.

4- زندگانی حضرت فاطمه الزهراء علیها السلام در دو جلد.

5- احکام مستحبات و مکروهات، در سه جلد از اول کتاب طهارت تا دیات.

6- کتاب علمین ابن ابی عقیل و مسائل علی بن بابویه.

7- کتاب مجموعه فتاوا ابن جنید. حرره الاحقر عبد الرحيم نيري بروجردی.

سرانجام در روز 24 ذی قعدة 1412/ ق مطابق با چهارشنبه 6 خرداد/ 1371 ش در پی بیماری و کهولت سن در قم درگذشت، و جسدش صبح روز پنجشنبه تشییع و در یکی از مقابر مجاور قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

### شیخ عبد الرزاق خائف قمی

#### اشاره

(1284-1370 ق)

شیخ عبد الرزاق فرزند ملا علی اصغر قمی، متخلص به «خائف» از فضلا و شعرای قم بود.

وی سالهای متمادی به ارشاد و هدایت و آموزش مسائل شرعی، در صحن حضرت معصومه علیها السلام اشتغال داشت.

ص: 936

## از آثار او

1- تاریخ ایران (دوره مقدماتی).

2- دیوان اشعار.

ایشان در روز شنبه 10 جمادی اول 1370/ ق مطابق با 28 بهمن/ 1329 ش در حدود 86 سالگی در قم درگذشت، و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## -منابع

1- الذریعه 277/9.

2- تراجم الرجال 286/1 (سال مرگش را 1370 یا 1375 ق دانسته است).

3- فرهنگ سخنوران 301/1.

4- مؤلفین کتب چاپی 842/3.

## شیخ عبد الرسول قائمی اصفهانی

## اشاره

(1414-1316 ق)

حاج شیخ عبد الرسول قائمی فرزند شیخ فرج الله دیزچه ای اصفهانی، از دانشمندان و مشاهیر علمای اصفهان و آبادان بود.

وی 3/رمضان 1316/ ق در (دیزچه) اصفهان دیده به جهان گشود.

قائمی مقدمات را نزد شیخ فرج الله شریعت در دیزچه آموخت. سپس به حوزه علمیه اصفهان پیوست و سطوح را نزد آیاتی چون: سید احمد درب امامی و شیخ علی یزدی (مسگر) به پایان رسانید. و دروس خارج را از حضرات آیات: سید محمد نجف آبادی، سید علی نجف آبادی و سید محمد رضا خراسانی استفاده نمود. آن گاه به حوزه علمیه قم رهسپار شد و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی بهره مند گردید.

ص: 937

در سال 1349 ق به نجف اشرف رفت و از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی، و سید ابو الحسن اصفهانی بهره ها برد و در سال 1356 سفری به آبادان کرد و چند ماهی ماند و به نجف مراجعت کرد و بالاخره در سال 1360 ق پس از مراجعت از سفر حج در پی درخواست اهالی آبادان و امر آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی در آن سامان اقامت نمود، و خدمات و کارهای فرهنگی بزرگی انجام داد. در ضمن در مسجد نوبه اقامه جماعت و ارشاد پرداخت.

ساختن و تعمیر مساجد و مدارس و احداث مسجد نور و مدرسه قائمیه و دار الایتام اماکن خیریه در آبادان از یادگارهای ایشان است. از کارهای بزرگ ایشان احداث مسجد ولی عصر (عج) در جزیره خارک، تأسیس حوزه علمیه آبادان و اداره آن را، می توان نام برد.

## از آثار او

1- رساله ای در حدیث غدیر.

2- شرح برخی از خطب نهج البلاغه.

3- یادداشت هایی در فقه.

او در پی جنگ عراق و ایران، در سال 1401 ق به اصفهان رفت و در مسجد باب الرحمه واقع در دروازه دولت به اقامه جماعت و هدایت پرداخت. نیز برای طلاب اصفهان شهریه داشت.

ص: 938

قائمی در سحرگاه روز شنبه 23 شعبان 1414/ ق مطابق با 16 بهمن/ 1372 در سن 98 سالگی در اصفهان دار فانی را وداع گفت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام- در یکی از اطاقهای صحن بزرگ- به خاک سپرده شد.

فرزندانش هشت پسر و 12 دختر از سه همسر می باشند.

#### -منابع

1- آثار الحجّه 204/2.

2- اطلاعات متفرقه.

3- گنجینه دانشمندان 16/3.

4- مجله پژوهش، سال چهارم، شماره 1373، 6 ش، ص 120.

#### شیخ عبد الستار اسلامی آبادانی

#### اشاره

(ح 1320-1420 ق)

حاج شیخ عبد الستار اسلامی فرزند علامه شیخ محمد بهبهانی، از فضلا و ادبای برجسته معاصر بود. وی در حدود سال 1320 ق در روستای «هندیجان» از توابع بهبهان- استان خوزستان- تولد یافت.

پدرش (متوفای 1360 ق) از علمای بهبهان و نواحی آن و از شاگردان آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و نماینده ایشان در منطقه مذکور بود.

شیخ عبد الستار، در سن دوازده سالگی همراه پدر خود به نجف اشرف رفت، و پس از به اتمام رساندن مقدمات، دروس سطح را از محضر آیت الله شیخ مجتبی لنگرانی به پایان رساند. دروس خارج را از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی بهره مند گردید و خود اقدام به تدریس مقدمات و ادبیات پرداخت.

وی در پی رحلت پدر ارجمند خود در سال 1360 ق، از سوی آیت الله سید

ص: 939

ابو الحسن اصفهانی به نواحی آبادان عزیمت کرد و بیش از سی سال در میان آنان با اختلاف سلیقه هایشان، به سر برد و امور را به بهترین صورت اداره و سرپرستی نمود.

سپس در سال 1386 ق به شهر آبادان کوچید و در مسجد صاحب الزمان (عج) به اقامه جماعت و ارشاد و نیز بنیاد و تعمیر مساجد و احیای مناسبات مذهبی پرداخت.

نامبرده از علمای بسیار اجازات علمی و امور حسبه و روایت داشت، که برخی از ایشان عبارتند از حضرات آیات، سید ابو الحسن اصفهانی، شیخ علی اکبر نهاوندی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید محسن طباطبائی حکیم، سید شهاب الدین مرعشی و سید ابو القاسم خوئی.

منزل و کتابخانه اش در آبادان، محل امید بسیاری از روحانیان و مبلغان دینی بود. او مبلغان را به اطراف و اکناف گسیل می داشت. حلّ امور دینی و شخصی سایر افراد و عشایر آبادان و اروند کنار، مایه خوشبختی ایشان می شد.

اسلامی، حافظه ای قوی داشت. در ادبیات عربی و فارسی بسیار مسلط بود.

رشته های: تاریخ، لغت، شعر، حدیث و علوم نقلی دیگر مهارت داشت. هر کتابی را که می خواند بر آن حاشیه می نوشت. زندگی ساده و روحیه ای عالی و قانع داشت.

پس از نماز جماعت، شب ها به منبر می رفت و به بیان تفسیر قرآن کریم و حدیث شریف می پرداخت.

در سال 1400 ق و در جریان جنگ تحمیلی، خانه و کتابخانه و سایر ما یملک را یک شبه از دست داد و به قم مهاجرت کرد و تا آخر عمر آنجا زیست. پس از حدود ده سال بیماری بر ایشان تسلط یافت و کمتر ظاهر می شد و بعدا به کلی بستری گردید.

## از آثار او:

1- المهدی (عج) و صفاته، دو جلد.

2- الدر الثمین فی المنتخب من البیان و التبیین.

3- ایقاظ الأنام عن خرافات العوام.

ص: 940

4-الأربعون حديث.

5-ترجمه منتخب الأثر (اثر شيخ لطف الله صافي)، ترجمه به فارسی.

6-كشكول بديع، در سه جلد.

و حواشی بر بسیاری از کتابها.

ایشان در روز اربعین حسینی یعنی 20/صفر 1420/ق در پی سالها بیماری در حدود سن 100 سالگی (براساس گفته یکی از فرزندان ایشان) در قم چشم از جهان فرو بست. پیکرش عصر روز بعد تشییع و در قبرستان باغ بهشت-مقبره العلماء-به خاک سپرده شد.

### فرزندانش که از چند همسر هستند عبارتند از:

1-حجه الاسلام و المسلمین فاضل فرزانه شیخ محمد علی اسلامی، ساکن جراحی (ماه شهر)، استان خوزستان 2-حجه الاسلام شیخ ابو طالب 3-آقا محمد کاظم، از فرهنگیان است 4-آقا محمد باقر 5-دکتر حسن 6-آقا محمد جواد، سرهنگ سپاه است 7-آقا حسین 8-آقا محسن.

### -منابع

1-اطلاعاتی از فرزندان ایشان، آقای دکتر حسن اسلامی.

2-گنجینه دانشمندان 11/3.

3-مطالبی از نوشته آقای شیخ ناصر الدین انصاری قمی.

### عبد الصاحب صفائی قمی «حائری»

### اشاره

(1324-1374 ق)

عبد الصاحب فرزند آیت الله شیخ محمد علی حائری و نوه ملا محمد جعفر قمی، ملقب به «صفائی» از مردان با فضیلت و سیاست مداران معروف بود.

وی در سال 1324 ق در سامرا (عراق) دیده به جهان گشود.

ص: 941

در سال 1335 ق همراه پدر خود به کربلای معلی رفت و در سال 1349 ق در قم سکونت اختیار نمودند.

او که تحصیلات علوم دینی خود را در عتبات عالیات شروع کرده بود، در قم به پایان رساند. آنگاه به تهران عزیمت نمود و توانست از دانشکده معقول و منقول درجه لیسانس دریافت کند. ابتدا در وزارت دارائی به خدمت پرداخت.

از سال 1360 ق (1320 ش) دفتر ثبت اسناد رسمی در ساری و بابل برعهده گرفت. سپس وارد میدان سیاست شد و در فعالیت های شدید، بارها به زندان افتاد.

آنگاه در دوره های شانزدهم (1328 ش برابر با 1369 ق) و هیجدهم (1332 ش برابر با 1373 ق) از سوی مردم ساری به سمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید.

هفته نامه «صفا» را در سال 1323 ش در شهر ساری منتشر ساخت، سپس آن را به صورت مجله منتشر نمود.

### از آثار او:

1- بیوگرافی وکلای دوره چهاردهم مازندران.

2- تاریخ مختصر احزاب سیاسی (پس از شهریور 1320/ش).

3- قانون مرور زمان.

استاد صفائی در سال 1374 ق برابر با 1334 ش در سن 50 سالگی در اثر سکته قلبی در تهران دار فانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در صحن حضرت

ص: 942



معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## -منابع

- 1- اظهارات مرحوم شیخ علی صفائی فرزند شیخ عباس (برادر آقای عبد الصاحب) حائری.
- 2- چهره مطبوعات معاصر 297.
- 3- رجال قم 128.
- 4- فهرست روزنامه های فارسی 144.
- 5- فهرست کتابهای چاپی فارسی 882/1 و 1129.
- 6- گنجینه دانشوران 200.
- 7- مازندران 108/2.
- 8- مؤلفین کتب چاپی 858/3 (نام جدش را «محمد زمان» نوشته که اشتباه است).
- 9- نمایندگان مجلس شورای ملی 340.

## سید عبد العزیز طباطبائی یزدی

### اشاره

(1348-1416 ق)

حاج سید عبد العزیز طباطبائی یزدی یکی از خبرگان سرشناس در کتابشناسی، نسخه شناسی، تاریخ، تراجم، حدیث و رجال بود.

فقید سعید در روز یکشنبه 23 جمادی الاول 1348/ ق مطابق با 5 آبان 1308/ ش در بیت علم و تقوا و فضیلت در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

پدرش مرحوم آقا سید جواد

ص: 943

طباطبائی (متوفای 1363 ق و مدفون در جوار حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام) نوه دختری آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (صاحب العروه الوثقی) و از شاگردان ایشان و مادرش فرزند آقا سید احمد فرزند صاحب عروه بوده است.

آن مرحوم در اوان بلوغ پدرش را از دست داد، اما با کوشش بسیار به تحصیل علم برخاست و نزد اساتید بزرگ نجف اشرف به فراگیری علوم دینی پرداخت.

ادبیات را نزد آیت الله سید هاشم حسینی تهرانی، و قوانین را در محضر مرحوم آیت الله سید علی علامه فانی اصفهانی، و شرح منظومه را نزد آیت الله سید عبد الاعلی سبزواری، و اسفار را در خدمت علامه شیخ صدرا بادکوبه ای و عقاید را نزد شیخ عبد الحسین امینی تبریزی فراگرفت.

نیز هم زمان سطوح عالی را در درسهای علامه بزرگوار آیت الله شیخ عبد الحسین رشتی و علامه شیخ مجتبی لنکرانی، و خارج فقه و اصول و تفسیر را نزد حضرات آیات: سید ابو القاسم خوئی، میرزا عبد الهادی شیرازی و شیخ حسین حلی آموخت. استاد فقید در این سالها و پس از آن با حضرات آیات: شیخ مجتبی لنکرانی و شیخ محمد علی غروی اردوبادی و بیش از همه با علامه کبیر شیخ آقا بزرگ تهرانی و علامه شیخ عبد الحسین امینی ارتباط نزدیک برقرار کرد، و سالیان بسیار از محضر این دو بزرگ مرد بهره برد، و این رابطه تنگاتنگ 25 سال به طول انجامید.

وی در این سالها با روش تحقیق و زمینه های پژوهش در رجال، تراجم، کتابشناسی، حدیث و تاریخ آشنا شد، و بهترین همکاری ها را با علامه تهرانی و

علامه امینی به عمل آورد. او در تأسیس کتابخانه امیر المؤمنین علیه السلام (در نجف اشرف) با امینی همکاری گسترده ای به عمل آورد، و برای مخطوطات آن فهرست گسترده ای نگاشت که اینک آماده چاپ است. همچنین پیش از مهاجرت به قم، مدیریت «مدرسه سید» در نجف را سالها برعهده داشت و منشأ خدماتی بود، و هم زمان به یاری علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی در تدوین و تألیف «الذریعه الی تصانیف الشیعه» شتافته بود.

مرحوم استاد در سال 1396 ق نجف اشرف را به قصد قم ترک کرد و با فراغت بال و آسودگی خیال به تألیف و تحقیق دست یازید، و خانه اش محل آمد و رفت مؤلفان و محققان شد. سکونت استاد در قم باعث گشت تا مراکز تحقیقی و کتابخانه های کشور به او روی آورند، و از تجربیات و اطلاعات گرانبهای او استفاده های بسیار برند. از جمله ماهها در مشهد مقدس سکونت گزید و برای کتابخانه آستان قدس رضوی فهرست های گوناگون تهیه کرد.

در قم نیز به یاری مؤسسه آل البیت علیهم السلام شتافت، و در پی نهادن مجله وزین «تراثنا» و تداوم و غنای آن از هیچ کوششی دریغ نورزید. معظم له برای غنای تحقیقات خود سفرهای بسیار به کشورهای مختلف همچون: سوریه، لبنان، اردن، کویت، ترکیه، عربستان، انگلستان و آمریکا انجام داد، و در طول این سفرها از کتابخانه های مختلف بازدید کرد و یادداشت های بسیار برداشت، و نتیجه مطالعات خویش را در «نتایج الاسفار» گرد آورد. همچنین احادیث و فضائل اهل بیت علیهم السلام را به نقل از کتابهای مخطوط در کتاب «قید الاوابد و جمع الشوارد» جمع آورد.

فقید سعید از حضرات آیات: میرزا عبد الهادی شیرازی، سید ابو القاسم خوئی و شیخ آقا بزرگ تهرانی اجازه روایت داشت و به گروهی اجازه روایت داد.

وی به عنوان کتابشناسی برجسته شناخته شده بود، و در کنگره هایی مانند:

هزاره شیخ طوسی (مشهد)، هزاره شریف رضی (تهران)، امام حسین علیه السلام، (لندن) غدیر خم (لندن)، شیخ مفید (قم)، کتاب و کتابخانه در اسلام (مشهد)،

فقید سعید متواضع و فروتن، کم توقع، بردبار، قانع و با سخاوت، کم حرف و خوش محضر و خوش اخلاق، بذله گو و مهمان نواز، و دارای خطی خوش و حافظه ای شگرف بود. درب خانه اش به روی همگان باز بود و گاه کسانی تا چند روز مهمان او بودند. اطلاعات علمی و کتابخانه اش را به رایگان در اختیار همگان می نهاد (به همین جهت در مقدمه کتابهای بسیاری از ایشان تمجید و تقدیر شده است).

در فهم مطالب علمی دقت و حوصله بسیار داشت، و گاه برای درک یک مطلب رنج سفر را بر خویش هموار می نمود. اگر مطلبی را نمی دانست از هرکس حتی اگر شده از شاگردان جوانش می پرسید، و از این بابت ابایی نداشت. جوانان اهل تحقیق را بسیار تشویق می کرد و مطلقاً در مقام عیب جویی بر نمی آمد. در یادداشت برداریها و مطالعات خود تنها به کتابهای چاپی بسنده نمی کرد و از کتابهای مخطوط نیز در نمی گذشت و لذا در آغاز و انجام کتابهایش موارد مهم کتاب یادداشت شده بود.

مؤلف/سید عبد العزیز طباطبائی یزدی/سید محمد مجتهدی کاشانی

بسیار متدین و متعبد بود و از سر غیرت دینی عمری در جهت بزرگداشت تشیع و غدیر و اهل البیت علیهم السلام کوشید. کتابخانه بزرگ و کم مانند خود را در اختیار دیگران نهاده بود، و گاه تا چندین جلد کتاب را به یک تن - برای مدتهای طولانی - امانت می داد و خم به ابرو نمی آورده (او خود می فرمود: یک دهم کتابخانه ام نزد دیگران به امانت است). تبحر وی در رجال، تراجم، حدیث، تاریخ، کتابشناسی و نسخه شناسی از آثار متعدد او هویدا است.

### **برخی از کتابهای و مقالات بلند چاپ شده اش عبارتند از:**

- 1- اساتید و مشایخ شیخ طوسی.
- 2- الشیخ المفید و عطاؤه الفکری الخالد.
- 3- الشیعه و هجمات الخصوم.
- 4- الغدیر فی التراث الاسلامی.
- 5- اهل البیت علیهم السلام فی المکتبه العربیه (معرفی و توصیف کتابهای عربی اهل سنت در فضائل اهل بیت)، در دو جلد.
- 6- حیاة الشیخ یوسف البحرانی (اولین نوشتار استاد در سال 1377 ق).
- 7- فهرست کتابخانه علامه طباطبائی دانشگاه شیراز.
- 8- فی رحاب نهج البلاغه.
- 9- ما ینبغی نشره من التراث (معرفی کتابهای ارزنده مخطوط).

### **عنوان برخی از تحقیق ها و تصحیحات او عبارت است از:**

- 10- الاربعون المنتقی من مناقب المرتضی علیه السلام (ابو الخیر طالقانی قزوینی).
- 11- الحسین علیه السلام و السنه (مجموعه سه بخش از آثار اسلامی پیرامون امام حسین علیه السلام از فضائل الصحابه احمد بن حنبل، انساب الاشراف بلاذری و معجم الکبیر طبرانی).

- 12- ترجمه امير المؤمنين عليه السّلام (ابن عساكر).
- 13- ترجمه الحسن و الحسين عليهما السّلام (از كتاب طبقات ابن سعد).
- 14- طرق حديث من كتب مولاه فعلى مولاه (حافظ ذهبى).
- 15- عقد الدرر فى اخبار المهدي المنتظر (عج) (سلمى شافعى دمشقى).
- 16- فرائد السمطين فى فضائل المرتضى و البتول و السبطين (حموى جوينى).
- 17- فهرست شيخ منتجب الدين.
- 18- فهرست شيخ طوسى.
- 19- مقتل امير المؤمنين عليه السّلام (ابن ابى الدنيا).
- 20- مناقب امير المؤمنين عليه السّلام (احمد بن حنبل).

### و از ديگر تأليفات چاپ نشده او عبارت است از:

- 21- على ضفاف الغدير (تكميل، تهذيب، تحقيق و استدراك الغدير).
- 22- نتائج الاسفار.
- 23- قيد الاوابد.
- 24- مستدرک الذريعه.
- 25- اضواء على الذريعه (تعليقات و ملاحظات بر الذريعه).
- 26- معجم اعلام الشيعة.
- 27- تعليقات على «طبقات اعلام الشيعة».
- 28- مكتبه العلامه الحلى.
- 29- انباء السماء برزیه كربلاء (تكميل، تعليق و استدراك «سيرتنا و سنتنا» از علامه امينى).
- 30- فهرس المخطوطات العربيه فى مكتبه امير المؤمنين عليه السّلام.

31- فهرس المخطوطات الفارسيه فى مكتبه امير المؤمنين عليه السّلام.

32- فهرس الكتب الحديث فى مكتبه الامام الرضا عليه السّلام.

ص: 948

33- فهرس كتب الفقيهيه فى مكتبه الامام الرضا عليه السلام.

34- الفهرس الوصفى للمنتخب من المخطوطات العربيه فى مكتبات تركيا (نسخه خطى آن در كتابخانه آيت الله مرعشى در دو جلد موجود است).

35- مخطوطات اللغه العربيه فى مكتبات ايران.

36- فهرس المختارات من مخطوطات تركيا.

37- فهرس المنتقى من مخطوطات الحجاز.

38- فهرس المنتخب من مخطوطات تبريز.

39- فهرس المنتخب من مخطوطات لندن.

40- المهدي عجل الله فرجه فى السنه النبويه (مجموعه احاديث صحاح اهل تسنن پيرامون حضرت مهدي).

سرانجام آن قلب پرطپش پس از پشت سر نهادن چند سکنه قلبی، در تاریخ هفتم/رمضان 1416/ ق مطابق با 8/بهمن 1374/ ش در 68 سالگی بدرود حیات گفت، و پس از یک تشییع باشکوه، در صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## -منابع

1- مجله آینه پژوهش شماره (36) سال 1374 ش صفحه 107 به قلم شیخ ناصر الدین انصاری قمی (با اندک تصرف).

2- مصاحبه ها و یادداشت های شخصی نگارنده با ایشان.

## عبد العلی سلام فایز تبریزی

## اشاره

(1313-1392 ق)

حاج عبد العلی فرزند محمد حسن سلام تبریزی، متخلص به «فایز» از شاعران مرثیه سرای توانا بود.

او در 28/ صفر 1313/ ق در «محلّه خاقانی» تبریز تولد یافت.

ص: 949



در شعر و ادب مقامی والا بدست آورد و در راه عرفان و سلوک رتبه ای احراز نمود. تهران را جهت سکونت اختیار کرد.

این دو بیت از آخرین سروده هایش که بر روی قبرش هم حک شده است:

من مشتعل عشق علیم چکنم

جز او نبود سنی حلیم چکنم

در روز غدیر شد مسمی به ولی

این است غلام آن ولیم چکنم

### از آثار او:

1- دیوان چهارده معصوم علیهم السلام، که در سال 1368 ق در تهران به چاپ رسید.

فایز در شب جمعه 14 ذی القعدة 1392/ ق برابر با 30 آذر 1351/ ش بدرود حیات گفت. پیکرش در وسط قبرستان وادی السلام قم به خاک سپرده شد.

### -منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- مؤلفین کتب چاپی 887/3.

### شیخ عبد العلی شریفی کابلی

### اشاره

(-1398 ق)

تولدش در شهر غزنین از توابع کابل افغانستان اتفاق افتاد.

پس از طی مقدمات و سطوح پس از سال 1365 ق به نجف اشرف رفت، و از محضر بزرگان نجف از جمله آیت الله سید مرتضی فیروزآبادی استفاده نمود، و در پی فشارهای دولت عراق در حدود سال 1393 ق به ایران مهاجرت کرد.

وی مردی فاضل، متقی، اجتماعی و اخلاقی، و از منسوبین مرحوم حجه الاسلام شیخ عباس حائری یزدی بود.

ص: 950

در روز دوشنبه 20 ذی قعدة 1398/ ق مطابق با اول/آبان 1357/ ش در بیمارستان پهلوی تهران درگذشت، و در روز سه شنبه تشییع و در بهشت معصومه علیها السلام مدفون گردید.

### فرزندانش:

1- عبد الامیر 2- علاء 3- عصام و یک دختر.

### -منبع

1- حوادث الأيام (خطی).

شیخ عبد العلی مشایخی اراکی «حاج آقا»

### اشاره

(-1405 ق)

شیخ عبد العلی معروف به «حاج آقا» فرزند شیخ اسماعیل و نوه شیخ عبد العلی مشایخی کره رودی اراکی، از فضلاء و سخنوران معاصر بود.

پدرش که ساکن «کره رود» اراک بود به تعلیم نوآموزان در مکتب خانه خود بود.

جدش از علمای مهاجر به تهران و در آنجا از موقعیت ویژه ای برخوردار بود.

وی در حدود سال 1335 ق در تهران درگذشت. پیکرش در قبرستان ابن بابویه شهر ری مدفون گردید. شیخ عبد العلی «حاج آقا»، در کره رود پرورش یافت، مدتی چند در آنجا مشغول تحصیل بود، سپس در سن جوانی به حوزه علمیه قم پیوست و سطح را به پایان رساند. درس خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمد رضا گلپایگانی و معقول را از محضر سید روح الله خمینی استفاده نمود. سپس به وعظ و ارشاد پرداخت و از فضلاء سخنوران به شمار آمد.

ص: 951

او در سال 1405 ق در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

## - منبع

1- افادات حجه الاسلام سخنور توانا آقای شیخ محسن مشایخی (ساکن تهران، به تاریخ 20 صفر 1421/ق).

## شیخ عبد العلی نطنزی «صدر العلماء»

## اشاره

(ح 1262-1344 ق)

حاج شیخ عبد العلی فرزند ملا عبد الباقی و نواده آیت الله ملا احمد نطنزی (داماد ملا احمد فاضل نراقی) کاشانی، ملقب به «صدر العلماء» و از مشاهیر علما و مجاهدان عصر خود بود.

## تحصیلات

او در حدود سال 1262 ق مطابق با 1225 ش متولد گردید.

وی پس از رشد و نما در کاشان به فراگیری علوم و معارف اسلامی پرداخت و از محضر بزرگان آن دیار بهره های شایانی برد. و از این راه به درجات والای علمی ارتقا یافت و به گذشت زمان در ردیف علمای طراز اول کاشان به حساب آمد.

صدر العلماء، گذشته از اقامه جماعت و ارشاد در کاشان به تدریس دروس علمی و دینی نیز اشتغال داشت. وی در نهضت تنباکو که به رهبری میرزای شیرازی طی سالهای (1308-1309 ق) در ایران روی داد و منجر به شکست استعمار انگلیس گردید، و نیز در قیام مردمی و اعلان مشروطه خواهی که با قیام و رهبری روحانیت شکل گرفت، از جمله علمای بزرگ مجاهد بود که در تهران و کاشان نقشی سازنده، برعهده داشت.

وی در سال 1344 ق مطابق با آذر 1304/ش در تهران در حدود سن 82

ص: 952

سالگی درگذشت و جسدش به قم حمل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

## -منبع

1- مشاهیر کاشان 181.

## سید عبد الغنی اردبیلی

## اشاره

(ح 1335-1410 ق)

حاج سید عبد الغنی فرزند حسن موسوی اردبیلی. او در حدود سال 1335 ق در قریه (گازر) سرعین واقع در استان اردبیل، متولد گردید.

ادبیات را در اردبیل نزد: سید یونس افتخار السادات (افتخار)، شیخ مهدی عالم، شیخ غفور عاملی (منطق) و سید مسلم محدث خلخالی آموخت، سپس به قم رفت و پس از طی سطوح خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمد داماد یزدی (در فقه و اصول) و سید روح الله خمینی (در فلسفه) استفاده نمود.

ایشان در حدود سال 1371 ق به اردبیل بازگشت و به تدریس علوم دینی در مدرسه ملا ابراهیم و ارشاد مردم پرداخت. و در اواخر عمر خود مقیم تهران شد و در دستگاه قضائی کشور سمتی داشت.

## از آثار او

1- تقریرات آیت الله حجت.

2- تفسیر سورة یوسف علیه السلام.

3- الواجب النفسی و مقدمه الواجب (تقریرات آقای خمینی).

4- شرح الاسفار (تقریرات آقای خمینی).

استاد اردبیلی در روز دوشنبه 3 ذی القعدة 1410/ ق مطابق با 7 خرداد/

ص: 953

1369 ش در تهران درگذشت و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون گردید.

## -منابع

1- آثار الحججه 214/2.

2- اطلاعات متفرقه و افادات آیت الله مفتی الشیعه.

## شیخ عبد القدوس کرمانشاهی

## اشاره

(-1309 ق)

از عارفان و سالکان نامی ایران بود.

در دانش و معرفت الهی مقامی ارجمند بدست آورد. سپس در سلسله ذهبیه وارد شد و سرانجام به قطبیت رسید.

مرحوم سید حسین شمس العرفاء از ملازمان ایشان گردید و از فضائل و معارفش بهره ها برد و پس از ایشان به قطبیت رسید. مرحوم سید عبد الحججه بلاغی نائینی در تألیفات خود از بزرگان و معاریف این سلسله تا اقطاب بزرگ می رساند، نام برده است.

کرمانشاهی در 20 ذی الحججه 1309/ ق چشم از جهان فرویست و در جوار علی بن جعفر علیه السلام قم مدفون گردید.

## -منبع

1- اطلاعات متفرقه.

ص: 954

اشاره

(ح- 1402 ق)

سلسله نسب ایشان به امام موسی بن جعفر علیه السلام می رسد. از دانشمندان و بزرگان تهران به شمار می رفت. انواری، تحصیلات خود را در حوزه های علمیه اردبیل و زنجان به پایان برد. در حوزه زنجان از محضر آیت الله شیخ فیاض زنجان به بهره مند شده بود. سپس به شهر بهشهر استان مازندران رفت و حدود هفت سال مشغول ارشاد و تبلیغ مذهبی بود.

سرانجام تهران را جهت سکونت برگزید و در مسجد آذربایجانی ها واقع در خیابان آذربایجان به اقامه جماعت و ارشاد اشتغال ورزید.

نامبرده در حدود سال 1402 ق در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان بهشت معصومه علیها السلام مدفون گردید.

منبع

1- افادات علامه گرانقدر سید محمد مفتی الشیعه اردبیلی.

شیخ عبد الکریم حائری یزدی

اشاره

(1276-1355 ق)

حاج شیخ عبد الکریم فرزند محمد جعفر مهرجودی یزدی ملقب به «حائری» و معروف به «حاج شیخ مؤسس» یکی از مراجع مشهور تاریخ تشیع و از فقهای نامدار عصر خود بود.

وی در سال 1276 ق در روستای «مهرجرد» اردکان-استان یزد-تولد یافت.

تحصیلات علوم دینی

ابتدا در اردکان نزد مجد العلماء، و بعدا در یزد نزد آیات: میر سید علی مدرس،

ص: 955

سید یحیی یزدی و سید حسین وامق (متوفای 1307 ق) سطوح را تلمذ کرد.

### از اصحاب سامرا

ایشان در سال 1303 ق به سامرا مهاجرت کرد و سطوح را نزد آیات:

میرزا مهدی بن کریم شیرازی، شیخ فضل الله نوری و میرزا ابراهیم محلاتی شیرازی به انجام رسانید، آنگاه دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات: میرزا محمد حسن شیرازی، سید محمد فشارکی اصفهانی و میرزا محمد تقی شیرازی گذرانید.

### هجرت به نجف اشرف و کربلا

پس از فوت میرزای شیرازی همراه استاد خود فشارکی به نجف اشرف مهاجرت کرد، و همواره از محضرش استفاده می نمود و نیز در خدمتش بود، و پس از ارتحال این استاد در درس آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی و آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی حاضر گشت. آنگاه در حدود سال 1325 ق به کربلا رفت و در آنجا به تدریس و افاده و پرورش طلاب پرداخت.

### مراجعت به ایران

در سال 1332 ق جهت زیارت ثامن الحجج علیه السلام به ایران رفت، و در پی دعوت اهالی اراک و بزرگان شهر از جمله فرزندان آیت الله سید محسن عراقی در آن شهر اقامت نمود، و شروع به تدریس و انجام وظایف دینی پرداخت، و خدمات

ص: 956

ارزنده ای در آنجا انجام داد و از هر سو طلاب و فضلا گرد ایشان می آمدند.

## تأسیس حوزه در قم

در رجب 1340/ق پس از انجام زیارت مرقد امام رضا علیه السلام چند روزی در قم توقف داشت، و با علمای آن روز مباحثات زیادی نمود، و از او خواستند که به قم بیاید و در آنجا اقامت گزیند. او هم به همین خاطر اقامت در قم را اختیار کرد، و سایر طلاب و فضلالی مقیم اراک را به قم فراخواند و اداره حوزه را از هر لحاظ برعهده گرفت و منشأ خدمات فراوانی شد.

## خدمات اجتماعی

از جمله خدمات اجتماعی که در اینجا باید به آنها اشاره نمود و از باقیات الصالحات ایشان است، عبارتند از: تأسیس بیمارستان سهامیه، احداث قبرستانی جدید که هم به نام «قبرستان نو» و هم به نام مؤسس آن «حاج شیخ» خوانده می شود، تعمیر مدارس علمی قم، احداث کتابخانه مدرسه فیضیه و... که اغلب آنها تاکنون مورد استفاده و بهره برداری عامه مردم می باشند، و نیز دیگر آثار خیریه که در بعضی از شهرهای ایران، دارد.

## چند داستان از او

آیت الله شیخ جواد عارفی بیرجندی (از علمای کهن سال بیرجند است) نحوه

ص: 957



تماس خود را با آیت الله حائری یزدی چنین بیان می دارد:

پس آنکه تحصیلاتم را در مشهد مقدس به پایان رساندم، به قم مشرف شدم و در درس آیت الله حائری شرکت کردم. جمعیت بسیار زیادی در درس شرکت می جست. من هم تازه وارد شده بودم و سابقه ای نداشتم. گاهی در درس اشکال می کردم، وارد بحث می شدم تا اینکه خودم را به حاج شیخ شناسانم.

سرانجام روزی حاج شیخ از من پرسید: شما کجا درس خواندید؟

گفتم: در بیرجند و مدتی هم در مشهد تحصیل کردم و بیشتر تحصیلاتم در بیرجند بوده است.

فرمود: در بیرجند شاگرد چه کسی هستی؟

عرض کردم: از شاگردان حاج شیخ هادی هادوی (از اصحاب سامرا بود).

فرمود: دست خطی از ایشان هم دارید؟

عرض کردم: خیر. و ملاقات به پایان رسید.

به نظرم خطوط کرد که شاید در ذهن حاج شیخ-تاکید می کنم (شاید)- این امر به وجود آمده باشد که این شیخ می خواهد خودش را جا بزند و به عنوان شاگرد شیخ هادی معرفی نماید.

لذا از قم به یکی از رفقای بیرجندی نوشتم و جریان را شرح دادم. تذکر آن هم دادم که خوب است از شیخ هادی اجازه ای بگیرید و به قم بفرستید.

مرحوم آیت الله هادوی کاغذی نوشته بود و آن را به قم فرستادند.

البته من همان طور مرتبا در درس آیت الله حائری شرکت می کردم. پس از چند روزی دیدم شیخ حسن- از ملازمان و خدمتگزاران حاج شیخ بود- به من گفت: به منزل آقا بیا، با شما کار دارند.

شب به منزل حاج شیخ رفتم. حاج شیخ مرا به گرمی استقبال کرد و گفت:

خیلی خوب کاری کردید. منظورش درخواست اجازه از آیت الله هادوی بود. آنگاه از من خواست که در مدرسه فیضیه- طبقه بالا- حجره ای بگیرم و به من فرمود: هر وقت

کاری داشتید از من بخواهید، من در خدمت هستم.

آیت الله شیخ جواد عارفی یکی از خاطرات خود را درباره حاج شیخ عبد الکریم حائری چنین بیان می کند:

در سال 1354 ق در قم بودم. در آن هنگام رضا خان کشف حجاب را اعلام کرده بود. من خدمت حاج شیخ رسیدم. ایام، ایام تبلیغی بود. آیت الله حائری مرا و سایر طلاب و وعاظ را دستور داد که مخالفت خود را با این فرمان اعلام کنند و خشم خویش را اظهار نمایند و طلاب را به هر شهر و منطقه گسیل می نمودند. به همین خاطر بنده به سمت اراک رهسپار شدم. هر روزی که منبر می رفتم زمینه را برای مخالفت با کشف حجاب آماده می ساختم. سرانجام شبی از شبها آیه شریفه (و خاطبوهن من وراء حجاب) را محور سخنانم را قرار دادم و شروع به تفسیر آیه نمودم و همین طور آرای فقها و مفسران را نقل کردم. سپس گریز را به مخالفت با دستور شاهی اعلام داشتم آن هم با شدیدترین لحن و با محکم ترین بیان.

از منبر که آمدم پائین به من اطلاع دادند که ژاندارمها در صدد دستگیری ام برآمدند و دیگر توقف صلاح نبود، به همین خاطر همان شب به خوانسار رفتم و از آنجا به اصفهان. ولی خیر مخالفت در منطقه شایع شده بود و پلیسها در به در، در صدد دستگیری ام بودند. لذا از آنجا به یزد و طبس و در پایان به بیرجند رسیدم و در زادگاهم «خرمی» مخفی شدم، ولی سرانجام و پس از مدت طولانی مرا دستگیر کردند و به زندان رفتم و پس از شهریور 1320/ ش آزاد شدم.

آیت الله شیخ جواد عارفی یکی از ویژگیهای آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری را چنین بیان می دارد:

قبل از ورود آیت الله حائری به قم، دو نفر از بزرگان بودند که محل وثوق و رجوع عامه مردم بودند. این دو عبارت اند از: آیت الله شیخ ابو القاسم قمی (کبیر) و آیت الله شیخ مهدی حکمی (پائین شهری) که عالم شهر بودند، درس می گفتند و طلبه داشتند.

شیخ عبد الکریم حائری یزدی (نماز جماعت در صحن حضرت معصومه (س))

پس از ورود آیت الله حائری به قم اعلامیه صادر کردند که مضمون آن این بود: اهالی محترم قم و تهران و اصفهان و... و افرادی که وجوهات خود را خدمت حجتین علمین:

شیخ ابو القاسم قمی و شیخ مهدی حکمی می بردند، اکنون هم بر آنها الزام می کنم کما فی السابق به آن دو بزرگوار مراجعه کنند و حق ندارند پیش من مراجعه کنند.

مردم که تابع فتوای حائری بودند وجوهات خود را نزد آن دو فرزانه می بردند.

در مقابل آقایان: قمی و حکمی نیاز خود را از حقوق رسیده برمی داشتند و زاید بر آن را خدمت حاج شیخ یا دفتر ایشان می دادند. هر دوی آنها این کار را می کردند. چون آیت الله حائری یازده هزار طلبه اداره می کرد و به آنان شهریه می داد. شهریه آن روز شش تومان بود. البته شش تومان آن روز خیلی بود. چون مثلاً یک من روغن خوب کرمانشاهی یازده قران می خریدیم. یک من برای مصرف یک طلبه هفته ها طول می کشید.

## از آثار او

1- الفروع المحمّدیّه فی الفقه.

2- تقریرات اصول فشارکی.

ص: 960

3- تعلیقه علی المتاجر (از شیخ انصاری).

4- درر الفوائد فی اصول الفقه، در دو جلد.

5- رساله فی اصاله البراءه.

6- رساله فی الارث.

7- رساله فی الرضاع.

8- کتاب الصلاه.

9- کتاب الموارث.

10- کتاب النکاح.

شیخ عبد الکریم حائری یزدی (در اجتماع جهت کمک به سیل زدگان قم)

### **درگذشت و اعقاب**

ایشان در شب شنبه 17 ذی القعدة 1355/ ق مطابق با 10 بهمن/ 1315 ش در قم درگذشت، و جسدش روز بعد تشییع و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله سید فخر الدین قمی (شیخ الاسلام)، در حرم حضرت معصومه علیها السلام - که آن روز مقبره ای جداگانه بود - به خاک سپرده شد، و مجالس و مراسم زیادی در بزرگداشت ایشان هرچند به صورت پنهانی، بر پا گردید.

ص: 961

تشییع پیکر حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی

از ایشان دو فرزند ذکور به نامهای: 1- مرحوم آیت الله شیخ مرتضی حائری 2- مرحوم دکتر شیخ مهدی حائری (ساکن در تهران بود).

و سه دختر که دامادهای ایشان عبارتند از: 1- حجه الاسلام شیخ محمد تویسرکانی 2- حجه الاسلام شیخ احمد حائری همدانی (پدر دکتر عبد الهادی حائری و استاد عبد الحسین حائری) 3- آیت الله سید محمد داماد یزدی.

#### -منابع-

1- آثار الحجه 22/1.

2- الاجازه الکبیره 84.

3- المسلسلات فی الاجازات 150/2.

4- أحسن الودیعه 75/2.

5- أعیان الشیعه 42/8.

6- تاریخ قم 274.

7- رجال قم 129.

8- ریحانه الأدب 66/1.

9- شرح حال رجال ایران 275/2.

ص: 962

10- علماء معاصرین 176.

11- گنجینه آثار قم 125/1 و 318.

12- گنجینه دانشمندان 283/1.

13- گنجینه دانشوران 147.

14- معارف الرجال 65/2.

15- معجم المؤلفین 320/5.

16- مکارم الآثار 2118/6.

17- نقباء البشر 1158/3.

18- هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی 118.

### شیخ عبد الکریم خوئینی زنجانی

#### اشاره

(1285-1372 ق)

حاج شیخ عبد الکریم فرزند علامه شیخ ابراهیم و نوه ملا اسحاق خوئینی زنجانی، از فقها و اساتید گرانقدر حوزه ها بود.

وی در سال 1285 ق در خوئین که از توابع زنجان است، دیده به جهان گشود.

پدرش از جمله شاگردان شیخ مرتضی انصاری در نجف اشرف بود و در خوئین زعامت دینی و روحی داشت و به افتخار دامادی علامه شیخ عبد الکریم روغنی قزوینی نایل شد.

ص: 963

## تحصیل در حوزه ها

شیخ عبد الکریم خوئینی در محیط علمی و سرشار از تقوا و معرفت پرورش یافت، سپس به تحصیل علوم دینی روی آورد و ابتدا در خوئین و بعداً در قزوین تحصیل کرد.

در سن 18 سالگی (1303 ق) به نجف اشرف رهسپار شد و دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیات: آخوند ملا- محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی استفاده نمود و خود به تدریس متون اشتغال پیدا کرد و در حدود سال 1326 ق به زادگاهش بازگشت و به امر ترویج مذهب و تدریس پرداخت و پس از مدتی به حوزه علمیه زنجان انتقال یافت و حوزه درسی مهمی تشکیل و فضلاء بسیاری را پرورش داد، در آن دیار سالهای متمادی اقامت کرد و منشاء خدمات بزرگ دینی و از نامداران آن خطه بود و به حدی رسید که ریاست حوزه علمیه زنجان را بدست گرفت و به صورت صحیحی آن را هدایت نمود.

وی پس از شهریور 1320 ش مطابق سال 1360 ق و احساس تکلیف و نیاز به وطن خود «خوئین» بازگشت و مدت پنج سال به تدریس و ترویج اشتغال پیدا کرد و سرانجام در سال 1365 ق به قم مهاجرت کرد و تا آخر عمر در آنجا زیست و بنا بر درخواست طلاب به تدریس خارج پرداخت و جمعی از فضلاء از محضرش کسب فیض نمودند.

## صفات و ملکات روحی

آقای سید ابراهیم موسوی زنجان‌ی در کتاب خود «تاریخ زنجان» درباره روحیه عالی و ملکات فاضله اش چنین می نویسد: «چیزی که قابل تمجید و تعریف است، باید اهل علم برای خود سرمشق بگیرند، روحیه باایمان و اوصاف معنوی آن مرحوم است. دارای عالی ترین صفت معنوی و زهد و توکل بودند. درباره زهد

ایشان همین بس که به آن مقام علمی حاضر نشدند فتوایی از خود نشر شود و می کوشیدند شهرتی به خود نگیرند، حتی در زنجان قبول نمی کردند در مجالس عمومی که موجب فخر و عظمت است حاضر شوند. به قدری به این معنی اهمیت می دادند که درس خود را در منزل می فرمودند و با همه رفقای بحث و طلاب و کثرت آنها، حاضر به تظاهر نبودند.

در قم، در خیابان تهران جهت ایشان مسجدی ساختند که فعلا هم موجود است، هرچه اصرار کردند حاضر به اقامه جماعت نشد. همیشه نماز جماعت را در منزل اقامه می کردند و خیلی به زیارت جامعه علاقه داشتند، خصوصا به زیارت عاشورا مداومت داشتند، چشمی گریان و سخنی مؤثر داشتند و هیچ دیده نشد نماز شب را ترک کنند، حتی در اواخر عمر که قادر به حرکت نبودند تا دو شب قبل از وفات نشسته نماز شب را ادا می کردند، از اوضاع دنیا و سیاست روز و امور سیاسی بااطلاع بود و عقیده داشت از سکوت روحانی و عدم مداخله آنها در امور بیگانگان کمتر استفاده می کنند».

## از آثار او

1- الفوائد فی اصول الفقه.

2- حاشیه علی العروه الوثقی.

3- خودآموز کفایه یا تقریرات آخوند خراسانی، در سه جلد.

4- رساله عملیه.

ص: 965



مرحوم خوئینی در پی کسالت کوتاه در روز دوشنبه /28 صفر 1372/ ق مطابق با /26 آبان 1331/ ش در سن 87 سالگی در قم درگذشت و بنا بر وصیت در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

شیخ علی آل اسحاق خوئینی

فرزندانش:

- 1- شیخ احمد آل اسحاق، که در کتابخانه مسجد اعظم قم، به فعالیت فرهنگی اشتغال داشت و دارای طبع شعر و نیز خط زیبا بود.
- 2- شیخ محمد آل اسحاق.
- 3- شیخ عبد الرحیم آل اسحاق.
- 4- شیخ علی آل اسحاق.
- 5- شیخ محمود آل اسحاق.
- 6- شیخ اسماعیل آل اسحاق.
- 7- شیخ علی اصغر آل اسحاق.
- 8- آقا مهدی آل اسحاق.

#### **منابع**

- 1- آثار الحجّه 226/1.
- 2- الفهرست لمشاهیر علماء زنجان 35.
- 3- تاریخ روابط ایران و عراق (اثر مدرسی چهاردهی) 301.
- 4- تاریخ زنجان 358.
- 5- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 161/3 (مزارش را در شیخان دانسته که اشتباه است).
- 6- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی 118/6.
- 7- گنجینه دانشمندان 139/2.
- 8- مؤلفین کتب چاپی 910/3 (مزارش در شیخان دانسته که اشتباه است).

9-نقباء البشر 1155/3(سال مرگش را در سال 1371 ق نوشته که اشتباه است).

ص:966

اشاره

(1295-1375 ق)

سید عبد الکریم متخلص به «غیرت» فرزند سید عباس عرب، از دودمان مشهور و از سادات مقیم کرمانشاه، و نسبش به شرفای مکه و حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می پیوندد.

غیرت در غره/ ذی الحجه 1295/ ق مطابق با 11 آذر 1257/ ش در همدان چشم به جهان گشود.

وی در سن هفت سالگی به اتفاق پدر از همدان به کرمانشاه مهاجرت کرد و در این شهر رحل اقامت افکند. علوم ادبی را در مدارس قدیم نزد اساتید فن آموخت، و هفده ساله بود که به عضویت انجمن ادبی کرمانشاه درآمد.

غیرت در اوان پیدایش نهضت مشروطیت در جرگه آزادی خواهان درآمد، و به فعالیت اجتماعی و سیاسی پرداخت. و برای روزنامه های: کرمانشاه، بیستون، و دانش و هنر، مقاله می نوشت و شعر می سرود و چندی نیز عضو هیئت تحریریه مجله (اخوت) بود. در ضمن روزنامه «غرب ایران» را در سال 1329 ش در تهران منتشر ساخت.

غیرت علاوه بر اینکه شاعری توانا و خوش ذوق بود، در نوشتن انواع خط مهارت و استادی داشت، به خصوص خط نستعلیق را خوش می نوشت.

از آثار او

1- دلنامه (منظومه).

2- مجنون نامه، که از بهترین آثار نظمی او به شمار می آید.

3- کلیات آثار غیرت، که نیز به چاپ رسیده است.

استاد غیرت در روز یکشنبه 23 شوال 1375/ ق مطابق با 13 خرداد/

ص: 967

1335 ش در سن 80 سالگی در تهران درگذشت و در قم به خاک سپرده شد.

## -منابع

- 1-باغ هزار گل 464.
- 2-زندگانی سردار کابلی 289.
- 3-سخنوران نامی معاصر 171/1.
- 4-سخنوران نامی معاصر ایران 2573/4.
- 5-فرهنگ شاعران زبان پارسی 418.
- 6-فرهنگ فارسی معین 1284/6.
- 7-فهرست روزنامه های فارسی 155.
- 8-کرمانشاهان 338/1 و 491.
- 9-مؤلفین کتب چاپی 926/3.
- 10-یادگار اهل سخن 85.

## شیخ عبد الکریم کریمی اصل هشترودی

## اشاره

(1312-1396 ق)

شیخ عبد الکریم معروف به (میرزا آقا بابا) فرزند محمد کریمی اصل هشترودی، در سال 1312 ق در (گنجینه کتاب) هشترودی متولد گردید.

علوم ادبی را نزد عمویش آخوند ملا- جعفر در هشترودی آموخت، سپس عازم مراغه گردید و نزد علامه میرزا ابو الحسن معتمد الشریعه کتابهای: شرایع، شرح لمعه و قوانین و سایر کتب مهم دینی را به مدت 6 سال تلمذ نمود، و به زادگاهش بازگشت و به تبلیغ و ارشاد و تدریس مقدمات و سطح اشتغال نمود، و همواره منزل وی محل رجوع ارباب حوائج بود، و ایشان دارای اجازاتی است از حضرات آیات:

سید ابو الحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه کمری، میرزا فتاح شهیدی تبریزی، و سید محسن طباطبائی حکیم.

سرانجام در روز شنبه 2/رمضان 1396/ق مطابق با 6/شهریور 1355/ش در گنجینه کتاب هشتروند به سن 84 سالگی در پی بیماری درگذشت، و در وادی السلام قم مدفون شد.

### فرزندانش

1- آقا یعقوب کریمی اصل 2- حجه الاسلام شیخ محمد 3- آقا خلیل 4- حجه الاسلام شیخ احمد، متولد 1361 ق در گنجینه کتاب، مقدمات را نزد پدرش آموخت و به سن 14 سالگی به تبریز رفت، و بعضی از سطوح را نزد آیات:

شیخ عبد الله مجتهدی، شیخ ابو الفضل سرابی، سید ابراهیم دروازه ای، شیخ نصر الله شبستری، میرزا جعفر اشراقی، و میرزا رحیم قراملکی تلمذ کرد، و در سال 1384 ق به قم رفت و سایر سطوح را نزد آیات: شیخ جعفر سبحانی، میرزا علی مشکینی، سید جواد خطیبی، و سید محمد باقر طباطبائی سلطانی به انجام رسانید، و منظومه را نزد دکتر محمد مفتاح و میرزا حسین نوری همدانی و اسفار را از محضر شیخ عبد الله جوادی آملی استفاده کرد.

خارج را از محضر آیات: سید کاظم تبریزی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، میرزا هاشم آملی، و شیخ حسین وحید خراسانی استفاده نمود، و تقریرات تبریزی و مرعشی نجفی را به رشته تحریر درآورد، و هم اکنون به تدریس سطوح اشتغال دارد.

### سید عبد الکریم کشمیری

### اشاره

(1335-1419 ق)

سید عبد الکریم فرزند علامه سید محمد علی فرزند آیت الله سید محمد حسن رضوی کشمیری، از دانشمندان و اساتید حوزه علمیه نجف اشرف و عارفان سالک بود.

ص: 969

پدرش از فضلا و زهاد که به افتخار دامادی فقیه گرانقدر آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی نایل آمده بود. وی دائم الذکر و الزیاره بود که در سن 56 سالگی به تاریخ 20 جمادی اول 1369 ق در نجف اشرف درگذشت و در کربلای معلی دفن گردید.

سید محمد حسن کشمیری

و اما جدّ ایشان آیت الله سید محمد حسن کشمیری یکی از فقها و مجتهدین مسلم و زهاد معروف کربلا بود. تولدشان در کشمیر هند اتفاق افتاد و در خردسالی همراه پدر خود علامه سید عبد الله کشمیری از کشمیر به کربلای معلی مهاجرت کرد. و پس از طی مقدمات و سطوح، دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیات کربلا همچون: ملا حسین فاضل اردکانی و ملا محمد تقی هراتی (هروی) و سایرین فراگرفت. آنگاه به ترویج و نشر احکام مذهب پرداخت و ریاست خوبی بدست آورد. نماز جماعت را در حرم مطهر امام حسین علیه السلام بر پا می کرد.

ایشان علاوه بر امور مذکور به تدریس علوم دینی اشتغال داشت که

ص: 970

از جمله شاگردان ایشان می توان به: آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی نام برد.

از مرحوم آیت الله حائری یزدی نقل است که گفته بودند: نمی دانم درسش را گوش کنم یا قیافه زیبا و جذاب او را تماشا کنم.

مرحوم کشمیری در معنویات نیز دارای مقامی بس والا بودند. از جمله عده ای از اتراک ایران از محضرش پرسیدند که قبر حضرت علی اصغر علیه السلام کجا است؟

ایشان فرمودند: یک شب به من مهلت دهید تا پاسخ دهم.

پس از توسل و دعا در خواب یا مکاشف حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام را دیده بودند که فرمودند: قبر علی اصغر روی سینه من است.

از جمله آثار قلمی او: الزبده فی النحو.

آیت الله سید محمد حسن کشمیری پس از عمری ترویج شرع انور و تدریس و ارشاد در پی بیماری در 6/صفر 1328/ق در کربلای معلی درگذشت و در حرم مطهر امام حسین علیه السلام در جوار مرقد سید ابراهیم مجاب فرزند امام کاظم علیه السلام به خاک سپرده شد. و سه فرزند ذکور از او به جای ماند که عبارتند از: سید مصطفی، سید محمد علی و سید محمد حسین.

شرح حال ایشان در نقباء البشر 408/1 آمده جهت اطلاع بیشتر به آنجا رجوع شود.

مادر آقا سید عبد الکریم کشمیری خانمی مؤمن و کوشا در تربیت فرزندانش بود. در حدود سال 1313 ق متولد شد و در حدود سال 1410 ق درگذشت.

## ولادت و دوران کودکی

در چنین محیط و خانواده ای آیت الله کشمیری در حدود سال 1335 ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

ص: 971

یکی از خاطرات ایشان در کودکی این است که فرمودند: جهت انجام یک مسافرتی قرار بود سوار ماشین شویم، پس از رسیدن به گاراژ یک مرتبه به پدرم گفتم: من سوار نمی شوم. هرچه پدرم اصرار کرد نپذیرفتم تا اینکه ماشین حرکت کرد و رفت. کمی بعد معلوم شد که آن ماشین تصادف کرده است.

در امر تربیت او، هم پدر و هم مادر تلاش زیادی داشتند. پدرش کاملاً سختگیری می کرد و مواظبت واقعی می نمود و هنگام سفر رفتن جوان خودشان افراد مختلفی را سفارش می کردند که راهنما و مواظب او باشند.

## تحصیلات

دروس مقدمات را خدمت پدر ارجمند خود خواند. پس از طی دوره مقدماتی به تحصیل متون کتب درسی پرداخت.

ایشان دوره سطح را از محضر اساتیدی همچون: 1- شیخ خضر دجیلی 2- شیخ محمد تقی بهجت فومنی (دام ظلّه) (رسائل) 3- شیخ مرتضی طالقانی (در رسائل) 4- شیخ مجتبی لنگرانی 5- شیخ راضی تبریزی (در مکاسب) 6- شیخ محمد حسین تهرانی (قاجار) (کفایه الاصول در مسجد هندی) استفاده نمود. در ضمن ایشان علوم عقلی را نزد حکمایی چون: شیخ عبد الرحیم فیض گنابادی (شرح منظومه)، شیخ صدرا بادکوبه ای (شرح منظومه) و مقداری از اسفار ملا صدرا را نزد آیت الله شیخ عبد الحسین رشتی و آیت الله شیخ محمد حسین تهرانی (قاجار) تلمذ کرد.

دروس علمی و عملی اخلاق و معارف الهی را از محضر اخلاقی شهیر علامه سید علی قاضی طباطبائی تبریزی و شیخ مرتضی طالقانی در نجف اشرف استفاده نمود. چنانکه علامه کشمیری نقل فرمود: چند سالی از محضر علامه قاضی بهره مند شدم و مرتباً در جلسات ایشان شرکت می کردم.

کشمیری در سن جوانی، حافظه و استعداد قوی داشت و با یک بار شرکت در



درس به خوبی مطالب را درک می کرد و تا سالهای متمادی نکات علمی را در حافظه خود نگه می داشت. حتی تا قبل از حمله بیماری به جسم ایشان مطالب چهل سال قبل را کاملاً در یاد داشتند.

## دروس خارج

چنانکه اشاره رفت پس از طی دوره سطح و کسب علوم دیگر در دروس خارج شرکت جست و به تحصیلات عالی خود پایان داد.

اساتید این دوره، حضرات آیات: 1- میرزا عبد الهادی شیرازی 2- سید محسن طباطبائی حکیم 3- سید ابو القاسم خوئی 4- شیخ علی محمد بروجردی 5- سید عبد الاعلی سبزواری، بودند.

البته بیشترین استفاده را از محضر آیت الله خوئی استفاده برد و مورد توجه استاد قرار گرفتند و موفق به کسب اجازه علمی از این استاد شدند.

## برگرسی تدریس

علامه کشمیری پس از طی سایر تحصیلات، خود اقدام به تدریس متون کتب درسی پرداخت. اکثر کتب درسی را تدریس کردند. با اینکه حوزه نجف با فلسفه و حکمت میانه خوبی نداشت، استاد کشمیری اقدام به تدریس شرح منظومه (از ملا هادی سبزواری) نمود.

ایشان عقیده دارند که خواندن منظومه برای طلاب علوم دینی لازم و ضروری است. آنگاه، اندک اندک در وادی تدریس افتاد. حتی وقتی رسید که ایشان حدود

ص: 973

10 درس برای طلاب تقریر می کردند. اما از وقتی که در رشته معارف و عرفان جدی وارد شدند، تدریس را کم کردند و کم کم به تعطیلی گرائید و همشان را در مجاهدت نفس و سیر و سلوک گذاردند.

### رابطه با اساتید

علامه کشمیری با سایر اساتید خود روابط نزدیکی داشت و همواره مورد توجه ایشان بود. دید و بازدیدهای ایشان با استادش آیت الله شیخ راضی تبریزی نجفی تا روزهای آخر زندگی استاد دوام یافت و در یکی از دیدارهای استاد تبریزی به منزل آقای کشمیری نگارنده نیز همراه بودم. مداومت حضور علامه کشمیری به منزل استادش آیت الله خوئی مشهود و معروف است. و هنگام مهاجرت علامه کشمیری به ایران، روابط را از راه مکاتبه حفظ کرد. اما روابط ایشان با اخلاقی شهیر و علامه کبیر قاضی طباطبائی در سن جوانی چند سالی دوام یافت. استاد قاضی جهت تکامل روح ترقی و صعود شاگرد خود یک مرتبه دنبال این شاگرد فرستاد.

پس از حضور شاگرد بعضی از مسایل و اذکار به او آموزش دادند. اتصال علمی و معنوی استاد کشمیری با سایر اساتید خود و نیز سایر بزرگان علم و حوزه ها بسیار محکم و قوی بود.

### در عرصه علوم و فنون

ایشان در علوم غریبه از قبیل: جفر، رمل، علم اعداد و حروف و زبر و بینات و مربعات و اسماء الله از اهل فن که مهارت کامل داشتند، فراگرفتند. اما ایشان نظر داشتند که با تقوا انسان زودتر و بهتر به خدا می رسد تا از راه علوم غریبه و کارهای باطل. و عقیده مند بودند که افرادی که وقت خود را صرف این کار می کنند، زندگی خوشی ندارند و دچار فقر و بدبختی و مشکلات می شوند.

استاد علاوه بر این در سن جوانی از روی علاقه و ذوقی که داشتند،

خوشنویسی را فراگرفتند. آنگاه در نقاشی و کشیدن عکس مهارت حاصل کردند. از جمله تابلوهای موجود ایشان، نقاشی عکس جدّ امّی خود آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (صاحب عروه الوثقی) که هم اکنون در اختیار فرزندان علامه سید عبد العزیز طباطبائی یزدی است.

همچنین ذوق ادبی ایشان در جوانی شکوفا گشت و اشعاری چند سرودند.

ولی متأسفانه در حفظ آنها کوششی نداشت و غالباً از میان رفت.

## آثار قلمی او

استاد آثار قلمی زیادی در فنون مختلف به رشته تحریر درآورد، اما هیچ گاه در صدد چاپ و نشر این آثار نبود. و هنگام تبعید ایشان از عتبات عالیات به ایران به وسیله مزدوران بعث عراق سایر املاک و آثار ایشان را ثبت و ضبط نمودند، که می توان به:

1- تعالیق علی کفایه الاصول.

2- تقریرات اصول آیت الله خوئی.

3- تقریرات فقه آیت الله خوئی.

4- دروس فی علم الأخلاق (از تقریرات استادش طالقانی).

5- رساله فی الأمر بین الأمرین.

6- رساله فی الطلب و الاراده.

7- رساله فی القطع.

8- کتاب فی الأدعیه و الأذکار (که مجربات خود ایشان و اساتید فنّ را در آن یادداشت کرده بودند).

## ویژگیهای اخلاقی

علامه کشمیری فردی بسیار دانا، مؤمن، متعهد، ملایم و کم حرف بود.

ص: 975

هیچ گونه نظاهر نداشت و از هر نوع تعین و تقید دور بود. در دوران جوانی بسیار با نشاط، فعال و صریح بود. از جاده حق و حقیقت منحرف نمی شد. تجربیات و معلومات و اطلاعات متفرقه بسیاری را کسب کرد و در سالهای آخر عمر به نقل تجربیات خود و تربیت سالکان اشتغال داشت. دستگیری و راهنمایی از جوانان کار ایشان بود. از اجتماعات و شلوغی بیزار و دور بود. در استخاره معروف بود و در این راه تجربه زیاد داشت، بلکه شیوه خاصی هم در استخاره داشت. بسیاری از ارادتمندان ایشان خاطرات زیبایی از محضرش دارند.

## تبعید از عراق

علامه کشمیری به وظایف دینی و روحی در حوزه علمیه نجف اشرف اشتغال داشتند. ایشان علاوه بر تدریس در مسجد ترک، در مسجد شیریه پزها به اقامه جماعت و ارشاد و دستگیری از طالبان معرفت کوشش و تلاش می نمود. مراجعات زیادی جهت استخاره گرفتن در هر روز جواب گو بودند، روز به روز تعداد مراجعات و طالبان افزون می شد. گاهی هم هنگام زیارت کربلای معلی به اقامه جماعت و ارشاد اوقات خود را می گذراند.

در اثر فعالیت های مذکور مورد فشارهای جدی دولت عراق قرار گرفت، و احتمال زندانی شدند ایشان هم می رفت بنابراین تصمیم به ترک عراق گرفت و به سوی ایران در سال 1391 ق مهاجرت کرد و بسیاری از اموالش توسط دولت عراق از جمله آثار قلمی اش مصادره گردید.

پس از ورود به ایران در شهر علمی و مذهبی قم سکونت اختیار کرد و به علت کهولت سن و حمله ور شدن بیماری ها به بدن ایشان در اجتماعات کمتر ظاهر می شد. درد پا و کمر، ناراحتی قلبی و ریوی از جمله بیماریهایی بود که ایشان از آنها رنج می برد.

معمولا افرادی که در وادی عرفان و انجام ریاضت های شرعی می افتند تا حدی به بعضی مقامات کشف و شهود، دیدن ارواح و عالم برزخ و... نایل می آیند.

گاهی هم از راه استخاره موفق به پیش بینی ها و شناخت نیت افراد می شوند.

آوازه استخاره علامه کشمیری از مرزها هم گذشت. از ایشان سؤال شد که آیا تمام استخارات شما صددرصدی است؟

در جواب فرمود: استخاره حال می خواهد، بنابراین عمل حالی است. مانند شاعر وقتی که ذوق بگیرد شعر عالی می سراید. من هم وقتی که سرحالم طبق واقع می شود.

درباره اذکار و دعا به نقل از یکی از بزرگان فرمود: انسان آن قدر باید مشغول اذکار شود که روی هوا نتواند راه برود تا بر روی زمین!

ایشان معتقد بود که: اذکار باعث می شود که انسان خیلی از مراحل و منازل را طی کند. مکاشفات و شهود که بسیاری از دانشمندان فقط آنها را شنیدند، از راه اذکار شرعی به طور معاینه و مکاشفه می توان مشاهده کرد. و این بهترین مقام انسانیت است که به «حق الیقین» برسد و چشم بصیرت و عین الیقین او باز شود. یا به عبارت دیگر گوش و چشم برزخی او باز شوند.

علامه کشمیری در حدود 20 سالگی در شب میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با نوه آیت الله فقیه و اصولی شیخ محمد کاظم شیرازی در نجف اشرف ازدواج کرد.

همسرش زنی مؤمن و دانا و تا حدی دارای تحصیلات حوزوی است. ثمره این ازدواج سه فرزند ذکور که در رشته کسب و کار هستند و سه دختر که به خانه شوهر رفتند.

ایشان سرانجام در ذی الحجه 1419/ ق مطابق با فروردین 1378/ ش در مسجد طباطبائی (حرم مطهر) به خاک سپرده شد

(1330-1400 ق)

حاج شیخ عبد اللطیف فرزند حاج عباس علی و نوه شاه نظر سمّامی رامسری، از فقها و دانشمندان متقی و زاهد بود.

او در اوائل سال 1330 ق در (نارنج بن) رامسر متولد گردید.

پدرش از تجّار طراز اول تنکابن، و از سرشناسان و اخیار آن سامان بود.

آقا عبد اللطیف در سن پنج سالگی وارد مکاتب قدیمه شد، و خواندن و نوشتن را فراگرفت. و در سال 1338 ق به خواندن و فراگرفتن ادبیات فارسی قدیم پرداخت. و در سال 1342 ق ادبیات عربی را آغاز نمود. و سال بعد وارد مدرسه علمیّه شیخ محمّد حسین تنکابنی گردید، و در نزد: عبد الوهاب فرید تنکابنی و شیخ علی اکبر فلکی تلمّذ نمود و جامع المقدمات و قسمتی از ادبیات عربی و منطق را فراگرفت. او در ابتدای سال 1346 ق از جوردیّه رامسر به قزوین مسافرت نمود، و در مدرسه التفاتیه اقامت گزید، و حدود دو سال در قزوین به تکمیل ادبیات عربی پرداخت. شرح نظام و حاشیه ملا عبد الله را نزد سید رضا قافله باشی و سیوطی را نزد دیگران فراگرفت، و در سال 1347 به قم جهت فراگرفتن سطوح رهسپار گردید.

مدت کوتاهی در قم توقف نمود، سپس به مشهد مقدس رفت و در مدرسه «پریزاد» حیره ای اختیار کرد. با آنکه از خواندن و فراگرفتن ادبیات فارغ شده بود،

ولی درس شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری او را به خود مفتون نمود. لذا مجدداً مطول را نزد او تلمذ کرد، و خلاصه الحساب و هیئت و شرح لمعه را نزد سید احمد یزدی معروف به «نهنگ العلماء» و قوانین و شرایع و شرح منظومه را نزد اساتید وقت فراگرفت، و می فرمود: در مشهد کلیه اوقات خود را صرف مطالعه و تحصیل نمودم، به حدی که یک ساعت هم از اوقاتم بیهوده تلف نشد، فقط یک ماه محرم جهت ترویج و تبلیغ به امر استادام به «دره گر» رفتم.

ایشان در سال 1349 ق به قم مراجعت نمود و سپس به تهران عزیمت کرد، در آنجا مدت شش ماه به درس حکمت میرزا مهدی آشتیانی صبح و عصر حضور یافت، و همچنین مدتی نزد شیخ محمد علی ادیب تهرانی به تکمیل ادبیات پرداخت.

در آغاز سال 1351 ق از راه کرمانشاه به طور قاچاق عازم نجف اشرف شد، و در نجف رسائل و مکاسب و کفایه را نزد آیات: شیخ حسین اهری، شیخ مرتضی طالقانی، سید علی نوری، شیخ شمس الدین بادکوبه ای «عشق آبادی» و سید محمد هادی میلانی تلمذ نمود، سپس به کربلا- عزیمت کرده چند ماهی در آنجا سکونت نمود، و به درس آیت الله شیخ محمد رضا اصفهانی «جرقویه ای» و آیت الله میلانی حضور یافت، و مجدداً به نجف اشرف بازگشت، چندی در نجف در درس آیات:

سید ابو الحسن اصفهانی و شیخ محمد کاظم شیرازی شرکت جست. سپس به کربلا مراجعت نمود و مدت هشت سال در این شهر (از سال 1358 تا 1366 ق) از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی قمی بهره مند شد، و در مدرسه هندیه به تدریس سطح پرداخت.

او پس از شهریور 1320 ش بعد از ده سال مفارقت از ایران جهت تقسیم املاک پدری به ایران آمد، و در بازگشت مدتی کوتاه در یکی از اردوگاههای ارتش اشغالگر انگلیس توقیف شد. و در سال 1362 ق تافوت آیت الله قمی ملازم آن مرحوم بود، و از سال 1367 تا 1391 ق در نجف اشرف به درس آیات: میرزا عبد الهادی

شیرازی، سید محسن طباطبائی حکیم، سید حسین حمای، میرزا آقا اصطهباناتی، میرزا حسن بجنوردی، میرزا هاشم آملی، سید محمود شاهرودی و سید ابو القاسم خوئی شرکت جست، و بهره‌کافی و وفای تحصیل نمود و به درجه‌عالی اجتهاد نایل گردید.

سمامی حائری در تمام مدت تحصیل به تدریس ادبیات و سطوح عالی به جز در تابستان مشغول بود، در تابستانها به واسطه ضعف مزاج و ضمنا جهت سرکشی به املاک موروثی و تبلیغ به رامسر مسافرت می نمود، و در مسجد نارنج بن گاهی اقامه جماعت می کرد.

از سال 1391 تا 1399 ق به طور دائم در رامسر و سپس در «کتالم» ساکن شد و مدت پنج ماه که هوا گرم می شد در مسجد بازار اقامه جماعت می نمود، و پس از نماز مغرب و عشا منبر می رفت و تفسیر قرآن و عقاید بیان می کرد.

نامبرده در اوایل سال 1400 ق ضعف عمومی بر وی مستولی گردید، و مدت شش ماه در حال ضعف و ناتوانی در بستر بسر برد. سرانجام در بامداد روز سه شنبه 4 ذی الحجه 1400/ ق مطابق با 22 مهر 1359/ ش در سن 70 سالگی در قم دیده از این جهان بربست، و همان روز آیت الله مرعشی بر جنازه اش نماز گذارد، و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

استاد شیخ محمد باقر ایروانی که از شعرای عرب زبان و معاریف نجفی است که فعلا در قم سکونت دارند، ابیات زیر را که متضمن ماده تاریخ ارتحال آن مرحوم، سروده است:

ذکری فقید التقی و العلم حافله بالمکرمات و صوت المجد قد هتفا

هذا الذی جلّ اهل الفضل يعرفه و بالصلاح و بالایمان قد عرفا

و کان مسعاه فی الدنیا الی هدف و فی جوار علی ادرك الهدفا

دعاه حبّ امیر المؤمنین و قد نال السعاده لما أن اتی النجفا

و فاز فوزا عظیما فی مآربه و فی محبه أهل البیت قد شغفا

ص: 980



و معظم الفخر قد امضاه بعد اذ فی كربلا و من فیض الهدی ارتشفا

و بعد ذاك الى ايران عاد و قد قضی بقم و طرف العمر منه غفا

و فی حما فاطم تمّ مدفنه حیا و میتا لآل المصطفی الفا

و من مآثره فی الفقه حاشیه علی المكاسب تخلید له و كفی

تکابنی فأرخ «فقدہ أسفا عبد اللطیف سما می سما شرفا»

## تألیفات وی

ایشان کتابهای زیادی نوشت، ولی در اثر مسافرت و مهاجرت به ایران همگی پراکنده و اغلب در نجف باقی ماند، بعضی از آنها از این قرار است:

1- تقریرات درس فقه میرزا عبد الهادی شیرازی.

2- تقریرات اصول سید ابو القاسم خوئی.

3- تقریرات اصول میرزا هاشم آملی.

4- رساله ای در صلاه مسافر و حمل جنائز و سجده بر تربت.

5- زنداقه در اسلام؛ ردّ بر حلولی ها و بعضی از فرق صوفیه و فلاسفه و مادیون، کتابی است مفصل و استدلالی.

6- حاشیه بر حاشیه مکاسب، از تألیفات آیت الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، که عین حواشی در هامش کتاب به خط نامبرده و یک دفتری جداگانه است.

7- شناخت امام زمان (عجل الله فرجه) یا امام شناسی. این آخرین اثری است که وی در یک سال قبل از فوتش به اتمام رسانید، و نظر به آنکه آن مرحوم علاقه شدیدی به امام زمان (عجل الله فرجه) داشت، نسبت به این کتاب علاقه فراوان ابراز می نمود، و در وصیت خود چاپ و نشر آن را سفارش نموده است. این اثر را در اختیار فرزندش آقای شیخ محمد سما می دیدم.

شیخ عبد اللطیف حائری در جوانی گهگاهی شعری می سرود ولی متأسفانه فعلا هیچ یک از اشعار او نزد نگارنده نیست. اجازات علمی و روایی زیادی از

اساتیدش تحصیل نمود، از جمله آنها:

1- شیخ آقا بزرگ تهرانی (اجازه روایت).

2- سید ابو الحسن اصفهانی و میرزا آقا اصطهباناتی و شیخ محمد کاظم شیرازی و سید حسین حمامی و سید محمود شاهرودی (اجازه اجتهاد).

3- میرزا عبد الهادی شیرازی و سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی و سید شهاب الدین مرعشی و میرزا هاشم آملی و حکیم و شریعتمداری و خوئی و شاهرودی و میرزا آقا اصطهباناتی (حسبیه و وکالت).

شیخ محمد سمّامی

## اسفار وی

همان طور که ذکر شد، تابستانها از نجف اشرف جهت تغییر آب و هوا و تبلیغ و سرکشی به املاک موروثی به ایران می آمد و در این سفرها مکرر به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در مشهد و حضرت معصومه علیها السلام در قم و حضرت عبد العظیم علیه السلام در شهر ری مشرف می شد. و همچنین یک سفر در بازگشت از ایران به عراق از راه ترکیه به شام رفت، و به زیارت حضرت زینب (سلام الله علیها) مشرف گردید، و در سال 1389 ق از بغداد به مکه مشرف گردید، و در سال 1397 ق مجدداً به زیارت عتبات عزیمت کرد.

## فرزندانش:

1- شیخ محمد سمّامی از فضلا و نویسندگان معاصراند. وی در 5/رمضان 1364/ق در کربلای معلّی دیده به جهان

ص: 982

گشود، و در سن کودکی به نجف اشرف رفت و به تحصیل علوم دینی همت گماشت و نیز دارای لیسانس حقوق می باشد. او فعلا در قم سکونت و به خدمات اجتماعی اشتغال دارند. جهت دستیابی به شرح حال ایشان به مقدمه کتاب اش «بزرگان تنکابن» صفحه 16 رجوع شود.

2- آقا حسن 3- آقا حسین 4- آقا فاروق.

## -منابع

1- بزرگان تنکابن 306.

2- بزرگان رامسر 86.

3- گنجینه دانشمندان 179/8 (فامیلیش را اشتباهها سماحی ذکر نموده است).

4- مستدرک أعیان الشیعه 133/3.

## شیخ عبد اللطیف مجد الواعظین اردبیلی

## اشاره

(ح- 1385 ق)

از مشاهیر و عاظم و سخنوران اردبیل بود.

در اردبیل تولد یافت. پس از سپری نمودن مقدمات، دروس سطح عالی را نزد علمای آن زمان، از جمله: آیت الله میرزا علی اکبر مجتهد اردبیلی به پایان برد. و به سمت وعظ و هدایت عامه روی آورد، و در مدت کوتاه از واعظان و خطیبان مشهور اردبیل گشت. شاید بتوان ایشان را اولین سخنور خطه اردبیل در آن روز دانست.

نامبرده هنگام حمله روسها به اردبیل به تهران رهسپار شد، و اقامت اختیار فرمود. او تبلیغ و ارشاد را بسیار مهم می دانست، به همین جهت بیشتر به نقاطی از قبیل: لنکران، بادکوبه و ماسالی می رفت و آثار پربرکتی از خود می گذاشت. استقبال پرشوری از او می شد، حتی اهالی بادکوبه جهت استقبال و خوش آمدگویی ایشان، کشتی فرستاده بودند.

آن مرحوم، استعداد و نبوغ سرشاری داشتند، و همیشه افسوس می خوردند که

ص: 983

چرا به دروس فقه و اصول بهای بیشتری ندادند تا به درجه اجتهاد برسند.

مجد الواعظین سرانجام در حدود سالهای 1385 ق در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان ابو حسین مدفون گردید.

## -منابع-

1-اطلاعات متفرقه.

2-مفاخر اردبیل (مخطوط-سید عبد الله مفتی الشیعه).

## شیخ عبد الله آل آقا کرمانشاهی

### اشاره

(1317-1397 ق)

حاج شیخ عبد الله فرزند علامه حاج شیخ احمد و نوه شیخ هادی آل آقا کرمانشاهی، و از نوادگان وحید بهبهانی و از علمای بزرگ تهران بود.

به سال 1317 ق در تهران دیده به جهان گشود، پس از طی مقدمات و برخی از سطوح در سال 1344 ق عازم قم مقدس شد، و سطوح عالی را نزد:

شیخ محمد علی ادیب تهرانی، و میرزا محمد همدانی فراگرفت.

خارج فقه و اصول را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود در ضمن سرپرستی «بیمارستان سهامی» که بیمارستان طلاب بود برعهده داشت.

در اواخر سال 1373 ق در پی ارتحال والد معظمش به تهران بازگشت، و در

ص: 984

(مسجد آقا محمود) به اقامه جماعت و ارشاد مردم پرداخت نیز مدیریت مدرسه جد اعلاى خود آقاى محمود را برعهده داشت.

سرانجام در شب پنجشنبه سلخ/محرم/1397 ق مطابق با 20دی/1356 ش در تهران به سن 80 سالگی درگذشت، و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- آقا محمد 2- آقا مهدی. و چهار دختر که دامادهای اهل علم ایشان عبارتند از: علامه شیخ محمد باقر جوادیان و علامه آقاى سید مهدی یثربی امام جمعه فعلی کاشان.

### -منابع

1- آثار الحجه 258/2.

2- گنجینه دانشمندان 370/4.

3- وحید بهبهانی 353.

### سید عبد الله بحرانی حائری

### اشاره

(1322-1416 ق)

سید عبد الله فرزند علامه سید محمد موسوی بحرانی حائری، از فضلاء معاصر بود.

وی در سال 1322 ق در کربلای معلّ تولد یافت.

مقدمات را که آموخت، به فراگیری دروس سطح نزد پدر ارجمند خود، و برادر ارشد خود سید محمد طاهر بحرانی، و دائی خویش سید زین العابدین شهرستانی و شیخ محمد سعید فارسی پرداخت. وی در مدرسه ایتام کربلا به تربیت و تعلیم جوانان اشتغال داشت. سپس در اثر فشارهای دولت عراق به تهران مهاجرت نمود،

ص: 985

و در یکی از مساجد قلهدک به اقامهٔ جماعت و ارشاد عامه مشغول بود.

بحرانی، در 26 محرم 1416/ ق در سن 93 سالگی در تهران زندگی را بدرود گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

حجه الاسلام مرحوم سید محمد صادق بحرانی، از فضلاء معاصر فرزند ایشان بود.

#### -منبع

1- اعلام من کربلاء (مخطوط- شیخ احمد خوشحالت).

#### شیخ عبد الله جوادی ابهری

#### اشاره

(1401-1317 ق)

آیت الله حاج شیخ عبد الله فرزند علامه شیخ فضل الله شیخ الاسلام نوه شیخ فتح الله ابهری «امام جمعه ابهر» ملقب به (جوادی)، در 1317 ق در ابهر زنجان متولد شد.

پس از طی مقدمات نزد پدر خود به قزوین رفت و سطوح را به انجام رسانید؛ در سال 1341 ق به قم عزیمت نمود و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی به مدت 7 سال استفاده نمود. و در سال 1348 ق به ابهر مراجعت و به وظایف دینی پرداخت، پس از مدتی به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیت الله میرزا محمد حسین نائینی بهره مند گردید و مجدداً به ابهر مراجعت نمود چند سالی هم در زنجان دفتر ازدواج داشت، ولی در سال 1360 ق

ص: 986

آن را رها و به ابهر مراجعت و در (مسجد نور) به اقامه جماعت و جمعه و نیز تدریس سطوح اشتغال ورزید، تجدید بنای مسجد و حسینیه ابهر از بناهایی است که به همت و کوشش ایشان بنا گردید.

### از آثار قلمی وی:

- 1- دلیل الوراثة، کتابی در ارث.
  - 2- رساله ای در لباس مشکوک.
  - 3- قاعده الید (تقریرات نائینی).
  - 4- قاعده لا ضرر و لا ضرار.
  - 5- حاشیه علی المکاسب.
  - 6- حاشیه علی درر الاصول (از حائری یزدی).
  - 7- نجم لایح در جواب برهان واضح، رساله ای در ردّ مسلک باب و بهاء فراغت از تألیف آن به سال 1382 ق در 80 صفحه انجام گرفته است.
  - 8- شهادت و ولایت.
  - 9- اذان و اقامه.
- شیخ عبد الله جوادی ابهری (در وسط تظاهرات ابهر)
- ص: 987

وی در روز یکشنبه 8 جمادی اول 1401/ق مطابق با 24 اسفند/ 1359 ش در سن 84 سالگی در پی بیماری کوتاهی در تهران درگذشت، و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون گردید.

### فرزندانش:

1- شیخ ضیاء 2- آقا بهاء الدین، دبیر دبیرستانها 3- علاء الدین 4- شهاب الدین 5- رکن الدین.

### -منابع

1- آثار الحججہ 205/2.

2- الفهرست لمشاهیر علماء زنجان 13.

3- تاریخ زنجان 323.

4- دایرهالمعارف تشیّع 450/1.

5- گنجینه دانشمندان 44/3.

### شیخ عبد الله شهیدی قزوینی

### اشاره

(1414-1340 ق)

حاج میرزا عبد الله فرزند آیت الله شیخ عبد الحسین امام جمعه و نوه علامه شیخ مرتضی برغانی قزوینی معروف به (شهیدی).

در محرم 1340 ق در قزوین متولد گردید.

وی پس از طی دوره های تحصیلی جدید، به تحصیل علوم دینی اشتغال یافت، و مقدمات را نزد پدر خود آموخت.

### مهاجرت به قم

در سال 1361 ق به قم مهاجرت کرد، و سطوح را فراگرفت، و در درس آیت الله

ص: 988



سید محمد حجت کوه کمری حاضر شد، و در سال 1372 ق افتخار دامادی ایشان را پیدا کرد و نیز از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید روح الله خمینی و سید شهاب الدین مرعشی استفادۀ نمود.

وی مورد توجه خاص آیت الله مرعشی نجفی قرار گرفت، و به عنوان یکی از اصحاب استفتا و عضو لجنه تحقیق کتاب «احقاق الحق» انتخاب گردید، و مدیریت مدارس علمیه معظم له را عهده دار شد، و از این طریق منشاء خدمات بی دریغی در حوزه علمیه قم گردید.

## از آثار او

1- تفسیر سورة يوسف علیه السلام.

2- کتاب المعراج.

سرانجام در روز پنجشنبه 26 شوال 1414 / ق مطابق با 18 فروردین / 1373 ش در قم درگذشت، و پیکرش در قبرستان «باغ بهشت» - مقبره العلماء - به خاک سپرده شد.

## - منابع

1- گنجینه دانشمندان 180/2.

2- جزوه ای مختصر در شرح حال ایشان

سید عبد الله قاهانی «صدر عراقی»

## اشاره

(1305-1385 ق)

حاج سید عبد الله فرزند سید آقا حسینی قاهانی ملقب به (صدر عراقی) و (صدر المحققین)، یکی از خطبای نامی و عرفای معروف ایران بود و به تاریخ 8/ رمضان 1305/ ق در «قاهان» خلیجستان قم دیده به جهان گشود.

وی پس از تحصیل و آموختن مقدمات به وعظ و خطابه روی آورد، و در رشته

ص: 989

خود یکی از مشاهیر و معارف محسوب می شد. و در سایر نقاط ایران و حتی در عراق به خصوص در نجف اشرف جهت وعظ و ارشاد، در مساجد و حسینیه ها منبر می رفت. و نظر به اینکه ایشان پس از وفات محمد حسن پیر مراغه (محبوب علی شاه) به ریاست (سلسله کوثریه) رسید و خود را قطب بلامنازع می دانست، هنگام سفرش به عتبات عالیات به ویژه در نجف اشرف آیت الله میرزا آقا اصطهباناتی منبری را تحریم نمود، ولی در اثر کثرت تحریمها و تکفیرهای صادره از طرف آیت الله اصطهباناتی اثر مطلوبی نداشت.

در کتاب بیوگرافی هزار درویش یا حدیقه العرفاء اثر شیخ عبد الکریم مدرسی عالم (معصوم علی شاه) آمده است که صدر عراقی خدمت 14 نفر از اولیاء رسیدند که نام آنان به شرح زیر می باشد:

1- سید محمد جواد قاهانی، مجتهد در نجف اشرف.

2- میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، در قم.

3- مشهدی محمد حسن خیاط، در شهر ری.

4- میرزا محمد تقی گرکانی.

5- سید ابو تراب دربندی.

6- سید یحیی امامزاده قاسمی، در شمیران تهران.

7- میرزا حسن عارف تهرانی.

8- شیخ عبد الرحیم نوه صاحب الفصول.

9- شیخ رجبعلی خیاط.

10- شیخ عبد الحسین ذو الرئاستین.

11- سید جمال الدین گلپایگانی، در نجف اشرف.

12- شیخ مرتضی طالقانی، در نجف اشرف.

13- حسین همدانی، در همدان.

14- شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، در نجف اشرف.

سرانجام بعد از ظهر روز چهارشنبه /25شوال1385/ ق مطابق با /27بهمن1344/ ش به سن 80 سالگی در تهران درگذشت، و در قبرستان ابو حسین قم مدفون شد.

بر قبرش این رباعی منقوش است:

پیمانہ کجا شکست و ساقی کی رفت

دلدادہ بہ سوی ملک باقی کی رفت

با عشق علی جان تو جاویدان است

گفتم ز غمش: (صدر عراقی کی رفت)

### -منابع

1- اظهارات یکی از دوستان.

2- بیوگرافی هزار درویش یا حدیقه العرفاء 65.

3- سلسله های صوفیه ایران 201.

### شیخ عبد الله قمی

### اشاره

(-1357 ق)

شیخ ملا- عبد الله فرزند باقر حدّاد قمی، از دانشمندان و بزرگان برجسته قم، و پدر آقایان موحدی، توحیدی و ندیمی بود، و در محله «عشقعلی» سکونت داشت.

ایشان ابتدا در مدرسه فیضیه و بعد از آن در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت اشتغال داشت، و در تابستان ها به «وشنوه» و اطراف آن- که مناطق بیلاقی و خوش آب و هوا است- می رفت.

نامبرده یکی از همکاران نزدیک آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی بود، و در تأسیس حوزه علمیه نقش مهمی در کنار آیت الله مؤسس ایفا نمود.

وی در سال 1357 ق مطابق با 1317 ش در قم درگذشت، و جسدش در کنار تربت آیت الله حائری یزدی در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.



## فرزندانش:

1- علامه شیخ محمد موحدی 2- ثقهالاسلام شیخ یحیی توحیدی متوفای 15 ربیع اول 1401/ ق در سن 80 سالگی، و مدفون در قبرستان شیخان است 3- میرزا احمد ندیمی 4- میرزا علی 5- میرزا محمود 6- میرزا مهدی و یک دختر، که فعلا فقط همین خانم در قید حیات است.

## -منابع

1- آثار الحجج 65/1.

2- اطلاعات متفرقه.

3- معجم القبور و وفیات الأعلام (خطی-رازی).

## شیخ عبد الله گشایشی اهری

## اشاره

(ح 1330-ح 1410 ق)

شیخ عبد الله فرزند میرزا حسن گشایشی اهری، از فضلا و پارسایان معاصر قم بود.

وی اهل «گشایش» اهر، واقع در آذربایجان شرقی است و احتمالا در همان جا در حدود سال 1330 ق تولد یافت.

در سن جوانی به قم مهاجرت کرد و دروس سطح را نزد سید احمد زنجانی و سید شهاب الدین مرعشی به پایان رساند. دروس خارج را از محضر

ص: 992

آیات: سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود.

گشایشی در حدود سال 1410 ق در قم بدرود حیات گفت و در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

## -منابع

1- آینه دانشوران 421.

2- اطلاعات متفرقه.

## شیخ عبد الله لنکرانی

## اشاره

(ح 1332-1412 ق)

از دانشمندان و معاریف شمال تهران بود.

وی در حدود سال 1332 ق در لنکران متولد گردید.

لنکرانی پس از آموختن مقدمات به حوزه علمیه اردبیل رفت و مدتی چند مشغول تحصیل بود. سپس به قم رهسپار شد و سطوح را از محضر آیات: شیخ فاضل لنکرانی و سید شهاب الدین مرعشی استفاده نمود. دروس خارج را از محضر آیات، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی و حکمت عقلی را از محضر سید روح الله خمینی بهره مند گردید و خود به امر تدریس اهتمام ورزید.

او مردی با فضیلت و اهل بحث جدل و بسیار خوش استعداد بود. پس از کسب درجه علمی، به امر آیت الله بروجردی رهسپار «دروس» شمیران تهران شد و به امر هدایت و ارشاد پرداخت.

سرانجام در سال 1412 ق در تهران درگذشت. پیکرش به قم حمل و در جوار علی بن جعفر علیه السلام مدفون گردید.

ص: 993

## فرزندانش:

1- آقا حسن 2- آقا علی و دو دختر.

## -منابع

1- آثار الحجه 98/2.

2- اظهارات آیت الله شیخ عبد الحسین لنکرانی «بهبودی».

3- گنجینه دانشمندان 661/4.

## میرزا عبد الله مجتهدی سرابی

## اشاره

(1411-1319 ق)

حاج میرزا عبد الله فرزند آیت الله شیخ علی اکبر مجتهد و نوه شیخ علی مجتهدی تبریزی (سرابی)، از علمای معروف تبریز بود.

به تاریخ 17 ربیع الاول/ 1319 ق در تبریز متولد گردید.

وی در حدود 7 سالگی همراه پدرش به سراب رفت و پس از آموختن مقدمات، شرح لمعه را نزد پدرش فرا گرفت. در سال 1344 ق به قم مهاجرت کرد، و سطوح را نزد آیات: میرزا محمد همدانی، سید احمد خوانساری و سید محمد تقی خوانساری تلمذ نمود، و دروس خارج را در محضر آیتین علمین: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سید محمد حجت کوه کمری (مدت کمی)، و

ص: 994

فلسفه را از محضر حکیم بزرگ شیخ محمد علی شاه آبادی استفاده نمود.

وی در سال 1356 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد، و از محضر آیات: شیخ ضیاء الدین عراقی (مدت کمی)، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (مدت کمی)، و سید ابو الحسن اصفهانی استفاده شایان برد. در حدود سال 1364 ق در پی درخواست اهالی تبریز از آیت الله اصفهانی به تبریز مراجعت کرد و تا آخر عمر خود در آنجا زیست. در یکی از مساجد مدرسه طالبیه و نیز در مسجد (سید حسین) محله ششکلان به اقامه جماعت و گفتن تفسیر قرآن مجید، و در منزل خود به تدریس سطوح می پرداخت که در اواخر عمر به تدریس خارج عروه اشتغال داشتند، و در سایر مراسم و امور دینی در کنار مردم بودند. او با آیت الله شیخ عبد الله مجتهدی تبریزی هم بحث بود که گاهی جلسات در منزل او و گاهی در منزل دوستش تشکیل می شد.

## از آثار او

1- الرد علی تفسیر ابی الفتوح الرازی، در 7 جلد.

2- انوار الهدی فی التعلیق علی العروه الوثقی (استدلالی).

ایشان متأسفانه در ساعت 9 صبح روز جمعه 4/ محرم 1411/ ق مطابق با 5/ مرداد 1369/ ش به سن 92 سالگی در تبریز درگذشت، و جسدش به قم حمل و در روز شنبه تشییع و در قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

1- محمد علی (عطاء الله) 2- محمد صادق (نعمت الله) و چهار دختر هستند که تنها داماد اهل علم او، جناب حجه الاسلام آقای شیخ سلمان طاهرزاده سرابی می باشد.

## -منابع

1- آثار الحجه 230/2.

ص: 995



2- افادات شیخ سلمان طاهرزاده.

3- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 8.

4- گنجینه دانشمندان 313/3.

**سید عبد الله موسوی شبستری**

**اشاره**

(1334-1420 ق)

حاج سید عبد الله موسوی شبستری، از دانشمندان و مفسران کتاب الهی در پی بیماری و کهولت سن در تهران درگذشت.

ایشان در سال 1334 ق در شهرستان شبستر-هشت فرسخی تبریز- در خانواده ای دانا و مؤمن دیده به جهان گشود. پدرش تقهالاسلام سید اسد الله فرزند میر بابا شبستری از روحانیون و فرهنگیان معروف خطه شبستر به شمار می رفت.

سید عبد الله پس از طی تحصیلات دوره ابتدائی، در سال 1350 ق به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات و علوم ادبی را نزد پدر خود و علامه میرزا رسول هریسی، و کتاب های مطول، شرح شمسیه و شرح منظومه را نزد آیت الله سید مرتضی شبستری فراگرفت.

در سال 1356 ق به حوزه علمیه تبریز پیوست و در مدرسه طالبیه مشغول تحصیل دروس سطح گردید. وی شرح لمعه را نزد علامه شیخ ابراهیم بادکوبه ای و علامه سید علی مولانا تبریزی خواند و کتاب قوانین الاصول و متون کتب درسی دیگر را نزد حضرات آیات: میرزا محمود دوزدوزانی، سید مرتضی خسروشاهی، شیخ حسین شب غازی و میرزا کاظم مجتهد شبستری و میرزا محمد توتونچی به پایان برد.

ص: 996

آیت الله شبستری در اواخر سال 1360 ق به حوزه علمیه قم رهسپار شد و باقی درس شرح لمعه را نزد آیت الله سید شهاب الدین مرعشی به پایان رساند و دروس خارج فقه و اصول را در محضر فقهای چون: سید محمد حجّت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد فیض قمی، سید صدر الدین صدر، شیخ محمد قمی (کبیر)، شیخ عباسعلی شاهرودی و شیخ عبد النبی اراکی و دروس کلام و حکمت را از محضر علامه سید حسین قاضی طباطبائی تبریزی، به نحو احسن استفاده نمود.

در سال 1366 ق جهت معالجه به تهران رفت و در پی درخواست عده ای از مؤمنین در مسجد حاج میرزا احمد واقع در خیابان مولوی به وظایف دینی اشتغال ورزید. وی در تهران از تحصیل بازنماند و در دروس فقهی و اصولی حضرات آیات:

شیخ علی مدرس تهرانی (خارج کفایه)، شیخ محمد تقی آملی، سید احمد خوانساری و سید ابو الحسن رفیعی قزوینی (علاوه بر فقه و اصول، در دروس حکمت نیز) استفاده کرد.

نامبرده علاوه بر اشتغال به وعظ و ارشاد در مرکز، در شهرهای قزوین و شبستر و حومه آنها به انجام فعالیت های مذهبی می پرداخت، و در تهران همراه با آیت الله سید مرتضی شبستری و افراد خیر اقدام به تجدید بنای (مسجد سپهسالار) واقع در خیابان چراغ برق نمود.

علامه شبستری در سال 1394 ق و پس از گذشت 28 سال خدمت و ارشاد در تهران به مشهد مقدس رهسپار

شد. ایشان پس از ورود اقدام به تدریس فقه و اصول و گفتن تفسیر قرآن مجید نمود.

مدتی هم در حرم مطهر (دارالسلام) به اقامه جماعت و هدایت اشتغال داشت.

آیت الله شبستری پس از 22 سال آستان بوسی ثامن الحجج علیه السلام، در اوایل سال 1416 ق حوزه علمیه قم را مسکن گزید و فقط به گفتن تفسیر و احیای مراسم مذهبی اشتغال داشت و غالباً بر اثر کسالت و شدت بیماری در منزل بستری بود.

### آثار قلمی ایشان به شرح زیر است:

1- الألفاظ الالهيه في الخطابات القرآنيه، 1416 ق، انتشارات رسالت قم، وزیری، 288 ص.

2- النکاح و الطلاق.

3- درایه الحدیث.

4- زبده الأحکام (رساله عملیه)، در سال 1389 ق در تهران به چاپ رسید.

5- سوانح حیات، گزیده ای در شرح حال خود و بخشی از خاطرات.

6- صیغ العقود.

7- کتاب الأربعین: شرح چهل حدیث عرفانی و اخلاقی، 1414 ق، رقعی، قم، 159 ص.

8- مصباح الهدایه یا مفتاح السعاده، انتشارات مصطفوی تهران، رقعی، 80 ص. جلد اول این اثر پیرامون نبوت است، و جلد دوم آنکه مخطوط است، پیرامون امامت می باشد.

9- نماز شب.

آیت الله شبستری سرانجام در صبح روز چهارشنبه 17 صفر 1420/ ق برابر با 12 خرداد 1378/ ش در یکی از بیمارستانهای تهران درگذشت. پیکرش عصر روز پنجشنبه در قم تشییع و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله سید محمد وحیدی شبستری در ابتدای قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

ص: 998

(1321-1399 ق)

حاج شیخ عبد الله فرزند آیت الله شیخ احمد و نوه علامه شیخ محمد علی شاهرودی، ملقب به «مهدوی» از علمای معروف تهران بود. وی در سال 1321 ق در شاهرود (استان سمنان) تولد یافت.

مقدمات علوم دینی را در زادگاه خود آموخت، سپس به مشهد مقدس رفت و سطح را در آن دیار به پایان رساند. در سال 1340 ق به شاهرود بازگشت و یک سالی از محضر پدر خود استفاده نمود. در سال 1341 ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، میرزا محمد حسین نائینی و سید ابو الحسن اصفهانی (که دو شخصیت اخیر در دوران تبعید به سر می برند) خارج فقه و اصول بهره مند گردید.

در سال 1343 ق به عتبات عالیات رفت و در حوزه کهن نجف اشرف از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی استفاده شایان را برد.

در اوایل سال 1350 ق و در پس رحلت پدر خود به شاهرود مراجعت نمود و به امر تدریس و هدایت اهتمام ورزید و در امور سیاسی و اجتماعی در صدارت قرار گرفت. ولی در سال 1377 ق در اثر خستگی و کسالت روحی تهران را جهت اقامت برگزید و به خدمات دینی و اجتماعی خود تا حدی ادامه داد. در «مسجد مشیر السلطنه» واقع در خیابان مولوی - به اقامه جماعت و ارشاد اشتغال داشت.

مهدوی در اواسط/تیر 1358/ش در پی ابتلا به بیماری در سن 78 سالگی در تهران زندگی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ بهشت مدفون گردید.

آقای دکتر محمد شریف مهدوی که از اساتید مبرز تهران می باشد، فرزند ایشان است.

## -منابع

1- روزنامه اطلاعات، به تاریخ 13 تیر 1358/ ش، ص 2.

2- گنجینه دانشمندان 573/4.

## ملا عبد الله واعظ طالقانی

### اشاره

(ح- 1373 ق)

ملا- عبد الله واعظ فرزند ملا بهرام و نوه حسن بیک شهراسری طالقانی، از واعظان نامی و فضلا بود. وی تحصیلات خود را در قزوین و تهران به پایان برد به وعظ و ارشاد روی آورد و از صدای خوبی برخوردار بود و مطالب عالی بیان می کرد، به همین خاطر منبرش مورد توجه عامه مردم بود.

ایشان در ضمن داشتن دفترخانه رسمی، منبر دهاتهای دور و نزدیک را هم داشت، و یکی از معاریف نام آور طالقان گردید.

ملا عبد الله، در حدود سال 1373 ق درگذشت و در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

## -منبع

1- نوشته های آقای سید اشرف الدین کیا طالقانی.

ص: 1000

(1289-1355 ق)

میرزا عبدالمحمد الهامی فرزند علامه سید زین العابدین و نوه سید یوسف حسینی اسکویی تبریزی، از دانشمندان و وعاظ معروف اسکوی بود.

وی در روز 14 ذی الحجه 1289/ ق در «اسکو» واقع در استان آذربایجان شرقی، تولد یافت.

پدرش از علما و ادبای عصر خود بود. در 24/ربیع الاول 1250/ ق در اسکوی به دنیا آمد و در همان جا به کسب معارف الهی پرداخت. در سال 1271 ق به تبریز رفت و مشغول تحصیلات عالیه گردید.

از آثار او: 1- ترجمه قصاید شیخ احمد احسانی و ترجمه اشعار مرثی سید مهدی بحر العلوم به فارسی.

میرزا عبدالمحمد، اولیات را در زادگاه خود آموخت، سپس عازم حوزه تبریز شد و علوم و معارف الهی و ادبی را از محضر اساتیدی چون: میرزا محمد تقی نیر «حجه الاسلام»، میرزا محمد حسین حجه الاسلام، میرزا اسماعیل حجه الاسلام، میرزا علی طباطبائی و میرزا علی تقهالاسلام (شهید) استفاده نمود. آنگاه به عتبات عالیات رفت و مدتی چند در کربلای معلای نزد میرزا موسی احقاقی تلمذ کرد و نیز در حوزه های علمیه: نجف اشرف و سامرا تحصیلاتی داشته است. آنگاه به زادگاهش مراجعت فرمود و به وعظ و ارشاد و انجام امور مذهبی و اجتماعی پرداخت. اشتغالات ایشان به منبر و محراب مجالی برای تألیف نمی داد.

وی در روز یکشنبه 26 جمادی الثانی 1355/ ق مطابق با 22 شهریور/ 1315 ش در سن 66 سالگی در اسکوی زندگی را وداع گفت. پیکرش ابتدا به مدت سه سال در همان شهر مدفون گردید. سپس به زمین قم انتقال و به خاک سپرده شد.

ص: 1001

فرزندش آقای سید محمد الهامی فعلا در اسکو اقامت دارد و معلومات فوق از او استفاده شد.

## سید عبد المطلب بهبهانی

### اشاره

(1329-1415 ق)

سید عبد المطلب فرزند سید هاشم و نوه سید محمد فرزند سید جعفر موسوی بلادی معروف به «بهبهانی» از وعاظ و سخنوران مخلص آستان حسینی بود.

وی در سال 1329 ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

پدرش از فضلا و خطبا و سخنوران بود که به پارسائی و تقوا اشتها داشت. در سال 1345 ق در راه سفر حج بدرود زندگی گفت و در مدینه منوره مدفون شد.

به هر حال سید عبد المطلب از سن جوانی نزد خطیب بزرگ حسینی شیخ جواد قسّام ادبیات و مقدمات را آموخت، همین طور فنّ سخنرانی و اصول منبر را از او فراگرفت. در خطابه و سخنرانی از افراد موفق شد و در نحوه بیان مطالب و ایراد کلام و حسن انتخاب موضوع سلامت طبع داشت و در خواندن مرثی و نوحه سرائی صدا و نفس گرمی دارا بود.

ایشان در اثر فشارهای دولت عراق به ایران تبعید شد و در قم سکونت اختیار کرد و به وظایف دینی خود ادامه داد.

### از آثار او

1- اولیات علی علیه السلام.

2- تاریخ الکوفه فی القرن الأول.

3- مواقف بطولیه لرجال الشیعه.

نامبرده در صبح روز یکشنبه 5/رمضان 1415/ ق مطابق با 16/بهمن 1373 در سن 86 سالگی در قم درگذشت. پیکرش عصر روز دوشنبه تشییع و در باغ

ص: 1002

بهشت در خاک آرمید.

آقای سید عبد الله موسوی که از فرهنگیان شایسته است، فرزند او می باشد.

## -منابع

1- شرح حال مختصری از زبان آن مرحوم که در سال 1410 ق یادداشت کرده بودم در اینجا استفاده شد.

2- مشهد الامام او مدینه النجف 73/3.

## سید عبد المطلب جزائری «آل مهدی»

## اشاره

(1332-1415 ق)

سید عبد المطلب فرزند علامه سید یوسف موسوی جزائری «آل مهدی»، از فضلا و پژوهشگران معاصر بود.

وی در سال 1332 ق مطابق با 1293 ش در سوسنگرد (خفاجیه) - استان خوزستان - متولد گردید.

ایشان در سن کودکی گرد یتیمی بر سرش نشست و والدین خود را از دست داد، به همین خاطر در سن 10 سالگی رهسپار نجف اشرف شد و زیر نظر عموی خود، سید عبد الله جزائری تربیت یافت.

وی مقدمات را نزد علامه شیخ محمدطه کریمی گذرانید. و پس از طی سطوح نزد آیت الله شیخ محمد طاهر خاقانی (آل شبیر) در درس خارج حضرات آیات: سید

ص: 1003



ابو الحسن اصفهانی، میرزا عبد الهادی شیرازی و سید ابو القاسم خوئی شرکت جست.

جزائری در حدود سال 1372 ق به اهواز رهسپار شد و تحصیلات خود را نزد حضرات آیات: سید علی بهبهانی رامهرمزی و سید محمد جعفر مروج جزائری ادامه داد. در ضمن ایشان در تعطیلات تابستانی به قم و مشهد می رفت و در درس حضرات آیات: سید کاظم شریعتمداری، سید محمد رضا گلپایگانی، سید شهاب الدین مرعشی و سید محمد هادی میلانی شرکت می کرد.

چنانکه اشاره رفت وی در اهواز اقامت داشت و منشاء خدمات اجتماعی بود که از جمله آثار خیریه او: تأسیس مسجد و کتابخانه ای که به نام (جزائری) معروف بود. ولی در اثر حوادث روزگار رو به خرابی نهاد و پس از چندی مجدداً تجدید بنا گردید. در ضمن مرحوم جزائری در مدرسه انصاری به تدریس کتب ادبیات و متون کتب درسی اشتغال داشت و عده ای از طلاب از محضرش کسب فیض می کردند.

نامبرده در پی جنگ ایران و عراق در سال 1400 ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و رسماً در درس آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی شرکت می نمود.

### **آثار ایشان به شرح زیر است:**

1- المجالس الحسینیه.

2- تفسیر آیات الکون.

3- تقریرات درس آقای بهبهانی.

4- شرح معالم الاصول.

5- کتاب فی الأخلاق.

علامه جزائری در شب شنبه (ساعت 7/2 جمادی اول 1415/ق مطابق با 16 مهر 1373/ش در پی بیماری ریوی در بیمارستان گلستان اهواز درگذشته و جسدش به قم حمل و صبح روز دوشنبه از حسینیه خوزستانی ها تشییع و در باغ رضوان واقع در خاکفرج مدفون شد.

ص: 1004

## فرزندانش:

1-سید جواد 2-سید احمد 3-مرحوم سید اسماعیل 4-سید رسول 5-سید عبد الأمير 6-سید باقر 7-سید نقابت 8-سید کاظم 9-مرحوم سید عبد الصاحب 10-مرحوم سید عبد الإله. و پنج دختر از او به یادگار ماند.

## -منبع

1-اطلاعاتی از خود مرحوم، صاحب شرح حال.

## سید عبد المطلب شیرازی

## اشاره

(ح 1329-1404 ق)

میرزا محمد حسن شیرازی

حاج سید عبد المطلب فرزند هاشم و نوه علامه میرزا محمد شهید فرزند آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی از فضلا و خوشنویسان معاصر بود.

وی در حدود سال 1329 ق در سامرا دیده به جهان گشود.

پس از نشو و نما به نجف اشرف رهسپار شد و تحصیلات عالی خود را نزد آیات: عموی پدر خود، میرزا علی شیرازی و شیخ محمد حسین غروی اصفهانی به پایان رسانید.

شیرازی در حدود سال 1373 ق رهسپار تهران شد و در اثر زیبایی خط به کارهای نوشتاری و خوشنویسی پرداخت.

## از آثار او

1-شرح و ترجمه نهج البلاغه، که به خط زیبای او از طرف مدرسه عالی

ص: 1005

سپهسالار، گراور و طبع گردید.

نامبرده در روز جمعه 12 صفر 1404/ ق مطابق با 27 آبان 1362/ ش در حدود سن 75 سالگی در تهران چشم از جهان فرو بست. پیکرش به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السّلام به خاک سپرده شد.

### از جمله فرزندان:

1- سید ابو الفضل 2- سید محمد که فعلا سمت استادی دانشگاه را دارد. و علامه شیخ مهدی شاه آبادی که به شهادت رسید، دامادش بود.

### -منابع

1- اطلاعاتی از آیت الله سید رضی شیرازی (دام ظلّه).

2- معجم القبور و وفیات الأعلام (خطی - رازی)، (البته تولدش را در نجف اشرف دانسته که اشتباه است).

### میرزا عبد المطلب فقیه اردوبادی

### اشاره

(1304-ح 1383 ق)

میرزا عبد المطلب فقیه فرزند اسماعیل اردویاری، در سال 1304 ق در اردویاد متولد گردید، و در غائله بلشوکی ها وی از جمله مهاجرین منطقه «اردویاد» به طرف آذربایجان ایران بود، که رحل اقامت خود را در ارومیه افکنده، سپس به تبریز رفته و در حوزه درسی آیت الله سید ابو الحسن انگجی و آیه الله سید مرتضی خسروشاهی در فقه و اصول بهره مند شده، و نیز از اخلاقی شهیر میرزا جواد آقا ملکی استفاده کرده و سرانجام در ارومیه اقامت نموده است.

دانشمند معظم جناب آقای شیخ محمد فوزی (دام مجده) درباره اش می نویسند: (ایشان از نظر فضل و معلومات جزو علمای به نام و طراز اول ارومیه به شمار می رفت، و در ضمن به اقامه نماز جماعت در (مسجد خطیب) و ایراد وعظ و

ص: 1006

خطابه، در مسجد خود، نیز به تدریس اشتغال داشت).

البته ایشان در پی بعضی از حوادث و ترس از حکومت، وقت خود را به تجارت در بازار فرش مشغول می ساخت. شایان ذکر است که آقای فوزی خود به همراه عده ای از محصلین، قسمتی از متن عروه الوثقی را از محضرش استفاده نموده است.

### از آثار قلمی او:

1- تقریرات طهارت انگجی، 2- کتابی درباره امام زمان «عج» (فارسی)، 3- دعوت محمدیه (چاپ شده)، 4- حاشیه الطهاره من العروه الوثقی.

سرانجام در جهادی ثانی 1378/ ق مطابق با دی 1337/ ش به سن 74 سالگی در ارومیه درگذشت، و در قبرستان شیخان قم مدفون گشت.

### فرزندانش:

1- تقی 2- ابراهیم و دو دختر

### -منابع-

1- اظهارات نواده مترجم له.

2- مؤلفین کتب چاپی 10/4 (مترجم را با اردوباری دیگری متحد دانسته).

### شیخ عبد المنعم خاقانی

### اشاره

(1327-1405 ق)

شیخ عبد المنعم فرزند آیت الله شیخ عبد المحسن و نوه شیخ حسین خاقانی، از فضلا و ادبای معروف خوزستان بود.

وی در سال 1327 ق در نجف اشرف متولد گردید.

نامبرده، در دوران کودکی همراه پدر خود به آبادان رفت و پس از نشو و نما و

ص: 1007

تحصیل مقدمات به نجف اشرف رهسپار شد و پس از طی سطوح، دروس کلام و تفسیر را از محضر علامه شیخ محمد جواد بلاغی و دروس فقه و اصول را از محضر آیت الله سید ابو القاسم خوئی استفاده نمود. آنگاه به آبادان مراجعت نمود و به تدریس و ارشاد و هدایت مردم اشتغال ورزید. و پس از آغاز جنگ تحمیلی به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد.

## از آثار او

1- دیوان اشعار.

خاقانی در سال 1405 ق در سن 78 سالگی در قم وفات نمود و پیکرش در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

فرزندش حجه الاسلام شیخ محمد خاقانی، فاضل و مترجم برخی آثار قلمی از فارسی به عربی است.

## -منابع

1-دموع الوفاء 186.

2- شعراء الغری 168/4 و 413/5.

3-معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف 474/2.

## شیخ عبد الوهاب روحی یزدی

## اشاره

(ح 1325-1410 ق)

حاج شیخ عبد الوهاب روحی فرزند علامه شیخ محمد حسین یزدی، از فضلا و بزرگان و اساتید حوزه علمیه قم بود.

وی در حدود سالهای 1325 ق در یزد متولد گردید.

ایشان مقدمات و برخی از سطوح را در زادگاهش نزد اساتیدی چون: سید احمد بن محمد مدرس طباطبائی، میرزا حسن محمودآبادی

یزدی و ملا حیدر فرا

ص: 1008

گرفت. سپس در حدود سال 1349 ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و سطوح را نزد علامه میرزا محمد همدانی به پایان رسانید. دروس خارج را هم از محضر آیاتی چون: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدر الدین صدر و سید حسین طباطبائی بروجردی بهره مند شد، مرحوم روحی در ضمن تحصیل به تدریس فقه و اصول اشتغال داشت و یکی از ممتحنین رسمی حوزه در زمان آیت الله بروجردی به شمار می رفت و نماز جماعت و ارشاد را در محله خاکفرج بر پا می نمود.

نامبرده در روز دوشنبه 5 جمادی اول 1410/ ق مطابق با 3 دی / 1368 درگذشت. پیکرش عصر روز سه شنبه از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### -منابع

1- آثار الحجّه 101/2.

2- آینه دانشوران 275.

3- گنجینه دانشمندان 165/2.

شیخ عبد الهادی قمی «حاج آخوند»

### اشاره

(-1384 ق)

حاج شیخ عبد الهادی فرزند آیت الله شیخ غلامرضا قمی «حاج آخوند»، از

ص: 1009

فضلاى قم بود.

وى تحصیلات خود را در محضر اساتیدی چون حضرات آیات: میرزا ابو القاسم قمی «کبیر»، حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد فیض قمی، و سید حسین طباطبائی بروجردی به پایان رسانید.

ایشان در سال 1384 ق درگذشت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- حاج علی فقیهی رضایی 2- حاج محسن.

### منابع

1- آثار الحجه 100/2.

2- رجال قم 130.

3- گنجینه دانشمندان 122/2.

4- مقدمه قلائد الفرائد 10، به قلم استاد جعفر سبحانی.

### شیخ عز الدین نجفی اصفهانی «مسجد شاهی»

### اشاره

(ح 1330-1399 ق)

حاج شیخ عز الدین فرزند آیت الله شیخ محمد رضا و نوه علامه شیخ محمد حسین نجفی اصفهانی، از خاندان معروف «مسجد شاهی» و از فضلا و معاریف اصفهان بود.

وى در حدود سال 1330 ق در نجف اشرف تولد یافت.

پدرش (1287-1362 ق) از مشاهیر علما و اساتید حوزه ها بود. وی از جمله شاگردان برجسته: حاج آقا رضا همدانی، سید محمد فشارکی اصفهانی، ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی در فقه و

ص: 1010

اصول و میرزا حسین نوری، سید مرتضی کشمیری و شیخ الشریعہ اصفهانی در علم حدیث و رجال در نجف اشرف به شمار می رفت.

### از آثار قلمی اش:

1- اداء المفروض فی شرح ارجوزه العروض 2- الأمجديه فی أعمال شهر رمضان 3- حلی الدهر العاطل فی من أدركته من الأفاضل 4- دیوان شعر 5- نقد فلسفه داروین 6- وقایه الأذهان.

شیخ عز الدین در سال 1333 ق همراه پدر ارجمند خود به اصفهان رفت و مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی را نزد شیخ امان الله گینکانی و ملا فرج الله درّی آموخت. سپس خدمت پدرش درس خواند.

وی پس از فراغت از تحصیل به امور اجتماعی و رسیدگی و اداره دفتر ثبت اسناد اشتغال جست و در محله بیدآباد سکونت اختیار نمود. او فاضلی نیکونهاد و عالمی خوش اعتقاد و دائم الذکر و خلیق و مهربان و خوش معاشرت بود.

### از آثار قلمی او، جزواتی مختصر به شرح زیر می باشند:

1- رساله در اصول.

2- رساله در درایه.

3- رساله در صرف.

4- رساله در فقه.

5- رساله در کلام.

ص: 1011



6- رساله در منطق.

7- رساله در نحو.

8- کشکول.

شیخ عز الدین نجفی شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی شیخ مجد الدین نجفی

نامبرده در روز جمعه اول/شوال/1399/ق مطابق با 2/شهریور/1358/ش در حدود سن 69 سالگی در اصفهان چشم از جهان فرو بست. پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ رضوان-واقع در جنب قبرستان وادی السلام-به خاک سپرده شد.

وی داماد حجه الاسلام شیخ محمد علی فرزند آیت الله شیخ جلال الدین فرزند آیت الله شیخ محمد تقی «آقا نجفی» اصفهانی و نیز همسر دیگری انتخاب، ولی دارای اولاد نشد.

#### **-منابع**

1-اطلاعات متفرقه.

2-تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان 416/2.

ص:1012

(1325-1402 ق)

حاج شیخ عزیز الله فرزند کریم علی مرادیان نهاوندی، از دانشمندان و بزرگان معروف و خدمتگزاران خطه نهاوند بود.

وی در سال 8/شوال 1325/ق در نهاوند دیده به جهان گشود.

ایشان پس از آموختن مقدمات در زادگاه خود، در سال 1343 ق به حوزه علمیه قم رهسپار شد و سطوح را نزد اساتیدی چون: میرزا محمد علی ادیب تهرانی، شیخ حسن فاضل، سید مهدی کشفی، سید احمد خوانساری، شیخ محمد علی حائری قمی، سید محمد رضا گلپایگانی و شیخ محمد علی اراکی به پایان برد. و دروس خارج را نزد فقهایی چون: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی (به مدت چهار سال)، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدر الدین صدر و میرزا محمد فیض قمی به انجام رساند.

ایشان جهت خدمت به همشهریان خود در سال 1362 ق به نهاوند بازگشت و به ارشاد و تدریس و تربیت شاگردان و اقامه جماعت پرداخت. او با سیر و سیرت ویژه ای، محبوبیت خاصی نزد اهالی منطقه حاصل نمود و مورد توجه و تقدیر علمای بلاد قرار گرفت که از جمله آنان می توان به اجازات علمی و روایی حضرات

ص: 1013

آیات: سید ابو الحسن اصفهانی، میرزا عبد الهادی شیرازی، سید محمد حجت کوه کمری، سید حسین طباطبائی بروجردی، سید احمد خوانساری، سید شهاب الدین مرعشی و سید محمد رضا گلپایگانی، اشاره کرد.

نامبرده در احداث و تعمیر اماکن مذهبی و فرهنگی از پیشروان و خیرخواهان واقعی بود که می توان به برخی از آنها اشاره کرد: تأسیس مدرسه علمیه نهاوند، تعمیر چند مسجد قدیمی و پل و حمام و احداث جاده و تأسیس مسجد حضرت فاطمه علیها السلام، نیز انفاق و سرپرستی جمعی از ایتام و فقرا، از کارهای به یادماندنی ایشان است.

شیخ عزیز الله علی مرادیان نهاوندی (در وسط متشخصین نهاوند)

از آثار او: دیوان اشعار.

وی سرانجام در 3/ رجب 1402/ ق در سن 77 سالگی درگذشت. بیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام - اطاق دکتر مفتاح - به خاک سپرده شد.

#### - منابع

1- آثار الحجّه 374/2.

2- آینه دانشوران 299.

3- گنجینه دانشمندان 329/7.

ص: 1014

## اشاره

(1343-1413 ق)

سید عزیز فرزند سید احمد موسوی اردبیلی، از فضیله‌ی معاصر بود.

وی در سال 1343 ق در «ابربکوه» اردبیل متولد گردید.

## تحصیلات

نامبرده پس از طی دوران کودکی، مقدمات را نزد اساتیدی چون: شیخ مهدی عالم، سید مسلم محدث خلخال، شیخ غفور عاملی و شیخ لطف علی محقق، آموخت. سپس به قم مهاجرت کرد و سطوح را نزد شیخ محمد علمی و شیخ محمد حسین نحوی اردبیلی به پایان رساند. دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی بهره مند گردید.

سرانجام به عتبات عالیات مشرف شد و از محضر آیات: سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمود شاهرودی، سید ابو القاسم خوئی و سید عبد الأعلى سبزواری استفاده نمود. وی جهت تبلیغ و ارشاد به شمال عراق - کردستان - رهسپار شد و به خدمات اجتماعی و مذهبی اشتغال ورزید. سرانجام در اثر حوادث سیاسی عراق به ایران بازگشت و در قم سکونت اختیار کرد و جهت تبلیغ و ارشاد به استانهای اردبیل و همدان می رفت.

## از آثار او

1- تقریرات اصول خوئی.

2- تقریرات شاهرودی.

موسوی اردبیلی در روز 12 ربیع الثانی 1413/ ق مطابق با 18 مهر / 1371 ش در سن 70 سالگی در اثر سکته قلبی در قم درگذشت. پیکرش پس از

ص: 1015

تشییع در قبرستان باغ بهشت- مقبره العلماء- به خاک سپرده شد.

## -منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-مفاخر الاردبیل-خطی، اثر سید عبد الله مفتی الشیعه.

## شیخ عسکری بروجردی

## اشاره

(-1342 ق)

حاج شیخ میرزا عسکری فرزند آیت الله ملا اسد الله «حجه الاسلام» و نوه عبد الله بروجردی، از دانشمندان و ادبای بروجرد بود.

علامه حاج آقا بزرگ تهرانی در «نقباء البشر» درباره اش چنین می نویسد:

(عالمی فاضل، پدرش از بزرگان دین و معاریف بود که در سال 1271 ق درگذشت. میرزا عسکری از فضیلت جلیل، و اهل دانش و خوش فکر بود. پس از پدر خود به وظایف تبلیغ شریعت اشتغال ورزید. وی از وجوه و معاریف شهر و در میان اهالی و خاندان خود از مقام و موقعیت والایی برخوردار بود...).

مرحوم حسین حزین در تذکره خود درباره اش چنین می نگارد:

(فاضل و عالم و ادیب و شاعر بود. صاحب اخلاق نیکو و صفات پسندیده. او در سال 1342 ق درگذشت و پیکرش به قم حمل گردید [ظاهراً در شیخان دفن شده است]. در سال 1303 ق در طوس، مخمسای عربی راجع به چهارده معصوم علیهم السلام سروده و چاپ شده، دوسه بند آورده می شود:

صل یارب، علی مرسل، من رب جلیل مصطفی الامجد و الصفوه، من آل خلیل

کاشف الغمه عن امته، هادی السبیل خامد النیران فی الرضوان، من خیر الدلیل

عروه الوثقی، ذو الاحسان و المجد الاصلی صل یارب علی المخصوص، بالنص الجلی

فهو المخصوص و المحصور، فی الصدق الولی سمی الملک العلام، فی اسم العلی

لا نری بعد النبی، غیر العلی خیر الوصی اقتد آثاره بالقول و الفضل الجمیل

## بند تخلص

و اكشف الذنب، عن العبد الذليل العسكري واثق التوفيق بالتوفيق، في العرض العري

و على جنات عدن في حسان العبقرى هو بالذنب جرى، انت بالعفو، حرى

فأقل «عثرته» يا رب، يا خير المقييل

## -منابع

1- تاریخ بروجرده 326/2 (سال مرگش را 1343 ق نوشته است).

2- تذکره حسین حزین 321.

3- نعباء البشر 1271/3.

## سید علاء الدین علوی طالقانی

## اشاره

(1419-1331 ق)

سید علاء الدین فرزند آیت الله سید محی الدین علوی طالقانی، از فضلا و معاریف تهران بود.

آقا علاء الدین در سال 1331 ق مطابق با 1290 ش در تهران متولد شد.

وی در خانواده ای علمی پرورش یافت و جهت طی تحصیلات دینی در سال 1342 ق به حوزه علمیه قم پیوست و ادبیات را نزد شیخ محمد علی ادیب تهرانی تلمذ کرد. سپس سطح را نزد آیات: سید محمد تقی خوانساری و آخوند ملا علی همدانی و درس خارج را از محضر آیت الله سید محمد تقی خوانساری استفاده نمود.

ص: 1017

## از آثار او

- 1- پیام سالار شهیدان علیه السلام.
  - 2- تفسیر جزء سی ام قرآن مجید.
  - 3- سخنرانی رادیو، سخنرانیهای ایشان که از رادیو تهران هنگام مسافرت مرحوم راشد تربتی پخش می شد.
  - 4- سفرنامه حج به نام (دید آموزنده).
  - 5- شرح دعای ندبه (شرح از پدر خود می باشد که به همت او ابتدا آن را پاورقی زده و سپس چاپ کرده است).
  - 6- عید مسلمین.
- وی در سال 1419 ق در تهران درگذشت و پیکرش به قم حمل و در ابتدای قبرستان ابو حسین- مقبره خانوادگی اش- به خاک سپرده شد.

## -منبع

- 1- شرح حال فوق از زبان ایشان در پائیز 1375 ش در مسجد مقدس-واقع در نزدیکی میدان اعدام تهران-یادداشت نمودم.

## سید علم الهدی کابلی «ملایری»

## اشاره

(1288-1368 ق)

حاج سید علم الهدی (نامش محمد است) فرزند سید شمس الدین محمد و نوه میر احمد نقوی کابلی، از علمای ربّانی و نوابغ عصر خود بود.

او در حدود سال 1288 ق در روستای «وزیرآباد» کابل متولد گردید.

در همان سالی که به دنیا آمد پدرش را از دست داد، و به همین خاطر تحت تربیت و کفالت مادرش قرار گرفت، و متأسفانه در سن 6 سالگی در اثر بیماری، بینائی خود را از دست داد.

ص: 1018

## هجرت به سامرا و نجف اشرف

در سن 12 سالگی همراه مادرش به سامرا هجرت کرد، و آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی اساتیدی توانا برایش معین فرمود، و سایر دروسی را که می خواند حفظ می کرد. و پس از فوت میرزای شیرازی، در سال 1314 ق به نجف اشرف منتقل شد، و از محضر آیات: میرزا حسین نوری و سید مرتضی کشمیری استفاده نمود و همواره ملازم آنان بود.

## مراجعت به ایران

وی پس از انجام تحصیلات عالی خود در حدود سالهای 1325 ق به ایران مراجعت و در اراک سکونت اختیار کرد، و به خدمات دینی و وظایف الهی همت گماشت، و پس از چند سالی از طرف آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی به شهر ملایر فرستاده شد، و به اقامه جماعت و وعظ و ارشاد و تدریس و تربیت طلاب اشتغال ورزید.

## سجایای ایشان

آیت الله سید شهاب الدین مرعشی درباره اش می نویسد: «این سید بزرگوار یکی از نوابغ زمان و اعاجیب دوران در سرعت انتقال و قوت حافظه و در کثرت محفوظاتش ضرب المثل بود. وی حافظ تمام قرآن کریم و صحیفه سجادیه و اشعار زیادی، و ده هزار حدیث مسند به جز احادیث مرسل بود».

او دارای اجازات زیادی بود، که از جمله آنها از حضرات آیات: میرزا حسین نوری، میر حامد حسین نقوی لکنهوی، شیخ محمد طه نجف تبریزی، سید مرتضی کشمیری، شیخ الشریعة اصفهانی، حاج آقا رضا همدانی، سید عدنان غریفی خرمشهری، شیخ محمد رضا معزی دزفولی، سید هبه الدین شهرستانی، سید حسن صدر و سید محمد حسین مرعشی شهرستانی می باشند.



## آثار او

آثاری که از سید به جای مانده در حقیقت املائی ایشان بوده، که توسط شاگردانش به رشتهٔ تحریر درآمده، و اغلب آنها در کتابخانهٔ فیضیه نگهداری می‌شوند که عبارتند از:

1- الکشکول (کتابی است بزرگ).

2- تجوید القرآن الکریم.

3- تعلیقه علی اقبال الأعمال (از ابن طاوس).

4- تعلیقه علی منهج المقال (از استرآبادی).

5- تنبیه الغافلات، فی الأحادیث حول النساء.

6- درایه الحدیث.

7- دستور العمل للنساء.

8- رساله فی حقوق الاخوان.

9- محاسبه النفس.

## درگذشت

نامبرده در پی بیماری از ملایر به تهران رفت و تحت معالجه قرار گرفت، ولی معالجات سودی نبخشید و در 4/ محرم 1368/ ق مطابق با آبان 1327/ ش در حدود 80 سالگی در تهران درگذشت، و جسدش به قم حمل و در وسط قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد. نامش فعلا بر روی سنگ جدید «اعلم الهدی اعلم التقوا» حک شده است.

## -منابع

1- الاجازه الکبیره 96.

2- المسلسلات فی الاجازات 215/2 (تولدش را به سال 1284 ق نوشته است).

3- نقباء البشر 1275/3.

4- هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی 124.



اشاره

(1408-1319 ق)

شیخ علی فرزند علامه شیخ محمد حسین روشندل (اخوان خراسانی)، از علمای معاصر بود.

در سال 1319 ق در مشهد مقدس متولد گردید.

وی پس از طی مقدمات و سطوح، در سال 1344 ق همراه برادر خود شیخ مرتضی به نجف اشرف مهاجرت کرد، و از محضر آیات: میرزا حسین نائینی، میرزا علی شیرازی فرزند مجدد شیرازی، سید ابو الحسن اصفهانی و میرزا باقر زنجانی استفاده نمود.

وی در مدرسه آخوند خراسانی حجه داشت، و در سال 1391 ق در پی فشارهای دولت عراق به ایران بازگشت، و در قم سکوت اختیار نمود.

از آثار او: تقریرات میرزای نائینی.

او در روز یکشنبه آخر ربیع الاول 1408/ ق مطابق با اول/آذر 1366/ ش به سن 89 سالگی در قم درگذشت، و در قبرستان باغ بهشت مدفون شد.

-منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-تاریخ زنجان 271.

ص: 1021

## سید علی اشکوری

### اشاره

(1319-1398 ق)

سید علی فرزند علامه سید حسن حسینی اشکوری، از فضلا و معاریف معاصر بود.

او در سال 1319 ق در نجف اشرف متولد گردید.

سید علی دوره ابتدائی را در مدرسه علوی ایرانی به سرپرستی پدرش، که از علما و معاریف نجف اشرف بود گذراند. سپس به تحصیل مقدمات و ادبیات پرداخت.

سطوح عالیہ را نزد آیت الله شیخ عبد الحسین رشتی تلمذ نمود، و در درس خارج آیات: شیخ شعبان گیلانی و شیخ ضیاء الدین عراقی حضور یافت و تافوت عراقی ملازم درسش بود و مدارج عالیہ را طی کرد.

آن مرحوم شبها پس از نماز مغرب و عشاء در مقبره سید حسین اشکوری به اتفاق فضلائى چون: شیخ محمد مهدوی لاهیجی و حاج شیخ حسین کفائی خراسانی و سید جواد اشکوری و سید مهدی و سید کاظم اخوان مرعشی اجتماع می نمودند.

آن مرحوم فردی: دائم الذکر، متین و متدین بود، و نسبت به خاندان عصمت علیهم السلام عشق می ورزید، و در هنگام استماع مصیبت بی اختیار اشکش جاری می شد.

ص: 1022

شیخ محمد حسن خاقانی/سید احمد حسینی اشکوری/شیخ مصطفی نورانی اردبیلی

از آثار قلمی اش می توان به: تقریرات استادش عراقی - که تاکنون خطی است - اشاره کرد.

اشکوری در سال 1396 ق به قم مهاجرت کرد و در بعد از ظهر پنجشنبه /15 ذی الحجه 1398/ ق مطابق با /25 آبان 1375/ ش در سن 79 سالگی وفات کرد، و در روز جمعه در قبرستان بقیع قم به خاک سپرده شد.

ایشان دارای سه پسر به نامهای:

1- سید احمد متولد (1350 ق) 2- سید نور الدین 3- سید محمد رضا می باشند که اهل فضل و قلمند.

### -منابع-

1- بزرگان تنکابن 157.

2- تراجم الرجال

3- گنجینه دانشمندان 289/7.

سید احمد حسینی اشکوری

ص: 1023

اشاره

(1318-1407 ق)

حاج میرزا علی اصغر فرزند شیخ محمد علی و نوه ملا محمد طاهر اشعری قمی، از علمای قم بود.

در سال 1318 ق در قم دیده به جهان گشود.

وی پس از طی مقدمات، سطوح را نزد شیخ ابو القاسم قمی (کبیر)، سید حسین کوچه حرمی، و شیخ حسن فاضل به انجام رسانید، و در سال 1338 ق به اراک عزیمت نمود و دو سال از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده نمود، و پس از مهاجرت استاد خود به قم مجدداً به آنجا بازگشت و تا آخر عمر از وی بهره مند شد و خود به تدریس سطوح و پرورش طلاب و تألیف دست یازید، و پس از ورود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم در درس ایشان نیز حاضر گردید.

از آثار قلمی او

1- اللباس المشکوک.

2- المفاهیم من مباحث الالفاظ.

3- بحث اجتماع امر و النهی.

4- حاشیه علی الرسائل.

5- حاشیه علی مکاسب.

6- حاشیه علی شرح اللمعه.

7- حاشیه علی کفایه الاصول.

8- شرحی بر ارشاد قلوب (دیلمی).

وی در روز پنجشنبه 18 صفر 1407/ ق مطابق اول/آبان 1365/ ش به سن 89 سالگی در قم درگذشت، و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### فرزندان:

1- شیخ محمد «جمال الدین» اهل منبر. وی در سال 1354 ق در قم متولد شد و از محضر آیات: پدرش، میرزا محمد باقر خازنی و میرزا مصطفی صادقی استفاده نمود. از جمله آثار او: 1- انسان بر سر دوراهی، 2- تسیح موجودات یا راز آوازاها، 3- اندرزهای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به ابو ذر غفاری، 4- اثر و شرائط دعا، 5- درس زندگی از قرآن.

2- محمد اسماعیل، دبیر بازنشسته.

3- شیخ محمد حسین، متولد سال 1360 ق در قم، پس از طی مقدمات و سطوح در سال 1382 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیت الله سید روح الله خمینی مدت کوتاهی استفاده نمود، و به زادگاهش بازگشت و از محضر آیات: سید حسن فرید عراقی، سید محمد داماد یزدی و شیخ مرتضی حائری یزدی بهره مند گردید، و فعلا به خدمات دینی و اجتماعی اشتغال دارند.

4- شیخ ابو القاسم، اهل فضل.

5- دکتر محمد حسن، متخصص قلب و عروق.

6- محمد علی، مهندس رشته آبهای زیرزمینی.

### -منابع

1- آثار الحجّه 103/2.

2- آینه دانشوران 304.

3- افادات فرزند دانشمندش آقای شیخ محمد حسین اشعری.

4- گنجینه دانشمندان 70/2.

(-1313 ق)

حاج سید علی اصغر فرزند علامه بزرگ حاج سید شفیع جابلقی نوه سید علی اکبر موسوی بروجردی، از بزرگان علمای امامیه در اوایل قرن چهاردهم هجری به شمار رفته است.

سید علی اصغر در سال 1231 ق در جابلق بروجرد متولد گردید.

اعتماد السلطنه در المآثر و الآثار می نویسد: حاج سید علی اصغر جابلقی بر پدرش حاج سید شفیع، میرزا محمود طباطبائی (صاحب مواهب السنیه) و شیخ مرتضی انصاری تلمذ نموده و در علم رجال کتابی جامع مرتب بر طبقات نوشته است.

سید محسن عاملی در اعیان الشیعه می نویسد: سید علی اصغر جابلقی از پدرش به طرق مذکوره در روضه البهیّه روایت کرده و در سال 1313 ش درگذشت.

استاد علامه شیخ مرتضی انصاری در کتاب شخصیت شیخ انصاری می نویسد:

سید علی اصغر از اجله علماء و از جمله شاگردان پدر خود و حجه الاسلام بروجردی و شیخ مرتضی انصاری بوده و از پدر و برادر اجازه روایت داشته وی یکی از مراجع امور در عصر خود بود و در جوار حضرت معصومه علیها السلام به خاک رفت.

چنانکه در بالا- اشاره رفت وی تحصیلات خود را نزد شیخ انصاری در نجف اشرف انجام داده و پس از نیل به مدارج عالی به بروجرد بازگشت و پس از چندی به قم رفت و در جوار حضرت معصومه علیها السلام سکونت اختیار نمود.

سید علی اصغر تألیفات و آثار علمیه اش بسیار است، از جمله آنها:

1- حج استدلالی به زبان عربی که نسخه اش، اکنون در کتابخانه آیت الله سید شهاب الدین مرعشی در قم موجود است.

2- جامع المقاصد در اصول فقه به زبان عربی، از اول مباحث الفاظ تا آخر ادله



سمعیه عقلیه در سه جلد موجود در کتابخانه مرعشی نجفی.

در این کتاب بین کتاب قوانین و کتاب فصول محاکمه کرده و مطالب غامض به عنوان محاکمه عنوان شده است.

3- طبقات الرواه به زبان عربی در دو جزء است، جزء اول مرتب است بر دوازده طبقه، اول: مشایخ عصر تا مجلسی. دوم: تا شهید اول. سوم: تا شیخ طوسی. چهارم: تا صدوق المحدثین. پنجم: تا دوازدهم اصحاب ائمه علیهم السلام به ترتیب هر امام و اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و القاب و نسب و کنی و تابعین و تابع تابعین.

و اما جزء دو در فوائد رجالیه و تعیین جماعتی از رواه مختلف فهیم.

4- طرائف المقال فی معرفه طبقات معرفه طبقات الرجال، که در سال 1294 قمری از تألیف آن فارغ شده، و مقداری از این کتاب در هند چاپ شده است.

5- الفصول فی ترتیب مباحث الاصول (اصول عربی).

6- المناسک الغریبه (مناسک حج-عربی)

## منابع

1- اعیان الشیعه.

2- المآثر و الآثار.

3- تاریخ بروجرد 423/2.

4- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری.

5- فهرست نسخه های کتابخانه مرعشی نجفی 104/9، 395/1 و 167/11 و 369 و 37/20.

6- نقباء البشر 1576/4.

سید علی اصغر خوئی «صادقی»

## اشاره

(1312-1402 ق)

حاج سید علی اصغر فرزند علامه سید مجتبی و نوه سید صادق حسینی خوئی (صادقی)، از علمای سرشناس و متقی تهران بود.

وی مقدمات و ادبیات را نزد ملا علی مدد بدل آبادی خوئی آموخت، و قسمتی از سطوح را نزد شیخ محمد خوئی معروف به (ساکن کوچه) و پسر عموی خود سید باقر خوئی استفاده کرد. در سال 1341 ق به نجف اشرف عزیمت نمود و باقی سطوح را نزد آیت الله شیخ عبدالحسین رشتی به انجام رسانید. و دروس خارج را خدمت آیات: سید محمد حجت کوه کمری (خارج صلاه)، میرزا علی ایروانی (متاجر)، میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و سید ابو الحسن اصفهانی کمال استفاده را نمود و حکمت و فلسفه را از محضر علامه سید حسین بادکوبه ای بهره مند گردید.

نامبرده در سال 1350 ق در پی دعوت اهالی خوی و امر آیت الله اصفهانی به شهرستان خوی مراجعت کرد، و حدود پنج سال به وظایف دینی و روحی پرداخت. در حدود سال 1355 ق مجدداً به نجف اشرف مراجعت و به تدریس و افاضه پرداخت، و در سال 1358 ق مجدداً به خوی مراجعت کرد و مشغول انجام خدمات دینی از قبیل: اقامه جماعت در مسجد ملا حسن معروف و مسجد شعبان، و تشکیل جلسات دینی و وعظ و ارشاد به ویژه تعمیر (مدرسه نمازی) که مشرف به خرابی بود و تأسیس کتابخانه ای برای مدرسه، و اصلاح وضع طلاب همت گماشت.

در سال 1363 ق (یا 1361 ق) به لحاظ بعضی از محذورات از خوی به تهران مهاجرت و مستقر گردید و به اقامه جماعت و تدریس و سایر خدمات اشتغال ورزید.

درباره ایشان در (ذخائر الاسفار) آمده است: (همه رفقا و معاصرینش تجمید و توصیف زهد و ورع او را می کردند، و ایشان از اقوام آقای مولانای تبریزی بودند).

### از آثار قلمی ایشان:

1- تقریظی بر منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، در پنج صفحه که در چاپ اول سنگی آمده است.

2- تقریظی بر تحفه الاخوان، از کاتبی خوئی که در سال 1370 ق به طبع رسید.

3- تقریرات فقه آیت الله حجت.

4- رساله علمی.

وی در روز سه شنبه 14 ربیع الثانی 1402/ ق مطابق با 20 بهمن 1360/ در سن 90 سالگی در تهران درگذشت و جسدش به قم حمل و در مسجد موزه حرم حضرت معصومه علیها السلام دفن شد.

### فرزندان:

1- سید عبد العلی 2- سید محمد علی و 4 دختر.

### -منابع

1- افادات داماد معظم له، دانشمند محترم آقای سید جعفر مرقاتی.

2- تذکره الفضلاء (خطی - جابری خوئی).

3- ذخایر الاسفار.

4- گنجینه دانشمندان 4/446 و 5/675.

ص: 1029

## اشاره

(ح 1290-1362 ق)

حاج سید علی اصغر دربانی ملقب به (حاجب التولیه) فرزند سید محمد تقی نایب التولیه قمی، از رجال و سیاسیون معروف قم بود.

تولدش در حدود سال 1290 ق در قم اتفاق افتاد. پس از رشد و نما به تحصیل پرداخت، آنگاه به خدمت آستانه حضرت معصومه علیها السلام درآمد.

وی در دوره پهلوی حیات سیاسی خود را آغاز کرد و همین طور مدت زمان بسیاری در سمت نمایندگی مجلس باقی ماند و خدمات اجتماعی ارزشمندی به یادگار گذاشت. چنانکه اشاره رفت او ابتدا به سمت نماینده مجلس مؤسسان (1304 ش) انتخاب شد و بعداً در دوره های: هفتم (1307 ش مطابق با 1347 ق)، هشتم (1309 ش مطابق با 1349 ق)، نهم (1311 ش مطابق با 1351 ق) و دهم (1314 ش مطابق با 1354 ق) از سوی مردم قم به سمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید.

مرحوم احمد رحیمی در کتاب خود «گنجینه دانشوران» درباره دربانی چنین می نویسد: (حاجب التولیه، از رجال متین و موقر و مهربان و طراز اول سادات جلیل و بزرگ قم بوده است. معظم له از دوره هفتم تا دوره دهم قانون گذاری، چهار دوره پی در پی به نمایندگی مردم قم به مجلس شورای ملی اعزام گشت).

ایشان در محرم یا صفر 1362/ ق مطابق با بهمن 1321/ ش در سنی بیش از هفتادسالگی در قم درگذشت و در حرم حضرت معصومه علیها السلام-ایوان طلا- به خاک سپرده شد. فرزندش آقا نظام دربانی از محترمین و بزرگان قم بود.

## -منابع-

1-رجال قم 132.

2-گنجینه دانشوران 212.

3-نمایندگان مجلس شورای ملی 323.

ص: 1030

اشاره

(1371-1333 ق)

شیخ علی اصغر متخلص به (زمزم) فرزند علی ذکاوتی قراگوزلو همدانی، متولد سال 1333 ق در همدان

وی پس از طی مقدمات و سطوح به قم مهاجرت کرد و از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی (مدت کوتاهی)، سید صدر الدین صدر، و شیخ محمد فیض قمی در خارج فقه و اصول و از آیت الله سید روح الله خمینی در حکمت و فلسفه استفاده نمود، و به زادگاهش بازگشت و به ارشاد مردم پرداخت.

از جمله آثار او: مولودیة حضرت امام زمان (عج) که در سال 1364 ق به چاپ رسیده است.

وی در شوال 1371/ق مطابق با تیر 1331/ش به سن 38 سالگی در همدان درگذشت، و در قبرستان حاج شیخ قم مدفون گردید.

منابع

1- افادات فرزند معظم له نویسنده محترم آقای علیرضا ذکاوتی (متولد 1362 ق) ساکن همدان.

2- تاریخ مفصل همدان 168/1.

میرزا علی اصغر زیبا قمی

اشاره

(1408-1325 ق)

میرزا علی اصغر فرزند حسین زیبا، یکی از مرثیه سرایان تکیه گذر صادق بوده، که اغلب مداحان از نوحه های ایشان در مراسم مختلف مذهبی استفاده می کنند.

زبان حال حضرت زینب علیها السلام از او که فی البداهه گفته:

گفت به زینب شه خونین بدن جان تو و جان عزیزان من

ص: 1031

بعد حسین سوی سفر می روی سر به دم چوبهٔ محمل مزن

دفتر اشعار آن مرحوم که همیشه در چمدان مخصوص بوده و هنگام مسافرت همراه برمی داشته، در اثر غفلت به سرقت می رود یا تلف می شود و دیگر هیچ گونه اثری از آن بدست نمی آید.

اکنون دو نمونه از اشعار او در اختیار خوانندگان عزیز قرار می دهیم:

### در طلیعهٔ عزای حضرت امام حسین علیه السلام

اول به نام پاک خداوند ذوالجلال آن خالق خلایق و معبود بی زوال

جاری به هر زبان و بیان ذکر پاک اوست او لایق پرستش و او ذات بی مثال

ذکرش کنند جن و ملک، انس و وحش و طیر لیل و نهار و هفته و ایام و ماه و سال

دوم به نام سرور کل ختم انبیا یعنی محمد عرب آن سرو اعتدال

سوم به نام پاک علی کشتی نجات بحر کرم امام بحق معدن کمال

ایام سوگواری سلطان کربلاست شاهی که شد به قوم عدو خون او حلال

یاران او شهید ز ظلم عدو شدند یک یک ز راه مهر و وفا در صف جدال

شهزاده اکبری که به جدش شبیه بود شد پاره پاره پیکرش از فرقهٔ ضلال

لیلا ز دیده اشک به رخسار غم روان کی نوجوان ز داغ تو گشتم شکسته حال

خواهم اگر ز داغ غمت نوحه سرکنم دشمن نمی دهد به من ناتوان مجال

سر می نهم به کوی و بیابان ز داغ تو آخر کند چه چاره پریشان خسته حال

«زیبا» به مرگ اکبر رعنا جوان خموش

کم گوی از مصیبت و رنج علی و آل

### در رئای حضرت امام حسین علیه السلام

ای کشتهٔ غلطیده بخون پیرهننت کو شهزاده علی اکبر گلگون کفنت کو

ای کشتهٔ اشراَر چه شد قاسم داماد ای پیکر صدپاره یتیم حسنت کو

گردیده دوتا قامتت از داغ برادر عباس علمدار یل صف شکنت کو

ص: 1032

شهزاده آزاده علی اصغر بی شیر آن غنچه پژمرده شیرین سخنت کو  
یاران فداکار به همراه تو بودند ای حامی دین لاله رخان چمنت کو  
بردند سوی شام بلا اهل حرم را آن دختر بی یار، گل یاسمنت کو  
تا بر سر نی دید سر پاک تو خواهر گفت ای گل بستان پیمبر بدنت کو  
آمد به سر پیکر پاک تو سکینه گفت ای بقدای تن پاکت کفنت کو

«زیبا» به فغان که ای خسرو خوبان

اطفال ستم دیده رنج و محنت کو

سرانجام روز جمعه 15 صفر 1408 / ق مطابق با 17 مهر 1366 / ش در قم درگذشت، و مدفنش در قبرستان باغ بهشت است.

**- منبع**

1- تاریخ تکایا و عزاداری قم 185.

**شیخ علی اصغر شفیعیان همدانی**

**اشاره**

(1327-1376 ق)

حاج شیخ علی اصغر شفیعیان فرزند علامه شیخ محمد ربیع و نوه شیخ شفیع همدانی، و داماد عموی خود علامه شیخ محمد شریف همدانی، از فضلا و پارسایان همدان بود.

وی در سال 1327 ق مطابق با 1288 ش در همدان دیده به جهان گشود.

و تحصیلات مقدماتی خود را در همان جا سپری کرد، سپس در سال 1347 ق به قم مهاجرت کرد و دروس سطح را نزد حضرات آیات: میرزا محمد همدانی، آخوند ملا علی همدانی و سید محمد رضا گلپایگانی به پایان رساند. دروس خارج را از محضر آیاتی چون حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری و شیخ محمد علی حائری قمی و حکمت را از محضر میرزا خلیل

ص: 1033



کمره ای استفاده نمود و دروس را با آیت الله شیخ محمد علی دامغانی همدانی مباحثه می کرد.

وی مردی فاضل، زاهد و متقی و در اخلاق عملی، نمونه ای کامل بود و پس از پایان تحصیلات خود، در سال 1357 ق مطابق با 1317 ش به همدان بازگشت و در بحث آیت الله آخوند ملا علی همدانی شرکت جست و نماز جماعت را در مسجد میرزا داود بر پا می کرد و به وعظ و ارشاد اشتغال ورزید.

شفیعیان در اواخر/شوال/1376/ق مطابق با اوایل/خرداد/1336/ش در همدان درگذشت و پیکرش به قم حمل و از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشییع و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- مرحوم علی شفیعان 2- آقا حسن شفیعان 3- آقا محمد شفیعان و دو دختر که در قید حیات هستند.

### -منابع

1- آثار الحجه 384/2.

2- آینه دانشوران 335.

3- اطلاعاتی متفرقه از فرزندان مرحوم.

4- دایرهالمعارف اعلمی 268/28.

5- گنجینه دانشمندان 411/7.

### شیخ علی اصغر صالحی کرمانی

### اشاره

(1314-1401 ق)

حاج شیخ علی اصغر فرزند شیخ غلامحسین و نوه محمد علی صالحی کرمانی، عالم فاضل و از بزرگان کرمان بود.

ص: 1034

سید محمد رضا مدنی کرمانی و شیخ علی اصغر صالحی کرمانی

تولدش به سال 1314 ق مطابق با 1275 ش در کرمان اتفاق افتاد.

پس از طی مقدمات، سطوح و قسمتی از علوم اسلامی را از محضر آیات: شیخ ابو الحسن شیخ الرئیس قاجار، شیخ حسین فقیه، و ملا جمال الدین محمد کرمانی (صاحب اسس الاصول) بهره مند گردید. در سال 1340 ق عازم اصفهان شد و از محضر بزرگانی همچون: سید محمد باقر درچه ای، سید علی نجف آبادی، سید محمد نجف آبادی، سید محمد صادق خاتون آبادی، و شیخ محمد حسین فشارکی استفاده نمود.

در سال 1342 ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید علی یشری کاشانی، سید محمد تقی خوانساری و سید احمد خوانساری در خارج فقه و اصول و میرزا خلیل کمره ای در حکمت و فلسفه بهره ها برد.

در سال 1352 ق در پی درخواست مردم کرمان و امر حضرت آیت الله حائری یزدی به کرمان عزیمت نمود، و به انجام وظایف دینی و تدریس و تربیت طلاب پرداخت.

ایشان در زمان جنگ جهانی دوم (انجمن خیریه) را در کرمان جهت مساعدت مردم بی بضاعت و بینوا تأسیس کرد. و پس از شهریور 1320/ ش اقدام به دایر

ص: 1035

کردن حوزه علمیه «معصومیه» نمود و عده ای از جوانان مهذب کرمان را تربیت و در سلک علوم دینی درآورد.

آیت الله صالحی در کرمان مانند علمای سلف با فرقه شیخیه مواجه شد، و با آنان به مبارزه برخاست و از شیوع مرام آنان جلوگیری کرد و از تبلیغات آنها، به وسیله دعوت از مبلغین و وعاظ چون: خطیب شهیر شیخ محمد تقی فلسفی، شیخ مرتضی انصاری قمی و دیگران جلوگیری نمود.

از آثار او: رساله ای در مبحث استصحاب.

سرانجام ظهر روز چهارشنبه 5 فروردین 1360/ ش مطابق با 18 جمادی اول 1401/ ق به سن 87 سالگی در پی بیماری در کرمان درگذشت.

جسدش صبح روز پنجشنبه در کرمان تشییع شد، و سپس به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### [فرزندان]

1- دکتر شیخ محمد رضا صالحی متوفای محرم 1414/ ق فرزند ایشان می باشد.

2- محمد صادق.

3- محمد حسین.

4- دکتر محمد حسن پزشک.

### -منابع

1- آثار الحجّه 335/2.

2- آینه دانشوران 225 (تولدش را 1317 ق دانسته است).

3- روزنامه کیهان شماره 11277 مورخ 17 اردیبهشت 1360/ ش ص 2.

4- گزیده ای از اسناد مرحوم حضرت آیه الله صالحی کرمانی (خطی).

5- گنجینه دانشمندان 343/6.

### [از جمله خدمات ایشان:]

در جزوه گزیده ای از اسناد مرحوم حضرت آیه الله صالحی کرمانی، به چند

ص: 1036

مورد از خدمات ایشان که نزدیک به نیم قرن همچون چراغی منیر بر تارک این دیار درخشید و منشأ خدمات ارزنده ای در جهت اهداف عالیة اسلام و تنویر افکار عمومی گردید اشاره می کند، به شرح زیر است:

### **1- بازپس گیری مدرسه علمیه معصومیه کرمان**

این مدرسه در زمان دوره رضاخانی به صورتی بسیار نامطلوب در اختیار دولت و دارالمساکین درآمده بود، بر اثر تلاشهای ایشان و دیگر مؤمنین از اختیار دولت خارج گردید و با تعمیراتی که در آن صورت گرفت، دوباره به صورت حوزه علمیه درآمد. و با تلاش بی وقفه ایشان از اساتید جهت تدریس دعوت نمود و با جذب طلاب و محصلین جدید، مدرسه معصومیه دوباره فعال و مرکز نشر اسلامی در کرمان شد. هرچند تا قبل از بازگشایی مجدد این مدرسه، افراد مستعد و علاقمند را جهت فراگیری دروس عالی حوزه به قم گسیل می داشت.

### **2- تدریس ایشان در حوزه علمیه**

ایشان با اینکه دارای مدارج علمی بالایی بود، اما به دلیل نیاز و تواضع و خشوع ذاتی خودشان، شروع به تدریس ابتدایی ترین دروس حوزه نمود (حتی صرف و نحو)، و پس از تدریس چند دوره مقدمات و دوره سطح، تدریس خارج را نیز شروع کرد، به طوری که نیاز طلاب جهت تکمیل دروس حوزه و عزیمت به حوزه قم تا حدی مرتفع گردید. از لحاظ مادی نیز طلاب را تأمین نموده و حتی برای محصلین کرمانی ساکن قم نیز شهریه داشتند.

### **3- احیای امور مسجد جامع کرمان**

یکی از اقدامات اساسی ایشان، احیای امور مسجد جامع و موقوفات آن بود.

زیرا که موقوفات قبل از این معمولاً جذب مسجد نمی شد، و از طرفی دیگر مسجد

احتیاج به تعمیرات اساسی داشت که با پشتکار و جدیت نامبرده و سایر مؤمنین، مسجد جامع به صورت آبرومندی و درخور مقام مسجدیت در آمد و عواید موقوفات آن نیز به مجرای اصلی خود برگشت. در ضمن اساس شبستان جدید نیز در مسجد پایه ریزی شد که هم اکنون این شبستان به نام ایشان معروف است.

همچنین از پایه گذاری کتابخانه مسجد که این امر با مساعدتهای مرحوم شیخ ابو القاسم هرنندی صورت گرفت و هم اکنون در وسط حیاط مسجد جامع، به عرضه خدمات فرهنگی مورد استفاده می باشد.

#### 4- تأسیس مدرسه صالحیه کرمان

چون بیم تعطیل شدن مدرسه معصومیه از طرف دولت وقت می رفت، مرحوم صالحی با کمک افراد متدین و خیر، اقدام به تأسیس این مکان نمودند و در کنار آن کتابخانه مستقلی نیز احداث گردید.

#### سید علی اصغر طباطبائی بروجردی (سلطان العلماء)

#### اشاره

(ح 1282-1342 ق)

حاج سید علی اصغر فرزند علامه سید مهدی و نوه سید ابو الحسن طباطبائی بروجردی، ملقب به «سلطان العلماء» از رجال نامی و بزرگ و متنفذ بروجرد بود.

وی در حدود سال 1282 ق در بروجرد متولد گردید. و پس از نشو و نما، به تحصیل علوم دینی روی آورد و در اثر اصالت خانوادگی و داشتن امکانات، مردی بانفوذ و شخصیت مهمی به شمار رفت. به همین خاطر در دوره های سوم (1293 ش مطابق با 1333 ق) و چهارم (1300 ش مطابق با 1339 ق) از سوی مردم بروجرد به سمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید.

نامبرده با حکومت و رژیم آن روز، مخالفت و برخوردهای زیادی نمود و سرانجام در حدود سن 60 سالگی در روز عاشورای سال 1342 ق به طرزی

ص: 1038

مشکوک درگذشت و پیکرش به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام-مقبره خاندان طباطبائی بروجردی-به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

1-سید محمد طباطبائی سلطانی، نماینده مجلس شورای ملی 2-آیت الله سید محمد باقر طباطبائی سلطانی، از اساتید به نام حوزه علمیه قم بود.

## سید علی اصغر عارف بروجردی

### اشاره

(1284-1369 ق)

حاج سید علی اصغر فرزند علی اکبر طباطبائی بروجردی، متخلص به «عارف» از فضلا و عرفا بود.

وی در سال 1284 ق از دختر آیت الله شیخ ملا اسد الله بروجردی «حجه الاسلام» در بروجرد زاده شد.

علی اصغر مقدمات را در بروجرد آموخت، سپس جهت ادامه تحصیل رهسپار اصفهان شد و از سید اسد الله پاقلعه ای طریقت اخذ نمود. آنگاه به زادگاهش مراجعت فرمود و خدمت مصطفی وفا علی شاه از مشایخ عرفان رسید. در اواخر عمر باصره اش کم دید شده بود.

ابیات زیر از اوست:

یارب امشب مه من باز به کاشانه کیست روشن از پرتو خورشید رخس خانه کیست

آنکه شد خانه دل مسکن مألوف غمش باز پرسید ز همسایه به کاشانه کیست

دل چو ویرانه و من مفلس شهرم لیکن گنج مقصود ندانم که به ویرانه کیست

دوش به گذشت خرامان ز برم جلوه کنان کس ندانست که سرمست ز پیمانۀ کیست

باز آ از در مهر و بنشین با «عارف» تا نگویند به او جان تو جانانه کیست

\*

منم که ملک قناعت دل منیر من است منم که شمس و قمر قرصی از خمیر من است

منم که زهره مرا مشتری شد و مریخ به قوس برده پناه از کمان و تیر من است

چو هر دو کون به چشم حقیر کرده خدای فلک به این عظمت پایه سریر من است

نیم فتاده ز پا چون پیاله شد لبریز و گرز دشت شوم دوست دستگیر من است

فتاده بر سر «عارف» هوای حضرت عشق که در سلوک ره حق دلیل و پیر من است

\* این باغ که می بینی، گاه از تو و گاه از من ناچار خزان گردد، خواه از تو و خواه از من

زاغی به زاری گفت، پیوسته بهاری نیست کم ناله نما دیگر، گل از تو گیاه از من

چون خرمن عمر ما، در معرض تاراج است زاری نسزد دیگر، گندم ز تو گاه از من

زود است که می گویند، وراثت به یکدیگر او رفت تهی دست و شال از تو کلاه از من

نامبرده در سال 1369 ق مطابق با 1329 ش در سن 85 سالگی درگذشت.

پیکرش در قبرستان حاج شیخ قم مدفون گردید.

فرزندش سید عطاء الله مصطفوی متخلص به «دلداده»، متولد سال 1283 ش در بروجرد (به تذکره حسین حنین ص 513 رجوع شود).

#### -منبع

1- تذکره حسین حنین 584.

شیخ علی اصغر فقیهی قزوینی

#### اشاره

(1321-1388 ق)

شیخ علی اصغر فرزند شیخ عبد العظیم فقیهی قزوینی، از فضلا اساتید حوزه علمیه قم بود.

وی در سال 1321 ق در قزوین زاده شد.

ص: 1040



فقیهی پس از فراگیری مقدمات و بخشی از سطح در قزوین، در سال 1344 ق به قم مهاجرت کرد و در مدرسه حاجی سکونت اختیار نمود و از اساتید گرانقدر حوزه، چون: میرزا محمد همدانی، شیخ محمد علی ادیب تهرانی و سید محمد رضا گلپایگانی سطح را به پایان رساند. او در ایام تعطیل حوزه به اصفهان می رفت و در مدرسه جده مشغول تحصیل می شد. در ضمن وی مدت کوتاهی به نجف اشرف مشرف شد و از محضر آیت الله سید محمود شاهرودی استفاده کرد. او پس از بازگشت به قم از محضر آیات: میرزا محمد فیض قمی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی بهره مند گردید و خود به تدریس سطوح اشتغال ورزید.

فقیهی در روز سه شنبه 29 ذی حجه 1388/ ق مطابق با 27 اسفند/ 1347 در سن 67 سالگی درگذشت. پیکرش در انتهای قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

### - منابع

1- آثار الحججہ 103/2.

2- آینه دانشوران 423.

### میرزا علی اصغر وثوق

### اشاره

(1302-1378 ق)

از شاعران و ورزشکاران معروف قم بود.

استاد مهدی عباسی در تاریخ کشتی ایران، نامبرده را چنین معرفی می نماید:

«از کشتی گیران فوق العاده باهوش و فنی، او شعر می گفت و آواز خوبی داشت.

شغلش حکاکی بود.

در سال 1300 ش که کلاوری گرجی به قم آمده بود، در ساعات فراغت با او تمرین می کرد و کشتی ایرانی را به او آموزش می داد. در اواخر کار به حلقه

ص: 1041

در ایش در آمد».

عاقبت در روز چهارشنبه 3 ذی الحجه 1378/ ق مطابق با 19 خرداد/ 1338 ش در سن 76 سالگی درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیه السلام-صحن اتابکی- به خاک سپرده شد.

#### - منبع

1- تاریخ کشتی ایران 256/2.

#### علی اکبر ارداقی قزوینی

#### اشاره

(1300-1377 ق)

علی اکبر ارداقی فرزند شیخ محمد تقی قزوینی، از مجاهدان و مبارزان معروف مشروطیت بود.

او در سال 1300 ق مطابق با 1261 ش در «ارداق» قزوین به دنیا آمد.

در سن سه سالگی پدرش را از دست داد. و در 15 سالگی به قزوین و از آنجا به تهران رفت و وارد مدرسه «افتتاحیه» گردید و به تحصیل پرداخت.

ارداقی در جریان مشروطیت همراه با برادر خود «قاضی ارداقی» در سلک مشروطه خواهان درآمد. و پس از بمباران مجلس در واقعه «باغ شاه» گرفتار شد.

برادرش قاضی ارداقی کشته شد و خودش را به «رشت» تبعید کردند. در آنجا به علت پخش «شب نامه» مورد سوءظن واقع شده و به زندان افتاد. پس از مدتی او را به خارج ایران تبعید کردند و خود به «بادکوبه» و «ترکیه» رفت و پس از کشته شدن حاکم گیلان، به ایران بازگشت.

پس از بازگشت به ایران در تهران وارد «کمیته مجازات» شد. دختر ارداقی در کتاب «اسرار کمیته مجازات» در این زمینه این گونه می نویسد:

«برای اینکه به طرز فکر و روحیه او (ارداقی) پی ببریم، لازم می دانم قسمتی از نامه ای را که به یکی از نخست وزیران نوشته است ذیلا نقل کنم: ... البتّه مسبوق

ص: 1042

هستید که در کابینه وثوق الدوله آثار شومی برای ایران باقی ماند، که تشکیل پلیس جنوب و اشغال قسمتی از خاک ایران به وسیله قشون تزاری و توقف آنها در پشت دروازه پایتخت، یکی از آثار شوم کابینه مذکور بود. و نیز می دانید که اغلب سیاست مداران آن دوره دانسته یا ندانسته ایرانی بدبخت را، سوار بر اسب مهاجرت نموده و به یک نقطه موهوم سوق می دادند، که لازم نیست عواقب وخیم این نهضت بیچگانه را برای شما تشریح نمایم. و بنابراین، کمیته مجازات و انجمنهای دیگر بنا به علل فوق تشکیل گردید.

پدرم نظرات و عقاید خود را درباره کمیته مجازات و علت تشکیل آن بارها برایم این طور تعریف و نقل می کرد: ... عملیات کمیته مجازات به ظاهر یک امر جنایی بود و شکی نیست که اصولاً جنایت و آدم کشی یک عمل مذموم و عاملین آن باید به کیفر اعمال غیر انسانی خود رسیده و محکوم به مرگ می شدند. در این صورت با توجه به اینکه من به این مسایل وقوف کامل داشته و از عواقب وخیم کار کمیته مجازات آگاه بودم، ولی چون می دانستم دولت امپراطوری انگلیس موجبات برقراری یک حکومت مقتدر بی باکی را فراهم ساخته که قرارداد 1919 م مقدمه ایجاد چنین حکومتی بود، که کورکورانه دستورات اربابان خود را به مرحله اجرا می گذارد، لذا لازم دیدم با وجدانی پاک و فکری بی آرایش و ایمانی راسخ در برانداختن این ریشه فساد و خیانت قدمی بردارم».

به دلیل فعالیت در این کمیته، ارداقی در یکشنبه 21 مرداد 1296/ ش دستگیر شد. و پس از دستگیری دفاعیه ای نوشت و طی آن اعتقادش به ترور را تکذیب کرد. او مدت چهار سال زندانی بود و پس از این مدت به قم تبعید شد.

یک سال و نیم در آنجا بود، سپس به تهران بازگشت. در بازگشت به تهران ابتدا به خدمت وزارت کشور درآمد، و سپس به وزارت دادگستری انتقال یافت.

از آثار او: دربار شاهی، به چاپ رسیده است.

علی اکبر ارداقی در روز شنبه 6 جمادی الثانی 1377/ ق مطابق با 7 دی / 1336 ش در سن 77 سالگی بدرود حیات گفت و در جوار مزار علی بن بابویه قم مدفون گردید.

### -منابع

- 1- اسرار تاریخی کمیته مجازات.
- 2- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 125/1.
- 3- مؤلفین کتب چاپی 484/4.

### شیخ علی اکبر الهیان تنکابنی

### اشاره

(ح 1305-1380 ق)

شیخ علی اکبر فرزند ملا محمد تقی و نوه ملا محمد سمّامی تنکابنی، مشهور به «الهیان» از معاریف و مشاهیر بزرگان صاحب فضل و فضیلت و تقوا بود.

الهیان در حدود سال 1305 ق در قزوین متولد گردید.

پدرش از جمله فقها و بزرگان معروف عصر خود بود. او در شهر رامسر مازندران متولد گردید، و تحصیلات عالی را در سامرا نزد آیت الله میرزا حسن شیرازی و آیت الله سید اسماعیل صدر به پایان برد و جهت انجام وظایف دینی به قزوین رهسپار شد و در آنجا اعتبار زیادی کسب نمود و موقعیت علمی خوبی به دست آورد و علاوه بر مشاغل اجتماعی به امر تدریس و اقامه

ص: 1044

جماعت و ارشاد اشتغال داشت. از جمله آثار قلمی اش به کتابهای زیر اشاره می رود: 1- حاشیه بر نجاه العباد، 2- الفوائد العسکریه، در اصول فقه در دو جلد، 3- مصابیح در فقه، در سه جلد، 4- حاشیه بر کتاب عین الاصول (اثر ملا محمد تقی برغانی)، 5- تقریرات فقه میرزای شیرازی، 6- تقریرات اصول میرزای شیرازی. ملا محمد تقی سمّامی سرانجام در سال 1322 ق در قزوین درگذشت و در چهار پیغمبریه همان دیار به خاک سپرده شد. شرح حال ایشان مفصلاً در کتاب بزرگان رامسر صفحه 159 آمده است.

آقا شیخ علی اکبر الهیان مقدمات را در همان جا به سرپرستی پدرش فراگرفت، و در سال 1323 ق یک سال بعد از فوت پدر خود عازم تهران شد، و سطوح عالیّه را در آن شهر تحصیل نمود و به نجف اشرف عزیمت کرد. مدتی کوتاه درس ملا محمد کاظم خراسانی را درک کرد، سپس در نزد سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و دیگر بزرگان عصر تلمذ نمود، و به درجه اجتهاد نایل شد.

وی در حدود 1335 ق به قزوین مراجعت کرد، و در آنجا به تدریس و تربیت طلاب علوم دینیّه پرداخت. و در ضمن خدمت عارف و اصل علامه سید موسی زرابادی (متوفی 1353 ق)، به تهذیب و تزکیه نفس مشغول گردید. در سال 1343 ق به قم رفت و از محضر شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده نمود، و به تدریس سطح پرداخت. در سال 1345 ق به رامسر مهاجرت و چندی در آنجا اقامت گزید، و مجدداً به قزوین بازگشت.

وی پس از این دائماً در سفر بود و تا آخر عمر به: طالقان، گیلان، قزوین، و رامسر رفت و آمد و در حال تردد بود، و هر جا که می رفت به تدریس و تربیت و تهذیب طلاب می پرداخت.

در طول دوران زندگی هیچ گاه دلبستگی به دنیا پیدا نکرد و هیچ گاه خانه و مسکن و یا اثاث خانه تهیه نمود، و با زندگی بسیار ساده و بی آرایش عمری را سپری ساخت. با وجودی که مبالغ زیادی از وجوهات بدو داده می شد، هیچ وقت

در آن حقوق تصرف نمی کرد، و در دوران زعامت آیت الله بروجردی همه وجوهات را به ایشان می داد.

از دانشمند متقی شیخ عبدالحسین لاهیجی «معروف به حاج علامه» ساکن مشهد مقدس -نقل است: از الهیان شنیدم که فرمود: تمام هوا و هوسها را از خود دور کردم، و هیچ آمالی در من وجود ندارد.

و نیز نقل نموده است: در حدود 1370 ق نامبرده یک شب تابستان با عده ای از ارادتمندان آن جناب در منزل ما بودند، آن شب در اطاق کک زیاد بود به حدی که همه را ناراحت می کرد. یکی از دوستان ککی را با دست کشت، الهیان متغیر شد و فرمود: چرا این حیوان را می کشید؟ بگوئید برود. لحظاتی نگذشت که تمام ککها از اطاق خارج شدند، و مدتها در آن اطاق کک مشاهده نگردید.

و همچنین نقل کرد که: شیخ مجتبی قزوینی تنکابنی برایم بیان نمود: الهیان به زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام مشرف گردید، و به منزل من وارد شد، موقع خواب برایش رختخواب گذاشتم و از اطاق خارج شدم، پس از چند ساعتی جهت انجام کاری بدان اطاق رفتم، دیدم الهیان نشسته و زانو را در بغل گرفته، گفتم:

آقا دانی فرش گذاشتم چرا نمی خوابید؟ فرمود: پا را که برای خواب دراز کردم متوجه شدم به طرف حضرت است، به این طرف برگرداندم دیدم به سوی عکس آقای بروجردی است، که یک مرتبه شمایلش در مقابلم مجسم شد. لذا به احترام حضرت رضا علیه السلام و آقای بروجردی که سید جلیل القدری است این طور استراحت می کنم، من فوراً جای او را تغییر دادم.

اجمالاً نامبرده از افراد بزرگ عصر ما، و دارای روحی بسیار قوی بوده، و دهها کرامت از آن مرحوم نقل شده است.

## درگذشت

الهیان در چند سال اخیر بیشتر اوقات را در یکی از روستاهای طالقان

می گذراند، تا اینکه در اوائل زمستان 1339 ش مریض شد. مرض ایشان شدت گرفت و در بیمارستان هشترودی تهران بستری گردید، در روز سه شنبه 13 بهمن/ 1339 ش مطابق با 15 رجب 1380/ ق در بیمارستان مذکور بدرود حیات گفت.

جنازه اش به قم حمل شد. آیت الله بروجردی بر ایشان نماز گذارد (و گویا این آخرین نماز میتی بود که بروجردی خوانده بود) و در قبرستان وادی السلام - در مقبره خانوادگی مرحوم حاج علی رضا احمدنژاد رامسری - به خاک سپرده شد.

شیخ محمد تقی نحوی که اکثر اوقات خدمت آن مرحوم می رسید، از قول یکی از اخیار تهران که در لحظات آخر حیات آن مرحوم نزدش بوده نقل نمود: چند لحظه قبل از فوت، ایشان به من فرمود: زیر بغلم را بگیرد تا بنشینم. او را نشاندم، متوجه شدیم آن مرحوم پاها را جمع کرد و مؤدب نشسته به یک نقطه معینی نگاه می کند، و لبان را تکان می دهد. گویا با کسی صحبت می کند، سپس پا را دراز نموده و خوابید، و به رحمت ایزدی پیوست. در همین حال بوی عطری بسیار عالی به مشامان رسید.

وی دارای دو پسر شد: یکی به نام آقا محمد (دارای لیسانس ادبیات عرب) و دیگری آقا حسن، که هر دوی آنها دبیر آموزش و پرورش و ساکن تهران می باشند.

#### - منبع

1- بزرگان رامسر 104.

#### میرزا علی اکبر اهری

#### اشاره

(1270-1355 ق)

میرزا علی اکبر فرزند شیخ ملا عبد الله اهری، از فقها و علمای برجسته تبریز بود.

در سال 1270 ق در اهر دیده به جهان گشود.

#### در حوزه تبریز

پس از آموختن مقدمات به تبریز مهاجرت کرد، و پس از طی دوره سطح،

ص: 1047

دروس خارج را از محضر آیات: میرزا موسی تبریزی (صاحب اوثق الوسائل) و میرزا حسن مجتهد تبریزی استفاده نمود، و خود اقدام به تشکیل حوزه درسی کرد، و عده ای از بزرگان را تربیت و پرورش داد، که از جمله آنان حضرات آیات: 1- میرزا احمد اهری (برادرزاده اش) 2- میرزا قاسم گرگری 3- شیخ علی اکبر نحوی اهری 4- میرزا علی اصغر باغمیشه ای 5- میرزا مهدی ششگلانی.

## آثار از بین رفته

ایشان دارای آثار قلمی بود که همه آنها در اختلافات مشروطه از میان رفت، از جمله آنها:

1- حاشیه بر فصول، در اصول فقه.

2- حاشیه بر قوانین الاصول.

3- حاشیه بر مطول.

## نقل یک داستان

نواده ارجمند ایشان آیت الله شیخ محمد علی اهری (مقیم تبریز) از مرحوم آیت الله میرزا احمد اهری نقل کردند، که روزی از ایشان پرسیدم که: مرحوم جد امجدم از لحاظ علم و عمل چطور بود؟

میرزا احمد، چنین پاسخ دادند: از لحاظ عمل مردی خودساخته، زاهد و عابد بود، و باید او را به فرشته تشبیه کرد.

و اما از لحاظ علم: از حضرات آیات میرزا فتاح شهیدی و میرزا رضی زنوزی اعلم بود.

## درگذشت و اعقاب

وی در سال 1355 ق مطابق با 1315 ش در سن 85 سالگی در تبریز

ص: 1048



درگذشت، و ابتدا در قبرستان شتربان مدفون شد، و بعداً جنازه اش به قم مقدس انتقال داده شد و در شاهزاده ابراهیم علیه السلام مدفون گردید.

### فرزندانش:

1- میرزا رضا که از علماء بود 2- میرزا تقی 3- میرزا نقی.

شایان ذکر است که دائی آن مرحوم آیت الله میرزا عبد الغنی اهری (قراچه داغی)، متوفای 1316 ق، از بزرگترین دانشمندان عصر خود بود، که در تبریز سکونت داشت، و از وی (حاشیه بر ریاض المسائل) بر جای مانده و اکنون در دست نواده مرحوم اهری می باشد. به نقباء البشر 1150/3 رجوع شود.

### -منبع

1- افادات نواده معظم له، آقای شیخ محمد علی اهری.

### سید علی اکبر برقی قمی

### اشاره

(1317-1407 ق)

حاج سید علی اکبر برقی قمی فرزند سید رضی الدین رضوی، متخلص به «کاشف» از فقها و دانشمندان روشنفکر و نویسندگان پرکار حوزه علمیه قم بود.

او در 11/رمضان 1317/ق مطابق با سال 1278 ش در شهر قم از مادر زاده شد، آموزش مقدماتی را در مکتب فراگرفت و از همان کودکی به تحصیل دانش دل بست و در فراگرفتن

ص: 1049

علوم علاقه و افری از خود نشان داد، چندانکه مایه شگفتی گردید. از آن پس به تحصیل علوم دینی و ادبی پرداخت و با سرعت مراحل تحصیل را طی کرد و به مدارج عالی علمی دست یافت.

برقی، از حافظه ای نیرومند و سرشار برخوردار بود، به همین جهت تحصیلاتش با سرعت پیش رفت. هنوز دوره بیستم از سالیان عمر را طی نکرده بود که در علوم متداوله زمان خود بارز گردید و حلقه درسی به وجود آورد و دانش پژوهان را پیروانید و با همان جدیت، پشتکار، دانش پژوهی را دنبال کرد و در بیست سالگی پا به مرحله اجتهاد گذاشت و از مراجع مهم زمان اجازه اجتهاد کسب کرد.

اساتیدش در ادب: شیخ جعفر غفرانی و شیخ ابو القاسم نحوی و در منقول:

میرزا محمد ارباب و شیخ حسن فاضل و شیخ ابو القاسم قمی «کبیر» و درس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و میرزا محمد حسین نائینی (در قم) و سید ابو الحسن اصفهانی (در قم) و معقول را از: میرزا محمد ارباب و میرزا علی اکبر حکمی یزدی «تجلی» استفاده نمود، سپس به تدریس فلسفه و کلام اشتغال ورزید.

پس از ورود آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری به قم و تأسیس حوزه علمیه، برقی یکی از مشاوران او بود و درباره مشکلات روحانیت و وضع تحصیلی طلاب با او تبادل نظر می کرد. ایشان عقیده داشت که تحصیلات طلاب باید با برنامه پیش رود و از طلاب باید امتحان به عمل آید تا آنان که صلاحیت تحصیل دارند بمانند و در ضمن معتقد بود که طلاب باید با زمان پیش بروند و با علوم جدید آشنا شوند. به هر حال، او از یاوران حاج شیخ عبد الکریم حائری در سروسامان دادن به وضع حوزه بود و تا حد زیادی هم در بهبود وضع حوزه علمیه اصلاحات به عمل آمد. او نماز جماعت را در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام بر پا می نمود.

اما آنچه بیش از مقام دانشمندی در او نمودار بود، روش مخصوصش در زندگی بود که از دیگر روندگان ممتاز بود. او عارفی وارسته و عالمی آزاداندیش و نویسنده ای محقق بود و در کارهای خوب اجتماعی تا جایی که توانایی داشت پیش رفت و در سال 1313 ش در قم دبستان حیات و در سال 1315 ش دبیرستانی تأسیس کرد که سپس هر دو به نام «سنایی» موسوم گردید.

برقعی، در زمان جنگ بین الملل دوم که آذوقه نایاب، و مردم در تنگنا و سختی، و فقرا و بینوایان از گرسنگی رنج می بردند، نتوانست بی تفاوت باشد. از این روی به تشکیل انجمن خیریه همت گماشت و از متمکنین تهران و قم کمک گرفت و در منطقه ای که سکونت داشت نانوایی ایجاد کرد. بدین طریق به بینوایان کمک و مساعدت نمود و خود اوقاتش بیشتر مصروف در ماندگان می شد و خانه اش پناهگاه بینوایان و فقیران بود و با کمال بردباری و بلندنظری مشکلاتشان را حل می کرد.

برقعی در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز بی تفاوت نبود، هر زمان که لازم بود از دولتها انتقاد می کرد و دردهای اجتماعی را با مقامات مسئول در میان می گذاشت، اما کمتر گوش شنوایی بود. او از کسانی بود که عمیقاً با جنگ و خون ریزی مخالف بود و دولتهای بزرگ را مسبب جنگها می شمرد و جنگ را نمونه توحش انسان می دانست. او نه تنها با جنگ مخالف بود، بلکه با هر ستیزه جویی و اختلاف و کشمکش و منازعه شخصی هم مخالف بود و در جنگ جهانی دوم که آمریکا از سلاح اتمی استفاده کرد و دو شهر ژاپن را با بمباران به کام مرگ کشاند و در جنگ کره که آمریکا آن همه فجائع را مرتکب گردید، نهضت جهانی صلح در اروپا به وجود آمد و فرانسه پایگاه نهضت جهانی صلح شد و در کشورهایی نهضت صلح گسترش یافت و در سال 1329 ش در ایران نیز «جمعیت هواداران صلح» به ریاست استاد محمد تقی ملک الشعرا «بهار» تشکیل گردید و چون از منویات آیت الله برقعی در موضوع جنگ اطلاع داشتند، از او خواستند که به جمعیت صلح در ایران کمک کند و او نیز اولین سخنرانی خود را در مسجد شاه تهران تحت عنوان «صلح و

نیروی نگهبانی» ایراد کرد که جمعی از روحانیون و نمایندگان مجلس و مقامات دولتی در آن شرکت کردند و شعار «به عدل سوگند، صلح پیروز است» از آن او بود که شهرت یافت و به همین منظور دو سفر به کنگره جهانی صلح دعوت شد و به «پاریس» و «وین» در سال 1331 ش رفت و به عنوان یک پیشوای روحانی مسلمان، ندای صلح را سرداد و سخنرانی کرد و پس از مراجعت از سفر اروپا هیئت حاکمه به دستور آمریکا او را از قم به شیراز و بعدا به یزد تبعید کرد و مدت چهارده سال این تبعید طول کشید و سپس به قم بازگشت.

ایشان در روز سه شنبه 8 ذی الحجه 1407/ ق مطابق با 13 مرداد/ 1366 ش در قم در سن 90 سالگی چشم از جهان فرو بست و روز بعد پس از تشییع در قبرستان باغ بهشت- مقبره خانوادگی- مدفون گردید.

برقی در ادب اطلاعات وسیعی داشت، به خصوص درباره زبان فارسی. و معروف است که می گفت: زبان فارسی اسپرانتوی زبان هاست، اما هنوز نظم درست آن را نجسته، دستورها و فرهنگهای پراکنده پیرامون آن پرداخته اند. ولی در شعر با آنکه از آغاز جوانی به آن دلبنده و به حفظ آن اهتمام داشت تا بیست سالگی به نظم شعر پرداخت و از آن پس که به نظم شعر پرداخت، اهتمامی به ضبط آن نداشت.

ناظم الملک «ضیائی» که مردی ادیب و هم شاعر بود در یکی از روزها که به دیدنش آمده، دفتری با خود آورد و درخواست کرد که سراییده های خود را در این دفتر ثبت کنید و از این پس به ضبط آنها اهتمام ورزید. با این وصف قسمتی از اشعارش از میان رفت و این مقدار که مانده نزدیک به دو هزار بیت که در سال 1351 ش طبع و نشر گردید.

## از آثار او

1- بامداد روشن در صلح امام حسن علیه السلام.

2- تذکره مبتکران.

ص: 1052

- 3- جلوه حق در سیرت امام علی علیه السلام.
- 4- چرا از مرگ بترسیم، ترجمه.
- 5- درج گهر در سخنان سید البشر صلی الله علیه و آله و سلم.
- 6- درر الکلم در کلمات قصار امام علی علیه السلام.
- 7- راهنمای دانشوران، در سه جلد.
- 8- راهنمای دینداران.
- 9- راهنمای قم (در تاریخ قم).
- 10- سیاست نامه حضرت علی علیه السلام.
- 11- شیعه یا پدیدآورندگان متون اسلام، ترجمه.
- 12- کاخ دلاویز یا تاریخ شریف رضی.
- 13- کانون احساسات در واقعه کربلا.
- 14- کلمات قصار امام جعفر صادق علیه السلام.
- 15- مهر تابان در سیرت علی علیه السلام.
- 16- هدايا العقول فی المأثور عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم.
- 17- الروض المنی، در حکمت و ادب، در دو جلد.
- 18- السراج الوهاج فی أسرار المعراج.
- 19- الناهیه عن الفحشاء (فی اسرار الصلاه).
- 20- رهبر دانشوران، در معروفین به القاب و کنیه ها.
- 21- شرح خطبه حضرت فاطمه علیها السلام.
- 22- لب اللباب در امر حجاب.
- 23- راه نو در جهان شناسی.

24- تبصرة معلمان، در نحو.

25- تذكرة معلمان، در صرف.

ص: 1053

اشعار زیر اثر طبع ایشان است:

ای پای خرد به راه پویا باش ای دست هنر به کار کوشا باش

ای طایر عقل کز تو شد پیدا اسرار نهفته سد ره پیما باش

ای جلوه علم کز تو حیرت زاد پیوسته به دهر حیرت افزا باش

ای طلعت داد کز تو دلها شاد در حکم شهان همراه پیدا باش

ای دست سخا که از تو شد آباد دنیای بشر بسان دریا باش

ای پیر جهان ز بعد فرتوتی از فرّ فروغ علم برنا باش

ای چشم به عیب خویشان بنگر و ز دیدن عیب مردم اعمی باش

در پیش حوادث توانفرسا ای قلب چو کوه پای برجا باش

\* در راه کمال نفس رفتن گیر وز تیرگی درون مصفا باش

اندر ره کسب کمترین دانش چون ذره ز پای تا به سرپا باش

بر ذلت مستمند رحمت آر و ز حالت دردمند جو یا باش

بیرون ز جهان ملک منزل گیر برتر ز برین سپهر مینا باش

مشهور به فضل و هوش و حکمت شو معروف به نام نیک و تقوا باش

دلشاد مشو به نام بی معنی خرسند به اسم با مسمی باش

منظور عموم اهل دانش شو محسود یهود و گبر و ترسا باش

توأم به عمل نمای دانش را در علم و عمل حکیم والا باش

دیباچه دفتر سعادت شو بر لوحه کار نیک طغرا باش

با مردم اگرچه تندخو باشند نیکوروش و گشاده سیما باش

با روی گشاده از دل و خاطر اندوه زدا چو روی صحرا باش

در بزم کسان چو شمع روشن باش در رزم خسان چو تیغ برّا باش

ز آلودگی جهان منزّه شو برتر ز فضای تنگ غبرا باش

ص: 1054



امروز به کار خویشتن پرداز فردا چو شود به کار فردا باش

در دادن پند و گفتن حکمت «کاشف» به ادب همواره گویا باش

### سوز هجر

گر بخت کند یاری بر زلف تو آویزم اندر شکن زلفت صد شور برانگیزم

بارد به تنم گر تیر از تیر نتابم سر آید به سرم گر سنگ از سنگ نپرهیزم

در کندن کوه جان چالاک چو فرهادم در دادن نقد دل بی باک چو پرویزم

آن روز که من دیدم، بی پرده رخت، گفتم سوگند بدان رویت با حور نیامیزم

خاک سر کویت را رویم به سر مژگان گرد کف پایت را در دیده فروریزم...

### فرزندانش:

1- سید محمّد باقر 2- سید محمّد 3- دکتر هبه الدّین 4- سید محسن.

### -منابع

1- آینه دانشوران 201.

2- تاریخ تکایا و عزاداری قم 298.

3- تاریخ قم 278.

4- رجال قم 132.

5- ریحانه الأدب 154/1.

6- سخنوران نامی ایران 2924/5.

7- سخنوران نامی معاصر 190/1.

8- علمای معاصرین 288.

9- فرهنگ شاعران زبان پارسی 468.

10- فهرست کتابهای چاپی فارسی طی 291/1.

11- گنجینه دانشمندان 389/4.

12- مؤلفین کتب چاپی 491/4.

13- نگین سخن 491/5.

ص: 1055

(1288-1374 ق)

حاج سید علی اکبر فرزند سید رضا حسینی عزآبادی یزدی، ملقب به «پیشوائی»، از علما و مدرسین حوزه علمیه قم بود.

وی در سال 1288 ق در روستای (عزآباد) از توابع یزد متولد گردید.

ایشان پس از فراگیری مقدمات، دروس سطح را نزد اساتیدی چون: سید علی مدرس طباطبائی، سید مرتضی مدرس طباطبائی (معروف به شیخ مرتضی)، سید یحیی مدرس، ملا ابراهیم لاری، سید ابراهیم مهریزی و شیخ علی مسگر یزدی به پایان رساند. و در سال 1317 ق به مشهد مقدس رهسپار و از محضر علامه سید علی حائری یزدی و در سبزوار از محضر میرزا حسین بزرگ سبزواری و میرزا محمد اسماعیل تهرانی در علوم عقلی، استفاده شایان نمود.

مرحوم پیشوائی در سال 1324 ق به عتبات عالیات رفت و در نجف اشرف از محضر آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بهره مند گردید. در سال 1341 ق به قم عزیمت کرد و به تدریس و اقامه جماعت در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و دیگر وظایف دینی اشتغال ورزید.

نامبرده در اواخر شعبان 1374/ ق مطابق با اواخر فروردین 1334/ ش در سن 86 سالگی در قم درگذشت و پیکرش در قبرستان شیخان مدفون شد.

ص: 1056

## فرزندانش:

1- علامه سید محمد حسن پیشوائی، از علمای فعلی «الیستر» خرم آباد 2- سید احمد 3- سید مهدی غریق که در خوزستان غرق شد 4- سید حسین.

## -منابع

- 1- آثار الحجه 58/2.
- 2- آینه دانشوران 173.
- 3- گنجینه دانشمندان 97/2.

## میرزا علی اکبر تابش اصفهانی

## اشاره

(ح 1305-1370 ق)

حاج میرزا علی اکبر تابش فرزند حاج میرزا مهدی اصفهانی، از فضلاء پارسا و از اعضای قدیمی «انجمن ادبی شیدا» اصفهان بود. اشعارش در «مجله دانشکده» دوره اول به طبع می رسید.

او در شب سه شنبه 15 شعبان 1370/ ق مطابق با 31 اردیبهشت/ 1330 ش در سن حدود 65 سالگی در تهران وفات یافت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ به شماره (13131) قم مدفون شد.

دیوانی دارد در حدود دوسه هزار بیت شامل انواع فنون سخن می باشد، از اشعار اوست:

## در مدیح حضرت نامن الاثمه علیه السلام گوید

سحرگاه است و صحرا و نسیمی مشکبار آید

مرا اندر مشام جان شمیم کوی یار آید

مگر بر زلف مشکین شانه زد در خلد حور العین

که باد صبحدم با نکهت مشک تثار آید

شبی روشن تر از روز است و نور از طارم اعلی

بقندیل فلک پیوسته از بهر نثار آید

شبی چون روز و ماه چارده در گنبد گردون

چو خورشید جهان آرا بچشم اشکبار آید

شبی نورانی و باغ و چمن سرسبز و مینوفر

نوای قمری و بلبل بگوش از شاخسار آید

مگر شد خیمه لیلی نمایان اندر این صحرا

که اندر چشم مجنون این چنین لیلی، نهار آید

همانا خطه طوس است کز هر خطوه اش ما را

یکی جان گرامی اندر این جسم نزار آید

کلیم از لن ترانی گرچه شد مأیوس در سینا

بدین وادی بی دیدار یار امیدوار آید

همایون گنبد زرفام او از دور شد رخشان

و یا از طور سینا این تجلی آشکار آید

فروزان کوب دری عیان از شمسۀ کاخش

از این مصباح ظاهر نور لم تمسسه نار آید

همانا بیت معمور است این کز عالم بالا

ملک بهر طوافش بی حساب و بی شمار آید...

**-منبع**

1- تذکره شعرای معاصر اصفهان 122.

**شیخ علی اکبر تبریزی «واعظ»**

(1308-1375 ق)

حاج شیخ علی اکبر تبریزی غروی عزیزی (واعظ) در 23 رمضان 1308/ق

ص: 1058

در تبریز متولد شد.

وی از وعظ و گویندگان شهیر بود که در اواخر عمر خود به تهران رفت و در پایتخت شهرت بسزائی یافت. وی مردی بلندبالا و دارای محاسن سفید بود و به قدری شیرین و جذّاب سخن می گفت، که درست مصداق شعر حافظ می شد:

ترکان پارسی گو بخشندگان جانند

بنا بر فرمایش استاد معظم حضرت آیه الله سید ابو القاسم کوبی تبریزی دام ظلّه که محضر ایشان را نیز درک کرده:

تحصیلات مرحوم واعظ در تبریز بود، و در سالهای آخر عمر چند ماه از سال را در نجف اشرف بسر می برد و در مسجد عمران به وعظ و ارشاد اشتغال داشت، و منبر بسیار جالب و سودمندی داشت.

باری وی روز پنجشنبه 14/رمضان 1375/ق مطابق با 6/اردیبهشت/1335 ش به موقع افطار در تهران به سکنه قلبی دچار و بدرود زندگی گفت، و در روز جمعه با تشییع کم نظیری او را به قم انتقال دادند، و در قبرستان حاج شیخ مدفون شد.

مخفی نماند که حجه الاسلام شیخ رضا سقزاده واعظ یکی از دست پروردگان ایشان بود.

#### -منابع

1- آینه دانشوران 70 آورده: جسدش به نجف اشرف حمل شد، قطعاً اشتباه است).

2- گنجینه دانشمندان 385/2.

ص: 1059

(ح 1264-1344 ق)

میرزا علی اکبر یزدی متخلص به (تجلی) و معروف به «حکیم الهی» و «حکمی» فرزند حاج میرزا ابو الحسن تاجر اردکانی -مقیم یزد-، از حکما و فلاسفه گرانقدر قرن چهاردهم قمری به شمار می رفت.

او در حدود سال 1264 ق در شهر یزد متولد شد.

میرزا علی اکبر تحصیلات مقدماتی، فارسی و صرف و نحو عربی و فقه را نزد اساتید یزد فراگرفت، بعدا راهی شهر اصفهان شد. یکی از شاگردان ایشان نقل کرده است که میرزا علی اکبر گفته بود: «مدت چهار سال که در اصفهان به تحصیل اشتغال داشتم، جز مدرسه تا راه حمام جای دیگری را در اصفهان بلد نبودم».

این مطلب می رساند علاقه ایشان به تحصیل تا آن اندازه ای بوده، که به خود اجازه گردش و حتی دیدن شهر اصفهان را در مدت چهل سال نداده است. در اصفهان از محضر حکمائی چون: شیخ محمد رضا قمشه ای و میرزا جهانگیر خان قشقائی استفاده نمود.

بعد از خاتمه دوره تحصیل اصفهان، به تهران عزیمت نموده، و در مدرسه شیخ عبد الحسین اقامت داشته، و از ارث پدری خانه ای در تهران تهیه و از محضر



میرزا ابو الحسن جلوۀ اصفهانی در حکمت و فلسفه بهره مند گردید.

نظر به اینکه خواهری در قم داشته (مادر علامه میرزا علی ناسوتی)، با وساطت این خواهر عیال در قم اختیار کرده و از سال 1327 ق در قم سکونت گزید، و در اواخر سال 1344 ق در پی بیماری وفات کرده. گفته شده: متجاوز از 80 سال زندگی کرده، در قبرستان شیخان-جوار قبر میرزای قمی-مدفون شد.

یکی از شاگردان ایشان بدیع الملک میرزا دولت‌شاه بود که سالهای زیادی را در درس و مصاحبت ایشان حضور یافته، و تقریر دروس را تحریر می کرده است. از جمله: کتاب «الدّره الفاخره» تألیف ملا عبد الرحمن جامی و کتاب «المشاعر» تألیف ملا صدرا که در سالهای اخیر به طبع رسیده است، در مقدمه کتاب الدرّه الفاخره درباره استاد خود-حکیم یزدی-چنین نوشته است:

«این بنده محتاج به فضل ربّه الکریم را موجب اجری و در عالم یادگاری باشد، تا در سنه 1307 ق موفق شد که رساله موسومه به «الدّره الفاخره» را که تألیف مولانا المحقّق المدقّق العارف الکامل، ملا عبد الرحمن جامی می باشد، و جامع اصول مطالب و عمده مقاصد در این علم است، در خدمت جناب عمده الحکماء الالهیین و قدوه الفضلاء المتألّهین، الوحید الموحّد، و الفرید المتفرد، المدرّس فی المعقول و المنقول، و الفروع و الأصول، آقای میرزا علی اکبر یزدی-دامت افادته-استفاده نمود و شرح بر آن رساله مقرر داشتند و به ملاحظه صحت استاد رسانیده و در خاتمه کتاب، افاده مختصری در «مسأله وجود» از عبد الرحمن جامی به نظر رسید و شرحی بر آن نوشته اضافه نمودند...».

و نیز در مقدمه کتاب المشاعر ملا صدرا نوشته است:

«این بنده کتاب المشاعر را در خدمت استاد، جناب مستطاب عمده الحکماء و المتألّهین، و زیده العلماء المتشرّعین، المحقّق الکامل و العارف الواصل، آقای میرزا علی اکبر یزدی المدرّس-دام افضاله-استفاده نمود، و بیانات ایشان را جمع و به رشته تحریر درآورد و به نظر استاد رسانید، و آن را کتابی نمود موسوم به عماد الحکمه».

سید علیرضا مدرسی یزدی «ریحان»، مؤلف کتاب آینه دانشوران، در شرح حال آن مرحوم چنین می نویسد:

«ابو محمود میرزا علی اکبر ابن ابو الحسن یزدی، یکی از متألّهین عالیقدر است که در روزگار حائری یزدی در حوزه علمیّه قم به تدریس معقول می پرداختند و بسیاری از فضلا و دانشمندان از مجلس درس حضرتش استفاده کرده اند».

وقتی شاهزاده بدیع الملک میرزا ملقب به «عماد الدوله» حکمران یزد بود، از آن جناب خواهش کرد رساله ای به فارسی مشتمل بر مسائل مهمّه حکمت الهی بنویسند. ایشان نیز اجابت کرد و به طور موجز خلاصه مسائل را به پارسی روشن نگاشت، و قسمتی از نسخه شریفه را سید طه موسوی اصفهانی، که از طلاب مدرسه رضویه قم بود، به سال 1353 ق به خواهش من بنده (ریحان) از روی نسخه خطی که نزد میرزا علی ناسوتی یزدی، خواهرزاده حکیم نامبرده بود، نوشته است.

نام آن تألیف رساله عمادیّه است».

از جمله اساتیدی که در سالهای اخیر در پژوهشها و تحقیقات فلسفی آثار حکمای اسلامی به معرفی شخصیت حکمی یزدی توجه، و در مقام شناساندن حکما و فلاسفه برآمده اند، استاد محترم دانشگاه تهران آقای دکتر علی موسوی بهبهانی می باشد که در مقدمه کتاب الدرّه الفاخره، پس از نقل مآخذ معتبر در شرح حال حکیم یزدی چنین یادآور می شود:

در آغاز مقدمه متذکر شدیم که شرح و ترجمه کتاب الدرّه الفاخره به قلم عماد الملک است، ولی به واقع وی بیانات استاد خود، یعنی فیلسوف متأخر حوزه علمیّه قم، آقای میرزا علی اکبر یزدی، معروف به «حکیم» را تحریر کرده است.

در باب ترجمه حال فیلسوف یزدی، متأسفانه نگارنده اطلاعات دقیق و مستندی در اختیار ندارد. ولی قدر مسلم آن است که وی از بزرگترین اساتید فلسفه اسلامی در قرن اخیر، در حوزه علمیّه قم بوده است. و بنا بر آثاری که به واسطه از ایشان باقی مانده و مورد مطالعه نگارنده قرار گرفته است، ایشان از میرزترین

مدرّسین قرن اخیر برای فلسفه صدر المتألهین بوده اند. شرح و ترجمه کتاب المشاعر ملا صدرا که به قلم عماد الدوله است و توسعه طبعش در ایران و فرانسه تصحیح و طبع شده است، در واقع و حقا بیانات و تقریر دروس آقای میرزا علی اکبر حکیم یزدی می باشد. و از آن شرح المشاعر، تضرع و تبخر استاد در مشرب فلسفی ملا صدرا به خوبی استنباط و درک می شود، و همچنین از مطالعه شرح الدرر الفاخره، جامعیت استاد در شعب علوم عقلی، یعنی، کلام و فلسفه و تصوف روشن و آشکار می شود.

اخیرا نسخه خطی از رساله ای به نام «حکمت عمادیّه» مورد مطالعه قرار گرفت که از مترجم همین کتاب است، و آن نیز تحریر تقریرات استادش، یعنی، میرزا علی اکبر حکیم یزدی است. نکته قابل ذکر اینکه رساله مذکور شرحی ملخص از حکمت اشراق است که با بیان ساده نگارش یافته. این موضوع نمایان گر این است که حکیم یزدی در حکمت اشراق نیز تبخر داشته است.

در کتاب تاریخ حکمای متأخر بر صدر المتألهین، حکمی یزدی را در زمره اولین طبقه تلامیذ عارف کامل شیخ محمد رضا قمشه ای، معرفی نموده اند. و در شرح احوال سیّد محمد کاظم عصّار تهرانی، متذکر شده اند که عصّار، ریاضیات قدیم را در مدرسه شیخ عبد الحسین تهران، نزد میرزا علی اکبر مدرّس یزدی فراگرفته است.

ضمنا چون علامه حکمی طبع شعر نیز داشته اند، از جهت حسن ختام، چند بیت از اشعار ایشان را نقل می نمایم:

آنکه دل برد و ز من گشت نهان روی تو بود

وان که گشتم به دو شمشیر، هم ابروی تو بود

خوش شمیمی که نه هرگز بزداید ز مشام

نکته لعل تو و رایحه بوی تو بود

لاله سان داغ نهادم به دل از آتش عشق

در گلستان قدم خال چو هندوی تو بود

آنکه مدهوش نمودم ز می و سحر حلال

شهد آب دهن و دیده جادوی تو بود

کشدم آنکه به زنجیر و رسن سوی توام

تار گیسوی تو و سلسله موی تو بود

خم گیسوی توام دور زده همچو کمند

خوش دل آن صید که در حلقه گیسوی تو بود

می توان یافت خلاصی ز کمندت؟ هیئات

رو به هر جا که نهادیم همه سوی تو بود

شرط انصاف نباشد که به خود ره ندهی

آنکه دائم به امید تو سر کوی تو بود

تشنه آب حیات است «تجلی» را دل

جرعه ای بخش که دائم به لب جوی تو بود

\* ای دل افسرده تا کی در قفس مانی خموش

در گلستان اندر آ چون بلبلان با صد خروش

گرچه سر عشق نتوان فاش کردن در جهان

می توان در پرده گفتن رازها با اهل هوش

پخته گردانید این دل‌های خام از تاب عشق

کز فروزان آتش او سنگ می آید به جوش

در فنا گر چشم و گوشت رفت، هوش هست پاک

کو به عاریت دهد از خویشتن چشمی و گوش

جام دل لبریز کن از می که ناگه بشنوی

هاتف غیبی که می گوید گوارایت بنوش

کی به کوشش وصل یابی گر نباشد لطف دوست

لیک بشتاب اند این ره تا توانی و بکوش

ص:1064

پس به چشم یار بینی این زمان اغیار را

وز درون پرده بینی پرده دار پرده پر

گر غریق بحر عیبی ای دریغا غم مخور

کو رحیم است و کریم است و غفور و عیب پوش

گرمی وحدت «تجلی» نوشی از دست حبیب

تا ابد مدهوش مانی و نمی آیی به هوش

### از آثار قلمی اش

1- حاشیه علی الاسفار.

2- حاشیه علی الفصوص.

3- حاشیه علی القوانین (اثر میرزای قمی).

4- رسائل حکمیة (شامل چند رساله در حکمت).

5- رساله ای مختصر در هندسه.

6- رساله عمادیه (در حکمت الهی).

7- رساله معرفه النفس و معرفه الرب.

8- شرحی بر رساله مسأله الوجود (از جامی).

### -منابع

1- آثار الحجج 216/1.

2- آینه دانشوران 718.

3- تاریخ حکمای متأخر بر صدر المتألهین 63.

4- تاریخ قم 277 (سال مرگش اشتباها 1354 ق آمده است).

5- تذکره شعرای یزد 388.

6- خدمات متقابل اسلام و ایران 657/2.

7- مقدمه رسائل حکمیّه، به قلم فرزندش جناب آقای محمود حکمی یزدی است.

8- مؤلفین کتب چاپی 497/4.

ص: 1065

اشاره

(-1322 ق)

شیخ علی اکبر فرزند محمد مهدی یزدی معروف به «حکمی»، از اندیشمندان و حکمای مشهور بود.

وی تحصیلات عالی خود را در حکمت و فلسفه نزد شیخ محمد رضا قمشه ای برای مدت طولانی و منقول را از محضر آیات: میرزا ابو القاسم کلانتری تهرانی و شیخ محمد حسن آشتیانی در تهران استفاده نمود، و در منقول از آشتیانی اجازه اجتهاد دریافت کرد و در حکمت چنان ورزیده شد که به «حکمی» شهرت یافت.

نامبرده پس از نیل به مدارج عالی علم، به قم مهاجرت کرد و به تدریس معقول و منقول پرداخت.

از آثار قلمی او

1- حاشیه علی الرسائل.

2- حاشیه علی الشواهد الربوبیه.

3- حاشیه علی المکاسب.

4- حاشیه علی بدائع الاصول.

5- رضاعیات، به زبان فارسی.

حکمی یزدی در 22 جمادی الثانی 1322/ ق در قم درگذشت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

فرزند ایشان، آیت الله شیخ مهدی حکمی «پایین شهری» یکی از علمای مشهور قم بود.

-منابع

1- اثر آفرینان 302/2.

2- أعیان الشیعه 176/8.



(1313-1410 ق)

دکتر علی اکبر سیاسی فرزند محمد حسن یزدی، از دانشمندان و اساتید به نام دانشگاه تهران بود.

وی در سال 1313 ق مطابق با 1274 ش در تهران تولد یافت.

سیاسی پس از سپری کردن دوره های مقدماتی در مدارس: خرد، سلطانی و علوم سیاسی تهران، برای ادامه تحصیلات به فرانسه رفت و در دانشگاه سوربن پاریس به تحصیل پرداخت و در سال 1310 ش مطابق با 1350 ق به اخذ دکترای ادبیات با درجه بسیار عالی از دانشگاه مذکور، نائل شد و همچنین از دانشگاه شارل اول پراگ (چک اسلواکی) و دانشگاه استرازبورگ (فرانسه) دکترای افتخاری بدست آورد و به ایران بازگشت.

وی علاوه بر تحصیلات جدید در رشته حکمت قدیم از محضر اساتیدی چون:

میرزا طاهر تنکابنی و شیخ محمد حسین فاضل تونی در تهران استفاده کرده بود.

دکتر سیاسی فعالیت فرهنگی خود را از استادی دار الفنون و دانشکده های حقوق و علوم سیاسی و ادبیات آغاز نمود سپس سالها سمت «ریاست دانشگاه تهران» را برعهده داشت.

دیگر مناصب و مشاغل ایشان عبارت است از: استاد دانشسرای عالی، ریاست اداره تعلیمات عالی و وزارت فرهنگ (1312 ش)، وزیر فرهنگ (1321 ش در کابینه قوام السلطنه)، ریاست دانشکده ادبیات، ریاست دانشسرای عالی، ریاست دانشگاه تهران (از سال 1321 تا 1333 ش)، وزیر فرهنگ (1322 ش در کابینه علی سهیلی)، وزیر مشاور (1323 ش در کابینه بیات)، وزیر فرهنگ

(1326 ش در کابینه حکیمی)، وزیر امور خارجه (1328 ش در کابینه ساعد مراغه ای).

و اما برخی مناصب فرهنگی ایشان، به شرح زیر است:

ریاست انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی، عضویت کمیسیون بین المللی تألیف علمی و فرهنگی بشر، عضویت هیئت مدیره انجمن بین المللی دانشگاه ها، عضویت فرهنگستان ایران، عضویت شورای عالی فرهنگ، ریاست جمعیت «ایران جوان» و یکی از مؤسسان این انجمن، ریاست مؤسسه روان شناسی دانشگاه تهران و صاحب امتیاز مجله «روان شناسی» که در سال 1349 ش در تهران آن را منتشر ساخت.

## از آثار او

- 1- اصول روان شناسی.
- 2- ایران در تماس با مغرب زمین (رساله دکتر-به زبان فرانسوی).
- 3- دو ماه در پاریس یا از یونسکو تا سوربن.
- 4- روان شناسی پرورشی.
- 5- روان شناسی جدید.
- 6- روان شناسی جنائی.
- 7- شخصیت.
- 8- شعر فارسی.
- 9- طریقه تست (روان شناسی - به زبان فرانسوی).
- 10- علم اخلاق نظری و عملی.
- 11- علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روان شناسی جدید.
- 12- علم النفس یا روان شناسی از لحاظ تربیت.
- 13- فرانسه، کتابهای درسی فرانسه برای متوسطه (همکاری).

14- گزارش یک زندگی.

15- مبانی فلسفه.

16- منطق و روش شناسی.

17- هوش و خرد.

### و نمایشنامه های زیر:

18- عشق و تجدید.

19- عشق و وطن.

20- ماهیار.

21- یک قربانی دیگر.

دکتر سیاسی چند سال آخر عمر خود بیشتر در اروپا و آمریکا به سر می برد و متأسفانه به طور کامل بینائی خود را از دست داد. او در مدت تصدی مشاغل فرهنگی، علاوه بر ویژگی صداقت و متانت شخصی بین همکاران و شاگردان خود، از محبوبیت خاصی برخوردار بود، و تا آخرین روزهای حیات از تحقیق و راهنمایی دانش پژوهان دور نماند.

ایشان در روز جمعه اول/ ذی القعدة 1410/ ق مطابق با 4/ خرداد/ 1369 ش در سن 97 سالگی در پی بیماری در بیمارستان جم تهران، زندگی را وداع گفت. پیکرش روز سه شنبه در تهران و قم تشییع و در قبرستان حاج شیخ- مقبره خانوادگی- به خاک سپرده شد.

### -منابع-

1- مجله راهنمای کتاب، سال چهارم، شماره 2، ص 166.

2- مؤلفین کتب چاپی 518/4.

3- چند پرده از زندگانی رجال معروف ایران 68.

4- بازیگران سیاست 140.

ص: 1069

5- فهرست کتابهای چاپی فارسی طبی 419/1 و 421 و 550 و 554 و 690 و 750 و 810.

6- راهنمای مجله های ایران 360.

7- نامداران اراک 102 (ایشان را اراکی دانسته است؟).

8- چهره های آشنا 310.

**شیخ علی اکبر صبوری قمی**

**اشاره**

(141-1346 ق)

حاج شیخ علی اکبر فرزند علامه شیخ محمد صبوری قمی، از فضلا و بزرگان معاصر تهران بود.

تولدش در سال 1346 ق مطابق با 1306 ش در قم اتفاق افتاد.

نامبرده پس از سپری نمودن مقدمات، در سال 1363 ق به نجف اشرف رهسپار شد و دروس سطح را از محضر آیات: سید یحیی مدرسی یزدی (مکاسب) و میرزا حسن یزدی (کفایه) و دروس خارج را از حضرات آیات: میرزا عبد الهادی شیرازی، شیخ محمد کاظم شیرازی و سید ابو القاسم خوئی استفاده نمود. وی در سال 1372 ق به قم بازگشت و تحصیلات خود را در محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی و شیخ محمد علی اراکی ادامه داد.

در سال 1378 ق در پی درخواست اهالی محله ناصر خسرو-تهران- و امر آیت الله بروجردی به آن دیار عزیمت کرد و در مسجد «درب اندرون» به وظایف

ص: 1070

دینی و روحی اشتغال ورزید.

در ضمن مؤسسه درمانی و کتابخانه مسجد اندرون به همت ایشان تأسیس و کمک به فقرا و مستمندان از خدمات خیری او به حساب می رفت.

## از آثار او

1- آیات توحید.

2- تعقیبات نماز.

3- تقریرات الاصول، درس السید الخوئی.

4- خلاصه مناسک حج.

5- دین حنیف در حرمت ریش تراشی.

6- مبارزه با نفس اماره.

مرحوم صبوری دارای اجازاتی در اجتهاد و نقل حدیث و سمت نمایندگی از حضرات آیات: میرزا عبد الهادی شیرازی، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید محمد هادی میلانی و سید ابو القاسم خوئی، بود.

وی در سال 141 ق در تهران درگذشت. و پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ بهشت - مقبره العلماء - به خاک سپرده شد.

## علی اکبر صفاری

### اشاره

(-1373 ق)

رئیس فرهنگ استان کرمانشاه بود. از زندگی نامه ایشان اطلاعاتی فعلا در دست نداریم. ولی نحوه مرگ او بدین تفصیل ثبت شده است:

صفاری هنگام مسافرت به ایلام برای بازرسی، در بین راه مورد اصابت تفنگ شکاری رفیق خود شد و فوراً درگذشت. پیکرش به کرمانشاه حمل و از آنجا به تهران فرستاده شد و تا حرم حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام تشییع و جهت

ص: 1071

خاکسپاری به قم حمل گردید.

روز تشییع ایشان در قم به تاریخ /12 مهر 1332/ ش بود.

#### -منبع

1- روزنامه اطلاعات، به تاریخ /13 مهر 1332/ ش، ص 4.

#### شیخ علی اکبر علمی تنکابنی

#### اشاره

(1294-1392 ق)

شیخ علی اکبر علمی فرزند میرزا محمد تقی «پیشنماز» و نوه میرزا محمد تنکابنی «مؤلف قصص العلماء»، از فضلا بود.

وی در سال 1255 ش در تنکابن متولد شد.

مقدمات را در نزد پدرش و دیگر مدرسین فراگرفت، سپس به تهران عزیمت نمود و مدارج عالییه را طی کرد، و به تنکابن بازگشت و به تبلیغ و ارشاد پرداخت.

در نسبنامه دودمان علامه تنکابنی وفاتش را در سال 1350 ش دانسته ولی تاریخ فوتی که از روی سنگ قبرش یادداشت کردم در روز سه شنبه اول/فروردین/ 1351 ش مطابق با 5/صفر 1392/ ق حک گردیده و در انتهای قبرستان وادی السلام قم مدفون شده است.

#### -منابع

1- بزرگان تنکابن 172.

2- نسبنامه دودمان علامه تنکابنی 99.

#### میرزا علی اکبر عماد تبریزی

#### اشاره

(1284-1380 ق)

حاج میرزا علی اکبر عماد متخلص به «رمزی» فرزند ملا حسین و نوه مختار تبریزی، از فضلا و خطبا بود.

ص: 1072

ایشان در سال 1284 ق مطابق با 1247 ش در تبریز متولد گردید.

## ویژگیهای علمی و اخلاقی

میرزا عبد الرسول احقاقی اسکویی در مقدمه «دیوان اشعار حجه الاسلام نیر» درباره عماد می نویسد:

وی محدثی بلیغ و گوینده ای توانا بود، که زینت بخش مجالس مذهبی شهر تبریز به شمار می رفت، و اهل ایمان و معرفت با عشقی وافر و علاقه ای مفرط از بیانات حکیمانه و فرمایشات ادیبانه ایشان استفاده می نمودند.

گذشته از امر تبلیغ و منبر، اغلب اخبار و حکایات و لطایف و اشعاری را که در کتب مختلف دیده، در چند مجلد کتاب به نام «رنگارنگ» به طرز بدیعی جمع آوری فرموده، که جلد اول آن در حیات خودش و جلد دومش پس از وفات ایشان به مباشرت آقازاده گرامی اش جناب آقای حاج محمد آقا عماد به طبع رسیده، و امید است که جلد سوم آن نیز زیر طبع و مورد استفاده مشتاقان قرار گیرد.

مرحوم عماد از خدمتگزاران صدیق و صمیمی آستان مقدس حضرت سید الشهداء علیه السلام، مدت هفتاد سال افتخار خدمت در آن استان مقدس را داشته است.

## علی اکبر قمی «افصحی»

### اشاره

(1323-1406 ق)

حاج علی اکبر فرزند ملا باقر قمی، متخلص به «افصحی» از شعرا و ادبای معاصر بود.

وی در سال 1323 ق مطابق با 1284 ش در قم در خانواده معروف «افصحی»، تولد یافت.

ص: 1073

افصحی، امتیاز و مدیری روزنامه «صدای قم» را در سال 1331 ش دریافت نمود و آن را در قم منتشر ساخت.

## از آثار او

1- دیوان اشعار.

2- کنز یا گنجینه ادب «اشعار»، دو جلد.

چند غزل زیر را باهم از ایشان می خوانیم:

بخوانم من ز بسم الله رحمن الرحيم آن خالق اكبر

که زینت بخش کنزم گشته هم در اول و آخر

ستایش از خداوندی که موجودات در امرش

تمام کل ما فیهما به حکم حضرت داور

غفور و رازق رزق است جمله می دهد روزی

هر آن کس حق شناسد گفته ام را می کند باور

نریزد دانه برگی بجز ز امر خداوندی

نروید سبزه ای اندر زمین جز ز امر او دربر

تمام کرسی و لوح و قلم در تحت فرمانش

به باران امر گردد رو بیار بر کوه بحر و بر

هر آن کس سر بیچد روز وانفسا عجب از او

نخواهد دید روی جنت و آن چشمه کوثر

خدا فرمود پیغمبر تو ختم مرسلین هستی

کتاب آسمانی گشت نازل بهر پیغمبر



پیمبر رهنما گردید در دنیا بر این مردم  
نمونه از سلیمانی چو سلمان آمد و بوذر  
پیمبر در غدیر خم وصی خود بیان فرمود  
گرفت اندر سر دست جانشین آن حیدر صفدر  
بگفتا مردمان دانید این مطلب عیان باشد  
علی داماد باشد جانشین من همین رهبر  
ولی غصب خلافت شد ز فرزند ابو طالب  
هزاران ظلم بنمودند بر شیر خدا حیدر  
الا ای افصحی کوتاه کن الکن زبان باشد  
ندانی جمله آری مدح مولا را در این دفتر

### **عشق بحق**

عشق شیرین تو در هیچ سری نیست که هست  
روی نادیده تو در نظری نیست که هست  
راه عشق است پر آشوب ببايد پيمود  
بهر عشاق در این ره خطری نیست که هست  
از سر کوی تو رفتن بکجا هست پناه  
ور نه اندر دل بی دل سفری نیست که هست  
همچو موسی ارنی گو به ره عشق توایم  
آتش شوق تو اندر شجری نیست که هست  
بخت یاری کندم تا که رسد صبح مراد

این ندامت همه شب تا سحری نیست که هست

به وجود آری و راه عدمش بسیاری

اندرین آمد و شدها اثری نیست که هست

ص: 1075

چشم امید بداریم که اندر ره عشق  
بهر این گمشدگان راهبری نیست که هست  
افصحی را نظری گر بنمائی از لطف  
بهر پرواز در او بال و پری نیست که هست

## نوروز و بهار

گشت نوروز و بهار آمد و گلها به چمن باز بلبل بسر شاخه پیامد به سخن  
دسته ای در طرب و عیش به هر دشت و دمن می رسد دوره جمعی نگران دوره من  
سال کهنه ز برم رفت بشد سالی نو  
(یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو)

عید نوروز که یک مفخر جمشید جم است یا پری روی زنی بوسه به هر قدر کم است  
بنشین سایه نخلی که چو باغ ارم است خوش اگر سال بود بهر من و تو چو غم است  
سال کهنه ز برم رفت بشد سالی نو  
(یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو)

عید نوروز به یک سال به پیری افزود درد پهلو و کمر درد به من روی نمود  
عمر بگذشته دگر روی به خوبی نمود گاه زنگ خطر مرگ برم خواند سرود  
سال کهنه ز برم رفت بشد سالی نو  
(یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو)

افصحی خوش نگذشت است در این دیر خراب  
گذرانیدیم همه عمر نه اجر و ثواب  
به امیدیم خدا داد رسد روز حساب

غافل از عاقبت کار دگر بوده به خواب

سال کهنه ز برم رفت بشد سالی نو

(یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو)

ص: 1076

وی در 16 دی 1364/ ش درگذشت. پیکرش در قبرستان باغ بهشت-وسط حیاط اول-مدفون گردید.

## -منابع

1-چهره مطبوعات معاصر 296.

2-فهرست روزنامه های فارسی 141.

## سید علی اکبر گلستانه اصفهانی

## اشاره

(1274-1319 ق)

سید علی اکبر فرزند میرزا محمد ابراهیم گلستانه اصفهانی، از مشاهیر خوشنویسان و هنرمندان عصر خود بود.

او به سال 1274 ق در اصفهان متولد گردید.

گلستانه پس از طی مقدمات به مشق خط پرداخت، و به واسطه کثرت نبوغ و استعداد در تحریر خط شکسته، سرآمد خوشنویسان روزگار گردید. وی ابتدا نستعلیق می نوشت، ولی بعدها به شکسته نویسی علاقه مند شد و به جایی رسید که در این خط استادی بی نظیر شد، و از شیوه درویش عبدالمجید طالقانی پیروی می کرد، و خطش خیلی شبیه بدو می باشد.

استاد علامه سید جلال الدین همایی در کتاب خود «تاریخ اصفهان» ایشان را چنین می ستاید: گلستانه، بزرگترین استاد نامدار خط شکسته و شکسته نستعلیق در اوایل قرن چهاردهم هجری است که شیوه درویش عبدالمجید معروف را در کتابت خفی و شش دانگ جلی شکسته، هیچ کس به خوبی او تقلید نکرده و خطوطش در استحکام و پختگی و ملاحظت با قطعات و مرقعات ممتاز درویش قابل اشتباه است چندان که اگر امضا و تاریخ آن را نبینند به حساب آن مرقعات تصدیق و خرید و فروش کنند.

سید علی اکبر از سادات گلستانه بی است که خاندانهای بزرگ قدیم سادات حسنی اصفهان می باشند و اکثر در محله شهشهان که قسمتی از محله در دشت قدیم

ص: 1077

محسوبست می نشینند. عده ای از این خانواده به خوشنویسی و استادی در خط شکسته و شکسته نستعلیق ظهور کرده و عده ای از اعیان و اکابر رجال اصفهان بوده اند، از جمله آنها میرزا عبد الوهاب گلستانه است از رجال قرن سیزدهم، بانی مسجد شهشهان که اشراف برای او قرآنی نفیس به سال 1256 ق تمام کرده که در کتابخانه سلطنتی است.

سید علی اکبر گلستانه در دو نوع خط شکسته و نستعلیق استاد بود و از ترکیب آنها خطی که به نام شکسته نستعلیق معروفست بی اندازه خوش و زیبا می نوشت و در این شیوه سبکی تازه داشت که رسوم استادان کهن را بی رونق گذاشت.

در اواخر عهد ناصر الدین شاه از اصفهان به تهران سفر کرده مدتی در بالاخانه های اکابر رجال فرزندان خود را برای مشق خط به نزد او می فرستادند، اما از این راه چندان نفعی عاید او نمی گردید. قسمت عمده گذرانش از این ممر بود که مرقعهای عالی به خط خود تذهیب و تجلید زیبا ساخته، تقدیم بزرگان وقت می کرد و در مقابل انعامی می گرفت.

راقم سطور (یعنی استاد همائی) بعض مرقعهای او را که تاریخش 1315 و 1316 ق است، زیارت کرده که حقیقه تالی خط درویش است. وی در تعلیم خط و خوشنویسی معتقد بود که باید از خط نسخ ابتدا و دست را به این وسیله تقویت کنند، آنگاه به مشق نستعلیق پردازند و چون در این خط کامل شدند، شکسته نویسی و بعد از آن شکسته نستعلیق را شروع کنند. خود او هم به این ترتیب خوشنویس شده بود که از طفولیت به خط نسخ پرداخته، در جوانی خوشنویس نستعلیق بود و آخر کار شکسته نویس شد.

این هنرمند کم نظیر جهت اشاعه هنر خویش سفرهای زیادی نمود و مدتی چند در استان های فارس و خراسان و کشور عراق و آخر عمر چندی در تهران اقامت کرد و جمع کثیری از بزرگ زادگان نزد وی به تعلیم خط می رفتند. متأسفانه وقتی که شهرت و اعتباری یافته، زندگانش سروسامانی پیدا کرده بود، رشته

حیاتش قطع شد. او مبتلا به بیماری گردید و در سال 1319 ق در سن 45 سالگی در پی عمل جراحی درگذشت، و برحسب وصیت خود در جوار مزار علی بن بابویه در قم مدفون گردید.

## -منابع

1- تاریخ اصفهان (مجلد هنر و هنرمندان) 179.

2- تذکره خوشنویسان معاصر 65/1.

## میرزا علی اکبر مجتهدی تبریزی

## اشاره

(ح 1275-1367 ق)

حاج میرزا علی اکبر فرزند شیخ علی و نوه حاج امین تبریزی ملقب به (مجتهدی)، از علما و بزرگان تبریز و سراب بود.

در حدود سال 1275 ق در تبریز متولد گردید.

پدرش از علمای تبریز که زنجانی الأصل و داماد آیت الله میرزا باقر مجتهد تبریزی بود.

تحصیلاتش را نزد آیت الله میرزا حسن مجتهد تبریزی (دائی خود) به انجام رسانید و همواره ملازم وی بود، ولی متأسفانه سایر اساتیدش را بدست نیاوردیم.

او در صدر مشروطیت جزو صف مخالفین مشروطه درآمد، و از طرف انجمن ایالتی همراه دائی خود میرزا حسن مجتهد به (کندرود) تبعید گردید، و پس از یک سال اقامت، خود ایشان به (سراب) و دائی اش به (میانه) رفتند. وی مدت 30 سال در آنجا اقامت نمود و به انجام وظایف دینی و روحی پرداخت، و از طرف آیت الله میرزا صادق تبریزی نماینده تام الاختیار بود. آنگاه به تبریز مراجعت کرد.

## از آثار او

1- تقریرات دوره اصول استادش میرزا حسن مجتهد.

ص: 1079

2- حاشیه بر رسائل (نیز از تقریرات استادش می باشد).

وی در روز یکشنبه 13 رجب 1367/ ق مطابق با 2 خرداد 1327/ ش به سن حدود 92 سالگی در تبریز درگذشت، و جسدش به قم حمل و در قبرستان شیخان مدفون گردید، و از طرف آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی نسبت به ایشان تجلیل شایانی بعمل آمد.

### فرزندانش:

1- میرزا عنایت 2- میرزا محمد تقی 3- میرزا عبد العلی 4- میرزا رضا 5- آیت الله میرزا عبد الله مجتهدی سرابی و سه دختر.

مرحوم شیخ علی اکبر، برادری داشت به نام میرزا ابراهیم تبریزی از روحانیون روشنفکر تبریز بود که در حادثه بمباران مجلس شورای ملی در تاریخ 23 جمادی الاول 1326/ ق در باغ امین الدوله مقتول شد. جهت اطلاعات بیشتر به کتاب رجال آذربایجان در عصر مشروطیت ص 8 رجوع شود.

### -منبع

1- افادات آقای شیخ سلمان طاهرزاده سرابی (که داماد میرزا عبد الله مجتهدی می باشد).

### دکتر علی اکبر مجتهدی تبریزی

### اشاره

(1322-1389 ق)

دکتر علی اکبر مجتهدی فرزند آیه الله میرزا مصطفی و نوه آیه الله میرزا حسن مجتهد تبریزی، پزشک و استاد دانشگاه تبریز بود. او به سال 1322 ق در تبریز دیده به جهان گشود.

### تحصیلات دانشگاهی

وی تحصیلات عالی خود را در دار الفنون بروکسل آلمان به انجام رسانید، و موفق به

ص: 1080



دریافت دانشنامه پزشکی گردید، و سپس به ایران مراجعت و به طبابت پرداخت، ایشان در ادبیات فارسی و عربی رنجه‌کشید و در مسائل اجتماعی صاحب نظر بود.

## از آثار او

1- اثبات وجود خدا (ترجمه-همکاری).

2- اسلام صراط مستقیم (ترجمه-همکاری).

3- اصول اخلاق پزشکی (ترجمه).

4- تاریخ پزشکی (ترجمه).

از دیگر کارهای فرهنگی او منتشر ساختن روزنامه «توحید افکار» که آن را در تبریز منتشر ساخت.

ایشان در شب یکشنبه 16 صفر 1389/ ق مطابق با 13 اردیبهشت/ 1348 ش به سن 67 سالگی درگذشت، و در قبرستان وادی السلام قم به خاک سپرده شد.

## -منابع

1- چهره مطبوعات معاصر 196.

2- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 147.

3- فراموشخانه و فراماسونری در ایران 38/3.

4- فهرست کتابهای چاپی فارسی 159/1 و 310 و 355.

5- مؤلفین کتب چاپی 538/4.

## میرزا علی اکبر مظهر همدانی

## اشاره

(1272-1344 ق)

میرزا علی اکبر مظهر فرزند عبد الرسول همدانی، از شعرای مسلم و مفاخر همدان بود.

او در سال 1232 ش مطابق با 1272 ق در شهر همدان از مادر زاده شد و پس از فراگرفتن تحصیلات مقدماتی در رشته علوم عربی و ادبی به تحصیلات خود ادامه داد، و در مدرسه «زنگنه» به تحصیل فقه و اصول و منطق و فلسفه و عروض اشتغال ورزید، تا جایی پیش رفت که از زمره اساتید زمان به شمار آمد، و برخی از رشته های تحصیلی را تدریس می کرد و در تدریس منظومه سبزواری که در زمره کتب فلسفه به شمار می رود، تسلط زیادی داشته است.

مظهر، پس از تکمیل تحصیلات تأهل اختیار کرد و برای اعاشه زندگی در دستگاه امیر افخم قراگزلو همدانی به سمت منشی گری به کار پرداخت، و تا آخر عمر در این سمت باقی بود. اما از خلال اشعار مظهر، چنین استنباط می شود که زندگی را در عسرت و تنگ دستی می گذرانیده، و مکرر از فقر شگرف و تنگ دستی خود سخن به میان آورده، آنجا که گفته است:

گر ز فقر و فاقه، گمنام نخستین زمینم مظهرم در شعر و دانش شهرة آخر زمانم

یا آنجا که گوید:

مظهر از خواری که ما در زندگیها دیده ایم کس نیفزاید به غیر از مرگ بر مقدار ما

مظهر از اساتید مسلم شعر زمان خود و از مفاخر همدان بود. اشعارش توانایی و قدرت و طبع بلند او را در شعر می رساند. به خصوص در فن قصیده سرایی و مسقط مهارت و استادی او آشکار می شود.

## آثار قلمی

1- دیوان اشعار، که متجاوز از ده هزار بیت در انواع شعر می باشد، و بیش از چهار هزار بیت آن در مدح و منقبت و مرثیاتی اهل بیت و ائمه اطهار علیهم السلام سروده شده است.

2- خستوی، که به طرز مثنوی سروده است.

ص: 1082

3- بضاعت مزجات، که به نثر نوشته گردیده و مشتمل بر دو قسمت می باشد، یک قسمت آن به طریق سؤال و جواب در موضوعات فلسفی، و قسمت دیگر درباره عرفان و سیر و سلوک تألیف شده است.

مظهر در دی 1304/ شمسی مطابق با 1344 ق در سن هفتاد و دوسالگی بدورد حیات گفت. پیکرش را به قم منتقل کردند و در صحن مظهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

از اوست:

### در کوی دوست

گفتم کمان کشیدی و تیرت ز جان گذشت گفتا به راه دوست ز جان می توان گذشت

آن مو میان به موی و میانم اسیر کرد عمرم به مویه موی ز موی و میان گذشت

ای یار سنگدل به دلم از تو آن رسید کز تیر آه من به دل سنگ آن گذشت

گلگون به سنگ جور پروبال طایری کاندر هوای وصل تو از آشیان گذشت

دانی دهان نافه چرا پر ز مشک شد گویا حدیث وصف تو اش بر زبان گذشت

دست از کمان بدار که پیکان غمزه ات از بس که بود کارگر از استخوان گذشت

یارب چه عشق بود که تا مبتلا شدم فریاد یا ربم همه شب از آسمان گذشت

ای چرخ، از شکستن دل ماند برقرار بدنامی تو و نه به پیر و جوان گذشت

در دور می درآی به دور سبوکشان دور پیاله گیر که دور زمان گذشت

«مظهر» ز کوی دوست به جایی نمی رود لغزید پای هرکه از آن آستان گذشت

### دل خسته

دل من، چشم تو، این هر دو گرفتار اند خسته و بسته و بشکسته و بیمار اند

تن به غفلت زده و خون دل ما خورده بخت ما و سر زلف تو، سیه کار اند

خواب جمعی بر بوده، دل خلقی برده ناله من، رخ خوب تو، دل آزار اند

رخنه در سنگ نماید، جگر شیر درد آه من، چشم سیاه تو، کماندارانند  
بوسه بر نقطه خال تو که نقشیست بر آب لب ما و خم گیسوی تو، پرنارانند  
نرگس مست تو بیمار و دل خسته من دیده من، غم روی تو پرستارانند  
«مظهر» این طرفه غزل بست و به شوخی می گفت:

طبع من، لعل لب یار شکر بارانند

#### -منبع

1- سخنوران نامی معاصر ایران 3342/5.

#### میرزا علی اکبر ملک زاده آملی

#### اشاره

(1372-1303 ق)

میرزا علی اکبر فرزند حاج یوسف ملک التجار آملی، ملقب به «ملک زاده» از نمایندگان مجلس شورای ملی بود.

وی در سال 1264 ش تولد یافت.

پدرش در اوایل مرداد 1315/ ش درگذشت.

ملک زاده در خیابان صفی علی شاه - تهران سکونت داشت و از رجال سیاسی مهم به شمار می رفت. او سمت نمایندگی مجلس شورای ملی از بابل مازندران در دوره های هشتم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم و سیزدهم را برعهده داشت.

نامبرده در شب جمعه 30 ذی الحجه 1372/ ق برابر با 19 شهریور 1332 ش در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

#### -منابع

1- روزنامه اطلاعات، مورخ شهریور 1332/ ش.

2- نمایندگان مجلس شورای ملی 370، (نام پدرش را علی ثبت کرده که اشتباه است).

اشاره

(1412-1333 ق)

حاج شیخ علی فرزند مراد علی انصاری از علمای معاصر همدان بود. متولد سال 1333 ق در قریه «قره گول» از توابع همدان است.

مقدمات را نزد عموی خود آموخت، در سن 14 سالگی به همدان رفت و در مدرسه زنگنه سکونت گزید و هفت سال از محضر آیت الله زاده خلیلی، و شیخ الاسلامی سطوح را تلمذ کرد، و خود به تدریس مقدمات اشتغال داشت.

در سال 1354 ق به قم مهاجرت کرد و بقیه سطوح را نزد میرزا محمد همدانی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی به انجام رسانید، و از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، و سید صدر الدین صدر خارج فقه و اصول را استفاده نمود.

در سال 1363 ق به درخواست آیت الله آخوند ملا علی همدانی (معصومی) به همدان بازگشت، و به اقامه جماعت و تدریس سطوح در مدرسه آخوند پرداخت، و در ضمن از محضر آیت الله معصومی نیز استفاده می نمود.

وی علاوه بر تدریس و تدرّس، مساجد زیادی در اطراف همدان به همت عالی اش ساخته شد، و عده کثیری از فرقه ضاله بهائیت را به راه حق، اسلام و تشیع هدایت نمود.

از آثار او:

1- تقریرات آیت الله حجت.

2- جزواتی در مواعظ و توحید.

سرانجام در اوایل/محرم 1412/ق مطابق با اواخر/تیر 1370/ش در سن 79

ص: 1085

سالگی در همدان درگذشت، و در صحن حضرت معصومه علیها السلام قم مدفون گشت.

## -منابع

1- آثار الحججه 385/2.

2- گنجینه دانشمندان 392/7.

## سید علی بدری

(-1419 ق)

از فضلا و مبلغان اسلام و مذهب تشیع بود.

وی در شهر بغداد (عراق) متولد شد. پس از رشد و نما جهت تحصیل علوم دینی به نجف اشرف عزیمت کرد و از محضر آیت الله سید ابو القاسم خوئی استفاده نمود. سپس به وعظ و ارشاد روی آورد و در کشورهای: سوریه، لبنان، مصر، سودان، تانزانیا و کینیا مشغول تبلیغ و دفاع از حریم مقدس اهل بیت علیهم السلام بود. در اواخر عمر خود هم مدرسه ای جهت تدریس عقاید شیعی در لبنان تأسیس کرد.

بدری در اوایل/جمادی الثانی 1419/ ق مطابق با اوایل/مهر 1377/ ش در حدود سن 70 سالگی بر اثر سکتة قلبی در تهران عالم خاکی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان بقیع مدفون شد.

## سید علی برقی قمی

## اشاره

(ح 1298-1394 ق)

حاج میر سید علی فرزند علامه سید عبد الله رضوی قمی، از خاندان معروف برقی قم می باشد و خود از دانشمندان و اساتید توانای حوزه بود.

او در حدود سال 1298 ق در قم دیده به جهان گشود.

برقی، آن مرد یکه تاز میدان فضل و ادب و سخنوری بود، و سالهای متمادی خصوصا در ایام ممنوعیت عزاداری در زمان رضا شاه در منزل مسکونی بساط

ص: 1086

روضه خوانی پنهانی باشکوهی داشت، و علاقه مندان خامس آل عبا علیه السلام را به مجلس خویش فرامی خواند.

وی پس از طی سطوح، خارج را از محضر آیات: میرزا محمد ارباب قمی، شیخ ابو القاسم قمی «کبیر» و حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده نمود و حکمت را از میرزا علی اکبر حکمی یزدی «تجلی» آموخت. در ضمن دانشمندان بزرگ قم و تهران به خدمتش می رسیدند، و از محضر پرفیضش مستفیض می گشتند. ایشان در اواخر عمر استادش حائری یزدی به تهران مهاجرت کرد و در آن دیار به خدمات مذهبی و اجتماعی اشتغال ورزید.

برقی آثار پراکنده بسیاری از او در کتب مختلف باقی مانده، اما کتابهای چاپی نامبرده تا آنجا که در منابع ثبت شده، عبارتند از:

1- الهی نامه.

2- بطون خمسه در خداشناسی.

3- بطون سته (اشعار).

4- شرحی بر منازل السائرین.

5- فلسفه شهادت.

6- کتاب خود و خدا (یا لب البطون).

7- کمال الانسان و میزان الايمان.

8- مثالی نامه.

### **نقل یک مطلب**

او در صفحه 14 «فلسفه شهادت» چنین می نویسد: این عزاداری و سوگواری و گریه و زاری که از برای حضرت سید الشهداء علیه السلام می شود، نه از برای یک شخص عادی است که برای منافع مادی شخص خود کشته شده باشد، بلکه از برای کسی است که از برای احیای دین شهید شده که وسیله تکمیل نفوس و رسانیدن بشر

ص: 1087

است به کمال انسانیت، که کمالی بالاتر و مهمتر از آن نیست، یعنی مقام خلافت الهی که سلطنت بر کلّ موجودات حتی بر ماه و خورشید است، و پس از مرتبه الوهیت مقامی بالاتر از آن نیست، پس در حقیقت گریه و زاری که ما و کلیه بشر در مصیبت آن شخص مقدّس که کلیه موجودات از ذوی العقول و غیر ذوی العقول از وجود آن یگانه خلقت معبود، بایستی کسب فیض نموده به کمال لائق خود نایل شوند، یتیم و بی سرپرست و بدون مربی و مکمل شده همه بلا تکلیف و سرگردان زندگی می کنند، در صورتی که بایستی هر یک از نفوس بشری در تحت تربیت آن بزرگواران به مرتبه ای نایل شوند که رشک انبیاء شده و در هر سال هزاران مانند عیسی پیدا شود که قادر بر اماته و احیاء و تصرف در ماده و صورت اشیاء باشند، من از مفصل این نکته مجملی گفتم- تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

اشعار زیر اثر طبع اوست:

### حضرت علی اکبر علیه السلام

روز عاشورای شاه سرمدی ليله المعراج سبط احمدی

دید ناگه بی کسی شاه را تیره کرد از آه روی ماه را

بس که سفت از ناوک مژگانش دُر گشت خورشید رخس از زهره پر آتش

غیرت بر آوردش خروش راست گویم خون حق آمد بجوش

جست از جا همچو کز آتش سپند از زمین شد آسمان آسا بلند

شد خرامان بنده آسا سوی باب ماه شد تحت الشعاع آفتاب

سجده کرد آن سان که آدم را ملک بر زمین روئی و روئی بر فلک

از سلوک چند گامی شد فناء در صفات و ذات شاه اولیاء

فانی ذات و صفات شاه شد فاش گویم فانی فی الله شد

گفت ای خورشید عالم تاب من ای به معنی و به صورت باب من

ظلمت کفر جهان بالا گرفت لا عنان از دست جمع ما گرفت



گر دهی فرمانم ای گیتی فروز آن کنم با او که با شب کرد روز  
ظلمت شب چیست پیش ماهتاب موش کوری کیست پیش آفتاب

### جواب شاه دین آن حضرت را

در جواب شاهزاده گفت شاه کی ز روزی تو فروغ مهر و ماه  
گرچه بی روی تو روز من شب است جسم و جانم بی تو در تاب و تب است  
طاقت و تاب و توان من تویی مونس و آرام جان من تویی  
نور چشم و روشنایی دلی طالع پیروز و بخت مقبلی  
می روی تا یک نفس از نزد من می رود گویی که جان من ز تن  
بعد جد و بام از دل خستگی نیستم با غیر تو دل بستگی  
بعد آن دو مونس جانم تویی زان که با آن دو نداری تو دویی  
هم علی هم احمدی از جان و تن ای دو عالم درج در یک پیرهن  
لیک مقصود از وجودت از الست ای تو مقصود وجود هر چه هست  
زنگ از آینه دل شستن است و اندرون کعبه بت بشکستن است  
کعبه دلها ز بتها پاک کن کارهای شاهد لو لاک کن...

آیت الله برقی روز چهارشنبه 25 صفر 1394 / ق مطابق با 29 اسفند 1352 ش در قم درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام - صحن بزرگ - مدفون گردید.

### -منابع

1- تاریخ تکایا و عزاداری قم 288.

2- زندگانی شمس العرفاء 24.

3- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 56/2.

4- گنجینه دانشمندان 385/4.

5- مرآه الحججه 167 (سال مرگش را 1388 ق نوشته كه اشتباه است).

6- مؤلفين كتب چاپى 141/4.

ص: 1089

(1400-1346 ق)

حاج سید علی بطحائی فرزند میر اسماعیل گلپایگانی، از دانشمندان و معاریف شرق تهران بود.

وی در سال 1346 ق در گلپایگان متولد گردید.

نامبرده پس از آموختن مقدمات به حوزه علمیه قم رهسپار شد و دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید روح الله خمینی و سید محمد رضا گلپایگانی بهره مند شد. آنگاه مدتی چند به نجف اشرف عزیمت و از محضر آیات: سید محمد شاهرودی و سید ابو القاسم خوئی استفاده کرد و به ایران مراجعت و در شرق تهران به فعالیت های مذهبی و اجتماعی اهتمام ورزید.

مرحوم بطحائی معارف اسلامی و آرای مذهب تشیع را به وسیله بیان و قلم و مباحثات با اندیشمندان در داخل و خارج کشور ترویج کرد و توانست بسیاری از مسلمانان را با مذهب حقه جعفری آشنا کند. وی مدتی به خاطر مبارزات سیاسی با رژیم شاهی به زندان رفت و شکنجه ها را تحمل کرد و پس از پیروزی انقلاب و فقط چند روز قبل از ارتحال، خود را کاندیدای نمایندگی مجلس شورا نمود. ایشان خدمات ارزنده ای در جهت احیا و ساختن مساجد و مؤسسات عام المنفعه در مناطق بسیاری از خود، به یادگار گذاشت.

## از آثار او

1- آداب الحرمین (ادعیه و زیارات مکه و مدینه)، 1382 ق، تهران، جیبی، 74 ص.

2- اصول بطحائی.

ص: 1090

بطحائی در روز چهارشنبه 9 جمادی الاول 1400/ ق مطابق با 6 فروردین 1359/ ش در سن 54 سالگی در اثر حادثه تصادف در جاده خمین به دیدار حق شتافت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

### -منابع

1- روزنامه کیهان، به تاریخ 9 فروردین 1359/ ش، ص 9.

2- مؤلفین کتب چاپی 142/4.

### شیخ علی بوستانی بلتستانی

### اشاره

(-1416 ق)

از دانشمندان و مدرسان حوزه علمیه قم بود.

او در منطقه «شگرباشه» ایالت بلتستان پاکستان، تولد یافت.

پس از طی مقدمات در زادگاه خود، به حوزه علمیه نجف اشرف رهسپار شد و مدت شش سال در آن سامان به تحصیل علوم دینی اشتغال داشت. آنگاه جهت زیارت اماکن متبرکه در ایران، به آن سوی رفت و در قم توقف کرد و از محضر آیات، سید حسین طباطبایی بروجردی، سید روح الله خمینی و سید محمد رضا گلپایگانی استفاده نمود و تا آخر عمر خود آنجا زیست و خود حوزه درسی تشکیل داد، و عده ای از فضلا از محضرش کسب فیض کردند.

نامبرده در سال 1416 ق در حدود سن 75 سالگی در قم درگذشت و در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

### -منابع

1- افادات حاج آقای دولت.

2- تذکره علمای امامیه پاکستان (شمالی علاقجات)، ص 82.

ص: 1091

اشاره

(1306-1395 ق)

شیخ علی بیانی فرزند ملا بابا گیلانی، از علما و بزرگان معاصر بود.

متولد سال 1306 ق مطابق با 1267 ش.

مدرس فرزانه

استاد شیخ حسن شمس گیلانی درباره مرحوم بیانی می نویسد:

«مولانا از اکابر علمای گیلان و از فضیلتی آن دیار است. در ادبیات و مقدمات مردی خوش ذوق و خوش محضر است.

شمس گوید: در قسمت ادبیات در شهر رشت کم نظیر است. و مقداری از مطول را در گیلان خدمت آن جناب تلمذ کردم و در معانی و بیان او را ممتاز یافتم، و از محضرش استفاده ها کردم.

مولانا نیز با کمال آرامش زندگی می نماید، و هنوز هم تدریس ادبیات و مقدمات در رشت منحصر به اوست، و مشغول به ترویج احکام الهی است».

ایشان در روز سه شنبه 25 ربیع اول 1395/ ق مطابق با 19 فروردین 1354 ش درگذشت، و در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

-منبع

1- تاریخ علما و شعرای گیلان 126.

سید علی تهجدی ساوه ای

اشاره

(1304-1378 ق)

حاج سید علی فرزند علامه سید ابو محمد و نوه سید اسماعیل حسینی ساوجی

ص: 1092

ملقب به (تهجدی)، عالمی زاهد و دانشمندی متعبد و از بزرگان شهر ساوه بود.

تولدش به سال 1304 ق مطابق با 1265 ش در ساوه اتفاق افتاد، و پس از پرورش در بیت علم و تقوی به نجف اشرف مهاجرت نمود، و سطوح را به انجام رسانید، خارج فقه و اصول را از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی، و سید ابو الحسن اصفهانی استفاده نمود، و به ایران بازگشت و در قم جهت تأسیس حوزه با آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی همکاری نمود.

و بالا-خره در پی درخواست مکرر اهالی ساوه به آن سامان عزیمت کرد و به رتق و فتق امور پرداخت، و اداره حوزه علمیه آن شهر را برعهده گرفت. و در سال 1369 ق به مدت دو سال در نجف اشرف بسر برد و مجدداً به ساوه بازگشت، و در پی بیماری در سال 1378 ق مطابق با 1337 ش به سن 74 سالگی در ساوه درگذشت، و در مقبره علی بن بابویه قمی در قم به خاک سپرده شد.

از آثار او: تقریرات درس نائینی.

فرزندش حجه الاسلام و المسلمین سید محمد صالح تهجدی (دام بقاوه) که فعلاً از بزرگان شهر ساوه محسوب می شود.

#### -منابع

1- افادات فرزند معظم له.

2- گنجینه دانشمندان 294/5.

ص: 1093

اشاره

(1265-1353 ق)

حاج سید علی فرزند علامه سید محمد علی و نوه سید عبد الله موسوی جزائری شوشتری، از علمای برجسته تهران بود. در سال 1265 ق در نجف اشرف متولد گردید.

در حوزه های تهران و نجف اشرف

وی در سن کودکی همراه پدرش به تهران رفت و پس از طی مقدمات، سطوح را نزد پدر خود و شیخ محمد حسن آشتیانی تلمذ کرد، آنگاه به نجف اشرف مراجعت و از محضر آیات: سید حسین کوه کمری، ملا محمد فاضل ایروانی، ملا لطف الله اسکی لاریجانی، میرزا حبیب الله رشتی، میرزا حسین خلیلی تهرانی و شیخ محمد حسن مامقانی استفاده شایان نمود، و به درجات عالی علم رسید و اجازات علمی از اساتید خود دریافت داشت.

مراجعت به تهران

جزائری پس از سالها استفاده از محضر اساتید فوق به تهران مراجعت کرد، و در محله «پای قاپوق» به ترویج مذهب و اقامه شعائر و جماعت و نشر احکام الهی و وعظ و ارشاد پرداخت. و یکی از اصحاب رأی در امور سیاسی شد و به همین خاطر یکی از مخالفین سرسخت مشروطه به حساب می رفت، و در مسأله جمهوریت رضا خان نیز مخالفت شدیدی نمود.

درگذشت و اعقاب

ایشان سرانجام در روز سه شنبه 16 جمادی اول 1353/ ق مطابق با 6 شهریور 1313 ش در تهران درگذشت، و جسدش به قم حمل و در حرم حضرت

ص: 1094

معصومه علیها السّلام-در کنار آیت الله میرزا صادق آقا تبریزی-به خاک سپرده شد.

فرزندانش: 1-علامه میرزا فخر الدّین جزایری، از علمای تهران بود(1305-رجب 1394/ق).

2-سید جلال الدّین(1312-1380 ق). شاگرد سید محمّد تنکابی در تهران بود، و مدفون در وادی السلام قم است.

3-سید نور الدّین.

4-سید جمال الدّین.

5-دکتر سید غیاث الدّین(1332-1404 ق)نویسنده کتابهای علمی و طبّی.

6-دکتر سید سراج الدّین.

7-سید ضیاء الدّین، متوفای 19/رمضان 1386/ق، و در کنار مزار پدر خود در حرم حضرت معصومه علیها السّلام به خاک سپرده شد. وی رئیس دبیرستان امیر کبیر در سال 1331 ش بود، و کتابی به نام «حساب مصور» به چاپ رسانده است.

8-سید علاء الدّین.

## -منابع

1-الاجازه الکبیره 111.

2-المسلسلات فی الاجازات 345/2(سال مرگش را به سال 1354 ق نوشته است).

3-شجره مبارکه یا برگگی در تاریخ خوزستان 275/1(سال مرگش را در سال 1354 ق نوشته است).

4-نقباء البشر 1485/4.

سید علی حسینی قمی «دشتی»

## اشاره

(1335-1400 ق)

سید علی فرزند علامه سید عباس و نوه محمّد حسینی دشتی، وی نظر به اینکه مدتی در بهبهان بود به «بهبهانی» ملقب گردید، و مهمترین لقب ایشان

ص: 1095



«قمی»، و آن هم به این دلیل که در قم تحصیلاتی داشته است. و اصالتاً از سادات «حسینی دشتی» می باشد.

## ولادت و رشد

وی به سال 1335 ق در روستای (گنخک) منطقه دشتی «استان بوشهر» دیده به جهان گشود.

در سن دوسالگی مادر خود را از دست داد، و در دامان پرمهر مادر بزرگش پرورش یافت، در سن شش سالگی هنگام مراجعت پدرش از نجف اشرف و سکونت در شادگان به آن سامان رهسپار شد، و تحصیلات مقدماتی را آغاز کرد.

## مهاجرت به نجف اشرف و قم

ایشان در حدود 18 سالگی به نجف اشرف جهت ادامه تحصیل رفت، و سطوح را نزد آیه الله شیخ مجتبی لنگرانی و سایرین تلمذ کرد، و پس از چند سال اقامت به ایران بازگشت و به حوزه علمیه قم رفت و در درس آیه الله سید محمد داماد یزدی در فقه و اصول حاضر گردید.

## خدمات اجتماعی

آن مرحوم پس از انجام تحصیلات در «کاکای» بوشهر به ارشاد و هدایت اشتغال ورزید، و در حدود سال 1382 ق رحل اقامت خود را در شادگان انداخت، و ریاست دینی و مردمی را برعهده گرفت. ایشان در آن منطقه به رتق و فتق امور و اقامه جماعت و امر به معروف و نهی از منکر و تدریس برخی کتب مقدماتی اشتغال نمود.

وی دارای نوشته های متفرق می باشد، و گاهی خود را به سرودن اشعار عربی و فارسی و مطالعات ادبی مشغول می کرد.

او در منطقه مذکور نماینده آیات و علمای نجف اشرف بود، و توانست اجازات امور حسبی از حضرات آیات: میرزا عبد الهادی شیرازی، میرزا آقا اصطهباناتی، سید حسین حمامی، سید محسن طباطبائی حکیم و سید ابو القاسم خوئی دریافت نماید.

## درگذشت و اعقاب

ایشان در روز پنج شنبه 11/ربیع ثانی 1400/ق مطابق با 9/اسفند 1358 ش به سن 65 سالگی در شادگان درگذشت، و جسدش به قم حمل و در یکی از سالن های قبرستان باغ بهشت مدفون شد.

فرزندش: سید حسین قمی، متولد سال 1363 ق در شادگان. در حدود سن 14 سالگی به نجف اشرف رفت و سطوح را نزد آقایان: شیخ محمد مظفری قزوینی، سید محمد رجائی اصفهانی و شیخ حسین راستی کاشانی تلمذ کرد، و مدت دو سال از درس خارج آیه الله سید ابو القاسم خوئی، و یک سال هم از آیت الله سید روح الله خمینی (خارج مکاسب) استفاده نمود، و پس از حدود 6 سال اقامت به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون مورد توجه مردم آن سامان است.

## از آثار او

1- المثنیات فی اللغه.

2- شرح الخيارات من المكاسب.

3- شرح القطع من الرسائل.

4- شرح كتاب الميراث من اللمعه.

## -منابع

1- اظهارات آیه الله میرزا احمد دشتی (دانی سید علی حسینی قمی).

2- اظهارات فرزندش حجه الاسلام سید حسین قمی.

3- الياقوت الأزرق فی تاریخ الحویزه و الدورق (خطی - آقای شبری).

ص: 1097

اشاره

(1377-1291 ق)

میرزا علی فرزند میرزا جواد قمی، ملقب به «حق نویسن»، از رجال سیاسی معروف دوره پهلوی بود.

وی در سال 1291 ق در قم دیده به جهان گشود.

نامبرده پس از رشد و نما، روی به تحصیل علوم دینی آورد، آن گاه به تهران رفت و به تحصیلات خود خاتمه داد. او در تهران اداره امور داخلی روزنامه «رعد» به مدیری و صاحب امتیازی سید ضیاء الدین طباطبائی، را برعهده گرفت.

حق نویسن در کنار سید ضیاء در کابینه اش به کفالت وزارت عدلیه انتخاب شد و پس از آن در وزارت دارایی متصدی دیوان عالی محاسبان گردید. وی مدتی هم سرپرستی اداره راه کرمانشاه را برعهده داشت.

ایشان در سال 1305 ش به فکر انتشار روزنامه ای به نام «رعد امروز» در تهران افتاد و امتیاز آن را در 15 تیر 1305/ ش از شورای عالی معارف دریافت نمود، ولی این روزنامه منتشر نشد.

از کارهای مهم سیاسی او می توان به سمت نمایندگی اش در مجلس شورای ملی دوره ششم (1305 ش مطابق با 1344 ق) از قم و نیز نمایندگی مجلس سنا به صورت انتصابی از تهران در دوره های اول (1328 ش مطابق با 1369 ق) و دوره دوم (1312 ش مطابق با 1373 ق)، اشاره کرد.

حق نویسن در اواخر شعبان 1377/ ق مطابق با اواخر اسفند 1336/ ش در پی بیماری طولانی در سن 86 سالگی در تهران دار فانی را وداع گفت و در قم به خاک سپرده شد.

-منابع

1- تاریخ جراید و مجلات ایران 321/2.

ص: 1098

2-رجال قم 136.

3-گنجینه دانشوران 211.

4-نمایندگان مجلس شورای ملی 319.

## شیخ علی حیدری کاشانی

### اشاره

(1345-1410 ق)

حاج شیخ علی فرزند علامه شیخ محمد حیدری کاشانی، متولد سال 1345 ق در کاشان پس از طی ادبیات و مقدمات به اصفهان رفت و از محضر شیخ محمد باقر زند کرمانی تفسیر و درایه و هیئت و از صدر کوپائی کلام و فلسفه و از میرزا علی آقا شیرازی تفسیر و اخلاق آموخت.

قسمتی از ادبیات و شوارق را از سید حسین ادیب بجنوردی آموخته، سپس به قم عزیمت نموده و فلسفه و حکمت و تفسیر را از آیت الله حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیت الله خمینی و علامه طباطبائی استفاده نموده، و مکاسب و کفایه را از محضر آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی و شیخ عبد الجواد سدهی اصفهانی بهره مند شد، و به درس آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی شرکت نموده بعد از آن مرحوم به درس خارج آیت الله حاج سید محمد محقق داماد حاضر و مورد توجه مخصوص آن مرحوم واقع شده و ضمناً به تدریس فقه و اصول و معقول و تفسیر پرداخته است.

در سال 1351 ق بنا بر اصرار مردم (راوند کاشان) احساس وظیفه شرعی نموده، و به راوند عزیمت و در آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ اشتغال پیدا کرده، و از همان اوان مورد نظر دانشمندان معاصر کاشان شده و بنا بر دعوت آنان برای تدریس و تفسیر قرآن مجید همه روزه به کاشان رفت و آمد و در مدرسه علمیه یتربی کاشان تدریس متون فقه و اصول و تفسیر برای محصلین و غیره می نمود.

ایشان دارای نوشتجاتی در فقه و اصول می باشند که هنوز به چاپ نرسیده است.

وی نیز طبعی روان و ذوقی سرشار داشت و اشعار عربی و فارسی بسیاری در

ص: 1099

مدح ائمه عليهم السلام به خصوص حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه) دارند، که نمونه ای از آن را از نظر ارباب دانش و ذوق می گذرانم:

قال نبينا علی ما فی الاثر ائمه السلام هم اثنی عشر

اولهم کان امیر البرره علی العالی المسمی حیدره

ثانیهم الحسن مام الممتحن و الثالث الحسین تصغیر الحسن

هم المنزهون عن کل دنس طهرهم الإله عن کل رجس...

وی در شب جمعه 13/ صفر 1410/ ق مطابق با 23/ شهریور 1368/ ش درگذشت، و پس از تشییع در قم در مقبره باغ بهشت مدفون شد.

از تألیفات ایشان که نزد فرزند کوچکش رؤیت شد عبارتند از:

1- مسائل فی الطهاره.

2- مسائل فی بعض أحكام الصلاه.

3- مسائل فی التوفیق بین قاعده التجاوز و قاعده الفراغ.

4- مسائل فی الوقف.

5- رساله فی الخمس.

6- رساله فی الرهن، (که در حیاه آیه الله ملا محمد کاظم خراسانی نوشته است).

7- مسائل فی أحكام القضاء.

8- مسائل فی الرضاع (تقریرا لبحث استاذہ الخراسانی).

9- رساله فی المفاهیم.

10- مسائل فی اجتماع الأمر و النهی.

11- منجزات المریض.

12- تعلیقہ علی الرسائل (تعالیق مختصره).



(1312-1396 ق)

حاج شیخ علی غفاری ملقب به «متفقی» فرزند محمد مهدی و نوه علی اکبر خوانساری، از فضلا و مدرسان بود.

وی در صبح روز شنبه 18 ذی الحجه 1312/ ق در شهر خوانسار زاده شد.

ابتدا مقدمات و قسمتی از سطوح را نزد علامه میرزا محمود ابن الرضا و فرزند ایشان میرزا رضا ابن الرضا و آخوند ملا محمد حسن شاکریان آموخت. دروس اخلاقی را از محضر میرزا محمود ابن رضا استفاده نمود. سپس به اراک رفت و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها جست. و سرانجام به تهران عزیمت کرد و در مجلس درس آیت الله سید احمد خوانساری شرکت می نمود و خود رسماً به تدریس کتب مقدمات و برخی از سطوح و اقامه جماعت اشتغال داشت.

متفقی، شخصی خدوم، کوشا و در برآوردن حوایج مؤمنین از پیشتازان بود.

در امر ارشاد و هدایت و امور دینی اصرار داشت. مکرراً به زیارت عتبات عالیه و بیت الله الحرام مشرف می شد و پیوسته با مراجع دین از ابتدای جوانی مکاتبات فراوانی دارد، از جمله آنان حضرات آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، میرزا محمد حسین نائینی، سید ابو الحسن اصفهانی، حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد تقی خوانساری، سید احمد خوانساری، سید محمد حجت کوه کمری، سید صدر الدین صدر، شیخ موسی خوانساری، سید ابو القاسم خوئی، سید محمد رضا گلپایگانی، سید روح الله خمینی و دیگران، همچنین از برخی آنان مجاز بود.

ایشان زندگی زاهدانه ای داشت و در کمال ورع و تقوا عمر خود را تا پایان سپری نمود، و در 19 شعبان 1396/ ق برابر با 25 مرداد 1355/ ش در سن 84 سالگی در تهران وفات یافت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

1- آقا علی اکبر 2- آقا احمد و دو دختر که حجه الاسلام آقای سید محمد میر شاه ولد (فعلاً ساکن ملایر است) دامادش بود.

**-منبع**

1- اطلاعاتی از منسوبان صاحب شرح حال.

**سید علی دعوتی همدانی «داعی»**

**اشاره**

(1415-1319 ق)

سید علی دعوتی متخلص به (داعی) فرزند علامه عباس داعی الاسلام همدانی و نوه سید حسین فرزند سید محسن فرزند سید اشرف الدین بهبهانی استاد دعوتی یکی از چهره های شاخص ادبی و فرهنگی معاصر زمان ما و یکی از پرکارترین فرهنگیان اداره فرهنگ بود. اینجانب سه چهار سال محضر پرفیض ایشان را درک نموده و تا آخرین روزهای زندگی اش ملازم ایشان بودم. به حق می توان گفت که نامبرده: مردی اخلاقی و بسیار باکمال بود. ایشان یکی از شاگردان مکتب علمی و ادبی اساتید به نام همدان همچون: شیخ موسی نثری، شیخ حسنعلی سحاب و علی محمد آزاد بودند. زندگینامه زیر به خامه خود ایشان به رشته تحریر درآمده که با اندکی تصرف آن را تقدیم می داریم:

ص: 1102



سید علی دعوتی متخلص به (داعی) فرزند مرحوم حاج سید عباس دعوتی (داعی الاسلام) متولد 16 مهر 1280 / شمسی در همدان، تحصیلات قدیمه و جدیده تا دوره اول متوسطه را در همدان دیده، و در تاریخ 1301 ش وارد خدمت فرهنگ شده، به شغل آموزگاری در همدان و اسدآباد و بروجرد و ملایر اشتغال به تدریس داشته، و بعدا به شغل دبیری و ریاست (دبیرستان پهلوی) خرم آباد تعیین گردید، و سپس به ریاست اوقاف: بروجرد و کاشان و قم منصوب گردیده و انجام وظیفه نموده، و در سال 1341 ش بازنشسته شده است.

داعی، طبع شعری روان و ساده دارد اشعار او شامل قصائد و غزلیات و مناظرات و حکایات و رباعیات و مفردات است، که در عین روانی عبارت، آموزنده و اخلاقی می باشد و اشعار زیادی هم در مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام سروده است.

### تألیفات او عبارت است از:

1- دیوان اشعار، 2- تاریخ منظوم زندگانی رسول خدا که بالغ بر 4466 بیت است، 3- رساله در وقف و موقوفات، 4- رساله آدمیت، 5- رساله در پیدایش موسیقی و تعریف آن، 6- شرح زندگانی مرحوم داعی الاسلام همدانی که به استثنای دیوان اشعار، و زندگانی رسول خدا بقیه هنوز به چاپ نرسیده 7- تاریخ همدان در دو جلد.

اشعار زیر از اوست:

از کوی تو ای شوخ گذر کردم و رفتم خاک قدمت کحل بصر کردم و رفتم

از کوی تو دلدار چو رنجیده گذشتم آشفته شب هجر سحر کردم و رفتم

جانان چنین سخت و فریبنده ندیدم با اندوه بسیار نظر کردم و رفتم

ای آفت جان از چه کنی سخت کمانی از تیر نگاه تو حذر کردم و رفتم

از ناوک مژگان تو افتاده در این ره صد کشته من حصّه سفر کردم و رفتم

با باد صبا راز دل خورش بگفتم گل را ز غم خویش خبر کردم و رفتم

ص: 1103

«داعی» همه جا جز تو دگر هیچ نخواهد دل پیش تو باشد چو گذر کردم و رفتم

در نوشته ای دیگر خود را چنین معرفی نموده است:

تحصیلات نامبرده تا کلاس سوم متوسطه زیر نظر والد محترمش انجام گردید، و سایر تحصیلات به شرح زیر می باشد: ابتدا در یکی از مکتب خانه ها به نام مکتب آمیرزا صادق و بعد از یک سال در مدرسه متوسطه و ابتدائی دولتی (نصرت) همدان تا کلاس سوم متوسطه تحصیلات خود را ادامه داده، و بعدا برای خواندن دوره مقدمات علوم قدیمه در یکی از مدارس قدیم طلاب به نام (مدرسه کوچک) همدان چند سالی مشغول تحصیل علوم قدیم بوده، و بعدا از تاریخ 1301 شمسی وارد خدمت دولتی گردیده، و به شغل معلمی در کلاس اول ابتدائی مدرسه دولتی نصرت همدان مشغول تدریس شده، و بعد از سه سال در تاریخ اول مهر ماه سال 1304 ش از طرف اداره فرهنگ همدان به سمت مدیریت (مدرسه چهار کلاسه اسدآباد) منصوب می شود، و در تاریخ 17 ماه قوس سال 1302 ش امور اوقافی شهرستان اسدآباد نیز به ایشان محول می گردد، و بعدا در اول شهریور 1308/ ش به فرهنگ ملایر انتقال یافته، و بعد از دو سال از طرف اداره کل فرهنگ غرب به فرهنگ شهرستان خرم آباد به سمت ریاست (دیبرستان سه کلاسه پهلوی) منصوب می گردد.

در تاریخ شهریور 1320 به فرهنگ شهرستان بروجرد انتقال داده می شود، و در آنجا به شغل آموزگاری و دبیری و کفالت ریاست (دانشسرای مقدماتی دختران) انجام وظیفه می نماید، و قبلا هم برای دیدن کلاس اوقاف و کلاس تراخم از طرف وزارت فرهنگ در محل دار الفنون (تهران) تشکیل شده بود شرکت نموده، موفق به اخذ دانشنامه می گردد.

در تاریخ 25/ مهر ماه 1324/ به سمت ریاست اوقاف بروجرد منصوب گردیده، و چند سال بعد به ریاست ناحیه اوقاف قم و کاشان و اراک و ساوه و محلات نیز منصوب گردیده است. در اوقاف شهرستان خدمات ارزنده ای با

استفاده از تبدیل به احسن اراضی موقوفات با استیذان از حضرت آیت الله آقای بروجردی برای ازدیاد درآمد و تعمیرات مراقبات موقوفات انجام داده است. و به قرار اطلاع درآمد موقوفات از رقم پانزده هزار تومان به مبلغ صد هزار تومان رسیده است.

### **تألیفات مؤلف:**

1- دیوان اشعار، محتوی قصائد، غزلیات رباعیات و مناظرات، و منظومه تخت جمشید در دو جلد، جلد اول در 1352 ش به چاپ رسیده است.

2- رساله موقوفه و وقف در اسلام.

3- تاریخ منظوم زندگانی رسول خدا، در چهار هزار بیت.

4- رساله آدمیت.

5- اتحاد و حوش بر علیه آدمیزاد در جنگل (اشعار).

6- رساله پیدایش موسیقی و تعریف آن.

7- مجموعه یک صد و سی و پنج بند.

8- مراسم تاج گذاری.

9- شرح زندگانی داعی الاسلام همدانی.

10- تاریخ مفصل همدان در 264 برگ.

11- شخصیت فردوسی.

12- شرح مشاهد مشرفه (ناتمام).

### **مصاحبه با استاد دعوتی**

این مصاحبه به صورت دوستانه به تاریخ اول/فروردین/1370/ ش در منزل استاد دعوتی در قم ضبط و یادداشت گردید.

(عبدالحسین جواهر کلام)

س: لطفا درباره مؤلفات جناب عالی و اشعاری را که سروده اید مطالبی بفرمائید؟

ج: من خودم را جزو شعرا و عرفا نمی دانم، ولی جزو خوشه چین های شعرا و عرفا می دانم، و از آنها پیروی می کنم. اشعاری را که فرمودید، من اشعار زیادی گفتم که جلد اول آن به چاپ رسیده و جلد دوم هنوز چاپ نشده است.

اشعار من بیشتر مربوط به اخلاقیات و جنبه های عمومی و نصیحت و پند. و یک قسمت مهمش مربوط به مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام است. و یک قسمت هم مربوط به خانواده خودم، دخترها که برای هرکدام از آنها اشعاری گفتم و در کتاب ضبط کردم.

بله! غیر از دیوانی که دارم اشعار زیادی هم راجع به زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قبل از تولد تا آخرین روز حیات آن حضرت سروده ام، که شامل چهار هزار بیت می شود.

عرض می کنم که زندگانی و سیره رسول خدا، شامل جنگ ها، سربیه ها، مسافرت ها، اخلاق و صفات و سیمای حضرت به طور کامل در اشعار گفته شده است. امیدوارم مورد قبول واقع شود. اشعار دیگری هم راجع به موضوع های مختلف گفتم که در خارج از دیوان ضبط است.

مؤلفاتی که دارم عبارتند از:

رساله موقوفات (که موقوفه چیست؟ موقوفه قبل از اسلام به چه صورت بوده و بعد از اسلام به چه صورت درآمده)، رساله آدمیت، رساله در موسیقی، شخصیت فردوسی.

س: درباره تاریخ همدان چه؟

ج: کتابی را اخیرا به نام (تاریخ همدان) نوشته و تمام کردم، که از طرف انتشارات امیر کبیر قرار است چاپ شود. این کتاب مشتمل بر سابقه تاریخی و باستانی شهر همدان از هزاره دوم و سوم قبل از میلاد است تا به حال.

در این کتاب تمام اخبار، حکایات، اتفاقات، جنگها، آمدن سلاطین و تشکیل

سلسله های مهم در همدان را مفصلاً شرح داده ام.

س: لطفاً درباره (مجمع دعوت اسلام) که مرحوم پدرتان تأسیس کرده اند مطالبی بفرمائید؟

ج: به خاطر محترم عرضه می دارم که پدر اینجانب مرحوم حاج سید عباس دعوتی ملقب به (داعی السلام) در تاریخ 1324 ق در همدان مجلسی به نام (دعوت اسلام) تأسیس نمود، که عده زیادی از علمای درجه اول، و آقایان و آزادی خواهان در آن انجمن شرکت می کردند. این انجمن روزهای شنبه و یکشنبه که مصادف بود با تعطیلی دانش آموزان مسیحی و کلیمی و بهائی باز بود. و همه آقایان می آمدند و مباحثه علمی می شد. در رد و قبول مذاهب صحبتهای مفصل شده، مخصوصاً در رد فرقه ضالّه بهائیت. خیلی مرحوم داعی الاسلام زحمت کشید. تا آنجائی که در زمان مرحوم سید ضیاء الدین طباطبائی رئیس الوزراء وقت، دستور صادر شد (به فشار مرحوم داعی الاسلام و مجلس دعوت اسلام) که مدارس ابتدایی و متوسطه دخترانه و پسرانه تأیید تعطیل شد. و حتی مشرق الاذکار بهائی ها در همدان بسته و برچیده شد. خدمات مفصلی پدر اینجانب عهده دار بود و مردم همدان از شر بهائی ها راحت شدند.

س: لطفاً درباره میرزاده عشقی مطالبی بفرمائید؟

ج: مرحوم میرزاده عشقی فرزند حاج میر ابو القاسم عشقی از شعرای نامی وطن پرست ایران بود. در زمان رضا شاه چون مخالف با دستگاه بود، از طرف دستگاه به وسیله دو نفر ناشناس ترور شد. و با این ترور شاخه گل ادبی نورسیده از دست رفت و خزان شد.

میرزاده دائی بچه های اینجانب می باشد. و شخصاً مکرر ایشان را دیدم، ایشان طبعی بلند و اشعار شیوا داشت.

س: لطفاً بعضی از اشعارش را بخوانید؟

ج: از جمله اشعارش این است که:

ص: 1107

من آن نیم که به مرگ طبیعی بمیرم این یک کاسه خون به بستر راحت هدر کنم

در واقع شهادت خودش را خبر داده بود. اشعار زیادی داشته که در نظر اینجانب نیست. در دیوانش مضبوط است. یکی از شعرای نامی قرن بیستم ایران بود.

س: درباره رضا شاه که فرمودید در همدان بود، چیزی به خاطر دارید؟

ج: آنچه که من به خاطر دارم، رضا شاه به مدت سه سال رئیس آتریاد قزاق همدان بود. و بعد از همدان به شمال مسافرت کرد، و بعد از رفتن احمد میرزا یعنی احمد شاه به فکر تأسیس سلسله پهلوی افتاد. و با مقدمه چینی و دست انگلیسیها موفق شد که به سلطنت برسد.

س: مطالبی درباره دوره قاجاریه، احمد شاه قاجار چیزی به یاد دارید؟

ج: احمد شاه قاجار جوانی بود که تجربیات زیادی نداشت. و نمی توانست از عهده سلطنت بیرون آید. در زمان او هرج و مرج زیاد شد. او مورد توجه روسها بود.

و انگلیسیها برای جلوگیری از توجه روسها به ایران، رضا شاه را به سلطنت انتخاب کردند، که در مقابل روسها بایستد.

@ خوب، خیلی متشکریم.

**سید علیرضا سعیدی یزدی «ریحان»**

**اشاره**

(1330-1408 ق)

شرح حال زیر به قلم خود ایشان که در کتابشان «آینه دانشوران» به چاپ رسیده و ما با اندک تغییری اینجا نقل می کنیم:

ریحان الله (علیرضا) بن محمد بن هاشم بن محمد علی بن علی نقی بن حسین بن محمد سعید بن محمد امین بن محمد کبیر بن محمد رضی بن محمد محسن بن غیاث الدین حسینی حسینی.

محرم/یک هزار و سیصد و سی هجری قمری بود که، اینجانب علیرضا بن

ص: 1108

محمد الحسنی الیزدی در یک خانواده روحانی (در یزد) پای به جهان گذاشتم. مادر مرا به نام جدش «میرزا علیرضا» نامید. در حجر تربیت پدر و مادر بار آمدم. قرآن مجید و ادبیات عربی و پارسی را از پدر بزرگوارم آموختم. سپس در محضر درس اساتید وقت (که از جمله آنها: ملا حیدر ساکن مصلاهی صفدر خان، و حجه الاسلام سید احمد مدرسی) بعضی از کتب نحو و اصول و فقه را خواندم.

چون سال 1347 ق و 48 رسید، برای اولین مرتبه جلسه امتحانیه از طرف دولت تشکیل یافت، و در طبقه پایین مدرسه مصلی هیئت ممتحنه که از آنها بودند:

فاضل محترم سید حسین شهشهانی، به کار آزمایش طلبه علوم دینی پرداختند. من نیز در آن آزمایش موفق شده و اجازه باقی بودن در لباس عبا و عمامه را دریافت داشتم.

در همان سال از پدرم رخصت طلبیده مسافرتی به کرمان و نواحی آن چون شهرستان بم و غیره کردم. مدتی که در کرمان بودم ردیف طلبه علوم دینی در مدرسه معصومیه توقف داشتم، و در بم آقای حسین پاپلی که از بازرگانان نیکوکردار یزد بود به پذیرایی من اقدام کرده، درباره ام مهربانی ها نمود. سپس به مسقط الرأس مراجعت کرده و پس از مختصر توفقی با موافقت پدر عزیزم به کمک خرج حاج علی اکبر ریسمانی که از بازرگانان یزد بود و به پدرم فوق العاده علاقه داشت، برای تکمیل علوم دینی عازم شهرستان قم شدم.

روز 6/ربیع الثانی 1350/ق بود که به اتفاق آقای امیر محمد فرزند امام جمعه یزد از طریق اصفهان به قم وارد شدیم. شب را در حجره حجه الاسلام سید یحیی مدرسی که فعلا از علمای نجف اشرفند بودیم و حضرت آیت الله حاج شیخ عبد الکریم یزدی حائری چنانکه شیوه ایشان بود از ما دیدن کردند. در همان مجلس من به خدمت آیت الهی معرفی شدم، و در حدود چهار سال مورد الطاف و مهربانی های ایشان بودم. در این مدت به حوزه درس بیشتر اساتید دار العلم قم حاضر شده، در خور استعداد خود استفاده کردم.

در یکی از تعطیلی های تابستان به عزم دیدار یکی از دانشمندان دینی که در نهاوند توقف داشت از قم عزم سفر کردم، چون به بروجرد رسیدم شرف اندوز خدمت آیت الله حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی شده، از مجلس درس و طریق تدریس آن جناب فراوان استفاده کردم. چون توقف من در بروجرد نسبتاً به طول انجامید تنها تا خرم آباد رفتم و در آن سرزمین با دیدار علما و روحانیون آنجا سفر خود را خاتمه داده، از رفتن به نهاوند صرف نظر کرده و به قم مراجعت کردم. عالمی را هم که می خواستم در نهاوند زیارت کنم بعدها در تهران و یزد و کاظمین در مجالس متعدد از خدمتشان بهره مند شدم. پس از فوت آیت الله حائری به یزد مراجعت کرده و چندی در آن سرزمین زندگی گذاشتم. متن پایان یافت.

شایان ذکر است که ایشان نواده دختری آیت الله سید مرتضی مدرس طباطبائی یزدی متوفای 1333 ق که به «شیخ مرتضی» معروف بوده، و پس از مهاجرت به قم در سال 1350 ق، سطح را نزد میرزا محمد همدانی تلمذ نموده و پس از مهاجرت آیت الله بروجردی به قم جزو شاگردان ایشان درآمده است.

## از آثار قلمی اش

خود ایشان دوران جوانی و آثار خود را چنین معرفی نموده است:

چه شبهایی که تا سحر بیدار بودم و همواره به خواندن لیلی و مجنون نظامی، زمزمه سرایی داشتم و همی اشک می ریختم. آتش عشق در کانون سینه شعله می زد و فشار آرزو و اشتیاق کالبد تن را منفجر می خواست، تنها ریسمان عقیده و ایمان بود که پای نفس دیوانه را بسته بود، و نمی گذاشت خودسر باشد. این بود که چون آغاز شباب در رسید نیروی عشق به صورتهای مختلف جلوه گر شد. روزی اوراقی را جمع آوری نمودم و به نام:

1- «بازرگانی محمد صلی الله علیه و آله و سلم در جهان» منتشر ساختم.

2- روزی دیگر: «درس انشاء یا علم بیان» نوشتم.

ص: 1110



3- روز دیگر: ترجمه فارسی سره «بلوهر» نگاشتم.

این ها همه بهانه آن بود که جان آرام شود و راه خودسری پیش نگیرد. طولی نکشید که دل از این روشها پشیمان شد، و با سوز و گداز همه این اوراق را به آتش ندامت سوزانید، و کتاب مقدس قرآن را در آغوش کشیده، گفت: تنها تویی که در هر حال انیس و مونس منی، من تو را دوست می دارم و بس.

سایر آثار وی به شرح زیر است:

4- کتابهایی که خواندم.

5- داماد کربلا، حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام.

6- تفسیر ریحان.

7- آینه دانشوران یا قصص العلماء (گزارش حوزه علمیه قم در اواخر زمان حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی که در زمینه خود بسیار مفید است و معروف ترین اثر قلمی شان محسوب می شود. چاپ مجدد این کتاب در سال 1372 ش به کوشش استاد محترم جناب آقای ناصر باقری بیدهندی از سوی انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی در قم به انجام رسید).

دو غزل زیر نمونه اشعار وی می باشد که آنها را نقل می کنیم:

### نمونه اول:

اگه ار نیست ز حال دل زارم صیاد از نفس شعله زخم بر قفس و بدهم باد

قفسم تنگ و دلم تنگ و پروبال ببند مرغ پر بسته و در کنج قفس ای بیداد

آسمان تا به زمین سایه فکنده است کسی تیره اقبال تر از من ندهد هرگز یاد

روز اول که من زار به دام افتادم چشم بی رحم تو را دیدم و گفتم فریاد

ضامنی خواستم از بهر خلاصی ز خدا هاتقی گفت مُحال است خدا صبر دهداد

از پریشانی دل گر سخنی یاد کنم شهر ویرانه غم می شود از آن آباد

صورتتم درد و دلم درد و پروبالم درد دردمندی به همه دهر چو من زار مباد

ص: 1111

در و دیوار به تنگ آمده از ناله من آه از آن ناله که تأثیر نماید به جماد  
روز «ریحان» ز شب تیره سیاه تر بادا که شده سخت تر از سنگ دلت ای صیّاد

### نمونه دوم:

پیش ناز نازنینان بی نیازی پیشه کن

ریشه نازبتان از بی نیازی تیشه کن

گر بخواهد ماهرویی عشوه در کارت کند

ای تو خورشید جهان در حُسن خود اندیشه کن

چند تنها می نشینی ای امید اهل جمع

روزگاری هم بیا ای شیر، ترک پیشه کن

باغبانان مزرع دل خشک شد از جور عشق

ای گیاه زهر آگین زین گلستان ریشه کن

تا بکی «ریحان» به چشم گلرخان باشی تو خار

زین سپس از سروقدان بی نیازی پیشه کن

استاد ریحان یزدی سرانجام شب جمعه 16 ذی القعدة 1408/ ق مطابق با 10 تیر 1367/ ش در سن 78 سالگی در تهران بدرود حیات  
گفت و در انتهای قبرستان ابو حسین قم مدفون گردید.

### -منابع

1- آثار الحجة 2/262.

2- آینه دانشوران 429 و 645.

3- تذکرة شعرای یزد 338.

4- مستدرک أعيان الشيعه 317/5 (تحت عنوان «شیخ؟»).

5- مؤلفین کتب چاپی 4/565.



(1323-1400 ق)

علیرضا کاشفی از شعرای قم بود. پدرش شیخ حسینعلی جاسبی از معاریف احرار و رجال به نام صدر مشروطیت به حساب می آمد، و جدّ اعلای آن مرحوم ملا حسین کاشفی (صاحب کتاب انوار سهیلی) است.

کاشفی در سال 1323 ق مطابق با 1284 ش در قم دیده به جهان گشود. پس از طی تحصیلات ابتدایی در زمان مرجعیت عامه آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی مدتها در حوزه علمیه به فراگیری فنون عربی و ادبی پرداخته، سپس ادامه تحصیلات را در مدرسه «ثروت» تهران گذرانیده، و آنگاه وارد وزارت فرهنگ گردیده که در این راه منشأ خدمات بزرگی می گردد.

او غالباً در جلسات انجمن ادبی قم شرکت داشت و مورد احترام همگان بود. و به عنوان: شاعری حساس، مهربان، سلیم النفس و بااخلاص که به خاندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام خصوصاً مولای متقیان علی بن ابی طالب علیه السلام عشق می ورزید، می شناختند.

استاد کاشفی در روز چهارشنبه 13/ رجب 1400/ ق مطابق با 7/ خرداد 1359 ش روز میلاد امام بزرگ شیعیان در قم چهره در نقاب خاک کشید. مدفنش در بهشت معصومه است.

اشعارش شامل: قصاید، غزلیات، قطعات ادبی و فکاهی است. و به عنوان نمونه اشعار زیر تقدیم می گردد:

### خرابه شام

چو اهل بیت به فرمان خصم خون آشام شدند وارد در منزل خرابه شام

خرابه ای شده ویرانه بی در و بی بام نه بستری که در آن لحظه ای کنند آرام

به روی خاک نشستند گرد یکدیگر

فکار و خسته دل از جور و رنج راه و سفر چو مرغ شب، شب خود را به ناله کرده سحر

گرفته دست دعا سوی خالق اکبر که ای خدای ستمدیدگان بی یاور

تو داد ما بستان زین گروه بداختر

ز مرگ اکبر، لیلای داغ دیده کباب برای اصغر خود گرم ناله بود، رباب

سکینه بود، ز هجران باب در تب و تاب ز غصّه دیده زینب دمی نرفته به خواب

همه ز داغ شهیدان به درد و غم اندر

میان اهل حرم دختری رقیه اش نام چهارساله که از غم نمی گرفت آرام

رخش چون مهر درخشنده بود و ماه تمام ز دوری پدرش داشت آه و ناله مدام

روان ز دیده او جای اشک، خون جگر

شبی بیاد پدر خفت در خرابه شام به خواب دید که آمده ز ره امام همام

ورا نشانند به دامان خویش با اکرام دمی ز بوی پدر کرد باز استشمام

ز لطف دست نوازش کشیدش بر سر

به باب گفت که از ما مگر چه بد دیدی که رفتی از بر اطفال خویش و رنجیدی

چه شد که بازنگشتی مگر چه بشنیدی که چون گذشته ز احوال ما نپرسیدی

که چون شدیم و چه بر ما رسید زین لشکر

چرا که هست پدر جان خرابه منزل ما ز چیست این همه اندوه و غصه در دل ما

چرا نه شمع و چراغی بود به محفل ما مگو که نیست به دست تو حل مشکل ما

بده جواب و ز نزدم دگر مرو به سفر

ز عشق روی پدر ناگهان ز خواب پرید نظر نمود به اطراف و باب خویش ندید

ز سینه ناله سوزان و دردناک کشید فغان نمود و به تن پیرهن ز غم بدرید

دوید و دامن زینب گرفت آن مضطر...

1- تاریخ تکایا و عزاداری قم 295.

ص: 1114

(1329-1393 ق)

حاج سید علی رضا فرزند میرزا محمد علی و نوه سید محمد صادق طباطبائی مدرسی یزدی، از دانشمندان و اساتید میرز حوزه علمیه یزد بود.

وی در سال 1329 ق مطابق با 1290 ش در یزد دیده به جهان گشود.

مدرسی ادبیات و بخشی از سطوح را نزد پدر ارجمند خود، ملا حیدر، میرزا حسن محمودآبادی یزدی، میرزا آقا مدرسی و سید احمد مدرسی فرزند سید محمد طباطبائی فراگرفت و در سال 1349 ق به قم مهاجرت کرد و سطح را نزد میرزا محمد همدانی به پایان رساند. دروس خارج را هم از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری و سید محمد تقی خوانساری در قم و در نجف اشرف از محضر شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی بهره مند شد. آن گاه به زادگاهش بازگشت و در مدرسه مصلی به تدریس و در مسجد آنجا به اقامه جماعت اشتغال پیدا کرد.

وی مردی دانشمند، فاضل، زاهد و متقی و با اخلاق عالی بود و به اهل علم و طلاب یزد خدمت زیادی نمود و برخی از امور آنان را متکفل می شد. تعمیر مدرسه و مسجد مصلی به همت ایشان انجام گرفت.

مدرسی از حضرات آیات: حائری یزدی، حجت کوه کمری و عراقی اجازات علمی و روایی دریافت کرده بود.

سرانجام در روز دوشنبه 24 رمضان 1393/ ق مطابق با 29 مهر 1352 ش در سن 64 سالگی در یزد دار فانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و پس از تشییع باشکوه، در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

1- سید محمد علی مدرسی 2- حجه الاسلام سید ابو الحسن مدرسی و دو دختر.

**منابع**

1- آثار الحجه 390/2.

2- آینه دانشوران 252.

3- النجوم السرد بذكر علماء يزد (خطی - سید جواد مدرسی).

4- حوادث الأيام.

5- گنجینه دانشمندان 451/7.

**علیرضا هدایتی قمی «خاموش»**

**اشاره**

(1331-1367 ق)

میرزا علی رضا هدایتی، که در شعر تخلص (خاموش) را برگزید، فرزند میرزا حسن کفاش قمی، از شعرای توانا و با ذوق و سلیقه بود.

هدایتی در سال 1331 ق مطابق با 1292 ش در شهر قم در میان خاندانی معروف و سرشناس قدم به عرصه وجود نهاد.

خاموش، تحصیلات مقدماتی را در یکی از مکاتب زادگاه خود فراگرفت، و چندی نیز به تحصیل صرف و نحو پرداخت، و چون دارای استعداد و قریحه شاعری بود به انجمن ادبی قم که به ریاست شادروان محمود تندری تشکیل می شود، راه یافت. و با فنون شعر و رموز آن آشنا گردید و به تدریج شعرش شکوفایی پیدا کرد و مورد توجه قرار گرفت، و سروده هایش در روزنامه محلی استوار (در قم) و توفیق (در تهران) به چاپ می رسید.

خاموش، از آغاز جوانی برای تحصیل معاش به کوشش پرداخت و به سوهان پزی روی آورد، و در یکی از سوهان فروشان معروف قم مشغول کار شد، و در کار



پختن سوهان بصیرت یافت. پس از چندی تصمیم گرفت دکانی باز کند و چون سرمایه کافی نداشت با یکی از بستگانش مشارکت کرد، و در حوالی حرم مغازه ای دایر نمود و به کار پرداخت. کارش رونق گرفت و سرمایه ای ذخیره ساخت، و فکر عزیمت به تهران در سرش افتاد، شرکت خود را فسخ و به تهران کوچ نمود. در آغاز با یکی از سوهان فروشان قمی که سالها در تهران در بازار مسجد جامع مغازه داشت شرکت کرد، و مدتی بدین منوال کار کرد، تا اینکه خود در بازارچه وزیر دفتر (شاهپور) مغازه ای دایر کرد و به طور مستقل مشغول کار شد، کسبش رواج یافت و کارش رونق گرفت و صاحب خانه و زندگی شد، و در غزلی که سرود ماجرای تهران رفتن خود را بدین گونه شرح داده است:

اهل قم صبح خود ار چیست به قم شام کنید چند ای مرده دلان زندگی خام کنید

بروید از قم غم، تا که به تهران نشاط تن پر از عشرت و جان خالی از آلام کنید

خوش حدیثیست علیکم بسواد الأعظم طلب فایده زین نکته ابهام کنید

محمد رضا هدایتی فرزند خاموش، در نامه ای چنین می نویسد: خاموش چند سالی به استخدام دولت درآمد و چندی در وزارت دارایی، و مدتی نیز در پست و تلگراف به کار اشغال ورزید. اما کار اداری با روح آزاده او سازگار نبود، و شغل دولتی را رها کرد و به شغل آزاد روی آورد. تخلص «خاموش» را از آن روی برگزید که بسیار کم حرف می زد، و اگر سؤالی از او می شد جوابی کوتاه می داد، و خود در شعری گوید:

چون ندیدم زیان ز خاموشی لفظ خاموش را لقب کردم

اما خاموش عمرش چندان نپایید و در روز پنجشنبه 19 جمادی ثانی / 1367 ق مطابق با 9 اردیبهشت 1327 / ش در سن سی و شش سالگی بر اثر سکت قلبی در تهران چشم از جهان فرویست و در زادگاهش به خاک سپرده شد.

خاموش، شاعری خوش ذوق و با استعداد و بلندپرواز و زودرنج و حساس

ص: 1117

بود، و در سرودن انواع شعر طبع آزمایی کرد. اما بیشتر به غزل سرایی پرداخت، و غزل را هم خوب می سرود.

نمونه زیر از نظم اوست:

از کوی تو من رفتم و دیوانه شدم باز  
شمع رخ تو دیدم و پروانه شدم باز  
فارغ شد از غم چو به کویت گذرم شد  
دور از تو شدم در غم و غمخانه شدم باز  
یک خال سیه کنج لب لعل تو دیدم  
طایر صفت اندر طلب دانه شدم باز  
از کعبه و هم مسجد و طاعات گذشتم  
مایل به می و شاهد و میخانه شدم باز  
«خاموش» لبش آب حیات است که چون خضر  
یک جرعه بنوشیدم و مستانه شدم باز

#### -منابع

- 1- سخنوران نامی معاصر ایران 1248/2.
- 2- فرهنگ شاعران زبان پارسی 186.
- 3- نگین سخن 161/6 و 179 و 192.

**سید علی رضوی قمی «قدرت»**

#### اشاره

(1271-1316 ق)

میر سید علی رضوی، متخلص به «قدرت» شاعر توانا و عارف پیشه، فرزند میر سید عزیز الله و نوه سید حسن فرزند میر ابو الفتح قمی. قدرت برادر علامه سید حسن رضوی که از علمای معروف بود.



او در سال 1271 ق (1234 ش) در شهر قم، در خانواده ای اصیل و سرشناس دیده به جهان گشود. وی از طایفه میر ابو الفتح و از سادات رضوی است، که نسبش با 28 واسطه به موسی مبرقع فرزند بلافضل حضرت امام جواد علیه السلام می پیوندد.

قدرت، پس از فراگرفتن دانشهای مقدماتی، به تحصیل ادبیات عربی و فارسی پرداخت، و در مدرسه فیضیه قم نزد اساتید هر فن، دانش اندوخت، و در کسب معارف اسلامی مجاهدت کرد. و چون دارای ذوق سرشار و قریحه شاعری بود، از مطالعه دواوین اساتید متقدم شعر فارسی غافل نماند، تا جایی که در نظم شعر مهارت یافت و در اندک زمانی شعرش توجه ادبا و شعرای زمان را به خود معطوف داشت.

در آغاز شاعری «جاوید» و بعد «غیث» تخلص کرد، و چون قدر و منزلتش فزونی یافت و قدرت و توانایی اش بر نظم شعر بالا گرفت، تخلص «قدرت» را برگزید، تا آن حد که بالبداهه به سرودن قصاید و غزلیات پرداخت.

و در سفری که به تهران رهسپار شد و در مجمع ادبا و شعرای آن شهر شرکت جست، قصیده ای بدین مطلع خواند، که مورد تحسین و تمجید حاضران قرار گرفت:

قم هله ساقیا فقم کامده ام ز قم به ری پای بزن به فرق غم، دست بزن به جام می

باری، آوازه مهارتش در شعر به دربار ناصر الدین شاه رسید و مورد عنایت واقع شد، و کوتاه زمانی اشعاری در مدح شاه و اتابک و بعضی از درباریان سرود، اما به یکباره در احوالش تغییری حاصل گردید و از دربار شاه خود را کنار کشید، و در وادی عرفان و تصوف قدم نهاد و به سیر و سلوک در آفاق و انفس پرداخت، و سفری نیز به همین منظور به کردستان رفت و به خدمت یکی از مشایخ آن دیار رسید، و چون پدرش برای او عیال اختیار کرده بود، پس از بازگشت به قم عیال خود را طلاق داد، و همچنان گوشه عزلت اختیار کرد، و در مدرسه فیضیه در حجره خود به عبادت و ریاضت سرگرم شد، و چندی نیز در یکی از امامزادگان قم معتکف

گردید و اشعاری که از این پس سرود، جز در مدح و منقبت مولا علی و رثای ائمه اطهار علیهم السلام نبود.

قدرت، شاعری وارسته و عارف پیشه بود، خط را خوش می نوشت، از صوت دلپذیری برخوردار بود و در ساختن ماده تاریخ چیرگی داشت، و ماده تاریخهایی بر سر در ابنیه و آب انبارها در شهر قم از او باقی است.

در اواخر عمر از زادگاهش بیرون رفت و سرانجام در پی بیماری در سال 1316 ق (1275 ش) چشم از جهان فرو بست، و در ایوان آینه، صحن حضرت معصومه علیها السلام - در مقبره آل ابو الفتح - مدفون گردید.

دیوان اشعارش به کوشش برادرش سید مهدی رضوی «شیوا» جزو انتشارات انجمن ادبی صائب و با همت خلیل سامانی «موج» در سال 1348 ش طبع و نشر گردید.

سید مهدی رضوی «شیوا» در مقدمه «دیوان قدرت» تحصیلاتش و نیز برخی از ویژگیهایش را چنین معرفی می نماید:

قدرت پس از طی تحصیل زبان وطن «پارسی» میل به تحصیل زبان عرب که زبان نحله و مذهبش بود نمود، و در مدرسه فیضیه قم در محضر یکی از اجله سادات و علماء «سید محمد معروف به سرسر» که در آن زمان متصدی تدریس عربیت بود حاضر و اکتساب معارف نمود. چون طبع را مایل به شعر دید در مقدماتش اقدام کرد و در حضور ایشان به کسب علم فصاحت و بلاغت و عروض و لغات عرب و عجم و اشعار آنها و مضامین بلاغت اسلوب و تواریخ شعرا و ادبا فصحای آن و دواوین متعلقه به شعر سعی بلیغ نمود.

صوتش خوش بود، و خط نستعلیق را به شیوه شکسته خوش می نوشت و از هریک از مسطورات حظی وافر برد تا شخصی شد ادیب، خود را متخلص به «جاوید» نمود، و در مجمع فضلا وارد گردید، چون طبعش را امتحان نمودند متخلص به «غیث»، شد مشغول سرودن رباعیات و قصاید و غزلیات با تفکر و بداهه گشت که

ادبا و شعراء معاصر او قدرش را در مجمع خود غنیمت می شمردند و فراند بحر طبعش را به ارمغان می بردند، چنانکه وقتی مضمون خبری که «یکی از درهای بهشت در قم باز خواهد شد» در یکی از جلسات ادبی مطرح شده، شاعر آن را به این صورت ساخته است:

گویند دری از خلد بگشوده شود در قم ما فاتح الابوایم ای بخت چه خسبی قم  
مهر من و قهر من هریک به مقام خود آن نوش ز سرتاپا وین نیش زدم تا دم  
با نان جوین سازم تا دیو لعین سوزم من خود نیم آن آدم کز ره روم از گندم  
تا مردمک چشمم یک ذره خداین شد یک ذره نیندیشم از سرزنش مردم  
تا رشحۀ کلک من ای خواجه هویدا شد شد آب خضر از شرم یکباره به ظلمت گم  
تا دور قدح نوشی افتاده به دست من خورشید لفلک شد می افلاک برین شد خم  
از چار طرف بر من بندد ره اگر گیتی مریخ بکین خیزد اندر فلک پنجم  
طبیعت طرب انگیز است قدرت تو ز جا برخیز دشمن اگرت باشد افزوده تر از انجم  
چکمه زیر از اوست:

عشقبازی که نظر با رخ دلبر دارد  
باید از هرچه بجز دوست نظر بردارد  
عشق عنقای کمال است و وجودش نایاب  
گرچه عالم همه در سایه شهیر دارد  
من که دارم دل خود شادیه دیداری و بس  
خاطرم را زچه رو دوست مکدر دارد  
حبذا مذهب عاشق که به هر مذهب و دین  
با تو می آید و خود مذهب دیگر دارد  
نسبت کفر به عاشق مده ای شیخ عبث  
که تمیزی ز مسلمان و ز کافر دارد



شد اگر شیخ دماغم ز طرب خشک، چه غم

اشک من کشته امید مرا تر دارد

گفتم آن روز که خوردم ز کفش خون جگر

با من این لطف همه روزه مقرر دارد

ظاهرا هرچه ببینی همه آیات خداست

کیست این پرده نشین کاین همه مظهر دارد

فارغ از شمس و قمر باشد و احکام نجوم

هرکه از نور خدا دیده منور دارد

نقش بندیست عجیب اینکه به هر صورت و شکل

روز و شب در نظرم چهره مصور دارد

دوش در بزم شنیدم ز نسیم سحری

خیز از غنچه پیام از لب دلبر دارد

نستاند ز کف خواجه خضر آب حیات

آنکه چشم کرم از ساقی کوثر دارد

بزم ما جنگل مولاست چو آبی بر ما

باخبر باش که این بیشه غضنفر دارد...

## -منابع

1- تاریخ تکایا و عزاداری قم 263.

2- سخنوران معاصر ایران 2783/4.

**میرزا علی روحانی نجف آبادی**



(1350-1415 ق)

میرزا شیخ علی فرزند رجب علی و نوه علی اصغر نجف آبادی اصفهانی، ملقب به «روحانی» از دانشمندان و نویسندگان معاصر بود.

ص: 1122

وی در سال 1350 ق در «نجف آباد» اصفهان دیده به جهان گشود.

مقدمات را در زادگاه خود و مدتی چند در مدرسه جده اصفهان آموخت.

سپس در سال 1367 ق رهسپار نجف اشرف شد سطح را خدمت علامه سید مرتضی فیروزآبادی به پایان برد. دروس خارج را از محضر آیات: میرزا عبد الهادی شیرازی، سید محسن طباطبائی حکیم، میرزا حسن یزدی، سید محمود شاهرودی و سید ابو القاسم خویی استفاده نمود. سپس در «جامعه النجف الدینی» به تدریس و هدایت طالبان پرداخت. سرانجام در سال 1401 ق به ایران مراجعت نمود و در شهر قم سکونت اختیار کرد و به تألیف و تصنیف اهتمام ورزید.

## از آثار او:

- 1- اصول الاسلام و فروعہ.
- 2- الامام الحسين عليه السلام و مناوئوہ.
- 3- الامام علی عليه السلام فی صفین.
- 4- البرهان فی اعجاز القرآن.
- 5- الحجاب فی الاسلام.
- 6- الحججہ البالغہ.
- 7- الخلفاء الراشدون، در چهار جلد.
- 8- السیرہ الامویہ.
- 9- السیرہ الوہابیہ.
- 10- الشیعہ و اصولها.
- 11- العترہ الطاهرہ علیہم السلام.
- 12- العقیلہ الهاشمیہ علیہما السلام.
- 13- الفرقان فی تفسیر القرآن، در بیست جلد.
- 14- القرآن و العترہ علیہم السلام.
- 15- المعارف الاسلامیہ.



- 16-المواهب فی ایمان اَبی طالب(رض).
- 17-الوصول الی مناقب آل الرسول علیهم السّلام، دو جلد.
- 18-ترجمه قرآن کریم.
- 19-ترجمه أجوبه مسائل جار الله(به فارسی-اثر شرف الدین).
- 20-تعليقه على الرسائل.
- 21-تعليقه على المكاسب.
- 22-تعليقه على شرح اللمعه.
- 23-تقيق المقال فی شرح وسیله النجاه(اثر سیّد ابو الحسن اصفهانی)، در چند جلد.
- 24-حقوق زن در اسلام.
- 25-روش خوش بختی.
- 26-شذرات الذهب(فی الحدیث المسند و الصحیح).
- 27-عقبیه الامام علی علیه السّلام.
- 28-عرفان و فلسفه.
- 29-فاجعه کربلاء.
- 30-فرهنگ و علم و دانش.
- 31-قبسات العقول فی مختصر علم الاصول.
- 32-کنز العرفان فی کشف الأسرار.
- 33-گلستان معنویت.
- 34-مسلم بن عقیل علیه السّلام.
- روحانی، در 16/ رجب 1415/ ق برابر با 29/ آذر 1373/ ش در سن 65 سالگی در شهر قم بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان باغ بهشت-مقبره العلماء- به خاک سپرده شد.

## -منابع

1-اطلاعات متفرقه.

ص:1124

2- معجم المؤلفين العراقيين 420/2.

3- معجم رجال الفكر و الأدب في النجف 619/2.

4- مؤلفين كتب چاپی 250/4.

### میرزا علی رهامی زنجانی

(1329-1410 ق)

میرزا علی رهامی فرزند آیت الله شیخ زلف علی و نوه عبد المناف قاضی زنجانی، از فضلا و بزرگان معاصر بود.

ایشان به سال 1329 ق مطابق با 1290 ش در زنجان متولد شد.

پدرش از علمای سرشناس زنجان بود، که تحصیلات عالی خود را در سامرا نزد آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی و در نجف اشرف نزد آیت الله شیخ محمد فاضل شریانی به انجام رسانید و به زنجان مراجعت کرد.

میرزا علی، پس از طی تحصیلات مقدماتی به قم مهاجرت کرد و تحصیلات عالی خود را نزد آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی به انجام رسانید. در ضمن دروس عقلی را از محضر سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» بهره مند شد.

وی در 9/ محرم 1410/ ق مطابق با 21/ مرداد 1368/ ش در سن 81 سالگی در قم درگذشت و در یکی از اطاقهای قبرستان بقیع قم به خاک سپرده شد.

### سید علی سید صدر دزفولی

#### اشاره

(1301-1385 ق)

سید علی فرزند علامه سید شمس الدین و نوه سید صالح موسوی دزفولی، ملقب به (سید صدر) از فضلا و خادمان شریعت بود.

ص: 1125

## تحصیلات عالی

وی مقدمات را نزد پدرش آموخت و در دوران جوانی جهت تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف مشرف شد، و به مدت سه سال از آن حوزه کهن بهره گرفت و به زادگاه خود مراجعت نمود، و در درس آیت الله شیخ محمد رضا معزی حاضر گشت.

## اقامت در اهواز

نامبرده در سنین سی سالگی در اهواز مقیم شد، و مسجد بزرگی را بنیاد نهاد که هم اکنون به نام خود ایشان-واقع در خیابان شریعی- معروف است. و در طول مدت اقامت اهواز به امامت جماعت و تعلیم آداب و فرائض دینی مشغول بود.

## هجرت به تهران

ایشان در سال 1320 ش به تهران مهاجرت کرد، و با داشتن سن بالا از جدیت و تحرک ایشان نکاست، و در منطقه جوادیه واقع در جنوب شهر تهران مسجدی بنا نمود که قسمتی از هزینه آن را شخصا تأمین کرد، و در همان مسجد به اقامه جماعت و پاسخگویی به حوایج مذهبی و اجتماعی مردم مشغول شد.

و در ضمن از دروس و ابحاث علمی غافل نشده، و در درس خارج آیت الله سید احمد خوانساری شرکت جست، و خود را نیز مشغول تألیف کتاب «منهاج العارفين» نمود.

او علاوه بر فعالیت های مذهبی و علمی در زمینه های سیاسی و اجتماعی فعالیت های چشمگیری داشتند، تا جایی که یکی از اعضای مؤثر و فعال روحانیون مشهور به «اصحاب چهارشنبه» بودند، که این مجموعه با موضع گیری مردمی و ملی

مخالفت خود را با حکومت وقت ابراز می داشتند.

## درگذشت و اعقاب

وی در سال 1385 ق مطابق با 1344 ش در سن 84 سالگی درگذشت، و در ایوان ورودی حضرت معصومه علیها السلام قم به خاک سپرده شد.

## فرزندان:

1- سید محمد 2- سید موسی 3- سید محمد رضا 4- سید محمد باقر 5- سید محمد تقی 6- سید محمد هادی 7- سید شمس الدین.

## -منبع

1- خاندان سادات گوشه 517.

## سید علی شاه چراغی نهاوندی

## اشاره

(-1340 ق)

حاج سید علی شاه چراغی فرزند سید حسین معروف به «گنج علی» و نواده سید حیدر موسوی نهاوندی و داماد علامه فقیه شیخ علی استرآبادی (شریعتمدار) بوده است.

ایشان در نهاوند متولد گردید. و پس از تحصیل مقدمات و سطح رهسپار عتبات عالیات شد و در نجف اشرف از محضر آیات: ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی دروس عالی را فراگرفت و پس از نیل مدارج بالا به ایران بازگشت.

فرزندش در منظومه سوانح خود در کتاب «مجمع السعادات» درباره پدرش چنین تعبیر کرده است:

کذا ابی کان أبا الکرامه صلاته باللیل مستدامه

ص: 1127



كان فقيها فاضلا محققا في غامض المسائل مدققا

له كتاب ضاع بعد موته و كان فوته بمحض فوته

شاه چراغی در /20 صفر 1340/ ق درگذشت، و جنازه اش در قبرستان حاج شیخ قم با کد (36879) مدفون گردید.

### فرزندان ایشان عبارتند از:

1- سید محمد کشفی 2- سید عبد الله 3- سید نور الدین 4- سید محمد حسین مؤلف «مجمع السعادات»، متوفای سال 1386 ق در تهران و در مقبره باغ طوطی که مجاور صحن حضرت عبد العظیم حسنی شهر ری است به خاک سپرده شد 5- سید محمد 6- سید احمد.

### -منابع

1- افادات علامه میر احمد روضاتی (ساکن تهران).

2- مجمع السعادات یا فضائل السادات، صفحه های 25 و 28 و 43.

### سید علی شمس الدینی قمی «پویان»

### اشاره

(1306-1399 ق)

از شاعران و کشتی گیران معروف قم بود.

استاد مهدی عباسی در شرح حال ایشان می نویسد: (متولد 1267 ش، از اهالی محله عشقعلی، و سردسته تکیه معروف آنجا بود. در فن کشتی از هم دوره های پهلوان حاجی سید تقی کمالی محسوب می شد. هنگامی که میرزا محمد علی اسکویی پهلوان نامی ایران به قم آمد، وی حاضر به کشتی با پهلوان مذکور گردید، که این کشتی انجام نگرفت.

آقا سید علی در معرکه نظم نیز قوی بازو بود و «پویان» تخلص می کرد.

ص: 1128

از اوست:

شمس است رخت یا قمر ای سرو خرامان

لعل است لبت یا که عقیق ای گل خندان

چشم است به رخسار تو یا نرگس شهلا

ابروت کمان است و یا رهن ایمان

هستند دو ترکان سیه جادوی چشمت

هستند دو بدمست چه خوش دست و گریبان

مژگان تو فوجی است همه زنگی و جنگی

هستند یکایک به فضا سام نریمان

خون ریز چو چنگیز نشد در همه عالم

چنگیز دهد باز به این هیئت مژگان

در پیش لب لعل تو جان تشنه سپردم

با آنکه بود لعل لبت چشمه حیوان

جانسوزتر از خال لبت ناله (پویان)

یوسف صفت افتاده در آن چاه زخندان

پهلوان موصوف بیشتر ایام فراغت خود را صرف تشکیل عزاداری خامس آل عبا علیه السلام می کرد).

وی در سال 1357 ش درگذشت و در قبرستان نو (حاج شیخ) قم به خاک سپرده شد.

فرزند ارشد وی آقای سید عباس شمس الدینی، از کشتی گیران با سابقه قم است.

**-منبع**

1- تاریخ کشتی ایران 265/2.



(1313-1389 ق)

شرح حال شمس گیلانی که به «اعتماد الواعظین» ملقب بود، به قلم فرزند ایشان دانشمند محترم شیخ حسن شمس در کتاب «علماء و شعرای گیلان» آمده، که آن را تماماً با اندکی تغییر در اینجا می آوریم:

خطیب شهیر «حاج اعتماد» از اکابر اهل تحقیق و بیان و عارف و به زیور کمالات نفسانی آراسته علم با عمل هم آغوش کرده، و در عرفان و فلسفه ید طولائی داشت.

ولادت آن جناب در سنه 1313 ق در شهر رشت اتفاق افتاد. چون به حد رشد رسید خط و تجوید قرآن را نزد والد خود تعلیم گرفت، پس از آن مقدمات ادبی را تا حدود معالم و لمعه در مدرسه حاج سمیعی گیلانی نزد علامه عصر شیخ حسن مخدوم و شیخ حسن کوچصفهانی تلمذ کرد. پس از چند سالی مسافرت به خراسان کرده در مدرسه میرزا جعفر دو سال در نزد شیخ عبد الجواد ادیب نیشابوری مقداری تحصیل معقول نمود پس از دو سال سفری، مراجعت به گیلان نمود به جهت زیارت والد خود و صله ارحام پس از توقف کمی در گیلان قصد حرکت به نجف اشرف نمود، برای تکمیل فقه و اصول. آن جناب چون به همدان رسید مصادف شد با تبعید حجج اسلام، لذا از رفتن به نجف منصرف شد و تجار آن سامان والد را چندی در همدان نگه داشتند برای ترویج احکام الهی، پس از آن مهاجرت به تهران نمود.

آن جناب می گوید که: در تهران نزد عارف ربانی و فیلسوف عصر میرزا مهدی آشتیانی- که در اکثر علوم ید داشت، خصوصاً در فلسفه و حکمت که ما فوق آن بزرگوار در ایران نبود- مدت چهارده سال مشغول به تحصیل فلسفه و حکمت و فقه و اصول شدم.

ص: 1130

والد گوید: مولانا در نهایت زهد و تقوا بود پس از آن مهاجرت به قم نمود و آن زمان مدرس رسمی و محقق حتمی آن بلده طیبه دو نفر بودند: یکی مولانا حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و دیگری مولانا سید علی کاشانی «یثربی» آن جناب دو سالی در محضر درس این دو بزرگوار حاضر شد و مورد توجه سیدنا واقع شد، پس از رفتن مولانا کاشانی به درخواست جمعی از تجار کاشان به شهر کاشان والد ایضا مراجعت به تهران نزد میرزا مهدی آشتیانی کرد.

## مسافرت به شهرها

آن جناب می گوید: در همان اوان که در محضر مولانا بودم مسافرتی تصادف کرد به اتفاق استاد به بلده اصفهان و چون به آن سامان رسیدند از ایشان تجلیل ها شد. والد در اصفهان منبرها رفتند و مدت سه ماه مشغول به ترویج و محبوب قلوب خواص و عوام گشتند و اکثر مردم اصفهان هنوز هم اسم آن بزرگوار را به خوبی و نیکی عمل یاد می کنند. پس از آن برای ترویج احکام الهی به کرمانشاهان رفتند و مدتی در آن شهر بودند و علما و فضلاى آن بلده از والد تجلیل ها کردند و مردم استقبال شایانی از ایشان کردند و در هریک از این مسافرتها، زحمات و لطمات شدیدی به ایشان وارد آمد و در تمام این صدمات صبور و بردبار بودند و در هر شهری که وارد می شدند مردم آن سامان برای نیکی عمل و حقیقت آن به او می گرویدند و از منبرشان استفاده ها می کردند.

والد گوید: علت «رشت» آمدن من برای این جهت بود چون: زمان حیات والد من بود و آرزوی دیدن مرا کرده بود، و به جهت درخواست تجار آن سامان، والد به شهر رشت که موطن اصلی آن جناب بود رهسپار گردید. چون به رشت رسید مردم آن شهر استقبال شایانی کردند دعوت های زیادی نمودند پس از چند سالی توقف در رشت والدش این جهان را وداع گفت. آن بزرگوار پیوسته بعد از والد خود در صدمات بوده و رنج و اندوه زیادی کشید و اغلب آن طایفه در فرمان آن جناب

بودند و در سنه 1314 ش در زمان دیکتاتوری رضا شاه و غائله رفع حجاب چون دولت آن زمان وحشتی از والد داشت، لذا به جرم مخالفت با دولت، ایشان را در شب دوشنبه ایام فاطمیه گرفته به زندان بردند. آن جناب مدت چهل و پنج روز در حبس بودند و مکرر صدمات از این گونه به ایشان وارد آمد.

به یاد دارم آن ایام که والد در حبس بود متکفل خوراک شبانه روزی او من بودم و در محبس برای آن جناب غذا می بردم و هر وقت به اطاق محبس می رسیدم ایشان مشغول به ذکر و خواندن ادعیه بود.

پس از نجات از حبس فوق العاده به نزد تمام اهل آن شهر از عوام و خواص و ارکان دولت محبوب گردید و در همان ایام اراده رفتن به عتبات عالیات را کرد و موفق شد و در آن سفر مشرف به حج بیت الله گردید و من در خدمت والد بودم که پس از مراجعت از حج، علما و بزرگان نجف تجلیل زیادی از ایشان کردند و با اکثر آنها ملاقات کرد و رئیس شیعه در آن زمان، سید جلیل و عالم عظیم الشان سید ابو الحسن اصفهانی بود که به والد لطف زیادی داشت و به درخواست بزرگان نجف چند روزی در آن مکان شریف منبر رفت و چون ایام عاشورا بود به حائر حسینی مشرف شد و من در تمام این نقاط با والد خود همراه بودم.

چون به کربلای معلی رسیدیم تجار آن بلده طیبه درخواست منبر رفتن از ایشان کردند و دو ماه والد در آن مکان شریف منبر رفتند و از علمای بزرگ در آن سامان سید الفقهاء حاج آقا حسین طباطبائی قمی بودند که بیست روز در منزل ایشان منبر رفتند و مورد توجه و علاقه مولانا گردیدند.

پس از هشت ماه توقف در عتبات عالیات مراجعت به ایران و رأسا به رشت وارد شدند و مردم از دیدن ایشان خوشحال گردیدند و هدیه ها آوردند و هنوز هم در آن شهر مشغول به ترویج هستند اکثر مشکلات آن شهر و تأسیس مؤسسات بزرگ به دست ایشان حل می گردد و مورد اطمینان و علاقه خواص و عوام آن شهرند و ارکان دولت احترامات زیادی از ایشان به جا می آوردند.

والد غیر از من چهار اولاد دیگر دارد که سه تا از آنها ذکور و یکی اناث است.

## تألیفات:

1- رساله ای در معراج.

2- رساله ای در شق القمر .

3- رساله ای در توحید و نبوت و امامت.

4- مجموعه ای که حدود چهارصد صفحه است در قسمت منبر نوشته که فوق العاده نیکو است.

این سخنور توانا و فاضل دانا سرانجام در روز شنبه 2/ جمادی الثانی/ 1389 ق مطابق با 25/ مرداد 1348/ ش در سن 76 سالگی چشم از جهان فرو بست و در قبرستان ابو حسین- مقبره العلماء- به خاک سپرده شد.

## -منابع

1- تاریخ علماء و شعراى گیلان ص 69.

2- گنجینه دانشمندان 182/5.

**میرزا علی شیرازی «اصفهانى»**

## اشاره

(1294-1375 ق)

حاج میرزا علی شیرازی فرزند حاج علی اکبر و نوه حاج قاسم شیرازی، از دانشمندان پارسا و اساتید گرانقدر حوزه ها بود.

او در شهر نجف اشرف به تاریخ شعبان 1294/ ق متولد شد.

جدش یکی از تجار معتبر و آبرومند شیراز بود که در آن شهر از دنیا رفت.

پدرش نیز از تجار و فضلا بود که در نجف اشرف از محضر آیت الله شیخ محمد حسین کاظمی تحصیل نموده بود و کتابی در زمینه چهل حدیث- در فضیلت صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او علیهم السلام- نوشته، و طبق آنچه شیخ آقا بزرگ تهرانی در

ص: 1133

کتاب نقباء البشر آورده: پدر او در سال 1304 ق از دنیا رفته است.

میرزا علی آقا در زمانی که بیش از بیست سال از عمرش گذشته بود، ساکن اصفهان شد. حوزه اصفهان چه از نظر فقهی و فلسفی در بین حوزه های علمیه شیعه موقعیت خاصی داشت. و این در زمانی بود که هنوز حوزه علمیه قم رونق خاص خود را پیدا نکرده بود. مدارس بسیار فعال، مدرسین مطلع و کاملاً محیط بر بسیاری از علوم، در عین حال متقی و پارسا قابل توجه بودند، از جمله حکمای عارف و متألهی چون: ملا محمد کاشی و میرزا جهانگیر خان قشقائی و یا در فقه مانند: سید محمد باقر در چه ای که واعظ و متعظ بود و میرزا علی آقا از آنان بهره کافی برد.

وی همچنین از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی در مدت توقف ایشان در اصفهان بخشی از سطح استفاده کرد و مدتها نیز از درس طب حاج میرزا محمد باقر حکیم باشی تلمذ نمود، چنانکه بعدها مدتی در اصفهان طبابت می نمود.

وی در نجف اشرف نیز تحصیل کرده و از حوزه کهنسال و پربرکت این شهر در جوار آستان مبارک علوی بهره ها برد. از جمله در آنجا از محضر آیات: ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی استفاده برده است.

او در معرفت و دانش سرآمد بود و مورد وثوق و اعتماد همه مردم اصفهان، که اوقات او صرف تربیت و ارشاد خلق می شد. زندگی ساده و بی آلاچی داشت، و این موضوع در همه ابعاد زندگی او به چشم می خورد، و ساده زیستی و قناعت او مشهور بود. به طوری که حجره ای در مدرسه صدر اصفهان داشت که معمولاً روزها در همان مدرسه می ماند و با غذای اندک قناعت می نمود، و گاهی جلسه درس را در میان گلهای باغچه تشکیل می داد.

نفوذ و تأثیر کلام او بسیار بود و زمانی که به منبر می رفت و جهت ارشاد و تنبیه و تزکیه سخن می گفت، به مداوای روحی مردم پرداخته، واعظی بود شیرین بیان و



متکلمی فصیح اللسان. منابرش شامل مواعظ شافیه و نصایح کافیه از حدیث و اخبار و تفسیر و تاریخ بود. در مدرسه صدر ادبیات و نهج البلاغه و تفسیر می فرمود و این دروس مورد اقبال و توجه نه تنها طلاب و اهل علم، بلکه همه مردم و طبقات این شهر قرار می گرفت. گفتار او نه تنها صاحبان دل را دگرگون، بلکه بر همه تأثیر می بخشید.

در این باره گوشه هایی از آنچه استاد مطهری در باب ارتباط معنوی و تماسی که او توانست با نهج البلاغه از طریق حاج میرزا علی آقا حاصل نماید، با استناد به مقدمه گران بار کتاب «سیری در نهج البلاغه» ذکر می شود:

«از کودکی با نام نهج البلاغه آشنا بودم، و آن را میان کتابهای پدرم می شناختم، در همه این مدت نام «نهج البلاغه» بعد از قرآن بیش از هر کتاب دیگر به گوشم می خورد. چند خطبه زهدی تکراری اهل منبر را آن قدر شنیده بودم که تقریباً حفظ کرده بودم، اما اعتراف می کنم که مانند همه طلاب و هم قطارانم با دنیای نهج البلاغه بیگانه بودم. بیگانه وار با آن برخورد می کردم، بیگانه وار می گذشتم تا آنکه در تابستان سال 1320 ش پس از پنج سال که در قم اقامت داشتم، برای فرار از گرمای قم به اصفهان رفتم، تصادف کوچکی مرا با فردی آشنا با نهج البلاغه آشنا کرد. او دست مرا گرفت و اندکی وارد دنیای نهج البلاغه کرد، آن وقت بود که عمیقاً احساس کردم این کتاب را نمی شناختم، و بعدها مکرر آرزو کردم که ای کاش کسی پیدا شود و مرا با دنیای قرآن نیز آشنا سازد. از این پس چهره نهج البلاغه در نظرم عوض شد، مورد علاقه ام قرار گرفت و محبوبم شد. گویی کتاب دیگری است غیر از آن کتابی که از دوران کودکی آن را می شناختم. احساس کردم که دنیای جدید کشف کرده ام.»

استاد آقای شیخ محمد کاشفی برایم نقل کرد که: ایشان در اواخر عمر دچار فلج گردید و هرچند گاهی به قم می آمد و در مدرسه حجتیه وارد می شد، در حالی که علامه شیخ عبد الجواد سدهی او را همراهی می کرد. در یکی از سفرهایش به قم تمایل پیدا کرد که مدتی چند توقف نماید، به همین خاطر به من پیشنهاد شد

که از ایشان در حجره ام در مدرسه مذکور پذیرایی کنم، ولی حجره ام در طبقه دوم بود که برای ایشان بالا رفتن سخت بود، به همین علت خود ایشان هم امتناع ورزید.

البته من در بعضی از مجالس اش که در مدرسه حجتیه برگزار می شد حضور داشتم و از بیانات بسیار سودمند و سوزناک و عرفانی اش و نیز سایر طلاب بهره ها می بردیم.

## از آثار قلمی اش

1- تصحیح التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح و مقابله قسمتی از تفسیر تبیان (اثر شیخ طوسی) که در اصفهان برای اولین بار به هزینه بازرگان خیر اصفهانی، آقا سید عبد الرسول رحیم زاده روغنی به چاپ رسید.

2- تحشیه زاد المعاد، شیخ آقا بزرگ تهرانی از جمله اقدامات و تلاشهای میرزا علی آقا در جمع آوری و طبع برخی کتب ارزنده سخن گفته، و اظهار می دارد:

بعضی از این قبیل کارها از جمله، جمع آوری آن را از روی فروتنی و اخلاص به خود نسبت نداد. ولی مسلم است آن اقدامات از اوست، زاد المعاد و حواشی و اضافات آن توسط وی صورت گرفته که در سال 1364 ق واقع شده است.

او مبین و مفسر راستینی برای نهج البلاغه بود و چنانچه تقریرات وی در نهج البلاغه، در یک جا جمع می شد، یکی از بهترین شروح آن می شد که متأسفانه این گونه نشد.

سرانجام آن عالم بزرگوار که به درستی لقب «واعظ» گرفته بود، در روز شنبه 23 جمادی الاول 1375/ ق مطابق با 16 دی 1334/ ش در اصفهان از دنیا رفت و پیکرش را با احترامات بسیاری به قم (بنابه وصیت خودش) حمل نمودند و در قبرستان شیخان به خاک سپردند. فرزندش حجه الاسلام شیخ محمد واعظ که ساکن اصفهان بود و در شعبان 1418/ ق در همان جا درگذشت.

## -منابع

1- تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان 435.

ص: 1136

2- روزنامه اطلاعات، مورخ شنبه 7 آبان 1373/ش، شرح حال ایشان به قلم آقای محمد حسین ریاحی نگارش یافته است.

3- سیری در نهج البلاغه (از استاد مطهری) 9 و 10.

4- نقباء البشر 1305/4 و 1488.

5- نوید اصفهان، شماره 241.

**شیخ علی صفائی حائری «قمی»**

**اشاره**

(1370-1420 ق)

حاج شیخ علی فرزند علامه شیخ عباس و نوه آیت الله شیخ محمد علی حائری قمی، معروف به «عین-صاد» از نویسندگان و فضیلابی معاصر بود.

او در 2 مرداد 1320/ش در قم زاده شد. ادبیات و مقدمات را نزد پدر ارجمند خود و شیخ نصرت الله بناروانی میانجی و بخشی از سطوح را از محضر آقایان: پدر خود، شیخ محمد فاضل لنکرانی، و سید مهدی روحانی قمی فرا گرفت. سپس رو به تألیف و تربیت مشتاقان دانش پرداخت.

روزش را به تألیف و پژوهش می گذرانند، به همین خاطر آثار فراوانی را از خود به یادگار گذاشت، فهرست آنها به شرح زیر است:

**[آثار]**

**الف) آثار چاپی:**

1- آرامش (مجموعه شعر).

ص: 1137

- 2- از زلال ولایت (40 حدیث امام حسین علیه السلام).
- 3- استاد و درس (روش تدریس، ادبیات و هنر و نقد)، دو جلد.
- 4- انسان در دو فصل (پیش و پس از بلوغ).
- 5- اتفاق.
- 6- ای قامت بلند امامت (خطاب به حضرت ولی عصر عجل الله فرجه).
- 7- بررسی (نقد مارکسیسم).
- 8- بشنو از نی (شرح دعای ابو حمزه ثمالی).
- 9- پاسخ به پیام نهضت آزادی.
- 10- پیروز (مجموعه شعر).
- 11- تطهیر با جاری قرآن، در شش جلد، و اجزای دیگر آن مخطوط است.
- 12- درسهایی از انقلاب (در 12 دفتر).
- 13- دیداری تازه با قرآن، دو جلد.
- 14- ذهنیت و زاویه دید (نقد ادبیات داستانی).
- 15- روش برداشت از قرآن (تفسیر و توضیح سوره «ص»).
- 16- روش نقد (نقد مکاتب مارکسیسم، اگزیستانسیالیسم و آزادی)، در پنج جزوه.
- 17- شعرهای شهادت.
- 18- عاشورا.
- 19- غدیر.
- 20- فقر.
- 21- مسئولیت و سازندگی، دو جلد.
- 22- و با او نگاه فریاد می کردیم (مجموعه شعر).

23-وداع (مجموعه شعر).

**(ب) کتابهای غیر چاپی اش عبارتند از:**

24- بحثهای محرم (اضطرار به حجت، احیای امر اهل بیت علیهم السلام، عظمت

ص: 1138

مصائب امام حسین علیه السلام، شرح ادعیه حضرت زهرا علیها السلام، معرفت دینی و جامعه دینی و حکومت دینی). این بحثها در شش سال ایراد گردیده و حدود 100 نوار را تشکیل می دهد که همگی پیاده شده است.

25- پیام به فرزندان، او به هنگام بلوغ فرزندان نامه هایی به آنان نگاشته که در آنها بر بینش ها و گرایش ها (بینات، کتاب و میزان)، سلوک و اخلاق، رضا و رضوان، عمل و تمامیت و سلامت و بحران عمل تکیه کرده و توضیح داده است. شمار این ها 5 نامه است.

26- تفسیر سوره آل عمران (نا تمام).

27- تفسیر سوره بقره.

28- تفسیر سوره علق و قدر.

29- تفسیر سوره مدثر.

## درگذشت

سرانجام در سحرگاه روز سه شنبه 22 تیر 1378 / ش برابر با 29 ربیع الاول / 1420 ق به همراه سه تن از دوستانش بر اثر سانحه تصادف در راه مشهد مقدس بدرود حیات گفت. پیکرش در عصر روز چهارشنبه پس از تشییع و ادای نماز میت توسط استاد سید مهدی روحانی بر آن، نزدیک قبر فرزند شهیدش، در گلزار شهدای قم، به خاک سپرده شد.

## علی عارفی قمی

### اشاره

(1331-1387 ق)

علی متخلص به «عارفی» فرزند علیرضا قمی، مردی فاضل و با ورع و انسان دوست از علاقمندان خاندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بوده است.

تولدش در سال 1331 ق مطابق با 1292 ش در قم اتفاق افتاد.

ص: 1139

وی علاوه بر شعر و شاعری، از اعضاء برجسته اولین انجمن ادبی شهرستان قم محسوب می شد. نامبرده در مدت عمر کوتاه، ولی پربرکت خود در مقام آموزگاری به تربیت فرزندان کشور پرداخت و با وجود عدم بضاعت مالی، به تأسیس دبستان «معرفت» قم همت گماشت، و در این راه زحمات طاقت فرسایی را متحمل گردید، و هم اکنون اغلب دست پروردگانش به مقامات عالی فرهنگی و کشوری رسیده اند.

اشعارش بسیار سلیس و مملو از پند و اندرز است.

آن مرد بزرگ پس از یک بیماری در روز چهارشنبه 13 رجب 1387/ ق مطابق با 26 مهر 1346/ ش از زندگی این جهان دست شست، و طغرای نیکونامی خویش را به ملک العرش سپرد. مدفنش در قبرستان ابو حسین است.

از اوست:

### مصباح الهدی

ای حسین ای یادگار مصطفی نور حق هستی و مصباح الهدی

ای حسین ای شاه شاهان جهان جسم پاک تو به از جان جهان

برتر و بالاتری از کاینات در دودنیای تو کشتی نجات

کوه را کی طاقت آلام توست تا قیامت دهر پر از نام توست

چون که عزم رفتن این راه شد زین سبب نام تو ثار الله شد

ما سوی الله گر همه قربان شوند خونبهایت را کجا تاوان شوند

عقلها تا حشر مات کار توست همچو تویی مثل این پیکار توست

\*

### منابع

1- تاریخ تکایا و عزاداری قم 333 (تولدش را در سال 1298 ش دانسته است).

2- سخنوران نامی معاصر.

3- فرهنگ شاعران زبان پارسی 384.

ص: 1140

## اشاره

(قرن 14 ق)

شیخ علی عاملی معروف به «علیکم السلام»، فرزند آیت الله شیخ مرتضی کاظمینی ملقب به «نظام الدین» و نوه آیت الله شیخ جواد عاملی. جدش از جمله شاگردان آیت الله سید مهدی بحر العلوم بود و در شهر کاظمین می زیست.

و پدر شیخ علی، از جمله شاگردان آیت الله شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) بود، و در وادی السلام نجف اشرف مدفون است.

## تحصیلات عالی

شیخ علی، از جمله علمای متقی و زهاد عصر خود بود.

تحصیلات عالی خود را نزد آیت الله میرزا حبیب الله رشتی به انجام رسانید، و ظاهراً از محضر آیات: شیخ محمد حسن مامقانی و میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده برده بود، و در رشت گیلان سکونت اختیار نمود.

شیخ محمد حسین نجفی «علیکم السلام»

نواده اش علامه شیخ محمد حسین نجفی که از علمای معروف تهران بود، درباره جد خود صاحب شرح حال - چنین می نویسد:

«... علامه عالم متقی و زاهد زمان مرحوم حاج شیخ علی علیکم السلام، از معاصرین مرحوم آیت الله میرزا حسن شیرازی - اعلی الله مقامه - می باشند که

ص: 1141



ایشان هم ساکن رشت بعد از تحصیلات خود بوده و زمان خود به جلالت شأن و کرامت نفس مشهور و معروف بوده اند. رحمت الله علیه».

از آثار او: اصول اعتقادات.

ایشان در قبرستان شیخان قم مدفون است.

فرزند وی آیت الله شیخ جواد عاملی، و نواده او آیت الله شیخ محمد حسین نجفی (1321-رمضان 1409/ق در تهران) بود.

### -منابع-

1-المسلسلات فی الاجازات 459/2.

2-فروع فقاہت در شرح حال شیخ محمد حسین نجفی ص 16.

### سید علی علامه فانی اصفهانی

### اشاره

(1333-1409 ق)

سید علی فرزند علامه سید حسن و نوه سید حسین حسینی یزدی اصفهانی، معروف به «علامه فانی»، از فقها و صاحب رساله عملیه و به حق جامع معقول و منقول و اساتید به نام حوزه ها بود.

ایشان در روز پنجشنبه 26 ربیع الاول 1333/ق در اصفهان تولد یافت.

پدر دانشمند خود را در سن پنج سالگی از دست داد و در سال 1342 ق

ص: 1142

(یعنی در سن یازده سالگی) شروع به درس عربی و تحصیلات دینی نمود. با گذراندن دوره مقدماتی، درس سطح و خارج را نزد عده ای از اجلّه علمای آن روز حاضر شدند. قوانین الاصول را نزد شیخ محمد حکیم خراسانی (متوفای سال 1355 ق) خوانده، و رسائل شیخ انصاری را نزد سید مرتضی خراسانی، و مکاسب و کفایتین و بخشی از خارج فقه را از محضر سید محمد نجف آبادی (متوفای 1358 ق) تلمذ نمودند.

فانی پس از آن به مدت سیزده سال دروس خارج فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسیر را، در محضر عالم زاهد آیت الله سید علی نجف آبادی و علامه سید عبد الله ثقه الاسلام حاضر شدند و پس از وفات نجف آبادی شهر اصفهان را رها کرده، به سوی نجف اشرف و جوار تربت مطهر علوی علیه السلام مهاجرت نموده، و در ربیع الثانی/ 1362 ق وارد نجف اشرف شدند. و ضمن استفاده از محضر آیات: سید ابو الحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی و سید علی بهبهانی رامهرمزی، میرزا عبد الهادی شیرازی و یکی از ملازمان و شاگردان خاص آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی گردید، مشغول تدریس فقه و اصول و کلام و تفسیر شد.

شاگردانی ممتاز دوره کامل مباحث اصول و فقه ایشان را تقریر نمودند، که مقدار زیادی از آن چاپ گردیده و فهرست کامل مؤلفات چاپ شده و چاپ نشده این مرحوم در پایان همین سطور ذکر خواهد شد.

ایشان حوزه علمیه نجف اشرف را در اثر فشار دولت عراق در رجب 1393/ ق حوزه نجف را ترک گفته، و به سمت حوزه علمیه قم عزیمت نموده، و از بدو ورود مشغول تدریس خارج فقه و اصول گردید، و ابواب مختلف فقهی را با تحقیق کامل که شیوه خاص استاد بود و تدریس فرمود. در اواخر عمر به واسطه بیماری تردد طلاب نزد ایشان کمتر شده، ولی اشتغال ایشان به علمیات کاسته نگشته بود. و با عشق مفرط به تألیف و تکمیل کتب خود می پرداخت.

آن بزرگوار هنگامی که در اثر فشارهای زیاد و ناراحتیهای بسیار سکنه نمود،

بعد از آنکه دوران نقاهت پس از سکنه را می گذرانید از حالش سؤال شد، جواب داد که: بحمد الله دکترها به من اجازه مطالعه داده اند. عجب است از انسانی که در بستر مرض این گونه مژده از بهبودی خود می دهد، و عجیب تر آنکه در آخرین مرض که منجر به بستری شدن ایشان در بیمارستان شهریار تهران گشت، نسخه کتاب اصول فقه خود را همراه داشت و تصحیح می نمود. دریغ و افسوس آن نسخه تصحیح شده، و کتاب به پایان نرسیده، همراه جنازه ایشان به قم بازگشت.

در وصیت نامه خود به فرزندش جناب آقای سید مهدی علامه «حفظه الله» سفارش فرموده، که: سه کتاب از نوشته ها و تألیفاتش را در کفن اش همراه او بگذارند، یکی «آراء حول القرآن» که در آن عدم تحریف قرآن را اثبات نمود، و یکی کتاب «عبد الله بن عباس» که در دفاع از شخصیت عبد الله بن عباس و رد اتهامات وارده بر او نوشته بود (و ایشان می فرمودند که من مزد این کتاب را از مولای متقیان امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام می خواهم، زیرا عبد الله بن عباس را به خاطر امیر المؤمنین علیه السلام تهمت زدند. دیگری کتاب «منظومه چهارده معصوم علیهم السلام» بود که در مدح و مرثیه ائمه اطهار علیهم السلام و با قریحه خود سروده بود، و همچنین فرموده بود که یک خاتم عقیق به همراهش بگذارند و بحمد الله به وصیت اش عمل شد. درود بر تو که تمامی لحظات عمرت را با توحید و عشق به مذهب تشیع و علاقه به ائمه معصومین علیهم السلام سپری کردی، و حتی در گور سرد نیز نخواستی که شعائرت از تو جدا باشند و با آنچه مانوس بودی مدفون شدی.

آیت الله علامه فانی سرانجام در ساعت 11/5 روز دوشنبه 23/شوال/1409 ق مطابق با 8/خرداد1368/ ش در یکی از بیمارستان های شهریار تهران در اثر سکته قلبی درگذشت. جسدش صبح روز سه شنبه در قم تشییع گردید، و در صحن حضرت معصومه علیها السلام مدفون شد.

فهرست تألیفات ایشان در زمینه های: کلام، تفسیر، حدیث، رجال، فقه، اصول، امامت، تاریخ تحلیلی، اجتماعیات و شعر از این قرار است:

### کتاب چاپ شده

- 1- شرح شرایع در طهارت، در پنج جلد.
- 2- شرح شرایع در صلاه، در پنج جلد.
- 3- آراء الاصول حول مباحث الالفاظ، در دو جلد.
- 4- حاشیه وسیله النجاه.
- 5- حاشیه العروه الوثقی، در دو جلد.
- 6- ترجمه تقویم المحسنین (اثر فیض کاشانی).
- 7- ترجمه نصائح الهدی (اثر علامه شیخ محمد جواد بلاغی).
- 8- رساله فی البداء.
- 9- بدا (ترجمه فارسی البداء).
- 10- المختار فی الجبر و الاختیار (تقریرات).
- 11- جبر و اختیار (ترجمه فارسی آن).
- 12- الامر بالمعروف و النهی عن المنکر.
- 13- رساله توضیح المسائل، به پنج زبان.
- 14- قبسات العقول من الفروع و الاصول، در پنج جلد.
- 15- شعائر حسینیة، به دو زبان.
- 16- خمسون مسأله.



17- منظومه چهارده معصوم عليهم السلام.

18- آراء حول الاراده.

19- حول القرآن.

20- بيان الخيانه.

21- مناسك حج، به پنج زبان.

22- تنزيه الصفوه.

23- تحفه الجواهر.

24- ترجمه خطبه حضرت زهرا عليها السلام.

25- زن از دیدگاه شريعت اسلام.

26- گناه و كيفر، دو جلد.

27- بينش کلی امام.

28- عبد الله بن عباس.

29- حاشیه بر صراط النجاه.

30- آراء حول الاجاره.

31- المتعه مشروعه.

### **کتاب چاپ نشده**

1- شرح شرايع در صلاه، دو جلد.

2- آراء الاصول (ادله عقليه)، در چهار جلد.

3- ديوان اشعار فاني، دو جلد.

4- خمس استدلالی.

5- تفسير سورة محمد صلى الله عليه وآله وسلم.

6- تفسير سورة جمعه.

7- تفسير سورة حمد.

ص: 1146

- 8- تفسیر سورة فتح.
- 9- فقه الرجال.
- 10- احکام بانكدارى و تحليل مسأله ربا.
- 11- كتاب الذباجه.
- 12- مكاسب محرمه تا بيع فضولى.
- 13- كتاب القضاء.
- 14- كتاب الوصايا.
- 15- غايه البيان فى عدم تحريف القرآن.
- 16- المعارف العلويه، در كلام.
- 17- الفوائد الرجاليه.
- 18- قاعده القرعه.
- 19- جوائز السلطان.
- 20- السير الى الله.
- 21- كتاب الزكاه.
- 22- كتاب الصوم.
- 23- كتاب الحج.
- 24- رساله علم امام.
- 25- كتاب الحدود.

#### **-منابع**

- 1- در اواخر ربيع الاول 1407/ق به محضرشان رسيدم و قسمتى از زندگينامه اش را از زبان مباركشان شنيدم و يادداشت نمودم.



2- گنجینه دانشمندان 210/2.

3- معجم المؤلفين العراقيين 429/2.

4- مؤلفين كتب چاپی 330/4.

ص: 1147

اشاره

(-1371 ق)

مردی فقیه و دانشمند و ادیب و سخن دان بود. آن بزرگوار مدتی در رشت گیلان به تدریس سطح اشتغال داشت، در ادبیات تسلط و در مقدمات ید طولائی داشت، خوش ذوق و خوش قریحه و از استعداد فکری بسیار عالی برخوردار بود. در مدارس علمی رشت مشغول تدریس بود، و اغلب طلاب گیلان در مقدمات و سطح نزد ایشان تلمذ کردند.

بنا بر اظهارات یکی از فضلاء لاهیجانی، علم الهدی در تهران جزو شاگردان آیت الله شیخ فضل الله نوری، و از دوستان و همدرسان علامه حکیم شیخ محمد مهدی مازندرانی «امیر کلائی» بود.

سرانجام در روز شنبه 11 محرم 1371/ ق مطابق با 20 مهر 1330/ ش درگذشت، و در انتهای قبرستان حاج شیخ قم مدفون گردید.

-منبع

1- تاریخ علماء و شعراى گیلان 123.

شیخ علی علما کرمانشاهی دامغانی «واعظ»

اشاره

(ح 1285-1362 ق)

شیخ علی علما ملقب به «واعظ العلماء» فرزند علامه ملا محمد باقر پیشنماز دامغانی، از دانشمندان و حکمای نامی کرمانشاه بود.

وی در حدود سالهای 1285 ق در کرمانشاه پا به عرصه گیتی نهاد.

مقدمات را به خوبی آموخت و سطح را نزد پدر ارجمند خویش به انجام رساند. آنگاه به تهران رفت و دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیت الله میرزا محمد حسن آشتیانی و حکمت و علوم عقلی را از محضر علامه سید ابو الحسن

ص: 1148

جلوه اصفهانی استفاده نمود. سپس به زادگاه خود مراجعت کرد و هنگام بازگشت آیت الله شیخ هادی جلیلی در سال 1316 ق از عتبات عالیات به کرمانشاه، هر روز صبح به منزلش می رفت و از محضرش دانش می آموخت. تا حدی رسید که از صاحب نظران و اندیشمندان بارز گردید. تدریس را پیشه خود ساخت و همواره فقه و اصول و معقول تدریس می نمود، ولی وعظ و خطابت را ترجیح داد و سخنرانی های علمی و شیوا می خواند. در این راه شهرت و حرمت ویژه ای بدست آورد.

## از آثار او:

1- حاشیه علی شرح المنظومه (اثر ملا هادی سبزواری).

2- کشکول (شامل یادداشت های متفرقه علمی).

واعظ، در شب جمعه 14 شوال 1362/ ق برابر با 21 مهر 1322/ ش در کرمانشاه جهان خاکی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ (قسمت شرقی) به خاک سپرده شد.

جهت تفصیل بیشتر درباره زندگی این عالم واعظ، به کتاب «زندگانی سردار کابلی» اثر مرحوم غلامرضا کیوان سمیعی، رجوع کنید.

## سید علی علوی قزوینی

### اشاره

(1396-1322 ق)

حاج سید علی فرزند آیت الله سید محمد باقر و نوه سید ابو تراب حسینی قزوینی، ملقب به «علوی»، از دانشمندان و فضیلاي معاصر بود.

وی در 13/ رجب 1322/ ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

دوران کودکی خود را در آن سامان سپری کرد، سپس در سال 1332 ق همراه پدر ارجمند خود به قزوین رفت و به تحصیل علوم دینی اشتغال ورزید، آنگاه در سال 1342 ق نیز همراه پدر خود به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و سطح را نزد علامه

ص: 1149

آخوند ملا- علی همدانی به پایان برد و دروس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجّت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری و پدر خود استفاده نمود.

وی در سال 1352 ق به قزوین بازگشت و به ترویج مذهب و قبول دفتر اسناد به خدمت اجتماعی پرداخت.

سرانجام در سال 1366 ق قزوین را به سوی تهران ترک گفت و به فعالیت های مذهبی خود افزود و مشغول اقامه نماز جماعت، ترویج مذهب و ارشاد شد.

علوی در سال 1396 ق در سن 74 سالگی در تهران چشم از جهان فرو بست.

پیکرش به قم حمل و در قبرستان بهشت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. سید مهدی علوی که به کسوت اهل علم است فرزند او می باشد.

### -منابع

1- آینه دانشوران 407.

2- افادات علامه سید عباس ابو ترابی قزوینی، ساکن تهران.

3- گنجینه دانشمندان 147/6.

4- یادداشتی از برادرش علامه آقای سید علی اصغر علوی، ساکن قزوین.

**سید علی علوی قزوینی «آقا بزرگ»**

### اشاره

(1320-1394 ق)

حاج سید علی معروف به (آقا بزرگ) علوی فرزند علامه سید محمد باقر و نوه

ص: 1150

آیت الله سید علی موسوی قزوینی (صاحب حاشیه بر قوانین)، از علمای برجسته قزوین بود.

وی به سال 1320 ق مطابق با 1281 شمسی در قزوین متولد شده، و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و مقدمات علوم را در آنجا فراگرفته، آنگاه در اوائل تأسیس حوزه علمیه در سال 1353 ق به قم عزیمت و پس از تکمیل سطوح نزد سید شهاب الدین مرعشی، از محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده نموده، و بعد از تکمیل دراسات و مبانی علمی در سال 1353 ق مراجعت به قزوین کرده، و به انجام وظائف دینی و روحی از قبیل اقامه جماعت در مسجد سلطانی و مسجد شیشه گرها و تدریس و تربیت طلاب و محصلین علوم دینی و ترویج دین پرداخته است.

سید جواد علوی قزوینی

از خصایص و مزایای آن جناب این بود که از وجوه شرعیه مصرف و اعاشه نمی کرد و آن وجوه را در کارهای خیر مصرف می نمود، مانند ساختن مساجد و کمک به اهل علم و رفع حوائج آنان و صاحبان فضیلت، و غیر آنان از آنچه را که رضای امام علیه السلام را در آن می دانست. و برای خود و خاندان خود چیزی از این وجوه نمی گذاشت، حتی وقتی از دنیا رفت چیزی از مال برای ورثه خود اندوخته نکرده و نداشت، با اینکه مرجع اموال مردم بود.

و کان رحمه الله حافظا لدینه فی حوادث دهره و داعیا الی الله بقوله و فعله، و صائنا لنفسه عن بعض ما یفتخر به الناس حفظا اتقوا و تقوا و مقویا لعقائد الناس و

ص: 1151

کان موته ثلمه فی الاسلام.

وی دارای اجازاتی از آیات: سید ابو الحسن اصفهانی، سید حسین طباطبائی بروجردی، سید محسن حکیم، سید روح الله خمینی و سید ابو القاسم خوئی.

وی در روز جمعه اربعین حسینی 1394/ ق مطابق با 24 اسفند 1352/ ش از دنیا رفته و در تشییع جنازه اش بسیاری از مردم قزوین از عموم طبقات شرکت و حمل بقم نموده، و در قبرستان (حاج شیخ) دفن نمودند.

دارای آثاری در مواظ و اخلاق بوده اند که تاکنون به چاپ نرسیده است.

از باقیات الصالحات ایشان است فرزند ارجمندش جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای سید جواد علوی که در رشته اسلاف و نیاکان خود و به جای والد مبرورش در قزوین هم اکنون به خدمات دینی اشتغال دارند.

در رثاء آن مرحوم اشعاری سروده شده که ما یکی از آن را می نگاریم:

فغان و آه که از آسمان دانش و دین

غروب کرد در خشنده کوکب قزوین

فقیه کامل عامل شجاع و زاهد و راد

خجسته خوی و شمایل نکوی و ماه جبین

سلیل ساقی کوثر که نسبتش «علوی» است

دعامه الشرع طود العلم حامی الدین

ز رحلتش همه مردم نشسته در غم و حزن

چورفت طایر روحش به سوی خلد برین

ز بوستان نیاکان گلی ربود فلک

که ارمغان برد آن را به خدمت شه دین

اگر نبود چنان پس به اربعین چون شد

روان او به جنان و تشش به زیر زمین

جوار حضرت معصومه شد به خاک نهان

مزار اوست محط رجال اهل یقین

\*

## -منابع

1-آینه دانشوران 343.

2-گنجینه دانشمندان 164/6.

## سید علی علوی کاظمی

## اشاره

(1402-1346 ق)

حاج سید علی علوی فرزند سید حسین و نوه سید ابو القاسم حسینی کاشانی، از فضلا و نویسندگان معاصر بود.

در 2/محررم 1346/ق در شهر کاظمین «عراق» دیده به جهان گشود.

## تحصیل در کاظمین و نجف اشرف

مقدمات را نزد آیت الله شیخ حامد واعظی سبزواری و استاد احمد امین آموخت، و برخی از سطح را نزد علامه سید اسماعیل صدر تلمذ کرد، و در سال 1386 ق به نجف اشرف عزیمت نمود و باقی دروس سطح را از محضر آیات: شیخ محی الدین مامقانی و سید جعفر مرعشی استفاده نمود، و پس از یک سال و اندی از طرف آیت الله سید محسن طباطبائی حکیم به نمایندگی ایشان در بغداد-حی الطارق- انتخاب و به آنجا عزیمت نمود،

ص: 1153

و چندین مسجد و هیئت حسینی و مدرسه تأسیس نمود.

## مهاجرت به قم

ایشان در سال 1391 ق در اثر فشارهای دولت عراق به ایران مهاجرت و در قم سکونت اختیار نمود، و به فعالیت های فرهنگی و اسلامی خود ادامه داد، و در دروس آیات: سید شهاب الدین مرعشی و سید محمد رضا گلپایگانی شرکت جست.

## از آثار او

- 1- اختر لفسک.
- 2- اشک و آه.
- 3- الجنسان.
- 4- الخیر و السعاده.
- 5- الرافد.
- 6- العفاف علی مذبح التبرج.
- 7- العمل الجهادی.
- 8- الکلمه الطیبه.
- 9- باء بسمله.
- 10- پاسخ اندیشه های جوانان، در دو جلد.
- 11- پیک رحمت.
- 12- تربیت از نظر قرآن و سنت.
- 13- تفسیر الامام الصادق علیه السلام.
- 14- دروس و حلول فی شرح کفایه الاصول، در دو جلد.
- 15- دلبند نفس.
- 16- دیوان العلوی، در سه جلد.





17- راهنمایی قرآن کریم.

18- رستگاران.

19- زکاه الفطره.

20- سخنان ماه مبارک.

21- سوداگران.

22- کتابخانه.

23- لباب معالم الدین.

24- محاضرات فی اصول الدین.

25- مخطط فی کتاب الارث.

26- مقتطفات العلوی (شعر).

27- منتخب حوادث الأيام فی الاسلام، در چهار جلد.

28- ندای آسمان.

29- یادآوری.

### **درگذشت و اعقاب**

وی در روز دوشنبه 28 شعبان 1402/ ق مطابق با 31 خرداد 1361/ ش در اثر سکته قلبی در بیمارستان سید مصطفی خمینی در تهران به سن 56 سالگی درگذشت، و جسدش روز اول/رمضان در قم تشییع، و پس از اقامه نماز میت توسط آیت الله مرعشی، در راهروی مسجد علوی که خود آن را در خیابان امام تأسیس نمود به خاک سپرده شد.

### **فرزندانش:**

1- حجه الاسلام سید عادل علوی 2- تقهالاسلام سید عماد الدین 3- سید عامر 4- سید عارف 5- سید عقیل و چهار دختر.

ص: 1155

(1418-1319 ق)

مقاله زیر در روزنامه «احرار» تبریز چاپ و منتشر شده، و نظر به اینکه جامع و وافی بود آن را عینا اقتباس نموده، تقدیم خوانندگان گرامی می کنیم:

حیات و زندگانی طیبه اسلامی، بدون شک مرهون فداکاریهای و جانفشانی های مرزداران حریم مقدس اسلامی بوده است. و در عصر غیبت آخرین ستاره درخشان سپهر بلند و رفعت امامت و ولایت، حضرت قائم (عج)، فقها و مراجع فرازپایه شیعه از شیخ طوسی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید رضی، سید مرتضی و دیگر بزرگان، (رضوان الله علیه اجمعین) تا علمای فرهیخته معاصر در زمره این دلاوران و پیش کسوتان عرصه علم و فضیلت و جهاد بوده اند.

آنان که هر یک روزگار خویش مشعل هدایتگر اسلام محمدی بود، شریعت را پرفروغ و تابان حفظ نموده به جانشینان خلف خود سپرده اند، تا عرصه گیتی

ص: 1156

هیچ گاه از نعمت والای حیات بخش اسلام تهی نگردد.

آنان که بر ذروه قاف یقین خاضعانه تکیه زده، هفت شهر عشق را مردانه پشت سر نهادند و ناظران شیفته سرشان به لفظ «فیا لیتنی» موکب به سرمنزل مقصود رسیده، آنان را مشایعت نمودند و دین خود را به اسلام و مسلمین ادا نموده و کیان اسلام را از گزند خناسان و شیاطین گمراه، نجات بخشیدند.

در میان سرزمینهای اسلامی، ایران یکی از درخشان ترین مهدهای علم و دانش بوده و می باشد. علما و دانشمندان ایرانی نقش بزرگ و حساس در تاریخ علم در سراسر جهان داشته اند، به گونه ای که هنوز از کتب این بزرگواران در مجامع علمی جهان استفاده می شود. و اما در سرزمین ایران نیز همه مناطق و بلاد از نظر علم و تمدن یکسان نبوده و نیستند. برخی از شهرها و مناطق، محل پرورش علمای بزرگ و فقهای سترگ بوده است. که به عنوان نمونه می توانیم از تبریز نام ببریم، که از جمله عالم خیزترین شهرهای ایران بوده است. فقهایی همچون: آیت الله انگجی، آیت الله میرزا صادق تبریزی، آیت الله شهیدی، آیت الله سید محمد مولانا، علامه امینی، علامه طباطبائی و پیوسته بر بلندای آسمان علم و فقه و فقاہت نورافشانی می کنند. در عصر حاضر از مهره های بارز این قافله، می توانیم از دانشمند بزرگوار، فقیه اهل بیت، عالم ربانی و فاضل صمدانی آیت الله علیاری نام ببریم.

## ولادت و خاندان

آیت الله علیاری در صبح جمعه 12 ماه مبارک رمضان سال 1319 قمری هجری در تبریز دیده به جهان گشود.

در سه سالگی والد خود (مرحوم آقا میرزا محسن) را که از علما و دانشمندان تبریز بود، از دست داد و تحت تعلیم جدّ امجدش، آیت الله میرزا محمد حسن علیاری قرار گرفت.

معظم له پس از آموزشهای ابتدایی و فراگیری مقدمات در مکاتب قدیمی، به

تحصیل علوم ادبی و اسلامی پرداخت، و کتب درسی متداول در شیوه تحصیل طلبگی را از صرف و نحو و دیگر رشته های مربوط به ادب عربی و منطق و کلام و فقه و اصول فقه به نحو کامل و شایسته فراگرفت و سپس به محافل علمی و حلقات درسی بزرگان و اساتین علما راه یافت.

پدران ایشان همگی از عالمان و بزرگان دین و دانش و منشأ خیرات و آثار جاویدانی می باشند، که آن آثار اینک از ذخائر بزرگ شیعه محسوب می گردد.

سلسله جلیله ایشان، از خانواده ای اصیل و ریشه دار و مشهور به علم و تقوا است. خاندانی که علمای بزرگواری را به عالم اسلامی تحویل داده و در طول چند نسل همواره دانشمندان عالیقدری را پرورش داده است.

در تکوین شخصیت انسان خانواده نقش بسزائی دارد، چرا که زمینه های رشد و تعالی شخصیت آیت الله علیاری نیز خانواده شریف او بود. او در خانواده ای دیده به جهان گشود که همه اهل علم و دانش و تقوا و معنویت بودند. در این گفتار ما به بحث پیرامون خاندان استاد می پردازیم، تا با زمینه های رشد و تعالی این بزرگوار بیشتر آشنا شویم:

الف: میرزا محمد حسن فرزند حاج مولی علی علیاری تبریزی از علمای ربانی، فقیه، ادیب، جامع معقول و منقول، باورع، زاهد، (عمده تحصیلات آیت الله علیاری در تبریز در خدمت همین جد امجدش بوده است).

وی در علیار در 22 جمادی الاولی 1266 ق تولد یافته و از والد خود بهره علمی برد. و مدتی هم نزد آقای شیخ محمد حسن انصاری دزفولی (داماد مرحوم شیخ مرتضی انصاری) در نجف اشرف شاگردی نموده و بعد نزد آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شیخ محمد فاضل شریانی و شیخ محمد حسن مامقانی و حاج مولی احمد شبستری و حاج میرزا ابو القاسم طباطبائی (حفید صاحب ریاض) و دیگر اعظم تحصیلات خویش را به پایان رساند.

نامبرده از جمعی از اعلام، اجازه اجتهاد و روایت داشته و به بعضی از علما هم

اجازه داده و پس از بازگشت به تبریز به تدریس و اقامهٔ جماعت و سایر وظائف شرعیه قیام نمود و مورد احترام مردم آن دیار بود و کتابخانهٔ نفیسی داشته، که در درگیری های مشروطه خواهان طعمهٔ حریق مخالفان شده و از بین رفته است.

وفاتش شب سه شنبه /19 ربیع الاول 1358/ در تبریز اتفاق و در وادی السلام نجف اشرف مدفون گردید.

از وی تألیفات زیادی حدود 24 مجلد باقی مانده که از آنهاست. 1- حاشیه بر رسائل شیخ انصاری 2- مشکاه الانوار 3- مشکاه الاصول 4- المحججه البیضاء (مطبوع) 5- جامع السعاده 6- زلال المقال 7- اللئالی المخزونه 8- المواهب السنیه 9- صراط النجاه 10- کنز الغرائب.

ب: جدّ اعلاى آیت الله علیاری، مرحوم حاج مولی علی علیاری یکی از ستارگان فروزان مذهب شیعه که در علوم فقه و اصول و حدیث و هیئت و طب و حکمت و شعر و ریاضیات معروف بوده است.

مرحوم حاج مولی علیاری در ماه رمضان 1236 ق در سردرود (از نواحی تبریز) متولد شد و در قریه «علیار» از قراء دیزمار که از مضافات قراچه داغ، از نواحی تبریز است اقامت گزید و چون از مبادی علوم فارغ گشت، رهسپار نجف اشرف گردید و در حوزهٔ درس مرحوم شیخ مرتضی انصاری حاضر شد و پس از فوت استاد در نزد میرزا محمد حسن شیرازی و سید حسین کوه کمری و شیخ راضی نجفی و شیخ مهدی کاشف الغطاء تحصیلات خویش را به پایان رسانید-

### از تألیفات او

1- المطرز فی شرح اقسام اللغز 2- الوافیه فی شرح لغز الکافیہ (للشیخ البهائی) 3- ایضاح الغوامض فی تفسیر الفرائض 4- بهجه الآمال فی شرح زبده المقال 5- تقویم 6- حاشیه الروضه البهیة 7- حاشیه المعالم 8- حاشیه تشریح الافلاک 9- حاشیه ریاض المسائل 10- حاشیه القوانين 11- دلایل الاحکام فی

ص: 1159

شرايع الاسلام 12- رياض المقاصد في شرح قصيده الشيخ حسن بن راشد (في مدح صاحب الزمان (عج) 13- شرح چغميني 14- مشكاه الوصول الى علم الاصول 15- مناهج الاحكام في اصول الفقه، كه پنج مجلد و شرح مزجي معالم است 16- منتهى الآمال في علم الرجال، كه منظومه اى است رجالى 17- منهاج المله في تعيين الوقت و القبلة.

وفات عليارى در روز پنجشنبه چهارم/ رجب/ سال هزار و سيصد و بيست هفتم هجرى واقع گرديد.

### عزيمت به نجف اشرف

آيت الله عليارى ميرزا على بعد از تكميل دروس سطح در زادگاه خويش، به سال 1341 ق عازم بلده طيبه نجف اشرف جوار رحمت حضرت امير المؤمنين عليه السلام شدند.

در ميان چهره هاى علمى معاصر کمتر چهره اى را مى توان سراغ گرفت كه چون ايشان استاد ديده باشند. استاد در خلال دوران تحصيل خود به محضر اساتيد بسيار راه يافت و به گفته خود زانوى ادب زد و از انفسا قدسى آنها مدد گرفت. عشق و علاقه شديد استاد به علم و دانش از يك سو و توجه به علوم گوناگون از سوى ديگر موجب شد تا به درك فيض محضر بزرگانى نائل شود كه به راستى برخى از آنها يگانه عصر و زمان خود بودند اسامى آن بزرگواران زينت بخش اين سطور مى گردد.

1- مرحوم آيت الله شيخ ضياء الدين عراقى (1278-1361 هـ) مجتهد و محقق كم نظير.

2- مرحوم آيت الله سيد ابو الحسن اصفهانى (1284-1365 هـ) بزرگ مرجع تقليد شيعيان جهان.

3- مرحوم آيت الله ميرزا محمد حسين نائينى غروى (1273-1355 هـ) محقق و استاد بزرگ به مدت 6 سال.

4- مرحوم آيت الله آقا شيخ اسد الله زنجانى (1282-1354 هـ).

- 5- مرحوم آیت الله سید ابراهیم (میرزا آقا) اصطهباناتی شیرازی (1279-1378 ه) از مجتهدین و مدرسین بزرگ حوزه نجف اشرف.
- 6- مرحوم آیت الله سید محمد حجت کوه کمری (موقعی که در نجف اشرف و تبریز تشریف داشتند) (1310-1372 ه) بزرگ مرجع تقلید شیعیان و استاد بزرگ حوزه نجف و قم.
- 7- مرحوم آیت الله آقا شیخ ابو الحسن مشکینی (1305-1358 ق) محقق و استاد بزرگ حوزه نجف اشرف.
- 8- مرحوم آیت الله میرزا علی ایروانی (1301-1354 ق) از مدرسین بزرگ حوزه نجف اشرف.
- 9- مرحوم آیت الله سید ابو تراب خوانساری (1281-1346 ق) دانشمند بارز حوزه علمیه نجف اشرف.
- 10- مرحوم آیت الله آقا شیخ احمد آشتیانی (در فلسفه) فقیه و حکیم برجسته (1300-1395 ق).

### موقعیت علمی

آیت الله علیاری در مدت اقامت خود در حوزه نجف اشرف از محضر اساتید بزرگوار استفاده وافر کرد و در جوانی به درجه رفیع اجتهاد ارتقاء یافت و از طرف آیات و مراجع و اساتید خود به دریافت اجازه اجتهاد نایل شد و مبانی علمی و اجتهادی و استقامت رأی و خوش فکری او، مورد تحسین حضرات آیات واقع شد.

و ملاحظه تعابیری که از بزرگان در اجازات اجتهادی و روایتی آیت الله علیاری که متجاوز از پنج فقره است، حکایت از موقعیت عالی علمی و توجه آنان به ایشان در عهد کهن دارد.

در مقام شهادت درباره موقعیت علمی وی، مرحوم آیت الله ضیاء الدین عراقی می نویسد:

ص: 1161



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الحمد لله على جزيل نعمائه وعظيم آلائه و الصلاه السلام على محمد خاتم انبيائه وعلى خلفائه المرضيين.

وبعد فان جناب العالم العامل و الفاضل الكامل، ظهير المله و الدين ملاذ الاسلام و المسلمين، عمدته العلماء المحققين و زبده الفقهاء و المجتهدين، التقي التقي، الميرزا على آقا تبريزي ادام الله معاليه و اصاب أيامه و لياليه، ممن بذل نقد عمره و برهه من دهره في تحصيل العلوم الشريعه أيامه و المعارف الدينيه، معتكفا بجوار امير المؤمنين عليه السلام معتصما بحبل الله المتين، حتى أضاء نور الاجتهاد في قلبه، فأصبح على بينه من ربه و افاد و استفاد حتى نال المراد و حاز ملكه الاجتهاد، فهو الآن بحمد الله من العلماء العاملين و في زمره المجتهدين الاتقياء الكاملين و جاز له التصدي بوظائف المجتهدين الاتقياء الكاملين الجامعين للشرائط و يحرم عليه التقليد في اجتهاد و له العمل بما استنبطه من احكام الدين و قد اجزت له ان يروي عنى جميع ما صحت لى روايته من مشايخي الكرام باسانيدهم المعتمده المنتهيه الى ارباب جوامع العظام و الكتب و الاصول و منهم الى اهل بيت العصمه و معدن العلم و الرحمه و اوصيه بملازمه التقوى و الاحتياط فانه سبيل النجاه و ان لا ينساني من صالح الدعوه في مظان الاجابه.

من الاحقر ضياء الدين عراقي

مرحوم آيت الله شيخ محمد حسين غروي نائني، ضمن توصيف و توفيق مشار اليه در مقام علم و عمل، مى نويسد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الحمد لله رب العالمين و افضل صلواته و تحياته على من اصطفاه من الاولين و الآخريين و بعثه رحمه للعالمين، محمد و آله الطيبين الطاهرين و لعنه الله على اعدائهم اجمعين ابد الآبدين.

وبعد فان جناب العالم العامل التقي و المهذب الصفي الميرزا على العليارى

ص: 1162

التبريزى دامت تأييداته و تسديداته، قد بذل فى تحصيل العلوم الشرعيه و تكميل المعارف الدينيه برهه من عمره و اشتغل به شطرا من دهره، معتكفا بجوار مولانا امير المؤمنين عليه السلام و قد حضرت ابحاثى مده مدينه و سنين عديده، حتى بلغ مرتبه ساميه من الاجتهاد، مقرونه بالصلاح و السداد و له العمل بما يستنبطه من الاحكام على النهج المتداول بين الاعلام، و لقد اجزت له ان يروى عنى جميع ما صحت لى روايته من مصنفات اصحابنا و ما رووه عن غيرنا بالأسانيد المنتهيه الى ارباب الجوامع العظام و الكتب و الاصول و منهم الى اهل بيت النبوه و مهبط الوحي و معدن العصمه «صلوات الله عليهم اجمعين» و ارجوه لا ينسانى من صالح دعواته و السلام عليه و رحمه الله و بركاته.

حرر فى شهر شعبان المعظم 1349 الاحقر محمّد حسين الغروى النائينى

مرحوم آيت الله آقا سيد ابراهيم اصطهباناتى پس از حمد و ثنای حضرت بارى اسمه و درود بر پيغمبر خاتم چنين مرقوم فرموده اند:

و بعد فلا يخفى ان جناب العالم العامل و الفاضل الكامل ظهير المله و الدين ملاذ الاسلام و المسلمين عمده العلماء المحققين و زبده الفقهاء و المجتهدين، النقى النقى و المهذب الصفى، الميرزا على آقا التبريزى ادام الله تعالى معاليه. ممن صرف عمره و برهه من دهره فى تحصيل العلوم الشرعيه و القواعد الدينيه و جد و اجتهد و حاز ملكه الاجتهاد و يحرم عليه التقليد فيما اجتهد، و له العمل بما استنبطه من احكام الدين و له ان يروى عنى كلما صحت لى روايته من الكتب المعتمده التى ألفها علماء الاماميه فى الاخبار و الآثار رضوان الله عليهم و اوصيه بملازمه التقوى و الاحتياط، فانه سبيل النجاه و ان لا ينسانى من صالح الدعوه فى مظان الاجابه.

الاحقر ابراهيم الحسينى الشيرازى المدعو بالميرزا آقا عفى عنه.

همچنين آيت الله سيد ابو الحسن اصفهانى در اجازة خود، به معظم له گوید:

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على اشرف الانبياء والمرسلين محمد وآله الطاهرين.

وبعد فان جناب العالم الفاضل المهذب الكامل الصفى الزكى ولدنا الاعز التقى الميرزا على عليارى التبريزى ادام الله تأييده و تسديده ممن صرف عمره فى تحصيل العلوم الشريعه و تنقيح مبانيها النظرية و قد حضر عندى شطرا صالحا من الزمان فى أبحاثى الفقهييه و الاصوليه حضور فحصى و تحقيق و تعمق و تدقيق و قد حقق و دقق و تعب و كد و اجد و اجتهد، حتى صار بحمد الله تعالى من الافاضل الاعيان و ممن يشار اليه بالبنان و بلغ مرتبه الاجتهاد و به الثقة و عليه اعتماد الأعلام و له التصدى للوظائف الشرعيه و التولى بما يتولاها المجتهدون من الامور الدينيه و قد اجزت له ان يروى عنى ما صح لى روايته من كتب الاخبار و لا سيما الكتب الاربعه التى عليها المدار و الثلاثه المتأخره المشتهره غايه الاشتهار و اوصيه بملازمه الاحتياط.

حرر ذلك فى غره صفر المظفر سنه 1349 الاحقر ابو الحسن الموسوى الاصفهانى

با توجه به مضمون اين اجازه نامه ها علاوه بر گواهى به اجتهاد مطلق معظم له و

اینکه تقلید در احکام بر وی حرام است و اجتهاد و استنباط احکام بر او واجب می باشد. کلیه مقامات و مناصبی را که در توقیع شریف حضرت ولی عصر و امام زمان (عج) درباره نواب عام (مجتهدین جامع الشرائط) است از اهل فتوی و قضاوت و نفوذ حکم، همه را درباره وی تصریح نموده اند.

عده ای از تلامیذ و بزرگان علم در حوزه های عملیه، از معظم له نائل به اجازات فقهی و روایتی شده اند که به علت اختصار از اسامی آنها خودداری می شود.

### **اخلاق و فضائل انسانی معظم له**

مکارم اخلاق و فضائل انسانی و صفات پسندیده حضرت آیت الله علیاری زبازند خاص و عام می باشد. معظم له با تواضع اخلاقی، سعه صدر، مدارا و خوش برخوردی، احترام به کوچک و بزرگ، احساس مسئولیت و وظیفه، همیاری و دستگیری از فقرا و محرومان، حتی در بدترین شرایط اقتصادی، مواسات با مردم، تحمل مشکلات و رنجها در راه خدا و صبر و بردباری در برابر حوادث ناگوار، تلاش پی گیر و فعالیت خستگی ناپذیر، کثرت مطالعه و نوشتن و برخورداری از حافظه قوی و ذوق سرشار، علاقه به علم و عمل و دیگر صفات کریمه، معروف می باشند.

معظم له در طول دوران تحصیل در امر معاش به حداقل اکتفا می نمودند و تنها به امر درس و بحث توجه داشتند و جز معیت همدرسان را اختیار نکردند تا بتوانند به طور دقیق به درس و تحقیق پردازند و نتیجتاً به شدت مورد توجه اساتید خود، مخصوصاً آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی قرار گرفتند.

### **در کتابها و تذکره ها**

صاحب کتاب، زندگی و شخصیت مرحوم شیخ مرتضی انصاری، ضمن شرح حال مرحوم آیت الله میرزا حسن علیاری می نویسد:

حفیدش حاج میرزا علی بن میرزا محسن علیاری غروی از شاگردان سید

ابو الحسن اصفهانی. ولی بیشترین استفاده اش از آقا ضیاء الدین عراقی بوده و هم اکنون از اجله علمای معروف و مقدس ساکن در تبریز و از مردم منزوی و به تدریس و تألیف اشتغال دارد و در سفری که سه سال قبل به اهواز داشتند، گذشته از مراتب علمی، وی را مردی زاهد و ورع که به مکارم الاخلاق آراسته بود، یافتیم.

صاحب گنجینه دانشمندان می نویسد:

...آیت الله حاج میرزا علی غروی علیاری از علمای اعلام و مؤلفین کرام معاصر شهرستان تبریز است.

... پس از فراغت از مبادی علوم، در خدمت جدّ امجدش مرحوم آیت الله میرزا محمد حسن، سطوح را خواند و بعد از تکمیل آن مهاجرت به نجف اشرف نموده و از حضرات آیات چون: آیت الله اصفهانی و مرحوم آیت الله نائینی و آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی و آیت الله آقا شیخ اسد الله زنجانی و آیت الله آقا سید ابو تراب خوانساری و آیت الله مشکینی و آیت الله حاج میرزا علی آقا ایروانی و آیت الله اصطهباناتی استفاده کامل نموده و دروس عقلی را از محضر آیت الله حاج میرزا احمد آشتیانی فراگرفته و از آنان به دریافت اجازات اجتهادی و روایتی نائل شده، آنگاه به تبریز مراجعت و تا حال حاضر به انجام وظایف دینی از اقامه جماعت و غیره اشتغال دارند. دارای تألیفات ارزنده عدیده ای می باشند.

حضرت حجه الاسلام و المسلمین سید هدایه الله مسترحمی، در شرح حال آیت الله علیاری در مقدمه کتاب منجزات المريض معظم له گوید:

و كان من جمله من هاجر الى الله تعالى في تحصيل هذا المعنى: الفاضل المحقق و الزاهد المدقق، العلامة الفهامة، صاحب محامد الخصال و خصال المحامد، و المترقی في مدارج الكمال، آیت الله الحاج الشيخ علی الغروی العلياری (مد ظله العالی).

معظم له در طول دوران تحصیل در امر معاش به حداقل اکتفا می نمودند و تنها به امر درس و بحث توجه داشتند و جز معیت همدرسان را اختیار نکردند تا بتوانند بطور دقیق به درس و تحقیق پردازند و نتیجتاً به شدت مورد توجه اساتید خود

مخصوصاً آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی قرار گرفتند.

آری، ایشان پس از سالها تحصیل و تفقه در دین و سخت کوشش و پس از رسیدن به جایگاه رفیع اجتهاد و کسب اجازات علمی و فقهی از بزرگان و علمای دین نام و آوازه حوزوی را وانهاده و در میان مردم بودن و برای مردم تلاش کردن و در هدایت خلق خدا کوشیدن را به اقامت در حوزه علمیة نجف و معروف شدن و کرسی درس و بحث تشکیل دادن، در حالی که شایستگی این امر را دارا بودند، ترجیح دادند و به دیار خویش بازگشتند تا به مصداق «زکاه العلم نشره» چراغ علم و هدایت را در شهر خویش بیفروزد و مردم را از اندوخته های پربرکت علمی و فقهی خویش بهره مند سازد.

آیت الله علیاری در این مورد می فرمایند که آن زمان بعد از رحلت پدرم، جدّ امجد دستور مراجعت به تبریز را دادند و من مایل به مراجعه نبودم و حتی حضرات آیات: اصفهانی، زنجانی، عراقی اجازه بقاء مرا در نجف صادر فرمودند، ولی جدّ امجد قبول نمودند و استاد مجبور به عزیمت به وطن شدند.

معظم له با مراجعت به تبریز علاوه بر رسیدگی به امور مختلف مردم به توسعه امور فرهنگی اهتمام ورزیده و با تشکیل حوزه درس و بحث به تربیت محصلین علوم اسلامی پرداختند.

و از آن سال تاکنون در تبریز به تألیفات و تربیت شاگردان علوم اسلامی مشغول هستند و اینک به علت کهولت سن مردم از فیض اقامه نماز جماعت توسط ایشان محروم شدند.

از باقیات صالحات دیگر معظم له، فرزند ارجمندشان جناب حضرت آقای شیخ جواد غروی علیاری است که اکنون از علما و دانشمندان مقیم تهران است.

وی در نجف متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح و استفاده از محضر آیات: خوئی و حکیم و دیگران به شهر رضوی مسافرت و در چندین سال اقامت از محضر آیت الله میلانی استفاده، آن گاه به قم منتقل و چندین سالی از اباحت و

محاضر آیات: مرعشی، گلپایگانی و خمینی استفاده نموده و اکنون مقیم تهران و به تدریس و اقامه نماز جماعت و انجام وظایف دینی اشتغال دارند.

## تألیفات

آیت الله علیاری در دوران پرثمر و پربرکت عمر شریف خود از امر تألیف و تصنیف غافل نبوده و از همان زمان که تازه در درس خارج شرکت فرموده بودند، به تألیف پرداختند.

و دلایل آثار متعددی است که در موضوعات فقه و اصول، تفسیر، کلام، تاریخ، رجال، دعا و حدیث و اخلاق و... نوشته است.

1- الاجاره، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی.

2- الاصول من مباحث الالفاظ، تقریرات درس مرحوم آیت الله میرزا محمد حسین نائینی.

3- البیع، تقریرات درس مرحوم آیت الله کوه کمری.

4- البیع، تقریرات درس مرحوم آیت الله میرزا محمد حسین نائینی.

5- الخیارات، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی.

6- الخیارات، تقریرات درس مرحوم آیت الله میرزا محمد حسن نائینی.

7- الرضاع، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی.

8- الرهن، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی.

9- الزکاه، تقریرات درس آیت الله ضیاء الدین عراقی.

- 10-الشروط، تقریرات درس آیت اللہ ضیاء الدین عراقی.
- 11-الصلاه، تقریرات درس آیت اللہ سید ابو الحسن اصفهانی.
- 12-الصلاه، تقریرات درس آیت اللہ میرزا محمد حسین نائینی.
- 13-الصلاه(تماما)، تقریرات درس مرحوم آیت اللہ کوه کمری.
- 14-الصلح، تقریرات درس آیت اللہ ضیاء الدین عراقی.
- 15-الطهاره، تقریرات درس مرحوم آیت اللہ سید ابو الحسن اصفهانی.
- 16-الفقه، تقریرات درس مرحوم آیت اللہ محقق ایروانی.
- 17-الفقه، تقریرات درس مرحوم آیت اللہ شیخ اسد اللہ زنجانی.
- 18-القضاء، تقریرات درس آیت اللہ ضیاء الدین عراقی.
- 19-منجزات المریض، تقریرات درس آیت اللہ ضیاء الدین عراقی (چاپ شده).
- 20-المهجه فی شرح حال الحجه(عج).
- 21-النکاح، تقریرات درس آیت اللہ ضیاء الدین عراقی.
- 22-الوقف، تقریرات درس آیت اللہ ضیاء الدین عراقی.
- 23-الوصیه، تقریرات درس آیت اللہ ضیاء الدین عراقی.
- 24-الغصب، تقریرات درس آیت اللہ ضیاء الدین عراقی.
- 25-تفسیر قرآن مجید(در طول چهار سال نگاشته شده است).
- 26-تقریرات اصول، بحث مرحوم آیت اللہ شیخ اسد اللہ زنجانی.
- 27-تقریرات اصول، بحث مرحوم آیت اللہ ضیاء الدین عراقی.
- 28-تقریرات اصول، بحث مرحوم آیت اللہ کوه کمری(فی القمع و ظن و اصاله البراءه و الاستصحاب و التعادل و التراجیح).
- 29-تقریرات اصول، بحث مرحوم آیت اللہ محقق ایروانی(رساله در اجتماع امر و نهی)
- 30-تقریرات رجال، بحث مرحوم ابو تراب خوانساری.



31-جواز نقل میت یعد از دفن، نظر به وصیت میت.

ص: 1169

- 32- حاشیه بر تبصره المتعلمین.
- 33- حاشیه بر رجال وحید بهیانی.
- 34- حل مشکلات الاخبار.
- 35- رساله در خلل، مبسوط تقریرات بحث آیت الله محقق زنجانی.
- 36- رساله در تربت.
- 37- رساله در حرمان زوجه از عقار.
- 38- رساله در ربا.
- 39- رساله در صلح.
- 40- رساله در عدم شرطیه رجوع یومیه مسافر.
- 41- رساله در فروع سنیه.
- 42- رساله در فروع ثقلیه.
- 43- رساله در قاعده لا ضرر، تقریرات درس مرحوم آیت الله عراقی.
- 44- رساله در قاعده من ملک و قواعد دیگر.
- 45- رساله در لباس مشکوک.
- 46- رساله در مجازات الرجل و المرأه.
- 47- رساله در ملازمه.
- 48- رساله در منجسیه المتنجس.
- 49- رساله در مواعظ.
- 50- رساله در نماز جمعه در زمان غیبت.
- 51- رساله در وضع.
- 52- رساله عملیه.

53-رساله فى الرجعه.

54-رساله فى جريان الاستصحاب، تقريرات آيت الله ضياء الدين عراقى.

55-رساله مفردات قرآن، حروف تهجى.

ص:1170

- 56- شرح اربعين حديثا من الاحاديث المشكله.
- 57- شرح استدلالی عروه الوثقی از: طهارت تا وصیت با اشاره به مدارک مسئله.
- 58- شرح استدلالی بر ملحقات عروه الوثقی.
- 59- شرح المكاسب، مبسوط.
- 60- شرح تبصره المتعلمين، از طهارت تا حواله.
- 61- شرح حضرت امير المؤمنين در نهج البلاغه.
- 62- شرح دعاء الصباح.
- 63- شرح دعای ابو حمزه ثمالی.
- 64- شرح دعای افتتاح.
- 65- شرح دعای السمات.
- 66- شرح دعای کمیل.
- 67- شرح رسائل (شیخ مرتضی انصاری).
- 68- شرح زیاره الجامعه الكبيره.
- 69- شرح علی وسیله النجاه، مرحوم آیت الله اصفهانی در سه جلد.
- 70- شرح فرمایش حضرت ختمی مرتبت.
- 71- شرح کفایه مرحوم آخوند خراسانی.
- 72- علل الشرائع و الاحکام.
- 73- کتاب الحج.
- 74- کتاب الصوم.
- 75- کتاب الطهاره.
- 76- کواکب حسینیہ.

77-مسقطات الخيار، تقريرات درس آيت الله ضياء الدين عراقى.

78-مناسك حج، دو فقره.

79-منهاج الرشاد.

ص: 1171

لازم بذکر است که در کتب فوق بعضی از نظریات بدیع و قابل ملاحظه ای به چشم می خورد که در این مقوله فقط اکتفا به اسامی آنها نمودیم.

## شیخ علی قاضی زاهدی گلپایگانی

### اشاره

(1346-1417 ق)

حاج شیخ علی فرزند علامه شیخ رضا و نوه حجه الاسلام میرزا ابو القاسم زاهدی گلپایگانی، از فضلا و معاریف معاصر گلپایگان بود.

وی در سال 1346 ق مطابق با 1306 ش در گلپایگان دیده به جهان گشود.

او ابتدا به تحصیلات جدید پرداخت، سپس به تحصیل علوم دینی پرداخت. مقدمات و بخشی از سطح را از پدر ارجمند خود آموخت. آنگاه رهسپار قم شد و سطح را نزد آیات: سید احمد خوانساری، سید شهاب الدین مرعشی و سید محمد رضا گلپایگانی به پایان برد.

دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدر الدین صدر، سید حسین طباطبائی بروجردی و شیخ عباسعلی شاهرودی حاضر و بهره مند شد. در ضمن از محضر سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» دروس تفسیر استفاده کرد.

قاضی زاهدی در سال 1378 ق بنا به اصرار و خواهش اهالی گلپایگان در وطن خود اقامت نموده و به خدمات دینی از قبیل: اقامه جماعت، تدریس، هدایت و ارشاد اشتغال ورزید.

ص: 1172

- 1-ارجوزه یا جنگ زاهد.
- 2-الهدایه الی تواریخ الهداه الساده(اشعار-عربی).
- 3-بدر و هلال(اشعار-سه جلد).
- 4-تفسیر سوره المائده.
- 5-تفسیر سوره الأعراف.
- 6-تفسیر سوره سجده.
- 7-تفسیر سوره لقمان.
- 8-تقریرات اصول آیت الله بروجردی.
- 9-تقریرات فقه آیت الله بروجردی.
- 10-تلخیص الکلام فی تفسیر سوره الأنعام.
- 11-چهل حدیث.
- 12-راهنمای متوسلین و مستشفعین.
- 13-رساله ای در علوم غریبه.
- 14-ریاض یا مجموعه دل فریب(کشکول مانند است).
- 15-زبده التفاسیر، دو جلد.
- 16-زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام یا تتمه القصص، دو جلد.
- 17-شرح لغات بدیعی.
- 18-صیغ العقود.
- 19-قصص یا داستان های شگفت انگیز قرآن مجید.
- 20-هزار مسأله در علوم ریاضی (مفقود شده).

قاضی زاهدی در روز پنجشنبه 16 رجب 1417/ق مطابق با 8 آذر/ 1375 ش در سن 71 سالگی در گلپایگان بدرود حیات گفت. پیکرش  
به قم حمل و

ص: 1173



در روز جمعه در قبرستان شیخان مدفون شد.

### فرزندانش:

1- حجه الاسلام شیخ احمد 2- شیخ ابراهیم 3- شیخ مرتضی.

### میرزا علی قاضی طباطبائی «تبریزی»

### اشاره

(-1368 ق)

حاج میرزا علی فرزند میرزا مهدی فرزند میرزا هاشم قاضی طباطبائی تبریزی، از فضلا و اعیان تبریز بود. وی پس از تحصیل علم به املاک موروثی خود پرداخت.

ولی فرزندى دانشمند و دانا پرورش داد.

ایشان در شب 15 دی 1328/ ش در اثر سکتة قلبی در تبریز درگذشت.

پیکرش به قم حمل و در یکی از اطاقهای قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- سیّد عبد الله ترابی طباطبائی، 2- سیّد ابراهیم مهدوی فرح زاد، 3- سیّد یوسف معروف به «بیوک آقا»، 4- سیّد عبد الرحیم، 5- سرهنگ فتح الله، 6- سیّد حسن قاضی طباطبائی، وی از اساتید دانشگاه تبریز بود.

### از آثار او:

1- تصحیح و تحشیه تجربه الاصرار و تسلیه الابرار، دو جلد.

2- حواشی بر تجارب السلف.

او در 18/ اسفند 1364/ ش در سن 74 سالگی در تبریز بدرود حیات گفت و در قبرستان وادی رحمت آن دیار مدفون گردید.

### -منابع-

1- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 40.

2- نسب نامه شاخه ای از طباطبائی های تبریز 349.



(1401-1346 ق)

شیخ علی فرزند آیت الله شیخ احمد نهاوندی، ملقب به «قدوسی» و داماد حکیم متاله سید محمد حسین تبریزی (علامه طباطبائی) بود.

وی در 5/رجب 1346/ق مطابق با 8/دی 1306/ش در شهرستان نهاوند در یک خانواده روحانی تولد یافت.

قدوسی دوره های ابتدایی و متوسطه را در نهاوند گذراند و در سال 1321 ش رهسپار قم گردید و با مشکلات فراوانی مواجه شد. خود او در این باره چنین می گوید:

بعد از آمدن به قم مشقات زیادی را تحمل کردم، در سن کم در غربت، بسیار به من سخت می گذشت به علت نبودن جا در حجره ای کوچک همراه با چندین نفر دیگر زندگی می کردم و مدتی در یک اتاق کوچک که مقداری از آن فرش شده بود و مقداری از آن جایی بود که آب شستشوی ظرف و وضو در آن می ریختند و من چون از همه افرادی که در آن اتاق بودند کوچک تر و تازه کارتر بودم و در پایین اتاق می خوابیدم و همیشه لحاف و تشکم داخل آب می رفت و خیس می شد.

با همه این ها با رنج و مشقت تمام درس را ادامه می دادم و از خواب و غذای خود می زدم تا بتوانم بیشتر درس بخوانم. بسیاری از شبها آن قدر مطالعه می کردم که دیگر توان آماده کردن غذا نداشتم و همان گونه می خوابیدم. جز دوران کمی در

ص: 1175

سال تمام آن را به درس و مباحثه می گذراندم و حتی در ایام ماه محرم غیر از روزهای تاسوعا و عاشورا تمام وقت خود را صرف درس می کردم.

بعدها که یک مقدار گذشت تابستانها با مشقت و رنج بسیار برای زیارت به مشهد مشرف می شدم و البته سختی های بسیار می کشیدم و یک بار که حدود حوالی سه ماه در آنجا بودم، تنها وسیله ای که داشتم یک جاجیم (چیزی شبیه پتو، ولی از آن زبرتر و خشن تر) بود که شبها در حرم روی آن می خوابیدم و غذایم نان خالی و هلوی مشهدی بود. طوری که بعد از مدتی یکی از دوستانم مرا دید و گفت اگر وضعیت همین طور ادامه پیدا کند، دیگر به قم برنخواهی گشت.

قدوسی پس از آموختن سطوح به درس خارج راه یافت و از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی و سید روح الله خمینی و حکمت را از سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» بهره مند گردید، و از سال 1344 ش در مدرسه حقانی به تربیت و تهذیب طلاب اهتمام ورزید.

مبارزات پیگیر او در دوران پهلوی، سبب گردید تا مأموران ساواک ایشان را دستگیر و در زندان قزل قلعه زندانی کنند. بالاخره پس از مقاومت زیاد آزاد گردید.

او پس از پیروزی انقلاب به عنوان «دادستان کل انقلاب» منصوب گردید.

## از آثار او

1- تقریرات اصول آیت الله خمینی، دو جلد.

2- تقریرات خمس آیت الله بروجردی.

3- تقریرات صلاه آیت الله بروجردی.

4- تقریرات مکاسب محرمة و بیع آیت الله خمینی.

5- تقریرات منجزات مریض آیت الله بروجردی.

قدوسی سرانجام در 14 شهریور 1360/ ش به دیدار معبود شتافت.

## اشاره

(-1407 ق)

شیخ علی فرزند نصر الله و نوه قاسم قدیری کفرانی اصفهانی، از علمای اخیار و مدرسین ابرار بود که سالها به خدمات روحی و دینی اشتغال داشت.

وی در اصفهان دیده به جهان گشود.

قدیری پس از طی مقدمات و سطوح دروس عالی، فقه و اصول را از محضر آیات: شیخ محمد رضا (ابوالمجد) مسجد شاهی و سید علی نجف آبادی در اصفهان و آیت الله سید روح الله خمینی در قم و مدتی چند از اساتید حوزه کهن نجف اشرف استفاده نمود. آنگاه به زادگاهش بازگشت و به وظایف روحی و دینی از قبیل: تدریس، و تبلیغ و وعظ در مسجد الهادی، واقع در خیابان سید علی خان اشتغال ورزید.

## از آثار او

حاشیه علی وقایه الاصول.

نامبرده پس از بیماری طولانی در 12/ جمادی الاول 1407/ ق مطابق با 16/ دی 1365/ ش در اصفهان درگذشت و جسدش جهت مراسم خاکسپاری به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## -منابع

1- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان 328/2.

2- معجم القبور و وفیات الأعلام (خطی-رازی).

3- نقباء البشر 1204/3 (فی ذیل ترجمه الشیخ عبد الله الاصفهانی).

\*

ص: 1177

اشاره

(1292-1376)

حاج میرزا علیقلی فرزند عبد العلی و نوه فتح الله بن عبد الله شهید خوئی، از جمله علمای طراز اول خوی بود.

ایشان در سال 1292 ق در شهر خوی دیده به جهان گشود.

پس از طی دوره مقدمات به نجف اشرف مهاجرت کرد و تحصیلات خود را به انجام رسانید، و پس از مراجعت به خوی مرجعیت حاصل نمود و در غالب امور اهالی به او مراجعه می کردند، و از وی بهره می بردند.

در تذکره الفضلای جابری خوئی درباره اش آمده است: (قطع نظر از مقامات علمی اش، در موضوعات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی هم ذی دخل و صاحب نظر بود. ادبیات کاملی داشت و املاک فوق العاده را دارا بود. منزلش فرودگاه علما، غربا، مسافرین و محترمین بود. کتابخانه مفصلی داشت، و بعضا منبر رفته و خیلی مطالب قابل استفاده بیان می نمود، خلاصه دانشمند جامعی بود).

وی در روز دوشنبه اول ربیع الثانی 1376/ ق مطابق با 14 آبان 1335/ ش جهت معالجه به تهران رفت و در سن 84 سالگی در آنجا وفات نمود، و جسدش به قم حمل و در حرم حضرت معصومه علیها السلام مقابل درب ورودی سه راه موزه به خاک سپرده شد.

-منبع

1- تذکره الفضلاء (خطی، جابری خوئی).

شیخ علی قمی (پایین شهری)

اشاره

(-1360 ق)

حاج شیخ علی فرزند شیخ محمد قمی ملقب به (پایین شهری)، از علمای قم بود.

ص: 1178

تولدش در قم اتفاق افتاد.

وی پس از تحصیل مقدمات در قم، به تهران مهاجرت کرد و سطوح را نزد آیات: میرزا عبد الرحیم نهاوندی و میرزا محمد حسن آشتیانی تلمذ کرد.

در سال 1314 ق به نجف اشرف رهسپار و از محضر آیتین علمین: شیخ محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بهره مند گردید.

وی در سال 1325 ق پس از یازده سال کسب علم و کمال به زادگاه خود مراجعت نمود و پس از ورود آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی به قم از حضار درس وی گردید.

ایشان در سال 1360 ق در قم درگذشت.

### -منابع

1- آینه دانشوران 193 و 295.

2- رجال قم 136.

### شیخ علی قمی تهرانی

### اشاره

(ح- 1340 ق)

شیخ علی فرزند ملا محمد تقی قمی، از دانشمندان و حکمای ساکن تهران بود.

وی تحصیلات عالی خود را در فقه و اصول نزد آیت الله میرزا محمد حسن آشتیانی و حکمت و فلسفه را نزد حکمایی چون: میرزا ابو الحسن جلوۀ اصفهانی و میرزا هاشم اشکوری تلمذ کرد و خود به تدریس و تربیت طلاب همت گماشت.

قمی در حدود سال 1340 ق در تهران درگذشت و جسدش به قم حمل و در صحن جدید حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. از وی یک اولاد پسر و دو دختر که یکی از دامادهايش علامه سید محمد مشکاه بیرجندی بود.

### -منبع

1- نقباء البشر 1358/4.

ص: 1179

(1312-1364 ق)

حاج شیخ علی قوانینی فرزند آیت الله شیخ زین الدین و نوه مهدی بروجردی، از فضلا و بزرگان بروجرد و از اعقاب دختری میرزای قمی (صاحب قوانین الاصول) می باشد.

تولدش در سال 1312 ق در بروجرد اتفاق افتاد.

شیخ زین الدین بروجردی

نامبرده پس از تحصیل مقدمات، سطوح عالی را از محضر آیات: شیخ محمد حسین غروی و سید حسین طباطبائی بروجردی در بروجرد به انجام رسانید و از ملازمان آیت الله بروجردی شد و در سایر امور به معظم له خدمت می نمود.

وی از موجهین و مورد وثوق عامه مردم بروجرد و محل رجوع آنان بود. به همین خاطر دفتر ازدواج شماره یک بروجرد را در اواخر عمر قبول نمود.

مرحوم قوانینی در اوایل/جمادی ثانی 1364/ق مطابق با اواخر/اردیبهشت 1324/ش در سن 52 سالگی بر اثر بیماری در قم زندگی را وداع گفت و در قبرستان حاج شیخ با کد (42004) مدفون شد.

### فرزندانش:

1- شیخ محمد رضا، که دفتر ازدواج و طلاق در بروجرد دارد 2- علامه شیخ محمد 3- آقا اسماعیل و پنج دختر.

ص: 1180



## اشاره

(1374-1349 ق)

شیخ علی فریده الاسلام فرزند محمد حسین کاشانی، از فضلا و پارسایان حوزه علمیه قم بود.

او در روز یکشنبه 6 ربیع الثانی 1349 ق مطابق با 9 شهریور 1309 ش در کاشان دیده به جهان گشود.

شیخ علی در سال 1362 ق به اصفهان رفت و مقدمات علوم دینی را طی نمود و قسمتی از سطح را فراگرفت، سپس به مشهد مقدس عزیمت و مدت چهار سال از محضر آیت الله شیخ هاشم قزوینی استفاده نمود.

سرانجام رحل اقامت را در قم افکند، و از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی (در فقه و اصول) و سید روح الله خمینی (در اصول) استفاده نمود، و به تدریس مقدمات و برخی از سطوح پرداخت.

## از آثار او

1- منظومه فی النحو.

2- منظومه فی الاصول.

3- منظومه فی الکلام.

4- تعلیقه علی الرسائل.

5- رساله فی اللباس المشکوک (تقریرات بروجردی).

6- مجمع الفوائد فی الاصول، دو جلد.

نامبرده در شب دوشنبه 14 محرم 1374 ق مطابق با 22 شهریور 1333 ش در اثر سکنه قلبی در هنگام مسافرت در (رودسر) گیلان درگذشت. پیکرش به

ص: 1181

قم حمل و در انتهای قبرستان حاج شیخ (تقریباً مقابل پل حجتیه) مدفون گردید.

## -منابع

1-مقدمه مجمع الفوائد فی الاصول، به قلم سید عبد الکریم هاشمی بهشهری (هاشمی نژاد).

2-مؤلفین کتب چاپی 339/4.

3-فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی 141/6.

## میرزا علی کفائی خراسانی

### اشاره

(1349-1406 ق)

آخوند ملا محمد کاظم خراسانی

نوشته زیر به قلم برادر فاضل و ارجمند ایشان جناب آقای شیخ عبد الرضا کفائی که به درخواست نگارنده، قلمی گردید، تقدیم می شود:

دانشمند عالیقدر و ادیب و شاعر توانا، شادروان مرحوم حاج میرزا علی کفائی خراسانی قدس سره فرزند آیت الله میرزا احمد کفائی خراسانی قدس سره و نواده شیخ الفقهاء و الأصولیین المحقق الاقدم و الاستاذ الاعظم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی «اعلی الله مقامه العالی»، در ماه شوال المکرم 1349 هجری قمری برابر با اسفندماه 1309 هجری شمسی در مشهد مقدس در خاندان علم و فقاہت و تقوا و فضیلت ولادت یافت.

مادر وی کریمه خاندان شهیدی خراسانی و نواده سید العلماء العاملين، الشہید السعید سید محمد مهدی شهید خراسانی است که این خاندان بیش از دو قرن در خراسان به فقاہت و سیادت

ص: 1182

مرحوم حاج میرزا علی کفائی خراسانی پس از فراغ از مقدمات، سطوح عالیہ را در نزد مدرس نامدار مرحوم آیت اللہ حاج شیخ هاشم قزوینی قدس سرہ آموخت و از آن پس در درس خارج فقه والد معظم خویش شرکت جست. پس از چندی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و از محضر حضرت آیت اللہ سید ابو القاسم خوئی و حضرت آیت اللہ میرزا حسن بجنوردی بهره برد. آنگاه به قم هجرت کرد. و در محضر علمی زعیم عالیقدر حضرت آیت اللہ سید حسین بروجردی «رفع اللہ مقامه الشریف» حضور یافت.

جلسه درس میرزا احمد کفائی خراسانی

او در نیمه راه زندگی، در سن 55 سالگی، به علت کسالت ریوی، در شب جمعه اول/آذرماه 1364/هجری شمسی برابر با ربیع الاول 1406/هجری قمری در شهر قم چشم از جهان فرو بست.

حدت ذهن و ذوق سرشار و بیان شیوا و رسا از ویژگیهای بارز او بود. ذوق ادبی را از اجداد مادری خود به ارث برده بود و در شعر طبی توانا و دستی قوی داشت.

قصیده و غزل را شیوا و شیرین می سرود. در قصیده از اساتید متقدم خراسان پیروی می کرد و در غزل به سبک عراقی گرایش داشت. او در شعر «صفا» تخلص می کرد.

اینک نمونه ای از شعر او:

### زندگی

آب حیوان چند جویم از سراب زندگی چون نجستم عمر و گم کردم حساب زندگی

منت از آب بقا با همتم سازش نداشت تشنه جان دادن مرا خوش تر ز آب زندگی

موسم گل بی نصیب از فیض گلشن گشته ام طایر بشکسته بالم در شباب زندگی

دفتر عمرم بجز غم، برگ خرسندی نداشت سربه سر خواندم من اوراق کتاب زندگی

همچون خضر تشنه لب سرگشته ماند هرکه او عمر جاویدان بجوید از سراب زندگی

خواب شب رو کی گران باشد ز بیم محتسب چند باید سرگران بودن بخواب زندگی

ساغر گیتی بجز غم نشئه دیگر نداشت می شود افزون خماری از شراب زندگی

گوشه عزلت گرفتم تا بیاسایم (صفا) رهرو افسرده حالم در شتاب زندگی

### دکتر علی کنی تهرانی

#### اشاره

(-1395 ق)

دکتر علی فرزند عبد الله و نوه شیخ محمد فرزند آیت الله ملا علی کنی تهرانی، از اساتید برجسته دانشگاه تهران بود.

وی در تهران متولد شد.

کنی پس از طی دوره های ابتدایی و متوسطه، در سال 1312 ش از دانشسرای عالی موفق به اخذ لیسانس در رشته ادبیات فارسی و تاریخ و جغرافیا گردید. و در همان سال به آمریکا رهسپار شد، و در آنجا پس از هفت سال تحصیل موفق به دریافت دکترای AM، و دکترا در فلسفه و تعلیم و تربیت و تشکیلات فرهنگی گشت.

وی پس از انجام تحصیلات به ایران بازگشت، و پس از خدمت سربازی وارد خدمات دولتی شد، و عهده دار مشاغل زیر گردید: دانشیار دانشگاه، ریاست اداره بازرسی وزارت فرهنگ، معاونت دانشسرای عالی، استادی دانشکده در رشته فلسفه و تشکیلات فرهنگی و زبان خارجه.

آن مرحوم امتیاز و مدیریت مجله «تربیت بدنی و پیشاهنگی» را بر عهده گرفت، و آن را در سال 1337 ش در تهران منتشر ساخت.

## از آثار او

1- ژاپن سومین دوره مسابقات آسیایی توکیو.

2- سازمان فرهنگی ایران.

ایشان در روز شنبه 25 جمادی الثانی 1395/ ق مطابق با 14 تیر / 1354 ش درگذشت، و جسدش در یکی از حجرات غربی قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

## -منابع

1- فهرست مجله های موجود در کتابخانه ملی ایران 83.

2- مؤلفین کتب چاپی 353/4.

ص: 1185

## اشاره

(-1360 ق)

سید علی فرزند سید علینقی و نوه سید محمد حسینی کوه کمری تبریزی، از علما و فقهای بزرگ ساکن تبریز بود.

وی برادرزاده آیت الله فقیه گرانقدر سید حسین ترک کوه کمری (متوفای 1299 ق)، و پدر گرامی مرجع دوران، استاد الاساتید، آیت الله سید محمد حجت کوه کمری می باشد.

## تحصیلات در حوزه نجف اشرف

ایشان پس از طی مقدمات و سطوح در تبریز، به نجف اشرف رهسپار شد، و از محضر آیات: ملا محمد فاضل ایروانی، و ملا محمد فاضل شریانی و میرزا حبیب الله رشتی کمال استفاده را نمود. او نزد سایر اساتید خود محترم و معزز بود، و از حضرات آیات: فاضل شریانی، شیخ زین العابدین مازندرانی، سید محمد بحر العلوم (صاحب بلغه الفقیه) و شیخ محمد حسن مامقانی اجازات علمی و روایی داشت.

## مراجعت به تبریز

آن مرحوم پس از انجام تحصیلات خود قبل از سال 1322 ق به تبریز مراجعت کرد، و به وظایف دینی از قبیل: اقامه جماعت، ارشاد، وعظ و هدایت مردم اشتغال ورزید.

## از آثار او

1- حاشیه علی الرسائل.

ص: 1186

2- حاشیه علی المکاسب.

سرانجام در روز چهارشنبه 29 محرم 1360/ ق مطابق با 7/ اسفند/ 1319 ش در حدود سن 80 سالگی در تبریز درگذشت، و جسدش به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام (در بین صحن جدید و صحن عتیق) به خاک سپرده شد.

### - منابع

1- آثار الحجج 94/1.

2- الاجازة الکبیره 109.

3- المسلسلات فی الاجازات 425/2.

4- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 187.

5- ریحانه الأدب 25/4.

6- علماء معاصرین 187.

7- گنجینه دانشمندان 307/1.

8- نقباء البشر 1494/4.

شیخ علی گنبدی «لطیفی»

### اشاره

(1287-1369 ق)

آیت الله حاج شیخ علی گنبدی همدانی، از مشاهیر علما و از مفاخر دانشمندان عصر خود، که در فقاہت بی بدیل و در زهد و تقوی بی نظیر بود.

ایشان در نیمه اول شعبان 1287/ ق در قریه (گنبد) از توابع همدان متولد شد.

و در روز چهارشنبه 4 جمادی اول 1369/ قمری مطابق با 3/ اسفند 1328 ش به سن 77 سالگی چشم از جهان فانی فرو بست، و با تشییع بی سابقه ای در منطقه غرب روبروی گردید، و در حالی که رحلت ایشان در اواخر زمستان و یخ بندان بود و سرتاسر زمین همدان و ملایر و اراک از برف پوشیده شده بود تشییع

شایانی شد، جنازه اش حمل به ارض اقدس قم، به امر مبارک حضرت آیت الله بروجردی، در شیخان جنب قبر شریف میرزای قمی و میرزا جواد ملکی تبریزی به خاک سپرده شد، و بر جنازه ایشان آیت الله بروجردی نماز خواندند، و در هنگام تلقین مرحوم بروجردی کنار قبر نشسته بودند، و در حالی که انبوه علماء و فضلاء و طلاب حوزه علمیه قم در یمین و یسار معظم له گرد آمده بودند، حضرت آیت الله از دیدگان حق بین خود اشک می ریختند و گریه می کردند.

## تحصیلات علمی

ایشان از خانواده علم و تقوی و فضیلت بودند، و آباء و اجداد وی همه در سلک روحانیت بودند. پدر ایشان آخوند ملا محمد علی گنبدی از مشاهیر علمای آن سامان بوده، و مدفنش در قریه گنبد مزار مردم متدین است. کتب و ادبیات را در نزد پدر خود تکمیل و در سن 18 سالگی به اصفهان عزیمت، و تحصیلات خود را در محضر آیات: آخوند ملا محمد کاشی و آقا شیخ محمد تقی اصفهانی (آقا نجفی) به پایان رسانیده.

وی پس از 12 سال اقامت در اصفهان در سال 1317 ق به نجف اشرف عزیمت، و از محضر آیات: میرزا حسین خلیلی تهرانی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعة اصفهانی کسب فیض و تلمذ نمودند، و به دریافت درجه اجتهاد نائل آمدند، و از مبرزترین فضلاء حوزه



درسی آخوند خراسانی به شمار می رفت، و از اساتید خود حاج شیخ محمد بهاری همدانی، و سید مرتضی کشمیری در اخلاق بهره های فراوانی تحصیل نمودند.

ایشان در زهد و تقوا و ورع در عصر خود زبان زد خاص و عام بوده، و در همدان و ملایر و اطراف آن به کرامات مشهور شده و در ایران و همچنین در خارج از ایران به طور متفرق مقلدینی داشته اند.

### از آثار ایشان:

1- حاشیه بر تبصره المتعلمین.

2- تقریرات درس آخوند خراسانی در اصول.

3- تقریرات یزدی در فقه.

4- شرح مشکلات دیوان سید رضی.

5- شرح حال خود.

6- رساله عملیه حاشیه بر مجمع المسائل.

7- کتابی در علم اخلاق و تهذیب نفس.

ایشان در ادبیات ید طولائی داشته که از شرح دیوان سید رضی که به خط شیوای خود و نستعلیق و شکسته معلوم می شود، و در انواع خط آن چنان مهارت داشته و خط می نوشته اند که در این عصر از عتائق به شمار می رود.

### فرزندانش:

1- شیخ جلال (احمد) ساکن ملایر 2- شیخ کمال الدین (ساکن ازندریان از توابع ملایر) 3- شیخ عظیم الله (جمال الدین) ساکن ورامین 4- شیخ ناصر الدین لطیفی (متولد 1319 ش در گنبد) شاگرد شیخ نصرت الله بناروانی و میرزا علی مشکینی و سید محمد رضا گلپایگانی می باشند. دارای تالیفاتی به نام رمز سعادت یا معارفی از اسلام، الگوی حق پرستان، خاطرات آیت الله گنبدی (پدر خود) ساکن قم

- 5- شیخ محمد جمال الدین ساکن تهران دارای تالیفات است 6- شیخ جمیل ساکن قم 7- آقا محمد ساکن گنبد 8- شیخ مسعود ساکن قم  
9- مهندس نور الله ساکن تهران 10- حسین لطیفی استاد دانشگاه تهران 11- مرحوم شیخ بهاء الدین.

### - منابع

1- الاجازه الکبیره 101.

2- بزرگان و سخن سرايان همدان 228/2 و 241.

3- دایره‌المعارف تشیع 15/1.

4- گنجینه دانشمندان 384/7.

5- هگمتانه تا همدان 162.

### شیخ علی لاهیجی حائری

### اشاره

(1280-1346 ق)

حاج شیخ علی فرزند مهدی لاهیجی حائری، از دانشمندان برجسته و علما و متکلمین شایسته بود.

در سال 1280 ق در لاهیجان گیلان متولد شد.

### تحصیل در کربلای معلی

وی پس از آموختن مقدمات و طی دوره سطح به عتبات عالیات مهاجرت کرد، و در کربلای مقدس از محضر آیات: سید محمد حسین شهرستانی، شیخ علی بفرئی یزدی، سید محمد حسن کشمیری، سید جعفر طباطبائی حائری و سید هاشم قزوینی استفاده نمود، و خود به تدریس و افاضه پرداخت، سپس به ایران مراجعت و در تهران اقامت گزید، و در «مسجد اتابک» اقامه جماعت نمود.

### آثار قلمی او

وی در معقول و کلام بد طولایی داشت، و آثاری ارزشمند در این رشته ها

ص: 1190

نوشت، که به گسترش دامنه معلومات و دقت تحقیقات ایشان دلالت دارد، که از جمله آنها:

1- ارشاد المسلمین فی أحكام الدین.

2- رمز العرفان فی معرفه الحقوق.

3- مخزن الأشعار یا کنز المراثی.

4- مخزن الفوائد فی اصول العقائد (فارسی).

## درگذشت

ایشان در روز جمعه 14 جمادی الثانی 1346/ ق مطابق با 17 آذر/ 1306 ش در تهران درگذشت، و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، در جوار قبر علامه شیخ فضل الله نوری در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## -منابع

1- اعلام کربلاء (خطی خوشحالت).

2- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی 276/4.

3- مؤلفین کتب چاپی 424/4.

4- نقباء البشر 1545/4.

## شیخ علی محدث زاده قمی

## اشاره

(1338-1396 ق)

حاج شیخ علی محدث زاده فرزند علامه و محدث متقی شیخ عباس و نوه محمد رضا قمی، از فضلاء و خطبای معروف معاصر بود.

وی در سال 1338 ق در قم دیده به جهان گشود.

دوران کودکی اش را همراه پدر ارجمند خود در مشهد مقدس گذراند و اولیات

را همان جا آموخت. در سال 1350 ق نیز همراه پدر به نجف اشرف عزیمت کرد و سطوح را از محضر آیات: میرزا ابو الحسن مشکینی، سید صدر الدین جزائری، شیخ علی محمد بروجردی و سید حسن طباطبائی قمی و میرزا باقر زنجانی استفاده کرد و در سال 1360 ق به زادگاه خویش مراجعت نمود و سرانجام تهران را برگزید.

استاد شیخ محمد شریف رازی درباره سبک منبر ایشان می نویسد:

(سبک منبر جناب محدث زاده همان سبک مرحوم والدش می باشد. از اخبار و احادیث اهل بیت علیهم السلام خارج نمی شود. با بیانی ملیح نشر معارف اسلامی نموده و مردم را به سوی اهل بیت و رسالت علیهم السلام هدایت می نماید).

شیخ عباس قمی

## از آثار او

1- اصحاب امام صادق علیه السلام.

2- زندگانی امام صادق علیه السلام، در چند جلد.

3- فوائد الرضویه (اثر پدر خود)، تحشیه و اهتمام.

ص: 1192

4- کلام الملوک (سخنان ائمه اطهار علیهم السلام).

محدث زاده در سحرگاه روز سه شنبه / 11 محرم 1396 / ق مطابق با / 23 دی 1354 / ش در سن 58 سالگی بر اثر سکته قلبی در تهران عالم خاکی را وداع گفت.

پیکرش به قم حمل و قبرستان شیخان مدفون گردید.

### فرزندانش:

1- آقا حسین 2- آقا عباس 3- آقا کاظم 4- آقا حمید.

### منابع

1- گنجینه دانشمندان 397/2.

2- معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف 1158/3.

### شیخ علی محمد خرم آبادی «بروجردی»

### اشاره

(1322-1408 ق)

حاج شیخ علی محمد فرزند علامه شیخ محمد خرم آبادی بروجردی، از فضلا و بزرگان معاصر بود.

وی در سال 1322 ق در بروجرد متولد شد، و تا سن 25 سالگی مقدمات و علوم ادبی را از والد ماجد خود، و سطوح فقه و اصول را از شیخ محمد ابراهیم مدرس و سید اسماعیل گلپایگانی فراگرفت، و سپس در محضر آیت الله شیخ محمد حسین غروی حاضر و حداکثر استفاده را برد و ضمناً به شرف دامادی او مفتخر شد، و پس از فوت ایشان مدت 9 سال در درس آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی شرکت و از ذخائر علمی وی بهره ور گردید. و پس از مهاجرت آیت الله بروجردی به قم، مدت 15 سال در مدرسه علمیه نوربخش بروجرد به تدریس فقه و اصول و منطق و فلسفه مشغول، و جمعی از طلاب از او استفاضه می کردند.

او پس از فوت پدر خویش در سال 1345 ش به تهران مهاجرت کرد و در

ص: 1193

«یوسف آباد» ساکن و در مسجد «خلیل الرحمن» به اقامه جماعت و تبلیغ احکام اسلام مشغول شد. در ضمن در مدرسه صدر جنب مسجد شاه تهران به تدریس فقه و اصول اشتغال ورزید.

از آثار او: کتابی در اصول عقاید است.

خرم آبادی در روز پنجشنبه 26 ربیع الاول 1408/ ق مطابق با 28 آبان/ 1366 ش در سن 86 سالگی درگذشت و در قبرستان حاج شیخ قم- مقبره آیت الله غروی بروجردی، ابوالزوجه خود- مدفون شد.

### فرزندانش:

1- آقا هادی 2- آقا مهدی. و یک دختر.

### منبع

1- تاریخ بروجرد 575/2.

سید علی محمد مجد قزوینی

### اشاره

(1409-1324 ق)

حاج سید علی محمد فرزند حجه الاسلام سید رجب مجد العلماء و نوه سید عبد العزیز حسینی خرقانی قزوینی، ملقب به «مجد» از دانشمندان معاصر تهران بود.

وی در 18 صفر 1324/ ق در خرقان- قزوین- تولد یافت.

مقدمات و ادبیات را در قزوین آموخت، سپس به قم مهاجرت کرد و سطح را نزد میرزا محمد همدانی به پایان رساند. دروس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری و سید صدر الدین صدر استفاده نمود.

آنگاه در سال 1364 ق به تهران رهسپار شد و در مسجد «همت العظیم» واقع

ص: 1194

در خیابان دخانیات به اقامه جماعت و هدایت اهتمام ورزید.

مجد قزوینی، در 18 ربیع الاول/ 1409 ق در سن 85 سالگی زندگی را وداع گفت. پیکرش در قبرستان ابو حسین قم مدفون گردید. آیت الله سید موسی شبیری زنجانی، داماد ایشان است.

### -منابع

1- آثار الحجه 350/2.

2- آینه دانشوران 300 و 508.

3- گنجینه دانشمندان 558/4.

### شیخ علی محمد موحد قمی

### اشاره

(1402-1322 ق)

حاج شیخ علی محمد فرزند اسد الله موحد قمی، از فضلا و مبلغان راستین مذهب بود.

وی در سال 1322 ق در قم دیده به جهان گشود.

نامبرده پس از سپری کردن مقدمات و سطح، دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، میرزا محمد فیض قمی، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی بهره مند شد، و خود به تدریس ادبیات و متون کتب درسی پرداخت.

موحد قمی از طرف آیت الله بروجردی ابتدا به آباء شیراز و سپس به چالوس و سرانجام در سال 1370 ق به مسجد سلیمان رفت، مسجد بزرگی به همت مردم و

ص: 1195

نظارت خود در مسجد سلیمان بنا نمود. سپس به قم بازگشت و در یکی از مساجد به اقامه جماعت و ارشاد و نیز شرکت در درس آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی اهتمام ورزید.

نامبرده در روز 21 جمادی ثانی 1402/ق در سن 80 سالگی در قم درگذشت. پیکرش در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

### -منابع

1- آثار الحجه 350/2.

2- آینه دانشوران 271.

3- گنجینه دانشمندان 274/2.

### علی مخصوص «کاتب الخاقان»

### اشاره

(1298-1380 ق)

علی مخصوص ملقب به «کاتب الخاقان» فرزند میرزا حسین مستوفی (کاتب السلطان)، از خوشنویسان و دانشمندان معروف بود.

او در سال 1298 ق مطابق با 1259 ش در تهران تولد یافت.

وی در اوایل جوانی به تحصیل علوم قدیمه پرداخت و در رشته ادبیات فارسی و عربی اطلاعات کافی به دست آورد، و بنا بر سیره خانوادگی به حسن خط نیز علاقه زیاد نشان می داد، و این هنر را از پدرش فراگرفت و آن را به کمال رساند.

مخصوص، مردی دانشمند بود و گنجینه ای از معلومات گوناگون محسوب می شد، و در تقوی و حسن خلق و اصابت رأی فردی شاخص بود. او ظرف مدت پنجاه و دو سال خدمت فرهنگی خود شاگردانی را تربیت کرد و به یادگار گذاشت.

### از آثار او

1- الدرر المنثوره فی شرح العوامل المنظومه.

ص: 1196



2-دریچه اخلاق یا مقاله خصوص.

3-دیباچه اخلاق.

4-سراجة اخلاق.

5-فلسفه مخصوص.

استاد مخصوص در روز سه شنبه غره/رجب 1380/ق مطابق با 29/آذر/1339 ش در سن 83 سالگی در تهران دار فانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ مدفون گردید.

### -منابع

1-تذکره خوشنویسان معاصر 101/1(تولدش را اشتباه ذکر نموده است).

2-مؤلفین کتب چاپی 394/4.

### علی منظوری حقیقی تفرشی

### اشاره

(1303-1369 ق)

علی فرزند شاه اویس منظوری حقیقی تفرشی، از اساتید به نام خوشنویسی و هنر به شمار می رفت.

وی در سال 1303 ق مطابق با 1264 ش در تفرش واقع در استان مرکزی متولد گردید.

شور و عشق خوشنویسی و استعداد و پشتکار این استاد از همان اوان صباوت و دوران گذرانیدن مکتب، مشهور خاص و عام بود. تا جایی که از بین همگان فقط ایشان مورد توجه و لطف فراوان میرزا سید حسین خوشنویس تفرشی واقع گردید.

دیری نگذشت که آوازه حسن خط و مهارت ایشان در نوشتن خطوط جلی و خفی به اطراف و اکناف پیچید و به همین مناسبت سالها در منزل بزرگان و اعیان و همچنین مدارس دولتی و ملی تفرش، اراک، نجف آباد اصفهان، شهریار، ایوانکی و دماوند به تعلیم خصوصی و عمومی کودکان و نوجوانان همت گماشت و بعدها در

ص:1197

تهران به شغل کتابت و قطعه نویسی و نگاشتن فرامین مشغول گردید.

سرانجام سرنوشت او را به مجلس شورای ملی کشانید و مقارن تشکیل دوره چهارم مجلس (در سال 1300 ش) به عنوان خوشنویس در اداره تقنینیه (قانون گذاری) مجلس، رسماً استخدام گردید. در مجلس کارش این بود که قوانین مصوبه مجلس را با خط بسیار زیبای خود بنویسد و همین امر سبب شد تا به محضر مرحوم میرزا محمد حسین سیفی (عماد الکتاب) - که در آن هنگام در دربار سمت فرمان نگاری داشت - راه یابد و طوری مورد توجه و مکرمت استاد قرار گیرد که ظرف دو سال از ذخایر هنری او بهره گیرد و به تکمیل خط و هنر خویش موفق شود. در نتیجه او توانست شیوه خط خود را که ابتدا به سبک خط میرزا غلامرضا اصفهانی (کتیبه نویس) می نوشت، به شیوه خط میرزا محمد رضا کلهر برگرداند.

مرحوم منظوری علاوه بر هنر خوشنویسی از فضل و کمال هم سرشار و خطی وافر داشت، چنانکه ذوق ادبی و مشرب عرفانی اش در اولین برخورد نمایان و محسوس بود. در ادبیات پارسی رنج فراوان برد و در علوم قدیم و غریبه و منشآت و ادبیات عرب کار کرده، اشعار نیز می سرود و با بیشتر علمای ذوفنون حشر و نشر داشت و کاملاً مأنوس بود. در محفل ادبی و عرفانی ادبا و عرفا شرکت می نمود و رسماً در سلسله فقر پیوسته بود. قلبش آئینه صفای باطن و قناعت نفس و مظهر اخلاق نیک و سجایای معنوی بود. در هر مجلسی با سخنان شیرین و نغز و کلمات رنگین حاضران در مجلس را محظوظ و مسرور می نمود، و غبار ملالت و کدورت را از صفحه تلخ زندگی آنان می زدود.

### **آثاری که به خط او یادگار مانده، از این قرار است:**

1- بوستان، اثر سعدی.

2- چند لوحه زیارتنامه در حرم مطهر امام رضا علیه السلام.

3- رباعیات، از خیام.

ص: 1198

4-رسالة صفوت، اثر ميرزا حسن صفی علی شاه .

5-رسم المشق.

6-سیاه مشق ها.

7-گلستان، اثر سعدی.

8-لیلی و مجنون، اثر طبع نظامی.

9-ملخص خمسہ، اثر نظامی.

10-منتخب تفسیر منظوم صفی علی شاه .

این استاد نامی سرانجام در شعبان 1369/ ق مطابق با خرداد 1329/ ش در سن 67 سالگی در تهران درگذشت. پیکرش به قم حمل و به خاک سپرده شد.

### -منابع

1-احوال و آثار خوشنویسان 480/2.

2-تذکره خوشنویسان معاصر 105/1.

3-دایرهالمعارف تشیع 467/4.

4-گلزار معانی.

5-نامداران اراک 64.

### سید علی مولانا تبریزی

### اشاره

(1320-1392 ق)

حاج سید علی مولانا فرزند ارشد حضرت آیت الله سید محمد آقا مولانا قدس سره که سلسله نسب شان به حضرت موسی ابن جعفر علیه التحیه و الثناء می رسد.

معظم له در شب شانزدهم/ربیع الاول/سال 1320 هجری قمری در بلده طیبه نجف اشرف(ایام اقامت والد ماجدش در آن شهر مقدس) دیده به جهان گشود.

در سن کودکی به تبریز رفت و در مدرسه فیوضات تبریز جهت آغاز تحصیل

ص: 1199

وارد شد. تحصیلات مقدماتی و ادبیات متداول و سطوح را نزد پدرش و میرزا محمود دوزدوزانی (کفایه) فراگرفت. در سال 1341 ق جهت ادامه تحصیل به دارالعلم نجف اشرف عازم گشت و از محضر اساتید عالیقدر، حضرات آیات: 1- شیخ احمد کاشف الغطاء 2- سید محمد حجّت کوه کمری، موقع اقامت معظم له در نجف 3- شیخ محمد حسین کاشف الغطاء 4- شیخ ضیاء الدین عراقی 5- شیخ محمد حسین غروی اصفهانی 6- سید ابو الحسن اصفهانی، استفاده وافر نمودند.

معظم له در سال 1346 ق به وطن خود تبریز مراجعت نمود، و از همان وقت به تدریس علوم دینی و تبلیغ احکام نبوی و تألیف کتب اسلامی با جدیت خستگی ناپذیر اشتغال نمود.

## تألیفات

- 1- آثار المعاصی - در بیان آثار دنیوی گناهان.
- 2- البرکات، اخباری که حکم برکات در آنها ذکر شده است.
- 3- الفروق بین المرء و المرأه فی الاحکام، بیان احکامی که میان زن و مرد متفاوت است.
- 4- الملاحم، در پیشگویی های حضرات معصومین علیهم السلام.
- 5- درّ منظوم، در حالات پنج تن آل عبا علیهم السلام، دو جزوه.
- 6- تعدیل المیزان، بیان اوزان و اندازه های معمول.
- 7- چهل حدیث، احادیث و بحث اجمالی در امامت.
- 8- حج نامه، (منظوم - در اعمال حج و سفرنامه).
- 9- حکایت المعصومین علیهم السلام.
- 10- خدا نه طبیعت، (منظوم - در اثبات صانع).
- 11- سیره حسنه، ذکر فوایدی در موضوعات مختلفه.
- 12- شرط و جزاء، بیان احادیث وارده در نتیجه بعضی اعمال.

13-صحت و سعادت، اخبار وارده در موضوع بهداشت و سعادت بشر.

14-کیف اصیحت، اخبار و احادیث.

15-لطائف الاخبار-برگزیده اخبار واصله از حضرات معصومین علیهم السّلام.

16-مرآة الحج، بیان احکام و مناسک حج.

17-نصائح المعصومین، اندرزهای منتخبه از حضرات معصومین علیهم السّلام.

18-منجزات مریض (تقریرات درس آیت الله حجت).

سید ابو القاسم مولانا تبریزی

از نکات مورد توجه در رابطه با تألیف کتابها توسط ایشان، این است که:

حضرت ایشان علی رغم کهولت سن و کثرت مشاغل اجتماعی، با جدیت اهتمام بسیار زیادی تا اواخر عمر شریفشان به کار تألیف و تدوین کتاب و تحقیق و مطالعه در مسائل مختلفه علمی و فقهی مشغول و لحظه ای از این امر در طول زندگانی پربرکت خویش غافل نگشتند.

## وفات

روز چهارشنبه 22شوال 1392/ق برابر با 8آذر 1351/ش در سن 72 سالگی در تهران «در حین معالجه» داعی حق را لبیک گفت. و پیکرش در یکی از اطاقهای قبرستان ابو حسین مدفون گردید.

آفتاب دین غرا کرد از عالم افول بیست دو شوال نزدیک زوال آفتاب

چون تراب شد آرامگاه و مضجعش عرش گفتا آن زمان یا لیتی کنت تراب

ص: 1201

## عشق به خدا و قرآن

بزرگ ترین ویژگی اخلاقی مرحوم آیت الله مولانا حبّ الهی او بود. او مانند واصلان راه کمال وجودش لبریز از عشق به حضرت احدیت بود. تجلی این عشق الهی را ما در آثار او به خوبی می بینیم.

هرکس که به مقدمه کتابهای او رجوع کند، مشاهده می کند که او با نام خدا و مناجات او سخن را آغاز می نماید. در بسیاری از موارد هم با نیایش های معصومین علیهم السّلام سخن را آغاز می کند.

بنام پاک یزدان می کنم باز در صندوق طبعم را در آغاز

سپاس بی عدد مر آن خدا را زمین و آسمان را اوست دارا

به هر چیزی قدیر است و تواناست به هر سرّی نمان آگاه و داناست

درد بی عدد بر آن کسی باد جهان علم با او گشت آباد

به دامادش علی میر هدایت سلام بی شمار و بی نهایت

سلام از ما به هر یک از امامان اولو الامر و خداوندان فرمان

سماوات و زمین تا هست قائم به دشمن های ایشان لعن دائم

خدایا گر نباشد از تو یاری رسد از ما بما هرگونه خواری

ز ما سعی و هدایت از تو باشد عمل از ما، عنایت از تو باشد

نبودی از تو یا رب گر عنایت میسر کی شدی ما را هدایت

فرستادی ز لطف انبیا را معین بر خلافت اوصیا را

نشان دادی طریق و راه جنت به این نعمت خدایا از تو منت

کرامت کن بما توفیق تقوی عنایت کن بما امید و پروا

## فرزندان:

1- سید ابو الحسن 2- سید ابو القاسم 3- سید ابو الفضل و دو دختر.

(ح 1314-1384 ق)

سید علی فرزند سید حسین حسینی مهدوی قائینی، از علمای برجسته قائن بود. نیاکانش غالباً از علما و بزرگان قائن بودند و در آن سامان آثار و خدمات و نیز حکومت مردمی داشتند.

تولدش در حدود سال 1314 ق در قائن اتفاق افتاد.

وی پس از تحصیل مقدمات و سطوح، به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده نمود. آنگاه به نجف اشرف رفت و محضر آیتین علمین: شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی را درک نمود و از دانش سرشار آنان بهره مند گردید. سپس به زادگاهش بازگشت و به تدریس فقه و اصول و گفتن تفسیر قرآن مجید و پرورش طلاب علوم دینی در مدرسه جعفریه و اقامه نماز جماعت در مسجد جامع قائن پرداخت. منزلش نیز پایگاهی و پناهگاهی برای ارباب حوایج و نیازمندان بود.

از جمله قضایای مهم زندگانش که قابل ثبت است، این قضیه است: در سالی از سالها قحطی منطقه را فراگرفت و مردم از همه علما تقاضای نماز باران خواندن نمودند ولی سایر آقایان امتناع کردند. از مرحوم مهدوی که تقاضا شد با کمال رغبت پذیرفتند و مردم را برای ادای این فریضه آماده ساختند. سپس به خارج شهر رفتند و نماز استسقا را به جای آوردند. در هنگام برگشت و در وسط راه باران نازل می شود و مدت زیادی ادامه پیدا می کند.

ص: 1203



علامه مهدوی سرانجام در اثر سرطان گلو جهت معالجه به تهران رفت و آنجا در روز پنجشنبه 17 جمادی الاول 1384/ق مطابق با 2/مهر 1343/ش درگذشت و پیکرش در قبرستان حاج شیخ قم به شماره (33218) مدفون گردید.

### فرزندانش:

1-سید حسین (رضا)، که فعلا دانشجو می باشد 2-سید محمد، کارمند مخابرات مشهد مقدس 3-سید محمد جعفر، که دبیر است 4-حجه الاسلام سید علی، از طلاب کوشای حوزه علمیه قم می باشد و به خاطر اینکه تولدش بعد از رحلت پدر خود بود نامش را علی گذاشتند.

### -منابع

1-افادات دانشمند معظم استاد محترم حوزه جعفریه آقای سید حسین حائری (دام ظلّه).

2-افادات فرزندش سید علی مهدوی.

### شیخ علی میرزا جاپلقی

### اشاره

(ح 1323-1383 ق)

شیخ علی میرزا فرزند نوروز علی رمضانی جاپلقی اراکی، از فضلا بود.

وی در حدود سال 1323 ق در روستای «گاوار» جاپلق، دیده به جهان گشود.

پس از رشد و نما و تعلم مبادی، به قم رفت و سطح را به پایان رساند.

دروس خارج را از محضر آیت الله سید محمد تقی خوانساری و آیت الله سید

ص: 1204

حسین طباطبایی بروجردی استفاده نمود. وی به فضل و فضیلت معروف بود.

نامبرده در 20 محرم 1383/ق در حدود سن 60 سالگی در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان ابو حسین مدفون شد.

## -منبع

1-اطلاعات متفرقه.

## میرزا علی ناسوتی یزدی

## اشاره

(1316-1392 ق)

میرزا علی ناسوتی فرزند محمد حسن یزدی، و خواهرزاده حکیم الهی میرزا علی اکبر حکمی یزدی «تجلی» است.

ناسوتی در سال 1316 ق در قم تولد یافت.

وی مقدمات و سطوح را نزد: غلامحسین یزدی، سید محمد هاشم ذاکر، فخر الدین فرزند صادق علوی، شیخ ابو القاسم نحوی، شیخ محمد حسین علامه اردستانی و دائی خود حکمی آموخت.

او در سال 1337 ق به مشهد مقدس رفت، و بخشی دیگر از ادبیات را نزد شیخ عبد الجواد ادیب نیشابوری و فقه و اصول را نزد شیخ محمد آقازاده خراسانی و سید حسین طباطبائی قمی، و حکمت و فلسفه را نزد: شیخ محمد علی فاضل خراسانی، سید آقا مروج خراسانی، و شیخ اسد الله یزدی تلمذ نمود.

ناسوتی در سال 1342 ق به قم بازگشت و از محضر سید فخر الدین قمی (شیخ الاسلام)، میرزا مهدی حکمی «پائین شهری» و دائی خود استفاده نمود، و خود اقدام به تدریس کتابهای حکمت و فلسفه در مدرسه رضویه پرداخت.

از آثار او: شرح عقاید شیخ بهائی (چاپ شده است).

ص: 1205

نامبرده پس از سالهای متمادی و رنج بردن از فلج شدن بدن خویش و صبر و شکیبائی سرانجام در روز چهارشنبه 12 ذی الحجه 1392/ ق مطابق با 27 دی 1351/ ش در قم بدرود حیات گفت و در ابتدای قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

## -منابع

1-آینه دانشوران 95.

2-تذکره الحکماء(از مدرس گیلانی-خطی).

## شیخ علی نحوی رامسری

## اشاره

(-ح 1320 ق)

ملا علی فرزند عبد الرزاق و نوه محمد قاسم نحوی.

وی در رامسر متولد گردید، و مقدمات را در مدارس علمیه آن شهر فراگرفت سپس عازم نجف اشرف شد، و در آنجا مدارج عالی را طی نمود، و به موطن خود بازگشت.

در رامسر در مدرسه آخوند محله و در مدرسه میدان به تدریس اشتغال داشت.

اکثر مرافعات را بدو مراجعه می کردند، او در نهایت احتیاط حکم را صادر می نمود.

گاهی در مقابل این گونه زحمات هدیه ای به او می دادند، اما نامبرده امتناع می نمود و از کشاورزی ارتزاق می کرد.

وی اوقات فراغت را به عبادت می گذرانید، و هفت سفر پیاده به زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام به کربلا مشرف گردید، که در سفر آخر در همان راه وفات کرد.

در یکی از سالها سیل عظیمی محلات مجاور رودخانه «صفارود» را تهدید به خرابی می کرد، و نامبرده در کنار رودخانه مقداری از تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام زیر خاک قرار داد. بلافاصله، سیل مسیر خود را تغییر داد و ابتدا آسیبی به آن محلها

ص: 1206

نرسید، و تاکنون هم «لات محله» مجاور رودخانه صفارود واقع شده، چندین بار سیل آمده و از خطر مصون بوده است.

وی حدود سال 1320 ق به قصد زیارت کربلا، حرکت کرده، در نزدیکی شهر قم وفات کرد، و جنازه اش را به قم حمل و به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

از او سه پسر به نامهای: 1- شیخ محمد حسن 2- آقا محمد 3- آقا کریم، باقی مانده بود.

### -منبع

1- بزرگان رامسر 97.

### میرزا علی نور محمدی تهرانی

### اشاره

(1328-1407 ق)

حاج شیخ علی نور محمدی تهرانی، از علمای تهران بود.

متولد 28/رمضان 1328/ق در «حصار بو علی» نیاوران تهران پس از طی دوران کودکی مدتی در (مدرسه نیاوران) به تحصیل پرداخت، و در ضمن دوره متوسطه را پشت سر گذاشت و در سال 1344 ق به قم مهاجرت کرد، و سطوح را نزد آیات: ملا علی همدانی، شیخ عباسعلی شاهرودی، و میرزا محمد همدانی تلمذ کرد.

ص: 1207

و خارج فقه و اصول را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، و میرزا محمد فیض قمی استفاده نمود و در سال 1366 ق به تهران بازگشت، و سه سال در زادگاه خود به نشر معارف و اقامه جماعت اشتغال ورزید. سپس (مسجد انصار) را در «چهار راه صفی علی شاه» با همت و مساعدت اهل محل احداث نمود، و به خدمات دینی و ترویج مذهب پرداخت. وی به محامد آداب و ملکات فاضله اخلاقی معروف و به دانش و دیانت موصوف است.

او در روز جمعه 2/جمادی ثانی 1408/ق مطابق با 2/بهمن 1366/ش در تهران درگذشت، و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## -منابع

1- آثار الحجه 260/2.

2- گنجینه دانشمندان 586/4.

## میرزا علی هاشمی سنجانی «اراکي»

(1401-1329 ق)

هاشمی، در سال 1290 هجری شمسی در یک خانواده روحانی در اراک به دنیا آمد.

وی پس از طی دوران کودکی و گذراندن تحصیلات ابتدائی، ابتدا در حوزه درس مرحوم ملا عبد الحمید و دیگر اساتید در اراک تحصیل کرد، و درس اصول و فقه را در محضر: آیت الله حاج شیخ محمد سلطان العلماء و آیت الله سید حسن فرید محسنی تلمذ نمود. سپس به حوزه علمیه قم عزیمت کرد و از محضر آیات:

سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمد حجت کوه کمری شرکت و بهره های فراوانی برد، و پس از فوت علمین در جلسه بحث آیت الله سید روح الله

ص: 1208

خمینی و آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی شرکت نمود.

بنا بر اظهارات استاد شیخ محمد کاشفی: میرزا علی سنجانی، ابتدا در اراک مشغول خدمات دینی از قبیل وعظ و ارشاد بود و پس از انتقال آیت الله فرید محسنی به قم، هاشمی نیز به قم آمد و مشغول تحصیل و تبلیغ شد و در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و غالباً بعد از نماز جماعت آیت الله شیخ مرتضی حائری مشغول وعظ و ارشاد می شد. وی نیز مورد توجه آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی بوده است.

ایشان پس از انقلاب به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب و راهی تهران شد. و در حادثه انفجار دفتر حزب جمهوری در روز یکشنبه 25 شعبان/ 1401 ق مطابق با 7 تیر 1360/ ش همراه با سایر نمایندگان مجلس در تهران به ملکوت اعلا پیوست و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

### میرزا علی هسته ای اصفهانی «واعظ»

#### اشاره

(ح 1295-1387 ق)

حاج میرزا علی فرزند علامه شیخ محمد رضا هسته ای اصفهانی، از وعاظ برجسته و سخنوران شایسته بود.

او در حدود سال 1295 قمری در اصفهان متولد گردید.

جدّ اعلاّی ایشان شیخ زین الدّین علی فرزند عین علی خوانساری از فقها و زهاد قرن دوازدهم قمری بود، و در اصفهان نماز جمعه بر پا می نمود. [طبقات اعلام الشیعه، قرن دوازدهم، ص 296].

#### تحصیل و سخنوری

میرزا علی پس از انجام تحصیل مقدمات و سطوح، به نجف اشرف عزیمت

ص: 1209

نمود و از محضر آیات: شیخ محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی استفاده نمود. آن گاه در حدود سال 1325 ق به اصفهان مراجعت کرد و مدت کوتاهی به اقامه جماعت و تدریس پرداخت. سپس به تهران منتقل و سالهای آخر عمر آیت الله شیخ فضل الله نوری را درک و از اصحاب خاص وی گردید، و پس از شهادت آن بزرگوار به اصفهان بازگشت و تا آخر عمر در حال انتقال بین تهران و اصفهان بود.

استاد شیخ محمد رازی درباره مهارت و قدرت ایشان در سخنوری می نویسد:

«وی به وعظ و خطابه و ارشاد مردم از راه منبر و ایراد مواعظ پرداخته و الحق واعظی شیرین بیان و گوینده ای طلیق اللسان بوده، و از گویندگان واجد مقام اجتهاد و فقاہت بود و در مجالس خوش محاوره و ظریف و حاضر جواب بود. در عصر مرحوم آیت الله حائری یزدی در قم مانده و منبر می رفت، و عموم مراجع و علما برای استفاده از بیاناتش شرکت می کردند».

### از آثار او

شرح اعتقادات مجلسی، که آن را در سال 1339 ق در تهران به چاپ رسانید.

### درگذشت و اعقاب

وی در شب دوشنبه 16 ربیع ثانی 1387/ ق مطابق با دوم/ مرداد/ 1346 ش به سن حدود 92 سالگی در تهران دار فانی را وداع گفت، و پیکرش در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

فرزندش جناب حجه الاسلام واعظ عالی مقام میرزا مهدی هسته ای می باشد و فرزند دیگرش آقا کمال زین الدین، متخلص به (کمال). تولدش به سال 1340 ق در اصفهان رخ داد و به روزنامه نگاری روی آورد، محل سکونتش تهران است. جهت

ص: 1210

تفصیلات بیشتر به چهره مطبوعات معاصر ص 156 و فرهنگ شاعران پارسی زبان ص 476 رجوع شود.

## -منابع

- 1- فرزندگان خوانسار 61.
- 2- گنجینه دانشمندان 426/2.
- 3- معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف 144/1.
- 4- مؤلفین کتب چاپی 442/4.

## عماد الدین دولتشاهی «کرمانشاهی»

## اشاره

(-1412 ق)

عماد الدین فرزند حسنعلی میرزا کرمانشاهی معروف به «دولتشاهی» از نویسندگان و مورخان معاصر و صاحب تحقیقات در زمینه های اوستایی و کردی و کارمند بازنشسته وزارت دارایی بود که در سالهای آخر عمر نزد فرزندانش در خارج ایران به سر می برد.

## از آثار او

جغرافیای عرب ایران یا کوههای ناشناخته اوستا.

او روزنامه «گنجون» را در سال 1330 ش در کرمانشاه تأسیس و منتشر ساخت.

ایشان در روز سه شنبه 28 ربیع الاول 1412/ ق مطابق با 16 مهر 1370 ش در خارج ایران درگذشت و جنازه اش به ایران حمل و در کنار تربت پدرش در قبرستان حاج شیخ به کد (25456) در قم به خاک سپرده شد.

## -منابع

- 1- جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان 342/1 و 435.
- 2- فهرست روزنامه های فارسی 181.

ص: 1211



(1301-1411 ق)

حاج شیخ عیسیٰ فرزند شیخ محمد علی و نوه علامه شیخ محمد مهدی بن محمد صالح حائری (آل صالح)، معروف به «خوشنویس» از فضیلت کربلا بود.

او در سال 1301 ق مطابق با 1262 ش در کربلا متولد گردید. پس از طی مقدمات سطوح را نزد شیخ جعفر رشتی و خارج را از محضر آیات: میرزا مهدی شیرازی و سید حسین طباطبائی قمی استفاده نمود، سپس چند سالی به نجف اشرف رفت و از محضر آیات: سید ابو الحسن اصفهانی و سید محسن طباطبائی حکیم بهره مند گردید، و به کربلا بازگشت و به ارشاد مردم پرداخت. وی در پی فشارهای دولت عراق در حدود سال 1391 ق به ایران مهاجرت کرد و در قم سکونت اختیار نمود و در اثر کهولت سن در منزل بستری بود. نامبرده علاوه بر فضیلت دینی در طب یونانی و خوشنویسی نیز مهارت داشت.

شیخ عیسیٰ در ساعت 5 بعد از ظهر روز پنجشنبه 6/فروردین 1370/ ش مطابق با 9/رمضان 1411/ ق در سن 110 سالگی در قم درگذشت، و در عصر روز جمعه در بهشت معصومه مدفون گردید.

### شیخ عیسیٰ لواسانی تهرانی

#### اشاره

(1277-1364 ق)

حاج شیخ عیسیٰ فرزند علامه شیخ شکر الله و نوه ملا لطف الله لواسانی تهرانی، از علمای زاهد و متقی بود.

او به سال 1277 ق در تهران متولد گردید.

در حوزه های تهران و نجف اشرف

ایشان پس از طی مقدمات، از محضر پدرش و میرزا محمد حسن آشتیانی

ص: 1212

استفاده کرد. و در صفر 1312 ق به نجف اشرف رهسپار شد، و از محضر آیات:

شیخ محمد طه نجف تبریزی، سید محمد بحر العلوم (صاحب بلغه الفقیه)، میرزا حسین خلیلی تهرانی، ملا محمد کاظم خراسانی، سید اسماعیل صدر و شیخ الشریعه اصفهانی بهره مند گردید، و بیشترین استفاده را از حضرات: خلیلی و شیخ الشریعه برد.

### مراجعت به تهران

نامبرده در سال 1322 ق به تهران مراجعت کرد، و به اقامه جماعت (در مسجد لواسانی) و تدریس مدرسه عالی سپهسالار و وعظ و ارشاد اشتغال نمود. ایشان در زهد و تقوا و اعراض از دنیا زبان زد همگان، و یکی از اوتاد بود.

### از آثار او

1- الشیخ و الشیخه فی أحكامهما.

2- أنیس العارفین.

3- تحفه الأجاب.

4- جلاء الأبصار فی آداب الأدعیه و الأذکار.

5- چند دفتر ثبت معاملات، که در کتابخانه آستانه قم نگهداری می شوند.

6- میزان الاخوه، فی العشره مع الاخوان.

### درگذشت و اعقاب

ایشان در روز چهارشنبه 2/ صفر 1364/ ق مطابق با 27/ دی 1323/ ش به سن 87 سالگی در تهران درگذشت، و جنازه اش به قم حمل و در حرم حضرت معصومه علیها السلام در کنار تربت آیت الله حائری یزدی به خاک سپرده شد.

ص: 1213

1- علامه شیخ حسن لواسانی 2- آیت الله شیخ محمد علی لواسانی، متولد 1298 ق در تهران، که شرح حالش در تاریخ مدرسه عالی سپهسالار ص 168 آمده است.

**-منابع**

- 1- الاجازه الكبيره 119.
- 2- المسلسلات في الاجازات 341.
- 3- فهرست نسخه های خطی کتابخانه آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام، 22 و 23 و 51 و 234.
- 4- مکارم الآثار 2159/6.
- 5- مؤلفین کتب چاپی 650/4.
- 6- نقباء البشر 1643/4.

\*\*

(1426-1332 ق)

شیخ غلامحسین فرزند موسی بیگ (حسین) و نوه جاسم بیگ کشمیری، ملقب به «صالحی» از فضلا و خدمتگزاران مذهب علوی و از مدرسان حوزه علمی نجف اشرف بود.

او در قریه «لالونگ» کارگیل کشمیر در سال 1332 ق متولد گردید.

وی مقدمات را در زادگاهش آموخت. و در سن 23 سالگی به نجف اشرف مهاجرت کرد، و سطوح را نزد: شیخ عبدالحسین رشتی، شمس تبریزی، و طبرسی به انجام رساند و خارج را از محضر آیات: سید محسن طباطبائی حکیم، سید حسین حمامی، میرزا عبد الهادی شیرازی، سید محمود شاهرودی، سید روح الله خمینی و سید ابو القاسم خوئی استفاده نمود.

وی عضو هیئت ممتحنین طلاب علوم دینی کارگیل و بلتستانی های مقیم نجف اشرف از طرف آیت الله بروجردی بود.

صالحی در سال 1393 ق از عراق به کارگیل رفت و به تبلیغ و ترویج مذهب پرداخت و سخنرانیهای مؤثری ایراد می نمود و پس از پنج سال اقامت در آن دیار، در

ص: 1215

سال 1400 ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و در پی بیماری در منزل بستری گردید.

از آثار قلمی اش می توان به: تقریرات اساتید خود اشاره کرد که تاکنون به طبع نرسیده اند.

سرانجام پس از تحمل سالها رنج و شکیبائی در بامداد روز پنجشنبه 9 محرم 1416/ ق مطابق با 18 خرداد 1374/ ش در سن 84 سالگی در قم درگذشت و پیکرش عصر همان روز تشییع و در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

## -منبع

1- اظهارات فرزند آن مرحوم.

**شیخ غلامحسین آل آقا کرمانشاهی «معتد العلماء»**

## اشاره

(ح 1325-1409 ق)

حاج شیخ غلامحسین فرزند حجه الاسلام شیخ محمد کریم و نوه علامه حاج اکبر آل آقا کرمانشاهی، معروف و ملقب به «معتد العلماء» از فضلا و معاریف قم بود.

وی در حدود سال 1325 ق در کرمانشاه تولد یافت.

ایشان مقدمات و سطوح را در حوزه علمیه کرمانشاه به پایان رساند. در سال 1363 ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و در درس خارج حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید صدر الدین صدر، سید محمد تقی خوانساری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید کاظم شریعتمداری شرکت می نمود.

ص: 1216

## از آثار او:

1- اخلاق و آداب.

2- تاریخ مختصر ایران.

3- سفرنامه.

4- نظم حدیث کسا.

5- کتابی در دعا.

معتمد العلماء در روز جمعه 26 جمادی الثانی 1409/ ق برابر با 14 بهمن / 1367 ش در قم دار فانی را وداع گفت. پیکرش در قبرستان ابو حسین مدفون شد.

آقای اکرم آل آقا که در قم سکونت دارد، فرزند ایشان است.

## منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- گنجینه دانشمندان 55/2.

## غلامحسین احتشامی خوئی

## اشاره

(1306-1376 ق)

غلامحسین فرزند میرزا حسن علی و نوه میرزا رحیم خوئی، ملقب به «احتشامی» از ادبا و برجستگان بود.

وی در سال 1306 ق تولد یافت.

در سن جوانی به صف آزادی خواهان در صدر مشروطیت پیوست و در راه عدالت خواهی جانفشانی کرد. از همان اوان روی به ادبیات کهن آورد و مدتی چند به تحصیل علوم دینی گذراند. او حافظه ای قوی داشت و به همین خاطر حافظ کل قرآن کریم بود و بخش مهمی از کلیات سعدی، مثنوی معنوی، غزلیات حافظ و بسیاری از قصاید مشهور را به خاطر سپرده بود. به استخدام وزارت پست و تلگراف و تلفن درآمد و تا آنکه بازنشسته گردید.

ص: 1217

احتشامی در عصر روز چهارشنبه 20 ذی القعدة 1376/ق برابر با 29 خرداد 1336/ش در سن 70 سالگی زندگی را وداع گفت. پیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام در قم مدفون شد.

-منبع

1-اطلاعات متفرقه.

شیخ غلامحسین جعفری همدانی

اشاره

(1324-1416 ق)

حاج شیخ غلامحسین فرزند محمد تقی جعفری همدانی از علمای بنام تهران به شمار می رفت.

فقید سعید در سال 1324 ق در روستای (شاهنجرین) از توابع همدان، در خانواده ای متدین و متعبد دیده به جهان گشود.

سیزده ساله بود (1337 ق) که برای یادگیری دانش دینی به همدان رفت، و تا سال 1342 ق به تحصیل مقدمات و ادبیات پرداخت. در سال 1342 ق برای تکمیل آموخته های خویش به حوزه علمیه قم کوچ نمود و قوانین و شرح لمعه را در محضر حضرات آیات: میرزا محمد همدانی و آخوند ملا علی همدانی و شیخ غلامرضا طبسی فراگرفت. سپس در سال 1345 ق به نجف اشرف هجرت کرد و رسائل و مکاسب و کفایه و دروس خارج را نزد آیات: میرزا محمد حسین نائینی، آقا ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، میرزا

ص: 1218

ابو الحسن مشکینی و سید ابو الحسن اصفهانی زانوی ادب به زمین زد از سرچشمه علم آنان توشه ها برگرفت. همچنین در همان زمان اسفار اربعه را از علامه حکیم سید حسین بادکوبه ای و علامه بزرگوار میرزا احمد آشتیانی، و شرح منظومه را از آیت الله شیخ مرتضی طالقانی فراگرفت و این همه، بیست و سه سال به درازا کشید.

وی در نجف اشرف علاوه بر تحصیل، سالها به تدریس سطوح عالیه پرداخت، و در سال 1368 ق (1328 ش) بود که به تهران آمد و به امامت جماعت (در مسجد جامع)، تدریس کفایه و مکاسب، وعظ و ارشاد، راهنمایی مردمان و تربیت شاگردان و دستگیری از نیازمندان پرداخت. فقید سعید در پیش برد نهضت اسلامی شرکت فعال داشت، و بارها به دلیل سخنرانی هایش رنج زندان و تبعید را به جان خرید و از مبارزات خویش دمی نیاسود.

ایشان بسیار متواضع، ساده زیست و قانع و مهربان و صمیمی بود. اخلاص نیت و توکل بر خداوند در کارهایش مشهود بود و هرآنچه را که به دستش می رسید، به دیگران می بخشید. ساعتی پیش از فجر از خواب برمی خواست و تا پس از طلوع صبح به خواندن قرآن و ادعیه می پرداخت، و این کار را به هنگام عصر تا غروب هم تکرار می کرد. از غالب اساتید خویش همچون: سید ابو الحسن اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی و شیخ ضیاء الدین عراقی اجازه اجتهاد داشت و تقریرات درس آنان را نگاشته بود، که به شرح زیر است:

1- تقریرات درس اصول عراقی (دو دوره کامل).

2- تقریرات درس اصول غروی اصفهانی.

3- تقریرات درس اصول مشکینی.

4- تقریرات درس فقه اصفهانی.

5- تقریرات درس فقه مشکینی.

6- تقریرات درس نائینی.

سرانجام آن خدمتگذار راستین دین، پس از پشت سر نهادن یک بیماری

ص: 1219



طولانی در 93 سالگی در بامداد روز جمعه 22 جمادی الثانی 1416/ق مطابق با 25 آبان 1374/ش در تهران بدرود حیات گفت، در روز شنبه پس از تشییعی با شکوه، در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

## -منابع

1- گنجینه دانشمندان 423/4.

2- مجله آینه پژوهش، شماره 35، سال 1374 ش، صفحه 114، به قلم شیخ ناصر الدین انصاری قمی.

## شیخ غلامحسین دارابی «شرعی»

## اشاره

(-1391 ق)

وی از علمای قم بود که در داراب شیراز دیده به دنیا گشود، و دروس مقدماتی خود را در آنجا گذرانده، سپس جهت ادامه تحصیل وارد شیراز گردید و دروس سطح را در محضر علمای فارس آموخت.

وی پس از مدتی، به شهر قم مهاجرت نموده و از محضر درس خارج آیات:

حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدر الدین صدر، شیخ محمد حسن نویسی و شیخ محمد فیض قمی استفاده نمود، و سپس تا آخر عمر شریف خود در محضر حضرت آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به کسب فیض و علم و معنویت و در پائین قم در مسجد رضویه به اقامه جماعت اشتغال داشت.

شرعی در روز سه شنبه 24 صفر 1391/قمری وفات مطابق با 31 فروردین 1350/ش نمود و در قبرستان شیخان شهر قم، مدفون گردید. فرزند وی شیخ محمد علی شرعی نماینده سابق مجلس شورای اسلامی بود.

## -منبع

1- آثار الحججه 320/2.

ص: 1220

اشاره

(1335-1417 ق)

حاج شیخ غلامحسین عابدی قمی، از فضلا و معاریف قم بود.

وی در سال 1335 ق در شهر قم دیده به جهان گشود. در اثر از دست دادن والدین خود در کودکی، ابتدا به کار مشغول شد. ولی عشق فراوان تحصیل وی را به مدرسه فیضیه کشاند و مقدمات و سطوح را فراگرفت. دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید صدر الدین صدر، سید حسین طباطبائی بروجردی، سید روح الله خمینی، سید محمد رضا گلپایگانی و سید احمد خوانساری بهره مند گردید، و خود به تدریس کتب درسی حوزه پرداخت.

عابدی در مسجد رضوی قم به امر اقامه جماعت و هدایت اشتغال ورزید و کانونهای اسلامی و انجمن های خیریه زیادی را تأسیس نمود.

از آثار او:

1- وهابیت چیست؟

2- معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

3- دانستنی های تاریخ، 12 جلد.

4- کشکول نمونه.

ایشان در روز سه شنبه 20 ربیع الاول 1417/ ق برابر با 16 مرداد 1375/ ش در سن 82 سالگی به رحمت ایزدی پیوست. پیکرش در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

-منبع

1- برگرفته از نوشته های شیخ ناصر الدین انصاری قمی.

ص: 1221

## اشاره

(1276-1366 ق)

غلامحسین غفّاری فرزند میرزا هاشم «امین الدوله» و نوه میرزا مهدی کاشانی.

او در سال 1276 ق در تهران متولد شد.

وی در سلک امرا و وزرای بزرگ دولت درآمده بود، و در فنون ادب خاصه در خوشنویسی مهارت داشت، شعر را بسیار نیکو و زیبا می سرایید.

## در دربار ناصری

ایشان ابتدا در دربار ناصر الدّین شاه قاجار به سمت پیشخدمتی شروع به کار کرد، و به تدریج مشاغل زیر را به دست آورد: ریاست تفنگداران شاهی، ریاست خلوات همایونی و منشی حضور شاه، و القاب: امین خلوت و وزیر مخصوص.

## در وزارتخانه ها

او در اوایل سلطنت مظفر الدّین شاه به وزارت دربار راه یافت و بعداً وزارت عدلیه را برعهده داشت، در زمان سلطنت محمّد علی شاه دو نوبت به حکومت فارس و یک نوبت به حکومت کرمان و تهران رسید، و به لقب «صاحب اختیار» ملقب گردید.

وی در ایام سلطنت احمد شاه به ایالت خراسان مأمور گردید. و در کابینه مستوفی الممالک در سال 1293 ش به سمت وزارت جنگ انتخاب، و سپس ریاست دفتر مخصوص احمد شاه به او واگذار شد.

## درگذشت و اعقاب

ایشان در روز شنبه 6 جمادی اول 1366/ ق مطابق با 8 فروردین/ 1326 ش در سن 90 سالگی در تهران درگذشت، و جنازه اش در آرامگاه فرّخ خان

ص: 1222

امین الدوله در صحن حضرت معصومه علیها السّلام قم به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- آقا حسینعلی 2- آقا فرّخ و یک دختر که همسر آقا حسنعلی غفّاری «معاون الدوله» بود.

### -منابع

- 1- تاریخ شیبانی 60.
- 2- خاندان غفّاری (کاشان) 29.
- 3- شرح حال رجال ایران 7/3.
- 4- فرهنگ رجال قاجار 46.
- 5- منتخب التواریخ مظفری 484.

### شیخ غلامرضا بلاغی بلخی

### اشاره

(-1409 ق)

از نویسندگان و شعرای معاصر بود.

او اهل افغانستان و از شهر بلخ بود. در شهر قم سکونت داشت و تحصیلاتش را همان جا سپری کرده بود. از نظر عشق و ارادت به خاندان عصمت و طهارت علیهم السّلام، ولایت قوی داشت.

همواره در ماههای تبلیغی به وعظ ارشاد می پرداخت. اوقات خود را در سالهای پایان عمر به نگارش و چاپ و هدایت می گذارند.

ص: 1223

## از آثار او:

- 1- آداب و اخلاق از نظر اسلام.
  - 2- پیام مجاهدین اسلام.
  - 3- تجوید نافع.
  - 4- جامع الأشعار «در مرثی آل اطهار علیهم السلام».
  - 5- حدیقه الذاکرین.
  - 6- خلاصه الترتیل.
  - 7- کشکول بلاغی، دو جلد.
  - 8- گل‌های پرپر در کنار شریعه فوات.
  - 9- گل‌های لاله از صحرای کربلا.
  - 10- نان و خرما (اشعار).
- بلاغی در شب 19 رمضان 1409/ ق هنگام ایراد سخنرانی، دچار سکتة مغزی شد و در روز 21 رمضان در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان باغ بهشت مدفون شده است.

## - منبع

- 1- اطلاعات متفرقه.

شیخ غلامرضا خوانساری «معلم»

## اشاره

(-1371 ق)

حاج شیخ غلامرضا فرزند ملا احمد خوانساری تهرانی، متخلص به «معلم» از فضلا و دانشمندان بود. بنا بر نوشته صاحب «سراج المعانی»: او از محضر آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی استفاده های علمی نموده است.

مصباح الوارثین (مطابق فتاوی آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی)، که نخستین بار به سال 1352 ق در 140 صفحه به چاپ رسید.

### درگذشت

وی در روز پنجشنبه 12/رمضان 1371/ق مطابق با 15/خرداد 1331/ش درگذشت، و در یکی از حجرات شمالی قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

### -منابع

1-سراج المعانی در احوالات سید ابو الحسن اصفهانی 195.

2-فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی 616/5.

3-فهرست کتابهای چاپی فارسی 4778/4.

4-معجم المطبوعات النجفیه 323.

5-مؤلفین کتب چاپی 710/4.

### سید غلامرضا سعیدی بیرجندی

### اشاره

(1313-1409 ق)

مقاله زیر به قلم آقای دکتر سید عبد الله علوی «عضو هیئت علمی دانشگاه های بیرجند» است و در پایان آن به سایر آثار قلمی استاد سعیدی اشاره نمودیم.

روستازاده ای حکیم و دانشمند با قامتی بلند، چشمانی زیبا و صلابت و ابهتی مخصوص بود. صدایش با نرمی و درشتی آمیخته بود. همواره در اطرافش کتابهای گوناگونی قرار داشت که مباحث علمی و اسلامی را به زبان روز تحلیل و بررسی کرده بودند. استاد در خلوت تنهایی انیس و مونسی بهتر از کتاب نداشت. همواره سعی می کرد که مقالات مفید علمی را از انگلیسی و یا عربی به فارسی ترجمه کند.

وقتی پای صحبتش می نشست می کرد که تازه ترین یافته ها را که مطالعه و

یادداشت برداری کرده است، برای مطرح و تورا به مباحثه و مناظره علمی وادار کند. در تمام مباحثات خود همواره بر عظمت و خلاقیت اسلام انقلابی تأکید داشت و هرگز مقوله ایمان و عبادت و تعلیم و تربیت اسلامی را در گفتارش فراموش نمی کرد.

استاد سید غلامرضا سعیدی در سال 1274 شمسی در روستای زیبای «نوزاد» از توابع «در میان» بیرجند متولد شد.

ابتدا در این روستای فرهنگی که در حقیقت می بایستی تاکنون مرکز دهداری می شد به مکتب خانه رفت. ضمناً فنون قالی بافی را نیز طبق گفته خودش با مهارت آموخت. سپس همراه پدر و مادر مؤمنش به بیرجند هجرت کرد و در مدرسه شوکتیه که بعد از دار الفنون تأسیس شد در خدمت اساتید داخلی و خارجی تلمذ کرد و دروس آن زمان که عبارت بودند از: زبان فارسی، زبان عربی، معارف اسلامی، زبان فرانسه، ریاضی، فیزیک، شیمی، علم الاشیاء، تاریخ، جغرافیا و غیره را در سطح بسیار خوبی فراگرفت.

علامه سعیدی با مجلات عربی به خصوص الهلال که آن روزها در دانشگاه الازهر مصر منتشر می شد، آشنا شد. وی با آموختن زبان انگلیسی و آشنایی با کتب و مجلات که در شبه قاره هند و در مجامع اسلامی آن زمان منتشر می شد، آشنا گردید.

روستایی کنجکاو و جستجوگری بود که به دنبال گمشده ای می گشت. او در آن روزگاران با عطش و علم آموزی سید جمال الدین اسدآبادی آشنا شد و از طریق او

برای هویت اسلامی و بیداری جهان اسلام فریادگری نوین اسلامی را آموخت.

استاد طی مسافرت‌های متعدد از جمله به هندوستان با دانشگاه علیگره آشنا شد و سپس در مکتب نگری اقبال لاهوری تفحص و تلمذ کرد. وی در مسافرتی به انگلستان از نزدیک با روند استعماری سیاست انگلیس بیشتر آشنا شد و آگاهی یافت که تا استعمار و استثمار و استعمار باشد، زندگی مسلمین با وجود فراوانی نعمت‌های الهی با فقر و عقب ماندگی همراه خواهد بود. لذا برای مبارزه با استکبار و بیداری جهان اسلام به اتکای علم و ایمان و قلم، مبارزات خود را آغاز کرد. او در زمینه استقلال پاکستان و مبارزات مسلمانان شبه قاره هند قلم فرسایی کرد. استاد سعیدی پیشگام طرح مبارزات مسلمانان با صهیونیستها و معضل فلسطین شد.

او «فریاد فلسطین» و «خطر جهود» را طی مقالاتی مطرح کرد. در دنباله این حرکت ادبی انقلابی، در راستای مبارزات مسلمانان الجزایر مقالات جالبی را منتشر کرد. او بعداً دو کتاب «الجزایر خونین» و «الجزایر پیروز» را منتشر کرد. او در مسجد هدایت تهران به فعالیت‌های فراوان پرداخت و با استاد مرتضی مطهری و سید محمود طالقانی و انجمن اسلامی مهندسين و سپس انجمن اسلامی پزشکان را با همکاری شخصیت‌های اسلامی و سیاسی تحصیل کرده تشکیل داد و در حسینیه ارشاد فعالیت‌های فراوانی را آغاز کرد.

علامه سعیدی در مبارزات ملی شدن صنعت نفت در کنار مرحوم آیت‌الله کاشانی تلاشگری خستگی‌ناپذیر بود و بیش از دو سال با حضرت آیت‌الله کاشانی به طور همه جانبه همکاری نزدیک داشت. استاد سعیدی با انتشار آثار فراوانی در بیداری جهان اسلامی شریک و سهیم است.

وی از منطقه جنوب خراسان به عنوان یک عالم معاصر اسلامی قیام علمی کرد و در آخرین روزهای حیات خود که در روستای نوزاد و شهر بیرجند به مطالعه و ترجمه مشغول بود، آثار فرهنگی و اجتماعی و سیاسی انقلاب مردمی و اسلامی را عملاً مشاهده کرد و همواره می‌گفت: «خدا را شکر که در حاشیه کویر، شاهد



وی بیرجند و مردم آن را از هویت هایی که خداوند از دیدگاه فرهنگی به آنان ارزانی داشته است، همواره مورد ستایش قرار می داد و در حیات خود با همکاری عملی با دانشگاه های ایران، از جمله مجتمع آموزش عالی بیرجند و دانشگاه آزاد اسلامی هم بستگی همه جانبه خود را با خلاقیت و ابتکار مردمان و فرزندان این منطقه زرخیز، ولی محروم به منصفه ظهور گذاشت.

نگارنده معتقد است که برای زنده نگه داشتن خاطره او و امثال وی اداره میراث فرهنگی شهر موظف و مکلف است که آثار و خانه و زادگاه او را مورد توجه قرار دهد و دانشگاه ضرورت دارد که برای زنده نگه داشتن یاد وی، به نامگذاری خود و یا دانشکده ها اقدام کند. به طور کلی اداره میراث فرهنگی شهر که نگارنده در تأسیس آن در شهر بیرجند بی دریغ تلاش کرده و نسبت به مرمت آرامگاه آیت الله تهامی و آیتی و انتشار آثار علامه فرزانه و عبد العلی بیرجندی و سایر شعرا و فرزندان و علما همت گمارده است، در منطقه «در میان» در دشت اسدآباد، نسبت به تأسیس مراکز آموزش عالی و تحقیقات منطقه ای برای رشد و شکوفایی فرزندان که می توانند هم چون علامه سعیدی تربیت شوند همت گمارند و از این طریق با ادامه راه علما و دانشمندان یاد اسطوره های روستایی جهان شمول را از یاد نبرند. و برای آبادی و عمران و توسعه و رشد، از هرگونه اقدام خداپسندانه و مدبرانه با برنامه ریزی درازمدت، دریغ ندارند.

- 1-اسلام به زبان ساده.
- 2-اسلام و جاهلیت، ترجمه.
- 3-اسلام و طب جدید، ترجمه.
- 4-اسلام و غرب.
- 5-اقبال شناسی، ترجمه.
- 6-الجزایر پیروز.
- 7-الجزایر خونین.
- 8-اندیشه های اقبال.
- 9-انگیزاسیون یا محکمه تفتیش عقاید.
- 10-اول اخلاق، بعد تمدن آنها.
- 11-بحران فعلی جهان.
- 12-برنامه های انقلاب اسلامی.
- 13-بزرگترین مرد تاریخ و اسلام و غرب.
- 14-پاکستان.
- 15-پیشرفت سریع اسلام، ترجمه.
- 16-پیمان جوان مردان.
- 17-تربیت از نظر قرآن.
- 18-تشکیل پاکستان.
- 19-توطئه خاورشناسان.
- 20-جاذبه اسلامی.

21- جمال عبد الناصر.

22- جنگ و صلح در قانون اسلام، ترجمه.

23- جلوۀ حق در اندونزی.

24- خطر یهود برای جهان اسلام و ایران.

ص: 1229

- 25-داستان هایی از زندگی پیامبر ما صلی الله علیه و آله و سلم.
- 26-در هندوستان متجاوز کیست؟
- 27-رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در میدان جنگ، ترجمه.
- 28-روح فرهنگ اسلام.
- 29-زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم.
- 30-سید جمال الدین اسدآبادی.
- 31-شالوده علوم جدید در اسلام.
- 32-عایشه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.
- 33-عذر تقصیر به پیشگاه محمد صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن، ترجمه.
- 34-عمار یاسر(رض) پرچمدار علی علیه السلام.
- 35-فرد و اجتماع.
- 36-فریاد فلسطین و خطر جهود.
- 37-فلسفه و تربیت، ترجمه.
- 38-کمونیسم و اخلاق.
- 39-ماجرای سقیفه.
- 40-مانیفست یا منشور جهانی اسلام.
- 41-ماهیت و اهمیت فلسفه اقبال.
- 42-مبایذ اسلام و فلسفه احکام.
- 43-مبانی اخلاق برای جنبش اسلامی.
- 44-مسأله کشمیر و حیدرآباد.
- 45-مؤسس پاکستان محمد علی جناح، ترجمه.

46- ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم.

47- نقش اسلام در برابر غرب.

48- وظیفه روشنفکران مسلمان.

49- وظیفه روشنفکران و دگرگونی ایدئولوژی ها.

ص: 1230

استاد، مجله «فروغ علم» را نیز منتشر ساخته بود.

سعیدی در شامگاه روز سه شنبه 4 جمادی الاول 1409/ ق مطابق با 22 آذر 1367/ ش درگذشت. پیکرش در ابتدای قبرستان ابو حسین قم مدفون گردید.

## شیخ غلامرضا قمی «حاج آخوند»

### اشاره

(ح 1255-1332 ق)

حاج شیخ غلامرضا فرزند حاج رجبعلی قمی معروف به «حاج آخوند»، از علمای مشهور قم بود.

او در حدود سال 1255 ق در قم متولد گردید.

### هجرت به نجف اشرف

وی پس از طی مقدمات و سطوح، در سال 1276 ق همراه با آیت الله سید صادق روحانی به عتبات عالیات مهاجرت کرد، و از محضر آیات: شیخ مرتضی انصاری (حدود دو سال)، میرزا محمد حسن شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی کمال استفاده را نمود، مدت دو سال در سامرا بود و از محضر میرزای شیرازی مجددا بهره مند شد، و از آنجا در سال 1298 ق به قم مراجعت نمود، و به تدریس و ارشاد و اقامه جماعت اشتغال ورزید.

### از آثار او

1- تقریرات میرزای رشتی.

2- رساله فی صلاه المسافر.

3- فرائد الفرائد فی التعلیق علی الفرائد.

4- قواعد الاصول (شامل: مسأله اجتماع و امر و نهی و مسأله ضد).

5- کتاب الصلاه.

ص: 1231

6- کتاب القضاء.

7- کنوز الجواهر.

### درگذشت و اعقاب

ایشان سرانجام در 16 ذی الحجه 1332/ ق در قم درگذشت، و در ایوان آینه صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- شیخ محمد جواد 2- شیخ عبد الهادی 3- شیخ محمد 4- شیخ حسین که همگی در این کتاب معرفی شده اند.

### -منابع

1- تاریخ قم 278.

2- تراجم الرجال 421/1.

3- رجال قم 99.

4- گنجینه دانشمندان 147/1.

5- مقدمه قلاند الفرائد، ص 5 به قلم استاد شیخ جعفر سبحانی.

6- مؤلفین کتب چاپی 695/4.

7- نقباء البشر 1657/4.

8- هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی 141.

### سید غلامرضا کسائی تبریزی

### اشاره

(1393-1335 ق)

حاج سید غلامرضا فرزند سید ستار حسینی گاوگانی آذرشهری تبریزی، داماد علامه شیخ احمد تبریزی (پدر شیخ عبد الحسین امینی) که دارای اولاد نشد. در سال 1335 ق در آذرشهر متولد شد.





وی به نجف اشرف مهاجرت کرد و حجره ای در مدرسه سید محمد کاظم طباطبائی یزدی داشت. سپس به کربلا رفت و از طلاب علوم دینی در کربلا بود و در «مسجد قاضی» به اقامه جماعت اشتغال داشت.

و در کربلاء به درس سید محمد هادی میلانی، میرزا مهدی شیرازی، سید زین العابدین کاشانی، شیخ یوسف خراسانی و شیخ محمد علی سنقری شرکت می‌گردد و متولی حسینیه آقای خوئی در کربلا بود.

وی در سال 1391 ق به ایران مهاجرت کرد و در قم سکونت نمود، و در درس آیات: سید کاظم تبریزی، سید محمد رضا گلپایگانی شرکت می‌جست.

از آثار او: فضائل فاطمه الزهراء علیها السلام من کتب العامه.

او در روز سه شنبه 8 ذی قعدة 1393/ ق مطابق با 13 آذر 1352/ ش در یکی از بیمارستانهای تهران درگذشت، و جسدش به قم انتقال و در روز چهارشنبه از مسجد امام حسن عسگری علیه السلام تشییع و پس ادای نماز توسط آیت الله سید کاظم تبریزی و در وادی السلام به خاک سپرده شد.

#### -منابع

- 1- اعلام کربلا (خطی).
- 2- حوادث الایام (خطی).
- 3- گنجینه دانشمندان 27/3.
- 4- معجم رجال الفکر و الأدب فی النجف 1077/3.

#### شیخ غلامرضا گل سرخی کاشانی

#### اشاره

(1411-1351 ق)

غلامرضا گل سرخی به سال 1311 ش در محله «سلطان امیر احمد» کاشان به دنیا آمد.

ص: 1233

هفت فرزند قبل از وی همگی در همان اوان تولد، درگذشته بودند. نامش را از مولی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام گرفتند، مطابق نذری که پدر و مادر کرده بودند که فرزند جدید، سالم و زنده بماند.

پدرش «مشهدی عباس» کارگر شعرباف بود و مادرش «صغری خانم» علاوه بر کار خانه، قالی بافی می کرد تا کمک خرجی باشد برای خانواده.

غلامرضا در شش سالگی به دبستان دولتی «مدیر» رفت، کلاسها را یکی پس از دیگری با موفقیت طی کرد. در حالی که جوانان هم سن و سال او یک «زندگی یک بعدی»، شب را به روز و روز را به شب رساندن، و در تلاش جهت آینده و معاش، بدون هیچ گونه تغییر و تحولی در جا می زدند.

### تحول روحی و تغییر مسیر زندگی

در آن سالها شیخ محمد خالصی زاده از علمای مبارز عراق - که با استعمار انگلیس سر جنگ و ناسازگاری داشت - به کاشان تبعید شد. اقامت این روحانی آزاده و انقلابی، ثمرات و تحولات چشمگیری را در مردم کاشان، در پی داشت.

«سخن» و «عمل»! وی روح «غلامرضا»ی جوان و کارگرزاده را به شدت متحول ساخت، بدان گونه که مسیر زندگی او را تغییر داد. خود او ماجرای این تحول را چنین بازمی گوید:

«من کارگرزاده ای فقیر، یازده ساله بودم و تازه به کلاس ششم ابتدائی رفته، که

آیت الله خالصی زاده به کاشان تبعید شد. با شنیدن بیانات پرشور او دبستان را کنار گذارده، طلبه شدم. و هر شب پای سخنرانی های پرسوز او بودم. از آن روز مبارزه با ظلم و زور در جانم ریشه دوانیده. قبلاً از «آخوند»! زده شده بودم، چون در همسایگی ما عالمی بود گوشه نشین و به قول مردم: «اهل الله»! بود که نه به مسجد می رفت و نه منبر و نه حوزه درسی داشت، و به قول بعضی ها «آیت الله»! بود و مراد بیشتر مردم شهر! در کنار خانه او زنی بینوا زندگی می کرد که شوهری معتاد داشت، فکر می کنم سال 1322 ش بود و اول جنگ بین المللی دوم (!؟) و گرانی غوغا می کرد. زن جوان از فرط گرسنگی، درحالی که چند بچه کوچک داشت، خودکشی کرد. او چون توان تأمین هزینه فرزندان خود را نداشت، خودکشی کرد! طولی نکشید آقای کذائی، هم مرد درحالی که ارث او را گفتند به آلف و الوف سر می زند.

طبعاً من از این گونه آخوند خوشم نمی آمد. وقتی خالصی زاده به کاشان آمد و علیه ظلم و زور و بی انصافی و گران فروشی داد سخن می داد، و محرومان گردش جمع شده بودند و ثروتمندان علیه او توطئه می کردند؟! من مرید او شدم».

زندگی گل سرخی از این پس با «علم و دین و سیاست» گره خورد، آیت الله خالصی زاده، مدرسه سلطانی را که سالها دست دولت بود، پس گرفت و حوزه علمیه تشکیل داد و عالمی را جهت اداره حوزه از آیت الله سید صدر الدین صدر درخواست نمود، و ایشان نیز حضرت آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی را به آن سامان اعزام داشت که برکات وجودی این عالم بزرگوار هنوز در کاشان ادامه دارد، و خود ایشان نیز در قید حیات هستند و تاکنون صدها طلبه کاشانی را تربیت نموده و به حوزه قم روانه کرده اند.

از کارهای جالب توجه خالصی زاده که پس از شهریور 20 و خاتمه دیکتاتوری سیاه رضا خان آن طور که دوست دیرینه گل سرخی: حجه الاسلام سید رضا علوی کاشانی تعریف می کرد، این بود: دستور داده بود یک توپ چلوار سفید از بازار تهیه کرده بودند، و از این چلوار عمامه درست کرده و سر هریک از طلاب - که حدود

14، 15 نفر بودند-عمامه بسته و خود جلو و طلبه ها عقب وی، وارد بازار می شوند و این مانوری بود که آن روز در شهر کاشان، پرسروصدا بود و در نوع خود یک «نوع مبارزه» به شمار آمد!

از طلاب ساخته و پرداخته آیت الله خالصی زاده می توان از آیات و حجج اسلام، آقایان: شیخ حسین راستی کاشانی، شیخ محمد امامی کاشانی، سید محمد تسلطی، مسلمی، محمود صلاحیان و حلیمی، نام برد و شاید جوان ترین آنها «غلامرضا گل سرخی» بود که پس از طی تحصیلات مقدماتی و مقداری سطح، راهی حوزه علمیه قم شد. خود او چنین می گوید:

«قدری بزرگتر شدم، قم آمدم. در جرگه مریدان نواب صفوی در آمدم و به صف فدائیان اسلام پیوستم. در آن زمان هم چه کشیدم، خدا می داند! باین که در امتحان با رتبه سوم قبول شده بودم و جزوه درس آقای بروجردی را که نوشته بودم، ارائه داده، شهریه می گرفتم. چند مرتبه به جرم فدایی اسلام بودن، شهریه ام را قطع کردند.

شاید، من حدودا 17-18 ساله بودم که با نواب صفوی، از نزدیک آشنا شدم.

اولین دفعه ایشان را در زندان «قصر» دیدم. گرچه قبلا از نزدیک، سخنرانی های ایشان را در مدرسه فیضیه دیده بودم، ولی جلسه خصوصی آشنایی من با نواب صفوی، در زندان قصر بود. و یادم هست، وقتی وارد زندان شدم، اولین جمله ای که ایشان می گفت، این بود:

«چه زودگذر است دقائق ساعات، و چه زودگذر است ساعات روز، و چه زودگذر است هفته های سال، و چه زودگذر است سالهای عمر؟ ما به زودی می میریم و نمی دانیم آیا خدا از ما راضی است یا نه؟ زندان من تمام می شود، زندان عمر هم پایان می پذیرد، اما نمی دانیم خدا از ما راضی است یا نه؟».

این اولین مطلبی بود که من به طور خصوصی از ایشان شنیدم، و خیلی برایم جالب بود. من چند سال با ایشان در جلسات خصوصی و عمومی بودم. با ایشان جلسات خصوصی هم زیاد داشتیم. و شهد الله، حتی یک عمل مکروه از ایشان ندیدم».

علامه گل سرخی خارج را از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید کاظم شریعتمداری و سید روح الله خمینی و دروس تفسیر را از محضر سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» بهره مند شده بود.

سرانجام در پی بیماری در بیمارستان جم تهران بستری شد و در روز یکشنبه 23 ربیع الاول 1411 ق مطابق با 22 مهر 1369 ش در سن 60 سالگی درگذشت. پیکرش صبح روز بعد در تهران و عصر همان روز در قم تشییع و در یکی از اطاقهای صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## -منابع

1- گنجینه دانشمندان 394/2.

2- فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره 5، ص 163، به قلم شیخ علی حجتی کرمانی.

## شیخ غلامرضا مطهری نجف آبادی

## اشاره

(1343-1419 ق)

شیخ غلامرضا مطهری فرزند حاج عبد الله نجف آبادی اصفهانی، از دانشمندان و فضلالی معاصر بود.

وی در سال 1343 ق مطابق با 1303 ش در نجف آباد اصفهان متولد گردید. در سن ده سالگی مادر خود را از دست داد و تحت و رعایت پدری، پرورش یافت. ابتدا به مکتب خانه راه یافت و بعداً در سن هفده سالگی به تحصیل علوم دینی روی آورد به همین خاطر به حوزه علمیه قم مشرف شد و تا

ص: 1237

آخر دروس سطح به طور جدی تحصیل نمود سپس به کرمانشاه رفت و چند سالی هم در آن سامان به تحصیل و ترویج معارف الهی همت گماشت. آنگاه مجدداً به قم رفت و پس از چندی به عتبات عالیات رفت و در حوزه کهن نجف اشرف از محضر آیات: سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمود شاهرودی، سید روح الله خمینی، سید ابو القاسم خوئی استفاده های فراوانی را برد. توقف ایشان در نجف اشرف حدود 35 سال طول کشید. عاقبت در 24/ صفر 1417/ ق در اثر فشارهای سیاسی به ایران بازگشت و در قم سکونت اختیار نمود و پس از یک سال دچار عارضه جسمانی شد، آن هم نفس تنگی بود و این کسالت رو به افزایش می رفت.

## از آثار قلمی او

1- تعلیقه علی العروه الوثقی (شامل کتابهای: طهاره، صلاه، زکاه و خمس است).

علامه مطهری در اثر شدت کسالت ریوی در بیمارستان آیت الله گلپایگانی بستری شد و پس از سه چهار روز در روز چهارشنبه 13/ ربیع الاول 1419/ ق مطابق با 17/ تیر 1377/ ش زندگی را وداع گفت. پیکرش هم در قبرستان باغ بهشت- مقبره العلماء- به خاک سپرده شد.

## -منبع

1- اظهارات یکی از فرزندان آن مرحوم.

## سید غلامرضا واعظی قائینی

## اشاره

(1416-1345 ق)

حاج سید غلامرضا فرزند سید اسماعیل و نوه سید محمد حسن واعظ حسینی قائینی (واعظی)، از دانشمندان معاصر بود.

در سال 1345 ق در شهر قاین (جنوب خراسان) متولد گردید.

ص: 1238

وی دوره مقدمات و ادبیات را نزد آیات: سید ذبیح الله حائری، سید معصوم قهستانی، سید علی مهدوی و سید علی آیتی آموخت. در سال 1360 ق به مشهد مقدس رفت و شرح لمعه را نزد علامه سید احمد یزدی «نهنگ العلماء» تلمذ کرد، و پس از چهار سال به تهران عزیمت نمود، و قسمتی از دروس سطح را نزد آیات: سید احمد حسینی شهرستانی و سید محمد مصطفوی قائینی استفاده نمود.

در سال 1374 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد، و در مدرسه آیت الله بروجردی سکنی گزید، و بقیه سطوح را خدمت آیات: سید مرتضی خلخالی، شیخ مجتبی لنگرانی (کفایه و مکاسب)، و شیخ محمد فاضل قائینی به انجام رسانید. و از دروس خارج حضرات آیات: سید یحیی مدرس یزدی (در فقه و اصول)، میرزا حسن بجنوردی (در فقه و اصول)، سید محسن طباطبائی حکیم (در فقه)، سید محمود شاهرودی (در فقه)، و میرزا باقر زنجانی (کتاب النکاح)، استفاده شایان برد.

واعظی در سال 1395 ق به قم مهاجرت کرد و به تدریس و اقامه جماعت پرداخت، و در سال 1406 ق به مدت یک سال به عنوان «امام جمعه قاین» منصوب گردید، و مجدداً به قم بازگشت.

## از آثار او

1- تقریرات اصول بجنوردی.

2- تقریرات اصول مدرس یزدی.

ص: 1239

شرح حال فوق را به تاریخ عصر روز جمعه 27 شعبان 1416/ق در منزل ایشان در قم یادداشت کردم، ولی متأسفانه در عصر روز دوشنبه 15/رمضان همان سال مطابق با 16/بهمن 1374/ش در اثر خونریزی معده به سن 71 سالگی در قم درگذشت، و جسدش روز بعد در امامزاده سید سربخش علیه السلام مدفون گردید.

### خاطرات

نگارنده ایشان را در قم، در مراسم و مناسبات مختلف زیارت می کردم، مردی باوقار، کم حرف و در مجالس عمومی کمتر شرکت می جست، و در میان اهل علم به فضیلت و تقوا معروف و موصوف بود. در پی درگذشت آیت الله سید محمد علی فقیه در قاین، از طلاب و فضلاء قاین شرح حال ایشان را می پرسیدم، که یکی از دوستان آدرس منزل آقای واعظی را در اختیارم گذاشت، ابتدا تماس تلفنی حاصل نمودم و با وقت قبلی در عصر روز جمعه به منزلش -واقع در خیابان آذر-رفتم، استقبال شایانی نمود و پس از آنکه خودم را معرفی نمودم اظهار محبت زیادی نشان داد. شرح حال فوق را از زبان خودشان یادداشت، و عکسی هم از وی در خواست نمودم. پس از مدتی مصاحبه و انس، حضرت آیت الله سید محمد علی مدرسی یزدی (اخو الزوجه ایشان) به جمع ما پیوست و مجلس شور و رونق دیگر گرفت، در ماه مبارک رمضان به تبریز سفر کردم، و پس از مراجعت خبر ارتحال ایشان را به من دادند، رحمه الله علیه.

### شیخ غلامعلی روحیان بهبهانی

(ح 1321-1412 ق)

حاج شیخ غلامعلی فرزند غلامحسین روحیان بهبهانی، از فضلا و اساتید بود.

وی در نجف اشرف از جمله شاگردان حضرات آیات: سید محسن طباطبائی

ص: 1240



حکیم و سید ابو القاسم خوئی بود. به ایران که بازگشت در آبادان سکونت اختیار نمود و پس از پیروزی انقلاب به قم مهاجرت کرد. او فردی با فضل و بخت بود. آثار قلمی نیز داشت.

روحیان در 26 ذی القعدة 1412/ ق برابر با 8 خرداد 1371/ ش در قم در حدود سن 91 سالگی بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان بقیع مدفون گردید.

## دکتر غلامعلی شیخ نیا «اراکي»

### اشاره

(1380-1322 ق)

دکتر غلامعلی فرزند هادی شیخ الممالک اراکي، ملقب به «شیخ نیا» از اساتید دانشگاه تهران بود.

او در سال 1322 ق مطابق با 1283 ش در اراک متولد شد.

### تحصیلات دانشگاهی

تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود و متوسطه را در دار المعلمین تهران به پایان رسانید، در سال 1307 ش با اولین دسته دانشجویان اعزامی به فرانسه رهسپار و در رشته علوم طبیعی به اخذ لیسانس موفق شد.

وی پس از این موفقیت، مشغول مطالعه و تهیه مقدمات رساله دکتری خود گردید، لیکن پیش از دریافت دکترا، به دستور وزارت فرهنگ، به ایران مراجعت کرد، و مأمور خدمت در شیراز شد.

او در سال 1315 ش به دانشسرای عالی منتقل و عهده دار دروس علمی آزمایشگاه زمین شناسی شد. وی پس از طی مرحله دانشجویی دانشکده علوم به استادی دانشگاه رسید.

### از آثار او

1- دیرین شناسی.

ص: 1241

2- راهنمای زمین شناسی.

3- مجموعه اصطلاحات علمی.

او در روز شنبه 15 صفر 1381/ ق مطابق با 7 مرداد 1340/ ش درگذشت، و جسدش در وسط قبرستان حاج شیخ به کد (20199) قم به خاک سپرده شد.

#### **- منبع**

1- مؤلفین کتب چاپی 724/4.

**شیخ غلامعلی کماری تبریزی**

#### **اشاره**

(1407-1342 ق)

حاج شیخ غلامعلی فرزند میرزا مهدی کماری تبریزی، از فضیلتی معاصر بود. وی در سال 1342 ق متولد گردید.

کماری از جمله شاگردان آیت الله سید ابو القاسم خوئی در نجف اشرف بود.

#### **از آثار او:**

1- حاشیه علی الرسائل.

2- حاشیه علی المکاسب.

3- حاشیه علی کفایه الاصول.

4- شرح العروه الوثقی.

نامبرده در 8 جمادی الثانی 1407/ ق مطابق با 18 بهمن 1365/ در قم درگذشت.

ص: 1242

(ح 1335-1414 ق)

سید فاخر فرزند سید طاهر و نوه سید علوی فرزند حسین فرزند سید علی موسوی، از شعرای بزرگ و زهاد عصر ما بود. در حدود سال 1335 ق در قریه (معمره) از توابع آبادان خوزستان دیده به جهان گشود.

وی پس از گذراندن ایام صباوت در خانواده ای محترم و با فضل، شروع به تحصیل علوم اسلامی نمود، و ادبیات و قسمتی از فقه و اصول (مرحله سطح) را نزد آیت الله شیخ عبد المنعم فرزند شیخ عبد المحسن خاقانی تلمذ کرد. سپس به سرودن اشعار و خدمات فرهنگی رو آورد، و چنانکه مقتضای محیط طلب می کرد اشعار عربی به زبان محلی (حکه) می سرود، در ضمن در تربیت و پرورش شاعران و سخنوران حسینی سخت کوشا بود، و تا آخر عمر این شیوه را دنبال نمود.

پس از شروع جنگ علیه ایران در سال 1359 ش همراه با سایر افراد خانواده اش به قم عزیمت کرد، و در اثر بیماری و کسالت جسمی همیشه در منزل اقامت و بستری بود، و در طول ایام سال به اقامه مراسم عزاداری و جشن سایر معصومین علیهم السلام اشتغال داشت.

ص: 1243

مجموعه های شعری ایشان عبارتند از:

1- دیوان الموسوی، که در سال 1397 ق به چاپ رسید.

2- القصیده الموسویه، که در سال 1404 ق به چاپ رسید.

3- معالی الدرر فی رثاء النبی صلی الله علیه و آله و سلم و آله المیامین الغرر (در پایان کتاب بعضی از اشعار پدر خود و جمعی از شعرا گنجانده شده است) که در سال 1405 ق به چاپ رسید.

وی در روز چهارشنبه 9 جمادی ثانی 1414/ ق مطابق با 3/ آذر 1372/ ش در منزلش در قم درگذشت، و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

### خاطرات

در حدود سال 1406 ق در حوالی پمپ بنزین واقع در جاده اراک در شهر قم منزلی اجاره کردیم و چند ماهی (حدود یک سال) در آنجا اقامت داشتیم، در همسایگی ما عده ای از اهالی عرب خوزستان (جنگ زده) بودند که در میان آنان مردی بود در طول ایام سال مجالس احیای ذکر اهل بیت علیهم السلام در منزلش بر پا می نمود. پس از مدتی کوتاه بنده به مجلسش راه یافتیم. و در اندک زمانی به قول معروف «مقرب الخاقان» شدم. شاید هفته ای چهار الی پنج شب یا روز در آن مجلس حضور پیدا می کردم و در سمت راست ایشان (سید فاخر) می نشستیم.

وی عمامه به سر نداشت بلکه پارچه سیاهی (چفیه) روی سر می انداخت، کمرش کمی خمیده بود و محاسن سفید و کوتاهی داشت. همیشه به حاضرین نصایح پدران و مواعظ ارزشمند می نمود. در طب قدیم (گیاهی) مطالعاتی هم داشت. و به شعر محلی (حسجه) گرایش شدیدی پیدا کرده بود و اشعار زیادی حفظ کرده بود و به ندرت شعر قریض هم می سرود.

و بسیار جهات اخلاقی را رعایت می کرد و همیشه به یاد خدا بود، سیمای

ص: 1244

روحانی داشت، و همواره از استاد خود مرحوم خاقانی به نیکی یاد می کرد. در اطاقش فقط عکس مرحوم حجه الاسلام شاعر اهل بیت علیهم السلام شیخ عبد العظیم ربیعی نصب بود اگر اشتباه نکنم به ایشان علاقه خاصی داشت.

در مجلسش سایر حاضرین مطالب مختلفی سؤال می کردند و همه را جواب می داد. گاهی به رساله عملیه هم رجوع می کرد، بعد جواب سؤالات فقهی را می داد. پس از اینکه از آن محل منتقل شدیم روابط را قطع نکردم و هرچند گاهی خدمت ایشان می رسیدم. متأسفانه در اواخر سخت بیمار شده بود و کسی را نمی پذیرفت.

### شیخ فاضل لنکرانی «قفقازی»

#### اشاره

(1314-1392 ق)

آقا شیخ فاضل فرزند حاج بشیر قفقازی، سال 1309 ق در اهل «ارکون» ماسانلو لنکران که از بلاد قفقاز است تولد یافته، و ادبیات را در مسقط الرأس از ثقه الاسلام حاج محمد گلی فرا گرفته. و در سال 1331 ق مهاجرت به اردبیل کرده و در نزد شیخ عبد الظاهر اردبیلی ادبیات و نزد آقا سید محمود اردبیلی درس شرح لمعه خوانده، سپس عزیمت به زنجان کرده و سطوح فقه و اصول را از آخوند ملا محمد تقی، مدرس مدرسه خانم و حاج میرزا علی نقی تحصیل کرده است.

در سال 1336 ق مراجعت به قفقاز کرده ولی به واسطه انقلاب روسیه جنابش را توقف در آن مملکت فراهم نشده، عزیمت به ایران فرمود و چندی در مشهد مقدس رضوی خدمت حجج اسلام: آقا میرزا محمد آیت الله زاده خراسانی، و آقا شیخ حسن برسی، و شیخ مرتضی آشتیانی، و حاج آقا حسین طباطبائی قمی به استفاده پرداخت. و حکمت الهی را از آقا شیخ اسد الله یزدی، و آقا شیخ حسن کاشانی به دست آورد. و در سال 1341 ق به بلده قم آمده و تا به حال از محضر

ص: 1245

درس آیت الله (حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی بهره مند می شوند).

و در اخلاق از شاگردان میرزا جواد ملکی تبریزی بود.

مترجم له از ایام ورودش به قم در ضمن تحصیل به تدریس مقدمات و سطوح اشتغال داشت و عده ای از فضلا از محضرش کسب فیض کردند، او از خواص مرحوم آیت الله بروجردی محسوب می شد و همواره در خدمتش بود. در مسجد تکیه آقا سید حسن به اقامه جماعت اشتغال داشت.

از آثار او: نتایج الافکار فی الصلاه (تقریرات حائری).

وی در جمعه روز پنجشنبه / 14 صفر 1392 / ق مطابق با / 10 فروردین / 1351 ش در قم وفات یافت و در قبرستان شیخان مدفون شد.

### فرزندانش:

1- علی 2- شیخ محمد فاضل موحدی 3- حسن 4- جعفر. دامادها:

مجد اردکانی صالح اشراقی نور مفیدی گرگانی.

### -منابع

1- آثار الحججه 59/2.

2- آینه دانشوران 232.

3- اجساد جاویدان 355.

4- گنجینه دانشوران 213/2.

شیخ محمد فاضل لنکرانی

\*

ص: 1246

اشاره

(1291-1368 ق)

خانم فاطمه امامی دختر شکر الله میرزا، فرزند لطف الله میرزا، فرزند عبد الله فتحعلی شاه قاجار، متخلص به (فاطمه) و همسر علامه میرزا عطاء الله امام جمعه ابهر و مادر آیت الله شیخ زین العابدین امام ابهری، که تولدش به سال 1291 ق در زنجان اتفاق افتاده است.

ایشان علاوه بر آموختن مقدمات تا شرح لمعه نیز تحصیل نموده، و در شعر و شاعری طبعی سرشار و روان داشته، که به قول خود: شعر و شاعری را از پدر به ارث برده است.

از آثار او:

1- تحفه فاطمیه (اشعار)، 2- هدیه فاطمیه (اشعار).

اشعار زیر از اوست:

نصیحت

خوبست که باده محبت نوشی با خلق خدا کبر و حسد نفروشی  
چون شمع بهر جمع تو بخشی نوری بر سوختنت ز بهر مردم کوشی  
\* ای آنکه قد افراخته چون سرو سهی زربفت به تن کلاه شاهانه نهی  
بر سوز دل فتادگان گاه گهی بنگر، بنوازشان، بیک نان تهی

اندرز به بانوان

خانم آزاد تو آزاده باش کار وطن را ز دل آماده باش  
ترک نما زیور بیگانه را کفش و کلاه و کمر و شانه را  
باد مده ثروت کاشانه را شاکر از این حسن خدا داده باش

باش تو افتاده، مشو خودنما ترک هوا و هوس از خود نما

همت علم و هنر از خود نما همچو زمین خاضع و افتاده باش

مه روشا چهره گشائی بکن از بد و بدخواه جدائی بکن

کسب و عمل برگ و نوائی بکن باعث خوشبختی نوزاده باش

باش تو سرسلسله جنبان کار منگوله در موی تو ناید بکار

حیف ز ایرانی و نقش و نگار عقل و خرد پیشه نما ساده باش

آنکه سیه چادر تو دور کرد نی بخیالی که شوی دوره گرد

آن دل غمگین تو مسرور کرد گفت که با عفت و آزاده باش

سرانجام در رجب 1368/ ق مطابق با اردیبهشت 1328/ ش در ابهر درگذشت و در قبرستان حاج شیخ قم مدفون گردید.

### فرزندان ایشان:

1- آیه الله شیخ زین العابدین ابهری 2- میرزا محمد فتوحی، ساکن تهران متولد 1282 ش در ابهر قاضی دادگستری بازنشسته 3- مرحوم ابو الفتح 4- آقا ابو جعفر امام، از فرهنگیان زنجان، و سه دختر.

### -منابع

1- تاریخ زنجان 139.

2- سخنوران و خطاطان زنجان 262.

3- مؤلفین کتب چاپی 756/4.

### میرزا فتح الله ثقهالاسلام تبریزی

(ح 1316-1404 ق)

حاج میرزا فتح الله فرزند علامه میرزا محمد و نوه میرزا موسی ثقهالاسلام تبریزی، از دانشمندان و معاریف بود. وی در حدود سال 1316 ق در تبریز دیده به جهان گشود.



پدرش میرزا محمد از دانشمندان و معاریف تبریز بود. در سال 1292 ق در تبریز متولد گردید مقدمات و سطح را نزد پدرش میرزا موسی و برادرش شهید میرزا علی ثقه‌الاسلام به پایان برد. و در سال 1321 ق به عتبات عالیات رفت و ابتدا در کربلای معلا توقف کرد و از محضر شیخ علی بفرئی یزدی (قوانین و بخشی از شرح لمعه)، شیخ عبد الهادی مازندرانی (مکاسب) و سید مرتضی هندی (حکمت) بهره مند شد.

در حدود سال 1328 ق به نجف اشرف رفت و از محضر آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، شیخ عبد الله مازندرانی، شیخ الشریعہ اصفهانی، ملا علی محمد نجف آبادی (حکمت) و شیخ محمد اسماعیل محلاتی (مدت کمی) استفاده نمود و در اواخر سال 1331 ق وارد تبریز شد و از ارکان مردمی به شمار آمد.

از آثار او: سوانح عمری یا آثار تاریخی، که در سال 1380 ق به چاپ رسید.

متأسفانه تاکنون معلوماتی از فرزند ایشان بدستمان نرسید، فعلا به همین اشاره اکتفا می کنیم.

میرزا فتح الله در 2 اردیبهشت 1363/ ش درگذشت. پیکرش در قبرستان ابو حسین قم مدفون گردید.

### شیخ فتح الله شهیدی قزوینی

#### اشاره

(1300-1377 ق)

حاج شیخ فتح الله فرزند علامه شیخ صادق و نوه آیت الله شیخ محمد تقی برغانی قزوینی (شهیدی)، در سال 1300 ق در قزوین دیده به جهان گشود.

تحصیلات عالی خود را در قزوین نزد میرزا هدایت الله شهیدی، و در نجف اشرف نزد آیات: ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعہ اصفهانی به انجام رسانید، و پس از بازگشت به قزوین در سال 1332 ق به تدریس اشتغال نمود.

ص: 1249

## از آثار او:

1- الفقه، در چند جلد.

2- قاعده لا ضرر و لا ضرار.

3- تقریرات اصول خراسانی.

4- تقریرات فقه یزدی.

سرانجام در روز جمعه 29/ربیع ثانی 1377/ق مطابق با اول/آذر/ 1336 ش به سن 77 سالگی در قزوین درگذشت، جسدش به قم حمل و در قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

نواده ایشان جناب آقای دکتر مهدی شهیدی (متولد 1355 ق) ساکن تهران، و دارای تألیفاتی چون: 1- سقوط تعهدات 2- ارث 3- تعهدات، می باشد.

## -منابع

1- الاجازه الکبیره 122.

2- مستدرک اعیان الشیعه 201/6.

3- نقباء البشر 865/2.

4- نقباء البشر (خطی).

## سید فخر الأعلام آیت اللهی شیرازی

## اشاره

(ح 1407 ق)

حاج سید فخر الأعلام آیت اللهی فرزند آیت الله سید عبد الباقی و نوه میرزا محمد باقر موسوی شیرازی، از فضلالی معاصر بود.

وی که نواده دختری آیت الله سید عبد الحسین موسوی لاری بود، در یک خاندان علمی و عریق در شیراز به دنیا آمد. پدرش از مشاهیر علمای شیراز بود. به نقباء البشر 1021/3 رجوع شود.

ص: 1250

فخر الأعلام پس از فراگیری مقدمات، به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و سطح را به انجام رساند. دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات:

سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید شهاب الدین مرعشی استفاده نمود.

ایشان به فعالیت های دینی، از قبیل اقامه جماعت در یکی از مساجد خیابان راه آهن قم و ارشاد و هدایت عامه اشتغال داشت.

نامبرده در حدود سال 1407 ق در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در جوار علی بن جعفر علیه السلام به خاک سپرده شد.

### -منابع-

1-اطلاعات متفرقه.

2-گنجینه دانشمندان 54/2.

### سید فخر الدین فیض دزفولی

### اشاره

(1311-1394 ق)

حاج سید فخر الدین فرزند علامه سید محمد علی و نوه سید عبد الله موسوی فیض دزفولی.

فرزند برومندش حجه الاسلام آقای حاج سید علی فیض شرح مبسوطی از زندگانی آن مرحوم نوشته به این شرح است: ایشان در 23/جمادی اول 1311 ق از

ص:1251

مرحومه علویه بی بی ساره بیگم صبیّه مرحوم حجه الاسلام و المسلمین سید محمّد صادق دزفولی فرزند سید محمّد علی که برادر عالم عامل عارف آسید صدر الدین کاشف دزفولی صاحب تألیفات عدیده در اخلاق و سیر و سلوک بودند متولد شده و پس از تکمیل مقدمات نزد آقا بزرگ بیگدلی، قسمتی از سطوح را در محضر مرحوم آیت الله شیخ محمّد مهدی بیگدلی دزفولی و مرحوم آیت الله آقا سید عبد المهدی داعی و شیخ محمّد سبط الشیخ انصاری دزفولی استفاده نموده، و هم از محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ محمّد رضا معزی دزفولی و آیت الله سید ابو القاسم موسوی دزفولی (پسر عموی) خود بهره مند شده، و پس از فوت مرحوم والدش آیت الله آقا سید محمّد علی به امر و وصیت آن مرحوم به امامت مسجد و تدریس و تسجیل معاملات و خدمات دینی پرداخته، و هم فصل دعاوی و خصومات می نمودند که شرح و بسط آن بسیار و موجب اطناب است.

آن جناب سفری به اعتبار عالیات جهت زیارت و شرکت در درس آیات عظام و مراجع فخام نجف و ملاقات برادر ارجمند و بزرگتر خود مرحوم حجه الاسلام و المسلمین آیت الله حاج سید اسد الله فقیه دزفولی که مقیم نجف اشرف بودند نموده، و در درس مرحوم آیت الله (سید محمّد فیروزآبادی و مرحوم آیت الله شیخ محمّد حسین نائینی و آیت الله شیخ ضیاء الدین عراقی و آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی) (قدس الله اسرارهم) شرکت و با دریافت اجازه اجتهاد به دزفول مراجعت نمودند.

ص: 1252

معظم له با چند نفر از علماء ربانی که صاحب مقامات معنوی بودند، مانند مرحوم آیت الله آشیش حسین آستانه ای (صاحب مدرسه علمیه در آستانه لاهیجان)، و مرحوم حجه الاسلام عارف و عالم ربانی (دائی پدر خود) حاج سید حسین ظهیر الاسلام دزفولی، و مرحوم عالم عامل و عابد کامل حجه الاسلام حاج شیخ حسنعلی اصفهانی (نخودکی) روابط معنوی داشتند.

آن مرحوم علاوه بر مقامات فقهی، اطلاعات بسیاری از طب قدیم و گیاه شناسی داشت، که آن را از دائی خود مرحوم سید محمد علی سید الحکماء که قریب پانزده سال در هندوستان به تحصیل طب و گیاه شناسی اشتغال داشت فراگرفته بود.

و به اذکار و اوراد و توسلات و تزکیه اخلاق اعتقاد و اهتمام تام داشت.

در سال 1361 ق برای امر خیر برادرش مرحوم حجه الاسلام سید محمد مهدی ضیائیان به تهران آمده و روی جهاتی بنا بر توقف و توطن گذارده، و قریب ده سال در مسجد حاج ابو الفتح سه راه نایب علی واقع در جنب خیابان مولوی به اقامه جماعت و ترویج دین پرداخته، سپس آنجا را ترک و در مسجد حجتیه مقابل منزل خود به امامت مشغول و در این اواخر به واسطه کسالت و ضعف مزاج و ضیق نفس از رفتن مسجد محروم و در زمستان به اهواز مسافرت، تا در پنجشنبه 12 ذی حجه الحرام 1394/ ق مطابق با 5 دی 1353/ ش داعی حق را لبیک گفته و پس از تشییع عظیمی از دزفول وطن و زادگاهش بنا بر وصیتش، حمل به قم و در وادی السلام در آرامگاه مرحوم حجه الاسلام حاج سید محمد مهدی ضیائیان دزفولی دفن گردید.

و مجالس عدیده ای در قم و تهران و دزفول و اهواز و غیره برای او گذارده شد.

آن مرحوم از غالب مراجع قم مانند: مرحوم آیت الله بروجردی و آیت الله حجت و آیت الله خوانساری و آیت الله صدر و دیگران اجازه روایتی و امور حسبیه داشتند.

## فرزندانش:

1- سید علی 2- محمد علی 3- محمد رضا 4- محمد

## -منابع

1- خاندان سادات گوشه 346.

2- گنجینه دانشمندان 525/4 و 58/6.

## سید فخر الدین قمی «سیدی»

## اشاره

(1281-1363 ق)

حاج سید فخر الدین فرزند سید ابو القاسم شیخ الاسلام فرزند سید محمد رضا فرزند سید ابو طالب حسینی (داماد میرزای قمی صاحب «قوانین الاصول»)، از شیوخ علمای قم و از معاریف عصر خود، خواهر علامه سید ابراهیم تهرانی «لاله زاری» را به همسر انتخاب کرده، ملقب به طاهری و سیدی می باشد.

در سال 1281 ق (سال وفات شیخ انصاری) در قم دیده به جهان گشود.

پس از نمو و رشد و طی مقدمات مدت زمانی از محضر آیت الله سید صادق روحانی مقداری سطوح تلمذ کرد، و آن را در تهران نزد آیت الله شیخ محمد حسن آشتیانی به انجام رسانید، مدتی هم در اصفهان نزد آقا منیر الدین تحصیلاتی داشته است. سپس به عتبات عالیات عزیمت نمود. ابتدا در نجف اشرف از محضر آیات:

ص: 1254

میرزا حبیب الله رشتی، آقا رضا همدانی، شیخ محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعة اصفهانی استفاده نموده و بعدا به سامرا هجرت نمود، و از محضر آیات: سید محمد حسن شیرازی و سید محمد فشارکی اصفهانی به مدت 6 سال بهره مند گردید. آنگاه در سال 1317 ق به زادگاه خود بازگشت، و به تدریس سایر کتب سطوح مانند: شرح لمعه، قوانین، مکاسب و رسائل و نیز کتابهای مسالک الافهام و ریاض المسائل اشتغال داشت، و عده ای از محضر وی استفاده نمودند.

وی دارای اجازاتی است از: میرزا حسین خلیلی تهرانی، میرزا محمد تقی شیرازی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بود.

## نقل یک داستان

فاضل ارجمند جناب آقای سید حسن سیدی فرزند مترجم له داستانی از پدر خود برای نگارنده نقل کردند که اینجا ثبت می گردد:

شبی از خواب بیدار شدم در حالی که اشتیاق زیادی جهت زیارت حرم مطهر حضرت عسکرین علیهما السلام در درون خودم احساس می کردم، و با اینکه می دانستم نیمه شب درب بسته است، مع ذلک در اثر اشتیاق مذکور بیرون رفتم، منزل ما که در کوچه های پر خم و پیچ بود، در یک دهلیز صدایی شنیدم، ابتدا فکر کردم صدای یک حیوانی باشد ولی بعدا منکشف شد که صدای یک انسان است، نزدیک شدم، دیدم که مشغول عبادت و ذکر الله است، نزدیک تر که شدم معلوم شد که آیت الله (آخوند ملا فتحعلی عراقی) نشسته و مشغول عبادت است.

از ایشان پرسیدم: چرا اینجا را انتخاب کردید؟

فرمودند: اشتیاق زیادی جهت زیارت حرم پیدا کردم ولی در وسط راه را گم کردم و به اینجا رسیدم، به همین خاطر مشغول نافله شدم تا اینکه فرجی پیدا شود.

بعد همراه ایشان به سمت حرم رفتیم تا اینکه درب حرم را باز کردند.

ص: 1255

## از آثار او:

1- الفروق بين النافله و الفريضة، 2- رساله في الارث.

سرانجام در روز دوشنبه / 3 شعبان 1363 / ق مطابق با / 2 مرداد 1323 / ش به سن 82 سالگی در قم درگذشت، و در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام در جوار قبر آیت الله حائری یزدی به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

1- سید علی محمد 2- سید محمد 3- علامه سید عبد الحسین 4- سید حسن، در سال 1330 ق در قم دیده به جهان گشود، مقدمات را نزد میرزا علی حکمی ناسوتی و سطوح را نزد میرزا محمد همدانی تلمذ کرد، و خارج را از محضر آیات:

حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی (2 سال)، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد همدانی، شیخ محمد علی شاه آبادی و سید حسن طباطبائی بروجردی استفاده نمود، و فعلاً در (مسجد حاج آقا نقی) در خیابان باجک قم به اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال دارد.

و سه داماد داشت که عبارتند از:

1- آیت الله سید ابو الحسن روحانی قمی (فرزند سید صادق).

2- علامه شیخ حبیب الله فقیه مازندرانی.

3- میرزا محمد تقدیری.

## -منابع-

1- آثار الحججه 219/1.

2- آینه دانشوران 150.

3- اعیان الشیعه 269/2 (در ذیل ترجمه میرزا ابو طالب قمی).

4- افادات دانشمند محترم آقای سید حسن سیدی (فرزند صاحب ترجمه).

5- الاجازه الکبیره 123.

ص: 1256



6-المسلسلات في الاجازات 179/2.

7-تاريخ قم 279.

8-رجال قم 138.

9-گنجینه دانشمندان 177/2.

10-نقباء البشر (خطی).

11-هدیه الرازی 180.

### شیخ فخر الدین محسنی بروجردی

#### اشاره

(-1377 ق)

حاج شیخ فخر الدین محسنی جنانی فرزند علامه ملا محسن نوه آیت الله شیخ عبد الرضا بروجردی.

وی پس از طی تحصیل مقدمات و سطوح نزد پدرش و سایرین، خارج را از محضر آیت الله شیخ محمد حسین غروی بروجردی استفاده نمود و جزو فضلا درآمد.

محسنی در سال 1377 ق مطابق با 1337 ش در بروجرد درگذشت، و جنازه اش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ-در مقبره استادش غروی-مدفون شد.

دامادهايش عبارتند از: آیت الله شیخ محمد غروی (فرزند شیخ محمد حسین) و علامه شیخ عبد الکریم تیری بروجردی.

#### -منبع

1-تاریخ بروجرد 567/2.

### میرزا فخر الدین نراقی کاشانی

#### اشاره

(-1325 ق)

حاج میرزا فخر الدین فرزند علامه شیخ محمد و نوه آیت الله ملا احمد (صاحب مستند الشیعه) نراقی کاشانی، از فقها و دانشمندان کاشانی

بود.

ص: 1257

پدرش ملا محمد نراقی متخلص به «صاحب» متولد 1215 ق در کاشان و متوفای سال 1297 ق در همان جا درگذشت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد. از آثار او: 1- مشارق الأحكام فی الفقه 2- انوار التوحید فی الحکمه الالهیه 3- المرصد فی اصول الفقه 4- مثنوی صاحب.

میرزا فخر الدین از علمای کاشان و تحصیلات خود را در آن سامان به پایان برد.

## از آثار او

1- شرح قواعد الأحكام، در پنج جلد.

2- فریده الأحكام (منظومه فقهیه).

وی در 25/شوال 1325/ق درگذشت. پیکرش در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد. علامه شیخ شهاب الدین نراقی (متوفای 1350 ق) فرزند اوست.

## -منابع

1- الذریعه 22/14 و 222/16.

2- نقباء البشر 73/1 (فوتش را در سال 1319 ق ثبت کرده است) و 846/2 (سال مرگش را، 1335 ق آمده است).

3- نقباء البشر (قسمت خطی).

شیخ فرج الله کاظمی «هرسینی»

## اشاره

(1304-1382 ق)

حاج شیخ فرج الله کاظمی هرسینی از علماء بزرگ معاصر کرمانشاه بوده اند، آن مرحوم در سال 1304 ق در (نورآباد) لرستان به دنیا آمده، و تا پانزده سالگی در آن سامان بسر برده و پس از ملاقات میهمان دانشمندی که با او کتاب (معراج السعاده) مرحوم نراقی بوده وی به دیدن آن کتاب دل از دنیا کنده، و به خصوص از وضع خانواده خود که صدها سال ریاست عشایری و خوانینی آن محیط را داشتند نگران

ص: 1258

و نازاحت شده و از بستگان و کسان خود فاصله، و مدت سه سال با آنها مبارزه و بر تحمیلات و فشارهای آنها صبر نموده، تا سال 1322 ق از آن فضا و مرکز جهل و ضلالت که یک نفر روحانی و اهل علم نداشتند فرار به هرسین نموده، و از آنجا به کرمانشاه و پس از بیرون آمدن از لباس خان زادگی و پوشیدن لباس ساده با قافله به سمت عراق رفته و در کربلا ساکن گردیده، و حدود سه سال مقدمات را در آنجا تحصیل و پس از آن مشرف به سامرا شده و در شمار ملازمین و خواص اصحاب و تلامذۀ آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی درآمد و از محضرش استفاده نموده، تا موقع جنگ بین المللی که به کربلای معلی مهاجرت نمودند، ایشان هم در ملازمت معظم له به کربلا آمده و تا بعد از فوت ایشان سال 1338 ق به نجف اشرف عزیمت، و از اساتید و مدرسین آن زمان چون: شیخ احمد کاشف الغطاء و سید ابو الحسن اصفهانی استفاده نموده است.

در سال 1351 ق که به ایران مراجعت، و در لرستان و هرسین و اطراف آن و کرمانشاه مشغول تبلیغ و ترویج و تشویق طلاب و محصلین گردیده و عده ای طلبه تربیت و اعزام نموده، و خود شب و روز با خوانین ظلم و جور لرستان مبارزه و مخصوص با فرقه ضالۀ علویون و غلات نورآباد و نواحی کرمانشاه مناظره ها نموده، و حدود صدها نفر را ارشاد و از ضلالت نجات داد.

در سال 1371 ق برای معالجه و کسالت به تهران وارد و پس از چند ماه به قم عزیمت و رحل اقامت افکنده و حدود ده سال توقف تا در اواخر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی بنا بر اصرار و تقاضای مردم کرمانشاه به آن سامان مهاجرت و تا پایان عمر در یکی از مساجد معروف شهر که برای ایشان بنا نموده بودند به اقامۀ جماعت و ارشاد مردم پرداخته، تا سال 1382 ق که به رحمت ایزدی واصل گردید.

آن مرحوم دارای چهار فرزند ذکور و نه فرزند اناث می باشند که از فرزندان ذکور

دو نفر اهل علم هستند:

1- حاج شیخ محمد کاظم کاظمی مومندی.

2- شیخ علی کاظمی، نویسنده.

### - منابع

1- آثار الحججه 59/2.

2- گنجینه دانشمندان 371/6.

### فضل الله آرتا

### اشاره

(-1372 ق)

تیمسار و سرتیپ، مدیر پلیس تأمینات شهربانی کل کشور بود.

شرح حالش در کتاب زندگینامه رجال و مشاهیر آمده است، به آن رجوع شود.

وی در 2/آبان 1331/ ش در تهران درگذشت. پیکرش در قم دفن گردید.

### - منبع

1- روزنامه اطلاعات، به تاریخ 3/آبان 1331/ ش، ص 8.

### سید فضل الله خوانساری

### اشاره

(1330-1401 ق)

سید فضل الله فرزند آیت الله سید علی اکبر و نوه سید محمد مهدی و موسوی خوانساری، که لقب «فرید» هم داشت. از فضلا و معاریف تهران بود.

در سال 1330 ق در خوانسار دیده به جهان گشود.

پدرش از مشاهیر علمای خوانسار بود و تحصیلات عالی خود را در نجف اشرف نزد میرزا محمد حسن شیرازی به پایان رساند و به امر ایشان بود که به خوانسار مراجعت نمود و در «بیدهند» توقف کرد و به تدریس علوم اسلامی اهتمام ورزید. وی در جمادی اول 1342/ق در بیدهند خوانسار درگذشت و در

ص: 1260

کنار یکی از مساجد همان جا به خاک سپرده شد.

سید فضل الله مقدمات را در خوانسار و اصفهان به پایان برد و در سال 1347 ق به حوزه علمیه قم پیوست و سطح را نزد آیات: سید احمد خوانساری و سید محمد تقی خوانساری بهره مند شد و دروس خارج را از حضرات آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی (مدت کوتاهی)، سید محمد حجت کوه کمری، میرزا محمد قمی (کبیر) و سید احمد خوانساری و حکمت متعالیه را از علامه شیخ محمد علی شاه آبادی استفاده نمود.

وی از جمله کسانی بود که سعی و جدیت زیادی نمود، جهت انتقال آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی از بروجرد به قم، که در این راه توفیق یافت.

ایشان در سال 1365 ق قم را به سوی تهران ترک گفت و در مسجد حضرت سجاد علیه السلام به اقامه جماعت و ارشاد و نیز تدریس اشتغال پیدا کرد و خدمات زیادی جهت اعتلای احکام مذهب نمود. او از جمله کسانی بود که بعد از تبعید آیت الله خمینی به ترکیه از سوی علما موفق شد از ایشان در ترکیه دیدن نماید.

سرانجام در روز اول/ذی حجه 1401/ ق در سن 71 سالگی در تهران درگذشت. پیکرش به قم حمل و پس از ادای نماز توسط آیت الله گلپایگانی در -مسجد طباطبائی- حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

مرحوم سید فضل الله که خواهرزاده آیت الله سید احمد خوانساری بود، به افتخار دامادی اش نیز درآمد و دارای فرزندان چو 1-دکتر رضا 2-سید مهدی خوانساری و دو دختر گردید.

## -منابع

1- آثار الحجه 264/2.

2- آینه دانشوران 254 و 497.

3- فرزندگان خوانسار 63.

ص: 1261

(1302-1373 ق)

میرزا فضل الله ملقب به «شیخ الاسلام» فرزند علامه شیخ نصر الله و نوه میرزا عبد الرحیم زنجانی، از علمای بزرگ و صاحب فنون متعدد بود و برادر ارشد علامه میرزا ابو عبد الله زنجانی است.

وی در 23/شوال 1302/ق در زنجان دیده به جهان گشود.

شیخ ابو عبد الله زنجانی

پس از رشد به تحصیل علوم دینی اشتغال پیدا کرد و سطح را نزد علامه میرزا عبد الله زنجانی (کاوندی) - متوفای 1327 ق و حکمت را نزد میرزا عبد المجید زنجانی (حکمی) آموخت.

نامبرده همراه برادر خود در سال 1331 ق به نجف اشرف رهسپار شدند و دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید محمد فیروزآبادی و شیخ ضیاء الدین عراقی و مدت کوتاهی در کربلا از محضر میرزا محمد تقی شیرازی بهره مند شد.

وی دارای اجازاتی از: سید حسن صدر کاظمی، سید محمد فیروزآبادی، سید ابو الحسن اصفهانی و سید محمود شکری آلوسی بغدادی (از اهل تسنن) بود.

استاد مهدی مجتهدی در کتاب خود «رجال آذربایجان» درباره اش می نویسد:

(آقای شیخ الاسلام زنجانی، از اجله علمای معاصر و در عالم اسلام دارای

ص: 1262



شهرت و معروفیت است. کتابخانه او دارای نسخه های نفیس است که به رایگان در اختیار فضیای ایران و عراق قرار دارد، با اینکه از عمرش خیلی گذشته مشغول افاضه و استفاضه است).

## از آثار او

- 1- الردّ علی الفلاسفه فی الواحد البسیط.
  - 2- زنجان فی التاریخ، در سه جلد.
  - 3- تأصل الماهیات فی التحقق.
  - 4- تعلیقه علی اوائل المقالات (از شیخ مفید).
  - 5- تعلیقه علی حاشیه البهبهانی علی منهج المقال.
  - 6- حاشیه علی المنظومه (قسم المنطق فقط).
  - 7- حاشیه علی رساله حدوث العالم (از ملا صدرا).
  - 8- حاشیه علی شوارق الالهام.
  - 9- رساله فی اثبات اصاله الماهیه.
  - 10- رساله فی أن الواحد لا یصدر عنه الواحد.
  - 11- رساله مسأله الکرّ و الجمع بین الروایات فی تحدیده.
  - 12- شرح المنظومه.
  - 13- علم الکلام و تاریخه فی الاسلام.
  - 14- شیخ الاسلام در روز یکشنبه 15/ رجب 1373/ ق مطابق با اول/ فروردین 1333/ ش در سن 71 سالگی در تهران دار فانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در وسط قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.
- میرزا ابو عبد الله زنجانی که از علمای مشهور جهان اسلام است برادر میرزا فضل الله می باشد.
- وی در سال 1309 ق در زنجان متولد گردید و در روز پنجشنبه 7/ جمادی الثانی/

1360 ق مطابق با 12 تیر 1320 ش در سن 51 سالگی در زنجان وفات یافت و در قبرستان بالا به خاک سپرده شد.

میرزا ابو عبد الله از جمله شاگردان: میرزا ابراهیم ریاضی در زنجان و حضرات آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی در نجف اشرف بود.

از جمله آثار قلمی اش: 1- تاریخ القرآن 2- زندگانی محمد صلی الله علیه و آله و سلم 3- شرح حال ملا صدرا شیرازی 4- طهاره اهل کتاب 5- عظمت حسین بن علی علیه السلام 6- فلسفه حجاب.

جهت اطلاع بیشتر به شرح حال میرزا ابو عبد الله، به کتابهای زیر مراجعه شود:

1- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 2، 81- نقباء البشر 3، 52/1- تاریخ زنجان 4، 146- مجله کیهان اندیشه، شماره 66.

### - منابع

1- الاجازه الکبیره 127.

2- الفهرست لمشاهیر علماء زنجان 85.

3- المسلسلات فی الاجازات 358/2.

4- أعیان الشیعه 407/8.

5- تاریخ زنجان 405.

6- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 82.

7- علماء معاصرین 224.

8- مصفی المقال 364.

9- مؤلفین کتب چاپی 871/4 (تولدش را در سال 1303 ق دانسته است).

10- نقباء البشر (قسمت خطی).

11- وفيات علماء 698.

ص: 1264

(1349-1406 ق)

حاج شیخ فضل الله محلاتی فرزند حاج غلامحسین مهدی زاده (متوفای اواخر/تیر 1358 ش).

در سال 1349 ق مطابق با 1309 ش در شهرستان محلات دیده به جهان گشود.

پس از رشد و نما به تحصیل علوم دینی روی آورد و در حسینیه شهر محلات حجره ای گرفت و زندگی نوینی در سلک طلبی آغاز کرد و دروس مقدماتی را به پایان برد. در سال 1364 ق مطابق با 1324 ش به حوزه علمیه قم رهسپار شد و دروس سطح را نزد شیخ محمد صدوقی یزدی و میرزا علی مشکینی فراگرفت و دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد تقی خوانساری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید روح الله خمینی و در حکمت و تفسیر قرآن مجید از محضر سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» بهره مند گردید.

### سوابق مبارزاتی

آشنایی و همکاری با فدائیان اسلام، دستگیری و تبعید به مشهد مقدس (1332 ش)، شرکت در مبارزات آیت الله خمینی در سال 1342 ش، در سال 1351 دستگیر و زندانی شد. معاون کمیته مرکزی انقلاب، تلاش جهت راه اندازی و

ص: 1265

شکل گیری جامعه روحانیت مبارز تهران و انتخاب به عنوان اولین دبیر جامعه روحانیت، نماینده آیت الله خمینی در مراسم حج سال 1358 ش، نماینده مردم محلات و دلیجان در اولین دوره مجلس شورای اسلامی، نماینده آیت الله خمینی در سپاه پاسداران، حضور مداوم در جبهه های جنگ.

محلاتی در تاریخ اول/اسفند1364/ ش به همراه جمعی از نمایندگان مجلس و مسئولین قضایی کشور که با یک فروند هواپیما عازم جنوب بودند، در حوالی اهواز مورد اصابت موشک قرار گرفت و منفجر شد. پیکرش به قم حمل و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## شیخ فضل الله ناصری الیگودرزی

### اشاره

(1315-1397 ق)

شیخ فضل الله ناصری ملقب به «ناصر الاسلام» فرزند عباس بربرودی الیگودرزی، از فضلا و اساتید گرانقدر حوزه بود.

او در سال 1315 ق مطابق با 1276 ش در قریه «گندمیّه» بربرود الیگودرز، متولد گردید. پس از طی دوره کودکی به اراک رفت و مقدمات و سطوح را به انجام رساند و پس از سال 1340 ق به قم عزیمت نمود و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سایرین خارج فقه اصول استفاده کرد، سپس به الیگودرز مراجعت و به ارشاد و ترویج مذهب پرداخت.

ناصری در روز شنبه 29 ذی القعدة 1397/ ق مطابق با 21/آبان1356/ ش در سن 82 سالگی در الیگودرز درگذشت، و در جوار امامزاده احمد بن موسی کاظم علیه السلام-واقع در مقابل مزار حضرت علی بن جعفر-قم مدفون شد.

### -منبع

1- گنجینه دانشمندان 272/8.

ص: 1266

(1259-1327 ق)

حاج شیخ فضل الله فرزند ملا عباس نوری کجوری مازندرانی، از فقها و اساتید به نام و مدافعان راه فضیلت بود.

وی در 2/ ذی الحجه 1259/ ق (یا 1258 ق) در نور مازندران متولد گردید. مادرش همشیره محدث گرانقدر آیت الله میرزا حسین نوری (صاحب مستدرک الوسائل) بود و بعدا داماد دایی خود شد.

شیخ فضل الله پس از آموختن مقدمات در ایران، رهسپار نجف اشرف شد و نخست جزو شاگردان آیت الله شیخ راضی نجفی درآمد، سپس از محضر آیات: میرزا حبیب الله رشتی و میرزا محمد حسن شیرازی، بهره برد. پس از مهاجرت میرزا به سامرا در سال 1292 ق وی همراه میرزا حسین نوری، جزو اولین کاروان مهاجران به سامرا بودند.

او، از بزرگان شاگردان میرزای شیرازی و از افراد مورد وثوق وی بود، و درس میرزا را به رشته تحریر درآورد.

مرحوم نوری، در حدود سال 1300 ق به تهران بازگشت، و از جمله معارف علما و مجتهدان و فقها و محدثان و مدرسان این شهر، به شمار می آمد. در جنبش تنباکو، حضور فعال داشت و با میرزا محمد حسن آشتیانی همکاری کرد.

شیخ فضل الله نوری، از نظر علمی و فقهی و اجتماعی مورد توجه عالمان

ص: 1267

راستین بود. علامه امینی، درباره ایشان می نویسد:

«او، امام و رهبر روحانی و پیشوای دینی بود که شعائر الهی را پاس می داشت و به نشر اندیشه و آثار دینی می پرداخت و در اعتلای حق می کوشید. وی، از رجال بزرگ اسلام و مسلمانان و پرچمدار علم و دین به شمار می آمد و از بزرگترین رهبران روحانی زمان خویش در تهران بود.».

وی، به نشر مسائل اسلامی اهتمام می ورزید و کتابهایی از خود به یادگار گذاشت که عبارتند از:

1- منظومه عربی «الدرر التنظيم» در قواعد کلی فقه.

2- رساله ای در قاعده ضمان ید.

3- رساله ای در مشتق، این رساله قسمتی از تقریرات درس میرزای شیرازی است که در سال 1305 ق در تهران چاپ شده و در سال 1404 ق ضمن مجموعه رسائل، تجدید چاپ گردید.

4- رساله تحریم استطراق حاجیان از راه جبل به مکه معظمه، چاپ تهران 1320 ق.

5 و 6- دو رساله عملیه، مشتمل بر فتاوی میرزای شیرازی: یکی دارای 236 مسأله، و دیگر حاوی 60 مسأله که میرزای شیرازی بدانها پاسخ داده است.

7- بیاض، مشتمل بر دعا و ذکر.

8- صحیفه قائمیه، مشتمل بر دعاهایی که از ناحیه مقدسه امام زمان عجل الله فرجه نقل شده است.

9- تذکره الغافل و ارشاد الجاهل.

10- شصت مقاله.

ایشان، به نشر کتابهای مذهبی، بخصوص کتابهای دعا، اهتمام می ورزیده و کتابهایی با حاشیه و نظارت ایشان، به چاپ رسیده است، از جمله: تحفه الزائر و زاد المعاد علامه مجلسی، اقبال سید ابن طاوس و مصباح کفعمی.

ص: 1268

شیخ فضل الله نوری، با آغاز نهضت مشروطه، با علمای مشروطه خواه:

سید عبد الله بهبهانی و سید محمد طباطبائی سنگلجی، همراه بود و در هجرت اعتراض آمیز آنان به قم، حضور داشت.

وی، در روز 26 جمادی الاولی / 1324 ق به سوی قم کوچ نمود و در حسن آباد، به طباطبائی، بهبهانی و سید جمال افجه ای ملحق شد.

همراهی وی با روحانیان و آزادی خواهان، موجب تضعیف دولت گردید، و بر قدرت عدالت خواهان افزود. دستاورد این هجرت عظیم و تاریخی، صدور فرمان مشروطه و رسمیت یافتن آن از طرف شاه بود.

سید حسن تقی زاده، که مخالف سرسخت حضور روحانیان و مذهب در صحنه سیاست بود، شیخ شهید را از مؤسسان مشروطه می داند و در این باره می نویسد:

«آن مرحوم، در ابتدا با دو عالم بزرگ دیگر، متحد بوده و از مشروطیت دفاع می نمود و مقامات علمی عالی او، وی را مؤثر می کرد. بعدها، بدبختانه اختلاف عقیده پیدا کرد و راه دیگر گرفت».

تقی زاده، در تشریح رد استقراض چهار هزار لیره که قرار بود دولت ایران از روس و انگلیس بگیرد و مجلس اول با آن مخالفت کرد، به نقش شیخ فضل الله اشاره دارد:

«تکیه گاه بزرگ مجلس و مایه قوت و قدرت آن، علمای بزرگ تهران بود که در

رأس آنها آقا سید عبد الله بهبهانی و آقا میر سید محمد طباطبائی و حاج شیخ فضل الله نوری بودند».

بنابه اعتقاد بیشتر مورخان و اعترافهایی که از تقی زاده نقل شد، شیخ فضل الله در آغاز مشروطه با آن مخالف نبوده، بلکه جزو موافقان و مؤثران در آن بوده است.

از این روی، مخالفت بعدی وی با مشروطه و طرح مشروطه مشروعه، برخاسته از شرایط و عللی است که نیاز به تأمل و تعمق دارد.

آیت الله نوری در روز شنبه 13 رجب 1327/ق در تهران به دار کشیده شد و پیکرش در منزل خودش مخفیانه دفن گردید.

### **غسل دادن شهید نوری**

شیخ ابراهیم نوری از شاگردان و بستگان مرحوم شهید نوری که در مدرسه یونس خان عقب خانه حجره داشت، حاضر شد جنازه را غسل دهد. او می گوید:

جنازه را به حمام بردیم. او غسل می داد و من کمکش می کردم.

غسل دادیم و خلعت کردیم و آن را بردیم و در اطاق پنج دری میان دو حیاط کوچک پنهان نمودیم [دفن کردند].

آن وقت آمدیم سر تابوت. تابوت را با سنگ و کلوخ و پوشال و پوشاک خوب پر و سنگین کردیم به طوری که صدا نکند و لحافی هم تا کرده روی آن کشیدیم.

فرزندش حاج میرزا هادی می گوید: یک کاغذی برای متولی سر قبر آقا که از مریدان بود، نوشتم به این مضمون: «نخش پدرم را برای شما فرستادم. از آقایان مجاهدین در حجره خود پذیرائی شایسته بنمائید. دستور بدهید جنازه را ببرند و در قبرستان دفن کنند و صورت قبری بسازند. آن وقت تابوت را به مجاهدین برگردانید تا به معیت همراهان به خانه برگردند».

کاغذ را با سفارشات بدست یکی از آدمها دادم. مجاهدین را صدا کردیم و تابوت قلابی را با ایشان به سر قبر آقا فرستادیم متولی که قضیه را فهمید و به او



فهمانیدند، عینا به مضمون کاغذ عمل کرد.

مجاهدین با تابوت خالی و با مشایعین به خانه برگشتند، بعد خودشان رفتند نظمیه و گزارش کفن و دفن را دادند.

امروز صبح استاد اکبر معمار را آوردیم و درهای اطاق پنج دری را که نعش آقا را دیشب در آن گذاشته بودیم، تیغه کردیم و رویش را گچ کاری نمودیم.

این را بگویم، که روز بعد از شهادت شیخ «پیرم» در نظمیه جشن مفصلی می گیرند و سور و سات فراوانی می چیند و اهل حال هم می روند و خوشحالی زیادی می کنند؟

روزها می گذشت این چیزی نبود که پنهان بماند. کم کم مردم فهمیدند که نعش شیخ در خانه اوست. صبح تا شب همین طور می آمدند و توی دالان پشت دیوار فاتحه می خواندند و می رفتند. کم کم سروصدای بدخواهان بلند شده بود، از گوشه و کنار پیغام می دادند امامزاده درست کرده اید؟

### پس از هیجده ماه

هیجده ماه از شهادت شیخ گذشته بود. معلوم نیست چه نوع حالت سیاسی پیش آمده بود که بازاریها به خیال می افتند بیایند و امانت را بشکافند و جنازه را برداشته دور شهر بیفتند و «وا اسلاما، وا حسینا» راه بیندازند البته پیراهن عثمان برای مقصد خودشان؟ باری دو خطر در کنار بوده، یکی اینکه دولتی ها ناگهان بیایند و جنازه را درآورده به هرکجا که دلشان می خواست ببرند. دیگر خطر بازاریها و تظاهرات احتمالی ایشان، از این جهت بود که پدر من به فکر می افتد جنازه را از خانه خارج کرده به قم بفرستد، محرمانه.

حاج میرزا عبد الله سبوحی واعظ می گوید: یک روز زمستانی بود که خانم مرا خواند. خدمتشان رسیدم، دیدم دختر حاج میرزا حسین نوری زارزار گریه می کند.

گفتم: خانم چه شده؟ گفت: دیشب مرحوم آقا را خواب دیدم که خیلی خوش و

خندان بود. ولی من در همان عالم خواب گریه می کردم. آقا به من گفت: گریه نکن.

همان بلاهایی را که سر سید الشهداء علیه السلام آورده اند، سر من هم آوردند. این ها می خواهند نعش مرا دریاورند، تا درنیاورده اند زودتر جنازه مرا به قم بفرست.

حالا- شما را خواسته ام تا با حاج میرزا هادی کمک بکنید و نعش را هرچه زودتر از این شهر بیرون ببریم و به حضرت معصومه علیها السلام بفرستیم.

شیخ فضل الله نوری/سید محسن عراقی/سید احمد بهبهانی

این بود که همان شب آقا حسین قمی و پسرش آقا نوری را خبر کردیم و با حضور خانم و حاج میرزا هادی و حاج میرزا علی اکبر محرر، صندوق را شکافتیم و نعش را در آوردیم. با اینکه دو تابستان از آن گذشته بود و جایش هم نمناک بود، مع ذلک جسد پس از هیجده ماه همان طور تروتازه مانده بود. جایش نمناک بود برای اینکه پشت کوچه و جوی آب بود. کفن کمی زرد شده بود. این بود که به دستور خانم دوباره کفن کردیم، از نو کفن کردیم و نم‌پیچ نمودیم و همان شبانه آن را از ته دالان و راه سرتون به مسجد یونس خان که پشت خانه بود بردیم. شب آنجا بود. صبح به اسم یک طلبه ای که مرده آن را با درشکه به امامزاده عبد الله علیه السلام بردیم.

در امامزاده عبد الله شب آن را در حجره ای قرار دادیم و شیخ علی اکبر قاری را،

ص: 1272

بالای سر او برای قرائت قرآن گذاشتیم. شب یک نفر ناشناس برای شیخ علی اکبر نان و تخم مرغ و چوب سفید برده بود. زمستان بود.

صبحش جنازه را روی سقف دلیجانی گذاشتیم و به طرف حضرت معصومه علیها السلام حرکت کردیم. در دلیجان من بودم و حاج میرزا هادی بود و آقا حسین و حاج میرزا علی اکبر محرر و برادرش میرزا فضل الله. مشهدی علی هم به پهلوی سورچی نشسته بود. شیخ شهید زمان حیات خود در صحن مطهر برای خودش مقبره ای تهیه کرده بود و یک روزی به سید موسی متولی آن گفته بود: این زمین نکره یک روزی معرفه خواهد شد.

نزدیک قم که رسیدیم از ترس اینکه مبادا شناخته و سروصدا بلند شود.

کاغذی به متولی نوشتیم که زنی از خاندان شیخ فوت کرده، می خواهیم در مقبره دفنش کنیم و به حاج میرزا هادی سپردیم هنگام دفن تو جلو نیا، مبادا قضیه کشف شود، او هم نیامد.

شب جنازه در مقبره ماند، صبح با شتاب تمام قبری به حد نصاب شرعی کردیم فرصت اینکه عمیقش کنیم نداشتیم مبادا ناگهان خبر شوند سروقت ما بیایند.

قبر کننده شد. من در ته قبر رفتم و سر را گرفتم و مشهدی علی پاها را گرفت و در قبر گذاشتیم. مهر تربتی را هم که خانم داده بود زیر سر آقا نهادیم، شما بگوئید نعش پس از هیجده ماه کمترین بوی عفوتی داشت، نداشت. حاج میرزا عبد الله سبوحی واعظ می گوید: من بالا آمدم و خاک ریختم و رفتیم.

### فرزندانش:

1- میرزا هادی 2- شیخ مهدی 3- میرزا ضیاء الدین کیا 4- میرزا جلال الدین کیا و هشت دختر.

### -منابع

1- آینه دانشوران 134.

ص: 1273

2-الاجازه الكبيره 420.

3-المآثر والآثار.

4-أحسن الوديعه 59/2.

5-شهادای روحانیت 114.

6-شهداء الفضيله 354.

7-علماء معاصرین 94.

8-فوائد الرضويه 352.

9-گنجینه دانشمندان 144/1.

10-مجله حوزه، شماره 66، سال 1373 ش، ص 48.

11-معجم المؤلفین 74/8.

12-مكارم الآثار 1605/5.

13-مؤلفین کتب چاپی 861/4.

14-نقباء البشر(قسمت خطی).

15-هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی 144.

### **سید فضل الله هاشمی طالخونچه ای**

(ح 1413-1323 ق)

سید فضل الله هاشمی فرزند سید حسین موسوی طالخونچه ای اصفهانی، از فضلالی معاصر بود.

ایشان متولد حدود سال 1323 ق در طالخونچه اصفهان بود. و پس از فراگیری مقدمات به مدرسه کاسه گران اصفهان رفت و از محضر آیت الله حاج شیخ عباسعلی ادیب در سطوح استفاده نمود، سپس به نجف اشرف عزیمت نموده و از محضر آیات: سید علی علامه فانی اصفهانی و سید ابو القاسم خوئی استفاده نمود و پس از 28 سال اقامت به ایران مراجعت کرد و در قم سکونت اختیار نمود، و تا

ص: 1274

آخر در آنجا زیست.

هاشمی در ضمن در ایام تبلیغ به استان اصفهان می رفت و به وعظ و ارشاد مذهب اشتغال می نمود.

از آثار او: تذکر المتذکرین (در اخلاق).

سرانجام در رجب 1413/ ق مطابق با دی 1371/ ش در پی کسالت، در حدود 90 سالگی در قم درگذشت و در قبرستان باغ بهشت مدفون گردید.

از وی فرزندی به نام سید رضا (اهل علم) و دو دختر به جای مانده است.

**شیخ فضل علی قزوینی**

**اشاره**

(1290-1367 ق)

زندگینامه معظم له به قلم فرزند دانشمندش شیخ محمود شریعت مهدوی تهیه و تنظیم شده، که آن را عینا در اینجا می آوریم:

بسمه تعالی

سماحه الحجه آیت الله الحاج الشیخ فضل علی قزوینی قدس سره.

متولد سنه 1290 ق [در قزوین] متوفی سنه 1367 ق کما فی الذریعه ج 20 ص 258، فرزند مرحوم علامه زاهد بارع تقی مولی ولی محمد قدس سره، در قزوین دوره مقدماتی را در مدرسه صالحیه تکمیل سپس عازم تهران و از اساتید بزرگ بهره مند شده، متوجه حوزه علمیه

ص: 1275

اصفهان شدند، چندی اقامت نموده در بین محصلین مشار بالبنان گردیده، به مقصد نهائی -نجف اشرف- باب علم عزیمت نموده، پس از انتخاب بحث آیت الله مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی در زمره تلامذه مخصوص ایشان قرار گرفته، در مجالس خصوصی و فتوائی حضور داشتند. کفایه الاصول را به نظر معظم له می رساندند [او نیز از محضر آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، و شیخ الشریعه اصفهانی بهره مند گردیده است].

بالاخره حسب الامر استاد خود [در حدود سال 1327 ق] مراجعت به ایران در وطن مألوف مرجع مراجعات عمومی و مرافعات بودند. لکن شدت علاقه به زیارات و بحث و تدریس به طور اغلب در مسافرت بودند. در حوزه علمیه قم [نیز از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده نموده است] و در مشهد مقدس به قدر امکان از ایشان جهت استفادة علمی و معنوی استقبال می نمودند، خاصه آئین علمین همدانین آخوند ملا علی و مرحوم میرزا محمد قدس سره و چون در بعضی علوم اطلاعات داشتند، در مشهد مرحوم حاج شیخ حسن علی اصفهانی [نخودکی] با ایشان روابط حسنه و ممتدی داشت.

تا آنکه در فتنه کشف حجاب (در سال 1314 ش) در منزل آماده پذیرائی بودند، ناگاه یکی از دوستان خصوصی به عجله و هراسان وارد شد، مخفیانه و به طور ناگهانی به ایشان گفت: در فرمانداری بودم نام حضرت عالی و چند نفر از علمای قزوین مطرح شد که برای شرکت در مجلس جشن با همسرشان دعوت خواهند شد. معظم له با حالت اضطراب شدید، ضمناً درسی عملی به سایرین چشم از جمیع ماکان پوشیده، فرار را برقرار اختیار، خانفا یترقب به اسرع وقت پناه به قبر حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام بردند. و حدود 14 سال در آنجا علاوه بر بحث و تدریس، کتب مشروحه زیر را در آنجا تألیف نمودند، سپس به اشتیاق زیارت ثامن الائمه (علیه آلاف التحیه و الثناء) حرکت و در دار الایمان قم منزل حضرت آیت الله آقای حاج سید ابو القاسم روحانی به واسطه انتسابی که داشتند

نازل، مورد احترام بی سابقه همه علما خاصه حضرت آیت الله مرحوم طباطبائی بروجردی زعیم عالی قدر شیعه قرار گرفتند، که در اولین ملاقات در ضمن تجلیل از معظم له تقدیر نمودند، از حق حیاتی که در گذشته در فتنه مسجد گوهرشاد مشهد از فکر ایشان معظم له و حضرت آیت الله بروجردی و هم حضرت آیت الله حاج آقا حسین طباطبائی قمی داشتند که اگر راهنمایی معظم له نبود هر سه در خطر بسیار عظیم واقع شده بودند. بالاخره پس از چند روز اقامت در قم همان طور که آرزوی ایشان بود که زائرا از دنیا بروند به مقصد اصلی نرسیده فوت نمودند (در روز یکشنبه 5 شعبان 1367 / ق مطابق با 23 خرداد 1327 / ش به سن 77 سالگی در قم درگذشت) و در شیخان قم قرب مزار میرزای قمی دفن شدند. عاش سعیدا و مات سعیدا.

### **آثار باقیه ایشان:**

1- سه جلد کتاب مقتل، جلد اول اصحاب حضرت سید الشهداء علیه السلام، جلد دوم احوال و زندگانی خود آن حضرت، جلد سوم بانوان و زنانی که در کربلا حضور داشتند.

2- کتاب الجعفر و المذهب، زندگانی و حالات رئیس مذهب حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) و حالات رؤسای چهار مذهب.

3- شرح خطبه حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام معروف به خطبه لّمّه.

4- مختصری از حالات حضرت معصومه علیها السلام.

بقیه نوشتجات و بعضی کتب دیگر در طول چهارده سال مهاجرت در قزوین دستخوش حوادث گردید بقیه قابل استفاده نبود، مترجم له در سومین دوره مجلس شورای ملی حرم 1333 ق از شهر قزوین به نمایندگی انتخاب و راهی تهران گردید، ولی قبل از انتهای دوره، استعفای خود را تقدیم رئیس مجلس نمود.

ص: 1277

1- آیت الله شیخ محمود شریعت مهدوی که ساکن قزوین بود و یک دختر که همسر علامه سید احمد روحانی قمی بود.

### -منابع

1- آینه دانشوران 320.

2- گنجینه دانشمندان 279/9.

3- مینودر باب الجنه قزوین 76/3 (نام پدرش را ولی الله نوشته که اشتباه است).

4- نقباء البشر (خطی) و 5- الذریعه 258/20.

6- نمایندگان مجلس شورای ملی 350.

### فیض الله سعادت کرمانشاهی

### اشاره

(1326-1385 ق)

فیض الله فرزند اسد الله کرمانشاهی، ملقب به «سعادت».

در سال 1326 ق مطابق با 1287 ش در کرمانشاه متولد گردید.

### خدمات مطبوعاتی

وی خدمات مطبوعاتی را از سال 1305 ش با نویسندگی و سردبیری چند نشریه محلی در کرمانشاه آغاز کرد، و از سال 1328 ش روزنامه «سعادت ایران» را هر 15 روز یک بار در آن شهرستان منتشر ساخت، سپس آن را به تهران منتقل ساخت و سه بار در هفته گردید تا سال 1342 ش منتشر شد.

یکی از سردبیران هفته نامه «فصاحت» منتشر سال 1311 ش در کرمانشاه بود. و نیز سردبیر روزنامه «کوکب غرب» منتشر سال 1308 ش در کرمانشاه بود.

وی چاپخانه سعادت را در سال 1316 ش در کرمانشاه تأسیس کرد، و خدمات فرهنگی شایسته ای کرد.



ایشان در روز جمعه 22 ربیع الثانی 1385/ ق مطابق با 29 مرداد/ 1344 ش درگذشت، و در وسط قبرستان حاج شیخ قم به کد(19284) به خاک سپرده شد.

#### -منابع

1- جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان 336 و 337 و 338 و 412.

2- چهره مطبوعات معاصر 190 و 289.

3- فهرست روزنامه های فارسی 116.

\*\*

ص: 1279



(1400 ق)

حاج شیخ قاسم اسلامی فرزند حاج حسن رجبی، از دانشمندان و سخنوران و مدافعان راستین آئین تشیع در تهران بود.

تولدش در تهران اتفاق افتاد.

وی مقدمات علوم دینی را در تهران نزد شیخ فومنی به پایان برد و در سن 16 سالگی به قم رهسپار شد و دروس سطح را آموخت و خارج را از محضر آیات: سید محمد تقی خوانساری و سید علی یثربی کاشانی و حکمت را از محضر شیخ محمد مهدی مازندرانی «امیرکلائی» بهره مند شد و خود به تدریس سطح پرداخت.

آنگاه به تهران بازگشت و در مدرسه مروی به تدریس خود ادامه داد و در شمیران به ارشاد و هدایت و وعظ اشتغال داشت.

اسلامی مدت چهل و سه سال در مجالس و محافل و نیز بر روی منابر به تبلیغ آئین تشیع اشتغال داشت و بر اثر انتقاد و مخالفت‌های فراوان با رژیم گذشته، پنجاه و یک مرتبه به زندان و تبعید محکوم شد. همین طور شکنجه‌های زیادی در سیاه چالها متحمل گردید.

ص: 1281

## از آثار او

- 1- آتش انقلاب، در ردّ کسروی.
- 2- آغاز جنگ خانوادگی در اسلام.
- 3- اخلاق علوی.
- 4- از بعثت تا رحلت.
- 5- از رحلت تا شهادت.
- 6- اشکی بریز.
- 7- الأبحاث اللاهوتیه.
- 8- الأربعون العلویه.
- 9- الانسان الملكوتی.
- 10- الخلود.
- 11- الكوكب الدرّی.
- 12- امامت در اسلام، دو جلد.
- 13- ایضاح المطالب فی شرح المكاسب، در چند جلد.
- 14- بحث و تحقیق حکم ریش تراشی از نظر اسلام.
- 15- پاسخ دکتر علی شریعتی، دو جلد.
- 16- پدر، مادر پوزش می طلیم.
- 17- پیوند اشک و خون، ناگسستی است.
- 18- ترورچیان عقاید از شین تا شین.
- 19- تشیع یا مکتب نهایی انسان ها، دو جلد.
- 20- تقریرات درس آیت الله خوانساری.

21- تقریرات درس آیت اللہ یشربی.

22- تقلید اعلم.

23- تلفنی از برزخ.

ص: 1282

24- تیسیر الوصول فی شرح کفایه الاصول، در دو جلد.

25- چگونه باز می گردیم؟

26- حجاب در اسلام.

27- خرد داوری کند.

28- خروج خر دجال (در ردّ مردوخ کردستانی).

29- دومین جنگ خانوادگی در اسلام.

30- رساله فی الاستصحاب.

31- رساله فی حجیه الخبر الواحد.

32- رساله فی قاعده لا ضرر.

33- روحانیت.

34- ریشه خیانت های اموی.

35- سخنی چند با علی شریعتی.

36- سومین جنگ خانوادگی در اسلام.

37- شرح الفیه بحر العلوم.

38- شرح اللمعه الدمشقیه.

39- شرح معالم الاصول.

40- شرح منظومه سبزواری.

41- شرحی بر رسائل، در چند جلد.

42- شفاعت.

43- غوغای نافر جام «پاسخ میزگرد».

44- کتاب الطلاق.

45- ما ذا تقضون؟

46- متعه در اسلام.

47- معراج.

ص: 1283

48-مهر تابان در تفسیر قرآن، در 18 جلد.

49-نبرد با شایعه سازی.

50-نظام روحانی و سیاسی در اسلام.

51-وسواس خناس.

مرحوم اسلامی پس از اذان مغرب (ساعت 8/5) روز یکشنبه 14/رمضان/1400 ق مطابق با 5/مرداد/1359 ش و قبل از تناول افطار توسط ضرب دو موتور سوار در درب خانه اش در شمیران-تهران-به شهادت رسید. پیکرش به قم حمل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

### -منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-گنجینه دانشمندان 336/2.

3-مؤلفین کتب چاپی 890/4.

### شیخ قدرت الله وجدانی فخر سرابی

### اشاره

(1417-1351 ق)

شیخ قدرت الله فرزند سیف الله فرزند علی بن حمزه سرابی، معروف به «وجدانی فخر»، در سال 1351 ق مطابق با 1311 ش در روستای «جهیزدان»-از روستاهای شهر سراب، از شهرهای آذربایجان ایران-به دنیا آمد.

چهارده ساله بود که با آغاز سالهای جوانی، در روستای «اسب فروشان»، نزد مرحوم شیخ عبد العلی و مرحوم شیخ یوسف، ادبیات عرب را فراگرفت و سپس به سراب رخت سفر کشید و نزد حجج اسلام شیخ عبد الله حقی و شیخ حسین محدّثی، مقدمات را آموخت و سپس، در طی سفری کوتاه مدّت به تبریز، نزد استادان نامدار آن سامان، شرح لمعه را خواند.

شانزده ساله بود که در سال 1327 ش به شهر مقدّس قم آمد و نزد آیات: سید

ص: 1284



شهاب الدین مرعشی، سید محمد باقر طباطبائی سلطانی، شیخ محمد صدوقی یزدی و میرزا محمد مجاهدی تبریزی - که رحمت خدا بر آنان باد - به فراگیری درس های خارج فقه و اصول را آغاز کرد و از حضرات آیات: سید محمد حجّت کوه کمری (مدت کوتاهی)، سید حسین طباطبائی بروجردی، شیخ عبد النبی عراقی (پدر همسرش)، سید کاظم شریعتمداری، سید کاظم تبریزی، سید روح الله خمینی، سید محمد داماد یزدی، شیخ محمد علی اراکی و دیگر بزرگان حوزه علمیه قم بهره ها برد.

پس از پشت سر نهادن سالها تلاش در راه فراگیری دانش، از حضرات آیات:

شیخ عبد النبی عراقی، مرعشی نجفی، سید ابو القاسم کاشانی و برخی دیگر از اساتید اجازه اجتهاد گرفت که تمامی این اجازه ها به خط و امضای نامبردگان، نزد بازماندگان وی موجود است.

همچنین از بزرگان دین و دانش چون: شیخ عبد النبی عراقی، مرعشی نجفی، سید محسن طباطبائی حکیم، شیخ محمد علی اراکی و سید ابو القاسم خویی اجازه روایت گرفت که این اجازه ها هم همگی به خط و امضای نامبردگان، نزد بازماندگان موجود است.

ناگفته نماند که این استاد ارجمند از همان آغاز دانش اندوزی، به تدریس نیز پرداخته است و پس از گفتن مقدمات، بارها برخی کتاب های درسی حوزه علمیه را به شرح زیر تدریس کرده است:

ص: 1285

1- شرح منظومه منطق و منظومه فلسفه نزدیک به پنج بار، در حرم حضرت معصومه علیها السلام.

2- شرح لمعه (نزدیک به بیست و دو بار، در حسینیه آیت الله مرعشی نجفی).

در اینجا، گفتنی است که آن مرحوم - پس از آنکه چهل و سه سال پیش به بیماری صعب العلاج گرفتار آمد - با خدای خود عهد کرد که اگر شفا یابد، تا آنجا که برایش مقدور است، تدریس شرح لمعه را رها نکند و خداوند سبحان نیز او را که بارها به زیارت بانوی بزرگ اسلام فاطمه معصومه علیها السلام رفت و به آن حضرت متوسل شده بود، شفا داد و او تا روزی که نزد خدایش رفت، تدریس شرح لمعه را که بیش از هفتصد تن از طلاب و فضلا در آن گرد می آمدند، ترک نکرد.

3- رسائل و مکاسب (نزدیک به ده بار، در مسجد اعظم).

4- کفایه الاصول (نزدیک به پنج بار، در مسجد اعظم).

5- تجرید الاعتقاد (چندین بار).

وجدانی فخر در طول عمر پربار خویش علاوه بر تدریس، آثار قلمی ارزشمندی از خود به جای گذاشت که عبارتند از:

1- آداب معاشرت در اسلام (یا راهنمای انس و مودت).

2- اجتهاد در اسلام.

3- الإيضاح فی الطلاق و النکاح (به صورت صیغ العقود).

4- الجواهر الفخریّه فی شرح الروضه البهیّه (در 16 جلد).

5- انوار منطقیّه.

ص: 1286

6- تقریرات درس استادش شیخ عبد النبی عراقی.

7- رساله ای در قاعده لا ضرر.

8- رساله عملیه.

9- فقه استدلالی درباره کسبهای حرام.

10- کار و کوشش.

11- وظائف المکلفین فی الاصول و الفروع من الدین.

این محقق گرانقدر سرانجام در بامداد روز شنبه 27 مرداد 1375/ ش برابر با آغاز ربیع الثانی 1417/ ق در پی سکنه مغزی در بیمارستان خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم تهران، دیده از جهان فرویست و پیکر وی عصر روز یکشنبه در قم تشییع و در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

**- منبع**

شرح حال فوق در روز 13/ رجب 1416/ ق از زبان آن مرحوم در منزل ایشان در قم یادداشت نمودم.

**شیخ قربانعلی ذو القدر زنجانی**

**اشاره**

(1417-1353 ق)

شیخ قربانعلی فرزند لطف علی ذو القدر زنجانی، از مدرسین حوزه علمیه قم بود.

تولدش در 16 ذی حجه 1353/ ق در قریه (خان احمد حصاری) از توابع زنجان اتفاق افتاد.

در سن 6 سالگی به مکتب راه یافت و علوم اولیه را آموخت، در سال 1372 ق به زنجان رفت و پس از دو سال در سال 1374 ق به قم عزیمت نمود، و سطوح را از محضر آیت الله سید محمد باقر طباطبائی سلطانی و سایرین تلمذ کرد، و خارج فقه و اصول را از محضر آیات: سید محمد داماد یزدی، شیخ مرتضی حائری یزدی، میرزا هاشم آملی، و سید محمد رضا گلپایگانی استفاده نمود، در ضمن اسفار را از

ص: 1287

محضر سید محمد حسین تبریزی (علامه طباطبائی)، و شیخ مرتضی مطهری فریمانی بهره مند گردید، سپس خود شروع به تدریس نموده و تا سطوح هم تدریس کرده است.

وی در روز پنجشنبه 8 ربیع الاول 1417/ ق مطابق با 4 مرداد 1375/ ش در اثر بیماری در قم درگذشت، و جسدش روز جمعه تشییع و در قبرستان ابو حسین مدفون شد.

## - منابع

1- خط سوم در انقلاب مشروطیت ایران 411.

2- گنجینه دانشمندان 159/9.

## شیخ قنبر علی توسلی مازندرانی

## اشاره

(1381-1309 ق)

وی در سال 1270 شمسی در روستای کله بست (که از توابع بابل محسوب می شد) در یک خانواده متدین دیده به جهان گشود.

پس از گذراندن آموزش قرآن در مکتب خانه روستا و بخاطر شور و شوق وافری که نسبت به معارف قرآنی داشت، در سن 12 سالگی جهت تحصیل علوم دینی راهی شهر بابل گشته و در مدرسه آستانه از محضر اساتید نامور چون: ملا محمد جان علامه، سید عبد الرسول صدرایی، سید محمد باقر حاجتی، سید محمد تقی عدنانی و سید علی ثقه‌الاسلام بهره های وافر برد.

آنگاه جهت نیل به فیوضات علمی بیشتر به شهر قم مهاجرت کرده و در کنار مرحوم آیت الله شیخ علی موحد از خرمن پرفیض حضرات آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد تقی خوانساری و شیخ ابو القاسم قمی (کبیر) خوشه های فراوان چید و به مراحل بلند علمی دست یافت و با دریافت اجازات متعدد و جهت انجام وظایف شرعیه عازم وطن گشت.

ص: 1288

وی پس از ورود به کله بست به ترویج معارف و احکام نورانی اسلام و تفسیر قرآن و اقامه جماعت در مسجد جامع پرداخت و به تهذیب نفوس مؤمنین کمر همت بست و خدماتش هم اکنون نیز بر سر زبانهاست.

وی عالمی پارسا و دائم الذکر و در عین حال بسیار متواضع و زاهد بوده است و نظراتش در امور مختلف، از جمله حلّ منازعات برای همگان محترم و مورد قبول بوده است.

به ساحت مقدس اهل بیت عصمت و طهارت: شدیداً عشق می ورزید و در هنگام شنیدن مصائب آن بزرگواران به شدت منقلب گشته و با تمام وجود اشک می ریخت.

با آنکه خود عالمی بزرگ و در منطقه صاحب نام بود، اما نسبت به همگان مخصوصاً اهل علم بسیار متواضعانه و با رأفت برخورد می کرد تا آنجا که در بعضی اوقات، شخصا به دیدن طلاب و روحانیون جوان منطقه می رفت.

معظم له در ساده زیستی هم زبانزد مردم بود و با تأسی از ائمه اطهار علیهم السلام با تلاش و کوشش در امور کشاورزی، امرار معاش می نمود.

آن بزرگوار پس از عمری خدمت و تلاش در جهت احیای معارف دین و ترویج احکام نورانی اسلام در سال 1381 ق برابر با 1340 شمسی دار فانی را وداع گفت.

پیکرش پس از تجلیل فراوان از سوی مؤمنین و علمای منطقه؛ به شهر قم منتقل و در قبرستان شیخان مدفون گردید.

#### -منبع

1- آشنائی با فرزندان بابل 346.

#### شیخ قوام اسلامی جاسبی

#### اشاره

(ح 1322-1407 ق)

حاج شیخ قوام (نامش محمد است) فرزند ملا حسین اسلامی جاسبی قمی، از فضلا و نویسندگان حوزه علمیه قم بود.

ص: 1289

تولدش در حدود سال 1322 ق در روستای «بیجگان» از توابع جاسب قم اتفاق افتاد.

در سن جوانی به قم رفت و ادبیات را نزد شیخ محمد علی ادیب تهرانی آموخت. سطح را نزد آخوند ملا علی همدانی تلمذ کرد و دروس خارج را از محضر آیات: شیخ ابو القاسم قمی (کبیر) و حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و اخیراً از محضر سید شهاب الدین مرعشی استفاده نمود.

## از آثار او

1- بشاره المؤمنین در تاریخ قم و قمیین.

2- صراط مستقیم در شرح رساله حقوق (امام سجاد علیه السلام).

3- کرامات حضرت معصومه علیها السلام.

مرحوم اسلامی جاسبی در روز دوشنبه 3 جمادی الاول 1407/ ق مطابق با 13 بهمن 1365/ ش در حدود سن 85 سالگی در قم درگذشت، و پیکرش در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد. وی داماد آیت الله شیخ محمد علی اراکی بود.

## -منابع

1- آینه دانشوران 328.

2- افادات حجه الاسلام شیخ ابو الحسن مصلحی اراکی.

\*

ص: 1290

اشاره

(ح 1338-1420 ق)

حاج سید قوام الدین فرزند علامه سید محمد حسین و نوه سید قوام الدین فرزند سید مؤمن موسوی کلجه ای طارمی زنجانی، از فضیلتی متقی معاصر بود.

نیای ایشان سید مؤمن از کاظمین (عراق) به «کلج» زنجان رفت و آنجا سکونت اختیار نمود. جدش از علما بود.

اما پدرش سید محمد حسین (متوفای 1382 ق) در روستای کلج متولد شد و در قزوین و اصفهان و نجف اشرف تحصیل نمود. وی در سفر زیارتی مشهد مقدس در سال مذکور درگذشت و در قبرستان باغ رضوان مدفون شد.

سید قوام الدین در حدود سال 1338 ق در اصفهان به دنیا آمد. مادرش از سادات معروف «امامی» اصفهان بود. تا سن هشت سالگی در آنجا پرورش یافت، سپس به همراه خانواده اش به زنجان رفت و مقدمات را آموخت. در سن جوانی به قم عزیمت کرد و سطح را خدمت آیت الله سید شهاب الدین مرعشی استفاده نمود.

دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبایی بروجردی بهره مند گردید.

مدت کوتاهی در نجف اشرف بسر برد و از فقهای آن حوزه کهن بهره ها برد.

سپس به قم مراجعت فرمود و مشغول تدریس و تربیت طلاب شد. در اخلاق، سلوک، فروتنی و دیگر ملکات فاضله، سرآمد اقران بود. در وفا و صفا بسیار ممتاز و اسوه ای برجسته برای دیگران بود. طبعی لطیف و روحی شفاف داشت.

ایشان در آستانه رحلت کریمه اهل بیت علیهم السلام حضرت معصومه علیها السلام، سال 1420 ق در اثر کهولت سن در قم بدرود حیات گفت، و در قبرستان حاج شیخ مدفون شد.

-منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-تاریخ زنجان.

ص: 1291

(1325-1418 ق)

حاج شیخ قوام الدین (نامش محمد است) فرزند حبیب الله وشنوه ای قمی، از دانشمندان و فضلا و نویسندگان معاصر حوزه علمیه قم بود.

تولدش در سال 1325 ق مطابق با 1286 ش در روستای بیلاقی «وشنوه» از توابع بخش «کهک» قم اتفاق افتاد.

وی دوران جوانی خود را در آنجا گذراند و در سال 1345 ق جهت تحصیل علوم دینی به قم رفت و مشغول فراگیری ادبیات گردید. در سال 1347 ق به مدت یک سال رهسپار حوزه علمیه نجف اشرف شد و بخشی از شرح لمعه را نزد سید ابو القاسم روحانی قمی و قسمتی از مطول را نزد شیخ مرتضی طالقانی آموخت و در سال 1348 ق به قم مراجعت نمود. و شرح لمعه را نزد سید شهاب الدین مرعشی به پایان برد و پس از سپری کردن دروس سطح، مباحث خارج را ابتدا از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و بعدا از محضر آیات: شیخ محمد علی حائری قمی (اصول فقه)، سید محمد حجت کوه کمری (فقه و اصول)، سید محمد تقی خوانساری (فقه)، سید حسین طباطبائی بروجردی (فقه و اصول) و سید شهاب الدین مرعشی (فقه و اصول) استفاده نمود.

ایشان دارای اجازاتی از حضرات آیات: میرزا محمد همدانی، سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد فیض قمی و سید شهاب الدین مرعشی بود.

ص: 1292



شیخ محمد رضا مهدوی کنی شیخ قوام الدین وشنوہ ای قمی

## از آثار او

1- ازاحہ الشبہہ فی الاعتراض علی النذر للمشاهد المشرفہ.

ص: 1293

2- اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غزوة صفین از طرق اهل سنت.

3- الأحادیث النبویه.

4- الأربعون حدیثا.

5- الحجاب فی الاسلام، 1379 ق، قم رقی، 102 ص.

6- القول الموجز فی شأن زکریا بن آدم القمی.

7- النور الساطع فی أحوال الامام جعفر الصادق علیه السّلام.

8- تاریخ الاسلام، در سه جلد.

9- تلخیص الرياض النضرة.

10- تلخیص کنوز الحقائق (اثر مناوی).

11- تهذیب الخراج لکتاب الخراج.

12- حدیث الثقلین.

13- حدیث متواتر رایه.

14- ردّ رساله حجاب خالصی زاده.

15- ردّ رساله حجاب سروان ملایری.

16- رساله ای در لباس خزّ و سنجاب و سمور.

17- سیره النبی صلی الله علیه و آله و سلم، در سه جلد.

18- غزوه خیبر من طرق العامه.

19- فضائل المعجم الصغیر (اثر طبرانی).

20- فضائل امیر المؤمنین علیه السّلام از مسند احمد بن حنبل.

21- کتب النبی صلی الله علیه و آله و سلم الی الملوک و غیرهم.

22- مباحله از طرق اهل سنت.

23-مصباح الاستيعاب و الاصابه، دو جلد.

24-مصباح الغابه لكتاب أسد الغابه، دو جلد.

25-مصباح المسند از مسند احمد بن حنبل.

ص:1294

26- مقتل امام حسين عليه السلام.

27- مكارم الأخلاق في أخلاق الأئمة الأطهار عليهم السلام.

28- نخبه المقال في تهذيب كتاب الأموال.

29- هزار کلمه از کلمات قصار حضرت امير المؤمنين عليه السلام، همراه با ترجمه فارسی.

و شنوه ای سرانجام در پی بیماری ممتدی در صبح روز شنبه اول/ صفر/ 1418 مطابق با 17 خرداد 1376/ ش در منزل شخصی خود در قم دار فانی را وداع گفت. پیکرش روز یکشنبه تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام- کنار مقبره اتابک اعظم- به خاک سپرده شد.

#### - منابع

1- آثار الحجة 158/2 (تولدش را در سال 1329 ق دانسته که اشتباه است).

2- مؤلفین کتب چاپی 686/5.

3- یادداشت شخصی آن مرحوم درباره زندگانی اش.

\*\*

ص: 1295



(1340-1416 ق)

میرزا کاظم تبریزی از علمای مشهور حوزه های علمیه نجف اشرف و قم به شمار می رفت. فقید سعید به سال 1340 ق در (محلّه شتربان) تبریز به دنیا آمد و پس از پشت سر نهادن دوران کودکی در دامان پدر خود میرزا فرج الله و نوجوانی به تحصیل علوم دینی روی آورد. ادبیات و سطوح را در تبریز فراگرفت و در نوزده سالگی (1359 ق) به تهران رفت و فلسفه و کلام را از اساتید وقت آموخت.

در 1361 ق به نجف اشرف مشرف شد و در محضر اساتید وقت سطوح عالیّه و خارج فقه و اصول و تفسیر و رجال را فراگرفت. برخی از اساتیدش عبارتند از

ص: 1297

حضرات آیات: میرزا آقا اصطهباناتی، شیخ محمد علی کاظمی خراسانی، شیخ موسی خوانساری، شیخ محمد رضا آل یاسین (در فقه)، سید ابو الحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی، سید محسن حکیم (در فقه)، سید محمود شاهرودی، میرزا باقر زنجانی و سید ابو القاسم خوئی (که بیش از بیست سال از محضرش فقه، اصول، رجال و تفسیر استفاده کرد و از برترین تلامذه اش محسوب شد)، وی هم زمان با تحصیل به تدریس سطوح عالی و پس از چندی به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت تا اینکه در سال 1391 ق به قم آمد و یکی از پربرترین مجالس درسی را تشکیل داد. تدریس او تا زمان بیماری اش (1357 ش) ادامه داشت.

آیه الله میرزا کاظم تبریزی آیه الله العظمی شریعتمداری

فقیه فقیه بر علوم مختلف همچون: فقه، اصول، حدیث، رجال، تفسیر، تاریخ، ادبیات، ریاضیات، هیئت، هندسه، کلام، فلسفه و منطق تسلط فراوان داشت و با زبانهای انگلیسی و فرانسه نیز آشنا بود. از ویژگیهایش مطالعات فراوان، تعصب و

ص: 1298

غیرت دینی، تواضع تتبع و پشتکار علمی (برای نمونه، وی برای پیدا کردن یک حدیث دو مرتبه تمام تہذیب شیخ طوسی را مطالعه کرد)، بهره وری از اوقات، احتیاط بسیار در مصرف وجوہات شرعیہ، دوری از ریاست و مرجعیت (با توجہ بہ اصرار بسیار مردم) بود برخی از تألیفات فراوان او کہ سر بہ دہ ہا مجلد می زند، عبارت است از:

1- الاصول الجدیدہ

2- السیف المشتہر فی المصدر و اسم المصدر

3- الفقہ المیسر (دورہ کامل فقہ کہ آن را از حفظ و بدون مراجعہ بہ کتابہای فقہی نگاشته است)

4- القواعد الفقہیہ (دربرگیرندہ 900 قاعدہ فقہی با تطبیق ہرکدام بر فروع)

5- تطبیقات الوسائل (شامل فقہ الحدیث و بررسی اسناد آن)

6- تقریرات درس فقہ آیت اللہ خوئی (مکاسب و تجارت)

7- دو شرح گستردہ بر کفایہ الاصول

8- شرح اسفار

9- شرح عروہ الوثقی (دورہ کامل فقہ)

10- شرح ہیئت چغمینی

11- کتاب الرجال

12- کشکول

13 تا 25- حاشیہ بر ہریک از کتابہای: رسائل، مکاسب، کفایہ، حاشیہ ملا- عبد اللہ، قوانین، معالم، مطوّل، شرح باب حادی عشر، اسفار، قبسات میرداماد، خلاصہ الحساب، کشف المراد و وسیلہ النجاء (آیت اللہ حجت).

فقید سعید پس از یک بیماری طولانی در صبح روز دوشنبہ 19/ رجب/ 1416 ق مطابق با 20/ آذر/ 1374/ ش در 76 سالگی در قم چشم از جہان فرو بست

ص: 1299



، و پس از تشییع باشکوه در زیر باران صبح روز سه شنبه در قبرستان ابو حسین، به خاک سپرده شد.

## -منابع

1- گنجینه دانشمندان 241/2.

2- مجله آینه پژوهش شماره (35) سال 1374 ش صفحه 113 به قلم شیخ ناصر الدین انصاری.

## شیخ کاظم زین العابدین

## اشاره

(1349-ح 1410 ق)

شیخ کاظم فرزند آیت الله شیخ هادی و نوه آیت الله شیخ زین العابدین تبریزی مرندي، از فضلاء معاصر بود.

وی در سال 1349 ق در نجف اشرف تولد یافت.

شیخ هادی زین العابدین تبریزی

پدرش (متوفای سال 1391 ق) از شاگردان حضرات آیات: میرزا محمد حسین نائین، شیخ ابو الحسن مشکینی و شیخ ضیاء الدین عراقی در نجف اشرف بود.

از آثار او: 1- رساله عملیه 2- مناسک الحج 3- شرح کفایه الاصول 3- شرح کفایه الاصول 4- تقریرات الفقه (درس نائینی) 5- تقریرات الاصول (درس عراقی).

شیخ کاظم مقدمات و سطح را نزد پدر خود آموخت. دروس خارج را از محضر: پدر خود و آیت الله سید ابو القاسم

ص: 1300

خوئی استفاده نمود. در سال 1399 ق به ایران مهاجرت و در تهران سکونت اختیار کرد و به اقامه جماعت و هدایت عامه پرداخت.

وی در رمضان/حدود 1410 ق در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

## فرزندان:

1- آقا جواد 2- آقا نجاج 3- آقا محمد 4- آقا علی 5- آقا حسین 6- آقا احمد 7- آقا مرتضی و سه دختر.

## - منبع

1- اطلاعات متفرقه.

## میرزا کاظم شبستری

## اشاره

(1307-1336 ق)

حاج میرزا شیخ کاظم فرزند علامه میرزا علی اشرف شبستری، از فقها و اساتید به نام حوزه ها بود.

وی در سال 1307 ق در شبستر متولد گردید.

پدرش از جمله شاگردان مرحوم شیخ مرتضی انصاری به شمار می رفت و پس از احراز ملکه استنباط به شبستر بازگشت و مشغول تألیف در فقه و اصول گردید.

میرزا کاظم پس از نشو و نما به تحصیل علوم دینی پرداخت و مقدمات را نزد علامه میرزا محمد شبستری (که از شاگردان شیخ محمد حسین کاظمی بود) به پایان رساند سپس به حوزه کهن نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید محمد فیروزآبادی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی و شیخ زین العابدین مرندی تبریزی و مدتی در کربلا و سامرا از محضر میرزا محمد تقی شیرازی بهره مند

ص: 1301

گردید. نامبرده پس از هیجده سال توقف در عتبات عالیات و نیل به کسب مدارج عالی و دریافت اجازاتی از حضرات آیات: میرزا محمد تقی شیرازی، سید محمد فیروزآبادی، شیخ الشریعہ اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی و شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، به زادگاهش شبستر بازگشت، و مشغول تدریس سطوح مختلف گردید و در خطه ارونق و انزاب شهرت زیادی بدست آورد و اقبال فراوانی از سوی طلاب و مردم یافت.

نامبرده دارای تألیفاتی در فقه و اصول و تعلیقات بر کتب درسی بوده است.

از جمله خدمات اش تأسیس مدرسه علمیه در شبستر است که خود در این باره می نویسد:

یک باب حیاطی که به عنوان وقف خاص برای خود و پس از وفات نسلا بعد نسل بوده و در تصرف تولیتی اینجانب است. حجرات فوقانی و تحتانی تأسیس نموده و برای حضرات طلاب علوم دینی که در شبستر حاضر می شدند، منازلی مهیا کرده و تقریباً دوازده سال که مزاحمت نمی شد، فضلا و دانشمندان باتقوا و وعاظ با علم و عمل که طرز تبلیغ و خصوصیات منبر را که آشنا شده اند که چند نفرشان وفات کرده و چندی دیگر بحمد الله در حال حیات باشند، از ثمرات همان مدرسه است. اخیرا که موانع قومی و پیش آمدهای ناگوار اتفاق افتاده قدرت شرعی سلب گردید، حضرات طلاب که متجاوز از چهل نفر بودند، متفرق گردیدند.

پس از مهاجرت به تبریز و اشتغال به تدریس حضرات طلاب و وظایف منبر به مقدار میسور، مدرسه ای برای تعلّم اطفال مؤمنین به وسیله معلمین و کارمندان متدین برطبق وظیفه شرعی، تأسیس و دائما مراقبت داشته.

بحمد الله تعالی فعلا متجاوز از سیصد و پنجاه نفر به تعلّم قرآن و فارسی و حساب و شرعیات و یاد گرفتن عقاید حقّه اثنی عشریه مشغول می باشد.

ص: 1302

مرحوم آيت الله نائيني

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و افضل صلواته و تحياتة على من اصطفاه من الاولين و الآخرين و بعثه رحمه للعالمين محمد و آله الطاهرين المعصومين و اللعنه الدائم على اعدائهم ابد الابدين.

و بعد فان شرف العلم ليس يخفى و فضله ليس يحصى و انه لموهبه الهيّه خص بها اهله، فكان لهم سمو الرتبة و رفعه المنزله و استوجبوا بذلك جزيل المدح و جميل الثناء و ممن نال هذه الموهبه القدسيه و فاز بشرف العلم و الفضيله، هو صاحب القريحه القويمه و الطريقه المستقيمه العالم العامل المؤيد و الفاضل الكامل المسدد، ملاذ الانام صفوه الازكياء العظام، غياث المتقين ركن الاسلام و المسلمين، جناب الشيخ الحاج الميرزا كاظم المجتهد الشبستري «دامت تاييداته» فقد صرف شطرا مهما من عمره الشريف في سبيل العلم و اقام بالنجف الاشرف عدّه سنين، باذلا جهده في الاستفاده من الاساطين و حضر ابحاثي الفقهيه و الاصوليه، حضور تفهم و تحقيق و تعمق و تدقيق، حتى نال درجه الفضل و السداد و بلغ بحمد الله تعالى و حسن تاييده رتبه الاجتهاد. فلجنابه العمل بما يستنبطه من الاحكام على النهج المألوف بين المجتهدين العظام، فليحمد الله سبحانه على ما منحه و اولاه و ليشكره على ما انعمه به و حباه و على المسلمين ان يغتنموا وجوده الشريف و يقتدوا به و يقتبسوا من انوار علمه و تقاه و اوصيه بالاخذ بجانب الحائظه في جميع اموره كما هو المرجو من جنابه و ان لا ينساني في صالح دعواته، كما اني لا انساه ان شاء الله تعالى و السلام عليه و رحمه الله و بركاته.

حرر في جمادى الثانيه 1353 الاحقر محمد حسين الغروي النائيني

## شطري از اجازة مرحوم حاج شيخ محمد حسين غروي اصفهاني

بعد از حمد و صلوات و سلام مي فرمايد:

و بعد فان العالم العامل و التحرير الكامل صفوه العلماء الاعلام وقوه العلماء العظام و ركن الاسلام جناب الحاج ميرزا كاظم آقا المجتهد الشبستري «دامت افاضاته» ممن صرف عمره الشريف في تحصيل قواعد الدين الحنيف و قد حضر عليّ و على غير واحد من الاعيان، شطرا و افايا من الزمان لتحقيق المباني الاصوليه و تنقيح القواعد الفقيهيه مراعيًا للتأدب بالآداب الدينيه و التخلّق بالاخلاق الالهيه، حتى فاز و لله الحمد بالمراد و حاز درجه الاجتهاد، فله العمل بما يستنبطه من الاحكام الشرعيه من مداركها فانه خير بذلك.

تحريرا في العشرين من ربيع الثاني 1353 محمّد حسين النجفي اصفهاني.

## مرحوم آقا سيد محمد فيروزآبادي

بعد از تسميه مي فرمايد:

الحمد لله الذي جعل العلم علما للهدى و نجاه من موبقات الردى فرفع مدارج العلماء و معارج الفقهاء و اعطاهم مواريث الانبياء و فضّل مدادهم على دماء الشهداء و ايدهم بدعاء ملائكة السماء، و الصلاة على سيد الانبياء و خاتم السفراء مشكاه الصّياء و ذوابه العلياء، محمّد المبعوث على جميع الانام و على آله مصاييح الظلام و دعائم الاسلام و معالم الحلال و الحرام؛

الى ان صرّح باجتهاد صاحب الترجمة بهذه العبارة: فاز بالقوه القدسيه و الملكة القدوسيه التي تمكن بها على استنباط الفروع من الاصول و العروج عن حضيض التقليد الى اوج اعماق ملكه الاجتهاد. فله التصدي للأمر الشرعيه التي هي الى نواب الامام عليه السلام الخ...

حرره الاحقر محمّد الحسيني اليزدي الفيروزآبادي في /26 محرم الحرام 1340/

ص: 1304

بسم الله الرحمن الرحيم

این سواد اجازات است که مرحوم رضوان مقام حجه الاسلام فیروزآبادی (اعلی الله مقامه الشریف) مرقوم فرمودند، برحسب تحقیق و الحق انه صدر من اهله و وقع فی محلّه و اسأل الله ان یكثر امثال العالم الفاضل المحقق المعظم له و ان یشتدّ به المسلمین بجاه محمّد و آله الطاهرین.

حرّره الاحقر عبد الکریم الحائری

### مرحوم خیابانی در علماء معاصرین ایشان را چنین می ستاید:

آن بزرگوار، عالم محقق امجد و فاضل مدقق اوحد الشریعه فخر الشیعه و رکن الشریعه الشیخ الثقه الجلیل و الفقیه العدل النبیل، الواصل عواطفه علی الحاضر و البادی و المؤید بنعم الله و الایادی، سناد العلم الشامخ و عماد الفضل الراسخ، آن عالم یگانه از دعاه دین و ملت و حماه شرع و سنت و حمله اخبار و حفاظ آثار اهل بیت اطهار علیهم السلام معدود می گردد.

در کلیه موجبات تقدم و اسباب تفوق و وسائل براءت و ادوات رفعت، حائز مقام منبع و فائز رتبه رفیع می باشد. نه تنها در کسبیت از قبیل فنّ: کلام و اصول عقاید و مهمات معارف و امهات ریاضیات و علم معقول و منقول و قسمت فقه و اصول و معرفت تفسیر و صناعت اعراب و شعب ادب از آحاد است، بلکه موهباتی نیز مانند: حصانت عقل و حصانت فکر و اصالت رأی و اصابت خاطر و مناعت جانب و سعة صدر و ملکه جود از افراد بشمار می رود. در ایام جمعه و وفیات ائمه (علیهم آلاف الثناء و التحیه) و موافق شریفه و اوقات متبرکه، مردم از هر طرف و محلات دور دست برای استفاده از بیانات وافی و تحقیقات کافیّه معظم له به پای منبر ایشان اجتماع می کنند و منبر صحبتش جامع و نافع همه طبقات ناس که هرکس بحسب استعداد خود از انوار کلمات شریفه اش اقتباس می نمایند. لا زال محروسا بعنایه الرب العلی و محفوظا

من کید کل جاهل غوی، بحر مه النبی و آله الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین.

شبستری در پی ابتلائی به بیماری سرطان معده جهت معالجه به تهران عزیمت کرد. ولی معالجات سودی نبخشید و در روز چهارشنبه 14/ ذی حجه 1366/ ق مطابق با 6/ آبان 1326/ ش در سن 59 سالگی دار فانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در وسط قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- شیخ محمد مجتهدی شبستری، از فضلا و اساتید معاصر ساکن تهران است. متولد سال 1355 ق مطابق با 1315 ش در شبستر.

2- شیخ محسن مجتهدی شبستری، امام جمعه فعلی تبریز است.

3- آقا علی 4- آقا حسین و پنج دختر.

### منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- تاریخ علماء و شعراى گیلان 18.

3- علماء معاصرین 253.

4- گنجینه دانشمندان 379/5.

### سید کاظم شریعتمداری

### اشاره

(1406-1322 ق)

سید کاظم فرزند علامه سید حسن و نوه سید محمد حسینی بروجردی، ملقب و معروف به (شریعتمداری)، از فقها و مراجع نامدار جهان تشیع بود.

وی در سال 1322 ق در محله «امیرخیز» تبریز دیده به جهان گشود.

جدش سید محمد حسینی در حدود سال 1270 ق از بروجرد به تبریز مهاجرت کرد. نسب ایشان هم با چندین واسطه به حسن افطس بن علی اصغر بن

الامام الهمام علی بن الحسین علیه السّلام برمی گردد.

سید کاظم مقدمات و قوانین را نزد مادرش سریه خانم آموخت و بخشی از سطح را نزد علامه میرزا جواد سلطان القراء تلمذ کرد. سپس خارج را در تبریز از محضر آیات: میرزا صادق تبریزی و سید ابو الحسن انگجی استفاده نمود و حوزه درسی هم داشت.

ایشان در سال 1342 ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و فقه و اصول را از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و اخلاق نظری و فقه را از محضر میرزا جواد ملکی تبریزی و حکمت متعالیه را از محضر میرزا علی اکبر حکمی یزدی (تجلی) و شیخ محمد علی شاه آبادی (مدت سه سال) بهره مند شد و خود اقدام به تدریس فقه و اصول و حکمت نمود.

میرزا عبد الله مجتهدی تبریزی / سید کاظم شریعتمداری / سید موسی شبیری زنجانی

ص: 1307



وی در حدود سال 1352 ق به عتبات عالیات مهاجرت کرد و در حوزه نجف اشرف از حضرات آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و سید ابو الحسن اصفهانی استفاده شایان نمود و در سال 1353 ق به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و اصول و تفسیر قرآن مجید و هدایت مردم اشتغال ورزید.

نامبرده در سال 1369 ق در پی درخواست گروهی از فضلاء تبریزی از تبریز به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و مورد توجه علما و فضلا قرار گرفت، و پس از ارتحال آیت الله بروجردی زعامت دینی و روحی حوزه را برعهده گرفت و یکی از مراجع به نام گردید. حوزه تدریس اش از اهم حوزه ها بود. در سال 1342 ش «دار التبلیغ اسلامی» را در قم تأسیس نمود که خدمات فرهنگی زیادی ارائه می داد.

صاحب تاریخ بروجرد درباره ایشان می نویسد: (از روز ورودش به قم مورد توجه آیت الله بروجردی قدس سره بود، و در امور مهمه با او مشورت می کرد و پس از مرگ آیت الله بروجردی با همکاری مراجع دیگر، حوزه علمیه قم را از خطر سقوط حفظ و اکنون حوزه درسش از پرجمعیت ترین حوزه های درسی است).

مهدی مجتهدی در رجال آذربایجان درباره اش می نویسد: (امروز در بین علمای تبریز مقامی بلند دارد و نماز جماعت او پرشکوه و پررونق است. با اینکه مجتهدی جامع الشرائط است به اندازه یک طلبه عادی متواضع است. خداوند او را در خدمت به اسلام توفیق دهد).

وی از سال 1361 ش تا پایان حیات در پی غائله حمایت از «حزب خلق مسلمان» تحت نظر قرار گرفت و از سایر فعالیت های دینی و حوزوی ممنوع شد.

سید روح الله خمینی سید کاظم شریعتمداری

## از آثار او

1-رسالة عملیه.

2-رساله فی اجتماع الأمر و النهی.

3-رساله فی اللباس المشکوک.

4-رساله النهی فی المعاملات.

5-فروع العلم الاجمالی.

6-قاعده التجاوز و الفراغ.

7-کتاب القضاء.

ص: 1309

8-مناسک حج.

9-مناہج التقی فی الحاشیہ علی العروہ الوثقی، دو جلد.

10-وسیلہ العباد لیوم المعاد.

سید شہاب الدین مرعشی/سید کاظم شریعتمداری/سید محمد رضا گلپایگانی

از راست به چپ:سید محمد رضا گلپایگانی،سید کاظم شریعتمداری، سید شہاب الدین مرعشی،سید روح اللہ خمینی

ص:1310

آیت الله شریعتمداری در روز چهارم/اسفند1364/ ش به علت پیشرفت بیماری سرطان کلیه، از قم به تهران انتقال یافت و در بیمارستان «مهرداد» بستری شد. اما پیشرفت سرطان به ریه و کبد و نیز نارسایی قلبی در غروب روز پنجشنبه 23 / رجب 1406 ق مطابق با 14/ فروردین 1365/ ش در سن 84 سالگی دار فانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و شب هنگام در ابتدای قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

از راست به چپ: سید جعفر طباطبائی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی سید محمد کاظم شریعتمداری، سید شمس الدین طباطبائی

### فرزندان:

1- سید حسن 2- سید محمد و دو دختر که دامادهایش عبارتند از:

حجه الاسلام سید جلال الدین امامی بیجاری و آقای عباسی.

### -منابع

1- آثار الحجج 61/2.

2- آینه دانشوران 208 (تولدش را در سال 1321 ق دانسته و نام پدرش را سید محمد نوشته که هر دو مطلب اشتباه اند).

ص: 1311

3- تاریخ بروجرد 314/2.

4- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 97 (نخستین مهاجرت ایشان را به قم در سال 1344 ق دانسته که اشتباه است).

5- رویدادهای سال 1365 ش، ص 10.

6- علماء معاصرین 284.

7- گنجینه دانشمندان 12/2.

8- گنجینه دانشوران 14.

9- مؤلفین کتب چاپی 22/5.

### شیخ کاظم فائق تهرانی

#### اشاره

(-1393 ق)

از علما و بزرگانی که در تهران به زهد و تقوا موصوف بود. وی به ارشاد و هدایت و اقامه جماعت در مسجدی که خود در خیابان عین الدوله و به نام خویش معروف گردید «مسجد فائق»، اشتغال داشت. و اواخر عمر در کمال سادگی و متانت در انزوا و عزلت زیست.

ایشان در سال 1393 ق در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در جوار حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

آیت الله مرحوم شیخ مصطفی فائق فرزندش بود. و اما دامادهای اهل علم او عبارتند از: 1- دانشمند و سخنور دانا شیخ رضا سراج تهرانی

2- آیت الله سید عز الدین حسینی زنجانی «امام جمعه»، از علمای معاصر و در مشهد مقدس سکونت دارد.

#### منبع

1- گنجینه دانشمندان 519/4.

ص: 1312

(1299-1366 ق)

حاج میرزا کاظم فرزند سید محمد علی و نوه سید محسن فرزند سید عبد الجبار قاضی طباطبائی تبریزی، از دانشمندان و اعیان تبریز بود. برادر ارشد ایشان آیت الله سید باقر قاضی طباطبائی است.

وی در سال 1299 ق در تبریز دیده به جهان گشود.

قاضی پس از طی تحصیلات مقدماتی در تبریز به نجف اشرف رهسپار شد و مدتی چند از محضر آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی استفاده نمود. در سال 1330 ق به زادگاهش مراجعت کرد و نظر به اینکه املاک و ثروت کلانی داشت، بیشتر به آن رسیدگی و اشتغال پیدا می کرد.

وی در روز دوشنبه 2/رمضان 1366/ق مطابق با 29/تیر 1326/ش به سن 67 سالگی درگذشت. پیکرش در یکی از اطاقهای قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

### کاظم کریمی اراکی «کربلایی کاظم»

#### اشاره

(ح 1300-1378 ق)

کربلایی کاظم در حدود سال 1300 ق به دنیا آمد و در روستای «ساروق» که از روستاهای اطراف اراک است زندگی می کرد، سواد خواندن و نوشتن نداشت و مانند بیشتر اهالی آن روستا و روستاهای دیگر بی سواد بود، ولی در اثر انجام دادن برخی کارهای نیک و خالصانه مورد لطف پروردگار قرار گرفت، و بدون اینکه قرآن را نزد کسی بخواند و حفظ کند حافظ قرآن شد.

هنگامی که داستان او از محل زندگیش به جاهای دیگر نقل شد، او را به شهرهای ایران مانند: ملایر، تویسرکان، همدان، کرمانشاه، کنگاور، تهران، قم،

ص: 1313

مشهد و نیز کاظمین و کربلا و نجف و کویت و حجاز بردند تا مسلمان ها و غیر مسلمان ها از نزدیک او را ببینند و با دیدن این معجزه زنده، ایمانشان به جهان غیب محکم تر شود.

کربلایی کاظم در محرم 1378/ق در قم وفات کرد و در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد، و خوش بختانه قبر او با تابلویی مشخص شده که علاقمندان می توانند با خواندن فاتحه ای کنار آن بهره مند گردند، و اخیراً بنای یادبودی بر مزار ایشان ساختند که در وسط قبرستان مذکور شاخص است.

کربلایی کاظم را هزاران نفر از مردم ایران و غیر ایران دیدند و امتحان کردند، و صدها نفر از علما و دانشمندان و فرهنگیان نیز با دقت او را مورد آزمایش و امتحان دقیق قرار دادند، که گزارش قسمتی از آنها در روزنامه ها و مجلات، در سالهای بین 1332-1335 ش یاد شده است. واضح است که وقوع این معجزه می تواند چند فایده مهم داشته باشد:

1- دلیل حقانیت اسلام و قرآن مجید است.

2- نمونه ای از اشراق های ربانی است.

3- مؤید علوم خارق العاده پیامبران و امامان علیهم السلام است.

4- نمونه ای از ارتباط با عالم غیب است.

5- برهانی بر حقانیت شیعه است (زیرا کربلایی کاظم از شیعیان بود و مورد این موهبت الهی قرار گرفت).

### **اظهار نظر گروهی از علما درباره کربلایی کاظم**

#### **آیت الله میلانی**

پاسخ آیت الله حاج سید محمد هادی میلانی، یکی از مراجع تقلید شیعه درباره کربلایی کاظم:

بسمه جلت اسمائوه. با ایشان مجالس عدیده در نجف اشرف و در کربلا

ص: 1314

ملاقاتمان شد و جمعی از اهل علم حضور داشتند، و همچنین از سایر طبقات هم بودند و به انحای کثیره و طرق مختلفه از ایشان اختبار شد. حقیقتاً مهارتشان در اطلاع به آیات و کلمات قرآن مجید امری است برخلاف عادت و موهبتی است الهیه، و هر شخصی که با ایشان قدری معاشرت نماید و به اوضاع و احوال ایشان در مراحل عادیه مطلع شود، و قوه حافظه ایشان را در سایر امور امتحان نماید کاملاً ملتفت می شود و بالوجدان می یابد که این گونه تسلط ایشان در معرفت به جمیع خصوصیات قرآن مجید کرامت فوق العاده (بوده)، بلکه توان گفت فرضاً قوه حافظه هر اندازه قوت داشته باشد نتواند عهده دار شود این گونه امتحانات و اختیارات را که به انحای دقیقه بسیار به عمل آمده، و هو سبحانه و تعالی یهب ما یشاء لمن یشاء و له الحمد.

الاحقر محمد هادی الحسینی المیلانی

### آیت الله بروجردی

جناب آقای میر خلیل سید نقوی تبریزی که از فرهنگیان و مدتها مقیم قم بود و چندی هم با یکی از مؤسسات تبلیغی حوزه علمیه قم همکاری داشتند، نقل کردند که: آیت الله بروجردی در یک آیه تردید داشتند که قرائت با «فاء» درست است یا «واو» از کربلانی کاظم خواستند که آیه را بخواند و به خواندن او اعتماد کردند.

### آیت الله صدر

آیت الله سید صدر الدین صدر- پدر سید موسی صدر- یکی از بزرگان حوزه علمیه قم بودند. ایشان کربلانی کاظم را مورد امتحان قرار دادند و آیاتی را از او سؤال کردند و او جواب داد، که موجب اعجاب و شگفتی ایشان شد و فرمودند:

نمی دانم در واقع چه عملی مورد قبول درگاه الهی است، زیرا من که سید و از اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستم و سالها درس خوانده و مشغول انجام وظیفه می باشم به این

ص: 1315



فیض نرسیده، ولی این پیرمرد دهاتی بی سواد، مورد عنایت شده و حافظ قرآن می شود.

## آیت الله حجت کوه کمری

آیت الله سید محمد حجت که از مراجع تقلید شیعه و از اساتید حوزه علمیه قم بودند نسبت به کربلائی کاظم محبت و عنایت خاصی داشتند، و هرگاه او را می دیدند احترام نموده و او را «معجزه مقام ولایت» می دانستند، و به ایشان مساعدت مالی می کردند.

## سید کاظم گلپایگانی «کوشا»

### اشاره

(1324-1396 ق)

حاج سید کاظم ملقب به «کوشا» موسوی گلپایگانی، از دانشمندان و معاریف اراک و تهران بود.

وی در 6/ربیع الاول 1324/ق در «گوگرد» گلپایگان متولد گردید. و پس از سپری نمودن دوره مقدمات، در سال 1337 ق به اراک رهسپار شد و نزد ملا عبد الحمید و حاج عباس مدرس به تحصیل خود ادامه داد. در سال 1340 ق در پی مهاجرت آیت الله حائری یزدی به قم، ایشان نیز به قم رفت و پس از مدت کوتاهی به توصیه پدر خود برای آموزش دقیق تر در همان سال به حوزه علمیه اصفهان منتقل شد و

ص: 1316

سطح را از محضر آیات: سید محمد صادق اصفهانی (خاتون آبادی)، سید محمد نجف آبادی، سید علی نجف آبادی، شیخ علی مدرس یزدی و سید احمد مدرس یزدی و سید احمد مدرس (متوفای 1348 ق) و معقول را از شیخ محمد خراسانی استفاده نمود.

نامبرده در سال 1344 ق مجدداً به قم بازگشت و دروس عالی فقه و اصول و حکمت را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید علی یثربی کاشانی، سید حسین کوچه حر می قمی و سید ابو الحسن رفیعی قزوینی استفاده نمود.

مرحوم کوشا در سال 1351 ق که در اثر هوش زیاد و استعداد فوق العاده به تحصیلات خود پایان داد، به شهرستان اراک عزیمت کرد و سالهای متمادی در آن سامان توقف کرد. وی در مسجد حاج تقی خان به اقامه جماعت و ارشاد و گفتن تفسیر قرآن مجید اشتغال داشت. وی اوقات خود را بیشتر به تدریس و مطالعه می گذراند. از ویژگیهای فردی اش می توان به: مناعت طبع و حلم و وقار و نجابت اش اشاره کرد. همین طور ساده زندگی کردن و تواضع در برابر همه، به همین خاطر در میان مردم اراک و عموم طلاب محبوبیت زیادی داشت.

ایشان در سال 1382 ق مطابق با 1341 ش اراک را به سوی تهران ترک گفت و سایر فعالیتهای دینی و علمی خود را در مسجد مختاری ادامه داد و از معاریف بزرگان تهران به شمار رفت.

سرانجام در روز چهارشنبه 23 ربیع الاول 1396/ ق مطابق با 4 فروردین/ 1355 ش در سن 72 سالگی در تهران درگذشت. پیکرش با تجلیل فراوان به قم حمل و در قبرستان شیخان- در کنار تربت فاضل تونی- به خاک سپرده شد.

#### -منابع

1- آثار الحجج 211/2.

2- آینه دانشوران 223.

3- گنجینه دانشمندان 541/4 و 430/6.

ص: 1317

اشاره

(ح 1323-1396 ق)

حاج شیخ کاظم ناصح یزدی حائری، مردی بافضیلت و جزو خطبای منبر حسینی بود، تولدش در یزد به سال 1323 ق اتفاق افتاد.

وی همراه سایر خانواده اش در سال 1341 ق از یزد به کربلای معلی نقل مکان کرد، و به آموختن مقدمات و سطوح نزد پرداخت و در مدرسه (میرزا کریم شیرازی) حجره ای داشت. سپس رو به خطابه آورد و یکی از خطبای کربلا گردید. در پی فشارهای دولت عراق در سال 1391 ق به ایران مهاجرت و در قم سکونت نمود. از او دیوان اشعار باقی مانده است.

او در روز پنجشنبه 4 صفر 1396 ق مطابق با 16 بهمن 1354 ش در قم درگذشت، و در قبرستان وادی السلام مدفون شد. و از وی فرزندی به نام «محمد» به جای ماند.

-منبع

1- حوادث الایام (خطی).

کامران میرزا نایب السلطنه قاجار

اشاره

(ح 1272-1347 ق)

کامران میرزا ملقب به «نایب السلطنه» فرزند ناصر الدین شاه و نوه محمد شاه قاجار.

او در سال 19 ذی قعدة 1272 ق تولد یافت.

وی در 27 شعبان 1275 ق به «نایب السلطنه» ملقب گردید.

زندگی نامه ایشان در کتاب شرح حال ایران مفصلاً ذکر شده و تصریح نموده که در جوار حضرت شاه عبد العظیم حسنی علیه السلام «شهر ری» مدفون گردیده، ولی در کتاب مکارم الآثار وی را در قم مدفون دانسته، که باید تحقیق شود.

ص: 1318

او در شب سه شنبه / 2 رمضان 1347 / ق مطابق با / 23 بهمن 1307 / ش در پی بیماری در تهران در سن 75 سالگی درگذشت و در بقعهٔ محمد شاه در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

- 1- ملکه جهان خانم همسر محمد علی شاه قاجار و نویسنده کتاب برهان الایمان در دعا.
- 2- محمد باقر میرزا کامرانی «امیر ارفع» متوفای اواسط / شعبان 1374 / ق در هامبورگ آلمان و مدفون در شهر قم.
- 3- محمد مهدی میرزا.

### -منابع

- 1- شرح حال رجال ایران 149/3.
- 2- مکارم الآثار 2019/6.

### کریم بوزرجمهر

### اشاره

(-1372 ق)

سرلشگر کریم بوزرجمهر، از افسران ارشد سابق ارتش در ایران بود.

وی در اوایل سلطنت رضا شاه چندی شهردار و مدتی وزیر فوائد عامه بود. در زمان تصدی او به سمت شهردار، نقشه خیابان سازی پایتخت را به وضع امروزی، به اجرا گذاشت. در اواخر عمر به سمت بازرس در دربار شاهنشاهی منصوب شده بود.

نامبرده در بامداد / 21 مهر 1331 / ش بر اثر سکتهٔ قلبی در تهران دار فانی را وداع گفت. پیکرش ابتدا در تهران و سپس در قم تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام - آرامگاه خانوادگی - مدفون گردید.

### -منبع

- 1- روزنامهٔ اطلاعات، به تاریخ / 21 مهر 1331 / ش، ص 8.

ص: 1319

اشاره

(1336-1415 ق)

حاج سید محمد حسین ملقب به «کمال الدین» فرزند علامه سید محمد کاظم موسوی مرتضوی اصفهانی، از فضلا و معاریف تهران بود.

وی در جمادی الاول 1336/ق در تهران دیده به جهان گشود.

درس اولیه و مقدمات را در تهران آموخت و بخشی از سطوح را نزد علامه شیخ محمد اسماعیل صادقی جاپلقی فراگرفت. سپس به قم عزیمت نمود و سطوح نهایی را از محضر مدرسین برجسته تلمذ کرد و به تهران بازگشت. و به خدمات دینی از قبل تشکیل جلسات مذهبی و اقامه جماعت در مسجد فاطمیه و تدریس معارف قرآن مجید پرداخت.

در روز یکشنبه 12 ربیع الاول 1415/ق مطابق با 30 مرداد 1373/ش به سن 79 سالگی در پی بیماری در تهران درگذشت، و جسدش عصر روز دوشنبه تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام زیر ساعت به خاک سپرده شد.

-منبع

1- گنجینه دانشمندان 404/2 و 312/9.

سید کمال الدین موسوی شیرازی

اشاره

(1347-1407 ق)

سید کمال الدین فرزند سید آقا موسوی شیرازی، از فضلا و عرفا و پارسایان با کمال بود.

وی در سال 1347 ق مطابق با 1307 ش در شیراز تولد یافت.

پدرش به کار و کسب اشتغال داشت و از اوتاد و اصحاب حالات معنوی بود.

سید کمال الدین، دوران کودکی را در شیراز گذراند و به تحصیل علوم دینی

ص: 1320

روی آورد و در مدرسه آقا بابا خان حجره ای گرفت و ادبیات را همان جا آموخت. در سال 1364 ق به حوزه علمیه قم پیوست و سطح را به پایان برد. خارج فقه و اصول را از آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمد رضا گلپایگانی و دروس حکمت و اخلاق را از آیت الله سید روح الله خمینی استفاده نمود. سفرهای تبلیغی اش بیشتر در کرمان انجام می شد و به همین خاطر به افتخار دامادی آیت الله شیخ محمد حسین رخ شاد «آقا نجفی» نایل گشت.

در سال 1343 ش (1384 ق) در اثر مبارزات و فشارهای رژیم حاکم، به نجف اشرف عزیمت نمود و از محضر آیات: سید روح الله خمینی و سید ابو القاسم خوئی بهره ها برد، و همواره در تعطیلات به ایران رفت و آمد داشت. سالها در نجف اشرف به اقتباس از انوار معرفت و دانش علوی اشتغال داشت و توانست مراحل والائی در علم و عمل بدست آورد. سرانجام در سال 1357 ش (1398 ق) به حوزه علمیه قم بازگشت و در ایام تعطیل و تبلیغ به تهران و کرمان رهسپار می شد.

ایشان برای مباحثه و محکوم کردن صوفی ها در تمام خانقاه ها رفته و با آنان گفتگو می کرد. گاهی با لباس مبدل با سایر فرق شیخیه و مخصوصا بهائی ها نشست و برخاست داشت و میدان گفتگو را باز می گذاشت. او در کرمان جلسات هفتگی درس اخلاق داشت، و معمولا از کتابهای آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی از قبیل:

لقاء الله و مراقبات السنه، برای جوانان مستعد بیان می کرد. همچنین کتاب معراج السعاده (اثر نراقی) را برای مبتدیان توصیه می کرد.

نماز شبش ترک نمی شد و همیشه اول وقت نماز می خواند. در سال 1342 ش در اثر فعالیت های سیاسی تحت تعقیب ساواک قرار گرفت و سرانجام دستگیر شد، ولی چندان طولی نکشید که آزاد گردید. هنگامی که صوفی ها سعی داشتند «ماهان» کرمان را به عنوان مرکز تصوف در آورند، ایشان به ماهان رفته و به عنوان امام جماعت، مشغول تنویر افکار شد و نگذاشت مردم به دام صوفی ها بیفتند، چون که خود عارف بود و مفاهیم عرفانی را با دعا و احادیث وارده از معصومین علیهم السلام تطبیق می داد. ظاهر جنجالی نداشت، ولی در خفا بسیار فعال و موقعیت شناس بود.

خلاصه آقا سید کمال در زمینه صوفی شناسی، استاد مسلم بود و گاهی دیده می شد که در اطاقش یک صوفی صاحب کشکول و عصا، نشسته و چند روزی هم توقف می کرد و از وی به خوبی پذیرائی می کرد. سید کمال به او می گفت: تمام دعاهای رسیده از معصومین علیهم السلام پر از مفاهیم عرفانی است و احتیاجی به این دغل بازی صوفی ها نیست. این ها خود مغازه باز کرده اند و از سادگی مردم سوءاستفاده می کنند.

نامبرده در ایام عاشورا معمولا به روستاهای اطراف کرمان می رفت و عزاداری جانانه ای می کرد و می گفت: خداوند عبادت یهود را در کنیسه و عبادت نصاری را در کلیسا قرار داده، اما زمین را برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مسجد می داند و مسلمانان هر جا که بایستند همان جا مسجد است، و انتظار شنبه و یکشنبه را هم نباید کشید.

## از آثار او

1- رساله هایی در ردّ بهائی ها و تصوف (مفقود شده).

2- مجموعه سخنرانیهای اخلاقی.

ایشان در روز عید قربان 1407 ق مطابق با 15 مرداد 1366/ ش در سن 60

ص: 1322

سالگی در اثر واژگون شدن ماشین در اتوبان قم-تهران دار فانی را وداع گفت.

پیکرش با تجلیل به قم حمل و پس از تشییع در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السّلام به خاک سپرده شد.

### فرزندان:

1- حجه الاسلام سید علی، 2- سید محمد حسین و چهار دختر که دامادهايش عبارتند از: حجج اسلام آقایان 1- شیخ باقر دریاب اصفهانی، 2- سید فرید موسوی مراغه ای، 3- شیخ مرتضی نجفی زنجانی، 4- آقای محمد حسین نمازیان-ساکن کرمان-.

مراسم تشییع و نماز بر پیکر سید کمال الدّین موسوی شیرازی (به امامت سید رضا بهاء الدینی)

\*\*

ص: 1323





(1307-1394 ق)

او در شهر تبریز چشم به جهان گشود و تحصیلات مقدماتی را در همان شهر در نزد پدر معظم خود، حجه الاسلام میرزا ابو الحسن زنوزی (برادر آیت الله میرزا رضی زنوزی) و اساتید دیگر فراگرفت. و پس از مدت زمانی برای کسب مدارج علمی بالاتر به نجف اشرف عزیمت کرد، و در آن دیار از محضر اساتید بزرگ و آیاتی چون:

میرزا محمد حسین نائینی، میرزا علی ایروانی و شیخ محمد حسین غروی اصفهانی استفاده های شایان برد. همچنین با حضرات آیات: سید محمد هادی میلانی، سید ابو القاسم خوئی و سید شهاب الدین مرعشی همدرس و هم بحث شد، و در نهایت به مرتبه والایی از فقاقت و معنویت نایل گردید. سپس به شهر تبریز مراجعت کرد، ولی چون برنامه «کشف حجاب» و اختناق رضاخانی زندگی را در شهر برای مردم دشوار کرده بود، نتوانست در آنجا بماند. بعد از آن از حسن اتفاق در سفری با اهالی روستای «خواجه ده» - در 18 کیلومتری میانه - آشنا شد و در سال 1316 ش به آن روستا هجرت کرد. پس از اقامت کوتاه، چون به اوضاع نابسامان آنجا و حومه آشنا گردید، احساس تکلیف بیشتر کرد و تصمیم به اقامت همیشگی در آنجا گرفت و

ص: 1325

دعوتها و توصیه های برخی از بزرگان، مبنی بر هجرت به شهر قم را نیز نپذیرفت. تا اینکه پس از ده سال اقامت در خواجه ده، با اصرار علمای بزرگ شهرستان میانه وارد این شهر شد.

این فقیه بزرگوار علاوه بر اقامه نماز جماعت در مسجد «حاج علی اکبر» تبلیغ و ارشاد مردم و رسیدگی به مشکلات آنان، تدریس سطوح عالی حوزه علمیه جعفریه را هم برعهده گرفت. حوزه یک ساله این شهر با شروع درس آیت الله زنوزی نشاط و رونق بیشتری به خود گرفت، و طلاب و مؤسس آن را امیدوار ساخت.

زهد، تقوا و مقام والای علمی این مجتهد بزرگ بر کسی پوشیده نیست. از اهالی و علمای میانه کسانی که در آن روزها در مشهد و قم به محضر آیت الله میلانی و مرعشی مشرف می شدند، می دانند که چگونه آن دو بزرگوار از علامه زنوزی سراغ می گرفتند، و افسوس می خوردند که چرا ایشان باید با آن شخصیت علمی و معنوی این چنین در محیطی کوچک گمنام بماند.

علامه زنوزی پس از سالها تلاش و خدمت به مردم سرانجام در سال 1394 ق به سن 87 سالگی دارفانی را وداع گفت، و پیکر پاکش به شهر مقدس قم انتقال یافت، و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد. اولاد ذکور نداشته اند.

**-منبع**

1-سیمای میانه 213.

**شیخ لطف علی محقق اردبیلی**

**اشاره**

(1419-1340 ق)

حاج شیخ لطف علی فرزند علامه شیخ جعفر و نوه عبد الله قلعه جوقی اردبیلی، معروف و ملقب به «محقق»، از فضلالی معاصر بود.

وی در سال 1340 ق مطابق با اسفند 1300/ ش در اردبیل دیده به جهان گشود.

شیخ لطف علی مقدمات و سطح را نزد پدر فاضل خود تحصیل کرد و چندی هم

ص: 1326

در درس خارج پدر خود و علامه شیخ غلامحسین غروی اردبیلی حاضر شد.

سپس در سال 1365 ق مطابق با 1325 ش به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد دروس خارج فقه و اصول و نیز رجال را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی و حکمت را از محضر سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» استفاده نمود.

نامبرده مدتی چند هم در تهران توقف کرد و حکمت متعالیه را از محضر فیلسوف گرانقدر میرزا مهدی آشتیانی بهره مند گردید و به زادگاهش مراجعت نمود، و به اقامه جماعت و ارشاد و تدریس اشتغال ورزید.

شیخ جعفر اردبیلی «محقق»

## از آثار او

1- اول ما خلق الله.

2- رساله ای در اخلاق (یا روانکاوی).

3- رساله ای در تعلیم و تربیت.

4- رساله ای در ردّ داروین.

5- رساله ای در علم اقتصاد.

ص: 1327

6- رساله ای در منازل الآخره (در بحث معاد).

محقق حدود چهار سال آخر عمر خود را از اردبیل به قم منتقل شد و به طور مجرد زندگی کرد و همواره مشغول عبادت و مطالعه بود. و سرانجام در سال 1419 ق در قم درگذشت و پیکرش در ابتدای قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

**منبع**

1- شرح حال فوق از زبان مرحوم محقق، در روز شنبه 22 ذی حجه 1416/ ق در منزلش در قم یادداشت نمودم.

\*\*

ص: 1328











به یادگاران مکتب تشیع علوی و نگهبانان فقه جعفری و ستیزگران استعمار و استثمار.

به همه فقها و دانشمندان و بزرگانی که در سرزمین پاک قم، آرمیدند.

به اساتید و آموزگاران خود، که در تربیت و راهنمایی ما، زحمت ها کشیدند، از جمله، حضرات آیات مرحومان:

شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی، شیخ سلمان خاقانی، شیخ راضی تبریزی نجفی، سید علی فانی علامه اصفهانی، سید مصطفی صفائی خوانساری، سید محمد روحانی قمی، شیخ احمد سبط الشیخ انصاری دزفولی، سید عبد العزیز طباطبائی یزدی، میرزا علی علیاری تبریزی، سید مصطفی علم الهدی جزائری و سید عبد الله موسوی شبستری، با درود فراوان و طلب رحمت جهت شادی روح آن بزرگان، این اثر را اهدا می کنم.

فرزند روحی ایشان

عبد الحسین

ص: 1333



سیّد مبین وفسی اراکی «همدانی» 1347

شیخ مجتبیٰ لنکرانی 1348

سیّد مجتبیٰ نواب صفوی 1350

سیّد محسن حجت کوه کمری 1357

سیّد محسن سریزدی «حاج میرزائی» 1359

میرزا محسن شریانی تبریزی 1360

شیخ محسن طاهری قمی 1361

میرزا محسن مشکینی 1362

سیّد محسن میرغفاری آذرشهری 1363

شیخ محمد آل آفاکر مانشاهی 1370

شیخ محمد آل آفاکر مانشاهی 1371

سیّد محمد آل رسول شمس آبادی 1372

دکتر محمد ابراهیم آیتی بیرجندی 1373

شیخ محمد ابراهیم ساوه ای 1375

ص: 1335

شیخ محمد ابراهیم صاحب الزمانی «خراسانی» 1376

شیخ محمد ابراهیم مقدس رشتی 1378

شیخ محمد ابن جلال «محلاتی» 1378

شیخ محمد ابن الشیخ قمی 1379

شیخ محمد احمدی فیروزجاهی مازندرانی 1380

سید محمد استرآبادی 1383

شیخ محمد اسماعیل اعلائی ساوه ای 1384

محمد اسماعیل بزاز همدانی 1385

شیخ محمد اسماعیل جاپلقی «صادقی» 1387

شیخ محمد اعتضاد رازانی گروسی 1389

سید محمد امامی الیگودرزی 1390

محمد «امیر امنع» یار احمدی بروجردی 1391

شیخ محمد باغدرقی خوئی 1392

سید محمد باقر اشکوری معصومی 1393

سید محمد باقر امام جمعه مازندرانی 1394

محمد باقر تنگستانی 1395

سید محمد باقر رضوی همدانی 1396

شیخ محمد باقر زرنندی ساوه ای 1397

شیخ محمد باقر شریعتی دهقانی 1398

سید محمد باقر شهیدی گلپایگانی 1399

سید محمد باقر قزوینی 1401

شیخ محمد باقر گلپایگانی «امامی» 1404

شیخ محمد باقر محسنی ملایری 1404

شیخ محمد باقر ملکی میانجی 1407

ص: 1336

سید محمد باقر مولوی عربشاهی «سبزواری» 1433

سید محمد بحر العلوم قزوینی 1435

سید محمد برقی قمی 1436

محمد تحصیلی شمیرانی «خیاط» 1437

شیخ محمد تقی اشراقی قمی 1443

میرزا محمد تقی اشعری قمی 1445

شیخ محمد تقی باقری یزدی 1446

محمد تقی بیگ قمی «ارباب» 1449

شیخ محمد تقی تاج الدین حائری 1456

سید محمد تقی ثقه‌الاسلام بروجردی 1456

شیخ محمد تقی جهانگیری ارستانی 1457

سید محمد تقی خوانساری 1458

سید محمد تقی رودباری گیلانی 1464

سید محمد تقی سادات گوشه دزفولی 1467

میرزا محمد تقی سبط شیرازی 1468

شیخ محمد تقی ستوده اراکی 1469

شیخ محمد تقی شریعتمدار مازندرانی 1484

شیخ محمد تقی شریف العلماء لنگرودی 1484

سید محمد تقی عدنانی مازندرانی 1485

شیخ محمد تقی عندلیب همدانی 1487

سید محمد تقی فخر داعی گیلانی 1487

شیخ محمد تقی قمی «باوزئیری» 1489

شیخ محمد تقی گوگدی گلپایگانی 1490

شیخ محمد تقی محقق کاشانی 1492

ص: 1337



- شیخ محمد تقی مصدر الامور جاپلقی 1493
- سیّد محمد تقی واحدی «بدلا» 1494
- شیخ محمد تقی هرندی 1496
- سیّد محمد تنکابنی 1497
- شیخ محمد تویسرکانی 1498
- شیخ محمد جاپلقی «مصدر الامور» 1498
- محمد جعفر مجیر سرتیپی «مجیر السلطان» 1500
- شیخ محمد جواد خراسانی «محولاتی» 1501
- میرزا محمد جواد عمید الاسلام تبریزی 1503
- شیخ محمد جواد فریدنی اصفهانی 1505
- شیخ محمد جواد فیضی بروجردی 1506
- شیخ محمد جواد قدسی طالقانی 1507
- شیخ محمد جواد قمی 1508
- سیّد محمد حائری گلپایگانی 1510
- شیخ محمد حائری مازندرانی 1511
- سیّد محمد حجت کوه کمری 1513
- میرزا محمد حجت همدانی «دریائی» 1521
- میرزا محمد حجتی میانجی 1524
- سیّد محمد حسن الهی طباطبایی «تبریزی» 1525
- شیخ محمد حسن جواهری «آل صاحب جواهر» 1526
- شیخ محمد حسن حجتی کرمانشاهی 1529

شیخ محمد حسن سراجی قزوینی 1529

شیخ محمد حسن طالقانی 1531

سیّد محمد حسن طباطبائی بروجردی 1537

ص: 1338

- شیخ محمد حسن قمی «آقاسی» 1538
- شیخ محمد حسن قمی «آقانجفی» 1540
- شیخ محمد حسن قمی «نادی» 1540
- شیخ محمد حسن کاشانی «نجفی» 1544
- شیخ محمد حسن مجتهدزاده تنکابنی 1546
- شیخ محمد حسن مجتهد گروسی «بیجاری» 1547
- محمد حسن محقق خلخالی 1549
- شیخ محمد حسن میانه ای 1550
- شیخ محمد حسن نجفی «مسجدشاهی» 1551
- شیخ محمد حسن نویسی قمی «الهی» 1552
- شیخ محمد حسن وزوانی قمی 1554
- شیخ محمد حسین اثنی عشری قمی 1554
- شیخ محمد حسین اعلمی حائری 1556
- محمد حسین امین الضرب «مهدوی» 1558
- شیخ محمد حسین بروجردی «غروی» 1559
- شیخ محمد حسین بروجردی «کسرائی» 1562
- سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» 1563
- سید محمد حسین جزائری «ناشر الاسلام» 1571
- شیخ محمد حسین خراسانی «پائین خیابانی» 1573
- شیخ محمد حسین دزفولی «خادم الشریعه» 1576
- شیخ محمد حسین دهاقانی «خرد» 1578

شیخ محمد حسین رازانی بروجردی 1580

شیخ محمد حسین سبحانی تبریزی 1582

شیخ محمد حسین صدقی مازندرانی 1586

ص: 1339

سید محمد حسین طباطبائی بروجردی 1588

سید محمد حسین طباطبائی حکیم 1589

شیخ محمد حسین غریب تنکابنی 1590

شیخ محمد حسین فاضل تونی 1594

شیخ محمد حسین قمی «نَجَّار» 1597

شیخ محمد حسین موحد حججی نجف آبادی 1599

شیخ محمد حسین نجفی کلباسی 1600

شیخ محمد حسین واسعی قائینی 1611

محمد حسین وفائی قمی 1612

سید محمد داماد یزدی 1613

شیخ محمد ربیع همدانی «شفیعی» 1618

محمد ربیعی بهشتی همدانی 1620

شیخ محمد رشتی 1621

شیخ محمد رضا آل صادق 1622

شیخ محمد رضا بحر العلوم گیلانی 1624

شیخ محمد رضا برهان رامسری 1625

شیخ محمد چال حصاری «افضل» 1627

شیخ محمد رضا صادقی «لسان المحققین» 1629

شیخ محمد رضا طالقانی 1629

شیخ محمد رضا طبسی 1630

سید محمد رضا کشفی 1635

سید محمد رضا گلپایگانی 1636

شیخ محمد رضا محقق تهرانی 1642

محمد رضا وجدانی 1644

ص: 1340

میرزا محمّد رفیع جلالی سردرودی 1644

شیخ محمّد رفیعی طالقانی 1646

سیّد محمّد روحانی قمی 1647

شیخ محمّد زاهد رشتی 1649

دکتر محمّد زهرائی خوانساری 1650

شیخ محمّد زین العابدین 1654

سیّد محمّد سبزواری 1657

شیخ محمّد سبزواری «عزیزی» 1658

میرزا محمّد سعید سلطان العلماء نائینی 1659

شیخ محمّد سعید گلپایگانی «امامی» 1660

شیخ محمّد سلامی اهوازی 1661

شیخ محمّد سلطان العلماء اردکانی 1662

شیخ محمّد سلطان المحققین کجوری 1663

سیّد محمّد سلطان الواعظین شیرازی 1665

سیّد محمّد شریف تقوی شیرازی 1673

شیخ محمّد شریف رازی 1676

شیخ محمّد شریف همدانی 1681

سیّد محمّد صادق بحرانی حائری 1682

سیّد محمّد صادق تهرانی لاله زاری 1683

شیخ محمّد صادق جعفری اشکوری 1684

شیخ محمّد صادق خوئی 1687

میرزا محمد صادق صاحب نسق قمی 1689

شیخ محمد صادق قمی 1690

شیخ محمد صادق قمی «نعیمی» 1702

ص: 1341



سید محمد صادق لواسانی تهرانی 1703

شیخ محمد صادق مقدس رشتی 1704

سید محمد صدر العلماء قمی 1705

شیخ محمد طاهر اردبیلی (میرزا محمد ظاهری) 1706

شیخ محمد طاهر اشعری قمی 1709

شیخ محمد طاهر خاقانی «آل شبیر» 1711

شیخ محمد علی آیت بروجردی 1714

شیخ محمد علی اجتهادی اراکی 1716

شیخ محمد علی احمدیان نجف آبادی 1717

میرزا محمد علی ادیب تهرانی 1720

شیخ محمد علی اراکی 1721

شیخ محمد علی ارjestانی نائینی 1725

شیخ محمد علی انصاری 1726

سید محمد علی انگجی تبریزی 1729

شیخ محمد علی توحیدی تبریزی 1731

میرزا محمد علی چرندابی تبریزی 1735

شیخ محمد علی حائری قمی 1735

شیخ محمد علی حائری کرمانی 1738

شیخ محمد علی حقی سرابی 1739

سید محمد علی خسروی همدانی 1743

محمد علی روحی اصفهانی 1746

شیخ محمد علی شریف طبرستانی مازندرانی 1747

شیخ محمد علی صفائی گلپایگانی 1749

شیخ محمد علی طبسی 1750

ص: 1342

- محمد علی فروزش خوانساری 1752
- شیخ محمد علی فقیهی گیلانی 1753
- شیخ محمد علی کرگیلی 1755
- شیخ محمد علی کرودی طالقانی 1755
- سید محمد علی کزازی کرمانشاهی 1756
- سید محمد علی کشفی بروجردی 1757
- شیخ محمد علی لواسانی 1758
- شیخ محمد علی مدرس افغانی 1759
- میرزا محمد علی مدرس تبریزی 1761
- میرزا محمد علی مدرس «قراچه داغی» 1772
- سید محمد علی مرتضوی لنگرودی 1773
- محمد غفاری کاشانی «اقبال الدوله» 1776
- شیخ محمد فاضل قائینی 1777
- سید محمد فاطمی قمی 1780
- شیخ محمد فکور یزدی 1781
- سید محمد فیروزآبادی 1783
- میرزا محمد فیض قمی 1787
- میرزا محمد قاضی بازنه ای اراکی 1792
- دکتر محمد قریب اراکی 1794
- میرزا محمد قلی زاده اردبیلی 1795
- میرزا محمد قمی «ارباب» 1796

شیخ محمد قمی «حاج آخوند» 1804

شیخ محمد قوانینی بروجردی 1804

سید محمد کاشانی غروی 1806

ص: 1343

- سید محمد کاظم تبریزی «اھری» 1810
- سید محمد کاظم قزوینی 1811
- ملا محمد کاظم کیکله ای ملایری 1813
- سید محمد کاظم مرتضوی اصفہانی 1814
- شیخ محمد کاظم معزی دزفولی 1817
- شیخ محمد کلباسی حائری 1818
- سید محمد کماری تبریزی 1821
- سید محمد کماری تبریزی 1822
- شیخ محمد گلپایگانی «غروی» 1822
- میرزا محمد مجاہدی تبریزی 1824
- پروفیسور محمد مجدزادہ کرمانی 1827
- شیخ محمد محفوظی رودسری 1829
- سید محمد محقق بہشتی مازندرانی 1830
- شیخ محمد محقق لاهیجی 1831
- شیخ محمد «محمدی وند» مرنندی 1833
- میرزا محمد محیط قمی 1834
- سید محمد مدرسی یزدی 1837
- سید محمد مشکاہ بیرجندی 1838
- دکتر شیخ محمد مفتاح ہمدانی 1843
- شیخ محمد موحدی قمی 1847
- سید محمد موسوی اردبیلی 1849

سید محمد مولوی حیدرآبادی 1850

شیخ محمد مهدی امامی مازندرانی «امیر کلائی» 1856

شیخ محمد مهدی بیگدلی دزفولی 1867

ص: 1344

- شیخ محمد مهدی ربّانی املشی 1869
- میر محمد مهدی رضوی قمی 1870
- شیخ محمد مهدی رئیس نوری 1872
- سیّد محمد مهدی ضیائیان دزفولی 1872
- شیخ محمد مهدی کرمانشاهی «فیض» 1874
- شیخ محمد مهدی محمدی گلپایگانی 1875
- سیّد محمد میاندهی رامسری 1876
- محمد نصیری قمی 1879
- شیخ محمد واصف گیلانی 1881
- سیّد محمد واعظ گیلانی 1884
- میرزا محمد وجدانی تفرشی 1885
- شیخ محمد وحید خورگامی رشتی 1886
- سیّد محمد وحیدی شبستری 1887
- سیّد محمد وزوائی قمی 1889
- شیخ محمد هادی حسام گیلانی 1889
- سیّد محمد هادی طباطبائی حکیم 1890
- سیّد محمد هفته ای عراقی «غروی» 1891
- میرزا محمد همدانی «ثابتی» 1893
- شیخ محمد هیدجی «حکیم» 1895
- میرزا محمود اصولی ارومیه ای 1900
- میرزا محمود اصولی تبریزی 1901

شیخ محمود انصاری قمی 1902

شیخ محمود اوحدی لاهیجی 1903

محمود تندی قمی «شیوا» 1904

ص: 1345



- شیخ محمود جبرئیلی بروجردی 1907
- سیّد محمود خضری قزوینی 1908
- سیّد محمود رایگانی بهبهانی 1910
- سیّد محمود روحانی رشتی «بحرانی» 1911
- سیّد محمود روحانی قمی 1913
- سیّد محمود زرنندی ساوه ای 1915
- سیّد محمود سجاسی قزوینی 1915
- شیخ محمود شریعت مهدوی 1916
- محمود صالحی اردبیلی 1917
- شیخ محمود عابدی خلخالی 1918
- شیخ محمود علمی اراکی 1919
- شیخ محمود فقهی 1920
- میرزا محمود قمی «مدرس کهکی» 1921
- میرزا محمود کفیل افشاری مراغه ای 1922
- میرزا محمود مازندرانی قمی «مشاور الملک» 1924
- سیّد محمود مرعشی شوشتری 1927
- شیخ محمود نجم آبادی 1930
- شیخ محمود واعظ قمی «زاهدی» 1931
- سیّد محی الدّین علوی طالقانی 1932
- شیخ مراد علی ممدوح اراکی 1934



**سید مبین و فسی اراکی «همدانی»**

**اشاره**

(-1306 ق)

حاج سید مبین حسینی اراکی، وی اهل «وفس» بلوک «بزجرلو» استان اراک و در منابع به «همدانی» ملقب نمودند، از حافظان قرآن کریم و فضلاً و زهاد عصر خود بود.

سید مبین جهت تحصیل ابتدا به مشهد مقدس رفت و بعداً رهسپار تهران گردید و در مدرسه رجبعلی سکونت اختیار نمود.

علامه حاج آقا بزرگ تهرانی در ذیل کتاب «کشکول» الذریعه خود، درباره او چنین می نویسد: (سید مبین احتمالاً از شاگردان سید محمد صاحب ضوابط و شیخ محمد حسن نجفی «صاحب جواهر» باشد).

**از آثار او**

1-الکشکول.

2-تلخیص الذریعه الی مکارم الشریعه (فی التصوف و العرفان)، که در سال 1267 ق از تألیف آن فارغ شد.

ص: 1347

3-زبده الأحادیث.

4-کتاب الدعاء.

5-مجموعه الأدعیه.

نامبرده در 15/شعبان 1306/ق در قم درگذشت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

-منابع

1-أعیان الشیعه.

2-الذریعه 4/422 و 8/183 و 12/16 و 18/77 و 20/67.

**شیخ مجتبی لنگرانی**

**اشاره**

(1315-1406 ق)

شیخ مجتبی حاتمی فرزند آیت الله شیخ حسن فرزند شکور فرزند حاتم لنگرانی، از دانشمندان و اساتید به نام حوزه های علمیه بود.

وی در سال 1315 ق در نجف اشرف متولد گردید.

پدرش از علمای نجف اشرف به شمار می رفت. در نقباء البشر 1/465 به طور اجمال به شرح حال او اشاره رفته است.

شیخ مجتبی مقدمات را نزد پدر ارجمند خود آموخت، سپس دروس سطح را نزد میرزا علی ایروانی و میرزا آقا اصطهباناتی و رجال را نزد

سید ابو تراب خوانساری و تفسیر و کلام را نزد شیخ

ص: 1348

محمد جواد بلاغی و حکمت را نزد شیخ عبد الکریم زنجانی و خارج را از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و سید ابو الحسن اصفهانی بهره مند شد و خود اقدام به تدریس و تشکیل حوزه درسی نمود و جمع کثیری از طلاب نزد ایشان تلمذ کردند. سپس به شهر سامرا مهاجرت کرد و علاوه بر تدریس و ارشاد، حوزه علمیه آنجا را نیز اداره می نمود. سپس به نجف مراجعت فرمود و به امور مذکور ادامه داد.

در سال 1391 ق در اثر فشارهای دولت عراق به ایران مهاجرت کرد و برحسب خواهش علما و بزرگان اصفهان در آن سامان سکونت اختیار کرد و صبح ها در مدرسه صدر و عصرها در مدرسه جلالیه «احمدآباد» به تدریس اشتغال داشت. در ضمن چند سال برحسب خواهش حاج رضا عمادزاده، شب های ماه مبارک رمضان در حسینیه عمادزاده به مدت یک ساعت، مردم را موعظه و ارشاد می فرمود و در موضوع ولایت سخن می گفت.

آیت الله لنکرانی، فقیهی جامع و مجتهدی بارع بود و در حکمت و کلام و تفسیر و رجال و ادبیات عرب و لغت و تاریخ و شعر صاحب ذوق و اطلاع عمیق بود.

استاد شیخ محمد رازی درباره ایشان بعد از نقل مطالبی می نویسد:

(ایشان گذشته از مقام علم و فضل، عالمی پارسا و موصوف به تقوا و دارای ملکات فاضله اخلاقی و محامد آداب و محاسن اخلاق و مبرا از تظاهرات و بسیار متواضع و خلیق می باشد، و از امامت و تعینات روحی دوری می نمایند و در اصفهان هرچند علمای اعلام و متدینین اصرار برای نماز جماعت و اداره مسجدی نمودند، نپذیرفتند. و خود را با آن مقام شامخ علمی و زهد و تقوا لایق این سمت ندانسته و به نماز دیگران شرکت می نمایند).

## از آثار او

1- او فی البیان در شرح قصیده منجیه، اثر طبع علامه سید محمد فرزند سید

ص: 1349

مرتضی کشمیری که به چاپ رسیده است.

2- دیوان اشعار.

ایشان سرانجام در شب شنبه 2/شعبان 1406/ ق مطابق با 23/فروردین/ 1365 ش در سن 91 سالگی در اصفهان دار فانی را وداع گفت. بیکرش روز دوشنبه به قم حمل و پس از تشییعی با شکوه در صحن حضرت معصومه علیها السلام-صحن بزرگ- به خاک سپرده شد.

منابع

1- ارمغان اصفهان.

2- گنجینه دانشمندان 106/3.

**سید مجتبی نواب صفوی**

**اشاره**

(1343-1375 ق)

درست در همان زمانی که رضا خان، رضا شاه می شد یعنی در سال 1303 هجری شمسی نوزاد پسری در خانواده ای روحانی در خانه محقری در یکی از کوچه های خیابان «خانی آباد» در جنوبی ترین ضلع جنوب تهران آن روز، تولد یافت. مادر او خانم نواب صفوی علویه ای پاک دامن و مؤمن از خاندان اصیل و تربیت یافته بود که فرزندان چندی به دنیا آورده بود و بعد از به دنیا آوردن مجتبی فرزندان دیگری نیز آورد.

پدر مجتبی نیز مردی اصیل و فاضل و غیرتمند از خاندان عترت و طهارت به

ص: 1350

نام سید جواد میرلوحی بود که اگر چنانچه تقدیر نبود تا خداوند یک چنین فرزند برومندی به او عنایت فرماید، نام او نیز مانند هزارها روحانی مبارز و غیرتمند دیگر در عصر اختناق رضاشاهی در پهنه بی کران تاریخ انبوه انسانها گم شده و از یاد می رفت.

سید جواد میرلوحی بعدها زیر فشار مأمورین رضا شاه لباس روحانیت را درآورده و برای احقاق حقوق مظلومان وکیل دعاوی در دادگستری شد.

میرلوحی غیرتمند بود و طاقت ستم شاهی رضا شاه و نوکران از خدا بی خبر و قلدر او را نمی آورد و با داشتن یک چنین روحیه و خونی که در وجود داشت در عصر اوج قدرتمندی دستگاه رضا شاه در سنه 1315 ش (یا 1314 ش) ضمن یک سلسله گفتگوی اعتراض آمیز با علی اکبر داور وزیر عدلیه رضا شاه که هیچ خدایی را بنده نبود و حتی در برخی موارد از خود رضا شاه هم فرمان نمی برد، با او در دفتر وزارتی دست به گریبان شده و سیلی آبداری به بناگوش آن هامان زمان می نوازد، معلوم است که بی درنگ میرلوحی را بازداشت کرده و روانه زندان می کنند.

سید جواد میرلوحی سه سال در زندان می ماند و در همین موقع بوده که زن و فرزندان او بی سرپرست مانده و مرحوم سید محمود نواب صفوی که برادر همسر او و مردی با کفایت و با فضیلت بوده است، کمر همت بسته و با کمال مهر و محبت خانواده عیالمند او را تحت تکفل خود در می آورد و در همین سالها بوده که سید مجتبی دوران دبستان را پشت سر نهاده و وارد مدرسه صنعتی آلمانها در تهران می شود. و در همین سالها نیز پدرش مرحوم می شود.

هم شاگردهای او در دوران دبستان حکیم نظامی و در دبیرستان صنعتی هستند و فوق العادگی های او را نسبت به تمام دانش آموزان هنوز به خاطر دارند و بازگو می کنند.

آنها می گویند: سید مجتبی علاوه بر فراگیری دروس معمولی خود در مدرسه، در هر فرصت مناسبی که دست می داد بچه ها را جمع کرده و از اسلام و تعلیمات

اسلامی دم می زد و البته محیط و جو زمان رضاخانی طوری نبود که بتوان کاری هم انجام داد. اما همین قدر که کسی جرأت داشت حتی کلمه ای هم حرف از اسلام بر زبان آورد خود نموداری از برجستگی و فوق العادگی او بود.

نواب صفوی در هفده سالگی نیز مانند مرغ تیز پروازی که در قفسی تنگ اسیرش کرده بودند و اکنون رها شده باشد آزاد گردیده و با آن روح بلند و دید عمیقی که داشت در همان سن و سال نوجوانی، تصمیم مردانه خود را با مشورت مادر و دائی خویش برای شروع دروس دینی گرفت.

او معتقد بود اکنون وقت مبارزه است و برای شروع این مبارزه یک مایه اصلی لازم است و آن مایه را فقط می توان از ماورای این طبیعت جستجو کرد و آن هم دریافتن راه و روش و تعلیمات انبیای الهی و امامان راستین اسلام است، و لذا بعد از کسب اجازه و جلب موافقت اولیای خود تصمیم گرفت با استمداد از یاری خداوند و نیروی جوانی و نشاط خود از آزادیهای حاصل شده، بر اثر فرار یا اخراج رضا شاه از ایران راهی سفر عراق شده و در نجف اشرف که در آن روزگار بزرگترین پایگاه دانش دین و مرجع نشین عالم تشیع بود، گردد.

## راهی نجف

با شکسته شدن سد دیکتاتوری و سقوط رضا شاه و اخراج او از ایران با اینکه هم زمان با اشغال نظامی سرزمین ایران از جانب نیروهای متفقین بود و این خود

ص: 1352



گرفتاری و بدبختی جدیدی می بود، اما از بس که این مردم مسلمان از ستمهای رضا شاه و مأمورین شهربانی او رنج و صدمه کشیده بودند، باز هم خوشحال بودند و جای این بود که بعد از حدود بیست سال نفسی تازه کنند.

نواب صفوی نیز که محیط مدرسه صنعتی آلمانی را برای پرواز روح بلند خود مانند قفسی می دید و دائماً در صدد فرار از آن و پرواز به سوی قله های بلند جهان دانش و بینش و یافتن راهی به سوی ماورای این طبیعت بود، فرصت را غنیمت شمرده و تصمیم گرفت با کسب اجازه از مادر و دائی خود مرحوم سید محمود نواب صفوی برای کسب دانش دین به نجف اشرف عزیمت کند نجف که در آن زمان مرکز بزرگ روحانیت شیعه، تحت زعامت آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی بود، از وجود اساتید بزرگی نیز برخوردار بود که تمام جهان تشیع را تحت الشعاع قرار می داد.

نواب صفوی از طریق خوزستان راهی عراق می شود و در بین راه در آبادان نیز توقیفی داشته که همین توقف سبب یافتن دوستان غیرتمندی می شود که بعدها در زمره یاران او قرار می گیرند.

اواخر سال 1320 ش بود که وارد نجف شده و بلافاصله در مدرسه بزرگ آخوند خراسانی حجره ای دست و پا کرده و بدون اتلاف وقت شروع به فراگرفتن دروس مربوطه نموده و با استمداد از نبوغ و استعداد حیرت انگیزی که داشت طولی نمی کشد که ره چندین ساله را طی مدت کوتاهی می پیماید. جالب اینکه چون عشق به اسلام و مکتب آل محمد علیهم السلام مانند شعله فروزانی در باطن وجودش و از طریق تربیت های پدر و مادرش شعله می کشید، از همان الفبای دروس فقه اسلام نیز هرچه را که می خوانده و درس می گرفته است، آتش عشقهای باطنیش را شعله ورت می ساخته و بی توجه به اینکه در این راه باید دوره هایی را طی کرده و مراحل را پشت سر گذاشته و ریش سفید کرد گویا در مرحله ای می رسد که ذره ای تردید برای او باقی نمی ماند که هرچه حق است در اسلام و در مکتب مقدس آل محمد علیهم السلام خلاصه شده است و این مکتب انسان ساز چکیده تمام تلاش ها و

مبارزات و جانفشانیهای انبیا است و برای جهانی کردن آن جای هیچ گونه درنگ و تأملی نیست.

باید راه افتاد، باید کار کرد، باید کوشید، باید دوید. باید این طرف و آن طرف زد و باید دشمنان و مزاحمین را از سر راه برداشت و اگر لازم باشد باید جان عزیز را نیز به صورت تحفه ای ناقابل به معشوق خود یعنی آفریدگار جهانیان هدیه نمود.

تشخیص آن شهید این بود که وقتی به مرحله یقین رسیدیم که بشریت را گمراه کرده اند و حق با اسلام است و باید جهان را نجات داد و به راه راست واداشت.

دیگر نباید سر خود را گرم کرد و منتظر چیزی ماند، باید حرکت کرد و از خدا یاری جست و عقیده داشت که خدا هم طبق وعده ای که فرموده یاری خواهد نمود و او واقعا به وعده خدا درباره یک عملکرد صحیح الهی با تمام وجود اعتقاد داشت.

نواب صفوی سه سال و اندی در نجف ماند و از دریای موج معارف آسمانی مکتب اجدادش، درسهای بسیاری را آموخت.

علمای غیرتمند نجف که نگران اوضاع ایران بودند. مرتبا اخبار اسف بار فسادهای ناشی از اشغال اشغالگران جهانخوار به ایشان می رسید و از همه اخبار نگران کننده تر، سوءاستفاده از آزادیهای پس از اختناق و تبلیغات ضد اسلامی گروه های دست نشانده خارجی و دین سازان داخلی و از همه خطرناک تر تبلیغات احمد کسروی بود. از خدا می خواستند که فرجی شده و امت مسلمان از این همه شر و گرفتاری نجات یابند.

نواب صفوی راهی تهران می گردد و در دادگاه اقدام به ترور کسروی می کند که اولین اقدام سیاسی او حساب می شود، همین طور مبارزاتش تا آخرین روزهای حیات ادامه پیدا می کند.

اینک دفاع دختر ایشان-یعنی خانم فاطمه نواب صفوی- که در روزنامه توس، شماره 44، مورخ 23 شهریور 1377/ش چاپ شده، توجه می کنیم:

...متأسفانه در مصاحبه ای در صفحه گفت وگویی روزنامه محترم توس گفت و

گویی طرح شده که در آن با بی لطفی از دوران روشن انقلاب به عنوان موقعیتی استبدادی یاد شده و نقش روحانیت در حماسه ملی شدن نفت در ایران و دیگر حرکت های معاصر، خفیف شمرده شده است. در مورد شخصیت علمی و روحانی شهید نواب صفوی که اظهار شده است «ایشان معمم بوده اند و نه روحانی به مفهوم واقع کلمه» باید عرض شود که افتخار شهید نواب در حرکتش به دربر داشتن لباس سربازی امام زمان (عجل الله فرجه) است. ایشان در هنگام شهادت (همان گونه که همگان دوست دارند با لباس شهرت خود مطرح شوند)، تنها خواسته اش این بوده که با لباس روحانیت که همان لباس سربازی حضرت ولی عصر (ارواحنا له فدا) است به دیدار خداوندش بشتابد.

در هنگام شهادت ایشان، ما فرزندان از نظر سنّی در حدی نبودیم که بتوانیم ابعاد شخصیت علمی ایشان را واقعا بشناسیم، لذا هنگامی که صاحب الغدیر مرحوم علامه امینی که از اساتید مورد علاقه شهید بوده اند از نجف به ایران آمدند، با مادر به خدمتشان رسیدم و من از ایشان در این مورد سؤال کردم. علامه امینی فرمودند: یک سال که آقا سید مجتبی از من تعلیم گرفت دیگر چیزی نماند که به او نیاموخته باشم.

در ردّ مطالب طرح شده در گفت و گو با آقای [علی اکبر] معین فر باید به عرض برسانم که نواب در همان زمان که هنرجوی مدرسه صنعتی ایران و آلمان بوده، در حوزه علمیه مروی نیز مشغول فراگرفتن علوم اسلامی بوده است و در نجف به تکمیل تحصیلات قبلی خود مشغول بوده اند. تظاهراتی که آقای معین فر به سال 1321 ش نسبت می دهند، برخلاف نظراتشان به سال 1318 ش بازمی گردد. آن زمان شهید نواب هنرجوی هنرستان صنعتی بوده اند و در سال 1321 ش در نجف اشرف تحصیل می کرده اند. شهید نواب گذشته از تحصیلات مقدماتی علوم اسلامی در حوزه مروی هفت سال در نجف مشغول به تحصیلات حوزوی بوده اند.

در باب میزان سواد حوزوی و علمی ایشان اگر صاحب نظری می طلبیم باید سراغ

استاد گرانقدر همچون علامه محمد تقی جعفری برویم که در آن دوران همدرس شهید بوده اند و از نظر علمی و مناسبات شان با آن شهید، واجد شرایط برای اظهار نظر در این مورد هستند.

شهید نواب صفوی، شخصیتی است که تمام اعتبار خود را به فدایی اسلام و اهل بیت علیهم السلام بودن، می داند. طبق مصاحبه یک روزنامه نگار پاکستانی، مبادی و زیربنای تفکر «جنبش فدائیان اسلام» از زبان شهید در چهار اصل خلاصه شده بود:

1- اسلام، نظامی کامل برای زندگی است.

2- قومیت گرایی در میان مسلمانان نباید وجود داشته باشد و باید هم بستگی و اتحاد بین شیعه و سنی حفظ شود.

3- تضادی بین اسلام و وطن خواهی نیست.

4- یگانگی جهان اسلام فقط در سایه پیروی از اسلام می تواند تحقق یابد و مشکلات مسلمانان تنها از این راه حل می شود.

در مورد اصل سوم که اشاره ای به حرکت ملی گرایان نیز دارد، نواب صفوی درباره چگونگی ارتباط فدائیان با دکتر مصدق به روزنامه نگار پاکستانی چنین می گوید:

ملی کردن صنعت نفت هدف مشترکی بود که اتحاد بین مصدق و فدائیان را ایجاد می کرد، و لذا سازمان در کنار مصدق به عنوان تأییدکننده ای قدرتمند ایستاد. اما بعدها اتفاقات دیگری روی داد. در هر حال اسلام تضادی با وطن خواهی ندارد، ولی با قومیت گرایی و وطن پرستی احمقانه پیکار می کند و اگر زمانی برخوردی بین اسلام و ملیت روی دهد، فدائیان بدون هیچ شک و تردیدی مصممانه در راه اسلام خواهند بود.

به امید رجعت حماسه ساز مهدی منتظر (عج).

## از آثار قلمی او

1- ترجمه الغدیر (به فارسی - فقط جلد اول).

ص: 1356

(1337-1397 ق)

سید محسن حسینی فرزند ارشد آیت الله سید محمد حجت کوه کمری، که به زیور علم و متانت و تقوی آراسته و از فضیلتی کوشا و محققان به نام و اساتید معروف حوزه بود.

روزگار پیشینی در زیر آسمان نیلگون شهر نجف اشرف کودکی به نام «محسن» در سال 1337 ق مطابق با 1297 ش چشم به جهان گشود، و در عالم انسانیت نمایان گشت، و در آغوش مهر مادر نشو و نما یافت، و در مهد علم و تقوای والد معظم پرورش یافت، و مشغول فراگرفتن علم و دانش گردید. تا اینکه به اتفاق پدر بزرگوارش از نجف اشرف به زادگاه پدر مکرم خود (شهر تبریز) مسافرت، و از آنجا به شهر قم مهاجرت و دروس سطوح را نزد مدرسین و پدر بزرگوار خود به اتمام رساند. و برای کسب مراتب عالی علم و فضل در محضر تدریس آیت الله والد گرامی خود حاضر و از رشحات علمی و معنوی اش استفاده کرد و بهره مند گردید.

این فرزند برومند و ارجمند از همان اوان استعداد فوق العاده لیاقت و نبوغ از ناصیه اش هویدا بود، لذا برحسب امر پدر بزرگوار به نجف اشرف در سال 1365 ق رهسپار شد، و در آن حوزه در درس اساتیدی همچون آیات: میرزا عبد الهادی شیرازی، شیخ محمد کاظم شیرازی و میرزا محمد طاهر اردبیلی «ظاهری» مشغول تحقیق مبانی فقهی و اصولی و هیئت بودند، و در همان اوقات حوزه تدریس علم

ص: 1357

فقه و اصول داشتند، که فضلا از تدریس ایشان استفاده می نمودند، و در خلال اوقات با قلم شیوای خود مشغول تصنیف و تألیف مطالب علمی بودند.

در سال 1370 ق به قم بازگشت و پس از چند ماه توقف مجدداً به نجف اشرف عزیمت نمود، و از محضر آیات: سید محسن طباطبائی حکیم، میرزا باقر زنجانی و سید ابو القاسم خوئی استفاده نمود. و پس از مدتی سرانجام در حدود سال 1373 ق به حوزه علمیه قم منتقل گشت و به تدریس پرداخت.

پاره وقتی هم به ملاقات علما و بزرگان اختصاص می داد و بزرگان نیز از او تجلیل می کردند از جمله آیت الله شیخ عبد النبی عراقی که از او بسیار احترام به عمل می آورد. کوه کمری مردی کاملاً سالم، زاهد، فاضل و خوش طینت بود.

### از جمله آثار قلمی اش

- 1- الأربعون فی حیاة سلمان الفارسی.
- 2- تفسیر اوائل سور القرآن المجید.
- 3- تقریرات الاصول فی مباحث الالفاظ.
- 4- تقریرات در ولایت فقیه.
- 5- تقریرات قاعده الید.
- 6- تقریرات قاعده لا ضرر و لا ضرار.
- 7- توضیح المقال فی ثقات الرجال.
- 8- حاشیه علی العروه الوثقی.
- 9- حیاة الفاطمه (سلام الله علیها)، درباره حضرت معصومه علیها السلام.
- 10- رساله در حقیقت تجری.
- 11- رساله در لباس مشکوک.
- 12- رساله در مسائل فروع علم اجمالی.
- 13- رساله در معنی حرفی.

14- رساله عملیه منتخب الأحكام.

15- رساله فی استحباب لبس السواد فی ایام عزاء الامام الحسین الشہید علیہ السلام و سائر الائمہ علیہم السلام.

16- رساله فی الاستصحاب.

17- شرح رسائل (از شیخ انصاری).

18- شرح کفایہ الاصول.

19- صحابه الرسول الاکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و الائمہ علیہم السلام.

20- قصار الکلمات فی الاحکام الصادره عن النبی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم.

21- مکاتبات الائمہ علیہم السلام.

22- نهج الطالب فی الحاشیہ علی مکاسب، در سه جلد.

کوه کمري پس از عمری خدمت و تدریس در روز جمعه 6 ذی الحجہ / 1397 ق مطابق با 27 آبان 1356 / ش در سن 60 سالگی در قم چشم از جهان خاکی فروست و در کنار تربت پدر در مدرسه حجتیه مدفون گردید.

- منابع

1- آثار الحجہ 140/1 و 193 و 369/2.

2- جزوه ای کوتاه در شرح حال ایشان.

3- گنجینه دانشمندان 130/2.

4- مؤلفین کتب چاپی 214/5.

**سید محسن سرزیدی «حاج میرزائی»**

**اشاره**

(1292-1380 ق)

سید محسن فرزند علامه سید زین العابدین طباطبائی مدرس سرزیدی، معروف به «حاج میرزایی» از فضلا بود.

وی در سال 1292 ق در روستای «سریزد» واقع در چند کیلومتری یزد متولد گردید.

ص: 1359



پدرش از علما و تحصیل کرده های نجف اشرف بود و دارای «حاشیه علی المکاسب» می باشد.

سید محسن، تحصیلات خود را در یزد «مدرسه مصلی» نزد سید احمد مدرس طباطبائی یزدی و شیخ احمد علوم یزدی به پایان برد و مشغول انجام خدمات مذهبی و اجتماعی گردید.

نامبرده در سال 1380 ق برابر با 1339 ش در سن 88 سالگی درگذشت.

پیکرش در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

### فرزندانش:

1- سید عباس 2- سید حسین، روحانی است و فعلا ساکن سریزد می باشد.

3- سید علی سریزدی، از فضایی معاصر که فعلا در کرج سکونت دارد.

-منبع

1- اطلاعاتی از فرزندش آقای سید علی سریزدی، به تاریخ رمضان 1417/ق.

### میرزا محسن شریانی تبریزی

(1310-ح 1385 ق)

میرزا محسن فرزند آیت الله ملا محمد و نوه ملا فضل الله شریانی تبریزی، از فضلا بود.

وی در سال 1310 ق در نجف اشرف تولد یافت. تحصیلات خود را در حوزه نجف به پایان برد، سپس به تبریز رفت و در آنجا مشغول خدمات دینی و اجتماعی شد.

از آثار او: رساله ای در زندگی نامه پدر دانشمند خود.

وی در حدود سال 1385 ق درگذشت. پیکرش در قبرستان ابو حسین - مقبره العلماء - به خاک سپرده شد.

ص: 1360

فرزندانش: 1- شیخ عبد الحمید شریانی، از علمای معاصر و در مشهد مقدس سکونت دارد و در مسجد گوهرشاد امامت جماعت می کند. وی در حدود سال 1345 ق تولد یافت. تحصیلات عالی خود را در قم نزد حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید حسین طباطبائی بروجردی، سید احمد خوانساری و سید محمد رضا گلپایگانی در خارج فقه و اصول و سید محمد حسین تبریزی (علامه طباطبائی) در حکمت، به پایان رساند. از آثار او: 1- رساله الامضاء فی القدر و القضاء، 2- النظر فی الجبر و القدر، 3- رساله عملیه.

2- آقا مجید.

- منبع

1- اطلاعات متفرقه.

**شیخ محسن طاهری قمی**

**اشاره**

(1328-1400 ق)

حاج شیخ محسن طاهری فرزند حجه الاسلام شیخ طاهر قمی، از دانشمندان و معاریف ورامین.

وی در سال 1328 ق برابر با 1289 ش در شهر قم تولد یافت.

پس از رشد و نما و آموختن ادبیات فارسی از سال 1344 ق (برابر با 1304 ش) به تحصیل علوم دینی پرداخت. ادبیات عرب را نزد شیخ محمد علی ادیب تهرانی به پایان رساند و دروس سطح را از محضر مرعشی و حکمت را از محضر شیخ محمد مهدی

ص: 1361

مازندرانی «امیر کلائی» استفاده نمود.

دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی (به مدت سه سال)، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری و میرزا محمد فیض قمی بهره مند گردید.

### هجرت به ورامین

طاهری در سال 1360 ق (برابر با 1320 ش) بنا بر دعوت و اصرار مردم شهر ورامین - واقع در چهل کیلومتری جنوب تهران - به آن سامان رفت و در «مسجد خاتم الانبیاء» به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و نشر معارف اسلامی پرداخت.

از جمله خدمات ایشان در منطقه: احداث بنای «مسجد خاتم الانبیاء»، تشکیل حوزه علمی ورامین، اعزام مبلغان به سایر نقاط آن سامان و...

از آثار او: 1- جامع التفاسیر، در تفسیر قرآن کریم، مخطوط.

ایشان در روز چهارشنبه 20/رجب 1400/ برابر با 14/خرداد 1359/ ش در اثر ابتلا به بیماری در سن 72 سالگی در ورامین به لقای الله پیوست. پیکرش روز بعد در ورامین تشییع و به قم انتقال و در جوار علی بن جعفر علیه السلام به خاک سپرده شد.

-منابع

1- آثار الحجج 376/2.

2- روزنامه اطلاعات، مورخ 17/3/1359 ش، ص 2.

3- گنجینه دانشمندان 681/4.

### میرزا محسن مشکینی

### اشاره

(1324-1407 ق)

میرزا محسن فرزند علامه شیخ هاشم مشکینی، از فضلا و بزرگان معاصر بود.

وی در سال 1324 ق در «مشکین شهر» واقع در استان اردبیل دیده به جهان گشود.

ص: 1362

پس از طی کردن مقدمات و بخشی از سطح، در سال 1348 ق به قم رهسپار شد و سطح را نزد میرزا محمد همدانی به پایان برد.

دروس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود.

## از آثار او

1- تقریرات درس مکاسب «تقریرات آیت الله حجت».

نامبرده در روز دوشنبه 22 صفر 1407/ ق مطابق با 5 آبان 1365/ ش در سن 83 سالگی درگذشت. و پیکرش در قبرستان ابو حسین مدفون گردید.

-منابع

1- آثار الحجه 107/2 (تولدش را در سال 1323 ق دانسته است).

2- آینه دانشوران 305.

3- گنجینه دانشمندان 263/2.

**سید محسن میرغفاری آذرشهری**

**اشاره**

(1300-1392 ق)

زندگینامه زیر بقلم فرزند دانشمندش علامه سید علی میرغفاری (دام ظلّه) نزیل تبریز، که در مقدمه کتابش (اربعین حسینیّه) جلد دوم به چاپ رسیده، تقدیم می نمائیم:

معظم له در تاریخ 13 رجب 1300/ هجری قمری در آذرشهر (45 کیلومتری تبریز) دیده به جهان گشود. پس از تحصیل مقدمات در زادگاه خود، به حوزه علمیه تبریز رهسپار گردید، اکثر متون فقه و اصول را در محضر مبارک شیخ الفقهاء و المجتهدین آیت الله آقای حاج میرزا فتاح شهیدی قدس سرّه و سایر بزرگان آن عصر، فراگرفت.

ص: 1363

و خارج اصول و فلسفه را در محضر عالم ربانی، جامع معقول و منقول و وحید عصر خود، آقای حاج شیخ ابراهیم بقال اوغلی تبریزی (متوفای 1334 ق) تلمذ و استفاده شایانی نمود.

ایشان بعد از رحلت والد ماجدش جناب مستطاب سید الاعظم و الاشراف آقای حاج میر غفار رئیس السادات حسینی (رضوان الله تعالی علیه)، دوباره به آذرشهر مراجعت کرده، مشغول تدریس و تبلیغ و ارشاد مردم شد، و عمر عزیز و گرانقدر خود را وقف اسلام و مسلمین نمود و لحظه ای آسوده خاطر نشست.

وی به صورت یک چهره شناخته شده علمی، مورد احترام و تکریم حضرات آیات و مراجع همچون: آیت الله یزدی (صاحب کتاب فقهی ارزشمند «العروه الوثقی»)، که از بزرگترین مراجع تقلید نجف اشرف بوده و بر سراسر دنیای شیعه از ایران و عراق و هند و افغانستان و دیگر نقاط شیعه نشین، مرجعیت شرعی داشته است، و فتوای تاریخی و شکننده وی - علی رغم مخالفتش با مشروطه - علیه قوای اشغالگر روس و انگلیس و ایتالیا مشهور است) و علامه بزرگوار، مرجع تقلید شیعیان جهان آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی قدس سره (که استاد اعظم بسیاری از مراجع عظیم الشأن معاصر، و بنیانگذار حوزه علمیه قم بوده است).

او علاوه بر ایجاد این پایگاه دینی و مرکز علمی عظیم شیعه، برای حفظ و صیانت آن از تهاجم عمال دست نشانده انگلیس و نقشه های تخریبی آنها، برای

اینکه کوچک ترین بهانه ای برای کوبیدن این حوزه، به دست شان ندهد، با نهایت هوشیاری، در تمام مدت زعامت خود، مبارزه منفی را برگزید و دیدیم که این مبارزه منفی و سکوت برنده تر از شمشیر، چگونه نقشه خائنانه زیرزمینی دشمن را خنثی کرده و نقش بر آب نمود. و بدین سان، با سیاست «صبر» و «سکوت»، عظمت و کیان حوزه علمیه قم را از متلاشی شدن و سقوط حتمی نجات داد.

تا آنجا که خود دشمن ضمن اعتراف به این شکست تلخ، عملاً بر این سیاست هوشیارانه «علوی» مهر تأیید نهاد، و در حالی که قبر شریف آن مرجع دوراندیش و بلندنظر شیعه را با لگد می کوبید، می گفت:

«... زمان خودش بود!، من هرچه خواستم برای تخریب و متلاشی ساختن این حوزه، حرفی از دهانش بگیرم. هرگز بهانه به دستم نداد و مهر سکوت بر لب نهاد!».

بلی: يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.

آری: او تنها با یک سکوت، هویت حقیقی مستبدی را (که بنا به فرموده عالم وارسته و مجاهد نستوه آیت الله طالقانی: «من وظیفه دارم که دین اسلام را احیاء کنم») آشکار ساخت.

او از خود هفده جلد کتاب و اثر علمی و مذهبی در فنون مختلف به یادگار گذاشته است، که تا این تاریخ شش جلد از آنها، به زیور طبع آراسته شده و بقیه به صورت مخطوط باقی مانده است.

### حوزه علمیه آذرشهر در عصر ایشان

در عصر آن مرحوم، در آذرشهر حوزه ای تأسیس شده، که قریب پنجاه نفر محصل علوم دینی از شهری و حومه، از مقدمات گرفته تا سطوح عالی از محضر پرفیض وجود ایشان خوشه چینی و استفاضه می کردند، و در مدرسه مرحوم «حاج کاظم» محصلین شب خواب وجود داشت، و مخارج اکثر آنها برعهده ایشان بود.

حاصل عمر و حیات پربرکت این عالم وارسته در این شهر کوچک، عده ای از

طلاب و علمای برجسته یا چون حجه الاسلام و المسلمین شهید میرزا حسین غفاری و امثال او بودند که برخی در قید حیات و منشأ خدمات مذهبی و برخی نیز پس از عمری خدمت، به سرای ابدی شتافته اند، «غفر الله الماضین و اید الله الباقین منهم».

### مجالس علمی ایشان

مجالسی که ایشان حضور می داشتند بسی پر بار بود، و غیر از بحث و مذاکره علمی و طرح و نقد و حل مسائل فقهی، چیز دیگری عنوان نمی گردید. و همواره از علما و بزرگان دین با کمال احترام یاد می کرد و می فرمود: «این وظیفه و عاظ و مبلغین اسلامی است که از زحمات طاقت فرسای علمای دین، که در راه عزت اسلام و مسلمین متحمل شده اند قدردانی کرده و مردم را به این موضوع توجه دهند» و از بدگوئی و غیبت در غیاب علما و دیگران عملاً - و به طور جدی اجتناب و احتراز می نمود، او به راستی یکی از مصادیق: «کونوا دعاه الناس بغیر السننکم» بود.

### خدمات عمرانی آن مرحوم

وی علاقه زیادی بر تعمیر و عمران مساجد داشت، از آثار ایشان تعمیر «مسجد جامع حاج کاظم» آذرشهر است، که در سال 1356 قمری به امر مبارک ایشان و همت اهالی خیر از نو تجدید بنا گردید، و نیز در تاریخ 1327/10/3 شمسی مسجد محله «حلوائی» به نام «عبد الله الشهد» توسعه و تعمیر گردید، که وی در زادگاه خود عمر عزیز خود را قریب هشتاد و پنج سال صرف خدمت اسلام و مسلمین و ارشاد آنها نمود.

و نیز به پیشنهاد معظم له و همت مرحوم مغفور عمده التجار آقای «حاج علی دهخوارقانی» غسالخانه ای در جنب گورستان واقع در جنوب شهر بنا گردید، و همچنین غسالخانه و مسجد دیگری در گورستان «خواجه حیران» واقع در شمال شرقی شهر تأسیس فرمود.

در تاریخ غرة/شعبان 1360/ قمری مطابق با 1320/6/3 شمسی که متفقین به ایران حمله نموده و آذربایجان را (از طرف شمال) اشغال نمودند، در اثر فشار ایادی بیگانه که علما از شهرها و مخصوصا تبریز به تهران مهاجرت می کردند، او تنها کسی بود که سینه خود را سپر بلا و هدف آماج تیرهای شیاطین دین فروش و بی وطن کرد، و حتی به شهرهای دیگر مانند: تبریز و غیره مسافرت نموده، از مهاجرت اشخاص خیر مخصوصا علما ممانعت می کرد، و می فرمود: «حالا موقع خدمت است نه فرار!» و همواره در آن شرایط سخت و بحرانی مشغول تبلیغ و بیان احکام الهی بود.

وی وقتی که از طرف خائنان و مزدوران بیگانه (که برای تعقیب اهداف شوم خود در مجالس وی شرکت می کردند) تهدید به قتل می شد به حکم وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ لَهجَه سخن را عوض می کرد و با کمال عطف و مهربانی و خونسردی می فرمود:

«من که با کسی غرضی ندارم من به حکم طیب و پدر مهربان نسبت به شما هستم، عقد پدران و مادران شما را من خوانده ام! شما به منزله اولاد من هستید! هرگز فرزند به پدر خود جسارت نمی کند! شما جوانید و عاقبت امر را تشخیص نمی دهید!».

آری در اثر تلاش و کوشش پی گیر آن مرحوم (چه در زمان تسلط اجانب و چه بعد از آنها) در آن ناحیه نه بر مال کسی دست درازی شد و نه بر جان، و نه هتک حرمتی بر کسی روا رفت. برخلاف مناطق دیگر که چه مالها که غارت نشد!! او چه جانها و نوامیسی که مورد تجاوز قرار نگرفت!!

او در این دوران سخت و بحرانی در کنار مردم بود، و درد و رنج آنان را عملا احساس می کرد و در آن سالهای قحطی و گرانی با تشکیل نانوائی های تعاونی و دعوت مردم به کمک رسانی برای اشخاص بی بضاعت و فقیر، جان، آبرو و حیثیت هزاران نفر را از هلاکت و سقوط حتمی نجات داد.



وی در سال یک هزار و سیصد و هشتاد و یک قمری به خاطر یک سلسله مصالح دینی (که روح مقدسش راضی به افشای آن نخواهد بود) برای آخرین بار از موطن اصلی خود «آذرشهر» به تبریز بازگشت. او خود به اجمال در این زمینه می فرمود:

«چون دیدم که وجود من به دلیل کهولت سن در وطن منشأ اثر نیست، خواستم در ضمن عمل به حدیث نبوی مشهور «علیکم بالسواد الاعظم» به تبریز مهاجرت کنم، لذا این بود که از وطن بریدم و به سواد اعظم شهر پیوستم». با وجود این و علی رغم کهولت سن باز در این شهر آرام نگرفت، و شب و روز در اندیشه اصلاح امور و تنویر افکار مردم و تبلیغ احکام و اقامه نماز بود، و با آن ضعف و ناتوانی هر سه وقت جهت اقامه نماز جماعت در مسجد حاضر می شد، و در اغلب شبها بعد از نماز به تفسیر آیات کریمه قرآن می پرداخت.

### حافظه نیرومند

وی با اینکه در اواخر عمر به جهت ضعف بصر به طور کلی از مطالعه عاجز بود، در عین حال در اثر حافظه قوی و عجیبی که داشت، هر چه مطالعه کرده بود با صفحات و سطورش به یاد می آورد. و عجیب اینکه در بحث هایش ابداً تکراری وجود نداشت. گاهی به بنده امر می کرد که فلان مجلد بحار یا تفسیر و... را بیاور و فلان موضوع را در صفحه معین برایم بخوان! غالباً علماء به حضورش شرفیاب شده، اشکالات علمی و فروع فقهی را عنوان می کردند، و او جواب همه را فی المجلس با اتکاء به ملکات ذهنی به صورت مستدل و روشن، بیان می کرد. و همه با دامنی پر از گوه‌های دانش از محضر پرفیضشان با کمال شوق و شغف برمی خاستند. دیده نشده که کسی بر حضور پربارش وارد، و بدون چیدن دسته گلی از خرمن دانش او خارج شود.

## آثار قلمی او:

1- تدرستی یا نامه نیک بختی.

2- علل الغیبه.

3- مجالس الهدی لأرباب التقی.

4- مقیاس آداب المتعلمین و میزان اخلاق المحصلین.

شیخ نصر الله شبستری سید علی میرغفاری آذرشهری

## ارتحال ایشان

اسفا!! شمع وجودش که سالها روشنگر محافل و سالکان خسته دل را به مقاصد خود نائل و رهروان وادی حیرت را به مقصدشان رهنمون بود، پس از عمری خدمت، سرانجام در روز یکشنبه شانزدهم/ذی الحجه الحرام/سال یک هزار و سیصد و نود و دو هجری قمری مطابق با اول/بهمن ماه/سال یک هزار و سیصد و پنجاه و یک خاموش گشت!

و محافلش بی فروغ و انجمن هایش بی سرپرست گردید و از غروب این ستاره

ص: 1369

آسمان علم و فقاہت، قلوب مؤمنین و همه شیفتگان فضل و دانش داغدار گشت و رخنه جبران ناپذیری در پیکره اسلام پدیدار گردید. تغمده اللہ فی غفرانه، اللهم احشره مع من يتولاه من محمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و اهل بيته الطاهرين عليهم السلام، آمین یا رب العالمین. جسدش به قم انتقال و در قبرستان دارالسلام خاک فرج به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- سید رضی 2- رضا 3- ضیاء 4- ابو الحسن، روحانی تحصیلاتش در قم بود شاگرد حاج شیخ عبد الکریم حائری دین در آذرشهر 5- سید علی میرغفاری، از علمای معاصر تبریز 6- مرتضی.

7- سید ابراهیم میرغفاری، تولد 1344 ق از فضلالی حوزه علمیه قم بود و از جمله شاگردان آیه اللہ سید کاظم شریعتمداری و نزدیکان ایشان به شمار می رفت.

ایشان در ایام حملات ناجوانمردانه رژیم عراق به شهرهای ایران از قم به مشهد رفت و آنجا در اثر سکت قلبی درگذشت. جسدش در روز/رجب 1407/ق در قم تشییع و در قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

در مؤلفین کتب چاپی 224/5 نام آثار قلمی اش آمده است.

### شیخ محمد آل آقا کرمانشاهی

(-1301 ق)

حاج شیخ محمد فرزند آیت اللہ شیخ محمود و نوه آیت اللہ شیخ محمد علی کرمانشاهی بهبهانی، ملقب به «آل آقا» از فقها و مشاهیر علمای تهران بود.

وی همراه پدر ارجمند خود مدتی در نهاوند توقف داشت، سپس در سال 1245 همراه وی از نهاوند به قم مهاجرت کرد و سرانجام رهسپار تهران شدند.

آقا محمد پس از ارتحال پدر خود در سال 1269 ق ریاست روحانی پیدا کرد.

در المآثر و الآثار درباره اش می نویسد، (از مشاهیر مشایخ و نبهات فقهای سلسله

ص: 1370

بهبهانیه بود، و در مسجد حکیم دار الخلافه امامت جماعت می نمود، و از خاطر عاطر همایونی [یعنی ناصر الدین شاه قاجار] نسبت به آن عالم جلیل و فاضل نجیب اصل، اقبالی زاید الوصف مصروف می افتاد...).

ایشان در سال (1301 ق در تهران درگذشت و جهت خاکسپاری به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام در مقبره خانوادگی اش - زیر ساعت - به خاک سپرده شد.

فرزندانش:

1- شیخ فضل الله آل آقا 2- شیخ مهدی بحر العلوم، داماد آیت الله ملا علی کنی بود 3- علامه شیخ جمال الدین آل آقا. دامادش هم آیت الله میرزا عبد الرحیم نهاوندی بود.

-منابع

1- المآثر و الآثار.

2- وحید بهبهانی 353.

### شیخ محمد آل آقا کرمانشاهی

(-1383 ق)

شیخ محمد فرزند حاج آقا نبی و نوه علامه شیخ محمد تقی آل آقا کرمانشاهی، از دانشمندان کرمانشاه بود.

استاد شیخ علی دوانی در کتاب خود «وحید بهبهانی» هنگام معرفی فرزندان آقا نبی، درباره ایشان می نویسد:

(و فرزند محترم و دانشمند و فقیه وی آقای آقا محمد آل آقا، امروز از علمای درجه اول کرمانشاه می باشند، فقیهی محترم و دانشمندی بزرگوار و از نجبای این خاندان جلیل است).

ص: 1371

شیخ محمد پس از طی مقدمات در کرمانشاه، به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی استفاده نمود، سپس به کرمانشاه بازگشت و در مسجد (عماد الدوله) به اقامه جماعت و ارشاد اشتغال پیدا کرد.

نامبرده در روز چهارشنبه 9 ذی حجه 1383/ ق مطابق با 2 اردیبهشت/ 1343 ش در کرمانشاه به دیدار حق شتافت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

- منبع

1- وحید بهبهانی 338.

## سید محمد آل رسول شمس آبادی

اشاره

(1392-1336 ق)

حاج سید محمد فرزند علامه سید محمد ابراهیم و نوه سید محمد موسوی «آل رسول» شمس آبادی اصفهانی، و داماد آیت الله حاج آقا جمال الدین اصفهانی (مسجد شاهی)، از جمله فضلا و بزرگان بود.

در سال 1336 ق در اصفهان متولد گردید.

## در حوزه اصفهان

وی پس از طی مقدمات، وارد مدارس جدید شد و تا سوم دبیرستان تحصیل کرد، و پس از آن وارد «مدرسه صدر» اصفهان شد، و سطوح عالی و دروس خارج را نزد آیات: شیخ محمد حسین فشارکی، سید علی نجف آبادی، سید محمد نجف آبادی و شیخ محمود مفید به انجام رسانید.

نامبرده، پس از فوت پدرش به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت در مسجد آن مرحوم پرداخت، و پس از بازگشت برادر ارشدش آیت الله شهید سید ابو الحسن

ص: 1372

شمس آبادی از نجف اشرف، «مسجد ابا ذر» را به ایشان تفویض نمود، و خود در «مسجد جنب حمام» به اقامه جماعت و ارشاد اشتغال ورزید.

وی مردی فاضل، غیور، کوشا در رفع حوائج مردم، و خوشرفتار و شیرین گفتار بود.

اوقات فراغت را به امور زراعی و شخصی می پرداخت.

### درگذشت و اعقاب

وی در روز پنج شنبه 13 ذی حجه 1392/ ق مطابق با 28 دی 1351/ ش در یکی از بیمارستانهای تهران در پی عمل جراحی، در سن 56 سالگی درگذشت، و جنازه اش به قم حمل و به خاک سپرده شد.

از وی اولاد ذکوری باقی نماند و فقط چهار دختر داشت، که جناب آقای حاج جواد شفتی یکی از دامادهايش می باشد.

-منبع

1- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان 259/3.

### دکتر محمد ابراهیم آیتی بیرجندی

### اشاره

(1333-1384 ق)

دکتر شیخ محمد ابراهیم آیتی بیرجندی فرزند علامه شیخ محمد قائینی، از فضلا و نویسندگان برجسته بود.

آیتی در سال 1333 ق در بیرجند متولد گردید.

ایشان مقدمات و ادبیات را نزد: شیخ غلامرضا فاضل، شیخ محمد علی ربانی، و ملا محمد دهکی در حوزه علمیه بیرجند آموخت، و سطوح را نزد آیات: شیخ محمد باقر بیرجندی و فرزندش شیخ محمد حسین آیتی تلمذ کرد. در سال 1350 ق به مشهد مقدس عزیمت نمود و مقداری از ادبیات را نزد شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری بیاموخت، آنگاه از محضر آیات: شیخ حسن پائین خیابانی، میرزا

ص: 1373

مهدی شهیدی (در حکمت)، میرزا مهدی اصفهانی، میرزا احمد کفائی (در کفایه)، سید حسین فقیه سبزواری و شیخ آقابزرگ شاهرودی استفاده شایان برد.

وی از سال 1320 تا 1329 ش در بیرجند به وعظ و تدریس و ارشاد اشتغال داشت، سپس در سال 1330 ش به تهران رفت، و از سال 1334 ش در دانشکده الهیات دانشگاه تهران شروع به تدریس نمود، و در سال 1340 ش در رشته فلسفه اسلامی درجه دکترا دریافت داشت.

## از آثار او

1- آئینه اسلام (ترجمه).

2- افکار جاوید محمد صلی الله علیه و آله و سلم (ترجمه).

3- اندلس یا حکومت مسلمین در اروپا.

4- بررسی تاریخ عاشورا.

5- تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم.

6- ترجمه البلدان (یا قوت حموی).

7- ترجمه تاریخ یعقوبی، 2 جلد.

8- تفسیر شریف لاهیجی (جلدهای 3 و 4- تصحیح).

9- خطبه های رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

10- سخنرانی های آیتی.

11- سرمایه سخن، 2 جلد.

12- شهدای اسلام.

13- فهرست ابواب و فصول اشعار.

14- گفتار عاشورا.

15- گفتار ماه (سخنرانی ها).





17- مرجعیت و روحانیت (همکاری).

18- مقولات و آراء مربوط به آن (رساله دکترا).

وی در روز جمعه 3/ جمادی الثانی 1384/ ق مطابق با 17/ مهر 1343/ ش در اثر تصادف درگذشت، و در قبرستان ابو حسین قم- مقبره العلماء- به خاک سپرده شد.

-منابع

1- افادات علامه شیخ عباس خالصی (ساکن سرایان).

2- دایره‌المعارف تشیع 242/1.

3- مؤلفین کتب چاپی 26/1.

**شیخ محمد ابراهیم ساوه ای**

(ح 1326 ق)

شیخ محمد ابراهیم فرزند علی اکبر ساوجی.

در تهران جزو شاگردان برجسته آیت الله شیخ محمد حسن آشتیانی محسوب می شد، که پس از تحصیل علوم و معارف به ساوه بازگشت، و به اقامه جماعت و تدریس و نشر احکام و معارف الهی پرداخت.

وی علاوه بر دانش و فقاہت در نهایت زهد و قدس و ورع بود، و به شدت فریضه امر به معروف و نهی از منکر را به جای می آورد.

سرانجام در حدود سال 1326 ق در ساوه درگذشت، و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

فرزند ایشان شیخ اسد الله مجتهدی، از علمای ساوه بود. تحصیلاتش را در قم گذرانید، متوفای 1357 ش در ساوه در حدود 79 سالگی.

-منابع

1- گنجینه دانشمندان 293/5.

2- نقباء البشر 19/1.

ص: 1375

(1293-1355 ق)

از وعاظ نامی ایران بود که تولدش در سال 1293 ق در مشهد مقدس اتفاق افتاد.

خبرنگار روزنامه اطلاعات در پی یک حادثه ناگواری که برای صاحب شرح حال رخ داده بود، مصاحبه ای انجام داده که قسمت مهم آن را نقل می کنیم:

س: ممکن است اسم و شهرت خود را بفرمائید؟

ج: اسم شیخ محمد ابراهیم مشهور به «صاحب الزمانی».

س: فلسفه شهرت صاحب الزمانی چیست؟

ج: چون همیشه کلمه آخر حرف و ختم منبرم عبارت (یا صاحب الزمان) است، به این جهت، به این نام شهرت یافته ام.

س: شرح زندگانی خودتان را بفرمائید؟

ج: بله، تولدم در ارض اقدس حضرت رضا علیه السلام و پنجاه و سه سال از عمرم می گذرد. اسم پدرم حاجی محمد صباغ (شغلش صباغی بود). بنده هم در اول زندگانی به شغل صباغی و همچنین ترمه بافی و قالی بافی مشغول بودم، تا آنکه تحصیلات مقدماتی خود را در مشهد تمام کرده، و در سال 1309 ق بعد از گردش در بعضی از بلاد خراسان عازم پایتخت (تهران) شدم، پس از چند سال توقف در تهران و ذکر مصیبت خامس آل عبا، شوق اجتهاد به سرم افتاد عزم نجف اشرف کردم. گرچه چند سالی در نجف ماندم، لیکن موفق به اجتهاد نشدم.

نظر به شوق وافر که به منبر و ذکر مصیبت داشتم، کتب مجلسی (اعلی الله مقامه) را خواندم، و آنچه راجع به مصائب آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود به مقدار سی جزو قرآن عبارات عربیه جمع آوری نموده، و در مدت سی سال که در سفر و حضر بودم حفظ کردم. و از این حیث در این مدت که بلاد معظمه ایران را هم گردش کرده ام، در

ص: 1376

هر بلدی یا شخص اول بودم یا در طراز اول اهل منبر، اعمال برجسته من اولاً در مازندران: جلوگیری از یک کار بدی بود که انجام دادم...

مرحوم آیت الله سید احمد شبیری زنجانی در کتاب خود (الکلام یجر الکلام) مطالب و داستانهای سودمندی از وی نقل می کند، و ظاهراً دوستی و الفت با یکدیگر داشتند. در پاورقی کتاب مذکور، وی را چنین معرفی کرده است:

(مرحوم آقا شیخ ابراهیم اصلاً سردرودی تبریز بود، هر روز در پای درس مرحوم حاج شیخ عبد الکریم (حائری یزدی) ذکر مصیبت می کرد. همان دم که مرحوم حاج شیخ در منبر قرار می گرفت. آن مرحوم قبلاً چند کلمه ذکر مصیبت می کرد، بعد آقای حاج شیخ شروع به درس می فرمود. از قضا همان طوری که او در مجلس درس پیشخوان بود، در رفتن از این دنیا پیش فراول شد. ده شب پیش از حاج شیخ وفات کرد. شب چهارشنبه هفتم / ذی القعدة 1355 / ق مطابق با 30 دی / 1315 ش او وفات کرد، و شب هفدهم همان ماه آقای حاج شیخ (رحمه الله علیهما).

باید اضافه کرد که وی در ادبیات عرب نیز دست داشته و اشعاری در زمینه های مختلف سروده، که در یکی از منابع خطی، قصیده ای از نظم مترجم له در رثای آیت الله میرزا صادق آقابریری دیدم.

سرانجام در روز چهارشنبه 7 / ذی القعدة 1355 / ق مطابق با 20 دی / 1315 ش در تهران درگذشت، و در قبرستان حاج شیخ به کد (25235) قم به خاک سپرده شد.

-منابع

1- الکلام یجر الکلام 86/2.

2- روزنامه اطلاعات، سال دوم، شماره 411، صفحه 2، به تاریخ اول بهمن 1306 / ش.

3- شرح حال آیت الله میرزا صادق آقابریری، که به قلم استاد سید احمد اشکوری نگارش یافته و مخطوط می باشد.

ص: 1377

(1308-1355 ق)

شیخ محمد ابراهیم فرزند ملا حسین و نوه ملا محمد کاظم رشتی گیلانی (مقدس)، در سال 1308 ق در رشت متولد شد.

پس از طی مقدمات به نجف اشرف رهسپار و سطوح را به انجام رسانید، خارج را از محضر آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، میرزا ابراهیم آقا اصطهباناتی استفاده نمود و به رشت بازگشت، و به ارشاد و هدایت مردم پرداخت.

وی مردی فاضل و بسیار اخلاقی بود که مردم به سوی او مجذوب می شدند.

در روز سه شنبه 20 ذی قعدة 1355/ ق مطابق با 13 بهمن 1315 ش به سن 47 سالگی در رشت درگذشت، و جسدش در قبرستان حاج شیخ به شماره (35033) قم مدفون گردید.

فرزندانش: 1- مهدی 2- کاظم، و دو دختر.

- منبع

1- افادات حجه الاسلام شیخ محمد هادی مقدس پسر برادر مترجم له.

### شیخ محمد ابن جلال «محلّاتی»

(1311-1390 ق)

شیخ محمد فرزند جلال الدین محلّاتی، به سال 1311 ق مطابق با 1272 ش در شهر محلات دیده به جهان گشود. پس از رشد و نمو در یکی از مدارس قدیم محلات (مدرسه خیریه مجد الاطباء) به تحصیل مشغول شد، و ادبیات فارسی و صرف و نحو عربی را فراگرفت. سپس جهت ادامه تحصیل عازم اراک شد.

و به علت داشتن ذوق هنری به آموختن نقاشی و طراحی فرش پرداخت و همین طور

ص: 1378

ذوق و استعداد خود در این زمینه پرورش می داد، و پس از یادگیری کامل این هنر با شرکت آقا ذبیح الله ابطحی نقاشخانه ای در بازار اراک کلبه دایر نمود، و به تولید و تجارت فرش هم پرداختند، و در سال 1345 ش به تهران عزیمت نموده و در آن شهر مقیم شد.

او در سال 1390 ق به سن 79 سالگی در تهران درگذشت، و در قبرستان وادی السلام قم مدفون گردید.

فرزندانش: آقا حسین و چهار دختر از او به جای ماندند.

-منبع

1- حسین واعظزاده و پیش آمدهای خوانسار و اراک ص 94.

### شیخ محمد ابن الشیخ قمی

(-1379 ق)

شیخ محمد فرزند شیخ عباس قمی، معروف به «ابن الشیخ» از فضلا و معاریف قم بود.

نامبرده پس از طی مقدمات و سطوح، دروس عالی را در نزد حضرات آیات:

حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سید علی یتربی کاشانی در فقه و اصول و سید ابو الحسن رفیعی قزوینی در حکمت استفاده نمود. و پس از ورود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی از محضر ایشان نیز بهره مند شد. در ضمن اداره مدرسه های دارالشفاء و فیضیه را برعهده داشت.

ابن الشیخ در سال 1376 ق مطابق با 1336 ش در قم درگذشت. پیکرش در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

-منابع

1- آینه دانشوران 256.

2- رجال قم 141.

ص: 1379

از چهره های علمی منطقه بندپی بابل، عالم جلیل القدر و فاضل فرهیخته حاج شیخ محمد احمدی فیروزجاهی می باشند.

پدر بزرگوارش حجه الاسلام و المسلمین شیخ حسین احمدی که پس از کسب فیض از اساتید قم، جهت تحصیل و کسب علوم عالی عازم نجف اشرف گشته و به خوشه چینی علمی پرداخت. مدتی پس از اقامت در عتبات، همسر مکرمه اش دار فانی را وداع گفت و وی با زنی پاک دامن که از خانواده های روحانی نجف اشرف بود، وصلت نمود که ثمره این ازدواج در نجف، تولد چهره پرهیزگار منطقه، یعنی شیخ محمد احمدی بوده است.

شیخ محمد در چهارسالگی به همراه والدین بزرگوارش عازم وطن گشته و وارد بندپی شدند. مدتی در وطن اصلی یعنی روستای «فیروزجاه ثابت» و مدتی نیز در قریه «کوپایه سرا» اقامت کرده، سپس در روستای «پادشاه امیر» سکونت نمودند.

پدر بزرگوارش در همان روستای پادشاه امیر با تأسیس مدرسه علمیه، طلاب فراوانی را تحت تعلیم و تربیت درآورده و نوجوانان و جوانان مشتاق و تشنه معارف دینی را سیراب ساختند.

شیخ محمد در کنار سایر دانش پژوهان با جدیت و تلاش به فراگیری علوم اهل بیت علیهم السلام پرداخت. ضمن آنکه در تابستان، در منطقه «شیخ موسی» بندپی و در مدرسه علمیه ای که آن نیز به همت پدر ارجمندش دایر شده بود، به علم اندوزی و خوشه چینی از خرمن پرفیض پدر پرداخت.

ایشان پس از طی مراحل مقدماتی، با تحمل زحمات فراوان و جهت نیل به مراحل بالاتر علمی، عازم شهر مقدس قم گردید و به ادامه تحصیل پرداخت.

وی ادبیات را از میرزا محمد علی ادیب تهرانی و سطح را از محضر میرزا

محمد همدانی و سید شهاب الدین مرعشی بهره مند شد.

با آنکه ایام حضور وی در قم، مصادف با سختگیری های حکومت ظالمانه رضا خان بر علیه روحانیت بود، با این حال وی استقامت فراوانی از خود در تحصیل نشان داد و زحمات زیادی در کسب دانش کشید، تا آنکه در بین دوستان هم دوره خود، نمونه گردید و در امتحان حوزه که از ناحیه اساتید و علمای وقت برقرار شد، شرکت نمود و رتبه ممتاز را حائز گشت و مورد تشویق اساتید وقت فرا گرفت که تشویق نامه های آن زمان موجود می باشد.

معظم له در همان ایام، با دختر عمومی خود وصلت نمود و صاحب دو فرزند گشت.

اگرچه عشق به خانواده و فرزندان، او را به اقامت در کنار آنان وامی داشت، ولی علاقه مفراط به علوم عالی و شوق نیل به مقام رفیع اجتهاد، او را به هجرت و دوری از خانواده فرامی خواند.

از این جهت بود که همسر و فرزندان را به پدر سپرد و با تحمل رنج سفر، راهی نجف اشرف شد و در محضر استوانه های علمی شیعه یعنی حضرات آیات: سید ابو الحسن اصفهانی و شیخ ضیاء الدین عراقی زانوی ادب بر زمین زد و از چشمه جوشان آن فرزندگان و سایر اساتید حاضر، سیراب گشت و بخاطر هوش و ذکاوت و زهد و تقوایش، مورد توجه اساتید خود قرار گرفت.

معظم له خاطرات فراوانی را از دوران تحصیل در نجف اشرف برای مؤمنین نقل می کردند که تبرکا به یکی از آنها اشاره می شود.

وی می فرمودند: مدتی از نظر مالی و اداره معاش، سخت در مضیقه بودم و چاره ای جز توسل به ساحت مقدس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نداشتم. از این رو وارد حرم مطهر شدم و مشغول عرض ادب و خواندن زیارتنامه شدم. ناگهان متوجه شدم که سید ابو الحسن اصفهانی جهت زیارت وارد حرم گردیدند.

من خود را کنار کشیدم که مزاحم زیارت آقا نشوم. یک لحظه دیدم آقا مسیر

ص: 1381

خود را تغییر داده و به طرف من می آیند، من نیز مجدداً خود را به عقب کشیدم تا راه برای عبور آقا و اطرافیانش باز شود، تا اینکه آقا نزدیک من آمد، دست مبارک خود را به طرف دست من دراز کرد و مقداری پول در میان کف من قرار داد و از من فاصله گرفت و بدون آنکه چیزی بگوید و کسی هم متوجه مطلب شود، رفت.

به هر حال آن بزرگوار مدت هشت سال به کسب دانش پرداخت و چند بار قصد عزیمت به وطن نمود که هر بار با مخالفت جدی آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی روبرو شد و معظم له اصرار داشتند که ایشان در نجف اشرف بمانند.

تا آنکه از ناحیه پدرشان نامه ای دریافت نمودند که از وی خواسته بودند به بابل بازگردند، وی نیز دست خط پدر بزرگوارش را به محضر استاد ارائه نمود.

مرحوم اصفهانی با دیدن آن نامه فرمودند: «امر پدر مقدم به امر ماست، می توانی به وطن بازگردید».

از این رو، ایشان با اجازه اساتید، پس از اخذ اجازه اجتهاد از محضر حضرات آیات: اصفهانی و عراقی راهی بابل گشت.

بعد از ورود به وطن، به امر پدر تصدی امور مردم منطقه سکونت (بندی) را به عهده گرفت تا آنکه پس از ارتحال پدر بزرگوارش، اداره امور مدارس علمی «پادشاه امیر» و «شیخ موسی» را نیز به دست گرفت و شاگردان فراوانی را تربیت نمود، که هم اینک تعداد زیادی از شاگردان و تربیت یافتگان، وی در پستهای مختلف به خدمات دینی و اجتماعی و سیاسی اشتغال دارند.

آن بزرگوار مردی پر تلاش و پرکار و نسبت به خدمات عمومی و انجام وظایف دینی، جدیت فراوانی نشان می داد و تقوا و خلوص و نصایح مشفقانه وی تاکنون زبانزد اهالی منطقه می باشد.

معظم له نسبت به امور دینی و اقامه سنتهای مذهبی چون نماز جماعت و برپایی محافل سوگواری تأکید فراوان و پایبندی شدید داشت.

وی پس از عمری تلاش و خدمات شایان علمی و دینی، در سال 1383 ق

ص: 1382



مصادف با بهار سال 1343 ش به علت بیماری قلبی در تهران دار فانی را وداع گفت و در قبرستان ابو حسین شهر مقدس قم مدفون گردید.

-منابع

1- آینه دانشوران 422 (نام پدرش را محمد باقر ثبت کرده است).

2- آشنائی با فرزندان بابل 249.

**سید محمد استرآبادی**

**اشاره**

(1296-1366 ق)

حاج سید محمد فرزند سید نصر الله حسینی استرآبادی، از علمای سرشناس و معروف تهران بود. در سال 1295 ق در روستای شاه کوه «استرآباد» متولد گردید.

پس از رشد و نمو، مقدمات را در گرگان آموخت، و به مشهد رضوی هجرت کرد و در مدرسه میرزا جعفر مدت یازده سال سایر سطوح نزد شیخ حسنعلی تهرانی و سید عباس شاهرودی (در منظومه) را به انجام رسانید، و از آنجا در سال 1320 ق به نجف اشرف عزیمت نمود، و از محضر آیات: شیخ محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی، شیخ الشریعه اصفهانی و سید مصطفی کاشانی یزدی خارج فقه و اصول را استفاده نمود، و پس از سال اقامت در سال 1330 ق به ایران مراجعت و رحل اقامت خود را در تهران افکند، و در (مسجد جمعه) واقع در بازار به اقامه جماعت و ترویج مذهب و تدریس در مدرسه محمدیه بازار پرداخت.

ص: 1383

### از آثار او:

1- تقریرات خراسانی.

2- تقریرات فقه یزدی.

3- ادله عقلیه در اصول.

سرانجام در روز سه شنبه ربیع اول 1366/ ق مطابق با 8/ بهمن 1325 ش به سن 70 سالگی در تهران درگذشت، و در صحن کهنه حضرت معصومه علیها السلام جنب مقبره فتحعلی شاه قاجار به خاک سپرده شد.

فرزند معظم له حضرت آیه الله سید ضیاء الدین استرآبادی نزیل تهران است.

-منابع

1- گنجینه دانشمندان 372/4.

2- نقباء البشر (خطی).

3- یادداشتهایی از شیخ محمد رازی.

**شیخ محمد اسماعیل اعلائی ساوه ای**

### اشاره

(ح 1415-1325 ق)

حاج شیخ محمد اسماعیل فرزند میرزا حسن نوبرانی ساوه ای ملقب به «اعلائی» از دانشمندان و فضیلائی معاصر بود.

او در حدود سال 1325 ق در روستای «نوبران» از توابع ساوه-واقع در جاده ساوه و همدان-متولد گردید.

ص: 1384

ایشان پس از طی مقدمات در زادگاه خود به قم مهاجرت کرد، و دروس سطح را انجام رسانید، و ابتدا در درس خارج آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی حاضر شد، آن گاه از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی بهره مند گردید.

وی در اواخر عمر اقدام به تأسیس مسجدی در محله «نیروگاه» قم نمود و در آن به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت پرداخت.

## درگذشت

نامبرده در روز پنج شنبه 11 ذی حجه 1414/ ق مطابق با 23 اردیبهشت/ 1374 ش در حدود سن 90 سالگی در قم درگذشت، و جسدش در قبرستان حاج شیخ- در جوار قبر کربلایی کاظم- به خاک سپرده شد.

-منابع

1- آینه دانشوران 296.

2- اطلاعات متفرقه.

## محمد اسماعیل بزّاز همدانی

(1299-1354 ق)

محمد اسماعیل بزّاز متخلص به «مجمع» فرزند شیر محمد همدانی، از شاعران معروف و آزادی خواهان مشروطیت بود.

او در سال 1299 ق در شهر همدان تولد یافت و در سال 1354 ق برابر با 1314 ش بدرود زندگی گفت. پیکرش را به قم انتقال دادند و در آن شهر مدفون گردید.

مجمع، با راهنمایی شاطر محمد تسلیم- شاعر همدانی- به محضر علی اکبر

ص: 1385

پروین-شاعر بلندپایه-راه یافت و چندی از او کسب فیض کرد. آنگاه به عتبات عالیات رهسپار شد و با شاعر دیگری از مردم همدان، به نام «سراج» در آنجا آشنایی پیدا کرد و میانشان دوستی و الفتی ناگسستی برقرار گردید.

مجمع، در همدان به پیشهٔ پارچه فروشی که حرفهٔ پدری او بود اشتغال داشت، و اوقات فراغت را به تحصیل علم و مطالعهٔ کتاب می پرداخت. و در نهضت مشروطه طلبی با آزادی خواهان هماهنگ و همگام گردید، و با همکاری آیت الله شیخ محمد بهاری فعالیت چشمگیری کرد، و بر اثر تحریکات و دسایس دشمنان مشروطیت به دستور مظفر الملک زندانی شد، که با فعالیت صنف بزّازان و وساطت امیر افخم از زندان رهایی یافت و پس از کودتای 1299 ش به همدان بازگشت و با شاعران معروفی، چون: مظهر، تسلیم، کیوان، غمام، مفتون، و آزاد، معاصر بود و در جلسات ادبی آن شهر شرکت می کرد.

«دیوان کامل اشعار مجمع» که بالغ بر سه هزار بیت است هنوز به چاپ نرسیده، فقط منتخبی از اشعار مذهبی وی به همت فرزندش «احمد مجمع» طبع و منتشر شده است.

اینک نمونه هایی از شعر او:

عشق دردیست که با عقل دوا نتوان کرد به قضا چاره به جز صبر و رضا نتوان کرد

درد هجران تو را چاره چو جستم ز طیب گفت دردیست که جز وصل دوا نتوان کرد

هرکه با دیدهٔ دل عارض زیبایی تو دید یادی از جنت و آن سیر و صفا نتوان کرد

با مه چهارده حسن تو قرین می نکنم کان فنا نیست که نسبت به بقا نتوان کرد

خوش دلیلیست دهانت که از آن رمز نهران کس دگر شایبه در سرّ خدا نتوان کرد

قیمت لعل تو با دُر و گهر نتوان دید نسبت خال تو با مسک ختا نتوان کرد

در ره عشق صفا جوی دلا! زان که کسی قطع این مرحله با روی و ریا نتوان کرد

گفتمش بوسه ای مرا وعده نمودی، گفتا بوسه وامیست که بی شبهه ادا نتوان کرد

ص: 1386

«مجمعا» دامن دلدار گر آری تو به کف با دو صد سعی به بیهوده رها نتوان کرد

\* مصوّر تا کشیده روی دلربای تو

بهار حسن، خرّم گشته از قدّ رسای تو

بخونم می کشی ای بی وفا، نامش وفا خوانی

وفای تو اگر این است، چون باشد جفای تو؟

رضایی گر بمیرم از غم هجرت، به جان منت

تو می دانی که در عالم نجویم جز رضای تو

گذشتم از جهان یکسر خریدم عشق تو با جان

گواه من در این سوداست ای مهوش خدای تو

از این پس با من مسکین جفا کم کن که هرکس

جفاها می کشم ای مه به امید وفای تو

توان و صبر و طاقت رفت، دارم نیم جان، آن هم

به امیدی که باز آیی و بنمایم فدای تو

اگر خوبان عالم را ز پا تا سر بیارایند

دل مسکین «مجمع» را نباشد جز هوای تو

- منبع

1- سخنوران نامی معاصر ایران 3164/5.

**شیخ محمد اسماعیل جابلقی «صادقی»**

**اشاره**

(1313-1398 ق)

حاج شیخ محمد اسماعیل فرزند محمد صادق جاپلغی عراقی ملقب به «صادقی» از علما و دانشمندان مبرز تهران بود.

ص: 1387

در سال 1313 ق در روستای «رشیدی» جاپلق (مدفن پدر و مادر میرزای قمی) از توابع اراک، متولد گردید.

صادقی پس از طی دوره مقدمات در روستای مذکور، جهت ادامه تحصیل به اراک عزیمت نمود، و سطوح را نزد آیات: میرزا محمد علی خان عراقی، شیخ محمد سلطان العلماء و ظاهر سید نور الدین عراقی تلمذ کرد، و با حضرت آیت الله شیخ محمد علی عراقی رفیق بحث و شریک تحصیل بود. سپس به درس آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی راه یافت. پس از انتقال آیت الله حائری به قم، مهاجرت به حوزه علمیه نمود و تا سال 1354 ق از محضر آن بزرگوار، و چند ماهی نیز از آیت الله میرزا محمد حسین نائینی (در قم) استفاده نمود.

در سال 1345 ق به تهران عزیمت کرد و در مسجد (صفاری) واقع در خیابان صفاری به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت و مباحثه با آیت الله میرزا محمد ثقفی تهرانی، و در (مدرسه مروی) به تدریس متون اشتغال ورزید. که از جمله شاگردان وی آقایان: 1- سید کمال مرتضوی 2- سید محمد بهشتی 3- شیخ مصطفی مسجد جامعی 4- دکتر محمد جواد مناقبی 5- شیخ علی اصغر وحید تهرانی (اهل فضل و منبر) می توان نام برد.

### از آثار قلمی ایشان:

1- تقریرات اصول حائری یزدی.

ص: 1388

2- تقریرات درس نائینی (قاعدہ الید).

3- تقریرات فقہ حائری یزدی.

وی در شب جمعہ آخر/ذی الحجہ 1398/ ق مطابق با 10/آذر 1357/ ش در تهران به سن 85 سالگی درگذشت، و در جنب قبرستان باغ رضوان-خاکفرج- قم مدفون گردید.

### فرزندانش:

1- محمد ابراهیم 2- شیخ خلیل اللہ 3- شیخ فضل اللہ (متوفای 1417 ق) 4- محمد حسن.

-منابع

1- آثار الحجہ 244/2.

2- آئینہ دانشوران 494.

3- افادات فرزندش، آقای شیخ خلیل اللہ صادقی.

4- گنجینہ دانشمندان 419/4.

### شیخ محمد اعتضاد رازانی گروسی

### اشارہ

(ح 1299-1369 ق)

از فضلا و رؤسای معارف و اوقاف شهرستان بروجرد بود.

تولدش در حدود سال 1299 ق در گروس-استان کردستان-اتفاق افتاد.

وی پس از تحصیل مقدمات به امور فرهنگی و آموزشی پرداخت. آنگاه به بروجرد نقل مکان کرد و در سال 1341 ق مدرسه (اعتضادیه) را در این شهر تاسیس نمود و به مدیریت و نیز تربیت و تعلیم نوجوانان و جوانان همت گمارد. در ضمن دروس علمی دینی را از محضر آیات: شیخ محمد حسین غروی و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود. و سرانجام رسماً ریاست معارف و

ص: 1389



اوقاف بروجرد را برعهده گرفت و خدمات شایانی را خود به یادگار گذاشت. مدتی چند نیز در معارف خرم آباد خدمت نمود.

نکته، نامبرده از خاندان معروف و علمی-فرهنگی «رازانی بروجردی» نمی باشد و هیچ گونه انتسابی با آنان ندارد.

وی در روز چهارشنبه 3/جمادی الثانی 1369/ق مطابق با 2/فروردین/1329 ش در بروجرد حدود 70 سالگی درگذشت، پیکرش در وسط قبرستان حاج شیخ قم با کد(16201) به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1-مرحوم محمد رضا رازانی 2-مرحوم علی محمد فقهی رازانی و یک دختر.

-منابع

1-تاریخ بروجرد 177/1.

2-اطلاعات متفرقه.

### سید محمد امامی الیگودرزی

### اشاره

(-1386 ق)

حاج سید محمد امامی فرزند سید عبد الله الیگودرزی.

تحصیلاتش را ابتدا در بروجرد و اصفهان آغاز کرد و در حوزه های نجف اشرف و قم به انجام رسانید، وی از طرف آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی و سایرین نمایندگی تام الاختیاری در خطه الیگودرز داشته، و آثاری در حدیث و اخبار اهل بیت علیهم السلام از وی به جای مانده است.

وی در روز یکشنبه 4/جمادی اول 1386/ق مطابق با 30/مرداد/1345 ش الیگودرز درگذشت، و در قبرستان ابو حسین قم مدفون گردید.

ص: 1390

1- حجه الاسلام سيد محمد حسن 2- سيد حسين 3- سيد علي 4- سيد كاظم و دو فرزند ديگر.

- منبع

1- گنجینه دانشمندان 128/8.

**محمد «امير امنع» ياراحمدی بروجردی**

(-1368 ق)

حاج محمد «امير امنع» فرزند احمد و نوه حسين «ياراحمدی» بروجردی، از امرا و بزرگان بروجرد بود.

مرحوم حسين حزين بروجردی در تذکره خود، درباره اش چنین می نویسد:

(امير امنع، امیری با کفایت و بزرگی با مهابت بود. در بروجرد در خانه شخصی، رضا شاه با او تماس گرفت و مورد عنایت او و همچنین سپهبد امير احمدی و ديگران واقع شد).

امير امنع در جمادی الاول 1368/ ق مطابق با اسفند 1327/ ش درگذشت و در قم به خاک آرمید.

فرزندش: حبيب الله ياراحمدی متخلص به «محبوب» (متولد سال 1338 ق) و مدير و صاحب امتياز هفته نامه «قيام لر» که در سال 1331 ش در تهران منتشر ساخت.

- منبع

1- تذکره حسين حزين 633.

\*

ص: 1391

(1315-1391 ق)

حاج شیخ محمد فرزند ملا احمد و نوه ملا یوسف محمدی باغدرقی خوئی، از فضلا و ادبای خوی بود.

در سال 1315 ق در روستای (باغدرق) دوفرسخی شهر خوی متولد گردید.

وی در سن کودکی سایر مقدمات و ادبیات را نزد پدرش آموخت، و جهت ادامه تحصیل به خوی عزیمت و از محضر علامه میرزا علی قلی شهیدی سطح را استفاده نمود، سپس به مدت دو سال در نجف اشرف از محضر علمای آن سامان بهره برد و مقارن با هجرت آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی به ایران بازگشت و در قم رحل اقامت افکند. و تحصیلات عالی خود را نزد آیات: حائری یزدی و سید محمد حجت کوه کمری به انجام رسانید. پس از هفت سال اقامت به زادگاهش مراجعت کرد و منشاء تحولات بزرگی شدند. مدتی نیز در سلماس به خدمات دینی و تبلیغات اسلامی اشتغال داشت.

وی در علم حساب و ریاضیات کاملا اطلاع داشته و در خوشنویسی قلمی زیبا دارا بوده، و با کمال مناعت و قناعت زندگی کرده است.

از آثار او

1- دیوان اشعار.

ص: 1392

2- «منظومه فی الارث» منظومه ای عربی در ارث، که حاوی 1122 بیت و تمامی فرائض و احکام آن را به نظم کشیده، و در سال 1388 ق در 83 صفحه جیبی به طبع رسیده است.

باغدرقی دارای اجازاتی است از: حائری یزدی، حجت کوه کمری، سید ابو الحسن اصفهانی، سید ابو القاسم خوئی و دیگران بود.

وی در اواخر عمر در سال 1385 ق از خوی به تهران منتقل شد، و در نزدیک راه آهن سکونت و به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت و گفتن درس تفسیر قرآن پرداخت.

وی در تابستان سال 1391 ق مطابق با سال 1350 ش در تهران به سن 76 سالگی درگذشت، و جسدش به قم حمل و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- مرحوم یوسف احمدی 2- آقای ابو القاسم احمدی 3- آقای محمد باقر محمدی 4- آقای حسین محمدی و دو دختر.

-منابع

1- اطلاعاتی از نواده دختری ایشان.

2- تذکره الفضلاء (خطی - جابری خوئی).

### سید محمد باقر اشکوری معصومی

(1305-1383 ق)

پدرش از شاگردان آیه الله میرزا حبیب الله رشتی در نجف اشرف بود و در حدود سال 1315 در نجف درگذشت. شرح حالش به صورت مختصر در بزرگان تنکابن آمده است.

سید محمد باقر فرزند آیه الله سید جعفر و نوه سید معصوم حسینی معصومی اشکوری، به سال 1305 ق مطابق با 1266 ش در نجف اشرف متولد گردید و

ص: 1393

تحصیلات خود را نزد اساتید بزرگ چون: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبایی یزدی گذرانیده، به مقام عالی کمال نائل شده، به گیلان مهاجرت کرده و در رشت سکونت و به ترویج دین و انجام وظائف شرعیه قیام نمود.

او دارای تألیفاتی است از جمله: تقریرات درس استادش آخوند خراسانی است.

در روز یکشنبه 27/ربیع ثانی 1383/ق مطابق با 25/شهریور 1342/ش وفات کرد، و جنازه اش به قم حمل و در قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

-منابع

1-بزرگان تنکابن 213.

2-معجم رجال الفکر و الادب فی النجف 1/127 (تولدش را 1308 ق نوشته که اشتباه است).

### **سید محمد باقر امام جمعه مازندرانی**

(1289-1366 ق)

سید محمد باقر بارفروشی معروف به «امام جمعه» از برجستگان بابل بودند.

او در سال 1250 ش در بابل دیده به جهان گشود و از محضر علما و بزرگان حاضر در آن عصر چون: شیخ محمد حسن کبیر مازندرانی و مقدس اشرفی و شیخ محمد حسین شریعتمدار و دیگر اکابر علمی بابل استفاده سرشار نمود و از روحانیون برجسته و شهیر شهر گردید و بعدها خود تصدی مدرسه صدر را عهده دار گشت.

معظم له از علمای ذی نفوذ بابل در میان دستگاههای دولتی و افکار

ص: 1394

عمومی بودند، چنانکه پس از رحلت آیت الله سید عبد الرسول صدرایی امامت «مسجد کاظم بیگ» را برعهده گرفت و نیز به «اقامه نماز جمعه» می پرداخت و در همین مدت مسجد مزبور را مقداری توسعه داد و به آن سروسامانی بخشید.

آن بزرگوار مردی باوقار و شخصیتی متواضع و فکور و در خیرات و مبرات، جدیت فراوان داشت و پناهگاه محرومین و مستمندان بود.

از کلیه مستمندان و محرومین با عطف و مهربانی پذیرایی می کرد. حتی نسخه های دارویی افرادی بضرعت را پرداخت کرده و وسائل درمانشان را فراهم می کرد.

همچنین فهرستی از فقرا و محرومین را در اختیار گرفته و ماهانه آذوقه و پوشاک مورد نیاز را برای آنان تهیه و برایشان می فرستاد.

او مردی خوش برخورد بوده و مجالس و محافل حضور ایشان چشمگیر بود.

معظم له مورد عنایت علما و بزرگان نیز قرار داشتند، چنانکه مرجع عظیم الشان جهان تشیع حاج آقا حسین طباطبائی قمی در یکی از مسافرتها به بابل، به منزل ایشان وارد شده و علمای شهر در بیت معظم له، با آن مرجع عالیقدر دیدار نمودند.

آن بزرگوار، پس از عمری تلاش و خدمت، سرانجام در حدود 76 سالگی و در سال 1366 ق برابر با 1326 ش دارفانی را وداع گفتند و برحسب وصیت، پیکرش به شهر مقدس قم منتقل و در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

-منبع

1- آشنائی با فرزندان بابل 207.

**محمد باقر تنگستانی**

(1301-1380 ق)

محمد باقر نواده سردار احمد تنگستانی، از نویسندگان و آزادی خواهان و خان زادگان تنگستان بود. به سال 1301 ق در شیراز متولد شد.

وی از بدو ندای آزادی و مشروطه به تهران رفت و نام خود را در زمره احرار و

ص: 1395

مشروطه طلبان ثبت کرد، و در سال 1328 ق هفتمه نامه (جنوب) را با مساعدت معنوی سید یعقوب انوار اردکانی اداره نمود.

مرحوم محمد حسین رکن زاده آدمیت در کتاب دانشمندان و سخن سرایان فارس (که از دوستان مترجم له) بود می نویسد: (تنگستانی سالهای دراز است که در تهران سکونت اختیار کرده و هم اکنون ایام شیخوخت را می گذرانند. مع ذلک پیری روشن ضمیر و روشن بین و بسیار خوش محضر و دوست داشتنی است، و سینه بی کینه او مملو از اخبار و جزئیات مشروطه ایران است، و خود در تمام وقایع آن حاضر و ناظر بوده است.

در اوان جنگ بین الملل اول با جمع احرار و گروه اخیار به کرمانشاه و اسلامبول مهاجرت کرده، و مدتی در رکاب مرحوم نظام السلطنه مافی با دشمنان ایران سر به سر گذاشته است).

وی به سال 1328 ق هفتمه نامه (یادگار جنوب) و در سال 1329 ق (ندای جنوب) را در تهران با مسؤلیت خود منتشر ساخت و در تنویر افکار و اشاعه فرهنگ تلاش و کوشش نمود.

سرانجام در ظهر روز دوشنبه 16/ محرم 1380/ ق مطابق با 20 تیر 1339/ ش در تهران درگذشت و جسدش در جوار علی بن بابویه در قم به خاک سپرده شد.

-منابع

1- تاریخ جراید و مجلات ایران 176/2 و 283/4 و 343.

2- دانشمندان و سخن سرایان فارس 426/1.

**سید محمد باقر رضوی همدانی**

**اشاره**

(-1218 ق)

سید محمد باقر فرزند محمد ابراهیم نوه محمد باقر رضوی همدانی، از بزرگان دانشمندان عصر خود بود، و در عرفان و فلسفه الهی نظیری نداشت.

ص: 1396

وی از شاگردان پدرش بود و از محضرش بسیار بهره برده است. شیخ عبد النبى قزوینی در «تتمیم امل الآمل» که ایشان را درک نموده فرماید: (رأیته قبل خمس و عشرين سنه، وقد اشتهر بالدقه و الفهم و الاتساع فى المعارف و العلوم الحقیقه ادام الله ظلّه). یعنی: ایشان را 25 سال قبل دیدم، در حالی که به دقت نظر، و دریافتن مطالب، و پژوهش در معارف الهی و علوم باطنی مشهور بود.

### از آثار او:

1- شرح اصول الکافی.

2- رساله فی المعاد الجسمانی.

3- مثنوی عشق و دل.

تذکر: ایشان برادرزاده سید صدر الدین رضوی (شارح وافیه) می باشد.

سرانجام در 18 صفر 1218/ ق در همدان درگذشت، و در حرم حضرت معصومه علیها السلام قم مدفون شد.

-منابع

1- الکرام البرره 168/1.

2- تتمیم امل الآمل.

3- تکمله امل الآمل (از صدر).

4- روضات الجنات.

5- گنجینه دانشمندان 368/7.

### شیخ محمد باقر زرنندی ساوه ای

(ح 1230 ق)

شیخ محمد باقر فرزند حسن زرنندی ساوجی، یکی از بزرگان و دانشمندان قم بوده، که در مدرسه فیضیه سکونت داشت، و ظاهراً از محضر میرزا ابوالقاسم قمی

ص: 1397



(میرزای قمی) صاحب «قوانین الاصول» استفاده کرده، و قسمتی از کتاب «معالم الدین» را شرح نموده است.

وی در حدود سال 1230 ق در قم درگذشت.

-منابع

1-الکرام البرره 177/1.

2-گنجینه دانشمندان 224/5.

**شیخ محمد باقر شریعتی دهقانی**

**اشاره**

(ح 1322-1406 ق)

حاج شیخ محمد باقر فرزند شیخ محمد حسین دهقانی اصفهانی، ملقب به «شریعتی» از دانشمندان و نویسندگان معاصر.

وی در حدود سال 1322 ق در اصفهان دیده به جهان گشود.

شریعتی پس از آموختن مقدمات رهسپار حوزه علمیه قم شد و سطح را نزد شیخ محمد علی حائری قمی، سید محمد تقی خوانساری و سید محمد رضا گلپایگانی به پایان برد. آنگاه به نجف اشرف عزیمت کرد و درس خارج را از محضر آیات: شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، سید ابو الحسن اصفهانی، میرزا عبد الهادی شیرازی و سید محمود شاهرودی استفاده نمود. سپس در سال 1391 ق در اثر فشارهای دولت عراق به ایران

ص: 1398

بازگشت و در قم سکونت اختیار نمود.

## از آثار او

1- ایفاظ البشر.

2- خلاصه بحار الأنوار، در چند جلد.

3- فهرست جواهر الكلام.

4- منتخب المواعظ.

ایشان در روز یکشنبه 5/رجب 1406/ق مطابق با 24/اسفند 1364/ش در حدود سن 84 سالگی در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان باغ بهشت مدفون شد.

-منابع

1- آینه دانشوران 422.

2- گنجینه دانشمندان 147/2.

## سید محمد باقر شهیدی گلپایگانی

### اشاره

(1318-1395 ق)

سید محمد باقر فرزند علامه سید هاشم شهیدی گلپایگانی، از علمای نامی تهران بود. تولدش به سال 1318 ق در (اسفرنجان) گلپایگان اتفاق افتاد.

مقدمات را نزد اساتید محل فراگرفت، و در سال 1338 ق به نجف اشرف مهاجرت و سطوح را نزد آیت الله میرزا ابوالحسن مشکینی به انجام رسانید، سپس به مدت یک سال و اندی در سامراء بسر برد و از محضر آیت الله میرزا عبد الهادی شیرازی بهره مند گردید. و در سال 1342 ق در پی ارتحال پدر خود به زادگاهش بازگشت و پس از یک سال توقف عازم اصفهان شد، و از محضر آیت الله سید محمد صادق خاتون آبادی استفاده نمود.

ص: 1399

در سال 1345 ق مجدداً به نجف اشرف و خارج فقه و اصول را در محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی، و سید ابو الحسن اصفهانی، و رجال را از محضر آیت الله سید ابو تراب خوانساری استفاده نمود.

و در رجب 1349/ ق جهت تبلیغ و ارشاد عازم شهر «رانگون» پایتخت برمه شد، و در سال 1361 ق در تهران رحل اقامت افکند، و به اقامه جماعت و ارشاد مؤمنین همت گماشت.

## از آثار او:

1- درد و درمان یا امراض جامعه و علاج آن (ترجمه).

2- راهنمای سعادت (ترجمه کشف الحجه).

3- نسیم الصباح در ترجمه و شرح دعای صباح.

4- الأدعیه و التهلیلات من الآیات البینات.

او در روز دوشنبه 18 رجب 1395/ ق مطابق با 6 مرداد 1354/ ش به سن 88 سالگی در پی کسالت ممتدی در تهران درگذشت، و در قبرستان حاج شیخ قم مدفون گردید.

-منابع

1- گنجینه دانشمندان 494/4 و 484/7.

2- مؤلفین کتب چاپی 83/2.

\*

ص: 1400

(1291-1365 ق)

حاج سید محمد باقر فرزند سید ابو تراب و نوه سید مرتضی حسینی قزوینی، عالمی جلیل و دانشمندی متقی و پارسا، فقیهی عابد و ناسکی زاهد، آیات و از علما محترم حوزه علمیه قم بوده است.

وی به سال 1291 ق در قزوین متولد شده و پس از خواندن مقدمات و سطوح در سال 1319 ق مهاجرت به نجف اشرف نموده، و از محضر آیات:

آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی و در اخلاق از محضر شیخ محمد بهاری همدانی و سید احمد کربلایی استفاده نموده و در سال 1332 ق مراجعت به قزوین نموده و قیام به وظائف دینی از اقامه جماعت و تبلیغ احکام و غیره داشته، تا سال 1342 ق که به قم منتقل و با مرحوم آیت الله شیخ عبد الکریم حائری یزدی در تشیید حوزه علمیه همکاری و تشویق محصلین علوم دینیه نموده، و در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام و مسجد عشقعلی اقامه جماعت داشته، و هم تدریس بعضی از متون فقهی و تفسیر قرآن نموده تا در عصر روز جمعه /28 صفر 1364/ ق مطابق با /13 دی 1324/ ش بعد از کسالت ممتدی بدرود حیات گفته، و در مسجد بالاسر نزدیک قبر مرحوم آیت الله حائری مدفون شده است.

آن مرحوم دارای سه فرزند دانشمند و روحانی می باشند که در زیر می نگارم:

ص: 1401

1- مرحوم حاج سید محمد علوی متولد 1317 ق در قزوین و متوفای 11 صفر 1387/ در آنجا مدفون در آستانه شاهزاده حسین «ع» وی در سال 1342 ق همراه پدرش به قم رفت و از محضر آیات: آخوند ملا علی همدانی (در سطح) و حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی (در خارج) استفاده و پس از 10 سال اقامت به قزوین مراجعت نمود.

2- مرحوم سید علی علوی.

مؤلف سید علی اصغر علوی قزوینی

3- سید علی اصغر علوی که هم اکنون در قزوین زندگی می کنند وی در 13 رجب 1346/ ق در قم دیده به جهان گشود پس از رحلت پدرش وارد عالم طلبگی شد و از سال 1375 ق از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی و سید روح الله خمینی استفاده نمود و در سال 1387 ق به قزوین عزیمت و آنجا اقامت نمود و به تدریس و مباحثه و ارشاد و عبادت اشتغال دارند.

و سه دختر که فاضل متقی میرزا حسین تبریزی (نظری) یکی از دامادهايش بود وی از شاگردان آیت الله سید محمد حجت کوه کمری و دارای آثاری در علوم غریبه و در حدود سن 30 سالگی در اثر وبا در تهران درگذشت و در ابن بابویه مدفون شد.

ص: 1402

علامه سید علی اصغر علوی فرزند کوچک آیه الله قزوینی از زبان پدرش برای نگارنده نقل فرمود:

در سن دوازده سالگی بود که پدرم سید ابو تراب بدرود حیات گفت، دو برادر خودم از مادر جدا بودند و نمی خواستم به آنان پناه ببرم و نمی دانستم چه کاری باید کرد و به چه کسی باید پناه برد؟ بعد از تفکر و اندیشیدن به این راه رسیدم که فقط و همیشه به خداوند متعال پناه باید برد. آنگاه مناسب ترین وقت عبادت شب فهمیدم، و از همه ساعات شب بهتر، آخر شب دانستم. به همین خاطر از آن ایام تا آخر زندگی تمام خواسته هایم را در آن ساعات از خداوند متعال خواستم.

آقای علوی درباره هم دوره ای های پدرش می فرمایند: سه نفر صیغه اخوت بسته بودند و تا آخر حیات علاقه خاصی به هم داشتند که عبارت بودند از حضرات آیات: حاج آقا حسین طباطبایی قمی و حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی و پدر بزرگوارم.

اینان هم دوره و همدرس در بحث آخوند خراسانی بودند. روابط پدرم با آیه الله بروجردی هم در نجف اشرف و هم در بروجرد بسیار صمیمی و عمیق بود.

-منابع

1- آثار الحجج 219/1.

2- آینه دانشوران 181.

3- الاجازه الکبیره 152.

4- المسلسلات فی الإجازات 162/2.

5- گنجینه دانشمندان 146/60.

6- نقباء البشر 192/1.

7- یادداشتی از کوچک ترین فرزند مترجم له (تولدش را در منزلی بین مکه معظمه و مدینه طیبه نوشته است).

(-1352 ق)

حاج شیخ محمد باقر فرزند علامه شیخ محمد علی و نوه آقا سعید گلپایگانی، از دانشمندان و بزرگان گلپایگان بود.

تولدش در گلپایگان اتفاق افتاد.

وی پس از سپری کردن مقدمات رهسپار حوزه علمیه اصفهان شد و دروس عالی را از محضر آیت الله شیخ محمد تقی اصفهانی «آقا نجفی» بهره مند شد. سپس به زادگاهش مراجعت نمود و خود به تدریس و اقامه جماعت اشتغال ورزید. او علاوه بر فقاہت و بیان رسا، در امور دینی در حدّ اعلا حساسیت نشان می داد.

ایشان در روز پنجشنبه 4 شعبان 1352/ ق مطابق با 2 آذر 1312/ ش در شهر گلپایگان دار فانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ - در یکی از اطاقهای ورودی قبرستان - به خاک سپرده شد. فرزندش فاضل گرنامایه آقا محمد امامی است که در تاریخ 14 اسفند 1364/ ش درگذشت و در کنار تربت پدر خود مدفون گردید.

-منابع

1- خورشید آسمان فقاہت و مرجعیت 31.

2- نقباء البشر 216/1.

شیخ محمد باقر محسنی ملایری

(1416-1322 ق)

حاج شیخ محمد باقر محسنی ملایری یکی از چهره های بنام حوزه علمیه قم به شمار می رفت.

وی در سال 1322 ق در بیت علم و تقوا و فضیلت در نجف اشرف، زاده شد.

ص: 1404

پدرش مرحوم آیت الله میرزا ابو القاسم ملایری از افاضل شاگردان آخوند محمد کاظم خراسانی بود.

شیخ محمد باقر محسنی ملایری شیخ محمد شاه آبادی

فقید سعید در سنین کودکی به همراه پدر خود به ملایر رفت و مقدمات و سطوح را در خدمت پدر خود و مرحوم میرزا هدایت الله ملایری (آقا نجفی) آموخت. سپس به حوزه علمیه مشهد مقدس کوچ نمود، و در محضر آیات: حاج آقا حسین طباطبائی قمی، میرزا محمد آقازاده خراسانی، میرزا مهدی اصفهانی، شیخ حسن فاضل برسی، و سید آقابزرگ حکیم شهیدی مبانی فقه، اصول کلام، تفسیر، حدیث، حکمت و فلسفه خود را استوار ساخت، و در خلال تحصیل به تدریس نیز اشتغال جست. معظم له در آنجا چند سالی مشغول ریاضت و تهذیب و تزکیه نفس بود، به همین خاطر در یک شبی از شبها در خواب خدمت امام رضا علیه السلام رسید.

پس از زمانی چند به حوزه علمیه قم آمد و در مجلس درس آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و آیت الله شیخ ابو القاسم قمی «کبیر» حاضر شد، و پس از ورود آیت الله طباطبائی بروجردی نیز در مجالس ایشان شرکت جست و پس از سالیانی چند، برای ترویج دین و بزرگداشت شعائر مذهبی (بنای مسجد، مدرسه،

ص: 1405



کتابخانه، تدریس، اقامهٔ جماعت، پاسخگویی مشکلات دینی مردم احیای موقوفات و تألیفات) به ملایر بازگشت و پس از پیروزی انقلاب بود که اقامت مجدد در حوزهٔ علمیهٔ قم را برگزید.

فقید سعید عالمی عابد و شب زنده دار، دل آگاه بر علوم مختلف به ویژه:

حدیث، تفسیر، تاریخ، فلسفه، ادبیات و اهل توسلات و زیارات طولانی و اوراد و اذکار بود. روزی چند جزو قرآن مجید و ادعیه مختلف را قرائت می نمود (و این بیش از پنج ساعت از روز او را تشکیل می داد) و اشعار فارسی بسیار - خصوصاً از مثنوی معنوی - از برداشت، و علم او به تعبیر خواب و استخارات زبانزد عام و خاص در داخل و خارج کشور بود. وی از آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی اجازه اجتهاد داشت، و در طول زندگی - حتی در زمان عسرت و تنگدستی - از وجوهات شرعی استفاده نکرد.

شیخ محمد باقر محسنی ملایری / شیخ محمد شاه آبادی / سید محمد شاهرودی

از تألیفات وی کتاب «تطبیق الادیان» - در سه مجلد - و از آثار ماندگار خیریه او در ملایر عبارتند از:

ص: 1406

1- بنیاد مدرسه باقریه (همراه با مدرس و کتابخانه) 2- بنای مسجد حضرت سجاد علیه السلام 3- تعمیرات مدرسه و مسجد شیخ الملوکی  
4- ساختمان مسجد صفی 5- احیا موقوفات (که در زمان رضا خان به تصاحب دولت درآمده بود.) و ایجاد مؤسسات و مساجد در  
روستاهای ملایر از محل موقوفات.

نامبرده دارای اجازاتی بود از حضرات آیات: سید ابو الحسن اصفهانی، سید حسین طباطبائی قمی، سید حسین طباطبائی بروجردی، سید  
محسن طباطبائی حکیم، سید ابو القاسم خوئی، سید محمد هادی میلانی، شیخ عبد النبی عراقی، سید محمد رضا گلپایگانی و سید شهاب  
الدین مرعشی.

سرانجام آن عالم خدمتگزار دین در تاریخ یکشنبه 19 جمادی الاول/ 1416 ق مطابق با 23 مهر 1374/ ش در 94 سالگی بدرود حیات  
گفت، و در روز دوشنبه پس از تشییعی با شکوه در مسجد بالاسر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

-منابع

1- آثار الحجه 358/2.

2- گنجینه دانشمندان 214/7.

3- مجله آینه پژوهش، شماره (34)، سال 1374 ش، صفحه 94، به قلم شیخ ناصر الدین انصاری قمی.

4- یادداشتهای شخصی.

**شیخ محمد باقر ملکی میانجی**

**اشاره**

(1324-1419 ق)

**تولد**

شیخ محمد باقر ملکی میانجی در سال 1324 ق برابر با 1285 ش در شهر «ترک» مرکز بخش کندوان (گرمرو) شهرستان میانه، دیده به  
جهان گشود.

ص: 1407

پدرش حاج عبد العظیم از شخصیت های خوشنام و متدین منطقه به شمار می آمد.

آیت الله ملکی ایام کودکی و نوجوانی را در دوران ضعف و انقراض پادشاهان قاجار سپری نمود. در آن زمان بر اثر غلبه اشزار و حمله خوانین به شهرها و روستاهای اطراف، غارت اموال و آزار و اذیت مردم به اوج رسیده بود. همچنین در اثر حادثه هولناک دیگر، یعنی خشک سالی 1336 ق هر روز مردم دسته دسته از گرسنگی در هر کوی و برزن تلف می شدند. این مشکلات و فراز و نشیبهای زندگی از وی شخصیتی قوی و با صلابت ساخت که در برابر دشواریها، همواره مقاوم و استوار بود و هرگز از تلاش و کوشش باز نماند و از همان آغاز نوجوانی در کنار پدر، به کار کشاورزی و تأمین مخارج اقتصادی خانواده همت گمارد.

## تحصیلات

حضور علمای بزرگ در منطقه و ارتباط تنگاتنگ پدر با آنان، فضای مذهبی، فرهنگی مناسبی را در محیط خانواده به وجود آورده بود، از این رو آیت الله ملکی از دوران نوجوانی علایق مذهبی و دینی ویژه ای یافت و به این صفت در میان مردم و همسالانش ممتاز و معروف شد. از طرفی بر اثر علاقه به تحصیل علم، در کنار فعالیت های کشاورزی، آموزش مقدمات علوم اسلامی و ادبیات فارسی را در زادگاه خود آغاز کرد.

خواندن و نوشتن را از کتب رایج آن زمان نزد اساتید فن آموخت و خط «مبیین

ص: 1408

الملك گرو مرودی» - حاکم فارس - را به عنوان سر مشق انتخاب کرد و دارای خطی زیبا شد. اساتید این دوره او «ملا محمد» و «ملا عباد الله» بود. سپس در همان جا از محضر آیت الله «سید واسع کاظمی ترکی» (متوفای 1353 ق) - که از شاگردان برجسته و اعضای جلسه استفتای مرحوم آخوند خراسانی صاحب کفایه الاصول بود - ادبیات عرب، منطق، اصول و فقه (قوانین و ریاض) را فراگرفت.

سپس برای تکمیل آموخته ها و سیر در اعماق حقایق تشیع، در سال 1349 ق به مشهد مقدس مشرف شد و در جوار آستان قدس رضوی مسکن گزید. آنگاه سطوح عالی را نزد آیت الله «شیخ هاشم قزوینی» (متوفای 1380 ق) و فلسفه و مباحث اعتقادی را نزد آیت الله «شیخ مجتبی قزوینی» (متوفای 1386 ق) فراگرفت. بخشی از علم هیئت را نیز در درس آیت الله «شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی» (متوفای 1361 ق) آموخت و همچنین در درس خارج فقه آیت الله «میرزا محمد آقازاده خراسانی» (متوفای 1356 ق) - زعیم حوزه علمیه وقت خراسان - شرکت جست و در نهایت بخشی از مباحث فقه، یک دوره اصول فقه و یک دوره کامل علوم و مباحث معارفی را از محضر استاد بزرگوارش علامه آیت الله «میرزا مهدی اصفهانی» (متوفای 1365 ق) آموخت و در حدود سال 1361 ق به دریافت اجازه اجتهاد و فتوا و نقل حدیث از وی مفتخر گشت؛ اجازه ای که حضرت آیت الله «سید محمد حجت کوه کمری تبریزی» (متوفای 1372 ق) نیز آن را تأیید کرده است. این اجازه نامه در یکی از سفرها از دست می رود و استادشان در 17 ربیع الاول 1363 ق وی را با اجازه نامه دیگری مفتخر می نماید که الآن موجود است و در آن با تعبیر بلندی از ایشان یاد شده است. «... جناب العالم الفاضل العامل عماد العلماء الاعلام و صفوه الفقهاء الکرام فخر العلماء الربانین و سند الفقهاء و المجتهدين الورع التقی و العدل الزکی الشیخ محمد باقر التبریزی...».

در بخش دیگری از این اجازه نامه آمده است:

«... ایشان به مرتبه فقیهان رهشناس و مجتهدان دقیق النظر نایل آمدند. باید

خدای سبحان را بر این نعمت و کرامت شکر کنند، زیرا که طالبان بسیاری، ولی واصلان اندک و من به ایشان اجازه دادم که از من روایت کنند هرچه را من اجازه روایت و نقل آنها را دارم...».

همچنین ایشان قبلاً و به سال 1317 ش در امتحاناتی که از طرف دولت وقت به اجبار برای روحانیون قرار داده بودند، موفق به اخذ گواهی عالی مدرسی از وزارت معارف آن زمان گردید.

این عالم فرزانه هنگام تحصیل در مشهد مقدس، علاوه بر فقر مالی و تحمل گرسنگی ها و رنج های طولانی با بحرانهای سیاسی، اجتماعی از قبیل: توطئه کشف حجاب، متحد الشکل کردن لباس مردم، خلع لباس روحانیت مواجه بود.

این جنایات از سوی رضا خان تا آنجا بر مردم ایران تحمیل می شد که به وقوع قیام مردم مشهد (واقعه مسجد گوهرشاد، یکشنبه 12/ربیع الثانی 1354/ق) انجامید.

در این دوران بیشتر طلبه های مشهد بر اثر فشارهای مزدوران رضا خان پراکنده شدند و برخی هم، لباس مقدس روحانیت را برای همیشه کنار گذاشته به کارهای دیگر روی آوردند. در این بین تنها عده ای اندک که از ایمان قوی و اراده پولادین برخوردار بودند، مظلومانه در این راه استقامت نموده و از حریم دین و مذهب تشیع دفاع کردند.

مرحوم آیت الله ملکی یکی از همین راست قامتان همیشه سرافراز بود که در برابر تندبادهای برخاسته از سوی سلطه استعمار خارجی و استبداد رضاخانی سرخم نکرد. در آن ایام همه دروس بر اثر شدت فشار و خفقان رژیم به مدت طولانی تعطیل شده بود، ولی این عالم تلاشگر همچنان با امید، نشاط و پشتکار قوی به مطالعه و تحقیق خود ادامه داد و خلاء تعطیلی دروس را جبران نمود.

او خاطرات این دوران تلخ را چنین نقل می کرد:

«در همان ایام اختناق روزی مرحوم استاد-آیت الله میرزا مهدی اصفهانی- به بنده فرمود: البشاره! البشاره! رفقا را خبر کن می خواهم درس شروع کنم. در این

ص: 1410

هنگام من بلافاصله به دوستان که حدود هفت یا هشت نفر بودیم، از جمله: مرحوم آیت الله «میرزا جواد آقاهرانی» (متوفای 1368 ش) و آیت الله «شیخ حسنعلی مروارید» اطلاع دادم. از همان روزها مدتی شبانه، به صورت مخفیانه و با احتیاط کامل و توأم با ترس و اضطراب در درس استاد حضور پیدا می کردیم. روزی یکی از دوستان به هنگام آمدن از درس گرفتار پلیس شد. مرحوم استاد ناراحت شده و دست به دعا و توسل زد و برای رهایی وی دعا نمود و الحمد لله ایشان آزاد شد. در آن زمان مزاحمت و سختگیری برای طلاب و علما به اوج خود رسیده بود. بسیاری از دوستان دیگر و اینجانب گرفتار آزار و اذیت و توهین پلیس شدیم و خاطره های بسیاری در این مورد داریم».

### بازگشت به وطن

آیت الله ملکی پس از سیزده سال تلاش شبانه روزی در حوزه علمیه مشهد و تحقیق و تفحص پیرامون اصول و فروع مکتب حیات بخش تشیع و الهام از بارگاه علی بن موسی الرضا علیه السلام و دست یابی به مراتب والای اجتهاد و علم و معرفت، سرانجام به وطن خود «ترک» بازگشت و با وصلت با یکی از خاندان محترم سادات حسینی آن دیار، به تشکیل خانواده پرداخت و پس از استقرار کامل به تبلیغ دین و ارشاد مردم منطقه توفیق یافت.

او مدتی اندک به طور طبیعی، رهبری مذهبی و سیاسی بیش از صد پارچه آبادی و روستا در منطقه شمال و شمال شرقی شهرستان میانه را برعهده گرفت، البته بخشی از این ایام مصادف با جنگ جهانی دوم بود که حضور فعال این فقیه فرزانه در منطقه، مایه دلگرمی توده مردم و منزل بی آرایش وی، پناهگاه مظلومان و محل امن برای ستمدیدگان به شمار می رفت.

در آن ایام، قحطی و گرسنگی همه جا را فراگرفته بود و مردم منطقه در شرف مرگ تدریجی قرار داشتند. آیت الله ملکی در تاریخ هفتم/ربیع الاول/1362 ق طی

نامه ای به محضر مرجع تقلید شیعه حضرت آیت الله «سید ابو الحسن اصفهانی» (متوفای 1365 ق)، از ایشان اجازه می خواهد تا در جهت رفع مشکلات و گرفتاریهای مردم از وجوه شرعی (سهم امام علیه السلام) استفاده نماید که متن آن به شرح زیر است:

حضرت مستطاب حجه الاسلام و المسلمین آیت الله آقای اصفهانی (دام ظلّه العالی)

در بلاد آذربایجان مجاعه شده و غالباً فقراء مشرف به تلف و یا اینکه در غایت مرتبه شدت و عسرت می باشند. اجازه می فرمایید در این صورت از سهم امام علیه السلام به آنها داده شود یا نه؟

محمد باقر ملکی

حضرت آیت الله اصفهانی نیز در جواب چنین مرقوم داشتند:

بسم الله الرحمن الرحيم

بلی بدهند، هر چند بدهند و هر مقدار باشد، اینجانب را قبول است. البته مسامحه نکنند از اوجب واجبات است، بلکه لازم و واجب است از غیر حقوق (نیز) هر متمکن به آنها بدهد و الا مسئول عند الله خواهد بود.

الاحقر ابو الحسن الموسوی الاصفهانی

همچنین در زیر نامه ارسالی مرحوم «میرزا ابو الفضل صدیقی سرابی» از حوزه علمیه تبریز در پاسخ آیت الله ملکی میانجی به تاریخ 5/ربیع الثانی 1362/ق، آیت الله «حاج میرزا فتاح شهیدی» از علمای بزرگ تبریز به نیابت از طرف مرجع تقلید وقت، آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی اجازه صرف سهم امام علیه السلام برای فقرا و مساکین جهت جلوگیری از بحران فاجعه بار قحطی و گرسنگی صادر می کند.

به هر حال با تلاشهای پیگیر و در سایه مدیریت و درایت آیت الله ملکی که مکاتبات فوق نمایشگر بخشی از آن تلاش هاست، وضع نابهنجار و آشفته مردم تا حدودی سامان یافته و مردم منطقه به آینده خویش امیدوار می شوند که در بخش خدمات، به آن اشاره خواهد شد.

ص: 1412

او پس از اقامت در منطقه، به استاد بزرگوارش، نامه ای ارسال، و در مورد محل اسکان دائم خود و پاره ای مسائل دیگر طلب بهره مندی از راهنمایی های استاد می شود. در 26/ جمادی الآخر 1364/ ق آیت الله میرزا مهدی اصفهانی در پاسخ وی جوابی از مشهد ارسال می دارد و ضمن تکریم از مقام علمی و فقهی وی، که با تعابیری این چنین «جناب مستطاب مقتدی الانام مروج الاحکام عمده العلماء العاملين وزیده الفقهاء و المجتهدین» همراه است، دستورالعمل ها و توصیه هایی را در سلوک علمی و اجتماعی و دینی یادآور می شود. از آن جمله می نویسد: بهتر است که موقتاً در همان منطقه خود، انجام وظیفه نمایی و در فرصت مناسب برای ابلاغ رسالت خطیر و انجام وظایف مهم دینی و نشر فرهنگ شیعی در تبریز اسکان گزینی و سپس زمان مناسب تحقق این مهم را آرامش اوضاع سیاسی کشور و پایان جنگ جهانی دوم و غائله آذربایجان می داند.

استاد به عنوان وظیفه یک عالم و خادم اهل بیت علیهم السلام به شاگردش توصیه نموده است که ضمن نگارش یک دوره فقه و ارایه نظرات فقهی و لو مختصر، مردم را به راه نورانی اهل بیت علیهم السلام هدایت کند و با ذکر نام و یاد و شرح حال امام زمان (عج) در محافل و مجالس، نور امید و نشاط را در دل های آنان هرچه فروزان تر نگه دارد.

آیت الله میرزا مهدی اصفهانی در بخشی از این نامه به شاگردش دعا کرده و چنین می نویسد:

«امیدوارم حضرت رب العزه بواسطه کرامت ولی عصر (عج)، انوار علوم فقه و دقایق احکام را به سرکار افاضه فرماید و لباس عزت و شرافت و سعادت دارین به شما پوشیده شود و آنا فنا بر تأییدات و تسدیدات شما افزوده شود...».

## ایفای نقش ماندگار

پایان جنگ جهانی دوم منتهی به اشغال سرزمین آذربایجان، به دست



کمونیست ها شد. در این هنگام آیت الله ملکی با استعانت از سوی پروردگار و در ظلّ عنایات حضرت ولی عصر (عج)، به دفاع از دین و حیثیت مردم برخاست و به خاطر حراست از تمامیت ارضی کشور، پرچم مبارزه با عوامل حکومت کمونیستی شوروی را بر دوش کشید و پرده از چهره خائنان کنار زد.

در این رویداد اغلب گروههای مذهبی با جبهه مشترک متشکل از: مالکین، خوانین، سلطنت طلبان، دولتمردان و... بر ضد دموکراتها و توده ای ها همکاری می کردند. از جمله تشکیلاتی هم به نام «جمعیت خیریه» را بنا نهاده بودند. ولی آیت الله ملکی میانجی به این گروه و دیگر دسته ها نیوست و به عنوان روحانی آزاداندیش از موضعی مستقل و کاملاً اسلامی بر علیه دشمنان دین و استقلال کشور مبارزه کرد و در طول این غائله تاریخی در حفظ جان و مال و دین مردم و هدایت کسانی که از هواداران چپ و راست در دام این فتنه گرفتار شده بودند، با سعه صدر کوشید.

### **ترویج احکام اسلامی و اجرای عدالت**

پس از فرار کمونیست ها و ختم غائله نیز در ادامه وظایف دینی، نسبت به جلوگیری از منکرات و ترویج فضائل اخلاقی، رسیدگی به وضع مستمندان، دفاع از حقوق عامه مردم به ویژه ستمدیدگان و زنان و اجرای احکام و شعایر اسلامی، حساسیت ویژه ای از خود نشان داد. از همه مهمتر در مقابل زورگویی ها و تجاوزات و کارهای خلاف برخی از خوانین و افراد متمول و اشراف زادگان، با تمام وجود ایستاد که در این بخش به چند نمونه از آن اشاره می شود:

پیش از حضور ایشان در منطقه بعضی از خانها وقتی کسی از دنیا می رفت و وارث ذکور نداشت، اموالش را مصادره می کردند. ولی آیت الله ملکی در چند مورد با شجاعت و صلابت ستودنی جلوی این ظلم و ستم ایستاد و مانع از اجرای این سنت شیطانی شد. به طوری که وی قبل از اینکه ایادی خانها موفق به این کار شوند، در منزل میت حاضر می شد و اموال را میان وارثان زن و دختر تقسیم و برای هرکدام

سند و قبالة تنظیم می کرد. روزی در یکی از روستاهای بخش، شخصی از دنیا می رود که وارث ذکور نداشت. خان مأمور خود را روانه می کند تا اموال میت را به نفع خود مصادره کند. هم زمان آیت الله ملکی ضمن طی مسیری طولانی خود را به آن روستا رسانده و اموال را میان وارثان زن آن مرحوم تقسیم می کند. و این کار را در حضور مأمور خان که قبلا برای مصادره اموال به آنجا آمده بود، انجام می دهد و مأمور خان که خود را در مقابل عمل انجام شده می بیند، زیر لب اعتراض می کند که من مأمورم و معذور؛ در این هنگام این عالم مجاهد، استکان چای او را از جلوش برداشته و به بیرون پرتاب می کند و سیلی محکمی به صورتش می نوازد که خبر آن به سرعت در سرتاسر منطقه پخش می شود.

در یک مورد دیگر یکی از ملاکین منطقه از تبریز برای مصادره اموال شخصی بدون وارث ذکور، به یکی از روستاهای بخش حرکت می کند. آیت الله ملکی اهالی آن روستا را بسیج و فتوای مبارزه و جلوگیری از این کار را به هر قیمت ممکن، صادر می کند. روستائیان مجهز شده و خود را برای مقابله آماده می کنند. این خبر به گوش آن ظالم می رسد. از ترسش از میان راه برمی گردد و جرأت آمدن به آن روستا را پیدا نمی کند.

در سالهای قبل از اجرای قانون «اصلاحات ارضی» قسمت مهمی از اراضی مسکونی مرکز بخش «ترک» محل سکونت هزار خانوار (حدود شش هزار نفر جمعیت) به یک مالک متعهد تبریزی تعلق داشت، برخی از ملاکین ستمگر ناحیه می خواستند زمینهای او را با حيله و فریب تصاحب کنند و بر دامنه سلطه و ستم خود بیفزایند. ولی با اقدامات به موقع و درخواست آیت الله ملکی این اراضی توسط مالک قانونی آن به مردم ساکن منطقه بخشیده شد و به این وسیله دست تجاوز ظالمان از آن قطع گردید و در راه نیل به اهداف پلیدشان، ناکام ماندند. و این مسئله موجب خشم شدید آنان گردید.

همچنین آیت الله ملکی در مبارزه با مفسد اجتماعی از قبیل: قمار، فحشا و

شرب خمر و مجالس لهُو و لعب خیلی حساس بود و با شدت مقابله می کرد. از این روی حضور حماسی وی در منطقه برای برخی از مالکین، خوانین و افراد شرور و ستمگر ساکن مرکز بخش، سخت گران آمد. آنها تصمیم به اذیت و آزار وی گرفتند.

در یک ترفند طراحی شده، دوستاناران این عالم فرزانه را با همکاری مأموران دولتی بازداشت، شکنجه و زندانی نمودند، با ایجاد فضای رعب و وحشت و تهدید و سرکوب شدید مردم و ایجاد فضای اختناق، امکان هر نوع فعالیت را از وی گرفتند و او ناچار به قم مهاجرت کرد.

## هجرت به قم

اگرچه سرسپردگان خوانین با همکاری رژیم شاه در ژاندارمری، دادگستری و...

این وضع را به وجود آوردند و عرصه را بر ایشان کاملاً تنگ کردند. ولی عامه مردم از اعماق قلب به آیت الله ملکی ارادت و علاقه فراوان داشتند و هرگز مایل نبودند که ایشان منطقه را ترک کنند. بنابراین خیلی آشفته خاطر و ناراحت بودند و با طرق مختلف سعی داشتند، تا مانع از هجرت آقا بشوند. ولی چه می توانستند بکنند زیرا دست تقدیر چنین رقم خورده بود. به هنگام حرکت بعضی ها می خواستند از حرکت ماشین جلوگیری کنند. آن روز مردم با چشمان گریان و دلی افسرده با رهبر مذهبی خود وداع نمودند. عواطف و احساسات مردم در فراق ایشان در اشعار یکی از زنان منطقه نمودار است. این نوع اشعار را در محفل زنان می خوانند که در زبان ترکی به آن «اوخشاماق» گفته می شود و بخشی از آن اشعار این است:

## متن شعر

سن گدرسن مسجد آغلار سیدلر قاپسن باغلار

اونین آدن دسم تانیلار چیننده وار آغر عباسی

چاقریخ قولسز عباسی گز، خانمین حیطینده

ص: 1416

قالانمادون اوز ولایتنده اشیدسک غریب اولویسان

قوشولوخ کاروانه گلیک اولاروخ دلی دیوانه گلیگ و...

### ترجمه شعر

با هجرت تو مسجد به عزا و ماتم خواهد نشست.

سالله های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خانه نشین خواهد شد.

گر ذکر نامش کنم، همه او را می شناسند.

کسی که بر دوش عبای سنگینی دارد.

صدا خواهیم کرد حضرت عباس علیه السلام را.

که دو دستش را از دست داده است.

گردش نما در صحن و سرای حضرت معصومه علیها السلام.

تو ناگزیر ولایت و زادگاهت را ترک نمودی.

اگر خبر تنهایی و غربت تو را بشنویم.

همراه کاروان به سویت می شتایم.

دیوانه وار به سویت می آییم.

در آن زمان یکی از رادیوهای برون مرزی به اخبار این حادثه اشاره کرده بود.

آیت الله ملکی پس از 16 سال حضور مسئولانه در زادگاهش «ترک»، در سال 1378 ق برابر 1337 ش به شهر مقدس قم هجرت نمود و با تکریم و احترام رئیس حوزه و مرجع تقلید جهان تشیع حضرت آیت الله بروجردی و دیگر مراجع و علمای اعلام روبرو گردید. پس از مدت کوتاهی موج نفرت مردم موجب گردید که آن ظالمین به همراهی مردم، خواهان عودت ایشان به منطقه شوند. اما ایشان برگشت دائمی را نپذیرفت و قول داد که در ایام مذهبی و فصل تابستان به آنجا رود. و در اولین بازگشت به وطن خویش، مردم همراه با ذبح چندین قربانی و شور زایدالوصف از او استقبال نمودند.

آیت الله ملکی از آن پس با سکونت در جوار کریمه اهل بیت علیها السلام به تحقیق و تدریس خارج اصول، تفسیر، کلام و معارف تشیع پرداخت و شاگردانی فاضل و دانا تربیت نمود. و ضمن سکونت در قم، همچنان مسئولیت مذهبی منطقه ترک را به عهده داشت و مصدر خدمات فراوانی گردید.

## اندیشه های علمی

آیت الله ملکی در فقه و تفسیر و کلام و معارف صاحب نظر بود به ویژه در معارف و تفسیر تبخّری خاص داشت. روش تحقیق و شیوه استنباطی او همان سیره و اسلوب فقهای اصولی شیعه در طول تاریخ است که به روش اجتهادی موسوم است و از کتاب و سنت و عقل سرچشمه می گیرد. وی علاوه بر فقه و اصول در معارف، کلام و اصول دین نیز به اجتهاد و تفقه مبتنی بر این سه اصل، اعتقاد داشت و آن را «فقه اکبر» و بخشی مهم از فقاهت می دانست و اعتقاد داشت که مکتب تشیع یک مکتب غنی است و در ارائه بنیادهای اسلامی و اعتقادی و غیر آن، محتاج و وام دار مکاتب دیگر نمی باشد.

گرچه در نظر او علم و عقل جایگاه ویژه ای داشت و حتی برخی اوقات به «علم» سوگند یاد می کرد؛ ولی هرگز «این همانی» بحثهای عقلانی با فلسفه را قبول نداشت و ترویج دیدگاههای فلسفی و عرفانی متأثر از اندیشه های دانشمندان یونانی و... را نوعی حرکت انفعالی و تضعیف اسلام و انحراف از صراط مستقیم تلقی می کرد. با توجه به کریمه إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ اعتقاد داشت مکتب راستین اسلام برتر و بالاتر از آن است که در اراییه اصیل ترین باورهای اعتقادی عاجز شده، دست تکدی به سوی سایر مکاتب و تمدنها دراز بکند، بلکه دین اسلام محتوای جدید و پویا دارد که همواره در مقابل اندیشه های کهن یونانی و ما قبل آن قرار داشته است و اسلام ارزش عقل را چه از بعد حقیقت آنکه دارای عصمت ذاتی و پیامبر باطنی قلمداد شده و چه در قلمرو اصول و احکام عقلی بیش از

دیگران مورد تأکید قرار داده است.

همچنین او بر این باور بود که علاوه بر معارف دینی، مسلمانان در علوم و فنون دیگر مانند: تاریخ، جغرافیا، ریاضیات، علوم تجربی و... با تمام گستردگی اش که محصول مشترک تمدن بشری به شمار می آید، باید به گونه ای ابتکاری، نوآوری و رشد از خود نشان بدهد که هیچ وقت نیازمند بیگانگان نباشند. آیت الله ملکى در دفاع از تفکر خود، اگرچه با مسلک برخی از شخصیت‌های فلسفی و عرفانی مخالف بود و آرای آنها را زمینه «مسخ» قرآن و عقاید دینی می پنداشت، اما هیچ وقت گستاخی به ساحت بزرگان را نمی پسندید و خود را نیز از تقابل و خودنمایی به دور می داشت و همواره شخصیت آنها را محترم می شمرد و دیگران را هم به حفظ حریم آنان توصیه می نمود و هنگام نقد یا رد افکارشان، محترمانه و یا غیر مستقیم و با کنایه از آنان نام می برد. از این روی وقتی، کسی در بین مردم و حضور این عالم بزرگوار به یکی از بزرگان معاصر که مخالف مسلک علمی ایشان بود، اسائه ادب کرد، آیت الله ملکى به اظهارات وی اعتراض نمود و از آن پس رابطه خود را با او قطع کرد.

### موقعیت بارز حوزوی

از همان نخستین روزهای ورود آیت الله ملکى به حوزه علمیه قم و شروع درس و بحث جایگاه ممتاز حوزوی ایشان کاملاً جلوه گر شد. آرای کلامی و تفسیری و فقهی او مورد توجه بود. زیرا وی در واقع نماینده و ارائه دهنده اندیشه های «مکتب معارفی خراسان» در حوزه علمیه قم به شمار می رفت. افزون بر این، مناظرات و مباحثات علمی، بخشی از حیات علمی این عالم تلاشگر را تشکیل می داد.

وی با علمای فرق و مذاهب غیر شیعی هم، مناظراتی انجام داده بود. ولی بیشترین مباحثاتش در حوزه اندیشه های جهان تشیع قرار داشت. گفتمان های متعدد علمی با بسیاری از اهل فکر با اندیشه های مختلف، مدتها ادامه پیدا کرد که برخی از چهره های طرف گفتگوی ایشان هم اکنون از اندیشمندان و شخصیت های

ص: 1419

بزرگ معاصر به شمار می آیند.

بیشتر بحثهای وی پیرامون موضوعات معارفی و کلامی دور می زد، ولی در بعد «فروع دین» هم مناظرات قابل توجهی داشت. از جمله: سالها پیش که یکی از اخباری های مقدّس و بسیار قوی ساکن در جنوب غربی استان اردبیل به روستاهای بخش گرمرود نفوذ کرد و دست به فعالیت علیه تفقه و اجتهاد زد. یک بار هم برای مناظره با آیت الله ملکی به مرکز بخش گرمرود «ترک» آمد، اما در مباحثه با ایشان شکست خورد و سرافکننده از منطقه خارج گردید.

## تربیت شاگردان

این فقیه پرتلاش در کنار فعالیت های تحقیقی به تربیت شاگردانی همّت گمارد.

حضرات آیات و حجج اسلام آقایان:

مرحوم شیخ اسد الله ربانی سرابی - مرحوم شیخ حسین ربّانی میانجی - مرحوم شیخ محمد علی حقی سرابی - شیخ محمد عبّابی خراسانی - میرزا ابراهیم علی زاده ارومیه ای - میرزا احمد ارجمند مشکینی - سید رضا حسینی مرنندی - سید علی اکبر نقوی قزوینی - میرزا ایوب گرمرودی - سید بهاء الدین علوی هشترودی - محمد باقر علم الهدی - سید هادی عظیمی ترکی - سید بهلول سجّادی مرنندی - محمد کاظم انوشیروانی - سید محمد علی جلیلی - شیخ حسن احمدی ترکی - میرزا رفعت الله حامدی - میرزا عین الله حسنی ارومیه ای - رضا برنجکار - محمد بیابانی اسکویی - علی ملکی میانجی و... از شاگردان معظم له به شمار می آیند.

## ویژگیهای اخلاقی

### 1- انس با قرآن

وی اهتمام عجیب به قرائت قرآن داشت. هر روز آیاتی از آن را همراه با تأمل تلاوت می کرد و لحظاتی را با این کتاب آسمانی انس می گرفت. وقتی نور دیدگانش

ص: 1420

ضعیف شد، قرآنی به خط درشت تهیه کرد تا از تلاوت آن محروم نماند. ولی در این اواخر آن هم برایشان مقدور نشد، زیرا چشمش خیلی ضعیف شده بود. لذا از حافظه قوی خود در این راه کمک می گرفت. او هرگاه به تلاوت آیه مبارکه **وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا** (یونس 61/10) می رسید، بی اختیار اشک از چشمانش سرازیر می شد و می گفت:

خدای رحمان در این آیه از پیامبرش و مؤمنین تشکر و قدردانی می کند و می فرماید:

ای رسول ما! او ای مؤمنان! هر کاری از شما انجام گیرد، چنانکه قرآن تلاوت کنید و یا به خاطر ترویج دین ما هر سختی و مصیبتی را متحمل گردید، ما آنها را هرگز فراموش نمی کنیم.

او تلاوت قرآن را به شاگردانش هم توصیه می کرد و تأکید داشت، حداقل روزی نیم ساعت بعد از نماز صبح، با حال و توجه ویژه، قرآن تلاوت بکنند.

## 2- اهتمام به دعا و عبادت

آیت الله ملکی به نماز اول وقت مقید بود. از دوران جوانی به واسطه نذر، نمازهای مستحبی روزانه را به خود واجب کرد و تا آخر عمر آن را به جا آورد.

خواندن ادعیه و مناجات و قرائت قرآن همراه با تأمل و حال معنوی به ویژه سحرگاهان از کارهای روزانه او به شمار می رفت. با توجه به حافظه بسیار قوی که داشت، بسیاری از خطبه های نهج البلاغه و دعاهای صحیفه سجّادیه و سایر کتب را حفظ بود و اغلب آنها را در مواقع لزوم زمزمه می کرد. هنگام خواندن دعای روز عرفه امام حسین علیه السلام حال عجیبی به وی دست می داد.

## 3- عشق به اهل بیت علیهم السلام

ایشان به چهارده معصوم علیهم السلام عشق، علاقه و ارادت خاصی داشت. وقتی روضه یکی از آنها خوانده می شد، چهره اش دگرگون می شد و حال معنوی به وی



دست می داد. به روایات و سخنان اهل بیت علیهم السّلام ارزش و عظمت ویژه ای قائل بود.

این عشق و ارادت خود به خود، ارتباط با ائمه اطهار علیهم السّلام در حدّ اعلی و بسیار صمیمی و خودمانی کرده بود. او در مشکلات و پیشامدهای سخت به چهارده معصوم علیهم السّلام بویژه حضرت زهرا علیها السّلام متوسّل می شد و خواسته اش برآورده می گشت.

### **نامه به خدمت امام رضا علیه السّلام**

آن ایامی که در منطقه ترک بود، خوانین و افراد شرور و فاسق وی را بشدت در تنگنا قرار داده بودند، آیت الله ملکی عریضه ای به خدمت حضرت امام رضا علیه السّلام می نویسد و آن را توسط یکی از زوّار به مشهد مقدّس می فرستد و به آن شخص تأکید می کند که نامه را به داخل ضریح مقدس بیندازد. بعد از چند روزی حضرت رضا علیه السّلام در خواب به او دلداری داده و در جواب نامه می فرماید: هر قدر هم شعله آتش قوی تر باشد به میچ پای تو نخواهد رسید.

### **درخواست منزل از حضرت معصومه علیها السّلام**

همچنین وقتی آیت الله ملکی به قم هجرت کرد، چون قدرت مالی برای خرید منزل نداشت یک خانه محقّری را اجاره می کند و حاضر نمی شود به کسی عرض نیاز کند. یک روز هنگام زیارت حضرت معصومه علیها السّلام از آن حضرت درخواست می کند تا زمینه تهیّه یک باب منزل را برایش فراهم آورد. چند روز بعد، این خواسته مورد اجابت قرار می گیرد.

### **یاری ائمه علیهم السّلام**

در مورد دیگر از خود آیت الله ملکی نقل شده است که یک شب پیرامون یکی از آیات مشکله قرآن کریم، به مطالعه و تحقیقات گسترده ای پرداخت و به خاطر دشواری بحث خسته شده و به خواب فرو رفت. در خواب یکی از ائمه علیهم السّلام به

ایشان می فرماید: شما تلاشتان را بکنید و مشغول تحقیق باشید، ما شما را کمک و یاری می کنیم.

### تشرّف به خانه خدا در جستجوی گمشده خود

یکی از شاگردان نقل کرد: در مدت اقامت در قم برنامه ما این بود که شبها به منزل آقای حاج شیخ می رفتیم و نماز مغرب و عشا را به ایشان اقتدا می کردیم. بعد از نماز چند بحث کلامی، تفسیری و فقهی مطرح می شد و از حضورش بهره مند می گشتیم. چندین سال این برنامه ادامه داشت. در یکی از شبهای سال 1356 ش طبق برنامه شرفیاب شدم، ولی این بار آقای حاج شیخ را در نشاط عجیبی یافتیم. از علّت جويا شدم، فرمود: امسال به حج می روم. عرض کردم چطور؟ فرمود: دلم می خواست به مکه معظمه و خانه خدا مشرف شوم و چون پول نداشتم، لذا به حضرت حجت (عج) عریضه نوشتم و از ایشان خواستم که مقدمات و وسائل این سفر را برایم فراهم فرماید. تا اینکه شبی آن حضرت را در خواب زیارت کردم. از من سؤال فرمود: با چه پولی می خواهی مشرف شوی؟ عرض کردم: آقا با پول شما و حضرت قبول کردند. در اینجا من به حاج شیخ عرض کردم: البته حضرت امسال را که قبول نکردند، زیرا اکنون زمان تهیّه گذرنامه و سایر مقدمات سپری شده است و امکان پذیر نیست. فرمود: خیر همین امسال را قبول کردند. در همین گفتگو بودیم که زنگ در منزل به صدا درآمد. من خودم رفتم دیدم یک آقایی آمده و می گوید:

تمام مقدمات سفر حاج شیخ در تهران مهیّاست و باید هرچه زودتر آماده اقدام شود. بعد مرحوم حاج شیخ به تهران رفتند و در مدّت اندکی وسائل گذرنامه جور شد و همان سال به حج مشرف شدند. هنگام برگشت به حضورشان رسیدم، در این مسافرت از الطاف امام زمان (عج) نسبت به خود صحبت می کرد و می گفت: یک دفعه در منی، حال خوشی به من دست داد به طوری که در پشت خیمه، حضرت بقیه الله (عج) را حس می کردم و به همین مقدار بیشتر اظهاری نداشتند. تا اینکه این

اواخر مریض شدند و بنده برای ملاقات ایشان رفتم و فکر می کردند با همان مرض از دنیا می روند و دریغ داشتند که این مطلب به همین مقدار گفته شود، لذا فرمودند در آن سفر مکه سعادت فیض تشرّف به خدمت حضرت ولی عصر (عج) حاصل گردید و تعبیرشان یادم نیست، ولی می فرمودند که حضرت با این عظمت چقدر مهربان هستند و با نهایت مهربانی با من برخورد کرده مرا تشویق فرمودند. رحمه الله علیه و حشره الله مع موالیه.

#### 4- عزّت نفس و بزرگ منشی

همان طوری که گذشت آیت الله ملکی احتیاجات زندگی خود را تنها با خداوند متعال و ائمه اطهار و اهل بیت علیهم السلام در میان می گذاشت و هرگز در رفع آن به افراد و اشخاص معمولی لب نمی گشود و این حکایت از بزرگ منشی و عزّت نفس او دارد.

به همین خاطر وی همواره به اقلّ امکانات زندگی قانع شده بود، تا از محتاج شدن به دیگران در امان باشد.

شخصی نقل می کرد ما تصمیم گرفتیم برای منزل حاج شیخ قالی بخریم، با خودشان در میان گذاشتیم قبول نکردند. فرمودند: اگر چنین قصدی دارید پولش را در اختیار من قرار دهید برای فقرا خرج کنم. یا در این اواخر جمعی از مردم می خواستند بهترین ساختمان زادگاهش را برای او بخرند ولی قبول نکرد.

حاج میرزا علی احمدی میانجی می فرمود: «حاج آقای ملکی هیچ وقت در جیب پول کافی برای زندگی نداشت ولی ظاهر خود را آراسته نگه می داشت، تا کسی متوجه نشود. وقتی که ایشان در ترک ساکن بود، من هنگامی که به میانه می آمدم، برای دیدار با ایشان به آنجا می رفتم و می دانستم که ایشان با سختی و دشواری زندگی می کنند، ولی اصلاً به رو نمی آوردند و خودشان را نمی شکستند، با روئی گشاده و خندان از میهمانان پذیرائی می کردند، به فقر اعتنایی نداشتند» (عاش سعیدا و مات سعیدا) سرافراز زندگی کردند و سر بلند هم از دنیا رفتند».

## 5-مراعات تقوا

اوسعی می کرد که در انجام همه اعمال خدا را در نظر گیرد و بر احتیاط در برداشت از وجوه شرعی و بی توجهی به امکانات دنیوی تأکید داشت و از عنوان یابی و تشخیص مآبی جدا دوری می جست.

## 6-تلاش و نظم

زندگی ساده و بی آرایش و در عین حال پرتلاش و پرجنب و جوش او، مورد توجه و زبانزد همگان بود. تا سال 1371 ش با این که 88 سال سن داشت، روزی 12 ساعت کار تحقیقی و علمی انجام می داد. که نتیجه همه این تلاشها، تنظیم، تألیف و چاپ چند جلد تفسیر و معارف شد که در بخش آثار و تألیف به آن اشاره خواهد شد. و نیز نظم فوق العاده در ابعاد مختلف زندگی از خصوصیات بارز ایشان بود.

## 7-احترام به مردم

وی ارزش و احترام ویژه ای به توده مردم قائل بود و این سبب شده بود که محبت وی در اعماق دل و جان مردم رسوخ بکند. او به هرکس می رسید با زبان خود آنان، با آنها به گفتگو و احوال پرسی می نشست که مردم تمایزی میان خود و آن عالم ربّانی احساس نمی کردند. خصوصاً نسبت به افراد کم بضاعت و کودکان و نوجوانان با انس و محبت بیشتر با آنها ارتباط برقرار می نمود. رعایت حال مردم را بر خود لازم می پنداشت. به عنوان نمونه دوست نداشت صدای بلندگوی مساجد جز در اوقات اذان، بلند شود، و هرگز اجازه نمی داد صدای سخنرانی خود به بیرون مسجد پخش بشود و آن را موجب اذیت و مزاحمت برای مردم و در نهایت سبک شمردن شعایر مذهبی می شمرد.

## 8-مبارزه با خرافات و عوام زدگی

احترام به مردم غیر از عوام زدگی است. این تمایز در وجود آیت الله ملک

ظهور چشمگیر داشت. از نقل روایات مجعول و وقایع تاریخی مشکوک در محافل و مجالس جلوگیری می کرد و نسبت به سوءاستفاده از احساسات و مقدّسات مذهبی بسیار حسّاس بود. روزی (در سالهای قبل از 1340 ش) شخص ناشناس و دارای محاسن بلند که به منطقه رفت و آمد داشت، ادعا کرد، در هشت کیلومتری مرکز بخش در روستایی به نام «دیزج» امامزاده ای کشف کرده است و اظهار داشت:

امامزاده در خواب از وی خواسته تا آیت الله ملکی هم قبر او را آشکار و بازسازی نماید. او با این ترفند، خواست این عالم تیزبین را هم در کار خود شریک نماید و از وجودش بهره برداری کند. ولی آیت الله ملکی با شدت با این کار مخالفت کرد و دستور داد او را تنبیه کنند. اما عده ای از مردم بدون توجه به واقعیت امر، تحت تأثیر قرار گرفته، دسته دسته از روستاهای اطراف به زیارت امامزاده تازه کشف شده می آمدند و گاو و گوسفند قربانی می کردند. حتی در همین ایام صاعقه ای به منزل یکی از بستگان آیت الله ملکی اصابت کرد، بلافاصله شایع شد که امامزاده غضب کرده است و برخی از ایشان خواهش کردند تا دست از مخالفت بردارد، ولی آیت الله ملکی طبق وظیفه شرعی به این شایعات و تبلیغات اعتنایی نداشت و با اراده قاطع و با شدت بیشتری و بدون هیچ ترسی به مخالفت خود ادامه داد.

سرانجام پس از مدّتی معلوم شد آن شخص می خواست دختری را بدون عقد شرعی تصاحب کند و اصلاً مسلمان نبوده، بلکه ظاهراً یک فرد یهودی است و برای استخراج اشیاء عتیقه به منطقه رفت و آمد می کرد و برخی آثار باستانی گران قیمت را هم از منطقه خارج کرده و خودش هم ناپدید شده است. در پی افشای این موضوع ایمان و احترام مردم به آیت الله ملکی راسخ تر شد و موجی از کشف آثار باستانی در منطقه به راه افتاد. و دهها اشیاء عتیقه و گرانبها کشف گردید.

## 9- مبارزه با سنتهای ناپسند

آیت الله ملکی سعی داشت با پاره ای از سنتهای غلط که در میان بعضی از مردم

رواج داشت مبارزه کند. برای نمونه با ازدواجهای تحمیلی مخالفت می کرد، ازدواجهایی که بدون رضایت دختر و اطلاع او و رعایت برابری و هم کفو بودن طرفین و با تهدید و صلاح دید پدر و اشخاص دیگر به عقد فرد مورد نظر در آورده می شد. این عالم دوراندیش در عقد ازدواج بایستی حتما رضایت دختر را به هر طریق ممکن احراز می کرد و در این راه وسواس عجیبی به خرج می داد و الا از خواندن عقد خودداری می کرد.

### **10- ظلم ستیزی و مبارزه با فساد**

او نسبت به توده مردم بسیار مهربان و متواضع بود، ولی در برابر ثروت اندوزان حرام خوار و افراد فاسق از موضع قدرت و شدت برخورد می کرد که نمونه هایی از آن در پیش اشاره شد.

بطور کلی این برخوردها متفاوت و مختلف بود چون ایشان مورد علاقه و احترام تمام طبقات حتی بیشتر خوانین و اشراف هم بودند، لذا از راه دور یا با مسافرت به مناطق مختلف و از نزدیک با مدیریت مناسب و با استفاده از وجهه خود و با زبان نرم و احقاق حقوق محرومان و ضعیفان و یا تعظیم شعائر دینی تلاش می کرد و به موفقیت های خوبی هم دست می یافت و اما در مواردی هم به ضرورت با تنبیه اشخاص متظاهر به فسق و یا فرستادن افراد سرشناس صالح به محافل اهل فساد و جلوگیری از تجمع آنها و به اشکال مختلف دیگر انجام می گرفت. چنانکه یک وقت خبر آورده بودند که یک برنامه فساد و فحشا با پشتوانه و تشویق پاره ای از اشراف منطقه تدارک دیده شده است؛ آیت الله ملکی شخصا همراه با افراد مطمئن دیگری به صورت کشیک و گشت در داخل روستا و باغچه ها و باغ های اطراف، این نقشه را خنثی می کنند.

### **11- پایبندی به قانون**

در پایبندی به قانون بسیار سختگیر و دقیق بود و در اجرای آن فقیر و غنی و

خودی و بیگانه یکسان بود. در حلّ دعاوی و صدور قباله و اسناد و وصیت نامه امکان نداشت موارد شبهه ناک و مشکوک و غیر قانونی بدست ایشان تحریر شود.

از این رو اعتبار اسناد تنظیمی ایشان شهرة آن دیار بود و در ادارات دولتی به آن همچون یک سند رسمی می نگریستند.

## 12- مدیریت شایسته

وی در مدت اقامت در منطقه، مدیریت خوبی را از خود بروز داد و در رهبری و هدایت مردم کاملاً موفق بود. کسانی که از نزدیک به اوضاع منطقه آشنایی دارند به این حقیقت تأکید می کنند. پس از پیروزی انقلاب نیز با این که منطقه آبستن حوادث و رویدادهای مهم منطقه ای، سیاسی و مذهبی شد، ولی بر اثر درایت این عالم تیزبین هیچ گونه حادثه ناگواری رخ نداد و همه بخوبی و خوشی پشت سر گذاشته شد. در اوائل پیروزی، کمیته انقلاب با اشراف و سرپرستی معظم له در قصبه ترک و حومه تشکیل شد و تا پاکفرتن نهادهای حکومتی ادامه داشت و این مسئله در جهت تأمین امنیت منطقه بسیار مؤثر واقع گشت. همچنین از نزدیک شدن به گروه ها و جناحهای سیاسی مذهبی به شدت اجتناب نموده و از بروز جبهه بندی و صف آرائی گروههای فکری مخالف و موافق با قاطعیت جلوگیری کرد و بدین وسیله از کیان اسلام و وحدت ملی در آن دیار دفاع مؤثری نمود و نیز از مداخله در حوزه مسئولیت مدیران منطقه دوری جست و پدروار با راهنمایی مسئولین و مردم در راه کمک و معاضدت به رفع مشکلات و خدمات عمومی عمرانی و فرهنگی و اقتصادی مردم با تمام وجود تلاش نمود.

## خدمات مذهبی، فرهنگی و عمرانی

### اشاره

آیت الله ملکی در طول اقامت در ترک، علاوه بر فعالیت های معمول و ترویج شعایر دینی، اقامه نماز جماعت بسیار باشکوه، تشکیل جلسات سخنرانی به

مناسبت ماه مبارک رمضان و محرم و ایام مذهبی دیگر و نشر فرهنگ تشیع در منطقه و حل و فصل دعاوی مردم به فعالیت های عمرانی، فرهنگی نیز اقدام کرد که سهم بسزائی در عمران و آبادی و رشد شعور و آگاهی مردم بر جای گذاشت. در این بخش به مواردی از خدمات وی اشاره می شود.

### **1- رسیدگی به فقرا و مستمندان**

بخش عمده ای از وقت خود را صرف خدمت و رسیدگی به فقرا و محرومان منطقه می کرد. فعالیت در فقرزدائی دوران جنگ دوم جهانی که پیشتر به آن اشاره شد و نیز بار دیگر در سال 1327 ش که خشکسالی و قحطی مردم را در آستانه نابودی قرار داده بود، این فقیه درد آشنا، تدبیری اندیشید و با جیره بندی آرد و نان مستمندان آن دیار را از پیامدهای ناگوار این پدیده خطرناک در امان نگاه داشت. وی جمعی متشکل از افراد نیکوکار در منطقه تعیین کرده بود که مسئولیت شناسایی خانواده های نیازمند را به عهده داشتند و پس از شناسائی به صورت مخفیانه و آبرومندانه به آنها کمک می کردند.

### **2- احیا چند رشته قنات و چشمه**

این موارد در تأمین آب آشامیدنی مردم نقش حیاتی داشته و دارد.

### **3- تعمیر اساسی مسجد ترک**

این مسجد که یکی از آثار ارزشمند اسلامی و باستانی کشور به شمار می آید، چندین بار توسط آیت الله ملکى به صورت اساسی تعمیر شد، بدون اینکه نامی از او در کتیبه های مسجد حک شود.

### **4- تأسیس کتابخانه**

این مرکز تحت عنوان «کتابخانه امام جعفر صادق علیه السلام» در سال 1357 ش

ص: 1429



تأسیس گردید که کتاب بصورت امانت در اختیار علاقه مندان قرار می دهد. و در فصل زمستان که مردم فراغت بیشتری دارند، کلاسهای تعلیم قرآن در محل کتابخانه برای آنان تشکیل می شود.

## **5- احداث دانشسرا**

این مرکز آموزشی در پی تلاش بی دریغ ایشان و کمک های مردم و مسئولین به مساحت 65000 متر مربع تأسیس شد.

## **6- کمک و اقدام به کارهای خیر و عام المنفعه**

مانند برق کشی، لوله کشی، جاده سازی و تأسیس مراکز و دوایر اداری که هم اکنون در خدمت مردم هست.

تشییع پیکر شیخ محمد باقر ملکی میانه ای (در صحن حضرت معصومه (س))

## **تألیفات و آثار علمی**

آیت الله ملکی در کنار فعالیت های اجتماعی و عبادی، کار پژوهش و تدریس

ص: 1430

را ادامه داد و کتب ذیل یادگار تحقیقات علمی اوست که به شرح می آید:

1- بدائع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام، این کتاب در تفسیر آیات طهارت و نماز است. و نیز شامل تفسیر آیات «شفاعت» می باشد. نخست در سال 1400 ق در بیروت و بار دیگر در سال 1402 ق در قم به چاپ رسیده است.

2- تفسیر فاتحه الکتاب، کتاب پیرامون تفسیر سوره مبارک «حمد» است که از سوی انتشارات «دار القرآن الکریم» قم در سال 1413 ق چاپ شده است.

3- توحید الامامیه، این اثر ارزشمند پیرامون مسأله خداشناسی دینی در شیعه است و در آن موضوعات مهمی مانند: اهمیت شناخت و جایگاه عقل، توحید، علم، قدرت خداوند، معنای عرش، کرسی، مشیت، اراده، جبر، اختیار، قضا و قدر، حدوث عالم و بدا... مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. کتاب از سوی انتشارات «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» در سال 1415 ق به زیور چاپ مزین شد.

4- تفسیر مناہج البیان (6 جلد)، شامل جزء 1 و 2 و 3 و 4 و 29 و 30 از قرآن کریم است که هر یک جزء در یک مجلد قرار گرفته است. مسئولیت چاپ این تفسیر گرانسنگ را انتشارات «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» برعهده گرفته و به طرز مطلوبی آن را به چاپ رسانده است.

5- نگاهی به علوم قرآنی، این اثر توسط آقای علی نقی خدایاری به فارسی ترجمه شد و به اهتمام آقای علی ملکی میانجی، از طریق «نشر خرم» در بهار 1377 ش در قم به زیور چاپ مزین گردید.

6- الرشاد فی المعاد، مخطوط.

7- تقریرات کامل درس اصول آیت الله میرزا مهدی اصفهانی، مخطوط.

8- رساله ای در حبط و تکفیر، مخطوط.

9- رساله ای در خمس، مخطوط.

10- رساله ای در احکام میت، مخطوط.

11- نوشتاری در احکام: صلاه نکاح، طلاق، مواریث و ابحاثی پیرامون مسائل

ص: 1431

متفرقه تفسیر و معارف، که در حال حاضر، مراحل تنظیم، تصحیح و تنقیح را طی می کند، تا برای زیور چاپ آماده گردد.

## رحلت

این فقیه و مفسر و استاد معارف اهل بیت علیهم السلام پس از 95 سال تلاش بی وقفه و زندگی سراسر افتخارآمیز، سرانجام در شب جمعه پانزدهم/خرداد/1377/ش برابر با دهم/صفر/1419/ق دعوت حق را لبیک گفت و به سرای باقی شتافت و علاقمندان خود را به سوگ و ماتم نشانند.

پیکر پاک این عالم ربّانی با شکوه خاصی و با شرکت آیات، علمای اعلام و جمع کثیری از مردم و طلاب و فضیله‌های حوزه علمیه قم و مردمی که از ترک و شهرهای میانه و تهران آمده بودند. در این شهر تشییع و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

تشییع پیکر شیخ محمد باقر ملکی میانه ای

ص: 1432

همچنین مجالس با شکوه و گسترده ای در شهرهای قم، تهران، میانه و ترک بخاطر تجلیل از مقام علمی و معنوی و خدمات ارزنده این فقیه سترک انجام گرفت.

## وصیت نامه

آیت الله ملکی در نوشته ای کوتاه ضمن حمد و ستایش به درگاه پروردگار متعال و با سلام و صلوات بر اشرف انبیا و اولاد معصومینش، خانواده و وابستگان خود را وصیت می نماید به تقوا و صلاح و سداد و اطاعت از دستورات پروردگار متعال در تمام حالات و دوران زندگی خودشان و فرزندانشان و درخواست نموده که مراسم ترحیم وی را بدون تشریفات و ساده برگزار کنند.

- منبع

1- این مقاله به قلم آقای شیخ عبد الرحیم اباذری نوشته شده که با همکاری فرزند فاضل معظم له جناب آقای علی ملکی میانجی که بیش از 20 سال ملازم خدمت پدر بوده و اشرف کامل به شرح حال و مبانی فقهی و تفسیری و کلامی ایشان دارد، تألیف و تنظیم گردید.

**سید محمد باقر مولوی عربشاهی «سبزواری»**

اشاره

(1324-1404 ق)

حاج سید محمد باقر فرزند سید ابو طالب رئیس الذاکرین سبزواری، معروف به «مولوی عربشاهی» یکی از دانشمندان و اساتید دانشگاه تهران بود.

وی در سال 1324 ق مطابق با 1285 ش در سبزوار واقع در استان خراسان متولد گردید.

پس از نشو و نما به تحصیل علوم دینی پرداخت. در سن جوانی به مشهد مقدس رهسپار شد و ادبیات را نزد علامه شیخ عبد الجواد ادیب نیشابوری و حکمت و فلسفه را نزد علامه حکیم شیخ محمد علی فاضل خراسانی و دروس فقه و اصول را نزد علامه میرزا حسین آموخت. آنگاه به تهران مهاجرت کرد و دروس

ص: 1433

عقلی را از محضر حکیم الهی میرزا طاهر تنکابنی استفاده نمود.

استاد مولوی عربشاهی از آغاز تأسیس دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران به عضویت هیئت علمی آن درآمد. و به تدریس در این دانشکده پرداخت تا اینکه به درجه استادی رسید. در ضمن ریاست گروه ادبیات عرب را برعهده گرفت.

## از آثار قلمی او

1-الأدب والدين.

2-الحکمه و الأدب عند الفرس و العرب.

3-الرساله الکمالیه فی الحقائق الالهیه (اهتمام-اثر فخر رازی).

4-النهايه فی مجرد الفقه و الفتاوى (اهتمام-اثر شیخ طوسی).

5-ترجمه تلخیص البیان عن مجازات القرآن (از شریف رضی).

6-ترجمه کتاب البراهین (اثر فخر رازی).

7-سرمایه سخن (همکاری با دکتر محمد آیتی-3 جلد).

ایشان در روز 21/شعبان 1404/ق در سن 80 سالگی در تهران درگذشت و جسدش به قم حمل و در یکی از اطاقهای قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

استاد سید محمد مولوی عربشاهی، دکترای الکترونیک از آلمان و یکی از نویسندگان دایرهالمعارف بزرگ اسلامی، فرزند ایشان است.

-منابع

1-تاریخ تولد و فوت، از روی سنگ مزار ایشان یادداشت شده است.

2-سبزوار شهر دانشوران بیدار 167/2 (تاریخ تولد و وفات ایشان را اشتباه ذکر نموده است).

3-مؤلفین کتب چاپی 9/2 (تاریخ تولدش را 1325 ق نوشته است).

\*

اشاره

(1296-1372 ق)

سید محمد فرزند هبه الله و نوه میرزا رفیع حسینی موسوی قزوینی ملقب به (بحر العلوم)، از علمای معاصر و ساکن مشهد مقدس بود. در اصفهان از شاگردان حاج آقا منیر بروجردی و در نجف اشرف از شاگردان شیخ محمد کاظم خراسانی بود.

از آثار او:

1- رساله شریفه ولایت.

2- المواهب القدسیه.

3- حوادث الایام فی بیان وقایع الایام.

4- تلخیص التراجم و تنقیح المعاجم، در رجال.

5- جغرافیای عالم.

6- رساله فی أعظم کل شیء فی العالم.

7- دیوان شعر.

8- حل بندی (کشکول).

9- حاشیه علی شرح اللمعه دمشقیه.

10- رساله فی اوزان البلاد.

در سال 1372 ق به سن 77 سالگی درگذشت، و در قبرستان حاج شیخ مدفون گردید.

-منابع

1- مینو دریا باب الجنه قزوین 240/2.

2- مؤلفین کتب چاپی 339/5.

3- نقباء البشر (خطى).

ص: 1435

## اشاره

(-1350 ق)

میر سید محمد فرزند آیت الله سید عبد الله نوه سید اسحاق رضوی برقی قمی از مشاهیر علمای قم بود.

تولدش در قم اتفاق افتاد.

وی پس از سپری کردن مقدمات و سطح، رهسپار نجف اشرف گردید و از محضر آیت الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی استفاده نمود و در حدود سالهای 1330 ق به زادگاهش بازگشت و مشغول تدریس فقه و اصول و هدایت شد. و پس از ارتحال پدرش در سال 1332 ق مشغول اقامه نماز جماعت در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام به جای او، گردید.

## از آثار او

1- تعلیقه علی کفایه الاصول.

مرحوم برقی در روز پنجشنبه 20 ربیع الثانی 1350/ ق مطابق با 11 شهریور 1310/ ش در قم دار فانی را وداع گفت، و در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

-منابع

1- آثار الحججه 220/1.

2- الاجازه الکبیره 147.

3- تاریخ قم 280 (سال مرگش را 1349 ق نوشته است).

4- رجال قم 142.

5- گنجینه دانشمندان 149/1.

6- وفيات علما 700 (سال مرگش را در سال 1349 ق دانسته است).



(1299-1383 ق)

آنچه که در پیش رو دارید زندگینامه مرحوم خیاط است بقلم توانای استاد گرامی آقای شیخ جعفر سبحانی که در مقدمه دیوان خیاط به چاپ رسیده، و ما قسمتی از آن انتخاب نموده و در این مجموعه به چاپ می‌رسانیم.

مؤلف این دیوان مرحوم «محمد تحصیلی» معروف به «خیاط». در سال 1260 هجری شمسی برابر 1299 هجری قمری در یک خانواده اصیل به نام «حاج ابراهیم» شمیرانی دیده به جهان گشود، و دوران کودکی را پشت سر نهاد، مطابق مقتضای زمان به تحصیل علوم متداول پرداخت و در میان اقران به ذکاوت و هوشیاری و سرعت انتقال معروف بود، و در میان علوم رائج بیش از همه به ریاضیات علاقه فراوان داشت و در علم اعداد و «علم اوفاق» سرآمد روزگار بود، و در حل جداول آن کاملاً مهارت داشت و آثاری که در این قسمت از خود به یادگار نهاده، از نبوغ و عمق ریاضی او کاملاً حکایت می‌کند و شایسته بود که از این شخصیت، افراد زیادی بهره بگیرند، و گروهی به وسیله او در این علوم تربیت شوند.

### سنجش شخصیت

سنجش شخصیت هر چند نسبت به محیطها متفاوت است در محیطهای مادی معیار، ثروت و مال است، و در محیطهای دیگر، به گونه ای دیگر، اما از نظر اسلام، امیر مؤمنان علیه السلام سخنی دارد که در میان کلمات امام، بسیار کم نظیر است آنجا که می‌فرماید: «قیمه کل امری ما یحسنه» «ارزش هر انسانی در گرو چیزی است که کاملاً با آن آشنا است» روی این اساس، مهمترین عوامل ارزش وجودی این مرد الهی را می‌توان در سه بخش خلاصه کرد:

1- با تمام کمالات علمی و معنوی و شخصیت اجتماعی که داشت، در مقابل

ص: 1437

خدمات اجتماعی (که نمونه هائی از آن را خواهید شنید) انجام می داد، دیناری نمی پذیرفت، و در بازار خیاطان تهران به شغل شریف خیاطی اشتغال داشت و «داودوار» با کدّ یمین و «عرق جبین» و به اصطلاح با دسترنج خود امرار معاش و زندگی می کرد، آنان که با او آشنائی داشتند می گویند؛ یکی از صفات وی در طول زندگی عمل به وعده بود، حتی یک بار هم نشد برای تحویل لباس وقتی را معین کند و در آن خلف ورزد.

به حق باید گفت این خصیصه اخلاقی که بسیاری از ما نسبت به آن بی تفاوت هستیم، یکی از اخلاق برجسته اسلامی است که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم درباره آن فرمود: «عده المؤمن دین» وفا به وعده دینی است که باید به آن عمل شود.

او در میان مشاغل، شغلی را برگزیده بود که نتیجه آن علاوه بر کمک به زندگی مردم در گرما و سرما، پوششی بود بر معایب و نقایص که آن نیز به حکم گفتار امام «و یستر عیبه» از وظایف اسلامی است.

### خدمات اجتماعی

او در بازار تهران به درستی و پاکي، و رک گوئی شهرت داشت و مردم بسیاری از مشکلات خود را با او در میان می نهادند، و به ارشاد و راهنمایی او ارج می گذاردند و به خاطر علاقه ای که به جامعه داشت، مسائل سیاسی مملکت را از دوران جوانی تعقیب کرد، و می دانست که در کشور چه می گذرد در اینجا رشته سخن را به دست یکی از فرزندان ایشان می دهیم، تا از پایه آگاهی و صداقت و دلسوزی این مرد به مردم و میهن اسلامی آگاه شویم. اینک در پای گفتار ایشان می نشینیم و دو جریان را می شنویم:

الف: در دوران استبداد سیاه قاجار یکی از قنادهای بازار تهران با ناراحتی پیش پدرم آمد و گفت: وزیر مالیه برای صنف ما، مالیات جدیدی وضع کرده، پدرم گفت:

من اقدام می کنم او که می دانست این موضوع در مجلس مطرح نشده است،

از این جهت نامه بسیار تندی علیه وزیر مربوطه نوشت، و آدرس خود را نیز داد. چند روز بعد مستخدم آن وزارتخانه پاکتی را به مغازه او آورد و از او امضاء گرفت و رفت.

وزیر مربوطه او را احضار کرده بود، و موضوع را به اطلاع دوستان قناد خود رساند و گفت: اگر می ترسید نیائید، آنها گفتند: نه نمی ترسیم و می آئیم، روز موعود به اتفاق به دفتر وزیر رفتند، وزیر پرسید حاج میرزا محمد خیاط کیست؟ پدرم گفت: من هستم.

وزیر با تغییر و بالحن تمسخرآمیز گفت: وزیر این مملکت، برای صنف قناد مالیات وضع کرده، به خیاط این مملکت چه ارتباطی دارد؟

پدرم گفت: اولاً بنی آدم اعضای یک پیکرند اگر در دور افتاده ترین نقطه مملکت، ظلمی بر پیرزنی وارد شود در اینجا اگر من ایرانی بتوانم، باید برای احقاق حق او پیا خیزم. بنابراین نمی شود گفت: اگر ناراحتی برای صنف قناد پیش آید، به صنف خیاط چه ارتباطی دارد.

ثانیاً: روابط دولت و ملت در سندی که با خون این ملت نوشته شده، توضیح داده شده، که نباید دولت یا ملت برحق هم تعدی بکنند. وزیر با خشم پرسید آن سند چیست؟

پدرم پاسخ داد: قانون اساسی، در کجای قانون اساسی به وزیر این مملکت حق داده شده که بدون مراجعه به مجلس، مالیات وضع کند. اگر چنین تصمیمی داشتید ابتداء باید در هیئت دولت مطرح می کردید، چنانچه دولت تصویب می کرد به مجلس می داد و بعد از تصویب مجلس قابل اجراء بود، شما این مطلب را می دانی یا نمی دانی، اگر می دانی چرا قانون اساسی این مملکت را زیر پا گذاشته ای؟ و اگر نمی دانی وای به حال ملتی که وزیر آن از قانون اساسی آن مملکت خبر ندارد. وزیر با ناراحتی پرسیده بود که حالا چه کار باید کرد؟ پدرم گفت:

یا اعلامیه بدهید و این مالیات را نقض کنید، یا شما را به اتهام زیر پا گذاشتن قانون اساسی به دادگستری می کشانم. وزیر با ناراحتی پذیرفته بود که از اخذ مالیات منصرف گردد.

ب: شرکت نفت ایران و انگلیس هر ساله، ترازنامه خود را در روزنامه‌ها انتشار می‌داد، پدرم هر ساله به دقت آن را در روزنامه می‌خواند و پیش خود جمع و تفریق می‌کرد، و در یکی از این سالها در حدود یک میلیون لیره استرلینگ حسابها با هم نمی‌خواند و پدرم با نامه ای از شرکت نفت تقاضا کرد که آن یک میلیون لیره را به دولت پرداخت کنند. نماینده شرکت با پدرم وارد مذاکره شد که با پرداخت مبلغی، او را از تعقیب موضوع منصرف کند، ولی مرحوم «خیاط» به ایشان گفت: محال است این کار را بکنم یا پرداخت کنید یا به دادگستری شکایت می‌کنم. شرکت نفت مجبور شد برای سرپوش گذاردن بر موضوع و جلوگیری از انتشار این خبر که ترازنامه های نفت آنها تا چه حد قلابی است یک میلیون لیره را به دولت پرداخت کند، و از آن پس دیگر ترازنامه شرکت نفت منتشر نشد و طبق قانون آن زمان اگر کسی منبع درآمدی برای دولت تأمین می‌کرد 10% از درآمد حاصله به او تعلق می‌گرفت، و دولت در صدد برآمد که حدود یک صد هزار لیره به او پرداخت کند، که مرحوم خیاط از گرفتنش امتناع کرد و آن را به وزارت فرهنگ آن زمان هدیه نمود.

### یک اثر جاودانی ادبی

دیوان خیاط که هم اکنون نخستین بخش آن تقدیم علاقمندان فرهنگ و هنر و ادب می‌شود، تبلوری است از ابعاد شخصیت آن مرحوم، و امید است که بخش دوم آن نیز به همین زودی منتشر گردد. در اینجا با سروده های عرفانی، اجتماعی و دینی (مدائح و مراثی) این سراینده توانا آشنا می‌شویم، هرچند اشعار او در تمام زمینه ها یکنواخت نیست ولی برخی از آنها در کمال متانت و از امتیاز بالائی برخوردار است.

### الهام غیبی

داماد محترم ایشان جناب آقای حاج کریم حسنی نقل می‌کند:

ص: 1440

مرحوم خیاط، دچار بیماری ممتدی گردید، در خانه به استراحت پرداخت. در نیمه شعبان که در تهران همه جا را آذین بندی می کنند و همچنان در تمام نقاط جهان شیعه به این میلاد اهمیت خاصی می دهند، در عالم رؤیا به او گفته می شود:

برخیز در مدح حجت خدا شعری بگو، او از خواب بیدار می شود، ناگهان بالبداهه غزل:

یا رب امشب به جهان شور دگر می بینم نور در انجم مه بی حد مر می بینم

از قریحه او به نوک قلم تراوش می کند.

یکی از فرزندان ایشان نقل می کند: شبی به دیدار پدرم رفتم، دیدم در حال گریه مشغول نوشتن است، شرائط را مناسب ندیدم به خانه ام بازگشتم، شب در عالم رؤیا دیدم کسی در خانه را می زند، رفتم در را باز کردم مردی پاکتی به من داد و گفت: این را به آقای خیاط بدهید، روی پاکت با خط سبز نوشته بود:

«ولایه علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی» فردا صبح به دیدار پدرم آمدم و موضوع را گفتم در پاسخ فرمود: دیشب درباره امیر مؤمنان علیه السلام شعری سروده ام، معلوم می شود که پذیرفته شده و این نامه مربوط به آن است.

## آخرین شعله های حیات

مرحوم خیاط پس از یک عمر با برکت مملو از خدمت، در سن هشتاد و سه سالگی روز یکشنبه 20 ذی حجه 1383/ ق مطابق با در 13/ اردیبهشت/ 1343 ش در سن 84 سالگی، دعوت حق را لبیک گفت، و در وادی السلام قم در مقبره ضیائیان به خاک سپرده شد، و از خود سه پسر و چهار دختر به یادگار گذارده، امید است بازماندگان او پویندگان راه او باشند، و تقوی و پیراستگی، خدمت به جامعه، علاقه به خاندان عصمت را از پدر به ارث برند.

نمونه زیر از اشعار اوست:

ص: 1441

باز بحر فکر ما طغیان نمود کرد کلکم در محیط خون ورود

بندبندم گشت نالان مثل نی در عروقم خون به جوش آمد چو می

عقل و دانش گشت خارج از سرم حس ظاهر شد برون از پیکرم

لشکر غم خیمه زد اندر دلم کرد در خون غوطه ور چون بسلم

مفتی عشاق فرمود الصّلا عاشقانه رو به دشت کربلا

بین چه آمد بر سر سلطان عشق چون مصادف گشته با طوفان عشق

از پی اجرای امر آن جناب خواستم تا من کنم پا در رکاب

دست دل مانند چشم با یزید پرده اسرار را از هم درید

چون حجب را مرتفع کرد از بصر بر دو چشمم کربلا شد جلوه گر

دیدمی آن بر شده چون بحر خون کشتی ایمان در آن یم واژگون

پاره پاره جسم انصار خدا خفته در خون سر ز پیکرها جدا

نور چشم مصطفی در پیچ و تاب بهر ایشان اشک ریزان چون سحاب

حضرت عباس (ع) با قلبی ملول ایستاده نزد فرزند رسول

عرض می کرد او به آن شاه کبار مایلم جان در رهت سازم نثار

چون نفس در سینه ام گردیده تنگ رخصتم ده تا روم میدان جنگ

بعد از آن مالک رقاب نشأتین شهریار عالم امکان حسین (ع)

مدتی اندر تفکر اوفتاد عاقبت اذن جدل بر وی نداد

من بخود گفتم همی یا للعجب این جوان از بهر رخصت در تعب

امتناع شاه آیا بهر چیست بر قبول خواهشش کرد از چه زیست

از شهادت نیست روگردان حسین گشته او تسلیم بر تیغ و سنین

بهر چه یاران خود را سربه سر اذن میدان داد از خورد و کبر

\*

ص: 1442

(1313-1368 ق)

میرزا محمد تقی اشراقی فرزند آیت الله میرزا محمد (ارباب) قمی، از سخنوران به نام و واعظان معروف ایران بود.

این سخنور بزرگ در سال 1313 ق در شهر مقدس قم در خانواده علم و فضیلت دیده به جهان گشود و در کنار پدر بزرگوارش نشو و نما یافت.

مقدمات اولیه و سطوح را نزد آیت الله شیخ ابو القاسم قمی «کبیر» فراگرفت و خارج را نزد والد معظم خود، و آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی در فقه و اصول، و معقول را از محضر میرزا علی اکبر حکمی یزدی «تجلی» استفاده نمود. وی دارای مقام اجتهاد بود و در حوزه علمی قم و فلسفه و حکمت و عرفان و تفسیر و سطوح فقه و اصول را با بیانی رسا تدریس می نموده است.

در فن خطابه و ابتکارات منبر در عصر خودش نظیر نداشته است، علاوه بر این دارای اخلاقی زیبا و پسندیده بود، و حالت تواضع عجیبی داشت. در آن زمان در تمام منابر خود از سیاست مداران و دولت مردان انتقاد می نمود، و وطن فروشان را در منابر خود استیضاح می نمود.

### از تألیفات ایشان

1- تفسیر سوره یوسف علیه السلام.

ص: 1443



2- تفسیر سوره ن و القلم.

3- تفسیر سوره الاعلی.

4- تفسیر سوره یس.

5- الاربعون حدیثا(خطی).

6- تقریرات فقه مکاسب آیت الله حائری.

### داستان درگذشت

اشراقی در سال 1368 ق از تهران دعوتش کردند برای تبلیغ و ارشاد مؤمنین در ماه رمضان در مدرسه صدر جلو خان مسجد سلطانی و مسجد اردبیلی ها، از روز اول ماه مبارک رمضان تا روز بیست و چهار رمضان مرتبا انجام وظیفه می کرده است.

هزاران نفر مردم محترم تهران طبقات حتی علما در این مدت مزبور از بیانات شیوای این بزرگ خطیب جهان تشیع استفاده فراوان برده اند.

سرانجام در روز جمعه 25/ رمضان 1368/ ق مطابق با 31/ تیر/ 1328 ش درگذشت.

عده ای اعتقاد بر آن دارند که سگته کرده، عده ای دیگر مرگش را مشکوک می دانند. به هر حال این مصیبت عظمی برای مردم قهرمان تهران و قم و دیگر شهرهای ایران بسیار ناگوار شد. پیکرش را با تجلیل فراوان از تهران به قم آوردند در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام نزدیک قبر استادش آیت الله حائری به خاک سپردند. از شیخ سعید اشراقی

ص: 1444

باقیات صالحات این عالم با تقوا و فضیلت، فرزند فاضل ایشان شیخ شهاب الدین اشراقی است.

-منابع

1- آثار الحجّه 135/1 و 139/2.

2- آینه دانشوران 195.

3- رجال قم 148.

4- شهدای روحانیت 192.

5- گنجینه دانشمندان 337/2.

6- مؤلفین کتب چاپی 245/2.

**میرزا محمد تقی اشعری قمی**

(-1408 ق)

مرثیه سرای اهل بیت «ع» و متوفای شوال 1408 / مطابق با خرداد 1367 / ش مدفون در باغ بهشت قم.

اشعار زیر از اوست:

ای به سیمای تو مصداق بود آیه ی نور نور روی تو ز سینای سنان کرد ظهور

تابش نور جمال تو ندیدند حسین چشم ناپاک از آن طلعت زیبای تو دور

ای لب لعل تو خوش تر ز هزار آب حیات ای حریم تو به از روضه و جنات قصور

گوهر پاک ولایت که تو را بود به کف بود پوشیده بر آن قوم ستم پیشه کور

ای تو موسی و تو عیسی و تو یحیی، تو خلیل ای تو قرآن و تو انجیل و تو تورات و زبور

قوم جهال چون شناخته کردند ستم وای اگر رخ بنمایی و بخوانی به حضور

پور مرجانه کافر ز خدا شرم نکرد با سر انور تو کرد جسارت به غرور

از چه کشتند ترا تشنه لب اندر لب آب از چه با ریختن خون تو کردند سرور

شيعه گر ناله کند تا به قيامت چه عجب خرد کردند تن پاک تو از سمّ ستور

ص: 1445

سینه ای را که بدی مخزن اسرار خدا گشت آن سینه ز پا مال ستوران مکسور

کرده داغ تو سیه صبحگه اهل بصر که کند جلوه سر انورت از کنج تنور

(اشعری) را نبود قدرت وصف تو شها

دفتر فضل تو هرگز نتوان کرد مرور

-منبع

1- تاریخ تکایا و عزاداری قم 160.

**شیخ محمد تقی بافقی یزدی**

**اشاره**

(1292-1365 ق)

شیخ محمد تقی فرزند محمد باقر یزدی، در سال 1292 ق در قریه (بافق) از توابع شهر یزد، متولد شد.

در سن 14 سالگی برای ادامه تحصیلات خود به یزد رفت، و حدود 14 سال نزد اساتید آن سامان چون:

سید علی مدرس یزدی «لب خندقی» و سید یحیی مجتهد یزدی در مدرسه مصلی به تحصیل علوم پرداخت.

و در سال 1320 ق در 28 سالگی به عتبات رفت، به ادامه تحصیل پرداخت. در نجف اشرف نزد آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و

سید محمد کاظم طباطبائی یزدی در فقه و اصول و سید احمد کربلائی در علم اخلاق و چند ماهی علم الحدیث را از میرزا حسین نوری

به تحصیل پرداخت. و پس از 17 سال

ص: 1446

توقف در نجف و تکمیل علوم و اخلاق در سال 1337 ق به قم رفت و در محله باغ پنبه سکونت اختیار کرد. در سال 1340 ق آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی را تشویق به بنیانگذاری حوزه علمیه در قم می کند.

### مجاهدتهای بافقی

بافقی در دورانی که سراسر مملکت را خفقان گرفته بود، با نوشتن نامه های تند و صریح به رضا خان، او را از اعمال زشت و منکر بر حذر می داشت، او کوچک ترین تعارفات معمول را در نامه ها رعایت نمی کرد و همیشه آغاز نامه اش چنین بود: از آخوند بافقی به فلان...

از طرف دولت اعلامیه ای در قم منتشر و به دیوارها چسبانده شد که در آن «امر به معروف» قدغن گردیده بود. انتشار این اعلامیه عکس العمل شدید علما و مردم را در پی داشت. شیخ محمد تقی به محض مطلع شدن از مضمون اطلاعیه دولت، همه کسبه و اهالی شهر را دعوت به تجمع می کند، پس از اجتماع مردم در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام، با تلاوت آیه وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ و بیان اهمیت حیاتی امر به معروف و نهی از منکر، و اینکه اجرای آن بر هر فردی به خصوص بر علما و طلاب واجب است و هیچ کس حق ندارد از اجرای آن جلوگیری کند، دولت وقت را یک دولت جابر و ظالم و جاهل خواند و حکومت رضا شاه را حکومت «فراعنه» نامید. پس از انجام این سخنرانی، دولت عقب نشینی کرد و دستور جمع آوری اعلامیه را داد.

### امر به معروف

ماه مبارک رمضان سال 1346 ق برابر با نوروز سال 1306 ش بود. زوار بسیاری به زیارت حضرت معصومه علیها السلام رفته بودند تا هنگام تحویل سال در کنار آن مرقد مطهر باشند. اعضای خانواده رضا شاه هم آمده بودند و بدون حجاب کامل در حرم

مطهر، در غرفه بالای ایوان آینه جلب نظر می کردند. بافق‌ی پس از مطلع شدن از این حادثه پیامی بدین مضمون فرستاد: (شما چه کسانی؟ اگر از غیر دین اسلامید پس در این مکان شریف چه می کنید؟ و اگر مسلمانید پس در حضور چندین هزار جمعیت در غرفه حرم چرا «مکشفه الوجه و الشعر» نشسته اید؟) پیام مؤثر واقع نمی شود، لذا شخصا به حرم آمد و به خانواده رضا شاه شدیداً اخطار کرد، و این حادثه منجر به قیام مردم شد. رضا شاه شخصا با یک واحد موتوریزه به قم رفت و با چکمه وارد صحن مطهر شد، و بافق‌ی را مورد ضرب و شتم قرار داد. و پس از دستگیری به تهران آورده شد و با گذراندن پنج ماه حبس در زندان شهربانی مرکز، دیگر به وی اجازه ندادند در قم اقامت گزینند، و مجبور شد در تهران بماند.

قطعا پس از مراجعت شاه و اسکورتش از طرف عامه عکس العمل شدیدی نشان داده می شد، که ممکن بود به انقلاب و بلوایی عام منجر و به خونریزی و قتل نفوس ساری گردد، ولی با عمل و سیاست حاج شیخ عبد‌الکریم حائری با حسن تدبیر عاقلانه و خیرخواهانه‌ای، از فساد و خونریزیهای بعدی به کلی جلوگیری شد و مقام روحانیت در قم محفوظ ماند، او اعمال نفوذ به موقعی نشان داد و حکم شرعی بدین شرح صادر نمود: «صحبت و مذاکره در اطراف قضیه اتفاقیه مربوط به شیخ محمد تقی برخلاف شرع انور و مطلقاً حرام است». این حکم مانند آبی بود که روی آتش ریخته شود، از یک انقلاب و بلوای عام و قتل و غارت‌های بعدی جلوگیری نمود.

پس از ملاقاتی که بین رضا شاه و شیخ عبد‌الکریم حائری در قم به میان آمد، شیخ محمد تقی بافق‌ی را به حضرت عبد‌العظیم علیه السلام فرستادند، و او این ایام را تحت نظر یک نفر «بازرس آگاهی» به عبادت پرداخت.

در سال 1314 ش، پس از واقعه مسجد گوهرشاد، بافق‌ی از فرط اضطرابی که پس از شنیدن خبر این کشتار به او دست داد، دچار سکت شد و برای مدتی بستری شد. پس از اینکه اندکی بهبودی حاصل کرد، تقریباً سه ماه پس از واقعه، علی‌رغم

اینکه از جانب دولت ممنوع الخروج بود از تهران به مشهد مقدس حرکت نمود.

در زمان اقامت شیخ بافقی در حضرت عبد العظیم علیه السّلام از سوی مردم، شعری سروده شد:

چه خوش بود که برآید به یک کرشمه، دو کار

زیارت شه عبد العظیم و دیدن یار

سرانجام در سال 1320 ش برای زیارت به عتبات رفت و پس از مراجعت به شهر ری، در روز سه شنبه 13 جمادی الاول 1365/ق مطابق با 27 فروردین/1325 ش در بیمارستان فیروزآبادی به سن 73 سالگی در پی بیماری وفات یافت، و در کنار مرقد آیت الله حائری در حرم حضرت معصومه علیها السّلام در قم مدفون گردید.

-منابع

1- آثار الحجّه 31/1 و 280/2.

2- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 17/2.

3- شهدای روحانیت 154.

4- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی.

5- قیام گوهرشاد.

6- گنجینه دانشمندان 177/3 و 619/4.

7- نقباء البشر 248/1.

**محمد تقی بیگ قمی «ارباب»**

**اشاره**

(-1311ق)

از شعرای عهد ناصری و معاصر و معاشر با میرزا علی اکبر فیض مؤلف «تذکره شعرای قم»، و عبد الله مستوفی مؤلف «شرح زندگانی من» بوده است.

عبد الله مستوفی به مناسبتهای مختلف در کتاب خود از او به نیکی و عظمت یاد کرده، و خاطرات خوشی را که از هم صحبتی با محمد تقی بیگ ارباب و فرزند





ادیب و دانشمندش میرزا محمد مجتهد معروف به «ارباب» و همچنین مراداتی که با میرزا محمد باقر ربّانی فرزند میرزا محمد مجتهد داشته دقیقاً برشمرده است، که ما در اینجا به نقل قسمتی از آنها در رابطه با محمد تقی بیک ارباب معروف به «ارباب جان بابا» اکتفا می‌کنیم:

(یک دفعه رفتن زیارت و دیده شدن ما در حرم حضرت معصومه علیها السلام کافی بود که تمام دوستان و آشنایان را از ورود ما مطلع کند و دیدوبازدیدها و دعوت‌های آنها شروع شود). بعد تحت عنوان: دریغ از پیر ذی فنون می نویسد:

(فقط جای محمد تقی بیک ارباب واقعا خالی بود. پیرمرد در سال قبل، یک ماهی بعد از مسافرتی که با ما به علی آباد کرده بود به مرض ذات الریه درگذشته، میرزا محمد مجتهد پسرش هم مکه مشرف شده بود. محمد تقی بیک ارباب با داشتن اطلاعات وسیع از فلاح و ساختمان و مقنّی گری و بازدید خرمن و زراعت سرپا و کول پزی که قول و تصدیق او در نزد تمام استادان این فنون برهان قاطع به شمار می‌رفت، ادیب و شاعر و نویسنده و خوش خط و بذله گو و مجلس آرا هم بود. برای کندن قنات بعد از کندن چاه گمانه و اطمینان از آب داشتن زمین، چنان ترازو می کشیده که در همان نقطه ای که معین می کرد، آب قنات آفتابی می شد.

زراعت سرپا و خرمن نکوبیده و کوبیده و قبه خرمن گندم و جو و حبوبات را به قدری صحیح بازدید می کرد که هیچ وقت بیش از یک عشر تقریب نداشت. از دهنه چاه قنات به جریان آب نگاه می کرد و اندازه خرابی پشته و تعداد عملة اصلاح آن را تعیین می نمود. با یک نظر به صحرای پنبه و حبوبات کاری، میزان بذر آن را تشخیص می داد و حاصل آنها را برآورد می کرد. در ساختمان، بازدیدش بسیار دقیق و تا آخرین کلوک کار رفته را تعیین می نمود. کثرت عمل و حافظه، قوه غریبی در نظر او ایجاد کرده بود که با یک نظر و بدون مساحت، بذرافکن مزرعه را بی کم و زیاد می گفت.

اشعار مشکل «نظامی» را که مع الاسف خیلی زیاد است با توجیهاتی که از آنها

کرده اند، تماماً در حافظه داشت. شعر را بسیار خوب می گفت. در نویسندگی و اسلوب خط، سبک «قائم مقام» را پیروی می کرد. هم ساده و روان و هم ادیبانه، سهل و ممتنع، چیز می نوشت. کمتر اتفاق می افتاد که نامه خود را بدون نمک فکاهی ختم کند. هیچ کس نمی توانست تصوّر کند که در این قباى راسته و تنبان گشاد رعیتی و کفش پاشنه خوابیده، و اگر تابستان بود، گیوه و کلاه تخم مرغی، با این قامت متوسط و ریش سرخ نوک دار که بوی قنبد قمی می داد! این قدر اطلاع و فضل و ادب باشد.

در اوقاتی که من به قم می رفتم یا او به تهران می آمد و معمولاً در منزل ما، منزل می کرد، بزرگترین کیف من صحبت با این پیر مرد بود. با اینکه سن من با او در حدود هفتاد سال تفاوت داشت، هر وقت به من می رسید، به مناسبت حال و درجه فهم من طوری صحبت می داشت که هیچ وقت از محضر او سیر نمی شدم.

ناصر الدّین شاه به قم رفته و اعتضاد الدّوله، حاکم، جمعی از اعیان شهر را برای شرفیابی حاضر کرده بود. بعضی از آنها «بیگدلی» و برخی «حاجی حسینی» بودند.

بعد از معرفی سران این دو خانواده، نوبت معرفی شدن به محمد تقی بیک رسید.

چون از هیچیک از دو طایفه نبود، اعتضاد الدّوله فقط گفت: محمد تقی بیک میراب قنات ناصری. ناصر الدّین شاه پرسید: بیگدلی است یا حاجی حسینی؟ محمد تقی بیک مجال به اعتضاد الدّوله نداد و گفت: ما کان ابراهیم یهودیّا و لا نصرانیّا و لکن کان حنیفا مسلما!! چاکر، نه آنم و نه این، بلکه از خدمتگزارانم.

از حافظه خود سوءاستفاده نکنم و از حاضر جوابیهای این پیر مرد که قمی ها به او ارباب جان بابا می گفتند، صرف نظر نمایم. ممکن است امروز مطلقاً مانند او در امر زراعت و کارهای مربوط به آن یافت شود. همچنین ممکن است ادیب و نویسنده ای مثل او باشد، ولی من در مدّت عمر خود شخصی به این جامعی هیچ ندیده ام. حاجی میرزا محمد مجتهد، پسرش هم ملاّی جامع خوش محضر تامّ العیاری بود که در عالم خود هیچ دست کمی از پدرش نداشت. پسرهای حاجی

میرزا محمّد، به خصوص میرزا محمّد تقی اشراقی که امروز در قم مرد مبرّزی است، میرزا باقر ربّانی [یکی از فرزندان حاجی میرزا محمّد مجتهد معروف به ارباب] همه مردمان فاضلی هستند).

میرزا علی اکبر فیض مؤلّف تذکرة شعرای قم در شرح حال ارباب می نگارد:

(داهیه الدهر، باقعه الزّمان، ذلیق اللّسان، رشیق البنان، اللّوذعی الألمعیّ محمّد تقی بیک ارباب، خلف الصّدق حسنعلی بیک، که در قریحه نظم و سلیقه نثر و انارت رای و کفایت معضلات و کفالت امورات، و خیرت در عمل فلاحت و دانائی به رساتیق و مزارع حومه ولایت و تنقیح حساب و تشخیص جمع و تلخیص فذلک دیوانی این شهر واحدی است بی ثانی... چنانچه هیچیک از حکّام بی مدد یراع سحر ابداعش مؤنث و تمکّن تنقیح حساب مزروعی و تبیین عوارضات دیوانی را ندارند. یک چند حواله و اطلاق مزروعی قم از نقد و جنس مفوّض و مرجوع به او بود که در گرفتن وجوه دیوانی و رسانیدن به ارباب مستمرّی و مقرّری، کسر و نقصانی راه نیابد و اجحاف و تعدّی نشود. به طرز قسط و عدل جمیع رعایا و برابرا و صاحبان وظایف و ادارات از درستی قلمش در مهد امان غنوده بودند، تا اینکه طواف کعبه انس و جان، اعنی مضجع منیف امیر مؤمنان «علیه آلاف السّلام من الرّحمن» را احرام بست. قصیده در عذرخواهی از جرائم ما سبق عرض کرده از اشتغال به امور دیوانی تائب شدند. پس از آن، اوقات را مصروف مرثی جناب سیّدالشّهدا «علیه آلاف من التّحیه و الثّناء» نموده، کتابی در بحر تقارب وقایع شهادت آن شافع محشر را به اسلوب و طرز خوش که هم عوام بهره برند و هم خواص فایده گیرند، در سمط بیان درکشید. الحق سامعین را هنگام استماع، نظم:

بعد ازین عوض اشک دل آید بیرون آب در چشمه چو گم گشت، گل آید بیرون

و چون حضرت شاهنشاه گردون خرگاه، ناصر الدّین شاه، محلّ زمین و امحال قوم و جدویت هوای قم را ملاحظه فرمودند، از رأفت کاملی که جبلی ذات اقدس

همایون دارند، سحاب هاطل دست دریانوال برگشاده، مزارع امانی اهالی این ولایت را خرم و شاداب فرمود و از مصدر جلال، امر به حفر قنواتی جدید که مخصوص و موقوف به محلات شهر باشد، عزّ صدور یافت. گزارش ناتمامی قنوات سرداری را در پیشگاه خلافت به مسامع دولت ابد آیت رسانیدند که اگر رأی بیضای اعلی بر آبادی و اتمام آن قنوات ناتمام پرتو افکند چون محلی قابل است، اقرب به صرفه است. حفر و آبادی آن قنوات را موکول و مرجوع به کفایت جناب سامی (محمد تقی بیک ارباب) فرموده، مبلغ سه هزار تومان زر مسکوک معمول هجده نخودی بمصرف آن کار رسید و آبی چنان بر روی کار آمد که آبروی سلسبیل ریخت، اهالی این ولایت (قم) از جهت احداث این ثانی ینبوع خضر و سلسبیل و تالی آنها دجله و نیل در خصیب عیش متنعمند و موسوم است به (قنات ناصری) و هم اکنون از جانب امنای دولت جاوید عدت مواظبت آن قنوات از تعمیر خرابی و تقسیم بر محلات مرجوع به اوست، و سالی یک صد و پنجاه تومان از دیوان اعلی بجهت مرمت خرابی او برقرار است. که همه ساله جداول و انهارش تعمیر شده، تنقیه و لاروب می نمایند).

اینک برای آشنائی با طرز کتابت و هنر نویسندگی او به نقل دو مکتوب از ارباب که در تذکره شعرای قم فیض آمده است، بسنده می کنیم.

نامه ای است که برای نواب «محسن میرزا» امیر آخور حکمران قم نوشته است:

«قل اعوذ بربّ الناس، من الحاج ملاّ عبّاس! الّذی يأخذ اموال الناس بالابرام و الالتماس! و الّذی یقرّ منه الخناس! الّذی یوسوس فی صدور الناس! تصدّقت کردم عالی جناب... پنج شش سطر القاب! اعالمی است متبحّر و عالمی است متحرّر، در ریاضی با حکمت اشراق است و در ریاضت دقوفی و دفاق، علمای نحو را محو خود دارد و صرف را در تصرّف خود انگارد. در فقه و اصول هزار ادا و اصول دارد! امام جماعت «جهرود» است و داماد کدخدای «قمرود» و اعظیست با صوت حزین، ناصحیست با ناله و انین، بهر خطّه زنی خطبه می نماید، بهر حدیث،

احداث فصاحتی دارد. نه از آن احداث که «انس بن مالک» کرد و «ابو هریره» هالک سالی سه تومان حکام ماضی تخفیف به او می دادند تا از ایشان راضی باشد.

تخفیف او معمول است، خواهش او معقول. عرض او را بپذیرید و عرض خود را مبرید! تا ندهی نمی رود! تا نگیرد مالیات نمی دهد! نظم:

من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال

و این صورت مکتوب ارباب به «محمود بیگدلی» است

(ای نام تو فخر «آل سبکتکین» مملکت هندیانت بزیر نگین. در انتهای هر سال و ابتدای هر کار که حاکمی جدید پدید می آید، در اطاق بی طاق، اجلاس بی پلاس می نمائید! که روزگار گهنه گذشت و زمانه بساط نشاط مردم را درنوشت. در محضر حاکم تازه که راه گنگ را از دروازه فرق نکرده! باید نشست و در به روی بیگانه بست و چنان وانمود کرد که همه خلق قم همج رعاع و غبار هوا هستند! (اذا امرناهم فأتَمروا، و اذا نهیناهم لن یجاسروا. لا یكون الكدخدا الا من كان بگدلیا او حاجی حسنیًا! كما قال رب الارباب فی حق اهل الكتاب: لن یدخل الجنة الا من كان هودا او نصاری، سر از گریبان تکبر برآوردن و بندگان خدا را ناچیز شمردن، از تلبیسات ابلیس است نه تدریسات ادیس.

از آن همه اسرار و دیعه و تکرار ذریعه نه استاد حسن از میرابی افتاد نه از قصه آبی، نه خان زند از قلعه الوند. بنده که خود را با شما یگانه پنداشتم، بیگانه انگاشتید چون لک خربزه و شلغم بی مزه دور انداختید! غافل لطیفه آیه شریف نُریدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَوْا فِي الْأَرْضِ، وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ یا من یرفع المستضعفین و یضع المستکبرین و یهلک ملوکا و یتخلف آخرین، لله الحمد اگر مایه خود را باختیم، کاری ساختیم، امورات به خواهش دوستان است، به نکوهش دشمنان نیست).

1- تاریخ دار الایمان قم.

2- وقایع شهادت حضرت سید الشهداء (علیه السلام - اشعار).

سرانجام ارباب در جمادی اول 1311/ق در قم درگذشت، و در ایوان بقعه فتحعلی شاه (صحن عتیق) مدفون گردید.

### در ستایش حضرت حسین علیه السلام

اصبحت زائرا لک یا بضعه البتول امسیت شائقا بک یا مهجه الرسول  
تا استخوان من نشود خاک آستان الشوق فی التّراید و العشق لا یزول  
شاهها ز همت تو به صحرای کربلا مهموم گشت همت و مجهول شد عقول  
تو خامسی ز آل عبا، خمس حق تست از خمس خویش، مظلمه ما بکن قبول!  
روح الامین که حامل وحی است ز آسمان بر ساحت جلال شما می کند نزول  
\* جمال مرد خردمند نیست جز به کمال زنت آنکه کمالش بود به قدر جمال  
نظر به جوهر شمشیر کن نه قشر غلاف که زشت را نفزاید جمال از خطوخال  
مراسم در دل غم دیده یک حدیث عجیب که نفس ناطقه لالست از بیان مقال  
تحریر همه از بی شعوری شعر است که پای عقل بیستند از جنون به عقال...

\*- منابع

1- تاریخ تکایا و عزاداری قم 259.

2- تذکره سخنوران قم 273.

3- تذکره شعرای معاصرین دار الایمان قم (خطی).

4- شرح زندگانی من 517/1.

اشاره

(ح 1413-1358 ق)

شیخ محمد تقی فرزند حسن حائری ملقب به «تاج الدین»، از خطبا و سخنوران معاصر بود.

در حدود سال 1358 ق در کربلا دیده به جهان گشود.

وی پس از آموختن ادبیات و مقدمات، سطوح را نزد آیات: شیخ محمد علی خلیق شیرازی، سید حسن شیرازی، سید محمد شیرازی و شیخ هادی معرفت به انجام رسانید. در حدود سال 1391 ق در پی فشارهای دولت عراق به ایران مهاجرت کرد، و به وعظ و ارشاد و هدایت پرداخت.

از آثار او

1- افشای اعمال حزب بعث عراق.

2- تحقیق کتاب خصایص زینبیه (از سید نور الدین جزائری).

3- تیمور لنگ.

4- دیوان شعر.

وی در روز دوشنبه 5 محرم 1413/ ق مطابق با 15 تیر 1371/ ش در قم درگذشت، و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

دارای فرزندان زیادی است که تنها مرحوم شیخ حسن در سلک روحانیت بود و جناب حجه الاسلام آقای شیخ سعید سعیدی (نویسنده محترم کتابهای درسی) دامادش می باشند.

سید محمد تقی نقه الاسلام بروجردی

(ح 1354-1288 ق)

سید محمد تقی فرزند علامه سید محمد حسین و نوه سید ابو تراب طباطبائی

علوی بروجردی، ملقب به «سلطان العلماء» و معروف به «تقها لاسلام» از مدرسان حوزه علمیة بروجرد بود.

وی در حدود سال 1288 ق در بروجرد زاده شد.

تقها لاسلام پس از آموختن مقدمات رهسپار اصفهان شد و با آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی هم دوره بود. سپس به نجف اشرف عزیمت کرد و از محضر آیات: ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعة اصفهانی بهره مند گردید. و پس از مراجعت به بروجرد از سوی مردم به عنوان نماینده به مجلس شورای ملی، دوره های: ششم، هفتم، هشتم، نهم و دهم راه یافت.

ایشان در سال 1354 ق مطابق با 1314 ش در حدود سن 66 سالگی بر اثر سکته قلبی در تهران درگذشت. پیکرش به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام مدفون گردید.

-منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-نمایندگان مجلس شورای ملی 343.

### شیخ محمد تقی جهانگیری ارستانی

(-1412 ق)

حاج شیخ محمد تقی فرزند ماشاءالله «سردار جنگ» جهانگیری، از روحانیون برجسته منطقه دلفان لرستان به شمار می رفت.

پدرش از مردان سلحشور و بزرگ منطقه دلفان-واقع در استان لرستان-بود.

شیخ محمد تقی پس از آموختن مقدمات در دلفان به شهر خرم آباد رفت و سطح را از محضر آیت الله شیخ روح الله کمالوند استفاده کرد. آنگاه به حوزه علمیة قم رهسپار شد و دروس خارج را از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی

ص: 1457



بهره مند گردید و به منطقه دلفان مراجعت نمود و به ارشاد و هدایت و تنویر افکار اهتمام ورزید.

جهانگیری در سال 1412 ق مطابق با 1370 ش به علت بیماری قلبی درگذشت و در قم به خاک سپرده شد.

-منبع

1- مشاهیر لر 498.

**سید محمد تقی خوانساری**

**اشاره**

(1305-1371 ق)

حاج سید محمد تقی فرزند سید اسد الله و نوه سید محمد موسوی خوانساری، از مشاهیر فقها و مدرسان و زهاد قم بود.

وی در رمضان 1305/ق در خانواده ای که به علم و فضل و ادب اشتها داشت، در خوانسار پا به عرصه وجود نهاد.

خوانساری تحصیلات ابتدائی را در مسقط الرأس خود گذراند و در سال 1322 ق در حالی که بیش از هفده سال نداشت جهت فراگرفتن علوم اسلامی رهسپار نجف اشرف گردید و پس از طی مراحل سطوح نزد آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی، به محضر درس مرحومین آیتین علمین: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی راه یافت و در حلقه شاگردان آن دو بزرگوار درآمد و از دریای

ص: 1458

معلومات شان استفاده کرد. بعد از فوت آخوند خراسانی، سالها در درس آیات:

شیخ الشریعہ اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی شرکت جست و در معقول از افادات شیخ علی قوچانی بهره مند گردید.

### حضور در صحنه نبرد

در سال 1333 ق در جنگ بین المللی اول که عراقی ها به یاری دولت عثمانی شتافتند و بر علیه استعمار بریتانیا به رهبری روحانیت آگاه، به مبارزه برخاستند، آیت الله خوانساری همگام با آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی (میرزای دوم) و آیت الله سید مصطفی کاشانی (پدر سید ابو القاسم کاشانی) در این جنگ شرکت داشت. و با توجه به مهارتی که در امر تیراندازی به دست آورده بود همچون رزمنده ای کار آزموده و شجاع با دشمن می جنگید، یکی از بستگان بسیار نزدیک او از قول آیت الله کاشانی نقل کردند که ایشان فرمودند: در سنگر عراق (اراضی بین فرات و دجله) با خوانساری در یک جبهه بودیم و خوانساری در نزدیک ترین سنگرها با دشمن می جنگید، وقتی رسید که ما، بعد از مبارزه بسیار محاصره شدیم و عده ای از همزمان قصد فرار داشتند، ولی خوانساری از فرار آنها جلوگیری می کرد و فریاد می کشید که فرار از زحف (جنگ) گناه کبیره است.

آرام آرام حلقه محاصره تنگ تر و تنگ تر می شد، و رفته رفته امید زنده ماندن در دل همزمان به یأس مبدل می گشت، که حضرت آیت الله پیشنهادی دادند.

پیشنهاد ایشان در این لحظه حساس این بود که: «اکنون که خطر مرگ متوجه ماست، خوب است وضوء را تجدید و به نماز اشتغال یابیم، که در حال نماز خدا را ملاقات نمائیم».

خلاصه ایشان در این جنگ مورد اصابت گلوله دشمن واقع می گردند و

مجروح می شوند، و پس از سقوط عراق دستگیر و به هند و چین (که در آن روز از مستعمرات انگلستان به شمار می رفت) تبعید می شوند. چهار سال متوالی در چنگال استعمارگران در تبعید بود، و مدتی در دریا و مدتی هم در «سنگاپور» در اردوگاهی که به وسیله سیم خاردار حصارکشی شده بود نگهداری می شد.

سید ابو القاسم کاشانی سید محمد تقی خوانساری

## وجه استخلاص

در مورد چگونگی آزادی ایشان یکی از نزدیکان ایشان نقل کرده که: یکی از بزرگان عرب که جزو اسرا بود و در آنجا مدتی از محضر خوانساری حکمت و فلسفه فراگرفته و متقابلاً ایشان از آن مرد، زبان انگلیسی می آموخته است. و چون آن شخص قبل از خوانساری آزاد می شود، در جهت استخلاص خوانساری تلاش می نماید و در نتیجه خوانساری در سال 1337 ق آزاد گردید و به وطن مألوف خود بازگشت. در رابطه با آنچه که گفته شد یکی از سراینندگان در ضمن اشعار خود گوید:

جهاد کرد و اسارت برفت و حبس نشست که تا ستون دیانت بیابد استقلال

به حفظ حوزه و در تربیت نموده قیام در آن زمان که شدی بدر حوزه همچو هلال

ص: 1460

وی بعد از اقامت کوتاهی در خوانسار، به سلطان آباد (اراک) رفت و در سال 1340 ق بنا به پیشنهاد آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی به شهر قم آمد و در تأسیس حوزه مقدسه علمی، حائری یزدی را یاری کرد و از محضرش استفاده کرد. پس از ارتحال آیت الله حائری در سال 1355 ق خوانساری به اتفاق سیدین علمین: آیت الله سید محمد حجت و آیت الله صدر الدین صدر اهداف این استاد گرانقدر را دنبال و با تربیت فضلا، بل علمای وارسته و مبرز، که بعدا از زعما و استوانه های علمی حوزه علمی گشتند، خدمات شایانی به حوزه نمود.

### **اقامه نماز جمعه**

این عالم ربانی در طول عمر سراسر افتخار و با برکت خود دست به اقداماتی زد که از معروف ترین آنها دو مورد زیر است:

یکی از اقدامات این مرد بزرگ، اقامه نماز جمعه (به سال 1360 ق) است که سالیان سال اقامه نمی شد، و نظرش در بحث صلاه به احتیاط لازم در فعل آن مؤدی گردید. و از این جهت از همان زمان این سنت سنیه و فریضه الهی را از ظلمت متروکیت و استتار سنین متمادی بیرون آورده و ابتدا در مدرسه فیضیه و سپس (به خاطر کثرت مأمومین) در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام اقامه می فرمودند.

### **اقامه نماز استسقا**

یکی دیگر از اقدامات فراموش ناشدنی این مرد بزرگوار اقامه نماز استسقا است که در سال 1363 ق (مصادف با اشغال متفقین بعض مراکز ایران را) توسط ایشان و انبوهی از متدینین برگزار شد.

در این باره عالم بزرگوار، حضرت آیت الله شیخ محمد علی اراکی نوشته اند:

«در سنه 1362 ق که خشک سالی اتفاق افتاد، اهل بلد (قم) از ایشان تقاضای

صلاه استسقا نمودند، حضرتش امتناع ورزید و پس از اصرار بسیار قبول فرموده، با هیئت عظیمه از رجال اهل علم و فضل و خلق کثیری از سایر طبقات که تقریباً بالغ بر بیست هزار نفوس بودند حرکت فرموده، به مصلاهی خارج شهر تشریف آورده به اقامه صلاه مذکوره پرداختند، و طولی نکشید که باران غریب باریدن گرفته و سیل عجیبی ظاهر گردید و بر احدی مخفی نماند که نیست این، الا از اثر دعاء آن بزرگوار و برکت نماز او».

شایان ذکر است که آیت الله خوانساری در صحنه های سیاسی زمان خویش از پیشتازان بوده، و در نهضت ملی شدن صنعت نفت، و انتخابات مجلس در سنه 1371 ق، و مبارزه بر علیه کشف حجاب و... حضور فعال داشته است.

## از آثار او

- 1- منتخب الاحکام (رساله عملیه).
- 2- حاشیه علی العروه الوثقی.
- 3- حاشیه مناسک حج (از شیخ انصاری).
- 4- ذخیره العباد (رساله عملیه).
- 5- حاشیه رساله تقویم الصلاه.
- 6- حاشیه مختصر الاحکام.
- 7- تقریرات کتاب طهارت، که به وسیله آیت الله شیخ محمد علی اراکی به رشته تحریر درآمده است. و خود آن مرحوم درباره این کتاب می فرمود که: اگر این کتاب چاپ شود بهتر از کتاب طهارت حاج آقا رضا همدانی خواهد بود.

## کسالت و درگذشت

ایشان مدتهای مدیدی مبتلا به کسالت بود و هر روز یک بیماری، بدن شریفش را آزرده می ساخت و معالجات مکرر بهبودی کامل ایشان را فراهم نساخته بود. این

وضع ادامه داشت تا اینکه در سال 1371 ق اقبال مختلف مردم همدان از ایشان رسماً دعوت کردند، که تابستان را در همدان بسر ببرند. وی با توجه به کسالت دیرینه، این پیشنهاد را پذیرفتند و روز 22 شوال همان سال، شهر قم را به مقصد همدان ترک گفت ولی با کمال تأسف در این شهر در روز جمعه 7 ذی حجه / 1371 ق مطابق با 7 شهریور 1331/ ش مبتلا به حمله قلبی گردید، و روح بلندش به ملکوت اعلیٰ پر کشید. پیکر پاکش با شکوه فراوان به قم منتقل و با تشییعی بی سابقه در کنار مرقد آیت الله حائری، در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام مدفون گردید.

## فرزندانش:

1- سید محمد باقر خوانساری، او در سال 1340 ق در شهر اراک دیده به جهان گشود.

او پس از آموختن مقدمات، سطوح را نزد آیات: شیخ عبد الجواد سدهی جبل عاملی، شیخ حسن فرید گلپایگانی، سید احمد خوانساری و شیخ محمد علی اراکی به پایان برد. و دروس خارج را از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی، پدر ارجمند خود و سید محمد حجت کوه کمری تحصیل نمود. در ضمن علوم عقلی را از محضر سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» استفاده کرد.

وی در سال 1373 ق جهت تکمیل تحصیلات خود به حوزه کهن نجف اشرف عزیمت نمود و حدود 14 سال از محضر آیات: سید جمال الدین گلپایگانی، سید حسین حنّامی، سید محسن طباطبائی حکیم، سید عبد الله شیرازی و سید ابو القاسم خوئی استفاده شایان برد.

آنگاه به ایران مراجعت و فعلاً در تهران مشغول فعالیت و خدمات اجتماعی می باشند. از جمله آثار او: 1- انصاف در امامت، 2- دلایل العروه الوثقی، را می توان نام برد.

ص: 1463

در کتاب فرزندگان خوانسار ص 109 مختصراً شرح حال ایشان آمده است.

2- سید محمد علی خوانساری، از فضلا و سخنوران و ائمه جماعت مسجد امام زمان «عج» واقع در خیابان آزادی است.

3- سید احمد خوانساری، دبیر تربیت معلم دانشسرای عالی و رئیس اسبق آموزش و پرورش شهر مقدس مشهد بود. و داماد علامه سید ابو الحسن حافظیان رضوی است که در اوایل/جمادی ثانی 1420/ق مطابق با اواخر/شهریور/ 1378 ش در مشهد مقدس درگذشت.

-منابع

1- آثار الحججه 144/1.

2- آینه دانشوران 168 (تولدش را به 1306 ق دانسته است).

3- تاریخ قم 252.

4- رجال قم 148 (تولدش را 1306 ق نوشته است).

5- علماء معاصرین، 211.

6- فرزندگان خوانسار 99.

7- گنجینه دانشمندان 321/1.

8- مشاهیر دانشمندان اسلام 385/4.

9- مقدمه أحسن الودیعه ص 17.

10- نقباء البشر 246/1.

11- نماز باران و برپاکنندگان آن (خطی - باقری بیدهدنی).

**سید محمد تقی رودباری گیلانی**

**اشاره**

(1286-1359 ق)

حاج سید محمد تقی فرزند سید یوسف و نوه سید هاشم موسوی رودباری گیلانی، از علمای بزرگ و معروف رشت بود.





رودباری در سال 1286 ق در روستای «دوگانه» که از توابع رودبار گیلان است، متولد گردید.

## در حوزه نجف اشرف

ایشان تحصیلات مقدماتی را در قزوین فراگرفت، آن گاه در سال 1310 ق به نجف اشرف عزیمت نمود، و پس از طی سطوح، دروس خارج را از محضر آیات:

سید اسد الله اشکوری و شیخ عبد الله مازندرانی (دیوشلی) استفاده نمود، و مدت 15 سال در آن شهر زیست، و پس از رسیدن به مرحله اجتهاد در سال 1325 ق به ایران مراجعت کرد و در رشت اقامت گزید، و مورد توجه سایر مردم قرار گرفت و به اقامه جماعت در (مسجد صفی) و سایر وظایف دینی و روحی پرداخت.

## سجایای اخلاقی

استاد شیخ حسن شمس گیلانی وی را چنین توصیف می نماید: (آن جناب به فضائل صوری و معنوی معروف و از برجستگان زمان خود و سلمان عصر خود بود.

به غایت به زهد و تقوا نزدیک بود، و تا آخر عمر مشغول به ترویج احکام الهی بود.

و با نهایت آرامش و سکون زندگی می نمود. بین خواص و عوام به نیکی عمل و پاکی قلب معروف و مورد وثوق اهالی گیلان بود).

نامبرده دارای اجازاتی از حضرات آیات: شیخ عبد الله مازندرانی، شیخ محمد علی مدرس چهاردهی گیلانی، سید حسین گیلانی، شیخ شعبان گیلانی، میرزا محمد حسین نائینی و شیخ ضیاء الدین عراقی بود.

## از آثار او

1- اصول الفقه.

2- تقریرات درس استادش مازندرانی، در چند جلد.

ص: 1465

3- حاشیه علی الرسائل.

4- حاشیه علی مکاسب.

### درگذشت و اعقاب

وی در روز شنبه /20 ذی حجه 1359/ ق مطابق با /28 دی 1319/ ش در سن 73 سالگی درگذشت، و جسدش در یکی از اطاقهای ورودی قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

فرزندش آیت الله سید حسین رودباری از علمای معروف رشت بود. وی در 1322 ق در نجف اشرف متولد شد. در سن سه سالگی همراه پدر خود به رشت رفت و مقدمات را در آنجا آموخت، و در سال 1344 ق به تهران رهسپار شد، و در مدت دو سال لمعه را نزد علامه سید محمد کاظم عصّار به انجام رسانید.

وی در سال 1346 ق به نجف اشرف رفت، و رسائل را نزد آیت الله میرزا باقر زنجانی، و مکاسب را نزد علامه سید علی مازندرانی، و کفایه و تفسیر را نزد آیت الله شیخ عبدالحسین رشتی تلمذ کرد.

دروس خارج را از محضر آیات: شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی استفاده نمود، و در سال مرگ پدر خود به رشت مراجعت کرد و به وظایف دینی و روحی پرداخت.

از آثار او: 1- حاشیه علی مکاسب، 2- شرح علی حاشیه ملا عبد الله (در منطق).

آقا سید حسین رودباری در شهریور 1365/ ش در رشت درگذشت، و در کنار «مسجد صفی» - که محل خدمات و فعالیت های مذهبی اش بود - به خاک سپرده شد. فرزندش آقای سید مجتبی رودباری از علمای فعلی رشت می باشد.

- منابع

1- اطلاعات متفرقه.

ص: 1466

2- تاریخ علماء و شعراء گیلان 125.

3- تراجم الرجال 118/1.

4- کتاب گیلان 704/2.

### سید محمد تقی سادات گوشه دزفولی

#### اشاره

(ح 1308-1394 ق)

سید محمد تقی فرزند علامه سید عبد الله و نوه سید عبد الکریم موسوی دزفولی، ملقب و از خاندان «سادات گوشه».

در حدود سال 1308 ق در دزفول متولد گردید.

وی در سن چهارسالگی همراه پدرش به تهران رفت و پس از طی مقدمات، از محضر آیت الله شیخ علی مدرس استفاده نمود و از حضرات آیات: و شیخ حسین خلیلی تهرانی، شیخ عبد الله مازندرانی، سید ابو الحسن اصفهانی و حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی دارای اجازات علمی بود.

نامبرده در تهران دارای دفتر ازدواج، بود و در مسجد پدرش به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت اشتغال داشت.

#### درگذشت و اعقاب

ایشان در سال 1394 ق مطابق با 1353 ش درگذشت، و در قبرستان وادی السلام قم به خاک سپرده شد.

#### فرزندان:

1- سید یحیی 2- سید محمد 3- سید حسین 4- سید جلال الدین 5- سید حسن.

- منبع

1- خاندان سادات گوشه ص 348 (تاریخ تولدش اشتباه ذکر شده است).

ص: 1467

(ح 1324-1404 ق)

میرزا محمد تقی فرزند علامه سید علی محمد و نوه سید ابو القاسم حسینی شیرازی و سبط آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی (میرزای بزرگ)، از دانشمندان و بزرگان معاصر بود.

وی در حدود سال 1324 ق در سامرا متولد گردید.

پدرش از اجلا و دانشمندان بود که به دامادی آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی نایل گردید. حاج آقا بزرگ تهرانی وی را مختصراً در نقباء البشر 1621/4 معرفی نموده است.

آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی (1230 ق در شیراز-24 شعبان/1312 ق در سامرا) از فقهای نامدار و مرجع اعلای شیعیان جهان بود. وی تحصیلات خود را در اصفهان نزد حضرات آیات: شیخ محمد تقی اصفهانی «صاحب حاشیه بر معالم»، سید حسن مدرس بیدآبادی و ملا محمد ابراهیم کلباسی و در نجف اشرف از محضر فقهای چون: شیخ محمد حسن نجفی «صاحب جواهر الکلام»، شیخ مرتضی انصاری، شیخ مشکور حولاوی، شیخ حسن کاشف الغطاء و سید علی شوشتری، به پایان رساند.

ایشان در شعبان 1291/ ق به سامرا مهاجرت کرد و مدت بیست و یک سال در آن سامان زیست و کرسی تدریس و افتا را برعهده گرفت. از جمله آثار قلمی اش:

1- کتاب الطهاره، 2- رساله فی الرضاع، 3- المكاسب و المعاملات، 4- رساله فی اجتماع الامر و النهی، 5- رساله فی المشتق، 6- حاشیه علی نجاه العباد، کتاب هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی به قلم آیت الله شیخ آقا بزرگ تهرانی در شرح حال ایشان است به زبان عربی و نیز در کتابهای تراجم شرح حالش ذکر شده است از جمله در اعیان الشیعه 304/5 آمده.

میرزا محمد تقی پس از رشد و نما به تحصیلات دینی پرداخت سپس به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر دایی خود آیت الله میرزا علی شیرازی بهره مند شد. در سال 1343 ق به مشهد مقدس رفت، و چند سالی در آنجا توقف نمود و به تدریس علوم فقهی و اصول پرداخت.

سرانجام به تهران رهسپار شد، و در مسجد جامع به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت پرداخت.

## از آثار او

1- سموم قتاله در اخلاق.

2- شفاء المریض فی الجبر و التفویض.

3- العلم و القدره فی ردّ المادیین.

وی در 12 ذی الحجه 1404/ ق در حدود سن 80 سالگی در تهران درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام مدفون گردید.

-منابع

1- اطلاعاتی از علامه سید رضی شیرازی (دام مجده).

2- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی 539/6.

3- مؤلفین کتب چاپی 229/2.

## شیخ محمد تقی ستوده اراکی

### اشاره

(1340-1420 ق)

شیخ محمد تقی فرزند حجه الاسلام شیخ رحمت الله و نوه عباس علی قاضی ستوده اراکی، از اساتید و علمای معروف حوزه علمیه قم بود.

وی در سال 1340 ق مطابق با 1300 ش در اراک متولد.

پدرش از جمله شاگردان: سید نور الدین عراقی و سید مصطفی محسنی در

اراک و میرزا جهانگیر خان قشقائی در اصفهان بود. و در درس قشقایی بود که با آیت الله بروجردی آشنایی و رابطه دوستی برقرار ساخته بود. وی در سال 1353 ق مطابق با 1313 ش در اراک درگذشت و در حیاط مقبره استادش سید نور الدین اراکی - کنار حوض فعلی - به خاک سپرده شد.

خانواده ایشان کم عائله و زندگی آنها ساده و بی تکلف بوده است. و در میان فامیل و اجداد پدری، تنها پدرشان (شیخ رحمت الله) اهل علم بود، و سایر فامیل غالباً به کار کشاورزی و مشاغل آزاد فعالیت می کردند.

مرحوم والده ایشان علاقه مخصوصی به ایشان ابراز می کرده به طوری که یک بار به ایشان گفته: اگر دستت را زیر خاک کنی، طلا بیرون می آید. و از ایشان کمال رضایت و خشنودی را داشته است.

ایشان قبل از مشغول شدن به تحصیلات علوم قدیمه، مدتی را در مکتب خانه درس خوانده، و نیز مدت زمانی در بازار در مغازه سقطفروشی به نام حاج کریم اجتهادی کار می کرد که بعدها با دختر او ازدواج می کند و ثمره ازدواجشان یک فرزند پسر می باشد به نام حاج محمد حسن ستوده که هم اکنون در تهران زندگی می کنند.

بعد از رحلت همسرشان، با همسر فعلیشان که اهل روستای (سرکان) از توابع شهر تویسرکان هستند، ازدواج کرده و حاصل این ازدواج هم سه پسر می باشد به نام های: حاج شیخ مهدی ستوده که اهل علم هستند، پسر دوم ایشان غلامرضا

ستوده نام دارند که هم اکنون در بخش آسیب شناسی و آزمایشگاه بیمارستان سینا در تهران و در رشته مهندسی پزشکی به تحصیل اشتغال دارند و فرزند کوچکتر ایشان آقای رحمه الله ستوده هستند که در دانشگاه کرج در رشته ریاضی مشغول تحصیل می باشند.

## آغاز به تحصیل

استاد: (در آن وقتی که در بازار مشغول به کار بودیم چون که اشتیاق به تحصیل داشتیم، شبها ادبیات را نزد مرحوم شیخ علی خوانساری و شیخ ابو القاسم قوچانی درس می خواندیم، تا اینکه در سال 1321 شمسی وارد مدرسه حاج محمد ابراهیم شدیم، یادم هست که اساتیدمان در آن موقع چند نفر بودند بنامهای: شیخ فضل الله نصیر الاسلامی (شرح لمعه و قوانین) سید محمد باقر شهیدی گلپایگانی (شرح لمعه و قوانین)، شیخ قنبر رفیعی (ادبیات)، شیخ علی جان واعظی کره رودی (شرح لمعه) و شیخ محمد امامی خوانساری (شرح لمعه و منظومه و کفایه) سید علی میر یحیی اراکی (شرح لمعه و مطول).

یادم هست که در وقتی که مشغول خواندن کتاب معالم الاصول بودیم. آیت الله سید محمد رضا موسوی گلپایگانی کفایه درس می گفت، صدای او را به خوبی می شنیدم و بیان ایشان را به خوبی متوجه شدم، بعدها یک روزی که به واسطه رفاقت با پدرمان به حجره ما آمد جریان را برایشان نقل کردم. ایشان گفتند: ملاک فهمیدن نیست، ملاک این است که درسها باید به ترتیب خوانده شود.

## هجرت به قم

تقریباً تا اواخر سطح را در اراک بودند و در سال 1326 شمسی برای تکمیل تحصیلات به قم می آیند و مقداری دیگر از سطح را در نزد آیت الله شیخ مرتضی حائری (مکاسب و کفایه) و شیخ عبد الجواد جبل عاملی اصفهانی (کفایه) و شیخ

محمود علمی اراکی (شرح لمعه) و سید محمد باقر طباطبائی سلطانی (مکاسب) و میرزا محمد مجاهدی تبریزی (رسائل) می خوانند هم بحثهای ایشان در اراک در آن وقت آقایان: شیخ محمد باقر نصیر الاسلامی، شیخ جلال طاهر شمس گلپایگانی و شیخ محمد حسین ابراهیمی دینه کبودی اراکی بودند. بعد از آن مشغول به درس خارج می شوند که اساتید و عنوان درسها عبارتند از:

1- هفت سال خارج فقه مرحوم آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی که عبارت بود از خارج فقه مکاسب و کتاب الحج و خارج عروه الوثقی را مباحثه می فرمودند.

2- یک دوره اصول در نزد حضرت آیت الله سید محمد داماد یزدی که قریب 7 سال طول کشید.

3- حدود 13 سال درس خارج فقه حضرت آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی و چون که ایشان درس اصول کم تدریس کردند، مقداری هم درس اصول ایشان رفتیم.

4- قریب 7 سال درس خارج اصول حضرت آیت الله شیخ محمد علی اراکی.

5- نزد حضرت آیت الله حاج سید احمد خوانساری (ره) قبل از اینکه به تهران بروند «علم کلام» را آموختم، یعنی کتاب شرح تجرید و شوارق الالهام را و مقداری هم خارج (بحث قضاء و شهادت) ایشان را حاضر شدم.

6- مقداری از منظومه و دروس حکمت نزد علامه شیخ مهدی حائری یزدی در قم حاضر شدم.

7- مدتی در درس هیئت سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» در تکیه خلوص در اوایل ورود ایشان به قم، حاضر شدم.

## تدریس

استاد ستوده از بدو ورود به قم، ضمن تحصیل، خیلی مایل به تدریس بود، در این رابطه می فرماید: مشغول به تدریس در سطوح مختلف شدم، درسهایی که تا

ص: 1472



کنون به دفعات تدریس کرده ام عبارتند از:

1- سه دوره معالم الاصول.

2- پنج دوره شرح لمعه.

3- دو دوره مکاسب محرمة و از اوّل کتاب البیع تا آخر رساله تقیه و عدالت را هم 7 دوره گفته ام.

4- سیزده دوره کفایه الاصول از مرحوم آخوند خراسانی.

5- شرح باب حادی عشر و شرح تجرید و قوانین الاصول را هم به طور مکرر درس گفته ام.

ایشان از سال 1326 تا سال 1369 شمسی به طور مکرر تدریس کرده اند یعنی نزدیک به 43 سال رنج تدریس را دیده اند. لکن در چهره ایشان، خستگی، 43 سال تدریس را نمی توان دید، بلکه چهره ای با نشاط همراه با سادگی، صداقت و وقار، که همه را مجذوب خویش می کرد، دیده می شود.

در آن وقتی که مشغول به تحصیل بودند، حدود 40 ساعت از وقت خویش را در هفته اختصاص به مطالعه و گفتن آنها می کردند. سبک و روش تدریس ایشان هم طبق معمول بدین صورت بوده است که ابتدا درس را به طور خلاصه تا آخر از خارج مطرح و روشن می ساختند که بعداً آن را با متن کتاب تطبیق می کردند، البته ایشان برای رفع خستگی و تنوع، حکایات و لطیفه های شیرینی در لابلای درس مطرح می کردند که اکثر کسانی که از محضر ایشان استفاده کرده اند معمولاً حکایات و لطیفه های زیادی از ایشان فراگرفته و نقل می کنند.

محل تدریس ایشان ابتدا در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و بعداً در مسجد عشقعلی آنگاه در مسجد فاطمیه- گذر خان- بود.

بسیاری از شخصیت های سیاسی و فرهنگی، یک زمان از شاگردان استاد ستوده بوده اند و از محضر ایشان کسب فیض نموده اند.

آقایان سید مهدی یثربی (امام جمعه کاشان) و آقای شیخ غلامرضا صلواتی و

ص: 1473

شیخ مهدی حائری تهرانی، هم بحثی های ایشان بودند، و چند سالی هم بحث استدلالی در منزل آقایان: سید محمد رضا سعیدی خراسانی و میرزا علی مشکینی همراه با سید محمد باقر موسوی همدانی و شیخ اسد الله امر اللهی داشتند.

## همکاری در جامع احادیث الشیعه

استاد ستوده حدود 5 سال به امر حضرت آیت الله بروجردی، هر روز صبح به منزل آقا می رفتند و با دوستان خود مشغول جمع آوری و تدوین قسمتهایی از این کتاب می شدند و در تابستانها، برای همین کار به وشنه می رفتند. ایشان از اعضای جمع آوری این کتاب ارزشمند بودند و در مورد انگیزه جمع آوری و اقدام به این کار فرمودند:

ابتدا 22 نفر بودند و پس از چند سال به 12 نفر رسیدند.

(شیخ حسین نوری همدانی، تجلیل تبریزی، منتظری، مرحوم ربانی شیرازی، مرحوم شیخ جواد خندق آبادی، مرحوم شیخ عبد الرحیم نوری بروجردی، سید ابراهیم خسروشاهی (ساکن تهران)، مرحوم شیخ محمد علی شیخ زاده قمی، شیخ علی محمد نائینی (نظری)، شیخ محسن حرم پناهی، شیخ علی پناه اشتهاردی، شیخ اسماعیل معزی ملایری، سید محمد حسین درچه ای (برادرزاده آیت الله سید محمد باقر درچه ای) سید حسین حائری کرمانی.)

مرحوم آیت الله بروجردی چندین نقیصه در وسائل الشیعه ملاحظه فرمودند که برای رفع آنها بر این کار اقدام کردند.

1- اولین نقیصه این بود که در هر بابی، ابواب زیادی ایشان بیان کرده اند و تکثیر ابواب کرده اند و حال آنکه چند باب بیشتر لازم نبود.

2- جای «تقدم» یا «یاتی» که در آخر بعضی از روایات ذکر شده مشخص نیست و باید مقدار زیادی گشت تا محل آن را پیدا کرد. آقای بروجردی می فرمود:

جای جای این ها، باب، روایت و کتابی که از آن نقل شده معین شود.

ص: 1474

3- مرحوم صاحب وسائل الشیعه، روایات را متناسب هر بابی، تقطیع کرده است و تنها محل شاهد را ذکر کرده اند و تمام حدیث را یکجا نوشته اند، و این کار درست نیست چه بسا صدر و ذیل روایت قرینه می شود بر فهم درست جملات حدیث. حدیث باید یکجا نوشته بشود و جلوی فقیه گذاشته شود تا از آن، احکام را استنباط کند.

4- در وسائل، تکرار اسانید است و می توان که این اسانید را تداخل نمود و این چنین نوشت «یب» یعنی تهذیب «عن، عن» «کا» یعنی تهذیب از کافی، آنگاه سند را ذکر کرد.

5- وسائل، اخبار اهل سنت را نیآورده است و ایشان قصد داشتند با ذکر اخبار اهل سنت آنها را ملزم کنند که به کتب شیعه مراجعه و تمسک کنند، و می خواستند به آنها بفهمانند که احکام و فروع را که آنها با قیاس و استحسان می فهمند، ما با مراجعه به روایات بدست می آوریم. لکن بعدا احتیاط کردند و فرمودند: می ترسم، مقدسین ما را هو کنند. لذا فرمودند: وقتی باب تمام شد بنویسید: «رواه الجمهور» که بدانند که ما از اخبار و فقه آنها اطلاع داریم. روی این مصالح بود که ایشان آن جمع را تشکیل دادند و خودشان گاهی اوقات تشریف می آوردند و چون اقدام به این کار، سالهای زیادی وقت لازم داشت. مرحوم آقای ربانی شیرازی، یکی، دو پیشنهاد حضرت آیت الله بروجردی را در وسائل آوردند و پس از رفع بعضی از نقایص آنها را به چاپ رسانیدند.

### خاطرات استاد

(خاطراتی از مرحوم والد) خود استاد در این زمینه چنین فرمودند:

ابوی ما خیلی اهل صدق بود اصلا اهل تملق و چاپلوسی نبود، ایشان با مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و مرحوم شیخ محمد حسین غروی کمپانی و مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی خیلی رفیق بود.

ص: 1475

ایشان در نجف و اصفهان آن موقعی که مرحوم آیت الله بروجردی در آنجا بودند تحصیل کرده بودند. در یک مسافرتی که ایشان با مرحوم حاج شیخ به مشهد داشتند، وقتی که از مشهد برگشتند کسی از ایشان پرسیده بود، آیا در مشهد خدمت و همراه آقای حاج شیخ بودید؟ ایشان جواب داده بود: بله، اما هم خرج آقا بودیم.

تا خیال نکنند که ایشان برای تملق و چاپلوسی دور آقا بوده است. بعد یکی از جالسین می پرسد: این چه حرفی بود که زدی؟ جواب داده بود: تا بدانند من از جیب خودم خرج کردم، خیال نکنند که من پشت سر حاج شیخ سورچرانی کردم.

مرحوم آیت الله اراکی نقل کردند که این پدر شما بودند که امور حاج شیخ را رتق و فتق می کردند و مرحوم حاج شیخ، از کارهای او حظ می کرد و خوشحال می شد.

مرحوم والده مان هم اولاً خیلی صبور بود و به علاوه حافظه خیلی عجیبی داشت.

و اگر حافظه من قوی است، از ایشان ارث برده ام، ایشان با اینکه خیلی زحمت می کشیدند اما در عین حال زندگی ساده و زاهدانه ای داشتند. حتی وقتی از دنیا رفتند یک انگشتر طلا نداشتند. او در بین فرزندان، به من از همه بیشتر علاقه داشت.

### **خاطراتی از مرحوم آقای اراکی**

من 7 سال درس اصول آقای اراکی حاضر شدم و قبل از آنکه نماز جماعت را در مسجد امام حسن مجتبی - مدینه العلم - اقامه کنم، نماز جماعت آقای اراکی در فیضیه حاضر می شدم و بعد از آن تا منزل در خدمت ایشان بودم و با ایشان صحبت می کردم. ایشان معمولاً از مرحوم سید محمد تقی خوانساری حکایات و جریاناتی را می گفتند یک بار فرمودند: ما در اراک با مرحوم آقای سید احمد خوانساری به درس مرحوم حاج شیخ عبد الکریم می رفتیم و در بین راه درس ها را مباحثه می کردیم، من چون به ایشان علاقه داشتم، به او خیلی اظهار علاقه و ارادت می کردم، یک بار فرمود: یک سیدی هست که او خیلی خوب است اگر او را ببینی

حتما خیلی به او علاقمند می شوی. این گذشت تا یک بار که به خانه حاج شیخ رفتیم. سیدی را در آنجا دیدم که حاج شیخ هم به او خیلی ارادت داشت. مرحوم سید احمد خوانساری به من گفت: این همان سیدی است که برایت می گفتم. بعدها فهمیدم که او سید محمد تقی خوانساری است.

روی همین علاقه و ارادتی که به مرحوم حاج سید محمد تقی خوانساری بود که او دوتا دخترش را به ازدواج او در آورده، یعنی یک دخترش را داد، وقتی او از دنیا رفت، دختر دیگرش را به وی داد. مرحوم شیخ محمد علی اراکی که با مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری باجناب بودند، یعنی مرحوم حاج محمد ابراهیم (صاحب مدرسه در اراک) دوتا دختر داشتند، یکی را به حاج شیخ داد و یکی را به آقای اراکی.

مرحوم آیت الله اراکی یک بار می فرمودند: یک وقتی من منزل حاج شیخ عبد الکریم در اراک بودم دیدم یک نفر آمد و مسئله ای را پرسید و ایشان رفت و یک کتابی را برداشت و بعد از مطالعه آن جواب آن شخص را داد. او هم رفت، بعد به من فرمودند: قدر فراغت را بدان.

وقتی که از اتاق بیرون رفت، من آن کتاب را برداشتم، دیدم رساله ای است که نظریات خودش را در آن جمع آوری کرده است. یعنی ایشان از همان اول هم صاحب نظر بود و مراجعات داشت.

### **خاطره ای از حضرت آیت الله گلپایگانی**

همان طور که قبلا عرض کردم نزدیک 7 سال درس خارج فقه آیت الله گلپایگانی می رفتم که در منزل درس می فرمودند. یک بار که بحث غنا را می فرمودند کسانی که اهل غنا و آلات موسیقی هستند بالاخره آخرش خسته می شوند و آنها را به زمین می گذارند، ما از همین الان، قبل از اینکه خسته بشویم، آن را زمین می گذاریم.

مرحوم آیت الله گلپایگانی، بعضی وقتها دیر تشریف می آوردند و خیلی، منظم

نمود، یک روز آقای سید محمد باقر ابطحی اصفهانی برایشان فرمودند: آقای ستوده در وقت، صحیحی است.

(یعنی اول و آخر مباحثه اش معلوم است!) ایشان فرمودند: دعا کنید که من همچنین باشم، کاری که به دست اهل علم سپرده می شود باید نسبت به آن کار مقید و منظم باشد، آیت الله گلپایگانی گاهی وقت نماز دیر می کرد و خود ایشان فرمودند: آیت الله سید احمد خوانساری از بس که در وقت دقیق و منظم بود مردم را نماز خون کرده بودند.

خاطره ای از مرحوم آسید نور الدین اراکی که از شاگردان ملا علی نهانندی صاحب کتاب تشریح الاصول بود.

ما ایشان را درک نکرده بودیم لکن مطالبی درباره ایشان شنیده ام، مثلاً شنیدم که وقتی مرحوم شیخ عبد الکریم حائری که تا سال 1340 قمری که به قم آمدند و با ایشان ملاقات کرده بودند درباره ایشان گفته بودند که پول و کاه در نظر این سید یکی است. یکی دیگر از خصائص ایشان که ما شنیدیم حافظه قوی و استعداد زیادشان بوده است، وی بعد از وفات میرزا محمد تقی شیرازی مردم اراک خواستند از ایشان تقلید کنند و هنگامی که از ایشان رساله می خواستند می فرمود: من رساله ندارم، رساله ای بیاورید تا من در حاشیه آن نظراتم را بنویسم، رساله را می گرفت و در ظرف یک هفته نظراتش را در حاشیه آن می نوشت. سخاوت طبع ایشان هم زبانزد بود. وقتی که آقا نور الدین فوت کردند مردم تا چهل روز عزاداری کردند.

### **خاطره ای از مرحوم سید احمد خوانساری**

یک بار در حضور ایشان سخن از مرآه العقول اثر علامه مجلسی به میان آمد، ایشان فرمودند: کتاب خوبی است، دوست داشتم آن را داشته باشم.

یک روز در یک کتابفروشی، این کتاب را دیدم که در 3 جلد با قطع بزرگ و زیبا

ص: 1478

آن را چاپ کرده بودند، من خدمتشان رسیدم و به ایشان عرض کردم: کتاب مرآة العقول در فلان کتاب فروشی هست و قیمت آن 60 تومان است. ایشان فرمودند:

الآن هیچ پولی ندارم. این حرف را در زمانی گفتند که می توانستند صدها هزار تومان از افراد، تهیه کنند. این قضیه مربوط به 40 سال پیش است»

یک بار می فرمودند: دست ما نباید از علوم روز مانند فلسفه و غیره تهی باشد.

### **خاطره ای از مرحوم آیت الله بروجردی**

ایشان اولاً خیلی توجه بر اهل علم و طلاب داشتند و به معنای واقعی، طلبه پرور بودند یعنی تمام تلاش را می کردند که طلاب، باسواد و ملاً شوند، کسانی را که در این زمینه زحمت می کشیدند، مورد تشویق قرار می دادند که در این زمینه قضایایی هست) اگر ملاحظه می کردند که در جلسه درس، طلبه ای، نظر و اشکال خوبی را مطرح می کرد و آن را وارد می دیدند، آن را قبول می کردند و آن طلبه را مورد تشویق قرار می دادند. بسیار مقید و منظم بودند در تدریس، یک بار سید مصطفی صفائی خوانساری که از اطرافیان آقا بود، در یک روز سرد زمستانی خدمت آقا رفتند و عرض کردند که آقا، درس تشریف نیاورید. اگر هم تشریف می برید یک عباى زمستانی بپوشید. ایشان فرموده بودند: من درس می آیم و با یک عباى استرالیایی هم می آیم (عبای تابستانی) و من شاهد بودم که همان روز با یک عباى نازک آمده بودند.

بنده 5 سال مرتب، اول وقت به منزل آقای بروجردی می رفتم و در تنظیم کتاب جامع احادیث شیعه، کمک می کردم، یک روز وقتی به منزل آقا رفتم، دیدم یک شخص غریبی در اتاق منزل نشسته است. وقتی آقا تشریف آوردند و با هم مشغول صحبت کردن شدند، از صحبت های آنان فهمیدم که آن شخص غریبه فرماندار بروجرد است.

در زمان آقای مصدق، برای عده ای از فرمانداران و مسئولین، پاپوش درست

کرده بودند، ایشان هم آمده بودند که آقا وساطت کنند که او را اذیت نکنند. آقا فرمودند: من چون سالهاست که در بروجرد نیستم و از آنجا اطلاع ندارم، نمی توانم کاری انجام بدهم، من اگر چیزی بگویم که یک کلمه اش خلاف واقع باشد مناسب من نیست. خیلی مقید بودند که کلمه ای که احتمال خلاف واقع می رود را نزنند، حتی یک بار می فرمودند: من از آن وقتی که مکلف شدم تا حالا، نه یک دروغ گفته ام و نه یک کلمه غیبت کرده ام و این جمله را در سنّ 75 سالگی فرموده بودند، خیلی مراقب زبان خود بودند، و این ارث مادرشان بود چون می گفتند: مادرشان زن فوق العاده ای بوده، به طوری که در هر مجلسی که وارد می شدند زنها به احترام او دیگر غیبت نمی کردند و پشت سر کسی حرف نمی زدند.

از خصوصیات آقای بروجردی توجه به آراء اهل سنت بود و نظر مبارکشان این بود که چون احادیث و آراء اهل سنت، قرینه خارجی برای فهم روایات اهل بیت علیهم السّلام می شود و بهتر می توان آنها را فهمید. می فرمودند که: در بین فقهای ما، چند نفر از نظر فقهی قوی تر و ممتاز بودند. شهیدین - علامه - و فرزند علامه فخر المحققین، محقق ثانی و صاحب شرایع و این دقت به خاطر تسلّطشان بر آراء اهل سنت بود.

سال اولی که تابستان به وشنوه برای ادامه کار جامع احادیث شیعه در خدمت آقا بودیم، فرمودند: زمان مرحوم علامه مجلسی، یک نفری از ایشان، در مورد صوفی، تصوف، فلسفه، اجتهاد و تقلید سؤال کرده بود که نظرشان را بفرمایند.

مرحوم علامه مجلسی فرموده بود: اما صوفی ها، دو دسته هستند. یک دسته از آنها واقعا به دنبال تهذیب نفس و دوری از هواهای نفسانی بوده اند. دسته دیگر که به دنبال اغراض فاسدی بودند و در مقابل اهل بیت علیهم السّلام جبهه می گرفتند. مرحوم علامه فرموده بودند آن اخبار و روایاتی که در مذمت اهل تصوف وارد شده است، ناظر به گروه و دسته دوّم است، و منظور، دسته دوّم بوده است. بعد فرموده بودند که: و والدی (رحمه الله) و الشّهدین منهم، یعنی مرحوم پدرم و شهید اوّل و



ثانی جزء دسته اول بودند. و اما فلسفه به تنهایی انسان را نمی تواند به واقعیات برساند، چون اگر می رساند بعث رسل و ارسال کتب لغو و بیهوده می شد. و اما در مورد اجتهاد و تقلید، ایشان فرموده بودند: من تقلید را جایز نمی دانم، اما سب علماء را هم جایز نمی دانم (البته این نظر ایشان بدین جهت بود که ایشان اخباری مسلک بودند)

یک بار مرحوم آیت الله بروجردی روی منبر درس فرمودند: آقایان این علوم را که خیلی اثر، بر آن مرتب نیست دنبال نکنند.

### خاطره ای دیگر از آیت الله سید احمد خوانساری

مرحوم خوانساری (ره) طوری بود که اگر 50 سال با ایشان می نشست، یک کلمه، درباره کسی، حرف نمی زد خیلی بر زبانشان تسلط داشتند. زمانی بود که من هنوز به قم نیامده بودم و در اراک سکونت داشتم، مرحوم کاشانی از تبعید آزاد شده بودند، اراک آمدند یک مدت هم اطراف اراک تبعید بودند، بنا بود که از اراک، ابتدا به قم و آنگاه به تهران بروند، وقتی می خواستند که از اراک خارج شوند، مردم و علماء اراک ایشان را بدرقه کردند، مرحوم آیت الله شیخ محمد سلطان العلماء - صاحب حاشیه معروف بر کفایه - هم حضور داشتند، ما هم در خدمت مرحوم کاشانی بودیم، وقتی به 6 فرسخی قم رسیدیم، راه را به طرف روستایی بنام (قاضی آباد) کج کردیم، در آنجا، مردم آیت الله کاشانی را به نهار دعوت کرده بودند.

باغ مفصلی بود با امکانات مفصل، عده ای از علماء قم هم آمده بودند. وقتی که ظهر شد، دیدم سیدی شنها را هموار می کند که نماز بخواند، من دیدم سید خوبی است به ایشان اقتداء کردم، بعد فهمیدم ایشان آقای سید احمد خوانساری است. اسم ایشان را شنیده بودم، بعد از نماز دیدم که خیلی از علماء به ایشان، و خود آیت الله کاشانی نیز اقتداء کردند، بعد از نماز، کسی از ایشان سؤال کرد: نظر کردن بر وجه و کفین اجنبیه جایز است یا نه؟ مرحوم خوانساری نگاهی به ایشان

کردند و جوابی ندادند (چون نمی خواستند خود را بر کسی ترجیح دهند و اظهار فضلی کرده باشند) خلاصه خیلی مراقب زبان خود بودند، آیت الله کاشانی به زبان عربی فرمودند، چرا این سؤال را می کنید، سؤال دیگری نبود؟

### فعالیت های اجتماعی و برنامه روزانه

خلاصه برنامه روزانه استاد، مطالعه، تدریس و اقامه جماعت بود. خود ایشان در این مورد می فرمایند: من تا قبل از اینکه به جهت کسالت و کهنوت، تدریس و اقامه جماعت را تعطیل کنم، هفته ای 40 ساعت را صرف مطالعه و تدریس می کردم، حتی پنجشنبه ها و جمعه ها تدریس داشتم، حدود 30 سال امامت جماعت مسجد رضایی، که الآن بنام مسجد ولی عصر (عج) معروف است و در میدان سعیدی قم واقع است را به عهده داشتم و بعدها که مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام ساخته شد تا همین اواخر، در آنجا نماز جماعت اقامه می کردم.

در زمان آقای بروجردی، ممتحن دروس سطح بودم که در مدرسه دارالشفاء امتحانات انجام می شد، همچنین از طرف آیت الله گلپایگانی در مدرسه فیضیه ممتحن بودم و امتحانات سطح خارج و متوسطه (سطح) و از طرف آقای شریعتمداری هم به عهده اینجانب بود، و تا همین اواخر با آقای پایانی و آقای اعتمادی و آقای دوزدوزانی و آقای موسوی تبریزی ممتحن بودم.

آثار تألیفاتی ندارم و تمام تلاشم این بود که آنچه را که خواندم به دیگران یاد بدهم. اکثر تابستانها در قم می ماندم و بعضی از تابستانها با آیت الله بروجردی برای ادامه کار جمع آوری جامع احادیث شیعه به وشنوه می رفتم. جزواتی از تقریرات درس آیت الله بروجردی و تقریرات درس آیت الله داماد یزدی دارم.

از نظر معیشتی، باغی داشتیم و یک مقدار زمین که وقتی می خواستیم به قم بیائیم، آنها را فروختیم و بقیه مخارجمان فقط از سهم امام زمان علیه السلام بوده است و بحمد الله خداوند توسعه داد و تاکنون اموراتمان به لطف خداوند گذشته است، و

در این زمینه به آقایان اهل علم سفارش می‌کنم که نگذارند فشارها و سختی‌های زندگی آنها را از تحصیل و کارهای مربوط به اهل علم بازدارد و یاد آورند که در گذشته اهل علم بسیار در عسرت بودند و الآن بحمد الله در عسرت نیستند نقل می‌کنند که یک کسی از مرحوم شیخ مرتضی انصاری سؤال کرده بود که برای نهار چه غذایی دارید؟ شیخ گفته بود: نان و تازه. به ایشان گفتند که نان و تازه دو چیز نیست جواب دادند: نان که نان است و تازه، خورش است اوست.

در زمان گذشته یک نفر از من سؤال کرد که خرج شما در ماه چقدر است؟ عرض کردم: 150 تومان. ایشان گفتند: اگر غیر از شما کسی این را می‌گفت، باور نمی‌کردم.

### توصیه های استاد

من وقتی افرادی از من موعظه ای بخواهند و اصرار کنند می‌گویم: زبان! زبان! زبانانتان را حفظ کنید، از غیبت و دروغ و... دوری کنید. زبان حفظش خیلی لازم است و در عین حال خیلی مشکل، اما اگر انسان مصمم باشد، خدای متعال او را کمک می‌کند و کار برایش آسان می‌شود. سلیم القلب باشند إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ.

حسن عاقبت از خداوند بخواهند، بر آقایان اهل علم است که دارای صفات حسنه و حسن خلق و متواضع و فروتن باشند و از نظر اجتماعی، با مردم مدارا کنند.

طمع به مال مردم نداشته باشند تا با عظمت باشند، عظمت اهل علم، عظمت قرآن و اسلام است. نسبت به درس علاقمند باشند و زحمت بکشند و از خداوند عالم و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام مخصوصاً حضرت بقیه الله (عج) روحی له الفداء در کارها کمک بخواهند.

-منابع

1- مصاحبه با ایشان در منزلش در قم به تاریخ عصر روز شنبه 10 تیر 1374/ ش.

2- مصاحبه در تاریخ های مختلف با ایشان.

ص: 1483

(1286-1346 ق)

شیخ محمد تقی شریعتمدار فرزند علامه شیخ عبد الرزاق هزارجریبی مازندرانی، از بزرگان خطه مازندران بود که در ساری سکونت داشت.

تولدش به سال 1286 ق در ساری اتفاق افتاد.

وی پس از طی مقدمات سطوح را نزد پدرش آموخت، سپس به نجف اشرف عزیمت و از محضر آیات: شیخ محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی خارج فقه و اصول را استفاده نمود، و به وطن اصلی خود مراجعت کرد و به ترویج مذهب و دین پرداخت که مورد توجه عامه قرار گرفت.

شریعتمدار در روز دوشنبه 19 رمضان 1346/ ق مطابق با 21 اسفند/ 1306 ش در سن 60 سالگی در ساری درگذشت. و ابتدا مدتی در آن سامان به صورت امانت مدفون، و پس از آن در قبرستان حاج شیخ قم به شماره (39104) مدفون گشت.

-منابع

1- افادات فرزند ایشان دانشمند محترم آقای شیخ عبد الرزاق شریعت.

2- گنجینه دانشمندان 185/8.

اشاره

(-1383 ق)

شیخ محمد تقی لنگرودی ملقب به «شریف العلماء» و نیز «بنی مهد» از علمای معروف لنگرود بود.

از آثار او:

1- رساله ای در جبر و تفویض، چاپ شده.

ص: 1484

2- رساله ردّ بر تناسخ و احوال بعد از مرگ، چاپ شده.

نامبرده در روز دوشنبه 15 مهر 1342/ ش درگذشت و در جوار ابن بابویه قم - ابتدای درب ورودی فعلی - به خاک سپرده شد.

-منابع

1- مؤلفین کتب چاپی 204/2.

2- نامها و نامدارهای گیلان 508.

**سید محمد تقی عدنانی مازندرانی**

(1303-1382)

یکی از فرزندان و علمای گرانقدر بابل، عالم جلیل القدر، سید وارسته، مجتهد عالی مقدار حضرت آیت الله حاج سید محمد تقی عدنانی می باشند.

وی در سال 1264 ش در یک خانواده روحانی، در بابل دیده به جهان گشود.

پس از پرورش و فراگیری خواندن و نوشتن، مقدمات را در خدمت پدر بزرگوارش فراگرفت. آنگاه از محضر اساتید حاضر در حوزه علمیه بابل چون: شیخ نصر الله جوئیاری، شیخ اسماعیل بن حداد و شیخ عبد الحسین ابوفاضلی استفاده کرد و برای نیل به مقامات عالی علمی، راهی عتبات عالیات شد و در محضر بزرگانی چون: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی زانوی ادب بر زمین زد و از خرمن علم آن استوانه های فقه و فقاہت خوشه چینی نمود و به مراتب عالی در علم رسید و از فرزاندانی چون: آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی به دریافت اجازه اجتهاد در فقه و اصول مفتخر گردید.

معظم له پس از نیل به مقامات رفیع علمی، به بابل مراجعت و به انجام خدمات علمی و دینی اشتغال ورزید و با تکیه بر کرسی امامت مسجد استرآبادی محله، به اقامه جماعت و موعظه خلق پرداخت و تشنگان معرفت را از چشمه زلال

ص: 1485

معارف توحیدی سیراب ساخت و از طرفی دیگر، با تکیه بر کرسی تدریس در مدرسه قادریه و صدر بابل، به تربیت و تهذیب طلاب و فضلا پرداختند، و شاگردان فراوانی را تربیت نمودند.

ایشان که مجتهدی مسلم در فقه و اصول بودند، در حدیث و فلسفه و حتی حساب و نجوم و هیئت نیز استادی صاحب نظر بودند و ضمن آنکه در ادبیات عرب و علوم معنی و بیان و بدیع از تسلط کافی در تدریس برخوردار بودند، منظومه ملا هادی سبزواری، سی فصل خواجه نصیر الدین طوسی (در هیئت و نجوم) و خلاصه الحساب و تشریح الأفلاک (شیخ بهائی) را نیز در کنار کتاب مطول، مورد تدریس قرار می دادند.

آن بزرگوار علاوه بر اقامه جماعت و تدریس، در رتق و فتق امور مردم، مراجعات زیادی داشتند و مورد اعتماد علما و مردم در امور مختلف بودند و منشأ خدمات فراوان گردیدند.

چنانکه در «شرح حال رجال معاصر مازندران نوشته عباس شایان، چاپ 1327 ش، ص 25» آمده است، علامه کبیر شیخ محمد صالح علامه حائری از آن بزرگوار با عنوان «سید الاعلام» نام می برده اند.

معظم له پس از عمری خدمت و تلاش، سرانجام در روز شنبه 3 ذی الحجه / 1382 ق مطابق با هفتم اردیبهشت 1342 / ش در سن 78 سالگی دار فانی را وداع گفتند و به رحمت الهی پیوستند و پس از یک تشیع جنازه با شکوه در بابل، به قم منتقل گردیده و در قبرستان وادی السلام (در مقبره حاجی عتیقه چی) مدفون گردیدند.

-منابع

1- آشنائی با فرزندگان بابل 347.

2- مازندران 25.

ص: 1486

اشاره

(ح- 1370 ق)

وی از سخنوران با فضیلت بود که جهت ادامه تحصیلات خود به نجف اشرف رفت و پس از چندی به ایران بازگشت. و در شهرهای بسیاری از جمله: همدان، اصفهان و تهران به بیان مناقب اهل بیت: اهتمام داشت و در اثر حسن بیان و داشتن صدایی رسا و زیبا به «عندلیب» ملقب گردید و فرزندان و اعقاب ایشان نیز به همین لقب و «عندلیب زاده» معروف شدند.

وی در حدود سالهای 1370 ق در همدان درگذشت، پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ مدفون گردید.

فرزندانش:

1- حجه الاسلام شیخ محمد حسن قوام الشریعه (ح 1320-1387 ق) 2- شیخ حسین عندلیب زاده، از علمای معاصر همدان بود 3- محسن عندلیب، از کارمندان عدلیه تهران بود 4- جواد عندلیب، که در سن جوانی درگذشت.

- منبع

1- گنجینه دانشمندان 687/4.

شیخ حسین عندلیب زاده همدانی

سید محمد تقی فخر داعی گیلانی

اشاره

(1299-1384 ق)

سید محمد تقی گیلانی ملقب به «داعی الاسلام» و «فخر المحققین»، از فضلا

ص: 1487

و مترجمان معروف بود.

وی در سال 1299 ق در گیلان متولد گردید.

ایشان جهت تحصیل رهسپار تهران شد و از محضر اساتیدی چون: شیخ محمد طالقانی، میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا مسیح سمنانی و فاضل تفرشی در معقول و منقول استفاده کرد. سپس به عتبات عالیات عزیمت کرد و در نجف اشرف از محضر آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ عبد الله مازندرانی بهره های فراوان برد.

وی از طرف آخوند خراسانی مأموریت یافت جهت ارشاد دینی و رسیدگی به امور مسلمانان رهسپار بمبئی شود، بی درنگ رخت بدانجا کشید و مسئولیت اداره انجمن «دعوه الاسلام» را برعهده گرفت. در کنار آن به آموختن زبانهای: انگلیسی و اردو و مدت چهار سال در «کالج ایندور» به تدریس ادبیات و زبان عرب و فارسی پرداخت.

### از آثار او

1- تاریخ ایران، 2 جلد.

2- تاریخ تمدن اسلام و عرب.

3- تاریخ علم کلام.

4- تاریخ هند.

5- تفسیر قرآن سید احمد خان، در 3 جلد.

6- رابنسون گروزو.

7- سوانح مولوی.

8- شعر العجم یا تاریخ ایران منظوم، در 5 جلد.

9- علم کلام جدید.

10- کتابخانه اسکندریه.

11- مجموعه مقالات شبلی نعمانی.



تذکر: سایر آثار فوق ترجمه از روی کتابهای انگلیسی و اردو می باشند.

فخر داعی پس از بازگشت به ایران، خدمات ارزنده خود را در وزارت فرهنگ ادامه داد.

استاد سعید نفیسی در مقدمه ترجمه کتاب «شعر العجم» نوشته است:

(ترجمه این گونه کتابها، کار همه کس نیست و مردی می خواهد که خود در این فن دست داشته باشد و به همان اندازه مؤلف در موضوع محیط باشد. جز آقای فخر داعی من کسی را نمی شناسم که بدین پایه و مایه از احاطه، رسیده باشد).

استاد فخر داعی در شعبان 1384/ق مطابق با آذر 1343/ش در سن 85 سالگی در تهران، حیات را بدرود گفت. پیکرش به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام مقابل صحن طلا، کنار مزار میرزا یوسف مستوفی به خاک سپرده شد.

-منابع

1- فرهنگ فارسی معین 1313/6.

2- کتاب گیلان 712/3.

3- مؤلفین کتب چاپی 231/2.

4- نامها و نامدارهای گیلان 371.

**شیخ محمد تقی قمی «باوزئیری»**

**اشاره**

(-ح 1307 ق)

از دانشمندان و فقهای بزرگ عصر خود بود.

**تحصیلات عالی**

ایشان جهت طی دوره های نهایی دروس عالی حوزه، از قم به نجف اشرف و سامرا مهاجرت کرد، و از شاگردان دوره های اول آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی به شمار رفت، و از این استاد موفق به دریافت اجازه اجتهاد گردید.

ص: 1489

وی از دوستان قدیم میرزا حسین نوری و از همکاران نزدیک ایشان در تصحیح و مقابله کتابهای حدیثی بود.

نامبرده پس از فراغت از تحصیل و کسب معارف در حدود سال 1300 ق به قم مراجعت نمود، و مورد توجه عامه و یکی از معاریف عصر خود گردید.

## درگذشت

ایشان در حدود سال 1307 ق در قم درگذشت، و جنازه اش در قبرستان شیخان-مقابل بقعه میرزای قمی-به خاک سپرده شد.

وی برادری دانشمند و فاضل به نام «شیخ علی» داشت، که در سال 1322 ق درگذشت.

-منابع

1-أعیان الشیعه 191/9.

2-بشاره المؤمنین در تاریخ قم و قمیین 215.

3-فوائد الرضویه 437.

4-نقباء البشر 238/1.

5-هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی 80.

## شیخ محمد تقی گوگدی گلپایگانی

## اشاره

(-1353 ق)

از بزرگان و فقها و دانشمندان ساکن اراک بود.

وی در «گوگد» از توابع گلپایگان متولد گردید.

## تحصیلات عالی

ایشان پس از طی مقدمات و سطوح در گلپایگان، به نجف اشرف مهاجرت



کرد، و از محضر آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی استفاده نمود و یکی از شاگردان قدیمی او به شمار آمد، آن گاه به زادگاه خود بازگشت و منشأ خدمات و مراجعات شرعیه و حل و فصل امور شد، و به امر تدریس نیز اشتغال داشت.

وی پس از چند سال اقامت در «گوگرد» به حوزه علمیه اراک رفت و آنجا سکونت اختیار نمود و امر تدریس را ادامه داد، و در اواخر عمر به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت.

متأسفانه در سالهای آخر عمر، بینایی خود را از دست داد ولی امر تدریس را رها ننمود، و در مدرسه آفاضلیا نماز جماعت داشت.

## از آثار او

1- حاشیه علی الرسائل.

2- حاشیه علی کفایه الاصول.

## درگذشت

نامبرده سرانجام پس از عمری تدریس و خدمت در سال 1353 ق مطابق با آبان 1313/ش در اراک چشم از جهان فرو بست، و جنازه اش به قم حمل و در یکی از اطاقهای قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

علامه حاج آقا بزرگ تهرانی، سال مرگ ایشان را در سال 1352 ق نوشته، که ظاهراً اشتباه است.

فرزندان و نوادگان او امروزه به لقب «معراجی» شهرت دارند.

-منابع

1- الاجازه الکبیره 543.

2- الذریعه 187/6.

3- المصلح المجاهد «الشیخ محمد کاظم الخراسانی» 124.

ص: 1491

4- خورشید آسمان فقاہت و مرجعیت 23.

5- گنجینه دانشمندان 511/7.

6- نقباء البشر 241/1.

**شیخ محمد تقی محقق کاشانی**

**اشاره**

(1323-1386 ق)

شیخ محمد تقی فرزند علامه شیخ احمد بیدگلی کاشانی (محقق)، در سال 1323 ق در بیدگل کاشان متولد شد.

مقدمات را از محضر پدرش آموخت، سپس به کاشان رفت و از آیت الله سید علی یشربی و سایرین سطح را تلمذ کرد، و جهت ادامه تحصیل عازم قم گشت، و در مدرسه دارالشفاء حجره ای گرفت، و از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، و سید محمد تقی خوانساری استفاده نمود.

ایشان چند سالی به کاشان بازگشت و به ارشاد و وعظ پرداخت، ولی در سال 1367 ق مجدداً به قم برگشت و تا آخر در آنجا ماند، و در محله «مبارک آباد» به اقامه جماعت و ارشاد اشتغال ورزید، و در ضمن از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده می نمود، و به تدریس سایر مقدمات و شرح لمعه اشتغال داشت.

ایشان روز شنبه در 17 جمادی اول 1386/ ق مطابق با 12 شهریور/

ص: 1492

1345 ش به سن 63 سالگی در قم درگذشت و نماز میت توسط آیت الله گلپایگانی برگزار و در قبرستان ابو حسین مدفون گردید.

### فرزندانش عبارتند از:

1- احمد، کارمند بانک 2- حجه الاسلام شیخ عباس محقق (متولد 1324 ش) داماد آیت الله گلپایگانی.

و یک دختر که همسر حجه الاسلام شیخ علی عطائی آدریانی اصفهانی می باشد.

### شیخ محمد تقی مصدر الامور جاپلی

### اشاره

(1349-1418 ق)

شیخ محمد تقی فرزند آیت الله شیخ محمد و نوه ملا محمد علی جاپلی ملقب به (مصدر الامور)، از دانشمندان و بزرگان معاصر و ساکن تهران بود.

وی در سال 1349 ق در قم متولد گردید.

او پس از طی مقدمات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات: سید جمال الدین گلپایگانی، میرزا عبد الهادی شیرازی و سید ابو القاسم خوئی بهره مند شد. آنگاه به قم مراجعت کرد و از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود.

وی در سال 1378 ق به امر آیت الله بروجردی جهت ارشاد و هدایت و تبلیغ به

ص: 1493

آبادان مهاجرت و سالهای متمادی در آنجا به خدمات اجتماعی و فرهنگی پرداخت. و در سال 1400 ق در پی جنگ عراق و ایران به تهران مهاجرت نمود و در جنوب شهر در مسجد قدس در کنار ترمینال جنوب، به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت پرداخت.

## از آثار او

1- أشعه الفوائد فی قانون لا تعداد.

2- فلسفه متافیزیک یا جهان پس از ماده.

3- نثر اللالی.

4- القرآن فی کل موضوع.

متوفای روز جمعه 10 مرداد 1376/ ش در سن 69 سالگی در تهران، جسدش در قم تشییع و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. وی داماد آیت الله سید احمد مستنبط تبریزی بود.

- منابع

5- گنجینه دانشمندان

6- معجم رجال الفكر و الادب فی النجف 1208/3 (سال تولدش را اشتباه نوشته است).

## سید محمد تقی واحدی «بدلا»

(1320-1400 ق)

حاج سید محمد تقی فرزند علامه سید محمد رضا واحدی قمی (بدلا)، از علمای تهران بود. در سال 1320 ق (یا 1324 ق) در کرمانشاه متولد گردید.

مقدمات و ادبیات را نزد پدرش و دیگر علمای کرمانشاه آموخت، سپس به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی بهره مند گردید.

آنگاه به کرمانشاه بازگشت و به نویسندگی رو آورد، و در سال 1347 ق مطابق

ص: 1494

با 1307 ش ماهنامه (دعوت اسلامی) را در کرمانشاه به مدت 7 سال به مدیریت و صاحب امتیازی خود منتشر ساخت.

در سال 1375 ق به تهران عزیمت نمود و رحل اقامت خود را در نارمک انداخت و در مسجد جامع آنجا به اقامه نماز جمعه و جماعت و ارشاد اشتغال ورزید. و در تأسیس کتابخانه مسجد جامع مذکور و توسعه مسجد گامهای مؤثری برداشت.

استاد شیخ محمد زاری می نویسد: (جناب آقای واحدی که واجد مقام نسب و حسب و عالمی بصیر و دانشمندی روشن ضمیر و بسیار متین و مؤدب می باشند.

دارای آثار ارزنده ای است...).

وی در جمادی ثانی 1400/ق به سن 80 سالگی در تهران در پی بیماری درگذشت، و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

برادرانش عبارتند از آقایان:

1- سید عبد الحسین واحدی عضو فدائیان اسلام.

2- سید محمد واحدی.

3- سید جواد واحدی.

-منابع

1- افادات دانشمند معظم آقای سید حسین بدلا.

2- تاریخ جراید و مجلات ایران 287/2.

3- کرمانشاهان «باختران» 337/1.

4- گنجینه دانشمندان 662/4.

ص: 1495



(1333-1417 ق)

شیخ محمد تقی فرزند شیخ محمد علی هرنندی اصفهانی، متولد سال 1333 در هرنند اصفهان.

پس از طی مقدمات به سن 14 سالگی به اصفهان عزیمت نمود، و سطوح را از محضر آیات: سید محمد نجف آبادی، سید علی نجف آبادی، و آقا رحیم ارباب استفاده نمود، و در درس خارج آیت الله شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی حاضر گردید.

ایشان در سال 1358 ق به نجف اشرف مشرف شد و خارج را از محضر آیات: سید ابو الحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی، شیخ موسی خوانساری، و سید جمال الدین گلپایگانی (ابوالزوجه خود) استفاده نمود و به تدریس همت گماشت.

ذیحجه در سال 1395 ق به ایران مهاجرت و در تهران سکونت اختیار نمود، و در «مسجد یزدیها» واقع در خیابان خانی آباد به اقامه جماعت و ارشاد اشتغال ورزید، مرحوم هرنندی به قدس، ورع، زهد، انزوا و فضل معروف بود.

### از آثار او:

1- تقریرات شیرازی.

2- تقریرات گلپایگانی.

ص: 1496

سرانجام در روز جمعه 25 صفر 1417/ق در اثر کهولت سن در تهران درگذشت، و جسدش صبح روز شنبه در قم تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- علامه شیخ مصطفی هرنندی، 2- حجه الاسلام شیخ مرتضی، 3- مجتبی، 4- محمود، و چند دختر که حجج الاسلام سید صالح طباطبائی تبریزی و شیخ جعفر نطنزی (امینی) از دامادهايش می باشند.

### سید محمد تنکابنی

(1306-1385 ق)

سید محمد فرزند سید صادق و نوه محمد بن صادق حسینی تنکابنی.

او در قزوین به سال 1306 ق متولد گردید. مقدمات را در قزوین و سطوح عالیہ را در تهران تحصیل نمود، و سپس به نجف اشرف مشرف گردید، و مدارج عالی را گذراند و به قزوین بازگشت و به حل و فصل امورات عامه اشتغال داشت.

تنکابنی در روز جمعه 30 شعبان 1385/ق مطابق با 3دی 1344/ش وفات کرد و پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ رضوان-که مجاور قبرستان وادی السلام است- به خاک سپرده شد.

نامبرده دارای اجازات اجتهاد و وکالت و امور حسبیه از برخی از اساتیدش و علمای معاصر بوده که از جمله آنهاست حضرات آیات: سید ابو الحسن اصفهانی، سید محمد حسینی تنکابنی «مؤلف ایضاح الفرائد»، سید حسین حسینی گیلانی غروی و سید کاظم شریعتمداری و دیگران. اجازاتش به صورت تابلو در مقبره اش نصب گردیده است.

-منبع

1- بزرگان تنکابن 314.

ص: 1497

اشاره

(ح 1350 ق)

از فضلا بود.

وی در کربلای معلی به مصاهرت آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی درآمد. هنگام هجرت پدر خانمش به اراک او نیز به همان جا رفت و همین طور به قم.

دروس خارج را از محضر ایشان نیز بهره مند شده است.

تویسرکانی در حدود سال 1350 ق در قم درگذشت. پیکرش در مسجد بالاسر، حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

فرزندانش:

1- دانشمند و فاضل فرزانه مرحوم شیخ احمد غروی تویسرکانی، و دو دختر که دامادهایش عبارتند از: مرحوم آیت الله سید حسن مدرسی یزدی (که ساکن کرج بود).

آیت الله آقای شیخ احمد علی طاهری قمی (که فعلا ساکن بردسیر-استان کرمان).

-منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-معجم القبور و وفیات الأعلام (مخطوط-شریف رازی).

شیخ محمد جاپلقی «مصدر الامور»

اشاره

(ح 1300-1373 ق)

حاج شیخ محمد فرزند علامه ملا محمد علی و نوه ملا عبد الله جاپلقی، ملقب به «مصدر الامور»، از فضلا و دانشمندان بود.

وی در حدود سال 1300 ق در الیگودرز-جاپلق-از توابع استان مرکزی «اراک» متولد گردید.



پدرش از تحصیل کرده های اصفهان بود و با آیت الله میرزا محمد حسین نائینی هم بحث بود، سپس جهت تحصیل به نجف اشرف مهاجرت کرد.

شیخ محمد مقدمات علوم دینی را نزد پدر خودش آموخت و جهت ادامه تحصیل به شهر اراک مهاجرت کرد و دروس عالی حوزه را از محضر آیات: سید نور الدین عراقی و حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده نمود. او در سال 1340 ق در پی مهاجرت آیت الله حائری یزدی به حوزه علمیه قم همراه ایشان به آن سامان رفت و تا آخر عمر آن مرحوم، از نزدیکان و ملازمانش بود.

## از آثار او

1- تقریرات اصول درس آیت الله حائری.

2- تقریرات فقه درس آیت الله حائری.

جابلقی سرانجام در روز یکشنبه /18 شوال/1373 ق مطابق با /30 خرداد/ 1333 ش در حدود سن 73 سالگی در قم دار فانی را وداع گفت. پیکرش در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

## فرزندان

1- حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ فخر الدین مصدر الامور، متولد سال 1347 ق، وی از جمله شاگردان آیات: سید محمود شاهرودی و سید ابو القاسم خوئی در نجف اشرف بود، و فعلا در قم به خدمات اجتماعی و دینی اشتغال دارند.

2- مرحوم علامه شیخ محمد تقی مصدر الامور، مقیم تهران بود.

3- آقا محمد رضا 4- آقا جواد.

تذکر: وی فرزندی به نام (محمد تقی) نداشت.

-منابع

1- آثار الحجه 112/2 (تولدش را اشتباه نوشته است).

2- آینه دانشوران 384.

ص: 1499

3- افادات آقا فخر الدین مصدر الامور.

4- گنجینه دانشمندان 120/2.

### محمد جعفر مجیر سرتیپی «مجیر السلطان»

(1288-1356 ق)

محمد جعفر مجیر سرتیپی ملقب به «مجیر السلطان» فرزند نجف قلی قاجار، از اساتید هیئت و نجوم بود.

وی در سال 1288 ق در شهر مراغه-استان آذربایجان شرقی-متولد شد.

محمد جعفر پس از طی دوران کودکی، تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود به پایان برد. و چون علاقه وافری به ریاضیات و علوم نجوم داشت، جهت ادامه تحصیل به تبریز عزیمت کرد و علوم ریاضی، هیئت، اسطرلاب را از اساتید وقت بیاموخت. و پس از تحمل زحمت و مرارت و مطالعه و پژوهش و سنجش زیج های محمد شاه هندی، فرنگی، الغ بیک گورکانی و در نتیجه تجربه و بدست آوردن افق آذربایجان، اقدام به استخراج تقویم از سال 1303 ش لغایت 1320 ش می شود و همه ساله با اجازه رسمی وزارت معارف و اوقاف و همکاری کتابفروشی علمیه در تبریز چاپ و در سراسر کشور نشر می شد. (بعد از درگذشتش نیز مدت چهار سال تا 1320 ش، تقویم از روی نسخه مستخرجه آن مرحوم چاپ و توزیع می شد).

وی علاوه بر اینکه از مشاهیر این فنّ به شمار می رفت، مدت ها در مشاغل دیوانی آن زمان مشغول فعالیت و انجام کارهای دولتی بود. مدتی ریاست بلدیه (شهرداری) مراغه را عهده دار بود و در عمران شهر و توسعه و احداث اماکن کوشا بود.

مجیر السلطان در سال 1356 ق مطابق با 1316 ش در سن 68 سالگی درگذشت. پیکرش در جوار مرقد حضرت معصومه علیها السلام در قم مدفون گردید.

-منبع

1- مراغه (افرازه رود) 481.

ص: 1500

(1321-1397 ق)

حاج شیخ محمد جواد فرزند علامه شیخ محسن و نوه ملا حسین محولاتی کاشمیری خراسانی، از علمای پرکار و مبرز تهران بود، تولدش در 25 ربیع اول 1321/ق در مشهد مقدس اتفاق افتاد.

مقدمات و سطوح را نزد علمای مشهد گذرانید، و در سال 1351 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات: شیخ ضیاء الدین عراقی، سید ابو الحسن اصفهانی، میرزا آقا اصطهباناتی، سید حسین طباطبائی قمی، سید محمد حسین بروجنی اصفهانی، و سید محمود شاهرودی به مدت 10 سال خارج فقه و اصول بهره مند گردید. و در سال 1361 ق به ایران مراجعت و در مشهد مقدس و محولات توقف نمود. و در سال 1363 ق به تهران مهاجرت عزیزت نمود و در (مسجد جوادیه) به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت پرداخت.

### آثار او به شرح زیر است:

1- تفسیر القرآن الکریم.

2- کشف الآیات.

3- کشف اللغات.

ص: 1501

- 4- مهدي منتظر (عج).
- 5- تقريرات اصول.
- 6- ظواهر الآثار در اخلاق.
- 7- تقليد اعلم.
- 8- طلب و اراده.
- 9- منظومه في الرجال.
- 10- نخبه القضاء.
- 11- حديث الاهليجه (ترجمه).
- 12- مقتل الامام الحسين عليه السلام.
- 13- تاريخچه پیامبر صلی الله عليه وآله وسلم.
- 14- ديوان اشعار (عربی و فارسی).
- 15- البدعه و التحريف يا آئين تصوف.
- 16- اربعينيات.
- 17- خلاصه علائم الظهور.
- 18- منظومه في الاصول.
- 19- شرح منظومه الاصول.
- 20- رساله رضوان الله اكبر (در ردّ تصوف).
- ر 21- معارف الشيعة.
- 22- حجت قوی در ابطال مثنوی.
- 23- معارف الأئمة عليهم السلام (اشعار).
- 24- هدايه الامه في شرح منظومه معارف الأئمة عليهم السلام.



25- الامامه عند الشيعة.

26- ديوان بينه رحمت در مراثى قتيل امامت عليه السلام.

27- آهى سوزان براى منتظرين امام زمان (عج).

28- ارشاد الطالب الى الحججه الغائب (عج).

ص: 1502

29- بازگشت شهید در رجعت.

30- علائم دوره آخر الزمان.

31- فتنه های آخر الزمان.

32- کشف مطالب الآیات.

وی در روز دوشنبه 9 ربیع اول 1397/ ق مطابق با 9 اسفند 1355/ ش به سن 76 سالگی درگذشت، و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون گردید.

- منابع

1- گنجینه دانشمندان 4/433.

2- مؤلفین کتب چاپی 2/428.

**میرزا محمد جواد عمید الاسلام تبریزی**

**اشاره**

(ح 1294-1374 ق)

میرزا محمد جواد فرزند علامه میرزا احمد «عمید الاسلام» و نوه علامه ملا علی تبریزی، از دانشمندان و فقهای بارز تبریز، و برادر استاد دکتر موسی عمید بود.

در حدود سال 1294 ق در تبریز دیده به جهان گشود.

**در حوزه نجف اشرف**

ایشان پس از طی مقدمات و سطوح در تبریز به نجف اشرف رهسپار شد، و دروس عالی حوزه را نزد آیات:

ص: 1503

شیخ هادی تهرانی و شیخ محمد کاظم خراسانی طی نمود، و به درجه عالی اجتهاد نائل آمد.

## اقامت در تبریز

وی پس از اقامت چند سالی در نجف اشرف به تبریز مراجعت کرد، و در مسجد جدّ خود به اقامه نماز جماعت و ارشاد و هدایت، و نیز تدریس کتب علمی و متون درسی حوزه اشتغال ورزید.

عبد الرسول احقاقی هنگام تشریح تاریخچه مسجد حجه الاسلام در تبریز می نویسد: (پس از خاندان بزرگ حجت الاسلام ها بنا به تقاضای اهالی، مدتی حکیم فرزانه و عالم یگانه مرحوم میرزا محمد جواد عمید فرزند مرحوم میرزا احمد آقا عمید الاسلام که از علمای بزرگ و دانشمندان بنام آذربایجان بودند، در این مسجد [مسجد حجه الاسلام نیر] امر امام جماعت و وعظ و تبلیغ را عهده دار بودند).

از جمله شاگردان ایشان، می توان افراد زیر را نام برد:

1- برادرش دکتر موسی عمید 2- میرزا علی اکبر علمی، که فعلا ساکن «کجاآباد» تبریز و از فضلالی معاصر به شمار می رود، سنش متجاوز از نود سال است 3- عبد الرسول احقاقی اسکوئی.

## درگذشت

نامبرده در روز چهارشنبه 6/ربیع اول 1374/ق مطابق با 12/آبان 1333 ش در حدود سن 80 سالگی درگذشت، و جسدش در انتهای قبرستان حاج شیخ قم با کد (642) به خاک سپرده شد.

-منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-مقدمه دیوان اشعار حجه الاسلام نیر ص 4.

3-نقباء البشر (قسمت خطی).

ص: 1504

اشاره

(1310-1385 ق)

وی در سال 1310 ق در شهر «فریدن» استان اصفهان متولد شد.

او مقدمات را در زادگاه خود آموخت، سپس جهت ادامه تحصیل به قم رفت و سطح را به پایان برد، آنگاه به حوزه علمیه نجف اشرف رهسپار شد و از محضر آیات: شیخ ضیاء الدین عراقی، سید ابو الحسن اصفهانی، میرزا آقا اصطهباناتی و سید محمود شاهرودی استفاده نمود.

ایشان هرچند گاهی به ایران می آمد و در فریدن اقامت می کرد و از احترام بسیاری برخوردار می شد، و در آن سامان به ارشاد و هدایت می پرداخت.

از آثار او

1- تقریرات درس اصطهباناتی.

2- تقریرات درس عراقی.

3- رساله عملیه.

ایشان در پی بیماری و جهت معالجه به تهران رفت و در یکی از بیمارستانها بستری گردید ولی معالجات سودی نبخشید و در تاریخ 1385 ق مطابق با 1344 ش. دارفانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان ابو حسین (مقبره العلماء) به خاک سپرده شد.

وی که داماد آیت الله میرزا آقا اصطهباناتی بود دارای فرزندان زیر گردید:

1- مهندس محمد رضا 2- دکتر ضیاء الدین و چهار دختر که حجه الاسلام سید هاشم بحرانی دامادش می باشد.

\*

(1328-1413 ق)

حاج شیخ محمد جواد فرزند علامه شیخ احمد فیضی و نوه ملا فیض بروجردی، از علمای معاصر ساکن تهران بود.

در سال 1328 ق در بروجرد دیده به جهان گشود. پدرش از علما و مدرسین حوزه بروجرد بود که در 7/ رجب 1383/ ق در بروجرد درگذشت و در قبرستان عمومی شهر مدفون شد.

شیخ محمد جواد پس از رشد، دوره مقدمات را نزد پدر خویش آموخت، و شروع به فراگرفتن سطوح پرداخت. در سن 20 سالگی به قم عزیمت نمود و مدت دو سال به تحصیل باقی سطوح همت گماشت.

وی در سال 1350 ق جهت ادامه تحصیل و عتبه بوسی اعتبار مقدسه به عراق مهاجرت کرد، و در نجف اشرف اقامت گزید و از محضر آیات: شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، سید ابو الحسن اصفهانی، میرزا عبد الهادی شیرازی استفاده شایان برد. و به مصاهرت استاد خود میرزای شیرازی مفتخر گردید.

نامبرده در سال 1391 ق در پی فشارهای دولت عراق به ایران بازگشت و در تهران سکونت نمود، و به اقامه جماعت و ترویج دین و مباحثات علمی پرداخت.

ص: 1506

فیضی در روز سه شنبه 4/صفر1413/ ق مطابق با 13/مرداد1371/ ش در تهران درگذشت و جسدش عصر همان روز در قم تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

تنها فرزند ذکور ایشان جناب حجه الاسلام آقای شیخ محمد حسن فیضی که فعلا در قم سکونت دارند.

-منبع

1-اطلاعاتی از فرزندش شیخ محمد حسن فیضی.

شیخ احمد فیضی بروجردی

**شیخ محمد جواد قدسی طالقانی**

(ح 1290-1371 ق)

حاج شیخ محمد جواد ملقب به «قدسی» فرزند آیت الله شیخ علی محمد و نوه عین علی سوهانی طالقانی، از فضلا و معاریف تهران و طالقان بود.

وی در حدود سالهای 1290 ق تولد یافت.

پدرش (1233-1312 ق) مدفون در قبرستان ابن بابویه شهر ری، از مشاهیر فقها و اساتید در تهران بود. او از جمله شاگردان: شیخ محمد حسن نجفی «صاحب جواهر»، شیخ مرتضی انصاری و شیخ راضی نجفی در نجف اشرف بود.

از آثار قلمی اش: تقریرات درس صاحب جواهر و تقریرات شیخ انصاری است.

ص: 1507

به نقباء البشر 1618/4 و خاطرات من (اثر حسن اعظام قدسی) ص 11 رجوع شود.

شیخ محمد جواد در تهران پرورش یافت و دروس دینی را آنجا آغاز کرد، سپس به نجف اشرف رهسپار شد و از محضر آیت الله شیخ ضیاء الدین عراقی و دیگران استفاده نمود و از ایشان موفق به دریافت اجازه اجتهاد گردید. با علامه حاج آقا بزرگ تهرانی «صاحب الذریعه» رابطه دوستی و الفت داشت.

نامبرده هم در تهران و هم در طالقان به انجام وظایف روحانی اشتغال داشت و در میان علمای وقت از موقعیت شایسته ای برخوردار بود. در سوهان طالقان به اقامه جماعت و وعظ و ارشاد می پرداخت و نیز در روستای «میر» طالقان هم خدمات روحانی داشت. بعدها در مسجد شاهزاده خانم - دختر فتح علی شاه قاجار - تهران که محل خدمت پدرش بود به انجام وظایف دینی و روحی اشتغال ورزید. در رادیو تهران هم به مناجات و قرائت دعای شریف سحر در ماه مبارک رمضان می پرداخت. او از موهبت حسن بیان و مهارت در خطابه و اخلاق نیکو و حسن سلوک برخوردار بود.

قدسی در اواسط / ذی القعدة 1371 / ق مطابق با اواسط / مرداد 1331 / ش در تهران درگذشت. پیکرش به قم حمل و به خاک سپرده شد. وی نسل ذکوری نداشت و فقط یک دختر از او به یادگار ماند.

-منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-یادداشت هایی از آقای سید اشرف الدین کیانی طالقانی.

**شیخ محمد جواد قمی**

**اشاره**

(1290-1373 ق)

شیخ محمد جواد فرزند آیت الله شیخ غلامرضا قمی «حاج آخوند»، از دانشمندان و بزرگان قم بود.

ص: 1508

وی در سال 1290 ق در نجف اشرف متولد شد.

نامبرده در سن جوانی همراه پدرش به قم رفت و شروع به تحصیل علوم دینی نزد سید محسن قمی و سید احمد طباطبائی و پدر ارجمند خود پرداخت. سپس در سن بیست سالگی عازم تهران شد و علاوه بر تحصیل فقه و اصول نزد آیت الله شیخ محمد حسن آشتیانی نیز رشته های حکمت و کلام را از محضر حکمای بزرگی چون: شیخ علی نوری، میرزا محمود حکمی قمی و شیخ عبد الحکیم سبزواری بهره مند شد. آنگاه در سال 1319 ق به نجف اشرف بازگشت و مدت چهارده سال از محضر آیات: ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی استفاده نمود، و در سال 1333 ق به قم مراجعت کرد، و به ترویج احکام الهی اشتغال ورزید.

## از آثار او

1- آینه حق نما، در ولایت.

2- توحید قمی، در اصول عقاید، دو جلد.

3- سعادت بشر در اثبات نبوت مطلق و نبوت سید بشر.

4- الصراط المستقیم فی معرفه بعض ما يتعلق بالدين القويم من اصول الدين، در چهار جلد.

5- کتاب کیمیا، در بحث معاد جسمانی، 1364 ق، تهران، جیبی، 239 ص.

6- یاقوت، در ردّ مادیین و طبیعین.

علامه قمی در روز سه شنبه 19 ذی القعدة 1373/ ق مطابق با 29 تیر/ 1333 ش در سن 83 سالگی در قم درگذشت، و پیکرش در حرم حضرت معصومه علیها السلام - مسجد بالاسر - مدفون گردید.

- منابع

1- آثار الحجّه 66/2.

ص: 1509



3- گنجینه دانشمندان 121/2 (تاریخ تولدش را در سال 1295 ق دانسته است).

4- مؤلفین کتب چاپی 426/2.

### سید محمد حائری گلپایگانی

#### اشاره

(1322-1405 ق)

حاج سید محمد فرزند آیت الله میرزا هدایت الله و نوه سید عباس حائری گلپایگانی، از علمای تهران بود. در سال 1322 ق در گلپایگان متولد گردید.

پس از رشد و نمود در بیت علم و دانش مقدمات و ادبیات را طی نمود، و جهت ادامه تحصیل به اراک و بعداً به قم مهاجرت کرد و از محضر آیات: سید محمد تقی خوانساری، میر سید علی یثربی کاشانی و سایرین استفاده نمود.

وی در حدود سال 1350 ق به نجف اشرف مهاجرت و از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی و سید ابو الحسن اصفهانی و در کربلا نزد السید حسین العمی و الشیخ علی الشاهرودی خارج فقه و اصول بهره مند گردید، و در سال 1353 ق به ایران بازگشت و در زادگاه خود به مدت 20 سال توقف و به اقامه جماعت و تأسیس مدرسه علمیه و تربیت طلاب و ارشاد مردم پرداخت. و در سال 1373 ق به تهران مهاجرت و در آنجا اقامت نمود و در (مسجد فخر الحاجیه) به اقامه جماعت و بحث و تدریس اشتغال ورزید.

سرانجام در روز چهارشنبه 19 رجب 1405/ ق مطابق با 21 فروردین/

ص: 1510

1364 ش به سن 83 سالگی در تهران درگذشت، و در صحن حضرت معصومه علیها السلام قم به خاک سپرده شد.

## فرزندان:

1- حجه الاسلام سید جمال الدین حائری، فارغ التحصیل حوزه علمیه قم متوفای 1386 ق در سن جوانی مدفون در قبرستان شیخان قم.

2- سید مرتضی حائری از علمای فعلی تهران.

## شیخ محمد حائری مازندرانی

### اشاره

(1282-1350 ق)

حاج شیخ محمد حائری معروف به (ابن الشیخ) سومین فرزند آیت الله شیخ زین الدین العابدین مازندرانی (شاگرد صاحب جواهر)، مرحوم حائری به سال 1282 ق در کربلا دیده به جهان گشود.

وی نزد پدر علم آموخت و نیز از حضرات آیات: میرزا محمد حسین شهرستانی، شیخ علی بفرئی، سید هاشم قزوینی و شیخ محمد مازندرانی، در حوزه کربلا استفاده علمی نمود و پس از مرگ پدر در (1309 ق) جزو شاگردان میرزا حبیب الله رشتی در نجف اشرف درآمد. و پس از مرگ او در (1312 ق) به خواهش مریدان پدرش به هندوستان رفت، و حدود چهارده سال در آنجا ماند. برخورد با ملتهای گوناگون او را نسبت به

ص: 1511

سیاست استعماری غرب آگاه کرد و به آزادی خواهی کشاند، سپس به ایران رفت و با مشروطه خواهان همکاری کرد.

شیخ ضیاء الدین استرآبادی

بعد از کودتای محمد علیشاه قاجار علیه مجلس شورای ملی و به توپ بستن مجلس (تیر 1286)، وی به نجف رفت و روحانیون آنجا: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ عبد الله مازندرانی را به هواخواهی از مشروطیت تشویق کرد، و هنگام فتح تهران توسط مشروطه خواهان (تیر/ 1288) و پس از فرار محمد علیشاه و گشایش مجلس دوم شورای ملی، به همراه سایر آزادی خواهان به وطن بازگشت. پس از بازگشت به میهن، از طرف دولت ملی در سال 1329 ق به عنوان (رئیس دیوان کشور) منصوب و دو سال در این سمت خدمت کرد، ولی نتوانست با «مسیوپرنی» مستشار فرانسوی عدلیه همکاری کند و از کار کناره گرفت. در جمادی اول 1339/ ق مدتی نیابت تولیت مدرسه سپهسالار به او واگذار شد و از آن نیز در سال 1340 ق کناره گرفت. نامبرده دارای اجازه هایی در روایت از پدر خود و میرزا حسین نوری بود.

وی در اواخر سال 1340 قمری به قم رفت، و در روز پنجشنبه 23 جمادی ثانی 1350/ ق مطابق با 13 آبان 1310/ ش برابر سکنه قلبی وفات یافت. و در حرم حضرت معصومه علیها السلام در جوار قبر آیه الله حائری یزدی مدفون گردید.

### از جمله آثار قلمی او

1- سفرنامه ای خطی.

ص: 1512

2- دستور العمل اصول محاکمات حقوقی.

3- رساله تمیزیه (دستور العمل دیوان عالی تمیز).

4- بیان الاوزان فی تطبیق الاوزان المتداوله فی الهند و العراق.

-منابع

1- الاجازه الكبيره 539.

2- تاریخ مدرسه عالی سپهسالار 118.

3- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 64/3 و 71.

4- مجله وحید، شماره 244، معرفی سفرنامه خطی ابن الشیخ توسط دکتر علینقی منزوی.

5- مکارم الآثار 2395/7 (تولدش را به سال 1281 ق دانسته است).

6- مؤلفین کتب چاپی 491/5 (که تولدش را در سال 1283 ق و قبرش را در قبرستان حاج شیخ دانسته است).

7- نقباء البشر (خطی).

**سید محمد حجت کوه کمری**

**اشاره**

(1310-1372 ق)

**ولادت و تحصیل**

مرحوم آیت الله حجت، در 28 شعبان 1310/ق قبل از طلوع فجر در شهر تبریز در خانواده ای مشهور به علم و فضل دیده به جهان گشود. مقدمات، فنون ادبیه و علوم متداوله را نزد علمای آن شهر و مخصوصاً پدر عالم و وارسته اش سید علی حسینی تبریزی فراگرفت، و در سال 1330 ق در حالی

ص: 1513

که بیش از 20 سال نداشت برای تکمیل معلومات رهسپار نجف اشرف گردید، و فقه را از محضر آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، و از محضر آیت الله سید ابو تراب خوانساری، رجال و حدیث را استفاده کرد، و در درس آیات: شیخ الشریعة اصفهانی، سید محمد فیروزآبادی، شیخ علی قوچانی، شیخ علی گنابادی، میرزا محمد حسین نائینی، و شیخ ضیاء الدین عراقی شرکت نموده، در اندک مدتی به درجه عالیة اجتهاد نائل گردید. در ضمن علوم ریاضی و فلک را از محضر شیخ حیدرقلی سردار کابلی تلمذ کرد، متأسفانه در این اثناء بیمار شد و برحسب توصیه پدر بزرگوار خود ناچار به ترک نجف گردیده، و در سال 1335 ق به تبریز مراجعت نمود و بعد از وفات استادین معظمین خود طباطبائی یزدی و شریعت اصفهانی در سال 1340 ق مجدداً به حوزه علمیه نجف بازگشت و در درس اکابر وقت حاضر گردید از جمله علامه شیخ اسد الله زنجانی (متوفای 1354 ق) و علامه ذوالفنون شیخ حیدرقلی سردار کابلی در علوم ریاضی و خود به تدریس فقه و اصول پرداخت، و لکن دیگر بار بر اثر اختلال وضع مزاجی در سال 1349 ق ناچار به ترک نجف اشرف شد.

### ورود به قم

بعد از آنکه معالجات مکرر، بهبودی کامل مشار الیه را تضمین نکرد به ایران آمد، و در سال 1349 ق رسماً در قم رحل اقامت افکند و ضمن حضور احترامی در درس مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم) به

ص: 1514

تدریس فقه و اصول پرداخت و شاگردان بسیاری تربیت نمود، و مورد عنایت خاص معظم له قرار گرفت.

تا آنجا که محل نماز جماعت خود را (در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام و مسجد بالاسر) بدو واگذار کرد و به هنگام وفات، معظم له را یکی از دو وصی خویش قرار داد.

### مبارزه بر علیه بی حجابی

ایشان که پس از رحلت مؤسس محترم حوزه قم مسئولیت این حوزه نوپا را با همکاری دو یار صدیق خود برعهده داشت، برای جلوگیری از امور خلاف شرعی که رژیم انجام می داد به آنها هشدار داده و اعلام خطر می نمود.

از باب نمونه به متن تلگرافی که در رابطه با کشف حجاب به مرحوم آیت الله سید محمد بهبهانی در تهران مخابره کرده اند تا به سمع متصدیان امر برسد توجه فرمائید:

بسم الله الرحمن الرحيم

به شرف عرض عالی می رساند، خیلی مناسب است که حضرت مستطاب عالی به اولیای امور تذکر دهید که در بلاد اسلامی امری که مخالفت آن - از جهاتی - با شریعت مقدسه محرز است، اجراء آن غیر ممکن است و تولید مفاسد خواهد نمود. از مساعی جمیله حضرت عالی تشکر می نمایم.

الاحقر محمد الحسینی الکوه کمری

ص: 1515

مرحوم آیت الله حجت، از حضرات آیات: شیخ فتح الله شریعت اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی، آقا ضیاء الدین عراقی، سید محمد فیروزآبادی، اجازه اجتهاد داشته و از شیخ الشریعه و سید حسن صدر و شیخ عبد الله مامقانی و سید ابو تراب خوانساری و شیخ محمد باقر بیرجندی و والد خود (متوفای 1360)، و سید ابو الحسن اصفهانی و شیخ عبد الکریم حائری یزدی، میرزا محمد عسگری تهرانی، شیخ اسد الله زنجانی، شیخ علی کاشف الغطاء، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء و شیخ احمد کاشف الغطاء، اجازه نقل روایت داشته اند.

## شاگردان استاد

اسامی تعداد زیادی از شاگردان معظم له را نویسنده کتاب «آثار الحجه» آورده است، که برخی از آنها از علماء و دانشمندان بزرگ و مفاخر زمان اخیر بوده اند.

از تقریرات درس آن مرحوم «کتاب البیع» مشتمل بر دو جلد، جلد اول بقلم حاج شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی، و جلد دوم بقلم حاج شیخ یحیی فاضل همدانی در سال 1373 هجری قمری چاپ و منتشر شده است.

## شماری از تألیفات معظم له

آثار ذی قیمتی از آن مرحوم باقی مانده که نشان دهنده مقام علمی و نبوغ فکری ایشان است، نام برخی از آنان را در زیر ملاحظه می فرمائید:

1- رساله فی الاستصحاب.

2- کتاب البیع.

3- رساله فی تنقیح المطالب المهمه فی عمل الصور المجسمه.

4- جامع الاحادیث و الاصول أو مجمع الاحادیث.

5- حاشیه علی کفایه الاصول 2 جلد.

ص: 1516

6- کتاب الصلاة.

7- لوامع الانوار الغرويه فى مرسلات الآثار النبويه.

8- مستدرک المستدرک فى استدراک ما فات عن صاحب المستدرک.

9- رساله فى الوقت.

10- کتاب الصوم (شرح على صوم شرائع الاسلام).

11- رساله فيما يعلم به البلوغ.

12- تعليقه على متاجر الانصارى.

13- فروع العلم الاجمالى.

14- تعاليق على رجال المامقانى.

15- کتاب الوقف.

16- ارشاد المؤمنین الى احکام الدین.

17- حواشى عروه الوثقى.

18- حواشى وسيله النجاه.

19- مناسک حج.

20- منتخب الاحکام.

21- حواشى على شرح التذکره النصيريه، فى علم الهيئه.

### **آثار فراموش نشدنی**

از جمله آثار و باقیات الصالحات معظم له، مدرسه و مسجد و کتابخانه حجتیه است که مورد استفاده دانش پژوهان علوم اسلامی در حوزه علمیه قم می باشد.

**مطالعه مداوم**



مرحوم حجت، عشق فراوانی به مطالعه کتب علمی و فقهی داشت، و در این زمینه احساس خستگی به او راه نمی یافت و این علاقه تا حدی بود که نقل کرده اند:

ص: 1517

حتی در تمام شب های زندگیش حد اقل چندین ساعت مطالعه داشت.

عادت ایشان چنین بود که: هر سه چهار سال یک بار تمام کتب درسی حوزه را (از مقدمات گرفته تا کفایه) به دقت مطالعه می کردند.

### **برخی از ویژگیهای ایشان**

یکی از ویژگیهای آن بزرگوار این بود که از تظاهر و خودنمایی می گریخت، و به دوستان و یاوران خود سفارش می فرمود که برایش تبلیغ نکنند و اجازه نمی داد تا در جرائد و روزنامه ها عکسی از ایشان چاپ نمایند و به اهل منبر فرموده بود: راضی نیستم نام مرا بر منابر ببرید.

ویژگی دیگر ایشان این بود که علم خود را به حلم و بردباری آراسته بود، و همه فشارها و تنگ نظریهای مخالفین را نادیده می گرفت و شرح صدر بسیاری داشت.

استاد مطهری داستانی در رابطه با هجرت از عادت و قدرت تصمیم گیری آن مرحوم نقل کرده اند، که در زیر می خوانید:

آیت الله حجت (اعلی الله مقامه) یک سیگاری ای بود که من واقعا هنوز نظیر او را ندیده ام، گاهی سیگار از سیگار قطع نمی شد. بعضی وقتها هم که قطع می کرد مدتش خیلی کوتاه بود ولی طولی نمی کشید که مجددا سیگاری را آتش می زد، در اوقات بیماری اکثر وقتشان به سیگار کشیدن می گذشت. وقتی مریض شدند، برای معالجه به تهران آمدند و در تهران اطباء گفتند: چون بیماری ریوی دارید، باید سیگار را ترک کنید. ایشان ابتدا به شوخی گفت: من این سینه را برای سیگار کشیدن

ص: 1518

می خواهم، اگر سیگار نباشد سینه را می خواهم چه کنم؟  
عرض کردند: به هر حال برایتان خطر دارد، و واقعا مضر است.

فرمود: مضر است؟

گفتند: بله همین طور است.

فرمود: دیگر نمی کشم.

یک نمی کشم کار را تمام کرد. یک حرف و یک تصمیم، این مرد را به صورت یک مهاجر از عادت قرار داد.

ویژگی دیگر ایشان، علاقه فوق العاده و محبت فراوان ایشان به سید و سالار شهیدان، حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام بود.

از چپ به راست: سید مرتضی لنگرودی، سید کاظم شریعتمداری، سید حسین طباطبائی بروجردی،؟، شیخ محمد علی حائری کرمانی

## رحلت

در آخرین روز بیماری خود برای شکستن مهر خویش استخاره کرد، آیه لَه دَعْوَةُ الْحَقِّ او را به لقاء الله بشارت داد، چنانکه بر روی سنگ قبر ایشان چنین

ص: 1519

حک شده است: (و بعد ما استخار بکلام الحق فی کسر خاتمه و اجیب بقوله تعالی لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ امر به، ثم تناول التربه الحسينیه و قال: آخر زادی من الدنيا التربه، فلبی دعوته زوال يوم الاثنين ثالث/جمادی الاولى/من سنه 1372 ق) مطابق با 29 دی 1331/ش.

در همین رابطه است بیت زیر که یکی از ارادتمندان به آن مرحوم گفته است:

ز خاک کربلا می خورد و می گفت: همین باشد ز دنیا «آخرین زاد»

به این ترتیب در تاریخ مذکور، در سن 62 سالگی به لقاء الله شتافت. و با ارتحالش جهان علم و فضیلت داغدار شد، به طوری که مرحوم آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی وقتی از این جریان اطلاع حاصل کرد فرمود: کمرم شکست.

به مجرد انتشار خیر رحلت این مجسمه تقوا و دانش در بسیاری از شهرستانها تعطیل عمومی اعلام شد، و پیکر مطهر این عالم بزرگ بعد از تشییع بی سابقه و نماز حضرت آیت الله بروجردی بر آن، در مدرسه حجتیه مدفون گردید.

### فرزندانش:

1- علامه سید محسن 2- علامه سید حسن 3- سید عبد الحسین 4- سید علی اکبر و دامادهای ایشان عبارتند از:

1- آیه الله شیخ مرتضی حائری یزدی

2- استاد شیخ عباس مصباح زاده.

ص: 1520

3- شیخ عبد الله شهیدی قزوینی.

-منابع

1- آثار الحججه 93/1 و 161.

2- آینه دانشوران 169.

3- الاجازه الكبيره 135.

4- المسلسلات فی الحججات 426/2.

5- تاریخ قم 280.

6- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 186.

7- رجال قم 150.

8- ریحانه الأدب 23/2.

9- زندگانی سردار کابلی 175.

10- علمای معاصرین 214.

11- گنجینه دانشمندان 305/1.

12- گنجینه دانشوران 165.

13- مؤلفین کتب چاپی 386/5.

14- نقباء البشر (خطی) (تاریخ تولد مترجم له را از روی دستخط پدر گرامیش نوشته است).

**میرزا محمد حجت همدانی «دریائی»**

**اشاره**

(1276-1361 ق)

میرزا محمد حجت فرزند علامه شیخ محمد حسن جولانی همدانی معروف به (دریائی)، به سال 1276 ق در (محلّه جولان) همدان متولد

شد.

پس از فراگرفتن علوم مقدماتی به بروجرد رفت، و از ذخائر علمی مرحوم آیت الله سید محمود طباطبائی (صاحب المواهب السنیه) بهره وافی برد، سپس به اصفهان رفت و نزد شیخ محمد باقر اصفهانی تلمذ کرد و از آنجا به نجف اشرف رهسپار شد و مدت 8 سال از محضر آیات: سید حسین کوه کمری، ملا محمد

ص: 1521

فاضل ایروانی، شیخ لطف الله لاریجانی، شیخ حبیب الله رشتی، شیخ محمد طه نجف تبریزی، شیخ حسین خلیلی تهرانی، شیخ محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی استفاده نمود و در سال 1310 ق به همدان بازگشت و به تدریس و نشر و اجرای احکام الهی پرداخت.

وی در مسائل و احکام فقهی ماهر و از ریاضیات نیز بهره ای وافر داشته، و رسائلی چند در فقه و اصول به رشته تحریر درآورده است.

### از جمله آثار او:

1- حاشیه علی الرسائل (از شیخ انصاری).

2- حاشیه علی جواهر الکلام.

3- حاشیه علی بدائع الافکار (از رشتی).

4- قاعده لا ضرر و لا ضرار.

5- قاعده الید.

6- کتاب القضاء و الشهادات.

7- رساله عملیه که در سال 1359 ق به چاپ رسید.

سرانجام در شب جمعه 11/ ذی قعدة 1361/ ق مطابق با 29/ آبان/ 1321 ش به سن 85 سالگی در همدان درگذشت، و در قبرستان حاج شیخ قم مدفون گردید.

ص: 1522

محمود حجت همدانی

شیخ اسد اللہ حجت همدانی

### فرزندان ایشان:

1- شیخ اسد اللہ حجت.

2- دکتر محمود حجت.

3- رضا حجت، متولد 1337 ق اهل ادب و شعر است.

4- شیخ علی شیع العراقین.

-منابع

1- الاجازه الكبيره 143.

2- المسلسلات فی الاجازات 213/2.

3- تاریخ بروجرد 454/2.

4- نقباء البشر (خطی).

\*

ص: 1523



(1292-1350 ق)

او در قریه «النجارق» به سال 1292 ق تولد یافت. بخشی از مقدمات و سطح علوم دینی را در نزد پدر خود (آخوند ملا- محمد علی) آموخت. سپس رهسپار حوزه علمیه تبریز گشت. در آنجا از حضور اساتید معروف استفاده نمود و پس از چندی برای تکمیل اندوخته های علمی و اخلاقی خود شهر تبریز را به سوی نجف اشرف ترک کرد، در آنجا با سختی و تنگدستی طاقت فرسایی به تحصیلات عالی خود ادامه داد و از درس خارج فقه و اصول مراجع بزرگ آن زمان مانند: آیت الله شیخ هادی تهرانی (متوفی 1321 ق) استفاده فراوان برد. او همچنین در نجف اشرف با مرحوم آیت الله میرزا صادق آقا تبریزی و مرحوم آیت الله شیخ قیاض زنجانی هم بحث بود. بعد از مدت 5 سال اقامت، این مجتهد متبحر به زادگاه خود بازگشت، و خویشان را در خدمت هم وطنان خود قرار داد.

آن زمانی که او باش و اشرار و مزدوران خان ها هرچند گاهی به شهرها و روستاها هجوم می آوردند، و به اموال و ناموس مردم دست درازی و تجاوز می کردند، این مجتهد جهادگر با ابتکار خود تدبیری به کار انداخت و مردم النجارق و حومه را از گزند آنان برای همیشه آسوده خاطر و در امان ساخت. او با خرید چندین قبضه اسلحه و مسلح کردن مردان روستا، دسته نگهبانی تشکیل داد و مردان و جوانان را به نوبت در اطراف آن محل به طور شبانه روزی به پاسداری گماشت، و خود نیز فرماندهی آنها را به عهده گرفت و به رسالت تاریخی خود این چنین عمل کرد.

آیت الله حاج میرزا محمد حجتی بعد از سالها اقامت در روستای النجارق، بنا به دعوت مردم میانه، زادگاه خود را به قصد اقامت در این شهر ترک کرد و در میانه برای همیشه ماندگار شد.

ص: 1524

سالهای طولانی بود که این شهر دوران آشفته و سختی را پشت سر می گذاشت. مردم از نظر اخلاقی، فرهنگی و مذهبی در وضع ناگواری به سر می بردند. در هنگام نماز، نه از صدای اذان خبری بود و نه نشانی از صف جماعت. فرقه گمراه بهائیت فرصت خوبی را برای ترویج عقاید خرافی خود به دست آورده بودند. در این ایام که وارد شهر میانه گشت و سرود نماز سرداد. با تبلیغ و ارشاد توانفرسا، مردم را به مساجد فراخواند و اولین نماز جماعت را پس از سالها تعطیلی اقامه کرد و صدای دلنشین اذان مؤذنها را در فضای شهر طنین انداز نمود، و جمعی پراکنده را به گرد هم آورد. او زندگی خیلی ساده ای داشت و در استفاده از وجوه شرعی بسیار سختگیر بود.

## از آثار او:

کتابی در فلسفه که در اختیار فرزندش قرار دارد و بر روی آن تاریخ مرگش به قلم یکی از شاگردانش 1349 ق نوشته شده است.

آن عالم ربانی پس از سالها خدمت سرانجام به سن 58 سالگی، در روز سه شنبه 22 محرم 1350/ ق مطابق با 18 خرداد 1310/ ش دار فانی را وداع کرد، و در قبرستان حاج شیخ در شهر مقدس قم به خاک سپرده شد.

-منبع

1-سیمای میانه 202.

**سید محمد حسن الهی طباطبائی «تبریزی»**

اشاره

(1325-1387 ق)

سید محمد حسن معروف به «الهی» فرزند سید محمد طباطبائی تبریزی، برادر کوچکتر علامه طباطبائی و تحصیلات ایشان همراه برادرش در نجف اشرف بود. ولی بیشتر در امور عرفانی و علوم غریبه سیر می کرد، دوری انزوا را

ص: 1525

انتخاب می کرد چند صباحی در اواخر عمر به تدریس فلسفه در دار التبلیغ اسلامی قم پرداخت.

## از آثار او:

1- یادداشت های عرفانی.

2- یادداشت هایی در علوم غریبه.

ایشان در سال 1387 ق در تبریز درگذشت و جسدش به قم حمل و در قبرستان ابو حسین -مقبره العلماء- به خاک سپرده شد.

تنها فرزند ذکور ایشان سید محمد الهی است که فعلا در تبریز سکونت دارند و نیز سه دختر از او باقی ماند.

-منبع

1-اطلاعات متفرقه.

**شیخ محمد حسن جواهری «آل صاحب جواهر»**

## اشاره

(1327-1408 ق)

شیخ محمد حسن فرزند آیت الله شیخ محسن و نوه علامه شیخ شریف فرزند شیخ عبدالحسین فرزند آیت الله مرجع گرانقدر جهان تشیع شیخ محمد حسن نجفی «صاحب جواهر»، از ادبا و فضیلتی معاصر بود.

وی در 6/رمضان 1327/ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

## پدر دانشمند

پدرش (1295-1355 ق) از فقها و ادبای برجسته نجف اشرف بود. وی از

ص: 1526

شیخ علی بن باقر جواهری، شیخ الشریعہ اصفہانی، سید علی شرع و میرزا محمد حسین نائینی به شمار می رفت.

از جمله آثار قلمی اش: 1- شرح نجاه العباد، 2- الفرائد الغوالی فی شرح شواهد الامالی (اثر سید مرتضی)، 3- القلائد الغرر فی امامه الاثنی عشر، 4- شرح منظومه الشهاب الثاقب فی الامامه (اثر سید محمد باقر طباطبائی حجت)، 5- تعلیقه علی کفایه الاصول، 6- تصحیح و شرح دیوان ابن الخیط دمشقی، 7- منظومه فی الموارث و شرحها، 8- الدرر الحسان فی معرفه ابناء الزمان، 9- منظومه فی علم الکلام، 10- منظومه فی التجوید، 11- الرد علی الشیخیه (کریم خان کرمانی).

جدش شیخ شریف (ح 1255-1314 ق) از فقها و مشاهیر علمای نجف اشرف بود. وی از جمله شاگردان حضرات آیات: شیخ محمد حسین کاظمی، شیخ هادی تهرانی و میرزا حسین خلیلی تهرانی در نجف اشرف بود. سفری به بروجرد (ایران) داشت و مدت چهار سال از محضر آیت الله سید محمود طباطبائی (صاحب المواهب السنیه) بهره مند شده بود. از آثار او: 1- مثیر الأحزان فی أحوال الأئمه الاثنی عشر امناء الرحمن علیه السلام، دو جلد 2- مقتل الامام الحسین علیه السلام، 3- وفيات اعلام الحق.

### تحصیلات دینی

وی در کنف و رعایت پدر ارجمند و نیز عمومی دانشمند خود آیت الله شیخ

عبد الرسول جواهری پرورش یافت. سپس به تحصیل علوم دینی پرداخت.

مقدمات و سطح را نزد پدر خویش به پایان رساند. و دروس خارج را از محضر آیات: شیخ محمد رضا آل یاسین، میرزا عبد الهادی شیرازی، سید محمد جواد طباطبائی تبریزی، سید محسن طباطبائی حکیم، شیخ حسین حلی و سید ابو القاسم خوئی استفاده نمود و از فضلا و معاریف گردید. در زهد و تقوا کم نظیر بود. سفرهایی متعدد به ایران داشت و ماههای طولانی را در استان خوزستان می گذراند. به وعظ و ارشاد می پرداخت. در ادبیات عرب و نظم اشعار مقام بلندی داشت.

در نجف اشرف تا حدی انزوا و عزلت انتخاب کرده بود. ولی هنگام رخنه کردن توده ای ها به عراق، به مبارزه برخاست و جمعیت «جماعه العلماء» را با عده ای از همفکران خود تأسیس نمود. در حدود سال 1400 ق به ایران تبعید شد و در شهر مذهبی قم سکونت اختیار نمود. سالهای آخر عمر در اثر کهولت و بیماری در منزل بستری بود.

### از آثار او:

1- بشاره المصطفی لشیعہ المرتضی، جمع و تصحیح، 1369 ق، نجف اشرف.

2- تحقیق و تعلیق علی الفرائد الغوالی فی شرح شواهد الأمالی، اثر پدر خود، هشت جلد آن به چاپ رسیده و هشت جلد دیگر آن مخطوط مانده است.

3- دیوان شعر.

4- دیوان شعر الشیخ محسن الجواهری (لوالده)، جمع و تعلیق.

5- شرح قصیده ابن عبدون الحضرمی، در سه جلد.

6- مجموعه شعریه فی ما قیل باسره صاحب الجواهر.

جواهری، در 21/ شعبان 1408/ ق در سن 81 سالگی در اثر شدت بیماری در قم زندگی را وداع گفت. پیکرش عصر روز بعد تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

ص: 1528

## فرزندانش:

1- شیخ ضیاء 2- شفیق 3- شیخ کاظم 4- محسن 5- محمد. و سه دختر که دامادهایش عبارتند از آقایان: جعفر و عبد الحسین فرزندان شیخ جواد (برادر شیخ محمد حسن) جواهری، و عباس فرزند عبد الحسین جواهری (پدر نگارنده).

- منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- النجم الزاهر فی أعلام آل الجواهر 37.

## شیخ محمد حسن حجتی کرمانشاهی

(1304-1400 ق)

از عالمان نامی خطه کرمانشاه بود و در نجف اشرف تحصیل کرده بود. ابعاد و آثار خیریه او در کتابی اخیراً به چاپ رسید، که از آن نتوانستیم استفاده کنیم.

از آثار او: 1- رساله عملیه.

حجتی در روز جمعه 29 رجب 1400/ ق برابر با 23 خرداد 1359/ ش در سن 94 سالگی بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان باغ بهشت قم مدفون شد.

- منبع

1- اطلاعات متفرقه.

## شیخ محمد حسن سراجی قزوینی

## اشاره

(1333-1406 ق)

شیخ محمد حسن فرزند علامه شیخ محمد اسماعیل و نوه شیخ محمد ابراهیم سراجی قزوینی غروی، و برادر دانشمند معظم محقق گرانسنگ شیخ محمد غروی (دام ظلّه) می باشد.

ص: 1529

تولدش به سال 1333 ق در نجف اشرف اتفاق افتاد.

مقدمات را نزد پدرش آموخت و پس از طی سطوح نزد شیخ محمد فاضل قائینی، در دروس خارج آیات:

میرزا عبد الهادی شیرازی، سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمود شاهرودی، میرزا باقر زنجانی و سید ابو القاسم خوئی حضور پیدا می کرد و استفاده می نمود. سپس به وعظ و ارشاد و هدایت مردم همت گماشت.

وی در سال 1390 ق به ایران مهاجرت کرد و در دروس آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، و سید محمد رضا گلپایگانی شرکت می جست.

### از آثار او

زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام در حدود 700 صفحه که تاکنون خطی مانده است.

سرانجام در صبح روز سه شنبه 29 محرم 1406/ ق مطابق با 23 مهر/ 1364 ش در سن 72 سالگی در قم بدرود حیات گفت و پس از تشییع و ادای نماز توسط آیت الله شیخ محمد تقی بهجت در قبرستان بقیع مدفون گردید.

### فرزندان:

1- محمد 2- شیخ علی 3- شیخ احمد 4- شیخ مهدی 5- محسن 6- جواد.

ص: 1530

شیخ محمد اسماعیل قزوینی

شیخ محمد غروی قزوینی

-منابع

1-اطلاعات متفرقه از فرزندان این مرحوم.

2-معجم رجال الفكر و الادب فی النجف 915/2(سال مرگش را 1405 ق نوشته که اشتباه است).

**شیخ محمد حسن طالقانی**

**اشاره**

(1287-1369 ق)

حاج شیخ محمد حسن فرزند علامه ملا عبد الله و نوه کربلایی علی طالقانی از مشاهیر علماء و معاریف دانشمندان تهران بود. وی در سال 1287 ق در روستای (کرود) طالقان متولد گردید.

در سن 10 سالگی همراه پدرش به تهران رفت، و در (مدرسه حاج رجبعلی خان) مشغول تحصیل شد، در سن 16 سالگی به اصفهان مسافرت نمود.

ص: 1531



اصفهان در آن زمان به علت وجود اساتید بزرگ و نابغه ای چون: مرحوم [سید محمد باقر] در چه ای و جهانگیر خان قشقایی مورد توجه عموم طالبان علم قرار می گیرد. به همین جهت است که اصفهان در آن زمان دارالعلمی بی مانند و مورد توجه بوده است. به هر حال پس از چند سال استفاده از محضر درس بزرگان و در پرتو استعداد سرشار و استقامت فکر در زمره فضیله حوزة در آمد و مورد توجه قرار گرفت. تا بالاخره قابل درک فیض از محضر استاد بزرگ و اعلم مجتهدین زمان مرحوم در چه ای می گردد و از تحقیقات فقهی و اصولی آن بزرگوار استفاده ها می کند. در این ایام است که چنان مجذوب درس استاد می گردد و تحقیقات فقهی آن بزرگ مرد اسلام، چنان شاگردان خویش را در دریای بیکران علم و دانش غوطه ور می سازد که ساعتی غیبت از درس را جایز نمی شمارد، سالها در پای این محقق و متفکر اسلامی زانوزد و پایه های تفکر و تحقیقات فقهی و اصولی خویش را بر آن روش پایه نهاد.

روزها و سالها گذشت تا مورد توجه آن حضرت قرار گرفته و از الطاف خاص ایشان برخوردار گردید، تا آنجا که در مجالس خصوصی ایشان شرکت می کرد، و در بحث های علمی مورد تشویق استاد خویش قرار می گرفته و بارها این مرد بزرگ در حجره از ایشان دیدن می کرده و این خود مزیتی بوده است که استاد بزرگی چون در چه ای، شاگردی را این همه مورد لطف خویش قرار می داد.

اما درس معقول، حکمت و فلسفه را نزد فیلسوف بزرگ اسلامی، آن یگانه عارف ربانی مرحوم جهانگیر خان قشقایی تلمذ نموده و چه داستانها از محضر پرفیض این عارف بزرگ و فیلسوف سترک می سرود و اعمال او را می ستود. چنان غرق در تحقیقات و بیانات علمی این دو استاد بزرگوار شده بود که سر از پا نمی شناخت و اصفهان را وطن ثانی خویش می خواند. به همین جهت سی و پنج سال در آنجا اقامت گزید و پس از آن به تهران آمده و برای اولین بار به دیدار پدر و مادر و صلة ارحام به طالقان مراجعت کرد و در آنجا با استقبال گرمی از طرف آقایان

علما و مجتهدین آن دوره طالقان از ایشان به عمل آمد.

سفر ایشان چند هفته ای طول کشید که به تهران بازگشتند و تمام علمای معروف تهران به دیدارشان آمدند، از جمله: مرحوم حاج شیخ عبد التّبی نوری و حاج میرزا ابو القاسم خوئی که هر دو از علمای بزرگ تهران بودند و در آن مجلس پس از بحث های علمی و گفتگوهای بسیار که در حقیقت، همه این ها برای معارفه از ایشان ترتیب یافته بود، معظم له را به تدریس در مدرسه دارالشفای بازار تهران مأمور نمودند. پس از چندی تدریس در این مدرسه و ازدیاد طلاب و تقاضای مکرر آنان مجلس درسی نیز در منزل ایشان تشکیل گردید. این مجالس درس پیش از ظهر و نیز قبل از طلوع آفتاب همچنان دایر بود و مجلس درس دیگری به جهت دوستی خاصی که با مرحوم مجاهد بزرگ مرحوم سید حسن مدرس داشت، در مدرسه عالی سپهسالار سابق (و مطهری امروز) تشکیل گردید. زیرا مرحوم مدرس (رحمه الله علیه) اصرار داشتند که ایشان در این مدرسه تدریس نمایند.

تا اینکه به تقاضای بسیاری از اهالی محل و اصرار علمای تهران بنا بر ایفای وظیفه شرعی به ارشاد مردم و اقامه نماز جماعت در مسجد مرحوم سیف الدوله - واقع در کوچه ظهیر الاسلام - مشغول شدند. در همین ایام کلیه مراجعات و حل و فصل امور دینی مردم با ایشان بود و دیری نپایید که آوازه علم و تقوایش زبانزد خاص و عام گردید. این نبود مگر در اثر حسن عمل و سلوک خداپسندانه اش با مردم. کسی نبود که حتی یک بار با ایشان ملاقات کند و زبان به مدح و ثنایش نگشاید. خانه اش چون خانه خدا، محل اریاب رجوع و عامه مردم تهران بود. عموم حوائج مردم از بیع و شراء و حل و فصل دعاوی حقوقی و قضاوت در اختلافات زناشویی در این محکمه بر مبنای شرعی به رایگان انجام می شد.

صحت عمل و اعتقاد مردم به قضاوت ایشان بر پایه ای بود که دولت وقت، در آن زمان که فاقد محاضر رسمی و محاکم قضایی بود، احکام صادره از ایشان را در باب قضا و کلیه دعاوی و تنظیم اسناد، قطعی و لازم الاتباع دانست و این محکمه را

ص: 1533

نیز بنام «محکمه شرع» نامید. این همان محاکمی بود که بعداً در اثر مرور زمان و تشکیل وزارت دادگستری و تسلط دولت جائز بر مردم به وضعی درآمد که مسند پیغمبر اسلام و جانشینان گرامی اش، به مردمانی عاری از دین واگذار گردید که به گفته سعدی عاقلان دانند.

ملاقات مرحوم [سید مجتبی] نواب صفوی با ایشان درباره ترور [احمد] کسروی، مطلبی در خور توجه است. نواب صفوی پس از مراجعت از نجف اشرف برای ترور کسروی که مردی مرتد و دشمن خدا و پیغمبر بود، با مرحوم حاج شیخ محمد حسن طالقانی ملاقات سری به عمل آورد، پس از آنکه قتل کسروی از نظر شرعی به فتوای اجماع علما مجاز اعلام گردیده بود. مرحوم حاج شیخ مبلغ چهارصد تومان در اختیار نواب صفوی برای خرید یک قبضه اسلحه کمری قرار داد، تا به وسیله آن کسروی ترور شود. پس از گفتگوهای محرمانه و سفارشات لازم مرحوم نواب صفوی برای اجرای این امر مهم، از ایشان جدا شده تا با طرحی که قبلاً پیش بینی شده بود، به اتفاق یارانش در دادگاهی که کسروی را محاکمه می کردند وارد شده و به ضرب گلوله، او را در همان جا مقتول نمودند.

این در حقیقت اولین قیام مسلحانه ای بود که از مرحوم حاج شیخ محمد حسن طالقانی به وسیله نواب صفوی ریشه گرفت. کمک های دیگری در همین رابطه، وسیله ایشان به مرحوم نواب صفوی در مورد ریشه کن ساختن سایر مرتدین که مضر به حال اسلام و مسلمین بودند می شد، که هر یک شرح جداگانه ای دارد. باید توجه داشت که این ماجرا مطلبی نبود که در آن روزگار همه بدانند، ولی از آنجا که حقیقت هرگز پنهان نخواهد ماند، پس از گذشت ایام و سپری شدن رژیم طاغوت و برقراری حکومت جمهوری برای اولین بار در روزنامه اطلاعات تحت عنوان «فدائیان اسلام آغازگر جنبش مسلحانه در ایران» در تاریخ دهم اردیبهشت/ 1358 ش، صفحه 4، شماره (15843) افشا شد و به چاپ رسید و مرحوم حاج شیخ محمد حسن طالقانی را در آن مقاله زاهدترین علمای تهران و سلمان زمان

نامید و نیز ترور کسروی را بزرگترین مبارزه مسلحانه مذهبی دانست.

این نمونه ای از تحرک و اهتمام ایشان به امور دینی است که همیشه خود را در این رابطه آماده داشت و از هیچ چیز نمی هراسید. مدت چهل و پنج سال پس از مراجعت از اصفهان، در تهران زیست و به ارشاد مردم و ترویج دین همت گماشت و عمر شریفش را وقف مردم نمود و چراغ هدایت برفروخت و پس از خود تربیت شدگانی متعهد و متدین بجای گذاشت، که هر یک نمونه ای از مریدان و علاقه مندان وی بودند.

ارتباط خاص و روابط معنوی تامی با یگانه زاهد زمان، استوانه علم و تقوا مرحوم حاج شیخ مرتضی طالقانی «دیزانی» داشت. وی که در نجف اشرف با آن وجاهت علمی و تقوایی که بین علمای بزرگ نجف و سایرین در آن زمان داشت، در حجره کوچکی در مدرسه سید می زیست. مرحوم حاج شیخ محمد حسن طالقانی در سفری که به مکه معظمه مشرف شد، در همین حجره وارد بر ایشان گردید. این سنخیت و ارتباط معنوی طوری محکم و زمینه انضمام این دو روحانی را ایجاد نموده بود که هرگونه مشکلی را، من جمله تنگی مکان و دیدار آقایان علما از حیث عدم وسعت در این حجره کوچک، چگونه میسر خواهد بود، از فکر همراهانشان زدود و در آن حجره جای گزید و علی رغم همه پیش بینی ها دیدار آقایان علمای اعلام چون آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی و آیت الله ضیاء الدین عراقی و سایر علماء در همان حجره انجام پذیرفت.

فقید سعید نزد علما و مراجع نجف و قم، از احترام خاصی برخوردار بود و چون بر این عقیده بود که حفظ حوزه های علمیه و تربیت طلاب علوم دینی از فرائض است. زیرا نشر احکام و ترویج دین مقدس اسلام در آینده به وسیله همین طلاب علوم دینی می باشد، هر ساله مقادیر قابل توجهی وجوهات شرعی، به خدمت مراجع قم و نجف ارسال و در این باره اهتمام و سعی فراوانی مبذول می داشت و در عین حال خود در خانه محقری که هم اکنون موجود است، تا پایان عمر زیست.

ص: 1535

سرانجام در عصر سه شنبه 17 جمادی الاولی/سنه 1369 قمری دعوت حق را لبیک گفته و بسوی حق شتافت. وقتی خبر وفاتش از رادیو تهران منتشر شد، صبح زود علاقه مندانش چون پروانگان به دور شمع پیکرش در مسجدش برای تشییع گرد آمدند. همه از زن و مرد بر سر و سینه زنان می گریستند و از فقدانش اشک می ریختند. تمام علمای تهران و عموم مردم برای تشییع این عالم بزرگوار در مسجد و خیابان های اطراف آن جمع شده و به حال انتظار و تأثر شدید اجتماع نموده بودند. در میان انبوه مشایعین علم ها و بیرق های عزا که هریک نماینده دستجات و هیئت هایی بودند که در تشییع شرکت داشتند، به چشم می خورد.

جنازه آن مرحوم با تجلیل فراوان و با شرکت هزاران نفر از طبقات مختلف مردم تهران تا دروازه حضرت عبد العظیم علیه السلام تشییع شد. مغازه ها و دکاکین برای تجلیل از این عالم ربانی در مسیر حرکت جنازه به حالت تعطیل درآمد و بازار تهران نیز به پاس تجلیل از مقام روحانیت تعطیل شد. تا بالاخره از ابتدای جاده حضرت عبد العظیم با شرکت انبوه کثیری از اهالی تهران به وسیله سی و پنج دستگاه اتوبوس که به همین منظور تهیه و تدارک شده بود، جنازه به قم حمل گردید.

از حوزه علمیه قم نیز عده کثیری از طلاب تهرانی و طالقانی با چند دستگاه اتوبوس تا «باقرآباد» پنج فرسنگی قم به استقبال جنازه آن مرحوم آمده و در آنجا به گروه مشایعین تهرانی پیوستند. در قم نیز طلاب حوزه علمیه که پیشاپیش آنان آیت الله بروجردی و آیت الله صدر و آیت الله حجت و آیت الله سید محمد تقی خوانساری و سایر علمای دیگر در حرکت بودند. برای تشییع در مسجد امام حسن تجمع نمودند و از آنجا با تجلیل فراوان به طرف حرم مطهر به حرکت درآمدند و به دستور آیت الله بروجردی که عنایت خاص و سوابق ممتدی که در اصفهان با معظم له داشت در مسجد بالاسر- طاق نماز چهارم- به خاک سپرده شد.

استاد شیخ محمد رازی می نویسد: (مرحوم آیت الله طالقانی مجسمه تقوا و فضیلت، و پیکره زهد و پارسائی و دارای ملکات فاضله و اخلاق حسنه و در تهران

بالاخص محیط شاه آباد محبوبیت خاصی داشته، و مورد توجه و علاقه مردم بودند).

### از آثار او:

1- رساله ای در لباس مشکوک.

2- رساله ای در غصب.

### فرزندانش:

1- شیخ یحیی عبادی.

2- شیخ هادی عبادی، که هر دو از علما و فضلا بودند.

3- شیخ مهدی عبادی، ساکن تهران.

4- آقا باقر عبادی، متوفای اواخر/جمادی اول 1420/ق مطابق با اواسط/ شهریور 1378/ش.

-منابع

1- آشنایی با مشاهیر طالقان 260 (سال مرگش را 1369 ق دانسته است).

2- الاجازه الکبیره 163.

3- گنجینه دانشمندان 506/4.

### سید محمد حسن طباطبائی بروجردی

### اشاره

(1346-1397 ق)

سید محمد حسن فرزند آیت الله سید حسین طباطبائی و نوه سید علی بروجردی، از فضلا بود.

وی در سال 1346 ق در بروجرد متولد شد.

ایشان مقدمات و برخی از متون کتب درسی را نزد آیت الله شیخ اسماعیل عقدائی یزدی و معالم الاصول را نزد پدر فقیه خود در بروجرد

تلمذ کرد، آنگاه از محضر پدرش استفاده نمود. در سال 1364 ق در پی مهاجرت پدر به قم او نیز به

ص: 1537

ایشان ملحق شد و سایر کارهای آن جناب را اعم از: تنظیم آثار قلمی و مکاتیب و نظارت بر امور مرجعیت و..

دخالت مستقیم داشت، باین همه خود مشغول تدریس مقدمات و متون کتب درسی بود.

وی تولیت مسجد اعظم و کتابخانه آن و سایر مدارس پدرش را برعهده گرفت و به اقامه نماز جماعت در مسجد اعظم پرداخت.

جسدش در روز شنبه غره/ ذی القعدة 1397/ق در قم تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام (زیر ساعت) به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- حجه الاسلام سید محمد صادق 2- سید محمد باقر 3- سید محمد رضا و دو دختر.

- منبع

1- اطلاعات متفرقه.

شیخ محمد حسن قمی «آقاسی»

### اشاره

(1241-1304 ق)

میرزا محمد حسن فرزند میرزا آقاسی خلیجستانی قمی، از اکابر علما و افاضل مجتهدین و مشهورین به قدس و زهد بود.

ص: 1538



او در سال 1241 ق در قم تولد یافت.

آقاسی پس از نشو و نما در دامن پدری اهل سیاست، وارد حوزه علمیه شد. برخلاف میل پدر جهت ادامه تحصیل عازم اصفهان گردید، و از محضر آیت الله سید حسن مدرس بهره مند شد و با آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی همدرس گردید، و پس از پنج سال اقامت رهسپار نجف اشرف شد. ابتدا از محضر شیخ محمد حسن نجفی «صاحب جواهر» و بعدا ملازم شیخ مرتضی انصاری گشت، و در سال 1279 ق اجازه ای از این استاد دریافت داشت و به زادگاهش بازگشت، و مورد توجه علما و فضلا قرار گرفت و به اقامه جماعت در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام همت گماشت.

مرحوم فیض در تاریخش می نویسد: (میرزا حسن عالمی است عامل و فاضلی است کامل، شخصش به همه صنوف کمال آراسته است و خلقش از جمیع رذایل پیراسته است. از بدو عمرش تاکنون به هیچ مکروهی آلوده نشده است).

## از آثار او

1- کتاب الطهاره.

2- کتاب الصلاه.

3- اصول الفقه (مباحث الالفاظ).

4- الفقه الاستدلالی.

وی در 8/ربیع اول 1304/ق به سن 63 سالگی در قم درگذشت، و در قبرستان شیخان مدفون گردید. فرزندانش عبارتند از: 1- آیت الله شیخ احمد، از شاگردان میرزا حبیب الله رشتی بود 2- شیخ محمد، از شاگردان ملا محمد کاظم خراسانی بود 3- میرزا علیرضا 4- میرزا ابو الحسن اشعری.

- منابع

1- الذریعه 285/16 و 38/19.

ص: 1539

2- تاریخ قم 256.

3- رجال قم 151.

4- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری 276.

5- گنجینه دانشمندان 134/1.

6- مؤلفین کتب چاپی 658/2.

7- نقباء البشر 386/1.

**شیخ محمد حسن قمی «آقا نجفی»**

(1321-1366 ق)

شیخ محمد حسن ملقب به «آقا نجفی» فرزند آیت الله شیخ ابو القاسم کبیر و نوه ملا محمد تقی قمی، از فضلا و بزرگان قم بود.

در سال 1321 ق در قم متولد شد.

وی پس از تحصیل مقدمات و سطوح، جهت ادامه تحصیل رهسپار نجف اشرف شد و دروس عالی را طی نمود. و در پی درگذشت پدر خود به سال 1353 ق در چهلم ایشان به قم مراجعت کرد و به ارشاد و هدایت و اقامه جماعت در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام پرداخت.

ایشان در روز سه شنبه 3/ربیع الثانی 1366/ ق مطابق با 6/اسفند 1325/ ش در سن 45 سالگی در قم درگذشت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

**شیخ محمد حسن قمی «نادی»**

**اشاره**

(-1317 ق)

شیخ محمد حسن شیخ الاسلام فرزند شیخ علی نادی قمی، از مدرسین فقه و اصول بوده و در سایر علوم جامعیت و نیز در وعظ و ارشاد مردم، بیانی رسا و نطقی گویا داشته است.

ص: 1540

ایشان علوم عربی را در تهران به انجام رسانید سپس عازم نجف اشرف شد، و از محضر شیخ مرتضی انصاری استفاده نمود و به علت هوای نامساعد و گرم نجف و انحراف مزاج وی به قم بازگشت، و به تدریس مشغول گردید و عده ای از فضلا از محضرش بهره مند شدند.

### **آثاری که از وی به جا مانده است:**

1- ردّ شیخیه، که به خواهش میرزا علی اصغر اتابک (امین السلطان) به رشته تحریر درآورد.

2- تقریرات شیخ انصاری در فقه و اصول.

3- کتابی در معاد.

### **از جمله شاگردانی که تربیت نمود عبارتند از:**

1- شیخ ابو القاسم کبیر بن محمد تقی قمی (داماد ایشان).

2- شیخ حبیب الله قمی.

3- میرزا فخر الدین قمی.

4- سید کاظم (میرزا) اصفهانی.

5- شیخ محمد علی حائری قمی.

سرانجام در ذی حجه 1317/ق در قم درگذشت و در وسط مقبره شیخان مدفون گردید. فرزندش: شیخ علی است.

استاد مدرسی طباطبائی در تحقیقات خود درباره مترجم له چنین می نویسند:

شیخ محمد حسن قمی - نادى چهارمردانى - از دانشمندان و فقیهان معروف دوره ناصری است، و در بسیاری از مآخذ دوره قاجار و پس از آن آمده و در همه آنها به مقام علمی و مذهبی او اشاره شده است، او از شاگردان برجسته شیخ انصاری بود و بخش مهمی از تقریرات دروس اصول و فقه او را با دقت تمام به رشته تحریر

ص: 1541

در آورده، که اکنون اصل آن به خط او در چندین مجلد در اختیار نوادگان اوست.

رساله ای نیز به خواهش و اصرار میرزا علی اصغر خان امین السلطان صدر اعظم در ردّ شیخیه نگاشته که نسخه آن نیز در دست نوادگان او هست و در «ذریعه» نیز یاد شده است. وی گذشته از مراتب مذهبی و علمی در فنون و ظرایف ادبی نیز مقامی والا داشته و منشآت استادانه و از آن جمله است.

شیخ محمّد حسن مزبور با حاجی محمّد حسن امین الضرب آشنایی و دوستی بسیار نزدیک و صمیمی داشته و باعث و محرک اصلی او برای چاپ مجلدات کتاب «بحار الانوار» بوده است، که بخشی از نامه ها و مکاتبات ردوبدل شده میان آن دو در این مورد در خاندان شیخ مزبور هست.

در دورانی که سید جمال الدّین در تهران در منزل حاج امین الضرب بود، حاجی به گواهی متن اسناد ضمن نامه ای به شیخ محمّد حسن مزبور، از سید سخن می گوید و شیخ در سید جمال الدّین در کتابخانه مجلس شورا نگهداری می شود در مورد سوابق خود با سید توضیح می دهد که به نقل بخش مربوط به این بحث از آن دو نامه چون اسنادی معتبر و شواهدی موثق به شمار می رود، می پردازیم.

### از نامه اول:

«...مخصوصاً استدعا دارم خدمت جناب مستطاب جلالیت نصاب شریعت و نجابت انتساب آقای حاجی سید جمال الدّین سعدآبادی (سلمه الله تعالی) عرض سلام داعی را اگر ملاقات می فرمایید برسانید. به کمال معرفت احقر را می شناسد.

داعی هم اخلاص قدیمی دارد و در نجف اشرف خدمت ایشان رسیده، که اگر یاد نمی آورند بفرمایید همان آخوندی که هم خانه و هم منزل با جناب شریعت مآب آقای ملا حسین قلی در جزینی (همدانی) بود و جناب عالی با جناب آقای سید احمد (کربلائی) آنجا درس می خواندید، و تشریف می آوردید و می بردید...».

ص: 1542

«...مرفوم فرموده بودید که روزها گاهی قلب تاریک خود را به نور جمال جناب مستطاب وحید الدوران آقای حاجی سید جمال الدین (دام افضاله العالی) منور می فرمایید. همین فقره میزان خوبی است و اسباب کمال امتیاز است. هرگاه جناب مستطاب آقا به قوه مغناطیسیه وجود با بود خود جناب عالی را از مراسم این نشئه های بود به صقع وجود اصیل و ظلّ بسیط جلیل و بادی خلّت حضرت خلیل و وادی ایمن حضرت کلیم کشانید، و آثار موت اختیاری را به مفاد «موتوا قبل أن تموتوا» از آن جناب به ظهور رسانید که به حس عیان خود دیدید که دیگر رغبت به این مشاغل ندارید و اگر به زنجیر جناب عالی ببندند پاره می کنید، و به جانب جناب حق می روید و به این عذرهای معتذر نمی شوید. خیلی خیلی ملتمس است که اگر آن تصرف از وجود شریف دیدید البتّه به مخلص فانی اطلاع بدهید که خود را زنجیر کند و میخ طویله خود را در دولت منزل جناب آقا بکوبد تا بمیرد.

جناب آقا گویا نظر مبارکشان نباشد، سالها در نجف اشرف با جناب ایشان بوده، و با معلم ایشان جناب مستطاب قطب الاقطاب آخوند ملا حسین (قلی) همدانی در جزینی در همه موارد و مواقف جلیس و انیس و رفیق بوده و هست. و جناب ایشان با جناب آقا سید احمد (سلمه الله) جلیس و انیس و هم بحث و درس بودند، و به بعضی علوم غریبه گاه گاهی مشغول می بودند. کمال اخلاص را به جناب مستطاب آقا دارم و التماس توجه و دعا می نمایم».

نویسنده نامه- همان طور که اشاره شد- از مجتهدان و فقیهان بزرگ آن دوره و در قم مسندنشین قضاء و افتاء و حکومت شرعی بوده، و این نوع اظهار خلوص و اعتقاد او گویای آن است که سید در هنگام اقامت در نجف به تقوی و پرهیزگاری و جهات مربوط به سیر و سلوک و تهذیب نفس معروف بوده است و گرنه لحن نامه، علت دیگری نمی تواند داشته باشد.

-منابع

1-المآثر والآثار.

ص: 1543

2- تاریخ قم 258.

3- رجال قم 151.

4- زندگینامه و شخصیت شیخ انصاری 279.

5- گنجینه دانشمندان 135/1.

6- گنجینه دانشوران 161.

7- مجله تاریخ و فرهنگ معاصر شماره اول ص 23 بقلم جناب آقای دکتر سید حسین مدرسی طباطبائی.

8- نقباء البشر 376/1.

**شیخ محمد حسن کاشانی «نجفی»**

**اشاره**

(1333-1387 ق)

شیخ محمد حسن فرزند شیخ ابو القاسم و نوه شیخ عبد الحکیم کاشانی، مشهور به (نجفی) و متخلص به غائبی، که در 20 جمادی اول 1333/ق در نجف اشرف متولد شده است.

پس از طی تحصیلات علمی خود نزد پدرش و سایرین، در حدیث از محضر محدث گرانقدر شیخ عباس قمی استفاده نمود، سپس همراه پدرش به بمبئی رفت و پس از درگذشت وی در سال 1351 ق به اقامه جماعت در مسجد خوجه ها و ارشاد مردم پرداخت.

استاد شیخ محمد رازی در گنجینه جلد سوم می نویسد: (مرحوم حاج شیخ محمد عالم مجاهد و خدمتگذار و دارای محامد آداب و حسن معاشرت بود، گرچه بنده ایشان را زیارت نکردم ولی نوعاً افرادی که از اهل علم و غیره به بمبئی رفته و با ایشان ملاقات نموده اند، ایشان را ستوده و به خوبی یاد می کنند، و بالأخص حضرت آیه الله مرعشی نجفی که با ایشان صداقت تام و مکاتبه داشتند و بر جنازه ایشان نماز خواندند، بارها آن مرحوم را به بزرگواری یاد می کردند

ص: 1544

- 1- ریاض الجنان.
  - 2- مختصر تاریخ زندگانی صاحب شرع الاسلام (حضرت محمد «ص»).
  - 3- احکام الجمعة.
  - 4- احکام العیدین.
  - 5- احکام النیروز.
  - 6- دین الاسلام.
  - 7- عقاید النجفی.
  - 8- فلسفه نماز.
  - 9- قید شرق و آزادی غرب.
  - 10- محرم و عاشوراء.
  - 11- معرفه الامام.
  - 12- مقدمه منطق.
  - 13- مناسک النجفی.
  - 14- نجاه الصائمین.
  - 15- جمع آوری اشعار پدر خود به نام (منظومات الشیخ).
- سرانجام در صبح روز چهارشنبه 28 صفر 1387/ ق مطابق با 17 خرداد/ 1346 ش به سن 54 سالگی در تهران درگذشت، و در صحن حضرت معصومه علیها السلام قم مدفون گردید.
- وی دارای فرزندی بود به نام شیخ محمد جواد که جای پدرش را پر نمود، ولی اجل وی را مهلت نداد و دو الی سه سال بعد از پدرش رحلت کرد.

1- آینه دانشوران 438.

2- گنجینه دانشمندان 217/3 و 252/6.

ص: 1545



3- معجم مؤلفی الشیعه 334.

4- مکارم الآثار 2093/6.

5- مؤلفین کتب چاپی 660/2.

6- نقباء البشر 380/1.

### شیخ محمد حسن مجتهدزاده تنکابنی

#### اشاره

(1335-1408 ق)

حاج شیخ محمد حسن فرزند علامه میرزا علی نقی مجتهد سلیمانی و نوه میرزا محمد تنکابنی مؤلف «قصص العلماء» و نسبتش از لحاظ مادری به امامزاده «سید قاضی بن علاء الدین» مدفون در روستای سیدآباد حسن جون طالقان می رسد.

پدرش از جمله علمای مورد وثوق عموم اهالی تنکابن بود. او در سال 1291 ق در سلیمان آباد تنکابن متولد و در سال 1342 ق در تنکابن درگذشت.

تحصیلات عالی خود را در تهران در معقول و منقول نزد سید ابو الحسن جلوه اصفهانی، میرزا احمد حسن آشتیانی، شیخ علی نوری، میرزا هاشم اشکوری و شیخ عبد الرسول فیروزکوهی و در نجف اشرف نزد ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی به انجام رساند. جهت تفصیل بیشتر به «بزرگان تنکابن» صفحه 177 رجوع شود.

مجتهدزاده در نجف اشرف به سال 1335 ق متولد شد. در سن کودکی همراه

ص: 1546

پدر خود به تنکابن رفت و مقدمات و قسمتی از سطوح را در مدارس علمیه تنکابن و رشت فراگرفت. سپس به قم عزیمت نمود و مدارج عالی را نزد آیات: شیخ محمد علی ادیب تهرانی، سید شهاب الدین مرعشی، میرزا محمد فیض قمی، و سید محمد حجت کوه کمری تحصیل نمود و از طرف اساتیدش مجاز گردید، و در حدود 1365 ق به تنکابن بازگشت و بنا به درخواست اهالی «شهسوار» در همان شهر مقیم گردید و به تدریس و امامت جماعت در مسجد «ولمرز» و قضای حوائج عامه مشغول شد.

اوائل انقلاب، در اثر تحریک بعضی از مغرضین سودجو از موطن خود اعراض، و به قم مهاجرت نمود و به تدریس سطوح مشغول گردید.

## از آثار علمی او

1- حواشی مختصری بر رسائل.

2- حواشی مختصری بر مکاسب، که نزد شاگردش سید اشرف الدین کیانی طالقانی موجود است.

سرانجام در شب 15 شعبان 1408/ ق مطابق با 14 فروردین 1367/ ش در سن 73 سالگی در قم وفات کرد و در وسط قبرستان حاج شیخ به شماره (24130) به خاک سپرده شد.

-منابع

1- افادات سید اشرف الدین کیانی.

2- بزرگان تنکابن 220.

شیخ محمد حسن مجتهد گروسی «بیجاری»

## اشاره

(1291-1359 ق)

حاج شیخ محمد حسن مجتهد فرزند علی حیدر گروسی، از دانشمندان و بزرگان

ص: 1547

عصر خود و داماد آیت الله میرزا ابوالبشر بیجاری بود.

وی در سال 1291 ق مطابق با 1252 ش در روستای «قرل علی» دوفرسخی بیجار-استان کردستان-متولد گردید.

پدرش نجار آسیاب های بادی در شهر بیجار بود.

شیخ محمد حسن اولیات را در بیجار آموخت، سپس به نجف اشرف رفت و سطح را به پایان برد و خارج را از محضر آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی استفاده کرد و پس از بیست و پنج سال اقامت در آن دیار و احراز درجه اجتهاد به بیجار بازگشت و مشغول تدریس و ارشاد و هدایت گردید.

ایشان، فقیه و مجتهدی سرشناس بوده که علاوه بر مقام علمی در امور سیاسی و اجتماعی نیز منشاء خدمات بود. در دوره سوم (1293 ش مطابق با 1333 ق) از سوی مردم بیجار و گروس به سمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید.

پس از پایان دوره مذکور به سمت قاضی القضاة همدان منصوب شد و تا آخر عمر در همین شغل ماند.

دقت نظر و رعایت جنبه های احتیاط در مقام صدور حکم، او را شهره عام و خاص ساخته بود. شخصیت بارزش در ارکان دادگستری همدان، گویای خدمت خالصانه یک روحانی عالی مقام، برای احقاق حق مردم مسلمان آن دیار است.

مجتهد گروسی در محرم 1359/ ق مطابق با اسفند 1318/ ش در سن 68 سالگی در شهر همدان دار فانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان

ص: 1548

حاج شیخ با کد(37234)مدفون گردید.

### فرزندانش:

1- مرحوم سرهنگ محمود مجتهدی 2- مرحوم احمد 3- آقای محمد مجتهدی، متولد 1297 ش، ساکن تهران.

-منابع

1-اطلاعاتی از فرزندش آقای محمد مجتهدی.

2-سیمای بیجار.

3-نمایندگان مجلس شورای ملی 335 و 358(نامش را محمد حسین ثبت کرده که اشتباه است).

### محمد حسن محقق خلخالی

(1285-1369 ق)

مولی محمد حسن فرزند محمد رضی مجتهد محقق خلخالی در سال 1285 ق متولد گردید.

استاد شیخ حسن شمس گیلانی می نویسند:(کان عالما حکیمان عارفا عابدا بارعا، آن جناب از اکابر علمای گیلان و از حکمای آن دیار است. در حکمت و فلسفه ید طولائی داشته، گویا مثل آن بزرگوار فعلا در گیلان ندارد که مسلط بر علوم عقلیه باشد. مردی زاهد عابد و پرهیزکار و با نهایت آرامش و سکون زندگی می کند.

آن جناب به غایت از مادیات دور و بی نهایت به زهد و تقوی نزدیک است. مولانا از مدرسین معقول شهر رشت). استاد مرتضی مدرس گیلانی وی را: از مدرسین زبردست ریاضیات و از جمله شاگردان سید ابو الحسن جلوة اصفهانی در تهران شمرده است.

وی در غروب روز چهارشنبه 17/محررم 1369/ق مطابق با 18/آبان 1328/ش

ص:1549

در رشت درگذشت، و در قبرستان حاج شیخ به کد(17553)قم مدفون گردید.

-منابع

1-تاریخ علماء و شعراى گیلان 126.

2-تذکره الحکماء(خطی)

**شیخ محمد حسن میانه ای**

**اشاره**

(-1344ق)

شیخ محمد حسن فرزند محمد علی میانه ای تبریزی، از بزرگان و دانشمندان تبریز بود.

در تبریز متولد گردید.

**در حوزه نجف اشرف**

وی مقدمات علوم را در تبریز آموخت، و جهت ادامه تحصیل به نجف اشرف مهاجرت کرد، و در محضر آیات: شیخ محمد فاضل ایروانی، شیخ محمد فاضل شریانی، شیخ لطف الله اسکی لاریجانی و شیخ محمد حسن مامقانی درس عالی را طی نمود، و به درجه رفیعه اجتهاد نایل گردید. آنگاه به تبریز مراجعت کرد و به رتق و فتق امور و حل و فصل دعاوی و اقامه جماعت و ارشاد مؤمنین پرداخت. در چند سال آخر عمر خود، به قم مهاجرت کرد، و در آنجا سکونت اختیار نمود.

**از آثار او**

1-المواسعه و المضایقه.

2-تفسیر الآیات الباهره بأخبار العتره الطاهره، در چند جلد.

3-تلخیص بحار الأنوار(المجلد السابع و الثامن).

4-کتاب المواعظ.

5-منجزات المریض.



ایشان در سال 1344 ق مطابق با 1304 ش درگذشت، و جنازه اش در صحن مزار ابن بابویه قم به خاک سپرده شد.

-منابع

1-الذریعه 4/423.

2-أعیان الشیعه 5/321.

3-تراجم الرجال 2/658.

4-معجم رجال الفكر و الادب فی النجف 1/286(سال مرگش را 1334 ق نوشته که احتمالاً اشتباه چاپی باشد).

**شیخ محمد حسن نجفی «مسجدشاهی»**

## اشاره

(1324-1399 ق)

حاج شیخ محمد حسن فرزند آیت الله شیخ محمد اسماعیل نجفی و نوه آیت الله شیخ محمد باقر اصفهانی (مسجدشاهی)، از فضایی معاصر بود.

او در 24/صفر/1324 ق در نجف اشرف متولد گردید.

## تحصیلات عالی

ایشان تحصیلات علوم دینی خود را در نجف اشرف و اصفهان به پایان رسانید، از جمله اساتیدش آیت الله سید

ص: 1551

علی بهبهانی (رامهرمزی) بود- در سالهایی که به اصفهان می رفت- و در حوزه درس ایشان شرکت می کرد، و از خواص اصحاب آن مرحوم بود.

## درگذشت

نامبرده در شب سه شنبه 3 ذی قعدة 1399 / ق مطابق با 3 مهر 1358 / ش به سن 75 سالگی در اصفهان درگذشت، و جنازه اش به قم حمل و در مقبره «باغ رضوان» مجاور قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

-منبع

1- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان 35/3.

**شیخ محمد حسن نویسی قمی «الهی»**

## اشاره

(1291-1371 ق)

حاج شیخ محمد حسن فرزند ملا نصیر نویسی قمی، ملقب به «الهی»، از اساتید و دانشمندان معروف قم بود.

وی در سال 1291 ق در روستای «نویس» از توابع قم، متولد شد.

نویسی مقدمات را در زادگاهش فرا گرفت، سپس به قم رفت و سطح را نزد آیت الله میرزا محمد ارباب آموخت. در سال 1322 ق به نجف اشرف رهسپار شد و از محضر آیات: ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی استفاده کرد و در سال 1326 ق

ص: 1552



مجدداً به قم بازگشت و به تدریس و هدایت اشتغال ورزید. پس از ورود آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی در سال 1340 ق به قم، از نزدیکانش به شمار آمد و از اعضای مجلس استفتای آن مرحوم گردید.

## از آثار او

1- المسائل المختلفه الفقهيه.

2- رسائل فی: الف- تعارض الأخبار (در ذی القعدة 1322/ ق نوشته است).

ب- الاجتهاد و التقلید، ج- الأوامر (در سال 1323 ق نوشته است). این سه رساله از تقریرات درس آخوند خراسانی می باشند و نزد آقای شیخ علی فاضل قاینی در قم نگهداری می شود.

3- مقاصد فکریه.

علامه نویسی در صفر 1371/ ق مطابق با آبان 1331/ ش در سن 80 سالگی در قم درگذشت. پیکرش در قبرستان شیخان مدفون گردید. ابو الحسن نویسی متوفای 1384 ق و مدفون در کنار او، فرزندش می باشد.

- منابع

1- آثار الحجّه 224/1 (سال مرگش را اشتباه نوشته است).

2- آینه دانشوران 175.

3- الاجازه الکبیره 162.

4- رجال قم 106.

5- فهرست کتابهای چاپی فارسی 4861/4.

6- معجم المؤلفین 299/3.

7- مؤلفین کتب چاپی 663/2.

8- نامداران اراک 242 (سال تولدش را 1292 ق دانسته است).

ص: 1553

(-1310 ق)

اصلش از روستای (وزواء) که در نزدیکی نویس قم واقع است.

وی در قم از مدرسین سطوح بود.

در المآثر و الآثار می نویسد: (وزوائی مقیم دار الخلافه، عالمی عادل است، و فقیهی فاضل. او را با خاندان مرحوم حاج ملا محمد کرمانشاهی - که عالمی ربانی بود و با خاقان مغفور فتح علی شاه قاجار معاصرت داشت - ارتباط من القدیم است).

وزوائی در سال 1310 ق درگذشت و در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

فرزندش شیخ محمد از منبریه‌های فاضل بود.

-منابع

1- المآثر و الآثار

2- تاریخ قم 257.

3- رجال قم 150.

4- گنجینه دانشمندان 135/1.

5- نقباء البشر 377/1.

شیخ محمد حسین اثنی عشری قمی

اشاره

(-1388 ق)

حاج شیخ محمد حسین اثنی عشری قمی، متخلص به (صفایی) فرزند حاج ملا مهدی، آن مرحوم از خادمین آستانه مقدسه فاطمه معصومه علیها السلام بوده و هم اهل منبر، مقداری از اشعارش در سال 1376 ق در چاپخانه حکمت قم به نام (چرب و

ص: 1554

شیرین در کلمات قصار امیر المؤمنین علیه السّلام) به طبع رسیده است.

عاقبت در سال 1347 شمسی به مأمن غفران حق تعالی نقل مکان نمود، و پیکر پاکش را در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السّلام به خاک سپردند.

از اوست:

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

به رخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

بگو ای هلال زینب تو چرا غروب کردی

دل خواهرت ببردی تو از این بلا کشیدن

سر تو به نیزه از چه بنموده دشمن تو

چه خوش است روحم از تن ز برای تو پریدن

## کوفه

«روز روشن بدو چشمم چه شب تار چه شب تار آمد» (1)

کان زمان زینب مظلومه به بازار آمد

جبهه بشکسته و بی چادر و بازو به طناب

همچو نی ناله کنان اشک به رخسار آمد

از خجالت به رخ از گیسویش افکنده نقاب

قامت خم شده با حالت افکار آمد

قد کمان سینه زنان اشک فشان ناله کنان

اشکش از دیده فروریخته یک بار آمد

زد به سر دست غم و جانب نی کرد نگاه

---

1-1). از جودی علیه الرحمه است.

صوت قرآن ز لب و خون ز گلویش جاری

امتی را به چنین حال خریدار آمد

دید ماهی سر نی طعنه به خورشید زده

با وجودی که ز خاکستر و خون تار آمد

گفت این گونه مصیبت به گمانم نرسید

که سرت ای گل پژمرده چنین خوار آمد

گفت این و سر خود کوفت به چوب محمل

جبهه اش نیز به مثل مژه خونبار آمد

لب فروبند صفایی تو بکن ترک سخن

که دل خون شده از دیده به یک بار آمد

-منابع

1- تاریخ تکایا و عزاداری قم ص 300.

2- مؤلفین کتب چاپی 691/2.

**شیخ محمد حسین اعلمی حائری**

**اشاره**

(1320-1393 ق)

حاج شیخ محمد حسین فرزند سلیمان و نوه ولی الله جندقی مهرجانی، ملقب به «اعلمی» از دانشمندان و پژوهشگران نامی بود.

وی در سال 1320 ق در روستای «مهرجان» واقع در جندق و بیابانک، تولد یافت.

او پس از سپری نمودن دوران صباوت، به مشهد مقدس عزیمت کرد و تحصیلات دینی خود را آغاز نمود. در سال 1340 ق به نجف اشرف

رهسپار شد و از دروس حضرات آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ



محمد حسین غروی اصفهانی و سید ابو الحسن اصفهانی بهره مند شد.

در سال 365 ق به کربلای معلی رفت و از محضر آیات: حاج آقا حسین طباطبائی قمی، میرزا هادی خراسانی «بجستانی»، سید محمد هادی میلانی، میرزا مهدی شیرازی و سید نور الدین جزائری استفاده کرد و خود به تدریس و تربیت طلاب پرداخت، کتابخانه ای در مدرسه هندیه کربلا نیز تأسیس نمود.

ایشان در سال 1374 ق به ایران مراجعت فرمود و در حوزه علمی قم توقف کرد و در مدرسه فیضیه به تألیف و تصنیف اشتغال ورزید.

## از آثار او

1- أعلام النساء، دو جلد.

2- تاریخ ایران.

3- تاریخ ملوک ایران.

4- خلاصه رجال النجاشی.

5- مقتبس الأثر و مجدد ما دثر (دائرةالمعارف الاعلمی)، در 30 جلد.

6- وسائل الشیعه (تصحیح - همکاری).

ص: 1557

اعلمی سرانجام در روز پنجشنبه /23 ذی الحجه 1393/ ق مطابق با /27 دی 1352/ ش در سن 73 سالگی در قم بدرود حیات گفت. پیکرش روز جمعه تشییع و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله گلپایگانی در صحن حضرت معصومه علیها السلام- ورودی درب میدان آستانه- مدفون گردید.

### فرزندان:

1- محمد حسن 2- محمد حسین 3- محمد محسن.

-منابع

1- تراث کربلا 337 و 353.

2- گنجینه دانشمندان 77/2.

3- مستدرک أعيان الشيعة 229/3.

4- معجم المؤلفين العراقيين 150/3.

5- مؤلفين كتب چاپی 757/2.

6- نقباء البشر 893/3.

**محمد حسين امين الضرب «مهدوی»**

### اشاره

(1351-1289 ق)

حاج محمد حسين امين الضرب يگانه پسر حاج محمد حسن امين الضرب اصفهانی مشهور به (کمپانی)، از ملاکين و تجار معتبر، که در دوره اول مجلس شورای ملی (1324 ق مطابق با 1285 ش) و دوره هفتم (1347 ق مطابق با 1307 ش) و دوره هشتم (1349 ق مطابق با 1309 ش) وکالت مجلس را داشت و در دوره اول نایب رئیس مجلس نیز گردید و در سالهای پایانی عمر خویش رئیس اطاق تجارت تهران گردید.

امين الضرب مردی صبور، خلیق، باگذشت و خیلی دارای مبادی آداب بود.

ص: 1558



ایشان و پدرش حاج محمد حسن کمپانی از متمولین مشهور ایران بودند.

نامبرده در محرم 1289/ق در تهران دیده به جهان گشود و در روز سه شنبه 18شوال 1351/ق مطابق با 25بهمن 1311/ش در اثر سکتۀ قلبی در سن 62 سالگی در تهران درگذشت. و در صحن بزرگ حضرت معصومه علیها السلام قم به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- آقا حسن مهدوی، متوفای اواخرادی 1330/ش در هامبورگ.

2- دکتر یحیی مهدوی، از دانشمندان و اساتید معروف دانشگاه تهران و هم اکنون دوران بازنشستگی را می گذراند.

دکتر یحیی مهدوی

-منابع

1- روزشمار تاریخ ایران 192/1.

2- شرح حال رجال ایران 429/1.

3- فرهنگ رجال قاجار 43.

4- نمایندگان مجلس شورای ملی 372.

شیخ محمد حسین بروجردی «غروی»

### اشاره

(1275-1354 ق)

شیخ محمد حسین غروی فرزند ملا عبد الله بروجردی، از فقها و اساتید به نام بروجرد و اخیراً روزگار بود.

نیاکان ایشان از مازندران به بروجرد مهاجرت کردند و در این دیار توقف

ص: 1559

نمودند که سلسله نسب ایشان به فرموده استاد علامه شیخ ابو محمد آیتی (که از بنی اعمام ایشان می باشند) به شرح ذیل است: شیخ محمد حسین فرزند ملا عبد الله فرزند علامه ملا هادی فرزند ملا مهدی فرزند ملا علیرضا هزارجریبی مازندرانی.

وی در سال 1275 ق در بروجرد چشم بر این جهان گشود، و پس از وصول به حد تمیز مبادی و سطوح را از اساتید عصر در همین شهر فراگرفت، و سپس برای تکمیل بیشتر در سال 1300 ق به عراق رفت و در آن زمان شهر سامرا بر اثر اقامت آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی معروف به (میرزای بزرگ) مرکز علم و مجمع فضلاء شده و به همین علت آیت الله غروی نیز در سامرا اقامت نمود، و از اساطین آن حوزه به ویژه از محضر آیات: سید محمد فشارکی اصفهانی، میرزا محمد تقی شیرازی، و میرزا محمد حسن شیرازی حداکثر استفاده را نمود.

پس از ارتحال میرزای بزرگ به سال 1312 ق و هجرت علماء از سامرا به نجف اشرف، او نیز در مصاحبت استادش سید محمد فشارکی به نجف رهسپار و از محضر آیات: ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و میرزا حسین خلیلی تهرانی بهره ور و مورد توجه آنها قرار گرفت، تا حدی که او را به اقامت در نجف ترغیب نمودند، و لیکن به وسیله عروض کسالت در سال 1324 ق ناچار شد برای معالجه به ایران مراجعت کرد، و مدتی در تهران به معالجه مشغول گشت.

علماء تهران مخصوصاً آیت الله سید مصطفی کاشانی (پدر سید ابو القاسم کاشانی) اصرار کردند بلکه ایشان در تهران مقیم شود.

و لیکن او قبول نکرد و به قصد مشهد حرکت می کند و یک سال و چند ماه در پناه آستان ملک پاسبان رضوی به تدریس و افاضه مشغول و جمعی از شیفتگان فضیلت از ذخائر علمی وی بهره ور می شوند، و لیکن کسالت معهود عارض شده ناچار برای معالجه به تهران حرکت می کند.

پس از چند ماه معالجه به توصیه اطباء مربوطه به بروجرد برمی گردد و مساعدت آب و هوای این شهر به اضافه اصرار اهالی او را به اقامت در زادگاهش ملزم می نماید، و علماء و طلاب پروانه صفت بر شمع وجودش گرد آمده و از معارف وی استفاضه می کنند.

شیخ محمد غروی بروجردی

آیت الله غروی پس از 28 سال زعامت و ریاست در بروجرد بیمار شده و به قصد معالجه و استشفاء به تهران و مشهد حرکت می کند، این مسافرت قریب هشت ماه طول می کشد و به دستور اطباء بروجرد مراجعت و به فاصله چند روز، در روز جمعه 19 ربیع الاول 1354/ق مطابق با 30 خرداد 1314/ش در سن 79 سالگی به سرای جاودانی رحلت کرد، و مردم بروجرد را عموماً در سوگ خود داغدار نمود، جنازه اش را با تجلیل فراوان به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ در مقبره ای اختصاصی مدفون گردید.

### آثار قلمی ایشان:

1- مجموعه ای در اخلاق به نام (هدف من در زندگی)، در شرح صفات و

ص: 1561

فضائل یک انسان نمونه می باشد.

در این کتاب نظرات فلسفه شرق و غرب از عصر افلاطون تا عصر حاضر، و کلمات بزرگان و تطبیق آنها با آیات و اخبار اهل بیت علیهم السلام آمده است.

2- مجموعه ای در فقه استدلالی.

3- مجموعه ای در شرح مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام.

از وی فقط یک پسر به نام شیخ محمد غروی که خود یکی از علمای معاصر بروجرد است، و دو دختر به جای ماندند.

-منابع

1- افادات فرزند معظم آیت الله شیخ محمد غروی.

2- الاجازه الکبیره 173 (تاریخ رحلتش را اشتباه ذکر نموده است) و 539.

3- تاریخ بروجرد 561/2.

4- نقباء البشر 496/2 و 889.

5- هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی 93.

**شیخ محمد حسین بروجردی «کسرائی»**

**اشاره**

(1326-1410 ق)

حاج شیخ محمد حسین فرزند علامه شیخ مهدی بروجردی، ملقب به (کسرائی).

در سال 1326 ق در بروجرد دیده به جهان گشود.

**تحصیل علوم دینی**

ایشان در سن نوجوانی همراه پدر خود به اراک رفت، و پس از انتقال آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی به قم نیز همراه پدر خود به قم عزیمت کرد، و پس از طی مراحل مقدمات و آموختن سطوح، دروس خارج را از محضر آیات: سید



محمد حجّت کوه کمري، سيد محمد تقی خوانساری و سيد حسين طباطبائي بروجردی استفاده نمود.

وی مردی: خلیق، اجتماعی، با دوستان صمیمی، خوش صحبت و نیز مردم دار و متواضع، و مورد توجه بزرگان و مؤمنین بود.

ایشان در روز سه شنبه 17 رجب 1410/ ق مطابق با 24 بهمن/ 1368 ش در سن 84 سالگی در پی بیماری در تهران درگذشت، و جسدش در مسجد بالاسر- در جوار تربیت پدر خود- در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

دکتر محمود بروجردی، فرزند ایشان است.

-منابع

1- آثار الحجّه 78/2.

2- آینه دانشوران 401.

3- مجله نشر دانش، سال دهم، شماره (2)، ص 89.

**سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی»**

**اشاره**

(1321-1402 ق)

زندگینامه زیر بقلم خود ایشان است که در مجله «راهنمای کتاب» به چاپ رسیده، و با اندکی اضافه آن را تقدیم می کنیم:

نویسنده، محمد حسین طباطبائی [فرزند سید محمد قاضی تبریزی] سال هزار

ص: 1563

و دویست و هشتاد و یک شمسی (مطابق با آخر/ذی حجه 1321/ق) در تبریز در میان یک خانواده علمی به وجود آمدم. در سن پنج سالگی مادر را و در سن نه سالگی پدر را از دست دادم، و به مناسبت اینکه کم و بیش مایه معاش داشتم سرپرست ما (وصی پدر) وضع زندگی ما (من و برادر کوچکتر از خود که داشتم) را بهم نزد و تحت مراقبت و پرستاری یک نفر خادم و یک نفر خادمه قرار گرفتیم. کمی پس از درگذشت پدر به مکتب و پس از چندی به مدرسه فرستاده شدیم و بالاخره به دست معلم خصوصی که به خانه می آمد سپرده گشتیم، و باین ترتیب تقریباً مدت شش سال مشغول فراگرفتن فارسی و تعلیمات ابتدائی بودیم.

آن روزها تحصیلات ابتدائی پروگرام معینی نداشت. همین قدر به یاد دارم که در فاصله میان 1290-1296 ش که مشغول بودم قرآن کریم را که معمولاً پیش از هر چیز دیگر خوانده می شد، و کتاب گلستان و بوستان سعدی و نصاب و اخلاق مصور و انوار سهیلی و تاریخ معجم و منشآت امیر نظام و ارشاد الحساب را خواندم.

سال 1297 ش وارد رشته های علوم دینی و عربیه شدم و تا سال 1304 ش به قرائت متون سرگرم بودم.

در ظرف همین هفت سال در علم صرف: کتاب امثله و صرف میر و تصریف، و در نحو: کتاب عوامل و انموذج و صمدیه و سیوطی و جامی و مغنی، و در بیان:

کتاب مطول، و در فقه: کتاب شرح لمعه و مکاسب، و در اصول: کتاب معالم و قوانین و رسائل و کفایه، و در منطق: کبری و حاشیه و شرح شمسیه، و در فلسفه:

ص: 1564

کتاب شرح اشارات، و در کلام: کتاب کشف المراد را خواندم و به همین ترتیب دروس متن (در غیر فلسفه و عرفان) خاتمه یافت.

سال 1304 ش برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه نجف گردیدم و به مجلس درس آیت الله آقای شیخ محمد حسین اصفهانی (غروی) حاضر شده، یک دوره خارج اصول که تقریباً شش سال طول کشید و چهار سال نیز خارج فقه معظم له درک نمودم و همچنین هشت سال در خارج فقه آیت الله [میرزا محمد حسین] نائینی و یک دوره خارج اصول معظم له حضور یافتم، و کمی نیز به خارج فقه آیت الله آقای سید ابو الحسن اصفهانی رفتم. کلیات علم رجال را نیز پیش آیت الله [سید محمد حجت] کوه کمری رفتم.

در فلسفه نیز به دروس حکیم و فیلسوف معروف وقت آقا سید حسین بادکوبی موفق شدم. در ظرف شش سال که پیش معظم له تلمذ می کردم، منظومه سبزواری و اسفار و مشاعر ملا-صدرا و دوره شفای بو علی و کتاب اثولوجیا و تمهید ابن ترکه و اخلاق ابن مسکویه را خواندم.

بادکوبی از فرط عنایتی که به تعلیم و تربیت نویسنده داشت برای اینکه مرا به طرز تفکر برهانی آشنا ساخته به ذوق فلسفی تقویت بخشید، امر فرمود که به تعلیم ریاضیات پردازم. در امتثال امر معظم له به درس آقا سید ابو القاسم خوانساری که ریاضیدان زبردستی بود حاضر شدم و یک دوره حساب استدلالی و یک دوره هندسه مسطحه و فضائی و جبر استدلالی از معظم له فراگرفتم.

سال 1314 ش در اثر اختلال وضع معاش ناگزیر به مراجعت شده به زادگاه اصلی خود (تبریز) برگشتم، و ده سال و خورده ای در آن سامان بسر بردم که حقا باید این دوره را در زندگی خود دوره خسارت روحی بشمارم. زیرا در اثر گرفتاری ضروری به معاشرت عمومی وسیله تأمین معاش (که از مجرای فلاح بود) از تدریس و تفکر علمی (جز مقداری بسیار ناچیز) بازمانده بودم، و پیوسته با یک شکنجه درونی بسر می بردم.

ص: 1565



تا در سال 1325 ش از سروسامان خود چشم پوشیده زادگاه اصلی را ترک گفتم و متوجه حوزه قم گردیده بساط زندگی را درین شهر گستردم و دوباره اشتغالات علمی را از سرگرفتم، و تاکنون که اوائل سال 1341 ش می باشد روزگار خود را در این سامان می گذرانم.

از راست به چپ: سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی»، میرزا علی اکبر مرندی، سید محمد حسن طباطبائی تبریزی الهی (برادر علامه طباطبائی)

البته هرکسی حسب حال خود در زندگی خود خوشی و تلخی و زشت و زیباییهایی دیده و خاطره هائی دارد، من نیز به نوبه خود و خاصه از این نظر که بیشتر دوره زندگانی خود را با یتیمی با غربت یا مفارقت دوستان یا انقطاع وسائل و تهیدستی و گرفتاریهای دیگر گذرانیدم، در مسیر زندگی با فراز و نشیبهای گوناگون روبرو شده در محیطهای رنگارنگ قرار گرفته ام. ولی پیوسته حس می کردم که دست ناپیدائی مرا از هر پرتگاه خطرناک نجات می دهد، و جاذبه مرموزی از میان هزارها مانع بیرون کشیده به سوی مقصد هدایت می کند.

من اگر خارم و گر گل، چمن آرائی هم هست که از آن دست که می پروردم می رویم

ص: 1566

در اوائل تحصیل که به صرف و نحو اشتغال داشتیم علاقه زیادی به ادامه تحصیل نداشتیم، و از این روی هرچه می خواندم نمی فهمیدم و چهار سال بهمین نحو گذرانیدم. پس از آن یکباره عنایت خدائی دامن گیرم شده عوضم کرد. و در خود یک نوع شیفتگی و بی تابی نسبت به تحصیل کمال حس نمودم، به طوری که از همان روز تا پایان ایام تحصیل که تقریباً هفده سال کشید، هرگز نسبت به تعلیم و تفکر شیرین حوادث در برابر می پنداشتیم. بساط معاشرت غیر اهل علم را به کلی برچیدم. در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی به حداقل ضروری قناعت نموده، باقی را به مطالعه می پرداختم. بسیار می شد (و بویژه در بهار و تابستان) که شب را تا طلوع آفتاب با مطالعه می گذرانیدم، و همیشه درس فردا را شب پیش مطالعه می کردم، و اگر اشکالی پیش می آمد با هر خودکشی بود حل می نمودم، و وقتی که به درس حضور می یافتم، آنچه استاد می گفت قبلاً روشن بودم، و هرگز اشکال و اشتباه درس پیش استاد نمی بردم.

### **از آثار مختصری که هنگام تحصیل در نجف تهیه کرده ام:**

1- رساله در برهان.

2- رساله در مغالطه.

3- رساله در تحلیل.

4- رساله ای در ترکیب.

5- رساله ای در اعتباریات (افکاری که ساخته خود انسان است).

6- رساله ای در نبوات و منامات.

### **از آثاری که در اوقات اقامت تبریز تألیف شده:**

1- رساله ای در اثبات ذات.

2- رساله ای در اسماء و صفات.

ص: 1567

3- رساله ای در افعال.

4- رساله ای در وسائط میان خدا و انسان.

5- رساله انسان قبل الدنيا.

6- رساله انسان فی الدنيا.

7- رساله انسان بعد الدنيا.

8- رساله ای در ولایت.

9- رساله ای در نبوت، (در این رساله ها میان عقل و نقل تطبیق شده).

10- کتاب سلسله انساب طباطبائیان آذربایجان.

\*

### **آثاری که در قم به رشته تحریر درآمده است:**

1- تفسیر المیزان که تاکنون چند مجلد آن منتشر شد. در این کتاب با روش بی سابقه ای آیه به آیه تفسیر شده است (در 20 جلد به انجام رسید).

2- اصول فلسفه (روش رئالیسم) در این کتاب هر دو فلسفه شرق و غرب بررسی می شود (در پنج جلد).

3- حاشیه علی کفایه الاصول.

4- وحی یا شعور مرموز.

5- دورساله در ولایت و حکومت اسلامی (فارسی و عربی).

ص: 1568

6- مصاحبه های سال 1338 ش با پروفیسور کربن مستشرق فرانسوی در یک جلد (به نام شیعه چاپ گردید).

7- مصاحبه های سال 39 و سال 40 با معظم له در یک جلد (به نام رسالت تشیع در دنیای امروز چاپ شده است).

8- رساله در اعجاز.

### سایر آثار ایشان:

1- حاشیه علی الاسفار، در 9 جلد.

2- علی علیه السلام و الفلسفه الالهیه.

3- شیعه در اسلام.

4- قرآن در اسلام.

5- سنن النبی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم.

علامه سید محمد حسین طباطبائی شهید مرتضی مطهری

همی گویم و گفته ام بارها بود کیش من مهر دلدارها

پرستش به مستی است در کیش مهر، برونند زین جرگه هشیارها

ص: 1569

به شادی و آسایش و خوب و خور ندارد کاری دل افکارها  
به جز اشک چشم و به جز داغ دل نباشد به دست گرفتارها  
کشیدند در کوی دلدادگان میان دل و کام، دیوارها  
چه فرهادها مرده در کوهها چه حلاجها رفته بر دارها  
چه دارد جهان جز دل مهر یار مگر توده هایی و پندارها  
ولی رادمردان و وارستگان نیازند هرگز به مردارها  
مهین مهرورزان که آزاده اند چه گلهای رنگین به جویبارها  
بهاران که شاباش ریزد سپهر به دامان گلشن زرگبارها  
کشد رخت سبزه به هامون و دشت، زند بارگه، گل به گلزارها  
نگارش دهد گلبن جویبار در آئینه آب رخسارها...

سرانجام روز یکشنبه 18 محرم 1402 / ق مطابق با 24 آبان 1360 / ش به سن 81 سالگی در بیمارستان آیت الله گلپایگانی قم در پی بیماری درگذشت.

جسدش روز دوشنبه تشییع و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

-منابع

1- آثار الحجّه 67/2.

2- اعیان الشیعه 254/9.

3- رجال قم 151.

4- فرهنگ شاعران زبان پارسی 371.

5- فهرست کتابهای چاپی فارسی طبی 835/1.

6- گنجینه دانشمندان 226/2.

7- مستدرک اعیان الشیعه 169/1.

8- مفسران شيعه.

9- مؤلفين كتب چاپی 863/2.

ص: 1570

10-نقباء البشر 645/2.

11-نگین سخن 514/4.

**سید محمد حسین جزائری «ناشر الاسلام»**

## **اشاره**

(1305-1396 ق)

حاج سید محمد حسین فرزند سید محمد و نوه سید نعمه الله موسوی جزائری شوشتری، ملقب به (ناشر الاسلام) از نوادگان علامه سید نعمت الله جزائری و از بزرگان و مبلغان معروف بود.

ایشان در رمضان 1305/ق در شوشتر دیده به جهان گشود.

## **تحصیلات عالی**

وی پس از آموختن مقدمات و قسمتی از سطوح و اشتغال به وعظ و خطابه، در سال 1337 ق به عتبات عالیات مهاجرت و مدتی در سامرا اقامت کرد و از آنجا به نجف اشرف مشرف گردید و از محضر آیات: میرزا علی ایروانی، شیخ محمد تقی قمشه ای و سید ابو الحسن اصفهانی استفاده نمود.

## **سفرهای تبلیغی**

وی سفری به هند برای معالجه چشم کرد و بعد از معالجه به آفریقای شرقی رفت و پس از توقف یک ساله به نجف اشرف بازگشت و مجدداً به آفریقا سفر کرد و چند سال مشغول ترویج و تبلیغ احکام دین و هدایت مردم بود.

ص: 1571

وی از جزیره ماداگاسکار به زنگبار رفت و یک سال در آنجا توقف نمود. آنگاه به نجف اشرف مراجعت کرد. سفر سوم وی به آفریقا در زمان مرجعیت آیه الله بروجردی و به امر معظم له انجام گرفت و دو سال تمام به تبلیغ اشتغال داشت و بار دیگر به نجف اشرف معاودت نمود. تا اینکه در سال 1391 ق در اثر فشارهای دولت عراق به ایران مهاجرت و در قم رحل اقامت افکند و چندی هم در تهران (در دولت آباد) بسربرد.

## از آثار او

- 1- اسلام و دانش در علم الاجتماع (به زبان فارسی).
- 2- الاربعون الناشریه (چهل حدیث با ترجمه فارسی).
- 3- الحدیقه الناشریه فی الاخلاق و الآداب و السنن.
- 4- العشرات الناشریه فی الاحادیث الدینیة و الاخلاقیه.
- 5- بوستان اسلام در اخلاق (به زبان گجراتی) و به نام «بوستان اثنی عشری» نیز چاپ شده است.
- 6- ساختمان بشر در شرح حدیث نبوی (من عرف نفسه، فقد عرف ربه).
- 7- طلب الثار فی احوال المختار (مع ذکر تاریخ میثم التمار).
- 8- کشکول ناشریه (فارسی - دو جلد).
- 9- مختار بن ابی عبیده ثقفی (فارسی).
- 10- نور الهدایه در احکام فقه (به زبان گجراتی).
- 11- وسیله ناشریه در عقاید (به زبان گجراتی).

## درگذشت و اعقاب

ایشان در روز چهارشنبه 16 ذی حجه 1396/ ق مطابق با 17 آذر/ 1355 ش در سن 91 سالگی در بیمارستان تهران درگذشت و در انتهای قبرستان



وادی السلام قم به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- سید محمّد 2- سید کاظم 3- سید حسن 4- سید علی نجفی 5- سید جعفر 6- سید رضا 7- سید جواد 8- سید مهدی 9- سید هادی  
10- سید جلال

- منابع

1- دایره‌المعارف اعلمی 53/13.

2- شجره مبارکه یا برگی از تاریخ خوزستان 225/1.

3- گنجینه دانشمندان 280/2.

4- مقدمه حدیقه الناشریه به قلم فرزندش سید علی.

5- مؤلفین کتب چاپی 868/2.

6- نقباء البشر 652/2.

**شیخ محمّد حسین خراسانی «پائین خیابانی»**

### اشاره

(1406-1336 ق)

حاج شیخ محمّد حسین خراسانی فرزند شیخ حسن و نوه شیخ اسماعیل پائین خیابانی، از فضلا و اساتید حوزه بود.

وی در 3/شعبان 1336/ق در مشهد مقدس متولد شد.

پدرش از فضلا و اوتاد عصر خود، و ملا صالح جدّ سوم ایشان دارای کرامت بوده است.

شیخ محمّد حسین پس از پرورش، مدت چهار سال در مدرسه پائین پا (که فعلا اثری از آن نمانده و جزو آستانه شده است) ادبیات را خواند و پنج سال در مدرسه میرزا جعفر اشتغال به تحصیل داشت و مدت یک سال شبها را نخوابیده و غالب ادبیات را نزد شمس و حاج محقق نوغانی، و رسائل و مکاسب را نزد شیخ حسن

ص: 1573

برسی، و کفایه را خدمت آیت الله میرزا احمد کفائی، و منظومه را از سید ابو القاسم حکیم الهی، و اسفار و شواهد الربوبیه را نزد حکیم متأله سید آقا بزرگ شهیدی، و مقداری از خارج را خدمت آیت الله میرزا محمد آقازاده خراسانی، و در این خلال نجوم و هیئت و هندسه را نزد مدرس آستان مبارک حاج غلامحسین زرگر (شاگرد حاج فاضل)، و ادعیه و اوراد و اذکار و ریاضات و مجاهدات را نزد شیخ حسنعلی اصفهانی «نخودکی» آموخته است.

وی در غائله مسجد گوهرشاد در سال 1354 ق، بعد از چهل روز در میان کوهها با لباس مبدل به طور غیر رسمی به تهران رفت و از آنجا به کرمانشاه و بعد از دو ماه توقف از راه غیر رسمی به عتبات عالیات خود را رساند، و اساتید مختلفی را درک و قریب ده سال در مدرسه یزدی «صاحب عروه» اشتغال به تحصیل داشت، و نزدیک یک سالی از میرزا محمد حسین نائینی و مدت شش سال از شیخ موسی خوانساری «صاحب منیه الطالب»، و نیز از سید جمال الدین گلپایگانی و نیز شیخ محمد کاظم شیرازی و شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و از همه بیشتر شیخ ضیاء الدین عراقی، و مدت دو سال از فقه سید ابو الحسن اصفهانی استفاده نمود.

درس اخلاق را از استاد السالکین سید علی قاضی طباطبائی مدت دوازده سال بهره مند شد و قریب سه سال در اواخر اقامت نجف اشرف در مسجد سهله و مسجد کوفه به سر برده است.

ایشان پس از بیست سال توقف با تصدیق و کسب اجازه اجتهاد به ایران

ص: 1574

برگشت، و مدت چهارده سال در مشهد اقامت و اشتغال به تدریس و اقامه جماعت در مسجد گوهرشاد نمود، و در رمضان منبر می رفت و برای مردم تفسیر و عقاید می گفت، هزارها نفر از مردم مشهد و زائران از بیاناتشان بهره مند می شدند، تا در اواخر به واسطه بعضی از جهات از توقف در مشهد ممنوع شده ناچار با عائله حرکت به عتبات عالیات نمود، و مدت سه سال در عراق اقامت و در مسجد هندی به تدریس پرداخت و جمع زیادی از فضلا از درس و محضرش استفاده نمودند، تا اینکه در سال 1388 ق دو مرتبه به ایران مراجعت و مدتی در شهر ری توقف و بعدا به تهران منتقل و در «مسجد بازار بزرگ» در ظهرها و شبها در مسجد میدان شاهپور اقامه جماعت داشتند.

### **آثار مطبوع ایشان عبارت است از:**

1- اسرار الصلاة.

2- نخبه الکلام فی معرفه الامام.

3- رساله ای در جبر و تفویض.

4- شرح دعای عرفه.

5- خلاصه الاصول.

6- الاربعون حدیثا.

7- مقتل الامام الحسین علیه السلام.

ص: 1575

علامه خراسانی سرانجام در غروب روز پنجشنبه عاشورای 1406 ق مطابق با 4مهر 1364/ ش در قم درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام مدفون شد.

- منبع

1- گنجینه دانشمندان 432/4 و 194/7.

**شیخ محمد حسین دزفولی «خادم الشریعه»**

**اشاره**

(1320-1416 ق)

حاج شیخ محمد حسین فرزند شیخ محمد علی دزفولی ملقب به «خادم الشریعه»، از علمای کهنسال حوزه علمیه قم بود. وی به تاریخ 18 اردیبهشت 1281/ ش در دزفول دیده به جهان گشود.

**در حوزه های علمیه**

پس از طی مقدمات، سطوح را نزد آیت الله شیخ محمد رضا معزی دزفولی تلمذ کرد، و به نجف اشرف عزیمت و از محضر آیات: شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی استفاده نمود، و پس از اقامت حدود سه الی چهار سال در آن دیار به ایران مراجعت، و در زمان ریاست آیت الله شیخ عبد الکریم حائری یزدی به قم مهاجرت کرد، و از محضر آن جناب و آیت الله سید محمد حجت کوه کمری

ص: 1576

بهره مند گردید، و نیز از محضر آیاتی همچون: سید محمد تقی خوانساری، سید صدر الدین صدر و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود.

### **ویژگیهای فردی و اجتماعی**

وی مردی عالم، زاهد، اخلاقی، دائم الذکر و گوشه گیر بود، و نیز در ادبیات عرب مهارت بسزایی داشت، و یکی از مدرسین سطح به شمار می رفت، و از دیگر ویژگیهای ایشان حدت ذهن و محفوظات زیاد بود.

خادم الشریعه با عده ای از علما رابطه و الفت داشت، و از جمله آنان حضرات آیات: سید محمد داماد یزدی، شیخ محمد فکور یزدی و شیخ مرتضی حائری یزدی، را می توان نام برد.

از راست به چپ: سید محمد رضوی قمی، خادم الشریعه، سید محمد داماد یزدی

### **درگذشت و اعقاب**

ایشان در روز دوشنبه 4 صفر 1416 / ق مطابق با 12 تیر 1374 / ش در پی

ص: 1577

دو سال بیماری و بستری در قم درگذشت، و جنازه اش روز چهارشنبه تشییع و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

1- حجه الاسلام شیخ محمد رضا خادم الشریعه، در سال 1351 ق در دزفول متولد شد، و در سن کودکی همراه پدرش به قم رفت، و نزد ایشان مقدمات را آموخت، و سطح را نزد آیات: سید شهاب الدین مرعشی نجفی و سید محمد باقر طباطبائی سلطانی تلمذ کرد، و دروس خارج را از محضر آیات: مرعشی نجفی، سید محمد رضا گلپایگانی و سید محمد روحانی قمی استفاده نمود. در ضمن ایشان به تهران رفت و از دانشکده ادبیات «لیسانس ادبیات عرب» به سال 1342 ش دریافت داشت.

از آثار او: 1- ریشه های دین (چاپ شده) 2- مقایسه حق و باطل (خطی).

2- شیخ محمد کاظم 3- مرحوم آقا محمد باقر 4- مرحوم آقا محمد جعفر و پنج دختر.

-منابع

1- آثار الحجه 117/2 (لقبش را «معین الشریعه» ذکر کرده، که اشتباه است).

2- افادات فرزند مرحوم، جناب آقای شیخ محمد رضا.

3- گنجینه دانشمندان 136/2.

**شیخ محمد حسین دهاقانی «خرد»**

**اشاره**

(1327-1404 ق)

حاج شیخ محمد حسین [ابتدا نامش عباس بود و هنگام سفر به عتبات به محمد حسین مبدل ساخت] فرزند آقا محمد جواد دهاقانی اصفهانی، معروف به (خرد)، یکی از فقها و اندیشمندان معروف حوزه های علمیه بود.

ص: 1578

وی در سال 1327 ق در دهقان اصفهان در خانواده معروف به «اسماعیلیان» دیده به جهان گشود.

## در حوزه های علمیه

ایشان پس از آموختن مقدمات در زادگاه خود به سال 1343 ق به حوزه علمیه اصفهان رفت و نزد اساتید آن زمان تحصیل کرد. آنگاه به حوزه علمیه قم رهسپار شد و سطوح را نزد آیاتی همچون: سید محمد تقی خوانساری، سید شهاب الدین مرعشی و سید محمد رضا گلپایگانی به انجام رسانید.

نامبرده در حدود سال 1352 ق به حوزه علمیه نجف اشرف مهاجرت کرد و دروس عالی حوزه را از محضر فقهانی چون: شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، سید ابو الحسن اصفهانی و میرزا عبد الهادی شیرازی استفاده نمود. آنگاه خود به تدریس متون کتب درسی پرداخت.

وی در فقه و اصول تبحر کامل حاصل نمود و در فروع و اصول حضور ذهنی داشت و امید آن می رفت که به زعامت دینی برسد. ولی زهد و تقوای ایشان، او را از قبول آن مسئولیت دور می ساخت.

مرحوم خرد، در پی فشارهای دولت عراق و پس از سالها اقامت در جوار مولای متقیان، در سال 1391 ق به ایران بازگشت و در شهر مذهبی قم سکونت اختیار نمود و به تهذیب نفس و عبادت همت گماشت.

ایشان در 6/ محرم 1404/ ق در سن 77 سالگی در پی بیماری در قم درگذشت و جسدش در صحن حضرت معصومه علیها السلام - در اطافی که مجاور مقبره

ص: 1579

آیت الله شیخ فضل الله نوری-به خاک سپرده شد.

مرحوم خرد داماد علامه سید جعفر شیرازی برادر آیت الله میرزا مهدی شیرازی حائری بود.

سید جعفر از جمله شاگردان آیات: برادرش میرزا مهدی شیرازی، میرزا علی آقا شیرازی و برادر همسرش میرزا عبد الهادی شیرازی محسوب می شود. نامبرده در پی بیماری جهت معالجه به تهران رهسپار شد ولی معالجات سودی نبخشید و در سال 1370 ق درگذشت و در جوار حضرت عبد العظیم حسنی در شهر ری-در مقبره ابو الفتوح رازی-به خاک سپرده شد. جهت تفصیل بیشتر به اختران فرزندان ری و تهران 229 رجوع شود.

تنها فرزند ذکور مرحوم خرد دهقانی آقا محمد علی خرد که فعلا در قم زندگی می کند.

-منابع

1-آینه دانشوران 346.

2-اطلاعات شفاهی از فرزند مرحوم.

3-سراج المعانی در احوالات سید ابو الحسن اصفهانی 132.

4-گنجینه دانشمندان 148/2.

5-مستدرک اعیان الشیعه 228/3.

6-معجم القبور و وفیات الاعلام (خطی-رازی).

**شیخ محمد حسین رازانی بروجردی**

(1322-1410 ق)

حاج شیخ محمد حسین فرزند میرزا علی محمد رازانی بروجردی، از بزرگان و فضلاء معاصر بود.

والد ماجدش از علمای مبرز و معروف عصر خود و از اساتید آیت الله سید حسین

ص: 1580



طباطبائی بروجردی بود، که در سال 1324 ق در کربلا به رحمت ایزدی پیوست.

رازانی در سال 1322 ق در بروجرد متولد شد و در دوسالگی پدر را از دست داد و پس از وصول به حد تمیز مبادی علوم ادبیات عرب را از اساتید عصر از جمله شیخ محمد ابراهیم مدرس فراگرفت، و در سن بیست و دوسالگی (در سال 1344 ق) برای تکمیل تحصیلات خویش به قم عزیمت و سطوح فقه و اصول را از اساتید فن استفاده کرد، سپس در درس خارج آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی فقها و اصولاً شرکت نمود. در ضمن به تدریس سطوح فقه و اصول مشغول تا در سال 1352 ق به بروجرد مراجعت و به افتخار دامادی آیت الله شیخ محمد حسین غروی بروجردی نایل گردید، و در حوزه علمیه به تدریس مشغول شد. یک سال از محضر آیت الله غروی و سپس از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی استفاضه کرد و پس از مهاجرت آیت الله بروجردی به قم مجدداً به آن دیار رهسپار شد، و در احیای حوزه علمیه قم و تشکیلات منظم مربوط به آن فعالیت به سزائی داشت، و سعی نمود که اضافه بر سامان داشتن حوزه از حیث برنامه تحصیلاتی، شعب مختلفه و عطف و خطابه و تخصص در رشته های اصول دین و علم اخلاق و اعزام مبلغ به شهرستانهای داخل و کشورهای خارج دایر شود، و لیکن حوادث و موانع و مشکلاتی مانع از تحقق آمال مذکوره شد و به بروجرد مراجعت کرد و مانند سابق به تدریس و مباحثات دسته جمعی مشغول شد. تا اینکه به تهران مهاجرت کرد و در آنجا خواستاران فضیلت از انوار معارفش

ص: 1581

بهره ور می شدند.

علامه رازانی در روز جمعه /14 جمادی الثانی 1410/ ق مطابق با /22دی/ 1368 ش در شیراز درگذشت و در قبرستان حاج شیخ قم-در مقبره آیت الله غروی ابوالزوجه خود-مدفون شد.

-منابع

1-تاریخ بروجرد 574/2.

2-گنجینه دانشمندان 463/4.

**شیخ محمد حسین سبحانی تبریزی**

**اشاره**

(1300-1392 ق)

حاج شیخ محمد حسین فرزند محمد جعفر و نوه فرج الله خیابانی تبریزی (سبحانی)، از علمای مبرز و معروف تبریز بود.

در /19 رمضان 1300/ ق در شهرستان تبریز متولد گردید.

پس از آموختن مقدمات و ادبیات به تحصیل سایر معارف اسلامی پرداخت، نجوم و حساب استدلالی را نزد علامه میرزا عبد العلی منجم تبریزی و اشارات ابو علی را نزد فیلسوف دوران شیخ حسین قراچه داغی، و سطوح فقه و اصول را نزد آیت الله سید ابو الحسن انگجی تلمذ کرد.

در سال 1327 ق راهی نجف اشرف شد و مدت 12 سال تمام از محضر

ص: 1582

اساتید آن دانشگاه بزرگ مانند: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، شیخ الشریعہ اصفهانی و شیخ ضیاء الدین عراقی استفاده نمود. و در سال 1339 ق به ایران مراجعت و در زادگاه خود اقامت نمود و به تدریس و ارشاد و تألیف پرداخت.

## از آثار او

- 1- احکام الصلاه (تقریرات شیخ الشریعہ).
  - 2- المواعظ و الاخلاق.
  - 3- تحدید الکر و زنا و مساحه.
  - 4- تعریف البیع و الفرق بین الحق و الحکم.
  - 5- تقریرات عراقی.
  - 6- توقف الاجتهاد علی العلم بالرجال.
  - 7- حاشیه علی کفایه الاصول به نام (نکت الکفایه).
  - 8- حاشیه علی الرسائل به نام (ارشاد الأفاضل الی مطالب الرسائل).
  - 9- حاشیه علی کتاب الطهاره (از شیخ انصاری).
  - 10- ملاقی الشبهه المحصوره و حکم المضطر الی ارتکابها.
  - 11- نخبه الأزهار فی بحث الخیار (تقریرات شیخ الشریعہ).
- استاد شیخ محمد رازی می نویسد، (مرحوم آیت الله خیابانی در خلق و حلم و تواضع و فروتنی و زهد و تقوا در میان علما و بزرگان شهر تبریز ضرب المثل بود.
- طرز زندگی و نحوه معاشرت و شیوه سخن گفتن او انسان را به یاد خدا افکنده، در افراد مستعد اثر عمیق و انقلاب خاصی به وجود می آورد).

شرح حال زیر به قلم خود ایشان است که در کتاب علماء معاصرین آمده، تقدیم می گردد:

تولد عبد فقیر آثم المفتقر الی رحمہ ربّہ العاصم محمد حسین بن حاج محمد جعفر تبریزی خیابانی. در تبریز شب 19 شهر رمضان المبارک سنه 1300 ق واقع

شده. و چون به هفت سالگی رسیدم، مشغول تعلم قرآن مجید و بعض کتب فارسیّه. پس از آن به تحصیل مقدمات عربیّه در مدرسه طالبیّه و ریاضیّات خدمت استادان فن: مولی میرزا عبد العلی منجم (طیب الله رسمه) بعد به علم فقه و اصول در حضور جمعی از اجلّه که مراجع شیعه در احکام دینیّه بودند مشغول شده، فرائد و مکاسب و ریاض و مقداری درس خارج را خواندم و در خلال این حال به معقول نیز نزد بعض تلامذ مولی علی لنکرانی پرداختم، ولی به همین نیز قانع نشده سنه 1327 به نجف اشرف مسافرت کرده، به درس جمله ای از اعلام عظام منهم المولی المحقق العلامه شیخ الشریعه الاصفهانی و آیت الله العلامه السید محمّد کاظم الطباطبائی الیزدی و آیت الله آقا ضیاء الدّین العراقی حاضر شده و تقریرات ابحاث ایشان را در فقه و اصول نوشتم و زیاده از ده سال در خدمت شریعت اصفهانی بودم.

و اجازات عدیده که عماد الدّین و رؤسا المذهب نوشته اند، به خطوطهم و خواتیهم و امضائهم نزد حقیر موجود است و ایشان حجج الاسلام و آیات الله شیخ الشریعه الاصفهانی و المولی المیرزا محمّد تقی الشیرازی و السیّد محمّد الفیروزآبادی و الحاج الشیخ عبد الکریم الحائری و الاغاضیاء الدّین العراقی و السیّد ابو الحسن الاصفهانی و غیرهم (اعلی الله مقامهم) هستند.

### صورت اجازة میرزا محمّد تقی شیرازی قدس سرّه

الحمد لله الذی رفع قدر العلماء و فضّل مدادهم علی دماء الشهداء و الصّلاه و السّلام علی سیّدنا محمّد خاتم الانبیاء و سیّد المرسلین و علی آله الأئمه الطّاهرین المعصومین.

مخفی و مستور نماند اینکه، جناب مستطاب العالم العامل و الفاضل الكامل مروّج احکام دین مبین آقای آقا میرزا محمّد حسین آقا التبریزی (دامت توفیقاته) از قبل اینجانب ماذون هستند در تصدی امور حسیّه که جواز و نفوذ آن موقوف باذن

فقيه جامع الشرائط است که ان شاء الله تعالی اخوان مؤمنین که از اهل آن ولایت از سکنه و اهالی از علما و تجار و غیرهم (وقفهم الله تعالی) وجود آن جناب را مغتنم دانسته و از فوائد ایشان محظوظ باشند و احترامات در حق ایشان کما ینبغی مرعی بدارند. و ایضا ماذون است در اخذ سهم امام علیه السلام و در صرف آن حسب حاجته الشرعیّه و در سایر موارد مهمّه و لازمه که ان شاء الله محسوب است و لازم است بر جنابشان که قبض از اینجانب بر ارباب وجوه برسانند.

الاحقر محمد تقی الحائری

### صورت اجازة آقا ضیاء الدین عراقی قدس سره

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين المعصومين ولعنه الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين.

وبعد، فان العالم العامل والفاضل الكامل بحر التقى وعلم الهدى جامع المعقول والمنقول حاوى الفروع والاصول فخر الفضلاء الفخام وافتخار الفقهاء القمقام، شيخنا المكرّم ومولانا الاعظم الشيخ محمد حسين التبريزى. قد هاجر عن وطنه الشريف طالبا لتحصيل الكمال و مجددا فى تحصيل العزّ والاستقلال فجدّ واجتهد الى ان بلغ الى درجه الاجتهاد، فأنه منتهى المراد والله درّ من يعرف قدره ويأتمر بأمره و يحفظ قوله وله التصدى فى الامور الحسينيه التى شان المجتهدين تصديها وله العمل بما استنبط على الطريقة المعروفة و عليه التجنّب عن الشبهات لكى لا يهلك من حيث لا يعلم و اوصيه ان لا ينسانى عن الدعاء فى مظانّ استجابته.

و انا الاحقر الضعيف ضياء الدین بن محمد العراقى «عفى عنهما».

الراجى ضياء الدین

ايضا در حاشیه می فرماید: توضیح اینکه مؤمنین و متدینین که از باب سهم امام (علیه آلاف التحية والسلام) برعهده آنها هست و محلّ وى را می جویند به جناب

ص: 1585

ایشان برسانند خودشان برطبق تکلیف شرعی خود به مقدار احتیاج سنه صرف نموده و ما بقی را به اُعتاب مقدسه برسانند.

ضیاء الدین العراقي

## درگذشت

سرانجام در ظهر روز شنبه / 11 شوال 1392/ ق مطابق با 27/آبان/ 1351 ش به سن 93 سالگی در تبریز درگذشت، و در قبرستان ابو حسین قم - مقبره العلماء- به خاک سپرده شد.

فرزند برومند و ارجمند ایشان آقای شیخ جعفر سبحانی از علما و مدرسین حوزه علمیه قم می باشند.

شیخ جعفر سبحانی تبریزی

-منابع

1- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 162/3.

2- علماء معاصرین 396.

3- گنجینه دانشمندان 314/3.

4- مقدمه احکام الصلاة، به قلم آقای سید احمد حسینی اشکوری.

5- نقباء البشر 559/2.

**شیخ محمد حسین صدقی مازندرانی**

**اشاره**

(1344-1412 ق)

شیخ محمد حسین فرزند علامه شیخ علی و نوه آیت الله شیخ محمد مازندرانی حائری، ملقب به «صدقی» از دانشمندان و اساتید توانای حوزه بود.

ص: 1586

## در حوزه علمیه کربلا

ایشان مقدمات را نزد پدرش آموخت و سطوح را نزد آیات: شیخ محمد جواد محولاتی خراسانی، شیخ محمد علی سرابی، سید حسن طباطبائی قمی و شیخ یوسف خراسانی تلمذ کرد و دروس خارج را از محضر آیات: حاج آقا حسین طباطبائی قمی، سید مهدی شیرازی، شیخ محمد رضا جرقوه ای اصفهانی و سید محمد هادی میلانی استفاده نمود، و خود به تدریس کتابهای سطح و ورزید و عده ای از طلاب و فضلا را تربیت نمود.

## هجرت به قم

در سال 1391 ق در اثر فشارهای دولت عراق به ایران مهاجرت کرد و در قم رحل اقامت افکند و به تدریس خود ادامه داد. البته در سالهای آخر عمر درس خارج عروه را به طور خصوصی تدریس می کرد.

ایشان علاوه بر تسلط بر فقه و اصول در علوم دیگر چون: تفسیر قرآن و علم الحدیث مهارت کامل داشت. وی از اجتماع دوری می جست و همواره انزوا و تنهایی را ترجیح می داد و گاهی هم تندی بر او حاکم می شد. به مجالس اهل بیت علیهم السلام علاقه وافری داشت، و خود در منزلش مجالسی بر پا می کرد و معمولاً بزرگان در آن حضور پیدا می کردند. نامبرده داماد علامه شیخ محمود دانش شد.

ولی اولادی از صبیبه ایشان به وجود نیامد. او برادری داشت به نام «شیخ نور الدین» که از فضیلتی کربلا بود.

## از آثار او

1- تقریرات درس میلانی.

## درگذشت

ایشان بامداد روز دوشنبه 17 محرم 1412/ ق مطابق با 7 مرداد/ 1370 ش در قم دچار سکته قلبی شد و به دیدار محبوب شتافت. جنازه اش عصر روز سه شنبه تشییع و در وسط قبرستان حاج شیخ با کد (25345) به خاک سپرده شد.

-منابع

1- اعلام کربلا (خطی - خوشحالت).

2- حوادث الایام (خطی - حائری)، تولدش را در سال 1341 ق نوشته است.

3- نعباء البشر 1530/4 (در پاورقی).

4- یادداشتهای شخصی نگارنده.

## سید محمد حسین طباطبائی بروجردی

(ح 1269-1334 ق)

سید محمد حسین فرزند میرزا ابو تراب طباطبائی بروجردی، یکی از فقها و دانشمندان بروجرد بود.

وی تحصیلات عالی خود را در حوزه های اصفهان و نجف اشرف به انجام رسانید. در نجف از جمله شاگردان آیت الله میرزا حبیب الله رشتی بود که موفق به دریافت اجازه نامه مفصلی از او شد. و پس از بازگشت به بروجرد در حوزه علمیه آن دیار به تدریس پرداخت.

ص: 1588



نامبرده در سال 1334 ق در حدود 65 سالگی در بروجرد درگذشت و جسدش به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام- در مقبره خانوادگی- به خاک سپرده شد.

**سید محمد حسین طباطبائی حکیم**

**اشاره**

(1333-1410 ق)

حاج سید محمد حسین فرزند سید سعید و نوه سید حسین طباطبائی حکیم، از فقها و اساتید حوزه بود.

وی در 10/ربیع الثانی 1333/ق در نجف اشرف متولد گردید.

سید محمد حسین مقدمات را نزد پدرش آموخت و پس از سپری کردن دوره سطح، دروس خارج را از محضر آیات: سید محسن طباطبائی حکیم، شیخ حسین حلی و سید ابو القاسم خوئی استفاده نمود. البته بیشترین استفاده را از درس آیت الله حلی برد.

سپس خود به تدریس و تربیت طلاب اهتمام ورزید.

ایشان همراه جمع کثیری از خاندان طباطبائی حکیم در شعبان 1403/ق در بغداد، به زندان افکنده شدند و پس از گذشت چند هفته، شش نفر از فرزندان آیت الله سید محسن حکیم در مقابل چشمانش تیرباران شدند و ایشان را از راه ترکیه به ایران تبعید کردند! و برخلاف میل خود در ایران ماند و در حوزه علمیه قم سکونت اختیار نمود.

ص: 1589

نامبرده که با نام‌لایمات سازگاری می‌کرد و مشکلات را تحمل می‌نمود، سرانجام در شب چهارشنبه 23 ربیع الاول 1410/ق در قم دچار حمله قلبی شد و در یکی از بیمارستانهای تهران بستری گردید. ولی معالجات سودی نبخشید و در ظهر روز دوشنبه 29 ربیع الاول دارفانی را وداع گفت. پیکرش ابتدا در تهران و سپس در قم تشییع شد و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله سید شهاب الدین مرعشی در حرم حضرت معصومه علیها السلام-مسجد بالاسر-به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

1-مرحوم سید محمد رضا 2-مرحوم سید محمد 3-مرحوم سید عبد الصاحب 4-حجه الاسلام سید صالح 5-سید عز الدین.

## شیخ محمد حسین غریب تنکابنی

## اشاره

(1279-1354 ق)

شیخ محمد حسین فرزند حبیب الله نوه قربان علی سمامی مشهور به «غریب تنکابنی» از فقها و دانشمندان بزرگ بود.

او در 20 صفر 1279/ق در رامسر متولد گردید.

غریب در سن پنج سالگی شروع به خواندن و نوشتن و فراگرفتن قرآن نمود، و در سن هشت سالگی مقدمات را در مدرسه علمیه «نارنج بن» نزد پدرش و مدرسه علمیه «آخوند محله» فراگرفت سپس عازم قزوین شد. و پس از اقامت مختصری در آنجا رهسپار تهران گردید، و سطوح عالیة فقه و اصول را نزد دانشمندان عصر، و حکمت را نزد میرزا ابو الحسن اصفهانی «جلوه» و شیخ محمد رضا قمشه ای تلمذ نمود.

وی در آغاز سال 1304 ق به نجف اشرف رفت و تا سال 1319 ق نزد آیات:

میرزا حبیب الله رشتی، شیخ هادی تهرانی، و میرزا حسین خلیلی تهرانی تلمذ نمود

ص: 1590

و به درجه اجتهاد نایل و از اساتید خود اجازه اجتهاد و روایت دریافت کرد، و به اتفاق علامه شیخ محمد رضا تنکابنی به موطن خود بازگشت و در قزوین از هم جدا شدند. شیخ محمد رضا به تهران و شیخ محمد حسین به رامسر رفت، و «مدرسه نرنج بن» را تجدید بنا نمود و تا آخر عمر در کنار مدرسه به تدریس و تعلیم و قضای حوائج عامه مشغول بود. تابستانها نیز در جورديه به تدریس اشتغال داشت.

سرانجام در روز سه شنبه 12 جمادی اول 1354/ ق مطابق با 21 مرداد/ 1314 ش در جورديه رامسر به رحمت ایزدی پیوست. و بر حسب وصیت جسدش را به قم حمل، و در قبرستان «حاج شیخ» دفن شد.

## از تألیفات او

1- جوامع الکلم، منظومه ای است در اصول فقه به زبان عربی در مدت یک ساعت و نیم به نظم در آورده، چنانکه در آخر آن خود بیان می کند:

قد تمت المنظومه فی سلخ صفر نرجو من الله نجاه من سقر

رقمه الحسین فی حال الالم ان کان فیه سهو فهو للقلم

نظمتها فی ساعه و نصفها ذلک فضل الله یؤتی من یشا

در تعریف علم ورد بر تعریف علم میرزا محمد تنکابنی صاحب قصص العلماء چنین گفته:

و الفاضل التتکابنی قد خبط خطا عظیما فاحشا فقد هبط

قد حمل العلم علی التصدیق کلامه عار من التحقیق

این منظومه به همت و هزینه «منتظم الملک» وزیر به طبع رسید.

2- العشره کامله، ده قاعده در اصول فقه به زبان عربی است. نسخه اصل را منتظم الملک وزیر جهت چاپ از شیخ محمد حسین گرفت، ولی قبل از شروع به چاپ وفات نمود و کتاب نزد ورثه اش باقی ماند. اکنون نسخه اصل در دست

ص: 1591

نیست. اوراقی پراکنده از آن در کتابخانه فرید فرزند شیخ محمد حسین به صورت مسوده باقی است.

3- نان و پنیر، منظومه ای است فارسی به روش نان و حلوائ شیخ بهائی (رض) اصل کتاب مفقود گردیده اما اوراقی پراکنده در کتابخانه فرزندش فرید موجود می باشد.

4- تقریرات اصول فقه، این تقریرات را در نجف اشرف نوشته است.

قسمت اول در اصول فقه است، آغاز بسمله: «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و لعنه الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین اصل فی تعارض العرف و اللغه و اختلف العلماء».

انجام تا آخر صحیح و اعم: «و بالجمله لا اشکال فی اجزاء الاصل منتظم. هذا تمام الکلام فی مقدمه الكتاب و نسأل الله تعالی التوفیق فی المقاصد و الابواب و الخاتمه و صلی الله علی نبینا و عترته الطاهیرین. قد وقع الفراغ من هذا المجلد فی غره ذی القعدة الحرام من شهر سنه 1304 من الهجره» در 99 ورقه.

قسمت دوم در فقه است (کتاب صلاه).

آغاز بسمله: «الحمد لله رب العالمین و الصلاه علی محمد و آله الطاهیرین و لعنه الله علی اعدائهم اجمعین. المنهج الثانی فی کیفیه الصلاه ای هیئتها...».

انجام: «... و لا یکفی الحکمیه فی شیء. قد تمت احکام الصلاه الیومیه و الحمد لله اولاً و آخراً و حشرنا الله مع ائمتنا الطاهیرین و أسکننا معهم فی الجنات، خالدین بحق نبینا محمد و آله الطاهیرین و صلی الله علیهم اجمعین. قد وقع الفراغ فی یوم السبت 27 شوال 1305» در 151 ورقه.

5- شرح و حاشیه بر منطق التجرید، این شرح و حاشیه در هامش کتاب منطق التجرید چاپی به خط نامبرده، در کتابخانه فرزندش فرید می باشد.

6- رساله های متعدد و مختصر در بعضی از ابواب فقه از قبیل: نکاح و طلاق و غیره که به صورت مسوده در کتابخانه فرید می باشد.

7- نامبرده دارای قریحه شعری بوده، بالبداهه شعر می گفته و اغلب اشعارش

ص: 1592

عربی و پراکنده است، که بعضی از آنها در اوراق جداگانه و بعضی دیگر در پشت کتابها نوشته شده، از جمله منظومه ای در سال 1302 ق در رثای پدرش سروده، از جمله ابیاتش چنین است:

و انا الدلیل کالاسیر المرتهن سمی المظلوم حسین الممتحن

نجل العلیم العالم الاواه و خادم الشرع حبیب الله

وقد اجاب الله حین قال نم تحت التراب الطاهره فی ارض قم

قد صار مدفونا فقلنا و یح و یح مزاره جوار ابن قولویه

و نیز قصیده ای دربارهٔ اوضاع طبیعی جور دیده و اهالی رامسر سروده که از جمله ابیاتش این است:

و قریه مظلومه فی الزمن كأنها من برهوت الیمن

یوم کأن قطعہ الجنان یوم کأن مظهر العثمان

نساؤها کالدره البیضاء رجالها کالصخره الصماء

و لا یخاف أهلها من السقر و منتهی آمالهم اکل البقر

روزی قباله ای به خط سید یعقوب سجادی (دامادش) برای تأیید نزد وی آوردند، فی البداهه در حاشیهٔ قباله نوشت:

قد صدر العقد لدى العدل الثقه ابطاله من المعاصی الموبقه

و همچنین قباله ای نزد او آوردند که تأیید نماید، صاحب قباله نانوا بوده، و کلمه «نبود» را با حک (ن) مبدل به «بود» کرده بود، در ذیل قباله نوشت:

بظاهر صبیح و بیاطن زبون گهی دزد نان و گهی دزد نون

روزی به وی خبر دادند که گاو محمد اناری وارد باغ شما شده و مقداری از درختها را آسیب رسانیده، فی البداهه گفت:

قد سلک محمد الاناری مسلک الخیر فهو لا یبالی

و او را از این گونه قضایا بسیار است.

### **بازماندگان پسری وی عبارتند از:**

1- عبد الوهاب شهیر به «فرید»، متولد 1327 ق و متوفی 1401 ق مدفون در مدخل کتابخانه اش در رامسر.

2- محمد شهیر به «غریب»، متولد 1344 ق که به کار آزاد مشغول می باشند و داماد ایشان سید محمد هادی روحانی رامسری که از علمای مقیم رودسر بود.

-منابع

1-الاجازه الکبیره 169.

2-المسلسلات فی الاجازات 291/2.

3-بزرگان رامسر 165.

### **شیخ محمد حسین فاضل تونی**

#### **اشاره**

(1298-1380 ق)

استاد عالیقدر فاضل تونی، فیلسوفی برجسته که در عصر حاضر جزو فرهیختگان عرفان و معرفت بود.

#### **ولادت و آغاز تحصیل**

وی، روز بیست و پنجم/مهر 1298/ق در شهر تون(فردوس)جنوب خراسان، در خانواده ای از اهل زهد و تقوا پا به عرصه حیات نهاد. تحصیلات ابتدایی را با ذوقی سرشار در مکتب خانه آغاز کرد، و از همان ابتدا هوش و استعداد توانایش نمایان بود. در مدتی کوتاه دروس مقدماتی را فراگرفت و قرآن را به طور کامل حفظ کرد. با آنکه پدر خود را(ملا عبد العظیم تونی)در آغاز نوجوانی از دست داد، اما با وجود مشکلات معیشتی عزم را جزم کرد و ادبیات عرب(صرف و

ص:1594

نحو و معانی) را نزد ملا محمد باقر تونی و آقا میرزا حسین تونی، در فردوس فراگرفت. سپس راهی مشهد مقدس شد و حدود شش سال با تلاش جدی از محضر استادان حوزه خراسان بهره برد.

## در حوزه های مشهد و اصفهان

در درس استاد میرزا عبد الجواد ادیب نیشابوری چنان فضلی از خود نشان داد که از جناب استاد برای همیشه به نام «فاضل» خوانده شد. سپس به همراه دوست و همدرس خود، فیلسوف نامی شیخ محمد حکیم خراسانی رهسپار حوزه پر حکمت و معرفت اصفهان شد. از همان آغاز ورود، در پرتو درس پرفیض حکیم فرزانه، جهانگیر خان قشقائی قرار گرفت و مرید دلباخته وی شد. به موازات بهره مندی از فیض حکمت برای فراگیری فقه، اصول و دیگر معارف اسلامی از استادان بزرگواری مانند: سید محمد صادق خاتون آبادی، آخوند ملا محمد حسین فشارکی، سید علی نجف آبادی، و نیز حاج شیخ عبد الله گلپایگانی (که در آن زمان ناگزیر از نجف راهی اصفهان شده بود) بهره مند شد.

## توقف تهران

پس از 11 سال تحصیل جدی در اصفهان، به وطن بازگشت و چند ماهی در آنجا ماند. در بازگشت به اصفهان، هنگام عبور از تهران، با شاگرد پرآوازه حکیم میرزا ابو الحسن جلوۀ زواره ای، میرزا هاشم اشکوری (متوفای 1332 ق) آشنا شد و از این استاد مشهور حکمت، عرفان و فلسفه بهره های فراوان برد.

کتابهای گرانسنگ: شرح مفتاح الغیب، اسفار، شفای بو علی، فصوص الحکم و تمهید القواعد را از محضر ایشان فراگرفت. پس از فوت فرزانه حکمت (اشکوری) تدریس را در مدرسه دارالشفاء آغاز کرد. هم زمان در مدرسه سیاسی نیز به تدریس ادبیات عرب پرداخت، و پس از چندی تدریس فقه و منطق به عهده وی نهاده شد.

ص: 1595

در مهر 1312/ش به دعوت دکتر ولی الله نصر به عنوان استاد ادبیات عرب در دانشسرای عالی به تدریس پرداخت. و در سال 1315 ش به مقام استادی دانشگاه تهران رسید و به تدریس فلسفه در دانشکده ادبیات همت گماشت و شاگردان بسیاری را تربیت کرد.

در سال 1321 ش به استادی دانشکده معقول منقول رسید، و تا سال 1333 ش که بازنشسته گردید رسماً تدریس می نمود، و پس از آن تاریخ به تدریس خود به طور خصوصی ادامه داد.

استاد حسن زاده آملی درباره استاد تونی نگاشته اند:

«... حقاً جناب استاد فاضل تونی، ادیبی به تمام و کمال و قلمی شیوا و رسا داشت. به ویژه قلم فارسی او بسیار دلنشین بود و در انشای نثر فارسی توانا بود...»

استاد علامه شعرانی قدس سره فرمودند: من که به سن شما بودم و در تهران درس می خواندم، در همان وقت آقای فاضل تونی از اساتید حوزه علمی اصفهان بوده است، و آوازه ای به سزا داشت و شهرت علمی تمام».

آیت الله طباطبائی بروجردی که با ایشان در درس میرزا جهانگیر خان شرکت می کرده، درباره ایشان نوشته: «عماد العلماء و المتألهین».

### **از آثار اوست:**

1- تعلیقه بر شرح فصوص الحکم.

2- منتخب نهج البلاغه.

3- صرف، صرف و نحو و قرائت.

4- منتخب کلیله و دمنه و وفیات الاعیان، با شرح لغات مشکل این دو اثر.

5- منطق.

6- حکمت قدیم (تقریرات مترجم له).

ص: 1596



7- ترجمه فنون سماع طبیعی شفا.

8- الهیات.

9- حاشیه بر اسفار ملا صدرا.

10- علم رجال.

11- آیات منتخبه قرآن.

12- اصول فقه.

سرانجام این گوهر گرانبها در روز شنبه 18 شعبان 1380/ ق مطابق با 13 بهمن 1339/ ش در تهران چشم از جهان فرو بست، و در قبرستان شیخان قم (در یکی از اطاقها) به خاک سپرده شد.

-منابع

1- تاریخ حکماء و عرفای متأخر صدر المتألهین 67.

2- فردوس تون، تاریخ و جغرافیا ص 25.

3- فرهنگ عمید 629.

4- فرهنگ فارسی معین 1296/6.

5- فهرست کتابهای چاپی فارسی طبی 319/1.

6- مجله (نگاه حوزه) شماره های (15-16) ص 30.

7- مؤلفین کتب چاپی 832/2.

8- نقباء البشر 889/2 (تولدش را به سال 1290 ق نوشته است).

**شیخ محمد حسین قمی «نجار»**

**اشاره**

(-1359 ق)

شیخ محمد حسین فرزند حسن قمی ملقب به «نجار»، از دانشمندان و فقهای متقی قم بود.

ص: 1597

## تحصیل در حوزه نجف اشرف

پس از آموختن مقدمات به تهران رفت و به تحصیل سطوح پرداخت، و در سال 1310 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد، و از محضر آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی استفاده نمود، و همواره ملازم ایشان بود.

وی با جدیت تمام تحصیل کرد و از حقوق شرعی دوری می جست، و به همان مقداری که پدرش می فرستاد اکتفا می نمود. در حدود سال 1318 ق به قم مراجعت کرد و به تدریس و افاده اشتغال نمود.

ایشان در صدر مشروطیت به مشروطه خواهان پیوست، و آن را نوعی امر به معروف و نهی از منکر می دانست، و در پی شکست مشروطه خواهان به دستور «اعتضاد الدوله» حکمران قم به نجف اشرف تبعید شد، و پس از پیروزی مجدد مشروطه خواهان به قم بازگشت، و دیگر در امور سیاسی دخالت نکرد.

## درگذشت

ایشان در سال 1359 ق مطابق با 1319 ش در قم درگذشت، و در حرم علی بن جعفر علیه السلام به خاک سپرده شد؛ و از وی فرزندی فاضل به نام «شیخ احمد نجّار» (متوفای 1378 ق) بر جای مانده بود.

-منابع

1- تاریخ قم 266.

2- رجال قم 152.

3- گنجینه دانشمندان 139/1.

4- نقباء البشر 568/2.

5- وفيات علما 702.

\*

ص: 1598

(1348-1413 ق)

شیخ محمد حسین فرزند علی موحد حججی نجف آبادی، به سال 1348 ق در نجف آباد اصفهان متولد گردید.

پس از آموختن مقدمات، به اصفهان رفت و سطوح را به انجام رسانید، و در سال 1369 ق به قم عزیمت نمود و خارج را از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی بهره مند گردید. و در حدود سال 1372 ق به نجف اشرف رهسپار و از محضر آیات: میرزا عبد الهادی شیرازی، سید محمود شاهرودی، شیخ حسین حلی و سید ابو القاسم خوئی در خارج فقه و اصول استفاده نمود، و در سال 1391 ق در پی فشارهای دولت عراق به اهل علم به ایران مهاجرت و در قم سکونت اختیار کرد.

در سال 1404 ق که این جانب (جوهر کلام) به قم مهاجرت نمودم مدتی در منزل مجاور وی (در تکیه خلوص) سکونت گزیدم، مردی بسیار سنگین متین کم حرف و کم معاشرت، و همیشه دائم الذکر و الزیاره بود. از صبیبه دانشمند معظم سید محمود دهرسخی اصفهانی دارای اولاد نشد و همین طور عقیم از دنیا رفت.

### از آثار او:

1- الأولیات من الکافی.

2- تقریرات الشیرازی (فی الصلاة).

3- تقریرات الشاهرودی.

4- تقریرات الحلی.

5- تقریرات الخوئی.

6- تفسیر القرآن الکریم.

ص: 1599

او در روز پنجشنبه 27 رجب 1413/ ق مطابق با اول/ بهمن 1371/ ش به سن 65 سالگی در قم درگذشت.

-منبع

1- مستدرک الذریعه (خطی- طباطبائی یزدی).

**شیخ محمد حسین نجفی کلباسی**

**اشاره**

(1323-1418 ق)

[\(1\)](#)

دقیقا یک صد سال پیش در سالروز میلاد مسعود سالار شهیدان ابا عبد الله الحسین علیه السلام، در یکی از بیوتات عریق و مشهور اصفهان کودکی به دنیا آمد که او را «محمد حسین» نام نهادند.

**نسب شریف**

علامه تهرانی نسب ایشان را این گونه آورده: «محمد حسین، بن محمد رضا، بن محمد علی، بن محمد جعفر، بن محمد ابراهیم کلباسی اصفهانی».

**پدر بزرگوار**

نخستین معمار فکری وی، پدر بزرگوارش «شیخ محمد رضا کلباسی» از عبّاد و

ص: 1600

---

1- 1) - علی رغم ارادت فراوان مؤلف به مرحوم آیت الله کلباسی، شرح حال ایشان هنگام حروفچینی گم شد و تلاش دوستان برای یافتن آن به جایی نرسید، از این رهگذر این نوشتار توسط مصحح کتاب تهیه گردید.

زهاد عصر خود، بسیار متواضع، مؤدب، در کسب دانش و فضیلت بسیار کوشا، در ترویج مکتب تشیع پرتلاش، در خدمت به خلق و رفع مشکلات مردم سعی وافر داشت. او پس از یک عمر ارشاد، موعظه و دفاع از حریم حق، در شوال 1366 ق در اصفهان درگذشت و در تکیه مرحوم سید ترک به خاک سپرده شد.

## تحصیلات

آیت الله کلباسی مقدمات و سطوح متوسطه را در زادگاه خود در محضر اساتید بزرگواری چون میرزا محمد حسن قاضی عسکر فراگرفت، آثار نبوغ در همان اوان در پیشانی او هویدا بود. تا جایی که پیش از مهاجرت به نجف اشرف، در ایامی که هنوز بیش از 17 بهار از عمر شریفش نگذشته بود، شرح زیبایی بر کتاب «باب حادی عشر» به صورت شرح مزجی تألیف نمود.

## مهاجرت به نجف

از سال 1340 ق برای تکمیل معلومات خود به کهن ترین آکادمی بزرگ جهان تشیع، حوزه علمیه نجف اشرف رهسپار شد و از خرمن اساتید بزرگ آن روز خوشه چینی نمود، با کوله باری از دانش و تقوا و فضیلت به زادگاه خود بازگشت.

در اصفهان نیز لحظه ای از کسب دانش نیاورد و از محضر اساتیدی چون سید صادق خاتون آبادی استفاده نمود.

## در جوار خانه خدا

در سال 1366 ق مقدمات تشرف به حرمین شریفین فراهم شد، آیت الله کلباسی به سرزمین وحی تشرف یافت، فریضه حج را به جای آورد و بیش از یک سال در حرمین شریفین مجاورت نمود، در این مدت علاوه بر عبادت و زیارت حرم مطهر نبوی و ائمه بقیع علیهم السلام از کتابخانه های آن دیار، به ویژه کتابخانه «عارف

ص: 1601

حکمت» در مدینه منوره استفاده شایان نمود و از آن زمان عشق سوزان به تحقیق و کنکاش در نسخه های خطی را پیدا نمود.

### از جوار کعبه به سوی مولود کعبه

آیت الله کلباسی پس از یک سال و نیم مجاورت در حرمین شریفین، به سوی نخستین قبله مسلمانان «مسجد الاقصی» حرکت نمود، پس از زیارت انبیای عظام مدفون در سرزمین فلسطین به سوی مولود کعبه شتافت، دوازده سال تمام در جوار مولای متقیان به تحقیق، تألیف و تدریس پرداخت، از محضر بزرگان کسب فیض نمود و شیفتگان علوم اهل بیت را از اندوخته های فراوان خود سیراب نمود، سرانجام در سال 1378 ق به میهن اسلامی بازگشته، در حوزه علمیه قم رحل اقامت افکند.

### اساتید:

مهم ترین اساتید آیت الله کلباسی در اصفهان عبارت بودند از:

1- میرزا محمد حسن قاضی عسکر (1382 ق) در سطح.

2- سید محمد صادق خاتون آبادی (1348 ق) در فقه و اصول.

مهم ترین اساتید ایشان در نجف اشرف عبارت بودند از:

3- شیخ عبد الحسین رشتی (1373 ق) سطح.

4- سید ابو تراب خوانساری (1326 ق) رجال.

5- شیخ محمد جواد بلاغی (1352 ق) کلام.

6- سید حسین بادکوبه ای (1358 ق) کلام.

7- شیخ مرتضی طالقانی (1364 ق) معارف.

8- میرزا آغا اصطهباناتی (1380 ق) سطوح عالی.

9- آقا ضیاء عراقی (1361 ق) خارج اصول.

10- سید ابو الحسن اصفهانی (1365 ق) فقه و اصول.

11- شیخ محمد کاظم شیرازی (1367 ق) فقه و اصول.

12- شیخ حسین حلی (1375 ق) خارج اصول.

13- میرزا عبد الهادی شیرازی (1382 ق) فقه و اصول.

### ویژگیهای اخلاقی

علامه تهرانی آیت الله کلباسی را به عنوان دانشمندی فرزانه، عالمی جلیل القدر و فاضلی پارسا ستوده، همه افرادی که با ایشان معاشرت داشتند، اخلاق نیکو، تواضع فراوان، تقید به آداب و سنن اسلامی را در ابعاد زندگی ایشان لمس کرده، از آن همه تقید به آداب معاشرت و تلاش کم نظیر در تحقیق و تبیع در شگفت بودند.

حجت تاریخ، علامه بزرگوار، محقق طباطبائی همواره از آن همه تلاش و تحقیق ایشان در آن کهولت سن ابراز شگفت می کردند.

وی همچنین در قضای حوائج مردم، دستگیری از اشخاص و اعمال خیریه پرتلاش بود.

### اخلاص در عمل

یکی از صدقات جاریه آیت الله کلباسی، احیا کردن آثار گذشتگان و چاپ و نشر آنها بود، جالب توجه است که ایشان در این کارهای گرانبها نام و نشانی از خود



ثبت نمی کرد، زیرا معتقد بود که کرام الکاتبین آن ها را در نامه اعمالش ثبت کرده اند، دیگر نیازی نیست که در روی جلد، داخل جلد، پیشگفتار و یا پایان کتاب نام خود را منعکس کند.

یکی از صدقات جاریه، تهیه، تحقیق، چاپ و نشر کتاب بسیار ارزشمند:

«عقد الدرر فی اخبار المنتظر» از یوسف بن یحیی بن علی بن عبد العزیز مقدسی سلمی شافعی، متوفای 685 ق می باشد.

آیت الله کلباسی برای به دست آوردن نسخه های خطی این کتاب، در سال 1356 ش رنج سفر به خود هموار کرده و به کشور آلمان سفر نموده، از کتابخانه سلطنتی برلین غربی، میکروفیلم آن را تهیه کرده، متن کامل آن را استنساخ نموده، به مصر عزیمت کرده، به مدت شش ماه مشکلات غربت و هزینه های سرسام آور آن را تحمل نموده، دیگر نسخه های آن را از کتابخانه «معهد المخطوطات العربیه» تهیه و مقابله نموده، یکی از محققان مشهور الازهر، به نام «دکتر عبد الفتاح محمد حلو» را واداشته که این کتاب را تحقیق نماید.

آنگاه به حروفچینی و تصحیح اغلاط چاپی پرداخته، اجازه نشر آن را از اداره نظارت بر چاپ قاهره گرفته، از سوی «مکتبه عالم الفکر» قاهره آن را چاپ و منتشر نموده، فقط یک نسخه با خود به میهن اسلامی ارمغان آورده، و در هیچ موردی نام خود را مطرح نکرده به عنوان صدقه جاریه در دفتر حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به ثبت رسانیده است.

چاپ اول این کتاب به سال 1399 ق در 468 صفحه وزیری در قاهره، چاپ دوم آن به صورت افست در سال 1400 ق در تهران، چاپ سوم آن به سال 1403 ق در بیروت، چاپ چهارم آن در همان سال از سوی دانشگاه ابن سعود در ریاض، چاپ پنجم آن به سال 1405 از سوی مکتبه المنار-زرقا-در اردن، و چاپ ششم آن به سال 1416 ق از سوی مسجد مقدس جمکران در قم چاپ و منتشر شده است.

ص: 1604

سه چاپ نخستین با تحقیقات دکتر عبد الفتاح محمّد حلو، چاپ چهارم و پنجم آن با تحقیقات استاد مهیب صالح عبد الرحمن اردنی، به عنوان رساله دکترا، و چاپ ششم آن با تعلیقات استاد نظری منفرد، با حذف همه فهرس فنی به طبع رسیده است.

این بود یک نمونه کوچک از تلاشهای طاقت فرسا و مخلصانه آن عزیز سفر کرده.

## آثار گرانبها

از آیت الله کلباسی آثار ارزشمندی بر جای مانده که قسمتی از آنها به ترتیب زیر است:

1- بشری الطالبین فی الأدعیه و الختومات و بعض العلوم الغریبه.

2- تحقیق ده ها نسخه خطی از علمای عامه، به ویژه پیرامون حضرت مهدی علیه السلام.

3- تقریرات اصول آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی.

4- تقریرات اصول آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی.

5- تقریرات فقه آیت الله میرزا عبد الهادی شیرازی.

6- شرح بر کفایه الاصول (وسیله الوصول الی حقایق الاصول).

7- شرح عروه الوثقی.

8- شرح مزجی بر باب حادی عشر.

9- غرائب و قصار الکلم من الکتاب و السنّه.

10- غریب الحدیث.

11- غریب القرآن.

12- فضائل اهل البیت.

غالب این آثار گرانبها به صورت مخطوط در کتابخانه آن فقید سعید در نزد فرزند برومندش حجه الاسلام و المسلمین آقا حاج شیخ محمّد علی نجفی کلباسی

### عنايات شاه سلطان على توسط ايشان

نگارنده سطور از سال 1340 ش که برای خوشه چینی از محضر اساتید به حوزه علمیه قم شرفیاب شده، ملتزم است که همه ساله در ایام ربیع برای شادی دل حضرت زهرا-سلام الله علیها- به زیارت ابو لؤلؤ در کاشان و حرم با صفای شاه سلطان علی (فرزند بلافضل امام باقر علیه السلام) در مشهد اردهال شرفیاب شود.

در این رابطه عنايات فراوانی از حرم با صفای آن امامزاده عظیم الشان مشاهده نموده، که به چند مورد از آنها اشاره می شود:

1- یکی از دوستان بیش از ده سال بود که ازدواج کرده بود، ولی صاحب اولاد نمی شد، پس از صرف هزینه های کلان، پزشکان پاسخ منفی دادند، خانواده عروس همواره در نگرانی بودند، روزی در محضر خطیب توانا حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای حاج شیخ عیسی اهری صبحانه را در منزل آن دوست عزیز مهمان بودیم، بعد از صبحانه به مشهد اردهال مشرف شدیم، حاج آقای اهری در ضمن توسل، شاه سلطان علی را به درگاه خداوند متان شفیع آورده، برای ایشان فرزندی خواست، در اندک مدتی خداوند به او دختری عنایت فرمود.

2- پس از مشخص شدن آثار حمل در خانواده آن دوست عزیز، در خدمت حاج آقای اهری با گروهی از دوستان به قصد تشکر از آن امامزاده لازم التعظیم به مشهد اردهال مشرف شدیم.

در این سفر دوست عزیزمان حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای حاج شیخ احمد شریعت، از آن بزرگوار تقاضای حج نمود.

ماه ذیقعد بود، پروازها مشخص شده بود و تشرف به حج به جز از طریق

غیر عادی میسر نبود.

هنگامی که آقای شریعت به تهران بازگشتند، تلفنی اطلاع دادند که یکی از روحانیون از رفتن به حج عذر پیدا کرده، مرا به جای ایشان برگزیده اند، پرسیدم این جایگزینی در چه ساعتی انجام شده؟ گفت: ساعت 11 صبح که ما در حرم آن حضرت بودیم، عدّه ای از دوستان برای تعیین وقت پرواز به سازمان حج مراجعه کرده اند، گفته اند که روحانی شما امسال به حج نمی آید، زود یک نفر پیدا کنید، آنها با یکدیگر مشورت کرده، مرا پیشنهاد کرده اند و پذیرفته شده.

3- یک سال بعد که به آستانه حضرت علی بن باقر علیه السلام مشرف بودم، ساعت 6 بعد از ظهر بود که در حرم آن حضرت با خود حدیث نفس کردم که این بزرگوار آقای شریعت را به حج فرستاد، به آن دوست عزیز نیز فرزند عنایت کرد، ولی این سوریّه دم دستی را مدتهاست که من نرفته ام.

شب دیروقت بود که به قم بازگشتم، گفتند: آیت الله کلباسی زنگ زده بود، چون نزدیک نیمه شب بود، من زنگ نزدم، صبح بعد از نماز ایشان زنگ زدند و فرمودند: «استخاره کنید، اگر خوب باشد هم سفر سوریّه باشیم» عرض کردم من بدون استخاره در خدمت شما هستم.

از خانواده پرسیدم: ایشان دیروز چه ساعتی زنگ زده بود؟ گفتند: «ساعت 6 بعد از ظهر».

معلوم شد هنگامی که من دست در ضریح آن بزرگوار داشتم، با خود حدیث نفس می کردم، به قلب ایشان افتاده که این افتخار را به اینجانب ارزانی دارند.

هنگامی که خدمتشان رسیدم معلوم شد که ایشان سالها قبل برای تشرّف به سوریّه ثبت نام کرده، دو تا فیش به نام خود و به نام فرزند عزیزشان تهیه نموده، آقازاده شان به جهت معالجه یکی از اعضای خانواده امکان تشرّف نداشته، در نظر گرفته اند که حقیر به جای ایشان در خدمت والد معظم ایشان باشم.

همان روز به تهران رفته، جایگزینی را انجام داده، در همان هفته به سوریّه

مشرف شدم و بدین سان عنایت حضرت شاه سلطان علی توسط آیت الله کلباسی شامل حالم گردید.

## یک خاطره به یادماندنی

در طول دو هفته ای که در دمشق در محضر آن عزیز از دست رفته بودم، شبها به حرم مطهر عقیده العرب حضرت زینب کبری علیها السلام مشرف می شدیم، نماز صبح را در حرم سفیر سه ساله امام حسین علیه السلام می خواندیم، بعد از زیارت به هتل بازگشته، صبحانه را صرف نموده، از هتل بیرون می آمدیم، به کتابخانه «ظاهریه» و یا «مکتبه الاسد» می رفتیم.

یک روز از هتل خارج شدیم با بارش شدید باران مواجه شدیم، بدون اعتنا به باران، مسیر هتل تا ایستگاه اتوبوس را که در حدود یک کیلومتر بود، پیمودیم، وقتی سوار اتوبوس شدیم، همه لباسهای ما خیس شده بود، چنانکه آن مسیر طولانی را سرپا ایستادیم. چون به «مکتبه الاسد» رسیدیم، معلوم شد که آن روز یکی از روزهای محلی سوریه بوده و مردم به عنوان پشتیبانی از «حافظ اسد» راه پیمائی دارند و کتابخانه تعطیل است.

با همان وضع برگشتیم، بارش هنوز ادامه داشت، هنگامی که به هتل رسیدیم، پیرمرد از نفس افتاده بود.

گفتم: آقا، خیلی صدمه خوردید! فرمود: نه، هرگز. اگر می دانستی که خداوند برای همین رفتن و دست خالی برگشتن ما چقدر پاداش خواهد داد، هرگز این جمله را بر زبان جاری نمی کردی.

پس از سالیان متمادی هنوز آن نگاه نافذ، قیافه مصمم، چهره پرصلابت، تعبیر شیوا، لحن گیرا و بیان رسای برخاسته از ایمان قوی و عقیده استوار آن مرد خدا را فراموش نکرده ام.

آیت الله کلباسی تا قدرت تحرک داشت، هرگز از پا نمی نشست و در ترویج

مذهب و دفاع از آئین تشیع از هیچ تلاشی کوتاهی نمی کرد، با آن کهولت سنّ به کشورهای مختلف سفر می کرد و همه ساعات روز را در بخش مخطوطات کتابخانه ها با نسخه های خطی کلنجار می رفت.

سید موسی شبیری زنجانی در حال تسلیت به فرزند ایشان

### **نقش نگین**

مرحوم آیت الله کلباسی عشقی سوزان به سالار شهیدان داشت، با آن همه اشتغالات علمی، از مجالس عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام غفلت نمی کرد، به ندرت اتفاق می افتاد که در جلسات هفتگی عصرهای جمعه در منزل محقق طباطبائی (آیت الله سید عبد العزیز طباطبائی) جای ایشان خالی باشد.

از این رهگذر جمله ای که برای مهر خود برگزیده بود، این سخن نغز و پرمغز رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود که: «حسین منّی و أنا من حسین».

### **به سوی جهان ابدی**

آیت الله کلباسی پس از 95 سال تلاش، تحصیل، تحقیق، تألیف، تدریس، خدمت به خلق، دفاع از حق، تهذیب نفس، تحکیم مبانی عقیدتی، ترویج مکتب تشیع، تعمیم فرهنگ اصیل اسلامی، تربیت شاگردان مخلص و فداکار، و نشر آثار گرانسنگ گذشتگان، سرانجام در روز دوشنبه نهم رجب المرجب 1418 ق (مصادف با سالروز میلاد مسعود باب الحوائج علی اصغر علیه السلام) برابر

ص: 1609

1376/8/19 ش دعوت حق را لبیک گفته، به سوی ملکوت اعلیٰ پر کشید.

سید محمد علی موحد ابطحی در حال تسلیت گفتن به فرزند ایشان

پیکر مطهر ایشان طی مراسم با شکوهی از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تا حرم مطهر کریمه اهل بیت تشییع شده، با حضور هزاران نفر از آیات عظام، فضلالی کرام و طبقات مختلف از قم، تهران، اصفهان و دیگر بلاد، پس از نماز با شکوهی که توسط آیت الله بهجت انجام یافت، در یکی از حجرات صحن مطهر (در مجاورت شیخ فضل الله نوری) به خاک سپرده شد و مراسم یادبود فراوانی در قم، تهران و اصفهان برگزار شد.

-منابع

1- بقایا الأتیاب 96.

2- خاندان کلباسی 188.

3- دوائرالمعارف اعلمی: 350/16.

4- سراج المعانی 174.

5- کتابنامه حضرت مهدی: 515/2.

6- گنجینه دانشمندان: 243/2.

ص: 1610

7- ماضی النجف: 236/3.

8- المرشد-مجله-شماره 11-129/12 و 156.

9- معجم رجال الفكر و الأدب: 1609/3.

10- مقدمه و سبيله الوصول 4-6.

11- المنتخب من أعلام الفكر و الأدب 475.

12- نقباء البشر: 583/2.

### شیخ محمد حسین واسعی قائینی

(-1389 ق)

شیخ محمد حسین فرزند علامه ملا عبد الواسع قائینی، از علمای ساکن شهر ری بود.

تحصیلاتش را نزد دانی خود مرحوم قاضی شروع نمود، و پس از طی سطوح در مدرسه جعفریه قاین در سن 17 سالگی به درس آیت الله سید حسین فقیه (امام) راه یافت، آنگاه به مشهد مقدس و پس از مدتی به نجف اشرف و سرانجام به قم مهاجرت نمود. و از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی کسب فیض کرد و مورد توجه ویژه ایشان قرار گرفت.

در سال 1368 ق از طرف آیت الله بروجردی به شهر ری عزیمت نمود و در محله حسین آباد (بی بی زبیده) در (مسجد ملک افضلی) به اقامه جماعت و ترویج دین و در ضمن در (مدرسه برهانیه) شهر ری به تدریس فقه پرداخت.

استاد رازی می نویسد: (مرحوم آقای واسعی از علمای متقی و متواضع عصر ما و دارای محامد آداب و محاسن اخلاق بودند، و از بیت المال و سهم مبارک امام علیه السلام کمتر مصرف می نمود. از باقیات الصالحات ایشانست فرزند ارجمند ایشان ثقه الاسلام حاج شیخ محمد علی واسعی که در جای ایشان به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال دارند).

ص: 1611



وی در روز سه شنبه عید قربان 1389/ ق مطابق با 28 بهمن 1348/ ش در شهر ری بدرود زندگی گفت، و با تشییع با شکوهی در وادی السلام قم مدفون گردید.

-منابع

1- آثار الحجه 285/2 (ایشان را اشتباها به نام عبد الحسین معرفی نموده است).

2- گنجینه دانشمندان 650/4.

**محمد حسین وفائی قمی**

**اشاره**

(1332-1404 ق)

حاج محمد حسین فرزند آقا علی نقی وفائی قمی، مردی با کمال و شاعر بود.

در سال 1332 ق در قم متولد گردید.

ایشان همنامی دارد که گاهی بین این دو اشتباه رخ می دهد. آقای حسین وفائی فرزند غلامعلی خلیجستانی قمی از شعرای معاصر و فعلا ساکن تهران است. در سال 1337 ق در خلیجستان متولد شد.

**خدمات اجتماعی**

وی تحصیلات خود را در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران به پایان رسانید، و به استخدام همان وزارت درآمد، و چندین سال سازمان کشاورزی قم را اداره کرد.

طرح و اقدامات اولیه عمرانی در زمینه «سنگلج» تهران (پارک شهر) از اوست.

وفائی، ریاست اداره کشاورزی و خالصه جات قزوین و زنجان را برعهده داشت، و فعالیت ها و اقدامات او در آن سامان شایان تمجید و درخور تحسین است.

باغ سپهسالار تکابنی را که در اثر حوادث ایام و عدم توجه اولیای آن شهر ویران شده بود، به صورت آبرومندی احیا کرد.

باید افزود که ایشان در مسایل اجتماعی نیز آگاه و نویسنده ای توانا بود. مقالات

او در روزنامه های قم و تهران درج می شد، و در سال 1330 ش هفته نامه «قیام قم» را منتشر ساخت.

سرانجام در روز سه شنبه 8/رجب 1404/ق مطابق با 21/فروردین/1363 ش درگذشت، و در قبرستان باغ بهشت قم به خاک سپرده شد.

-منابع

1-چهره مطبوعات معاصر 306.

2-رجال قم 152.

3-فهرست روزنامه روزنامه های فارسی 171.

**سید محمد داماد یزدی**

**اشاره**

(ح 1322-1388 ق)

سید محمد محقق داماد یزدی، از فقها و اساتید به نام حوزه علمیه قم و زهاد و متقیان واقعی بود.

ایشان در حدود سال 1325 ق در خانواده ای روحانی-که در احمدآباد اردکان یزد به فضل و تقوا اشتهار داشت-پا به دنیا نهاد، آن مرحوم مانند جدّ و سمیّ خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قبل از ولادت، پدر را از دست داد و در شش سالگی مادر را، و مدت عمر او نیز 63 سال بود.

پدرش حجه الاسلام سید جعفر موسوی از علاقه مندان واقعی خاندان اهل بیت علیهم السلام بود که قبل از تولد فرزندش، با پای پیاده به شوق زیارت عتبات عالیات از وطن خود خارج شد و در همین سفر بود که روح پاکش به ملکوت اعلی پیوست.

**آغاز تحصیلات**

آن مرحوم مدت کوتاهی در اردکان تحصیل گذراند و سپس به شهر یزد مهاجرت کرد و پیش اساتیدی همچون آیات: سید احمد مدرس، سید یحیی واعظ

ص: 1613

احمدآبادی، سید حسین باغ گندمی، سید علیرضا فیروزآبادی (پسر عموی آیت الله سید محمد فیروزآبادی) و سید محمد رضا حائری به تکمیل ادبیات و تحصیل شرح لمعه و قوانین پرداخت. وی مقداری از قوانین را پیش آیت الله آقای حاج شیخ غلامرضا یزدی (فقیه خراسانی) خوانده بعد از چندی، چون این استاد بزرگوار در اثر کثرت مشاغل شهری، تدریس خود را برای چنین شاگردی کافی ندانسته و آقای داماد برحسب صلاحدید ایشان قم را برای ادامه تحصیل اختیار نمود، عنایت خاصی که آن مرحوم موقع بدرقه کردن شاگردش مبذول داشته به قدری جالب است که نظیرش کمتر دیده شده، و طبق آنچه که آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی (دامت افاضاته) نقل می فرمودند: آقای داماد وقتی که کیفیت آمدن استادش به گاراژ برای بدرقه و کندن لباس و جوراب و پوشاندن آنها به شاگرد را متذکر می شدند، اشک در چشمشان حلقه می زد.

ایشان به برکت استعداد شایان خدادادی و ذوق فراوان و نبوغی که داشت توانست در طی نه سال تحصیل در یزد به مراحل والائی نایل آید، و ضمن تحصیل به تدریس و تربیت دیگران پردازد.

### مهاجرت استاد به قم

داماد در سال 1341 ق در سن حدود 19 سالگی به حوزه نوبنیاد قم هجرت کرد و برای تکمیل اندوخته های علمی و اخلاقی خود در درس استادان بزرگ حوزه، همچون حضرات آیات: میر سید علی یشربی کاشانی، سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد همدانی، حاج شیخ محمود اردکانی، سید ابو الحسن رفیعی قزوینی، سید محمد حجت کوه کمری، و سرانجام حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی شرکت جست.

آیت الله مؤسس، عنایت خاصی به این تلمیذ خود داشت و با داشتن چنین شاگردانی به آینده حوزه علمی قم دلگرم و امیدوار بود، و همین عنایت خاص

حائری به ایشان بود که سرانجام به مصاهرت و دامادی ایشان منجر شد، و از این رو به لقب (داماد) معروف گردیدند.

## حوزه درسی آن مرحوم

پس از ارتحال استاد خود آیت الله حائری، رسماً تدریس را شروع کرد و در مدت کوتاهی محضر درسش محل تجمع فضیلابنام حوزه گردید.

ایشان آن قدر به امر تدریس اهمیت می داد که نه تنها در ایام تحصیل، بلکه در ایام تعطیلی حوزه نیز به تدریس و تربیت طلاب فاضل و دانشمند می پرداخت.

## ویژگیها و خصال روحی

آیت الله داماد علاقه فراوانی به تدریس فقه و اصول و پرورش و تربیت فضلاء داشت و به همین دلیل، غالب اوقات او در شبانه روز صرف مطالعه می شد و از پر مطالعه ترین اساتید حوزه علمیه قم محسوب می گشت، در روزهای آخر عمر که پس از عارضه سکته قلبی از ماه مبارک رمضان به بعد در منزل بستری و همه طبقات مخصوصاً شاگردان او به دیدارش می رفتند، گاهی اوقات که ساعت درسشان فرا می رسید و خود را از شرکت در جلسه درس و در حلقه شاگردان و تلامیذ برجسته خود محروم می دیدند، گریه کرده و این جملات پرارزش را می فرمودند: (من از مرگ نمی ترسم ولی از این می ترسم که وجود عاطل و باطلی باشم، و نتوانم انجام وظیفه شرعی کنم).

داماد بسیار صریح اللهجه، خوش مجلس، و شوخ و شیرین سخن بود، به مقامات صوری اهمیت نمی داد، و تواضع مخصوصی داشت. او دارای قلبی بسیار رئوف و احساساتی لطیف و کاملاً روحانی بود، می گفتند: در تمام عمرم جز دو مرتبه، نماز میت نخواندم و در هر دو بار نیز منقلب شدم و نتوانستم آن را تمام کنم.

گاهی که در مواقع مخصوصی در مسند ارشاد وعظ قرار می گرفت، سخنان این

روحانی بزرگ در دل‌های شنوندگان اثر بسیار عمیقی می‌گذاشت، و به هنگام دعا و مناجات و مراسم سوگواری هر بیننده‌ای تحت تأثیر حالت روحانی و چشم اشکبار او قرار می‌گرفت.

و باز از خصائص ایشان این خصیصه است که همواره در فکر و اندیشه بود (نسبت به مطالب درسی و غیر درسی) حتی در کوچه و بازار که می‌رفتند، و چه بسیار اتفاق می‌افتاد که در خیابان اگر کسی به ایشان سلام می‌کرد، چون ایشان در اندیشه بود، نمی‌شنید و سلام او به وسیله همراهان استاد-اگر همراهش بودند- پاسخ داده می‌شد.

آن بزرگوار به هیچ وجه طالب ریاست و مقام نبود، و شاگردان خود را نیز به مناسبت فوت بعضی از بزرگان و مناسبت‌های دیگر، پند و اندرز می‌داد تا مبادا افکار پوچ ریاست طلبی و حب جاه، آنان را بفریبد.

### آثار قلمی او

از جمله مهمترین آثار به جای مانده از آن فقید سعید، دهها مجتهد وارسته و مدرس برجسته است که افتخار شاگردی ایشان را دارند. و از میان شاگردان آقای داماد که تقریر بحث‌های محققانه اش را نوشته‌اند، چند نفر را نام می‌بریم:

الف- استاد معظم شیخ عبد الله جوادی آملی، مباحث: حج، صلات، صوم، اعتکاف، خمس و قسمت عمده زکوه را تقریر و به رشته تحریر درآورده‌اند، دوره (کتاب الحج) در سه جلد طبع و نشر گردیده و (کتاب صلاه) نیز زیر چاپ است.

ب- استاد معظم آیت الله ناصر مکارم شیرازی (دوره اصول) ایشان را نوشته‌اند.

ج- استاد سید جلال طاهری اصفهانی، مبحث طهارت و دوره اصول ایشان را نوشته‌اند.

د- استاد شیخ محمد مؤمن قمی، بحث صلاه ایشان را نوشته‌اند.

ه- حواشی بر عروه الوثقی، به قلم خود آن مرحوم.

و-استاد سید محمد علی علوی گرگانی، تقریرات درس فقه و اصول ایشان را نوشته است.

## فرزندان آن مرحوم

از داماد، فرزندان به یادگار مانده است که از میان آنان:

1-جناب آقای حاج سید علی محقق، که از اساتید حوزه و عضو جامعه مدرسین، می باشد.

2-جناب آقای حاج سید مصطفی محقق، رئیس سابق بازرسی کل کشور هستند.

سید مصطفی محقق داماد

## وفات و مدفن

آن مرحوم در بامداد چهارشنبه 2 ذی الحجه 1388/ ق مطابق با 30 بهمن 1347/ ش بر اثر سکته قلبی، پس از 75 روز بیماری دار فانی را وداع کرد و به معبود خویش پیوست.

خبر فوت این استاد بزرگ به فاصله کوتاهی در سراسر قم پخش شد، علماء و فضلاء و سایر اقشار را متأثر ساخت و حوزه های علمیه را در اندوه و تألم فروبرد .

هزاران نفر با چشمانی گریان اطراف منزل آن مرحوم اجتماع کرده، و بعد از ظهر همان روز پیکر پاک ایشان را با اندوه فراوان تشییع کرده، و در مقبره ای از مقابر شرقی صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام مقابل ایوان آئینه زیر ساعت به خاک سپردند، و سپس به پاس تجلیل از مقام علمی و زهد و تقوای ایشان از طرف مراجع عالیقدر و

ص: 1617

اساتید حوزه و شاگردان آن و مردم متدین شهرها مراسم فاتحه برگزار گردید.

-منابع

1- آثار الحجج 62/2.

2- آینه دانشوران 230 (که تولدش را در 1321 ق دانسته است).

3- النجوم السرد بذكر علماء يزد (سید جواد مدرسی-خطی).

4- رجال قم 152.

5- گنجینه دانشمندان 142/2.

6- مجله درسهائی از مکتب اسلام سال دهم ش 4.

7- مجله نور علم دوره دوم شماره 5 ص 97.

8- نشریه سالانه معارف جعفری، سال نهم ص 310.

**شیخ محمد ربیع همدانی «شفیعی»**

**اشاره**

(ح 1258-1348 ق)

شیخ محمد ربیع فرزند شیخ شفیع همدانی، از علمای متقی و معروف همدان بود.

وی در حدود سال 1258 ق در «حصار خان» که امروزه جزو همدان پیوسته است، تولد یافت.

ایشان مقدمات و سطح را در همدان سپری کرد، سپس به عتبات عالیات رفت و از اساتید آن دیار بهره مند شد. پس از انجام تحصیلات به ایران بازگشت و ابتدا مدتی در قم توقف کرد، آنگاه به همدان مراجعت نمود و انجام امور مذهبی از قبیل:

اقامه جماعت، تدریس و هدایت و ارشاد اشتغال ورزید. وی از سهم مبارک امام علیه السلام استفاده نمی کرد.

علامه حاج آقا بزرگ تهرانی در «نقباء البشر» درباره اش می نویسد:

(از دانشمندان پارسا و ائمه جماعت مورد وثوق همدان است. وی از شاگردان علامه ملا عبد الله بروجردی همدانی در همان سامان به شمار می رود. در شهر





همدان دارای اعتبار بود و مورد تقدیر سایرین می باشد، آن هم به خاطر دانش و تقوای شدید و نیکی اخلاق و سلامتی سرشت ایشان است. او در سال 1338 ق به عراق جهت زیارت عتبات عالیات مشرف شد و این آخرین ملاقات من با او بود. برادرش شیخ شریف نیز از دانشمندان است).

ایشان در حدود سن 90 سالگی در همدان درگذشت. پیکرش ابتدا در همدان به صورت امانت دفن شد. و پس از گذشت هشت سال، و شکافتن قبر ایشان با بدن تروتازه روبرو می شوند. کالبدش به قم منتقل و در وسط قبرستان حاج شیخ مدفون می گردد.

### **فرزندانش:**

1- شیخ ابوطالب، ساکن حصار خان و مردی با فضل و شریف بود 2- آقا محمود 3- محمد ربیعی بهشتی، معروف به «میرزای همدانی» 4- حجه الاسلام شیخ علی اصغر شفیعیان.

سید حسن خوانساری

آخوند ملا علی همدانی

ص: 1619

و پنج دختر که دامادهای اهل فضل او عبارتند از: 1- آیت الله سید حسن خوانساری، پدر حجج الاسلام سید موسی و سید جواد خوانساری همدانی 2- حاج محمد حسین تویسرکانی، پدر حجه الاسلام دکتر قاسم تویسرکانی 3- آیت الله آخوند ملا- علی همدانی (معصومی) که از این خانم دارای اولاد نشد.

-منابع

1- اظهارات نواده اش حاج احمد ربیعی بهشتی فرزند آقای محمد، به تاریخ 1420 ق در منزلش در تهران پارس.

2- نقباء البشر 721/2.

### محمد ربیعی بهشتی همدانی

(1309-1383 ق)

آقا محمد ربیعی بهشتی معروف به (میرزای همدانی) فرزند علامه شیخ محمد ربیع و نوه شیخ شفیع همدانی، از فضلا و سالکان راه حقیقت و اصلاان متقی بود.

ایشان در سال 1309 ق در (حصار خان) که فعلا جزو شهر همدان درآمد، متولد گردید. و تحت عنایت و سرپرستی پدری دانشمند و عارف پرورش یافت و تعلیمات ابتدائی را از اوان آموخت. و از او جوانی به عرفان و اخلاق علمی و عملی و سیر و سلوک گرایش پیدا نمود به همین خاطر هر چند گاهی به بهار- همدان- رفته به خدمت حضرت آیت الله شیخ محمد بهاری- عارف و عالم نامی که از دوستان پدر خود بود، می رسید.

آقا محمد جهت ادامه تحصیلات خود به حوزه علمیه قم رهسپار شد و دروس فقهی و اخلاقی را محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و میرزا جواد ملکی تبریزی بهره مند گردید و روابط تنگاتنگی با این دو استاد حاصل کرد. و پس از بیست سال اقامت به همدان مراجعت کرد و پس از مدتی به تهران نقل مکان کرد و در اطراف بازار مستقر گردید و در منزل خود به تدریس اخلاق و ارشاد اشتغال

ص: 1620

داشت. در ضمن سفرهای متعدد و دائم به قزوین داشت و جمع کثیری را به فیض می رساند. وی اهل عبادت و تهجد دایم بود و سفرهای زیادی به صورت پیاده به عتبات عالیات و مشهد مقدس داشت.

مرحوم ربیعی بهشتی در غروب روز دوشنبه 11/رمضان 1383/ق مطابق با 7/بهمن 1342/ش در سن 74 سالگی بر اثر سکته قلبی در تهران دارفانی را وداع گفت. و پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ مدفون گردید.

### فرزندان:

1- آقا احمد ربیعی بهشتی 2- آقا محمود ربیعی بهشتی و سه دختر.

### شیخ محمد رشتی

### اشاره

(-1322 ق)

حاج شیخ محمد، فرزند میرزا احمد رشتی، از علمای معروف گیلان بود.

### تحصیلات عالی در حوزه نجف اشرف

او پس از طی مقدمات و سطوح، به نجف اشرف مهاجرت کرد، و از محضر آیت الله میرزا حبیب الله رشتی استفاده نمود، و پس از چند سال اقامت به رشت بازگشت، و از بزرگان آن منطقه به شمار آمد.

### از آثار او

1- تقریرات میرزای رشتی.

وی در شوال 1322/ق در رشت درگذشت، و جنازه اش در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

-منبع

1- نقباء البشر (قسمت خطی)، (تاریخ مرگش را بعد از سال 1320 ق نوشته است).

(1415-1364 ق)

شیخ محمد رضا فرزند علامه شیخ محمد و نوه علامه شیخ صادق تنکابنی، ملقب به «آل صادق»، از شعرا و ادبای معروف معاصر بود.

وی در روز دوشنبه 22 ذی القعدة 1364/ ق مطابق با 7/ آبان 1324/ ش در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

پدرش شیخ محمد آل صادق (1338-1397 ق) از فضلا و معاریف حوزه علمیه نجف اشرف بود. وی از جمله شاگردان آیت الله سید محسن طباطبائی حکیم بود. به بزرگان رامسر ص 131 رجوع شود.

شیخ محمد رضا، دوره های ابتدائی و راهنمایی را در مدرسه علوی در نجف اشرف سپری کرد و دوره دبیرستانی را در دبیرستان «اعدادیه نجف» به پایان رساند. آنگاه در دانشکده فقه (کلیه الفقه) همان دیار به تحصیل پرداخت و در سال 1968 م (1387 ق) فارغ التحصیل شد. در ضمن در جلسات ادبی شاعر گرانقدر شیخ عبد المنعم فرطوسی و جلسات درس حضرات آیات: سید ابو القاسم خوئی، سید محمد باقر صدر و سید حسین طباطبائی بحر العلوم شرکت می جست. آنگاه خود به تدریس نحو و علوم ادبی در دبیرستان «تحریر ثقافی» نجف اشرف پرداخت.

وی در امور فرهنگی شدیداً فعالیت می کرد و به عضویت انجمن ها و کنفرانس ها درآمده، از جمله: عضو انجمن نویسندگان عراق، عضو انجمن خوشنویسان عراق، عضو انجمن کارهای فرهنگی (جمعیه التحریر الثقافی) و کنگره نهم شعر (سال 1969 م) و... بود.

سرانجام در سال 1403 ق به ایران تبعید شد و در قم سکونت اختیار نمود و به کارهای فرهنگی خود و تدریس و تألیف و ترجمه اهتمام ورزید.

ص: 1622

- 1- التحكيم بين الحكيمين الصدوق و المفيد، ترجمه.
- 2- التفسير الأمثل، ترجمه تفسير نمونه (همکاری در ترجمه به عربی).
- 3- الزورق و الرياح (اشعار).
- 4- الشخصيه بين التكامل و الانحلال.
- 5- الشيعه.
- 6- الصوت و الأصداء (اشعار).
- 7- المثنائى الشعريه.
- 8- المستغفرون بالأسحار، ترجمه.
- 9- الوصف عند النحويين و الاصوليين.
- 10- أنفاس الشباب (اشعار).
- 11- أوراق نقديه.
- 12- ثنائيات (اشعار).
- 13- دروس اخلاقيه.
- 14- ديوان فى حق النبى صلى الله عليه و آله و سلم و الآل عليهم السلام.
- 15- شرح الصحيفه السجديه (اثر ميرزا محمد مشهدى-تحقيق).
- 16- فى حمى الاسلام (اشعار).
- 17- للباذلين دم الوريد (اشعار).
- 18- ما هى الصلاه؟
- 19- مدائن الظلال (اشعار).

ایشان به طور ناگهانی در روز یکشنبه 30/محرم/1415/ ق مطابق با 19/تیر/1373 ش در سن 50 سالگی در اثر ایست قلبی در قم دار فانی را وداع گفت.

پیکرش عصر روز دوشنبه اول/صفر/تشییع و در قبرستان باغ بهشت-مقبره العلماء- به خاک سپرده شد.

ص:1623

## فرزندانش:

1- لقمان 2- موسی و سه دختر.

منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- بزرگان رامسر 131.

3- فلسطین فی الشعر النجفی 89.

4- معجم المؤلفین العراقیین 163/3.

**شیخ محمد رضا بحر العلوم گیلانی**

**اشاره**

(1407-1335 ق)

حاج شیخ محمد رضا فرزند حسن و نوه حبيب الله فقيه حبيبي گیلانی، ملقب به «بحر العلوم» از دانشمندان و فضیلاي معاصر.

او در سال 1335 ق مطابق با 1295 ش در رشت متولد گردید.

بحر العلوم در سن کودکی همراه پدر به نجف اشرف رفت و مقدمات علوم را در نجف اشرف فراگرفت و در سن حدود 14 سالگی به قم مهاجرت کرد و پس از طی سطوح، خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی (مدت کوتاهی)، سید محمد حجت کوه کمری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید کاظم شریعتمداری بهره مند شد و مشغول تدریس سطوح گردید.

ص: 1624

## از آثار او

1- درر الصرف.

2- درر النحو.

3- منظومه فی الاصول.

4- منظومه فی الفقه.

5- تقریرات الفقه (درس حجت).

6- تقریرات الفقه (درس بروجردی).

ایشان در عصر روز جمعه 14/ محرم 1407/ ق مطابق با 28 شهریور/ 1365 ش در بیمارستان قلب تهران در سن 72 سالگی درگذشت و عصر روز شنبه تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام مدفون گردید.

منابع

1- آثار الحجه 117/2.

2- اظهارات فرزند آن مرحوم.

3- گنجینه دانشمندان 222/2.

**شیخ محمد رضا برهان رامسری**

**اشاره**

(1326-1413 ق)

حاج شیخ محمد رضا فرزند شیخ ابو الحسن واعظ و نوه آقا قاسم تنکابنی رامسری ملقب به (برهان)، به سال 1326 ق در «آخوند محله» تنکابن دیده به جهان گشود.

پس از طی مقدمات به قم رفت و ادبیات را نزد میرزا محمد علی ادیب تهرانی، و سطوح را نزد آیات: میرزا محمد تقی اشراقی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، و سید محمد رضا گلپایگانی تلمذ کرد، و حکمت و فلسفه را از محضر: سید ابو تراب ترابی دامغانی، شیخ محمد علی شاه آبادی، شیخ مهدی مازندرانی (امیر کلانی)،





(امام) خمینی، و میرزا خلیل کمره ای استفاده نمود.

و در دروس خارج آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدر الدین صدر، میرزا محمد فیض قمی، و سید حسین طباطبائی بروجردی حاضر گردید و از دانش سرشار این بزرگان استفاده ها برد.

و به رامسر مراجعت و در «مسجد نارنج بن» و «لیاسر» به اقامه جماعت و ترویج احکام مذهب پرداخت.

## از آثار او

1- اسرار دائمیه قرآن (همکاری با برادرش شیخ محمد حسین برهان).

2- تقریرات بعضی از اساتید خود.

وی دارای فرزندی به نام (جلال الدین برهان) از طلاب حوزه علمی قم بود که در سن جوانی به تاریخ جمادی اول 1369/ق درگذشت، و در قبرستان حاج شیخ قم مدفون شد وی کتابی در «اثبات امامت» تألیف نموده بود.

سرانجام در روز دوشنبه 12 شوال 1413/ مطابق با 16 فروردین 1372 ش به سن 88 سالگی در رامسر درگذشت، و در کنار فرزند مذکور خود در قبرستان حاج شیخ مدفون گردید.

## منابع

1- آینه دانشوران 427.

2- گنجینه دانشمندان 162/5.

ص: 1626

(1289-1373 ق)

شیخ محمد رضا چال حصاری تهرانی معروف به (افضل) فرزند حاج آخوند، در سال 1289 قمری متولد شد.

از علمای اخباری بود و در سالهای آخر عمر خود از تهران (محلۀ چال حصار) به قم مهاجرت کرد. در روز جمعه 20 ذی حجه 1373 / قمری مطابق با 29 مرداد 1333 / ش به سن 84 سالگی در قم وفات یافت.

### آثار به جا مانده از او عبارتند از:

1- آداب الاطفال.

2- اصول کلام.

3- ألف سؤال.

4- بلغه العقلاء فی غربه سید الشهداء علیه السلام.

5- بلغه القصوی میالید العلیاء.

6- تتمه رسالۀ رشد المسترشد.

7- تفسیر 2 جلد.

8- تکمله الموارث.

9- جهاد اکبر.

10- حجه الله و بلغه الالباب.

11- رشد المسترشد.

12- سبیل الرشید لأهل الزهد.

13- فلتات اهل ایمان.

14-كتاب افضل.

15-لسان الصدق.

ص:1627

16- موازین الکلام.

17- مسألتان ملحقتان بفريضه الصلاة.

18- القضاء و الشهادات.

منابع

1- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 43/3.

2- معجم مؤلفین الشیعه 129.

3- مؤلفین کتب چاپی 136/3.

### **دسته گلی که چال حصاری به آب داد:**

دانشمند معظم آقای سید حسین مکی خرمشهری برای نگارنده نقل فرمود که:

چال حصاری پس از انتقال به قم اقدام به چاپ قرآنی نمود که با قرائتی برخلاف قرائت مشهور و براساس روایت ضعیف تنظیم و آن را به چاپ سپرده بود. آیه الله سید حسین طباطبائی بروجردی را از چاپ این قرآن آگاه می کنند، وی قبل از انتشار دستور می دهد که تمام نسخه های چاپی را بسته بندی کرده و در گونیهای محکم روانه خرمشهر کنند و از مرحوم آیه الله شیخ سلیمان خاقانی که در آن سامان مردی مقتدر و متنفذ بود می خواهند که شخصا آن گونی های پر از کتاب را در ته رودخانه ریخته با نظارت کامل از بین ببرد.

به همین جهت مرحوم خاقانی شخصا در قایق سوار شده و پس از آنکه گونیها را پر از سنگ و آهن کرده بودند تا اینکه در ته رودخانه فروبروند آنها را در آب رها می کنند و بدین وسیله با تدبیر و سیاست آن مرجع بزرگ از یک فتنه عظیم جلوگیری می شود.

عده ای از فضلاء و اصحاب آیه الله بروجردی درخواست تبعید چال حصاری را می کنند ولی آیه الله در جواب می فرمایند: وی اگر در قم باشد بهتر است، همین اینکه نزد عوام الناس نمی تواند تبلیغ عقاید خود کند و هم اینکه کارهای او را زیر نظر داشته باشیم.

ص: 1628

آیه الله سید مهدی مرعشی (ساکن قم) برای اینجانب نقل فرمودند که: چال حصاری یکی از فضلاهی درس آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبایی یزدی در نجف اشرف بود.

و اضافه می کنند که بر احادیث و اخبار اهل بیت علیهم السلام تسلط عجیبی داشت و در کتب حدیثی سیر عمیق کرده بود. در مباحثه و مناظره فردی بسیار قوی بود. و با بعضی از علماء و طلاب قم مناظراتی داشته است، که من و اخوی (یعنی سید کاظم مرعشی) سخت با وی مباحثه کردیم و تا حدی بعضی از آرای وی را رد کردیم.

\*

### شیخ محمد رضا صادقی «لسان المحققین»

(ح 1298-1358 ق)

حاج شیخ محمد رضا فرزند ملا محمد علی صادقی تهرانی، از جمله وعاظ و خطبای معروف زمان خود بود، که در اثر حسن بیان و تسلط به مطالب علمی و تحقیقی به «لسان المحققین» ملقب گردید، و در زمینه وعظ و ارشاد دارای آثار قلمی خطی بود.

صادقی در سال 1358 ق مطابق با 1318 ش در حدود سن 60 سالگی در اثر بیماری استسقا درگذشت، و در صحن حضرت معصومه علیها السلام قم به خاک سپرده شد.

وی پدر دانشمند معظم و استاد محترم جناب آقای دکتر محمد صادقی ساکن قم می باشد و مطالب فوق از ایشان استفاده شده است.

### شیخ محمد رضا طالقانی

اشاره

(1309-1382 ق)

شیخ محمد رضا فرزند ملا ذبیح الله و نوه ملا ابو القاسم طالقانی، اصالتاً اهل روستای «کرکبود» طالقان می باشد.

ص: 1629

در سال 1309 ق مطابق با 1270 ش در طالقان متولد گردید.

### خدمات اجتماعی در ورامین

وی پس از آموختن مقدمات در تهران به قم مهاجرت کرد، و تحصیلات عالی خود را به پایان رسانید. آن گاه به تهران بازگشت، سپس «ورامین» را جهت سکنا برگزید، و در آن منطقه سمت روحانی مهمی داشت، و سالهای متمادی در «مسجد کهریزک» به رتق و فتق امور شرعی و اقامه جماعت و تأسیس حوزه علمیه و تربیت و پرورش طلاب همت گماشت.

از نامبرده اشعاری پراکنده و نغز به جای مانده، که به همت نواده ایشان آقای علی رضا طالقانی پس از سالها گردآوری گردید.

او سرانجام به سال 1382 ق مطابق با 1343 ش در پی بیماری، در ورامین درگذشت، و جنازه اش به قم حمل گردید و در مقبره خانوادگی در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

منابع

1- آثار الحجه 275/2.

2- آشنایی با مشاهیر طالقان 237.

### شیخ محمد رضا طبسی

### اشاره

(1322-1405 ق)

حاج شیخ محمد رضا فرزند شیخ عباس و نوه آقا علی طبسی خراسانی، از علمای بزرگ و پرکار بود.

در 18 شعبان 1322 ق (یا 1324 ق) هنگام زیارت مرقد ثامن الحجج علیه السلام پدر و مادرش در مشهد مقدس، دیده به جهان گشود.

وی در دامان پدری متقی پرورش یافت، و مقدمات اولیه را، نزد سید محمد

ص: 1630

علی معروف به «میرزا جعفر» آموخت.

### در مشهد مقدس

در سال 1340 ق به مشهد مقدس رهسپار، و ادبیات را نزد میرزا عبد الجواد ادیب نیشابوری، و معالم الاصول را نزد شیخ محمد کاظم دامغانی، و قوانین الاصول را نزد میرزا محمد حسین شهرستانی، و شرح لمعه را نزد سید محمد باقر مدرس، و نیز نزد حضرات اساتید: میرزا جعفر شهرستانی، سید مرتضی یزدی و شیخ حسن کاشی تحصیل نمود.

### در حوزه علمیه قم

ایشان در حدود سال 1342 ق به قم عزیمت، و سطوح را نزد: سید علی یثربی کاشانی و سید محمد تقی خوانساری، و قسمتی از ریاض المسائل را نزد میرزا جواد ملکی تبریزی تلمذ کرد. در ضمن دروس حکمت را از محضر بزرگانی چون: میرزا علی اکبر حکمی یزدی (تجلی)، شیخ محمد علی شاه آبادی و سید ابو الحسن رفیعی قزوینی و دروس خارج را از آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و شیخ محمد رضا اصفهانی (مسجد شاهی) استفاده نمود.

### در حوزه نجف اشرف

وی پس از چند سال اقامت در قم، در حدود سال 1350 ق، به نجف اشرف مهاجرت کرد، و از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین

ص: 1631



عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و سید ابو الحسن اصفهانی در فقه اصول، و نزد علامه شیخ محمد جواد بلاغی در کلام بهره مند گردید، و یکی از ملازمان و اصحاب جلسه استفتای آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی شد.

### **آثار قلمی ایشان به شرح زیر است:**

- 1- اثبات رجعت.
- 2- أحادیث المسلمین فی فضائل أمير المؤمنين علیه السلام.
- 3- ازاحه الشکوک فی اللباس المشکوک.
- 4- الأربعون حدیثا.
- 5- الامام الغائب (عج).
- 6- الأنوار اللامعه فی تاریخ سیده النساء فاطمه علیها السلام.
- 7- التحفه العلویه.
- 8- التحفه المحمّديه.
- 9- الدر الثمین فی فضل التختم بالیمین.
- 10- السیف المشتہر.
- 11- الشیعہ و الرجعه، در دو جلد.
- 12- الصوفیه المبتدعه.
- 13- الفوائد الرضویه فی المسائل الاصولیه (تقریرات عراقی).
- 14- القول الفصیح فی اصول الدین الصحیح.
- 15- المنیه فی تحقیق حکم الشارب و اللحیه.
- 16- النجعه فی الرجعه.
- 17- بارقه البصر فی حوادث القرن الثالث عشر.

18-تاريخ الملل الثلاث (مناظره بين مسلم و يهودى و نصرانى).

19-تبصره المتعلمين فى عقائد المؤمنين.

ص:1632

- 20- تذکره الأحبه فی الأدعیه و الزیارات.
- 21- ترجمه مصباح الهدی فی الردّ علی القادیانیه (از بلاغی).
- 22- تفسیر سوره عمّ.
- 23- تقریرات درس نائینی.
- 24- تقریرات سید ابو الحسن اصفهانی.
- 25- تنبیه الامه فی اثبات الرجعه.
- 26- حاشیه علی انیس المقلدین.
- 27- حاشیه علی طریق النجاه.
- 28- حاشیه علی وسیله النجاه.
- 29- خلاصه البیان فی تفسیر القرآن، در چند جلد.
- 30- درر الأخبار فیما یتعلق بحال الاحتضار، در چهار جلد.
- 31- ذخیره الصالحین فی شرح تبصره المتعلمین، در هشت جلد.
- 32- ذخیره العباد فیما یتعلق بالمعاد.
- 33- ذرائع البیان فی عوارض اللسان، در سه جلد.
- 34- رساله فی التیمم.
- 35- رساله فی الحج.
- 36- رساله فی المعاطات.
- 37- رساله فی النفاس.
- 38- عقد الفرائد فی مختصر العقائد (فارسی).
- 39- مصباح الظلام فی هدایه الأنام (در اصول عقاید).
- 40- مفتاح الجنه فی أعمال مسجدی الکوفه و السهله.

41-مقتل الحسين عليه السلام.

42-منيه الراغب في ايمان ابى طالب رضى الله عنه.

ص:1633

ایشان در سال 1391 ق در پی فشارهای دولت عراق به ایران مراجعت و در قم سکونت اختیار کرد، و به تألیف و تصنیف و ترویج احکام اشتغال ورزید، و در پی کسالتی ممتد در منزلش بستری شد.

### درگذشت و اعقاب

سرانجام در شب پنجشنبه 26 ربیع اول 1405/ ق مطابق با 29 آذر/ 1363 ش در بیمارستان آیت الله گلپایگانی درگذشت، و جنازه اش عصر روز پنجشنبه از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشییع و پس از ادای نماز میت و توسط آیت الله مرعشی نجفی در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### فرزندان:

1- شیخ محمد علی 2- عماد الدین 3- نجم الدین و دیگران.

منابع

1- آثار الحجّه 366/2.

2- آینه دانشوران 425.

3- الاجازة الكبيره 188.

4- المسلسلات فی الاجازات 461/2.

5- کیهان فرهنگی، سال اول، شماره 11، ص 35.

6- گنجینه دانشمندان 193/2.

7- مستدرک أعيان الشيعه 230/3.

8- معجم المؤلفين العراقيين 167/3.

9- مؤلفين كتب چاپی 176/3.

10- نقباء البشر 899/2.

## اشاره

(1351-1421 ق)

سید محمد رضا فرزند علامه سید مهدی و نوه آیت الله سید ریحان الله موسوی کشفی بروجردی، از دانشمندان و اساتید حکمت در تهران بود.

وی در سال 1351 ق مطابق با 1311 ش در تهران تولد یافت.

او دوران کودکی همراه پدر دانشمند گذراند و به تحصیل مقدمات پرداخت.

آنگاه سطح و حکمت را از محضر: شیخ ابو الحسن شعرانی، میرزا مهدی الهی قمشه ای، سید ابو الحسن رفیعی قزوینی و حکیم شیرازی استفاده کرد.

سپس به نجف اشرف عزیمت نمود و فقه و اصول را از محضر آیات: سید یحیی مدرس یزدی، میرزا باقر زنجانی، سید نصر الله مستنبط تبریزی و سید ابو القاسم خوئی استفاده کرد و به تهران مراجعت فرمود و به تدریس و هدایت پرداخت.

## از آثار او

1- چرا آینه ها نشان نمی دهند- آماده چاپ.

2- کنگاش عقل نظری- چاپ شده.

ایشان در ظهر روز دوشنبه / 10 صفر / 1421 ق مطابق با / 26 اردیبهشت / 1379 ش در سن 69 سالگی در تهران در پی بیماری زندگی را وداع گفت. پیکرش صبح روز چهارشنبه در تهران و عصر همان روز در قم تشییع و پس از ادای نماز توسط علامه شیخ عبد الله جوادی آملی، در جوار علی بن جعفر علیه السلام به خاک سپرده شد.

فرزندانش: 1- سید مهدی و یک دختر.

منبع

1- اظهارات خود ایشان در سال 1420 ق در تهران.

ص: 1635

(1414-1316 ق)

حاج سید محمد رضا گلپایگانی فرزند سید محمد باقر موسوی گلپایگانی، از فقها و مراجع گرانقدر جهان تشیع و اساتید به نام حوزه علمیه قم بود.

ایشان در 8 ذی قعدة 1316 ق در قریه «گوگد» (که در شش کیلومتری گلپایگان واقع است)، متولد شدند.

مرحوم والدشان سید محمد باقر از سادات محترم و مشهور به زهد و امانت و اعتماد عمومی بود. هنگامی که آیت الله گلپایگانی نه سال داشتند از دنیا رفت و ایشان را به مصیبت خود مبتلا نمود.

آیت الله گلپایگانی پس از فوت پدر به تحصیل علوم متداوله به خصوص علوم دینی پرداخت، و پس از طی تحصیلات مقدماتی نزد علامه سید محمد حسن خوانساری در خوانسار و تکمیل مقداری از سطوح نزد علمای بزرگان آن دیار، در اوائل سال 1336 ق به اراک که به مناسبت اقامت آیت الله حائری در آن شهر مرکزیت علمی یافته بود مهاجرت کردند و پس از تکمیل سطوح نزد آیت الله شیخ محمد تقی گوگدی گلپایگانی در سال 1337 ق در دروس فقه و اصول آیت الله حائری شرکت کرده و با توجه به استعداد بالا و ذهن بدیع خود یکی از شاگردان ممتاز آیت الله حائری محسوب شدند.

در شعبان 1340 ق که آیت الله حائری به قم مشرف شد، و به تاسیس حوزه

علمیه مبادرت کردند. شخصاً از آیت الله گلپایگانی دعوت نموده و ایشان هم در شوال همین سال به قم مهاجرت کرده، از محضر ایشان و شیخ محمد رضا اصفهانی (مسجد شاهی) بهره مند گردید و تدریس سطوح را آغاز کردند.

آیت الله گلپایگانی بعد از وفات مرحوم آیت الله حائری به تدریس خارج فقه و اصول پرداخته در سالهای اخیر که درس خارج ایشان در مسجد اعظم قم تشکیل می شد، بالغ بر 800 نفر از فضلا و طلاب در آن شرکت می کردند.

ایشان علاوه بر اشتغالات علمی و مرجع و ملجاء بودن بسیاری از مردم ایران و شیعیان جهان در دفاع از حریم دین و حوزه و حیثیت اسلامی جدیت تام داشته، و در این گونه امور اهل مسامحه و مجامله نبودند.

پس از فوت مرحوم آیت الله بروجردی قسمت عمده ای از اداره حوزه علمیه به عهده ایشان قرار گرفت، و با اینکه خطرات بزرگی متوجه روحانیت و حوزه علمیه شده بود با یاری خداوند متعال و حسن تدبیر و مجاهدات و مبارزات ایشان و دیگر آیات حوزه علمیه از گزند بدخواهان محفوظ ماند.

### تدریس فقه و اصول

آیت الله گلپایگانی بیش از هفتاد سال سابقه تدریس داشت، که به فقه و اصول قدرت و تسلط کامل حاصل نمود، لذا درس ایشان در حوزه معرفت بسزایی کسب کرد. در ضمن درس ایشان از چند ویژگی برخوردار بود:

1- مطالعه به طور پیوسته و بدون آن اقدام به تدریس نمی کردند، که این روش را تا آخرین ایام عمر خویش دنبال کرد. بنده شاهد این حقیقت نیز بودم. در محرم یا صفر 1414/ق یعنی آخرین دیدار بنده با ایشان بود (آن هم بوسیله داماد معظم ایشان جناب آقای محقق) که خدمتشان رسیدم، سلام عرض کردم و نزدیک شدم.

چند دقیقه ای هم نشستیم. متوجه شدم یکی از فضلا یکی از مجلدات جواهر را می خواند، و حضرت آیت الله گوش می دادند. البته جناب آقای محقق بنده را شرمند



کرده و مرا خدمت آیت الله معرفی کردند، در مقابل آیت الله در حق من دعا فرمودند.

2- دفتر یادداشتی همراه داشتند که رئیس مطالب را قبلاً در آن نوشته بود.

3- به کلمات بزرگان خصوصاً: صاحب جواهر، شیخ انصاری، حاج شیخ عبد الکریم حائری اهتمام داشتند، و بعضی از متن آنها را می خواندند.

4- اشکالات و ایرادات شاگردان را به طور کامل گوش می دادند، و سعی بر دور ساختن آنها از ذهن شاگردان می کرد.

5- به جای آوردن مستحبات قبل از درس و رعایت اخلاق اسلامی.

به همین جهت شاگردان بسیار زیادی را تحویل جامعه دادند که بعضی از آنها فوت شدند، و گروه کثیری هم اکنون در مناصب و مراکز حساس به فعالیت اشتغال دارند. البته ایشان علاوه بر تدریس فقه و اصول، مدت زیادی به تفسیر قرآن کریم و خطابه می پرداختند.

### **مجلس شهادت امام صادق علیه السلام و حادثه فیضیه**

از حوادث مهمی که در محضر آیت الله اتفاق افتاد و فراموش ناشدنی است،

ص: 1638

حملهٔ مأمورین عمال رژیم و برهم زدن مجلس روضه و اهانت و کتک زدن روحانیون، و جسارت به شخص ایشان بود.

این حادثه به تاریخ 2/فروردین 1342/ش در مجلس سوگواری امام صادق علیه السلام اتفاق افتاد، که شخص آیت الله در جواب علامه میرزا عبد الله تهرانی این طور نوشته است:

(... حادثهٔ فجیعۀ مدرسهٔ فیضیه، که در مجلسی که از جانب حقیر به منظور عزاداری تشکیل شد پیش آمد، و خود به چشم دیدم که مأمورین جنایتکار، بی جهت به طلاب و علماء و مسلمانان بی دفاع که از نقاط مختلف آمده بودند حمله برده، و آن اعمال وحشیانه را مرتکب شدند، و بر اضطراب ملت شیعه در داخل و خارج افزودند، و حقیقتاً افکار را به وجود یک توطئهٔ خطرناک برای اضمحلال اسلام و استقلال و موجودیت کشور و حکومت شیعه مشغول کرد).

### خدمات و آثار:

1- تشویق طلاب به تحصیل و تقدیر از طلاب زحمتکش و برقراری امتحانات کتبی و شفاهی به شیوهٔ جدید و مراقبت در وضع اخلاقی آنان.

2- توجه به وضع طلاب جوان و طرح برنامه‌های جدید مفید برای تغییر و تنظیم روش تحصیلی طلاب و اختصاص چند مدرسه به اجرای آن برنامه‌ها.

3- تأسیس مدرسه‌ای با شکوه با ساختمان مدرن در خیابان صفائیة قم.

4- تعمیر مدرسهٔ فیضیه در سال 1348 ش پس از خرابی.

5- احداث ساختمان وضوخانه، حمام و رخت شوی خانه برای مدرسهٔ فیضیه.

6- احداث ساختمان و سالن بزرگی برای قرائت خانهٔ مدرسهٔ فیضیه.

7- حفر چاه عمیق اختصاصی برای مدرسهٔ فیضیه و دارالشفای لوله کشی آن در مدرسه.

8- تأسیس مدرسهٔ علوی در خیابان تهران کوچهٔ منوچهری.

9- تأسیس مدرسه ای با شکوه در خیابان چهارمردان با برنامه های مخصوص عربی و فارسی.

10- تأسیس بیمارستان مجهز برای آقایان طلاب، روحانیون و علماء و تأسیس یک درمانگاه خصوصی با بخش های جراحی، داخلی، قلب، رادیولوژی و آزمایشگاه، که کلیه روحانیون در بخش های مختلف این بیمارستان بطور رایگان معالجه می شوند و غیر روحانیون نیز از درمانگاه و سایر بخش های آن استفاده می نمایند.

11- تأسیس مجمع اسلامی جهانی، از مراکز مهم فرهنگی و تبلیغی در (لندن).

12- تأسیس دار القرآن الکریم، که به زمینه های مختلف علوم قرآنی نظر دارد (در قم).

13- تأسیس مرکز معجم فقهی، که متون فقهی را نگهداری و نشر می کند (در قم).

14- تأسیس کتابخانه عمومی، شامل خدمات در زمینه کتابهای چاپی و خطی است (در قم) و...

### از آثار قلمی ایشان

ایشان با قلمی زیبا و نثری متین مطالب فقهی و اصولی را نوشته و چند اثر ارزشمند برای آیندگان به یادگار گذاشت، البته برخی تقریرات یا براساس نظریات ایشان به نام مبارکشان به چاپ رسیده است، که می توان از:

1- افاضه العوائد فی التعلیق علی درر الفوائد 2 جلد.

ص: 1640

- 2- رساله فی صلاه الجمعه.
- 3- رساله المحرمات بالنسب.
- 4- عدم تحریف قرآن.
- 5- حاشیه علی العروه الوثقی.
- 6- تعلیقه علی وسیله النجاه.
- 7- مجمع المسائل (استفتائات-3 جلد).
- 8- امر به معروف و نهی از منکر.
- 9- تلخیص احکام الحج.
- 10- هدایه العباد (استفتائات-2 جلد).
- 11- الهدایه (در ولایت فقیه).
- 12- تعلیقه علی القضاء من العروه الوثقی.
- 13- توضیح المسائل.
- 14- مناسک حج.
- 15- مختصر الاحکام.
- 16- کتابهای: القضاء، الشهادات و الحدود، را نام برد.

### **کسالت ایشان و مسافرت به لندن**

در سال 1366 ش مطابق با 1407 ق در پی کسالت ممتدی جهت معالجه رهسپار لندن می شوند، و تحت درمان قرار می گیرند. در ضمن شبهای قدر را در مجمع اسلامی جهانی در حضور ایشان برگزار می شد، و در اوائل/خرداد 1366/ به ایران بازگشتند.

### **ارتحال ایشان**

در پی عارضه تنگی نفس شدید (بیماری ریوی)، در شب سه شنبه 21/



جمادی ثانی 1414/ق در بیمارستان قلب تهران بستری گردید، و در غروب روز پنجشنبه 24 جمادی ثانی مطابق با 18 آذر 1372/ش به سن 98 سالگی در بیمارستان مذکور درگذشت و جهان تشیع را عزادار ساخت.

جسدش ساعت 1 بعد از ظهر روز جمعه از بیمارستان قلب در میان جمعیت بی نظیر تشیع شد. و در صبح روز شنبه از مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام (جنب مدینه العلم آیت الله خوئی قدس سره) قم تا حرم حضرت معصومه علیها السلام جسدش تشییع، و در کنار استادش حاج شیخ عبد الکریم حائری به خاک سپرده شد.

-منابع

1- آثار الحجه 71/2.

2- آفتاب فقاقت، تألیف انصاری قمی.

3- آینه دانشوران 197.

4- رجال قم 152.

5- مؤلفین کتب چاپی 195/3.

6- نقباء البشر 742/2.

**شیخ محمد رضا محقق تهرانی**

**اشاره**

(1415-1332 ق)

حاج شیخ محمد رضا محقق تهرانی فرزند آقا حسین کرمانی یکی از دانشمندان به نام و مجتهدین معاصر تهران بود.

ایشان در سال 1332 قمری در تهران متولد شده، مقدمات و ادبیات را در قم خواند، پس از آن به مشهد مشرف شد و دروس نهائی را از آیات: شیخ هاشم قزوینی، شیخ محمد کاظم دامغانی، و حاج شیخ حسن پائین خیابانی استفاده و تکمیل نموده، در دروس خارج آیات: میرزا محمد آقازاده خراسانی و حاج آقا حسین طباطبائی قمی شرکت نمود، و دروس معارف را از آیه الله میرزا مهدی

ص: 1642

ايشان پس از حادثه مسجد گوهر شاد در سال 1314 شمسى و تبعيد آيات خراسان و تعطيلى حوزه علميه مشهد ناچار به تهران برگشته، و از محضر آيت الله شيخ محمد علي شاه آبادى بهره مند شد، سپس به قم آمده و از محضر آيات ثلاث: سيد محمد حجت كوه كمرى، سيد محمد تقى خوانسارى و سيد صدر الدين صدر استفاده نموده، و به تهران بازگشته و مدتى اقامت و پس از ورود آيت الله طباطبائى بروجردى باز به قم برگشته، و مدت نه سال تمام به اتفاق باجناقش حجه الاسلام حاج شيخ محمد جواد خندق آبادى به درس خارج معظم له شركت و استفاده نمود، سپس به مشهد عزيمت و به مدت دو سال توقف و به تدريس پرداخت، و پس از آن به تهران بازگشت و در مدرسه مروى به تدريس فقه و اصول اشتغال نمود، و در «مسجد خندق آباد» واقع در خيابان مولوى به اقامه جماعت و ارشاد مردم مشغول بود.

### از آثار او:

1- مصباح المقلدين.

2- حقائق الفقه، در 40 جلد.

3- خلاصه حقائق الفقه، در چند جلد.

متوفى روز پنجشنبه 11 اسفند 1373/ ش مطابق با اول/شوال 1415/ ق در سن 83 سالگى در پى بيمارى در تهران، جسدش عصر روز جمعه در قم تشييع و

ص: 1643

در صحن حضرت معصومه علیها السّلام به خاک سپرده شد.

-منابع

1- گنجینه دانشمندان 301/9.

2- مؤلفین کتب چاپی 198/3.

**محمد رضا وجدانی**

**اشاره**

(-1366 ق)

وی فردی دانشمند و سمت «دادستان کل کشور» را برعهده داشت.

**از آثار او**

1- اصول محاکمات حقوقی.

2- اصول محاکمات جزائی، در 4 جزوه.

وجدانی در روز دوشنبه 15 جمادی الاول 1366/ ق مطابق با 17 فروردین 1326/ ش درگذشت. پیکرش در صحن کهنه حضرت معصومه علیها السّلام به خاک سپرده شد.

-منبع

1- مؤلفین کتب چاپی 206/3.

**میرزا محمد رفیع جلالی سردودی**

**اشاره**

(1297-1377 ق)

میرزا محمد رفیع فرزند جلیل جلالی سردودی تبریزی معروف به (میرزا رفیع آقا)، از دانشمندان و مدرسین سردرود و داماد آیت الله شیخ محمد علی پیشنهادی سردودی بود.



در سال 1297 ق در شهر «سردرود» از توابع تبریز دیده به جهان گشود.

ص: 1644

## در حوزه نجف اشرف و تبریز

ایشان پس از طی تحصیل مقدمات و سطوح به نجف اشرف عزیمت نمود، و پس از اقامت حدود ده سال از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی و سید ابو الحسن اصفهانی استفاده کرد، موفق به دریافت اجازات علمی از آن دو رادمرد شد و به وطن خود مراجعت نمود.

وی ابتدا به تبریز رفت و در مدارس دینی به تدریس و تربیت طلاب اشتغال ورزید، و سرانجام در زادگاه خود «سردرود» اقامت و به اقامه جماعت و تدریس مقدمات و سطوح همت گماشت، و از جمله شاگردان ایشان حضرات اساتید:

1- میرزا حسن فرهنگ سردرودی 2- میرزا حسن نصرتی نیا سردرودی 3- میرزا محمد تقی کلباسی سردرودی 4- آقای سید اسلام چاووشی (مقیم خلیجان تبریز)، را می توان نام برد.

وی در اواخر عمر نابینا گردید و دچار سکتة مغزی نیز شد، ولی با همین حال به اقامه جماعت و وعظ و ارشاد می پرداخت، ایشان تا آخر عمر به قوت حافظه و سرعت انتقال و زیبایی خط، معروف بود.

## درگذشت و اعقاب

نامبرده در روز پنجشنبه 7/ربیع ثانی 1377/ق مطابق با 9/آبان 1336/ش در سردرود در اثر سکتة قلبی درگذشت، و در قبرستان عمومی مدفون گردید، آن گاه پس از چند سال کالبدش به قم حمل و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

## فرزندان:

1- آقا محمد جلالی 2- آقا حسین، و پنج دختر از او به یادگار ماند.

-منبع

1- اطلاعاتی از فرزند ارشد ایشان.

ص: 1645

(1330-1403 ق)

حاج شیخ محمد فرزند علامه شیخ ابو طالب رفیعی طالقانی، از فضلاء معاصر بود.

وی در سال 1330 ق در روستای «اردکان» از توابع طالقان متولد گردید.

مقدمات را نزد پدرش آموخت، و در حدود سالهای 1345 ق به قم رهسپار شد و پس از طی کردن دروس سطح، خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و شیخ محمد علی حائری قمی استفاده نمود. آنگاه به تهران عزیمت داشت و به ارشاد و هدایت و همکاری با سید مجتبی نواب صفوی پرداخت. در ضمن ایام تبلیغی را در رشت و سایر مناطق استان گیلان و نیز طالقان به خدمت مذهبی و اجتماعی اشتغال پیدا می کرد.

رفیعی مجدداً به قم رفت و به تحصیل خود نزد حضرات آیات: سید صدر الدین صدر، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید روح الله خمینی ادامه داد و خود به تدریس اهتمام ورزید. و پس از پیروزی انقلاب به طالقان-شهرک-رفت و به اقامه نماز جمعه و جماعت و هدایت پرداخت. او مردی متنفذ و صاحب قدرت بود و در فن خوشنویسی مهارت کامل داشت.

## از آثار او

1- تلخیصی لمعتین.

2- دژ خیمان شاه و مدرسه فیضیه.

3- رساله ای در صلاه.

رفیعی سرانجام در روز جمعه مطابق با 12 فروردین 1362/ ش در سن 73 سالگی در اثر سکته قلبی در طالقان درگذشت. پیکرش به قم حمل و در انتهای

ص: 1646

-منابع

1- آشنایی با مشاهیر طالقان 255.

2- آینه دانشوران 337.

**سید محمد روحانی قمی**

**اشاره**

(1338-1418 ق)

سید محمد روحانی فرزند علامه سید محمود و نوه آیت الله سید صادق حسینی قمی، از فقها و مراجع گرانقدر جهان تشیع به شمار می رفت.

وی در شب 23 شعبان 1338/ق در قم پا به عرصه گیتی نهاد.

روحانی در خانواده ای علمی و اصیل پرورش یافت و پس از طی مقدمات، شرح لمعه را نزد آیات: سید رضا بهاء الدینی قمی و شیخ جعفر صبوری قمی (ساکن کاشان) فراگرفت.

جدیت و کوشش مداوم او باعث شد که پدر فرزند خردسالش را روانه عتبات عالیات نماید.

سید محمد همراه برادر کوچکتر خود سید محمد صادق در اواسط/ذی قعدة / 1355 ق رهسپار عتبات عالیات گردید و ابتدا در کربلای معلا اقامت کرد و سطح را نزد حضرات آیات: سید محمد هادی میلانی، سید حسن قزوینی (حاج آقا میر) و سید زین العابدین کاشانی استفاده نمود و مدت کوتاهی در درس خارج آیت الله

ص: 1647

حاج آقا حسین طباطبائی قمی حاضر گردید.

وی همراه برادرش در اواخر سال 1356 ق به نجف اشرف رفت و کفایه الاصول را نزد آیت الله میرزا باقر زنجانی به پایان برد. و خارج فقه و اصول را از محضر آیات: شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (دو سال)، سید ابو الحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی (مدت کوتاهی)، شیخ محمد علی کاظمینی خراسانی (مدت کوتاهی)، میرزا عبد الهادی شیرازی و سید ابو القاسم خوئی (مدت 15 سال) استفاده کرد.

در ضمن مرحوم روحانی به تدریس سطح اشتغال داشت و از حدود سال 1370 به طور خصوصی درس خارج را شروع نمود و در مدت زمان کوتاهی از معارف مدرسین حوزه نجف اشرف شد، و طلاب زیادی از محضرش استفاده کردند.

نامبرده در سال 1400 ق در اثر فشارهای دولت عراق به ایران بازگشت و ابتدا در قم و مدت دو سال در تهران بسر برد و مجدداً به قم مراجعت نمود و به تدریس خارج ادامه داد، و در سالهای آخر عمر درس خود را به حسینیه صفائیه منتقل کرد.

## از آثار او

1- القواعد الفقهیه.

2- حاشیه علی المکاسب.

3- رساله فی القبله.

4- شرح کتابی الطهاره و الصلاه من العروه الوثقی.

5- قاعده لا ضرر.

ص: 1648

مرحوم روحانی افتخار دامادی شیخ محمّد جواد فرزند آیت الله شیخ محمّد علی شاه آبادی را داشت. وی از فضلا و برجستگان بود از جمله شاگردان پدر ارجمند خود و آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی به شمار می رفت. ولی متأسفانه در اوایل سال 1356 ق مطابق با 1316 ش در سن 33 سالگی در تهران دار فانی را وداع گفت، و در قبرستان باغ طولی واقع در صحن مطهر حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام شهر ری به خاک سپرده شد از او شش پسر و تنها یک دختر به جای ماند.

### شیخ محمّد زاهد رشتی

(1295-1380 ق)

حاج شیخ حسن شمس گیلانی ایشان را در کتاب تاریخ علما و شعرای گیلان چنین معرفی می نماید:

(آن جناب از افاضل علمای گیلان، مردی منزوی و عالم و حکیم و فاضل و صالح و زاهد و عابد است. و تاکنون به طوری در گیلان زندگی کرده که خاطر کوچک و بزرگ را از خود نرنجانیده، او بی نهایت از مادیات دور و به غایت به تقوی نزدیک است.

مولانا از شاگردان معتبر شیخ الشریعة اصفهانی، و میرزا محمّد علی چهاردهی گیلانی (که صبیّه میرزا عیال آن بزرگوار بود) و در آن زمان از معروفین نجف اشرف بوده است.

بعضی از گیلانیان تقلید از مولانا می کردند، او در تمام تحولات مستقیم بوده، هیچ وقت پای از جاده شریعت کنار نگذارده، مولانا در گیلان به فقاہت معروف است، هنوز هم مشغول به ترویج احکام الهی است، و از مالیه دنیا چیزی جمع ننموده است.

وی در روز شنبه 25 شعبان 1380/ ق مطابق با 22 بهمن 1339/ ش درگذشت، و در قبرستان ابو حسین قم مدفون شد و سه فرزند ذکور از خود به جای گذاشت.

ص: 1649

تألیفات زیاد دارد که چند تألیف خطی از آن جناب مشاهده شد:

1- جواهر الفقه کتابی در فقه، 2- کتابی در صلاه، 3- العناوین فی الاعتقادات، 4- رسائل فی علم الکلام، 5- مقالات اصولیه، 6- حاشیه بر رساله علمیه چهاردهی.

وی به سال 1295 ق در رشت متولد گردید. دروس مقدماتی را در زادگاهش فراگرفت، و در سال 1312 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و پس از انجام سطوح نزد آیات: میرزا محمد علی مدرس چهاردهی، سید ابو القاسم اشکوری و سید اسد الله اشکوری، دروس خارج را از محضر آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و سید ابو الحسن اصفهانی استفاده نمود و در سال 1327 ق پس از اخذ درجه اجتهاد به وطنش مراجعت کرد و به کار تدریس و تربیت طلاب پرداخت.

-منابع

1- تاریخ علماء و شعرای گیلان 115.

2- کتاب گیلان 705/2.

**دکتر محمد زهرائی خوانساری**

**اشاره**

(1290-1383 ق)

دکتر محمد فرزند شیخ رضا بدیع «نظام الشریعه» و نوه ملا محمد خوانساری، ملقب به «زهرائی» از پزشکان و خیرخواهان و خدمتگزاران علم و جامعه بود.

وی در سال 1290 ه. مطابق با 1251 ش در خوانسار دیده به جهان گشود.

پدرش «نظام الشریعه» و متخلص به «بدیع» (1268-1329 ق) از اساتید به نام خوشنویسی و ادبا و آزادی خواهان صدر مشروطیت بود. او خطهای: رقا، ثلث و نسخ را بسیار زیبا می نوشت. از آثار او: مثنوی و مجموعه اشعار است. شرح حالش در تذکره شعرای خوانسار ص 32 آمده است.

ص: 1650

دکتر زهرائی مقدمات را نزد پدر ارجمند خود و نیز نزد میرزا حسین قاضی عسکر در مدرسهٔ مریم بیگم گذراند. سپس به اصفهان عزیمت کرد و هم‌زمان دروس سطح و حکمت را نزد ملا-عبد‌الکریم گزی و میرزا جهانگیر خان قشقائی به مدت چهار سال سپری کرد و به خوانسار بازگشت. در آنجا رشتهٔ طب قدیم را از محضر میرزا ابوالقاسم حکیم باشی بهره‌مند شد. سرانجام جهت ادامهٔ تحصیلات پزشکی خود راهی تهران گردید و مدت چهار سال در دارالفنون به تحصیل پرداخت. از اساتید این دوره می‌توان به: علی‌اکبر ناظم‌الاطباء نفیسی و استاد پولارک اشاره کرد.

وی در اثر نداشتن کتاب، مجبور شد که کتاب «لاروس مدیکال» را با خط بسیار زیبای خود (شکسته و لاتین) و با ترجمهٔ فارسی و یافتن اسامی فارسی و عربی و یونانی گیاهان داروئی، از نو بنویسد، که هم‌اکنون آن نسخه موجود و قابل استفاده است.

در آخرین صفحه لغتنامهٔ مذکور خود ایشان نوشتند که: چون پول برای خرید آن نداشتم، با خط خودم آن را نوشته و بعداً در ایام پیری مطالبی اضافه کرده، که اینک از خواندن خط خودم ناتوانم.

دکتر زهرائی پس از دریافت دانشنامه به خوانسار مراجعت کرد، و چون خانهٔ پدرش خارج از شهر بود، برای سکونت و طبابت، منزل آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری-متوفای 1346 ق- که در نجف اشرف اقامت داشت، اجاره نمود. و پس از دوسه سال به منزل دیگری در همان کوی رئیس‌ان نقل مکان کرد. سپس در کوی لبرود منزلی اختیار نمود، و در حیاط و باغ آن، در ایام و ساعات فراغت به درخت کاری، پیوند زدن، و کاشتن بعضی از سبزی‌ها و میوه‌ها اشتغال داشت.

## یگانه پزشک خوانسار و حومه

در ابتدای شروع طبابت ایشان در خوانسار، ادارهٔ دولتی منحصر به یک «نایب



الحکومه» که گاهی از مرکز و گاهی از گلپایگان اعزام می شد. او با تصویب مرکز در خوانسار اداره بهداری به نام «مجلس حفظالصحه» ایجاد کرد، و چندی هم با شرکت آقا کمال گلپایگانی و آقا نجفی خوانساری «صلحیه ای» تأسیس نمودند، که خودش بعدا کنار گرفت.

از جمله خدمات آن مرحوم اینست که: سید ابراهیم خان رئیس قشون خوانسار را تشویق به تأسیس مدرسه ای به نام (ابراهیمیه) نمود، که شامل چندین کلاس بود، و پس از چندی و مخالفت عوام تعطیل شد.

دوران طبابت دکتر زهرائی در خوانسار بیش از پنجاه سال ادامه داشت، که در طول این مدت گاهی مختصر حقوقی به نام تصدی حفظالصحه (بهداری) دریافت می کرد.

### ویژگیهای پزشکی واقعی

زهرائی، خود را وقف عام مردم کرده بود. همواره در خدمت خلق و بدون مطالبه اجرت (حق ویزیت) طبابت می کرد. این خدمت به طور شبانه روزی بود.

شبهها که مراجعین به واسطه دوری مسافت دالان، از کوبیدن کوبه درب موفق به بیدار کردن او نمی شدند، دیوار عریض را به قدری کوبیده اند که چند جا سوراخ شده و موفق به مقصود خود می شدند.

بیماری مایه کوبی آبله با اصرار و روپرو شدن با مخالفت مردم، در چند مرحله انجام داده، موفق به ریشه کن شدن آن گردید. گری و تراخم را که تقریبا بومی و عمومی شده بود، از میان برد.

نیز چند جوانی تحت تربیت قرار داده و داروسازی را به آنان آموزش می داد، و داروخانه ها را اداره می کردند، و بعدا امتحان داده موفق به کسب جواز شدند.

حمامهای خوانسار را به دوش مجهز ساخت، و خزینه ها که مرکز بیماری و آلودگی بودند مسدود کرد.

ایشان نسبت به سادات بنی الزهراء علیها السلام و بزرگان و اهل علم فروتن بود و علاقه زیادی اظهار می کرد، منزلش به روی همگان باز بود.

نماز شبش ترک نمی شد، و همواره و همیشه مشغول خواندن قرآن کریم و دعاهاى مختلف بود، راز و نیاز و اذکار از لبش ترک نمی شد. وی علاوه بر معالجات عمومی، کارهای: جراحی، کتالی، دندانپزشکی و... انجام می داد، و زیاد مقید به پول نبود.

رفقای ایام تحصیل خود در اصفهان، مانند: میرزا جعفر تیدجانی خوانساری و سید عباس مصطفوی دارانی و دیگران را تا آخر عمر ترک نکرد، و با آنان معاشرت و مراوده داشت.

او یک سفر به خانه خدا رفت و مراسم معمول را به جای آورد، و دو سفر به زیارت مشهد ثامن الحجج علیه السلام موفق شد. بعضی از املاک شخصی خود را وقف طلاب مدرسهٔ مریم بیگم خوانسار نمود، و کتابخانه اش از طرف فرزندانش به آستان قدس رضوی اهدا گردید.

### ارتحال به سوی معبود

دکتر زهرائی در اثر کهولت سن چند سال آخر عمر خود ضعیف و ناتوان شده بود، و در اثر بیماری مزمن به تهران منتقل شد، ولی معالجات سودی نبخشید و در ذی القعدة 1383/ق برابر با فروردین 1343/ش به ملکوت اعلی پیوست، و جان به جان آفرین تسلیم نمود، و پیکرش در قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

او چند فرزند فاضل و دانش دوست، از خود یادگار گذاشت که عبارتند از:

1- آقا مرتضی، که در نوجوانی فوت شد.

2- استاد فضل الله زهرائی، متولد سال 1284 ش در خوانسار که فعلا در تهران سکونت دارد. او نویسنده کتابهایی چند درباره تاریخ شهر خوانسار و چند

کتاب مذهبی می باشد.

3- دکتر رضا زهرائی، متولد سال 1297 ش در خوانسار، پزشک متخصص که هم اکنون در تهران سکونت دارد و به مردم خدمت می کند.

و سه دختر باقی گذاشت.

- منبع

1- شرح حال فوق براساس یادداشت های فرزندش استاد فضل الله زهرائی، و مصاحبه شفاهی با شخص ایشان تنظیم شده است.

### شیخ محمد زین العابدین

#### اشاره

(1340-1420 ق)

شیخ محمد فرزند علامه شیخ مهدی و نوه آیت الله شیخ زین العابدین مرندي، از علما و پارسایان معاصر بود.

وی در سال 1340 ق مطابق با 1300 ش در نجف اشرف تولد یافت.

#### جد و پدر

جدش شیخ زین العابدین فرزند اسماعیل تبریزی مرندي (1266 - 1340 ق) از فقها و بزرگان دانشمندان بود. وی در نجف اشرف از شاگردان سید حسین کوه کمری و میرزا حبیب الله رشتی و در سامرا از میرزا محمد حسن شیرازی استفاده نمود. رساله علمی اش به نام «منهاج العباد» در سال 1339 ق به چاپ رسید، جهت تفصیل بیشتر به نقباء البشر 799/2 رجوع شود.

ص: 1654

پدرش از شاگردان پدر خود، میرزا حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی در نجف اشرف و از مشاهیر زهاد و عبّاد بود. از آثار او:

الفیه فی مدح اهل البیت علیهم السّلام و تواریخ الانبیاء می باشد، وی در سال 1395 ق در حدود 85 سالگی در نجف اشرف درگذشت.

## تحصیلات

شیخ محمّد، مقدمات را نزد عمومی خود آیت الله شیخ هادی زین العابدین و هیئت و حساب را از میرزا محمّد اردبیلی و سطح را نیز در نزد عمومی دانشمند خود استفاده کرد.

ایشان دروس خارج را از محضر آیات: شیخ حسین حلی و سید ابو القاسم خوئی استفاده و تقریرات دروس آنان را یادداشت نمود. وی در نجف اشرف به تألیف و خدمات اجتماعی و اقامه جماعت اشتغال داشت. در سال 1404 ق از راه سوریه به ایران مهاجرت کرد و در حوزه علمیه قم سکونت اختیار نمود. چند سالی در مسجدی که مقابل منزل آیت الله گلپایگانی واقع است، به جماعت و ارشاد اشتغال داشت و دو، سه سال آخر عمر خود، انزوای کامل را برگزید.

## از آثار او

- 1- ادعیه سریعّه الاجابه، چاپ شده.
- 2- الأسرار الرحمانیه فی الأدعیه و الأذکار.
- 3- الاصول السامیه، تقریرات درس اصول شیخ حسین حلی.
- 4- الاصول الواضحه، تقریرات درس اصول سید ابو القاسم خوئی.
- 5- البیان الاوفی فی شرح العروه الوثقی، تقریرات درس حلی «کتاب الطهاره» در چهار جلد.
- 6- البیان الثاقب فی شرح المکاسب، تقریرات درس شیخ حسین حلی.

ص: 1655

7-البيان المعقول في شرح كفايه الاصول، در چهار جلد.

8-التنبه الجميل في الفلسفه و الأخلاق، در دو جلد.

9-الفوائد القرآنيه في الأدعيه و الأذكار.

10-الكشكول في الفوائد و الحكم.

11-بيان الأئمه عليهم السلام للوقائع الغريبه و الأسرار العجيبه، سه جلد از اين مجموعه ابتدا در قم و سپس در بيروت به چاپ رسيد و چهار جلد ديگر آن خطی مانده است.

12-تعاريف العلوم، در تعريف علوم گوناگون همراه با توضيح کوتاه درباره آنها.

13-توضيح المطالب في الحواشي على المكاسب، تعليقاتی کوتاه بر مکاسب، آن هم از افادات استاد و عموی خود شيخ هادی زين العابدين.

14-حلّ مشكله الصعود الى السماء، بحث في الهيئه على ضوء القرآن الكريم.

15-رساله في احكام الطبابه و الصيدليه و الراديو و التلفزيون و التقود.

16-رساله في الاجتهاد و التقليد.

17-رساله في الذكر و الدعاء.

18-رساله في اليانصيب.

19-رساله في شركه التأمين.

20-رساله في صلاه الجمعه.

21-رساله في علم الحروف و الجفر.

22-رساله في قاعده اليد.

23-رساله في مجهول المالك و اللقطه و ردّ المظالم.

24-رساله في معاملات البنوك.

25-شرح العروه الوثقى، تقريرات درس آيت الله الخوئی که شامل کتابهای:

صلاه، صوم، زکاه، خمس، حج، اجاره تا نکاح، در چندین جلد.

26-فوائد الفلصفه.

تذکر: بیشتر آثار فوق که ذکر گردید در عراق نزد فامیلش نگهداری می شود.

ص: 1656

نامبرده در بامداد روز سه شنبه /2 رجب 1420/ ق مطابق با /20 مهر 78/ ش در قم دار فانی را وداع گفت. پیکرش عصر روز چهارشنبه از مسجد امام رضا علیه السلام تشییع و در جوار علی بن جعفر علیه السلام دفن گردید.

- منبع

1- شرح حال فوق از زبان خود ایشان در شب /8 رمضان 1416/ ق، در منزلش در قم یادداشت گردید.

### سید محمد سبزواری

(1414-1364 ق)

سید محمد فرزند آیت الله سید عبد الاعلی موسوی سبزواری، از فضلاء معاصر بود. در /10 صفر 1364/ ق در نجف اشرف متولد گردید. و در دامن پدری دانشمند و فقیه پرورش یافت و پس از طی مقدمات، سطوح را نزد آیات: شیخ صدرا بادکوبه ای، شیخ عباس قوچانی، شیخ محمد صادق سعیدی کاشمیری، و میرزا جواد تبریزی تلمذ کرد.

خارج فقه و اصول را از محضر آیات: میرزا باقر زنجانی، سید ابو القاسم خوئی، و از محضر پدر خود علاوه بر فقه و اصول در فلسفه و عرفان و کلام استفاده نمود، و اجازه علمی از ایشان دریافت داشت، و به تدریس و سایر خدمات دینی در کنار پدر پرداخت.

در سال 1411 ق در پی قیام مردم عراق و شورش عظیم نجف اشرف، مترجم له به ایران مهاجرت کرد و به سید عبد الاعلی سبزواری

ص: 1657

وظایف دینی همت گماشت.

متأسفانه در ذی قعدة 1414/ ق مطابق با 1373 ش در اثر تصادف در اتوبان قم-تهران درگذشت، و جسدش به قم انتقال و پس از تشییع در صحن حضرت معصومه علیها السلام در حجرة دکتور محمد مفتاح به خاک سپرده شد.

فرزندش: جناب آقای سید حسن سبزواری است.

**شیخ محمد سبزواری «عزیزی»**

**اشاره**

(1318-1409 ق)

شیخ محمد فرزند حبیب الله سبزواری (عزیزی)، از فضلا و مفسران قرآن کریم بود.

وی به سال 1318 ق در روستای (فرومد) واقع در بین سبزوار-شاهرود دیده به جهان گشود.

**در حوزه های علمیه**

سبزواری پس از آموختن مقدمات، در سنین جوانی به مشهد مقدس مهاجرت کرد و به تحصیل خود ادامه داد. و یکی از مقربین آیت الله حاج سید حسین طباطبائی قمی گردید، و همراه ایشان در سال 1354 ق به عتبات عالیات سفر و در کربلای معلّا اقامت نمود و از محضر آن رادمرد به مدت چند سال نیز استفاده نمود، و پس از ارتحال آیت الله قمی به نجف اشرف رفت، و از محضر آیت الله میرزا عبد الهادی شیرازی بهره مند گردید، و با عده ای از فضلا به تدریس و مباحثه پرداخت.

ص: 1658



وی در سال 1380 ق به ایران مراجعت و در قم سکونت اختیار کرد، و مسجد «باب الجنه» که در انتهای خیابان چهارمردان واقع است به همت ایشان احداث گردید، و به اقامه جماعت و ارشاد در آن مسجد همت گماشت.

## از آثار او

1- الجدید فی تفسیر القرآن المجید، در هفت جلد.

2- مختصر تفسیر الجدید.

## درگذشت و اعقاب

وی در روز چهارشنبه 22 ذی حجه 1409/ ق به سن 91 سالگی در اثر کهولت سن در قم درگذشت، و جسدش روز پنجشنبه تشییع در داخل حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## فرزندان:

1- حاج حامد 2- آقا حسن 3- آقا محسن 4- آقا معالی 5- آقا جواد.

- منابع

1- المفسرون حیاتهم و منهجهم 414.

2- مستدرک أعیان الشیعه 212/3.

## میرزا محمد سعید سلطان العلماء نائینی

(-1346 ق)

میرزا محمد سعید فرزند علامه میرزا محمد ضیاء العلماء و نوه سید کاظم نائینی، ملقب به «سلطان العلماء».

وی در صدر مشروطیت جزو سردسته های آزادیخواه اصفهان و نائین بود و

ص: 1659

پس از استقرار آن، وارد خدمات قضایی شد و آخرین سمتی که داشت ریاست دادگستری قم بود.

وی در سال 1346 ق مطابق با 1306 ش در قم درگذشت و اولادی از او باقی نماند.

-منبع

1-انساب خاندانهای مردم نائین 26.

**شیخ محمد سعید گلپایگانی «امامی»**

(1278-1353 ق)

شیخ محمد سعید فرزند علامه شیخ محمد علی و نوه آقا سعید گلپایگانی، از فقها و بزرگان گلپایگان بود.

وی در سال 1287 ق مطابق با 1239 ش در گلپایگان متولد گردید.

او پس از تحصیل مقدمات و سطح رهسپار عتبات عالیات شد و در حدود سال 1305 ق وارد سامرا گردید و از محضر آیات: میرزا محمد حسن شیرازی، سید محمد فشارکی اصفهانی، سید اسماعیل صدر اصفهانی و میرزا محمد تقی شیرازی و چندی در نجف اشرف از محضر میرزا حبیب الله رشتی استفاده نمود و در حدود سال 1310 ق به گلپایگان مراجعت کرد و از سوی مردم آن خطه به مجلس شورای ملی دوره سوم راه یافت.

ایشان در محرم 1353/ ق مطابق با اردیبهشت 1313/ ش در گلپایگان درگذشت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ-در یکی از اطاقهای ورودی قبرستان-به خاک سپرده شد.

-منابع

1-نقباء البشر 811/2.

2-نمایندگان مجلس شورای ملی 322.

3-هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی 108.

ص: 1660

## اشاره

(1337-1407 ق)

شیخ محمد، فرزند علامه شیخ طاهر و نوه آیت الله شیخ نعمت سلامی (که از جمله شاگردان شیخ مرتضی انصاری محسوب می شد)، از فضایی معاصر بود.

وی در سال 1337 ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

## تحصیلات و ارشاد

وی ابتدا به تحصیلات جدید پرداخت و به اداره فرهنگ پیوست سپس از جمله محصلین حوزه علمی نجف اشرف به شمار آمد، و از طرف آیت الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء به اهواز عزیمت کرد، و به ارشاد و هدایت و انجام امور مذهبی پرداخت. و پس از کشف الغطاء نماینده آیت الله سید محسن طباطبائی حکیم گردید.

ایشان در پی جنگ عراق و ایران همواره در حال تردد بین اهواز و قم، و مردی فاضل، روشنفکر، حلیم، شجاع، صبور و در امور مذهبی متعصب و غیور بود.

نامبرده در روز شنبه 9 جمادی اول 1407 ق مطابق با 20 دی 1365 ش در سن 70 سالگی در قم درگذشت، و در جوار بقعه علی بن جعفر علیه السلام به خاک سپرده شد.

-منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-مشهد الامام أو مدینه النجف 127/4.

ص: 1661

(1280-1336 ق)

حاج ملا محمد ملقب به «سلطان العلماء» و معروف به «سلطان بزرگ» فرزند حاج محمد حسین اردکانی، از دانشمندان و خدمتگزاران اردکان بود.

وی در سال 1280 ق در اردکان-استان یزد-متولد گردید.

ایشان تحصیلات مقدماتی را در مدرسه علمی اردکان شروع نمود و پس از پنج سال تحصیل رهسپار حوزه علمی اصفهان شد و نزد بزرگان آن دیار مراحل عالی علمی را طی کرد و پس از هفت سال اقامت به زادگاه خود مراجعت فرمود و به ارشاد و هدایت اشتغال ورزید.

### نمونه هایی از مجاهدات سلطان

سال 1321 ق مصادف با حکومت جلال الدوله فرزند ظل السلطان (حاکم یزد) بود و چون بهائیان اردکان خصوصاً صدر الشریعه و نظام الشریعه با وی ارتباط نزدیک داشتند، از موقعیت سوءاستفاده نموده و بنای مخالفت را با علمای اردکان گذاشتند. در جلسه ای با حضور جلال الدوله، صدر الشریعه به سلطان توهین می کند.

سلطان، ما وقع را با بزرگان اردکان در میان می گذارد و سپس جهت دفع شر بهائیان عازم تهران گردیده، با جامعه روحانیت تهران تماس حاصل می نماید و نامه ای خطاب به آیت الله شیخ علی مجتهد اردکانی-روحانی برجسته اردکان- دریافت می کند، مضمون آن چنین بود:

«دولت مرکزی به حرف مردم رسیدگی نمی کند و ملت باید خود حق خویش را بگیرد». به محض رسیدن نامه سلطان، شیخ علی با کمک مردم نسبت به اخراج بهائیان از اردکان اقدام می نماید که در نتیجه مقاومت آنان دوازده نفر به هلاکت می رسند و بقیه متواری می شوند.

ص: 1662

سلطان نیز به اردکان مراجعت می نمود، لیکن از طرف جلال الدوله مورد تهدید و تعقیب قرار گرفت. مأمورین جهت دستگیری به خانه وی ریختند و اموالش را به غارت بردند. اما خود ایشان موفق به فرار گردید و از راه خور و بیابانک، خود را به تهران رسانید.

مأمورین جلال الدوله به تعقیب ایشان می پردازند. گروهی به سلطان می رسند و به یاری ایشان می شتابند و از طریق کویر سمنان، سرانجام خود را به تهران می رسانند. به منزل آیت الله سید عبد الله بهبهانی می رود و در آنجا فجاج حکومت مرکزی و جلال الدوله را بیان می نماید. در نتیجه، شاه مجبور به عزل جلال الدوله می شود و سلطان به اردکان بازمی گردد.

### نحوه درگذشت

در سال 1336 ق بیماری وبا در اردکان شیوع پیدا می کند و روزانه بیش از یک صد نفر به کام مرگ فرومی برد. اکثر متمولین به کوهستانهای اطراف پناهنده شده بودند، لیکن سلطان از عزیمت به کوهستان خودداری می کند و اظهار می دارد: «اگر من هم از اردکان خارج شوم ترس و واهمه، رعیت را فرامی گیرد».

در نتیجه این ایثار دچار بیماری می شود و در سن 56 سالگی همان سال زندگی را وداع می گوید. جنازه وی ابتدا در امامزاده سید محمد هفتاد به عنوان امانت دفن می شود. سپس کالبدش را به قم منتقل می نمایند.

- منبع

1- تاریخ اردکان 260/1 و 53/2.

### شیخ محمد سلطان المحققین کجوری

اشاره

(1263-1353 ق)

حاج شیخ محمد فرزند ملا اسماعیل و نوه عبد العظیم کجوری مازندرانی، از

ص: 1663

واعظان نامی و معاریف تهران بود.

گاهی به «سلطان الواعظین» و گاهی به «سلطان المحققین» و نیز «سلطان المتکلمین» ملقب می گردد.

وی در سال 1263 ق تولد یافت.

پدرش (1223-1278 ق) از دانشمندان معروف تهران بود. وی از جمله شاگردان: شیخ محمد حسن نجفی «صاحب جواهر» و شیخ مرتضی انصاری در نجف اشرف بود. از آثار او: 1- الفقه (دوره کامله). به الکرام البرره 140/1 رجوع شود.

سلطان المحققین در عصر خود، از معروف ترین خطبا و سخنوران پایتخت بلکه ایران بود. بیان بسیار بلیغ و شیوا و شیرین داشت، همگان او را مقدم می کردند و از وجاهت و محبوبیت ویژه ای برخوردار بود. در موقع ورود آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری در سال 1340 ق به قم، سلطان همراه جمعی از علما و خطبا در ایام نوروز، وارد قم شدند و مقدم حاج شیخ را گرامی داشتند و مردم را جهت خواهش و اصرار به ماندن ایشان در قم، تشویق کردند.

### از آثار او

3- بشاره الامه.

4- تاریخ ام المصائب.

5- ترجمه موسی مبرقع و اعقاب او.

6- ذریعه العاصین.

ص: 1664

7- زبده المآثر فی ترجمه المولی باقر (کجوری، برادر دانشمند خود).

کجوری در روز پنجشنبه /14 شعبان 1353/ ق مطابق اول/آذر 1313/ ش در سن 90 سالگی در تهران چشم از جهان فرو بست. بیکرش صبح روز جمعه از مسجد شیخ عیسی لواسانی تشییع و به قم انتقال داده شد و در حرم حضرت معصومه علیها السّلام-مسجد بالاسر-به خاک سپرده شد.

-منابع

1-الذریعه 112/3 و 236 و 31/10.

2-روزنامه «اطلاعات»، جلد دوّم، به تاریخ اول/آذر 1313/ ش، ص 3.

3-معجم القبور و وفیات الاعلام (شریف رازی-مخطوط).

### **سید محمد سلطان الواعظین شیرازی**

#### **اشاره**

(1314-1391 ق)

#### **سادات شیرازی در تهران**

در اواخر سلطنت فتحعلی شاه قاجار جد اعلاى سلطان الواعظین، علامه سید حسن واعظ شیرازی-یکی از برجسته ترین فرزندان سید الفقهاء علامه سید اسماعیل مجتهد مجابی بود-در مراجعت از زیارت مشهد مقدس رضوی به تهران وارد شد و از طرف شاه قاجار توقف در آن سامان را اختیار کرد و به ترویج مذهب و وعظ و ارشاد پرداخت.

پس از درگذشت سید حسن واعظ در سال 1219 ق، ریاست خاندان به فرزند

ص: 1665

ایشان علامه سید علی اکبر ملقب به «اشرف الواعظین» منتقل شد، این رادمرد بیش از نیم قرن پرچمدار توحید بود و با کمال شهامت و از خودگذشتگی با قدرت نفوذ نامتناهی، در پیش آمدهای گوناگون در مقابل اعادی دین و بیگانگان پیوسته به ثبات قدم و استقامت کامل و ترویج دین مبین و نشر معارف اسلامی مجاهدتها نموده، و خدمات در خور تمجید ایشان در ابلاغ حقائق و اشاعه معالم مورد تصدیق دوست و دشمن انجام داده است.

سید علی اکبر اشرف الواعظین «مجابی»

بیانات سحرآمیز و تأثیر کلام آن بزرگوار اظهر من الشمس، و مورد توجه خاص و عام و علمای اعلام و مراجع تقلید در دوره های مختلف بود.

مخصوصاً حضرات آیات: میرزا محمد حسن شیرازی، میرزا حبیب الله رشتی، شیخ زین العابدین مازندرانی، میرزا حسین خلیلی تهرانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، سید اسماعیل صدر، شیخ الشریعه اصفهانی و میرزا محمد تقی شیرازی بیش از حد ابراز لطف و محبت درباره آن مرد بزرگ مراعات داشتند.

تولد اشرف الواعظین در سال 1268 ق اتفاق افتاد و مرگش در 21/شعبان/1351 ق در سن 83 سالگی در کرمانشاه رخ داد. و جنازه اش به عتبات عالیات حمل، و در صحن حسینی در جوار مرقد سید ابراهیم مجاب به خاک سپرده شد.

### نسب و تولد سلطان الواعظین

چنانکه قبلاً اشاره رفت وی فرزند اشرف الواعظین و نوه سید قاسم بحر العلوم

ص: 1666



موسوی است و با 23 واسطه نسبش، به ابراهیم مجاب فرزند محمّد عابد فرزند امام موسی کاظم علیه السّلام می رسد.

پدر و اجداد سلطان الواعظین در تهران سکونت داشتند. و او خود، در ماه ذی القعدة 1314 ق در آن شهر متولد گردید و در دامان پدری دانشمند و سخنور پرورش یافت.

## تحصیلات مقدماتی و عالی

وی پس از طی دوران کودکی جهت آموختن مقدمات علوم دینی یعنی ادبیات، وارد «مدرسه پامنار» تهران شد و نزد اساتید وقت دروس ادبی را فراگرفت.

در سال 1325 ق یعنی اوایل انقلاب مشروطیت همراه پدر خود- که از یاران و همفکران آیت الله شیخ فضل الله نوری بود- از تهران اعراض و چندی در کرمانشاه توقف و پس از آن به عتبات عالیات عراق مهاجرت کرد. در کربلای معلّا به مدت دو سال و اندی، قسمتی از سطوح را نزد آیات: شیخ غلامحسین مرندی و میرزا علی شهرستانی تلمذ کرد.

در سال 1328 ق در پایان دوره استبداد و پیروزی مشروطه خواهان، او همراه پدر خود به ایران مراجعت و در کرمانشاه در اثر استدعای اهالی و خواهش بزرگان در آن سامان اقامت نمود، که هم پدر و هم پسر به نشر معارف و وعظ و ارشاد اشتغال ورزیدند.

در سال 1345 ق پس از زیارت عتبات مقدسه به هندوستان رفت، و موفق شد که خدمات شایانی به مذهب تشیع نماید.

در سال 1351 ق به قم مقدس رهسپار شد و دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمّد حجت کوه کمری و سید محمّد تقی خوانساری استفاده نمود.

ایشان دروس عالی حکمت و فلسفه را خدمت استاد دوران و حکیم زمان

شیخ محمد علی شاه آبادی طی نمود، و به درجات عالی در این رشته رسید.

ایشان رسماً از سال 1356 ق در پایتخت (تهران) سکونت اختیار نمود و به وعظ و ارشاد و هدایت مردم پرداخت. علاوه بر آن در سایر شهرهای ایران و نیز کشورهای اسلامی چون: عراق، سوریه، فلسطین، اردن و مصر و هندوستان سفرهای متعددی داشت و با طوایف و مذاهب مختلف بسیاری چون: یهود، نصارا و منحرفین از قبیل بهائی ها، قادیانی ها مناظرات و مباحثات مذهبی و اعتقادی بر پا داشت.

### **آثار گرانهای سلطان الواعظین**

هرچند آثار بسیار کمی از سلطان الواعظین به چاپ رسیده و فقط سه عنوان از کتاب ایشان می شناسیم، ولی هرکدام از آنها دریایی از علم و معرفت و اقیانوسی در علم کلام و ادیان است.

آثار او غالباً در دفاع از اصل تشیع و حریم آن به صورت مباحثات و مناظرات با صاحبان مذاهب و فرق مختلف و رد کتب ضاله و تحریف شده و اثبات حقانیت آیین علوی و معرفی گروه رستگاران می باشد.

### **شبهای پیشاور**

کتاب «شبهای پیشاور» در دفاع از حریم تشیع است که تاکنون چندین بار چاپ شده است. گردآوری مباحث کتاب خود مؤلف در مقدمه کتاب متذکر می شود که ما با رعایت اختصار آن را نقل می کنیم:

در ربیع الاول سال 1345 ق درحالی که مرحله سی ام عمر خود را طی می نمودم، پس از تشرّف به عتبات عالیات و فراغت از زیارت قبور ائمه طاهرین علیهم السّلام، از طریق هندوستان عازم عتبه بوسی امام هشتم مولانا أبو الحسن الرضا حضرت علی بن موسی علیه السّلام گردیده، پس از ورود به کراچی و بمبئی که دو

ص: 1668

شهر مهم بندری هندوستان بود، برخلاف انتظار خبر ورود داعی را جرائد مهمه نشر دادند...

از جمله مجالس مهم، مناظره ای که با علمای هند و براهمه در شهر دهلی با حضور «گاندی»-پیشوای ملی هند-واقع شد، که در جرائد مفصلاً درج گردید، به حول و قوه پروردگار متعال و توجهات خاصه حضرت خاتم الانبیاء(ص) موفقیت با داعی و حقانیت دین مقدس اسلام و مذهب حقه جعفریه را ثابت نمودم.

آنگاه از طرف «انجمن اثناعشریه» شهر سیالکوت به ریاست جناب ابوالبشیر، سید عنایت علیشاه تقوی-مدیر محترم روزنامه هفتگی(در نجف)دعوت شده، بدان صوب حرکت نمودم...

چون اکثریت اهالی پیشاور مسلمانند و از برادر اهل تسنن هستند، لذا در مدت سه ساعت که منبر بودم، روی سخن با آنها و در اثبات امامت بیشتر دقت و صرف وقت می نمودم.

لذا، محترمین علمای آنها که حاضر مجلس تبلیغ می شدند تقاضای مجلس خصوصی نمودند. چند شبی تشریف می آوردند در منزل و ساعتی به مباحثات می گذشت...

داعی، از روی جرائد و مجلات، مقالات و گفتارهای شبانه را یادداشت نموده، اینک آن مقالات و مناظرات است به نظر قارئین محترم می رسد. فلذا این کتاب را موسوم نمودم به «شبهای پیشاور».

اما خلاصه مباحث کتاب عبارت است از: معنی شیعه و تشیع، بیان عقاید فرق و مذاهب مسلمان، اخبار خرافی در صحیحین بخاری و مسلم، بیان اقسام شرک، حدیث منزلت، ردّ اتهامات ابن عبد ربه و ابن حزم و ابن تیمیه، حدیث طیر مشوی، معرفی چهره الهی حضرت علی علیه السلام و بیان مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام، مطالبی درباره قیام امام حسین علیه السلام، حدیث غدیر و معنی کلمه مولی، فدک و توضیحاتی در این مقام، معرفی کوتاهی از عایشه، ایمان ابو طالب، معرفی برخی از اشتباهات

عمر، اثبات حقانیت مذهب تشیع.

در این مباحث از کتابهای: تفسیری و حدیثی و تاریخی و سنن و صحاح و کتب دیگر ادبی و لغوی و... از فرقه ناجیه شیعه و مذاهب اربعه اهل تسنن و طوایف دیگر اسلامی، استفاده و اقتباس و استدلال نموده است.

### صد مقاله سلطانی

دومین کتاب مرحوم سلطان الواعظین «صد مقاله سلطانی» در ردّ یهود و نصارا و مجوس و کتب منحرفه آنها است.

و سومین کتاب ایشان عبارت است از: «گروه رستگاران یا فرقه ناجیه» در دو جلد، که نظیر همان شبهای پیشاور در موضوع امامت و ولایت و ردّ مسلکهای منحرف و کج می باشد.

### سلطان الواعظین از دیدگاه بزرگان

1- آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، در اجازه روایتی برای ایشان، نوشته است:

«استجاز منی السید الجلیل فخر الفضلاء و سید الخطباء، صاحب الاجازه المذكوره الحاج السید محمد سلطان الواعظین الشیرازی (آمنه الله تعالی من سوء الظاهر و الباطن) فانه بعد أن سافر من وطنه الی بلده قم و توقف فیها مده طویل و اشتغل بتحصول العلوم الدینیة و کسب الکمالات العالیة لدی، و حصل ما ینبغی تحصیله مده مدیده، فوجدته أهلا لذلك، فأجزته...»

2- از دیدگاه آیت الله سید ابو القاسم طباطبائی غروی تبریزی که از علمای نجف اشرف بود، در اجازه اش به ایشان چنین نوشته است:

«استجاز منی السید السنند و الرکن المعتمد، عماد المحدثین و فخر المتکلمین و ذخر المسلمین، السید محمد سلطان الواعظین الشیرازی (ادام الله فضله و اسعد

ص: 1670

ایامه) فی روایه ما ارویه عن مشایخی الکرام و اساتیدی العظام...».

3- آیت الله شیخ عبد الله مامقانی در اجازه خود به او، می نویسد:

«فقد استجازنی الفاضل الزکی و العالم الالمعی صاحب الفهم الجلی و الاستعداد القوی للعروج الی معارج الفضائل و الکمالات، فخر الخطباء و المحدثین السید محمّد سلطان الواعظین...».

4- آیت الله شیخ ضیاء الدین عراقی درباره ایشان نوشته است:

«...الجامع لصفات الکمال و العلم و الحائز لانواع المحاسن و الحلم، العالم العامل و الفاضل الکامل، السید الجلیل و البحر النبیل، سمی جده محمّد خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم سلطان الواعظین الشیرازی (دامت برکاته العالی).

فاستجاز منی «دام مجده» فاستخرت الله و اجزت له «دام علاه» أن یروی عنی کلما صحت لی روایتہ و جازت لی اجازتہ...».

5- آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی در اجازه خود چنین نوشته است:

«...فان جناب العالم العلام مصباح الظلام، زبده الافاضل الاعلام، الشیرازی (بلغه الله غایه الآمال و الامانی) ممن صرف عمره فی تحصیل العلوم الشرعیه و تنقیح مبانیه النظریه، و قد اجزت له أن یروی عنی جمیع ما صحت لی روایتہ، من مصنفات أصحابنا...».

6- شیخ محمّد شریف رازی در «گنجینه دانشمندان» وی را چنین معرفی می نماید:

«مرحوم سلطان الواعظین که با این نگارنده صداقت تام و محبت زیادی داشت و گاه گاهی موفق به زیارتش می شدم، وی را عالمی بلندهمت و منیع الطبع و کریم النفس می دیدم. حدود ده سال در اثر کسالت قلبی از منبر ممنوع و به کلی خانه نشین شد و قادر به حرکت نبود. ولی باز در همین بازنشستگی از راه تألیف خدمات ارزنده نمود و آثار مفیدی گذاشت».

و نیز استاد شریف رازی در «معجم القبور» خطی خود، درباره ایشان چنین می نویسد:

«حاج سلطان الواعظین، یکی از مفاخر و معاریف این سلسله علمیه و از دانشمندان بزرگوار و خطبای عالی مقدار و مصنفین عظیم الشأن معاصر است و ریاست و سیادت این سلسله جلیله امروز با ایشان است.»

این بزرگوار در تهران متولد شده و در مهد عزت و عظمت و حجر تربیت والد ماجدش دوران کودکی را گذرانیده و به تحصیل علم و کمال پرداخت و چندی در قم از محضر مدرسین حوزه استفاده و مدتی هم در نجف اشرف از محضر مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الله مامقانی و اعلام دیگر بهره مند شده و پس از کسب علوم و اطلاع کامل و کافی از اخبار و احادیث و تواریخ و تفاسیر از راه منبر به ترویج دین پرداخته و مسافرتها بنا بر دعوت های قبلی به شهرستانهای داخل و کشور هند و پاکستان و غیره نموده تا اینکه مبتلا به عارضه قلبی شده، و از منبر رفتن و حرکت نمودن ممنوع و بستری گردیده، ولی باز با حال کسالت بی کار ننشسته در منزل از راه قلم خدمت به دین و ترویج آیین فرموده، و آثار گرانبهایی از خود به شرع مبین تقدیم نموده است.»

### درگذشت ایشان

چنانکه اشاره رفت آن رادمرد بزرگ مورد حمله دردها و بیماری ها قرار گرفت، و سالهای متمادی در منزل بستری بود.

سرانجام در روز جمعه 17/شعبان 1391/ق مطابق با 16/مهر 1350/ش به سن 77 سالگی در تهران درگذشت. و جنازه اش پس از تشییع با شکوه به قم حمل و در قبرستان ابو حسین در یکی از حجرات به خاک سپرده شد، و مجالس متعددی جهت شادی روح و بزرگداشت مقام آن مرحوم در پایتخت و شهرها برگزار گردید.

-منابع

1-آثار الحجه 150/2.

2-شبهای پیشاور(صفحات مختلف).

ص:1672

3- گنجینه دانشمندان 375/2.

4- معجم القبور و وفیات الاعلام (خطی-رازی).

5- مؤلفین کتب چاپی 506/5.

**سید محمد شریف تقوی شیرازی**

**اشاره**

(1270-1352 ق)

سید محمد شریف تقوی ونکی فرزند سید محمد حسن شیرازی برقعی رضوی، از فقها و اساتید به نام حوزه بود

وی در سال 1270 ق در «ونک» (که قصبه ای از بخش سمیرم بالا شهرستان شهرضا است) متولد شد.

تقوی در پنج سالگی به مکتب رفت و در نه سالگی در محضر پدر به تحصیل مقدمات عربی مشغول شد، همچنین نزد سایر اساتید: صرف و نحو و منطق و معانی بیان را آموخت. در 12 سالگی برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت، و به خواندن فقه و اصول و سایر علوم متداول پرداخت و سطوح را به پایان رساند. سپس نزد شیخ محمد باقر اصفهانی «مسجد شاهی» به آموختن درس خارج پرداخت.

ایشان در 17 سالگی به عتبات عالیات رفت و مدت 12 سال به فراگیری علوم معقول و منقول، نزد حضرات آیات: سید حسین کوه کمری، شیخ لطف الله مازندرانی، شیخ محمد فاضل ایروانی، میرزا حبیب الله رشتی و میرزا محمد حسن شیرازی پرداخت و حدیث را نزد علامه محدث میرزا حسین نوری بیاموخت.

ص: 1673

مدتی چند نیز در کربلا نزد آیتین علمین شیخ زین العابدین مازندرانی و سید محمد حسین شهرستانی تحصیل نمود و در پی اصرار طلاب علوم دینی در نجف اشرف به تدریس پرداخت، تا اینکه به مرض قلبی مبتلا و به تجویز پزشکان به ایران معاودت نمود و به شیراز رفت.

اهالی شیراز با احترام از وی استقبال کردند. سپس تشکیل حوزه علمی داد و حدود 25 سال به آموزش امور شرعی و امر به معروف و نهی از منکر و همچنین تألیف کتب مختلف مشغول شد. و چون ندای مشروطه در ایران بلند شد، با آن گونه مشروطه مخالفت کرد و در نتیجه در شیراز تحت فشار قرار گرفت و به اصفهان و تهران رفت. و پس از قتل شیخ فضل الله نوری بار دیگر به عتبات رفت، و بعد از چند سال اقامت به شیراز بازگشت و مجدداً مجلس درس تشکیل داد.

نامبرده در سال 1342 ق به قصد زیارت به سمت مشهد مقدس حرکت کرد، ولی در اصفهان بیمار و به عسر البول مبتلا گشت. پس از معالجه، مدتی در مدرسه صدر به تدریس و بحث پرداخت و پس از دو سال اقامت در اصفهان به تهران رفت.

در تهران بیماریش شدت یافت و ناگزیر به اقامت برای معالجه گردید، ولی معالجات سودی نبخشید و عاقبت در روز دوشنبه 28/رمضان 1352/ق مطابق با 25/دی 1312/ش وفات یافت. جنازه اش را به قم بردند و آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی دستور تعطیل عمومی شهر را داد. و برحسب وصیت در رواق حضرت موسی مبرقع علیه السلام دفن کردند.

### **آثار به جا مانده از وی عبارتند از:**

- 1- تبصره الناظرین (در بررسی آئین مسیحیت).
- 2- کشف المرام فی قانون الاسلام (راجع به مشروطه و معایب آن).
- 3- کشف البیان فی تربیه الانسان.
- 4- تذکره المسلمین فی تهیج العامه (در امر به معروف و نهی از منکر).



5- رساله نغليه (در نوافل و مستحبات).

6- رساله در رد طايفه و هابيت.

7- مرآه الاصول (در اصول دين).

8- رساله عمليه (محشى به حاشيه خود آن مرحوم).

9- يك دوره فقه فارسي (از عبادات تا ديات).

10- قانون الهى.

11- الناسخ و المنسوخ.

12- نسيم السحر.

### فرزندانش:

1- علامه سيد هدايت الله تقوى.

2- سيد عبد الحميد تقوى (نويسنده).

3- سيد جلال تقوى (اديب و فاضل).

4- سيد محمد تقى گلستان، متولد سال 1313 ق در شيراز و متوفى 1383 ق ايضا در شيراز. وي روزنامه «گلستان» را به مدت قريب پنجاه سال در شيراز منتشر ساخت.

5- سيد عبد المجيد تقوى، وكيل پايه يك دادگستري كه در اواسط/رمضان/1399 ق در اهواز درگذشت.

### - منابع

1- الاجازه الكبيره 191.

2- دانشمندان و سخن سرايان 34/2.

3- زندگينامه رجال و مشاهير ايران 274/2.

4- گنجينه دانشمندان 195/6.

5- مؤلفين كتب چاپی 423/3.

6- نقباء البشر 835/2.

ص: 1675

(1340-1421 ق)

حاج شیخ محمد شریف رازی فرزند ملا علی جان و نوه ملا حسین کاشانی، متخلص به «رازی» از دانشمندان و نویسندگان نامی حوزه علمیه قم بود.

وی در رمضان 1340/ق در شهری ری (جنوب شهر تهران) دیده به جهان گشود.

پدرش مردی پرهیزکار و از واعظان و گویندگان شهر ری بود. وی در سال 1298 ق در کاشان تولد یافت. در سال 1330 ق به مجاورت حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام در شهر ری نایل گشت، و در 14 جمادی الاول 1353/ق در سن 55 سالگی در شهر ری بدرود حیات گشت و در جوار امامزاده عبد الله همان جا مدفون گردید.

شیخ محمد، ابتدا در مدارس جدید تحصیل و سپس به آموختن مقدمات علوم دینی پرداخت. در سال 1357 ق و با صلاحدید آیت الله شیخ محمد تقی بافقی یزدی- که در شهر ری به حالت تبعید به سر می برد- رهسپار حوزه علمیه قم شد.

ادبیات عرب را نزد علامه شیخ محمد علی ادیب تهرانی به پایان رساند، دروس سطح را نزد حضرات آیات: سید روح الله خمینی، سید شهاب الدین مرعشی و سید محمد رضا گلپایگانی فراگرفت.

ص: 1676

در سال 1362 ق به حوزه علمیه نجف اشرف عزیمت کرد و از دروس حضرات آیات: سید ابو الحسن اصفهانی و شیخ غلامحسین غروی اردبیلی یک سالی بهره مند گردید. به ایران که بازگشت، یک سال دیگری در مشهد مقدس از محضر آیت الله میرزا مهدی اصفهانی استفاده نمود.

سرانجام در 1364 ق به حوزه علمیه قم بازگشت و خارج فقه و اصول را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی بهره مند گردید. در سال 1374 ق به شهر ری عزیمت کرد و در تأسیس حوزه علمیه «مدرسه برهانیه» همکاری بسیار نمود. در مدیریت و تدریس آن، سهم بسزایی داشت. این همه، پنج سال به طول انجامید و به قم مراجعت فرمود.

نامبرده در زمان زمامداری دکتر محمد مصدق، بر اثر فعالیت علیه توده ای ها و دفاع از حریم تشیع زندان و تبعید به کرمان، را تحمل نمود، و پس از چند ماه تبعید رهایی یافت و به قم بازگشت.

وی از دانشمندان و بزرگان بسیاری مجاز به اجازات: علمی، امور حسبیه و روایتی، شده بود.

از جمله: از حضرات آیات: میرزا محمد عسکری تهرانی، شیخ علی اکبر

ص: 1677

نهاوندی، میرزا آقا اصطهباناتی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید فخر الدین امامت کاشانی و سید شهاب الدین مرعشی، اجازه هایی دریافت کرده بود.

شریف رازی، از راه نگارش تاریخ حوزه علمیه قم و احیای نام علمای شیعه، به آیین تشیع خدمت بسیار نمود. در این راه زحمت ها، سفرها و حرف های بی اساس فراوان کشید. دو اثر ارزشمند او، «آثار الحجّه» و «گنجینه دانشمندان» در احیا و بزرگداشت نام و یاد علمای شیعه، قدمی بلند و گامی ارجمند برداشت. کمتر فردی همانند ایشان به این خدمت اظهار علاقه و حرص می نمود. البته تهذیب و خلاصه کردن این دو اثر، چهره ای زیباتر و ارزشی بیشتر به آن می بخشد.

نیز عضویت در لجنه احیای کتاب «احقاق الحق» اثر شهید مرعشی شوشتری، همکاری بسیار نزدیک در دستگاه مرجعیت آیت الله شریعتمداری و آیت الله مرعشی، بنیاد نهادن «مسجد امام حسین علیه السلام» در حسن آباد تهران، از جمله خدمات فراموش نشدنی دیگر اوست.

ایشان که به «رازی» تخلص می نمود، دارای اشعاری محکم و زیبا در رثای اهل بیت علیهم السلام و مناسبات مختلف اجتماعی بوده است.

### **فهرست آثار استاد شریف رازی به شرح زیر است:**

- 1- آثار الحجّه (یا دایره المعارف حوزه علمیه قم)، دو جلد، 1373 ق، قم، 237+402 ص.
- 2- اختران فروزان ری و تهران (یا تذکره المقابر فی احوال المفاخر)، چاپ شده.
- 3- برهان ما (شرح حال آیت الله شیخ علی اکبر برهان)، چاپ شده.
- 4- بستان رازی (شرح الفیه سید محمد حسن آل طیب شوشتری، در علم کلام و فقه و اخلاق)، 1385 ق.
- 5- تحفه قدسی (در علائم ظهور حضرت امام مهدی «عج»)، ترجمه کتاب

ص: 1678

الغیبه (اثر شیخ طوسی)، چاپ شده.

- 6- ترجمه «الغدیر» (اثر علامه امینی تبریزی)، فقط دو جلد 11 و 12.
- 7- ترجمه تفسیر «مجمع البیان» (اثر شیخ طبرسی)، در پنج جلد.
- 8- تعلیق علی «بحار الأنوار» (اثر شیخ محمد باقر مجلسی اصفهانی)، از جلد 106 تا 110.
- 9- تعلیق علی «وسائل الشیعه» (اثر شیخ محمد حرّ عاملی)، از جلد 16 تا جلد 20.
- 10- تعلیقه علی «تنزیه القمیین» (اثر شیخ ابو الحسن فتونی عاملی)، در سال 1363 ق چاپ شده.
- 11- تعلیق علی «معادن الحکمه فی مکاتیب الأئمه علیهم السّلام» (اثر شیخ محمد فیض کاشانی)، دو جلد.
- 12- چرا شیعه شدم (در اثبات خلافت و حقانیت مذهب تشیّع)، چاپ شده.
- 13- رساله در شجره و نسب امامزاده داود علیه السّلام (در تهران)، 1360 ق، تهران.
- 14- رساله التقوی و ما أدراک ما التقوی (شرح زندگانی آیت الله بافقی یزدی)، 1367 ق، تهران، جیبی، 136 ص.
- 15- زندگانی آیت الله سیّد ابو القاسم کاشانی، چاپ شده.
- 16- زندگانی حضرت عبد العظیم حسنی علیه السّلام (و امامزادگان مجاور)، 1367 ق، تهران، 152 ص.
- 17- کرامات صالحین، 1374 ش، انتشارات حاذق قم، 184 ص.
- 18- گنجینه دانشمندان (شرح حال علمای ایران و کشورهای دیگر)، نه جلد آن در قم به چاپ رسید و جلد دهم آن آماده چاپ است.
- 19- گوهر وزین، ترجمه الدر الثمین (اثر شیخ محمد رضا طبسی)، در قم چاپ شده.
- 20- مشاهیر دانشمندان اسلام، ترجمه الکنی و الألقاب (اثر شیخ عباس

قمی)، 1351 ش، انتشارات اسلامیة تهران، 400 ص، فقط جلد چهارم.

## آثار زیر مخطوط است:

21- تاریخ ری و تهران.

22- توتیای چشم، ترجمه کحل البصر فی سیره سید البشر صلی الله علیه و آله و سلم، (اثر شیخ عباس قمی).

23- جلوه ولایت (شرح حال حافظ قرآن کربلایی کاظم).

24- خاطرات و نوادر شریف (داستان های آموزنده و سازنده).

25- علی علیه السلام در قرآن، ترجمه علی علیه السلام فی القرآن، در سه جلد.

26- مزارات البلدان.

27- معجم القبور و وفیات الأعلام (مدفونین شهر قم)، فقط یک دفتر موجود است.

استاد شریف رازی، پس از هشتاد سال زندگی، که بیش از شصت سال آن در خدمت به جهان تشیع سپری نمود، سرانجام و پس از چهار سال بیماری و بستری شدن در روز چهارشنبه 7/ محرم 1421/ ق برابر با 25/ فروردین 1379/ ش، در اثر سکته در قم بدرود حیات گفت. پیکرش بعد از ظهر روز پنجشنبه از مسجد فاطمیه تشییع و از ادای نماز میت توسط آیت الله شیخ محمد تقی بهجت فومنی، در وسط شعار تشییع کنندگان و عزاداران حسینی در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

کوچک ترین فرزندان ایشان، آقا مسعود رازی از جوانان مهذب و با ایمان است.

-منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- فهرست آثار ایشان، در دو صفحه.

3- گنجینه دانشمندان 148/2.

ص: 1680

(-1357 ق)

شیخ محمد شریف فرزند شیخ شفیع همدانی، وی اهل (حصار خان) است که امروزه به شهر همدان متصل شده است. از علما و دانشمندان معروف همدان بود. برادر بزرگتر او شیخ محمد ربیع همدانی که خود نیز از علما و مشاهیر بود.

تولدش در (حصار خان) همدان اتفاق افتاد.

تحصیلاتش در اراک بود سپس به همدان برگشت.

آقا بزرگ تهرانی در نقباء البشر درباره ایشان می نویسد: (عالمی جلیل، و از مشاهیر عصر خود در همدان بود و محل مراجعۀ مردم در امور شرعی بود و به وظایف روحانی خود اشتغال داشت، وی برادر شیخ ربیع است که خود نیز از علما بود).

وی مردی ساده زیست بود، لوازم و اثاث خانه بسیار معمولی و منزل و سایر مایملک خود را در اختیار عامه قرار می داد و ارث و میراثی برای ورثه باقی نگذارد، و در میان مردم مورد احترام بود و در دو مسجد به اقامۀ جماعت اشتغال داشت.

وی در سال 1357 ق مطابق با 1317 ش در همدان درگذشت و ابتدا در همدان به طور امانت مدفون شد سپس کالبدش به قم حمل و قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

ص: 1681



## فرزندانش:

1- مرحوم آقا حسین، سردفتر در همدان 2- آقا حسن 3- آقا محمد 4- آقا علی سرهنگ 5- آقا کاظم و سه دختر.

مرحوم علامه شیخ علی اصغر شفیعیان فرزند شیخ محمد ربیع همدانی دامادش بود.

-منبع

1- نقباء البشر 835/2.

## سید محمد صادق بحرانی حائری

### اشاره

(1350-1407 ق)

سید محمد صادق فرزند حجه الاسلام سید عبد الله و نوه علامه سید محمد موسوی بحرانی حائری، از فضلاء معاصر بود.

وی در سال 1350 ق در کربلای معلی تولد یافت.

مقدمات را که آموخت، به تحصیل دروس سطح نزد حجج اسلام آقایان: پدر خود، و عموی خود سید محمد طاهر بحرانی، و فرزند عموی خود سید محمد علی بحرانی، شیخ جعفر رشتی، سید علی کاظمی، سید عبد الرضا شهرستانی، شیخ محمد شاهرودی، شیخ علی عیثان، سید مصطفی اعتماد بهبهانی و شیخ یوسف خراسانی به پایان رساند.

در سال 1392 ق به قم مهاجرت کرد و در نهایت زهد و قناعت و دوری از هیاهوی دنیا طلبان زندگی نمود.

### از آثار او:

1- کتابات فی التاریخ، در چند دفتر.

2- الکشکول.

ص: 1682

بحرانی در 14 جمادی الأول/1407 ق هنگام بمباران شهر قم، دچار سکتة قلبی شد و زندگی را پس از 57 بهار وداع گفت. پیکرش در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

-منبع

1- أعلام من كربلاء (مخطوط- شیخ احمد خوشحالت).

### سید محمد صادق تهرانی لاله زاری

#### اشاره

(1300-1370 ق)

حاج سید محمد صادق فرزند سید ابراهیم و نوه سید علی اصغر حسینی تهرانی (لاله زاری)، در سال 1300 ق در سامراء متولد گردید. و در زیر نظر خود پدر پرورش یافت و پس از طی مقدمات سطوح را نزد پدرش و سایرین آموخت و از محضر آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی استفاده نمود. در سال 1320 ق به اتفاق والد خود به تهران رفت و به تحصیل خود ادامه داد. و پس از رحلت او به اقامه جماعت در مسجدی که در خیابان لاله زار تهران تأسیس نموده پرداخت.

از آثار او: تفسیر قرآن (ناقص).

در دوشنبه 16 صفر 1370 ق مطابق با 6 آذر 1329 ش در تهران درگذشت، و در حرم حضرت معصومه علیها السلام در کنار تربت آیت الله حائری یزدی بین

ص: 1683

قبر علامه طباطبایی و سید جمال خوئی (مدفون گردید).

### فرزندان:

- 1- علامه سید محمد مهدی لاله زاری از بزرگان شهر ری بود.
- 2- علامه سید محمد حسین.
- 3- سید محمد علی، از علمای تهران.
- 4- سید محمد حسن (ناصر) 5- محمد تقی (مسعود) 6- محمد سعید 7- محمد رضا 8- محمد ابراهیم و 6 دختر. که سه تن از دامادهایش اهل علم بودند و عبارتند از:

- 1- علامه سید علینقی تهرانی (جلالی).
- 2- سید محمود نوربخش، اهل منبر.
- 3- سید جلال نجفی اصفهانی، از ائمه جماعت تهران بود.

### -منابع

- 1- گنجینه دانشمندان 542/4.
- 2- نقباء البشر 858/2.

### شیخ محمد صادق جعفری اشکوری

### اشاره

(1354-1419 ق)

شیخ محمد صادق جعفری یکی از علمای تهران به شمار می رفت.

وی در سال 1354 ق مطابق با 1314 ش در بیت علم و تقوا و فضیلت، در نجف اشرف زاده شد.

پدرش آیت الله شیخ نصر الله فرزند محمد رضا اشکوری از جمله بزرگان و فضیلتی نجف اشرف بود. وی در سال 1301 ق در اشکور متولد و در اول شعبان/



شیخ نصر الله تحصیلات عالی خود را در نجف اشرف نزد آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و سید ابو الحسن اصفهانی به انجام رسانید. از جمله آثار قلمی ایشان می توان به: 1- تقریرات اصول نائینی 2- تقریرات صلاه نائینی 3- تقریرات مکاسب نائینی، اشاره کرد.

شرح حال ایشان به صورت مختصر در بزرگان تنکابن، ص 282 آمده است.

فقید بزرگوار شیخ محمد صادق، پس از پشت سر نهادن دوران کودکی، در سیزده سالگی به فراگیری علوم دینی روی آورد و مقدمات و ادبیات را به خوبی نزد اساتید آموخت. سپس در محضر آیات: میرزا علی فلسفی تنکابنی، شیخ عبد الحسین رشتی، میرزا کاظم تبریزی، سید علی فانی علامه اصفهانی، شیخ مجتبی لنگرانی و شیخ صدرا بادکوبه ای زانوی ادب به زمین زد و سطوح عالی را فراگرفت. در سال 1377 ق به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات: سید ابو القاسم خوئی و سید محمد روحانی قمی راه یافت و مبانی فقه و اصول و رجال خویش را استوار ساخت و هم زمان به تدریس: رسائل و مکاسب و کفایه پرداخت و بسیاری از فضلا را پرورش داد و مسئولیت پاسخگویی عربی استفتائات آیت الله خوئی را برعهده گرفت.

در سال 1391 ق بر اثر فشار رژیم بعثی عراق، به تهران آمد و به تدریس فقه، اصول، تفسیر و کلام اسلامی پرداخت و گروه بسیاری از علما و روحانیان و دانشگاهیان در این درس ها شرکت جسته و از علوم بسیارش بهره بردند.

وی علاوه بر تدریس، سال های فراوان به تبلیغ دین و تعظیم شعایر الهی از راه وعظ و ارشاد در هیئت عزاداران حسینی و هیئت زینبیه پرداخت و گروهی از مردمان متدین را پرورش داد. وی علاوه بر اداره جلسات متعدد، در سال 1350 ش همراه با گروهی از علمای تهران، مؤسسه جهانی خدمات اسلامی را در جهت ترویج مکتب شیعه بنیاد نهاد که خدمات ارزشمندی را در جهت معرفی شیعه در سطح جهان ارائه داده است.

### **برخی از تألیفات ایشان، عبارتند از:**

- 1- تفسیر قرآن کریم، تا اواسط سوره بقره، دو جلد.
- 2- بحث امامت (به صورت کپی، تکثیر شده است).
- 3- رساله در نماز جمعه.
- 4- الفقه و الاجتهاد من وجهه نظر الشیعه (در کنگره شیخ مفید به چاپ رسید).
- 5- شرح العروه الوثقی - کتاب الطلاق -
- 6- رساله در عدالت.
- 7- رساله در لباس مشکوک.
- 8- رساله در قاعده لا تعاد.
- 9- ضوابط بررسی و تدوین تاریخ اسلام.
- 10- معنی شناسی در مکتب آخوند خراسانی، درس کفایه ایشان (مباحث الفاظ).
- 11- المررتقی الی الفقه الارقی، تقریرات درس زکاه آیت الله روحانی در سه جلد به چاپ رسیده است.
- 12- تقریرات درس اصول آیت الله خوئی.
- 13- تقریرات درس فقه آیت الله خوئی (طهارت و صلاه).
- 14- تقریرات درس فقه آیت الله روحانی (خمس، حج، صوم، مکاسب محرمه، بیع و خیارات).

15- تقریرات درس اصول آیت اللہ روحانی.

16- حاشیہ علی کتاب الوافی (اثر فیض کاشانی).

آن فقیہ بزرگوار در 65 سالگی، در پنجشنبه 4 جمادی الاول 1419 ق مطابق با 3 شهریور 1377 ش بدرود حیات گفت و پس از تشییعی شایسته و نماز آیت اللہ شیخ حسین وحید خراسانی بر پیکرش، در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

-منابع

1- بزرگان تنکابن 233.

2- مجله آینه پژوهش.

**شیخ محمد صادق خوئی**

(1258-ح 1338 ق)

شیخ محمد صادق فرزند ملا حسین خوئی از طایفه آقا ابراهیم شیخ الاسلام، از بزرگان و علمای عصر خود بود.

در سال 1258 ق در خوی متولد گردید.

بنا بر نوشته جابری خوئی در تذکره الفضلای خود که نامبرده (از علمای معروف بوده و در محله «قاضی» خوی سکونت داشته، و علاقجات ملکی هم داشته، و در عرفان دارای مقامی بوده و شخصی سلیم النفس و موجه، و محل مراجعات مردم و به مرافعات هم رسیدگی می کرده است).

ص: 1687

وی در بلوای آسوریها (حمله آرامنه به آذربایجان و خوی) و همراه مردم خوی علیه آنها، مسلحانه مشغول مبارزه بود.

در کتاب «نابغه علم و عرفان» درباره اش چنین می نویسد: شیخ محمد صادق خوئی از علما و مجتهدین و مورد وثوق و اعتماد اهالی بود.

آقای شیخ عبدالحسین فقیهی خوئی که از فقرا می باشد نقل کرد که: نامبرده در نجف اشرف با جناب حاج شیخ عبد الله حائری مازندرانی آشنایی و مباحثه درسی داشته و بر اثر آشنایی با ایشان متمایل به فقر شده، به گناباد رفت و خدمت جناب حاج ملا سلطان محمد رسیده، راهیابی به فقر شد و مدت سه سال تمام بر اثر محبت و علاقه کامل در آنجا توقف داشته و به استفاضه روحی و استفاده علمی از محضر آن جناب مشغول بود. سپس مأمور مراجعت شده و یک سال در تهران خدمت جناب حاج شیخ عبد الله ماند. بعدا به خوی مراجعت نمود و در آنجا متوقف، ولی علاقه قلبی او به سوی گناباد بود. پس از جناب حاج ملا سلطان محمد به قصد تجدید عهد به طرف گناباد حرکت کرد، ولی در قم به بهشت جاودان شتافت.

در «تاریخ خوی» مهر وی در پای سند تعیین «حسنعلی میر پنجه» به عنوان «حکومت خوی» با مهر بیضوی با سجع (المتوکل علی الله محمد صادق) در 15 شعبان 1336/ق و توضیح مؤلف در ذیل مهر بدین عبارتست: (مرحوم آقا شیخ مهر صادق پیشنماز و عالم روحانی محله قاضی).

در تذکره الفضلاء نوشته که: وی در حدود سال 1338 ق با خانواده اش به عتبات رفته و در نجف اشرف وفات نمود و در همان جا مدفون گشت. که محل مهاجرتش به عتبات و محل دفن دچار اشتباه شده است.

و صحیح آن است که ایشان در اواخر عمر به قم رسیده و در همان جا به رحمت ایزدی پیوسته، و در قبرستان شیخان مدفون گردیده است. این مطلب بنا بر نقل



نوادگانش که امروزه در خوی و تهران سکونت دارند و با نام فامیلی (مصدقی) معروفند، تأیید می شود.

-منابع

1- تاریخ خوی (اثر آقاسی) 404.

2- تذکره الفضلاء (خطی - جابری خوئی).

3- نابغه علم و عرفان 448.

**میرزا محمد صادق صاحب نسق قمی**

**اشاره**

(ح 1340 ق)

میرزا محمد صادق فرزند محمد علی صاحب نسق قمی، از معاریف و فضیلتی قمی بود.

در لغتنامه دهخدا در ماده «صاحب نسق» آمده است: یکی از فضیلتی آخر عهد قاجار و از مردم قم، و مترجم شش مجلد کتاب لغت از فارسی به فرانسه، و این کتاب به طبع نرسیده است.

آقای مدرسی طباطبائی در تربت پاکان می نویسد: صاحب نسق آستانه از جمادی الثانی 1271/ تا آغاز سال 1328 ق، او نیز مردی دانشمند بوده و کتابی به نام «کنزینة الجوامع» در لغت عربی به فارسی نگاشته است.

**از آثار او**

1- تاریخ مصر قدیم و خدایان مصر و کلد و آشور.

ص: 1689

2- کتاب لغت از فارسی به فرانسه (ترجمه).

3- گنجینه الجوامع (فرهنگ لغات عربی به فارسی).

وی در حدود سالهای 1340 ق درگذشت و بنا بر اظهارات یکی از منسوبین ایشان، در مسجد بالاسر حضرت معصومه علیها السلام مدفون شده است.

-منابع

1- تاریخ دار الایمان قم 32.

2- تربت پاکان 266/1.

3- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرعشی نجفی 28/3.

4- لغت نامه دهخدا 13026/9.

5- مؤلفین کتب چاپی 473/3.

**شیخ محمد صادق قمی**

**اشاره**

(ح 1222-1298 ق)

زندگینامه معظم له بقلم دانشمند معظم آقای دکتر سید حسین مدرسی طباطبائی که در مجله تاریخ و فرهنگ معاصر تحت عنوان (نامه یکی از فقهاء بزرگ قم به ناصر الدین شاه) به چاپ رسیده، که با اندکی اضافه تقدیم می گردد: حاج شیخ ملا محمد صادق قمی، از علماء و فقهای بزرگ قرن سیزدهم قم و از مجتهدین متنفذ و مقتدر آن دوره بوده و مورد توجه خاص دربار قاجار قرار داشته است.

اعتماد السلطنه در المآثر و الآثار درباره او می نویسد:

«حاج ملا صادق قمی مجتهدی فحل بود و از مشایخ بزرگ شیعه به شمار می آمد، در اخبار و آثار تبعی کامل و استقرائی شامل داشت. از متفردات او آنکه:

چیدن موی ریش را از بیخ به حدی که شبیه تراشیدن هم باشد- منع نمی فرمود، عطر الله تربته».

میرزا علی اکبر فیض در تاریخ قم، که به سال 1303 ق نگارش یافته است،

ص: 1690

درباره او می نویسد:

«جامع علوم و بارع همه فنون است، چنان که در هریک از فنون کمال و رسوم افضال او را قدح معلی بود، در اوائل جوانی رخت به اصفهان کشید. قریب 10 سال به تکمیل علوم مقدمات و ریاضی و کلام و علوم دیگر اشتغال داشت، پس از آن روی به نجف اشرف کرد و در حوزه درس حجه الاسلام شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر الکلام» فقه و اصول را تکمیل فرموده، مجازا مراجعت نمود.

فیصل حکومت شرعیه ابن بلد منوط به قلم ایشان بود تا در سنه 1298 ق به دار جنان خرامید».

صاحب مختار البلاد (تاریخ قم) می افزاید:

«غالب تلمذش در اصفهان نزد مرحوم حاج شیخ محمد تقی اصفهانی صاحب حاشیه معالم بود، و قریب هفت سال در نجف به تکمیل مبانی فقهی اشتغال داشت، سپس به قم آمده، حدود چهل سال حکومت شرعی این شهر با او بود تا در ماه شوال/سال 1298 ق درگذشت و در مقبره شیخان قم کنار زکریا بن ادریس اشعری مدفون گردید. البته روی سنگ قبر او 1296 ق حک گردیده که باید اشتباه باشد.

جنابش در تبحر علوم خاصه ادبیات در عصر خود ممتاز بود و همچنین در کثرت حفظ، چنان که اغلب مقامات حریری را محفوظ بوده و در سجالات خود به مناسبت می نگاشته، و نماز (باران که) اهالی از مصلی به منازل خود نرسیده غریق رحمت الهی گردیدند...».

میرزا آقا خان صدر اعظم نوری در دوره صدارت خود به سال 1272 ق مدرسه و مسجدی برای این عالم جلیل در نزدیکی خانه او در محله گذر قاضی قم بنا نهاده است، که وصف بنا و متن کتابه های آن در سلسله مقالات «مدارس قدیم قم» دیده می شود، و وی تا پایان عمر در همان جا تدریس و اقامه جماعت می نموده است.

او چنان که گذشت سخت مورد توجه دربار قاجار بوده و ناصر الدین شاه در سفرهای خود به قم به دیدار وی می رفته است. حاجی کتابخانه ای مهم نیز داشته

ص: 1691

که پس از مرگ او متفرق شده و از خاندان وی بیرون رفته، و در این میان نوشته های او نیز ناشناخته مانده است. برخی از کتابهای کتابخانه او را در قم دیده ام که وی به خط خود برای آنها حواشی و تعلیقات نگاشته است.

از حاجی نامه ای گلایه آمیز و تند در شکوه از مظالم و تجاوزات وزراء و عمال حکومت قاجار خطاب به ناصر الدین شاه، در مجموعه خطی به شماره (3669) کتابخانه مرکزی دانشگاه (صفحات 78-85) و جنگ مخطوط به شماره (375) ج دانشکده حقوق (برگ 50 ر-53 پ) هست، که آن را به سال 1292 ق در حدود هفتادسالگی در سفر دار الخلافه (تهران) پس از دیدار با شاه نوشته، و با آنکه ضمن نامه کوشیده است نسبت به شاه خوش آمدگویی کرده، خشونت نامه را جبران کند، بازهم گویای دلیری قابل تحسین و موقع اجتماعی و نفوذ و اقتدار اوست. حاجی در این نامه از تجاوزات مقرب الخاقان «حاجی میرزا نصر الله» و دیگر عمال حکومت یاد کرده، و از اینکه هیچ یک از مقامات دولتی به دستخطهای شاه اعتنا نمی کنند اظهار تعجب نموده است.

او می نویسد: «اگر بعد از قرنی یک نفر پیدا شود که در احقاق حق و رفع ظلم سیف قاطع باشد، او را به فساد عقیده نسبت می دهند» و می نویسد: «مأموران دولت خانه و هستی رعایای بیچاره را غارت می کنند، و کسی نیست به داد مردم برسد، و از آه مظلومان باید ترسید. یا اینکه: اگر از وزیر و امیری به شخص شاه شکایت شود رسیدگی به شکایات به همان وزیر و امیر واگذار می شود، و معلوم نیست سرانجام کار مملکت با این بساط به کجا خواهد کشید؟».

به هر حال، از نظر اهمیتی که این نامه در روشن ساختن وضع درهم ریخته و بلبشوی دوره فرمانروائی شاهان قاجار و همچنین دخالت مثبت روحانیون آن عهد در سامان بخشیدن به آشفتگی ها و جلوگیری از تعدیات و زورگویی های عمال حکومتی سلسله مزبور دارد، نیز از این رو که به هر حال اثری بازمانده از یکی از علما و فقهای عالی قدر و به نام قم در آن دوران است به نشر آن در این مجموعه با آنکه

پاره ای از مطالب کسانی که در تاریخ این دوره تحقیق می کنند، قابل استفاده باشد.

متن این نامه در دو نسخه یادشده، اختلافات زیادی دارد و گویا در هریک برخی از مطالب حذف و تلخیص شده است. در اینجا متن براساس نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه به چاپ رسیده، و برخی از جاها که در نسخه دانشکده حقوق اضافه ای هست افزوده شده، که بیشتر موارد آن با قرار گرفتن میان دو قلاب مشخص است. اینک متن نامه:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي يؤتي الملك من يشاء وينزع الملك ممن يشاء، الذي امر بالعدل والانصاف ونهى عن الظلم والاعتساف، والصلوة على محمد وآله الحائزين لجميل الأوصاف.

وبعد: چون دهقان مشیت ازلی تخم وجود بنی نوع انسان را در صحرای وسیع فضای امکان، جز به جهت تحصیل معارف حقه نکاشت و نقاش صنع لم یزلی نقش بدیع نمودج جمیع کلیات را در صفحه صحیفه وجود مگر به جهت تکمیل مکارم اخلاق شرعیه ننگاشت، لذا انبیاء مرسلین رسائل فیوضات غیر متناهیه بودند که از حق و خلق برسانند، و علماء که نواب انبیاء هستند می باید از ظل الله گرفته به رعایا که ودایع الهی و خزاین حضرت ظل الهی می باشند، برسانند.

آن مواهب بی پایان و آن عطایای بی کران که باید به عامه رعایا عاید شود انصاف و عدل است، که هیچ مملکت و هیچ رعیت آرامش و آسایش نداشته و ندارند الا به این خصلت حمیده و این صفت پسندیده. خلفا در این معنی اهتمام تمام داشته اند و پیوسته در مجالس خود علماء و وعاظ را (ملتزم نموده، ایشان را به ذکر مواعظ و نصایح مدح و انصاف)، مأمور بلکه مجبور می نمودند تا از آثار پسندیده که نتایج عدل است همه روزه محفوظ باشند، (و از اختلال مملکت و ملت که نتیجه ظلم و جور است محفوظ مانند) هرگاه به شرح احوال ایشان در کتب سیر

ص: 1693

و غیرها رجوع شود صدق عرایض مشهود و معلوم خواهد شد. با این خصال ایشان را خلفاء جور می گویند در دنیا با این لقب زشت و در آخرت محروم از بهشت خواهند بود، چرا که در اظهار یک کلمه حقه مضایقه کردند.

از روزی که این خادم شریعت مطهر، به آوازه عدل و انصاف و وضع تنظیمات و جعل صنادیق عدل مغرور و مشعوف شده به دار الخلافه آمدم، چیزها دیده و دانسته ام که در این مدت هفتاد سال هرگز در خاطرم خطور نداشت، پادشاهی دیدم مؤید، قلب مبارکش مرآت غیب نما، از رأفت و عدالت عدلی مجسم و انصافی مصور، در حفظ ملک و ملت ساعی و جاهد و در رفاه رعیت عاشق و مایل. علاوه بر این همه عدل ذاتی و فطری گویا ذات خجسته صفات همایونش خود رهنمائی به عدل و انصاف را فریضه دانسته، و فهمیده همه روزه بر این امناء جور و اولیاء ظلم اعلام می فرمایند.

عصری است ضد عصر خلفاء دین «علی بن یقظین» در وجود مسعود همایون است، و جور هارون الرشید در وجود وزرا (که اگر ایشان را اولیای جور گویند خلاف و گزاف نگفته اند، چرا که در هر روز هزار کلمه حقه را کتمان می کنند و هزار حکم غیر ما انزل الله را عنوان). وقتی در حضرت نوشیروان از عدلش وصف ها راندند، گفته بود: عدلی ندارم ولی کاری کرده ام که غیر از خودم در این ملک کسی قدرت بر ظلم ندارد. و در این دولت جاوید آیت غیر از وجود مسعود همایون همه کس قدرت بر ظلم دارد، بلکه غالباً غیر از ظلم پیشه ای ندارند و از کلام حضرت امیر المؤمنین علیه السلام اندیشه ای:

لا تظلمن اذا ما كنت مقتدرا فالظلم مقدره یفضی الی الندم

تمام عیناه و المظلوم منتبه یدعو علیک و عین الله لم تتم

مباشترین امور دیوانی که گاهی «امناء» و گاه «اولیاء» و گاه «رجال» و گاه «ارکان» خوانده می شوند، جمعی کسبه شده اند که لیلاً و نهاراً معامله می کنند، هر حکم که

دربارهٔ هریک از ایشان می‌شود اغماض و اهمال را فرض می‌دانند، و قرض می‌دهند تا در خوردن مال دویان یا اتلاف جان و مال مسلمانان به اضعاف بلکه به آلاف استرداد کنند، چنانکه برملا می‌گویند با فلان امیر یا فلان وزیر یا فلان حاکم چگونه می‌توان درشتی (کرد و زشتی) نمود، یا فلان دستخط را چگونه می‌توان مجری داشت؟ (به عقیدهٔ ایشان) این همه‌های وهو (و این همه گفتگو و این زمزمهٔ انصافت و همه‌مۀ عدالت مخصوص) حمال و جمال است نه از برای ارکان و رجال.

در هر قضیه که متداعین علی السوا باشند رجوع به مرجحات خارجی می‌شود. (هر طرف به حسب اوضاع دنیا پیش و بیش است، اگر حق مخض و محض حق با طرف مقابل هم باشد پایمال و مضمحل است) در هر طرف که یک نوکر علاوه از طرف دیگر، پیش است و از بی انصافی و بی اعتدالی اگر در احقاق (حق) مظلومی اصرار یا اظهار بشود می‌گویند این دستخط ظاهری است، نمی‌دانم بطون سبعة دستخط از کجا بر ایشان کشف شده که ماها استتباط و استخراج نمی‌توانیم نمود! به چه دلالت «بگیرند» و «برسانند» راه به «نگیرند» و «نرسانند» توجیه و تأویل می‌نمایند؟ این خادم شریعت مقدسه که با هزار زحمت این جزیبی ملک را فراهم کردم تا مدد معاش خود و عیال باشد و کلّ بر دولت و دیگران نباشم، با همهٔ تفصیل از همه گذشته که دستخط مبارک پادشاه اسلام در مملکت خود در نزد نوکرهای خانه زاد و علمای پایتخت خود زیاده از این بیشتر بی‌عظم و قدر نشود.

به طور تحقیق بدانند که دسته دسته دستخطهای قطعی بتی در دست مردم مظلوم مانده به هیچ کس دسترسی ندارند. هرگاه ثبتي از دستخطهای مبارک بردارند بعد از مدتی از انجام آنها جو یا شوید مشهود خواهد شد که این مظلومین به حالت اولی باقی هستند. ملهوف و مظلوم وارد شدند مأیوس و محروم مانده، مقروض و مغموم مراجعت می‌کنند. گذشته از اینکه محض خیالات (هم) که شده در احقاق حقوق مردم در اجراء این دستخطها اعتنا ندارند، به معاذیری معتذر می‌شوند که نعوذ باللله به مذمت ولی نعمت خود منتهی می‌شود. می‌گویند طرف مقابل سخت

است، دستخط مبارک است و ظاهری است. فلان عملۀ خلوت از باطن خبر دارد، از تلون و تجدد اندیشه داریم، از ناسخ و منسوخ می ترسیم، به خداوند متعال چنین است که می گویند.

ضبط ضیاع و عقار و حفظ جلال و وقار و اصلاح امورات و توجه به دهات و قنوات خود، مجال نمی دهد اعانت مظلومی یا اغاثت ملهوفی کنند. به عرض کسی گوش نمی دهند، بدهند ملتفت نمی شوند، بشنوند جواب نمی گویند (ناحساب می گویند) ای کاش به این ناحساب هم مستعد باشند. مزیت انسان به «نطق» است، سکوت و خموشی چرا ممدوح شده؟ اعلاء کلمۀ حقۀ فضیلت داشته کتمان حق چرا «الحال» محمود و ممدوح است.

اگر بعد از قرنی یک نفر پیدا شود که در احقاق حق و رفع ظلم سیف قاطع باشد، او را به فساد عقیده و سوء طریقه نسبت می دهند. ای کاش قدری از این فساد عقیده برای ایشان پیدا می شد که این همه عدالت ها و انصاف مهمل و معطل نمی ماند. در مجلس... قدری را که رایحه عدل به مشام مظلومین رسیده بود، مخرب نشاط خود دیده طی آن بساط کردند، نعوذ بالله الجبار من شر الاشرار.

این همه عداوت با شرع از چه بابت است؟ مگر نه این شرعی است که ایشان را از تمجّس و تنصّر و تهوّد خلاصه کرد؟ مگر نه احکام و عقود و مواریث و حلّیت ازدواج و اموال است که علما از قبل انبیاء فرموده اند. فوالله لقد اصبحنا الشریعه واهیه القوی، منفصمه العری، مهدومه الأركان، معدومه الأعوان. احکام خدا را افسانه می دانند، دین و جماعت را دکان داری می شمارند، مرافعات شرعی را مدد معاش می گویند، صیغ شرعی را مکر و حیل می نامند. هرگاه چندی از پیش علمای اعلام و ائمه دین را که مخازن احکام سید المرسلین می باشند، با عوام کالانعام توفیری می دادند و توقیری می کردند، این اوقات به جبران ما ماضی در تزییع آن عظیم و احترام سعی و اهتمام تمام دارند، اگر کار بر این نسق بگذرد و عقاید باطنۀ ایشان بر ملا شود بر اسلام سلام باید گفت و وداع باید کرد.



العیاذ باللہ اگر صیغہ شرعیہ محل استہزاء شود، زنہای جوان در حبالہ پیران (بدان دو کلمہ عقد و نکاح چگونہ از زنا و سفاح احتراز خواهند داشت) و ہرج و مرجی بشود کہ اصلاً اصلاح پذیر نباشد. گویا میل دارند کہ این اسم بی مسمی و این رسم بی اصل را ہم از میان بردارند تا بہ کلی آسودہ شوند **يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ**.

ہر دقیقہ داعی را حیرت بر حیرت افزودہ می شود کہ کار این مردم با این وزراء چہ خواهد شد. اگر عرض کنم فلان شخص بہ دستخط مبارک و توقیع ہمایون وقعی نگذاشت و مجری نداشت باز بہ ہمان وزیر رجوع می شود. «کر علی ما فر» ہمین فی الحقیقہ محظوری بہ محظوری مبدل می شود.

شتان ما یومی علی کورہا و یوم حیان اخی جابر

این اُمنای غیر از کارہای خود ہیچ امر را کار نمی دانند و بہ درد احدی نمی رسند، محض تصدیق عرایض داعی و اطلاع از حالت رعایا، جویا شوید کہ عرایض داعی چہ بودہ و چہ واقع شدہ؟ در منزل جناب امام جمعہ چہ قسم صلح شدہ و چہ نحو صیغہ محکمہ شرعیہ جاری نمودہ کہ مجال خیاری و خیالی باقی نماندہ؟ صورت مجلس را مطالبہ فرمایند مشہود رأی عدالت پیرا شود کہ ہنوز تفصیل عرایض داعی و آن مصالحہ نامچہ را... نکرده چرا کلمات لاطائل بگویند؟ چرا حکم شرعی و سلطان را بہ مزخرفات باطل کنند! بر این مشت رعایا رحم کنید، از دست رفتند، فریادرس ندارند، چیزی برای ایشان باقی نماندہ است، بضاعت و سرمایہ کہ ہزار رعیت بہ آن تعیش می کنند اسباب یک اطاق شد و ملکی کہ ہزار نفر بہ آن نان می خوردند بہ خرج طویلہ امیری و وزیری رفت، چہ بلائی شدند بر جان و مال مسلمین.

بہ صاحب شریعت قسم است کہ داعی قبلہ عالم را از نوشیروان عادل تر

می دانم چرا که در اطراف او این گونه، اگر این وجود همایون مؤید نبود، و دست غیب او را نگاهداری نمی کرد، کار این مردم به کجا می رسید.

اگرچه می دانم بعد از این عریضه که محض رضای خدا و اطلاع سایه خدا خود را مکلف و مأمور دانسته بی ملاحظه به عرض رسانیدم، دیگران از جانب مقرب الخاقان حاجی میرزا نصر الله وکیل مطلق بلاعزل خواهند بود. هست و نیست مرا بر باد خواهند داد.

محض قوام دولت و نظام ملت و دعای وجود مسعود همایون که دقیقه ای از خیال خجسته مآل عدالت غافل نیست باز عرض می کنم با این حالت ها، مردم تمام خواهند شد و خراب می شوند (آبادی عباد و عمارت بلاد و رفع فساد نخواهد شد) از عمر دعاگو چیزی باقی نمانده است.

فردا از این شهر و عن قریب از دنیا خواهم رفت، در شهری که احکام و ارکان دین را افسانه می شمارند، و دستخط مبارک پادشاه اسلام را که مثل اولی الامر است محل اعتناء نمی دانند و توقف حرام است. هر قدر زودتر برویم دیر شده است. باید برون کشید از این ورطه رخت خویش. بر این خادم شریعت مطهر محقق شده است که دفع ظلم حاجی میرزا نصر الله برای داعی مقدور نخواهد شد، و با این وزرا و امنای خائن که از هزار راه از او خوف و بیم و تمنای زر و سیم دارند هیچ حکم و دستخطی از پیش نخواهد رفت، و الا اسناد شرعیه و احکام عرفیه از این بیشتر نمی شود که چند نفر عالم و مجتهد اهل تقوی و فطانت مطلب را تمام کنند و صیغه شرعیه بخوانند، و علماء دیگر که ارکان اسلام هستند تصدیق کنند. ناچار به ارض مقدسه قم معاودت می کنم و اگر در آنجا هم بر اولیای دولت گران و ناگوار است، به عتبات عالیات ائمه هدی پناه می برم و تظلمات خود را در آنجا می کنم.

عرض می کنم هفتاد سال است در نشر احکام شرعیه خودداری نکردم جوانی را به پیری رساندم، بر من ظلم کردند به پادشاه اسلام تظلم کردم، هشت دستخط اکید محض عدل و انصاف صادر فرمودند، رجال دولت اعتنا نکردند از من رفع ظلم نمودند.

اولاً: انتقام پادشاه اسلام را از این رجال صوری که در حقیقت خائن دولت هستند و برخلاف میل و ضد اراده ولی نعمت خود کمر بسته اند می خواهیم.

خواهند داد، خواهید دید.

ثانیاً: در انتقام این پیر غلام شریعت که در نشر احکام و ترویج شریعت مطهره عمری گذرانیدم تعجیل می طلبم، الظلیمه الظلیمه، العجل العجل، یا رسول الله و اوصیاء الله.

غیرت اسلام این عرض را هم بر داعی فرض کرده است که به جسارت عرضه دارم که عزت دستخطهای مبارک که عزش خداداد است نگاه دارید، و اگر بر حسب لزوم و وجوب صادر خواهید فرمود به عهده اشخاصی باشد که امثال حکم همایون را فرض بدانند، شنیده ام جناب سپهسالار اعظم و جناب علاء الدوله و بعضی از رجال دیگر حالت اعتنائی دارند و احقاق حقوق مظلومان می کنند. لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم.

ای کاش این وزراء بقدر الضیف از این خادم شریعت مطهره، رعایتی منظور می داشتند، خدا را به شهادت می طلبم که در نهایت یأس و دلتنگی از حقوق خود صرف نظر کردم و از این شهر رفتم. فردا به حضرت عبد العظیم و به دعای وجود آن عدل محض مشغول و بعد از آن در حضرت معصومه علیها السلام یا سایر عتبات عالیات، دعاگو خواهم بود. از خداوند عزّ اسمه استدعا می کنم برای ظل الله، اعوان و انصار دولتخواه و نوکر دلسوز و ناصر ملت و دولت که موجب نیک نامی و ازدیاد عمر و دولت و شوکت باشد، برساند... از فضل خداوند متعال و حضرت ذوالجلال که ثانی و تالی آن ذات خجسته صفات همایون باشد تا از آن منبع عدل و انصاف عدالت ها را اخذ نموده مجری دارند.

الله الله من هؤلاء الامناء والوزراء، (الله) الله في الرعايا فانهم ودائع الرحمن و خزائن السلطان، و ما علينا الا - البلاغ، اعدلوا هو اقرب للتقوى. می ترسم این مظلومین از این درگاه مأیوس شوند و (رو) به درگاه قاضی الحاجات ببرند. نمی دانند

ص: 1699

که حضرت اقدس شهریاری تمام اوقات لیل و نهار خود را صرف رفاهیت عامه رعایا و قاطبه برایا کرده، لیکن جمعی از بطالت و اغراض فاسده و خیالات کاسده در عهده تعویق می اندازند. از آه مظلومین باید ترسید. خداوند وجود اقدس شهریاری را در همه حال از آفات و بلیات محافظت فرماید.

خادم الشریعه: الحاج محمد صادق قمی

دکتر علی اکبر صادقی (استاد دانشگاه تهران) درباره جد امجد خود ملا محمد صادق، و برخورد وی با فرهاد میرزا چنین می گوید:

در یکی از سالها که (فرهاد میرزا) به شهر قم رفته بود، بر حسب عادت اظهار علاقه کرده بود که با علما و فضلائی قم دیداری داشته باشد. بدین منظور (اعتضاد الدوله) حاکم قم جمعی از اهل علم را دعوت می کند، در این جلسه جد ما مرحوم حاجی که جوان هم بود، حضور داشته است.

همان طور که مشهور است (فرهاد میرزا) دوست داشته معضلات الکلم را مطرح سازد، تا هم مراتب دانش خود را به رخ دیگران بکشد و هم مراتب علمی دیگران را بیازماید.

در آن مجلس نیز شاهزاده دو سؤال لغوی و علمی را مطرح می کند که مرحوم جد ما به سؤال اول جواب می دهد. در این بین قهوه می آورند، فرهاد میرزا سؤال دوم را که مربوط به قصیده ای بزبان عربی از (شیخ بهائی) بوده، و در آن لغزی را درباره مناسک حج مطرح ساخته بوده است، در میان می گذارد.

چون سؤال اول را هم کسی به جز (حاجی ملا محمد صادق) پاسخ نداده بوده، طبعاً روی سخن شاهزاده در مورد سؤال دوم هم با او بوده است.

مرحوم حاجی می گوید: حضرت والا اجازه می فرمایند قهوه را بنوشم و پاسخ عرض کنم یا خیر؟

فرهاد میرزا جواب می دهد: خیر، قهوه را میل بفرمائید، یک هفته هم وقت

ص: 1700

دارید که جواب بدهید. حاجی می گوید:

پس با اجازه حضرت والا قبل از صرف قهوه پاسخ را عرض می کنم. و بلافاصله نصف صفحه از کتاب قاموس را از حفظ می گوید و مقصود شیخ را توضیح می دهد.

(فرهاد میرزا) به قدری از این قوت حافظه و احاطه مرحوم حاجی لذت می برد، که خطاب به (اعتضاد الدوله) و سایر حاضران که در میان آنان مقامهای عالی هم حضور داشته اند می گوید:

(شنیده ام ایشان با این مراتب فضل با قناعت هم زندگی می کنند، چرا باید شما وسائل رفاه و آسایش او را فراهم نسازید که بتواند با فراغ خاطر به کسب علم و تکمیل فضائل خود پردازد؟).

در نتیجه در همان مجلس رئیس خاندان (بیگدلی) یک حبه از قریه معروف به (جمکران) را به مرحوم حاجی هبه می کند، و اعتضاد الدوله نیز آن قسمت را مدت پنج سال از دادن مالیات معاف می سازد، و از آن تاریخ گشایش شایان توجهی در خاندان ما بوجود می آید.

### فرزندان:

1- آیت الله میرزا ابو الحسن والد علامه شیخ مصطفی صادقی 2- تقی 3- حسین آقازاده 4- محمود.

-منابع

1- الکرام البرره 632/2 (تاریخ مرگش را به سال 1297 ق دانسته است).

2- المآثر و الآثار 153.

3- تاریخ قم 270.

4- تاریخ قم (فیض) خطی.

5- جنگ مخطوط به شماره (375) دانشکده حقوق، برگ 50.

6- رجال قم 99.

7- شرح حال فرهاد میرزا «معتد الدوله» ص 389.

ص: 1701

8- گنجینه دانشمندان 140/1.

9- لباب الالقباب فی ألقاب الاطیاب 100.

10- مجله تاریخ و فرهنگ معاصر شماره 5 ص 110.

11- مجموعه خطی شماره (3669) کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، صفحات 78-85.

**شیخ محمد صادق قمی «نعیمی»**

**اشاره**

(-1372 ق)

حاج شیخ محمد صادق قمی معروف به «نعیمی»، از دانشمندان و فضیلاي حوزه علمیه قم بود.

ایشان تحصیلات عالی خود را در قم نزد آیات: شیخ ابو القاسم قمی «کبیر»، حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سید محمد حجت کوه کمری به انجام رسانید.

**خدمات دینی**

وی مردی فاضل، پارسا، مبارز، مروج دین و مبلغ احکام، و آمر به معروف و ناهی از منکر بود. چندین سال در نراق و جاسب- از توابع قم- بر علیه دعوی فرقه ضاله بهائیت مبارزه نمود، و بعضی افراد را از انحراف و ضلالت به راه راست هدایت کرد.

ایشان در سال 1370 ق از طرف آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به شهر تویسرکان جهت سرپرستی حوزه علمیه و ارشاد و هدایت مردم آن سامان به آنجا عزیمت نمود، و به تدریس و اقامه جماعت و سایر وظایف دینی و روحی اشتغال ورزید.

نامبرده در سال 1372 ق در تویسرکان درگذشت، و جسدش به قم حمل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

-منبع

1- آثار الحججه 238/2.

ص: 1702

(1322-1411 ق)

حاج سید محمد صادق فرزند علامه سید ابو القاسم و نوه سید محمد لواسانی، از علما و معاریف تهران بود.

وی در صفر 1322/ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

او مقدمات را همان جا آموخت و در سال 1339 ق همراه پدر خود به ایران آمد و مدتی در همدان و اراک به سر برد. در سال 1341 ق وارد حوزه علمیه قم شد و سطح را از محضر آیات: میرزا محمد علی ادیب تهرانی، میرزا محمد همدانی و شیخ محمود مجد اردکانی و حکمت را از میرزا جواد ملکی تبریزی تلمذ کرد. در سال 1348 ق به نجف اشرف عزیمت نمود و از محضر آیات: میرزا ابو الحسن مشکینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی بهره مند شد و مجدداً به قم مراجعت کرد و از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری و سید محمد تقی خوانساری و از دروس فلسفه شیخ محمد علی شاه آبادی استفاده نمود.

وی تولیت مدارس: فیضیه، دارالشفاء و عبد الله خان در قم، را برعهده داشت.

لواسانی در سال 1364 ق به تهران منتقل شد و در مسجد آیت الله لواسانی، واقع در بازارچه نایب السلطنه به اقامه جماعت و ارشاد و خدمات مذهبی و اجتماعی اشتغال داشت.

ص: 1703

نامبرده در روز یکشنبه 9 ربیع الاول 1411/ ق مطابق با 8 مهر 1369/ ش در سن 89 سالگی در تهران درگذشت. پیکرش صبح روز دوشنبه از مسجد ایشان در بازارچه نایب السلطنه تشییع و عصر روز سه شنبه در قم تشییع و در حرم حضرت معصومه علیه السلام به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- حجه الاسلام سید محمد رضا، ساکن تهران و به امر قضاوت و جماعت در مسجد پدر خود، اشتغال دارند 2- مهندس سید محمد تقی، استاد دانشگاه امیر کبیر تهران.

-منابع

1- آثار الحجه 256/2.

2- آینه دانشوران 241.

3- گنجینه دانشمندان 550/4.

4- مجله تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره اول، ص 267.

### شیخ محمد صادق مقدس رشتی

(ح 1281-1342 ق)

شیخ محمد صادق فرزند ملا حسین و نوه ملا محمد کاظم رشتی گیلانی (مقدس)، در حدود سال 1281 ق در رشت متولد شد.

پس از طی مقدمات و سطح رهسپار نجف اشرف گردید، و از محضر آیات:

شیخ محمد کاظم خراسانی، و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی در فقه و اصول استفاده نمود و به گیلان بازگشت و به ارشاد و هدایت مردم پرداخت، وی مردی متنفذ و مقتدر بود.

در سال 1342 ق در رشت درگذشت و جسدش به قم حمل و در قبرستان

ص: 1704



شیخان مدفون شد، از وی پسری باقی نماند و فقط یک دختر داشت.

- منبع

1- افادات حجه الاسلام شیخ محمد هادی مقدس پسر برادر مترجم له.

**سید محمد صدر العلماء قمی**

**اشاره**

(1302-1372 ق)

سید محمد صدر العلماء (میرزائی) فرزند سید نور الدین و نوه میرزا محمد رضا بن سید ابو طالب حسینی (داماد میرزای قمی)، از دانشمندان و مدرسان حوزه علمیه قم بود.

به سال 1302 ق در قم متولد شد.

**تحصیلات عالی**

ایشان ادبیات را نزد ملا محمد تقی آموخت، و سطح را از محضر آیات:

میرزا محمد ارباب، شیخ مهدی حکمی قمی (پائین شهری) و ملا حسین نجار تلمذ کرد، در سال 1339 ق به اراک رفت و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده نمود، و هنگام مهاجرت آن بزرگوار به قم او نیز به قم مراجعت کرد و از محضر ایشان بهره مند شد، وی پس از ورود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی از نزدیکان و اصحاب استفتای ایشان محسوب شد.

بنا بر نوشته آقای مقدس زاده در رجال قم: آن مرحوم به نجف اشرف مهاجرت کرد، و از محضر آیات: سید محمد کاظم طباطبائی و سید ابو الحسن اصفهانی استفاده نمود.

ص: 1705

## از آثار او

یادداشت‌هایی در فقه از او مانده است.

## درگذشت و اعقاب

ایشان در روز دوشنبه 17 جمادی اول 1372/ق مطابق با 13 بهمن/1331 ش به سن 70 سالگی درگذشت، و در ایوان طلای صحن کهنه حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## فرزندان:

1- سید حبیب الله 2- سید علی محمد 3- سید صدر الدین 4- سید مهدی 5- سید حسین 6- سید ابو الفضل.

-منابع

1- آثار الحججه 228/1.

2- آینه دانشوران 239.

3- رجال قم 153.

4- گنجینه دانشمندان 339/1.

**شیخ محمد طاهر اردبیلی (میرزا محمد ظاهری)**

## اشاره

(1384-1308 ق)

شیخ محمد طاهر فرزند آیت الله شیخ عبد الظاهر و نوه حاج محمد علی کلخورانی اردبیلی، وی به «میرزا محمد ظاهری» شهرت داشت، از علما و اساتید معروف حوزه های علمیه بود.

وی در ذی الحججه 1308/ق در اردبیل پا به عرصه گیتی نهاد.

ص: 1706

پدرش معروف به «حاجی آخوند» بود. در حدود سال 1261 ق در اردبیل متولد شد و همان جا در سال 1336 ق درگذشت و در جوار مقبره صفی الدین اردبیلی به خاک سپرده شد. تحصیلات علمی ایشان از این قرار است: مقدمات را نزد میر صالح مجتهد اردبیلی (عطار) فراگرفت، سپس به قزوین رفت و سطح را از محضر سید علی قزوینی (صاحب حاشیه القوانین) و ملا علی اکبر سیادهنی استفاده کرد. آنگاه در حدود 1300 ق به نجف اشرف عزیمت کرد و دروس خارج را از محضر آیات: میرزا حبیب الله رشتی و شیخ عبد الله مازندرانی بهره مند گردید، و سرانجام به اردبیل مراجعت فرمود و خود به تدریس و تألیف اهتمام ورزید.

### از آثار او

1- رساله فی أحكام القضايا البسائط و المركبات.

2- الحاشیه علی الرسائل.

3- الجوابات لبعض المسائل الصرفیه المشکله.

### تحصیلات عالی

میرزا محمد ظاهری برخی از دروس ادبی را نزد پدر ارجمند خود آموخت. و چون در برابر قشون «شاهسون» در سن نوجوانی به مبارزه برخاست، اردبیل را به سوی مشهد مقدس ترک گفت. در سال 1324 ق به مشهد مقدس رسید. باقی دروس ادبی را نزد میرزا عبد الجواد ادیب نیشابوری به پایان رساند. آنگاه در 1326 ق به اصفهان عزیمت داشت و مدت ده سال از محضر آیات: ملا- عبد الکریم گزی (معقول)، سید محمد باقر درچه ای (فقه)، ملا محمد کاشی (علوم ریاضی و نجوم) و حاج رحیم ارباب بهره مند گردید و خود حوزه درسی تشکیل داد.

تذکر: نظر به اینکه مرحوم ملا محمد کاشی همسری اختیار نکرده بود و دوران

پیری را می گذرانند، شاگردان به او خدمت می کردند، به همین خاطر مرحوم اردبیلی مدت شش ماه ملتزم خدمت این استاد بود.

در سال 1336 ق به اردبیل بازگشت و همان وقت پدرش رحلت فرمود، و به وعظ و ارشاد اهتمام ورزید.

## هجرت به نجف اشرف

سرانجام، اردبیلی به حوزه علمیه نجف اشرف در سال 1343 ق عزیمت می نماید و در جوار بارگاه علوی مدت 28 سال مشغول تحصیل فقه و اصول می گردد. اساتید این دوره عبارت بودند از حضرات آیات: شیخ عبد الله مامقانی، میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی.

ایشان در آن سامان به تدریس متون کتب درسی و علوم هیئت و ریاضی شد و شاگردان بسیاری تحویل داد.

در سال 1371 ق نجف را به سوی ایران ترک گفت و مدت پنج سال در قم توقف کرد و به تدریس و هدایت اشتغال داشت. سرانجام در سال 1376 ق به زادگاهش بازگشت و تا آخر عمر همان جا زیست.

## از آثار او

1- ایماءات فی معرفه التقویم (در تقویم و نجوم)، در اصفهان تألیف کرده است.

2- این الهیئه و الاسلام فی نقد کتاب الهیئه و الاسلام (اثر شهرستانی).

3- تقریرات دروس الاصفهانی.

4- تقریرات دروس العراقی.

5- تقریرات دروس النائینی.

6- حویشه الکفایه (حاشیه علی کفایه الاصول).

7- کالشرح للصمدیه، فی النحو، در اصفهان تألیف نموده است.

علامه ظاهری سرانجام در روز پنجشنبه 26 شعبان 1384/ ق مطابق با 10/

ص: 1708

دی 1343/ ش در سن 76 سالگی در اردبیل دار فانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان ابو حسین- مقبره العلماء- به خاک سپرده شد.

وی داماد شیخ زین العابدین خوانساری، کتابفروش مقیم اصفهان (پدر حاج محمد حسین کوشانپور) بود و دارای اولاد زیر شد، 1- آقا احمد 2- آقا محمود 3- آقا یحیی 4- حجه الاسلام شیخ ابو القاسم ظاهری، مقیم قم 5- مهندس حمید 6- دکتر مجید 7- مرحوم عبد الحسین و سه دختر که دامادهایش عبارتند از:

1- آیت الله سید احمد فرزند سید جمال الدین گلپایگانی 2- سید جعفر هاشمی درچه ای اصفهانی معروف به «محلل» 3- آقای علی اصغر امامی یزدی می باشند.

-منابع

1- آثار الحجه 70/2.

2- اظهارات فرزندش حجه الاسلام شیخ ابو القاسم ظاهری، به تاریخ صبح چهارشنبه 12/ صفر 1421/ ق.

3- تاریخ اردبیل 78/2.

4- گنجینه دانشمندان 65/2.

5- مؤلفین کتب چاپی 585/3.

**شیخ محمد طاهر اشعری قمی**

**اشاره**

(1261-1351 ق)

آخوند ملا محمد طاهر فرزند علامه ملا عبد الله و نوه ملا محمد باقی اشعری قمی، از فقها و پارسایان قم بود. وی در سال 1261 ق در قم متولد گردید.

ملا محمد طاهر تحصیلات مقدماتی و سطح را در قم آموخت، سپس راهی عتبات عالیات شد و از محضر آیت الله شیخ محمد تقی هروی (متوفای 1299 ق) فقه و اصول استفاده کرد. آنگاه به قم بازگشت و مشغول تدریس و ارشاد گردید. وی در تقوا و زهد از اوتاد عصر خود به شمار می رفت. علوم ادبی و متون سطح و نیز

ص: 1709

دروس هیئت و علوم ریاضی تدریس می کرد. در اواخر عمر در اثر ناملایمات سیاسی به زرنند ساوه رفت و آنجا مشغول عبادت و تبلیغ بود.

شیخ محمد تقی طاهری (نوه ملا محمد) / شیخ احمد علی طاهری قمی (فرزند ملا محمد)

## از آثار او

1- تقریرات فقه هروی.

2- حاشیه بر منتخب اللغات (اثر شاه جهانی).

3- حاشیه علی اللمعه الدمشقیه.

سایر آثار فوق نزد تنها فرزندش که در قید حیات است، آقای شیخ احمد علی طاهری نگهداری می شوند.

نامبرده در روز سه شنبه 3 جمادی الثانی 1351/ ق مطابق با 12 مهر / 1311 ش در سن 90 سالگی در زرنند ساوه درگذشت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

1- میرزا محمد علی (پدر میرزا علی اصغر اشعری) ساکن قم بود و در سن 68

ص: 1710

سالگی درگذشت و در قبرستان حاج شیخ مدفون شد 2- میرزا علی اکبر، ساکن خرقان قزوین بود. او در سن 65 سالگی درگذشت و در قبرستان حاج شیخ مدفون گردید 3- آیت الله شیخ احمد علی طاهری، امام جمعه فعلی بردسیر کرمان است. و سه دختر که شیخ عبد الحسین معین قمی، از دامادهایش بود.

-منابع

1- اظهارات فرزندش شیخ احمد علی طاهری.

2- تاریخ قم 273.

3- رجال قم 161.

**شیخ محمد طاهر خاقانی «آل شبیر»**

**اشاره**

(1328-1406 ق)

آیت الله شیخ محمد طاهر فرزند علامه شیخ عبد الحمید، و نوه ملا عیسی آل شبیر خاقانی، یکی از استادان بسیار علمی و مشهور منطقه خوزستان و سایر حوزه های علمی بود.

وی در 9 ذی قعدة 1328/ق در خرمشهر (محمره) دیده به جهان گشود (برخلاف بعضی از نویسندگان که تولدش را به سال 1329 ق نوشته اند).

مقدمات علوم دینی را در زادگاه خود نزد پدر بزرگش شیخ عیسی خاقانی آموخت و در سال 1343 ق به نجف اشرف مشرف گردید و سطوح را از محضر آیت الله میرزا ابو الحسن مشکینی فراگرفت و خارج فقه و اصول را از محضر

ص: 1711

آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی، سید ابو الحسن اصفهانی و فلسفه و حکمت را از محضر: سید حسین بادکوبه ای و شیخ محمد حسین غروی اصفهانی بهره مند گردید.

بعضی از فضلاء معاصر اظهار نمودند که ایشان در درس آیات: شیخ موسی خوانساری، شیخ محمد رضا آل یاسین، و میرزا عبد الهادی شیرازی نیز حضور پیدا می کرد، و اجازات اجتهادی از اساتید خود دریافت داشت.

وی در عرفان و تهذیب نفس از محضر عارف گرانقدر سید علی قاضی طباطبایی بهره ها برده بود. و به زادگاه خود بازگشت و به ارشاد و تدریس همت گماشت.

ایشان در اوایل انقلاب نقش اساسی در خوزستان ایفا کرد ولی در پی حوادث و درگیریهای مختلف به تاریخ /26 تیر 1358/ ش به قم مهاجرت و تا آخر عمر در آنجا می زیست، و به تدریس خود ادامه داد.

شیخ محمد کاظم خاقانی (فرزند) شیخ محمد طاهر خاقانی «آل شبیر» (پدر)

**از آثار او:**

1- انوار الوسائل، 3 جلد.

ص: 1712



2-المثل الاعلى فى الفلسفه در دو جلد.

3-المثل فى القواعد الاصوليه.

4-الكلم الطيب.

5-رساله الهدى (رساله عمليه).

6-كتاب القضاء.

7-كتاب النكاح.

8-شرح المواريث من كتاب الحدائق.

9-مناسك الحج.

10-موجز الرساله.

11-انوار الوحى فى تفسير سوره الحمد و الاخلاص.

12-العقل البشرى فى تفسير القرآن الكريم، 2 جلد.

13-شرح خطبه الصديقه الزهراء عليها السلام.

14-منطق المثل الاعلى.

15-النظام العلوى فى شرح العهد لمالك الاشر (رض).

16-الاقتصاد الاسلامى.

17-المثل النوريّ فى فنّ الحكمه.

18-الاصول اللفظيه و العمليه.

**تقریراتی که از ایشان به چاپ رسید است:**

1-المحاكمات بين الكفايه و الاعلام، در 3 جلد.

2-كتاب الطلاق.

3- کتاب القضاء.

4- مبانی الاصول.

او در سحرگاه روز چهارشنبه /18 جمادی اول/1406 ق مطابق با /9 بهمن/

ص: 1713

1364 ش به سن 78 سالگی پس از یک دوره بیماری بسیار کوتاهی در منزلش در قم درگذشت، جسدش صبح روز 20 جمادی اول  
تشیع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

تشیع پیکر شیخ محمد طاهر خاقانی «آل شبیر»

### فرزندانش:

1- شیخ محمد 2- شیخ محمد کاظم؛ که هر دو اهل فضلند.

-منابع

1- الاجازه الکبیره 196.

2- گنجینه دانشمندان 32/5.

3- معجم المؤلفین العراقین 198/3.

**شیخ محمد علی آیت بروجردی**

**اشاره**

(1313-1340 ق)

شیخ محمد علی فرزند شیخ حسن آیتی بروجردی، به سال 1313 ق در

ص: 1714

بروجرد تولد یافت. در سن 6 سالگی به خواندن و نوشتن پرداخت و در ظرف سه ماه قرآن کریم را فراگرفت و با شوق فراوانی به تحصیل ادب و زبان عرب مشغول، و در سن 15 سالگی در تحریر و نویسندگی و نوشتن انواع خطوط استاد شد. در خلال تحصیل ادبیات به سرودن شعر به زبان عربی و فارسی پرداخت. طبعش موزون، و در سایر علوم ادبی گوی سبقت را از همگان ربود. او در بروجرد شاگرد شیخ محمد حسین غروی بروجردی در سطوح بود.

سرانجام جهت ادامه تحصیل و طی دروس عالی فقه و اصول عازم نجف اشرف شد، و از محضر آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی و میرزا عبد الهادی شیرازی و در ضمن از محضر آیات: و شیخ علی شاهرودی، میرزا تقی شیرازی در کربلا نیز استفاده نمود.

در سال 1334 ق به امر آیت الله طباطبائی یزدی به ایران بازگشت و یک سالی در دزفول محضر آیت الله شیخ محمد رضا دزفولی را درک کرد، و در سال 1335 ق به بروجرد بازگشت و از محضر آیات: شیخ محمد حسین غروی و سید حسین طباطبائی بروجردی به مدت سال بهره ور گردید.

در سال 1337 ق در پی حسد حاسدان و تیر زهرآلود حاقدان، نتوانست در زادگاهش زیست کند، بار سفر را بسته و به اراک برد. در آنجا جزو شاگردان آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی قرار گرفت، و مورد توجه لطف و عنایت آیت الله سید نور الدین عراقی گشت. نامبرده در نوشتن انواع خطوط مهارت داشت و خط بسیار زیبایی داشت و به ساختن معما و الغاز علاقه فراوانی داشت.

### از جمله آثار او:

1- مدامع العین فی مصیبه الحسین علیه السلام.

2- الدرر و اللالی فی تلخیص الامالی.

ص: 1715

3- اللؤلؤ الفريد، منظومه في المنطق.

4- رساله في الاسطرلاب فرغ منها عام 1330 ق و هي عند اخيه.

5- الفوائد المرضيه في شرح القواعد النحويه و الصرفيه توجد نسخه منه عند اخيه الشيخ ابو محمد آيتي.

ولي افسوس كامی از جهان ندیده به سال 1340 ق در سن 27 سالگی به مرض قولنج درگذشت، و به روایت تاریخ بروجرد همان جا در ورودی مقبره سید نور الدین عراقی دفن شد. از وی اولادی باقی نماند و اصلاً همسری انتخاب نکرده بود.

اما در مؤلفین کتب چاپی و به نقل مقدمه یکی از کتابهای مترجم له، ایشان در اواخر عمر به قم مقدس مهاجرت کرد، و در قم درگذشت (این مطلب توسط برادر مرحوم آیتی اشتباه اعلام شد).

-منابع

1- تاریخ بروجرد 532/2.

2- مؤلفین کتب چاپی 185/4.

**شیخ محمد علی اجتهادی اراکی**

**اشاره**

(1414-1350 ق)

حاج شیخ محمد علی اجتهادی فرزند آیت الله میرزا ابو الحسن مجتهد اراکی، از دانشمندان و بزرگان حوزه علمیه قم بود.

در سال 1350 در اراک متولد شد.

**در حوزه های اراک و قم**

وی پس از فراغت از مکتب خانه به شوق تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه شد، و در مدارس «سپهدار» و «حاج محمد ابراهیم» اراک مقدمات را فراگرفت.

در سال 1367 ق به حوزه علمیه قم کوچ نمود، و در دروس سطح را از محضر

ص: 1716

آیات: سید محمد داماد یزدی، سید احمد زنجانی، میرزا محمد مجاهدی تبریزی، شیخ محمد صدوقی یزدی، و شیخ ابو القاسم نحوی قمی فراگرفت. و در دروس خارج آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمد رضا گلپایگانی حاضر گردید و استفاده شایان برد.

## از آثار او

- 1- تقریرات کتاب القضاء (از درس گلپایگانی).
- 2- رساله فی أحكام الصلح.
- 3- قضاء الأحكام فی شرح قضاء شرائع الاسلام.
- 4- کشکول، در چند دفتر.
- 5- نهایی المأمول فی شرح کفایه الاصول، در پنج جلد.

## درگذشت

وی در روز پنج شنبه 7 شعبان 1414/ ق مطابق با آخر ادی 1372/ ش در سن 64 سالگی درگذشت، و جسدش صبح روز شنبه از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشییع و در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

- منبع

- 1- مجله آینه پژوهش، سال چهارم 1372 ش، شماره (23) ص 109، به قلم شیخ ناصر الدین انصاری.

## شیخ محمد علی احمدیان نجف آبادی

## اشاره

(1417-1340 ق)

حاج شیخ محمد علی فرزند حاج رمضان نجف آبادی اصفهانی، ملقب به «احمدیان» از دانشمندان و فضیلتی معاصر حوزه علمیه قم بود.

ص: 1717

وی در سال 1340 ق مطابق با 1300 ش در شهر نجف آباد (استان اصفهان) تولد یافت.

احمدیان پس از تحصیل فارسی و مقدمات در آن شهر، در سال 1315 ش رهسپار اصفهان شد و بقیّه دروس مقدماتی از قبیل: سیوطی، مغنی و مطول نزد اساتید آن دیار آموخت. در سال 1316 ش (1357 ق) به حوزه علمیه قم منتقل شد و شرح لمعه را نزد میرزا محمد علی ادیب تهرانی، سید شهاب الدین مرعشی و سید مرتضی علوی فریدنی و قوانین الاصول را نزد شیخ عبد الرزاق قائینی و مکاسب را نزد سید محمد رضا گلپایگانی و دروس تفسیر نیز نزد آقای گلپایگانی و سید محمد باقر قزوینی حاضر گشت.

ایشان در ذی الحجه سال 1360 ق به حج مشرف شد و در راه بازگشت (در سال 1361 ق) در حوزه علمیه نجف اشرف توقف کرد. و سطوح عالی را به مدت سه سال خدمت آیت الله شیخ عبد الحسین رشتی به پایان برد. از سال 1364 ق به بعد در دروس خارج آیات نجف حاضر شد، از جمله در درس حضرات آیات: میرزا عبد الهادی شیرازی (فقه و اصول)، سید جمال الدین گلپایگانی (خارج مکاسب)، شیخ عبد الرسول جواهری (خارج عروه)، سید محسن طباطبائی حکیم (فقه)، میرزا باقر زنجانی (اصول فقه) و سید ابو القاسم خوئی (اصول فقه) شرکت نمود و از اعضای جلسه استفتای میرزا عبد الهادی شیرازی بود و در فرصتهای مناسب به تدریس منطق و ادبیات و سطح فقه و اصول می پرداخت.

نامبرده در سال 1393 ق در اثر فشارهای دولت عراق به ایران بازگشت و در قم سکونت اختیار نمود و در طول سال، در مناسبات مختلف به نجف آباد می رفت و مشغول خدمات دینی و اجتماعی می شد.

## از آثار او

1- الأربعون حدیثا.

ص: 1718

2- الصحابه الكرام، در سه جلد.

3- المعمرون، حدود 5000 نفر معرفی کرده است.

4- المكاسب المحرمه (تقریرات درس میرزا عبد الهادی شیرازی).

5- بحث الاستصحاب (تقریرات درس میرزا عبد الهادی شیرازی).

6- حاشیه و مستدرک علی نقد الرجال.

7- حواشی علی مجمع البحرین (فی اللغه).

8- رساله فی الخمس.

9- رساله فی الديات.

10- رساله فی القضاء.

11- زبده التفاسیر، اثر کاشانی، تحقیق.

12- طبقات المفسرین، من الصدر الاول للاسلام حتی الآن من مفسری الشیعه.

13- فهرست الاصول الستة عشر.

14- فهرست أمالی الشیخ الطوسی.

15- فهرست حاشیه المكاسب (اثر غروی اصفهانی).

16- قاعده لا ضرر.

17- مسالک الافهام، اثر شهید ثانی، تحقیق و شرح.

18- منتخب الأشعار و المطالب، انتخابی از تفسیر و تاریخ و حدیث و ادبیات و... به عربی و فارسی).

علامه احمدیان در شب یکشنبه 26 ذی القعدة 1417/ ق مطابق با 16 فروردین 1376/ ش در سن 77 سالگی در نجف آباد دار فانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در روز دوشنبه تشییع و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله میرزا احمد دشتی در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. از او اولاد باقی نماند.

-منابع



1- شرح حال فوق به تاریخ /27شوال1414/ ق از ایشان در قم یادداشت گردید و در تاریخ 13

ص: 1719

2- شرح حالی که در دو صفحه به خط ایشان تنظیم شده و نزد منسوبان او نگهداری می شود.

## میرزا محمد علی ادیب تهرانی

### اشاره

(1302-1367 ق)

حاج میرزا محمد علی فرزند شیخ محمد تقی حکیم باشی معروف به (ادیب تهرانی)، از علما و بزرگترین اساتید دوره مقدمات و سطح حوزه بود.

وی در سال 1302 ق در تهران متولد گردید.

پس از طی دوره مقدمات، در سن 20 سالگی نزد میرزا کوچک ساوجی و برادرش شیخ آقا بزرگ (محمد حسن) ساوجی به تحصیل علوم ادبی پرداخت، و در علوم و فنون ادبی مرتبه والائی کسب نمود، مدتی هم خدمت آیت الله شیخ عبد الحسین رشتی تحصیل کرد. سپس به اراک عزیمت و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و پس از مهاجرت استاد خود به قم به آنجا رفت و از محضر وی نیز کسب فیض نمود. و خود به تدریس سایر کتب ادبی و سطوح فقه و اصول پرداخت و شاگردان بسیاری تربیت نمود.

در سال 1363 ق به تهران مراجعت نمود و در آنجا به وظایف دینی و روحی اشتغال ورزید.

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی وی را: از مردان فضیلت و اهل کمال و از ادبای برجسته و محققین توانا و از زهاد نامی و متقین روزگار، معرفی نموده است.

### از آثار او

1- تصحیح مفاتیح الجنان.

2- تعلیقه علی مغنی اللیب.

3- صرف الصرف در علم صرف.

ص: 1720

وی در روز چهارشنبه 9 ذی حجه 1367/ ق مطابق با 21 مهر 1327/ ش در سن 65 سالگی در تهران درگذشت و جسدش به قم حمل و در یکی از اطافهای قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

-منابع

1- آثار الحجه 227/1.

2- آینه دانشوران 209.

3- دایرهالمعارف تشیيع 44/2.

4- گنجینه دانشمندان 62/2.

5- نقباء البشر 1357/4.

6- وفيات علما 711.

**شیخ محمد علی اراکی**

**اشاره**

(1312-1415 ق)

حاج شیخ محمد علی اراکی، از فقها و اساتید به نام حوزه علمیه قم بود که در سالهای آخر عمر هم به زعامت و مرجعیت نیز رسید.

ایشان در سال 1312 ق در شهر عالم پرور «اراک»-سلطان آباد پیشین- دیده به جهان گشود.

پدرش حاج میرزا آقا فرزند ملا-فتح الله فراهانی-که از علما و اوتاد و ابرار و مادرش از اعقاب امامزاده سید حسن واقف که در اطراف «نطنز»

ص: 1721

بارگاهی بسیار مجلل دارد-بوده است.

## تحصیلات

آیت الله اراکی یازده ساله بود که به شوق فراگیری دانش اسلامی به محضر سید جعفر اراکی (که از اوتاد خاص بود) شتافت و ادبیات و سطح را نزد ایشان فراگرفت.

پس از یادگیری سطوح به محضر آیت الله شیخ محمد سلطانی العلماء (صاحب حاشیه معروف بر کفایه) حاضر شد و مدت‌ها از دانش سرشار وی بهره مند شد.

هم زمان با آن آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی در اراک حوزه علمیه تأسیس فرمود و ایشان نیز به درستان حاضر گردید و مدت هشت سال از فقه و اصول آن مرد بزرگ بهره ور شد، و در این مدت با حضرات آیات: سید محمد تقی خوانساری و سید احمد خوانساری به مباحثه علمی پرداخت.

به هنگام مهاجرت آیت الله حائری به قم و تأسیس حوزه علمیه در این شهر مقدس (1340 ق) ایشان نیز به همراه دوستانش به قم کوچ نمود و در مدرسه فیضیه ساکن گردید. استاد با مشاهده فهم و استعداد و نبوغ شاگرد تیزهوش خویش بدو سخت علاقمند شده و او را جزو اصحاب خاص خود قرار داده، و بازبینی و اصلاح «کتاب الصلاة» خویش را به او و آیت الله گلپایگانی واگذار کرد.

مرجع بزرگوار تا پایان زندگی استادش (ذی القعدة 1355/ق) به درس ایشان حاضر شد و مجموعاً مدت 23 سال از درس آن دریای دانش استفاده برد، و لذا قدیمی ترین شاگرد حائری به شمار می روند. پس از آیت الله حائری، از سر فروتنی و استفاده از مقامات معنوی شریک بحث خویش، آیت الله سید محمد تقی خوانساری به درس ایشان رفت و در علم اخلاق از محضر میرزا جواد ملکی تبریزی بهره ها برده بود.

## تدریس

پس از وفات آیت الله خوانساری بود (شوال 1371/ق) که ایشان به

ص: 1722

درخواست عده بسیاری از فضلالی شاگردان خوانساری بر منبر تدریس تکیه زده و به ادامه مباحث خارج نکاح پرداخت و در مدت بیش از 35 سال تدریس فقه و اصول بسیاری از اساتید و بزرگان حوزه های علمیه را پرورش داده، که هم اکنون از دانشمندان به شمار می روند.

### کیفیت مباحث تدریس

آیت الله اراکی در طول بیش از 30 سال تدریس مداوم فقه و اصول مباحث:

نکاح، مکاسب محرمه، بیع، خیارات (دو دوره)، طهارت و حج را در علم فقه و سه دوره کامل علم اصول را بحث فرموده و دهها جویندگان دانش را از آبشخور زلال خویش سیراب ساخت.

از ویژگیهای آشکار درس ایشان عدم تکرار و پرهیز از اطناب بود. کلام را گزیده و پرمعنی ادا می کرد. اعتقادشان بر آن بود که طلبه باید قبل از حضور در درس مواضع اشکال را مطالعه و حل نموده، سپس در بحث حاضر شود و لذا درس ایشان برای افراد مبتدی سنگین بود و برای مجتهدین زحمت کشیده سودمند واقع می شد. در حقیقت بحث حضرت ایشان «خارج خارج» حساب می شد.

پیچیده ترین مباحث علمی را با گفتاری شیوا و بیانی زیبا مطرح می نمود و آنها را به آسانی تفهیم می کرد.

### احیای آیین نماز جمعه

اراکي، را به حق باید احیاکننده مراسم عبادی نماز جمعه در حوزه علمیه قم دانست. این مرد بزرگ پس از وفات آیت الله خوانساری، نماز جمعه ایشان را بیش از سی سال در مدرسه فیضیه اقامه نمود و روح و جان صدها عالم و دانشمند متقی را با بیان شیرین خویش معطر ساخت و با استفاده از خطبه های نهج البلاغه، با دلی سوزان و زبانی آتشین برق خوف الهی را در قلب شرکت کنندگان برمی افروخت، و

اشک از دیدگان ایشان جاری می ساخت.

در حقیقت روزهای جمعه مدرسه فیضیه شاهد سخن گفتن واعظی متعظ و عالمی عامل بود، که سخنانش از دل برمی آمد و بر دل می نشست.

## تالیفات

این مرد بزرگ در طول بیش از سه ربع قرن (75 سال) تحصیل و تدریس آثار بسیاری را اعم از تألیف و تقریر بر جای نهاد که عبارتند از:

1- تقریرات بحث آیت الله سلطان العلماء.

2- تقریرات فقه آیت الله حائری، شامل: طهارت و ارث.

3- تقریرات اصول آیت الله حائری (سه دوره).

4- رساله فی الاجتهاد و التقليد (تقریر بحث حائری) (در ضمن «درر الفوائد» استادش به چاپ رسید).

5- رساله فی الولاية (تقریر بحث آیت الله حائری) (در جلد اول «القرآن و العقل» به چاپ رسیده است).

6- رساله استفتائات.

7- حاشیه بر عروه الوثقی.

8- توضیح المسائل.

9- مناسک حج.

10- حاشیه بر درر الاصول، اثر آیت الله حائری.

11- المكاسب المحرمه.

ص: 1724

12- کتاب الخيارات.

13- رسالتان فی ارث و نفقه الزوجه.

14- کتاب البيع.

15- کتابی النکاح و الطلاق.

16- شرح مفصل عروه الوثقی، کتاب طهارت.

17- کتاب الطهاره، تقریر بحث آیت الله خوانساری.

ایشان در اول/آبان/1373/ش در پی کسالت در بیمارستان قلب تهران بستری گردید. و پس از 38 روز سرانجام در ساعات آخر روز سه شنبه 8/آذر/1373/ش مطابق با 25/جمادی ثانی/1415/ق در بیمارستان مذکور درگذشت. پیکرش عصر روز چهارشنبه در تهران تشییعی با شکوه شد و صبح روز پنجشنبه در قم تشییع و در کنار مرقد استاد خود آیت الله حائری در حرم حضرت معصومه علیها السلام قم مقارن ظهر مدفون گردید.

-منابع

1- آثار الحجه 68/2.

2- آینه دانشوران 172.

3- رجال قم 153.

4- روزنامه اطلاعات، چهارشنبه اول/دی/1372/ش، بقلم شیخ ناصر الدین انصاری.

5- سیمای اراک 91/4.

6- گنجینه دانشمندان 63/2.

**شیخ محمد علی ارجستانی نائینی**

**اشاره**

(-1330 ق)

شیخ محمد علی فرزند حسین و نوه علی ارجستانی کچوئی نائینی، از فضلا و محققان ساکن قم بود.





وی در قم تحصیل کرد و دروس عالی خود را از محضر آیت الله شیخ غلامرضا قمی «حاج آخوند» استفاده کرد و به پژوهش پرداخت.

## از آثار او

1- أنوار المشعشعین فی أخبار قم و القمیین، در سه جلد.

2- رساله ای در توحید.

3- رساله در ردّ صوفیان.

4- منور القلوب.

ارجستانی در اواخر سال 1330 ق (یا اوائل سال 1331 ق) در قم زندگی را بدرود گفت. پیکرش در قبرستان شیخان مدفون شد.

-منابع

1- آتشکده اردستان 296/2.

2- کتابشناسی قم.

## شیخ محمد علی انصاری

### اشاره

(1329-1405 ق)

دانشمند بزرگوار و ادیب عالی مقام مرحوم حجه الاسلام حاج شیخ محمد علی انصاری قم در سال 1329 ق در قم زاده شد. خاندانش در تقوا و پرهیزکاری شهره بودند و نسب به شیخ الطائفه سعد بن عبد الله اشعری قمی (متوفای 299 ق) می بردند.

فقید سعید پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و آموختن دروس اولیه، به مدرسه علمیه رضویه شتافت و ادبیات و سطوح را از آقا سید عبد الله اشتهاوردی فرا گرفت. در هفده سالگی پدر خود را از دست داد و سرپرستی خانواده اش را برعهده گرفت و سیر تحصیلی اش متوقف ماند، اما باین همه با شور بسیار به خواندن

ص: 1726

کتابهای تاریخ، تفسیر، حدیث، شعر و تراجم پرداخت و با حافظه قوی خویش، تمامی مطالب را به ذهن می سپرد.

او یک غزل ده بیتی را با دو مرتبه خواندن و یک قصیده سی بیتی را با سه مرتبه مرور از حفظ می نمود و در سینه اش، اشعار و احادیث و تواریخ فراوانی موج می زد و در معانی و بیان، عروض و قافیه، لغت و تاریخ، حدیث و سیره، دستی توانا داشت.

از سنین نوجوانی به سرودن شعر پرداخت و قدیمی ترین شعری که از او به چاپ رسیده، در 20 سالگی اش سروده شده است. در برگرداندن متون عرب به نظم پارسی بسیار توانا بود و در این راستا احادیث و اشعار عربی بسیاری را به فارسی درآورد (مانند: قصیده تائیه ابن فارض، قصیده جلالیه عمرو بن عاص، قصیده رائیه ملا مهر علی خوئی، قصیده میمیه فرزذق و قصیده نونیه ابو الفتح بستی و...)، اما مشهورترین کارش که نام او را در جهان شیعه جاودان ساخت، ترجمه و شرح نهج البلاغه به نظم و نثر فارسی (در 10 جلد) بود که تقریظهای بسیار از علمای ایران و عراق و لبنان بر آن نوشته شد. (شمار آنها به 30 تقریظ می رسد).

### آثار وی عبارتند از:

1- نهج البلاغه منظوم (10 جلد).

2- ترجمه نهج البلاغه.

3- ترجمه غرر الحکم و درر الکلم (2 جلد).

ص: 1727

- 4- درج گهر یا دریای نور (ترجمه و شرح وصیتنامه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ابو ذر به نظم و نثر).
- 5- آیین جهاننداری (ترجمه و شرح عهدنامه امیر المؤمنین علیه السلام به مالک اشتر، به نظم و نثر).
- 6- خورشید روشن (ترجمه و شرح وصیتنامه علی علیه السلام به امام مجتبی علیه السلام به نظم و نثر).
- 7- دیوان اشعار (مدایح، مرثی، مواعظ، قصاید، غزلیات و تخمیسات).
- 8- اختران ادب (2 ج)، گزیده اشعار فارسی در 65 موضوع.
- 9- آینه دل (2 ج)، آیات، روایات، حکایات و اشعار در 52 موضوع اخلاقی.
- 10- دفاع از اسلام و روحانیت (2 ج)، نقد آثار دکتر علی شریعتی.
- 11- دفاع از حسین علیه السلام شهید، نقد کتاب «شهید جاوید».
- 12- محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیغمبر شناخته شده، نقد کتاب «محمد پیغمبری که از نو باید شناخت».
- 13- انتقادات تاریخی، نقد کتاب های: پیامبر، عایشه بعد از پیامبر، محمد پیامبر و سیاستمدار، حیات محمد.
- 14- پاسخ به بداندیشان، نقد نوشته های مردوخ کردستانی.
- 15- تاریخ خلفاء و تحلیلی از وقایع پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.
- 16- خزائن المرثی یا آذرستان، سیر قیام ابا عبد الله الحسین علیه السلام، از آغاز تا پایان، به نظم.
- 17- شکوفه های معطر، گردآوری اشعار فارسی پیرامون قیام امام حسین علیه السلام، مخطوط.
- 18- شرح زندگی علی اکبر علیه السلام، مخطوط.
- 19- مقدمه و پاورقی «اسئله القرآن المجید و اجوبتها».
- 20- بازگشت خورشید، پیرامون حدیث ردّ الشمس، مخطوط.

فقید سعید پس از 76 سال زندگی در هفتم/صفر الخیر 1405/ ق سالروز وفات امام مجتبی علیه السلام و ولادت امام کاظم علیه السلام چشم از جهان فروبست و پیکر پاکش پس از یک تشییع با شکوه و نماز مرحوم آیت الله نجفی مرعشی بر آن، به خاک سپرده شد و مجالس یادبودش در قم، تهران و شهرهای دیگر تا مدت ها ادامه یافت.

## خون

این جهان از خون هایبیل قتیل مدتی نوشید آب سلسبیل  
خون یحیی ریخت چون در طشت زر کرد ملک کین همه زیر و زبر  
هست خون سرخی روی شفق روی مغرب گشته سرخ از خون حق  
غازه رخسار عشاق الست بوده از خون تا جهان بوده است و هست  
خون به روی مصطفی چون بر دوید کاخ کفر و کینه را پی برکشید  
خون ز فرق مرتضی تا روی خاک ریخت، شد رخساره دین تابناک  
چون ز قلب مجتبی خون سرکشید پیکر اسلام در زیور کشید  
حالیا وقت است کانمرد غیور از رخ آیین کند، زنگار دور  
زنگ این آینه با خون بسترد گرچه در دریای خون غوطه خورد

## سید محمد علی انگجی تبریزی

(ح 1318-1404 ق)

حاج سید محمد علی فرزند آیت الله سید ابو الحسن حسینی انگجی تبریزی، از دانشمندان و معاریف تبریز بود.

وی در حدود سال 1318 ق در تبریز تولد یافت.

او پس از آموختن مقدمات، دروس سطح را نزد پدر ارجمند خود و سایر اساتید به پایان برد. آنگاه به حوزه علمیه قم منتقل شد و از دروس خارج حضرات

آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سید محمّد حجت کوه کمری بهره مند شد و مجدداً به زادگاهش مراجعت نمود.

سید محمّد علی انگجی

سید ابو الحسن انگجی

ایشان در دوره هفدهم از سوی مردم تبریز برای نمایندگی مجلس شورای ملی، نامزد شد. و با رأی بالایی انتخاب و راهی تهران گردید و پس از پایان دوره به تبریز بازگشت، و یکی از معاریف و محل رجوع عموم مردم بود.

انگجی در 15 خرداد 1363/ ش در حدود سن 85 سالگی در اثر سکتۀ قلبی در تبریز به جوار حق منتقل شد. پیکرش به قم حمل و در حرم حضرت معصومه علیها السلام-مسجد بالاسر-به خاک سپرده شد.

-منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-گنجینه دانشمندان 302/3.

3-نمایندگان مجلس شورای ملی 305.

ص: 1730

(1344-1395 ق)

حاج شیخ محمد علی فرزند شیخ علی و نوه شیخ آقا فرزند حسن تبریزی، ملقب به «توحیدی» از دانشمندان و فقهای معاصر بود.

وی در محرم 1344/ق مطابق با 6/تیر 1304/ش در روستای (تول قاسم) از توابع بستان آباد تبریز، دیده به جهان گشود.

توحیدی پس از فراگیری برخی از مقدمات در زادگاه خود در سن 14 سالگی (1358 ق) به حوزه علمیه تبریز پیوست و در مدت چهار سال مقدمات را به پایان رسانید و قسمتی از سطوح را فراگرفت. در سال 1362 ق به حوزه علمیه قم مشرف شد و پس از انجام سطوح، مدتی چند از محضر آیت الله سید محمد حجت کوه کمری بهره مند گردید.

سرانجام در سال 1365 ق جهت طی دوره عالی اجتهاد عازم حوزه کهن نجف اشرف گردید و دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیاتی چون: شیخ محمد کاظم شیرازی، سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمد هادی میلانی، سید محمود شاهرودی و سید ابو القاسم خوئی استفاده شایان نمود. البته عمده تحصیلاتش را نزد آیت الله خوئی سپری کرد و پس از نیل به درجه اجتهاد خود اقدام به تدریس سطوح پرداخت و عده ای از محضرش بهره ها بردند.

علامه توحیدی پس از 26 سال اقامت و افاده و استفاده در اثر فشارهای دولت

ص: 1731

عراق در سال 1391 ق به ایران رهسپار شد و در حوزه علمیه قم سکونت اختیار گزید، و به تدریس فقه و اصول اشتغال ورزید که برخی از فضلالی معاصر حوزه از او استفاده کردند.

## از آثار او

- 1- تفسیر قرآن کریم.
- 2- حاشیه علی کفایه الاصول.
- 3- رساله فی الخمس.
- 4- رساله فی الطهاره.
- 5- رساله فی العلم الاجمالی.
- 6- شرح العروه الوثقی (تا کتاب صلاه).
- 7- مصباح الفقاهه (از تقریرات درس آیت الله خوئی در مکاسب که در 7 جلد به چاپ رسید و مورد توجه علما و فضلالی واقع شد).

## ویژگیهای فردی و اخلاقی

مطالب زیر به قلم یکی از شاگردان ملازم ایشان به خواهش نگارنده نوشته شده که بنا بر تقاضایش، از او اسم نمی برم.

آیت الله استاد توحیدی در چندین سالی که در محضرش بودم، نماز واجب یومیه را در اول وقت می خواند و به آن عمل تقید داشت. هر شب زیارت جامعه را می خواند. و در نجف اشرف که بود هر هفته شب های چهارشنبه به مسجد سهله مشرف می شد. شب های جمعه مقید به زیارت امام حسین علیه السلام بود و در ایام زیارتی یک سفر پیاده می رفت. به مسایل اجتماعی، دیدوبازدید بی نهایت اهمیت می داد.

هرکس با ایشان ملاقات می کرد از ادب و حسن برخورد ایشان تمجید می نمود. این تقید را هم داشت که حتی در بین رفقای صمیمی و خصوصی خود با عبا و قبا و

عمامه باشد. در خرید و فروش کالا نهایت دقت و احتیاط و صرفه جویی را مراعات می نمود قناعت و کم مصرف کردن از ویژگیهای دائمی اش بود.

مدت مدیدی با ایشان مراد شده بود، باین همه اسرار خود و زندگی مشترک خویش را کتمان می کرد. اگر کسی از مریدان خود در ملاء عام مبلغی یا چیزی به او تقدیم می کرد، قبول نمی کرد و در حفظ شئون روحانیت و بزرگواری مقام طلبه نهایت احترام را قایل بود. در خاطر دارم، فرش خوب را در اطاق میهمانی انداخته بود و اندرون را با گلیم یا فرش های کهنه، فرش کرده بود. به خاطر دارم روزی سفری به تهران کردند، پس از مراجعت ساواک ایشان را چند روزی به زندان قم افکند. پس از واریسی تمام کتابهای ایشان، از زندان رهایی یافت. بعد از آزادی خصوصی علت را از ایشان سؤال کردم، فرمودند: احتیاج به پول داشتم، یک دوره بحار الانوار چاپ قدیم داشتم. در تهران به یکی از کتاب فروشی ها بردم. 24 یا 25 هزار تومان فروختم. ساواک خیال کرد که مبلغی به نماینده یکی از آقایان بردم. این شایعه کم لطفی رفقا بود.

یاد دارم که می فرمودند: در نجف اشرف در آن ایامی که مشغول نوشتن کتاب مصباح الفقاهه بودم، با آن گرمای بی نهایت حتی پنکه هم نداشتم. عرق می کردم، خیس عرق می شدم و می نوشتم. از شدت گرما خوابم نمی برد. لنگ را با آب خیس می کردم و همان طور روی خودم می کشیدم، تا خوابم ببرد. در همین مصباح الفقاهه نوشته است که این روایت را ده روز گشتم تا اینکه پیدا کردم. او به صدقه دادن و آثار آن بی اندازه عقیده داشت.

ایشان می فرمود: سه دوره اصول آیت الله خوئی حاضر شدم و تمام دوره ها را نوشتم و هر دوره را با دوره قبل تطبیق می دادم و اضافات را در آن اولی درج می کردم. ایشان علاوه بر فقه و اصول، در تفسیر و فلسفه مبرز بود. هرکسی مصباح الفقاهه را ملاحظه فرماید، قوت ادبی و حسن سلیقه شان برایش آشکار می گردد.

نوعاً تکرار جملات و کلمات ندارد.



در تصرف وجوه شرعیه نهایت دقت و احتیاط را داشت. حتی یک روزی فرمودند که: چه کنم درباره خواهرم که زیاد به من علاقه و خدمت کرده و می کند، و من چیزی به غیر وجوهات ندارم تا در مقابل خدمات و محبتهای ایشان انجام دهم.

ارادت فراوانی به اهل بیت علیهم السلام و ولایت قرصی داشت. حتی می فرمود: نوار مصیبت اهل بیت علیهم السلام با صدای یکی از وعاظ و خطبا دارم، و در ایام مناسب و مصیبت و گرفتاری به آنها گوش می دهم. ایشان با آن مقام علمی و عملی و اخلاقی که داشت، گاهی بعضی از رفقا به برخی امور به ایشان تذکر می داد، با کمال خوش روئی، استقبال و قبول می کردند و تشکر می نمودند که مرا مطلع نمودید. بعد از فوت حدود 30 هزار تومان به بانک مقروض و خانه فعلی اش ناتمام مانده بود.

در امر به معروف و نهی از منکر از کسی ابائی نداشت و حتی از خویشان خود مراتب را ملاحظه نمی کرد و اگر مقتضی هم بود، رابطه را قطع می کرد.

## درگذشت

استاد توحیدی سرانجام در اثر سکته قلبی در روز سه شنبه 9/مضان/ 1395 ق مطابق با 25/شهریور/1354/ش در سن 51 سالگی در قم چشم از جهان فرو بست. پیکرش در قبرستان حاج شیخ (زیرزمین) به خاک سپرده شد.

وی داماد علامه شیخ محمد عمادی معروف به (مغزی) که از تحصیل کرده های نجف اشرف بود و سالهای آخر عمر خود را در شاهرود زیست.

مرحوم توحیدی دارای دو فرزند پسر شد که عبارتند از آقایان: 1- محمد رضا 2- مرتضی.

-منابع

1- اطلاعاتی از فرزندش آقا محمد رضا توحیدی.

2- گنجینه دانشمندان 112/2.

3- معجم المؤلفین العراقین 209/3.

4- مؤلفین کتب چاپی 157/4 (سال تولدش را 1346 ق نوشته که اشتباه است).

ص: 1734

(ح 1334-ح 1395 ق)

وی در حدود سال 1334 ق در محله «چرنداب» تبریز متولد شد.

ادبیات و سطوح را در حوزه علمیه تبریز فراگرفت، سپس به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت الله سید محمد حجت کوه کمری استفاده نمود. آنگاه به نجف اشرف رهسپار شد و از محضر آیت الله ابو الحسن اصفهانی بهره ها برد. مجدداً به قم مراجعت فرمود و از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی شایان استفاده را برد. در پی تقاضا و اصرار جمعی از مؤمنین تبریز به وطن خویش بازگشت به سایر امور مذهبی و امر تدریس اهتمام ورزید.

در سال 1376 ق بنا بر دلایلی از تبریز به تهران منتقل شد و به اقامه جماعت و هدایت عامه و سایر وظایف روحی اشتغال پیدا کرد.

چرندابی در حدود سال 1395 ق در تهران درگذشت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان ابو حسین - مقبره العلماء - به خاک سپرده شد.

- منبع

1- گنجینه دانشمندان 4/425.

شیخ محمد علی حائری قمی

اشاره

(1291-1358 ق)

حاج شیخ محمد علی حائری فرزند ملا محمد جعفر قمی، از دانشمندان و مدرسان معروف حوزه علمیه قم بود.

وی در سال 1291 ق (در سال 1299 ق نیز نقل شده که اشتباه است) در شهر قم تولد یافت.

مقدمات را همان جا فراگرفت. دروس سطح را هم از محضر آیات، شیخ محمد

ص: 1735

حسن وزوائی، شیخ محمد حسن نادی، شیخ علی اکبر حکمی یزدی (رسائل)، سید صادق حسینی قمی، میرزا محمد ارباب قمی و میرزا ابو القاسم قمی «کبیر» بهره مند شد. در سال 1313 ق به تهران رفت و سطوح را نزد حضرات آیات: شیخ محمد حسن آشتیانی و میرزا ابو طالب زنجانی به پایان رساند.

در سال 1318 ق راه نجف اشرف را در پیش گرفت و در آن دیار، ابتدا مدتی چند از محضر شیخ هادی تهرانی، و شیخ رضا همدانی و سپس از آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بهره مند گردید.

در سال 1324 ق به سامرا رفت و از محضر آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی استفاده علمی نمود. پس از پایان جنگ بین الملل اول (یعنی 1335 ق) به شهر کاظمین، سپس بنا بر دعوت آیت الله شیرازی به کربلای معلی رفت و به امر تدریس ارشاد پرداخت. از آیت الله سید حسن صدر اجازه روایت دریافت داشته است.

در سال 1349 ق پس از زیارت مرقد مطهر ثامن الحجج امام رضا علیه السلام و دیدار اقوام خود در قم، و پس از امر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی در آن دیار مقدس توقف نمود و به امر تدریس سطح و خارج پرداخت.

تجدید بنای «مسجد نو» واقع در مقابل قبرستان شیخان و احداث پارک ملی قم را به وسیله ایشان انجام گرفت.

### از تألیفات ایشان:

1- الفقه الاستدلالی، در چند جلد.

ص: 1736

2-المختارات فى الاصول، دو جلد.

3-تقريرات الاصول(درس آيت الله خراسانى).

4-حاشيه على كفايه الاصول، دو جلد.

5-رساله اى در ردّ وهابيت.

6-رساله فى الاجتهاد و التقليد.

7-رساله فى التعادل و الترجيح.

8-رساله فى الرضاع.

9-رساله فى العدالة.

10-رساله فى الوقف.

11-رساله فى بطلان الترتب.

12-شرح تبصره المتعلمين.

آيت الله حائرى قمى در صبح روز دوشنبه 22/ربيع الثانى 1358/ق در سن 67 سالگى در پى بيمارى در قم ديده به جهان فرويست. پيكرش در حرم حضرت معصومه عليها السلام-نزدىك قبر آيت الله حائرى يزدي-به خاك سپرده شد.

### فرزندانش:

1-مرحوم علامه شيخ عباس صفائى حائرى 2-مرحوم استاد عبد الصاحب صفائى حائرى.

-منابع

1-آثار الحجه 1/115.

2-آينه دانشوران 78.

3-الاجازه الكبيره 205.

4-أحسن الوديعه فى تراجم علماء الشيعة 1/161.

5- تاريخ قم 282.

6- رجال قم 153.

ص: 1737

7-ریحانه الأدب 410/6.

8-زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 70/3.

9-فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی 113/6.

10-گنجینه دانشوران 154.

11-گنجینه دانشوران 1//335.

12-معجم المؤلفین 36/11.

13-مؤلفین کتب چاپی 162/4.

14-نقباء البشر 1368/4.

### شیخ محمد علی حائری کرمانی

#### اشاره

(1308-1379 ق)

حاج شیخ محمد علی فرزند قاسم کرمانی، معروف به «حائری» از اساتید و معاریف حوزه علمیه قم بود.

وی در سال 1308 ق در کرمان تولد یافت.

او در کرمان پرورش یافت، سپس به تحصیل علوم دینی پرداخت. در سال 1335 ق به مشهد مقدس رفت و سطح را نزد حضرات آیات: میرزا محمد آقازاده خراسانی و حاج آقا حسین طباطبائی قمی به پایان رساند.

در سال 1339 ق به نجف اشرف رهسپار شد و از دروس حضرات آیات:

میرزا محمد حسین نائینی، شیخ

ص: 1738

ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی به مدت هشت سال بهره‌ها برد. در سال 1347 ق به کرمان مراجعت نمود و در مسجد جامع به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت اهتمام ورزید.

سرانجام در سال 1356 ق در حوزه علمیه قم سکونت اختیار کرد و از مدرسان معروف سطح گردید. وی با حضرات آیات: سید صدر الدین صدر، سید احمد زنجانی و شیخ مصطفی صادقی قمی مباحثه کمپانی داشت. پس از ورود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم از ملازمان نزدیک و مقربان مشاورش شد.

## از آثار او

1- تقریرات درس اصول عراقی.

حائری سرانجام در سال 1379 ق در سن 71 سالگی در شهر قم به دیدار معبود شتافت. پیکرش در حرم حضرت معصومه علیها السلام - کنار مزار حاج شیخ عبد الکریم حائری - به خاک سپرده شد.

دامادهای ایشان عبارتند از حضرات آقایان: علامه سید حسین حائری کرمانی و علامه سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی می باشند.

- منابع

1- آثار الحجه 69/2.

2- اطلاعات متفرقه.

3- گنجینه دانشمندان 123/2.

شیخ محمد علی حقی سرابی

اشاره

(1348-1419 ق)

حاج شیخ محمد علی حقی سرابی، یکی از افاضل علما و مدرسین حوزه علمیه قم به شمار می رفت.

ص: 1739

وی در هشتم/ذی الحجّه / 1348 ق در بیت علم و فضیلت دیده به جهان گشود.

پدرش، میرزا عبد الله سرابی (1295-1376 ق) عالم فرزانه و محترم سراب بود. وی با رفتار و گفتارش - که از ورع و تقوایش برمی خاست - اثری ژرف بر دل‌های مردم نهاده و در زمان اشغال آذربایجان و حکومت پیشه‌وری به خوبی از مرزهای عقیده و ایمان دفاع می کرد و سدی استوار در برابر آنان به شمار می رفت. نیای مادری اش نیز میرزا جلیل واعظ از مدرسان فقه و اصول و از شعرای زبردست و آشنا به زبانهای: ترکی، فارسی و عربی بوده است.

شیخ محمد علی پس از فراگیری خواندن و نوشتن و قرآن کریم، به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات را نزد پدرش و دیگران فراگرفت. سپس در چهارده سالگی (1362 ق) به مدرسه طالبیه تبریز رفت و به آموختن ادبیات و مطول و حاشیه و شرح باب حادی عشر نزد اساتیدی چون: میرزا علی اصغر باغمیشه ای پرداخت. در 1364 ق به حوزه علمیه قم آمد و سطوح را نزد حضرات آیات: میرزا محمد مجاهدی تبریزی، سید محمد باقر سلطانی طباطبائی، شیخ موسی زنجانی «عباسی»، سید حسین قاضی تبریزی، میرزا صادق طاهباز و شیخ مرتضی حائری یزدی فراگرفت.

وی در سال 1370 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و در درس آیات: سید محمود شاهرودی، سید محسن طباطبائی حکیم، میرزا باقر زنجانی و سید

ص: 1740



ابو القاسم خوئی شرکت جست و مبانی فقهی و اصولی اش را استوار ساخت و هم زمان از محضر آیت الله شیخ محمد علی سرابی عقاید و مبانی اخلاق را فرا گرفت و این همه، دو سال به طول انجامید. سپس در پی بیماری پدر و تقاضایش، به سراب باز آمد و به تدریس و منبر پرداخت و این تا سال 1376 ق ادامه یافت. پس از درگذشت پدرش به قم آمد و در دروس فقه و اصول آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید کاظم شریعتمداری و سید روح الله خمینی حاضر شد و بهره های فراوان علمی کسب نمود و هم زمان به درس تفسیر آیت الله شیخ محمد باقر ملکی میانجی شرکت کرد و با مکتب تفکیک و مبانی علمی تفسیر قرآن آشنا گشت و در کنار آنها به تدریس سطوح (رسائل، مکاسب و کفایه) و تفسیر پرداخت.

در سال 1397 ق بود که به تهران مهاجرت کرد و در مسجد امام حسین علیه السلام که یکی از معروف ترین مساجد پایتخت و واقع در میدان امام حسین علیه السلام است - به امامت جماعت و وعظ و ارشاد پرداخت و در جوار آن، حوزه علمیه امام حسین علیه السلام را بنیاد نهاد و خود به تدریس فقه و اصول و پرورش بیش از یک صد طلبه اشتغال جست. پس از پیروزی انقلاب به ریاست یکی از شعبه های «دیوان عالی کشور» (برای دو سال) و نمایندگی مجلس شورای اسلامی از سراب (چهار سال) و نمایندگی مجلس خبرگان از آذربایجان شرقی (برای هشت سال) برگزیده شد و تا پایان عمر بر این سمت بود.

از ویژگی هایش احاطه بر تفسیر قرآن و چیرگی بر اخبار و احادیث اهل بیت علیهم السلام اکرام و احترام بسیار نسبت به علما و خطبا بود (که گاه برای زیارت علمای اصفهان، بدان شهر می رفت و هر ساله برای تجلیل از خطبای تهران، مجلسی مفصل در ماه مبارک رمضان تشکیل می داد)، به دیگران دستور نمی داد و کارهایش را خود انجام می داد و در سلام به دیگران، پیشقدم بود. از سر تقصیرات و آزارهای دیگران در می گذشت و به دل نمی گرفت. وی از علمای بسیار مانند آیات:

سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی، سید ابو القاسم خوئی و سید محمد

حجت کوه کمری اجازة اجتهاد داشت.

### برخی از تألیفاتش عبارتند از:

- 1- رساله فی الرشوه.
- 2- رساله فی العدالة.
- 3- رساله فی الوجود و الماهیه و نقد نظریه وحده الوجود.  
(این هر سه به چاپ رسیده است).
- 4- حاشیه علی الأسفار.
- 5- حاشیه علی فصوص الحکم.
- 6- راه و چاه در تفسیر معوذتین.
- 7- رساله فی اعجاز القرآن (آماده چاپ).
- 8- رساله فی الاجتهاد و التقليد (آماده چاپ).
- 9- رساله فی أحكام البسملة و أسماء الله تعالی.
- 10- رساله فی أهمیه علم الاخلاق.
- 11- رساله فی تفسیر آیات الصوم (آماده چاپ).
- 12- رساله فی لباس المصلی.
- 13- رساله فی مباحثه صفات الله تعالی لصفات مخلوقاته.
- 14- رساله فی معنی التفسیر و التأویل.
- 15- شرح تجرید الاعتقاد.
- 16- شرح دعای افتتاح.
- 17- شرح دعای مکارم الاخلاق.

18- صححه های خوش منظر در تفسیر سوره کوثر.

19- یگانه پرستی، تفسیر مفصل سوره توحید.

او که در اوایل 1376 ش از تهران به حوزه علمیه قم بازآمد و به تدریس خارج

ص: 1742

فقه و اصول و تفسیر پرداخت و در روز جمعه 27/رمضان المبارک 1419/ق برابر با 25/دی 1377/ش در 71 سالگی بدرود حیات گفت و پس از تشییع شایسته و نماز آیت الله سید موسی شبیری زنجانی بر پیکرش، در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

**سید محمد علی خسروی همدانی**

**اشاره**

(1273-1353 ق)

سید محمد علی فرزند سید خسرو موسوی همدانی، ملقب به (خسروی)، از فضلا و مدرسان و اطبای معروف همدان بود.

وی در سال 1273 ق در همدان زاده شد.

ایشان فقه و اصول را نزد علامه ملا کاظم و ملا فتحعلی انصاری همدانی (پدر میرزا جواد انصاری) و طب قدیم را نزد استاد علی اکبر طبیب آموخت.

خسروی در علوم: طب قدیم، رمل، جفر، تشریح ابدان، اسطرلاب و نجوم مهارت کامل داشت و سایر علوم و فنون را تدریس می نمود. و طلاب بسیاری را تربیت کرد. کتاب نفائس الفنون را کاملاً دو دوره تدریس کرده بود.

نامبرده در سال 1353 ق مطابق 1313 ش در سن 80 سالگی در همدان

ص: 1743

درگذشت و پیکرش در وسط قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

سید احمد علی خسروی همدانی

### فرزندانش:

1- سید احمد علی خسروی همدانی از فضلا و اطبای معاصر همدان است.

وی در سال 1321 ق در همدان متولد گردید.

خسروی نزد پدرش ادبیات و علوم غربیه و فقه و اصول را فراگرفت و نیز نزد میرزا عبد الرزاق طب قدیم آموخت.

وی مدت شش ماه در اوایل سلطنت رضا خان جهت ادای امتحان و دریافت مدرک پزشکی به تهران رفت و موفق به دریافت مدرک پزشکی گردید و به طبابت اشتغال ورزید و تاکنون به همین شغل شریف اشتغال دارد. وی در مدرسه سرینخچال حجره ای داشت و به طلاب درس می گفت، بعدها مدرسه در خیابان افتاد و تخریب شد.

از آثار او: 1- داروهای تندرستی (یا ادویه مجربه)، 2- رسائلی در جفر، 3- رسائلی در رمل، 4- کتابی مفصل در طب، 5- کفایه العلاج، در علم طب، 6- محکمت و متشابهات قرآن کریم.

2- سید حسین خسروی همدانی (1333 ق- معاصر) از فضلا و دانشمندان معاصر تهران است.

وی در 3/رجب 1333/ق در همدان دیده به جهان گشود.

ص: 1744

ایشان پس از سپری کردن دوران کودکی، مقدمات و ادبیات و خلاصه الحساب و علوم غریبه را نزد پدر ارجمند خود (سید محمد علی) و برادر ارشد خود علامه سید احمد علی خسروی- ساکن همدان- فراگرفت. در سال 1356 ق به حوزه علمیه قم رهسپار شد و به مدت پنج سال از محضر آیت الله سید شهاب الدین مرعشی بخشلی از کتابهای: شرح لمعه، مکاسب و کفایه الاصول را تلمذ کرد. و سایر دروس سطح را از محضر اساتیدی چون: سید محمد رضا گلپایگانی (مکاسب)، شیخ عبد الوهاب قائینی (رسائل)، شیخ شهاب الدین مصطفوی همدانی (رسائل) و شیخ نعمت الله قزوینی (مکاسب) به پایان رسانید. و مدت دو سال در دروس خارج حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمری (فقه و اصول) و سید محمد تقی خوانساری (خارج مکاسب) شرکت جست.

خسروی در سال 1363 ق و پس از هفت سال اقامت در قم به زادگاهش بازگشت و مدت 14 سال در دروس خارج آیت الله آخوند ملا علی همدانی (معصومی) شرکت جست. در ضمن دروس مختلفی از قبیل: شرح منظومه و کشف المراد را نزد میرزا ابو القاسم شاهنجرانی و طب قدیم را نزد سید عبد الحسین خسروی (پسر عموی خود) فراگرفت، در ضمن خود در مدرسه آخوند شرح منظومه تدریس می کرد.

خسروی در سال 1385 ق مطابق با 1344 ش همدان را به سوی تهران رها

ساخت و مدتی هم به تدریس اشتغال داشت و در مسجد قدس رضوی واقع در خیابان بلورسازی-خیابان قزوین، به اقامه جماعت و ارشاد اشتغال دارد.

از آثار او: 1- حاشیه علی العروه الوثقی، 2- حاشیه علی الکفایه الاصول (که شرح مانند است)، 3- رساله هائی در جفر، 4- رساله هائی در رمل.

3- سید حسن 4- سید مرتضی و 9 دختر.

-منابع

1- مصاحبه با آقای سید حسین خسروی به تاریخ ظهر روز سه شنبه 26 ذیحجه 1419/ ق مطابق با 24 فروردین 1378/ ش در مسجد قدس رضوی تهران از زبان ایشان یادداشت گردید.

2- مصاحبه با آقای سید محمد علی خسروی.

### محمد علی روحی اصفهانی

(ح 1328-1373 ق)

محمد علی روحی، در حدود سال 1328 ق در اصفهان متولد شد.

وی ضمن شغل روزانه اش که نقاشی بود به تحصیل علوم قدیمه اشتغال جست، و در فهم مقدمات و سطح زحمتهای کشید و خصوصا ادبیات عرب را به خوبی آموخت. چند سال آخر عمر خویش را در تهران ساکن بود، و در مدرسه مروی به تدریس: مغنی و مطول و شرح نظام و غیره مشغول بود و الحق نیکو از عهده تدریس آنها برمی آمد.

روحی در روز دوشنبه 11 محرم 1373/ ق مطابق با 30 شهریور 1332/ ش در تهران وفات یافت و در قبرستان حاج شیخ قم با کد(8217) مدفون شد.

این اشعار اثر طبع اوست:

ص: 1746

یا سادتی و حبذا من ساده فحبذا یا آل خیر من بعث قلبی الیکم نبذا  
ایتیکم معترفا عن بحرکم مغترفا عن غیرکم منصرفا فانقدوا المستنقذا  
انی لقوم هلكوا سبیل غی سلکوا صبری علی ما ترکوا صبر و فی العین  
قولی عدل و یحق و فی تکلیف خلق بحبه ما لم اطق و لا اقول کیف ذا  
حسبت کھفا عجباً ثم دریت اعجباً خطب الوصی احتجبا و ذاک امر اشخذا  
یوم غدیر نبذوا ورائهم و اتخذوا لیلہ غدرا و حذوا ما لم یکن لیتحذی  
حب الوصی مفترض ہارون قوم معترض علیہم و قدر قصر بعض و عجلا اخذا  
ما بان بین من خلا عنہ و من حر علا فی حبه حتی غلا قليلا بما لن یؤخذا  
قوم ابن عمران نسوا ما ذکرُوا فالتمسوا نکر کقوم جلسوا عن خیر ناس بکذا  
اوصی الیہم و قضی علی الوصایا بالقضا ثم بدی من ارتضی بغير صھر من بدی

-منبع

1- تذکرہ شعرائ معاصر اصفهان، 424 (سال مرگش را 1372 ق ثبت کرده کہ اشتباه است).

### شیخ محمد علی شریف طبرستانی مازندرانی

(1315-1396 ق)

حاج شیخ محمد علی شریف طبرستانی، وی فرزند آیت اللہ حاج شیخ محسن شریف از علمای بابل بود.

وی در 5/ ماه مبارک رمضان 1315/ قمری پا به عرصہ گیتی نهاد، پس از رسیدن به سنین نوجوانی وارد حوزه علمیه گردیده و به تحصیلات علوم دینیه مشغول شد.

دروس مقدماتی را از محضر اساتید بزرگوار بابل به خصوص حضرات آیات:

شیخ محمد صالح حائری (علامہ سمنائی)، سید ابراہیم ثاقبی و سید احمد استاد فراگرفت، آنگاه به قم مهاجرت کرد.

نکتہ جالب توجه اینکه در حال حرکت ایشان، فقیہ فرزانه آیت اللہ شیخ محمد



حسن معروف به «شیخ کبیر» بابل‌لی در حضور علمای شهر، مراسم دعای سفر را برای ایشان بجای آوردند.

پس از ورود به قم، سطوح مقدماتی فقه را از محضر آیت الله سید محمد تقی خوانساری و جلدین کفایه را از آیت الله حاج آقا روح الله کمالوند خرم آبادی فرا گرفتند. سپس مدتی در درس خارج فقه و اصول آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی شرکت نمود.

در سال 1346 ق و در ماه مبارک رمضان دچار بیماری شدیدی گردیده و بالا جبار به بابل بازگشت، پس از درمان بیماری برای نیل به مقامات عالی در ربیع الاول/ 1347 ق عازم نجف اشرف گشته و در مدرسه آخوند خراسانی ساکن گردید.

معظم له چهار سال در عتبات عالیات در محفل علمی حضرات آیات: میرزا محمد حسین نائینی، سید ابو الحسن اصفهانی و شیخ ضیاء الدین عراقی حاضر گشته و استفاده سرشار نمود و به درجات بلند علمی نائل گشت و در سال 1351 قمری با اخذ اجازه اجتهاد از اساتید مذکور و حاج شیخ عبد الکریم حائری وارد بابل گردید و به ترویج مبانی دین تعلیم و تربیت و ارشاد مردم مشغول گشت.

بعد از پدر بزرگوارش، بر کرسی تدریس در مدرسه صدر تکیه زده و به تربیت طلاب اشتغال ورزید، ضمن آنکه در مسجد «حصیرفروشان» جانشین پدر گردید و از طریق وعظ و خطابه، مردم را به سوی معارف عالی توحید و تخلّق به اخلاق حسنه هدایت کرد.

معظم له بسیار متعبّد و در مستحبات ید طولایی داشت و به شب زنده داری و تهجد، مشهور و در کلیه ادعیه به خصوص زیارت عاشورا و دعای جوشن کبیر همیشه کوشا و موفق بود و در سال آخر عمر، هر روز دعای طولانی جوشن کبیر را قرائت می کرد و هنگام احتضار، در حال زمزمه دعای جوشن کبیر رحلت نمود.

آن بزرگوار از زندگی بسیار زاهدانه ای برخوردار بود و همواره از زخارف دنیا پرهیز می کرد. ضمن آنکه از بیانی جذاب و شیوا برخوردار بود و در حسن سلوک و

تواضع شهرت داشت.

همه این امور باعث شد که آن بزرگوار مورد ارادت و توجه جمع زیادی از مؤمنین بابل و حومه قرار گیرد، تا آنکه مسجد ایشان و مجلس موعظه و خطابه اش همواره مخصوصاً در ماه مبارک رمضان مملوّ از جمعیت مشتاق و مؤمنین بزرگوار بوده است.

وی پس از عمری تلاش ارزنده، در غروب روز یکشنبه 20 ذی الحجه 1396/ ق برابر با 21 آذر 1355/ ش در تهران دار فانی را وداع گفت و جنازه اش پس از انتقال به قم در باغ بهشت قم مدفون گردید.

-منابع

1- آشنائی با فرزندگان بابل 293.

2- گنجینه دانشمندان 165/3.

**شیخ محمد علی صفائی گلپایگانی**

(-1407 ق)

از فضلا و روحانیون فعال تهران بود.

تولدش در گلپایگان واقع شد.

وی پس از فراگرفتن مقدمات و سطوح در آن سامان به حوزه علمیه نجف اشرف مهاجرت و سالها از محضر آیات: سید جمال الدین گلپایگانی، سید محمود شاهرودی و سید ابو القاسم خوئی استفاده شایان نمود.

ایشان جهت تبلیغ و نشر اسلام مدتی در کشور آلمان و غیره مسافرت و خدماتی برجسته نمود، سپس به ایران مراجعت و در تهران اقامت نمود و کاروان حج را برعهده داشت.

صفائی در شب 12 ربیع الثانی 1407/ ق مطابق با 4 دی 1365/ ش درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

ص: 1749

اشاره

(1382-1359 ق)

شیخ محمد علی فرزند علامه شیخ محمد رضا و نوه عباس طبسی خراسانی.

وی در 30 جمادی الثانی/ 1359 ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

مقدمات را نزد پدر خود و شیخ عبد الله تبریزی آموخت. از نوجوانی پرکار و با نشاط و پژوهشگر واقعی بود.

از آثار او

1- الاسلام و المبدأ الشیوعی.

2- الشیوعیه مسیرها و مصیرها.

3- المبعث النبوی.

4- تاریخ الروضه الحیدریه.

5- تاریخ طبس.

6- تصحیح و اشراف علی کتاب «أنوار البدرین» فی تراجم علماء القطیف و الأحساء و البحرین.

7- تلامذه الشیخ الانصاری.

8- حیاه ابو طالب (رض).

9- ذکری شیخنا الانصاری.

ص: 1750

10-عید الغدیر.

11-لمحه من حياه الامام علی علیه السلام.

12-مولد النور فی 15 شعبان(حول الامام المهدي«عج»).

طبسی در روز چهارشنبه 22 صفر 1382/ ق مطابق با 3 مرداد 1341/ ش در سن 23 سالگی در پی بیماری در تهران درگذشت و در وادی السلام قم مدفون گردید.

اینک به خواندن نوشته برادر ایشان، جناب حجه الاسلام شیخ نجم الدین طبسی که به درخواست نگارنده در سال 1418 ق نگارش یافته، دعوت می کنیم:

اندیشمند فرزانه و فاضل گرانمایه شیخ محمد علی فرزند حضرت آیت الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی در سال 1359 هجری قمری در مهد علم و فضیلت، نجف اشرف دیده به جهان گشود.

دوران کودکی او با تربیت پدر سپری گشت و او به دلیل هوش و استعداد سرشار خدادادی به سوی فراگیری علوم اسلامی روی آورد و به سرعت و جدیت مقدمات و سطح را فراگرفت و از اساتید فرهیخته ای چون شیخ محمد حسین ادیب(در کربلای معلّی) و والد والامقامش دانش و معرفت آموخت.

او در دهه دوم عمر خویش به یاری پدر شتافت و آثار گرانقدر وی را همچون کتابهای «الشیعه و الرجعه» و «درر الاخبار(ج 1)» را، پس از تصحیح به زیور طبع آراست.

آن جوان پرتلاش و سخت کوش از نعمت نویسندگی برخوردار بود و در این راستا با توجه به نیاز زمان و شرایط جامعه قلم زد تا خدمتی به جامعه دینی کرده باشد و گره از مشکلات فرهنگی گشوده باشد.

### **آثار قلمی (چاپی، مخطوط و مفقود) او از این قرار است:**

1-الاسلام و المبدأ الشیوعی (چاپی).

2-ذکری شیخنا الانصاری (چاپی).

ص: 1751

3- احادیث المسلمین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السّلام (چاپی).

4- احادیث المسلمین فی فضائل الحسن و الحسین علیهما السّلام (مفقود).

5- الشیوعیه مسیره‌ها و مصیره‌ها (چاپی).

6- شرح حال شاگردان شیخ انصاری (مفقود).

7- تاریخ طبس (مفقود).

8- تعلیقه بر کتاب انوار البدرین فی علماء البحرین (چاپی).

9- تعلیقه بر کتاب قاعده لا ضرر (چاپی).

و چند اثر مفقود شده دیگر.

مقالات: شیخ محمد علی طبسی همچنین در برخی از مجلات آن دوره به چاپ رسید که عمر رضا کحاله بدان اشاره کرده است.

او در سنین جوانی مبتلا به بیماری شد و به منظور معالجه راهی تهران گشت تقدیر الهی زندگی او را متحول ساخت و آن کبوتر سبکبال را از قفس دنیا رها کنید. آری او در شب 22 صفر 1382 هجری قمری در بیمارستان بو علی تهران در سن 23 سالگی به سوی حق پر گشود. پیکر او پس از انتقال به شهر قم و اقامه نماز توسط حضرت آیت الله گلپایگانی در- مقبره عزیزی قزوینی واقع- در وادی السلام به خاک سپرده شد.

آیت الله طبسی از فقدان فرزند دل‌بند خویش بسیار متأثر گشت و بر مشیت الهی تسلیم بود. ایشان برای تقدیر از خدمات شایسته فرزند با فضیلت خویش در کتاب «در الاخبار» (ج 2) و «المنیه فی حلق الشارب و اللحیه» از او یاد کرده و از ایزد متعال علو درجات او را طلب نموده است.

**محمد علی فروزش خوانساری**

(1336-1389 ق)

محمد علی فرزند محمد رضا فروزش خوانساری، از شعرای معاصر بود.

وی در سال 1336 ق تولد یافته بود.

ص: 1752

نمونه اشعارش در کتاب «نگین سخن» به چاپ رسیده است.

فروزش در روز شنبه 28 ربیع الاول 1389/ ق برابر با 24 خرداد 1348/ در سن 53 سالگی بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان ابو حسین قم مدفون می‌گردد.

-منابع

1- فرهنگ شاعران زبان پارسی 434.

2- نگین سخن 282/5.

**شیخ محمد علی فقیهی گیلانی**

**اشاره**

(141-1343 ق)

حاج شیخ محمد علی فرزند حجه الاسلام شیخ ابو الحسن آیت الله زاده و نوه آیت الله شیخ شعبان گیلانی، ملقب به «فقیهی» از فضلا و نویسندگان معاصر حوزه بود.

وی در 12 مرداد 1303/ ش در نجف اشرف قدم به عرصه گیتی نهاد.

محمد علی دوران کودکی را در نجف سپری کرد و در حدود دوازده سالگی همراه پدر و مادر به شهر رشت (گیلان) رفت. دوره مدارس جدید خواند و دیپلم رشته ادبی دریافت داشت. در کنار آن به تحصیل مقدمات نزد: شیخ علی اکبر فیکوهی، شیخ محمد وحید خورکامی و شیخ ابو القاسم لشت

ص: 1753

نشائی اشتغال داشت.

در سال 1365 ق (برابر با 1325 ش) به حوزه علمیه قم ملحق شد و دروس سطح را نزد: شیخ محمد تقی امینی املشی، شیخ جواد افتخاری گلپایگانی و شیخ عبدالحسین فقیهی گیلانی (عمومی خود) به پایان رساند. دروس خارج را هم از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید محمد تقی خوانساری و شیخ عبد النبی عراقی استفاده نمود.

سپس به مشاغل فرهنگی روی آورد و رسماً به خدمت وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) درآمد. پس از 24 سال خدمت و انجام وظیفه در اسفند/ 1360 ش به افتخار بازنشستگی نایل گشت. سالها هم سردفتر ازدواج در خیابان باجک برعهده داشت. از جمله مشاغل و خدمات او می توان به: ریاست دبیرستان محمدیه قم، مسئولیت نشریات اداره آموزش و پرورش و نیز مسئولیت امور طلاب دینی از طرف مراجع وقت، اشاره کرد.

فقیهی از حضرات آیات: سید صدر الدین صدر، سید محمد تقی خوانساری، شیخ عبد النبی عراقی، شیخ عباس علی شاهرودی و شیخ آقا بزرگ تهرانی، مفتخر به اجازات گردید.

## از آثار او

1- زنان بزرگ اسلام.

2- غروب آفتاب در کربلا، در چهار جلد.

3- ناخدای کشتی رستگاری (یا امام علی بن ابی طالب علیه السلام).

4- هزار لغت «گیلانی».

- منبع

1- شرح حال فوق در عصر روز جمعه 25 فروردین 1374/ ش در منزل ایشان در قم و از زبان خودش یادداشت گردید.

ص: 1754

اشاره

(ح 1340-1413 ق)

شیخ محمد علی فرزند عبد الکریم کرگیلی کشمیری، در حدود سال 1340 ق در کرگیل به دنیا آمد.

پس از طی مقدمات و سطح عازم نجف اشرف گردید، و از محضر آیات: سید ابو الحسن اصفهانی، سید محمود شاهرودی و سید محمد تقی بحر العلوم و سائرین استفاده نمود، سپس به کرگیل بازگشت و پس از چند سالی به ایران هجرت کرد، و در قم رحل اقامت افکند و رو به نویسندگی و پژوهش آورد.

حقیر ایشان را مکرر در مکرر در منزل آیت الله سید محمد شاهرودی می دیدم.

مردی آرام با شخصیت و با فضل بود، قدی خمیده و رنگی تیره داشت. و در تنگدستی کاملاً محاصره گردیده و اواخر عمر هم گرفتار بیماری شده بود.

از آثار او:

1- الرد علی الوهابیه.

2- الاقتباس فی العقائد الاسلامیه.

او در روز شنبه 28 شعبان 1413/ ق مطابق با اول/ اسفند 1371/ ش در پی بیماری در حدود سن 73 سالگی در قم درگذشت، و روز بعد تشییع و در باغ بهشت مدفون گردید.

شیخ محمد علی کرودی طالقانی

اشاره

(ح 1320-1403 ق)

حاج شیخ محمد علی فرزند علامه ملا عبد الله کرودی طالقانی «عبادی»، از علمای تهران بود.

ص: 1755



در سال 1320 ق در (فشافویه) تهران متولد شد. و پس از خواندن مقدمات و ادبیات در تهران، در سال 1340 ق به قم مهاجرت نمود و از محضر آیات: شیخ ابو القاسم کبیر، شیخ مهدی حکم قمی (پائین شهری)، شیخ محمد علی حائری قمی، حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری و سید محمد تقی خوانساری فقها و اصولا استفاده و مدارج کمال را طی نمود. و در سال 1364 ق به تهران مراجعت و در (مسجد اکباتان) به اقامه جماعت و خدمات دینی پرداخت.

## از آثار او:

1- تقریرات فقه و اصول حائری یزدی.

2- تقریرات فقه کبیر قمی.

او در روز چهارشنبه 9 شوال 1403/ ق مطابق با 29 تیر 1362/ ش به سن 83 سالگی در تهران درگذشت، و در قبرستان ابو حسین مدفون شد.

-منابع

1- آثار الحجه 268/2.

2- آشنایی با مشاهیر طالقان 234.

3- آینه دانشوران 298 (نام پدرش اشتباه ذکر شده است).

4- گنجینه دانشمندان 507/4.

## سید محمد علی کزازی کرمانشاهی

(1304-1350 ق)

حاج سید محمد علی کوچک ترین فرزند علامه سید حسن و نوه سید اسماعیل حسینی کزازی، از فضلا و معاریف کرمانشاه بود.

وی در سال 1304 ق در کرمانشاه دیده به جهان گشود. و در یک خانواده

ص: 1756

علمی و دانا پرورش یافت.

تحصیلات اولیه اش در کرمانشاه نزد پدر خود و دیگران گذراند، سپس به نجف اشرف رهسپار شد و به تحصیلات عالی خود نزد اساتید برجسته آن سامان پایان داد و پس از چند سال اقامت به درجه علمی نایل آمد و با تنها دختر علامه حاج سید محمد علی تنکابنی (متوفای 1317 ق) ازدواج نمود. و مجدداً به زادگاه خود مراجعت نمود و از معاریف و بزرگان شهر گردید.

وی در سال 1350 ق مطابق با 1310 ش در سن 46 سالگی بدرود حیات گفت و پیکرش به قم حمل و در جوار علی بن جعفر علیه السلام به خاک سپرده شد.

-منبع

1- از منسویین ایشان، مطالب فوق یادداشت گردید.

### سید محمد علی کشفی بروجردی

### اشاره

(ح 1341-1416 ق)

حاج سید محمد علی فرزند علامه سید مصطفی موسوی کشفی بروجردی، از واعظان معروف خطه لرستان بود. وی در «الشر» واقع در استان لرستان در حدود سال 1341 ق، تولد یافت.

پدرش از علمای معروف «الشر» بود.

سید محمد علی در جوانی به بروجرد رفت و مشغول تحصیل علوم دینی شد.

سپس به حوزه علمیه قم پیوست و از محضر آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی استفاده نمود و به الشتر بازگشت و به وعظ و ارشاد و خدمات دینی پرداخت.

نامبرده در رمضان 1416/ ق در حدود 75 سالگی در قم بدرود حیات گفت.

پیکرش در جوار علی بن جعفر علیه السلام به خاک سپرده شد.

ص: 1757

1- سیّد حسن، 2- سیّد حسین، 3- سیّد محمّد رضا، و یک دختر.

- منبع

1- اطلاعات متفرقه.

### شیخ محمّد علی لواسانی

احقر را شرح حال بطور اجمال بدین منوال است: روز یکشنبه سیزدهم ذی الحجه سال 1298 ق در تهران متولد شدم. پس از ایام کودکی به رسم معمول آن زمان در منزل خدمت چندین نفر استاد درس خوانده و در سن چهارده سالگی تا حدی از کتب معموله عربیه فارغ و در مدرسه مروی مشغول به تکمیل تحصیل علوم ادبیه گردیدم و نظر به علاقه بسیار که به اشتغال علمی داشتم، جد میرورم عالم حاجی ملا شکر الله قدس سرّه و پدر مغفور بزرگوارم مرحوم حاجی شیخ عیسی «قدس سرهما» که شرح حال و تألیفات آن دو در کتاب المآثر و الآثار و کتاب «ذریعه» علامه بزرگوار تهرانی ثبت و ضبط است، مرا با عدم قابلیت سنی از درس خود مشمول لطف و ترشحات علمیه می فرمودند.

در چهاردهم/صفر 1312/ق خدمت مرحوم والد برای تحصیل به نجف اشرف مشرف و به کتب سطوح فقهیه و اصولیه مشغول گردیدم. کتاب قوانین را خدمت مرحوم تحریر بزرگوار آقای حاجی سید آقا قزوینی که تخصص به سزا در این کتاب داشت و در محضر نادره زمان مرحوم آقا سید علی قزوینی «صاحب حاشیه» تلمذ فرموده بودند، فراگرفتم. کتاب فصول را خدمت حکیم صمدانی مرحوم حاجی شیخ احمد شیرازی «صاحب حاشیه فصول» تلمذ نمودم. سپس از محضر آیات آن اعوام مرحومین علامه خراسانی «صاحب کفایه» و سید طباطبائی یزدی «صاحب عروه الوثقی» و شیخ شریعه اصفهانی «قدس الله اسرارهم» به قدر

ص: 1758

استعداد استفاده و استمداد نمودم و پس از هفت سال تشریف در ربیع الاول/ 1319 ق به تهران بازگشتم.

چون شوق معقول را هم تا اندازه ای داشتم و سنوات معدوده از محضر درس حکیمین بارعین مرحومین حاج شیخ علی نوری «صاحب حاشیه شوارق» و حکیم الهی ثانی مرحوم میرزا شمس الدین (شاگرد مرحوم حکیم جامع و متکلم بارع حاجی سبزواری) حاضر و از کتب مشهوره حکمت و کلام مستفید گردیدم و در مدرسه مروی به تدریس مطول و سطوح فقهیه و اصولیه مشغول شدم و در شعبان 1341 ق در مدرسه عالی سپهسالار به تدریس رسمی مشغول و سه رساله فقهیه و قضائیه در درایه حدیث را در آن مدرسه تألیف و تدریس نمودم و تا حال بیست و نه سال است به ادای وظیفه تدریس منقول مشغول و از خداوند ترقی و تعالی این جامع اعظم روحانی را خواهانم.

### شیخ محمد علی مدرس افغانی

### اشاره

(1329-1406 ق)

شیخ محمد علی ملقب به (مدرس) فرزند مراد علی صابری غزنوی افغانی، به سال 1329 ق در قریه (خاریید) از توابع بخش «میتو» غزنین به دنیا آمد. در سن کودکی همراه پدرش به مشهد مقدس رفت و پس از نشو و نما به تحصیل مقدمات پرداخت، شرح نظام را خدمت شیخ عبد الجواد ادیب نیشابوری و سایر کتب دیگر ادبی را نزد شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری آموخت. در سال 1349 ق به نجف اشرف به طور پیاده از مشهد تا آنجا عزیمت نمود که مدت یک سال طول کشید، پس از ورود به شهر امامت و ولایت، سطوح را نزد شیخ حسن رشتی، شیخ نصر الله رشتی، شیخ محمد بن محمد جعفر گورجی رشتی و شیخ صدرا بادکوبی تلمذ نمود.

خارج فقه و اصول را از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ

ص: 1759

ضیاء الدین عراقی، سید ابو الحسن اصفهانی، شیخ محمد علی کاظمی خراسانی، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، میرزا آقا اصطهباناتی، سید محسن طباطبائی حکیم، و سید ابو القاسم موسوی خوئی استفاده نمود، و اجازاتی از آنان دریافت داشت. و روبه تدریس ادبیات و مقدمات و گاهی سطح و چندی هم عقاید آورد و شاگردان بسیار زیادی را تربیت کرد.

حقیر مکرر در مکرر ایشان را زیارت می کردم، مردی کوتاه قد، چهره گندمی، چشمان ریز، سیگار از دستش دور نمی شد، همین طور ذهن خود را مشغول تکرار و مطالعه قرار می داد، کمی شوخ طبع هم بود. در مجالس عمومی شرکت می کرد و در گوشه ای می نشست، و از صدور مجالس دوری می جست، به دیدار بزرگان و علما و گاهی حتی از شاگردان خود زیارت می کرد و به عیادت آنان می رفت. چنانکه معروف است بابت درس خود شهریه دریافت می کرد، ولی از افراد بینوا و ضعیف هیچ دستمزدی تقاضای نمی کرد، درس وی از حلاوت و طراوت خاصی برخوردار بود، به همین جهت تا حدی پرجمعیت و پرسروصدا بود، در ماه مبارک رمضان به تدریس شرح باب حادی عشر و کتب دیگر اعتقادی اشتغال داشت. خلاصه آنکه حالت درویشانه و ساده زیستی بر خود گرفته بود.

### از آثار او:

1-المدرس الأفضل فیما یشار الیه فی المطول، در 7 جلد.

ص: 1760

2- مکررات المدرس فی شرح السیوطی، 4 جلد.

3- الکلام المفید للمدرس و المستفید فی شرح الصمدیه.

4- حواشی علی جامع المقدمات (به طور مفصل) در دو جلد.

5- رفع الغاشیه عن غوامض الحاشیه (از ملا عبد الله).

6- اعراب سوره الفاتحه (وی در نظر داشت که تمام قرآن مجید را اعراب کند، ولی به این کار توفیق نیافت. به همین جهت هم در گنجینه دانشمندان و هم در المؤلفون الافغانیون اشاره به همچو کتابی نمودند ولی خودم از ایشان پرسیدم، گفتند: همچو کتابی ننوشتیم).

7- الشواهد المنتخبه من السیوطی.

سرانجام در بامداد روز چهارشنبه 21 ذی حجه 1406 / ق مطابق با 5 شهریور 1365 / ش به سن 77 سالگی در قم درگذشت و پس از تشییع با شکوهی و در باغ بهشت مقبره روحانی مدفون گردید.

- منابع

1- المؤلفون الافغانیون المعاصرون 48.

2- کیهان فرهنگی، سال سوم شماره هفتم ص 42.

3- معجم المؤلفین العراقین 207/3.

**میرزا محمد علی مدرس تبریزی**

**اشاره**

(1296-1373 ق)

میرزا محمد علی فرزند میرزا محمد طاهر و نوه نادر محمد خیابانی تبریزی، ملقب به «مدرس» از فحول علما و مشاهیر مورخان بود.

وی در سال 1296 ق در محله «خیابان» تبریز، دیده به جهان گشود.

مدرس، ادبیات و اولیات را در مدرسه طالبیه تبریز آموخت. معقول را از میرزا علی لنکرانی و ریاضیات را از میرزا عبد العلی منجم و منقول را از حضرات آیات:

ص: 1761

میرزا حسن مجتهد تبریزی، سید ابو الحسن انگجی و میرزا صادق تبریزی استفاده کرد.

مشایخ روایتی ایشان عبارتند از حضرات آیات: شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ عبد الحسین رشتی، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، سید هبه الدین شهرستانی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، میرزا محمد علی شاه آبادی و سید محمد حجت کوه کمری می باشند.

### **آثار قلمی اش به شرح زیر است:**

1- حیاض الزلائل فی ریاض المسائل- که در رجب 1324 هجری قمری یعنی در 28 سالگی تألیف آن را تمام کرده است. این کتاب اولین تألیف آن مرحوم و به زبان عربی و در شرح کتاب طهارت از ریاض معروف به شرح کبیر سید علی طباطبائی و به قطع وزیری بزرگ در 428 صفحه می باشد و هنوز طبع نشده است.

2- غایه المنی فی تحقیق الکنی- که در شعبان سال 1331 هجری قمری تألیف آن تمام شده است.

این کتاب که شاید دومین تألیف او باشد به زبان عربی و در بیان کنیه های مستعمله در غیر انسان در زبان عرب است و هنوز به طبع نرسیده است.

3- قاموس المعارف- که تألیف آن در ربیع الثانی سال 1345 هجری قمری در شش جلد به قطع وزیری بزرگ طی (4007) صفحه خاتمه یافته است. این کتاب به زبان فارسی بوده و حاوی چهل و پنج هزار لغت عصری معمولی و شاهکار مؤلفات آن مرحوم است که علاوه بر استیفای لغات فارسی اکثر لغات عربی و پاره ای از لغات بیگانه را هم که معمول فارسی زبانان عصر حاضر می باشد داراست و بلکه شرح اجمالی از عقائد مذاهب مختلفه و اکثر اصطلاحات دینی و فنون متنوعه نجومی و ریاضی و عروضی و تاریخی و غیر آنها را هم مشتمل می باشد، که متأسفانه تاکنون وسائل طبع آن فراهم نگردیده است و در اول آن کتاب رساله مستقلی در دستور زبان فارسی نگارش داده اند که جا دارد مستقلاً چاپ و مورد استفاده قرار گیرد که این رساله نیز به قطع وزیری بزرگ در (183) صفحه می باشد.

4- فرهنگ نوبهار- در لغت فارسی به فارسی حاوی بیش از نوزده هزار لغت که در سال 1348 هجری قمری در تبریز طی دو مجلد چاپ سربی شده است.

5- فرهنگ بهارستان- در مترادفات زبان فارسی که به اسلوب سر الادب ثعالبی نسبت به زبان عربی است و در شعبان (1348) هجری قمری در تبریز چاپ شده است.

6- الدر الثمین او دیوان المعصومین- در اشعار و کلمات منظومه منسوبه به حضرات معصومین علیهم السلام که جلد دوم آن در تبریز چاپ سنگی شده و در رشته خود بی سابقه است.

7- کفایه المحصلین فی تبصره احکام الدین- در شرح مزجی تبصره علامه حلی به عربی در دو مجلد که جلد اولش از طهارت تا احیای موات در تبریز چاپ سنگی شده است.

8- نثر اللثالی در شرح نظم اللثالی- در تجوید که شرح نظم اللثالی معروف میر ابو القاسم قاری (عهد شاه عباس ثانی صفوی) است.

این کتاب به فارسی و خطی آن 172 صفحه به قطع وزیری بوده و تألیف آن در سال 1363 هجری تمام شده است و اخیرا به خط جناب آقای میرزا طاهر خوشنویس نوشته شده و فعلا با مراقبت و توجهات استاد معظم میرزا عبد الوهاب شعاری دامت افاضاته تحت طبع است.

9- فرهنگ نگارستان- در لغت فارسی به فارسی طب، پنج مجلد به قطع وزیری بزرگ و دارای قریب پنجاه و پنج هزار لغت مفرد و مرکب که جمعا 3315 صفحه می باشد و در محرم سال 1359 ق تألیف آن خاتمه یافته و هنوز توفیق طبع این کتاب مفید و نفیس حاصل نشده است.

10- امثال و حکم ترکی آذربایجانی که به زبان ترکی آذربایجانی است و به قطع وزیری بزرگ در 307 صفحه می باشد که هنوز چاپ نشده و نواقصی دارد.

11- ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب- شامل شرح حال



اجمالی اکثر علما و فقها و فلاسفه و حکما و اطبا و عرفا و شعرا و ادبا و بعضی از اهل حدیث و اصحاب ائمه هدی علیهم السلام که معروف به کنیه یا لقب هستند می باشد و به جهت تکثیر فایده بعضی از مذاهب مصطلحه در علم رجال نیز با اشاره اجمالی به عقاید، ایشان مانند: اسماعیلیه و فطحیه و نظائر آن در محل ترتیبی خود نگارش داده شده و همچنین برخی از عناوین جامعه متداوله در آن فن که کنایه از چند تن از رجال و اکابر است. مثل ارکان و اوتاد و مشایخ و اصحاب اجماع و مانند آنها نوشته شده است.

تألیف این کتاب در سال 1364 هجری قمری مطابق 1324 هجری شمسی شروع شده و تا حین وفات مؤلف مرحوم ادامه داشته است. متأسفانه قبل از اینکه موفق بشوند مستدرکی که آرزو داشتند و وعده داده بودند برای آن مرقوم دارند، اجل مقدر فرارسید و بین ایشان و آمالشان فاصله شد. عده کسانی که در این کتاب ترجمه حال آنان نوشته شده جمعا (4624) نفرند که اگر شرح قبائل و خانواده های مصدر به (آل) و (بنی) را هم که (225) فقره است علاوه کنیم به (4849) شماره بالغ می گردد.

این کتاب از چندین جهت کم نظیر بلکه در نوع خود بی نظیر است؛ از لحاظ فارسی بودن، چاپ شدن عکس ها و خطوطی که در دسترس مؤلف بوده، به عناوین متعدد نوشته شدن بعضی از اکابر، رعایت ترتیب حروف کامل حتی در مؤلفات صاحبان ترجمه، قید محل بعضی از نسخه های خطی چاپ نخورده و درج مدارک خصوصی هر شرح حالی در ذیل آنکه مؤلف مرحوم این مزایا را در مقدمه یا خاتمه بعضی از مجلدات آن به تفصیل بیان فرموده اند.

اجمالا باید گفت ریحان ظریفی که مؤلف جلیل القدر آن کتاب به عالم علم و دانش اهدا فرموده است، تا جهان هست عطرشانی خواهد کرد و از نکته آن فضای روزگار عنبر آگین خواهد بود و همان طور که در مجله (فرهنگ ایران زمین) نوشته شده است (تألیف بسیار مفید است و در مدت کوتاهی مورد استفاده اکثر

اهل تحقیق و تاریخ قرار گرفته است).

و مجموعه فیها علوم کثیره تقر بما فیها عیون الافاضل

ألد من النعمی و اهل من المنی و احسن من وجه الحیب المواصل

این کتاب مشتمل بر پنج باب و یا خاتمه است باب اول شامل شرح حال معروفین به لقب و نسب بوده و چهار باب دیگر نیز در ترجمه حال معروفین به کنیه و مصدرین به الفاظ (اب) - (ابن) - (ام) - (بنت) به ترتیب می باشد. پایان و خاتمه هم که شامل دو فصل است، عبارت است از شرح و بیان خانواده ها و قبائل مصدر به لفظ (بنی) و (آل).

باب اول (القاب) طی چهار مجلد اولی و تمامی باب دوم (مصدرین به لفظ «اب») و یک قسمت از باب سوم (از مصدرین به لفظ «ابن») تا آخر ابن سینا) نیز طی جلد پنجم در زمان حیات مؤلف مرحوم قدس سره به طبع رسیده است. آن مرحوم چنانکه قبلا اشاره شد از این همه زحمات شبانه روزی طاقت فرسا و مواجهه با هزاران مشکلات در شرائط نامساعده زمان هوس جاه و مقام و آرزوی مال و منال نداشت، نمی خواست نتیجه زحمات و حاصل مجاهدات خود را اصلا به روی مردم بکشد و مقام و منصبی تحصیل کند حتی توقع شنیدن «دوتا بارک الله و سه تا آفرین» را نیز از هیچ کس و هیچ مقامی نداشت؛ یک عمر با مناعت طبع و عزت نفس و سربلندی و سرافرازی زندگی کرد و در دوازده سال آخر عمرش با وجود فراهم بودن همه نوع وسائل آسایش در حجره ای از مدرسه سپهسالار قدیم تهران منزوی شد و به کفاف قناعت کرده و با حداقل وسائل از لحاظ کم و کیف زندگی نمود و به حال صاحبان مقامات ظاهری و ثروت غبطه هم نکرد، همتی بلند و عزمی راسخ و نظری وسیع و روحی بزرگ و زبانی شاکر و قلبی راضی داشت، بر موانع و مشکلات غلبه می کرد؛ جامع معقول و منقول و دارای ذوق عرفان بود و در غالب علوم زمان خود از هیئت و نجوم و فلسفه و ریاضیات و تاریخ و جغرافی

ص: 1765

و معانی و بیان و بدیع و دیگر علوم ادبی فارسی و عربی مطالعات و تحصیلات کافی داشت و در اکثر این علوم حواشی و تعلیقاتی دارد که ضمن تألیفات ذکر نشده است؛ از هر دری که سخن گفته می شد، چون دریا موج می زد و بحر ذخاری بود.

مملو از درر و گوهرهای گرانبهای علوم و معارف متنوعه و با وجود مراتب فضل و کمال بسیار متواضع و فروتن و مؤدب بود. حتی با اولاد و زیردستان خود نیز با نهایت ادب رفتار می کرد و میل آنان را بر میل و اراده خویش ترجیح می داد؛ به دانشمندان و ارباب فضیلت احترام فراوان می کرد و دارای سعه صدر و حضور ذهن و طبعی کریم و دست و دل باز و عاشق محبت و تقوا و دانش بود؛ هر جا صحبت علمی می شد همه چیز را فراموش می کرد، در برابر شدائد و نامالایمات از صابرین و در مقابل نعمت از شاکرین بود. در مدت عمرش هیچ گاه از وضع و قسمت و تقدیر شکایتی از وی شنیده نشد و درست مصداق این کلام حکیم دانشمند جلیل القدر مولانا سبزواری بود:

و بهجه بما قضی اللّٰه رضا و ذو الرضا بما قضی ما اعترضنا

عن عارف عمر سبعین سنه ان لم یقل راسا لاشیا کائنه

یا لیت لم تقع و لا لما ارتقع مما هو المرغوب لیته وقع

### یادداشتی از روضاتی

در اینجایی مناسب نیست از مقاله شیوائی که دانشمند محترم و فاضل ارجمند جناب آقای سید محمد علی روضاتی (دامت افاضاته) در روزنامه «چهل ستون» اصفهان به مناسبت وفات آن مرحوم درج فرموده اند ضمن سپاسگزاری از این عاطفه عالی ایشان جملاتی را عیناً نقل کنم:

اوائل سال 1328 ش بود که آگهی انتشار جلد اول و دوم کتابی نفیس به نام «ریحانه الادب در شرح حال معروفین به کنیه و لقب و نسب» در شماره 8-9 سال پنجم مجله یادگار با تعریف و توصیفی بلیغ از مؤلف بزرگوار آن مشاهده شد.

ص: 1766

اینجانب بلافاصله نسخ آن را تهیه کرده پس از مطالعه اجمالی، با اعجابی تمام بی نهایت خوشحال شدم از آن رو که چنین کتابی با آن همه مزایا و شرح و بسط و خصوصیات برای کمتر کسی فراهم آمده و عمری طویل و حوصله فوق العاده باید تا با خون دل مطالب عالی و متفرقات نفیسی در مثل ریحانه الادب گرد آورده و به چاپ رسانید، دوسه ماهی گذشت به تهران رفتم و از فرط ارادت غائبانه که به مؤلف ریحانه الادب پیدا کرده بودم، به سراغ او رفته و در یکی از حجره های مدرسه قدیمه سپهسالار (محل سکونت آن مرحوم در تهران) به خدمتش رسیده و مدرس تبریزی را فوق آنچه تصور کرده بودم یافتیم؛ ملکات و صفات عالی و نیکوی آن مرد بزرگ به قدری مرا جذب نموده بود که غالب ایام توقفم در تهران به خدمتش می رسیدم... صرف نظر از همه جهات کمالی و مقامات علمی که برای وی فراهم شده بود، تواضع و فروتنی بی نظیری که نسبت به علما و فضلا در مرحوم مدرس یافتیم، در کمتر کسی دیده ام و حقا بزرگ مردی فوق العاده بود. تمام اوقاتی که در تهران بسر می برد غیر از ساعات ضرورت به کارهای علمی می پرداخت... در هر یک از رشته های دانش دارای فضلی جلی و براعتی آشکار بود و از هر مقوله که سخن به میان می آمد، حدیث طویلی میراند و این بنده موقعی که در محضرش می بودم، از فنون فقه و اصول و حدیث و فلسفه و تاریخ و درایه و تراجم و ادبیات عربی و فارسی و ترکی تکلم می کرد و به خوبی نتیجه زحماتی که در اصناف مختلف علوم و کمالات ظاهری و باطنی تحمل کرده بود آشکار می نمود و مورد تعجب و شگفتی مستمع واقع می شد...).

در کتاب علماء معاصرین چنین می نویسد (عالم بارع جامع ما من علم من العلوم الا وقد حل فی اعماقه و ما من فن من الفنون الا وقد شرب من عذبه و زعاقه...)

کتبش حقا از نقایس سفائن علمای عصر و ذخایر افاضل عالم به شمار می آید. در علم معقول و منقول و ادب بهره کامل و نصیب وافر دارد و امروز در حل مشکلات و معضلات مسائل هیئت و حساب از عظمای علمای عصر معدود می گردد الی آخر).

چون اگر سعادت‌تی در این جهات تصور شود و لو بطور نسبی فقط در رضا به قضا و تسلیم شدن به مقدرات و اظهار وجد و شغف و تشکر از خداوند منان در هر حال و مقام است بدین جهت به ضرس قاطع و با کمال اطمینان می‌توانم بگویم که آن مرحوم سعادت‌مند بود عاش سعیدا و مات حمیدا.

تنها هدفی که در زندگی داشت و در راه وصول به آن شب و روز آرام نمی‌گرفت، همانا درس و بحث و افاده و استفاده و مطالعه کتاب و تألیف و تصنیف بود که همان اندازه که به زندگی مادی و عادی بی‌اعتنائی نشان می‌داد، نسبت به این قسمت ولع و حرص فراوان داشت. شبها مرتباً وقت سحر و قبل از طلوع صبح بیدار می‌شد، پس از ادای نوافل و فریضه صبح با پشتکار عجیب کم‌نظیری به مطالعه می‌پرداخت و برای اینکه از تألیف و مطالعه باز نماند، باب معاشرت و رفت و آمد را حتی الامکان به روی خود بسته بود. جز در مواقع ضرورت از منزل و حجره بیرون نمی‌رفت. چه بسا در همان حجره نیمه تاریک روزها را به شب می‌آورد و شبها را به روز می‌پیوست و کسی از حال او و از حال کسی خبردار نمی‌شد.

کسانی که در طریق تألیف و تصنیف قدم برداشته‌اند، بهتر واقفند که سالکان این سبیل پرمشقت چه مشکلات و موانعی در سر راه دارند و «عاشقان گوهر مقصود که در دریای ریاضت غوطه‌ورند با چه امواج بی‌کرانی» مواجه هستند و «راه بردن به سر منزل عنقا به صرف ادعا و آرزو میسر نیست، بلکه قطع این مرحله را با مرغ سلیمان باید کرد» و در طی منازل کمال و گذشتن از وادی‌های سیر و ارتقا و جهاد به نفس از ره بینی و رهبری او هدایت طلبید و در ظلمات حیرت برای راه یافتن به آب حیات جاودانی از خضر طریقت همت خواست.

آری ایجاد آثار علمی و معنوی و ارتقا به مقام خدمتگزاری و طیران در آسمان بشریت واقعی با خور و خواب و خوش گذرانی و استفاده مادی و عیش و نوش و هوسرانی و تبعیت از منطق شهوت منافات دارد. بلکه همتی مردانه می‌خواهد و عزمی راسخ و فتورناپذیر توأم با شب‌زنده‌داری‌ها و فداکاری‌ها و پشت پا زدن به

لذات فانی و ترک شهوات نفسانی و گذشتن از تمنیات دنیوی.

به هوس راست نیاید به تمنا نشود اندرین راه بسی خون جگر باید خورد

واقعا راست گفته اند:

هرکه سخن با سخنی ضم کند قطره ای از خون جگر کم کند

و به قول بیهقی «مرد آنگاه داند که نبشتن گیرد» و به گفته بعضی از اهل قلم: از صد کلمه معلومات، یکی را نمی توان نوشت و از صد نوشته یکی را نمی توان به چاپ داد و منتشر نمود.

عجب تر اینکه علاوه بر جمع تألیف و تهیه مآخذ و منابع چاپی و خطی و عکس و خط قدما که با نبودن وسائل لازم در تهران خود از مشکلات است. تمامی کارهای منزل و امور مربوطه به چاپ را از تهیه مسوده و پاکتویس و کلیشه و تصحیح و تطبیق و مقابله و مرتب کردن اوراق چاپ شده و غیرها شخصا انجام می داد و حتی الامکان در احتیاجات شخصی جزا و کلا از کسی استمداد نمی کرد.

یکی از اسباب سعادت ظاهری شان هم صحت و استقامت مزاج بود که کمتر مریض می شد و باصره و سامعه و دیگر قوای جسمانی تا آخرین روزهای حیات در اطاعت و اختیار او بودند. اتلاف وقت را گناه عظیم می شمرد و عدم استفاده از آن را خسارت جبران ناپذیر می پنداشت و با اینکه مرض اخیر آن مرحوم مرض قلبی تشخیص داده شد و از مطالعه ممنوع بود از راه دیگری به بحث و تحقیق می پرداخت و آنی بیکار نبود، تا جان خود را هم پروانه وار فدای شمع فروزان دانش و معرفت نمود و آنچه از خود به ارث گذاشت یک دنیا نام نیک و افتخار بود و آنچه با خود برد، توشه تقوا و عمل صالح-افاض الله علیه شایب الغفران-بالاخره کسی که تاریخ حیات بزرگان را می نوشت مقدر شد که بعد از این خود جزو تاریخ قرار گیرد و دیگران برای وی تاریخ حیات نویسند. آری این است حقیقت ناگوار و چنین است راه و رسم روزگار.

ص: 1769

لا زلت تكتب في التاريخ مجتهدا حتى رأيتك في التاريخ مكتوبا

متأسفانه قلم نگارنده از تحریر فضائل و کمالات و مراتب فضلی و اخلاقی و صفای باطن و صحت عمل و استغنائی طبع و سادگی و آزادی و وارستگی از قید و تکلف و انداختن پرده های عجب و پندار و انزجار شدید از تظاهر، بالاخره از بیان لطائف و اسرار و حقایق و معنویاتی که در زوایای روح آن مرحوم مخفی و مکنون بود عاجز است.

نمی دانم با چه بیانی عشر معشار آنچه را که دیده ام و فعلا در عالم خیال و تصور دارم ادا کنم. زیرا همان اندازه که شرح وقایع زندگی و سوانح حیاتی شخصی از تاریخ تولد و وفات و تحصیلات و امثال آنها آسان است، بیان طرز تفکر و ملکات نفسانی و خصوصیات اخلاقی و اوصاف اختصاصی و معنویات و روحیات و نظائر آنها دشوار قریب به محال است. آن بهتر که به عجز خویش مقرر باشم و به قصور خود معترف و از این مقوله بگذرم و از روح پاک و بزرگ ایشان از قصور در انجام وظیفه خطیر خود، پوزش طلبم.

من چه گویم یک رگم هشیار نیست شرح آن یاری که او را یار نیست

شرح این هجران و این خون جگر این زمان بگذار تا وقت دگر

مدرس سرانجام در روز دوشنبه اول/شعبان 1373/ق مطابق با 16 فروردین 1333/ش در سن 77 سالگی در تبریز درگذشت. پیکرش ابتدا در قبرستان طوبائیة دفن شد، سپس کالبدش به قم حمل و در وسط قبرستان شیخان مدفون گردید.

### فرزندانش:

1- استاد علی اصغر مدرس (1332ق- معاصر)، از اساتید حقوق و فضلالی معاصر می باشد. وی در سال 1332 ق مطابق با 1293 ش در تبریز تولد یافت.

ص: 1770

مدرس ابتدا دوره ابتدائی را سپری کرد، سپس در دبیرستان «متوسطه دولتی» تبریز تحصیل نمود. آنگاه در سال 1312 ش (1352 ق) به تهران رفت و در رشته های قضائی و سیاسی به تحصیل خود ادامه داد و در سال 1315 ش فارغ التحصیل گردید.

وی پس از انجام وظیفه سربازی در دانشکده افسری، وارد تشکیلات دادگستری گردید و یکی از قضات عالی مرتبه شد. ولی این کار را رها ساخت و از سال 1318 ش به کار اسناد رسمی یک در تبریز پرداخت.

ایشان در دوره هفدهم مجلس شورای ملی از سوی مردم تبریز به نمایندگی انتخاب شد و راهی تهران شد. در همین دوره از طرف هیئت وزیران به عضویت شورای عالی شرکت ملی نفت انتخاب و به خدمت اشتغال ورزید. پس از پایان دوره مجدداً به تبریز بازگشت و تاکنون در آن دیار دوره بازنشستگی را می گذراند.

از آثار او: 1- اصول اجتماعی عرب قبل از اسلام، 2- پنج گفتار در فطرت، 3- حجیت عقل یا دلیل عقلی، دو جلد، 4- حقوق فکری یا مبنای حقوق بشر، 5- عقل از دیدگاه های مختلف، 6- هفت گفتار اصولی.

شرح حال استاد علی اصغر مدرس در تاریخ عصر روز پنجشنبه 10 خرداد/ 1375 ش در منزل خود ایشان در تبریز یادداشت گردید.

2- شاعر توانا استاد میرزا محمد مدرس، وی در سال 1344 ق مطابق با 1304 ش در تبریز زاده شد.

در دامان پرمهر و خانواده علمی پرورش یافت. سپس در مدارس جدید مشغول تحصیل شد. آنگاه به کسب و تجارت پرداخت.

وی به ادبیات و اشعار گذشتگان بسیار علاقه مند است و از ادب و کمال بالایی برخوردار می باشد. از سال 1361 ش به طور غیر مستمر در تهران بسر می برد و در سال 1369 ش به طور دائم در جردن سکونت اختیار نمود. و فعلاً مشغول پژوهش در زمینه «لغات دخیل ترکی در فارسی و ریشه یابی آن» می باشد.

ص: 1771



شرح حال ایشان در عصر روز شنبه /29 صفر 1421/ ق یادداشت گردید.

3 و 4- دو دختر.

-منابع

1- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 204.

2- ریحانه الأدب 506/3.

3- علماء معاصرین 404.

4- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی 657/6.

5- مؤلفین کتب چاپی 394/4.

6- نقباء البشر 1457/4.

**میرزا محمد علی مدرس «قراچه داغی»**

(ح 1265-1353 ق)

حاج شیخ محمد علی فرزند ملا علی مدرس قراچه داغی تبریزی، از فضلا و اساتید حوزه علمیه تبریز به شمار می رفت.

او در حدود سال 1265 ق در «اوانسرا» از توابع تبریز متولد گردید.

وی پس از آموختن مقدمات در سن 14 سالگی همراه پدرش به تبریز رفت و در مدرسه طالبیه به تحصیل سطوح اهتمام ورزید و در سن

25 سالگی به تحصیل خارج نزد آیات:

میرزا محمد علی قراچه داغی «صاحب حدیقه الروضه» و میرزا حسن مجتهد

ص: 1772

تبریزی پرداخت، و به دستور اساتید مذکور به تدریس ادبیات، فقه و اصول در حوزه تبریز اشتغال نمودند، و عده ای از محضرش تلمذ کردند.

مدرس در روز شنبه 14/رمضان 1353/ ق مطابق با اول/دی 1313/ ش در تبریز درگذشت، و بنا بر وصیت خود به قم انتقال و در جوار شاهزاده ابراهیم علیه السلام به خاک سپرده شد.

وی دارای شش فرزند، که از جمله آنها: 1- میرزا محمود مدرس، اهل منبر 2- میرزا محمد مدرس، فرهنگی 3- میرزا علی، از فضلا که فعلا مقیم مشهد مقدس می باشد.

-منبع

1- گنجینه دانشمندان 240/8.

### سید محمد علی مرتضوی لنگرودی

(1354-1416 ق)

زندگینامه زیر به درخواست اینجانب به تاریخ روز جمعه 12/ذی حجه / 1410 ق به قلم خود ایشان تحریر شده که اینک تقدیم می گردد:

بسم الله الرحمن الرحيم

مختصری از شرح حال اینجانب که به درخواست بعضی از فضلاء معاصر خواسته شده، به قرار ذیل است:

اینجانب سید محمد علی مرتضوی لنگرودی فرزند مرحوم آیت الله العظمی حاج سید مرتضی لنگرودی قدس سره.

طبق خط شریف والد معظم که در پشت قرآن مرقوم داشته اند، در شوال 1354 ق برابر با 1314 شمسی متولد گردیدم. پس از طی مراحل مقدماتی در تهران در مدرسه حاج ابو الفتح «مدرسه فتحیه» واقع در خیابان ری میدان قیام «میدان شاه سابق» که تحت نظارت و سرپرستی مرحوم والد بود، به تحصیل علوم دینی اشتغال

ص: 1773

وقسمتی از لمعه و قوانین را در مدرسه مزبور خواندم و در سال 1373 ق در ملازمت والد معظم قدس سره به اعتاب عالیہ مشرف شدم و پس از مراجعت با اصرار فرزندان و خواست قلبی معظم له رحل اقامت در قم افکندند، اینجانب سطوح را نزد اساتید وقت به پایان رساندم و در درس پرفایده مرحوم زعیم حوزه علمیه و مرجع عالیقدر آیت الله العظمی بروجردی (مرحوم حاج آقا حسین بروجردی) قدس سره به مدت سه سال افتخار حضور داشتم و هم زمان در درس فقه و اصول خارج والد معظم شرکت می نمودم، و پس از رحلت آیت الله العظمی بروجردی اختصاصاً در درس فقه و اصول والد معظم شرکت می نمودم و به درس الهیات اسفار مرحوم علامه طباطبائی که در «مسجد سلماسی» می فرمودند شرکت می کردم و بهره مند می شدم. تا اینکه سه سال بعد از فوت آیت الله العظمی بروجردی قدس سره در شب جمعه 19/ صفر الخیر 1383/ ق در بحبوحه مبارزات و حکومت نظامی والد معظم دار فانی را وداع نمودند و در روز اربعین حسینی (سلام الله علیه) در تربت پاک قم در صحن کوچک نزد ساعت، در یکی از حجرات مدفون گردیدند (رضوان الله تعالی علیه و اسکنه بحبوحه جنانه).

پس از فوت والد معظم قدس سره در بحث فقه آیت الله العظمی گلپایگانی (مد ظله) و بحث فقه و اصول آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی (مد ظله) حدود 12 سال شرکت نمودم، و از بعضی اساتید مفتخر به اجازه اجتهاد گردیدم، و احیاناً نه بنحو مستمر در بحث آیات عظام: خمینی، داماد و شریعتمداری شرکت می نمودم، و بعد خود در مدرسه ای که به نام مرحوم والد قدس سره است و اکنون بالغ بر شصت نفر طلبه مشغول دارد، به سرپرستی و تدریس عالی اشتغال دارم و در مسجد عشقعلی که یکی از مساجد با برکت و با سابقه می باشد و سالیانی والد معظم در آن به اقامه جماعت و تدریس اشتغال داشتند و مراجع بزرگ چون آیات عظام به ترتیب:

حائری، بروجردی، شیخ ابو القاسم کبیر و شیخ عبد النبی عراقی، و والد معظم حاج سید مرتضی مرتضوی لنگرودی در آن به تدریس و اقامه جماعت می نمودند،

امامت می نمایم و به ارشاد و تهذیب اخلاق خصوصا در ایام ماه مبارک رمضان شخصا صحبت می نمایم، و با همت مؤمنین تجدید بنا نمودم، و اکنون یکی از مساجد بزرگ و با عظمت حوزه علمیه قم به شمار می رود.

اکنون علاوه بر تدریس اشتغال به بعضی از تألیفات دارم، تألیفات اینجانب به قرار زیر است:

1- تقریرات بحث خمس آیت الله العظمی بروجردی.

2- قسمتی از بحث طهارت آن مرحوم.

3- مختصری از کتاب قضاء که موفق به اتمام آن نشدند و اجل مهلت نداد.

4- تقریرات اصول و فقه بعضی از مراجع.

5- رساله ای در عدالت.

6- تعلیقه ناتمام بر رسائل.

7- شرح فارسی مکاسب شیخ انصاری.

8- تاریخ را بررسی کنیم در امامت، که به نحو مناظره بدون تعصب به رشته تحریر درآمده.

9- تکه های تاریخی.

10- مجموعه ای از آثار و روایات، که به صورت کَشکول است.

11- شرح فارسی بر تجرید الکلام، از علامه حلی.

12- ترجمه الطرائف (از ابن طاوس).

13- مجموعه اشعار اینجانب و شعرا.

14- جزوات متفرقه در موضوعات مختلف که هنوز تنظیم نشده.

متأسفانه ایشان در روز جمعه 3/ربیع ثانی 1416/ق مطابق با 7/مهر 1374 ش به سن 60 سالگی در پی چند سال بیماری درگذشت، و جسدش عصر روز شنبه در قم تشییع گردید و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

ص: 1775

(1264-1342 ق)

محمد غفاری فرزند میرزا هاشم امین الدوله و نوه میرزا مهدی کاشانی.

آقا محمد در سال 1264 ق در تهران متولد شد.

وی پس از سپری نمودن تحصیلات، به مشاغل دولتی پرداخت و کم کم جزو رجال بزرگ درآمد. وی در فنون ادب خاصه در نظم اشعار مهارت کامل داشت و خط تحریر را نیز زیبا می نوشت.

ایشان ابتدا در دربار ناصر الدین شاه قاجار شروع به خدمت کرد و به ترتیب مشاغل زیر را عهده دار نمود: ریاست تفنگداران خاصه شاهی، دریافت لقب امین خلوت، ریاست خلوت همایونی، دریافت لقب اقبال الدوله و به دست گرفتن وزارت فلاحت و خالصه جات و حکومت کاشان.

او در دوره سلطنت محمد علی شاه قاجار به حکومت اصفهان رسید و بعدا به حکومت کرمانشاه تعیین گردید.

غفاری در سال 1342 ق مطابق با 1302 ش در سن 78 سالگی درگذشت و جسدش در صحن حضرت معصومه علیها السلام آرامگاه فرخ خان امین الدوله-قم به خاک سپرده شد. وی یک دختر داشت که در سن کودکی درگذشت و اولادی از او باقی نماند.

-منابع

1- تاریخ شیبانی 59.

2- خاندان شیبانی (کاشان) 235.

3- خاندان غفاری (کاشان) 26.

4- شرح حال رجال ایران 214/3.

ص: 1776

(ح 1405-1315 ق)

آیت الله شیخ محمد فرزند ملا عبد الکریم قائینی معروف به (فاضل)، در روستای «خرمنج»، (که امروزه به فضل آباد موسوم است) از توابع قاین (جنوب خراسان) در حدود سال 1315 ق دیده به جهان گشود. و در دامان پدری بافضل و تقوی پرورش یافت و شروع به تحصیل مقدمات نمود. در سن نوجوانی به شهر قاین رفت و در (مدرسه جعفریه) به تحصیل سطوح پرداخت. پس از آن مدتی چند در مشهد مقدس و تهران بسر برد، و سرانجام به عتبات عالیات عزیمت کرد و در نجف اشرف سکونت اختیار نمود و پس از وصلت با صبیئه آیت الله شیخ علی همدانی (داماد آقا رضا همدانی صاحب مصباح الفقیه) به تحصیل خود و تکمیل مبانی نزد آیات: شیخ الشریعه اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی، سید ابو الحسن اصفهانی، و میرزا آقا اصطهباناتی ادامه داد. و اجازات بسیاری در اجتهاد و روایت از سایر اساتید خود دریافت داشت.

از امتیازات فاضل ممارست و جدیت او در حوزه علمیه نجف اشرف به تدریس فقه و اصول بود، که در خلال سالهای متمادی صبح و عصر به این امر مقدس اشتغال داشته و جمع زیادی از محضرش استفاده نمودند. و در ماه رمضان و شبهای تعطیلی حوزه به تدریس علم کلام و معارف اسلامی اشتغال داشتند.

ص: 1777

متأسفانه بعضی از مغرضین و افراد کم خرد از صراحت مترجم له و صلابت و ایمان راسخ او و دفاع از افراد ضعیف و بینوا آنهم در بحبوحه هجوم حزب توده (الشیوعیه) در عراق، کمال سوءاستفاده را نموده و سعی بلیغ در انزوای ایشان کردند. البتّه هرچند حقیقت مسأله روشن بود ولی از هیاهو و های وهوی این و آن نمی توان جلوگیری کرد. و شاید به همین علت معظم له عزم سفر به ایران نمود و رحل اقامت خود را در تهران افکند، و تا آخر عمر به اقامه جماعت و انجام وظایف دینی اشتغال داشت.

شیخ محمد علی فاضل قائینی/شیخ مهدی فاضل زاده/سید عبد الله قاهانی «صدر عراقی»

### **آثار قلمی ایشان به شرح زیر است:**

1- الدرہ النجفیہ فی الفقہ.

2- تعلیقہ علی تبصرہ المتعلمین.

3- مختصر الدر الثمین فی اصول الدین.

4- الوجیزہ فی مسأله الضد.

5- کتاب الطہارہ.

ص: 1778

6- کتاب الصلاة.

7- کتاب المتاجر.

8- کتاب الحج.

9- کتاب الوصیه.

10- کتاب النکاح.

11- کتاب القضاء و الشهادات.

12- رساله فی الرضاع.

13- کتاب الارث.

14- شرح العروه الوثقی.

15- اصول الفقه، 4 جلد.

16- اثبات المبدأ و النبوه و الإمامه و المعاد و العداله و الاختیار.

17- مبحث الترتب.

18- حاشیه علی زاد المقلدین (کاشف الغطاء).

19- شرح تبصره المتعلمین.

20- گوهر دین در علم کلام.

21- ناظم الشتات.

لوح مزار شیخ مهدی فاضل در بیرجند

سرانجام در ساعت 3 بعد از ظهر روز جمعه 13/ربیع اول 1405/ق در حدود 90 سالگی در قم در اثر کهولت سن درگذشت و در مقبره باغ بهشت مدفون گردید.

**هو العلیم الحکیم**



انّما القاينى فى العلماء هو كالبدر فى نجوم السماء

عالم فاضل فقيه تقى هو شمس مفيضه بضياء

برع الفقه زاق مجتهد فيه حجه الدين افضل الفقهاء

ص:1779

آیه الله فی الشریعه حقا جامع العلم مقتدی الفضلاء

الف (ناظم الشتات) کتابا کاشفا للعلوم کلا عطاء

وله فی الکلام (گوهر دین) دافع المعضلات للحکماء

و کذا انشاء الرسائلی ما ذا أشرفت فی قلوبنا ببهاء

بلغ الشرع جاهدا بکمال فله ینبغی جمیل ثناء

و به تنتهی الفضائل طرا انما فیه وجهه الصلحاء

و المسمی محمدا خیر الأسماء فسمی بخاتم الأنبیاء

تقدیم بحضور مبارک حضرت آیت الله العظمی حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای شیخ محمد القاینی الشهیر بالفاضل (دام ظلّه العالی) فی ربیع الآخر 1400- اسفند 1358- من الهجره- النبویه علیه الصلاه و السلام- س- ح- م.

-منابع

1- گنجینه دانشمندان 257/9.

2- مستدرک اعیان الشیعه 299/2.

3- معجم المؤلفین العراقیین 225/3.

4- مؤلفین کتب چاپی 568/5.

5- نقباء البشر خطی (تولدش را به سال 1316 ق نوشته است).

**سید محمد فاطمی قمی**

**اشاره**

(1293-1364 ق)

حاج میر سید محمد فرزند سید فاطمی قمی، از فضلاء خدمتگذار قم بود.

وی در سال 1293 ق در قم دیده به جهان گشود.

فاطمی در سن کودکی همراه خانواده اش به تهران رفت و پس از رشد و نما به تحصیلات قدیم و جدید پرداخت. و در اوایل تأسیس  
تشکیلات عدلیه به امر قضاوت مشغول شد و پس از چندی به عالی ترین مقام قضایی یعنی ریاست شعبه

ص: 1780

چهار دیوان عالی کشور رسید.

ایشان، یک اثر خیری مهمی از خود به یادگار گذاشت که تا ابد مردم قم او را به خوبی و نیکی یاد خواهند کرد و آن احداث «بیمارستان فاطمی» است و این در آن وقتی انجام گرفت که قم فاقد بهداری و بیمارستان بود. متأسفانه در چند سال اخیر - پس از انقلاب - قسمت اعظم ساختمان این بیمارستان در اثر احداث خیابان جدید ویران گردید.

## از آثار او

1- اسلام، افکار و اندیشه‌ها (ترجمه).

2- تحفه الأریب فی ردّ اهل الصلیب (ترجمه).

3- حلّ الموارث (به صورت جدول).

نامبرده در روز یکشنبه 10/رمضان 1364 / مطابق با 28/مرداد 1324 / ش در سن 71 سالگی به لقاء الله پیوست. پیکرش در قبرستان شیخان قم - کنار مزار زکریا بن آدم - به خاک سپرده شد.

-منابع

1- رجال قم 154.

2- مقالات الحنفاء و مقامات العرفاء 242.

3- مؤلفین کتب چاپی 656/5.

## شیخ محمد فکور یزدی

(1324-1394 ق)

حاج شیخ محمد (نام کامل ایشان محمد ناصر است) فرزند آقا حسین احمدآبادی یزدی، معروف به «فکور»، از علمای زاهد و متقی و اساتید گرانقدر حوزه علمیه قم بود.

ص: 1781

وی در سال 1324 ق در روستای «احمدآباد» از توابع اردکان-استان یزد-در خانواده ای مذهبی و مستضعف، دیده به جهان گشود.

آقا محمد در حدود سن هفت سالگی به مکتب راه یافت و در سن جوانی به یزد رفت و در مدرسه عبد الرحیم خان به تحصیل مقدمات پرداخت. سپس در حدود سال 1348 ق رهسپار حوزه علمیه قم گردید و سطح را نزد حضرات آیات، شیخ محمد علی حائری قمی، میرزا محمد همدانی، سید شهاب الدین مرعشی و سید محمد رضا گلپایگانی به پایان برد، در ضمن دروس سطح را با شیخ محمد صدوقی یزدی مباحثه می کرد.

وی دروس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید صدر الدین صدر، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی و حکمت متعالیه را از علامه شیخ محمد علی شاه آبادی استفاده نمود. و خود در صحن حضرت معصومه علیها السلام به تدریس فقه و اصول اشتغال داشت و جمعی از چشمه فیاض این استوانه علمی بهره ها بردند.

مرحوم فکور مردی زاهد، عابد، فاضل و در استخاره شهرت کامل داشت.

استاد علی سپهری در «تاریخ اردکان» خود، درباره اش چنین می نویسد: (فقید سعید بسیار صریح اللهجه و شیرین سخن بود و تواضعی مخصوص به خود داشت، و دیدارش انسان را به یاد خدا می انداخت و زهد و پارسایی او زبان زد خاص و عام بود. در روزهای آخر عمر که بر اثر عارضه سرطان در خانه بستری شده

ص: 1782

بود، فضلا و طلاب برای عیادتش می آمدند و از سخنان شیرینش استفاده می کردند).

در مجله «درسهایی از مکتب اسلام» درباره اش چنین آمده است: (فقید سعید، مرد خدا بود و دیدار او انسان را به یاد خدا می انداخت. قلبی پاک و روحی پاک تر از آن داشت، زهد و پارسایی او مشهور همگان و زبان زد خاص و عام بود. فضلا و طلاب حوزه نه تنها از معلومات او استفاده می کردند، بلکه گفتار و رفتار او سراسر آموزنده بود).

نامبرده سرانجام پس از عمری زهد و تقوا در روز جمعه 14 ذی قعدة 1394 / مطابق با 8 آذر 1353 / ش در سن 70 سالگی در قم بدرود حیات گفت. پیکرش روز شنبه از مسجد امام حسن عسگری علیه السلام تشییع و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله گلپایگانی در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. وی دارای اولاد ذکور نشد و تنها یک دختر از او به جای ماند.

-منابع

1- آثار الحجة 108/2.

2- آینه دانشوران 396.

3- تاریخ اردکان 255/1 (تاریخ تولدش را در سال 1325 ق دانسته است).

4- گنجینه دانشمندان 223/2 و 448/7.

5- مجله درسهایی از مکتب اسلام، سال شانزدهم، شماره اول، ص 5.

6- النجوم السرد بذکر علمای یزد (خطی - سید جواد مدرسی).

**سید محمد فیروزآبادی**

(1349-1415 ق)

زندگینامه دانشمندان معظم و فاضل ارجمند مرحوم فیروزآبادی به قلم خود (اتوبیوگرافی) - با اندکی تصرف - به این شرح است:

سید محمد بن سید مرتضی بن سید محمد فیروزآبادی یزدی، که در آخر / جمادی اول 1349 / ق در نجف اشرف پا به عرصه وجود گذاشتم، و از طرف مادر

ص: 1783

به علیّه عالیّه دخت مرحوم آیت الله مجاهد حاج سید محمد طباطبایی ارشد اولاد ذکور فقیه الطائفه مرحوم سید محمد کاظم طباطبائی یزدی منسوب می باشم.

در شهر نجف اشرف که مهد علم و دانش هزارساله است نزد پدر پرورش یافتم، علوم مقدماتی معهود در حوزه های علمیه را سپری کرده، شروع به سطوح عالیّه نزد اساتید معروف حوزه نمودم، که از آن جمله: مرحوم والد عظیم الشان است و حضرات آیات: مرحوم حاج میرزا حسن یزدی و حاج شیخ محمد تقی آل راضی، و قدری معقول و سطح نزد حضرت آیت الله حاج سید عبد الاعلی سبزواری و پس از آن به دعوت و تشویق مرحوم (سید اسد الله) مدنی به خارج اصول سیدنا الاستاد زعیم حوزه های علمیه، مرحوم آیت الله آقای (سید ابو القاسم) خوئی که به مقامات عالی در تدریس نائل آمده بودند در سال 1371 ق شتافتم، و یک دوره اصول فقه را طی نمودم و درس ایشان را به رشته تحریر در آوردم، که اخیراً آن را اصول مستقلی قرار دادم، که آن اصول هم اکنون موجود است.

پس از تأهل به درس اصول فقه استادنا المحقق و نابغه الدهر حضرت آیت الله آقای میرزا حسن بجنوردی رفتم، و پیش از تأهل و اختیار وصلت با ایشان، در درس فقه خصوصی که صبحها داشتند با جمعی از افاضل حاضر می شدم، و ایشان جهت تشویق کرارا می فرمودند: ذوق فقهی سید محمد خوب است. و هم زمانی درس آقایان و مراجع مذکور درس استادنا الاعظم مرحوم سید محسن طباطبائی حکیم که از اعظم و درجه اول فقها میرزا حسن بجنوردی

ص: 1784

زمان خویش بود حاضر می شدم، چنانکه در درس آیت الله مرحوم میرزا عبد الهادی شیرازی هم حاضر می شدم، عجیب تسلطی این مرحوم در فقه داشت، دارای ذوقی سرشار با حافظه بسیار عجیب مطالب علمی را به شاگردان می آموخت، حتی در دوران اخیرشان که از ناحیه چشم مکفوف البصر بودند.

و به فضل ایزد مئان در همان اوائل سن، عشق فراوان به بحث و تدریس داشتم و شاید روزی پنج یا شش بحث و تدریس داشتم، و در اوائل روی کار آمدن حزب شوم بعث سفری به قصد ایران جهت زیارت ثامن الحجج علیه السلام نمودم، در یکی از روزنامه های عربی مخالف با رژیم بعث چنین نگاشته شد: (هاجر الی ایران المدرس الرسمي فی النجف الاشرف، معرضاً عن جرائم البعث العراقی). البته آن غیر از سفر اخیر به ایران بود که همگی خانواده در خدمت حضرت آقای والد آمدیم، و همچنین اشتیاق به تألیف و تقریرات هم زیاد داشتم، و آنچه که تا به حال به دست آمده از این قرار است:

1- تقریرات اصول درس آیت الله خوئی.

2- اصولی مستقل که هم اکنون در دست می باشد.

3- کفایه المفسرین، که عمده زحمات در آن به کار برده شد.

4- العطف حول الصرف.

5- التکمله فی شرح الامثله.

6- الفوائد النحویه.

7- ذخایر العقبی فی شرح العروه الوثقی.

8- بحث الاجتهاد و التقليد، من منتهی العنايه فی شرح الکفایه.

9- رساله ایست در منطق.

10- مجموعه ای در فضل علم و آداب تعلیم و تعلم است، و همچنین پاره ای از حواشی و تعلیقات بر کتب فقهی و غیره.

در سال 1391 ق برابر جنایت بعث عراق به عالم روحانیت بلکه به مطلق

ص: 1785



عالم تشیع، همراه والد گرامی و جمعی کثیری از علماء و روحانیون و اقشار مختلفه ایرانیها به میهن عزیز ایران آمدیم، چندی در قم مشرفه که حرم اهل بیت علیهم السلام و عش آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است در خدمت مرحوم والد بودم، سطوح عالیه و شبه خارج فقهی تحت عنوان (صلاه مسافر) در مدرسه علمیه آیت الله مرعشی قدس سره شروع نمودم، پس از مدتی قسمت چنین بود که به حوزه علمیه و شهر مذهبی حضرت عبد العظیم علیه السلام ملحق شوم، مدت ده سال در مسجد معروف (فیروزآبادی) که جنب بیمارستان فیروزآبادی است اشتغال به اقامه نماز جماعت لایلا و نهارا در آنجا داشتم، چنانکه اشتغالات دینی که از آن جمله: تدریس ابحاث عدیده باشد قبل از نماز جماعت و بعد از آن داشتم.

تا آنکه در اثر قدری ناراحتی و نقاهت و قدری کسالت مزاج تصمیم گرفتم که مدتی در شمیرانات بسر برم، و مدتی که در آنجا بودم چه در منزل و چه در مسجد المهدی (عج) که در خیابان دیباجی است به ابحاث عدیده اشتغال داشتم، چنانکه بر تفسیر کبیر قرآن به نام (کفایه المفسرین) هم مشغول بودم، و ضمناً اقامه نماز جماعت به درخواست بعضی مؤمنین و الحاح فوق العاده آنها در مسجد جامع امام صادق علیه السلام نزدیک میدان اقدسیه می نمودم که لا زال هم ادامه دارد، و گذشته از اقامه نماز جماعت به وظائف تبلیغ دین و شرع مبین مفتخرم، و اکنون در «شهرک قدس» منزل شخصی خود پس از مدتی ویلانی سکونت دارم، و عمده به نوشتجات و تألیفات سرگرم هستم، تا خدا چه خواهد از عموم مؤمنین ملتمس دعا هستم، و الله المستعان و آخر دعوانا الحمد لله رب العالمین.

سرانجام در روز دوشنبه / 22 رجب 1415 / ق مطابق با / 5 دی 1373 / ش به سن 66 سالگی در اثر بیماری سرطان در بیمارستان قلب تهران درگذشت، و جسدش صبح سه شنبه در قم تشییع و در مقبره باغ بهشت به خاک سپرده شد.

-منبع

1- الهدی الی سیدنا المرتضی بقلم مترجم له ص 32.

ص: 1786

(1293-1370 ق)

میرزا محمد فیض قمی فرزند میرزا علی اکبر فیض و نوه محمد بن علی اکبر خوانساری، از فقها و مراجع و اساتید به نام حوزه های علمیه بود.

او در سال 1293 ق در شهر قم دیده به جهان گشود.

فیض پس از فراگیری مقدمات و ادبیات نزد شیخ محمد حسن علامه، بنا به اصرار برادر خویش - که ریاست تلگراف خانه همدان را برعهده داشت - به همدان رفت و به تحصیل ریاضی و زبان انگلیسی پرداخت، تا آنکه برادرش کفیل حکومت آن شهر شد و ایشان به عنوان اعتراض همدان را ترک گفت و به قم بازگشت، و نزد حضرات آیات: سید احمد طباطبائی قمی، میرزا محمد ارباب و میرزا ابوالقاسم قمی «کبیر» سطوح را فراگرفت. سپس در سال 1312 ق به تهران عزیمت کرد و فقه و اصول را از محضر میرزا محمد حسن آشتیانی و شیخ حسن تهرانی «ناظر» و حکمت را از محضر میرزا محمود قمی و شیخ علی نوری و کلام را از محضر شیخ علی رشتی تلمذ نمود.

### هجرت به نجف اشرف

ایشان به سال 1316 ق جهت تکمیل معلومات و اندوخته های خویش به نجف اشرف هجرت کرد و در آنجا ساکن گردید و از محضر عالمان بزرگ و استادان

ص: 1787

مشهور آن زمان بهره‌ها برد، فقه و اصول را از حضرات آیات: 1- آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، 2- سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، 3- شیخ الشریعه اصفهانی، 4- و علم الحدیث و درایه را از میرزا حسین نوری.

### سفر به سامرا

فیض، با اینکه از محضر این اساتید بزرگ بهره‌مند شده بود، ولی گویا خود را از درس آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی بی‌نیاز ندید. لذا برای سیر در دقایق افکار و بهره‌گیری از اخلاقیات ایشان، در سال 1325 ق رهسپار سامرا گردید و در شمار اعظام تلامذه میرزای دوم قرار گرفت و مورد توجه و عنایت استاد واقع گشت، و خود در آنجا حوزه درسی تشکیل داده و به تعلیم و تربیت طلاب پرداختند.

### بازگشت به زادگاه

در سال 1333 ق فیض بنا به درخواست والده اش - که پیر و ناتوان شده و در بستر بیماری افتاده بود - ناگزیر به ترک حوزه سامرا شده و با وجود آنکه استاد معظمش به اقامت دائم ایشان در قم مایل نبودند، وارد قم شده و در اثر استقبال فراوان و مراجعات مکرر مردم و اصرار مادرش، ناچار در قم رحل اقامت افکنده و برای همیشه در قم سکونت می‌ورزند.

آیت الله سید احمد طباطبائی قمی در نخستین شب ورود فیض، محل نماز خود (صحن بزرگ) را به ایشان واگذار می‌کنند. فیض در این شهر، حوزه درسی دایر می‌کند، و تمامی سعی خود را برای ایجاد تغییرات جدید در مدرسه مبارکه فیضیه - که وضع نامطلوبی پیدا کرده بود - به کار می‌گیرد.

### مقدمات تأسیس حوزه قم

در آن زمان - سال 1336 ق - برخی از پیشه‌وران قم، قسمت تحتانی مدرسه

ص: 1788

فیضیه را اشغال و به عنوان انبار از حجره های آن استفاده می کردند، و برخی از غرفه ها هم مبدل به قهوه خانه شده بود.

فیض، نخست آیت الله شیخ محمد رضا شریعتمداری (متوفای سال 1363 ق) را در یکی از حجرات مدرسه سکنی داد، و به تدریج به تخلیه حجرات و مرمت آنها همت گماشت.

## فرزندان آن مرحوم

1- مرحوم میرزا عباس فیض، صاحب تألیفات عدیده است.

2- حاج شیخ مهدی فیض، یکی از فضلا و ائمه جماعت مسجد امام حسن عسکری علیه السلام قم می باشد. وی در 23 رجب 1340/ق در قم دیده به جهان گشود و مقدمات را نزد شیخ ابو القاسم نحوی و شیخ ابو القاسم دانش آشتیانی آموخت.

شرح لمعه را نزد سید رضا بهاء الدینی، شیخ عباس صفائی قمی و میرزا علی مشکینی و مکاسب را نزد سید مرتضی علوی فریدنی و شیخ اسد الله اصفهانی و کفایه الاصول را نزد شیخ عباسعلی شاهرودی و سید شهاب الدین مرعشی فراگرفت. ایشان دروس خارج را از محضر آیات: پدر ارجمند خود، سید محمد حجت کوه کمری، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمد رضا گلپایگانی استفاده نمود. از جمله آثار قلمی اش می توان به: «جواهر فیض» که در ترجمه احادیث و معارف اهل بیت علیهم السلام در چند دفتر است، اشاره کرد.

3- دکتر علیرضا فیض، متولد 7/رمضان 1345/ق در قم می باشد. وی استاد دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و رئیس گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران و نویسنده کتابهای: «مبانی فقه و اصول»، «ترجمه لمعه دمشقیه»، «حقوق جزای عمومی اسلام»، «مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام»، «حقوق جزای خصوصی» که همه چاپ شده اند، و نیز کتابهای: «انتقاد بر منطق ارسطو»، «تاریخ زندگانی ملا محسن فیض کاشانی»، «شرح

ص: 1789

قوانین کیفری مصوب مجلس شورای اسلامی»، «اصطلاحات متداول اصول فقه» که آماده چاپ هستند، به علاوه ایشان در حدود بیست جلد از مجلدات لغت نامه دهخدا را تنظیم کرده است.

4- میرزا محمد تقی معروف به «آقا میرزا» 5- حاج حسین. آقای فیض پنج داماد داشتند که تنها حجه الاسلام و المسلمین شیخ عباس مستقیم، از میان آنان در کسوت روحانیت بود.

## تالیفات

از فیض، آثار و نوشته های چندی به جای مانده است:

1- کتاب الفیض، در طهارت آب قلیل و عدم تنجیس متنجس که در تاریخ 7 شعبان 1347 ق، تألیف آن به پایان رسیده و در سالهای بعد، چاپ شده است.

2- حاشیه بر عروه الوثقی.

3- مناسک فیض (در مناسک حج).

4- حاشیه وسیله النجاه.

5- تفسیر قرآن.

6- شرحی بر منظومه «الدره النجفیه» در فقه (اثر علامه سید مهدی بحر العلوم).

7- ذخیره العباد (رساله عملیه).

8- منتخب الاحکام.

## وفات و مدفن

در روز یکشنبه 25 جمادی الاول 1370/ ق مطابق با 13 اسفند 1329/ ش در سن 77 سالگی، این مرد بزرگوار در حالی که به انجام فریضه مشغول بود، و دستها را به سوی آسمان بلند کرده و عرض می کرد: «الهی عاملنا بفضلك» مرغ روحش به سوی ملکوت اعلی پرگشود و دیده از جهان فروبست.

در تشییع جنازه ایشان هزاران نفر در حالی که باران می بارید شرکت کرده و

اکثراً می‌گریستند. و پس از تشییع، حضرت آیت‌الله سید حسین طباطبائی بروجردی بر جسد ایشان نماز گذارده و در ایوان طلائی صحن عتیق قم مدفون گردید و تاکنون سنگ مزارش برای دوستان و ارادتمندان آن جناب نمایان است.

در بسیاری از شهرهای کشور برای ایشان مجلس فاتحه گذاشته شد، از جمله مجلس ترحیمی در چهارم/اسفند 1329/ش در مسجد شاه تهران منعقد شد که نخست وزیر وقت سپهبد رزم آرا (که طبق نقل مجله آشفته، ش 4، سال 34 توسط آیت‌الله کاشانی مهدور الدّم شناخته شده بود) در آن مجلس شرکت و به هنگام ورود، هدف تیر یکی از اعضای فدائیان اسلام (خلیل طهماسبی) قرار گرفت و معدوم شد.

-منابع

1- آثار الحجه 138/1.

2- آینه دانشوران 146.

3- اطلاعاتی از فرزند ارجمندشان، جناب آقای شیخ مهدی فیض.

4- الاجازه الکبیره 134.

5- انجم فروزان 138.

6- تاریخ علماء و شعراى گیلان 15.

7- تاریخ قم 282.

8- رجال قم 154.

9- شرح حال رجال ایران 198/6.

10- علمای بزرگ شیعه 397.

11- علماء معاصرین 287.

12- گنجینه دانشمندان 341/1.

13- گنجینه دانشوران 155.

14- لغت نامه دهخدا 365/25.

ص: 1791

15- مجله آئین اسلام، شماره 7، سال 4، ص 7.

16- مؤلفین کتب چاپی 669/5.

17- نقباء البشر (قسمت خطی).

## میرزا محمد قاضی بازنه ای اراکی

### اشاره

(ح 1285-1366 ق)

میرزا محمد قاضی بازنه ای فرزند علامه ملا شیخ علی اراکی، از علما و معاریف اراک بود. وی در حدود سال 1285 ق در آستانه «اراک» تولد یافت.

پدرش اصالتاً اهل «راهجرد» قم بود که به آستانه رفت و در آنجا می زیست. او مورد توجه ناصر الدین شاه قاجار قرار داشت و حکمی از او نیز دریافت کرده بود. و به سبب اختلافات ارضی به بازنه منتقل شد.

علامه شیخ مجتبی عراقی درباره میرزا محمد قاضی چنین می نویسد:

عالم زاهد متقی آقا میرزا محمد قاضی بازنه ای قدس سره

این عالم بزرگوار در حدود سال 1285 ه. ق. در خانواده علم و فقاها و تقوی دیده به جهان گشود، تحصیلات اولیه را در خدمت پدرش مرحوم حجه الاسلام و المسلمین آقای ملا علی قدس سره فراگرفت، و به منظور رسیدن به مقامات عالییه عزیمت به اصفهان نمود، مترجم عالیقدر در حوزه علمیه اصفهان با جدیت و کوشش فراوان شروع به بحث و تحصیل علوم دینییه از فقه و اصول و تفسیر نمود و به مدارج عالی علمی نائل گردید، و بودن ایشان در اصفهان مصادف بود با زمان توقف حضرت آیت الله آقای حاج آقا حسین طباطبائی قدس سره در اصفهان و بدین مناسبت فی مابین مترجم عالیقدر و مرحوم آیت الله بروجردی مراتب آشنایی و مودت و دوستی حاصل گردید.

و مدت زمانی به همین منوال به تحصیل ادامه داد تا آنکه پدر بزرگوارش بدرود حیات گفت، سپس طبق تقاضای اهالی و جدیت و کوشش اهل محل و با تصویب

ص: 1792

آقای حاج میرزا محمود فرزند مرحوم آقای حاج محسن عراقی که سمت مالکیت بازنه را داشت، از اصفهان به موطن اصلی بازگشت و رحل اقامت در آنجا گسترانید و به هدایت مردم و بیان احکام و اقامه جماعت اشتغال یافت، و کمر همت نسبت به فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، حتی بالنسبه به وابستگان مالک قریه‌ی نام برده کوتاهی ننمود، مترجم عالیقدر مرجع حل و فصل امور و رفع نزاع بین مردم، بود، و از قرای هم جوار نیز برای اصلاح و رفع تنازع به ایشان مراجعه می کردند، و مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری که در آن زمان در عراق بودند از ترویج و توثیق آقای قاضی دریغ نداشتند. و به هر وسیله ممکن حتی به اقتداء در نماز جماعت کوتاهی نداشتند ارتزاق مرحوم آقای قاضی از مزرعه مختصری که داشت بوده، و در سهم مبارک امام علیه السلام تصرف نمی کرد.

### رحلت مرحوم آقای قاضی

ایشان مختصر کسالتی عارضشان می شود، و برای معالجه به عراق می آیند، و در این هنگام تصمیم حرکت به قم را می گیرند، با آنکه مدتی بود از ایشان تقاضای تشرف به قم را داشتند و قبول نمی فرمودند، مع ذلک به همین تصمیم حرکت به قم و به منزل فرزند بزرگشان مرحوم حجه الاسلام آقای آقا محمد علی قاضی زاده وارد می شوند و مرحوم آیت الله آقای آقا سید محمد حجت که از کسالت ایشان مطلع می شوند آقای دکتر [محمود طباطبائی] مدرسی را برای معالجه می فرستند، ولی معالجات مؤثر نشده و در شب جمعه بیست و ششم ربیع الثانی سال 1366 ه.ق.

بدرود حیات گفته و دار فانی را وداع گفته و پس از اقامه نماز توسط آیت الله حجت کوه کمری قدس سره در قبرستان حاج شیخ مدفون می گردد.

### فرزندانش:

1- میرزا محمد علی قاضی زاده، که روحانی مقدس و متقی بود 2- شیخ احمد

ص: 1793



3- آقا علی اکبر 4- آقا عباس 5- آقا اسد الله و پنج دختر.

-منابع

1- اطلاعاتی از حجه الاسلام و المسلمین آقای شیخ علی اصغر قاضی زاده، ساکن اراک.

2- علماء گمنام 282.

**دکتر محمد قریب اراکی**

**اشاره**

(1327-1395 ق)

دکتر محمد قریب فرزند علی اصغر گرکانی اراکی، از پزشکان نامی و بنیانگذاران طب نوین اطفال بود.

او در سال 1288 ش مطابق با 1327 ق در تهران دیده به جهان گشود.

وی تحصیلات ابتدایی را در «مدرسه سیروس» و دوره متوسطه را در «دار المعلمین» به پایان رساند. در سال 1306 ش به فرانسه اعزام شد و به تحصیل خود در «دانشکده پزشکی پاریس» ادامه داد، و در سال 1312 ش کنکور انترنای پاریس را با موفقیت پشت سر گذاشت. از محضر استاد «ریاردو مانوئل» به مدت 6 ماه درباره بیماریهای کودکان و 6 ماه دیگر نزد پروفیسور «سزازی» درباره بیماریهای پوستی و مقاربتی نیز 6 ماه نزد دکتر «مونیه وینار» درباره بیماریهای عصبی، استفاده کرد.

رساله دکترایش را تحت عنوان «وقفه های تنفسی شیرخواران» نوشت و درجه دکترا را در سال 1317 ش (1938 م) دریافت داشت و در همان سال به ایران

ص: 1794

بازگشت و در سال 1319 ش وارد سازمان نوین «دانشکده پزشکی» دانشگاه تهران شد، و به سمت استاد کرسی بیماریهای کودکان راست بخش مربوط منصوب شد.

ایشان بنیانگذار طب نوین اطفال در ایران بود، و ریاست انجمن پزشکان کودکان ایران را برعهده داشت. در ضمن مدیر مسئول مجله «مرکز طبی کودکان» - منتشر سال 1348 ش در تهران - بود.

## از آثار او

1- بیماریهای کودکان (سخنرانی).

2- مسایل مشکل طب کودکان، در دو جلد.

3- وقفه های تنفسی شیرخواران، رساله دکتری.

قریب در اثر بیماری سرطان در روز سه شنبه اول/بهمن/1353/ ش مطابق با 8/ محرم/1395/ ق در سن 66 سالگی در تهران درگذشت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان شیخان- کنار مزار پدر خود که متوفای 1372 ق است - به خاک سپرده شد.

دکتر قریب داماد استاد گرانقدر و زبان شناس و محقق نامی عبد العظیم قریب گرکانی بود.

-منابع

1- راهنمای دانشکده پزشکی 47/2.

2- راهنمای مجله های ایران 381.

3- فهرست کتابهای چاپی فارسی طبی 167/1.

4- فهرست مجله های موجود در کتابخانه ملی ایران 230.

5- مؤلفین کتب چاپی 675/5.

6- نامداران اراک 196.

**میرزا محمد قلی زاده اردبیلی**

(-ح 1390 ق)

از مشایخ و فضیای معروف اردبیل بود. وی در شهر اردبیل به دنیا آمد. از او ان



جوانی به تحصیل علوم دینی پرداخت. پس از فراگیری مقدمات، دروس سطح را نزد: آیت الله میرزا علی اکبر مجتهد اردبیلی و میرزا محمد توسلی اردبیلی گذراند.

آنگاه رهسپار حوزه علمیه قم شد و در دروس خارج حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی شرکت جست. سپس به زادگاهش مراجعت فرمود و سالها در «مسجد محمدیه» به اقامه جماعت و هدایت عامه اشتغال داشت.

قلی زاده در حدود سال 1390 ق در اردبیل رحلت نمود. پیکرش به قم حمل و در قبرستان ابو حسین دفن نمودند.

-منبع

1-به نقل از حجه الاسلام شیخ هاییل دودرانی (مقیم آستارا).

**میرزا محمد قمی «ارباب»**

**اشاره**

(ح 1276-1341 ق)

میرزا محمد فرزند محمد تقی بیگ، معروف به «ارباب»، از فقها و اساتید و دانشمندان معروف حوزه علمیه قم بود.

او در حدود سال 1276 ق در شهر مقدس قم متولد شد.

میرزا محمد دوران کودکی را در زادگاهش به سر آورد و در همان جا به تحصیلات ابتدائی پرداخت و سپس مشغول تحصیل علوم دینی شد، دروس سطح را از مدرسان آن روز قم فراگرفت

ص: 1796

و برای ادامه تحصیل و درس خارج به عتبات عالیات رفت، و در سامرا از محضر آیات: میرزا محمد حسن شیرازی (میرزای بزرگ) و در نجف اشرف از محضر میرزا حبیب الله رشتی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و میرزا حسین نوری استفاده کرد، و بعد از آنکه به مدارج عالیة علمی نایل آمد و اجتهاد و فقاہت وی مورد تصدیق اساتید قرار گرفت، به شهر قم برگشت و به تدریس و تحقیق و تألیف و انجام امور شرعی پرداخت، حوزه درسی او مرجع استفاده اکابر و مورد تبحیل و تجلیل علمای وقت خود شد.

### از جمله شاگردان آن مرحوم حضرات آیات:

1- میرزا محمد فیض قمی، 2- حاج شیخ عباس قمی، 3- میرزا محمد قمی «کبیر»، 4- شیخ محمد حسن نویسی قمی، 5- میرزا علی محمد باغ پنبه ای قمی، 6- شیخ ابو الحسن فقیهی قمی، 7- شیخ احمد فقیهی قمی، 8- شیخ محمد صادق فقیهی، 9- سید محمد صادق طاهری، 10- میرزا محمد تقی اشراقی (فرزند ایشان) 11- میرزا محمد باقر معروف به «ربانی»، (فرزند دیگر ایشان)، 12- سید محمد فرزند نور الدین قمی (صدر العلماء)، 13- سید فضل الله خوانساری، 14- میرزا حسن رازینی همدانی، 14- سید علی اکبر برقی قمی (متوفای 1407 ق)، 15- سید علی برقی قمی (متوفای 1394 ق).

### تألیفات و آثار علمی ایشان

1- الاربعون الحسینیة، این کتاب در سال 1328 ق تألیف و در سال 1330 ق در تهران در 444 صفحه رقی چاپ شده است.

داستان تألیف این کتاب ارزنده به این صورت نقل شده است: از میرزا حسین نوری «صاحب مستدرک الوسائل» می خواهند که بحار الانوار را برای چاپ، مقابله و تصحیح کند.

ص: 1797

ایشان می گویند: به سراغ میرزا محمد قمی بروید، و چون به ایشان مراجعه می کنید می پذیرد، ولی در اثر انجام این کار بسیار سنگین و طولانی و پرزحمت، بینایی چشم خود را از دست می دهد، در این تاریخ نذر می کند که اگر خداوند او را شفا داده و بینائی چشمش برگردد کتاب «اربعین» را بنویسد که خداوند او را شفا داد، و ایشان هم این کتاب گرانقدر را تألیف می کنند.

این کتاب شرح چهل حدیث است و در آغاز حدیث اول، سلسله سند خود را از حاجی نوری که شیخ اجازه او بود تا امام معصوم یاد می کند.

2- شرح کتاب بیان، اثر شهید اول، که یکی از کتابهای فقهی معروف است.

3- شرح قصیده عینیة سید اسماعیل حمیری.

4- رساله ای در ردّ فرقه ضالّه بایته.

5- حواشی بر کتاب جواهر الکلام (اثر شیخ محمد حسن نجفی).

6- دیوان اشعار در مرثیه امام حسین علیه السلام.

7- تشیید البیان لفتاوی البیان.

8- تصحیح و مقابله بحار الانوار، چاپ کمپانی. البته چند نفر از علمای بزرگ در تصحیح دوره بحار همکاری داشته اند، که یکی از آنها میرزا محمد قمی است. در پایان جلد سیزدهم بحار می خوانیم:

قد جاء هذا السفر الشريف منطبعا مطبوعا و مصححا مقبولا، حسبما أمره عمده الاعيان و الاعاظم الحاج محمد حسن الاصفهاني «امین الضرب» بعد ما بذل سيدنا الجليل و العالم النبيل الميرزا محمد خليل الموسوي برهه من دهره في اصلاح هذا الامر و تيسير اسبابه و صرف الهم في التصحيح، و هذا الجزء كأغلب اجزاء الكتاب تصحيح العبد الأثم المستمسك بعري رواه الاخبار، الميرزا محمد القمي.

9- تصحیح کتاب الغیبه، اثر نعمانی، که در سال 1318 ق چاپ شده است. در پایان نسخه چاپی آمده است: قد بلغ قبالا و تصحیحا علی نسخ معتمده... و حرره بیمناه الوازره محمد القمی 1317 ق.

ص: 1798

10- تصحیح کتاب اثبات الوصیه، اثر مسعودی، که در سال 1320 ق چاپ شده است.

11- تصحیح کنز العرفان، اثر فاضل مقداد.

12- حاشیه علی منهج النجاه، اثر فیض کاشانی، که به خط قمی و با حواشی از ایشان، و در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی موجود است.

### در راه تأسیس حوزه قم

یکی از آثار و باقیات صالحات این مرد بزرگ کمک قابل توجه ایشان به تأسیس حوزه علمیه قم است. در کتاب «آثار الحجّه» آمده است: از کسانی که در تأسیس حوزه، سهم بسزائی دارند حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج میرزا محمد ارباب است که بسیار ساعی و مصرّ بودند در توقف آیت الله حائری در قم. بنابراین باید گفت: آن مرحوم از کسانی است که در ثواب این بنیان علمی و دینی تا قیامت سهیم و شریک می باشد.

### ستایش علما از آن مرحوم

محدث قمی که از شاگردان او بوده است، در کتاب «فوائد الرضویه» از استاد خود چنین یاد می کند:

«شیخنا العالم الفاضل، الفقیه المحدث، الحکیم المتکلم، الشاعر المنشی، الادیب الاریب، حسن المحاضر، جید التقرير و التحریر، جامع المعقول و المنقول ادام الله بقاءه... و كان حفظه الله تعالى كمحمد بن احمد بن عبد الله البصرى الملقب بالمفجع المعروف بكثره بکائه و تفجعه علی اهل البيت (عليهم السلام)».

مؤلف «ریحانه الأدب» نیز در حق ایشان چنین نوشته است:

«حاج میرزا محمد- مجتهد قمی- معروف به «ارباب»، از اکابر علمای امامیه قرن حاضر، چهاردهم هجرت می باشد که در اوائل جوانی از قم به عتبات رفت، در

ص: 1799

حوزه درسی میرزای شیرازی، حاج میرزا محمد حسن و حاج میرزا حبیب الله رشتی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، حاضر و مراتب علوم دینی را تکمیل نمود. تا آنکه اجتهاد و فقهت وی مسلم و مورد تصدیق اساتید و حوزه درسی او مرجع استفادة اکابر و مورد تبجیل تمامی علمای وقت خود شد، و تمامی اوقات او در تدریس و حکومت شرعی و ترویج دین مصروف بود. در اعمال و وظائف نهی از منکر، قلبی قوی داشته و اهتمام تمام به کار می برد...».

و صاحب کتاب «تحفه الفاطمین» درباره ایشان می نگارد:

میرزا محمد ارباب صاحب کتاب «اربعین الحسینیه» از آیات الهیه و از براهین قاطعه طریقه حقه جعفریه در فقهت و اجتهاد مقامی بسیار بلند و رتبه ای بس ارجمند داشت، به مقام بزرگواری و بسط ید و انفاذ حکم و قبول عامه که داشت، کمتر کسی رسیده است. در حفظ و حمایت شریعت مصطفوی دقیقه ای فرونگذاشت، و در این باب اقدام و اهتمام او را دیگری نداشت... در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی داشت و در حفظ حدود شرعی دقیقه ای فرونگذاشت و...».

آیت الله سید محسن اراکی برای زیارت به قم می آیند و در قم از ارباب دیدن می کنند، یکی از حضار مجلس از اراکی می پرسد اینکه: معروف است در قم جای پای جبرئیل است، یعنی چه؟

ایشان رو به ارباب کرده و می گوید: یعنی ایشان.

## فرزندان آن مرحوم

از آن مرحوم فرزندان به جای ماند که هرکدام به سهم خود خدماتی به اسلام و مسلمین انجام داده اند، که در زیر اسامی آنان یاد می شود:

1- میرزا محمد باقر ربّانی.

2- میرزا محمد تقی اشراقی، که مادر ایشان دختر آیت الله شیخ حسین قمی (حرم پناهی) است.

ص: 1800



3- میرزا محسن اشراقی، که از وعاظ و فرهنگیان قم بود. او در اردیبهشت 1329/ ش در سن 62 سالگی درگذشت و در قبرستان شیخان مدفون شد.

4- شیخ محمد اشراقی، که از اهل علم و به خدمات فرهنگی اشتغال داشت.

5- آقا صالح اشراقی.

6- شیخ سعید اشراقی (متولد 1297 ش).

شیخ سعید اشراقی قمی

### نمونه اشعار ایشان

آیت الله ارباب طبعی سرشار و ذوقی سلیم داشت، و به عربی و فارسی اشعار زیبایی می سرود که زیبایی لفظ و معنای اشعار او آن قدر زیاد و جالب و جاذب بود که برخی از سروده های او نقل مجلس وعاظ و اهل منبر شده است.

از جمله اشعار معروف او در توسل به حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه) قصیده زیر است:

ز پیری شکوه ها دارم فراوان گوارا عیش بادا بر جوانان

چنان افسرده دل پژمرده حالم که مرغی در قفس افتاده نالان

مرا تیر حوادث کرد بی تاب چه صیادی غزال اندر بیابان

نبویم گل نجویم طاق سنبل نه در سر شوق باغ و مرغزاران

صفای باغ راغ آب جاری بنفشه زار طرف جو بیاران

نسیم صبح صوت عندلیبان دهان غنچه لعل گلعداران

ص: 1801

سواد زلف خط خال مشکین می تلخ لب شیرین زبانان  
شراب شمع نقل عیش مستی خوش است اما برای شادکامان  
دلی کو سوزد از داغ جدائی کجا سودی برد از لاله زاران  
همی خواهیم که اندر کنج عزلت بگریم همچو ابر اندر بهاران  
چه خوش باشد که بعد از انتظاری به امیدی رسند امیدواران  
جمال الله شود از غیب طالع پدیدار آید اندر بزم یاران  
دمد از قرن قدرت نفخه صور ببارد ابر رحمت آب باران  
اگر اسکندر دوران بیاید چشند آب حیاتی تشنه کامان  
به آواز (انا الحق) مرغ توحید کند پرواز اندر شاخساران  
همی گوید منم آدم منم نوح خلیل داوود قربان جانان  
منم موسی منم عیسی بن مریم منم پیغمبر آخر زمانان  
جهان شده تیره چون شبهای تاریک خدایا در رسان خورشید تابان  
تو ای جام جهان رخساره بنما که خستند از تعب آئینه داران  
جهان ویران ز جور جوفروشان ز سالوسی این گندم نمایان  
تو مرآه نکوئی خدائی خدا را سوی من رو کن شتابان  
بین ما را اسیر بند کفار گرفتار شکنج روزگاران  
تو موسی وار شمشیر خدائی بکش وانگه بکش فرعون و هامان  
تو ای عدل خدا کن دادخواهی ز جا خیز ای پناه بی پناهان  
برون کن زاستین دست خدا را بکن خونخواهی از خون نیاکان  
قدم در کربلا بگذار و بستان سر پرخون ز دست نیزه داران  
تو ای دست خدا از شصت قدرت بکش تیر از گلولی شیرخواران

خبر داری که از سم ستوران دگر جسمی نماند از شه سواران

شنیدستی چسان دست خدا را جدا کردند از تن ساریانان

ص: 1802

ارباب پس از عمری خدمت به اسلام و مسلمین در سال 1341 ق دار فانی را وداع گفت و به سرای باقی شتافت. هنگام مرگ بیش از پنج روز در بستر کسالت نخواستید، و روزهای آخر عمرش یکی از متدینین و محترمین به منزل ایشان می آید و می گوید: شب گذشته در خواب دیدم که نامه شما ممهور به دوازده مهر شد، ایشان با شنیدن این خبر خوشحال شده و بعد از مدتی کوتاه به دیدار یار می رود.

در فوت ایشان آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی بسیار متأثر شده، و در تسلیت فرزندان آن مرحوم فرمودند: نه تنها شما یتیم شدید، بلکه برادری هم از دست من رفته است.

آن مرحوم در وسط قبرستان معروف (شیخان) قم مدفون گردید، و مرقدش مورد توجه اهل علم و معرفت قرار گرفت.

-منابع

1- آثار الحجه 220/1.

2- اربعین الحسینیه، چاپ سنگی.

3- الذریعه 425/1.

4- بحار الانوار، جلد 51، ص 382.

5- بشاره المؤمنین در تاریخ قم و قمیین 216.

6- تاریخ تکایا و عزاداری قم.

7- تاریخ قم 279.

8- تحفه الفاطمیین (خطی).

9- تراجم الرجال 550/2.

10- رجال قم 141.

11- ریحانه الأدب 489/4.

12- علمای معاصرین 130.

13- فوائد الرضویه 602/2.

14- گنجینه دانشمندان 150/1.

15- مجله نور علم، دوره دوم، شماره چهارم، ص 82.

16- مؤلفین کتب چاپی 778/5.

17- نقباء البشر (قسمت خطی).

18- هدیة الرازی الی المجدد الشیرازی 142.

### شیخ محمد قمی «حاج آخوند»

(-1378 ق)

شیخ محمد فرزند آیت الله حاج شیخ غلامرضا قمی معروف به «حاج آخوند»، از فضلا بود.

وی از شاگردان حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی بود.

شیخ محمد، در سال 1378 ق درگذشت و در قم مدفون شد.

-منابع

1- آثار الحجه 108/2.

2- آینه دانشوران 339.

3- رجال قم 105.

4- گنجینه دانشمندان 122/2.

5- مقدمه قلاند الفرائد ص 10، به قلم استاد جعفر سبحانی.

### شیخ محمد قوانینی بروجردی

اشاره

(1318-1360 ق)

حاج شیخ محمد فرزند آیت الله شیخ زین الدین ونوه ملا- مهدی بروجردی، ملقب به «قوانینی»، و داماد آیت الله ملا- عبد الله

بروجردی (1256-1329 ق)

ص: 1804

-تقباء البشر 1201/3- و از فضیلتی قم بود.

وی در سال 1318 ق در بروجرد دیده به جهان گشود.

پدرش از علمای معروف بروجرد بود. جهت تفصیل به تقباء البشر 794/2 و تاریخ بروجرد 399/2 رجوع شود.

شیخ محمد پس از سپری کردن مقدمات، سطوح را نزد حضرات آیات: شیخ محمد حسین غروی بروجردی و سید حسین طباطبائی بروجردی به پایان برد.

آن گاه به نجف اشرف رهسپار شد و دروس عالی را از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی و شیخ ضیاء الدین عراقی بهره مند شد. سپس به ایران مراجعت نمود و در قم سکونت اختیار کرد و در درس آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی شرکت جست.

مرحوم قوانینی علاوه بر تسلط در فقه و اصول، در علوم مختلفی از قبیل:

هیئت، ریاضیات و طب قدیم معلومات کافی و وافی داشت. او در ایام تعطیل به ویژه در تابستانها به سوی بروجرد می رفت و مشغول ترویج احکام و هدایت می شد.

نامبرده در اواخر صفر 1360 ق مطابق با نوروز 1320/ش در سن 42 سالگی در قم زندگی را بدرود گفت. پیکرش در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- آقا محمد تقی 2- دکتر محمد رضا قوانینی، ساکن شیراز. و سه دختر از او به جای ماندند.

-منابع

1- آینه دانشوران 308 (نام پدرش را اشتباهاً محمد نوشته است).

2- افادات حجه الاسلام شیخ محمد رضا قوانینی، ساکن بروجرد (برادرزاده صاحب شرح حال).

3- رجال قم 155.

ص: 1805

اشاره

(ح- 1330 ق)

سید محمد فرزند آیت الله سید حسین و نوه میر محمد علی حسینی کاشانی، ملقب به «غروی». وی برادر بزرگتر آیت الله سید مصطفی کاشانی (پدر آیت الله سید ابو القاسم کاشانی) می باشد.

پدرش سید حسین از شاگردان آیات: شیخ محمد ابراهیم کلباسی «صاحب الاشارات فی الاصول» و شیخ محمد حسین اصفهانی «صاحب الفصول فی الاصول» در اصفهان و سید ابراهیم قزوینی «صاحب ضوابط الاصول» بود. در اواخر عمر به تهران رفت و به امر افتا و قضاوت پرداخت. در سال 1296 ق در تهران درگذشت و در وادی السلام نجف اشرف دفن گردید. به الکرام البرره 412/1 و لباب الألباب فی ألقاب الأطیاب، ص 75 رجوع شود.

سید محمد در کاشان زاده شد. پس از تحصیل مقدمات و سطوح، رهسپار نجف اشرف گردید و از محضر آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ محمد طه نجف تبریزی استفاده نمود و موفق به دریافت اجازات از آنان شد.

علامه حاج آقا بزرگ تهرانی وی را: عالمی جلیل و مروج احکام دین، معرفی نموده است. ایشان پس از فراغت از تحصیل، به کاشان بازگشت و به هدایت و ارشاد و نیز اقامه جماعت در مسجد «درب یلان» پرداخت.

از آثار او

1- سیل المؤمنین لتحصيل الزاد لیوم الدین (رساله عملیه)، چاپ شده. در آخر آن صورت دو اجازه از دو استاد خود آمده که جهت اطلاع و تکمیل فایده متن آنها را نقل می نمایم:

ص: 1806



صورت شهاده حجه الاسلام و المسلمين و آيت الله في العالمين الشيخ محمد كاظم الخراساني قدس سره.

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي رفع درجات العلماء، وجعلهم ورثة الانبياء و خلفاء الاوصياء و فضل مدادهم على دماء الشهداء، و الصلاة و السلام على افضل السفراء، محمد و آله الساده النجباء و لعنه الله على اعدائهم الى يوم الجزاء.

و بعد، فمن اليين الواضح و الجلي اللاتح، ان شرف العلم لا ينكر و فضله لا يكاد يستر، إذ به يعرف الله و يوحد و يطاع و يعبد و هو المونس في الوحشه و المحدث في الخلوه و المصاحب في الغربه و الوحده و الدليل في السراء و الضراء و السلاح على الاعداء. و به ايد الله تعالى دينه القويم و شرعه المستقيم و فرض تحصيله كفايه على العباد و لوبالنفرة عن الموطن الى غيره من البلاد و ندبهم الى ذلك و حث و رغبتهم و بعث، اذ جعل النظر الى أهله عباد و المجالسه معهم سعاد و مدادهم أفضل من دم الشهاده، فبادر الى ذلك في كل زمان من الأزمان الماضيه و القرون الخاليه جماعه من الازكياء الاتقياء الاصفياء، فصرفوا أعمارهم و أتعبوا ابدانهم و أسهروا أجفانهم و بذلوا جدهم و جهدهم في هذا الخطب، بحيث تجاوزوا عن الفرض الى الندب، و لله درهم كم عرفوا من قدر العلم ما عرفوا، و كم صرفوا من أعمارهم في تحصيله ما صرفوا، و كم عزلهم النوم و وصلت ليلتهم اليوم.

و ممن من الله عليه بتوفيقه لاقتفاء آثارهم و اتباع رائق افكارهم، عماد العلماء و سناد الفضلاء محقق شرايع الاسلام علامه قواعد الاحكام، الفقيه الكافي للتهذيب و الاستبصار و النبيه الوافي للتذكرة لدى أولى الابصار جامع المقاصد و ممهد القواعد، العالم العامل و الفاضل الكامل فخر الاماثل و قره عين الافاضل الاوائل، الحاج الممجد الآغا السيد محمد الكاشاني الغروي و فقه الله تعالى لما يحبه و يرضيه، و جعل مستقبل أمره خيرا من ماضيه.

فقد صرف أكثر عمره الشريف في تحصيل القواعد الفرعيه و اتقان المسائل

الاصوليه، وقرأ على الاساطين و تلقى منهم المطالب بالبراهين، الى ان صار بين الاعلام من الاعيان، بحيث يشار اليه بالبنان، و حصلت له الملكة القدسيه، والقوه القدوسيه، وترقى بها عن حضيض التقليد الى اوج الاجتهاد، الذى هو غايه المراد للفضلاء المحصلين و سائر المشتغلين، فلجنابه رفع الخصومه بين الانام و العمل بما يستنبطه من الاحكام و غيرها مما هو وظيفه الحكام.

و المرجو من اخلاقه الكريمه مراعاة الاحتياط، فانه سبيل النجاه و معه ليس بناكب عن الصراط، و أن لا ينساني من دعاء الخير فى مظان استجابته الدعوات، خصوصا عقيب الصلوات.

حرّره الآثم الجانى محمّد كاظم الهروى الخراسانى الغروى فى أوائل العشر الثانى من جمادى الثانى من شهر سنه 1315 بيمناه الداثره، اوتى كتابه بها فى الآخره.

محمّد كاظم

صوره شهاده حجه الاسلام و المسلمين و آيت الله فى العالمين المرحوم الشيخ محمّد طه نور الله مضجعه

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذى من علينا بسيد رسله، محمّد صلى الله عليه و آله افضل السفراء، بحججه المعصومين من عترته اشرف الاوصياء و الصلاه و السلام عليهم صلاه تبت بها يد اشانهم و تتحف بها حضره قائمهم «عجل الله تعالى فرجه»، شكرا لما لطف بنا و عطف علينا من الدعاء لنا و الرحمه علينا، فمن رحمته ان نصب فى اوان غيبته من يرجع اليه فى الاحكام و يؤخذ منه مسائل الحلال و الحرام، ممن كان من الفقهاء صائنا لنفسه، حافظا لدينه، مخالفا على هواه، مطيعا لامر مولاه.

و ممن نال بحمد الله تعالى هذه المرتبه العليه و حظى بهذه الخصله البهيّه و حاز تلك الفضيله المرضيّه، هو جناب الورع البارع العابد و التقى النقى الزاهد الراكع الساجد، سيدنا المعظم الممجد الآغا الحاج سيد محمّد الكاشانى اصلا و الغروى موطننا، فإنه بذل عمره الشريف فى طلب العلى حتى صار علم الهدى، فجاز للناس تقليده و وجب

ص: 1808

على المسلمين اتباع أحكامه و تأييده، فالراد عليه مأثوم مأزور، و العامل لفتاواه و الآخذ منه المسائل مبرور مأجور. متّع الله المسلمين بطول بقائه، و جعل مستقبل أمره خيرا مما مضى من زمانه، و المأمول من احسانه ان لا ينساني من دعاء الخير عقيب صلواته.

الراجى عفوريّه محمّد طه نجف

3 رجب سنه 1319

### درگذشت و اعقاب

متأسفانه فوت دقیق ایشان بدست نیامد ولی در حدود سالهای 1330 ق به بعد در کاشان رخ داد. پیکرش به قم حمل و در وسط قبرستان شیخان-کنار مزار زکریا بن آدم-به خاک سپرده شد.

### فرزندان:

1-سید فرج الله 2-سید نصر الله 3-سید شکر الله 4-سید احمد مصطفوی، از علما و معاریف کاشان بود. وی در حدود سال 1298 ق تولد یافت. مقدمات را نزد پدرش آموخت. سپس نزد آیات: سید مصطفی کاشانی (عمو و پدرزن خود)، میرزا محمّد حسین نائینی و شیخ ضیاء الدین عراقی در نجف اشرف به تحصیل فقه و اصول پرداخت. آنگاه به کاشان رفت و از محضر آیات: میرزا حبیب الله کاشانی و سید محمّد علوی بروجردی (در ریاضیات و هیئت و عرفان) بهره مند شد. وی در مسجد «درب یلان» به اقامه جماعت و هدایت اشتغال داشت.

از آثار او: 1-تعلیقات متفرقه علی کتاب جواهر الکلام، 2-مصائب سید الشهداء علیه السلام (مفقود).

سید احمد در روز چهارشنبه 10 صفر 1359/ ق مطابق با 29 اسفند 1318 ش در پی بیماری در کاشان درگذشت. پیکرش در قبرستان «دشت افروز»، کنار مزار استاد خود میرزا حبیب الله کاشانی به خاک سپرده شد.

از او دو فرزند ذکور باقی ماند: 1-مرحوم سید علی مصطفوی 2-آقای سید

ص: 1809

محمد باقر مصطفوی، از علمای معاصر کاشان.

-منابع

1-اطلاعاتی از نواده اش علامه سید محمد باقر مصطفوی.

2-عزاداری سنتی شیعیان 772/1.

3-نقباء البشر(قسمت خطی).

**سید محمد کاظم تبریزی «اهری»**

**اشاره**

(1306-1382 ق)

حاج سید محمد کاظم طباطبائی تبریزی، معروف به «اهری» و «کوه کمری»، از علما و معاریف آذربایجان شرقی بود.

تولدش در سال 1306 ق در تبریز (محل سید لر) اتفاق افتاد.

ایشان پس از کسب مقدمات و سطوح، در سن جوانی رهسپار نجف اشرف شد و از محضر آیتین علمین: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بهره مند گردد، آنگاه به تبریز بازگشت و سالهای متمادی در شهرستان اهر و حومه به ترویج و هدایت اشتغال داشت. سرانجام به حوزه علمیه قم رفت و مشغول تدریس و تربیت طلاب گردید.

**از آثار او:**

1-کفایه الفقه المتعلق بالعروه الوثقی، دو جلد، 2-رساله عملیه.

ایشان در روز سه شنبه 23 محرم 1382/ ق برابر با 5 تیر 1341/ ش در سن 76 سالگی در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در قبرستان ابو حسین-مقبره العلماء- مدفون گردید.

-منابع

1-اطلاعاتی از حجه الاسلام شیخ عیسی اهری.

2-مؤلفین کتب چاپی 42/5.

ص: 1810

(1348-1415 ق)

سید محمد کاظم قزوینی فرزند سید محمد ابراهیم که از علمای کربلا و جدش فقیه گرانقدر سید هاشم موسوی (از شاگردان صاحب جواهر) بود.

فقید سعید در 12 سوال / 1348 ق در بیت علم و فضیلت و تقوا، در کربلا دیده به جهان گشود.

وی در سن ده سالگی مادر و در سن دوازده سالگی پدر را از دست داد، و گرد یتیمی بر سرش نشست. اما با همه سختیها و دشواریها با همتی عالی به تحصیل علوم دینی روی آورد و پس از فراگیری مقدمات، سطوح را نزد آیات: میرزا هادی بجستانی خراسانی، شیخ یوسف حائری خراسانی تلمذ کرد، و در درس خارج آیات: سید مهدی شیرازی، سید محمد هادی میلانی، سید محمد حسن قزوینی (آقا میر)، شیخ یوسف خراسانی، شیخ محمد خطیب حائری، و شیخ جعفر رشتی شرکت جست، و هم زمان با آن به تدریس و آموزش فن خطابه در (مدرسه ابن فهد حلّی) پرداخت.

پس از اتمام تحصیلات خویش به تالیف و ترویج علوم اهل بیت علیهم السلام (از راه وعظ و خطابه) روی آورد، و از این رهگذر بسیاری را به راه راست هدایت نمود. نیز ایشان با تأسیس مؤسسه «رابطه النشر الإسلامی» در سال 1380 ق در کربلا، به ارتباط با جهان اسلام و مکاتبه با شخصیت‌های اسلامی و ارسال رایگان کتابهای

ص: 1811

شیعی به کشورهای چوَن: مراکش، لیبی، الجزایر، تونس، یمن، و اندونزی پرداخت، و با سفر به نقاط مختلف مانند: مراکش، مصر، استرالیا، تایلند، هندوستان، پاکستان و سوریه بذر اسلام و تشیع را در قلوب مردمان بسیاری پاشید، و گروهی انبوه را به سوی مذهب اهل بیت علیهم السّلام کشانید.

وی، موفق شد سنت خبیثه و اموی جشن روز عاشورا- در مراکش- را براندازد و پنج کتابخانه شیعی در آن دیار تأسیس نماید. همچنین در استرالیا (شهر سیدنی) به بنیان نهادن مسجد فاطمه الزهراء علیها السّلام و قبرستان و غسلخانه ویژه شیعیان دست یازید.

در سال 1394 ق به کویت هجرت گزید و در آنجا به اقامه جماعت و ارشاد و تألیف و تفسیر قرآن پرداخت و در سال 1400 ق به قم آمد و به وظایف روحانی خویش به ویژه تألیف پرداخت. و مؤسسه امام صادق علیه السّلام را در سال 1409 ق تأسیس نمود که هدف آن تألیف موسوعه الامام الصادق علیه السّلام است.

منبرش از شیرینی خاصی برخوردار و مشحون از آیات و روایات بود. بسیار مسلط بر تفسیر، تاریخ و حدیث و دوستدار اهل علم و فانی در ولای اهل بیت عصمت علیهم السّلام بود.

### **تألیفات آن مرد بزرگ که همه به چاپ رسیده اند عبارتند از:**

- 1- علی علیه السّلام من المهد الی اللحد.
- 2- الامام الحسین علیه السّلام من المهد الی اللحد.
- 3- فاطمه الزهراء علیها السّلام من المهد الی اللحد.
- 4- زینب الکبری علیها السّلام من المهد الی اللحد.
- 5- الامام المهدي (عج) من المهد الی الظهور.
- 6- الامام الجواد علیه السّلام من المهد الی اللحد.
- 7- الامام الهادی علیه السّلام من المهد الی اللحد.
- 8- الامام العسکری علیه السّلام من المهد الی اللحد.

9- فاجعه الطف او مقتل الحسين عليه السلام.

10- شرح نهج البلاغه (در 3 جلد).

11- الاسلام و التعاليم التربويه.

12- الاسلام الصحيح يتجلى في مذهب اهل البيت عليهم السلام.

13- الفقه الواضح- شرح توضیحی بر شرایع الاسلام-

14- سيره الرسول الاعظم صلى الله عليه و آله و سلم.

15- موسوعه الامام الصادق عليه السلام كه بیش از 50 مجلد می شود- زیر نظر ایشان بود- (این کتاب دربرگیرنده زندگانی، رجال و یاران، احکام و احادیث امام صادق علیه السلام است)، 20 مجلد آن تاکنون منتشر شده، بقیه مجلدات در دست چاپ و انتشار است.

سرانجام فقید سعید پس از پشت سر نهادن دو سال بیماری سرطان حنجره، در ظهر روز پنجشنبه 26 آبان 1373/ ش مطابق با 13 جمادی ثانی 1415/ ق به سن 67 سالگی در بیمارستان آیت الله گلپایگانی قم بدرود حیات گفت، و پس از تشییعی باشکوه عصر روز جمعه از مسجد امام حسین علیه السلام به طرف حرم تا حسینیه کربلائیها واقع در (گذر خان) و در زیر زمین حسینیه به خاک سپرده شد.

- منبع

1- زندگینامه فقید به قلم استاد گرامی، شیخ ناصر الدین انصاری.

**ملا محمد کاظم کیکله ای ملایری**

**اشاره**

(ح- 1326 ق)

حاج ملا محمد کاظم فرزند میرزا علی نقی کیکله ای ملایری، از فضلا و روحانیون معروف منطقه ملایر بود.

ایشان در روستای «کیکله» واقع در 18 کیلومتری شهر ملایر- سکونت و در آن روستا و منطقه هم جوار آن به اشتغالات روحانی و مذهبی اهتمام داشت. بیشتر

ص: 1813

از این معلومات، از نواده محترم ایشان دستگیر مان نشد.

نامبرده در حدود سال 1326 ق در همان روستا درگذشت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- حاج قاسم، وی پدر آیت الله شیخ اسماعیل معزی ملایری که فعلا در قم سکونت دارند. تولدش در سال 1342 ق (برابر با 1302 ش) در روستای «کیکله» اتفاق افتاد. شیخ اسماعیل پس از رشد و نما به شهر ملایر رفت و سه سال در حوزه علمیه آنجا به تحصیل مقدمات اشتغال داشت. کتاب «جامع احادیث الشیعه» از زحمات اوست.

2- حاج بالاخان 3- حاج علی عرب.

- منبع

1- اظهارات نوه صاحب شرح حال جناب حاج آقای معزی، به تاریخ صفر 1421/ ق در قم.

**سید محمد کاظم مرتضوی اصفهانی**

**اشاره**

(1288-1366 ق)

حاج سید محمد کاظم فرزند علامه سید حسین موسوی اصفهانی (مرتضوی)، از علما و مفسران قرآن مجید بود.

در سال 1288 ق در روستای (اسفید واجان) بلوک «کرون» اصفهان دیده به جهان گشود.

**در حوزه علمیه اصفهان**

وی در سن چهارده سالگی به اصفهان رفت و در «مدرسه جدّه کوچک» سکونت نموده، و به تحصیل مقدمات و ادبیات نزد سید محمود دهکردی

ص: 1814



پرداخت. آن گاه سطوح را نزد اساتیدی چون: میر محمد تقی مدرس فرزند سید حسن مدرس و ملا عبد الکریم گزی به انجام رسانید. و دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد تقی مدرس و سید محمد باقر درچه ای، و فلسفه را خدمت حکمائی چون: میرزا جهانگیر خان قشقائی و ملا محمد کاشی استفاده نمود.

شیخ محمد رازی می نویسد:

« معظم له پس از طی مراحل تحصیلی و نیل به مدارج عالیۀ علمی به تدریس و تعلیم پرداختند، و در اصفهان صدها نفر از طلاب علوم دینی که بعضی از آنها هم اکنون از شخصیت های علمی محسوب می شوند، در مدرسه جده کوچک، مسجد دارالشفاء، مسجد سرخی، مدرسه چهار باغ و مراکز دیگر از محضر درس ایشان استفاده می کردند، و پس از هجرت به تهران در سالهای اخیر در مسجد مرحوم حاج سید عزیز الله واقع در بازار نیز تدریس می کردند.

### تحقیق در معارف الهی

علاوه بر تدریس نسبت به بیان معارف اسلام و حقائق دین و تفسیر قرآن مبین و امر به معروف و نهی از منکر اهتمام زیادی داشتند، و در این راه مجاهدتها نموده و رنجهای فراوان متحمل شدند، و در زمان سابق روزهایی در گوشۀ زندان و پس از آن ماهها به اجبار در زاویۀ خانه بسر می بردند، و پس از آن سنوات اخیر تنها به تفسیر قرآن در محافل و مجالس صالحه می پرداختند، و عده ای از خواص، از

ص: 1815

لطائف و دقائق تفسیری وی استفاده می نمودند. که هنوز برخی از آنان در قید حیاتند، و به عقیده کثیری از دانشمندان در عصر خود نسبت به تفسیر آیات و تحقیق در معانی آنها کم نظیر بوده است.

متأسفانه از آن مرحوم تألیفات مرتب و منظم در دست نیست، لکن نسبت به کثیری از آیات قرآن و پاره ای از روایات مشکله تحقیقاتی نموده، و به طور ایجاز و اشاره بر اوراق عدیده مطالبی قابل استفاده یادداشت فرموده است...

## ذوالفنون

ضمناً یادآور می شود، مرحوم معظم له غیر از ادبیات و فقه و اصول و حکمت و فلسفه و تحقیقات در آیات و روایات مشکل، کثیری از علوم غریبه و صنعت شیمی و طب قدیم و خواص ادویه مفرده و مرکبه و کیفیت ترکیب آنها نیز، اطلاعاتی وسیع داشتند. به طوری که گاهی بعضی امراض صعب العلاج را با داروهای یونانی درمان می نمودند، چنانکه معالجات ایشان زبان زد عده ای از اهالی تهران و اصفهان می باشد.

## اعقاب

اولاد معظم له شش نفرند، پنج پسر و یک دختر که دو تن از فرزندان ذکور ایشان در لباس روحانیت، و در تهران به انجام وظایف علمی و روحانی اشتغال دارند: 1- حجه الاسلام آقای حاج سید ابو الحسن مرتضوی 2- حجه الاسلام آقای حاج سید کمال مرتضوی.

## درگذشت

وی در روز پنجشنبه 16 ذی قعدة 1366/ ق مطابق با 9 مهر 1326/ ش به سن 78 سالگی در تهران به لقاء الله پیوست، و جسدش به قم حمل و در یکی از اطاقهای مقبره بیات (مقابل پل آهنچی) مدفون گردید. و از طرف آیت الله بروجردی

در مدرسه فیضیه مجلس ترحیم باشکوهی منعقد ساختند.

-منبع

1- گنجینه دانشمندان 401/2.

**شیخ محمد کاظم معزی دزفولی**

**اشاره**

(1334-1389 ق)

حاج شیخ محمد کاظم فرزند علامه شیخ محمد و نوه آیت الله شیخ محمد رضا معزی دزفولی، از دانشمندان و فضیلاي معاصر بود.

در 1334 ق مطابق با 25 اردیبهشت 1295/ ش در دزفول دیده به جهان گشود.

**تحصیلات دینی و دانشگاهی**

وی در یک خانواده علمی و معروف پرورش یافت و تحت عنایت خاص جدّ خود قرار گرفت، و پس از طی مقدمات قسمتی از سطح را نزد آیت الله سید اسد الله نبوی دزفولی تلمذ کرد، و جهت ادامه تحصیل به قم رهسپار شد و در دروس خارج آیات حاضر گردید.

آن گاه به تهران رفت و از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد، و خود در همان دانشگاه به استادی رسید. در ضمن به تدریس فقه و اصول در «مدرسه علمیه برهان» شهر ری اشتغال داشت، و اداره آن مدرسه را برعهده گرفت.

او به چند زبان خارجی تسلط کامل داشت و از آنها ترجمه می کرد، که از جمله زبانهای عربی، انگلیسی و فرانسه می دانست.

**از آثار او**

1- ابو الشهداء الامام الحسين عليه السلام (ترجمه)، و به نام «پیشوای شهیدان» نیز چاپ شده است.

ص: 1817

2- ترجمه قرآن کریم (یکی از صحیح ترین ترجمه های تحت اللفظی فارسی قرآن محسوب است).

## درگذشت

ایشان در روز یکشنبه /5 رمضان 1389/ ق مطابق با /25 آبان 1348/ ش در سن 55 سالگی در تهران درگذشت، و جنازه اش به قم حمل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

-منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-فهرست کتابهای چاپی فاسی 147/1 و 989.

3-مؤلفین کتب چاپی 45/5.

## شیخ محمد کلباسی حائری

(1324-1399 ق)

زندگینامه زیر بقلم خود ایشان که در کتابش (خاندان کلباسی ها) آمده و تاکنون خطی می باشد تقدیم می گردد:

نگارنده محمد بن ابوتراب بن محمد جعفر بن الحاج محمد ابراهیم الکلباسی که اصغر اولاد ذکور مرحوم والد می باشم، حقیر از قرار مرقومه مرحوم والد در ظهر قرآنشان، در شب سوم/شهر ذی قعدة الحرام/سنه 1324 هزار و سیصد و بیست و چهار هجری در نجف اشرف متولد شدم.

حقیر سرتاپا جهل و نادانی فاقد محاسن و مآثر، عادم اخلاق حمیده و صفات پسندیده، عمری را به بطالت و تضییع صرف نموده و بهره از آن نبرده، تقریباً در سن پنج سالگی بودم که والده ام در نجف فوت نمود و در سن دوازده سالگی تقریباً بودم که والد ماجدم را از دست دادم، و پس از فوت مرحوم والد اخوی بزرگم آقای حاج

ص: 1818

شیخ محمد باقر کلباسی (دام بقاه) از اصفهان به نجف اشرف مشرف شده و در مراجعت ایشان به اصفهان حقیر را با خود به اصفهان برده، و در ماه رجب هزار و سیصد و سی و هشت وارد اصفهان شدیم و در تحت تربیت آقای اخوی بودم و به مدرسه قدسیه می رفتم، سپس در مدرسه صدر حجره گرفتم و مشغول به دروس مقدماتی صرف و نحو و منطق و غیره شدم.

و در ربیع الاول/هزار و سیصد و چهل و چهار به نجف اشرف مشرف شدم و در مدرسه بزرگ مرحوم آخوند خراسانی حجره گرفته و مشغول به تحصیل شدم، و در سنه 1345 مبتلا به اسهال دموی سختی شدم که از حیات خود مایوس شدم و مدتی به این مرض مبتلا بودم و خوراکم بر حسب دستور اطباء منحصر به ماست و کهرباء سائیده که با ماست مخلوط می کردند و یخ روی آن می گذاشتند بود، و به واسطه سختی مرض و گرمی هوای نجف و دستور اطباء به سامره منتقل شدم و مدت یک سال در سامره بودم و در سامره با این که مزاجم ضعیف و ناتوان بود مع ذلک مباحثه را ترک نکردم و بعدا به نجف بازگشت نمودم، و به واسطه عدم مساعدت هوای نجف با مزاجم به کربلا مشرف شدم و در کربلا رحل اقامت انداختم.

حقیر شرح لمعه را نزد مرحوم آقای شیخ شعبان لاهیجی که از فضلاء نجف بود و حضرت حجه الاسلام آقای حاج آقا بزرگ طهرانی مؤلف کتاب «الذریعه» در سامره خواندم و قوانین را خدمت حضرت حجه الاسلام آقای حاج شیخ محمد رضا جرقویه ای اصفهانی، رسائل و مکاسب را خدمت مرحوم آقای میرزا یحیی زرندی و غیره خواندم، و خارج را خدمت آیت الله، آقای حاج آقا حسین قمی قدس سره و آیت الله آقای حاج میرزا مهدی شیرازی قدس سره، و اصول را در خدمت آیت الله آقای حاج سید محمد هادی میلانی (دام ظلّه) دیده ام.

(مدت کوتاهی نیز از محضر آیات: سید زین العابدین کاشانی و شیخ یوسف حائری خراسانی استفاده نموده و تولیت مدرسه بادکوبی را برعهده گرفته و به تدریس اشتغال داشته است).

نگارنده کتاب (السعه و الرزق) را تألیف نمودم و در آن جمع نمودم، به قدر لزوم اخبار موجبات فقر و رزق را و آن را مشتمل بر یک مقدمه و سه مقصد و خاتمه نمودم، مقدمه اش در تنبیهات لازمه، مقصد اول در موجبات فقر، مقصد دوم در چیزهائی که نفی فقر می کند، مقصد سوم در موجبات رزق، خاتمه در قضاء مطلق حوائج و تاکنون دو مرتبه به طبع رسیده است.

دوم: همین کتاب (خاندان کلباسی ها) است که از جد مرحوم حاجی کلباسی گرفته، فی الجمله شرح حال آنها را الی یومنا هذا نوشتم.

سوم: تاریخچه کربلاء یا راهنمای زوار است تاریخ مختصر فارسی است که از قبل واقعه کربلا شروع نمودم و اخبار در فضیلت سرزمین کربلا- و خاک کربلا و آثاری که بر آن مرتب است، حوادث و وقایعی که اتفاق افتاده و تعمیراتی که نسبت بمرقد مطهر شده و مدارس و مقابر کربلا است

چهارم: تاریخ الملوک و السلاطین.

حقیر در سنه 1351 هزار و سیصد و پنجاه و یک در کربلا تأهل اختیار نمودم و اولاد ذکورم منحصر به دو پسرند:

اول: آقای شیخ محمد صادق کلباسی است که در پنجم ماه ذی حجه الحرام سنه 1366 هزار و سیصد و شصت و شش در کربلا متولد شده و فعلا پس از خواندن علوم مقدماتی صرف و نحو و منطق و معانی بیان و فراق از سطوح و مسائل و مکاسب و کفایه به درس خارج علماء وقت می رود و اولادش فعلا منحصر به آقای علاء الدین کلباسی است که در سنه 1391 در ماه شوال متولد شده و از طبقه پنجم است.

دوم: آقای شیخ محمد صالح کلباسی است که در لیله پنجشنبه دهم جمادی الاولی سنه 1376 هزار و سیصد و هفتاد و شش هجری متولد شده و فعلا مشغول به خواندن شرح لمعه و معالم و غیره می باشد.

ایدهم الله تعالی الی مرضاته و جعلهما من العلماء العاملين... تم هذا الكتاب بعون الله الملك الوهاب فی سنه 1391 هجری.

ص: 1820

سرانجام در سال 1393 ق به قم مهاجرت کرد و در روز یکشنبه نهم/جمادی الثانی/سال 1399 ق مطابق با 16 اردیبهشت 1358 ه ش در سن 75 سالگی دعوت حق را لبیک گفتند، و در شهر مقدس قم در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شدند.

-منبع

1- ماضی النجف و حاضرها 236/3.

### سید محمد کماری تبریزی

(1309-1357 ق)

سید محمد فرزند سید احمد و نوه سید عطاء الله موسوی کماری تبریزی، در سال 1309 ق در قریه (کمار) مرند تبریز متولد گردید.

پس از آموختن مقدمات به تبریز رهسپار شد، و از محضر میرزا محمد علی مدرس قراچه داغی و میرزا مصطفی تبریزی سطوح را تلمذ کرد. آنگاه به «اردوباد» روسیه رفت و چندی نزد سید مرتضی مدرس تلمذ کرد. و در سال 1330 ق عازم نجف اشرف گردید، و از محضر میرزا فرج الله هشتروندی تبریزی و دیگران استفاده نمود و در سال 1335 ق به تبریز مراجعت کرد و به بحث و تحقیق پرداخت. گاهی با اساطین مباحثه می کرد از جمله با آیه الله سید ابو الحسن انگجی بحثهای علمی زیادی نموده است. و در سال 1348 ق به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی بهره مند گردید. و از وی اولادی باقی نماند.

از آثار او: حاشیه علی الرسائل (شیخ انصاری)، که در سال 1347 ق در تبریز به چاپ رسیده است.

سرانجام در سال 1357 ق به سن 48 سالگی درگذشت، و در قبرستان حاج شیخ قم مدفون گردید.

-منابع

1- آثار الحجه 222/1.

ص: 1821

2- آینه دانشوران 188.

3- مؤلفین کتب چاپی 286/5.

4- نقباء البشر (خطی).

### سید محمد کماری تبریزی

(-1380 ق)

حاج سید محمد کماری فرزند آیت الله سید محمد تقی موسوی تبریزی «کوه کمری»، از علمای معروف تبریز بود که در اواخر عمر در تهران اقامت نمود، و به تدریس و مباحثات علمی و خدمات دینی پرداخت.

او روز جمعه اول/رمضان 1380/ ق مطابق با 28/بهمن 1339/ ش در تهران درگذشت، و در (مسجد موزه) حرم حضرت معصومه علیها السلام قم مدفون شد.

فرزندش آیت الله سید مهدی کماری از علمای تهران بود.

### شیخ محمد گلپایگانی «غروی»

#### اشاره

(1300-1380 ق)

حاج شیخ محمد فرزند آیت الله شیخ محمد جعفر گلپایگانی غروی، در سال 1300 ق متولد گردید.

پس از تکمیل تحصیل مقدمات و سطح در تهران به نجف اشرف عزیمت نمود، و از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی و سید ابو الحسن اصفهانی در فقه و اصول و از سید ابو تراب خوانساری رجال و درایه استفاده نمود، و موفق به دریافت اجازات اجتهادی و روایی از اساتید خود گردید، و پس از ده سال اقامت به ایران بازگشت و در قم سکونت اختیار نمود، و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی بهره مند گردید، و به دستور ایشان به (سنقر کلیائی) جهت

ص: 1822



تبلیغ و ارشاد عزیزمت نمود، و مدت 30 سال به ترویج مذهب پرداخت.

## از آثار او:

1- تقریرات رجال خوانساری.

2- هدایت و ضلالت.

3- تفسیر پنج سوره (توحید، نباء، جحد، اعلی، و نصر). این کتاب یکی از اجزای «نور العرفان» است.

4- تفسیر سوره حمد.

5- نور العرفان و کشف اسرار القرآن (تفسیر قرآن کریم به فارسی) در چند جلد.

6- کشف الحق و دفع الباطل (در ردّ بهائیان)

7- حجه المنتظر، در ردّ کتاب سؤال جواب (از نعیم بهائی).

8- تفسیر سوره های کوچک (جزو آخر قرآن)، این کتاب نیز یکی از اجزای «نور العرفان» است.

وی در روز شنبه عید فطر 1380/ ق مطابق با 27 اسفند 1339/ ش به سن 80 سالگی درگذشت، و در قبرستان حاج شیخ به کد (10997) مدفون شد.

1- فرزندش حجه الاسلام شیخ عباس غروی می باشد از شاگردان سید شهاب الدین مرعشی بود.

2- عطاء الله غروی (متوفای 1374 ش) مدفون در جوار تربت پدر خود.

- منابع

1- الذریعه 200/25.

2- گنجینه دانشمندان 234/8 (تاریخ تولدش را 1300 شمسی دانسته، که قطعاً اشتباه است).

3- مؤلفین کتب چاپی 702/5.

4- نقباء البشر 277/1.

ص: 1823

(1380-1326 ق)

یکی از وزنه های علمی و تدریسی حوزه علمیه قم در دوران زعامت مرحوم آیت الله بروجردی، آیت الله میرزا محمد مجاهدی بودند که بحق استاد توانا و عالم مبارز و شجاع در عرصه های علمی و سیاسی بودند.

مرحوم مجاهدی در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام قم درس کفایه تدریس می فرمودند و جمع کثیری از فضلا و مشتغلین در درس ایشان شرکت می جستند. ایشان با بیان رسا و استدلال قویم به تدریس می پرداختند.

وی مردی وقور و وزین و متین و خوش لباس و توأم با صلابت و رشادت، با آرامش گام می سپرد. در حال حرکت و راه رفتن نیز ارسطووش به سؤالات دانشجویان پاسخ می گفت و در حال و هوای خویشتن بود تا مظاهر بیرونی.

ایشان در سال 1326 ق در تبریز تولد یافت و مقدمات را از پدر خود آموخت، در سن 16 سالی به قم رهسپار شد و سطح را نزد میرزا محمد همدانی به پایان برد و از درس خارج حضرات آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سید محمد حجت کوه کمری استفاده کرد.

اکنون بخشی از متن نوشتاری را که فرزند ارجمند آن مرحوم، شاعر توانا (سرپرست انجمن شعر شهرستان قم)، آقای محمد علی مجاهدی، متخلص به

«پروانه» در اختیار قرار داده اند، از نظر خواننده گرامی می گذرد:

«مرحوم علامه کبیر، حضرت آیت الله آقا میرزا محمد مجاهدی تبریزی، از مدرّسان طراز اول و از علمای بنام و نامدار حوزه علمیه قم بشمار می رفتند.

پدر ایشان، مرحوم حجه الاسلام و المسلمین، مجاهد نستوه و خستگی ناپذیر، مرحوم حاج میرزا علی اکبر مجاهد نیز از علمای بزرگ و نامدار تبریز به شمار می آمدند. به خاطر مجاهدتها و رشادتهایی که در ارتباط با مبارزه با دودمان قاجار و استقرار نظام مشروطه در تبریز از خود نشان دادند، باقر خان و ستار خان از او امر او اطاعت می کردند، و به «مجاهد» معروف گردید. ایشان بارها در زمان ستم شاهی رضا خان، به تبعید و زندان محکوم گردید، و چندین بار نیز به همراه مرحوم آیت الله سید ابو الحسن انگجی، توسط عمال حکومتی بازداشت شدند. منزل او محل رتق و فتق امور جاری مردم بود. اهالی آذربایجان نسبت به ایشان اعتماد و اعتقاد قلبی خاصی داشتند.

مرحوم آیت الله مجاهدی تبریزی، علاوه بر مقامات شامخ علمی، در اخلاق و عرفان عملی و متأدب بودن به آداب اسلامی، شاخص بود و هیچ گونه ستمی را از هر مقام و مرجعی که بود، بر نمی تافت، و اقدامات شجاعانه او در زمان مرحوم آیت الله بروجردی برای استیفای حقوق اهل علم و طالبان علوم دینی، زبانزد عام و خاص است.

در زمان نخست وزیری دکتر محمد مصدق که در قم نسبت به تعدادی از محصلان علوم دینی بی احترامی شده و شایع شده بود که توسط توده ای ها مورد ضرب و جرح قرار گرفته اند و اجساد آنان را در خاکفرج قم مدفون کرده اند، تلگراف بسیار شدیدالحنی به مصدق نوشته و پس از تذکرات مفصل، یادآور شده بودند که دولت زیر پتوی مصدق مسئول این خیانت و جنایت است و مصدق طی نامه ای در پاسخ تلگرام ایشان نوشته بود که نظرات آن جناب صائب و مورد نظر خواهد بود.

در رابطه با همین حادثه، به مدت یک هفته درس و بحث را تعطیل کرده و در

گورستان خاکفرج قم مستقر شدند و تعداد کثیری از شاگردان ایشان بنا به صلاحدیدشان، اقداماتی در ارتباط به دفن احتمالی جنازه های طلاب علوم دینی انجام می دادند و مرحوم آیت الله بروجردی، ایشان را به عنوان نماینده تام الاختیار خود در این جریان برگزیده بودند.

مرحوم آیت الله مجاهدی می فرمودند، بیش از دوسوم حوزه نزد من تلمذ کرده اند، و شکر خدا به هیچ شهری نرفتم، مگر اینکه شاگردان خود را در آنجا به امر تبلیغ و یا تدریس مشغول دیدم».

### از ایشان آثار و تألیفاتی به جای مانده است که مهمترین آنها:

1- العقائد و المواعظ و الاخلاق، در 5 جلد.

2- الهدایه الی رموز الکفایه.

3- تفسیر سوره حمد.

4- حاشیه علی ارشاد القلوب.

5- نقد اللئالی فی فروع العلم الاجمالی، تاریخ فراغت از تألیف 1376 ق بود.

ایشان سرانجام پس از یک کسالت ممتد، در روز چهارشنبه 20 ربیع الثانی / 1380 مطابق با 20 مهر 1339 ش در سن 54 سالگی به مرض سرطان خون درگذشتند و به هنگام تشییع جنازه ایشان از بیمارستان بازرگان تهران، بازار تهران تعطیل گردید و با ورود جنازه ایشان به قم، کلیه درسها و بحثهای حوزه به مدت یک هفته تعطیل شد و مرحوم آیت الله بروجردی با وجود کسالت و تب، بر جنازه ایشان نماز خواندند و پیام داده بودند که می خواهم فرزند ایشان را ببینم. لذا استاد محمد علی مجاهدی به همراه حجه الاسلام و المسلمین آقا سید محمد حسین خونی و تنی چند از بستگان، در اندرون به خدمت ایشان رسیدند و معظم له آن چنان غمگین و ناراحت بودند که پس از شروع صحبت، به گریه افتادند و بر فوت ایشان افسوس خوردند و فرمودند: افسوس! اسلام از سرمایه مصرف می کند!

ص: 1826

پیکرش در قبرستان شیخان مدفون است.

### تقید به تعبد

ایشان از افراد ملتزم به مسائل علمی و عملی اسلام بودند و در این راستا رنج و تعب را همیشه بر خود هموار می ساختند. از آشنایان ایشان شنیدم در مدتّ چهل سال، زیارت عاشورای او حتی یک بار هم ترک نشده بود و در خیابان و بیابان، دائم الذکر و نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام سخت دل بسته و شیفته و علاقمند بودند.

از آن مرحوم- که داماد آیت الله حاج سید آقا (مرتضی) میلانی بود- پنج پسر که اخلاف صالحه هستند به اسامی، آقایان: 1- شمس الدّین محمّد علی، متخلص به «پروانه»، 2- محمّد رضا، 3- دکتر علی اکبر، 4- دکتر محمّد جواد، 5- مهندس علی اصغر مجاهدی و سه داماد محترم باقی مانده اند.

-منابع

1- آثار الحجه 63/2.

2- اظهارات فرزند ارشد ایشان، آقای محمّد علی مجاهدی به تاریخ صبح دوشنبه 26 اردیبهشت 1379/ ش در قم.

3- گنجینه دانشمندان 104/2.

4- مفاخر آذربایجان 334/1.

5- مؤلفین کتب چاپی 639/5.

**پروفسور محمّد مجدزاده کرمانی**

**اشاره**

(-1382 ق)

پروفسور دکتر محمّد فرزند علامه شیخ احمد «مجد الاسلام» و نوه یوسف کرمانی، ملقب به (مجدزاده).

ص: 1827

## تحصیلات پزشکی

وی پس از تکمیل تحصیلات مقدماتی به هندوستان رفت، و تحصیلات عالی پزشکی خود را در این کشور به پایان رسانید. سپس به ایران بازگشت و در تهران سکونت اختیار نمود. و در ضمن کار طبابت بین سالهای 1306 و 1307 ش هفته نامه «کیمیای سعادت» را در تهران و یک شماره نیز در کرمان منتشر ساخت.

پروفسور مجدزاده، سالهای متمادی نیز در خدمت وزارت بهداشتی بود تا این که بازنشسته گردید.

## از آثار او

1- اصول طب کیمیای حیات (ترجمه).

2- قانون توالد و تناسل.

## درگذشت و اعقاب

ایشان در روز یکشنبه 18/رجب 1382/ق مطابق با 25/آذر 1341/ش در تهران درگذشت، و جسدش به قم حمل و در وسط قبرستان حاج شیخ با کد (21846) به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

1- آقا سهراب 2- آقا احمد 3- آقا مجید 4- آقا محمود 5- نورسته.

-منابع

1- تاریخ جراید و مجلات ایران 152/4 (نام هفته نامه را فقط «کیمیا» ضبط کرده است).

2- مقدمه کتاب تاریخ انحطاط مجلس (از پدرش مجد الاسلام)، به قلم آقا محمود خلیل پور.

3- مؤلفین کتب چاپی 710/5.

ص: 1828

(1323-1406 ق)

حاج شیخ محمد محفوظی فرزند شیخ علی اکبر رودسری، از فضیله حوزة علمیه قم بود.

وی در سال 1323 ق در رودسر گیلان متولد شد (تذکر: در سجد تولدش 1318 و در گنجینه دانشمندان 1332 ق آمده که هر دو تاریخ اشتباه اند).

محفوظی پس از خواندن مقدمات رهسپار حوزة علمیه قم شد و سطح را نزد میرزا محمد علی ادیب تهرانی و آقا حسین گلپایگانی فراگرفت. سپس در درس خارج حضرات آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدر الدین صدر و سید حسین طباطبائی بروجردی حاضر گردید. و پس از رحلت این بزرگواران در درس حضرات آیات: سید کاظم شریعتمداری، سید روح الله خمینی، سید شهاب الدین مرعشی و سید محمد رضا گلپایگانی شرکت جست.

کتابخانه اش (اعم از کتب خطی و چاپی) پس از ارتحال او به کتابخانه آیت الله مرعشی اهدا گردید.

نامبرده در شهریور 1364/ش در اثر کهولت سن و سکتة قلبی در قم دار فانی را وداع گفت. پیکرش پس از تشییع در قبرستان بهشت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- آقا جعفر 2- آقا حسین 3- آقا حسن 4- آقا محمد تقی 5- آقا محمد علی 6- آقا احمد.

-منابع

1- آینه دانشوران 414.

ص: 1829

**سید محمد محقق بهشتی مازندرانی**

(1315-1397 ق)

حاج سید محمد محقق فرزند آیت الله سید حسن بهشتی مازندرانی، از دانشمندان و معاریف بابل بود.

وی در 1315 ق مطابق با 1276 ش در بابل مازندران متولد و در مهد علم و تقوا پرورش یافت.

پس از رسیدن به مراحل رشد و کمال، وارد حوزه علمیه گردید و در مدرسه صدر و مسجد و مدرسه مولانای بابل، نزد علمای بزرگی چون: شیخ محمد صالح حائری (علامه سمنانی)، شیخ علی علامه حائری، شیخ احمد فردوس مکان، سید محمد باقر حجتی، سید احمد استاد، شیخ محسن شریف طبرستانی و سید ابراهیم ثاقبی زانوی ادب بر زمین زد و کسب فیض نمود.

پس از آن عازم شهر مقدس قم گردید و از خرمن پرفیض حضرت آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و آیت الله سید محمد تقی خوانساری و دیگر مراجع عصر استفاده کرد و صاحب فضل و کمال گردید و پس از نیل به مراتب بالای علمی، عازم بابل گردید و بر جای پدر تکیه زد و ضمن اقامه جماعت در مسجد مولانا، در مدرسه صدر بر کرسی تدریس نشست و شاگردان فراوانی را تربیت نمود.

معظم له از پاکی و صفای روح بالایی برخوردار و به خاطر حسن سلوک با توده مردم و تواضع فوق العاده، مورد ارادت عموم مؤمنین و علاقمندان به خاندان علم و فقاقت، قرار داشتند.

وی پیکری از زهد و تقوا و راستی و درستی بوده و همواره الگویی از ساده زیستی و فضائل انسانی محسوب می شدند و در موعظه و هدایت مردم بسیار تلاش

ص: 1830



کرده و از هیچ خدمتی به جامعه دریغ نمی کردند و تا آخر عمر به تدریس و تعلیم و تربیت طلاب اشتغال داشتند.

آن بزرگوار پس از عمری تلاش و خدمات صادقانه، در سال 1397 ق مطابق با 1356 ش و در سن 82 سالگی به رحمت خدا پیوست و پس از انتقال به قم، در قبرستان «بهشت رضوان» مدفون گردید.

خلف صالح ایشان، حضرت آیت الله سید حسن بهشتی هم اکنون در قید حیات و ساکن بابل می باشند و در زهد و تقوا و مناعت طبع زبازد خاص و عام و منشأ خدمات دینی و علمی می باشند.

-منابع

1- آشنایی با فرزندگان بابل 150.

2- گنجینه دانشمندان 166/3.

**شیخ محمد محقق لاهیجی**

(1328-1389 ق)

حاج شیخ محمد فرزند میرزا کاظم محقق لاهیجی، از فضلا و اساتید حوزه علمیه قم و مبلغان به نام اسلام و تشیع در اروپا بود.

او در سال 1328 ق در لاهیجان متولد شد. پس از اخذ دیپلم به تحصیل علوم دینی پرداخت، و برای تکمیل معلومات ابتدا در مشهد مقدس و پس از آن در سال 1351 ق به قم مهاجرت کرد و سطوح را نزد آیات: میرزا محمد همدانی و میرزا محمد علی ادیب تهرانی، سید شهاب الدین مرعشی و سید محمد تقی خوانساری فراگرفت، و آنگاه به درس خارج آیت الله شیخ عبد الکریم حائری یزدی راه یافت.

پس از فوت ایشان مدتی به دلیل سختی زندگی و فقر مالی به تجارت پرداخت، تا اینکه آیت الله حاج شیخ محمد تقی بافقی یزدی او را از ادامه این کار منصرف نمود.

وی در سال 1371 ق به تهران مهاجرت و به تدریس در دانشکده معقول و

ص: 1831

منقول پرداخت، و در سال 1375 ق از ناحیه آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به آلمان غربی و هامبورگ سفر کرد و در آنجا خدمات شایانی به اسلام و مسلمین انجام داد. اقامت ایشان در آلمان تا یک سال پس از ارتحال آیت الله بروجردی هم ادامه داشت، و در سال 1381 ق به ایران مراجعت کرد و در قم ساکن شد. و از سوی دار التبلیغ-نوبنیاد-جهت تدریس دعوت به همکاری شد و مدتی به تدریس علوم مختلف از جمله: هیئت و ریاضیات گردید، سپس از این کار صرف نظر نمود و کلا کناره گیری را اختیار کرد و مغازه کوچک کتابفروشی در خیابان ارم زد و به کسب پرداخت. وی در اخلاق عملی نمونه بسیار عالی به شمار می رفت.

ریحان یزدی در «آینه دانشوران» زندگینامه ایشان را چنین می نویسد:

(آقای محقق پس از رحلت حضرت آیت الله حاج شیخ عبد الکریم مدتی در همدان و یزد توقف فرموده، آنگاه به حوزه علمیه قم مراجعت کردند، و به تدریس فلسفه و علوم طبیعی پرداختند، و جمعیت انبوهی از طلبه و دانشجویان روحانی در مجلس درس ایشان حاضر شده به استفاده می پرداختند، و در نتیجه، طرز تدریس فلسفه جدید آقای محقق نظر حضرت آیت الله آقای بروجردی را جلب کرده و مورد توجه خاص آن جناب شدند. در این میان به مناسبتی به تهران آمده و در دانشکده معقول و منقول به تدریس پرداختند. سپس استاد بزرگوار به دستور آیت الله بروجردی برای امر تبلیغ و ساختمان مسجد عظیمی به «هامبورگ» آلمان رفتند، و تاکنون در این سرزمین مسلمین اروپا از مقام روحانی و فضل و پرهیزکاری

ص: 1832

این دانشمند بزرگوار استفاده می کنند...).

و باید دانست که آقای شیخ محمد محقق از مفاخر مبلغین جهان شیعه و جامع علوم جدید و دانشهای دینی است، به علاوه به اندازه ای در خدمت نوع کوشا و ساعی است که به هر شهر و دیاری که چندی توقف نمود، دیری نمی گذرد که همه اهالی از جان و دل او را سپاسگزارند، و از خدمات خدای پرستانه معزی الیه سخن می گویند. جناب ایشان چنانکه در کتاب آثار الحججه نیز اشاره شده است به مناسبت اینکه دختر حجه الاسلام سید محمد مدرس سعیدی را که از روحانیین یزد بودند همسر داشتند، چندی در آن دیار رحل اقامت افکندند و در مدت کوتاهی محبوب بودنشان در آن دیار به پایه ای رسید که اهالی متفقا به وسیله اعلامیه های زیادی آمادگی خود را برای فرستادن ایشان به (مجلس شورای ملی) اعلام داشتند، ولی او این مسئولیت را نپذیرفته و نسبت به دیگری توصیه فرمودند.

فرزندان ایشان عبارتند از آقایان: 1- محمد علی 2- محمد جواد و دو دختر.

محقق سرانجام در روز سه شنبه 28 جمادی الاول 1389/ ق مطابق با 21 مرداد 1348/ ش به سن 61 سالگی در اثر سکت قلبی و ابتلا به بیماری آسم در قم درگذشت و در قبرستان ابو حسین - مقبره العلماء - مدفون گشت.

-منابع

1- آثار الحججه 267/2.

2- آینه دانشوران 92 و 311.

3- گنجینه دانشمندان 257/2 و 456/7.

4- مجله حوزه، شماره های 43 و 44، سال 1370 ش، ص 104.

**شیخ محمد «محمدی وند» مرندی**

**اشاره**

(1344-1419 ق)

وی در سال 1344 ق مطابق با 1304 ش در «کوشک سرا» مرند واقع در

ص: 1833

آذربایجان شرقی دیده به جهان گشود.

محمدی وند پس از طی مقدمات و تحصیلات ابتدائی جهت کسب علوم دینی عازم حوزه علمیه قم شد و پس از طی دروس سطح، دروس عالی فقه اصول را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید حسین طباطبائی بروجردی، سید محمد داماد یزدی و سید روح الله خمینی استفاده نمود و به تدریس متون کتب درسی اشتغال ورزید.

ایشان از سال 1361 ش به سمت (امام جمعه مرنده) منصوب شد و تا آخر عمر در این سمت بود.

## از آثار او

1- اخلاق اسلامی.

2- حاشیه علی العروه الوثقی.

نامبرده در عصر روز چهارشنبه 9 محرم 1419/ ق مطابق با 16 اردیبهشت 1377/ ش بر اثر بیماری قلبی در سن 75 سالگی در مرنده به معبود خویش شتافت.

پیکرش در مرنده و تبریز و قم تشییع و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

## میرزا محمد محیط قمی

### اشاره

(1317-1250 ق)

میرزا محمد قمی متخلص به «محیط» و ملقب به «شمس الفصحاح»، از شعرای صاحب نام و فضیلت بود.

وی در سال 1250 ق در قم دیده به جهان گشود. پدرش نیز از عالمان دین و دانشمندان زمان خود بود و در ترویج مبانی مذهب جعفری و ارشاد مردم گام برمی داشت.

محیط، علوم ادبی و دینی را در قم و اصفهان از اساتید فن فراگرفت، و چون

ص: 1834

دارای طبع شعر و ذوق ادبی بود در اندک زمان مورد توجه ادبا و فضلا قرار گرفت.

دوست علی خان معیر الممالک «وزیر خزانه ناصر الدین شاه» که از وزرای ادب پرور بود و با فضلا و ارباب ذوق و شعر حشر و نشر داشت، ایشان را از قم به تهران فراخواند تا عهده دار تعلیم و تربیت فرزندش «دوست محمد» باشد.

محیط، از جوانی طبعی روان و قریحه ای تابناک داشت و در دستگاه معیر الممالک به خدمت پرداخت، و سالهای بعد نیز آموزگاری دوست علی ثانی «اعتصام السلطنه» را عهده دار گردید. وی در موقع جلوس مظفر الدین شاه به امر صدر اعظم سجع مهری جهت پادشاه به نظم در آورد که مقبول طبع واقع گردید، و مورد اکرام و انعام قرار گرفت و به لقب «شمس الفصحا» ملقب گردید.

استاد محیط در 3/ صفر 1317/ ق بدرود حیات گفت، و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

دیوانش برای اولین بار با تدوین و مقدمه میرزا حیدر علی ثریا «مجد الادباء» پدر همسر محیط طبع شد، و ثریا در مقدمه دیوان او نوشت: «محیط شاعری عالی قدر و صاحب فضیلت بوده، و عمری را با صداقت و پاک دامنی و دیانت و امانت به سر برده، و شاعران جوان در محضر او کسب علم کرده و معرفت اندوخته اند». و نیز نوشته است: «شخص شریفش شعر او و ادبا را سرانجمن بود، و شعر لطیفش فصحا و بلغا را افسر سخن، دوست و دشمن به فصاحت و بلاغت او معترف بودند، شعر و شاعری و صفات حمیده دیگرش را می ستودند، خیلی خیلی سلیم العقیده بود، و درویش وضع، و فقیر دوست، و بیچاره نواز و سخی الطبع، و بهی الرأی، و ذکی الذهن، مسلکی خوش داشت و مشربی بی غش، حالش همه جا محبوب بود و مقالش همه را مطلوب، هیچ گاه بدگویی نداشت، بدخویی هم، همیشه حق گویی می نمود، حق جوئی هم».

در سال 1362 ش دیوان اشعارش مجدداً به همت و کوشش آقای احمد کرمی در تهران طبع و نشر گردید.

اشعار زیر نمونه هایی از نظم اوست:

### کمند محبت

بسیار زلف پرشکن و درهم اوفتد اما به دلربایی زلفت کم اوفتد  
درهم شود چو خاطر من وضع روزگار بر روی تو چو طره تو درهم اوفتد  
جز لعل تو که مرهم ریش دل من است هرگز شنیده ای که نمک مرهم اوفتد  
برقع فکن که از شرر آتش رخت ترسم شرر به مزرعه عالم اوفتد  
باشند جاودانه دل و غم قرین هم یک دل ندیده ام که جدا از غم اوفتد  
آدم به دام دانه حسن تو اوفتاد نبود عجب اگر که بنی آدم اوفتد  
با کس مگوی راز دل خود، گمان مدار کز صد هزار دوست یکی محرم اوفتد  
روزی اگر به خاک شهیدان گذر کنی شور قیام، در همه عالم اوفتد  
شد در هوای دانه خال تو مرغ دل ترسم به دام طره خم در خم اوفتد  
آزادی از کمند محبت بود محال هرکس در این کمند فتد محکم اوفتد  
هرکس که بوسه زد به لب جام و لعل یار جاوید زنده است و مسیحا دم اوفتد

### در ستایش فاطمه زهرا علیها السلام

ای جهر برافروخته ات، لاله زار عمر بازا که بی رخ تو خزان شد بهار عمر  
عمرت دراز باد که آمد طرب فزا با یاد روی و موی تو لیل و نهار عمر  
سرو و گلی نیامده چون عارض و قَدّت در گلشن زمانه و در جویبار عمر  
صبر و قرار عمر تو بودی و بی تو رفت از کف زمام طاقت و صبر و قرار عمر  
هردم که بی تو می گذرد دیده جای اشک خون گریزش به حال من زار و کار عمر

آشفته تر ز طرّه تو گشته حال من آشفته تر ز حالت من روزگار عمر

تاری اگر ز طرشه تو افتدم به چنگ آید به دولت تو به دست، اختیار عمر

هرکس که دید روز وداع تو واقف است بر بیدلان چه می گذرد از گذار عمر

ص: 1836

هردم که بی حضور عزیزان به سر رود انصاف، خواندندش نتوان از شمار عمر  
بگرفته دل غبار کدورت ز هستی ام کو نیستی که شویدم از دل غبار عمر...

-منابع

1- تاریخ تکایا و عزاداری قم 265.

2- رجال قم 157.

3- سخنوران نامی معاصر 3192/5.

4- فرهنگ شاعران زبان پارسی 509.

5- مؤلفین کتب چاپی 793/5.

**سید محمد مدرسی یزدی**

**اشاره**

(1282-1345 ق)

سید محمد فرزند سید حسن و نوه سید مهدی طباطبائی مدرسی یزدی، از علمای معروف و دانشمندان سرشناس تهران بود.  
در سال 1282 ق در یزد متولد شد.

**تحصیل در حوزه نجف اشرف**

وی پس از تحصیل مقدمات، به نجف اشرف مهاجرت و دروس عالی حوزه را نزد آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد  
کاظم طباطبائی یزدی آموخت و از طرف آن دو به اخذ مدرک اجتهاد نایل آمد و به یزد مراجعت نمود.

**ویژگیهای علمی و اخلاقی**

وی با عسرت و تنگدستی زندگی می کرد، و در اثر فشار زندگی به تهران مهاجرت کرد، و مورد توجه فرزندان آیت الله میرزا محمد حسن  
آشتیانی واقع شد، و اندک اندک در وضع زندگی اش بهبودی یافت، و یکی از مدرسان مدرسه مروی گردید.

ص: 1837



نامبرده در دوران مشروطیت و برقراری قانون در دولت به امر قضاوت شرعی پرداخت، و گاهی در اداره عدلیه نیز حاضر می شد، و احکام او مورد توجه سایرین بود.

## درگذشت و اعقاب

ایشان به سال 1345 ق مطابق با سال 1305 ش در سن 63 سالگی درگذشت، و در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

فرزندانش: 1- علامه سید ابوطالب مدرسی 2- دکتر محمود مدرسی.

- منبع

1- النجوم السرد بذكر علما یزد (خطی - مدرسی).

## سید محمد مشکاه بیرجندی

### اشاره

(1319-1400 ق)

سید محمد فرزند سید علی و نوه سید محمد حسینی بیرجندی، معروف و ملقب به «مشکاه» از دانشمندان و محققان عالیقدر و کتاب شناسان برجسته معاصر بود.

او در تاریخ 27 شوال 1319 ق در شهر بیرجند واقع در جنوب خراسان متولد گردید.

## تحصیلات مقدماتی

وی پس از طی دوران کودکی و عهد صباوت به مکتب خانه راه یافت، و پس از آموختن خواندن و نوشتن به تحصیل علوم دینی روی آورد. نصاب الصبیان و امثله و شرح آن را نزد ملا غلامحسین سورگی آموخت.

در سال 1333 ق وارد «مدرسه معصومیه» بیرجند شد، و علوم ادبی و سایر مقدمات را نزد: میرزا موسی چهکندوکی و شیخ محمد حسین سرچاهی به انجام رسانید و مرحله سطح مقدماتی را نزد علامه شیخ غلامرضا فاضل، شیخ محمد

ص: 1838

عرب و میرزا محمد حسین بزرگ تلمذ کرد.

### در جوار امام رضا علیه السلام

ایشان در حدود سال 1336 ق جهت ادامه تحصیل به مشهد مقدس عزیمت کرد و سالی چند در آن سامان به تحصیل پرداخت. قوانین را نزد سید جعفر شهرستانی و شیخ حسن خیابانی و شرح لمعه را نزد سید محمد باقر مدرس رضوی و مطول و مغنی را نزد میرزا عبد الجواد ادیب نیشابوری و شرح میبدی را نزد سید حسن مشکان طبسی و شرح منظومه را نزد شیخ حسن کاشی و شرح اشارات و شرح هدایه ملا صدرا را نزد سید آقا بزرگ شهیدی آموخت.

مرحله سطح عالی را نزد آیات: میرزا محمد آقازاده خراسانی، شیخ آقا بزرگ شاهرودی و شیخ حسین بری و اخلاق علمی و عملی را از محضر شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی، و نیز از دروس شیخ محمد علی فاضل خراسانی استفاده نمود.

### هجرت به تهران

نامبرده در اسفند 1299 ش مطابق با سال 1339 ق به تهران رفت و به فعالیتهای سیاسی و علمی پرداخت و خود را کاندیدای مجلس شورای ملی کرد، اما موفقیت حاصل نکرد و از نماینده شدن بازماند.

به هر حال در تهران دروس عالی حوزه را نزد آیات: شیخ عبد النبی نوری، شیخ محمد تقی گرکانی، سید محمود حیاط شاهی، سید محمد امام جمعه تهرانی، ملا علی فرزند محمد تقی قمی و میرزا محمود قمی طی کرد و درجه اجتهاد را به دست آورد.

مشکاه، در راه علم و ادب پیشرفت چشمگیری حاصل کرد و به تدریس علوم دینی در حوزه و دانشگاه پرداخت. او در دانشگاه تهران به تدریس رشته فقه اسلامی همت گماشت و تقریرات درس او به صورت جزواتی به چاپ رسید، و جنبه درسی پیدا کرد.

ص: 1839

مشکاه، به جز تدریس در دانشگاه تهران در مدرسه عالی سپهسالار نیز به تدریس فلسفه و حکمت اسلامی اشتغال داشت.

ایشان علاوه بر مقام علمی از سوی مراجع حوزه نیز مورد تأیید قرار گرفت، و توانست اجازات علمی و حدیثی از حضرات آیات: شیخ ضیاء الدین عراقی (در تاریخ 1357 ق)، سید ابو الحسن اصفهانی (به تاریخ 1357 ق) سید محمد حجت کوه کمری (به تاریخ 1358 ق) و حاج آقا بزرگ تهرانی (به تاریخ 1362 ق)، به دست آورد.

### کتابشناسی برجسته

استاد ایرج افشار درباره عشق و علاقه مشکاه به رشته کتابشناسی و زحماتی که در این راه تحمل نموده، چنین می نویسد:

«اما شهرت علمی و واقعی مشکاه را باید در معرفت کتابشناسی او دانست، او در این راه شوقی و عشقی عجیب داشت و حقا یکی از نوادر زمان خود در این زمینه بود.

مشکاه، از ابتدای ورود به تهران (در اسفند 1299 ش) به محافل ادبی و محضر علمای مقیم تهران آمد و رفت می کرد و ضمنا چون با کتاب فروشی های کتب قدیمه انس و الفت یافت و به طور کلی در جریان خرید و فروش کتابخانه ها و کتب خطی و نادر بود، طبعا توانست به تدریج مقداری کتابهای خطی را با سختی برای مجموعه شخصی جمع آوری کند. هرگاه ملتفت می شد که عالمی فوت کرده است و کتابهایش فروخته می شود، بدان کتابخانه رو می آورد و با قرض و قوله مقداری از کتابها را می خرید و به خزانه کتب خود ملحق می کرد...

مشکاه، در سال 1339 ش کتب خطی کتابخانه خود را به دانشگاه تهران بخشید و پایه کتابخانه مرکزی با این مجموعه گذاشته شد، تا به کیفیت و کمیت امروزی رسید. پس از اهدای آن کتابخانه آقایان: محمد تقی دانش پژوه و علی نقی منزوی را به فهرست نویسی بسیار داشت.».

ص: 1840

مشکاه، مدت کوتاهی نایب التولیه آستانه قم بود (در عهد دکتر محمد مصدق) و نیز عضو رسمی شورای عالی دانشگاه تهران در سال 1320 ش شد. و نیز استاد مدرسه عالی سپهسالار در تدریس فلسفه و عضو انجمن تألیف و ترجمه دانشگاه تهران بود.

## آثار قلمی مشکاه

از جمله یادگارهای استاد مشکاه، آثار قلمی زیادی است که در رشته های مختلف چون: فلسفه، حکمت، منطق، فقه و ادبیات که به صورت های گوناگونی چه تألیف، تحقیق، تصحیح و اهتمام از قلم شیوای ایشان تراوش کرده و به جای مانده که اغلب آنها چاپ شده است.

### فهرست آثار او به شرح زیر است:

- 1- ارسطاطاليس حکيم (تصحیح و تحقیق).
- 2- الشواهد الربوبية (تصحیح).
- 3- الفوائد الدريره (از ابن سینا-اهتمام).
- 4- المحججه البيضاء (از فیض کاشانی-تصحیح و تعلیق).
- 5- المحرک الاول (از سجستانی-تصحیح).
- 6- النکت الاعتقاديہ (از شیخ صدوق-تصحیح).
- 7- الوجيزه فی الدريره (تصحیح).
- 8- بیع از شرائع الاسلام (درس ایشان در دانشکده حقوق).
- 9- ترجمه أخبار الحکماء (از قفطی-تصحیح).
- 10- ترجمه غنیه النزوع (از ابن زهره).
- 11- ترجمه نه فصل از متن اشارات ابن سینا.
- 12- تلخیص البیان فی مجازات القرآن (از شریف رضی-تصحیح).

- 13- دانشنامه علائی (از ابن سینا- تصحیح).
- 14- دره الاخبار و لمعه الانوار (اهتمام).
- 15- دره التاج لغره الدباج.
- 16- رساله ای در شرح حال بیهقی.
- 17- رساله تجرد نفس مردمی.
- 18- رساله ره انجام (از افضل الدین کاشانی- تصحیح).
- 19- رگ شناسی (تصحیح).
- 20- روان شناسی (ترجمه رساله عشق ابن سینا- اهتمام).
- 21- شرح حکمه العین (اهتمام).
- 22- شرح فارسی بر درایه الحدیث (از شهید ثانی).
- 23- شرح فارسی بر لمعه دمشقیه.
- 24- شرح و تعلیقات علی تتمه صوان الحکمه.
- 25- فعلیت و امکان در عقد وضع و آرای فارابی و ابن سینا.
- 26- کلید بهشت (از قاضی سعید- اهتمام).
- 27- کلمه التوحید لرفع التردید (فارسی- در فلسفه).
- 28- مشکاه الاسرار فی حل عقد الاسفار.
- 29- مفاتیح الجنان (از قمی- تصحیح و تحشیه).
- 30- مقامات الجنات (از سید نعمه الله جزائری- تصحیح).
- 31- منطق الشفاء (تصحیح).
- 32- نمونه مختصری از غزل و مثنوی و رباعی.
- 33- وصیت نامه علامه مجلسی (تصحیح).

وی سالهای آخر عمر خود را برای مدتی چند در انگلستان زیست و سرانجام

ص: 1842

در اثر کهولت سن در تاریخ روز جمعه /30 ذی القعدة 1400/ ق مطابق با /18 مهر 1359/ ش در سن 80 سالگی در لندن درگذشت.

جنازه اش جهت مراسم خاکسپاری از لندن به تهران و از آنجا به شهر مقدس قم انتقال یافت و پس از تشییع باشکوه در یکی از ورودی های حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

-منابع

1- خاتمه کتاب ارسطاطاليس حکيم، به قلم فرزندش دکتر سيد محمد مشکاه.

2- فرهنگ عميد 808.

3- فهرست کتابهای چاپی فارسی طبی 407/1 و 408 و 887.

4- مجله آینده، سال 6، شماره های (9-12)، سال 1359 ش، ص 918.

5- مقدمه فهرست کتابخانه مشکاه، به قلم دکتر علینقی منزوی.

6- مقدمه کتاب فهرست کتابخانه اهدائی آقای سيد محمد مشکاه به کتابخانه دانشگاه تهران، جلد اول، به قلم دکتر علینقی منزوی.

7- مؤلفین کتب چاپی 815/5.

8- نقباء البشر (قسمت خطی).

**دکتر شيخ محمد مفتاح همدانی**

**اشاره**

(1347-1400 ق)

دکتر شيخ محمد فرزند شيخ محمود همدانی، معروف به «مفتاح»، از فضلا و اساتيد گرانقدر حوزه و دانشگاه بود.

وی تحصیلات مقدماتی را نزد پدر خود و در مدرسه آخوند ملا علی همدانی فراگرفت، سپس در سن جوانی (سال 1362 ق) رهسپار حوزه علمیه قم شد و سطوح را به پایان برد. دروس خارج را از محضر آیات: سيد محمد حجت کوه کمري، سيد حسين طباطبائي بروجردی، سيد محمد داماد یزدی، سيد کاظم شریعتمداری

ص: 1843

و سید روح الله خمینی و فلسفه را از محضر سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» بهره مند شد و خود اقدام به تدریس سطح و حکمت پرداخت.

وی جهت انجام تحصیلات دانشگاهی به تهران عزیمت کرد و در دانشکده معقول و منقول در رشته فلسفه به تحصیل پرداخت و موفق به دریافت درجه دکترا گردید و به قم بازگشت و به کارهای فرهنگی اشتغال ورزید و بعداً در سال 1388 ق مطابق با 1347 ش به تهران رفت. و ابتدا در دبیرستانها و از سال 1348 ش در دانشکده الهیات به تدریس و تربیت طلاب اشتغال ورزید. و سرانجام به ریاست و استادی دانشکده الهیات دانشگاه تهران برگزیده شد. در ضمن فعالیتهای مذهبی خود را در حسینیه ارشاد و مسجد جاوید و نیز مسجد قبا در قالبهای وعظ و ارشاد و ایراد سخنرانی و نیز اقامه جماعت، انجام می داد.

## از آثار او

1- ترجمه تفسیر مجمع البیان (اثر طبرسی - با همکاری شیخ حسین نوری همدانی).

2- حاشیه بر اسفار (اثر ملا صدرا).

3- حاشیه بر منظومه (اثر سبزواری).

4- روش اندیشه (در منطق).

علاوه بر آثار فوق در مجله های: مکتب تشیع و مکتب اسلام مقالات زیادی دارند.

استاد مفتوح در ساعت 9 صبح روز سه شنبه 28 محرم 1400 ق مطابق با 27

ص: 1844



آذر 1358/ ش در سن 52 سالگی در صحن دانشکده الهیات دانشگاه تهران به ضرب گلوله زخمی شد و ساعت 12 ظهر در بیمارستان امیر اعلم به دیدار حق شتافت. پیکرش صبح روز چهارشنبه از مسجد دانشگاه تهران تشییع و به قم انتقال داده شد و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

شیخ محمود مفتاح همدانی

### شهید مفتاح از زبان همسرش

بسم الله الرحمن الرحيم من فاطمه جابری انصاری صبیة مرحوم حجه الاسلام حیدر علی جابری انصاری از نواده های جابر بن عبد الله انصاری اولین زائر سرور آزادگان حسین بن علی علیه السلام، همسر آیت الله شهید دکتر مفتاح مایه افتخار همه فامیل، هستم.

این افتخار بزرگ را من برای خود می دانم که مدت 30 سال عمرم را در خدمت مرد بزرگ و مجاهد و ارزشمند و واقعا مرد خدا بودم، که زندگی را برای خدا می خواست و عاقبت هم در راه خدا و راه عشقش و ایده اش و امامش جانش را فدا کرد.

من چون معمولاً در خانه بودم کمتر از کارهای ایشان خبر داشتم. از سالی که ترور حسنعلی منصور صورت گرفت، از فعالیت های سیاسی ایشان خبردار شدم که مرتب در حال مبارزه هستند. در مسافرت هایی که به خوزستان می کردند سخنرانی هایی داشتند و فعالیت هایی می کردند که باعث شد در خوزستان ممنوع الورد بشوند و از آن پس نتوانستند علنا سخنرانی کنند. ولی ایشان باز هم

ص: 1845

سخنرانیهای پراکنده ای داشتند تا جایی که عکسشان را چاپ کرده و به تمام خوزستان فرستادند که اگر مأموران او را دیدند بلافاصله تحویل زندان بدهند!

این بود که ایشان دیگر نتوانستند برای ارشاد مردم به خوزستان بروند. ولی ساکت هم ننشستند و چون دبیر دبیرستانهای قم بودند فعالیتهای خود را به صورتی دیگر در دبیرستانها شروع کردند. باز هم طولی نکشید که ایشان را به کرمان تبعید کردند و مدتی هم در کرمان مشغول فعالیت بودند تا وقتی که به تهران تبعیدشان کردند و فعالیت را در تهران شروع کردند. او در دبیرستان و بعد هم در دانشکده الهیات شروع به فعالیت نمودند. مدتی هم در مسجد الجواد فعالیت داشتند. ولی چون امام مسجد جاوید بودند و حسینیه ارشاد را بسته بودند فعالیتهایشان را در مسجد جاوید متمرکز کردند و کلاسهای درس برای دانشجویان گذاشتند و کارهای دیگر هم می کردند تا جایی که رژیم نتوانست طاقت بیاورد و ایشان را گرفت و زندانی کرد و مسجد هم بسته شد.

مدتی ایشان در زندان بودند، ولی بیکار نبودند و مشغول آگاه کردن زندانیها بودند. بعد از مدتی از زندان آزاد شدند و مسجد قبا را تأسیس کردند و مجدداً فعالیت را شروع نمودند و در آن دوره خفقان مسجد قبا را به صورت کلاسهایی که در مسجد جاوید بود درآوردند. با وجود آنکه خود ایشان ممنوع المنبر بودند به صورت تفسیر قرآن دوباره منبرهای خود را شروع کردند و اولین فریاد از مسجد قبا بلند شد و اولین بار که اسم امام امت برده شد در مسجد قبا بود.

هم زمان با این فعالیتهای، در خارج کشور هم فعالیت داشتند و در لبنان و سوریه برای بازماندگان شهدای اسلام زمینی خریدند و مدرسه شبانه روزی و دبیرستان درست می کردند که با شهادتشان کارهای خارج نیمه ماند.

در داخل کشور اولین نماز عید فطر چند میلیون نفری را در مسجد قبا بر پا داشت و در سال 56 بود. همین جور فعالیت را ادامه دادند تا ماه مبارک سال 57 که در این ماه با این که مسجد در محاصره دشمن بود، ولی ایشان مبارزه را در سنگر

مسجد قبا ادامه می دادند. و باز هم نماز عید فطر سال 57 و اولین راهپیمایی را در همان روز از مسجد قبا شروع کردند تا تپه های قیطریه و بعد از نماز هم راهپیمایی از تپه های قیطریه شروع شد. راهپیمایی دوم را هم در روز پنجشنبه 16 شهریور از تپه های قیطریه شروع کردند که در همان روز در محل قلعهک ایشان را مزدوران رژیم کتک زدند و زخمی کردند و به وسیله اسلحه سر و دست و کمرشان را زخمی کردند و بعد هم در روز جمعه 17 شهریور (جمعه خونین) دوباره ایشان را با همان حال مریضی و جراحی دستگیر و به زندان بردند.

مدتی در زندان بودند تا وقتی که دیگر رژیم نتوانست زندانی های سیاسی را در زندان نگهدارد و ایشان را هم آزاد کرد. بعد از آزادی باز هم به فعالیت خودشان ادامه داد. ایشان از مؤسسين جامعه روحانیت مبارز تهران بودند و در کمیته استقبال از امام سهم مؤثری داشتند. تا امام از پاریس به ایران بازگشتند و بعد از چند روز انقلاب پیروز شد و ایشان همچنان در کمیته های انقلاب بودند و بعد هم ریاست دانشکده الهیات را به عهده گرفتند و همراه با آن رئیس کمیته منطقه 4 هم بودند.

-منابع

1- روزنامه کیهان، به تاریخ 26 آذر 1359/ ش، ص 10.

2- گنجینه دانشمندان 409/2.

3- مستدرک اعیان الشیعه 173/1.

4- مؤلفین کتب چاپی 830/5.

5- هگمتانه تا همدان 174.

**شیخ محمد موحدی قمی**

**اشاره**

(1314-1405 ق)

حاج شیخ محمد فرزند آیت الله شیخ عبد الله قمی، ملقب به «موحدی» و متخلص به «موحد» از دانشمندان و فضیلهای معاصر و داماد آیت الله شیخ ابو القاسم قمی (کبیر) بود.

ص: 1847

## تحصیلات عالی

وی پس از طی مقدمات، سطوح را نزد پدر خود به انجام رسانید، آن گاه دروس خارج را ابتدا از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سپس از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود.

ایشان در تشکیلات آیت الله بروجردی متصدی امور استفتا و جمع آوری فتاوی آن مرجع عالیقدر بود، و پس از ارتحال ایشان به حلقه اصحاب آیت الله سید شهاب الدین مرعشی پیوست، و به کار خود ادامه داد. در ضمن نماز جماعت را در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام بر پا می نمود.

## از آثار او

- 1- توضیح المسائل.
  - 2- جامع الشتات.
  - 3- جامع الفروع.
  - 4- رساله عملیه.
  - 5- فرائض المناسک.
  - 6- مصابیح الفروع.
  - 7- مناسک حج.
  - 8- مناهج الفروع.
- کتابهای فوق از افادات و افاضات آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی و براساس فتاوی ایشان به وسیله مرحوم موحدی تهیه و تنظیم شده است.
- 9- الغایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی (تنظیم- دو جلد).
  - 10- الوصل و الفصل.

11- تالیف الشتات.

12- جنگ.

13- شتاب موحدی.

14- فروع المعاملات.

15- منتهی المسائل.

### درگذشت و اعقاب

ایشان در 26 جمادی اول 1405/ق در سن 91 سالگی در قم درگذشت، و پیکرش در قبرستان باغ بهشت مدفون شد. از او فرزندی به نام آقا محسن و سه دختر باقی ماند که علامه سید حسین برقی یکی از دامادهايش بود.

-منابع

1- آثار الحجه 107/2.

2- اطلاعات متفرقه.

3- گنجینه دانشمندان 274/2.

### سید محمد موسوی اردبیلی

(-ح 1410 ق)

از فضیله معاصر اردبیل بود.

تولدش در اردبیل اتفاق افتاد. در سن نوجوانی همراه برادر خود حجه الاسلام سید عزیز در مدرسه ملا- ابراهیم نزد علمای آن عصر، چون: شیخ مهدی عالم اردبیلی، سید جلال محدث خلخال و شیخ غفور عاملی اردبیلی، مقدمات و سطوح را به انجام رساند. سپس نیز همراه آن برادر به قم رفت و از محضر آیات:

سید محمد حجت کوه کمری، سید صدر الدین صدر و سید حسین طباطبایی بروجردی بهره مند گردید. آنگاه به زادگاهش بازگشت و در مسجد حسینی به امر

ص: 1849

اقامهٔ جماعت، تدریس و ارشاد پرداخت. ایشان دارای آثار قلمی نیز بوده است.

سرانجام در حدود سال 1410 ق در اثر ابتلای به بیماری سرطان خون در اردبیل بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ بهشت-مقبره العلماء-مدفون گشت.

-منبع

1-مفاخر اردبیل (مخطوط-سید عبد الله مفتی الشیعه).

## سید محمد مولوی حیدرآبادی

### اشاره

(1329-1416 ق)

سید محمد مولوی فرزند آیت الله سید ابو الحسن میرن و نوهٔ آیت الله سید نیاز الحسن فرزند غلامحسن حسینی حیدرآبادی. وی از جمله علمای زاهد و متقی و از اساتید حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف بود.

نامبرده در سال 1329 ق مطابق با 1290 ش در حیدرآباد هند دیده به جهان گشود.

### پدری فقیه

پدرش معروف به (میرن)، و یکی از فقها و دانشمندان مقتدر حیدرآباد بود.

نیاکان او ابتدا در قریهٔ «برست» از توابع دهلی سکونت داشتند، سپس به حیدرآباد رفتند و در آنجا سکونت اختیار کردند. میرن در حدود سال 1278 ق در حیدرآباد متولد شد. مقدمات را نزد علامه سید اکبر حسین زیدپوری و قسمتی از سطح نزد

ص: 1850

علامه سید نثار حسین عظیم آبادی استفاده کرد، آن گاه مدتی به لکنهورفت و از محضر آیت الله مفتی سید محمد عباس لکنهوی جزائری تعلیم دید و مجدداً به حیدرآباد بازگشت و از پدر خود استفاده علمی برد.

وی در سال 1299 ق جهت ادامه تحصیلات عالی خود به نجف اشرف رهسپار شد و از محضر آیات: میرزا حبیب الله رشتی، شیخ محمد حسن مامقانی، شیخ محمد فاضل شربیانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی استفاده شایان نمود و پس از 14 سال تحصیل و نیل به درجه رفیعۀ اجتهاد در سال 1313 ق به زادگاه خود مراجعت کرد و به امر تدریس و تربیت طلاب و اقامۀ نماز جمعه و جماعت اشتغال ورزید. مدت دو یا سه سال هم جهت ارشاد و تبلیغ دین حنیف به شرق آفریقا (زنگبار) مهاجرت کرد و در آنجا خدمات شایانی نمود و مجدداً به حیدرآباد مراجعت کرد.

سید محمد مولوی حیدرآبادی میرزا باقر زنجانی شیخ علی اصغر طبرسی

## از آثار او

1- ادعیۀ مهمات (در ادعیۀ مجربہ و مخصوصہ).

ص: 1851

2-الكلمه الطيبه(در اصول دين).

3-تقريب الشرع(در مسايل فقه).

4-رساله في الصلاه.

5-رؤيه الأهله.

6-قواعد المواريث(به زبان اردو در احكام ارث).

7-مخزن الطهاره في الدماء الثلاثه.

8-ورع الصالحين(در اخلاق).

سرانجام اين فقيه مجاهد در پي بيماري يرقان در شب دوشنبه /13 جمادى الثانى 1363/ ق مطابق با /15 خرداد 1323/ ش در حدود سن 85 سالگي در حيدرآباد درگذشت و جسدش به عتبات عاليات انتقال داده و در صحن حضرت ابو الفضل العباس عليه السلام در كربلاي معلا به خاک سپرده شد.

-منابع

1-ارمغان به ضميمه تاريخ مسجد اثنا عشرى، منتشر سال 1392 ق در حيدرآباد، ص 15.

2-اطلاعاتي از فرزندش مرحوم سيد محمد مولوى.

3-مستدرک أعيان الشيعه 66/5.

4-مطلع انوار.

5-مؤلفين كتب چاپي 142/1.

6-نقباء البشر 46/1.

### شرح حال مولوى

مرحوم سيد محمد مولوى سالهاى آخر عمر خود را در قم سپري كرد و در اثر كهولت و بيماري كه بر ايشان غالب گشته، عملا خانه نشين شده بود. نگارنده چند ماه آخر زندگي ايشان را درك نموده و مرتبا خدمتشان مي رسيدم و يا تماس تلفني حاصل مي كردم. واقعا او را مردى زاهد، عابد، خليق و دانشمند يافتم.



در تاریخ روز چهارشنبه 10/رمضان1416/ق بعد از افطار در منزل ایشان حضور پیدا کرده و از زبان مبارکشان احوالات مرحوم پدرشان و بعدا به خواهش مکرر این جانب گوشه ای از زندگانی خود بیان فرمودند، و پس از ارتحال ایشان بود که توانستم فهرست کامل آثار قلمی و اجازات علمی ایشان را بدست بیاورم.

به هر حال شرح حال مذکور به شرح زیر است:

### **تحصیل در حوزه نجف اشرف**

ایشان دوره مقدماتی را در زادگاهش آموخت و سپس همراه پدر خود در سن 18 سالگی به حوزه کهن نجف اشرف رهسپار شد و سطح را نزد آیات: میرزا باقر زنجانی و سید ابو القاسم خوئی به انجام رسانید و دروس عالی حوزه را از محضر آیات: شیخ ضیاء الدین عراقی (مدت کوتاهی)، سید ابو الحسن اصفهانی (در فقه)، شیخ محمد علی کاظمی خراسانی، میرزا باقر زنجانی و سید ابو القاسم خوئی استفاده شایان فقهها و اصولا نمود. آن گاه خود به تدریس متون کتب درسی و سطح اشتغال ورزید و عده ای را از فضلا و طلاب هند و پاکستان تربیت کرد. البته دروس خارج را با آیت الله شیخ احمد رضوانی زنجانی مباحثه می کرد و این دو بزرگوار تا آخر با یکدیگر دوستی صمیمی داشتند.

ایشان سفرهایی متعدد به کویت و حیدرآباد داشت و در آنجا مورد توجه عامه مرحوم قرار گرفت و مشغول وظایف دینی خود شد.

### **هجرت به قم**

در سال 1412 ق در پی قیام مردمی علیه رژیم حاکم بعث و شکست عملی آن قیام توسط آمریکایی ها، او و سایر فرزندان او ابتدا به عربستان سعودی-شهر رفحه- رفت و از آنجا به ایران مهاجرت و در قم سکونت اختیار نمودند و چنان که قبلا ذکر

ص: 1853

گردید به علت کهولت سن و بیماری در خانه استراحت می کردند.

ایشان به زبانهای: عربی، فارسی، اردو و انگلیسی تسلط کامل داشتند و از این زبانها چه در نوشتار یا در گفتار استفاده می کردند.

### **آثار قلمی آن مرحوم به شرح زیر است:**

1- اصول الفقه، در دو جلد.

2- الآیات القرآنیة الواردة فی موضوعات مختلفه.

3- البراهین الداله علی موحدیه أجداد النبی صلی الله علیه و آله الی آدم علیه السلام (من روایات العامه).

4- المكاسب المحرمه.

5- أحكام حج (به زبان اردو).

6- تقریرات آیت الله الخوئی.

7- تقریرات آیت الله الزنجانی.

8- جوامع الأخبار، در سه جلد.

9- حرمت ریش تراشی (به زبان اردو).

10- رساله ای در احکام عبید و اماء (به زبان اردو).

11- رساله فی البرزخ.

12- رساله فی الشیطان و مکائده.

13- رساله فی الذین تکلموا حین ولادتهم أو فی صغر سنهم.

14- رساله فی النجاسات.

15- رساله فی صلاه المسافر.

16- شأن نزول آیه التطهیر و أنها نزلت فی الخمسه الطاهره علیهم السلام (من روایات العامه).

17- شرح دعای کمیل (به زبان اردو).

18-شکّیات نماز(به زبان اردو).

ص:1854

19- علم الامام.

20- فضائل الأئمة عليهم السلام (من كتب العامه).

21- كتاب الاجاره.

22- كتاب البيع.

23- كتاب الخمس.

24- كتاب الزكاه.

25- كتاب الصوم.

26- كتاب النكاح.

27- كتاب في بيان أن الأئمة عليهم السلام خلقوا أنوارا وأنهم أول مخلوق الله (من روايات العامه).

28- وقوع التحريف في القرآن و عدمه.

البته باید این نکته را تذکر داد که سایر آثار فوق فعلا در دست بازماندگان ایشان، در عراق نگهداری می شود.

### **درگذشت و اعقاب**

متأسفانه این عالم ربانی و محقق کوشا در پی شدت بیماری در صبح روز یکشنبه 20 ذی قعدة 1416/ ق مطابق با 19 فروردین 1375/ ش در سن 87 سالگی در بیمارستان آیت الله گلپایگانی در قم چشم از جهان فرو بست و به ملکوت اعلی پیوست. پیکر ایشان عصر روز دوشنبه پس از تشییعی بسیار با شکوه و با حضور روحانیت معظم انجام گرفت، در یکی از اطاقهای قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

### **فرزندانش:**

1- سید حسین 2- سید رضا 3- سید مهدی.

ص: 1855

(1302-1378 ق)

یکی از چهره های فروزان و فقهای نام آور و علمای برجسته حوزه های علمیه و از ستارگان آسمان علم و معرفت حاج شیخ محمد مهدی امامی «امیرکلانی» بود.

وی در سال 1302 قمری در «امیرکلای» بابل دیده به جهان گشود و در خانواده ای مذهبی پرورش یافت.

او پس از طی دوران کودکی و پشت سر گذاشتن مراحل اولیه تعلیم و تربیت با عشق و علاقه وافر و بخاطر برخورداری از هوش و ذکاوت بالا، راهی حوزه علمیه بابل گردید تا با تحصیل علوم مقدس دینی، آینده روشنی را برای خود ترسیم نماید.

پس از ورود به بابل در «مدرسه آستانه» نزد اساتید والامقامی چون حضرات آیات: شیخ علی اصغر مجتهد مازندرانی و شیخ اسماعیل بن حداد و شیخ محمد حسین شریعتمدار و سید احمد استاد و همچنین سید حسن پیشنماز دروس مقدماتی را فراگرفت.

آنگاه راهی تهران گردید و در محضر فرزانه گانی چون: شیخ فضل الله نوری و سید علی اکبر لاهیجانی و آخوند ملا محمد صاحب حواشی بر شرح شمسیه زانوی ادب بر زمین زد و مقداری از سطوح عالی و چند سالی از دروس خارج فقه و

ص: 1856

اصول آن بزرگواران استفاده کرد.

لازم به ذکر است در مقدمه شرح «مقدمه قیصری بر فصوص الحکم» تألیف استاد، سید جلال الدین آشتیانی که مدتی افتخار شاگردی معظم له در شرح منظومه حکمت و قسمتی از مکاسب و قسمتی از شوارق الالهام را داشتند، ضمن یادآوری از آن بزرگوار به عنوان «حکیم ربانی، فقیه عالیقدر، زاهد و متورع» آمده است: «...»

در عقلیات از تلامیذ آقا میرزا هاشم اشکوری، آقا میرزا حسن کرمانشاهی و آقا میر شهاب الدین نیریزی شیرازی «اعلی الله مقامهم» بود...».

وی که روح تشنه اش همواره در تلاطم بوده و جهت رسیدن به کمالات والای علم و حکمت و معرفت در تلاش بود، پس از چند سال اقامت در تهران، راه عتبات عالیات را در پیش گرفت و در حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف از خرمن پرفیض بزرگ مردان علم و فقهت چون حضرات آیات: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، شیخ عبد الله مازندرانی و شیخ الشریعه اصفهانی بهره های فراوان برد و از چشمه های جوشان آن فقهای نامدار سیراب گردید و به مقام عالی اجتهاد نائل آمد و از اجله علمای فوق الذکر به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر گردید.

ص: 1857

به هر حال مدت اقامت ایشان در حوزه علمی نجف اشرف که از پر بارترین دوره زندگی این عالم فرزانه به شمار می رود و دقیقاً در همین دوره شخصیت علمی و معنوی وی نیز شکل گرفته و تلاش او به بار نشست و روح تشنه اش سیراب گردید و به قله رفیع اجتهاد دست یافت، به پایان رسید و او با کوله باری از علم و تجربه و معنویت و پس از دوری طولانی از وطن، راهی بابل شده و در امیرکلا ساکن گشتند و به ارشاد مردم و ترویج شریعت مقدس نبوی پرداختند و همواره با هوشیاری و تحمل مشقّات و مرارتها، مردم منطقه را در امور دینی و اجتماعی رهبری می کردند و از این طریق قلوب زیادی را به سوی خود جذب کرده و ضمن پرداختن به امور علمی و اشتغال به تدریس، سرآمد رجال علمی منطقه گردیدند.

## هجرتی دیگر

معظم له پس از چند سال اقامت در وطن، یک بار دیگر دست به هجرت زده و در سال 1348 قمری عازم شهر مقدس قم گردید و با بهره گیری از ذخایر سرشار علمی خود، به تدریس دروس عالی در فقه و اصول و همچنین تفسیر قرآن و فلسفه و علوم معقول پرداختند.

مدت چندانی از اقامت آن مجتهد عالی مقدار در قم نگذشت، که طلاق لسان و جذابیّت بیان و همچنین ورزیدگی و بهره مندی از قدرت ممتاز علمی اش، باعث شد تا مورد توجه علما و فضلا و طلاب قرار گرفته و شاگردان فراوانی در محفل علمی او گرد آمده و پروانه وار به دور شمع وجودش حلقه زنند و از دریای مّوآج علم و معرفت او سیراب گردند و از مدرسین حوزه علمیه قم به حساب آیند.

نکته برجسته آن استاد فرزانه جدیّت و خستگی ناپذیری وی در امر تدریس و همت بلندشان در راه تربیت شاگردانی وارسته و ممتاز بوده است. به طوری که طبق نقل بعضی از تلامذه معظم له که در حکمت و علوم معقول افتخار شاگردیشان را داشتند، مرحوم امیرکلائی شاگردان را از مباحث مختلف بهره مند می ساختند.

به هر حال مقام بلند علمی و معنوی آن رادمرد، مورد قبول و عنایت همهٔ علما و مجتهدین قم بوده است، به طوری که آیت الله سید ابو الحسن حسینی (متوفای 1376 ق)، حکایت نمودند که:

پس از ارتحال مرجع عالیقدر حضرت آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری، آن بزرگوار بخاطر برخورداری از امتیازات لازم، کانون توجه علمای اعلام برای احراز مقام مرجعیت و زعامت حوزهٔ علمیه قم گردید و اعظام حوزه چون: آیت الله سید صدر الدین صدر و آیت الله سید محمد حجت و دیگران از ایشان دعوت کردند تا زعامت حوزه را به عهده بگیرند، ولی معظم له از قبول این مسئولیت امتناع کرده و تکیه بر کرسی تدریس را ترجیح دادند و از همین راه دانشوران برجسته ای را تربیت نمودند.

## ارادت علما

ایشان با وجود کناره گیری از زعامت و مرجعیت عامه، بخاطر علو مقام و منزلت علمی و معنوی، همواره مورد احترام علمای طراز اول قم و مراجع تقلید بود، چنانکه بین ایشان و آیت الله بروجردی صمیمیت فراوانی وجود داشت و معظم له برای حاج شیخ محمد مهدی ارزش زیادی قائل بودند و طبق فرمودهٔ خود حاج شیخ محمد مهدی، آقای بروجردی هر ماه به منزل ایشان تشریف فرما می شدند.

همچنین حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی می فرمودند: «آیت الله بروجردی که از درس تا منزل و از منزل تا حرم با درشکه رفت و آمد می کردند، هر وقت از چندین متری شیخ محمد مهدی را می دیدند، از درشکه پیاده شده و از جلوی ایشان سواره رد نمی شدند، آنها باهم دوست صمیمی و وصی یکدیگر بودند...».

مرحوم آیت الله حسینی هم نقل فرمودند که:

«زمانی مرحوم آقای بروجردی جلوی حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام، مرحوم آقا محمد مهدی را دیدند که عبا به سر کشیده و طی مسیر می نمودند، آقای بروجردی پیشقدم شده و به ایشان سلام کردند. ولی آقا شیخ محمد مهدی متوجه



نشدند، و پس از توجه، ضمن عذرخواهی از آقای بروجردی، فرمودند: ببخشید که متوجه نشدم، چون ما از اموات هستیم». آقای بروجردی فرمودند: «نه شما از احیاء هستید و ما از اموات هستیم».

البته روشن است که منظور آن دو بزرگوار حیات روحانی و معنوی است و این داستان بیانگر عمق تواضع و فروتنی آنان می باشد.

## ویژگی ها

پرداختن کامل به ابعاد وجودی ویژگی های عالمی فرهیخته چون مرحوم حاج شیخ محمد مهدی کاری است بس مشکل و از توان قلم نارسایی چون قلم نگارنده این سطور خارج است. ولی اشاره اجمالی به بعضی از آن ویژگی ها (هرچند ناقص) در این فراز خالی از فایده نیست.

## صراحت و قاطعیت

یکی از ویژگی ها، صراحت و قاطعیت ایشان در گفتار بود. وی در بیان حقایق از هیچ چیز و هیچ کس ابایی نداشت و این امتیاز وی زبانزد علما و مردم کهنسال منطقه می باشد.

دوران زندگی ایشان مصادف بود با حکومت رضا خان قلدر که به فرمان اربابان خارجی خود، کیان اسلام و احکام دین را هدف گرفته بود و به رواج فساد و بی بندوباری دامن زده بود، از این رو عالمان شجاع و دانشمندان بزرگ به مبارزه با طاغوت و پاسداری از حریم ارزشهای اسلامی و دین و عفاف پرداختند.

در این میان شیخ محمد مهدی نیز ساکت ننشسته و طبق نقل پیران و ریش سفیدان موثق، معظم له در سخنرانی ها با قاطعیت و صراحت لهجه، اقدامات رضا خان از قبیل: بی حجابی و طرح متحد الشکل نمودن لباس را محکوم می کرد و بعضا در منابر علنا از گناهان رایجی چون: رباخواری و ریش تراشی افراد، به شدت انتقاد می کرد.

ص: 1860

چنانچه در منازل افراد برای صرف غذایی چون افطار، شرکت می‌جستند و مجلس را خالی از فقرا و مساکین و محل اجتماع اغنیا می‌یافتند، شدیداً به میزبان اعتراض کرده و می‌فرمودند:

«چرا فقرا و مساکین را دعوت نکرده‌ای؟ این مهمان‌ها که همه‌شان از اغنیا و تأمین هستند. می‌بایست افرادی را دعوت کنید که محتاج حضور بر سر این سفره‌ها هستند.»

همچنین اگر مرتکب گناهی را می‌دیدند و لو آنکه شخص مهمی باشد، بی‌پرده و صریح به او تذکر می‌دادند، در این رابطه داستان زیر که آن را یکی از علمای بابل نقل فرمودند، خواندنی است:

در یک مجلس بزرگ مهمانی در تهران که شیخ محمد مهدی حضور داشتند، یکی از صاحب‌منصبان ارتش درحالی که انگشتی از طلا به دست داشت، در آن مجلس حاضر بود، آن بزرگوار رو به او کرده و با صراحت فرمودند: «مگر نمی‌دانید انگشت طلا حرام است؟! چرا بدست گذاشتید?!»

او هم وقتی که این قاطعیت را دید، بدون درنگ انگشتی را بیرون آورده و در جیب خود نهاد. بعد از صرف غذا و رفتن مهمانان، صاحب‌منزل رو به آقا کرده و گفتند: «آقا ایشان از صاحب‌منصبان ارتش بودند، چرا این حرف را زدید؟! آبروی ما را بردید.»

معظم‌له فرمودند: «اگر قبل از ناهار این حرف را می‌زدی، در منزل شما غذا نمی‌خوردم، چرا که از «نهی از منکر» جلوگیری می‌کنی.»

نمونه‌دیگر از قاطعیت ایشان، داستانی است که یکی از ملازمین ایشان نقل فرموده‌اند و آن اینکه:

در زمان ایشان دو تن از روحانیون مبارز را دستگیر و به کلانتری برده بودند. آن بزرگوار شخصاً به کلانتری رفته و با عصا به فرمانده پاسگاه اشاره کرده و فرمودند:

«این‌ها را آزاد کنید و با من بفرستید وگرنه هرچه دیدید، از چشم خودتان دیدید.»

فرمانده پاسگاه هم در مقابل این قاطعیت، بدون مقاومت در همان وقت آنها را آزاد کرد.

یکی از مسائل مهم در زندگی آن بزرگوار، که خود ناشی از روح قاطع وی و نشان دهنده نقش ایشان در مبارزه علما با اقدامات رضا شاه می باشد، تبعید به کاشان می باشد.

پس از ماجرای ننگین کشف حجاب و سایر اقدامات رژیم طاغوتی رضا خان، آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری پیامی اعتراض آمیز خطاب به شاه نوشتند و مراتب انزجار خود را از این اقدامات ضد دین اعلام داشتند.

پیرو آن، رضا خان نیز با بی ادبی چنین پاسخ داد:

«حجه الاسلام حاج شیخ عبد الکریم؛ این حرف از اراجیف است و کسانی را که شما را محرک بوده اند، تعقیبشان می کنیم».

پس از آن، چند نفر به کاشان تبعید شدند، که یکی از آنها حاج شیخ محمد مهدی مازندرانی بوده اند. یکی از نویسندگان معاصر، ضمن معرفی معظم له به عنوان یکی از «مشروطه خواهان اصیل» به تبعید وی اشاره کرده و می نویسد:

«تعدادی از رجال سرشناس مشروطه خواه اصیل بعد از آنکه پرده از روی واقعه مشروطه به کنار رفت... جمعی از مشروطه خواهان اصیل مانند... حاج میرزا محمد مهدی مازندرانی یکی از شاگردان به نام مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری «شهید»، که در ماجرای کشف حجاب نیز به اتهام تحریک آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری در ارسال تلگراف اعتراض به رضا شاه توسط او، از قم به کاشان تبعید شد و... از همه جریانات سیاسی سخیف آن روزگار زده شدند و به نحوی خود را به جریان فکری و فرهنگی مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری در قم منسوب ساختند».

همچنین آیت الله شیخ محمد علی اراکی در خاطرات خود، ضمن بیان این مطلب می فرمایند:

«نتیجه آن (نامه حاج شیخ عبد الکریم حائری) این بود که رضا خان گفته بود:

این حرف اراجیف است، محرکین شما تعقیب خواهند شد، عده ای از جمله شیخ محمد مهدی مازندرانی را که در قم ساکن بود و از بزرگان و اساتید محسوب می شد و آدم موقری بود و عینک هم می زد و از خصیصین مرحوم شیخ فضل الله نوری بوده است که به دارش زدند، او نیز به کاشان تبعید شد.

## قدرت سخنوری

یکی دیگر از ویژگی های معظم له، جذّابیت کلام و اقتدار و توانمندی در سخنرانی بوده است. سخنان وی در اعماق جان مستمع نفوذ می کرد و افراد را به شدت منقلب می کرد.

علّت این نفوذ کلام یکی همان قاطعیّت و صراحت در گفتار و دیگری طهارت نفس و قداست روح معظم له بوده است، چرا که وی مجسمه تقوا و صداقت و پاکی و پایبندی به فضائل انسانی بود و در تهذیب نفس و سیر در میادین عشق و معرفت بی نظیر و الگوی بزرگی برای سالکان و پویندگان طریق هدایت محسوب می گشتند و به خاطر همین عظمت معنوی، سخنانی که از اعماق جانش تراوش کرده و از انفاس قدسی و مسیحایی اش بیرون می آمد، تا اعماق جان شنوندگان نفوذ می کرد.

البته قبول مسئولیت سخنرانی و منبر برای عامّه مردم با وجود آن مقام شامخ علمی و شهرت عظیم، خود حاکی از روح متواضع و فروتنی آن بزرگوار می باشد، که با قبول آن و تحمّل رنج و مشقّت فراوان، برای ترویج شریعت و تهذیب نفوس مردم، از هیچ کوششی دریغ نمی ورزیدند و آن را به عنوان یک دستور و وظیفه شرعی تلقی کرده و به آن اهمیت زیاد می دادند.

طبق نقل مرحوم آیت الله سید ابو الحسن حسینی، پس از فوت مرحوم سید محمد باقر معروف به «امام جمعه» (در سال 1326 شمسی) که فردی نافذ و مورد توجه حکومت بودند و در مسجد کاظم بیک نماز جمعه و جماعت اقامه می کردند، مردم بابل از شیخ محمد مهدی دعوت نمودند که بار دیگر به بابل مراجعت کرده و

در مسجد کاظم بیک به اقامه جماعت و رتق و فتق امور پردازند.

پس از این دعوت، ایشان از مراجعت دائمی امتناع کردند. ولی قبول زحمت کرده و در ماه مبارک رمضان به بابل رهسپار گشته و در مسجد کاظم بیک به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج معارف دین می پرداختند، البته پس از چند سال به اصرار مردم امیرکلا، ماه مبارک رمضان را در «مسجد جامع امیرکلا» به اقامه جماعت و احیای شعائر دینی پرداختند.

قدرت خطابه ایشان واقعا بی نظیر و زبانزد خاص و عام بوده است، اهل معرفت پاس سخنان ایشان به شدت می گریستند. شیفتگان معارف دین برای درک حضور ایشان و استفاده از بیانات شیوا و جذاب وی، از روستاهای دور و نزدیک خود را به «مسجد جامع امیرکلا» می رساندند، تا از انفاس قدسی ایشان بهره مند گردند و معمولا محفل ایشان مملو از جمعیت مشتاق بوده است.

آری، نفس قدسی آن مرد خدا در تبلیغ و ترویج شعائر دین و ایجاد روحیه دینی و مذهبی در آن منطقه نقش بسزایی داشته است و با وجود سپری شدن بیش از چهل سال از فوت ایشان هنوز هم یاد و سخنان دلنشین وی در بین مردم شریف آن سامان زنده است، چنانکه از زندگی زاهدانه و سلوک عارفانه ایشان، با احترام و عظمت یاد می شود.

### **زهد و اقامه سنتها**

دیگر از ویژگی های شیخ محمد مهدی، زهد مثال زدنی و اهمیت به سنتهای اصیل دینی بوده است.

وی از مناعت طبع بالایی برخوردار بود و با آنکه در موقعیتی بودند که می توانستند از زندگی خوبی بهره مند باشند، ولی هرگز زندگی خود را به مظاهر مادی نیاراستند و همواره چون فقرا می زیستند و در تنگی معیشت بسر می بردند، و زهد ایشان بین علما و بزرگان قم و بابل مشهور بوده است.

ص: 1864

در رابطه با زندگی سخت و عنایت ویژه حق تعالی به ایشان، یکی از ملازمین موثق آن بزرگوار نقل نمودند که:

بنده ای از بندگان خدا هر چند وقت، مقداری از ما یحتاج عمومی آنها را به منزلشان می آورد، تا آنکه روزی تقاضای ناروایی از معظم له نمود که ایشان هم از قبول آن امتناع نمودند. همسر مکرمه ایشان، ضمن اعتراض گفتند: چرا تقاضای ایشان را برآورده نکردی؟ چرا که دیگر همین مقدار ما یحتاج ما را نخواهد آورد.

ایشان فرمودند: «ای زن، این مرد نیست که این ها را می آورد، این ها از جای دیگر می رسد».

چندی نگذشت که از آن شخص خبری نشد و اتفاقاً فرد دیگری می آمد و چیزهایی برای آنها می آورد.

این قضیه از یک طرف بر زندگی ساده وی دلالت می کند و از طرف دیگر حاکی از مراتب بالای توکل ایشان بر ذات اقدس الهی است. ضمن آنکه نشان می دهد ایشان مورد عنایت و توجه بوده اند.

آن مرد شریف به سنتهای اسلامی و ادعیه و اذکار و همچنین عرض ارادت و توسلات به محضر اقدس خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و برپایی و شرکت در مجالس سوگواری اهل بیت علیهم السلام سخت پایبند بوده و همواره دیگران را به این امور سفارش می فرمودند. چنانکه در ایام مخصوص عزاداری، در بیت شریف خویش مجالسی برگزار کرده و به سوگ می نشستند.

در اهمیت دادن ایشان به سنتها و دقت ایشان نسبت به ظرائف، این امر قابل توجه است که به نقل یکی از ملازمین موثق، هر وقت معظم له در ماه مبارک رمضان برای امور تبلیغی وارد بابل می شدند، مقید بودند که به منزل بستگان نزدیک و حتی وابستگان درجه دوم و سوم رفته و صلوة رحم نمایند و این امر نیز از بزرگواری و فروتنی آن شخصیت ممتاز عالم اسلام حکایت می کند.

خلاصه کلام آنکه آن عالم سترگ و برجسته، در همه فضائل انسانی و حسن

سلوک الگو و در صفا و صمیمیت و پرهیزگاری و خودسازی بی نظیر بوده است.

## تألیفات

از آن استوانه فقه و وارستگی و فضیلت، آثار ارزشمندی نزد بازماندگان وی باقی مانده است و تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، هنوز آن تألیفات گرانسنگ به چاپ نرسیده و آن همه میراث ذی قیمت فرهنگی به جامعه علمی عرضه نگشته است، غیر از رساله عملیه معظم له که در زمان حیات ایشان برای عمل مقلدین به چاپ رسیده است.

## درگذشت

ایشان در اواخر عمر شریف خود به بیماری سختی مبتلا گشته بود و در یکی از بیمارستانهای تهران بستری شدند و سرانجام پس از عمری پرافتخار و سرشار از همت و تلاش و خدمت، در روز یکشنبه 10 جمادی الثانی 1378/ قمری مطابق با 30 آذر 1337/ ش دیده از جهان فرویست و به دیار ابدی شتافت.

خبر ارتحال وی به سرعت در بابل پخش شد و هاله ای از غم و اندوه سراسر منطقه را فراگرفت و عده زیادی از مؤمنین و مریدان معظم له برای شرکت در تشییع جنازه راهی قم شدند.

جنازه وی با احترام به قم منتقل گردید و پس از تجلیل فراوان و شکوه خاص تا حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام تشییع گشت.

در این مراسم باشکوه علما و بزرگان زیادی چون حضرت آیت الله بروجردی و حضرت آیت الله گلپایگانی حضور داشتند و مرحوم آقای بروجردی آن چنان از این مصیبت تحت تأثیر قرار گرفتند که طبق گفته شاهدان موثق عینی، آن بزرگوار پابرهنه در تشییع حاضر شدند و بر پیکر آن بزرگوار نماز اقامه فرمودند. پیکر پاک آن مرحوم پس از انجام تشریفات مذهبی در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

در پی ارتحال آن عالم فرزانه، مجالس و محافل سوگواری در قم از سوی

مراجع تقلید و علمای اعلام برقرار شد و در بابل و امیرکلا نیز دستجات عزاداری به راه افتاد و مجالس مختلفی از سوی مردم داغدار منعقد گردید.

### فرزندان:

1- آقا علی امامی طبرسی 2- دکتر محمد حسین طبرسی.

منابع

1- آینه دانشوران 176.

2- آثار الحجج 77/2.

3- آشنائی با فرزندان بابل 230.

4- تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدر المتألهین 68.

5- گنجینه دانشمندان 254/2.

### شیخ محمد مهدی بیگدلی دزفولی

### اشاره

(1288-1370 ق)

شیخ محمد مهدی ملقب به (کمال الدین) فرزند علامه شیخ محمد کاظم و نواده علامه شیخ محمد علی بیگدلی دزفولی، از اجله علمای و مقدسین بود.

وی در 27 ذی قعدة 1288/ ق در دزفول تولد یافت.

پدرش از جمله شاگردان میرزا محمد حسن شیرازی در نجف اشرف بود و در سال 1322 ق درگذشت.

ص: 1867



شیخ محمد مهدی، چون از مقدمات فارغ گشت، نزد سید حسین موسوی دزفولی (شاگرد شیخ انصاری) قوانین را آموخت و مقداری از سطح را هم نزد پدرش فراگرفت و خارج را از محضر آیت الله شیخ محمد حسن انصاری دزفولی (متوفای 1331 ق) بهره مند گردید و به او اجازه اجتهاد داد.

بیگدلی پس از فوت استادش انصاری، اقبال زیادی پیدا کرد و عده ای شاگرد تربیت نمود. و در اواخر عمر روحانی برجسته استان خوزستان به شمار آمد و مورد توجه و علاقه جمیع طبقات قرار گرفت.

## از آثار او:

1- حاشیه علی العروه الوثقی.

2- ذخیره العباد (رساله عملیه به عربی).

3- طریق النجاه (رساله عملیه-فارسی).

4- اصول الفقه.

5- منزوحات البئر (رساله فارسی)

تنها فرزندی که از ایشان به جای ماند: آیت الله شیخ محمد کاظم بیگدلی است که خود از بزرگان خطه خوزستان به شمار می رود. وی در سال 1329 ق در دزفول تولد یافت.

سرانجام در روز شنبه 5 شعبان 1370/ ق مطابق با 21 اردیبهشت/ 1330 ش در سن 82 سالگی در بیمارستان فیروزآبادی شهر ری درگذشت. و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

## منابع

1- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری 527.

2- نقباء البشر 2/598.

3- نقباء البشر (قسمت خطی).

ص: 1868

## اشاره

(1353-1405 ق)

حاج شیخ محمد مهدی فرزند علامه شیخ ابوالمکارم و نوه ملافتح الله ربّانی املشی گیلانی.

پدرش از جمله علما و بزرگان گیلان، و از شاگردان آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی بود، که در 1274 ش در املش متولد شده بود و در همان جا به سال 1358 ش درگذشت، و در حیاط «مسجد اعظم املش» مدفون گردید.

شیخ محمد مهدی ربّانی، در سال 1353 ق مطابق به 1313 ش در قم دیده به جهان گشود.

## تحصیل در حوزه قم

تحصیلات مقدماتی را نزد پدر خود به انجام رسانید، و پس از طی دوره سطح، دروس عالی حوزه را نزد آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید محمد داماد یزدی، و سید روح الله خمینی و شیخ نعمت الله صالحی نجف آبادی به پایان رسانید، و خود به تدریس اشتغال ورزید.

## مبارزات و خدمات سیاسی

وی در اثر فعالیت های انقلابی و سیاسی در رژیم گذشته، چند بار زندانی و به نقاط مختلف تبعید گردید، و پس از پیروزی انقلاب در سال 1357 ش به عنوان یکی از خبرگان قانون اساسی از گیلان انتخاب شد.

همچنین به عنوان: ریاست شعبه اول دادگاه عالی، عضو ستاد انقلاب فرهنگی، عضو شورای عالی قضایی، دادستان کل کشور، عضو شورای نگهبان،

ص: 1869

نماینده مجلس شورای اسلامی از تهران، و نماینده مجلس خبرگان از خراسان انتخاب و منصوب شد.

نامبرده در روز دوشنبه 19 شوال 1405/ ق مطابق با 17 تیر 1364/ ش در اثر بیماری سختی درگذشت، و در حرم حضرت معصومه علیها السلام مدفون شد.

منبع

1- پیشینه تاریخی و فرهنگی لاهیجان و بزرگان آن 881.

**میر محمد مهدی رضوی قمی**

**اشاره**

(-976ق)

میر محمد مهدی فرزند علامه میر محسن و نوه محمد بن علی بن حسین رضوی قمی.

وی از سادات و علماء زمان و به کثرت فضائل و کمالات و حید دوران بود، او جامع علوم معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بود، و نزد مولانا احمد ایبوردی و پدرش میرزا محسن تلمذ کرد، و در کاشان به مطالعه اشتغال داشت. خط را نیکو می نوشت مخصوصاً خط رقاع و ریحان را مانند اساتید می نوشت. سلیقه اش در انشاء و تقنین عبارات بی نظیر بود.

در خدمت شاه طهماسب اول از تمامی افاضل و علماء ممتاز و مستثنی بود، و رتبه و شانس زیاد از صدور. گرچه به صدارت مائل بود، و در اوائل حال منتظر آن می بود، شاه طهماسب عذرخواهی از او کرد و گفت: من ترا از بس دوست دارم، نمی خواهم به مناصب دنیا آلوده گردی.

**از مصنفاتش:**

1- شرح ارشاد.

2- شرح دیباجه الرساله الجعفریه (عربی-فقه) جعفریه.

ص: 1870

3- رساله ای راجع به رعایت صلۀ رحم سادات.

4- الزائریه در مزار، فارسی.

5- ترجمۀ اعتقادات، از شیخ صدوق.

و حواشی و تعلیقات بسیاری بر کتب فقهی دارد. مال و اسباب بی نهایت از او ماند، که به تاراج رفت و توفیق زیارت حج نیافت.

محقق ثانی شیخ علی کرکی اجازه غرائی به سید محمد مهدی داده، و از آن اجازه چنین برمی آید که در سال 936 ق که محقق مزبور از سفر خراسان باز می گشته عبورش به کاشان افتاده، و سید در این وقت در کاشان اقامت داشته، مدتی نزد محقق تلمذ کرده و مقداری از کتاب قواعد علامه و برخی از مختصر نافع را نزد شیخ قرائت کرده است، و تاریخ این اجازه یازدهم/ذیحجه 937/ق است.

وفاتش روز شنبه یازدهم/ربیع اول 976/ق در قزوین اتفاق افتاد، نعشش به قم نقل شد و در منزل خودش که در جوار حرم معصومه علیها السلام واقع بود، و آن را وقف نموده بود به خاک سپرده شد. (امروزه قبرش ملاصق مسجد محمدیه می باشد). از وی فرزندی به نام میر محمد علی به جای ماند.

اولاد و احفاد امجاد این سید جلیل جماعتی از سادات رضوی اند، که در همدان ساکن اند.

منابع

1- الذریعه 1/12 و 190/26 و 268.

2- خلاصه التواریخ.

3- رجال قم 156.

4- روی سنگ قبرش نام پدر حسین و سال مرگش را 942 ق حک شده که اشتباه است.

5- شجرۀ طیبه در ذکر سلسله سادات علیه رضویه ص 453.

6- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرعشی 176/10 و 14/

7- گنجینه دانشمندان 115/1.

ص: 1871

(ح 1295-1355 ق)

شیخ محمد مهدی فرزند ملا اسد الله رئیس نوری، از دانشمندان و فضلا بود.

وی در حدود سال 1295 ق در «نور» مازندران تولد یافت.

در سن جوانی به تهران رفت و مشغول تحصیل علوم دینی شد. دروس عالی فقه و اصول را از محضر آیت الله شیخ فضل الله نوری استفاده نمود، سپس مشغول ترویج و تدریس گردید. در اواخر عمر در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران به تدریس پرداخت.

رئیس نوری، در سال 1355 ق در حدود سن 60 سالگی در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

تنها فرزند ذکور ایشان آقا محمد علی رئیس نوری که در سال 1420 ق در تهران درگذشت، و دو دختر که در قید حیات هستند.

منبع

1-اطلاعات متفرقه.

### **سید محمد مهدی ضیائیان دزفولی**

**اشاره**

(-1378 ق)

سید محمد مهدی فرزند آیت الله سید محمد علی نوه سید عبد الله موسوی دزفولی (ضیائیان).

**سالک الی الله**

استاد سید محمد علی امام دزفولی وی را چنین معرفی نموده است: «ایشان از اوتاد بزرگان زمان خود بوده، و در طول عمر مبارکشان همواره طالب حقیقت و علم

ص: 1872

و معرفت بوده اند، و به همین سبب از بدو جوانی مسافرت‌های چندی به نقاط مختلف، مانند: نجف اشرف، و مشهد مقدس و شیراز داشته اند. در اوایل پس از بهره مندی از محضر والد معظم شان به خرمشهر و از آنجا به نجف اشرف مشرف و مدت‌ها در آنجا سکونت نمودند، و پس از کسب فیض از محضر بزرگان علم و معرفت بنا بر توصیه های مکرر به تهران عزیمت، و به طور کلی در تهران ساکن شدند. وی در اواخر عمر بنا به ارتباط بسیار نزدیکی که بین مشار الیه و مرحوم مغفور آقا میرزا احمد نایب الولا یه «قطب سلسله ذهبیه» وجود داشت، به شیراز عزیمت و در آنجا سکنا گزیدند.

پس از فوت میرزا احمد با اینکه علاقه مندان و ارادتمندان اصرار داشتند مشار الیه کماکان در شیراز بمانند، ترجیح دادند در کنار مرقد مطهر حضرت مولی الموالی علیه السلام باشند، لذا مجدداً به نجف اشرف مشرف و چند ماهی در آنجا توقف نمودند، تا اینکه عده ای از دوستان و نزدیکان بدانجا عزیمت و سید بزرگوار را به تهران مراجعت دادند».

### **درگذشت و اعقاب**

وی در رجب 1378/ق مطابق با بهمن 1337/ش در تهران دعوت حق را لبیک گفت، و در وادی السلام قم به خاک سپرده شد.

### **فرزندش:**

1- سید محمد رضا 2- سید محمد کاظم و چهار دختر.

منبع

1- خاندان سادات گوشه ص 345.

ص: 1873

## اشاره

(1287-1346 ق)

حاج شیخ محمد مهدی فرزند علامه شیخ محمد تقی فیض و نوه علامه شیخ محمد مهدی فرزند محسن کرمانشاهی، از علمای برجسته کرمانشاه و از نوادگان علامه محدث فیض کاشانی بود.

در سال 1287 ق در کرمانشاه متولد گردید.

پدرش از علمای معروف کرمانشاه بود، و در سال 1308 ق درگذشت. به تقی‌البشر 270/1 رجوع شود.

جدش، از علمای برجسته کرمانشاه بود، و در حدود سال 1280 ق درگذشت.

وی از جمله شاگردان آیت الله شیخ محمد تقی اصفهانی (صاحب حاشیه بر معالم) بود، و شرحی بر شرائع الاسلام نوشته است به اعیان الشیعه 77/10 رجوع شود.

## در حوزه نجف اشرف

نامبرده پس از طی مقدمات و قسمتی از سطوح، در سال 1311 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد، و سطوح را به انجام رسانید، و دروس عالی حوزه را از محضر آیتین علمین: میرزا حسین خلیلی تهرانی و ملا محمد کاظم خراسانی استفاده و در سال 1319 ق به زادگاهش مراجعت نمود، و به رسیدگی امور مردم و حل و فصل خصومات و ریاست امور دینی پرداخت، و در وعظ و ارشاد و هدایت ید طولایی داشت.

## درگذشت و اعقاب

ایشان در روز دوشنبه 3 جمادی ثانی 1346/ ق مطابق با 6 آذر 1306/ ش در کرمانشاه درگذشت، و جسدش به قم حمل و در قبرستان شیخان-در جوار قبر

ص: 1874

## فرزندانش:

1- آقا نور الدین (نامش محمد تقی است) 2- آقا ضیاء الدین (نامش محسن است) 3- آقا محمد جعفر 4- آقا رضا.

## منابع

1- أحسن الودیعه 65/2.

2- علماء معاصرین 143.

## شیخ محمد مهدی محمدی گلپایگانی

## اشاره

(1300-1361 ق)

آیت الله حاج میرزا محمد مهدی فرزند میرزا محمد نوه حاج رضا اسفرنجانى در سال 1300 ق در قریه (اسفرنجان) گلپایگان به دنیا آمد، و بعد از رسیدن به مراحل امکان کسب فضیلت، مقدمات را در گلپایگان فراگرفت.

سپس به منظور تحصیل علم و دانش به اصفهان عزیمت نمود و چند سالی را در خدمت اساتید با فضیلت آن شهر تلمذ نمود، و بعد از طی مراحل به گلپایگان مراجعت و سپس به عزم زیارت بیت الله به مکه معظمه مشرف شد، و در مراجعت از مکه در نجف اشرف رحل اقامت افکند و در خدمت استاد کل آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و سایر اساتید آن مهد علم و فضیلت اشتغال به تحصیل داشت، تا اینکه به مقام شامخ اجتهاد نائل گردید و با اخذ اجازه اجتهاد از محضر آن آیت الله بزرگوار به ایران مراجعت فرمود، و یکی دو سال با عموی بزرگوارش مرحوم حاج میرزا عبد الکریم اسفرنجانى که در آن موقع مرجعیت عامه داشت در قسمت انجام اجتماعى و مجاهدات دینی همکاری فرمود، و بعد از رحلت ایشان در حدود سال 1330 زمام امور را در دست گرفت و با قصد قربت و خلوص نیت در انجام وظائف

ص: 1875



مرجعیت دینی کوشا و ساعی بود، و چون از نظر معیشت در رفاه بود و احتیاج به کسی نداشت و عموم مردم هم می دانستند که او در کار خود هدفی جز تحصیل رضای خدا ندارد، در بین طبقات مردم محبوبیت خاصی داشت و عمری را با حسن نیت و محبوبیت و نفوذ معنوی گذراند، و در اثر همین نیت پاک و خلوصی که در کارها داشت صرفاً به نیت تقرب به خدا انجام وظیفه می نمود.

بعد از رحلتش یکی از صلحاء با فضیلت او را در خواب دید و بدون توجه به اینکه او مرحوم شده است از او احوال پرسید. و ایشان در جواب پرسش او فرموده بود: **يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ**.

## از آثار او:

1- التوحيد المحمّدي (عربی).

2- ردّ بر بابت.

3- رد بر نصاری.

4- رساله ای در ایمان.

در رمضان 1361/ق مطابق با 1321 ش در تهران درگذشت و در قم مدفون گردید.

منابع

1- گنجینه دانشمندان 432/6.

2- نقباء البشر (خطی)

**سید محمّد میاندهی رامسری**

**اشاره**

(ح 1330 ق)

سید محمّد فرزند سید جواد حسینی میاندهی، از سادات حسینی میانده است که در آنجا متولد گردید.

ص: 1876

تحصیلات مقدماتی را در (میانده) رامسر و مدارس علمیه آن شهر گذرانید، و سطوح عالیہ را در قزوین طی نمود، سپس به نجف اشرف رهسپار شد و مدارج عالیہ را نزد آیت الله میرزا حبیب الله رشتی و دیگر اساتید پیموده و به درجه اجتهاد نائل آمد.

پس از انجام تحصیلات در اوائل قرن چهاردهم به موطن خود بازگشت و در میانه اقامت نمود و به تدریس و قضاء حوائج اشتغال ورزید، و در ضمن از راه کشاورزی امرار معاش می کرد.

وی فردی زاهد و در زندگی بی آرایش بود. چنانکه جناب حجه الاسلام آقای حاج سید ضیاء الدین روحانی فرزند سید محمد هادی از قول جده اش (عیال مرحوم سید محمد مذکور) نقل می کند که: نامبرده هنگام وفات گفت: (من از مال دنیا ارثی برای فرزندان خود نگذاشتم، آنچه که برای آنان باقی گذاشتم دعاها و سحر است). و نیز کراماتی نقل نمود که ملخصاً نقل می گردد:

1- پیرمردی از اهالی قاسم آباد (تنکابنی) که از مریدان مرحوم سید محمد بوده پس از فوت او به منزلش رفت، بسیار ناراحت بود و گریه می کرد و مکرر می گفت: چگونه آن خاطرات را فراموش کنم.

پرسیدند: چه خاطراتی؟

گفت: بسیار است، یکی از آن خاطرات این است که: طبق معمول اوائل فصل گرما آن مرحوم خانواده را به جوردیه می فرستاد، و خود برای رسیدگی به مزارع شالی که داشت می رفت، و تا اوائل تابستان در میانه می ماند و من هم روزها نزدش بودم، باهم به بیلاق جوردیه می رفتیم.

در یکی از سالها یک روز قبل از حرکت به من خبر داد که: فردا باید به جوردیه برویم.

بدو گفتم: آخر توشه لازم است؟

به من جواب داد: ناراحت نباش باهم می رویم کنار رودخانه ماهی صید

ص: 1877

می کنیم، و آن را توشه راه قرار می دهیم.

گفتم: آقا اکنون وقت ماهی نیست!

در جواب فرمود: باهم می رویم شاید ماهی باشد.

به اتفاق هم به طرف رودخانه حرکت کردیم، در کنار رودخانه قلمدان را از جیب درآورد بر روی کاغذ کوچکی چیزی نوشت و در آب انداخت. چیزی نگذشت که دیدم ماهی آزاد بزرگی در مقابل ما شروع به جست و خیز نمود، فوراً آن را با دست صید کردم. بسیار متعجب شدم، زیرا در آن فصل اصلاً ماهی آزاد در رودخانه نیست، وانگهی آن رودخانه آبش بسیار کم بود و جای چنان ماهی بزرگی نبود. آنگاه به من سفارش کرد که تا زنده است راز را فاش نسازم.

2- باز روزی با مرحوم سید محمد به منزل آمدیم، در قفل بود کلید را مرحوم سید در اختیار نداشت، دیدم چیزی خواند فوراً قفل باز شد.

3- از سید ضیاء الدین روحانی نقل است: که قبل از فوتش در جورده مریض شد، تب شدیدی کرد برای تسکین حرارت تب تقاضای مقداری یخ نمود. عیالش گفت: اکنون وقت یخ نیست.

وی گفت: بیرون بروید شاید تهیه شد.

همسرش با حالت یأس از منزل خارج شد، مشاهده کرد بچه چوپانی صدا می زند: یخ یخ. آن بچه را طلبید مقداری وجه به وی داد و یخ را خرید، سپس پرسید از کجا آوردی؟

آن کودک گفت: در پائین تنگ دره (فاصله اش تا منزل مرحوم سید محمد حدود سه کیلومتر است) با گوسفندا بودم، زنی نقاب زده به من رسید و این یخ را داد، و گفت: برو حوالی منزل شیخ الاسلام (منزل شیخ الاسلام مجاور منزل مرحوم سید محمد بود) هرکس بتو مراجعه کرد یخ را به او بفروش.

مرحوم میاندهی در حدود 1330 ق در میانه درگذشت، و جسدش را به قم حمل و در جوار قبر میرزای قمی در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

ص: 1878

شایان ذکر است که نامبرده تألیفاتی نیز داشته ولی متأسفانه اکنون در دست نیست.

## فرزندانش:

1- علامه سید محمد هادی روحانی (متوفای 1387 ق در رودسر).

سید محمد هادی روحانی از علمای معرفت‌مقیم رودسر گیلان بود. در سال 1324 در میانه رامسر متولد شد.

تحصیلات عالی خود را در حوزه علمیه قم نزد آیه الله حاج شیخ عبد‌الکریم حائری یزدی طی نمود آنگاه و موطن خود بازگشت و خرمشهر رودسر اقامت گزید.

در آنجا مدرسه روحانیه تأسیس کرد و به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی اشتغال ورزید.

سرانجام در سال 1387 ق در اثر سکته قلبی در رودسر درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد.

جهت تفصیل بیشتر به بزرگان رامسر ص 195 رجوع شود.

2- سید رضی، که از خطباء و ذاکرین حضرت سید الشهداء علیه السلام بود.

3- سید احمد، از محترمین میانه می باشد.

-منبع

1- بزرگان رامسر 121.

## محمد نصیری قمی

### اشاره

(1334-1415 ق)

محمد نصیری فرزند ابراهیم متخلص به «ناهض» از شعرای معاصر قم بود، نیای ایشان آیت الله حسن فاضل قمی است که آیت الله طباطبائی بروجردی او را سلمان زمان می دانست.

نصیری در سال 1334 ق در محله «شادقلی خان» قم به دنیا آمد، پس از دوران

ص: 1879

صباوت برای امرار معاش به تهران رفت، در همین زمان بود که مبارزات سیاسی به نحو گسترده ای در مملکت جریان داشت، لذا در سلک یاوران علامه سید محمود طالقانی قرار گرفت، و در راه مبارزه صدمات و لطمات زیادی را متحمل گردید، تا آنکه طالقانی و دیگر مبارزان دستگیر و زندانی و تبعید شدند، نامبرده پس از چندی به موطن اصلی خویش مراجعت نمود.

وی در اوایل/آذر 1373/ ش مطابق با اواخر/جمادی الثانی 1415/ ق در قم درگذشت و در جوار شاه احمد قاسم علیه السلام مدفون گردید.

ابیات زیر از اوست:

### عرفان سید الشهداء علیه السلام

خوشا به حال معبان سید الشهداء که جان کنند به قربان سید الشهداء

خوشا کسان که به نور ولایت علوی برند بهره ز عرفان سید الشهداء

خوشا کسان که زیارت کنند مرقد او برند غبطه به یاران سید الشهداء

خوشا کسی که مجاور بود به کرب و بلا کنار سفره احسان سید الشهداء

خوشا کسی که کند ناله و بریزد اشک به خاطر لب عطشان سید الشهداء

خوشا کسی که ز غم می زند به سینه و سر به حال زار یتیمان سید الشهداء

تو شیعه ای که ز داغ حسین می گریی بین غریبی و حرمان سید الشهداء

شدند کشته بیداد جمله یارانش چنانچه تازه جوانان سید الشهداء

کنار نعش علی اکبر جوان بشنو صدای ناله و افغان سید الشهداء

شهید گشت چه عباس، بُد ز غم نزدیک که تا ز جسم رود جان سید الشهداء

شنو تلاوت قرآن به گوش جان و بنال ز نیزه صوت خوش الحان سید الشهداء...

-منبع

1- تاریخ نکایا و عزاداری قم 313.

ص: 1880

اشاره

(1417-1355 ق)

حاج شیخ محمد فرزند میرزا ابو القاسم آستانه ای گیلانی، ملقب به «واصف».

در سال 1315 ش مطابق با 1355 ق در گیلان متولد گردید.

وی پس از طی دوره متوسطه در سال 1333 ش به عزم فراگرفتن علوم دینی به قم مهاجرت کرد، و پس از طی سطوح نزد آیت الله شیخ محمد لاکانی رشتی - دام ظلّه - خارج را از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید کاظم شریعتمداری و میرزا هاشم آملی، و فلسفه را از محضر سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» استفاده نمود، و خود به تدریس و تألیف پرداخت.

از آثار او

(که اغلب به صورت جزوه و جیبی می باشد):

1- احراق لانه های فساد، در دو جلد.

2- از چه شخصی باید تقلید کنیم؟

3- اسرار دخترکشی عرب در جاهلیت.

4- اصطلاحات العلوم الشرعیه.

ص: 1881

- 5-اعلال بی نقطه.
- 6-افیونیه، در مذمت تریاک کشیدن.
- 7-الانسان و اللحیه.
- 8-الفلک المستبد.
- 9-الفیه در اصول فقه.
- 10-المناجات المنظومه.
- 11-اندریشه های نوابغ.
- 12-انقلاب مقدس حسین علیه السّلام.
- 13-بشر و آزادی.
- 14-بضعه النبی صلی الله علیه و آله و سلّم، در سه جلد.
- 15-به مناسبت زمین خواری.
- 16-پیام قرآن.
- 17-پیرامون زندگانی امیر المؤمنین علیه السّلام.
- 18-تاریخ کشفیات و اختراعات، در دو جلد.
- 19-تأثیر دعا از نظر ابن سینا.
- 20-تجدد و عوام فریبی.
- 21-ترجمه لمعه دمشقیه.
- 22-تعبیر الرویا، منسوب به امام صادق علیه السّلام.
- 23-توضیح المراح (در صرف).
- 24-ثقات الرجال (به صورت مشجرات).
- 25-چگونه به جهان دیگر راه می توان یافت.

26- چهارده معصوم عليهم السّلام (منظوم).

27- حاشیه بر مبحث قطع از رسائل.

28- حسن و حسین علیهما السّلام.

ص: 1882



- 29- حقایق گفتمی.
- 30- دروس الاعتقاد.
- 31- دیوان اشعار.
- 32- راز فداکاری سالار شهیدان علیه السلام.
- 33- راهنمای شرح نظام.
- 34- راهنمای علم اعلال.
- 35- راهنمای علم الکتابه.
- 36- راهنمای میراث لمعه.
- 37- رساله ای در توضیح معنای جعل.
- 38- رساله ای در لبس خز.
- 39- رساله ای در تحقیق ما وضع له الكل.
- 40- رساله فی العقود.
- 41- رساله فی المقادیر.
- 42- زکات در اسلام.
- 43- شارب ننگین (مظلوم).
- 44- شرح بحث استصحاب در اصول.
- 45- شرح بحث برائت در اصول.
- 46- شمع جمع در نعت ائمه اطهار علیهم السلام.
- 47- طب النبی صلی الله علیه و آله و سلم.
- 48- علل الشرائع (ترجمه-2 جلد).
- 49- فاطمه زهرا علیها السلام از نظر آیات قرآن.

50-فاطمة زهرا عليها السلام از نظر روایات اهل سنت.

51-فضیلت علم و عالم در اسلام.

52-فی هامش علم الامام.

ص:1883

53- کفایه المیزان در منطق.

54- محرمات النکاح.

55- منظومه ای در منطق.

56- منظومه فی الصرف.

57- منظومه فی الکلام.

58- هامش الحاشیه (در منطق).

59- یادی از گذشته (منظوم).

60- یگانه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

### درگذشت

واصف، سرانجام در پی بیماری به تاریخ چهارشنبه 10 جمادی ثانی / 1417 ق مطابق با 2/ آبان 1375/ ش در قم درگذشت، و جسدش صبح روز پنجشنبه از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشییع و در ابتدای قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

-منابع

1- گنجینه دانشمندان 298/2.

2- مؤلفین کتب چاپی 875/5.

### سید محمد واعظ گیلانی

(-1351 ق)

استاد حسن شمس گیلانی درباره اش می نویسد: (این جلیل القدر از وعاظ گیلانی و از متعصبین در دین و فوق العاده خون گرم و با حرارت بود. از کثرت عصبانیت همیشه اوقات در منبر با تویخ و شتم با مردم سخن می گفت و آنها را به راه راست هدایت می فرمود و تمام اهالی شهر از آن جناب ملاحظه می نمودند،

ص: 1884

فوق العاده ترویج می نمود. آن جناب از فشار منبر و ازدیاد عصبانیت مبتلا به سکته قلبی گردید و فوت شد).

نامبرده در سال 1351 ق مطابق با 1311 ش در رشت درگذشت و پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

-منبع

1- تاریخ علماء و شعراء گیلانی 127.

**میرزا محمد وجدانی تفرشی**

**اشاره**

(-1403 ق)

شیخ میرزا محمد فرزند شیخ عبد الکریم ملقب به (میرزا آقا) و نوه عباسعلی تفرشی (وجدانی)

از بزرگان شعراء و گویندگان معاصر که در علم حروف تخصص بسزائی داشت، و شاهد صدق این مدعا کتاب صحیفه و فال نامه اوست که مطبوع و در دسترس است.

**از آثار او:**

1- صحیفه فال از صحف وجدانی، چاپ تهران، 1322 ش، سری، رقی، 58 ص.

2- مقدمه صحف وجدانی (در علوم غریبه) چاپ تهران، 1313 ش، سری، رقی، 42 ص.

3- ترجمه نصحه الیمن (از پدرش - همکاری در ترجمه اشعار این کتاب به فارسی).

متوفای در روز شنبه 9 ربیع اول 1403/ ق مطابق با 4دی 1361/ ش درگذشت و در مقبره باغ بهشت مدفون شد.

-منابع

1- خلد برین تاریخ گویندگان اسلام 280.

ص: 1885

2- مؤلفین کتب چاپی 875/5.

3- نقباء البشر 1172/3

**شیخ محمد وحید خورگامی رشتی**

(ح 1300-1381 ق)

از علمای گیلان بود. تولدش در حدود سال 1300 ق در رشت اتفاق افتاد.

پس از طی مقدمات و سطوح، به نجف اشرف عزیمت کرد و از محضر آیات:

شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی خارج فقه و اصول استفاده نمود، و به زادگاهش بازگشت و به تدریس مقدمات و سطوح پرداخت، بعداً رحل اقامت خود را در قم افکند و از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی مستفیض گشت و به تدریس خود ادامه داد.

جناب آقای شمس گیلانی ایشان را چنین معرفی کرده است:

آن جناب نیز از علمای گیلان است، پس از طی مقدمات و سطوح نزد افاضل گیلان حرکت به عتبات عالیات نموده، و مدت زیادی در نجف به محضر علما می رسید و از شاگردان آقا ضیاء الدین عراقی و پس از مراجعت به گیلان مشغول تدریس مقدمات و سطوح شده، مؤلف گوید: در این اواخر در «مدرسه مهدویه» مشغول تدریس طلاب بوده و به تدریس مقدمات و سطح مشغول است.

جناب حجه الاسلام دانشمند محترم آقای شیخ محمد هادی مقدس رشتی (دامت افاضاته) یکی از شاگردان مترجم له فرمودند:

مرحوم وحید خورگامی در قم به تدریس سطح اشتغال داشت که من هم مدتی، بخشی از رسائل شیخ را نزد ایشان تلمذ کردم، ولی هنگامی که اشکال می کردیم، یا اعتنا به اشکال نمی کرد یا اینکه به تندی جواب می داد.

ایشان در روز پنجشنبه 5 ذی حجه 1381/ ق مطابق با 20 اردیبهشت/

ص: 1886

1341 ش در حدود سن 81 سالگی در قم درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام قم مدفون شد.

-منابع

1- افادات آقای مقدس رشتی (متولد 1344 ق).

2- تاریخ علماء و شعراء گیلان 129.

**سید محمد وحیدی شبستری**

**اشاره**

(1336-1421 ق)

حاج سید محمد فرزند علامه سید رضی الدین و نوه سید محمد حسینی شبستری، ملقب به «وحیدی» از فقها و دانشمندان و مراجع معروف آذربایجان بود.

وی در سال 1336 ق در شبستر -واقع در استان آذربایجان شرقی- تولد یافت.

از سن هفت سالگی به خواندن و نوشتن و در سن دوازده سالگی به فراگیری مقدمات دینی پرداخت. در سال 1351 ق به تبریز رفت و در مدرسه دینی «طالبیه» و در مدت دو سال به تحصیل سطح پرداخت.

در سال 1353 ق به حوزه علمیه قم پیوست و سطح را نزد آیت الله شیخ محمد علی حائری قمی به پایان رساند. خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود.

ص: 1887

در سال 1365 ق به نجف اشرف رفت و از محضر آیت الله میرزا آقا اصطهباناتی، مدتی کوتاه بهره برد. و مجدداً به قم مراجعت فرمود. سپس خود به تدریس سطح اهتمام ورزید.

ایشان پس از مدتی رهسپار آذربایجان شد و سالهای متمادی در «میان‌دوآب» به هدایت و تأسیس مراکز فرهنگی اشتغال نمود. تا اینکه در سال 1372 ق به قم بازگشت و مشغول تدریس سطح و خارج گردید.

## از آثار او:

- 1- أجوبه المسائل.
  - 2- تحفه الولاه فی أحكام القصاص و الدیات.
  - 3- تقریرات اصول آیت الله حجت.
  - 4- تقریرات فقه آیت الله حجت.
  - 5- توضیح المسائل.
  - 6- حاشیه علی العروه الوثقی.
  - 7- رساله منتخب التوضیح.
  - 8- شرح زیارت جامعه (به فارسی).
  - 9- كشف الستره عن وجه الغیبه.
  - 10- مستمسكات الاحكام.
- ایشان در روز چهارشنبه 10/ربیع الثانی 1421/ق برابر با 22 تیر 1379/ش در قم بدرود حیات گفت. و در حرم مطهر مدفون شد.

-منابع

- 1- اطلاعات متفرقه.
- 2- گنجینه دانشمندان 301/2.
- 3- مقدمه کتاب تحفه الولاه، به قلم فرزندش سید رضی وحیدی.

اشاره

(ح 1279-1342 ق)

حاج سید نور الدین محمد فرزند سید حسین و نوه سید ابو الحسن حسینی تفرشی وزوائی قمی، از دانشمندان و فضلا بود. وی در حدود سال 1279 ق در قم دیده به جهان گشود.

از آثار او

1- حاشیه علی الرسائل.

2- المشتقات.

وی در 9/شوال 1342/ق در قم بدرود حیات گفت. سید ناصر الدین حسینی فرزندش بود.

- منبع

1- الذریعه 98/7 و 42/21.

شیخ محمد هادی حسام گیلانی

(-1400 ق)

حاج شیخ محمد هادی فرزند شیخ حسن حسام رشتی، معروف به «واعظ گیلانی» از مشاهیر واعظان و خطبای معاصر بود.

وی تحصیلات خود را در شهر رشت-استان گیلان- نزد اساتید نامور حوزه آن دیار چون: شیخ علی علم الهدی و شیخ کاظم صادقی به پایان رساند و در وعظ و ارشاد مقامی بس والا و ارجمند بدست آورد. اغلب خطبه های نهج البلاغه، احادیث زیادی و اشعار بسیاری از قدما و متأخرین از برداشت.

حسام در روز سه شنبه 27 ذی القعدة 1400/ق برابر با 15 مهر 1359/در

ص: 1889



اثر سکتۀ قلبی در رشت بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان شیخان مدفون شد.

این ابیات بر روی سنگ مزارش حک شده است:

حسام مرد ابر مرد گیلوایی مرد کلام مرد ادب مرد آشنایی مرد

چه خوب مرد صدایی که هم صدا با خلق صدا نمود ولی خود به بی صدایی مرد

حریف او نتوانست سرب داغ شود بکوری همه آدم کشان خدایی مرد

چه خوب مرد خداوندگار فن و سخن سخن بریده غضب کرد کبریایی مرد

-منبع

1-اطلاعات متفرقه.

**سید محمد هادی طباطبائی حکیم**

**اشاره**

(1348-1409 ق)

حاج سید محمد هادی فرزند میر حکیم و نوه سید حسن زواره اصفهانی حائری، از سادات طباطبائی و خانواده شان به «حکیم» معروف هستند.

او در سال 1348 ق در کربلا متولد شد.

و سایر تحصیلاتش را در کربلا نزد آیات: شیخ جعفر رشتی، سید مصطفی اعتماد، شیخ محمد رئیس اصفهانی، سید اسد الله اصفهانی، شیخ محمد شاهرودی، سید مصطفی شیرازی، و سید محسن جلالی کشمیری به انجام رسانید و در پی فشارهای دولت عراق به ایران مهاجرت و در کاشان می زیست و در آن دیار به وعظ و ارشاد و تدریس و وعظ اشتغال داشت.

**از آثار قلمی او**

1- کتابی درباره حجاب.

2- تاریخ تولد و سرگذشت فرزندان ائمه علیهم السلام.

ص: 1890

سرانجام در روز جمعه 28/رمضان 1409/ ق مطابق با 15/اردیبهشت/ 1368 ش به سن 61 سالگی در کاشان درگذشت و در قبرستان  
بقیع به خاک سپرده شد.

**سید محمد هفته ای عراقی «غروی»**

**اشاره**

(1287-1359 ق)

سید محسن فرزند سید محمد حسینی هفته ای عراقی، ملقب به «غروی»، از مشاهیر فقها و اساتید بنام حوزه علمیه اراک بود.

وی در سال 1287 ق در روستای «هفته» واقع در ناحیه کزاز از توابع استان اراک، متولد گردید.

هفته ای پس از سپری نمودن مقدمات، به تهران رهسپار شد و در مدرسه صدر سکونت اختیار نمود و دروس عالی فقه را از محضر علامه  
میرزا محمد حسن آشتیانی و حکمت را از سید ابو الحسن جلوه اصفهانی بهره مند شد. سپس در سال 1308 ق به حوزه علمیه نجف  
اشرف عزیمت کرد و دروس خارج را از محضر آیات: میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی استفاده نمود.

وی مدت زمانی در سامرا توقف کرد و از محضر آیتین علمین: آخوند ملا فتحعلی عراقی و میرزا محمد تقی شیرازی کسب فیض کرد و  
مجدداً به نجف

ص: 1891

مراجعت نمود و در مدرسه خلیلی مشغول افاضه گردید.

در سال 1346 ق به اراک بازگشت و مشغول تدریس کفایه و متون دیگر در آن حوزه شد، و موقعیت عالی در میان اهل پیدا نمود.

## از آثار او

1- تصحیح دوره جواهر الکلام.

2- تقریرات درس آخوند خراسانی.

ایشان سرانجام در روز دوشنبه 17 شوال 1359/ ق مطابق با 28/آبان 1319 ش در سن 72 سالگی در اراک به دیدار حق شتافت. پیکرش به قم حمل و در یکی از اطافهای ورودی قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

## فرزندان:

1- سید محمد میرصادقی، که اهل فضل و شعر بود.

2- سید حسین غروی.

3- حجه الاسلام و المسلمین سید حسن غروی، از تحصیل کرده های نجف اشرف بود و در حوزه های قم و اراک سابقه تدریس داشت و در اواخر عمر در تبریز سکونت اختیار نمود.

و دو دختر که دامادهایش عبارت بودند از: 1- علامه سید علی میر یحیی اراکی 2- عزیز سلطانی اراکی.

- منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- أعیان الشیعه.

سید علی میر یحیی اراکی

ص: 1892

3- نامداران اراک 161 (نام پدرش را علی اکبر و تولدش را در سال 1274 ق دانسته، که هر دو مطلب اشتباه اند).

4- نقباء البشر (قسمت خطی).

**میرزا محمد همدانی «ثابتی»**

(1315-1365 ق)

میرزا محمد فرزند آخوند شیخ محمد تقی ثابتی همدانی، از علما و اساتید و مفاخر مدرسین حوزه علمیه قم بود.

وی در سال 1315 ق در قریه «وهنده» واقع در دوازده فرسخی همدان-متولد شد.

میرزا محمد همدانی آخوند ملا علی همدانی

ایشان در سن هفت سالگی در خدمت پدر خود به تحصیل علوم پرداخت، و با

ص: 1893

داشتن استعداد فوق العاده در مدت چهل روز قرآن را ختم کرد و تا حدود قوانین را از محضر ایشان استفاده نمود، و برای ادامه تحصیل به همدان رفت و نزد آیت الله شیخ علی گنبدی و آیت الله شیخ علی دامغانی درس خواند، و در سال 1336 ق به تهران مسافرت و در مدرسه سید نصر الدین (واقع در خیابان خیام) اقامت نمود و نزد آیت الله شیخ علی مدرس تهرانی، و آیت الله شیخ عبد النبی نوری تلمذ کرد، و معقول را از ملا محمد هیدجی استفاده نمود.

وی در سال 1341 ق به ولایت خود برگشت و پس از چند ماه توقف مهاجرت به قم نمود، و از محضر و دروس آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی بهره مند گردید تا جایی که یکی از بزرگترین شاگردان آن مرحوم به شمار آمد، و خود به تدریس سطوح عالی (رسائل و مکاسب و کفایه) پرداخت، و بسیاری از فضلاء آن روز که از مراجع و دانشمندان معاصر قم و شهرهای دیگر ایران از بحث و درس ایشان استفاده نموده اند.

آن مرحوم به واسطه داشتن فضل و تقوا مورد توجه مخصوص آیت الله حائری بودند، و گاهی در غیاب آن مرحوم به جای ایشان نیابت و اقامه جماعت نموده و وجوه اهل علم و دیگران در نمازش شرکت می کردند، تا سال 1356 ق که بنا بر تقاضا و دعوت مردم همدان به آنجا منتقل و در مسجد جامع به امامت جماعت داشت و مورد توجه و اقبال اهالی واقع شدند، تا سال 1364 ق که مسافرت به قم و مشهد نمود و در این سفر چندین بار با حضرت آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی ملاقات و مباحثاتی داشته، و توجه آن مرحوم را به خود جلب کرده که پس از مراجعت از مشهد، آیت الله بروجردی نامه ای برای ایشان مرقوم داشته که (به نظر من توقف و اقامت شما در قم اصلح است).

بعد از وصول نامه بروجردی، بنا را بر حرکت به سوی قم گذارد لکن اجل مهلتش نداد، و در روز جمعه 22 محرم 1365/ ق مطابق با 7/ دی 1324/ ش در اثر عارضه قلبی در همدان در سن پنجاه سالگی - پس از انجام غسل جمعه و

خواندن سوره «و الصافات» و فرستادن پانصد صلوات که معمول هر روزشان بود- از دنیا رفت و جنازه ایشان با تجلیل بسیار حمل به قم و از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام با شرکت عموم مراجع و اهل علم حوزه و شهرستان قم و طبقات دیگر تشییع، و بعد از طواف حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام در قبرستان حاج شیخ مدفون، و تا چند روز از طرف زعمای حوزه مجالس ختم منعقد شد، و شیخ محمد تقی اشراقی- واعظ بزرگ- در پیرامون شخصیت ایشان داد سخن دادند.

تنها اثر قلمی که از ایشان تراجم نگاران یاد می کنند: «رساله علی الید ما اخذت حتی تؤدی» می باشد.

-منابع

1- آثار الحجّه 223/1.

2- آینه دانشوران 170.

3- بزرگان و سخن سرایان همدان 228/2.

4- گنجینه دانشمندان 402/7.

**شیخ محمد هیدجی «حکیم»**

**اشاره**

(1270-1348 ق)

خاندان ایشان امروزه در هیدج به (عسکری) معروف و مشهورند. که از جمله فضلاى معاصر این خانواده شیخ عبد الکریم فرزند عبد الرحیم عسکری از دانشمندان هیدج بود. وی در روز عاشورای حسینی در حدود سال 1405 ق در آن سامان درگذشت و به خاک سپرده شد.

شیخ محمد از حکمای نامدار قرن اخیر و بزرگان مدرسین بود. وی در سال 1270 ق در هیدج زنجان دیده به جهان گشود.

بهتر است شرح حالی را که خودش نوشته نقل گردد:

باری من بنده حاجی ملا محمد (متخلص به مغنی و هیدجی) پسر حاجی

ص: 1895

معصوم علی هیدجی، آغاز شباب در مدرسه واقع در قریه مزبور (هیدج) بودم چند گاهی در دارالسلطنه قزوین به آموختن علوم رسمیه مانند: نحو و صرف و منطق و معانی و بیان (نزد سید علی خوینی قزوینی) اشتغال داشته، از آن پس در دارالخلافت طهران از بهشتی روان جناب آقای آقا میرزا حسین سبزواری (که سرآمد شاگردان دانشور یگانه و آموزگار فرزانه حاج مولی هادی سبزواری علیهما رحمه الباری بود) بھری از علوم کلامیه و مسائل ریاضیه استفاضه نموده.

در محضر حکیم بارع و متأله شامخ آقا میرزا ابو الحسن (اصفھانی) متخلص به «جلوه» قدس سره اخذ معارف حقّه و تحصیل فنون حکیمه کرده، سایر علوم را از فقه و اصول و حدیث از هرکدام به لیاقت و مناسبت استعداد مظان خود استفاده نموده، مدت بیست و پنج سال است در مدرسه منیریه واقع در جنب معصوم زاده (ناصر الدین) به عنوان تدریس معقول به درس و بحث با طلاب مشغولیم، و الفتی با مردم و کلفتی با کس نداریم.

### شعر

من مونسى گزیده ام از بهر خود مرا یک لحظه در مفارقتش صبر و تاب نیست  
خوش رو و نغزگو، ادب آموز نکته دان هرگز نیاورد سخنی کان صواب نیست  
گوینده بی زبان، سراینده بی صدا رایش به قیل و قال و سؤال و جواب نیست...

### برخی از تلامذہ آن بزرگوار عبارتند از حضرات آیات:

- 1- میرزا احمد آشتیانی.
- 2- شیخ محمد تقی آملی.
- 3- میرزا ابو الحسن شعرانی.
- 4- آقا جمال نوری.
- 5- شریعت سنگلجی.
- 6- میرزا احمد همدانی.

7- آخوند ملا علی همدانی.

8- شیخ نور الدین شریعتمدار (رفیع گیلانی).

9- شیخ جعفر لنکرانی.

10- سید جعفر مرتضوی.

11- ملا نظر علی هیدجی.

12- شیخ محمد ثابتی همدانی.

### **اشعار جالب و پرمغز هیدجی (به زبان ترکی)**

اوغلوم آتا اوشاقینه ویرسون گرک امک

هر سوز آتادیور اونا ویرماق قولاق گرک

من امتحان و تجربه ایتدیم هر اول اوغول

اولدی آتا آناسنه عاق، تاپمادی چورک

دانایه اول غلام سنه نوره گدوب ادب

استاده قوللوق ایله ویروبدور سنه امک

حرمت ایله قوجایه قوناقی عزیز دوت

ال دوت بالام یخلمشا، اول عاجزه کمک

اوچ زاد یتوب خبرده اونوتما بو اوچ زادی

یول گیتمه تک، غذا یمه تک، ایوده یاتما تک

عیرانه قیل قناعت اگر یوخ سکنجن

گی اگنوه پلاس اگر اولمادی ایپک

یی هرنامه قباقه گلور آش یا پلو



گی هر نمہ میسر اولور شال یا برک

نفس شریر نوختاسینی سالما بوینونا

ایستر شرارت ایلپه ور باشنه کجک

ص: 1897

هر کیمسیه عوکوز کیمی گورستمه بوینوزون  
ایت تک یوگورمه هر گوره نی قاپما ای کوپک  
اللهه بنده لوق ایله مالک رقاب اول  
شیطانہ اولما قل سنه قوللوق ایدر ملک  
مکر و فساد ریشه سین قلبدن قوپار  
مهر و ووداد تخمنی جان مزرعنده اک  
دنیايه اویما ظاهرینه باخما بو قاری  
آلاتماقا سنی نوزینه ایلیوب بزک  
بو سست عهد، کیمسیه هرگز وفاسی یوخ  
بوی وفایه گر کیشی سن باغلاما نورک  
وای حالینه او کس که دیر ایلمز نوزی  
نوز قولینه عمل یری قطعاً اولور درک  
اول کیم دیر سوزی عمل ایتمز بیر منم  
بیلمز مثله وار که گوتورمز فلک هنک  
بیر کس گیچن گیجه یوخوما گلدی کای فلان  
بیهوده سویلمه سنه اولماز روا دیلک  
من باشمه نه کول توکوم ای وای قالمشام  
بیچاره، یالواروم کیمه کیمدن دوتوم اتک؟  
چوخ هیدجی داروخما غم ایتمه خدایه اول  
امیدوار عفو، دگل یاخشی یأس و شک

1- حاشیه علی منظومه السبزواری.

2- مجموعه اشعار (نظم و نثر-فارسی، عربی، ترکی).

ص: 1898

3- دیوان هیدجی به نام (دانشنامه).

4- حاشیه علی الاسفار.

5- کشکول.

مرگ ایشان را با اختلافهای نه چندان فاحشی سایر مؤرخین و شرح حال نویسان ذکر کردند، که ما آنچه که روی سنگ قبرش حک گردیده نوشتیم. و اما سایر اختلافات به شرح زیر است:

1-1346 ق

2- ربیع ثانی 1349/ (نقباء البشر)

3-1354 ق (تاریخ زنجان و رجال آذربایجان).

خلاصه آنکه در تهران درگذشت و جسدش در قم تشییع و پس از ادای نماز توسط آیه الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، در جوار مقبره ابن بابویه و در کنار قبر قاضی سعید مدفون گردید.

-منابع

1- الفهرست لمشاهیر علماء زنجان 136.

2- تاریخ حکماء و عرفای متأخر بر صدر المتألهین 170.

3- تاریخ خراسان 281.

4- تاریخ زنجان 85.

5- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 183.

6- ریحانه الأدب 328/4.

7- سخنوران و خطاطان زنجان 362.

8- فهرست کتابهای چاپی فارسی 2393/2.

9- مکارم الآثار 1965/6.

10- مؤلفین کتب چاپی 824/5.

11-نقباء البشر (خطى).

ص: 1899

(1285-1370 ق)

میرزا محمود اصولی فرزند احمد امین الشریع ارومیه ای، از علمای درجه اول و مجتهدین بزرگ ارومیه بود. در سال 1285 ق در ارومیه متولد شد.

و پس از اتمام تحصیلات مقدماتی نزد عموی خود میرزا حسین مجتهد در سنین جوانی به تهران رفت و 3 سال از محضر علامه میرزا حسن آشتیانی استفاده نمود، سپس عازم عتبات عالیات گردید، و سالهای متمادی در نجف اشرف از محضر آیه الله ملا محمد کاظم خراسانی به کسب دانش پرداخت. و پس از اخذ درجه اجتهاد به زادگاه خود بازگشت، و در مسجد (میرزا حسین آقا مجتهد) به اقامه جماعت و ارشاد مردم همت گماشت، و اقدام به تأسیس حوزه علمیه در مسجد جامع نمود و عده ای از طلاب علوم دینی تربیت کرد. و نیز به تدریس اشتغال داشت.

وی از علمای روشنفکر بود که اولین کلنگ بنای «پادگان نظامی» ارومیه را به دست خود به زمین زد. و نیز یکی از خیابانهای جدید الاحداث در مسیر آن مقبره ای واقع بود، که به فتوای ایشان و سید حسین عرب باغی تخریب مقبره با موازین شرع مخالف ندانست، که مواجه با اعتراض علمای تبریز شد و عرب باغی چند روزی تبعید گردید.

نامبرده جهت عظمت تشیع حاضر به دادن رساله نشد، و می گفت: مرجع تقلید باید یک نفر باشد، لذا از آیه الله سید ابو الحسن اصفهانی که هم‌دوره خود بود تبلیغ می کرد و پس از وی از آیه الله سید محمد حجت ترویج می نمود.

وی در اوایل/صفر 1370/ق مطابق با اواخر/آبان 1329/ش به سن 85 سالگی در ارومیه درگذشت، و در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام قم به

ص: 1900

خاک سپرده شد. از وی اولادی باقی نماند و تنها یک برادر به نام آقا اسد اصولی (متوفای 1415 ق) داشت.

-منبع

1- سرزمین زردشت (رضائیه) 237 و 627.

## میرزا محمود اصولی تبریزی

اشاره

(ح 1236-1314 ق)

میرزا محمود فرزند محمد خوئی تبریزی مشهور به (اصولی)، از علمای برجسته و متکلمین بزرگ تبریز بود.

در حدود سال 1236 ق در تبریز متولد شد.

## تحصیل در حوزه نجف اشرف

وی تحصیلات عالی خود را در نجف اشرف نزد آیت الله شیخ مرتضی انصاری به انجام رسانید.

در کتاب «علمای معاصرین» درباره ایشان می نویسد: «عالم، فاضل، متبحر، فقیه، اصولی، متکلم، علامه، بحاث، مجاهد در دفع شبهات، مناظر در رفع زلات، منزلش مجمع فضلا و محط رحال علما، از اتقی و اورع مردم، صاحب ید طولی در اصول و لذا اشتهر بالاصولی».

## از آثار او

1- التأملیات، فی وجه التأملات الواقعة فی ریاض المسائل.

2- المقالات التوحیدیه فی الاصول الخمسه (در اصول عقاید- منظومه فارسی).

3- رساله فی مقدمه الواجب.

4- کتاب فی الأخلاق.

5- مثنوی قار دو شاب، در جواب الفیه تیر تبریزی.

ص: 1901

6- مشارق الاصول، المتعلقة بالقوانين و بعض الفصول.

ایشان به سال 1314 ق در تبریز درگذشت، و در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### فرزندان ایشان عبارتند از:

1- میرزا مهدی 2- میرزا محمد 3- میرزا جعفر.

- منابع

1- أعيان الشيعة 107/10 (نام پدرش را نیز «محمود» نوشته که اشتباه است).

2- تاریخ خوی 478 (از آقاسی).

3- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان 205/1.

4- تذکره شعرای آذربایجان 64/4.

5- سخنوران آذربایجان 844/2.

6- علماء معاصرین 381.

7- معجم القبور و وفیات الأعلام (خطی-رازی).

8- مؤلفین کتب چاپی 82/6.

### شیخ محمود انصاری قمی

### اشاره

(1340-1419 ق)

حاج شیخ محمود فرزند شیخ محمد حسین انصاری قمی، از فضلا و معاریف تهران بود.

وی در سال 1340 ق در شهر قم دیده به جهان گشود. وی در حدود سال 1361 ق به نجف اشرف عزیمت کرد و ادبیات و قسمتی از سطح را نزد شیخ مرتضی طالقانی فراگرفت. و سایر دروس عالی سطح را از محضر آیات: سید یحیی مدرس یزدی، میرزا حسن یزدی، میرزا محمد اردبیلی «ظاهری»، شیخ مجتبی





لنکرانی و سید محمد روحانی قمی بهره مند شد. و در دروس خارج حضرات آیات، میرزا عبد الهادی شیرازی، سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمود شاهرودی و سید ابو القاسم خوئی شرکت جست.

وی در سال 1381 ق به تهران عزیمت نمود و در مسجد سلیمی-واقع در خیابان ناصر خسرو-به امامت جماعت و رسیدگی به امور محرومان و نیازمندان پرداخت. در بسیاری از مساجد(در تهران) و بیمارستان ثامن الائمه(در مشهد) و تجدید و توسعه بنای حرم حضرت رقیه(در دمشق) شرکت فعال داشت.

### از آثار مخطوط او:

1-تقریرات فقه، درس آقای حکیم.

2-تقریرات فقه، درس آقای خوبی.

3-تقریرات اصول، درس آقای خوبی.

4-تقریرات تفسیر، درس آقای خوبی.

سرانجام در سحرگاه روز جمعه 23 ذی القعدة 1419/ ق برابر با 21 اسفند 1377/ ش در سن 79 سالگی در تهران درگذشت. پیکرش به قم حمل و عصر روز شنبه تشییع و پس از ادای نماز توسط آیت الله شیخ حسین وحید خراسانی بر پیکر او، در وسط قبرستان شیخان مدفون گردید.

-منابع

1-برگرفته شده از نوشته های آقای شیخ ناصر الدین انصاری قمی (برادرزاده ایشان).

2-گنجینه دانشمندان 376/4.

شیخ محمود اوحدی لاهیجی

اشاره

(1287-1357 ق)

شیخ محمود فرزند محمد اوحدی لاهیجی «بیتن کلائی» از دانشمندان و

ص: 1903

فضلاى رشت بود.

وى به سال 1287 ق در گيلان ديده به جهان گشود.

### تحصيل در حوزه نجف اشرف

نامبرده پس از طى مقدمات و سطوح جهت ادامه تحصيل به نجف اشرف مهاجرت كرد و از محضر آيات: ملا محمد كاظم خراسانى و سيد محمد كاظم طباطبائى يزدى استفاده نمود و پس از طى تحصيلات به گيلان مراجعت كرد و در رشت اقامت گزيده و به انجام وظائف دينى و روحى پرداخت. وى در ادبيات و سرودن اشعار مهارت داشت.

### از آثار او

1-تقريرات فقه خراسانى.

2-دقائق الافكار.

3-مشكاه الدقائق.

4-تقريرات اصول خراسانى.

ايشان در روز پنج شنبه /22شوال/1357 ق مطابق با /24آذر/1317 ش در سن 70 سالگى در قم درگذشت. و پيكش در قبرستان حاج شيخ باكد(36596) به خاك سپرده شد.

-منابع

1-تراجم الرجال 809/2.

2-معجم رجال الفكر و الادب فى النجف 191/1.

محمود تندرى قمى «شيو»

اشاره

(1303-1361 ق)

محمود تندرى ملقب به «صمصام السلطان» و متخلص به «شيو» فرزند احمد



(عماد دیوان)، به سال 1264 شمسی در شهر قم دیده به جهان گشود. علوم ادبیه و عربیه را از افاضل همان شهر فراگرفت، از آن پس به خدمات دولتی اشتغال، و در سمتهای مختلف مانند: ریاست امنیه (ژاندارمری)، نظمیّه (شهربانی) و بلدیّه (شهرداری) قم و کاشان و محلات و ورامین انجام وظیفه کرد.

شیوا، ادیبی کامل و شاعری توانا و انسانی آزاده بود و در فنونی چند، مانند:

نقاشی و خاتم کاری و قاب سازی و مشبک کاری استادی و مهارت داشت. دیگر از خصوصیات او مهارت در تیراندازی و شکار صید بود، تا جایی که در این رهگذر کارهایش موجب شگفتی و اعجاب می شد، و داستانها از مهارت او در تیراندازی نقل می کنند.

جناب آقای مهدی عباسی در تاریخ تکاپای خود استعداد و خلاقیت‌های ایشان را چنین توصیف می کند:

(به قرار معروف او مردی بوده است ذی فنون، و به هر کاری دست می زد، استعداد عجیبی از خود نشان می داد، تیراندازی ماهر و زبردست، سوارکاری چابک و کم نظیر، شاعری نکته سنج و توانا، خطاطی نیکو قلم، و نقاشی چیره دست، نمونه ای از نقاشی های آن مرحوم را که در سال 1339 ق قلمی گردیده در منزل پهلوان علیشاهی موجود است، تصویر حکایت می کند از زمانی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان معتمد و پیشکار حضرت خدیجه (س) به تجارت می پرداخت).

شیوا، در سرودن شعر از توانایی کامل برخوردار بود، و در قصیده سرایی از سبک شعرای خراسانی (ترکستانی) و در غزل از شیوه شعرای عراقی پیروی کرد، و آثار منظومی نیز از خود به جای گذاشت از جمله آنها:

1- تحفه الراغب الی مسجد الصاحب که در سال 1281 شمسی با خط نسخ و چاپ سنگی به طبع رسید.

2- خردنامه تندری در سال 1305 شمسی با خط نسخ و چاپ سنگی به چاپ رسید.

ص: 1905

3- جنگنامه، (در تاریخچه انقلاب چهار ماهه آذربایجان).

4- کتاب سیاه، یادگار دوران محبس.

5- دیوان اشعار به همت شادروان تقی رزاقی که در سال 1337 ش طبع و نشر شد.

شیوا از سال 1315 ش تا هنگام مرگ دچار بیماری قلب و ریه و اختلال جهاز هاضمه بود، از این روی از مشاغل دولتی خود را کنار کشید و بازنشسته گردید، و انجمن ادبی قم را نیز تأسیس و در تربیت شاعران شهر خود کوشید، و در روز یکشنبه 5/رجب 1361/ق بیست و هشتم/تیرماه 1321/ش سن 58 سالگی بدرود حیات گفت، و در صحن اتابکی حضرت معصومه علیها السلام پایین ایوان آینه به خاک سپرده شد.

از اوست:

### طرّه دوتا

یک دل مرا و بسته آن طرّه دوتاست از قید دام سلسله مویان دگر رهاست  
الا بتر ز دوست کجا صید می شود مرغی که آشیانه او عرش کبریاست  
ای خواجه کم مبین به گدایان کوی دوست کاینجا مقام خواجه کم از رتبه گداست  
از قدسیان بام سماوات هر صباح رندان باده نوش خرابات را صلاست  
بر سر برهنگان مزن ای با کلاه طعن کان را که بر کله زده این قوم پشت پاست  
غافل مشو که خاک نشین دیار عشق بیرون ز حدّ آب و گلش فقر دل فراست  
در عرض و طول کشور جان پرور سخن «شیوا» بمان که سکه دولت به نام ماست

### جبر و اختیار

یارب خوش آن زمان که غم و ماجرا نبود آثاری از عوالم هستی به پا نبود  
ز آب و تراب و صرصر و آذر بُد نشان گردون و ماه و مهر و سپهر و سها نبود  
نه نوربخش خاور و نه تیره باختر اثبات و محو نقش صباح و مسا نبود

ناموس نشو روی نمایش عیان نداشت میدان دهر عرصه نشو و نما نبود  
نه از ربیع رنگ عیان نز خریف روی حرفی ز رفت و آمد صیف و شتا نبود  
طبع جهان منابت ریّان نمی نمود سطح زمین مناظر حیرت فزا نبود  
از بهر رهبری جهول و جهود چند عیسی و دم نبود و کلیم و عصا نبود  
در عرض و طول کشور امکان به هیچ نام جز ذات بی زوال تو فرمانروا نبود  
ما خفته در دیار عدم بی امید و بیم کانجا ز مرگ، نام و نشان از بقا نبود  
از ملک نیستی به سوی کشور وجود ما را بجز اراده تو رهنما نبود  
ما را تو کوچ داده ای از عرصه عدم در عالمی که جز غم و رنج و عنا نبود  
جز رحمت و مرامت و سختی و درد و سوز در این سرای یرتع و یلعب به ما نبود  
از سوی ما هم از پی ایجاد خویشتن بر درگهت عریضه روحی فدا نبود  
در این سرایمان چو معذب بود حیات دیگر روا عذاب به دیگر سرا نبود...

-منابع

1- تاریخ تکایا و عزاداری قم 278.

2- رجال قم 156 (تولدش را به سال 1260 ش نوشته است).

3- سخنوران نامی معاصر ایران 2153/3.

4- فرهنگ شاعران زبان پارسی 329.

5- مؤلفین کتب چاپی 20/6.

**شیخ محمود جبرئیلی بروجردی**

(ح 1301-1376 ق)

شیخ محمود جبرئیلی فرزند حاج محمد بروجردی، از فضلا و پارسایان معروف بروجرد بود.

وی در حدود سال 1301 ق در بروجرد دیده به جهان گشود.

ایشان جهت تحصیل علوم دینی ابتدا وارد مدرسه نوری بخش گردید و پس از

ص: 1907



تحصیل مبادی و سطوح، مدتی از محضر آیت الله شیخ محمد حسین غروی و شیخ حسین آقا ابو استفاده کرد. سپس از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی از آن بحر مواج بهره مند شد، و از طرف ایشان به ریاست و مدیریت مدرسه نوربخش بروجرد همراه با آیت الله شیخ علی جواهری، منصوب شد و نیز از مدرسان و هیئت ممتحنه طلاب بود و از ائمه جماعت شهر که مورد توجه عامه و خاصه گردید. وی در زهد و تقوی و متانت کم نظیر و مورد اقبال واقع شد.

جبرئیلی در ذی القعدة 1376/ ق مطابق با خرداد 1336/ ش در حدود سن 75 سالگی در بروجرد درگذشت، و جنازه اش به قم حمل و در مقبره شیخان دفن شد. او دارای اولاد ذکوری نشد و فقط سه دختر به جای ماند. که علامه شیخ عبد الله مجد فقیهی بروجردی و علامه سید محمد حسن طباطبائی بروجردی (وی غیر از فرزند آیت الله بروجردی است) دامادهای ایشانند.

-منابع

1-اطلاعاتی از یکی از دختران ایشان است.

2-تاریخ بروجرد 571/2.

**سید محمود خضری قزوینی**

**اشاره**

(1365-1399 ق)

یکی از نویسندگان و مترجمان حوزه علمیه قم بود، که در سال 1365 ق مطابق

ص: 1908

با 1325 ش در یکی از دهات قزوین و رکرو (دودانگه) در یک خانواده کشاورز دیده به جهان گشود.

پس از طی مراحل دوره ابتدائی درس خود را در «ضیاءآباد» قزوین به پایان رساند. سپس برای ادامه تحصیل به شهرستان قزوین منتقل شد، ابتدا در «مدرسه صالحیه» و بعداً در «مدرسه سردارین» و سالها در آن حوزه به تحصیل پرداخت.

خضری در میان طلاب به واسطه اخلاق نیک، و زندگی بی آرایش و طهارت و پاکی مورد علاقه شدید طلاب جوان قزوین بود. پس از این در سال 1348 ش مطابق با 1389 ق برای تکمیل تحصیلات عالی به حوزه قم وارد شد، و در مدرسه حجتیه به تحصیل علم و معارف جعفری پرداخت، و استعداد و هوش علاقه زیادی به درس و بحث داشت.

وی به علاوه تحصیل علوم دینی به روش قدیم و با ذوقی که به فراگرفتن علوم جدید داشت، در دبیرستان نیز شرکت کرده و رشته ادبی را تا حد دیپلم فراگرفته، مخصوصاً زبان انگلیسی را به نحو احسن یاد گرفته و به خوبی تکلم می کرد. خضری علاقه خاصی به مسائل زنده و انقلابی داشت، و در متن جریانات و عملیات انقلابی حوزه قم قرار گرفت.

در رمضان سال 1356 ش در قریه «عصمت آباد» بوئین زهرا دستگیر و به ساواک منحلّه قزوین معرفی شد، پس از بازجوئی به زندان منتقل و بعد از مدتی آزاد گردید.

خضری جهت تبلیغات اسلامی همواره به مناطق فقیرنشین و روستاهای جنوب بندرعباس می رفته تا از این راه، بهتر بتواند درد ملت مستضعف را لمس کند.

## آثار قلمی اش

1- ترجمه کتاب اسلام و مسأله نژادپرستی، که به سال 1350 ش منتشر شد.

2- اسلام و سیمای طبقاتی اروپا، ترجمه روان و سلیس اثر یکی از دانشمندان الازهر است.

ص: 1909

3- فلسفه جهاد در اسلام، چاپ شده است.

4- ما و مسائل روز، با همکاری جمعی از دوستانش منتشر ساخت.

در اواخر عمر خود با همه دوستان همراهش، جلسات تحقیقی «نهج البلاغه» را اداره می کردند.

وی در روز جمعه 17 ربیع الثانی 1399 ق مطابق با 25 اسفند 1357 ش در راه انجام وظیفه به اجداد طاهرینش پیوست، و جنازه اش به قم منتقل و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد، از او یک پسر و یک دختر باقی مانده است.

-منبع

1- شهدای روحانیت 379.

**سید محمود رایگانی بهبهانی**

**اشاره**

(ح 1355-1401 ق)

رایگانی در حدود سال 1355 ق در استان خوزستان تولد یافت.

**تحصیلات و خدمات**

وی پس از هجرت آیه الله سید علی بهبهانی از رامهرمز به اهواز، جهت حل مشکلات امور دینی مردم از مرحوم رایگانی دعوت به عمل آمد تا در آن دیار اقامت کند و به این امر مهم پردازد. به همین خاطر وی در حدود سال 1386 ق مطابق با 1345 ش به رامهرمز رفت و مدت کوتاهی اقامت نمود.

ایشان در حدود سال 1347 ش جهت ادامه تحصیل خود به نجف اشرف رهسپار، و از محضر بزرگان حوزه بهره مند گردید و پس از فراغت از امر تحصیل در حدود سال 1354 ش مجدداً به رامهرمز مراجعت کرد و فعالیتهای دینی و اجتماعی خود را از سرگرفت.

ص: 1910

وی در اوایل انقلاب برای تأمین نیرو و هزینه جنگ مرتباً بین: اصفهان، شیراز و کهگیلویه در حال رفت و آمد بود و سرانجام در اثر سانحه رانندگی در اواسط/ربیع اول 1401/ق مطابق با اوایل/بهمن 1359/ش درگذشت و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

-منبع

1-سیمای رامهرمز، 133.

**سید محمود روحانی رشتی «بحرانی»**

**اشاره**

(1281-1363 ق)

حاج سید محمود فرزند علامه سید محمد و نوه علامه سید عبد الله فرزند آیت الله سید هاشم بحرانی، ملقب به «روحانی» از اسباط آیت الله ملا رفیع شریعتمدار رشتی (متوفای 1292 ق) و داماد آیت الله شیخ محمد خمّامی رشتی و یکی از دانشمندان و بزرگان گیلان بود.

وی در شب مبعث سال 1281 ق در شهر رشت - استان گیلان - تولد یافت.

سید محمود مقدمات و بخشی از سطح را در رشت آموخت، سپس در سال 1299 ق همراه برادر خود علامه سید عبد الله رشتی بحرانی به نجف اشرف مهاجرت کرد و باقی دروس سطح را به پایان برد و دروس خارج را از محضر آیات:

میرزا حبیب الله رشتی، ملا محمد فاضل شریبانی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی استفاده نمود و پس از ده سال اقامت، در سال 1309 ق به رشت مراجعت کرد و حلقه تدریس تشکیل داد و با هیئت «اتحاد اسلام» که به همت میرزا کوچک خان جنگلی تأسیس شده بود، همکاری داشت.

نامبرده در نخستین انتخابات مجلس مؤسسان (در سال 1304 ش) از استان

ص: 1911

گیلان به عنوان نماینده انتخاب شد. در تأسیس کتابخانه ملی رشت از بنیانگذاران اصلی محسوب می شد. نیز در دوره هفتم (1307 ش مطابق با 1347 ق) مجلس شورای ملی از رشت سمت نمایندگی داشت و ریاست سنی اولین جلسه آن دوره را عهده دار بود.

## از آثار او

- 1- الخيارات (تقریرات درس الرشتی).
  - 2- العام و الخاص (تقریرات درس الرشتی).
  - 3- المفاهیم (تقریرات درس الرشتی).
  - 4- تسویة حقوق (درباره تنظیم روابط مالک و زارع).
  - 5- حاشیه علی معالم الاصول.
  - 6- حجه الكتاب (تقریرات درس الرشتی).
  - 7- رساله فی جواز التوکیل عن الزوج فی الرجوع الی زوجته.
  - 8- شرح الرسائل (تقریرات درس شیخ الشریعه- در چند جلد).
  - 9- شرح الروضه البهیة (شامل بحث های وقت، صلاه خوف و صوم).
  - 10- شرح رساله الدماء الثلاثه (من کتاب نجاه العباد).
  - 11- مسألتی الصحیح و الأعم و الضد (تقریرات درس الشربیانی).
- روحانی رشتی سرانجام در سال 1363 ق مطابق با سال 1323 ش در سن 82 سالگی هنگام بازگشت از زیارت عتبات عالیات در شهر قزوین درگذشت. پیکرش به قم حمل و به خاک سپرده شد.

## -منابع

1- کتاب گیلان 703/2.

2- نامها و نامدارهای گیلان 542.

3- نقباء البشر (قسمت مخطوط).

(1307-1381 ق)

حاج سید محمود فرزند آیت الله سید صادق روحانی قمی، از دانشمندان و معاریف قم بود.

وی در سال 1307 ق در قم تولد یافت.

ایشان ادبیات را از محضر شیخ حسین علامه آموخت. سطح را از محضر آیات: شیخ غلامرضا قمی «حاج آخوند»، سید احمد طباطبائی قمی و شیخ حسن فاضل استفاده کرد.

در سال 1330 ق به نجف اشرف عزیمت کرد و از محضر آیتین علمین: میرزا محمد حسین نائینی و سید ابو الحسن اصفهانی در فقه و اصول بهره ها برد. آنگاه به مشهد مقدس رفت و مدتی چند در درس آیت الله حاج آقا حسین طباطبائی قمی شرکت جست. سرانجام به زادگاه خود مراجعت فرمود و فقه و اصول را از محضر حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و معقول را از محضر میرزا علی اکبر حکمی یزدی «تجلی» استفاده نمود.

سید محمود با عده ای از فضلا و اساتید قم در سال 1339 ق به اراک رفتند و پس از نه ماه اقامت و مذاکره، توانستند آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری را قانع کنند که به قم رهسپار شود و حوزه را بنیانگذاری کند و همواره تا آخر در کنار ایشان بود.

ص: 1913

روحانی در روز جمعه / 19 شعبان 1381/ ق مطابق با / 6 بهمن 1340/ ش در قم دار فانی را وداع گفت. پیکرش در حرم حضرت معصومه علیها السّلام-مسجد بالاسر- مدفون گردید.

### فرزندانش:

1- مرحوم آیت الله سید محمد روحانی 2- آیت الله سید محمد صادق روحانی (متولد سال 1343 ق در قم) 3- مرحوم حجه الاسلام سید مهدی روحانی، از روحانیون معروف مقیم پاریس بود. وی در سال 1348 ق در قم تولد یافت. مقدمات را فراگرفت و سطح را نزد برادرش سید محمد صادق به پایان برد. سپس به تهران رفت و مشغول تحصیلات جدید شد و سرانجام به فرانسه رفت و در پاریس اقامت گزید.

سید محمد صادق روحانی قمی

-منابع

1- آثار الحجه 72/2.

2- آینه دانشوران 204.

3- دایرهالمعارف تشیع 174/1.

4- رجال قم 156.

5- گنجینه دانشمندان 337/1.

ص: 1914

(-1392 ق)

سید محمود حسینی زرندی ساوجی، از فضلالی معاصر بود.

وی سالهای متمادی در حوزه علمیه قم کسب فیض نموده، و متون فقه و اصول را از مدرسین حوزه مانند آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی و دیگران فراگرفته، سپس به تهران منتقل شده و به خدمات دینی به ویژه تألیف و تصحیح کتب و تفاسیر پرداخته است.

سرانجام در سال 1392 ق در تهران درگذشت، و در قم مدفون شد.

-منبع

1- گنجینه دانشمندان 224/5.

**سید محمود سجاسی قزوینی**

**اشاره**

(-1390 ق)

حاج سید محمود فرزند سید محمد و نوه سید محمد باقر حسینی سجاسی قزوینی، در تهران مقیم بود. وی علاوه بر فضیلت دینی طبعی سرشار داشته و اشعار را نیک می سروده است.

جدش از علمای برجسته قزوین بود و در سال 1301 ق درگذشت.

**از آثار او**

قبله الآفاق (در قبله و اوقات نماز)، دو جلد که به چاپ رسیده است.

نامبرده در روز جمعه 3 ذی القعدة 1390/ ق مطابق با 11 دی 1349/ ش درگذشت، و در قبرستان وادی السلام قم به خاک سپرده شد.

-منابع

1- سخنوران و خطاطان زنجان 400 (درحالی که کتاب در سال 1388 ق به چاپ رسیده ایشان



را دانسته است).

2- مینو دریا باب الجنه قزوين 381/1 و 857/2 (پدرش را سید باقر نوشته که اشتباه است).

3- مؤلفین کتب چاپی 38/6.

**شیخ محمود شریعت مهدوی**

**اشاره**

(1333-1417 ق)

بنده در زمان حیات ایشان زندگینامه اش را درخواست نمودم- به وسیله یکی از دوستان قزوینی- که شرح حال زیر به دستم رسید و با اندکی تغییر- تقدیم می شود:

بسمه تعالی الحاج الشیخ محمود شریعت مهدوی فرزند مرحوم آیت الله العظمی الحاج الشیخ فضلعلی القزوینی که متولد 1333 ه ق در قزوين دوره مقدماتی را در مدرسه التفاتیه و مقداری ادبیات را در مشهد مقدس درس استاد الادباء شیخ محمد تقی نیشابوری و بقیه سطح را در دار الایمان قم تکمیل نموده تا در فتنه کشف حجاب قادر متعال توفیق تشرف به عتبات عالیات را در خدمت والد ماجد مرحمت فرمود در نجف اشرف از بحث حضرت آیت الله زعیم الشیعه السید ابو الحسن اصفهانی قدس سره و حضرت آیت الله الشیخ محمد کاظم الشیرازی قدس سره و آقا ضیاء الدین عراقی استفاده نمود و موفق به کسب اجازه اجتهاد از این دو بزرگوار گردیده ولی دو دوره کامل اصول و معظم دو دوره فقه را از ابیاحث سید الاساتید

ص: 1916

زعیم الحوزه العلمیه آیت الله السید ابو القاسم الخوئی دام ظلّه العالی با عنایات خاصه معظم له و الطاف بیش شائبه ایشان استفاده نمود، و پس از چارده سال اقامت به قصد زیارت حضرت رضا (علیه آلاف التحیه و الثناء) در خدمت والد خود عزیمت نموده و متأسفانه والد ماجد ایشان پس از توقف خیلی کم در قم به رحمت ایزدی پیوست. معظم له ادامه اشتغال و عودت به نجف اشرف را ترجیح دادند، لکن پس از کمتر از دو سال اقامت مراجعت نمود و در قزوین حسب الوظيفه در مراجعات شرعی و حسب الامکان در اداره حوزة علمیه سعی بلیغ داشتند، عده ای از مشتغلین کثر الله امثالهم در اباحت خارج اصول و فقه ایشان حضور داشتند.

وی در روز شنبه 15 ربیع ثانی 1417/ ق مطابق با 10 شهریور 1375/ ش در قزوین بر اثر سکتة قلبی دار فانی را وداع گفت و جسدش عصر روز دوشنبه در قم تشییع و در کنار تربت پدرش در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

تولد فوق از روی سنگ مزار ایشان یادداشت شده است.

### **فرزندانش:**

1- مهندس قاسم 2- آقا عباس 3- آقا علی و پنج دختر.

### **محمود صالحی اردبیلی**

(1329-1414 ق)

محمود فرزند محمّد رضا صالحی اردبیلی، از روزنامه نگاران معاصر بود.

وی در سال 1329 ق برابر با 1290 ش تولد یافت.

ایشان روزنامه «بهار آذربایجان» را تأسیس و سالها منتشر ساخت.

صالحی در 24 آبان 1372/ ش در تهران در سن 85 سالگی زندگی را بدرود

ص: 1917

گفت. پیکرش به قم حمل و در یکی از اطافهای ورودی قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

-منبع

1-اطلاعات متفرقه.

### شیخ محمود عابدی خلخالی

(1346-1417 ق)

شیخ محمود فرزند اصغر خلخالی (میانجی الاصل)، در سال 1346 ق مطابق با 1306 ش در میانه متولد گردید.

پس از طی مقدمات به قم رفت، و کفایه را نزد سید شهاب الدین مرعشی نجفی و میرزا محمد مجاهدی تبریزی، و مکاسب را نزد سید محمد باقر طباطبائی سلطانی به انجام رسانید.

خارج را از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی (2 سال)، شیخ عباسعلی شاهرودی (8 سال)، و سید محمد رضا گلپایگانی (4 سال) استفاده نمود.

وی دارای اجازات امور حسبی و روایتی از آیات: مرعشی نجفی، شاهرودی، گلپایگانی، شیخ عبد النبی عراقی، و سید صدر الدین صدر بوده است، ابتدا در حدود سال 1335 ش از طرف آیه الله بروجردی به خلخال اعزام شد و ایام تبلیغ و تعطیلات را در آنجا بسر می برد، و سالهای متمادی در آن خطه مشغول خدمات دینی و اجتماعی، و از لحاظ عمل مردی زاهد و عابد، فاضل، بحاث و دائم الذکر بود.

ص: 1918

از آثار او: تقریرات اساتید خود که از بین رفته است.

وی بامداد روز پنجشنبه 5شوال/1417 ق مطابق با 25بهمن/1375 ش در اثر بیماری سرطان به سن 71 سالگی در خلخال درگذشت، و جسدش عصر روز شنبه 7شوال در قم تشییع و در قبرستان باغ بهشت مدفون گردید.

-منبع

1- برگرفته از نوشته آقای سید محمد مجتهدی است.

## شیخ محمود علمی اراکی

### اشاره

(1323-1409 ق)

شیخ محمود فرزند شیخ علی علمی اراکی، از دانشمندان و فضیلاي معاصر قم بود.

در ربیع اول 1323 ق در اراک متولد گردید.

### در حوزه علمیة قم

ایشان پس از طی مقدمات در زادگاه خود، در سال 1340 ق به قم مهاجرت کرد، و سطوح را نزد آیات:

میرزا محمد همدانی، آخوند ملا علی همدانی و سید صدر الدین صدر به پایان رسانید.

دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات: شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری و سید محمد تقی خوانساری بهره مند گردید، و پس از ورود

ص: 1919

آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم نیز از محضر ایشان کسب فیض کرد.

وی پس از ارتحال آیت الله بروجردی جزو اصحاب آیت الله سید کاظم شریعتمداری شد، و در مباحثات آن جناب شرکت می جست.

از جمله خدمات ایشان: تولیت مدارس علمیه «دارالشفاء» و «فیضیه» از طرف آیت الله بروجردی، و تربیت طلاب بود.

وی مردی متین، دائم الذکر، باسواد و کم ادعا بود.

## درگذشت

ایشان در شب شنبه 3 شعبان 1409/ ق مطابق با 20 اسفند 1367/ ش در سن 86 سالگی در قم درگذشت، و جسدش در روز دوشنبه تشییع و در جوار علی بن جعفر علیه السلام به خاک سپرده شد.

-منابع

1- آثار الحجّه 121/2.

2- سیمای اراک 93/4.

3- گنجینه دانشمندان 204/2.

## شیخ محمود فقهی

## اشاره

(-1403 ق)

حاج شیخ محمود فرزند ملا عبد الحمید فقهی، از فضلا و نویسندگان بود.

ایشان در نجف اشرف از جمله شاگردان حضرات آیات: میرزا محمد حسین نائینی و سید ابو الحسن اصفهانی بود.

## از آثار او

1- انوار التنزیل فی التفسیر.

ص: 1920

فقهی در /5آذر1361/ ش درگذشت، و در قبرستان ابو حسین قم در خاک آرمید.

### میرزا محمود قمی «مدرس کهکی»

#### اشاره

(1270-1346 ق)

حاج میرزا محمود مدرس (نام اصلی او عباس بود) کهکی قمی متخلص به (رضوان)، در سال 1270 ق در «کهک» قم دیده به جهان گشود. پس از آموختن مقدمات به قم مهاجرت کرد، و از محضر بزرگان بهره مند گردید. سپس عازم تهران شده، و معقول را از محضر حکیم الهی: آقا محمد رضا قمشه ای (صهبا) و آقا علی مدرس و فقه و اصول را از محضر میرزا محمد حسن آشتیانی و میرزا ابو القاسم کلانتری تهرانی شیخ عبد الرحیم نهاوندی به مدت 5 سال استفاده نمود، سپس به تدریس در همین رشته در مدرسه صدر پرداخت.

استاد مدرس گیلانی در تذکره‌الحکمای خطی خود زندگینامه ایشان را نوشته و در آن اضافه نموده است که: کان مع فضله حاد المزاج، لا یخلو من خشونه الطبع، و قد عاش مجردا و کان شاعرا فصیحا.

یعنی: با همه فضل و دانشی که داشت کمی تندخو بوده، و همسری اختیار نکرده، و طبع شعر نیز داشته است.

جناب آقای منوچهر صدوقی (سها) در تاریخ حکما و عرفای خود پس از ذکر مطالب فوق چنین بیان می دارد:

ایشان در مدرسه صدر و نیز مدرسه مروی اقامت داشته، و به تدریس معارف الهی اشتغال نموده، و جزو شاگردان آقا علی مدرس و سید ابو الحسن جلوه اصفهانی بوده است.

#### از آثار او:

1- حاشیه بر منظومه سبزواری.

ص: 1921

2- حاشیه بر اسفار.

3- حاشیه بر شرح فصوص (قیصری).

4- رساله ای در ولایت.

5- رساله ای در اثبات صانع و نبوت خاصه و امامت امیر المؤمنین علیه السلام.

6- تفسیر سوره توحید.

ایشان در سال 1346 ق به سن 76 سالگی به تهران درگذشت، و در صحن اتابک قم در قسمت شمالی آن دفن گردید.

-منابع

1- تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدر المتألهین 61.

2- تاریخ قم 283.

3- تذکره شعرای قم (خطی).

4- تذکره الحکماء (خطی).

5- گنجینه دانشمندان 148/1.

6- مقدمه تمهید آشتیانی ص 9.

7- نقباء البشر (خطی).

**میرزا محمود کفیل افشاری مراغه ای**

(1339-1389 ق)

زندگینامه زیر به درخواست این جانب توسط نویسنده محترم آقای شیخ محمود طیار نوشته شده است که تقدیم می گردد:

حجت الاسلام و المسلمین حاج میرزا محمود کفیل افشاری مراغی فرزند میرزا مختار، عالمی فرزانه، خطیبی بلندپایه و فاضلی برجسته بود. در سال 1339 ق مطابق با 1299 شمسی در شهر مراغه دیده بدنیا گشود، جدش از علمای بزرگ «منطقه افشار» از توابع زنجان به شمار می رفت که بعدها به مراغه هجرت و در آن سامان مقیم شد.

ص: 1922

وی در اوائل کودکی پدر خود را از دست داد، و در ایام نوجوانی برای تحصیل علوم اسلامی در مدرسه مسجد جامع شهر حاضر شد، و از مجالس درس و بحث اساتید و علمای آن دوران که از رواج و رونقی بسیاری برخوردار بود استفاده شایانی برد. از مهمترین اساتید سطح متوسط و عالی ایشان، می توان از: آیت الله حاج میر حبیب مجتهدی حائری (متوفی 1373 هجری) و آیت الله حاج میرزا محمد تقوی مراغی (متوفی 1389 هجری) نام برد.

کفیل افشاری پس از اتمام سطح برای تکمیل تحصیلات عالی خود به شهر مقدس قم مهاجرت کرد، و در دروس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون: آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی و آیت الله حاج سید جواد طباطبائی شرکت جست. وی پس از چند سال اقامت در قم به زادگاه خود بازگشت، و به اشاعه معارف دینی و ترویج احکام الهی همت گماشت، و همگام با آن به اقامه نماز جماعت و تدریس سطوح مختلف در مدرسه مسجد جامع مراغه پرداخت. وی از مدرسین برجسته سطح متوسط در مدرسه مزبور بود، و بسیاری از شاگردان وی هم اکنون به تدریس و تبلیغ مشغول هستند، مرحوم افشاری در خطابه و فن سخن آوری نیز سرآمد فضلا و علمای دوران خود بود. مطالب نو و بدیعی که در مجالس مختلف ارائه می شد توجه بسیاری از نیروهای جوان و فرهنگی را به خود جلب می کرد، و سخنرانی وی در ماه مبارک رمضان در «مسجد انصاری» از پرشکوه ترین مجالس دینی در آذربایجان به شمار می رفت.

از ویژگیهای ممتاز و برجسته مرحوم کفیل افشاری مهارت و تسلط بسیار زیاد وی در خطنگاری و خطاطی بود، وی در یادگیری این فن از استاد گرانمایه این فن یعنی عالم بزرگ و دانشور گرانمایه «آقا میرزا احمد جودی مراغی» معروف به (معین الاسلام) و برادر دانشمندش «آقا میرزا محمود جودی» بهره های فراوانی برد، و خود به مقام ممتازی در این فن دست یافت، و در حال حاضر نمونه هایی از خطوط زیبا و جذاب وی در موزه های هنری: سوریه، باکو، و مشهد مقدس نگهداری می شود.



کفیل افشاری مراغی در 11 محرم الحرام 1389/ ق مطابق با 12 فروردین 1348/ ش بدرود حیات گفت، پیکر مطهرش با سفارش مرحوم آیت الله مرعشی نجفی به قم انتقال یافت و پس از اقامه نماز توسط معظم له، در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

-منبع

1- دانشمندان مراغه، محمود طیار مراغی (مخطوط).

**میرزا محمود مازندرانی قمی «مشاور الملک»**

**اشاره**

(1250-1338 ق)

میرزا محمود فرزند میرزا محمد علی و نوه علامه میرزا محمد باقر مجتهد مازندرانی، ملقب به «مشیر الوزاره» و نیز «مشاور الملک» و خود و اعقابش به «محمودی» شهرت یافتند، از رجال به نام علمی و اساتید ریاضی و پژوهشگران ستاره شناس عصر خود بود.

میرزا محمود در سال 1250 ق مطابق با 1214 ش هنگامی که پدرش حکومت کاشان را برعهده داشت، در آن دیار دیده به جهان گشود.

**تحصیلات عالی**

نامبرده در سن کودکی همراه پدر خود به قم رفت و مقدمات را نزد شیخ حسن معروف به «شیخ استاد» و میرزا مهدی ملک الکتّاب فراهانی فراگرفت. در سن 12 سالگی پدر خود را از دست داد و گرد یتیمی بر سرش نشست و کاملاً تحت سرپرستی مادری دانا درآمد. در سن هفده سالگی (1267 ق) همراه مادر و برادر خود میرزا خانلر خان اعتصام الملک-پدر دکتر پرویز ناتل خانلری- به مشهد مقدس رهسپار شد و دروس هیئت و کتاب تحریر اقلیدس را نزد علامه متفّن شیخ عبد الرحمن شیخ الاسلام (متوفای 1290 ق) به پایان برد.

ص: 1924

وی در سال 1271 ق به تهران مهاجرت کرد و در دار الفنون به تحصیل ادامه داد و مدتی از تعلیمات مسیو «بهر» فرانسوی که استاد ریاضیات و مهندس به نامی بود- بهره مند شد. او در سال 1275 ق به دستور ناصر الدین شاه قاجار همراه چهل محصل دیگر به سرپرستی حسنعلی خان «امیر نظام» گروسی به فرانسه اعزام گردید و در پاریس (دانشگاه سوربن) تحصیلات عالی خود را در رشته های ریاضی به پایان رساند و در رصدخانه آن شهر و زیر نظر پروفیسور «لووریه»- کاشف ستاره نپتون- به مطالعه و پژوهش اسرار آسمان پرداخت و پس از چندی از طریق محاسبات دقیق و کمک فورمولهای ریاضی موفق به کشف ستاره ای گردید و در دایرهالمعارف نجومی آن رصدخانه به نام او ثبت و به «ستاره محمودیه» معروف شد.

میرزا محمود در سال 1282 ق به ایران بازگشت و در تهران با ناصر الدین شاه ملاقات کرد و به دستور او در تلگراف خانه مرکزی به کار و سپس ریاست آن مرکز را به عهده گرفت. ولی پس از مدتی از کار برکنار شد.

او در سال 1290 ق در کابینه میرزا حسین مشیرالدوله به سمت وزیر امور خارجه و نیز وزیر جنگ انتخاب گردید و تا سال 1298 ق، این دو منصب را حفظ کرد. آنگاه و با سمت کارپردازی روانه بغداد- کشور عراق- گشت و سالیانی دراز در این مأموریت انجام وظیفه نمود.

وی در اواخر سال 1307 ق از سمتی که داشت معزول گردید و به تهران بازگشت و چندی بیکار ماند، تا اینکه در سال 1309 ق ریاست یکی از محاکم وزارت دادگستری را برعهده گرفت و تا 1312 ق در این سمت باقی ماند. سپس مجددا در وزارت خارجه خدمت نمود و بار دیگر مأمور بغداد شد و پنج سال دیگر در آن سامان به سمت کارپردازی اول منصوب گشت. و پس از مراجعت به تهران در عدلیه و نیز در سمت ریاست اداره تجارت خدمت کرد.

نامبرده در زمان برقراری مشروطیت در دوره اول مجلس شورای ملی (1285 مطابق با 1324 ق) از سوی مردم تهران سمت نمایندگی داشت، و پس از تعطیل

مجلس، کارمند وزارت دادگستری شد و سرانجام به عضویت دیوان عالی کشور رسید.

## از آثار قلمی او

1- استخراج تقویم سال 1282 ق.

2- تقویم ناصری (در تعیین فصول و بروج سیارات).

3- جغرافیای عمومی.

4- حسن المآب در هیئت جدید.

5- رساله ای در علم هیئت و نجوم.

علامه و فیلسوف متأله میرزا ابو الحسن جلوۀ اصفهانی، این غزل را در مدح میرزا محمود سروده است:

مشیر الوزاره ز بغداد آمد مبر ظن که دلتنگ بس شاد آمد

نباشد چرا شاد آن بنده ای که از بند این نشئه آزاد آمد

فتوحات قدسی است او را گمانم که این فیض ز انفاس استاد آمد

بلی دست گیرند مردان دلی گر ز رنج طبیعت به فریاد آمد

چه دلهای ویران ز هر نوع مردم که زین مرد حق دوست آباد آمد

نشد سست و طی کرد هر شهر و صحرا اگر برف بارید اگر باد آمد

نبودش طمع چون به کس نیست آگه که آن بخل ورزید و این راد آمد

عروس امور عراق عرب را به از این پندار داماد آمد

مشاور الملک سرانجام در شب شنبه 23 جمادی اول 1338/ق در سن 88 سالگی در تهران به دیار باقی شتافت. پیکرش با تجلیل فراوان به

قم حمل و در حرم حضرت معصومه علیها السلام-کنار مسجد بالاسر-به خاک سپرده شد.

او از دو همسری که اختیار کرده بود، دارای نه فرزند پسر و یک فرزند دختر شد.

سید محمّد نعمت شیرازی قطعۀ زیر را دربارهٔ ماده تاریخ رحلت او سروده است:

رفت از دنیا چو محمود پسندیده صفات در عزایش دوستان کردند بر تن جامه چاک

ص: 1926

آن فلک قدر، ملک سیرت ز جور آسمان گشت اکنون همچو گنج زر نهان در زیر خاک  
با تولای علی علیه السلام چون کرد رحلت از جهان دیگر از حول قیامت نیست او را هم و باک

بهر تاریخ وفاتش «نعمت» غم دیده گفت (شد بهشت جاودانی مامن محمود پاک)

-منابع

1- الذریعه 257/25.

2- زندگانی سردار کابلی 181.

3- شرح حال رجال ایران 45/4.

4- طرائق الحقائق 459/3.

5- فراموشخانه و فراماسونری در ایران 482/1.

6- فهرست کتابهای چاپی فارسی 1751/2 و 5543/6.

7- گنجینه دانشوران 200.

8- مجله آینده، سال نوزدهم، شماره های 4-6، ص 394، به قلم آقای کیومرث محمودی.

9- مکارم الآثار 1375/4.

10- مؤلفین کتب چاپی 74/6.

11- نمایندگان مجلس شورای ملی 365 (نام پدرش را اسد الله خان وزیر و سال تولدش را در 1217 ش دانسته که هر دو مطلب اشتباه اند).

**سید محمود مرعشی شوشتری**

**اشاره**

(1307-1408 ق)

حاج سید محمود فرزند آیت الله سید سلطان علی و نوه ابراهیم مرعشی شوشتری، از علمای معروف و مجتهدین بزرگ، و داماد علامه سید مرتضی کشمیری بود.

وی به سال 1307 ق در شهر ری (شاه عبد العظیم حسنی علیه السلام) متولد گردید.

## **در حوزه کهن نجف اشرف**

ایشان در سن کودکی همراه پدر بزرگوارش به نجف اشرف مشرف شد، و

ص: 1927

صرف و نحو و منطق را نزد پدرش، و معالم را نزد آیت الله میرزا آقا اصطهباناتی و سید جعفر فیروزآبادی، و شرح لمعه را نزد شیخ علی محمد یزدی تلمذ کرد، و دروس سطح را از محضر آیاتی همچون: شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ علی قوچانی و شیخ علی گنابادی استفاده نمود.

وی سه سال درس آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی را درک نمود، و پس از ارتحال ایشان از محضر آیات: شیخ الشریعه اصفهانی، سید محمد فیروزآبادی، میرزا محمد حسین نائینی و شیخ ضیاء الدین عراقی، و در رجال از علامه سید ابو تراب خوانساری، و کلام را از علامه شیخ محمد جواد بلاغی بهره مند و در سن جوانی به درجه اجتهاد نایل آمد.

### سفرهای تبلیغی

نامبرده چند سالی در سامرا سکونت داشت، سپس به ایران کوچ نمود و در قم سکونت اختیار نمود، و مدتی هم از طرف آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی در اهواز ورشت اقامت گزیدند و دو سفر هم به آفریقای جنوبی (زنگبار) و اطراف آن جهت تبلیغ داشتند.

### از آثار او

1- أعيان المرعشيه.

2- بیداری بشر (در ردّ بهائیت).

3- حاشیه علی الرسائل.

4- حاشیه علی المکاسب.

5- حاشیه علی کتاب الطهاره (از شیخ انصاری).

6- حاشیه علی کفایه الاصول.

ص: 1928

7- رساله ای در ردّ صوفیه.

8- رساله ای در وجوب حجاب.

9- رساله ابقاء الحلیه فی وجوب اعفاء اللحیه.

10- شرح دعاء الندبه.

11- طرق الوصول الی دفائن العقول (در اصول عقاید).

12- لمعه النور فی حل بعض الامور.

13- نفحه الرحمن فی حکمه لقمان.

### **درگذشت و اعقاب**

ایشان در روز یکشنبه 27 شوال 1408/ ق مطابق با 21 خرداد/ 1367 ش در سن 101 سالگی در قم در اثر کهولت سن به دیدار حق شتافت، و جنازه اش روز بعد تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

حنت له أرض النجف مذ شاد ذکرا للسلف

یا ناعیا طود العلاء أرخ (لمحمود غرف)

### **فرزندان:**

1- مرحوم سید مهدی (ولادت 1333 ق) 2- سید هادی 3- سید ابراهیم 4- سید رضا (جمال الدین) 5- سید صادق 6- سید ابو القاسم 7- سید ابو الحسن 8- سید عبد الرزاق 9- سید ابو طالب و دو دختر.

-منابع

1- شجره خاندان مرعشی (شوشتر-رفسنجان) 265/1.

2- گلستان پیغمبر یا خاندان سادات مرعشی شوشتر 81.

3- گنجینه دانشمندان 260/2.

4- مستدرک أعیان الشیعه 257/3.





(1292-1361 ق)

شیخ محمود فرزند علامه شیخ محمد باقر و نوه ملا مهدی نجم آبادی تهرانی، از فضلا و معاریف تهران بود.

وی در سال 1292 ق متولد گردید.

پدرش از علمای بنام تهران بود. تحصیلات خود را در نجف اشرف نزد اساتید معروف، از جمله علامه اخلاقی شهیر ملا حسینعلی همدانی (شوندی) در اخلاق و معارف الهی سپری کرد. تولدش در سال 1264 ق اتفاق افتاد و در ربیع الاول/ 1347 ق در تهران درگذشت و در مقبره برادرش حاج شیخ هادی نجم آبادی به خاک سپرده شد.

از او دو اثر علمی به جای ماند که عبارتند از: 1- رساله المشتق، 2- حاشیه علی المکاسب، شرح حالش به طور مختصر در نقباء البشر 227/1 و مکارم الآثار 1781/5 آمده است.

آقا محمود پس از طی تحصیلات عالی و درگذشت پدر خود به جای او در مسجد مشیر السلطنه در تهران به اقامه جماعت و ارشاد اشتغال ورزید.

### از آثار او

1- متاع الوارثین (اشعار) که در سال 1323 ق در تهران به چاپ رسید.

نجم آبادی در سال 1361 ق مطابق با 1321 ش در سن 69 سالگی در تهران درگذشت. پیکرش در یکی از اطاقهای قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

- منابع

1- زندگینامه آیت الله شیخ هادی نجم آبادی 64.

2- مؤلفین کتب چاپی 99/6.

ص: 1930

## اشاره

(1266-1351 ق)

حاج ملا محمود فرزند حسین قمی، و پدر علامه شیخ ابو الفضل زاهدی، از وعاظ معروف و دانشمندان سرشناس قم بود. وی در سال 1266 ق در قم دیده به جهان گشود.

## خدمات اجتماعی

ایشان در جوانی به تحصیل فقه و اصول پرداخت، و چندی هم در مسجد امام حسن عسگری علیه السلام به اقامه جماعت اشتغال داشت. وی دارای ذوقی سلیم و طبعی سرشار بود، و در مراثی خاندان رسول صلی الله علیه و آله و سلم به ویژه حضرت سید الشهداء علیه السلام اشعاری والا داشت.

نامبرده در دوره اول مجلس شورای ملی (1324 ق مطابق با 1285 ش) از طرف اهالی قم به نمایندگی انتخاب و راهی تهران شد، و پس از انتهای دوره به قم مراجعت نمود.

## از آثار او

1- سفرنامه حج (منظوم).

2- فضیلت صلوات.

3- مواعظ و مجالس، در چهار جلد.

## درگذشت و اعقاب

ایشان در سال 1351 ق در سن 87 سالگی در قم درگذشت، و در صحن کهنه مقابل بقعه محمد شاه قاجار - به خاک سپرده شد.

ص: 1931

فرزند او علامه شیخ ابو الفضل زاهدی، و دامادش علامه شیخ محمد حسین ناصر الشریعه نویسنده کتاب «تاریخ قم» بود.

-منابع

1-تاریخ قم 283.

2-رجال قم 162.

3-گنجینه دانشمندان 149/1.

4-مکارم الآثار 1852/5.

5-نقباء البشر (قسمت خطی).

6-نمایندگان مجلس شورای ملی 353.

**سید محی الدین علوی طالقانی**

**اشاره**

(1305-1387 ق)

حاج سید محی الدین علوی فرزند سید کاظم طالقانی، از علمای بزرگ و برجسته تهران بود.

تولدش به سال 1305 ق در قریه (کلیرد) طالقان اتفاق افتاد.

مقدمات را نزد ملا حسینعلی گورانی آموخت و در سن 16 سالگی به تهران رفت، و ادبیات و سطوح را نزد آیات: میرزا طاهر تنکابنی و ابوالزوجه خود سید ابو الحسن طالقانی تلمذ کرد، در اواخر سال 1342 ق به قم مهاجرت نمود، و از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، و سید محمد تقی

ص: 1932

خوانساری فقها و اصولا و شیخ مهدی حکمی قمی در علم اخلاق بهره مند گردید.

در سال 1351 ق بنا بر درخواست عده ای از اهالی تهران و امر آیت الله حائری یزدی به تهران عزیمت، و در «مسجد مقدس» (واقع در نزدیکی میدان اعدام) به اقامه جماعت و در (مدرسه مروی) به امر تدریس اشتغال ورزید.

### از آثار او:

1- شرح زیارت وارث.

2- شرح دعای ندبه (کشف العقده در...).

3- مفتاح السعاده.

4- فضیله المؤمنین.

5- آثار الأعمال (2 جلد).

سرانجام در روز پنجشنبه 21 ذی حجه 1387/ ق مطابق با اول/فروردین/ 1347 ش به سن 82 سالگی در تهران درگذشت، و جسدش به قم حمل و در یکی از اطاقهای قبرستان ابو حسین مدفون گردید.

### فرزندان:

1- سید علاء الدین علوی 2- سید نور الدین علوی.

- منابع

1- آثار الحججه 2/269.

2- آشنایی با مشاهیر طالقان 271 (تاریخ فوتش را اشتباه نوشته است).

3- آینه دانشوران 519.

4- تاریخ و جغرافیای طالقان 102.

5- فهرست کتابهای چاپی فارسی 34/1.

6- گنجینه دانشمندان 511/4.



اشاره

(1323-1408 ق)

حاج شیخ مراد علی فرزند غلامعلی ممدوح اراکی، از فضلا و اساتید حوزه علمیه قم بود. وی در سال 1323 ق در روستای «سمقاور» بلوک «بزچلو» اراک تولد یافت.

ممدوح پس از سپری کردن مقدمات در سال 1349 ق به حوزه علمیه قم پیوست و سطح را به پایان برد. دروس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری و سید محمد تقی خوانساری استفاده نمود. در سال 1354 ق از طرف وزارت معارف موفق به دریافت گواهی نامه رسمی ششم عالی و مدرسی فقه و اصول گردید.

از آثار او

1- اصول عقاید.

2- الهدایا در بطلان مذاهب ساختگی دوران قاجار.

3- غفران.

نامبرده در 9 صفر 1408 / ق مطابق با اول/آبان 1366 / ش درگذشت.

پیکرش در قبرستان ابو حسین قم به خاک رفت.

-منابع

1- آینه دانشوران 305.

2- نامداران اراک 229.

ص: 1934















بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پاداش معنوی طبع و نشر این اثر ارزشمند را به پدر و مراد و معمار فکری ام شادروان حاج محمد مهدی انصاریان، که از روز نخست عشق و محبت به خاندان عصمت و طهارت را در مکتب او آموختم، تقدیم می دارم.

او سرانجام در شب جمعه 4 رجب 1423- لیله الرغائب- از حرم مطهر کریمه اهل بیت به سوی عالم بقا پر گشود و به کاران تربت پاکان قم پیوست، روحش شاد و سایه مادر مکرمه ام، علویّه فاضله، بر سرم مستدام باد، که هر توفیقی داشتم در پرتو دعای این دو بزرگ بود.

ملتمس دعا

محمد تقی انصاریان

ناشر

ص: 1941



- شیخ مرتضی اخوان خراسانی 1949
- شیخ مرتضی انصاری قمی 1950
- سیّد مرتضی برقعی قمی «واعظ» 1961
- سیّد مرتضی پسندیده خمینی 1962
- سیّد مرتضی جزائری «علم الهدی» 1968
- شیخ مرتضی چهرقانی 1972
- شیخ مرتضی حائری یزدی 1974
- شیخ مرتضی عاملی «نظام الدین» 1987
- سیّد مرتضی علوی فریدنی 1988
- سیّد مرتضی فیروزآبادی 1989
- سیّد مرتضی لنگرودی 1995
- سیّد مرتضی مبرقع قمی «حاج داداش» 1998
- سیّد مرتضی مرعشی تبریزی 2000
- شیخ مرتضی مطهری فریمانی 2002
- شیخ مزمل حسین میثمی غدیری 2012



- شیخ مسعود سلطانی میانه ای 2013
- سیّد مسلم محدث خلخالی 2015
- سیّد مصطفی اعتماد حائری 2016
- مصطفی انتظاری قمی «شاطر» 2018
- مصطفی ایروانی 2018
- سیّد مصطفی برقی قمی 2019
- سیّد مصطفی بهبهانی 2020
- شیخ مصطفی جلیلی کرمانشاهی 2021
- شیخ مصطفی زمانی نجف آبادی 2022
- میرزا مصطفی صادقی قمی 2026
- سیّد مصطفی صفائی خوانساری 2028
- سیّد مصطفی طباطبائی قمی 2031
- سیّد مصطفی علم الهدی جزائری 2032
- شیخ مصطفی فائق تهرانی 2036
- سیّد مصطفی کاشفی خوانساری 2037
- شیخ مصطفی مسجد جامعی 2038
- میرزا مصطفی ملکی تهرانی 2040
- سیّد مصطفی مهدوی اصفهانی 2041
- سیّد مصطفی هاشمی همدانی 2043
- شیخ منصور سبط الشیخ انصاری 2044
- منصور میرزا قاجار «شعاع السلطنه» 2046

شیخ موسیٰ جنابی اہری 2047

شیخ موسیٰ زنجانی «عباسی» 2047

سیّد موسیٰ سبط الشیخ دزفولی 2050

ص: 1944

شیخ موسی فقیهی «ناظم الشریعه» 2052

میرزا مهدی آشتیانی 2054

شیخ مهدی احمدی شاهرودی 2060

شیخ مهدی الهی قمشه ای 2061

سیّد مهدی انگجی تبریزی 2067

مهندس مهدی بازرگان 2069

سیّد مهدی بحر العلوم قزوینی 2076

میرزا مهدی بروجردی 2077

شیخ مهدی حائری یزدی 2078

شیخ مهدی حرم پناهی قمی 2086

شیخ مهدی حکمی «پائین شهری» 2088

سیّد مهدی حکیم «طباطبائی» 2090

سیّد مهدی روحانی قمی 2092

شیخ مهدی سراج انصاری 2095

شیخ مهدی شاه حمزه ای قمی 2098

شیخ مهدی شریعتمدار تهرانی 2099

میرزا مهدی صادقی تبریزی 2102

سیّد مهدی صدر عاملی 2103

سیّد مهدی طباطبائی مدرسی یزدی 2104

میرزا مهدی عالم اردبیلی 2105

میرزا مهدی عبائی تبریزی 2106

سید مهدی علوی بخشایشی 2108

سید مهدی قاضی طباطبائی «تبریزی» 2109

شیخ مهدی قدسی طالقانی 2110

ص: 1945

- سید مهدی کشفی بروجردی 2111
- سید مهدی کماری تبریزی 2112
- سید مهدی گلپایگانی 2114
- سید مهدی مرعشی تبریزی 2115
- شیخ مهدی معز الدوله تهرانی 2116
- شیخ مهدی ملک صادقی قمی 2117
- شیخ مهدی منصوری قمی 2118
- سید میرزا جندقی 2119
- سید ناصر الدین آرام قمی 2121
- سید ناصر الدین قمی «میرزائی» 2122
- سید نصر الله تقوی «سادات اخوی» 2122
- شیخ نصر الله لاهوتی اشکوری 2126
- سید نصر الله موسوی تهرانی 2127
- شیخ نصرت الله بناروانی میانجی 2128
- شیخ نعمت الله دولتی گرگانی 2129
- شیخ نعمت الله مهدوی قزوینی 2130
- سید نور الدین ابهری 2131
- شیخ نور الدین خلعتبری تنکابنی 2131
- سید نور الدین علوی طالقانی 2132
- حاج هادی ابهری 2135
- سید هادی روحانی قمی 2135

میرزا هادی صدر الممالک اردبیلی 2136

شیخ هادی عبادی طالقانی 2137

سیّد هادی موسوی ملایری 2138

ص: 1946

- 2139 شیخ هادی تیری میانجی
- 2140 میرزا هاشم آملی
- 2145 شیخ هاشم تقدیری سبزواری
- 2146 سیّد هاشم حسینی تهرانی
- 2147 سیّد هاشم خوئی
- 2149 سیّد هاشم رضوی بنارسی
- 2150 سیّد هاشم طباطبائی یزدی
- 2152 سیّد هاشم نیشابوری
- 2152 شیخ هدایت الله تبریزی «غروی»
- 2155 هدایت الله عجمی
- 2157 هدایت الله کاکاوندی لرستانی
- 2157 میرزا هدایت الله وحید گلپایگانی
- 2159 شیخ یحیی انواری همدانی
- 2160 میرزا یحیی خلعتبری تنکابنی
- 2161 شیخ یحیی عبادی طالقانی
- 2163 شیخ یحیی فاضل همدانی
- 2164 سیّد یحیی مدرسی یزدی
- 2167 شیخ یوسف احدی همدانی
- 2168 میرزا یوسف اعتصام الملک «آشتیانی»
- 2171 شیخ یوسف رحمانیان «عماد»
- 2172 سیّد یوسف فاضلی «رضا هاشمی»

شیخ یوسف فومنی گیلانی «فانی» 2172

یوسف نجات تبریزی 2179

سیّد یوسف هاشمی «حکم آبادی» 2179

ص: 1947



سید یونس یونسی اردبیلی 2188

اسناد و مدارک 2191/

فهرستها 2397/

اعلام 2399

اعلام مترجمین «ضمنی» 2439

اعلام مؤلفین یادشده در مقدمه 2445

اساتید و مشایخ اجازه 2453

نخبگان 2491

نخبگان یادشده در مقدمه 2497

آثار مکتوب مترجمین 2499

منابع مصحح 2581

امامزادگان مدفون در قم 2591

سلاطین و شاهزادگان مدفون در قم 2593

مقابر 2595

ص: 1948

## شیخ مرتضی اخوان خراسانی

### اشاره

(1321-1404 ق)

شیخ مرتضی فرزند علامه شیخ محمد حسین روشندل (اخوان خراسانی)، از علمای معاصر بود.

وی در سال 1321 ق در مشهد مقدس متولد گردید.

او پس از طی مقدمات و سطوح، در سال 1344 ق همراه برادر ارشد خود شیخ علی به نجف اشرف مهاجرت کرد، و از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، میرزا علی شیرازی فرزند مجدد شیرازی، سید ابو الحسن اصفهانی و میرزا باقر زنجانی استفاده نمود.

در سال 1391 ق در پی فشارهای دولت عراق به ایران بازگشت، و در قم سکونت اختیار نمود.

### از آثار او:

تقریرات میرزای نائینی.

او در روز پنجشنبه 4 صفر 1404/ ق مطابق با 19 آبان 1362/ ش به سن 83 سالگی در پی بیماری در قم درگذشت، و در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

### منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- تاریخ زنجان 271.

3- گنجینه دانشمندان 59/2.

ص: 1949

## اشاره

(ح 1323-1391 ق)

## ولادت

ایشان، در سال 1321 یا 1323 ق در قم، در خانواده ای پرفضیلت-که نسب شان به شیخ الطائفه جناب سعد بن عبد الله بن ابی خلف اشعری قمی، صحابی جلیل القدر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می رسد-زاده شد.

پدرش مرحوم آقا شیخ محمد حسین زاهد، یکی از عباد و زهاد پایین شهر قم و از معتمدین و ثقات حضرات آیات: آقا شیخ ابو القاسم قمی و آقا شیخ مهدی حکمی قمی بوده است. برادرش مرحوم حاج شیخ علی زاهد، در تابستان های سخت و گرم ماه رجب و شعبان را روزه گرفته و به ماه رمضان متصل می کردند و در دوره عمرشان کمتر اتفاق افتاد که نماز شبشان ترک شده باشد. آنان در امر به معروف و نهی از منکر بسیار کوشا بودند و مرتکبین امور خلاف شرع را شخصا توبه می دادند.

## تحصیلات

مرحوم انصاری در اوان تأسیس حوزه علمیه قم در سال 1340 ق-1300 ش به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات و ادبیات را نزد مرحوم علامه ادیب تهرانی و سطوح را نزد آیات: میرزا محمد همدانی، آخوند ملا علی همدانی، حاج

ص: 1950

شیخ محمد علی حائری و حاج سید محمد تقی خوانساری فراگرفت و پس از آن در سال 1347 ق، به درس خارج فقه و اصول آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری حاضر شد و به زودی در زمره یکی از شاگردان مبرز وی درآمد. او در همان زمان، سخت مورد توجه استادش قرار گرفته بود، داستان زیر گواهی بر این مدعا است:

پیش از آنکه معمم شود، روزی در تیمچه بزرگ بازار، بر فراز منبر بود که مرحوم آیت الله حائری وارد مجلس شد و زمانی که منبر شیرین وی را مشاهده کرد، او را به نزد خود طلبید و فرمود: نام شما چیست و چرا تاکنون معمم نشده ای؟

مرحوم انصاری گفت: آقا! نام من شیخ مرتضی است و تاکنون در خودم اهلیت و صلاحیت معمم شدن را ندیده ام. آیت الله حائری فرمود: ان شاء الله که شیخ مرتضی انصاری بوده باشی (و از همان زمان نام خانوادگی اش در میان علما و مردم به «انصاری» معروف شد)، تو بهترین کسی هستی که شایستگی عمامه نهادن را دارد. فردا من به حجره ات - در مدرسه فیضیه - می آیم و عمامه بر سرت می گذارم.

روز بعد که مردم و بازاریان و طلاب باخبر شده بودند که آقای حاج شیخ به مدرسه فیضیه برای عمامه گذاری بر سر شیخ مرتضی می رود همه به مدرسه فیضیه رفته بودند.

## هجرت

وی از بنیانگذاران هجرت برای تبلیغ در ماه مبارک رمضان و ماه محرم به همراه دوستانش مرحوم آیت الله محقق داماد و آیت الله شیخ محمد رضا طبسی بود.

آیت الله طبسی در مصاحبه اش با مجله «حوزه» شماره 34 می گوید:

دهه آخر صفر، من به ساوه رفتم و دوستان هم نقاط دیگر را برای امر تبلیغ انتخاب کردند. مثلاً مرحوم آقای سید محمد داماد، آشتیان را انتخاب کردند و مرحوم آقای انصاری، یزد را انتخاب کردند.

مرحوم انصاری، حسب الامر آیت الله حائری چندین سال برای اقامه جماعت و ترویج دین به قصبه کرگان - دو فرسخی آشتیان - رفت و مردم آن سامان را با

ص: 1951

مواعظ و خطابه های خود ارشاد کرد. در حقیقت دین مردم کرگان و آشتیان، مرهون اقامت چندین ساله وی و زحمات بی دریغ و شبانه روزی اش بوده است.

## تسلط و آگاهی بر روایات

استاد علامه مرحوم حجه الاسلام سید عبد العزیز طباطبائی می فرمودند:

«آقای انصاری در این مدت نهایت بهره و استفاده را از اوقات خویش برد. هم نسلی متدین تربیت کرد و هم با مطالعه دقیق بحار الانوار، آن را از حفظ کرد و بر آن مسلط شد، او به اندازه ای در حدیث شناسی متبحر و چیره دست بود که هر حدیثی را از او می پرسیدند با ذکر منبع آن- که در چه جلد و چه بابی است- پاسخ می داد».

او پس از حدود 10 سال توقف در آن منطقه، به زادگاهش بازگشت و به فعالیت های دینی پرداخت.

او خطیبی رشید و سخنوری فصیح و بلیغ و واعظی دلسوز برای جامعه بود.

محبت و اخلاص وی به ائمه اطهار علیهم السلام به حد کمال و راوی روایات و احادیث آنان بود. او مردی روان شناس بود و اغلب مطالب روز را با احادیث و روایات تطبیق و تلفیق می کرد و با شیرینی و ملاحظتی که داشت آنها را به جامعه تفهیم می کرد.

تخصص وی بیشتر در نشر احادیث و اخبار بود، مطلبی را که با آیه ای از قرآن عنوان می کرد درباره آن تا آخر منبر، ده ها حدیث و روایت می آورد و آن را با اشعار و امثال و حکایت های دلنشین می آمیخت. او حافظ بیش از سی هزار حدیث بود و از این گنجینه گرانبها، در منبرها به خوبی استفاده می کرد.

آیت الله صافی گلپایگانی می فرمودند: «در یک مجلسی شمردم تا هفتاد حدیث در یک موضوع خواند».

## منبری گرانقدر و مفید

منبرش به قدری مفید و باارزش بود که همه- از عالی و دانی و از فقیه و مجتهد

ص: 1952

تا آدم های عادی-از منبرش استفاده می بردند و منبر او را قدر می دانستند. نمونه ای را در این باره می آوریم:

سالی در کربلا، در منزل مرحوم آیت الله حاج آقا حسین قمی منبر می رفت روزی سخنش به درازا کشید و ظهر نزدیک شد، ایشان خواست منبر را خاتمه دهد.

آیت الله قمی فرمودند: «به بیانات خود ادامه دهید، امروز نماز نمی رویم».

و این امر از شخصی زاهد و متقی مانند مرحوم آیت الله قمی بسیار عجیب بود.

یکی از شاگردان حوزه نجف می فرمود:

ایشان سالی در ماه مبارک رمضان، در نجف اشرف در مسجد شیخ انصاری به منبر می رفت. آیت الله خوئی هم شب ها در مسجد خضرا درس می فرمود. ما به ایشان می گفتیم: آقا، درس را کمی زودتر تعطیل کند تا به منبر آقای انصاری هم برسیم. ایشان پرسیدند: مگر آقای انصاری در منبر چه می گوید که شما می خواهید از درس من کم کنید؟ گفتم: آقا! منبر ایشان گفتنی نیست، دیدنی است.

ایشان، شبی درس را زودتر تعطیل کرد و به مجلس آقای انصاری، حاضر شد و از کثرت نقل در شگفت آمد و فرمود:

آری! شما حق دارید. این مجلس خیلی قابل استفاده است.

و از آن روز به بعد، هر شب درس را کمی زودتر تعطیل می فرمود.

### **برکات معنوی و مادی موعظه های مرحوم انصاری قمی**

او به هر جا قدم می گذاشت منشأ خیر و برکت می شد. چه بسیار گنهکارانی که به محضر ایشان آمده و توبه می کردند و از کارهای زشتشان به یکباره دست می کشیدند.

او خود در این باره گفته بود:

زمانی در شبهای محرم، در تهران پس از نماز مغرب و عشاء سه مجلس را اداره می کردم. طیب خان-رضایی-پیش من آمد و مرا برای مجلس بارفروشان میدان

ص: 1953

شوش دعوت کرد عذر آوردم و گفتم: طیب خان! من پس از نماز سه مجلس دارم و دیگر به مجلس شما نمی رسم. وانگهی ساعت از نیمه شب هم می گذرد. او گفت آقای انصاری! اما ده بیست نفر بودیم که همه جور کارهای خلاف انجام می دادیم و در اثر منبرهای پارسال شما از همه آنها دست کشیدیم. من شما را -چه دعوت ما را قبول کنی و چه قبول نکنی- می آیم و می برم. من هم قبول کردم و فکر می کردم که مجلس خلوت است. اما دیدم مجلس مالا مال از جمعیت است و از بهترین مجالس من در تهران شد.

مرحوم حجه الاسلام حاج شیخ محمد علی انصاری می نویسد:

در زمان رضا خان سوادکوهی و پس از آن، رشت و بندر انزلی در اثر استیلاي حزب توده، مرکز فحشا و منکرات بود و زن و مرد در انواع تمایلات نفسانی آزاد بودند. در چنین شرایط سختی عده ای از متدینین بندر به فکر افتاده و از مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری دعوت کردند که دو ماه محرم و صفر برای تبلیغ به آن شهر برود.

وی آن سال را بدان شهر رفت و تبلیغات دینی را آغاز کرد.

می گفت: دیدم نامه های زیادی نوشته می شود و از گرانی پول حمام شکایت دارند در منبر پرسیدم: آقایان! گرانی پول حمام به من چه ربطی دارد؟

گفتند: آقا تا وقتی شما به این شهر نیامده بودید، غالب مردم نماز نمی خواندند و برای غسل به حمام نمی رفتند. اکنون مردم اهمیت نماز را یافته و نیازمند حمام و غسل هستند و حمام کم و گران است.

از این رو ایشان دو باب حمام ساختند و مساجد متروکه و مخروبه را تعمیر و آباد کردند و دو مسجد جدید نیز ساختند.

پس از شکست خفت بار رژیم شاه در طرح انجمن ایالتی و ولایتی، شاه به تصویب لوایح ششگانه و فرمانم قلابی 6 بهمن 1341 روی آورد که این بار هم مراجع تقلید به همراه آیت الله خمینی به میدان آمدند و مردم مسلمان و غیور ایران

ص: 1954

را بر مخالفت و اعتراض بر علیه آن برانگیختند و موج تظاهرات و اعتراضات در کشور به راه افتاد و به دنبال آن بسیاری از مساجد و درس های حوزه های علمیه به تعطیلی کشیده شد و روحانیون و علما به زندان ها و سیاه چالها روانه شدند و در پی آن، عید نوروز سال 1342، از سوی مراجع تقلید و علمای شهرستان ها روز عزا اعلام شد.

با حلول فروردین 1342، که هم زمان با ایام شهادت رئیس مذهب شیعه امام جعفر صادق علیه السلام بود، رژیم شاه برای حمله به حوزه علمیه قم آماده شده بود. در آن روز، میدان آستانه و خیابان های اطراف حرم حضرت معصومه علیها السلام مالا مال از کماندوها و نیروهای ارتشی بود و کامیون های مملو از سربازان مسلح در خیابان های قم تردد می کردند. در قم یک حکومت نظامی اعلام نشده برقرار شده بود.

نویسنده کتاب بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی در این باره می نویسد:

«... عصر روز جمعه دوّم فروردین (25 شوال 1382 ق) به مناسبت سالروز شهادت حضرت امام جعفر علیه السلام از سوی مرحوم آیت الله گلپایگانی در مدرسه فیضیه، مجلس عزاداری برقرار بود. ازدحام جمعیت - که تمام صحن حیاط، بالکن های طبقه دوّم و شبستان های مدرسه آکنده از مردم بود بسیار زیاد و چشمگیر بود.

پس از سخنرانی حجه الاسلام حاج سید محمد آل طه، مرحوم آقای انصاری بر فراز منبر قرار گرفت و درباره زندگی امام صادق علیه السلام و کوشش های دامنه دار آن حضرت در آگاه ساختن مردم به حقایق قرآن و مکتب تشیع و کارشکنی های شدید مخالفین و معاندین در مقابل آن حضرت داد سخن داد، آن گاه از حوزه علمیه قم به عنوان «دانشگاه امام صادق علیه السلام» و «سربازخانه امام زمان علیه السلام» سخن به میان آورد و رشته سخن را به نقش آن حوزه در حفظ و حراست احکام اسلام و استقلال ایران کشانید که یکبار صدای پر مهیب صلوات در فضای مدرسه پیچید و سخن او را قطع کرد. او بی اعتنا به این صلوات بی مورد خواست به سخنان خود ادامه دهد که بار دیگر صدای صلوات، او را از سخن گفتن بازداشت. در این هنگام آقای سید



رضا موسوی اردستانی- که نزدیک منبر نشسته بود- مرد نابکاری را دید که مرتب صلوات می فرستد، به او حمله کرد و مشت محکمی به دهان او کوبید که یک باره صدها مشت از چپ و راست به سروصورت آن سید روحانی فرود آمد و او را به کُلی گیج و از خودبی خود ساخت. مردم که متوجه روی دادن حادثه ای در پای منبر شده بودند، از هر طرف سر می کشیدند تا ببینند چه خبر است؟ و برخی از جای خود برخاسته می کوشیدند خود را به محل حادثه نزدیک کنند. ولی آقای انصاری که سخت کوشش داشت آرامش مجلس به هم نخورد، کوشید که با شوخی و بذله گویی جریان را به اصطلاح «ماست مالی» نماید از این رو مردم را دعوت به آرامش کرد و اظهار داشت: «بنشیند، چیزی نیست، چند نفر پای منبر ما سر یک دانه سیگار کشمکش داشتند، تمام شد» و از آنجا که دریافت تمام افرادی که دور منبرش نشسته و با چشمان شرارت بار به او خیره شده اند، به گفته خودش عوضی هستند که برای برهم زدن مجلس و آشوبگری بدانجا آمده اند، لحن سخن خود را عوض کرد و با زبان نرم خواست آن دژخیمان وحشی را آرام ساخته و از شرارت باز دارد، از این رو با لحنی ملایم اظهار داشت:

«ما که با کسی سر جنگ نداریم، ما در اینجا جمع شده ایم تا برای ششمین پیشوای شیعیان ذکر مصیبتی بکنیم و اگر حرفی می زنیم، سخنی می گوئیم جز نصیحت مشفقانه منظوری نداریم، ما وظیفه داریم خیر و صلاح ملک و ملت را...» که صدای صلوات بار دیگر طنین افکند و یکی از آنها از منبر بالا رفت تا بلندگو را از جلو او بکشد، آقای انصاری هم یک پله پایین آمد و بلندگو را از دست او کشید و فریاد برآورد:

«آی مردم! آی مسلمان هایی که از صدها فرسخ راه به این شهر مقدس آمده اید، به شهر و دیار خود که بازگشتید به همه برسانید که دیگر به روحانیت اجازه ذکر مصیبت برای رئیس مذهب هم نمی دهند...».

که بار دیگر صدای صلوات رشته سخن را از کفش ربود. او که می دید به هیچ وجه

نمی تواند سخن بگوید و اوضاع وخیم تر از آن است که فکر می کرد فوراً سرورته مطلب را هم آورد و از منبر پایین آمد و رفت کنار آیت الله گلپایگانی نشست. اما در همین لحظه صدها کماندوی گارد با دستور سرهنگ مولوی به مردم و روحانیون حمله ور شدند و به قصد کشت، آنان را به سبعت و درندگی هرچه تمام تر می زدند، حمله دژخیمان با شدت هرچه تمام تر تا پاسی از شب ادامه داشت، در حین زدو خورد، بستگان آیت الله گلپایگانی و عده ای از طلاب خرم آبادی و دیگران، معظم له و آقای انصاری را به اتاق دوم سمت شرقی مدرس بردند. کماندوها- که از منبرهای آقای انصاری در صبح و عصر در مدرسه حجتیه و فیضیه سخت عصبانی بودند و قصد کشتن او را داشتند- که متوجه شدند آیت الله گلپایگانی و آقای انصاری در آن اتاق هستند به آنجا حمله بردند و در و پنجره اتاق را درهم شکستند و خرد کردند و به دنبال آن وارد اتاق شدند و با محافظین- که شمارشان بیش از پنجاه نفر- بود به زدو خورد پرداختند.

پس از خروج آیت الله گلپایگانی و مردم و روحانیون از مدرسه فیضیه، آقای انصاری هم از طریق رودخانه متواری شد و تا مدت 40 روز مخفیانه زندگی می کرد.

### **بناهای خیریه**

مرحوم انصاری همت والایی در تشویق مردم به ایجاد بناهای خیریه داشت از نمونه های مشهود آن در قم، تعمیر مسجد امام حسن عسکری و مسجد جامع می باشد. او هر شب در مسجد امام به منبر می رفت و مردم را برای آبادی مسجد تشویق می کرد. پس از چند شب، به آجرپزها دستور داد تا هر شب چند ماشین آجر و قذافی و نظامی در مدخل ورودی مسجد بریزند و در منبر گفت: هرکس وارد مسجد می شود یک دانه آجر با خود بیاورد و به این ترتیب شبی چند ماشین مصالح ساختمانی وارد مسجد می شد.

یکی از محلات قم به نام کوچه حاج زینل، بدون مسجد بود. ایشان در منبر

پرسید: این را چه نام است؟ گفتند: کوچه حاج زینل. ایشان پسران آن مرحوم را تشویق کرد و آنان مسجدی بزرگ ساختند که اکنون هم بر پا است.

نیز وی، زمانی در ماه مبارک رمضان در مسجد ارک تهران منبر می رفت. کثرت جمعیت شرکت کننده به حدی بود که مسجد با تمام بزرگی اش کوچک می نمود. او در منبر گفت: این درست نیست که خانه خدا (مسجد ارک) کوچک باشد و خانه دولت- اداره رادیو- بزرگ باشد و با پرورش و پیگیری این موضوع و مکاتبات با نخست وزیری، موفق شد تا بخشی از حیاط اداره رادیو و تبلیغات را داخل مسجد ارک کند.

## مبارزه با فساد

مرحوم حجه الاسلام انصاری، در مبارزه با فساد و منکرات بسیار می کوشید و هر جا قدم می نهاد در اولین مرحله به تبلیغ علیه مظاهر گناه بر می خاست. و با تشویق مردم این مراکز را از بین می برد و یا بعضا به مراکز فرهنگی تبدیل می کرد.

داستانی را در این باره می آوریم:

در زمان متفقین (1321 ش) چند باب مغازه مشروب فروشی، در خیابان حضرتی باز شده و اشاعه فساد می کردند. از طرفی هم بارندگی بسیار کم و خشکسالی سختی شد و اغلب زراعات مردم قم بی آب ماند. مردم دوقریه محلات و نیماورد به پشتیبانی قدرت نخست وزیر وقت- صدر الاشراف محلاتی- عهدنامه هزارساله قم را نادیده انگاشته و آب رودخانه را به روی مردم قم بستند. فریاد مردم به گوش دولت- که نخست وزیرش مالک آن قرا بود- نرسید. زارعین به ستوه آمدند و ماشین هایی تهیه کردند و با چوب و چماق و تفنگ بر آن شدند تا به محلات رفته و سدها را بشکنند و آب را به اطراف قم جاری کنند، بیم فتنه ای بزرگ و کشتاری بسیار می رفت. آقای انصاری در آن زمان بر فراز منبر، به آیات مبارکه سوره واقعه:

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ\* أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ\* أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي

ص: 1958

تَشْرِبُونَ\* أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ\* لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْ لَا تَشْكُرُونَ استناد کرده و پس از شرح و تفسیر آنها فرمودند:

مردم چرا جماعت ها را به هم می زنید اگر می خواهید انقلاب کنید که نتیجه بگیرید پس بریزید شراب فروشی ها را به هم بزنید که در این شهر دینی و مذهبی علیه قرآن و مقدسات مذهبی اشاعه منکرات نکنند. شما در این مغازه ها را ببینید من از آسمان به شما آب می دهم جنگ کردن لازم نیست.

صبح روز بعد جوانان و روحانیان و مردم همه جمع شدند و با دامن های پر از سنگ و چوب به طرف مشروب فروشی ها روان شده، زدند و شکستند و سوختند و از آنجا به طرف شهر نورفته و عمده فروشی مسکرات و خانه های فواحش را به آتش کشیدند، شگفت آنکه در کنار مغازه های مشروب فروشی، یک دکان نجاری و یک مغازه لباس فروشی بود و با اینکه شعله های فروزان مشروبات الکلی به آسمان می رفت اما به قدرت الهی به آن دو مغازه زیانی نیامد عصر روز بعد ابرهایی در آسمان پدیدار شد و باران شدید بارید که در رودخانه سیل جاری شد و زراعات و باغات مشروب گردید.

### انتقاد از حکام جور

او همواره بر فراز منبر، از اوضاع بد اجتماع و اقتصاد و فرهنگ مملکت و کارهای دولت انتقاد می کرد و حقایق را می گفت از این رو چندین بار به کلانتری احضار شد و پرونده برایش ساختند.

از جمله در یکی از سالها، در ماه مبارک رمضان در مسجد اراک تهران منبر می رفت در شب نوزدهم ماه که شب قدر بود وزرای وقت در کاخ گلستان مقابل مسجد مجلس شب نشینی و زیبای اندام تشکیل داده بودند در آن شب، اشرف پهلوی جایزه 200 هزار تومانی را از آن خود کرد روز بعد که مرحوم انصاری باخبر شد از شدت خشم چشمانش سرخ و رنگش برافروخته شد و به منبر رفت و

ص: 1959

دودمان کثیف پهلوی را به باد انتقاد گرفت و گفت:

یک مشت فاحشه بی بندوبار از جان این ملت مسلمان چه می خواهند؟ شب قدر شب ضربت خوردن امیر المؤمنین رجال دولت مشغول عیش و نوش و بدمستی اند؟

و تا پایان منبر با حرارتی هرچه تمام تر، درحالی که صدایش علاوه بر مسجد، به تمام خیابان های اطراف میر سید و جمعیت زیادی در مسجد و اطرافش اجتماع کرده بودند، این گونه سخن گفت. مجلس که تمام شد، پلیس انصاری را بازداشت کرده و به شهربانی برد. که با اقدامات آیت الله میر سید محمد بهبهانی، آزاد گردید.

## تالیفات

از آن مرحوم، یازده دفتر پربرگ در تنظیم احادیث و آیات و روایات و اشعار باقی مانده، که یکی از آنها تفسیر سوره و العصر - به طور کامل - می باشد.

## وفات

سرانجام آن خطیب شهیر عالم اسلام، پس از عمری موعظت و ارشاد و پس از یک دوره بیماری در تاریخ چهارشنبه 27 مرداد 1350/ ش (26 جمادی الاول 1391 ق) در سن 70 سالگی بدرود حیات گفت. پیکر پاکش، صبح روز پنجشنبه 28 مرداد از مسجد رفعت به سوی حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام، با حضور یکپارچه علما و روحانیون و قاطبه اصناف و اهالی تشیع و پس از نماز آیت الله نجفی مرعشی بر آن، در مقابر اشعریین - قبرستان شیخان - روبه روی مرقد جناب زکریا بن آدم اشعری به خاک سپرده و مراسم متعددی از سوی مراجع و بزرگان برای ایشان برگزار شد.

به هنگام تشییع جنازه اش، بازار قصد تعطیلی داشت امام چون روز 28 مرداد بود، شهربانی قم با اعزام پلیس به بازار و تهدید بازاریان، آنان را مجبور به باز کردن مغازه ها و چراغانی کردند.

ص: 1960

همچنین تشییع جنازه آن مرحوم، باعث شد تا مراسم جشن و رژه 28 مرداد برهم زده شود. و روز بعد برخی از متصدیان تشییع را به ساواک و شهربانی احضار و تحت بازجویی قرار دادند.

منابع

1- آثار الحجه 144/2.

2- آینه دانشوران 331.

3- دیوان اشعار انصاری 138.

**سید مرتضی برقی قمی «واعظ»**

**اشاره**

(1332-1408 ق)

حاج سید مرتضی فرزند سید عیسی برقی قمی، ملقب به «صدر الواعظین» و معروف به «حاج آقا مرتضی واعظ» از مشاهیر خطبا و فضلاى معاصر بود.

وی در سال 1332 ق در قم به دنیا آمد.

او مقدمات را نزد شیخ ابو الحسن فقیهی قمی و میرزا محمد علی ادیب تهرانی آموخت. سطح را خدمت آیات:

میرزا ابو الفضل زاهدی قمی، سید علی اکبر برقی «کاشف» و سید شهاب الدین مرعشی به پایان رساند. دروس خارج را از محضر آیات: شیخ محمد علی حائری قمی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدر الدین صدر و سید حسین طباطبائی بروجردی و معقول را از محضر اساتیدی چون: شیخ

ص: 1961

محمّد مهدی مازندرانی «امیرکلائی»، میرزا خلیل کمره ای و سید روح الله خمینی استفاده نمود. سپس به وعظ و ارشاد پرداخت و از معاریف سخنوران گردید.

## از آثار او

1- اسرار الصلاة.

2- تفسیر سوره های: یس، النجم، الضحی و المعوذتین.

3- صحیفه الأبرار.

4- گنجینه اسرار.

5- مخزن المصائب.

6- معدن الأبرار.

برقعی واعظ سرانجام در روز سه شنبه /23ربیع الثانی1408/ ق مطابق با /24آذر1366/ ش در اثر تصادف در سن 76 سالگی در قم درگذشت. پیکرش روز چهارشنبه تشییع و در قبرستان باغ بهشت- مقبره خاندان برقعی- به خاک سپرده شد.

منابع

1- آثار الحجّه 145/2.

2- آینه دانشوران 402.

3- رجال قم 158.

4- گنجینه دانشمندان 344/2.

**سید مرتضی پسندیده خمینی**

**اشاره**

(1313-1417 ق)

سید مرتضی فرزند علامه سید مصطفی، نوه سید احمد موسوی هندی و بزرگترین برادر آیت الله سید روح الله خمینی.

زندگینامهٔ زیر اقتباسی از کتاب خاطرات آیت الله پسندیده، فصل چهارم که از زبان

ص: 1962



## ولادت

من در سال 1313 ق در خمین و در همین عمارتی که اکنون نیز موجود است متولد شدم. پیش از من، خواهر بزرگمان (همسر آقاجنابیان) در سال 1305 ق، و یکی دیگر از خواهرانمان در سال 1312 ق متولد شده بودند. بعد از من، آقا نور الدین هندی در سال 1315 ق، همشیره دیگرمان در سال 1318، و بالاخره «امام» در جمادی الثانی 1320 ق متولد شدند.

## تحصیلات

بعد از مجازات قاتل پدرمان که در میدان بهارستان تهران صورت گرفت، ما به خمین برگشتیم. آن موقع من 10 ساله و برادرم آقا نور الدین 8 ساله بود. در خمین مشغول درس خواندن شدیم. قبلاً در مکتب خانۀ «ملا ابو القاسم» درس می خواندیم، و بعد «میرزا محمود افتخار العلماء» را به عنوان معلم سرخانه آوردیم که روزها به ما درس می داد، البتۀ سوادش خیلی زیاد نبود.

افتخار العلماء، سالی یک مرتبه برای گرفتن مقرری و مستمری از دربار به اصفهان می رفت، و در غیاب او مادرش به ما درس می داد. (سواد مادرش از او بیشتر بود). من نزد مادرش، هیئت، نجوم و حساب می خواندم. ما به مادرش «آخوند» و به افتخار العلماء، «آقا میرزا» می گفتیم. کلاس ما گاهی در اتاق برج و گاهی اتاق وسطی برج و گاهی هم در راهرو (که الآن یکی از راهروها باقی مانده) تشکیل

می شد. بعد از اینکه درس تمام شد، در سال 1327 ق به اتفاق سید نور الدین و افتخار العلماء برای ادامه تحصیل به اصفهان رفتیم.

«آقا نجفی»، شوهر خواهر بزرگ ما نیز در اصفهان بود، و در «مدرسه ملا عبد الله» درس می خواند. ما هم آنجا رفته و در مدرسه، آقا میرزا رضا (دامادمان) را صدا زدیم و او آمد و دو حجره برای ما در همان مدرسه گرفت. مدرسه «ملا عبد الله» آباد نبود و 2 یا 3 طلبه بیشتر نداشت.

دو طبیب هم در آنجا طبابت می کردند که یکی «میرزا علی پوده ای» بود، و دیگری «سید علی». هیچ کدام از این دو نفر تحصیلات دکتری نداشتند. اما مریض زیاد داشتند. آن وقتها در اصفهان یک مریضخانه ای به نام «مرسلین» توسط آمریکاییها ساخته شده بود، و مردم را دعوت می کردند که مسیحی بشوند. عده زیادی هم دروغی رفته و مسیحی شده بودند. از جمله: میرزا علی پوده ای، وی با ما دوست بود و سالی یک ناهار هم در منزلش به ما می داد (ناهار تاس کباب می داد) میرزا علی رفت و مسیحی شد. وی پس از غسل تعمید، اسمش را هم به «لوغا» تغییر داد. تعداد مسلمانان مسیحی شده که زیاد شد، از آمریکا و انگلیس دعوت کرده و جشن گرفتند. در این جشن، یکی از آنها که مسیحی شده بود و اهل فن و بیان نیز بود، پشت تریبون رفت و صدا زد: «یک صلوات بلند بفرستید». به او گفتند: «بس است، لازم نیست سخنرانی کنی».

بعد از مدتی ما برای زیارت به نجف رفتیم. «میرزا علی لوغا» هم برای زیارت به نجف آمد. سوادی هم نداشت و خیلی هم غلط حرف می زد. کلمات عربی را نمی توانست بگوید. در بین راه از کرمانشاه رد شدیم، میرزا علی لوغا با خود تریاک و پول داشت که در بسته ای آنها را پنهان کرده بود. در گمرک همه را تفتیش کردند، تریاک را از او گرفته و گفتند: «جریمه دارد»، او گفت: «من جریمه تریاک را هم کنار آن گذاشته ام». (منظور، پول کنار تریاکها بود) تریاکها و پول را از وی گرفته و آزادش کردند. ماشینی که از آنجا به نجف می رفت، اتوبوس بدون صندلی بود و کف آن

ص: 1964

فرش پهن کرده بودند.

به ما گفتند: «این ماشین قاچاق است و بایستی به کرمانشاه برگشته با گمرک آنجا تسویه حساب کند»، ما هم به کرمانشاه برگشتیم.

در مسیر کرمانشاه همیشه یک نفر حقه باز بود که تا ماشین می دید، خودش را به غش می زد و کنار جاره می افتاد و وقتی ماشین می ایستاد می گفت: «من پایم زخم شده» و یک تومان یا دو تومان می گرفت. با ما هم این عمل را کرد، خودش را به ماشین زد، ماشین هم ایستاد و یک تومان به او داد.

بعد به گمرک رفتیم، مسئول آنجا (ظلی) نام داشت که گویا پسر «ظل السلطان» بود. بعد از تسویه حساب اجازه داد برویم. راننده ما هندی بود او هم گمرک می داد، بعد رفتیم به نجف و کربلا و میرزا علی هم که باطنا مسلمان بود، زیارت کرد.

## در حوزه اصفهان

رفتن ما به عتبات بعد از سال 1330 ق بود. من مجموعاً در اصفهان 7 یا 8 سال بودم. در آنجا درس شرایع را نزد دامادمان حاج رضای نجفی و درس «مطول» و «صرف» را نزد «میرزا علی یزدی» که از اساتید بسیار بسیار عجیب بود خواندم.

میرزا علی یزدی به قدری قدرت حافظه داشت که از حد خارج بود. بعد درس را نزد «سید مهدی» خواندم که برادر ایشان «اسلام باقر» مرجع تقلید بود. سید مهدی روی صندلی می نشست و درس می گفت. نزد شخص دیگری نیز درس خواندم که اسمش یادم نیست. در مدرسه «جده کوچک» هم نزد کس دیگر درس می خواندم، که وقتی درس می گفت دراز می کشید و می خوابید.

بعد از اتمام این درسها نزد «حاج صادق خاتون آبادی» که اعلم علما بود رفتیم.

در اصفهان آن موقع دو تا عالم بزرگ بود، که یکی از آنها همین حاج صادق بود.

ایشان دو برادر هم به نامهای «حاج آقا مرتضی» و «حاج آقا ابو الفضل» داشت، که در «مسجد ملا عبد العلی» درس می گفتند. خود حاج صادق در «مدرسه جده بزرگ»

ص: 1965

تدریس می کرد. روبروی در مدرسه جده بزرگ، حیاطی بود که در آنجا درس می خواندیم. ایشان درس خارج را به خوبی می گفت.

علاوه بر آن بسیار مؤدب بود، به حدی که بعد از درس دادن، نمی گفت که فهمیدید یا نه؟ بلکه می گفت: «خوب درس دادم یا نه؟ و هرکس متوجه نشده دوباره درس بدهم».

مدت مدیدی هم به درس «حاج میرزا رحیم ارباب» می رفتیم، ایشان کلاه پوستی به سر داشت و فقط موقع نماز معمم می شد. وی برادری به نام «میرزا عبد العلی دهکردی» داشت که توسط حکومت اصفهان (که یکی از بختیارها بود و ما با بچه او درس می خواندیم) فلک شد و کتک زیادی خورد. نزد میرزا رحیم ارباب، حساب و منطق می خواندیم.

در اصفهان و در کلاس منطق «میرزا رحیم» یک هم کلاسی داشتیم به نام «سید جعفر» که گم شد. وی در یزد «بهایی» شده بود، ولی با لباس روحانیت به گلپایگان آمد و بهایی بودن را انکار کرد. در مسجد گلپایگان نماز جماعت برقرار کرده، و نمازش از همه مفصل تر بود. پشت سر او به قدری جمعیت نماز می خواند که بیرون مسجد هم پر می شد. علما می گفتند: «مردم این بهایی است، مسلمان نیست، پشت سرش نماز نخوانید». ولی مردم باور نمی کردند. بعد معلوم شد بهایی است و در حمام لنگ به سرش کشیدند و او به «سلطان آباد» (اراک کنون) فرار کرد. در اراک از طرف حکومت، محضر دفتر اسناد رسمی به او دادند.

پس از پایان درس در اصفهان، وقتی به خمین برگشتیم از من هم دعوت شد که به سلطان آباد بروم و محضر شرع (رسیدگی به دعاوی) برای رسیدگی به قتل و...

باز کنم که من قبول نکردم. شریعتمدار (پسر دوم آقای نجفی) در اصفهان محضر شرع داشت. وی از نظر علمی زیاد وارد نبود ولی در دستگاهش یک عالم متبحری حضور داشت. آن عالم، محاکمه می کرد و شریعتمدار برحسب دستور وی حد و تعزیر می داد. عالم به دلیل داشتن تبحر در علم و دانش، دستور قتل مجرمان را

صادر می کرد. این رویه قضایی آن روز بود تا اینکه با تصویب قانون اساسی، محاکم تشکیل شدند و این محاکم شامل چند محکمه بود: صلحیه، ابتدایی، استیناف و تمیز.

بگذریم، به ادامه شرح ماجرای سفر عتبات پردازیم.

## سفر به عتبات عالیات

بعد از اینکه اجازه مسافرت در کرمانشاه توسط رئیس گمرک (ظلی) به ما داده شد، توسط همان اتوبوس که راننده و شاگرد راننده هندی داشت و فارسی خوب نمی توانستند صحبت کنند، به «خانقین» و از آنجا هم به عتبات رفتیم.

یادم می آید بعد از ورود به کربلا، «ضیاء الدین عراقی» که از مجتهدین بزرگ عتبات بودند، به دیدن ما آمدند و ما با ایشان روابط زیادی پیدا کردیم. یکی دیگر از علمای نجف هم بود (اسمش یادم نمی آید) که پشت سرش نماز می خواندیم، با او هم روابط زیادی داشتیم. پسر ایشان هم در شمیران امام جماعت بود که نه اسم پسرش یادم است و نه اسم خودش. از اعراب بود، عربی صحبت می کرد و در فقه جامعیت کامل داشت.

در بین راه عتبات، همشیره بزرگ ما مریض شد که ایشان را به بیمارستان بغداد بردیم، و در آنجا جهت معالجه بستری شد. یک بار که از نجف می خواستم به ملاقات ایشان بروم، سوار وسیله نقلیه شدم و به کنار شط رفتم، از آنجا تا بغداد هم با قایق رفتم. در بین راه آبی معلوم شد که قایق ران «سنی» است و او هم فهمید که من «شیعه» هستم. به زبان عربی از من موضوع خلفای راشدین را پرسید؟ من گفتم:

«عربی نمی دانم»، هرچه گفت، گفتم: «نمی دانم»، گفت: «چطور است الآن ترا در دریا غرق کنم؟» گفتم: «نفهمیدم»، گفت: «به من پول می دهی؟» یک پول عربی بود 9 برابر پول ما، من آن را به او دادم قایق ران به همان قانع شد و ما را به بیمارستان برد.

بعد همشیره ما در بیمارستان ناراحت بود. در بیمارستان ماندیم تا ایشان مرخص شد و ما به ایران برگشتیم، مسافرت ما در نجف و کربلا زیاد نبود.

ص: 1967

در مقدمه کتاب «الرسائل الفقهیه» صفحه 47، از شهید سید حسن مدرس به قلم شیخ ابو الفضل شکوری آمده است: آقای پسندیده چند سالی از شاگردان مرحوم مدرس در تهران بود.

## درگذشت

سرانجام در پی بیماری به سن 104 سالگی در شمیران تهران (حسینیۀ جماران) به تاریخ سه شنبه 30 جمادی الثانی 1417/ ق مطابق با 22/ آبان 1375 ش درگذشت. پیکرش به قم حمل و پس از تشییع خوبی در حرم حضرت معصومه علیها السّلام به خاک سپرده شد.

## سید مرتضی جزائری «علم الهدی»

(-1393 ق)

سید مرتضی فرزند علامه سید محمّد رضا «قدسی» نوه سید محمود جزائری شوشتری ملقب به (علم الهدی) اهوازی، از نوادگان محدث گرانقدر سید نعمت الله جزائری و از علمای نامی و برجسته خطه خوزستان بود. تولدش در شوشتر اتفاق افتاد.

پس از طی دوره مقدمات، سطوح را از محضر آیات: سید بزرگ آل طیب (پدر آیت الله سید محمّد حسن آل طیب)، سید نوری جزائری، و سید ابو القاسم امامزاده (پدر سید مصطفی امامزاده) به انجام رسانید، و در حدود سن

ص: 1968

20 سالگی همراه با برادر خود سید جعفر به نجف اشرف عزیمت نمودند، و مجدداً سطح کفایه را در محضر آیت الله میرزا ابو الحسن مشکینی تلمذ کرد، سپس دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ علی اکبر خوانساری، شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، و سید ابو الحسن اصفهانی و رجال و درایه را از درس سید ابو تراب خوانساری استفاده نمود.

پس از انجام تحصیلات به ملازمت و مصاحبت بزرگانی چون حضرات آیات:

سید ابو الحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی، شیخ موسی خوانساری، و شیخ محمد رضا آل یاسین درآمد و همواره با آنان بحث و جدل و از دانش سرشارشان استفاده می نمود، و جزو اصحاب دفتر استفتای آیت الله اصفهانی درآمد، و در ضمن به تدریس سطوح و تربیت شاگردان پرداخت که از جمله آنان:

1- سید محمد رضا یزدی

2- شیخ محمد رضا معصومی بروجردی

3- استاد سید جعفر شهیدی بروجردی

و اما آثاری که از رشحات قلمی این فقیه بزرگ به رشته تحریر درآمده، و هم اکنون در اختیار وارث نمی باشد عبارتند از:

1- تقریرات مشکینی.

2- تقریرات عراقی.

3- تقریرات اصفهانی (سید ابو الحسن).

4- رجال و حدیث (شاید تقریرات خوانساری باشد).

5- دفتری در علوم غریبه.

مترجم له در حدود سال 1367 ق نجف را برای همیشه ترک نمود و به ایران بازگشت و رحل اقامت خود را در اهواز افکند، و مجدداً فعالیت علمی و اجتماعی خود را آغاز نمود.

ص: 1969

به همین خاطر در «مسجد مرعشی» خیابان حافظ به اقامه جماعت و تدریس و پرورش طلاب علوم دینی همت گماشت، و در ایام ماه مبارک رمضان در مسجد مذکور به وعظ و ارشاد مردم می پرداخت، و در سایر اسفار خود این فریضه الهی و ابحاث علمی را رها ننمود، وی در میان سایر مردم و معاصرین خود به زهد، ورع، و تقوی معروف و مشهور بود.

سید مرتضی علم الهدی جزائری (و فرزندش) سید مصطفی علم الهدی

مترجم له داماد علامه بزرگ سید محمد جواد جزائری از علمای خرم آباد بود، و فرزندان برومندی از وی به یادگار مانند که عبارتند از آقایان:

1- آیت الله سید مصطفی علم الهدی متولد سال 1352 ق در شوشتر، و در سن 3 سالگی همراه پدر به نجف اشرف رفت و پس از طی مقدمات، سطوح را نزد آیات: میرزا حسن یزدی، شیخ مجتبی لنکرانی، و سید محمد جعفر مروج جزائری تلمذ کرد. و خارج را از محضر آیات: میرزا حسن یزدی، و سید ابو القاسم خوئی استفاده نمود و به ایران مهاجرت و در قم سکونت اختیار کرد، و از محضر آیات:

سید حسین طباطبائی بروجردی، سید محمد داماد، سید کاظم شریعتمداری و

ص: 1970



سید روح الله خمینی بهره مند گردید. وی دارای آثاری در فقه و اصول و از مدرسین حوزه علمیه می باشد.

سید محمد جزائری

سید محمد جواد جزائری خرم آبادی

2- سید نور الدین

3- سید محمود

4- سید محمد

5- سید علی

6- سید کاظم

7- سید حسین

8- سید حمید (حسن) و هفت دختر.

سرانجام در روز یکشنبه 18 ربیع اول 1393/ق در اثر سکته قلبی در اهواز درگذشت، جسدش روز دوشنبه در قم تشییع و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله تبریزی در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

ص: 1971

(1293-1381 ق)

شیخ مرتضیٰ فرزند علامه شیخ علی و نواده ملا ابراهیم چهرقانی طسوجی، به سال 1293 ق در قریه (چهرقان) از توابع بخش طسوج شهر شبستر دیده به جهان گشود.

ایشان در سال 1319 ق وارد نجف اشرف گردید و معقول را از محضر شیخ محمد باقر اصطهباناتی و اخلاق را از شیخ رضا تبریزی تلمذ نمود، و در سال 1332 ق به تبریز بازگشت.

### آثار قلمی ایشان عبارتند از:

1- تقریرات شیخ الشریعه (در چند دفتر شامل: فقه و اصول و رجال است).

2- حاشیه علی الرسائل.

3- کتابی درباره امام زمان (عج).

سایر احوالات ایشان را از زبان دو فرزند روحانی اش که بازگو کردند، می شنویم:

شرح حال آیت الله شیخ مرتضیٰ چهرقانی از زبان بزرگترین فرزندش شیخ عبدالحسین غروی، که در مجله حوزه درج شده است:

حوزه: خلاصه ای از زندگی تحصیلی علمی مرحوم والدتان را بیان کنید؟

استاد: ایشان پس از مقداری تحصیل و فراگیری علوم حوزوی در تبریز، به نجف اشرف مشرف می شود و در آنجا از محضر بزرگانی همچون: مرحوم سید (محمد کاظم طباطبائی) یزدی (صاحب عروه الوثقی)، مرحوم شریعت اصفهانی، آخوند (ملا محمد کاظم) خراسانی و... بهره می برد و مورد لطف و توجه آن بزرگان قرار می گیرد. اجازات و تقریرات خوبی از آنان داشت. یک وقتی مرحوم آیت الله مرعشی نجفی به من می گفت: «مرحوم پدر شما، نوشته ها و تقریرات خوبی داشتند».

ص: 1972

مرحوم شریعت اصفهانی، مرد جامعی بوده است و مرحوم ابوی، کتاب و یادگارهایی از آن بزرگوار داشت. از جمله: کتابی درباره امام زمان «عج»، این کتاب، پاسخی بود به فردی به نام آلوسی که پرسیده بود: «راجع به ولی عصر، چه دلیلی دارید؟»...

دومین فرزند ایشان جناب آقای شیخ محمد حسین انزابی نماینده سابق مجلس شورای اسلامی و واعظ بلندمرتبه در آذربایجان.

شرح مختصر زندگی والدشان آیت الله شیخ مرتضی را این گونه نوشته اند:

معظم له در سال 1293 ق در قریه چهرگان از محال انزاب آذربایجان شرقی متولد شده، پدرش مرحوم میرزا علی چهرگانی از علمای خدمتگزار همان قریه بوده است. طبق یادداشتی که از والد ماجد قدس سره به ما رسیده، تا دوازده نفر پدرانشان از علمای نجف دیده بوده اند، اما به مناسبت علاقه ای که به محل تولد و نشو و نمایشان داشته اند از نجف اشرف به همان قریه برگشته اند، و مشغول تعلیم و ارشاد شده اند.

این است که اهالی آن قراء بیش از سایر مناطق آشنائی با مبانی اسلامی داشته اند.

والد ماجد پس از گذراندن دوره کودکی در همان قریه از والدش مدتی تلمذ کرده و بعدا به بلده خوی برای ادامه تحصیل رفته و پس از پنج سال اقامت در آن شهر به تبریز رفته، و از اساتید بزرگ آن زمان مانند: مرحوم آیت الله سید ابو الحسن انگجی و میرزا حسن مجتهد تلمذ و پس از اتمام دروس سطح به نجف مهاجرت کرده است.

نوزده سال در نجف اقامت داشته و در فقه و اصول به مراتب والائی رسیده است، و فعلا نوشته هایش در نجف که تقریر درسهای شریعت اصفهانی است موجود است و از خداوند متعال توفیق می خواهیم اقدام به چاپ آنها بنمایم.

بالاخره پس از تکمیل دروس خارج و اخذ مدارک اجتهاد از اساتید میرز حوزة نجف به تبریز مراجعت کرده، و تا آخر عمر در تبریز به تدریس طلاب علوم دینی و ارشاد و موعظه اشتغال داشته است، و الحق زهد و روحانیت را تا آخر عمر مراعات می کرد. در سال 1381 ه ق در سن 88 سالگی در تبریز در خانه محقری از دنیا رحلت نمود.

ص: 1973

سومین فرزند ایشان آقای غلامعلی انزایی که به تجارت اشتغال دارد.

ایشان در روز پنجشنبه 12 رجب 1381/ ق مطابق با 30 آذر 1340/ ش در تبریز درگذشت، و جسدش به قم انتقال داده و در وادی السلام به خاک سپرده شدند.

منابع

1- الاجازه الکبیره 223.

2- المسلسلات فی الاجازات 230/2.

3- المفصل فی تراجم الاعلام (الاشکوری-مخطوط).

4- مجله حوزة.

5- مشایخ العلامة الشیخ محمد علی الاردوبادی (خطی).

**شیخ مرتضی حائری یزدی**

**اشاره**

(1334-1406 ق)

زندگینامه زیر اقتباسی است از کتاب آیت الله مؤسس، که بقلم دانشمند محترم آقای کریمی جهرمی به رشته تحریر درآورده، و نظر به اینکه اندکی مفصل است بخشهایی را حذف و اضافه نموده، تقدیم می گردد:

آیت الله حاج شیخ مرتضی معروف به آقا مرتضی حائری، خلف صالح و فرزند راستین و وارث مزایای اخلاقی و خصوصیات و صفات مرحوم آیت الله مؤسس حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی است.

آن بزرگوار در چهاردهم/ذی

ص: 1974

الحرام 1334/ قمری در شهر (اراک) دیده به جهان گشودند، و طبق آنچه نقل شده که آیت الله مؤسس سنه 1332 قمری به اراک آمده و تأسیس حوزه علمیه را کرده اند، آقای حاج آقا مرتضی در دومین سال تأسیس حوزه علمیه اراک، پا به دنیا نهاده اند.

و چون حاج شیخ عبد الکریم در سنه 1340 ق به قم آمده و بالمآل تصمیم می گیرند که در این شهر مقدس بمانند، در نتیجه آقای حاج آقا مرتضی تا شش سالگی در اراک بوده اند و در این سنین به قم آمده اند.

### اساتید معظم له

اساتید آن بزرگوار در خارج عبارتند از آیات از دست رفته:

1- پدر بزرگوارشان حاج شیخ عبد الکریم حائری.

2- سید محمّد حجت کوه کمری (ابو زوجه مترجم له).

3- حاج سید محمّد تقی خوانساری.

4- سید حسین طباطبائی بروجردی.

5- سید محمّد داماد یزدی.

اساتید دوره های سطح و ادبیات

6- سید محمّد رضا موسوی گلپایگانی، که آقای حائری دوم، رسائل را در خدمت معظم له خوانده اند.

مرحوم گلپایگانی می فرمودند:

حاج شیخ به من فرمودند: فراند را برای ایشان درس بگو، و به او اجازه بده که حرف بزند و مطلبی که به ذهنش می آید بگوید.

7- سید شهاب الدین مرعشی نجفی (در سطح).

8- سید حسین کوچه حرمی (در لمعه).

9- شیخ علی اصغر صالحی کرمانی (در سطح).

ص: 1975

10- میرزا محمد علی ادیب تهرانی (در ادبیات).

11- شیخ ابو القاسم نحوی (در ادبیات).

12- شیخ علی خوانساری متفقهی (شرح نظام).

### گوشه هایی از اخلاق معظم له

مرحوم آیت الله حائری - حاج شیخ مرتضی - فرزند برومند و خلف صالح آیت الله مؤسس، علمیت و محامد اخلاق و مکرمت‌های انسانی و زهد و اعراض از دنیا و دوری از تشریفات و تبلیغات و نادیده گرفتن دنیا را، از آن مرد بزرگ و عالیقدر به ارث برده بودند.

بنده که از کودکی با علما و بزرگان محشور بوده ام و عده زیادی از علما را در رده بالای روحانیت و در سایر مراحل دیده ام، همچون ایشان با آن خصوصیات اخلاقی ندیده و یا کمتر دیده ام.

مریدبازی و ظاهرسازی و خلاف اعتقادگویی و تعریف و تملق، در قاموس زندگی ایشان نبود. در کیفیت پوشش و لباسشان سادگی و بساطت و رهائی از قیود ظاهری به خوبی مشهود و محسوس بود، و سزااست که درباره ایشان گفته شود:

بأبه اقتدی عدی فی الکرّم و من یشابهه أبه فما ظلم

جماعت ایشان از دیرزمان از اولین جماعت‌های شهرستان مذهبی قم به شمار می رفت (و همواره خواص به جماعت ایشان حضور می یافتند)، و خلاصه کما و کیفاً از جماعت‌های طراز اول بود با همه این مطالب، ایشان از تشریفات و تبلیغات به دور بودند.

درس ایشان از دروس تحقیقی حوزه بشمار می رفت و حقا درس و تحقیقات

ص: 1976

معظم له قابل استفاده بود و تحقیق و نظر در این درس بر منقولات و ذکر مطالب دیگران ترجیح داشت، و عده ای از طلاب مجهز و مستعد در آن شرکت داشتند، و در این اواخر «خيارات» را مباحثه می فرمودند که مع الاسف ناتمام ماند و به پایان نرسید.

وی فقیهی فحل و صریح اللهجه و متصلب در دین بود و اندیشه و فکری بلند و نظری عالی و والا داشت، و هرگز در بند محدودیتهای مادی و ظاهری نبود بلکه به اعتلا و سربلندی اسلام و مسلمین می اندیشید، و روابط دوستانه و عناوین اعتبارات ظاهری او را از هدفش باز نمی داشت.

دو نفر از اهل علم در شهری نسبت به یکدیگر بدبینی داشتند و میان آنها اختلاف بود، روزی معظم له که در جریان بودند از اینجانب پرسیدند که: حالا آن دو نفر باهم چگونه اند؟ بنده پاسخ دادم: مثل سابق، بعد اضافه کردم: و با این وضع هر دو شکست می خورند و از انظار مردم، سقوط می کنند. ایشان این عبارت یا قریب به این فرمودند: «به درک که هر دو از بین می روند، عمده اسلام و عقائد مردم است که در این اختلافات ضربه خواهد خورد».

آنچه از زندگی آن بزرگوار بسیار اعجاب انگیز بود زهد پارسائی و بی اعتنائی او به دنیا و تشریفات و عناوین بود او رساله نوشت، و به کلی دنبال مرجعیت نبود و اندک مقدمه چینی برای آن نمود، و حتی برای گفتن درس بر منبر نمی نشست.

بلکه نشسته درس می فرمود با آنکه جمعیت تلامذه کم نبود، و علاوه کسالت ایشان ایجاب می کرد که منبر بروند و درس بگویند. از نشستن روی یک پتو در مجلس درسشان ابا داشتند و نیز نمی پذیرفتند که برای ایشان بلندگو بگذارند، مگر چند روز اواخر درس گفتنشان که کسالتشان شدید شده بود و ظاهرا آن هم از سه یا چهار روز تجاوز نکرد که درسشان برای همیشه تعطیل شد، و بعد از آن از دنیا رفتند. خانه ایشان همان خانه خشت و گلی پدریشان بود و تا آخر عمر در آن زندگی کردند، بدون اینکه حتی همان را نوسازی کنند و یا آن را تغییر دهند.

بعضی از دوستان ما نقل کردند: یک نفر اظهار آمادگی کرد با خرج خود خانهٔ ایشان را به کلی به زمین بزند و دوباره دو یا سه طبقه بسازد، که رفع همهٔ حوائج مشکلات رفت و آمدهای ایشان را بکند و ایشان قبول نکردند و فرمودند: «پدر ما در همین خانه زندگی کردند».

و راستی خانهٔ آن بزرگوار با آن کهنگی و فرسودگی، انسان را به یاد کلام حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می انداخت که دربارهٔ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

«ورد الآخرة سلیمان لم یضع حجرا علی حجر» بدون آلودگی به دنیا به دار آخرت پا نهاد، او سنگی را بالای سنگی نگذاشت.

وی آن قدر مراعات وجوه و اموال عمومی را می کرد و اجتناب از ولخرجیها می نمود که پاکتهای نامه یا تلگرافاتی که برایشان می آمد دور نمی ریختند، بلکه درس خارج خود را روی آن پاکتها یادداشت می کردند و به همراه می آوردند.

او آن قدر از مراسم ریاست و مقام طلبی به دور بود که روز عید قربانی در صحن مسجد امام حسن عسکری علیه السلام نماز عید را خواندند، بعد از فراغت از نماز دعائی خوانده شد و مردم به سجده رفتند ایشان از آن فرصت استفاده کرد در حالی که مردم در سجده بودند برخاستند و از مسجد خارج شدند، تا در معرض هجوم و روی آوردن مردم و دست بوسی آنان قرار نگیرند.

از بعضی از علماء محترم شنیدم که در مسجد بالاسر و اطراف قبر مرحوم آیت الله مؤسس، عکسهائی از علمائی که در آنجا مدفون بودند گذاشته بودند و کم کم زیاد شده بود. روزی مرحوم آقا مرتضی آمد و عکس مربوط به پدر بزرگوارش آیت الله حاج شیخ عبد الکریم را از جایگاه آن برداشت، و بعد دیگران آمدند و عکسها را برداشتند و مسجد از آن صورت نامطلوب بیرون آمد.

نیز از بعضی از آقایان محترم شنیدم که در عصر سید محمد حجت (رضوان الله علیه) فضلا و طلاب در درس ایشان شرکت می کردند، و درس سید محمد تقی خوانساری خلوت بود وقتی مرحوم آقا مرتضی متوجه شدند در درس آقای



خوانساری نیز شرکت کردند، تا موجب تشویق دیگران به شرکت در آن درس شوند و درس مرحوم آقای خوانساری نیز خلوت نباشد.

## آثار قلمی و علمی معظم له

ایشان دارای آثار قلمی و فکری متعدد هستند از جمله:

1- ابتغاء الفضیله فی شرح الوسیله، که محور بحثشان در این کتاب، مکاسب محرمة از کتاب ارزشمند وسیله النجاه زعیم بزرگ و فقید مسلمین سید ابو الحسن اصفهانی قدس سره است، و تحقیقی و در عین حال، روان تحریر شده، و در چند مجلد که فقط یک جلد از آن چاپ شده است.

2- رساله صلاه الجمعه، که به ضمیمه شرح حالی کوتاه از ایشان منتشر گردیده است.

3- شرح العروه الوثقی (در طهارت-3 جلد).

4- رساله ای در صلاه مسافر.

5- رساله ای در خلل صلاه.

6- رساله ای در خمس.

7- پرتوی از انوار آسمانی- این کتاب درباره اعجاز قرآن، با گفتاری از یکجا تحت عنوان (علوم قرآن) چاپ شده است.

8- یادداشتهای ایشان که به صورت یک کتاب است و در بدو ورود در مطالب، و آغاز آن کتاب به عنوان شرح حال مرحوم والد محترمشان وارد می شوند، ولی بعد از چند صفحه ای از این مقصد و هدف منصرف گردیده مطالب را چنانکه خود در آنجا تصریح می کنند به روش کتاب (الکلام یجر الکلام) مرحوم آیت الله آقای حاج سید احمد زنجانی ادامه می دهند.

9- مجموعه چند منبر از منابر شریفشان که در ایام فاطمیه افاضه فرموده اند و نسخه زیراکس شده آن در نزد بعضی از آقایان افاضل و دوستان موجود است و حقا

ص: 1979

که مطالبی تحقیقی و ارزنده ای می باشد ولی تاکنون به طبع نرسیده است.

10- مباحثی در تفسیر سوره حمد، که در مجله کتابخانه مسجد اعظم به چاپ رسیده است.

11- حاشیه علی کفایه الاصول.

12- حاشیه علی المکاسب.

13- اصول عقاید.

14- رساله ای در حدیث رفع.

15- رساله ای در تعاقب ایدی.

16- مبانی الاحکام فی اصول شرائع الاسلام، اصول فقه در 3 جلد.

### ذوق شعری آن مرحوم

ایشان علاوه بر مقام فقاہت و علمیت بالا، دارای طبع شعر نیز بودند، و اشعاری از سروده ها و اثر طبع سرشارشان در دست است از جمله، ابیاتی به صورت تعلیقه بر اشعار مناجات پرسوز امیر مؤمنان علی علیه السلام اثر طبع آیت الله آقای حاج شیخ لطف الله صافی (دام ظلّه) دارند و آن این است:

یکه تاز غزوات اسلام در، گه نطق فراید ایام

قهرمان احد و بدر و حنین در، گه قرب مقام قوسین

حرب او قرب مقام اعلا یا که مصدوقه ای از «او ادنی»

بود میدان حرابش محراب عزلت او ز حراب عین حراب

بی شماری خودی و بیگانه مدح کردند از آن فرزانه

در ثنایش سخنانی گفتند مدح کردند و چه درها سفتند

شاعری گفت که بود آن شه راد مجمع جمله صفات اضداد

خوی او رشک نسیم سحری گاه دلداری خونین جگری

گاه بنواختن افسرده یا یتیمی که پناهش مرده



تا که بی بال و پیری را ز صفا زیر بال و پر خود بدهد جا

چونکه در کوخ فقیران باشد یکی از جمله آنان باشد

الغرض رأفت او گاه صفا نیست در حوصله فکرت ما

لطف آن می رسد از تن به روان شاد و آباد از آن کشور جان

کی نسیم سحری را شاید کی چنین لطف از او می آید

لطف او ظل عنایات خداست اندر آن نور الهی پیدا است

این چنین مرد رحیمی، در جنگ آب گردد ز غریوش دل سنگ

آن خطیبی که چو او دهر ندید گوش به خود چو کلامش نشنید

روح جاوید ببخشد به جماد سخنش تا به ابد هست به یاد

بود در عصر رسول بر حق سربه سر جمله سکوت مطلق

این ادب در بر آن مرشد کلّ بود مخصوص به مسترشد کلّ

پس علی مرکز اضداد آمد زین سبب والی او تاد آمد

گوید این بنده، علی را صفتی است و آن صفت واحد و خود موهبتی است

صفتش واحد و در جلوه جداست آن صفت بندگی ذات خداست

چونکه فانی بود اندر واحد واحد و جمله جهان را واجد

روح او در کف خلاق وجود جمله ذرات وجودش به سجود

این چکامه نبود فکر و خیال هست از شخص حقیقت تمثال

حائری او که چنین چامه سرود رخ زیبای حقیقت بگشود

و از جمله اشعار ایشان قطعه شعری است که در جواب یاوه گوئی سید محمد رضا عشقی (شاعر معروف زمان پهلوی) سروده اند.

عشقی هر چند با پهلوی هم مخالفت می کرده و در مقابل او که می خواسته جمهوری به وجود بیاورد می گفته: جمهوری  
مجبوری، جمهوری نیست. لیکن اشعار بیجا و نادارستی نسبت به اعتراض به خلقت خودش دارد که به فرموده ایشان: انسان باشعور را

ناراحت می کند، و ابتداء آن این است:

ص: 1981

خلقت من در جهان یک وصله ناجور بود

من که خود راضی به این خلقت نبودم زور بود

معظم له همان جا اشعاری بر ردّ او می گویند، و در حاشیه شعر فوق در دیوان عشقی می نویسند:

صورتی زیبا و چشمی نافذ و قدی رسا

ذوق سرشاری در این رعنا بدن مستور بود

وان در آن ملیاردها ملیارد حکمتها نهان

چشم تو کور است دید حق سراسر نور بود

آنکه قدر خویش را نشناختی با این وضوح

حق حق، در چشم او بس ضایع و مکفور بود

هرکس چون تو بشد خودخواه و خودبین و به خلق

جمله بدبین شد ز درک خویشتن مهجور بود

عالم دیگر چسان در روح او آید پدید

چونکه انسانیتش با دست خود مقهور بود

### **دلدادۀ اهل بیت و حضرت رضا علیه السلام**

آن فقیه بزرگوار سخت به خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم خصوصا به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام عشق می ورزید، به طوری که در یک جا نوشته اند: (تا به حال چهل و هفت سفر توفیق تشرف یافته ام و چه برکاتی از این سفرها دیده ام بماند). بعد در جای دیگر مرقوم فرموده اند: (و تا به حال شصت و یک سفر شده است، وفقنا الله تعالی لزیارته علیه السلام و لجمیع مرضاته تعالی).

و براساس همین علاقه جدی و دلدادگی کم نظیر به حضرت رضا علیه السلام قطعه شعری دارند که عمق دلبستگی و پیوستگی این عالم ربانی را به آن حضرت نشان

می دهد، و ما آن اشعار جالب و سودمندی که متضمن حدیث و ذکر فضیلت زیارت امام هشتم، و حاوی عرض حاجت و التجاء سوزانی به دربار آن بزرگوار می باشد نقل می کنیم:

در خصال آمد که نور هشتمین آفتاب آسمان علم و دین

لابس خلعت ز خلوتگاه دوست آنکه راز علم الاسماء در اوست

مظهر اسماء خلاق مبین جانشین ذات رب العالمین

گفت هرکس کاو بیاید سوی من ترک کوی خود کند در کوی من

من بیدارش روم دیگر سرا وارهانم وا رهانم را از بلا

او اگر یک بار آید نزد من من سه بار او را بیابم در محن

اندر آن هنگامه پرهیمنه که گهی از میسره گه میمنه

نامه های بندگان از خوب و بد سوی صاحب نامه ها پُران شود

و اندر آن معبر که می باید عبور از صراط و رفتن از ظلمت به نور

و اندر آن موقف که وقت سنجش است گاه سنجش غیر گاه بخشش است

اندر این هنگامه های پرخطر که نباشد عفو و بخشش در نظر

می دهم سرمایه ای از نور خود از گران سرمایه موفور خود

تا که میزان عمل سنگین شود نامه ها چون بوستان رنگین شود

با همان سرمایه با اذن اله راه را سازم برایش شاهراه

ای علیّ عالی ای نور خدا ای که باشی بر رضای حق رضا

من به دیدارت مکرر آمدم لطفها باید پیایی دم به دم

هم به دنیا هم به عقبی بایدت لطفهائی که تو را می شایدت

در پناه خود همی گیری مرا با جمیع دوستان و اقربا

در دلم نور معارف افکنی و از خرافات جهان دورم کنی

از تو خواهیم ای ولی اتقیاء ای مهین سبط امیر الاوصیاء

وقت مردن کلبه ام روشن کنی از قدومت گلخنم گلشن کنی

ص: 1983



روی مهر تو بهشت است ای رضا بلکه باشد از بهشت، اکبر، رضا

آنچه گفتم، خواه از رب الوجود آنکه او بود است و غیر او نبود

سیصد و هشتاد و نه بعد از هزار چون شد از هجرت به یاد وصل یار

حائری گفت این چکامه بهر دوست چشم وی همواره در تشریف اوست

سیدی، دعبل ز تو چیزی نخواست خود مشرف شد به خلعت فوق خواست

لیک من خواهم صله بی انتها وین طلب باشد ز مثل تو روا

وین طمع نبود ز موجودی که او با وجود مطلق آمد روبه رو

و خود می فرماید: در جمادی الثانی 1389 هجری قمری در مشهد مقدس سروده شد و در مرقد مطهر قرائت گردید.

## درگذشت اندوهبار

حائری یزدی در اواخر عمر دچار کسالت قلبی شده بودند، و این کسالت موجب شده بود که گاهی وقفه ای در کار تدریس ایشان به وجود می آورد، مخصوصاً در ماههای اخیر عمرشان که با سختی تدریس می فرمودند، به طوری که یک روز بعضی از تلامذۀ ایشان پیشنهاد دادند که مطالب را بعضی از آقایان بخوانند و هرجا که استاد بزرگوار، نقطه نظری ورد و نقدی دارند بفرمایند، اما ایشان فرمودند: (من نمی توانم این گونه درس بگویم). آثار ناراحتی در سیمای ملکوتی و روحانی آن بزرگوار کاملاً مشاهده و محسوس بود، و احساس می شد که دارند آماده رفتن به جهان دیگر می شوند.

شنیدم که در دهم جمادی الثانی-همان ماهی که در شب بیست و چهارم آن دار فانی را وداع کردند-وجهی برای ایشان می رسد، ولی آن بزرگوار از گرفتن آن امتناع می کنند و نمی پذیرند و می فرمایند: (معلوم نیست که من زنده بمانم). و بالاخره کسالت مزبور، قامت استوار آن فقیه بزرگ و آن انسان نمونه دل از دنیا برکنده و آن عارف شناخته نشده را از پای درآورد، و در صبح روز پنجشنبه 24/

جمادی ثانی 1406/ قمری که مصادف با 15 اسفند 1364/ شمسی بود داعی حق را لیبیک گفت، روح پاک و ملکوتی آن بزرگوار از قفس تن نازنیش مفارقت کرده به ارواح طیبه انبیاء و اولیاء پیوست، و به لقاء آن عزیزانی که یک عمر در عشق سوزان آنان می سوخت واصل و نائل گردید.

خبر درگذشت آن فقیه فرزانه و کم نظیر موج غم و اندوه را در دلها برانگیخت.

مسلمانان پاک ضمیر، علما بزرگ و فضیلائی محترم در عزایش به سوگ نشستند، به ویژه که او یادگار مؤسس حوزه عظیم علمی قم بود و مدرسی عالیمقام و محقق نامدار و سالکی دل از مادیات شسته و انسانی خودیافته بود، و تداعی این معنی دردآور بود که عناصر ناسالمی در زیر چتر دین از ایذاء و اهانت به مقام مقدسش فروگذار نکردند.

شرح این هجران و این خون جگر این زمان بگذار تا وقت دگر

صبح آن شب غم بار جنازه شریف آن زاهد یگانه از مدرسه امام مهدی (عج) که روبروی منزلشان است تشییع شد. جنازه را از کوچه تکیه سید حسن به خیابان آذر بردند، از آنجا به سوی چهارراه بازار و بعد از خیابان آستانه به سوی صحن شریف حضرت فاطمه علیها السلام حمل داده شد.

اجتماع و ازدحام آن روز به راستی شگفت انگیز بود. این تشییع با دعا و مراسم مذهبی و با یک متانت خاصی صورت گرفت. قطرات اشک حسرت در فراقش ریخته شد بدن شریفش را به حرم مطهر بردند، و تجدید عهد با بانوی اسلام کرد و آخرین دیدار را نمود، سپس جنازه را به صحن بزرگ آوردند امواج خروشان جمعیت فشار می آوردند که به جنازه نزدیک تر شوند و در مراسم نماز شرکت کنند، حضرت آیه الله گلپایگانی که سخت افسرده و غمگین بودند به جنازه نزدیک شده، و خلاصه نماز بر بدن شریف وی خواندند. آری! استاد بر جنازه شاگرد عزیز و ارزشمند سابق خود نماز گزارد.

و بعد از پایان این مراسم جنازه را به سوی مسجد بالاسر بردند، و پائین پای

پدر بزرگوارش که خود استاد و مرادش نیز بشمار می رفت در دل خاک پنهان کردند.

متن پیام تسلیت حضرت (امام) خمینی بدین شرح است:

رحلت اسف انگیز حضرت آیت الله آقای حاج آقا مرتضی حائری (رحمه الله علیه) موجب کمال تأثر و تأسف گردید. ایشان در علم و عمل، به حق، خلف بزرگوار مرحوم آیت الله العظمی استاد معظم حضرت آقای شیخ عبد الکریم (رضوان الله تعالی علیه) بودند و کفی به شرفا و سعاده.

اینجانب از اوائل تأسیس حوزه علمیه پربرکت قم که به دست مبارک پدر بزرگوارشان تأسیس شد و موجب آن همه برکات شد، آشنائی با ایشان داشته و پس از مدتی از نزدیک، معاشر و دوست صمیمی بودیم و در تمام مدت طولانی معاشرت، جز خیر و سعی در انجام وظیفه علمیه و دینیه از ایشان مشاهده نمودم.

این بزرگوار علاوه بر مقام فقاہت و عدالت از صفای باطن، به طور شایسته برخوردار بودند و از اوائل نهضت اسلامی ایران از اشخاص پیشقدم در این نهضت مقدس بودند، فجزاه الله عن الاسلام خیرا.

اینجانب به ملت محترم ایران به ویژه اهالی وفادار قم، و حضرات علمای اعلام مدرسین معظم حوزه علمیه قم تسلیت عرض می کنم، و برای خاندان معظم ایشان و فامیل محترمشان خصوصا حضرت حجه الاسلام آقای حاج آقا مهدی حائری (اعزه الله)، از خداوند تعالی طلب صبر جمیل و اجر جزیل می نمایم.

امید است عنایت حضرت بقیه الله روحی و ارواح العالمین لمقدمه الفداء، شامل حال همه آنان و همه ملت مسلمان باشد.

و السلام علی عباد الله الصالحین.

15/ اسفند 64/ برابر با 24 جمادی الثانی/ سال 1406 هجری قمری

روح الله الموسوی الخمینی

منابع

1- آثار الحجة 75/2.

ص: 1986

2- آیت الله مؤسس ص 127.

3- آینه دانشوران 301.

4- رجال قم 159.

5- کیهان فرهنگی سال دوم شماره 12 ص 40.

6- گنجینه دانشمندان 124/2.

7- مکتب اسلام سال 26 شماره 2 اردیبهشت 1365 ش ص 16.

### شیخ مرتضی عاملی «نظام الدین»

#### اشاره

(1277-1336 ق)

شیخ مرتضی ملقب به «نظام الدین» فرزند علامه شیخ حسن «شیخ الاسلام» و نوه آیت الله شیخ مرتضی «نظام الدین» فرزند آیت الله شیخ جواد عاملی، از علما و بزرگان عصر خود بود.

پدرش از علمای برجسته مشهد بود، و دارای آثار قلمی بوده که در «الذریعه» عنوان شده است.

شیخ مرتضی در سال 1277 ق متولد گردید.

#### تحصیلات عالی

وی از جمله شاگردان آیات: میرزا حبیب الله رشتی، شیخ محمد فاضل ایروانی، شیخ محمد فاضل شریبانی، شیخ هادی تهرانی و شیخ محمد حسن مامقانی در نجف اشرف بشمار می رفت، آن گاه به ایران مهاجرت کرد، و در رشت گیلان اقامت نمود.

#### از آثار او

1- ارشاد الصبیان (فارسی).

ص: 1987

2- تشریح الحساب فی شرح خلاصه الحساب (فارسی).

3- حجته القطع و الظن.

4- حياه الايمان فی الردّ علی الشیخیه.

5- رساله فی التجری.

6- هدایه الصبیان.

### **درگذشت و اعقاب**

ایشان در ذی حجه 1336/ق در رشت درگذشت، و پیکرش در جوار علی بن جعفر علیه السلام قم مدفون شد.

### **فرزندان:**

1- شیخ قوام الدین، ساکن قم بود که در سال 1358 ق درگذشت 2- شیخ شمس الدین.

منابع

1- الذریعه 187/4 و 117/7.

2- أعيان الشیعه 119/10 (تولدش را در سال 1227 ق نوشته اند، که اشتباه چاپی است).

3- فهرست کتابهای چاپی فارسی 227/1.

4- معجم مؤلفی الشیعه 190.

### **سید مرتضی علوی فریدنی**

### **اشاره**

(1324-1415 ق)

حاج سید مرتضی فرزند سید موسی فریدنی اصفهانی (علوی)، از دانشمندان معاصر بود.

در سال 1324 ق مطابق با 1285 ش در «فریدن» اصفهان متولد گردید.



وی پس از آموختن مقدمات، در سال 1344 ق به قم مهاجرت کرد، و سطح را خدمت آیات: شیخ محمد علی حائری قمی، سید مهدی کشفی، شیخ محمد علی ادیب تهرانی، میرزا محمد همدانی، آخوند ملا علی همدانی و سید محمد رضا گلپایگانی تلمذ نمود، و خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود، و خود به تدریس سطح پرداخت.

وی پس از رحلت آیت الله بروجردی به خاطر مصاهرت آیت الله گلپایگانی، منحصرأ به درس آن جناب حاضر می شد، و از ملازمان نزدیکی بشمار می رفت.

## از آثار او

1- تقریرات درس حجت.

ایشان در روز دوشنبه 22 ذی حجه 1415/ ق مطابق با اول/خرداد/1374/ ش در سن 91 سالگی در قم درگذشت، و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

منابع

1- آثار الحجه 123/2.

2- آینه دانشمندان 422.

3- گنجینه دانشمندان 205/2 (تولدش را 1328 ق نوشته است).

## سید مرتضی فیروزآبادی

### اشاره

(1410-1329 ق)

آنچه پیش رو دارید زندگینامه ایشان بقلم فرزندش مرحوم علامه سید محمد فیروزآبادی است که آن را تقدیم می داریم:

حاج سید مرتضی فرزند آیت الله سید محمد و نوه سید محمد باقر فرزند سید

حسین حسینی فیروزآبادی یزدی، نسب شریف ایشان به چهارمین پیشوای شیعیان سید الساجدین امام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام منتهی می گردد.

ولادت آن جناب در نجف اشرف آخر/ربیع اول 1329/ق در خانواده علم و فضیلت بوده است، و در دامن والد بزرگوارش بهترین نشأت و تربیت را درک نموده، و به گفته بعضی از بزرگان مترجمین احوال ایشان به زبان عربی چنین آمده است: (ولد سیدنا المترجم له بالنجف الاشرف فی آخر ربیع الاول سنه 1329 ق، و نشأ و تربی فی احضان والده الشریف احسن تربیه و اطیب نشأه، و ظهرت فیہ مخایل النجابه و حب العلم من اولی سنّی حیاتہ، حیث کان سبّاقاً فی الدرّاسه میّالاً الی الهدء و هو لم یزل بعد فی دوره الطفوله المبکّره) و خلاصه گفتار پس از آنکه مقدمات خواندن و نوشتن را از ارباب فن آن زمان که آقا حسین مشّاق از آن جمله بوده است فراگرفته، شروع به خواندن علوم اسلامی که متعارف در حوزه های علمیه می باشد نموده، و وضع مشق و خط ایشان چنانکه در نوشته های ایشان مشهود است، از لحاظ زیبایی به خود اختصاص دارد. در ادبیات صرف نحو و منطق ذوق سرشاری داشتند، و در میان اقران خویش مشار بالبنان بودند. بالاخره سطوح عالی علم اصول و فقه را نزد اساتید وقت دریافت نمودند و ضمناً به فلسفه الهیه و کلام اشتغال داشتند، و ما بین اقران خود به جدّیت و کوشش فوق العاده و دقت و نظر صائب و بردباری در تحصیل علوم اشتغال یافتند.

از منبع موثق شنیده شده است که: کرارا مرحوم آیت الله میرزا علی ایروانی به

ص: 1990



فرزند خویش میرزا یوسف ایروانی (که از فضلاء تهران گردید) و به سایر شاگردانشان رو کرده و گفته اند که:

جدّیت در تحصیل و کوشش و پیگیری را از سید مرتضی فیروزآبادی یاد بگیرید. و آن هنگامی بود که (عنایه الاصول) را تألیف می نمود و در همان اوان نظریات خویش را درج می نموده، و جهت اطمینان در اتقان مطلب نوشته های خویش را آورده به ایشان ارائه می نمود، ایشان هم به دقت نظر می نمودند و برای تشویق در سبک تألیف و دقت نظر تحسین فراوان می نمودند.

آری همین عنایه الاصول از آثار این کوشش و جدیت بوده که امروزه از لحاظ به دست آوردن دقتهای کفایه اگر عدیم النظیر نباشد قلیل النظیر است. هیچ حاشیه کفایه ای این مقدار به طبع نرسیده، و چنانکه با خود کفایه به چاپ می رسید از مرز ده چاپ هم تجاوز می نمود. کرارا اساتید حوزه ها و طلاب علوم دینی از ایشان تشکر نموده اند، یکی از روشن فکران قم که اخیراً در نجف اشرف اشتغال داشتند (مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی) با ایشان برخورد نمودند و فرمودند: ما را از ریشه های کفایه و دقت آن آگاه ساختید، چه خوب است که از دقت های رسائل و مکاسب هم به همان روش تألیف نمائید و طلاب را مستفید فرمائید، و بالاخره این گفتار از ایشان خالی از نوعی تشویق و تحسین نبوده، چنانکه اخیراً شنیده شده است که بعضی از اعظام علما، در درس خارج متعرض به قولهای عنایه می شوند.

باز هم یکی از مترجمین گوید: (برز بین اقرانه بما اوتی من الجلد علی التحصیل و الصبر علی الدرّاسه الحاده و الشوق الی المزیّد من العلم و المعرفه) آنچه که این

جانب بیاد دارم به طور قطع می توان گفت در شبانه روز دوازده ساعت به تألیف و تدریس و عبادت اشتغال داشتند، البته عمدتاً تألیف بوده، حتی آنکه ایام تعطیل را به تألیف (فضائل الخمسه) و (سبعه سلف) اختصاص داده بودند. سر اینکه به این دو کتاب اکثرار آورده اند این بوده که: کتب اهل سنت و جماعت به طبع های مختلف بولاق و استانبول و مصر و بمبئی به چاپ رسیده، و تحصیل آن از برای ارباب مدارک کار آسانی نبوده و نخواهد بود، ایشان با جدیت و مشقت فراوان پا در همه کتابخانه های نجف اشرف که عمده آنها کتابخانه علامه شیخ محمد سماوی بوده، نهاده حتی احیاناً با ودیعه پنجاه دینار آن زمان کتاب دریافت می شد که پس از مطالعه تام در خانه، با فرصت کامل، به کتابخانه مزبور بازگردانده می شد. پس کتبی که ایشان مدرک قرار داده اند کتابهایی است که به چاپهای معتبر طبع گردیده، لذا ارباب تألیف در مدارک اتکاء به زحمات ایشان نمودند، باز هم ناگفته نماند که جمع کثیری از علماء اعلام و محققین از کتاب فضائل الخمسه تقدیر فراوان نموده اند.

### **مقام زهد و کسب فیض از عرفاء**

مخفی نماند که از جمله اساتید ایشان در اخلاق و عرفان به حق عارف خبیر مرحوم حاج سید علی قاضی بودند، که در ایام ماه مبارک رمضان و سایر تعطیلات همانند کثیری از علماء آن زمان چون علامه بزرگوار مرحوم آقای علامه طباطبایی و غیره کسب فیض و معنویت می نمودند. بیاد دارم که شبهای چهارشنبه و اغلب اوقات جهت خلوت بودن شبهای پنجشنبه در مسجد سهله به دستور ایشان به عبادت و شب زنده داری اشتغال داشتند. گاهی هم اینجانب بنا به درخواست مرحوم والد همراه ایشان می رفتم، و از جمله ملازمین ایشان علامه نستوه آقای شیخ علی دوانی نویسنده معروف، و جمع دیگر هم بودند تا مسجد سهله پیاده می رفتند و باز می گشتند.

و گاهی هم از مسجد سهله پای پیاده به مسجد کوفه می رفتند. تا آنکه روزی از

روزها در بازگشت پیاده صبح زود بوده، بر خورد به حیوان درنده به نام (گفتار) می نمایند، به فضل الهی و یا از جمله کرامات مرحوم قاضی می توان شمرد که آن هم به فضل الهی است متعزض ایشان نمی شود، با آنکه خندق معروف در آن مکان جای خلوتی بوده همین که ایشان را می بیند سر بزیر می افکند و می رود، به هر جهت خود شاهد بودم که مرحوم قاضی کرارا به منزل ما آمده اسرارش را با پدر در میان می گذاشت، احیانا هم نامه هایی که در اثر ضعف چشم قدرت خواندن آن را نداشت به پدر محول می نمود.

### **بازهم گفتار یکی از اعظم مترجمین به زبان عربی**

که متضمن شرح حال تألیفات مرحوم والد است چنین گوید: (تمتاز مؤلفات سیدنا المؤلف بالجديه فی الموضوع و التحقیق فی مختلف المصادر المهمه، كما تمتاز کتاباته الاصولیه و الفقهیه بعمق البحث و الشمول و طلاوه التعبير، و هی بصوره عامه تدل علی ذوق جید فی الاختیار و العرض و التنسیق و لذا حظیت باقبال الباحثین و القراء علیها و اشتهرت فی الحوزات العلمیه و الاوساط الدینیة و کانت موضع قبول و عنایه لدی کبار العلماء و جهابذه العلم و الیک اسماء المؤلفات:

- 1) عنایه الاصول فی شرح کفایه الاصول، و هو شرح مهم مقبول فی سته اجزاء طبع بالنجف الاشرف و طهران و بیروت مکررا.
- 2) فضائل الخمسه من الصحاح الستة و غیرها من الکتب المعتمره و هو فی ثلاثه اجزاء طبع بالنجف الاشرف و طهران و بیروت مکررا.
- 3) السبعه من السلف، جزء واحد طبع فی بیروت و قم.
- 4) منتخب المسائل فی مسائل فقهیه و فروع الاحکام، طبع بقم.
- 5) خلاصه الجواهر، شرح استدلالی کبیر للکتاب السابق نجز منه الی مسائل من کتاب الحج، طبع کتاب الطهاره منه بقم فی ثلاثه اجزاء.
- 6) الفروع المهمه فی احکام الامه، فقه استدلالی مفصل جدا نجز منه کتاب

الطهاره فی ثلاث مجلدات کبار، الی غیر ذلک من کتابات المبعثرات و من التعالیق و الشروح الی کتبها للکتب الدراسیه المختلفه أو فی موضوعات متفرقه).

### **بازهم شرح حال و ترجمه دیگر اساتید و مربیان عالی قدر ایشان**

پس از آنکه سطوح عالیۀ رسائل و مکاسب و کفایه را نزد اعظام اساتید به انتها رساندند، مهیای حضور در حلقه های بزرگ درس اصول و فقه شدند پس در اصول حاضر به درس مرحوم آیت الله حاج میرزا علی ایروانی (صاحب حاشیه بر مکاسب و کفایه)، و همچنین به درس مرحوم آیت الله میرزا ابو الحسن مشکینی (صاحب حاشیه معروف کفایه) حاضر می شدند، و یاد دارم که ایشان می فرمودند: در درس علامۀ بزرگوار حضرت آیت الله حاج شیخ محمد حسین غروی کمپانی مدتی هم حاضر شدند، هر چند مدت کمی بود لکن پربرکت بود. پس از درس در صحن مطهر مولی امیر المؤمنین علیه السلام در خدمت او سؤالاتی می نمودند و کسب فیض کامل پس از درس می نمودم، و به مقتضای جوانی و حرص در استفاده از ایشان الحاح زیادی احیانا جهت کسب فیض می نمودم. استاد بزرگوار می فرمودند: آن وقتی که نشاط بیشتری داشتم کجا بودی.

و از جمله اساتید ایشان که خود در کوچکی ناظر آن بودم: حضور در بحث سید الفقهاء و المجتهدین مرحوم آیت الله آقای سید ابو الحسن اصفهانی، و مرحوم شیخ المحققین حضرت آیت الله حاج شیخ محمد کاظم شیرازی است (که از شاگردان طراز اول عارف زاهد مرحوم آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی بود، و فوق العاده عنایت به والد ماجد داشت و از مزایای اخلاقی ایشان، تواضع فوق العاده که شیوۀ بزرگان است و همچنین حب مفرط به سادات و ذریه حضرت زهرا (سلام الله علیها) داشت، به حدی که در بعض سنین با آن مقام شامخ خم می شد جهت بوسیدن دست سادات اجلالا للائمه الأطهار علیهم السلام).

مرحوم والد می فرمودند: کرازا این عمل و رفتار را به اینجانب قصد نمودند، و

لکن مورد اجابت واقع نگردید! در عوض برای ارج نهادن به مقام استادی خودم خم می شدم که دست ایشان را ببوسم امتناع می ورزیدند).  
[در ضمن از آیه الله میرزا عبد الهادی شیرازی نیز استفاده کردند].

ایشان در اثر فشارهای دولت عراق در سال 1391 ق به ایران مهاجرت و در قم سکونت اختیار کرد، و به تدریس و اقامه جماعت پرداخت.  
سرانجام بامداد روز سه شنبه 17 ذی حجه 1410/ ق مطابق با 19 تیر/ 1369 ش به سن 81 سالگی در پی بیماری و انزوا در منزلش در قم درگذشت، و جسدش عصر همان روز تشییع و در مقبره باغ بهشت به خاک سپرده شد.

### فرزندانش:

1- علامه سید محمّد.

2- سید علی.

3- سید حسن و سه دختر می باشند.

و داماد ایشان سید عبد الحمید اصفهانی نواده سید ابو الحسن اصفهانی هست.

### منابع

1- گنجینه دانشمندان 224/2.

2- معجم المؤلفین العراقيين 292/3.

3- مؤلفین کتب چاپی 145/6.

### سید مرتضی لنگرودی

### اشاره

(ح 1306-1383 ق)

سید مرتضی فرزند سید حسین و نوه میر سعید حسینی مرتضوی (قاضی محله ای) لنگرودی.

طبق مدارک و اسناد، ایشان از احفاد پلا سید علی و از سادات حسینی آخوند

ص: 1995

محلّه رامسر می باشد و جدش به لنگرود مهاجرت نموده است.

مترجم در قریه (فتیده) در حدود سال 1306 ق از توابع لنگرود متولد گردید (لذا نامبرده به لنگرودی اشتهاار یافت).

مقدمات و ادبیات را در لنگرود فرا گرفت، در حدود سال 1323 ق به رشت رفت و در نزد شیخ یونس رشتی و در قزوین نزد ملا علی طارمی سطوح را تحصیل نمود و به تهران عزیمت کرد.

در تهران نزد سید محمد تنکابنی (مؤلف ایضاح الفرائد) و شیخ محمد رضا نوری و شیخ علی نوری (در شوارق) و میرزا هاشم اشکوری (در اسفار) و میرزا حسن کرمانشاهی در فقه و میرزا محمود قمی (رضوان) (در اسفار و شرح اشارات و شرح فصوص).

و اصول و حکمت و عرفان و سایر علوم اسلامی تلمذ نمود.

در سال 1338 ق به نجف اشرف مهاجرت نمود و از بحث آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی و شیخ مهدی مازندرانی و شیخ محمد جواد بلاغی فقه و اصول و تفسیر و غیره را استفاده شایان نمود، و مدارج عالیّه کمال را نائل و عده ای از بزرگان، اجتهاد نامبرده را تأیید و تصدیق و در نجف اشرف مشار الیه بالبنان گردید، و تا سال 1361 ق به امر تدریس اشتغال داشت و سپس به ایران بازگشت و در تهران اقامت گزید، و مدت ده سال در تهران به ارشاد و هدایت عامه و امامت و تدریس در مسجد و مدرسه حاج ابو الفتح اشتغال داشت، و در سال 1372 ق به قم مهاجرت نمود و به تدریس مشغول گردید

ص: 1996

و عده ای از فضلا در نزد او تلمذ نمودند و پس از فوت آیت الله حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی عده ای از ایشان تقلید کردند.

ایشان در عصر روز پنجشنبه 19 صفر 1383/ ق مطابق با 20 تیر 1342 ش در قم وفات کرد و در یکی از مقابر شرقی صحن قدیم به خاک سپرده شد.

### **تألیفات او عبارتند از:**

1- کتاب الصلاة.

2- کتاب الطهاره.

3- کتاب الخمس.

4- کتاب المتاجر.

5- دوره کامل اصول فقه.

(پنج کتاب بالا تقریرات درس استادش مرحوم نائینی است).

6- شرحی بر طهارت عروه الوثقی.

7- رساله در حدود عالم.

8- رساله در اثبات اصول عقاید.

9- رساله در تفکیک بین اراده استعمالی و جدلی.

10- کتاب القضاء.

11- الأرض الغصبيه.

12- منجزات المریض.

13- کتاب الصوم.

14- مبحث الکفر.

15- الاجتهاد.

16- ارث الزوجه.

17- حاشيه على الرسائل.

ص: 1997



18- حاشیه علی المکاسب.

19- الرسائل الثلاث.

او دارای چهار فرزند بنامهای:

1- سید محمد حسین.

2- سید محمد حسن.

3- سید محمد مهدی.

4- سید علی، از فضلا و مدرسین و صاحب تألیفات می باشند.

سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی

منابع

1- آثار الحجه 73/2.

2- بزرگان تنکابن 331.

3- تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدر المتألهین 68.

4- فرهنگ فارسی معین 1824/6.

5- گنجینه دانشمندان 248/2.

6- مؤلفین کتب چاپی 149/6.

**سید مرتضی مبرقع قمی «حاج داداش»**

**اشاره**

(1321-1413 ق)

حاج سید مرتضی فرزند حجه الاسلام سید عباس مبرقع رضوی قمی، ملقب به «فقیه» و معروف به «حاج داداش» از فضلا و معاریف قم بود.

وی در سال 1321 ق در قم تولد یافت.

سید مرتضی ادبیات را نزد شیخ حسین علامه آموخت. سطح را نزد شیخ ابو القاسم قمی «صغیر»، میرزا محمد همدانی و آخوند ملا علی همدانی به پایان

ص: 1998

برد. دروس خارج را از محضر آیات:

حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمّد حجت کوه کمری، سید محمّد تقی خوانساری، میرزا محمّد فیض قمی و سید حسین طباطبائی بروجردی و حکمت را از سید ابو الحسن رفیعی قزوینی و سید روح الله خمینی استفاده نمود. ایشان در زمان آیت الله بروجردی مدیریت مدرسه فیضیه را برعهده داشت و نیز مدتی چند در حرم حضرت معصومه علیها السلام به اقامه جماعت و هدایت اشتغال داشت.

### از آثار او

1- تقریرات خمس (درس آیت الله حجت).

2- تقریرات درس آیت الله بروجردی.

3- تقریرات مکاسب (درس آیت الله حجت).

حاج داداش در روز اول/محرم 1413/ق در پی بیماری طولانی در سن 91 سالگی در قم دار فانی را وداع گفت. پیکرش در حرم حضرت معصومه علیها السلام-مسجد بالاسر-مدفون شد.

### فرزندان:

1- سید محمّد 2- سید علی 3- سید حسن و چهار دختر.

منابع

1- آثار الحجه 122/2 (سلسله نسب او را طباطبائی دانسته که اشتباه است).

ص: 1999

2- آینه دانشوران 281.

3- رجال قم 159.

4- گنجینه دانشمندان 219/2.

**سید مرتضی مرعشی تبریزی**

**اشاره**

(1325-1416 ق)

سید مرتضی فرزند علامه سید شمس الدین محمود و نوه آیت الله سید علی حسینی مرعشی تبریزی، از علما و معاریف تبریز بود. وی در 3/ جمادی الاول 1325/ ق در نجف اشرف زاده شد. در سن نه سالگی مادر و در سن چهارده سالگی پدر خود را از دست داد، و تحت کفالت دایی خود علامه سید حسن خوئی درآمد و او را به تبریز برد. مقدمات و سطوح را آنجا به پایان برد. و در سال 1346 ق به قم عزیمت نمود و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و آیت الله سید محمد تقی خوانساری بهره ها برد.

او در سال 1350 ق به نجف اشرف عزیمت کرد و از محضر آیات: میرزا محمد حسین نائینی، میرزا علی ایروانی، میرزا ابو الحسن مشکینی و سید ابو الحسن اصفهانی در فقه و اصول و سید حسین بادکوبه ای در حکمت عقلی بهره مند گردید.

در سال 1360 ق به تبریز مراجعت نمود و به تدریس و تألیف و اقامه جماعت، و هدایت عامه اهتمام داشت.

ص: 2000

- 1- اصول الفقه (تقریرات میرزای نائینی).
- 2- الخیارات (تقریرات درس نائینی).
- 3- القواعد الفقهیه.
- 4- حاشیه علی العروه الوثقی.
- 5- حاشیه علی الکفایه.
- 6- حاشیه علی المکاسب.
- 7- حاشیه علی حاشیه الايروانى علی کفایه الاصول.
- 8- رجال الحدیث.
- 9- روضه الأحباب (کشکول).
- 10- روضه العارفین (در تهذیب نفس).
- 11- شمس الضحی فی مناقب النبی صلی الله علیه و آله و سلم و الأئمه الهدی علیهم السلام، چاپ شده.

سید شهاب الدین مرعشی نجفی (و برادرش) سید مرتضی مرعشی تبریزی

نامبرده در صبح روز دوشنبه 19 ذی القعدة 1416/ ق برابر با 20 فروردین 1375/ ش در سن 91 سالگی در پی بیماری و کهولت سن در شهر تبریز زندگی را وداع گفت. پیکرش روز بعد در تبریز تشییع و به قم حمل و در صبح روز چهارشنبه تشییع در صحن حضرت معصومه علیها السلام-اطاقهای سمت قبله-به خاک سپرده شد.

منابع

1- برگرفته از نوشته های شیخ ناصر الدین انصاری قمی.

2- گنجینه دانشمندان 328/3.

**شیخ مرتضی مطهری فریمانی**

**اشاره**

(1338-1399 ق)

استاد مطهری را همه می شناسند و از این جهت ایشان نیاز به معرفی ندارد، اما برای اینکه یادی از این عالم فاضل شده باشد، فهرستی اجمالی از سیر تکاملی زندگی و تألیفات ارزشمندش را می آوریم.

مطهری در 13 جمادی الاول/ 1338 ق در شهرستان فریمان-جنوب استان خراسان-در خانواده ای روحانی به دنیا آمد.

دروس ابتدائی را در مکتب و نزد پدر بزرگوار خود حجه الاسلام شیخ محمد حسین مطهری آموخت. در سن دوازده سالگی جهت تحصیل علوم دینی به مشهد مقدس رفت و نزد میرزا مهدی شهیدی به فراگیری علوم اسلامی مشغول شد.

ص: 2002

برای اینکه بتوانیم از زندگی و حیات علمی و عملی ایشان مطلع شویم، لازم است از دوران کودکی ایشان به قلم خود استاد یاد کنیم. «من که بچه بودم در حدود سال های 1314 و 1315 ش در خراسان زندگی می کردم... در مدرسه ها همه بسته شده بود و تقریباً در مسجدها به یک معنی بسته بود... در آن هنگام که 15 و 16 ساله بودم درباره هر چیزی فکر می کردم و راضی نمی شدم، الا تحصیل علوم دین».

این چنین بود که استاد تمایلی به طلبگی در خود یافت و برای تحصیل علوم اسلامی به قم رفت. «... اما من پا را در یک کفش کرده بودم که باید به قم بروم».

استاد در سال 1315 ش پس از اینکه مقدمات را در حوزه علمیه مشهد گذراند به قم رفت. از اینجا دوران تازه ای در زندگی استاد آغاز می شود. هر چند که تحولات روحی استاد از خیلی پیشترها آغاز شده بود، اما دوران «تنهایی» استاد با مهاجرت ایشان به قم شکل گرفت.

«در سالهای اول مهاجرت به قم که هنوز از مقدمات عربی فارغ نشده بودم، چنان در این اندیشه ها غرق بودم که شدیداً میل به «تنهایی» در من پدید آمده بود».

وجود هم حجره را تحمل نمی کردم...» استاد مطهری، خود از جمله شخصیت‌های موفق بود که در زندگی از ارشاد عالمان ربانی و مریبان الهی برخوردار بوده است.

اگر به حیات پربرکت او که همواره با ذکر خداوندی همراه بوده است، نگاهی بیندازیم. همچنین شهادت و دیدار محبوب که آخرین حد حیات انسانی است، متوجه این امر می شویم که استاد مسیر تکاملی خویش را با تزکیه، تهذیب نفس و تلمذ نزد اساتید ربانی طی کرده اند و در این راه از هر تلاشی دریغ نورزیده و دست آخر نیز پیروز از این میدان بیرون رفته است. از نوشته های استاد برمی آید که بنای شخصیت والای ایشان را از همان کودکی پدر پی ریزی کرده.

ایشان، شرح لمعه را نزد شیخ محمد حسین دزفولی «خادم الشریعه» تلمذ کرد. سپس سطح را نزد سید محمد داماد یزدی به پایان برد. خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدر الدین

صدر، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمد داماد یزدی و حکمت و اسفار را از اساتیدی چون: میرزا مهدی آشتیانی، شیخ محمد مهدی مازندرانی «امیرکلانی»، سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» و سید روح الله خمینی و اخلاق و نهج البلاغه را از علامه میرزا علی شیرازی اصفهانی استفاده کرد.

## اشتغال در دانشکده الهیات

در سال 1333 ش از سوی دانشکده الهیات دانشگاه تهران، استخدام یک نفر دانشیار در رشته علوم معقول و منقول آگهی شد و مطهری داوطلب گردید.

پس از اعلام آمادگی استاد و انجام تشریفات اداری، در تاریخ 1334/7/2 ش صلاحیت علمی استاد در شورای دانشگاه تصویب و در تاریخ 1334/11/12 ش حکم ایشان به عنوان استاد پیمانی با حقوق ماهیانه 3000 ریال صادر و تلاشهای دانشگاهی او، از این پس آغاز گردید.

به نظر می رسد سخنور نامدار شیخ حسین علی راشد که از اساتید به نام و رسمی آن دانشکده بود، در دعوت از مطهری برای تدریس در دانشگاه، بخصوص که خودش مدیر گروه فلسفه به حساب می آمد، مؤثر بوده است. توان علمی و احساس نیازمندی قشر تحصیل کرده پیرو دین به وجود او خیلی زود نمودار گردید.

جامعه مهندسان، معلمان، دانشجویان و همچنین پویندگان طریق سیاست و جستجوگران مبارزه با رژیم سلطنتی و آرمانیان عدالت اجتماعی، نسبت به توان علمی مطهری احساس عمیق نیازمندی داشتند و با استقبال بسیار گرم آنها روبرو شد.

حضور گسترده ایشان در محافل علمی و مجالس دینی و استقبال قشر تحصیل کرده دانشگاهی از سخنرانی ها و کنفرانس های علمی او، حساسیت سازمان امنیت را برانگیخت و فعالیت های او زیر ذره بین ساواک قرار گرفت.

مطهری روحانی سیاستمدار دین شناس بود، در دو سنگر ایدئولوژیک و

ص: 2004



سیاسی با طاغوتیان فکری و سیاسی به ستیز برخاست. او، هم در حوزه اندیشه های اعتقادی نظریه پرداز بود و هم در افکار سیاسی؛ زیرک و تیزبین بود.

به همین جهت، هم پویندگان اندیشه و هم جستجوگران سیاست به سوی او جذب شدند.

## حسینیه ارشاد

مطهری به منظور ایجاد پایگاه مهم فرهنگی و سیاسی با شماری از دوستان و همفکرانش در حدود سال 1345 ش حسینیه ارشاد را تأسیس نمودند. محل آن در روزهای نخست بالاتر از محل فعلی آن بوده است.

بر این مؤسسه فرهنگی، مذهبی و سیاسی، نام «حسینیه ارشاد» را نهاد، نامی که مفاهیم بلندی را همراه داشت. این نام بدان جهت نهاد شد که هم قشر روشنفکر و تحصیل کرده به حسینیه روی آورد و هم حسینیه از انزوای اجتماعی بیرون بیاید.

«حسینیه» که مفهوم روضه و عزاداری را فقط در چند روز ایام محرم و صفر تداعی می کرد، به صورت یک مؤسسه علمی و فرهنگی جلوه کرد که در آن به تشریح و بیان مفاهیم دینی پرداخته می شد و مطهری با برگزاری سخنرانی، کنفرانس و کلاسهای منظم و متنوع در توضیح مفاهیم دینی، حسینیه را به یک پایگاه مهم فرهنگی و سیاسی تبدیل کرد.

برپایی کاروانهای حج، دعوت از دانشمندان دیگر کشورها، ملاقات و گفتگو با پیشوایان دینی دیگر مذاهب، تلاش در جهت وحدت مسلمانان، هم بستگی با دیگر ملتها، تدوین و چاپ و نشر کتابهای مفید و... از جمله فعالیت های آن شهید، در این مؤسسه بوده است. تدوین کتاب ارزشمند «محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم پیامبران» یکی از اقدامهای او، در آن مؤسسه فرهنگی بوده است.

چنانکه گذشت، از اقدامهای ایشان در حسینیه ارشاد تشکیل کاروان حج بود، که نخست برای تبیین مفاهیم و فلسفه حج، کلاس توجیهی برگزار کرد و به استناد گزارش ساواک حدود دو هزار نفر در آن شرکت داشتند.

ص: 2005

او کاروان حج را از قشر فرهنگی و تحصیل کرده تشکیل داد و دو هدف را در نظر داشت: نخست، آنکه افراد جستجوگر تشنه‌ی مذهب را به طور عینی با حج و فلسفه‌ی آن آشنا ساخته و دوّم در ایام حج با دانشمندان و عالمان دینی دیگر کشورها و مذاهب به گفتگو پردازند و گامی در راستای همفکری و همگامی و اتحاد مسلمانان برداشته باشند.

حسینیه ارشاد، پایگاه مهمی برای نشر اندیشه و افکار استاد مطهری به حساب می‌آمد. طرح شماری از کتابهای او، از جمله: خدمات متقابل اسلام و ایران، کتاب سوزی ایران و مصر، عدل الهی و جاذبه و دافعه‌ی علی علیه السّلام در سخنرانی‌های او در آنجا ریخته شد.

علاوه بر اینکه خود، سخنرانی‌های فراوان و منظمی در حسینیه داشت، از دیگر اندیشمندان و نظریه پردازان دینی دعوت می‌کرد که به سخنرانی و تشکیل کلاس پردازند.

بدین سان حسینیه ارشاد به صورت یک جریان قدرتمند دینی در صحنه‌ی فکری و فرهنگی حضور پیدا کرد و مفاهیم دینی در میان دانشگاهیان و فرهنگیان به صورت پویا و جریان ساز جلوه کرد و مورد استقبال پرشور جستجوگران حقایق دینی قرار گرفت و حقایق دینی با فلسفه آن برای مردم تبیین گردید.

### **تصدی برنامه های مسجد الجواد**

آن بزرگوار پس از کناره گیری از حسینیه ارشاد، در مسجد الجواد به فعالیت پرداخت، برنامه های فرهنگی آنجا را زیر نظر گرفت و گذشته از سخنرانی های خود، اندیشمندان دیگر را برای سخنرانی دعوت نمود.

او در آنجا به روشنگری و بیدارگری پرداخت. برنامه های سیاسی مذهبی که در حسینیه ارشاد پیاده می شد، در آنجا استمرار یافت. سرانجام ساواک در 1357/8/23 ش آنجا را تعطیل کرد.

ص: 2006

مسجد هدایت یکی دیگر از پایگاه‌های فعالیت او بود و در آنجا به سخنرانی می پرداخت.

در تاریخ 1351/9/9 ش در پی بستن حسینیه ارشاد، مطهری را نیز دستگیر و بازداشت کردند و به مدت 48 روز در شرایط سخت روحی و جسمی قرار داده، به او ناسزا گفته و پس از بازجویی آزاد نمودند.

## جمع آوری کمک برای فلسطین

پس از حمله گسترده اسرائیل در سال 1346 ش به کشورهای عربی و اشغال بخشی از سرزمین‌ها، مبارزات مردم فلسطین با اسرائیل وارد مرحله جدیدی شد و اسرائیل با خشونت هرچه بیشتر با مردم و رزمندگان فلسطین برخورد کرد و حدود دو میلیون نفر آواره شدند.

مطهری در ایران در جمع آوری کمک به مردم فلسطین پیش قدم بود. او سخنرانی مهیجی در حسینیه ارشاد در ضرورت کمک به ملت فلسطین نمود و از مردم خواست هرگونه که می توانند به آنها کمک کنند.

وی به منظور جمع آوری کمک های نقدی، به همراه علامه طباطبائی و آیت الله سید ابو الفضل زنجانی، سه شماره حساب در سه شعبه از بانک های بازرگانی، ملی و صادرات باز نمود و از مردم خواست کمک های نقدی خود را به این حسابها واریز کنند. بخشی از سخنان استاد در آن سخنرانی چنین است:

«اگر پیغمبر اسلام زنده می بود، امروز چه می کرد؟ درباره چه مسأله ای می اندیشید؟ و الله و بالله قسم می خورم که پیغمبر اکرم در قبر مقدسش امروز از یهود می لرزد. این یک مسأله دودوتا چهارتا است. اگر کسی نگوید، گناه کرده است. من اگر نگویم، و الله مرتکب گناه شده ام، و هر خطیب و واعظی اگر نگوید، مرتکب گناه شده است. گذشته از جنبه اسلامی، فلسطین چه تاریخیچه ای دارد؟ قضیه فلسطین مربوط به دولتی از دولتهای اسلامی هم نیست، مربوط به یک ملت است، ملتی که

ص: 2007

او را به زور از خانه اش بیرون کرده اند. تاریخچه فلسطین چیست؟

مدعی هستند که در سه هزار سال پیش دو نفر از ما، داود و سلیمان، برای مدت موقتی در آنجا سلطنت کرده اند. تاریخ را بخوانید، در تمام این مدت دوسه هزارساله، کی بوده است که سرزمین فلسطین به یهود تعلق داشته است؟ کی بوده است که بیشتر سرزمین فلسطین مال ملت یهود باشد؟ آیا بیشتر سرزمین فلسطین از آن ملت یهود است؟ قبل از اسلام هم مال آنها نبود، بعد از اسلام هم مال آنها نبود».

### **سیری گذرا در نوشته های منتشر شده استاد**

مطهری حدودا از سال 1330 ش قلم به دست گرفت و در زمینه های مختلف:

فلسفی، اجتماعی، اخلاقی، فقهی و تاریخی آثار زیادی از خود به جای گذاشت، که البته این نوشته ها با وجود اینکه موضوعات متنوعی دارند، ولی همچنان که استاد در اثر جاوید خود «عدل الهی» گفته اند: «تمامی آنها یک هدف را دنبال می کند».

قبل از ذکر فهرست آثار مدون و منتشر شده استاد، تذکر این نکته لازم است که:

برخی از آثار استاد توسط شخص ایشان به رشته تحریر درآمده و در زمان حیاتشان منتشر شده و برخی پس از شهادت.

و قسمتی از آثار ایشان همان سخنرانی ها و درسهای استاد است که از نوار استخراج و چاپ شده است.

### **اینک فهرست اجمالی از آثار استاد:**

1- آشنائی با علوم اسلامی (چهار جلد).

2- آشنائی با قرآن (پنج سخنرانی در دانشگاه صنعتی شریف).

3- احیاء تفکر اسلامی.

4- اخلاق جنسی (7 مقاله).

5- اسلام و مقتضیات زمان.

ص: 2008

6-التحصیل بهمینار، استاد این کتاب را تصحیح و بر آن تعلیق زده اند.

7-الغدیر و وحدت اسلامی (در کتاب یادنامه علامه امینی).

8-امدادهای غیبی در زندگی بشر (پنج سخنرانی).

9-انسان کامل (یازده سخنرانی).

10-انسان و ایمان، جامعه و تاریخ، جهان بینی توحیدی، وحی و نبوت، انسان در قرآن، زندگی جاوید یا حیات اخروی.

11-انسان و سرنوشت.

این کتاب توضیحی است در باب «قضا و قدر» و علل و عوامل انحطاط جوامع و...

12-بیست گفتار.

13-پاورقی بر اصول فلسفه و روش رئالیسم، تألیف مرحوم علامه طباطبائی، سه جلد اول این کتاب مباحث الهیات به معنی اعم و در جلد چهارم «الهیات به معنی اخص» مورد بحث واقع شده است.

14-پیامبر امی.

15-پیرامون انقلاب اسلامی (سه سخنرانی و دو مصاحبه تلویزیونی).

16-تعلیم و تربیت در اسلام.

17-تکامل اجتماعی انسان.

18-جاذبه و دافعه علی علیه السلام (چهار سخنرانی).

19-جهاد و موارد مشروعیت آن در قرآن (سه جلسه تفسیر و سخنرانی).

20-جهان بینی الهی و جهان بینی مادی.

21-حق و باطل (به ضمیمه احیاء تفکر اسلامی).

22-حماسه حسینی، 3 جلد.

23-ختم نبوت (بطور مستقل و در کتاب محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم پیامبران، جلد اول چاپ شده است).

24-خدای جهان و جهان (در کتاب سیمای اسلام).



25- خدمات متقابل اسلام و ایران.

26- داستان راستان، 2 جلد، این کتاب در بردارنده 125 داستان آموزنده و انسان ساز است که در سال 1344 ش به عنوان بهترین کتاب خواندنی سال، برنده جایزه کمیسیون ملی یونسکو گردیده است. نویسنده، این کتاب را برای نسل جوان نوشته اند.

27- ده گفتار (حاوی نه سخنرانی و یک مقاله).

28- سیر فلسفه در اسلام و سعادت.

29- سیره نبوی.

30- سیری در نهج البلاغه، این کتاب در هفت بخش تنظیم شده که به ابعاد گوناگون نهج البلاغه عنایت دارد و همان طور که از نامش پیدا است، سیری است که استاد در نهج البلاغه امام علی علیه السلام کرده است.

31- شرح منظومه، 2 جلد. (درسهای استاد در دانشکده الهیات بین سالهای تحصیلی 40-39 تا 48-47 می باشد).

32- عدل الهی.

33- علل گرایش به مادیگری.

34- قیام و انقلاب مهدی (عج) از دیدگاه فلسفه تاریخ (به ضمیمه شهید) و موضوع کتاب از عنوان آن به خوبی معلوم است.

35- کتاب سوزی ایران و مصر.

36- گفتارهای معنوی.

37- گفتاری درباره جمهوری اسلامی.

38- ماهیت نهضت امام حسین علیه السلام.

39- مجموعه گفتارها.

40- مسأله حجاب.

41- مشکل اساسی در سازمان روحانیت (در کتاب بحثی درباره مرجعیت و روحانیت).

ص: 2010

42- معیارهای اخلاقی، متن دو سخنرانی ایشان در دار التبلیغ اسلامی قم.

43- مقالات فلسفی.

44- نظام حقوق زن در اسلام.

45- نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، مطهری در این کتاب بعد از تشریح واژه اصلاح و پرداختن به جریانات اصلاحی جهان اسلام، به بررسی نهضت اسلامی اخیر ایران می‌پردازد.

46- ولاءها و ولایتها (در کتاب خلافت و ولایت، و به طور مستقل).

47- هدف زندگی (پنج درس).

### ویژگی‌های آثار استاد

مراجعه به کتابهای استاد، نشان دهنده ویژگی‌های خاصی است که در کمتر کتابهایی که در همان زمینه‌ها نوشته شده، یافت می‌شود و بطور خلاصه آن ویژگیها عبارتند از:

1- قابل استفاده بودن برای همگان، چون استاد به هنگام تحریر و نگارش، جامعه و استعداد آن را مد نظر داشته و لذا از استعمال الفاظ نامأنوس و اصطلاحات گنگ و تطویل و یا اجمال‌گوئی پرهیز نموده است.

2- تنوع و گستردگی موضوعات.

3- نوشته‌های ایشان پاسخی بود به نیازهای جامعه بحرانی و در سرایشی سقوط، که این نیز یکی دیگر از ویژگیهای نوشته‌های استاد است.

4- ویژگی دیگر آثار استاد این است که نوشته‌های ایشان با بهترین اسلوب و با نهایت تحقیق نگاشته شده است، بطوری که در کلیه کتابهایی که از ایشان در زمان حیاتشان منتشر شده، انسان می‌بیند که حاوی تمام جنبه‌های بحث مورد نظر استاد بوده است.

5- مطالبی را که استاد نوشته و یا القاء کرده به عمق معانی آنها رسیده و آنها را

ص: 2011



هضم کرده و بعد از بررسی همه جانبه اقدام به پخش آن کرده است.

## شهادت

استاد مطهری سرانجام در ساعت 10/5 صبح روز چهارشنبه 5 جمادی الثانی 1399/ق مطابق با 12 اردیبهشت 1358/ش هنگام خروج از منزل دکتر ید الله سبحانی، توسط گروه فرقان در تهران ترور شد و به شهادت رسید. پیکرش به قم حمل و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## منابع

1- تراجم الرجال 816/2.

2- روزنامه های مختلف.

3- مجله نور علم، شماره 4، سال 1404 ق، ص 60.

4- مؤلفین کتب چاپی 151/6.

## شیخ مزمل حسین میثمی غدیری

## اشاره

(1334-1420 ق)

شیخ مزمل حسین میثمی غدیری، از فضلا و نویسندگان بود. وی سلسله نسب خود را به حضرت میثم تمار می رساند.

او در سالهای 1334 ق تولد یافت.

سالهای آخر عمر خود را در قم سپری کرد.

## از آثار او:

1- نبوءه ابی طالب عبد مناف، چاپ قم، رقعی، 160 ص.

2- صفات ابی طالب عبد مناف، مخطوط.

میثمی غدیری در سال 1420 ق در قم وفات کرد و همان جا مدفون گردید.

آقای شیخ حسین رضا میثمی (متولد سال 1372 ق)، نویسنده کتابهای: 1-

ص: 2012

جام غدیر 2- ذکر حسین علیه السلام 3- زنجیر حیات، فرزند ایشان می باشد.

منبع

1- اطلاعات متفرقه.

## شیخ مسعود سلطانی میانه ای

اشاره

(1325-1411 ق)

شیخ مسعود فرزند شیخ حیدر و نوه شیخ احمد سلطانی میانه ای، از دانشمندان و اساتید حوزه علمیه قم بود.

وی در 2/ربیع الثانی 1325/ق در روستای «یالقوز آقاج» از توابع شهر میانه-استان آذربایجان شرقی-تولد یافت.

مقدمات را در زادگاه خود فراگرفت و در سال 1349 ق به حوزه علمیه تبریز پیوست و سطوح را همان جا آموخت. در سال 1353 ق به قم رفت و به تحصیلات عالی پرداخت. در سال 1360 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات: شیخ محمد علی کاظمی خراسانی و سید ابو القاسم خوئی بهره مند شد. در سال 1365 ق مجدداً به قم بازگشت و از درس آیت الله سید محمد حجت کوه کمری استفاده کرد و خود به تشکیل حلقه درسی نمود.

از آثار او

1-أقصى البيان في آيات الأحكام و فقه القرآن، دو جلد.

ص: 2013

2- حاشیه علی العروه الوثقی.

3- ذخیره الصیام فی أحكام ارث الزوج و الزوجه.

4- ذخیره العباد(رساله عملیه).

5- رساله فی التعادل و الترجیح.

6- رساله فی مقدمه الواجب.

7- شرح المكاسب، دو جلد.

8- شرح كفايه الاصول.

9- حبر الرياض فی احكام النكاح و توابعه.

10- فقه الحج، دو جلد.

11- كتاب الصلاه.

12- كتاب الطهاره.

13- كتاب فی احوال الفقهاء و المجتهدين.

14- مستمسك الوسيله فی شرح وسيله النجاه، در پنج جلد.

15- معجزات النبي صَلَّى الله عليه و آله و سلم و الائمة الأطهار عليهم السلام.

16- منهج السالك.

17- منهج العارفين فی تفسير القرآن، در چهار جلد.

سلطانی سرانجام در روز سه شنبه 6 ذی القعدة 1411/ق مطابق با 31 اردیبهشت 1370/ش در سن 86 سالگی درگذشت. پیکرش عصر روز چهارشنبه تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

منابع

1- فقه الحج، یک صفحه شرح حال ایشان، به قلم آقای نصر الله احمدی.

2- گنجینه دانشمندان 176/2.



(ح 1340-1395 ق)

حاج سید مسلم فرزند عباس محدث خلخالی، در اردیبهل در حدود سال 1340 ق متولد شد.

وی پس از طی مقدمات و قسمتی از سطح در حوزه اردیبهل نزد آیات: سید محمد تقی مفتی الشیعه، سید احمد مرتضوی و سید موسی مرتضوی، به قم مهاجرت کرد و سطوح را به انجام رسانید، خارج فقه و اصول را از محضر آیات:

سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، سید صدر الدین صدر، سید حسین طباطبائی بروجردی و سید محمد داماد یزدی استفاده نمود، پس از کسب اندوخته علمی به اردیبهل بازگشت و به تبلیغ دین و تدریس طلاب علوم دینی در مدرسه ملا ابراهیم و مسجد جامع شهر همت گماشت و رسماً ریاست حوزه علمیه اردیبهل را برعهده گرفت، و در مسجد پیر شمس الدین به اقامه جماعت و در سایر مساجد اردیبهل به وعظ و ارشاد می پرداخت.

### وی دارای آثار قلمی به شرح زیر است:

1- تقریرات درس حجت، 2- دیوان اشعار، 3- شرحی بر مکاسب.

او در روز یکشنبه 11 صفر 1395/ ق مطابق با 4/ اسفند 1353/ ش در اردیبهل درگذشت، و در قبرستان باغ رضوان (جنب وادی السلام) قم مدفون شد.

منابع

1- تاریخ اردیبهل و دانشمندان 376/2.

2- مفاخر الاردیبهل (خطی - مفتی الشیعه).

\*

ص: 2015

(1344-1395 ق)

حاج سید مصطفی اعتماد فرزند علامه سید محسن و نوه سید محمد بن علامه شهیر سید حسین بهبهانی حائری، از افاضل دانشمندان و نویسندگان بود. وی در 11 شعبان/ 1344 ق در کربلای معلی دیده به جهان گشود.

پس از طی مقدمات، سطوح را نزد علمائی چون: شیخ جعفر رشتی، شیخ علی اکبر نائینی، شیخ علی اکبر سیبویه یزدی، شیخ علی مازندرانی، شیخ محمد علی سرابی، سید زین العابدین کاشانی و سید اسد الله اصفهانی به انجام رسانید.

خارج فقه و اصول را از محضر آیات: میرزا هادی خراسانی بجزستانی، سید حسین طباطبائی قمی، میرزا مهدی شیرازی، سید محمد هادی میلانی، شیخ یوسف حائری خراسانی، شیخ علی عیثان، شیخ محمد علی سیبویه یزدی، سید علی بهبهانی رامهرمزی، و شیخ محمد رئیس و کلام و معقول را از محضر شیخ محمد رضا جرقویه ای اصفهانی استفاده کرد. و در اثر جدیت و کوشش در تحصیل به درجه اجتهاد نایل، و موفق به دریافت اجازات اجتهادی و روائی از اساتید خود گردید.

وی در موقع اقامتش در کربلا در حرم مطهر حسینی به اقامه جماعت و در صحن مقدس و مدرسه هندیه به تدریس سطوح اشتغال داشت، و جمعی از طلاب

ص: 2016

از محضر وی بهره مند شدند. به سال 1392 ق در پی فشارهای دولت عراق به ایران مهاجرت کرد، و در تهران اقامت جست و تدریس را رها نمود.

## از آثار او:

- 1- لمعه من بلاغه الامام الحسين عليه السلام.
- 2- من وحى الأَخلاق.
- 3- من وحى الفطره (در اصول دین).
- 4- شرح كفايه الاصول.
- 5- شرح العروه الوثقى.
- 6- نهضه سيد الشهداء عليه السلام.
- 7- مقتل الحسين عليه السلام در اسه و تحليل.
- 8- القواعد الفقهيہ.
- 9- شرح تبصره المتعلمين.
- 10- شرح مناسك الحج (از آيت الله خوئی).
- 11- الروائع من كلمات الامام الحسين عليه السلام.
- 12- شرح قصائد مثير الاحزان (از شيخ شريف جواهرى).
- 13- اصول الفقه.

ایشان در روز دوشنبه 7 جمادى اول 1395/ ق مطابق با 29 اردیبهشت/ 1354 ش به سن 51 سالگی در اثر سکتۀ قلبی در تهران درگذشت، در وادی السلام قم مدفون گردید.

## منابع

- 1- اعلام کربلاء (خطی).
- 2- گنجینه دانشمندان 329/6.



3- مؤلفين كتب چاپي 202/6.

ص: 2017

## مصطفی انتظاری قمی «شاطر»

(1309-1356 ق)

وی به «شاطر» تخلص می نمود و از شعرای معروف قم بود.

تولدش در سال 1309 ق در قم اتفاق افتاد.

از آثار او: 1- غزلیات (اشعار). در سال 1335 ش، به اهتمام آقای سید محمد باقر برقی در قم به چاپ رسید.

شاطر در سال 1356 ق برابر با 1316 ش در سن 47 سالگی در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در جوار ابن بابویه مدفون گردید.

منبع

1- مؤلفین کتب چاپی 221/6.

## مصطفی ایروانی

اشاره

(1309-1375 ق)

حاج مصطفی فرزند معاون الممالک ایروانی، از فضلا و نویسندگان بود.

وی در سال 1309 ق تولد یافت.

از آثار او:

1- ترجمه کلمات قصار امام علی علیه السلام (به زبان فرانسوی).

2- تفسیر قرآن کریم، مخطوط.

ایروانی در 30 ربیع الاول 1375/ ق در سن 66 سالگی درگذشت. پیکرش در قبرستان شیخان مدفون شد.

آیت الله شیخ مهدی حائری تهرانی (ساکن تهران)، داماد ایشان است.

منبع

1-اطلاعات متفرقه.

ص:2018

## اشاره

(1335-1416 ق)

حاج سید مصطفی فرزند سید محمد و نوه سید احمد فرزند سید رضی الدین فرزند میر میران اول رضوی برقی قمی، از فضلا و نویسندگان معروف حوزه علمیه قم بود.

وی در 18/ ذی القعدة 1335/ ق در قم تولد یافت.

او مقدمات را نزد سید رضا بهاء الدینی، شیخ علی دبیری و شیخ جعفر صبوری آموخت. سطح را نزد حضرات: شیخ ریحان الله نجفی گلپایگانی، شیخ عبد الوهاب روحی یزدی و سطح عالی را نزد شیخ ابو القاسم اصفهانی و شرح تجرید را نزد سید علی اکبر برقی «کاشف» و تفسیر قرآن را نزد میرزا محمد تقی اشراقی و میرزا ابو الفضل زاهدی قمی استفاده کرد.

نامبرده دروس خارج را از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، شیخ عبد النبی اراکی و سید محمد رضا گلپایگانی بهره مند شد و به نویسندگی پرداخت.

## از آثار او

1- اندرزهای حکیمانۀ امام علی علیه السلام در بستر شهادت.

2- انقلاب فرهنگی.

3- پرچم دار آزادی «فلسفۀ قیام امام حسین علیه السلام».

ص: 2019

4-ستاره درخشنده آسمان ولایت.

5-مدینه فاضله درباره حکومت امام زمان(عج).

متأسفانه ایشان در بامداد روز شنبه/6ربیع الثانی1416/ق مطابق با/11 شهریور1373/ش در پی بیماری در سن 81 سالگی در قم حیات را بدرود گفت.

پیکرش عصر همان روز تشییع و در قبرستان باغ بهشت مدفون شد.

منابع

1-آینه دانشوران 347.

2-اظهارات صاحب شرح حال، به تاریخ/26ذی الحجه 1410/ق.

3-گنجینه دانشمندان 346/2.

**سید مصطفی بهبهانی**

(1304-1367 ق)

سید عبد الله بهبهانی

حاج سید مصطفی فرزند آیت الله سید عبد الله و نوه علامه سید اسماعیل موسوی بهبهانی، از فضلا و نمایندگان مجلس بود.

وی در سال 1304 ق در تهران تولد یافت.

پدرش سید عبد الله بهبهانی (1256-1328 ق) شهید معروف راه مشروطیت و از علمای معروف تهران بود. وی از جمله شاگردان آیات: سید حسین کوه کمری «ترک»، شیخ راضی نجفی و میرزا محمد حسن شیرازی در نجف اشرف بود. از آثار او 1-مجموعه الرسائل الفقهیه (25 رساله فقهی از

ص: 2020

مسائل مهم آن). به تقیاء البشر 1193/3 رجوع شود.

سید مصطفی به تحصیل علوم دینی اشتغال داشت، سپس در تهران سردفتر اسناد رسمی قبول کرد و در دوره پنجم (1342 ق مطابق با 1302 ش) مجلس شورای ملی از سوی مردم قوچان انتخاب و به مجلس راه یافت.

بهبهانی در اوایل ربیع الثانی 1367/ ق مطابق با اواخر بهمن 1326 ش در سن 63 سالگی درگذشت. پیکرش در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

منابع

1- مکارم الآثار 1685/5.

2- نمایندگان مجلس شورای ملی 310.

**شیخ مصطفی جلیلی کرمانشاهی**

**اشاره**

(1414-1319 ق)

حاج شیخ مصطفی فرزند علامه شیخ مرتضی جلیلی کرمانشاهی، از علمای معاصر قم بود.

در ذی قعدة 1319/ ق در کرمانشاه دیده به جهان گشود.

**در حوزه های نجف اشرف و قم**

ایشان پس از طی مقدمات، در سن 20 سالگی به نجف اشرف مهاجرت کرد، و سطوح را به پایان رسانید. و پس از نه سال اقامت در آن سامان، در سال 1348 ق به ایران مراجعت کرد و وارد حوزه علمیه قم شد و از محضر آیات: حاج

ص: 2021

شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمبری و سید حسین طباطبائی بروجردی بهره مند گردید، و خود به تدریس فقه و اصول پرداخت.

## از آثار او

- 1- حاشیه علی العروه الوثقی.
  - 2- حاشیه علی شرح المنظومه.
  - 3- حاشیه علی کفایه الاصول.
  - 4- حواشی متفرقه علی جواهر الکلام.
  - 5- قاعده لا ضرار (تقریرات درس حجت).
- ایشان در روز سه شنبه 4/رمضان 1414/ق مطابق با 26/بهمن 1372/ش درگذشت، و جنازه اش در قبرستان ابو حسین قم به خاک سپرده شد.

## منابع

1- آثار الحجج 123/2.

2- گنجینه دانشمندان 122/2.

## شیخ مصطفی زمانی نجف آبادی

## اشاره

(1353-1411 ق)

شیخ مصطفی فرزند باقر زمانی نجف آبادی اصفهانی، در 20/شعبان 1353 ق در نجف آباد دیده به جهان گشود، دروس ابتدایی را همراه با کسب و کار آموخت، راهنما و آموزگار وی در نجف آباد حضرت آیت الله شیخ ابراهیم ریاضی بود. و پس از تکمیل ادبیات به قم رهسپار شد و سطح را از جناب آقایان: شیخ محمد تقی ستوده اراکی، میرزا علی مشکینی اردبیلی، شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی، و میرزا حسین نوری همدانی به پایان رسانید.

دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی





(به مدت دو سال)، سید محمد داماد یزدی و سید روح الله موسوی خمینی (به مدت 8 سال) استفاده نمود، و رو به نویسندگی و ایجاد رشد فکری در میان طبقه جوان، آورد.

زنده یاد زمانی برای نجات جامعه از گمراهی و انحطاط، «قلم» به دست گرفت و مصرانه در این راه مقدس گام برداشت و می توان اعتراف کرد که در اغلب نوشته های او، طیف جوان و نوجوان، حرکت و سیر قلمش را تحت تأثیر شدیدی قرار داده بود. چه، غم و هم زمانی، قشر جوان و نوجوان بود. او به عشق هدایت نوجوانان و جوانان به صراط مستقیم و فلاح، تا جایی که توانست گام برداشت و قلم زد.

زمانی در کار خود: تحقیق، ترجمه و نویسندگی - پرکار بود. و پیوسته با کاغذ و قلم و کتاب سروکار داشت. او طی سالها کار و تلاش، توانست دهها عنوان کتاب عرضه دارد. کتاب هایی مفید، سودمند و بارز و سازنده و برای تمام قشرها و طبقات، علی الخصوص قشر و طبقه نوجوان و جوان، خواندنی و جذاب باشد.

### آثار قلمی ایشان

- 1- شیعه و زمامداران خودسر، ترجمه الشیعه و الحاکمون.
- 2- آینده اسلام و امواج خطرناک، ترجمه المستقبل الاسلامی.
- 3- کودک نیل یا مرد انقلاب (زندگانی حضرت موسی علیه السلام).
- 4- به سوی اسلام یا آیین کلیسا (تطبیق قوانین اسلام و تورات و انجیل).

ص: 2023

- 5- ابراهيم عليه السلام بت سكن يا قهرمان توحيد.
- 6- کنفرانس مذهبی لبنان و ملت فلسطين، ترجمه المثل العليا فی الاسلام لا بحمدون.
- 7- سليمان و بلقيس.
- 8- چرا فوزه شدم؟
- 9- طمعکاران کینه ورز، ترجمه الاستعمار احقاد و اطماع.
- 10- قصه های قرآن، ترجمه قصص القرآن.
- 11- مردان پاک از نظر امام صادق عليه السلام، ترجمه مفاهيم الانسانيه فی کلمات الامام الصادق عليه السلام.
- 12- دختر وظیفه شناس.
- 13- جنایات غربی، ترجمه ظلام من الغرب.
- 14- راه و بیراهه (درباره سرنوشت استعمار در ممالک اسلامی).
- 15- علی بن ابی طالب عليه السلام پیشوای مسلمین.
- 16- اسلام و تمدن جدید.
- 17- اسلام و خدمات اجتماعی.
- 18- دوستیهای تلخ و شیرین.
- 19- داستانهای مصور اسلامی کودکان (10 شماره).
- 20- فروع دین، ترجمه عبادات الاسلام.
- 21- کارنامه سیاسی، اجتماعی و اخلاقی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، ترجمه الاسلام نشوئه و ابقائه.
- 22- اعتیادهای خطرناک.
- 23- رمز ترقی.
- 24- پیشگویی های علمی قرآن.
- 25- پیمان زناشوئی.



- 26- مرگ سبزی (شامل داستانهای آموزنده).
- 27- مذهب و رهبر ما، ترجمه المراجعات.
- 28- حدود خسارات جهان و انحطاط مسلمین (ترجمه).
- 29- نقش کلیسا در ممالک اسلامی (ترجمه).
- 30- مبارزه با خودکشی.
- 31- سالنامه (8 شماره-زیر نظر).
- 32- چهل حدیث (ترجمه و توضیح).
- 33- طوفان جوانی (بررسی عوامل انحراف و گناه در میان جوانان).
- 34- مجله نرجس (4 شماره-زیر نظر).
- 35- دیوان امیر المؤمنین علیه السلام (ترجمه).
- 36- توضیح نهج البلاغه (ترجمه و شرح) در 4 جلد.
- 37- جوانان چرا؟! (بررسی مفسد استمناء).
- 38- عروسی تولدی دیگر.
- 39- بلوغ و غریزه جنسی.
- 40- وسواس (پیدایش، رشد و درمان).
- 41- امام موسی کاظم علیه السلام.
- 42- نکاتی درباره دستگاه آفرینش.
- 43- روزه و ماه خدا (ترجمه).
- 44- نقشه های استعماری و نقشه های شوم.
- 45- امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانی (ترجمه).
- 46- اسلام از نظر یک مسیحی.

47- تقریرات مکاسب (آیت اللہ خمینی).

48- حواشی بر کفایہ الاصول.

49- مقدمہ بر کتاب افکار استاد دکتر مفتاح.

ص: 2025

50-نردبان ترقی.

51-نور و ظلمت.

52-تاریخ بنی امیه و بنی عباس.

53-نماز گفتگو با خدا.

54-هزار و یک سخن.

55-پیام اسلام.

56-اسلام و بلادهای نوین.

57-با ضعف مسلمین دینا در خطر سقوط.

58-عشق و خودکشی.

سرانجام در روز سه شنبه 30/بهمن 1369/ ش مطابق با 4/شعبان/ 1411 ق در اثر سکتۀ مغزی به سن 58 سالگی در قم صبح روز چهارشنبه تشییع و در درگذشت، پیکر پاکش در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

منابع

1- کتابنامه و یادواره استاد مصطفی زمانی.

2- گنجینه دانشمندان 302/7.

3- مؤلفین کتب چاپی 217/6.

**میرزا مصطفی صادقی قمی**

(1311-1399 ق)

حاج میرزا مصطفی فرزند علامه میرزا ابو الحسن و نوة آیت الله شیخ ملا صادق قمی، معروف به «صادقی» از فقها و اساتید حوزه علمیه قم بود.

وی در سال 1311 ق در قم دیده به جهان گشود.

صادقی مقدمات و سطح را در قم آموخت، سپس به نجف اشرف رهسپار شد و از محضر آیات: شیخ الشریعة اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی، شیخ



ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی استفاده نمود و پس از دریافت اجازات اجتهاد و روایت، در سال 1342 ق به قم مراجعت فرمود و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی بهره ها برد.

استاد شیخ محمد شریف رازی در «گنجینه دانشمندان» ایشان را چنین توصیف می نماید:

(آیت الله صادقی عمر پربرکت خود را در راه علم و فقاہت و تدریس و تعلیم علوم و معارف اسلامی در حوزه علمیه قم به پایان رسانید.

وی نمونه ای عالی از روحانیت و تربیت درخشان مکتب اسلام بود. علم و عمل و زهد و پارسائی در وجود شریفش جمع و ناصیه بلندش را هاله ای از نور معنویت و قداست فراگرفته بود.

آن چنان شخصیتی جذاب و محبوب داشت که خاطره اش برای همیشه در دل دوستان و ارادتمندانش باقی خواهد ماند).

شیخ علی اکبر صادقی قمی

صادقی در سحرگاه روز شنبه 7/ رجب 1399/ ق مطابق با 12 خرداد 1358/ ش در پی عمل جراحی در سن

ص: 2027



88 سالگی در تهران زندگی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در وسط قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

استاد دکتر شیخ علی اکبر صادقی، متولد سال 1348 ق، استاد دانشگاه تهران فرزند ارجمند ایشان است.

منابع

1- آثار الحجه 76/2 (تولدش را در نجف اشرف دانسته است).

2- آئینه دانشوران 245.

3- رجال قم 160.

4- گنجینه دانشمندان 188/2 و 78/8.

5- گنجینه دانشوران 18 (تولدش را در سال 1315 ق دانسته است).

**سید مصطفی صفائی خوانساری**

**اشاره**

(1321-1413 ق)

حاج سید مصطفی فرزند آیت الله سید احمد و نوه سید رضا حسینی خوانساری (صفائی)، از علمای متقی و معروف قم بود.

در ربیع الاول 1321/ق در خوانسار متولد گردید.

وی در بیت علم و تقوی و در دامان پدری بزرگوار رشد و پرورش یافت، مقدمات را نزد دایی خود سید علی مهدوی خوانساری

آموخت. پس از طی دوره سطح نزد پدر خود، در سال

ص: 2028

1340 ق به قم مهاجرت کرد و در درس آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، و چندین دوره فقه و اصول در محضر آن بزرگ مرد و حضرات آیات: شیخ محمد علی حائری قمی، سید محمد تقی خوانساری و سید احمد خوانساری فرا گرفت. هم زمان در درس اسفار سید ابو الحسن رفیعی قزوینی، و کتابهای مصباح الانس و شرح فصوص قیصری را نزد شیخ محمد علی شاه آبادی و عرفان را نزد ملا علی حکیم ایمانی خوانساری (در خوانسار) تلمذ کرد.

سید احمد خوانساری سید محمد رضا گلپایگانی سید مصطفی صفائی

از دیگر اساتید ایشان می توان، حضرات آیات: میرزا محمد حسین نائینی و سید ابو الحسن اصفهانی (چند ماه توقفشان در قم)، میرزا محمد آقازاده کفائی، سید حسین طباطبائی قمی و شیخ مرتضی آشتیانی (در مشهد مقدس)، و شیخ محمد رضا مسجد شاهی (ابوالمجد) و سید محمد صادق خاتون آبادی (در اصفهان)، نام برد.

وی از حضرات آیات: پدر خود، حائری یزدی، اصفهانی، طباطبائی بروجردی، عراقی، آشتیانی، مسجد شاهی، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، سید

ص: 2029

محمد حجت، سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد فیض، شیخ عباس قمی، میرزا محمد عسکری تهرانی، سید جمال الدین گلپایگانی، سید محسن طباطبائی حکیم، شیخ علی اکبر نهاوندی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید علی عبدالحسین شرف الدین، میرزا رضی زنوزی تبریزی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید محمد مهدی اصفهانی کاظمی و برخی دیگر اجازه روایت دریافت کرده است.

از خصوصیات بارز ایشان: تهجد و عبادت، زهد و قناعت، حسن خلق و سخاوت بود، و بیش از 50 سال هر روز صبح بامداد در حرم حضرت معصومه علیها السلام مسجد بالاسر به اقامه جماعت و ارشاد پرداخت و از آثار وجودی ایشان: جمع آوری کتابخانه ای نفیس و باشکوه- خطی و چاپی- و بنای مسجدی بزرگ در خوانسار و مسجدی دیگر در قم، را می توان نام برد.

سید احمد خوانساری «صفائی»

### از آثار قلمی و علمی او:

- 1- الجواهر المودعه.
- 2- الدیانه الاسلامیه و معتقدات الامامیه (در اصول عقاید).
- 3- تفسیر آیات مبدا و معاد.
- 4- تقریرات اصول حائری یزدی.
- 5- تقریرات فقه حائری یزدی (در صلاه و نکاح).
- 6- حاشیه بر درر الاصول.
- 7- حاشیه بر رسائل.

ص: 2030

8- حاشیه بر شرح لمعه.

9- حاشیه بر قوانین الاصول.

10- حاشیه بر کفایه الاصول.

11- حاشیه بر مکاسب.

12- حاشیه بر وسیله النجاه (اصفهانی).

صفهائی سرانجام در صبح روز جمعه 18 ربیع الثانی 1413/ ق مطابق با 24 مهر 1371/ ش پس از عمری تلاش و کوشش در راه اعتلای فرهنگ اسلامی در قم در سن 92 سالگی چشم از جهان فرو بست، پیکرش پس از تشییعی باشکوه صبح روز شنبه در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

### **فرزندان ایشان عبارتند از:**

1- سید رضا 2- سید احمد و یک دختر به نام خانم طوبی (متوفای رجب/ 1417 ق).

منابع

1- آثار الحجّه 76/2 و 291.

2- آینه دانشوران 235 (سال تولدش را 1317 ق نوشته است).

3- گنجینه دانشمندان 138/2.

4- مجله آینه پژوهش، سال سوم، 1371 ش، شماره 15، صفحه 112، به قلم شیخ ناصر الدین انصاری.

5- نقباء البشر (خطی) (تاریخ تولدش را سال 1317 ق نوشته است).

### **سید مصطفی طباطبائی قمی**

(1327-1404 ق)

حاج سید مصطفی فرزند حجه الاسلام سید جواد و نوه سید محمود طباطبائی

ص: 2031

قمی، از فضلا و وعظ معاصر بود. وی در سال 1327 ق متولد گردید.

او مقدمات و ادبیات را نزد میرزا عبد الجواد ادیب نیشابوری و حاج محقق نوغانی در مشهد مقدس آموخت و پس از سپری کردن سطح، دروس خارج را از محضر میرزا محمد آقازاده خراسانی و عموی خود حاج آقا حسین طباطبائی قمی استفاده کرد. در سال 1356 ق به کربلای معلای مهاجرت کرد و از محضر ارجمند عموی خود و دیگران بهره ها برد و پس از مدتی به قم عزیمت نمود و به وعظ و هدایت اشتغال ورزید.

طباطبائی در 15/15/1404 ق مطابق با 24/24/1363 ش در سن 77 سالگی درگذشت. پیکرش در وسط قبرستان شیخان قم مدفون شده است. وی داماد علامه و محدث گرانقدر شیخ عباس قمی «صاحب مفاتیح الجنان» بود.

منبع

1- رجال قم 160.

**سید مصطفی علم الهدی جزائری**

**اشاره**

(1347 ق 1418 ق)

سید مصطفی فرزند آیت الله سید مرتضی و نوه سید محمد رضا قدسی موسوی جزائری، ملقب به «علم الهدی» از دانشمندان و مبارزان و صابران بر قضا بود.

ایشان در سال 1347 ق برابر با 1307 ش در شوشتر دیده به جهان گشود (اگرچه خودشان اظهار می فرمودند که در سال 1352 ق به دنیا آمدند، ولی تاریخ ثبت شده به دلایلی

ص: 2032

صحیح تر است). سه ساله که بود همراه والدین خود به نجف اشرف رفت، از دوران خردسالی با جدیت تمام مشغول تحصیل علوم دینی گشت. مقدمات را نزد آیت الله سید محمد جعفر مروج جزائری و آیت الله شیخ مجتبی لنکرانی آموخت.

دروس سطح را نزد حضرات آیات: سید علی طباطبائی تبریزی، شیخ محمد تقی بروجردی، شیخ محمد فاضل قاینی و شیخ مجتبی لنکرانی و هیئت را خدمت استاد شیخ مرتضی مدرس گیلانی استفاده نمود.

سال هایی چند در دروس خارج حضرات آیات: میرزا حسن یزدی، سید محسن طباطبائی حکیم و سید ابو القاسم خویی حاضر گشت و از دانش این فقها بهره ها برد.

در سال 1372 ق (برابر با 1331 ش) به ایران بازگشت و در حوزه علمیه قم ماند و از دروس خارج حضرات آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید محمد داماد یزدی، سید کاظم شریعتمداری و سید روح الله خمینی و دروس حکمت و تفسیر آیت الله سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» استفاده ها برد و به درجه رفیع اجتهاد نایل گشت. وی به اساتید مذکور خود، به ویژه آقایان:

داماد، شریعتمداری و خمینی بسیار مقرب و مشاور امین، آن بزرگان بود. در سال 1393 ق (برابر با 1352 ش) به دنبال رحلت والد معظم خود، به شهر اهواز - استان خوزستان - و سکونت اختیار فرمود و منشاء خدمات بسیاری گردید. این اقامت تا سال 1402 ق (برابر 1361 ش) ادامه داشت. سپس حسودان و مغرضان سعی و تلاش زیادی کردند، تا ایشان به قم بازگردانده شوند، و تا آخر عمر پیرکت خود در جوار کریمه اهل بیت علیهم السلام زیست. آثار قلمی در فقه و اصول دارد، که به صورت مخطوط مانده است.

## اشاره به مبارزات ایشان

الف) از سال 1340 ش تا 1357 ش: ایشان از اولین جرقه مبارزات روحانیت

ص: 2033

معظم در ایران همراه و همگام بوده، بلکه از پیشتازان این مبارزات بشمار می رفت. سخنرانی ها، اطلاعیه ها مسافرت های بسیار او در دفاع از اصل نهضت، خود یک جلد کتاب مستند می خواهد. در این دوران بارها بازداشت و تبعید گردید، به طوری که تا پیروزی انقلاب، در شهر قم به حالت تبعید به سر می برد.

ب) از سال 1357 ش تا 1361 ش: جناب ایشان در دوران جنگ تحمیلی در شهرستان اهواز، به عنوان روحانی طراز اول شهر، در کنار رزمندگان بود. وعظ و ارشاد، اقامه جماعت، سخنرانی های حماسی برای آنان بر پا می نمود.

ج) از سال 1361 ش تا 1367 ش: طفیلی ها بر ایشان تجری نموده، و سعی نمودند ایشان را از شهر اهواز دور نمایند. و همین طور هم شد. تا میدان برای آنان خالی شود و... علم الهدی به قم بازگشت و انزوا اختیار فرمود، ولی کمک به نیازمندان و محرومان را تا آخرین روزهای عمر خود، رها نکرد، کمک به حدی بود که حجه الاسلام شیخ موسی قمی ایشان را «کَهِفَ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ» می گفتند.

### خدمات اجتماعی و فرهنگی

الف) تأسیس بیمارستان و زایشگاه اسلامی اهواز، که نیمه تمام مانده است.

ب) تأسیس مدرسه ای دینی به نام «دار العلم» و مؤسسه علوم دینی و تبلیغات اسلامی اهواز. در این مؤسسه دروس حوزوی و کلاسهای اصول عقاید اسلامی، تشکیل، که باعث بیداری و علاقه مندی صدها جوان پاک به مذهب و آئین تشیع می شد. از جمله محصولات این مرکز دینی، مرحوم حجه الاسلام سخنور توانا شیخ مصطفی خبازیان (که در مشهد مقدس اقامت داشت).

ج) تأسیس صندوق قرض الحسنه اسلامی اهواز.

د) صندوق کمک به محرومان از راه کمک های مالی و نقدی، در سطح بسیار وسیع و بی نظیر بود.

ه) مؤسسه جشنهای اسلامی اهواز، که به جهت اقامه مراسم شادی در ایام سرور و

تولد معصومین علیهم السّلام، در مسجد و دار العلم، با سطح بسیار گسترده، احداث گردید.

(و مؤسسه دار العصمه: این مؤسسه ویژه بانوان بود. شاگردان آن تماما از خانمهای دانشجو و دبیرستانی و مدرسان، از اساتید میزقم بودند.

ز) دعوت از مبلغان و واعظان در ماه های: محرم، صفر و رمضان، و اعزام بسیاری از آنان به شهرها و قصبه های مختلف استان خوزستان، جهت آشنایی سایر مردم با احکام الهی و آیین جعفری است.

ح) برپایی مراسم هفتگی دعای ندبه، و آشنایی سایرین با امام زمان (عج).

نماز بر پیکر سید مصطفی علم الهدی جزائری (توسط سید موسی زنجانی «شیری»)

### **ویژگی های اخلاقی**

آیت الله علم الهدی، متخلق به اخلاق اجداد طاهرین خود بود بسیاری از مستحبات را به جای می آورد و از مکروهات دوری می جست. بر اموری از قبیل:

نماز اول وقت، سکوت و پرهیز از پرحرفی، دوری از غیبت دیگران، کتمان رازهای مردم، تأکید داشت.

ص: 2035



وی مردی: امین، متین، موقر، باهویت و عظمت و اصالت و صداقت بود.

صورتی زیبا و خندان و سفره ای گسترده بر روی سایر میهمانان داشت.

## رحلت و فرزندان

این مرد ربّانی در سحرگاه روز دوشنبه 16 رجب 1418/ ق برابر با 26 آبان/ 1376 ش در قم در سن 71 سالگی (به طور مرموز) دچار حمله قلبی شد و به سوی معبود شتافت. پیکرش عصر روز سه شنبه از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تشییع و پس از ادای نماز میت توسط آیت الله سید موسی شبیری زنجانی، در صحن بزرگ حضرت معصومه علیه السلام - حجرة 43- دفن گردید.

## فرزندان:

1- حجه الاسلام سید ضیاء الدین 2- سید مجتبی 3- سید محمد علی 4- سید محمد رضا 5- سید محمد جواد (مسعود) 6- سید محمد حسین.

منبع

1- اطلاعات شخصی مؤلف.

## شیخ مصطفی فائق تهرانی

(ح 1338-1417 ق)

حاج شیخ مصطفی فرزند علامه شیخ کاظم فائق تهرانی، از علمای معاصر تهران بود.

وی در حدود سال 1339 ق در تهران دیده به جهان گشود.

مقدمات و سطح را در تهران فراگرفت، سپس به قم رفت و از محضر آیتین علمین: سید محمد حجت کوه کمری و سید محمد تقی خوانساری خارج فقه و اصول استفاد نمود. سپس به نجف اشرف رفت و از محضر آیات: سید ابو الحسن

ص: 2036

اصفهان‌نی و سید ابو القاسم خویی بهره‌ها برد. آنگاه به قم بازگشت و در دروس آن دو بزرگوار مذکور و آیت‌الله سید حسین طباطبائی بروجردی نیز حاضر گشت.

سرانجام به تهران مراجعت فرمود و در مسجد پدر خود که به نام «مسجد فائق» معروف است (واقع در خیابان عین‌الدوله)، به اقامه جماعت و انجام سایر فعالیت‌های دینی پرداخت.

فائق در 21 ذی‌القعدة 1417/ ق برابر با 11 فروردین 1376/ ش در حدود سن 79 سالگی در تهران زندگی را بدرود گفت. پیکرش روز بعد به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ با کد (39211) به خاک سپرده شد.

منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- گنجینه دانشمندان 518/4.

**سید مصطفی کاشفی خوانساری**

**اشاره**

(1412-1344 ق)

حاج سید مصطفی فرزند آیت‌الله سید ضیاء‌الدین موسوی خوانساری، ملقب به «کاشفی» از دانشمندان تهران بود.

وی در سال 1344 ق مطابق با 1304 ش در قم متولد گردید.

کاشفی در قم مقدمات و سطح را در مدرسه سید صادق روحانی به مدت هفت سال به پایان برد و از بدو ورود آیت‌الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم در درس ایشان شرکت جست. در ضمن خود حلقه‌ی درسی تشکیل داد و عضو هیئت تحریریه «تهذیب الوسائل» بود. سرانجام به تهران رفت و به فعالیت‌های مذهبی اهتمام ورزید.

**از آثار او**

1- ازدواج در اسلام.

ص: 2037

2- حاشیه علی شرح اللمعه دمشقیه.

3- عایشه در صفی و ام سلمه در صفی دیگر.

4- علم بدیع.

5- علم صرف.

6- علم منطق.

7- علم نحو.

نامبرده در صبح روز پنجشنبه 16/ربیع الاول 1412/ق مطابق با 4/مهر 1370 ش در سن 68 سالگی در تهران حیات را بدرود گفت. پیکرش به قم حمل و در جوار شاهزاده احمد قاسم-کنار مزار پدر خود-به خاک سپرده شد. وی داماد آیت الله میرزا خلیل کمره ای بود.

منابع

1- آثار الحجّه 233/1.

2- فهرست کتابهای چاپی فارسی طی 45/1.

3- مؤلفین کتب چاپی 236/6.

**شیخ مصطفی مسجد جامعی**

**اشاره**

(1344-1402 ق)

حاج میرزا مصطفی فرزند علامه میرزا محمود فرزند محمد حسین فرزند ابراهیم فرزند میرزا مسیح تهرانی ملقب به (مسجد جامعی) یکی از علمای تهران و از بنی اعمام آیت الله شیخ حسن سعید و داماد آیه الله شیخ محمد رضا تنکابنی (پدر سخنور توانا شیخ محمد تقی فلسفی) بود.

او به سال 1344 ق در تهران متولد گردید. پس از خواندن دروس جدید، مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد مدرّسین تهران همچون: شیخ رضا قاضی و شیخ

ص: 2038

محمد کاظم معزی دزفولی تلمذ کرد، و دروس خارج را از محضر آیات: شیخ محمد تقی آملی، سید ابو الحسن رفیعی قزوینی، و میرزا باقر آشتیانی استفاده نمود و یکی از ملازمین آیت الله آملی گردید. سپس در (مسجد المصطفی) واقع در جنب میدان حسن آباد به اقامه جماعت و نشر معارف و تنویر افکار پرداخت و یکی از خدمات مهم ایشان توسعه مسجد مذکور.

### از آثار قلمی ایشان:

1- شخصیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.

2- کلمات قصار حضرت علی علیه السلام.

3- قواعد عربی (جهت استفاده دانشجویان).

4- تقریرات اساتید خود.

وی در روز پنجشنبه 26/رجب 1402/ ق مطابق با 30 اردیبهشت/ 1361 ش به سن 58 سالگی در تهران در پی یک بیماری سختی درگذشت، و در صحن حضرت معصومه علیها السلام مدفون گردید.

### فرزندانش عبارتند از:

1- شیخ محمد، سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در واتیکان.

2- میرزا علی، که در مسجد پدر خود به اقامه جماعت اشتغال دارد.

3- احمد، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ص: 2039

## منابع

1- افادات برادر مترجم له، حجت الاسلام شیخ مسیح مسجد جامعی.

2- گنجینه دانشمندان 564/4.

## میرزا مصطفی ملکی تهرانی

### اشاره

(1346-1404 ق)

حاج میرزا مصطفی ملکی شمیرانی فرزند ابو القاسم از فضلا و ائمه جماعت تجریش تهران، و داماد آیه الله شیخ فاضل لنکرانی بود.

وی در سال 1346 ق در تجریش-شمال تهران-متولد شد.

### تحصیل علوم دینی

پس از رشد و خواندن دروس جدید، به تشویق علامه شیخ علی نهاوندی (چیزری) به تحصیل علوم دینی پرداخت، و پس از طی مقدمات و سطوح در آن سامان، به قم مقدس مهاجرت کرد، و از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید محمد رضا گلپایگانی و سید شهاب الدین مرعشی دروس خارج را استفاده نمود، و به تجریش مراجعت کرد، و به تبلیغ دین و اقامه جماعت و خدمات اجتماعی پرداخت.

ایشان در روز پنج شنبه 1404 ق مطابق با 31 خرداد 1363/ش در اثر سکتة قلبی درگذشت، و در صحن حضرت معصومه علیها السلام- مقبره شماره 11- به خاک سپرده شد.

## منابع

1- گنجینه دانشمندان 661/4.

2- معجم القبور و وفیات الأعلام (خطی-رازی).

ص: 2040

(1329-1409 ق)

حاج سید مصطفی فرزند سید مهدی (بحر العطاء) نوه سید محمد موسوی هرستانی ملقب به (مهدوی)، متولد سال 1329 ق در هرستان ماریین اصفهان.

پس از طی مقدمات، سطوح را در مدرسه جده بزرگ اصفهان نزد آیات:

شیخ محمد علی دزفولی، شیخ محمد حسن نجف آبادی، سید مهدی درچه ای، حاج آقا رحیم ارباب، و سید محمد نجف آبادی فراگرفته است.

در ضمن فقه و اصول و فلسفه را خدمت آیات: سید علی نجف آبادی و شیخ محمد رضا ابوالمجد (مسجد شاهی) فراگرفته، سپس عزیمت به قم نموده و مدتی در درس حضرات آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید صدر الدین صدر، سید محمد تقی خوانساری، و سید محمد حجت کوه کمری (قدس الله اسرارهم) شرکت نموده، و در سال 1362 قمری عزیمت به حج بیت الله الحرام مشرف شده و در هنگام مراجعت به مدت هشت سال در نجف اشرف اقامت نموده، و مدت سه سال از محضر آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی استفاده و در جلسات استفتائات آن مرحوم شرکت داشته، و همین طور از محضر آیات دیگر آنجا چون: شیخ موسی خوانساری، شیخ محمد علی کاظمینی، شیخ محمد کاظم

ص: 2041

شیرازی، سید جمال الدین گلپایگانی، میرزا عبد الهادی شیرازی، سید محمود شاهرودی، و میرزا آقا اصطهباناتی کسب فیض و علم نموده است.

وی به علت مبتلا شدن شدید «آسم» به امر آیت الله میرزا عبد الهادی شیرازی در سال 1370 قمری به اصفهان مراجعت، و مدت چهل سال در مدرسه جده بزرگ اصفهان و مدرسه ملا عبد الله به تدریس اشتغال داشتند. و عدّه زیادی از فضلاء و طلاب حوزه علمیه اصفهان از محضر ایشان استفاده علمی می نمودند.

### مزایای اخلاقی آن مرحوم

آن مرحوم نسبت به علماء بزرگ گذشته و حاضر بسیار تجلیل و تکریم نموده، و آنان را به خوبی و عظمت یاد کرده و در حفظ آثار آنان کوشا بوده است. و نسبت به آنها تواضع می کردند، و همواره به طلاب و محصلین ابراز علاقه کرده و آنها را تشویق به تحصیل می فرمودند.

بسیار کریم و بخشنده بودند و به فقراء و مستمندان و خانواده های بی سرپرست کمکهای فراوان کرده، و به مؤسسات خیریه خدمات و مساعدتهای بسیاری انجام داده، مانند: مؤسسه مهدیه، مؤسسه عسکریه، بیمارستان معلولین صادقیّه، مؤسسه نابینایان، انجمن مددکاری امام زمان (عج) و کمک به ساختن مدارس قدیم و جدید و تعمیر و تکمیل آنها را مخفیانه و دور از تظاهر و سروصدا انجام می دادند.

سرانجام در صبح روز یکشنبه 22 شوال 1409 / ق مطابق با 7 / خرداد 1368 ش در پی بیماری سرطان در اصفهان درگذشت، و جسدش به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

علامه سید حجت موحد ابطحی در کتاب خود تشیع و حوزه علمیه اصفهان ایشان را چنین معرفی نموده است:

(مرحوم آیه الله مهدوی، تسلط و تبحر کاملی در مسائل و مباحث فقهی و اقوال بزرگان داشتند و حاضر الذهن بودند، و فتاوی مراجع معاصر را همانند اقوال گذشتگان، در ذهن داشتند و به همین جهت، نه تنها عموم مردم مستفید می گشتند، بلکه فضلاء و مبلغین و ائمه جماعات، در حل مشکلات خود، از محضر ایشان بهره مند می گردید. از خصوصیات مرحوم آیه الله مهدوی این بود که، برای حل مشکلات مالی و اجتماعی علماء و بزرگان معاصر خود- در اصفهان و دیگر حوزه ها- همت می گماردند، و به شکلی کاملاً محرمانه، به یاری بزرگان می شتافتند، و همیشه در تأیید و حمایت از فضلاء و طلاب نقش فعالی داشتند، و در کمک به مستمندان و مؤسسات خیریه بسیار کوشا بودند، و در همه موارد، از حالت محرمانه و مخفی بودن، استفاده می نمودند.

و در یک کلام، مرحوم آیه الله مهدوی: فقیهی متبحر و حاضر الذهن، پیشوایی متنفذ و محبوب، یاور و پشتیبانی تلاشگر و فعال برای علماء و بزرگان دین.

نماینده ای مورد توجه و علاقه برای مراجع تقلید، و چهره ای شاخص در حوزه علمی اصفهان بودند).

منابع

1- تشیع و حوزه علمی اصفهان 620/1.

2- گنجینه دانشمندان 371/9.

3- معجم القبور و فیات الاعلام (خطی).

**سید مصطفی هاشمی همدانی**

**اشاره**

(ح 1343-1408 ق)

حاج سید مصطفی فرزند سید اسماعیل حسینی هاشمی، از فضلاء و مدرسین عالیقدر حوزه علمی همدان بود.

ص: 2043



وی در حدود سال 1343 ق در بخش «خرقان» قزوین متولد شد.

## هجرت به همدان

ایشان جهت انجام تحصیلات دینی به همدان رفت، و از محضر آیت الله آخوند ملا علی همدانی استفاده نمود و یکی از نزدیکانش گردید.

## شیخ منصور سبط الشیخ انصاری

## اشاره

(1307-1392 ق)

شیخ منصور فرزند علامه شیخ محمد و نوه آیت الله شیخ محمد حسن انصاری دزفولی، معروف به (سبط الشیخ) از علمای معروف دزفول بود.

وی در جمادی ثانی 1307/ق در دزفول متولد گردید.

## تحصیل در حوزه های علمیه

ایشان پس از طی مقدمات و سطوح، دروس عالی را از محضر آیات:

ص: 2044

پدر خود (شاگرد میرزای شیرازی) و جدّ خود شیخ محمد حسن انصاری و شیخ محمد مهدی بیگدلی (سطح و خارج)، استفاده نمود.

وی در سال 1361 ق در پی درخواست و دعوت اهالی شهر (عماره) عراق به آن سامان رفت و چند سالی مشغول رتق و فتق امور و حل مشکلات مردم و اقامه جماعت و ترویج مذهب اشتغال داشت، ولی در اثر انحراف مزاج در سال 1366 ق به دزفول مراجعت کرد، و به امور مذکور و نیز تدریس و پرورش طلاب اشتغال ورزید.

ایشان دارای اجازاتی از علمای برجسته، که از جمله آنها از حضرات آیات:

طباطبائی یزدی، نائینی، حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، معزّی دزفولی، و پدر خود و شیخ محمد مهدی بیگدلی بود.

وی مردی زاهد، عابد، و از مادیات و حب و جاه و منصب دور بود، و همواره در حال تهذیب نفس و پرورش روح و کسب فضائل و کمالات اشتغال داشت، و از اجتماع و مجالس دوری می جست.

## از آثار او

1- الوجیزه لعمل المقلدین.

2- حاشیه بر توضیح المسائل (آیت الله بروجردی).

3- حاشیه بر ذخیره العباد (از سید ابو الحسن اصفهانی).

4- حاشیه بر مختصر الاحکام (از شیخ محمد کبیر قمی).

5- ذخیره الآخره (رساله عملیه).

6- مناسک الحج.

## درگذشت و اعقاب

نامبرده در روز چهارشنبه 24 ربیع الثانی 1392/ ق مطابق با 17 خرداد/

ص: 2045

1351 ش به سن 85 سالگی در تهران درگذشت، و جسدش به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام (زیر ساعت) به خاک سپرده شد.

شیخ علی سبط الشیخ انصاری

### فرزندانش:

1- شیخ علی، از علمای معاصر

2- مرحوم شیخ احمد، از علمای ساکن قم بود.

منابع

1- الاجازه الکبیره 35.

2- المسلسلات فی الاجازات 267/2.

3- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری 449.

4- گنجینه دانشمندان 144/3.

5- نقباء البشر (قسمت خطی).

### منصور میرزا قاجار «شعاع السلطنه»

### اشاره

(-1339 ق)

منصور میرزا ملقب به «شعاع السلطنه» فرزند مظفر الدین شاه قاجار، حاکم شیراز بود.

### از آثار او:

1- مقدمات علوم طبیعی.

نامبرده در اواخر/صفر 1339/ ق درگذشت. پیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام - جنب بقعه اتابک - به خاک سپرده شد.



مرحوم ابو الحسن میرزا «ملک منصور»، متوفای اواخر فروردین / 1358 فرزند اوست.

منابع

1- راهنمای قم 103.

2- مؤلفین کتب چاپی 299/6.

### شیخ موسی جنابی اهری

(ح 1331-ح 1390)

شیخ موسی فرزند میرزا حسین جنابی اهری، از فضلالی معاصر بود.

پدرش از علما و ائمه جماعت او بود.

شیخ موسی در حدود سال 1331 ق در شهرستان اهر، واقع در استان آذربایجان شرقی دیده به جهان گشود.

او پس از کسب مقدمات و سطح، رهسپار حوزه علمیه قم شد و دروس خارج را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین بروجردی استفاده نمود.

سپس در تشکیلات مرجعیت آیت الله شریعتمداری درآمد و از مقربان ایشان شد.

مرحوم جنابی پس از رحلت در حدود سالهای 1390 ق، در شهر مذهبی قم مدفون گردید.

منبع

1- از افادات سخنور توانا حجه الاسلام آقای شیخ عیسی اهری.

### شیخ موسی زنجانی «عباسی»

اشاره

(1328-1399 ق)

حاج شیخ موسی فرزند علامه شیخ عبد الله و نوه محمود فرزند عباس زنجانی، ملقب به «عباسی» از فقها و اساتید بنام حوزه علمیه قم بود.

ص: 2047

وی در 11/صفر 1328/ق در روستای «گوجه قیا» از توابع (ایجرود-خمسه)-استان زنجان-تولد یافت.

زنجانى مقدمات را نزد پدر ارجمند خود و برادر ارشد خود شیخ مهدى آموخت.

در محرم 1348/ق به حوزه علمیه قم پیوست و از محضر آیات: میرزا محمد علی ادیب تهرانی، میرزا محمد همدانی، شیخ محمد علی حائری قمی، سید محمد تقی خوانساری، سید احمد زنجانى و آخوند ملا علی همدانى، سطح را به پایان برد.

شیخ موسى زنجانى «عباسى»

دروس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی (به مدت سه سال)، سید محمد حجت کوه کمری و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود. وی دارای اجازاتی از اساتید خود و نیز از حضرات آیات: سید ابو الحسن اصفهانی، شیخ عباس قمی و شیخ فضل الله زنجانى (شیخ الاسلام) بود.

نامبرده سالهای متمادی در حوزه علمیه به تدریس سطح اشتغال داشت و فضیلتی زیادی تربیت کرد که بسیاری از آنان در کتب تاریخ زنجان، نام برده شدند.

ص: 2048

علامه سید ابراهیم زنجانی از شاگردان ایشان در «تاریخ زنجان» می نویسد:

(شاگردان مکتب امام صادق علیه السلام را تربیت نمودند، و بیان شیرین و وافی دارند، و خوش بیان و تقریر و حوزه درس کفایه ایشان، مجمع فضلالی حوزه قم بود.

وی مردی پاک، متقی و پرهیزکار و اهل عبادت بود. و نویسنده ای توانا، باکمال و رجالی محقق و اصولی مدقق و فقیه متتبع و دانشمند است روشن فکر و واقعا مصداق حدیث شریف منقول از امام عسکری علیه السلام در حق رجال الهی و مراجع بیان فرموده است: من کان من الفقهاء صائنا لنفسه، مخالفا لهواه...).

او مورد اعتماد، استناد و وکیل مطلق مرحوم آیت الله شریعتمداری بود، که به هنگام تشرف ایشان به حج (1387 ه.ق) و مسافرت های تابستانی معظم له به مشهد مقدس، اداره بیت و تصدی امور مراجعین با ایشان بود.

### از آثار او

- 1- الجامع فی الرجال، در سه جلد.
- 2- الفهرست لمشاهیر علماء زنجان.
- 3- الوجیزه فی علم الرجال.
- 4- تهذیب الوسائل، در چندین جلد.
- 5- حاشیه علی العروه الوثقی.
- 6- رساله عملیه.
- 7- رساله فی حکم الزوجه المفقود عنها زوجها.
- 8- عمل صالح در صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او علیهم السلام.
- 9- الفقه علی آراء فقهاء الاسلام.
- 10- مدینه البلاغه فی خطب النبی صلی الله علیه و آله و سلم و رسائله و وصایاه، در دو جلد.
- 11- مناسک الحج و دلیل الحاج.
- 12- نسیم السحر در رد نسیم رستگاری سنندجی.





1358 ش در سن 71 سالگی در اثر سکته قلبی در قم زندگی را بدرود گفت.

پیکرش در قبرستان شیخان مدفون شد.

منابع

1- تاریخ زنجان 430.

2- تراجم الرجال 831/2.

3- مؤلفین کتب چاپی 337/6.

4- فهرست علمای زنجان 128.

5- آثار الحججه 126/2.

6- گنجینه دانشمندان 168/2.

7- آینه دانشوران 413.

**سید موسی سبط الشیخ دزفولی**

**اشاره**

(1327-1385 ق)

سید موسی فرزند علامه سید محمد نبی و نوه سید موسی دزفولی، مشتهر به «سبط الشیخ» چون مادرش از اعقاب دختری آیت الله شیخ مرتضی انصاری می باشد.

وی در 4/ صفر 1327/ ق در نجف اشرف تولد یافت.

پدرش از شاگردان آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی در نجف اشرف بود. سید موسی در سن نه سالگی همراه او به دزفول رفت تا اینکه

ص: 2050

پدرش در سال 1343 ق درگذشت و خود مجدداً به نجف اشرف مراجعت نمود. وی از حافظه قوی و استعداد زیادی برخوردار بود و همواره به تحصیل علوم دینی اشتغال داشت. چند سالی هم صرف آموختن زبان انگلیسی نمود و آن را به خوبی فراگرفت. در سال 1354 ق به حوزه کربلا منتقل شد و از محضر آیات: سید حسین طباطبائی قمی، شیخ محمد بایگی تربتی، شیخ یحیی زرنندی و شیخ یوسف خراسانی بهره مند شد.

نامبرده در سال 1364 ق به ایران مراجعت فرمود و در تهران سکونت اختیار نمود و به تألیف و مباحثات علمی اهتمام ورزید. ایشان علاوه بر فقه و اصول در علوم دیگر از قبیل: کلام، عقاید، تاریخ مهارت و تسلط کامل داشت.

## از آثار او

1- الرضا من آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، حیاة الامام الرضا علیه السلام.

2- تعلیقات علی شرح نهج البلاغه (تألیف ابن ابی الحدید)، به نام «المقالات» معروف است.

3- شیعه در اسلام، دو جلد.

4- نصاب انگلیسی-فارسی.

سبط، سرانجام در ظهر روز سه شنبه 18 جمادی الاول 1385/ ق مطابق با 23 شهریور 1344/ ش در سن 58 سالگی در اثر بیماری مهلک زندگی را وداع گفت.

پیکرش به قم حمل و در حرم حضرت معصومه علیها السلام-مسجد بالاسر-به خاک سپرده شد.

## فرزندان:

1- سید علی 2- سید ابراهیم.

منابع

1- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری 459.

ص: 2051

2- گنجینه دانشمندان 476/4.

3- مؤلفین کتب چاپی 338/6 (نامش محمد ذکر شده که اشتباه چاپی است).

4- هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی 112.

5- یادداشتی از علامه سید عبد العزیز طباطبائی یزدی در دو صفحه.

### شیخ موسی فقیهی «ناظم الشریعه»

#### اشاره

(1300-1369 ق)

شیخ موسی فقیهی همدانی ملقب به (ناظم الشریعه)، عالمی کامل خوش ذوق و فاضل بود. وی علاوه بر فقه و اصول و صرف و نحو و ادب فارسی، در علوم ریاضی زبردست بود و از علوم غربیه نیز آگاهی داشت، و در این فنون زحمات زیادی متحمل شده و نتایج مفیدی به دست آورده بود، و یکی از شاگردان آیت الله شیخ علی دامغانی بشمار می رفت.

ناظم الشریعه با آنکه در شمار دانشمندان و اهل علم بود گهگاه اشعاری هم می سرود، و به صورتی دلنشین به نظم، درمی آورد. در ابتدا «محزون» تخلص می کرد، و چون دریافت شاعر همدانی دیگری با این تخلص شعر می سراید به منظور رفع اشتباه از این تخلص صرف نظر کرد، و از آن پس کلمات «موسی» یا «ناظم» یا «فقیهی» را در تخلص به کار برد.

#### از آثار قلمی او:

1- جنگ اشعار.

2- احسن الحدیث.

وفاتش در روز سه شنبه 23 محرم 1369/ ق مطابق با 24 آبان 1328 خورشیدی در سن 68 سالگی در همدان رخ داد، و جسدش در قبرستان حاج شیخ قم به کد (17416) مدفون گردید.

ص: 2052

اینک به قسمتی از تضمینی که از غزل معروف «غبار» همدانی کرده توجه فرمایید:

من که در دست تو افتاد ای پسر آخر عنانم

سرور آزادگانم شمع جمع عارفانم

از سر کوی خود ای نامهربان هرگز مرانم

«گرچه سخت افتاده در دام طبیعت مرغ جانم»

«هرگز از خاطر نخواهد شد هوای آشیانم»

می کنی اظهار هردم با رقیبان مرحمت را

بر رخم بر بسته ای ای شاه باب مکرمت را

بایدم رفتن ز کویت ترک کردن حضرتت را

«حالیام معذورم از رفتن که چندی مصلحت را»

«گه بتاری بسته پایم گه نجاری خسته نجاری خسته جانم»

با تو هرگز از پی افسانه و افسون نرفتم

بهر تفریح و تفریح بر سوی هامون نرفتم

نام لیلی را نبردم از پی مجنون نرفتم

«من بگندم خوردن از خلد برین بیرون نرفتم»

«دانه خال توره افکنند در این خاکدانم»

می زنی هردم بقلبم ناوک مزگان و ابرو

می زنم از هجر تو تا می توانم بر سر و رو

می کشی هر شب مرا از غایت مستی بهر سو

«می کشم بار بلا را با تنی لاغرتر از مو»

«تا اسیر زلف آن سنگین دل لاغر میانم»

گر شبی آن مه خدا خواهد که با من آشنا شد

بهتر از آن شب شبی در عالم معنی نباشد

ص: 2053

خون دل دانی چرا هرگه ز چشم من بپاشد

«غمزه خنجر می زند مژگان به نشتر می خراشد»

«با تماشای تو من فارغ ز کار این و آنم»

تا ابد «موسی» سر از پای جوانان بر ندارد

دست از ابرو و مژگان غزالان بر ندارد

هدیه موریست جانش چون سلیمان بر ندارد

«گر صبا خاک (غبار) از کوی جانان بر ندارد»

«فارغ از عیش جهان و از حیات جاودانم»

منابع

1- افادات دانشمندان محترم آقای شیخ حسین عندلیب همدانی.

2- الذریعه 287/1.

3- هگمتانه تا همدان 249.

**میرزا مهدی آشتیانی**

**اشاره**

(1372-1306 ق)

حاج میرزا مهدی فرزند علامه شیخ جعفر (میرزا کوچک) آشتیانی و نواده دختری آیت الله میرزا محمد حسن آشتیانی، از فقها و اساتید به نام حکمت حوزه های علمیه بود.

وی در ذی القعدة 1306/ق در تهران زاده شد.

پدرش از عالمان و بزرگان تهران بود و با آیت الله میرزا محمد حسن آشتیانی هم برادرزاده و هم دامادشان بود. وی از شاگردان: عموی خود آشتیانی، میرزا علی زنوزی و سید ابو الحسن جلوه اصفهانی در تهران بود.

در سال 1319 ق درگذشت و در صحن حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام شهرری مدفون گردید.



میرزا مهدی دوران کودکی و نوجوانی را در تهران گذراند. پس از فراگیری قرآن و اولیات، به تحصیل علوم دینی پرداخت. ادبیات و دروس سطح را از پدر ارجمند خود، شیخ مسیح طالقانی، آخوند ملا عبد الرسول فیروزکوهی و دانی خود شیخ مرتضی آشتیانی و دروس خارج فقه و اصول را از محضر آیات: سید عبد الکریم لاهیجی، شیخ فضل الله نوری و شیخ عبد النبی نوری استفاده نمود.

وی مبانی ریاضی را از میرزا عبد الغفار نجم الدوله، شیخ عبد الحسین سیبویه، شیخ محمد حسین ریاضی و میرزا جان بخش منجم بروجردی و مبانی طب قدیم از میرزا محمد حسین رئیس الاطباء، میرزا ابو القاسم نائینی و طب جدید از میرزا علی اکبر ناظم الاطباء نفیسی، استوار ساخت.

آشتیانی حکمت و علوم عقلی را از محضر: میرزا حسن کرمانشاهی، میر شهاب الدین نیریزی و میرزا هاشم اشکوری استفاده کرد و در سال 1327 ق به حوزه کهن نجف اشرف رهسپار شد و از محضر آیت الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بهره ها برد.

میرزا محمد حسن آشتیانی

ص: 2055



ولی به علت بیماری پس از یک سال اقامت به ایران بازگشت. و در سال 1329 ق مجدداً به آن دیار رفت و در دروس آیات: سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، سید محمد فیروزآبادی، میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی شرکت جست و موفق به کسب اجازات علمی از اساتید خود گردید. سرانجام به ایران بازگشت و در حوزه های علمیه مشهد مقدس، اصفهان و قم به تدریس و تربیت طلاب پرداخت و در پایان تهران را برگزید و اشتغالات علمی خود را ادامه داد.

میرزا مهدی، با بسیاری از دانشهای روزگارش آشنا بود و در اکثر این علوم تبخّر داشت. در فقه، اصول، کلام، تفسیر، ادب و ریاضی استاد بود. بیشترین مهارت او در فلسفه و عرفان بود و تأثیر تربیتی و علمی وی بر شاگردانش از طریق این دو دانش بود.

از این رو، او را می توان از پیروان فلسفه متعالی صدرایی در دوران معاصر دانست. وی نه تنها یک عالم دینی متبحّر و فیلسوفی بلند پایه و عارفی آشنا به عوالم نظری بود، بلکه انسانی معتقد و عالمی عامل و اهل سیر و سلوک بود و این بر قدر علمی و مرتبت اجتماعی و تأثیرگذاری وی بر شاگردانش می افزود.

میرزا مهدی آشتیانی

از ویژگیهای او این بود که در محدوده جغرافیایی ایران و عراق و نیز در دایره کتاب و مدرسه ماندگار نشد و به سیر و سیاحت نیز پرداخت و از این رهگذر

ص: 2056

تجربه های فراوان به دست آورد. وی پیش از سفر اول به نجف به بخارا رفت و یک سال در آنجا ماند و ضمن آشنایی با مردم و عالمان آن دیار، به تدریس پرداخت و دوبار به مصر سفر کرد. هندوستان و نیز بسیاری از کشورهای اروپایی مانند فرانسه، ایتالیا، بلژیک و انگلستان را دید و در این جهانگردی با متفکران و فیلسوفان آن کشورها آشنا شد و بحثها و برخوردهای علمی و فکری داشت، در حوزه تعلیم و تربیت او شاگردان بسیاری پرورش یافته اند.

## از آثار او

1- اساس التوحید یا قاعده الواحد لا یصدر عنه الا الواحد.

2- تعلیقه علی الاسفار.

3- تعلیقه علی الاشارات.

4- تعلیقه علی الرسائل.

5- تعلیقه علی الشفاء.

6- تعلیقه علی الفصوص (اثر ابن العربی).

7- تعلیقه علی المتاجر.

8- تعلیقه علی المنظومه، دو جلد.

9- تعلیقه علی کفایه الاصول.

10- تعلیقه علی مصباح الانس.

11- تعلیقه علی نصوص الحکمه (اثر فارابی).

12- رساله فی اثبات المعاد الجسمانی.

13- رساله فی الجبر و التفویض.

14- رساله فی الطلب و الاراده.

15- رساله فی العلم الاجمالی.

16- رساله فی المعاد.



17-رساله فی المعراج الجسمانی.

18-رساله فی حقیقه الكتاب و المیزان.

19-رساله فی شق القمر .

20-رساله فی وحده الوجود.

21-شرح منظومه تحفه الحکیم،(اثر طبع شیخ محمد حسین غروی اصفهانی)،نا تمام ماند.

22-شرحی بر مشکلات اشعار حافظ.

عده ای از شاگردان ایشان:

1-میرزا ابو الحسن شعرانی

2-شیخ محمد تقی جعفری تبریزی

3-شیخ مرتضی مطهری

4-سید جلال الدین آشتیانی

5-میرزا محمد رضا ربانی تربتی

6-دکتر مهدی حائری یزدی

7-دکتر محمد صادقی تهرانی

8-سید موسی مازندرانی

9-دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی

10-میرزا عبد الرحیم مدرس تبریزی

11-سید محمد حسن آل طیب جزائری

12-شیخ علی محقق کاشمیری

13-میرزا احمد خوشنویس اردبیلی

14-محمد حسن بدیع الزمان فروزانفر

15- آخوند ملا علی همدانی (معصومی)

16- دکتر جواد فلاطوری اصفهانی

ص: 2058

17- سید جواد مدنی کرمانی (بنان الشریعه)

18- شیخ علی اعتماد الواعظین رشتی

19- شیخ علی محمد جولستانی

20- سید مهدی لاجوردی، ساکن قم

21- شیخ علی اعتماد رشتی

22- سید محمد تقی افجه ای

23- میرزا ابو طالب تجلیل تبریزی

24- دکتر موسی جوان

علامه آشتیانی در روز پنجشنبه 9/شعبان 1372/ق مطابق با 1332/3/2 ش.

در سن 66 سالگی در اثر ابتلا به بیماری یرقان در تهران چشم از جهان فرو بست.

پیکرش به قم حمل و در حرم حضرت معصومه علیها السلام-مسجد بالاسر- به خاک سپرده شد.

منابع

1- آثار الحجج 230/1.

2- اختران فروزان ری و تهران 177.

3- تاریخ حکماء و عرفاء متأخر صدر المتألهین 64.

4- دایره المعارف تشیع 117/1.

5- ریحانه الأدب 272/5.

6- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 37/1.

7- علماء معاصرین 257.

8- گلزار معانی 21.

9- گنجینه دانشمندان 368/4.

10- مستدرک أعيان الشيعة 262/3.

11- مؤلفين كتب چاپی 358/6.

ص: 2059

### شیخ مهدی احمدی شاهرودی

(1347-1412 ق)

حاج شیخ مهدی فرزند شیخ محمد تقی احمدی شاهرودی، در سال 1347 ق مطابق با 1307 ش در قریه «مغز» شاهرود متولد شد.

وی پس از اخذ مقدمات در شاهرود، در سال 1362 ق به قم رفت و قسمتی از سطوح را نزد آیات: سید رضا صدر، شیخ عبد الجواد سدهی جبل عاملی، میرزا محمد مجاهدی تبریزی، شیخ یوسف شاهرودی، شیخ مرتضی حائری یزدی، و سید محمد باقر طباطبائی سلطانی فراگرفت.

در سال 1366 ق همراه برادرش آیت الله شیخ علی اصغر احمدی به نجف اشرف عزیمت نمودند، و باقی سطوح را در محضر آیات: میرزا حسن یزدی، میرزا احمد اهری، سید محمود مرعشی، و سید عبد الاعلی سبزواری تلمذ نمود، و خارج فقه و اصول را از محضر آیات: سید محسن طباطبائی حکیم، سید یحیی مدرس یزدی، سید محمود شاهرودی، میرزا باقر زنجانی، سید عبد الله شیرازی، میرزا هاشم آملی، و سید ابو القاسم موسوی خوئی استفاده نمود، و در سال 1376 ق به ایران مراجعت و در تهران اقامت کرد، و در مدرسه مروی به بحث و تدریس اشتغال ورزید. در ضمن در تهران از محضر آیتین علمین: شیخ محمد تقی آملی و سید احمد خوانساری مستفیض می شد.

احمدی در اواخر مهر 1370/ ش مطابق با اوایل/ربیع الثانی 1412/ ق در اثر تصادف درگذشت، و در قم به خاک سپرده شد.

منبع

1- گنجینه دانشمندان 73/9.

ص: 2060



(1320-1393 ق)

حکیم الهی، عارف متشرع، انسان کامل، ادیب اریب، شاعر سخن سنج، مترجم زبردست، الهی قمشه ای، نامش مهدی و لقبش محیی الدین بود که در شعر به «الهی» تخلص می کرد. تاریخ تولد وی را به تفاوت از سال 1318 تا 1320 هجری قمری نوشته اند.

مولدش شهرستان «قمشه» است که اکنون به «شهرضا» موسوم شده و در 80 کیلومتری جنوب اصفهان قرار گرفته است. نام پدرش ابو الحسن است و نیاکان و اجداد وی اصلاً از «سادات بحرین» بوده اند، که در زمان سلطنت نادر شاه افشار به ایران مسافرت کرده، و در قمشه ساکن شده اند. این مطلب هم در دیوان خود مرحوم الهی مذکور است، آنجا که در شرح حال خود می فرماید:

نیاکان بود از سادات بحرین ز حفاظ قرآن قراء دفتر

زمان خواندشان در شهر قمشه به دور نادر، آن مرد دلاور

و هم خود ایشان چند مرتبه به استاد حسن زاده آملی فرموده بود که: «اصلاً از سادات بحرین است، ولی از تبدیل عمامه سفید به سیاه خودداری می نموده است».

مرحوم الهی علوم مقدماتی را در قمشه فراگرفت، و سطوح عالی علمی را در اصفهان نزد علمای آن شهر از جمله: شیخ هادی فرزانه آموخت. اما روح تشنه او سیراب نشد و او را وادار کرد تا نزد امام خود برود که به مشهد مقدس سفر کرد، و در جوار حرم ملکوتی امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام به فراگیری علم پرداخت، و نزد علمای این شهر همچون: سید آقا بزرگ شهیدی، میرزا مهدی اصفهانی، و سید حسین طباطبائی قمی، شیخ اسد الله یزدی، آقا حسین فقیه خراسانی، ملا محمد علی (معروف به حاجی فاضل) و شیخ حسن برسی زانوی تعلم به زمین زد و

ص: 2061

گلزار جان خود را سیراب نموده و پس از طی مدارج عالی علمی چون وزنه ای گرانسنگ شد به تهران آمد. ابتدا در مدرسه سپهسالار از محضر آیه الله شهید سید حسن مدرس اصفهانی در علوم عقلی استفاده نمود، آنگاه به تدریس حکمت و فلسفه پرداخت، و پس از تأسیس دانشکده علوم معقول و منقول در دانشگاه تهران به عنوان استاد فلسفه به تدریس پرداخت، و هم زمان در دانشکده ادبیات به عنوان استاد عربی به تدریس مشغول شد، و حدود 35 سال در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. ایشان در خارج از دانشگاه نیز شاگردان دیگری تربیت کرد.

### مقام علمی مرحوم الهی

حکیم الهی قمشه ای پس از مراجعت از خراسان، در تهران در دانشگاه تهران مشغول تدریس حکمت و فلسفه و متون عربی شد.

وی همچنین در تهران کتاب قانون ابو علی سینا را تدریس می کرد. در حکمت و فلسفه و عرفان دریای بیکرانی بود، و شاگردان خود را از این طریق سیراب می کرد.

دکتر امیر محمود انوار در این مورد می فرماید: چون به تدریس حکمت و عرفان می پرداخت، بحری بود موج و ژرف با حافظه ای قوی و نیرومند، و استدلالی رصین و استوار با جملاتی شیوا و دلربا و ساده مفاهیم مشکل فلسفی را بیان می فرمود، و در تأیید مطالب خود از اشعار فلسفی و عرفانی شاعران بزرگ پارسی و تازی چون: مولوی و حافظ و سعدی و ابن فارض و ابن العربی شاهد می آورد، و در پایان با فروتنی خاص شعر خویش را می خواند.

باری، مقامات معنوی و روحانی او باعث شده بود که در تمام مراحل زندگی علمی خود موفق باشد، در اواخر زندگی با وجود سن زیاد هنوز به تدریس می پرداخت و از حافظه قوی خود بهره می گرفت. مطالب بسیار زیاد و گوناگون در ذهن داشت به طوری که در یک مورد جزئی مدت زمان زیادی به بحث و بررسی می پرداخت.

دکتر انوار در این مورد می‌فرماید: «با وجود کهنولت و کبر سن آیات قرآن و اخبار و احادیث و عبارات کتابهای اشارات و اسفار و شرح منظومه سبزواری و فصوص الحکم محیی الدین و کتب دیگر فلسفی و ادبی را به خاطر داشت، و چون به سخن می‌پرداخت گاه می‌شد که یک ساعت تنها درباره یک بیت از منظومه سبزواری یا یک حدیث، جرّ و بحث را بسط می‌داد».

از دیگر جنبه‌های شخصیتی مرحوم الهی تبجر ایشان در شعر و ادب بود. شعر او به روانی ماء معین و زلالی آب چشمه است که می‌توان افکار گوینده را در ته آن به وضوح مشاهده کرد. شعرش بوی عرفان دارد و در تذکره‌های معاصر هر جا از او نام برده اند فقط به تبجر او در شعر و ادب اشاره کرده‌اند. وی تمام افکار خود را در قالب شعر ریخته و چه اشعار دلربایی، که همه زبانزد دوستان و اهل معرفت است. هم افکار عرفانی خود را در قالب شعر ریخته و هم محبت و عشق خود را به اهل بیت علیهم السلام در قالب شعر بیان کرده است، که نغمه الهی و نغمه عشاق و نغمه حسینی گواه بر این دواند.

علامه حسن زاده آملی در مورد مقام شعری استاد خود می‌فرماید: «از طلعت دیوانش فروغ ان من الشعر لحکمه ساطع است، و از طلاق دیوانش شروق ان من البیان لسحرا طالع، نازکی، اشعارش خود برهان ناطق است و تقریظ ملک الشعرا بهار که در ابتدای نغمه عشاق ثبت است شاهدی صادق».

ایشان همچنین موقعی که در تهران بوده است، به علت تبجر کافی در فن شعر سرایی و تسلط کامل بر علم عروض به تدریس علم عروض نیز پرداخته و خوب است از زبان دکتر انوار بشنویم که محضر او را درک کرده است: «چون به تدریس علم عروض می‌پرداخت، بر وزنهای گوناگون و تغییراتی که بارخ دادن زحاف و علل در آن وزنها بوجود می‌آید فی البداهه شعر می‌گفت، شعری محکم و پرمعنی».

باری، این حکیم و عارف ادیب پس از عمری تلاش و کوشش و به جا گذاشتن آثاری گرانسنگ از خود در روز سه شنبه 12/ربیع ثانی 1393/قمری مطابق با 25

اردیبهشت 1352/ ش به سوی جنان پر کشید و روح ملکوتی خود را تقدیم معشوق ازل کرد.

جنازه اش را با احترام زیاد به قم منتقل کردند و در جوار بارگاه ملکوتی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در وادی السلام خاکفرج به خاک سپردند. در هنگام به خاک سپاری وی مرحوم استاد علامه طباطبائی قدس سره تشریف آورده، و در کنار قبر آن مرحوم نشست و دستمال در دست گرفت و مشغول گریه شد. علامه طباطبائی در جلسه ختم این عارف متشرع فرموده است: «در این سال دو فرد روحانی که خیلی به روحانیت آنها ایمان داشتم از دست ایران بدر رفت، یکی مرحوم آقای شیخ محمد تقی آملی و دیگری مرحوم آقای قمشه ای».

آثار این عالم بزرگوار زیاد است و آنچه که تاکنون نام برده شده است به صورت پراکنده است. اما آثار ذکرشده او عبارت است از:

1- از مهمترین آثار او «ترجمه قرآن مجید» است که از موقعی که چاپ شده تاکنون به عنوان روان ترین ترجمه در دسترس است، و ترجمه او به زبان فارسی در سراسر ایران منتشر شده و فارسی زبانان خارج از کشور نیز از آن استفاده می کنند که خود مایه مباهات است.

2- ترجمه و شرح صحیفه سجادیه.

3- ترجمه مفاتیح الجنان.

4- ترجمه و تفسیر چند خطبه و کلمات قصار حضرت علی علیه السلام به نظم و نثر از جمله: خطبه توحید.

5- ترجمه و شرح فصوص فارابی، تحت عنوان (توحید هوشمندان) در دو جلد.

6- حکمت الهی عام و خاص، در دو جلد.

7- حاشیه بر کتاب مبدأ و معاد «از ملا صدرا».

8- رساله ای در فلسفه کلی.

9- رساله ای در سیر و سلوک.

ص: 2064

10- رساله ای در مراتب ادراک.

11- رساله ای در مراتب عشق.

12- تصحیح و تحشیه تفسیر ابو الفتوح رازی.

13- تصحیح دوبیتی های بابا طاهر عریان.

14- کلیات دیوان اشعار شامل: (نغمه الهی، نغمه حسینی، نغمه عشاق، نغمه لاهوت، مسمطات، اسرار حج و رباعیات).

15- علم کلی و امور عامه فلسفه.

16- دروس عرفانی از مکتب علوی (ع).

17- قصیده خاتمیه.

18- قصیده قرآنی.

19- مناسک حج مشتاقان (اشعار).

در پایان برای شناخت مقام شعری او این غزل را که مرحوم الهی در تحدی با حافظ سروده است تقدیم می نماید:

دوش بر ماه از شکنج طره تاب انداختی

پرده مشکین شب بر آفتاب انداختی

رونق گلزار بردی جلوه مه کاستی

آفتابا هرگه از رویت نقاب انداختی

هرگز امید رهائی نیست صیدی را که سخت

در کمند طره پرپیچ پرپیچ و تاب انداختی

ز آتش عشق آرزوی عقل خامم سوختی

وز شرارش دفتر فکرم در آب انداختی

تا نیفتد بر رخت جز چشم پاک عاشقان

بر رخ و زلف سیه مشکین نقاب انداختی



زاهد اندر رقص و صوفی در سماع انگیختی  
واجد و مستی در سر هر شیخ و شاب انداختی  
کشتی عشاق بشکستی به دریای فراق  
چون شکستی مردم چشم اندر آب انداختی  
وه چه سحر انگیختی کز چشم مست دل فریب  
چشم بیداران عالم را به خواب انداختی  
طایر دل درخور شاهین عشق آمد که دوش  
بهر صیدش زلف چون پر غراب انداختی  
غنچه را چون عاشقان دلتنگ کردی زان دهان  
وز لب ت خون در دل لعل خوشاب انداختی  
تشنگان را چون الهی گاه در دریای عشق  
غرق کردی گه به صحرای سراب انداختی

### فرزندانش:

1- حجه الاسلام شیخ محمد نظام الدین (متوفای اوایل صفر 1418/ق) 2- دکتر حسین الهی.

منابع

- 1- ادبیات معاصر 18.
- 2- تاریخ شهرضا 319.
- 3- چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی 114.
- 4- سخنوران نامی معاصر 11/1.
- 5- سخنوران نامی معاصر ایران 334/1.

6- فرهنگ شاعران زبان پارسی 59.

7- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی 340/5.

ص: 2066



8- فهرست کتابهای چاپی فارسی طبعی 318/1 و 873.

9- گلزار جاویدان 125/1.

10- گنجینه دانشمندان 108/8.

11- مقاله (سر مست صهبای الهی) بقلم آقای اباذری در روزنامه اطلاعات به تاریخ یکشنبه 18 شهریور 1375/ش.

12- منظومه معرفت 63.

13- مؤلفین کتب چاپی 368/6 (تولدش را در سال 1319 ق نوشته است).

14- هفت هزار روز 549/1.

15- یادگار اهل سخن 82.

**سید مهدی انگجی تبریزی**

**اشاره**

(1326-1384 ق)

سید مهدی انگجی فرزند آیت الله سید ابو الحسن و نوه میرزا محمد شیخ الشریعه حسینی تبریزی، از فضلا و بزرگان بود.

تولدش به سال 1326 ق در تبریز اتفاق افتاد.

پدرش سید ابو الحسن انگجی (1282-1357 ق) از فقها و مراجع متنفذ تبریز بود. نامبرده در تبریز از شاگردان میرزا محمود اصولی و سید

عبد الفتاح سرابی بود و در سال 1304 ق به نجف اشرف رهسپار و از محضر آیات: شیخ محمد حسین کاظمی، ملا

ص: 2067

محمد فاضل ایروانی، میرزا حبیب الله رشتی و شیخ محمد حسن مامقانی استفاده نمود و در سال 1310 ق به تبریز مراجعت نمود و تدریس و تربیت طلاب و مجاهدت در راه اعتلای دین پرداخت. از آثار او: رساله فی اللباس المشکوک باسم «ازاحه الالباس»، 2- کتاب الحج (فی شرح شرایع الاسلام)، 3- رساله عملیه، 4- حاشیه علی الریاض، 5- حاشیه علی المکاسب، 6- حاشیه علی الرسائل.

شرح حال میرزا ابو الحسن در کتابهای زیر آمده است: 1- نقباء البشر 2، 43/1- آینه دانشوران 3، 313- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 4، 181- علمای معاصرین 5، 178- ریحانه الأدب 39/5.

سید مهدی انگجی در بیت فضل و دانش پرورش یافت، و پس از سپری نمودن مقدمات، بخشی از سطوح را نزد پدر ارجمند خود آموخت و در سال 1347 ق به قم مهاجرت کرد و سطوح را نزد میرزا محمد همدانی و سید کاظم شریعتمداری به پایان برد. دروس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سید محمد حجت کوه کمری استفاده نمود. سپس به تبریز بازگشت و مشغول تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت در «مسجد دیکباشی» و هدایت گردید.

سرانجام به تهران مهاجرت کرد و پس از استقرار به وظایف دینی و روحی از قبیل اقامه جماعت و ارشاد و تدریس اشتغال ورزید.

## از آثار او

1- تقریرات درس آیت الله حجت.

2- جامع الأخبار.

3- رساله فی تنجیس المتنجس و عدمه.

4- کتابی درباره صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

انگجی پس از عمری تدریس و پژوهش و خدمت، سرانجام در روز دوشنبه 20 شوال 1384/ ق مطابق با 3 اسفند 1343/ ش در سن 58 سالگی در تهران

ص: 2068

چشم از جهان فرویست. پیکرش به قم حمل و در مسجد طباطبائی حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

1- سید علی انگجی، از علمای فعلی تهران 2- دکتر سید علی انگجی 3- مهندس سید رضا انگجی.

## منابع

1- آثار الحجج 229/2.

2- آینه دانشوران 312.

3- افادات فرزندش علامه سید علی انگجی.

4- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 181.

5- گنجینه دانشمندان 380/4.

6- مکارم الآثار 2455/7.

## مهندس مهدی بازرگان

## اشاره

(1327-1415 ق)

استاد بازرگان به سال 1287 شمسی در خانواده ای مذهبی در تهران به دنیا آمد. پدرش حاج عباسقلی بازرگان تبریزی از افراد سرشناس و خیر و روشنفکر متعهد زمان خود و نوه کاظم اسلامبولچی بود.

بازرگان تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه سلطانی و تحصیلات متوسطه را در «دار المعلمین مرکزی» که از اولین مدارس به سبک جدید بود به پایان رسانید، و پس از خاتمه تحصیلات در سال 1306 شمسی برای ادامه تحصیلات همراه محصلین ممتاز اعزامی دولت، به کشور فرانسه رفت.

بازرگان ضمن تحصیل در کشور فرانسه، به بررسی زندگی اجتماعی فرانسویان

ص: 2069

پرداخت، و ملاحظه آزادیهای اجتماعی و وسائل رفاهی و آسایش آن مردم در مقایسه با مردم کشور ایران که در آن زمان از وسائل و آزادیهای اولیه زندگی نیز محروم بودند، وی را به تفکر و اندیشه و پیدا کردن تناقضها و یافتن راه حل‌های لازم واداشت. بازرگان علی رغم تمدن و پیشرفتی که مشاهده می کرد، برای اسلام و مسلمانان و ایرانیان قائل به شخصیت و ابتکار و خلاقیت بود و به همین دلیل اولین نطق خود را تحت عنوان «مقلد نباشیم» در مقابل گفته های یکی از روشنفکران آن زمان که گفته بود: (ملت ایران برای پیشرفت بایستی سرتاپا مقلد غرب باشند)، برای دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه در سال 1306 ش ایراد نمود. و از این رو می توان او را از اولین مبارزین علیه «غرب زدگی» دانست.

مهندس بازرگان پس از تحصیلات در رشته ترمودینامیک در سال 1313 ش با آرزوی خدمت به مردم به ایران بازگشت. پس از پایان خدمت نظام وظیفه در سال 1315 ش به عنوان دانشیار در دانشکده فنی به کار مشغول شد. در سال 1319 ش با علامه سید محمود طالقانی در کانون اسلام آشنا شد و دوران جدیدی در زندگی او آغاز گردید، که باید آن را دوران جدیدی در تجدید حیات اسلام نام گذاشت.

دوستی و همکاری در فعالیتهای مذهبی و تفاهم سیاسی که میان بازرگان و طالقانی از این روزها و در کانون اسلام آغاز شد برای همیشه پایدار ماند، و علی رغم بعضی جدائیهای اجباری این دو چه در میدان مبارزه و چه در گرفتاریهای ساواک و زندان و... همراه و همگام یکدیگر بوده اند. خود او در این باره می گوید: (...من و آیت الله

طالقانی به ارث و عقیده چنین تربیت شده ایم، که به موازات وظیفه فردی و وظیفه خانوادگی، خدمت اجتماعی و اسلامی را نیز جزء برنامه خود بدانیم. مسافرت به اروپا و مطالعات آنجا ضرورت این طرز تفکر را در بنده تقویت کرد...).

این ضرورت بود که او را به همکاری فعال با کانون اسلام و تأسیس (انجمن اسلامی دانشجویان) و در کنار آن تأسیس کانون مهندسين (1321 ش) و کوشش برای آمیختن مذهب با تکنیک و فنون جدید کشاند.

ید الله سبحانه مهدی بازرگان تبریزی ابراهیم یزدی

## آغاز فعالیت‌های سیاسی

در سالهای ملی شدن صنعت نفت با اینکه او مردی نبود که در زمینه های سیاسی فعالیت زیادی داشته باشد، دکتر محمد مصدق او را برای یکی از مهمترین پستهای تاریخی یعنی نخستین (مدیر شرکت ملی شده نفت ایران) برگزید. بازرگان این مأموریت بزرگ را صادقانه و صمیمانه به انجام رساند، بی آنکه پس از آن توقع مقامی داشته باشد. هنگام کودتای ننگین /28 مرداد 1332/ ش و سقوط حکومت مردمی دکتر مصدق، سرپرستی سازمان آب تهران را به عهده داشت، و چون دولت

ص: 2071

کودتا استفاده از نام نیک و اطلاعات فنی او را مایهٔ آبرومندی خود می‌شمرد، بازرگان نمی‌توانست خاموش بماند و چون دیگ بر آتش باشد و نجوشد. بنابراین به خاطر امضای نامه‌ای اعتراض آمیز علیه انتخابات غیر قانونی مجلس از سازمان دولتی کنار گذارده شد (بهمن 1332 ش).

از این پس بازرگان وارد فعالیتهای سیاسی شد و با قاطعیت در جناح تندرو جبههٔ ملی مبارزه بی‌وقفه‌ای را آغاز نمود، و همراه با دانشجویان مبارز دانشگاه به فعالیتهای مستمر سیاسی وارد گردید. پس از سقوط مصدق، دانشگاه و بازار تهران دو کانون متفاوت بودند که مردم را به ایستادگی در برابر نظامیان تشویق و ترغیب می‌نمودند، و مهندس بازرگان استاد محبوب دانشکدهٔ فنی، همراه یاران دانشگاهی و مذهبی خود چون: طالقانی، سید رضا زنجانی، دکتر یدالله سحابی و رحیم عطائی وارد میدان شد، و نهضت مقاومت ملی را پایه‌گذاری نمود.

دکتر علی شریعتی همراه پدرش استاد محمد تقی شریعتی نهضت را در مشهد اداره می‌کردند.

استاد احمد صدر حاج سید جوادی نیز این حرکت را در قزوین هدایت می‌نمود، و تعدادی دیگر از شاگردان بازرگان چون: معین فر، کتیرائی، عزت‌الله سحابی، طاهری قزوینی، و دکتر ابراهیم یزدی نیز در نهضت فعالیت می‌نمودند و در پی این هدف بودند تا همهٔ هواداران دکتر مصدق و مخالفان رژیم استبدادی پس از او را در یک جبهه متشکل کنند.

در آذر 1332 ش هنگام مذاکرات با کنسرسیوم نفت، بازرگان و ده تن از استادان دانشگاه نامهٔ اعتراضی به کمیسیون نفت مجلس فرستادند، که باعث شد همگی آنان از دانشگاه اخراج گردند.

در سال 1333 ش چاپخانهٔ مخفی نهضت مقاومت ملی کشف شد، و بازرگان و سحابی و چند تن دیگر دستگیر و زندانی شدند. این نخستین بار بود که بازرگان به زندان می‌افتاد. او به مدت 8 ماه در زندان لشکر 2 زرهی محبوس ماند، و در همین

زندان بود که کتاب معروف «عشق و پرستش» را به رشته تحریر درآورد.

نهضت مقاومت ملی مبارزه خود را به همین شیوه تا سال 1339 ش ادامه داد و دو هدف اصلی را پیگیری می نمود: اول، زنده نگهداشتن روحیه مقاومت در مردم.

دوم، جلوگیری از سازش سران جبهه ملی با دولتهای برگزیده شاه و با همین هدف مانع شرکت «اللهیار صالح» و رهبر حزب ایران و چند تن دیگر در دولت حسین علاء شدند.

در اردیبهشت سال 1340 ش بازرگان، سید محمود طالقانی، و دکتر یدالله سحابی (نهضت آزادی ایران) را که یک سازمان سیاسی اسلامی بود، به وجود آوردند.

خود بازرگان درباره تأسیس نهضت آزادی ایران چنین می گوید: «جبهه ملی ایران همان طور که از اسمش پیداست جبهه بود، یعنی اجتماع و اتحادی از واحدها یا مکتب های اجتماعی و بعضی افراد شاخص که دارای مقصد مشترک استقلال کشور و آزادی ملت بودند، ولی مقصد مشترک داشتن ملازم محرک داشتن نیست. چنین انتظاری نباید داشت. محرک بعضی ممکن است ناسیونالیسم، بعضی دیگر عواطف انسانی یا تعصبهای نژادی و محرک بعضیها مثلا سوسیالیزم باشد...»

جبهه ملی در همه جای دنیا مجمعی از سنن و افکار و رنگهای مختلف می تواند باشد. ولی برای ما و برای عده ای زیاد از همفکران و شاید اکثریت مردم ایران محرکی جز مبانی و معتقدات مذهبی و اسلامی نمی توانست وجود داشته باشد.

نمی گویم سایرین مسلمان نبودند یا مخالفت با اسلام داشتند، برای آنها اسلام، ایدئولوژی اجتماعی و سیاسی حساب نمی شد، ولی برای ما مبناي فکری و محرک و موجب فعالیت اجتماعی و سیاسی بود...».

### **فهرست آثار قلمی مهندس بازرگان به صورت زیر می باشد:**

از سال 1320 تا 1340 ش:

1- یادداشتهای ترمودینامیک.

ص: 2073

2- ترمودینامیک صنعتی، 2 جلد.

3- مطهرات در اسلام (ترجمه).

4- راهی طی شده .

5- بی نهایت کوچک ها.

6- مذهب در اروپا.

7- ضریب تبادل مادیات و معنویات.

8- آثار عظیم اجتماع.

9- آموزش قرآن.

10- خداپرستی و افکار روز.

11- عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان.

12- انسان و خدا.

13- از خداپرستی تا خودپرستی (یا اسلام و کمونیسم).

14- احتیاج روز.

15- دل و دماغ .

16- پراگماتیسم در اسلام.

17- خدا در اجتماع.

18- یادداشت‌هایی از سفر حج.

19- سرچشمه استقلال.

20- اسلام جوان.

21- خودجوشی.

22- اختیار.



23-مرز میان دین و سیاست.

24-سازگاری ایرانی.

25-انگیزه و انگیزنده.

ص:2074

- 1- درس دینداری.
- 2- اسلام، مکتب مبارز و مولد.
- 3- علی علیه السلام و اسلام.
- 4- تبلیغ پیغمبر.
- 5- دعا.
- 6- حکومت جهانی واحد.
- 7- مسلمان اجتماعی و جهانی.
- 8- کار در اسلام و ایران.
- 9- آزادی هند.
- 10- پیروزی حتمی.
- 11- خانه مردم.
- 12- مسأله وحی.
- 13- ذره بی انتها.
- 14- خلاصه تحلیلی از جنگ شکر در کوبا.
- 15- نیک نیازی.
- 16- دفاعیات در دادگاه تجدید نظر نظامی.
- 17- باد و باران در قرآن.
- 18- بعثت و ایدئولوژی.
- 19- پدیده های جوی.

**از سال 1350 ش به بعد:**

1- دین و تمدن.

2- سیر تحول قرآن.

3- بررسی نظریهٔ اریک فروم.

ص: 2075

4- علمی بودن مارکسیسم.

5- آفات توحید.

6- توحید، طبیعت، تکامل.

7- زمان و انسان.

8- جمله شناسی قرآن.

9- امام و زمان.

10- اسلام و جوانان.

11- بازی جوانان با سیاست.

سرانجام بعد از ظهر روز جمعه 18 شعبان 1415/ ق مطابق با 30 دی/ 1373 ش به سن 88 سالگی در فرودگاه زوربخ سویس در پی بیماری قلبی درگذشت. و جسدش به تهران منتقل گردید، و پس از تشییع مهیب در صبح روز دوشنبه 3 بهمن در تهران و مراسم نماز توسط دکتر سحابی جهت خاکسپاری به قم انتقال یافت، پیکر ایشان از خیابان باجک به حرم مطهر تشییع و از آنجا به مقبره بیات (واقع در مقابل پل آهنچی) و در مقبره خانوادگی رأس ساعت 3 بعد از ظهر به خاک سپرده شد.

### سید مهدی بحر العلوم قزوینی

(-بعد از 1370 ق)

از علمای تهران بود، و با علامه سید محمد باقر بحر العلوم تهرانی و علامه شیخ ابو الفضل خراسانی و عده ای دیگر از علماء و اتقیاء مراوده داشتند.

وی دارای علوم ظاهری و معنوی و مکاشفات و مقامات باطنی و حافظ قرآن و طرائف و نوادر بود. ایشان بعد از سال 1370 ق در تهران درگذشت، و در قم به خاک سپرده شد.

منبع

1- گنجینه دانشمندان 394/4.

ص: 2076

(1300-1388 ق)

میرزا مهدی بروجردی فرزند حاج میرزا محمود، به سال 1300 ق در بروجرد متولد شد.

پس از طی دوران مقدماتی تحصیل، سطح را نزد حاج شیخ محمد حسین مجتهد بروجردی و ملا عبد العظیم بروجردی گذراند، سپس به اراک رفت و به تجارت و طلبگی اشتغال ورزید. ضمن اینکه در حوزه درس آیت الله سید نور الدین عراقی (صاحب تفسیر القرآن و العقل) حاضر می شد، و به تجارت نیز می پرداخت.

پس از ورود آیت الله حائری به اراک به سال 1336 ق به حوزه درس ایشان پیوست و همراه وی به مشهد رفت و در بازگشت همراه ایشان در قم ساکن شد. و در حقیقت یکی از همکاران آیت الله حائری در تأسیس حوزه علمیه قم محسوب می شد و رتق و فتق امور حوزه را به او واگذار گردید. وی بنیانگذار مراسم اعتکاف در قم در ایام البیض رجب المرجب می باشد.

و پس از فوت آیت الله حائری منزوی و گوشه نشین شد، و به تألیف اشتغال ورزید و در جمادی ثانی 1388/ ق مطابق با شهریور 1347/ ش درگذشت و در کنار قبر حاج شیخ در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. حضرت آیت الله گلپایگانی داماد ایشان بود.

### از آثار او:

1- بیان حقیقت (در رد کتاب سنجش حقیقت).

2- درد بی درمان یا بدبختی های اجتماع، 2 جلد.

3- اسلام و مستمندان.

4- برهان روشن (در عدم تحریف قرآن کریم).

ص: 2077

5- تیره بخت.

6- اسرار مقبره سبز.

7- اسرارنامه زرد.

8- پایان سرنوشت در دریا.

9- دوشیزه قهرمان.

10- عشقهای سلطان عبد الحمید.

11- غمهای زندگی.

12- قصرهای زیرزمینی.

13- کاپیتان راشل.

14- ماجرای دلیر.

منابع

1- آثار الحجه 77/2.

2- آینه دانشوران 51.

3- خورشید آسمان فقاها و مرجعیت 67.

4- رجال قم 163.

5- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 60/2.

6- فهرست کتابهای چاپی فارسی 317/1 و 754 و 833.

7- گنجینه دانشمندان 86/2.

8- مؤلفین کتب چاپی 435/6.

**شیخ مهدی حائری یزدی**

**اشاره**

(1341-1420 ق)

استاد، فیلسوف، فقیه و اصولی گرانقدر زنده یاد حاج دکتر شیخ مهدی حائری یزدی پس از عمری خدمت و تدریس و زهد و تقوی در 79 سالگی در تهران درگذشت.

وی در سال 1341 ق مطابق با فروردین 1302/ ش در بیت علم و فقاہت و

ص: 2078

زعامت حوزه علمیه در شهر مذهبی و تاریخی قم دیده به جهان گشود. پدرش آیت الله فقیه نامدار جهان تشیع حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم می باشد.

استاد حائری دوران کودکی اش را برخلاف دوران سایر کودکان به تحصیل و آموختن علوم سپری کرد. پس از طی دوران صباوت از سن 9 سالگی با جدیت تمام به تحصیل مقدمات اشتغال ورزید. ادبیات عرب را از محضر اساتیدی چون: علامه شیخ محمد علی ادیب تهرانی (مطول) و شیخ ابو القاسم نحوی قمی و شرح لمعه را از محضر آیت الله سید شهاب الدین مرعشی فراگرفت.

آنگاه به فراگیری دوره سطح پرداخت و دروس مهم آن را نزد اساتیدی چون حضرات آیات: برادر ارجمند و ارشد خود شیخ مرتضی حائری (مکاسب)، سید روح الله خمینی (رسائل) و سید محمد رضا گلپایگانی (کفایه الاصول) استفاده نمود. درس کفایه را با استاد شیخ مرتضی مطهری مباحثه می کرد.

دکتر حائری دروس عالی حوزه - خارج فقه و اصول - را از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده نمود و اغلب دروس را به زبان عربی با قلمی بسیار شیوا و روان یادداشت می کرد.

استاد علاوه بر تحصیل درجه عالی علمی، در علوم عقلی تحصیل و تحقیق فراوان انجام داد. و در اثر عشق به این علوم سالهای بسیار متمادی در راه کسب و



تعلیم این رشته پرداخت. به همین خاطر پس از فراگیری مقدمات علوم عقلی دروس اسفار- ملا صدرا-را از محضر آیت الله حاج آقا روح الله خمینی استفاده نمود و این درس را با آیت الله مرحوم شیخ محمد فکور یزدی مباحثه کرد. مدت تحصیل اش نزد آیت الله خمینی حدود 12 سال طول کشید.

مؤلف در کنار دکتر شیخ مهدی حائری

استاد حائری از سال 1370 ق در تهران توقف و در مدرسه سپهسالار اقامت نمود و از دروس کتاب شفا (اثر ابن سینا)، علامه میرزا مهدی آشتیانی و شرح اشارات آیت الله سید احمد خوانساری بهره های بسیار کسب نمود. در ضمن خود به تدریس حکمت در این مدرسه اشتغال پیدا کرد.

ایشان در ضمن مسافرت های کوتاه خود از محضر دانشمندان و حکمای زیادی به کسب فیض پرداخت که می توان به سفر هفت ماهه ایشان و توقف در مشهد مقدس اشاره کرد. در آنجا از دروس عقلی حکیم فرزانه شیخ سیف الله ایسی بهره مند شد. و نیز به سفر پنج ماهه ایشان به نجف اشرف که در اواخر زندگی آیت الله حجت صورت گرفت و استفاده از اساتید آن سامان یعنی، شیخ حسین

ص: 2080

حلی (فقه)، سید محمود شاهرودی (فقه) و سید ابو القاسم خوئی (تنبهات استصحاب) می توان یاد کرد. البته وی در نجف به تدریس شرح منظومه اشتغال نمود و جمعیت بسیاری پیدا کرد ولی در اثر احساس بی نیازی از آن حوزه بزرگ به قم بازگشت.

استاد در 1379 ق به نمایندگی آیت الله بروجردی، رهسپار آمریکا (ایالت واشنگتن) شد و رسیدگی به امور شیعیان پرداخت.

### **آثار قلمی استاد به شرح زیر است:**

- 1- آفاق فلسفه تفکر (مجموعه مصاحبه ها و گفتگوها).
- 2- آگاهی و گواهی، این کتاب ترجمه و شرح انتقادی رساله تصور و تصدیق ملا صدرا است.
- 3- الحجج فی الفقه، تقریرات اصول بروجردی، در سه جلد. جلد اول این اثر از سوی مؤسسه انتشارات رسالت در سال 1419 ق در 277 صفحه و زبیری در قم منتشر شده است.
- 4- تقریرات اصول آیت الله خوانساری.
- 5- تقریرات اصول آیت الله حجت (دوره کامل).
- 6- تقریرات فقه آیت الله بروجردی.
- 7- تقریرات فقه آیت الله حجت.
- 8- حکمت و حکومت (درباره فلسفه سیاسی و تئوری ولایت فقیه).
- 9- شرح الشفاء- اثر ابن سینا.
- 10- علم حضوری (رساله دکتر-به زبان انگلیسی).
- 11- علم کلی (فلسفه مابعدالطبیعه)، این اثر نخستین تألیفات استاد است در علوم عقلی، ابتدا در سال 1337 ش در تهران در 139 صفحه به چاپ رسید و سپس در سال 1373 ش از سوی انتشارات فاخته تجدید چاپ شد.

12- علوم قرآن.

13- کاوشهای عقل نظری، 1361 ش، امیر کبیر، 262 ص.

14- کودک اندلسی.

15- متافیزیک (مجموعه مقالات فلسفی-منطقی)، 1360 ش، نهضت زنان مسلمان، 226 ص.

16- هرم هستی (مجموعه درس های استاد در انجمن حکمت و فلسفه)، 1361 ش، انتشارات همان انجمن، 302 ص.

متأسفانه ایشان در ظهر روز پنجشنبه 24/ربیع الاول/1420 ق مطابق با 17/ تیر 1378 ش در پی ابتلا به بیماری در تهران درگذشت. پیکرش روز شنبه در تهران و قم تشییع و در حرم حضرت معصومه علیها السلام-در کنار محراب مسجد طباطبائی-به خاک سپرده شد.

### **نگاهی به زندگی استاد حائری**

یزدی به نقل از روزنامه همشهری

فیلسوف و منطق دان بزرگ استاد دکتر مهدی حائری یزدی در فروردین ماه 1341 ق در شهر قم در خانواده ای عالم و روحانی دیده به جهان گشود.

پدر وی، آیت الله عبد الکریم حائری، مرجع تقلید و مؤسس حوزه علمیه قم، یکی از بزرگترین و بانفوذترین علمای زمان خود بود. استاد حائری پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه به حوزه علمیه قم راه می یابد و البته در این دوران از محضر پدر بزرگوارشان به

ص: 2082

یادگیری و تحصیل علوم دینی می پردازند. دوران اولیه تحصیلات استاد به فراگیری زبان و ادبیات عرب، فقه و اصول، منطق و فلسفه می گذرد و ایشان پس از سه سال تحصیل، دوره سطح را در فقه و اصول طی کرده و برای اخذ درجه اجتهاد به دروس خارج که دروس اجتهادی است راه پیدا می کند. از آنجایی که علاقه مندی استاد در دوران تحصیلاتشان بیشتر معطوف به علوم عقلی بود، لذا به جستجوی بهترین اساتید در این زمینه ها پرداخته و دروس خارج را نزد آنان فرامی گیرد. درسهای خارج فقه و اصول را نزد آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله حاج سید محمد حجت کوه کمری و آیت الله حاج سید محمد تقی خوانساری می آموزد. وی شرح الهدایه ملا صدرا و شرح الاشارة خواجه نصیر الدین طوسی را که تفسیری بر اشارات و تنبیهات ابن سینا است و ریاضیات قدیم را نزد آیت الله سید احمد خوانساری می خواند. استاد، شفای ابن سینا را نزد فیلسوف عالیقدر میرزا مهدی آشتیانی در مدرسه سپهسالار در تهران و فلکیات شرح منظومه و منطق را نزد سیف الله ایسی می آموزد. درس فلسفه که شامل دوره شرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری و دوره کتاب اسفار ملا صدرا است، استاد به مدت دوازده سال نزد امام خمینی تحصیل می کنند.

شیخ عبد الکریم حائری یزدی

استاد حائری پس از گذراندن دوران تحصیلات اجتهادی خود سرانجام به اخذ درجه اجتهاد از سوی آیت الله العظمی بروجردی نائل می شوند. در دوران حکومت دکتر مصدق با معرفی آیت الله العظمی بروجردی به عنوان مجتهد به شورای

ص: 2083

عالی فرهنگ به انجام وظیفه می پردازند و در سال 1339 به عنوان مجتهد تام الاختیار از سوی آیت الله العظمی بروجردی عازم کشور امریکا می گردند. استاد حائری گرچه به طور نسبی به یادگیری فلسفه اسلامی پرداخت با این حال وی تحصیلات خود را پایان یافته تلقی نکرد. علاقه استاد به یادگیری و تحصیل روشها و متدهای جدید مطالعه فلسفه اسلامی موجب شد تا ایشان به سال 1332 دکترای خود را از دانشکده الهیات دانشگاه تهران دریافت کند. استاد حائری در امریکا علاوه بر انجام وظایف مذهبی محوله از سوی آیت الله العظمی بروجردی، به تحصیل فلسفه غرب در دانشگاههای امریکا و کانادا می پردازد. ایشان با تحصیل در دانشگاههای جرج تاون و هاروارد به اخذ درجه لیسانس نائل آمده و سپس در سال 1971 به دانشگاه میشیگان راه یافته و پس از گذراندن دروس دوره فوق لیسانس در سال 1973 از دانشگاه تورنتو در همین دانشگاه برای دوره دکتری ثبت نام کرده و سرانجام پس از هفت سال مطالعه و تحقیق در بهار سال 1979 به اخذ درجه دکتری در رشته فلسفه آنالیتیک نائل می شوند. استاد حائری را می توان از چهره های درخشانی دانست که نه تنها با فلسفه اسلامی و متفکرانی چون ابن سینا، سهروردی، ابن عربی، خواجه نصیر الدین طوسی، ملا صدرا و دیگران به خوبی آشنا هستند بلکه توانسته اند با جهان متفکران غربی همچون کانت، هگل، راسل، ویتگنشتاین آشنا گردیده و درباره مسائل فلسفه غربی با استفاده از منابع دست اول به نگارش بپردازند. استاد مهدی حائری یزدی نماینده برجسته سنت فلسفه اسلامی است. او فیلسوف اسلامی متعلق به حیات فلسفه اسلامی است اما مسائل و افقهای جدیدی که ایشان در آثار خویش مطرح کرده اند ناشی از برخورد مستقیم با فلسفه غربی است. این برخورد به دلیل چالشها و دیالوگهای روشنگرانه درون فلسفه غربی حائز اهمیت است و استاد توانستند با بهره گیری از دنیای متلاطم اندیشه غربی و با گذر از درون سنت اندیشه غربی، به اندیشه فلسفی اسلامی حیات و زندگی نوینی ببخشند.

استاد حائری در خلال عمر پربار خود در دانشگاه ها و مؤسسات علمی مختلف به تدریس پرداخته اند که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

1- تدریس الهیات و فلسفه در دانشگاه تهران از 1323 به بعد.

2- تدریس در مدرسه سپهسالار قدیم (جنب مدرسه مروی)

3- تدریس در مرکز تحقیقات ادیان جهانی دانشگاه هاروارد (5-1964).

4- تدریس فلسفه اسلامی و ادبیات فارسی در مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل در خلال سالهای 50-1348.

5- تدریس فلسفه و فقه اسلامی در دانشگاه میشیگان در خلال سالهایی 51-1350 (72-1971).

6- تدریس ادبیات فارسی در زمینه تاریخ بیهقی در رشته فوق لیسانس دانشگاه تورنتو در خلال سالهای 55-1353 (75-1974).

7- تدریس در مؤسسه تحقیقات فلسفه قرون وسطا-دانشگاه تورنتو.

8- تدریس در دانشگاه جرج تاون تحت عنوان «مبادی عناصر الهی در جوامع اسلامی» در سال 1358 (1979)

9- استاد فلسفه در دانشگاه میل-دانشگاه دولتی نیویورک.

10- تدریس در دانشگاه آکسفورد انگلستان به مدت یک سال.

11- استاد حائری در سالهای اخیر زندگی، در منزل خویش به تدریس فلسفه در دوره دکترا مشغول بودند.

## تالیفات

1- علم کلی (فلسفه مابعدالطبیعه) نخستین تألیف استاد در مورد برخی مسائل فلسفی، انتشارات فاخته، 1373 ش.

2- کاوشهای عقل نظری

3- T A esiter no egdelwonK yb P ecneser تز دکترای استاد در دانشگاه تورنتو

ص: 2085

تحت عنوان «علم حضوری».

4-هرم هستی: (مجموعه درس های استاد در انجمن حکمت و فلسفه).

5-آگاهی و گواهی: این کتاب ترجمه و شرح انتقادی رساله تصور و تصدیق ملا صدرا است.

6- Efo selpicnirp ehT ecneserp ni ygolometsipI cimalsI yhpsolihP egdelwonK: یب

این کتاب به سال 1992 در دانشگاه دولتی نیویورک به چاپ رسیده است.

7-کاوشهای عقلی عملی.

8-رساله عربی در تفسیر شفای ابن سینا (این اثر هنوز به چاپ نرسیده است).

9-آثار منتشر نشده در علم اصول و تقریرات درس فقه آیت الله بروجردی.

از استاد تاکنون مقالات متعددی به زبانهای انگلیسی، عربی و فارسی در زمینه منطق و فلسفه اسلامی در نشریات معتبر علمی به چاپ رسیده است که خوانندگان جهت آگاهی بیشتر از مقالات استاد به مقدمه کتاب متافیزیک ایشان می توانند رجوع کنند.

### شیخ مهدی حرم پناهی قمی

### اشاره

(1319-1374 ق)

شیخ مهدی فرزند آیت الله شیخ حسن و نوه آیت الله ملا حسین قمی (حرم پناهی).

در 10 شعبان 1319/ق در قم دیده به جهان گشود.

### تحصیلات عالی

ایشان پس از طی مقدمات، سطوح را نزد پدر خود و شیخ ابو القاسم قمی «کبیر» تلمذ کرد، و خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سید ابو الحسن اصفهانی (در قم) استفاده نمود.

ص: 2086

وی دارای تألیفاتی در فقه و اصول بود، ولی متأسفانه در حادثه سیل 1353 ق قم از بین رفت، و فقط اشعاری را که گاه گاهی می سرود از او به جای ماند.

از ویژگیهای ایشان این بود که:

رجوع به طاغوت و حکومت وقت را حرام می دانست، و لذا منزل خود را به ثبت نرسانید و شناسنامه نگرفت، و فرزندان را به مدارس دولتی نفرستاد، و با رضا خان پهلوی مبارزه کرد، و در بحث و جدل و استحضار مطالب علمی معروف بود.

### **درگذشت و اعقاب**

وی در جمادی ثانی 1374/ ق مطابق با بهمن 1333/ ش در سن 55 سالگی در قم درگذشت، و در ایوان طلای حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

میرزا محسن حرم پناهی

ص: 2087



## فرزندانش:

1- آیت الله شیخ محسن حرم پناهی (متولد سال 1347 ق در قم) 2- آقا حسین و یک دختر.

منابع

1- آثار الحجه 77/2.

2- آینه دانشوران 191.

3- افادات فرزندش حاج شیخ محسن حرم پناهی.

4- رجال قم 163 (وی را نوه دختری ملا حسین قمی خوانده، که اشتباه است).

5- گنجینه دانشمندان 134/2.

**شیخ مهدی حکمی «پائین شهری»**

## اشاره

(1281-1360 ق)

حاج شیخ مهدی قمی فرزند علامه شیخ علی اکبر و نوه محمد مهدی یزدی، ملقب به (حکمی) و معروف به (پائین شهری)، از علمای طراز اول و متقی و زاهد قم بود.

او در سال 1281 ق در قم متولد شد.

## تحصیلات در حوزه های علمیه

ایشان پس از طی مقدمات و سطوح در زادگاه خود به تهران رفت، و فلسفه را از محضر میرزا ابو الحسن جلوه اصفهانی استفاده نمود، و در حدود سال 1310 ق به سامرا مهاجرت کرد، و از محضر آیات: میرزا محمد حسن شیرازی، سید محمد فشارکی اصفهانی و میرزا محمد تقی شیرازی کسب فیض کرد، و داماد آیت الله سید ابو الحسن طالقانی شد ولی پس از چندی جدا شدند.

ص: 2088

## در حوزه نجف اشرف

وی پس از رحلت میرزای شیرازی به نجف اشرف رفت، و از محضر آیات:

میرزا حسین خلیلی تهرانی و شیخ محمد کاظم خراسانی در فقه و اصول، و در علوم حدیث از میرزا حسین نوری بهره مند گردید، و یکی از یاران محدث نوری در کتابش (مستدرک الوسائل) و یکی از مجازین روایت از او بود.

شیخ علی اکبر حکمی زاده یزدی

## مراجعت به وطن

پس از انجام تحصیلات عالی خود، در حدود سال 1322 ق به زادگاهش بازگشت، و عظمت زیادی کسب کرد، و همواره مشکلات و دعاوی مردم را حل می نمود، و در همه حال ملجأ و پناه آنان بود، و حدود شرعی را اجرا می ساخت.

وی علاوه بر تسلط بر فقه و اصول، در رشته های: فلسفه، کلام، و علم الحدیث مهارت زیادی داشت، و از لحاظ زهد و تقوا جایگاه والایی کسب کرد، و بعضی کرامات را نیز به وی نسبت می دهند.

ایشان اجازات علمی و روایی از حضرات آیات: میرزا حسین نوری، سید مرتضی کشمیری، میرزا محمد تقی شیرازی، و شیخ الشریعة اصفهانی دریافت کرده بود.

## از آثار او

1- حاشیه علی کفایه الاصول.

2- حاشیه علی مطارح الأنظار (که از تقریرات شیخ انصاری است).

ص: 2089

1- آثار الحجّه 117/1 (تولدش را به سال 1208 ق نوشته است).

2- الاجازة الكبيّرة 229.

3- المسلسلات في الاجازات 343/2.

4- المفصل في تراجم الأعلام (خطی - اشكوری).

5- أعيان الشيعة 153/10.

6- تاريخ قم 284.

7- رجال قم 164 (تولدش را به سال 1280 ق نوشته است).

8- مكارم الآثار 2405/7.

9- نقباء البشر (قسمت خطی) و 1608/4.

10- هديه الرازي الى المجدد الشيرازي 164.

### سید مهدی حکیم « طباطبائی »

(1408-1354 ق)

سید مهدی فرزند آیت الله سید محسن و نوه سید مهدی طباطبائی حکیم، از فضلا و مجاهدات معاصر بود.

او در سال 1354 ش مطابق با 1314 ش در نجف اشرف متولد گردید.

پدرش از فقها و مراجع معروف نجف اشرف بود. وی در 1306 ق متولد در سال 1390 ق درگذشت.

سید مهدی حکیم بنا به دستور پدر

خود مقدمات را نزد آیت الله شیخ محمد تقی فقیه عاملی سپری کرد و دروس سطح را از محضر سید محمد علی حکیم (داماد سید محسن حکیم) به پایان برد و دروس خارج را از محضر آیات: شیخ حسین حلی، سید ابو القاسم خوئی و سید محمد باقر صدر بهره مند گردید.

وی در سال 1384 ق به بغداد رفت و به وظایف دینی و مبارزه سیاسی و تأسیس مساجد دینی و مراکز علمی از جمله (کلیه اصول الدین) در بغداد نمود و از مدرسان علوم دینی گشت. سرانجام در سال 1390 ق در اثر فعالیتهای سیاسی علیه رژیم بعث، عراق را برای همیشه ترک گفت.

او ابتدا به ایران رفت و پس از چند ماه به سوی کراچی پاکستان کوچ کرد، سپس شهر دبی - امارات متحد عربی، را برگزید و سالی چند اقامت کرد و به فعالیتهای مذهبی و سیاسی خود ادامه داد. در سال 1399 ق دبی را به مقصد لندن ترک گفت و تا آخر عمر خود آنجا زیست و مرکز جهانی اهل بیت علیهم السلام و حزب الأفواج الإسلامیة را بنیاد نهاد و خدمات مهمی به مذهب اهل بیت تقدیم نمود.

از راست به چپ: سید ابو القاسم خوئی، سید محسن طباطبائی حکیم، سید محمود شاهرودی، سید علی طباطبائی تبریزی

در زمینه های فرهنگی نیز از فعالان بود و آثار قلمی چندی به رشته تحریر

ص: 2091

در آورد که می توان به مقالات مفصل او در مجله «الهادی» منتشر در قم و نیز انتشار کتاب (نکسه الخامس حزیران) اشاره کرد.

حکیم در پی دعوت دولت سودان به آن کشور سفر کرد و در خارطوم- پایتخت سودان- در هتل هلتون به ضرب گلوله چند عامل امنیتی عراقی به درجه رفیعۀ شهادت رسید.

پیکرش عصر روز 24 جمادی الثانی 1408/ ق از مسجد قبا- میدان امام- تشییع و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

فرزندانش: 1- مهندس سید صالح حکیم 2- حجه الاسلام سید علی حکیم.

منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- مستدرک أعیان الشیعه 260/3.

3- معجم المؤلفین العراقین 344/3.

**سید مهدی روحانی قمی**

**اشاره**

(1411-1354 ق)

شرح حال زیر که به درخواست نگارنده توسط فرزندش تهیه و تنظیم شده، تقدیم می گردد:

بسمه تعالی

مختصری از زندگینامۀ حجه الاسلام و المسلمین دکتر سید مهدی روحانی

حجه الاسلام و المسلمین دکتر سید مهدی روحانی (رحمه الله علیه) فرزند فقید سعید آیت الله حاج سید احمد روحانی (قمی) قدس سره و سبط مرحوم آیت الله العظمی سید صادق قمی قدس سره. او در سال 1314 ش. دیده به جهان گشود که از همان سنین کودکی مورد توجه و مراقبت خاص پدر بزرگوار خود قرار گرفت.

مادر ایشان هم صبیۀ مرحوم آیت الله حاج شیخ فضلعلی قزوینی قدس سره است که از

ص: 2092

شخصیت های برجسته علمی و سیاسی روزگار خود بود و در قزوین ملجأ و مرجع مردم بوده و به اقامه جمعه می پرداخت. بنابراین کانون مناسبی برای رشد و تربیت ایشان فراهم بود پدری از سلسله علما و اهل مراقبت و تهذیب نفس و کمالات معنوی و در دامان مادری متدین و اهل عبادت و تهجد و شیفته اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام.

زمان تولد ایشان مصادف بود با مبارزه رضا خان با علماء دین و همچنین مسأله کشف حجاب که در اثر آن عده ای از علما به ناچار جلاء وطن کرده و به عتبات عالیات نجف و کربلا عزیمت کردند از جمله والد ایشان که با خانواده اقدام به مهاجرت به عراق کردند و مرحوم حاج آقا مهدی اوایل کودکی خود را در آنجا سپری کرد.

پس از فتنه کشف حجاب به ایران مراجعت کردند و مرحوم آیت الله حاج آقا احمد(ره) والدشان به دعوت بعضی از علماء و مردم تهران در آن بلد ساکن شده و در مسجد بنی هاشم واقع در خیابان شهید نام جو(گرگان سابق) به اقامه جماعت پرداختند.

مرحوم حاج آقا مهدی(ره) می فرمودند که در همان دوران نوجوانی هم زمان با دروس جدید تحصیل دروس حوزوی را نیز نزد پدر خویش شروع کردند و بعداً سطوح را نزد اساتید و علماء تهران فراگرفته و نیز از محضر مرجع عظیم القدر حضرت آیت الله سید احمد خوانساری قدس سرّه بهره های علمی و معنوی فراوانی بردند

و اساساً ایشان در امر تحصیل علم بسیار مشتاق و جدی بودند.

پس از اتمام دبیرستان وارد دانشگاه شده در رشته حقوق مشغول تحصیل شدند که در کنار آن به تدریس هم اشتغال داشتند. سطوح عالی را در دانشگاه بیروت برای اخذ دکترای اقتصاد سپری کردند و در همان ایام بود که پدر بزرگوارشان دارفانی را وداع گفت و معظم له برای امر تدفین پیکر مطهر آن عالم ربانی به تهران مراجعت کرد. از غرائب این بود که در آخرین ملاقاتی که قبل از سفر با پدر داشتند والدشان پیشاپیش خبر از وفات خود در غیاب وی داده بود.

بعد از مراجعت حاج آقا مهدی به تهران با توجه به سابقه تدین و علمی ایشان و با پیشنهاد بعضی از علما و روحانیون از جمله واعظ شهیر و مجاهد کبیر حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ عباسعلی اسلامی (ره) مؤسس جامعه تعلیمات اسلامی (ابو الزوجه ایشان) احساس وظیفه کرده و ملبس به لباس روحانیت شده و در همان مسجد به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت بندگان خدا پرداخت.

با گذشت اندک زمانی آن مرحوم در دستگیری از مستمندان و رسیدگی به حوائج مؤمنین زبانزد عام و خاص شد و در همین راستا اقدام به تأسیس مؤسسه خیریه ای در همان محل نمود. معظم له التزام به امور مردم و نماز جماعت را از اهم مسائل در زندگی خود تلقی می کرد بطوری که درب منزل ایشان پیوسته باز بود و با گشاده رویی خاصی از مراجعین استقبال کرده با صفای قلب و صداقت و اخلاص از آنها پذیرایی می کرد.

با پیروزی انقلاب اسلامی و نیاز شدید به چهره های متخصص و متعهد در زمینه های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی از ایشان دعوت به عمل آمد و ایشان در زمینه اقتصاد اسلامی علاوه بر همکاری با وزارت برنامه و بودجه، به تألیف بعضی آثار درسی و تدریس پرداختند. و با توجه به آشنایی ایشان با مبانی حقوقی و فقهی و تسلط کامل به زبان انگلیسی و احقاق حقوق ایران در دادگاه بین المللی لاهه در هلند کمک شایانی کردند.

در کنار مسئولیت‌ها و مشاغل فراوانی که داشتند از توجه به قشر جوان و تحصیل کرده نیز غافل نبوده و سالهای متمادی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی مختلف مانند دانشگاه شهید بهشتی و علامه طباطبائی و مدرسه عالی شهید مطهری و غیره به تدریس مشغول بوده علاوه بر آن در منزل نیز به تدریس علوم حوزوی می پرداختند.

از ویژگیهای اخلاقی و حسن معاشرت آن مرحوم خاطرات فراوانی هست که در این مختصر نمی‌گنجد. در پی کسالتی که در چند سال اخیر به آن مبتلا بودند در چهاردهم/رجب/1411/ (ه.ق) مصادف با شب وفات حضرت زینب (سلام الله علیها) دعوت حق را لبیک گفته به جهان باقی شتافت. رضوان الله تعالی علیه. پیکر مطهرش در مسجد بالاسر کریمه اهل بیت فاطمه معصومه علیها السلام در قم مدفون شد.

از ایشان 9 فرزند که 8 پسر و یک دختر باشند به یادگار باقی ماند که بعضی به تحصیل دروس حوزوی و برخی به دروس دانشگاه اشتغال دارند و در حال حاضر فرزند ارشد ایشان در آن مسجد به اقامه جماعت مشغولند.

و السلام علیکم- قم شب 16 صفر المظفر 1421

سید کاظم روحانی

## فرزندانش

1- حجه الاسلام سید احمد، ساکن تهران 2- سید علی 3- حجه الاسلام سید هادی، ساکن تهران 4- سید جواد 5- حجه الاسلام سید کاظم، ساکن قم 6- سید حسین، طلبه 7- سید محمد 8- سید صادق و یک دختر.

## شیخ مهدی سراج انصاری

### اشاره

(1313-1381 ق)

حاج شیخ مهدی فرزند آیت الله شیخ عبد الرحیم و نوه علامه شیخ نصر الله انصاری کلیری، ملقب به «سراج الواعظین» و معروف به «حاج سراج» از فضلا

ص: 2095



و مدافعان راستین مذهب تشیع بود.

وی در روز یکشنبه 7/شوال/ 1313 در نجف اشرف پا به عرصه گیتی نهاد.

پدرش (ح 1272-1334 ق) از دانشمندان و محققان برجسته تبریز و از جمله شاگردان حضرات آیات: میرزا حسین خلیلی تهرانی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی در نجف اشرف بود.

از آثار او: 1- صراط النجاه فی العقائد، 2- مشکاه السالک فی ظلم المسالک فی الأدعیه و الأعمال، 3- فرحه الداعی فی الدعاء، 4- قاعده لا ضرر، 5- الاجتهاد و التقليد، به نقباء البشر 1110/3 رجوع شود.

شیخ مهدی در سن کودکی همراه پدر ارجمند خود به تبریز رفت و تا سال 1352 ق (1312 ش) به تحصیل علوم و معارف اسلامی پرداخت و مدتی در تبریز به وعظ و ارشاد مردم همت گماشت و امامت مسجد محله «منجم» تبریز را به عهده گرفت.

در سال 1355 ق (1315 ش) به بغداد (عراق) رفت و مشغول تجارت گردید. در ضمن از محضر علامه سید هبه الدین شهرستانی به کسب معارف و انجام امور دینی در مسجد ترکها در شهر کاظمین اشتغال ورزید.

در سال 1322 ش جهت مبارزه با عقاید کسروی رهسپار تهران شد و از سال 1323 ش اداره امور داخلی مجله «آیین اسلام» را بر عهده گرفت. آنگاه «جمعیت مبارزه با بی دینی» را تأسیس نمود. وی از حضرات آیات: حاج شیخ عبد الکریم

ص: 2096

حائری یزدی و سید ابو الحسن اصفهانی مجاز بود.

حاج سراج مدیریت مجله «دنیای اسلام» را پذیرفت. در سال 1328 ش مجله «مسلمین» را صاحب امتیازی و مدیری خود در تهران منتشر ساخت.

## از آثار او

1- تاریخ اسلام-قبل و بعد از اسلام-مخطوط، دو جلد.

2- خرد چیست و خردمند کیست؟، چاپ شده.

3- در پیرامون ماتریالیسم یا منشاء فساد، در سه جلد.

4- دفاع از شیعی گری.

5- دین چیست و برای چیست؟، 1344 ش، تبریز، رقعی، 172 ص.

6- رشید در پایتخت رشید.

7- سخنرانی های مذهبی در رادیو ایران.

8- شیعه چه می گوید؟، 1327 ش، انتشارات بنی هاشمی تبریز، رقعی، 398 ص.

9- قهرمانان میدان های تاریخ اسلام.

10- نبرد با بی دینی «در رد کسروی»، 1323 ش، انتشارات بنی هاشمی تبریز، رقعی، 200 ص، در دو بخش می باشد که بخش دوم آن مخطوط است.

ایشان در روز چهارشنبه 18 ربیع الاول 1381/ق مطابق با 8 شهریور/1340 ش در سن 68 سالگی در تهران این جهان را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ-مقبره اتفاق-به خاک سپرده شد.

ص: 2097

1- حاج بیوک سراج، ساکن تهران 2- مرحوم جواد 3- آقا کاظم، ساکن مشهد مقدس، و چند دختر که در کوچکی مرحوم شدند.

منابع

1- اظهارات فرزند ارشد ایشان آقای حاج بیوک سراج در اواخر/شعبان 1420/ق.

2- نقباء البشر 1110/3 (در ذیل شرح حال پدرش).

3- مؤلفین کتب چاپی 401/6.

4- چهره مطبوعات معاصر 314.

5- مقدمه کتاب «شیعه چه می گوید؟»، به قلم استاد سید هادی خسروشاهی.

### **شیخ مهدی شاه حمزه ای قمی**

### **اشاره**

(-1388 ق)

حاج شیخ مهدی شاهزاده حمزه ای، تولیت آستانه حضرت شاهزاده حمزه علیه السلام که پدر در پدر در این مزار کثیر الانوار خدمتگزار بوده اند، از ذاکرین با اخلاص ائمه اطهار علیهم السلام بشمار است، که صیت شهرتش از شهر خود فراتر رفته و به نقاط کشور هم رسیده، نوحه سینه زنی و زنجیرزنی معروف او که رنگ جاودانی به خود گرفته زیر به نظر قاریین محترم می رسد، اکثر مداحان نامی در مراسم عزاداری می خوانند و از رادیو ایران نیز پخش گردیده است.

### **وداع حضرت زینب علیها السلام با حضرت ابا عبد الله علیه السلام**

برادر حسین جان فدای سر تو بیا تا ببوسم حسین حنجر تو

بیا تا ببوسم گلوی شریفت وصیت نموده به من مادر تو

قد سرو خود خم نمودی حسینش بگردن در آورد زینب یدیش

بزد بوسه بر حلق آن زیب و زینش بگفتا فدای رخ انور تو

ببوسید نازک تر از گل گلویش تسلی به خود داد زینب ز بویش

شده محو دیدار و هم مات رویش بگفتا فدایت شود خواهر تو

شود جان زینب به قربان جانت چه سازم پس از تو به این کودکانت

اسیر ستم می شوند خواهرانت چه سازم من این عترت مضطر تو

اگر خفته در خون شدت یار و یاور به خون غوطه ور شد علمدار لشکر

و گر کشته شد قاسم و عون و جعفر بجا مانده شاهها علی اصغر تو

ز تاب عطش اصغرت در فغان است حرم قحط آب اصغرت نیمه جان است

رخش کهرباسان و خشکش زبانست بیچند بخود طفل مه منظر تو...

وی در روز چهارشنبه 8/ربیع الاول 1388/ ق مطابق با 15/خرداد/ 1347 ش به سرای باقی رحلت نمود، و در رواق حرم مطهر حضرت شاهزاده حمزه قم به خاک سپرده شد. رباعی زیر بر سنگ مزارش نقر گردیده است:

این مرد در امور الهی قیام کرد در نوکری خویش بسی اهتمام کرد

در مجلس عزای شهنشاه تشنه لب عمر عزیز خویش به خدمت تمام کرد

منبع

1- تاریخ تکایا و عزاداری قم ص 54.

**شیخ مهدی شریعتمدار تهرانی**

(1319-1390 ق)

حاج شیخ مهدی شریعتمدار فرزند علامه شیخ علی اکبر امین الشریعه تهرانی، از فضلا و وعاظ نامی تهران بود.

تولدش به سال 1319 ق مطابق با 1280 ش در تهران اتفاق افتاد. مبادی را نزد پدرش آموخت و مدتی از محضر سید علی حائری معرف به (مفسر) در علوم

ص: 2099

قرآنی استفاده نمود و سرانجام در سال 1354 ق مطابق با 1314 ش پس از جریان کشف حجاب به کربلائی معلا مهاجرت کرد و از محضر آیات: حاج آقا حسین طباطبائی قمی و میرزا مهدی شیرازی بهره مند شد، سپس به تهران مراجعت کرد و به ارشاد و وعظ اشتغال ورزید.

نامبرده در شب جمعه 13/ربیع الثانی 1390/ق مطابق با 28/خرداد/1349 در سن 71 سالگی در تهران چشم از جهان فرو بست. پیکرش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

شرح حال زیر به درخواست نگارنده توسط فرزندش به رشته تحریر درآمده که تقدیم می گردد:

بسم الله الرحمن الرحيم

خواسته شد شرح حال مختصری از مرحوم مروج الاحکام تقهالا سلام حاج شیخ مهدی شریعتمدار رحمه الله و حشر مع موالیه را بطور خلاصه نگارش دهم بعون الله و توفیقه.

ایشان در سال هزار و دو بیست و هشتاد هجری شمسی در محله (پاچنار) تهران به دنیا آمد و تا هشت سالگی در خدمت پدرش که مجتهد می بوده به نام حاج شیخ علی اکبر امین الشریعه نصاب الصبیان و مقدمات و سطوح را آموخت و پس از فوت پدرش که هم زمان با شهادت حاج شیخ فضل الله نوری بوده و بینشان مراتب مودت می بوده که حاج شیخ علی اکبر اعدام ناجوانمردانه مرحوم نوری را تاب نمی آورد و دق می کند. هشت روز پس از آن شیخ مهدی بخاطر معیشت مادر و خواهر و برادرش که تحت کفالت او بودند به کسب و کار رو کرد و در ضمن کار به درس و بحث هم پرداخت از حافظه بسیار قوی برخوردار بود بطوری که خودشان می فرمودند: الفیه ابن مالک را در سه ماه از حفظ کرده بود. تمام قرآن را در حفظ داشت. از اساتید بزرگی کسب فیض می نمود، همچون مرحوم آیت الله حاج سید مهدی شیرازی و مرحوم حضرت آیت الله حاج آقا حسین قمی اعلی الله مقامه در باغ ملک حضرت عبد العظیم تحصن کرده بودند و می خواستند با رضا خان ملاقات

ص: 2100

کنند که نیامد و آیت الله قمی و چند نفر را به نجف اشرف تبعید کرد و بقیه را به زندان سرپاس مختاری فرستاد، ایشان حدود چهل و چند روز در زندان مختاری بسر برده و بعد از آزادی بدون پاسپورت به عراق عزیمت کردند و در آنجا در درس آیت الله قمی و دیگر اساتید حاضر می شدند و کسب کمالات می نمودند.

از خصیصه های بارز ایشان عشق و محبت ایشان به مقام ولایت ائمه معصومین علیهم السلام خصوصا به آقا امیر المؤمنین علیه السلام است و چنان عشق می ورزید که در خلوت و جلوت عاشقانه می گریست و می فرمود: تمام تاریخ ائمه علیهم السلام را زیر رو کرده، شب و روز در سفر و حضر و سجن و سلطنت و در عزلت و فقر و مصیبت همه و همه را به بررسی پرداختم، از امام علی علیه السلام مظلوم تر نیافتم.

در جریان نفت منبرهای ایشان در منزل حضرت آیت الله کاشانی مشهور است.

در شیراز با حضرت آیت الله حاج شیخ بهاء الدین محلاتی قدس سره حشر و نشر داشتند. در سالهای 42 با مراجع قم در منزل آیت الله مکرر در مکرر منبر می رفتند و در آیه مبارکه *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...* صحبت می نمود. یکی از نظریات ایشان در آن سخنرانی؛ که در نفی انقلاب مشروطه رژیم شاهنشاهی این بود که می فرمود: «انقلاب مشروطه ای که مهدورالدمش حاج شیخ فضل الله نوری باشد و مجاهد فی سبیل الله اش پیرم خان ارمنی، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل الی آخره...». هر منبر که می رفت و روضه می خواند خود نیز گریه می کرد.

در شب جمعه 1349/3/28 ش به جوار رحمت حق شتافت و ندای ارجعی را لبیک گفت و در قم، قبرستان حاج شیخ مدفون گردید از ایشان اشعار پراکنده در نزد اشخاص می باشد که در دسترس ما نیست. نمونه ای از دفاع ایشان را به ضمیمه ارسال گردید. قابل ذکر است که ایشان را بانوی بزرگوار و اصیلی که همسرشان بود همراهی می نمود، مثلا در قضیه کشف حجاب همسر ایشان چندین سال از خانه خارج نشد و حتی پدرش که مریض شد و از دنیا رفت در مراسم شرکت نکرد و با

فقدان وسائل رفاهی مثل حمام و آشپزخانه مدرن و برق و غیره چندین سال تا رفتن رضا خان از خانه خارج نشد. ده فرزند ذکور و اناث از ایشان ماند.

## میرزا مهدی صادقی تبریزی

### اشاره

(ح 1330-1411 ق)

حاج میرزا مهدی صادقی فرزند علامه شیخ عباسعلی تبریزی و نوه دختری آیت الله میرزا صادق تبریزی، از دانشمندان و پژوهشگران معاصر حوزه علمیه قم بود.

وی در حدود سال 1330 ق در تبریز تولد یافت.

میرزا مهدی پس از آموختن مقدمات، دروس سطح را از محضر آیات: میرزا صادق تبریزی (جدّ خود) و سید ابو الحسن انگجی استفاده کرد.

در سال 1349 ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و دروس سطح را نزد میرزا محمد همدانی به پایان برد.

ایشان خارج فقه و اصول را ابتدا از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سپس از محضر آیات: سید محمد حجت کوه کمری و سید محمد تقی خوانساری و سرانجام از آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی بهره مند گردید.

از بدو ورود آیت الله بروجردی از ملازمان و نزدیکان ایشان بشمار آمد و حتی در کارهای علمی اش سهیم گردید. به همین خاطر کتاب تجرید أسانید الکافی اثر

ص: 2102

آیت الله بروجردی را از نخستین سال ورود او به قم استنساخ و تحقیق نمود.

## از آثار او

1- الخلاف (اثر شیخ طوسی)، همکاری در تصحیح و مقابله، چاپ 1370 ق، قطع رحلی.

2- تجرید أسانید الکافی، تحقیق، در سال 1409 ق در قم به چاپ رسید.

3- تخلص وسائل الشیعه، در چندین جلد.

4- تنقیح أسانید التهذیب، تحقیق، در سال 1411 ق در قم چاپ شد.

علامه صادقی که سالهای آخر عمر خود را کمال عزلت و انزوا سپری می نمود در روز سه شنبه مطابق با 25 دی 1369 ش در بیمارستان خاتم الانبیاء تهران درگذشت. پیکرش به قم حمل و صبح روز چهارشنبه تشییع و در قبرستان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

## فرزندانش:

1- آقای عباس علی 2- دکتر محمد علی، ساکن آلمان 3- حسن علی و سه دختر.

## منابع

1- آینه دانشوران 399.

2- اطلاعات از فرزند ارشد ایشان.

## سید مهدی صدر عاملی

(1336-1406 ق)

حاج سید مهدی فرزند سید صدر الدین واعظ معروف به (آقا میرزا) و نوه سید ابو الحسن موسوی عاملی اصفهانی، و داماد آیت الله سید صدر الدین صدر بود.

وی در سال 1336 ق در اصفهان متولد گردید.

ص: 2103



سید مهدی تحصیلات جدید و قسمتی از علوم دینی را در اصفهان خواند و جهت ادامه تحصیل به قم مهاجرت کرد و به کسب معارف و فضائل و دروس دینی پرداخت و پس از کسب اجازات علمی به تهران عزیمت نمود و به اقامه جماعت و وعظ و ارشاد همت گماشت.

از آثار او: 1-تفسیر آیه الکرسی، چاپ شده.

وی در روز پنجشنبه 27/ربیع الثانی 1406/ق به سن 70 سالگی درگذشت و در قبرستان باغ بهشت قم مدفون گردید.

منابع

1-تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان 302/1.

### سید مهدی طباطبائی مدرسی یزدی

(ح 1337-1409 ق)

حاج سید مهدی فرزند حجه الاسلام سید محمد و نوه علامه میرزا محمد علی طباطبائی مدرسی یزدی، از فضلالی معاصر بود.

وی در حدود سال 1337 ق در نجف اشرف تولد یافت.

پدرش سید محمد (1304-1385 ق) از جمله شاگردان میرزا محمد حسین نائینی و سید ابو الحسن اصفهانی بود. سید مهدی، پس از سپری نمودن مقدمات و دروس سطح نزد مشاهیر حوزه علمیه نجف اشرف، دروس خارج را از محضر آیات: سید ابو الحسن اصفهانی، میرزا عبد الهادی شیرازی، سید محسن طباطبائی حکیم و سید ابو القاسم خوئی استفاده نمود.

ایشان در سال 1393 ق و بر اثر فشارهای دولت عراق به ایرانیان، رهسپار ایران شد و در تهران سکونت اختیار کرد و به وظایف دینی از قبیل: اقامه جماعت و ترویج مذهب پرداخت.

ص: 2104

سرانجام در سال 1409 ق در اثر کسالت قلبی در تهران زندگی را وداع گفت.

پیکرش به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

منابع

1- النجوم السرد بذكر علماء یزد (مخطوط-سید جواد مدرسی یزدی).

2- معجم القبور و وفیات الأعلام (مخطوط-شیخ محمد شریف رازی).

### میرزا مهدی عالم اردبیلی

(1300-1371 ق)

میرزا مهدی فرزند علامه شیخ علی اکبر و نوه محمد امین اردبیلی ملقب به (عالم)، در سال 1300 ق در اردبیل متولد شد، او اصالتاً اهل سرعین اردبیل می باشد.

وی پس از فراگرفتن مقدمات و سطوح، به زنجان همراه با آیت الله حاج سید یونس اردبیلی برای ادامه تحصیل رفت، آنگاه به سال 1320 ق به نجف اشرف عزیمت و از محضر آیت الله شیخ محمد کاظم خراسانی، میرزا محمد حسین نائینی و سایرین استفاده نمود، و در سال 1328 ق به ایران مراجعت کرد و در زادگاهش اقامت نمود، و در مسجد پدر خویش (باغمیشه) مشغول اقامه جماعت شد، و قسمتی از سطوح را در مدارس علمی اردبیل تدریس داشت

دارای آثار قلمی نیز بوده از جمله «عالم به وظیفه و عامل به وظیفه» که به چاپ رسیده است.

ایشان در روز جمعه 28 شعبان 1371/ ق مطابق با 2 خرداد 1331/ ش به سن 71 سالگی در تهران در پی بیماری قلبی درگذشت، و جسدش در قبرستان حاج شیخ قم مدفون گردید.

منبع

1- تاریخ اردبیل و دانشمندان 302/2.

ص: 2105

اشاره

(1342-1420 ق)

میرزا مهدی فرزند حجه الاسلام میرزا علی و نوه شیخ ملا جواد تبریزی، از واعظان و خادمان ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام بود. وی در سال 1342 ق در شهر تبریز دیده به جهان گشود.

پدری فاضل

پدرش (1287-1361 ق) متولد و متوفای تبریز و مدفون در وادی السلام نجف اشرف می باشد.

تحصیلاتش را در تبریز به پایان رساند و مشغول وعظ و ارشاد گردید و از معاریف خطبا بشمار آمد. دارای بیانی بسیار جذّاب و شیرین بود، به همین خاطر موفقیت زیادی بدست آورد. در صدر مشروطیت به صف مخالفان پیوست که پس از پیروزی مشروطه خواهان به عراق رفت و مدت هشت ماه در آن دیار ماند و مجدداً به تبریز مراجعت فرمود.

از آثار او چند دفتر در مواعظ و اخبار اهل بیت علیهم السلام به زبان فارسی می باشد.

وی دارای اجازاتی از علمای نجف اشرف از جمله آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی بود، که وصیت کرده بود هنگام دفن، در کفن خویش قرار دهند تا سندی باشد هنگام پاسخ ملکین.

میرزا مهدی در حوزه علمیّه تبریز تحصیل نمود و از محضر آقایان: میرزا علی

یالقوز آغاجی و میرزا علی اصغر باغمیشه ای استفاده نمود و خود همانند پدر ارجمندش به وعظ و ارشاد پرداخت. سرانجام به تهران منتقل شد و به وظایف دینی خود ادامه داد.

نامبرده دارای یادداشت هایی در مواعظ و اخلاق و حدیث می باشد.

متأسفانه در اواخر/شعبان 1420 ق در تهران دار فانی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

وی دارای اولاد نبود.

میرزا علی عبائی تبریزی

مؤلف شیخ مهدی عبائی تبریزی شیخ علی اکبر مهدی پور

منبع

شرح حال فوق از زبان میرزا مهدی عبائی در منزلش در تهران به تاریخ عصر روز یکشنبه 23 فروردین 1377 ش یادداشت گردید.

ص: 2107

اشاره

(1350-1419 ق)

حاج سید مهدی فرزند سید ابو القاسم موسوی بخشایشی، که لقب «علوی» را برای خود برگزید، از فضلا و نویسندگان معروف حوزه علمیه قم بود.

وی در سال 1350 ق مطابق با 1310 ش در «بخشایش» از توابع شهرستان هریس-استان آذربایجان شرقی-تولد یافت.

پس از فراگیری قرآن و خواندن و نوشتن، در سن 15 سالگی به حوزه علمیه تبریز مهاجرت کرد و در مدرسه طالبیه مقدمات را آموخت. سطح را خدمت حضرات آیات: میرزا فتاح شهیدی و سید مرتضی خسروشاهی به پایان برد.

او در سال 133 ش به حوزه علمیه قم پیوست و از دروس خارج حضرات آیات:

سید حسین طباطبائی بروجردی، شیخ عباسعلی شاهرودی، سید کاظم شریعتمداری، سید روح الله خمینی، میرزا هاشم آملی و سید محمد رضا گلپایگانی استفاده کرد و در کنار تدریس و تعلیم، به تزکیه روح و آموزش اخلاق و ادب نیز اشتغال داشت.

از آثار او

1- آئین دوستی از دیدگاه قرآن و حدیث.

2- پنج گفتار (در رازداری).

ص: 2108

3- تقریرات اصول آیت الله آملی.

4- تقریرات فقه آیت الله بروجردی.

5- حاشیه علی العروه الوثقی.

6- حقوق والدین بر فرزندان از دیدگاه اسلام.

7- داستانهای علوی، در چهار جلد.

8- سیمای اخلاق اسلامی، دو جلد.

9- فهرست العناوین و الموضوعات، در چندین جلد.

10- گفتار علوی (موضوعات گوناگون)، در پنج جلد.

وی در روز یکشنبه 3/ربیع الاول 1419/ق مطابق با 7/تیر 1377/ش در سن 69 سالگی در قم در پی بیماری و سکتة قلبی درگذشت. پیکرش روز دوشنبه تشییع و در ابتدای قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

### **فرزندانش:**

1- سید محمد 2- سید احمد 3- سید علی و یک دختر.

### **سید مهدی قاضی طباطبائی «تبریزی»**

### **اشاره**

(-1401ق)

سید مهدی فرزند عارف آیت الله سید علی قاضی طباطبائی تبریزی، از فضلاء معاصر بود. وی در نجف اشرف زاده شد و همان جا نزد آیت الله سید ابو القاسم خویی و دیگران تحصیل نمود. او در عرفان و علوم غریبه و سیر و سلوک از پدر خود و سایرین بهره ها برده بود.

### **از آثار او:**

1- تقریرات درس فقه (آیت الله خویی).

2- نوشته هایی در علوم غریبه.



قاضی، در روز شنبه 15 ربیع الثانی 1401/ ق برابر با 2/ اسفند 1359/ ش در قم در اثر سکتۀ قلبی بدرود حیات گفت. پیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. از او فرزندی به جای نماند.

منبع

1-اطلاعات متفرقه.

### شیخ مهدی قدسی طالقانی

(-1362 ق)

شیخ مهدی فرزند آیت الله علی محمد و نوه عین علی سوهانی طالقانی ملقب به «قدسی»، از بزرگان بود.

وی در قریه سوهان طالقان متولد شد.

پدرش از شاگردان آیت الله شیخ مرتضی انصاری بود، و در قبرستان ابن بابویه شهر ری مدفون است.

تنها مطلبی که از زندگی قدسی یافتیم این است: هنگامی که جمعیت «اتحادیه طالقانیان» در سال 1342 ق در تهران تأسیس شد، مرحوم قدسی یکی از اعضای هیئت مدیره انتخاب گردید، و مرامنامه جمعیت توسط ایشان به رشته تحریر درآمد.

برادر ارشد آن مرحوم علامه شیخ محمد طالقانی (1275 در نجف- اوایل سال 1344 ق) از شاگردان آیات: میرزا حسین خلیلی تهرانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، و یکی از مجاهدان جنگ شعیبه عراق (در سال 1333 ق) بود.

قدسی در روز یکشنبه 3/ محرم 1362/ ق مطابق با 20/ دی 1321/ ش درگذشت، و جسدش در یکی از اطاقهای قبرستان حاج شیخ قم به خاک سپرده شد.

منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صدساله 16/1 و 533.

ص: 2110



(1367-1314 ق)

حاج سید مهدی فرزند آیت الله سید ریحان الله نوه آیت الله سید جعفر موسوی دارابی کشفی بروجردی، از علما و اساتید حوزه ها بود.

وی در 4/شعبان 1314/ق در تهران تولد یافت.

پدرش از علمای معروف تهران و جدش (1189-1267 ق) از بزرگان دانشمندان بود و در بروجرد دارای مسجد و مقبره می باشد. به الکرام البرره 241/1 رجوع شود.

سید مهدی ابتدا به تحصیلات جدید پرداخت. آنگاه به تحصیلات دینی روی آورد و ادبیات و بخشی از سطح را نزد میرزا محمد علی ادیب تهرانی و شیخ علی رشتی آموخت. در سال 1341 ق به حوزه علمیه قم پیوست و سطح را نزد شیخ حسن فاضل و سید محمد تقی خوانساری به پایان برد. دروس اخلاق را از میرزا جواد ملکی تبریزی و حکمت را از میرزا علی اکبر حکمی یزدی «تجلی» و سید ابو الحسن رفیعی قزوینی و خارج را از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده نمود و خود به تدریس فقه و اصول و علوم ریاضی پرداخت.

او در علوم غریبه از قبیل: جفر، علم نقطه، حروف، اعداد و فلکیات از شاگردان میرزا جان بخش منجم بروجردی در تهران بود. و پس از درگذشت حاج

ص: 2111

شیخ عبد الکریم حائری در سال 1355 ق به تهران مراجعت فرمود و مشغول تدریس علوم مذکور و نیز تفسیر قرآن مجید و ترویج و هدایت گردید.

## از آثار او:

1- رساله در علم جفر.

استاد کشفی روز شنبه 22 محرم 1367/ ق مطابق با 14 آذر 1326/ ش در سن 52 سالگی در تهران زندگی را وداع گفت. پیکرش به قم حمل و در یکی از اطاقهای قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

فرزندانش: 1- علامه سید محمد رضا کشفی و چهار دختر.

منابع

1- آثار الحججه 227/1.

2- آینه دانشوران 213.

3- اطلاعات متفرقه.

4- تاریخ بروجرد 297/2.

5- گنجینه دانشمندان 532/4.

## سید مهدی کماری تبریزی

### اشاره

(1402-1323 ق)

حاج سید مهدی فرزند علامه سید محمد و نوه آیت الله سید محمد تقی موسوی کماری تبریزی، از دانشمندان و معاریف تهران بود.

وی در 26 ذی الحججه 1323/ ق در شهر تبریز دیده به جهان باز نمود.

در خانواده ای علمی پرورش یافت. پدرش از بزرگان و جدش از علما بود که در سال 1337 ق در تبریز درگذشت.

سید مهدی پس از آموختن مقدمات، سطح را از محضر آیات: سید ابو الحسن



انگجی، سید محمد مولانا، سید مرتضی خسروشاهی و میرزا علی اصغر ملکی استفاده کرد.

او در سال 1346 ق به حوزه علمیه قم رفت و سطح را نزد میرزا محمد همدانی و شیخ محمد علی حائری قمی به پایان برد. دروس خارج را از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سید محمد حجت کوه کمری بهره مند گردید.

در سال 1350 ق به نجف اشرف عزیمت نمود و تحصیلات عالی خود را در خدمت حضرات آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و سید ابو الحسن اصفهانی به انجام رسانید و موفق به دریافت اجازه اجتهاد گردید و در سال 1360 ق به ایران بازگشت و در تهران اقامت گزید و در مسجد امامزاده زید علیه السلام، واقع در بازار تهران به اقامه جماعت و ارشاد و نیز تدریس اهتمام ورزید.

## از آثار او

1-المباحث العقلیه، دو جلد.

2-رساله فی الاجاره.

3-شرح وسیله النجاه(اثر سید ابو الحسن اصفهانی).

4-قاعده لا ضرر.

5-کتاب الحج.

6-مباحث الألفاظ، دو جلد.

ص: 2113

آیت الله کماری در روز چهارشنبه اول/رمضان 1402/ق در سن 79 سالگی در تهران درگذشت. پیکرش به قم حمل و در ابتدای قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

منابع

1- آثار الحجه 272/2.

2- گنجینه دانشمندان 533/4.

### سید مهدی گلپایگانی

(1358-1398 ق)

حاج سید مهدی فرزند حضرت آیت الله سید محمد رضا موسوی گلپایگانی.

در 17 شعبان 1358/ق در شهرستان مقدس قم دیده به جهان گشود.

پس از طی دوران کودکی به دبستان و دبیرستان رفته و پس از پایان تحصیلات دبیرستانی به تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه قم پرداخت، و دروس مقدماتی و سطوح عالی را نزد اساتید فراگرفته و سپس در حوزه درس خارج فقه والد گرامیشان شرکت نموده است.

خدمات ایشان: حضرت آیت الله گلپایگانی با بینش خاص و نظر واقع بینانه همواره اقدامات و عملیات مؤثری را در پیشبرد مقاصد و اهداف اسلامی و تحرک هرچه بیشتر روحانیت تعقیب داشته اند، و فرزند فقیدشان که از هوش سرشار و استعداد خاصی

ص: 2114

برخوردار بود در اجراء منویات و دستورات والد معظم خود کمال کوشش و مجاهدت را داشت، و با وجود موانع بسیار زحمات و کارشکنی افراد مغرض به موفقیت‌های چشمگیر نائل آمد، و با حلم و بردباری به کارشکنیهای اشخاص اعتنائی نمی کرد.

و در هنگام کمک به مردم زلزله زده طبرس در اثر تصادف ماشین در صبح روز جمعه مطابق با 19 شوال 1398/ ق مطابق با 31 شهریور 1357/ ش در راه یزد- طبرس درگذشت، و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

منبع

1- گنجینه دانشمندان 84/8.

**سید مهدی مرعشی تبریزی**

**اشاره**

(ح- 1330 ق)

سید مهدی فرزند سید رضا و نوه سید محمد حسینی مرعشی تبریزی، از فضلا و شعرای متأخر بود و در شعر به «سید» تخلص می نمود.

سید مهدی برادرزاده علامه حکیم فقیه متقی سید علی مرعشی «سید الحکماء» - جد آیت الله سید شهاب الدین مرعشی - می باشد.

سید مهدی در تهران سکونت داشت و در حدود سال 1330 ق در آنجا درگذشت و پیکرش به قم حمل و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

**از آثار قلمی اش**

1- مرآه الأرض، در تاریخ و تراجم که به امر میرزا حسن (منشی صدر العظم در عهد ناصر الدین شاه) تألیف شد. جمعی از فضلا در نگارش آن شرکت داشتند از جمله صاحب همین شرح حال است.

منبع

1- الذریعه 20/262.

ص: 2115

**اشاره**

(1402-1317 ق)

حاج شیخ مهدی معزی فرزند آیت الله شیخ محمد باقر معز الدوله و نوه علامه شیخ محمد رفیع تهرانی، از علمای معاصر تهران بود.

وی در سال 1317 ق در تهران به دنیا آمد.

معز الدوله در تهران در مسجد پدر خود، واقع در خیابان نایب السلطنه به اقامه جماعت و نشر معارف الهی اشتغال داشت و در علم و تقوا و اخلاق معروف بود.

**از آثار او**

1- تذکره الصلاه، چاپ شده.

2- تذکره الصوم، در سال 1380 ق در تهران به چاپ رسید.

**فرزندانش:**

حضرات حجج اسلام آقایان: 1- میرزا عبد العلی معزی 2- شیخ هادی 3- شیخ حسین 4- شیخ محمد حسن، که در 26 شعبان 1417 ق در قم درگذشت. پیکرش در کنار مزار پدر و مادر خود مدفون گردید.

شیخ محمد حسن معزی تهرانی

منابع

1- گنجینه دانشمندان 566/4.

2- مؤلفین کتب چاپی 375/6.

ص: 2116

## اشاره

(1327-1392 ق)

حاج شیخ مهدی فرزند محمد رضا صادقی قمی، از فضلا و افراد خوش سلیقه بود.

در سال 1327 ق در قم متولد گردید.

## تحصیل در حوزه قم

ایشان پس از طی مقدمات، سطوح و قسمتی را از دروس خارج از محضر آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی استفاده نمود، و همواره یکی از ملازمان و نزدیکانش بشمار می رفت.

وی جهت امرار معاش سردفتری اسناد رسمی و ازدواج برعهده داشت، و فعلا در اختیار فرزندش می باشد.

## از آثار او

1- ولایت علی علیه السلام از کتب عامه، که در سال 1326 ش چاپ شد.

از دیگر خدمات فرهنگی او، اخذ امتیاز هفته نامه «ارمغان قم» که آن را به سال 1331 ش در قم منتشر ساخت.

## درگذشت

نامبرده روز یکشنبه 14 ربیع ثانی 1392/ ق مطابق با 7/ خرداد 1351/ ش در سن 65 سالگی در قم درگذشت، و جنازه اش در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

منابع

1- اظهارات فرزند مرحوم.

2- الذریعه 143/25.

3- چهره مطبوعات معاصر 251.





### شیخ مهدی منصوری قمی

### اشاره

(1323-1406 ق)

حاج شیخ مهدی منصوری فرزند تقهالا سلام حاج میرزا حسین جهرودی قمی، از علماء و ائمه جماعت معاصر تهران و داماد مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد ارباب قمی بود.

وی در روز 18 رجب 1323/ ق در قریه «منصورآباد» جهرود قم به دنیا آمد، و از سن هفت سالگی شروع به تحصیل مقدمات و فارسی نموده، تا سال 1343 ق که به قم مهاجرت کرده و سطوح اولیه را خدمت میرزا محمد علی ادیب تهرانی و مکاسب و کفایه را در محضر آیت الله آخوند ملا علی همدانی و میرزا محمد همدانی خوانده، و فلسفه و معقول را از شیخ محمد علی شاه آبادی و میرزا خلیل کمره ای استفاده نموده، و هم از محضر آیات: شیخ محمد فیض قمی و سید محمد رضا گلپایگانی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی شده، و حدود چهار سال هم در درس آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی شرکت نموده، و بعد از آن مرحوم حدود پانزده سال از محضر آیت الله سید محمد حجت کوه کمری و مقداری از آیت الله حاج سید محمد تقی خوانساری کسب فیض نموده و از موقع ورود آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم نیز افتخار شرکت در محضر و دراسات ایشان را یافته، تا

ص: 2118

پس از فوت آن مرحوم چند سالی به امر زعیم بزرگوار شریعتمداری رحل اقامت به تهران افکنده، به اقامه جماعت و خدمات دینی اشتغال نمود.

### از آثار ایشان است کتب زیر:

- 1- رساله ای در غنا.
  - 2- تفسیر سوره انعام.
  - 3- تفسیر سوره عم یتساءلون.
  - 4- رساله ای در عقاید به نام (چرا لازم است خدا را شناخته و معتقد به وجود او شد).
  - 5- جزواتی در تقریرات فقه و اصول اساتید خود.
  - 6- حیاه الست (شرح حال و زندگانی حضرت معصومه علیها السلام قم).
- وی در روز پنجشنبه 9 صفر 1406 / مطابق با 2 آبان 1364 / ش در سن 83 سالگی درگذشت و در قبرستان ابو حسین قم به خاک

منابع

- 1- آثار الحججه 125/2.
- 2- آینه دانشوران 371.
- 3- رجال قم 164.
- 4- گنجینه دانشمندان 68/6.
- 5- مؤلفین کتب چاپی 449/6.

**سید میرزا جندقی**

**اشاره**

(1318-1373 ق)

سید میرزا فرزند مجد السادات جندقی، از علما و بزرگان کرج بود.

در سال 1318 ق در روستای «فرّخی» واقع در خور جندق و بیابانک، متولد گردید.

ص: 2119

وی در زمان آشوب حسین کاشانی از زادگاه خود به شهر سبزوار رفت، و قسمتی از ادبیات را آموخت، سپس به مشهد مقدس مشرف و ادبیات را نزد میرزا عبد الجواد ادیب نیشابوری به پایان رسانید، و قسمتی از فقه و اصول را خدمت آیات: شیخ یوسف خراسانی (بیارجمندی)، شیخ حبیب الله گلپایگانی، میرزا مهدی شهیدی (فرزند آیت الله سید آقا بزرگ شهیدی)، شیخ حسن کاشانی و شیخ محمد خالصی زاده بهره مند گردید.

## در حوزه علمیه قم

ایشان در سال 1350 ق به قم عزیمت کرد، و از محضر آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری و سید محمد تقی خوانساری استفاده نمود، و خود به تدریس متون پرداخت.

## از آثار او

1- الدرر المنثوره فی شرح المنظومه (شرح منظومه جلال الدین شیرازی).

2- قاب پلو و رباعیات (اشعار).

3- کتاب الأربعین.

نامبرده، در پی تقاضای مردم «کرج» و دعوت اهالی در اواخر عمر آیه الله حائری به آن سامان عزیمت کرد، و مشغول تبلیغ و ترویج مذهب گردید.

سرانجام در سال 1373 ق در سن 55 سالگی درگذشت، و در قبرستان حاج شیخ - در یکی از اطافهای شرقی - به خاک سپرده شد.

منابع

1- آینه دانشوران 235.

2- برخی از معلومات فوق از سنگ مزار ایشان یادداشت شد.

3- مؤلفین کتب چاپی 377/3.

ص: 2120

## سید ناصر الدین آرام قمی

(1333-1391 ق)

سید ناصر الدین (نامش حسین است) فرزند علامه سید نور الدین تفرشی، ملقب به «آرام»، از فضلا و پژوهشگران معاصر بود.

تولدش در سال 1333 ق مطابق با 1294 ش اتفاق افتاده است.

وی سطوح را نزد اساتیدی چون: سید احمد زنجانی، شیخ عبدالحسین ابن الدین قمی و شیخ عبدالحسین فقیهی گیلانی به پایان برد، و به امور فرهنگی اشتغال ورزید. به همین خاطر مدیریت کتابخانه آستانه مقدسه قم را برعهده گرفت و سالهای متمادی در این سمت خدمت نمود و امور را به نحو احسن رهنمود کرد. نامبرده در علم انساب و رجال اطلاعات زیادی داشت و گاهی برحسب تقنن اشعاری نیز می سرود.

در سال 1391 ق درگذشت و پیکرش در صحن حضرت معصومه علیها السلام - زیر ساعت - به خاک سپرده شد. و اصلا در طول زندگی همسری انتخاب نمود.

منابع

1- آینه دانشوران 342.

2- در محفل روحانیان 197.3 - رجال قم 165.

ص: 2121

(1300-1363 ق)

سید ناصر الدین فرزند سید احمد فرزند سید موسی فرزند سید ابو طالب حسینی (داماد میرزای قمی)، از اسباط فقیه گرانقدر میرزا ابو القاسم قمی و یکی از علمای قم بود.

در آینه دانشوران ایشان را چنین معرفی نموده است: (معزی الیه سال 1300 ق در شهر قم به دنیا آمده، و ادبیات را نزد ملا محمد تقی فراگرفته، و هم خدمت حاج میرزا محمد ارباب فقه و اصول تدریس کرده و اینک از محضر آیت الله (حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی) استفاده می کنند.

جناب ایشان در نشر احادیث آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم کوشش فراوان کرده است، به طوری که غالباً در کوچه و بازار دیده ام هنگام ملاقات با دوستان به صدایی بس رسا و بلند به مناسبت مقام، حدیثی از حضرت نبوی یا اولاد امجاد یاد می کنند. شگفت اینکه این روش مخالف رویه امروزی است، و در عین حال به قامت جناب ایشان به قدری زیبا است که در خور شرح و بیان نیست).

در سال 1363 ق در قم درگذشت، و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. و اولادی از وی باقی نماند.

منابع

1- آثار الحججه 230/1.

2- آینه دانشوران 239.

سید نصر الله تقوی «سادات اخوی»

اشاره

(1282-1367 ق)

حاج سید نصر الله تقوی فرزند سید رضا و نوه سید حسین لواسانی که به

ص: 2122

(سادات اخوی) معروف است و نسبش به حضرت موسی مبرقع می رسد.

به سال 1242 ش در تهران متولد شد.

پس از طی مقدمات و سطوح، خارج فقه و اصول را نزد: میرزا حسن آشتیانی و حکمت را نزد، سید ابو الحسن جلوۀ اصفهانی آموخت، و چند سالی هم در عتبات نزد آیات: میرزا حسن شیرازی و سید محمد فشارکی اصفهانی در سامرا تحصیل نمود و از میرزا حسین نوری اجازه روایت دریافت داشت. ایشان در ادبیات پارسی و عربی نیز متبحر بود و شعر هم خوب می سرود. پس از اتمام تحصیلات سفری به مکه کرد و در مراجعت از مکه به اروپا رفت، و در قوانین موضوعه اروپا تحقیقاتی انجام داد.

تقوی به هنگام جنبش مشروطه خواهی در ایران، به آزادی خواهان پیوست و به زودی در شمار یکی از سران انقلاب مشروطه درآمد. در سال 1322 ق به اتفاق میرزا محمد علی نصره السلطان و شیخ نصر الله ملک المتکلمین، اقدام به تأسیس کتابخانه ملی نمود که به زودی این مکان محفل روشنفکران و آزادی خواهان شد. در این باره دکتر مهدی ملک زاده در کتاب خود، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، می نویسد: «... تا اینکه در 1322 هجری به طوری که تاریخ بیداری ایرانیان متذکر شده، ملک المتکلمین و حاجی سید نصر الله تقوی و میرزا محمد علی خان نصره السلطان دامن همت به کمر زده به تأسیس کتابخانه ملی، که هسته کتابخانه ملی فعلی است، همت می گمارند و یک دستگاه عمارت فوقانی یا به اصطلاح آن زمان چند بالاخانه در خیابان ناصری تهران اجاره می کنند، و کتابهای شخصی خود را وقف آن مؤسسه می کنند و تا حدی که اوضاع مالی آنها اجازه می داده، کتابهای مورد احتیاج عمومی را با لوازم ضروری کتابخانه خریداری می نمایند. عده ای از معارف پروران هم کتابهایی چند بدان مؤسسه ملی هدیه می کنند، و کتابخانه عمومی ملی برای اولین دفعه در ایران تأسیس می شود.

کتابخانه ملی به علاوه استفاده علمی که از آن می شد، در اندک زمانی کانون



آزادی خواهی و مرکز مهم ترویج افکار نوین گردید. و هر روز عده ای از روشنفکران در آنجا جمع شده به تبادل نظر و اندیشه در اوضاع سیاسی کشور پرداختند. این کانون علمی که در معنی مرکز تجمع اهل دل و روشنفکران آن زمان شده بود و بدان وسیله آزادی خواهان با یکدیگر آشنا شده و به افکار یکدیگر پی می برند، زمینه تشکیل کنگره عمومی آزادی خواهان تهران گردید و هسته مرکزی حزب مشروطه طلب را در ایران به وجود آورد. با اینکه کتابخانه ملی مورد سوءظن دولت وقت بود و مأمورین نظمیہ مراقب اشخاصی که در آن کانون معرفت آمد و شد می کردند، بودند. در اندک زمانی صدها نفر از روشنفکران و محصلین مدارس عضویت آن را پذیرفته و در آنجا به مطالعه می پرداختند و به افکار نوین آشنا می شدند».

پس از صدور فرمان مشروطه و تشکیل اولین دوره مجلس شورای ملی (1285 ش مطابق با 1324 ق) او از طرف طلاب تهران به نمایندگی برگزیده شد، و در مجلس بسیار فعال و مخالف اعمال ستمگرائه دولت بوده به طوری که پس از فوت مظفر الدین شاه قاجار و به سلطنت رسیدن محمد علی شاه قاجار در دعوی بین شاه و مجلس، یکی از خواسته های شاه اخراج و تبعید حاج سید نصر الله و چند نفر دیگر بود.

پس از فتح تهران توسط مشروطه خواهان، به عضویت هیئت مدیره عالی ترین مقام تصمیم گیری کشور درآمد، و سپس به عنوان وکیل تهران در دومین دوره مجلس شورای ملی (1288 ش مطابق با 1327 ق) شرکت جست. و نیابت ریاست مجلس را نیز برعهده گرفته بود. و در دوره سوم مجلس (1293 ش مطابق با 1333 ق) نیز با اینکه رأی چشمگیری آورده بود، اما به علت عضویت در دیوان عالی کشور، از مجلس استعفا کرد و سالهای متمادی عضو و رئیس دیوان عالی کشور و استاد و رئیس دانشکده معقول و منقول و ریاست دادستانی کل کشور بود.

تقوی در روز جمعه 21 محرم 1367 ق مطابق با 13 آذر 1326 ش به سن 85 سالگی در تهران درگذشت و در قبرستان حاج شیخ قم مدفون گردید.

## از او آثاری چند به جای ماند، که عبارتند از:

- 1- اشارات ابن سینا (ترجمه-با همکاری).
- 2- اندرزنامه امیر نظام گروسی (اهتمام).
- 3- اوصاف الاشراف (اهتمام).
- 4- تازیانه سلوک (اهتمام).
- 5- تحفه الوزراء (اهتمام).
- 6- تفسیر ابو الفتوح رازی، جلد های 3 و 4 و 5 (اهتمام).
- 7- جاودان نامه (در مبدا و معاد و سلوک-اهتمام).
- 8- دره التاج لغره الدیباج (تصحیح).
- 9- دیوان ناصر خسرو (تصحیح).
- 10- المفید للمستفید (اهتمام).
- 11- هنجار گفتار (در بلاغت).
- 12- عصای موسی علیه السلام.
- 13- کتاب سیاست.

## منابع

- 1- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران.
- 2- رجال عصر مشروطیت 117 و 137.
- 3- ریحانه الأدب 216/1.
- 4- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 269/2.
- 5- سخنوران نامی معاصر 72/2.

6- شرح حال رجال ایران 315/5.

7- علماء معاصرین 396.

8- فرهنگ شاعران زبان پارسی 129.

9- فرهنگ عمید 315.

ص: 2125

10- مؤلفین کتب چاپی 575/6.

11- نقباء البشر (خطی).

12- نمایندگان مجلس شورای ملی 293 و 330.

13- یادگار اهل سخن 151.

**شیخ نصر الله لاهوتی اشکوری**

**اشاره**

(-1387 ق)

شیخ حسن لاهوتی فرزند شیخ نصر الله لاهوتی از بزرگان و دانشمندان بود.

در منطقه «اشکور» واقع در غرب مازندران متولد گردید.

**تحصیل در حوزه های علمیه**

ایشان مقدمات را در مدرسه علمیّه رامسر نزد علامه شیخ محمد حسین غریب تنکابنی تحصیل نمود. سپس به تهران عزیمت کرد و مدارج عالی تحصیل را نزد آیات: سید محمد تنکابنی و شیخ محمد رضا تنکابنی (پدر شیخ محمد تقی فلسفی واعظ) و در قم نزد آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی به پایان رسانید.

**درگذشت**

ایشان در پنج شنبه 23 محرم/ 1387 ق مطابق با 14 اردیبهشت/

ص: 2126

1346 ش درگذشت، و جنازه اش در یکی از اطاقهای قبرستان ابو حسین-کنار علامه سلطان الواعظین شیرازی-به خاک سپرده شد.

مرحوم شیخ حسن لاهوتی که از شاگردان آیت الله سید روح الله خمینی بود، فرزند اوست.

منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-بزرگان تنکابن 283.

**سید نصر الله موسوی تهرانی**

**اشاره**

(1340-1404 ق)

سید نصر الله تهرانی فرزند سید جعفر ملک المحدثین و نوه سید محمد موسوی شیرازی، از فضلا و محققان معاصر تهران بود.

وی در سال 1340 ق در تهران دیده به جهان گشود.

جدّ اعلای ایشان علامه سید محمد رضا مجابی شیرازی (1223-1308 ق) از علما و بزرگان بود. جهت مطالعه شرح حالش به نقباء البشر 738/2 و مکارم الآثار 772/3 رجوع شود.

سید نصر الله پس از طی تحصیلات مقدماتی و سطح، به نجف اشرف رهسپار شد و در دروس عالی حوزه را از محضر آیات: میرزا عبد الهادی شیرازی، میرزا باقر زنجانی و سید ابو القاسم خوئی بهره مند شد و به افتخار دامادی آیت الله شیخ عبد الحسین امینی «مؤلف الغدير» درآمد، ولی صاحب فرزندی نشد.

نامبرده در پی بیماری و اقامت چندین ساله در نجف به تهران بازگشت و در خانه بستری شد.

**از آثار او**

1-آرایش در اسلام.

ص: 2127

2- زن و آینه.

3- گوشه ای از تاریخ ایران.

سرانجام در اثر شدت بیماری در جمادی اول 1304/ ق در سن 64 سالگی در تهران چشم از جهان فرویست و پیکرش به قم حمل و به خاک سپرده شد.

منبع

1- معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف 605/2.

### شیخ نصرت الله بناروانی میانجی

(1333-1390 ق)

حاج شیخ نصرت الله بناروانی میانجی، فرزند محمد هلال. به سال 1293 ش در قریه «قخبلاغ» میانه از مادر متولد شد. خواندن و نوشتن را نزد جدش مشهدی محمود، و دانش میرزا عبد الحسین خلف فراگرفت. تحصیلات مقدماتی را در میانه خدمت آقا میرزا محمد حجتی و حاج میرزا حسن انصاری «اشلقی» به پایان رساند.

سپس عازم حوزه علمیه زنجان گشت، و درسهای سطح را از محضر استادان بزرگ آن دیار حضرات آیات: میرزا احمد حاج رضازاده، شیخ عبد الکریم خوینی و شیخ فیاض زنجانلی تلمذ کرد. آنگاه به شهر مقدس قم هجرت نمود و در حلقه درس آیات: سید محمد حجت کوه کمری، و سید حسین طباطبائی بروجردی، و شیخ عبد النبی اراکی شرکت جست، و از درس فلسفه آیت الله شیخ محمد مهدی مازندرانی «امیرکلائی» هم استفاده شایان برد، و در نهایت از دو استاد بزرگوار خود (بروجردی و اراکی) به دریافت اجازه اجتهاد مفتخر گردید. وی علاوه بر تسلط کافی بر فقه، اصول، منطق و فلسفه از ذوق شعری خوبی هم برخوردار بود، چنانکه بیان شیوا و گیرای او همگان را زود شیفته خود می کرد، و بدین سبب در منطقه قخبلاغ از محبوبیت خاصی در میان مردم برخوردار بود.

تألیفات زیر که حاصل تلاش شبانه روزی این عالم فرزانه محسوب می شود و

ص: 2128

همه آنها به چاپ نیز رسیده اند به این شرح است:

1- کتاب الصلاه.

2- کتاب الطهاره.

3- رساله علمیه «مجمع المسائل».

4- اصول البناروانی (در اصول فقه).

5- مناسک الحج.

6- توسل البناروانی (دیوان اشعار).

وی پس از سالها تلاش و خدمت، در روز شنبه 4 ذی قعدہ 1390/ ق مطابق با 12 دی 1349/ شمسی چشم از جهان فرو بست و در قبرستان شیخان قم برای خود مسکن جاودانی گزید.

منابع

1- سیمای میانه ص 223.

2- مؤلفین کتب چاپی 563/6.

**شیخ نعمت الله دولتی گرگانی**

**اشاره**

(1355-1400 ق)

ایشان در سال 1355 ق در شرق مازندران متولد گردید.

**تحصیل در حوزه علمیه**

پس از رشد و نمو جهت تحصیل علوم دینی به «کوهستان» بهشهر رفت، و خدمت آیه الله شیخ محمد کوهستانی دروس مقدماتی را آغاز نمود.

سپس به حوزه علمیه نجف اشرف و قم مقدس مهاجرت کرد، و از محضر آیت الله سید روح الله خمینی بهره مند گردید. و در اوائل انقلاب به سمت «قاضی شرع» منصوب گردید.





وی در روز چهارشنبه 13/ رجب 1400/ ق مطابق با 7/ خرداد 1359/ ش در سن 45 سالگی در قم درگذشت، و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

### شیخ نعمت الله مهدوی قزوینی

(ح 1395 ق)

از علمای معاصر قم بود.

تولدش در قزوین اتفاق افتاد. مقدمات را همان جا آموخت. سپس در سن جوانی به قم رهسپار شد و سطح را نزد میرزا محمد همدانی تلمذ نمود دروس خارج را از محضر آیات، حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری و سید حسین طباطبائی بروجردی استفاده کرد و مشار الیه بالبنان گردید. حلقهٔ درسی داشت و عده ای از فضلا از محضرش کسب فیض کردند.

نامبرده از نزدیکان و ملازمان و شاگردان آیت الله بروجردی بشمار می رفت و در تنظیم رسالهٔ ایشان شرکت داشت. در ماه های مبارک رمضان هر سال به قزوین می رفت و علاوه بر اقامهٔ جماعت به وعظ و ارشاد و هدایت عامهٔ مردم می پرداخت. در وعظ و خطابت مهارت بسزایی داشت.

وی در حدود سالهای 1395 ق در قم درگذشت، و در قبرستان بهشت معصومه مدفون شد.

منابع

1- آثار الحجج 126/2.

2- آینهٔ دانشوران 267.

3- اطلاعات متفرقه.

4- گنجینهٔ دانشمندان 275/2.

ص: 2130

(1407-1355 ق)

حاج سید نور الدین فرزند آیه الله سید شمس الدین نوه سید اسد الله موسوی ابهری، از فضلالی معاصر بود. در سال 1355 ق در قم متولد گردید.

### در حوزه علمیه قم

ایشان مقدمات را در تهران آموخت، سپس به قم رفت و پس از طی سطوح، خارج فقه و اصول را نزد آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید کاظم شریعتمداری، سید محمد رضا گلپایگانی و سید شهاب الدین مرعشی، و فلسفه را از محضر سید محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی» استفاده نمود، و بنا بر دعوت مردم «شهر آرا» تهران و امر آیه الله شریعتمداری به آنجا منتقل و به اقامه جماعت و تبلیغ دین مشغول شد.

وی پس از فوت پدر خود در (مسجد باب الحوائج) به انجام وظایف دینی پرداخت.

او در بامداد روز یکشنبه 14 صفر 1407/ ق مطابق با 27 مهر 1365/ ش در سن 52 سالگی در تهران درگذشت، و در یکی از اطاقهای باغ رضوان (جنب قبرستان وادی السلام) - در کنار تربت پدر خویش - مدفون شد.

منبع

1- گنجینه دانشمندان 43/3.

### شیخ نور الدین خلعتبری تنکابنی

(1354-1292 ق)

حاج شیخ نور الدین فرزند علامه شیخ محمد رحیم و نوه قاسم بیک خلعتبری

ص: 2131

تنکابنی، به سال 1292 ق در روستای (لرز بن) تنکابن متولد گردید.

مقدمات را در زادگاهش فراگرفت، سپس به تهران جهت ادامه تحصیل رفت، و از آنجا وارد نجف اشرف شد و از محضر آیات: شیخ محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بهره مند گردید، و به تنکابن بازگشت و قدرت ویژه ای حاصل کرد.

نامبرده در انقلاب مشروطیت شرکت فعالی داشت، و به اتفاق گیلانیها به رهبری محمد ولی خان سپهسالار خلعتبری در فتح تهران شرکت نموده و نیز به اتفاق آیت الله سید حسن مدرس علیه قرار داد و ثوق الدوله (1919 م) به مبارزه خود ادامه داد، و پشتیبان نهضت جنگلیها بود. مخصوصا با میرزا کوچک رفاقت نزدیکی داشت و ابتدا با رضا شاه پهلوی ملاقات کرد ولی بعدا از کارهایش اعراض نمود، و زبان انتقاد را پیشه گرفت. به همین خاطر در اواخر سال 1310 ش به دستور رضا شاه ابتدا در زندان قصر تهران زندانی گردید، سپس به کاشان تبعید شد و تمام املاکش را مصادره نمود.

در سال 1354 ق مطابق با 1314 ش به سن 62 سالگی در کاشان درگذشت، جسدش به قم حمل و در ایوان نو حضرت معصومه علیها السلام بخاک سپرده شد.

منابع

1- بزرگان تنکابن 284 (سال مرگش را 1353 ق دانسته است).

2- نسبنامه دودمان علامه تنکابنی 144.

**سید نور الدین علوی طالقانی**

(1410-1332 ق)

حاج سید نور الدین فرزند آیت الله سید محی الدین و نوه سید کاظم علوی طالقانی، از فضلا و بزرگان معاصر تهران بود.

وی در سال 1332 ق مطابق با 1291 ش در تهران دیده به جهان گشود.

ص: 2132

آقا نور الدین پس از آموختن مقدمات علوم دینی جهت ادامه تحصیلات عالی خود به حوزه علمیه قم رهسپار شد و از محضر علمای آن سامان استفاده کرد، آنگاه به تهران مراجعت نمود و در مسجد مقدس واقع در نزدیکی میدان اعدام به جای پدر خود به اقامه جماعت و انجام سایر خدمات مذهبی و اجتماعی اشتغال نمود.

وی در روز 16 رجب 1410/ق مطابق با 23 بهمن 1368/ش در سن 78 سالگی در تهران درگذشت، پیکرش به قم حمل و در کنار تربت پدر خود در یکی از اطاقهای قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

منابع

1-اطلاعات متفرقه.

2-گنجینه دانشمندان 512/3.

\*\*

ص: 2133



## حاج هادی ابهری

(-1390 ق)

از مردم باایمان و پرهیزکار و سالک «ابهر» و مردی عامی و بی سواد بود ولی روی اخلاص عمل و خلوص نیت و صفا و معنویتی که داشت، کلمات حکمت آمیزی بر زبانش جاری می شد.

جناب استاد آقای شیخ محمد رازی که ایشان را دیده و بر حقیقت صفایش مطلع شده، بعضی از کرامت‌های ایشان را در گنجینه خود نوشته، و اظهار می دارد که:

مورد عنایت و توجه آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی و دیگر علماء بوده است.

وی در سال 1390 ق در تهران درگذشت، و در جوار علی بن جعفر علیه السلام قم به خاک سپرده شد.

منبع

1- گنجینه دانشمندان 46/3.

## سید هادی روحانی قمی

(ح 1355-1420 ق)

حاج سید هادی فرزند علامه سید ابو الحسن روحانی و نوه آیت الله سید صادق

ص: 2135

حسینی قمی، از فضلالی تهران بود.

وی در حدود سال 1355 ق در قم تولد یافت.

پدرش از دانشمندان بود. تولدش در سال 1309 ق در قم اتفاق افتاد. پس از سپری کردن مقدمات و سطح، در سال 1330 ق به نجف اشرف رفت و از محضر آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی بهره ها برد. سپس به زادگاهش مراجعت فرمود و از محضر آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی در فقه و اصول و آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی در اخلاق و عرفان استفاده نمود. از آثار او: 1- کتابی مختصر در علم اخلاق.

سید ابو الحسن در روز دوشنبه 6 ذی القعدة 1382/ ق برابر با 12 فروردین 1342/ ش در سن 73 سالگی در نجف اشرف بدرود حیات گفت. شرح حالش در آثار الحجّه 36/2 و گنجینه دانشمندان 336/1، آمده است.

سید هادی در قم تحصیل نمود و مدتی از محضر آیت الله سید صادق فرزند سید محمود روحانی استفاده کرد. سپس رهسپار تهران شد و مشغول خدمات دینی و اجتماعی گردید، آثار قلمی نیز دارد.

نامبرده در روز چهارشنبه 27/ رمضان 1420/ ق برابر با 15 دی 1378/ در تهران در پی بیماری دار فانی را وداع گفت. پیکرش عصر روز پنجشنبه در قم تشییع و به خاک سپرده شد.

منبع

1- اطلاعات متفرقه.

### میرزا هادی صدر الممالک اردبیلی

(ح- 1306 ق)

میرزا هادی فرزند میرزا نصر الله صدر الممالک اردبیلی.

پدرش از اکابر علما و افاضل عرفا بود، و در علوم عقلی و نقلی ید طولانی داشت.

ص: 2136

میرزا هادی نیز عارفی آگاه و فاضلی روشن بود، و در مجالس و محافل عرفانی و ادبی شرکت می جست.

ایشان در حدود سال 1306 ق در سنّ متجاوز از 70 سالگی در قم درگذشت.

منابع

1- طرائق الحقائق 242/3.

2- مکارم الآثار 1973/6.

### شیخ هادی عبادی طالقانی

(1340-1389 ق)

شیخ هادی فرزند علامه شیخ محمّد حسن و نوّه ملا عبد الله طالقانی (عبادی)، از فضلاى جوان این بیت و داماد آیت الله سید صدر الدّین صدر بود. تولدش به سال 1340 ق مطابق با 1300 ش در تهران اتفاق افتاد.

وی پس از فراغت از تحصیلات دبیرستانی، جهت تحصیل علوم دینی به قم عزیمت و مقدمات و سطوح را به انجام رسانید، و خارج را از محضر آیات: سید محمّد حجت کوه کمری، سید صدر الدّین صدر، و سید حسین طباطبائی بروجردی مستفیض گشت و به تهران بازگشت، و از راه مباحثات دینی و اداره جلسات مذهبی خدماتی به انجام رسانید.

وی در روز سه شنبه 19 ذی قعدة 1389 ق مطابق با 7 بهمن 1348 ش در تهران درگذشت، و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

منابع

1- آثار الحجّه 276/2.

2- آشنایی با مشاهیر طالقان 343.

3- گنجینه دانشمندان 509/4 (وفاتش را به سال 1388 ق دانسته که اشتباه است).

ص: 2137



(1336-1383 ق)

حاج سید هادی فرزند سید محمود موسوی ملایری، تولدش به سال 1336 ق در ملایر اتفاق افتاد، و پس از طی دوران کودکی به سال 1349 ق به بروجرد رفت و مقدمات را به مدت چهار سال تحصیل کرد، و در سال 1353 ق به قم عزیمت و پس از طی سطوح، خارج را از محضر آیات:

سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، و سید صدر الدین صدر استفاده نمود.

وی در اوایل سال 1365 ق به نجف اشرف عزیمت و چند ماهی از محضر آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی بهره مند گردید، و به ایران بازگشت که در همدان توقف نمود و از محضر آیت الله آخوند ملا علی همدانی به مدت 3 سال مستفیض گردید، و در پی دعوت اهالی قریه «پری» ملایر به آنجا عزیمت کرد، و به ترویج احکام و بنای مساجد در روستاهای اطراف همت گماشت و پس از مدتی مجدداً به قم مراجعت نمود و از محضر آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی بهره مند شد و به تدریس سطح پرداخت، و مدتی هم در قریه «جوزان» ملایر بسر برد.

ملایری در اوایل ربیع الاول 1383/ ق مطابق با اوایل مرداد 1343/ ش به سن 47 سالگی در اثر سکت قلبی در ملایر درگذشت، و در قبرستان ابو حسین مدفون شد.

ص: 2138

### شیخ هادی تیری میانجی

(1321-1404 ق)

حاج شیخ هادی تیری فرزند مرحوم حاج میرزا محمد «افتخار العلماء» میانجی، در خانواده ای روحانی در سال 1321 ق مطابق با 1282 ش در میانه پا به عرصه وجود نهاد. تحصیلات مقدماتی را نخست در نزد پدرش فراگرفت. پس از درگذشت پدر، مدتی از محضر آیت الله حاج میرزا محمد حجتی و مرحوم عماد العلماء استفاده برد. در سن بیست سالگی عازم شهر مقدس قم گشت، و در یکی از حجره های مدرسه رضویه سکونت گزید. دوره سطح را در نزد آیات: سید محمد تقی خوانساری، سید صدر الدین صدر، و میرزا مهدی بروجردی تلمذ نمود. درس خارج را هم در حضور آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی آموخت و در ضمن تحصیل به تدریس همت گماشت.

پس از نه سال اقامت در قم بنا به دعوت اهالی میانه به زادگاه خود مراجعت کرد، و از همان روزهای نخست با تشکیل جلسات علمی و دینی، به رشد و شکوفایی اطلاعات مذهبی مردم اهتمام ورزید.

آیت الله تیری از روحی مهذب و قوی برخوردار بود. تهجد، مناجات شبانه و دعاهای روزانه و حتی روزه گرفتنیهای مستحبی وی همچنان تا آخر عمر ادامه داشت. قناعت و احتیاط در مصرف وجوه شرعی پیشه همیشگی او بود.

در زمان تسلط دموکراتها بر آذربایجان (در 1324 ش) با شهادت تمام به مخالفت آنان برخاست، و در منزل خود برای نابودی متجاوزان، مجلس دعا برقرار

کرد، تا اینکه جمعی از اطرافیان برای در امان ماندن وی از خطرها، او را به شهر قم انتقال دادند، که بعد از ختم غائله دوباره به شهر میانه بازگشت.

ایشان سرانجام در سال 1404 ق مطابق با 1363 ش به سن 82 سالگی جان به جان آفرین تسلیم کرد. پیکر پاک او با احترام کامل به شهر مقدس قم انتقال یافت، و در جوار مزار علی بن جعفر علیه السلام به خاک سپرده شد.

**میرزا هاشم آملی**

**اشاره**

(1322-1413 ق)

حاج میرزا هاشم فرزند حاج محمد آملی مازندرانی «لاریجانی»، از فقها و اساتید به نام حوزه های علمی بود.

ایشان در سال 1322 ق در شهرستان آمل متولد شد، و پس از طی تحصیلات ابتدایی نزد ملا احمد آملی، به تشویق یکی از بستگان خود جهت تحصیلات علوم دینی در سن 16 سالگی به تهران عزیمت کرد، و مورد توجه مرحوم سید حسن طباطبائی «مدرس» که متولی مدرسه سپهسالار بود، واقع شد. ایشان در فرصت کوتاهی ادبیات، منطق و سطوح عالی را به پایان رسانید. اساتید وی در این برهه مرحوم سید محمد تنکابنی و میرزا ید الله نظرپاک و میرزا طاهر تنکابنی در فلسفه، شیخ محمد علی لواسانی، میرزا ابو الحسن شعرانی، شیخ حسین آملی و میرزا محمد رضا فقیه لاریجانی بوده اند.

در همین ایام که حوزه علمی قم با استقرار مرحوم آیت الله حاج شیخ

ص: 2140

عبد الکریم حائری یزدی شکل گرفته بود، جهت تحصیلات عالیہ در سال 1345 به قم عزیمت کرد و با جدیت به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. در این دوران علاوه بر حضور در محفل درس مرحوم آیت اللہ حائری، در جلسات درس اساتیدی بزرگ از جمله آیات: میر سید علی یتربی کاشانی، میرزا محمد علی شاه آبادی، شیخ محمد علی حائری قمی و سید محمد حجت کوه کمری نیز شرکت می کرد.

پس از مدت پنج سال تحصیل و تدریس مداوم در قم با اخذ درجۀ اجتهاد از مرحوم آیت اللہ حائری و آیت اللہ حجت، جهت ادامۀ تحصیل و درک محضر اساتید نجف، به دیار ولایت کبری در سال 1350 ق عزیمت و در جوار مولا- امیر المؤمنین علی علیه السلام اقامت گزید، و در محفل دروس آیات: میرزا محمد حسین نائینی، شیخ ضیاء الدین عراقی و سید ابو الحسن اصفهانی شرکت کرد.

ایشان موفق شد در این دوره تمامی مطالب دروس اساتید خود را با قلمی روان تقریر نماید و در مدت کوتاهی با توصیه اساتید خود، پس از چندین سال تدریس سطوح عالیہ برای فضلا و طلاب مشتاق به تدریس «خارج» پرداخت. طولی نکشید که حوزه درس ایشان مورد توجه فضلا عالی مقام قرار گرفت، و موفق شد عدۀ زیادی را در همان ایام تربیت نموده، به مقامات عالیہ نائل گرداند.

ص: 2141

در سال 1381 ق به قصد معالجه و دیدن ارحام و دوستان و نیز به دعوت جمعی از اساتید و فضیلاى حوزه علمیه قم، موقتاً در قم اقامت و به تدریس فقه و اصول پرداخت. در همین فرصت عده زیادی از محققین حوزه به شرکت در درس ایشان موفق شدند.

از جمله آثار ایشان که به رشته تقریر درآمده و به طبع رسیده است به شرح زیر می باشد:

1- کشف الحقائق، از سید جعفر کریمی که تقریر درس «بیع و خیارات» است و بعضی از مجلدات آن به چاپ رسیده.

2- المعالم المأثوره (در طهارت) از اسماعیل پور.

3- مجمع الافکار، دوره اصول فقه در پنج جلد.

4- منتهی الافکار، حاوی مباحث الفاظ اصول فقه از شیخ محمد تقی مجلسی.

و بسیاری از تقریرات غیر مطبوع دیگر که توسط اساتید حوزه به رشته تحریر درآمده و هنوز به طبع نرسیده است.

همچنین برخی از آثار قلمی ایشان به شرح زیر است:

1- بدائع الافکار، یک دوره مباحث اصول فقه تقریر درس مرحوم آیت الله شیخ ضیاء الدین عراقی است که از متفکرین بزرگ قرن معاصر محسوب می شوند. از این دوره «مبحث الفاظ» در 4 جلد به طبع رسیده است.

2- کتاب الرهن.

ص: 2142

3- کتاب الاجاره.

4- کتاب الصوم.

5- رساله النيه.

6- رساله ای در خلل صلوات.

7- حاشیه ای بر «التحصیل» بهمینار، که در زمان تلمذ ایشان نزد مرحوم نظر پاک تألیف شده است.

8- تعلیقه علی العروه الوثقی.

9- تقریرات فقه عراقی.

10- تقریرات صلوات حائری یزدی.

11- حاشیه بر شرح چغمنی.

13- مناسک حج.

14- تقریرات اصول اصفهانی.

15- الخیارات.

16- کتاب الغصب.

17- رساله فی الرضاع.

ایشان همواره مقید بود که دروس خود را قبل از افاضه قلمی نماید، و از این رهگذر مکتوبات عدیده ای از ایشان بجای مانده است، از جمله:

1- از آغاز بیع تا آخر مکاسب.

2- دوره مباحث طهارت.

3- دوره صلوات.

4- دوره های متعدد در اصول.

ایشان بسیار خلیق، خوش برخورد، خوش عمل و خوش خلق بود از نظر

ص: 2143

ملکات و خصائل اخلاقی کمتر کسی را می توان شبیه او دانست. او در موقعیت و مرجعیت تشیع همواره ساده زیست و به دور از هرگونه تکلف زندگی کرد، در خانه اش بر روی همگان باز بود. در بسیاری از موارد دیده شد که شخصا از ارباب رجوع استقبال به عمل آورده، و وی را به حضور پذیرفت- غالباً خود به تلفن ها پاسخ می داد. مزاح حکیمانه و مفاکحه الاخوان او میان علماء از شهرت خاصی برخوردار است.

حال خوشی داشت، به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام عشق می ورزید و غالباً هنگام ذکر نام اهل بیت علیهم السلام به ویژه نام مولی الموحدين امیر المؤمنین علیه السلام اشک می ریخت، حال بکاء و توسل مخصوص به خود داشت. از پند، اندرز، راهنمایی، ارشاد و خیرخواهی نسبت به دیگران بویژه طلاب هیچ گونه مضایقه ای نداشت، همواره در آستانه تعطیلات حوزه و نیز در سایر موارد همگان را پدرانۀ نصیحت می کرد، و البته چند مسأله بیش از سایر مسائل در سخنان و سفارشهای او به چشم می خورد از جمله: هیچ گاه به نامحرم نگاه نکنید، همواره با وضو و طهارت باشید، خدا را فراموش نکنید، همیشه به یاد مولی امام زمان (عج) باشید که ناظر بر شماست، نماز شب را از یاد نبرید که همه انبیاء علیهم السلام به مداومت آن سفارش کرده اند.

### ابنیه علمی و مذهبی

در گوشه و کنار کشور، بناهای مذهبی و علمی فراوان با همت ایشان احداث گشته اند، که مدرسه علمیّه «ولی عصر» (عج) در حوزه علمیّه قم از آن جمله است.

و جالب آن است که ایشان در زمان حیاتشان در ملاقاتی از مرحوم شیخ مرتضی مطهری خواسته بودند، مقداری از اوقاتشان را صرف برنامه ریزی مدرسه علمیّه قم بنمایند و آنجا را به «دار الفقاهه» تبدیل نمایند.

ایشان عصر روز جمعه 4/رمضان 1413/ق مطابق با 7/اسفند 1371/ش به سن 91 سالگی در قم درگذشت، جسدش بعد از ظهر شنبه از مسجد امام حسن



عسکری علیه السّلام تشییع و در حرم حضرت معصومه علیها السّلام به خاک سپرده شد.

منابع

1- آثار الحجّه 367/2.

2- گنجینه دانشمندان 53/2.

3- مؤلفین کتب چاپی 744/6.

4- نقباء البشر (خطی).

### شیخ هاشم تقدیری سبزواری

(1345-1417 ق)

حاج شیخ هاشم تقدیری سبزواری، از دانشمندان و مدرسین حوزه علمیه خوانسار بود.

در سال 1345 ق در سبزواری دیده به جهان گشود، و پس از طی دوره مقدماتی به مشهد مقدس رهسپار شد و سطوح را به انجام رسانید، و جهت دیدن دوره خارج به قم مهاجرت کرد و از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید محمد داماد یزدی، شیخ مرتضی حائری یزدی، و سید روح الله خمینی بهره مند گردید، و جزو ملازمین درس آیت الله حائری یزدی و نیز معتمدین نزد ایشان بود.

در سالهای آخر عمر به دعوت آقای ابن الرضا به خوانسار رفته و در (مدرسه حضرت ولی عصر عجل) به تدریس سطوح پرداخت، و در آن دیار منشاء خدمات و برکات بود و عده زیادی از نوجوانان را تربیت نمود.

ص: 2145

سرانجام در روز یکشنبه 5/رجب 1317/ق در پی بیماری قلبی در خوانسار درگذشت، جسدش روز دوشنبه در قم تشییع و در صحن حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد.

منابع

1- افادات معظم له.

2- گنجینه دانشمندان 328/5.

**سید هاشم حسینی تهرانی**

**اشاره**

(1338-1411 ق)

سید هاشم فرزند سید جواد و نوه سید مهدی حسینی تهرانی، از دانشمندان و مدرسان معروف بود. وی در 17 شعبان 1338/ق در تهران متولد شد.

مقدمات را در زادگاه خود آموخت، مقداری از سطح را نیز فراگرفت. آنگاه در سال 1360 ق به نجف اشرف عزیمت و از محضر آیات: شیخ حسین حلی، میرزا باقر زنجانی و سید ابو القاسم خویی استفاده نمود.

در سال 1366 ق به تهران بازگشت و علوم عقلی و نقلی را از محضر آیات:

شیخ ابو الحسن شعرانی، شیخ مهدی الهی قمشه ای، شیخ محمد تقی آملی و سید ابو الحسن رفیعی قزوینی بهره مند گردید.

در سال 1373 ق مجدداً به نجف اشرف رفت و تا سال 1380 ق به تدریس و تدرّس از اساتید مذکور اشتغال داشت، و اخیراً به تهران بازگشت و مشغول تدریس و ترویج گردید.

**از آثار او:**

1- أفضل الأعمال فی فضیله الصلاه و أحكامها.

2- بوستان معرفت.

ص: 2146

3- توضیح المراد فی التعلیق علی تجرید الاعتقاد.

4- شرح التوحید (اثر شیخ صدوق).

5- عقائد انسان، در چند مجلد.

6- علوم العربیه فی النحو و الصرف، در سه جلد.

استاد تهرانی، در روز شنبه 9 ذی الحجه 1411/ق در سن 73 سالگی در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در قبرستان باغ بهشت مدفون گردید.

منابع

1- اطلاعات متفرقه.

2- مؤلفین کتب چاپی 750/6.

**سید هاشم خوئی**

**اشاره**

(1295-1358 ق)

میر سید هاشم فرزند سید عبد الله و نوه سید محمد موسوی خوئی، تولدش در (کوشک سرای) مرند به سال 1295 ق اتفاق افتاد.

تحصیلات خود را در مرند نزد فاضل هرزندی و در خوی به انجام رسانید و در نجف اشرف مطلقاً تحصیل نمود. در سال 1320 از مرند به خوی منتقل شد و در جنگ آرامنه با علمای خوی نهایت تشریک مساعی را مبذول داشت و تفنگ بدست با مهاجمین مبارزه نمود.

استاد شیخ محمد رازی در شرح حال ایشان نوشته: (آن مرحوم از علمای فاضل و دانشمند و در علوم متنوعه صاحب نظر، و مخصوصاً در فقه و اصول و حدیث دارای تحقیقات ارزنده و تتبعات کثیره می باشد، و علاوه بر مراتب بالا دانشمند مزبور در ادب و موعظه و خطابه توانا و در حدت ذهن و وجودت حافظه فردی کم نظیر بوده است، اشعار عربی، ترکی، و فارسی که از ایشان به یادگار مانده نشانه قریحه سرشار و طبع لطیف و ذوق سلیم او می باشد).

ص: 2147

وی دارای اجازاتی است از آیات: شیخ الشریعة اصفهانی، سید ابو الحسن اصفهانی، شیخ عبد الکریم حائری یزدی، میرزا آقا اصطهباناتی.

## از آثار او:

- 1- الاربعون حدیثا.
- 2- رجوم الشیاطین فی دفع اشتراکی المشرکین.
- 3- سر الاسرار فی مصائب الابرار.
- 4- صواب الخطاب در وجوب حجاب.
- 5- فرائد الدرر فی دفع الغرر، (فارسی-در مواعظ و پند).
- 6- مجالس الاصول فی المواعظ، (فارسی)
- 7- مرآة التقی فی شرح القضاء من العروه الوثقی.
- 8- مفتاح الکلام فی شرح شرائع الاسلام (کتاب الزکاه و الخمس و الصوم و اما الطهاره و الصلاحه و المتاجر لم تنزل مخطوطه).
- 9- ذکر المساکین در ادعیه.
- 10- رساله ای در احکام اموات.
- 11- رساله در ردّ نظریه داروین.
- 12- شرح الاربعین حدیثا.
- 13- شفاء الصدور در تفسیر سورة قدر.
- 14- منظومه ای در عقاید (در باره ظهور ولی عصر «عج»).
- 15- جواب العائب فی مسأله طلاق الغائب.
- 16- فوائد اسلام.
- 17- دیوان اشعار.
- 18- وصله سلاسل الاختیار الی رواه الاخبار.

19- احسن الكلمات فى ردّ الغلات.

20- ترجمه احتجاج (از طبرسى)

ص: 2148

21- شرح بر رسائل (شیخ انصاری).

22- فقه القرآن، در 2 جلد

23- رساله علمیّه.

### فرزندانش:

1- سید عبد الله 2- سید محمد 3- سید حسن 4- سید حسین 5- علامه سید جعفر مرقانی متولد رجب 1349/ق در خوی 6- سید علینقی 7- سید مهدی و 7 دختر که علامه و دانشمند محترم حاج میرزا خلیل قبله ای خوئی دامادش می باشد.

### منابع

1- تاریخ خوی (آقاسی) 559.

2- تذکره الفضلاء (خطی).

3- تذکره شعرای آذربایجان 274/4.

4- سخنوران آذربایجان 1031.

5- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی؟؟ 312/.

6- گنجینه دانشمندان 73/5.

7- مؤلفین کتب چاپی 759/6.

8- نقباء البشر (خطی).

### سید هاشم رضوی بنارسی

(ح 1410 ق)

سید هاشم فرزند سید علی اکبر و نوه سید علی اصغر رضوی بنارسی هندی، از دانشمندان و عرفای معاصر بود. در بنارس هند متولد گردید.

وی در ایالت بنارس از جمله شاگردان آیت الله سید علی جواد بنارسی (متوفای 1338 ق) بود، سپس به عتبات عالیات مهاجرت کرد و در نجف اشرف از شاگردان بزرگانی چون: سید عبد الغفار مازندرانی و سید علی قاضی طباطبائی در



عرفان و فقه عالی بود.

وی مدتی هم در کربلا تحصیلاتی داشت و نزد آیت الله سید محمد هادی میلانی تلمذ نمود.

بنارسی، پس از سالهای متمادی اقامت در عتبات مقدس به ایران مهاجرت کرد و در همدان مدتی از انفاس زکیه علامه عارف شیخ محمد جواد انصاری بهره مند گردید، سپس در تهران سکونت اختیار نمود.

وی در حدود سال 1410 ق در تهران در حدود سن 90 سالگی بدرود حیات گفت. پیکرش به قم حمل و در روبروی مقابر گلزار شهدا به خاک سپرده شد.

منابع

1- اظهارات یکی از دوستان ایشان.

2- نقباء البشر 1610/4.

**سید هاشم طباطبائی یزدی**

**اشاره**

(ح 1320-1395 ق)

سید هاشم فرزند آیت الله سید عبد الحی و نوه سید ابو القاسم طباطبائی یزدی، از فضلا و نویسندگان بود، تولدش در حدود سال 1320 ق در نجف اشرف اتفاق افتاد.

پدرش سید عبد الحی (1282 در فراراه یزد- 16 محرم 1348 ق در یزد) از فقها و دانشمندان معروف یزد بود. وی پس از سپری مقدمات نزد پدر خود به نجف اشرف رفت و از محضر سید محمد کاظم طباطبائی یزدی استفاده نمود. و در سال 1330 ق به یزد بازگشت و مشغول خدمات دینی و اجتماعی گردید. جهت تفصیل بیشتر به نقباء البشر 1093/3 و النجوم السّرد بذکر علماء یزد (اثر سید جواد مدرس - خطی) رجوع شود.

سید هاشم در سال 1330 ق همراه پدر خود به یزد رفت و پس از طی مقدمات و سطح مجدداً به نجف اشرف بازگشت و پس از چندی اقامت در اثر ابتلا به

ص: 2150



بیماری تنگی نفس به یزد مراجعت کرد و به جای پدر خود در مسجد سرریک به اقامه جماعت و ارشاد دینی اشتغال ورزید و دروس دینی را از محضر آیت الله سید علی مدرسی یزدی بهره مند شد.

نامبرده در چند سال آخر عمر خود به تهران مهاجرت کرد و در آنجا نیز به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت پرداخت.

## از آثار او:

1- التهذیب لمغنی اللیب، مکرر چاپ شده است.

2- جامع الشتات فی فتاوی المراجع.

3- چمنزار، 1377 ق، یزد، جیبی، 220 ص.

4- رساله نوروذیه، 1371 ق، یزد، رقعی، 74 ص.

5- گلزار نجفی «کشکول».

6- معجون الأدعیه، 1380 ق، اصفهان، جیبی، 183 ص.

مرحوم سید هاشم در شعبان 1395/ ق مطابق با 1354 ش در حدود سن 75 سالگی در تهران دار فانی را وداع گفت و پیکرش به قم حمل و در یکی از اطافهای قبرستان ابو حسین به خاک سپرده شد.

یکی از برادران آقا سید هاشم، سید مرتضی طباطبائی که از جمله فضلاى درس آیت الله میرزا عبد الهادی شیرازی در نجف اشرف بود، وی به یزد رفت و به وظایف دینی و روحی اشتغال ورزید و سرانجام در اثر بیماری قلبی در سال 1378 ق در حدود سن 55 سالگی در یزد درگذشت و پیکرش در قبرستان طوبی هرهر به خاک سپرده شد. دامادهايش مرحوم آیت الله میرزا حسن یزدی که از علمای مدرس نجف اشرف و شیخ محمد رضا لیبی از علمای برجسته معاصر کرمان می باشد.

## منابع

1- النجوم السرد بذکر علماء یزد (خطی - سید جواد مدرسی).

ص: 2151

2- مجموعهٔ وزیری یزدی (خطی).

3- معجم المطبوعات النجفیه 393.

4- مقدمهٔ گلزار نجفی.

5- مؤلفین کتب چاپی 759/6.

### سید هاشم نیشابوری

(ح 1310 ق)

وی قبل از سال 1300 ق به سامراء مهاجرت کرد و از محضر آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی چند سالی استفاده نمود آنگاه به امر استادش به ایران مراجعت داشت ولی در جهود قم به رحمت الهی پیوست و پیکرش به قم حمل و در آنجا به خاک سپرده شد.

از مهمترین ویژگیهای مترجم له کثرت عبادت و زهد و تقوا و یکی از گریه کنندگان حقیقی بود.

منبع

1- هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی 173.

### شیخ هدایت الله تبریزی «غروی»

اشاره

(1314-1407 ق)

آیت الله شیخ هدایت الله فرزند علامه شیخ زین العابدین تبریزی مرنندی، به سال 1314 ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود.

پس از طی مقدمات، سطوح را نزد آیت الله شیخ مرتضی طالقانی تلمذ نموده، و در حدود سن 30 سالگی در پی بیماری و اختلال مزاج به تبریز مهاجرت کرده و جزو شاگردان آیت الله سید ابو الحسن انگجی درآمده، و در علوم غریبه از شیخ ابراهیم تبریزی معروف به (آقا بالا) استفاده نموده، و نیز از حاج علی سیاح، و شیخ

ص: 2152

حسنعلی نخودکی اصفهانی در مشهد مقدس، در رشته علوم غریبه و معنویات و ریاضیات بهره مند شده، و در تبریز منزل وی محل اهل دل و ماوای صاحبان بصیرت بوده است.

بنده سایر آثار قلمی ایشان را نزد فرزندش حجه الاسلام شیخ ابو القاسم غروی دیدم که از آن معلوم می شود بسیار پرکار و بسیار دقیق بوده، و در فقه و اصول نیز ید طولائی داشته است.

آیه الله سید کاظم تبریزی به هنگام انتقال به قم ایشان را به عنوان متصدی مدرسه طالبیه تعیین نمود و پس از پذیرفتن این کار از لحاظ نظم و ترتیب امور طلاب و مدرسه بسیار کوشش نمود. و مورد توجه علمای شهر و مردم نیکوکار تبریز گردید. وی این سمت را سالهای متمادی برعهده داشت. در ضمن تدریس بعضی از کتابهای درسی مانند شرح لمعه مشغول بود و نیز امامت مسجد خاله اوغلی جنب مسجد جامع را برعهده داشت.

### از آثار او:

1- حاشیه علی المنظومه.

2- مجالس الذکر.

3- تقریرات الانگجی (فی الزکاه و الخمس و الوقف و الاجاره).

4- الکتاب الحمید فی تفسیر سورتی الحمد و التوحید (محرم 1355/ق در تبریز و علیه تقریظ الانگجی عام 1357 ق).

5- کَشکول، به زبان عربی.

ص: 2153

- 6- المنظوم و المنشور فى طرائف الامور و حوادث الأيام و الأعوام و الشهور.
- 7- منتهى التقريب على حاشيه التهذيب فى المنطق.
- 8- منتهى التصنيف فى علم التصريف.
- 9- تفسير سوره البقره (ناقص).
- 10- تفسير كل من السور: نوح و الجن و المزل و المدثر و القيامه و هل اتى و المرسلات و النبأ (فى دفتر واحد).
- 11- رساله الاحباط فيما اشتهر من الاغلاط.
- 12- ديوان شعر (اغلبه فى اهل البيت عليهم السلام و رثاء والده و الشيخ محمّد جواد البلاغى).
- 13- نهايه الطلب فى الصنعه و الكيمياء (فارسى).
- 14- رساله فى الصنعه و الكيمياء (عام ق).
- 15- جدول معرفت اوقات الصلاه خلال عام فى تبريز.
- 16- عدّه دفاتر فى علم الرمل.
- 17- نيل المشتاق الى معرفه الاعداد و وضع الألواح و الأوفاق.
- 18- عدّه دفاتر فى الطلاسم و الادعيه.
- 19- رساله جهل اسم و شرح خواص آن.
- 20- رساله اى در تسخير و احضار.
- 21- تسهيل الأمر على من طلب من قواعد الجفر.
- 22- مجموعه فى شرح دعای سيفى، شرح دعای جوشن كبير، شرح خواص سورة يس (1362 ق).
- 23- حاشيه على المطول.
- 24- حاشيه على كفايه الاصول.
- 25- حاشيه على اللمعه الدمشقيه.



درگذشت، و در قبرستانی که چسبیده به قبرستان حاج شیخ قم است مدفون گردید.

## از فرزندانش:

شیخ ابو القاسم غروی در کسوت روحانیت می باشد.

## هدایت الله عجمی

(ح- 1395 ق)

از شعرای معاصر بود که در نارمک تهران می زیست.

فقط نمونه ای از اشعار او به دست ما رسید، که تقدیم خوانندگان گرامی می شود:

به مناسبت فوت حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ آقا بزرگ نوری قدس سره سروده شد:

تا توانی تخم نیکی در زمین دل بکار

بر نیکو حاصل نیکو دهد در روزگار

بندگی کن تا شوی بر ما سوی الله پادشاه

کام مسکینان بده تا آنکه گردی کامکار

گر جبین بندگی بر خاک بگذاری شبی

شهریاران سردرت آرند روی انکسار

جهل بوجهلی بنه، کن پیشه صدق بوذری

شو مسلمان همچو سلمان تا که گردی رستگار

دل منه بر منصب و جاه و مقام دنیوی

زان که دنیا را نباشد ای برادر اعتبار

چون سکندر گر شوی فرمانروای بحر و بر

چون سلیمان گر نشینی بر سریر اقتدار



هرکه باشی عاقبت جایت بود در خاک گور

گر گدای بینوایی یا همایون شهریار

عاقبت گرگ اجل آرد گریبان بیچنگ

خلق انبوهی نماید در عزایت سوگوار

آنکه بودی چند روز قبل با ما همنشین

حال بنگر ساکت و خاموش خفته بر مزار

بیستمین روز از مه ذی الحجّه چون شد منقضى

سیصد و هشتاد و پنج هجری از بعد هزار

شد بلند از کاروان مرگ بانگ الرّحیل

یعنی ای مرد خدا آماده شو، بر بند بار

حجه الاسلام نوری: حاج شیخ آقا بزرگ

اختر علم و ادب فرزانه مرد هوشیار

چون ندای ارجعی بشنید از حق بی درنگ

همچنان مرغ سبک روحی پرید از شاخسار

خطاب به حضرت آیت الله آقای حاج سید کاظم شریعتمداری در قم:

ای زعیم پاکدل وی آیت عظمای حق ای پناه شیعه وی شرع و شریعت را مدار

ما ز قلّهک همره روحانی عالی مقام حجه الاسلام مشکوری: بحال داغدار

بهر عرض تسلیت در پیشگاه حضرتت آمدیم از راه دور ای مرجع والاتبّار

گر برفت آن عالم روشن روان از دست ما جان تو بادا سلامت خود تو مانی پایدار

(ای معلّم) شادی روحش طلب کن از خدای آب رفته بر نمی گردد دگر بر جویبار

(هدایت الله عجمی)



عجمی در حدود سال 1395 ق در تهران بدرود حیات گفت. پیکرش به قم

ص: 2156

حمل و در قبرستان باغ رضوان-جنب قبرستان وادی السلام-در خاک فرج آرמיד.

منبع

1-اطلاعات متفرقه.

### هدایت الله کاکاوندی لرستانی

(1305-1399 ق)

هدایت الله فرزند نجفعلی مظفری کاکاوندی، از خوانین لرستان و اهل ذوق و شعر بود.

به سال 1305 ق مطابق با 1266 ش در خطه لرستان متولد گردید.

از اوست:

امیدم که در روز یوم القیام بگیرد مرا دست خیر الانام

دهد ساقی کوثرم جام می از آهی به فرمان داد ارحی

هرآن کس که می خواند اشعار من نباید فراموش کرد این سخن

او در روز سه شنبه 10 رجب 1399/ ق مطابق با 15 خرداد 1358/ ش به سن 94 سالگی درگذشت، و در وادی السلام قم مدفون گردید.

### میرزا هدایت الله وحید گلپایگانی

اشاره

(1308-1394 ق)

حاج میرزا هدایت الله فرزند علامه شیخ محمد جواد و نوه آقا محمد رضا وحید نخعی گلپایگانی، از علمای معروف و ساکن تهران بود.

پدرش از علمای فارغ التحصیل حوزه نجف اشرف، و از شاگردان آیات: شیخ محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بود.

آیه الله شیخ زین الدین نخعی گلپایگانی (پدر آقا ریحان الله)، عموی حاج میرزا

ص: 2157

هدایت الله بود.

میرزا هدایت الله در 13/ رجب/ 1308 ق در «گوگد» گلپایگان متولد گردید.

وی دوران کودکی خود را تحت نظارت پدر و عموی خود گذرانید، و پس از طی مقدمات، سطوح را در محضر پدرش تلمذ کرد.

### **هجرت به اراک و قم**

ایشان در سال 1336 ق جهت دیدن دوره های عالی تحصیل به اراک رهسپار شد، و از محضر آیات: سید نور الدین عراقی، میرزا محمد علی خان اراکی و حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی استفاده نمود.

در سال 1340 ق در پی مهاجرت استاد خود «حائری یزدی» به قم، نامبرده نیز به آن دیار عزیمت نمود، و همواره از آن استاد گرانقدر و نیز آیه الله سید ابو الحسن اصفهانی بهره ها برد.

\*\*

ص: 2158

## شیخ یحیی انواری همدانی

(ح 1347-1416 ق)

حاج شیخ یحیی فرزند آیت الله شیخ محمود و نوه ملا علی جناب انواری همدانی، از علمای معاصر قم بود. تولدش در حدود سال 1343 ق در همدان اتفاق افتاد.

وی در دامن پدری دانشمند و فاضل پرورش یافت، و پس از طی مقدمات به قم مهاجرت کرد و سطوح را نزد سید شهاب الدین مرعشی را به انجام رسانید.

خارج فقه و اصول را از محضر آیات: سید حسین طباطبائی بروجردی، سید کاظم تبریزی، سید روح الله خمینی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، و سید محمد رضا گلپایگانی بهره مند گردید.

ص: 2159

از آثار او: حاشیه‌ی علی الرسائل محقق داماد (نا تمام)

او در روز جمعه / 21 ذی حجه / 1416 ق مطابق با / 21 اردیبهشت / 1375 ش در اثر سکنه قلبی در قم درگذشت، و جسدش صبح روز شنبه تشییع و در باغ بهشت به خاک سپرده شد.

منبع

1- گنجینه دانشمندان 395/7.

شیخ محمود انواری همدانی

**میرزا یحیی خلعتبری تنکابنی**

(1297-1355 ق)

شیخ یحیی مجتهد فرزند شیخ محمد رحیم مجتهد و نوه قاسم بیگ خلعتبری تنکابنی، از دانشمندان و مشاهیر تنکابن بود.

وی در تنکابن به سال 1297 ق متولد گردید.

پدرش از جمله علمای معروف تنکابن بود. وی از جمله شاگردان میرزا محمد تنکابنی (صاحب قصص العلماء) که بعدا داماد ایشان شد و در تهران شاگرد معقول و منقول آیات: میرزا محمد حسن آشتیانی، میرزا علی نوری و سید ابو الحسن جلوه اصفهانی بود. در سال 1309 ق درگذشت. شرح حالش به صورت مختصر در بزرگان تنکابن ص 226 آمده است.

میرزا یحیی مقدمات را در مدارس علمیّه تنکابن فراگرفت و به قزوین عزیمت

ص: 2160

نمود و در قزوین سطوح را تحصیل و به تهران رهسپار گردید، در تهران مدارج عالیہ را در معقول و منقول تحصیل نمود و به تنکابن بازگشت. در تنکابن شهرت خوبی کسب نمود.

در روز پنجشنبه 21 رجب 1355/ ق مطابق با 16 مهر 1315/ ش درگذشت و جنازه اش به قم حمل و در قبرستان حاج شیخ به شماره (35511) به خاک سپرده شد.

فرزند وی: مرحوم ابو الحسن فصیح خلعتبری (1323-1413 ق در تهران) است. او تحصیلات خود را در قم و در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به پایان رساند و به قضاوت در وزارت دادگستری اشتغال نمود.

از آثار او: 1- حقوق الهی و بشری، 2- قیام عظیم اسلامی امام حسین علیه السلام، 3- اسلام دین انسان، و مدیر هفته نامه «مکتب آزادی» منتشر سال 1329 ش در تهران و صاحب امتیاز هفته نامه «کیفر روز» منتشر سال 1330 ش در تهران بود.

جهت تفصیل بیشتر به کتاب بزرگان تنکابن ص 32 مراجعه فرمایید.

منبع

1- بزرگان تنکابن 296.

**شیخ یحیی عبادی طالقانی**

**اشاره**

(1335-1401 ق)

حاج شیخ یحیی فرزند آیت الله شیخ محمد حسن و نوه ملا عبد الله طالقانی (عبادی)، از علما و فضیلائی تهران بود. در سال 1335 ق مطابق با 1295 ش در تهران متولد گردید.

**هجرت به حوزه علمیه قم**

وی در دامان پدری دانشمند و بزرگوار پرورش یافت. و پس از گذراندن علوم جدید در مدارس متوسطه، مقدمات علوم دینی را در تهران آموخت، و در سال

ص: 2161

1353 ق با پدرش به قم عزیمت نمود، و بقیهٔ دروس ادبی را نزد میرزا محمد علی ادیب تهرانی، و سطوح را نزد آیات: میرزا آقا ترابی دامغانی، سید احمد زنجانی و سید احمد لواسانی، تلمذ کرد. آن گاه دروس عالی حوزه را نزد آیات: سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری، و سید صدر الدین صدر استفاده نمود، و چند سالی هم در درس فقه آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی شرکت جست، و دروس فلسفه را از محضر سید روح الله خمینی استفاده نمود.

وی در سال 1371 ق در پی ارتحال پدرش به تهران بازگشت، و در «مسجد طالقانی ها» به اقامهٔ جماعت و ارشاد و هدایت مردم پرداخت.

## خدمات و آثار اجتماعی

مرحوم عبادی در زهد و تقوا و عباد کم نظیر بود، و عده ای از بزرگان در حکمت و عرفان و اخلاق از محضر پرفیض بهره ها جستند.

از آثار خیریه ایشان می توان: تعمیر اساسی «مسجد طالقانی ها»، و تعمیر «مسجد کوچک سراج الملک» واقع در خیابان ملت، و تکمیل «مسجد حسین آباد» لویزان، و کمک اساسی جهت تأسیس «دبستان اسلامی کنی» در حسین آباد، را نام برد.

## از آثار قلمی او

1- تقریرات اصول حجت.

2- رساله ای در جبر و تقویض.

3- رساله ای در لباس مشکوک (تقریرات حجت).

سرانجام در تاریخ اوایل/جمادی اول/1401/ق مطابق با اواخر/اسفند/1359 ش در تهران درگذشت، و جنازه اش به قم حمل و در «مسجد طباطبائی» حرم حضرت معصومه علیها السلام مدفون گردید.

منابع

1- آثار الحجه 276/2.

ص: 2162

2- آشنایی با مشاهیر طالقان 345 (سال مرگش را اشتباه نوشته است).

3- آینه دانشوران 515.

4- گنجینه دانشمندان 508/4.

### شیخ یحیی فاضل همدانی

#### اشاره

(-1400 ق)

شیخ یحیی فرزند میرزا علی اکبر همدانی، ملقب به «فاضل»، یکی از دانشمندان و فضیلائی معاصر بود. وی در روستای «سلیمان آباد» همدان متولد شد.

نامبرده پس از طی مقدمات در سن جوانی به حوزه علمیه قم رهسپار شد و سطوح را نزد آیاتی چون شیخ ابو القاسم نحوی، آخوند ملا علی همدانی، میرزا محمد همدانی و شیخ محمد علی حائری قمی تلمذ کرد.

آنگاه در درس خارج حضرات آیات: حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی و سید محمد حجت کوه کمری شرکت جست.

#### از آثار قلمی او:

1- کتاب البیع (از تقریرات آیت الله حجت).

ایشان در ذی حجه 1400/ ق در قم درگذشت.

منابع

1- آینه دانشوران 373.

ص: 2163



### سید یحیی مدرس یزدی

#### اشاره

(1321-1383 ق)

سید یحیی فرزند سید علی اصغر و نوه سید محمد تقی مدرس طباطبائی یزدی، از فقها و دانشمندان نجف اشرف بود.

در سال 1321 ق مطابق با 1282 ش در یزد متولد گردید.

#### در حوزه های علمیه

وی پس از طی مقدمات، سطوح را نزد آیات: سید احمد فرزند محمد مدرس طباطبائی، سید حسین باغ گندمی، سید علیرضا حائری و سید مرتضی مدرس طباطبائی در زادگاه خود فراگرفت.

در سال 1341 ق (یا 1342 ق) رهسپار حوزه علمیه قم شد، و دروس سطح را نزد آیت الله میرزا محمد همدانی به انجام رسانید، و دروس خارج را از محضر آیات:

حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، سید محمد تقی خوانساری و سید علی یثربی کاشانی استفاده نمود، و خود به تدریس متون کتب درسی پرداخت.

#### هجرت به نجف اشرف

ایشان در سال 1351 ق به نجف اشرف مهاجرت کرد، و از محضر آیات: میرزا

محمد حسین نائینی (در فقه)، شیخ ضیاء الدین عراقی (در فقه و اصول) و سید ابو الحسن اصفهانی (در فقه) بهره مند گردید. و به شدت تحت تأثیر افکار و آراء استادش عراقی قرار گرفت، و علاقه داشت سایر آثار این استاد را به چاپ برساند.

نامبرده در ضمن حضور دروس خارج، خود به تدریس متون کتب درسی و دینی اشتغال داشت، و بعد از فوت استادش «عراقی» از سال 1362 ق به تدریس خارج پرداخت و عده ای از فضلا از خرمن دانش ایشان استفاده کردند، و نماز جماعت را در صحن مطهر علوی بر پا می نمود.

## از آثار او

1- الاجتهاد و التقليد.

2- انیس الموحدين فی أحكام الدین.

3- تقریرات استاذہ العراقی فی الاصول.

4- تقریرات استاذہ النائینی فی البیع.

5- حاشیہ علی العروه الوثقی.

6- رسالہ عملیہ.

7- قاعدہ لا ضرر و لا ضرار.

8- منجزات المریض.

## درگذشت

وی در سال 1382 ق در اثر ابتلای به بیماری قلبی به ایران بازگشت و مدت کوتاهی در «کرنند» کرمانشاه توقف کرد. و سرانجام در بامداد روز دوشنبه 16 صفر 1383/ ق مطابق با 17 تیر 1342/ ش در سن 62 سالگی در «کرنند» درگذشت، و جسدش به قم حمل و در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.

ص: 2165

سید محمد علی مدرسی یزدی

1- علامه سید محمد علی مدرسی (ساکن قم) 2- علامه سید عباس مدرسی (ساکن قم).

دامادهای ایشان: 1- علامه سید محمد باقر فرزند محمد طباطبائی مدرسی، از شاگردان آیات: سید محسن طباطبائی حکیم و سید محمود شاهرودی و یکی از بزرگان یزد بود. وی در سال 1397 ق در یزد درگذشت و در امامزاده جعفر علیه السلام مدفون شد 2- مرحوم علامه سید غلامرضا واعظی قائینی 3- حجه الاسلام سید حسن ربانی بیرجندی.

تذکر: برخی از منابع زیر تولد ایشان را در سال 1320 ق نوشتند و نیز روی سنگ قبر ایشان، همین تاریخ حک شده است.

منابع

1- آثار الحجّه 368/2.

2- آینه دانشوران 225.

3- النجوم السرد بذکر علماء یزد (خطی - مدرسی).

4- تراجم الرجال 867/2.

5- گنجینه دانشمندان 286/7.

6- مؤلفین کتب چاپی 854/6.

7- نقباء البشر (قسمت خطی).

ص: 2166

(1401-1326 ق)

حاج شیخ یوسف فرزند ربیع قروه ای همدانی (احدی)، در سال 1326 ق مطابق با 1287 ش دیده به جهان گشود.

تحصیلاتش را در قم نزد آیات:

سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد همدانی و سید شهاب الدین مرعشی در سطح و خارج را نزد آیات:

حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، سید محمد حجت کوه کمری، و سید حسین طباطبائی بروجردی به انجام رسانید.

وی پس از درگذشت آیت الله بروجردی به قروه در جزین همدان برای خدمات دینی و تبلیغات رحل اقامت افکند، که به همت بلند خود توانست آثار ارزنده ای از خود به یادگار بگذارد، و مسجد جامع بزرگی و یک مدرسه دینی با یک کتابخانه و مدرس تأسیس نماید.

ایشان پس از انقلاب به عنوان امام جمعه (قروه) منصوب شد.

سرانجام در روز پنجشنبه / 22 ربیع اول / 1401 ق مطابق با 9 بهمن / 1359 ش درگذشت، و در حیاط قبرستان ابو حسین قم مدفون شد.

منابع

1- آثار

2- آینه دانشوران 407.

3- گنجینه دانشمندان 416/7 و 92/8.

ص: 2167

(1291-1356 ق)

میرزا یوسف آشتیانی ملقب به (اعتصام دفتر) و (اعتصام الملک) فرزند میرزا ابراهیم، یکی از بزرگترین نویسندگان و ادبای عصر خود بود. تولدش را سال 1291 ق در تبریز نوشته اند.

پس از به توپ بستن مجلس شورای ملی در سال 1326 ق توسط «محمد علیشاه» وی مدیریت مجله «بهار» را که از پرارزش ترین کارهای اوست برعهده داشت. این نشریه که در سال 1328 ق در تهران منتشر می شد و حاوی قطعات ادبی، شعر، بیوگرافی شخصیتها و مخصوصا ترجمه آثار نویسندگان کلاسیک بود و اکثرا توسط خود (اعتصام الملک) تهیه می شد، البته در سال 1320 ق مجله «کنجینه فنون» را همراه عده ای از دوستانش در تبریز تأسیس و منتشر ساخته بود.

میرزا یوسف با اینکه داخل در امور سیاسی نمی شد، ولی می توان گفت که مسلک «اعتدالی» داشت و در دوره دوم مجلس شورای ملی از تهران (1288 ش مطابق با 1327 ق) و دوره سوم از تبریز (1293 ش مطابق با 1333 ق) سمت نمایندگی داشت.

تحصیلات عربی و فارسی او بسیار عالی و به ویژه در ترجمه از عربی به فارسی مهارت کامل داشت و زبانهای ترکی و فرانسه نیز می دانست. بعضی از تألیفاتش که به زبان عربی نوشته در مصر چاپ شده است.

### از جمله آثار او

1- فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس، شامل جلد اول و دوم.

2- قلائد الأدب فی شرح اطواق الذهب (اثر زمخشری).

3- داستانی به نام «الثوره الهندیه» ترجمه نموده که در مصر به طبع رسیده است.

- 4- ترجمه کتاب معروف «بینویان» اثر «ویکتور هوگو» که در سال 1308 خورشیدی به چاپ رسید و تأثیر زیادی در سبک نثرنویسی فارسی به جای گذاشت.
- 5- تربیت نسوان، ترجمه ای است از «تحریر المرأه» اثر قاسم ایمن مصری که در تبریز 1318 ق چاپ شد.
- 6- تراژدی «خدعه و عشق» اثر فردریک شیلر. برگردان از ترجمه فرانسوی کتاب به قلم «الکساندر دوما» تهران 1325 ق.
- 7- «تیره بختان» ترجمه ای از «میز رابل» اثر ویکتور هوگو در دو جلد.
- 8- «سفینه غواصه» ترجمه اثر ژول ورن.
- 9- ترجمه حال تولستوی.
- 10- مقالات آمریکایی.
- 11- سقوط ناپلئون سوم.
- 12- کنت دومونگومری.
- 13- طیب فقرا.
- 14- هانری هشتم.
- 15- عشق و جوانی.
- 16- خزینه مخفی.
- 17- کارترین هوارد.
- 18- تولیپ نوار.
- 19- برج نسل.
- 20- روکامبول.
- 21- ایفون مونار.
- 22- سیاحه تحت البحر (ترجمه).
- 23- سیاحت نامه فیثاغورس در ایران (ترجمه).

24-تاریخ روم.

ص: 2169

از جمله اقدامات ارزشمند اعتصام الملک آوردن دستگاه چاپ به تبریز است.

او توانست با صرفه جویی در مخارج خود چاپخانه ای خریداری و به تبریز بیاورد، و بدین وسیله کمک بزرگی به صاحبان کتاب و مجلات که تا آن روز با چاپخانه سنگی کار می کردند بنماید.

در ضمن ایشان عضو کمیسیون معارف بوده، و در اواخر عمر نیز که مصادف با ابتدای تأسیس کتابخانه مجلس شورای ملی می شده است، ریاست آن کتابخانه را برعهده گرفت.

سرانجام در غروب روز شنبه 28 شوال 1356/ ق مطابق با 11 دی 1316 ش به سن 65 سالگی در تهران درگذشت و در صحن حضرت معصومه علیها السلام قم مدفون گردید.

#### منابع

1- از صبا تا نیما 113/2.

2- الذریعه 389/16 و 161/17.

3- تاریخ جراید و مجلات ایران 26/2 و 167/4.

4- تاریخ فرهنگ آذربایجان 229/2.

5- رجال آذربایجان در عصر مشروطیت 17.

6- رجال عصر مشروطیت 24.

7- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران 203/1.

8- شاهکارهای ادبی معاصر جهان 11.

9- شرح حال رجال ایران 493/4.

10- فرهنگ رجال قاجار 25.

11- فرهنگ شاعران زبان پارسی 47.

12- فرهنگ عمید 167.



13- فرهنگ فارسی معین 155/5.

14- فهرست کتابهای چاپی فارسی طی 230/1.

15- فهرست مجله های فارسی 25 و 103.

16- مستدرک اعیان الشیعه 327/3.

17- منتخبات آثار 11.

18- مؤلفین کتب چاپی 880/6.

19- نامداران اراک 28.

20- نگین سخن 604/2.

21- یادداشتهای قزوینی 264/8.

**شیخ یوسف رحمانیان «عماد»**

**اشاره**

(1321-1378 ق)

حاج شیخ یوسف رحمانیان متخلص به «عماد» و ملقب به «عماد الواعظین» و از فضلاء و خطبای باذوق بود.

**از آثار او**

1- روح الفوائد (اشعار)، که در سال 1338 ش به چاپ رسید.

**درگذشت**

وی در روز جمعه 10/رمضان 1378/ق مطابق با 29/اسفند 1337/ش به سن 57 سالگی درگذشت، و جسدش در یکی از اطاقهای قبرستان حاج شیخ قم- در جوار قبر کربلائی کاظم- به خاک سپرده شد.

منابع

1- فهرست کتابهای چاپی فارسی 2665/2.

2- مؤلفین کتب چاپی 889/6.

ص: 2171

(1348-1409 ق)

حاج سید یوسف فاضلی موسوی معروف به «رضا هاشمی»، از فضلاء معاصر بود.

وی در سال 1348 ق برابر با 1308 ش تولد یافت.

از آثار او: 1- الفاضلیه (در عقاید و ادیان)، در سه جلد، چاپ شده.

نامبرده در روز جمعه 25 رجب 1409 ق برابر با 13/ اسفند 1367 ش در سن 61 سالگی در قم بدرود حیات گفت. پیکرش در یکی از اطافهای قبرستان حاج شیخ به خاک سپرده شد.

منبع

1- اطلاعات متفرقه.

### **شیخ یوسف فومنی گیلانی «فانی»**

#### **اشاره**

(1291-1368 ق)

#### **تولد و تحصیلات**

فرزانه ای از خطه گیلان، و دانشوری آگاه و زنده دل، و مردی متعهد به احکام اسلام و قرآن، و محقق برجسته و فقیهی شایسته بود.

او آیت الله حاج شیخ یوسف فرزند ملا محمد و نوه یوسف فومنی گیلانی، متخلص به «فانی». تولدش به سال 1291 ق در نجف اشرف رخ داد.

ایشان پس از طی مقدمات علوم دینی، سطوح را نزد آیت الله میرزا محمد علی مدرس چهاردهی گیلانی گذرانید، و در ضمن ایام تعطیل را در گیلان به سر می برد و با میرزا کوچک خان رفاقت و صمیمیت نزدیک داشت.

او اندک زمانی را در سامرا بود و درس آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی را

درک نمود، همین طور اندک مدتی در درس آیت الله میرزا حبیب الله رشتی حاضر گردید. و عمده تحصیلات خود را نزد آیتین علمین: شیخ محمد حسن مامقانی و شیخ الشریعه اصفهانی به انجام رسانید، و به درجه رفیعه اجتهاد نایل گردید.

مرحوم گیلانی پس از انجام تحصیلات و کسب فیض و کمالات در حدود سال 1331 ق به سوی ایران عزیمت کرد، و گیلان را انتخاب نمود و در شهر رشت سکونت گزید، و به ارشاد و هدایت مردم پرداخت.

### ویژگیهای آن مرحوم

نامبرده شدیداً متعهد به احکام اسلام بود، و نظر به شغل روحانیت، خود را مسئول حفظ و ترویج احکام دین مبین می دانست، و امر به معروف و نهی از منکر را به طوری کامل رعایت می نمود.

او علاقه وافری به تحقیق و تألیف مطالب دینی و اسلامی از خود نشان می داد، به ویژه امر عفت عمومی و آداب شرعی را توجه خاصی مبذول می داشت. از آثار این ویژگیها اینکه در خلال سالهای متمادی سکونت در گیلان، دائماً در مقام تألیف و پژوهش کتاب ها و رساله ها بود. و نظر به داشتن کتابخانه مجهز و مرتب و تسلط به زبان عربی و نیز داشتن ذوق و سلیقه، حدود سی و اندی کتاب و رساله تألیف نمود، که اغلب آنها به زیور طبع آراسته گردید.

ص: 2173

شیخ یوسف گیلانی، به فارسی و عربی اشعار می سرود و تخلص خود را «فانی» انتخاب کرده، و اشعار مذهبی بسیاری درباره اهل بیت علیهم السلام به ویژه نسبت به ساحت مقدس سید الشهداء علیه السلام سروده بود.

در اشعار سیاسی خود، اوضاع کشور را سخت مورد انتقاد قرار می داد، و به همین خاطر مدتی از عمر خود را در زندان سپری نمود.

دیوان اشعارش در سال 1363 ش به طبع رسید که آراسته به دیباچه ای است به قلم وی که قبلاً به تحریر درآورده بود. در این مقدمه که به تحلیل شعر از دیدگاه اسلام و قرآن می پردازد، و با نقل اقوال علمای فقه و صاحبان تفسیر و کتب معتبر و آرا دانشمندان اسلام شناس بیگانه، به آیات قرآن مجید و احادیث شریف استناد می نماید، و نیز روایاتی را به تناسب مقام نقل می کند.

او در اشکال مختلف شعر از جمله: قصیده، غزل مخمس، قطعه، رباعی و دوبیتی طبع آزمایی کرده، و اشعار عربی اش سلیس و روان می باشد.

اشعار زیر نمونه ای است از نظم آن مرحوم که درباره «فلسفه» شهادت امام حسین علیه السلام سروده است:

باز مستم از می عذب الزلال تا چشیدم باده سحر الحلال

مست اگر با شور و با سوداستی کشف هر سرّی از او پیداستی

ها منم در حین مستی هوشیار نیست اندر سر من جز عشق یار

لاجرم آمد برم یار عزیز چون مرا پنداشتی اهل تمیز

یعنی آن نظم غلامی را چو من دیدم و گفتم به پاسخ این سخن

به به از این گفته های پر بها بخ از این سفته های درّها

تا گرامی نامه آورد آن بشیر گشته روشن چشم این یعقوب پیر

چو بخواندم داد آن مضمون او جان به یوسف پیرو و مفتون او

آری آن موسی بی معجز نمود کرده چوب شه در بلا و از چه زیست

یعنی اسرار شهادت را بیان سازم و عنوان نمایم سر آن

سر این مطلب نباشد سرسری تا کنم تشریح و درآرم سری

مختصر گویم برای ای ادیب چون مطوّل نیست مطلوب لبیب

نهی لا تُلقُوا بِأَیْدِیْكُمْ در او امرهائی هست نازک تر ز مو

هر عمومی را بود تخصیص ژرف بر اصولی سر این معنی است کشف

تهلکه نبود برحق خواه خاص فلسفه خواهی بجو هان از خواص

بدعتی هر دور می آید پدید چون بهر عصری حسین است و یزید

چون پلید ابن الطّرد اعنی یزید پرده اسلام و هم ایمان درید

زشت و زیبا را به هم درهم نمود نیک و ننگ از هم جدا جدا نبود

حق و باطل را به هم آمیخته بین نار و نور ستر آویخته

گر بدی چندی چنین دین ملتبس تا ابد ماندی دیانت در قفس

بود عصری کاندلر و مطلوب بود ناحق و زور و زیان مرغوب بود

مصدر هر کار هر بوزینه بود اسمی از اسلام و از ایمان نبود

بر سر هر شغل بودی هر شقی بود خوار و منزوی هر متقی...

## مبارزات آن مرحوم

نامبرده نظر به رسالت دینی و شغل شریف روحانیت، سکوت و یا سازش با مخالفان دین اسلام را خیانت می دانست، و مبارزه و جهاد در راه اعتلای اسلام را واجب و لازم می شمرد.

از زمانی که رضا خان مقدمات دیکتاتوری خویش را فراهم می آورد، تا سال 1327 شمسی که مرحوم گیلانی حیات داشت، به طور مستقیم و غیر مستقیم با نامبرده و پسرش محمد رضا و حکام طاغوتی آن زمان درگیری داشت، و در مقابل

اقدامات رضاخانی در خصوص کشف حجاب و مسأله اتحاد شکل و گذاشتن کلاه پهلوی (شاپو) و در بند افکندن بعضی از روحانیون، آن مرحوم نیز همانند سایر روحانیون متعهد و مبارز با بیان و قلم در مقام دفاع برآمد، و اولین کتاب مذهبی و سیاسی خویش را به نام «طومار عفت» در پنجاه سال قبل به رشته تحریر درآورد، که دولت وقت نیز آن را ضبط، اما در سال 1324 شمسی به وسیله حوزه علمیه قم مجدداً طبع و منتشر شد.

کتاب «طومار عفت» حاوی مطالبی جامع و عمیق و در سطح بالایی از تحقیق بود، و لزوم حجاب بانوان را در همه ادیان و ملل جهان با دلایلی منطقی بیان داشته، و در عین حال شامل تعریض و کنایه هایی نسبت به اقدامات طاغوتی ظالمان است.

انتشار کتاب مزبور با داشتن چنان محتویاتی آن هم در آن جو سیاسی مخصوص موجب دستگیری و حبس مؤلف و حتی شلاق و تراشیدن ریش آن مجتهد مبارز گردید.

### **آثار قلمی و رشحات نورانی**

چنانکه قبلاً اشاره شد، مرحوم گیلانی آثار قلمی بسیاری را از خود به یادگار گذاشت، که تمامی آنها در رشته های مختلف علوم اسلامی نوشت، و در نوشتار خود سعی در ساده نویسی و اختصار داشت، و رساله های مهمی در فقه و اصول و تفسیر در جهت غنای میراث اسلامی بعد از خود باقی گذارد، که عبارت است از:

1- اصول العقائد الدینیة.

2- اصول عقاید و تقویم شرعی.

3- الآیات البینات.

4- بحر الاسرار در ختم و طلاس.

5- برهان ارجوان در اثبات جان.

6- تذکره الصالحین در سیر و سلوک عارفین.

ص: 2176

7- تذکره المؤمنین فی فضائل العالمین.

8- حاشیه علی الحاشیه فی المنطق (از ملا عبد اللہ).

9- حال العقود فی شرح حساب الجمل المعهود.

10- حسن المحاسن در حرمت ریش تراشی.

11- خیام کیست؟

12- دیوان اشعار فانی.

13- ربیع الأبرار.

14- رساله در ادعیه مخصوص.

15- رساله در ارث.

16- رساله در اصول فقه.

17- رساله در بیان.

18- رساله در حرمت شطرنج.

19- رساله در صلاه.

20- رساله در طهارت.

21- رساله در علم صرف.

22- رساله در علم کیمیا.

23- رساله در منطق.

24- رساله در نحو.

25- رساله در هندسه.

26- رساله فی حرمة نقل الموتی.

27- زبده المواعظ.



28- طومار عفت يا وسيله العفاف، در دو جلد.

29- علم الجواهر.

ص: 2177

30-کار در اسلام.

31-کشکول، در سه جلد.

32-لایحه ملیه اسلامیة در ردّ بهائیت.

33-مختصر المجمل فی حساب الجمل.

34-نزهة الأبرار فیما یضحک الأخیار.

35-هدایه المجتاز فی المعمیّات و الألغاز.

### ارتحال ملکوتی

این عالم ربانی و فاضل صمدانی پس از عمری خدمت و مجاهدت در راه اعتلای پرچم اسلام و عظمت قرآن، در سن 77 سالگی در سال 1368 ق مطابق با 1327 ش درگذشت.

و بنا بر اظهارات آیت الله شیخ محمد لاکانی (دام ظلّه) - ساکن رشت - جنازه ایشان در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

فرزندان با فضل و باکمالی هم از خود به یادگار گذاشت، که عبارتند از حضرات آقایان: 1- آقا حسن، قاضی بازنشسته 2- حجه الاسلام شیخ محمد، ساکن رشت 3- آقا علی.

### منابع

1- الذریعه 49/4 و 72/7.

2- تاریخ علماء و شعرای گیلان 110.

3- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی 248/5 و 555/6.

4- کتاب گیلان 698/2.

5- مقدمه دیوان فانی، به قلم فرزندش آقا حسن گیلانی.

6- مؤلفین کتب چاپی 901/6 (شرح حال مذکور دارای اشتباهاتی است).

7- نقباء البشر (قسمت خطی).

(1307-1377 ق)

یوسف فرزند محمد نجات تبریزی، در سال 1307 ق مطابق با 1268 ش در تبریز متولد گردید.

تحصیلات خود را در «مدرسه طالبیه» و «حسن پادشاه» به انجام رسانید. و در سال 1325 ق وارد خدمت وزارت فرهنگ شد، و به سمت معلمی انتخاب گردید، و بعداً به سمت مفتش اداره معارف منصوب شد و پس از آن به مدیریت دبستان ایرانیان مقیم اسلامبول انتقال یافت، و در سال 1346 ق به شغل مفتشی بازگشت.

از آثار او: 1- تعلیمات مدنی، 2- صرف آسان (برای مدارس ابتدائی).

او در روز یکشنبه 9 جمادی اول 1377 ق مطابق با 10 آذر 1336 ش به سن 70 سالگی در تهران درگذشت، و در قبرستان حاج شیخ به کد (17625) قم مدفون گردید.

منبع

1- مؤلفین کتب چاپی 905/6.

سید یوسف هاشمی «حکم آبادی»

اشاره

(1327-1415 ق)

زندگینامه معظم له به قلم فرزند دانشمندش آقای سید ابو الحسن هاشمی تحریر و به چاپ رسیده که آن را تقدیم می داریم:

معظم له در محله «جمشیدآباد» تبریز در سنه 1327 هجری قمری در یک خانواده مذهبی از دودمان پاک و نجیب، سلاله و شجره طیبه، که  
أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ است، به مضمون آیه شریفه أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً

ص: 2179

كَشَجَرِهِ طَيِّبِهِ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تولد یافته است، ایشان بسان بسیاری از بزرگان در اوان کودکی پدر را از دست داد، پس از اندک مدتی از نعمت مادر نیز محروم گردید، و در تحت تکفل و حمایت عموهای محترم و بزرگوارشان جناب آقای حاج میر تقی قدس سره، و سپس بعد از فوت او آقای حاج میر محمد علی تربیت شدند، اما عشق سوزان او به اهل بیت علیهم السلام که همیشه در وجودش احساس می کرد از خود بی خود و بی قرار می کرد، خصوصاً به مولی علی پناه مظلومان و مادرش حضرت زهرا شفیعه روز جزا علاقه وافر داشت، به طوری که هر وقت اسم حضرت مولی الموحدین و یا حضرت فاطمه دخت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را می شنید، بی اختیار قطرات اشک به صورتش سرازیر می شد و محاسن شریفش را خیس می کرد.

پدر گرامی اش: مرحوم سید جعفر هاشمی از جهت نسب به حضرت حمزه بن موسی بن جعفر علیه السلام فرزند هفتمین امام شیعیان می رسید، و مادر مکرمه اش «فاطمه» از خانواده ای شریف و اصیل بود.

بعد از سپری کردن مقدمات اولیه، در درس بزرگانی چون حضرت آیت الله حاج سید محمد مولانا که از اعظم علماء آذربایجان بودند و آیت الله سید کاظم شریعتمداری حاضر شدند، و تقریراتی هم از ایشان نوشته اند، و نوشته های دیگری دارند که به طور خطی یادگار مانده و در کتابخانه شخصی خودشان موجود می باشد.

بعد از مسافرت به قم و اقامت در حریم حضرت فاطمه معصومه و کریمه

اهل البيت عليهم السلام و كسب فيض از علوم رائج حوزه علميه قم، بزرگترین آکادمی علمی جهان تشیع، از محضر اساتید و بزرگان و لا سیما درس خارج حضرت آیت الله سید محمد حجّت کوه کمری و حضرت آیت الله شیخ محمد فیض قمی، و سید حسین طباطبائی بروجردی و دیگر مراجع بزرگ استفاده های شایان بردند.

بعد به درخواست اهالی محترم تبریز، خاصه محله حکم آباد، جمشیدآباد و حومه عازم شهرستان تبریز شده، به فعالیت های دینی و فرهنگی و اجتماعی مشغول شدند.

فعالیت ها و مبارزات ایشان از «جمشیدآباد» که محل تولد ایشان بود، شروع شد و گسترش پیدا کرد و به دیگر محلات شهرستان تبریز، به ویژه محله «حکم آباد» رسید. آنگاه بنا به درخواست اهالی محل به فعالیت های دینی، از قبیل: تدریس تفسیر، مکاسب، رسائل، کفایه الاصول و عروه الوثقی برای جمعی از طلاب و علما که از اطراف و اکناف دور وجودش حلقه زده و بهره می بردند، پرداخت.

سالها در مسجد حکم آباد به اقامه جماعت پرداخت و در ایام مبارک رمضان هم سخنرانیهای داغ و پرحرارتی ایراد نمود، بالخصوص شبها کتاب شریف «نهج البلاغه» و «صحیفه سجّادیه» را عنوان می کردند بعدا گسترش پیدا کرده بنا به درخواست مؤمنین و بزرگان و رجال شهر، در «مسجد قاری» معروف به «مسجد مرحوم آیت الله شهیدی» در قلب بازار تبریز اقامه نماز و سخنرانی داشتند، متجاوز از بیست سال در آن مسجد سخنرانی کردند، تفسیر قرآن گفتند و ارشاد کردند، و در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی هم بر علیه طاغوتیان و استعمارگران سخنرانی های بسیار حاوی ایراد کردند.

مبارزه ایشان با منحرفین از خدا بی خبر و اشرار و چپاولگران و یاوه گویان و بالخصوص با فرقه ضالّه بهائیت که حزب جاسوسی و در خدمت استعمار بود، عدّه و عدّه و مبلغ و محلّ استقرارشان در حکم آباد زبانزد عام و خاص است، بارها و بارها بزرگ هایشان را دعوت به محاجّه و مباحثه می کرد، ولی آنها طبق معمول شانه

خالی کرده، حاضر به محاجّه با ایشان نبودند. و بالاخره آن مرد بزرگ و مبارز قناعت به این نکرده، جلسه های متعددی در سالیان دراز در آنجا شبها و روزها ترتیب داده، کتاب «گفتار خوش یارقلی» و غیر آن را عنوان کرده، در ردّ بهائیت سخن گفته، که بحمد الله و المئه منکوب و رسوا و مفتضح شده آنجا را از وجود نحس و نجس شان خالی کرده، پا به فرار گذاشتند، و به جای آنها در حکم آباد و همچنین در محله های دیگر اقامه نماز جماعت و وعظ و سخنرانی ها در تمام مساجدشان دائر گردید. و الآن حکم آباد و حومه به برکت زحمات فوق العاده و نیت خالصانه شان جای متدینین شده، و در پاکی و سلامتی و خوبی کم نظیر و به محلّ امن و امان معروف می باشد.

مبارزه ایشان با حکومت های عهد ستم شاهی و عوامل منحوس شان زیاد است، که از آن جمله: مبارزه با کشف حجاب و بی حجایی و برداشتن عمامه های علما، به طوری که سالیان متمادی برای اینکه نگذارد کشف حجایی شایع شود، عمامه ها و یا عمامه خودش برداشته شود، و به طور کلی به آستان مقدّس روحانیت بی ادبی و اهانت شود با رئیس کلاترینها و اوباش های آن زمان مخصوصا با پیشه وریها و بلشویک ها و دیگران مبارزه و دست و پنجه نرم کرده، از ظلم بی حدّ آنها در معیت و با مساعدت یک فرد غیور و شجاع به اسم «علی محمّد» که مثل شیر زیان می خروشید، و واقعا هم مثل پدر و بلکه بالاتر در حقّ ایشان نهایت بزرگواری و از خودگذشتگی نشان داده بود (حشره الله مع الأئمه الميامین) پناه بر مغارات و دهات برده، و بالاخره در مخفیگاه ها به سر می برد تا از کید و اذیت آنها در امان بماند، و غالبا به خوردن قوت لا- یموت قناعت می کرد، تا دست بیعت به حکومت های وقت و سلاطین جور و ایادی اش نداده باشد، چنانکه این تعبیر ورد زبان ایشان در منابر در برابر ساواکی ها بود.

اما تلاشهای ایشان در سنگر فرهنگی و اجتماعی لا تعدّ و لا تحصی بود، مثلا در تأسیس بیمارستان و مدارس سعی و کوشش فراوان به خرج می داد و در حکم آباد یک درمانگاه و در محله «عموزین الدین» همچنین، و یک مدرسه به نام

«فرقانی» وابسته به «جامعه تعلیمات اسلامی» تأسیس فرمود، که شاگردان زیادی در آن مدرسه درس خواندند و مردانی بزرگ از تجار و کسبه و مداحان اهل بیت، و بزرگانی که حلال و حرام را تشخیص می دادند، و مخصوصاً علمای اعلام و مدرّسین عالی مقام که الآن مثمر ثمر در حوزه های علمیه و جاهای دیگر می باشند به جامعه اسلامی تحویل داده اند، که امیدواریم موجب برخورداری از نعمت های الهی در بهشت برین باشد که به مؤمنان وعده داده شده است، و در محضر انبیا و ائمه اطهار علیهم السلام و مراجع عظام، و لا سیما در حضور مادر بزرگوارشان حضرت زهراى مرضیه علیها السلام در جاتشان عالی است متعالی گردد.

معظم له زبان گویا و بیان گرمی داشت و در تمام مبارزات و انقلابات حاضر و ناظر بود، بلکه می توان گفت در آن خطّه سرآمد همه این ها بود، از عنفوان جوانی تا دوران پیری در خدمت اسلام و خدمتگزار واقعی به دین مبین اسلام و مدافع مذهب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و پشتیبان فقه و فقاہت و مرجعیّت بود، و همه عمر پربرکت خویش را در راه ترویج و نشر شریعت اسلامی و معارف دینی صرف نموده بود، قبل از انقلاب و بالخصوص بعد از سال 1342 شمسی که نهضت اسلامی شروع شد، تا پیروزی انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در محله حکم آباد در مسجد معروف به «مسجد حاج محمد علی» شبهای شنبه از اطراف و اکناف و محلات مختلف تبریز در آنجا جمع می شدند و به سخنرانی داغ ایشان گوش می دادند، و صدای «هل من ناصر» مراجع تقلید را به گوش مردم می رساند و از جنایات و کثافات بی حدّ حکومت وقت سخن می گفت. و بعد در مسجد معروف به «مسجد آیت الله شهیدی» در قلب بازار که محلّ اقامه نماز جماعت و درس تفسیر و سخنرانیهایش بود، مبارزات بی امان داشتند، به طوری که اهالی محترم شهرستان تبریز از کوچک و بزرگ می دانند، بلکه زبان زد عام و خاصّ بوده و هست، و الآن شاید در بسیاری از خانه های تبریز نوار سخنرانیهای ایشان موجود می باشد.

دستگیری از ضعفاء و فقراء و بیچارگان و بینویان، مخصوصاً در آستانه به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی کمال سعی و کوشش را داشتند.

و خلاصه، مصداق بارز یک عالم ربّانی و فقیه وارسته و عارف صمدانی و متقی و ورع و اسوه تقوی و فضل و فضیلت و خدمتگزار واقعی به دین مبین اسلام و مدافع حقیقی مذهب حقّه جعفری، و پشتیبان مرجعیّت با تمام ابعاد و مراحل اش بود که به راستی فقدانش یک ضایعه بزرگ و جبران ناپذیر و ثلمه و خللی بود که «لا یسدّها شیء» کما اینکه روایت شریف: «اذا مات العالم ثلم فی الاسلام ثلمه لا یسدّها شیء» ناظر به همین معنی است که خداوند منان و بی همتا با اجداد طاهرینش محشور نماید.

اما اخلاق کریمه و مبادی آداب بودن ایشان باز هم معروف عامّه و خاصّه است به طوری که، اگر کسی دقائق و لحظاتی با آن بزرگوار مأنوس و در خدمتشان می نشست، مجذوب اخلاق حسنه ایشان می شد، چنانکه بعضی از حضرات و آقایان علما درباره ایشان می گفتند که: ایشان آقا است هم در فرش و هم در عرش.

مرحوم حکم آبادی از این رهگذر هم خدمات شایان و برجسته ای انجام داده بودند، و در پیشبرد اهداف عالیّه دینی و علمی و اجتماعی مراحل و مقدماتی را هم طی کرده بودند، و بسیاری از شراب خوارها و قماربازها و از خدایی خبران را از این راه به راه راست هدایت کرده بودند، و در این سلوک اخلاقی از جدّ بزرگوارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم تأسی نموده بود که قرآن مجید در شأن و مقامش فرموده: **إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ**

بعد از پیروزی انقلاب و چند سال خدمت در تبریز، در اثر ناملایمات و فشارهای گوناگون و مریضی، سکنه و آنفاکتوس و ضعیف بودن مزاج و نحیف و خسته و کوفته شدن بدن راهی بلده شریفه قم (عش اهل البیت) شده، پس از تقریباً یک سال توقّف در قم، در تهران رحل اقامت افکندند، و بعد از یک عمر تلاش و حرکت و فعالیت در امور دینی و اجتماعی، در یک خانه محقر و ساده در کمال



عزالت و سادگی و انزوا و غریبی و تنهایی و تسلیم به رضای معبودش که تنها منال و آرزو و مقصودش بود زندگی نمودند، و دائما در مقام عبادت و اطاعت به ذات احدیت و تهجد و دعا و ثنا بر نصرت و پیروزی اسلام و مسلمین که همه روزه ساعتها طول می کشید زندگی را به آخر رسانیده، در روز پنجشنبه 17 شعبان المکرم 1415 ق. برابر با 29 دی ماه 1373 شمسی در تهران قلبش از طپش افتاد و دار فانی را وداع فرموده، به ملاء اعلی و عالم ابدیت پیوست، و در قبرستان ابو حسین قم مدفون گردید. و از خودش چهار پسر و یک دختر به یادگار نهاد، که دو تن از فرزندان به کسوت و لباس مقدس روحانیت ملبس و مفتخر می باشند.

سید محمد ثقفی تبریزی/سید ابو الحسن هاشمی حکم آبادی/سید فتاح هاشمی حکم آبادی

در تمام عمر به مال و منال و مقام دنیا اصلا عشق و محبتی نورزیده، و به هیچ نوع ارتباطی با چک و سفته پیدا نکرده، مالی در بانک نداشته و در هیچ بانکی حسابی باز نکرده بود و هرچه به دستش می آمد مال دیگران بود، و آنا به صاحبان اصلیش مسترد می شد، و در وقت رحلت و فوتش به جز مقدار زیادی قرض چیزی در بساط نداشتند.

ص: 2185

1- تقریرات درس فیض قمی.

2- تقریرات درس مولانا تبریزی.

3- حاشیه بر رسائل.

**فرزندانش:**

1- سید فتاح هاشمی

2- سید ابو الحسن هاشمی

اینجناب سید ابو الحسن هاشمی، فرزند آیت الله حاج سید یوسف هاشمی حکم آبادی قدس سره متولد 1321 هجری شمسی، از هفت سالگی تقریباً تحصیلاتم را در شهرستان تبریز که محل تولد و زادگاه اصلی بنده می باشد، شروع کردم، مراحل اولیه درسهای طلبگی را در تبریز به اتمام رساندم بعد با اخوی در معیت حضرت آیت الله ابوی محترم (ره) راهی حوزه علمیه قم که بزرگترین آکادمی علمی شیعه در جهان است شد، در اواخر سال 1335 هجری شمسی، و بعد از چند ماه توقف در قم و مفتخر به لباس مقدس روحانیت، در اواخر سال 1338 بار دیگر عازم حوزه علمیه قم، برحسب دستور حضرت آیت الله العظمی آقای بروجردی قدس سره به مدت هفت سال در مدرسه خان که تازه به امر معظم له تأسیس شده بود مستقر شدیم و از آن زمان تا حالا مشغول تحصیل و تدریس هستم، کتاب مکاسب و رسائل را از اساتید بزرگی چون آیت الله مکارم شیرازی و سبحانی تبریزی و درس کفایه آخوند خراسانی (ره) را از محضر آیت الله سلطانی طباطبائی قدس سره که آخرین دوره تدریس اش بود، حاضر شده و هر دو جلد را به اتمام رساندم و فلسفه را از شهید مفتاح و مطهری، استاد جوادی آملی تلمذ کردم. و اما درس خارج فقه را تقریباً پانزده سال بلکه بیشتر از خارج مکاسب بیع تا آخر خیارات کتاب مکاسب شیخ انصاری (ره) و باب شهادت و مقداری هم از کتاب طهارت را از حضرت مستطاب آیت الله العظمی

جناب آقای حاج سید کاظم شریعتمداری قدس سره تلمذ کرده و استفاده های زیاد و شایانی کرده ایم و سالهای متمادی هم بعد از آقا از محضر انور حضرات آیات عظام حاج سید محمد رضا گلپایگانی، حاج شیخ مرتضی حائری و میرزا کاظم تبریزی (طاب ثراهم) بهره بردم.

اما درس خارج اصول را یک دوره کامل از حضرت آیت الله آقای حاج میرزا هاشم آملی تغمده الله بغفرانه استفاده کرده، باب مفاهیم را هم از حضرت آیت الله محقق داماد (ره) استفاده کرده و به رشته تحریر و تقریر در آوردم. و بعد از ایشان مدت مدیدی افتخار شاگردی حضرت آیت الله وحید خراسانی حفظه الله تعالی عن الآفات و البلیایا فقها و اصولا داشتم.

و فعلا هم مشغول تدریس کتاب مکاسب و رسائل مرتضی انصاری (ره) و کفایتین مرحوم آخوند خراسانی را در مدرسه شریفه حضرت آیت الله گلپایگانی (ره) و مدت مدیدی هم از عنفوان جوانی در اوقات تعطیلی حوزه علمیه، مثل ایام ماه مبارک رمضان و محرم و تعطیلات تابستان در آن زمان که حضرت آیت الله ابوی حیات داشتند، در محله حکم آباد «مسجد ابوی» و در مسجد آیت الله شهیدی قدس سره در بازار تبریز و هم در مساجد دیگر به اقامه نماز جماعت و سخنرانی اشتغال داشتم.

در خاتمه خداوند بزرگ و منان عاقبت همه ما را ختم به خیر فرموده و توفیق خدمت به اسلام و مسلمین را عطا فرماید و قلب نازنین و مقدس حضرت امام زمان بقیه الله ولی الله الاعظم و تنها واسطه فیض بین ما و خداوند بزرگ، روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء را از ما راضی و خشنود و در ولایت مولی الموحدین امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و یازده اولادش علیهم السلام ثابت قدم بدارد. ان شاء الله تعالی، آمین یا رب العالمین.

و السلام علیکم و علی من اتبع الهدی

77/11/1 مطابق 3 ذی قعدة الحرام 1419

ص: 2187

دومین فرزند برومند آیت الله حکم آبادی، حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج سید فتاح هاشمی می باشد که در حوزه های علمیه تهران به تدریس سطوح عالی مشغول هستند و در مسجد جامع شهرک غرب به امامت، ترویج، ارشاد و دیگر خدمات اجتماعی در سطح شایسته ای موفق هستند.

## سید یونس یونسی اردبیلی

### اشاره

(1330-1394 ق)

حاج سید یونس یونسی فرزند آیت الله سید محیی الدین اردبیلی، در 17 ذی حجه / سال 1320 در اردبیل متولد شد. (برخی از مورخین سال تولدش را 1330 ق نوشتند) دوران کودکی و نوجوانی را تحت تربیت پدرش گذرانید، و از والد خود و سایر اساتید وقت مقدمات و قسمتی از سطح را پیمود، و در سال 1349 ق به قم مهاجرت کرد و بقیه سطوح را نزد آیات:

میرزا محمد همدانی، سید احمد زنجانی و سید سجاد علوی گرگانی به انجام رسانید، و خارج را از محضر آیات:

حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، و سید محمد حجت کوه کمری استفاده نمود و یکی از شاگردان برجسته مرحوم حجت بشمار آمد. در ضمن معقول را از محضر:

شیخ محمد علی شاه آبادی، و شیخ محمد مهدی مازندرانی (امیرکلای) بهره مند شده است.

وی دارای اجازاتی است از آیات: شیخ ضیاء الدین عراقی، سید ابو الحسن

ص: 2188

اصفهانى، شيخ محمد كاظم شيرازى، و سيد محمد حجت بود.

جناب حجه الاسلام سيد فخر الدين اردبیلی (ننه کرانی) خدمات ایشان را چنین برشمرده است:

سيد محى الدين اردبیلی

(به تاريخ 1370 ق به اردبیل مراجعت کرد، و به مهام امور قیام نمود و به خدمات شایسته دست زد، از جمله: ترمیم مدرسه علوم دینی ملا ابراهیم، و باز پس گرفتن مدرسه مرحوم آقا میرزا علی اکبر می باشد، و آن مدرسه دینی در زمان طاغوتی غصب و به دبستان تبدیل شده بود، و مرحوم صاحب ترجمه خوش مشرب و بشاش و علاقه ای وافر به اهل فضل و دانش داشت، در مسجد خود «مسجد ساول» اقامه جماعت می نمود، و به وعظ و ارشاد مردم می پرداخت).

### از آثار او:

1- تقریرات اصول حجت.

2- تقریرات فقه حجت.

3- حاشیه علی العروه الوثقی.

4- حاشیه علی المکاسب.

5- رساله فی قاعده لا ضرر و لا ضرار.

6- رساله فی قاعده لا تعاد الصلاة.

7- رساله عملیه توضیح المسائل.

ص: 2189

سرانجام در روز پنجشنبه /26 رجب 1394/ ق مطابق با /24 مرداد/ 1353 ش بر اثر سکتۀ قلبی در اردبیل به رحمت ایزدی پیوست، و جسدش در قم در قبرستان شیخان مدفون گردید.

### فرزندان:

1- سید محمّد 2- سید علی 3- سید عبد الهادی 4- سید عبد الحسین و سه دختر.

منابع

1- آثار الحجه 231/2.

2- آینه دانشوران 426.

3- افادات ثقه الاعلام سید جلال یونسی اردبیلی.

4- تاریخ اردبیل و دانشمندان 371/2.

5- گنجینه دانشمندان 63/3.

6- مؤلفین کتب چاپی 909 (مترجم له را با سید یونس اردبیلی ساکن مشهد اشتباه کرده).

\*\*

ص: 2190

اسناد و مدارک

اشاره

ص: 2191





1-مربوط به صفحه 165

ص: 2193

2- مربوط به صفحه 165

ص: 2194

3- مربوط به صفحه 165

ص: 2195

4-مربوط به صفحه 165

ص: 2196

5-مربوط به صفحه 214

ص: 2197

6- مربوط به صفحه 214

ص: 2198

7-مربوط به صفحه 214

ص: 2199





9- مربوط به صفحه 397

ص: 2201









العلم یعنی عالما و معلّما قول الحقیقه فوق کل مجاز

شحم حسینی فقیه مصلح و به تحل مشاكل الاعجاز

للّٰین و الإسلام أفنی عمره لسواهما ما كان بالمتهاز

نصر الولاء بیانه و بنانه مهما اقول فذاک بالایجاز

ارّخ قل کمدافوا اسفا علی فقد الحیب محمّد الشیرازی

مادّه تاریخ ارتحال آیة الله العظمی سید محمّد شیرازی قدّس سره

توسط شاعر گرانمایه علامه ایروانی

14-مربوط به صفحه 545

ص: 2206

15- مربوط به صفحه 596/اطلاعات 16/ دی 1331 ش، ص اول

ص: 2207

16- مربوط به صفحه 596/اطلاعات 16/ دی 1331 ش، ص 4

ص: 2208





























































43- مربوط به صفحه 816/اطلاعات 5/ دی 1332 ش، ص 6

ص: 2235

44- مربوط به صفحه 816/اطلاعات 6/ دی 1332 ش، ص 12

ص: 2236













50- مربوط به صفحه 885/اطلاعات 5/ آبان 1332 ش، ص 2

ص: 2242



























































































91- مربوط به صفحه 1233 کیهان / 27 اسفند 1357 ش، ص 6

ص: 2283

















99- مربوط به صفحه 1306/اطلاعات 18/ دی 1357 ش، ص 7

ص: 2291























110- مربوط به صفحه 1350/اطلاعات 14/ خرداد 1330 ش، ص 5

ص: 2302

111- مربوط به صفحه 1350/اطلاعات 31/ خرداد 1332 ش، ص 12

ص: 2303



















جنازه آیت الله خوانساری روی دوش مردم تهران به مسجد سلطانی انتقال داده شد

120- مربوط به صفحه 1458/اطلاعات 8/ شهریور 1331 ش، ص اول

ص: 2312



121-مربوط به صفحه 1458/اطلاعات 8/شهریور 1331 ش، ص 4

ص: 2313



نامه آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری به شیخ رحمت الله قاضی

ص: 2315





























































151-مربوط به صفحه 1711/اطلاعات 21/ تیر 1358 ش، ص 12

ص: 2343





153-مربوط به صفحه /1711اطلاعات/ تیر 1358 ش،ص 16 و اطلاعات/27/ تیر 1358 ش،ص 2

ص:2345

154-مربوط به صفحه 1711/اطلاعات 28/ تیر 1358 ش، ص 2

ص: 2346

155-مربوط به صفحه /1711کیهان/31 تیر 1358 ش،ص 2 و اطلاعات/7 مرداد 1358 ش،ص 16

ص:2347

156-مربوط به صفحه 1711/اطلاعات/اول آذر 1358 ش،ص 11 و کیهان/3/بهمن 1358 ش،ص 4

ص:2348































170-مربوط به صفحهٔ /1950سه شنبه 16 شوال 1369 ق

ص:2362



































بمناسبت محکومیت آیه... طالقانی

بسمه تعالی

سوم شعبان 1397 56/4/29

محضر انور علمای اعلام و مراجع عظام دامت برکاتهم

در این مملکت بی پناه و پایه که امر و قضا و قانون در یک جا جمع شده، نه می توان تظلم بنزد ظالم برد و نه قبول ظلم کرد و ساکت نشست شکوه و درد دل بحضور پیشوایان دین و مامورین دفاع از حق و عدل می آورم. بدین وسیله ندائی و دعائی می طلبم. شاید بگوش دنیا و اجابت خدا برسد.

حضرات عظام بخوبی آقای حاجی سید محمود طالقانی را می شناسند. از فضل و زهد و از مجاهدات دیرینه ایشان در اشاعه قرآن و ارشاد جوانان نیز استحضار دارند.

این سید جلیل القدر را سازمان مدعی امنیت در دو سال قبل معلوم نیست بچه اتهام واهی همراه با عده دیگری از افاضل و علمای روحانیت دستگیر نمود. سپس بدون ملاحظه کبر سن و کسالت‌های عدیده مدت مدیدی معظم له را بدون محاکمه در زندانهای طاقت فرسا اسیر کرده است، درحالی که اظهار می شد زندانیان سیاسی ایران تماما مارکسیست هستند.

اخیرا نیز علی رغم ادعای دیگرشان که محاکمات ما قانونی و علنی است آیه الله طالقانی را بدون اطلاع و حضور افراد خانواده در دادگاههای نظامی (شاید بطور غیابی) به ده سال محکوم نموده اند.

186- مربوط به صفحه 2069

ص: 2378

آیا آیه الله طالقانی کمونیست بیدین بود یا جانی خرابکار؟

آیا کسانی که این مجتهد را بازداشت و محکوم کرده اند کوچک ترین صلاحیت قضائی داشته اند؟

آیا در سایه حکومت بقول خودشان دموکراتیک مدافع حقوق بشر و مسلمان نباید کمترین حق دفاع و آزادی حیات برای افراد کشور خصوصاً زیدگان روحانیت وجود داشته باشد؟

اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه تعز بها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله

مهدی بازرگان

187-مربوط به صفحه 2069

ص: 2379































در مقدمه کتاب که در آغاز جلد اول از نظر خوانندگان گرامی گذشت، پیرامون تراجم نگاری، نخستین تراجم نگار، شیوه های مختلف تراجم نگاری و ویژگیهای این مجموعه به تفصیل سخن گفتیم، در اینجا به چند نکته اشاره می کنیم:

1) این کتاب پیرامون شخصیت‌های برجسته و علمای فرهیخته مدفون در شهر مذهبی قم، در حریم کریمه اهل بیت، حضرت معصومه علیها السلام، می باشد.

2) در این کتاب منحصرأ شرح حال افرادی آمده که تا سال 1422 ه. دیده از جهان فروسته اند.

3) در این میان عده ای به صورت ضمنی معرفی شده اند، که در فهرستی جداگانه اسامی آنها آمده است.

4) شرح زندگانی تعداد زیادی از شخصیت‌های مدفون در قم توسط مؤلف محترم نگارش یافته، که متأسفانه پیش از آنکه مطالب به دست ما برسد از بین رفته است، و تلاش ما برای یافتن آن به جایی نرسید، اگر توفیق الهی نصیب شود در مجلدات بعدی استدراک خواهد شد.

5) از میان صدها سند که مؤلف محترم با تلاش طاقت فرسا گرد آورده بود، تنها 200 سند در این مجموعه ارائه گردید.

6) بیش از یک هزار عکس توسط مؤلف گردآوری شده بود، که همه آنها برای مؤلف چهره های آشنا بودند و لذا قسمتی از آنها زیرنویس نشده بود، که بسیاری از آنها شناخته نشد و به ناگزیر در این مجموعه نیامد.

7) اسامی افراد در این کتاب براساس اسم کوچک- به ترتیب الفبا- تنظیم شده و فهرست آنها در آغاز هر مجلّدی آمده که در اینجا تکرار نمی شود.

8) برای دست یابی آسان و صرفه جویی در زمان، فهرست اعلام دیگری براساس القاب و اسم بزرگ اشخاص تنظیم شده، در این بخش از کتاب آورده شده است.

9) برای استفاده پژوهشگران، فهرستهای فنی دیگری برای اساتید و مشایخ اجازه، آثار مکتوب مترجمان، نخبگان، امامزادگان و مقابر قم تهیه و تنظیم شده است.

10) به دلیل مهاجرت مؤلف به کتاب شناختی منابع مؤلف محترم دسترسی نداشتیم، فهرست منابع نخبگان معرفی شده در مقدمه، به صورت مستقل در اینجا آمده است.

\*\*\* در پایان از همه دست اندرکاران تهیه و تنظیم و طبع و نشر این کتاب، به ویژه ناشر محترم صدیق مکرم جناب آقای انصاریان، که 30 سال تمام با خدمات فرهنگی ارزشمند خود، از رهگذر نشر آثار مربوط به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به زبانهای زنده جهان، خدمات شایان تقدیری به جهان تشیع نموده، و نور چشم گرامی آقای محمد جواد اسلامی- مدیر مؤسسه رسالت- که بدون تلاشهای طاقت فرسای ایشان این اثر هرگز به سامان نمی رسید، صمیمانه سپاس گفته، برای همه آنان پاداش فراوان از خداوند منان خواهیم.

از خوانندگان فاضل و در آشنا تقاضا مند است که با ارسال نظرات اصلاحی و

انتقادی خود-به آدرس مصحح-بر ما منت بگذارند. (1)

در مورد افرادی که شرح حال آنها در این مجموعه نیامده و یا به صورت ناقص ارایه شده، از همه صاحبان فضیلت انتظار می رود که با ارسال مطالب تکمیلی خود در تکامل این مجموعه ما را یاری نمایند.

25 محرم 1425 هـ.

حوزه علمی قم

علی اکبر مهدی پور

ص: 2395

---

1-1) - بلوار امین، کوچه 17، پلاک 44، کد پستی 37139.



1)اعلام

2)اعلام مترجمین ضمنی

3)اعلام مؤلفین یاد شده در مقدمه

4)اساتید و مشایخ اجازه

5)نخبگان

6)نخبگان یاد شده در مقدمه

7)آثار مکتوب مترجمین

8)منابع مقدمه

9)امامزادگان، سلاطین و شاهزادگان مدفون در قم

10)مقابر قم

ص:2397



آذری قمی، شیخ احمد، 290

آرام قمی، سید ناصر الدین، 2121

آرتا، فضل الله، 1260

آسترائی «قفقازی»، میرزا اسحاق، 2204، 397، 2201

آشتیانی، میرزا مهدی، 2054، 2376

آقا باغمیشه ای تبریزی «مدّس وحید»، 165، 2193-2196

آقا برار معتضدی کرمانشاهی، 167

آقا بزرگ ساوه ای، 168

آقا بزرگ، سید علی علوی قزوینی، 1150

آقا بزرگ موسوی شوشتری، 174

آقا بزرگ نصیری محلاتی، 175

آقا ترابی دامغانی، 177

آقا حسینی هیدجی، 178

آقازاده، شیخ ابو القاسم گلپایگانی، 280

آقا فراهانی اراکی، 179

آقا نجفی، سید شهاب الدین، 2226، 779-2234

آل آقا کرمانشاهی، شیخ ابو تراب، 211

آل آقا کرمانشاهی، شیخ احمد، 292

آل آقا کرمانشاهی، شیخ عبد الله، 984

آل آقا کرمانشاهی، شیخ محمد، 1371، 1370

آل آقا کرمانشاهی «معتد العلماء»، شیخ غلامحسین، 1216

آل آقا نهاوندی، شیخ احمد، 293

آل احمد، سید احمد طالقانی، 368

آل رسول شمس آبادی، سید محمد، 1372

آل شبیر، شیخ محمد طاهر خاقانی، 1711، 2337-2348

آل صادق، شیخ محمد رضا، 1622

آل طعمه حائری، سید ابراهیم، 183

آل علی شاهرودی، سید جواد، 468

آل محمد طالقانی، سید رضا، 705

ص: 2399



آل مهدي، سيّد عبد المطلب جزائري، 1003، 2256-2265

آملی، ميرزا هاشم، 2390، 2140

آيت اللهی زنجانی، ميرزا احمد، 294

آيت اللهی شیرازی، سيّد فخر الأعلام، 1250

آيت بروجردي، شيخ محمد علي، 1714

آيتی بروجردي، شيخ حسن، 509

آيتی بيرجندي، دكتور محمد ابراهيم، 1373

آيتی تقی، عبد الحسين، 2242، 885

## الف

ابراهيم آل طعمه حائري، 183

ابراهيم امامزاده زیدی «تهرانی»، 184

ابراهيم تهرانی «لاله زاری»، 186

ابراهيم خراسانی، 187

ابراهيم خلعتبری تنکابنی «آقانجفی»، 188

ابراهيم خوشنویس مراغه ای، 189

ابراهيم دروازه ای تبریزی، 192

ابراهيم سرّی موسوی «اصفهانى»، 197

ابراهيم کاظمی هیدجی، 198

ابراهيم محقق، 200

ابراهيم مرّوت عاملی، 200

ابراهيم مستوفی آشتیانی «معتمد السلطنه»، 202

ابراهیم میلانی، 204

ابراهیم نوری تهرانی، 204

ابراهیم نوری همدانی، 205

ابراهیم وحدت تبریزی، 207

ابراهیم همایونی زنجانی «نحوی»، 210

ابن الشیخ قمی، شیخ محمد، 1379

ابن جلال «محلاتی»، شیخ محمد، 1378

ابو الأعلى مودودی، 2296

ابو الحسن اجتهادی گلپایگانی، 2197، 214-2200

ابو الحسن تنکابنی «زاهدی»، 215

ابو الحسن رفیعی قزوینی، 217

ابو الحسن روحانی شیرازی، 221

ابو الحسن شفتی اصفهانی، 222

ابو الحسن فاضل بهسودی، 223

ابو الحسن فقیهی قمی، 226

ابو الحسن فقیهی گیلانی، 229

ابو الحسن قمی «صادقی»، 231

ابو الفتح میرزا قاجار «مؤید الدوله»، 237

ابو الفضل تولیت قمی، 239

ابو الفضل حافظیان، 2250

ابو الفضل حلال زاده اردبیلی، 242

ابو الفضل زاهدی قمی، 243

ابو الفضل طهماسبی قمی، 246

ابو الفضل مجاهدی بروجردی، 246

ابو الفضل نبوی قمی، 247

ابو الفضل نجفی اصفهانی «قدسی»، 252

ابو الفضل نجفی «مسجد شاهی»، 253

ابو الفضل نجم آبادی، 254

ابو القاسم اصفهانی، 256

ابو القاسم جواهری تهرانی، 257

ص: 2400

- ابو القاسم حجتي گیلانی، 259
- ابو القاسم خوئی، 2292، 2298، 2300، 2373
- ابو القاسم روحانی قمی، 261
- ابو القاسم سحاب تفرشی، 262
- ابو القاسم شاهنجرینی «ربّانی»، 267
- ابو القاسم طباطبائی قمی، 269
- ابو القاسم طهوری همدانی «عمادزاده»، 270
- ابو القاسم علی مددکنی، 270
- ابو القاسم قمی «صغیر»، 271
- ابو القاسم قمی «کبیر»، 272
- ابو القاسم گلپایگانی «آقازاده»، 280
- ابو القاسم مجتهدی تبریزی، 280
- ابو القاسم محمّدی گلپایگانی، 282
- ابو القاسم مدرس یزدی، 284
- ابو القاسم مرعشی تبریزی، 285
- ابو القاسم میرعارفین قمی «عارفی»، 285
- ابو القاسم نحوی قمی، 286
- ابو القاسم نراقی کاشانی، 287
- ابو المجد شیخ الاسلامی بروجردی، 289
- ابو تراب آل آقا کرمانشاهی، 211
- ابو تراب جزائری، 213

- ابو طالب قمی، 232
- ابو طالب محمودی گلپایگانی، 233
- ابو طالب مدرسی یزدی، 234
- ابو طالب مرعشی شهرستانی، 235
- ابو طالبی اراکی، میرزا احمد، 297
- ابهری «امام»، شیخ زین العابدین، 755
- ابهری، حاج هادی، 2135
- ابهری، سیّد شمس الدّین، 774
- ابهری، سیّد نور الدّین، 2131
- اتابکی «مشیر اعظم»، احمد، 299
- اثنی عشری قمی، شیخ محمّد حسین، 1554
- اجتهادی اراکی، شیخ محمّد علی، 1716
- اجتهادی اهری، میرزا احمد، 300
- اجتهادی گلپایگانی، میرزا ابو الحسن، 214
- احتشامی خوئی، غلامحسین، 1217
- احدی همدانی، شیخ یوسف، 2167
- احسن الحكماء قزوینی، میرزا احمد، 301
- احمد آذری قمی، 290
- احمد آل آقا کرمانشاهی، 292
- احمد آل آقا نهاوندی، 293
- احمد آیت اللهی زنجانی، 294

احمد ابو طالبي اراكي، 297

احمد اتابكي «مشير اعظم»، 299

احمد اجتهادي اهري، 300

احمد احسن الحكماء قزويني، 301

احمد اميني تبريزي، 302

احمد اميني مراغه اي، 303

احمد اهري تبريزي، 304

احمد بهاور، 311

احمد پاياني اردبيلي، 312

احمد حائري همداني، 319

احمد حسيني قمي، 320

احمد خلخالی، 321

ص: 2401

- احمد خوانساری، 322
- احمد رحیمی کاشانی، 328
- احمد رضوانی زنجانی، 332
- احمد روحانی قمی، 335
- احمد زنجانی «شیری»، 337
- احمد ساوه ای «حججه الاسلام»، 346
- احمد سبط الشیخ انصاری، 346
- احمد سرایی تبریزی، 349
- احمد شاهرودی، 357
- احمد شریعتی بروجردی، 359
- احمد شهرستانی، 360
- احمد شیرازی، 365
- احمد طالقانی «آل احمد»، 368
- احمد طباطبائی بروجردی، 369
- احمد طباطبائی قمی، 370
- احمد طباطبائی قمی، 372
- احمد عراقی «محسنی»، 372
- احمد علی احمدی شاهرودی، 374
- احمد علی عبد اللهی نگار سیرجانی «نوا»، 376
- احمد غروی توپسرکانی، 378
- احمد فردوس مکان مازندرانی، 380

- احمد کلباسی، 381
- احمد لواسانی تهرانی، 384
- احمد مشرف حسینی قمی، 385
- احمد ناجی قمی، 386
- احمد نعمت اللهی قمی «شهره»، 390
- احمد نهاوندی «قدوسی»، 392
- احمد هاشمی گلپایگانی، 394
- احمدیان نجف آبادی، شیخ محمد علی، 1717
- احمدی بروجردی، سید شمس الدین، 776
- احمد یزدی، 395
- احمدی شاهرودی، شیخ احمد علی، 374
- احمدی شاهرودی، شیخ مهدی، 2060
- احمدی طباطبائی بروجردی، سید جعفر، 450
- احمدی فیروزجاهی مازندرانی، شیخ محمد، 1380
- احمدی میانجی، شیخ حسینعلی، 602
- اخوان خراسانی، شیخ علی، 1021
- اخوان خراسانی، شیخ مرتضی، 1949
- ادیب الدین کسروی «ساسان»، 396
- ادیب تهرانی، میرزا محمد علی، 1720
- اراک، شیخ محمد علی، 1720
- اراک «کربلانی کاظم»، کاظم کریمی، 1313



ارجستانی نائینی، شیخ محمد علی، 1725

ارداقی قزوینی، علی اکبر، 1042، 2266

اردبیلی، سید عبد الغنی، 953

اردبیلی (میرزا محمد ظاہری)، شیخ محمد طاهر، 1706

استادزادہ مازندرانی، سید حسن، 511

استرآبادی، سید محمد، 1383

اسحاق آسترائی «قققازی»، 2201، 397-2204

اسحاق رضوی قمی، 399

اسد اللہ اسماعیلیان دہاقانی، 400

اسد اللہ اشکوری، 401

ص: 2402

- اسد اللہ طباطبائی یزدی، 402
- اسد اللہ عاطفی کرمانشاهی، 404
- اسد اللہ کریمی اراکی، 406
- اسد اللہ مدنی آذرشهری، 408
- اسلامی آبادانی، شیخ عبد الستار، 939
- اسلامی جاسبی، شیخ قوام، 1289
- اسلامی خلخالی، شیخ حسین، 574
- اسلامی سبزواری، شیخ عباسعلی، 859
- اسلامی، شیخ قاسم، 1281، 2284، 2285
- اسماعیل اعلانی ساوه ای، شیخ محمد، 1384
- اسماعیل امین الملک، 409
- اسماعیل بهاری همدانی، 411
- اسماعیل پور، شیخ محمد علی، 2390
- اسماعیل جاپلقی «صادقی»، شیخ محمد، 1387
- اسماعیل خلعتبری تنکابنی، 413
- اسماعیل ظفری نهاوندی «ظفر السلطان»، 414
- اسماعیل علوی خوئینی، 414
- اسماعیل غضنفری خوانساری، 416
- اسماعیل فراهانی «شریف زاده»، 417
- اسماعیل فقیهی اردبیلی، 417
- اسماعیل مرعشی «شریف الاسلام»، 419

اسماعیل مصباح «نجم الممالک»، 420

اسماعیل ناجی بروجردی، 421

اسماعیلیان دهاقانی، شیخ اسد اللہ، 400

اشتہاردی، شیخ حبیب اللہ، 501

اشراقی قمی، شیخ شہاب الدین، 778

اشراقی قمی، شیخ محمد تقی، 1443

اشعری قمی، شیخ محمد طاهر، 1709

اشعری قمی، میرزا علی اصغر، 1024

اشعری قمی، میرزا محمد تقی، 1445

اشکوری، سید اسد اللہ، 401

اشکوری، سید علی، 1022

اشکوری «معصومی»، سید حسن، 513

اشکوری معصومی، سید محمد باقر، 1393

اصفہانی، شیخ ابو القاسم، 256

اصفہانی، میرزا علی شیرازی، 1133

اصولی ارومیه ای، میرزا محمود، 1900، 1901

اعتصام الملک «آشتیانی»، میرزا یوسف، 2168

اعتضاد رازانی گروسی، شیخ محمد، 1389

اعتماد حائری، سید مصطفی، 2016

اعلمی حائری، شیخ محمد حسین، 1556

افصحی، علی اکبر قمی، 1073

الهامي اسكوتى، ميرزا عبد المحمّد، 1001

الهيان تنكابنى، شيخ على اكبر، 1044

الهي طباطبايى «تبريزى»، سيّد محمّد حسن، 1525

الهي قمشه اى، شيخ مهدى، 2061

الهي نراقى «كاشانى»، شيخ جعفر، 452

امام جمعه مازندرانى، سيّد محمّد باقر، 1394

امامزاده زيدى «تهرانى»، شيخ ابراهيم، 184

امامى اليگودرزى، سيّد محمّد، 1390

امامى زنجانى، خانم فاطمه، 1247

امامى مازندرانى «اميركلانى»، شيخ محمّد مهدى، 1856

ص: 2403

- امان اللہ کریمی بابلی، 422
- امیر اصلاں خواجہ نوری «نظام الدولہ»، 425
- امیر محمد قزوینی، 426
- امین الضرب «مهدوی»، محمد حسین، 1558
- امین الملک، میرزا اسماعیل، 409
- امینی تبریزی، شیخ احمد، 302
- امینی مراغه ای، میرزا احمد، 303
- انتظاری قمی «شاطر»، مصطفی، 2018
- انصاری، شیخ محمد علی، 2350، 1726-2353
- انصاری قمی، شیخ محمود، 1902
- انصاری قمی، شیخ مرتضی، 1950
- انصاری، میرزا حسن، 514
- انصاری همدانی، شیخ علی، 1085
- انگجی تبریزی، دکتر محمود، 2354
- انگجی تبریزی، سید حسن، 515
- انگجی تبریزی، سید محمد علی، 1729
- انگجی تبریزی، سید مهدی، 2067، 2377
- انواری اردبیلی، سید عبد الکریم، 955
- انواری همدانی، شیخ یحیی، 2159
- اوحدی لاهیجی، شیخ محمود، 1903
- اھری «باغمیشه ای»، میرزا رضا، 706

اهری تبریزی، شیخ احمد، 304

اهری، میرزا علی اکبر، 1047

اهری نجفی، شیخ حسین، 575

ایروانی «تبریزی»، سیّد عبد الحجه، 881

ایروانی، مصطفی، 2018

ایمانی جهرودی قمی، شیخ عباس، 838

ب

بازرگان، مهندس مهدی، 2378، 2069-2381

باغدرقی خوئی، شیخ محمد، 2305، 1392-2307

باغمیشه ای تبریزی «مدّرس وحید»، میرزا آقا، 2193، 165-2196

بافقی یزدی، شیخ محمد تقی، 1446

باقر سعد السلطنه، 431

باقر قاضی طباطبائی تبریزی، 434

باقر مصدقی، 437

باقر منش قمی «ثابت»، سیّد رضا، 708

بحر العلوم قزوینی، سیّد محمد، 1435

بحر العلوم قزوینی، سیّد مهدی، 2076

بحر العلوم گیلانی، شیخ محمد رضا، 1624

بحرانی حائری، سیّد عبد الله، 985

بحرانی حائری، سیّد محمد صادق، 1682

بدری، سیّد علی، 1086

براتعلی بزوشانی زنجانی، 438

برقعی قمی، سید رضا، 710

برقعی قمی، سید علی، 1086

برقعی قمی، سید علی اکبر، 2207، 1049-2209

برقعی قمی، سید محمد، 1436

برقعی قمی، سید مصطفی، 2019

برقعی قمی (واعظ)، سید مرتضی، 1961

بروجردی، سید حسین طباطبائی، 2207، 596-2314، 2216، 2209

ص: 2404

بروجردی، شیخ عسکری، 1016

بروجردی «صاحب الداری»، شیخ عبد الحسین، 890

بروجردی «غروی»، شیخ محمد حسین، 1559

بروجردی «کسرائی»، شیخ محمد حسین، 1562

بروجردی، میرزا عبد الرحمن، 925

بروجردی، میرزا مهدی، 2077

برهان رامسری، شیخ محمد رضا، 1625

بزاز همدانی، محمد اسماعیل، 1385

بزرگ ساوه ای، شیخ آقا، 168

بزوشانی زنجانی، شیخ براتعلی، 438

بطحائی گلپایگانی، سید علی، 1090

بقال، شیخ عبد الحسین، 892

بلاغی بلخی، شیخ غلامرضا، 1223

بلاغی، سید صدر الدین، 885، 2283

بناروانی میانجی، شیخ نصرت اللہ، 2128

بنی هاشمی اهری، سید جعفر، 453

بوذرجمہری، کریم، 1319

بوستانی بلستانی، شیخ علی، 1091

بہاری ہمدانی، شیخ اسماعیل، 411

بہاور، احمد، 311

بہاء الدین نوری، 439



بهاء الدینی، سید رضا، 712

بہبہانی، سید عبد المطلب، 1002

بہبہانی، سید مصطفیٰ، 2020

بہرام طالقانی، 441

بیانی گیلانی، شیخ علی، 1092

بیگدلی دزفولی، شیخ محمد مهدی، 1867

بیگ قمی «ارباب»، محمد تقی، 1449

پ

پائین شہری، شیخ حسین قمی، 612

پایانی اردبیلی، شیخ احمد، 312

پایین شہری، شیخ علی قمی، 1178

پسنیدہ خمینی، سید مرتضیٰ، 1962

پیشوائی یزدی، سید علی اکبر، 1056

ت

تابش اصفہانی، میرزا علی اکبر، 1057

تاج الدین حائری، شیخ محمد تقی، 1456

تبریزی «علامہ طباطبائی»، سید محمد حسین، 1563

تبریزی «غروی»، شیخ عبد الحسین، 895

تبریزی «غروی»، شیخ ہدایت اللہ، 2152

تبریزی، میرزا صادق، 790

تبریزی، میرزا کاظم، 1297، 2286

تبریزی نجفی، شیخ راضی، 701

تبریزی «نظام العلماء»، میرزا رفیع الدین، 741

تبریزی «واعظ»، شیخ علی اکبر، 1058

تحریری «قمی»، میرزا جواد، 470

تحصیلی شمیرانی «خیاط»، محمّد، 1437

ترابی دامغانی، میرزا آقا، 177

تفرشی «دانش»، میرزا تقی، 443

ص: 2405

- تفرشی همدانی، سید رضا، 721
- تقدیری سبزواری، شیخ هاشم، 2145
- تقوی «سادات اخوی»، سید نصر الله، 2122
- تقوی، سید جمال الدین، 464
- تقوی قزوینی، سید عباس، 839
- تقی تفرشی «دانش»، 443
- تقی رضوی خرم آبادی «طاهری»، 445
- تقی زرگر تبریزی، 446
- تندری قمی «شیوا»، محمود، 1904
- تنکابنی «زاهدی»، سید ابو الحسن، 215
- تنکابنی، سید صدر الدین، 816
- تنکابنی، سید محمد، 1497
- تنگستانی، محمد باقر، 1395
- توحیدی تبریزی، شیخ محمد علی، 1731
- توسلی مازندرانی، شیخ قنبر علی، 1288
- تولیت قمی، سید ابو الفضل، 239
- تویسرکانی، شیخ محمد، 1498
- تهجدی ساوه ای، سید علی، 1092
- تهرانی، شیخ عباس، 839
- تهرانی «لاله زاری»، سید ابراهیم، 186
- تهرانی لاله زاری، سید محمد صادق، 1683

تہرانی «معجزہ»، حیدر، 2212، 648،

تیلی شبستری، میرزا حسن، 516،

ث

ثقفہ الاسلام بروجردی، سید محمد تقی، 1456،

ثقفہ الاسلام تبریزی، میرزا فتح اللہ، 1248،

ج

جابری انصاری، شیخ حیدر علی، 652،

جاپلقی، سید رضا، 722،

جاپلقی، سید علی اصغر، 1026،

جاپلقی، شیخ علی، 1204،

جاپلقی «مصدر الامور»، شیخ محمد، 1498، 2320-2327،

جبار مضطر اردبیلی، 449،

جبرئیلی بروجردی، شیخ محمود، 1907،

جزائری «آل مہدی»، سید عبد المطلب، 2256، 1003-2265،

جزائری، سید ابو تراب، 213،

جزائری شوشتری، سید حسین، 577،

جزائری شوشتری، سید علی، 1094،

جزائری «علم الہدی»، سید مرتضیٰ، 1968، 2369، 2363،

جزائری «ناشر الاسلام»، سید محمد حسین، 1571،

جعفر احمدی طباطبائی بروجردی، 450،

جعفر الہی نراقی «کاشانی»، 452،

جعفر بنی هاشمی اهری، 453

جعفر حسینی شاهرودی، 454

جعفر سلیمانی بهبهانی، 455

جعفر شهرآبی آشتیانی، 456

جعفر لنکرانی، 457

جعفر نهاوندی، 458

جعفری اشکوری، شیخ محمد صادق، 1684

ص: 2406

جعفری همدانی، شیخ غلامحسین، 1218

جلال شریفی همدانی، 459

جلال (طاهر شمس) گلپایگانی، 461

جلال محدث اردبیلی، 462

جلالی رامسری، میرزا حسین، 578

جلالی سردرودی، میرزا محمد رفیع، 1644

جلیل طباطبائی یزدی، 463

جلیلی کرمانشاهی، شیخ شجاع الدین، 769

جلیلی کرمانشاهی، شیخ مصطفی، 2021

جمال الدین تقوی، 464

جمال الدین خوئی، 465

جمال الدین فقیه، 466

جمال الدین مجد دماوندی، 467

جنابی اهری، شیخ موسی، 2047

جندقی، سید میرزا، 2119

جواد آل علی شاهرودی، 468

جواد تحریری «قمی»، 470

جواد حسینی تنکابنی، 472

جواد سدیدي خلخالی، 473

جواد قمی، 474

جواد کبیر قمی، 475

جواد کره رودی اراکی «مشایخی»، 476

جواد ملکی تبریزی، 481

جواد نجومی کرمانشاهی، 489

جواد والا ناصر سردرودی، 494

جوادی ابهری، شیخ ضیاء الدین، 827

جوادی ابهری، شیخ عبد الله، 986

جواهرکلام، شیخ عبد الحسین، 2223، 2268، 2243-2248

جواهری «آل صاحب جواهر»، شیخ محمد حسن، 1526

جواهری تهرانی، سید ابو القاسم، 257

جهانگیر ناظم الملک «ضیائی»، 495

جهانگیری ارستانی، شیخ محمد تقی، 1457

## چ

چال حصاری «افضل»، شیخ محمد رضا، 1627

چرندابی تبریزی، میرزا محمد علی، 1735

چهرقانی، شیخ مرتضی، 1972

## ح

حائری تنکابنی، سید حسین، 580

حائری قمی، شیخ محمد علی، 1735

حائری کرمانی، شیخ محمد علی، 1738

حائری گلپایگانی، سید محمد، 1510

حائری مازندرانی، شیخ محمد، 1511

حائری همدانی، میرزا احمد، 319

حائری یزدی، شیخ عباس، 843

حائری یزدی، شیخ عبد الکریم، 955

حائری یزدی، شیخ مرتضی، 1974، 2370

حائری یزدی، شیخ مهدی، 2382، 2078-2384

حاج اعتماد، شیخ علی شمس گیلانی، 1130

حافظیان، شیخ ابو الفضل، 2250

حامد واعظی کاظمی «سبزواری»، 499

ص: 2407



- حبيب الله اشتهاردی، 501
- حبيب الله سمامی رامسری، 502
- حبيب الله شهاب، 505
- حبيب الله فقيه مازندرانی، 506
- حجت، سيّد عبد الحجه بلاغی نائینی، 882
- حجت کوه کمري، سيّد حسن، 518
- حجت کوه کمري، سيّد محسن، 1357
- حجت کوه کمري، سيّد محمّد، 2328، 1513-2330
- حجت همدانی «دریائی»، ميرزا محمّد، 1521
- حجتی کرمانشاهی، شيخ محمّد حسن، 1529
- حجتی گیلانی، شيخ ابو القاسم، 259
- حجتی میانجی، ميرزا محمّد، 1524
- حجه الاسلام، ميرزا احمد ساوه ای، 346
- حرم پناهی قمی، شيخ حسن، 519
- حرم پناهی قمی، شيخ مهدی، 2086
- حسام الاسلام رشتی «دانش»، شيخ حسن، 520
- حسام الدین ميرزائی قمی، 507
- حسام گیلانی، شيخ محمّد هادی، 1889
- حسن آیتی بروجردی، 509
- حسن استادزاده مازندرانی، 511
- حسن اشکوری «معصومی»، 513

- حسن انصاری، 514
- حسن انگجی تبریزی، 515
- حسن تیلی شبستری، 516
- حسن حجت کوه کمری، 518
- حسن حرم پناهی قمی، 519
- حسن حسام الاسلام رشتی «دانش»، 520
- حسن خاتمی بروجردی، 524
- حسن رازینی همدانی، 527
- حسن رسولی آذرشهری، 528
- حسن رشیدی تبریزی، 530
- حسن رضوی قمی، 537
- حسن سعید تهرانی، 539
- حسن شریعتمداری، 542
- حسن شیرازی، 545، 2206
- حسن صالحی لاهیجی، 551
- حسن طبرسی ساروی، 552
- حسن طلائی، 561
- حسن فرید اراکی «هزاوه ای»، 562
- حسن کاشانی، 563
- حسن کزازی کرمانشاهی، 564
- حسن مجتهدزاده تبریزی، 565

حسن مدرسی یزدی، 565

حسن مدرسی یزدی «سریزدی»، 567

حسن موسوی دهرسخی، 568

حسن نبوی بیرجندی، 569

حسن نجفی بلتستانی، 570

حسن نصرتی نیا سردرودی، 571

حسن نوری همدانی، 571

حسن وثوق الدوله آشتیانی، 572

حسین اسلامی خلخالی، 574

حسین اهری نجفی، 575

حسین جزائری شوشتری، 577

ص: 2408

- حسین جلالی رامسری، 578
- حسین حائری تنکابنی، 580
- حسین حسینی قمی، 581
- حسین خلخالی، 584
- حسین دادگر، 585
- حسین ربانی میانجی، 591
- حسین رضوی همدانی «غبار»، 593
- حسین سلطان گودرزی ملایری، 595
- حسین طباطبائی بروجردی، 596
- حسین علی احمدی میانجی، 602
- حسینعلی طوبائی شیرازی، 603
- حسین غفّاری آذرشهری، 605
- حسین فارغ دزفولی، 606
- حسین فاطمی ابهری، 606
- حسین فاطمی قمی، 608
- حسین قاضی تبریزی «طباطبائی»، 609
- حسین قمی «پائین شهری»، 612
- حسین قمی «حاج آخوند»، 613
- حسین قمی «کوچه حر می»، 614
- حسین کریمان، 616
- حسین کوچه حر می قمی، 620، 2230

- حسین لیچائی گیلانی، 622
- حسین محمدی لائینی «مازندرانی»، 623
- حسین مفلس قمی «ارده شیرہ»، 634
- حسین مگی، 636، 2210، 2211
- حسین موسوی قمصری، 637
- حسین نبوی قمی، 643
- حسین نجارزاده بروجردی «کاوسی»، 645
- حسین نظمی اصفہانی، 647
- حسینی ارومیه ای، سید خلیل، 665
- حسینی تنکابنی، سید جواد، 472
- حسینی تهرانی، سید ہاشم، 2146
- حسینی رشتی، سید صادق، 804
- حسینی شاهرودی، سید جعفر، 454
- حسینی قمی «دشتی»، سید علی، 1095
- حسینی قمی، سید احمد، 320
- حسینی قمی، سید احمد مشرف، 385
- حسینی قمی، سید حسین، 581
- حسینی ہیدجی، سید آقا، 178
- حق نویس قمی، میرزا علی، 1098
- حقی سراہی، شیخ محمد علی، 1739
- حکم آبادی، سید یوسف، 2179، 2392

حکمت شیرازی «سردار فاخر»، میرزا رضا، 723

حکمی «پائین شهری»، شیخ مهدی، 2088

حکمی یزدی «تجلی»، میرزا علی اکبر، 1060

حکیم «طباطبائی»، سید مهدی، 2090

حکیمی یزدی، شیخ علی اکبر، 1066

حلال زاده اردبیلی، میرزا ابو الفضل، 242

حیدر تهرانی «معجزه»، 648، 2212

حیدر علی جابری انصاری، 652

حیدر علی قلم داران قمی، 653

حیدر علی مدرسی بهسودی، 654

حیدر مهدوی شیادهی مازندرانی، 658

حیدری ایلامی، شیخ عبد الرحمن، 926

ص: 2409

حیدری کاشانی، شیخ علی، 1099

خ

خائف قمی، شیخ عبد الرزاق، 936

خاتمی بروجردی، شیخ حسن، 524

خاقانی «آل شبیر»، شیخ محمد طاهر، 1711، 2348-2337

خاقانی، شیخ سلمان، 766

خاقانی، شیخ عبد المنعم، 1007

خراسانی «پائین خیابانی»، شیخ محمد حسین، 1573

خراسانی، سید ابراهیم، 187

خراسانی «محولاتی»، شیخ محمد جواد، 1501

خردمند تهرانی، سید عبد الحسین، 901

خرسان، سید طالب، 831

خرم آبادی «بروجردی»، شیخ علی محمد، 1193

خرم آبادی، صادق جوادی، 803

خسروی همدانی، سید عبد الحسین، 903

خسروی همدانی، سید محمد علی، 1743

خضری قزوینی، سید محمود، 1908

خلخالی، سید احمد، 321

خلخالی، سید حسین، 584

خلعتبری تنکابنی «آقاجفی»، میرزا ابراهیم، 188

خلعتبری تنکابنی، اسماعیل، 413

خلعتبری تنکابنی، شیخ نور الدین، 2131

خلعتبری تنکابنی، میرزا یحیی، 2160

خلیل حسینی ارومیه ای، 665

خلیل فهیمی «فهیم الملک»، 666

خلیل کمره ای «فرنقی»، 667

خلیل محمّدی بهشهری، 2213، 674-2220

خمیرانی رشتی، شیخ رضا، 725

خمینی، سیّد مرتضیٰ پسندیده، 1962

خوئی، سیّد ابو القاسم، 2300، 2298، 2292، 2373

خوئی، سیّد جمال الدین، 465

خوئی، سیّد هاشم، 2147

خوئی، شیخ محمّد صادق، 1687

خوئی «صادقی»، سیّد علی اصغر، 1027

خوئینی زنجانی، شیخ عبد الکریم، 963

خواجه نوری «نظام الدوله»، امیر اصلاّن، 425

خوانساری، سیّد احمد، 322

خوانساری، سیّد فضل الله، 1260

خوانساری، سیّد محمّد تقی، 2311، 1458-2314

خوانساری «کاشفی»، سیّد ضیاء الدین، 828

خوانساری «متفقهی»، شیخ علی، 1101، 2269-2277

خوانساری «معلّم»، شیخ غلامرضا، 1224



خورگامی رشتی، شیخ محمد وحید، 1886

خوشنویس حائری، شیخ عیسی، 1212

خوشنویس مراغه ای، شیخ ابراهیم، 189

د

دادگر، حسین، 585

ص: 2410

دارابی «شرعی»، شیخ غلامحسین، 1220

داعی الاسلام همدانی «دعوتی»، سید عباس، 844، 2237، 2238

داماد یزدی، سید محمد، 1613

دانش، شیخ حسن حسام الاسلام رشتی، 520

دانش، میرزا تقی تفرشی، 443

دربانی قمی (حاجب التولیه)، سید علی اصغر، 1030

دروازه ای تبریزی، سید ابراهیم، 192

دزفولی «خادم الشریعه»، شیخ محمد حسین، 1576

دعوتی، سید عباس داعی الاسلام همدانی، 844، 2237، 2238

دعوتی همدانی «داعی»، سید علی، 1102

دولت‌شاهی «کرمانشاهی»، عماد الدین، 1211

دولتی گرگانی، شیخ نعمت الله، 2129

دهاقانی «خرد»، شیخ محمد حسین، 1578

ذ

ذکاتوی قراگوزلو «همدانی»، شیخ علی اصغر، 1031

ذو القدر زنجانی، شیخ قربانعلی، 1287

ر

رئیس نوری، شیخ محمد مهدی، 1872

رازانی بروجردی، شیخ محمد حسین، 1580

رازینی همدانی، شیخ حسن، 527

راسخی لنگرودی، شیخ شعبان، 772

راضی تبریزی نجفی، 2221، 701-2223

رایگانی بهبهانی، سید محمود، 1910

ربانی املشی، شیخ محمد مهدی، 1869

ربانی، شیخ ابو القاسم شاهنجرینی، 267

ربانی شیرازی، شیخ عبد الرحیم، 928

ربانی میانجی، شیخ حسین، 591

ربیع همدانی «شفیعی»، شیخ محمد، 1618

ربیعی بهشتی همدانی، محمد، 1620

رحمانیان «عماد»، شیخ یوسف، 2171

رحمت الله قاضی، 2315-2318

رحیمی کاشانی، احمد، 328

رسولی آذرشهری، میرزا حسن، 528

رشتی «شریف العلماء»، سید عبد الباقي، 877

رشتی، شیخ محمد، 1621

رشدیه تبریزی، میرزا حسن، 530

رضا آل محمد طالقانی، 705

رضا اهری «باغمیشه ای»، 706

رضا باقر منش قمی «ثابت»، 708

رضا برقعی قمی، 710

رضا بهاء الدینی، 712

رضا تفرشی همدانی، 721

رضا جاپلقی، 722

رضا حکمت شیرازی «سردار فاخر»، 723

رضا خمیرانی رشتی، 725

رضا روزبه، 2224، 725

رضا صدر، 2391، 2225، 730

ص: 2411

رضنا علما قمی، 735

رضوانی زنجانی، شیخ احمد، 332

رضوی بنارسی، سیّد هاشم، 2149

رضوی خرم آبادی «طاهری»، سیّد تقی، 445

رضوی قمی، سیّد اسحاق، 399

رضوی قمی، سیّد حسن، 537

رضوی قمی «قدرت»، سیّد علی، 1118

رضوی قمی، میر محمد مهدی، 1870

رضوی هشترودی، شیخ عبد الحسین، 903، 2243-2248

رضوی همدانی، سیّد محمد باقر، 1396

رضوی همدانی «غبار»، سیّد حسین، 593

رضی الدّین وحیدی شبستری، 739

رضی زنوزی تبریزی، 737

رفیع الدّین تبریزی «نظام العلماء»، 741

رفیعی طالقانی، شیخ محمد، 1646

رفیعی قزوینی، سیّد ابو الحسن، 217

روح الله کمالوند خرم آبادی، 744

روحانی رشتی «بحرانی»، سیّد محمود، 1911

روحانی، سیّد محمد علی، 2295

روحانی شیرازی، شیخ ابو الحسن، 221

روحانی قمی، سیّد ابو القاسم، 261

روحانی قمی، سیّد احمد، 335

روحانی قمی، سیّد صادق، 806

روحانی قمی، سیّد محمّد، 1647

روحانی قمی، سیّد محمود، 1913، 2360

روحانی قمی، سیّد مهدی، 2092

روحانی قمی، سیّد هادی، 2135

روحانی نجف آبادی، میرزا علی، 1122

روحی اصفهانی، محمّد علی، 1746

روحیان بهبهانی، شیخ غلامعلی، 1240

روحی یزدی، شیخ عبد الوهاب، 1008

رودباری گیلانی، سیّد محمّد تقی، 1464

روزبه، استاد رضا، 725، 2224

رهامی زنجانی، میرزا علی، 1125

ریحان الله گلپایگانی «نخعی»، 746

ز

زاهد رشتی، شیخ محمّد، 1649

زاهدی قمی، میرزا ابو الفضل، 243

زرگر تبریزی، میرزا تقی، 446

زرندی ساوه ای، سیّد محمود، 1915

زرندی ساوه ای، شیخ محمّد باقر، 1397

زکریا قزوینی، 753

زمانی نجف آبادی، شیخ مصطفی، 2022،

زنجانی «شبییری»، سید احمد، 337

زنجانی «شیخ الاسلام»، میرزا فضل اللہ، 1262

زنجانی «عباسی»، شیخ موسی، 2047

زنوزی تبریزی، میرزا رضی، 737

زهرائی خوانساری، دکتر محمد، 1650

زیبا قمی، میرزا علی اصغر، 1031

زین الدین شریعتی زنجانی، 754

زین العابدین ابهری «امام»، 755

زین العابدین، شیخ کاظم، 1300

ص: 2412

زين العابدين، شيخ محمد، 1654

زين العابدين كاشاني، 758

زين العابدين يثري قمى، 761

س

سادات گوشه دزفولى، سيد محمد تقى، 1467

ساسان، اديب الدين كسروى، 396

ساعد الملك تبريزى، ميرزا شفيح، 773

سام ميرزا شاه صفى اول، 763

سام ميرزا شاه صفى اول، 763

ساوه اى «حجه الاسلام»، ميرزا احمد، 346

ساوه اى، شيخ محمد ابراهيم، 1375

سبحانى تبريزى، شيخ محمد حسين، 1582

سبزوارى، سيد محمد، 1657

سبزوارى «عزيرى»، شيخ محمد، 1658

سبط الشيخ انصارى، شيخ احمد، 346

سبط الشيخ انصارى، شيخ منصور، 2044

سبط الشيخ دزفولى، سيد موسى، 2050

سبط شيرازى، ميرزا محمد تقى، 1468

ستوده اراكى، شيخ محمد تقى، 2315، 1469-2318

سجاسى قزوينى، سيد محمود، 1915

سحاب نفرشى، ابو القاسم، 262



- سدیدی خلخالی، سید جواد، 473
- سرایبی، میرزا عبد اللہ، 994، 2255
- سراج انصاری، شیخ مهدی، 2095
- سراجی قزوینی، شیخ محمد حسن، 1529
- سرایبی تبریزی، میرزا احمد، 349
- سربندی بروجردی، شیخ صادق، 808
- سریزدی «حاج میرزائی»، سید محسن، 1359
- سری موسوی «اصفہانی»، سید ابراہیم، 197
- سعادت کرمانشاہی، فیض اللہ، 1278
- سعد السلطنہ، باقر، 431
- سعید تهرانی، شیخ حسن، 539
- سعیدی بیرجندی، سید غلامرضا، 1225
- سعیدی یزدی «ریحان»، سید علیرضا، 1108
- سلام فایز تبریزی، عبد العلی، 949
- سلامی اہوازی، شیخ محمد، 1661
- سلطان العلماء اردکانی، شیخ محمد، 1662
- سلطان العلماء نائینی، میرزا محمد سعید، 1659
- سلطان المحققین کجوری، شیخ محمد، 1663
- سلطان الواعظین شیرازی، سید محمد، 1665
- سلطانی میانہ ای، شیخ مسعود، 2013
- سلیمان خاقانی، 766

سليمانى بهبهانى، شيخ جعفر، 455

سامى حائرى، شيخ عبد اللطيف، 2252، 978-2254

سامى رامسرى، شيخ حبيب الله، 502

سامى، شيخ محمد، 2252، 2253

سياسى، دكتور على اكبر، 1067

سيدي قمى، سيد عبد الحسين، 911

ش

شاه چراغى نهاوندى، سيد على، 1127

ص: 2413

شاه حمزه ای قمی، شیخ مهدی، 2098

شاهرودی، شیخ احمد، 357

شاهرودی، شیخ عباسعلی، 861

شاهنجرینی «ربّانی»، شیخ ابو القاسم، 267

شبستری، سیّد عبد الله موسوی، 996

شبستری، میرزا کاظم، 1300

شبییری، سیّد احمد زنجانی، 337

شجاع الدّین جلیلی کرمانشاهی، 769

شریانی تبریزی، میرزا محسن، 1360

شرع الاسلام نجفی، شیخ عبد الحسین، 912

شرف الدّین طالقانی، 771

شریعتمدار تهرانی، شیخ مهدی، 2099، 2385

شریعتمدار مازندرانی، شیخ محمّد تقی، 1484

شریعتمداری، سیّد حسن، 542

شریعتمداری، سیّد کاظم، 2225، 1306، 2287-2377، 2335، 2301، 2381، 2380

شریعت مهدوی، شیخ محمود، 1916

شریعتی بروجردی، شیخ احمد، 359

شریعتی دهاقانی، شیخ محمّد باقر، 1398

شریعتی زنجانی، شیخ زین الدّین، 754

شریف العلماء لنگرودی، شیخ محمّد تقی، 1484

شریف تقوی شیرازی، سیّد محمّد، 1673

- شريف رازى، شيخ محمد، 1676
- شريف طبرستانى مازندرانى، شيخ محمد على، 1747
- شريف همدانى، شيخ محمد، 1681
- شريفى زنوزى، ميرزا لطف على، 1325
- شريفى كابلى، شيخ عبد العلى، 950
- شريفى همدانى، سيد جلال، 459
- شعبان راسخى لنگرودى، 772
- شفتى اصفهانى، سيد ابو الحسن، 222
- شفيح ساعد الملك تبريزى، 773
- شفيعيان همدانى، شيخ على اصغر، 1033
- شمس الدين ابهرى، 774
- شمس الدين احمدى بروجردى، 776
- شمس الدينى قمى «پويان»، سيد على، 1128
- شمس گيلانى «حاج اعتماد»، شيخ على، 1130
- شوكى، سيد عبد الرحيم، 931
- شهاب الدين اشراقى قمى، 778
- شهاب الدين مرعشى «آقا نجفى»، 2226، 779-2234
- شهاب الدين مصطفى همدانى، 783
- شهاب الدين نراقى كاشانى، 785
- شهاب الدين نيريزى، 786
- شهاب، پروفيسور حبيب الله، 505

شهرآبی آشتیانی، شیخ جعفر، 456

شهرستانی، سید احمد، 360

شهره، احمد نعمت اللهی قمی، 390

شهیدی خوئی، میرزا علی قلی، 1178

شهیدی قزوینی، شیخ عبد الله، 988

شهیدی قزوینی، شیخ فتح الله، 1249

شهیدی گلپایگانی، سید محمد باقر، 1399

شیخ الاسلامی بروجردی، شیخ ابوالمجد، 289

ص: 2414

شیخ نیا «اراکی»، دکتر غلامعلی، 1241

شیرازی «اصفهانی»، میرزا علی، 1133

شیرازی رفسنجانی، شیخ عباس، 853

شیرازی، سید حسن، 545، 2206

شیرازی، سید عبد المطلب، 1005

شیرازی، شیخ صادق، 811

شیرازی، محمد تقی، 2200

شیرازی، میرزا احمد، 365

ص

صابر کره رودی اراکی، 789

صاحب الزمانی «خراسانی»، شیخ محمد ابراهیم، 1376

صاحب الزمانی، شیخ محمد تقی، 2221

صاحب الزمانی، شیخ محمد رضا، 2222

صاحب نسق قمی، میرزا محمد صادق، 1689

صادق تبریزی، 790

صادق جوادی خرم آبادی، 803

صادق حسینی رشتی، 804

صادق روحانی قمی، 806

صادق سربندی بروجردی، 808

صادق شیرازی، 811

صادق طاهباز تبریزی، 812

صادق فراحي خوئي، 813

صادق نصيري سرايي، 814

صادقي تبريزي، ميرزا مهدي، 2102

صادقي قمي، ميرزا مصطفى، 2026

صادقي لاهيجاني «رئيس العلماء»، شيخ عبد الحسين، 913

صادقي «لسان المحققين»، شيخ محمد رضا، 1629

صالحى اردبيلى، محمود، 1917

صالحى كرماني، شيخ على اصغر، 1034

صالحى كشميرى، شيخ غلامحسن، 1215

صالحى لاهيجى، شيخ حسن، 551

صالحى لرستانى، شيخ عبد الرحمن، 927

صبورى قمي، شيخ على اكبر، 2267، 1070، 2268

صدر الدين بلاغى، 885، 2283

صدر الدين تنكابنى، 816

صدر الدين صمدى لنكرانى، 824

صدر العلماء قمي، سيد محمد، 1705

صدر الممالك اردبيلى، ميرزا هادى، 2136

صدر دزفولى، سيد على، 1125

صدر، سيد رضا، 730، 2225، 2391

صدر، سيد صدر الدين، 2234، 816-2236

صدر عاملى، سيد مهدي، 2103

صدقی مازندرانی، شیخ محمد حسین، 1586

صغیر، شیخ ابو القاسم قمی، 271

صفائی حائری (قمی)، شیخ علی، 1137

صفائی خوانساری، سید مصطفی، 2028

صفائی قمی «حائری»، عبد الصاحب، 941

صفائی گلپایگانی، شیخ محمد علی، 1749

صفاری، علی اکبر، 1071

صفاء السلطنه نائینی (صفا)، میرزا عباس، 855

ص: 2415



صمدی لنکرانی، شیخ صدر الدین، 824

ض

ضیائیان دزفولی، سید محمد مهدی، 1872

ضیاء الدین جوادی ابهری، 827

ضیاء الدین خوانساری «کاشفی»، 828

ط

طالب خراسان، 831

طالقانی «آل احمد»، سید احمد، 368

طالقانی، سید شرف الدین، 771

طالقانی، سید محمود، 2378، 2339، 2338، 2379

طالقانی، شیخ بهرام، 441

طالقانی، شیخ محمد حسن، 2331، 1531-2333

طالقانی، شیخ محمد رضا، 1629

طالقانی، شیخ مرتضی، 2332، 2331

طاهباز تبریزی، میرزا صادق، 812

طاهر شمس گلپایگانی، شیخ جلال، 461

طاهری، سید تقی رضوی خرم آبادی، 445

طاهری قمی، سید عبدالحسین، 914

طاهری قمی، شیخ محسن، 1361

طباطبائی بروجردی (سلطان العلماء)، سید علی اصغر، 1038

طباطبائی بروجردی، سید احمد، 369

- طباطبائی بروجردی، سید حسین، 596
- طباطبائی بروجردی، سید محمد حسن، 1537
- طباطبائی بروجردی، سید محمد حسین، 1588
- طباطبائی حکیم، سید محمد حسین، 1589
- طباطبائی حکیم، سید محمد هادی، 1890
- طباطبائی، سید حسین قاضی تبریزی، 609
- طباطبائی، سید محمد حسین تبریزی، 1563
- طباطبائی قمی، سید ابو القاسم، 269
- طباطبائی قمی، سید احمد، 370، 372
- طباطبائی قمی، سید مصطفی، 2031
- طباطبائی مدرسی یزدی، سید مهدی، 2104
- طباطبائی یزدی، سید اسد الله، 402
- طباطبائی یزدی، سید جلیل، 463
- طباطبائی یزدی، سید عبد العزیز، 2249، 943-2251
- طباطبائی یزدی، سید هاشم، 2150
- طبرسی ساروی، شیخ حسن، 552
- طبرسی، شیخ محمد رضا، 1630
- طبرسی، شیخ محمد علی، 1750
- طسوجی، شیخ عباس، 856
- طلائیان، عباس، 857
- طلائی، حسن، 561

طوبائی شیرازی، شیخ حسینعلی، 603

طهماسبی قمی، میرزا ابو الفضل، 246

طهوری همدانی «عمادزاده»، میرزا ابو القاسم، 270

ظ

ظفر السلطان، اسماعیل ظفری نهاوندی، 414

ظفری نهاوندی «ظفر السلطان»، اسماعیل، 414

ص: 2416

عابدی خلخالی، شیخ محمود، 1918، 2361

عابدی قمی، شیخ غلامحسین، 1221

عارف بروجردی، سید علی اصغر، 1039

عارفی، سید ابو القاسم میرعارفین قمی، 285

عارفی قمی، علی، 1139

عاطفی کرمانشاهی، اسد الله، 404

عالم اردبیلی، میرزا مهدی، 2105

عاملی، شیخ عبد الحسین نعمه، 2278، 2279

عاملی «علیکم السلام»، شیخ علی، 1141

عاملی «نظام الدین»، شیخ مرتضی، 1987

عبائی تبریزی، میرزا مهدی، 2106

عباد علی هندی، 837

عبادی طالقانی، شیخ هادی، 2137

عبادی طالقانی، شیخ یحیی، 2161، 2391

عباس ایمانی جهرودی قمی، 838

عباس تقوی قزوینی، 839

عباس تهرانی، 839

عباس حائری یزدی، 843

عباس داعی الاسلام همدانی «دعوتی»، 844، 2237، 2238

عباس راسخی نجفی «گیلانی»، 851

عباس شیرازی رفسنجانی، 853

عباس صفاء السلطنه نائینی (صفا)، 855

عباس طسوجی، 856

عباس طلائیان، 857

عباس عشقی بحرینی، 858

عباس علی اسلامی سبزواری، 859

عباسعلی شاهرودی، 861

عباسعلی محقق خراسانی، 863

عباسعلی نجفی ارومیه ای، 865

عباس فقیه مبرقع قمی، 866

عباس فیض قمی، 867

عباس کتابدار قمی «خادم»، 870

عباس مستقیم قمی، 870

عباس ملکی طسوجی، 871، 2239، 2240

عباس مهری، 873

عباس میرزاده اهری، 875

عباس میرزا ملک آرا قاجار، 876

عباسی، شیخ موسی، 2047، 2374، 2375

عبد الباقر رشتی «شریف العلماء»، 877

عبد الجواد کلباسی اصفهانی، 879

عبد الحجه بلاغی نائینی «حجت»، 882

عبد الحجه ايروانى «تبريزى»، 881

عبد الحسين آيتى تفتى، 885، 2242

عبد الحسين بروجردى «صاحب الدارى»، 890

عبد الحسين بقال، 892

عبد الحسين تبريزى «غروى»، 895، 2354

عبد الحسين، جواهر كلام، 2223، 2268

عبد الحسين خردمند تهرانى، 901

عبد الحسين خسروى همدانى، 903

عبد الحسين رضوى هشترودى، 2243، 903-2248

ص: 2417

عبد الحسين سيدي قمى، 911

عبد الحسين شرع الاسلام نجفى، 912

عبد الحسين صادقى لاهيجانى «رئيس العلماء»، 913

عبد الحسين طاهرى قمى، 914

عبد الحسين فقيهى گيلانى، 914

عبد الحسين معين الشعراء قمى، 917

عبد الحسين نائينى «بقائى»، 918

عبد الحسين نزهتى قمى، 919

عبد الحسين نعمه عاملى، 2278، 2279

عبد الحسين وكيلى قمى، 921

عبد الرحمن بروجردى، 925

عبد الرحمن حيدرى ايلامى، 926

عبد الرحمن صالحى لرستانى، 927

عبد الرحيم ربانى شيرازى، 928

عبد الرحيم شوكى، 931

عبد الرحيم مدرس تبريزى، 931

عبد الرحيم نهاوندى، 933

عبد الرحيم نيرى بروجردى، 934

عبد الرزاق خائف قمى، 936

عبد الرسول قائمى اصفهانى، 937

عبد الستار اسلامى آبادانى، 939

عبد الصاحب صفائی قمی «حائری»، 941

عبد العزیز طباطبائی یزدی، 2249، 943-2251

عبد العلی سلام فایز تبریزی، 949

عبد العلی شریفی کابلی، 950

عبد العلی مشایخی اراکی «حاج آقا»، 951

عبد العلی نطنزی «صدر العلماء»، 952

عبد الغنی اردبیلی، 953

عبد القدوس کرمانشاهی، 954

عبد الکریم انواری اردبیلی، 955

عبد الکریم حائری یزدی، 955

عبد الکریم خوئینی زنجانی، 963

عبد الکریم غیرت کرمانشاهی، 967

عبد الکریم کریمی اصل هشترودی، 968

عبد الکریم کشمیری، 969

عبد اللطیف سمّامی حائری، 2252، 978-2254

عبد اللطیف مجد الواعظین اردبیلی، 982

عبد اللّٰه آل آقا کرمانشاهی، 984

عبد اللّٰه بحرانی حائری، 985

عبد اللّٰه جوادی ابهری، 986

عبد اللّٰه شهیدی قزوینی، 988

عبد اللّٰه قاهانی «صدر عراقی»، 989



عبد اللہ قمی، 991

عبد اللہ گشایشی اہری، 992

عبد اللہ لنکرانی، 992

عبد اللہ مجتہدی سراہی، 994، 2255

عبد اللہ موسوی شبستری، 996

عبد اللہ مہدوی شاہرودی، 999

عبد اللہ واعظ طالقانی، 1000

عبد اللہی نگار سیرجانی «نوا»، احمد علی، 376

عبد المحمّد الہامی اسکونی، 1001

عبد المطلب بہہانی، 1002

عبد المطلب جزائری «آل مہدی»، 1003، 2256-2265

ص: 2418

عبد المطلب شیرازی، 1005

عبد المطلب فقیه اردوبادی، 1005

عبد المنعم خاقانی، 1007

عبد الوهاب روحی یزدی، 1008

عبد الهادی قمی «حاج آخوند»، 1009

عجمی، هدایت الله، 2155

عدنانی مازندرانی، سید محمد تقی، 1485

عراقی «محسنی»، سید احمد، 372

عز الدین نجفی اصفهانی «مسجد شاهی»، 1010

عزیز الله علی مرادیان نهاوندی، 1013

عزیز موسوی اردبیلی، 1015

عسکری بروجردی، 1016

عشقی بحرینی، میرزا عباس، 858

علامه فانی اصفهانی، سید علی، 1141

علاء الدین علوی طالقانی، 1017

علما قمی، سید رضا، 735

علما کرمانشاهی دامغانی «واعظ»، شیخ علی، 1148

علم الهدی جزائری، سید مصطفی، 2032

علم الهدی، سید مرتضی، 1968، 2363، 2369

علم الهدی فومنی، شیخ علی، 1148

علم الهدی کابلی «ملایری»، 1018

- علمی اراکی، شیخ محمود، 1919
- علمی تنکابنی، شیخ علی اکبر، 1072
- علوی بخشایشی، سید مهدی، 2108
- علوی خوئینی، سید اسماعیل، 414
- علوی طالقانی، سید علاء الدین، 1017
- علوی طالقانی، سید محی الدین، 1932
- علوی طالقانی، سید نور الدین، 2132
- علوی فریدنی، سید مرتضی، 1988
- علوی قزوینی «آقابزرگ»، سید علی، 1150
- علوی قزوینی، سید علی، 1149
- علوی کاظمی، سید علی، 1153
- علی اخوان خراسانی، 1021
- علی اشکوری، 1022
- علی اصغر اشعری قمی، 1024
- علی اصغر جاپلقی، 1026
- علی اصغر خوئی «صادقی»، 1027
- علی اصغر دربانی قمی (حاجب التولیه)، 1030
- علی اصغر ذکاوتی قراگوزلو «همدانی»، 1031
- علی اصغر زیبا قمی، 1031
- علی اصغر شفیعیان همدانی، 1033
- علی اصغر صالحی کرمانی، 1034

علی اصغر طباطبائی بروجردی (سلطان العلماء)، 1038

علی اصغر عارف بروجردی، 1039

علی اصغر فقیهی قزوینی، 1040

علی اصغر وثوق، 1041

علی اکبر ارداقی قزوینی، 1042، 2266

علی اکبر الهیان تنکابنی، 1044

علی اکبر اهری، 1047

علی اکبر برقععی قمی، 1049، 2207-2209

علی اکبر پیشوائی یزدی، 1056

علی اکبر تابش اصفهانی، 1057

ص: 2419

علی اکبر تبریزی «واعظ»، 1058

علی اکبر حکیمی یزدی «تجلی»، 1060

علی اکبر حکیمی یزدی، 1066

علی اکبر سیاسی، 1067

علی اکبر صبوری قمی، 1070، 2267، 2268

علی اکبر صفاری، 1071

علی اکبر علمی تنکابنی، 1072

علی اکبر عماد تبریزی، 1072

علی اکبر قمی «افصحی»، 1073

علی اکبر گلستانه اصفهانی، 1077

علی اکبر مجتهدی تبریزی، 1079

علی اکبر مجتهدی تبریزی، 1080

علی اکبر مظهر همدانی، 1081

علی اکبر ملک زاده آملی، 1084

علی اکبر ملکی طسوجی، 2241

علی اکبر مهدی پور، 2286، 2255، 2233، 2336، 2290

علی انصاری همدانی، 1085

علی بدری، 1086

علی برقی قمی، 1086

علی بطحائی گلپایگانی، 1090

علی بوستانی بلتستانی، 1091

- علی بیانی گیلانی، 1092
- علی تهجدی ساوه ای، 1092
- علی جزائری شوشتری، 1094
- علی حسینی قمی «دشتی»، 1095
- علی حق نویس قمی، 1098
- علی حیدری کاشانی، 1099
- علی خوانساری «متفکھی»، 2269، 1101-2277
- علی دعوتی همدانی «داعی»، 1102
- علیرضا سعیدی یزدی «ریحان»، 1108
- علیرضا کاشفی قمی، 1113
- علی رضا مدرسی یزدی، 1115
- علیرضا هدایتی قمی «خاموش»، 1116
- علی رضوی قمی «قدرت»، 1118
- علی روحانی نجف آبادی، 1122
- علی رهامی زنجانی، 1125
- علی سیّد صدر دزفولی، 1125
- علی شاه چراغی نهاوندی، 1127
- علی شمس الدینی قمی «پویان»، 1128
- علی شمس گیلانی «حاج اعتماد»، 1130
- علی شیرازی «اصفہانی»، 1133
- علی صفائی حائری «قمی»، 1137

علی عارفی قمی، 1139

علی عاملی «علیکم السلام»، 1141

علی علامه فانی اصفهانی، 1141، 2350

علی علما کرمانشاهی دامغانی «واعظ»، 1148

علی علم الهدی فومنی، 1148

علی علوی قزوینی، 1149

علی علوی قزوینی «آقا بزرگ»، 1150

علی علوی کاظمی، 1153

علی غروی علیاری، 1156

علی قاضی زاهدی گلپایگانی، 1172

ص: 2420

- علی قاضی طباطبائی «تبریزی»، 1174
- علی قدوسی نهاوندی، 1175
- علی قدیری اصفهانی، 1177
- علی قلی شهیدی خوئی، 1178
- علی قمی (پایین شهری)، 1178
- علی قمی تهرانی، 1179
- علی قوانینی بروجردی، 1180
- علی کاشانی «فریده الاسلام»، 1181
- علی کفائی خراسانی، 1182
- علی کنی تهرانی، 1184
- علی کوه کمری تبریزی، 1186
- علی گنبدی «لطیفی»، 1187
- علی لاهیجی حائری، 1190
- علی محدث زاده قمی، 1191
- علی محمد خرم آبادی «بروجردی»، 1193
- علی محمد مجد قزوینی، 1194
- علی محمد موحد قمی، 1195
- علی مخصوص «کاتب الخاقان»، 1196
- علی مددکنی، میرزا ابو القاسم، 270
- علی مرادیان نهاوندی، شیخ عزیز الله، 1013
- علی منظوری حقیقی تفرشی، 1197



علی مولانا تبریزی، 1199

علی مهدوی قائینی، 2280، 1203-2282

علی میرزا جابلقی، 1204

علی ناسوتی یزدی، 1205

علی نحوی رامسری، 1206

علی نورمحمدی تهرانی، 1207

علی هاشمی سنجانی «اراکي»، 1208

علی هسته ای اصفهانی «واعظ»، 1209

عماد الدین دولتشاهی «کرمانشاهی»، 1211

عماد تبریزی، میرزا علی اکبر، 1072

عمادزاده، میرزا ابو القاسم طهوری همدانی، 270

عمید الاسلام تبریزی، میرزا محمد جواد، 1503

عندلیب همدانی، شیخ محمد تقی، 1487

عیسی خوشنویس حائری، 1212

عیسی لواسانی تهرانی، 1212

غ

غروی توپسرکانی، شیخ احمد، 378

غروی، شیخ عبدالحسین تبریزی، 895

غروی علیاری، میرزا علی، 1156

غریب تنکابنی، شیخ محمد حسین، 1590

غضنفری خوانساری، شیخ اسماعیل، 416

غفّاری آذرشهری، شیخ حسین، 605

غفّاری «صاحب اختیار»، غلامحسین، 1222

غفّاری کاشانی «اقبال الدوله»، محمّد، 1776

غلامحسن صالحی کشمیری، 1215

غلامحسین آل آقا کرمانشاهی «معتمد العلماء»، 1216

غلامحسین احتشامی خوئی، 1217

غلامحسین جعفری همدانی، 1218

غلامحسین دارابی «شرعی»، 1220

غلامحسین عابدی قمی، 1221

غلامحسین غفّاری «صاحب اختیار»، 1222

ص: 2421

- غلامرضا بلاغی بلخی، 1223
- غلامرضا خوانساری «معلم»، 1224
- غلامرضا سعیدی بیرجندی، 1225
- غلامرضا قمی «حاج آخوند»، 1231
- غلامرضا کسائی تبریزی، 1232
- غلامرضا گل سرخی کاشانی، 1233، 2283
- غلامرضا مطهری نجف آبادی، 1237
- غلامرضا واعظی قائینی، 1237
- غلامعلی روحیان بهبهانی، 1240
- غلامعلی شیخ نیا «اراکی»، 1241
- غلامعلی کماری تبریزی، 1242
- غیرت کرمانشاهی، سید عبد الکریم، 967

ف

- فائق تهرانی، شیخ کاظم، 1312
- فائق تهرانی، شیخ مصطفی، 2036
- فاخر موسوی آبادانی، 1243
- فارغ دزفولی، سید حسین، 606
- فاضل بهسودی، سید ابو الحسن، 223
- فاضل تونی، شیخ محمد حسین، 1594
- فاضل قائینی، شیخ محمد، 1777
- فاضل لنکرانی «قفقازی»، 1245

- فاضل همدانی، شیخ یحیی، 2163
- فاضلی «رضا هاشمی»، سید یوسف، 2172
- فاطمه امامی زنجانی، 1247
- فاطمی ابهری، سید حسین، 606
- فاطمی قمی، سید حسین، 608
- فاطمی قمی، سید محمد، 1780
- فانی اصفهانی، سید علی علامه، 1141، 2350
- فتح الله ثقفی الاسلام تبریزی، 1248
- فتح الله شهیدی قزوینی، 1249
- فخر الأعلام آیت اللهی شیرازی، 1250
- فخر الدین فیض دزفولی، 1251
- فخر الدین قمی «سیدی»، 1254
- فخر الدین محسنی بروجردی، 1257
- فخر الدین نراقی کاشانی، 1257
- فخر داعی گیلانی، سید محمد تقی، 1487
- فراحی خونی، شیخ صادق، 813
- فراهانی اراکی، میرزا آقا، 179
- فراهانی «شریف زاده»، شیخ اسماعیل، 417
- فرج الله کاظمی «هرسینی»، 1258
- فردوس مکان مازندرانی، شیخ احمد، 380
- فرزانه، میرزا آقا باغمیشه ای، 2193، 165-2196

فرنقی، میرزا خلیل کمره ای، 667

فروزش خوانساری، محمد علی، 1752

فرید اراکی «هزاوه ای»، سید حسن، 562

فریدنی اصفهانی، شیخ محمد جواد، 1505

فضل الله آرتا، 1260

فضل الله خوانساری، 1260

فضل الله زنجانی «شیخ الاسلام»، 1262

فضل الله محلاتی، 1265

فضل الله ناصری الیگودرزی، 1266

فضل الله نوری، 1267

ص: 2422

فضل اللہ ہاشمی طالخونچہ ای، 1274

فضل علی قزوینی، 1275

فقہی، شیخ محمود، 1920

فقہیہ اردوبادی، میرزا عبد المطلب، 1005

فقہیہ، دکتر جمال الدین، 466

فقہیہ مازندرانی، شیخ حبیب اللہ، 506

فقہیہ مبرقع قمی، سید عباس، 866

فقہیہ اردبیلی، سید اسماعیل، 417

فقہیہ قزوینی، شیخ علی اصغر، 1040

فقہیہ قمی، شیخ ابو الحسن، 226

فقہیہ گیلانی، شیخ ابو الحسن، 229

فقہیہ گیلانی، شیخ عبد الحسین، 914

فقہیہ گیلانی، شیخ محمد علی، 1753

فقہیہ «ناظم الشریعہ»، شیخ موسیٰ، 2052

فکور یزدی، شیخ محمد، 1781

فومنی گیلانی «فانی»، شیخ یوسف، 2172

فہیمی «فہیم الملک»، خلیل، 666

فیروزآبادی، سید محمد، 1783

فیروزآبادی، سید مرتضیٰ، 1989

فیض اللہ سعادت کرمانشاہی، 1278

فیض دزفولی، سید فخر الدین، 1251

فیض قمی، شیخ عباس، 867

فیض قمی، میرزا محمد، 1787

فیضی بروجردی، شیخ محمد جواد، 1506

ق

قائمى اصفهانی، شیخ عبد الرسول، 937

قاجار «شعاع السلطنه»، منصور میرزا، 2046

قاجار «مؤید الدوله»، ابو الفتح میرزا، 237

قاسم اسلامى، 1281، 2284، 2285

قاضى بازنه ای اراکى، میرزا محمد، 1792

قاضى تبریزى «طباطبائى»، سید حسین، 609

قاضى، رحمت الله، 2315-2318

قاضى زاهدی گلپایگانى، شیخ على، 1172

قاضى طباطبائى تبریزى، سید باقر، 434

قاضى طباطبائى «تبریزى»، سید مهدى، 2109

قاضى طباطبائى «تبریزى»، میرزا على، 1174

قاضى طباطبائى «تبریزى»، میرزا کاظم، 1313

قاضى طباطبائى، سید محمد على، 2351-2353

قاهانى «صدر عراقى»، سید عبد الله، 989

قدرت الله وجدانى فخر سرايى، 1284

قدسى، شیخ ابو الفضل نجفى اصفهانى، 252

قدسى طالقانى، شیخ محمد جواد، 1507

قدسی طالقانی، شیخ مهدی، 2110

قدوسی، شیخ احمد نهاوندی، 392

قدوسی نهاوندی، شیخ علی، 1175

قدیری اصفهانی، شیخ علی، 1177

قربانعلی ذو القدر زنجانی، 1287

قریب اراکی، دکتر محمد، 1794

قزوینی، سید امیر محمد، 426

قزوینی، سید زکریا، 753

قزوینی، سید محمد باقر، 1401

قزوینی، سید محمد کاظم، 1811

ص: 2423



- قزوینی، شیخ فضل علی، 1275
- قفقازی، میرزا اسحاق آستارائی، 397
- قلم داران قمی، حیدر علی، 653
- قلی زاده اردبیلی، میرزا محمد، 1795
- قمی «آقاسی»، شیخ محمد حسن، 1538
- قمی «آقانجفی»، شیخ محمد حسن، 1540
- قمی «ارباب»، میرزا محمد، 1796
- قمی «افصحی»، علی اکبر، 1073
- قمی «باوزنیری»، شیخ محمد تقی، 1489
- قمی «پائین شهری»، شیخ حسین، 612
- قمی «پایین شهری»، شیخ علی، 1178
- قمی تهرانی، شیخ علی، 1179
- قمی «حاج آخوند»، شیخ حسین، 613
- قمی «حاج آخوند»، شیخ عبد الهادی، 1009
- قمی «حاج آخوند»، شیخ غلامرضا، 1231
- قمی «حاج آخوند»، شیخ محمد، 1804
- قمی، سید جواد، 474
- قمی «سیدی»، سید فخر الدین، 1254
- قمی، شیخ عبد الله، 991
- قمی، شیخ محمد جواد، 1508
- قمی، شیخ محمد صادق، 1690

قمی «صادقی»، میرزا ابو الحسن، 231

قمی «صغیر»، شیخ ابو القاسم، 271

قمی «کبیر»، شیخ ابو القاسم، 272

قمی «مدرس کھکی»، میرزا محمود، 1921

قمی «میرزائی»، سیّد ناصر الدّین، 2122

قمی، میرزا ابو طالب، 232

قمی «نادی»، شیخ محمّد حسن، 1540

قمی «نجر»، شیخ محمّد حسین، 1597

قمی «نعیمی»، شیخ محمّد صادق، 1702

قنبر علی توسلی مازندرانی، 1288

قوام اسلامی جاسبی، 1289

قوام الدّین موسوی زنجانی، 1291

قوام الدّین وشنوه ای قمی، 1292

قوانینی بروجردی، شیخ علی، 1180

قوانینی بروجردی، شیخ محمّد، 1804

ک

کابلی «ملایری»، سیّد علم الهدی، 1018

کاشانی، سیّد حسن، 563

کاشانی، سیّد زین العابدین، 758

کاشانی غروی، سیّد محمّد، 1806

کاشانی «فریده الاسلام»، شیخ علی، 1181

کاشانی «نجفی»، شیخ محمد حسن، 1544

کاشفی خوانساری، سید مصطفی، 2037

کاشفی، سید ضیاء الدین خوانساری، 828

کاشفی قمی، علیرضا، 1113

کاظم تبریزی، 1297، 2286

کاظم تبریزی «اهری»، سید محمد، 1810

کاظم زین العابدین، 1300

کاظم شبستری، 1300

کاظم شریعتمداری، 1306، 2225، 2287 – 2301، 2335، 2372، 2377، 2380، 2381

کاظم فائق تهرانی، 1312

ص: 2424

- کاظم قاضی طباطبائی «تبریزی»، 1313
- کاظم کریمی اراکی «کربلانی کاظم»، 1313
- کاظم گلپایگانی «کوشا»، 1316
- کاظم ناصح یزدی، 1318
- کاظمی «هرسینی»، شیخ فرج الله، 1258
- کاظمی هیدجی، سید ابراهیم، 198
- کااوندی لرستانی، هدایت الله، 2157
- کامران میرزا نایب السلطنه قاجار، 1318
- کبیر، شیخ ابو القاسم قمی،، 272
- کبیر قمی، شیخ جواد، 475
- کتابداری قمی «خادم»، عباس، 870
- کرگیلی، شیخ محمد علی، 1755
- کرمانشاهی، شیخ عبد القدوس، 954
- کرمانشاهی «فیض»، شیخ محمد مهدی، 1874
- کرودی طالقانی، شیخ محمد علی، 1755
- کره رودی اراکی، شیخ صابر، 789
- کره رودی اراکی «مشایخی»، شیخ جواد، 476
- کریمان، دکتر حسین، 616
- کریم بوذرجمهری، 1319
- کریمی اراکی، شیخ اسد الله، 406
- کریمی اصل هشترودی، شیخ عبد الکریم، 968

- کریمی بابلی، شیخ امان الله، 422
- کزازی کرمانشاهی، سید حسن، 564
- کزازی کرمانشاهی، سید محمد علی، 1756
- کسائی تبریزی، سید غلامرضا، 1232
- کسروی «ساسان»، ادیب الدین، 396
- کشفی بروجردی، سید محمد علی، 1757
- کشفی بروجردی، سید مهدی، 2111
- کشفی، سید محمد رضا، 1635
- کشمیری، سید عبد الکریم، 969
- کفائی خراسانی، میرزا علی، 1182
- کفیل افشاری مراغه ای، میرزا محمود، 1922
- کلباسی اصفهانی، میرزا عبد الجواد، 879
- کلباسی حائری، شیخ محمد، 1818
- کلباسی، شیخ احمد، 381
- کماری تبریزی، سید محمد، 1821، 1822
- کماری تبریزی، سید مهدی، 2112
- کماری تبریزی، شیخ غلامعلی، 1242
- کمال الدین مرتضوی اصفهانی، 1320
- کمال الدین موسوی شیرازی، 1320
- کمالوند خرم آبادی، شیخ روح الله، 744
- کمره ای «فرنقی»، میرزا خلیل، 667

کنی تهرانی، دکتر علی، 1184

کوچه حرمی، شیخ حسین قمی، 614

کوچه حرمی قمی، سید حسین، 620، 2230

کوه کمری تبریزی، سید علی، 1186

کیکله ای ملایری، ملا محمد کاظم، 1813

گ

گروسی، شیخ محمد حسن، 1547، 2334

گشایشی اهری، شیخ عبد الله، 992

گلپایگانی «آزاده»، شیخ ابو القاسم، 280

گلپایگانی «امامی»، شیخ محمد باقر، 1404

گلپایگانی «امامی»، شیخ محمد سعید، 1660

ص: 2425

گلپایگانی، سید محمد رضا، 1636، 2335

گلپایگانی، سید مهدی، 2386، 2114-2389

گلپایگانی، شیخ جلال «طاهر شمس»، 461

گلپایگانی «غروی»، شیخ محمد، 1822

گلپایگانی «کوشا»، سید کاظم، 1316

گلپایگانی «نخعی»، شیخ ریحان الله، 746

گلستانه اصفهانی، سید علی اکبر، 1077

گل سرخی کاشانی، شیخ غلامرضا، 1233، 2283

گنبدی «لطیفی»، شیخ علی، 1187

گودرزی ملایری، حسین سلطان، 595

گوگدی گلپایگانی، شیخ محمد تقی، 1490

ل

لاهورتی اشکوری، شیخ نصر الله، 2126

لاهیجی حائری، شیخ علی، 1190

لطف علی شریفی زنوزی، 1325

لطف علی محقق اردبیلی، 1326

لنکرانی، شیخ جعفر، 457

لنکرانی، شیخ عبد الله، 992

لنکرانی، شیخ مجتبی، 1348

لنکرانی «قفقازی»، شیخ فاضل، 1245

لنگرودی، سید محمد علی، 1773، 2356

لنگرودی، سید مرتضی، 1995

لواسانی تهرانی، سید احمد، 384

لواسانی تهرانی، سید محمد صادق، 1703

لواسانی تهرانی، شیخ عیسی، 1212

لواسانی، شیخ محمد علی، 1758

لیچائی گیلانی، شیخ حسین، 622

م

مازندرانی قمی «مشاور الملک»، میرزا محمود، 1924

مبرقع قمی «حاج داداش»، سید مرتضی، 1998

مبین وفسی اراکی «همدانی»، 1347

مجاهدی بروجردی، سید ابو الفضل، 246

مجاهدی تبریزی، میرزا محمد، 1824

مجتبی لنگرانی، 1348

مجتبی نواب صفوی، 2302، 1350-2304

مجتهدزاده تبریزی، میرزا حسن، 565

مجتهدزاده تنکابنی، شیخ محمد حسن، 1546

مجتهد گروسی «بیجاری»، شیخ محمد حسن، 1547، 2334

مجتهدی تبریزی، دکتر علی اکبر، 1080

مجتهدی تبریزی، میرزا ابو القاسم، 280

مجتهدی تبریزی، میرزا علی اکبر، 1079

مجتهدی سرابی، میرزا عبد الله، 994



مجد الواعظين اردبيلی، شيخ عبد اللطيف، 982

مجد دماوندى، سيد جمال الدين، 467

مجدزاده كرماني، پروفيسور محمد، 1827

مجد قزوینی، سيد على محمد، 1194

مجير سرتيبي «مجير السلطان»، محمد جعفر، 1500

محدث اردبيلی، سيد جلال، 462

محدث خلخالی، سيد مسلم، 2015

ص: 2426

- محدث زاده قمی، شیخ علی، 1191
- محسن حجت کوه کمری، 1357
- محسن سریزدی «حاج میرزائی»، 1359
- محسن شریانی تبریزی، 1360
- محسن طاهری قمی، 1361
- محسن مشکینی، 1362
- محسن میرغفاری آذرشهری، 1363
- محسنی بروجردی، شیخ فخر الدین، 1257
- محسنی ملایری، شیخ محمد باقر، 1404، 2310، 2309
- محفوظی رودسری، شیخ محمد، 1829
- محقق، ابراهیم، 200
- محقق اردبیلی، شیخ لطف علی، 1326
- محقق بهشتی مازندرانی، سید محمد، 1830
- محقق تهرانی، شیخ محمد رضا، 1642
- محقق خراسانی، شیخ عباسعلی، 863
- محقق خلخالی، محمد حسن، 1549
- محقق کاشانی، شیخ محمد تقی، 1492
- محققی لاهیجی، شیخ محمد، 1831
- محلاتی، شیخ فضل الله، 1265
- محمد آل آقا کرمانشاهی، 1370
- محمد آل آقا کرمانشاهی، 1371

- محمد آل رسول شمس آبادی، 1372
- محمد ابراهیم آیتی بیرجندی، 1373
- محمد ابراهیم ساوه ای، 1375
- محمد ابراهیم صاحب الزمانی «خراسانی»، 1376
- محمد ابراهیم مقدس رشتی، 1378
- محمد ابن الشیخ قمی، 1379
- محمد ابن جلال «محلاتی»، 1378
- محمد احمدی فیروزجاهی مازندرانی، 1380
- محمد استرآبادی، 1383
- محمد اسماعیل اعلائی ساوه ای، 1384
- محمد اسماعیل بزّاز همدانی، 1385
- محمد اسماعیل جاپلقی «صادقی»، 1387
- محمد اعتضاد رازانی گروسی، 1389
- محمد امامی الیگودرزی، 1390
- محمد «امیر امنع» یار احمدی بروجردی، 1391
- محمد باغدرفی خوئی، 2305، 1392-2307
- محمد باقر اشکوری معصومی، 1393
- محمد باقر امام جمعه مازندرانی، 1394
- محمد باقر تنگستانی، 1395
- محمد باقر رضوی همدانی، 1396
- محمد باقر زرندی ساوه ای، 1397

محمد باقر شریعتی دہقانی، 1398

محمد باقر شہیدی گلپایگانی، 1399

محمد باقر قزوینی، 1401

محمد باقر گلپایگانی «امامی»، 1404

محمد باقر محسنی ملایری، 1404، 2309، 2310

محمد باقر ملکی میانجی، 1407

محمد باقر مولوی عربشاهی «سبزواری»، 1433

محمد بحر العلوم قزوینی، 1435

محمد برقی قمی، 1436

محمد تحصیلی شمیرانی «خیاط»، 1437

محمد تقی اشراقی قمی، 1443

ص: 2427

محمد تقی اشعری قمی، 1445

محمد تقی بافتقی یزدی، 1446

محمد تقی بیگ قمی «ارباب»، 1449

محمد تقی تاج الدین حائری، 1456

محمد تقی ثقهالا سلام بروجردی، 1456

محمد تقی جهانگیری ارستانی، 1457

محمد تقی خوانساری، 1458، 2311-2314

محمد تقی رودباری گیلانی، 1464

محمد تقی سادات گوشه دزفولی، 1467

محمد تقی سبط شیرازی، 1468

محمد تقی ستوده اراکی، 1469، 2315-2318

محمد تقی شریعتمدار مازندرانی، 1484

محمد تقی شریف العلماء لنگرودی، 1484

محمد تقی شیرازی، 2200

محمد تقی صاحب الزمانی، 2221

محمد تقی عدنانی مازندرانی، 1485

محمد تقی عندلیب همدانی، 1487

محمد تقی فخر داعی گیلانی، 1487

محمد تقی قمی «باوزئیری»، 1489

محمد تقی گوگدی گلپایگانی، 1490

محمد تقی محقق کاشانی، 1492

محمد تقی مصدر الامور چاپلوی، 1493

محمد تقی واحدی «بدلا»، 1494

محمد تقی هرندی، 1496

محمد تنکابنی، 1497

محمد تویسرکانی، 1498

محمد چاپلوی «مصدر الامور»، 2320، 1498-2327

محمد جعفر مجیر سرتیپی «مجیر السلطان»، 1500

محمد جواد خراسانی «محولاتی»، 1501

محمد جواد عمید الاسلام تبریزی، 1503

محمد جواد فریدنی اصفهانی، 1505

محمد جواد فیضی بروجردی، 1506

محمد جواد قدسی طالقانی، 1507

محمد جواد قمی، 1508

محمد حائری گلپایگانی، 1510

محمد حائری مازندرانی، 1511

محمد حجت کوه کمری، 2328، 1513-2330

محمد حجت همدانی «دریائی»، 1521

محمد حجتی میانجی، 1524

محمد حسن الهی طباطبایی «تبریزی»، 1525

محمد حسن جواهری «آل صاحب جواهر»، 1526

محمد حسن حجتی کرمانشاهی، 1529

محمد حسن سراجی قزوینی، 1529

محمد حسن طالقانی، 2331، 1531-2333

محمد حسن طباطبائی بروجردی، 1537

محمد حسن قمی «آقاسی»، 1538

محمد حسن قمی «آقا نجفی»، 1540

محمد حسن قمی «نادی»، 1540

محمد حسن کاشانی «نجفی»، 1544

محمد حسن مجتهدزاده تنکابنی، 1546

محمد حسن مجتهد گروسی «بیجاری»، 2334، 1547

ص: 2428

- محمد حسن محقق خلخالی، 1549
- محمد حسن میانه ای، 1550
- محمد حسن نجفی «مسجدشاهی»، 1551
- محمد حسن نویسی قمی «الهی»، 1552
- محمد حسن وزوائی قمی، 1554
- محمد حسین اثنی عشری قمی، 1554
- محمد حسین اعلمی حائری، 1556
- محمد حسین امین الضرب «مهدوی»، 1558
- محمد حسین بروجردی «غروی»، 1559
- محمد حسین بروجردی «کسرائی»، 1562
- محمد حسین تبریزی «علامه طباطبائی»، 1563
- محمد حسین جزائری «ناشر الاسلام»، 1571
- محمد حسین خراسانی «پائین خیابانی»، 1573
- محمد حسین دزفولی «خادم الشریعه»، 1576
- محمد حسین دهاقانی «خرد»، 1578
- محمد حسین رازانی بروجردی، 1580
- محمد حسین سبحانی تبریزی، 1582
- محمد حسین صدقی مازندرانی، 1586
- محمد حسین طباطبائی بروجردی، 1588
- محمد حسین طباطبائی حکیم، 1589
- محمد حسین غریب تنکابنی، 1590



محمد حسين فاضل تونى، 1594

محمد حسين قمى «نجار»، 1597

محمد حسين موحد حججى نجف آبادى، 1599

محمد حسين نجفى كلباسى، 1600

محمد حسين واسعى قائينى، 1611

محمد حسين وفائى قمى، 1612

محمد داماد يزدى، 1613

محمد ربيع همدانى «شفيعى»، 1618

محمد ربيعى بهشتى همدانى، 1620

محمد رشتى، 1621

محمد رضا آل صادق، 1622

محمد رضا بحر العلوم گيلانى، 1624

محمد رضا برهان رامسرى، 1625

محمد رضا چال حصارى «افضل»، 1627

محمد رضا صاحب الزمانى، 2222

محمد رضا صادق «لسان المحققين»، 1629

محمد رضا طالقانى، 1629

محمد رضا طبسى، 1630

محمد رضا كشفى، 1635

محمد رضا گلپايگانى، 1636، 2335

محمد رضا محقق تهرانى، 1642

محمد رضا وجدانی، 1644

محمد رفیع جلالی سردرودی، 1644

محمد رفیعی طالقانی، 1646

محمد روحانی قمی، 1647

محمد زاهد رشتی، 1649

محمد زهرائی خوانساری، 1650

محمد زین العابدین، 1654

محمد سبزواری، 1657

محمد سبزواری «عزیزی»، 1658

محمد سعید سلطان العلماء نائینی، 1659

محمد سعید گلپایگانی «امامی»، 1660

محمد سلامی اهوازی، 1661

ص: 2429

- محمد سلطان العلماء اردكاني، 1662
- محمد سلطان المحققين كجوري، 1663
- محمد سلطان الواعظين شيرازي، 1665
- محمد سماي، 2252، 2253
- محمد شريف تقوي شيرازي، 1673
- محمد شريف رازي، 1676
- محمد شريف همداني، 1681
- محمد صادق بحراني حائري، 1682
- محمد صادق تهراني لاله زاري، 1683
- محمد صادق جعفري اشكوري، 1684
- محمد صادق خوني، 1687
- محمد صادق صاحب نسق قمي، 1689
- محمد صادق قمي، 1690
- محمد صادق قمي «نعيمي»، 1702
- محمد صادق لواساني تهراني، 1703
- محمد صادق مقدس رشتي، 1704
- محمد صدر العلماء قمي، 1705
- محمد طاهر اردبيلي (ميرزا محمد ظاهري)، 1706
- محمد طاهر اشعري قمي، 1709
- محمد طاهر خاقاني «آل شبير»، 1711، 2337 - 2348
- محمد علي آيت بروجردي، 1714

- محمد علی اجتهادی اراکی، 1716
- محمد علی احمدیان نجف آبادی، 1717
- محمد علی ادیب تهرانی، 1720
- محمد علی اراکی، 1721، 2329
- محمد علی ارjestانی نائینی، 1725
- محمد علی اسماعیلی پور، 2390
- محمد علی انصاری، 1726، 2350-2353
- محمد علی انگجی تبریزی، 1729، 2354
- محمد علی توحیدی تبریزی، 1731
- محمد علی چرندابی تبریزی، 1735
- محمد علی حائری قمی، 1735
- محمد علی حائری کرمانی، 1738
- محمد علی حقی سرابی، 1739
- محمد علی خسروی همدانی، 1743
- محمد علی روحی اصفهانی، 1746
- محمد علی روضاتی، 2295
- محمد علی شریف طبرستانی مازندرانی، 1747
- محمد علی صفائی گلپایگانی، 1749
- محمد علی طبسی، 1750
- محمد علی فروزش خوانساری، 1752
- محمد علی فقیهی گیلانی، 1753، 2355

محمد علی قاضی طباطبائی، 2351-2353

محمد علی کرگیلی، 1755

محمد علی کرودی طالقانی، 1755

محمد علی کزازی کرمانشاهی، 1756

محمد علی کشفی بروجردی، 1757

محمد علی لواسانی، 1758

محمد علی مدرس افغانی، 1759

محمد علی مدرس تبریزی، 1761

محمد علی مدرس «قراچه داغی»، 1772

محمد علی مرتضوی لنگرودی، 2356، 1773

محمد غفّاری کاشانی «اقبال الدوله»، 1776

ص: 2430

- محمد فاضل قائینی، 1777
- محمد فاطمی قمی، 1780
- محمد فکور یزدی، 1781
- محمد فیروز آبادی، 1783
- محمد فیض قمی، 1787
- محمد قاضی بازنه ای اراکی، 1792
- محمد قریب اراکی، 1794
- محمد قلی زاده اردبیلی، 1795
- محمد قمی «اریاب»، 1796
- محمد قمی «حاج آخوند»، 1804
- محمد قوانینی بروجردی، 1804
- محمد کاشانی غروی، 1806
- محمد کاظم تبریزی «اهری»، 1810
- محمد کاظم قزوینی، 1811
- محمد کاظم کیکله ای ملایری، 1813
- محمد کاظم مرتضوی اصفهانی، 1814
- محمد کاظم معزی دزفولی، 1817
- محمد کلباسی حائری، 1818
- محمد کماری تبریزی، 1821، 1822
- محمد گلپایگانی «غروی»، 1822
- محمد مجاهدی تبریزی، 1824

- محمد مجدزاده کرمانی، 1827
- محمد محفوظی رودسری، 1829
- محمد محقق بهشتی مازندرانی، 1830
- محمد محقق لاهیجی، 1831
- محمد (محمدی وند) مرندي، 1833
- محمد محیط قمی، 1834
- محمد مدرسی یزدی، 1837
- محمد مشکاه بیرجندی، 1838، 2357
- محمد مفتاح همدانی، 1843
- محمد موحدی قمی، 1847
- محمد موسوی اردبیلی، 1849
- محمد مولوی حیدرآبادی، 1850، 2358، 2359
- محمد مهدی امامی مازندرانی (امیرکلانی)، 1856
- محمد مهدی بیگلری دزفولی، 1867
- محمد مهدی رئیس نوری، 1872
- محمد مهدی ربّانی املشی، 1869
- محمد مهدی رضوی قمی، 1870
- محمد مهدی ضیائیان دزفولی، 1872
- محمد مهدی کرمانشاهی (فیض)، 1874
- محمد مهدی محمدی گلپایگانی، 1875
- محمد میاندهی رامسری، 1876

محمد نصیری قمی، 1879

محمد واصف گیلانی، 1881

محمد واعظ گیلانی، 1884

محمد وجدانی تفرشی، 1885

محمد وحید خورگامی رشتی، 1886

محمد وحیدی شبستری، 1887

محمد وزوائی قمی، 1889

محمد هادی حسام گیلانی، 1889

محمد هادی طباطبائی حکیم، 1890

محمد هادی میلانی، 2287، 2288

محمد هفته ای عراقی «غروی»، 1891

محمد همدانی «ثابتی»، 1893

ص: 2431



محمد هيدجى «حكيم»، 1895

محمدى بهشهرى، سيد خليل، 2213، 674-2220

محمدى گلپايگانى، شيخ ابو القاسم، 282

محمدى گلپايگانى، شيخ محمد مهدى، 1875

محمدى لائينى «مازندرانى»، شيخ حسين، 623

«محمدى وند» مرندى، شيخ محمد، 1833

محمود اصولى اروميه اى، 1900

محمود اصولى تبريزى، 1901

محمود انصارى قمى، 1902

محمود انگجى، 2354

محمود اوحدى لاهيجى، 1903

محمود تندرى قمى «شيو»، 1904

محمود جبرئيلى بروجردى، 1907

محمود خضرى قزوينى، 1908

محمود رايجانى بهبهانى، 1910

محمود روحانى رشتى «بحرانى»، 1911

محمود روحانى قمى، 2360، 1913

محمود زرندى ساوه اى، 1915

محمود سجاسى قزوينى، 1915

محمود شريعت مهدوى، 1916

محمود صالحى اردبيلى، 1917

محمود طالقانی، 2338، 2339، 2378، 2379

محمود عابدی خلخالی، 1918، 2361

محمود علمی اراکی، 1919

محمود فقهی، 1920

محمود قمی «مدرس کهکی»، 1921

محمود کفیل افشاری مراغه ای، 1922

محمود مازندرانی قمی «مشاور الملک»، 1924

محمود مرعشی شوشتری، 1927

محمود نجم آبادی، 1930

محمود واعظ قمی «زاهدی»، 1931

محمودی گلپایگانی، سید ابو طالب، 233

محمی الدین علوی طالقانی، 1932

محیط قمی، میرزا محمد، 1834

مخصوص «کاتب الخاقان»، علی، 1196

مدرس افغانی، شیخ محمد علی، 1759

مدرس تبریزی، شیخ عبد الرحیم، 931

مدرس تبریزی، میرزا محمد علی، 1761

مدرس «قراچه داغی»، میرزا محمد علی، 1772

مدرسی بهسودی، شیخ حیدر علی، 654

مدرس یزدی، سید ابو القاسم، 284

مدرسی یزدی «سریزدی»، سید حسن، 567

مدرسی یزدی، سید ابو طالب، 234

مدرسی یزدی، سید حسن، 565

مدرسی یزدی، سید علی رضا، 1115

مدرسی یزدی، سید محمد، 1837

مدرسی یزدی، سید یحیی، 2164

مدنی آذرشهری، سید اسد الله، 408

مراد علی ممدوح اراکی، 1934

مرتضوی اصفهانی، سید کمال الدین، 1320

مرتضوی اصفهانی، سید محمد کاظم، 1814

مرتضوی لنگرودی، سید محمد علی، 1773

مرتضی اخوان خراسانی، 1949

ص: 2432

مرتضی انصاری قمی، 2362، 1950

مرتضی برقعی قمی «واعظ»، 1961

مرتضی پسندیده خمینی، 1962

مرتضی جزائری «علم الهدی»، 2363، 1968، 2369

مرتضی چهرقانی، 1972

مرتضی حائری یزدی، 2370، 1974

مرتضی طالقانی، 2332، 2331

مرتضی عاملی «نظام الدین»، 1987

مرتضی علوی فریدنی، 1988

مرتضی فیروزآبادی، 1989

مرتضی لنگرودی، 1995

مرتضی مبرقع قمی «حاج داداش»، 1998

مرتضی مرعشی تبریزی، 2000

مرتضی مطهری فریمانی، 2371، 2002-2373

مرعشی «آقا نجفی»، سید شهاب الدین، 779، 2226-2380، 2234

مرعشی تبریزی، سید ابو القاسم، 285

مرعشی تبریزی، سید مرتضی، 2000

مرعشی تبریزی، سید مهدی، 2115

مرعشی «شریف الاسلام»، سید اسماعیل، 419

مرعشی شوشتری، سید محمود، 1927

مرعشی شهرستانی، سید ابو طالب، 235

- مروّت عاملی، شیخ ابراهیم، 200
- مزمل حسین میثمی غدیری، 2012
- مستقیم قمی، شیخ عباس، 870
- مستوفی آشتیانی «معمد السلطنه»، ابراهیم، 202
- مسجد جامعی، شیخ مصطفی، 2038
- مسجد شاهی، شیخ ابو الفضل نجفی، 253
- مسجد شاهی، شیخ عز الدین نجفی اصفهانی، 1010
- مسعود سلطانی میانه ای، 2013
- مسلم محدث خلخالی، 2015
- مشایخی اراکی «حاج آقا»، شیخ عبد العلی، 951
- مشرف حسینی قمی، سید احمد، 385
- مشکاه بیر جندی، سید محمد، 1838، 2357
- مشکینی، میرزا محسن، 1362
- مصباح «نجم الممالک»، شیخ اسماعیل، 420
- مصدر الامور جاپلقی، شیخ محمد، 2327-2320
- مصدر الامور جاپلقی، شیخ محمد تقی، 2319، 1493
- مصدقی، باقر، 437
- مصطفوی همدانی، شیخ شهاب الدین، 783
- مصطفی اعتماد حائری، 2016
- مصطفی انتظاری قمی «شاطر»، 2018
- مصطفی ایروانی، 2018

مصطفی برقی قمی، 2019

مصطفی بهبهانی، 2020

مصطفی جلیلی کرمانشاهی، 2021

مصطفی زمانی نجف آبادی، 2022

مصطفی صادقی قمی، 2026

مصطفی صفائی خوانساری، 2028

مصطفی طباطبائی قمی، 2031

مصطفی علم الهدی جزائری، 2032

ص: 2433

مصطفی فائق تهرانی، 2036

مصطفی کاشفی خوانساری، 2037

مصطفی مسجدجامعی، 2038

مصطفی ملکی تهرانی، 2040

مصطفی مهدوی اصفهانی، 2041

مصطفی هاشمی همدانی، 2043

مضطر اردبیلی، جبار، 449

مطهری فریمانی، شیخ مرتضی، 2371، 2002-2373

مطهری نجف آبادی، شیخ غلامرضا، 1237

مظهر همدانی، میرزا علی اکبر، 1081

معتضدی کرمانشاهی، آقا برار، 167

معتمد السلطنه، ابراهیم مستوفی آشتیانی، 202

معجزه، حیدر تهرانی، 648، 2212

معز الدوله تهرانی، شیخ مهدی، 2116

معزی دزفولی، شیخ محمد کاظم، 1817

معصومی، سید حسن اشکوری، 513

معین الشعراء قمی، شیخ عبد الحسین، 917

مفتح همدانی، دکتر شیخ محمد، 1843

مفلس قمی «ارده شیر»، شیخ حسین، 634

مقدس رشتی، شیخ محمد ابراهیم، 1378

مقدس رشتی، شیخ محمد صادق، 1704

مکّی، سیّد حسین، 2211، 2210، 636

ملایری، سیّد علم الهدی کابلی، 1018

ملایری، شیخ محمّد باقر محسنی، 1404، 2310، 2309

ملک آراقاجار، عباس میرزا، 876

ملک زاده آملی، میرزا علی اکبر، 1084

ملک صادقی قمی، شیخ مهدی، 2117

ملکی تبریزی، میرزا جواد، 481

ملکی تهرانی، میرزا مصطفی، 2040

ملکی طسوجی، سیّد جلیل، 872

ملکی طسوجی، سیّد عباس، 2240، 2239، 871

ملکی طسوجی، سیّد علی اکبر، 2241

ملکی میانجی، شیخ محمّد باقر، 1407

ممدوح اراکی، شیخ مراد علی، 1934

منصور سبط الشیخ انصاری، 2044

منصور میرزا قاجار «شعاع السلطنه»، 2046

منصوری قمی، شیخ مهدی، 2118

منظوری حقیقی تفرشی، علی، 1197

موحد حججی نجف آبادی، شیخ محمّد حسین، 1599

موحد قمی، شیخ علی محمّد، 1195

موحدی قمی، شیخ محمّد، 1847

مودودی، ابو الأعلى، 2296



موسوی آبادانی، سید فاخر، 1243

موسوی اردبیلی، سید عزیز، 1015

موسوی اردبیلی، سید محمد، 1849

موسوی تهرانی، سید نصر اللہ، 2127

موسوی دہسرخ، سید حسن، 568

موسوی زنجانی، سید قوام الدین، 1291

موسوی شبستری، سید عبد اللہ، 996

موسوی شوشتری، سید آقا بزرگ، 174

موسوی شیرازی، سید کمال الدین، 1320

ص: 2434

موسوی قمصری، سید حسین، 637

موسوی ملایری، سید هادی، 2138

موسوی جنابی اهری، 2047

موسوی زنجانی «عباسی»، 2047، 2374، 2375

موسوی سبط الشیخ دزفولی، 2050

موسوی فقیهی «ناظم الشریعه»، 2052

مولانا تبریزی، سید علی، 1199

مولوی حیدرآبادی، سید محمد، 1850، 2359، 2358

مولوی عربشاهی «سبزواری»، سید محمد باقر، 1433

مهدوی اصفهانی، سید مصطفی، 2041

مهدوی شاهرودی، شیخ عبد اللہ، 999

مهدوی شیادھی مازندرانی، شیخ حیدر، 658

مهدوی قائینی، سید علی، 2280، 1203-2282

مهدوی قزوینی، شیخ نعمت اللہ، 2130

مهدی آشتیانی، 2054، 2376

مهدی احمدی شاهرودی، 2060

مهدی الہی قمشہ ای، 2061

مهدی انگجی تبریزی، 2067، 2377

مهدی بازرگان، 2378، 2069-2381

مهدی بحر العلوم قزوینی، 2076

مهدی بروجردی، 2077

مهدی پور، علی اکبر، 2286، 2255، 2233، 2336، 2290

مهدی حائری یزدی، 2078

مهدی حرم پناهی قمی، 2086

مهدی حکمی «پائین شهری»، 2088

مهدی حکیم «طباطبائی»، 2090

مهدی روحانی قمی، 2092

مهدی سراج انصاری، 2095

مهدی شاه حمزه ای قمی، 2098

مهدی شریعتمدار تهرانی، 2385، 2099

مهدی صادقی تبریزی، 2102

مهدی صدر عاملی، 2103

مهدی طباطبائی مدرسی یزدی، 2104

مهدی عالم اردبیلی، 2105

مهدی عبائی تبریزی، 2106

مهدی علوی بخشایشی، 2108

مهدی قاضی طباطبائی «تبریزی»، 2109

مهدی قدسی طالقانی، 2110

مهدی کشفی بروجردی، 2111

مهدی کماری تبریزی، 2112

مهدی گلپایگانی، 2386، 2114-2389

مهدی مرعشی تبریزی، 2115

مهدی معز الدوله تهرانی، 2115

مهدی ملک صادقی قمی، 2117

مهدی منصوری قمی، 2118

مهری، سید عباس، 873

میاندهی رامسری، سید محمد، 1876

میانه ای، شیخ محمد حسن، 1550

میشمی غدیری، شیخ مزمل حسین، 2012

میرزائی قمی، سید حسام الدین، 507

میرزا جندقی، 2119

ص: 2435

میرزاده اهری، سید عباس، 875

میرعارفین قمی «عارفی»، سید ابو القاسم، 285

میرغفاری آذرشهری، سید محسن، 1363

میلائی، سید ابراهیم، 204

میلائی، سید محمد هادی، 2287، 2288

ن

نائینی «بقائی»، میرزا عبد الحسین، 918

ناجی بروجردی، میرزا اسماعیل، 421

ناجی قمی، سید احمد، 386

ناسوتی یزدی، میرزا علی، 1205

ناصر یزدی، شیخ کاظم، 1318

ناصر الدین آرام قمی، 2121

ناصر الدین قمی «میرزائی»، 2122

ناصری الیگودرزی، شیخ فضل الله، 1266

ناظم الملک «ضیائی»، سید جهانگیر، 495

نایب السلطنه قاجار، کامران میرزا، 1318

نبوی بیرجندی، سید حسن، 569

نبوی قمی، سید ابو الفضل، 247

نبوی قمی، سید حسین، 643

نجات تبریزی، یوسف، 2179

نجرزاده بروجردی «کاوسی»، میرزا حسین، 645

نجفی ارومیه ای، میرزا عباسعلی، 865

نجفی اصفهانی (قدسی)، شیخ ابو الفضل، 252

نجفی اصفهانی (مسجدشاهی)، شیخ عز الدین، 1010

نجفی بلتستانی، شیخ حسن، 570

نجفی تبریزی، سیّد شهاب الدین، 2226، 779-2234

نجفی کلباسی، شیخ محمد حسین، 1600

نجفی (گیلانی)، عباس راسخی، 851

نجفی (مسجدشاهی)، شیخ ابو الفضل، 253

نجفی (مسجدشاهی)، شیخ محمد حسن، 1551

نجم آبادی، شیخ محمود، 1930

نجم آبادی، میرزا ابو الفضل، 254

نجم الممالک، شیخ اسماعیل مصباح، 420

نجومی کرمانشاهی، سیّد جواد، 489

نحوی رامسری، شیخ علی، 1206

نحوی قمی، شیخ ابو القاسم، 286

نراقی کاشانی، شیخ ابو القاسم، 287

نراقی کاشانی، شیخ شهاب الدین، 785

نراقی کاشانی، میرزا فخر الدین، 1257

نزهتی قمی، عبد الحسین، 919

نصر الله تقوی (سادات اخوی)، 2122

نصر الله لاهوتی اشکوری، 2126

نصر اللہ موسوی تهرانی، 2127

نصرت اللہ بناروانی میانجی، 2128

نصرتی نیا سردرودی، شیخ حسن، 571

نصیری سراپی، شیخ صادق، 814

نصیری قمی، محمد، 1879

نصیری محلاتی، شیخ آقا بزرگ، 175

نطنزی «صدر العلماء»، شیخ عبد العلی، 952

نظام الدوله، امیر اصلاں خواجه نوری، 425

نظمی اصفهانی، میرزا حسین، 647

ص: 2436

نعمت اللّٰه دولتی گرگانی، 2129

نعمت اللّٰه مهدوی قزوینی، 2130

نعمت اللّٰهی قمی «شهره»، احمد، 390

نعمه عاملی، شیخ عبد الحسین، 2278، 2279

نوا، احمد علی عبد اللّٰهی نگار سیرجانی، 376

نواب صفوی، سیّد مجتبیٰ، 2302، 1350-2304

نور الدّین ابهری، 2131

نور الدّین خلعتبری تنکابنی، 2131

نور الدّین علوی طالقانی، 2132

نور محمّدی تهرانی، میرزا علی، 1207

نوری تهرانی، شیخ ابراهیم، 204

نوری، شیخ بهاء الدّین، 439

نوری، شیخ فضل اللّٰه، 1267

نوری همدانی، شیخ ابراهیم، 205

نوری همدانی، میرزا حسن، 571

نویسی قمی «الهی»، شیخ محمّد حسن، 1552

نهاوندی، شیخ جعفر، 458

نهاوندی «قدّوسی»، شیخ احمد، 392

نهاوندی، میرزا عبد الرحیم، 933

نیری بروجردی، شیخ عبد الرحیم، 934

نیریزی، میر شهاب الدّین، 786



تیری میانجی، شیخ ہادی، 2139

نیشابوری، سید ہاشم، 2152

و

واحدی «بدلا»، سید محمد تقی، 1494

واسعی قائینی، شیخ محمد حسین، 1611

واصف گیلانی، شیخ محمد، 1881

واعظ، شیخ علی اکبر تبریزی، 1058

واعظ طالقانی، ملا عبد اللہ، 1000

واعظ قمی «زاہدی»، شیخ محمود، 1931

واعظ گیلانی، سید محمد، 1884

واعظی قائینی، سید غلامرضا، 1237

واعظی کاظمی «سبزواری»، شیخ حامد، 499

والا ناصر سردرودی، میرزا جواد، 494

وثوق الدولہ آشتیانی، میرزا حسن، 572

وثوق، میرزا علی اصغر، 1041

وجدانی تفرشی، میرزا محمد، 1885

وجدانی فخر سراپی، شیخ قدرت اللہ، 1284

وجدانی، محمد رضا، 1644

وحدت تبریزی، شیخ ابراہیم، 207

وحید گلپایگانی، میرزا ہدایت اللہ، 2157

وحیدی شبستری، سید رضی الدین، 739

وحیدی شبستری، سید محمد، 1887

وزوائی قمی، سید محمد، 1889

وزوائی قمی، شیخ محمد حسن، 1554

وشنوه ای قمی، شیخ قوام الدین، 1292

وفائی قمی، محمد حسین، 1612

وفسی اراکی (همدانی)، سید مبین، 1347

وکیلی قمی، شیخ عبد الحسین، 921

ه

هادی ابهری، 2135

هادی روحانی قمی، 2135

ص: 2437

هادی صدر الممالک اردبیلی، 2136

هادی عبادی طالقانی، 2137

هادی موسوی ملایری، 2138

هادی نیری میانجی، 2139

هاشم آملی، 2140، 2390

هاشم تقدیری سبزواری، 2145

هاشم حسینی تهرانی، 2146

هاشم خوئی، 2147

هاشم رضوی بنارسی، 2149

هاشم طباطبائی یزدی، 2150

هاشم نیشابوری، 2152

هاشمی «حکم آبادی»، سید یوسف، 2179

هاشمی سنجانی «اراکی»، میرزا علی، 1208

هاشمی طالخونچه ای، سید فضل الله، 1274

هاشمی گلپایگانی، سید احمد، 394

هاشمی همدانی، سید مصطفی، 2043

هدایت الله تبریزی «غروی»، 2152

هدایت الله عجمی، 2155

هدایت الله کاکاوندی لرستانی، 2157

هدایت الله وحید گلپایگانی، 2157

هدایتی قمی «خاموش»، علیرضا، 1116

هرندی، شیخ محمد تقی، 1496

«هزاوه ای»، سید حسن فرید اراکی، 562

هسته ای اصفهانی «واعظ»، میرزا علی، 1209

هفته ای عراقی «غروی»، سید محمد، 1891

همایونی زنجانی «نحوی»، شیخ ابراهیم، 210

همدانی «ثابتی»، میرزا محمد، 1893

همدانی، شیخ اسماعیل بهاری، 411

هندی، سید عباد علی، 837

هیدجی «حکیم»، شیخ محمد، 1895

ی

یاراحمدی بروجردی، محمد «امیر امنع»، 1391

یثربی قمی، سید زین العابدین، 761

یحیی انواری همدانی، 2159

یحیی خلعتبری تنکابنی، 2160

یحیی عبادی طالقانی، 2161، 2391

یحیی فاضل همدانی، 2163

یحیی مدرسی یزدی، 2164

یزدی، شیخ احمد، 395

یوسف احدی همدانی، 2167

یوسف اعتصام الملک «آشتیانی»، 2168

یوسف رحمانیان «عماد»، 2171

یوسف فاضلی «رضا هاشمی»، 2172،

یوسف فومنی گیلانی «فانی»، 2172،

یوسف نجات تبریزی، 2179،

یوسف هاشمی «حکم آبادی»، 2179، 2392،

یونسی اردبیلی، سید یونس، 2188،

یونس یونسی اردبیلی، 2188،

\*

ص: 2438

## 2-اعلام مترجمين «ضمنى»

آقا محمد امامى، 1404

ابراهيم تبريزى، 1080

ابراهيم حكيم افضل، 301

ابراهيم ميرغفارى، 1370

ابو الحسن انگجى، 2067

ابو الحسن حسيني روحانى قمى، 808

ابو الحسن روحانى، 2135

ابو الحسن فصيح خلعتبرى، 2161

ابو الحسن ميرن، 1850

ابو الحسن هاشمى، 2186

ابو القاسم اشكورى، 513

ابو القاسم رازينى، 528

ابو عبد الله زنجانى، 1263

ابو محمد آيتى، 510

احمد الهى نراقى، 452

احمد جواهر كلام، 77

احمد خردمند، 902

احمد خوانسارى، 1464

احمد دعوتى، 851

احمد على خسروى همدانى، 1744

احمد قاضی، 610

احمد کریمی اصل، 969

احمد مصطفوی، 1809

احمد نجار، 1598

اسد اللہ کرہ رودی اراکی، 476

اسد اللہ مجتہدی، 1375

اسماعیل تبریزی مرندی، 1654

اسماعیل کجوری، 1663

اسماعیل معزی ملایری، 1814

اسماعیل نجومی، 490

جعفر اجتہادی، 300

جعفر شیرازی، 1580

جعفر موسوی، 1613

جعفر موسوی دارابی کشفی بروجردی، 2111

ص: 2439

جلال الدّین جزائری، 1095

جلال الدّین کره رودی، 477

جواد حائری، 544

جواد طباطبائی، 944

جواد عارفی بیرجندی، 957

جواد عاملی، 1141

جواد قاضی، 436

جواد میرلوحی، 1351

حاجی آخوند، 1707

حبيب الله يار احمدی «محبوب»، 1391

حسن بحر العلوم، 878

حسن جواهری تهرانی، 258

حسن حجّتی، 260

حسن سیّدی، 1255

حسن فاضل قمی، 1879

حسن قاضی طباطبائی، 1174

حسن مهدوی، 1559

حسن واعظ شیرازی، 1665

حسین (آقا میر) بحر العلوم، 878

حسین آل علی، 468

حسین احمدی، 1380



حسین تبریزی (نظریاتی)، 1402

حسین جواهرکلام، 77

حسین خسروی همدانی، 1744

حسین رضا میثمی، 2012

حسین رودباری، 1466

حسین شرف الدین عاملی، 821

حسینعلی حسینی دشتکی، 831

حسین فرزند میرزا احمد طباطبائی تبریزی «قاضی»، 609

حسین کاشانی، 760، 1806

حسین وجدانی، 201

حسین وفائی، 1612

رحمت الله ستوده، 1469

رضا زهرائی، 1654

زین الدین نخعی گلپایگانی، 2157

زین العابدین خوانساری، 1709

زین العابدین مجتهد گلپایگانی، 747

زین العابدین مرندی، 1654

سریه خانم، 542

شریف جواهری، 1527

شعبان گیلانی، 229

صادق شریعتمداری، 543

صدر الدّين جزائري، 577

ضياء الدّين جزائري، 1095

ضياء الدّين رفيعي، 221

عباس مصباح زاده، 421

عبد الباقي حسيني تنكابني، 472

عبد الحسين اصفهاني، 252

عبد الحسين جواهر كلام، 77

عبد الحسين حائري، 319

عبد الحميد شرياني، 1361

عبد الحى طباطبائي، 2150

عبد الرحيم انصاري، 2095

ص: 2440

عبد الرحيم كلباسى، 381

عبد الظاهر اردبيلى، 1706

عبد العلى ديبا، 743

عبد العلى مشايخى كره رودى اراكى، 951

عبد الغنى اهري، 1049

عبد الكريم عسكرى، 1895

عبد الله بهبهانى، 2020

عبد الله سرايى، 1740

عبد الله مراغى، 398

عبد الله واعظ طالقانى، 441

عبد المجيد تقوى، 1675

عبد النبى نورى، 439

عبد الوهاب شهير به «فريد»، 1594

عطاء الله امام جمعه، 756

على اشرف شبستري، 1301

على اصغر شهرستانى، 360

على اصغر علوى، 1402

على اصغر فقيهى، 226

على اصغر مدرس، 1770

على اكبر «اشرف الواعظين»، 1666

على اكبر امين الشريعه، 2100

علی اکبر تقوی قزوینی، 839

علی اکبر خوانساری، 1260

علی اکبر صادقی، 2028

علی اکبر مجاهد، 1825

علی ایروانی، 881

علی جان شرف رازی، 1676

علی جواهری، 79

علی حسینی، 831

علیرضا فیض، 1789

علی زاهد، 1950

علی زنوزی، 738

علی عبائی، 2106

علی علیاری، 1159

علی غروی، 621

علی قاضی، 610

علی کاشانی، 760

علی محمّد رازانی بروجردی، 1580

علی محمّد سوهانی، 2110

علی محمّد سوهانی طالقانی، 1507

علی مرعشی «سیّد الحكماء»، 2115

علی «معین الشرع» تیلی تبریزی، 516

علی وجدانی، 201

غیاث الدین جزائری، 1095

فخر الدین احمد بروجردی، 776

فخر الدین جزایری، 1095

فخر الدین مصدر الامور، 1499

فضل اللہ زهرانی، 1653

فیاض زنجانی، 754

محمد آل صادق، 1622

محمد ابراهیم کلباسی، 382

محمد باقر حسینی سجاسی قزوینی، 1915

محمد باقر خوانساری، 1463

محمد باقر فرزند محمد طباطبائی مدرس، 2166

ص: 2441

محمد باقر موسوی گلپایگانی، 1636

محمد باقر میرزا کامرانی «امیر ارفع»، 1319

محمد باقر نجم آبادی، 1930

محمد تقی انصاریان، 25

محمد تقی سمّامی، 1045

محمد تقی شریعت باقری، 810

محمد تقی فیض، 1874

محمد تقی گلستان، 1675

محمد تقی محلاتی «حاج آخوند»، 176

محمد تقی میر ابو القاسمی، 772

محمد «جمال الدین» اشعری، 1025

محمد جواد شاه آبادی، 1649

محمد جواد وحید نخعی گلپایگانی، 2157

محمد حسن شاهرودی، 374

محمد حسن شیرازی، 1468

محمد حسن علیاری، 1158

محمد حسن کشمیری، 970

محمد حسن نجفی «صاحب جواهر الکلام»، 78

محمد حسین اشعری، 1025

محمد حسین زاهد، 1950

محمد حسین موسوی زنجانی، 1291

محمد حسینی بروجردی، 1306

محمد (حمید)، 77

محمد رحیم مجتهد، 2160

محمد رضا خادم الشریعه، 1578

محمد رضا کلباسی، 1600

محمد رضا مجابی شیرازی، 2127

محمد رضا نجفی اصفهانی، 1010

محمد سمّامی، 982

محمد شهیر به «غریب»، 1594

محمد صادق کلباسی، 1820

محمد صالح کلباسی، 1820

محمد صالح کلهر، 493

محمد طالقانی، 2110

محمد علوی، 1402

محمد علی «آقا کوچک»، 168

محمد علی انصاری، 625

محمد علی اهری، 706

محمد علی بحر العلوم، 878

محمد علی خوانساری، 1464

محمد علی گنبدی، 1188

محمد علی نجفی کلباسی، 1605

محمد فاطمی، 607

محمد فتوحی، 1248

محمد فقیهی، 418

محمد کاظم بیگدلی، 1867

محمد کاظم خراسانی، 77

محمد مجتهد نائینی، 855

محمد مجتهدی شبستری، 1306

محمد مدرسی، 1771

محمد مدرسی، 2104

محمد مهدی فرزند محسن کرمانشاهی، 1874

محمد نراقی «صاحب»، 1258

محمد هادی روحانی، 1879

ص: 2442



- محمود دعوتی، 850
- محمود وحدت، 209
- مرتضی شبستری، 740
- مرتضی طباطبائی، 2151
- مصطفی علم الهدی، 1970
- مصطفی مجتهدی، 280
- مهدی دروازه ای، 197
- مهدی روحانی، 1914
- مهدی شهیدی، 1250
- مهدی فیض، 1789
- ناصر الدین لطیفی، 1189
- نصر الله طباطبائی دیبا، 744
- نصر الله فرزند محمد رضا اشکوری، 1684
- واسع کاظمی ترکی، 1409
- هادی تبریزی، 1300
- هادی سینا استاد، 197
- هاشم کلباسی، 879

\*



### 3- اعلام مؤلفین یادشده در مقدمه

آغا بزرگ تهرانی، 56، 55، 43، 38

آقایانی چاووشی، 39

ابراهیم زنگنه، 66

ابراهیم موسوی زنجانی، 64

ابن ابی طی، 43، 39

ابن اثیر جزری، 34

ابن الأبار، 61

ابن تغری بردی، 42

ابن جزری، 40

ابن حجر، 40

ابن حجر عسقلانی، 60، 43، 35، 34

ابن خلکان، 34

ابن سبکی، 42

ابن سعد، 43

ابن شهر آشوب، 38

ابن صوفی، 46

ابن عبد البر، 34

ابن عساکر، 61

ابن عنبه، 46

ابن فرحون، 43

ابن قاضی شهبه، 42

ابن مسکویه، 39

ابن منظور، 61

ابن نجار، 46

ابن ندیم، 29، 31

ابن هشام، 45

ابو الحجاج یوسف المزی، 35

ابو الحسن اشعری، 46

ابو الفرج اصفهانی، 46

ابو القاسم جنید شیرازی، 64

ابو القاسم خونی، 36

ابو القاسم لاهوری، 34

ابو الهدای کلباسی، 36

ابو جعفر بغدادی، 45

ص: 2445

ابو جواد حسيني، 49

ابو سعيد صنع الله، 40

ابو سعيد عبد الرحمن بن احمد بن يونس، 61

ابو طالب تجليل، 60

ابو عبد الله الحجاج، 36

ابو عبد الله الحسنى، 39

ابو على حائرى، 38

ابو مخنف، 30

ابو نعيم اصفهاني، 63

ابو يعلى، 43

اجلح بن عبد الله كندى، 62

احمد اشكورى، 61

احمد بن محمد كوفى، 60

احمد بهشتى، 58

احمد قبيس، 49

احمد قدسى، 56

اسدى نسابه، 46

اسماعيل بن محمد الطلحى، 35

اسماعيل پاشا بغدادى، 39

افضل الملك، 65

الجزرى، 39

المستتصر بالله الأموي، 45

المصري، 47

ام الحسنين اللكهنوي، 57

انباري، 46

انجمن آثار و مفاخر فرهنگي، 38

انصاري تلمساني، 46

ايداد موسى محمود، 49

بارون كارا دو وو، 40

بدوي، 47

برقي، 39

بغدادى، 57

بلاذري، 45

پطرس حرفوش، 34

تاج الدين سبكي، 43

تقى خان سپهر، 34

ثعالبي، 40

جعفر آل محبوبه، 42

جعفر الخليلي، 65

جعفر سبحاني، 37

جعفر ولي پور، 56

جلال الدين سيوطي، 39، 40

جلال الدّين همائي، 41

جمال الدّين زواره اي، 38، 61

حازم الخاقاني، 57

حازمي، 46

حجت موحد ابطحي، 47

حرّ عاملي، 40

حسن ابطحي، 58، 59، 63

حسن احمدي نژاد، 50

حسن امين، 48

حسن انصاري، 54

حسن بن زين الدّين، 37

حسن بن علي بن داود حلّي، 36

ص: 2446

حسن بن محمد قمی، 68

حسن تاجری، 48

حسن صحفی، 64

حسن صدر، 38

حسن طارمی، 53

حسن فاطمی، 51

حسن موسوی اصفهانی، 60

حسین دوستی، 42، 56

حسین شاکری، 50

حسین صبوری، 52

حسین عارف نقوی، 41

حسینعلی راشد، 53

حسین کریمان، 53

حسین مدرسی طباطبائی، 64، 65

حسین نوری، 37، 63

حشمت الواعظین، 48

حمید المطبعی، 44

خان بابا مشار، 38

خطیب بغدادی، 61

خیر الدین زرکلی، 33

داود الهامی، 55



داود نعيمى اراكى، 52

ذبيح الله محلاتى، 58.64

ذهبي، 39

رسول جعفرىان، 44، 48، 61

رضا يعقوبى، 48

رضى، 29

رضى الدين قزوينى، 42

ركن زاده آدميت، 41

زبير بن بكار، 45

زين العابدين تهرانى، 40، 43

سعد بن عبد الله اشعري، 39

سعيد بابائى، 52

سعيد عباس زاده، 47

سلمه بن مسلم العوتبى الصحارى، 45

سليمان ماحوزى، 41

سمعانى، 45

شبانكاره اى، 46

شمس الدين داودى، 40

شمس الدين ذهبى، 33

شمس الدين سامى افندى، 34

شمس الدين سخائى، 44

شيخ الاسلام رازى، 60

شيروانى، 34

صادق حسن زاده، 49

صدر الحفاظ همدانى، 40

صفدى، 33

صلاح الدين الصفدى، 34

ضياء الدين سبط الشيخ، 50

طباطبايى (سيد عبد العزيز)، 61

طبرسى، ابو نصر حسن بن فضل، 28

طوسى، 35، 36

عادل العلوى، 54

عايشه بنت الشاطى، 57

ص: 2447

عباس اقبال آشتیانی، 45

عباس بن المالک، 46

عباس حاجیانی دشتی، 53

عباس عبیری، 51

عباس فیض، 65

عباس قمی، 37

عبد الحسین الشبستری، 36

عبد الحسین دستغیب، 64

عبد الحسین صالحی مزده، 65

عبد الحسین مجید کفائی، 55

عبد الرحمن شیرازی، 41

عبد الرحیم ابادری، 55، 48

عبد الرحیم بن حسن بن محمد حریری، 64

عبد العزیز بقال، 39

عبد العزیز جلودی، 39

عبد العظیم مهتدی بحرانی، 59

عبد الکریم رافعی، 41

عبد الکریم گزی اصفهانی، 65

عبد الله افندی، 37

عبد الله نعمه، 40

عبد المجید واعظی، 58

عبيدلى نسابه، 46

عزيز الله عطاردى، 35

عقيقى بخشايشى، 40، 42

علامه حلى، 31

علامه مامقانى، 35

علامه امينى، 61

علامه حلى، 35

على آلب ارسلان، 53

على اصغر بروجردى، 39

على اكبر شيرازى، 54

على اكبر محدث، 50

على الفاضل القائنى، 38

على بلادى، 40

على بن الحسين الهاشمى الخطيب، 65

عليخان شيرازى، 42

على دوانى، 50

على دوانى، 38، 51، 56، 59، 62

على ربانى خلىخالى، 43

عليرضا ريحان يزدى، 69

على رضا سيد كبرى، 51

عليرضا ريحان يزدى، 43

علی رفیعی، 52

علی سلیمانی بروجردی، 42

علی علیاری، 37

علی علیزاده، 53

علی کرمی، 63

علی کریمی جهرمی، 47

علی محمد علی دخیل، 35

علی مرهون، 41

علی مقدادی، 56

علی نمازی شاهرودی، 36

علی واعظ خیابانی، 44

عمران علیزاده، 34

ص: 2448

عمر رضا كحاله، 57، 38

غلامرضا اسدی، 53

غلامرضا باهر، 57

فاضل موسوی صفوی، 46

فرج الله كاشانی، 39

فضیلت شامی، 43

قاضي زاهدی، 63

قاضي مهذب، 45

قاضي نور الله شوشتری، 37

قرشی، 43

قرطبی، 46

كاظم موسوی بجنوردی، 33

كامل سلمان، 32، 31

كریم آقا داودی، 63

كریم فیضی، 54، 50

لخمی، 45

لطف الله صافی (آیه الله)، 59

ماجد بن هاشم بحرانی، 41

میرد، 46

مجتبی سپاهی، 52

مجتهدی (آیه الله)، 58

محب الدین طبری، 35

محدث قمی، 29

محسن امین جبل عاملی، 36

محمد اصغر نژاد، 54

محمد اصغری، 55

محمد اصغری نژاد، 51، 55

محمد باقر پور امینی، 49

محمد باقر موسوی، 37

محمد بن احمد قمی، 60

محمد بن اسعد الجوانی، 39، 40

محمد بن أسعد حسینی، 46

محمد بن رضوان، 46

محمد بن عبد الله کرخی، 60

محمد بن علی اردبیلی، 35

محمد بن عمر واقدی، 39، 42

محمد تقی ابو القاسمی، 49

محمد تقی تستری، 36

محمد تقی مجلسی، 39

محمد تنکابنی، 37

محمد جعفر کرمانی، 34، 59

محمد جواد پیچان، 54

محمّد جواد مغنّيه، 59

محمّد حائري كلباسي، 45

محمّد حرز الدين، 37

محمّد حسن امانى، 52

محمّد حسن خوانسارى، 41

محمّد حسن ضرابى، 63

محمّد حسن مظفر، 60

محمّد حسين بن حسين بخش، 41

محمّد حسين جلالى، 64

محمّد حسين كاشف الغطاء، 45

محمّد حسين مشكورى، 49

محمّد خير بن رمضان يوسف، 58

ص: 2449



محمد دهلوی، 60، 41

محمد رضا جلالی، 49

محمد رضا حکیمی، 57، 55، 52

محمد رضا فاضلی، 51

محمد ریاض، 47

محمد زاهد نجفی، 54

محمد سماوی حائری، 40

محمد شریف رازی، 69، 64، 43، 37، 36

محمد شفیق غربال، 28

محمد شیرازی (آیه الله)، 64

محمد صحتی سردرودی، 54

محمد طاهر بورسوی، 38

محمد طبرسی، 45

محمد علامه، 59

محمد علی آل کشکول، 60

محمد علی ابطحی، 35

محمد علی امام، 44

محمد علی تربیت، 41

محمد علی رحیمیان، 54

محمد علی روضاتی، 54، 50، 49، 46، 41

محمد علی صفوت، 41

محمد علی کچوئی، 40

محمد علی کشمیری لکهنوی، 44

محمد علی گلریز، 42

محمد علی مدرسی، 37

محمد علی معلم حبیب آبادی، 44

محمد علی موحد ابطحی، 44

محمد علی یزدی، 41

محمد فرید وجدی، 33

محمد گلبن، 54

محمد مختاری، 53

محمد معین، 34

محمد موسوی، 50

محمد مهدوی، 41

محمد مهدی جعفری، 50

محمد مهدی جلالی گیلانی، 64

محمد مهدی لکهنوی، 44

محمد هادی امینی، 38

محمد یوسف کاندھلوی، 34

محمود ارگانی، 44

محمود افتخارزاده، 47

محمود حسن التونکی، 38

محمود حكيمى، 49

محمود درياب نجفى، 61

محمود عراقى، 62

مرتضى حائرى، 50

مرتضى فيروزآبادى، 35

مرزبانى، 44

مرزوقى، 62

مصطفى تفرشى، 60

مصطفى صدوقى، 53

مصطفى قلى زاده، 52

مصعب بن عبد الله زبيرى، 46

مصلح الدين مهدوى، 41، 48، 50، 65

ص: 2450

منتجب الدّین رازی، 37

موسی عباسی زنجانی، 35، 42

موسی نجفی، 49

مهدی حائری، 56

مهدی رجائی، 63

مهدی فقیه ایمانی، 41

مهدی قرقابی، 50

مهدی مجتهدی، 41

ناصر الدّین انصاری، 47

نجاشی، 31

هادی نجفی، 45

هادی هاشمیان، 48

هاشم بحرانی، 62

هشام بن محمّد بن سائب، 46، 62

هشام عثمان، 65

همدانی، 45

یاقوت حموی، 33، 40

یوسف الیان سرکیس، 38

یوسف بن اسماعیل نبهانی، 63

\*



آقا اصطہباناتی (ابراہیم)، 259، 423، 660، 1161، 1097، 982، 980، 780، 675، 1505، 1501، 1378، 1348، 1298، 1602،  
1928، 2042، 2148، 2213، 2326، 2365، 1678، 1760، 1777، 1888

آقا بزرگ تهرانی، 230، 348، 628، 703، 1754، 1678، 1071، 982، 944، 940، 2249، 2030، 1840، 1819، 1762، 2252،  
2253

آقا بزرگ حکیم شہیدی، 1405

آقا بزرگ شاهرودی، 1374، 1839

آقا بزرگ شہیدی، 1574، 1839، 177، 212، 397، 864

آقا بزرگ (محمد حسن) ساوجی، 1720

آقا تراپی دامغانی، 2162

آقا جہرمی، 786

الف

ابراہیم اردبیلی، 257

ابراہیم بادکوبہ ای، 996

ابراہیم بقال اوغلی تبریزی، 1364

ابراہیم تبریزی (آقا بالا)، 2152

ابراہیم ثاقبی، 1747، 1830

ابراہیم حکمی، 438

ابراہیم حکمی زنجانی، 340

ابراہیم حکمی «مسگر»، 415

ابراهیم دروازه ای، 969

ابراهیم ریاضی، 2022، 1264

ابراهیم ریاضی زنجانی، 217

ابراهیم سرخه دیزجی، 295

ابراهیم قزوینی، 1806

ابراهیم لاری، 1056

ابراهیم محلاتی شیرازی، 956

ابراهیم مدرس رشتی، 230

ص: 2453

ابو الحسن اصفهاني، 194، 212، 226، 230، 255، 257، 259، 282، 294، 302، 305، 320، 336، 361، 367، 394، 423، 427، 452، 454، 458، 459، 472، 501، 519، 553، 560، 580، 585، 660، 702، 703، 717، 735، 747، 769، 775، 780، 808، 817، 860، 861، 864، 872، 902، 914، 938، 939، 940، 968، 979، 982، 995، 999، 1004، 1014، 1021، 1028، 1050، 1093، 1115، 1143، 1152، 1160، 1200، 1203، 1212، 1219، 1224، 1252، 1259، 1262، 1264، 1298، 1308، 1349، 1381، 1406، 1407، 1412، 1459، 1466، 1398، 1400، 1467، 1494، 1496، 1497، 1501، 1505، 1506، 1510، 1516، 1557، 1603، 1632، 1645، 1648، 1650، 1655، 1671، 1677، 1685، 1703، 1565، 1571، 1574، 1576، 1584، 1705، 1708، 1712، 1735، 1739، 1748، 1755، 1760، 1777، 1822، 1840، 1853، 1886، 1913، 1916، 1920، 1969، 1994، 1996، 2000، 2027، 2029، 2037، 2041، 2048، 2056، 2086، 2097، 2104، 2106، 2113، 2136، 2138، 2141، 2148، 2189، 2201، 2203، 2244، 2358، 2367، 2257، 2270، 2282، 2321، 2322

ابو الحسن اصفهاني «جلوه»، 1590، 1896

ابو الحسن انگجي، 193، 207، 209، 305، 351، 515، 516، 517، 610، 706، 897، 932، 1006، 1307، 1582، 1762، 1821، 1973، 2102، 2113، 2152

ابو الحسن جلوه اصفهاني، 1061، 786، 341، 1891، 1549، 1546، 1179، 1149، 1921، 2054، 2088، 2123، 2160

ابو الحسن جلوة زواره اي، 1595

ابو الحسن حسيني انگجي تبريزي، 1729

ابو الحسن رفيعي، 754، 772، 839

ابو الحسن رفيعي قزويني، 336، 668، 997، 1317، 1379، 1614، 1631، 1635، 1999، 2029، 2039، 2111، 2146

ابو الحسن زنوزي، 1325

ابو الحسن شعراني، 544، 1635، 2140، 2146

ابو الحسن شمس آبادي، 1373

ابو الحسن شيخ الرئيس قاجار، 1035

ابو الحسن طالقاني، 1932

ابو الحسن عراقي، 747



ابو الحسن فقيهى قمى، 1961، 923

ابو الحسن مشكىنى، 361، 282، 230، 211، 1219، 1192، 1161، 902، 896، 779، 1969، 1711، 1703، 1399، 1300،

ص: 2454

2364،2366 1994،2000

ابو الحسن معتمد الشریعه،968

ابو الفضل زاهدی،711

ابو الفضل زاهدی قمی،1961،2019

ابو الفضل سراپی،969

ابو القاسم اثنی عشری،456

ابو القاسم اشکوری،1650

ابو القاسم اصفهانی،769،2019

ابو القاسم امامزاده،1968

ابو القاسم حکمی،397

ابو القاسم حکیم الهی،1574

ابو القاسم حکیم باشی،1651

ابو القاسم خوئی،187،209،212،224،242، 248،290،333،347،351،400،408 ، 456،461،468،507،511،519،540 ، 1090،1097، ،1008،1015،1070،1071،1086 .926،940،944،973،980،1004 ،604،628،636،655،676،766،827  
1358،1407،1463،1493، ، 1285،1298،1301،1321،1325 ، 1215،1238،1241،1242،1274 ، 1123،1152،1183  
1853، ، 1718،1731،1741،1760،1784 ، 1635،1648،1655،1657،1685 ، 1528،1530،1589،1599،1622 ، 1499  
2265،2275،2308 ،2104،2109،2127،2146،2195 ،2033،2037،2060،2081،2091 ،1903،1917،1970،2013

ابو القاسم خوانساری،1565

ابو القاسم دانش آشتیانی،1789

ابو القاسم روحانی قمی،1292

ابو القاسم زفره ای،256

ابو القاسم شاهنجرانی،1745

ابو القاسم طباطبائی، 1158

ابو القاسم طباطبائی غروی تبریزی، 1670

ابو القاسم فاضل تفرشی، 262

ابو القاسم قمی «صغیر»، 1998

ابو القاسم قمی «کبیر»، 1405، ، 1024، 1050، 1087، 1288، 1290 ، 714، 702، 773، 837، 959، 1010 ، 244، 286، 367، 5174،

1443، 1702، 1736، 1787، 2086

ابو القاسم قمی (میرزای قمی)، 1398

ابو القاسم قوچانی، 1471

ابو القاسم کاشانی، 499، 1285

ابو القاسم کبیر، 1756

ابو القاسم کلانتری تهرانی، 1066، 1921

ابو القاسم کوی تبریزی، 1059 ، 79، 353، 400

ابو القاسم لشت نشانی، 1754

ابو القاسم ملایری، 1405

ابو القاسم موسوی دزفولی، 1252

ابو القاسم موسوی زنجان، 339

ابو القاسم نائینی، 2055

ص: 2455

ابو القاسم نحوی، 1789، 1205، 1050، 379، 2163، 1976

ابو القاسم نحوی قمی، 2079، 1717، 370

ابو المعالی کلباسی، 809، 722، 597

ابو الهدی کلباسی، 252

ابو تراب تراپی دامغانی، 1625

ابو تراب جزایری، 744

ابو تراب خوانساری، 1166، 1161، 610، 512، 1602، 1516، 1514، 1400، 1348، 1969، 1928

ابو تراب دربندی، 990

ابو طالب زنجانی، 1736

احمد آشتیانی، 1219، 1166، 1161، 423

احمد آملی، 2140

احمد آیت اللّهی، 211

احمد ابیوردی، 1870

احمد استاد، 1856، 1830، 1747، 423

احمد امین، 1153، 832

احمد اهری، 2060، 465، 311

احمد بن محمّد مدرس طباطبائی، 1008

احمد بهمنیار، 227

احمد بهمنیار کرمانی، 616

احمد پایانی اردبیلی، 79

احمد جاّده ای، 667

احمد جودی مراغی، 1923

احمد حاج رضازاده، 2128

احمد حسن آشتیانی، 1546

احمد حسینی اشکوری، 74

احمد حسینی شهرستانی، 1239

احمد خسرو شاهی، 208

احمد خلخالی، 207

احمد خوانساری، 324.383.460.912 ، 1101.1035.1014.1013.997.994 ، 1361.1261.1221.1172.1126 ، ، 1463

2080.2093 ، 1472، 1722، 2029، 2060

احمد خوشحالت حائری، 75

احمد درب امامی، 937

احمد دواسبی زنجانی، 341

احمد رضوانی زنجانی، 607

احمد زنجانی، 1717، 992، 824، 815، 518، 2188، 2162، 2121، 2048، 1739

احمد شانه ساز شیرازی، 257

احمد شبستری، 1158

احمد شیرازی، 1758

احمد صفایی، 922

احمد طباطبائی، 1509

احمد طباطبائی قمی، 1913، 1787

احمد علوم یزدی، 1360

احمد علی خسروی، 1745

احمد فردوس مکان، 1830

احمد فرزند محمد مدرسی طباطبائی، 2164

احمد فقیهی قمی، 922

احمد فیضی، 1506

ص: 2456

احمد كاشف الغطاء، 1200، 610، 438، 200، 1516، 1259

احمد كافي الملك تبريزي، 333

احمد كافي الملكي، 905

احمد كربلايي، 1446، 1401

احمد كفائي، 1574، 1374

احمد كفائي خراساني، 375

احمد لواساني، 2162، 518

احمد مدرس، 1613، 1317

احمد مدرس طباطبائي، 567

احمد مدرسي، 1109

احمد مدرس يزدي، 1317

احمد مدرسي طباطبائي يزدي، 1360

احمد مرتضوي، 2015

احمد ناظرزاده کرمانی، 377

احمد نجفی کرمانشاهی، 769

احمد يزدي، 711

احمد يزدي «نهنگ العلماء»، 1239، 979، 375

اديب تهراني، 1950

اديب نيشابوري ميرزا عبد الجواد، 553

اسحاق آسترائي، 607

اسحاق لنكراني، 333

اسد الله اشكوری، 1465، 1650

اسد الله اصفهانی، 1789، 1890، 2016

اسد الله بروجردی، 373، 933

اسد الله پاقلعه ای، 1039

اسد الله زنجانی، 1160، 1166، 1514، 1516

اسد الله فرزند محسن تبریزی، 302

اسد الله فقیه دزفولی، 1252

اسد الله مدنی، 400، 636

اسد الله نبوی دزفولی، 1817

اسد الله نور اللهی نجف آبادی، 568

اسد الله یزدی، 1205، 1245

اسماعیل بروجردی، 759

اسماعیل بن حداد، 1485، 1856

اسماعیل تنکابنی، 230

اسماعیل حجه الاسلام، 1001

اسماعیل صدر، 1213، 1666، 204، 759، 1044، 1153

اسماعیل صدر اصفهانی، 1660

اسماعیل عقدائی یزدی، 1537

اسماعیل قمی، 614

اسماعیل گلپایگانی، 777، 1193

اسماعیل محلاتی، 840



اسماعیل قراباغی، 435

اشرف الدین کیائی طالقانی، 75

اکابر حسین زیدپوری، 1850

امان اللہ گینکانی، 1011

امیرزاده اردبیلی، 315

انصاری، 442

ب

باقر آشتیانی، 2039

باقر زنجانی، 187، 230، 242، 290، 333،

ص: 2457

1718،،1466،1530،1635،1648،1657،926،1021،1192،1239،1298،1358،351،394،465،655،766،827،896  
1740،1853،2060،2127،2146

باقر معز الدوله تهرانی،262

بروجردی،314،922

بزرگ آل طیب،1968

بشیر مدرس،315

بهاء الدین جندقی،886

بهاء الدین محلاتی،2101

بیوک ششگلانی،706

پ-ت

پولارک،1651

تقی شیرازی،1715

تقی گلپایگانی،747

ج

جان بخش منجم بروجردی،2055

جعفر آشتیانی (میرزا کوچک)،2054

جعفر اراکی،1722

جعفر اشراقی،969

جعفر انصاری،2259

جعفر رشتی،1890،2016،546،843،926،1682،1811

جعفر سبحانی،526،875،969،1437،2186

جعفر شهرستانی، 1631، 1839

جعفر صبوری، 2019

جعفر صبوری قمی، 778، 1235، 1647

جعفر طباطبائی حائری، 1190

جعفر غفرانی، 1050

جعفر فیروزآبادی، 1928

جعفر کشفی دارابی، 373

جعفر مرعشی، 1153

جلال اصحابی، 333

جلال الدین آشتیانی، 1857

جلال الدین همایی، 616

جلال طاهر شمس گلپایگانی، 1472

جلال محدث خلخالی، 1849

جمال الدین گلپایگانی، 1718، 2030، 2042 ، 1143، 1463، 1493، 1496، 1574 ، 253، 747، 990

جمال الدین محمد کرمانی، 1035

جمال شیروانی، 737

جمال گلپایگانی، 2319

جمال نسائی طالقانی، 442

جواد آقا ملکی تبریزی، 184، 385، 386، 395 ، 1006 ، 990، 840، 808، 716، 608، 454 ، 1703 ، 1631، 1620، 1307، 1246،

1722، 2111، 2136

جواد افتخاری گلپایگانی، 1754

جواد بن علی عاملی، 771

جواد تبریزی، 79.353.668

جواد خطیبی، 969

ص: 2458

جواد سلطان القراء، 1307

جواد طباطبائی، 1923

جواد فرزند میرزا صادق تبریزی، 350

جواد قسام، 1002

جواد مدرسی طباطبائی یزدی، 75

جوادی آملی، 2186

جهانگیر خان قشقائی، 1134، 1470، 1532، 1595، 1651، 1815، 597، 776، 809، 1060

ح

حائری یزدی (آیت الله)، 364، 747

حامد حسین نقوی لکنهوی، 1019

حامد واعظی سبزواری، 1153

حبيب الله اشتهاردی، 926

حبيب الله ذوالفنون عراقی، 562

حبيب الله رشتی، 168، 230، 358، 371، 381، 756، 792، 804، 806، 810، 811، 878، 392، 435، 521، 577، 620، 722، 725

1707، 1797، ، 1621، 1654، 1660، 1666، 1673 ، 1267، 1511، 1522، 1588، 1590 ، 1094، 1141، 1186، 1231، 1255

1987، 2068، 2173 ، 1851، 1877، 1911

حبيب الله شريف كاشانی، 452

حبيب الله كاشانی ساوجی، 786

حبيب الله گلپایگانی، 375، 2120

حبيب الله ملكی تبریزی، 209

حبيب الله مهدوی، 607

حبيب مجتهدى حائرى، 1923

حبيب موسى، 875

حجت، 314،922

حسن آشتياني، 1900،2123

حسن انصاري «اشلقى»، 2128

حسن بجنوردى، 1183،1239،1784 ،212،394،400،675،980

حسن برسى، 177،297،864،1245،1574

حسن پائين خيابانى، 1373،1642

حسن پيشنماز، 1856

حسن تويسركانى، 292

حسن تهرانى «ناظر»، 1787

حسن حسن زاده آملى، 258

حسن خوئى، 165،2000

حسن خيابانى، 1839

حسن رشتى، 1759

حسن زنجانى، 341

حسن «شيخ استاد»، 1924

حسن شيرازى، 1044،1456،2123

حسن صدر، 362،364،1019،1516،1736

حسن صدر كاظمى، 1262

حسن طباطبائى بروجردى، 1256

حسن طباطبائی قمی، 1587، 1192

حسن طباطبائی «مدرس»، 2140

حسن عارف تهرانی، 990

حسنعلی اصفهانی نخودکی، 1409، 184

ص: 2459

1574،1839،2153

حسنعلی تهرانی، 1383

حسنعلی راشد تربتی، 383

حسنعلی سحاب، 1102

حسن فاضل، 2111، 286، 705، 1013، 1050، 1913

حسن فاضل برسی، 1405

حسن فرید اراکی، 249

حسن فرید عراقی، 1025

حسن فرید گلپایگانی، 1463

حسن فرید محسنی، 1208

حسن قزوینی (حاج آقا میر)، 1647

حسن کاشانی، 1245، 2120

حسن کاشف الغطاء، 740، 878، 1468

حسن کاشی، 1631، 1839

حسن کربلایی، 759، 769، 817

حسن کرمانشاهی، 1996، 2055، 217، 292، 1488، 1857

حسن کوچصفهانی، 1130

حسن لبنانی، 655

حسن مجتهد تبریزی، 1762، 1773، 1973، 193، 1048، 1079

حسن محمودآبادی یزدی، 1008

حسن مخدوم، 1130



حسن مدرس، 1539، 1968

حسن مدرس بيدآبادی، 1468

حسن مشکان طبسی، 1839

حسن موسوی بجنوردی، 2215

حسن نحوی، 701

حسن نهاوندی، 292

حسن یزدی، 2060، 1070، 1123، 1784، 1902، 1970، 2033، 290، 624، 626، 628، 636

حسین آقا ابو، 1908

حسین آقا ابو (ابن الشیخ)، 777

حسین آملی، 2140

حسین اردکانی، 567

حسین اصفهانی، 735

حسین العمی، 1510

حسین اهری، 701، 896، 979

حسین بادکوبه ای، 1712، 2000، 1028، 1565، 1602

حسین باغ گندمی، 567، 1614، 2164

حسین بحر العلوم، 792

حسین بختیاری اصفهانی، 212

حسین برقی، 311

حسین بروجردی، 936، 1183

حسین بری، 1839

حسین بزرگ سبزواری، 1056

حسین تبریزی (نظر لوئی)، 518

حسین تونی، 1595

حسین حائری فشارکی، 211

حسین حسینی گیلانی غروی، 1497

حسین حلی، 1528، 944، 926، 540، 248،

ص: 2460

2091,2146 ,1589,1599,1603,1655,2081

حسین حمامی، 1215,1463 ,427,827,980,982,1097،

حسین خلیلی تهرانی، 168,231,271,273، 381,577,1094,1141,1188,1213 ، 1255,1467,1522,1527,1560 ،

2096,2110 ، 1590,1666,1874,1891,2089

حسین دین محمدی، 725

حسین راستی کاشانی، 1097

حسین سبزواری، 1896

حسین سلماسی، 230

حسین شنب غازانی، 996

حسین شهشهبانی، 1109

حسین طباطبائی بحر العلوم، 1622

حسین طباطبائی بروجردی، 189,213,222، 230,234,247,248,258,260,287 ، 289,290,298,300,303,320,333 ،

567، ، 473,511,515,517,518,525,566 ، 416,418,446,451,460,461,467 ، 359,367,375,379,386,398,415

735,738، ، 703,705,706,711,715,722,730 ، 607,611,613,616,628,644,702 ، 568,570,572,574,592,605

953,982,984، ، 870,912,915,929,932,935,951 ، 777,778,810,815,824,856,867 ، 745,748,754,759,761

1125,1134,1152,1172، ، 1070,1090,1091,1099,1110 ، 1010,1014,1015,1024,1041 ، 989,993,1009

1292، ، 1251,1261,1265,1285,1291 ، 1208,1216,1220,1221,1237 ، 1180,1181,1193,1195,1205 ، 1176

1563,1577,1581، ، 1458,1463,1472,1492,1493 ، 1379,1385,1389,1407,1457 ، 1321,1327,1361,1363

، 1741,1754,1757,1774,1782 ، 1705,1715,1717,1735,1739 ، 1624,1626,1646,1677,1702 ، 1599,1611

1918,1920، ، 1869,1881,1886,1887,1908 ، 1832,1834,1843,1848,1849 ، 1789,1796,1804,1805,1829

2079,2102,2108,2118، ، 2022,2033,2037,2047,2048 ، 1989,1999,2004,2015,2019 ، 1961,1970,1975

2159,2162,2167,2181,2216,2258 ، 2130,2131,2137,2138,2145 ، 2128

حسین طباطبائی قمی، 1501,1557,1587,1642,1648 ، 979,1205,1212,1245,1405,1407 ، 336,610,759,859،

حسین عارف رشتی، 915

حسین علامه، 1913،1998

حسینعلی تویسرکانی، 322

حسینعلی راشد تربتی، 772

حسینعلی گورانی، 1932

حسینعلی همدانی (شوندی)، 1930

حسین فاضل اردکانی، 521،791،970

حسین فشارکی، 817،2322

حسین فقیه، 1035

حسین فقیه (امام)، 1611

حسین فقیه سبزواری، 1374

حسین قاضی تبریزی، 706،1740

حسین قاضی طباطبائی تبریزی، 997

حسین قاضی عسکر، 1651

حسین قراچه داغی، 1582

حسین قلتوقی، 199،211

حسینقلی همدانی، 482

حسینقلی همدانی «شوندی»، 184،386

حسین قمی (حاج آقا)، 1819

حسین کلامی، 333

حسین کوچہ حرمی، 1975

حسین کوچہ حرمی قمی، 1317

حسین کوه کمری، 1159، 1094، 298، 804، 1673، 1654، 1521

حسین کوه کمری «ترک»، 2020، 791، 77

حسین گلپایگانی، 1829

حسین گل گلاب، 227

حسین گیلانی، 1465

حسین مجتهد، 1900

حسین مجتهد مراغه ای، 303

حسین محدثی، 1284

حسین مدرس مراغه ای، 189

حسین موسوی دزفولی، 1868

حسین نائینی، 1655، 1021

حسین نجّار، 1705

حسین نوری، 1019، 1011، 805، 538، 482، 1788، 1512، 1490، 1446، 1267، 2123، 2089، 1797

حسین نوری همدانی، 2022، 969، 353

حسین وامق، 956

حسین وحید خراسانی، 969، 902، 636

حسین هشترودی، 904، 518

حسین همدانی، 990

حسین یزدی، 178

حکیم شیرازی، 1635

حیدر، 1008، 1115

حیدر ساکن مصلاى صفدر خان، 1109

حیدر قلی سردار کابلی، 1514

خ

خان علی خواتی، 224

خضرم دجیلی، 972

ص: 2462

خلیل کمره ای، 2118، 1962، 1035، 1034

خلیل مجتهد تبریزی، 603

خلیل محمّدی بادابسری، 624

خوانساری، 551

ذ-ر

ذبیح اللّه حائری، 1239

راضی تبریزی، 972

راضی نجفی، 2020، 1507، 1267، 1159، 403

رجبعلی خیاط، 990

رحیم ارباب، 2041، 282، 252

رحیم ارباب، 1707

رحیم ارباب، 1966، 1496

رحیم قراملکی، 969

رسول جعفریان اصفهانی، 75

رسول شاهی، 875

رسول هریسی، 996

رضا ابن الرضا، 1101

رضا بهاء الدینی، 2019، 1789، 461

رضا بهاء الدینی قمی، 1647

رضا تبریزی، 1972

رضا صدر، 2060

رضا قاضی، 2038

رضا قافله باشی، 978

رضا مرندی، 875

رضا همدانی، 273، 435، 482، 1010، 1019

رضا همدانی، 737، 1255، 1736

رضای نجفی، 1965

رضی زنوزی، 165، 706، 932، 1325

رضی زنوزی تبریزی، 2030

رضی طاهری خرم آبادی، 445

روح اللّٰه خمینی، 233، 290، 298، 363، 375، 408، 461، 473، 572، 592، 605، 607، 628، 655، 711، 731، 735، 778، 815، 840، 926، 929، 951، 953، 989، 993، 1025، 1031، 1090، 1091، 1097، 1152، 1176، 1177، 1181، 1209، 1215، 1265، 1285، 1321، 1646، 1676، 1741، 1829، 1834، 1844، 1869، 1962، 1971، 1999، 2004، 2023، 2033، 2162، 2204، 2211، 2276، 2079، 2108، 2129، 2145، 2159

روح اللّٰه کمالوند، 1457

روح اللّٰه کمالوند خرم آبادی، 1748

ریباردو مانوئل، 1794

ریحان اللّٰه نجفی گلپایگانی، 2019

ز

زین الدّین العابدین مازندرانی، 1511

زین العابدین زنجانی، 340

زین العابدین شهرستانی، 985

زین العابدین کاشانی، 2016، 1233، 1647، 1819





زین العابدین مازندرانی، 1186، 805، 791، 1674، 1666

زین العابدین مرندی تبریزی، 1301

زین العابدین نخعی، 280

س

سجاد علوی گرگانی، 2188

سریه خانم شریعتمداری، 1307

سزازی، 1794

سعید نفیسی، 617

سلطان محمد، 1688

سلطانی طباطبائی، 2186

سلیم افندی - مفتی اهل سنت، 347

سیف الله ایسی، 2080

ش

شریعت اصفهانی، 1972

شریعتمداری، 922

شریعه اصفهانی، 1758

شعبان گیلانی، 1465، 1022، 472، 259

شعبان لاهیجی، 1819

شفیع جاپلقی، 1026، 373

شکر الله حسینی بهبهانی، 456

شکر الله لواسانی، 1758

شمس الدّین، 1759

شمس الدّین بادکوبه ای «عشق آبادی»، 230، 394، 463، 979

شمس الشعراى گوارى، 562

شمس تبریزی، 1215

شهاب الدّین مرعشى نجفى، 188، 227، 248، 476، 518، 519، 526، 529، 568، 570 ، 298، 333، 350، 386، 446، 451، 467 ، 1172، 1251، 1285، 1290، 1291 ، 1014، 1085، 1099، 1151، 1154 ، 1292، 1325، 1381، 1407، 1530 ، 815، 870، 905، 923، 935، 936، 940 ، 605، 607، 628، 644، 706، 735، 761 ، 969، 982، 989، 992، 993، 997، 1004 ، 1547، 1578، ، 1923، 1961، 1975، 2030، ، 1829، 1831، 1848، 1915، 1918 ، 1678، 1718، 1745، 1782، 1789 ، 1579، 1625، 1676 ، 2245، 2254 ، 2118، 2131، 2159، 2167، 2217 ، 2079

شهاب الدّین مصطفوی همدانى، 1745

شهاب الدّین نیریزی، 2055

شهاب الدّین نیریزی شیرازى، 1857

شهید مطهرى، 2186

شهید مفتح، 2186

شیخ الشریعه اصفهانى، 214، 259، 280، 305، 597، 737، 740، 756، 759، 914، 964 ، 323، 435، 439، 477، 524، 538، 584 ، 1210، 1213، 1249، 1255، 1262 ، 1010، 1011، 1019، 1134، 1188

ص: 2464

،1546،1583،1584،1649،1666،1715 ، 1401،1457،1459،1485،1514،1527 ، 1264،1276،1301،1372،1383  
2089،2096،2148،2173،2199 ،1777،1788،1857،1911،1928،2026

ص

صادق آقا تبریزی، 737، 1524،

صادق تبریزی، 1762، 2102 ، 515، 932، 1079، 1307،

صادق حسینی قمی، 1736،

صادق خاتون آبادی، 1965،

صادق روحانی، 1254، 2136،

صادق طاهباز، 706، 1740،

صادق فراخی خوئی، 607،

صادق متشکری، 315،

صالح مجتهد اردبیلی (عطار)، 1707،

صدرا بادکوبه ای، 944، 972، 1657، 1685، 1759 ، 224، 258، 333، 465، 655،

صدر الدین جزائری، 1192،

صدر الدین صدر، 551، 567، 616، 735، 856، 891، 905 ، 375، 383، 386، 401، 453، 463، 529 ، 176، 222، 248، 320، 350،

1646، ، 1235، 1315، 1577، 1626، 1643 ، 1172، 1194، 1216، 1220، 1221 ، 932، 997، 1009، 1013، 1031، 1085

2137، 2138، 2139، 2162، 2322 ، 1918، 1919، 1961، 2004، 2015، 2041 ، 1739، 1754، 1782، 1829، 1849

صدر کوپائی، 1099،

ض

ضیاء الدین عراقی، 702، ، 452، 454، 518، 553، 560، 610، 660 ، 282، 294، 305، 323، 336، 361، 403 ، 194، 211، 253، 255،

1203، 1218، ، 1028، 1093، 1115، 1160، 1200 ، 902، 938، 939، 995، 999، 1022 ، 769، 780، 817، 840، 872، 879

1505، 1506، 1508، 1514، ، 1459، 1465، 1466، 1494، 1501 ، 1300، 1308، 1349، 1398، 1400 ، 1252، 1262، 1264

1762، ، 1708، 1712، 1739، 1748، 1760 ، 1602، 1632، 1655، 1671، 1703 ، 1556، 1574، 1576، 1583، 1584 ، 1516

2239,2281,2365 ,2056,2113,2141,2165,2188 ,1916,1928,1969,1996,2027 ,1805,1840,1853,1886

ضياء الدين عراقى زانوى، 1381

ط

طاهر اصفهانى، 256

طاهر تنكابنى، 178،1434،1932،2140

ص: 2465

طباطبائی بروجردی، 745

طباطبائی یزدی، 2045

ع

عباد اللہ ترکی، 1409

عباس دارابی، 786

عباس رحیمی، 856

عباس سیبویه یزدی، 759

عباس شاهرودی، 1383

عباس صفائی قمی، 1789

عباسعلی ادیب، 568، 1274

عباسعلی شاهرودی، 1789، 1918، 2108، 2361، 815، 932، 997، 1172، 1207، 1754، 189، 248، 375، 476

عباسعلی فاضل، 177

عباس قمی، 668، 717، 1544، 2030، 2048

عباس قوچانی، 656، 1657

عبد الاعلی سبزواری، 973، 1015، 1657، 1784، 2060، 320، 333، 400، 944

عبد الجواد ادیب نیشابوری، 1839، 2120، 1433، 1595، 1631، 1707، 1759، 397، 472، 1130

عبد الجواد جبل عاملی اصفهانی، 1471

عبد الجواد سدهی اصفهانی، 1099

عبد الجواد سدهی جبل عاملی، 2060، 476، 1463

عبد الحجه ایروانی، 165، 932

عبد الحسین ابن الدین، 227

عبد الحسين ابن الدين قمى، 2121، 923،

عبد الحسين ابو فاضلى، 1485،

عبد الحسين امينى تبريزى، 944،

عبد الحسين خسروى، 1745،

عبد الحسين خلف، 2128،

عبد الحسين ذو الرئاستين، 883، 990،

عبد الحسين رشتى، 972، 944، 779، 259، 1602، 1466، 1215، 1028، 1022، 1762، 1720، 1718، 1685،

عبد الحسين سيويه، 2055،

عبد الحسين شرف الدين، 201،

عبد الحسين فقيهى گيلانى، 2121، 1754، 233،

عبد الحسين فيلسوف الدوله زنوزى، 737،

عبد الحسين قفقازى، 914،

عبد الحكيم سبزوارى، 1509،

عبد الحميد، 1208،

عبد الرحمن، 384،

عبد الرحمن شيخ الاسلام، 1924،

عبد الرحيم دماوندى، 262،

عبد الرحيم فقاھتى، 340،

عبد الرحيم فيض گنابادى، 972،

عبد الرحيم قره آغاچى، 438،

عبد الرحيم قمى، 546،

عبد الرحيم كليبرى، 305

عبد الرحيم نوة صاحب الفصول، 990

عبد الرحيم نهاوندى، 1179، 1921

ص: 2466



عبد الرزاق قائینی، 1718

عبد الرسول اصفهانی، 926

عبد الرسول جواهری، 1528، 1718

عبد الرسول صدرایی، 1288

عبد الرسول فیروزکوهی، 223، 1546، 2055

عبد الرضا شهرستانی، 1682

عبد الستار محمّدی، 592

عبد الصمد صمدی، 423

عبد الظاهر اردبیلی، 418، 1245

عبد العزیز طباطبائی یزدی، 74

عبد العظیم بروجردی، 2077

عبد العظیم قریب گرکانی، 616

عبد العلی اخوی تبریزی، 932

عبد العلی منجم، 1761

عبد العلی منجم تبریزی، 1582

عبد الغفار مازندرانی، 2149

عبد الغفار نجم الدوله، 2055

عبد الغنی اهری، 575

عبد الفتاح سراپی، 2067

عبد الکریم حائری یزدی، 175، 178، 189، 201، 209، 212، 217، 222، 226، 244، 323، 253، 257، 258، 286، 289، 300، 303، 379، 385، 395، 398، 407، 412، 417، 336، 338، 342، 359، 367، 373، 507، 508، 418، 446، 452، 453، 454، 457، 467

769.773.774. , 668.702.705.714.722.735.745 , 560.566.567.580.608.610.613 , 514.515.528.535.551  
937.984.986.994. , 891.897.901.911.912.915.923 , 824.829.837.861.867.870.872 , 780.784.808.816  
.1115.1125.1131.1150.1151 , 1035.1045.1050.1087.1093 , 1010.1013.1024.1031.1033 , 999.1009  
1307.1317. , 1276.1288.1290.1292.1305 , 1220.1246.1256.1261.1266 , 1179.1194.1195.1203.1208  
1498.1499.1514.1516. , 1443.1447.1461.1467.1492 , 1379.1385.1388.1392.1405 , 1362.1363.1364  
1720. , 1670.1702.1703.1705.1715 , 1624.1626.1631.1646.1667 , 1576.1581.1584.1614.1620 , 1553  
1879.1894.1913. , 1829.1830.1831.1848.1869 , 1804.1805.1821.1822.1824 , 1730.1748.1756.1782  
.2048.2068.2077.2086.2097 , 2022.2027.2029.2041.2045 , 1934.1951.1975.1999.2000 , 1919.1932  
.2126.2130.2136.2139.2141.2148 .2102.2111.2113.2118.2120.2122

ص: 2467

2315,2316,2321,2325 ,2158,2163,2164,2167,2188,2306

عبد الکریم خوئینی، 333,415,2128،

عبد الکریم خوئینی زنجانی، 341،

عبد الکریم زنجانی، 1349،

عبد الکریم گزی، 1707,1815 ,256,323,637,1651،

عبد الکریم لاهیجی، 538,573,2055،

عبد الکریم مدرس لاهیجی، 292،

عبد الکریم مسگر، 886،

عبد اللہ اردبیلی، 397،

عبد اللہ اشتہاردی، 1726،

عبد اللہ برقعی رضوی، 866،

عبد اللہ بروجردی ہمدانی، 1618،

عبد اللہ بہبودی لنکرانی، 74،

عبد اللہ تبریزی، 1750،

عبد اللہ ثقہالاسلام، 1143،

عبد اللہ جوادی آملی، 258,707,969،

عبد اللہ حائری مازندرانی، 1688،

عبد اللہ حقّی، 1284،

عبد اللہ زنجانی، 2047،

عبد اللہ زنجانی (کاوندی)، 1262،

عبد اللہ شیرازی، 526,1463,2060،

عبد الله گلپایگانی، 1595

عبد الله مازندرانی، 1467، 1465، 1249، 230، 1857، 1707، 1488

عبد الله مازندرانی (دیوشلی)، 1465

عبد الله مامقانی، 1708، 1672، 1671، 1516

عبد الله مجتهد سراپی، 2255

عبد الله مجتهدی، 969

عبد الله مجتهدی تبریزی، 208

عبد الله مدرس، 578

عبد الله مفتی الشیعه اردبیلی، 75

عبد المجید زنجانی (حکمی)، 1262

عبد المجید مجیدی، 422

عبد المحسن محسنی، 377

عبد المحمّد یزدی، 443

عبد المنعم خاقانی، 1243

عبد المنعم فرطوسی، 1622

عبد المهدي داعی، 1252

عبد النبی اراکی، 2128، 2019، 997

عبد النبی عراقی، 856، 644، 607، 519، 248، 1918، 1754، 1407، 1358، 1285

عبد النبی نوری، 2055، 1894، 1839، 292، 217

عبد الوهاب بهشتی، 229

عبد الوهاب روحی یزدی، 2019

عبد الوهاب شریعت، 817

عبد الوهاب شعار، 701

عبد الوهاب فرید تنکابنی، 978

عبد الوهاب قائینی، 1745

عبد الهادی شیرازی، 1070، 944، 973، 980، 982، 1004، 1014، 351، 408، 511، 636، 926، 935، 936، 209، 248، 320، 347،

، 1071، 1097، 1123، 1143

ص: 2468

1785،1903،، 1648،1658،1712،1715،1718 ، 1506،1528،1530،1599،1603 ، 1215،1357،1398،1399،1493  
2127،2151،2256،2274،2327 ،1995،2042،2104

عبد الهادی مازندرانی، 1249

عدنان غریفی خرمشهری، 1019

علی آذرشهری، 605

علی آزاد قزوینی، 79

علی آقا ایروانی، 1166

علی آقا شیرازی، 1099

علی آیتی، 1239

علی اراکی، 1792

علی اصغر باغمیشه ای، 706،1740،2107

علی اصغر حکمت، 617

علی اصغر خطانی، 305

علی اصغر صالحی کرمانی، 1975

علی اصغر مجتهد مازندرانی، 1856

علی اصغر ملکی، 610،932،2113

علی اکبر اردبیلی، 824

علی اکبر امین الشریعه تهران، 2099

علی اکبر اهری، 305

علی اکبر برقعی «کاشف»، 1961،2019

علی اکبر بیدهندی خوانساری، 667

علی اکبر حکمی یزدی «تجلی»، 244، 286، 1087، 1050، 745، 716، 668، 412، 324، ، 1913، 1736، 1631، 1443، 1307،  
2111

علی اکبر حکیم یزدی، 1063

علی اکبر خوئی، 165

علی اکبر خوانساری، 1969، 323

علی اکبر سجادی، 262

علی اکبر سعیدی سیرجانی، 377

علی اکبر سیادهنی، 1707

علی اکبر سیبویه یزدی، 2016

علی اکبر فلکی، 978

علی اکبر فیکوهی، 1753

علی اکبر لاهیجانی، 1856

علی اکبر لنگرودی، 772

علی اکبر مجتهد اردبیلی، 1796، 983

علی اکبر مرعشی، 932

علی اکبر مهدی پور تبریزی، 74

علی اکبر نائینی، 2016، 546

علی اکبر ناظم الاطباء، 1651

علی اکبر ناظم الاطباء نفیسی، 2055

علی اکبر نحوی، 706

علی اکبر ندوشنی، 886

علی اکبر نهاوندی، 2030، 1678، 940

علی ایروانی، 660، 610، 458، 384، 302، 1348، 1325، 1161، 1028، 914، 779، 2000، 1994، 1571

علی بحر العلوم، 792

علی بفروئی، 1511

علی بفروئی یزدی، 1249، 1190، 817، 758

علی بن باقر جواهری، 1527

ص: 2469



علی بهبهانی، 348

علی بهبهانی رامهرمزی، 348.1004.1143، 2016، 2261، 1552

علی بهشتی، 380، 423

علی بیان، 772

علی تقهالا سلام، 1001، 1288

علی جان واعظی کره رودی، 1471

علی جواد بنارسی، 2149

علی جواهری، 1908

علی حائری (مفسّر)، 2099

علی حائری یزدی، 1056

علی حجت هاشمی، 655

علی حکمی «ناسوتی»، 248

علی حکیم ایمانی خوانساری، 2029

علی خوئینی قزوینی، 1896

علی خوانساری، 1471

علی دامغانی، 1894

علی دبیری، 2019

علی دوانی، 875

علی رشتی، 217، 1787، 2111

علیرضا حائری، 2164

علیرضا فیروزآبادی، 1614

علی زنوزی، 2054

علی سیاح، 2152

علی سیستانی، 2248

علی شاهرودی، 1510، 1715

علی شرع، 1527

علی شوشتری، 184، 1468

علی شهرستانی، 1667

علی شیرازی، 302.305.580.1005.1469

علی شیرازی اصفهانی، 2004

علی شیرازی فرزند مجدد شیرازی، 1021

علی صدرائی خوئی، 75

علی طارمی، 1996

علی طباطبائی، 1001

علی طباطبائی تبریزی، 348.2033

علی عبد الحسین شرف الدین، 2030

علی علامه حائری، 1830

علی علامه فانی اصفهانی، 1685، 2278، 2279، 400.944، 1274

علی علم الهدی، 1889

علی عیثان، 1682، 2016

علی فرزند محمد تقی قمی، 1839

علی فلسفی تنکابنی، 1685

علی قاریوزآبادی، 339

علی قاضی طباطبائی تبریزی، 1574، 972، 2149، 1712

علی قزوینی، 1758، 229

علی قزوینی (صاحب حاشیه القوانین)، 1707

علی قلی شهیدی، 1392

علی قمی «زاهد»، 740

علی قوچانی، 1928، 1514، 1459

علی کاشانی «یثربی»، 1131

علی کاشف الغطاء، 1516

ص: 2470

علی کاظمی، 1682

علی کتانی، 592

علی کرکی «محقق ثانی»، 1871

علی کنی، 519

علی گنابادی، 1514، 1928

علی گنبدی، 205، 1894

علی لنکرانی، 1584، 1761

علی مازندرانی، 1466

علی مازندرانی، 2016

علی محمد آزاد، 1102

علی محمد بروجردی، 403، 973، 1192

علی محمد طالقانی، 442

علی محمد نجف آبادی، 1249

علی محمد یزدی، 201، 1928

علی مدد بدل آبادی خوئی، 1028

علی مدرس، 955، 1467، 1921

علی مدرس تهرانی، 997، 1894

علی مدرس زنوزی، 786

علی مدرس طباطبائی، 1056

علی مدرس یزدی، 1317

علی مدرس یزدی «لب خندقی»، 1446

علی مدرسی یزدی، 2151

علی مسگر یزدی، 256، 1056

علی مشکینی، 2022، 969، 1189، 1265، 1789

علی مولانا، 208

علی مولانا تبریزی، 996

علی مهدوی، 1239

علی میر یحیی اراکی، 1471

علی ناسوتی یزدی، 370

علی نجف آبادی، 1317، 1372، 1496، 1595، 2041، 937، 1035، 1143، 1177

علی نخستین سنجانی، 562

علی نقی زنجانی، 756

علی نوری، 1509، 1546، 1759، 1787، 1996، 2160، 216، 262، 292، 573، 979

علی نهاوندی، 280، 292

علی ورامینی، 412

علی همدانی، 1777، ، 1150، 1207، 1218، 1276، 1290 ، 774، 850، 867، 923، 1017، 1033 ، 386، 412، 459، 514، 544

2048، 2118، 2138، 2163 ، 1919، 1950، 1989، 1998

علی همدانی (معصومی)، 1745، 566، 715، 1085

علی یالقوز آغاجی، 2107

علی یشربی، 769، 1492

علی یشربی کاشانی، 2141، ، 1317، 1379، 1510، 1614، 1631 ، 528، 567، 668، 784، 1035، 1281 ، 178، 336، 412، 453

2164

علی یزدی، 1965، 937، 434، 252

عماد العلماء، 2139

عنايت الله زنجانی، 338

ص: 2471

عیسی خاقانی، 1711

عیسی لواسانی، 1758

غ

غفور عاملی، 315، 953، 1015

غفور عاملی اردبیلی، 574، 1849

غلامحسین زرگر، 1574

غلامحسین سورگی، 1838

غلامحسین غروی، 315

غلامحسین غروی اردبیلی، 1677، 463، 574، 1327

غلامحسین مرندی، 817، 1667

غلامحسین یزدی، 1205

غلامرضا باقری نجف آبادی، 400

غلامرضا طبسی، 1218

غلامرضا فاضل، 1373، 1838

غلامرضا قمی «حاج آخوند»، 1508، 1726، 1913، 226، 866

غلامرضا یزدی، 1614

غلامعلی قمی، 454

ف

فاضل تفرشی، 1488

فاضل رازی، 217

فاضل عراقی، 254

فاضل لنكرانى، 248،350،815،824،993

فاضل لنكرانى «مقيم كاظمين»، 500

فاضل هرزندی، 2147

فتاح سرايى، 434

فتاح شهيدى تبريزى، 1363،2108، 165،208،259،968

فتح الله شريعت اصفهاني، 1516

فتحعلي عراقى، 184،1891

فخر الدين امامت كاشانى، 1678

فخر الدين طباطبائى احمدى، 745

فخر الدين علوى، 1205

فخر الدين قمى (شيخ الاسلام)، 1205

فخر الدين نراقى، 637

فرج الله، 1297

فرج الله درى، 1011

فرج الله شريعت، 937

فرج الله كاظمى هرسينى، 644

فرج الله هشترودى تبريزى، 1821

فضل الله زنجانى (شيخ الاسلام)، 2048

فضل الله نصير الاسلامى، 1471

فضل الله نورى، 1210،1856،1872،2055، 184،419،956،1148

فياض زنجانى، 2128، 211،341،473،955،1534



فیض قمی، 551

ق

قدرت اللہ وجدانی فخر سراپی، 79

قربانعلی زنجانی، 295، 340، 341، 415

ص: 2472

قنبر رفیعی، 1471

ک-گ

کاشانی، 769

کاظم تبریزی، 1285، 1233، 969، 456، 935، 2187، 2159، 1685

کاظم خراسانی، 480

کاظم دزفولی، 777

کاظم شریعتمداری، 517، 398، 353، 208، 815، 778، 707، 607، 605، 572، 545، 1237، 1216، 1004، 982، 875، 839،  
1741، 1624، 1497، 1370، 1285، 1920، 1881، 1843، 1829، 1774، 2108، 2068، 2047، 2033، 1970، ، 2131، 2119،  
2187، 2180، 2156، 2295، 2254، 2194

کاظم شمشاد، 893

کاظم صادقی، 1889

کاظم مجتهد شبستری، 996

کاظم مرعشی (اخوان مرعشی)، 258

کمال آقا، 208

کوچک ساوجی، 1720

گلپایگانی، 936، 922، 840

گنج علی، 438

ل

لطف الله اسکی لاریجانی، 1550، 1094

لطف الله اسکی مازندرانی، 373

لطف الله فقیهی، 777

لطف الله لاریجانی، 1522

لطف الله مازندرانی، 1673

لطف الله زنوزی، 592، 593

لطف علی صورتگر، 617

لطف علی محقق، 1015

لووریه، 1925

م

مجتبی قزوینی، 375، 1409

مجتبی لنکرانی، 1903، 1970، 2033، 939، 944، 972، 1096، 1239، 1685، 224، 400، 456، 463، 926

مجتبی میرصادقی زنجانی، 546

مجدد شیرازی، 269

مجید گنجه ای، 914

محسن امین عاملی، 2323، 2324

محسن جلالی کشمیری، 546، 1890

محسن حکیم، 400، 1152، 1298، 1741

محسن رضوی، 1870

محسن سجادی «صدر العلماء»، 184

محسن شریف طبرستانی، 1830

محسن طباطبائی حکیم، 676، 427، 519، 540، 604، 628، 636، 656، 248، 253، 320، 333، 347، 351، 408، 187، 209، 212

، 703، 926، 940، 968، 973، 980

ص: 2473

1589،1661،، 1358،1407،1463،1528،1530 ، 1215،1238،1239،1241،1285 ، 1015،1097،1123،1153،1212  
2254،2262،2317 ،2060،2104،2166،2193،2196 ،1760،1784،1903،2030،2033 ،1718،1731،1740

محسن عراقی، 478

محسن قمی، 1509

محسن کشمیری، 843

محسن کوه کمری، 257

محسن میرغفاری، 408،605

محسن نجفی، 315

محسن هشترودی، 227

محسن نوغانی، 1573

محمد آصفی، 875

محمد آقازاده، 341

محمد آقازاده خراسانی، 1839،2032 ،1405،1409،1574،1642،1738 ،610،859،1205،

محمد آقازاده کفائی، 2029

محمد آقا مولانا، 1199

محمد آملی، 292

محمد آیت الله زاده خراسانی، 1245

محمد ابراهیم انجدانی، 179

محمد ابراهیم بروجردی، 524

محمد ابراهیم تویسرکانی، 509

محمد ابراهیم کلباسی، 1468،1806

محمد ابراهيم مدرس، 777، 1193

محمد اديب گلپایگانی، 572

محمد ارباب، 1787، 2122، 508، 1050، 1552، 1705

محمد ارباب قمي، 226، 1087، 1443، 1736

محمد اردبیلی، 1655

محمد اردبیلی «ظاهري»، 248، 1902

محمد اسماعيل تهرانی، 1056

محمد اسماعيل صادقي جاپلعي، 1320

محمد اسماعيل محلاتي، 501، 1249

محمد «افتخار العلماء»، 2139

محمد امام جمعه، 262

محمد امام جمعه تهرانی، 1839

محمد امامي خوانساري، 461، 1471

محمد انصاری، 2044

محمد باقر آشتیانی، 383

محمد باقر اصطهباناتی، 435، 737، 1972

محمد باقر اصفهانی، 412، 1521

محمد باقر اصفهانی «مسجدشاهی»، 1673، 402، 637

محمد باقر بیرجندی، 1373، 1516

محمد باقر پیشنماز دامغانی، 1148

محمد باقر تونی، 1595

محمّد باقر حجت حائري، 759

محمّد باقر حجتى، 1288، 1830

محمّد باقر حكيم باشى، 1134

ص: 2474

محمد باقر خازنی، 1025

محمد باقر خوانساری، 637

محمد باقر درچه ای، 1532

محمد باقر درچه ای، 879، 1035، 1134، 1707، 1815، 256، 382، 524، 597

محمد باقر زند کرمانی، 1099

محمد باقر سلطانی بروجردی، 568

محمد باقر سلطانی طباطبائی، 1740

محمد باقر شفتی، 474

محمد باقر شفتی «حجه الاسلام»، 216

محمد باقر شهیدی گلپایگانی، 1471

محمد باقر صدر، 224، 655، 1622، 2091

محمد باقر طباطبائی سلطانی، 1918، 2060، 839، 969، 1285، 1287، 1472، 1578، 526، 778

محمد باقر قزوینی، 367، 705، 1718

محمد باقر کره رودی، 477

محمد باقر کلباسی، 1819

محمد باقر محلاتی، 873

محمد باقر مدرس، 1631

محمد باقر مدرس رضوی، 864، 1839

محمد باقر ملکی میانجی، 592، 840، 1741

محمد باقر نصیر الاسلامی، 1472

محمد بایگی تربتی، 2051

محمد بحر العلوم، 1186، 1213

محمد بروجردي، 668

محمد بن محمد جعفر گورجی رشتی، 1759

محمد بهاری، 1620

محمد بهاری همدانی، 1189، 1401

محمد ترکی، 1409

محمد تقوی مراغی، 1923

محمد تقی، 1245، 2122

محمد تقی آل راضی، 187، 394، 1784

محمد تقی آملی، 997، 2039، 2060، 2146

محمد تقی ادیب، 774

محمد تقی ادیب نیشابوری، 979، 1373، 1759، 375، 569، 655

محمد تقی اشراقی، 778، 1625، 2019

محمد تقی اصفهانی، 1874، 474، 1468، 1691

محمد تقی اصفهانی (آقا نجفی)، 1404، 809، 1188

محمد تقی امینی املشی، 1754

محمد تقی ایروانی، 892

محمد تقی بافتی یزدی، 714، 1831

محمد تقی بحر العلوم، 873، 1755

محمد تقی بروجردي، 2033

محمد تقی بهار، 616



محمد تقی بهجت فومنی، 972

محمد تقی خوانساری، 176.248.258.287 ، 289.320.375.384.398.401.412 ، 418.460.461.467.515.528.529 ،  
705.717.730.735.773.774.784 ، 566.567.605.613.616.702.703

ص: 2475

1115،، 1017،1035،1041،1085،1101 ، 993،994،997،1009،1010،1013 ، 827،829،891،905،911،923،932  
1288،1292،1362،، 1251،1256،1261،1265،1281 ، 1195،1204،1208،1216،1220 ، 1125،1150،1172،1194  
،1722،1745،1748،1754،1756 ، 1626،1631،1643،1667،1703 ، 1510،1563،1577،1579،1614 ، 1398،1492  
2000،2003،، 1961،1975،1978،1989،1999 ، 1887،1919،1933،1934،1951 ، 1782،1829،1830،1831،1869  
2139،2162،2164،2167،، 2111،2118،2120،2130،2138 ، 2036،2041،2048،2079،2102 ، 2015،2029،2030  
2273،2325

محمد تقی ستوده اراکی، 2022

محمد تقی شیرازی، 380،501،509،759 ، 956،1255،1259،1262،1301،1560 ، 1584،1660،1666،1683،1736 ،  
1788،1891،2088،2089

محمد تقی طباطبائی حکیم، 893

محمد تقی عدنانی، 1288

محمد تقی علومی یزدی، 165

محمد تقی فقیه عاملی، 703،2091

محمد تقی قمشه ای، 1571

محمد تقی گرکانی، 990،1839

محمد تقی گوگدی گلپایگانی، 1636

محمد تقی مدرس، 1815

محمد تقی مدرس اصفهانی، 597

محمد تقی مدرس رضوی، 616

محمد تقی مطهری، 526

محمد تقی مطهری بروجردی، 370

محمد تقی مفتی الشیعه، 2015

محمد تقی تیر (حجه الاسلام)، 1001

محمد تقی نیشابوری، 1916

محمد تقی هراتی، 970

محمد تقی هروی، 1709

محمد تنکابنی، 1996، 840، 254، 217، 178، 2160، 2140، 2126

محمد توتونچی، 996

محمد توسلی اردبیلی، 1796

محمد جان علامه، 1288

محمد جعفر آباه ای، 402

محمد جعفر کاشانی، 759

محمد جعفر مروج جزائری، 1004، 468، 2033، 1970

محمد جواد انصاری، 2150

محمد جواد بلاغی، 1349، 1008، 915، 767، 1996، 1928، 1602

محمد جواد طباطبائی تبریزی، 1528، 465

محمد جواد قاهانی، 990

محمد جواد قمی، 273

ص: 2476

محمد جواد محولاتی خراسانی، 1587

محمد حجت، 519، 1978، 2030، 2189

محمد حجت کوه کمری، 176، 178، 189، 398، 320، 333، 350، 375، 379، 383، 386، 209، 248، 258، 286، 289، 300، 303، 611، 613، 529، 551، 566، 567، 572، 574، 605، 460، 461، 463، 467، 514، 515، 517، 401، 408، 412، 418، 446، 453، 891، 897، 905، 813، 815، 824، 827، 856، 870، 872، 738، 740، 754، 761، 773، 774، 784، 616، 705، 715، 722، 730، 1028، 1033، 1041، 997، 1009، 1010، 1013، 1014، 1015، 953، 968، 982، 984، 989، 993، 994، 911، 929، 932، 951، 1221، 1251، 1256، 1261، 1285، 1195، 1200، 1208، 1216، 1220، 1125، 1150، 1161، 1172، 1194، 1085، 1115، 1576، 1614، 1463، 1492، 1547، 1563، 1565، 1362، 1363، 1385، 1392، 1409، 1291، 1292، 1316، 1327، 1361، 1762، 1782، 1789، 1796، 1731، 1735، 1742، 1745، 1756، 1667، 1677، 1702، 1703، 1730، 1624، 1626، 1643، 2015، 1975، 1989، 1999، 2003، 2013، 1849، 1887، 1919، 1934، 1961، 1824، 1829، 1834، 1840، 1843، 1804، 2138، 2141، 2162، 2118، 2120، 2128، 2130، 2137، 2048، 2068، 2079، 2102، 2113، 2022، 2036، 2041، 2047، 2243، 2257، 2307، 2167، 2181، 2188، 2202، 2241، 2163، 2164

محمد حجتی، 2128، 2139

محمد حسن آشتیانی، 1891، 1254، 1375، 1509، 1736، 1787، 1066، 1094، 1148، 1179، 1212، 273، 419، 538، 786، 1921، 2054، 2160

محمد حسن انصاری، 2045

محمد حسن انصاری دزفولی، 1158، 1868

محمد حسن بدیع الزمان فروزانفر، 227، 616

محمد حسن جولائی، 2237

محمد حسن خوانساری، 323، 1636

محمد حسن رشتی، 840

محمد حسن سنگلجی، 383

محمد حسن شاکریان، 1101

محمد حسن شیرازی، 753، 791، 806، 956، 1125، 1159، 340، 380، 392، 403، 439، 748، 612، 186، 204، 216، 298، 1673، 1797، 1867، 2020، 2088، 2172، 1539، 1560، 1654، 1660، 1666، 1231، 1255، 1260، 1267، 1489



محمد حسن قزوینی، 1811

محمد حسن قمی، 2229

محمد حسن قمی «نادی»، 273

محمد حسن کبیر مازندرانی، 1394

محمد حسن کشمیری، 1190

محمد حسن مامقانی، 1550، 1851، 1987، 2068، 2173، 529، 791، 1094، 1141، 1158، 1186، 230، 292، 380، 435

محمد حسن محقق خلخالی، 771

محمد حسن منطقی، 605

محمد حسن نادى، 1736

محمد حسن نجف آبادی، 2041

محمد حسن نجفی، 1468، 1507، 1539، 1664، 1691، 614، 933، 1141، 1347

محمد حسن نجفی «صاحب جواهر»، 740، 878، 615

محمد حسن نویسی، 1220

محمد حسن وزوائی، 1736

محمد حسین آیتی، 1373

محمد حسین ابراهیمی دینه کبودی اراکی، 1472

محمد حسین اصفهانی، 1806

محمد حسین اصفهانی (غروی)، 1565

محمد حسین الغروی النائینی، 1303

محمد حسین بروجنی اصفهانی، 1501

محمد حسین بزرگ، 1839

محمد حسين تبریزی «علامه طباطبائی»، 242، 644، 607، 592، 461، 333، 290، 248، 1176، 1172، 1125، 1099، 707.929،  
2033، 2131، 1463، 1472، 1844، 1881، 2004، 1237، 1265، 1288، 1327، 1361

محمد حسين تهرانی، 972،

محمد حسين حجه الاسلام، 1001،

محمد حسين دزفولی «خادم الشریعه»، 2003،

محمد حسين رئیس الاطباء، 2055،

محمد حسين رخ شاد «آقا نجفی»، 1321،

محمد حسين ریاضی، 2055،

محمد حسين سرچاهی، 1838،

محمد حسين شریعتمدار، 1856، 1394،

محمد حسين شهرستانی، 1511، 1190، 1674، 1631،

محمد حسين صدقی مازندرانی، 926، 843،

محمد حسين علامه، 867، 386،

محمد حسين علامه اردستانی، 1205،

محمد حسين غروی، 744، 524، 423، 247، 1908، 1715، 1389، 1193، 1180،

محمد حسين غروی اصفهانی، 194، 184، 580، 459، 427، 384، 361، 305، 230، 995، 990، 914، 902، 881، 766،

1685، 1712، ، 1506، 1557، 1574، 1632، 1648، 1304، 1308، 1325، 1349، 1398، 1005، 1028، 1200، 1218، 1301

1969، 2113

ص: 2478

محمد حسين غروي بروجردی، 1581، 1257، 1805

محمد حسين غروي کمپانی، 1994

محمد حسين غريب تنکابنی، 578

محمد حسين فاضل تونی، 850، 617

محمد حسين فخیمی، 774

محمد حسين فشارکی، 1595، 1372، 1035

محمد حسين قاجار تهرانی، 780

محمد حسين کاشف الغطاء، 1071، 438، 2029، 1762، 1760، 1661، 1516، 1200

محمد حسين کاظمی، 1527، 1301، 1133، 2067

محمد حسين مجتهد بروجردی، 2077

محمد حسين مرعشی شهرستانی، 1019

محمد حسين مطهری، 2002

محمد حسين نائینی، 267، 259، 255، 211 ، 454، 423، 361، 336، 323، 305، 294 ، 817، 740، 717، 668، 553، 501، 457،

1349، ، 1264، 1300، 1301، 1308، 1325 ، 1028، 1050، 1093، 1218، 1252 ، 840، 879، 914، 938، 939، 986، 999

1685، 1708، 1712، ، 1556، 1565، 1574، 1631، 1645 ، 1494، 1510، 1514، 1516، 1527 ، 1388، 1400، 1459، 1465

، 2026، 2029، 2056، 2104، 2105 ، 1920، 1928، 1969، 1996، 2000 ، 1759، 1777، 1805، 1822، 1913 ، 1738، 1748

2113، 2141، 2165، 2322

محمد حسين نائینی غروي، 1160

محمد حسين ناصر الشریعه، 161، 85

محمد حسين نجفی اصفهانی، 1010

محمد حسين نحوی اردبیلی، 1015

محمد حسینی تنکابنی، 1497



محمد حكيم خراساني، 1595، 1143

محمد خالصي زاده، 2120

محمد خراساني، 1317

محمد خطيب حائري، 1811، 843

محمد خوئي، 1028

محمد خوانساري، 738

محمد داماد، 1970

محمد داماد يزدي، 248، 258، 290، 461، 570، 572، 592، 707، 730، 778، 902، 1285، 1287، 1096، 1025، 929، 1975، 1869، 1843، 1834، 1717، 1472، 2145، 2033، 2023، 2015، 2004، 2003

محمد دهكي، 1373

محمد رئيس، 2016

محمد رئيس اصفهاني، 1890

محمد رجائي اصفهاني، 1097

محمد رضا آل ياسين، 1528، 1298، 427، 2368، 2260، 1969، 1712

محمد رضا (ابو المجد) مسجدشاهي، 1177، 2041

ص: 2479

محمد رضا اصفهانی «جرقویه ای»، 979

محمد رضا اصفهانی «مسجدشاهی»، 398، 1637، 1631، 668

محمد رضا تنکابنی، 2126

محمد رضا جرقویه ای اصفهانی، 1587، 546، 1819، 2016

محمد رضا حائری، 1614

محمد رضا خراسانی، 937

محمد رضا دزفولی، 1715

محمد رضا فقیه لاریجانی، 2140

محمد رضا قمشه ای، 1066، 1060، 786، 1590

محمد رضا قمشه ای (صهبا)، 1921

محمد رضا گلپایگانی، 234، 258، 298، 348، 234، 258، 298، 348، 353، 363، 375، 379، 461، 514، 592، 607، 628، 722، 902، 929، 935، 951

1321، 1361، ، 1196، 1209، 1221، 1233، 1287، 1090، 1091، 1154، 1172، 1189، 1004، 1013، 1014، 1033، 1041

1829، 1918، 1989، 2019، ، 1717، 1718، 1745، 1782، 1789، 1530، 1578، 1579، 1625، 1676، 1398، 1407، 1472

2220، 2265، 2277، 2108، 2118، 2131، 2159، 2187، 2079

محمد رضا مازندرانی، 840

محمد رضا مرعشی رفسنجانی، 512

محمد رضا مسجدشاهی (ابوالمجد)، 2029

محمد رضا معزی، 1126، 323

محمد رضا معزی دزفولی، 1252، 1019، 1576

محمد رضا موسوی گلپایگانی، 2114، 1975

محمد رضا نجفی اصفهانی، 341

محمد رضا نجفی مسجدشاهی، 1496

محمد رضا نوری، 1996، 217،

محمد رضا واحدی قمی، 1494،

محمد رفیع جلالی سردودی، 571،

محمد روحانی، 2247،

محمد روحانی قمی، 1685، 1578، 79، 2336، 1903،

محمد زنجانی، 217،

محمد سبط الشیخ انصاری، 606،

محمد سبط الشیخ انصاری دزفولی، 1252،

محمد سرور واعظ، 224،

محمد سعید تنکابنی، 926،

محمد سعید خوئی، 760،

محمد سعید فارسی، 985،

محمد سلطان العلماء، 1388، 1208، 461، 1722،

محمد سماوی حائری، 75،

محمد شاهرودی، 1682، 1090، 843، 626، 1890،

محمد شبستری، 1301،

محمد شریف رازی، 74،

ص: 2480

محمد شیرازی، 1456، 2206، 2246

محمد صاحب حواشی بر شرح شمسیه، 1856

محمد صاحب ضوابط، 1347

محمد صادق اصفهانی، 323، 1317

محمد صادق خاتون آبادی، 1399، 1595، 1602، 2029، 256، 341، 1035

محمد صادق سعیدی کاشمیری، 1657

محمد صادقی تهرانی، 79

محمد صالح حائری «علامه سمنانی»، 1747، 1830، 423

محمد صالح حائری مازندرانی، 348

محمد صالحی هیدجی، 199

محمد صحتی سردرودی تبریزی، 75

محمد صدوقی یزدی، 1265، 1285، 1717

محمد طالقانی، 1488

محمد طاهر اردبیلی «ظاهری»، 1357

محمد طاهر بحرانی، 546، 985، 1682

محمد طاهر خاقانی، 427

محمد طه کرمی، 1003

محمد طه نجف تبریزی، 1019، 1213، 1522، 1806، 620، 792، 805

محمد عالمی، 315

محمد عباس لکنهوی جزائری، 1851

محمد عراقی، 373

محمد عرب، 1839

محمد عسکری تهرانی، 1677، 1516، 519، 2030

محمد علمی، 1015

محمد علی ادیب تهرانی، 451، 386، 189، 984، 979، 905، 815، 715، 544، 514، 1361، 1290، 1041، 1017، 1013، 1380،  
1703، 1676، 1625، 1547، 1976، 1961، 1831، 1829، 1718، 2162، 2118، 2111، 2079، 2048، 1989

محمد علی اراکی، 1285، 1070، 1013، 461، 1472، 1463

محمد علی انصاری، 434

محمد علی بحرانی، 1682

محمد علی تویسرکانی، 323

محمد علی تقهالا سلام، 809

محمد علی چهاردهی، 1649

محمد علی حائری، 1951

محمد علی حائری قمی، 774، 716، 379، 1398، 1292، 1033، 1013، 870، 784، 1961، 1887، 1782، 1756، 1646، 1989،  
2163، 2141، 2048، 2029

محمد علی حائری کرمانی، 777، 320، 248

محمد علی حکیم، 2091

محمد علی خان، 747

محمد علی خان اراکی، 2158

محمد علی خان عراقی، 1388، 890

محمد علی خسروی، 903، 845

محمد علی خلیق شیرازی، 1456

محمد علی دزفولی، 2041

ص: 2481

محمد علی ربانی، 1373

محمد علی روضاتی، 1766

محمد علی سرابی، 1587، 1741، 2016

محمد علی سنقری، 1233

محمد علی سیبویه، 604

محمد علی سیبویه یزدی، 2016

محمد علی شاه آبادی، 702، 716، 739، 774، 784، 995، 1256، 1261، 1307، 1625، 1631، 1643، 1668، 1703، 1762

1782، 2029، 2118، 2141، 2188

محمد علی طبسی حائری، 75، 832

محمد علی غروی اردویادی، 944

محمد علی فاضل، 864

محمد علی فاضل خراسانی، 1839، 1205، 1433

محمد علی قراچه داغی، 1772

محمد علی قزوینی، 217

محمد علی کاظمی خراسانی، 1298، 1760، 1853، 2013، 2359، 403، 915

محمد علی کاظمینی، 2041

محمد علی کاظمینی خراسانی، 766، 1648

محمد علی لواسانی، 2140

محمد علی مدرس چهاردهی، 1650، 521، 580

محمد علی مدرس چهاردهی گیلانی، 1465، 2172، 805

محمد علی مدرس قراچه داغی، 1821

محمد علی معزی، 348

محمد علی معزی دزفولی، 347

محمد علی معلّم حبیب آبادی، 568

محمد علی موسوی دزفولی، 606

محمد علی میانجی، 1524

محمد علی «میرزا جعفر»، 1631

محمد علی نصره السلطان، 2123

محمد غروی، 893

محمد فاضل ایروانی، 1094، 230، 791، 2068، 1987، 1673، 1550، 1522، 1186

محمد فاضل شربیانی، 435، 380، 373، 230، 1186، 1158، 1125، 791، 743، 737، 1987، 1911، 1851، 1550

محمد فاضل قائینی، 1239، 676، 400، 187، 2033، 1530

محمد فاضل کاشانی، 637

محمد فاضل لنکرانی، 1137، 832، 353

محمد فاطمی قمی، 254

محمد فشارکی اصفهانی، 216، 204، 186، 2088، 1660، 1560، 1255، 1010، 956، 2123

محمد فیروز آبادی، 1301، 1262، 1252، 257، 1928، 1584، 1516، 1514، 1304، 2056، 1989

محمد فیروز آبادی یزدی، 520

محمد فیض، 2030

محمد فیض قمی، 367، 300، 289، 178،

ص: 2482



.997.1010.1013.1031.1041.1195 ، 735.761.784.870.911.923.932 ، 460.515.528.529.605.613.717  
1626.1999.2118.2181 ، 1208.1220.1292.1362.1547

محمد قمی «کبیر»، 528،997،1261،

محمد قوچانی، 292،

محمد کاشانی، 760،

محمد کاشانی «مصطفوی»، 637،

محمد کاشفی تبریزی، 75،

محمد کاشی، 1707،1815 ،256،597،1134،1188،

.358.360.373.392.435.439.458 ، 273.280.294.295.321.323.340 ، 213.214.257.271، محمد کاظم خراسانی،  
964 ، 737.759.785.810.817.914.956 ، 538.597.620.622.637.652.722 ، 477.482.509.513.520.521.524  
1383.1394 ، 1249.1255.1276.1313.1372 ، 1158.1179.1188.1210.1213 ، 1010.1045.1056.1127.1134  
1546.1548.1552.1560 ، 1488.1491.1504.1509.1522 ، 1446.1457.1458.1484.1485 ، 1401.1435.1436  
1928 ، 1875.1891.1900.1904.1911 ، 1806.1810.1837.1857.1874 ، 1650.1704.1736.1788.1797 ، 1629  
2105.2110.2132.2157.2197.2205 ، 1972.2055.2089.2096

محمد کاظم خرم آبادی، 779،

محمد کاظم خلخالی، 512،

محمد کاظم دامغانی، 375،1631،1642،

1969 ، 1574.1603.1648.1731.1916 ، 1070.1143.1298.1357.1496 ، 362.872.979.982، محمد کاظم شیرازی،  
1994.2042.2189.2240.2363

محمد کاظم طباطبائی، 637،1383،

.321.323.392.435.439.458.509 ، 257.269.271.273.280.294.295 ، 77.213.214، محمد کاظم طباطبائی یزدی،  
1056 ، 944.956.964.970.1010.1045 ، 652.737.756.759.810.817.879 ، 512.513.520.575.597.620.622  
1401.1446.1457 ، 1276.1301.1372.1378.1394 ، 1210.1249.1255.1262.1264 ، 1127.1134.1179.1188  
.1650.1666.1704.1705.1715 ، 1552.1560.1583.1598.1629 ، 1485.1509.1514.1522.1546 ، 1458.1484  
2132.2150.2157 ، 1857.1904.1972.2050.2056 ، 1736.1788.1810.1837.1851



محمد كاظم عصار، 616،850،1466

محمد كاظم معزى دزفولى، 2039

محمد كاظم نحوى يزدى، 230

محمد كاظم يزدى، 1158

محمد كرمى، 2263

محمد كوهستانى، 2129، 558،624،626،675

محمد كوه كمرى، 258

محمد گلى، 1245

محمد لاكانى رشتى، 1881

محمد مازندرانى، 1511

محمد مجاهدى، 706،905

محمد مجاهدى تبريزى، 1472،1717،1740،1918،2060، 607،706،839،856،929،1285، 473،529،568

محمد مجتهدى كاشانى، 75

محمد محقق، 314

محمد محقق داماد، 1099

محمد محققى لاهيجى، 248،644

محمد مدرس، 844

محمد مشكاه بيرجندى، 383

محمد مصطفوى قائىنى، 1239

محمد مظفرى قزوینى، 1097

محمد معروف به سرسر، 1120

محمد مفتاح، 969

محمد مفتی الشیعه اردبیلی، 832

محمد موسوی بحرانی حائری، 985

محمد مولانا، 193، 932، 2113، 2180

محمد مولانا تبریزی، 517

محمد مهدی اصفهانی کاظمی، 2030

محمد مهدی بیگدلی، 2045

محمد مهدی بیگدلی دزفولی، 1252

محمد مهدی مازندرانی «امیرکلانی»، 2004، 2128، 2188 ، 735، 932، 1148، 1281، 1362، 1962 ، 375،

محمد نجف آبادی، 1317، 1372، 1496، 2041 ، 937، 1035، 1143

محمد وحید خورکامی، 1753

محمد هادی شریعت زاده، 233

محمد هادی میلانی، 1819، ، 1557، 1587، 1647، 1731، 1811 ، 1071، 1233، 1314، 1325، 1407 ، 546، 628، 979، 1004،

2016، 2150، 2264

محمد هادی همدانی، 845

محمد هاشم چهارسوقی خوانساری، 637

محمد هاشم ذاکر، 1205

محمد هجری أحسانی، 546

محمد همدانی، 773، 774، 813، 815، 867، 911، 923 ، 457، 515، 517، 567، 702، 715، 738 ، 300، 379، 386، 412، 451،

1782، ، 1292، 1363، 1381، 1614، 1703 ، 1115، 1207، 1218، 1256، 1276 ، 984، 994، 1033، 1041، 1085، 1110

، 1824، 1831، 1919، 1950

2163،2164،2167،2188 ،1989،1998،2048،2068،2102

2118، محمد همدانی خوانده،

217،1894، محمد هیدجی،

1101، محمود ابن الرضا،

1245، محمود اردبیلی،

1614، محمود اردکانی،

546، محمود اصفهانی،

434،2067، محمود اصولی،

1963، محمود افتخار العلماء،

257، محمود اهری،

1923، محمود جودی،

726، محمود حسینی زنجانی،

1509، محمود حکمی قمی،

1839، محمود حیاط شاهی،

996،1200، محمود دوزدوزانی،

1814، محمود دهکردی،

982، ،628،636،675،873،902،926،980 ،333،347،348،351،468،604،624 ،212،248،253،320، محمود شاهرودی،

1741،1755، ، 1505،1530،1599،1731،1740 ، 1239،1298،1398،1499،1501 ، 1015،1041،1123،1215،1238

2081،2166،2219،2369 ،1903،2042،2060

1262، محمود شکری آلوسی بغدادی،

227،617، محمود شهابی،

محمود شیرازی، 501،779،926

محمود طباطبائی، 1026،1521

محمود علمی اراکی، 1472

محمود قمی، 217،1787،1839،1996

محمود مجد اردکانی، 1703

محمود محسنی، 377

محمود مرعشی، 2060

محمود مفید، 1372

محمود همدانی، 1843

محمی الدین مامقانی، 1153

محمی الدین یونسی اردبیلی، 397

محمیی الدین اردبیلی، 2188

مرتضی آشتیانی، 859،1245،2029،2055

مرتضی انصاری، 1901،،1301،1468،1507،1539،1664،753،806،933،1026،1159،1231،77،298،399،474،614

2110

مرتضی ایروانی، 518

مرتضی تألهی، 903

مرتضی حائری یزدی، 2117،2145،2079،2187،1025،1287،1471،1740،2060،258،320،544،902

مرتضی حسینی فیروزآبادی، 843

مرتضی خراسانی، 1143

مرتضی خسروشاهی، 2113،996،1006،2108



مرتضی شہبستی، 996

مرتضی طالقانی، 990، 979، 972، 769، 212، 2152، 1902، 1602، 1292، 1219

مرتضی علوی فریدنی، 1789، 1718

مرتضی فیروزآبادی، 1123، 950

مرتضی قلی ستوده نیا، 377

مرتضی کشمیری، 2089، 1189، 1019، 1011

مرتضی لنگرودی، 1773

مرتضی مدرس، 1821

مرتضی مدرس طباطبائی، 1056

مرتضی مدرس گیلانی، 2033، 74

مرتضی مدرس طباطبائی، 2164

مرتضی مطهری، 1288، 258

مرتضی ہندی، 1249

مرتضی یزدی، 1631

مرعشی نجفی، 1285

مروج خراسانی، 1205

مسلم محدث خلخالی، 1015، 953

مسلم ملکوتی سراہی، 400

مسیح سمنانی، 1488

مسیح طالقانی، 2055، 254، 217، 177

مسیو «بھلر» فرانسوی، 1925



مشکور حولای، 1468

مشهدی محمد حسن خیاط، 990

مصطفی اعتماد، 843، 1890

مصطفی اعتماد بهبهانی، 1682

مصطفی اعتمادی تبریزی، 2022

مصطفی تبریزی، 1821

مصطفی شیرازی، 1890

مصطفی صادقی، 1025

مصطفی صادقی قمی، 1739

مصطفی کاشانی، 580

مصطفی کاشانی یزدی، 1383

مصطفی محسنی، 1469

مصطفی مولانا، 208

مصطفی نورانی اردبیلی، 79، 832

معزی دزفولی، 2045

معصوم قهستانی، 1239

معین الشریعه، 189

مقدس اشرفی، 1394

مقیم زنجانی، 527، 721، 784

منصور سبط الشیخ، 348

منیر الدین، 1254

منیر بروجردی، 1435

موسی تبریزی، 1048

موسی ثقه‌الاسلام تبریزی، 1248

موسی چهکندوکی، 1838

موسی خوانساری، 1496، 1298، 1101، 2271، 2041، 1969، 1712، 1574

موسی زرآبادی، 1045

موسی زنجانی «عباسی»، 1740، 459، 333

موسی مازندرانی، 380

موسی مرتضوی، 2015

موسی نثری، 1102

ص: 2486

مونيه وينار، 1794

مهدی آشتیانی، 1130، 979، 850، 2080، 2004

مهدی اصفهانی، 859، 754، 610، 423، 375، 1677، 1643، 1413، 1409، 1405، 1374

مهدی الهی قمشه ای، 2146، 1635، 363

مهدی انگجی، 905

مهدی بحر العلوم، 1141، 184

مهدی بروجردی، 2139

مهدی بن کریم شیرازی، 956

مهدی جدیدی، 592

مهدی حائری قزوینی، 75

مهدی حائری یزدی، 1472

مهدی حکمی (پائین شهری)، 1205، 959، 1756، 1705

مهدی حکمی قمی، 1933

مهدی درچه ای، 2041، 256

مهدی رشیدی تبریزی، 530

مهدی روحانی قمی، 1137

مهدی سیبویه یزدی، 567

مهدی شهیدی، 2120، 2002، 1374

مهدی شیرازی، 1557، 1233، 1212، 604، 2100، 2016، 1819، 1811، 1587

مهدی عالم، 1015، 953، 315

مهدی عالم اردبیلی، 1849، 463

مهدی علوی، 578

مهدی قزوینی حلی، 791

مهدی کاشف الغطا، 403، 878، 1159

مهدی کشفی، 1013، 1989

مهدی کشفی بروجردی، 511

مهدی کشفی تهرانی، 386

مهدی مازندرانی، 1099، 1996

مهدی مازندرانی (امیرکلانی)، 1625

مهدی ملک الکتّاب فراهانی، 1924

ن

نائینی، 2045

ناصر الدین انصاری قمی، 75

ناصر باقری بیدهندی قمی، 76

ناصر مکارم شیرازی، 353، 875، 2186

نثار حسین عظیم آبادی، 1851

نجف قلی خان ملایری، 845

نصر الله جویباری، 1485

نصر الله رشتی، 1759

نصر الله شبستری، 208، 969

نصر الله مستنبط، 212، 400

نصر الله مستنبط تبریزی، 1635

نصر الله ملك المتكلمين، 2123

نصرت الله بنارواني، 1189

نصرت الله بنارواني ميانجي، 1137

نصيري، 626

نظر على طالقاني، 442

نعمت الله صالحى نجف آبادى، 1869

نعمت الله قزوینی، 1745

ص: 2487

نعمت الله مهدوی قزوینی، 518

نور الدین جزائری، 1557

نور الدین عراقی، 1499، 1469، 1388، 890، 2158، 2077، 1715

نور الدین علوی، 772

نور الله اصفهانی «مسجدشاهی»، 883

نوری جزائری، 1968

و-ه.

واسع کاظمی ترکی، 1409

وحید خراسانی، 2187

ولی الله عامره ای، 715

هادی بجزستانی خراسانی، 1811

هادی تهرانی، 1527، 1524، 1504، 791، 1987، 1736، 1590

هادی خراسانی «بجزستانی»، 2016، 1557

هادی زین العابدین، 1655

هادی سینا، 165

هادی فرزند فرج الله طالقانی، 368

هادی معرفت، 1456

هادی نیری، 592

هادی هادوی، 958

هاشم آملی، 626، 624، 353، 290، 258، 1287، 982، 980، 969، 902، 675، 628، 2187، 2108، 2060، 1881، 1774، ، 2214،

2218، 2254

هاشم اشکوری، 1546، 1179، 573، 217، 2055، 1996، 1857، 1595

هاشم حسینی تهرانی، 944

هاشم خوئی «مرقاتی»، 872

هاشم رشتی، 292

هاشم قزوینی،

هاشم قزوینی، 1183، 1181، 397، 375، 1642، 1511، 1409، 1190

هاشم همدانی، 784

هبه الدین شهرستانی، 2096، 1762، 1019

هدایت الله شهیدی، 1249

هدایت الله ملایری (آقا نجفی)، 1405

هدایت الله وحید گلپایگانی، 461

ی

یحیی ابو طالبی، 298

یحیی امامزاده قاسمی، 990

یحیی جواهری، 892

یحیی زرنندی، 2051، 1819

یحیی مجتهد یزدی، 1446

یحیی مدرس، 1056

یحیی مدرس بیدآبادی، 198

یحیی مدرسی یزدی، 1070، 711، 290، 2060، 1902، 1635، 1239

یحیی مفیدی قزوینی، 772

یحییٰ واعظ احمدآبادی، 1614

یحییٰ یزدی، 956

ید اللہ دھقان، 875

ص: 2488



يد الله طبرسي، 552،

يد الله نظرپاک، 2140، 227،

يعقوب سجادی، 578،

يعقوب طبرسي، 553،

يوسف، 1284،

يوسف حائري خراساني، 1819، 1811، 546، 2016،

يوسف خراساني، 1682، 1587، 1233، 926، 2051، 1811،

يوسف خراساني (بيارجمندی)، 2120،

يوسف شاهرودي، 2060، 248،

يونس اردبيلي، 569،

يونس افتخار السادات، 953،

يونس رشتي، 1996،

\*

ص: 2489،



آقا بزرگ تهرانی، 787

آقا جمال نوری، 1896

ابراهیم خسروشاهی، 1474

ابراهیم شیرازی، 759

ابراهیم علم الهدی سبزواری، 759

ابراهیم علی زاده ارومیه ای، 1420

ابراهیم منزوی خوانساری، 862

ابراهیم موسوی زنجانی، 2049

ابو الحسن ایازی رستم کلائی، 676

ابو الحسن شعرانی، 1896، 2058

ابو الحسن فقیهی قمی، 1797

ابو الخیر احمدی خمینی، 863

ابو الفضل زاهدی قمی، 277

ابو الفضل صدیقی سرابی، 1412

ابو الفضل علمائی سرابی، 863

ابو القاسم خوئی، 1533

ابو القاسم فروغی شاهرودی، 862

ابو القاسم کبیر بن محمد تقی قمی، 1541

ابو القاسم نحوی، 277

ابو طالب تجلیل تبریزی، 2059

احمد آشتیانی، 787، 1896،

احمد ارجمند مشکینی، 1420،

احمد اهری، 1048،

احمد خوشنویس اردبیلی، 2058،

احمد رمزی، 185،

احمد زاهدی لنکرانی، 862،

احمد زنجانی، 277،

احمد سرائی تبریزی، 306،

احمد فالی، 759،

احمد فرزند نقی سرچمی زنجانی «رشوندی»، 306،

احمد فقیهی قمی، 1797،

احمد لواسانی، 487،

احمد مشرف حسینی، 278،

ص: 2491

- احمد همدانی، 1896
- اسد اللہ ربانی سرابی، 1420
- اسلام چاوشی، 1645
- اسماعیل معزی ملایری، 1474
- ایوب گرمودی، 1420
- باقر فقہی، 676
- بدیع الملک میرزا دولتشاہ، 1061
- بہاء الدین علوی ہشترودی، 1420
- بہلول سجادی مرندی، 1420
- تجلیل تبریزی، 1474
- جعفر شاہرودی، 487
- جعفر شہیدی بروجردی، 1969
- جعفر لنکرانی، 1897
- جعفر لواسانی، 169
- جعفر مرتضوی، 1897
- جلال الدین آشتیانی، 2058
- جلال طاہری اصفہانی، 1616
- جواد آقا تهرانی، 1411
- جواد بن محمد مجتہد قمی (کبیر)، 862
- جواد خندق آبادی، 1474
- جواد فلاطوری اصفہانی، 2058

جواد مدنی کرمانی (بنان الشریعہ)، 2059

حبيب الله فقيه مازندرانی، 278

حبيب الله قمی، 1541

حسن احمدی ترکی، 1420

حسن رازینی همدانی، 1797

حسن شجاعی قمی، 863

حسنعلی اصفهانی (نخودکی)، 1253

حسنعلی مروارید، 1411

حسن فرهنگ سردرودی، 1645

حسن لنکرانی، 487

حسن مدرس، 1533

حسن معینی، 277

حسن موسوی، 185

حسن نصرتی نیا سردرودی، 1645

حسین آستانه ای، 1253

حسین آهنگری ساروی، 676

حسین بدلا قمی، 278

حسین بن آقا محمد کبیر قمی، 862

حسین حائری کرمانی، 1474

حسین حجازی یزدی، 862

حسین راستی کاشانی، 1236

حسین ربّانی میانجی، 1420

حسین ظہیر الاسلام دزفولی، 1253

حسین عشقی کمرہ ای، 862

حسین عین الدینی آذربایجانی، 863

حسین غفاری، 1366

حسین فاطمی قمی، 487

حسین لنکرانی، 808

حسین نوری ہمدانی، 1474

حلیمی، 1236

حیدر رائی، 863

خداداد صابر، 185

داود قزوینی، 185

ص: 2492

- ذبیح محمدی کلائی، 676
- ربانی شیرازی، 1474
- رضا برنجکار، 1420
- رضا توحیدی تبریزی، 306
- رضا حسینی مرندی، 1420
- رضا زنجانی، 2072
- رضا سقازاده واعظ، 1059
- رفعت الله حامدی، 1420
- روح الله خمینی، 277، 487
- زین العابدین انواری، 278
- سجاد علوی گرگانی، 278
- شریعت سنگلجی، 1896
- ضیاء الدین استرآبادی، 278
- ضیاء الدین طباطبائی، 808
- عباس تهرانی، 487
- عباس قمی، 1797
- عباس کاشانی، 759
- عبد الحسین آگهی، 185
- عبد الحسین رشتی، 787
- عبد الحسین غروی تبریزی، 306
- عبد الحمید بنابی، 307



عبد الرحمن کلائی، 676

عبد الرحیم قمی، 759

عبد الرحیم مدرس تبریزی، 2058

عبد الرحیم نوری بروجردی، 1474

عبد الرضا شهرستانی، 759

عبد الستار میانجی، 278، 862

عبد الکریم حائری یزدی، 971

عبد الکریم موسوی اردبیلی، 306

عبد الکریم هاشمی نژاد، 676

عبد الله بهبهانی، 1270

عبد الله تهرانی «چهل ستونی»، 278

عبد الله جوادی آملی، 1616

عبد الله شالچیلار تبریزی، 488

عبد الله شبستری، 325

عبد الله مسجدجامعی، 169

عبد المهدی زیدی، 185

عبد النبی نوری، 1533

عبد الهادی قمی، 277

علی اصغر اشعری قمی، 277

علی اصغر باغمیشه ای، 1048

علی اصغر وحید تهرانی، 1388

علی اعتماد الواعظین رشتی، 2059

علی اعتماد رشتی، 2059

علی اکبر برقعی قمی، 1797

علی اکبر تقوی قزوینی، 1420

علی اکبر قاری، 306

علی اکبر موحدی تبریزی، 863

علی اکبر نحوی اهری، 1048

علی برقعی قمی، 1797

علی بلورفروش، 278

علی پناه اشتهااردی، 1474

علی سقطفروش «خداپرست»، 278

علی شیخ الاسلامی تبریزی، 863

ص: 2493

علی محقق کاشمیری، 2058

علی محمد باغ پنبه ای قمی، 1797

علی محمد جولستانی، 2059

علی محمد نائینی، 1474

علی ملکی میانجی، 1420

علی میرغفاری آذرشهری، 306

علی همدانی، 277، 1897

علی همدانی (معصومی)، 487، 2058

عمران علیزاده تبریزی، 306

عیسی اهری، 306

عین الله حسنی ارومیه ای، 1420

غلامرضا صلواتی، 1473

غلامرضا کسائی تبریزی، 759

غلامرضا گل سرخی، 1236

فاضل لنکرانی، 487

فتاح شهیدی، 1412

فخر الدین قمی، 1541

فضل الله حسینی باداب سری، 676

فضل الله خوانساری، 1797

فضل الله نوری، 1270

قاسم گرگری، 1048

- کاظم تبریزی، 306
- کاظم شریعتمداری، 487
- کاظم صمدانی تبریزی، 862
- کاظم (میرزا) اصفهانی، 1541
- کمال مرتضوی، 1388
- محسن حرم پناهی، 1474
- محمد ابراهیم یزدی (اعرافی)، 862
- محمد امامی کاشانی، 1236
- محمد باقر علم الهدی، 1420
- محمد باقر معروف (ربّانی)، 1797
- محمد بهشتی، 1388
- محمد بیابانی اسکویی، 1420
- محمد تسلطی، 1236
- محمد تقی آملی، 1896
- محمد تقی اشراقی، 1797، 277
- محمد تقی افجه ای، 2059
- محمد تقی جعفری، 1356
- محمد تقی جعفری تبریزی، 2058، 306
- محمد تقی شهرستانی، 364
- محمد تقی فلسفی تنکابنی، 185
- محمد تقی کلباسی سردرودی، 1645

محمد ثابتی همدانی، 1897

محمد تقفی، 169

محمد جعفر جعفری لنگرودی، 2058

محمد جواد مناقبی، 1388

محمد حسن آل طیب جزائری، 2058

محمد حسن بدیع الزمان فروزانفر، 2058

محمد حسن نویسی قمی، 1797

محمد حسین درچه ای، 1474

محمد حسین شمس الدین، 185

محمد حسین ناصر الشریعه، 278

محمد رضا ربانی تربتی، 2058

محمد رضا کازرونی شیرازی، 185

ص: 2494

محمد رضا معصومی بروجردی، 1969

محمد رضا موسوی گلپایگانی، 277

محمد رضا نائینی، 862

محمد رضا یزدی، 1969

محمد شیرازی، 759

محمد صادق طاهری، 1797

محمد صادق فقیهی، 1797

محمد صادق قمی «نعمی»، 278

محمد صادق تهرانی، 2058

محمد طباطبائی، 1270

محمد عبایی خراسانی، 1420

محمد علوی قزوینی، 277

محمد علی بحرانی، 759

محمد علی جلیلی، 1420

محمد علی حائری قمی، 1541

محمد علی حقی سرابی، 1420

محمد علی خان نصره السلطان، 2123

محمد علی شیخ زاده قمی، 1474

محمد علی صدرائی اشکوری، 862

محمد علی عراقی، 487

محمد علی علوی گرگانی، 1617

محمد غروی قزوینی، 306

محمد فرزند نور الدین قمی «صدر العلماء»، 1797

محمد فیض قمی، 1797، 277

محمد قمی «کبیر»، 1797

محمد کاشفی دارانی تبریزی، 306

محمد کاظم انوشیروانی، 1420

محمد کاظم عصّار تهرانی، 787

محمد لواسانی، 169

محمد موحدی قمی، 278

محمد مهدی مازندرانی «امیرکلائی»، 787

محمد مؤمن قمی، 1616

محمد نصیری، 676

محمود انواری همدانی، 277

محمود روحانی قمی، 277

محمود صلاحیان، 1236

محمود طالقانی، 2070

محمود یزدی، 487

مرتضی مطهری، 2058

مسلمی، 1236

مصطفی اعتماد، 759

مصطفی صفائی خوانساری، 277

مصطفی مسجدجامعی، 1388

مصطفی مولانا، 306

ملک المتکلمین، 2123

منتظری، 1474

موسی تهرانی، 169

موسی جوان، 2059

موسی مازندرانی، 2058

مهدی آشتیانی، 787

مهدی حائری تهرانی، 1474

مهدی حائری یزدی، 2058

مهدی حرم پناهی قمی، 277

مهدی خراسانی بجزستانی، 759

ص: 2495



مهدي دامغانی، 185

مهدي ششگلانی، 1048

مهدي كشفي بروجردی، 487

مهدي لاجوردی، 2059

ناصر مكارم شیرازی، 1616

نصر الله تقوی، 2123

نظر علی هیدجی، 1897

نور الدین شریعتمدار (رفیع گیلانی)، 1897

هادی عظیمی ترکی، 1420

هادی ورامینی، 169

یحیی سجادی، 185

ید الله سحابی، 2072

\*

ص: 2496

## 6- نخبگان یادشده در مقدمه

آخوند خراسانی، 55

آقا ضیاء عراقی، 52

ابراهیم صهبا، 48

ابو القاسم خوئی، 53، 55

بهاء الدین محلاتی، 55

جهانگیر خان قشقانی، 50

حاج آقا حسین قمی، 53

حسنعلی اصفهانی (نخودکی)، 55

حسین اهری، 56

حمید مولانا، 50

رضاروزبه، 48

سراج انصاری، 48

صاحب مکیال، 47

عباس تربتی، 53

عباس خاتم یزدی، 49

عباس مشکوری، 49

عبد الله شیرازی، 48

علامه طباطبائی، 47، 51

علی بهبهانی، 48

علی علیاری، 48

علی غروی، 55

فضل اللہ نوری، 55

کاظم تبریزی، 51

مجتبیٰ قزوینی، 54

محقق اردبیلی، 48

محقق طباطبائی، 49، 54

محمد باقر زند کرمانی، 54

محمد تقی آملی (آیہ اللہ)، 49

محمد تقی شوشتری، 50

محمد حسین شہریار، 52

محمد حسین مصباح، 52

محمد رضا حکیمی، 54

محمد سلطانی سمنانی، 53

محمد شیرازی، 49، 55

ص: 2497

محمد صدر، 53

محمد علی موحد ابطحي، 55

محمد کوهستاني، 54

محمد حلبی، 53

مرتضی انصاری، 54

مرعشی نجفی، 52

مهدی گلپایگانی، 57

ناصر مکارم شیرازی، 56

\*

ص: 2498

(1)

آ

آئین جاویدان یا روش زندگانی، 654

آئین دوستی از دیدگاه قرآن و حدیث، 2108

آئین دین اسلام یا احکام اسلام، 654

آئینه اسلام، 1374

آتش انقلاب، در ردّ کسروی، 1282

آشکده یزدان، 888

«آتورپاتکان» آذربایجان و نهضت ادبی، 466

آثار الأعمال، 1933

آثار الحجّه، 1678

آثار الرحمه فی علائم الظهور، 288

آثار المعاصی، 1200

آثار عظیم اجتماع، 2074

آثار مقدس احادیث و اخبار علم الحدیث و طبقاته الکبری، 672

آخرین قانون، 198

آداب الاطفال، 1627

آداب الحرمین، 1090، 469

آداب الملوک در شرح عهدنامه مالک اشتر، 742

آداب جمعه، 263

آداب معاشرت در اسلام، 1286

آداب و اخلاق از نظر اسلام، 1224

آذرکده حسینی، 514

آرامش، 1137

آرایش در اسلام، 2127

آراء الاصول، 1145

آراء الذرّیین (حول الذره و الحرکه)، 225

آراء حول الاجاره، 1146

آراء حول الاراده، 1146

آرمان آفریقا، 850

آزادی هند، 2075

آشنائی با علوم اسلامی، 2008

ص: 2499

---

1-1). به ندرت از آثار دیگران نیز در این فهرست آمده است.

آشنائی با قرآن، 2008

آغاز جنگ خانوادگی در اسلام، 1282

آفات توحید، 2076

آفاق فلسفه تفکر، 2081

آفاق کعبه، 671

آگاهی و گواهی، 2081

آلاء الرحیم فی الرد علی تحریف القرآن الکریم، 932

آل بویه و اوضاع زمان ایشان، 228

آموزش دین، 850

آموزش استحکامات، 437

آموزش قرآن، 2074

آهی سوزان برای منتظرین امام زمان، 1502

آیا اینان مسلمانند؟، 654

آیات توحید، 1071

آیات قرآن قابل ایراد است؟، 576

آیات منتخبه قرآن، 1597

آینده اسلام و امواج خطرناک، 2023

آینه حق نما، در ولایت، 1509

آینه دانشوران یا قصص العلماء، 1111

آیین جهانداری، 1728

آینه دل، 1728

ابتغاء الفضيله فى شرح الوسيله، 1979

ابراهيم بت سكن يا قهرمان توحيد، 2024

ابواب الرحمه، 321

ابو الشهداء الامام الحسين، 1817

ابو ذر الغفارى، 400

اتحاد وحوش بر عليه آدميزاد در جنگل، 1105

اثبات المبدأ و النبوه و الإمامه و المعاد و العداله و الاختيار، 1779

اثبات المعلوم فى نفى المفهوم، 245

اثبات الولايه در امامت، 903

اثبات امامت و ولايت، 770

اثبات خلافت بلافضل على، 852

اثبات رجعت، 1632

اثبات عدم تحريف القرآن الكريم، 930

اثبات وجود خدا، 1081

اثر و شرائط دعا، 1025

اجازة روايت، 343

اجتهاد در اسلام، 1286

اجتهاد و تقليد، 862

اجساد جاويدان، 112، 140

اجوبه المسائل، 343



أحاديث المسلمين في فضائل امير المؤمنين، 1632،1752

احاديث المسلمين في فضائل الحسن و الحسين، 1752

احتياج روز، 2074

احراق لانه هاي فساد، 1881

احسن الحديث، 2052

احسن الكلمات في رد الغلات، 2148

احكام الاراضي واقسامها، 317

ص: 2500

- احكام الجمعه، 1545
- احكام الصلاه، 1583
- احكام العيدين، 1545
- احكام النيروز، 1545
- احكام بانكدارى و تحليل مسأله ربا، 1147
- احكام خيار، 677
- احكام دين، 712
- احوال علماء، 657
- احياء تفكر اسلامى، 2008
- اختران ادب، 1728
- اختران فروزان رى و تهران، 1678
- اختر لنفسك، 1154
- اختيار، 2074
- اخلاق، 536
- اخلاق از نظر قرآن كريم، 383
- اخلاق اسلامى، 1834
- اخلاق جنسى، 2008
- اخلاق علوى، 1282
- اخلاق و آداب، 1217
- اخلاق و كردار محمد، 654
- اخلاق و مواعظ، 757

اخلاقيات، 935

اداء المفروض فى شرح ارجوزه العروض، 1011

ادعيه مسافر و مناسك حج، 599

ادعيه مهمات، 1851

ادعيه سريعه الاجابه، 1655

ادلّه عقليه (تقريرات نائينى)، 255

اذان و اقامه، 987

اربعمائيه، 576

اربعين، 343، 393

اربعينيات، 1502

ارث، 1250

ارث الزوجه، 1997

ارث الزوجه عند الاماميه، 732

ارجوزه يا جنگ زاهد، 1173

ارجوزه فى العروض، 280

ارسطاطاليس حكيم، 1841

ارشاد الصبيان، 1987

ارشاد الطالب الى الحجه الغائب، 1502

ارشاد الطالب الى حقايق المكاسب، 318

ارشاد المسلمين فى أحكام الدين، 1191

ارشاد المؤمنين، 519

ارشاد المؤمنين الى احكام الدين، 1517

ارض النبوه جسر عظيم و هي جسر العباد للمعبود، 673

ارغام الكفره في تفسير سوره البقره، 245

ارغام المبارز في اثبات المعاجز، 249

ارمغان آسماني، 654

ارمغان الهى، 654

ارهاصات الاعجاز، 923

ازاحه الالتباس، 2068

ازاحه الشبهه، 459

ازاحه الشبهه في الاعتراض على النذر للمشاهد المشرفه، 1293

ص: 2501

ازاحه الشكوك فى اللباس المشكوك، 1632

ازاحه الشين عن تاركى الجمعه و العيدين، 362، 364

ازاله الاوهام فى جواب ينابيع الاسلام، 358

از بعثت تا رحلت، 1282

از چه شخصى بايد تقليد كنيم؟، 1881

از خداپرستى تا خودپرستى، 2074

ازدواج در اسلام، 2037

از رحلت تا شهادت، 1282

از زلال ولايت، 1138

از قاف تا قاف، 851

از ياد رفته، 860

اسئله و اجوبه، 349

اساتيد و مشايخ شيخ طوسى، 947

اساس التوحيد يا قاعده الواحد لا يصدر عنه الا الواحد، 2057

اسامى مزينه، 343

اسامى مزينه و وفيات علماء، 80

استاد و درس، 1138

استحكامات مصالح، 437

استخراج الأهل، 420

استخراج تقويم سال 1282 ق، 1926

استقامت، 732

استقلال پاکستان، 867

اسرار الحج، 218

اسرار الصلاة، 483، 1575، 1962

اسرار حج، 263، 671

اسرار دائمیة قرآن، 1626

اسرار دخترکشی عرب در جاهلیت، 1881

اسرار طبیعت، 850

اسرار عشق یا دریای محبت، 230

اسرار کمیته مجازات، 1042

اسرار مقبره سبز، 2078

اسرارنامه زرد، 2078

اسلام از نظر یک مسیحی، 2025

اسلام، افکار و اندیشه ها، 1781

اسلام به زبان ساده، 1229

اسلام جوان، 2074

اسلام دین آزادی نه بردگی، 210

اسلام دین انسان، 2161

اسلام صراط مستقیم، 1081

اسلام مذهب رسمی ما، 712

اسلام، مکتب مبارز و مولد، 2075

اسلام و بلادهای نوین، 2026

اسلام و تمدن جديد، 2024

اسلام و جاهليت، 1229

اسلام و جوانان، 2076

اسلام و خدمات اجتماعي، 2024

اسلام و دانش در علم الاجتماع، 1572

اسلام و سيمای طبقاتی اروپا، 1909

اسلام و شيعه، 900

اسلام و طب جديد، 1229

اسلام و عقايد، 375

اسلام و غرب، 1229

ص: 2502

اسلام و مسأله نژادپرستی، 1909

اسلام و مستمندان، 2077

اسلام و مقتضیات زمان، 2008

اشارات ابن سینا، 2125

اشعه ای از سوره نجم، 249

اشعه حیات، 889

اشک ملت، 583

اشک و آه، 1154

اشکی بریز، 1282

اصحاب امام صادق، 1192

اصحاب پیامبر در غزوة صفین از طرق اهل سنت، 1294

اصطلاحات العلوم الشرعیه، 1881

اصطلاحات تاریخی و جغرافیائی و ادبی، 228

اصطلاحات متداول اصول فقه، 1790

اصلاح المزاج، 419

اصول اجتماعی عرب قبل از اسلام، 1771

اصول اخلاق پزشکی، 1081

اصول اعتقادات، 1142

اصول الاسلام و فروعها، 1123

اصول البناروانی، 2129

اصول الشیعه و فروعها، 427



اصول العقائد الدينيه، 2176

اصول الفقه، 1465، 813، 333، 268، 230، 2017، 2001، 1868، 1854، 1779، 1539

اصول المعارف، 427

اصول بطحائي، 1090

اصول دين، 785، 540

اصول دين و احكام براي خانواده، 712

اصول روان شناسي، 1068

اصول طب كيميائي حيات، 1828

اصول عقايد، 1980، 1934، 1194

اصول عقايد و تقويم شرعي، 2176

اصول عقايد يا اتحاد بشر، 536

اصول فقه، 1597، 276

اصول فلسفه (روش رئاليسم)، 1568

اصول كلام، 1627

اصول محاكمات جزائي، 1644

اصول محاكمات حقوقي، 1644

اصول منظوم، 514

اصولي مستقل، 1785

إضاءه السراج في اثبات المعراج، 249

اضواء على الذريعه، 948

اعتيادهاي خطرناك، 2024

اعراب سورہ الفاتحہ، 1761

اعلال بی نقطہ، 1882

اعمال حج، 343

اعیان المرعشیین، 782

افاضات عظیمیہ در آداب شرعیہ، 382

افاضہ العوائد فی التعلیق علی درر الفوائد، 1640

افشای اعمال حزب بعث عراق، 1456

افق اعلیٰ نگاہی بہ چہرہ محمد، 669

افق وحی، 669

افکار جاوید محمد، 1374

ص: 2503

افواه الرجال، 343

افيونيه، در مذمت ترياك كشيدن، 1882

اقبال سيّد ابن طاوس، 1268

اقبال شناسى، 1229

اقرار المريض و منجزاته، 519

اقوال اروپائيان درباره قرآن، 263

الأبحاث اللاهوتيه، 1282

الابداع فى حسم النزاع، 427

الأثر الحميد فى ذريه زيد الشهيد، 833

الاجاره، 1168

الاجتهاد، 1997

الاجتهاد و التقليد، 1553، 833، 731، 334، 2165، 2096

الأحاديث النبويه، 1294

الأدب الفارسى، 742

الأدب الموجه، 547

الأدب و الدين، 1434

الأدعيه و التهليلات من الآيات البيّنات، 1400

الاربعون الحسينيه، 1797

الأربعون العلويه، 1282

الاربعون المنتقى من مناقب المرتضى، 947

الاربعون الناشرية، 1572

الأربعون حديث، 941

الأربعون حديثا، 1632، 1575، 1444، 1294، 2148، 1718

الأربعون في حياه سلمان الفارسي، 1358

الاربعون في فضائل قم و القميين، 634

الأرض الغصبيه، 1997

الاستصحاب، 403، 236

الاستعمار احقاد و اطماع، 2024

الأسرار الالهيه في الأذكار و الأوراد و الأدعيه السريه، 883

الأسرار الرحمانيه في الأدعيه و الأذكار، 1655

الاسلام السعودي الممسوخ، 832

الاسلام الصحيح يتجلّى في مذهب اهل البيت، 1813

الاسلام نشوئه و ابقائه، 2024

الاسلام واقع المسلم المعاصر، 427

الاسلام و الآلوسى، 427

الاسلام و التعاليم التربويه، 1813

الاسلام و المبدأ الشيعوى، 1750

الاسلام و تأثيره على الأخلاق، 833

الاسلام و شبهات الاستعمار، 427

الاسلوب الأمثل في خدمه المذهب، 893

الاشتقاق، 547

الاصول الجديده، 1299

الاصول الساميه، 1655

الاصول اللفظيه و العمليه، 1713

الاصول الواضحه، 1655

الاصول من مباحث الالفاظ، 1168

الاقتباس فى العقائد الاسلاميه، 1755

الاقتصاد الاسلامى، 1713، 547

الاقتصاد العالمى، 547

الألطف الالهيه فى الخطابات القرآنيه، 998

ص: 2504

الامام الجواد من المهدي الى اللحد، 1812

الامام الحسين من المهدي الى اللحد، 1812

الامام الحسين و مناوئوه، 1123

الامام السيد موسى الصدر، محطات تاريخيه، 823

الامام العسكري من المهدي الى اللحد، 1812

الامام الغائب، 1632

الامام المنتظر، 427

الامام المهدي (عج) من المهدي الى الظهور، 1812

الامام المهدي (عج) و ظهوره، 469

الامام الهادي من المهدي الى اللحد، 1812

الامام علي في صفين، 1123

الامامه حتى ولايه الفقيه، 893

الامامه عند الشيعة، 1502

الأمجديه في أعمال شهر رمضان، 1011

الامر بالمعروف و النهي عن المنكر، 1145

الأمر يقتضي النهي عن ضده أم لا، 923

الانسان الملكوتي، 1282

الانسان في المراحل الست، 469

الانسان و اللحيه، 1882

الإنصاف في حذف الأنصاف، 516

الأنوار اللامعه في تاريخ سيده النساء فاطمه، 1632

الأوامر، 1553

الأوليات من الكافي، 1599

الآيات البينات، 2176

الآيات القرآنيه الوارده فى موضوعات مختلفه، 1854

الإيضاح فى الطلاق و النكاح، 1286

الايمان الصحيح فى الاسلام الصحيح، 427

البدائيه فى مسأله البداء، 786

البدعه و التحريف يا آئين تصوف، 1502

البراهين الباهره فى ذم الدنيا و مدح الآخره، 833

البراهين الداله على موحدية أجداد النبى الى آدم، 1854

البركات، 1200

البرهان القوى فى الردّ على احمد الخصيبى، 427

البرهان فى اعجاز القرآن، 1123

البهائيه فى الميزان، 427

البيان الاوفى فى شرح العروه الوثقى، 1655

البيان الثاقب فى شرح المكاسب، 1655

البيان المعقول فى شرح كفايه الاصول، 1656

البيع، 915، 1168

البيع و الخيارات، 792

التأمليات، فى وجه التأملات الواقعه فى رياض المسائل، 1901

التحصيل بهمنيار، 2009

التحفه الطالبية فى مناظرات علماء الشافعية، 833

التحفه العلويه، 1632

التحفه المحمديه، 1632

التحقيقات العلويه، 742

التحقيق فى الاجتهاد و التقليد، 291

التحكيم بين الحكمين الصدوق و المفيد، 1623

التذكره العظيمة، 382

التذكره فى الفوائد النحويه النادره، 833

ص: 2505



الترييه، 893

التعادل و التراجيح، 403

التعريف و الاعلام بما فى الاماميه من الاعلام، 833

التعليقه على العروه الوثقى، 733

التفسير الأمثل، 1623

التقليد الصحيح، 427

التكملة فى شرح الامثله، 1785

التنبه الجميل فى الفلسفه و الأخلاق، 1656

التوجيه الدينى، 547

التوحيد المحمّدى، 1876

التهذيب لمغنى اللبيب، 2151

الثوره الهنديه، 2168

الجامع فى الرجال، 2049

الجبر و التفويض، 420

الجديد فى تفسير القرآن المجيد، 1659

الجزاير بيروز، 1229

الجزاير خونين، 1229

الجفر، نفى التحريف، 782

الجنسان، 1154

الجوابات لبعض المسائل الصرفيه المشكله، 1707

الجواهر الفخريّه فى شرح الروضه البهيّه، 1286

الجواهر المودعه، 2030

الجواهر الفريد في مناقب السبط الشهيد، 833

الجهاد و الثوره، 733

الحاشيه على الرسائل، 1707

الحجاب في الاسلام، 1123، 1294

الحجج الباهره في الامامه و حكم المتعه، 427

الحجه البالغه، 1123

الحجه في الفقه، 2081

الحديقه الناشرية في الاخلاق و الآداب و السنن، 1572

الحسين (ع) و السنه، 947

الحقوق، 819

الحكمه العمليه الكماليه، 703

الحكمه و الأدب عند الفرس و العرب، 1434

الحياه الثقافيه في صور، 822

الخالصي و امير المؤمنين، 427

الخلاف، 2103

الخلفاء الراشدون، 1123

الخلود، 1282

الخمسه، 259

الخيارات، 2143، 236، 738، 1168، 1912، 2001

الخيارات و اقسامها و احكامها، 436

الخير و السعاده، 1154

الدر الثمين او ديوان المعصومين، 1763

الدر الثمين فى المنتخب من البيان و التبين، 940

الدر الثمين فى فضل التختم باليمين، 1632

الدر المنضود فى شرح زياره العاشور، 166

الدر التنظيم، 1268

الدر الحسان فى معرفه أبناء أبناء الزمان، 1527

الدر الغرويه فى الفوائد العلميه، 436

الدر الفقهييه، تقريرات فقه اصفهانى به نام، 770

ص: 2506

الدرر المنثوره فى شرح العوامل المنظومه، 1196

الدرر المنثوره فى شرح المنظومه، 2120

الدرر النجفيه، تقريرات اصول عراقى، 770

الدرر النجفيه فى مبحث النيه، 348

الدرر و اللآلى فى تلخيص الامالى، 1715

الدره الباهره فى أحكام العتره الطاهره، 474

الدره الفاخره، 1061

الدره النجفيه فى الفقه، 1778

الدره النضره فى شرح التبصره، 427

الدمعه الساكبه، به فارسى دربارۀ امام زمان، 253

الديانه الاسلاميه و معتقدات الاماميه، 2030

الذكر الحكيم فى تفسير القرآن الكريم، 703

الذكرى لمدارك العروه الوثقى، 427

الرافد، 1154

الرحله الاصفهانيه، 781

الرحله الشيرازيه، 781

الردّ على الشيخيه، 1527

الردّ على الفلاسفه فى الواحد البسيط، 1263

الردّ على القيصمى، 343

الردّ على الوهابيه، 1755

الرد على تفسير ابى الفتوح الرازى، 995

الرسائل الثلاث، 1998

الرساله الاعلانيه، 288

الرساله السعديه فى اصول الدين و فروعها، 893

الرساله الغرابيه، 607

الرساله الكماليه فى الحقائق الالهيه، 1434

الرسول و الشيعه، 541

الرسول يحدّثنا، 541

الرسول يدعوكم، 541

الرشاد فى المعاد، 1431

الرضاع، 1168

الرضا من آل محمّد، حياه الامام الرضا، 2051

الرعايه فى علم الدرايه، 894

الروائع من كلمات الامام الحسين، 2017

الروح، 236

الروض الأريض فى الجبر و التفويض، 833

الروض المنى، 1053

الرهن، 1168

الرياض المستطابه فى الصحبه و الصحابه، 833

الزائريه در مزار، 1871

الزبده فى النحو، 971

الزكاه، 1168

الزورق و الرياح، 1623

السبعه من السلف، 1993

السراج الوهاج فى أسرار المعراج، 1053

السعه و الرزق، 1820

السير الى الله، 1147

السير و السلوك، 782

السيره الامويه، 1123

السيره الوهايبه، 1123

السيف المشتهر، 1632

السيف المشتهر فى المصدر و اسم المصدر، 1299

السؤال و الجواب، 403

الشبهات حول المعتقدات، 225

ص: 2507

الشخصيه بين التكامل و الانحلال، 1623

الشروط، 1169

الشعائر الحسينيه، 547

الشواهد الربوبيه، 1841

الشواهد المنتخبه من السيوطي، 1761

الشهاب الثاقب، 288

الشهاب المنير في تواتر حديث الغدير، 832

الشهادات و الحدود، 1641

الشهيد الصدر، 894

الشيخ البهائي عميد الفقهاء و فقيه الادباء، 894

الشيخ المفيد و عطاؤه الفكري الخالد، 947

الشيخ و الشيخه في أحكامهما، 1213

الشيعة، 1623

الشيعة في عقائدهم و احكامهم، 427

الشيعة و اصولها، 1123

الشيعة و الحاكمون، 2023

الشيعة و الرجعه، 1632

الشيعة و فتاوى الخالصي، 427

الشيعة و هجمات الخصوم، 947

الشيوعيه مسيرها و مصيرها، 1750، 1752

الصحابه الكرام، 1719

الصحيحه الحسينيه، 236

الصراط الاقوم، 362

الصراط المستقيم فى معرفه بعض ما يتعلق بالدين القويم من اصول الدين، 1509

الصلاه، 1169

الصلاه و الأدعيه و القرآن، 930

الصلح، 1169

الصله بين التصوف و التسنن، 833

الصوت و الأصداء، 1623

الصوفيه المبتدعه، 1632

الطهاره، 1169

العام و الخاص، 1912

العتره الطاهره، 1123

العداله فى الفقه، 732

العروه الوثقى، 403

العشرات الناشرية فى الاحاديث الدينيه و الاخلاقيه، 1572

العشره الكامله، 1591

العطف حول الصرف، 1785

العفاف على مذبح التبرج، 1154

العقائد و المواعظ و الاخلاق، 1826

العقائد الحقه، 325

العقد الباهر فى وصيتى لقره العين ولدى ياسر، 833



العقد الثمين فى أحوال العلامه أحمد أمين، 833

العقل البشرى فى تفسير القرآن الكريم، 1713

العقيله الهاشميه، 1123

العلم و القدره فى ردّ الماديين، 1469

العمل الأدبى، 547

العمل الجهادى، 1154

العناوين فى الاعتقادات، 1650

الغايه القصوى لمن رام التمسك بالعروه الوثقى، 1848

ص: 2508

الغدير في التراث الاسلامي، 947

الغدير و وحدت اسلامي، 2009

الغدير به، 236

الغصب، 1169

الغفران مع التوبه، 428

الفاضليه، 2172

الغباي مصور قرآن، 850

الفتحيه في ترجمه السيد ابو الفتح عربشاهي، 782

الفرائد الغوالي في شرح شواهد الأمالى، 1527

الفرقان في تفسير القرآن، 1123

الفرق بين العقد الدائم و المنقطع، 792

الفرق بين العلم و الاراده، 420

الفرق بين النبي و الرسول، 420

الفروع المحمديه في الفقه، 960

الفروع المهمه في احكام الامه، 1993

الفروق بين المرء و المرأه في الاحكام، 1200

الفروق بين النافله و الفريضه، 1256

الفصل في الرقص، 301

الفصول في ترتيب مباحث الاصول، 1027

الفقه، 1169، 1250

الفقه الاستدلالي، 1539، 1736

الفقه الميسر، 1299

الفقه الواضح، 1813

الفقه (دوره كامله)، 1664

الفقه على آراء فقهاء الاسلام، 2049

الفقه على مذهب اهل البيت، 733

الفقه فى تشريعه و تبينه و استنباطه، 541

الفقه و الاجتهاد من وجهه نظر الشيعة، 1686

الفكر الشيعى و النزعات الصهيونيه، 832

الفلسفه العليا، 732

الفلک المستبد، 1882

الفوائد الدريره، 1841

الفوائد الرجاليه، 1147، 781

الفوائد الرضويه فى المسائل الاصوليه، 1632

الفوائد السنيّه فى الفقه، 382

الفوائد العسكريه، 1045

الفوائد القرآنيه فى الأدعيه و الأذكار، 1656

الفوائد المرضيه فى شرح القواعد النحويه و الصرفيه، 1716

الفوائد المنتخبه، 703

الفوائد النحويه، 1785

الفوائد النظاميه، 742

الفوائد فى اصول الفقه، 965

الفوائد فى المسائل المتفرقة، 755

الفوائد فى مسائل فقهيته، 792

الفهرس الوصفى للمنتخب من المخطوطات العربيه فى مكتبات تركيا، 949

الفهرست لمشاهير علماء زنجان، 2049

الفهرسه فى بداياتها و تطوراتها، 894

الفروضات الربانيه فى توضيح الآيات القرآنيه، 428

الفيه در اصول فقه، 1882

الفيه فى مدح اهل البيت، 1655

القرآن فى كل موضوع، 1494

القرآن و العتره، 1123

ص: 2509

القصه فى القرآن الكرىم، 833

القصيده الموسويه، 1244

القضاء، 1169، 1641

القضاء و الشهادات، 1628

القضاء و القدر، 420

القلائد الغرر فى امامه الاثنى عشر، 1527

القواعد الثلاث، 733

القواعد الفقهيّه، 1648، 1299، 570، 80، 2017، 2001

القول الفصيح فى اصول الدين الصحيح، 1632

القول الموجز فى شأن زكريا بن آدم القمى، 1294

الكتاب الحميد فى تفسير سورتي الحمد و التوحيد، 2153

الكشكول، 1682، 1347، 1020

الكشكول فى الفوائد و الحكم، 1656

الكلام المفيد للمدرس و المستفيد فى شرح الصمديه، 1761

الكلام يجر الكلام، 343

الكلم الطيب، 1713

الكلمه الطيبه، 1852، 1154

الكلمه الوجيزه، 428

الكواكب الدريره فى المآثر البهائيه، 889، 887

الكوكب الدررى، 1282

الكوكب الدررى فى شرح حديث عنوان البصرى، 249

اللثالى المخزون، 1159

اللثالى المنتظمه و الدرر الثمنيه، 782

اللباس المشكوك، 1024، 813، 375

اللطائف الأديبه و الحكايات الاصمديه، 196

اللؤلؤ الفريد، منظومه فى المنطق، 1716

اللؤلؤه البيضاء فى فضائل فاطمه الزهراء، 832

المباحث العقليه، 2113

المبدأ و المعاد، 428

المبعث النبوى، 1750

المتع بين الاباحه و الحرمة، 428

المتع مشروع، 1146

المتفق و المفترق، 733

المثنائى الشعريه، 1623

المثل الاعلى فى الفلسفه، 1713

المثل العليا فى الاسلام لا فى بحمدون، 2024

المثل النوريّه فى فنّ الحكمه، 1713

المثل فى القواعد الاصوليه، 1713

المثنيات فى اللغه، 1097

المجالس الحسينيه، 1004، 742

المجالس النظاميه، 742

المجموعه الوارده يا دسته گل، 644

المحاضرات فى التاريخ والحديث، 469

المحاكمات بين الاعلام فى الحج، 334

المحاكمات بين الكفايه و الاعلام، 1713

المحاورات الاصوليه الضروريه أو واقع الاصول اللفظيه، 703

المحجه البيضاء، 1841، 1159

المحرك الاول، 1841

المختارات فى الاصول، 1737

ص: 2510

- المختار فى الجبر و الاختيار، 1145
- المدرس الأفضل فىما ىشار الیه فى المطول، 1760
- المراجعات، 2025
- المراصد فى اصول الفقه، 1258
- المراقبات فى اعمال الجمعة، 469
- المراقبات یا اعمال السنه، 484
- المراه بین المادیه و الاسلام، 833
- المرتقى الى الفقه الارقى، 1686
- المسائل التداخلیه، 703
- المسائل المختلفه الفقهیه، 1553
- المستغفرون بالأسحار، 1623
- المستفاد فى الاصول، 212
- المستقبل الاسلامى، 2023
- المسلسلات فى مشايخ الاجازات، 781
- المسلك العالى فى فروع العلم الاجمالى، 260
- المسیح فى القرآن، 732
- المشتقات، 1889، 536
- المصطلحات الفقهیه، 782
- المطرز فى شرح اقسام اللغز، 1159
- المعارف الاسلامیه، 1123
- المعارف العلویه، 1147



المعالم المأثوره، 2142

المعجم الجغرافى، در چند جلد، 894

المعجم الرجالى، 894

المعجم المجمعى، 894

المعجم المفهرس فى مفردات تفعال، 894

المعجم المفهرس فى مفردات يفعال، 894

المعجم المفهرس لما فى اللغه من صيغ فعلة، 894

المعجم المفهرس لمجامع الحديث الشريف، 894

المعمرون، 1719

المفاهيم، 1912

المفاهيم من مباحث الالفاظ، 1024

المفصل فى تراجم الأعلام، 74

المفيد للمستفيد، 2125

المقالات التوحيديه فى الاصول الخمسه، 1901

المقالات الغريه فى تحقيق المباحث الاصوليه، 792

المقالات النبويه فى جواب بعض الشبهات الدينيه، 249

المقالات النظاميه، 742

المقله العبراء فى تظلم فاطمه الزهراء، 833

المكاسب، 218

المكاسب المحرمه، 1854، 1724، 1719، 915

المكاسب و المعاملات، 1468

الملاحم، 1200

المناجات المنظومه، 1882

المناسك الغرويه، 1027

المناظرات بين عالمين، 428

المناظرات في الحرمين، 1091

المنظوم و المنثور في طرائف الامور و حوادث الأيام و الأعوام و الشهور، 2154

المنظومه البهيه، المحتويه على النكت الفقهيه، 638

ص: 2511

- المنيه فى تحقيق حكم الشارب و اللحيه، 1632
- المواسعه و المضايقه، 1550
- المواعظ و الاخلاق، 1583
- المواعظ و النصائح، 771
- المواهب السنيه، 1159
- المواهب الغرويه فى شرح شرائع الاسلام، 878
- المواهب القدسيه، 1435
- المواهب فى ايمان أبى طالب، 1124
- المهجه فى شرح حال الحججه، 1169
- المهدى، 818
- المهدى (عج) الامام الثانى عشر، 935
- المهدى (عج) و صفاته، 940
- الناسخ و المنسوخ، 1675
- الناقد الخبير فى الردّ على الماديين، 428
- النجاسات، 915
- النجعه فى الرجعه، 1632
- النجم الزاهر فى أعلام آل الجواهر، 80
- النجوم السرد بذكر علماء يزد، 75
- النصير الأول للإسلام، 547
- النظام العلوى فى شرح العهد لمالك الاشرى، 1713
- النظر فى الجبر و القدر، 1361

النظريه الجوهرية، 218

النكاح، 1169

النكاح و الطلاق، 998

النكت الاعتقادية، 1841

النور الساطع فى أحوال الامام جعفر الصادق، 1294

النور الشعشعانى فى أحوال العلامة السيد عباس الكاشانى، 833

النهايه فى مجرد الفقه و الفتاوى، 1434

الوافيه فى شرح لغز الكافيه، 1159

الوجيزه فى الاجازه، 703

الوجيزه فى الدرايه، 1841

الوجيزه فى علم الرجال، 2049

الوجيزه فى مسأله الضد، 1778

الوجيزه لعمل المقلدين، 2045

الوسيط بين الوجيز و البسيط فى الاصول، 348

الوصف عند النحويين و الاصوليين، 1623

الوصل و الفصل، 1848

الوصول الى مناقب آل الرسول، 1124

الوصيه، 1169

الوعى الاسلامى، 547

الوقف، 1169

الولاية الشرعيه و انواعها، 792

الولايه (يا رحيق الكوثر فى ولايه حيدر)، 833

الهادى الى امامه على الهادى، 834

إله الكون، 547

الهدايا در بطلان مذاهب ساختگى دوران قاجار، 1934

الهدايه، 1641

الهدايه الى تواريخ الهداه الساده، 1173

الهدايه الى رموز الكفايه، 1826

الهدايه لطالب الهدايه، 428

الهدى الى الفرق بين الرجال و النساء، 343

ص: 2512

الهیات، 1597

الهی نامه، 1087

الی ابراهیم الجبهان، 428

الیاقوته الحمراء فی ایمان اَبی طالب سید البطحاء، 834

الی علماء الاسلام، 541

امامت امام زمان، 900

امامت در اسلام، 1282

امامزاده عبد الله (در ری)، 672

امام علی صدای عدالت انسانی، 2025

امام موسی کاظم، 2025

امام و زمان، 2076

امتیازات اسلام، 644

امتیازات انسان، 644

امثال فارسی، 444

امثال و حکم ترکی آذربایجانی، 1763

امدادهای غیبی در زندگی بشر، 2009

امرای هستی در ولایت تکوینی، 249؟؟؟

امر به معروف و نهی از منکر، 1641

انباء السماء برزیه کربلاء، 948

انتخابی از معجزات چهارده معصوم، 935

انتقادات تاریخی، 1728

انتقاد بر منطق ارسطو، 1789

إنجازات الرسول، 547

انجم فروزان، 867

اندرزنامه، 391

اندرزنامهٔ امیر نظام گروسی، 2125

اندرزهای حضرت محمد «ص» به ابو ذر غفاری، 1025

اندرزهای حکیمانهٔ امام علی در بستر شهادت، 2019

اندلس یا حکومت مسلمین در اروپا، 1374

اندیشه های اقبال، 1229

اندیشه های من یا دامنه های خیال، 391

اندیشه های نوابغ، 1882

انساب خاندانهای مردم نائین، 884

انسان بر سر دوراهی، 1025

انسان در دو فصل، 1138

انسان کامل، 2009

انسان و ایمان، 2009

انسان و خدا، 2074

انسان و سرنوشت، 2009

انشاء عالی یا چهارفصل آیتی، 889

انصاف در امامت، 1463

انفاق، 1138

انقاذ البصير، 428

انقلاب بي رنگ هفتگی، 331

انقلاب فرهنگي، 2019

انقلاب مقدس حسين، 1882

انگيزاسيون يا محكمه تفتيش عقايد، 1229

انگيزه و انگيزنده، 2074

انگيزه حق، 376

انوار التنزيل في التفسير، 1920

انوار التوحيد في الحكمه الالهيه، 1258

ص: 2513



انوار الحقائق فى شرح القصيده المنشأه فى مدح اشبه الناس بخير الخلاق، 795، 792

انوار الشيعه فى الاخلاق، 878

انوار الوحي فى تفسير سوره الحمد و الاخلاص، 1713

انوار الوسائل، 1712

انوار الهدى فى التعليق على العروه الوثقى، 995

انوار بيان، 592

انوار بيان در معارف قرآن، 840

انوار سهيلي، 1113

انوار منطقيته، 1286

انيس الادباء و سميع السعداء، 742

انيس المقلدين، 599

انيس الموحددين فى أحكام الدين، 2165

اوصاف الاشراف، 2125

اوفى البيان در شرح قصيده منجيه، 1349

اول اخلاق، 1229

اوليات على، 1002

اهل البيت فى الكتاب و السنه، 428

اهل البيت فى المكتبه العرييه، 947

ايران در تماس با مغرب زمين، 1068

ايران در جنگ گذشته، 228

ايضاح الاحوال، 343

ايضاح الاشتباه فى ضبط تراجم الرجال، 894

ايضاح الغوامض فى تفسير الفرائض، 1159

ايضاح الفوائد، 935

ايضاح المطالب فى شرح المكاسب، 1282

ايفون مونار، 2169

ايقاظ الأنام عن خرافات العوام، 940

ايقاظ البشر، 1399

ايقاظ النائمين، 358

اى قامت بلند امامت، 1138

إيماءات فى معرفه التقويم، 1708

ايمان ورجعت، 343

ايمان، يا نيردمان ترقى و سعادت، 852

أجوبه المسائل، 1888

أجوبه المسائل البصريه، 428

أحكام الخلل، 230

أحكام صلاه المسافر، 915

أخلاقيات المجتمع الاسلامى، 834

ادله عقليه در اصول، 1384

أربعون و مأتا مسأله، 733

أسرار الحروف، 419

أسرار العوالم فى مصاحبه موسى عليه السلام مع العالم، 249

أشعه الفوائد فى قانون لا تعداد، 1494

أصل البراءه، 933

أعلام النساء، 1557

أعلام من كربلاء، 75

أعيان المالكيه، 834

أعيان المرعشيه، 1928

أغلاط محمود دهدار، 420

أفضل الأعمال فى فضيله الصلاه و أحكامها، 2146

ص: 2514

أقسام الدّين، 245

أقصى البيان في آيات الأحكام و فقه القرآن، 2013

ألف سؤال، 1627

أنفاس الشباب، 1623

أنوار البدرين، 1750

أنوار المشعشعين في أخبار قم و القميين، 1726

أنيس العارفين، 1213

أوراق نقديه، 1623

أول ما خلق الله، 1327

أهداف الاسلام، 547

أين الهيئه و الاسلام في نقد كتاب الهيئه و الاسلام، 1708

ب

باد و باران در قرآن، 2075

بارقه البصر في حوادث القرن الثالث عشر، 1632

بازرگانی محمّد در جهان، 1110

بازگشت خورشيد، 1728

بازگشت شهيد در رجعت، 1503

بازی جوانان با سياست، 2076

با ضعف مسلمين دنيا در خطر سقوط، 2026

باغ ارم در اخلاق، 635

بامداد روشن در صلح امام حسن، 1052

بانكداری در اسلام، 850

بانوی كربلا، 732

باء بسمله، 1154

بحث اجتماع امر و النهی، 1024

بحث الاجتهاد و التقليد، 1785

بحث الاستصحاب، 1719

بحث امامت، 1686

بحث رشوه، 291

بحث و تحقیق حکم ریش تراشی از نظر اسلام، 1282

بحثهای محرم، 1138

بحر الاسرار در ختوم و طلاسّم، 2176

بحران فعلی جهان، 1229

بحر محیط، 444

بحوث فی التفسیر، 741

بحیره، 444

بدا، 1145

بدائع الكلام فی تفسیر آیات الاحکام، 1431

بدائع الافکار، 2142

بدایه التعلیم، 536

بدر الدجی فی شرائط الدعاء، 249

بدر فروزان، 867

بدر مشعشع، 134

بدر و هلال، 1173

بذل الحبا في فضل آل العبا، 834

برج نسل، 2169

برخی آثار بازمانده از ری قدیم، 619

بررسی، 1138

بررسی انجیل، 465

بررسی تاریخ عاشورا، 1374

بررسی تورات، 465

ص: 2515

بررسی نظریهٔ اریک فروم، 2075

برگ‌هایی از تاریخ انقلاب، 545

برنامه‌های انقلاب اسلامی، 1229

برهان ارجوان در اثبات جان، 2176

برهان الایمان در دعا، 1319

برهان الشیعه فی اثبات الرجعه، 862

برهان روشن، 2077

برهان صدیقین، 734

برهان قویم در طب قدیم، 903

برهان ما، 1678

بزرگان معاصر، 80

بزرگترین مرد تاریخ و اسلام و غرب، 1229

بستان الرازی، 1678

بستان نیاز، 403

بشاره الامه، 1664

بشاره المصطفیٰ لشیعه المرتضیٰ، 1528

بشاره المؤمنین در تاریخ قم و قمیین، 1290

بشر و آزادی، 1882

بشری الطالین فی الأدعیه و الختومات و بعض العلوم الغریبه، 1605

بشنو از نی، 1138

بضاعت مزجات، 1083

بضعه النبي، 1882

بطل الاسلام الخالد، 547

بطون خمسه در خداشناسی، 1087

بطون سته، 1087

بعثت و ايدئولوژی، 2075

بعض مباحث اصول و معانی و بیان و بديع، 761

بغیه الطالب فی شرح المكاسب، 513

بغیه النبلاء فی من استبصر من العلماء، 834

بقای روح، 301

بقیه الأوصیاء، 852

بلاد الانبياء، 850

بلغه العقلاء فی غربه سیّد الشهداء، 1627

بلغه القصوى میالید العلیاء، 1627

بلوغ و غریزه جنسی، 2025

بلوهر، 1111

بنیاد تمدن آریایی در بین النهرین، 396

بوستان، 1198

بوستان اسلام در اخلاق، 1572

بوستان معرفت، 2146

بهارستان وحی، 644

بهجه الآمال فی شرح زبده المقال، 1159



به سوى اسلام يا آيين كليسا، 2023

به مناسبت زمين خواري، 1882

بياض، 1268

بيان الأئمه للوقائع الغريبه و الأسرار العجيبه، 1656

بيان الاوزان فى تطبيق الاوزان المتداوله فى الهند و العراق، 1513

بيان الخيانه، 1146

بيان حقيت، 2077

بيان حقيقت، 444

بيت المقدس و تحوّل قبله، 670

ص: 2516

بیداری امت در اثبات رجعت، 263

بیداری بشر، 1928

بیست گفتار، 2009

بیع از شرائع الاسلام، 1841

بیع الفضولی، 318

بیماریهای کودکان، 1795

بین الحق و الباطل، 767

بین السیدین، الطباطبائی الیزدی و الاصفهانی، 344

بینش کلی امام، 1146

بینوایان، 2169

بی نهایت کوچک ها، 2074

بیوت الشیعه، 600

بیوگرافی وکلای دوره چهاردهم مازندران، 942

پ

پاسخ اندیشه های جوانان، 1154

پاسخ به بداندیشان، 1728

پاسخ به پیام نهضت آزادی، 1138

پاسخ به مشکلات اقتصادی اسلام، 291

پاسخ دکتر علی شریعتی، 1282

پاسداران وحی، 778

پاکستان، 1229

پاورقی بر اصول فلسفه و روش رئالیسم، 2009

پایان سرنوشت در دریا، 2078

پدر، مادر پوزش می طلبیم، 1282

پدیده های جوی، 2075

پدیده شوم احتکار، 291

پراگماتیسم در اسلام، 2074

پرچم دار آزادی «فلسفه قیام امام حسین»، 2019

پردیس نامه، 851

پرسش و پاسخهای مذهبی، سیاسی، اجتماعی، 291

پژوهشی در شاهنامه، 619

پنج آیت در امامت و خلافت، 852

پنج رساله در حج و قبله، 671

پنج گفتار، 2108

پنج گفتار در فطرت، 1771

پنجه خونین استعمار در آستین پاپ، 331

پیام اسلام، 2026

پیام ایران به نجد و حجاز و مصر، 672

پیامبر امی، 2009

پیام به فرزندان، 1139

پیام سالار شهیدان، 1018

پیام فاطمه، 541

پیام قرآن، 1882

پیام مجاهدین اسلام، 1224

پیام میلاد امیر المؤمنین به سلاطین اهل قبله، 673

پیرامون انقلاب اسلامی، 2009

پیرامون زندگانی امیر المؤمنین، 1882

پیرامون مصباح الشریعه، 166

پیر معارف، رشدیہ، 537

پیروز، 1138

پیروزی حتمی، 2075

ص: 2517

پیشرفت سریع اسلام، 1229

پیشگوئی های علمی قرآن، 2024

پیشوای شهیدان، 732، 1817

پیک رحمت، 1154

پیمان جوان مردان، 1229

پیمان زناشوئی، 2024

پیوند اشک و خون، ناگسستنی است، 1282

ت

تاج الأشعار فی رثاء أبی الأحرار، 834

تاج مأمون الرشید، 672

تاریخ آداب و رسوم اهالی زنجان و ابهر در عصر متقدم، 757

تاریخ ادبیات عمومی، 263

تاریخ ادیان جهان، 465

تاریخ اسلام، 191، 2097

تاریخ الاسلام، 1294

تاریخ الأعلام، 844

تاریخ الروضه الحیدریه، 1750

تاریخ القرآن، 1264

تاریخ الكوفه فی القرن الأول، 1002

تاریخ الملل الثلاث، 1632

تاریخ ام المصائب، 1664

تاریخ ایران، 1557، 1488، 937

تاریخ ائمه، 775

تاریخ بنی امیه و بنی عباس، 2026

تاریخ پزشکی، 1081

تاریخ پیامبر اسلام، 1374

تاریخ تصوف، 930

تاریخ تمدن اسلام و عرب، 1488، 526

تاریخ تولد و سرگذشت فرزندان ائمه، 1890

تاریخ تهران، 884

تاریخچه پیامبر، 1502

تاریخچه روزنامه نگاری در قم، 331

تاریخچه زندگانی شاه عباس کبیر، 263

تاریخ حبشه، 263

تاریخ خصوصی، 2170

تاریخ خلفا، 1728

تاریخ دار الایمان قم، 1455

تاریخ را بررسی کنیم، 1775

تاریخ روم، 2169

تاریخ ری، 867

تاریخ ری و تهران، 1680

تاریخ زنجان، 2049، 757

تاریخ زندگانی ملا محسن فیض کاشانی، 1789

تاریخ سامرا، 868

تاریخ شخصی، 757

تاریخ طبس، 1752، 1750

تاریخ عصر جعفری، 263

تاریخ علم کلام، 1488

تاریخ عمومی جهان، 265

تاریخ فلاسفه، 889

تاریخ قدیم قم، 134

تاریخ قرآن، 263

ص: 2518

تاریخ قم، 161، 85

تاریخ کاظمین و بغداد، 868

تاریخ کربلا، 868

تاریخ کشفیات و اختراعات، 1882

تاریخ مختصر احزاب سیاسی، 942

تاریخ مختصر انبیاء و ائمه، 569

تاریخ مختصر ایران، 1217

تاریخ مختصر پیامبران اولو العزم، 884

تاریخ مدرسه عالی سپهسالار، 263

تاریخ مذهبی قم، 228

تاریخ مصر قدیم و خدایان مصر و کلد و آشور، 1689

تاریخ مقابر اصفهان، 884

تاریخ ملوک ایران، 1557

تاریخ منظوم زندگانی رسول خدا، 1103

تاریخ نائین «مدینه العرفاء»، 884

تاریخ نجف، 868

تاریخ نجف و حیره، 884

تاریخ نقاشی در ایران، 263

تاریخ و جغرافیای بحرین، 228

تاریخ و جغرافیای کاشمر، 884

تاریخ و عقاید وهابیان، 228



- تاریخ همدان، 1106
- تاریخ هند، 1488
- تازیانه سلوک، 2125
- تأثیر دعا از نظر ابن سینا، 1882
- تأدیب البنات، 536
- تأصل الماهیات فی التحقق، 1263
- تبصره معلمان، در نحو، 1053
- تبصره الصبیان، 536
- تبصره المتعلمین فی عقائد المؤمنین، 1632
- تبصره الناظرین، 1674
- تبلیغ پیغمبر، 2075
- تتمه رساله رشد المسترشد، 1627
- تجارت در اسلام، 850
- تجدد و عوام فریبی، 1882
- تجرید اسانید الاستبصار، 600
- تجرید اسانید الامالی، 600
- تجرید اسانید الخصال، 600
- تجرید اسانید الفهرست، 600
- تجرید اسانید الکافی، 600، 2103
- تجرید اسانید رجال الکشی، 600
- تجرید اسانید علل الشرائع، 600

تجريد اسانيد من لا يحضره الفقيه، 600

تجريد رجال النجاشي، 600

تجليگاه ولايت، 876

تجويد القرآن الكريم، 1020

تجويد نافع، 1224

تحديد الكر وزنا و مساحه، 1583

تحشيه زاد المعاد، 1136

تحشيه مراقبات السنه، 672

تحشيه رساله لقاء الله، 672

تحفه خاقانيه، 742

تحفه فاطميه، 1247

ص: 2519

تحفة قدسى، 1678

تحفه الأحياء، 1213

تحفه الاخير في علائم آخر الاعصار، 196

تحفه الأريب في ردّ اهل الصليب، 1781

تحفه الأمثال و الحكم، 742

تحفه الأمجاد في مسند الامام السجاد، 834

تحفه الجواهر، 1146

تحفه الراغب الى مسجد الصاحب، 1905

تحفه الزائر، 1268، 137

تحفه الفاطمي، 252

تحفه الفاطميين، 1800، 635

تحفه الفقيه، 428

تحفه الكملاء في تراجم علماء كربلاء، 834

تحفه الوزراء، 2125

تحفه الولاة في أحكام القصاص و الدّيات، 1888

تحقيق الاصول المفيدة، 291

تحقيق عن اسانيد الصحيحه السجادية، 600

تحقيق فروق اللغات، 401

تحقيق كتاب خصايص زينييه، 1456

تحقيق و تعليق على الفرائد الغوالي في شرح شواهد الأمالي، 1528

تحقيق و تعليق على وسائل الشيعه، 930

تحليل العروه الوثقى، 703

تحليل الكلام فى شرح قضاء شرائع الاسلام، 703

تحليل و نمايش غزل معاصر، 405

تخليص وسائل الشيعه، 2103

تخميس الكواكب الدريره فى مدح خير البريه، 923

تخميس تائيه دعبل الخزاعى، 923

تخميس موش و گربه، 471

تديير منزل، 263

تذكر المتذكرين، 1275

تذكره نون و القلم، 444

تذكرة آش كشكيان، 444

تذكرة صدر اعظمى، 444

تذكرة مبتكران، 1052

تذكرة معلمان، در صرف، 1053

تذكره الأحبه فى الأدعيه و الزيارات، 1633

تذكره الحكماء، 74

تذكره الصالحين در سير و سلوك عارفين، 2176

تذكره الصلاه، 2116

تذكره الصوم، 2116

تذكره العلوم، 743

تذكره الغافل و ارشاد الجاهل، 1268

تذکرہ الفضلاء، 75

تذکرہ المسلمین فی تہیج العامہ، 1674

تذکرہ المؤمنین فی فضائل العالمین، 2177

تذکرہ الواعظین، 382

تراژدی «خدعہ و عشق»، 2169

تراش ریش، 348

تربت پاکان درقم، 80

تربیت از نظر قرآن، 1229

تربیت از نظر قرآن و سنت، 1154

تربیت نسوان، 2169

تربیہ البنات، 536

ص: 2520

ترجمه قرآن کریم، 1818

ترجمه قصاید شیخ احمد احسائی، 1001

ترجمه نهج البلاغه، 1727

ترجمه و تفسیر چند خطبه و کلمات قصار حضرت علی به نظم و نثر، 2064

ترجمه و شرح اخبار اهل بیت، 511

ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، 2064

ترجمه و شرح فصوص فارابی، 2064

ترجمه احتجاج، 2148

ترجمه اشعار مراثنی سید مهدی بحر العلوم، 1001

ترجمه اعتقادات، 1871

ترجمه البلدان، 1374

ترجمه الحسن و الحسین، 948

ترجمه الطرائف، 1775

ترجمه الغدير، 1356، 1679

ترجمه أخبار الحكماء، 1841

ترجمه تاریخ یعقوبی، 1374

ترجمه تفسیر مجمع البیان، 1679، 1844

ترجمه تقویم المحسنین، 1145

ترجمه تلخیص البیان عن مجازات القرآن، 1434

ترجمه جامع السعادات، 376

ترجمه جدول ارث، 852

- ترجمة حال تولستوى، 2169
- ترجمة خطبة حضرت زهرا، 1146
- ترجمة صحيفه سجادية، 884
- ترجمة غرر الحكم و درر الكلم، 1727
- ترجمة غنيه النزوع، 1841
- ترجمة فنون سماع طبيعى شفا، 1597
- ترجمة قرآن كريم، 1124، 2064
- ترجمة قصيدة النبى محمد، 672
- ترجمة كتاب ارث لمعه، 230
- ترجمة كتاب البراهين، 1434
- ترجمة كتاب المراجعات، 255
- ترجمة كتاب اليقين فى امره امير المؤمنين، 852
- ترجمة كلمات قصار امام على (به زبان فرانسوى)، 2018
- ترجمة لمعه دمشقيه، 1789، 1882
- ترجمة لهوف، 580
- ترجمة مجمع البحرين، 421
- ترجمة مصباح الهدى فى الرد على القاديانيه، 1633
- ترجمة معالم الاصول، 421
- ترجمة مفاتيح الجنان، 2064
- ترجمة مناقب ثلاثه، 852
- ترجمة منتخب الأثر، 941

ترجمة منظوم نهج البلاغه، 757

ترجمة موسى مبرقع و اعقاب او، 1664

ترجمة نصائح الهدى، 1145

ترجمة نصحه اليمن، 1885

ترجمة نهج البلاغه، 228،495

ترجمة نه فصل از متن اشارات ابن سينا، 1841

ترجمه الأدب، 742

ترجمه السيد ابو الفضل اليماني، 783

ترجمه السيد محمد بن عبد الكريم الطباطبائي، 600

ص: 2521



ترجمه المنيه فى حكم الشارب و اللحيه، 428

ترجمه امير المؤمنين، 948

ترجمه أجوبه مسائل جار الله، 1124

ترجمه رساله الحقوق، 734

ترك دنيا، 868

ترموديناميك صنعتى، 2074

تروچيان عقايد از شين تا شين، 1282

تروك الاحرام، 916

تسبيح موجودات يا راز آوازاها، 1025

تسليه المريض، 336

تسويه حقوق، 1912

تسهيل الأمر على من طلب من قواعد الجفر، 2154

تسهيل الأمر فى بحث الأمر، 245

تسهيل الدليل فى الفقه، 288

تشریح التقويم، 742

تشریح الحساب فى شرح خلاصه الحساب، 1988

تشریح و كالبدشكافى و مسايل مستحدثه، 291

تشكيل پاکستان، 1229

تشیع يا مكتب نهايى انسان ها، 1282

تشيد البنیان لفتاوى البيان، 1798

تصحیح التبيان فى تفسير القرآن، 1136

تصحیح تفسیر دانشگاه، 672

تصحیح جمال الاسبوع، 277

تصحیح دویستی های بابا طاهر عریان، 2065

تصحیح دوره جواهر الکلام، 1892

تصحیح «دیوان شمس»، 619

تصحیح کتاب اثبات الوصیه، 1799

تصحیح کتاب الغیبه، 1798

تصحیح کتاب جامع الرواه، 318

تصحیح کتاب «مجمع الفرائد»، 298

تصحیح کنز العرفان، 1799

تصحیح مفاتیح الجنان، 1720

تصحیح و تحشیه تجربه الاصرار و تسلیه الابار، 1174

تصحیح و تحشیه تفسیر ابو الفتوح رازی، 2065

تصحیح و شرح دیوان ابن الخیاط دمشقی، 1527

تصحیح و مستدرک رجال الطوسی، 600

تصحیح و مقابله بحار الانوار، 1798

تطبیقات الوسائل، 1299

تطبیقات کریمی در حدیث، 407

تطبیق الادیان، 1406

تطهیر با جاری قرآن، 1138

تعادل و ترجیح، 677

تعارض الأخبار، 1553

تعاريف العلوم، 1656

تعاليق بر كتاب نان و دوغ، 236

تعاليق على العروه الوثقى، 548

تعاليق على بحار الأنوار، 930

تعاليق على جواهر الكلام، 245

تعاليق على رجال المامقانى، 1517

تعاليق على كفايه الاصول، 975

تعاليم قرآن مجيد، 712

ص: 2522

تعبير الرويا، 1882

تعديل الميزان، 1200

تعريف البيع و الفرق بين الحق و الحكم، 1583

تعقيبات نماز، 1071

تعليقات احقاق الحق، 781

تعليقات على تضاريس الأرض، 218

تعليقات على شرح نهج البلاغه، 2051

تعليقات على «طبقات اعلام الشيعة»، 948

تعليقات على معطيات اقليدس، 218

تعليقات متفرقه على كتاب جواهر الكلام، 1809

تعليق على «بحار الأنوار»، 1679

تعليق على «معادن الحكمة فى مكاتيب الأئمة»، 1679

تعليق على «وسائل الشيعة»، 1679

تعليقه اى بر متاجر شيخ انصارى، 520

تعليقه بر شرح فصوص الحكم، 1596

تعليقه بر كتاب انوار البدرين فى علماء البحرين، 1752

تعليقه بر كتاب قاعده لا ضرر، 1752

تعليقه ناتمام بر رسائل، 1775

تعليقه على اقبال الأعمال، 1020

تعليقه على الاسفار، 600، 2057

تعليقه على الاشارات، 2057

تعليقه على الحاشيه فى المنطق، 782

تعليقه على الرسائل، 1124، 1100، 621، 2057، 1181

تعليقه على الشفاء، 2057

تعليقه على العروه الوثقى، 2143، 1238، 738

تعليقه على الفصوص، 2057

تعليقه على القانون، 419

تعليقه على القضاء من العروه الوثقى، 1641

تعليقه على القوانين، 782

تعليقه على المتاجر، 2057، 961، 621

تعليقه على المطول، 782

تعليقه على المكاسب، 1124، 302

تعليقه على المنظومه، 2057

تعليقه على اوائل المقالات، 1263

تعليقه على تبصره المتعلمين، 1778

تعليقه على تفسير الصافى، 277

تعليقه على «تنزيه القميين»، 1679

تعليقه على حاشيه البهبهانى على منهج المقال، 1263

تعليقه على شرح اللمعه، 1124، 782، 621

تعليقه على عمده الطالب، 782

تعليقه على فرائد الاصول، 782، 419

تعليقه على كتاب الفقه على المذاهب الأربعة، 344

1436،1527،2057 ،277،738،862،تعليقه على كفايه الاصول،

1517،تعليقه على متاجر الانصارى،

2057،تعليقه على مصباح الانس،

1720،تعليقه على مغنى اللبيب،

218،تعليقه على مناسك الحج،

600،1020،تعليقه على منهج المقال،

ص:2523

تعليقه على نصوص الحكمة، 2057

تعليقه على وسائل الشيعة، 600

تعليقه على وسيله النجاه، 1641

تعليمات مدني، 2179

تعليم و تربيت در اسلام، 2009

تعهدات، 1250

تفريح الفوائد، 288

تفسير، 1627

تفسير آيات الكون، 1004

تفسير آيات مبدا و معاد، 2030

تفسير آيه التطهير، 421

تفسير آيه الكرسي، 2104

تفسير ابو الفتوح رازي، 2125

تفسير الامام الصادق، 1154

تفسير الآيات، 288

تفسير الآيات الباهره بأخبار العتره الطاهره، 1550

تفسير القرآن الكريم، 1599، 1501، 548

تفسير القرآن المجيد، 218

تفسير الميزان، 1568

تفسير اوائل سور القرآن المجيد، 1358

تفسير پنج سوره، 1823

تفسیر جزء سی ام قرآن مجید، 1018

تفسیر حروف مقطعه قرآن، 218

تفسیر ریحان، 1111

تفسیر سوره و العصر، 1960

تفسیر سوره های کوتاه قرآن، 592

تفسیر سوره های کوچک (جزو آخر قرآن)، 1823

تفسیر سوره های: یس، النجم، الضحی و المعوذتین، 1962

تفسیر سوره آل عمران، 1139

تفسیر سوره الأعراف، 1173

تفسیر سوره انعام، 609، 2119

تفسیر سوره بقره، 1139

تفسیر سوره توحید، 1922

تفسیر سوره جمعه، 1146

تفسیر سوره حجرات، 732، 741

تفسیر سوره حمد، 1823، 1146، 741، 609، 1826

تفسیر سوره علق و قدر، 1139

تفسیر سوره عم، 1633، 2119

تفسیر سوره فاتحه الكتاب، 810

تفسیر سوره فتح، 1147

تفسیر سوره لقمان، 1173

تفسیر سوره محمد، 1146



تفسير سورة مدثر، 1139

تفسير سورة نساء، 741

تفسير سورة نور، 671

تفسير سورة العصر، 495

تفسير سورة يوسف، 1921، 989، 953، 260

تفسير سورة الاسراء، 834

تفسير سورة الاعلى، 1444

تفسير سورة البقره، 2154

تفسير سورة البلد، 249

تفسير سورة التّين، 249

ص: 2524

تفسير سورة الضحى، 250

تفسير سورة العصر، 250

تفسير سورة الفجر، 250

تفسير سورة المائدة، 1173

تفسير سورة سجده، 1173

تفسير سورة ن والقلم، 1444

تفسير سورة يس، 1444

تفسير سورة يوسف، 1443، 250

تفسير شريف لاهيجى، 1374

تفسير شفای ابن سینا، 2086

تفسير فاتحه الكتاب، 1431

تفسير قرآن، 1790، 1683، 884

تفسير قرآن سيّد احمد خان، 1488

تفسير قرآن كريم، 1686، 673، 592، 415، 2018، 1732

تفسير قرآن مجيد، 1169، 283

تفسير كل من السور: نوح والجن والمزمل والمدثر والقيامة و هل اتى والمرسلات والنبأ، 2154

تفسير مختصر قرآن كريم، 609

تفسير مناهج البيان، 1431

تفسير موضوعى، 225

تفسير و معانى لغات قرآن كريم، 382

تقديم الاحرام على الميقات، 792

تقريب الشرح، 1852

تقريرات، 1626

تقريرات آخوند خراسانى، 538

تقريرات آيت الله الخوئى، 1854

تقريرات آيت الله الزنجانى، 1854

تقريرات آيت الله حجت، 1363، 1085، 953

تقريرات اساتيد، 1216

تقريرات اساتيد خود، 2039

تقريرات استاذه الخراسانى، 548

تقريرات استاذه العراقى فى الاصول، 2165

تقريرات استاذه النائينى فى البيع، 2165

تقريرات اصفهانى، 1969

تقريرات اصول، 1169، 1176، 1502، 243، 318، 379

تقريرات اصول آيت الله آقا ضياء الدين عراقى، 1605

تقريرات اصول آيت الله آملى، 2109

تقريرات اصول آيت الله بروجردى، 930، 451، 1173

تقريرات اصول آيت الله حائرى، 1724

تقريرات اصول آيت الله حجت، 2081، 1888

تقريرات اصول آيت الله خوئى، 975

تقريرات اصول آيت الله خوانسارى، 2081

تقريرات اصول آيت الله سيد ابو الحسن اصفهانى، 1605

تقریرات اصول اصفهانی، 2143

تقریرات اصول الخوئی، 334

تقریرات اصول بجنوردی، 1239

تقریرات اصول حائری یزدی، 1388، 2030

تقریرات اصول حجت، 2162، 2189

تقریرات اصول خراسانی، 738، 1250، 1904

ص: 2525

تقریرات اصول خوئی، 1015، 465

تقریرات اصول، درس آقای خوئی، 1903

تقریرات اصول درس آیت الله حائری، 1499

تقریرات اصول درس آیت الله خوئی، 1785

تقریرات اصول سیّد ابو القاسم خوئی، 981

تقریرات اصول عراقی، 250

تقریرات اصول فشارکی، 960

تقریرات اصول فقه، 1592

تقریرات اصول مدرسی یزدی، 1239

تقریرات اصول مرعشی نجفی، 570

تقریرات اصول میرزا باقر زنجانی، 334

تقریرات اصول میرزا حسن بجنوردی، 676

تقریرات اصول میرزا هاشم آملی، 981

تقریرات اصول میرزای شیرازی، 1045

تقریرات اصول نائینی، 1685

تقریرات اصول و فقه، 1775

تقریرات اصولی حجت، 519

تقریرات الاصول، 1071

تقریرات الاصول (درس آیت الله خراسانی)، 1737

تقریرات الاصول (درس داماد)، 259

تقریرات اصول (درس عراقی)، 1300

تقریرات الاصول فی مباحث الالفاظ، 1358

تقریرات الانگجی، 2153

تقریرات الحلی، 1599

تقریرات الخوئی، 1599

تقریرات الشاهرودی، 1599

تقریرات الشیرازی، 1599

تقریرات الفقه، 306

تقریرات الفقه (درس بروجردی)، 1625

تقریرات الفقه (درس حجت)، 1625

تقریرات الفقه (درس نائینی)، 1300

تقریرات بحث آیت الله سلطان العلماء، 1724

تقریرات بحث بیع، 318

تقریرات بحث خمس، 1775

تقریرات تفسیر، درس آقای خوئی، 1903

تقریرات خارج درس کفایه حجت، 398

تقریرات خراسانی، 1384

تقریرات خمس، 1176

تقریرات خمس (درس آیت الله حجت)، 1999

تقریرات درس آخوند خراسانی، 1553، 1892، 1189، 1394

تقریرات درس آقای بهبهانی، 1004

تقریرات درس آیت الله بروجردی، 777، 1999

تقریرات درس آیت اللہ حجّت، 2068، 813، 517

تقریرات درس آیت اللہ خوانساری، 1282

تقریرات درس آیت اللہ یشربی، 1282

تقریرات درس آیہ اللہ حجّت، 824

تقریرات درس اصطهباناتی، 1505

تقریرات درس اصول، 543

تقریرات درس اصول آیت اللہ خوئی، 1686، 470

تقریرات درس اصول آیت اللہ روحانی، 1687

تقریرات درس اصول خوئی، 225

تقریرات درس اصول صدر، 225

تقریرات درس اصول عراقی، 1739، 1219

ص: 2526

تقریرات درس اصول غروی اصفهانی، 1219

تقریرات درس اصول مشکینی، 1219

تقریرات درس حائری یزدی، 398

تقریرات درس حاج شیخ عبد الکریم حائری، 720

تقریرات درس حجت، 1989، 2015

تقریرات درس حجت در فقه و اصول، 900

تقریرات درس خراسانی، 514

تقریرات درس درچه ای، 382

تقریرات درس شیخ عبد النبی عراقی، 1287

تقریرات درس صاحب جواهر، 1507

تقریرات درس عراقی، 1505

تقریرات درس فقه آیت الله خوئی، 225، 470، 2109، 1686، 1299

تقریرات درس فقه آیت الله روحانی، 1686

تقریرات درس فقه آیت الله شاهرودی، 470

تقریرات درس فقه اصفهانی، 1219

تقریرات درس فقه صدر، 225

تقریرات درس فقه مشکینی، 1219

تقریرات درس فقه میرزا عبد الهادی شیرازی، 981

تقریرات درس فقه و اصول، 1617

تقریرات درس فیض قمی، 2186

تقریرات درس مازندرانی، 1465



تقریرات درس مکاسب حجت، 398

تقریرات درس مولانا تبریزی، 2186

تقریرات درس میلانی، 1588

تقریرات درس نائینی، 1389، 1219، 1093، 1633

تقریرات دروس الاصفهانی، 1708

تقریرات دروس العراقی، 1708

تقریرات دروس النائینی، 1708

تقریرات دروس حجت کوه کمری، 463

تقریرات در ولایت فقیه، 1358

تقریرات دوره اصول، 1079

تقریرات رجال، 1169

تقریرات رجال خوانساری، 1823

تقریرات سید ابو الحسن اصفهانی، 1633

تقریرات شاهرودی، 1015

تقریرات شیخ الشریعه، 1972، 538

تقریرات شیخ انصاری، 1541، 1507

تقریرات شیرازی، 1496

تقریرات صلاه، 1176

تقریرات صلاه نائینی، 1685

تقریرات صلات حائری یزدی، 2143

تقریرات طهارت انگجی، 1007

تقریرات عراقی، 1969، 1583، 1023، 255

تقریرات علامه رشتی، 513

تقریرات فقه آیت الله بروجردی، 930، 451، 2109، 2081، 1173

تقریرات فقه آیت الله حائری، 1724

تقریرات فقه آیت الله حجت، 1888، 1029، 2189، 2081

تقریرات فقه آیت الله خوئی، 975، 657

تقریرات فقه آیت الله میرزا عبد الهادی شیرازی، 1605

ص: 2527

تقریرات فقه حائری یزدی، 2030، 1389

تقریرات فقه خراسانی، 1904

تقریرات فقه، درس آقای حکیم، 1903

تقریرات فقه، درس آقای خوئی، 1903

تقریرات فقه درس آیت الله حائری، 1499

تقریرات فقه شاهرودی، 1240

تقریرات فقه عراقی، 2143

تقریرات فقه کبیر قمی، 1756

تقریرات فقه مرعشی نجفی، 570

تقریرات فقه مکاسب آیت الله حائری، 1444

تقریرات فقه میرزا باقر زنجانی، 334

تقریرات فقه میرزای شیرازی، 1045

تقریرات فقه و اصول بروجردی، 250، 222

تقریرات فقه و اصول حائری یزدی، 1756

تقریرات فقه هروی، 1710

تقریرات فقهی حجت، 519

تقریرات فقه یزدی، 1384، 1250

تقریرات قاعده الید، 1358

تقریرات قاعده لا ضرر و لا ضرار، 1358

تقریرات کامل درس اصول آیت الله میرزا مهدی اصفهانی، 1431

تقریرات کتاب القضاء، 1717

تقریرات کتاب طهارت، 379

تقریرات گلپایگانی، 1496

تقریرات مشکینی، 1969

تقریرات مکاسب، 608، 2025

تقریرات مکاسب آیت الله خمینی، 657

تقریرات مکاسب آیت الله شیخ صدرا بادکوبه ای، 657

تقریرات مکاسب (درس آیت الله حجت)، 1999

تقریرات مکاسب محرمه بجنوردی، 676

تقریرات مکاسب محرمه و بیع، 1176

تقریرات مکاسب نائینی، 1685

تقریرات منجزات مریض، 1176

تقریرات میرزا حبیب الله رشتی، 522

تقریرات میرزای رشتی، 807، 1231، 1621

تقریرات میرزای شیرازی، 807

تقریرات میرزای نائینی، 1021، 1949

تقریرات یزدی در فقه، 1189

تقریظی بر تحفه الاخوان، 1029

تقریظی بر منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، 1029

تقلید اعلم، 1282، 1502

تقلید الأعلم، 376

تقویم، 1159

تقويم الزكاه، 344

تقويم ناصرى، 1926

تكامل اجتماعى انسان، 2009

تكملة الموارىث، 1627

تكة هاى تاريخى، 1775

تلامذه الشيخ الانصارى، 1750

تلخىص احكام الحج، 1641

تلخىص الاصول فى علم الاصول، 570

تلخىص البيان فى مجازات القرآن، 1841

ص: 2528

تلخيص التراجم و تنقيح المعاجم، 1435

تلخيص الذريعة الى مكارم الشريعة، 1347

تلخيص الرياض النضرة، 1294

تلخيص الكلام فى تفسير سورة الأنعام، 1173

تلخيص بحار الأنوار، 1550

تلخيص كنوز الحقائق، 1294

تلخيص نهج الحق، 465

تلخيص لمعتين، 1646

تلفنى از برزخ، 1282

تلفيق الشتات، 1849

تناقض العهدين، 428

تنبيه الامه فى اثبات الرجعه، 1633

تنبيه الغافلات، فى الأحاديث حول النساء، 1020

تنبيه الغافلين، 358

تنبيه الغافلين يا ارشاد الطالبين، 536

تندرسى يا نامة نيك بختى، 1369

تنزيه الصفوه، 1146

تنظيم و تشكيل حزب الله، 665

تنقيح المقال فى شرح وسيله النجاه، 1124

تنقيح أسانيد التهذيب، 2103

تواريخ الانبياء، 1655

توتیای چشم، ترجمه کحل البصر فی سیره سید البشر، 1680

توحید الامامیه، 1431

توحید، طبیعت، تکامل، 2076

توحید قمی، در اصول عقاید، 1509

توسل البناروانی، 2129

توضیح الحاشیه، 657

توضیح الکفایه، 362

توضیح المراح، 1882

توضیح المراد فی التعليق علی تجرید الاعتقاد، 2147

توضیح المسائل، 1641، 1724، 1848، 1888، 245، 348، 519، 608، 673

توضیح المطالب فی الحواشی علی مکاسب، 1656

توضیح المقال فی ثقات الرجال، 1358

توضیح نهج البلاغه، 2025

توطئه خاورشناسان، 1229

توقف الاجتهاد علی العلم بالرجال، 1583

توقیعات حضرت مهدی، 210

تولپ نوار، 2169

تهذیب الخراج لکتاب الخراج، 1294

تهذیب الوسائل، 2037، 2049

تهران در گذشته و حال، 619

تیره بخت، 2078

تیره بختان، 2169

تیسیر الوصول فی شرح کفایہ الاصول، 1283

تیمور لنگ، 1456

ث

ثقات الرجال، 1882

ثلاثه رسائل قزوینیہ، 80

ثمره هستی، 868

ص: 2529



ثنائيات، 1623

ثوره الطّف، 833

ج

جاذبه و دافعه على، 2009

جاذبة اسلامي، 1229

جامع احاديث الشيعة، 1474، 600، 462، 1814

جامع الأثر في احاديث الامام الثاني عشر، 857

جامع الاحاديث و الاصول أو مجمع الاحاديث، 1516

جامع الأخبار، 2068

جامع الأشعار «در مرآة آل اطهار»، 1224

جامع الانوار في اثبات التوحيد، 250

جامع التفاسير، 1362

جامع السعادة، 1159

جامع الشتات، 1848

جامع الشتات في فتاوى المراجع، 2151

جامع الفروع، 1848

جامع المدارك في شرح المختصر النافع، 325

جامع المقاصد در اصول فقه، 1026

جام غدیر، 2013

جاودان نامه، 2125

جبر و اختيار، 1145

جدول معرفت اوقات الصلاه خلال عام فی تبریز، 2154

جدی فروزان، 868

جذباتی از شراره عشق امام حسین، 852

جذب القلوب الی دیار المحبوب، 782

جزوات متفرقه، 1775

جزواتی در تفسیر، 196، 735

جزواتی در تقریرات فقه و اصول، 2119

جزواتی در مواعظ و توحید، 1085

جزوه اشعاری درباره حضرت امام عسکری، 918

جغرافیای آسیا، 263

جغرافیای شهر قم، 619

جغرافیای عالم، 1435

جغرافیای عرب ایران یا کوههای ناشناخته اوستا، 1211

جغرافیای عمومی، 1926

جغرافیای کشورهای اسلامی و تاریخ اسلام، 228

جلاء الأبصار فی آداب الأدعیه و الأذکار، 1213

جلاء القرآن در ردّ کتاب «اعجاز قرآن» (از نیازمند شیرازی)، 250

جلوه حق در اندونزی، 1229

جلوه حق در سیرت امام علی، 1053

جلوه ولایت، 1680

جمال عبد الناصر، 1229

جمعه يا عيد با عظمت مسلمين، 263

جمله شناسی قرآن، 2076

جنان الجنان، 288

جنايات غربى، 2024

جنت عدن، 444

جنگ، 344، 1849

ص: 2530

- جنگ اشعار، 2052
- جنگل مولا، 344
- جنگنامه، 1906
- جنگ و صلح در قانون اسلام، 1229
- جنه النعیم، 88، 136
- جوائز السلطان، 1147
- جواب العائب فی مسأله طلاق الغائب، 2148
- جواز نقل میت بعد از دفن، 1169
- جوامع الأخبار، 1854
- جوامع الكلم، 1591
- جوانان چرا؟، 2025
- جواهر اعتقادات، 464
- جواهر الأخبار، 635
- جواهر الحکم و نفائس الكلم، 80
- جواهر العقول فی شرح فرائد الاصول، 512
- جواهر الفقه، 1650
- جواهر الکلام و نفائس الكلم، 823
- جواهر فیض، 1789
- جهاد اکبر، 1627
- جهاد و موارد مشروعیت آن در قرآن، 2009
- جهان بینی الهی و جهان بینی مادی، 2009

چارلز دیکنز رمان نویس، 850

چرا آینه ها نشان نمی دهند، 1635

چرا از مرگ بترسیم، 1053

چرا رفوزه شدم؟ 2024

چرا شیعه شدم، 1679

چرب و شیرین در کلمات قصار امیر المؤمنین، 1555

چکامه شمشیر، 889

چگونگی فرمانروائی عضد الدوله دیلمی، 228

چگونه بازمی گردیم؟، 1283

چگونه به جهان دیگر راه می توان یافت، 1882

چمنزار، 2151

چند شخصیت برجسته از علمای شیعه، 852

چند مرحله از زندگانی امام حسین، 670

چهارده معصوم، 416، 1882

چهره های درخشان، 778

چهره اسلام، 850

چهل حدیث، 569، 1133، 1173، 1200، 2025

حاشیه ای بر «التحصیل» بهمینار، 2143

حاشیه بر اسفار، 1922، 733، 1299، 1597، 1844

حاشيه بر انيس المقلدين، 819

حاشيه بر بحث قطع رسائل، 707

حاشيه بر تاريخ وصال، 191

حاشيه بر تبصره المتعلمين، 1170، 1189

حاشيه بر تمهيد القواعد، 787

حاشيه بر توضيح المسائل، 856، 2045

حاشيه بر حاشيه مكاسب، 981

حاشيه بر حاشيه ملا عبد الله، 1299

ص: 2531

حاشیه بر خلاصه الحساب، 1299

حاشیه بر درر الاصول، 344، 1724، 2030

حاشیه بر ذخیره العباد، 2045

حاشیه بر رجال و حید بهبهانی، 1170

حاشیه بر رسائل، 1159، 1080، 462، 344، 2186، 2030، 1299

حاشیه بر رسائل مخزن الفوائد، 436

حاشیه بر رساله عسر و حرج، 250

حاشیه بر رساله عملیه چهاردهی، 1650

حاشیه بر رساله عملیه، 882، 344

حاشیه بر ریاض المسائل، 1049، 436

حاشیه بر شرح باب حادی عشر، 1299

حاشیه بر شرح فصوص، 1922

حاشیه بر شرح لمعه، 2031

حاشیه بر صراط النجاه، 1146

حاشیه بر عروه الوثقی، 862، 707، 344، 325، 1790، 1724

حاشیه بر فصول، 1048، 436

حاشیه بر قبسات میرداماد، 1299

حاشیه بر قوانین الاصول، 2031، 1299، 1048

حاشیه بر کتاب عین الاصول، 1045

حاشیه بر کتاب مبدأ و معاد، 2064

حاشیه بر کشف المراد و وسیله النجاه، 1299

حاشيه بر كفايه الاصول، 462، 362، 344، 2031، 1299، 819، 514.

حاشيه بر مختصر الاحكام، 2045

حاشيه بر مطول، 1299، 1048

حاشيه بر معالم، 1299

حاشيه بر مكاسب، 707، 462، 436، 250، 2031، 1299

حاشيه بر مناسك حج، 325

حاشيه بر منتخب الرسائل، 738

حاشيه بر منتخب اللغات، 1710

حاشيه بر منظومه سبزواري، 1884، 653، 250، 1921

حاشيه بر نجاه العباد، 1045

حاشيه بر نخبه كلباسي، 738

حاشيه بر وسيله النجاه، 2031، 862، 344

حاشيه على المكاسب، 738، 206

حاشيه على اسرار الحكم، 218

حاشيه على تعليقات ملا صدرا على الشفاء، 218

حاشيه على توضيح المسائل، 218

حاشيه على شرح اصول الكافي، 218

حاشيه على شرح الاسماء الحسنی، 218

حاشيه على شرح التجريد، 218

حاشيه على شرح الملخص في الهيئه، 218

حاشيه على شرح حكمه الاشراف، 219



حاشيه على شوارق الالهام، 219

حاشيه على كتاب الكره المتحركه، 219

حاشيه على كتاب المسامر، 219

حاشيه على كتاب المناظر، 219

حاشيه على منهاج النجاه، 1799

حاشيه على نجاه العباد، 738

حاشيه على وسيله النجاه، 235، 738

ص: 2532

حاشية رسالة تقويم الصلاة، 1462

حاشية عروه الوثقى، 819، 2160

حاشية مناسك حج، 1462

حاشية وسيله النجاه، 819، 1790

حاشية الروضه البهيه، 1159

حاشية الطهاره من العروه الوثقى، 1007

حاشية العروه الوثقى، 1145

حاشية القوانين، 1159

حاشية المعالم، 1159

حاشية بر شرح چغمنى، 2143

حاشية بر مبحث قطع از رسائل، 1882

حاشية تذكره القبور، 782

حاشية تشريح الافلاك، 1159

حاشية حل الالغاز، 349

حاشية رياض المسائل، 1159

حاشية على ارشاد القلوب، 1826

حاشية على الاسفار، 1569، 1065، 219، 1899، 1742،

حاشية على الاشارات و التنبهات، 738، 219،

حاشية على الحاشيه فى المنطق، 2177

حاشيه على الرسائل، 196، 212، 219، 298، 306، 382، 403، 600، 805، 934، 1024، 1066، 1186، 1242، 1466، 1491،

1972، 1997، 2068، 2160، 1522، 1583، 1821، 1889، 1928

حاشيه على الرياض، 2068

حاشيه على الشفاء، 218

حاشيه على الشواهد الربويه، 218، 1066

حاشيه على العرشيه، 218

حاشيه على العروه الوثقى، 218، 230، 245، 1358، 965، 865، 856، 760، 607، 600، 250، 1888، 1834، 1746، 1641، 1462،  
2001، 2189، 2165، 2109، 2049، 2022، 2014

حاشيه على العروه الوثقى، 230، 250، 600، 2189، 1868، 1641

حاشيه على الفصوص، 1065

حاشيه على القبسات، 219

حاشيه على القوانين، 933، 1065

حاشيه على اللمعه الدمشقيه، 197، 1710، 2154

حاشيه على المبسوط، 600

حاشيه على المشاعر، 219

حاشيه على المطول، 197، 2154

حاشيه على المكاسب، 197، 212، 219، 298، 1024، 1066، 987، 916، 805، 403، 306، 1928، 1648، 1466، 1242، 1187،  
2068، 2189، 2001، 1998، 1980، 1930

حاشيه على المنظومه، 1263، 2153

حاشيه على النهايه، 600

حاشيه على انيس المقلدين، 1633

حاشيه على أسرار الآيات، 218

حاشيه على بدائع الاصول، 1066

حاشيه على بدائع الافكار، 1522

حاشيه على تشويق السالكين، 881

حاشيه على جوامع الكلم، 219

ص: 2533

حاشيه على جواهر الكلام، 543، 1522،

حاشيه على حاشيه الايروانى، 2001

حاشيه على درر الاصول، 987

حاشيه على رساله حدوث العالم، 1263

حاشيه على زاد المقلدين، 1779

حاشيه على شرح التجريد، 334

حاشيه على شرح السيوطى، 916

حاشيه على شرح اللمعه، 1024، 1435، 2038

حاشيه على شرح المنظومه، 2022، 219، 334، 1149

حاشيه على شوارق الالهام، 1263

حاشيه على طريق النجاه، 1633

حاشيه على فصوص الحكم، 1742

حاشيه على فهرست منتجب الدين، 600

حاشيه على كتاب الخلاف، 599

حاشيه على كتاب الزكاه من مصباح الفقيه، 219

حاشيه على كتاب الطهاره، 1583، 1928

حاشيه على كتاب الطهاره من رياض المسائل، 703

حاشيه على كتاب الوافى، 1687

حاشيه على كفايه الاصول، 212، 219، 226، 1242، 1491، 1516، 1568، 1732، 257، 281، 543، 600، 916، 932، 1024،

2022، 2089، 2154، 1737، 1746، 1928، 1980، 2001

حاشيه على كفايه الاصول (نكت الكفايه)، 1583

- حاشيه على گوهر مراد، 219
- حاشيه على لسان الخواص، 280
- حاشيه على لوامع الأسرار، 219
- حاشيه على مصباح الانس، 219
- حاشيه على مصباح الفقيه، 785
- حاشيه على مطارح الأنظار، 2089
- حاشيه على معالم الاصول، 1912
- حاشيه على مغنى اللبيب، 197
- حاشيه على مفاتيح الغيب، 219
- حاشيه على مقالات كتاب الاكر، 219
- حاشيه على مقدمه فصوص الحكم، 219
- حاشيه على منظومه السيزواري، 1898
- حاشيه على منهج الرشاد، 792
- حاشيه على نجاه العباد، 1468
- حاشيه على وسيله النجاه، 856، 1633، 219، 566، 792
- حاشيه على وقايه الاصول، 1177
- حاشيه مختصر الاحكام، 1462
- حاشيه وسيله النجاه، 1145
- حاشيه و مستدرک على نقد الرجال، 1719
- حال العقود فى شرح حساب الجمل المعهود، 2177
- حبر الرياض فى احكام النكاح و توابعه، 2014

حج آن طور که من رفتم، 228

حجاب در اسلام، 1283

حج استدلالی، 1026

حجت قوی در ابطال مثنوی، 1502

حجیه القطع و الظن، 1988

حج در نظر حضرت سجاده، 285

ص: 2534

حج نامه، 1200

حجه الله و بلغه الالباب، 1627

حجه المنتظر، 1823

حجیت عقل یا دلیل عقلی، 1771

حجیه الظنّ الخاص و الردّ علی منکریه، 288

حجیه کتاب، 1912

حجیه المظنه، 236

حدود خسارات جهان و انحطاط مسلمین، 2025

حدیث الاهلیجه، 1502

حدیث الثقلین، 1294

حدیث الکساء، 782

حدیث رمضان، 548

حدیث سلسله الذهب، 782

حدیث متواتر رایه، 1294

حدیثی از حذیفه یمانئ، 860

حدیقه الأجاب، 575

حدیقه الذاکرین، 1224

حرمت ریش تراشی، 1854

حسد، 732

حسن المآب در هیئت جدید، 1926

حسن المحاسن در حرمت ریش تراشی، 2177



حسن و حسین، 1882

حسن یوسف، 732

حسین از دیدگاه وحی، 541

حشرات محشر، 868

حضرت بقیه الله (عج) و نود و دو تن از نجات یافتگان، 852

حضرت عیسی، 850

حقائق الفقه، 1643

حق المبین، 358

حقایق گفتنی، 1883

حقایقی از گفتنی هایی که در سقیفه رخ داد، 852

حق و باطل، 2009

حقوق العامل و الفلاح فی الاسلام، 428

حقوق الهی و بشری، 2161

حقوق جزای خصوصی، 1789

حقوق جزای عمومی اسلام، 1789

حقوق دول و ملل، 742

حقوق زن در اسلام، 1124

حقوق زن و مرد در اسلام، 250

حقوق فکری یا مبانی حقوق بشر، 1771

حقوق ملت ها در نظام اسلامی، 665

حقوق نظامیه در شرح رساله حقوق، 742

حقوق والدين بر فرزندان از دیدگاه اسلام، 2109

حقیقت نامه، 495

حقیقه الأمر فی الجبر و التفویض، 742

حکایت المعصومین، 1200

حکم الاسلام فی القومیة، 834

حکمت الهی عام و خاص، 2064

حکمت قدیم، 1596

حکمت و حکومت، 2081

حکم حکومتی، 291

حکومت از دیدگاه قرآن و عترت، 541

حکومت اسلامی، 666

ص: 2535

حكومت جهانی واحد، 2075

حكومت در اسلام، 654

حلّ المشاكل، 666

حلّ المشكلات، 868

حلّ الموارد، 1781

حل بندى، 1435

حل مشكلات الاخبار، 1170

حلّ مشكله الصعود الى السماء، 1656

حلى الدهر العاطل فى من أدركته من الأفاضل، 1011

حليه الوسمة فى حقيقه العصمه، 250

حماسه حسيني، 2009

حوادث الأيام، 843

حوادث الايام فى بيان وقايع الايام، 1435

حوار حول المهدي الفاطمي، 225

حواشى بر تجارب السلف، 1174

حواشى بر سطوح دواير و اقطاب، 219

حواشى بر عروه الوثقى، 1616

حواشى بر كتاب جواهر الكلام، 1798

حواشى بر كفايه الاصول، 2025

حواشى عروه الوثقى، 1517

حواشى على جامع المقدمات، 1761

حواشى على شرح التذكرة النصيرية، فى علم الهيئه، 1517

حواشى على كتب السنكلجى، 250

حواشى على مجمع البحرين، 1719

حواشى متفرقة على جواهر الكلام، 2022

حواشى مختصرى بر رسائل، 1547

حواشى مختصرى بر مكاسب، 1547

حواشى وسيله النجاه، 1517

حول القرآن، 1146

حول عقائد الاماميه، 220

حويشه الكفايه، 1708

حياض الزلائل فى رياض المسائل، 1762

حياه ابو طالب، 1750

حياه الايمان فى الرد على الشيخيه، 1988

حياه الست، 2119

حياه الشيخ يوسف البحرانى، 947

حياه الفاطمه (سلام الله عليها)، دربارة حضرت معصومه، 1358

حياه الفؤاد فى اثبات المعاد، 250

خ

خاطرات، 228

خاطرات دوران جهاد، 225

خاطرات و نوادر شريف، 1680

خاندان کلباسی ها، 1820

خانه مردم، 2075

ختم نبوت، 2009

خداپرستی و افکار روز، 2074

خدا در اجتماع، 2074

خداشناسی، 712، 846

خدا نه طبیعت، 1200

خدا و اولو الامر، 541

ص: 2536

خدا و مهدی (عج)، 541

خدای جهان و جهان، 2009

خدمات متقابل اسلام و ایران، 2010

خرد چیست و خردمند کیست؟، 2097

خرد داوری کند، 1283

خردنامه، 889

خردنامه تندرستی، 1905

خروج خر دجال، 1283

خزائن المراثی یا آذرستان، 1728

خزینة مخفی، 2169

خستوی، 1082

خصائص عباسیه، 382

خط امام، 291

خطبه های رسول اکرم، 1374

خطر یهود برای جهان اسلام و ایران، 1229

خلاصه تحلیلی از جنگ شکر در کوبا، 2075

خلاصه مناسک حج، 1071

خلاصه الاصول، 428، 1575

خلاصه البيان فی تفسير القرآن، 1633

خلاصه الترتیل، 1224

خلاصه الجواهر، 1993

- خلاصه العربيه، 237
- خلاصه الفصول، 818
- خلاصه القوانين، 348
- خلاصه القول فى مبدئيات الكون، 81
- خلاصه الكلام فى فقه الاسلام، 703
- خلاصه المقال فى أحوال الأئمه و الآل، 868
- خلاصه بحار الأنوار، 1399
- خلاصه حقائق الفقه، 1643
- خلاصه رجال النجاشى، 1557
- خلاصه علائم الظهور، 1502
- خلد برين، 868
- خلفای بعد از پیامبر، 230
- خلل الصلاه، 255، 268
- خليفه رسول اللّٰه، 733
- خمس استدلالی، 1146
- خمسون مسأله، 1145
- خواب دیدن ائمه اطهار، 672
- خواجه بده رسان، 331
- خواجه نصیر الدین طوسی، 733
- خواص الأعمال، 2090
- خودآموز قرآن مجید، 711

خودآموز کفایه، 965

خودجووشی، 2074

خورشید روشن، 1728

خوشنویسی یا هنر خط، 859

خیارات، 255

خیّام کیست؟، 2177

خیر الامور، 344

د

دائرہالمعارف القرآن، 541

داروهای تندرستی، 1744

داستان راستان، 2010

ص: 2537



داستانهای علوی، 2109

داستانهای مصور اسلامی کودکان، 2024

داستان هایی از زندگی پیامبر ما، 1230

داماد کربلا، 1111

دانستنی های تاریخ، 1221

دانستنی هایی از اسلام، 778

دانشکده، 263

دانشنامه علائی، 1842

داوری وجدان، 704

دایرهالمعارف تشیع، 241

دثار المؤمنین و شعار المتقین، 919

دختر وظیفه شناس، 2024

درايه الحديث، 998، 1020

دربار شاهی، 1043

در پیرامون ماتریالیسم یا منشاء فساد، 2097

درج گهر در سخنان سید البشر، 1053

درج گهر یا دریای نور، 1728

درد بی درمان یا بدبختی های اجتماع، 2077

درد و درمان یا امراض جامعه و علاج آن، 1400

درر الاخبار، 609

درر الأخبار فیما يتعلق بحال الاحتضار، 1633

درر الأشعار، 635

درر الصرف، 1625

درر الفوائد في اصول الفقه، 961

درر الكلم در كلمات قصار امام علي، 1053

درر النحو، 1625

در راه نهضت ملی ایران، 332

درس انشاء يا علم بيان، 1110

درست و نادرست، 733

درس دينداري، 2075

درس زندگي از قرآن، 1025

درس سخنوري، 250

درسهایی از انقلاب، 1138

در کلاس درس مکاسب، 318

در محضر شيخ انصاري، 318

درّ منظوم، 1200

دروس اخلاقيه، 1623

دروس الاعتقاد، 1883

دروس عرفاني از مكتب علوي، 2065

دروس في علم الأخلاق، 975

دروس متون احاديث، 671

دروس و حلول في شرح كفايه الاصول، 1154

دروغ، 732

در هندوستان متجاوز کیست، 1230

دره فروزان، 868

دره الاخبار و لمعه الانوار، 1842

دره التاج لغره الديباج، 1842، 2125

درّ یتیم، 382

دریچه اخلاق یا مقاله خصوص، 1197

دژخیمان شاه و مدرسه فیضیه، 1646

دستور العمل اصول محاکمات حقوقی، 1513

دستور العمل للنساء، 1020

دستور حکمت، 742

دستور زبان فارسی، 228

ص: 2538

دستورهای املاء و انشاء، 228

دعا، 2075

دعوت محمدیه، 1007

دفاع از اسلام و روحانیت، 1728

دفاع از حسین شهید، 1728

دفاع از شیعی گری، 2097

دفاعیات در دادگاه تجدید نظر نظامی، 2075

دفتر اشعار، 545

دفتر ثبت معاملات، 1213

دفتری در علوم غریبه، 1969

دفع الشبهه، 288

دقائق الافکار، 1904

دلایل الاحکام فی شرایع الاسلام، 1160

دلایل الأعراض، 301

دلایل الولایه، 519

دلایل العروه الوثقی، 1463

دلبند نفس، 1154

دلنامه، 967

دل و دماغ، 2074

دلیل العروه الوثقی، 541

دلیل الوراثة، 987

دور الصادق فی امامه الاسلام و المسلمین، 894

دو رساله در ولایت و حکومت اسلامی، 1568

دوره اصول، 1616

دوره کامل اصول فقه، 1997

دوزخ نامه، 868

دوستیهای تلخ و شیرین، 2024

دو شرح گسترده بر کفایه الاصول، 1299

دوشیزه قهرمان، 2078

دو طب فقاهت، 673

دو ماه در پاریس یا از یونسکو تا سوربن، 1068

دومین جنگ خانوادگی در اسلام، 1283

ده گفتار، 850، 2010

دیباچه اخلاق، 1197

دیداری تازه با قرآن، 1138

دیرین شناسی، 1241

دین الاسلام، 1545

دین چیست و برای چیست؟، 2097

دین حنیف در حرمت ریش تراشی، 1071

دین و تمدن، 2075

دین و وجدان، 842

دیوان اشعار، 198، 250، 263، 378، 421، 495، 511، 514، 522، 538، 573، 580، 819، 842، 851، 855، 596، 622، 736، 757

1883،1906،2015، ، 1350،1392،1502،1728،1835 ، 1014،1074،1082،1103،1318 ، 884،923،928،937،1008  
2148

ديوان اشعار حجه الاسلام تير، 1073

ديوان اشعار در مرثيه امام حسين، 1798

ديوان اشعار غبار، 593

ديوان اشعار فاني، 1146،2177

ديوان السيد طالب الخراسان، 834

ديوان العلوي، 1154

ص: 2539

ديوان الموسوى، 1244

ديوان امير المؤمنين، 2025

ديوان بينه رحمت در مراثنى قتيل امامت، 1502

ديوان چهارده معصوم، 950

ديوان حسنى، 510

ديوان خياط، 1440

ديوان دانش، 444

ديوان رضويه، 742

ديوان شعر، 1528.2154 ،734،760،793،1011،1435،1456 ،197،465،548،635،704،

ديوان شعر الشيخ محسن الجواهرى، 1528

ديوان شيخ جاسم خاقانى، 767

ديوان صفى صفوى، 765

ديوان غزليات و رباعيات و قطعات، 889

ديوان فكاهيات، 444

ديوان فى المدائح و المراثى، 742

ديوان فى حق النبى و الآل، 1623

ديوان قدرت، 1120

ديوان قطره، 270

ديوان كامل اشعار مجمع، 1386

ديوان مدايح و مراثى اهل بيت، 925

ديوان ناصر خسرو، 2125

دیوان هیدجی به نام، 1899

ذ

ذخائر القیامه فی النبوه و الامامه، 428

ذخایر العقبی فی شرح العروه الوثقی، 1785

ذخر المساکین در ادعیه، 2148

ذخیره، 868

ذخیره الآخره، 2045

ذخیره الصالحین فی شرح تبصره المتعلمین، 1633

ذخیره الصیام فی أحكام ارث الزوج و الزوجه، 2014

ذخیره العباد، 2014، 1868، 1790، 1462

ذخیره العباد فیما يتعلق بالمعاد، 1633

ذرائع البیان فی عوارض اللسان، 1633

ذره بی انتها، 2075

ذریعه العاصین، 1664

ذکر حسین، 2013

ذکری شیخنا الانصاری، 1750

ذهنیت و زاویہ دید، 1138

ذیل مفتاح التفاسیر، 344

ر

رابطه عالم اسلامی و هم بستگی مسلمین، 671

رابطه العالم الاسلامی قیس من ولاء علی، 671



رابنسون گروزو، 1488

راز فداکاری سالار شهیدان، 1883

راه خداشناسی یا خلاصه توحید مفضل، 228

راه سعادت، 237

راه علی، 732

راه قرآن، 732

راه محمد، 732

ص: 2540

راه مهدی، 734

راهنمائی قرآن کریم، 1155

راهنمایان توحید در حالات پیامبران، 868

راهنمای ایران، 868

راهنمای دانشوران، 1053

راهنمای دین، 358

راهنمای دینداران، 1053

راهنمای زمین شناسی، 1242

راهنمای سعادت، 1400

راهنمای شرح نظام، 1883

راهنمای علم اعلال، 1883

راهنمای علم الکتابه، 1883

راهنمای قم، 1053

راهنمای متوسلین و مستشفعین، 1173

راهنمای معلم برای تعلیم قرآن مجید، 712

راهنمای میراث لمعه، 1883

راه نو در جهان شناسی، 1053

راه و بیراهه، 2024

راه و چاه در تفسیر معوذتین، 1742

راهی طی شده، 2074

ربا، 291

رباعيات، 1198

ربا و بانكدارى، 291

ربيع الأبرار، 2177

رجال الحديث، 2001

رجال فيض، 868

رجال و حديث، 1969

رجعت، 220

رجوم الشياطين فى دفع اشتراكى المشركين، 2148

ردّ الجبهان، 767

ردّ الجمعه الى اهلها، 428

ردّ الحنفاوى، 767

ردّ الخطوط العريضة، 767

ردّ بر بر بابيت، 1876

ردّ بر نصارى، 1876

ردّ بهائيت، 576

ردّ رساله حجاب خالصى زاده، 1294

ردّ رساله حجاب سروان ملايرى، 1294

ردّ شيوخه، 1541

ردّ على ردّ السقيفه، 428

ردّ مادىگرى يا توحيد نجم آبادى، 255

رسائل حكميه، 1065

رسائل في العلوم الغريبه، 611

رسائل في الفقه، 257

رسائل في النحو، 257

رسائل في علم الكلام، 1650

رسائل در جفر، 1744

رسائل در رمل، 1744

رسالتان في ارث و نفقه الزوجه، 1725

رسالت تشيع در دنياى امروز، 1569

رساله اى در اثبات توحيد، 738

رساله اى در اثبات ذات، 1567

رساله اى در اثبات صانع و نبوت خاصه و امامت امير المؤمنين، 1922

ص: 2541

- رساله ای در اجاره، 382
- رساله ای در احکام اموات، 2148
- رساله ای در احکام حج، 352
- رساله ای در احکام صلاه، 352
- رساله ای در احکام عبید و اماء، 1854
- رساله ای در احکام میّت، 1431
- رساله ای در اخلاق، 1327
- رساله ای در اسماء و صفات، 1567
- رساله ای در اصول دین، 382
- رساله ای در اعتباریات، 1567
- رساله ای در اعجاز قرآن، 592
- رساله ای در افعال، 1568
- رساله ای در ایمان، 1876
- رساله ای در بداء، 376
- رساله ای در بیع، 382
- رساله ای در تحقیق ما وضع له الكل، 1883
- رساله ای در ترکیب، 1567
- رساله ای در تسخیر و احضار، 2154
- رساله ای در تعاقب ایدی، 1980
- رساله ای در تعبیر خواب، 382
- رساله ای در تعلیم و تربیت، 1327

رساله ای در توحید، 1726

رساله ای در توحید و نبوت و امامت، 1133

رساله ای در توضیح معنای جعل، 1883

رساله ای در جبر و تفویض، 1484، 1575، 2162

رساله ای در حبط و تکفیر، 1431

رساله ای در حجّ، 484

رساله ای در حدیث رفع، 1980

رساله ای در حدیث غدیر، 938

رساله ای در حق و حکم، 755

رساله ای در خلل صلاه، 1979

رساله ای در خلل صلاه، 2143

رساله ای در خمس، 1431، 1979

رساله ای در ردّ داروین، 1327

رساله ای در ردّ صوفیه، 755، 1929

رساله ای در ردّ فرقه ضالّه بایّه، 1798

رساله ای در ردّ مشروطیت، 419

رساله ای در ردّ وهابیت، 1737

رساله ای در زندگی نامه فاضل شریانی، 1360

رساله ای در سیر و سلوک، 2064

رساله ای در شرایط اجتهاد، 382

رساله ای در شرح حال بیهقی، 1842

رساله ای در شق القمر، 1133

رساله ای در صلاه، 1646

رساله ای در صلاه مسافر، 1979

رساله ای در صلاه مسافر و حمل جنائز و سجده بر تربت، 981

رساله ای در عدالت، 1775

رساله ای در عقاید، 2119

رساله ای در علم اقتصاد، 1327

رساله ای در هیئت و نجوم، 1926

رساله ای در علوم غریبه، 1173

رساله ای در غصب، 1537

رساله ای در غنا، 2119

ص: 2542

رساله ای در غیبت، 755

رساله ای در فلسفه کلی، 2064

رساله ای در قاعده ضمان ید، 1268

رساله ای در قاعده لا ضرر، 1287

رساله ای در لباس خز و سنجاب و سمور، 1294

رساله ای در لباس مشکوک، 1537، 987، 412، 2162

رساله ای در لبس خز، 1883

رساله ای در مبحث استصحاب، 1036

رساله ای در مراتب ادراک، 2065

رساله ای در مراتب عشق، 2065

رساله ای در مشتق، 1268

رساله ای در معراج، 1133

رساله ای در منازل الآخرة، 1328

رساله ای در منطق، 1785

رساله ای در نبوات و منامات، 1567

رساله ای در نبوت، 1568، 902

رساله ای در وجوب حجاب، 1929

رساله ای در وجه تأملات مکاسب، 260

رساله ای در وسائط میان خدا و انسان، 1568

رساله ای در وصیت، 382

رساله ای در ولایت، 1922، 1568



رساله ای راجع به رعایت صلۀ رحم سادات، 1871

رساله ای مختصر در هندسه، 1065

رساله تحریم استطران حاجیان از راه جبل به مکۀ معظمه، 1268

رساله توضیح المسائل، 1145

رساله در اثبات اصول عقاید، 1997

رساله در اثبات عدم تحریف قرآن، 819

رساله در اثبات وجوب حجاب در دین مبین اسلام، 864

رساله در ادعیۀ مخصوص، 2177

رساله در ارث، 2177

رساله در اصول، 1011

رساله در اصول دین، 793، 819

رساله در اصول فقه، 2177

رساله در اعجاز، 1569

رساله در امر به معروف و نهی از منکر، 819

رساله در برهان، 1567

رساله در بیان، 2177

رساله در پیدایش موسیقی و تعریف آن، 1103

رساله در تحلیل، 1567

رساله در تربت، 1170

رساله در تقیه، 819

رساله در حج، 819

رساله در حجیت ظن، 810

رساله در حدود عالم، 1997

رساله در حرمان زوجه از عقار، 1170

رساله در حرمت شطرنج، 2177

رساله در حقوق زن در اسلام، 819

رساله در حقیقت تجری، 1358

رساله در حکم ماء غساله، 819

رساله در خلل، 1170

رساله در درایه، 1011

ص: 2543

- رساله در ربا، 1170
- رساله در ردّ شبهات و هابیه، 819
- رساله در ردّ صوفیان، 1726
- رساله در رد طایفه و هابیت، 1675
- رساله در ردّ نظریه داروین، 2148
- رساله در شجره و نسب امامزاده داود، 1679
- رساله در شرح حالات حضرت سستی فاطمه، 635
- رساله در صرف، 1011
- رساله در صلاه، 2177
- رساله در صلح، 1170
- رساله در طهارت، 2177
- رساله در عدالت، 1686
- رساله در عدم شرطیه رجوع یومیه مسافر، 1170
- رساله در علم جفر، 2112
- رساله در علم صرف، 2177
- رساله در علم کیمیا، 2177
- رساله در فروع سنیه، 1170
- رساله در فروع نقلیه، 1170
- رساله در فقه، 1011
- رساله در قاعده لا ضرر، 1170
- رساله در قاعده من ملک، 1170

رساله در قاعده لا تعداد، 1686

رساله در قضاء، 810

رساله در کلام، 1011

رساله در لباس مشکوک، 1686، 1358، 1170

رساله در مجازات الرجل و المرأة، 1170

رساله در مسائل فروع علم اجمالی، 1358

رساله در معنی حرفی، 1358

رساله در مغالطه، 1567

رساله در مقدمه واجب، 810

رساله در ملازمه، 1170

رساله در منجسیه المتنجس، 1170

رساله در منطق، 2177، 1012

رساله در مواعظ، 1170

رساله در نحو، 2177، 1012

رساله در نکاح، 819

رساله در نماز جمعه، 1686

رساله در نماز جمعه در زمان غیبت، 1170

رساله در وضع، 1170

رساله در وقف و موقوفات، 1103

رساله در ولایت، 810

رساله در هندسه، 2177

رساله علم امام، 1147

رساله عملیه، 811، 1170، 1300

رساله مفردات قرآن، 1170

رساله هائی در جفر، 1746

رساله هائی در رمل، 1746

رساله هایی در ردّ بهائی ها و تصوف، 1322

رساله آدمیت، 1103

رساله اجتماع امر و نهی، 815

رساله استدلالی در بیع کلی، 810

رساله استدلالی در خیارات، 810

رساله استدلالی در وجوب صلوات بر پیغمبر، 810

رساله استفتائات، 1724

ص: 2544

رسالة افضسيه، 782

رسالة انسان بعد الدنيا، 1568

رسالة انسان في الدنيا، 1568

رسالة انسان قبل الدنيا، 1568

رسالة تجرد نفس مردمي، 1842

رسالة ترتب، 815

رسالة تميزه، 1513

رسالة توضيح المسائل، 601

رسالة جهل اسم و شرح خواص آن، 2154

رسالة حي بن يقظان پسر طبيعت، 263

رسالة در عدم تحريف قرآن، 259

رسالة ردّ بر تناسخ و احوال بعد از مرگ، 1485

رسالة رضاعيه، 344

رسالة رضوان الله اكبر، 1502

رسالة ره انجام، 1842

رسالة شريفة ولايت، 1435

رسالة شعريه در جبر و تفويض، 884

رسالة صفوت، 1199

رسالة صلاة الجمعة، 1979

رسالة علميه، 1029

رسالة عماديّه، 1065، 1062

رسالة عمليه، 325، 296، 277، 230، 220، 965، 862، 793، 781، 657، 455، 334، 1505، 1361، 1309، 1287، 1268، ، 1522،  
1866، 2068، 2149، 2165، 1529، 1675، 1810، 1848

رسالة عمليه حاشيه بر مجمع المسائل، 1189،

رسالة عمليه توضيح المسائل، 2189،

رسالة عمليه «مجمع المسائل»، 2129،

رسالة عمليه منتخب الأحكام، 1359،

رسالة قاعدة لا ضرر، 815،

رسالة قبله، 344،

رسالة لباس مشكوك، 815،

رسالة لقاء الله يا السير الى الله، 483،

رسالة محرمات ابدية، 344،

رسالة معراج، 220،

رسالة مناسك حج، 325،

رسالة مناسك و مسائل حج و عمره، 671،

رسالة منتخب التوضيح، 1888،

رسالة موقوفه و وقف در اسلام، 1105،

رسالة نقليه، 1675،

رسالة نوروزيه، 2151،

رساله ابقاء الحليه في وجوب اعفاء اللحيه، 1929،

رساله الاحباط فيما اشتهر من الاغلاط، 2154،

رساله الاشتراك في اللغه، 436،

رسالة الأمر بين الأمرين، 760

رسالة الامضاء فى القدر و القضاء، 1361

رسالة التقوى و ما أدراك ما التقوى، 1679

رسالة الحقوق حضرت امام سجاد، 819

رسالة المحرمات بالنسب، 1641

رسالة المشتق، 1930

رسالة النهى فى المعاملات، 1309

رسالة النيه، 2143

رسالة الهدى، 1713

ص: 2545



رساله ايران الثوره فى عيد ميلاد المسيح، 894

رساله در اتحاد عاقل و معقول، 220

رساله در حقيقت عقل، 220

رساله در مبدا و معاد، 220

رساله عمليه، 2049، 306

رساله فى اثبات اصاله الماهيه، 1263

رساله فى اثبات المعاد الجسماني، 2057

رساله فى اجتماع الامر و النهي، 1309، 403، 1468

رساله فى احكام الطبابه و الصيدليه، 1656

رساله فى ارث الزوجه من الثمن أو العقار، 403

رساله فى استحباب لبس السواد فى ايام عزاء الامام الحسين الشهيد، 1359

رساله فى اصاله البراءه، 961

رساله فى اعتبار قول العدل الواحد، 334

رساله فى اعتراف الاعداء بعظمه الاسلام، 250

رساله فى اعتراف المخالفين بفضائل على، 250

رساله فى اعجاز القرآن، 1742

رساله فى أفعل و ما افعل، 245

رساله فى الاجاره، 2113

رساله فى الاجتهاد و التقليد، 1724، 1656، 1742، 1737

رساله فى الاجزاء، 733

رساله فى الارث، 1256، 961

رساله فى الاستصحاب،1516،1359،760،621

رساله فى الاستصحاب،1283

رساله فى الاسطرلاب،1716

رساله فى الأغسال،916

رساله فى الأمر بين الأمرين،975،455

رساله فى البداء،1145

رساله فى البرزخ،1854

رساله فى البيع،704،376

رساله فى البيع و الخيارات،784

رساله فى التجرى،1988

رساله فى التعادل و الترجيح،2014،1737

رساله فى التيمم،1633

رساله فى الجبر و التفويض،2057

رساله فى الجفر الجامع،421

رساله فى الحج،1633

رساله فى الخمس،1732،1719،1100،236

رساله فى الديات،1719

رساله فى الذكر و الدعاء،1656

رساله فى الذين تكلموا حين ولادتهم أو فى صغر سنهم،1854

رساله فى الربا،611

رساله فى الرجعه،1170

رساله فى الرشوه، 1742

رساله فى الرضاع، 1468، 961، 932، 334، 2143، 1779، 1737

رساله فى الرهن، 1100

رساله فى الشبهه العبايه، 733

رساله فى الشرط و آثاره، 245

رساله فى الشيطان و مكائده، 1854

رساله فى الصلاه، 1852

ص: 2546

رساله فى الصنعه و الكيمياء، 2154

رساله فى الطب و الاراده، 975، 2057

رساله فى الطهاره، 1732

رساله فى العداله، 1737، 1742

رساله فى العصير العنبى، 334

رساله فى العقود، 1883

رساله فى العلم الاجمالى، 1732، 2057

رساله فى الغساله و احكامها، 220

رساله فى الغنيمه، 916

رساله فى القبله، 1648

رساله فى القضاء، 1719

رساله فى القطع، 975

رساله فى الكنى و الألقاب، 738

رساله فى اللباس المشكوك، 1309، 2068، 344، 1181

رساله فى المتنجس، 334

رساله فى المشتق، 1468

رساله فى المشتقات، 793

رساله فى المعاد، 2057

رساله فى المعاد الجسمانى، 1397

رساله فى المعاطات، 1633

رساله فى المعراج الجسمانى، 2058

رساله فى المفاهيم، 1100

رساله فى المقادير، 1883

رساله فى الملاقى لأحد أطراف الشبهه المحصوره، 733

رساله فى النجاسات، 1854

رساله فى النفاس، 1633

رساله فى الوجود و الماهيه و نقد نظريه وحده الوجود، 1742

رساله فى الوقت، 1517

رساله فى الوقف، 1737

رساله فى الوقف الذرى، 760

رساله فى الولايه، 1724

رساله فى اليانصيب، 1656

رساله فى اليد، 236

رساله فى اوزان البلاد، 1435

رساله فى أحكام البسمله و أسماء الله تعالى، 1742

رساله فى أحكام الصلح، 1717

رساله فى أحكام القضايا البسائط و المركبات، 1707

رساله فى أعظم كل شىء فى العالم، 1435

رساله فى أن الواحد لا يصدر عنه الواحد، 1263

رساله فى أهميه علم الاخلاق، 1742

رساله فى بطلان الترتب، 1737

رساله فى بعض مسائل الصلاه، 793

رساله فى بيان العيوب الموجهه لردّ النكاح، 215

رساله فى تحقيق الوطن الشرعى، 334

رساله فى ترجمه السيد عبد الحسين الخاتون آبادى، 782

رساله فى ترجمه الفتال النيسابورى، 783

رساله فى تفسير آيات الصوم، 1742

رساله فى تنجيس المتنجس و عدمه، 2068

رساله فى تنقيح المطالب المهمه فى عمل الصور المجسمه، 1516

ص: 2547

رساله فى جريان الاستصحاب، 1170

رساله فى جمع أخبار الطينه و الخلقه من الأرواح و الأبدان، 611

رساله فى جواز التوكيل عن الزوج فى الرجوع الى زوجته، 1912

رساله فى حجيه الخبر الواحد، 1283

رساله فى حديث لا تعاد، 334

رساله فى حرمه نقل الموتى، 2177

رساله فى حقوق الاخوان، 1020

رساله فى حقيقه الكتاب و الميزان، 2058

رساله فى حقيقه الوجود، 787

رساله فى حكم الزوجه المفقود عنها زوجها، 2049

رساله فى حكم الفقاع، 334

رساله فى حكم نجاسه الباطن، 733

رساله فى شرائط العوضين، 793

رساله فى شركه التأمين، 1656

رساله فى شق القمر، 2058

رساله فى صلاه الجمع، 1656، 1641، 212

رساله فى صلاه المسافر، 1854، 1231

رساله فى طهاره و نجاسه اهل الكتاب، 334

رساله فى عدم توقف حجيه الخبر الواحد على حصول الظن، 250

رساله فى عقد البيع، 436

رساله فى علم الجفر، 334

رساله فى علم الحروف و الجفر، 1656

رساله فى عموم حجيه البيئه، 334

رساله فى قاعده اليد، 1656

رساله فى قاعده لا تعاد الصلاه، 2189

رساله فى قاعده لا ضرر، 1283

رساله فى قاعده لا ضرر و لا ضرار، 2189

رساله فى قول ذى اليد، 334

رساله فى لباس المصلّى، 1742

رساله فيما يعلم به البلوغ، 1517

رساله فى مباينه صفات الله تعالى لصفات مخلوقاته، 1742

رساله فى مجهول المالك و اللقطه و ردّ المظالم، 1656

رساله فى معاملات البنوك، 1656

رساله فى معنى التفسير و التأويل، 1742

رساله فى مقدمه الواجب، 733، 1901، 2014

رساله فى منجزات المريض، 260، 403

رساله فى نسب سادات طغرد القميين، 782

رساله فى نفى الضرر، 245

رساله فى وحده الوجود، 2058

رساله مختصره، 793

رساله مسأله الكرّ و الجمع بين الروايات فى تحديده، 1263

رساله معرفه النفس و معرفه الرب، 1065



رساله مفرج الكروب فى ترجمه صاحب ارشاد القلوب، 783

رسائل فلسفى، 220

رستگاران، 1155

رسم المشق، 1199

رسول اكرم، 1230

ص: 2548

رسول الحياه، 548

رشد المسترشد، 1627

رشيد در پاي تخت رشيد، 2097

رضاعيات، 1066

رفع الغاشيه عن غوامض الحاشيه، 1761

رگ شناسي، 1842

رمز العرفان في معرفه الحقوق، 1191

رمز ترقى، 2024

رمز سعادت يا معارفى از اسلام، 1189

رمز نيك بختى جوانان، 852

رنگارنگ، 1073

روان شناسي، 1842

روان شناسي پرورشي، 1068

روان شناسي جديد، 1068

روان شناسي جنائى، 1068

روح الفوائد، 2171

روحانيت، 1283

روح فرهنگ اسلام، 1230

روزنامه «رعد امروز»، 1098

روزنامه «كوكب غرب»، 1278

روزنامه «گنجون»، 1211

روزنامه «انقلاب بی رنگ»، 330

روزنامه «بهار آذربایجان»، 1917

روزنامه «پیکار مردان»، 330

روزنامه «توحید افکار»، 1081

روزنامه «تهران»، 537

روزنامه «جامع»، 883

روزنامه «رعد»، 1098

روزنامه «روش خلق»، 301

روزنامه «سعادت ایران»، 1278

روزنامه «صدای قم»، 1074

روزنامه «غرب ایران»، 967

روزنامه «گلستان»، 1675

روزنامه «لسان الغیب»، 536

روزه و ماه خدا، 2025

روش اندیشه، 1844

روش برداشت از قرآن، 1138

روش خوش بختی، 1124

روش نقد، 1138

روش نگارش یا موضوع نویسی، 889

روض الریاحین، 782

روضه الأحباب، 2001

روضه البهيته، 1026

روضه العارفين، 2001

روكامبول، 2169

رهبانان اروپا با مبلغ اسلام، 868

رهبر دانشوران، 1053

رهبری پرچمدار مبارزه با كفر و استكبار، 291

رياحين الاشراف في بساتين الاذواق، 522

رياض الجنان، 1545

رياض المقاصد في شرح قصيده الشيخ حسن بن راشد (في مدح صاحب الزمان (عج)، 1160

رياض يا مجموعته دل فريب، 1173

ري باستان، 619

ص: 2549

ريحان المجالس و تحفه المؤانس، 834

ريحانه الادب في تراجم المعروفين بالكنيه او اللقب، 1763، 1799

ريشه هاى دين، 1578

ريشه خيانت هاى اموى، 1283

رؤيه الأهل، 1852

ز-ژ

زاد المعاد علامه مجلسى، 1268

زيده الأحاديث، 838، 1348

زيده الأحكام، 998

زيده الأدعيه، 635

زيده الاسرار، 375

زيده التفاسير، 1173، 1719

زيده المآثر في ترجمه المولى باقر، 1665

زيده المواعظ، 2177

زكات، 654

زكات در اسلام، 1883

زكاه الفطره، 1155

زالال المقال، 1159

زمان و انسان، 2076

زنادقه در اسلام، 981

زن از دیدگاه شريعت اسلام، 1146

زنان بزرگ اسلام، 1754

زنجان فی التاریخ، 1263

زنجیر حیات، 2013

زندگانی آیت الله سیّد ابو القاسم کاشانی، 1679

زندگانی ابو علی سینا، 263

زندگانی امام حسین، 266

زندگانی امام صادق، 1192

زندگانی چهارده معصوم، 1530، 1173

زندگانی حضرت خامس آل عبا، 263

زندگانی حضرت عبد العظیم حسنی، 1679

زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا، 263

زندگانی حضرت فاطمه، 935

زندگانی حضرت محمّد، 1230

زندگانی حضرت موسی بن جعفر، 263

زندگانی عسکریین و تاریخچه سامرا، 263

زندگانی علی بن سهل اصفهانی، 884

زندگانی محمّد، 1264

زن و آزادی، 732

زن و آینه، 2128

زیارتنامه حضرت رضا، 732

زید الشهید، 834

زیر درختان سدر، 733

زیف التوحید الوهابی، 834

زینب الکبری من المهد الی اللحد، 1812

زیور زنان، 868

ژاپن سومین دوره مسابقات آسیایی توکیو، 1185

س

ساختمان بشر در شرح حدیث نبوی، 1572

سازگاری ایرانی، 2074

ص: 2550

سازمان فرهنگی ایران، 1185

سالنامه، 2025

ساعتی مانتالیسم، 850

سبب، 733

سبعه سلف، 1992

سبیل الرشاد فی شرح نجاه العباد، 236

سبیل الرشاد لأهل الزهد، 1627

سبیل المؤمنین لتحصیل الزاد لیوم الدین، 1806

ستاره درخشان، 923

ستاره درخشنده آسمان ولایت، 2020

سجع البلابل فی ترجمه صاحب الوسائل، 782

سخنان سران کمونیسم درباره خدا، 733

سخنان ماه مبارک، 1155

سخن حق در تفسیر قرآن، 779

سخنرانی رادیو، 1018

سخنرانی های آیتی، 1374

سخنرانی های مذهبی در رادیو ایران، 2097

سخنی چند با علی شریعتی، 1283

سراج المؤمنین، 635

سراجة اخلاق، 1197

سر الاسرار فی مصائب الابرار، 2148



سر السعاده، 336

سر الصدور في بطلان العباده بالا جور، 923

سرّ تشابه القرآن، 834

سرچشمه استقلال، 2074

سرگذشت شيخ طوسی، 344

سرگذشت یک ساله، 344

سرمايه سخن، 1374، 1434

سرور الفؤاد يا زندگانی امام جواد، 264

سروش مقدس وادی ایمن مکه و مدینه، 671

سعادت بشر در اثبات نبوت مطلق و نبوت سیّد بشر، 1509

سعادت چیست و سعادت‌مند کیست، 255

سفرنامه، 1217

سفرنامه ای خطی، 1512

سفرنامه حج، 1018، 1931

سفرنامه رضوی، 743

سفرنامه سیّد محمود و علی آقا، 850

سفرنامه غروی، 743

سفرنامه کار پنتر، 264

سفرنامه کار پنتر، 266

سفیر الحسین، مسلم بن عقیل، 834

سفینه غواصه، 2169

سفینه النجاه، 819

سقوط تعهدات، 1250

سقوط ناپلئون سوم، 2169

سقیفه و اختلاف در تعیین خلیفه، 264

سقیفه سخیفه یا بطلان اجماع و شوری، 852

سلسله الذهب در انساب، 868

سلیمان و بلقیس، 2024

سمبولی از شعر و ادب معاصر، 583

سموم قتاله در اخلاق، 1469

سنن النبی، 1569

سوانح، 344

ص: 2551

- سوانح حیات، 998
- سوانح عمری یا آثار تاریخی، 1249
- سوانح مولوی، 1488
- سوداگران، 1155
- سورۃ فلق، اعجاز قرآن، 852
- سورۃ کوثر، جلالت حضرت فاطمه، 852
- سورۃ و العصر، امام زمان، 852
- سورۃ المنتهی، 576
- سومین جنگ خانوادگی در اسلام، 1283
- سوی خدا برود، 376
- سهام نافذہ، 288
- سیاحت نامۃ دکتر ژاک آمریکایی، 889
- سیاحت نامۃ فیثاغورس در ایران، 2169
- سیاحہ تحت البحر، 2169
- سیاست روز، 583
- سیاست نامہ، 495
- سیاست نامۃ حضرت علی، 1053
- سیاہ مشق ہا، 1199
- سیّد جمال اسدآبادی، 285، 1230
- سیّد حسین طباطبائی بروجردی، 401
- سیر القاب و عناوین در اسلام و ایران، 229

سیر تحول قرآن، 2075

سیر فلسفه در اسلام و سعادت، 2010

سیره و قیام زید بن علی، 619

سیره حسنه، 1200

سیره نبوی، 2010

سیره الامام علی، 935

سیره الرسول الاعظم، 1813

سیره النبی، 1294

سیری در زندگی، 328

سیری در زندگی و مقایسه اعمال معدود رهبران ملل، 332

سیری در نهج البلاغه، 2010، 1135

سیل اشک، 449

سیمای اخلاق اسلامی، 2109

سیمای زن در نظام اسلامی، 291

سؤال و جواب، 232، 576

ش

شارب ننگین، 1883

شالوده علوم جدید در اسلام، 1230

شاهنامه فردوسی و فرهنگ ایران، 396

شان نزول آیه التطهیر و أنها نزلت فی الخمسه الطاهره، 1854

شبهای پیشاور، 1668، 1669

شذرات موحدى، 1849

شجرة طوبى، 576

شخصيات عايشتها، 834

شخصيت، 1068

شخصيت حضرت فاطمة زهرا، 2039

شخصيت فردوسى، 1105

شخصيه المسلم، 469

شذرات الذهب، 1124

شذرات من الاقتصاد الاسلامى، 428

ص: 2552

شرايط الاحكام، 344

شرايع الاسلام فى مسائل الحلال و الحرام، 894

شرح اجروميه در علم نحو، 349

شرح احوال ائمه، 260

شرح اربعين حديثا، 1171

شرح ارشاد، 1870

شرح استدلالى بر ملحقات عروه الوثقى، 1171

شرح استدلالى عروه الوثقى، 1171

شرح اسفار، 1299

شرح اصول الكافى، 1397

شرح اعتقادات مجلسى، 1210

شرح الاربعين حديثا، 2148

شرح الارشاد، 288

شرح البدايه فى علم الدرايه، 894

شرح البهجه المرضيه، 500

شرح التوحيد، 2147

شرح الخيارات من المكاسب، 1097

شرح الدرّه الفاخره، 1063

شرح الرسائل، 1912

شرح الروضه البهيّه، 1912

شرح الشفاء، 2081

شرح الصحیفه السجادیه، 1623

شرح العروه الوثقی، 1779، 1686، 212، 2017، 1979

شرح العروه الوثقی، 1732، 1656، 1242

شرح الفیه بحر العلوم، 1283

شرح القطع من الرسائل، 1097

شرح اللمعه دمشقیه، 1283

شرح المكاسب، 2014، 1171

شرح المنظومه، 1263، 212

شرح الموارث من كتاب الحدائق، 1713

شرح بحث استصحاب در اصول، 1883

شرح بحث برائت در اصول، 1883

شرح بخشی از منظومه، 465

شرح برخی از خطب نهج البلاغه، 938

شرح بر رسائل، 2149

شرح بر صحیفه سجادیه، 720

شرح بر کفایه الاصول، 1605

شرح بر نهج البلاغه، 526

شرح بر وصیت نامه سیاسی الهی آیت الله خمینی، 291

شرح بیع مکاسب، 412

شرح تبصره المتعلمین، 2017

شرح تبصره المتعلمین، 793، 500، 349، 1779، 1737، 1171

شرح تجريد الاعتقاد، 1742

شرح تحرير الوسيله، 349

شرح چغمينى، 1160

شرح حال، 1189

شرح حال پیامبر اسلام، 526

شرح حال شاگردان شيخ انصارى، 1752

شرح حال شيخ صدوق، 930

شرح حال صدر المتألهين و حرکت جوهریه، 220

شرح حال محمد بن ابوبکر، 672

ص: 2553



- شرح حال ملا صدرا شیرازی، 1264
- شرح حال ملا صدرا و حرکت جوهریه، 259
- شرح حال 200 نفر از شعرا، 401
- شرح حدیث کسا، 210
- شرح حدیثی از کافی، 344
- شرح حدیثی از من لا یحضره الفقیه، 344
- شرح حضرت امیر المؤمنین در نهج البلاغه، 1171
- شرح حکمه العین، 1842
- شرح خطبه لمّه، 1277
- شرح خطبه حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا، 1277
- شرح خطبه حضرت فاطمه، 166، 1053
- شرح خطبه الصدیقه الزهراء، 1713
- شرح دعای ابو حمزه ثمالی، 1171
- شرح دعای افتتاح، 1171، 1742
- شرح دعای السمات، 1171
- شرح دعای صباح، 230
- شرح دعای عرفه، 1575
- شرح دعای کمیل، 166، 1171، 1854
- شرح دعای مکارم الاخلاق، 166، 1742
- شرح دعای ندبه، 1018، 1933
- شرح دعاء السحر، 220

شرح دعاء الصباح، 1171، 260

شرح دعاء الندبه، 1929

شرح ديواجه الرساله الجعفریه، 1870

شرح ديوان الامام زين العابدين، 834

شرح ديوان رضی، 466

شرح ديوان ناصر خسرو، 466

شرح رسائل، 1359، 1171

شرح رساله الدماء الثلاثه، 1912

شرح زندگانی مرحوم داعی الاسلام همدانی، 1103

شرح زندگانی و وفات حضرت علی بن موسی الرضا، 285

شرح زندگی علی اکبر، 1728

شرح زیارت وارث، 1933

شرح زیاره الجامعه الكبيره، 1888، 1171

شرح «سبیکه الذهب»، 348

شرح شرائع الاسلام، 760

شرح شرايع، 1145

شرح صمدیه، 1708، 230

شرح عروه الوثقی، 1605، 1299

شرح عقاید شیخ بهائی، 1205

شرح علی الرسائل، 576

شرح علی المكاسب، 576

شرح على المنظومه، 932

شرح على حاشيه ملا عبد الله، 1466

شرح على كفايه الاصول، 466، 760

شرح على وسيله النجاه، 1171

شرح فارسي بر تجريد الكلام، 1775

شرح فارسي بر درايه الحديث، 1842

شرح فارسي بر لمعه دمشقيه، 1842

شرح فارسي مكاسب شيخ انصاري، 1775

شرح فرمايش حضرت ختمى مرتبت، 1171

ص: 2554

شرح قصائد مشير الاحزان، 2017

شرح قصيده سادسه عينيه، 166

شرح قصيده عينيه سيد اسماعيل حميري، 1798

شرح قصيده لام عمر و باللوى مربع به فارسى، 345

شرح قصيده ابن عبدون الحضرمي، 1528

شرح قصيده كعب بن زهير، 288

شرح قواعد الاحكام، 1258

شرح قوانين كيفري مصوب مجلس شوراي اسلامي، 1790

شرح كتاب الطهاره من الشرائع، 704

شرح كتاب الميراث من اللمعه، 1097

شرح كتاب بيان، 1798

شرح كتاب رسائل، 657

شرح كتاب طهارت از عروه الوثقى، 779

شرح كتابي الطهاره و الصلاه من العروه الوثقى، 1648

شرح كفايه الاصول، 1171، 412، 318، 225، 2017، 2014، 1359، 1300

شرح كلمات قصار مولى امير المؤمنين، 635

شرح لغات بديعي، 1173

شرح لغز به نام ابراهيم، 345

شرح مزجي بر باب حادى عشر، 1605

شرح مشاهد مشرفه، 1105

شرح مشكلات ديوان سيد رضى، 1189

شرح معالم الاصول، 1283، 1004

شرح مفصل عروه الوثقى، 1725

شرح مناسك الحج، 2017

شرح منظومه، 2010

شرح منظومه سبزواری، 1283

شرح منظومه الاصول، 1502

شرح منظومه الشهاب الثاقب فى الامامه، 1527

شرح منظومه تحفه الحكيم، 2058

شرح نامه همايون، 166

شرح نجاه العباد، 1527، 298

شرح نهج البلاغه، 1813، 720، 673، 220، 166

شرح نهج البلاغه به نظم و نثر، 644

شرح و ترجمه كتاب المشاعر، 1063

شرح و ترجمه نهج البلاغه، 1005

شرح و تعليقات على تتمه صوان الحكمه، 1842

شرح وجود ذهنى از اسفار، 466

شرح و حاشيه بر منطق التجريد، 1592

شرح وسيله النجاه، 2113

شرح وقت و قبله از لمعه، 362

شرح هيئت چغمينى، 1299

شرحى بر ارشاد، 580

شرحی بر ارشاد قلوب، 1024

شرحی بر اشارات، 301

شرحی بر رسائل، 1283

شرحی بر رسالہ مسألہ الوجود، 1065

شرحی بر طہارت عروہ الوثقی، 1997

شرحی بر قانون، 301

شرحی بر مشکلات اشعار حافظ، 2058

شرحی بر مکاسب، 2015

ص: 2555

شرحی بر منازل السائرین، 1087

شرحی بر منظومه «الدره النجفیه»، 1790

شرحی بر نجاه العباد، 459

شرط و جزاء، 1200

شرع مؤبد در خاتمیت محمد، 250

شرعیات ابتدایی، 536

شصت مقاله، 1268

شطرنج العرفاء، 884

شطرنج و دیه از دیدگاه احکام فقهی، 291

شعائر حسینیہ، 1145

شعب المقال فی أحوال الرجال، 288

شعر العجم یا تاریخ ایران منظوم، 1488

شعر فارسی، 1068

شعرهای شهادت، 1138

شفاعت، 1283

شفاء الصدور در تفسیر سورة قدر، 2148

شفاء المریض فی الجبر و التفویض، 1469

شقایق، 868

شکوفه های معطر، 1728

شکایات نماز، 1854

شمس الضحی فی مناقب النبی و الأئمه الهدی، 2001

شمشیر بران یا خیبر، 376

شمع انجمن، 736

شمع جمع در نعت ائمه اطهار، 1883

شناخت امام زمان، 981

شناخت شیعه، 541

شناسائی هفت تن در صدر اسلام، 852

شهادت و ولایت، 987

شهادی اسلام، 1374

شیخ انصاری محقق و مؤسس، 462

شیعتنا، 541

شیعه چه می گوید؟، 2097

شیعه در اسلام، 1569، 2051

شیعه و زمامداران خودسر، 2023

شیعه یا پدیدآورندگان متون اسلام، 1053

ص

صحائف فی الفلسفه، 733

صحابه الرسول الاکرم و الائمه، 1359

صحت و سعادت، 1201

صحنه های خوش منظر در تفسیر سوره کوث، 1742

صحو المعلوم فی ردّ کتاب محو الموهوم، 250

صحیفه فال از صحف وجدانی، 1885



صحيفة قائميه، 1268

صحيفة الأبرار، 1962

صحيفة المتهدج، 469

صد درس، 536

صدق الخبر في خوارج القرن الخامس عشر، 834

صراط النجاه، 1159

صراط النجاه في العقائد، 2096

صراط مستقيم، 868

صراط مستقيم در شرح رساله حقوق، 1290

ص: 2556

صراف الصرف در علم صرف، 1720

صرف آسان، 2179

صرف، صرف و نحو و قرائت، 1596

صرف فارسی، 536

صرف و نحو، 666

صفات ابی طالب عبد مناف، 2012

صلاه الجماعه، 268

صلاه الجمعه، 259

صلاه الجمعه، 916

صلاه المسافر، 230، 259، 268، 334

صنعت مرغدارى، 332

صواب الخطاب در وجوب حجاب، 2148

صورت رقبات موقوفه آستانه قم، 635

صورت مجلس یکی از محاضر حضرت امیر مؤمنان علی، 345

صيد و ذباجه، 345

صيغ العقود، 998، 1173

ض

ضجة بينوايان، 868

ضريب تبادل ماديات و معنويات، 2074

ضمنيات در رجال، 738

ضوابط بررسى و تدوين تاريخ اسلام، 1686

ضوء الرشيد في احكام النبي الامجد، 761

ط

طب الامام أمير المؤمنين علي، 81

طب الامام موسى الكاظم، 81

طب النبي، 1883

طبرسي و مجمع البيان، 619

طبقات الرجال، 600

طبقات الرواه، 1027

طبقات المفسرين، 1719

طبقات النسايين، 781

طبيب فقرا، 2169

طرائف المقال في معرفه طبقات معرفه طبقات الرجال، 1027

طرز دادرسي و مسئوليت كيفري در حقوق اسلام، 850

طرق الجنه، 704

طرق الوصول الى دفائن العقول، 1929

طريق المعرفه، 767

طريق النجاه، 1868، 793

طريقه تست، 1068

طلب الثار في احوال المختار، 1572

طلب و اراده، 1502

طلوع الفجر في شهاده الامام الحسين، 704

طليعه سعادت، 868

طمعكاران كينه ووز، 2024

طوفان جوانى، 2025

طول عمر طبيعى انسان، 850

طومار عفت يا وسيله العفاف، 2177

طهاره اهل الكتاب، 1264

ظلام من الغرب، 2024

ص: 2557

ظلمتکده خرافات، 869

ظواهر الآثار در اخلاق، 1502

ظهور و جهان، 853

ع

عاشورا، 1138

عالم انتقام، 391

عالم به وظیفه و عامل به وظیفه، 2105

عایشه در صفی و ام سلمه در صفی دیگر، 2038

عایشه همسر پیامبر، 1230

عبادات الاسلام، 2024

عبد الله بن عباس، 1146

عقبقریه الامام علی، 1124

عدل الهی، 2010

عدم تحریف قرآن، 1641

عده دفاتر فی الطلاسم و الادعیه، 2154

عده دفاتر فی علم الرمل، 2154

عذر تقصیر به پیشگاه محمد، 1230

عربی آسان، 729

عرفان و فلسفه، 1124

عروسی تولدی دیگر، 2025

عشق و پرسشش یا ترمودینامیک انسان، 2074

عشق و تجديد، 1069

عشق و جوانی، 2169

عشق و خودکشی، 2026

عشق وطن، 1069

عشقه‌های سلطان عبد الحمید، 2078

عصای موسی، 2125

عظمت حسین بن علی، 1264

عظمت قرآن در سوره اخلاص، 853

عفریت جهل، 869

عقائد الغلاه، 428

عقائد انسان، 2147

عقاید النجفی، 1545

عقد الدرر فی اخبار المهدي المنتظر، 948

عقد الفرائد فی مختصر العقائد، 1633

عقد اللقاح فی عقد النکاح، 704

عقد الدرر فی اخبار المنتظر، 1604

عقل از دیدگاه های مختلف، 1771

عقبه بنی هاشم، 834

علائم دوره آخر الزمان، 1503

علل الشرائع، 1883

علل الشرائع و الاحکام، 1171

علم الغيبه، 1369

علم پیروزی انقلاب ایران، 657

علم قیام امام حسین، 853

علم گرایش به مادیگری، 2010

علم اخلاق نظری و عملی، 1068

علم الامام، 1855

علم الجواهر، 2177

علم الکلام و تاریخه فی الاسلام، 1263

علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روان شناسی جدید، 1068

علم النفس یا روان شناسی از لحاظ تربیت، 1068

ص: 2558

علم بديع، 2038

علم بديع فارسی، 444

علم بلاغت، 666

علم حضوری، 2086، 2081، 704

علم رجال، 1597

علم صرف، 2038

علم کلام جدید، 1488

علم کلی، 2081

علم کلی و امور عامه فلسفه، 2065

علم منطق، 2038

علم نحو، 2038

علمی بودن مارکسیسم، 2076

علوم العربیه فی النحو و الصرف، 2147

علوم غریبه، 757

علوم قرآن، 2082

علی بن ابی طالب پیشوای مسلمین، 2024

علی خلیفه رسول الله، 428

علی در قرآن، 1680

علی ضفاف الغدیر، 948

علی من المهد الی اللحد، 1812

علی و اسلام، 2075



على و الزهراء سرچشمه آب حیات، 669

على و الفلسفه الالهيه، 1569

عماد الحكمه، 1061

عمار ياسر پرچمدار على، 1230

عمده الطالب، 144

عمل صالح در صلوات بر پیامبر و آل او، 2049

عنايه الاصول، 1991

عنايه الاصول فى شرح كفايه الاصول، 1993

عنايه الحق فى اصول الفقه، 297

عنصر شجاعت يا هفتاد و دو تن و يك تن، 669

عهد الامام امير المؤمنين الى حذيفه بن اليمان، 834

عهدنامه مالک اشتر، 229

عيد الغدير، 1751

عيد مسلمين، 1018

غ

غاليه الدرر فى مصبّ قاعده الضرر، 250

غايه البيان فى عدم تحريف القرآن، 1147

غايه المسئول و نهايه المأمول فى علم الاصول، 236

غايه المنى فى تحقيق الكنى، 1762

غدیر، 1138

غدیر یا پیوند ناگسستنی رسالت و امامت، 541

غرائب وقصار الكلم من الكتاب و السنّه، 1605

غراف الحبر الملتقط من وسائل الشيعة، 704

غروب آفتاب در اندلس، 671

غروب آفتاب در كربلا، 1754

غريب الحديث، 1605

غريب القرآن، 1605

غزاله، 869

غزليات، 2018

غزوه خيبر من طرق العامه، 1294

ص: 2559

غسل الجنابه و احكامها، 677

غصب (تقریرات نائینی)، 255

غفران، 1934

غمهای زندگی، 2078

غوغای سقیفه، 853

غوغای نافر جام «پاسخ میزگرد»، 1283

غیث الربیع فی وجوه البدیع، 345

ف

فاتحه و معنای آن، 853

فاجعه الطف او مقتل الحسین، 1813

فاجعه کربلاء، 1124

فاطمه زهرا، دژ شکست ناپذیر، 541

فاطمه زهرا از نظر آیات قرآن، 1883

فاطمه زهرا از نظر روایات اهل سنت، 1883

فاطمه الزهراء من المهد الی اللحد، 1812

فتاوی العلمین ابن ابی عقیل و علی بن بابویه، 935

فتاوی صحابی کبیر سلمان فارسی، 671

فتح مکه، 673

فتنه های آخر الزمان، 1503

فتوحات نظامیه در غیبت امام زمان، 743

فرائد الدرر فی دفع الغرر، 2148

فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطین، 948

فرائض المناسك، 1848

فرانسه، 1068

فرحه الداعی فی الدعاء، 2096

فرد و اجتماع، 1230

فردوس برین، 444

فرق بین مرد و زن در احکام، 345

فروع العلم الاجمالي، 1517، 1309، 259

فروع المعاملات، 1849

فروع دین، 2024

فروق الاحکام، 345

فروق اللغه، 345

فرهنگ آیتی در لغت فارسی، 889

فرهنگ بهارستان، 1763

فرهنگ تاریخ نائین، 884

فرهنگ جامع انگلیسی، 850

فرهنگ خاورشناسان، 264

فرهنگ سمات در شرح دعای سمات، 884

فرهنگ نگارستان، 1763

فرهنگ نوبهار، 1763

فرهنگ و علم و دانش، 1124

فرياد فلسطين و خطر جهود، 1230

فريده الأحكام، 1258

فريده الزمن في مناقب الامام الحسن، 834

فضائل الأئمه، 1855

فضائل الخمسه، 1992

فضائل الخمسه من الصحاح الستة، 1993

فضائل السادات، 464

فضائل المعجم الصغير، 1294

فضائل امير المؤمنين، 1294

ص: 2560

فضائل امير المؤمنين و ادله خلافت، 464

فضائل اهل البيت، 1605

فضائل فاطمه الزهراء من كتب العامه، 1233

فضائل قرآن و عترت، 253

فضيلت صلوات، 1931

فضيلت علم و عالم در اسلام، 1883

فضيله المؤمنين، 1933

فعليت و امکان در عقد وضع و آراى فارابى و ابن سينا، 1842

فقر، 1138

فقه استدلالى، 297

فقه استدلالى درباره كسبهائى حرام، 1287

فقه الحج، 2014

فقه الرجال، 1147

فقه القرآن، 2149

فلاح الفاعل، 738

فلتات اهل ايمان، 1627

فلسفه دو حکم اسلامى، 902

فلسفه و اسرار حج، 266

فلسفه و تربيت، 1230

فلسفه و راه زندگانى، 757

فلسفه آزاد، 732

فلسفة اتحاد مسلك الحق، 297

فلسفة احكام عبادات و معاملات، 251

فلسفة جهاد در اسلام، 1910

فلسفة حجاب، 1264

فلسفة شهادت، 1087

فلسفة متافيزيك يا جهان پس از ماده، 1494

فلسفة مخصوص، 1197

فلسفة نماز، 1545

فلسفة نوين يا نجات بشر، 383

فنون اسلامى، 264

فوائد الرضويه، 1799، 1192

فوائد الفلسفه، 1656

فوائد شريفه و فرائد لطيفه، 514

فوائد اسلام، 2148

فهارس شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد، 401

فهرس الكتب الحديث فى مكتبه الامام الرضا، 948

فهرس المختارات من مخطوطات تركيه، 949

فهرس المخطوطات العربيه فى مكتبه امير المؤمنين، 948

فهرس المخطوطات الفارسيه فى مكتبه امير المؤمنين، 948

فهرس المسائل المكرره لكتاب الخلاف، 345

فهرس المنتخب من مخطوطات تبريز، 949

فهرس المنتخب من مخطوطات لندن، 949

فهرس المنتقى من مخطوطات الحجاز، 949

فهرست ابواب و فصول اشعار، 1374

فهرست الاصول الستة عشر، 1719

فهرست العناوين و الموضوعات، 2109

فهرست أمالی الشيخ الطوسي، 1719

فهرست پنج اثر رجالی، 345

فهرست ترتیب رجال الكشى و النجاشى و

ص: 2561



فهرست جامع الشتات، 318، 345

فهرست جعفریات و اشعثیات، 345

فهرست جواهر الكلام، 1399

فهرست حاشیه المكاسب، 1719

فهرست شیخ طوسی، 948

فهرست شیخ منتجب الدین، 948

فهرست قرب الاسناد، 345

فهرست کتابخانه علامه طباطبائی، 947

فهرست کتب اربعه، 345

فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس، 2168

فهرست مخطوطات مکتبه «الحسینیة التستریه»، 401

فهرست مقامع الفضل، 293

فهرست وفيات الأعیان، 345

فهرس کتب الفقهیه فی مکتبه الامام الرضا، 949

فی حمی الاسلام، 1623

فی رحاب نهج البلاغه، 947

فیض الباری فی الطعن بأحادیث مسلم و البخاری، 835

فیض الرحمن فی العلوم المكتسبه من القرآن، 251

فیض نامه، 869

فی نادى آل الخاقانی، 767

فى هامش علم الامام، 1883

ق

قاب پلو و رباعيات، 2120

قاعده اليد، 677

قاعده التجاوز و الفراغ، 1309

قاعده القرعه، 1147

قاعده اليد، 1522، 987

قاعده لا ضرر، 1648، 1719، 2022، 2096، 2113، 220، 607، 785، 813، 932

قاعده لا ضرر و لا ضرار، 987، 1025، 1250، 1522، 2165، 306، 707، 760، 770

قاموس المعارف، 1762

قانون اساسى اسلام، 666

قانون الهى، 1675

قانون توالد و تناسل، 1828

قانون مرور زمان، 942

قبسات العقول فى مختصر علم الاصول، 1124

قبسات العقول من الفروع و الاصول، 1145

قبله اسلام كعبه يا مسجد الحرام، 670

قبله الآفاق، 1915

قرآن در اسلام، 1569

قرآن شناسى، 732

قرآن كريم به صد زبان، 850

قساطيس الايمان فى تفسير القرآن، 638

قسمتى از بحث طهارت، 1775

قسيم التار فى فضائل الامام على من طرق العامه، 835

قصار الكلمات فى الاحكام الصادره عن النبى، 1359

قصران (كوهساران)، 619

ص: 2562

قصرهای زیرزمینی، 2078

قصص العلماء، 1546

قصص القرآن، 2024

قصص یا داستان های شگفت انگیز قرآن مجید، 1173

قصه های قرآن، 2024

قصیده خاتمی، 2065

قصیده عالم افروز وطنیه، 444

قصیده غدیری، 820

قصیده قرآنی، 889، 2065

قصیده مولودی، 495

قصیده مولودی نیمه شعبان، 709

قضایا اسلامی، 844

قضاء الأحكام فی شرح قضاء شرائع الاسلام، 1717

قضاء الفطره فی برهان امامه العتره، 704

قضاء (تقریرات نائینی)، 255

قلائد الأدب فی شرح اطواق الذهب، 2168

قلائد الفرائد فی التعليق علی الفرائد، 1231

قلعه فولادین، 869

قم در گذشته و حال، 229

قم و روحانیت، 869

قواعد ارث، 666

قواعد الاصول، 1231

قواعد الموارث، 1852

قواعد عربی، 2039

قهرمانان میدان های تاریخ اسلام، 2097

قیام عظیم اسلامی امام حسین، 2161

قیام و انقلاب مهدی(عج) از دیدگاه فلسفه تاریخ، 2010

قید الاوابد، 948

قید شرق و آزادی غرب، 1545

ک

کاپیتان راشل، 2078

کاخ دلاویز یا تاریخ شریف رضی، 1053

کارترین هوارد، 2169

کار در اسلام، 2178

کار در اسلام و ایران، 2075

کارنامه سیاسی، اجتماعی و اخلاقی حضرت محمد، 2024

کارنامه شانزده ساله آموزشگاه ملی مسعود، 332

کار و کوشش، 1287

کانون احساسات در واقعه کربلا، 1053

کاوشهای عقل نظری، 2082

کتابات فی التاريخ، 1682

کتاب احیاء الموات، 334

كتاب افضل، 1627

كتاب الاجاره، 334، 916، 1855، 2143

كتاب الاجتهاد و التقليد، 306

كتاب الأربعين، 998، 2120

كتاب الارث، 470، 1779

كتاب البيع، 1516، 1725، 1855، 2163

كتاب البيع، از تقريرات درس مرحوم آيت الله حجت، 191

ص: 2563

كتاب الجعفر و المذهب، 1277

كتاب الحج، 1171، 1147، 916، 335، 220، 2113، 2068، 1779، 1616

كتاب الحدود، 1147

كتاب الخمس، 1997، 1855، 814، 462، 220

كتاب الخيارات، 1725

كتاب الدعاء، 1348

كتاب الذبائح، 1147

كتاب الرجال، 1299

كتاب الرهن، 2142

كتاب الزكاة، 1855، 1147، 220

كتاب الزوجين، 415

كتاب الشهادات، 268

كتاب الصلاة، 793، 335، 260، 220، 197، 1722، 1539، 1517، 1231، 961، 814، 2129، 2014، 1997، 1779

كتاب الصلاة در فقه، 793

كتاب الصوم، 1171، 1147، 916، 814، 2143، 1997، 1855، 1517

كتاب الطلاق، 1713، 1283، 220

كتاب الطهارة، 1468، 1171، 916، 814، 738، 2129، 2014، 1997، 1778، 1539

كتاب الطهارة، تقرير بحث آيت الله خوانساري، 1725

كتاب العتق، 933

كتاب الغصب، 2143

كتاب الفيض، 1790

كتاب القضاء، 1232، 1147، 335، 268، 215، 1997، 1713، 1309

كتاب القضاء فى الاسلام، 230

كتاب القضاء و الشهادات، 1779، 1522، 738

كتاب المتاجر، 1997، 1779، 230

كتاب المعراج، 989

كتاب المكاسب، 814

كتاب الموارد، 961

كتاب المواعظ، 1550

كتاب الميراث، 220

كتاب النكاح، 1779، 1713، 961، 484، 220، 1855

كتاب الوصايا، 1147

كتاب الوصيه، 1779، 916

كتاب الوقف، 1517، 933

كتاب الهادى فى الثواب و العقاب من الاعمال، 510

كتاب بيدارى، 755

كتاب پرستارى بيماران، 673

كتاب جواب به سؤالهاى شيخ جابر فاضلى خوئى، 673

كتاب خاطرات، 336

كتابخانه، 1155

كتابخانه اسكندريه، 1488

كتاب خود و خدا، 1087



کتاب در علم اخلاق، 206

کتاب سفر عمره مفرده ایام نوروز، 673

ص: 2564

کتاب سوزی ایران و مصر، 2010

کتاب سیاست، 2125

کتاب سیاه، 1906

کتاب شرعیات، 252

کتاب صلاه، 1616

کتاب فی احوال الفقهاء و المجتهدین، 2014

کتاب فی الأخلاق، 1004

کتاب فی الأخلاق، 1901

کتاب فی الأدعیه و الأذکار، 975

کتاب فی المواعظ، 1683

کتاب فی المواعظ و الاحادیث، 382

کتاب فی بیان أن الأئمه خلقوا أنوارا و أنهم أول مخلوق اللّٰه، 1855

کتاب کنگره شیخ طوسی، 673

کتاب کیمیا، 1509

کتاب لغت از فارسی به فرانسه، 1690

کتاب مقتل، 1277

کتاب نبی یا ترجمه و تفسیر مختصر قرآن، 889

کتابهای که خواندم، 1111

کتابی النکاح و الطلاق، 1725

کتابی به قلم امیر المؤمنین، 673

کتابی در اخلاق، 808

کتابی در اخلاق اسلامی، 840،900

کتابی درباره امام زمان، 1007،1972

کتابی درباره حجاب، 1890

کتابی درباره صحابه پیامبر، 2068

کتابی درباره وحی، 840

کتابی در توحید، 770

کتابی در دعا، 1217

کتابی در شرح حال خود، 877

کتابی در صلاه، 1650

کتابی در علم اخلاق و تهذیب نفس، 1189

کتابی در فلسفه، 1525

کتابی در مجالس و مواعظ، 199

کتابی در معاد، 1541

کتابی در ولایت، 644

کتابی مختصر در علم اخلاق، 2136

کتابی مفصل در طب، 1744

کتب النبی الی الملوک و غیرهم، 1294

کرامات حضرت معصومه، 1290

کرامات صالحین، 1679

کریمه اهل بیت، 86

کشتی طوفانی، 869

كشف الارتباب في أدله الحجاب، 251

كشف الآيات، 1501

كشف البيان في تربيته الانسان، 1674

كشف الحجاب عن علم الحساب، 382

كشف الحجاب في علم الكلام، 297

كشف الحقائق، 2142

كشف الحق و دفع الباطل، 1823

كشف الحيل، 887

كشف الحيل در ردّ بهائيت، 889

كشف السّتره عن وجه الغيبه، 1888

كشف اللغات، 1501

ص: 2565

كشف المرام فى قانون الاسلام، 1674

كشف مطالب الآيات، 1503

كشكول، 1012، 916، 857، 782، 255، 197، 2178، 2153، 1899، 1717، 1299، 1149

كشكول بديع، 941

كشكول بلاغى، 1224، 884

كشكول راسخى، 853

كشكول ناشريه، 1572

كشكول نمونه، 1221

كفايت يك آيت در امامت، 853

كفايه التعليم، 536

كفايه العروض، 743

كفايه العلاج، 1744

كفايه الفقه، 1810

كفايه المحصلين فى تبصره احكام الدين، 1763

كفايه المفسرين، 1785

كفايه الميزان در منطق، 1884

كفايه النحو، 336

كلام الملوك، 1193

كلمات قصار امام جعفر صادق، 1053

كلمات قصار حضرت امير المؤمنين، 850

كلمات قصار حضرت على، 2039

كلمه الاسلام، 548

كلمه الامام الباقر، 548

كلمه الامام الجواد، 548

كلمه الامام الحسن، 548

كلمه الامام الحسين، 548

كلمه الامام الرضا، 548

كلمه الامام الصادق، 548

كلمه الامام العسكري، 548

كلمه الامام الكاظم، 548

كلمه الامام المهدي، 548

كلمه الامام الهادي، 548

كلمه الامام زين العابدين، 548

كلمه الامام علي، 548

كلمه التوحيد لرفع التردد، 1842

كلمه الرسول الأعظم، 548

كلمه العلماء و الحكماء، 548

كلمه الله، 548

كلمه فاطمه الزهراء، 548

كليات آثار غيرت، 967

كليات حكيم سوري، 444

کلیات دیوان اشعار، 2065

کلید امن جهان، 671

کلید بهشت، 1842

کلید نظم بشر، 529

کمال الانسان و میزان الايمان، 1087

کمال الايمان فى اثبات وجود صاحب الزمان، 251

کمونیزم و اخلاق، 1230

کمونیزم از نظر عقل و اسلام، 251

کنت دومونگومری، 2169

کنز العرفان فى كشف الأسرار، 1124

کنز الغرائب، 1159

ص: 2566

کنز یا گنجینه ادب، 1074

کنفرانس مذهبی لبنان و ملت فلسطین، 2024

کنگاش عقل نظری، 1635

کنوز الجواهر، 1232

کنوز السعاده و رموز الشهاده، 743

کنیاز (دالگورکی)، 285

کواکب حسینیہ، 1171

کودک اندلسی، 2082

کودکان سخنور، 569

کودک نیل یا مرد انقلاب، 2023

کیف اصیحت، 1201

کیف و نحن صامتون، 894

گ

گذشته خوزستان، 229

گزارش یک زندگی، 1069

گفتار آیتی، 889

گفتار عاشورا، 1374

گفتار علوی، 2109

گفتار ماه، 1374

گفتارهای معنوی، 2010

گفتاری درباره جمهوری اسلامی، 2010



گلچین شعرای آذربایجان، 449

گلچینی از آثار بزرگان علم و ادب، 332

گلزار بلاغی، 884

گلزار نجفی «کشکول»، 2151

گلستان، 1199

گلستان معنویت، 1124

گل نرگس، 884

گلوبند عصمت در راه فدک، 671

گل‌های پرپر در کنار شریعه فرات، 1224

گل‌های لاله از صحرای کربلا، 1224

گناه و کیفر، 1146

گنجینه آثار تاریخی قم، 869

گنجینه اسرار، 1962

گنجینه الجوامع، 1690

گنجینه دانشمندان، 1679

گنجینه دانشوران، 332

گوشه ای از تاریخ ایران، 2128

گوهر دین در علم کلام، 1779

گوهر وزین، ترجمه الدر الثمین، 1679

ل

لنالی الفقهاء، 923

لئالی شاهوار، 444

لآلی پراکنده در مسائل متفرقه، 869

لآلی منثور در تفسیر سوره طور، 251

لایح سرمدیه، 495

لایحه قصاص، 850

لایحه ملیه اسلامیة در ردّ بهائیت، 2178

لباب معالم الدین، 1155

لب الحساب، 743

لب اللباب در امر حجاب، 1053

لب اللباب فی حکم المعاشره مع أهل الكتاب، 251

ص: 2567

لسان الصدق، 1627

لسان المسلمين في ردّ المبلّغين من المسيحيين و الكليبيين، 912

لطائف الاخبار، 1201

لغات عرب، 916

لقاء الله، 1321

للباذلين دم الوريد، 1623

لمحات عن سيره أطغى الطغاه، 835

لمحه من حياه الامام على، 1751

لمعه النور في تفسير آيه النور، 529

لمعه النور في حل بعض الامور، 1929

لمعه من بلاغه الامام الحسين، 2017

لوامع الانوار الغرويه في مرسلات الآثار النبويه، 1517

لواء محمّد اخبار خاصه و عامه، 819

لوح القلم، 923

ليلي و مجنون، 1199

لؤلؤه البحار في منقبه الأئمه الأطهار، 743

م

ماجرای دلیر، 2078

ماجرای سقیفه، 1230

مادر، وظایف زن در اسلام، 672

ما ذا تقضون؟، 1283

مالکیت در اسلام، 291

مانیفست یا منشور جهانی اسلام، 1230

ما و مسائل روز، 1910

ماهنامه پیکار مردان، 330

ماهنامه (دعوت اسلامی)، 1495

ماهیار، 1069

ماهی الصلاة؟، 1623

ماهیت نهضت امام حسین، 2010

ماهیت و اهمیت فلسفه اقبال، 1230

ما ینبغی نشره من التراث، 947

مباحث الألفاظ، 2113

مباحث البسمله، 835

مباحث الفاظ (تقریرات نائینی)، 255

مباحث اوامر، 677

مباحث مختلفه من الصلاة، 215

مباحثی در تفسیر سوره حمد، 1980

مباحثی در تفسیر قرآن، 720

مبایده اسلام و فلسفه احکام، 1230

مبایده الوصول الی علم الاصول، 895

مبایده فقه و اصول، 1789

مبارزه با خودکشی، 2025

مبارزه با نفس اماره، 1071

مبانی اخلاق برای جنبش اسلامی، 1230

مبانی الاحکام فی اصول شرائع الاسلام، 1980

مبانی الاصول، 1713

مبانی دین و مذهب شیعه، 902

مباهله از طرق اهل سنت، 1294

مبحث الترتب، 348، 1779

مبحث الکفر، 1997

متاع الوارثین، 1930

ص: 2568

متافیزیک، 2082

متعه در اسلام، 1283

مثالی نامه، 1087

مثنوی، 1650

مثنوی اکسیر اعظم، 444

مثنوی امثال و حکایات، 757

مثنوی صاحب، 1258

مثنوی عشق و دل، 1397

مثنوی قار دو شاب، 1901

مثنوی مقامات الابرار، 1374

مثیر الأحزان فی أحوال الأئمه الاثنی عشر امناء الرحمن، 1527

مجالس الاصول فی المواعظ، 2148

مجالس الذکر، 2153

مجالس الهدی لأرباب التقی، 1369

مجالس رمضان و عاشوراء، 770

مجالس وعظ و ارشاد، 251

مجالس و مواعظ، 706

مجلس مباحثه رضا، 672

مجله «پرتوی از اسلام»، 400

مجله «آیین اسلام»، 2096

مجله «الهادی»، 2092

مجله «بهار»، 2168

مجله «تربیت بدنی و پیشاهنگی»، 1185

مجله «دنیای اسلام»، 2097

مجله «شهاب»، 506

مجله «غذای فکری برای نسل جوان»، 876

مجله «فروغ علم»، 1231

مجله «گنجینه فنون»، 2168

مجله «مرکز طبی کودکان»، 1795

مجله نرجس، 2025

مجله «نسل نو»، 876

مجمع الافکار، 2142

مجمع الدلائل فی شرح الرسائل، 638

مجمع الفروع، 599

مجمع الفضائل، 743

مجمع الفوائد فی الاصول، 1181

مجمع المسائل، 1641

مجموعه ای از آثار و روایات، 1775

مجموعه ای در احادیث متفرقه، 811

مجموعه ای در شرح مصائب حضرت سیدالشهدا، 1562

مجموعه ای در فقه استدلالی، 1562

مجموعه فی شرح دعای سیفی، شرح دعای جوشن کبیر، شرح خواص سوره یس، 2154

مجموعه اشعار، 1898، 1775، 1650، 198

مجموعه اصطلاحات علمی، 1242

مجموعه جغرافیا، 266

مجموعه چند منبر، 1979

مجموعه سخنرانیهای اخلاقی، 1322

مجموعه فتاوی ابن الجنید، 935

مجموعه گفتارها، 2010

مجموعه مقالات شبلی نعمانی، 1488

مجموعه اشعار، 934

ص: 2569



مجموعه الأديبه، 1348

مجموعه الرسائل الفقيهيه، 2020

مجموعه المسائل الفقيهيه، 428

مجموعه شعريه في ما قيل باسره صاحب الجواهر، 1528

مجنون نامه، 967

محاسبه النفس، 1020

محاضرات في اصول الدين، 1155

محرمات النكاح، 1884

محرم و عاشوراء، 1545

محكمات و متشابهات قرآن كريم، 1744

محمد پيغمبر شناخته شده، 1728

محمد في القرآن، 732

محن العلماء، 835

مخنت اسلام، 673

مختار بن ابى عبيده ثقفى، 1572

مختصر الاحكام، 1641، 607

مختصر الدر الثمين في اصول الدين، 1778

مختصر المجمع في حساب الجمل، 2178

مختصر تاريخ الإسلام، 819

مختصر تاريخ زندگانی صاحب شرع الاسلام، 1545

مختصر تفسير الجديد، 1659

مختصرى از حالات حضرت معصومه، 1277

مختصرى از كتاب قضاء، 1775

مخزن الاسرار فى اثبات النبوه، 251

مخزن الأشعار يا كنز المراثى، 1191

مخزن الطهاره فى الدماء الثلاثه، 1852

مخزن الفوائد فى اصول العقائد، 1191

مخزن المصائب، 1962

مخطط فى كتاب الارث، 1155

مخطوطات اللغه العربيه فى مكتبات ايران، 949

مدائن الظلال، 1623

مدامع العين فى مصيبه الحسين، 1715

مدايح و مراثى، 271، 459

مدايح و مراثى ائمه هدى، 761

مدايح و مراثى اهل بيت، 677

مدخل علم التفسير، 739

مديريت اسلامى، 259

مدينه فاضله، 869

مدينه فاضله درباره حكومت امام زمان، 2020

مدينه الاسلام و روح التمدن، 358

مدينه البلاغه فى خطب النبى و رسائله و وصاياه، 2049

مدينه العلم در اخبار اهل بيت، 819

مذهب در اروپا، 2074

مذهب و رهبر ما، 2025

مرآة الحقائق، 519

مرآة العارفين في دفع شبهات المبطلين، 358

مرآة الأرض، 2115

مرآة الاصول، 1675

مرآة الحج، 1201

مرآة الفقيه، 429

مراتب الوجود و كفيه ظهور الكثرة فيها، 220

مراسم تاج گذارى، 1105

ص: 2570

مراقبات السنه، 1321

مرتع الافكار فى تفسير انا انزلنا، 251

مرجعيت وروحانيت، 1375

مردان پاڪ از نظر امام صادق، 2024

مرد وفا، 733

مرز ميان دين و سياست، 2074

مرغابيه، 198

مرقاه التقي فى شرح القضاء من العروه الوثقى، 2148

مرگ سبز، 2025

مزارات البلدان، 1680

مزارات العلويين و الانبياء و الصحابه فى اقطار العالم، 782

مژده هاى شيعه، 704

مسائل فى اجتماع الأمر و النهى، 1100

مسائل فى التوفيق بين قاعده التجاوز و قاعده الفراغ، 1100

مسائل فى الرضاع، 1100

مسائل فى الطهاره، 1100

مسائل فى الوقف، 1100

مسائل فى أحكام القضاء، 1100

مسائل فى بعض أحكام الصلاه، 1100

مسائل متفرقة تفسير و معارف، 1432

مسارح الأفكار فى حل مطارح الانظار، 782

مسالك الافهام، 1719

مسالك الحج، 511

مسائل حج، 916

مسائل مشكل طب كودكان، 1795

مسائلي از فلسفه نوين، 466

مسألتيان ملحقتان بفريضه الصلاه، 1628

مسألتي الصحيح و الأعم و الضد، 1912

مسأله حجاب، 2010

مسأله كشمير و حيدرآباد، 1230

مسأله وجود، 1061

مسأله وحى، 2075

مسأله فى بيع من له نصف الدار، 895

مستثنيات الأحكام، 345

مستحبات و مكروهات احكام شريعت اسلام، 935

مستدرک الذريعه، 948

مستدرک المستدرک فى استدراك ما فات عن صاحب المستدرک، 1517

مستدرک الوسائل، 2089

مستدرک شهداء الفضيله، 781

مستمسكات الاحكام، 1888

مستمسک الوسيله فى شرح وسيله النجاه، 2014

مستنبطات الأعلام فى شرح مستثنيات الأحكام، 345

مستند العروه، 519

مسقطات الخيار، 1171

مسلمان اجتماعى و جهانى، 2075

مسلم بن عقيل، 1124

مسند سليمان بن مهران الأعمش، 835

مسير حضرت امام رضا، 884

مسئول اخذ و صرف خمس كيست؟، 291

ص: 2571

مسئولیت و سازندگی، 1138

مشارك الأحكام فى الفقه، 1258

مشارك الاصول، المتعلقه بالقوانين و بعض الفصول، 1902

مشاهداتى فى ايران، 835

مشاهير دانشمندان اسلام، 1679

مشجرات آل الرسول، 781

مشكاه الاصول، 1159

مشكاه الانوار، 1159

مشكاه الدقائق، 1904

مشكاه السالك فى ظلم المسالك فى الأدعيه و الأعمال، 2096

مشكل اساسى در سازمان روحانيت، 2010

مشكاه الاسرار فى حل عقد الاسفار، 1842

مشكاه الوصول الى علم الاصول، 1160

مصائب سيّد الشهداء، 1809

مصاييح الأنوار و مفاتيح الأسرار، 743

مصاييح الفروع، 1848

مصاييح در فقه، 1045

مصاحبه هاى سال 1338 ش با پروفيسور كرين مستشرق فرانسوى، 1569

مصباح الاستيعاب و الاصابه، 1294

مصباح الظلام فى هدايه الأنام، 1633

مصباح الغابه لكتاب أسد الغابه، 1294

- مصباح الفقاهه، 1732
- مصباح المسند از مسند احمد بن حنبل، 1294
- مصباح المقلدين، 1643
- مصباح الناسكين، 781
- مصباح الوارثين، 1225
- مصباح الهدايه فى حل معضلات الكفايه، 782
- مصباح الهدايه يا مفتاح السعاده، 998
- مصباح كفعمى، 1268
- مصلح جهان از ديدگاه قرآن، 853
- مطالب الاصول، 288
- مطهرات در اسلام، 2074
- معاد، 220
- معاد از ديدگاه قرآن، 592
- معارف الأئمه، 1502
- معارف الشيعة، 1502
- معارف دينى، 462
- معارف محمّدى، 654
- مع الدكتور على احمد السالوس، 429
- معالم الدين و ملاذ المجتهدين، 895
- معالى الدرر فى رثاء النبى و آله الميامين الغرر، 1244
- معجزات النبى و الائمه الأطهار، 2014



معجم اعلام الشيعة، 948

معجم القبور ووفيات الأعلام، 74،1680

معجون الأدعية، 2151

معدن الأبرار، 1962

معدن الآثار في ضبط الحكم و الاخبار، 251

معراج، 1283

معراج پیامبر، 1221

معراج پیغمبر اسلام، 251

ص: 2572

معرفه الامام، 1545

معنى شناسى در مكتب آخوند خراسانى، 1686

مغيث الخلق فى اختيار الحق، 835

مفاتيح احاديث الشيعة، 782

مفاتيح الجنان، 1842

مفاخر اردبيل، 75

مفاهيم الانسانيه فى كلمات الامام الصادق، 2024

مفتاح الجنة فى أعمال مسجدي الكوفه و السهله، 1633

مفتاح الجنة فى أحاديث المعصومين و علمهم و فضائلهم، 510

مفتاح السعاده يا كليد خوشبختى، 383

مفتاح السعاده، 1933

مفتاح الكلام فى شرح شرائع الاسلام، 2148

مفتاح الكنوز در مرآي، 743

مفردات لغويه، 895

مقارنه و تطبيق در حقوق جزاي عمومي اسلام، 1789

مقاصد فكريه، 1553

مقاطيس العقول فى علم المعقول و المنقول، 638

مقالات آمريكايي، 2169

مقالات اصوليه، 1650

مقالات الحنفاء فى مقامات شمس العرفاء، 884

مقالات سعيد يا افكار پريشان، 541

مقالات فلسفی، 2011

مقال فی فدک، 916

مقاله در اراده و مشیت، 220

مقاله در مسح رأس و وضو از حیث عقل، 221

مقاله در وجود رابطی، 221

مقاله فی الارشاد، 916

مقالید الأحكام، 474

مقامات الجنات، 1842

مقامات العرفاء یا زندگانی شمس العرفاء، 884

مقایسه حق و باطل، 1578

مقتبس الأثر و مجدد ما دثر، 1557

مقتطفات العلوی، 1155

مقتل الامام الحسین، 1575، 1527، 1502

مقتل الحسین، 1633، 833

مقتل الحسین در اسه و تحلیل، 2017

مقتل امام حسین، 1295

مقتل امیر المؤمنین، 948

مقتل حضرت سید الشهداء، 635

مقدمات علوم طبیعی، 2046

مقدمه ای مفصل بر بحار الانوار، 930

مقدمه بر کتاب افکار استاد دکتر مفتاح، 2025

مقدمه و پاورقی «اسئله القرآن المجید و اجوبتها»، 1728

مقدمه صحف وجدانی، 1885

مقدمه غایه المرام، 732

مقدمه منطق، 1545

مقدمه مواقع النجوم، 672

مقدمه نامه دانشوران، 733

مقدمه فی علم التفسیر، 785

مقدمه نهج الحق، 732

ص: 2573

مقصد الابرار فى اثبات الامامه، 251

مقصد الحسين، 245

مقلاد الرشاد فى المؤنثات السماعيه و الأضداد، 884

مقولات و آراء مربوط به آن، 1375

مقياس آداب المتعلمين و ميزان اخلاق المحصلين، 1369

مكاتبات الأئمه، 1359

مكارم الأخلاق فى أخلاق الأئمه الأطهار، 1295

مكاسب محرمة، 1147، 291

مكاشفات سرى، 198

مكتبه العلامة الحلى، 948

مكررات المدرس فى شرح السيوطى، 1761

ملاقى الشبهه المحصوره و حكم المضطر الى ارتكابها، 1583

ملحقات كتاب تقويم الصلاه، 345

ملخص خمس، 1199

ملكة اسلام «فاطمه زهرا»، 669

ملكة عقل و عفريت جهل، 889

ملمع الطهور، 270

مناسك الحج، 1713، 1300، 760، 576، 2129، 2045

مناسك الحج و دليل الحاج، 2049

مناسك النجفى، 1545

مناسك جامع، 519

مناسك حج، 1146، 916، 781، 775، 608، 1724، 1641، 1517، 1310، 1171، 2143، 1848

مناسك حج مشتاقان، 2065

مناسك فيض، 1790

مناقب امير المؤمنين، 948

مناقب اهل البيت، 464

مناهج الاحكام فى اصول الفقه، 1160

مناهج التقى فى الحاشيه على العروه الوثقى، 1310

مناهج الفروع، 1848

منتخبات الحسنى فى البلاغه، 510

منتخبات من الكتب، فى علم الاخلاق و معرفه النفس، 510

منتخب الاحكام، 1790، 1517، 1462، 607

منتخب الاخلاق، 635

منتخب الأشعار و المطالب، 1719

منتخب القصائد، 635

منتخب المسائل، 1993

منتخب المواعظ، 1399

منتخب تفسير منظوم صفى على شاه، 1199

منتخب حوادث الأيام فى الاسلام، 1155

منتخب كليله و دمنه، 1596

منتخب نهج البلاغه، 1596

منتهى الافكار، 2142

منتهى الآمال فى علم الرجال، 1160

منتهى التصنيف فى علم التصريف، 2154

منتهى التقريب على حاشيه التهذيب فى المنطق، 2154

ص: 2574

منتهى المسائل، 1849

منتهى المطالب فى شرح المكاسب، 225

منجزات المريض، 1169، 1100، 916، 600، 2165، 1997، 1550، 1201

من روح الفرج بعد الشده، 672

منزوحات البئر، 1868

منطق، 1596، 666

منطق الحسين، 245

منطق الشفاء، 1842

منطق المثل الاعلى، 1713

منطق و روش شناسى، 1069

منظومات الشيخ، 1545

منظومه اى در تاريخ امام حسن مجتبى، 918

منظومه اى در عقايد، 2148

منظومه اى در منطق، 1884

منظومه در حج، 819

منظومه در صوم، 819

منظومه اردہ شيرہ، 635

منظومه چهارده معصوم، 1146

منظومه فى الارث، 1393

منظومه فى الاصول، 1625، 1502، 1181

منظومه فى التجويد، 1527



- منظومه فى الرجال، 1502
- منظومه فى الصرف، 1884
- منظومه فى الفقه، 1625
- منظومه فى الكلام، 1884، 1181
- منظومه فى المنطق، 704
- منظومه فى الموارىث و شرحها، 1527
- منظومه فى النحو، 1181
- منظومه فى علم الكلام، 1527
- من معالم الاسلام و آدابه، 470
- من وحي الأخالق، 2017
- من وحي الفطره، 2017
- منور القلوب، 1726
- منهاج الرشاد، 1171
- منهاج السالكين، 880
- منهاج العارفين، 1126
- منهاج العباد، 1654
- منهاج المله فى تعيين الوقت و القبلة، 1160
- منهج السالك، 2014
- منهج العارفين فى تفسير القرآن، 2014
- منهج المقال، 154
- منيه الراغب فى ايمان ابى طالب، 1633

منيه الرجال في شرح نخبه المقال، 781

مواد التاريخ، 97

موازين الكلام، 1628

مواعظ و اخبار اهل بيت، 2106

مواعظ و مجالس، 1931

«مواقع النجوم»، در نظم كفايه الاصول، 622

مواقف بطوليه لرجال الشيعه، 1002

موجز الرساله، 1713

موجز أحكام الاسلام، 429

موسوعه الامام الصادق، 1813

موسوعه المكاسب، 541

ص: 2575

موقف الاسلام الفاضل، 549

مولد النور فى 15 شعبان، 1751

مولودیه حضرت امام زمان (عج)، 1031

مهدى منتظر، 1502

مهر تابان در تفسير قرآن، 1284

مهر تابان در سيرت على، 1053

مهمات الاصول، 215

ميزان الاخوه، فى العشره مع الاخوان، 1213

ميلاد القياده الاسلاميه، 549

مؤسس پاکستان محمد على جناح، 1230

ن

ناخدای کشتی رستگاری، 1754

ناسيوناليسم و انترناسيوناليسم، 1230

ناظم الشتات، 1779

نامه كودك در مسجد، 673

نان و پنير، 1592

نان و خرما، 1224

نان و دوغ، 236

نان و ماست، 635

نبرد با بى دينى «در ردّ كسروى»، 2097

نبرد با شايعه سازى، 1284

نبوءه أبى طالب عبد مناف، 2012

نتائج الاسفار، 948

نتائج الأفكار، 704

نتائج الافكار فى الصلاه، 1246

نتيجه الاصول، 429

نثر اللئالى، 1494

نثر اللئالى در شرح نظم اللئالى، 1763

نجاه البشر، 382

نجاه الصائمين، 1545

نجم لايع در جواب برهان واضح، 987

نخب المناقب، 835

نخبه الأزهار فى بحث الخيار، 1583

نخبه القضاء، 1502

نخبه الكلام فى معرفه الامام، 1575

نخبه المقال فى تهذيب كتاب الأموال، 1295

ندای آسمان، 1155

ندای آسمان در احاديث اذان، 671

ندای حقيقت در حقايق دين اسلام، 869

ندایى از سرزمين بيت المقدس، 670

نردبان ترقى، 2026

نزهه الأبرار فيما يضحك الأختيار، 2178

نسرین و آزاد، 391

نسیله الأدب فی شرح سبیکه الذهب، 638

نسیم السحر، 1675

نسیم السحر در ردّ نسیم رستگاری سنندجی، 2049

نسیم الصباح در ترجمه و شرح دعای صباح، 1400

نشأه الشیخ، 833

نشأه الخوارج، 835

نشأه المذاهب و الفرق، 835

نصاب انگلیسی، 2051

نصاب به سه زبانه، 346

نصائح المعصومین، 1201

ص: 2576

نظام حقوق زن در اسلام، 2011

نظام روحانی و سیاسی در اسلام، 1284

نظم حدیث کسا، 1217

نغمه دل، 889

نفائس الاصول، 733

نفحات الرحمن، 934

نفعه الرحمن فی حکمه لقمان، 1929

نفعه الصور فی یوم عاشور، 923

نقد الروضات، 884

نقد الفرائد، 1634

نقد اللالی فی فروع العلم الاجمالی، 1826

نقد فلسفه داروین، 1011

نقد کتاب الحقائق، 429

نقش اسلام در برابر غرب، 1230

نقش کلیسا در ممالک اسلامی، 2025

نقشه های استعماری و نقشه های شوم، 2025

نقض الصواعق المحرقة، 429

نکاتی درباره دستگاه آفرینش، 2025

نکسه الخامس حزیران، 2092

نگاهی به آثار فقهی شیخ طوسی، 732

نگاهی به رسائل اخوان الصفا، 466

نگاهی به علوم قرآنی، 1431

نگرشی کوتاه به زندگانی پیامبر اسلام، 850

نگهبان مکتب توحید، 541

نماز، الصلاه عمود الدین، 673

نماز شب، 998

نماز گفتگو با خدا، 2026

نمکدان، 888

نموداری از حکومت علی، 541

نمونه در علم صرف، 348

نمونه مختصری از غزل و مثنوی و رباعی، 1842

نواب اربعه، 853

نوادر تاریخ، 1729

نور الابرار، 541

نور الآفاق فی مباحث الاخلاق، 251

نور الشهاده، 743

نور العرفان و كشف اسرار القرآن، 1823

نور الهدایه در احکام فقه، 1572

نور و ظلمت، 2026

نوشتاری در احکام، 1431

نوشته هایی در علوم غریبه، 2109

نوشین روان در سلطنت انوشیروان، 444

نويد اسلام در فلسفه غيبت امام زمان، 670

نهايه التعليم، 536

نهايه الطلب في الصنعه و الكيمياء، 2154

نهايه القصوى في التعليق على العروه الوثقى، 781

نهايه المأمول في شرح كفايه الاصول، 1717

نهج البلاغه چيست؟، 876

نهج البلاغه منظوم، 1727

نهج البلاغه و جنگ، 669

نهج البلاغه و خلقت آسمان و جهان، 669

نهج البلاغه، 672

نهج الطالب في الحاشيه على المكاسب، 1359

نهضتهاى اسلامى در صدساله اخير، 2011

ص: 2577



نهضه سيّد الشهداء، 2017

نهيب بيغمبر، 671

نيابه الحج، 916

نيك نيازي، 2075

نيل المشتاق الى معرفه الاعداد و وضع الألواح و الأوفاق، 2154

و

واجبات الاحكام، 793

وارث النبي، 835

واقعنا المعاصر، 895

و با او نگاه فرياد مي كرديم، 1138

و جاء دور الحجّاج، 835

وجود تسامي، 444

وجوه المله، 869

وحي يا شعور مرموز، 1568

وداع، 1138

ورع الصالحين، 1852

وسائل الشيعه، 1557

وسواس (پيدائش، رشد و درمان)، 2025

وسواس خناس، 1284

وسيله ناشريه در عقايد، 1572

وسيله الزائرين، 743

وسيله الوصول الى حقايق الاصول، 1605

وصايا الى الشباب المسلم فى الخارج، 835

وصف دوست، 644

وصله سلاسل الاخير الى رواه الاخبار، 2148

وصيت نامه، 346

وصيت نامه علامه مجلسى، 1842

وصيت نامه نبوى به امام على، 495

وظائف المكلفين فى الاصول و الفروع من الدين، 1287

وظيفة روشنفكران مسلمان، 1230

وفيات الاعيان، 1596

وفيات اعلام الحق، 1527

وفيات علما، 346

وقايع شهادت حضرت سيد الشهدا، 1455

وقايه الأذهان، 1011

وقايه الجسد، 419

وقفه هاى تنفسى شيرخواران، 1795

وقوع التحريف فى القرآن و عدمه، 1855

ولايت على «ع» از كتب عامه، 2117

ولايت فقيه، 541

ولايت فقيه از دیدگاه شيخ انصارى، 291

ولايت فقيه از دیدگاه فقهای اسلام، 291

ولایت فقیه از دیدگاه قرآن کریم، 291

ولایه الفقیه، 916

ولاءها و ولایتها، 2011

وہابیان، 229

وہابیت چیست؟، 1221

ہ

ہامش الحاشیہ، 1884

ہانری ہشتم، 2169

ص: 2578

هدايا العقول في المأثور عن آل الرسول، 1053

هدايت و ضلالت، 1823

هدايه الاصول، 657

هدايه الامه في شرح منظومه معارف الأئمه، 1502

هدايه الانام، 221

هدايه التعليم، 536

هدايه الداعين الى اعراب صحيفه سيّد الساجدين، 349

هدايه الصبيان، 1988

هدايه العباد، 1641

هدايه المجتاز في المعميات و الألغاز، 2178

هدف زندگي، 2011

هدف من در زندگي، 1561

هدية فاطميه، 1247

هديه الرازي الى المجدد الشيرازي، 1468

هرم هستي، 2082

هزار كلمه از كلمات قصار حضرت امير المؤمنين، 1295

هزار لغت «گيلاني»، 1754

هزار مسأله در علوم رياضی، 1173

هزار و يك سخن، 2026

هستي بخش جهان، 902

هفتاد و سه تن از متوسلين، 853

هفت گفتار اصولی، 1771

هفته نامه «ارمغان قم»، 2117

هفته نامه «کیفر روز»، 2161

هفته نامه «مکتب آزادی»، 2161

هفته نامه «استوار»، 246

هفته نامه «سرچشمه»، 286

هفته نامه «صفا»، 942

هفته نامه «فصاحت»، 1278

هفته نامه «قیام لر»، 1391

هفته نامه «کیمای سعادت»، 1828

همه در انتظار اویند، 541

هنجار گفتار، 173، 2125

هوش و خرد، 1069

هوگوی ایرانی یا نخستین پرواز بشر، 889

ی

یادآوری، 1155

یادداشت مطالب تفسیری، 545

یادداشتها، 1979

یادداشتهایی از سفر حج، 2074

یادداشتهایی درباره تاریخ معاصر ایران، 591

یادداشتهایی در طب قدیم، 375

یادداشتهای ترمودینامیک، 2073

یادداشت های عرفانی، 1526

یادداشت هایی در علوم غریبه، 1526

یادداشت هایی در فقه، 938

یادداشتهایی در فقه، 1706

یادداشت هایی در مبحث دیالکتیک، 930

یادداشت هایی در مواعظ و اخلاق، 2107

یادگار مضطر، 449

ص: 2579

یادی از گذشته، 1884

یا قائم آل محمد، خورشید ولایت، 271

یا قوت، در ردّ مادیین و طبیعین، 1509

یک دوره فقه فارسی، 1675

یک شب و روز، 673

یک قربانی دیگر، 1069

یگانه پرستی، تفسیر مفصلّ سورة توحید، 1742

یگانه دختر رسول خدا، 1884

ینابیع الحکم، 474

یوسف کنعانی، 869

یوم الانسانیه، 732

\*

ص: 2580

- آئینه ی دانشوران، 69
- آثار الحجّه، 36، 43، 69
- آشنائی با زندگی و شخصیت دلباخته امام زمان، 47
- آفتاب فقاہت، 47
- آیا شما سرگذشت سفر مرا می دانید؟، 58
- آیه الله گلپایگانی، فروغ فقاہت، 47
- آیه الله میلانی، مرجع بیدار، 47
- آیه الله مؤسس، حاج شیخ عبد الکریم حائری، 47
- آیینہ دانشوران، 43
- آیینہ مهر، 47
- اثر آفرینان، 38
- اجازات الحدیث، 60
- اجساد جاویدان، 63
- احوال و آثار میر سید علی ہمدانی، 47
- اخبار البرامکہ، 44
- اخبار الخریث بن راشد، 32
- اخبار المختار بن ابی عبیدہ الثقفی، 32
- اخبار النساء المحمودات، 57
- اخبار محمّد بن ابی بکر، 32



اخبار محمد بن ابی حذیفه، 32

اخبار من قال بالتفضیل من الصحابه، 60

اختران تابناک، 64

اختران فروزان ری و تهران، 64

ارمغان اصفهان، 48

از تو آموختیم، 48

أسد الغابه فی معرفه الصحابه، 34

اسره المجدد الشیرازی، 44

اسنادی از خاندان روضاتیان، 44

اسوه فقیهان آزاداندیش، 48

اصحاب النبی الممدوحین، 59

اعلام النساء، 57

ص: 2581

---

1-1). در این فهرست، فقط عناوین آثاری آمده که در مقدمه از آنها یاد شده یا به آنها ارجاع داده شده است.

اعيان الشيعة،36

اعيان النساء،57

اكمال منتهى المقال فى بيان المجاهيل من الرجال،60

الاستيعاب فى معرفه الأصحاب،34

الاصابه فى تحقيق حال بعض الصحابه،34

الاصابه فى تمييز الصحابه،34

الأصحاب،34

الأعلام،33

الإفصاح عن أحوال روات الصحاح،60

الإكليل فى أنساب حمير و آيام ملوكها،45

الأنساب،45

التحرير الطاووسى،37

التدوين فى ذكر اخبار قزوين،41

الجامع فى الرجال،35

الجرح و التعديل،60

الجمهره،46

الجوهرة فى نسب الامام على،46

الجوهرة فى نسب النبى و أصحابه العشره،46

الدرجات الرفيعه فى طبقات الشيعة،42

الدرر الكامنه،43

الرياض النضره،35

الشجره الطيبه،46

الشجره فى الأنساب،46

الشيعة و فنون الاسلام،38

الصدر الثانى،53

الضوء اللامع لأهل القرن التاسع،44

الطبقات،42

الطبقات الكبرى،42،43

الطود الشامخ فى طبقات المشايخ،40،43

العبارات العنبريّه فى الطبقات الجعفريّه،45

الغدِير فى التراث الاسلامى،61

الفائق فى رواه و اصحاب الامام الصادق،36

الفوائد الرضويه،37

الفهرست،29،31،36

القصده و الامم الى أنساب العرب و العجم،46

اللباب الى معرفه الأنساب،46

المجدى،46

المحقق الطباطبائى،54

المرأه الكرديه فى التاريخ الاسلامى،58

المرجع الكبير،55

المرشد،55

المعجم فى اصحاب القاضى ابى على الصدفى،61

الممدوحين و المذمومين،60

المنبر،55

المنجد فى الأعلام،34

الموسم،55

النجوم الزاهره فى ملوك مصر و القاهره،42

الوافى بالوفيات،34،33

امام موسى صدر اميد محرومان،48

امل الآمل،40

امهات الائمه،57

انوار البدرين،40

ص:2582

انوار المشعشين، 40

انوار پراکنده، 64

اهل الدار و الايمان، 64

ايضاح الاشتباه، 35

أخبار الشعراء، 39

أخبار المحدثين، 39

أنساب آل ابي طالب، 45

أنساب الأشراف، 45

أنساب الرشاطى، 45

أنساب الشعراء، 45

أنساب الطالبين و العلويين القادمين الى المغرب، 45

أنساب المحدثين، 46

أنساب حمير و ملوكها، 45

أنساب قريش، 45

بحران آذربايجان، 58

بررسی زندگی نامه علامه على اكبر دهخدا، 48

برگ هایى از تاريخ حوزه علمیه قم، 48

برگى از تاريخ ادبيات معاصر ايران، 48

بزرگان رامسر، 40

بغية الوعاه فى طبقات اللغويين و النّجّاه، 39

بغية ذوى الهمم فى معرفه أنساب العرب و العجم، 46

بقية السلف، 48

بلوغ الأمانى فى حياه الشيخ على الايروانى، 48

بهجه الآمال فى شرح زبده المقال، 37

پرواز روح، 63

تاج الأنساب، 46

تاريخ آل زراره، 44

تاريخ ابى مخنف، 32، 31

تاريخ الحكماء، 39

تاريخ الفقهاء، 39

تاريخ بغداد، 61

تاريخ تشيع اصفهان، 41

تاريخ دمشق، 61

تاريخ زيديه، 43

تاريخ علماء البحرين، 41

تاريخ علماء خراسان، 41

تاريخ علماء هند، 41

تاريخ علمى و اجتماعى اصفهان، 41

تاريخ قم، 68

تاريخ مشاهد و قبور واقعه در بلدة قم، 65

تاريخ مصر، 61

تاريخ من دفن فى العراق من الصحابه، 65

تأسيس الشيعة الكرام لفنون الاسلام، 38

تبصره الولي فيمن رأى الامام المهدي، 62

تجارب محمد جواد مغنيه، 58

تدوين الآثار في احوال علماء خوانسار، 41

تذكرة علمای اماميه پاکستان، 41

تذكرة الاعيان، 37

تذكرة الحفاظ، 39

تذكرة الصحايبات، 57

تذكرة القبور، 65

تذكرة المصنفين من العلماء، 38

ص: 2583

- تذکرہ المعتمّرين، 61
- تراجم اعيان گيلان و ديلمان، 41
- تراجم الرجال، 61
- تراجم سيدات بيت النبوه، 57
- تراجم وزراء الاسلام، 39
- تربت پاكان، 64، 65
- تكملة اعلام النساء، 58
- تلامذه العلامة المجلسي، 61
- تنبيه اهل الكمال و الانصاف، 60
- تنقيح المقال، 35
- تهذيب التهذيب، 35
- تهذيب الكمال، 35
- تهذيب المقال، 35
- ثقات الرواه، 60
- جامع الأنساب، 46
- جامع الرواه، 35
- جامع كرامات الاولياء، 63
- جربانها و سازمانهاى مذهبى، 61
- جنه الماوى فى ذكر من فاز بلقاء الحجه «عج»، 63
- جوله فى الاماكن المقدسه، 64
- چشم و چراغ مرجعيت، آيه الله بروجردى، 48



چهره ای پرفروغ، 48

چهره هایی که در جستجوی قائم (عج) پیروز شدند، 62

حاج آقا حسین قمی، قامت قیام، 49

حکم نافذ آقا نجفی، 49

حلیه الاولیاء، 63

حیات طیبه، 49

حیاه الامام شرف الدین، 49

حیاه الصحابه، 34

خاتم معرفت، 49

خاطرات 60 سال خدمت گزاری، 59

خاطرات سفر، 58

خاندان ارگانی بهبهانی، 44

خاندان سادات کوشه، 44

خاندان کلباسی، 69، 45

خاندان نوبختی، 45

خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، 35، 31

دائرةالمعارف القرن العشرين، 33

دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، 33

دارالسلام، 63

دار السلام فی ذکر من فاز بسلام الامام، 62

داستان دوستان، 41

داستانهای جالب، 64

داستانهای شگفت، 64

داستانهایی از زندگی مدرّس، 49

دانشمندان آذربایجان، 41

دانشمندان اصفهان، 41

دانشمندان خوانسار، 41

دانشمندان و سخن سرایان فارس، 41

دراسات فی فکر الامام الشیرازی، 49

در امتداد فقاہت، 49

در بیان احوال و آثار ملا محمّد علی تونی خراسانی، 49

ص: 2584

در جستجوی استاد، 49

در محضر دوست، 63

دکتر حشمت و اندیشه اتحاد اسلام در جنبش جنگل، 49

دو گفتار، 41

دیدار با امام زمان، 63

دیدار با امام زمان در مکه و مدینه، 63

دیدار یار، 63

دیوان العرب و جوهره الأدب فی ایضاح النسب، 46

ذکری السید الطباطبائی، 49

راویان امام رضا، 35

ربع قرن مع العلامه الامینی، 50

رجال، 31

رجال آذربایجان، 41

رجال آذربایجان در عهد مشروطیت، 41

رجال ابن الغضائری، 60

رجال ابن داود، 36

رجال شیخ طوسی، 36

رجال علامه مجلسی، 60

رجال نجاشی، 36

رساله فی أحوال الصحابه، 34

رساله فی تراجم علماء بحرین، 41

رقعه الاحزان، 65

روضات الجنات، 37

رياحين الشريعة، 58

رياض العلماء، 37

ريحانه الادب، 37

زنان قهرمان، 58

زندگانی آيه الله سيد حسن چهارسوقى، 50

زندگانی حکيم جهانگير خان قشقائى، 50

زندگانی زعيم بزرگ عالم تشيع، آيه الله بروجردى، 50

زندگانی کریمه اهل بیت، 68

زندگی نامه آيه الله کاشانى، 50

زندگی نامه استاد شيخ انصارى، 50

زندگی نامه علامه مجلسى، 50

سبعه من السلف، 35

ستارگان حرم، 65

ستاره درخشان شوشتر، 50

سردار کابلى، 50

سر دلبران، 50

سفرنامه حج، 59

سفیر صداقت، 50

سفینه البحار، 29

سماء المقال، 36

سید ابو الحسن اصفهانی، شکوه مرجعیت، 51

سید رضی-علم الهدی-، 50

سید عبد الحسین لاری، پیشوای تنگستان، 51

سید علیخان کبیر، 51

سید محسن امین ستاره لبنان، 51

سید محسن حکیم، مرزبان حوزه نور، 51

سیر السلف، 35

سیر أعلام النبلاء، 33

ص: 2585

سیره آیه الله خراسانی - سید محمد هادی -، 51

سیره الحسین، 31

سیری در آثار شهید مرتضی مطهری، 51

سیری در آراء و اندیشه های آیه الله میرزای نائینی، 51

سیمای مهر در آیینۀ تصویر، 51

سینای معرفت، 51

شبهای مکه، 59

شخصیتهای اسلامی، 37

شدّ الازار، 64

شرح حال، افکار و آثار آیه الله بهبهانی، 51

شرح حال و اقدامات شیخ محمد خیابانی، 51

شرف الدّین، 52

شرف الدّین عاملی، 52

شعراء القطیف، 41

شمس الفقهاء، 52

شناخت نامه علامه مجلسی، 52

شهاب شریعت، 52

شهدای روحانیت شیعه، 43

شهداء الفضیله، 61

شهریار ما، 52

شهید اول، فقیه سرداران، 52

شیخ صدر، 52

شیخ محمد خیابانی، 52

شیفتگان حضرت مهدی «عج»، 63

شیمی دانان نامی اسلامی، 39

صاحب بن عباد، وزیر دین پرور، 52

صاحب حدائق، باغبان فقه، 52

صحیفه اخلاص، 52

صفحاتی از زندگانی آیه الله سید محمد کاظم قزوینی، 53

ضیافه الاخوان و هدیه الخلان، 41

طبرسی و مجمع البیان، 53

طبقات الامامیه، 43

طبقات الحنابله، 43

طبقات الحنفیه، 43

طبقات الرجال، 39

طبقات الرواه، 39

طبقات الشافعیه، 43

طبقات الشیععه، 39

طبقات الطالیین، 39

طبقات القراء، 39، 40

طبقات المالکیه، 43

طبقات المدلسین، 40

طبقات المفسرين، 40

طبقات النّسابين، 40

طبقات أعلام الشيعة، 43

طبقات مفسران شيعة، 40

طلايه دار آفتاب، 53

عبد الباقي گلپنارلى، 53

عثمانلى مؤلّفلىر، 38

عجاله المبتدى، 46

علامه بلاغى، روايت رويش، 53

علامه صدوقى (مازندرانى) رادمرد علم و

ص: 2586



ایمان، 53

علامه مجلسی، 53

علمای ایران در شهرهای آذربایجان، 42

علمای ایران در شهرهای لرستان، 42

علمای بزرگ اسلام، 37

علمای معاصرین، 44

عمده الطالب، 46

عنصر فضیلت و تقوا، 53

غایه التّهایه، 40

غروب خورشید فقاہت، 53

فدائی اهل بیت، 53

فرهنگ معین، 34

فضیلت‌های فراموش شده، 53

فطرت بیدار زمان، 54

فلاسفه الشیعه، 40

فهرست اسماء علماء الشیعه، 37

فهرست لمشاهیر علماء زنجان، 42

فیض الباری فی ترجمه الامام الانصاری، 54

فیلسوف عدالت، 54

قاموس الأعلام، 34

قاموس الرّجال، 36

قبسات من حياه آيه الله السيد شهاب الدين المرعشى، 54

قبيله عالمان دين، 45

قصص العلماء، 37

كبير كوهستان، 54

كتاب التوايين، 32

كتاب الجمل، 31

كتاب الحكمين، 32

كتاب الردّه، 32

كتاب السقيفه، 31

كتاب الشورى، 31

كتاب الصفيين، 32

كتاب الغارات، 32

كتاب المعمرين، 32

كتاب المغازى، 32

كتاب اهل النهروان، 32

كتاب وقعه الحرّه، 32

كتاب يحيى بن زيد، 32

كرامات الصالحين، 64

كرامات معصوميّه، 64

گنج پنهان، 54

گنجينه آثار قم، 65

گنجینه دانشمندان، 37، 69

لسان الارض يا تاريخچه تخت فولاد اصفهان، 65

لسان الميزان، 60

ماضى النجف و حاضرها، 42

متأله قرآنى، 54

متفكران اسلام، 40

مجالس المؤمنین، 37

مجمع الأنساب، 46

محدث نوری، 54

محقق ثانی، مقتداى شيعه، 54

ص: 2587

- محمد مهدي خالصي، خصم استعمار، 54
- مدرس در تاريخ و تصوير، 54
- مدرسه الرسول الأعظم، 35
- مذكرات الشيخ بهلول، 59
- مردی بزرگ از خطه فارس، 55
- مرگی در نور، 55
- مزارات اهل البيت و تاريخها، 64
- مستدرکات علم رجال الحديث، 36
- مشاهد و مزارات و مقامات آل البيت في سوريا، 65
- مشاهير دانشمندان اسلام، 37
- مشاهير مدفون در حرم رضوی، 66
- مشيخه النجاشي، 61
- مصنّفی المقال في مصنفي علم الرجال، 38
- مظلومی بر بالای دار، 55
- معارف الرجال، 37
- معالم العلماء، 38
- معجم اعلام الشيعه، 37
- معجم الادباء، 40، 33
- معجم الثقّات، 60
- معجم المصنّفين، 38
- معجم المطبوعات العربيه، 38

معجم المؤلفين، 38

معجم رجال الحديث، 36

معجم رجال الفكر و الأدب فى النجف، 38

معجم مؤلفى الشيعة، 38

مفاخر آذربايجان، 42

مفاخر اسلام، 38

مقتل الامام حسين بن على، 31

مقتل الحسن، 31

مقتل امير المؤمنين، 31

مقتل اولاد مسلم بن عقيل، 31

مقتل حبر بن عدى، 31

مقتل محمد بن ابى بكر، 31

مكارم الآثار، 44

مكارم الأخلاق، 28

ملاقات با امام زمان «عج»، 63

ملا مهدي نراقى، منادى اخلاق، 55

منتهى المقال، 38

من دفن بالمدينه المنوره من الصحابه، 66

من روى الحديث من آل أعين، 36

من شهد الجمل مع على، 62

من شهد صفين مع على من الانصار، 62

من شهد صفين مع على من البدرين، 62

من شهد صفين مع على من الصحابه، 62

من شهد مع على بن ابى طالب من اصحاب الرسول، 62

من كرامات الاولياء، 64

من هنا وهناك، 59

موسوعه العتبات المقدسه، 65

موسوعه العربيه الميسره، 28

موسوعه اعلام العراق فى القرن العشرين، 44

موسوعه مؤلفى الشيعة، 38

مير حامد حسين، 55

ص: 2588

میرزا محمد تقی شیرازی، سروش استقلال، 55

میرزای شیرازی، 55

مینودر، 42

مؤلفین کتب چاپی، 38

نامداران تاریخ، 34

نجوم السماء، 44

نساء زاهدات، 58

نسب آل ابی طالب، 46

نسب القطب النبوی و الشریف العلوی، 47

نسب عبد الشمس، 46

نسب عدنان و قحطان، 46

نسب قریش، 46

نشان از بی نشانها، 55

نصوص من تاریخ ابی مخنف، 32

نقد الرجال، 60

نقد عمر، 59

نهایه الارب فی معرفه أنساب العرب، 47

نهج البلاغه، 29

نهضت دو ماهه روحانیون، 62

نهضت روحانیون ایران، 62

نیم قرن خدمت به مکتب اهل بیت، 56

نیم نگاهی به آفتاب، 56

وفیات الأعیان، 34

ویژه سی امین سال درگذشت آیه الله بروجردی، 56

هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی، 56

هدیه العارفین، 38

هزاره شیخ طوسی، 56

یادمان نخستین سالگرد فلسفی، 56

یادمان هزاره شیخ مفید، 56

یادنامه استاد سید محمد علی صغیر، 56

یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری، 56

یادنامه حضرت آیه الله خونی، 56

یادنامه علامه امینی، 56

یادنامه علامه طباطبائی، 56

یادنامه مجلسی، 57

یادنامه مرحوم حاج آقا رضا عمادزاده، 57

یادنامه مفسر کبیر علامه طباطبائی، 57

یادنامه میرزا جعفر سلطان القراء، 57

یادواره صدمین سال درگذشت میرزای بزرگ، 57

یادها و یادگارها، 57

یتیمه الدهر فی شعراء اهل العصر، 40

یک صد تن از ستارگان درخشان اهر و ارسباران، 42







اشاره

آمنه خاتون، 161

ابراهیم بن محمد بن حسن بن ابراهیم بن احمد بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر، 148

ابراهیم بن محمود بن محمد بن علی الصفی، 156

ابراهیم بن موسی بن جعفر، 148

ابو احمد بن محمد بن علی بن عبد الله بن جعفر بن محمد حنفیه بن امیر المؤمنین، 150

ابو جعفر موسی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر، 141

ابو علی محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن علی الرضا، 141

ابی عبد الله احمد بن محمد بن احمد بن موسی مبرقع، 142

احمد بن محمد بن علی بن عمر بن حسن افطس بن علی بن امام زین العابدین، 146

اسحاق بن موسی بن اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر، 159

اسماعیل بن احمد بن الحسین الجدوعی ابن احمد صاحب السجاده ابن حسن احمد بن علی العریضی، 156

امامزاده ابراهیم، 139

امامزاده اسماعیل، 140

امامزاده حاجی صفر، 153

امامزاده خاک فرج، 146

امامزاده در قبرستان کهک، 158

امامزاده زید، 142، 143

امامزاده سکینه خاتون، 160

امامزاده سلطان محمد شریف، 143

امامزاده شاه احمد، 144

امامزاده شاه اسماعیل، 156

امامزاده شاهپور علی، 161

امامزاده شاه جمال، 153

امامزاده شاهزاده اسحاق، 159

ص: 2591

امامزاده شاه طاهر، 154

امامزاده شاه طیب، 154

امامزاده علی، 139

امامزاده علی رضا، 153

امامزاده علی موسی رضا، 153

امامزاده فاضل، 159

امامزاده محسن، 160

امامزاده محمد، 157

امامزاده مدفون در قریه بیدهند، 161

امامزاده مهدی، 151

امامزاده هادی، 151

ام سلمه بنت محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن علی رضا، 142

ام کلثوم بنت محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن علی رضا، 142

ام محمد، 133

ام محمد بنت احمد بن ابو علی محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن علی رضا، 142

امین الدین، 161

ابا مسافر، 154

بریهه بنت محمد بن احمد بن موسی مبرقع، 142

بریهه زوجه موسی بن محمد، 141

جعفر الدقاق ابن محمد بن احمد بن هارون بن موسی بن جعفر، 148

چهار امامزاده، 150

چهل اختران، 141

حسین بن حسن بن حسین بن حسن افطس بن علی بن امام زین العابدین، 150

حلیمه خاتون، 161

حمزه بن موسی بن جعفر، 133

خدیجه خاتون، 154، 161

رقیه خاتون، 154، 161

زینب، 133

زینب بنت موسی مبرقع، 142

زینب خاتون، 154، 161

سکینه بنت حسین بن محمد بن علی بن قاسم بن عبد الله بن موسی الکاظم، 160

سکینه بنت موسی بن جعفر، 160

سکینه خاتون، 152

سلطان حیدر، 161

سید معصوم، 149

شاه ابراهیم، 147

شاه جعفر، 148

شاه جعفر غریب، 152

شاه جمال، 152

شاه حمزه، 135

شاهزاده ابراهیم، 150، 158، 161

شاهزاده احمد، 136، 161

شاهزاده تاج الدّين، 161

شاهزاده جعفر، 150، 152، 161

شاهزاده حسن، 150

شاهزاده حسين، 150، 161

شاهزاده صالح، 161

شاهزاده عباس، 158، 161

ص: 2592

شاهزاده عبد الرحمن، 154، 161

شاهزاده عبد الله، 149، 154

شاهزاده قاسم، 161

شاهزاده محمد، 161

شاهزاده ناصر الدين، 145، 151

شاهزاده هادي، 160

شاه سيد ابو احمد، 150

شاه سيد علي، 150

شاه سيد علي بن ابراهيم بن جعفر بن عباس بن امير المؤمنين، 150

شاه محمد، 147

شيخ ابا صلت بن عبد القادر بن محمد، 149

شيخ ابا صلت هروي، 149

شيخ جمال الدين، 161

صفوراء، 147

عبد الله بن عباس بن عبد الله الشهيد بن حسن افطس بن علي بن امام زين العابدين، 149

علي بن جعفر، 133، 137

علي بن مهدي بن محمد بن حسين بن زيد بن محمد بن احمد بن جعفر بن عبد الرحمن بن محمد البطحاني، 145

علي رضا بن محمد بن رضي الدين محمد بن محمد بن زيد بن علي بن حسين بن حسن بن علي، 153

فاطمه خاتون، 154

فاطمه دختر محمد بن احمد بن موسى بن محمد بن علي الرضا، 142

قبور باغ گنبد سبز، 155



محمد بن حسن بن احمد بن اسحاق بن ابراهيم بن احمد بن موسى بن ابراهيم بن موسى بن ابراهيم بن جعفر، 148

محمد بن موسى بن جعفر، 148

محمد بن موسى بن محمد، 142

محمد جمال بن جعفر بن حسين بن علي بن محمد ديباج بن امام جعفر صادق، 153

مريم خاتون، 154

مطهر و طاهر ابنا احمد بن محمد بن طاهر بن احمد بن محمد بن جعفر بن عبد الرحمن الشجری، 154

معصومه كهك، 158

معين الدين، 161

موسى مبرقع، 133

ميمونه، 133

### **سلاطين و شاهزادگان مدفون در قم**

شاهزادگان صفوی، 112

شاه سلطان حسين، 111

شاه سلطان حسين صفوی، 111

شاه سليمان، 111

شاه صفی، 109

شاه عباس ثانی، 110

فتحعلی شاه قاجار، 112

محمد شاه قاجار، 114





ایوان آینه، 1232، 1120، 866، 539، 186

ایوان طلا، 2087، 1791، 1706، 1030

ایوان نو، 2132

صحن اتابکی، 1906، 1042، 573، 457، 1922

مسجد طباطبائی، 2082، 2069، 1261، 977، 2162

مسجد موزه، 1822، 1029، 551

ابن بابویه، 1899، 1551، 1485، 542، 452، 2018

ابن قولویه، 505

امامزاده ابراهیم، 1773، 1049، 708، 200

امامزاده احمد بن موسی، 1266

امامزاده سید سربخش، 1240

امامزاده شاه حمزه، 2099، 762

باغ بهشت، 290، 258، 252، 222، 207، 166، 677، 658، 570، 512، 391، 383، 299، 865، 835، 828، 824، 814، 722، 705،

1124، ، 1071، 1077، 1091، 1097، 1100، 989، 993، 999، 1002، 1016، 1021، 870، 885، 895، 932، 941، 986، 988

1755، 1761، 1779، ، 1529، 1613، 1623، 1717، 1749، 1290، 1301، 1399، 1445، 1503، 1196، 1221، 1224، 1238

1995، 2020، 2103، 2104، 2147، 2160، 1850، 1885، 1919، 1949، 1962، 1786، 1849

باغ رضوان، 1012، 1004، 872، 775، 402، 2157، 2131، 2015، 1552، 1389، 1291

بقعه شاه عباس ثانی، 111

بقعه فتحعلی شاه، 115

بقعه محمد شاه، 115

بقعه محمدیه، 156

بقعة مهديا، 115

ص: 2595

بقیع، 574، 637، 652، 666، 838، 844، 876، 980، 1023، 1086، 1125، 1241، 1244 ، 1456، 1530، 1683، 1855، 1891، ، 1910

بهشت رضوان، 425، 1831

بهشت معصومه، 951، 955، 1150، 1829، 2130 ، 399، 454، 476، 571، 903

بیات، 167، 216، 286، 436

حرم حضرت معصومه، 221، 327، 362، 374، 395، 412، 421، 429، 458، 466، 496 ، 577، 586، 745، 765، 823، 854، 882 ، 1725، 1737، ، 1570، 1642، 1659، 1683، 1704 ، 1213، 1266، 1397، 1449، 1512 ، 930، 961، 991، 1025، 1095، 1178  
2122، 2145 ، 1968، 2012، 2077، 2092، 2115 ، 1739، 1870، 1888

حسینیہ کربلائیہا، 1813

دارالسلام، 209، 1370

رواق حضرت موسیٰ مبرقع، 1674

روضہ حضرت معصومه، 110

شاهزادہ احمد بن قاسم، 829، 2038

شیخان، 175، 176، 177، 201، 223، 226، 232، 233، 245، 246، 257، 260، 261 ، 269، 283، 288، 335، 336، 346، 368 ، 712، ، 525، 542، 561، 585، 609، 613، 653 ، 455، 475، 478، 479، 488، 502، 507 ، 370، 371، 376، 386، 399، 403، 451  
1061، 1066، ، 1007، 1010، 1016، 1034، 1056 ، 869، 912، 913، 914، 953، 966، 992 ، 760، 786، 790، 807، 849، 863  
1258، 1277، 1284، 1289، ، 1193، 1209، 1210، 1220، 1246 ، 1115، 1136، 1142، 1174، 1188 ، 1080، 1091، 1092  
1578، ، 1539، 1540، 1541، 1553، 1554 ، 1490، 1494، 1495، 1499، 1511 ، 1348، 1360، 1375، 1379، 1432 ، 1317  
1775، 1781، 1783، ، 1719، 1726، 1736، 1743، 1770 ، 1688، 1691، 1702، 1705، 1710 ، 1597، 1621، 1680، 1687  
، 1874، 1878، 1890، 1903، 1908 ، 1834، 1835، 1838، 1866، 1868 ، 1803، 1809، 1814، 1818، 1827 ، 1795، 1801  
2129، 2130، 2137، 2165، 2178، 2190 ، 2021، 2028، 2032، 2050، 2117 ، 1911، 1917، 1960، 1989، 2018

صحن امامزادہ موسیٰ مبرقع، 566

صحن حضرت معصومه، 178، 188، 192، 203، 239، 254، 272، 284، 287، 292 ، 414، 294، 300، 349، 372، 379، 409، 413 ، 624، 634، 674، 704، 723، 734، 743 ، 520، 522، 568، 572، 581، 593، 604 ، 426، 434، 445، 472، 500، 506

ص: 2596

.934.936.937.939.942.949.985 ، 861.871.877.878.917.926.931 ، 752.768.777.812.816.857.859  
1218.1223. ، 1177.1179.1187.1191.1208 ، 1083.1084.1086.1089.1145 ، 1006.1009.1014.1036.1039  
1507.1511.1528.1538. ، 1455.1457.1469.1489.1497 ، 1319.1320.1350.1371.1384 ، 1237.1273.1295  
1782. ، 1644.1658.1714.1749.1776 ، 1610.1617.1625.1629.1634 ، 1555.1558.1576.1579.1589 ، 1545  
2110.2115.2121. ، 2039.2040.2042.2046.2105 ، 1971.2002.2014.2026.2036 ، 1845.1887.1929.1931  
2146.2170

صحن كهنه، 112،114،115،116

علی بن بابویه، 1044،1079،1093،1396

علی بن جعفر، 1661. ، 1251.1362.1598.1635.1657 .596.613.642.785.924.954.993 ، 296.378.460.464.593،  
1757.1920.1988.2135.2140

قبرستان ابو حسين، 528. ، 398.407.417.418.467.493.517 ، 281.304.307.321.353.359.368 ، 221.231.237.243،  
1140. ، 995.998.1018.1041.1112.1133 ، 755.758.837.853.910.984.991 ، 530.576.591.607.646.737  
1370.1372.1375. ، 1300.1311.1328.1360.1363 ، 1217.1231.1249.1250.1288 ، 1195.1201.1205.1206  
، 1753.1756.1796.1810.1833 ، 1647.1649.1672.1709.1735 ، 1394.1493.1505.1526.1586 ، 1383.1390  
2138.2151.2167.2185 ، 2107.2109.2119.2127.2133 ، 1884.1921.1933.1934.2022

قبرستان بابلان، 144

قبرستان حاج شيخ (قبرستان نو)، 302. ، 215.247.258.270.280.285.300 ، 181.182.186.199.204.206.214 ، 174.179،  
664.740. ، 510.536.551.565.610.612.623 ، 420.442.450.459.467.472.473 ، 311.332.359.381.393.417  
1059.1069. ، 966.1000.1020.1031.1040.1057 ، 839.888.913.925.928.936.952 ، 773.805.810.811.816  
1263.1279.1291.1306. ، 1197.1211.1225.1242.1248 ، 1152.1174.1180.1182.1185 ، 1128.1129.1149  
، 1314.1377.1378.1385.1390 ، 1313

ص: 2597

1591،1619،، 1525،1547،1549،1550،1588 ، 1466،1487،1491،1504،1522 ، 1395،1400،1404،1434،1435  
1823،1828،1872،1885،، 1744،1746،1793،1805،1821 ، 1660،1681،1711،1721،1734 ، 1621،1626،1653  
2171،،2112،2120،2124،2155،2161 ، 2097،2100،2101،2105،2110 ، 1904،1918،1930،2037،2052 ، 1892  
2172،2179

قبرستان قدیم قم، 39

قبرستان مالون، 144

کتابخانه آستانه حضرت معصومه، 266،267

گلزار شهدا، 1139،2150

مدرسه حجتیه، 1359،1520

مسجد اعظم، 601

،842،875،892،1256،1401،1407 ، 385،409،508،516،621،738،779 ، 234،235،256،278،293،  
1999،2031،، 1730،1900،1902،1914،1926 ، 1515،1563،1590،1665،1690 ، 1436،1444،1463،1498،1509  
2051،2059،2095

مسجد علوی، 1155

مسجد محمدیه، 1871

مقابر خاک فرج، 441،605،788

مقبره بابلان، 86،87

مقبره بیات، 437،865،1816،2076

مقبره شاه صفی، 110

مقبره فاطمیه، 415،770

969، ،606،610،706،756،771،918،950 ،446،463،476،494،528،569،603 ، 212،269،271،321،440،  
1752،1873،، 1486،1573،1630،1645،1751 ، 1318،1379،1393،1441،1467 ، 1081،1095،1101،1233،1253  
2064،2114،2157 ، 1924،1974،2017



\*

ص: 2598

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

